تفسیر نور

نویسنده:

مصطفی خرمدل

عنوان کتاب: تفسیر نور

نویسنده: مصطفی خرمدل

موضوع: ترجمه معانی قرآن

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری

منبع: نشر احسان



این کتاب از سایت کتابخانهٔ عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

ایمیل: **book@aqeedeh.com**

سایت‌های مجموعهٔ موحدین

www.mowahedin.com
www.videofarsi.com
www.zekr.tv
www.mowahed.com
www.aqeedeh.com
www.islamtxt.com
www.shabnam.cc
www.sadaislam.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

سوره فاتحۀ

سوره فاتحۀ آیه ۱

متن آیه:

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده مهربان.

توضیحات:

«بِسْمِ»: فراهم آمده است از (بِ) و (اِسْمِ). یعنی: کارم را با نام خدا آغاز می‌کنم؛ نه به نام چیز دیگری، و نه به فرمان دل یا کس دیگری. واژه (اِسْم) از ماده (سُمُوّ) به معنی عُلُوّ، یا (وسم) به معنی علامت و نشانه است. «اللهِ»: اسم خاصّ است برای خدا. اصل آن (إِلاه) بوده و مصدری است بر وزن (فِعال) به معنی مفعول، یعنی (مَأْلُوه) به معنی معبود می‌باشد. همان‌گونه که مصدر (خَلْق) به معنی مخلوق است (نگا: لقمان / ۱۱). «الرَّحْمنِ»: دارای مهر فراوان (نگا: أعراف / ۱۵۶). «الرَّحِيمِ»: دارای مهر همیشگی.

سوره فاتحۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾

ترجمه:

ستایش خداوندی را سزا است که پروردگار جهانیان است.

توضیحات:

«رَبِّ»: پروردگار. مصدری است به معنی تربیت، و در اینجا در معنی اسم فاعل، یعنی مربّی به کار رفته است، و صفت (الله) می‌باشد. «الْعَالَـمِينَ»: جهانیان، جهانها. هر صنفی از اصناف آفریدگان. اسم آلت است و به معنی آنچه خدا بدان شناخته شود. از راه تغلیب به صورت جمع مذکر سالم با (ین) جمع بسته شده است.

سوره فاتحهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣﴾

ترجمه:

بخشنده مهربان است.

توضیحات:

«الرَّحْمنِ»: و «الرَّحِيمِ». هر دو صیغه مبالغه‌اند و صفت (الله) می‌باشند.

سوره فاتحهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤﴾

ترجمه:

مالک روز سزا و جزا است.

توضیحات:

«مَالِک»: متصرّف. صاحب. خداوند. بدل یا صفت بشمار است. «الدِّینِ»: جزا. داوری. آئین.

سوره فاتحهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾

ترجمه:

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

توضیحات:

«إِیَّاکَ»: تو را.

سوره فاتحهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦﴾

ترجمه:

ما را به راه راست راهنمائی فرما.

توضیحات:

«الصِّرَاطَ»: راه (نگا: مریم / ۳۶، یس / ۶۱، زخرف / ۶۱ و ۶۴).

سوره فاتحۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾

ترجمه:

راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ نه راه آنان که بر ایشان خشم‌گرفته‌ای، و نه راه گمراهان و سرگشتگان.

توضیحات:

«صِرَاطَ»: بدل از (الصِّرَاطَ) پیشین است. ﴿ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ﴾: مراد کسانی است که در (نساء / ۶۹) از آنان سخن رفته است. «غَيْرِ»: بدل از ضمیر (هِمْ) یا از (الَّذِينَ) است. «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»: مراد کسانی است که در (فتح / ۶) از آنان سخن رفته است. «الضَّآلِّينَ»: گمراهان. مراد کسانی است که در (آل‌عمران / ۹۰، واقعه / ۴۱ - ۵۶) از ایشان صحبت شده است.

سوره بقره

سوره بقرۀ آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓ ۝١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم.

توضیحات:

«الم»: الف، لام، میم. حروف مقطّعه‌ای هستند همانند (المص. المر. ن. ق...) که در اوائل برخی از سوره‌ها آمده‌اند. پروردگار متعال برخی از سوره‌ها را بدان‌ها آغاز کرده است تا بدین وسیله اعجاز قرآن را بنمایاند و نشان دهد که این قرآن با وجود این که از همان حروفی فراهم آمده است که عرب‌ها سخن خویش را از آنها فراهم می‌نمایند و لیکن از ارائه کتابی چون قرآن، و حتی سوره‌ای همانند آن، درمانده و ناتوانند.

سوره بقرۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ۝٢﴾

ترجمه:

این کتاب هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

توضیحات:

«ذلِكَ»: آن. در اینجا می‌تواند به معنی (این) باشد. «الْكِتَابَ»: نوشته. مراد از کتاب در اینجا کتاب معروف معهود برای پیغمبر است که قرآن می‌باشد و خدا آن را بدو وعده فرموده بود. تسمیه شیء است به نام آنچه سرانجام بدان منتهی می‌شود. « رَيبَ »: شک و شبهه. گمان. «هُديً»: هدایت. راهنمائی. در اینجا می‌تواند به معنی هادی و راهنما هم باشد. خبر مبتدای محذوفی مانند (هُوَ) یا خبر دوم (ذلِكَ) است. «

الْـمـُتَّقِينَ»: پرهیزگاران.

سوره بقرهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ٣﴾

ترجمه:

آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را به گونه شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

توضیحات:

«الْغَيْبِ»: آن چیزهائی که پوشیده و نهان از حواسّ و فراتر از دائره دانش انسان است و خدا و رسول بدان خبر داده‌اند. از قبیل: فرشتگان، جنّ، رستاخیز، بهشت، دوزخ، چگونگی حساب و کتاب در آخرت. آنچه فراتر از دائره دانش و خرد و روح انسان است «الصَّلاة»: نماز.

سوره بقرهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ٤﴾

ترجمه:

آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

توضیحات:

﴿مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ﴾: مراد قرآن است. ﴿مَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ﴾: مراد دیگر کتاب‌های صحیح آسمانی است. از قبیل: تورات و انجیل حقیقی. ﴿وَبِٱلۡأٓخِرَةِ﴾: آخرت داخل در غیب متقدّم است و به خاطر اهمّیت فراوان ذکر شده است.

سوره بقرهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٥﴾

ترجمه:

این چنین کسانی، هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

توضیحات:

﴿ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ : رستگاران. نجات‌یافتگان.

سوره بقرۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان کفرپیشگان برای‌شان یکسان است چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«سَوَآءٌ»: یکسان. برابر. «أنذَرْتَ»: بیم دادی. ترساندی.

سوره بقرۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ٧﴾

ترجمه:

خداوند دل‌ها و گوش‌هایشان را مهر زده است، و بر چشمان‌شان پرده‌ای است، و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

توضیحات:

«خَتَمَ»: مهر زده است. کنایه از عدم استعداد ایشان برای پذیرش ایمان و عدم درک آنان است (نگا: جاثیه / ۲۳، روم / ۵۹) «غِشَاوَةٌ»: پرده.

سوره بقرۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ٨﴾

ترجمه:

در میان مردم دسته‌ای هستند که می‌گویند: ما به خدا و روز رستاخیز باور داریم. در صورتی که باور ندارند و جزو مؤمنان بشمار نمی‌آیند.

توضیحات:

«مِنَ النَّاسِ مَنْ...»: انسان‌ها سه گروهند: مؤمنان و کافران و منافقان. از این آیه تا

آخر آیه بیستم از گروه سوم صحبت می‌گردد.

سوره بقرهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ٩﴾

ترجمه:

(اینان به نظرشان) خدا و کسانی را گول می‌زنند که ایمان آورده‌اند، در صورتی که جز خود را نمی‌فریبند ولی نمی‌فهمند.

توضیحات:

«يُخَادِعُونَ»: گول می‌زنند. فریب می‌دهند. از مصدر مُخادعه و خِداع، به معنی اظهار خلاف آنچه در دل است برای فریب دیگران «مَا يَخْدَعُونَ»: نمی‌فریبند. گول نمی‌زنند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ١٠﴾

ترجمه:

در دل‌هایشان بیماری (حسودی و کینه‌توزی با مؤمنان) است و خداوند (نیز با یاری دادن و پیروز گرداندن حق) بیماری ایشان را فزونی می‌بخشد، و عذاب دردناکی (در دنیا و آخرت) به سبب دروغگوئی و انکارشان در انتظارشان می‌باشد.

توضیحات:

«مَرَضٌ»: مراد بیماری معنوی نفاق است.﴿فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ﴾: مراد از این بیماری، بیماری حقد و کینه و اندوهی است که بیماری دل هستند (نگا: توبه / ۱۲۴ و ۱۲۵). «أَلِيمٌ»: دردناک.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ١١﴾

ترجمه:

هنگامی که بدی‌شان گفته شود: در زمین فساد و تباهی نکنید. گویند: ما

اصلاحگرانی بیش نیستیم.

توضیحات:

«مُصۡلِحُونَ»: اصلاح‌گران.

سوره بقرۀ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢﴾

ترجمه:

هان! ایشان بی‌گمان فسادکنندگان و تباهی پیشگانند ولیکن (به سبب غرور و فریب‌خوردگی خود به فسادشان) پی نمی‌برند.

توضیحات:

«أَلا»: هان!.

سوره بقرۀ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ ١٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که بدانان گفته شود: ایمان بیاورید همان‌گونه که توده مردم ایمان آورده‌اند، گویند: آیا همانند بی‌خردان ایمان بیاوریم؟ هان! ایشان بی‌خردانند ولیکن نمی‌دانند (که نادانی و بی‌خردی منحصر بدی‌شان و محدود بدانان است).

توضیحات:

«السُّفَهَآءُ»: جمع سفیه، بی‌خردان. نادانان. از مصدر سفاهت، به معنی: جهالت و بی‌عقلی.

سوره بقرۀ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ ١٤﴾

ترجمه:

وقتی که (منافقان) با مؤمنان روبرو می‌گردند، می‌گویند: ما هم ایمان آورده‌ایم. و هنگامی که با رؤسای شیطان‌صفت خود به خلوت می‌نشینند، می‌گویند: ما با شمائیم و (مؤمنان را) مسخره می‌نمائیم.

توضیحات:

«لَقُوا»: برخورد کردند. ملاقات نمودند. «خَلَوْا»: خلوت کردند. به خلوت نشستند. اجتماع کردند «إِلي»: با. «شَيَاطِينِهِمْ»: با اهریمنان خود. مراد از شیاطین، دوستان کفرپیشه و رؤسای شیطان صفت ایشان است. «مُسْتَهْزِءُون»: مسخره‌کنندگان. بازیچه قراردهندگان.

سوره بقرهٔ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ﴾

ترجمه:

خداوند ایشان را مسخره می‌نماید و آنان را رها ساخته تا کورکورانه به سرکشی خویش ادامه دهند.

توضیحات:

«يَسْتَهْزِئُ»: مسخره می‌کند. مورد استهزاء قرار می‌دهد. در آیه‌های ۱۴ و ۱۵، صنعت مُشاکله به کار رفته است که اتّفاق در لفظ و اختلاف در معنی است. مثلاً در شعر زیر، «ظلم»، در مصرع اوّل، به معنی ستم، و در مصرع دوم، به معنی پاداش به کار رفته است: کند گر بر تو ظلم از کین بداندیشتو هم آن ظلم کن بر وی میندیش«يَمُدُّهُمْ»: یاری‌شان می‌دهد. در اینجا به معنی: بدی‌شان مهلت و فرصت می‌دهد. «يَعْمَهُونَ»: سرگردان و حیران شوند. از ماده (عمّه) به معنی کوردلی و سرگشتگی.

سوره بقرهٔ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ﴾

ترجمه:

اینان رهنمودهای (پروردگار) را به (بهای) گمراهی فروخته‌اند و چنین بازرگانی و

معامله آنان سودی در بر ندارد، و راه‌یافتگان (طریق حق و حقیقت) بشمار نمی‌آیند.

توضیحات:

«اشْتَرَوْا»: خریدند. در اینجا به معنی: عوض کردند. «مُهْتَدِينَ»: راه‌یافتگان. راهیابان. ﴿ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ﴾ : گمراهی را برگزیده‌اند و هدایت را رها کرده‌اند.

سوره بقرۀ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ ١٧﴾

ترجمه:

داستان اینان، همانند داستان کسی است که آتشی را با کوشش فراوان بیفروزد (تا خود و همراهانش از آن استفاده کنند) و آن گاه که آتش دورو بر او را روشن گرداند، پروردگار آتش آنان را خاموش و نابود نماید، و ایشان را در انبوهی از تاریکی‌ها رها سازد، به گونه‌ای که چشمان‌شان (چیزی) نبینند.

توضیحات:

«مَثَلُهُمْ»: مثل، به معنی صفت و وضع حال. «الَّذِي»: موصول است وصله آن (اسْتَوْقَدَ) و مفرد است. ولی پس از آن ضمیر (هُمْ) و فعل (لا يُبْصِرُونَ) ذکر می‌شود که جمع است! علّت آن در بخش نخست آیه، یک نفر، و در بخش دوم آیه، همان فرد همراه قوم و همراهانش مورد نظر است. به عبارت دیگر، (اسْتَوْقَدَ) و (مَا حَوْلَهُ) به صورت مفرد، سپس ﴿ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ﴾ به صورت جمع آمده است. علّت آن، این است که (الَّذِي) به منزله (مَنْ) گرفته شده و ضمیری که به (مَنْ) برمی‌گردد، می‌تواند به صورت مفرد یا جمع باشد (نگا: زمر / ۳۳). «اسْتَوْقَدَ»: برافروخت. تلاش کرد که آتش را شعله‌ور و زبانه‌کش سازد. «أَضَآءَتْ»: روشن کرد.سوره بقرۀ آیه ۱۸.

متن آیه:

﴿صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ١٨﴾

ترجمه:

(آنان همچون) کران و لالان و کورانند و (به سوی حق و حقیقت) راه بازگشت ندارند.

توضیحات:

«صُمٌّ»: جمع اَصَمّ، کران. «بُکْمٌ»: جمع أبْکم، لالان. «عُمْيٌ»: جمع أَعْمی، کوران.

سوره بقرهٔ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَوۡ كَصَيِّبٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٞ وَرَعۡدٞ وَبَرۡقٞ يَجۡعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِۚ وَٱللَّهُ مُحِيطُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩﴾

ترجمه:

یا گوئی داستان آنان همچون داستان کسانی است که به باران توفنده‌ای گرفتار آمده باشند که از آسمان فرو ریزد، و در آن، انبوه تاریکی‌ها و رعد و برق بوده باشد، و از بیم مرگ انگشتان خود را در گوش‌هایشان فرو برند تا از صدای صاعقه در امان بمانند. (نمی‌دانند که) خدا از هر سو دور کافران را فرا گرفته است (و هر وقت و هر جا بخواهد نابودشان می‌نماید).

توضیحات:

«صَيِّبٍ»: باران تند. رگبار باران. در عبارت «كَصَيِّبٍ»: مضاف حذف شده است، و اصل آن چنین است: کقَوْمِ أَصْحَابِ صَیبٍ... «السَّمَآءِ»: آسمان. مراد ابر آسمان است. «فِيهِ ظُلُمَاتٌ... »: مراد این است که همراه با تاریکیها و غیره است. «أَصَابِعَهُمْ»: اصابع جمع إصْبَع، انگشتان. «ءَاذَانِهِمْ»: «ءَاذَان» جمع أُذُن، گوش‌ها.

سوره بقرهٔ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠﴾

ترجمه:

چنان است که گوئی آذرخش آسمان می‌خواهد (نور) چشمان‌شان را برباید. هرگاه که (پیش پای ایشان را) روشن می‌دارد، به پیش می‌روند. و چون (محیط) ایشان تاریک شود، برجای خود می‌مانند. و اگر خدا می‌خواست گوش و چشمان ایشان را از میان می‌برد. چه خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«یَکَادُ»: نزدیک است. ماضی آن (کَادَ) است. صورت مثبت این فعل، مفهوم جمله را منفی می‌سازد (نگا: نور / ۳۵ و ۴۳) و صورت منفی این فعل، مفهوم جمله را مثبت می‌نماید (نگا: بقره / ۷۱، نور / ۴۰). «یَخْطَفُ»: می‌رباید. «أَبْصَارَ»: چشمها، دیدگان. «کُلَّمَا»: هر زمان، وقتی که «أَضَآءَ»: روشن گردید. روشن کرد. از مصدر (إِضَاءَة) از افعال ذووجهین است «أَظْلَمَ»: تاریک گردید. تیره شد. «قَامُوا»: توقّف کردند. ایستادند. «سَمْعِ»: نیروی شنوائی. در اینجا به معنی عضو شنوائی، یعنی گوش است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١﴾

ترجمه:

ای مردم! خدای خود را بپرستید، آن که شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده‌اند، تا (خود را بدین وسیله پاک سازید و) راه پرهیزگاری گیرید.

توضیحات:

«لَعَلَّ»: تا این که. شاید این که.

سوره بقرهٔ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

خدای شما کسی است که زمین را برایتان بگسترد (و آن را در خور اقامت و سکونت کرد) و آسمان را (با تمام اجرام و ستارگان، بسان) کاخی بیافرید و از آسمان آب فرو فرستاد و با آن، انواع (گیاهان و درختان و) ثمرات را به وجود آورد تا روزی شما گردند. پس شرکاء و همانندهائی برای خدا به وجود نیاورید، در حالی که شما (از روی فطرت) می‌دانید (که چنین کاری درست نیست).

توضیحات:

«فِرَاشاً»: فرش. گستردنی. «أَندَاداً»: جمع نِدّ، انبازها، همتاها. همگون‌ها.

سوره بقرهٔ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣﴾

ترجمه:

اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم، دچار شک و دودلی هستید، سوره‌ای همانند آن را بسازید (و ارائه دهید) و گواهان خود را بجز خدا (که بر صدق قرآن گواهی می‌دهد) فرا خوانید (تا بر صدق چیزی که آورده‌اید و همسان قرآنش می‌دانید، شهادت دهند) اگر راستگو و درستکارید.

توضیحات:

«رَيۡبَ»: شک و گمان «عَبۡدِنَا»: بنده ما که محمّد است. ﴿شُهَدَآءَكُم﴾: شُهَدَآء جمع شهیدِ به معنی شاهِد است، یعنی: گواهان. همدمان. کسانی که گواهی دهند که شما برحق هستید. «مِن دُونِ»: بجز. غیر از.

سوره بقرهٔ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

و اگر نتوانستید که چنین کنید - و هرگز نخواهید توانست - پس (لازم است که با انجام کارهای نیکو و دوری از بدی‌ها) خود را از آتشی که (بخشی از) افروزینه آن انسان و سنگ (اصنام) است، به دور دارید. آتشی که برای (شکنجه) کافران آماده گشته است.

توضیحات:

«وَقُودُ»، هیمه آتش. افروزینه. «أُعِدَّتۡ»: آماده شده است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

مژده بده به کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار نیکو انجام داده‌اند، این که ایشان را است باغ‌های (بهشتی) که در زیر درختان آن رودها روان است. هرگاه بعضی از میوه‌های آنها بدی‌شان عطاء شود، گویند: پیشتر این نصیبمان گشته بود، و همسان آن را آورده‌اند. (چه چنین میوه‌هائی در جنس و شکل یکی بوده، ولی طعم و مزه جداگانه‌ای دارند). و در آنجا همسران پاک و بی‌عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ»: جمع جَنَّة، باغ‌ها، مراد بهشت است. «مِن قَبْلُ»: پیش‌تر، در دنیا، یا در بهشت. «مُتَشَابِهاً»: همانند و همگون در خوبی و مزه و زیبائی. حال ضمير (هِ) است «أَزْوَاجٌ»: همسران «مُطَهَّرَةٌ»: پاکیزه از عیوب زنان دنیا، از قبیل حیض و نِفاس «خَالِدُونَ»: جاویدانان. سرمدیان.

سوره بقرۀ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦﴾

ترجمه:

خداوند شرم ندارد از این که مثال بزند به (کوچک‌ترین موجودات)، پشّه‌ای یا کمتر از آن. کسانی که اهل ایمانند می‌دانند (هدف از این تمثیل چیست و) این صحیح و درست است و از جانب خدای‌شان می‌باشد. و امّا کسانی که راه کفر و انکار را برگزیده‌اند، می‌گویند: خواست خدا از این مثل چیست؟ (باید بدانند) خدا با بیان این نوع مثل، بسیاری را سرگردان و ویلان می‌سازد، و بسی را (به سوی حق) راهنمائی می‌نماید. و امّا خدا جز کجروان و منحرفان را با آن گمراه و حیران نمی‌گرداند.

توضیحات:

«لا يَسْتَحْيِي»: شرم نمی‌کند. مراد این است که: ترک نمی‌کند و امتناع نمی‌ورزد « مَثَلاً مَّا»: ما در آن زائد است و (بَعُوضَةً) بدل از «مَثَلاً» است. «بَعُوضَةً»: پشّه. «فَوْقَهَا»: بالاتر از آن. در معنی مراد کوچکی است. یعنی: کمتر و پائین‌تر از آن. «يُضِلُّ بِهِ...»: گمراه می‌سازد بدین مثل. مراد این است که قرآن همچون غذای پرچربی است، برای شخص سالم مفید است و برای شخص بیمار مضرّ (نگا: ابراهیم / ۲۷، غافر / ۳۴).

سوره بقرۀ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

آن کسانی که پیمانی را که قبلاً با خدا (به واسطه فطرت و عقل و پیغمبران) محکم بسته‌اند، می‌شکنند و آنچه را که خدا دستور داده است که گسیخته نشود (از قبیل: صله رحم، مودّت، مهربانی، رعایت حقوق انسانی، و غیره) آن را می‌گسلند، و در روی زمین به فساد و تباهی دست می‌یازند، اینان بی‌گمان زیانبارانند.

توضیحات:

«يَنقُضُونَ»: می‌شکنند. «عَهْدَ الله»: پیمان خدا که در (اعراف / ۱۷۲) مذکور است. «مِيثَاقِ»: اسم آلت است، به معنی: آنچه عهد و پیمان بدان بسته می‌شود. یا مصدر میمی است و به معنی: استوارکردن، بستن. «خَاسِرُونَ»: زیانباران. زیانکاران.

سوره بقرۀ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿كَيۡفَ تَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمۡ أَمۡوَٰتٗا فَأَحۡيَٰكُمۡۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

(جای تعجّب است) چگونه خدا را انکار و نسبت بدو کفر می‌ورزید؟ در صورتی که (نگاهی به چگونگی هستی خودتان و اوضاعی که دارید، برای پی‌بردن به وجود خدا کافی است) شما (چیزهای بی‌جان و) مردگانی بودید که خدا شما را بیافرید و جانتان

بخشید. سپس شما را می‌میراند، و بعد از آن زنده‌تان می‌گرداند. آن گاه به‌سوی او برگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«كَيْفَ»: چگونه. «أَمْوَاتاً»: مردگان. مراد خاکی است که در آن حیات نیست. «أَحْيَاكُمْ»: زندگی‌تان بخشید. جان به پیکرتان دمید. مراد آفرینش انسان از خاک است. «ثُمَّ يُمِيتُكُمْ»: سپس شما را می‌میراند. مراد بعد از پایان عمر است. «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»: سپس شما را زنده می‌گرداند. مراد هنگام رستاخیز است.

سوره بقرۀ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٩﴾

ترجمه:

خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید، آن گاه به آسمان پرداخت و از آن هفت آسمان منظّم ترتیب داد. خدا دانا و آشنا به هر چیزی است.

توضیحات:

«ثُمَّ»: سپس. این واژه در اینجا ترتیب زمانی را نمی‌رساند. همان‌گونه که در شعر زیر نیز چنین است: «اِنَّ مَنْ سادَ ثُمَّ سادَ أَبُوهُ ثُمَّ قَدْ سادَ قَبْلَ ذلِكَ جَدُّهُ» ... مراد این است که: خداوند آسمان‌ها و زمین را قبلاً به صورت گازهای پراکنده آفریده است و بعداً آسمان‌ها را هفت تا نموده و زمین را به گونه‌ای که قابل زیست باشد در آورده است (نگا: فصّلت / ۱۱). لذا تصوّر نشود زمین قبل از آسمان‌ها پدید آمده باشد. «اسْتَوي»: اراده‌اش بر آن قرار گرفت. قصد کرد. «سَوّي»: آراسته و پیراسته کرد. متناسب و بجا آفرید (نگا: ملک / ۳). «عَلِيمٌ»: بس آ گاه.

سوره بقرۀ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗۖ قَالُوٓاْ أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَۖ قَالَ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمینی‌اش فساد و تباهی برپا می‌دارد. پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا پرسیدند که حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و) گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و تباهی راه می‌اندازد و خون‌ها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقائقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

توضیحات:

«إِذْ»: آن گاه را که. زمانی را که. مفعولٌ به فعل محذوفی مانند (أُذْكُر) است. «جَاعِلٌ»: سازنده. پدیدآورنده. «خَلِيفَةً»: جانشین. برخی واژه خلیفه را جانشین خدا معنی کرده‌اند، که چندان چنگی به دل نمی‌زند، و برخی آن را جانشین یکدیگر مردمان گرفته‌اند که سخنی مقبول و پسندیده است. «يَسْفِكُ»: خونریزی می‌کند. «الدِّمَآءَ»: جمع دَم، خون‌ها. «نُسَبِّحُ»: تسبیح می‌گوئیم. به پاکی می‌ستائیم. «نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ»: ستایش‌گرانه به تنزیه و پاکی تو می‌پردازیم. حرف باء در اینجا معنی حال را می‌رساند (نگا: مائده / ۶۱). «نُقَدِّسُ»: به پاکی می‌ستائیم.

سوره بقرهٔ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسۡمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣١﴾

ترجمه:

سپس به آدم نام‌های (اشیاء و خواصّ و اسرار چیزهائی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه

را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گوئید (و خود را برای امر جانشینی از انسان بایسته‌تر می‌بینید) اسامی (و خواصّ و اسرار) این‌ها را برشمارید.

توضیحات:

«الأَسْمَآءَ»: نام‌ها. در اینجا مراد نامیده‌ها است. «عَرَضَهُمْ»: آنها را نمود. ضمیر (هُمْ) به (الأَسْمَآءَ) برمی‌گردد. در اینجا چون منظور از اسماء، مُسمَّیات است و در میان مُسمَّیات، ذوی‌العقول نیز یافته می‌شود، از راه تغلیب، ضمیر (هُم) به کار رفته است. «أَنبِؤُنِي»: مرا باخبر کنید.

سوره بقرهٔ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ٣٢﴾

ترجمه:

فرشتگان گفتند: منزّهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم (و توانائی جانشینی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته‌تر از ما است و) تو دانا و حکیمی.

توضیحات:

«سُبْحَانَكَ»: تو پاک و منزّهی. سُبْحانَ مصدر یا اسم مصدر است و مفعول مطلق است «حَكِيم»: کسی که کارها را جز از روی حکمت نکند

سوره بقرهٔ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئۡهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَأَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ٣٣﴾

ترجمه:

فرمود: ای آدم! آنان را از نام‌ها (و خواصّ و اسرار این) پدیده‌ها آگاه کن. هنگامی که آدم (فرمان خدا را لبّیک گفت و) فرشتگان را از (خواصّ و اسرار اشیاء و) پدیده‌ها آگاه کرد، خداوند فرمود: به شما نگفتم که من غیب (و راز) آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و از آنچه شما آشکار می‌کنید یا پنهان می‌داشتید، نیز آگاهم؟

توضیحات:

«أَنبَأَ»: باخبر کرد. آگاه نمود «تُبْدُونَ»: پدیدار می‌کنید. نمایان می‌سازید.

سوره بقرة آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ٣٤﴾

ترجمه:

و هنگامی (را یادآوری کن) که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده (بزرگ‌داشت و خضوع، نه عبادت و پرستش) ببرید. همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبّر ورزید، و (به خاطر نافرمانی و تکبّر) از زمره کافران شد.

توضیحات:

«أُسْجُدُوا لآدَمَ»: مراد این است که در برابر آدم خضوع کنید و در راه مصلحت او به کار بپردازید «إِبْلِيسَ»: اهریمن. «إِلاّ إِبْلِيسَ»: مگر اهریمن. استثناء منقطع است و ابلیس از جنس فرشتگان نیست و بلکه از زمره جنّیان است (نگا: کهف / ۵۰). «أَبَيا»: خودداری کرد. سر باز زد. «اسْتَكْبَرَ»: سرکشی کرد. خویشتن را بزرگ‌تر از آن دید.

سوره بقرة آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ٣٥﴾

ترجمه:

و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای فراوان و گوارای) آن، هرچه و هر کجا که می‌خواهید، خوش و آسوده بخورید ولیکن نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید. چه (اگر چنین کنید) از ستمگران خواهید شد.

توضیحات:

«رَغَداً»: به وفور. به فراوانی. صفت مصدر محذوفی است که تقدیر آن چنین است: أَكلاً رَغَداً. یا حال بشمار است. «حَيْثُ»: هرجا. «شِئْتُمْ»: خواستید «الشَّجَرَةَ»: درخت.

نوع آن را خداوند روشن نفرموده است.

سوره بقرۀ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ عَنۡهَا فَأَخۡرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ وَقُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ٣٦﴾

ترجمه:

امّا شیطان مُوجِب لغزش آنان شد و ایشان را از آنچه در آن بودند (که بهشت بود) خارج ساخت و (در این هنگام) به آنان گفتیم: همگی (به زمین) فرود آئید، در حالی که بعضی دشمن بعضی خواهید بود، و برای شما تا مدّتی در زمین جا و قرارگاه و فرایند و بهره‌گیری است.

توضیحات:

«أَزَلَّ»: لغزانید. دچار لغزش کرد «إِهْبِطُوا»: فرود آئید. پائین افتید. مراد آدم و حوّاء و ابلیس است. «مُسْتَقَرٌّ»: جایگاه زندگی. قرارگاه. «مَتَاعٌ»: کالا. آنچه از آن بهره‌مند شوند «حِينٍ»: زمان. روزگار. در اینجا مراد قیامت است.

سوره بقرۀ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٣٧﴾

ترجمه:

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت (و با گفتن آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت. خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

توضیحات:

«تَلَقَّیا»: دریافت داشت. بیاموخت. «كَلِمَاتٍ»: سخنانی که در (أعراف / ۲۳) آمده است.﴿تَابَ عَلَيۡهِ﴾: توبه‌اش را پذیرفت و او را بخشید. ﴿ٱلتَّوَّابُ﴾: بسیار توبه‌پذیر.

سوره بقرۀ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿قُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ مِنۡهَا جَمِيعٗاۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

گفتيم: همگى از آنجا (به زمين) فرود آئيد و چنانچه هدايتى از طرف من براى شما آمد (كه حتماً هم خواهد آمد) كسانى كه از من پيروى كنند، نه ترسى بر آنان خواهد بود و نه غمگين خواهند شد.

توضيحات:

«إِمَّا»: اگر كه. مركب از (إِنْ) شرطيه و (مَا) ى تأكيد است كه آن را مسلّطه نيز مى‌نامند. «يَأۡتِيَنَّ»: بى‌گمان مى‌آيد. «تَبِعَ»: پيروى كرد.

سوره بقرهٔ آيه ۳۹

متن آيه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

و كسانى كه كافر شوند و آيه‌هاى ما را تكذيب كنند (و ناديده گيرند) اهل دوزخند و هميشه در آنجا خواهند ماند.

توضيحات:

«ءَايَاتِ»: آيه‌هاى خواندنى كتاب‌هاى آسمانى، و نشانه‌هاى ديدنى كتاب جهانى.

سوره بقرهٔ آيه ۴۰

متن آيه:

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِيٓ أُوفِ بِعَهۡدِكُمۡ وَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ٤٠﴾

ترجمه:

اى بنى‌اسرائيل! به ياد آوريد نعمتى را كه بر شما ارزانى داشته‌ام (با انديشيدن درباره آن و اداى شكر لازم)، و به پيمان من (كه ايمان و كردار نيك و باور به پيغمبرانى است كه بعد از موسى آمده‌اند) وفا كنيد تا به پيمان شما (كه پاداش نيكو و بهشت برين است) وفا كنم، و تنها از من بترسيد (نه از كس ديگرى).

توضیحات:

«بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ»: پسران اسرائیل. اسرائیل لقب یعقوب است. «أَوْفُوا»: به تمام و کمال وفا کنید. «أُوفِ»: وفا می‌کنم. «إِيَّايَ»: از من «إرْهَبُونِ»: از من بترسید. یاء ضمیر حذف شده و در اصل (إرْهَبُونِي) است.

سوره بقرهٔ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلۡتُ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُمۡ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرِۭ بِهِۦۖ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ﴾ [۴۱]

ترجمه:

و ایمان آورید به آنچه فرو فرستاده‌ام (که قرآن است) و تصدیق کننده چیزی است که در پیش شما است (و آن کتاب‌های آسمانی و توحید و عبادت خدا و دادگری در میان مردم است)، و نخستین کافران به آن نباشید (به جای این که نخستین مؤمنان به آن باشید)، و آیه‌های مرا به بهای ناچیز مفروشید (و آنها را پشت گوش نیندازید، تا در برابر آن، بهای ناچیز دنیا را دریافت دارید) و تنها از من بترسید (و راه مرا در پیش گیرید و از عذاب من بپرهیزید).

توضیحات:

«مَآ أَنزَلۡتُ»: آنچه فرستاده‌ام. مراد قرآن است. « مُصَدِّقاً »: تصدیق کننده. حال (مَا) یا ضمیر (هُ) محذوف بعد از فعل (أَنْزَلْتُ) است (نگا: آل‌عمران/ ۵۳). ﴿لَا تَشۡتَرُواْ﴾ «لا تَشْتَرُوا»: مفروشید. مراد این است که عوض نکنید. «ثَمَناً»: پول. بها.

سوره بقرهٔ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَلۡبِسُواْ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُواْ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾ [۴۲]

ترجمه:

و حق را (که از جانب خدا فرو فرستاده شده است) با باطل (که خودتان آن را به هم بافته‌اید) نیامیزید، و حق را (که از جمله آن صدق محمّد است) پنهان نکنید. و حال آن که می‌دانید (پیغمبری او، راست است).

توضیحات:

«لا تَلْبِسُوا»: آمیخته نکنید. می‌آمیزید (نگا: بقره / ۷۹، آل‌عمران / ۷۸). ﴿تَكۡتُمُواْ﴾ «تَکْتُمُوا»: این فعل عطف بر (لا تَلْبِسُوا) و مجزوم است.﴿وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾: حال آن که می‌دانید. واو آن، حالیه است.

سوره بقرهٔ آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ٤٣﴾

ترجمه:

و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نمازگزاران (به صورت جماعت) نماز بخوانید.

توضیحات:

«أَقِيمُوا»: برپای دارید. چنان که باید بخوانید. «إرْکَعُوا»: به رکوع روید. به رکوع و سجود روید. فروتنانه کرنش برید و خم شوید. «الرَّاكِعِينَ»: به رکوع‌روندگان. متواضعان. ﴿ٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾: به همراه خاشعان در برابر اوامر خدا خشوع کنید (نگا: مائده / ۵۵).

سوره بقرهٔ آیه ۴۴

متن آیه:

﴿أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ٤٤﴾

ترجمه:

آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید (و از ایشان می‌خواهید که بیشتر به طاعت و نیکی‌ها بپردازند و از گناهان دست بردارند) و خود را فراموش می‌کنید (و به آنچه به دیگران می‌گوئید، خودتان عمل نمی‌کنید؟) در حالی که شما کتاب می‌خوانید (و تورات را در اختیار دارید و در آن تهدید خدا را درباره آن که کردارش مخالف گفتار است، مطالعه می‌کنید؟). آیا نمی‌فهمید (و عقل ندارید تا شما را از این کردار زشت بازدارد)؟.

توضیحات:

«الْبِرِّ»: خیر و خوبی. هر آنچه در آن خوبی باشد (نگا: بقره / ۱۷۷). «تَنسَوْنَ»: فراموش می‌کنید. «لا تَعْقِلُونَ»: نمی‌فهمید (نگا: بقره / ۷۳، عنکبوت / ۴۳).

سوره بقرهٔ آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ٤٥﴾

ترجمه:

و از شکیبائی (و واداشتن نفس بر آنچه دوست ندارد، از جمله روزه) و نماز (که دل را پاکیزه و انسان را از گناهان و پلیدی‌ها به دور می‌دارد) یاری جوئید، و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان (دوستدار طاعت و عبادت).

توضیحات:

«اسْتَعِينُوا»: یاری بجوئید. مدد بطلبید. «إِنَّهَا»: این که آن. مرجع ضمیر (هَا) واژه (الْصَّلاةِ) است. «كَبِيرَةٌ»: سخت. سنگین.

سوره بقرهٔ آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ٤٦﴾

ترجمه:

آن کسانی که به یقین می‌دانند خدای خویش را (پس از دوباره زنده شدن) ملاقات خواهند کرد، و این که ایشان به‌سوی او باز خواهند گشت (تا حساب و کتاب پس بدهند و پاداش و پادافره خود را دریافت دارند).

توضیحات:

«يَظُنُّونَ»: گمان می‌برند. در اینجا به معنی یقین دارند (نگا: بقره/۲۴۹، حاقّه/۲۰). «مُلاقُوا»: ملاقات‌کنندگان.

سوره بقرهٔ آیه ۴۷

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ٤٧﴾

ترجمه:

ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم، و این که من شما را (از نظر نعمت‌های گوناگون) بر جهانیان برتری دادم.

توضیحات:

«فَضَّلْتُكُمْ»: فضیلت و نعمت افزونتان بخشیدم. در اینجا تفضیل پدران به حساب پسران گرفته شده است؛ زیرا که افتخار آباء مایه افتخار ابناء است. امّا افتخار آباء یهودیان در تمسّک به فضائل و ترک رذائل و استقامت بر راستای خداشناسی بوده است. اگر ابناء یهودیان نیز چنین باشند، استحقاق تفضیل را دارند. ولی در صورت انحراف از راه خدا و ترک روش انبیاء، هر کس دیگری می‌تواند بالاتر و برتر از ایشان باشد. « الْعَالَمِينَ»: جهانیان. مراد اهل زمان معاصر پدرانشان است. چه آنان اهل کتاب بوده و پیغمبران زیادی از میان‌شان برانگیخته شده بودند، و همسایگانشان بت‌پرست بوده و در کفر و ضلالت بسر می‌بردند.

سوره بقرۀ آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا يُؤۡخَذُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

و بترسید از روزی که (در آن به حساب همگان رسیدگی می‌شود و) از دست کسی برای کس دیگری، چیزی ساخته نیست، و از او میانجیگری پذیرفته نمی‌گردد، و از کسی بلاگردان و جایگزین قبول نمی‌شود، و کسی به یاری کسی برنمی‌خیزد و همدیگر را نمی‌توانند کمک کنند.

توضیحات:

«يَوْماً»: روزی. مفعولٌ‌به فعل (إِتَّقُوا) است. «لا تَجْزِي... عَنْ»: بر عهده نمی‌گیرد و به جای او اداء نمی‌کند (نگا: بقره / ۱۲۳). «شَفَاعَةٌ»: میانجیگری. «عَدْلٌ»: فدیه. بدل. تاوان. همتا. قیمت.

سوره بقرۀ آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَإِذۡ نَجَّيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٤٩﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که شما را از دست فرعون و فرعونیان رها ساختیم، آنان که بدترین شکنجه‌ها را به شما می‌رسانیدند. پسرانتان را سر می‌بریدند (از ترس این که نکند کسی از میان آنان برخیزد و سلطنت و قدرت را از دست فرعون خارج سازد) و زنانتان را زنده می‌گذاشتند (تا به خدمت آنان کمر بندند)، و در این (شکنجه و تهدید به نابودی) آزمایش بزرگی از جانب خدا، برایتان بود.

توضیحات:

«نَجَّيْنَا»: رهانیدیم. «يَسُومُونَكُمْ»: بر سرتان می‌آورند. به شما می‌رسانند. برایتان می‌خواهند. «يَسْتَحْيُونَ»: زنده باقی می‌گذارند. «بَلآءٌ»: آزمایش. آزمون (نگا: اعراف / ۱۶۸، أنبیاء / ۳۵).

سوره بقرهٔ آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ فَرَقۡنَا بِكُمُ ٱلۡبَحۡرَ فَأَنجَيۡنَٰكُمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ۝٥٠﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که به خاطر شما و برای شما دریا را از هم شکافتیم (و میان آب آن، فاصله انداختیم تا از آنجا عبور کنید) و شما را رهانیدیم و خاندان فرعون را (در جلو دیدگانتان) غرق کردیم و شما می‌نگریستید (و می‌دیدید که بعد از بیرون رفتنتان، دریا چگونه بر آنان بهم می‌آید).

توضیحات:

«فَرَقْنَا»: فاصله انداختیم. از هم شکافتیم. «بِكُمْ»: برای شما و به خاطر شما. حرف باء در آن به منزله لام تعلیل است.

سوره بقرهٔ آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ وَٰعَدۡنَا مُوسَىٰٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ۝٥١﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که با موسی چهل شب (و روز) وعده گذاشتیم (که به مناجات پردازد. هنگامی که به میعادگاه رفت و راز و نیاز به پایان رسید، و برگشت، دید

که منحرف گشته‌اید و) پس از او گوساله‌پرستی پیش گرفته‌اید، (گوساله‌ای که سامری آن را ساخته بود و معبودتان کرده بود) و بر خود ستمگر شده‌اید (چون برای خدا شریک و انباز ساخته‌اید).

توضیحات:

«وَاعَدْنَا»: وعده دادیم. «اِتَّخَذْتُمْ»: گرفتید. این فعل گاهی به دو مفعول نیاز دارد و گاهی به یکی اکتفاء می‌کند. در اینجا مفعول دوم محذوف است که (إِلـهاً) یا (مَعْبُوداً) است. تقدیر چنین است: «إِتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ إِلـهاً». «الْعِجْلَ»: گوساله.

سوره بقرهٔ آیه ۵۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ۝٥٢﴾

ترجمه:

سپس از شما در گذشتیم و بعد از آن (توبه کردید و شما را آمرزیدیم) شاید سپاس‌گزاری کنید (و در برابر عفو و فضل خدا، تنها به عبادت او بپردازید).

توضیحات:

«عَفَوْنا»: عفو کردیم. گذشت نمودیم.

سوره بقرهٔ آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ۝٥٣﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که به موسی کتاب (تورات) عطاء کردیم که جدائی‌انداز (حق و باطل، و حلال و حرام) است، تا این که راه یابید (به نور آن، و با اندیشه ژرف، هدایت را از ضلالت باز شناسید).

توضیحات:

«ءَاتَيْنَا»: دادیم. «الْكِتَابَ»: مراد تورات است. «الْفُرْقَانَ»: جداکننده حق از باطل، و حلال از حرام. مصدر ثلاثی مجرّد است و در معنی اسم فاعل، یعنی: فارق به کار رفته است. فرقان صفت (الْكِتَابَ) است. یعنی عطف صفت بر موصوف شده است. شاید هم مراد از فرقان معجزاتی است که جداسازنده ادّعای راستین از ادّعای دروغین است. یا

این که مراد شرعی است که جداکننده حلال از حرام است. در این صورت، عطف (الْفُرْقَانَ) بر (الْكِتَابَ) از قبیل عطف خاصّ بر عام است.

سوره بقرۀ آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلْعِجْلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَٱقْتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ۝٥٤﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با پرستیدن گوساله، بر خود ستم کرده‌اید، پس به‌سوی آفریدگار خویش برگردید و توبه کنید. بدین‌گونه که نفس (سرکش) خود را بکشید (و جان تازه و پاکی را به کالبد خویش بدمید) و این در پیشگاه آفریدگارتان برای شما بهتر است. (و چون چنین کردید، لطف خدا شما را در برگرفت) و توبه شما را پذیرفت. چه او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

توضیحات:

«بَارِئ»: آفریننده. هستی‌بخش. «أُقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ»: نفس‌های خود را با زدودن شهوات مهار کنید و آنها را پاکیزه دارید. بیگناهان شما، گناه‌کاران شما را بکشند.

سوره بقرۀ آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ۝٥٥﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَک حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر آن که خدا را آشکارا ببینیم. پس صاعقه آسمانی شما را فرا گرفت، در حالی که می‌دیدید (که به سبب سرکشی و درخواست ناروا، به چه مصیبت بزرگی دچار آمده‌اید).

توضیحات:

«جَهْرَةً»: آشکارا. عیان. جَهْرَةً صفت مصدر محذوفی است و تقدیر آن چنین است: حَتّی نَرَی اللهَ رُؤْیَةً جَهْرَةً.

سوره بقرۀ آیه ۵۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ۝٥٦﴾

ترجمه:

سپس بعد از مرگِ (نفس سرکش)، شما را برانگیختیم و (بیداری بخشیدیم) تا این که سپاس‌گزاری کنید.

توضیحات:

«بَعَثْنَاكُمْ»: شما را بیدار و هوشیار کردیم. شما را زنده کردیم. «مَوْتِ»: غفلت و جهالت. مرگ.

سوره بقرۀ آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ۝٥٧﴾

ترجمه:

و (از جمله نیکی‌هائی که در حق شما روا داشتیم، این که) ابر را چون سایه‌بانی، بالای سرتان نگاه داشتیم و برای شما ترنجبین و بلدرچین فرستادیم (و گفتیم): از چیزهای پاکی بخورید که روزی شما کرده‌ایم. (ولی ایشان کفران نعمت کردند و ناسپاسی ورزیدند) و بر ما ستم نکردند، بلکه بر خود ستم نمودند.

توضیحات:

«ظَلَّلْنَا»: سایه‌بان کردیم. «الْغَمَامَ»: ابر. «الْمَنَّ»: ترنجبین. گزنگبین. «السَّلْوَی»: پرنده بلدرچین. سُمانی.

سوره بقرۀ آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ۝٥٨﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که گفتیم: به این شهر (بزرگی که پیغمبرتان موسی برایتان نام برده است) وارد شوید و هرگونه که می‌خواهید و هر چه که لازم دارید فراوان و آسوده بخورید و از دروازه (آن شهر) با خشوع و خضوع وارد شوید و بگوئید: خدایا! از گناهان ما درگذر، تا گناهان شما را بیامرزیم. ما به نیکوکاران (از عفو و مغفرت) فزونتر می‌بخشیم.

توضیحات:

«الْقَرْيَةَ»: شهر. برخی آن را بیت‌المقدّس، و برخی اریحا می‌دانند. ولی قرآن نام شهر را مشخص نفرموده است. «حَيْثُ»: هرگونه. هرجا. «رَغَداً»: فراوان. گوارا و پاکیزه. حال مصدر محذوفی است که تقدیر آن چنین است: أَكلاً رَغداً. «سُجَّداً»: فروتنانه. جمع ساجِد، حال ضمیر (و) در (أُدْخُلُوا) است. «حِطَّةٌ»: زدودن. برطرف‌کردن. مرفوع است چون خبر مبتدای محذوف است. تقدیر چنین است: مَسْأَلَتُناحِطَّةٌ. یعنی: درخواست ما اسقاط خطایا و زدودن گناهان است.

سوره بقرهٔ آیه ۵۹

متن آیه:

﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَنزَلۡنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ۝٥٩﴾

ترجمه:

سپس ستمگران (از فرمان خدای‌شان سرپیچی کردند) و گفتاری را که به آنان گفته بودیم دیگر کردند و دیگرگون گفتند. پس در برابر سرپیچی و تمرّدشان، از آسمان بر آنان عذابی نازل کردیم.

توضیحات:

«غَيْرَ»: منصوب به نزع خافض است. یا این که مفعول دوم فعل (بَدَّلَ) است. «رِجْزاً»: عذاب. عقوبت. «بِمَا»: بدان سبب که.

سوره بقرۀ آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَإِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ فَقُلۡنَا ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنفَجَرَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۖ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ مِن رِّزۡقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٦٠﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی برای قوم خود طلب آب کرد (وقتی که در بیابان، تشنگی بر همگان چیره شده بود). پس گفتیم: عصای خویش را بر سنگ بزن. آن گاه دوازده چشمه از سنگ جوشیدن گرفت. هر تیره‌ای از مردم، آبشخور خود را دانست (و بدی‌شان گفتیم): از روزی خدا بخورید و بنوشید و تباهکارانه در زمین به لاف و گزاف و تجاوز و تعدّی نپردازید.

توضیحات:

«إِسْتَسْقَیا»: آب خواست. «عَیْناً»: چشمه. «أُنَاسٍ»: مردم. «مَشْرَبَ»: آبشخور. «لا تَعْثَوْا»: تباهی نکنید. در فساد زیاده‌روی نکنید. «مُفْسِدِینَ»: فسادپیشگان. تباهکاران. حال مؤکده ضمیر (و) در (لا تَعْثَوْا) است.﴿لَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ﴾: منظور نهی از غوطه‌ور شدن در فساد است، والاّ هر فسادی ناپسند است. همان‌گونه که هر ربائی حرام و زشت است، ولی به همین شیوه خداوند فرموده است: «لا تَأْكُلُوا الرِّبَآ أَضْعَافاً مُّضَاعَفَةً».

سوره بقرۀ آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصۡبِرَ عَلَىٰ طَعَامٖ وَٰحِدٖ فَٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُخۡرِجۡ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۢ بَقۡلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَاۖ قَالَ أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ ٱهۡبِطُواْ مِصۡرٗا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلۡتُمۡۗ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٦١﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که گفتید: ای موسی! ما بر یک خوراک (ترنجبین و بلدرچین) شکیبائی نداریم. از خدای خود بخواه که برای ما آنچه را زمین از سبزی و خیار و گندم و سیر و عدس و پیاز می‌رویاند، بیرون آورد. موسی گفت: آیا برآنید که چیز پست‌تر را جانشین چیز بهتر سازید؟ پس (از سرزمین سیناء) به شهری (از شهرها) فرود آیید که در آنجا آنچه را خواسته‌اید خواهید یافت، و (به سبب این غرور و سرمستی و سرکشی) گرفتار خواری و تنگدستی شدند و در خور خشم خدا گردیدند. این هم بدان علّت بود که به آیات خدا بی‌باور شدند و پیغمبران را بدون سبب و تنها به انگیزه مخالفت با حق می‌کشتند. این (تکفیر آیات و کشتن پیامبران، بر اثر تکرار گناهان و غرق شدن در معاصی بود که بدی‌شان جرأت داده بود که) سرکشی کنند و به تجاوز و تعدّی دست یازند.

توضیحات:

«أُدْعُ»: فراخوان. «بَقْلِ»: سبزیجات. از قبیل: نعناع و کرفس و تره. «قِثَّآء»: خیار. خیار چنبر. «فُوم»: سیر. «بَصَل»: پیاز. «أَدْنَیا»: ناچیز. «خَیْرٌ»: خوب. «مِصْراً»: شهری. «الْـمَسْکَنَةُ»: خواری و بیچارگی. «بَآءُوا»: برگشتند. ﴿بَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ﴾: خشم خدا را با خود آوردند. مورد خشم خدا قرار گرفتند. «عَصَوْا»: سرپیچی کردند.

سوره بقرهٔ آیه ۶۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ٦٢﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان داشتند (پیش از این به پیغمبران، و آنان که به محمّد باور دارند) و یهودیان، و مسیحیان، و ستاره‌پرستان و فرشته‌پرستان، هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداش‌شان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی بدی‌شان دست نخواهد داد.

توضیحات:

«الَّذِينَ هَادُوا»: کسانی که یهودی شده‌اند. مراد یهودیان و پیروان موسی است. «

النَّصَارَیا»: مسیحیان. «الصَّابِئِینَ»: ستاره‌پرستان. خورشید پرستان. آنان که از هر دین و آئینی قسمتی را برگرفته‌اند. این آیه بیان‌گر رستگاری همه این گروه‌ها نیست. بلکه می‌رساند که ایمان در انحصار نژاد و گروه خاصّی نمی‌باشد. هر که دین اسلام را بپذیرد و اوامر و نواهی آن را مراعات دارد، اهل نجات است (نگا: نساء / ۱۵۰ و ۱۵۱، أنفال / ۳۸، بینه / ۶). پس از بعثت رسول اکرم ﷺ انسان‌ها را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد. سه گروه اهل نجات و رستگاری هستند، و آنان عبارتند از: ۱ - کسانی که در گوشه و کنار جهان زندگی می‌کنند و اصلاً بدانان ندای دعوت اسلام نمی‌رسد. ۲ - کسانی که بدانان ندای دعوت اسلام می‌رسد ولی به صورت ناقص و غیرقانع کننده، و خودشان هم اهل تحقیق و پژوهش نیستند. ۳ - کسانی که ندای دعوت اسلام بدی‌شان می‌رسد و آن را می‌پذیرند و در پندار و گفتار و کردار برابر قوانین اسلام زندگی را سپری می‌کنند. گروه چهارم که نجات پیدا نمی‌کنند و به دوزخ درمی‌افتند کسانیند که ندای دعوت اسلام را می‌شنوند و قانع هم می‌گردند ولی حاضر به پذیرش اسلام نمی‌شوند...

سوره بقرهٔ آیه ۶۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ٦٣﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن زمان را که از شما پیمان گرفتیم (که بدانچه در تورات است، عمل کنید) و کوه طور را بالای سرتان نگاه داشتیم (و به شما گفتیم:) محکم برگیرید آنچه را به شما داده‌ایم (که تورات است) و در عمل بدان جدّی باشید و آنچه را در آن است بررسی کنید و در مدّنظر گیرید تا پرهیزگار شوید (و خویشتن را با مواظبت احکام و دستورات آن، از عذاب به دور دارید).

توضیحات:

«رَفَعۡنَا»: بلند کردیم. «الطُّورَ»: اسم کوهی است که موسی بالای آن با خدا مناجات کرد. «خُذُوا مَا....»: در اینجا حذف قول شده است، و تقدیر چنین است: «قُلْنَا لَـهُمْ خُذُوا مَا...»، این شیوه در کلام عرب فراوان است (نگا: زمر / ۳، فرقان / ۴۱).

سوره بقرهٔ آیه ۶۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ تَوَلَّيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۖ فَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٦٤﴾

ترجمه:

سپس شما، بعد از همه این‌ها، (از طاعت و عبادت) روگردان شدید، و اگر لطف خدا و رحمت او شامل شما نمی‌شد (و به شما مهلت نمی‌داد و عذاب را به تأخیر نمی‌انداخت) جزو زیانباران می‌بودید.

توضیحات:

«تَوَلَّيْتُمْ»: روی گرداندید. پشت کردید.

سوره بقرهٔ آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعۡتَدَوۡاْ مِنكُمۡ فِي ٱلسَّبۡتِ فَقُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ٦٥﴾

ترجمه:

شما بی‌گمان دانسته‌اید (خبر و سرگذشت) آنان را که از شما در روز شنبه (از حدود الهی) تجاوز کردند. پس بدی‌شان گفتیم: به بوزینگان رانده شده تبدیل شوید.

توضیحات:

«إعْتَدَوْا»: تجاوز کردند. «السَّبْتِ»: شنبه. «قِرَدَةً»: جمع قِرْد، میمون‌ها. بوزینه‌ها. «خَاسِئِينَ»: رانده‌شدگان و مطرودان بسان سگان. خدا متجاوزین را از رحمت خود به دور داشت و آنان را خوار و پست نمود، به گونه‌ای که مردم از همنشینی ایشان گریزان شدند و آنان را همچون بوزینگان از اجتماع انسانی خود طرد کردند.

سوره بقرهٔ آیه ۶۶

متن آیه:

﴿فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ٦٦﴾

ترجمه:

پس آن (عقوبت) را عبرتی برای معاصران واقعه و آیندگان کردیم، و پندی برای پرهیزگاران نمودیم.

توضیحات:

«جَعَلْنَاهَا»: آن را گرداندیم، مرجع ضمیر (هَا) حال، كَيْنُونَة، صَيْرُورَة، مَسْخَة، و یا قِرَدَة است. «نَكَالاً»: عبرت. پند و اندرز. «مَا بَيْنَ يَدَيْـهـَا»: مراد معاصران ایشان است. «مَا خَلْفَهَا»: مراد آیندگان است.

سوره بقرهٔ آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُواْ بَقَرَةًۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًاۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ﴿٦٧﴾﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن هنگامی را که موسی به قوم خود (که در میان‌شان قتلی رخ داده بود و قاتل شناخته نمی‌شد) گفت: خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی را سر ببرید (تا کلید شناخت قتل شود. ولی ایشان این کار را عجیب پنداشتند و) گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از این که جزو نادانان باشم (و مردم را ریشخند نمایم و به مسخره گیرم).

توضیحات:

«بقرهٔ»: گاو. بقرهٔ، واحد بَقَر است که اسم جنس است (نگا: بقره / ۷۰). «هُزُواً»: سخریه. بازیچه. مصدر و به معنی اسم مفعول، یعنی مَهْزُوءً است. مانند خَلْق به معنی مَخْلُوق (نگا: لقمان / ۱۱) و صَید به معنی مَصید (نگا: مائده / ۹۴ و ۹۵).

سوره بقرهٔ آیه ۶۸

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَۖ فَٱفْعَلُواْ مَا تُؤْمَرُونَ﴿٦٨﴾﴾

ترجمه:

گفتند: از خدای خود بخواه که برایمان روشن کند چه گاوی (مورد نظر) است؟ گفت: (پروردگار جهانیان به من خبر داده و) می‌گوید: آن، گاوی است نه پیر و نه جوان، بلکه میانه‌سالی است میان این دو. پس آنچه به شما فرمان داده شده است انجام دهید.

توضیحات:

«فَارِضٌ»: پیر. کهنسال. سالخورده. «بِكْرٌ»: خُردسال. نورسیده. «عَوَانٌ»: میانه‌سال. وسط. «بَيْنَ ذَلِكَ»: میان آن چیزی که ذکر شد.

سوره بقرهٔ آیه ۶۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّـٰظِرِينَ ٦٩﴾

ترجمه:

گفتند: از خدای خود بخواه که برایمان بیان دارد، رنگ آن چگونه است؟ گفت: (پروردگار جهانیان به من خبر داده و) می‌گوید: آن گاو، گاو زرد پررنگی است که نگاه کنندگان (بدو) را شادمانی می‌بخشد.

توضیحات:

«صَفْرَآءُ»: زردرنگ. «فَاقِعٌ». خوشرنگ. «لَوْنُ»: رنگ. مرفوع است چون فاعل (فَاقِعٌ) است. «تَسُرُّ»: شاد می‌کند. مسرور می‌سازد.

سوره بقرهٔ آیه ۷۰

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ ٱلْبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

گفتند: خدایت را برایمان فراخوان تا بر ما روشن کند چگونه گاوی است. به راستی این گاو بر ما مشتبه است (و ناشناخته مانده است) و ما اگر خدا خواسته باشد راه خواهیم برد (به سوی گاوی که باید سر ببریم و آن را خواهیم شناخت).

توضیحات:

«تَشَابَهَ»: مشتبه شده است. همگون شده و بهم آمیخته است.

سوره بقرهٔ آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ ٱلْأَرْضَ وَلَا تَسْقِى ٱلْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَاۚ قَالُواْ ٱلْـَٔـٰنَ جِئْتَ بِٱلْحَقِّۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفْعَلُونَ﴿٧١﴾﴾

ترجمه:

گفت: خدا می‌فرماید که آن، گاوی است که هنوز به کار گرفته نشده است و رام نگشته است تا بتواند زمین را شیار کند و زراعت را آبیاری نماید. از هر عیبی پاک و رنگش یکدست و بدون لکه است. گفتند: اینک حق مطلب را اداء کردی. پس گاو را سر بریدند، گرچه نزدیک بود که چنین نکنند.

توضیحات:

«ذَلُولٌ»: رام. کار کشته. «تُثِيرُ»: زیر و رو می‌کند. «الْحَرْثَ»: کشت و زرع. «مُسَلَّمَةٌ»: سالم. بی‌عیب. «شِيَةَ»: رنگ مخالف. از ماده (وشی). ﴿مَا كَادُواْ يَفْعَلُونَ﴾: نزدیک بود که چنین کاری نکنند.

سوره بقرۀ آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَٱدَّٰرَٰٔتُمْ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ﴿٧٢﴾﴾

ترجمه:

و (به یاد بیاورید) آن گاه را که کسی را کشتید و درباره آن به نزاع برخاستید و یکدیگر را بدان متّهم کردید، و خدا حقیقت امر را می‌دانست و آنچه را که پنهان می‌کردید، آشکار و نمایان می‌نمود.

توضیحات:

«إِدَّارَءْتُمْ»: کشمکش کردید. اختلاف ورزیدید. گناه را از خود دور و به گردن دیگری انداختید. فعل ماضی باب تفاعل است و اصل آن (تَدَارَءْتُمْ) از ماده (دَرْء) به معنی دفْع است.. «مُخْرِجٌ»: بیرون آورنده. آشکارکننده.

سوره بقرۀ آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَقُلْنَا ٱضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَاۚ كَذَٰلِكَ يُحْىِ ٱللَّهُ ٱلْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ ءَايَـٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴿٧٣﴾﴾

ترجمه:

پس گفتیم: پاره‌ای از آن (قربانی) را به آن (کشته) بزنید. (و این کار را کردید و خدا کشته را زنده کرد). خداوند مردگان را (در روز قیامت) چنین زنده می‌کند و دلائل (قدرت) خود را به شما می‌نمایاند تا این که دریابید (حقیقت و اسرار شریعت را).

توضیحات:

«بَعْضِ»: بخش. برخ. تکه. «کَذلِكَ»: آن چنان. بدین منوال. «الـمَوْتَیا»: مردگان. « ءَايَاتِهِ»: نشانه‌ها و دلائل خود.

سوره بقرهٔ آیه ۷۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةًۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ ٱلْأَنْهَٰرُۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ ٱلْمَآءُۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ۝٧٤﴾

ترجمه:

پس از آن، دل‌های شما سخت شد، همچون سنگ یا سخت‌تر از سنگ. و پاره‌ای از سنگ‌ها است که از آن نهرها می‌جوشد، و پاره‌ای از آنها است که می‌شکافد و آب از آن بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آنها است که از ترس خدا فرو می‌ریزد. و خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«قَسَت»: سخت شد. «الْحِجَارَةِ»: سنگ. «أَشَدُ قَسْوَةً»: سفت‌تر و سخت‌تر. واژه (أَشَدُّ) مرفوع است چون عطف بر (كَالْحِجَارَةِ) است که در محلّ رفع است؛ زیرا خبر (هِيَ) است. (قَسْوَةً) منصوب است چون تمییز است. «لَـمَا» در هر سه مورد آیه، از لام تأکید و مای موصول فراهم آمده است و (مَا) مرفوع است چون خبر (إِنَّ) است. « يَشَّقَّقُ»: از هم شکافته می‌شود. از باب تفعّل است.

سوره بقرهٔ آیه ۷۵

متن آیه:

﴿أَفَتَطۡمَعُونَ أَن يُؤۡمِنُواْ لَكُمۡ وَقَدۡ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ يَسۡمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعۡدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ۝٧٥﴾

ترجمه:

آیا امیدوارید که (یهودیان به آئین اسلام و) به شما ایمان بیاورند با این که گروهی از آنان (که احبار ایشان بودند) سخنان خدا را (در تورات) می‌شنیدند و پس از فهمیدن کامل آن، دست به تحریفش می‌زدند؟ و حال آن که علم و اطّلاع داشتند (که درست نیست به کتاب‌های آسمانی دست برد).

توضیحات:

«تَطۡمَعُونَ»: امیدوارید. «فَرِيقٌ»: گروه. دسته «عَقَلُوهُ»: آن را فهمیدند و بدان آشنا شدند. ﴿وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ﴾: جمله حالیه است برای ضمیر (وَ) در فعل (يُحَرِّفُونَ). « يُحَرِّفُونَ»: تبدیل می‌کردند. تغییر می‌دادند.

سوره بقرهٔ آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ قَالُوٓاْ أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ۝٧٦﴾

ترجمه:

و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند روبرو می‌شوند، می‌گویند: ایمان آورده‌ایم (به این که شما بر حق می‌باشید و محمّد پیغمبری است که در تورات وصف او آمده است) و هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند (دسته‌ای بدی‌شان اعتراض می‌نمایند) و می‌گویند: آیا مطالبی را که خداوند (درباره صفات محمّد) برای شما بیان کرده برای مسلمانان بازگو می‌کنید و از آن سخن می‌رانید، تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا بر شما حجّت گیرند و علیه شما بدان استدلال کنند؟ مگر نمی‌فهمید و عقل ندارید؟

توضیحات:

«لَقُوا»: برخورد کردند. رسیدند. «خَلا»: رفت. به خلوت نشست. ﴿مَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ﴾: آنچه خداوند در کتاب آسمانی تورات به شما آموخته است. ﴿لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ﴾: تا با شما بستیزند و آن را بر شما حجّت گیرند.

سوره بقرهٔ آیه ۷۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَا يَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ٧٧﴾

ترجمه:

آیا نمی‌دانند که آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، خدا همه را می‌داند؟

توضیحات:

«يسِرُّونَ»: پنهان و نهان می‌کنند. «يعْلِنُونَ»: علنی و آشکار می‌کنند.

سوره بقرهٔ آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُمۡ أُمِّيُّونَ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ٧٨﴾

ترجمه:

و پاره‌ای از آنان افراد بیسوادی هستند که (از) کتاب (خدا تورات) جز (یک مشت خرافات و دروغ‌هائی که احبارشان به هم بافته‌اند و با) آرزوهای (آنان سازگار است) نمی‌دانند، و تنها به پندارهایشان دل بسته‌اند.

توضیحات:

«أُمِّيُّونَ»: کسانی که نمی‌توانند بخوانند و بنویسند. بیسوادان. «الكِتَابَ»: مراد تورات است. «أَمَانِيَّ»: جمع أُمْنِية از ماده (مُنیا) آرزوهای ناروا و نادرست. دروغ‌های به هم بافته (نگا: بقره / ۱۱۱، نساء / ۱۲۳، حدید / ۱۴). «إِنْ»: حرف نفی است.

سوره بقرهٔ آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا يَكۡسِبُونَ٧٩﴾

ترجمه:

وای بر کسانی (از احبار) که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آن گاه می‌گویند (به بیسوادان): این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است تا به بهای کمی آن (تحریف شده‌ها) را بفروشند! وای بر آنان چه چیزهائی را با دست خود می‌نویسند! و وای بر آنان چه چیزهائی را به چنگ می‌آورند! (این گونه نوشته‌ها و کارها، ایشان را

به‌سوی هلاک و عذاب می‌کشاند).

توضیحات:

«وَيْلٌ»: وای بر! مرگ بر! «ثَمَناً»: پول. بها.

سوره بقرهٔ آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَةٗۚ قُلۡ أَتَّخَذۡتُمۡ عِندَ ٱللَّهِ عَهۡدٗا فَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ عَهۡدَهُۥٓۖ أَمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

می‌گویند: (هر چند هم گناهکار باشیم) آتش جز چند روز معدودی گریبانگیرمان نمی‌گردد! بگو: آیا از جانب خدا پیمان گرفته‌اید و (چون) خدا هرگز خلاف وعده‌اش عمل نمی‌نماید (اطمینان یافته‌اید)؟ یا این که چیزی به خدا نسبت می‌دهید که از آن بی‌خبرید (و دروغی بیش نیست)؟

توضیحات:

«لَن تَـمَسَّنَا»: هرگز به ما نمی‌رسد. «أَيَّاماً مَّعْدُودَةً»: چند روز قابل شمار. مدّت کمی.

سوره بقرهٔ آیه ۸۱

متن آیه:

﴿بَلَىٰۚ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨١﴾

ترجمه:

آری! هر کس مرتکب گناه شود، و گناه (احساس و وجدان و سراسر وجود) او را احاطه کند، این چنین افرادی یاران آتش بوده و جاودانه در آن خواهند ماند.

توضیحات:

«بَلَيا»: آری. حرف جواب است و برای ابطال نفی متقدّم، و افاده اثبات مفهوم بعد از خود می‌آید. «سَيِّئَةً»: زشت و قبیح. گناه. «خَطِيئَةٌ»: بزه. گناهی که از روی قصد و عمد انجام پذیرد. «أَصْحَابُ الْنَّارِ»: دوزخیان.

سوره بقرۀ آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

و کسانی که ایمان آورده‌اند و کردار پسندیده و افعال شایسته انجام داده اینان اهل بهشت بوده و جاودانه در آن خواهند ماند.

توضیحات:

«الصَّالِحَاتِ»: گفتار و کردار پسندیده و شایسته. «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ»: بهشتیان.

سوره بقرۀ آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ ثُمَّ تَوَلَّيۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنكُمۡ وَأَنتُم مُّعۡرِضُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن زمان را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید، و به مردم نیک بگوئید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید. سپس شما جز عدّه کمی روی برتافتید و سرپیچی کردید (و از وفای به پیمانی که با خدا بسته بودید) روی‌گردان شدید.

توضیحات:

«مِيثَاقَ»: پیمان استوار. عهد مؤکد. «إِحْسَاناً»: نیکوئی کردن. «ذِي‌الْقُرْبَيا»: خویشاوندان. «الْيَتَامَيا»: یتیمان. «حُسْناً»: سخن زیبا و پسندیده. «تَوَلَّيْتُمْ» پشت کردید و روی گرداندید. «مُعرِضُونَ»: اعراض‌کنندگان. سر باز زنندگان. «وَ أَنتُم مُّعرِضُونَ»: جمله حالیه است و برای تأکید پشت کردن و روی گرداندن آمده است.

سوره بقرهٔ آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ لَا تَسۡفِكُونَ دِمَآءَكُمۡ وَلَا تُخۡرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ ثُمَّ أَقۡرَرۡتُمۡ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ ﴿٨٤﴾﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمین و خانه و کاشانه خویش بیرون نکنید. (بر این پیمان، شما) اقرار کردید (و هم اینک باور دارید که در کتابتان موجود است) و شما (بر صحّت آن) گواهی می‌دهید.

توضیحات:

«لا تَسْفِکُونَ»: نمی‌ریزید. «دِمَآءَ»: جمع دَم، خون‌ها. «دِیَار»: جمع دار، خانه‌ها. سرزمین‌ها.

سوره بقرهٔ آیه ۸۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تَقۡتُلُونَ أَنفُسَكُمۡ وَتُخۡرِجُونَ فَرِيقٗا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمۡ تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمۡ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيۡكُمۡ إِخۡرَاجُهُمۡۚ أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ فَمَا جَزَآءُ مَن يَفۡعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ إِلَّا خِزۡيٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلۡعَذَابِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٨٥﴾﴾

ترجمه:

پس از آن، این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از خانه‌ها و سرزمینتان بیرون می‌رانید، (و دیگران را بر ضدّ آنان برمی‌شورانید و یاری می‌دهید و ایشان را علیه آنان) از راه گناه و دشمنانگی، همپشتی و پشتیبانی می‌کنید. ولی اگر (بعضی از آنان به صورت) اسیران نزد شما (و هم‌پیمانانتان) بیایند (برای نجاتشان می‌کوشید و) فدیه می‌دهید (و ایشان را آزاد می‌سازید. اگر از شما پرسیده شود، چه چیز شما را وامی‌دارد که فدیه آنان را بپردازید و آزادشان سازید؟ می‌گوئید که

کتاب‌های آسمانیمان به ما دستور می‌دهد که فدیه اسیران بنی‌اسرائیل را بپردازیم و ایشان را آزاد سازیم. مگر کتاب‌های آسمانی به شما دستور نمی‌دهند که خون آنان را نریزید و ایشان را از خانه و کاشانه آواره نسازید)؟ و حال آن که بیرون راندن ایشان (و کشتن آنان) بر شما حرام است. آیا به بخشی از (دستورات) کتاب (آسمانی) ایمان می‌آورید و به بخش دیگر (دستورات آن) کفر می‌ورزید؟ برای کسی که از شما چنین کند، جز خواری و رسوائی در این جهان نیست، و در روز رستاخیز (چنین کسانی) به سخت‌ترین شکنجه‌ها برگشت داده می‌شوند، و خداوند از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست.

توضیحات:

﴿تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم﴾: علیه آنان یکدیگر را پشتیبانی و کمک می‌کنید. «الْعُدْوَانِ»: ظلم و تعدّی. زیاده‌روی در ستم. عطف (عُدْوَان) بر (إِثْم) عطف خاصّ بر عام است. «أُسَارَيا»: جمع اسیر، زندانیان. حال است برای ضمیر (و) در فعل (يَأْتُوكُمْ). «تُفَادُوهُمْ»: فدیه آزادی آنان را می‌پردازید. بازخریدشان می‌کنید. «إِخْرَاجُ»: بدل (هُوَ) و یا مبتدای مؤخّر برای خبر مقدّم (مُحَرَّمٌ) و یا نائب فاعل اسم مفعول (مُحَرَّم) است. «خِزْيٌ»: خواری. رسوائی. «يُرَدُّونَ»: برگشت داده می‌شوند. برگردانیده می‌شوند.

سوره بقرۀ آیه ۸۶

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٨٦﴾

ترجمه:

اینان همان کسانیند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند. لذا شکنجه آنان تخفیف داده نمی‌شود و ایشان یاری نخواهند شد (و یاوران و کمک‌کنندگانی نخواهند یافت تا برای نجاتشان بکوشند).

توضیحات:

«إِشْتَرَوْا»: خریدند. فروختند.

سوره بقرهٔ آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَقَفَّيۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ بِٱلرُّسُلِۖ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ فَفَرِيقٗا كَذَّبۡتُمۡ وَفَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ٨٧﴾

ترجمه:

(ای گروه یهودیان! به یاد بیاورید آن گاه را که) ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و در پی وی پیغمبرانی فرستادیم، و (از جمله آنان) به عیسی پسر مریم معجزه‌ها و دلائل روشن بخشیدیم و او را به وسیله روح‌القدس (که جبرئیل است) تأیید نمودیم و نیرویش دادیم. آیا (جز این است که) هر زمان پیغمبری (از اینان) برخلاف میل و آرزوی نفس شما چیزی را آورد، گردن افراختید (و خود را بزرگ‌تر از آن دانستید که از او پیروی کنید، و به این هم بسنده نکردید) بلکه عدّه‌ای را تکذیب نمودید و دروغگو خواندید، و جمعی را کشتید.

توضیحات:

«قَفَّيْنَا»: پیاپی آوردیم. به دنبال یکدیگر و پشت سر همدیگر آوردیم. از ماده (قفو) است (نگا: مؤمنون / ۴۴). «الْبَيِّنَاتِ»: معجزات روشن (نگا: آل‌عمران / ۴۹). «أَيدْنَاهُ»: او را تقویت و تأیید کردیم. از ماده (أید) به معنی قوّت و قدرت «لا تَهْوِي»: نمی‌خواست. دوست نمی‌داشت. «إِسْتَكْبَرْتُمْ»: بزرگی فروختید. خویشتن را بزرگ‌تر از آن دیدید که حق را بپذیرید و در برابر آن کرنش کنید. «فَرِيقاً»: دسته‌ای. گروهی. مفعول مقدّم برای افعال (كَذَّبْتُمْ) و (تَقْتُلُونَ) است.

سوره بقرهٔ آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ٨٨﴾

ترجمه:

و (موضع آنان در برابر پیغمبر خاتم محمّد امین نیز چنین است و از روی ریشخند) گفتند: دل‌های ما سرپوشیده و در غلاف است (و گفته نو دعوت تو بدان راه ندارد!

چنین نیست) بلکه خداوند آنان را به خاطر کفرشان نفرین نموده (و از رحمت خویش به دور داشته است) و کمتر ایمان می‌آورند.

توضیحات:

«غُلْفٌ»: جمع أَغْلَف، بسته و پوشیده. در پرده (نگا: فصّلت / ۵). «لَعَنَهُمْ»: ایشان را نفرین کرد. بر آنان خشم گرفت و از رحمت خویش به دورشان داشت. «قَلِيلاً مَّا يُؤْمِنُونَ»: اندکی ایمان می‌آورند (نگا: بقره / ۸۳). ایمان ناچیز و ضعیفی دارند. «قَلِيلاً» منصوب است چون صفت مصدر محذوفی است: «يُؤْمِنُونَ إيمَاناً قَلِيلاً». و یا حال است برای ضمیر (و) در فعل (يُؤْمِنُونَ). حرف (مَا) زائد است و برای تأکید معنی قِلّت آمده است.

سوره بقرهٔ آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ كِتَٰبٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ وَكَانُواْ مِن قَبۡلُ يَسۡتَفۡتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ٨٩﴾

ترجمه:

و هنگامی که از طرف خداوند کتابی (به نام قرآن توسّط پیغمبر اسلام) به آنان رسید که تصدیق‌کننده چیزهائی (همچون توحید و اصول دین و مقاصد آن) بود که با خود (از تورات) داشتند، و (از روی تورات) آن را شناختند و (به صدق محتوایش) پی بردند، ولی (به سبب حسادت و عناد) بدان کفر ورزیدند (زیرا، پیغمبری آن را آورده بود که از بنی‌اسرائیل نبود. گرچه) قبلاً (هنگامی که با مشرکان به جنگ و یا نزاع لفظی برمی‌خاستند، می‌گفتند که خدا ایشان را با فرستادن آخرین پیامبری که کتابشان بدان نوید داده است، یاری خواهد داد و) امید فتح و پیروزی بر کافران را داشتند. پس لعنت خداوند بر کافران (چون ایشان) باد.

توضیحات:

«كِتَابٌ»: مراد قرآن است. «يَسْتَفْتِحُونَ»: طلب فتح و پیروزی می‌کردند. ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا﴾: مراد از (مَا) و ضمیر (هِ) در (كَفَرُوا بِهِ) محمّد است. برخی مرجع آن دو را (کتاب) یعنی قرآن دانسته‌اند. «عَرَفُوا»: شناختند. آگاهی یافتند.

سوره بقرۀ آیه ۹۰

متن آیه:

﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٩٠﴾

ترجمه:

خویشتن را به بدترین چیزها فروختند (چه از هوای نفس پیروی و به دنبال تعصّبات قبیله‌ای روان شدند) و به ناروا نسبت به آنچه فرستاده بودیم کفر ورزیدند و کفرشان تنها به خاطر دشمنانگی (با دیگران و انتقام از مؤمنان) و ناخوشنودی از این که خداوند (وحی خویشتن را) از روی فضل و مرحمت پروردگاریش بر هر که بخواهد از بندگانش نازل می‌کند بود. لذا خشم خدا یکی پس از دیگری آنان را فرا گرفت (و مستوجب دو خشم شدند: یکی بر اثر کفری که نسبت به محمّد پیغمبر اسلام روا داشتند، و دیگری خشمی که بر اثر کفر و آزاری که درباره موسی روا می‌داشتند). برای کفّار (همانند ایشان) عذاب خوارکننده و دردناکی است.

توضیحات:

«بِئْسَمَا»: چه زشت است. «إِشْتَرَوْا»: فروختند. «أَن يَكْفُرُوا»: تأویل به مصدر می‌شود و تقدیر آن (كُفْرُهُمْ) است و مخصوص به ذمّ و محلاً مرفوع و مبتدا است، و عبارت پیشین خبر آن، و یا این که خبر مبتدای محذوف (هو) است، و تقدیر آن چنین است: (هُوَ أَن يَّكْفُرُوا). «بَغْياً»: فساد. در اینجا مراد حسد است. چون حسد از فساد نفس سرچشمه می‌گیرد. مفعولٌ‌له برای (أَن يَّكْفُرُوا) است. «أَن يُّنَزِّلَ اللهُ»: مفعولٌ‌له و محلاً منصوب است. تقدیر آن چنین است: «لِأن يُّنَزِّلَ اللهُ. یعنی: لإِنزَالِ اللهِ». «بَآءُوا»: برگشتند. ﴿آءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ﴾: برگشتند و خشم پیاپی خدا را با خود آوردند. «مُهِينٌ»: خوارکننده.

سوره بقرهٔ آیه ۹۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤۡمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَيَكۡفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَهُمۡۗ قُلۡ فَلِمَ تَقۡتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبۡلُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٩١﴾

ترجمه:

هنگامی که به آنان گفته شود: به آنچه خداوند فرو فرستاده است (که قرآن است) ایمان بیاورید، می‌گویند: ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده باشد (نه بر اقوام دیگر)، و به غیر آن کفر می‌ورزند و حال آن که حق بوده و تصدیق‌کننده چیزی است که با خود دارند. بگو: اگر مؤمنید (و راست می‌گوئید که به تورات ایمان دارید و از آن پیروی می‌کنید) پس چرا پیامبران خدا را پیش از این می‌کشتید؟

توضیحات:

«وَرَآءَهُ»: غیر آن. بجز آن (نگا: نساء / ۲۴، مؤمنون / ۷). «وَهُوَ الْحَقُّ»: جمله حالیه است. «مُصَدِّقاً»: تصدیق‌کننده. حال (حق) است. «مِن قَبْلُ»: قبلاً. در گذشته. در روزگار پیشین.

سوره بقرهٔ آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ٩٢﴾

ترجمه:

به راستی موسی آن همه دلائل روشن و معجزات را برای شما آورد (ولی پس از آن که از دیده شما نهان گشت و به مناجات پروردگار رفت) بعد از او گوساله را برگزیدید (و به گوساله‌پرستی نشستید) و با این کار (بر خود) ستم کردید (و به بت‌پرستی سابق خویش برگشتید).

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: دلائل روشن. معجزات گویا (نگا: عنکبوت / ۳۹، قصص / ۳۶). «مِنم بَعْدِهِ»: بعد از رفتن موسی به کوه طور (نگا: بقره / ۵۱، نساء / ۱۵۳).

سوره بقرة آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ قُلۡ بِئۡسَمَا يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٩٣﴾

ترجمه:

(به یاد آورید) آن گاه را که از شما پیمان گرفتیم و (موسی تورات را بیاورد و دیدید که تکالیف و وظائف دشواری دربر دارد و شما از انجام آنها سر باز زدید. ما برای نشان دادن صدق تورات و فوائد تعالیم آن) کوه طور را بالای سرتان (همچون سایه‌بانی) نگاه داشتیم (و شما چنین انگاشتید که کوه بر سرتان فرو می‌ریزد. بدین هنگام به شما گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم، محکم برگیرید و با قدرت هرچه بیشتر بدان عمل کنید. (در این هنگام اعلان آمادگی کردند و) گفتند: شنیدیم، ولی (به زبان عمل گفتند:) نافرمانی کردیم! (ایمان به دل‌هایشان ننشسته بود. زیرا) دل‌هایشان بر اثر کفر، با (محبّت) گوساله آبیاری شده بود. بگو: ایمانتان شما را به انجام بدترین چیز دستور می‌دهد اگر (گمان می‌کنید که) شما مؤمن هستید.

توضیحات:

﴿سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا﴾: شنیدیم و فرمان نبردیم! البتّه چنین سخنی را با زبان اداء نکرده‌اند، ولی چون به عهد خود وفا ننموده‌اند انگار که چنین گفته‌اند. خلاصه کردارشان خلاف گفتارشان بوده است و اعمال‌شان اقوال‌شان را تکذیب کرده است. «وَ أُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ»: دل‌هایشان از عشق گوساله لبریز گردیده بود. در اینجا حذف مضاف شده است و مضافٌ الیه در جای مضاف به کار رفته است. تقدیر چنین است: حُبَّ الْعِجْلِ. «بِكُفْرِهِمْ»: به سبب کفرشان.

سوره بقرة آیه ۹۴

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٩٤﴾

ترجمه:

بگو اگر (چنانچه گمان می‌برید) خداوند، جهان دیگر را از میان همه مردم تنها به شما اختصاص داده است، پس (عملاً با جهاد در راه خدا) آرزوی مرگ کنید اگر راستگوئید.

توضیحات:

«الدَّارُ»: خانه. سرا. «الْدَّارُ الآخِرَةِ»: سرای دیگر «خَالِصَةً»: مخصوص. خاصّ. حال است برای (الدّار) که اسم (کانَتْ) است و خبر آن (لَکُمْ). «مِن دُونِ»: بدون. واژه‌ای است که برای اختصاص و قطع شرکت دیگران به کار می‌رود (نگا: بقره / ۱۱۱).

سوره بقرۀ آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَلَن يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ۝٩٥﴾

ترجمه:

ولی آنان به خاطر (اعمال بدی که انجام داده‌اند و) آنچه پیش از خود فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند، و خداوند از حال ستمگران (چون ایشان) آگاه است (و بهشت از آن پرهیزگاران است؛ نه خاصّ افرادی همسان‌شان).

توضیحات:

«بِمَا»: به سبب چیزی که. «قَدَّمَتْ»: انجام داده است. پیشاپیش فرستاده است. « أَيْدِي»: دستها. جمع (ید) که می‌تواند کنایه از خود شخص یا قدرت او نیز باشد.

سوره بقرۀ آیه ۹۶

متن آیه:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۚ يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ۝٩٦﴾

ترجمه:

و آنان را حریص‌ترین مردم بر زندگی (این دنیا) خواهی یافت، حتّی طمعکارتر از مشرکان (که به زندگی دوباره و بهشت و دوزخ ایمان ندارند. لذا) هر یک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند، در حالی که اگر این عمر (طولانی) بدو داده شود، او را از عذاب به دور نمی‌دارد. و خداوند نسبت بدانچه انجام می‌دهند، بینا است (و

ستمگران را به پاداش کارهای ناشایست‌شان می‌رساند).

توضیحات:

«لَتَجِدَنَّهُمْ»، هر آینه ایشان را خواهی یافت. «حَیَاةٍ»: زندگی. نکره‌آمدن آن برای اطلاق است. یعنی هر زندگی‌ای که باشد، خوب یا بد، محترمانه یا رذلانه. و... «وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا»: عطف بر ماقبل است بر حسب معنی. در (أَحْرَصَ) حرف (مِنْ) مقدّر است. همچنین می‌توان واژه (أَحْرَصَ) را پیش از (مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا) محذوف دانست. در هر حال ذکر خاصّ بعد از عام است و بیان‌گر تأکید حرص یهودیان بر زندگی دنیا است، و سرزنش و تهدید ایشان را در بردارد. «یُعَمَّرُ»: عمر داده شود. زیست کند. «أَلْفَ»: هزار. «مُزَحْزِح»: دورکننده.

سوره بقرهٔ آیه ۹۷

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّـجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ۝٩٧﴾

ترجمه:

(بعضی از آنان می‌گویند که: چون جبرئیل، دشمن ایشان، قرآن را برای محمّد می‌آورد، آنان با او دشمنی می‌ورزند و کتابش را قبول ندارند. ای پیغمبر! بدیشان) بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتاب‌های آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

توضیحات:

«نَزَّلَهُ»: آن را نازل کرده است. مرجع (نَزَّلَ) جبرئیل، و مرجع (هُ) قرآن است. « قَلْبِ»: دل. تسمیه کلّ به اسم جزء است و مراد وجود انسان است. «بِإِذْنِ اللهِ»: با اجازه خدا. به فرمان خدا. «مُصَدِّقاً»: تصدیق‌کننده. حال ضمیر مفعولی (هُ) در (نَزَّلَهُ)

است. «مَا بَيْنَ يَدَيْهِ»: آنچه پیش از آن کتاب‌های آسمانی بوده است. «هُديً وَ بُشْرَيا»: هدایت و بشارت. راهنما و مژده‌رسان. (هُديً و بُشْرَيا) عطف بر (مُصَدِّقاً) می‌باشند.

سوره بقرهٔ آیه ۹۸

متن آیه:

﴿مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَٰفِرِينَ﴿٩٨﴾﴾

ترجمه:

کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

توضیحات:

«مَنْ» در آیه‌های ۹۷ و ۹۸ شرطیه است و جواب آن (فَهُوَ كَافِرٌ) محذوف است. یا این که جمله (فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلي قَلْبِكَ)، و (فَإِنَّ اللهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ) جواب شرط بشمارند.

سوره بقرهٔ آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلْفَٰسِقُونَ﴿٩٩﴾﴾

ترجمه:

بی‌گمان ما آیه‌های روشنی (به وسیله جبرئیل بر قلب تو القاء کردیم و) برای تو فرستادیم (که جویندگان راه حق، در برابر آنها سرتعظیم فرود می‌آورند) و جز بیرون روندگان (از دائره قانون فطرت و دشمنان حق و حقیقت) کسی بدان‌ها کفر نمی‌ورزد.

توضیحات:

«ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ»: آیه‌های واضح و روشن. «الْفَاسِقُونَ»: بیرون روندگان از ربقه شریعت. کافران (نگا: آل‌عمران / ۸۲ و ۱۱۰، مائده / ۴۷، توبه / ۶۷، نور / ۴ و ۵۵، احقاف / ۳۵، حشر / ۱۹).

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿أَوَ كُلَّمَا عَٰهَدُواْ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٌ مِّنْهُمۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴿١٠٠﴾﴾

ترجمه:

(ایشان همان‌گونه که در امر عقیده و ایمان متزلزل می‌باشند، در عهدهائی که می‌بندند نیز متزلزل هستند) مگر هر بار که عهدی (با خدا و پیغمبر و مسلمانان) بستند، جمعی از آنان آن را نشکستند و دور نیفکندند؟ (و با آن مخالفت نورزیدند)؟. این بدان سبب است که بیشتر آنان (به حرمت عهد و قداست پیمان) ایمان ندارند.

توضیحات:

«أَوَ»: حرف استفهام و برای تهدید است، و (وَ) حرف عطف است. در اینجا معطوفٌ علیه محذوف است و تقدیر چنین است: «أَكَفَرُوا بِالآياتِ الْبَيِّنَاتِ، وَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْداً». برخی واو عطف را زائد دانسته‌اند. «نَبَذَ»، دور افکند. بهم زد.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ نَبَذَ فَرِيقٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ كَأَنَّهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٠١﴾

ترجمه:

و هنگامی که فرستاده‌ای (محمّد نام) از جانب خدا به سراغ آنان آمد، گرچه (اوصافش با نشانه‌هائی که در کتاب‌هایشان بود و) با آنچه با خود داشتند، مطابقت داشت، جمعی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند (و اوصاف محمّد را از کتاب‌های خود زدودند. انگار در کتاب‌هایشان چیزی درباره او نیامده است و) گوئی آنان (چیزی از اوصاف چنین پیغمبری) نمی‌دانند.

توضیحات:

«رَسُولٌ»: فرستاده‌ای. پیغمبری. مراد محمّد (است و تنکیر (رسول) برای تعظیم است. «وَرَآءَ»: فراسو. پشت سر. «ظُهُورِ»: جمع ظَهْر، پشتها. «كَأَنَّهُمْ لا يَعْلَمُونَ»: گوئی که ایشان نمی‌دانند. صفت یا حال (فَرِيقٌ) است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ

ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢﴾

ترجمه:

و (گروهی از احبار یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگانشان درباره سلطنت سلیمان (به هم می‌بافتند و بر مردم) می‌خواندند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. (چه گمان می‌بردند که سلیمان پیغمبر نبوده و بلکه جادوگر بوده است و با نیروی سحر، پری‌ها و پرندگان و بادها را به زیر فرمان خویش در آورده است و لذا شاه جادوگر کافری بیش نبوده است). و حال آن که سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نورزیده است، و بلکه (این) شیاطین صفتان گناه‌پیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی، به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجا مانده) آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحرکردن را برای آشنائی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر این که پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (و آنچه به تو می‌آموزیم، به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن به دور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته‌هایشان سوء استفاده کردند). از ایشان چیزهائی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدائی می‌افکندند. (آری این شیطان صفتان گناه‌پیشه، کفر ورزیدند، چون این‌گونه یاوه‌گوئی‌ها و افسانه‌سرائی‌های گذشتگان را بهم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آن که با چنین جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر این که با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمتهائی را فرا می‌گرفتند که برای‌شان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدی‌شان سودی نمی‌رساند. و مسلّماً می‌دانستند هر کسی خریدار این‌گونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را

پیشه خویشتن ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند).

توضیحات:

«إِتَّبَعُوا»: پیروی کردند. گردن نهادند. «تَتْلُو»: می‌گفتند. خبر می‌دادند. به دنبال آن راه می‌افتادند. از آن پیروی می‌کردند. فعل (تَتْلُو) در رسم‌الخطّ قرآنی الفی به دنبال دارد. «الشَیَاطِینُ»: اهریمنان. مراد انسان‌های ناپاک است (نگا: بقره / ۱۴، انعام / ۱۱۲). «عَلي مُلْكِ سُلَیْمانَ»: درباره سلطنت سلیمان. «الْـمَلَكَیْنِ»: دو فرشته. «مِنْ أَحَدٍ»: به کسی. «فِتْنَةٌ»: آزمایش. «إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ»: ما وسیله امتحان و آزمایش هستیم. «الْـمَرْءِ»: مرد. «ضَآرِّینَ»: زیان‌رسانندگان. «إِشْتَرَیا»: خرید. پذیرفت و بدان عمل کرد. «خَلاقٍ»: بهره. نصیب. «بِئْسَ»: زشت است. «شَرَوْا»: فروختند.

سوره بقرۀ آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٣﴾

ترجمه:

و اگر آنان ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند (پروردگار پاداش نیکی بدانان می‌داد و چنین) پاداشتی که نزد خدا (محفوظ) است بهتر (از افسانه‌ها و بد نهادی‌ها) است، اگر (علم و دانشی می‌داشتند و) می‌دانستند.

توضیحات:

«مَثُوبَةٌ»: ثواب. اجر و پاداش.

سوره بقرۀ آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا وَٱسۡمَعُواْۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٠٤﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مراعات و توجّه بیشتر خود، برای حفظ و دریافت آیات قرآن می‌کنید) مگوئید: «رَاعِنَا»: (رعایتمان کن و ما را بپای! بلکه واژه‌های هم‌معنی دیگری را به کار برید تا یهودیان و مشرکان نتوانند از آن

سوءاستفاده کنند و در مفهوم زشت و دشنام‌آمیز به کارش ببرند) و بگوئید: «أُنظُرۡنَا» (بر ما نظر انداز، در ما نگر، رعایتمان کن. و خوب بدانچه پیغمبر بر شما فرو می‌خواند و می‌گوید) گوش فرا دهید و بشنوید و برای مشرکان (ریشخند کننده‌ای چون ایشان) عذاب دردناکی است.

توضیحات:

«رَاعِنَا»: ما را بپا. ما را مراعات کن. از ماده (رعی) به معنی رعایت ولی یهودیان آن را از ماده (رعن) به معنی رعونت، یعنی حماقت می‌گرفتند. «أُنظُرۡنَا»: ملاحظه ما کن. به حال ما بنگر. بر ما شتاب مکن. «إسۡمَعُوا» بشنوید. بپذیرید.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ١٠٥﴾

ترجمه:

کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از جانب خدایتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد، در حالی که خداوند (به خواست و آرزوی ایشان توجّهی نمی‌کند و) به هرکس که بخواهد رحمت خویش را اختصاص می‌دهد، و خدا دارای فضل سترگ و بخشش بزرگ است.

توضیحات:

«مَا يَوَدُّ»: دوست نمی‌دارد. «خَيۡرٍ»: آنچه در آن نفع و صلاح باشد. خوبی. «فَضۡل»: خیر.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٠٦﴾

ترجمه:

هر آیه‌ای را که رها سازیم (و به دست فراموشی سپاریم)، و یا این که (اثر معجزه‌ای را از آئینه دل مردمان بزدائیم و) فراموشش گردانیم، بهتر از آن یا همسان آن را می‌آوریم و جایگزینش می‌سازیم. مگر نمی‌دانی که خداوند بر هر چیزی توانا است؟

توضیحات:

«مَا نَنسَخْ»: آنچه را که زائل کنیم. آنچه را که باطل گردانیم. آنچه را که تغییر دهیم. واژه (مَا) شرطیه و محلّاً منصوب به (نَنسَخْ) است و (نَنسَخْ) مجزوم بدان است. «ءَايَةٍ »، هر معجزه‌ای از معجزات پیغمبران پیشین. آیه قرآنی. نشانه جهانی. شریعت. « نُنسِهَا»: از خاطر مردم آن را بزدائیم. از یاد دیگرانش می‌بریم. از مصدر (إنسَاء) است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضًاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ١٠﴾

ترجمه:

آیا نمی‌دانی که ملک و فرمانروائی آسمان‌ها و زمین از آن او است؟ (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در آیات و معجزات خود بدهد) و جز خدا سرپرست و یاوری برای شما نیست.

توضیحات:

«مُلْكُ»: مملکت. حکومت. «مِن دُونِ الله»: غیر از خدا. بجز خدا. «وَلِيٍّ»: سرور. سرپرست. یاور. «نَصِيرٍ»: مددکار. یاری‌دهنده. کمک‌کننده.

سوره بقرهٔ آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ١٠٨﴾

ترجمه:

شاید می‌خواهید از پیغمبر خود (همان تقاضاهای نامعقول و نابجا و معجزات معین و ناروائی را) درخواست کنید که پیش از این، (از جانب بنی‌اسرائیل برای آزمایش و عناد) از موسی خواسته می‌شد. (در پشت سر چنین درخواستی، بهانه‌جوئی و کفرگرائی نهفته است) و هر که ایمان را با کفر معاوضه کند، راه راست را گم کرده

است (و از صراط مستقیم خداشناسی منحرف گشته است).

توضیحات:

«أَمْ»: یا این که. بلکه.﴿يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾: کفر را بر ایمان ترجیح دهد و آن را به جای این برگیرد. «ضَلَّ»: عدول کرده است. گم کرده است. «سَوَآءَ»: راستا. وسط (نگا: مائده / ۱۲ و ۶۰ و ۷۷، قصص / ۲۲، ممتحنه / ۱). ﴿سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ﴾: مراد راه راست و بدون فراز و نشیب است. اضافه صفت به موصوف خود است.

سوره بقرۀ آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٠٩﴾

ترجمه:

بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با این که حقّانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده‌اید، از روی خود کتاب‌های آسمانی‌شان) برای‌شان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم‌پوشی کنید تا خدا فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید). بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«وَدَّ»: دوست داشت. آرزو کرد. «كُفَّاراً»: حال ضمیر مفعولی (كُمْ) در (يَرُدُّونَكُم) یا مفعول دوم است. «حَسَداً»: مفعولٌله است. «تَبَيَّنَ»: روشن گردید. «أُعْفُوا»: عفو کنید و عقوبت نکنید. «إصْفَحُوا»: ببخشید و سرزنش نکنید.

سوره بقرۀ آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٠﴾

ترجمه:

(پس بر شعائر دینیتان ماندگار باشید) و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و (بدانید) هر کار نیکی که پیشتر برای خود بفرستید، آن را در نزد خدا خواهید یافت (و پاداش آن را خواهید دید) و خدا به هرچه می‌کنید آگاه و بینا است.

توضیحات:

«أَقِيمُوا»: به جای آورید. به طور بایسته بخوانید. «ءَاتُوا»: بپردازید. «تَجِدُوهُ»: آن را خواهید یافت.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡۗ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ١١١﴾

ترجمه:

و گویند: جز کسی که یهودی یا مسیحی باشد هرگز (کس دیگری) به بهشت در نمی‌آید. این آرزو و دلخوشی‌های ایشان است (و جز مشتی یاوه و سخنان ناروا نمی‌باشد). بگو: اگر راست می‌گوئید دلیل خویش را بیاورید.

توضیحات:

«هُوداً»: جمع هائد به معنی توبه‌کننده، یهودیان. پیروان موسی. «نَصَارَيا»: جمع نصران و نصرانة، مسیحیان، پیروان عیسی. «أَمَانِيّ»: جمع أُمْنِية، آرزوها. آرزوهای نادرست و ناروا. «هَاتُوا»: حاضر کنید. بیاورید. اسم‌الفعل است. «بُرْهَانَ»: حجّت. دلیل.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ١١٢﴾

ترجمه:

آری! هرکس خالصانه روبه خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او در پیش خدایش محفوظ است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند گردید (و بهشت و سعادت اخروی در انحصار هیچ طائفه و نژاد خاصّی نیست).

توضیحات:

«بَلَیا»: آری، کار آن چنان نیست که ایشان می‌گویند، بلکه. «أَسْلَمَ»: خالص و یکرنگ شد. تسلیم کرد. «أَسْلَمَ وَجْهَهُ»: خویشتن را خالصانه تسلیم کرد. «وَجْه»: چهره. در اینجا به معنی خود و خویشتن است و تسمیه کلّ به اسم جزء می‌باشد. «مُحْسِنٌ»: نیکوکار.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١١٣﴾

ترجمه:

(جای شگفت است که آنان همان‌گونه که با اسلام دشمنی می‌ورزند، با یکدیگر نیز دشمنی دارند) و یهودیان می‌گویند: مسیحیان دارای حق و حقیقتی نبوده و بر چیزی بند نیستند، و مسیحیان نیز می‌گویند: یهودیان دارای حق و حقیقتی نبوده و بر چیزی بند نیستند. در حالی که هر دو دسته کتاب می‌خوانند (و به گمان خود به کتاب‌های آسمانی خویش استدلال می‌جویند!). و افراد نادان (مشرکی که از تورات و انجیل بی‌خبرند) نیز سخنی همانند سخن آنان را می‌گویند. پس خدا در روز قیامت میان‌شان درباره آنچه با یکدیگر اختلاف دارند، داوری خواهد کرد.

توضیحات:

«يَتْلُونَ»: می‌خوانند. ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ﴾: مراد بت‌پرستان و مشرکان عرب است. «يَحْكُمُ»: قضاوت و داوری می‌کند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١٤﴾

ترجمه:

(از جمله دشمنی ایشان نسبت به یکدیگر، و نسبت به مسلمانان این است که بعضی از قبیله‌ها معابد قبیله‌های دیگر را خراب نمودند و مسلمانان را از ورود به مسجدالحرام باز داشتند) و چه کسی ستمگرتر از کسانی است که نگذارند در مساجد و اماکن عبادت خدا، نام خدا برده شود، و در ویرانی آنها بکوشند؟ شایسته اینان نبود که چنین (گناه بزرگی را مرتکب شوند و این کارها را) بکنند، بلکه می‌بایست (حرمت معابد را نگهدارند و) جز خاشعانه وارد آنها نشوند. بهره آنان در دنیا زبونی و رسوائی، و در آخرت عذاب بزرگی است.

توضیحات:

«أَظْلَمُ»: ظالم‌تر، ستمکارتر. «مَنَعَ»: مانع شد. بازداشت. «مَسَاجِدَ»: معابد. پرستشگاه‌ها. «خَآئِفِينَ»: حال ضمیر (و) در فعل (يَدْخُلُوها) است. «خِزْيٌ»: خواری. رسوائی.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ١١٥﴾

ترجمه:

خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خدا است، پس به هر سو رو کنید، خدا آنجا است. بی‌گمان خدا گشایش‌گر است (و بر مردم تنگ نمی‌گیرد) و بسی دانا است (به قصد و نیت کسی که بدو روی می‌آورد).

توضیحات:

«أَيْنَمَا»: هرجا. «تُوَلُّوا»: رو کنید. «ثَمَّ»: آنجا. «وَجْه»: ذات (نگا: بقره / ۲۷۲، رعد / ۲۲، روم / ۳۸ و ۳۹). «وَاسِعٌ»: در برگیرنده. از اسماء خدا است و به معنی: دارای انعام و رحمت فراگیر، و آن که در قوانین خویش مردم را به تنگنا نمی‌اندازد.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ بَل لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ١١٦﴾

ترجمه:

و (یهودیان و مسیحیان و مشرکان هر سه) می‌گویند: خداوند فرزندی برای خویش

برگزیده است! – خدا برتر از این چیزها است – (که نیازمند زاد و ولد و نسل و فرزند باشد) بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است و همگان (بنده وی و) فروتن در برابر اویند.

توضیحات:

«سُبْحَانَهُ»: او پاک و منزّه است از چنین ناشایست‌ها و نارواها. واژه‌ای است برای تسبیح خدا و ذکر الله. «قَانِتُونَ»: خاشعان. مطیعان. فرمانبرداران گردن کج اراده خدا، و مُقِرّان به الوهیت الله.

سوره بقرۀ آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ١١٧﴾

ترجمه:

هستی بخش آسمان‌ها و زمین، او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! پس می‌شود.

توضیحات:

«بَدِيعُ»: کسی که چیزها را بدون مُدل و نمونه قبلی پدید می‌آورد. نوآفرین. این واژه فَعیل به معنی مُفْعِل است، و در معنی مُبْدِع به کار رفته است. «قَضَیا»: خواست. اراده‌اش بر آن تعلّق گرفت. «اَمْراً»: کار. «كُنْ»: باش. بشو. پدید آی. افعال (كُنْ) و (يَكُونُ) در اینجا تامّه‌اند.

سوره بقرۀ آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّثۡلَ قَوۡلِهِمۡۘ تَشَٰبَهَتۡ قُلُوبُهُمۡۗ قَدۡ بَيَّنَّا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ١١٨﴾

ترجمه:

آنان که نمی‌دانند (و از زمره مشرکانند) می‌گویند: چه می‌شود اگر خدا با ما سخن گوید، و یا این که معجزه‌ای (از معجزات پیشنهادی) برای ما بیاید (و آشکارا جلوه‌گر شود). کسانی که پیش از آنان نیز بودند همین سخنان ایشان را می‌گفتند. دل‌هایشان

با هم همانند است (و افکار و اندیشه آنان همسان است). ما آیه‌ها را برای حقیقت‌جویان آشکار و بیان کرده‌ایم.

توضیحات:

«لَوْ لا یُکَلِّمُنَا اللهُ»: چرا خدا با ما حرف نزند. «لَوْ لا»: چرا نه. حرفی است که بر طلب حصول ما بعد خود دلالت دارد. «ءَایَةٌ»: آیه قرآنی. معجزه پیشنهادی (نگا: إسراء / ۹۰ – ۹۳). «تَشَابَهَتْ». به هم مانده است. همگون همدیگر بوده است. «بَیَّنَّا»: بیان و روشن کرده‌ایم. با بینه و حجّت فرو فرستاده‌ایم. «یُوقِنُونَ»: جویای یقین هستند. دانش قاطعانه و باور صادقانه دارند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۖ وَلَا تُسۡـَٔلُ عَنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ ١١٩﴾

ترجمه:

ما تو را همراه با حقائق یقینی فرستادیم تا مژده‌رسان (مؤمنان) و بیم‌دهنده (کافران) باشی. و از تو درباره (عدم ایمان) دوزخیان پرسیده نمی‌شود (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: همراه با حق. مؤید با حق. مراد از (حق) قرآن یا اسلام است (نگا: نساء / ۱۷۰، بقره / ۱۹۰). «بَشِیراً»: مژده‌رسان. «نَذِیراً»: ترساننده. بیم‌دهنده. «الْجَحِیمِ»: آتش برافروخته و فروزان. اسمی از اسماء دوزخ است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٢٠﴾

ترجمه:

یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این که از آئین (تحریف شده و خواست‌های نادرست) ایشان پیروی کنی. بگو: تنها هدایت الهی هدایت است. و اگر از خواست‌ها و آرزوهای ایشان پیروی کنی، بعد از آن که علم و آگاهی یافته‌ای (و با دریافت وحی الهی، یقین و اطمینان به تو دست داده است)، هیچ سرپرست و یاوری از جانب خدا برای تو نخواهد بود (و خدا تو را کمک و یاری نخواهد کرد).

توضیحات:

«مِلَّة»: دین. «هُدَیا»: هدایت. رهنمود. ﴿مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ﴾: از سوی خدا برای تو نیست. «وَلِيٍّ»: یاور. مددکار. در اینجا هر چند مخاطب مفرد و شخص رسول است، ولی در اصل خطاب متوجّه امّت محمّدی در هر عصر و زمانی است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٢١﴾

ترجمه:

(دسته‌ای از) کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم و آن را از روی دقّت و چنانچه باید می‌خوانند (و تورات و انجیل را محقّقانه وارسی می‌نمایند و سره را از ناسره جدا می‌سازند) این چنین افرادی به قرآن ایمان می‌آورند، و کسانی که بدان ایمان نیاورند بی‌گمان ایشان زیانکارانند.

توضیحات:

«ءَاتَيْنَا»: داده‌ایم. فرستاده‌ایم. «الْكِتَابَ»: تورات. انجیل. قرآن. «حَقَّ»: به کاملترین وجه. چنان که باید. منصوب است چون به مصدر (تِلاوَةِ) اضافه شده و مفعول مطلق بشمار است. یا بدان علّت است که صفت مصدر محذوفی است. و یا این که حال ضمیر (و) در فعل (يَتْلُونَ) و به معنی مِحِقّین است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى

ٱلۡعَٰلَمِينَ﴿١٢٢﴾﴾

ترجمه:

ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم (بدان گاه که شما را از زیر ستم فرعون رهائی بخشیدم و او را در آب غرق نمودم، و ترنجبین و بلدرچین به شما دادم و پیغمبران زیادی را در میانتان برانگیختم و برای دوره‌ای از زمان، بزرگی بهره شما نمودم) و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم.

توضیحات:

«فَضَّلْتُكُمْ»: برتریتان بخشیدم. «الْعَالَـمِينَ»: جهانیان. مراد مردمان آن دوره از زمان است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ﴿١٢٣﴾﴾

ترجمه:

و از (عذاب) روزی خود را در امان دارید که از دست کسی برای کس دیگری چیزی ساخته نیست، و به جای کسی همانند و بلاگردانی پذیرفته نمی‌گردد، و شفاعت و میانجیگری بدو سودی نمی‌رساند، و کسی به یاری کسی بر نمی‌خیزد و یاوری نمی‌شوند.

توضیحات:

«لا تَجْزِي»: برآورده نمی‌کند. دفع نمی‌کند. ﴿لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا﴾: کسی از کسی چیزی را به دور نمی‌دارد. کسی به جای کسی چیزی را نمی‌پردازد. «عَدْلٌ»: همتا. فدیه. بلاگردان. «شَفَاعَةٌ»: میانجیگری.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ﴿١٢٤﴾﴾

ترجمه:

و (به خاطر آورید) آن گاه را که خدای ابراهیم، او را با سخنانی (مشتمل بر اوامر و نواهی و تکالیف و وظائف، و از راه‌های مختلف و با وسائل گوناگون) بیازمود و او (به خوبی از عهده آزمایش برآمد و) آنها را به تمام و کمال و به بهترین وجه انجام داد. (خداوند بدو) گفت: من تو را پیشوای مردم خواهم کرد. (ابراهیم) گفت: آیا از دودمان من (نیز کسانی را پیشوا و پیغمبر خواهی کرد؟ خداوند) گفت: (درخواست تو را پذیرفتم، ولی) پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (بلکه تنها فرزندان نیکوکار تو را در بر می‌گیرد).

توضیحات:

«إِبْتَلَیا»: آزمود. امتحان کرد. «کَلِمَـاتٍ»: تکالیف و اوامر. از آن جمله: ترک فرزند یگانه و دلبندش به همراه مادر در بیابان برهوت و خالی از سکنه حجاز، و فرمان دادن بدو به این که فرزند یگانه خود اسماعیل را قربانی کند (نگا: صافّات / ۱۰۲ - ۱۱۳). «أَتَـمَّهُنَّ»: آنها را به تمام و کمال انجام داد (نگا: نجم / ۳۷). «جَاعِلٌ»: سازنده.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ١٢٥﴾

ترجمه:

(و به یاد آورید) آن گاه را که خانه (کعبه) را پناهگاه و مأوای امن و امان مردم کردیم (و بدی‌شان دستور دادیم که برای تجدید همین خاطره بازسازی خانه کعبه بر دست پیغمبران) از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود برگیرید (و در جائی که ابراهیم برای ساختن کعبه بالای سنگی می‌ایستاد، بایستید و به نماز و نیایش بپردازید) و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم (و بر عهده ایشان گذاشتیم) که خانه ما را برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان (و ماندگاران در آن) و رکوع و سجده‌کنندگان (نمازگزار، از کثافات معنوی همانند شرک و بت‌پرستی، و پلشتی‌های حسّی همانند یاوه‌گوئی و گناه و ستیزه‌جوئی) پاک و پاکیزه کنید.

توضیحات:

«الْبَیْتَ»: خانه خدا. کعبه (نگا: مائده / ۹۷). «مَثَابَةً»: محلّ مراجعت و گردهمائی. جایگاه اجر و ثواب. «مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ»: سنگی که ابراهیم برای ساختن کعبه، بالای آن می‌ایستاد. می‌گویند که زیر مقام ابراهیم امروزی گذاشته شده است. مسجدی که پیرامون کعبه است. «مُصَلّیً»: جایگاه نماز. «عَهِدْنَا إِلَیا...». سفارش کردیم به. امر کردیم به. «طَهِّرَا»: پاک کنید از کثافت‌ها و وجود بت‌ها. «الطَّآئِفِینَ»: طواف‌کنندگان. «الْعَاکِفِینَ»: معتکفان. کسانی که در مسجد مدّتی برای عبادت می‌مانند. «الرُّکعِ»: جمع راکع. رکوع‌کنندگان. «الْسُّجُودِ»: جمع ساجد، سجده‌کنندگان. «الرُّکَّعِ السُّجُودِ»: مراد نمازگزاران است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ۝١٢٦﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که ابراهیم گفت: خدای من! این (سرزمین) را شهر پر امن و امانی گردان، و اهل آن را - کسانی که از ایشان به خدا و روز بازپسین ایمان آورده باشند - از میوه‌های (گوناگونی که در آن پرورده شود یا بدان آورده شود، و دیگر خیرات و برکات زمین) روزی‌شان رسان و بهره‌مندشان گردان. (خدا پاسخ داد و) گفت: (دعای تو را پذیرفتم، ولی در این عمر کوتاه دنیا، بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست) و کسی را که کفر ورزد، مدّت کوتاهی (از ثمرات و خیرات این جهان) بهره‌مند می‌گردانم و سپس او را (روز رستاخیز) به عذاب آتش (دوزخ گرفتار و) ناچار می‌سازم، و (سرانجام و سرنوشت این‌گونه افراد) چه بد سرانجام و سرنوشتی است!.

توضیحات:

«بَلَداً»: شهر. مراد مکه است. «ءَامِن»: محلّ امن و امان. «مَنْ»: بدل جزء از کلّ برای (اهل) است. «أُمَتِّعُ»: متمتّع می‌سازم. بهره‌ور می‌گردانم. «أَضْطَرُّهُ»: وادارش

می‌سازم. مجبورش می‌گردانم. «الْـمَصِيرُ»: منزل و مأوی. عاقبت. سرنوشت.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٢٧﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و در اثنای آن دست دعا به‌سوی خدا برداشته و می‌گفتند:) ای پروردگار ما! (این عمل را) از ما بپذیر، بی‌گمان تو شنوا و دانا (به گفتار و نیات ما) هستی.

توضیحات:

«يَرْفَعُ»: بالا می‌برد. بلند می‌کند. «الْقَوَاعِدَ»: جمع قاعدة، پایه‌ها. «تَقَبَّلْ»: بپذیر. «السَمِيعُ»: شنوا. «الْعَلِيمُ»: باخبر. آگاه.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾

ترجمه:

ای پروردگار ما! چنان کن که ما دو نفر مخلص و منقاد (فرمان) تو باشیم، و از فرزندان ما ملّت و جماعتی پدید آور که تسلیم (فرمان) تو باشند، و طرز عبادات خویش را (در کعبه و اطراف آن) به ما نشان بده و (اگر نسیان و لغزشی از ما سر زد) بر ما ببخشای (و در توبه را بر رویمان باز گذار)، بی‌گمان تو بس توبه‌پذیر و مهربانی.

توضیحات:

«مُسْلِمَيْنِ»: مثنّی (مُسْلِم) به معنی: مخلص. فرمانبردار. مطیع خدا و شریعتهای الله. «أُمَّةً»: ملّت. جماعت. «أَرِنَا»: به ما نشان بده. «مَنَاسِكَ»: آداب و رسوم عبادت، اعم از مراسم حجّ و غیره (نگا: مائده / ۴۸، حجّ / ۶۷). «التَّوَّابُ»: بس توبه‌پذیر.

سوره بقرهٔ آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٢٩﴾

ترجمه:

ای پروردگار ما! در میان آنان (که از دودمان ما و منقاد فرمان تویند) پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر ایشان فرو خواند و کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار شریعت و مقاصد آن) را بدی‌شان بیاموزد و آنان را (از شرک و اخلاق ناپسند) پاکیزه نماید، بی‌گمان تو عزیزی و حکیمی (و بر هر چیزی توانا و پیروزی، و هر کاری را که می‌کنی بنابر مصلحتی و برابر حکمتی است).

توضیحات:

«إِبْعَثْ»: برانگیز. بفرست. «يَتْلُو»: بخواند. در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی در آخر دارد. «ءَايَاتِ»: مراد آیه‌های قرآنی است. «الْكِتَابَ»: قرآن. خطّ و کتابت (نگا: آل‌عمران / ۴۸، جمعه / ۲). «الْحِكْمَةَ»: معرفت اسرار اشیاء. حکمت، بر هر نوع گفتار و کرداری اطلاق می‌شود که صواب بدان تحقّق پذیرد. انجام هر کاری در جای خود و نهادن هر چیزی به جای خود. اسرار احکام دینی و شناخت مقاصد شریعت. «يُزَكِّيهِمْ»: آنان را از معاصی و اخلاق نکوهیده پاک می‌دارد. «الْعَزِيزُ»: چیره شکست‌ناپذیر.

سوره بقرۀ آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٣٠﴾

ترجمه:

چه کسی از آئین ابراهیم رویگردان خواهد شد مگر آن (نادانی) که خود را خوار و کوچک داشته و (انسانیت و عقل خویش را به بازیچه گیرد و ناچیز دارد)؟ ما او را در این جهان برگزیدیم (و سمبل و رهبر دیگران کردیم) و او در جهان دیگر، از زمره شایستگان (مقرّب درگاه الهی) است.

توضیحات:

«يَرْغَبُ عَنْ...»: بیزار می‌شود. دوری می‌گزینند. «مِلَّةِ»: دین. آئین. «سَفِهَ»: سبک شمرد. خوار داشت. به بازیچه گرفت. «نَفْسَ»: خود. «إِصْطَفَيْنَا»: برگزیدیم. «إِصْطَفَيْنَاهُ»: او را برای پیغمبری برگزیدیم. «الصَّالِحِينَ»: شایستگان. بایستگان.

سوره بقرۀ آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسۡلِمۡۖ قَالَ أَسۡلَمۡتُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٣١﴾

ترجمه:

آن گاه که پروردگارش (همراه با نمودن نشانه‌ها و آیات کونی و نفسی) بدو گفت: (به یگانگی خدا اقرار کن و) اخلاص داشته باش. گفت: (اقرار کردم و سر بر آستان تو سائیدم و) خالصانه تسلیم پروردگار جهانیان گشتم.

توضیحات:

«اَسْلِمْ»: مطیع شو. مخلص شو.

سوره بقرۀ آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ١٣٢﴾

ترجمه:

و ابراهیم فرزندان خود را به این آئین سفارش کرد، و یعقوب (نوه او نیز چنین کرد. هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) ای فرزندان من! خداوند، آئین (توحیدی اسلام) را برای شما برگزیده است. (پس به ما قول بدهید که یک لحظه هم از آن دوری نکنید) و نمیرید جز این که مسلمان باشید.

توضیحات:

«وَصَّیا»: توصیه کرد. سفارش نمود. ارشاد کرد. «بِهـَا»: به آن. مرجع ضمیر (هَا) واژه (مِلّة) در آیه ۱۳۰ است. ﴿فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ﴾: مراد این است که همیشه دیندار و فرمانبردار خدا باشید، تا اگر مرگ شما را در ربود، مسلمان و مطیع

فرمان یزدان، جهان را بدرود گوئید.

سوره بقرهٔ آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٣﴾

ترجمه:

آیا (شما یهودیان و مسیحیان که محمّد را تکذیب می‌نمائید و ادّعاء دارید که بر آئین یعقوب هستید) هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید (تا آئینی را بشناسید که بر آن مرد؟). آن هنگامی که به فرزندان خود گفت: پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو، خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خداوند یگانه است و ما تسلیم (فرمان) او هستیم (و سر عبادت و بندگی بر آستانش می‌سائیم).

توضیحات:

«شُهَدَآءَ»: جمع شهید به معنی شاهد، حاضران. «إِبۡرَاهِيمَ»: بدل جزء از کلّ (ءَابَآءِ) است. «إِلـهاً وَاحِداً»: علّت نصب (إِلـهاً) دو چیز می‌تواند باشد: یکی این که بدل (إِلٰهَكَ) باشد، دوم این که حال آن بشمار آید.

سوره بقرهٔ آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٣٤﴾

ترجمه:

(به هر حال، جنگ و جدل درباره آنان چرا)؟! ایشان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به چنگ آوردند متعلّق به خودشان است، و آنچه شما فراچنگ آورده‌اید، از آن شما است، و درباره آنچه می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود (و هیچ کس مسؤول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند).

توضیحات:

«خَلَتۡ»: گذشته است. رفته است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٣٥﴾

ترجمه:

و (لیکن بر گفته خویش پافشاری می‌کنند و) می‌گویند: یهودی یا مسیحی بشوید تا (به راه راست) رهنمود شوید. بگو: (ابراهیم هرگز بر این آئین‌های تحریف شده نبوده و) بلکه (دین توحیدی داشته است، و ما پیروی از) دین راست و پاک ابراهیم می‌کنیم (که اسلام آن را دوباره زنده کرده است) و جزو مشرکان نبوده است.

توضیحات:

«مِلَّةَ»: مفعول فعل مقدّری است و آن چنین است: «بَلْ نَتَّبِعُ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ». «حَنِيفاً»: حقّگرا. دوری‌کننده از ضلالت و بطالت، و گراینده به‌سوی هدایت و حقیقت. راستگرا. منصوب است چون حال (اِبْرَاهِيمَ) است که می‌تواند به جای (مِلَّة) قرار گیرد. یا مفعول فعل (أَعْنِي) مقدّر است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٦﴾

ترجمه:

بگوئید: ایمان داریم به خدا و آنچه (به نام قرآن) بر ما نازل گشته، و آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، و اسباط (یعنی نوادگان یعقوب) نازل شده است، و به آنچه برای موسی و عیسی آمده است، و به آنچه برای (همه) پیغمبران از طرف پروردگارشان آمده است. میان هیچ یک از آنان جدائی نمی‌اندازیم (نه این که مثل یهودیان یا عیسویان، بعضیها را بپذیریم و بعضی‌ها را نپذیریم. بلکه همه پیغمبران را راهنمای بشریت در عصر خود می‌دانیم و کتاب‌هایشان را به طور اجمال می‌پذیریم) و ما تسلیم (فرمان) خدا هستیم.

توضیحات:

«أَسْبَاطِ»: جمع سِبط، نوادگان. قبائل. در اینجا مراد از اسباط، قبائل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل است که از نژاد یعقوب بودند (نگا: اعراف / ۱۶۰). ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ﴾: میان هیچ یک از آنان در این که پیغمبر بوده‌اند، فرقی نمی‌گذاریم. جمله، حال برای ضمیر (نَا) در فعل (ءَامَنَّا) است. « لَهُ »: مرجع ضمیر (ه) واژه (الله) است.

سوره بقرۀ آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣٧﴾

ترجمه:

اگر آنان ایمان بیاورند، همچنان که شما ایمان آورده‌اید، و بدان چیزهائی که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی‌گمان (به راه درست خدائی) رهنمود گشته‌اند، و اگر پشت کنند (و از حقیقت سرپیچی نمایند و دوباره به رسوم و آداب موروثی چنگ زنند) پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفته‌اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذیت و آزار و نیرنگ و دسیسه‌های) ایشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بینا است (و گفتار ایشان را می‌شنود و کردار آنان را می‌بیند).

توضیحات:

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ﴾: اگر ایمان بیاورند همان‌گونه که شما ایمان آورده‌اید. یعنی ایمان به خدا و کتاب‌های آسمانی و پیغمبران به طور کلّی که در آیه قبلی مذکور است. واژه (مَا) مصدری است، و مرجع ضمیر (هِ) در (بِهِ)، الله است.

«شِقَاقٍ»: جنگ و ستیز. مخالفت. جبهه‌گیری. «سَيَكْفِيكَ»: تو را بسنده خواهد بود.

سوره بقرۀ آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ١٣٨﴾

ترجمه:

(خداوند ما را با آئین توحیدی و ایمان راستین زینت داده است و) این رنگ و زینت

خدا است و چه کسی از خدا (می‌تواند) زیباتر بیاراید و بپیراید؟ و ما تنها او را می‌پرستیم.

توضیحات:

«صِبْغَةَ»: رنگ. هیئت. حالتی که چیز رنگ شده به خود می‌گیرد. «صِبْغَةَ الله»: دین خدا. شریعت خدا، که ایمان است. این واژه از قبیل مشاکله تقدیری است و اشاره به غسل تعمید مسیحیان دارد. یعنی فرو رفتن در آب یا پاشیدن آب بر سر و روی، مایه پاکی معنوی نمی‌گردد. بلکه آنچه وسیله تطهیر مؤمنان می‌شود دین خدا، یعنی صبغة الله است. واژه صبغة نخستین، مفعول فعل مقدّری است: «صَبَغَنَا اللهُ صِبْغَةً». یا به صورت اغراء: «إِلْزَمُوا صِبْغَةَ الله». یا بدل از (ملّةَ) در (مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ) است. صبغه دوم تمییز است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ وَلَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُخۡلِصُونَ ١٣٩﴾

ترجمه:

بگو: آیا درباره (دین) خدا با ما به مجادله می‌پردازید؟ (و گمان می‌برید که خدا پیغمبران را جز از میان شما بر نمی‌گزیند) و حال آن که او پروردگار ما و شما است (و رحمت خویش را به طور یکسان نصیب هر قومی که بخواهد می‌کند) و (نتیجه) کردار ما از آن ما، و (نتیجه) کردار شما از آن شما است (و هرکس در گرو اعمال خویش است و حسب و نسب باعث امتیاز نیست) و ما با اخلاص او را پرستش می‌کنیم.

توضیحات:

«تُحَآجُّونَنَا»: با ما مجادله می‌کنید. «أَتُحَآجُّونَنَا فِي الله»؟: آیا با ما درباره عملکرد خدا مجادله می‌نمائید؟

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿أَمۡ تَقُولُونَ إِنَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطَ كَانُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ ٱللَّهُۗ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٠﴾

ترجمه:

یا می‌گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا مسیحی بوده‌اند؟ (در صورتی که تورات و انجیل بعد از اینان نازل شده‌اند و یهودیت و مسیحیت پس از ایشان پیدا آمده‌اند)! بگو: آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ (چرا آنچه را که در این باره در کتاب‌های آسمانی‌تان آمده است پنهان می‌دارید)؟ و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که گواهی و شهادت الهی را که نزد او است پنهان دارد؟ و خدا از آنچه می‌کنید غافل و بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«أَمْ»: یا این که. «أَظْلَمُ»: ستمکارتر. «کَتَمَ»: پنهان کرد. «مِنَ اللهِ»: از سوی خدا. واصله از سوی خدا.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤١﴾

ترجمه:

(به هر حال) آنان قومی بودند که مردند و سر خود گرفتند. آنچه به چنگ آوردند متعلّق به خودشان است، و آنچه شما فراچنگ آورده‌اید از آن شما است، و درباره آنچه می‌کرده‌اند از شما پرسیده نمی‌شود (و هیچ کس مسؤول اعمال دیگری نیست و کسی را به گناه دیگری نمی‌گیرند).

توضیحات:

«خَلَتْ»: رفته است. سرخود گرفته است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٤٢﴾

ترجمه:

نابخردان مردم خواهند گفت: چه چیز ایشان را از قبله خود که بر آن بودند

برگرداند؟ بگو: خاور و باختر (و همه جهات دیگر) از آن خدا است. هر که را بخواهد به راه راست رهبری می‌نماید.

توضیحات:

«ٱلسُّفَهَآءُ»: جمع سفیه، کم‌خردان. نابخردان. «وَلاَّهُمْ»: روگردان کرد. منصرف ساخت.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٤٣﴾

ترجمه:

و بی‌گمان شما را ملّت میانه‌روی کرده‌ایم (نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می‌دارید و آمیزه‌ای از حیوان و فرشته‌اید) تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفریط مادیگرایانِ لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته، و بر افراط تارکانِ دنیا و ترک لذائذ جسمانی کرده، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید) و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانچه دسته‌های از شما راه او گیرد، و یا گروهی از شما از جاده سیرت و شریعت او بیرون رود، با آئین و کردار خویش بر ایشان حجّت و گواه باشد). و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای (و تا کنون به‌سوی آن نماز خوانده‌ای و هم اینک فرمان روکردن به جهت کعبه صادره شده است) قبله ننموده بودیم مگر این که بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌نماید و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد (و به عقب بر می‌گردد تا صف ثابت‌قدمان بر ایمان، و فرصت‌طلبان بی‌ایمان از هم روشن و جدا شود). و اگرچه (تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است بدان رو کند) بس بزرگ و دشوار است مگر بر کسانی که خدا ایشان را رهنمون کرده باشد (به احکام دین و راز قانونگذاری و بداند که هدف از روکردن به این سو یا آن سو اطاعت فرمان خدا است نه به خاطر تقدّس خود جهات) و خدا ایمان شما را (که انگیزه پیروی از پیغمبر است)

ضایع نمی‌گرداند (و اجر و پاداش عبادات قبلی شما را هدر نمی‌دهد، چه) بی‌گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است.

توضیحات:

«أُمَّةً وَسَطاً»: ملّت دادگر گزیده‌ای که راه تفریط و افراط نپوید. «وَسَطاً»: متّصف به فضائل. مرکز فضائل و حسنات. دادگر. مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن مساوی است. اطلاق حالّ بر محلّ است. «شُهَدَآءَ»: گواهان.﴿شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ﴾: گواهان بر مردم در روز رستاخیز. ﴿وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ﴾: پیغمبر بر شما گواه باشد در روز رستاخیز (نگا: نساء / ۴۱). «لِنَعْلَمَ»: تا روشن و معلوم گردانیم. خدا همیشه عالم و آگاه است و گذشته و حال و آینده در برابر علم او یکسان است. لذا مراد از واژه‌هائی چون (نَعْلَمَ) و (يَعْلَمُ اللهُ) و عباراتی از این قبیل، این است که علم غیبی خدا به علم عینی تبدیل شود و آنچه در پس پرده غیب نهان بود، برای مردم به صحنه ظهور برسد و عیان گردد (نگا: آل‌عمران / ۱۴۰، توبه / ۱۶). ﴿يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ﴾: بر پاشنه‌های خود می‌گردد. مرتدّ می‌شود و از دین برمی‌گردد. «عَقِب»: پاشنه. «إِنْ»: مخفّف از مثقّله است. «كَانَتْ»: اسم آن (هِيَ) است که مرجع آن (قِبْلَة) است. «كَبِيرَةً»: سنگین. دشوار.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ١٤٤﴾

ترجمه:

ما روگرداندن تو را گاهگاهی به‌سوی آسمان می‌بینیم (و پیام آرزوی قلبی تو را جهت نزول وحی در مورد تغییر قبله دریافت می‌داریم) پس تو را به‌سوی قبله‌ای متوجّه می‌سازیم که از آن خوشنود خواهی شد، و لذا رو به‌سوی مسجدالحرام کن، و (ای مؤمنان)! در هر جا که بودید روهای خویشتن را (به هنگام نماز) به جانب آن کنید. کسانی که کتاب بدی‌شان داده شده است (یعنی یهودیان و مسیحیان) نیک

می‌دانند که چنین گرایشی (به جانب مسجدالحرام) حق است و به فرمان پروردگارتان می‌باشد (ولی با وجود این از فتنه‌انگیزی دست بر نمی‌دارند) و خدا از آنچه می‌کنند بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«تَقَلُّبَ»: روی به این سو و آن سو گرداندن. چرخش. «وَجْهِ»: چهره. «نُوَلِّيَ»: می‌گردانیم. متوجّه می‌کنیم. «شَطْرَ»: سو. جانب. «حَيْثُ مَا»: هر کجا. «أَنَّهُ»: مرجع ضمیر (هُ)، تغییر قبله یا روکردن به کعبه است.

سوره بقرة آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿وَلَئِنْ أَتَيْتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٍ مَّا تَبِعُواْ قِبْلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبْلَتَهُمۡۚ وَمَا بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ١٤٥﴾

ترجمه:

و اگر هر نوع برهان و حجّتی برای آنان که کتاب بدی‌شان داده شده است (یعنی یهودیان و مسیحیان) بیاوری (و آن ادلّه و براهین را بر صدق تغییر قبله از بیت‌المقدّس به مسجدالحرام ارائه نمائی، تو را باور نمی‌دارند و) از قبله تو پیروی نمی‌نمایند، و تو (نیز که در پرتو وحی، قبله راستین ابراهیم را باز شناخته‌ای، دیگر) از قبله ایشان پیروی نخواهی کرد، و برخی از آنان هم از قبله برخی دیگر پیروی نمی‌نمایند (بلکه بر اثر تقلید کورکورانه، یهودیان به‌سوی مشرِق، و مسیحیان به جانب مغرب رو می‌کنند و آماده پذیرش دلیل و برهانی نیستند) و اگر از خواست‌ها و آرزوهای ایشان پیروی کنی (و برای سازش با آنان رو به قبله ایشان شوی) بعد از آن که علم و دانائی به تو دست داده است (و به حقیقت امر آشنا گشته‌ای) در این صورت تو بی‌گمان از زمره ستمکاران خواهی بود (و حاشا که چنین کنی. بلکه این اندرزی است برای مؤمنان که هرگز چنین نکنند، و کسی به خاطر کسی حق را رها نسازد و از باطل پیروی نکند).

توضیحات:

«ءَايَةٍ»: حجّت. دلیل. ﴿مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾ ، پس از آن که توسّط وحی

از باطل آگاهی یافته‌ای و حق برای تو روشن شده است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡۖ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنۡهُمۡ لَيَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤٦﴾

ترجمه:

آنان که بدی‌شان کتاب (آسمانی) داده‌ایم، او را (که محمّد نام و پیغمبر خاتم است، خوب) می‌شناسند، بدان گونه که پسران خود را می‌شناسند، و برخی از آنان بی‌گمان حق را (از جمله پیغمبری محمّد و قبلگی کعبه را) پنهان می‌دارند، در حالی که می‌دانند.

توضیحات:

«یَعرِفُونَهُ»: او را می‌شناسند. از او آگاهی دارند. مرجع ضمیر (هُ) پیغمبر (است (نگا: جاثیه / ۲۳). «فَرِیق»: فرقه. دسته. گروه. «وهُمْ یَعْلَمُونَ»: و حال آن که آنان می‌دانند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١٤٧﴾

ترجمه:

حق (همان است که) از جانب پروردگارت (برایت آمده است، نه آنچه یهودیان و مسیحیان می‌گویند) و جزو شک‌کنندگان مباش.

توضیحات:

«الْـمُمْتَرِینَ»: شک‌کنندگان. از مصدر (إمتراء) و از ماده (مری).

سوره بقرهٔ آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨﴾

ترجمه:

هر ملّتی را جهتی است (که به هنگام نماز) بدانجا رو می‌کند. (ابراهیم و اسماعیل رو به کعبه، و بنی‌اسرائیل رو به صخره بیت‌المقدّس، و مسیحیان روبه مشرِق

می‌کردند. لیکن سو و جهت همچون توحید و ایمان به رستاخیز و حساب و کتاب اخروی، از اصول و ارکان دین نیست. بلکه مانند تعداد رکعات نماز و مقدار واجب زکات، باید تسلیم وحی آسمانی بود). پس به‌سوی نیکیها بشتابید و در انواع خیرات بر یکدیگر سبقت بگیرید. هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد (و به حساب همگان رسیدگی می‌کند و بلاد و جهات در امر دین بی‌ارزش است. بلکه خیرات و نیکیها ارزشمند است). خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«وِجْهَةٌ»: جهت. سو. مکانی که بدان روی می‌شود. قبله. «هُوَ»: آن گروه نمازگزار. « مُوَلِّيهَا»: رو بدان جهت‌کننده. «إِسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»: در نیکی‌ها با هم مسابقه بدهید و بر همدیگر پیشی بگیرید.

سوره بقرۀ آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ١٤٩﴾

ترجمه:

از هر مکانی که بیرون شدی (و به هرجا که رسیدی، در سفر و حضر، و در هر زمان و مکانی، به هنگام) نماز رو به‌سوی مسجدالحرام کن و این روکردنت (از همه نقاط زمین به‌سوی مسجدالحرام) بی‌گمان حق (ثابت و موافق مصلحت) است و از جانب پروردگارت می‌باشد، و خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست (و پاداش پیروی مؤمنان از پیغمبر و جزای اعمال و اخلاص ایشان را خواهد داد).

توضیحات:

«مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ»: از هر جا که بیرون رفتی. هر جا که بودی و رفتی. هرگاه که بیرون رفتی. «إِنَّهُ»: این عمل روکردن به کعبه.

سوره بقرۀ آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ

وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٥٠﴾﴾

ترجمه:

و از هرجا که بیرون رفتی (و به هر جا که رسیدی، به هنگام نماز در همه نقاط جهان) رو به‌سوی مسجدالحرام کن، و (ای مؤمنان! چه در سفر و چه در حضر، در همه اقطار زمین، به هنگام نماز) هر جا که بودید، رو به‌سوی آن کنید، تا مردم بر شما حجّتی نداشته باشند (و اهل کتاب که از بررسی کتاب‌هایشان دریافته‌اند که پیغمبر برانگیخته از نسل اسماعیل بر قبله او، یعنی کعبه خواهد بود، با ترک قبله موقّت بیت‌المقدّس و رو به کعبه نمازگزاردنتان بدانند تو همان پیغمبر راستین و از نژاد اسماعیلی) مگر کسانی که از ایشان (با مشرکان هم‌صدا شده و منافقانه رفتار کنند و بر خود و دیگران) ستم نمایند (و مزوّرانه بگویند: تغییر قبله محمّد از بیت‌المقدّس به کعبه، به علّت گرایش به دین آباء و اجدادی خود و عشق به دیار و زادگاه خویش است). پس از آنان مترسید (و به فرمان خدا به هنگام نماز رو به کعبه کنید) و از من بترسید (که اگر مخالف وحی رفتار کنید جانب حق را رها ساخته‌اید و پادافره خود را خواهید دید. پس گوش به فرمان خدا باشید) تا نعمت خویش را بر شما تکمیل کنم (و با اعطاء قبله مستقلّی فوائد مادی و معنوی به شما بخشم، و شما نیز با شناخت قبله راستین همیشگی، آمادگی بیشتر برای دریافت حق را فراهم آرید) و شاید رهنمود شوید.

توضیحات:

﴿لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ﴾: تا این که مردم بر شما حجّتی نداشته باشند، مگر این که ستم و یاوه بگویند. این سخن بدان می‌ماند که به کسی بگوئی: تو حقی بر من نداری مگر این که ستم کنی و یاوه‌سرائی نمائی. «حُجَّةٌ»: دلیل. در اینجا مراد دلیل باطل است (نگا: شوری / ۱۶). «إِلاّ»: مگر. به معنی واو عطف یا لکن است و تقدیر چنین است: «وَلاَ الَّذِينَ ظَلَمُوا». یا این که: «لكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا».

سوره بقرة آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ

ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ﴿١٥١﴾

ترجمه:

و همچنین (برای تکمیل نعمت خود بر شما) پیغمبری را از خودتان در میانتان برانگیختم که آیات (قرآن) ما را بر شما فرو می‌خواند (و نشانه‌های وحدانیت و عظمت خدا را در گستره جهان به شما می‌نمایاند) و شما را پاکیزه می‌دارد (از رذائلی همچون زنده‌بگور کردن دختران و خونریزی‌ها و کشتن فرزندان از ترس فقر و فاقه و غیره. و با کاشتن نهال فضائل در اندرونتان، شما را سرور و سرمشق دیگران می‌سازد) و به شما کتاب (قرآن) و حکمت (اسرار و منافع احکام) را می‌آموزد (تا با حفظ نظم و لفظ قرآن و بهره‌مندی از نور آن، به زندگی خویش حیات و تحرّک بخشید و با استفاده از سنّت عملی و سیرت نبوی، به احکام شریعت آشنا گردید). و به شما (به همراه کتاب و حکمت) چیزی یاد می‌دهد که نمی‌توانستید آن را بیاموزید (چون وسیله آموزش آن، اندیشه و نگاه نیست، بلکه باید از راه وحی آموخته شود. همانند اخبار عالم غیب و اشارات علمی و بیان سرگذشت پیغمبران و احوال پیشینیان، که نه تنها برای اعراب بلکه برای اهل کتاب نیز مجهول بود).

توضیحات:

«کَمَا»: همان‌گونه که. مانند این انعام دیگرمان که رسولی از میان. «يَتْلُو»: فرو می‌خواند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «الْكِتَابَ»: مراد قرآن است. « الْحِكْمَةَ»: سنّت نبوی. شناخت اسرار شریعت.

سوره بقرهٔ آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ﴿١٥٢﴾﴾

ترجمه:

پس مرا یاد کنید (با طاعت و عبادت و دوری از معاصی، به دل و زبان و قلم و قدم، و سیر در آفاق و انفس، جهت کشف عظمت و قدرت من) تا من نیز شما را یاد کنم (با اعطاء ثواب و گشایش ابواب سعادت و خیرات و ادامه پیروزی و قدرت و نعمت) و از من سپاسگزاری کنید (و با گفتار و کردار، شکرگزار انعام و احسان من باشید) و از من ناسپاسی مکنید (و نعمت‌های مرا نادیده مگیرید).

توضیحات:

«لا تَکْفُرُونِ»: منکر نعمت‌های من بر خود با سپاسگزاری نکردن از آنها نشوید. یاء متکلّم برای تخفیف و تناسب فواصل حذف شده است.

سوره بقرة آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسْتَعِينُواْ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّـٰبِرِينَ ١٥٣﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بردباری و نماز (در برابر حوادث سخت زندگی) کمک بگیرید (و بدانید که) خدا با بردباران است (و یار و یاور ایشان است).

توضیحات:

«إِسْتَعِینُوا»: یاری جوئید.

سوره بقرة آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتُۢۚ بَلْ أَحْيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ١٥٤﴾

ترجمه:

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، ولیکن شما (چگونگی زندگی ایشان را) نمی‌فهمید.

توضیحات:

«أَمْوَاتٌ»: مردگان. «أَحْیَآءٌ»: زندگان. واژه‌های اموات و احیاء، خبر مبتدای محذوف بوده و تقدیر چنین است: «هُمْ أَمْوَاتٌ بَلْ هُمْ أَحْیَآءٌ». «لا تَشْعُرُونَ»: احساس نمی‌کنید. نمی‌فهمید. پی نمی‌برید.

سوره بقرة آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٖ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٖ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّـٰبِرِينَ ١٥٥﴾

ترجمه:

و قطعاً شما را با برخی از (امور همچون) ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و

کمبود میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم، و مژده بده به بردباران.

توضیحات:

«لَنَبْلُوَنَّكُمْ»: بی‌گمان شما را می‌آزمائیم. «الأَنفُسِ»: جان‌ها. کسان. اشخاص.

سوره بقرۀ آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ١٥٦﴾

ترجمه:

آن کسانی که هنگامی که بلائی بدانان می‌رسد، می‌گویند: ما از آنِ خدائیم و به‌سوی او بازمی‌گردیم.

توضیحات:

«أَصَابَتْهُمْ»: بدی‌شان رسید. بر سر آنان آمد. «إِنَّا»: این که ما. «رَاجِعُونَ»: بَرگشتگان. رجوع‌کنندگان.

سوره بقرۀ آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ١٥٧﴾

ترجمه:

آنان (همان بردباران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدای‌شان شامل حال آنان می‌گردد، و مسلّماً ایشان راه‌یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند.

توضیحات:

«صَلَوَاتٌ»: جمع صَلاة، عنایت. مغفرت. رأفت. «الْـمُهْتَدُونَ»: راه‌یافتگان.

سوره بقرۀ آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ١٥٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان (دو کوه) صفا و مروه (و هفت بار سعی میان آن دو) از نشانه‌های (دین)

خدا و عبادات الله هستند. پس هر که (می‌خواهد فریضه) حجّ بیت (الله‌الحرام) یا عمره را به جای آورد، بر او گناهی نخواهد بود که آن دو (کوه) را بارها طواف کند (و سعی میان صفا و مروه را به جای آورد). هر که به دلخواه کار نیکی را انجام دهد (و بیش از واجبات، به طاعت و عبادت پردازد، خدا پاداش او را می‌دهد، چه) بی‌گمان خدا سپاسگزار و آگاه (از اعمال و نیات عبادت‌کنندگان) است.

توضیحات:

«الصَّفَا»: اسم کوهی است. «الْـمَرْوَةَ»: اسم کوهی است. «شَعَآئِرِ»: جمع شَعیرَة، علامت‌ها. نشانه‌ها. در اینجا شعائر بر امکنه عبادت اطلاق شده است. «حَجَّ الْبَيْتَ»: قصد کعبه برای ادای مناسک در موسم حجّ کرد. «إعْتَمَرَ»: قصد عُمره کرد. «جُنَاح»: گناه. «يَطَّوَّفَ»: طواف کند. سعی کند. فعل مضارع باب تفعّل است و اصل آن (يَتَطَوَّفَ) می‌باشد. «تَطَوَّعَ»: آزادانه و راغبانه به عهده گرفت. «خَيراً»: کار نیکو. خوبی. اعم از حجّ و عمره و طواف و... «شَاكِرٌ»: سپاس‌گزار. این واژه بیان‌گر مبالغه احسان خدا در حق بندگان است و برای خدا معنی جزا دهنده طاعت و کردار شایسته را دارد.

سوره بقرهٔ آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ۝١٥٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده‌ایم، خدا و نفرین‌کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان)، ایشان را نفرین می‌کنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد).

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: دلائل روشن. آیات دالّ بر صدق خاتم‌الانبیاء. «الْـهُدَیا»: رهنمود. راهنمای به‌سوی حق و حقیقت. «الْكِتَابِ»: مراد می‌تواند تورات باشد (نگا: انعام / ۹۱)، یا جمیع کتاب‌های آسمانی، اعم از تورات و انجیل و قرآن. «اللاّعِنُونَ»:

نفرین‌کنندگان، و آنان عبارتند از مؤمنان و فرشتگان.

سوره بقرۀ آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَبَيَّنُواْ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيۡهِمۡ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ١٦٠﴾

ترجمه:

مگر کسانی که توبه کنند (از کتمان حق) و به اصلاح (حال خود و جبران مافات) بپردازند و (آنچه را که از اوصاف پیغمبر و اسلام و دیگر حقائق می‌دانستند و پنهان می‌کردند) آشکار سازند. چه توبه چنین کسانی را می‌پذیرم و من بسی توبه‌پذیر و مهربانم.

توضیحات:

«بَيَّنُوا»: روشن‌گری کردند. پنهان را آشکار نمودند. «أَتُوبُ عَلَيْهِمْ»: توبه ایشان را می‌پذیرم. با فضل و مغفرت خود به‌سویشان برمی‌گردم.

سوره بقرۀ آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٌ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةُ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ١٦١﴾

ترجمه:

کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند (و با استمرار کفر و بدون توبه و پشیمانی، از دنیا رفتند) نفرین خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود.

توضیحات:

«وَهُمْ كُفَّارٌ»: و حال آن که کافر باشند. «أَجْمَعِينَ»: جملگی. همگی. این واژه تأکید است و شامل کافران نیز می‌گردد، زیرا که در روز قیامت کافران هم یکدیگر را نفرین می‌کنند (نگا: عنکبوت / ۲۵، احزاب / ۶۸).

سوره بقرۀ آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ١٦٢﴾

ترجمه:

جاودانه در آن نفرین باقی می‌مانند (و همیشه در آتش دوزخ بسر می‌برند) و نه

عذاب آنان سبک می‌شود و نه مهلتی بدی‌شان داده می‌شود.

توضیحات:

«لا يُخَفَّفُ»: سبک نمی‌گردد. کاستی داده نمی‌شود. «وَلاهُمْ يُنظَرُونَ»: مهلت و فرصت بدی‌شان داده نمی‌شود.

سوره بقرهٔ آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ١٦٣﴾

ترجمه:

خداوند شما، خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدائی جز او که رحمان و رحیم است وجود ندارد.

توضیحات:

«إِلهٌ»: معبود. «وَاحِدٌ»: یکتا. یگانه.

سوره بقرهٔ آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ١٦٤﴾

ترجمه:

مسلّماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازی و کوتاهی و منافع بیشمار آنها) و کشتیهائی که به سود مردم در دریا در حرکتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غیره که از ساخته‌های پروردگارند در جریانند) و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده (که برابر قوانین منظّمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادها به جاهائی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح، به صورت برف و تگرگ و باران مجدّداً بر زمین فرو می‌ریزند) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابرهائی که در میان آسمان و زمین معلّق می‌باشند

(و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند)، بی‌گمان نشانه‌هائی (برای پی‌بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار) است برای مردمی که تعقّل ورزند.

توضیحات:

«خَلْقِ»: آفرینش. موجودات. «إِخْتِلافِ»: آمد و شد (نگا: فرقان / ۶۲). دگرگونی از لحاظ زیادت و نقصان و غیره. «الْفُلْكِ»: کشتی‌ها. این واژه برای مفرد و جمع به کار می‌رود (نگا: هود / ۳۷، یونس / ۲۲). «بِمَا»: به سود. به چیزی که سود می‌رساند. واژه (مَا) مصدریه یا موصول است. «مِنَ السَّمَآءِ»: از آسمان. مراد از آسمان، ابر آسمان است (نگا: نور / ۴۳، واقعه / ۶۹). «بَثَّ»: پخش کرد. زیاد کرد (نگا: نساء / ۱). «دَآبَّةٍ»: رونده. این واژه گاهی شامل انسان و غیرانسان است (نگا: هود / ۶ و ۵۶). و گاهی شامل جانداران بجز انسان و پرندگان (نگا: انعام / ۳۸). و زمانی شامل همه جانداران بجز انسان (نگا: عنکبوت / ۶۰). در اینجا شامل انسان و غیرانسان است. «تَصْرِيفِ»: وزاندن. از این سو بدان سو حرکت دادن. «الرِّيَاحِ»: بادها. «السَّحَاب»: ابر. «الْـمُسَخَّرِ»: فرمانبردار. مقهور.

سوره بقرۀ آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥﴾

ترجمه:

برخی از مردم هستند که غیر از خدا، خدا گونه‌هائی برمی‌گزینند و آنان را همچون خدا دوست می‌دارند، و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند). آنان که ستم می‌کنند اگر می‌شد عذابی را مشاهده نمایند که هنگام (رستاخیز) می‌بینند، (می‌فهمند که) قدرت و عظمت همه از آن خدا است و خدا دارای عذاب سختی است.

توضیحات:

«مِن دُونِ اللهِ»: غیر از خدا. به جای خدا. «أَندَاداً»: جمع نِدّ، همتاها. همگونها. انبازها. «يُحِبُّونَـهُـمْ»: دوست‌شان می‌دارند. جمله حالیه است برای ضمیر مستتر در فعل (يَتَّخِذُ) که به لفظ (مَنْ) برمی‌گردد. فعل (يَتَّخِذُ) با توجّه به لفظ (مَنْ) مفرد ذکر گشته است، و فعل (يُحِبُّونَهُمْ) با توجّه به معنی (مَنْ) جمع آورده شده است. ﴿وَلَوْ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ﴾: اگر کسانی که بر خویشتن ستم روا دیده‌اند می‌دیدند. اگر کسانی که بر خویشتن ستم روا دیده‌اند می‌دانستند. جواب (لَوْ) محذوف است که چنین است: «لَوَقَعُوا مِنَ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ فِيمَا لا يَكَادُ يُوصَفُ». «أَنَّ الْقُوَّةَ للهِ جَمِيعاً»: قدرت جملگی از آن خدا است. این جمله جانشین دو مفعول (یری) است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ ١٦٦﴾

ترجمه:

در آن هنگام که (رستاخیز فرا می‌رسد و پیروان سرگشته از رهبران گمراه‌کننده می‌خواهند که رستگارشان سازند و) رهبران از پیروان خود بیزاری می‌جویند (و نسبت به آنان اظهار ناشناسی و بیگانگی می‌کنند) و عذاب را مشاهده می‌نمایند، و روابط (و پیوندهای مودّت و محبّتی که در دنیا میان‌شان بود) گسیخته می‌گردد (و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود).

توضیحات:

«تَبَرَّأَ»: بیزاری نمود. «أُتُّبِعُوا»: پیروی شدند. «إِتَّبَعُوا»: پیروی کردند. «تَقَطَّعَتْ بِهِـمُ الأَسْبَابُ»: پیوندها و روابطشان گسیخت. «الأَسْبَابُ»: جمع سَبَب، وسائل نجات.

سوره بقرهٔ آیه ۱۶۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ١٦٧﴾

ترجمه:

و (در این موقع) پیروان می‌گویند: کاش بازگشتی (به دنیا) می‌داشتیم تا از آنان بیزاری جوئیم، همان‌گونه که آنان (امروزه) از ما بیزاری جستند (و ناآشنایمان نامیدند. آری) این چنین خداوند کردارهایشان را به گونه حسرت‌زا و اندوهباری نشان ایشان می‌دهد، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بیرون نخواهند آمد.

توضیحات:

«كَرَّةً»: برگشت. عودت و رجوع به دنیا (نگا: زمر / ۵۸). «كَذلِكَ»: این چنین. «يُرِيهِمْ»: بدی‌شان نشان می‌دهد. بدی‌شان حالی می‌کند. ضمیر (هِمْ) در (يُرِيهِمْ) مفعول اوّل، و واژه (أَعْمَالَ) مفعول دوم، و (حَسَراتٍ) مفعول سوم یا حال (هِمْ) می‌باشد. «حَسَرَاتٍ»: آه‌ها و ناله‌ها. افسوس‌ها.

سوره بقرۀ آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ۝١٦٨﴾

ترجمه:

ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

توضیحات:

«حَلالاً»: حال (ما) یا مفعول (كُلُوا) یا صفت مفعول محذوفی است که تقدیر آن چنین است: «كُلُوا شَيْئاً حَلالاً»: یا صفت مصدر محذوفی است و تقدیر آن چنین می‌شود: «كُلُوا أَكْلاً حَلالاً». «طَيِّباً»: پاکیزه، صفت (حَلالاً) است. «خُطُوَاتِ»: جمع خُطْوَةَ، گام‌ها. «مُبِين»: آشکار. آشکارکننده. از مصدر (إبانة) که به صورت لازم و متعدّی به کار می‌رود. یعنی: «ظَاهِرُ الْعَدَاوَةِ، یا: مُظْهِرُ الْعَدَاوَةِ».

سوره بقرۀ آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَأۡمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلۡفَحۡشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ۝١٦٩﴾

ترجمه:

او تنها شما را به‌سوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می‌دهد (و بدی‌ها را در نظرتان می‌آراید و شما را وا می‌دارد بر) این که آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید (و با پیروی از اوهام و خرافات نادانسته به دنبال معبودهای باطل روان شوید و حلال را حرام، و حرام را حلال بشمار آورید).

توضیحات:

«السُّوءِ»: بدی. هر گناهی که سرانجام ناپسندی داشته باشد. قبیح. «الْفَحْشَآءِ»: زشت‌ترین معاصی، مانند زنا و قتل. «مَا لا تَعْلَمُونَ»: آنچه را که نمی‌دانید. مفعول فعل (لا تَعْلَمُونَ) محذوف و تقدیر آن چنین است: «مَا لا تَعْلَمُونَ الإِذْنَ فِیهِ مِنَ اللهِ...».

سوره بقرهٔ آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ أَلۡفَيۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ١٧٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که به آنان گفته شود: از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید (و راه رحمان را پیش گیرید، نه راه شیطان را)، می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم (نه از چیز دیگری). آیا اگر پدرانشان چیزی (از عقائد و عبادات دین) را نفهمیده باشند و (به هدایت و ایمان) راه نبرده باشند (باز هم کورکورانه از ایشان تقلید و پیروی می‌کنند)؟.

توضیحات:

«أَلْفَيْنَا»: یافته‌ایم. دیده‌ایم. از ماده (لفي). «لا يَعْقِلُونَ»: نمی‌فهمند. درک نمی‌کنند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِي يَنۡعِقُ بِمَا لَا يَسۡمَعُ إِلَّا دُعَآءٗ وَنِدَآءٗۚ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ١٧١﴾

ترجمه:

مثل (دعوت‌کننده) کسانی که کفر ورزیده‌اند (و راه حقیقت و هدایت را ترک

گفته‌اند و کورکورانه به دنبال آباء و اجدادشان افتاده‌اند) همچون مثل کسی است که (چوپان گوسفندانی باشد و) آنها را صدا بزند، ولی آنها چیزی جز سر و صدا نشنوند (و بدون این که حقیقت و مفهوم گفتار او را درک کنند، با اشاره او بی‌اراده سر به زیر اندازند و به این طرف و آن طرف بروند. کافران نیز) کران و لالان و کورانند و لذا ایشان از روی خرد عمل نمی‌کنند و نمی‌فهمند.

توضیحات:

«مَثَلُ الَّذِينَ»: مضاف محذوف است و تقدیر چنین است: «مَثَلُ دَاعِي الَّذِينَ. مَثَلُ دُعَآءِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ دُعَاءِ الَّذِي يَنْعِقُ بِما لا يَسْمَعُ إِلاّ دُعَآءً وَ نِدَآءً». «يَنْعِقُ»: فریاد می‌زند. نهیب می‌زند. «مَا» آنچه. مراد چهارپایان، یا صدا و فریاد است. «يَنْعِقُ بِمَا»: بر چهارپایان نهیب می‌زند. «دُعَآءً»: بانگ‌زدن. فراخواندن. «نِدَآءً»: بانگ‌زدن. فراخواندن. مصدر باب مفاعله است. «صُمٌّ»: جمع أَصمّ، کران. «بُكْمٌ»: جمع أَبْکم، لالان. «عُمْيٌ»: جمع أَعْمی، کوران.

سوره بقرۀ آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ١٧٢﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای بخورید که روزی شما ساخته‌ایم، و سپاس خدای را بجا آورید، اگر او را پرستش می‌کنید.

توضیحات:

«طَيِّبَاتِ»: چیزهای پاک. مراد خوراکی‌های لذیذ یا رزق حلال است.

سوره بقرۀ آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ ٱللَّهِۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ١٧٣﴾

ترجمه:

(آنچه را که مشرکان و یهودیان و دیگران حرام می‌دانند، حرام نیست، بلکه خداوند) تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیرخدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته شده باشد (و به نام بتان و شبیه آنها سر بریده شود) بر شما حرام کرده است. ولی آن کس که مجبور شود (به خاطر حفظ جان از آن اشیاء حرام بخورد) در صورتی که علاقه‌مند (به خوردن و لذّت بردن از چنین چیزهائی نبوده) و متجاوز (از حدّ سدّجوع هم) نباشد، گناهی بر او نیست. بی‌گمان خداوند بخشنده و مهربان است.

توضیحات:

«الْـمَیْتَةَ»: مردار. «الدَّمَ»: خون. «لَحْمَ»: گوشت. «الْخِنزِیرِ»: خوک. ﴿مَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَیۡرِ ٱللَّهِۖ﴾: آنچه به نام چیزی جز خدا ذبح شود. از قبیل: به نام لات، به نام عزّی، به نام فلان. یعنی مقصود از ذبح آن حیوان تقرّب به غیر خدا باشد. «أُهِلَّ»: از مصدر (إهلال) به معنی صدا بلندکردن. «اُضْطُرَّ»: وادار گردید. مجبور شد. «بَاغٍ»: خواستار و علاقه‌مند. «عَادٍ»: متجاوز از اندازه ضرورت.﴿غَیۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ﴾: نه طالب و راغب آن باشد و نه از حد ضرورت تجاوز کند. واژه (غَیْرَ) حال ضمیر مستتر در فعل (أُضْطُرَّ) است. «إِثْمَ»: گناه.

سوره بقرۀ آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِینَ یَکۡتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡکِتَٰبِ وَیَشۡتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِیلًا أُوْلَٰٓئِکَ مَا یَأۡکُلُونَ فِی بُطُونِهِمۡ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا یُکَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ یَوۡمَ ٱلۡقِیَٰمَةِ وَلَا یُزَکِّیهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِیمٌ ١٧٤﴾

ترجمه:

کسانی که آنچه را خدا از کتاب (آسمانی) نازل کرده است، پنهان می‌دارند (یا دست به تأویل ناروا و تحریف می‌یازند) و آن را به بهای کم (و ناچیز دنیا) می‌فروشند، آنان جز آتش چیزی نمی‌خورند. (زیرا اموالی که از رهگذر کتمان آیات آسمانی و تحریف و تأویل نارواى حقائق رحمانی به دست می‌آید، سبب نزول آنان به آتش دوزخ خواهد شد) و روز رستاخیز خدا (از آنان روگردان بوده و) با ایشان سخن نمی‌گوید و آنان را (از کثافت گناهان با عفو و گذشت خویش) پاکیزه نمی‌دارد. و ایشان را عذاب

دردناکی است.

توضیحات:

«يَكْتُمُونَ»: پنهان می‌کنند. «يَشْتَرُونَ بِهِ»: می‌خورند بدان. فراچنگ می‌آورند بدان. مرجع ضمیر (هِ) واژه (الْكِتَاب) یا (مَا) یا عمل کتمان است. «بُطُون»: جمع بطن، شکمها. «لا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ»: خدا با ایشان سخن نمی‌گوید. مراد سخنی است که مایه سرور ایشان شود و بیان‌گر رحمت خدا باشد. والا خداوند با کافران و منافقان صحبت می‌فرماید (نگا: أنعام / ۲۲، یونس / ۲۸، حجر / ۹۲). «لا يُزَكِّيهِمْ»: آنان را از کثافات گناهان با مغفرت و گذشت خود پاکیزه نمی‌دارد.

سوره بقرۀ آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَـٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡعَذَابَ بِٱلۡمَغۡفِرَةِۚ فَمَآ أَصۡبَرَهُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ ١٧٥﴾

ترجمه:

آنان کسانی‌اند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آمرزش (مبادله و) خریداری کرده‌اند. چقدر در برابر آتش (دوزخ) بردبارند! (جای بسی شگفت است که شخص عاقل از موجبات عذاب خوشحال بوده و پیوسته در انجام زشتی‌ها که انسان را به دوزخ می‌کشانند، در تکاپو باشد).

توضیحات:

«مَآ أَصْبَرَهُمْ عَلَي النَّارِ»؟!: شگفتا، بر آتش چه شکیبایند؟!

سوره بقرۀ آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلۡكِتَـٰبَ بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِي ٱلۡكِتَـٰبِ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ١٧٦﴾

ترجمه:

آن (عذابی که برای‌شان مشخّص گشته است، به خاطر کفری است که نسبت به کتاب روا می‌دارند و در کتمان و تحریفش می‌کوشند) به سبب این که خدا کتاب

(آسمانی قرآن یا تورات) را توأم با حق فرو فرستاده (و اصلاً شائبه بطلان بدان راه ندارد و ایشان به دروغ در تکذیب آن می‌کوشند یا پنهانش می‌دارند) و به راستی کسانی که درباره کتاب (آسمانی) اختلاف می‌ورزند به دشمنانگی و دو دستگی دور (از صداقت و حقیقتی) دچارند.

توضیحات:

«ذَلِكَ»: آن. یعنی همه آنچه از خوردن آتش، و سخن نگفتن به رحمت، و تزکیه، و عذاب مترتّب بر کتمان گذشت... «شِقَاقٍ»: دشمنانگی. «بَعِيدٍ»: دور از حق.

سوره بقرهٔ آیه ۱۷۷

متن آیه:

﴿لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلْكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ١٧٧﴾

ترجمه:

این که (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرِق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود علاقه‌ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و (نیکی کردار کسانی است که) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند، و (به ویژه کسانی نیکند و شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می‌ورزند). اینان کسانی هستند که راست می‌گویند (در ادّعای ایمان راستین و پیجوئی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امتثال اوامر الهی) اینانند.

توضیحات:

«لَيۡسَ الۡبِرَّ...»: واژه (بِرَّ) خبر مقدم (لَيۡسَ) و (أَن تُوَلُّوا) اسم مؤخّر آن است. «الۡبِرَّ»: واژه‌ای است که در برگیرنده همه صفات نیک است. خیر فراوان. «قِبَلَ»: جهت. سو. «لکنَّ الۡبِرَّ»: واژه (بِرّ) اسم لکنَّ است و (بِرُّ) دوم محذوف، خبر آن است که تقدیر چنین می‌شود: لکنَّ الۡبِرَّ بِرُّ مَنۡ. برخی (بِرَّ) را اسم لکنَّ و (مَنۡ) را خبر آن گرفته‌اند. «الۡكِتَابِ»: جنس کتاب، یعنی همه کتاب‌های آسمانی مراد است (نگا: بقره / ۱۲۱). «عَلَىٰ حُبِّهِ»: با وجود دوست داشت خدا. با عشق به کارِ صدقه و احسان. مرجع ضمیر (ه) را خدا و مال و مصدر مفهوم از فعل، یعنی نفس عمل گرفته‌اند. «ذَوِي الۡقُرۡبَىٰ»: خویشاوندان. «الۡمَسَاكِينَ»: نیازمندانی که چیزی از کسی درخواست نمی‌کنند (نگا: بقره / ۲۷۳). «إِبۡنَ السَّبِيلِ»: مسافر نیازمند به سبب دوری از خانواده. «السَّآئِلِينَ»: گدایان. «فِي الرِّقَابِ»: در راه آزادکردن بندگان. در اینجا مراد از (رِقَاب) جمع رَقَبَة، به معنی گردن، خودِ اشخاص است. «الۡـمُوفُونَ»: وفاکنندگان. عطف بر (مَنۡ ءَامَنَ) است، یا خبر مبتدای محذوف است که تقدیر آن چنین است: «وَهُمُ الۡـمُوفُونَ». «عَاهَدُوا»: عهد بستند. «الۡصَّابِرِينَ»: شکیبایان. منصوب است به (أَخُصُّ) یا (أَمۡدَحُ). «الۡبَأۡسَآءِ»: بلا و مصیبت خارج از جسم شخص. از قبیل: تنگدستی، زیان مالی، مرگ فرزندان. «الۡضَّرَّآءِ»: بلا و مصیبت مربوط به جسم شخص. از قبیل: بیماری، رنجوری. «حِينَ»: زمان. وقت. «الۡبَأۡسِ»: جنگ. جهاد با دشمنان (نگا: احزاب / ۱۸).

سوره بقرهٔ آیه ۱۷۸

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِصَاصُ فِي ٱلۡقَتۡلَىۖ ٱلۡحُرُّ بِٱلۡحُرِّ وَٱلۡعَبۡدُ بِٱلۡعَبۡدِ وَٱلۡأُنثَىٰ بِٱلۡأُنثَىٰۚ فَمَنۡ عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ شَيۡءٞ فَٱتِّبَاعُۢ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيۡهِ بِإِحۡسَٰنٖۗ ذَٰلِكَ تَخۡفِيفٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَرَحۡمَةٞۗ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! درباره کشتگان، (قانون مساوات و دادگری) قصاص

بر شما فرض شده است (و باید در آن کسی را به گناه دیگری نگرفت، و بلکه): آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن است. پس اگر کسی (از جنایتش) از ناحیه برادر (دینی) خود، گذشتی شد (و یکی از صاحبان خون‌بها کشنده را بخشید، و یا حکم قصاص تبدیل به خون‌بها گردید، از سوی عفو کننده) باید نیک رفتاری شود و (سخت‌گیری و بدرفتاری نشود، و از سوی قاتل نیز به ولی مقتول) پرداخت (دیه) با نیکی انجام گیرد (و در آن کم و کاست و سهل‌انگاری نباشد). این (گذشت از قاتل و اکتفاء به دیه مناسب) تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان. پس اگر کسی بعد از آن (گذشت و خوشنودی از دیه) تجاوز کند (و از قاتل انتقام بگیرد) او را عذاب دردناکی خواهد بود.

توضیحات:

«كُتِبَ»: واجب شده است. «الْقَتْلَىا»: جمع قتیل، کشتگان. «الْحُرُّ»: آزاد. «الْعَبْدُ»: برده. «الأُنثَىا»: ماده. زن. «عُفِيَ»: بخشیده شد. «إِتِّبَاعٌ»: دنبال کردن. «إِعْتَدَىا»: تجاوز کرد. فراتر رفت.

سوره بقرۀ آیه ۱۷۹

متن آیه:

﴿وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٧٩﴾

ترجمه:

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است (بنابر مصلحت و حکمتی که در آن، و دقائق و نکاتی که در همه احکام است. این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوز و خونریزی بپرهیزید.) باشد که تقوا پیشه کنید.

توضیحات:

«حَيَاةٌ»: زندگی. تنکیر آن برای تنویع یا تعظیم است. «أُوْلِي الأَلْبَابِ»: افراد باشعور. خردمندان. «أُوْلِي»: صاحبان. دارندگان. مفرد آن (ذُو) است. «أَلْبَابِ»: جمع لُبّ، مغزها. خردها و عقل‌ها.

سوره بقرهٔ آیه ۱۸۰

متن آیه:

﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ إِن تَرَكَ خَيۡرًا ٱلۡوَصِيَّةُ لِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ۝١٨٠﴾

ترجمه:

هنگامی که یکی از شما را (امراض مخوف و اسباب و علل) مرگ فرا رسد، اگر دارائی فراوانی (با توجّه به عرف محلّ) از خود به جای گذاشت، (از سوی خدا قانون) وصیت بر شما واجب شده است (و باید) برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند. این حق (واجبی) است بر پرهیزکاران (مؤمن به کتاب خدا).

توضیحات:

«خَیْراً»: مایه سود و صلاح حال، که در اینجا مراد دارائی و مالی است که برابر عرف محلّ فراوان بشمار آید. «الْوَصِیَّةُ»: نائب فاعل (کُتِبَ) است. «الْوَالِدَیْنِ»: پدر و مادر، که از یک سوم دارائی می‌توان سهم بیشتری بدانان داد. یا مراد پدربزرگ و نیاها و مادربزرگ و ننه‌هائی است که کافرند، و یا به سبب وجود دیگران از سهم‌الإرث محروم می‌گردند. به این دسته نیز فقط از یک سوم دارائی داده می‌شود. «الأقْرَبِینَ»: خویشاوندان وارث یا غیروارث به شرحی که در (وَالِدَیْنِ) گذشت. «بِالْـمَعْرُوفِ»: به گونه متعارف میان مردم. دادگرانه. زیبا. «حَقّاً»: مفعول مطلق فعل (حَقَّ) است که محذوف است. یا صفت مصدر محذوفی است که تقدیر آن چنین است: «إیصَاءً حَقّاً».

سوره بقرهٔ آیه ۱۸۱

متن آیه:

﴿فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعۡدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثۡمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ۝١٨١﴾

ترجمه:

پس هر که (اعم از شاهد و وصی) آن را بعد از شنیدن تغییر دهد، تنها گناه آن بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می‌دهند (و وصیت کننده در پیشگاه خدا پاداش خود را می‌گیرد). خدا شنوا و دانا است (و گفتار همگان را می‌شنود و نیات همگان را

می‌داند).

توضیحات:

«بَدَّلَ»: تغییر داد. دگرگون کرد. «إِثْمَ»: گناه.

سوره بقرۀ آیه ۱۸۲

متن آیه:

﴿فَمَنۡ خَافَ مِن مُّوصٖ جَنَفًا أَوۡ إِثۡمٗا فَأَصۡلَحَ بَيۡنَهُمۡ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٨٢﴾

ترجمه:

کسی که از انحراف وصیت‌کننده (از جاده عدالت) یا از گناه او (به سبب ترک قانون شریعت) بترسد (و آن انحراف و گناه و نزاعی را که بدین علّت میان ورثه درگرفته است، تبدیل و تغییر دهد) و صلح و صفا را میان آنان (که وصیت برای‌شان شده یا وارثان مرده هستند) راه بیندازد، گناهی بر او نیست (و مشمول قانون تبدیل وصیت نمی‌باشد). بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است (و مغفرت خود را شامل او می‌سازد و پاداش نیکوکاریش را می‌دهد).

توضیحات:

«خَافَ»: ترسید. در اینجا مراد، اطّلاع پیدا کرد و دانست، می‌باشد. «مُوصٍ»: وصیت‌کننده. «جَنَفاً»: کناره‌گیری از حق، و عدول از روی خطا. «إِثْم«: گناه. کناره‌گیری از حق و عدول از عدل از روی عمد. «أَصْلَحَ بَيْنَهُمْ»: میان ورثه و آنان که وصیت برای‌شان شده است، صلح و صفا راه انداخت.

سوره بقرۀ آیه ۱۸۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه واجب شده است، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند واجب بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید.

توضیحات:

«الصِّيَامُ»: روزه.

سوره بقرهٔ آیه ۱۸۴

متن آیه:

﴿أَيَّامًا مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥۚ وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ١٨٤﴾

ترجمه:

(روزه در) چند روز معین و اندکی است، و کسانی که از شما بیمار یا مسافر باشند (اگر افطار کردند و روزه نگرفتند، به اندازه آن روزها) چند روز دیگری را روزه می‌دارند، و بر کسانی که توانائی انجام آن را ندارند (همچون پیران ضعیف و بیماران همیشگی و کارگرانی که سالیانه پیوسته به کارهای سختی، مانند استخراج زغال‌سنگ اشتغال دارند، و زندانیان محکوم به اعمال شاقه‌ای که پیوسته به کار سنگین وادار می‌گردند) لازم است کفّاره بدهند، و آن خوراک مسکینی است (از خوراک متوسّطی که به خانواده خود می‌خورانید و باید در برابر هر روزی یک خوراک متوسّط که بتواند به طور معتدل مسکینی را سیر کند بپردازید) و هر که کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیه بیفزاید، و یا علاوه از روزه فرض، روزه سنّت نیز بگیرد) برای او بهتر است. و روزه‌داشتن برای شما خوب است اگر (حقائق و نکات عبادات را) بدانید.

توضیحات:

«أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ»: روزهای اندک. روزهای معین. واژه (أَيَّاماً) منصوب است چون ظرف یا مفعول فعل محذوف (صُومُوا) است. واژه (مَعْدُودَاتٍ) صفت است. «عِدَّةٌ»: مبتدا است و خبر آن (عَلَيهِ) محذوف است. تقدیر آن چنین است: عَلَيهِ عِدَّةٌ... «أُخَرَ»: جمع أُخْرى، دیگر. «يطِيقُونَهُ»: با رنج و مشقّت می‌توانند آن را بگیرند. از قبیل پیران، زنان حامله و شیرده، کارگرانی که مجبور به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسایند. « فِدْيةٌ »: دادن یک وعده غذا از خوراک متوسّط خانواده خود به فقراء. این واژه مبتدا است و خبر آن (عَلَي الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ) می‌باشد. «طَعَامُ»: خوراک. بدل از (فِدْيَة) است.

«تَطَوَّعَ خَيْراً»: کار نیکو پیشه کرد. یعنی بر مقدار فدیه افزود، و یا بیش از یکی را طعام داد، و یا این که هم روزه گرفت و هم فدیه داد. ﴿وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾: اگر روزه بگیرید برای شما بهتر از دادن فدیه است. واژه (خَيْرٌ) خبر است و (أَن تَصُومُوا) محلاً مرفوع، مبتدا است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۸۵

متن آیه:

﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٨٥﴾

ترجمه:

(آن چند روز معین و اندک) ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است (و آغاز به نزول نموده است ودر مدّت ۲۳ سال تدریجاً به دست مردم رسیده است) تا مردم را راهنمائی کند و نشانه‌ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق و حقیقت) باشد و (میان حق و باطل در همه ادوار) جدائی افکند. پس هر که از شما (فرا رسیدن) این ماه را دریابد، (چه خودش هلال را رؤیت کند و چه با دیدن دیگران فرا رسیدن رمضان ثابت شود) باید که آن را روزه بدارد. و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد (می‌تواند از رخصت استفاده کند و روزه ندارد و) چندی از روزهای دیگر را (به اندازه آن روزها روزه بدارد). خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و (خداوند ماه رمضان و رخصت آن را برای شما روشن داشته است) تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید و خدا را بر این که شما را (به احکام دین که سعادتتان در آن است) هدایت کرده است، بزرگ دارید و تا این که (از همه نعمت‌های او) سپاس‌گزاری کنید.

توضیحات:

«شَهْرُ»: ماه. «هُديً»: هدایت بخش. راهنما. حال (الْقُرْءَانُ) و تقدیراً منصوب است. «بَيِّنَاتٍ»: دلائل واضح و روشن. «الْفُرْقَانِ»: جداسازنده حق از باطل. مصدر ثلاثی مجرّد است و در معنی اسم فاعل به کار رفته است. «شَهِدَ»: حاضر گردید.

بدان رسید. با توجّه بدین معنی، واژه (شَهْر) مفعولٌ‌فیه است. مشاهده کرد. دانست. در این صورت (شَهْر) مفعولٌ‌به است، و در اصل مضاف محذوف شده که تقدیر چنین است: «مَنْ رَأَیا مِنْكُمْ هِلالَ الشَّهْرِ ، مَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ هِلالَ الشَّهْرِ». «الْيُسْرَ»: آسودگی. آسانی. «الْعُسْرَ»: رنج. سختی. «لِتُكْمِلُوا»: تا این که تکمیل کنید. فعل مضارع منصوب است و عطف بر معطوفٌ‌علیه مقدّری است مثل (لِيُسَهِّلَ عَلَيْكُمْ) و تقدیر چنین است: «يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ لِيُسَهِّلَ عَلَيْكُمْ وَ لِتُكَمِّلُوا الْعِدَّةَ».

سوره بقرۀ آیه ۱۸۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَلْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ١٨٦﴾

ترجمه:

و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند (که من نزدیکم یا دور. بگو:) من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم). پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند).

توضیحات:

«دَعْوَةَ»: دعا. درخواست. «الدَّاعِ»: دعاکننده. درخواست کننده. «دَعَانِ»: مرا به یاری خواست. مرا به فریاد خواند. «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي»: اجابت مرا با دعا بخواهند. هنگامی که آنان را به‌سوی ایمان و اطاعت دعوت کردم، دعوت مرا بپذیرند. «يَرْشُدُونَ»: هدایت یابند. رهنمود شوند به مصالح دنیا و آخرت خود.

سوره بقرۀ آیه ۱۸۷

متن آیه:

﴿أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمْۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْۖ فَٱلْـَٰٔنَ بَٰشِرُوهُنَّ وَٱبْتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْۚ وَكُلُواْ وَٱشْرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ

مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ﴿١٨٧﴾﴾

ترجمه:

آمیزش و نزدیکی با همسرانتان در شب روزه‌داری حلال گردیده است. آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید (و دوری از آمیزش با یکدیگر برایتان بسی رنج‌آور است). خداوند می‌دانست که شما (از لذائذ نفسانی می‌کاستید و معتقد بودید که شب‌ها بعد از بخواب رفتن، همخوابگی با همسران حرام است و) بر خود خیانت می‌کردید. خداوند توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. پس هم‌اکنون (که با نصّ صریح، همخوابگی آزاد است) با آنان آمیزش کنید و چیزی را بخواهید که خدا برایتان لازم دانسته است (همچون بقای نسل و حفظ دین و آبرو و پاداش اخروی)، و بخورید و بیاشامید تا آن گاه که رشته بامداد از رشته سیاه (شب) برایتان از هم جدا و آشکار گردد. سپس روزه را تا شب ادامه دهید. (همخوابگی با همسران در تمام شب‌های روزه‌داری حلال است. لیکن) وقتی که در مساجد به (عبادت) اعتکاف مشغولید، با آنان همخوابگی نکنید. این (احکام روزه و اعتکاف) حدود و مرزهای الهی است و بدان‌ها نزدیک نشوید. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار شوند.

توضیحات:

«الرَّفَثُ»: جِماع. «بَاشِرُوهُنَّ»: با ایشان آمیزش و زناشوئی کنید. «إِبْتَغُوا»: بخواهید. بطلبید. «مَا كَتَبَ اللهُ»: چیزی که خدا مقرّر کرده است که زناشوئی است. «الْخَيْطُ الأَبْيَضُ»: رشته و تار سفید. مراد سپیده فجر است که در کنار سیاهی شب نمایان می‌شود. «الْفَجْرِ»: بامدادان. پگاه. «أَتِمُّوا»: به تمام و کمال اداء کنید. تکمیل کنید. «عَاكِفُونَ»: اعتکاف‌کنندگان. ماندگاران. «حُدُود»: جمع حدّ، مرزها. مراد احکام و قوانین خدا است.

سوره بقرۀ آیه ۱۸۸

متن آیه:

﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ

أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴿۱۸۸﴾

ترجمه:

و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید).

توضیحات:

«تُدْلُوا بِـهـَا»: پیشکش نکنید. به عنوان رشوه نپردازید. بر سر آن منازعه نکنید و کار آن را به پیش حاکمان بدسرشت نکشانید. این فعل عطف بر (تَأْكُلُوا) و بنابراین مجزوم است. یا منصوب به (أَنْ) مقدّر است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۸۹

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّۗ وَلَيۡسَ ٱلۡبِرُّ بِأَن تَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِنۡ أَبۡوَٰبِهَاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴿۱۸۹﴾

ترجمه:

درباره هلال‌های ماه از تو می‌پرسند (که چرا هر دم به شکلی پدیدار می‌شود؟). بگو: آنها شناسه‌های زمانی (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حجّ هستند. نیکوئی آن نیست که (همچون زمان جاهلیت، به هنگام حجّ یا برگشت از سفر) از پشت خانه‌ها به منازل درآئید، ولیکن نیکی کسی را است که تقوا پیشه کند، و از درهای خانه‌ها به منازل وارد شوید، و از (مخالفت با پروردگار و خشم) خدا بپرهیزید، باشد که رستگار گردید.

توضیحات:

«الأَهِلَّةِ»: جمع هلال، ماه نو. ماه کمانی شکل. «مَوَاقِيتُ»: جمع میقات، زمان‌سنج. واژه (میقات) اسم آلت و از ماده (وقت) است. یعنی آنچه بدان وقت شناخته می‌شود.

«ظُهُورِ»: جمع ظَهْر، پشت بام‌ها. «إتَّقَیا»: تقوا پیشه کرد. پرهیزگاری کرد. «أَبْوَابِ»: جمع باب، درها.

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۰

متن آیه:

﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ١٩٠﴾

ترجمه:

و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می‌جنگند. و تجاوز و تعدّی نکنید. (شما جنگ‌افروزی نکنید و بیگناهان و بی‌خبران و زنانی که نمی‌جنگند، و کودکان و پیرمردان و بیماران و امان‌خواهان را نکشید و خانه‌ها و کشتزارها را ویران نسازید). زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«قَاتِلُوا»: بجنگید. «لا تَعْتَدُوا»: از قانون شریعت تجاوز نکنید و زنان و پیران کهنسال و افراد بی‌طرف را نکشید. «الْـمُعْتَدینَ»: متجاوزین.

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۱

متن آیه:

﴿وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩١﴾

ترجمه:

و (چون جنگ درگرفت) هرجا آنان را (که آغازکنندگان جنگ بوده‌اند) دریافتید ایشان را بکشید، و آنان را (از مکه) که شما را از آنجا بیرون کرده‌اند بیرون سازید، و (از جنگ در حرم مکه نباید باک داشته باشید، زیرا ایشان با شکنجه و آزار و انواع فتنه و فساد می‌خواستند شما را از دینتان برگردانند که مایه خوشبختی دو جهان شما است و) فتنه از کشتن بدتر است. و (لیکن احترام مسجدالحرام به جای خود باقی است و) با آنان در کنار مسجدالحرام کارزار نکنید، مگر آن گاه که ایشان در آنجا با شما بستیزند (و حرمت مسجدالحرام را محفوظ ندارند). پس اگر با شما جنگیدند ایشان را بکشید. سزای (آن گونه) کافران چنین است.

توضیحات:

«حَيْثُ»: هرجا. جائی که. «ثَقِفْتُمُوهُمْ»: ایشان را دریافتید. بر آنان چیره شدید. «الْفِتْنَةُ»: کفر و شرک. برگرداندن از دین (نگا: بقره / ۲۱۷). ﴿كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: این حکم، همه کافران را در بر می‌گیرد و سزای همه آنان است.

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۲

متن آیه:

﴿فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٢﴾

ترجمه:

و اگر دست کشیدند (از کفر، و اسلام را پذیرفتند، خداوند گناهانشان را به آب توبه می‌شوید و بی‌دینی گذشته ایشان را نادیده می‌گیرد) چه بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«انتَهَوْا»: دست کشیدند. پایان دادند.

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۳

متن آیه:

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩٣﴾

ترجمه:

و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین (خالصانه) از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بدارید. زیرا حمله بردن و) تجاوز کردن جز بر ستمکاران (به خویشتن به سبب کفر و شرک، روا) نیست.

توضیحات:

«فِتْنَةٌ»: کفر و شرک. «عُدْوَان»: تعدّی و تجاوز. ﴿فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ﴾:

این جمله، علّت جزاء محذوف است و در جای آن قرار گرفته است، و تقدیر چنین است: «فَإِنِ انتَهَوْا وَ أَسْلَمُوا فَلا تَعْتَدُوا عَلَيْهِمْ ، لِأَنَّ الْعُدْوَانَ عَلَي الظَّالِـمِينَ ، وَالـْمُنتَهُونَ لَيْسُوا بِالظَّالِـمِينَ...».

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۴

متن آیه:

﴿ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٩٤﴾

ترجمه:

ماه حرام در برابر ماه حرام است (و اگر دشمنان احترام آن را نگاه نداشتند، و در آن با شما جنگ کردند، شما حق دفاع و مقابله با آنان را دارید و باکی نیست) و (حرمت‌شکنی‌های) مقدّسات دارای قصاص است، (و تجاوزکاری‌های نادرست، پاداش به مثل دارد. به طور کلّی) هر که راه تعدّی و تجاوز بر شما را در پیش گرفت، بر او همانند آن، تعدّی و تجاوز کنید (چه آغازکردن تعدّی و تجاوز ممنوع است، لیکن در برابر آن دفاع از خویشتن و مبارزه برای اخذ قصاص آزاد است)، و از خشم خدا بپرهیزید و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.

توضیحات:

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ»: ماه حرام. ماه‌های حرام چهارتا و عبارتند از: ذوالقعده، ذوالحجّه، محرّم، رجب. علّت تسمیه آنها به واژه حرام، از این بابت است که خداوند جنگ در آنها را حرام فرموده است (نگا: توبه / ۳۶). «الْحُرُمَاتُ»: جمع حُرْمَت، چیزهائی که حفظ و صیانت آنها لازم است. از قبیل: ناموس و شخصیت و دارائی. مقدّسات. «فَمَنِ اعْتَدَيا عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ...»: در اینجا دفع تجاوز دیگران از باب مشاکله، تجاوز نامیده شده است (نگا: توبه / ۶۷، شوری / ۹ و ۴۰).

سوره بقرهٔ آیه ۱۹۵

متن آیه:

﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٩٥﴾

ترجمه:

و در راه خدا انفاق (و بذل مال) کنید و (با ترک انفاق)، خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید (در کشتن و یاری ستمدیده و جنگ و...) همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«أَنفِقُوا»: ببخشید. بذل و بخشش کنید. صرف مال کنید. «لا تُلْقُوا»: میندازید. میفکنید. «أَيْدِي»: جمع ید، دست‌ها. نفس‌ها. ﴿لَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾: با دست خود، خویشتن را به هلاکت میندازید. خود را به هلاکت میندازید. حرف (بِ) می‌تواند زائد، یا غیرزائد بشمار آید. «التَّهْلُكَةِ»: هلاک و نابودی. هر چیزی که منتهی به مرگ شود. «أَحْسِنُوا»: نیک رفتار کنید، در شیوه عبادت و معامله با اسیران و یاری مستمندان و غیره، نیکوکاری کنید.

سوره بقرۀ آیه ۱۹۶

متن آیه:

﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ١٩٦﴾

ترجمه:

و حجّ و عمره را به تمام و کمال خالصانه برای خدا انجام دهید (و مراسم و مناسک ظاهری را به پایان برید و هدفتان جز رضای خدا نباشد) و اگر (از برگزاری بعضی از مناسک، به وسیله دشمن یا بیماری و غیره) بازداشته شدید (و خواستید از احرام به در آئید، بر شما است که) هر آنچه از قربانی فراهم شود (همچون شتر و گاو و گوسفند، ذبح کنید و آن گاه از احرام به در آئید) و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به قربانگاه

خود برسد (همان جائی که حاجی در آن از انجام مراسم حجّ بازمانده، و یا کعبه است)، و اگر کسی از شما بیمار شد، یا ناراحتی در سر داشت (به سبب زخمی بودن یا سردرد و یا بیماریهای دیگر، و محتاج شد موی سر را بتراشد، باید که) فدیه بدهد، از قبیل (سه روز) روزه یا صدقه (که دادن خوراک یک‌روزه شش نفر ندار است) و یا گوسفندی (که باید ذبح و میان فقراء تقسیم شود). و وقتی که (از دشمن یا بیماری) در امان بودید (و به حجّ و عمره رفتید و نخست) کسی از عمره بهره‌مند گردد سپس حجّ را آغاز کند، آنچه از قربانی میسّر شد (ذبح می‌کند و به فقرای آنجا می‌دهد). و کسی که (قربانی یا بهای قربانی را) نیابد، سه روز در (ایام) حجّ، و هفت روز هنگامی که بازگشت (به خانه و کاشانه خود، باید روزه بگیرد). این ده روز کاملی است (که نباید از آنها غفلت شود) این (بهره‌مندی و آغاز از عمره، یا قربانی و یا روزه‌داری) از آن کسی است که خانواده او اهل مسجدالحرام (یعنی ساکنان مکه و دوروبر آن) نباشد. (تقوا داشته باشید) و از خدا بترسید و بدانید که خدا دارای کیفر سختی است.

توضیحات:

«أَتِمـوُّا»: به تمام و کمال انجام دهید. «أُحْصِرْتُمْ»: محاصره شدید. بازداشته شدید. «إسْتَيْسَرَ»: ممکن شد. دست داد. «الْـهَدْيِ»: چهارپایانی که برای قربانی در موسم حجّ به مکه گسیل می‌گردند. «لا تَحْلِقُوا»: نتراشید. «مَحِلَّ»: مکانی که در آن ذبح حیوان قربانی مشروع گردیده است. «صَدَقَةٍ»: طعام دادن. اطعام شش نفر از فقراء. «نُسُكٍ»: حیوانی که ذبح می‌شود، و اقلّ آن گوسفندی است.

سوره بقرۀ آیه ۱۹۷

متن آیه:

﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ۝١٩٧﴾

ترجمه:

حجّ در ماه‌های معینی انجام می‌پذیرد (که عبارتند از: شوّال و ذوالقعده و ذوالحجّه). پس کسی که (در این ماه‌ها با احرام یا تلبیه یا سوق دادن حیوان قربانی و

شروع مناسک دیگر حجّ)، حجّ را بر خویشتن واجب کرده باشد (و حجّ را آغاز نموده باشد، باید آداب آن را مراعات دارد و توجّه داشته باشد که) در حجّ آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدالی نیست (و نباید مرتکب چنین اعمالی شود). و هر کار نیکی که می‌کنید خداوند از آن آگاه است. و توشه برگیرید (هم برای سفر حجّ و هم برای سرای دیگرتان و بدانید) که بهترین توشه پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از (خشم و کیفر) من بپرهیزید.

توضیحات:

﴿مَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ﴾: کسی که با آغازکردن اعمال حجّ، حجّ را بر خود واجب کرد. «رَفَثَ»: جماع. «فُسُوقَ»: سرکشی و نافرمانی. گناه و معصیت. «جِدَالَ»: مشاجره. ستیزه. «أُوْلِي الأَلْبَابِ»: خردمندان.

سوره بقرۀ آیه ۱۹۸

متن آیه:

﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ١٩٨﴾

ترجمه:

گناهی بر شما نیست این که از فضل پروردگار خود برخوردار شوید (و در ایام حجّ به کسب و تجارت بپردازید). و هنگامی که از عرفات (به‌سوی مزدلفه) روان شدید، خدا را (با تهلیل و تکبیر و تلبیه) در نزد مشعرالحرام یاد کنید، و همان‌گونه که شما را رهنمون کرده است خدای را یاد کنید (و با تضرّع و زاری و بیم و امید و این که گوئی که او را می‌بینید به ذکرش بپردازید) اگرچه پیش از آن جزو گمراهان بوده باشید.

توضیحات:

«جُنَاحٌ»: گناه. «اَن تَبْتَغُوا»: این که جویای سود از راه معامله و تجارت گردید، مادام که هدف اصلی حجّ باشد. «أَفَضْتُمْ»: برجوشیدید و چست و چابک سرازیر شدید. « عَرَفَاتٍ»: عرفات مکانی است که روز عرفه، یعنی نهم ذی‌الحجّه، حاجیان در آن لبّیک‌گویان و ادعیه‌خوانان می‌مانند و نماز ظهر و عصر را در آنجا می‌گزارند و بعد از

آن رهسپار مزدلفه می‌گردند. «الْـمَشْعَرِ الْحَرَامِ»: کوهی است در مزدلفه میان عرفات و مِنیا. «کَمَا هَدَاکُمْ»: همان‌گونه که رهنمودتان کرده است.

سوره بقرۀ آیه ۱۹۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٩﴾

ترجمه:

سپس از همان جا که مردم روان می‌شوند (و از مکان واحدی به نام عرفات به‌سوی سرزمین مِنیا می‌کوچند) روان شوید، و از خداوند آمرزش (گناهان و کجروی‌های پیشین خود را) بخواهید (و بدانید که) بی‌گمان خداوند آمرزنده و مهربان است (و توبه و بازگشت بندگان مخلص را می‌پذیرد).

توضیحات:

«اَفِیضُوا»: روان شوید. «مِنْ حَیْثُ»: از همان جائی که.

سوره بقرۀ آیه ۲۰۰

متن آیه:

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ ٢٠٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که مناسک (حجّ) خود را انجام دادید (و مراسم آن را به پایان بردید و پراکنده شدید) همان‌گونه که پدران خویش را یاد می‌کنید (و به افتخارات نیاکان مباهات می‌نمائید) خدا را یاد کنید و بلکه بیشتر از آن، (زیرا بزرگی و عظمت در پرتو ارتباط با خدا است. مردمان دو گروهند:) کسانی هستند که می‌گویند: خداوندا! به ما در دنیا (نیکی رسان و سعادت و نعمت) عطاء کن. (و لذا) چنین کسانی در آخرت بهره‌ای (از سعادت و نعمت و رضایت الهی) ندارند.

توضیحات:

«قَضَیْتُمْ»: به جای آوردید و به تمام و کمال به پایان بردید. «مَنَاسِكَ»: عبادات مختصّ حجّ. اعمال حجّ. «کَذِکْرِکُمْ ءَابَآءَکُمْ»: همان‌گونه که پدران خود را یاد می‌کردید. گویند عرب‌ها بعد از انجام اعمال حجّ و اتمام مراسم آن، در مِنیا گِرد

می‌آمدند و مفاخر آباء و محاسن اجدادشان را یاد می‌کردند و می‌ستودند. «خَلاقٍ»: بهره و نصیبی از نعمت.

سوره بقرۀ آیه ۲۰۱

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾

ترجمه:

و برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطاء فرما (و سرای آجل و عاجل ما را خوش و خرّم گردان) و ما را از عذاب آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار.

توضیحات:

«قِنَا»: ما را به دور دار. از ماده (وقي).

سوره بقرۀ آیه ۲۰۲

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٢٠٢﴾

ترجمه:

اینان (که جویای سعادت دنیا و آخرتند و در پی خوشبختی هر دو سرایند) از دسترنج خود بهره‌مند خواهند شد (و برابر کوششی که برای دنیا می‌ورزند و تکاپوئی که در راه آخرت از خود نشان می‌دهند، در هر دو جهان از کرده خود سود می‌برند و سعادت دارین نصیب‌شان خواهد گردید)، و خدا سریع‌الحساب است (و به اعمال همگان آشنا است و هر چه زودتر پاداش و پادافره بندگان را خواهد داد).

توضیحات:

«أُوْلئِكَ»: اشاره به هر دو گروه، یا اشاره به گروه دوم است.

سوره بقرۀ آیه ۲۰۳

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوۡمَيۡنِ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۖ لِمَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٠٣﴾

ترجمه:

و در روزهای مشخّصی (که سه روز ایام التشریق، یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی‌الحجّه است و حاجیان در مِنیا بسر می‌برند) خدا را یاد کنید (و با اذکار و ادعیه به عبادت و پرستش او بپردازید). و اگر کسی (عبادت سه روزه را در دو روز اوّل ایام التشریق انجام دهد و) شتاب نماید، گناهی بر او نیست (و مانعی نخواهد بود که روز سوم برای رمی جمرات نباشد)، و کسی که ماندگار شود و (از رخصت استفاده نکند، بهتر هم خواهد بود و) گناهی نخواهد داشت، (و این رخصت تعجیل یا تأخیر و نفی گناه از شتابنده و ماندگار، تنها) از آنِ کسی است که تقوا پیشه سازد (و از منهیات و محرّمات خویشتن را به دور دارد). از (خشم و انتقام) خدا بپرهیزید و بدانید که در پیشگاه او جمع خواهید شد (و به اعمال و اقوالتان رسیدگی خواهد گردید و پاداش نیکان و پادافره بدان داده خواهد شد).

توضیحات:

«أُذْكُرُوا اللهَ»: مقصود از ذکر، تکبیر و تهلیل و تحمید و تسبیح است که پس از نماز، و هنگام رمی جمرات، و در وقت ذبح قربانی گفته می‌شود. «أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ»: روزهای معلوم و مشخّص، که سه روز بعد از عید قربان است و ایام التشریق نام دارد و حاجیان در مِنیا بدین هنگام به رمی جمرات مشغول می‌گردند. «فَمَن تَعَجَّلَ»: اگر رمی جمرات در دو روز اوّل یا در خود سه روز انجام شود، بلامانع است. «تُحْشَرُونَ»: جمع آورده می‌شوید (نگا: آل‌عمران / ۱۲ و ۱۵۸، انعام / ۳۸).

سوره بقرهٔ آیه ۲۰۴

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ٢٠٤﴾

ترجمه:

در میان مردم کسی یافته می‌شود که سخن او در (باره امور و اسباب معاش) زندگی دنیا، تو را به شگفت می‌اندازد (و فصاحت و حلاوت کلام او، مایه اعجاب تو می‌شود) و خدا را بر آنچه در دل خود دارد گواه می‌گیرد (و ادّعاء دارد که آنچه

می‌گوید، موافق با چیزی است که در درون پنهان می‌دارد، و گفتار و کردارش یکی است). و حال آن که او سرسخت‌ترین دشمنان است.

توضیحات:

«يُعْجِبُكَ»: تو را به شگفت می‌آورد. توجّه تو را به خود جلب می‌کند. «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: در زندگی دنیا. درباره امور زندگی دنیا. «يُشْهِدُ اللهَ»: خدا را گواه می‌گیرد. «أَلَدُّ»: صفت مشبّهه و به معنی سخت و شدید است، یا این که اسم تفضیل و به معنی سرسخت‌ترین و گردنکش‌ترین است. «الْخِصَامِ»: مصدر باب مفاعله و به معنی خصومت و دشمنی است، و یا این که جمع مکسّر خَصْم، به معنی دشمنان است.

سوره بقرۀ آیه ۲۰۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ ٱلْحَرْثَ وَٱلنَّسْلَ ۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾﴾

ترجمه:

و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود (و یا به ریاست و حکومتی می‌رسد)، در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان‌ها و حیوانات) را نابود کند (و با فساد و تباهی خود، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد)، و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«تَوَلَّيا»: والی و سرور شد. پشت کرد و رفت. «الْحَرْثَ»: کشت و زرع. «النَّسْلَ»: نژاد انسان یا حیوان. نسل مصدر است و در معنی اسم مفعول به کار رفته است، همچون خلق و مخلوق.

سوره بقرۀ آیه ۲۰۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتْهُ ٱلْعِزَّةُ بِٱلْإِثْمِ ۚ فَحَسْبُهُۥ جَهَنَّمُ ۖ وَلَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾﴾

ترجمه:

و هنگامی که بدو گفته می‌شود: از خدا بترس (و اقوال و افعال برابر دار و به جای

افساد اصلاح کن)، عظمت (و نخوت، سراپای) او را فرا می‌گیرد و (غرور) گناه (او را به بزهکاری وادار) می‌کند. پس دوزخ او را بسنده است و چه بد جایگاهی است.

توضیحات:

«إِتَّقِ اللهَ»: از خدا بترس. ﴿أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ﴾: عزّت بزهکارانه و غرور گناه او را فرا می‌گیرد. کبریا و نخوت دروغین او را به انجام گناه بیشتر می‌کشاند. «حَسْبُهُ»: او را بس است. او را کافی و بسنده است. «الْمِهَادُ»: آرامگاه. قرارگاه. بستر.

سوره بقرهٔ آیه ۲۰۷

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ٢٠٧﴾

ترجمه:

و در میان مردم کسی یافته می‌شود که جان خود را (که عزیزترین چیزی است که دارد) در برابر خوشنودی خدا می‌فروشد (و رضایت الله را بالاتر از دنیا و مافی‌ها می‌شمارد و همه چیز خود را در راه کسب آن تقدیم می‌دارد) و خداوندگار نسبت به بندگان بس مهربان است (و بدانان در برابر کار اندک، نعمت جاوید می‌بخشد و بیش از توانائی انسانی برای‌شان تکالیف و وظائف مقرّر نمی‌دارد).

توضیحات:

«يَشْرِي»: می‌فروشد (نگا: نساء / ۷۴). «إِبْتِغَآءَ»: خواستن. طلبیدن. مفعولٌ‌له است. «مَرْضَاةِ»: رضایت. خوشنودی. مَرْضاة مصدر میمی است و برابر رسم‌الخطّ قرآنی با (ت) نوشته شده است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۰۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ٢٠٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی (اسلام را به تمام و کمال بپذیرید و) به صلح

و آشتی درآئید، و از گام‌های اهریمن (و وسوسه‌های وی) پیروی نکنید (و به دنبال او راه نروید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

توضیحات:

«السِّلْمِ»: صلح و صفا. اسلام. تسلیم. «كَآفَّةً»: جملگی. همگی. حال ضمیر (و) در فعل (أُدْخُلُوا) یا مصدر است. ﴿ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةً﴾: جملگی به صلح گردن نهید. جملگی به اسلام درآئید و با تمام وجود بدان بگروید. اسلام را به تمام و کمال بپذیرید. به شریعت واحده همگانی اسلام درآئید. «خُطُوَاتِ»: جمع خُطْوَة، گام‌ها. «خُطُوَات»: منظور آرایش‌گری و وسوسه‌انگیزی اهریمن است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۰۹

متن آیه:

﴿فَإِن زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٠٩﴾

ترجمه:

و اگر بعد از آمدن دلائل واضح (و حجّت‌های باهر، از راه خدا دور گشتید و طریق شیطان پیش گرفتید و از جاده حق) منحرف و دچار لغزش شدید (و به دام اهریمن افتادید) بدانید (از دست عدالت آفریدگار فرار نتوانید کرد) که بی‌گمان خدا توانا و حکیم است (و بر همه چیز چیره و همه کارهایش مطابق حکمت است).

توضیحات:

«زَلَلْتُمْ»: لغزیدید. بیراهه رفتید و منحرف گشتید. «الْبَيِّنَاتُ»: دلائل روشن. «عَزِيزٌ»: غالب. چیره. «حَكِيمٌ»: آن که کارها را به مقتضای حکمت انجام می‌دهد.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۰

متن آیه:

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِي ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٢١٠﴾

ترجمه:

آیا آنان که راه صلح و آشتی نمی‌پویند و دین اسلام را نمی‌جویند انتظار دارند که خدا و فرشتگان (آشکارا در برابر دیدگانشان ظاهر گردند و) در زیر سایه‌بان‌های ابر

به‌سوی ایشان بیایند (و رو در رو با آنان به سخن درآیند)؟!. و حال آن که فرمان (بر قطع امید محال ایشان) انجام پذیرفته است (و چنین کاری رخ نمی‌دهد) و همه کارها به‌سوی خدا برگشت داده می‌شود.

توضیحات:

«هَلْ يَنظُرُونَ»: آیا انتظار می‌کشند؟ استفهام انکاری است و به معنی: انتظار نمی‌کشند. «ظُلَلٍ»: جمع ظُلَّة، سایه‌بانها. «الْغَمَامِ»: ابر. ابر سفید. «قُضِيَ الأَمْرُ»: کار از کار گذشته است. کار انجام و به پایان رسیده است. فرمان خدا بر آن رفته است. این آیه شریفه دو مفهوم عمده دارد: یکی در بالا گذشت (نگا: انعام / ۱۵۸). دیگری عبارت است از: اینان چندان انتظاری نمی‌کشند که قیامت فرا می‌رسد و عذاب خدا و فرشتگان عذاب در سایه‌بان‌های ابر سفید که نشانه سرعت و نعمت است، ولی برای اینان نقمت است، سر می‌رسند و کار از کار می‌گذرد و همه امور به‌سوی خدا باز گردانده می‌شود (نگا: زخرف / ۶۶).

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۱

متن آیه:

﴿سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۢ بَيِّنَةٖۗ وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ۝٢١١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! از بنی‌اسرائیل بپرس: چقدر معجزه‌های بزرگ و دلائل روشنی به آنان داده‌ایم؟ (لیکن ایشان نعمت‌های خدا را نادیده گرفته و ناسپاسی کرده‌اند) و هر که نعمت خدای را دگرگونه کند (و به جای ایمان بدان و شکر بر آن، نسبت بدان کفر ورزد و ناسپاسی کند) پس از آن که به سویش آمد (و به دستش رسید و بر آن اطّلاع یافت، خدا چنین کسی را دچار عذاب سختی خواهد کرد) چه بی‌گمان خداوند شدیدالعقاب است.

توضیحات:

«سَلْ»: بپرس. «كَمْ»: چه اندازه. چه زیاد. «بَيِّنَةٍ»: روشن. ﴿فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾: این عبارت می‌تواند با تقدیر (لَهُ) در آخر، جواب شرط باشد. یا این که تعلیل جواب شرط بوده و به جای آن آورده شده باشد، که تقدیر آن چنین خواهد بود: وَ مَن

یبَدِّلْ «نِعْمَةَ الله، عاقَبَةُ أَشَدَّ عُقُوبَةٍ، لِانَّهُ شَدِیدُ الْعِقَابِ».

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۲

متن آیه:

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ۝٢١٢﴾

ترجمه:

زندگی دنیا برای کافران آراسته و پیراسته شده است (و همین غرور زینت عارضی و نعمت فانی، ایشان را گول زده است و از خدا بی‌خبر کرده است) و مؤمنان را (که شیفته دلباخته دنیا نشده و بیشتر به امر آخرت مشغولند و احیاناً دستشان تهی است) مسخره می‌کنند، (اینان فراموش کرده‌اند که دنیا پل آخرت است و به آن اندازه باید بدان پرداخت که عبور میسّر گردد) و روز رستاخیز پرهیزگاران بالاتر از ایشانند (و باید بدانند که داشتن مال دنیا نشانه بزرگی و برتری کسی و نداشتن آن نشانه کوچکی و پستی فردی نیست، بلکه بود و نبود نعمت دنیا وسیله آزمون و امتحان همگان است) و خداوند به هرکس که بخواهد بدون (در نظر داشتن) حساب (کفر یا ایمان) روزی می‌رساند (و مال زیاد عطاء می‌دارد و سرانجام وقت بازپرسی و دادرسی و پاسخگوئی فرا می‌رسد).

توضیحات:

«زُيِّنَ»: آراسته گردیده است. ﴿يَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ﴾: مَسخره می‌کنند. مورد استهزاء قرار می‌دهند.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۳

متن آیه:

﴿كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ۝٢١٣﴾

ترجمه:

مردمان (برابر فطرت در آغاز از نظر اندیشه و صورت اجتماعی یک‌گونه و) یک دسته بودند. (کم‌کم دوره صِرف فطری به پایان رسید و جوامع و طبقات پدید آمدند و

بنا به استعدادهای عقلی و شرائط اجتماعی، اختلافات و تضادهائی به وجود آمد و مرحله بلوغ و بیداری بشریت فرا رسید) پس خداوند پیغمبران را برانگیخت تا (مردمان را به بهشت و دوزخ) بشارت دهند و بترسانند. و کتاب (آسمانی) که مشتمل بر حق بود و به‌سوی حقیقت (و عدالت) دعوت می‌کرد، بر آنان نازل کرد تا در میان مردمان راجع بدانچه اختلاف می‌ورزیدند داوری کند (و بدین وسیله مرحله نبوّت فرا رسید. آن گاه) در (مطالب و حقّانیت) کتاب (آسمانی) تنها کسانی اختلاف ورزیدند که در دسترسشان قرار داده شده بود، و به دنبال دریافت دلائل روشن، از روی ستمگری و کینه‌توزی (و خودخواهی و هواپرستی، در پذیرش و فهم و ابلاغ و اجرا کتاب) اختلاف نمودند (و مرحله اختلاف در دین و ظهور دینداران و دین‌سازان حرفه‌ای فرا رسید و زمینه بروز و سلطه طاغوت فراهم شد). پس خداوند کسانی را که ایمان آورده بودند، با اجازه خویش (که مایه رشد فکری و ایمان پاک و زمینه رستن از انگیزه‌های نفسانی و تمسّک کامل به کتاب آسمانی است) به آنچه که حق بود و در آن اختلاف ورزیده بودند، رهنمون شد، و خداوند هر کسی را که بخواهد به راه راست (که همان راه حق است) رهنمود می‌نماید (تا حق را از میان انحراف‌ها و اختلاف‌ها دریابند، و مرحله برگشت به دین راستین و حاکمیت کتاب و شریعت فرا رسد).

توضیحات:

«أُمَّةً»: ملّت. دسته. «بَعَثَ»: برانگیخت. فرستاد. «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ»: و حال آن که درباره آن کتاب، یا درباره آن حق اختلاف پیدا نکردند، مگر... «بَغْياً»: از روی ستم. از حسادت. مفعولٌ‌له است. «بِإِذْنِهِ»: به فرمان او. به توفیق و مرحمت او. معنی دیگر آیه: مردمان جملگی بر سرشت واحدی بودند، و این سرشت، استعداد هدایت و ضلالت را داشت. بر برخی از آنان، اسباب هدایت چیره گشت، و بر برخی دیگر ضلالت غالب آمد. به همین علّت انسان‌ها اختلاف پیدا کردند و خداوند آنان را دریافت و پیغمبرانی را به عنوان هادی و مژده‌رسان و بیم‌دهنده ایشان به‌سویشان روانه کرد، و به همراهشان کتاب‌های مشتمل بر حق فرستاد، تا این کتاب‌ها میان مردمان حَکَم و داور گردند و کشمکش با رجوع بدان‌ها از میان برخیزد. ولیکن تنها آنان که از هدایت پیغمبران سود بردند ایمان آوردند، آن کسانی که خداوند به هنگام اختلاف، به‌سوی حق رهنمودشان کرد. و این خدا است که طرفداران حق را - اگر مخلص باشند - موفّق می‌گرداند (نگا: تفسیرالمنتخب).

سوره بقرۀ آیه ۲۱۴

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ٢١٤﴾

ترجمه:

آیا گمان برده‌اید که داخل بهشت می‌شوید بدون آن که به شما همان برسد که به کسانی رسیده است که پیش از شما درگذشته‌اند؟ (شما که هنوز چنین رنجها و دردهائی را ندیده‌اید و باید چشم به راه تحمّل حوادث تلخ و ناگوار در راه کردگار باشید و بدانید: نخست رنج سپس گنج). زیان‌های مالی و جانی (و شدائد و مشکلات، آن چنان ملّت‌های پیشین را احاطه کرده است و) به آنان دست داده است و پریشان گشته‌اند که پیغمبر و کسانی که با او ایمان آورده بوده‌اند (هم‌صدا شده و) می‌گفته‌اند: پس یاری خدا کی (و کجا) است؟! (لیکن خدا هرگز مؤمنان را فراموش ننموده است و پس از تعلیم فداکاری به مؤمنان و آبدیدگی ایشان که رمز تکامل است، به وعده خود وفا کرده و بدی‌شان پاسخ گفته است که:) بی‌گمان یاری خدا نزدیک است.

توضیحات:

«اَمْ»: بلکه آیا. «وَلَـمَّا يَأْتِكُمْ»: و حال آن که هنوز به شما نرسیده است (نگا: حجرات / ۱۴): «مَثَلُ»: حال. وضع. «خَلَوْا»: رفته‌اند. درگذشته‌اند. «الْبَأْسَآءُ»: فقر. جنگ. شدّت و سختی. «الضَّرَّآءُ»: بیماری. تنگدستی. ضرر و زیان. «زُلْزِلُوا»: به تکان افتاده‌اند. پری‌شان و آشفته گشته‌اند. «مَتَيا نَصْرُ اللهِ»؟: یاری خدا کی خواهد بود؟ البتّه این سخن به صورت درخواست یاری و حصول مدد کردگاری بیان شده است و جنبه تمنّا و تقاضا را داشته است. «أَلا»: هان!.

سوره بقرۀ آیه ۲۱۵

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ٢١٥﴾

ترجمه:

از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: آنچه از (مال و دارائی پاکیزه و) پسندیده صدقه و انفاق می‌کنند از آن پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و واماندگان در راه (و بریده از مال و دارائی خویش) است. و هر کار نیکی که می‌کنید خداوند از آن آگاه است.

توضیحات:

«مَاذَا»: چه چیز؟ «خَیْرٍ»: مراد مال و ثروت است. «الْـمَسَاكِينِ»: درماندگان و بیچارگانی که درآمدشان کفاف خرج‌شان را نمی‌کند (نگا: کهف / ۷۹). «إبْنِ السَّبِيلِ»: مسافر تهیدستی که دسترسی به اهل و عیال و مال و منال خود ندارد.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۶

متن آیه:

﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ۝٢١٦﴾

ترجمه:

جنگ بر شما واجب (کفائی) گشته است، و حال آن که (بنابه سرشت انسانی) از آن بیزارید، لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد، و خدا (به رموز کارها آشنا است و از جمله مصلحت شما را) می‌داند و شما (از اسرار امور بی‌خبرید و مصلحت خود را چنان که شاید و باید) نمی‌دانید.

توضیحات:

«كُرْهٌ»: ناپسند. ناخوشایند. «عَسَيا»: چه بسا.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۷

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْۚ وَمَن يَرۡتَدِدۡ

مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴿٢١٧﴾

ترجمه:

از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند. بگو: جنگ در آن (گناهی) بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا (که اسلام است) و بازداشتن مردم از مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن است، و برگرداندن مردم از دین (با ایجاد شبهه‌ها در دل‌های مسلمانان و شکنجه ایشان و غیره) بدتر از کشتن است. (مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند، ولی کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمال‌شان در دنیا و آخرت بر باد می‌رود، و ایشان یاران آتش (دوزخ) می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند.

توضیحات:

«الْشَّهْرِالْحَرَامِ»: (نگا: بقره / ۱۹۴). «قِتَالٍ»: جنگیدن. بدل از (الْشَّهْرِ) است. «صَدٌّ»: بازداشتن. ممانعت. واژه (صَدٌّ) مبتدا است و کلمات (كُفْرٌ) و (إِخْرَاجٌ) عطف بر آن بوده و واژه (أَكْبَرُ) خبر است. «كُفْرٌ بِهِ»: کافرشدن به خدا است. «الْـمَسْجِدِ الْحَرَامِ»: عطف بر (سَبِيلِ اللهِ) است. «فِتْنَةُ»: کفر و شرک. برگرداندن از دین (نگا: بقره / ۱۹۱). «مَن يَرْتَدِدْ»: هر که برگردد. «حَبِطَتْ»: باطل و تباه گشته و هدر رفته است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴿٢١٨﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان رحمت خدا را چشم می‌دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«يَرْجُونَ»: امیدوارند. انتظار دارند.

سوره بقرهٔ آیه ۲۱۹

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثۡمُهُمَآ أَكۡبَرُ مِن نَّفۡعِهِمَاۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلِ ٱلۡعَفۡوَۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩﴾

ترجمه:

درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی هم برای مردم دربر دارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است. و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود). این چنین خداوند آیات (و احکام) را برای شما روشن می‌سازد، شاید (درباره مصالح دنیا و آخرت خود) بیندیشید.

توضیحات:

«الْخَمْرِ»: می. «الْـمَيْسِرِ»: قمار با همه انواع آن. «الْعَفْوَ»: اضافه بر نیاز. مازاد بر نفقه. آنچه به رنج نیندازد (نگا: اعراف / ۱۹۹). مفعولٌبه فعل محذوف (أَنفِقُوا) است. «يُبَيِّنُ»: روشن می‌گرداند.

سوره بقرهٔ آیه ۲۲۰

متن آیه:

﴿فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٢٠﴾

ترجمه:

(تا راجع به نیازهای روحی و جسمی خود) در دنیا و آخرت (اندیشه کنید). و درباره یتیمان می‌پرسند (که نظر اسلام راجع به معامله و مخالطه با ایشان چیست)؟. بگو: هر چیز که صلاح ایشان در آن باشد، نیک و پسندیده است، و اگر با آنان (زندگی

خود را به قصد اصلاح نه افساد) بیامیزید (مانعی ندارد). ایشان برادران (دینی) شما هستند (و انتظار چنین کمکی می‌رود)، و خداوند مفسد را از مصلح (موجود در میان شما، جدا می‌سازد و) می‌شناسد، و اگر خدا می‌خواست (با تعیین تکالیف و وظائف سخت در امر سرپرستی یتیمان) شما را به زحمت می‌انداخت. بی‌گمان خداوند چیره و حکیم است (و قانونی جز آنچه مصالح بندگان در آن باشد، وضع نمی‌کند).

توضیحات:

﴿فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ﴾: درباره کار و بار دنیا و آخرت. در اینجا مضاف محذوف است، از قبیل (امور. شؤون). و جار و مجرور متعلّق به (يُبَيِّنُ) یا (تَتَفَكَّرُونَ) در آیه پیشین است. «وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ»: و اگر با آنان همزیستی کنید در خوردن و نوشیدن و مسکن و زن‌دادن و زن‌گرفتن، شایسته است و از شما انتظار همین است. «أَعۡنَتَ»: به رنج انداخت. از ماده (عَنَت) به معنی مشقّت.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٢١﴾

ترجمه:

و با زنان مشرک (غیر اهل کتاب) تا ایمان نیاورند ازدواج نکنید، و بی‌گمان کنیز مؤمنی از زن (آزاد) مشرکی بهتر است، اگرچه (زیبائی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی انداخته باشد (و دلباخته او بوده باشید)، و (زنان و دختران خود را) به ازدواج مردان مشرک در نیاورید، مادامی که ایمان نیاورند. و بی‌گمان غلام مؤمنی از مرد مشرکی بهتر است اگرچه (زیبائی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی انداخته باشد (و دل از کفتان ربوده باشد). آنان (اعم از زنان یا مردان مشرک) به‌سوی آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند (و سبب شقاوت می‌گردند) و خدا به‌سوی بهشت و آمرزش به فرمان خود و توفیق خویش دعوت می‌کند (و پیروی از دستور او، وسیله سعادت می‌شود)، و

خدا آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد (و احکام شریعت را با دلائل واضح تفهیم می‌نماید) تا این که (راه صلاح و سعادت خویش را بشناسند و) یادآور شوند.

توضیحات:

﴿لَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ﴾: با زنان مشرک ازدواج نکنید. «أَمَةٌ» برده. بنده. ﴿لَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾: زنان را به ازدواج کافران درنیاورید. «عَبۡدٌ»: برده. بنده. «يَدۡعُونَ»: فرا می‌خوانند. دعوت می‌کنند. «يَدۡعُو»: فرا می‌خواند. دعوت می‌کند. در رسم‌الخطّ قرآنی الفی در آخر دارد. «بِإِذۡنِهِ»: به اراده و توفیق خود. «يَتَذَكَّرُونَ»: متذکر شوند. پند و عبرت گیرند.

سوره بقرة آیه ۲۲۲

متن آیه:

﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ٢٢٢﴾

ترجمه:

و از تو درباره (آمیزش با زنان به هنگام) حیض می‌پرسند. بگو: زیان و ضرر است (و علاوه از نافرمانی، بیماریهائی به دنبال دارد). پس در حالت قاعدگی از (همبستری با) زنان کناره‌گیری نمائید، و با ایشان نزدیکی نکنید تا آن گاه که پاک می‌شوند. هنگامی که پاک شوند، از مکانی که خدا به شما فرمان داده است (و راه طبیعی زناشوئی و وسیله حفظ نسل است) با آنان نزدیکی کنید. بی‌گمان خداوند توبه‌کاران و پاکان را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«الْـمَحِيضِ»: قاعدگی. خون ماهانه. موقع قاعدگی. موضع قاعدگی. این واژه مصدر میمی یا اسم مکان و یا اسم زمان می‌تواند باشد. «أَذيً»: اذیت و آزار. زیان و ضرر. پلیدی و پلشتی. «إعْتَزِلُوا»: کناره‌گیری کنید. «لا تَقْرَبُوهُنَّ»: با ایشان نزدیکی زناشوئی نکنید. «حَتَّيا يَطْهُرْنَ»: تا وقتی که پاک می‌گردند. یعنی خون ماهانه پایان می‌گیرد و غسل انجام می‌پذیرد. یا این که خون ماهانه پایان می‌گیرد و بس. «مِنْ

حَيْثُ»: از همان جائی که. در همان جائی که. «الْـمُتَطَهِّرِينَ»: پاکیزه‌دارندگان.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۳

متن آیه:

﴿نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٢٢٣﴾

ترجمه:

زنان شما محلّ بذرافشانی شما هستند، پس از هر راهی که می‌خواهید به آن محلّ درآئید (و زناشوئی نمائید به شرط آن که از موضع نسل تجاوز نکنید)، و برای خود (با انتخاب همسران شایسته و پرورش فرزندان صالح و بایسته، توشه‌ای) پیشاپیش بفرستید، و از خدا خویشتن را برحذر دارید (و به هنگام حیض با زنان نزدیکی نکنید و از راهی جز راه بقای نوع بشر با ایشان زناشوئی ننمائید) و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد (و از شما درباره اعمال و اقوالتان پرسیده خواهد شد)، و مژده بده به مؤمنان (که با رعایت حدود دین، سعادت اخروی و رضایت پروردگار را به دست خواهند آورد).

توضیحات:

«حَرْثٌ»: کشتزار. «أَنَّيا شِئْتُمْ»: هرگونه که خواستید. نشسته، ایستاده، بر رو افتاده، بر پشت افتاده، و غیره. به شرط آن که در قُبُل باشد نه دُبُر. «قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ»: برای خویشتن پیشاپیش بفرستید. یعنی با انجام اعمال شایسته برای آخرت توشه‌ای بیندوزید. «مُلاقُوهُ»: ملاقات‌کنندگان او.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ٢٢٤﴾

ترجمه:

و خدا را آماج سوگندهای خویشتن نکنید، (زیرا کثرت سوگند منافی با تعظیم نام خداوند است. پس زیاد سوگند نخورید) تا این که نیکوکار و پرهیزگار شوید و (بتوانید) میان مردمان به اصلاح بپردازید و خدا شنوا و دانا است.

توضیحات:

«عُرْضَةً»: نصب شده. در معرض قرار گرفته. مانع. سدّ راه. این واژه مصدر است و در معنی اسم مفعول یعنی معروض به کار رفته است. «لا تَجْعَلُوا اللهَ عُرْضَةً»: نام خدا را آماج تیر سوگندهای راست یا دروغ خود نسازید تا این که نیک شوید. سوگند خوردنتان به خدا نباید مانع از آن بشود که نیکی کنید و... «أَيْمَانِ»: جمع يمِين، سوگندها. چیزهائی که بر آنها سوگند یاد می‌شود. «أَن تَبَرُّوا»: تا این که نیک باشید. این که نیکی کنید. فعل مضارع مجزوم و جواب نهی است، و تقدیر چنین است: «لِتَكُونُوا بِرّاً». و یا این که فعل مضارع منصوب و علّت نهی است و تقدیر چنین است: فِی أَن تَبَرُّوا. برخی هم (أَن تَبَرُّوا) را مبتدا و خبر آن (أَوْلَي) یا (أَمْثَلُ) محذوف دانسته‌اند.

سوره بقرهٔ آیه ۲۲۵

متن آیه:

﴿لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ٢٢٥﴾

ترجمه:

خداوند شما را به خاطر سوگندهائی که بدون توجّه یاد می‌کنید (و از روی عادت، نه از روی قصد و نیت از دهان می‌پرد) مؤاخذه نخواهد کرد (و کفّاره یا عقاب بر آن مترتّب نیست) ولیکن شما را در برابر آنچه دل‌هایتان کسب کرده است (و از روی اراده و اختیار بوده است) مؤاخذه می‌کند (و کفّاره یا عقاب بر آن مترتّب است)، و خداوند آمرزنده و بردبار است (و گناهان را می‌بخشد و لغزش‌ها را نادیده می‌گیرد و در رساندن عقاب شتاب نمی‌ورزد).

توضیحات:

«لا يُؤَاخِذُكُمْ»: مورد بازخواستتان قرار نمی‌دهد. «اللَّغْوِ»: یاوه. پوچ. لغو در سوگند، یعنی سوگندی که بدون قصد و اراده و از روی عادت بر زبان رانده می‌شود. مانند: آری والله. نه‌والله. که بدون قصد سوگند، از روی عُرف و عادت بر زبان جاری می‌گردد و کفّاره ندارد. ﴿مَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡ﴾: آنچه که از دل بر می‌آید و با قصد و

اراده اداء می‌گردد. «حَلِيمٌ»: شکیبا.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۶

متن آیه:

﴿لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ أَرۡبَعَةِ أَشۡهُرٖۖ فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ٢٢٦﴾

ترجمه:

کسانی که زنان خویش را ایلاء می‌نمایند (یعنی سوگند یاد می‌کنند که با ایشان آمیزش جنسی ننمایند) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند (و باید بدانند که خدا از چنین سوگندی خوشنود نیست، و در ضمن این چهار ماه باید وضع خود را با همسر خویش از نظر زندگی و طلاق روشن سازند. در این فرصت) اگر بازگشت کردند (و سوگند خویش را نادیده گرفتند و با زنان خود همبستر شدند، چه بهتر، کفّاره سوگند را می‌پردازند و ازدواج به حالت خود باقی است). چه خداوند بسی آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«يُؤْلُونَ»: سوگند می‌خورند. از مصدر (إيلاء) و از ماده (أَلْوَة) یا (أَلْيَة) به معنی سوگند. إيلاء در اصطلاح شرع به معنی این است که مرد سوگند بخورد که با همسرش نزدیکی نکند. «تَرَبُّصُ»: انتظار کشیدن. منتظر ماندن. «فَآءُوا»: برگشتند. رجوع کردند.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۷

متن آیه:

﴿وَإِنۡ عَزَمُواْ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ٢٢٧﴾

ترجمه:

و اگر تصمیم بر جدائی گرفتند (و در این مدّت بازنگشتند، پس از انقضای آن، یکی از دو راه در پیش است: برگشت به زندگی زناشوئی عادی، یا طلاق به اختیار یا به اجبار. و باید بدانند که گفتار و کردارشان از دید خدا پنهان نمی‌ماند) چه خداوند شنوا و دانا است.

توضیحات:

«عَزَمُوا» تصمیم گرفتند. عزم خود را جزم کردند.

سوره بقرۀ آیه ۲۲۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ

فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗاۚ وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾

ترجمه:

و زنان مطلّقه باید (بعد از طلاق) به مدّت سه بار عادت ماهانه (و یا سه‌بار پاک‌شدن از حیض) انتظار بکشند (و عدّه نگهدارند، تا روشن شود که حامله نیستند)، و اگر (در ایمان خود صادق هستند و راست می‌گویند که) به خدا و روز رستاخیز باور دارند، برای آنان حلال نیست که خدا آنچه را (اعم از جنین یا خون ماهانه) در رحم ایشان آفریده است پنهان کنند، و شوهران آنان برای برگرداندنشان (به زندگی زناشوئی و از سرگرفتن آن) در این (مدّت عدّه، از دیگران) سزاوارترند، در صورتی که (شوهران به راستی) خواهان اصلاح باشند (و نخواهند به همسران خود زیان برسانند و خیانت نمایند، که در این صورت سروکارشان با خدا است) و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همان‌گونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است که (باید همسران اداء بکنند) به گونه شایسته‌ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد). و مردان را بر زنان برتری (رعایت و حفاظت در امور خانوادگی) است. و خداوند باعزّت و باحکمت است (و برای آنان قوانینی وضع می‌کند که با حکمت سازگار است).

توضیحات:

«الْـمُطَلَّقَاتُ»: زنان طلاق داده شده. «قُرُوءٍ»: جمع قُرْء، حیض یا پاک‌شدن از حیض. «أَرْحَام»: جمع رَحِم، زهدان‌ها، بچّه‌دان‌ها. «بُعُولَة«: جمع بَعْل، شوهران. «أَحَقُّ»: بسی شایسته و سزاوار. واژه (أَحَقُّ) اسم تفضیل است و در اینجا معنی تفضیل ندارد و بلکه برای مبالغه است. «الْـمَعْرُوفِ»: پسندیده. کار نیکوئی که خداوند بدان دستور داده است. از قبیل حسن معاشرت و زیان نرساندن و غیره... ﴿لِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ﴾: مردان را بر زنان منزلت است. منظور درجه و منزلت سرپرستی و مراقبت از ایشان است (نگا: نساء / ۳۴).

سوره بقرۀ آیه ۲۲۹

متن آیه:

﴿ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَأۡخُذُواْ مِمَّآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ شَيۡـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَا فِيمَا ٱفۡتَدَتۡ بِهِۦۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٢٩﴾

ترجمه:

طلاق دو بار است (آن طلاقی که حق مراجعت در آن محفوظ است. بعد از دو مرتبه طلاق، یکی از دو کار را باید کرد:) نگاهداری (زن) به گونه شایسته (و عادلانه) یا رهاکردن (او) با نیکی (و بایستگی و به دور از ظلم و جور. بعد از طلاق سوم، حق مراجعت سلب می‌شود مگر بعد از ازدواج راستین با شوهر دیگری و وقوع طلاق میان او و شوهر اخیر). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه (مهر ایشان کرده‌اید یا) بدی‌شان داده‌اید بازپس بگیرید، مگر این که (شوهر و همسر) بترسند که نتوانند حدود خدا را پابرجا دارند. پس اگر (ای گروه مؤمنان) بیم داشتید که حدود الهی را رعایت نکنند، گناهی بر ایشان نیست که زن فدیه و عوضی بپردازد (و در برابر آن طلاق بگیرد). این‌ها حدود و مرزهای (احکام شرعی) الهی است و از آنها تجاوز نکنید، و هرکس از حدود و مرزهای (اوامر و نواهی) الهی تجاوز کند (ستمگر بوده و) بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند (و به خود و به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند ستم می‌نمایند).

توضیحات:

«مَرَّتَانِ»: دوبار. دو دفعه. «إِمْسَاكٌ»: نگاه‌داری کردن. «تَسْرِيحٌ»: رها کردن. طلاق دادن. «أَلطَّلاقُ مَرَّتَانِ»: طلاقی که بعد از آن، از سرگرفتن زناشوئی آزاد است، دو بار است و بس. «إِحْسَانٍ»: زیبا رفتارکردن. «وَلا يَحِلُّ لَكُمْ... ». برای شما حلال نیست که. این هنگامی است که جدائی به میل و رغبت مرد انجام بگیرد (نگا: نساء / ۲۰). «حُدُودَ الله»: احکام و شرائع خدا. «جُنَاح»: گناه. بزه. «إِفْتَدَتْ بِهِ»: زن آن را برای رهائی خویشتن داد.

سوره بقرۀ آیه ۲۳۰

متن آیه:

﴿فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۗ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾﴾

ترجمه:

پس اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر باز هم) او را طلاق داد، از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود، مگر این که با شوهر دیگری ازدواج کند (و با او آمیزش جنسی نماید و ازدواج واقعی و جدّی صورت گیرد؛ نه موقّتی و فریبکارانه). در این صورت اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد، گناهی بر آن دو (زن و شوهر اوّل) نخواهد بود که (به کانون زندگی زناشوئی) برگردند (و زن با شوهر اوّل مجدّدا ازدواج نماید) در صورتی که امیدوار باشند که می‌توانند حدود الهی را (محترم بشمارند و) پابرجا دارند. و این‌ها حدود الهی است که خدا آنها را برای کسانی که آگاهند (و به شرع اسلام ایمان دارند) بیان می‌نماید.

توضیحات:

﴿حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُۥۗ﴾: تا آن گاه که با شوهری جز او به طور دائم و به روال عادی ازدواج می‌کند، و... ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ﴾: بر شوهر نخست و همسر نخست گناهی نیست.

سوره بقرهٔ آیه ۲۳۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖۚ وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗاۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ يَعِظُكُم بِهِۦۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٣١﴾﴾

ترجمه:

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (آخرین روزهای) عدّه خود رسیدند، یا به طرز صحیح و عادلانه‌ای آنان را نگاه دارید (و با ایشان آشتی کنید) یا آنان را به طرز پسندیده و دادگرانه‌ای رها سازید، و به خاطر زیان رسانیدن بدی‌شان و تعدّی کردن بر

ایشان، هیچ گاه (با آنان آشتی نکنید و) ایشان را نگاه ندارید، و کسی که چنین کند، بی‌گمان به خویشتن ستم کرده است، و (با این‌گونه اعمال و سوءاستفاده کردن از قوانین) آیه‌های (احکام و حدود) خدا را به باد استهزاء نگیرید، و نعمت خدا را بر خود (که از جمله الفت میان شوهر و همسر و تنظیم امور زندگی خانوادگی است) و آنچه را که از کتاب و حکمت (یعنی قرآن و اسرار شریعت اسلام) بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می‌دهد، به خاطر بیاورید و از (خشم) خدا بپرهیزید و بدانید که بی‌گمان خداوند از هر چیزی آگاه است.

توضیحات:

«بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ»: به انقضاء عدّه خود نزدیک شدند. «أَجَل»: مدّت. در اینجا مراد سپری‌شدن آخرین روزهای عدّه است. «سَرِّحُوهُنَّ»: آنان را رها سازید. آنان را طلاق دهید. «ضِرَاراً»: زیان‌رساندن. مفعولٌ‌له است. «هُزُواً»: بازیچه. مسخره. مصدری است به معنی اسم مفعول، یعنی مَهْزُوء. مفعول دوم (لا تَتَّخِذُوا) است. «الْحِکمَة»: گفتار یا کردار درست و بجا. عطف صفت بر موصوف است (نگا: احزاب / ۳۴).

سوره بقرۀ آیه ۲۳۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ۝٢٣٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مدّت عدّه خود را به پایان رسانیدند، مانع آنان نشوید که با شوهران (سابق یا با کسان دیگری) ازدواج کنند، اگر در میان‌شان به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد (و خواسته باشند زندگی خانوادگی آبرومندانه‌ای به راه اندازند)، این (احکام حکیمانه همراه با ترغیب و ترهیبی که گذشت) همان چیزی است که کسانی از شما بدان پند داده می‌شوند که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند. این (اوامر و نواهی الهی) برای شما (از نظر رشد علائق و روابط اجتماعی و تطهیر نفوس از زنگ بدگمانی‌ها و آلودگی‌های محیط) پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر (از ممانعت زنان از ازدواج با دیگران و غیره) است، و خدا (مصالح اجتماعی بشری و فوائد نهفته در این

احکام را) می‌داند و شما (اسرار این اوامر و نواهی را چنان که شاید و باید) نمی‌دانید.

توضیحات:

«لا تَعْضُلُوهُنَّ»: ایشان را باز ندارید و از آنان ممانعت به عمل نیاورید. «اَزْکَیا»: بالنده‌تر و سودمندتر. «أَطْهَرُ»: پاکیزه‌تر و تمییزتر.

سوره بقرهٔ آیه ۲۳۳

متن آیه:

﴿وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ وَكِسۡوَتُهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ ذَٰلِكَۗ فَإِنۡ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٖ مِّنۡهُمَا وَتَشَاوُرٖ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَاۗ وَإِنۡ أَرَدتُّمۡ أَن تَسۡتَرۡضِعُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٢٣٣﴾

ترجمه:

مادران (اعم از مطلّقه و غیرمطلّقه) دو سال تمام فرزندان خود را شیر می‌دهند، هرگاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شوند، بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدّت به اندازه توانائی) به گونه شایسته بپردازد. هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانائی خود نیست، نه مادر به خاطر فرزندش، و نه پدر به سبب بچّه‌اش باید زیان ببیند (بلکه حق دیدار از فرزند برای هر دو محفوظ است و بر پدر پرداخت عادلانه، و بر مادر پرورش مسلمانانه لازم است. چنانچه پدر بمیرد یا به سبب فقر از پرداخت حق حضانت عاجز باشد) بر وارث فرزند چنین چیزی لازم است (و در صورت دارا بودن، باید آنچه بر پدر فرزند، از قبیل خوراک و پوشاک و اجرت شیرخوارگی لازم بوده است بپردازد) و اگر (والدین) خواستند با رضایت و مشورت همدیگر (کودک را زودتر از دو سال) از شیر بازگیرند گناهی بر آنان نیست. و اگر (ای پدران) خواستید دایگانی برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که حقوق آنان را به طور شایسته بپردازید، و از (خشم) خدا بپرهیزید و بدانید که خدا بدانچه انجام می‌دهید بینا است (لذا پدران و مادران خدا را در نظر دارند و به تربیت اولاد عنایت نمایند).

توضیحات:

«يُرْضِعْنَ»: باید شیر بدهند. «حَوْلَيْنِ»: مدّت دو سال. «رَضاعَة»: شیردادن. «الْمَوْلُودِ لَهُ»: پدر. «رِزْقُ»: نفقه. «كِسْوَة»: جامه. «بِالْمَعْرُوفِ»: به گونه شایسته و برحسب عُرف محیطی که زن در آن زندگی می‌کند. «لا تُضَآرَّ»: نباید زیان‌خورده بشود. (لا) حرف نهی است و (تُضَآرَّ) فعل مضارع مجزوم است و فتحه به جای جزمه آمده است. «فِصَال»: از شیر بازگرفتن طفل. «تَرَاضٍ»: خوشنودی. «تَشَاوُرٍ»: رایزنی. «أَن تَسْتَرْضِعُوا»: این که دایه بگیرید. «مَا ءَاتَيْتُمْ»: آنچه به عنوان مزد برای دایه مقرّر داشته‌اید و بدو می‌دهید. (ءَاتَيْتُمْ) به منزله (أَعْطَيْتُمْ) است و به دو مفعول نیازمند است که هر دو در اینجا محذوفند. تقدیر چنین است: (ءَاتَيْتُمُوهُ الْمَرَاضِعَ).

سوره بقرهٔ آیه ۲۳۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٣٤﴾

ترجمه:

و کسانی که از شما (مردان) می‌میرند و همسرانی از پس خود به جای می‌گذارند، همسران‌شان باید چهار ماه و ده شبانه‌روز انتظار بکشند (و عدّه نگاه دارند)، و هنگامی که به آخر مدّت‌شان رسیدند و آن را به پایان بردند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و اعمالی موافق با شرع از ایشان سر زند و با مرد دلخواه خود ازدواج کنند)، و خدا از آنچه می‌کنید آگاه است.

توضیحات:

«يُتَوَفَّوْنَ»: می‌میرند. «يَذَرُونَ»: ترک می‌گویند و به جای می‌گذارند. از ماده (وذر). «يَتَرَبَّصْنَ»: انتظار می‌کشند. عِدّه نگاه می‌دارند. بدین معنی که زن شوهر مرده، باید

از آرایش و خواستگاری و ازدواج و خروج از منزل - مگر با بودن عذر شرعی - دوری کند. ﴿أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ﴾: چهار ماه و ده شبانه‌روز قمری. «فِي أَنفُسِهِنَّ»: درباره خود نسبت به خود. «بِالْمَعْرُوفِ»: کاری که معهود شرافتمندان و پسند اسلام است.

سوره بقرة آیه ۲۳۵

متن آیه:

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ أَوۡ أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ سَتَذۡكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗاۚ وَلَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُۥۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ٢٣٥﴾

ترجمه:

و گناهی بر شما (مردان) نیست که به طور کنایه از زنانی (که شوهران‌شان فوت کرده‌اند و در عدّه بسر می‌برند) خواستگاری کنید، و یا در دل خود تصمیم بر این کار را بگیرید (بدون این که آن را اظهار نمائید)، خداوند می‌دانست شما آنان را یاد خواهید کرد (و این گرایش فطری مردان نسبت به زنان است و خداوند با خواسته طبیعی شما به شکل معقول مخالف نیست) ولی به آنان پنهانی وعده زناشوئی ندهید، مگر این که به طرز پسندیده‌ای (و به طور کنایه) اظهار کنید (امّا در همه حال) اقدام به ازدواج ننمائید تا عدّه آنان بسر آید، و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند، پس از (مخالفت فرمان) او خویشتن را برحذر دارید و بدانید که بی‌گمان خداوند بس آمرزنده و شکیبا است (و در مجازات بندگان شتاب نمی‌کند).

توضیحات:

«عَرَّضْتُم بِهِ»: بدان گوشه زدید. آن را با کنایه گفتید. از قبیل این که بگوئید: تو بانوی شایسته و دینداری هستی. امیدوارم خداوند زن خوبی چون تو را نصیبم گرداند و... « خِطْبَةِ»: خواستگاری. «أَكْنَنتُمْ»: پنهان داشتید. «أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ»: به دل خود جای دادید. به اندیشه خود راه دادید. ﴿إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗاۚ﴾: جز گفتار پسندیده و بزرگوارانه در کنایه خود به کار نبرید. «لا تَعْزِمُوا»: تصمیم نگیرید. قصد نکنید. ﴿لَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ﴾: در مدّت عدّه اقدام به عقد نکاح نکنید. چرا که در

مدّت عدّه خواستگاری آشکار و بی‌پرده حرام است، و عقد ازدواج در آن باطل است. «الْكِتَابُ»: مصدری است به معنی اسم مفعول یعنی: مکتوب به معنی مفروض که منظور عدّه است. مانند: لباس به معنی ملبوس.

سوره بقرهٔ آیه ۲۳۶

متن آیه:

﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَا لَمۡ تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٣٦﴾

ترجمه:

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و تعیین مَهر (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست (و در این موقع) آنان را (با هدیه‌ای مناسب حال خود) بهره‌مند سازید. آن کس که توانائی (مالی) دارد، و آن کس که توانائی (مالی) ندارد، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (و مناسب حال دهنده و گیرنده) می‌پردازد، و این (پرداخت هدیه) بر نیکوکاران الزامی است.

توضیحات:

«مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ»: اگر یا مادام که با آنان آمیزش جنسی انجام نداده باشید. واژه (مَا) می‌تواند شرطیه باشد. یعنی: «إِن لَّمْ تَمَسُّوهُنَّ». یا زمانیه باشد. یعنی: «مُدَّةَ لَمْ تَمَسُّوهُنَّ». «فَرِيضَةً»: صداق. مهریه. «مَتِّعُوهُنَّ»: بدانان متاع دهید. متاع و مُتعه، به معنی هدیه‌ای است که شوهر بعد از طلاق به همسر مطلّقه خود می‌دهد. دادن آن به همسر مطلّقه‌ای که با او نزدیکی زناشوئی نشده و مهریه‌ای برای وی قبلاً معین نگشته است واجب است، و دادن آن به زنان مطلّقه دیگر مستحبّ است. «مُوسِعِ»: دارا. ثروتمند. «مُقْتِرِ»: نادار. تنگدست. «قَدَر»: اندازه توان. «مَتَاعاً»: بهره‌مند ساختن. اسم مصدر است و به جای تمتیع به کار رفته است و مفعول مطلق است. تقدیر آن چنین است: «مَتِّعُوهُنَّ مَتَاعاً». «حَقّاً»: ثابت و پابرجا. (بِالْـمَعْرُوفِ) صفت اوّل (مَتَاعاً) است، و (حَقّاً) صفت دوم آن است. یا این که (حَقّاً) مفعول مطلق بشمار است و تقدیر آن چنین

است: «حَقَّ ذلِكَ حَقّاً».

سوره بقرۀ آیه ۲۳۷

متن آیه:

﴿وَإِن طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدۡ فَرَضۡتُمۡ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ فَنِصۡفُ مَا فَرَضۡتُمۡ إِلَّآ أَن يَعۡفُونَ أَوۡ يَعۡفُوَاْ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ ٱلنِّكَاحِۚ وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٣٧﴾

ترجمه:

و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (و آمیزش جنسی بنمائید) طلاق دادید، در حالی که مهریه‌ای برای آنان تعیین نموده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را که تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر این که آنان (حق خود را) ببخشند و یا (اگر صغیر و یا سفیه هستند، ولی آنان، یعنی) آن کس که عقد ازدواج در دست او است، آن را ببخشد، و اگر شما (مردان) گذشت کنید (و تمام مهریه را به زنان بپردازید) به پرهیزگاری نزدیک‌تر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش مکنید. بی‌گمان خداوند به آنچه انجام می‌دهید بینا است.

توضیحات:

«نِصْفُ»: نیم. این واژه می‌تواند مبتدای خبر محذوف، و یا خبر مبتدای محذوف باشد، و تقدیر چنین است: «فَعَلَيْكُمْ نِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ؛ فَالْوَاجِبُ نِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ». «يَعْفُونَ»: زنان گذشت کنند. «يَعْفُو»: او گذشت کند. در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی در آخر این فعل موجود است. ﴿ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ ٱلنِّكَاحِۚ﴾: شوهر است. «فَضْل»: بزرگواری و نیک رفتاری.

سوره بقرۀ آیه ۲۳۸

متن آیه:

﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ ٢٣٨﴾

ترجمه:

در انجام نمازها و (به ویژه) نماز میانه (یعنی عصر، کوشا باشید و) محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا بپا خیزید (و با خشوع و خضوع، در برابر دیدگان خود، هیبت و

عظمت خدا را مجسّم دارید).

توضیحات:

«صَلَوَات»: نمازها. «الصَّلوةِ الْوُسْطَیا»: نماز میانه. بهترین نماز. واژه (وُسْطَیا) به معنی وسط و گزیده و بهترین آمده است. دانشمندان اسلامی هر یک از نمازها را (الصَّلاةِ الْوُسْطَیا) دانسته‌اند، ولیکن ارجح اقوال دالّ بر نماز عصر است. «قَانِتِینَ»: خاشعین. فروتنانه و متواضعانه. حال ضمیر (و) در فعل (قُومُوا) است. از مصدر (قُنُوت) به معنی بریدن از امور جهان و پرداختن به مناجات یزدان و اشتغال به ذکر و دعای خداوند منّان است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۳۹

متن آیه:

﴿فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ٢٣٩﴾

ترجمه:

و اگر (به خاطر جنگ یا خطر دیگری) ترسیدید (و نتوانستید با خشوع و خضوع لازم به نماز بایستید، نماز را ترک نکنید، بلکه آن را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید. امّا هنگامی که امنیت خود را باز یافتید (نماز را به صورت معمولی و به تمام و کمال به جای آورید و) برابر آن چیزهائی که نمی‌دانستید و خدا به شما آموخت، خدای را یاد کنید (و به عبادت و نیایش بپردازید).

توضیحات:

«رِجَالاً»: جمع راجل، پیادگان. «رُكْبَاناً»: جمع راکب، سواران. (رِجَالاً وَ رُكْبَاناً) حال ضمیر (و) در جواب شرط محذوف است که تقدیر آن چنین است: «فَإِنْ خِفْتُمْ فَصَلُّوا رَاجِلِینَ أَوْ رَاكِبِینَ». «كمَا»: همان گونه که.

سوره بقرهٔ آیه ۲۴۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍۚ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴿٢٤٠﴾﴾

ترجمه:

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی را از خود به جای می‌گذارند، (فرمان خدا این است که) باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آنان را (با پرداخت هزینه زندگی) بهره‌مند سازند، به شرط این که آنان (خودشان از خانه شوهر) بیرون نروند، پس اگر بیرون روند هر کار پسندیده‌ای که نسبت به خود انجام دهند (از قبیل ازدواج مجدّد) گناهی بر شما نیست، و خداوند توانا و حکیم است.

توضیحات:

«وَصِیَّةً»: توصیه، سفارش، مفعول مطلق یا مفعولٌ‌به فعل محذوفی است و تقدیر آن چنین است:«یُوصُونَ وَصِیَّةً». یا این که: «کَتَبَ اللهُ عَلَیْهِمْ وَصِیَّةً». «مَتَاعاً»: مفعولٌ‌به فعل محذوف (یُوصُونَ) یا (وَصِیَّةً) است که به معنی (تَوْصِیَةً) می‌باشد. «غَیْرَ إِخْرَاجٍ»: بدل (مَتَاعاً)، یا حال (أَلَّذِینَ) یا (أَزْوَاجاً)، و یا منصوب به نزع خافض می‌تواند باشد. آیه (۲۳۴) حق واجبی است که گزیر و گریزی از آن نیست، و این آیه بیان‌گر حقی است که زن در استفاده و عدم استفاده از آن آزاد است.

سوره بقرۀ آیه ۲۴۱

متن آیه:

﴿وَلِلْمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ بِٱلْمَعْرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ﴿٢٤١﴾﴾

ترجمه:

و برای زنان مطلّقه، هدیه مناسبی است (که از طرف شوهر پرداخت می‌گردد و) این حقی است بر مردان پرهیزگار.

توضیحات:

«حَقّاً»: مفعول مطلق فعل محذوفی است. تقدیر آن چنین است: «حَقَّ ذٰلِكَ حَقّاً». با توجه به احکام گذشته، زنان مطلّقه چهارگروهند: الف – زن مطلّقه‌ای که با او آمیزش جنسی شده است و مهریه‌ای برای وی معلوم گشته است. چنین زنی، عدّه نگاه می‌دارد

و مهریه خود را به تمام و کمال دریافت می‌نماید. ب - زن مطلّقه‌ای که با او آمیزش جنسی شده است و مهریه‌ای برای وی معلوم نگشته است. چنین زنی، عدّه نگاه می‌دارد و مهریه‌ای مثل مهریه خویشاوندان و زنان خانواده خویش دریافت می‌نماید. یعنی مهرالمثل بدو تعلق می‌گیرد. ج - زن مطلّقه‌ای که با او آمیزش جنسی نشده است و مهریه برای او معلوم گشته است. چنین زنی نصف مهریه خود را دریافت می‌دارد و عدّه‌ای ندارد. د - زن مطلّقه‌ای که با او آمیزش جنسی نشده است و مهریه‌ای هم برای او معلوم نگشته است. چنین زنی وجوباً حق متاع به اندازه قدرت مالی شوهر دریافت می‌دارد، و عدّه‌ای ندارد. یادآوری: دادن حق متاع به زنان بندهای [«الف» و «ب» و «ج»] مستحبّ است، لیکن پرداخت آن به زنان گروه [د] واجب است. [نگا: تفسیر مراغی، جزء دوم، صفحه ۱۹۷ و ۲۰۵. تفسیر المصحف المیسّر، صفحه ۴۸].

سوره بقرۀ آیه ۲۴۲

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢٤٢﴾

ترجمه:

خداوند این چنین آیات خود را برای شما شرح می‌دهد تا این که (درباره احکام الهی و همه پدیده‌های جهان) بیندیشید.

توضیحات:

«كَذَٰلِكَ»: بدینسان. با چنین بیانات خردپسندانه و قوانین خیرخواهانه.

سوره بقرۀ آیه ۲۴۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٢٤٣﴾

ترجمه:

آیا آگاهی (از داستان شگفت) کسانی که از خانه‌های خویش، در حالی که هزاران نفر بودند، از ترس مرگ بیرون رفتند (و سستی نمودند و از جهاد با دشمن سر باز زدند)؟ پس خداوند بدی‌شان گفت: بمیرید. (یعنی خداوند عوامل مرگ آنان را فراهم ساخت و با چیره‌شدن دشمن بر ایشان، گرفتار کشتن و ذلّت و خواری شدند) سپس

خداوند آنان را (با آگاهی و بیداری و پیکار قهرمانانه افرادی از ایشان) زنده کرد. (مگر نه این است که پذیرش ظلم و جور، مرگ ملّت‌ها است؟! و هرگاه گروهی از ایشان از غفلت خویش بیدار شدند و بپاخاستند، خود و دیگران را با جبران مافات از نو زندگی و حیات می‌بخشند؟! و چنین زندگی بزرگوارانه‌ای پس از زندگی ذلّت‌بار، نعمت سترگی است و از فضل خدا است و) بی‌گمان خداوند فضل خویش را شامل مردم می‌سازد (فضلی که موجب شکر و سپاس است) ولیکن بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَإِلي»؟: آیا آگاهی از؟ مگر نمی‌دانی که؟. مخاطب پیغمبر است و مراد ملّت او، و هدفِ پرسش تحریک آنان برای آگاهی از این چنین کسانی و پندگیری از کار ایشان است. «الَّذِينَ خَرَجُوا»: کسانی که بیرون رفتند. خداوند نژاد و شماره و سرزمین چنین کسانی را روشن نفرموده است، و چه بسا تنها جنبه ضرب‌المثل داشته باشد و برای پند و اندرز بوده و اصلاً داستانی در میان نباشد. «أُلُوفٌ»: جمع أَلْف، هزاران. «حَذَرَ»: از ترس. مفعولٌ‌له است. «مُوتُوا... أَحْيَاهُمْ»: مراد از موت و حیات، نابودی دسته‌ای و ماندگاری دسته‌ای است، و این که زندگی شجاعانه و بزرگوارانه حیات است، و زندگی ترسویانه و پستانه، مرگ بشمار است. پس در اینجا سخن از موت و حیات معنوی است (نگا: بقره / ۵۶، أنعام / ۱۲۲، انفال / ۲۴).

سوره بقرۀ آیه ۲۴۴

متن آیه:

﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ﴾

ترجمه:

و در راه خدا بجنگید و بدانید که خداوند شنوا و دانا است.

توضیحات:

«سَمِيعٌ»: شنوا است و گفتار هرکسی را می‌شنود. «عَلِيمٌ»: دانا است و از کردار و پندار هر کسی آگاه است.

سوره بقرۀ آیه ۲۴۵

متن آیه:

﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ

وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

ترجمه:

کیست که به خدا قرض نیکوئی دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟ و خداوند (روزی بندگان را) محدود و گسترده می‌سازد و به‌سوی او بازگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«مَن ذَا الَّذِي»: چه کسی است که؟ (مَنْ): مبتدا، (ذَا): خبر، (الَّذِي): صفت. «قَرْضاً»: مفعول مطلق و به معنی (إقراض) است، یا مفعولٌ‌به و به معنی (مقروض) است. «قَرْضاً حَسَناً»: وام نیکو. و آن وقتی است که از مال حلال و با طیبه خاطر باشد. «فَيُضَاعِفَهُ»: تا چندین برابرش گرداند. «أَضْعَافاً»: جمع (ضِعْف) چندین برابر. مفعولٌ‌به دوم فعل (يُضَاعِفَ) یا حال ضمیر (ه) در (يُضَاعِفَهُ) است. «يَقْبِضُ»: باز می‌گیرد. کم می‌کند. «يَبْسُطُ»: گسترش می‌دهد. فراوان می‌گرداند.

سوره بقرۀ آیه ۲۴۶

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰٓ إِذۡ قَالُواْ لِنَبِيّٖ لَّهُمُ ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُواْۖ قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٤٦﴾

ترجمه:

آیا آگاهی از (داستان شگفت) جماعتی از بنی‌اسرائیل که بعد از موسی می‌زیستند و در آن وقت به پیغمبر خود گفتند: شاهی برای ما انتخاب کن تا (تحت فرماندهی او) در راه خدا جنگ کنیم. (پیغمبرشان برای اطمینان از تصمیمشان بدیشان) گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود (سرپیچی کنید و در راه خدا جهاد و) پیکار نکنید. گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه و فرزندانمان رانده شده‌ایم؟ امّا هنگامی که دستور پیکار به آنان داده شد، همه جز عده کمی از ایشان سرپیچی کردند (و به خود و پیغمبرشان و دینشان ستم نمودند) و خداوند از ستمکاران آگاه است.

توضیحات:

«مَلَاَ»: بزرگان قوم. «نَبِيٍّ»: پیغمبری. منظور سَموئیل است. «نُقَاتِلْ»: تا بجنگیم. مجزوم است چون جواب فعل امر (إِبْعَثْ) است. «عَسَيْتُمْ»: شاید شما. از افعال ناقصه است و اسم آن ضمیر (تُمْ) و خبر آن جمله (أَلاّ تُقَاتِلُوا) است. «مَا لَنَا»: چه می‌شود ما را؟ چرا ما؟ (مَا): مبتدا، (لَنَا) خبر است. «دِيَار»: جمع دار، خانه و کاشانه. شهر و میهن. «كُتِبَ»: واجب گردید. «تَوَلَّوْا»: سرپیچی کردند. پشت نمودند و خلف وعده کردند.

سوره بقرهٔ آیه ۲۴۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًاۚ قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِٱلْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ ٱلْمَالِۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُۥ بَسْطَةً فِى ٱلْعِلْمِ وَٱلْجِسْمِۖ وَٱللَّهُ يُؤْتِى مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٢٤٧﴾

ترجمه:

و پیغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما روانه کرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با این که ما از او برای زمامداری سزاوارتریم و او که مال و دارائی زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است و خداوند ملک خود را به هرکس که بخواهد می‌بخشد. و (احسان و تصرّف و قدرت) خداوند فراخ، و آگاه (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) است.

توضیحات:

«أَنَّيا»: چگونه؟ از کجا؟ «لَمْ يُؤْتَ»: داده نشده است. «سَعَةً»: فزونی. فراوانی. «إِصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ»: او را بر شما برگزیده است. «بَسْطَةً»: گسترش. فراخی. «وَاسِعٌ»: به معنی (ذُوسَعَةٍ) یعنی: دارا است، یا به معنی (مُوسِع) یعنی: توسعه‌دهنده و بخشایشگر است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۴۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ءَايَةَ مُلْكِهِۦٓ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ

وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحۡمِلُهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴿٢٤٨﴾

ترجمه:

و پیغمبرشان به آنان گفت: نشانه حکومت او این است که صندوق (عهد) به‌سوی شما خواهد آمد (همان صندوق عهدی که دلگرمی و) آرامشی از سوی پروردگارتان و یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل می‌کنند. در این کار بی‌گمان نشانه‌ای برای شما است (و چنین رهنمودی شما را بر آن می‌دارد که) اگر مؤمن هستید (بدو بگروید و به دنبال حق روان شوید).

توضیحات:

«ءَايَةَ»: نشانه. «مُلْك»: سلطنت. حکومت. «تَابُوتُ»: صندوق عهد. صندوق تورات. صندوقی بوده است که تورات در آن گذاشته شده بود. عَمالِقه آن را از بنی‌اسرائیل گرفته بودند، ولی بعدها مجدّدا به دستشان افتاد. گویا در آن، الواح شکسته، عصا و جامه موسی، و عمامه هارون، و چیزهای دیگری بوده است. «سَكِينَةٌ»: آرامش. گویا هنگام جنگ، موسی چنین صندوقی را در جلو لشکریان حرکت می‌داد و بدین وسیله بنی‌اسرائیل تقویت قلب پیدا می‌کردند و از میدان رزم نمی‌گریختند. «تَحْمِلُهُ الْمَلآئِكَةُ»: فرشتگان آن را برمی‌دارند. فرشتگان آن را نگهداری می‌کنند. کار پسندیده خارِق‌العاده‌ای که با دست و تصرّف انسان‌ها انجام نگیرد، عادةً به فرشتگان نسبت داده می‌شود، همان‌گونه که در اینجا مذکور است.

سوره بقرۀ آیه ۲۴۹

متن آیه:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلۡجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبۡتَلِيكُم بِنَهَرٖ فَمَن شَرِبَ مِنۡهُ فَلَيۡسَ مِنِّي وَمَن لَّمۡ يَطۡعَمۡهُ فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ إِلَّا مَنِ ٱغۡتَرَفَ غُرۡفَةَۢ بِيَدِهِۦۚ فَشَرِبُواْ مِنۡهُ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلۡيَوۡمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦۚ قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٖ قَلِيلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةٗ كَثِيرَةَۢ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴿٢٤٩﴾

ترجمه:

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی‌اسرائیل منصوب شد) و سپاهیان را با خود بیرون برد، بدی‌شان گفت: خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای آزمایش می‌کند. آنان که از آن بنوشند از (پیروان) من نیستند، و آنان که جز مشتی از آن ننوشند از (یاران) من هستند. همگی جز عدّه کمی از آن نوشیدند. پس وقتی که او و افرادی که ایمان آورده بودند (و از بوته آزمایش سالم به در آمده بودند) از آن رودخانه گذشتند (از کمی افراد خود ناراحت شدند و عدّه‌ای) گفتند: امروز ما توانائی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. امّا آنان که یقین داشتند که با خدای خویش ملاقات خواهند کرد (و در روز رستاخیز پاداش خود را دریافت خواهند نمود) گفتند: چه بسیارند گروه‌های اندکی که به فرمان خدا (توفیق نصیب‌شان شده است و) بر گروههای فراوانی چیره شده‌اند. و خداوند با بردباران (و در صف استقامت‌کنندگان) است.

توضیحات:

«فَصَلَ»: از محلّ اقامت دور کرد. حرکت داد. «نَهَرٍ»: رودخانه. «لَمْ يَطْعَمْهُ»: آن را نچشید و ننوشید. «غُرْفَةً»: مشتی. «جَاوَزَهُ»: از آن عبور کرد. «جَالُوتَ»: اسم مشهورترین پهلوانان دشمن بود. «فِئَةٍ»: گروه.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۰

متن آیه:

﴿وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ۝٢٥٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند (و لشکریان فراوان و ساز و برگ مجهّز جنگی ایشان را دیدند، به آفریدگار خویش پناه بردند و) گفتند: پروردگارا! (بر دل‌هایمان آب) صبر و شکیبائی بریز و گام‌هایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

توضیحات:

«بَرَزُوا»: بیرون رفتند و برای مبارزه آماده شدند. «أَفْرِغْ»: بریز. «اَقْدَام»: جمع قَدَم، گام‌ها.

سوره بقرۀ آيه ۲۵۱

متن آيه:

﴿فَهَزَمُوهُم بِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّفَسَدَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٥١﴾

ترجمه:

سپس به فرمان خدا ايشان را (مغلوب كردند و) فراری دادند، و داود (يكی از لشكريان طالوت)، جالوت را كشت، و خداوند حكومت و حكمت بدو بخشيد و از آنچه می‌خواست بدو ياد داد، و اگر خداوند برخی از مردم را به وسيله برخی ديگر دفع نكند، فساد زمين را فرا می‌گيرد، ولی خداوند نسبت به جهانيان لطف و احسان دارد.

توضيحات:

«هَزَمُوهُمْ»: ايشان را شكستند و فراری دادند. «ءَاتَاهُ»: بدو داد. «حِكْمَة»: مراد نبوّت است كه انزال تورات بيان‌گر آن است (نگا: نساء / ۱۶۳).

سوره بقرۀ آيه ۲۵۲

متن آيه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٥٢﴾

ترجمه:

اين‌ها آيات خدا است كه آنها را به حق بر تو می‌خوانيم و تو از زمره فرستادگان (خداوند) هستی.

توضيحات:

«بِالْحَقِّ»: به گونه راستين، به گونه‌ای كه برای اهل كتاب شكی در آن باقی نماند. (بِالْحَقِّ) حال فاعل (نَحْنُ) يا مفعول (هَا) در فعل (نَتْلُوهَا) است، يعنی: «مُتَلَبِّسِينَ بِالْحَقِّ وَ الْصَّوَابِ ، أَوْ مُتَلَبِّسَةً بِالْيَقِينِ».

سوره بقرۀ آیه ۲۵۳

متن آیه:

﴿تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُواْ فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُواْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾﴾

ترجمه:

این پیغمبران (که نام برخی از آنان گذشت) بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خداوند با برخی از آنان سخن گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد، و به عیسی پسر مریم معجزاتی دادیم و او را با روح‌القدس (یعنی جبرئیل) تقویت و تأیید نمودیم. اگر خداوند می‌خواست کسانی که بعد از این پیغمبران می‌آمدند، به دنبال نشانه‌های روشنی که به (دست) آنان می‌رسید (و هدایت راستین و دین حقی را که دریافت می‌نمودند به مقتضای چنین هدایت و دینی، همه ایشان ایمان می‌آوردند و اختلافی نمی‌ورزیدند و) با یکدیگر نمی‌جنگیدند. ولیکن (بنا به خواست خدا) اختلاف ورزیدند و بعضی ایمان آوردند و برخی کافر شدند. و اگر خدا می‌خواست با هم نمی‌جنگیدند و به ستیز نمی‌خاستند، ولی خداوند آنچه را می‌خواهد (از روی حکمتی که خود می‌داند) انجام می‌دهد.

توضیحات:

«كَلَّمَ اللهُ»: خدا با او سخن گفته است. عائد موصول، یعنی ضمیر (ه) محذوف است، و تقدیر چنین است: «كَلِمَهُ اللهُ»... «دَرَجَاتٍ»: مراتب و منازل. منصوب است چون مفعول دوم (رَفَعَ) در مفهوم (بَلَّغَ) است، یا حال (مِن بَعْضِهِمْ) و در مفهوم (ذَا دَرَجَاتٍ)، یا مفعول مطلق است و درجات در مفهوم (رفعات) است، منصوب به نزع خافض است و حرف جرّ (عَلي یا إِلي یا في) محذوف است. «بَيِّنَات»: دلائل روشن. معجزات مذکور در (آل‌عمران / ۴۹). «أَيَّدْنَاهُ»: یاری و توانائیش دادیم. «رُوحِ الْقُدُسِ»: روح پاک. یعنی:

جبرئیل. اضافه موصوف به صفت است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ وَلَا شَفَٰعَةٞۗ وَٱلۡكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ٢٥٤﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برخی) از آنچه بهره شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف کنید، پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است، و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند، و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد).

توضیحات:

«أَنفِقُوا»: ببخشید. خرج کنید. «بَيْعٌ»: خرید و فروش. «خُلَّةٌ»: دوستی. رفاقت. مراد دوستی و رفاقتی است که سودمند شود و مایه نجات گردد (نگا: انفطار / ۱۹). والاّ مؤمنان در آخرت دوست همدیگر خواهند بود (نگا: زخرف / ۶۷). «شَفَاعَةٌ»: میانجیگری. نفی شفاعت در این آیه به طور مطلق است، ولیکن مقید به آیه‌های دیگر است، از جمله «إِلاّ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلاً» (طه / ۱۰۹).«وَلا يَشْفَعُونَ إِلاّ لِمَنِ ارْتَضي» (انبیاء / ۲۸).

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۵

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ٢٥٥﴾

ترجمه:

خدائی بجز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از

آنِ او است آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروائی او آسمان‌ها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

توضیحات:

«حَيّ»: زنده جاوید و باقی پایدار. «قَيُّوم»: نگهدار جهان و گرداننده امور آن. (الْحَيُّ) و (الْقَيُّومُ): صفت یا بدل، و یا خبر مبتدای محذوف می‌باشد. «سِنَةٌ»: چرت. از ماده (وسن). «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: آنچه در پیش روی آنان است که امور مربوط به این جهان است. «مَا خَلْفَهُمْ»: آنچه در پشت سر آنان است که امور مربوط به آن جهان یعنی آخرت است. «لا يُحِيطُونَ»: احاطه نمی‌کنند. فراچنگ نمی‌آورند. «كُرْسِيُّ»: تخت سلطنت. عرش. در اینجا مراد علم و عظمت و قدرت خدا است. «لا يَؤُودُهُ»: او را درمانده و ناتوان نمی‌سازد و بر او سنگینی نمی‌کند. از ماده (أود).

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۶

متن آیه:

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦﴾

ترجمه:

اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخّص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار

مردمان را می‌شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد).

توضیحات:

«إِكْرَاهَ»: وادار کردن. واداشتن. «رُشْد»: هدایت. راه درست. «غَيّ»: ضلالت. راه کج. « طَاغُوت»: هر معبودی جز خدا. شیطان. هر کس و هر چیزی که اطاعت از آن، مایه طغیان و دوری از راه حق شود، چه آفریده‌ای که پرستیده شود، و چه فرماندهی که در شرّ و بدی از او فرمانبرداری گردد، و چه اهریمنی باشد که انسان را از راه به در برد. مفرد و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. «عُرْوَةِ»: دستاویز. «وُثْقَيا»: مؤنّث (أَوْثَق) بس محکم و استوار. «إِنفِصَام»: گسستن.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۷

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ۝٢٥٧﴾

ترجمه:

خداوند متولّی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به‌سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (امّا) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به‌سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند.

توضیحات:

«وَلِيّ»: دوست. یاور. خداوند ولی مؤمنان است و آنان را به راه خیر و خوبی رهنمون می‌شود و یاری‌شان می‌نماید. شیطان ولی کافران است و آنان را به راه پلشتی و زشتی می‌خواند و بدی‌شان چنین می‌نمایاند که خیرخواه آنان است و بدی‌شان سود می‌رساند. «ظُلُمَـات»: تاریکی‌ها. «خَالِدُونَ»: جاویدانان.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۸

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُۖ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأۡتِي بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ٢٥٨﴾

ترجمه:

آیا با خبری از کسی که با ابراهیم درباره (الوهیت و یگانگی) پروردگارش راه مجادله و ستیز در پیش گرفت، بدان علّت که خداوند بدو حکومت و شاهی داده بود (و بر اثر کمی ظرفیت از باده غرور سرمست شده بود)؟ هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که (با دمیدن روح در بدن و بازپس گرفتن آن) زنده می‌گرداند و می‌میراند. او گفت: من (با عفو و کشتن) زنده می‌گردانم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرِق برمی‌آورد، تو آن را از مغرب برآور. پس آن مرد کافر واماند و مبهوت شد. و خداوند مردم ستمکار (مُصرّ بر تبه‌کاری، و دشمن حق) را هدایت نمی‌کند.

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ إِلَیا»: آیا آگاهی از؟ باید آگاه باشی از؟ «حَآجَّ»: مجادله و منازعه کرد. به حجّت‌گوئی و حجّت خواهی نشست. ﴿ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ﴾: چون که خدا بدو حکومت و شاهی داده بود. یعنی سلطنت و قدرت او را مغرور کرده بود و به انکار خدا واداشته بود. «بُـهِتَ»: مبهوت گردید. خاموش و درمانده و سرگردان و بی‌برهان شد.

سوره بقرهٔ آیه ۲۵۹

متن آیه:

﴿أَوۡ كَٱلَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡعِظَامِ كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٢٥٩﴾

ترجمه:

یا (آیا آگاهی از) همچون کسی که از کنار دهکده‌ای گذر کرد، در حالی که سقف خانه‌ها فرو تپیده بود و دیوارهای آنها بر روی سقف‌ها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صد سال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گفت: چه مدّت درنگ کرده‌ای؟ گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز. فرمود: (نه) بلکه صد سال درنگ کرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (و ببین که با گذشت این زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشانه (گویائی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را برمی‌داریم و بهم پیوند می‌دهیم و سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی که (این حقائق) برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«أَوْ كَالَّذِي»: یا آگاهی از داستان آن کسی که. حرف کاف زائد است، و تقدیر چنین است: «أَلَـمْ تَرَ إِلَي الَّذِي مَرَّ». یا کاف به معنی مِثل و برای تشبیه است. در این صورت عطف بر معنی کلام سابق است. چرا که (أَلَـمْ تَرَ إِلَي الَّذِي حَآجَّ) همسان (أَلَـمْ تَرَ كَالَّذِي حَآجَّ) است، و (أَوْ كَالَّذِي مَرَّ) عطف بر آن است. «خَاوِيَةٌ»: فرو تپیده. فرو ریخته. «عُرُوش»: جمع عَرْش، سقف‌ها. «أَنَّيا»: چگونه؟ «أَمَاتَ»: میراند. «لَبِثْتَ»: درنگ کرده‌ای. مانده‌ای. «لَـمْ يَتَسَنَّهْ»: تغییر نکرده است. با گذشت سال‌ها فاسد و تباه نگشته است. گوئی سال‌هائی بر آن نگذشته است. از ماده (سنه) است، یا از ماده (سنو) و هاء آن برای سکته است، مانند (كِتابِيَهْ) و علامت جزم حذف حرف عله است. «نُنشِزُ»: فراهم می‌چینیم و بهم می‌پیوندیم. «نَكْسُو»: می‌پوشانیم.

سوره بقرۀ آیه ۲۶۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِي كَيۡفَ تُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ قَالَ أَوَ لَمۡ تُؤۡمِنۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِيۖ قَالَ فَخُذۡ أَرۡبَعَةٗ مِّنَ ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٦٠﴾

ترجمه:

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی. گفت: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا! ولی تا اطمینان قلب پیدا کنم (و با افزودن آگاهی بیشتر، دلم آرامش یابد). گفت: پس (در این صورت) چهار تا از پرندگان را بگیر و آنها را به خود نزدیک گردان (تا مشخّصات و ممیزات آنها را دریابی. آن گاه آنها را ذبح کن و در هم بیامیز)، سپس بر سر هر کوهی قسمتی از آنها را بگذار. بعد آنها را بخوان، به سرعت به‌سوی تو خواهند آمد، و بدان که خداوند چیره و باحکمت است.

توضیحات:

«مَوْتَیا»: جمع میت، مردگان. «بَلَیا»: آری. حرف جواب است. برای ابطال نفی متقدّم و افاده اثبات مفهوم بعد از خود می‌آید. «صُرْهُنَّ»: آنها را به خود نزدیک کن. آنها را بهم بیامیز. آنها را پاره پاره کن. از ماده (صَور) به معنی میل یا قطع. «جُزْءاً»: قطعه و پاره و تکه. «أُدْعُهُنَّ»: آنها را صدا بزن. «سَعْیاً»: شتابان. مصدری است به معنی اسم فاعل و حال بشمار است و تقدیر چنین است: «یَأْتِینَكَ سَاعِیَاتٍ. همچون: جَآءَ زَیْدٌ رَكْضاً؛ أَیْ رَاكِضاً». یا این که مفعول مطلق است و همچون قَعَدْتُ جُلُوساً می‌باشد.

سوره بقرهٔ آیه ۲۶۱

متن آیه:

﴿مَّثَلُ ٱلَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِی سَبِیلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِی كُلِّ سُنۢبُلَةٍ مِّاْئَةُ حَبَّةٍۗ وَٱللَّهُ یُضَٰعِفُ لِمَن یَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِیمٌ ۝٢٦١﴾

ترجمه:

مثل کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می‌گرداند، و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ (و از همه چیز) آگاه است.

توضیحات:

«سَنَابِلَ»: جمع سُنبُلة، خوشه‌ها. «یُضَاعِفُ»: چندین برابر می‌گرداند. «وَاسِعٌ»: دارای انعام و رحمت فراگیر.

سوره بقرۀ آیه ۲۶۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٦٢﴾

ترجمه:

کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می‌کنند و به دنبال آن منّتی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش‌شان نزد پروردگارشان است (و اندازه اجرشان را کسی جز خدا نمی‌داند)، و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین خواهند شد.

توضیحات:

«لا يُتْبِعُونَ»: به دنبال نمی‌آورند. ملحق نمی‌سازند. «مَنّاً»: منّت. «أَذيً»: اذیت و آزار.

سوره بقرۀ آیه ۲۶۳

متن آیه:

﴿قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ ٢٦٣﴾

ترجمه:

گفتار نیک و گذشت، بهتر از بذل و بخششی است که اذیت و آزاری به دنبال داشته باشد. و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.

توضیحات:

«قَوْلٌ»: گفتار. سخن. «مَعْرُوفٌ»: نیک. پسندیده. «يَتْبَعُهَا»: به دنبال آن بیاید.

سوره بقرۀ آیه ۲۶۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفۡوَانٍ عَلَيۡهِ تُرَابٞ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٞ فَتَرَكَهُۥ صَلۡدٗاۖ لَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّمَّا كَسَبُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٦٤﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بذل و بخشش‌های خود را با منّت و آزار، پوچ و تباه نسازید، همانند کسی که دارائی خود را برای نمودن به مردم، ریاکارانه صرف می‌کند و

به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارد. مَثَل چنین کسی همچون مَثَل قطعه سنگ صاف و لغزنده‌ای است که بر آن (قشری از) خاک باشد (و بذرافشانی شود)، و باران شدیدی بر آن ببارد (و همه خاک‌ها و بذرّها را فرو شوید) و آن را به صورت سنگی صاف (و خالی از هر چیز) برجای گذارد. (چنین ریاکارانی) از کاری که انجام داده‌اند سود و بهره‌ای برنمی‌گیرند، و خداوند گروه کفرپیشه را (به‌سوی خیر و صلاح) رهنمود نمی‌نماید.

توضیحات:

«صَدَقَاتِ»: بذل و بخشش‌ها. احسان و نیکی‌ها. «رِئَآءَ»: ریا. ظاهرفریبی. منصوب است چون مفعولٌ‌له، یا حال است و به معنی: مُرائی. «صَفْوَان»: سنگ بزرگ صاف و لغزنده. «وَابِلٌ»: باران تند. رگبار باران. «صَلْداً»: سخت و لغزنده وبدون گرد و غبار.

سوره بقرهٔ آیه ۲۶۵

متن آیه:

﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۭ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ فَـَٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٦٥﴾

ترجمه:

مثل کسانی که دارائی خود را برای خوشنودی خدا و استوار کردن جان‌های خود (بر ایمان و احسان) صرف می‌کنند، همچون مثل باغی است که روی پشته‌ای باشد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حدّ کافی بهره گیرد) و باران شدیدی بر آن ببارد و در نتیجه چندین برابر میوه دهد، و اگر هم باران شدیدی بر آن نبارد، باران خفیفی بر آن ببارد، (به سبب خاک خوب و آفتاب مناسب و هوای آزاد، باز هم ببار نشیند)، و آنچه را انجام می‌دهید خدا می‌بیند.

توضیحات:

«إبْتِغَآءَ»: خواستن. طلبیدن. مفعولٌ‌له یا حال است و به معنی طالبین. «مَرْضَاتِ»: رضایت. خوشنودی. مَرْضاة مصدر میمی است و برابر رسم‌الخطّ قرآنی با (ت) نوشته شده است. «تَثْبِيتاً مِّنْ أَنفُسِهِمْ»: برای استوارکردن جان‌هایشان بر ایمان و احسان. برای عادت دادن خود به بذل و بخشش و پایدارکردن خویشتن بر ایمان. به خاطر یقین و

باوری که از ته دل به پاداش خدا دارند. مفعولٌله است، یا حال است و به معنی «مُثَبِّتِینَ». «جَنَّةٍ»: باغ. «رَبْوَةٍ»: زمین مرتفع. پشته. «أُكُل»: محصول. میوه. «ضِعْفَيْنِ»: دوچندان. چهار برابر. چندین برابر. «طَلٌّ»: باران خفیف. منظور این است که بذل و بخشش چنین کسانی هرگونه که باشد نتیجه و ثمره خود را می‌دهد و در پیشگاه خدا محفوظ و پیوسته در حال افزایش خواهد بود.

سوره بقرهٔ آیه ۲۶۶

متن آیه:

﴿أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴿٢٦٦﴾﴾

ترجمه:

آیا کسی از شما دوست می‌دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، جویبارها روان باشد و برای او در آن هرگونه میوه‌ای (از میوه‌های دیگر) باشد، و در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف داشته باشد، (در این هنگام) گردبادی (کوبنده) که در آن آتش (سوزانی) باشد، به باغ برخورد کند و آن را بسوزاند؟! این چنین خداوند آیات خود را برایتان بیان و آشکار می‌سازد، شاید بیندیشید (و با نیروی اندیشه راه حق را بیابید).

توضیحات:

«يَوَدُّ»: دوست می‌دارد. «نَخِيلٍ»: خرما. نخلستان. «أَعْنَابٍ»: جمع عِنَب، انگورها. تاکستان. «كِبَر»: پیری. کهنسالی. «إِعْصَارٌ»: گردباد. «نَارٌ»: آتش. منظور باد سموم است. نتیجه: کسانی که بذل و بخشش خود را با ریا و اذیت و آزار همراه می‌کنند، گردبادِ چنین کردار و رفتاری، خرمن عمر و حاصلِ به ظاهر خیرات آنان را از میان می‌برد، و وقتی در سرای دیگر آماده می‌شوند، می‌بینند که چیزی برای‌شان نمانده است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۶۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ ۖ

وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝٢٦٧﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم (از قبیل منابع و معادن زیرزمینی) ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا از آن ببخشید؛ در حالی که خود شما حاضر نیستید آن چیزهای پلید را دریافت کنید مگر با اغماض و چشم‌پوشی در آن، و بدانید که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

توضیحات:

«لا تَیَمَّمُوا»: قصد نکنید. روی نیاورید. «خَبِیثَ»: ناپاک. مراد از آن، چیز بی‌مقدار و بدردنخور است؛ نه چیز حرام. زیرا چیز حرام، اندوختن یا بخشیدن را نشاید. «حَمِيدٌ»: ستوده. فَعِیل به معنی مَفْعُول است.

سوره بقرة آیه ۲۶۸

متن آیه:

﴿ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ۝٢٦٨﴾

ترجمه:

اهریمن شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند و) وعده تهیدستی می‌دهد و به انجام گناه شما را دستور می‌دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.

توضیحات:

«فَحْشَآء»: بزه و گناهی که قبح و زشتی آن زیاد و چشمگیر باشد از قبیل: زنا، قتل، ندادن زکات، ترک نماز، بخل، و... «مَغْفِرَةً»: آمرزش، که در آخرت بهره نیکان می‌گردد. «فَضْلاً»: فزونی نعمت و پرکردن جای چیز بخشیده شده، که در دنیا نصیب نیکوکاران می‌شود. (نگا: سبأ / ۳۹)

سوره بقرۀ آیه ۲۶۹

متن آیه:

﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٢٦٩﴾

ترجمه:

فرزانگی را به هرکس که بخواهد (و شایسته بیند) می‌دهد، و به هرکس که فرزانگی داده شود، بی‌گمان خیر فراوانی بدو داده شده است، و جز خردمندان (این حقائق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند.

توضیحات:

«حِكْمَةَ»: فرزانگی. اصابت در کردار و گفتار، و انجام هر چیزی در جای مناسب خود. در اینجا مراد معرفت اسرار قرآن است. «أُوْلُوا»: صاحبان. «أَلْبَابِ»: جمع لُبّ، خِردها. «أُوْلُوا الأَلْبَابِ»: عاقلان.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ٢٧٠﴾

ترجمه:

و هر هزینه‌ای را که (در راه خیر یا شر) متحمّل می‌شوید، یا هر نذری را که (در راه طاعت یا معصیت) به گردن می‌گیرید، بی‌گمان خداوند آن را می‌داند، و ستمگران را یاوری نیست.

توضیحات:

«نَفَقَة»: بذل و بخشش. صرف مال. «أَنصَار»: یاوران. مددکاران.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۱

متن آیه:

﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ

وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمۡۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٧١﴾

ترجمه:

اگر بذل و بخشش‌ها را آشکار کنید، چه خوب، و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید، برای شما بهتر خواهد بود و برخی از گناهان شما را می‌زداید، و خداوند آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«إِن تُبْدُوا»: اگر آشکار سازید «صَدَقَات»: بذل و بخشش‌ها. «فَنِعِمَّا هِيَ»: چه خوب! مراد این است که آشکار ساختن بذل و بخشش‌ها پسندیده است. «يُكَفِّرُ»: محو و نابود می‌کند. می‌زداید. «سَيِّئَات»: نابکاری‌ها. زشتی‌ها. مراد گناهان کوچک و بزرگ است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۷۲

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلِأَنفُسِكُمۡۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٢﴾

ترجمه:

هدایت آنان بر تو واجب نیست، ولیکن خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و هر چیز نیک و بایسته‌ای که می‌بخشید برای خودتان است (و سود آن عائد خودتان می‌گردد) و (این وقتی خواهد بود که) جز برای رضایت خدا نبخشید. و هر چیز نیک و بایسته‌ای که (بدین گونه) ببخشید به طور کامل به خود شما بازپس داده می‌شود و (کوچک‌ترین) ستمی به شما نخواهد شد.

توضیحات:

﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ﴾: هدایت آنان بر تو واجب نیست، بلکه بر تو تبلیغ است و بس. «خَيْر»: مراد مال و دارائی است. «ما تُنفِقُونَ»: نمی‌بخشید. نباید ببخشید. «وَجْه»: ذات. اطلاق جزء بر کلّ است. ﴿ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ﴾ «إِبْتِغَاءَ وَجْهِ الله»: طلب رضای خدا. «يُوَفَّ»: به تمام و کمال داده می‌شود.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۳

متن آیه:

﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ۝٢٧٣﴾

ترجمه:

(چنین بذل و بخششی مخصوصاً باید) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا درمانده‌اند و به تنگنا افتاده‌اند و نمی‌توانند در زمین به مسافرت پردازند (و از راه تجارت و کسب و کار برای خود هزینه زندگی فراهم سازند و) به خاطر آبرومندی و خویشتنداری، شخص نادان می‌پندارد که اینان دارا و بی‌نیازند، امّا ایشان را از روی رخساره و سیمایشان می‌شناسی، (چه از لحن گفتار و طرز رفتار پیدا و نمودارند و) با الحاح و اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند. و هر چیز نیک و بایسته‌ای را که ببخشید، بی‌گمان خدا از آن آگاه است.

توضیحات:

«لِلْفُقَرَآءِ»: به مستمندان. جار و مجرور متعلّق است به (وَمَا تُنفِقُوا) در آیه قبلی، یا به فعل محذوفی همچون (إِعْمَدُوا؛ إِجْعَلُوا). یعنی: «إِعْمَدُوا لِلْفُقَرَآءِ؛ إِجْعَلُوا مَا تُنفِقُونَ» «لِلْفُقَرَآءِ؛ صَدَقَاتُكُمْ لِلْفُقَرَآءِ». «أُحْصِرُوا»: بازداشته شده‌اند. جلو آنان گرفته شده است. همه اوقات‌شان وقف جهاد یا کسب علم شده است. «ضَرْب»: راه رفتن. مسافرت کردن. مراد جستجو و تکاپوی در کار تجارت و کسب و تلاشِ در پی معاش است. «تَعَفُّف»: قناعت. شرم و حیا. «سِيمَا»: رخساره. دیدار. «إِلْحَافاً»: الحاح. اصرار. مفعول مطلق است؛ زیرا الحاف خود نوعی از سؤال یعنی درخواست است؛ و یا این که به معنی مُلْحِفِينَ و حال بشمار است. ﴿لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ﴾: پافشارانه چیزی از مردم نمی‌خواهند. از مردم اصلاً چیزی نمی‌خواهند. «خَيْر»: مراد مال و دارائی است.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ۝٢٧٤﴾

ترجمه:

کسانی که دارائی خود را در شب و روز (و در همه اوضاع و احوال) و به گونه پنهان و آشکار می‌بخشند، مزدشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین خواهند شد.

توضیحات:

«سِرّاً وَعَلانِیَةً»: پنهان و آشکارا. حال ضمیر (و) در فعل (یُنفِقُونَ) بوده و به معنی: «مُسِرِّینَ ومُعْلِنِینَ» به کار رفته‌اند. ذکر (لَیْل) پیش از (نَهار) و (سِرّ) قبل از (عَلانِیَة) بیان‌گر این واقعیت است که بذل و بخشش نهانی، مقدّم بر بذل و بخشش آشکارا است.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ۝٢٧٥﴾

ترجمه:

کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) برنمی‌خیزند مگر همچون کسی که (- بنا به گمان عرب‌ها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن‌رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با خدا است؛ امّا کسی که برگردد (و مجدّدا مرتکب رباخواری شود) این‌گونه کسانی اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«يَأۡكُلُونَ»: می‌خورند. مراد دریافت می‌دارند و در آن تصرّف می‌نمایند. «لا يَقُومُونَ»: به هنگام زنده‌شدن از گورها برنمی‌خیزند. از مشی اجتماعی دیوانه‌وار خود در دنیا دست برنمی‌دارند و آنی آسوده‌خاطر نمی‌گردند. «يَتَخَبَّطُهُ»: او را پیاپی و ناهنجارانه بزند. «مَسّ»: جنون. دیوانگی. «مِنَ الْـمَسِّ». به سبب دیوانگی ناشی از خودباختگی یا هراس. جار و مجرور متعلّق به يقُومُ یا يتَخَبَّطُهُ است. در اینجا رباخواران به صرعیان و دیوانگان تشبیه شده‌اند، و این تشبیه بنا بر اسلوب عرب است. آنان زیبایان و نیکوکاران و اشیاء قشنگ و خوشایند را به فرشته تشبیه می‌کنند (نگا: یوسف / ۳۱) و زشت‌ها و بدکرداران و اشیاء بدریخت و ناخوشایند را به شیطان و غول (نگا: صافّات / ۶۵). «بَيْع»: معامله. خرید و فروش. «مَا سَلَفَ»: آنچه از ربا پیش از تحریم بوده است و گذشته است. «أَمْر»: کار.

سوره بقرهٔ آیه ۲۷۶

متن آیه:

﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ٢٧٦﴾

ترجمه:

خداوند (برکت) ربا را (و اموالی را که ربا با آن بیامیزد) نابود می‌کند و (ثواب) صدقات را (و اموالی را که از آن بذل و بخشش شود) فزونی می‌بخشد، و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«يَمْحَقُ»: نابود می‌کند. محو می‌گرداند. رو به کاستی می‌برد. «يُرْبِي»: افزایش می‌دهد. فزونی می‌بخشد. «كَفَّارٍ»: معتاد به کفر و مقیم بر آن. «أَثِيمٍ»: فرو رفته در گناه. واژه‌های (كَفَّار) و (أَثِيم) صیغه مبالغه‌اند و در اینجا برای بیان رسوائی و نابکاری رباخوار به کار رفته‌اند، و نباید گمان برد که خداوند کافر گناهکار را دوست می‌دارد. نه هرگز! به کار رفتن صیغه مبالغه، برای فرق با غیرمبالغه نیست.

سوره بقرهٔ آیه ۲۷۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان بیاورند و کار شایسته انجام بدهند و نماز را چنان که باید برپای دارند و زکات را بپردازند، مزدشان نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

توضیحات:

﴿أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾: نماز را چنان که باید می‌خوانند و زکات مال بدر می‌کنند. نمازخواندن و زکات‌دادن، جزو (صالِحات) یعنی کارهای شایسته و پسندیده می‌باشد، لیکن ذکر مجدّد آن دو، بیان‌گر فضیلت سترگ آنها است.

سوره بقرۀ آیه ۲۷۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٧٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا (در پیش مردم) باقی مانده است فروگذارید، اگر مؤمن هستید.

توضیحات:

«إِتَّقُوا اللهَ»: در اینجا مضاف محذوف است، و تقدیر چنین است: «إِتَّقُوا عِقَابَ اللهِ». یعنی: خویشتن را از عقاب و عذاب خدا بپرهیزید. «ذَرُوا»: ترک کنید. رها سازید. از ماده (وذر).

سوره بقرۀ آیه ۲۷۹

متن آیه:

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٩﴾

ترجمه:

پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با خدا و پیغمبرش برخاسته‌اید، و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و اوامر دین را گردن نهادید) اصل

سرمایه‌هایتان از آن شما است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

توضیحات:

«فَأْذَنُوا»: پس یقین داشته باشید. پس بدانید. «تُبْتُمْ»: توبه کردید. پشیمان شدید و دست کشیدید. «رُؤُوس»: جمع رَأْس، سرمایه‌ها. اصل اموال.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۰

متن آیه:

﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٢٨٠﴾

ترجمه:

و اگر (بدهکار) تنگدست باشد، پس مهلت (بدو داده) می‌شود تا گشایشی فرا رسد، و اگر (قدرت پرداخت نداشته باشد و شما همه وام خود را، یا برخی از آن را بدو) ببخشید، برایتان بهتر خواهد بود اگر دانسته باشید.

توضیحات:

«ذُو عُسْرَةٍ»: تنگدست. نادار. «نَظِرَةٌ»: مهلت. فرصت‌دادن. «مَيْسَرَةٍ»: گشایش. فراخ دستی. «أَن تَصَدَّقُوا»: اگر ببخشید و صرف‌نظر کنید. تاء مضارعه از اوّل این فعل حذف شده است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۱

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ٢٨١﴾

ترجمه:

و از (عذاب و عقاب) روزی بپرهیزید که در آن به‌سوی خدا بازگردانده می‌شوید؛ سپس به هرکسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می‌شود، و به آنان ستم نخواهد شد.

توضیحات:

«تُرْجَعُونَ»: بازگشت داده می‌شوید. از مصدر (رَجْع وَ رُجْعي) به معنی: إعاده و

برگشت دادن؛ نه از مصدر (رُجُوع) به معنی: برگشتن. «تُوَفَّيا كُلُّ نَفْسٍ»: به هر کسی اجر و پاداش اعمالش به تمام و کمال داده می‌شود.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٨٢﴾﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به همدیگر تا مدّت معینی (از لحاظ روز و ماه و سال) وامی دادید، آن را بنویسید، و باید نویسنده‌ای دادگرانه آن را بنویسد، و هیچ نویسنده‌ای از نوشتن (سند) بدان گونه که خدا بدو آموخته است، سرپیچی نکند. پس نویسنده باید بنویسد و آن کس که حق بر ذمّه او است، باید املاء کند و از پروردگارش بترسد و چیزی از آن نکاهد، و اگر کسی که حق بر ذمّه او است کم‌خرد یا (به سبب کوچکی یا بیماری یا پیری) ناتوان باشد، یا (به سبب لالی یا گنگی یا ناآشنائی با زبان) او نتواند که املاء کند، باید ولی او (که شرع یا حاکم برای وی تعیین کرده است) دادگرانه املاء کند. و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از میان کسانی گواه کنید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند. - (این دو زن به همراه یکدیگر باید شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی پیدا کرد، دیگری بدو یادآوری کند - و چون گواهان را به گواهی خوانند باید که از این کار

خودداری نورزند. و از نوشتن وام - خواه کم باشد یا زیاد - تا سررسید آن دلگیر نشوید. این در پیشگاه (شریعت) خدا دادگرانه‌تر و برای گواهی (و صحّت شهادت) استوارتر، و برای آن که دچار شک و تردید نشوید، بهتر می‌باشد. مگر این که داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید، پس در این صورت بر شما باکی نیست اگر آن را ننویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید (باز هم) کسانی را به گواهی گیرید، و نویسنده و گواه نباید که زیان ببینند و نباید که زیان برسانند، و اگر چنین کنید از فرمان خدا بیرون رفته‌اید (و بر حکم او شوریده‌اید). و از خدا بترسید (و اوامر و نواهی او را پیش چشم دارید) و خداوند (آنچه را که به نفع شما یا به زیان شما است) به شما می‌آموزد، و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

توضیحات:

«تَدَایَنتُمْ»: به همدیگر وام دادید. «أَجَلٍ»: مدّت. «لا يَأْبَ»: خودداری نکند. «يُمْلِلْ»: املاء کند. بیان کند. «لا يَبْخَسْ»: نکاهد. «شَهِيدَيْنِ»: دو گواه. شهید فعیل به معنی فاعل است و جمع آن شهداء است. «دُعُوا»: فرا خوانده شدند. «لا تَسْأَمُوا»: سستی نکنید. کم‌حوصلگی و بی‌مبالاتی نکنید. «أَقْسَط»: دادگرانه‌تر. «أَقْوَمُ»: پابرجاتر. استوارتر. «أَدْنیا»: اقرب. نزدیکتر. «تُدِيرُونَ»: مبادله می‌کنید. نقداً دست به دست می‌کنید. «تَبَايَعْتُمْ»: با همدیگر خرید و فروش کردید. «لا يُضَآرَّ»: زیان رسانده نشود. زیان نرساند. این فعل می‌تواند مجهول یا معلوم باشد و (كَاتِبٌ) و (شَهِيدٌ) نائب فاعل یا فاعل بشمار آید. «فُسُوق»: سرپیچی. نافرمانی. «فُسُوقٌ بِكُمْ»: این کار بیان‌گر نافرمانی شما است. این کار شما را از راه حق و صلاح بیرون می‌برد. «يُعَلِّمُكُمُ اللهُ»: خدا به شما احکام خود را می‌آموزد که متضمّن مصالح شما می‌باشند. مفعول فعل، محذوف است.

سوره بقرۀ آیه ۲۸۳

متن آیه:

﴿وَإِن كُنتُمۡ عَلَىٰ سَفَرٖ وَلَمۡ تَجِدُواْ كَاتِبٗا فَرِهَٰنٞ مَّقۡبُوضَةٞۖ فَإِنۡ أَمِنَ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥۗ وَلَا تَكۡتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٢٨٣﴾

ترجمه:

و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید، پس چیزهائی گروگان بگیرید. و اگر برخی از شما به برخی دیگر اطمینان کرد، باید کسی که امین شمرده شده است، امانت او را بازپس دهد (و بستانکار در گروگان که امانتی محسوب است خیانت روا ندارد، و بدهکار وام را که ودیعه‌ای بشمار است، به موقع بپردازد) و از خدائی که پروردگار او است بترسد، و گواهی را پنهان نکنید و هرکس آن را پنهان دارد قلبش بزهکار است، و خدا بدانچه انجام می‌دهید آگاه است.

توضیحات:

«رِهَانٌ»: جمع رَهْن به معنی مرهون، گروگان‌ها. «رِهَانٌ»: مبتدا است و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین است: «فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ تَكْفِي». یا خبر است و مبتدای آن محذوف است و تقدیر چنین است: «فَعَلَيْكُمْ رِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ». «ءَاثِمٌ»: گناهکار. «ءَاثِمٌ قَلْبُهُ»: دل او بزهکار است. نسبت دادن گناه به دل، برای مبالغه و وضوح جرم است، همان‌گونه که برای تأکید کاری می‌گوئیم: گوشم آن را شنیده است. چشمم آن را دیده است. واژه (قلب) می‌تواند فاعل یا بدل بعض از کل (ءَاثِمٌ) باشد، و ضمیر (ه) ضمیر شأن، و یا مرجع آن (مَنْ) است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۴

متن آیه:

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِۗ وَإِن تُبْدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«إِن تُبْدُوا»: اگر آشکار سازید. «أَوْ تُخْفُوهُ»: یا این که آن را پنهان دارید. ﴿يُحَاسِبْكُم

بِهِ ٱللَّهُۖ﴾: خداوند برابر آن شما را بازخواست می‌کند. یعنی: نیت بد خود را چه آشکار سازید و چه پنهان دارید؛ یا اعمال زشت خویش را چه آشکارا و چه نهانی انجام دهید، خدا در برابر آن شما را مورد بازخواست قرار می‌دهد.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۵

متن آیه:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾

ترجمه:

فرستاده (خدا، محمّد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مؤمنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند:) میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه رسالت ایشان را یکی می‌دانیم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربّانی را توسّط محمّد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم، و بازگشت به‌سوی تو است.

توضیحات:

«مَآ أُنزِلَ»: مراد قرآن است. ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦ﴾: مراد آن است که ما مثل یهودیان و مسیحیان نیستیم و همه پیغمبران را از آدم تا خاتم فرستاده خدا می‌دانیم. «غُفۡرَانَكَ»: از تو بخشش گناهانمان را خواستاریم و رحمت و لطف تو را چشم می‌داریم. واژه غفران، مفعول مطلق فعل محذوف (إِغْفِرْ) یا مفعولٌ‌به فعل محذوف (نَسْأَلُكَ) است. «رَبَّ»: منادا است به حذف حرف ندا. «مَصِير»: رجوع. برگشت. مصدر میمی از (صَيْرُورَة) است.

سوره بقرهٔ آیه ۲۸۶

متن آیه:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن

قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

ترجمه:

خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی‌کند (و هیچ‌گاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظائف و تکالیف نمی‌خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مؤاخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

توضیحات:

«وُسْع»: تاب و توان. «كَسَبَتْ»: فراچنگ آورد. «إِكْتَسَبَتْ»: فراچنگ آورد. اغلب ثلاثی مجرّد ماده (کسب) برای انجام خوبیها، و ثلاثی مزید برای انجام بدیها به کار می‌رود. «نَسِينَا»: در انجام وظائف غفلت و کوتاهی کردیم (نگا: کهف / ۲۴ و طه ۵۲). «أَخْطَأْنَا»: دچار خطا و گناه شدیم (نگا: طه / ۷۳). «إِصْر»: تکالیف سخت و طاقت‌فرسا (نگا: اعراف / ۱۵۷). «مَوْلِي»: سَرور و یاور.

سوره آل عمران

سوره آل عمران آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم.

توضیحات:

«الم»: به سرآغاز سوره بقره مراجعه شود.

سوره آل عمران آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢﴾

ترجمه:

جز خدا، خدائی نیست و او زنده (به خود) و متصرّف (در کار و بار جهان) است.

توضیحات:

«الْحَيُّ»: زنده جاوید و باقی پایدار. «الْقَيُّومُ»: نگهدار جهان و گرداننده امور آن. واژه (الْحَيُّ) و (الْقَيُّومُ) صفت یا بدل، و یا خبر مبتدای محذوف می‌باشند.

سوره آل عمران آیه ۳

متن آیه:

﴿نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٣﴾

ترجمه:

(همان کسی که) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است (و متضمّن اصول رسالت‌های آسمانی پیشین، و) تصدیق‌کننده کتاب‌هائی است که قبل از آن (برای پیغمبران فرستاده شده‌اند و) بوده‌اند. و خداوند پیش از آن، تورات را (برای موسی) و انجیل را (برای عیسی) نازل کرده است.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: مشتمل بر احکام و عقائد و اخبار صحیح ثابت. جار و مجرور در موضع نصب بوده و حال کتاب است. «مُصَدِّقاً»: تصدیق‌کننده. حال دوم کتاب است. تقدیر چنین خواهد بود: «نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مُحَقِّقاً مُصَدِّقاً لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ». «مَا بَیْنَ یَدَیْهِ»: مراد کتاب‌های آسمانی پیشین است (نگا: سبأ / ۳۱). ﴿وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ﴾: این جمله بیان‌گر بعضی از (مَا بَیْنَ یَدَیْهِ) است که از شهرت بیشتری برخوردارند.

سوره آل عمران آیه ۴

متن آیه:

﴿مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ٤﴾

ترجمه:

پیش از (قرآن، تورات و انجیل را نازل کرده است) جهت رهنمود مردمان، و (چون منحرف گشتند، قرآن یعنی) جدا سازنده (حق از باطل) را فرو فرستاده است. بی‌گمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند، عذاب سختی دارند، و خداوند توانا و انتقام گیرنده است.

توضیحات:

«مِن قَبْلُ»: پیش‌تر. جار و مجرور متعلّق به (أَنزَلَ) است. «هُدیً»: مفعولٌ‌له، و یا حال تورات و انجیل است. «فُرْقَان»: جداسازنده هدایت از ضلالت و حق از باطل و حلال از حرام (نگا: بقره / ۵۳ و ۱۸۵، انبیاء / ۴۸، فرقان / ۱). «ذُوانتِقَامٍ»: انتقام‌گیرنده.

سوره آل عمران آیه ۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ٥﴾

ترجمه:

شکی نیست که هیچ‌چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پنهان نمی‌ماند (کوچک باشد یا بزرگ، پدیدار باشد یا پنهان، دور باشد یا نزدیک).

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۶

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِی یُصَوِّرُکُمۡ فِی ٱلۡأَرۡحَامِ کَیۡفَ یَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِیزُ ٱلۡحَکِیمُ۝٦﴾

ترجمه:

او است که شما را در رحم‌های (مادران) هر آن گونه که بخواهد شکل می‌بخشد (و به صورت‌های مختلف می‌آفریند). جز او خدائی نیست (وهمو) عزیز و حکیم است.

توضیحات:

«یُصَوِّرُکُمْ»: شما را می‌آفریند و از لحاظ عقلانی و جسمانی شکل می‌بخشد. «أَرْحَام»: جمع رَحِم، محلّ تکوین جنین.

سوره آل عمران آیه ۷

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِیٓ أَنزَلَ عَلَیۡكَ ٱلۡکِتَٰبَ مِنۡهُ ءَایَٰتٞ مُّحۡکَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡکِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمۡ زَیۡغٞ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِیلِهِۦۖ وَمَا یَعۡلَمُ تَأۡوِیلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِی ٱلۡعِلۡمِ یَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ کُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا یَذَّکَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ۝٧﴾

ترجمه:

او است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است. بخشی از آن، آیه‌های «مُحْکَمَـات» است (و معانی مشخّص و اهداف روشنی دارند و) آنها اصل و اساس این کتاب هستند، و بخشی از آن آیه‌های «مُتَشَابِـهَـات» است، (و معانی دقیقی دارند و احتمالات مختلفی در آنها می‌رود). و امّا کسانی که در دل‌هایشان کژی است (و گریز از حق، زوایای وجودشان را فرا گرفته است) برای فتنه‌انگیزی و تأویل (نادرست) به دنبال متشابهات می‌افتند. در حالی که تأویل (درست) آنها را جز خدا و کسانی نمی‌دانند که راسخان (و ثابت‌قدمان) در دانش هستند. (این چنین وارستگان و فرزانگانی) می‌گویند: ما به همه آنها ایمان داریم (و در پرتو دانش می‌دانیم که محکمات و متشابهات) همه از سوی خدای ما است. و (این را) جز صاحبان عقل

(سلیمی که از هوی و هوس فرمان نمی‌برند، نمی‌دانند و) متذکر نمی‌شوند.

توضیحات:

«مُحْكَمَاتٌ»: آیه‌های متقن و واضحی که همگان می‌توانند به معانی و تفسیر آنها پی ببرند و در فهم آنها دچار اشتباه و التباس نشوند. «أُمُّ الْكِتَابِ»: اصل و اساس قرآن و مرجع احکام حلال و حرام و کلید مشکلات و مجملات. «مُتَشَابِهَاتٌ»: آیاتی که مشکل و قابل تأویل بوده و معانی کاملاً واضح و روشنی ندارند و چون محتمل مفاهیم و اوجه زیادی هستند، قاطعانه نمی‌توان آنها را تفسیر و تبیین کرد. از قبیل: حروف مقطّعه، هنگامه رستاخیز، چگونگی روح، مجملات قرآن، صفات‌یزدان، و... «زَيْغٌ»: انحراف از حق. کج‌روی. «إِبْتِغاء»: خواستن. طلبیدن. «فِتْنَة»: برگرداندن از دین. کفر و شرک (نگا: بقره / ۱۹۱ و ۲۱۷...). «تَأْوِيل»: واژه (تأویلِ) نخستین به معنی تحریف و تفسیر نادرست، و دومی به معنی تفسیر صحیح و تبیین متشابهات در حدود توان بشری است. ﴿ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ﴾: دانشمندان زبردست و فرزانه. «رَاسِخُونَ»: عطف بر (اللهُ) است و ضمیر (هُ) در (تَأْوِيلَهُ) به (مَا) یعنی متشابه برمی‌گردد. «كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا»: هر یک از محکم و متشابه، از سوی پروردگارمان نازل شده است و ممکن نیست برخی از آن مخالف برخی دیگر باشد.

سوره آل عمران آیه ۸

متن آیه:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾

ترجمه:

(چنین فرزانگان خردمندی می‌گویند:) پروردگارا! دل‌های ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آن که ما را (حلاوت هدایت چشانده و به‌سوی حقیقت) رهنمود نموده‌ای، و از جانب خود رحمتی به ما عطاء کن. بی‌گمان بخشایش‌گر توئی تو.

توضیحات:

«لا تُزِغْ»: منحرف مگردان. «هَبْ»: عطاء کن. ببخش. «مِن لَّدُنكَ»: از سوی خود. «الْوَهَّاب»: بس بخشنده.

سوره آل عمران آیه ۹

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٩﴾

ترجمه:

پروردگارا! تو مردمان را در روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد (تا همگان را در برابر کارشان پاداش دهی و بدین امر وعده داده‌ای و) بی‌گمان خدا خلاف وعده نمی‌کند.

توضیحات:

«لِيَوْمٍ»: برای حساب روزی که قیامت است. مضاف محذوف است، و تقدیر آن چنین است: «لِحِسَابِ يَوْمٍ». «الْمِيعَاد»: وعده. مصدر میمی است.

سوره آل عمران آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ ١٠﴾

ترجمه:

(در چنین روزی) به هیچ وجه اموال و اولاد کافران، آنان را نمی‌تواند از (عذاب) خدا نجات دهد (و مایه رهائی ایشان از عذاب خدا گردد) و ایشان افروزینه آتش (دوزخ) هستند.

توضیحات:

«لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ»: بدی‌شان نفع نمی‌رساند. از ایشان دفع نمی‌گرداند. «مِنَ اللهِ»: از عذاب خدا. «وَقُود»: افروزینه. هیمه‌ای که آتش را با آن روشن می‌سازند. هیزم.

سوره آل عمران آیه ۱۱

متن آیه:

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١١﴾

ترجمه:

(اینان رفتار و کردار زشتی دارند) همچون رفتار و کردار قوم فرعون و کسانی که پیش از ایشان بودند و آیات ما را (با وجود روشنی) تکذیب می‌کردند، پس خدا آنان را به (کیفر) گناهانشان گرفت، و خداوند شدیدالعقاب است.

توضیحات:

«دَأب»: عادت. کار. جار و مجرور «کَدَأْبِ»: متعلّق است به (دَأْب) محذوف و تقدیر آن چنین است: «دَأْبُهُمْ کَدَأْبِ». «ءَالِ»: اهل. پیروان. دار و دسته. «فِرْعَوْن»: لقب شاهان مصر. در اینجا مراد فرعون معاصر موسی است به نام رامسس دوم.

سوره آل عمران آیه ۱۲

متن آیه:

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ۝١٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! به کسانی که کافرند، بگو: شما (در دنیا) شکست خواهید خورد و (در آخرت) گردآورده می‌شوید و به دوزخ افکنده می‌شوید، و (دوزخ) چه بد جایگاهی است!.

توضیحات:

«تُحْشَرُونَ»: گردآورده می‌شوید. «مِهَاد»: آرامگاه. قرارگاه. بستر

سوره آل عمران آیه ۱۳

متن آیه:

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ ٱلْتَقَتَاۖ فِئَةٌ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ ٱلْعَيْنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِۦ مَن يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُوْلِي ٱلْأَبْصَٰرِ ۝١٣﴾

ترجمه:

در دو دسته‌ای که (در میدان جنگ بدر) با هم روبرو شدند، نشانه‌ای (و درس عبرتی) برای شما است. دسته‌ای در راه خدا می‌جنگید (و برای اعلاء فرمان خدا و انتشار دین حق می‌رزمید) و دسته‌ای دیگر کافر بود (و در راه اهریمن هوی و هوس نبرد می‌کرد. چنین کافرانی) مؤمنان را (بخواست خدا) باچشم خویش دو برابر (تعداد واقعی) خود می‌دیدند (و بدین‌سبب ترس و هراس بر آنان چیره شد و گریختند) و

خداوند هرکس را بخواهد با یاری خود تأیید می‌کند (و پیروزی را نصیب او می‌گرداند). بی‌گمان در این امر عبرتی برای صاحبان چشم (بینا و بینش راستین) است.

توضیحات:

«إِلْتَقَتَا»: با هم در جنگ بدر رویاروی شدند (نگا: انفال / ۴۱ - ۴۴). «فِئَةٌ»: دسته. گروه. ﴿يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ﴾: دسته کافران، شماره گروه مؤمنان را دو برابر خود می‌دیدند (نگا: أنفال / ۴۳). (مِثْلَيْهِمْ) حال ضمير (هِمْ) است. «رَأْيَ الْعَيْنِ»: دیدن روشن و آشکار. (رَأْيَ) مفعول مطلق (يَرَوْنَهُمْ) است. «أُوْلِي الأَبْصَارِ»: دارندگان چشم. صاحبان بینش.

سوره آل عمران آیه ۱۴

متن آیه:

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَـَٔابِ ١٤﴾

ترجمه:

برای انسان، محبّت شهوات (و دلبستگی به امور مادی) جلوه داده شده است، از قبیل: عشق به زنان و فرزندان و ثروت هنگفت و آلاف و الوف طلا و نقره و اسبهای نشاندار (و مرکبهای ممتاز) و چهارپایان (همچون: شتر و گاو و بز و گوسفند...) و کشت و زرع. این‌ها (همه) کالای دنیای پست (فعلی) است و سرانجام نیک (تلاش‌گران در راه حق) در پیشگاه خدا است (و همو داند که در آخرت به نیکوکاران چه چیزهائی عطاء خواهد کرد).

توضیحات:

«مِنَ النِّسَآءِ وَ... »: از قبیل عشق به زنان و.... دوست داشت زنان و... حرف (مِنْ) می‌تواند مفسّره یا بیانیه باشد. «الْبَنِينَ»: پسران. مراد فرزندان است. « الْقَنَاطِير »: جمع قِنطار، دارائی هنگفت. آلاف و الوف. «الْـمُقَنطَرَةِ»: انباشته. بیشمار. کومه. «الذَّهَبِ»: طلا. «الْفِضَّةِ»: نقره. « الْخَيْلِ »: رمه اسبان. «الْـمُسَوَّمَةِ»: سر داده شده

برای چَرا. نشاندار سفید پیشانی و دست و پا. زیبا و برازنده. «الأَنْعَامِ»: چهارپایان. شتر و گاو و بز و گوسفند. «الْحَرْثِ»: کشتزار. مصدر است و به معنی اسم مفعول به کار رفته است. «الْـمَئَابِ»: مرجع. بازگشت. «حُسْنُ الْـمَئَابِ»: بازگشتگاه نیکو در بهشت. صفت به موصوف خود اضافه شده است.

سوره آل عمران آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥﴾

ترجمه:

بگو: آیا شما را از چیزی با خبر سازم که از این (چیزهائی که در دیده‌ها آراسته و جلوه داده شده است) بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند در نزد پروردگارشان باغ‌هائی (در جهان دیگر) است که رودخانه‌ها از پای (درختان) آنها می‌گذرد، آنان در آنجاها جاویدانه خواهند بود. (همچنین ایشان را) همسران پاکیزه (از هر پلیدی و نقصی) و خوشنودی خدا است. و خداوند (رفتار و کردار) بندگان را می‌بیند (و نیت درونی ایشان را می‌داند).

توضیحات:

«أُنَبِّئُكُمْ»: آگاهتان کنم. «ذلِكُمْ»: آنچه گذشت از زنان و... «رِضْوَان»: خوشنودی فراوان.

سوره آل عمران آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦﴾

ترجمه:

و همان کسانی که (ایمان، دل آنان را لبریز می‌سازد و فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پرودگارا! ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش (دوزخ) به دور دار.

توضیحات:

«قِنَا»: ما را محفوظ و مصون دار. از ماده (وقی).

سوره آل عمران آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ١٧﴾

ترجمه:

و همان کسانی که (در راه طاعت و عبادت، و دوری از گناه و معصیت، و تحمّل مشقّات و ناملایمات) بردبار، و (در نیت و کردار و گفتار) درستکار، و (با خشوع و خضوع بر طاعت و عبادت) مداوم و ماندگار، و (از آنچه می‌توانند و بدان دسترسی دارند) بخشاینده، و در سحرگاهان آمرزش خواهند.

توضیحات:

«الصَّابِرِينَ»: شکیبایان. (الصَّابِرِينَ) می‌تواند مجرور باشد و بدل یا صفت (الَّذِينَ) و یا صفت (الْعِبَادِ) بشمار آید، و یا منصوب باشد و مخصوص به مدح قلمداد شود. «الْقَانِتِينَ»: مطیعان خاشع و خاضع. مداومان بر طاعت و عبادت.

سوره آل عمران آیه ۱۸

متن آیه:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾

ترجمه:

خداوند (با نشان دادن جهان هستی به گونه یک واحد بهم پیوسته و یک نظام یگانه و ناگسسته، عملاً) گواهی می‌دهد این که معبودی جز او نیست، و این که او (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش (هر یک به گونه‌ای در این باره) گواهی می‌دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

توضیحات:

«قَآئِماً بِالْقِسْطِ»: در میان بندگانش دادگرانه رفتار می‌کند. (قَآئِماً) حال (هُوَ) است.

سوره آل عمران آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا

﴿جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ۝١٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام (یعنی خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است (و این، آئین همه پیغمبران بوده است) و اهل کتاب (در آن) به اختلاف برنخاستند مگر بعد از آگاهی (بر حقیقت و صحّت آن؛ این کار هم) به سبب ستمگری و سرکشی میان خودشان بود (و انگیزه‌ای جز ریاست‌خواهی و انحصارطلبی نداشت). و کسی که به آیات خدا (اعم از آیات دیدنی در آفاق و انفس، یا آیات خواندنی در کتاب‌های آسمانی پشت کند و) کفر ورزد (بداند که) بی‌گمان خدا زود حسابرسی می‌کند.

توضیحات:

«الإِسْلام»: فرمانبرداری از خدا و قوانین و احکام آسمانی. آئین اسلام که همه انبیاء از آدم تا خاتم بر آن بوده‌اند و در تبلیغ آن کوشیده‌اند (نگا: بقره / ۱۳۲، آل‌عمران / ۶۷، انعام ۱۶۱ - ۱۶۳). «بَغْیاً»: ستمگری و سرکشی. مفعولٌ‌له یا حال است.

سوره آل عمران آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَإِنۡ حَآجُّوكَ فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّـۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ۝٢٠﴾

ترجمه:

پس اگر با تو به ستیز پرداختند، بگو: من و کسانی که از من پیروی نموده‌اند، خویشتن را تسلیم خدا کرده‌ایم و رو بدو نموده‌ایم. و بگو به اهل کتاب (یعنی یهودیان و مسیحیان) و به بیسوادان (یعنی مشرکان عرب): آیا شما تسلیم شده‌اید؟ اگر تسلیم شوند، بی‌گمان هدایت یافته‌اند (و راه را از چاه باز شناخته‌اند) و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش؛ زیرا) بر تو ابلاغ (رسالت) است و بس، و خدا بینا به (اعمال و عقائد) بندگان است.

توضیحات:

«حَآجُّوكَ»: با تو جدال و ستیزه کردند. ﴿أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ﴾: با تمام وجود

فرمانبردار اوامر و نواهی خدایم و کسی را انباز او نمی‌گردانم. «وَجْه»: مراد ذات و وجود است. «مَنْ»: عطف بر ضمیر (تُ) است. «الأُمِّیِّینَ»: کسانی که نمی‌توانند بخوانند و بنویسند. بیسوادان. در اینجا مراد عرب‌های مشرک است. «ءَأَسْلَمْتُمْ»: این واژه ماضی و استفهامی است؛ ولی مراد امر است و تقدیر چنین است: أَسْلِمُوا (نگا: مائده / ۹۱). «الْبَلاغ»: تبلیغ.

سوره آل عمران آیه ۲۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١﴾

ترجمه:

کسانی که به آیات (دیدنی و خواندنی) خدا کفر می‌ورزند، و پیغمبران را به ناحق به قتل می‌رسانند، و کسانی از مردمان را می‌کشند که به عدالت و دادگری فرمان می‌دهند (و ایشان را به‌سوی خدا می‌خوانند)، پس آنان را به عذاب دردناکی بشارت بده.

توضیحات:

«الْقِسْط»: دادگری.

سوره آل عمران آیه ۲۲

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٢﴾

ترجمه:

آنان کسانی هستند که اعمال‌شان در دنیا و آخرت تباه شده (و اگر کردار نیکی هم داشته باشند، باطل و بی‌ثمر خواهد بود) و ایشان را یاور و مددکاری نیست (تا آنان را از زیان دنیوی و عذاب اخروی نجات دهد).

توضیحات:

«حَبِطَتْ»: تباه و هدر رفته است. باطل و بی‌ثمر شده است.

سوره آل عمران آیه ۲۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ۝٢٣﴾

ترجمه:

آیا آگاهی از حال کسانی که بدی‌شان بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داده شده است؛ (هنگامی که) ایشان به‌سوی کتاب خدا (قرآن) دعوت می‌شوند تا در میان‌شان داوری کند (و حق را از باطل جدا سازد، ولی آنان دعوت را نمی‌پذیرند) سپس گروهی از ایشان سرپیچی می‌کنند، و حال آن که (همیشه چنین کسانی از حق و حقیقت) روی گردانند.

توضیحات:

﴿أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ﴾: بهره‌ای از کتاب بدی‌شان داده شده است و بدان آشنایند. مراد از چنین کسانی، رؤسای یهود، و از کتاب، تورات است.﴿إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ﴾ : مراد از کتاب خدا تورات یا قرآن است. «مُعرِضُونَ»: رویگردانان. پشت‌کنندگان.

سوره آل عمران آیه ۲۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ۝٢٤﴾

ترجمه:

این (عمل آنان) بدان خاطر است که می‌گفتند: جز چند روز اندکی، آتش (دوزخ) به ما نمی‌رسد (و مجازات محدودی داریم. چرا که از قوم گزیده‌ایم!) و افتراهائی که در دینشان به خدای می‌بستند و (پیوسته) به هم می‌بافتند، ایشان را گول زده است.

توضیحات:

«ذلِكَ»: آنچه مذکور افتاد از تولّی و اعراض. «ذلِكَ»: مبتدا و عبارت (بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلاّ أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ) خبر است. «لَن تَمَسَّنَا»: به ما نمی‌رسد و ما را نمی‌سوزاند. «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ»: چند روز اندک. منظورشان تنها چهل روز است که در آن گوساله‌پرستی کرده‌اند. «غَرَّ»: گول زد. فریب داد.

سوره آل عمران آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ إِذَا جَمَعۡنَٰهُمۡ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ٢٥﴾

ترجمه:

پس (حال آنان) چگونه خواهد بود (و چه کار خواهند کرد) وقتی که ایشان را در روزی که هیچ شکی در (وقوع) آن نیست، جمع می‌آوریم و به هر کسی (پاداش و پادافره) آنچه کرده و فراچنگ آورده است به تمام و کمال داده شود و بر آنان ستم نرود.

توضیحات:

«كَيْفَ»: حال آنان چگونه خواهد بود؟ چه وضعی پیدا می‌کنند؟. «وُفِّيَتْ»: به تمام و کمال داده شد.

سوره آل عمران آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٢٦﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارائی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارائی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزّت و قدرت می‌دهی و هرکس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانائی.

توضیحات:

«مَالِكَ»: منادا است یا صفت (الله). «تَنزِعُ»: بازپس می‌گیری. سلب می‌کنی.

سوره آل عمران آیه ۲۷

متن آیه:

﴿تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ٢٧﴾

ترجمه:

(بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شب‌ها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شب‌ها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی.

توضیحات:

«تُولِجُ»: داخل می‌گردانی. وارد می‌کنی. «تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنْ...»: زنده را از مرده، و مرده را از زنده پدیدار می‌سازی. همان‌گونه که شب به داخل روز می‌خزد و روز از شب می‌خیزد، عین این خَزِش و خیزِش در سلول‌های موجود زنده برقرار است. پیوسته سلولهائی می‌میرند و سلول‌های دیگری به وجود می‌آیند، و چرخه حیات و موت لحظه‌ای متوقّف نمی‌گردد.

سوره آل عمران آیه ۲۸

متن آیه:

﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨﴾

ترجمه:

مؤمنان نباید مؤمنان را رها کنند و کافران را به جای ایشان به دوستی گیرند، و هر که چنین کند (رابطه او با خدا گسسته است و بهره‌ای) وی را در چیزی از (رحمت) خدا نیست - مگر آن که (ناچار شوید و) خویشتن را از (اذیت و آزار) ایشان مصون دارید و (به خاطر حفظ جان خود تقیه کنید) - و خداوند شما را از (نافرمانی) خود برحذر می‌دارد و بازگشت (همگان) به‌سوی او است.

توضیحات:

«مِن دُونِ»: به جای. ﴿فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ﴾: بهره‌ای از دین خدا ندارد، و بسی دور از رحمت او است (نگا: مائده / ۵۱). در اینجا مضاف پیش از (اللهِ) حذف شده است که (دین) یا (ثَواب) یا (رَحْمَة) است.﴿أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ﴾: مگر این که از اذیت و آزارشان بترسید که در این صورت می‌توانید با آنان در ظاهر دوستی ورزید، بدان اندازه که دفع ضرر گردد (نگا: نحل / ۱۰۶). «تُقَاة»: پرهیز کردن و خویشتن را محفوظ داشتن. اصل آن (وُقَية) است و واو به تاء، و یاء به الف تبدیل شده است.

مفعول مطلق است. ﴿يُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥ﴾: خدا شما را از عقاب و عذاب خود برحذر می‌دارد. مضاف پیش از (نَفْسَهُ) حذف شده است که (عِقَاب) است.

سوره آل عمران آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ۝٢٩﴾

ترجمه:

بگو: اگر آنچه را که در سینه‌هایتان دارید پنهان سازید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند و خداوند آگاه از هر چیزی است که در آسمان‌ها و زمین است، و خداوند بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«صُدُور»: سینه‌ها. در اینجا مراد دل و درون است.

سوره آل عمران آیه ۳۰

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ۝٣٠﴾

ترجمه:

(کسانی که از فرمان پروردگارشان سرپیچی می‌کنند، بترسند از) روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایه سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می‌بود (تا دیدار زشت آن را نبیند و به فرجام نامبارک آن، دچار عقاب و عذاب نشود)، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می‌دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (و با نافرمانی از او، رحمت را به زحمت، و نعمت را به نقمت تبدیل نکنید).

توضیحات:

«مُحْضَراً»: حاضر و آماده (نگا: کهف / ۴۹). حال (ما) است. «أَمَداً بَعِيداً»: فاصله زیاد.

سوره آل عمران آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٣١﴾

ترجمه:

بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشاید، و خداوند آمرزنده مهربان است.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ۝٣٢﴾

ترجمه:

بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید، و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: پشت کردند. سرپیچی نمودند.

سوره آل عمران آیه ۳۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٣٣﴾

ترجمه:

خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم (از قبیل: اسماعیل و اسحاق و یعقوب) و خاندان عِمران (از قبیل: موسی و هارون و عیسی و مادرش مریم) را از میان جهانیان برگزید.

توضیحات:

«إصْطَفي»: برگزید و برتری بخشید. از ماده (صفو).

سوره آل عمران آیه ۳۴

متن آیه:

﴿ذُرِّيَّةَۢ بَعۡضُهَا مِنۢ بَعۡضٖۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝٣٤﴾

ترجمه:

آنان فرزندانی بودند که (چه از نظر پاکی و تقوا و فضیلت، و چه از نظر دودمان) برخی از برخی دیگرند (زیرا خاندان ابراهیم که اسماعیل و اسحاق و فرزندان ایشانند از نسل ابراهیم هستند، و ابراهیم از نسل نوح، و نوح از آدم است، و خاندان عمران که موسی و هارون و عیسی و مادرش می‌باشند، از نژاد ابراهیم و نوح و آدم هستند)، و خداوند شنوا و دانا است (و از گفتار بندگان و افعال ایشان آگاه است).

توضیحات:

«ذُرِّيَّةً»: نسل. دودمان. بدل (ءَالَ) است.

سوره آل عمران آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ عِمۡرَٰنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرۡتُ لَكَ مَا فِي بَطۡنِي مُحَرَّرٗا فَتَقَبَّلۡ مِنِّيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ٣٥﴾

ترجمه:

(خداوند شنید) هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! من آنچه را در شکم دارم خالصانه نذر تو کردم (تا کارش تنها خدمت به بیت‌المقدّس باشد.) پس (آن را) از من بپذیر که تو شنوا و دانائی (و گریه و زاری مرا می‌شنوی و اخلاص و هدف مرا می‌دانی).

توضیحات:

«مُحَرَّراً»: آزاد از کار و بار دنیا، و مختصّ عبادت تو و خدمت بیت‌المقدّس. حال (ما) است.

سوره آل عمران آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا وَضَعَتۡهَا قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي وَضَعۡتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا وَضَعَتۡ وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰۖ وَإِنِّي سَمَّيۡتُهَا مَرۡيَمَ وَإِنِّيٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ٣٦﴾

ترجمه:

پس هنگامی که او را زائید، (دید که دختر است و به درگاه پروردگار دست مناجات برداشت و عذر خواهان) گفت: خداوندا! من او را دختر زائیدم - ولی خدا بدانچه او به دنیا آورده بود آگاه‌تر بود (از خود مریم، و بهتر می‌دانست که) پسر مانند دختر نیست

(و این دختر به مراتب از پسری که آرزوی او بود، سودمندتر خواهد بود - و گفت:) من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از (وسوسه و گمراه‌سازی) اهریمن مطرود (از درگاه فضل و کرمت، به تو می‌سپارم و) در پناه تو می‌دارم.

توضیحات:

﴿رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ﴾: این جمله بیان‌گر افسوس مادر مریم است، نه این که او خدا را آگاه سازد. (أُنثَیا) حال ضمیر (هَا) است. ﴿لَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ﴾: این سخن می‌تواند گفته خدا باشد و یا گفته مادر مریم که با افسوس می‌گوید: برای خدمت به بیت‌المقدّس، دختر همچون پسر نمی‌تواند مفید باشد. «أُعِيذُهَا بِكَ»: او را در پناه تو می‌دارم و به تو می‌سپارم. «الرَّجِيمِ»: مطرود.

سوره آل عمران آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّاۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًاۖ قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَاۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۷﴾﴾

ترجمه:

خداوند، او (یعنی مریم) را به طرز نیکوئی پذیرفت، و به طرز شایسته‌ای (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)، و زکریا (شوهر خاله او) را سرپرست او کرد. هر زمان که زکریا وارد عبادتگاه او می‌شد، غذای (تمییز و زیادی) را در پیش او می‌یافت. (باری) به مریم گفت: این از کجا برای تو می‌آید؟! گفت: این از سوی خدا می‌آید. خداوند به هرکس که بخواهد بی‌حساب و بی‌شمار روزی می‌رساند.

توضیحات:

«تَقَبَّلَ»: پذیرفت. ﴿أَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾: او را به زیباترین وجه تربیت کرد و به بهترین صورت محافظت و مراقبت نمود. (نَبَاتاً) مفعول مطلق است. «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»: زکریا را سرپرست مریم کرد. «أَنَّیا»: از کجا؟

سوره آل عمران آیه ۳۸

متن آیه:

﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ٣٨﴾

ترجمه:

بدان هنگام (که زکریا آن همه مرحمت و محبّت خدا را در حق مریم دید، خاشعانه در عبادتگاه به پا خاست و رو به‌سوی آسمان کرد و) پروردگار خویش را به فریاد خواند، گفت: پروردگارا! (هر چند که خود پیرم و همسرم نازا) فرزند شایسته‌ای از جانب (لطف و کرم) خویش به من عطاء فرما، بی‌گمان تو شنونده دعائی (و پذیرنده تمنّائی).

توضیحات:

«هُنَالِكَ»: آنجا، پیش مریم و در کنار عبادتگاه. «دَعَا»: به کمک طلبید. به فریاد خواند.

سوره آل عمران آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ٣٩﴾

ترجمه:

پس (خداوند دعای او را پذیرفت و) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد، و او تصدیق کننده کلمه خدا (یعنی عیسی، چون با کلمه «کُن» پدید آمده است) و پیشوا و برکنار از هوس‌های سرکش، و پیغمبری از (تبار) صالحان خواهد بود.

توضیحات:

«مَلآئِكَةُ»: فرشتگان. در اینجا چه بسا مراد تنها جبرئیل باشد. «مُصَدِّقاً»: تصدیق‌کننده. حال (يَحْيي) است. «كَلِمَةٍ»: مراد عیسی است (نگا: آل‌عمران / ۴۵). «سَيِّداً»: سَرور. مراد این است که با دانش و فضلی که دارد بر قوم خود سروری و آقائی می‌کند. «حَصُوراً»: برکنار از هوس‌های سرکش. کسی که با وجود قدرت ازدواج برای

زهد و پارسائی از آن چشم می‌پوشد. البتّه این امر دلیل بر فضلِ ترک ازدواج نیست؛ چرا که یحیی نه از پدر خود برتر بوده است و نه از نیای خود ابراهیم خلیل. «مِنَ الصَّالِحِينَ»: از نژاد صالحان.

سوره آل عمران آیه ۴۰

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ وَقَدۡ بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ ٤٠﴾

ترجمه:

(با رسیدن این مژده، زکریا متحیرانه و مضطربانه کیفیت وقوع این امر خارق‌العاده را جویا شد و) گفت: پروردگارا! چگونه فرزندی مرا خواهد بود، در حالی که پیری به سراغ من آمده است و همسرم نازا است؟ (خداوند توسّط فرشتگان بدو) فرمود: همین طور است، خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد.

توضیحات:

«أَنَّیا»: چگونه؟ «غُلام»: فرزند. «الْكِبَرُ»: پیری. کهنسالی. «عَاقِرٌ»: نازا.

سوره آل عمران آیه ۴۱

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٤١﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار بده (که حاملگی همسرم را برساند). فرمود: نشانه تو آن است که نمی‌توانی سه روز با مردم حرف بزنی مگر با رمز و اشاره، و (در این مدّت به شکرانه نعمت) پروردگارت را بسی یاد کن و سحرگاهان و شامگاهان او را تسبیح گوی و به پاکی بستای.

توضیحات:

«ءَايَةً»: نشانه. علامت. ﴿أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ﴾: این که نمی‌توانی با مردم سخن

بگوئی. «رَمْزاً»: اشاره با دست یا سر و غیره. «الْعَشِيِّ»: شامگاهان. «الإِبْكَار»: سحرگاهان (نگا: مریم / ۱۱).

سوره آل عمران آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ۝٤٢﴾

ترجمه:

(تو حضور نداشتی) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاکیزه‌ات داشته است، و تو را بر همه زنان جهان برتری داده است.

توضیحات:

«طَهَّرَكِ»: تو را از ناپاکی‌ها زدوده است و از اتّهامات یهودیان پاکیزه داشته است. ﴿ٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: تو را بر سائر زنان جهانیان برتری داد؛ در این که تو یگانه زنی هستی که برای خدمت در کلیسا پذیرفته شده و بدون شوهر، صاحب نوزاد گشته است.

سوره آل عمران آیه ۴۳

متن آیه:

﴿يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ۝٤٣﴾

ترجمه:

ای مریم! (به شکرانه این نعمت بزرگ) همیشه خاشعانه به اطاعت و عبادت پروردگارت مشغول شو و با نمازگزاران به سجده و رکوع بپرداز (و با آنان نماز بخوان).

توضیحات:

«أُقْنُتِي لِرَبِّكِ»: فروتنانه به پرستش پروردگارت بپرداز. ﴿ٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾: با نمازگزاران نماز بخوان.

سوره آل عمران آیه ۴۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ

يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

این (چیزهائی که گفته شد) از جمله خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه‌کشی به درون آب یا کیسه‌ای و...) می‌افکندند تا (روشن شود بر طبق قرعه) کدام یک سرپرستی مریم را بر عهده گیرد، و بدان هنگام که میان خود (بر سر سرپرستی او) کشمکش داشتند حضور نداشتی (و همه این‌ها از راه وحی به تو می‌رسد).

توضیحات:

«أَنبَآءِ»: جمع نَبَأ، اخبار «أَقْلام»: قلم‌ها. تیرها. ﴿أَيُّهُمۡ يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ﴾: تا ببینند کدام یک سرپرستی مریم را به عهده می‌گیرد. (أَيُّ) مبتدا و جمله بعدی خبر است، و فعلی مانند (يَنظُرُونَ) یا (يَعْلَمُونَ) قبل از آن مقدّر است. «إِذْ يَخْتَصِمُونَ»: آن گاه که منازعه و کشمکش می‌کردند.

سوره آل عمران آیه ۴۵

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

(تو حضور نداشتی) آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه خود که نامش مسیح عیسی پسر مریم است مژده می‌دهد، و او در این جهان و آن جهان بلندمرتبه و بزرگوار و از زمره مقرّبان است.

توضیحات:

«مَسِيحُ»: لقب عیسی است، معرّب (مشیخا) که در تورات آمده است و به معنی مدهون و تعمید شده است. «وَجِيهاً»: دارای وجاهت و کرامت. محترم. حال عیسی است.

سوره آل عمران آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

و در گهواره و در حالت کهولت (یعنی میان‌سالی، که از سی سال تا پنجاه و یک سال است) با مردم سخن خواهد گفت و از زمره صالحان بشمار است.

توضیحات:

«مَهْد»: گهواره. «کَهْلاً»: کهولت و میان‌سالی. (یُکَلِّمُ النَّاسَ) و (کَهْلاً) حالند و عطف بر (وَجیهاً) در آیه قبلی می‌باشند. «صَالِحِینَ»: کاملان در تقوا و صلاح.

سوره آل عمران آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ۝٤٧﴾

ترجمه:

(مریم در حالی که از تولّد فرزند از راه غیرطبیعی، شگفت‌زده شده بود) گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی خواهد بود، در حالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است؟! فرمود: این‌گونه هر چه را بخواهد می‌آفریند، و هنگامی که اراده چیزی کند (و بخواهد پدید آید) فقط بدان می‌گوید: پدید آی! پس (بی‌درنگ) پدید می‌آید.

توضیحات:

«لَمْ یَمْسَسْنِي»: با من آمیزش و نزدیکی نکرده است. «قَضَیا»: اراده کرد. مقدّر فرمود.

سوره آل عمران آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَـٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

و بدو خطّ و کتابت، و دانش راستین و سودمند، و تورات و انجیل می‌آموزد.

توضیحات:

«کِتَابَ»: خطّ و کتابت. «یُعَلِّمُهُ الْکِتَابَ»: مراد این است که عیسی باسواد خواهد بود؛ نه بی‌سواد.

سوره آل عمران آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

و او را به عنوان پیغمبری به‌سوی بنی‌اسرائیل روانه می‌دارد (و بدی‌شان خبر می‌دهد) که من (بر صدق نبوّت خود) نشانه‌ای را از سوی پروردگارتان برایتان آورده‌ام، و آن این که: من از گِل چیزی را به شکل پرنده برایتان می‌سازم، سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا پرنده‌ای (زنده) می‌گردد؛ و کور مادرزاد و مبتلای به بیماری پیسی را شفا می‌دهم و مردگان را به فرمان خدا زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و از آنچه در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم! بی‌گمان در این‌ها نشانه‌ای برای شما است اگر (اراده پذیرش) ایمان داشته باشید.

توضیحات:

«رَسُولاً»: حال و تقدیر چنین است: «وَيُكَلِّمُهُم رَسُولاً». یا این که مفعولٌ‌به فعل محذوفی است و تقدیر چنین می‌شود: «وَنَجْعَلُهُ رَسُولاً». «أَنِّي» معمول (رَسُولاً) است و تقدیر چنین است: «رَسُولاً ناطِقاً بِأَنِّي». «أَخْلُقُ»: شکل می‌بخشم. «طِينِ»: گِل. «أُبْرِئُ»: شِفا می‌دهم. «أَكْمَهَ»: کور مادرزاد. «أَبْرَصَ»: پیس. «مَوْتَيا»: جمع میت، مردگان.

سوره آل عمران آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡۚ وَجِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝٥٠﴾

ترجمه:

و (من پیغمبریم که) تصدیق‌کننده آن چیزی هستم که پیش از من از تورات بوده است

و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهائی را که (بر اثر ستم و گناه) بر شما حرام شده است (به عنوان تخفیفی از سوی خدا) برایتان حلال کنم، و نشانه‌ای (به دنبال نشانه‌ای) را برایتان آورده‌ام؛ بنابراین (معجزه‌ها و نشانه‌های پیاپی) از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

«مُصَدِّقاً»: حال فعل محذوف (جِئْتُکُمْ) است. «مَا بَیْنَ یَدَیَّ»: آنچه پیش از من بوده است. «ءَایَةً»: معجزه.

سوره آل عمران آیه ۵۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ٥١﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند پروردگار من و پروردگار شما است، پس او را بپرستید؛ این راه راست است (و انسان را به سعادت هر دو جهان می‌رساند).

توضیحات:

«صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ»: (نگا: فاتحه / ۶، بقره / ۱۴۲ و ۲۱۳).

سوره آل عمران آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ٥٢﴾

ترجمه:

ولی هنگامی که عیسی از ایشان احساس کفر (و سرکشی و نافرمانی) کرد، گفت: کیست که یاور من به‌سوی خدا (و برای تبلیغ آئین او) گردد؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) خدائیم؛ (زیرا ما) به او ایمان آورده‌ایم؛ و (تو نیز) گواه باش که ما مخلص و منقاد (اوامر او) هستیم.

توضیحات:

﴿مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ﴾: چه کسانی در دعوت به‌سوی خدا مرا یاری خواهند کرد؟ (إِلي) به معنی (لِ) یا (فِي) است. «حَوَارِیُّونَ»: جمع حَواری، خاصّگان. یاران گزیده. این

واژه بیشتر برای یاران یکرنگ انبیاء به کار می‌رود. «مُسْلِمُونَ»: مطیعان اوامر خدا.

سوره آل عمران آیه ۵۳

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ۝٥٣﴾

ترجمه:

پرودرگارا! ما بدانچه نازل فرموده‌ای ایمان آورده‌ایم و از پیغمبر پیروی نموده‌ایم، پس ما را از زمره گواهان (بر تبلیغ پیغمبر و انکار بنی‌اسرائیل) بنویس.

توضیحات:

«شَاهِدِينَ»: گواهان. اقرارکنندگان به یگانگی خدا.

سوره آل عمران آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ۝٥٤﴾

ترجمه:

و (یهودیان و دشمنان مسیح برای نابودی او و آئین آسمانی) نقشه کشیدند، و خداوند (هم برای حفظ او و آئین آسمانی) چاره‌جوئی کرد؛ و خداوند بهترینِ چاره‌جویان است.

توضیحات:

«مَكَرُوا»: نقشه کشیدند و چاره‌جوئی نمودند. حیله‌گری کردند. «مَكَرَ اللهُ»: خداوند برای ابطال حیله و نقشه ایشان چاره‌جوئی کرد. میان (مَكَرُوا) و (مَكرَ) مُشاکله است؛ یعنی اتّفاق در لفظ و اختلاف در معنی.

سوره آل عمران آیه ۵۵

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ۝٥٥﴾

ترجمه:

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را (با مرگ طبیعی در وقت

معین) می‌میرانم و (مقام تو را بالا می‌برم و بعد از مرگ طبیعی) به‌سوی خویش فرا می‌برم، و تو را از (دست) کافران می‌رهانم و کسانی را که از تو پیروی می‌کنند تا روز رستاخیز برتر از کسانی خواهم ساخت که کفر می‌ورزند، سپس برگشت (همه) شما به‌سوی من خواهد بود و در میان شما درباره آنچه که اختلاف دارید داوری خواهم کرد.

توضیحات:

«مُتَوَفِّيكَ»: تو را در وقت خود می‌میرانم (نگا: مائده / ۱۱۷). «رَافِعُكَ إِلَيَّ»: تو را منزلت و رفعت می‌بخشم و با کسانی چون ادریس همدم می‌گردانم (نگا: مریم / ۵۷). «مُطَهِّر»: رهاننده. «فَوْقَ الَّذِينَ»: مراد فوقیت و برتری معنوی، یعنی فضائل و قوّت حجّت است. «مَرْجِع»: برگشت.

سوره آل عمران آیه ۵۶

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَأُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ٥٦﴾

ترجمه:

امّا کافران را در دنیا (با مسلّط کردن ملّت‌ها بر آنان) و در آخرت (با جاودانگی در آتش دوزخ) به عذاب سختی گرفتار و مجازات خواهم کرد، و هیچ‌گونه یاورانی نخواهند داشت (که ایشان را از عذاب خدا برهانند).

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ٥٧﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، خداوند پاداش آنان را به طور کامل خواهد داد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۵۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ نَتۡلُوهُ عَلَيۡكَ مِنَ ٱلۡأٓيَٰتِ وَٱلذِّكۡرِ ٱلۡحَكِيمِ ٥٨﴾

ترجمه:

این (اخباری که ای محمّد) بر تو می‌خوانیم از آیات (خدا در قرآن است) و از قرآن مشتمل بر علم نافع است.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: آنچه راجع به کار و بار عیسی گذشت. «ذِكْر»: قرآن (نگا: حجر / ۶ و ۹). «حَكِيم»: دارای حکمت. محکم و متقن.

سوره آل عمران آیه ۵۹

متن آیه:

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٥٩﴾

ترجمه:

مسأله (آفرینش) عیسی برای خدا، همچون مسأله (آفرینش) آدم است که او را از خاک بیافرید، سپس بدو گفت: پدید آی! و (بی‌درنگ) پدید آمد.

توضیحات:

«مَثَلَ عِيسَىا... الخ»: مراد آن است که اگر آفرینش عیسی بدون پدر در نظرتان بعید می‌نماید، بدانید که آفرینش آدم بدون پدر و مادر شگفت‌تر از آن است.

سوره آل عمران آیه ۶۰

متن آیه:

﴿ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ٦٠﴾

ترجمه:

(این بیان درباره آفرینش عیسی) حقیقتی است از جانب پروردگارت؛ پس از تردیدکنندگان مباش.

توضیحات:

«أَلْحَقُّ»: خبر مبتدای محذوف است که تقدیر آن چنین است: «هُوَ الْحَقُّ».

«مُمْتَرِينَ»: شک کنندگان. از ماده (مِرْيَة) به معنی: شک.

سوره آل عمران آیه ۶۱

متن آیه:

﴿فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا۟ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ۝٦١﴾

ترجمه:

هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده است (باز) با تو به ستیز پرداختند، بدی‌شان بگو: بیائید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را فرا خوانید، و ما زنان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم زنان خود را فرا خوانید، و ما خود را آماده می‌سازیم و شما هم خود را آماده سازید، سپس دست دعا به‌سوی خدا برمی‌داریم و نفرین خدا را برای دروغگویان تمنّا می‌نمائیم.

توضیحات:

«فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ»: پس اگر کسی درباره مسأله عیسی با تو بدون دلیل مجادله کرد. « تَعَالَوْا»: بیائید. «نَبْتَهِلْ»: فروتنانه دست دعا به درگاه خدا برداریم و به زاری از او بخواهیم که. مباهله کنیم.

سوره آل عمران آیه ۶۲

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْقَصَصُ ٱلْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ۝٦٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان این (چیزی که درباره عیسی بر تو می‌خوانیم) سرگذشت واقعی (مسیح) است (و ادّعاهائی همچون الوهیت عیسی و فرزند خدا بودن او، بی‌اساس است) و هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست و خداوند دارای عزّت و حکمت است.

توضیحات:

«هُوَ الْقَصَصُ»: (هُوَ) ضمیر فصل است و (قَصَص) خبر (إِنَّ).

سوره آل عمران آیه ۶۳

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ٦٣﴾

ترجمه:

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی بگردانند (بدان که خواهان حقیقت نیستند و) خداوند از تبهکاران آگاه است.

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: اعراض نمودند.

سوره آل عمران آیه ۶۴

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ٦٤﴾

ترجمه:

بگو: ای اهل کتاب! بیائید به‌سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همه آن را بر زبان می‌رانیم، بیائید بدان عمل کنیم، و آن این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه، به خدائی نپذیرد. پس هرگاه (از این دعوت) سر بر تابند، بگوئید: گواه باشید که ما منقاد (اوامر و نواهی خدا) هستیم.

توضیحات:

«كَلِمَةٍ»: کلام. سخن. «سَوَآءٍ»: دادگرانه. یکسان. صفت (كَلِمَةٍ) است. «سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ»: مراد این است که همه کتاب‌های آسمانی صحیح از جمله تورات و انجیل و قرآن در آن اختلاف ندارند. «مِن دُونِ الله»: به جای خدا. غیر از خدا.

سوره آل عمران آیه ۶۵

متن آیه:

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمَآ أُنزِلَتِ ٱلتَّوۡرَىٰةُ وَٱلۡإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ

﴿أَفَلَا تَعۡقِلُونَ٦٥﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! چرا درباره (دین) ابراهیم با یکدیگر به مجادله و ستیز می‌پردازید (و هر یک از شما او را بر آئین خویش می‌پندارید) و حال آن که تورات و انجیل نازل نشده‌اند مگر بعد از او؟ آیا نمی‌فهمید (که پیشین نمی‌شود پیرو پَسین باشد)؟

توضیحات:

«لِمَ»: چرا. «تُحَآجُّونَ»: مجادله و ستیز می‌کنید.

سوره آل عمران آیه ۶۶

متن آیه:

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجۡتُمۡ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ٦٦﴾

ترجمه:

هان! شما (ای یهودیان و مسیحیان) ای گروهی که درباره چیزی که (به گمان خود) نسبت بدان آگاهی و اطّلاعی دارید، مجادله و مناظره کردید، ولی چرا درباره چیزی که آگاهی و اطّلاعی از آن ندارید مجادله و مناظره می‌نمائید؟ و خدا (چگونگی دین ابراهیم را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

توضیحات:

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ﴾: هان! شما که. (ها) حرف تنبیه است و به اوّل اسماء اشاره، و ضمیر مرفوعی که با اسم اشاره از آن خبر دهند، اضافه می‌گردد. مانند: هذا. هاأَنَاذا.

سوره آل عمران آیه ۶۷

متن آیه:

﴿مَا كَانَ إِبۡرَٰهِيمُ يَهُودِيّٗا وَلَا نَصۡرَانِيّٗا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفٗا مُّسۡلِمٗا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ٦٧﴾

ترجمه:

ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی، و لیکن (از ادیان باطله بیزار و منصرف و) بر (دین) حق و منقاد (فرمان) خدا بود، و از زمره مشرکان (و کافرانی چون قریش و همگنان ایشان) نبود.

توضیحات:

«حَنِيفاً»: دور از باطل و گراینده به حق. مخلصی که خویشتن را تسلیم فرمان خدا کرده و در هیچ چیز سر از فرمان دین او نپیچد.

سوره آل عمران آیه ۶۸

متن آیه:

﴿إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ۝٦٨﴾

ترجمه:

سزاوارترین مردم (برای انتساب) به ابراهیم (و دین او) کسانی هستند که (در زمان ابراهیم دعوت او را اجابت کردند و) از او پیروی نمودند و نیز این پیغمبر (محمّد) و کسانی‌اند که (با او) ایمان آورده‌اند (زیرا محمّد و یارانش اهل توحید خالصند که دین ابراهیم است) و خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است.

توضیحات:

«أَوْلَيا»: سزاوارترین. «هذَا النَّبِيُّ»: مراد محمّد است.

سوره آل عمران آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَدَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يُضِلُّونَكُمۡ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ۝٦٩﴾

ترجمه:

گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می‌شد شما را گمراه کنند! و (با القاء شبهه‌هائی در دینتان، شما را از اسلام برگردانند، ولی با این کارها) جز خویشتن را گمراه نمی‌سازند و نمی‌فهمند.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۷۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ۝٧٠﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! چرا آیه‌های (دالّ بر صدق نبوّت محمّد، فرستاده) خداوند را نادیده می‌گیرید و تکذیب می‌دارید، و حال آن که (صحّت آنها و نشانه‌های نبوّت محمّد را در کتاب‌های خود) می‌بینید؟

توضیحات:

«تَشْهَدُونَ»: می‌بینید. بی‌گمان می‌دانید (نگا: بقره / ۱۴۶).

سوره آل عمران آیه ۷۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَـٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٧١﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌آمیزید و کتمانش می‌کنید، و حال آن که شما می‌دانید (که عقاب و عذاب خدا در برابر چنین کاری چیست)؟

توضیحات:

«تَلْبِسُونَ»: آمیزه هم می‌دارید.

سوره آل عمران آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَقَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَـٰبِ ءَامِنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكۡفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ٧٢﴾

ترجمه:

جمعی از اهل کتاب (به همکی‌شان خود) گفتند: بدانچه بر مسلمانان نازل شده است، در آغاز روز ایمان بیاورید، و در پایان روز بدان کافر شوید، تا شاید (از قرآن پیروی نکنند و از آن) برگردند.

توضیحات:

«أَلَّذِي»: آنچه. «وَجْهَ النَّهَارِ»: آغاز روز. مراد از اوّل و آخر روز، مدّتی از زمان است؛ نه آغاز و انجام اصطلاحی یک روز (نگا: واژه «غَداً» در کهف / ۲۳ و لقمان / ۳۴).

سوره آل عمران آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ يُحَآجُّوكُمۡ عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٧٣﴾

ترجمه:

و باور مکنید مگر به کسی که پیروی از آئین شما کرده باشد - بگو: بی‌گمان هدایت، هدایت خدا است - این که (دیگران آن افتخارات و کتاب‌های آسمانی را که نصیب شما شده است به دست آورند. یعنی) به کسی همان چیزی داده شود که به شما داده شده است، و این که دیگران بتوانند در پیشگاه پروردگارتان با شما به داوری بنشینند و اقامه حجّت کنند. بگو: فضل و بزرگی در دست خدا است و آن را به هرکس که بخواهد می‌دهد. و خداوند (عطاء و نعمتش) فراخ، و آگاه (از اهلیت و شایستگی مستحقّ وحی و رسالتِ خویش) است.

توضیحات:

«لا تُؤْمِنُوا»: نپذیرید. تصدیق نکنید. «لا تُؤْمِنُوا إِلاّ لِـمَنْ....»: نابکاران یهودی به پیروان خود می‌گفتند: نبوّت منحصر به قوم یهود است و لذا امور دین را از دیگران نشنوید، پیغمبری محمّد را نپذیرید، و قبول نداشته باشید در روز قیامت کسی بتواند علیه شما اقامه حجّت کند. «وَاسِع»: دارای رحمت و قدرت فراوان.

سوره آل عمران آیه ۷۴

متن آیه:

﴿يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٤﴾

ترجمه:

هر کس را که بخواهد به رحمت خود مخصوص می‌گرداند. خداوند دارای فضل عظیم و لطف عمیم است.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

و در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر دارائی فراوانی به رسم امانت بدی‌شان بسپاری، آن را به تو بازپس می‌دهند. و در میان آنان کسانی هستند که اگر دیناری به رسم امانت بدی‌شان بسپاری، آن را به تو بازپس نمی‌دهند، مگر آن که پیوسته بالای سرشان ایستاده باشی. این بدان خاطر است که ایشان می‌گویند: ما در برابر امّیها (یعنی غیر یهود) مسؤول نبوده و بازخواستی نداریم! و بر خدا دروغ می‌بندند (و چنین چیزی حکم خدا نیست) و حال آن که ایشان (این را) می‌دانند.

توضیحات:

«إِن تَأْمَنْهُ»: اگر او را امین بدانی. «قِنطَارٍ»: مراد دارائی هنگفت است (نگا: آل‌عمران / ۱۴ و نساء / ۲۰). «دِينَارٍ»: مراد دارائی اندک است. «إِلاّ مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمـاً»: مگر آن که بالای سر او بایستی و پیوسته مطالبه کنی. «أُمِّيِّينَ»: عرب‌ها. ملّت‌های غیر یهود. منسوب است به (أُمّ) یا (أُمَم) که مفردش (أُمَّة) است و یاء نسبت بعد از حذف حرف تاء به آخر آن افزوده می‌شود. «سَبِيل»: راه. مراد عتاب و عِقاب است.

سوره آل عمران آیه ۷۶

متن آیه:

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧٦﴾

ترجمه:

آری! کسی که به عهد و پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید (محبّت و رضایت خدا را فراچنگ آورده است) زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«بَلَيا»: (نگا: بقره / ۸۱). «أَوْفَيا»: وفا کرد «إِتَّقَيا»: پرهیزگاری کرد.

سوره آل عمران آیه ۷۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٧٧﴾

ترجمه:

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی (از مادیات و مقامات دنیوی هر اندازه هم در نظرشان بزرگ و سترگ جلوه‌گر شود) بفروشند، بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با ایشان در آخرت (با مرحمت) سخن نمی‌گوید، و به آنان در قیامت (با محبّت) نمی‌نگرد، و ایشان را (از کثافات گناه) پاک نمی‌سازد، و عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

﴿يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: عهد خدا و سوگندهای خود را می‌فروشند. «خَلاّق»: بهره و نصیب از خیر و نعمت.﴿لَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ﴾ : مراد آن است که خداوند از آنان ناراضی است و بدی‌شان نظر لطف ندارد. «لا يُزَكِّيهِمْ»: با مغفرت خود آنان را از گناهان پاکیزه نمی‌دارد.

سوره آل عمران آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

و در میان آنان کسانی هستند که به هنگام خواندن کتاب (خدا) زبان خود را می‌پیچند و آن را دگرگون می‌کنند تا شما گمان برید (آنچه را که می‌خوانند) از کتاب (خدا) است! در حالی که از کتاب (خدا) نیست. و می‌گویند که: آن از نزد خدا (نازل شده) است و با این که از سوی خدا نیامده است و به خدا دروغ می‌بندند و حال آن که می‌دانند (که دروغ می‌گویند).

توضیحات:

«فَرِیق»: دسته. گروه. «یَلْوُونَ»: پیچ می‌دهند. به گونه صحیح اداء نمی‌کنند. ﴿یَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ﴾: آنچه می‌خوانند تحریفش می‌کنند و درست بیان نمی‌دارند. مراد تحریف تورات و توجیه و تفسیر آن برابر خواست خودشان است (نگا: نساء / ۴۶).

سوره آل عمران آیه ۷۹

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ ۝٧٩﴾

ترجمه:

هیچ کسی (از پیغمبران) را نسزد که خدا بدو کتاب و حکمت و نبوّت بخشد، آن گاه او به مردمان بگوید: به جای خدا، بندگان (و پرستش‌کنندگان) من باشید. بلکه (به مردمان این چنین می‌گوید که:) با کتابی که آموخته‌اید و یاد داده‌اید و درسی که خوانده‌اید، مردمانی خدائی باشید (و جز او را بندگی نکنید و نپرستید).

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: به جای خدا. «رَبَّانِيِّينَ»: خداجویان و خداپرستان.

سوره آل عمران آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ۝٨٠﴾

ترجمه:

و (هیچ کسی از پیغمبران) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و پیغمبران را به پروردگاری خود گیرید. مگر (معقول است که) شما را به کفر فرمان دهد، بعد از آن که (مخلصانه رو به خدا کرده‌اید و) مسلمان شده‌اید؟!

توضیحات:

«أَرْبَاب»: جمع رَبّ، پروردگاران.

سوره آل عمران آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨١﴾

ترجمه:

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند پیمان مؤکد از (یکایک) پیغمبران (و پیروان آنان) گرفت که چون کتاب و فرزانگی به شما دهم و پس از آن پیغمبری آید و (دعوت او موافق با دعوت شما بوده و) آنچه را که با خود دارید تصدیق نماید، باید بدو ایمان بیاورید و وی را یاری دهید. (و بدی‌شان) گفت: آیا (بدین موضوع) اقرار دارید و پیمان مرا بر این کارتان پذیرفتید؟ گفتند: اقرار داریم (و فرمان را پذیرائیم. خداوند بدی‌شان) گفت: پس (برخی بر برخی از خود) گواه باشید و من هم با شما از زمره گواهانم.

توضیحات:

«مِيثَاق»: پیمان استوار. ﴿لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ﴾: اگر کتاب برای شما فرستادم. (لَ) حرف تأکید است و (مَا) شرطیه و فعل (ءَاتَيْتُكُمْ) شرط و فعل (لَتُؤْمِنُنَّ) جواب شرط می‌باشد. «مَا»: اگر. آنچه. واژه (مَا) می‌تواند شرطیه یا موصول باشد. «إِصْر»: عهد.﴿أَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ﴾: آیا پیمان مرا بر این کارتان پذیرفتید؟ آیا از پیروان خود بر این کار پیمان گرفتید؟ «إِشْهَدُوا»: گواه باشید بر خود و پیروان خود.

سوره آل عمران آیه ۸۲

متن آیه:

﴿فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

پس هر که بعد از این (پیمان محکم، از ایمان به پیغمبر اسلام) روی بگرداند، از زمره فاسقان (و بیرون‌روندگان از شرع خدا و کافران به انبیاء از اوّل تا آخر) است.

توضیحات:

«تَوَلَّیا»: پشت کرد و عهدشکنی نمود.

سوره آل عمران آیه ۸۳

متن آیه:

﴿أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

آیا جز دین خدا را می‌جویند (که اسلام است)؟ ولی آنان که در آسمان‌ها و زمینند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر او تسلیمند و به‌سوی او بازگردانده می‌شوند.

توضیحات:

«یَبْغُونَ»: طلب می‌کنند. می‌جویند. «طَوْعاً وَ کَرْهاً»: خواه و ناخواه. مطیعانه با اراده و اختیار، و مجبورانه در آفرینش و پیدایش. این دو مصدر در معنی اسم فاعل، یعنی طَآئِعینَ و کارِهِینَ به کار رفته و حالند.

سوره آل عمران آیه ۸۴

متن آیه:

﴿قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

بگو: ایمان داریم به خدا و بدانچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (یعنی فرزندان و نوادگان دوازده‌گانه یعقوب) نازل شده است، و بدانچه به موسی و عیسی و سائر پیغمبران از سوی پروردگارشان داده شده است. میان هیچ یک از پیغمبرانش (در ایمان بدیشان) تفاوت نمی‌گذاریم و ما (بدین وسیله) خالصانه و خاشعانه تسلیم اوئیم.

توضیحات:

«أَسْبَاط»: نوادگان. قبائل. مراد از قبائل، قبائل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل است (نگا: بقره / ۱۳۶ و ۶۰، و اعراف / ۱۶۰).

سوره آل عمران آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾

ترجمه:

و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود.

توضیحات:

«يَبْتَغِ»: بخواهد. طلب کند. «إِسْلام»: توحید و انقیاد. آئین اسلام.

سوره آل عمران آیه ۸۶

متن آیه:

﴿كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٦﴾

ترجمه:

چگونه خداوند گروهی را رهنمونی می‌کند که بعد از ایمان‌شان و بعد از آن که گواهی دادند به این که پیغمبر بر حق است و معجزات و دلائل روشنی برای آنان (بر حقّانیت محمّد) بیامد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.

توضیحات:

«بَيِّنَات»: دلائل روشن. معجزات.

سوره آل عمران آیه ۸۷

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ٨٧﴾

ترجمه:

این چنین کسانی، کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه، بر آنان باشد.

توضیحات:

«جَزَآؤُهُمْ»: مبتدای دوم است.

سوره آل عمران آیه ۸۸

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ٨٨﴾

ترجمه:

در این لعن و نفرین، جاودانه می‌مانند و عذاب‌شان تخفیف نمی‌گردد و مهلتی بدی‌شان داده نخواهد شد.

توضیحات:

«وَلاهُمْ يُنظَرُونَ»: مهلتی بدی‌شان داده نمی‌شود و دخول آنان به دوزخ به تأخیر نمی‌افتد و عذاب ایشان بلاانقطاع خواهد بود.

سوره آل عمران آیه ۸۹

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ٨٩﴾

ترجمه:

مگر کسانی که بعد از آن، توبه کنند و به اصلاح بپردازند (یعنی به‌سوی خدا برگردند و در مقام جبران گذشته برآیند، که توبه آنان پذیرفتنی است) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۹۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ٩٠﴾

ترجمه:

کسانی که بعد از ایمان‌شان کافر می‌شوند و آن گاه بر کفر می‌افزایند (و در این راه اصرار می‌ورزند) هیچ گاه توبه آنان (بعد از گذشت فرصت که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می‌گیرد) قبول نمی‌شود و ایشان به حقیقت گمراهند.

توضیحات:

«ضَآلُّونَ»: گمراهان.

سوره آل عمران آیه ۹۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٩١﴾

ترجمه:

کسانی که کفر می‌ورزند و با کفر از دنیا رخت برمی‌بندند، اگر زمین پر از طلا باشد و (بتوانند برای بازخرید خود) آن را به عنوان فدیه بپردازند، هرگز از هیچ کدام از آنان پذیرفته نخواهد شد. برای ایشان عذاب دردناکی است و یاوری ندارند.

توضیحات:

«مِلْءُ الأرْضِ»: پرِ زمین. «ذَهَباً»: طلا. «لَوِ افْتَدَيا بِهِ»: اگر آن را برای رهائی خود و نجات از عذاب بدهد.

سوره آل عمران آیه ۹۲

متن آیه:

﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٩٢﴾

ترجمه:

به نیکی (کاملی که جویای آنید و مورد پسند خدا است) دست نمی‌یابید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید (در راه خدا) ببخشید. و هر چه را ببخشید (کم یا زیاد، بی‌ارزش یا باارزش) خدا بر آن آگاه است.

توضیحات:

«لَن تَنَالُوا»: نائل نمی‌گردید. دست نمی‌یابید. «بِرَّ»: خوبی. خیر کثیر. «مَا تُنفِقُوا»: آنچه را که می‌بخشید.

سوره آل عمران آیه ۹۳

متن آیه:

﴿كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٩٣﴾

ترجمه:

همه غذاها بر بنی‌اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعنی یعقوب به عللی، یا قوم اسرائیل به سبب ارتکاب گناهان) پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود. بگو: اگر راست می‌گوئید (که شریعت ابراهیم چنین چیزهائی را حرام نموده است، برای اثبات ادّعای خویش) تورات را بیاورید و آن را بخوانید.

توضیحات:

«حِلّ»: حلال. (نگا: مائده / ۵). «إِسْرَآئِيلُ«: یعقوب. قوم اسرائیل.

سوره آل عمران آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ۝٩٤﴾

ترجمه:

بنابراین کسانی که بعد از این به خدا دروغ بندند (و به ابراهیم و سایر پیغمبران پیشین، نسبت‌های ناروا دهند) اینان ستمگرند.

توضیحات:

«إِفْتَرَيا»: بهم بافت. دروغ بست. نسبت ناروا داد.

سوره آل عمران آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قُلۡ صَدَقَ ٱللَّهُۗ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ۝٩٥﴾

ترجمه:

بگو: خدا راست گفته است (و همه خوراکی‌ها بر بنی‌اسرائیل حلال بوده است) بنابراین از آئین ابراهیم پیروی کنید که (بی‌آلایش بود و) به حق گرایش داشت و جزو مشرکان نبود.

توضیحات:

«مِلَّةَ»: دین و آئین. «حَنِيفاً»: حقگرا (نگا: بقره / ۱۳۵).

سوره آل عمران آیه ۹۶

متن آیه:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ۝٩٦﴾

ترجمه:

نخستین خانه‌ای (از حیث قدمت و حرمت که با دست انبیاء جهت پرستش و نیایش صحیح خداوند یگانه) برای مردم بنیان‌گذاری گشته است، خانه‌ای است که در مکه قرار دارد (و کعبه نام و از لحاظ ظاهر و باطن) پربرکت و نعمت است و (از آنجا که قبله‌گاه نماز مسلمانان و مکان حجّ آنان یعنی کنگره بزرگ سالانه ایشان است، مایه) هدایت جهانیان است.

توضیحات:

«أَوَّلَ بَيْتٍ»: نخستین خانه. مراد این است نخستین خانه‌ای که برای عبادت با دست پیغمبران ساخته شده است کعبه است که ابراهیم و اسماعیل آن را ساخته‌اند و بعد از آن قرنها بعد مسجدالاقصی در سال ۱۰۰۵ پیش از میلاد توسّط سلیمان ساخته شد. «بَكَّةَ»: اسمی از اسامی مکه است. «مُبَارَكاً»: پرخیر و برکت است برای حاجیان و ساکنان آنجا (نگا: بقره / ۱۲۶). حال ضمیر مستتر در (وُضِعَ) است.

سوره آل عمران آیه ۹۷

متن آیه:

﴿فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٩٧﴾

ترجمه:

در آن نشانه‌های روشنی است، مقام ابراهیم (یعنی مکان نماز و عبادت او از جمله آنها است). و هرکس داخل آن (حرم) شود در امان است. و حجّ این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانائی (مالی و بدنی) برای رفتن بدانجا را دارند. و هرکس (حجّ خانه خدا را به جای نیاورد، یا اصلاً حجّ را نپذیرد، و بدین وسیله) کفر ورزد (به خود زیان رسانده نه به خدا) چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

توضیحات:

«مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ»: (نگا: بقره / ۱۲۵). (مَقَامُ) خبر است برای مبتدای محذوف، و یا بدل از (ءَايَاتٌ) است. «حِجُّ»: رهسپار بیت‌الله شدن و برای انجام مناسک در آنجا ماندن. «مَنِ اسْتَطَاعَ»: (مَنْ) بدل است.

سوره آل عمران آیه ۹۸

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعۡمَلُونَ٩٨﴾

ترجمه:

بگو: ای اهل کتاب! چرا نسبت به آیات خدا (که دالّ بر صدق نبوّت محمّد است) کفر می‌ورزید و (آنها را تکذیب می‌کنید) با آن که خدا گواه بر اعمالِ شما است؟

توضیحات:

«شَهِيدٌ»: دانا و آگاه.

سوره آل عمران آیه ۹۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَأَنتُمۡ شُهَدَآءُۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ٩٩﴾

ترجمه:

بگو: ای اهل کتاب! چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می‌دارید و می‌خواهید این راه را کج نشان دهید، و حال آن که شما (از راستی و درستی این راه) آگاهید؟ و خدا از آنچه می‌کنید بی‌خبر نیست (و پاداش شما را می‌دهد).

توضیحات:

«تَصُدُّونَ»: باز می‌دارید. «تَبْغُونَهَا عِوَجاً»: آن راه را کج می‌خواهید. مراد این است که راه خدا را در نظر مردم کج نشان می‌دهید. «عِوَجاً»: کج. «وَأَنتُمْ شُهَدَآءُ»: همان‌گونه که گواهان از حقیقت قضیه آگاهند، شما نیز از روی کتاب‌های خود از راه خدا قاطعانه آگاهید.

سوره آل عمران آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ١٠٠﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از گروهی از کسانی که کتاب بدی‌شان داده شده

است پیروی کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز می‌گردانند.

توضیحات:

«يَرُدُّوكُمْ... كَافِرِينَ»: شما را کافر سازند. شما را به کفر برگردانند. «كَافِرِينَ»: مفعول دوم، یا حال است.

سوره آل عمران آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُۥ ۗ وَمَن يَعْتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدْ هُدِىَ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ١٠١﴾

ترجمه:

و چگونه باید شما کافر شوید و حال آن که آیات خدا بر شما فرو خوانده می‌شود و پیغمبر او در میان شما است (و نور قرآن راه را تابان و رهنمودهای فرستاده خدا حقیقت را عیان می‌دارد!) و هرکس به خدا تمسّک جوید، بی‌گمان به راه راست و درست (رستگاری) رهنمود شده است.

توضیحات:

«يَعْتَصِمْ»: چنگ بزند. متوسّل گردد.

سوره آل عمران آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ١٠٢﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن چنان که باید از خدا ترسید از خدا بترسید (و با انجام واجبات و دوری از منهیات گوهر تقوا را به دامان گیرید) و شما (سعی کنید غافل نباشید تا چون مرگ‌تان به ناگاه در رسد) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید.

توضیحات:

﴿لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ﴾: مراد این است که انسان باید پیوسته متمسّک به اسلام و مراقب اعمال خود باشد تا به ناگاه چون پیک اجل در رسید، با ایمان استوار دار فانی را وداع گوید.

سوره آل عمران آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ۝١٠٣﴾

ترجمه:

و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دل‌هایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید، و (همچنین شما با بت‌پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می‌رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید)، خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می‌سازد، شاید که هدایت شوید.

توضیحات:

«حَبْل»: ریسمان. رشته. «حَبْلِ الله»: مراد قرآن است. «إِخْوَان»: جمع أَخ، برادران. «شَفَا»: لبه. «أَنقَذَکُمْ»: شما را نجات داد.

سوره آل عمران آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ۝١٠٤﴾

ترجمه:

باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنّت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارند.

توضیحات:

﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ﴾: باید در میان شما جماعتی باشد که. باید ملّتی باشید که.

«أُمَّةٌ»: جماعت. ملّت.

سوره آل عمران آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١٠٥﴾

ترجمه:

و مانند کسانی نشوید که (با ترک امر به معروف و نهی از منکر) پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند (آن هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است.

توضیحات:

«بَيِّنَاتُ»: دلائل روشن.

سوره آل عمران آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ١٠٦﴾

ترجمه:

(به یاد آورید روزی را که در چنین) روزی، روهائی سفید و روهائی سیاه می‌گردند. و امّا آنان که (به سبب انجام کارهای بد در پیشگاه پروردگارشان شرمنده و سرافکنده و بر اثر غم و اندوه) روهایشان سیاه است (بدی‌شان گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمان (فطری و اذعان به حق) خود کافر شده‌اید؟! پس به سبب کفری که می‌ورزیده‌اید عذاب را بچشید!.

توضیحات:

«يَوْمَ»: مفعولٌ‌به فعل محذوفی چون (أُذْكُرْ) یا مفعولٌ‌فیه (وَلَـهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) است. « تَبْيَضُّ»: سفید می‌گردد. مراد بشّاشت و شادی مؤمنان است. «تَسْوَدُّ»: سیاه می‌گردد. مراد اندوه و ناراحتی کافران است. «ذُوقُوا»: بچشید. «بَعْدَ إِيمَـانِكُمْ»: مراد ایمان فطری یا ایمان ناشی از تبلیغ پیغمبران است.

سوره آل عمران آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ۝١٠٧﴾

ترجمه:

و امّا آنان که (به سبب انجام کارهای شایسته در پیشگاه آفریدگارشان سرافرازند و سر از پای نمی‌شناسند و بر اثر شادی و سرور) روهایشان سفید است، در رحمت خدای غوطه‌ورند و جاودانه در آن ماندگارند!.

توضیحات:

«إِبْيَضَّتْ»: سفید گردید.

سوره آل عمران آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ۝١٠٨﴾

ترجمه:

این‌ها آیات خدا هستند که (درباره پاداش نیکوکاران و پادافره بدکاران نازل شده‌اند و) مشتمل بر حق و حقیقتند، و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای جهانیان نمی‌خواهد.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ۝١٠٩﴾

ترجمه:

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند در حالی که آفرینش و فرمانروائی و تصرّف امور) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خدا است و کارها (ی مردمان سرانجام) به‌سوی خدا برگردانده می‌شود (و پاداش و پادافره هر یک را خواهد داد).

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ

بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ١١٠﴾

ترجمه:

شما (ای پیروان محمّد) بهترین امّتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که برآنند. ولی تنها عدّه کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند.

توضیحات:

«كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ...»: شما بهترین ملّت هستید اگر امر به معروف و نهی از منکر داشته باشید و با جان و مال در این راه بکوشید.

سوره آل عمران آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمۡ يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ١١١﴾

ترجمه:

آنان هرگز نمی‌توانند به شما زیانی (ژرف و پردامنه) برسانند مگر آزار مختصری (که اثر چندانی بر جای نمی‌گذارد) و اگر با شما بجنگند پشت کرده و پای به فرار می‌نهند، سپس یاری نمی‌شوند (و نصرت و پیروزی را فراچنگ نمی‌آورند، مادام که شما امر به معروف و نهی از منکر داشته باشید).

توضیحات:

«يُوَلُّوكُمُ الأَدْبَارَ»: به شما پشت می‌کنند و می‌گریزند.

سوره آل عمران آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ١١٢﴾

ترجمه:

آنان هرکجا یافته شوند، (مُهر) خواری بر ایشان خورده است؛ مگر (این که از روش

ناپسند خود دست بردارند و در اعمال خویش تجدیدنظر کنند و) با پیمان خدا (یعنی رعایت قوانین شریعت) و پیمان مردم (یعنی رعایت مقرّرات همزیستی مسالمت‌آمیز، خویشتن را از اذیت و آزار در امان دارند و از مساوات حقوقی و قضائی برخوردار گردند) و آنان شایسته خشم خدا شده‌اند و (مُهر) بیچارگی بر ایشان خورده است. چرا که آنان به آیات خدا کفر می‌ورزیده‌اند و پیغمبران را به ناحق می‌کشته‌اند (و هرکس هم در هر عصر و زمانی به چنین کارهائی دست یازد و اعمال ننگین گذشتگان را بپسندد، جزای او همین خواهد بود). این (جرأت بر گناهان بزرگ، ناشی از استمرار گناهان کوچک بود و) به سبب سرکشی (از فرمان خدا) و تجاوز (از حدود شریعت یزدان) می‌باشد.

توضیحات:

«ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ»: خیمه ذلّت بالای سر آنان برافراشته شده است. مُهر خواری بر ایشان خورده است. «أَيْنَمَا»: هرجا. «ثُقِفُوا»: یافته شوند و فراچنگ آورده شوند. « حَبْلِ اللهِ»: آنچه خدا بر مسلمانان واجب کرده است که در حق اهل کتاب روا دارند بدان گاه که تحت ذمّه ایشان قرار می‌گیرند. «حَبْلِ النَّاسِ»: همکاری و همیاری مسلمانان با افراد ذمّی. «بَآؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللهِ»: برگشتند و خشم خدا را با خود آوردند. مستحقّ خشم خدا گشتند. «مَسْكَنَةُ»: خواری و مذلّت. «عَصَوْا»: سرکشی کردند. «كَانُوا يَعْتَدُونَ»: تجاوز می‌کردند.

سوره آل عمران آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿لَيْسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ١١٣﴾

ترجمه:

آنان همه یکسان نیستند، گروهی از اهل کتاب (به دادگری خاسته‌اند و برحق) پابرجایند و در بخش‌هائی از شب - در حالی که به نماز ایستاده‌اند - آیات خدا را می‌خوانند.

توضیحات:

«سَوَآءً»: برابر و یکسان. «أُمَّةٌ»: دسته. جماعت. «قَآئِمَةٌ»: بر دین خدا ماندگار و استوار. «ءَانَآءَ»: جمع (إِنْو) یا (إِنْي)، ساعاتی از شب. پاسی از شب.

سوره آل عمران آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ١١٤﴾

ترجمه:

به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و (مردمان را) به کار نیک می‌خوانند و از کار زشت باز می‌دارند و در انجام اعمال شایسته و بایسته بر یکدیگر سبقت می‌گیرند، و آنان از زمره صالحانند.

توضیحات:

«يُسَارِعُونَ»: بر همدیگر پیشی می‌جویند.

سوره آل عمران آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَمَا يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ١١٥﴾

ترجمه:

و آنچه از اعمال نیک انجام دهند (هدر نمی‌رود و بی‌پاداش نمی‌ماند و) از ثواب آن محروم نمی‌گردند، و خداوند آگاه از (حال و احوال) پرهیزگاران است.

توضیحات:

«لَن يُكْفَرُوهُ»: در پیشگاه خدا به هیچ وجه از اجر آن محروم نمی‌شوند و کارشان بی‌مزد نمی‌ماند.

سوره آل عمران آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ١١٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان اموال و اولاد کسانی که کفر ورزیده‌اند، ایشان را به هیچ وجه از (کیفر و عذاب) خدا نمی‌رهاند (و کوچک‌ترین سودی به حال‌شان ندارد) و آنان دوزخیانند و در آنجا جاودانه می‌مانند.

توضیحات:

«لَن تُغۡنِيَ»: هرگز نمی‌رهاند. هرگز دفع نمی‌گرداند.

سوره آل عمران آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٧﴾

ترجمه:

مَثَل آنچه کافران در این جهان (در راه خوشگذرانی و جاه‌طلبی و کسب قدرت و شهرت، و حتّی آنچه که در راه خیرات و حسنات) بذل و بخشش می‌کنند، همانند سرمای سختی است که به کشتزار قومی اصابت کند که (با کفر و معاصی) بر خود ستم کرده‌اند، و آن را نابود سازد. و خداوند (با هدر دادن اعمال‌شان) بر آنان ستم ننموده است و بلکه خودشان (با ارتکاب پلشتی‌ها و زشتی‌ها) به خویشتن ستم روا می‌دارند.

توضیحات:

«رِيحٖ»: باد. «صِرٌّ»: سرمای سخت. «رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ»: مراد باد صرصر است (نگا: حاقّه / ۶، و فصّلت ۱۶). «حَرۡثَ»: کشتزار. «أَنفُسَهُمۡ»: مفعول مقدّم (يَظۡلِمُونَ) است.

سوره آل عمران آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ١١٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خود محرم اسرار برنگزینید، آنان از هرگونه شر و فسادی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند. آنان آرزوی رنج و زحمت شما را (در دل) دارند (و پیوسته در انتظار آنند. نشانه‌های) دشمنانگیاز دهان آنان آشکار است، و آنچه در دل دارند بزرگ‌تر است (از بدسگالی‌هائی که ظاهر می‌سازند). ما نشانه‌هائی را (که بتوان با آنها دشمن را از دوست باز شناخت) برای شما بیان کردیم اگر اهل عقل و درایت هستید.

توضیحات:

«بِطَانَةً»: مَحرم اَسرار. «مِن دُونِكُمْ»: از غیر خود. «لا يَأْ لُونَكُمْ»: تقصیر و کوتاهی نمی‌کنند. از ماده (أَلا، يَأْ لُو). «لا يَأْ لُونَكُمْ خَبَالاً»: برای تباهی کارتان کوتاهی نمی‌کنند و بلکه به تلاش می‌ایستند. «لا يَأْ لُونَ»: قصور نمی‌کنند. ترک نمی‌کنند. « خَبَالاً»: فساد. تباهی. منصوب به نزع خافض یا تمییز است بنا به معنی اوّل (لا يَأْ لُونَ)، و مفعولٌ‌به است بنا به معنی دوم آن. «مَا عَنِتُّمْ»: رنج و مشقّت شما را. (مَا) مصدریه است و (عَنِتُّمْ) از ماده (عَنَت) به معنی مشقّت است. «أَكْبَرُ»: بزرگ‌تر و بیشتر.

سوره آل عمران آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١١٩﴾

ترجمه:

هان! (ای مؤمنان!) این شمائید که آنان را (به خاطر قرابت یا صداقت یا مودّت) دوست می‌دارید، و ایشان شما را (به خاطر تعصّب دینی خود) دوست نمی‌دارند، و شما به همه کتاب‌های (آسمانی) ایمان دارید (امّا آنان به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). و وقتی که با شما برخورد می‌کنند (برای گول‌زدنتان، به دروغ) می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. امّا هنگامی که تنها می‌شوید، از شدّت خشم بر شما، سرانگشتان خود را به دندان می‌گزند، بگو: با (درد همین) خشمی که دارید، بمیرید، بی‌گمان خداوند از آنچه در درون سینه‌ها می‌گذرد آگاه است.

توضیحات:

«خَلَوْا»: تنها ماندند و مجلس‌شان از اغیار خالی شد. رفتند. «عَضُّوا»: گاز گرفتند. «أَنَامِل»: جمع أُنْمُلَة، سرانگشتان.

سوره آل عمران آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ

لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ١٢٠﴾

ترجمه:

اگر نیکی به شما دست دهد (و نعمتی همچون پیروزی و غنیمت بهره شما گردد) ناراحت می‌شوند، و اگر به شما بدی برسد، شادمان می‌شوند. و اگر (در برابر اذیت و آزارشان) بردباری کنید و (از دوستی با ایشان) بپرهیزید، حیله‌گری (و دشمنانگی خائنانه) آنان به شما هیچ زیانی نمی‌رساند، (چه) شکی نیست خداوند بدانچه انجام می‌دهند احاطه دارد (و قادر به دفع نقشه‌های خائنانه و نیرنگ‌های اهریمنانه ایشان از شما است).

توضیحات:

«إِن تَمْسَسْكُمْ»: اگر به شما برسد. ﴿لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـًٔاۗ﴾: اصلاً مکر ایشان به شما زیانی نمی‌رساند. (شَيْئاً) مفعول مطلق است. انگار که چنین فرموده است: «لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ ضُرًّا». (نگا: آل‌عمران / ۱۴۴، و نساء / ۳۶).

سوره آل عمران آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٢١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به یاد مؤمنان آور) زمانی را که سحرگاهان از میان خانواده خود بیرون رفتی و پایگاه‌های جنگ را برای مسلمانان آماده کردی (و جای تیراندازان و جای سواران و جای سائر مؤمنان را مشخّص نمودی) و خداوند شنوا و دانا است (و گفتگوهایتان را می‌شنید و اندیشه‌هایتان را می‌دانست).

توضیحات:

«غَدَوْتَ»: سحرگاهان بیرون رفتی، از واژه (غُدْوَة) به معنی: آغاز روز. «تُبَوِّئُ»: جایگزین می‌کنی. ترتیب می‌دهی. «مَقَاعِدَ»: جایگاه‌ها. مفعول دوم است.

سوره آل عمران آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَاۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٢٢﴾

ترجمه:

آن گاه که دو طائفه از شما (یعنی بَنُوسَلَمه از خَزْرَج، و بَنُوحارِثه از أَوْس) آهنگ آن کردند که سستی ورزند (و از وسط راه بازگردند و به جهاد نپردازند)، ولی خداوند یار آنان بود (و به ایشان کمک کرد تا از این اندیشه برگشتند)، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

«هَمَّتْ»: خواست. قصد کرد. «أَن تَفْشَلا»: که سستی کنند. تنبلی کنند.

سوره آل عمران آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ١٢٣﴾

ترجمه:

خداوند شما را در بدر پیروز گردانید و حال آن که (نسبت به کافران) ناچیز (و از ساز و برگ اندکی برخوردار) بودید، پس از خدا بترسید تا شکر (نعمت او را بتوانید) به جای آورید.

توضیحات:

«أَذِلَّة»: جمع ذلیل، خواران. در اینجا مراد این است که از لحاظ شماره اندک و از نظر توشه ضعیف بودید.

سوره آل عمران آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ١٢٤﴾

ترجمه:

بدان گاه که تو به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان با سه هزار از فرشتگانِ فرستاده (از سوی خویش برای آرامش خاطرتان) یاریتان کرد؟

توضیحات:

«مُنزَلِينَ»: روانه‌شدگان. صفت (ثَلاثَةِ ءَالافٍ) یا حال (الْـمَلآئِکَةِ) است.

سوره آل عمران آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ١٢٥﴾

ترجمه:

آری! (شما را بسنده است. و علاوه از آن) اگر بردباری (در کارزار) داشته باشید و پرهیزگاری کنید (از معصیت خدا و مخالفت با پیغمبر)، و آنان (یعنی دشمنان مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورش‌گر و نشان‌گذار، شما را یاری کند.

توضیحات:

«مِن فَوْرِهِمْ هذا»: همین الآن با سرعت. «مُسَوِّمِينَ»: یورش‌گران. نشان‌گذاران بر بدن خود یا بر مرکب خویش. مسلّط‌کنندگان مؤمنان بر کافران.

سوره آل عمران آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ١٢٦﴾

ترجمه:

و خداوند آن (یاری با فرشتگان) را جز مژده‌ای برای (پیروزی) شما نساخت، و برای آن کرد که دل‌های شما بدان آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست.

توضیحات

«بُشْرَيا»: مژده.

سوره آل عمران آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ١٢٧﴾

ترجمه:

(هدف از یاریتان توسّط فرشتگان آن است که) تا گروهی از بزرگان کافران را نابود کند و یا آنان را سرکوب و خوار نماید و با شکست و ننگ خشمگین‌شان سازد و ناامید

برگردند (و دیگر بار آرزوی پیروزی در سر نپرورانند).

توضیحات:

«لِيَقْطَعَ»: تا هلاک کند. «طَرَفاً»: جماعتی از رؤساء و اشراف. «يَكْبِتَهُمْ»: خوار و سرکوبشان کند. «خَآئِبِينَ»: ناامیدان.

سوره آل عمران آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ ٱلْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَٰلِمُونَ۝١٢٨﴾

ترجمه:

چیزی از کار (بندگان جز اجرا فرمان یزدان) در دست تو نیست (بلکه همه امور در دست خدا است. این او است که) یا توبه آنان را می‌پذیرد (و دل‌هایشان را با آب ایمان می‌شوید) یا ایشان را (با کشتن و خوار داشتن در دنیا، و عذاب آخرت) شکنجه می‌دهد، چرا که آنان ستمگرند.

توضیحات:

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ ٱلْأَمْرِ شَيْءٌ﴾: جمله معترضه‌ای است میان سابق و لاحق خود، و درباره لعن و نفرین رسول (بر کافران أُحُد، یا قاتلان قاریان بِئْرِمَعُونه نازل شده است. «يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»: عطف بر (يَكْبِتَهُمْ) است.

سوره آل عمران آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ۝١٢٩﴾

ترجمه:

و از آن خدا است آنچه در آسمان‌ها و زمین است. هر که را بخواهد می‌آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می‌دهد، و خدا بخشنده و مهربان است.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضْعَٰفًا مُّضَٰعَفَةًۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفۡلِحُونَ﴿١٣٠﴾﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را دو و چند برابر مخورید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

توضیحات:

«أَضْعَافاً مُّضَاعَفَةً»: دو و چند برابر. این گفته، قیدی برای تحریم نیست، بلکه بیان واقعیتی است که در جاهلیت بوده است و الاّ رِبا به هر کیفیتی که باشد - مضاعف یا غیرمضاعف، کم یا زیاد - با نصّ صریح قرآن حرام و مبغوض است (نگا: بقره / ۲۷۵ و ۲۷۶). (أَضْعافاً) حال رِبا است.

سوره آل عمران آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ﴿١٣١﴾﴾

ترجمه:

و از آتشی بپرهیزید که برای کافران (نه مؤمنان) آماده شده است.

توضیحات:

«أُعِدَّتْ»: آماده گشته است.

سوره آل عمران آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴿١٣٢﴾﴾

ترجمه:

و از خدا و پیغمبر اطاعت کنید تا که (در دنیا و آخرت) مورد رحمت و مرحمت قرار گیرید.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ﴿١٣٣﴾﴾

ترجمه:

و (با انجام اعمال شایسته و بایسته) به‌سوی آمرزش پروردگارتان، و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی گیرید که بهای آن (برای مثال، همچون بهای) آسمان‌ها و زمین است؛ (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیه دیده شده است.

توضیحات:

«سَارِعُوا إِلَيا مَغْفِرَةٍ»: بشتابید به‌سوی اسباب مغفرت. از قبیل توبه و عبادت. «عَرْض «: بها و ارزش. پهنا. اگر عرْض به معنی عوض و بدل یعنی بها و ارزش معنوی بهشت گرفته نشود و بلکه عرض مخالف طول باشد، باید مراد آسمان‌ها و زمینِ منظومه شمسی یا بخشی از جهان ناشناخته باشد؛ نه همه افلاک و کرات (نگا: یونس / ۱۰۱، حدید / ۲۱).

سوره آل عمران آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ١٣٤﴾

ترجمه:

آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و تندستی، به احسان و بذل و بخشش دست می‌یازند، و خشم خود را فرو می‌خورند، و از مردم گذشت می‌کنند، و (بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند و) خداوند (هم) نیکوکاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«سَرَّآءِ»: توانگری و فراخ دستی. «ضَرَّآءِ»: ناداری و تنگدستی. «کَاظِمِينَ»: فروخورندگان خشم و غضب. عطف بر (أَلَّذِينَ) است. «عَافِينَ»: عفوکنندگان. درگذرندگان.

سوره آل عمران آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ١٣٥﴾

ترجمه:

و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند، یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند (و وعده و وعید و عقاب و ثواب و جلالت و عظمت او را پیش چشم می‌دارند و پشیمان می‌گردند) و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند - و بجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ - و با علم و آگاهی بر (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) چیزی که انجام داده‌اند پافشاری نمی‌کنند (و به تکرار گناه دست نمی‌یازند).

توضیحات:

«فَاحِشَةً»: گناه کبیره، مانند زنا و قتل. «وَهُمْ يَعْلَمُونَ»: آنان قبح کارشان را می‌دانند. آنان می‌دانند که خداوند توبه توبه‌کاران را می‌پذیرد و بندگان خود را می‌بخشد.

سوره آل عمران آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ١٣٦﴾

ترجمه:

آن چنان پرهیزگارانی پاداش‌شان آمرزش خدای‌شان و باغ‌های (بهشتی) است که در زیر (درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجاها ماندگارند، و این چه پاداش نیکی است که بهره کسانی می‌گردد که اهل عملند (و برابر فرمان خدا کار می‌کنند).

توضیحات:

«خَالِدِينَ»: جاودانگان. حال (أوْلئِكَ) است. «نِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ»: بهترین پاداش برای کسانی که برابر فرمان خدا کار می‌کنند، بهشت است. مخصوص به مدح، یعنی (الْجَنَّةُ) محذوف است.

سوره آل عمران آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ ١٣٧﴾

ترجمه:

پیش از شما (ای مؤمنان، درباره گذشتگان) قواعد و ضوابطی بوده است (که ثابت و تغییرناپذیر به مرحله اجرا درآمده است و امور اجتماعی بشر برابر آن چرخیده و گردیده است و همیشه هم‌چنین خواهد بود) پس در زمین به گردش بپردازید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان (حق که پیوسته با باطل در جنگ است) چگونه گشته است.

توضیحات:

«خَلَتْ»: رفته است. گذشته است. «سُنَن»: جمع «سُنَّة»، راه‌ها و روش‌ها. وقائع و رخدادها. ملّت‌ها و امّت‌ها. مراد سُنَّةالله، یعنی نظامی است که خداوند آن را پدید آورده است و بر طبق آن آفرینش در گردش و چرخش است. «أُنظُرُوا»: بنگرید. بیندیشید. ﴿كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ﴾: (کَیْفَ) خبر مقدّم (کانَ) و (عاقِبَة) اسم آن است.

سوره آل عمران آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴿١٣٨﴾﴾

ترجمه:

این (که درباره صفات مؤمنان و قواعد و ضوابط ثابت خدا درباره گذشتگان گذشت) روشنگری است برای مردمان، و مایه رهنمود و پندپذیری برای پرهیزگاران است.

توضیحات:

«بَیَانٌ»: روشن‌گری.

سوره آل عمران آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ﴿١٣٩﴾﴾

ترجمه:

و (از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان می‌آید) سست و زبون نشوید و (برای کشتگانتان) غمگین و افسرده نگردید، و شما (با تأییدات خداوندی و قوّه ایمان راستین و نیروی حقی که از آن دفاع می‌کنید) برتر (از دیگران) هستید (و پیروزی و بهروزی از آن شما است) اگر که به راستی مؤمن باشید (و بر ایمان دوام داشته باشید).

توضیحات:

«لا تَـهِنُوا»: سست و زبون نشوید. از ماده (وَهْن). «أَعْلَوْنَ»: برتران. چیرگان.

سوره آل عمران آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ۝١٤٠﴾

ترجمه:

اگر به شما (در جنگ احد) جراحتی رسیده است (و به جانتان گزندی و به دارائی‌تان زیانی وارد آمده است، نگران و پریشان نشوید) به آن جمعیت نیز (در جنگ بدر) جراحتی همانند آن رسیده است، و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم دست به دست می‌گردانیم (و گاهی بهره اینان و گاهی نصیب آنان می‌نمائیم) تا ثابت‌قدمان بر ایمان را (از سائرین) جدا سازد و مؤمنان شناخته شوند و خداوند از میان شما قربانیانی برگیرد و افتخار شهادت نصیب‌شان گرداند. و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«قَرْحٌ»: زخم. جراحت. مراد از (قَرْحِ) اوّل در این آیه و آیه ۱۷۲ همین سوره، اذیت و آزار و شکست و زیانهائی است که در جنگ احد گریبانگیر مسلمانان گردید. و مراد از (قَرْحِ) دوم، کشت و کشتار و درد و آزار و بلاها و زیانهائی است که در جنگ بدر به کافران رسید (نگا: آل‌عمران / ۱۶۵). «نُدَاوِلُـهَا بَيْنَ النَّاسِ»: میان مردم دست به دست می‌گردانیم، و گاهی بدینان و گاهی بدانان می‌سپاریم. «أَيَّام»: روزها. مراد ازمنه و اوقات است؛ نه روزهای معمولی. «لِيَعْلَمَ اللهُ»: تا خدا معلوم گرداند. باید توجّه داشت که خدا همیشه آگاه بوده و هست. لذا منظور از (يعْلَمَ اللهُ) و عباراتی از این قبیل، این است که علم غیبی به علم عینی تبدیل شود و خفی جلی گردد. «يَتَّخِذْ مِنكُمُ الشُّهَدَآءَ»: تا برخی از شما را مفتخر به درجه شهادت در راه خود کند. تا به برخی از شما افتخار گواهی‌دادن بر مردم در روز رستاخیز بخشد (نگا: بقره / ۱۴۳).

سوره آل عمران آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمۡحَقَ ٱلۡكَٰفِرِينَ١٤١﴾

ترجمه:

و تا این که خداوند مؤمنان را سره و خالص گرداند و کافران را نابود و تباه سازد.

توضیحات:

«لِيُمَحِّصَ»: تا سره و خالص‌شان گرداند. تا از هر عیبی پاک‌شان دارد. «يَمْحَقَ»: هلاک و تباه کند.

سوره آل عمران آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَيَعۡلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ١٤٢﴾

ترجمه:

آیا پنداشته‌اید که شما (تنها با ادّعای ایمان) به بهشت درخواهید آمد، بدون آن که خداوند کسانی از شما را مشخّص سازد که به تلاش و پیکار برخاسته‌اند، و بدون آن که خداوند بردبارانی را متمایز گرداند (که رنج‌ها و سختی‌ها، آنان را پاکیزه و آبدیده کرده باشد).

توضیحات:

«أَمْ»: آیا. «حَسِبْتُمْ»: گمان برده‌اید. «لَـمَّا يَعْلَمِ اللهُ»: خداوند هنوز نشناخته باشد و جدا نساخته باشد (نگا: بقره / ۱۴۳ و آل‌عمران / ۱۴۰). «يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»: فعل (يَعْلَمَ) منصوب است به (أَنْ) مقدّر. چکیده معنی آیه این است که: به بهشت دست نخواهید یافت مگر آن گاه که آزمایش خود را بدهید و خداوند جهاد در راه خود و استقامت با دشمنان دین را از شما مشاهده کند (نگا: عنکبوت / ۲).

سوره آل عمران آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كُنتُمۡ تَمَنَّوۡنَ ٱلۡمَوۡتَ مِن قَبۡلِ أَن تَلۡقَوۡهُ فَقَدۡ رَأَيۡتُمُوهُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ١٤٣﴾

ترجمه:

شما که تمنّای مرگ (و شهادت در راه خدا) را داشتید پیش از آن که با آن روبرو شوید، (هم‌اینک در میدان نبرد اُحُد آماده‌اید و با شهادت یاران) مرگ را می‌بینید و شما بدان می‌نگرید، (پس چرا به دهشت افتاده‌اید و با دیدن آنچه آرزو می‌کردید زبون و غمگین گشته‌اید)؟!.

توضیحات:

«كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ»: آرزو می‌کردید و می‌خواستید.

سوره آل عمران آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْۚ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيْـًٔاۗ وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤﴾

ترجمه:

محمّد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته‌اند؛ آیا اگر او (در جنگ اُحُد کشته می‌شد، یا مثل هر انسان دیگری وقتی) بمیرد یا کشته شود، آیا چرخ می‌زنید و به عقب برمی‌گردید (و با مرگ او اسلام را رها می‌سازید و به کفر و بت‌پرستی بازگشت می‌کنید)؟! و هرکس به عقب بازگردد (و ایمان را رها کرده و کفر را برگزیند) هرگز کوچک‌ترین زیانی به خدا نمی‌رساند، (بلکه به خود ضرر می‌زند) و خدا به سپاس‌گزاران پاداش خواهد داد.

توضیحات:

«خَلَتْ»: رفته است. «إِنقَلَبْتُمْ عَلَيا أَعْقَابِكُمْ»: بر پاشنه‌های خود عقب‌گرد می‌کنید و چرخ می‌زنید. مراد این که: به کفر برمی‌گردید. «أَعْقَاب»: جمع عَقِبْ، پاشنه‌های پا.

سوره آل عمران آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًاۗ وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ ٱلْأٓخِرَةِ نُؤْتِهِۦ مِنْهَاۚ وَسَنَجْزِى ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٥﴾

ترجمه:

و هیچ کسی را نسزد که بمیرد مگر به فرمان خدا، و خداوند وقت آن را دقیقاً در

مدّت مشخّص و محدودی ثبت و ضبط کرده است (و در کتابی که مشتمل بر مرگ و میرها است نوشته است). و هرکس پاداش (و کالای) دنیا را خواستار شود از آن بدو می‌دهیم، و هر که پاداش (و متاع) آخرت را خواهان باشد از آن بدو می‌دهیم، و ما پاداش سپاسگزاران را خواهیم داد.

توضیحات:

«أَن تَمُوتَ»: اسم (كانَ) است و (إلاّ بِإِذْنِ الله) خبر آن. «كِتَاباً مُّؤَجَّلاً»: در کتابی نوشته است که مشتمل بر مرگ و میرها است. (نگا: تفسیرالمنتخب / ۹۳ و انعام / ۵۹). وقت آن را دقیقاً در وقت مشخّص و محدودی تعیین کرده است (نگا: فاطر / ۱۱، انعام / ۲، هود / ۱۰۴). (كِتَاباً): منصوب به نزع خافض یا مفعول مطلق است. تقدیر چنین می‌شود: «كَتَبَ اللهُ ذلِكَ فِي كِتَابٍ مُّشْتَمِلٍ عَلَى الآجَالِ، یا: كَتَبَ اللهُ ذلِكَ كِتَاباً مُّوَقَّتاً بِوَقْتٍ مَّعْلُومٍ». «مُؤَجَّلاً»: مشتمل بر مرگ و میرها. دارای وقت معین و محدود.

سوره آل عمران آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسْتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ۝١٤٦﴾

ترجمه:

و چه بسیار پیغمبرانی که مردان خدای فراوانی به همراه آنان کارزار می‌کرده‌اند و به سبب چیزی که در راه خدا بدانان می‌رسیده است (از قبیل: کشته‌شدن برخی از یاران و مجروح‌شدن خود و دوستان) سست و ضعیف نمی‌شده‌اند و زبونی نشان نمی‌داده‌اند (و بلکه شکیبائی می‌کرده‌اند) و خداوند شکیبایان را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«كَأَيِّنْ»: چه بسیار. «رِبِّيُّونَ»: جمع (رِبِّي)، عالِمان راسخ در علوم دینی. مردان خدا. مؤمنان مخلص. «قَاتَلَ مَعَهُ»: در رکاب یکایک آنان جنگیده‌اند. «مَا اسْتَكَانُوا»: خواری ننمودند و برای دیگران کرنش نبردند. از ماده (كَيْن) یا از (كَوْن).

سوره آل عمران آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧﴾

ترجمه:

و (این عمل ایشان به هنگام سختی بود، و در این وقت) گفتارشان جز این نبود که می‌گفتند: پروردگارا! گناهانمان را ببخشای و از زیاده‌روی‌ها و تندروی‌هایمان صرف نظر فرمای و گام‌هایمان را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز بگردان.

توضیحات:

«إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا»: مراد تجاوز از حدود و ثغور قوانین و مقرّرات الهی است.

سوره آل عمران آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤٨﴾

ترجمه:

پس خداوند پاداش این جهان را (با پیروز کردن‌شان بر دشمنان، و فراچنگ آوردن غنیمت و کرامت و عزّت) بدی‌شان داد، و پاداش نیکوی آخرت را (برای آنان تضمین کرد) و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

﴿حُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِ﴾: پاداش نیکوی آخرت. صفت به موصوف اضافه شده است.

سوره آل عمران آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ١٤٩﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کافران، فرمانبرداری کنید، شما را به کفر برمی‌گردانند و زیان دیده (از سوی دین و ایمان به‌سوی کفر و حرمان) برمی‌گردید.

توضیحات:

«خَاسِرِينَ»: زیانباران. حال ضمیر (و) است.

سوره آل عمران آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿بَلِ ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلنَّٰصِرِينَ١٥٠﴾

ترجمه:

(کافران یاور شما نیستند) بلکه خدا یاور شما است و او بهترینِ یاوران (و بزرگ‌ترینِ مددکاران) است.

توضیحات:

«مَوْلي»: سرورِ مُتصرّف.

سوره آل عمران آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗاۖ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِينَ١٥١﴾

ترجمه:

در دل‌های کافران رُعْب و هراس خواهیم انداخت، از آن‌رو که چیزهائی را انباز خدا ساخته‌اند که خداوند دلیل و برهانی (بر حقّانیت آنها) فرو نفرستاده است، و جایگاه آنان آتش (دوزخ) است، و جایگاه ستمکاران چه بد جایگاهی است.

توضیحات:

«سُلْطَان»: حجّت و برهان (نگا: نساء / ۹۱، ۱۴۴، ۱۵۳، انعام / ۸۱، اعراف / ۳۳، حجّ / ۷۱، روم / ۳۵). «مَثْوي»: اقامتگاه.

سوره آل عمران آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ١٥٢﴾

ترجمه:

و در آن هنگام که آنان را (در آغاز جنگ اُحُد) با کمک و یاری او از پای در می‌آوردید، خداوند به وعده خود (که پیروزی بود و بر زبان پیغمبر رفته بود) با شما وفا کرد، تا آن گاه که سستی کردید و در امر (ماندن در سنگرها و رهاکردن آنجاها) به کشمکش پرداختید و اختلاف ورزیدید، و پس از آن که آنچه را دوست می‌داشتید به شما نشان داد (که غلبه بر دشمن بود) نافرمانی کردید (و دو دسته شدید:) دسته‌های از شما خواهان کالای دنیا (یعنی غنائم جنگ شد) و دسته‌های خواستار آخرت (یعنی: رضایت‌الله و پاداش اخروی) گردید. پس (بر اثر فرار، دست) شما را از آنان بازداشت و از ایشان منصرفتان گردانید (و بدین وسیله پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را بیازماید و (مؤمنان مخلص، از دیگران ممتاز و جدا شوند. و هنگامی که پشیمان شدید) شما را بخشید، و خداوند را بر مؤمنان نعمت و منّت است.

توضیحات:

«تَحُسُّونَهُمْ»: ایشان را از پای در می‌آورید و مستأصل‌شان می‌نمائید. «إِذْن»: مشیت و فرمان. «فَشِلْتُمْ»: ضعیف و پست همت شُدید. «عَصَيْتُمْ»: نافرمانی و سرکشی کردید. «أَرَاكُمْ»: نشانتان داد. «صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ»: شما را از ایشان بازداشت. مراد این که خداوند شما را از جنگ ایشان منصرف و معونت خود را بازگرفت و شکست را بهره شما کرد.

سوره آل عمران آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿إِذۡ تُصۡعِدُونَ وَلَا تَلۡوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٖ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ فِيٓ أُخۡرَىٰكُمۡ فَأَثَٰبَكُمۡ غَمَّۢا بِغَمّٖ لِّكَيۡلَا تَحۡزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمۡۗ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٥٣﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان به یاد آورید) آن گاه را که در زمین پراکنده می‌شدید و می‌گریختید و دور می‌گشتید و (از شدّت بیم و هراس) در فکر کسی (جز نجات خود) نبودید، و پیغمبر از پشت سر شما را صدا می‌زد (و می‌گفت: ای بندگان خدا! به‌سوی من بیائید، من پیغمبر خدایم، و هرکس بر دشمن بتازد، بهشت از آن او است...). پس در برابر غم (و اندوهی که به سبب نافرمانی، به پیغمبر چشاندید) غم (و اندوهی) به شما رساند (و غم و اندوه‌ها یکی پس از دیگری به‌سوی شما روی می‌آورد) این بدان خاطر بود که

دیگر برای آنچه (از غنیمت) از دست داده‌اید و بر آنچه (از هزیمت) به شما رسیده است غمگین نشوید، و خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

توضیحات:

«تُصْعِدُونَ»: در زمین پراکنده می‌شوید و می‌گریزید و دور می‌گردید. از مصدر (إِصْعاد). فرق (إِصْعاد) با (صُعود) در این است که اصعاد در زمین صاف انجام می‌پذیرد، ولی صعود در تپه‌ها و کوه‌ها. «لا تَلْوُونَ»: روی برنمی‌گردانید و نمی‌نگرید. «فِي أُخْرَاكُمْ»: در پشت سرتان. «فَأَثَابَكُمْ غَمّاً بِغَمٍّ»: خدا سزای غمی را که با مخالفت خود به پیغمبر رسانیدید، با غمی‌داد که بر اثر شکست به شما رساند. یا: خداوند غم هزیمت را بر غم جراحت شما افزود.

سوره آل عمران آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنكُمْ ۖ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ ظَنَّ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَىْءٍ ۗ قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِىٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا ۗ قُل لَّوْ كُنتُمْ فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۖ وَلِيَبْتَلِىَ ٱللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾﴾

ترجمه:

سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی به گونه خواب سبکی بر شما چیره کرد که گروهی از (مؤمنان راستین) شما را فرا گرفت، و گروه دیگری تنها در بند خود بودند و درباره خدا پندارهای نادرستی چون پندارهای زمان جاهلیت داشتند (و بر سبیل انکار) می‌گفتند: آیا چیزی از کار (پیروزی و نصرتی که پیغمبر به ما وعده داده بود) نصیب ما می‌شود؟ بگو: همه کارها (اعم از پیروزی و شکست) در دست خدا است. (آنان در حین گفتن این سخن) در دل خود چیزهائی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند. (به خود) می‌گویند: اگر کار به دست ما بود (و یا: اگر برابر وعده محمّد، سهمی از پیروزی داشتیم،) در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر (برای جنگ بیرون

نمی‌آمدید و) در خانه‌های خود هم بودید، آنان که کشته‌شدن در سرنوشتشان بود، به قتلگاه خود می‌آمدند و (در مسلخ مرگ کشته می‌شدند. آنچه خدا خواست - بنا به مصلحتی که خود می‌دانست - در جنگ احد شد) تا خداوند آنچه را که در سینه‌ها دارید بیازماید و تا آنچه را که در دل‌ها دارید خالص و سره گرداند، و خداوند بدانچه در سینه‌ها (از اسرار و رازها) است آگاه است.

توضیحات:

«أَمَنَةً»: امن. آرامش. مفعولٌ‌به یا مفعوٌل‌له است. «نُعَاساً»: چرت. بدل است. «أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ»: خودشان برای خودشان اهمّیت دارند و خویشتن را می‌پایند و بس. «ظَنَّ الجَاهِلِيَّةِ»: همچون گمان جاهلیت. یا: همچون گمان اهل جاهلیت. (ظَنَّ) بدل است. ﴿هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٖ﴾: مگر فتح و پیروزی نصیب ما می‌شود؟ هرگز! مگر در کار و بار خود اختیاری نداریم؟ اگر داشتیم چنین و چنان می‌کردیم و... « يُخْفُونَ»: پنهان می‌دارند. «لا يُبْدُونَ»: آشکار نمی‌کنند. «بَرَزَ»: بیرون آمد (نگا: بقره / ۲۵۰). «مَضَاجِعِ»: جمع مَضْجَع، آنجا که انسان در آن دراز می‌کشد و بر پهلو می‌افتد. مراد خوابگاه مرگ و قتلگاه است. «لِيَبْتَلِيَ»: تا بیازماید. «لِيُمَحِّصَ»: تا سره و خالص سازد (نگا: بقره / ۱۴۳ و آل‌عمران / ۱۴۱).

سوره آل عمران آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ مِنكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ إِنَّمَا ٱسۡتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِبَعۡضِ مَا كَسَبُواْۖ وَلَقَدۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ١٥٥﴾

ترجمه:

آنان که در روز رویاروئی دو گروه (مسلمانان و کافران در جنگ احد) فرار کردند، بی‌گمان اهریمن به سبب پاره‌ای از آنچه کرده بودند (که سرکشی از فرمان خدا بود) آنان را به لغزش انداخت و خداوند ایشان را بخشید، چرا که خداوند آمرزنده و شکیبا است.

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: پشت کردند. روی گرداندند. «الجَمْعَانِ»: دو گروه مؤمنان و مشرکان.

«إِسْتَزَلَّهُمْ»: آنان را به لغزش انداخت. آنان را به خطا و گناه دچار کرد.

سوره آل عمران آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقَالُواْ لِإِخْوَٰنِهِمْ إِذَا ضَرَبُواْ فِي ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُواْ غُزًّى لَّوْ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْۗ وَٱللَّهُ يُحْيِۦ وَيُمِيتُۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١٥٦﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی (برای تجارت و کسب و کار) می‌رفتند (و می‌مردند) یا (در کشورهای خود یا جای دیگری) به جنگ می‌پرداختند (و کشته می‌شدند) می‌گفتند: اگر نزد ما می‌ماندند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. (شما ای مؤمنان! چنین سخنانی را نگوئید) تا خداوند این (گفتار و گمان) را حسرتی بر دل آنان کند. و خدا است که زنده می‌کند و می‌میراند (و زندگی و مرگ در دست او است) و خدا آنچه را که می‌کنید (چه خوب باشد و چه بد) می‌بیند.

توضیحات:

«ضَرَبُوا فِي الأرْضِ»: در زمین مسافرت کردند. «غُزّيً»: جمع غازی، جنگجویان. جهادگران. ﴿لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْۗ﴾: تا خداوند آن عقیده و باور نادرست ایشان را حسرتی در دل آنان گرداند. تا خداوند جهاد مؤمنان و دستیابی به غنیمت و فوز شهادت ایشان را مایه حسرت کافران گرداند. لام (لِيَجْعَلَ) لام عاقبت است (نگا: قصص / ۸).

سوره آل عمران آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ١٥٧﴾

ترجمه:

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، مغفرت و مرحمتی (که شما را در برمی‌گیرد) بهتر از چیزهائی است که (آنان در طول عمر) جمع‌آوری می‌کنند.

توضیحات:

«لَئِنْ»: اگر. «قُتِلْتُمْ...»: فعل شرط است، و جواب شرط محذوف است که (لَـمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللهِ...) جانشین و در معنی آن است.

سوره آل عمران آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحْشَرُونَ۝١٥٨﴾

ترجمه:

و اگر بمیرید یا کشته شوید (مگر نه این است که فانی نمی‌شوید و در هر دو صورت) به‌سوی خدا بازگردانده می‌شوید (و پاداش اعمال خوب یا بدتان داده می‌شود).

توضیحات:

«تُحْشَرُونَ»: جمع‌آوری می‌شوید.

سوره آل عمران آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي ٱلْأَمْرِۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ۝١٥٩﴾

ترجمه:

از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان (که سر از خطّ فرمان کشیده بودند) نرمش نمودی. و اگر درشتخوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برای‌شان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن. و هنگامی که (پس از شور و تبادل آراء) تصمیم به انجام کاری گرفتی (قاطعانه دست به کار شو و) بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

توضیحات:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ﴾: به سبب رحمتی که خدا آن را در دل تو به ودیعت نهاده است. (مَا) حرف زائدی است که برای تأکید ربط سبب یعنی (رحمت)، به مسبّب یعنی (لِنتَ) به کار رفته است. «لِنتَ»: نرم شدی. نرمش نمودی. «فَظّاً»: تندخو. «غَلِيظَ الْقَلْبِ»: سنگدل. نامهربان. «إنفَضُّوا»: پراکنده می‌شدند.

سوره آل عمران آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ۝١٦٠﴾

ترجمه:

اگر خداوند شما را یاری کند (همان گونه که در جنگ بدر یاری کرد) هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد، و اگر خوارتان گرداند (و دست از یاریتان بردارد، همان‌گونه که در جنگ احد چنین شد) کیست که پس از او شما را یاری دهد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ بِمَا غَلَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ۝١٦١﴾

ترجمه:

(شما گمان کردید ممکن است پیغمبر به شما خیانت کند! در حالی که) هیچ پیغمبری را نسزد که خیانت کند، و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد، سپس به هرکسی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می‌شود، و بدانان ستم نخواهد شد.

توضیحات:

«یَغُلَّ»: خیانت در غنیمت کند. «غَلَّ»: خیانت در غنیمت کرد. «تُوَفَّیا»: به تمام و کمال داده می‌شود.

سوره آل عمران آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ۝١٦٢﴾

ترجمه:

آیا کسی که (با طاعت و عبادت) در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که

(با معصیت و نافرمانی) خشم خدا را نصیب خود می‌کند، و جایگاه او دوزخ خواهد بود؟! و دوزخ بدترین بازگشتنگاه است.

توضیحات:

«إِتَّبَعَ»: پیروی کرد. دنبال کرد. «رِضْوَان»: خوشنودی. «بَآءَ»: برگشت. «سَخَط»: خشم. ﴿بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ﴾: با کوله‌باری از خشم خدا برگشت. مراد این که مورد خشم خدا قرار گرفت. «مَصِیر»: بازگشتگاه.

سوره آل عمران آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿هُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ١٦٣﴾

ترجمه:

(هر یک از) آنان (چه دینداران و چه بی‌دینان) برای خود جاه و مقام، و جا و مکانی در پیشگاه خدا دارند (و برابر و یکسان نیستند) و خداوند می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهند (لذا درجات و درکات هر یک را برابر کردار و رفتارشان تعیین می‌نماید و به هرکس آن دهد که سزد).

توضیحات:

«هُمْ دَرَجَاتٌ»: آنان دارای منازل و مراتبی هستند. در اینجا مضاف محذوف است و مضافٌ‌الیه به جای آن قرار گرفته است. تقدیر چنین است: «هُمْ ذَوُو دَرَجَاتٍ عِندَ اللهِ».

سوره آل عمران آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ١٦٤﴾

ترجمه:

یقیناً خداوند بر مؤمنان (صدر اسلام) منّت نهاد و تفضّل کرد بدان گاه که در میان‌شان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. (پیغمبری که) بر آنان آیات (کتاب خواندنی قرآن و کتاب دیدنی جهان) او را می‌خواند، و ایشان را (از عقائد نادرست و اخلاق زشت) پاکیزه می‌داشت و بدی‌شان کتاب (قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن) و فرزانگی (یعنی اسرار سنّت و احکام شریعت) می‌آموخت، و آنان پیش از آن در

گمراهی آشکاری (غوطه‌ور) بودند.

توضیحات:

«بَعَثَ»: برانگیخت. فرستاد. «يَتْلُو»: می‌خواند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «يُزَكِّيهِمْ»: از عقائد تباه و رفتارهای نابهنجار پاک‌شان می‌دارد. «الْكِتَاب»: قرآن مجید. «الْحِكْمَة»: سنّت مطهّره.

سوره آل عمران آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٦٥﴾

ترجمه:

آیا (به ناله و افغان افتاده‌اید و بی‌حال و زبون شده‌اید) هنگامی که مصیبتی (در جنگ احد) به شما دست داده است (و می‌گوئید:) این (کشتار و فرار) از کجا است؟! و حال آن که (در جنگ بدر) دو برابر آن، (پیروزی) کسب کرده‌اید (و از طرف کشته و اسیر گرفته‌اید؟!) بگو: این (شکست خوردن و کشته‌شدن) از ناحیه خودتان (و نتیجه مخالفت با رهنمودهای رسول خدا و پیروی او حرص و آزتان) است. بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است (و پیروزی و شکست در حیطه اختیار او است).

توضیحات:

«أَوَلَـمَّا»: آیا هنگامی. (أَ) حرف استفهام، (وَ) حرف عطف، و (لَـمَّا) ظرف زمان است. «أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ»: بلائی که به شما رسید که عبارت است از کشته شدن هفتاد نفر از مسلمانان در جنگ احد. «أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا»: دو برابرش به دیگران رسانده‌اید که عبارت است از کشتن هفتاد نفر و اسیر نمودن هفتاد نفر از کافران در جنگ بدر. «أَنَّيا هذَا»: این از کجا است؟

سوره آل عمران آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٦٦﴾

ترجمه:

و آنچه (در جنگ احد،) در روزی که دو دسته (مؤمنان و کافران) با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و برابر اراده و قضا و قدر پروردگار) بود، و برای این بود که خداوند (ایمان) مؤمنان را (به مردم) بنمایاند.

توضیحات:

«إِلْتَقَیا»: بهم رسیدند و جنگیدند (نگا: آل‌عمران / ۱۵۵). «لِیَعْلَمَ الْـمُؤْمِنِینَ»: تا مؤمنان راستین را از مؤمنان دروغین جدا سازد.

سوره آل عمران آیه ۱۶۷

متن آیه:

﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ١٦٧﴾

ترجمه:

و نیز برای این بود که (نفاق) منافقان را ظاهر گرداند. منافقانی که چون بدی‌شان گفته شد: بیائید در راه خدا بجنگید یا (دست‌کم) برای دفاع (از خود) برزمید، گفتند: اگر می‌دانستیم که جنگی واقع خواهد شد، بی‌گمان از شما پیروی می‌کردیم (و شما را تنها نمی‌گذاشتیم)! آنان در آن روز (که چنین می‌گفتند) به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. ایشان با دهان چیزی می‌گویند که در دل‌شان نیست (و گفتار و کردارشان با هم نمی‌خواند) و خداوند (از هر کسِ دیگری) داناتر بدان چیزی است که پنهانش می‌دارند.

توضیحات:

«نَافَقُوا»: اظهار ایمان کردند و کفر را به دل گرفتند. «إِدْفَعُوا»: دفاع کنید و شرّ دشمن را از سر خانواده و میهن خود کوتاه کنید.

سوره آل عمران آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٦٨﴾

ترجمه:

آنان کسانی هستند که نشستند و (از جنگ کناره‌گیری کردند و نسبت) به برادران خود گفتند: اگر از ما اطاعت می‌کردند (و حرف ما را می‌شنیدند) کشته نمی‌شدند. بگو: پس مرگ را از خود به دور دارید اگر راست می‌گوئید (که می‌توان با پرهیز و حذر از دست قضا و قدر گریخت).

توضیحات:

«قَعَدُوا»: نشستند. «إِدْرَءُوا»: به دور دارید. دفع کنید.

سوره آل عمران آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ١٦٩﴾

ترجمه:

و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدی‌شان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود (و چگونگی زندگی و نوع خوراک ایشان را خدا می‌داند و بس).

توضیحات:

«لا تَحْسَبَنَّ»: گمان مبر. به حساب میاور. «أَمْوَاتاً»: مردگان. مفعول دوم فعل (لا تَحْسَبَنَّ) است. «أَحْيَآءٌ»: زندگان. خبر مبتدای محذوف است.

سوره آل عمران آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ١٧٠﴾

ترجمه:

آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدی‌شان داده است، و خوشحالند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده‌اند (و هنوز در راه خدا می‌رزمند و به فوز شهادت نائل نشده‌اند و) بدی‌شان نپیوسته‌اند. (شادی و سرور آنان از این بابت است که پیروزی یا شهادت در انتظار هم‌کیشان ایشان است و مقامات برجسته آنان را در آن جهان می‌بینند، و می‌دانند) این که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان

اندوهگین نخواهند شد. (چه نه مکروهی بر سر راه آنان در سرای باقی است، و نه بر کاری که در سرای فانی کرده‌اند و دارائی و عزیزانی را که ترک گفته‌اند، پشیمانند).

توضیحات:

«فَرِحِينَ»: شادمانان. حال ضمیر (و) در (يُرْزَقُونَ) است. «يَسْتَبْشِرُونَ»: شادمان و خوشحالند. مژده و نوید می‌دهند (نگا: فرهنگ لسان‌العرب، و محیط‌المحیط).

سوره آل عمران آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿يَسۡتَبۡشِرُونَ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ١٧١﴾

ترجمه:

شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدی‌شان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می‌بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضائع نکرده و هدر نمی‌دهد.

توضیحات:

سوره آل عمران آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ أَجۡرٌ عَظِيمٌ١٧٢﴾

ترجمه:

کسانی که پس از (آن همه) زخم‌هائی که خوردند و جراحت‌هائی که برداشتند، فرمان خدا و پیغمبر را اجابت کردند (و هنوز زخمهای جنگ احد التیام نیافته به تعقیب مشرکان پرداختند و به‌سوی حمْراءُ ٱلأُسُد شتافتند و بدین وسیله کار بسیار نیکوئی کردند،) برای کسانی از آنان که (چنین کار) نیکی کردند و (از نافرمانی خدا و رسول ترسیدند و) پرهیز نمودند، اجر و پاداش بس بزرگی است.

توضیحات:

«إِسْتَجَابُوا»: اجابت و اطاعت کردند. «قَرْح»: زخم.

سوره آل عمران آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ١٧٣﴾

ترجمه:

آن کسانی که مردمان بدی‌شان گفتند: مردمان (قریش برای تاختن بر شما دست به دست هم داده‌اند و) بر ضدّ شما گرد یکدیگر فراهم آمده‌اند، پس از ایشان بترسید؛ ولی (چنین تهدید و بیمی به هراس‌شان نیانداخت؛ بلکه برعکس) بر ایمان ایشان افزود و گفتند: خدا ما را بس و او بهترین حامی و سرپرست است.

توضیحات:

«حَسْبُنَا»: ما را بس است. برای ما کافی است. «وَكِيلُ»: حامی و سرپرست. فَعیل به معنی مَفْعول است، یعنی وکیل به معنی موکول می‌باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ١٧٤﴾

ترجمه:

سپس آنان (برای جهاد بیرون رفتند، و لیکن دشمنانشان را خوف و هراس برداشت و از رویاروئی با چنین مؤمنانی خودداری ورزیدند، و مسلمانان) با نعمت بزرگ (شهامت و عافیت و استقامت و بردن ثواب جهاد) و فضل و مرحمت سترگ خداوند (که با رعب و وحشت انداختن به دل دشمنان، نصیب مسلمانان کرد و ایشان را از دست کشتار و آزار کافران رستگار کرد، به مدینه) برگشتند، و حال آن که هیچ‌گونه آسیبی بدی‌شان نرسید، و رضایت خدا را خواستند (و در پی خرسندی پروردگار بودند و شایستگی بزرگواری او را پیدا کردند) و خداوند دارای فضل و کرم سترگی است.

توضیحات:

«إِنقَلَبُوا» برگشتند. «بِنِعْمَةٍ مِّنَ الله»: به همراه نعمتی از خدا که قوّت ایمان است. «فَضْلٍ»: فضل و مرحمت بزرگی که اجر عظیم است. «لَـمْ يَمْسَسْهُمْ»: بدی‌شان نرسید.

سوره آل عمران آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾

ترجمه:

این تنها اهریمن است که شما را از دوستان خود (با پخش شایعات و سخنان بی‌اساس) می‌ترساند، پس (از آنجا که شما به خدا ایمان دارید، بیباک و دلیر باشید و) از آنان مترسید و از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید.

توضیحات:

«الشَّيْطَانُ»: اهریمن. مراد از آن، انسان منافق شیطان‌صفتی است که این حرف را زد. «يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ»: شما را از دوستان خود می‌ترساند. شما را با دوستان خود می‌ترساند. مفعول اوّل (يُخَوِّفُ) محذوف است و تقدیر چنین است: «يُخَوِّفُكُمْ أَوْلِيَآءَهُ. یا: يُخَوِّفُكُم بِأَوْلِيَآئِهِ».

سوره آل عمران آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

ترجمه:

کسانی که در (راه) کفر بر همدیگر پیشی می‌گیرند (و همیشه بر کفرشان می‌افزایند و از بد به بدتر می‌گرایند) تو را غمگین نسازند؛ چرا که آنان هیچ زیانی به خدا نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد (ایشان را به حال خود واگذارد و) در آخرت بهره‌ای (از ثواب) برای آنان برجای نگذارد، و (علاوه از محرومیت از ثواب) ایشان را عذاب بزرگی است.

توضیحات:

«يُسَارِعُونَ»: بر همدیگر شتاب می‌گیرند و سبقت می‌جویند. «شَيْئاً»: به هیچ وجه. اصلاً. مفعول مطلق یا منصوب به نزع خافض است و تقدیر چنین است: «لَن يَضُرُّوا اللهَ ضَرَراً ما. یا: لَن يَضُرُّوا اللهَ بِشَيْءٍ مَّا أَصْلاً». «حَظّاً»: بهره. نصیب.

سوره آل عمران آیه ۱۷۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که (بهای) ایمان را می‌دهند و (کالای) کفر را می‌خرند، هیچ زیانی به خدا نمی‌رسانند، و ایشان را عذاب دردناکی است.

توضیحات:

﴿ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾: مراد این است که کفر را به جای ایمان برمی‌گزینند.

سوره آل عمران آیه ۱۷۸

متن آیه:

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٧٨﴾

ترجمه:

کافران (و بی‌دینانی که ایمان را داده و کفر را خریداری کرده‌اند) گمان نبرند که اگر بدی‌شان مهلت می‌دهیم (و وسائل رفاه دنیوی برای‌شان مهیا می‌داریم و بر عمرشان می‌افزائیم) به صلاح آنان است، بلکه ما بدی‌شان فرصت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و (در آخرت به عذاب شدیدی دچار آیند. بیگمان) برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است.

توضیحات:

«نُمۡلِي»: فرصت و مجال می‌دهیم (نگا: مؤمنون / ۵۵ و ۵۶). «مُهِينٌ»: خوارکننده.

سوره آل عمران آیه ۱۷۹

متن آیه:

﴿مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٧٩﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! سنّت) خدا بر این نبوده است که مؤمنان را به همان صورتی که شما

هستید (و مؤمن با منافق آمیزه یکدیگر شده است و مسلمان از نامسلمان جدا نگشته است) به حال خود واگذارد. بلکه خداوند (با محک سختی‌ها و دشواری‌ها و فرازها و نشیب‌های زندگی، از جمله جهاد، منافق) ناپاک را از (مؤمن) پاک جدا می‌سازد. و (همچنین سنّت) بر این نبوده است که (کسی را از آفریدگان خود، و از جمله) شما را بر غیب مطّلع سازد (تا مؤمنان و منافقان را از طریق علم غیب بشناسید. زیرا این برخلاف سنّت الهی است). ولی خداوند از میان پیغمبران خود، هر که را بخواهد برمی‌گزیند (و بر قسمتی از غیب مطّلع می‌سازد، البتّه بدان اندازه که برای مقام رهبری او لازم و ضروری باشد) پس به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگار شوید، پاداش بزرگی خواهید داشت.

توضیحات:

«لِيَذَرَ»: ترک کند. رها سازد. از ماده (وذر). «يَجْتَبِي»: برمی‌گزینند.

سوره آل عمران آیه ۱۸۰

متن آیه:

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ۝١٨٠﴾

ترجمه:

آنان که نسبت بدانچه خداوند از فضل و نعمت خود بدی‌شان عطاء کرده است بخل می‌ورزند (و زکات مال بدرنمی‌کنند و در راه مصالح جامعه به بذل و بخشش دست نمی‌یازند) گمان نکنند که این کار برای آنان خوب است و به سود ایشان است، بلکه این کار برای آنان بد است و به زیان ایشان تمام می‌شود. در روز قیامت همان چیزی که بدان بخل ورزیده‌اند (و سخت بدان دل بسته‌اند و برابر قانون خدا در راه خدمت به اجتماع به کار نبرده‌اند، وبال آنان می‌گردد و عذاب آن) طوق (سنگین اسارت بر گردن) ایشان می‌گردد. (و این اموال چه در راه خدا و بندگان او انفاق شود یا نشود، بالاخره از صاحبان آن جدا خواهد شد) و همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است و سرانجام هم همه را به ارث خواهد برد، (چه: در حقیقت مالک اصلی خدا است، و این امانت چند روزی پیش ما است) و خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است.

توضیحات:

«هُوَ خَيْراً»: (هُوَ) ضمیر فصل است. (خَيْراً) مفعول دوم (لا يَحْسَبَنَّ) و مفعول اوّل آن (الْبُخْلَ) و محذوف است و تقدیر چنین است: «وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَاهُمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ الْبُخْلَ خَيْراً لَّهُمْ». «سَيُطَوَّقُونَ»: طوق گردن ایشان می‌گردد.

سوره آل عمران آیه ۱۸۱

متن آیه:

﴿لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ﴿١٨١﴾﴾

ترجمه:

(با وجود این که ملک آسمان‌ها و زمین از آن او است و همه چیز را همو به ارث می‌برد، برخی از یهودیان از روی ریشخند گفتند: ای محمّد! خدای تو فقیر است و از ما درخواست قرض می‌کند! بگو:) بی‌گمان خداوند سخن کسانی را شنید که گفتند: خدا فقیر است و ما بی‌نیازیم! آنچه را گفتند (بر ایشان) خواهیم نوشت، و به قتل رساندن پیامبران را به ناحق (توسّط گذشتگان) ایشان (هم ثبت و ضبط خواهد شد) و بدانان خواهیم گفت: بچشید عذاب (آتش) سوزان را.

توضیحات:

«إِنَّ اللهَ فَقِيرٌ»: سخن یهودیانی است که قرآن را به استهزاء می‌گرفتند و با توجّه به آیه ۲۴۵ بقره (مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللهَ قَرْضاً...) چنین بی‌ادبانه دم می‌زدند. «قَتْلَهُم»: عطف به (مَا) است. «الأنبِيَآءَ»: مفعولٌ‌به مصدر (قَتْلَ) است. «الْحَرِيقِ»: سوزاندن. سوزاننده. اسم مصدری است به معنی إحراق یا فعیل به معنی فاعل یعنی مُحْرِق است. در هر صورت مراد دوزخ است.

سوره آل عمران آیه ۱۸۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴿١٨٢﴾﴾

ترجمه:

این (عذاب آتش سوزان) به خاطر چیزی است که دست‌های خودتان (مرتکب آن

گشته است و برایتان با انجام اعمال ناشایست) پیشاپیش فرستاده است، و خداوند به بندگان (هرگز کمترین) ستمی روا نمی‌دارد.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: آن عذاب. در اینجا معنی (این) دارد و مبتدا است و خبر آن جمله (بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ) است. «بِمَا»: به سبب آنچه. «قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ»: دست‌هایتان تقدیم داشته است. تعبیر کلّ با جزء است و مراد: خودتان کرده‌اید و پیشاپیش فرستاده‌اید. «لَيْسَ بِظَلاّمٍ»: کمترین ستمی روا نمی‌دارد (نگا: نساء / ۴۰). ستم‌پیشه نیست. واژه (ظَلاّم) صیغه مبالغه در کمیت است؛ نه کیفیت، یا صیغه نسبت است و به معنی (ظالم)، همچون نجّار منسوب به نجّارة، و حَدّاد منسوب به حِدادَة، و عَطّار منسوب به عِطْر.

سوره آل عمران آیه ۱۸۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيۡنَآ أَلَّا نُؤۡمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأۡتِيَنَا بِقُرۡبَانٖ تَأۡكُلُهُ ٱلنَّارُۗ قُلۡ قَدۡ جَآءَكُمۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِي بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِي قُلۡتُمۡ فَلِمَ قَتَلۡتُمُوهُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٨٣﴾

ترجمه:

آنان کسانی هستند که گفتند: خداوند از ما پیمان گرفته است (و به ما سفارش کرده است) که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم، مگر هنگامی که برای ما قربانی بیاورد و آتش (آذرخش آسمانی پیدا شود و در برابر دیدگانمان) آن را بخورد! بگو: پیغمبرانی پیش از من دلائل روشن و چیزی را که گفتید با خود آورده‌اند (و به شما نموده‌اند) پس چرا آنان را کشته‌اید، اگر راستگوئید؟!

توضیحات:

«قُرْبَان»: هر نوع نیکی و خوبی‌ای که با انجام آن به خدا تقرّب جویند. مصدری است مانند غُفران و رُجحان و به معنی اسم مفعول به کار می‌رود، یعنی: «الْـمُتقرّب بِهِ إِلَي الله» (نگا: مائده / ۲۷). «بَيِّنَات»: معجزات.

سوره آل عمران آیه ۱۸۴

متن آیه:

﴿فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ جَآءُو بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ١٨٤﴾

ترجمه:

پس اگر (این بهانه‌جویان) تو را تکذیب کردند (چیز تازه‌ای نیست و غمگین مباش) چه پیغمبران زیادی پیش از تو تکذیب شده‌اند که معجزات و دلائل روشن و کتاب‌های متقن و مشتمل بر مواعظ و اندرز و کتاب روشن‌گر (راه نجات) با خود آورده‌اند.

توضیحات:

«زُبُر»: جمع زَبُور، کتاب مشتمل بر مواعظ. کتاب آسمانی داود (نگا: نساء / ۱۶۳ و انبیاء / ۱۰۵). «کِتَاب»: مراد جنس کتاب است و شامل تورات و انجیل و صُحُف ابراهیم می‌گردد. عطف آن بر ما قبل خود، عطف عامّ بر خاصّ است. «مُنِیر»: روشن‌گر راه حق.

سوره آل عمران آیه ۱۸۵

متن آیه:

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوۡنَ أُجُورَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ فَمَن زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ١٨٥﴾

ترجمه:

هر کسی مزه مرگ را می‌چشد، و بی‌گمان به شما پاداش و پادافره خودتان به تمام و کمال در روز رستاخیز داده می‌شود. و هرکه از آتش دوزخ به دور گردد و به بهشت برده شود، واقعاً سعادت را فراچنگ آورده و نجات پیدا کرده است. و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

توضیحات:

«نَفْسٍ»: کس. شخص. «ذَآئِقَة»: چشنده. «تُوَفَّوْنَ»: به تمام و کمال به شما داده می‌شود. «زُحْزِحَ»: دور کرده شد. «فَازَ»: کامیاب شد. به مراد رسید. «مَتَاع»: کالا. «غُرُور»: خدعه و فریب.

سوره آل عمران آیه ۱۸۶

متن آیه:

﴿لَتُبۡلَوُنَّ فِيٓ أَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ وَلَتَسۡمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَذٗى كَثِيرٗاۚ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ١٨٦﴾

ترجمه:

به طور مسلّم از لحاظ مال و جان خود مورد آزمایش قرار می‌گیرید و حتماً از کسانی که پیش از شما بدی‌شان کتاب داده شده است، و از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اذیت و آزار فراوانی می‌بینید (و اعمال ناشایستی و سخنان نابایستی می‌شنوید) و اگر (در برابر آزمایش مالی و جانی) بردباری کنید و (از آنچه باید پرهیز کرد) بپرهیزید، (کارهای شایسته همین است و) این اموری است که باید بر انجام آنها عزم را جزم کرد و در اجرای آنها کوشید.

توضیحات:

«لَتُبْلَوُنَّ»: مسلّماً آزموده می‌شوید (نگا: بقره / ۱۵۵ و انبیاء / ۳۵). «لَتَسْمَعُنَّ»: مسلّماً خواهید شنید. مراد از شنیدن در اینجا دیدن و دریافتن است. «مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ»: مراد یهودیان و مسیحیان است. «مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا»: مراد سائر کفّار است. «عَزْم»: مصدر است و در معنی اسم مفعول یعنی مَعْزُوم، به معنی آنچه باید در راه رسیدن بدان به تلاش ایستاد و جدّی بود، به کار رفته است.

سوره آل عمران آیه ۱۸۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ١٨٧﴾

ترجمه:

و (به یاد بیاور ای پیغمبر)! آن گاه را که خداوند پیمان مؤکد (بر زبان انبیاء) از اهل کتاب گرفت که باید کتاب (خود) را برای مردمان آشکار سازید و توضیح دهید و آن را کتمان و پنهان نسازید. امّا آنان آن را پشت سر افکندند و به بهای اندکی آن را فروختند! چه بد چیزی را خریدند! (آنان باقی را با فانی معاوضه کردند)!.

توضیحات:

«مِيثَاق»: عهد و پیمان. «لَتُبَيِّنُنَّهُ»: قطعاً آن را باید بیان دارید و توضیح دهید و تفهیم کنید. «نَبَذُوهُ»: آن را دور انداختند و نسبت بدان اهمال و سهل‌انگاری کردند و تعالیم آن را به کار نبستند. «وَرَآء»: فراسوی. «ظُهُور»: جمع ظَهْر، پشت‌ها.

سوره آل عمران آیه ۱۸۸

متن آیه:

﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨٨﴾

ترجمه:

گمان مبر آنان که از کارهای (ناشایستی) که انجام می‌دهند خوشحال می‌شوند، و دوست می‌دارند که در برابر کارهای (نیکی) که انجام نداده‌اند ستایش شوند، از عذاب (الهی) نجات یابند و رستگار شوند. بلکه برای ایشان عذاب دردناکی است.

توضیحات:

«مَفَازَةٍ»: مصدر میمی است و بمعنی نجات و رستگاری. یا اسم مکان است و به معنی مکان نجات و رستگاری. برکنار.

سوره آل عمران آیه ۱۸۹

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٨٩﴾

ترجمه:

و ملک آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«مُلْك»: سلطنت و شاهی. کشور.

سوره آل عمران آیه ۱۹۰

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٠﴾

ترجمه:

مسلّماً در آفرينش (عجيب و غريب و منظّم و مرتّب) آسمان‌ها و زمين، و آمد و رفت (پياپى، و تاريكى و روشنى، و كوتاهى و درازى) شب و روز، نشانه‌ها و دلائلى (آشكار براى شناخت آفريدگار و كمال و دانش و قدرت او) براى خردمندان است.

توضيحات:

«خَلْق»: آفرينش. آفريده. «إِخْتِلاف»: آمد و شد. دگرگونى. «ءَايَات»: ادلّه و نشانه‌هاى دالّ بر قدرت خدا. «أُوْلِي الأَلْبَاب»: صاحبان عقل و خرد.

سوره آل عمران آيه ۱۹۱

متن آيه:

﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١﴾

ترجمه:

كسانى كه خدا را ايستاده و نشسته و بر پهلوهايشان افتاده (و در همه اوضاع و احوال خود) ياد مى‌كنند و درباره آفرينش (شگفت‌انگيز و دلهره‌انگيز و اسرارآميز) آسمان‌ها و زمين مى‌انديشند (و نقشه دلربا و ساختار حيرتزاى آن، شور و غوغائى در آنان برمى‌انگيزد، و به زبان حال و قال مى‌گويند:) پروردگارا! اين (دستگاه شگفت كائنات) را بيهوده و عبث نيافريده‌اى؛ تو منزّه و پاكى (از دست يازيدن به كار باطل!)، پس ما را (با توفيق بر انجام كارهاى شايسته و بايسته) از عذاب آتش (دوزخ) محفوظ دار.

توضيحات:

«قِيَاماً»: جمع قائم، ايستادگان. «قُعُوداً»: جمع قاعد، نشستگان. «قِيَاماً وَ قُعُوداً وَ... الأَرْضِ»: حال ضمير (و) «يَذْكُرُونَ» بوده و بر همديگر عطف شده‌اند. «جُنُوب»: جمع جنْب، پهلوها. «بَاطِلاً»: بيهوده و عبث. صفت مصدر محذوفى است و تقدير چنين است: «خَلْقاً باطِلاً». يا حال (هذا) است. «سُبْحَانَكَ»: پاک و منزّهى تو. مفعول مطلق فعل محذوف (سَبَّحَ). «قِنَا»: ما را محفوظ و مصون دار. از ماده (وقي).

سوره آل عمران آیه ۱۹۲

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ۝١٩٢﴾

ترجمه:

پروردگارا! بی‌گمان تو هر که را (به خاطر اعمال زشتش) به آتش درآری، به راستی خوار و زبونش کرده‌ای. و (اینان بر خود و دیگران ستم کرده‌اند و) ستمکاران را یاوری نیست.

توضیحات:

«أَخْزَيْتَهُ»: خوار و زبونش کرده‌ای.

سوره آل عمران آیه ۱۹۳

متن آیه:

﴿رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَـَٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ۝١٩٣﴾

ترجمه:

پروردگارا! ما از منادی (بزرگوار توحید، یعنی محمّد پسر عبداللّه) شنیدیم که (مردم را) به ایمان به پروردگارشان می‌خواند و ما ایمان آوردیم (و ندای او را لبّیک گفتیم. اکنون که چنین است) پروردگارا! گناهانمان را بیامرز و بدی‌هایمان را بپوشان و ما را با نیکان و (در مسیر ایشان) بمیران.

توضیحات:

«مُنَادِياً»: ندادهنده. مراد پیغمبر اسلام یا قرآنی است که به ارمغان آورده است. «ذُنُوب»: گناهان کبیره. «سَيِّئَات»: گناهان صغیره. «أَبْرَار»: جمع بَرّ و بارّ، نیکان. «تَوَفَّنَا مَعَ الأبْرَار»: ما را با نیکان بمیران. مراد این است که هر چند ما نیک نیستیم ولی با این وجود ما را در سلک نیکان قرار و از زمره ایشان قلمداد فرما.

سوره آل عمران آیه ۱۹۴

متن آیه:

﴿رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ۝١٩٤﴾

ترجمه:

پروردگارا! آنچه را که بر (زبان) پیغمبران خود (و به پاداش تصدیق ایشان و پیروی از آنان) به ما وعده داده‌ای، (از قبیل: پیروزی دنیا و نعمت آخرت) به ما عطاء کن، و در روز رستاخیز ما را (با درآوردن به دوزخ) خوار و زبون مگردان. بی‌گمان تو خلف وعده نخواهی کرد.

توضیحات:

«عَلَىٰ رُسُلِكَ»: بر زبان پیغمبرانت. مضاف محذوف است و تقدیر چنین است: «عَلَىٰ أَلْسِنَةِ رُسُلِكَ». «لا تُخْزِنَا»: خوارمان مدار و زبونمان مگردان. «مِيعَاد»: مصدر میمی است و به معنی وعده. یا به معنی زمان وعده است و مراد رستاخیز است.

سوره آل عمران آیه ۱۹۵

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ١٩٥﴾

ترجمه:

پس پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضائع نخواهم کرد. پاره‌ای از شما از پاره دیگر هستید (و همگی همنوع و همجنس می‌باشید). آنان که هجرت کردند، و از خانه‌های خود رانده شدند، و در راه من اذیت و آزارشان رساندند، و جنگیدند و کشته شدند، هر آینه گناهانشان را می‌بخشم و به بهشت‌شان درمی‌آورم. بهشتی که رودخانه‌ها در زیر (درختان) آن روان است. این پاداشی از سوی خدا، (ایشان را) است، و پاداش نیکو تنها نزد خدا است.

توضیحات:

«إِسْتَجَابَ»: پذیرفت. پاسخ داد. «أَنِّي»: که من. فتحه همزه با توجّه به حرف جرّ محذوفی است که تقدیر چنین است: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ بِأَنِّي لاَ أُضِيعُ». «بَعْضُكم مِّن

بَعْضٍ»: برخی از برخی دیگرید. مراد این که مرد و زن از یک جنس بوده و برتری آنان با عمل صالح است. «لاُکَفِّرَنَّ»: بی‌گمان محو می‌گردانم و می‌زدایم. «ثَوَاباً»: مفعول مطلق فعل محذوف (لأُثِیبَنَّهُمْ) است یا تمییز و یا حال (جَنَّات) و... «حُسْنُ الثَّوَابِ»: پاداش نیکو. اضافه صفت به موصوف است.

سوره آل عمران آیه ۱۹۶

متن آیه:

﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلْبِلَٰدِ١٩٦﴾

ترجمه:

رفت و آمد (پیروزمندانه، و اشتغال به کسب و کار و تجارت و بسر بردن در ناز و نعمت) کافران در شهرها، تو را نفریبد.

﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلْبِلَٰدِ١٩٦﴾

توضیحات:

«لا یَغُرَّنَّکَ»: تو را گول نزند. «تَقَلُّبُ»: گشت و گذار. آمد و شد (نگا: نحل / ۴۶). غلْط خوردن در ثروت و نعمت. «بِلاد»: جمع بلد، شهرها. جاها و سرزمین‌ها.

سوره آل عمران آیه ۱۹۷

متن آیه:

﴿مَتَٰعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُۖ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ١٩٧﴾

ترجمه:

(این) متاع ناچیزی است، سپس (به دنبال این نعمت و قدرت ناچیز ظاهری) جایگاه‌شان دوزخ است، و چه بد جایگاهی است!.

توضیحات:

«مَتَاعٌ»: کالا و نعمت. تمتّع و بهره‌مندی. خبر مبتدای محذوفی چون (هُوَ) است که مرجع آن (تَقَلُّب) است. «مَأْوَیا»: مکانی که سرانجام بدان پناه می‌برند (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱). «مِهَاد»: آرامگاه. بِستر.

سوره آل عمران آیه ۱۹۸

متن آیه:

﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ۝١٩٨﴾

ترجمه:

ولی آنان که از (خشم) پروردگارشان (با انجام طاعات و ترک منهیات) می‌پرهیزند، بهشت از آن ایشان است که در زیر (درختان) آن رودخانه‌ها روان است، و جاودانه در آن می‌مانند. (تازه، این لذائذ جسمانی) به عنوان مهمانی و پذیرائی (نخستین) از جانب خدا است، و آنچه (از لذائذ روحانی و الطاف بیکران صمدانی) در پیشگاه یزدان است برای نیکان (بسی والاتر از آن، و) بهتر (از متاع فانی جهان) است.

توضیحات:

«نُزُلاً»: نوشیدنی و خوراکی که از مهمان در آغاز نزول، بدان پذیرائی می‌کنند. زاد و توشه. حال (جَنَّات) است.

سوره آل عمران آیه ۱۹۹

متن آیه:

﴿وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ۝١٩٩﴾

ترجمه:

برخی از اهل کتاب هستند که به خدا و بدانچه بر شما نازل شده و بدانچه بر خود آنان نازل گردیده است، ایمان دارند. در برابر خدا فروتن بوده و آیات خدا را به بهای ناچیز (دنیا) نمی‌فروشند. پاداش ایشان در نزد پروردگارشان (محفوظ) است. بی‌گمان خداوند سریع‌الحساب است (و به سرعت تمام در مدّتی اندک به حساب اعمال همگان رسیدگی کرده و پاداش و پادافره نیکان و بدان را بدون کم و کاست خواهد داد).

توضیحات:

«خَاشِعِينَ»: فروتنان. حال است.

سوره آل عمران آیه ۲۰۰

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۝٢٠٠﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر شدائد و ناملایمات) شکیبایی ورزید و (در مقابل دشمنان) استقامت و پایداری کنید و (از مرزهای مملکت خویش) مراقبت به عمل آورید و از (خشم) خدا بپرهیزید، تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«صَابِرُوا»: بر دیگران در صبر کردن پیروز شوید و از آنان شکیباتر باشید. «رَابِطُوا»: مرزداری کنید و از سرزمین اسلامی خود مراقبت به عمل آورید.

سوره نساء

سوره نساء آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾

ترجمه:

ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. و از (خشم) خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله رحم را نادیده گیرید)، زیرا که بی‌گمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی‌ماند).

توضیحات:

«نَاس»: توده مردم. «نَفْسٍ واحِدَةٍ»: مراد آدم است. «خَلَقَ مِنْها زَوْجَهَا»: همسر او را از نوع او آفرید. مراد این که خداوند نخست آدم را از خاک بیافرید و بعد از او حوّاء را نیز از خاک خلق فرمود و از آن دو دیگر مردمان را (نگا: اعراف / ۱۸۹ و ۱۹۰، روم / ۲۱). «بَثَّ»: پراکنده کرد. «تَسآءَلُونَ بِهِ»: همدیگر را بدو سوگند می‌دهید. «أَرْحَام»: جمع رَحِم، قرابت و خویشاوندی. عطف بر واژه (اللهَ) است. «رَقِیباً»: مراقب و مواظب (نگا: احزاب / ۵۲).

سوره نساء آیه ۲

متن آیه:

﴿وَءَاتُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا ٢﴾

ترجمه:

و به یتیمان اموال‌شان را (بدان گاه که پا به رشد گذاشتند و به حدّ بلوغ رسیدند) بازپس بدهید، و اموال ناپاک (و بد خود) را با اموال پاک (و خوب یتیمان) جابجا نکنید، و اموال آنان را با اموال خودتان (به وسیله آمیختن و یا تعویض‌کردن) نخورید. بی‌گمان چنین کاری، گناه بزرگی است.

توضیحات:

«ءَاتُوا»: بدهید. «يَتَامَيا»: جمع یتیم، یتیمان. «خَبِيثَ»: ناپاک. مراد بد و حرام است. ﴿لَا تَأۡكُلُوٓاْ﴾ «طَيِّبِ»: پاک. مراد خوب و حلال است. «لا تَأْكُلُوا»: مخورید. مراد این است که از آن بهره‌مند نشوید، به صورت نوشیدن، خوردن، پوشیدن، فروختن، و هر شکل دیگری که باشد. «إِلَيا»: به همراه. با. «حُوباً»: گناه.

سوره نساء آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ۝٣﴾

ترجمه:

و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید (و دچار گناه بزرگ شوید، از این هم بترسید که نتوانید میان زنان متعدّد خود دادگری کنید و از این بابت هم دچار گناه بزرگ شوید. ولی وقتی که به خود اطمینان داشتید که می‌توانید میان زنان دادگری کنید و شرائط و ظروف خاصّ تعدّد ازواج مهیا بود) با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود (که هزینه کمتری و تکلّفات سبک‌تری دارند) ازدواج نمائید. این (کار، یعنی اکتفاء به یک زن، یا ازدواج با کنیزان) سبب می‌شود که کمتر دچار کجروی و ستم شوید و فرزندان کمتری داشته باشید.

توضیحات:

﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ﴾: و اگر ترسیدید که در ازدواج با یتیمان تحت

سرپرستی خود نتوانید دادگری کنید، پس با زنان دیگری که... با توجّه بدین معنی، پیش از (الْيَتَامَىا) مضاف محذوف است که تقدیر چنین است: «فِي نِكَاحِ الْيَتَامَىا». «أَلاَّ تُقْسِطُوا»: این که دادگری نکنید. «مَا طَابَ»: زنانی که حلال باشند. زنانی را که بپسندید. «مَثْنَىا وَثُلاثَ وَرُبَاعَ»: دو دو، و سه سه، و چهار چهار. حال است و مراد دو یا سه یا چهار است (نگا: فاطر / ۱). «أَلاَّ تَعْدِلُوا»: این که عدالت را مراعات نکنید. البتّه دادگری در نفقه و زناشوئی و توجّه و نگاه و دیگر کارهای بیرونی که انسان بر آن توانائی دارد؛ نه امور قلبی و درونی از قبیل عشق و محبّت که از قدرت شخص خارج است (نگا: نساء / ۱۲۹). «وَاحِدَة»: مفعول فعل محذوفی همچون (إنكحُوا) است. «مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: هر اندازه از کنیزان که برایتان میسّر شود. «أَلاَّ تَعُولُوا»: این که ستم نکنید و کژی نورزید. این که عیالمند نشوید و بدین سبب فقیر گردید.

سوره نساء آیه ۴

متن آیه:

﴿وَءَاتُواْ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحۡلَةٗۚ فَإِن طِبۡنَ لَكُمۡ عَن شَيۡءٖ مِّنۡهُ نَفۡسٗا فَكُلُوهُ هَنِيٓـٔٗا مَّرِيٓـٔٗا٤﴾

ترجمه:

و مهریه‌های زنان را به عنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

توضیحات:

«صَدُقَات»: جمع صَدُقة، مهریه‌ها. «نِحْلَةً»: فریضه. عطیه بلاعوض. حال (صَدُقات) است. این واژه به معنی تدین و دینداری نیز آمده است. در این صورت مفعولٌ‌له است. «نَفْساً»: تمییز است. «هَنِيئاً»: گوارا و خوشایند. «مَرِيئاً»: خوشمزه و خوش هضم. (هَنِيئاً مَرِيئاً): هر دو حال ضمیر (هُ) در فعل (كُلُوهُ) بوده و مرجع (هُ) «صَدُقَات» است. به صورت مذکرآمدن ضمیر به سبب برگشت به «شیءمذکور» یا «ذلك» است که جایگزین صدقات است (نگا: قاسمی، التحریر و التنویر).

سوره نساء آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَا تُؤۡتُواْ ٱلسُّفَهَآءَ أَمۡوَٰلَكُمُ ٱلَّتِي جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ قِيَٰمٗا وَٱرۡزُقُوهُمۡ فِيهَا وَٱكۡسُوهُمۡ وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٥﴾

ترجمه:

اموال کم‌خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید. چرا که خداوند اموال را برایتان قوام زندگی گردانده است. از (ثمرات) آن خوراک و پوشاک ایشان را تهیه کنید و با سخنان شایسته با آنان گفتگو کنید (و ایشان را نیازارید و با ایشان بدرفتاری نکنید).

توضیحات:

«أَمْوَالَكُمْ»: دارائی‌تان. مراد دارائی ایشان یعنی کم‌خردان و کودکانی است که نمی‌توانند در دارائی خود به نحو شایسته تصرّف کنند. در اینجا ضمانت اجتماعی مورد نظر است و محافظت اموال سفیهان، محافظت اموال همه ملّت است. «قِيَاماً»: وسیله پایداری و مایه پابرجائی.

سوره نساء آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ وَمَن كَانَ غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡۖ وَمَن كَانَ فَقِيرٗا فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِذَا دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٦﴾

ترجمه:

یتیمان را (پیش از بلوغ با در اختیار قراردادن مقداری از مال و نظارت بر نحوه معامله و کارآئی ایشان در میدان زندگی، پیوسته) بیازمائید تا آن گاه که به سن ازدواج می‌رسند. اگر از آنان صلاحیت و حسن تصرّف دیدید، اموال‌شان را بدی‌شان برگردانید، و اموال یتیمان را با اسراف و تبذیر و با عجله و شتاب نخورید (و به خود بگوئید که) پیش از آن که بزرگ شوند (و اموال را از دست ما بازپس بگیرند آن را هرگونه که بخواهیم خرج می‌کنیم! و از سرپرستان آنان) هرکس که ثروتمند است (از دریافت

اجرت سرپرستی و دست‌زدن به مال ایشان) خودداری کند، و هرکس که نیازمند باشد به طرز شایسته (و به اندازه حقّ‌الزحمه خود و نیاز عرفی، از آن) بخورد. و هنگامی که اموال‌شان را به خودشان (بعد از بلوغ) بازپس دادید، بر آنان شاهد بگیرید، و (اگرچه علاوه از گواهان، خدا گواه است و) کافی است خدا حسابرس و مراقب باشد.

توضیحات:

«إِبْتَلُوا»: بیازمائید. «ءَانَسْتُمْ»: درک کردید و فهمیدید. «رُشْداً»: شعور ضبط اموال و حسن تصرّف. لیاقت و کارآئی. «بِدَاراً»: شتابگرانه. (إِسْرَافاً وَ بِدَاراً): مفعولٌ‌له بوده و یا حال بشمارند، یعنی: «لا تَأْكُلُوهَا مُسْرِفِينَ وَ مُبَادِرِينَ كِبَرَهُمْ». «فَلْيَسْتَعْفِف»: پاکدامنی کند و به مقدار اندک قناعت کند. خودداری کند. «بِالْمَعْرُوفِ»: به گونه شایسته. برابر عرف محلّ. «أَشْهِدُوا»: گواه بگیرید. «كَفَيا بِاللهِ حَسِيباً»: حرف باء زائد است و الله فاعل و حَسیباً حال یا تمییز است. «حَسِيباً»: حسابرس. مراقب.

سوره نساء آیه ۷

متن آیه:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝٧﴾

ترجمه:

برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جای می‌گذارند سهمی است، خواه آن ترکه کم باشد و یا زیاد. سهم هر یک را خداوند مشخّص و واجب گردانده است (و تغییرناپذیر است).

توضیحات:

«أَقْرَبُونَ»: نزدیکان و خویشان. «نَصِيباً»: سهم. بهره. مفعول فعل مقدّری است، یعنی: «جَعَلَ اللهُ لَـهُمْ نصِيباً مَّفْرُوضاً». «مَفْرُوضاً»: واجب و مشخّص.

سوره نساء آیه ۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُوْلُواْ ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَـٰمَىٰ وَٱلْمَسَـٰكِينُ فَٱرْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُواْ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝٨﴾

ترجمه:

و هرگاه خویشاوندان (فقیر شخص مرده) و یتیمان و مستمندان (غیر خویشاوند) بر تقسیم (ارث) حضور پیدا کردند، چیزی از آن اموال را بدانان بدهید و به گونه زیبا و شایسته با ایشان سخن بگوئید (و از آنان دلجوئی و معذرت‌خواهی کنید).

توضیحات:

«فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ»: مراد این است که اگر ورثه همه کبارند، پیش از تقسیم، و اگر کبار و صِغارند، پس از تقسیم، از قسمت کبار چیزی بدی‌شان بدهید. «مَعْرُوفاً»: پسندیده. زیبا.

سوره نساء آیه ۹

متن آیه:

﴿وَلۡيَخۡشَ ٱلَّذِينَ لَوۡ تَرَكُواْ مِنۡ خَلۡفِهِمۡ ذُرِّيَّةٗ ضِعَٰفًا خَافُواْ عَلَيۡهِمۡ فَلۡيَتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡيَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدًا٩﴾

ترجمه:

بر مردم لازم است (که بر یتیمان ستم نکنند و) بترسند از این که انگار خودشان دارند می‌میرند و فرزندان درمانده و ناتوانی از پس خود برجای می‌گذارند و نگران حال ایشان می‌باشند (که آیا دیگران درباره آنان چه روا می‌دارند؟ پس هم اینک آنچه از مردم انتظار دارند که در حق فرزندان‌شان انجام دهند، خودشان در حق یتیمان مردم روا دارند و بالِ مهر و محبّت بر سر نوباوگان بی‌پناه بکشند). پس از خدا بترسند و با یتیمان با متانت و محبّت سخن بگویند.

توضیحات:

«مِنْ خَلْفِهِمْ»: از پس خود. «ضِعَافاً»: جمع ضعیف، کوچک و درمانده.

سوره نساء آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلۡيَتَٰمَىٰ ظُلۡمًا إِنَّمَا يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ نَارٗاۖ وَسَيَصۡلَوۡنَ سَعِيرٗا١٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می‌خورند، انگار آتش در شکم‌های خود (می‌ریزند و) می‌خورند. (چرا که آنچه می‌خورند سبب دخول ایشان به

دوزخ می‌شود) و (در روز قیامت) با آتش سوزانی خواهند سوخت.

توضیحات:

«ظُلْماً»: حال، تمییز، مفعولٌ‌له، و مفعول مطلق می‌تواند باشد. «سَيَصْلَوْنَ»: خواهند سوخت. داخل خواهند شد. این فعل با حرف باء و بدون آن متعدّی است. «سَعِيراً»: آتش برافروخته. فَعیل به معنی مَفْعول است.

سوره نساء آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِيٓ أَوۡلَٰدِكُمۡۖ لِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۚ فَإِن كُنَّ نِسَآءٗ فَوۡقَ ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَۖ وَإِن كَانَتۡ وَٰحِدَةٗ فَلَهَا ٱلنِّصۡفُۚ وَلِأَبَوَيۡهِ لِكُلِّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٞۚ فَإِن لَّمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٞ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُۚ فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخۡوَةٞ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُۚ مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصِي بِهَآ أَوۡ دَيۡنٍۗ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ لَا تَدۡرُونَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ لَكُمۡ نَفۡعٗاۚ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١١﴾

ترجمه:

خداوند درباره (ارث بردن) فرزندانتان (و پدران و مادرانتان) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون مُردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن است. اگر فرزندانتان همه دختر بودند و تعدادشان (دو و یا) بیشتر از دو بود، دو سوم ترکه بهره ایشان است، و اگر ورثه تنها یک دختر باشد، نصف ترکه از آن او است، (و چه ورثه یک دختر و چه بیشتر باشند، باقیمانده ترکه متعلّق به سایر ورثه بر حسب استحقاق است). اگر مرده دارای فرزند و پدر و مادر باشد، به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد (و باقیمانده بین فرزندان او به ترتیب سابق تقسیم می‌گردد). و اگر مرده دارای فرزند (یا نوه) نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، یک سوم ترکه به مادر می‌رسد (و باقیمانده از آن پدر خواهد بود). اگر مرده (علاوه از پدر و مادر) برادرانی (یا خواهرانی، از پدر و مادر یا از یکی از آن دو) داشته باشد، به مادرش یک ششم می‌رسد. (همه این سهام مذکور) پس از انجام وصیتی است که مرده می‌کند و بعد از پرداخت وامی است که بر عهده دارد (و پرداخت وام مقدّم بر انجام وصیت است). شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانتان کدام یک برای شما سودمندترند. (خیر و صلاح در آن چیزی است که خدا بدان

دستور داده است). این فریضه الهی است و خداوند دانا (به مصالح شما) و حکیم است (در آنچه بر شما واجب نموده است).

توضیحات:

«حَظّ»: بهره. سهم. «لا تَدْرُونَ»: نمی‌دانید. نمی‌فهمید. «إِخْوَة»: جمع اخ، برادران. واژه (إِخْوَة) در اینجا و در (نساء / ۱۷۶، یوسف / ۵، ۷، ۵۸، ۱۰۰، و حجرات / ۱۰) از راه تغلیب بر (أَخَوات) یعنی خواهران نیز اطلاق شده است. «نَفْعاً»: تمییز است. «فَرِيضَةً»: مفعول مطلق است و تقدیر چنین است: «فَرَضَ اللهُ ذٰلِكَ فَرِيضَةً». یا حال است و مصدر به معنی اسم مفعول یعنی (مَفْرُوضَة) آمده است.

سوره نساء آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍۚ وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌۚ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمۚ مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍۗ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمْرَأَةٌ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُۚ فَإِن كَانُوٓاْ أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِي ٱلثُّلُثِۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّۚ وَصِيَّةً مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

و برای شما نصف دارائی به جای مانده همسرانتان است، اگر فرزندی (از شما یا از دیگران و یا نوه یا نوادگانی) نداشته باشند (و باقی ترکه، برابر آیه قبلی، به فرزندان‌شان و پدران و مادران‌شان تعلّق می‌گیرد) و اگر فرزندی داشته باشند، سهم شما یک چهارم ترکه است (و باقیمانده ترکه به ذوی‌الفروض و عصبه، یا ذوی‌الارحام یا بیت‌المال می‌رسد. به هرحال چه فرزندی نداشته باشند و چه فرزندی داشته باشند، سهم شما) پس از انجام وصیتی است که کرده‌اند و پرداخت وامی است که بر عهده دارند (و پرداخت وام بر انجام وصیت مقدّم است). و برای زنان شما یک چهارم ترکه شما است اگر فرزندی (یا نوه و نوادگانی از آنان یا از دیگران) نداشته باشید. (اگر همسر یک نفر باشد، یک چهارم را تنها دریافت می‌دارد، و اگر دو همسر و بیشتر

باشند، یک چهارم به طور مساوی میان‌شان تقسیم می‌گردد. باقیمانده ترکه به خویشاوندان و وابستگان به ترتیب استحقاق می‌رسد). و اگر شما فرزندی (یا نوه و نوادگانی) داشتید، سهمیه همسرانتان یک هشتم ترکه بوده (و بقیه ترکه به فرزندانتان و پدران و مادرانتان - همان‌گونه که ذکر شد - می‌رسد. البتّه) پس از انجام وصیتی است که می‌کنید و بعد از وامی است که بر عهده دارید. و اگر مردی یا زنی به گونه کلالَه ارث از آنان برده شد (و فرزند و پدری نداشتند) و برادر (مادری) یا خواهر (مادری) داشتند، سهم هر یک از آن دو، یک ششم ترکه است (و فرقی میان آن دو نیست) و اگر بیش از آن (تعداد، یعنی یک برادر مادری و یک خواهر مادری) بودند، آنان در یک سوم با هم شریکند (و به طور یکسان یک سوم را میان خود تقسیم می‌کنند. البتّه این هم) پس از انجام وصیتی است که بدان توصیه شده است و یا پرداخت وامی است که بر عهده مرده است. وصیت و وامی که (به بازماندگان) زیان نرساند (یعنی وصیت از بیش از یک سوم نباشد و مرده از روی غرض اقرار به وامی نکند که بر عهده او نیست، و یا صرف نظر از وامی نکند که بر دیگران دارد. و...). این سفارش خدا است و خدا دانا (به آن چیزی است که به نفع شما است و آگاه از نیات وصیت‌کنندگان می‌باشد) و شکیبا است (و شتابی در عقاب شما ندارد؛ چرا که چه بسا پشیمان شوید و به سویش برگردید).

توضیحات:

«یُورَثُ»: از او ارث برده می‌شود. ثلاثی مجرّد است و متعدّی به (مِنْ) محذوف است و تقدیر آن چنین است: «یُورَثُ مِنْهُ. كَلالَةً»: کسی که بمیرد و پدر و فرزندی نداشته باشد. وارثی که پدر یا فرزند مرده نباشد. حال برای ضمیر فعل (یُورَثُ) است. «إِمْرَأَة»: زن. عطف بر (رَجُلٌ) است. «لَهُ»: ضمیر (هُ) به صورت مفرد ذکر شده است چون معطوف بعد از حرف (أَوْ) قرار گرفته است و (أَوْ) برای یکی از دو طرف است. همچنین در مواردی که معطوف و معطوفٌ‌علیه در میان است می‌توان ضمیر را با توجّه به هر یک از آن دو برگزید و در اینجا از راه تغلیب و با توجّه به معطوفٌ‌علیه ضمیر مفرد مذکر غائب به کار رفته است. «غَیْرَ مُضَآرٍّ»: غیر زیان‌رسان. واژه (غیر) حال نائب فاعل مستتر در فعل (یُوصِي) است. «أَخٌ أَوْ أُخْتٌ»: مراد برادر مادری یا

خواهر مادری است. «وَصِيَّةً»: مفعول مطلق است و تقدیر چنین است: «يُوصِيكُمُ اللهُ بِذٰلِكَ وَصِيَّةً». «حَلِيمٌ»: شکیبا. از زمره اسماء الله است و یعنی: خداوند در عقوبت شتاب روا نمی‌دارد.

سوره نساء آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾

ترجمه:

این (احکام راجع به یتیمان و وصیت و سهام مواریث) حدود خدا (در میان حق و باطل) است و (آنها را محترم شمارید و از آنها درنگذرید و بدانید که) هرکس از خدا و پیغمبرش (در آنچه بدان دستور داده‌اند) اطاعت کند، خدا او را به باغ‌های (بهشت) وارد می‌کند که در آنها رودبارها روان است و (چنین کسانی) جاودانه در آن می‌مانند و این پیروزی بزرگی است.

توضیحات:

«خَالِدِينَ فِيهَا»: جاودانگانند در بهشت. حال است برای ضمیر (هُ) در فعل (يُدْخِلْهُ) که مرجع آن (مَنْ) است و (خَالِدِينَ) با توجّه به معنی (مَنْ) جمع آمده است.

سوره نساء آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾

ترجمه:

و آن کس که از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند و از مرزهای (قوانین) خدا درگذرد، خداوند او را به آتش (عظیم دوزخ) وارد می‌گرداند که جاودانه در آن می‌ماند و (علاوه از آن) او را عذاب خوارکننده‌ای است.

توضیحات:

«خَالِداً»: جاودانه. حال است برای ضمیر (هُ) در (يُدْخِلْهُ) که با توجّه به لفظ (مَنْ) مفرد بیان شده است. «مُهِينٌ»: خوارکننده.

سوره نساء آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّٰتِي يَأۡتِينَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمۡ فَٱسۡتَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِنَّ أَرۡبَعَةٗ مِّنكُمۡۖ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمۡسِكُوهُنَّ فِي ٱلۡبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلۡمَوۡتُ أَوۡ يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلٗا ١٥﴾

ترجمه:

و کسانی که از زنان شما مرتکب زنا می‌شوند، چهار نفر از (مردان عادل) خودتان را به عنوان شاهد بر آنان به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند، آنان را در خانه‌های (خود برای حفظ ایشان و دفع هرگونه شرّ و فسادی) نگاه دارید تا مرگ‌شان فرا می‌رسد یا این که خداوند راهی را برای (زندگی پاک و درست، یا عقوبت) آنان (با ازدواج یا توبه، یا وضع حکم دیگری) باز می‌کند.

توضیحات:

«فَاحِشَةً»: زنا. برخی فاحشه را در اینجا به معنی سِحاق دانسته‌اند و آن عبارت است از این که دو زن فرج خود را به هم بمالند (نگا: المصحف الميسّر: عبدالجليل عیسی، صفحه ۱۰۱). «يَتَوَفَّاهُنَّ الْـمَوْتُ»: مرگ آنان را در می‌یابد. «أَوْ يَجْعَلَ... سَبِيلاً»: این راه را سوره نور آیه دو، مشخّص کرده است.

سوره نساء آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذَانِ يَأۡتِيَٰنِهَا مِنكُمۡ فَـَٔاذُوهُمَاۖ فَإِن تَابَا وَأَصۡلَحَا فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابٗا رَّحِيمًا ١٦﴾

ترجمه:

و مرد و زنی که از شما زنا می‌کنند (و متزوّج نمی‌باشند) آنان را بیازارید (و بعد از شهادت چهار نفر مرد عادل، توبیخ‌شان نمائید). ولی اگر توبه کردند (و از کرده خود پشیمان شدند) و به اصلاح (حال و تغییر احوال خود) پرداختند، دست از آنان بدارید (و نه با گفتار و نه با کردار، ایشان را به دنبال عقوبت و شکنجه لازم نیازارید و گذشته

را به یادشان نیارید؛ چرا که) بی‌گمان خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

توضیحات:

«أَللَّذَانِ»: مرد و زنی که. در اینجا از راه تغلیب موصول مذکر به کار رفته است. برخی آن را: (دو مردی که باهم عمل لواط انجام داده‌اند) معنی کرده‌اند. «ءَاذُوهُمَا»: آن دو را شکنجه کنید. در آغاز اسلام، کمیت و کیفیت تعزیر به امّت اسلامی واگذار شده بود، ولی بعدها حدود و ثغور آن با آیه دوم سوره نور و با حدیث نبوی مشخّص گردید، و عقاب زن و مرد سنگسار، و عقاب پسر و دختر صد تازیانه و یک سال تبعید تعیین شد (نگا: تفسیرالمراغی، جلد دوم، صفحه ۲۰۶). «أَعْرِضُوا عَنْهُمَا»: از آنان دست بردارید. یادآوری: گروهی از محقّقان، آیه‌های ۱۵ و ۱۶ سوره نساء را منسوخ می‌دانند، و گروه دیگری آنها را منسوخ نمی‌دانند و آیه ۱۵ را مربوط به حکم سِحاق و آیه ۱۶ را مربوط به حکم لواط و آیه ۲ سوره نور را مربوط به حکم زنا می‌دانند (نگا: التفسیرالقرآنی للقرآن: عبدالکریم خطیب، جلد دوم، صفحات ۷۱۸ - ۷۲۵).

سوره نساء آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند تنها توبه کسانی را می‌پذیرد که از روی نادانی (و سفاهت و حماقت ناشی از شدّت خشم و غلبه شهوت بر نفس) به کار زشت دست می‌یازند، سپس هرچه زودتر (پیش از مرگ، به‌سوی خدا) برمی‌گردند (و از کرده خود پشیمان می‌گردند)، خداوند توبه و برگشت آنان را می‌پذیرد. و خداوند آگاه (از مصالح بندگان و صدق نیت توبه‌کنندگان است و) حکیم است (و از روی حکمت درگاه توبه را بر روی توبه‌کنندگان باز گذاشته است).

توضیحات:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَي اللهِ»: پذیرش توبه بر خدا است. واژه (عَلي) را به معنی (مِنْ) و (عِندَ) نیز گرفته‌اند. «بِجَهالَةٍ»: به سبب حماقت و سفاهت. «مِن قَرِيبٍ»: به زودی، و آن پیش از فرارسیدن مرگ، یا دست‌گیری بزهکار است.

سوره نساء آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَيۡسَتِ ٱلتَّوۡبَةُ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ كُفَّارٌۚ أُوْلَـٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ١٨﴾

ترجمه:

توبه کسانی پذیرفته نیست که مرتکب گناهان می‌گردند (و به دنبال انجام آنها مبادرت به توبه نمی‌نمایند و بر کرده خویش پشیمان نمی‌گردند) تا آن گاه که مرگ یکی از آنان فرا می‌رسد و می‌گوید: هم اینک توبه می‌کنم (و پشیمانی خویش را اعلام می‌دارم). همچنین توبه کسانی پذیرفته نیست که بر کفر می‌میرند (و جهان را کافرانه ترک می‌گویند). هم برای اینان و هم آنان عذاب دردناکی را تهیه دیده‌ایم.

توضیحات:

«أَعۡتَدۡنَا»: آماده کرده‌ایم. فراهم آورده‌ایم.

سوره نساء آیه ۱۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗاۖ وَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن كَرِهۡتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا ١٩﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما درست نیست که زنان را (همچون کالائی) به ارث برید (و ایشان را بدون مهریه و رضایت، به ازدواج خود در آورید، و) حال آن که آنان چنین کاری را نمی‌پسندند و وادار بدان می‌گردند. و آنان را تحت فشار قرار ندهید تا بدین وسیله (ایشان را وادار به چشم‌پوشی از قسمتی از مهریه کنید و) برخی از آنچه را که بدی‌شان داده‌اید فراچنگ آرید. مگر این که آنان (با نشوز و سوءخلق و فسق و فجور) دچار گناه آشکاری شوند (که در این صورت می‌توانید بر آنان سخت‌گیری کنید، یا به هنگام طلاق قسمتی از مهریه را بازپس گیرید). و با زنان خود به طور شایسته (در گفتار و در کردار) معاشرت کنید، و اگر هم از آنان (به جهاتی) کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدائی

نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

توضیحات:

«أَن تَرِثُوا النِّسَآءَ»: این که زنان را به ارث ببرید (همان گونه که در جاهلیت رواج داشت). از زنان ارث ببرید (بدین گونه که آنان را به خاطر ثروت و اموال‌شان همچون زندانیانی در پیش خود نگاه دارید تا دارائیشان را به ارث ببرید). «كَرْهاً»: ناپسندانه. حال نساء است و به معنی کارِهات یا مُکرَهات است. این قید برای تقبیح اعمال مردان است؛ نه این که اگر رضایت در میان باشد، چنین عملی حرام بشمار نیاید. «لا تَعْضُلُوهُنَّ»: زنان را از ازدواج باز ندارید. آنان را تحت فشار قرار ندهید و زندانی خویشتن نکنید. این فعل می‌تواند منصوب بوده و عطف بر «تَرِثُوا» باشد، و یا مجزوم به حساب آید. «فَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ»، گناه آشکار همچون زنا و نشوز.

سوره نساء آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَإِنۡ أَرَدتُّمُ ٱسۡتِبۡدَالَ زَوۡجٖ مَّكَانَ زَوۡجٖ وَءَاتَيۡتُمۡ إِحۡدَىٰهُنَّ قِنطَارٗا فَلَا تَأۡخُذُواْ مِنۡهُ شَيۡـًٔاۚ أَتَأۡخُذُونَهُۥ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ۝٢٠﴾

ترجمه:

و اگر خواستید همسری را به جای همسری برگزینید، هر چند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را دریافت می‌دارید؟! (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد)؟!.

توضیحات:

«إِسْتِبْدَال»: عوض‌کردن. جابجا کردن. «قِنطَاراً»: مال فراوان. مراد مهریه زیاد است. « بُهْتَاناً»: از راه ظلم. به بطالت. با توسّل به بهتان. واژه (بُـهـْتَاناً وَإِثْـماً) مصدرند و به عنوان وصف به کار رفته‌اند و حال ضمیر (و) در (تَأْخُذُونَهُ) می‌باشند و تقدیر چنین است: «أَتَأْخُذُونَهُ بَاهِتِينَ وَ ءَاثِمِينَ». «مُبِيناً»: روشن و آشکار.

سوره نساء آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَكَيۡفَ تَأۡخُذُونَهُۥ وَقَدۡ أَفۡضَىٰ بَعۡضُكُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ وَأَخَذۡنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٢١﴾

ترجمه:

و چگونه (سزاوار شما است که) آن را بازپس بگیرید؟ و حال آن که با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و هر یک بر عورت دیگری اطّلاع پیدا کرده‌اید و (گذشته از این) زنان پیمان محکمی (هنگام ازدواج) از شما گرفته‌اند (و خداوند برابر آن، امر زناشوئی را حلال نموده است).

توضیحات:

﴿أَفۡضَىٰ بَعۡضُكُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ﴾: با یکدیگر آمیزش نموده‌اید. از هم کام گرفته‌اید. « مِیثَاقاً غَلِیظاً»: پیمان استوار، که نگاهداری زنان به صورت شایسته یا رهاکردن ایشان به گونه بایسته است (نگا: بقره / ۲۲۹).

سوره نساء آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۚ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَمَقۡتٗا وَسَآءَ سَبِيلًا ٢٢﴾

ترجمه:

و با زنانی ازدواج نکنید که پدران شما با آنان ازدواج کرده‌اند. چرا که این کار، عمل بسیار زشتی است و (در پیش خدا و مردم) مبغوض بوده و روش بسیار نادرستی است؛ مگر آنچه گذشته است (و در زمان جاهلیت بوده است که مورد عفو خدا قرار می‌گیرد).

توضیحات:

«سَلَفَ»: گذشت. «فَاحِشَةٌ»: کار بسیار زشت و ناپسند. «مَقْتاً»: خشم شدید. در اینجا مصدر به جای وصف به کار رفته است، همان‌گونه که می‌گویند: زَیدٌ عَدْلٌ. «سَبِیلاً»: تمییز است.

سوره نساء آیه ۲۳

متن آیه:

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٣﴾

ترجمه:

خداوند بر شما حرام نموده است ازدواج با مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمّه‌هایتان، خاله‌هایتان، برادرزادگانتان، خواهرزادگانتان، مادرانی که به شما شیر داده‌اند، خواهران رضاعیتان، مادران همسرانتان، دختران همسرانتان از مردان دیگر که تحت کفالت و رعایت شما پرورش یافته و با مادران‌شان همبستر شده‌اید، ولی اگر با مادران‌شان همبستر نشده باشید، گناهی (در ازدواج با چنین دخترانی) بر شما نیست، همسران پسران صلبی خود، و (بالاخره این که) دو خواهر را با هم جمع آورید، مگر آنچه گذشته است (که با ترک یکی از آن دو خواهر، قلم عفو بر این کار که در زمان جاهلیت واقع شده است، کشیده خواهد شد). بی‌گمان خداوند بسی آمرزنده است (و گذشته را نادیده می‌گیرد، و) مهربان است (و در آنچه برایتان وضع می‌کند حال شما را مراعات می‌دارد).

توضیحات:

«رَبَٰٓئِبُكُمۡ»: جمع ربیبة، تربیت‌یافتگان. مراد دختران همسرانتان از شوهران دیگر است. ﴿ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم﴾: آنان که غالباً با مادران‌شان تحت رعایت و کفالت شما قرار می‌گیرند، والاّ چنین دخترانی مطلقاً حرام می‌باشند، چه تحت کفالت و رعایت انسان باشند و چه زیر نظر و تحت مراقبت دیگران پرورده شوند. «حُجُور»: جمع حجر، آغوش. مراد رعایت و پرورش است. «حَلآئِل»: جمع حَليلَة، همسران. «أَلَّذِينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ»: پسران صلبی شما؛ نه پسر خواندگانتان.

سوره نساء آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۖ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمۡ أَن تَبۡتَغُواْ بِأَمۡوَٰلِكُم مُّحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَۚ فَمَا ٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهِۦ مِنۡهُنَّ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا تَرَٰضَيۡتُم بِهِۦ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡفَرِيضَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٢٤﴾

ترجمه:

و زنان شوهردار (بر شما حرام شده‌اند) مگر زنانی که (آنان را در جنگ دینی مسلمانان با کافران) اسیر کرده باشید، که (در این صورت نکاح شوهران کافرشان با اسارت لغو می‌گردد و بعد از زدوده شدن رحم ایشان،) برای شما حلال می‌باشند. این را خدا بر شما واجب گردانده است (پس آنچه را که او بر شما حرام نموده است حرام بدانید و آن را مراعات دارید). برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان (یعنی جز زنان مؤمن حرام) حلال گشته است و می‌توانید با اموال خود (از راه شرعی) زنانی را جویا شوید و با ایشان ازدواج کنید (بدان شرط که منظورتان زنا و دوست‌بازی نباشد و) پاکدامن و از زنا خویشتندار باشید. پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید، باید که مهریه او را (چنان که مقرّر است بدون کم و کاست و در موعد خود) بپردازید، و این واجبی (از واجبات الهی) است. و بعد از تعیین مهریه، گناهی بر شما نیست در آنچه میان خود بر آن توافق می‌نمائید (مثلاً این که همسر با رضا و رغبت از مقداری از مهریه خود چشم‌پوشی کند و یا شوهر مشتاقانه مقداری بر اندازه مهریه بیفزاید). بی‌گمان خداوند (پیوسته بر مصالح بندگان خود) آگاه (و در احکامی که برای آنان وضع می‌نماید) حکیم بوده (و می‌باشد).

توضیحات:

«مُحْصَنَات»: زنان شوهردار. «مَا مَلَكَتْ أَيْمَـانُكُمْ»: زنان کافرانی که در جنگ دینی بدون شوهران‌شان اسیر می‌شوند و حامله نمی‌باشند. امّا اگر با شوهران‌شان اسیر شوند، در حباله نکاح ایشان می‌مانند. «كِتَابَ الله»: مفعول مطلق فعل محذوفی است و تقدیر چنین است: «كَتَبَ اللهُ عَلَيْكُمْ تَحْرِيمَ هذِهِ الْـمُحَرَّمَاتِ الْـمَذْكُورَاتِ كِتاباً ، وَفَرَضَهُ

فَرِيضَةً». اضافه مصدر به فاعل خود است. برخی (کِتابَ) را مفعولٌ‌به فعل محذوفی مانند (إِلْزَمُوا) می‌دانند؛ یعنی: «إِلْزَمُوا كِتَابَ الله». «أَن تَبْتَغُوا»: تا جویا شوید. مفعولٌ‌له است. «مُحْصِنِينَ»: طالبان پاکدامنی و عفّت خود و همسرانشان. حال ضمیر (و) در فعل (تَبْتَغُوا) است. «غَيْرَ مُسَافِحِينَ»: دوری جویندگان از زنا. حال دوم ضمیر (و) است. «مَا اسْتَمْتَعْتُمْ»: زنانی که از آنان کام گرفتید. «أُجُور»: جمع اجر، مراد مهریه است. «فَرِيضَةً»: واجب. حال است. «جُنَاح»: گناه.

سوره نساء آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۚ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِكُم ۚ بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍ ۚ فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ مُحْصَنَٰتٍ غَيْرَ مُسَٰفِحَٰتٍ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَآ أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَٰحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى ٱلْمُحْصَنَٰتِ مِنَ ٱلْعَذَابِ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ ٱلْعَنَتَ مِنكُمْ ۚ وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

و اگر کسی از شما نتوانست با زنان آزاده مؤمن ازدواج کند، می‌تواند با کنیزان مؤمنی ازدواج نماید. خداوند آگاه از ایمان شما است. (از ازدواج با کنیزان مؤمن سرپیچی نکنید، چرا که) برخی از برخی هستید (و شما و ایشان در برابر دین یکسان می‌باشید)، لذا با اجازه صاحبان آنان با ایشان ازدواج کرده و مهریه ایشان را زیبا و پسندیده و برابر عرف و عادت (به تمام و کمال) بپردازید. کنیزانی را برگزینید که با عفّت و پاکدامن باشند و برای خود دوستانی (نامشروع) برنگزینند. اگر پس از ازدواج، از ایشان زنا سر زد، عقوبت ایشان نصف عقوبت زنان آزاده (یعنی: پنجاه تازیانه) است. ازدواج با کنیزان به هنگام عدم قدرت برای کسی از شما آزاد است که ترس از فساد داشته باشد (و بترسد به مشقّتی دچار شود که به زنا منتهی گردد). و اگر شکیبائی ورزید (و از ازدواج با کنیزان خودداری کنید و بتوانید عفّت خود را مراعات دارید) برای شما بهتر است. و خداوند دارای مغفرت و مرحمت فراوان است.

توضیحات:

«طَوْلاً»: دارائی و بضاعت. قدرت مادی و معنوی. «فَتَیَات»: جمع فَتاة، دختران نوجوان. مراد کنیزان است. «بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ»: برخی از برخی هستید و همگان برادران و خواهران ایمانی می‌باشید (نگا: حجرات / ۱۰، توبه / ۷۱). «مُحْصَنَات»: زنان عفیف و پاکدامن. حال است. «غَيْرَ مُسَافِحَات»: زنان عفیف و پاکدامن. حال دوم بشمار است. «أَخْدَان»: جمع خِدْن، رفیق و رفیقه. دوستان زن یا مردی که به گونه آشکار یا نهان با آنان معاشرت نامشروع انجام گیرد. «أُحْصِنَّ»: به ازدواج درآورده شدند. «عَنَت»: فساد و تباهی. فسق و فجور.

سوره نساء آیه ۲۶

متن آیه:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٢٦﴾

ترجمه:

خداوند می‌خواهد (قوانین دین و مصالح امور را) برایتان روشن کند و شما را به راه کسانی (از پیغمبران و صالحان) رهنمود کند که پیش از شما بوده‌اند، و توبه (لغزش‌ها و بزهکاری‌های پیشین) شما را بپذیرد، و خداوند آگاه (از احوال بندگان است و قوانینی را برایتان وضع می‌نماید که مصلحت و منفعت شما را در بر دارد) و حکیم است (و برابر حکمت، احکام شریعت را صادر می‌نماید).

توضیحات:

«سُنَن»: جمع سنّت، روش. طریقه.

سوره نساء آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيْلًا عَظِيمٗا ٢٧﴾

ترجمه:

خداوند می‌خواهد توبه شما را بپذیرد (و به‌سوی طاعت و عبادت برگردید و از لوث

گناهان پاک و پاکیزه گردید) و کسانی که به دنبال شهوات راه می‌افتند، می‌خواهند که (از حق دور شوید و به‌سوی باطل بگرائید و از راه راست) خیلی منحرف گردید (تا همچون ایشان شوید).

توضیحات:

«أَن تَـمِیلُوا»: این که منحرف شوید. این که دور گردید.

سوره نساء آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا٢٨﴾

ترجمه:

خداوند می‌خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند (چرا که او می‌داند که انسان در برابر غرائز و امیال خود ناتوان است) و انسان ضعیف آفریده شده است (و در امر گرایش به زنان تاب مقاومت ندارد).

توضیحات:

«ضَعِیفاً»: حال است.

سوره نساء آیه ۲۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا٢٩﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راه‌های نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرّف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی مکنید و خون همدیگر را نریزید. بی‌گمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود).

توضیحات:

«بِالْبَاطِلِ»: به ناحق. از راه نامشروع. ﴿إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ﴾: مگر این که اموال از راه تجارتی باشد که با رضایت انجام پذیرد. در اینجا مستثنی منقطع است.

حرف إلاّ به معنی لیکن و مگر است. اسم (تَکُونَ) (هِيَ) و به (اموال) برمی‌گردد. اسم (تَکُونَ) می‌تواند (التِّجَارَة) محذوف باشد. تقدیر چنین می‌شود: «إِلاّ أَن تَكُونَ ا لأمْوَالُ أَمْوَالَ تِجَارَةٍ. یا: إِلاّ أَن تَكُونَ التِّجَارَةُ تِجَارَةً». «لا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ»: خودکشی نکنید. با مخالفت اوامر خدا خویشتن را به هلاکت میندازید.

سوره نساء آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنٗا وَظُلۡمٗا فَسَوۡفَ نُصۡلِيهِ نَارٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا٣٠﴾

ترجمه:

و کسی که چنین کاری (یعنی خودکشی یا خوردن به ناحق اموال دیگران) را تجاوزگرانه و ستمگرانه مرتکب شود، او را با آتش دوزخ می‌سوزانیم، و این (عمل هم) برای خدا آسان است.

توضیحات:

«عُدْواناً»: تجاوزگرانه. «ظُلْماً»: ستمگرانه. (عُدْوَاناً وَظُلْماً) مصدرند و حال واقع شده‌اند و تقدیر چنین است: «مُتَعَدِّیاً وَظالِماً». «یَسِیراً»: آسان.

سوره نساء آیه ۳۱

متن آیه:

﴿إِن تَجۡتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنۡهَوۡنَ عَنۡهُ نُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَنُدۡخِلۡكُم مُّدۡخَلٗا كَرِيمٗا٣١﴾

ترجمه:

اگر از گناهان کبیره‌ای بپرهیزید که از آن نهی شده‌اید، گناهان صغیره شما را (با فضل و رحمت خود) از شما می‌زدائیم و (به شرط استغفار از کبائر و عدم اصرار بر صغائر) شما را به جایگاه ارزشمندی (که بهشت برین است) وارد می‌گردانیم.

توضیحات:

«كَبَآئِرَ»: گناهان بزرگ. گناهانی که در برابر آنها تهدید شدیدی آمده یا حدّی معین شده است. از قبیل: انباز قراردادن برای خدا، قتل، سحر و جادو، خوردن مال یتیم، رباخواری، زنا، تهمت زنا، عقوق والدین، شهادت دروغ و ناروا، فرار از جهاد. « مُدْخَلاً»:

منزل و مأوی. اسم مکان باب افعال است.

سوره نساء آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْۖ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ۝٣٢﴾

ترجمه:

آرزوی چیزی نکنید که خداوند برخی از شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان، و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه به دست می‌آورند (و هر یک از زنان و مردان دارای سرشتی و حقوقی فراخور حال خود می‌باشند. پس با تلاش و کوشش شبانه‌روزی رحمت و برکت خدای را بجوئید) و طلب فضل او کنید. بی‌گمان خداوند (کاملاً) آگاه از هر چیزی بوده (و به هر نوعی، چیزی بخشیده است که شایسته‌اش بوده است).

توضیحات:

سوره نساء آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلِكُلّٖ جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَۚ وَٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَـَٔاتُوهُمۡ نَصِيبَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ۝٣٣﴾

ترجمه:

برای هر یک (از مردان و زنان) وارثانی تعیین کردیم تا از میراث پدر و مادر و نزدیکان برخوردار شوند (و بر ترکه ایشان استیلاء یابند) و به کسانی که با آنان پیمان (زناشوئی) بسته‌اید (و ایشان را به شوهری یا همسری پذیرفته‌اید) بهره خودشان را (به تمام و کمال) بدهید (و بدانید که) بی‌گمان خدا بر هر چیزی حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و کردار شما) بوده است (و می‌باشد).

توضیحات:

«مَوَالِيَ»: جمع مَوْلی، سرپرستان. پیروان. در اینجا مراد وُرّاث است که حق ولایت

یعنی استحقاق دریافت ترکه و استیلاء بر آن را دارند. «مِمَّا»: از آنچه. بر آنچه. «ٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَـٰنُكُمۡ»: مراد شوهران یا همسران و یا هم‌سوگندان و هم‌پیمانان می‌باشد. «اَیمَان»: جمع یمین، قَسَم. دست راست. زیرا که به هنگام معاهده دست راست خود را به هم می‌دادند و بر انجام کاری هم‌سوگند و هم‌پیمان می‌شدند. «شَهِیداً»: مطّلع و آگاه. حاضر و ناظر.

سوره نساء آیه ۳۴

متن آیه:

﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ فَٱلصَّـٰلِحَـٰتُ قَـٰنِتَـٰتٌ حَـٰفِظَـٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُۚ وَٱلَّـٰتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَٱهۡجُرُوهُنَّ فِي ٱلۡمَضَاجِعِ وَٱضۡرِبُوهُنَّۖ فَإِنۡ أَطَعۡنَكُمۡ فَلَا تَبۡغُواْ عَلَيۡهِنَّ سَبِيلًاۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيّٗا كَبِيرٗا٣٤﴾

ترجمه:

مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتریهائی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند. پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و اَسرار (زناشوئی) را نگاه می‌دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. (زنان صالح چنین بودند ولیکن زنان ناصالح آنانی هستند که سرکش می‌باشند) و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثّر واقع نشد) از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید (و با ایشان سخن نگوئید. و اگر باز هم مؤثّر واقع نشد و راهی جز شدّت عمل نبود) آنان را (تنبیه کنید و کتک مناسبی) بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند (ترتیب تنبیه سه‌گانه را مراعات دارید و از اخفّ به اشدّ نروید و جز این) راهی برای (تنبیه) ایشان نجوئید (و نپوئید و بدانید که) بی‌گمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و اگر ایشان را بیش از حدّ اذیت و آزار کنید، انتقام آنان را از شما می‌گیرد).

توضیحات:

«قَوَّامُونَ»: جمع قَوّام، صیغه مبالغه قائِم است و کسی را می‌گویند که شبانه‌روز به کار و بار خانواده قیام کند و پیوسته در راه مصالح ایشان در تلاش باشد. سرپرست خدمتگزار. «قَانِتَاتٌ»: خاشعان. مطیعان. «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ»: راز نگهداران. مراد از غیب هر آن چیزی است که از دیده شوهر به دور می‌ماند، از قبیل: ناموس و اولاد و اموال. آنچه در خلوت میان زن و شوهر می‌گذرد. «بِمَا حَفِظَ اللهُ»: به سبب فرمان خدا بدین حفظ. چنان که خداوند اَسرار را حفظ فرموده است. بدان خاطر که خدا فرمان داده است که درباره زنان ظلم و جور نشود و حقوق ایشان در جامعه مراعات شود. «نُشُوز»: سرکشی و سرپیچی. «مَضَاجِع»: جمع مَضْجَع، بِستر، فِراش. «فَلا تَبْغُوا»: نخواهید. خواستار نشوید.

سوره نساء آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَٱبْعَثُواْ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِۦ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَآ إِن يُرِيدَآ إِصْلَٰحًا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيْنَهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا٣٥﴾

ترجمه:

و اگر (میان زن و شوهر اختلافی افتاد و) ترسیدید (که این کار باعث) جدائی میان آنان شود، داوری از خانواده شوهر، و داوری از خانواده همسر (انتخاب کنید و برای رفع و رجوع اختلاف) بفرستید. اگر این دو داور جویای اصلاح باشند، خداوند آن دو را (کمک نموده و در یکی از دو کار: سازش نیک و خداپسندانه، یا جدائی زیبا و معقولانه) موفّق می‌گرداند. بی‌گمان خداوند مطّلع (بر ظاهر و باطن مردمان و) آگاه (از نیات همگان) است.

توضیحات:

«شِقَاق»: اختلاف. جدائی. «حَكَماً»: داور. «يُوَفِّقِ اللهُ»: مراد از توفیق خدا در کار سازش و الفت و محبّت مجدّد است، و یا این که در جدائی مفید به حال زن و شوهر. «إِبْعَثُوا»: بفرستید.

سوره نساء آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا٣٦﴾

ترجمه:

(تنها) خدا را عبادت کنید و (بس. و هیچ کس و) هیچ چیزی را شریک او مکنید. و نیکی کنید به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگانِ خویشاوند، همسایگانِ بی‌گانه، همدمان (در سفر و در حضر، و همراهان و همکاران)، مسافران (نیازمندی که در شهر و مکان معینی اقامت ندارند)، و بندگان و کنیزان. بی‌گمان خداوند کسی را دوست نمی‌دارد که خودخواه و خودستا باشد.

توضیحات:

«إِحْسَاناً»: نیکی‌کردن. مفعول مطلق برای فعل محذوف (أَحْسِنُوا) است و برای تأکید به کار رفته است. «الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ»: همسایه نزدیک. «الْجَارِ الْجُنُبِ»: همسایه بیگانه. همسایه دور. «الْجُنُب»: بیگانه. دور. «الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ»: همدم. همنشین. همکار، همراه. همسفر. «مُخْتَالاً»: خودخواه. متکبّر. اسم فاعل باب افتعال از واژه (خُيَلاء) است. «فَخُوراً»: فخرفروش. خودستا.

سوره نساء آیه ۳۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ وَيَكۡتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا٣٧﴾

ترجمه:

(آنان) کسانیند که خود بخل می‌ورزند و مردمان را نیز به بخل می‌خوانند، و نعمتی را که خداوند بدی‌شان داده است پنهان می‌دارند و (نه خودشان از آن استفاده می‌کنند و نه دیگران را از آن بهره‌مند می‌سازند، و پیوسته سعی در کفران نعمت مادی و معنوی دارند، اینان بدانند که) ما برای کسانی که (همچون ایشان) کفران نعمت

می‌کنند، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَعْتَدْنَا»: آماده کرده‌ایم. تهیه دیده‌ایم. «کَافِرِینَ»: پنهان‌کنندگان و نادیده‌انگاران نعمت. کفرپیشگان.

سوره نساء آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِۗ وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيْطَٰنُ لَهُۥ قَرِينًا فَسَآءَ قَرِينًا ٣٨﴾

ترجمه:

و (آنان) کسانیند که اموال خود را ریاکارانه صرف می‌کنند و خودنمایانه می‌بخشند (تا مردم ایشان را ببینند و تعریف و تمجیدشان کنند) و نه به خدا ایمان و نه به آخرت باور دارند، (چرا که از شیطان پیروی کرده و شیطان ایشان را از راه بدر برده است) و هر که شیطان همدم او باشد (چه بد همدمی برگزیده است و) شیطان بدترین همدم است.

توضیحات:

«رِئَآءَ»: ریا. خودنمائی. مصدر باب مفاعله و مفعولٌ‌له است، و یا حال ضمیر (و) در (یُنفِقُونَ) بشمار است و تقدیر چنین می‌شود: «مُرَآئِینَ النَّاسَ». «قَرِیناً»: همدم. همنشین. همصحبت.

سوره نساء آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ٣٩﴾

ترجمه:

چه می‌شد اگر آنان به خدا و روز رستاخیز ایمان می‌آوردند و (به انگیزه این ایمان، خالصانه در راه خدا) از آنچه خدا بدی‌شان داده است بذل و بخشش می‌کردند (و اجر خود را از او دریافت می‌داشتند؟) و خداوند آگاه از آنان است.

توضیحات:

«مَاذَا عَلَیْهِمْ»: چه می‌شد اگر. چه زیانی می‌کردند اگر.

سوره نساء آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا وَيُؤۡتِ مِن لَّدُنۡهُ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٤٠﴾

ترجمه:

خداوند (به کسی) ذرّه‌ای ظلم روا نمی‌دارد و (از اجر کسی نمی‌کاهد، ولی) اگر کار نیکی (از کسی) سر زند، آن را چندین برابر می‌گرداند، و از سوی خود (به شخص نیکوکار، جدای از چندین برابر اجر عملش) پاداش بزرگی عطاء می‌کند.

توضیحات:

«مِثْقَالَ»: وزن. اندازه. «ذَرَّةٍ»: دانه‌ای از آن گرد و غبار گونه‌ای که به هنگام تابش خورشید از سوراخی به درون منزل در میان پرتو نور دیده می‌شود. «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»: هم‌وزن ذرّه‌ای. به اندازه ذرّه‌ای. مراد کمترین و سبکترین چیز است.

سوره نساء آیه ۴۱

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ إِذَا جِئۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةِۭ بِشَهِيدٖ وَجِئۡنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدٗا ٤١﴾

ترجمه:

(ای محمّد! حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملّتی گواهی (از پیغمبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان (یعنی تنگچشمان و نافرمایان) بیاوریم؟

توضیحات:

«كَيْفَ»: چگونه خواهد بود؟ چه حالی پیدا خواهند کرد؟ «شَهِيداً»: گواه (نگا: بقره / ۱۴۳).

سوره نساء آیه ۴۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَعَصَوُاْ ٱلرَّسُولَ لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ وَلَا يَكۡتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثٗا ٤٢﴾

ترجمه:

در آن روز (که چنین کارهائی به وقوع پیوندد) کسانی که کفر را برگزیده و از فرمان پیغمبر سر بر تافته‌اند، دوست می‌دارند که کاش (همان گونه که مردگان را در خاک دفن می‌کنند و خاک بر پیکرشان می‌ریزند، ایشان را نیز در دل خاک دفن می‌کردند و) زمین (مزار ایشان) را بر روی آنان صاف می‌کردند (و همچون مردگان در خاک پنهان می‌شدند و چنین شرمندگی و درد و رنجی را نمی‌دیدند. در آن روز آنان) نمی‌توانند (کردار یا) گفتاری را از خدا پنهان سازند.

توضیحات:

﴿لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ﴾ : کاش زمین بر روی آنان صاف می‌شد! کاش می‌شد زمین از هم بشکافد و آنان را ببلعد و دوباره به هم برآید! کاش همچون زمین خاک بودند و از عقاب و عذاب می‌رستند!.

سوره نساء آیه ۴۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعۡلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ٤٣﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید به نماز نایستید تا آن گاه که می‌دانید چه می‌گوئید، و به نماز نایستید در حالی که جنب هستید تا آن گاه که غسل می‌کنید، مگر این که مسافر باشید. و اگر مریض یا مسافر بودید و یا این که از پیشاب برگشتید، و یا این که با زنان نزدیکی کردید و (در همه این احوال) آبی نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید و (برای این منظور، با خاک) چهره و دست‌هایتان را مسح کنید. بی‌گمان خداوند عفوکننده و آمرزنده است.

توضیحات:

﴿لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ﴾: در حال مستی نماز نخوانید. این فرمان، مقدّمه تحریم میخوارگی بود و سپس برابر سوره بقره آیه ۲۱۹ و سوره مائده آیه‌های

۹۰ و ۹۱ به طور قطعی حکم تحریم شرف نزول یافت. معنی دیگر «لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ»، این است که «لا تَقْرَبُوا مَواضِعَ الصَّلاةِ». یعنی: به مساجد نروید. «سُکَارَیا»: جمع سَکران، مستان. ﴿وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِی سَبِیلٍ﴾: در حالی که جنب هستید به مساجد نروید مگر این که از آنجا عبور کنید. در حالی که جنب هستید نماز نخوانید مگر مسافر باشید. «مَرْضَیا»: جمع مریض، بیماران. «الْغَآئِطِ»: زمین گود. مراد پیشاب و قضای حاجت است. «لامَسْتُمْ»: آمیزش جنسی کردید. لمس نمودید. «صَعِیداً»: سطح زمین. زمین. خاک. مفعولٌبه (تیمّموا) است یا منصوب به نزع خافض است. یعنی «فَتیمّموا بِصَعیدٍ». «عَفُوّاً»: بسیار عفوکننده. بسیار زداینده گناهان.

سوره نساء آیه ۴۴

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبًا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يَشۡتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ٤٤﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینی کسانی که بهره‌ای از کتاب (های آسمانی سابق) بدی‌شان داده شده است، (با بهای هدایت)، ضلالت را می‌خرند و می‌خواهند که شما (نیز همچون ایشان) گمراه شوید؟

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ إِلَیا»: مگر نمی‌بینی؟ مگر بی‌خبری؟

سوره نساء آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرًا٤٥﴾

ترجمه:

خداوند (از شما) بهتر دشمنانتان را می‌شناسد، و کافی است که خدا سرپرست (و نگهدارتان) باشد، و کافی است که خدا یاور (و مددکارتان) باشد.

توضیحات:

«کَفَیا»: کافی است. بسنده است.

سوره نساء آیه ۴۶

متن آیه:

﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ وَرَٰعِنَا لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ وَطَعۡنٗا فِي ٱلدِّينِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا وَٱسۡمَعۡ وَٱنظُرۡنَا لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَقۡوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ٤٦﴾

ترجمه:

برخی از یهودیان سخنان را از جاهای خود منحرف می‌گردانند (و کلام را از معانی اصلی به دور می‌دارند و وارونه و چندگونه و چند پهلو صحبت می‌کنند) و می‌گویند: شنیدیم (سخن تو را و به کار نگرفتیم!) و فرمان نبردیم (و جز عصیان نیفزودیم!) بشنو (سخنان ناروا و کاش نشنوی جز) ناشنیدنی را. و (می‌گفتند:) ما را بپای (ولی) زبان را پیچ می‌دادند (و به جای: راعِنا، راعینا، یعنی چوپان ما، یا راعِناً، یعنی: نازیبا، می‌گفتند...) و (هدف‌شان) ریشخند دین بود (و نفرین رسول!) ولی اگر آنان (به جای این همه سخنان ناروا و کارهای نازیبا) می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و (سخنان ما را) بشنو و به ما مهلت بده (تا حقائق را درک کنیم) به نفع و صلاح ایشان بود و (با واقعیت سازگارتر و) درست‌تر، ولیکن خداوند آنان را به سبب کفرشان نفرین نموده است (و از رحمت خود مطرود و محروم فرموده است) و لذا جز شمار اندکی ایمان نمی‌آورند (و داعی حق را لبّیک نمی‌گویند).

توضیحات:

«الْكَلِمَ»: کلام. سخن. «غَيْرَ مُسْمَعٍ»: ناشنیدنی. حرف بد نشنوی. گوش شنوا نداشته باشی. جز بد نشنوی. جز نیک نشنوی. واژه (غَيْرَ) حال است. «لَيّاً»: پیچ‌دادن. از ماده (لوی). مصدر است و به معنی (لاوینَ) به کار رفته است و حال می‌باشد. (نگا: آل عمران / ۷۸). «طَعْناً»: تمسخرکردن. مورد استهزاء قراردادن. (طَعْناً) عطف بر (لَيّاً) است و به معنی (طَاعِنِينَ) است (نگا: مائده / ۵۷ – ۵۹). «أَقْوَم»: دادگرانه‌تر و به صواب نزدیک‌تر. شایسته‌تر.

سوره نساء آیه ۴۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبۡلِ أَن نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولًا ٤٧﴾

ترجمه:

ای کسانی که کتاب (آسمانی) به شما داده شده است! ایمان بیاورید بدانچه (از قرآن بر محمّد) نازل کرده‌ایم و تصدیق‌کننده چیزی است که (از کتاب آسمانی) با خود دارید، پیش از آن که (عذابی نصیب شما کنیم و بدان وسیله آثار) چهره‌هائی را محو کنیم (و در آنها چشم و گوش و ابرو و بینی و لبی بر جای نگذاریم) و آنها را برگردانیم (و همچون قسمت پشت خود صاف و زشت گردند)، یا پیش از آن که ایشان را از رحمت خود بی‌بهره سازیم همان‌گونه که یاران شنبه را (یعنی آنانی که در روز شنبه ماهی می‌گرفتند) نفرین کرده و نابود نمودیم. و فرمان خدا انجام‌شدنی است.

توضیحات:

«نَطْمِسَ»: محو کنیم. بزدائیم. وارونه و دگرگون کنیم. «وُجُوهاً»: چهره‌ها. اشخاص. « نَلْعَنَهُمْ»: نفرینشان کنیم. هلاکشان سازیم. «أَصْحَابَ السَّبْتِ»: پیروان شنبه. یهودیانی که نافرمانی خدا کردند و در روز شنبه ماهی‌گیری نمودند و مورد خشم او قرار گرفتند (نگا: اعراف / ۱۶۳ - ۱۶۶).

سوره نساء آیه ۴۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ٤٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.

توضیحات:

«مَا دُونَ»: کمتر از. جدای از. «إِفْتَرَیا»: به هم بافته است. بهتان‌کنان و دروغ‌زنان، مرتکب گردیده است.

سوره نساء آیه ۴۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمۚ بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا٤٩﴾

ترجمه:

مگر آگاه نیستی از کسانی که خویشتن را پاک می‌شمارند (و با لاف و گزاف خود را متّقی قلمداد می‌نمایند؟). بلکه (این تنها) خدا است که (چنان که باید پاکان و ناپاکان را از هم می‌شناسد و) کسانی را که خود بخواهد پاک می‌دارد (و می‌شمارد و به راه راست هدایت می‌نماید و به کسی کمترین ستمی روا نمی‌دارد) و بدی‌شان به اندازه نخ هسته خرما هم ظلم و جور نمی‌شود.

توضیحات:

«يُزَكُّونَ»: پاک می‌شمارند. خود را بیهوده می‌ستایند و در تمجید و تعریف خود می‌کوشند (نگا: بقره / ۱۱۱ و مائده / ۱۸). «فَتِيلاً»: نخ‌گونه و رشته باریکی که در شکاف هسته خرما وجود دارد که در کمی و ناچیزی بدان ضرب‌المثل می‌زنند. این واژه می‌تواند مفعول دوم یا تمییز باشد.

سوره نساء آیه ۵۰

متن آیه:

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمًا مُّبِينًا٥٠﴾

ترجمه:

بنگر که چگونه به خدا دروغ می‌بندند (و خویشتن را فرزندان خدا و عزیزان او می‌دانند و می‌گویند که جز یهودیان و مسیحیان کسی به بهشت نمی‌رود). (نگا: بقره / ۱۱۱ و مائده / ۱۸) و همین دروغ کافی است که گناه آشکاری باشد (و بیان‌گر نیت کثیف و عمل زشت ایشان گردد).

توضیحات:

«كَفَىا بِهِ»: این دروغ و بهتان کافی است. «إِثْمـاً»: گناه. تمییز است. «مُبِيناً»: آشکار.

از مصدر (إِبانَه) که گاهی لازم است و گاهی متعدّی. در اینجا به صورت لازم به کار رفته است.

سوره نساء آیه ۵۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا٥١﴾

ترجمه:

آیا در شگفت نیستی از کسانی که بهره‌ای از (دانش) کتاب (آسمانی) بدی‌شان رسیده است (چگونه خویشتن را از هدایت کتاب‌های یزدان و راهنمائی خرد و فطرت و ندای وجدان به دور داشته‌اند و) به بتان و شیطان ایمان می‌آورند (و به دنبال اوهام و خرافات راه می‌افتند و به پرستش معبودهای باطل می‌پردازند) و درباره کافران (قریش) می‌گویند که اینان از مسلمانانی برحقّ‌تر و راه‌یافته‌ترند (که اسلام را قبول و محمّد را به پیشوائی پذیرفته‌اند)!.

توضیحات:

«جِبْت»: هر چیزی که جز خدا پرستیده شود، اعم از شیطان یا جادوگر یا غیبگو و... «طَاغُوت»: هر معبودی جز خدا. هر کس و هر چیزی که اطاعت از آن، مایه طغیان و دوری از راه حق شود، چه آفریده‌ای که پرستیده شود، و چه فرماندهی که در شرّ و بدی از او فرمانبرداری گردد، و چه اهریمنی باشد که انسان را از راه بدر برد. مفرد و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. ﴿يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ﴾: درباره مشرکان می‌گفتند. حرف لام به معنی (فِي) است (نگا: احقاف / ۷ و۱۱).

سوره نساء آیه ۵۲

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَمَن يَلۡعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا٥٢﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خداوند ایشان را نفرین نموده است (و از رحمت خود محروم کرده است و رسوایشان داشته است) و هر که را خداوند نفرین کند (و از درگاه

مرحمت و محبّت خود براند) کسی را نخواهی یافت که یاور او گردد (و وی را از خشم خدا پناه دهد و برهاند).

توضیحات:

«نَصِیراً»: یاور. مددکار. صیغه مبالغه (ناصر) است.

سوره نساء آیه ۵۳

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُلۡكِ فَإِذٗا لَّا يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا٥٣﴾

ترجمه:

آیا آنان را بهره‌ای از ملک است؟ (اگر ملک و قدرت در دست ایشان بود) در این صورت (پشیزی و سرسوزنی و حتّی به) اندازه سوراخ هسته خرما (که از آن خرما جوانه می‌زند و ناچیزترین شیء بشمار است) به مردم نمی‌دادند.

توضیحات:

«أَمْ»: آیا. بلکه آیا. «مُلْك»: حکومت و سلطنت. سلطه و قدرت. «نَقِیراً»: نقطه‌ای در پشت هسته خرما. گودی سوراخ‌گونه‌ای در پشت هسته خرما. چیز کم و بی‌ارزش را بدان مثل می‌زنند، همان‌گونه که در فارسی به پشیز و سرسوزن مثل می‌زنند.

سوره نساء آیه ۵۴

متن آیه:

﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا٥٤﴾

ترجمه:

آیا آنان بر چیزی حسد می‌برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود (با برانگیختن محمّد) به مردم (عرب) داده است؟ ما که به آل ابراهیم (که ابراهیم نیای شما و ایشان است) کتاب (آسمانی) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم. (مانند: سلطنت یوسف در مصر، و شاهی داود و سلیمان در شام).

توضیحات:

«النَّاس»: توده مردم. در اینجا مراد پیغمبر، یا او و مؤمنان، و یا ملّت عرب است. «الْحِكْمَة»: شناخت اسرار شریعت و رموز اشیاء. فهم اسرار موجود در کتاب آسمانی.

نبوّت. «مُلْكاً عَظِيماً»: مراد حکومت بر دل‌ها یا سلطنت بر ممالک از سوی برخی از پیغمبران ابراهیمی است.

سوره نساء آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا٥٥﴾

ترجمه:

ولی جمعی از آنان که (ابراهیم و آل ابراهیم در میان‌شان مبعوث شده بودند) به کتاب (آسمانی مُنزَل بر خود) ایمان آوردند، و در میان‌شان کسانی بوده‌اند که دیگران را از کتاب آسمانی بازداشته‌اند و خود نیز از آن رویگردان شده‌اند، آتش فروزان و زبانه‌کشان دوزخ (برای چنین افراد روگردان و بازدارنده) بسنده است.

توضیحات:

«بِهِ»: مرجع ضمیر (ه) کتاب، پیغمبر اسلام، ابراهیم، و آل ابراهیم می‌تواند باشد. «صَدَّ عَنْهُ»: از آن جلوگیری کرد. از آن انصراف پیدا کرد و بدان پشت نمود. «سَعِیراً»: سوزان و فروزان.

سوره نساء آیه ۵۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا٥٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که آیات و دلائل ما را انکار کرده و انبیاء ما را تکذیب نموده‌اند، بالاخره ایشان را به آتش شگفتی وارد می‌گردانیم و بدان می‌سوزانیم. هر زمان که پوست‌های (بدن) آنان بریان و سوخته شود، پوست‌های دیگری به جای آنها قرار می‌دهیم تا (چشش درد، مستمر باشد و) مزه عذاب را بچشند. خداوند، توانا (بر عذاب منکران و کافران و) حکیم است (و از روی حکمت کیفر می‌دهد).

توضیحات:

«نَضِجَتْ»: بریان شد. سوخت.

سوره نساء آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَنُدۡخِلُهُمۡ ظِلّٗا ظَلِيلًا٥٧﴾

ترجمه:

و امّا کسانی را که (بدانچه به‌سویشان آمده است) ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به باغهائی (از بهشت برین) وارد خواهیم ساخت که رودبارها در زیر (درختان) آنها جاری است. در آنجاها (زندگانیشان هرگز پایان نمی‌گیرد و) جاودانه تا به ابد می‌مانند. در آنجاها همسران پاکیزه‌ای (و به دور از آلودگی‌ها و عیب‌ها) دارند. و آنان را (زندگی پرناز و نعمتی می‌دهیم و) به سایه (عزّت و رفاهیت) گسترده‌ای داخل می‌گردانیم.

توضیحات:

«ظِلاًّ»: سایه. مراد نعمت و رفاهیت همیشگی است. «ظَلِیلا»: سایه‌دار. دائم. «ظِلاً ظَلِیلاً»: مراد ناز و نعمت فراوان و رفاهیت جاویدان است. عرب‌ها وقتی که بخواهند در چیزی مبالغه کنند، از لفظ واژه مورد نظر صفتی برای کلمه می‌سازند. مثلاً می‌گویند: «لَیْلٌ أَلْیَلُ ، یَوْمٌ أَیْوَمُ ، شِعْرٌ شاعِرٌ، ظِلٌّ ظَلیلٌ».

سوره نساء آیه ۵۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا٥٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که امانت‌ها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده، و چه چیزهائی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته‌اند) به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید. (این اندرز خدا است و آن را آویزه گوش خود سازید و بدانید که) خداوند شما را به بهترین اندرز پند می‌دهد (و شما را به انجام نیکیها می‌خواند). بی‌گمان خداوند دائماً شنوای (سخنان و) بینا (ی کردارتان) بوده و

می‌باشد (و می‌داند چه کسی در امانت خیانت روا می‌دارد یا نمی‌دارد، و چه کسی دادگری می‌کند یا نمی‌کند).

توضیحات:

«الأَمَانَاتِ»: امانت‌ها. هر چیز که حق دیگران بدان تعلّق گیرد و نگهداری و پس‌دادن آن به صاحب آن واجب باشد. دانش امانت است. مال امانت است. تکالیف خدا و ودائع مردم امانت است. «حَكَمْتُمْ»: داوری کردید. «نِعِمّا»: بهترین چیز. اصل آن: نِعْمَ ما است.

سوره نساء آیه ۵۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمّد مصطفی با تمسّک به سنّت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حقّگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنّت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنّت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنّت) برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است.

توضیحات:

«أُوْلِي‌الأمْرِ»: کارداران. کارگزاران. امراء و فرمانروایان. «مِنكُمْ»: از خودتان. یعنی کارداران و حکام باید مسلمان باشند و در راه شریعت، و نه معصیت گام بردارند. «تَأْوِيلاً»: از حیث عاقبت و سرانجام.

سوره نساء آیه ۶۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ

أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا۝٦٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! آیا تعجّب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتاب‌های آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند)؟!. و حال آن که بدی‌شان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند. و اهریمن می‌خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند.

توضیحات:

«یَزْعُمُونَ»: گمان می‌برند. بر این اندیشه‌اند. می‌گویند. «أَن یَتَحاکَمُوا»: این که داوری طلب کنند. «الطَّاغُوت»: آنچه اطاعت از او مایه افزایش طغیان و دوری از حق و حقیقت گردد (نگا: بقره / ۲۵۶). «بَعِیداً»: فراوان.

سوره نساء آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا۝٦١﴾

ترجمه:

و زمانی که بدی‌شان گفته شود: به‌سوی چیزی بیائید که خداوند آن را (بر محمّد) نازل کرده است، و به‌سوی پیغمبر روی آورید (تا قرآن را برای شما بخواند و رهنمودتان دارد)، منافقان را خواهی دید که سخت به تو پشت می‌کنند (و از تو می‌گریزند و دیگران را نیز از تو باز می‌دارند).

توضیحات:

«تَعَالَوْا»: بیائید. «صُدُوداً»: پشت‌کردن. بازداشتن.

سوره نساء آیه ۶۲

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّآ إِحۡسَٰنٗا وَتَوۡفِيقًا ٦٢﴾

ترجمه:

امّا چگونه است که چون به سبب (خبث نفوس و سوء) اعمال‌شان بلائی بدانان رسد (و پناهی جز تو نداشته باشند) به پیش تو می‌آیند و به خدا سوگند می‌خورند که ما (از اقوال و اعمال خود منظوری و) مقصودی جز خیرخواهی (مردم) و اتّحاد (ملّت) نداشته‌ایم.

توضیحات:

«إِنْ أَرَدْنَا»: اراده نکرده‌ایم. نخواسته‌ایم. (إِنْ) حرف نفی و به معنی (ما) است. «إِحْسَاناً»: خیرخواهی. نیکوکاری. «تَوْفِيقاً»: صلح و صفا راه‌انداختن. اتّحاد و اتّفاق بخشیدن.

سوره نساء آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَعِظۡهُمۡ وَقُل لَّهُمۡ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَوۡلَۢا بَلِيغٗا ٦٣﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خداوند می‌داند در دل‌هایشان چیست (و پندارشان بر چه روال و گفتارشان در چه مسیری است). پس از ایشان کناره‌گیری کن (و به سخنان‌شان توجّه مکن و به‌سوی حق دعوت‌شان نما) و اندرزشان بده و با گفتار رسائی که به (اعماق) درون‌شان رسوخ کند با آنان سخن بگوی (و نتائج اعمال‌شان را بدی‌شان گوشزد نما).

توضیحات:

«أَعْرِضْ عَنْهُمْ»: از ایشان روی بگردان. مراد عدم توجّه به منافقان و خودداری از معاقبه آنان به خاطر مصلحت در آن زمان و اوان است. «بَلِيغاً»: رسا. مؤثّر.

سوره نساء آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابٗا رَّحِيمٗا٦٤﴾

ترجمه:

و هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم مگر بدین منظور که به فرمان خدا از او اطاعت شود (پس اطاعت از او، اطاعت از خدا، و سرکشی از دستور او، سرکشی از دستور خدا بوده است). و اگر آنان بدان هنگام که (با نفاق و دروغگوئی و زیر پاگذاشتن فرمان خدا) به خود ستم می‌کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌نمودند و پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می‌کرد، بی‌گمان خدا را بس توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

توضیحات:

سوره نساء آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا٦٥﴾

ترجمه:

امّا، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند.

توضیحات:

«شَجَرَ»: درگرفت. کشمکش و اختلاف شد. «حَرَجاً»: دلتنگی، ناراحتی. «قَضَیْتَ»: داوری کردی.

سوره نساء آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّا كَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَنِ ٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ أَوِ ٱخۡرُجُواْ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٞ مِّنۡهُمۡۖ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَشَدَّ تَثۡبِيتٗا٦٦﴾

ترجمه:

و اگر ما (با تعیین تکلیفات طاقت‌فرسائی همچون جهاد مستمر) بر آنان واجب می‌کردیم که (در راه خدا، خود را در معرض تلف قرار داده و) خویشتن را بکشید، و یا این که (برای جهاد ترک یار و دیارتان کنید و) از سرزمین خود بیرون روید، این کار را جز گروه اندکی از آنان انجام نمی‌دادند (و اطاعت فرمان نمی‌کردند). و اگر اندرزهائی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند (و دستور را به کار می‌بستند، در دنیا و آخرت) برای آنان بهتر بود و (ایمان) ایشان را پابرجاتر می‌کرد.

توضیحات:

«أُقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ»: خویشتن را بکشید. مراد این که در راه خدا جهاد کنید و خود را به کشتن دهید و دشمنان همنوع خود را بکشید. «تَثْبِيتاً»: پابرجا و استوار کردن.

سوره نساء آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَإِذٗا لَّأٓتَيۡنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجۡرًا عَظِيمٗا٦٧﴾

ترجمه:

و در این صورت، از سوی خود پاداش بزرگی بدی‌شان می‌دادیم.

توضیحات:

«مِن لَّدُنَّا»: از جانب خود.

سوره نساء آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَلَهَدَيۡنَٰهُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا٦٨﴾

ترجمه:

و هر آینه آنان را به راه راستی (که افراط و تفریطی در آن نمی‌باشد و به بهشت منتهی می‌شود) رهنمود می‌کردیم.

توضیحات:

سوره نساء آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ

وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا﴿٦٩﴾

ترجمه:

و کسی که از خدا و پیغمبر (با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان) اطاعت کند، او (در روز رستاخیز به بهشت رود و همراه و) همنشین کسانی خواهد بود که (مقرّبان درگاهند و) خداوند بدی‌شان نعمت (هدایت) داده است (و مشمول الطاف خود نموده است و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است. آن مقرّبانی که او همدمشان خواهد بود، عبارتند) از پیغمبران و راستروان (و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند و بر راه آنان رفتند) و شهیدان (یعنی آنان که خود را در راه خدا فدا کردند) و شایستگان (یعنی سایر بندگانی که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد)، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند!

توضیحات:

«وَحَسُنَ أُوْلٰئِكَ رَفِيقاً»: آنان چه دوستان نیکو و خوبیند. واژه (رَفِيقاً) تمییز یا حال است، و تقدیر چنین است که: مِن جِهَةِ «كَوْنِهِمْ رُفَقَآءَ لِلْمُطِيعِينَ»؛ یا این که: حالَ «كَوْنِهِمْ رُفَقَآءَ لِلْمُطِيعِينَ». علّت مفرد آمدن رفیق این است که در وزن (فَعیل) مفرد و غیرمفرد یکسان است. یا در باب تمییز به مفرد اکتفاء شده است، و...

سوره نساء آیه ۷۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمٗا﴿٧٠﴾﴾

ترجمه:

این (منزلت بزرگی که به مطیعان فرمان خدا و پیغمبر داده می‌شود) موهبتی از سوی خدا (برای ایشان) است و (خداوند باخبر از اعمال بندگان است و پاداش ایشان را به بهترین وجه می‌دهد، و برای بندگانی که راه طاعت او می‌پویند و رضای وی می‌جویند) کافی است که خدا آگاه باشد.

توضیحات:

«ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ»: ذٰلِكَ مبتدا، وفَضْل عطف بیان، و مِنَ اللهِ خبر است. یا این که فَضْل خبر اوّل و مِنَ اللهِ خبر دوم است.

سوره نساء آیه ۷۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعٗا٧١﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! احتیاط نمائید و آمادگی خود را (برای مقابله با دشمنان) حفظ کنید، و (برابر تاکتیک زمان و مکان) دسته دسته یا همگی با هم (به‌سوی جنگ) بیرون روید.

توضیحات:

«حِذْر»: احتیاط. آماده باش. سلاح و ابزار. «إِنفِرُوا»: بیرون روید. «ثُبَات»: جمع مؤنّث سالم ثُبَة از ماده (ثَبْي)، دسته‌ها، گروه‌ها. حال ضمیر (و) در (إِنفِرُوا) اوّل است. «جَمِيعاً»: همگی، حال ضمیر (و) در (إِنفِرُوا) دوم است.

سوره نساء آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَإِنَّ مِنكُمۡ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنۡ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَالَ قَدۡ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيَّ إِذۡ لَمۡ أَكُن مَّعَهُمۡ شَهِيدٗا٧٢﴾

ترجمه:

در میان شما گروهی هستند که (منافقند و خویشتن را جزو شما قلمداد می‌نمایند و به جهاد نمی‌روند و) سستی می‌کنند و دیگران را نیز سست می‌نمایند و از جنگ بازمی‌دارند. پس اگر مصیبتی به شما رسید (طعنه‌زنان) می‌گویند: به راستی خداوند به ما لطف فرمود که جزو آنان (در جنگ) شرکت نداشتیم.

توضیحات:

«مَنْ»: کسی که. در اینجا مراد گروه منافقانی است که به زبان، خود را مسلمان می‌دانستند، و (مِنكُمْ) بیان‌گر این گفته بی‌محتوای آنان است. «يُبَطِّئَنَّ»: سستی و کندی می‌کنند. دیگران را سست و کند می‌سازند. «شَهِيداً»: حاضر.

سوره نساء آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ يَٰلَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴿۷۳﴾﴾

ترجمه:

و اگر رحمت خدا دربرتان گرفت (و پیروزی و غنیمتی به شما دست داد) درست مثل این که هرگز میان شما و ایشان مودّت و دوستی نبوده، می‌گویند: ای کاش! ما هم با آنان می‌بودیم و (از این پیروزی و دستاورد فراوانِ غنیمت) بسی بهره می‌بردیم.

توضیحات:

﴿يَٰلَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ﴾: ای کاش با آنان می‌بودیم! البتّه آرزوی بودن‌شان به خاطر عزّت اسلام نبود، بلکه برای طلب مال دنیا بود.

سوره نساء آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَلْيُقَٰتِلْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشْرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْأٓخِرَةِۚ وَمَن يُقَٰتِلْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴿۷۴﴾﴾

ترجمه:

باید در راه خدا کسانی جنگ کنند که زندگی دنیا را به آخرت می‌فروشند (و فانی را با باقی معاوضه می‌کنند). و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته شود و یا این که پیروز گردد، (در هر دو صورت در آخرت) پاداش بزرگی بدو می‌دهیم.

توضیحات:

«فَلْيُقَاتِلْ»: باید جنگ کند و به پیکار پردازد. «الَّذِينَ»: فاعل فَلْيقاتِلْ است. «يَشْرُونَ»: می‌فروشند. فعل ثلاثی مجرّد و از باب دوم است.

سوره نساء آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهْلُهَا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا

وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴿٧٥﴾

ترجمه:

چرا باید در راه خدا و (نجات) مردان و زنان و کودکان درمانده و بیچاره‌ای نجنگید که (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمکارند (و بر ما بیچارگان ستم روا می‌دارند) خارج ساز، و از جانب خود سرپرست و حمایت‌گری برای ما پدید آور، و از سوی خود یاوری برایمان قرار بده (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).

توضیحات:

«مَا لَکُمْ»: شما را چه رسیده است؟ کی سزاوار شما است؟ «الْـمُسْتَضْعَفِینَ»: کسانی که بر اثر ستم یا فشار دیگران، از نظر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و غیره تضعیف شده باشند و تاب و توان مبارزه آن چنانی برای‌شان نمانده باشد. «الْوِلْدَان»: جمع وَلید: کودکان. بندگان. «الْقَرْیَة»: شهر. مراد مکه به طور خاصّ و هرگونه شهر و دیاری به طور عام است. «الظَّالِـمِ أَهْلُهَا»: اهل آنجا ستمگرند. واژه (ظالم) صفت (قریة) و با توجّه به اهل مذکر آمده است. و واژه (اهل) فاعل (ظالم) است.

سوره نساء آیه ۷۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓاْ أَوۡلِيَآءَ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا﴿٧٦﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه یزدان می‌جنگند، و کسانی که کفرپیشه‌اند، در راه شیطان می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید. بی‌گمان نیرنگ شیطان همیشه ضعیف بوده است.

توضیحات:

«الطَّاغُوت»: در اینجا مراد شیطان است که انسان را به کفر و طغیان می‌خواند.

سوره نساء آیه ۷۷

متن آیه:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓاْ أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُواْ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا ٱلْقِتَالَ لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ وَٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾﴾

ترجمه:

آیا نمی‌بینی (ای محمّد و تعجّب نمی‌کنی از) کسانی که (پیش از آن که اجازه جنگ صادر شود، نسبت به جنگ علاقه نشان می‌دادند و هر چند) بدی‌شان گفته می‌شد: (وقت جهاد فرا نرسیده است؛) دست از جنگ بدارید و نماز را برپا دارید و زکات مال بدر کنید (در ظاهر شتاب می‌کردند و گوششان به کسی بدهکار نبود). امّا وقتی که جنگ بر آنان واجب گردید (و فرمان جهاد داده شد) بدین هنگام دسته‌ای از ایشان از مردم همان‌گونه ترسیدند و هراس برداشتند که از خدا ترس و هراس داشتند! و بلکه بیشتر هم دچار خوف و وحشت شدند! و گفتند: پروردگارا! چرا (بدین زودی) جنگ را بر ما واجب کردی؟ چه می‌شد اگر به ما فرصت بیشتری می‌دادی (تا از لذائذ دنیا بهره می‌گرفتیم؟). بگو: کالای دنیا اندک است و آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است، (و جزای شما داده شود) و کمترین ستمی به شما نشود.

توضیحات:

«کُفُّوا أَیْدِیَکُم»: دست نگاه دارید. دست بکشید. «فَرِیق»: گروه. دسته. «أَشَدَّ خَشْیَةً»: بلکه ترس بیشتری. (أَشَدَّ) مجرور است و چون غیرمنصرف است فتحه به جای کسره به کار رفته است و عطف بر (اللهِ) است. و (خَشْیَةً) تمییز است. «أَجَل»: مدّت. «فَتِیلاً»: رشته‌گونه‌ای که در شکاف هسته خرما وجود دارد (نگا: نساء / ۴۹).

سوره نساء آیه ۷۸

متن آیه:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُواْ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِى بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۗ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ

ٱللَّهِۖ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلۡقَوۡمِ لَا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ حَدِيثٗا۝٧٨﴾

ترجمه:

هرکجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، اگرچه در برجهای محکم و استوار جایگزین باشید. (این ترسویان منافق) اگر خیر و خوبی (از قبیل پیروزی و غنیمت) بدی‌شان رسد، می‌گویند: این از سوی خدا است؛ و اگر بدی و مصیبتی (از قبیل خشکسالی و شکست) بدی‌شان رسد، می‌گویند: این از (شوم و نامبارکی) تو است! (بدانان) بگو: همه (آنچه از خوبی و بدی به شما می‌رسد) از سوی خدا است (و برابر قضا و قدر حق تعالی و بر پایه نظام علّت و معلول انجام می‌پذیرد). این مردمان را چه شده است که سخن نمی‌فهمند (و منطق سرشان نمی‌شود)؟

توضیحات:

«بُرُوج»: بُرجها. باروها. «مُشَيَّدَة»: محکم. بلند. «لا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ»: نمی‌فهمند. درک مطلب نمی‌کنند (نگا: بقره / ۷۱). «حَدِيثاً»: سخن.

سوره نساء آیه ۷۹

متن آیه:

﴿مَّآ أَصَابَكَ مِنۡ حَسَنَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٖ فَمِن نَّفۡسِكَۚ وَأَرۡسَلۡنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولٗاۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا۝٧٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! آنچه از خیر و خوبی (از قبیل: رفاه و نعمت و عافیت و سلامت) به تو می‌رسد، از (فضل) خدا (بر تو) است؛ و آنچه بلا و بدی (از قبیل: سختی و بیماری و درد و رنج) به تو می‌رسد از خود تو است (و به سبب قصور و گناهی است که مرتکب شده‌ای). ما شما را به عنوان پیغمبری برای (هدایت همه) مردم فرستاده‌ایم، و کافی است که خداوند گواه (بر تبلیغ تو و پذیرش یا عدم پذیرش آنان) باشد.

توضیحات:

«فَمِن نَّفْسِكَ»: از خود تو است. خطاب در اینجا به پیغمبر است و مراد تصویر نفس بشری است که نسبت به «خوب» و «بد» بی‌تفاوت آفریده نشده است، و الاّ از آن حضرت چیزی که سیئه و گناه باشد، به وقوع نپیوسته است.

سوره نساء آیه ۸۰

متن آیه:

﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ٨٠﴾

ترجمه:

هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است (چرا که پیغمبر جز به چیزی دستور نمی‌دهد که خدا بدان دستور داده باشد، و جز از چیزی نهی نمی‌کند که خدا از آن نهی کرده باشد) و هر که (به اوامر و نواهی تو) پشت کند (خودش مسؤول است و باک نداشته باش) ما شما را به عنوان مراقب (احوال) و نگهبان (اعمال) آنان نفرستاده‌ایم (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

توضیحات:

«تَوَلَّيا»: پشت کرد. روی بتافت. «حَفِيظاً»: محافظ. مراقب.

سوره نساء آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٞ فَإِذَا بَرَزُواْ مِنۡ عِندِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ غَيۡرَ ٱلَّذِي تَقُولُۖ وَٱللَّهُ يَكۡتُبُ مَا يُبَيِّتُونَۖ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ٨١﴾

ترجمه:

(این گروه متردّد) می‌گویند: (از اوامر و نواهی تو فرمانبرداری و) اطاعت (می‌شود). ولی هنگامی که از پیش تو برخاستند و رفتند، دسته‌ای از آنان در خفاء چیزی را تدارک می‌بینند که مخالف آن (اوامر و نواهی و) چیزهائی است که تو می‌گوئی (و ایشان را بدان‌ها گوشزد می‌نمائی)! خداوند چیزهائی را که در خفاء تدارک می‌بینند و به چاره‌جوئی می‌نشینند بر آنان (در صحیفه اعمالشان) می‌نویسد (و روزی، پادافره و جزایشان را می‌دهد). پس بدانان اعتنائی مکن (و از نقشه خائنانه ایشان باکی به خود راه مده) و به خدا توکل کن (و کار و بار خویش را بدو تفویض نما) و کافی است که خدا وکیل و حافظ (تو) باشد.

توضیحات:

«طَاعَةٌ»: سمعاً و طاعةً. فرمانبرداریم. خبر مبتدای محذوفی است و تقدیر آن چنین است: أَمْرُنَا طَاعَة. «بَرَزُوا»: بیرون رفتند. خارج شدند. «بَيَّتَ»: در خفاء چاره‌جوئی

کرد. در شب تدبیر و چاره‌اندیشی کرد. «أَعْرِضْ عَنْهُمْ»: بدی‌شان اعتناء مکن.

سوره نساء آیه ۸۲

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخْتِلَٰفًا كَثِيرًا ٨٢﴾

ترجمه:

آیا (این منافقان) درباره قرآن نمی‌اندیشند (و معانی و مفاهیم آن را بررسی و وارسی نمی‌کنند تا به وجوب طاعت خدا و پیروی امر تو پی ببرند و بدانند که این کتاب به سبب ائتلاف معانی و احکامی که در بر دارد و این که بخشی از آن مؤید بخش دیگری است، از سوی خدا نازل شده است؟) و اگر از سوی غیرخدا آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می‌کردند.

توضیحات:

«أَفَلا يَتَدَبَّرُونَ»: آیا بررسی نمی‌کنند و نمی‌اندیشند؟

سوره نساء آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا جَآءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ ٱلْأَمْنِ أَوِ ٱلْخَوْفِ أَذَاعُواْ بِهِۦۖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي ٱلْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسْتَنۢبِطُونَهُۥ مِنْهُمْۗ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَٱتَّبَعْتُمُ ٱلشَّيْطَٰنَ إِلَّا قَلِيلًا ٨٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که (خبر) کاری که موجب نترسیدن یا ترسیدن است (از قبیل: قوّت و ضعف، و پیروزی و شکست، و پیمان بستن با این قبیله و گسستن از آن قبیله) به آنان (یعنی منافقان یا مسلمانان ضعیف‌الایمان) می‌رسد، آن را (میان مردم) پخش و پراکنده می‌کنند (و اخبار را به گوش دشمنان می‌رسانند). اگر این‌گونه افراد، سخن گفتن در این‌باره را به پیغمبر و فرماندهان خود واگذارند (و خبرهائی را که می‌شنوند فقط به مسؤولان امور گزارش دهند) تنها کسانی از این خبر ایشان اطّلاع پیدا می‌کنند که اهل حلّ و عقدند و آنچه بایست از آن درک و فهم می‌نمایند. اگر فضل و رحمت خدا شما را در بر نمی‌گرفت (و شما را به اطاعت از خود و پیغمبرش، و برگشت امور به پیغمبر و مسؤولان کشوری و لشکری خویش هدایت نمی‌کرد) جز اندکی از شما همه

از اهریمن پیروی می‌کردید.

توضیحات:

«الأَمْنِ وَ الْخَوْفِ»: در اینجا مراد از امن و خوف چیزهائی است که موجب ترسیدن و نترسیدن می‌گردند. از قبیل: صلح و جنگ، پیروزی و شکست، و... «أَذَاعُوا»: پخش کردند. شائع نمودند. «رَدُّوهُ »: آن را تفویض کردند. آن را ارجاع دادند. آن را گزارش نمودند. «یسْتَنبِطُونَهُ»: آن را استخراج و استنباط می‌کنند. آن را می‌فهمند و از آن استفاده می‌نمایند. «مِنْهُمْ»: از ایشان. مرجع ضمیر (هُمْ) در عبارت: «یَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ»، پیغمبر و اولی‌الامر است.

سوره نساء آیه ۸۴

متن آیه:

﴿فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفۡسَكَۚ وَحَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأۡسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأۡسٗا وَأَشَدُّ تَنكِيلٗا٨٤﴾

ترجمه:

در راه خدا بجنگ (حتی اگر هم تنها باشی و باک نداشته باش. چرا که وعده نصرت و پیروزی به تو داده شده است). تو جز مسؤول (اعمال) خود نیستی. و مؤمنان را (هم به جنگ دعوت کن و بدان) ترغیب و تحریک نما. تا این که خداوند (در پرتو شجاعت تو و شجاعت مؤمنان) قدرت‌کافران را باز گیرد و (شما را برابر این وعده پیروز و مؤید گرداند. از قدرت و شکنجه کافران نترسید و بدانید که) قدرت خدا بیشتر و مجازات او سخت‌تر است.

توضیحات:

«حَرِّضْ»: ترغیب کن. تشجیع کن. «عَسَیا»: تا این که. «بَأْساً»: قوّت و قدرت. «تَنکِیلاً »: تنبیه. مجازات. از ماده نکال به معنی: عذاب.

سوره نساء آیه ۸۵

متن آیه:

﴿مَّن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةً حَسَنَةٗ يَكُن لَّهُۥ نَصِيبٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةٗ سَيِّئَةٗ يَكُن لَّهُۥ كِفۡلٞ مِّنۡهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقِيتٗا٨٥﴾

ترجمه:

کسی که (در میان مردم) میانجیگری کند و میانجیگری او پسندیده (شرع) باشد، نصیبی از (پاداش) آن خواهد داشت، و کسی که میانجیگری کند و میانجیگری او ناپسند (شرع) باشد، بهره‌ای از (پادافره) آن خواهد داشت، و (پشتیبانی از حق بی‌پاداش نمی‌ماند، و پشتیبانی از باطل بی‌پادافره نخواهد بود) خداوند بر هر چیزی چیره است (و همه چیز را می‌پاید).

توضیحات:

«يَشْفَعْ»: میانجیگری کند. یاری و کمک کند. «نَصِیب»: بهره. پاداش مضاعف (نگا: انعام / ۱۶۰). «كِفْلٌ»: بهره. پاداش برابر. پادافره. «مُقِيتاً»: چیره. مقتدر. نگهبان. حاضر و ناظر.

سوره نساء آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَسِيبًا ٨٦﴾

ترجمه:

هرگاه شما را درودی دادند (اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن) به گونه زیباتر و بهتر از آن یا (دست کم) همانند آن، آن را پاسخ گوئید. بی‌گمان خداوند حسابرس هر چیزی است (و حساب هر چیزی را دارد).

توضیحات:

«حُيِّيتُمْ»: بر شما سلام شد. «حَسِيباً»: مُحاسب. حسابرس.

سوره نساء آیه ۸۷

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا ٨٧﴾

ترجمه:

جز خدا، خدائی نیست. حتماً شما را (بعد از مرگ زنده می‌گرداند و) در روزی که شکی در (وقوع) آن نیست گرد می‌آورد. (خدا است که این را می‌گوید) و چه کسی از

خدا راستگوتر است؟!

توضیحات:

«حَدِيثاً»: سخن. تمییز است.

سوره نساء آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَمَا لَكُمْ فِي ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ وَٱللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓاْ أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُواْ مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾﴾

ترجمه:

شما (ای مؤمنان) چرا درباره منافقان دو دسته شده‌اید (و می‌گوئید: آیا آنان جزو مؤمنان یا از زمره کافرانند؟ صحیح است با آنان بجنگیم یا نجنگیم؟ قابل هدایتند یا اهل شقاوتند؟) و حال آن که خداوند به سبب اعمال‌شان (افکار) آنان را واژگونه کرده و به قهقراء برگردانده است (و فرودگاه دل‌شان خراب گشته است و آمادگی فرود طائر قدسی ایمان را از دست داده است). آیا می‌خواهید کسی را هدایت نمائید که خداوند (بر اثر کردار زشتش) گمراهش کرده است (و نعمت هدایت را از او گرفته است)؟ هر که را خدا گمراه کند، راهی برای او (به سوی هدایت) نخواهی یافت.

توضیحات:

«فِئَتَيْنِ»: دو دسته. حال ضمیر (کُمْ) است، یا خبر (أَصْبَحْتُمْ) محذوف است و تقدیر چنین است: «فَمَا لَكُمْ أَصْبَحْتُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ». «أَرْكَسَهُمْ»: آنان را واژگون و دگرگون نموده است. ایشان را بر اثر نفاق به‌سوی کفر برگشت داده است.

سوره نساء آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءً فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ أَوْلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَخُذُوهُمْ وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾﴾

ترجمه:

(شما می‌خواهید چنین منافقانی هدایت یابند و) آنان دوست می‌دارند که شما کافر شوید همان‌گونه که خود کافر شده‌اند و (در کفر با ایشان) مساوی شوید. پس در این

صورت یارانی از ایشان نگیرید (و آنان را از خود ندانید) تا آن گاه که (ایمان می‌آورند و) در راه خدا هجرت می‌کنند (و ایمان آوردن خود را با جهاد در راه اسلام ثابت می‌دارند). ولی اگر از این کار سر باز زدند (و همچنان به دشمنانگی و اقدامات کافرانه خود بر ضدّ شما ادامه دادند) آنان را هر کجا یافتید بگیرید و (اسیر کنید، و در صورت لزوم بکشید، و از میان ایشان یار و یاوری برنگزینید).

توضیحات:

«وَدُّوا»: دوست داشته‌اند و آرزو کرده‌اند. «سَوَآءً»: برابر. همگون. «حَیْثُ»: هر کجا. «وَلِیّاً»: دوست. یار. «نَصِیراً»: مددکار. یاور.

سوره نساء آیه ۹۰

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوۡ جَآءُوكُمۡ حَصِرَتۡ صُدُورُهُمۡ أَن يُقَٰتِلُوكُمۡ أَوۡ يُقَٰتِلُواْ قَوۡمَهُمۡۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمۡ عَلَيۡكُمۡ فَلَقَٰتَلُوكُمۡۚ فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا ۝٩٠﴾

ترجمه:

(چنین منافقانی را بکشید) مگر کسانی که با گروهی پیوند پیدا می‌کنند (و بدی‌شان پناه می‌برند) که میان شما و آنان پیمان است (و برابر آن، پناهندگان به شما و ایشان مصون از تعرّض باشند)، و یا کسانی که به پیش شما می‌آیند و نه سر جنگ با شما دارند و نه می‌خواهند با قوم خود بجنگند. و اگر خداوند می‌خواست ایشان را بر شما چیره می‌کرد و آنان با شما می‌جنگیدند. بنابراین اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرّض آنان شوید (و بلکه موظّفید دستی را بفشارید که برای صلح به‌سوی شما دراز شده است).

توضیحات:

یَصِلُونَ»: پناه می‌برند. می‌پیوندند. «مِیثَاق»: پیمان. «حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ»: سینه‌هایشان تنگ می‌گردد و میان انتخاب این یا آن در می‌مانند. «إِعْتَزَلُوکُمْ »: از شما کناره‌گیری و دوری کردند. «السَّلَمَ»: صلح. فرمانبرداری و تسلیم.

سوره نساء آیه ۹۱

متن آیه:

﴿سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَاۚ فَإِن لَّمۡ يَعۡتَزِلُوكُمۡ وَيُلۡقُوٓاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡۚ وَأُوْلَـٰٓئِكُمۡ جَعَلۡنَا لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ٩١﴾

ترجمه:

گروه دیگری را خواهید یافت که می‌خواهند (با اظهار ایمان در پیش شما) از ناحیه شما در امان باشند و (با اظهار کفر در پیش کافران) از ناحیه قوم خود در امان بمانند (و در زمان قدرت هر گروه خویشتن را فریبکارانه جزو آن دسته قلمداد کنند). هر زمان که به‌سوی کفر (یا جنگ با مسلمانان) خوانده شوند با سر در آن فرو می‌روند! پس اگر از شما دست نکشیدند و به ترک جنگ و دشمنی نگفتند و به شما پیشنهاد صلح ننمودند و دست‌بردار نشدند، آنان را بگیرید و (اسیر کنید و در صورت لزوم) ایشان را هر کجا یافتید بکشید. آنان کسانیند که ما (به سبب غدر و خیانت‌شان) دلیل آشکار و برهان واضحی برای (اسیر کردن یا کشتن) ایشان به دست شما داده‌ایم.

توضیحات:

«ءَاخَرِينَ»: دیگران. ﴿أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ﴾: این که از شما و قوم خود اطمینان حاصل کنند که در امان می‌مانند. «رُدُّوا»: برگردانده شدند. مراد این که از سوی مشرکان، به کفر و بت‌پرستی دعوت شدند. «الْفِتْنَةِ»: مراد از فتنه در اینجا کفر و جنگ با مسلمانان و بزهکاری است. «أُرْكِسُوا فِيهَا»: به بدترین وجه بدان افکنده می‌شوند. با سر به‌سوی آن باز گردانده می‌شوند و بدان می‌دوند. «ثَقِفْتُمُوهُمْ»: ایشان را دریافتید. بر آنان ظفر یافتید. «سُلْطَاناً»: حجّت و برهان. «مُبِيناً»: واضح و آشکار.

سوره نساء آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ

﴿وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٩٢﴾

ترجمه:

هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمن دیگری را بکشد مگر از روی خطا. کسی که مؤمنی را به خطا کشت باید که برده مؤمنی را آزاد کند و خون‌بهائی هم به کسان کشته بپردازد مگر این که آنان درگذرند (و از دریافت خون‌بها که صد شتر است، چشم‌پوشی کنند). اگر هم کشته، مؤمن و متعلّق به کافرانی بود که میان شما و ایشان جنگ و دشمنی بود، آزاد کردن برده مؤمنی دیه او است (و دیگر خونبهائی به ورثه کشته داده نمی‌شود). و اگر کشته، از زمره قومی بود که (کافر بودند و) میان شما و ایشان پیمانی برقرار بود (همچون اهل ذمّه و هم‌پیمانان مسلمانان) پرداخت خونبها به کسان مقتول و آزادکردن بنده مؤمنی دیه او است. اگر هم دسترسی (به آزاد کردن برده) نداشت باید دو ماه (قاتل) پیاپی و بدون فاصله روزه بگیرد. خداوند (این را برای) توبه (شما) مقرّر داشته است، و خداوند آگاه (از بندگان خود و) حکیم است (در آنچه مقرّر می‌دارد).

توضیحات:

«تَحۡرِير»: حرّیت بخشیدن. آزاد کردن. «رَقَبَةٖ»: گردن. مراد نفْس است و تسمیه کلّ به اسم جزء است. یا این که (رَقَبَة) برای تعبیر از تعداد بردگان بوده است، همچون: رأس. قبضه. دست. نفر. باب. و... «دِيَةٌ»: خون‌بها. از ماده (ودی). «مُسَلَّمَةٌ»: پرداخت شده. «يَصَّدَّقُوا»: تصدّق‌کنند. عفو کنند. فعل مضارع باب تفعّل است. «تَوۡبَةً»: قبول. تخفیف. پشیمانی. مفعولٌ‌له یا مفعول مطلق یا حال ضمیر (ه) در (عَلَيۡهِ) محذوف است.

سوره نساء آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ٩٣﴾

ترجمه:

و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را

به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر بشمار می‌آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می‌بیند.

توضیحات:

«خَالِداً»: جاودانه، (وقتی که قتل را حلال بداند). ماندگاری فراوان، (وقتی که قتل را حلال نداند). یادآوری: کیفر اخروی قتل عمد، جاودانه یا زمان بسیاری در آتش دوزخ ماندن، و خشم خدا، و دوری از رحمت الله، و عذاب عظیم قیامت است. علاوه از این‌ها، کیفر دنیوی قاتل به قوّت خود باقی است (نگا: بقره / ۱۷۸ و مائده / ۴۵).

سوره نساء آیه ۹۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞۚ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٩٤﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (برای جهاد) در راه خدا به مسافرت رفتید تحقیق کنید (که با چه کسانی می‌جنگید. آیا مسلمانند یا کافر) و به کسی که به شما سلام کرد (و سلام نشانه پذیرش اسلام است) مگوئید تو مؤمن نیستی و جویای مال دنیای (او) باشید. (بلکه سلام آنان را بپذیرید و پاسخ گوئید و بدانید) که در پیش خدا غنائم فراوانی است (و آن را برای شما تهیه دیده است و بسی بهتر از ثروت و غنیمت دنیای فانی است). شما پیش از این، چنین بودید (و کفر را گردن نهاده بودید و جنگ‌های شما تنها انگیزه غارتگری داشت.) ولی خداوند بر شما منّت نهاد (و نعمت اسلام را نصیبتان کرد) پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) تحقیق کنید. بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کنید باخبر است.

توضیحات:

«ضَرَبْتُمْ»: گام برداشتید. به مسافرت رفتید. «تَبَيَّنُوا»: روشن کنید. تحقیق کنید. «تَبْتَغُونَ»: می‌خواهید. «عَرَض»: حُطام. کالا و متاع فانی دنیا. «كَذٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ»: شما نیز پیش از این چنین وضعی را داشتید و کافر بودید. شما پیش از پذیرش اسلام

تنها به خاطر مال دنیا می‌جنگیدید.

سوره نساء آیه ۹۵

متن آیه:

﴿لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ غَيۡرُ أُوْلِي ٱلضَّرَرِ وَٱلۡمُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ دَرَجَةٗۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَفَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا٩٥﴾

ترجمه:

(جهاد با رعایت این همه احتیاطی که گذشت، بس بزرگ و ارزشمند است). مسلمانانی که (به جهاد نمی‌روند و در منازل خود) می‌نشینند، با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جان، در راه یزدان جهاد می‌کنند. خداوند مرتبه والائی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه خانه‌نشینان است، مگر چنین خانه‌نشینانی دارای عذری باشند (که ایشان را از بیرون شدن برای جهاد بازداشته باشد. در این صورت درخور سرزنش نیستند، و پاداش بزرگ خود را از خدا دریافت می‌دارند و مرتبه بالائی دارند). خداوند به هر یک (از دو گروه مجاهد و وانشستگان معذور) منزلت زیبا (و عاقبت والائی) وعده داده است. و خداوند مجاهدان را بر وانشستگان (بدون عذر) با دادن اجر فراوان و بزرگ، برتری بخشیده است.

توضیحات:

«الْقَاعِدُونَ»: نشستگان. واپس نشستگان با اجازه فرمانده. «غَيْرُ»: بدل یا صفت (الْقَاعِدُونَ) است. «أُوْلِي الضَّرَرِ»: زیان دیدگان. افراد معذور. مانند بیماران و کوران و لنگان. «أَجْراً عَظِيماً»: واژه (أَجْراً) می‌تواند مفعولٌ‌به دوم یا مفعول مطلق (فَضَّلَ) و یا منصوب به نزع خافض باشد.

سوره نساء آیه ۹۶

متن آیه:

﴿دَرَجَٰتٖ مِّنۡهُ وَمَغۡفِرَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا٩٦﴾

ترجمه:

درجات بزرگی از ناحیه خدا (بدانان داده می‌شود) همراه با مغفرت و رحمت (فراوان الله. و اگر لغزش‌هائی هم داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«دَرَجاتٍ»: مراتب و منازل گوناگون مجاهدان، یا مراد مرتبه و درجه عظیمی است که با توجّه به مراتب و منازل دیگر، گوئی یک مرتبه و درجه نیست، بلکه مراتب و درجات است. (دَرَجاتٍ) منصوب است و بَدَل (أَجْراً) می‌باشد.

سوره نساء آیه ۹۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ٩٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغ‌شان می‌روند و (می‌بینند که به سبب ماندن با کفّار در کفرستان، و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده‌اند، بدی‌شان می‌گویند: کجا بوده‌اید (که اینک چنین بی‌دین و توشه مرده‌اید و بدبخت شده‌اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنان که باید به انجام دستورات دین نرسیدیم! فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ جایگاه آنان دوزخ است، و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی!.

توضیحات:

«تَوَفَّاهُمْ»: جان ایشان را می‌گیرند. به قبض روح آنان می‌پردازند. «ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ»: ستمکاران به خود. در اصل: «ظَالِمِينَ أَنفُسِهِمْ» است که نون به هنگام اضافه حذف شده است. «مَصِيراً»: جایگاه. سرانجام.

سوره نساء آیه ۹۸

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا ٩٨﴾

ترجمه:

مگر بیچارگانی از مردان و زنان و کودکانی که کاری از آنان ساخته نیست و راه چاره‌ای نمی‌دانند.

توضیحات:

«الْوِلْدَان»: جمع وَلید، کودکان.

سوره نساء آیه ۹۹

متن آیه:

﴿فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعۡفُوَ عَنۡهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورٗا ٩٩﴾

ترجمه:

پس امید است که خداوند از آنان درگذرد (چون قدرت هجرت نداشته‌اند) و خداوند بس عفوکننده و آمرزنده است.

توضیحات:

«عَفُوّ»: بسیار عفوکننده.

سوره نساء آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿وَمَن يُهَاجِرۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُرَٰغَمٗا كَثِيرٗا وَسَعَةٗۚ وَمَن يَخۡرُجۡ مِنۢ بَيۡتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدۡرِكۡهُ ٱلۡمَوۡتُ فَقَدۡ وَقَعَ أَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٠٠﴾

ترجمه:

کسی که در راه خدا هجرت کند، سرزمین‌های فراخ و آزادی فراوان می‌بیند که بینی دشمنان را به خاک مذلّت می‌مالد، و گشایش و آسایش خواهد یافت. و هر که از خانه خود بیرون آید و به‌سوی (سرزمین‌های اسلامی) خدا و رسول هجرت کند، و سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر عهده خدا است، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«مُراغَماً»: سرزمین‌های هجرت فراوانی که در آنجاها گشایش و آسایش مادی و معنوی است و مایه حسرت و ذلّت دشمنان دین می‌شود. «وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَي اللهِ»: پاداش او در پیشگاه خدا ثابت می‌شود.

سوره نساء آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَقۡصُرُواْ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنۡ خِفۡتُمۡ أَن يَفۡتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْۚ إِنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ كَانُواْ لَكُمۡ عَدُوّٗا مُّبِينٗا ١٠١﴾

ترجمه:

هرگاه در زمین به مسافرت پرداختید و نماز را کوتاه خواندید (و چهار رکعتی‌ها را دو رکعت نمودید) گناهی بر شما نیست، اگر ترسیدید که کافران بلائی به شما برسانند و به فتنه‌ای گرفتارتان گردانند. بی‌گمان کافران دشمنان آشکار شمایند.

توضیحات:

«إِنْ خِفْتُمْ»: اگر ترسیدید. ذکر خوف برای شرط نیست و بلکه قید غالبی است و بیان‌گر واقعیت این امر است که سفر اغلب همراه با ترس و خوف از دشمنان بر اثر کثرت مشرکان است و الاّ قصر نماز یک حکم عمومی است و در همه سفرها قابل اجرا است و اختصاص به حالت ترس ندارد. مسأله قصر نماز مذکور در این آیه، درست همانند مسأله (رَبَآئِبُكُمُ اللاّتِي فِي حُجُورِكُمْ) مذکور در آیه ۲۳ همین سوره است.

سوره نساء آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡۗ وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ تَغۡفُلُونَ عَنۡ أَسۡلِحَتِكُمۡ وَأَمۡتِعَتِكُمۡ فَيَمِيلُونَ عَلَيۡكُم مَّيۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن كَانَ بِكُمۡ أَذٗى مِّن مَّطَرٍ أَوۡ كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓاْ أَسۡلِحَتَكُمۡۖ وَخُذُواْ حِذۡرَكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٠٢﴾

ترجمه:

زمانی که (تو، ای پیغمبر) در میان‌شان بودی و نماز (خوف) را برای‌شان بپا داشتی، دسته‌ای از آنان با تو به نماز ایستند، و باید که اسلحه خود را با خود داشته باشند، و وقتی که (نصف) نماز را با تو خواندند (سلام بدهند و به کشیک و نگهبانی

بپردازند و) شما را (از دشمنان) بپایند و دسته دیگری که هنوز نماز را نخوانده‌اند، بیایند و با تو به نماز ایستند و احتیاط خود را مراعات و اسلحه خود را داشته باشند. کافران دوست می‌دارند کاش از اسلحه و کالاهای خود غافل می‌شدید و آنان یکباره بر شما تاخت می‌آوردند (و غافلگیرتان می‌کردند و در حین نماز دمار از روزگارتان بر می‌آوردند). اگر از باران ناراحت بودید یا بیمار بودید، گناهی بر شما نخواهد بود که اسلحه خود را زمین بگذارید (ولی باز هم تا آنجا که ممکن است وسائل سبک دفاعی را از خود دور نکنید) و احتیاط خویش را بدارید. بی‌گمان خداوند برای کافران عذاب خوارکننده‌ای فراهم ساخته است.

توضیحات:

«لِیَأْخُذُوا»: فاعل این فعل، یعنی ضمیر (و) می‌تواند به نمازگزاران و یا کشیک دهندگان برگردد. «فَإِذا سَجَدُوا»: منظور از سجده در اینجا نماز است. یعنی: گروه اوّل یک رکعت را با امام می‌خوانند و امام پس از اتمام یک رکعت نماز را طول می‌دهد و اینان یک رکعت دیگر را به تنهائی می‌خوانند و سلام می‌دهند و به جبهه جنگ می‌روند. سپس گروه دوم می‌آیند و پشت سر امام می‌ایستند و یک رکعت را با او می‌خوانند و امام سلام می‌دهد و آنان بلند می‌شوند و رکعت دیگری را به تنهائی می‌خوانند و سلام می‌دهند. «حِذْر»: احتیاط. پرهیز. «فَیَمِیلُونَ»: یورش آورند. «مَیْلَةً»: یورش.

سوره نساء آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمۡۚ فَإِذَا ٱطۡمَأۡنَنتُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا ١٠٣﴾

ترجمه:

هرگاه نماز را به پایان بردید، خدای را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان افتاده (و در همه حال و احوال) یاد کنید (و حتّی در کشاکش روزگار و گرماگرم کشت و کشتار، خدا گوئید و خدا جوئید) و هنگامی که (ترس و هراسی نماند و) آرامش خود را باز یافتید، نماز را (به تمام و کمال و در وقت مشخّص) برپای دارید. بی‌گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.

توضیحات:

«قِيَاماً»: جمع قائم، ایستادگان. «قُعُوداً»: جمع قاعد، نشستگان. «جُنُوب»: جمع جنب، پهلوها. «إِطْمَأْنَنتُمْ»: اطمینان یافتید. به حال عادی برگشتید و آرامش خود را باز یافتید. «كِتَاباً»: فرض. واجب. «مَوْقُوتاً»: زماندار. دارای وقت معلوم و معین.

سوره نساء آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَهِنُواْ فِي ٱبْتِغَآءِ ٱلْقَوْمِۖ إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَۖ وَتَرْجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٠٤﴾

ترجمه:

در جستجوی قوم (کافری که اعلان جنگ نموده و می‌کوشند از همه سو بر شما تاخت آورند) سستی مکنید (و پیوسته در کمین ایشان باشید و با آنان برزمید). اگر (از جنگ و جراحات) درد می‌کشید، آنان هم مثل شما درد می‌کشند و رنج می‌برند، (ولی فرق شما و ایشان در این است که) شما چیزی از خدا می‌خواهید که آنان نمی‌خواهند (و آن رضای الله و بهشت جاویدان است) و خداوند آگاه (از اعمال شما و اعمال آنان، و) حکیم است (و به هر یک از شما و ایشان سزا و جزای کارتان را می‌دهد).

توضیحات:

«لا تَهِنُوا»: سست و ضعیف مشوید. از ماده (وهْن).

سوره نساء آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُۚ وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا ١٠٥﴾

ترجمه:

ما کتاب (قرآن را که مشتمل بر حق و بیان‌گر هر آن چیزی که حق است) به حق بر تو نازل کرده‌ایم تا (مشعل راه هدایت باشد و بدان) میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است داوری کنی، و مدافع خائنان مباش.

توضیحات:

«لِلْخَآئِنِينَ»: از خائنان. به خاطر خائنان. حرف (لِ) می‌تواند به معنی (عَنْ) باشد همان‌گونه که در واژه (لِلْحَقِّ) و (لِلَّذِينَ) سوره احقاف، آیه‌های ۷ و ۱۱ چنین است. یا این که لام تعلیل بوده و معنی چنین شود که: به خاطر گناهکاران، دشمن بیگناهان مباش. «خَصِيماً»: مدافع. جانبدار. دشمن.

سوره نساء آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا١٠٦﴾

ترجمه:

و از خدا آمرزش بخواه. بی‌گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است (و مغفرت و رحمت خود را شامل کسانی می‌کند که عفوِ خطا را از او می‌طلبند).

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْ»: از گناهِ ناکرده که قصد دفاع و گرایش قلبی به همکی‌شان به هنگام قضاوت است آمرزش بخواه، چرا که حسنات نیکان، سیئات مقرّبان است.

سوره نساء آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَلَا تُجَٰدِلۡ عَنِ ٱلَّذِينَ يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمٗا١٠٧﴾

ترجمه:

از کسانی دفاع مکن که (با ارتکاب جرائم، در اصل) به خود خیانت می‌کنند. بی‌گمان خداوند خیانت‌کنندگانِ گناه پیشه را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«خَوَّاناً»: بسیار خیانتکار. هدف از این مبالغه، قصد تخصیص نیست و بلکه بیان واقع است. یعنی خَوّان و خائِن هر دو مبغوض درگاه خدایند. «أَثِيماً»: بسیار گناهکار.

سوره نساء آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ إِذۡ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرۡضَىٰ

مِنَ ٱلۡقَوۡلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطًا﴿١٠٨﴾

ترجمه:

آنان می‌توانند خیانت خود را از مردم پنهان دارند، ولی نمی‌توانند آن را از خدا پنهان دارند که همیشه با آنان است. (از جمله) بدان گاه که شبانگاهان پنهانی بر گفتاری که (تهمت‌زدن به پاکان و بیگناهان است و) خدا از آن خوشنود نیست، متّفق و همدست می‌گردند. و خداوند از آنچه می‌کنند کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«يسْتَخْفُونَ»: مخفی می‌کنند. «يُبَيِّتُونَ»: شبانگاهان چاره‌اندیشی و چاره‌جوئی می‌کنند. پنهانی بر آن هم‌نوا و هم‌آوا می‌شوند (نگا: نساء / ۸۱). «مُحِيطاً»: کسی که از همه جوانب بر چیزی آگاه باشد و آن را بپاید.

سوره نساء آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلۡتُمۡ عَنۡهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا﴿١٠٩﴾

ترجمه:

هان! گیرم که شما در این دنیا از آنان دفاع کردید، در آخرت چه کسی در برابر خدا از آنان دفاع می‌کند، یا چه کسی حافظ و یاور ایشان خواهد شد؟

توضیحات:

«هَآ أَنتُمْ هؤُلآءِ»: هان! شما اینانید. شما کسانی باشید. (أَنتُمْ) مبتدا، و (أوْلآءِ) خبر است و (هَآ) در هر دو، حرف تنبیه است. «جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ»: از آنان دفاع کردید. «وَكِيلاً»: حافظ. یاور. (نگا: آل‌عمران / ۱۷۳).

سوره نساء آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ سُوٓءًا أَوۡ يَظۡلِمۡ نَفۡسَهُۥ ثُمَّ يَسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴿١١٠﴾

ترجمه:

هرکس که کار بدی بکند یا (با ارتکاب معاصی) بر خود ستم کند، سپس (دست دعا

به‌سوی خدا بردارد و) از خدا آمرزش بطلبد، (از آنجا که درگاه توبه همیشه باز است) خدا را آمرزنده (گناهان خویش و) مهربان (در حق خود) خواهد یافت.

توضیحات:

«سُوءًا»: کار زشت. گناهی که دیگران را ناراحت کند.

سوره نساء آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَمَن يَكۡسِبۡ إِثۡمٗا فَإِنَّمَا يَكۡسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا١١١﴾

ترجمه:

هر که گناهی بکند، تنها آن را به زیان خود می‌کند (و ضرر آن متوجّه شخص گناهکار می‌شود) و خدا آگاه (از اعمال همگان و) حکیم است (و هرگونه که حکمتش اقتضاء کند، بندگان را عذاب می‌دهد یا قلم عفو بر گناهانشان می‌کشد).

توضیحات:

«عَلَيا نَفْسِهِ»: بر ضدّ خود. به زیان خود. به حساب خود.

سوره نساء آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿وَمَن يَكۡسِبۡ خَطِيٓـَٔةً أَوۡ إِثۡمٗا ثُمَّ يَرۡمِ بِهِۦ بَرِيٓـٔٗا فَقَدِ ٱحۡتَمَلَ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا١١٢﴾

ترجمه:

هرکس دچار لغزشی شود یا گناهی بکند، سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، به راستی بهتان و گناه آشکاری مرتکب شده است.

توضیحات:

«خَطِيئَةً»: لغزش. گناه صغیره. «إِثْماً»: گناه کبیره. «يَرْمِ بِهِ»: بدان متّهم کند. به کاربردن ضمیر مفرد (هُ) به جای ضمیر مثنّی (هُما) به خاطر حرف (أَوْ) است که برای یکی از دو چیز به کار می‌رود. تقدیر چنین است: «مَن يَكْسِبْ أَحَدَ هَذَيْنِ الشَّيْئَيْنِ». «بَرِيئاً»: بی‌گناه. «إِحْتَمَلَ»: بار گناهان را برداشته است. به گردن گرفته است. «بُهتَاناً»: گناه زشتی که انجام آن خردمندان را مبهوت و متحیر می‌کند. مراد سخن

دروغی است که با آن عمل ناروائی را به دیگران نسبت دهند.

سوره نساء آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ وَرَحۡمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡۖ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيۡءٖۚ وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمۡ تَكُن تَعۡلَمُۚ وَكَانَ فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ عَظِيمٗا۱۱۳﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) اگر فضل و رحمت خدا نبود (و پیام آسمانی و رحمت صمدانی تو را در بر نمی‌گرفت)، دسته‌ای از آنان می‌خواستند که تو را گمراه سازند، ولی جز خویشتن را نمی‌توانند گمراه سازند (چون خدا تو را از کید و مکر آنان باخبر می‌گرداند و بینش تو حق را تشخیص می‌دهد). آنان نمی‌توانند کمترین زیانی به تو برسانند، چرا که خداوند کتاب (قرآن را که ترازوی جداسازی حق از باطل است) بر تو نازل کرده است و حکمت را (به دل تو القاء نموده است) و چیزی (از شرائع و احکام) را به تو آموخته است که نمی‌توانستی (جز در پرتوِ وحی) آن را بیاموزی و بدانی. فضل خدا در حق تو و رحمت او بر تو بزرگ و فراوان بوده است.

توضیحات:

«لَـهَمَّتْ»: قصد کرد. اراده نمود.

سوره نساء آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿لَّا خَيۡرَ فِي كَثِيرٖ مِّن نَّجۡوَىٰهُمۡ إِلَّا مَنۡ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوۡ مَعۡرُوفٍ أَوۡ إِصۡلَٰحِۢ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا۱۱۴﴾

ترجمه:

در بسیاری از نجواها و پچپچ‌هایشان خیر و خوبی نیست، مگر در نجواها و پچپچ‌های آن کسی که به صدقه و احسانی یا به کار نیکو و پسندیده‌ای یا اصلاح بین مردم دستور دهد. هر که چنین کاری را به خاطر رضای خدا انجام دهد، خداوند پاداش بزرگی را بدو عطاء می‌کند.

توضیحات:

«نَجْوَيا»: پچ‌پچ، آهسته و در گوشی با هم صحبت کردن «إِلاّ مَنْ»: مگر نجوای کسی که. واژه (مَنْ) مجرور است و بدل از (كَثِيرٍ) است. «مَرْضَاتِ»: خوشنودی. برابر رسم‌الخطّ قرآن با (ت) نوشته شده است والا کتابت آن (مَرْضاة) و مصدر میمی است.

سوره نساء آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَتَّبِعۡ غَيۡرَ سَبِيلِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصۡلِهِۦ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا﴿١١٥﴾﴾

ترجمه:

کسی که با پیغمبر دشمنانگی کند، بعد از آن که (راه) هدایت (از راه ضلالت برای او) روشن شده است، و (راهی) جز راه مؤمنان در پیش گیرد، او را به همان جهتی که (به دوزخ منتهی می‌شود و) دوستش داشته است رهنمود می‌گردانیم (و با همان کافرانی همدم می‌نمائیم که ایشان را به دوستی گرفته است) و به دوزخش داخل می‌گردانیم و با آن می‌سوزانیم، و دوزخ چه بد جایگاهی است!.

توضیحات:

«يُشَاقِقْ»: دشمنی ورزد. مخالفت کند. «نُوَلِّهِ»: او را بدان می‌رسانیم. او را در آن سو راه می‌بریم. «تَوَلَّيا»: دوست داشت. گرایش یافت. «نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّيا»: او را بدان چیزی وا می‌گذاریم که دوستش می‌دارد. «نُصْلِهِ»: او را داخل می‌گردانیم و می‌سوزانیم. از مصدر إِصْلاء و ماده (صلی). «مَصِيراً»: جایگاه.

سوره نساء آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا﴿١١٦﴾﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی‌آمرزد و بلکه پائین‌تر از آن را از هرکس که بخواهد (و صلاح بداند) می‌بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است).

توضیحات:

«دُونَ»: پائین‌تر. کمتر. «بَعِیداً»: زیاد. فراوان.

سوره نساء آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿إِن يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثٗا وَإِن يَدۡعُونَ إِلَّا شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا١١٧﴾

ترجمه:

غیر از خدا هرکه و هرچه او را بپرستند و به فریاد خوانند جز بت‌های ناتوان و اشیاء ضعیفی نیست که بر آنها نام ماده گذارده‌اند، وجز اهریمنی نیست که بسی متمرّد و نافرمان است.

توضیحات:

«يَدْعُونَ»: به فریاد می‌خوانند. عبادت می‌کنند (نگا: انعام / ۵۲ و ۱۰۸، یونس / ۶۶، هود / ۱۰۱ و...). «مِن دُونِهِ»: غیر از او. «إِنَاث»: جمع أُنثَیا، ماده‌ها. مراد این که معبودهای آنان همچون زنان ضعیفند و عرب‌ها هر چیز ضعیفی را أُنْثیا می‌نامیدند. یا این که هر قبیله‌ای از عرب‌ها بت‌های خود را (أُنثَیا) می‌نامیدند. و می‌گفتند: أُنثَیا بَنِی فُلانٍ. أُنثَیا به چیز بی‌جان هم گفته شده و بدین سبب (إِنَاث) معنی مردگان نیز دارد. «مَرِیداً»: بسیار متمرّد. صیغه مبالغه مارِد. سرکش از ماده (مرد).

سوره نساء آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿لَّعَنَهُ ٱللَّهُۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنۡ عِبَادِكَ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا١١٨﴾

ترجمه:

خدا نفرینش کند! (او قسم خورده است و با خود عهد بسته است) و گفته است که: من از میان بندگان تو حتماً بهره معین و جداگانه خود را برمی‌گیرم.

توضیحات:

«مَفْرُوضاً»: معین، جداگانه.

سوره نساء آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿وَلَأُضِلَّنَّهُمۡ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمۡ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُبَتِّكُنَّ ءَاذَانَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلۡقَ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيۡطَٰنَ وَلِيّٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ فَقَدۡ خَسِرَ خُسۡرَانٗا مُّبِينٗا ١١٩﴾

ترجمه:

حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم، و (آن گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هرچه را خواستم) بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوشهای چهارپایان را قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و حتی دین خدا را تغییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آلایند)! و هر که اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است.

توضیحات:

«فَلَيُبَتِّكُنَّ»: قطع می‌کردند از مصدر (تَبْتِيك) به معنی قطع‌کردن. عرب‌ها گوش چهارپایان را قطع می‌کردند و با قطع آن، حیوان متعلّق به بتها می‌شد و دیگر ذبح نمی‌گردید و از کار معاف می‌شد و از چراگاهی بازداشته نمی‌شد (نگا: مائده / ۱۰۳). «خَلْق»: آفرینش. دین (نگا: روم / ۳۰).

سوره نساء آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿يَعِدُهُمۡ وَيُمَنِّيهِمۡۖ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ١٢٠﴾

ترجمه:

اهریمن بدانان وعده‌ها می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌کند، و اهریمن جز وعده‌های فریبکارانه بدی‌شان نمی‌دهد.

توضیحات:

«غُرُوراً»: فریب. نیرنگ.

سوره نساء آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنۡهَا مَحِيصٗا ١٢١﴾

ترجمه:

آنان (که از اهریمن فرمان می‌برند) جایگاهشان دوزخ است، و راه گریزی از آن ندارند.

توضیحات:

«مَحِیصاً»: مهرب و مفرّ. خلاص و نجات. اسم مکان یا مصدر میمی از ماده (حیص) است.

سوره نساء آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلٗا ۝١٢٢﴾

ترجمه:

کسانی را که ایمان آورده‌اند و کار شایسته انجام داده‌اند، به باغهائی (از بهشت) داخل خواهیم کرد که در زیر (درختان) آنها رودبارها روان است، و آنان جاودانه تا ابد در آنجاها ماندگار می‌مانند. این را خدا وعده داده است و وعده خدا حق است، و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟

توضیحات:

«وَعْدَ اللهِ حَقّاً»: وعده خدا است که حق است و شکی در آن نیست. (وَعْداً) و (حَقّاً) تأکید فعل محذوفی هستند، و تقدیر چنین است: «وَعَدَهُمْ وَعْداً وَ أَحَقَّهُ حَقّاً». «قِیلاً»: گفتار. مصدر است و برای مبالغه تمییز واقع شده است.

سوره نساء آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ بِأَمَانِيِّكُمۡ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِۗ مَن يَعۡمَلۡ سُوٓءٗا يُجۡزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدۡ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ۝١٢٣﴾

ترجمه:

(جزا و پاداش، و فضیلت و برتری) نه به آرزوهای شما و نه به آرزوهای اهل کتاب است. هرکس که کار بدی بکند در برابر آن کیفر داده می‌شود، و کسی را جز خدا یار و یاور خود نخواهد یافت (تا او را کمک کند و از عذاب خدا محفوظ گرداند).

توضیحات:

«أَمَانِيِّ»: جمع «أُمْنِيَّة»، آرزوها. از ماده (منی). (نگا: بقره / ۱۱۱).

سوره نساء آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ نَقِيرٗا١٢٤﴾

ترجمه:

کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند، و کمترین ستمی بدانان نشود.

توضیحات:

«وَهُوَ مُؤْمِنٌ»: و حال آن که مؤمن باشد. این قید بیان‌گر این واقعیت است که طاعت و عبادت بدون ایمان سودی نمی‌بخشد. «نَقِیراً»: گودی موجود در پشت هسته خرما که در کمی و ناچیزی بدان مثال زنند.

سوره نساء آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا١٢٥﴾

ترجمه:

آئین چه کسی بهتر از آئین کسی است که خالصانه خود را تسلیم خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد و از آئین راستین ابراهیم پیروی کند که مخلص و حقّ‌جو بود (و وحدت دینی مسلمانان و یهودیان و مسیحیان در او به هم می‌رسد) و خداوند ابراهیم را به دوستی گرفته است (و با خلیل نامیدن او افتخارش بخشیده است).

توضیحات:

«أَسْلَمَ»: تسلیم کرد. خالص گردانید. «وَجْهَ»: قصد (نگا: بقره / ۱۱۲). چهره، مراد سرتاپای وجود است که در این صورت تسمیه کلّ به اسم جزء است. «أَسْلَمَ وَجْهَهُ للهِ»: توجّه و قصد خود را و عبادت خویشتن را تنها متوجّه خدا کرد. خویشتن را خالصانه

تسلیم خدا کرد. «مِلَّة»: دین. آئین. «حَنِیفاً»: مخلصی که تسلیم فرمان خدا باشد و از دین خدا کوچک‌ترین انحرافی نداشته باشد. حقّگرای بیزار از ادیان باطله. این واژه می‌تواند حال ابراهیم یا حال فاعل فعل (إِتَّبَعَ) یا (مِلَّة) باشد. «خَلِیلاً»: دوست. مراد این است که خداوند ابراهیم را برگزید و به تکریمی افتخارش بخشید که به تکریم دوست از دوست می‌ماند.

سوره نساء آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٖ مُّحِيطٗا ١٢٦﴾

ترجمه:

از آنِ خدا است آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و (باید خالصانه رو بدو کرد و نیاز از او جست. و از آنجا که تنها او خالق و صاحب همه چیز است) کاملاً آگاه از هر چیز است و آن را دقیقاً می‌پاید.

توضیحات:

«مُحِیطاً»: مراقب به تمام معنی. کاملاً آگاه.

سوره نساء آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَيَسۡتَفۡتُونَكَ فِي ٱلنِّسَآءِۖ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِيهِنَّ وَمَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ فِي يَتَٰمَى ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا تُؤۡتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرۡغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلۡوِلۡدَٰنِ وَأَن تَقُومُواْ لِلۡيَتَٰمَىٰ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِهِۦ عَلِيمٗا ١٢٧﴾

ترجمه:

از تو درباره زنان سؤال می‌کنند و نظر می‌خواهند. بگو: خداوند درباره آنان به شما پاسخ می‌گوید، و برای شما روشن می‌سازد آنچه را که در قرآن (در زمینه میراث ایشان) تلاوت می‌گردد؛ و نیز درباره زنان یتیمی سخن می‌راند که (به خاطر مال یا جمال) می‌خواهید با ایشان ازدواج کنید؛ ولی چیزی را که خداوند برای ایشان واجب نموده است (و مهریه نام دارد) بدی‌شان نمی‌پردازید، و همچنین راجع به کودکان کوچک و ناتوان سخن خواهد گفت (و از شما می‌خواهد که حقوق آنان را بپردازید، و)

این که نسبت به یتیمان (به ویژه در میراث و مهریه) دادگری کنید، و (بدانید که دادگری و نیکوکاری شما در حق زنان و یتیمان، بی‌مزد نمی‌ماند و) هر کار خوبی را که بکنید خداوند از آن کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«يَسْتَفْتُونَكَ»: از تو فتوا می‌طلبند. از تو نظرخواهی می‌کنند. «يُفْتِيكُمْ»: احکام متعلّق بدانان را برایتان بیان می‌دارد. برخی از آن در این سوره از آیه سوم به بعد گذشت و برخی دیگر در آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ بیان می‌شود. ﴿ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِيهِنَّ وَمَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ﴾: خداوند و آیات قرآنی او احکام زنان را برایتان بیان می‌دارند. واژه «مَا» می‌تواند عطف بر (اللهُ) یا عطف بر ضمیر (هنّ) در (فِيهِنَّ) باشد. ﴿ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلۡوِلۡدَٰنِ﴾: کودکان یتیم (نگا: نساء / ۹) «الْقِسْطِ»: دادگری.

سوره نساء آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحًاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ وَأُحۡضِرَتِ ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّۚ وَإِن تُحۡسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٢٨﴾

ترجمه:

هرگاه همسری دید که شوهرش (خویشتن را بالاتر از او می‌گیرد و از انجام امور خانوادگی) سر باز می‌زند و (یا با او نمی‌سازد و از او) رویگردان است، بر هیچ یک از آن دو گناهی نیست این که (بکوشند به وسیله صرف نظر کردن زن از برخی از مخارج و همبستری) میان خویشتن صلح و صفا راه بیندازند، و صلح (همیشه از جنگ و جدائی) بهتر است. (سرچشمه بسیاری از نزاع‌ها بخل است) و انسان‌ها با بخل سرشته شده‌اند (و مال دوستی خصلت ذاتی و دائمی بشر است و باید پیوسته با آن مبارزه و پیکار کرد) و اگر نیکوکاری و نیک‌رفتاری کنید و (با زنان بسازید و به بهترین وجه با آنان معامله کرده و با ترک ستمکاری و بدرفتاری با ایشان) پرهیزگاری کنید، بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کنید بس آگاه است (و پاداش شما را چنان که باید می‌دهد).

توضیحات:

«بَعْل«: شوهر. «نُشُوزاً»: سرکشی. سر باز زدن. مراد بدرفتاری مرد با زن است، بدین‌گونه که خود را بالاتر از او بداند یا این که در نفقه تقصیر و کوتاهی کند. «إِعْرَاضاً»: رویگردانی. مراد خودداری از همبستری با او و ترک سخن و بی‌اعتنائی نسبت بدو است. «الشُّحَّ»: بخل شدید. آزمندی.

سوره نساء آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلۡمَيۡلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلۡمُعَلَّقَةِۚ وَإِن تُصۡلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٢٩﴾

ترجمه:

شما نمی‌توانید (از نظر محبّت قلبی) میان زنان دادگری (کامل) برقرار کنید، هر چند هم (در این راه به خود زحمت دهید و) همه کوشش و توان خود را به کار برید. ولی (از زنی که میانه چندانی با او ندارید) به طور کلّی دوری نکنید، بدان گونه که او را به صورت زن معلّقه‌ای درآورید (که بلاتکلیف بوده و نه شوهردار و نه بی‌شوهر بشمار می‌آید). و اگر صفا و صمیمیت (میان خود) راه بیندازید و (جور و جفا و کدورت پیشین را ترک گوئید و با اصلاح حال و دادگری پیش گرفتن) پرهیزگاری کنید، (خداوند از تقصیر و لغزش شما می‌گذرد) چرا که خداوند بس آمرزنده مهربان است.

توضیحات:

«لَوْ حَرَصْتُمْ»: هر چند که رغبت و علاقه زیاد داشته باشید و آزمندانه بدان بپردازید. « فَتَذَرُوهَا»: او را رها سازید. از ماده (وذر) به معنی ترک کردن و بی‌اعتنائی کردن. از این ماده تنها فعل مضارع و امر استعمال دارد. «الْـمُعَلَّقَة»: زنی را گویند که شوهر با او نمی‌سازد و میان او و دیگر زنان عدالت مراعات نمی‌دارد. لذا او پا در هوا بوده و به چیزی می‌ماند که میان آسمان و زمین آویزان است و نه اینجا قراری و نه آنجا مداری داشته باشد.

سوره نساء آیه ١٣٠

متن آیه:

﴿وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمٗا١٣٠﴾

ترجمه:

و اگر (راهی برای صلح و سازش نیافتند و جز نفرت نیفزودند و کار بدانجا رسید که) از هم جدا شوند، خداوند هر یک از آنان را با فضل فراوان و لطف گسترده خود بی‌نیاز می‌کند (و بدین شوهری بهتر از شوهر نخستین، و بدان همسری بهتر از همسر پیشین عطا می‌کند) و خداوند دارای فضل و رحمت فراوان (در حق بندگان است و کارهای ایشان را از روی حکمت می‌گرداند؛ چرا که) حکیم است.

توضیحات:

«سَعَة»: دارائی فراوان. فضل و لطف گسترده و فراخ. «وَاسِعاً»: دارنده نعمت و رحمت بی‌مرز و بی‌حد.

سوره نساء آیه ١٣١

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ وَصَّيۡنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَإِيَّاكُمۡ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدٗا١٣١﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است. و ما (که خالق همه جهان و صاحب قدرت مطلق در آنیم) به کسانی که پیش از شما بدی‌شان کتاب (آسمانی) داده‌ایم توصیه نموده‌ایم و به شما (نیز ای مؤمنان) سفارش می‌کنیم که از (خشم) خدا بپرهیزید، و اگر (نافرمانی کردید و) کفر ورزیدید (زیانی به خدا نمی‌رسانید. چرا) که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است و بی‌نیاز (از عبادت بندگان و) شایسته ستایش است.

توضیحات:

«إِيَّاكُمْ»: شما را. عطف بر (الَّذِينَ) است. «حَمِيداً»: ستودنی. فعیل به معنی مفعول یعنی محمود است.

سوره نساء آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ١٣٢﴾

ترجمه:

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خدا است، و خدا برای نگهبانی و نگهداری (آنها) کافی است.

توضیحات:

«وَكِيلاً»: متولّی. نگاهبان. یار و یاور.

سوره نساء آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأۡتِ بِـَٔاخَرِينَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ١٣٣﴾

ترجمه:

ای مردمان! اگر خدا بخواهد شما را از میان می‌برد و می‌میراند و افراد دیگری را به میان می‌آورد (و به جای شما می‌نشاند)، و او بر این کار بس توانا است.

توضیحات:

«يُذْهِبْكُمْ»: شما را از میان برمی‌دارد. شما را هلاک و نابود می‌سازد. «ءَاخَرِينَ»: دیگران.

سوره نساء آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ ثَوَابُ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ١٣٤﴾

ترجمه:

کسی که در پی مزد دنیا باشد (و تنها در اندیشه نعمت‌های این جهان فانی بوده و آخرت را فراموش کند در اشتباه است. بلکه شخص عاقل باید دنیا و آخرت را با هم بطلبد) چرا که پاداش دنیا و آخرت در نزد خدا است (و باید خواهان سعادت هر دو جهان از خداوند منّان شد) و خداوند شنوای (اقوال بندگان و) بینای (اعمال ایشان) است.

توضیحات:

«مَن كَانَ يُرِيدُ»: کسی که جویای نعمت دنیا و منافع این سرا، از راه حلال شود،

خداوند نعمت آخرت و منافع آن سرا را نیز نصیب وی می‌کند، و تنها او است که مالک نعیم هر دو جهان است و...

سوره نساء آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَۚ إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرٗا فَٱللَّهُ أَوۡلَىٰ بِهِمَاۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلۡهَوَىٰٓ أَن تَعۡدِلُواْۚ وَإِن تَلۡوُۥٓاْ أَوۡ تُعۡرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٣٥﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید، و به خاطر خدا شهادت دهید (و از این سو و آن سو جانبداری نکنید) هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد. اگر کسی که به زیان او شهادت داده می‌شود دارا یا ندار باشد، (رغبت به دارا، یا شفقت به ندار، شما را از ادای شهادت حق منصرف نکند) چرا که (رضای) خداوند از (رضای) هردوی آنان بهتر است (و خدا به مصلحت آن دو آگاه‌تر از شما است) پس از هوا و هوس پیروی نکنید که (اگر چنین کنید از حق) منحرف می‌گردید (و به باطل می‌افتید). و اگر زبان از ادای شهادت حق بپیچانید یا از آن روی بگردانید، خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است (و پاداش اعمال نیک و پادافره اعمال بدتان را می‌دهد).

توضیحات:

«قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»: مواظبان بر اقامه عدالت در همه امور زندگی و تلاشگران در راه دادگری. «شُهَدَآءَ»: گواهی‌دهندگان. صفت قَوّامينَ یا حال ضمیر مستتر در آن، و یا این که خبر دوم (كُونُوا) است. «فَاللهُ أَوْلَيا بِـهِـمَـا»: اجرا فرمان خدا شایسته‌تر از در نظرگرفتن رضایت هر یک از آن دو است. خداوند مصلحت فقیر و ثروتمند را بهتر می‌داند و آشناتر از هر کسی بدان دو است. «اَن تَعْدِلُوا»: این که منحرف شوید. منصوب است و در اصل: «لِئَلاّ تَعْدِلُوا»، یا: «كَراهَةَ أَن تَعْدِلُوا» است (نگا: نساء / ۱۷۶). «إِن تَلْوُوا»: اگر از راه حق منحرف شوید. اگر زبان از حق پیچیده و به گونه شایسته، آن را اداء ننمائید. «تُعْرِضُوا»: یا امتناع و سرپیچی کنید.

سوره نساء آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَـٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَـٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ وَمَلَـٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَـٰلَۢا بَعِيدًا ١٣٦﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمّد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهائی که پیش‌تر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آنها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید. هرکس که به خدا و فرشتگان و کتاب‌های خداوندی وپیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از این‌ها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

توضیحات:

«يَآ أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ، ءَامِنُوا…». ای مؤمنان! بر ایمان خود ثابت و ماندگار باشید، و بر آن بیفزائید. «ضَلالاً بَعِيداً»: گمراهی دور و دراز. سرگشتگی فراوان.

سوره نساء آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ سَبِيلَۢا ١٣٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان می‌آورند و سپس کافر می‌شوند، و باز هم ایمان می‌آورند و دیگر بار کافر می‌شوند، و سپس بر کفر خود می‌افزایند (و با کفر چشم از جهان می‌پوشند، واقعاً کارشان جای شگفت است و) هرگز خداوند ایشان را نمی‌بخشد و راهی (به سوی بهشت) بدی‌شان نمی‌نماید.

توضیحات:

سوره نساء آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿بَشِّرِ ٱلۡمُنَـٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ١٣٨﴾

ترجمه:

به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«بَشِّرْ»: مژده بده. بشارت‌دادن در اینجا جنبه ریشخند دارد.

سوره نساء آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَيَبۡتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلۡعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا ١٣٩﴾

ترجمه:

این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می‌گیرند. آیا عزّت را در پیش کافران می‌جویند؟ (چنین چیزی محال است) چرا که عزّت و شوکت جملگی از آن خدا است (و هر که از خدا عزّت جوید عزیز شود، و هر که از غیر او عزّت طلبد ذلیل گردد).

توضیحات:

«مِن دُونِ»: به جای. «جَمِيعاً»: حال است.

سوره نساء آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿وَقَدۡ نَزَّلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أَنۡ إِذَا سَمِعۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكۡفَرُ بِهَا وَيُسۡتَهۡزَأُ بِهَا فَلَا تَقۡعُدُواْ مَعَهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦٓ إِنَّكُمۡ إِذٗا مِّثۡلُهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡكَٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ١٤٠﴾

ترجمه:

خداوند در کتاب (قرآن، این حکم را) بر شما نازل کرده است که چون شنیدید به آیات خدا کفر ورزیده می‌شود و آیات خدا به بازیچه گرفته می‌شود، با چنین کسانی منشینید تا آن گاه که به سخن دیگری بپردازند (و دست از کفر و شوخی نابهنجار خود بردارند). بی‌گمان در این صورت (که با ایشان همنشین می‌شوید و به استهزاء آنان گوش فرا می‌دهید) شما هم مثل آنان خواهید بود (و در استهزاء به قرآن شریک ایشان خواهید گشت). شک نیست که خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد می‌آورد؛ (پس از

مخالطه و مجالسه ایشان بپرهیزید تا همراه آنان به آتش دوزخ گرفتار نیائید).

توضیحات:

«حَتَّىٰ يَخُوضُوا»: تا بپردازند. تا فرو روند.

سوره نساء آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ فَإِن كَانَ لَكُمۡ فَتۡحٞ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡ وَإِن كَانَ لِلۡكَٰفِرِينَ نَصِيبٞ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ وَنَمۡنَعۡكُم مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلَن يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لِلۡكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ سَبِيلًا ١٤١﴾

ترجمه:

منافقان کسانیند که پیوسته شما را می‌پایند (و در انتظار آن هستند که چه وقت به بلایا و مصائب گرفتار آئید). پس اگر پیروزی و فتحی از سوی خدا نصیب شما گردید، می‌گویند: مگر جز این است که ما با شما بوده و از جماعت شمائیم؟ (لذا ما هم در غنیمت و دستاورد جنگ سهیم هستیم و بهره ما را بپردازید!)؛ و اگر سهمی (از پیروزی) نصیب کافران گردید، می‌گویند: مگر ما نبودیم که می‌توانستیم (همراه مؤمنان با شما بجنگیم و) بر شما چیره شویم و دست شما را از سر مؤمنان کوتاه کنیم؟ (ولی ما رفیق قافله و شریک دزد بودیم و مسلمانان را دلسرد می‌کردیم و برای شما جاسوسی می‌نمودیم و پیوسته در تحریک شما علیه مسلمانان می‌کوشیدیم. بنابراین با شما سهیم خواهیم بود). روز قیامت خداوند میان شما (مؤمنان و چنین منافقانی) داوری خواهد کرد. و (مادام که مؤمنان دارای ایمان راستین و کردار شایسته و بایسته باشند) هرگز خداوند کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

توضیحات:

«يَتَرَبَّصُونَ»: منتظر می‌مانند. در انتظار رسیدن بلایا و مصائب به شمایند (نگا: توبه / ۹۸). «أَلَـمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ»؟: مگر نه این است که می‌توانستیم بر شما چیره شویم؟ از مصدر (إِسْتِحْوَاذ) به معنی استیلاء و چیره‌شدن. «سَبِيلاً»: راهی برای تسلّط.

سوره نساء آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمۡ وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٤٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان منافقان (نشانه‌های ایشان را می‌نمایانند و کفر خویش را پنهان می‌دارند و به خیال خام خود) خدا را گول می‌زنند! در حالی که خداوند (دماء و اموال ایشان را در دنیا محفوظ می‌نماید، و در آخرت دوزخ را برای آنان مهیا می‌دارد و بدین وسیله) ایشان را گول می‌زند. منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی‌حال به نماز می‌ایستند و با مردم ریا می‌کنند (و نمازشان به خاطر مردم است؛ نه به خاطر خدا) و خدای را کمتر یاد می‌کنند و جز اندکی به عبادت او نمی‌پردازند.

توضیحات:

«كُسَالَيا»: جمع کسْلان، تنبل‌ها، سست‌ها. «يُرَآؤُونَ»: ریا می‌کنند. به مردم می‌نمایند خلاف آنچه بر آن هستند.

سوره نساء آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿مُّذَبۡذَبِينَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ١٤٣﴾

ترجمه:

در این میان سرگشته و متردّدند. (گاهی به‌سوی دین می‌روند و گاهی به‌سوی کفر می‌دوند. زمانی خویشتن را در صف مؤمنان، و زمانی در صف کافران جای می‌دهند! امّا در حقیقت) نه با اینان و نه با آنان هستند (و گمراه و حیرانند) و هر که را خداوند (بر اثر اعمال زشت و ناپسندش) سرگشته و گمراه کند، راهی برای او (به سوی سعادت و هدایت) نخواهی یافت.

توضیحات:

«مُذَبْذَبِينَ»: متردّدین. اشخاص سرگردان و دو دل.

سوره نساء آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينًا ١٤٤﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کافران را به جای مؤمنان به دوستی نگیرید. مگر می‌خواهید حجّت و برهان آشکاری علیه خود به دست خدا دهید (بر این که شما هم جزو منافقانید)؟.

توضیحات:

«أَوْلِيَآء»: جمع ولی، دوستان. سرپرستان. «سُلْطَاناً مُّبِيناً»: دلیل آشکار.

سوره نساء آیه

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا ١٤٥﴾

ترجمه:

بی‌گمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یاوری برای آنان نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند).

توضیحات:

«الدَّرْكِ»: قعر شیء عمیق. طبقه پائین. دَرَکات دوزخ برعکس دَرَجات بهشت است.

سوره نساء آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَٱعۡتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخۡلَصُواْ دِينَهُمۡ لِلَّهِ فَأُوْلَـٰٓئِكَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَسَوۡفَ يُؤۡتِ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١٤٦﴾

ترجمه:

مگر کسانی (از ایشان) که توبه کنند و برگردند و به اصلاح (اعمال و نیات خود) بپردازند و به خدا متوسّل شوند و آئین خویش را خالصانه از آن خدا کنند (و فقط و فقط او را بپرستند و به فریاد خوانند و خالق و رازق دانند). پس آنان از زمره مؤمنان خواهند بود (و پاداش مؤمنان را خواهند داشت) و خداوند به مؤمنان پاداش بزرگ

خواهد داد.

توضیحات:

«إِعْتَصَمُوا»: چنگ زدند. متوسّل شدند. «إِعْتَصَمُوا بِاللهِ»: به کتاب و شرع خدا تمسّک جستند.

سوره نساء آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿مَّا يَفۡعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمۡ إِن شَكَرۡتُمۡ وَءَامَنتُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ١٤٧﴾

ترجمه:

خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان بیاورید؟ پروردگار شکرگزار (طاعت و عبادت بندگان و) آگاه (از اعمال و نیات همگان) است.

توضیحات:

«شَاكِراً»: شکرگزار. مراد این که خداوند کار بندگان را بی‌مزد نمی‌گذارد و در برابر طاعت محدود و اندک دنیا، پاداش نامحدود و فراوان آخرت را عطاء می‌فرماید.

سوره نساء آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلۡجَهۡرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ إِلَّا مَن ظُلِمَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ١٤٨﴾

ترجمه:

خداوند دوست ندارد (که افراد بشر پرده‌دری کنند و عیوب همدیگر را فاش سازند و) زبان به بدگوئی گشایند، مگر آن کسی که مورد ستم قرار گرفته باشد (که می‌تواند از شخص ستمگر شکایت کند و بدی‌های او را بیان دارد و او را دعا و نفرین نماید) و خدا شنوای (دعای مظلوم و) آگاه (از کار ظالم) است.

توضیحات:

«الْجَهْر»: آشکار. «إِلاّ مَن ظُلِمَ»: مگر کسی که بدو ستم شود که اگر او بر اثر هیجان و ناراحتی زبان به بدگوئی گشود و دشنام داد، گناهی مرتکب نشده است. ولی در صورتی که توانست خود را کنترل کند، برابر آیه بعدی آرامش خود را حفظ و از فحش و دشنام و بیان زشتی‌ها خودداری می‌نماید.

سوره نساء آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿إِن تُبۡدُواْ خَيۡرًا أَوۡ تُخۡفُوهُ أَوۡ تَعۡفُواْ عَن سُوٓءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوّٗا قَدِيرًا١٤٩﴾

ترجمه:

اگر (کردار و گفتار) نیک را آشکار یا پنهان سازید (مُجاز خواهید بود) و یا اگر از (کردار و گفتار) بد چشم‌پوشی کنید (و دهن خویش را به دشنام نیالائید و گذشت نمائید، کار خداپسندانه‌ای نموده‌اید و همچون ذات باری، عفو پیشه کرده‌اید) چرا که خداوند بسیار باگذشت و بس توانا است.

توضیحات:

«إِن تُبْدُوا»: اگر آشکار سازید. «عَفُوّاً قَدِیراً»: بسیار عفوکننده و بسیار توانا. یعنی عفو خدا از روی ضعف نیست، بلکه در کمال قدرت می‌بخشد. شما نیز با وجود قدرتِ بر انتقام گذشت نمائید.

سوره نساء آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤۡمِنُ بِبَعۡضٖ وَنَكۡفُرُ بِبَعۡضٖ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا١٥٠﴾

ترجمه:

کسانی که به خدا و پیغمبرانش ایمان ندارند و می‌خواهند میان خدا و پیغمبرانش جدائی بیندازند (و بگویند که به خدا ایمان داریم، ولی به پیغمبران ایمان نداریم) و می‌گویند که به برخی از پیغمبران ایمان داریم و به برخی دیگر ایمان نداریم، و می‌خواهند میان آن (کفر و ایمان) راهی برگزینند (ولی میان کفر و ایمان فاصله‌ای نیست و دو راه بیش وجود ندارد: راه کفر و راه دین).

توضیحات:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ﴾: می‌خواهند میان ایمان‌آوردن به خدا و ایمان آوردن به پیغمبرانش قائل به تفرقه و جدائی باشند.

سوره نساء آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ حَقّٗاۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا١٥١﴾

ترجمه:

آنان جملگی بی‌گمان کافرند، و ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای فراهم آورده‌ایم.

توضیحات:

«حَقّاً»: یقیناً. بی‌گمان. «مُهِیناً»: خوارکننده. توهین‌آمیز.

سوره نساء آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمۡ يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ أُوْلَٰٓئِكَ سَوۡفَ يُؤۡتِيهِمۡ أُجُورَهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا١٥٢﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که به خدا و پیغمبرانش ایمان دارند و میان هیچ یک از آنان (در این که از سوی خدا برگزیده شده‌اند) فرقی نمی‌گذارند (و هیچ کدام را تکذیب نمی‌نمایند)، بدانان پاداش و مزدشان را خواهیم داد، و خداوند بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است (و لغزش‌ها و اشتباهاتی هم اگر داشته باشند، مورد عفو قرار می‌دهد).

توضیحات:

«وَالَّذِینَ ءَامَنُوا...»: چنین مؤمنانی پیروان محمّدند که به همه پیغمبران از آدم تا خاتم ایمان دارند.

سوره نساء آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُكَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيۡهِمۡ كِتَٰبٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ فَقَدۡ سَأَلُواْ مُوسَىٰٓ أَكۡبَرَ مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓاْ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلۡمِهِمۡۚ ثُمَّ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَعَفَوۡنَا عَن ذَٰلِكَۚ وَءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا١٥٣﴾

ترجمه:

اهل کتاب از تو می‌خواهند که (اگر پیغمبری، یکجا) کتابی را از آسمان بر آنان نازل کنی. (البتّه این درخواست، استهزاء و بهانه‌ای بیش نیست) چرا که از موسی چیز

بزرگ‌تر از این را خواستند و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده. به خاطر این ستم، صاعقه ایشان را فرا گرفت (و نابودشان کرد. گناه بدتر و رسواکننده‌تر آنان این است که) پس از آن همه دلائل روشنی (چون: تبدیل عصا به اژدها، و ید بیضا، و شکافتن دریا) که برای آنان آمد (و خود شاهد نمودن معجزات موسی به فرعون و فرعونی‌ها بودند) گوساله (سامری) را (به خدائی) گرفتند! ولی ما از این (گوساله‌پرستی پس از توبه ایشان) درگذشتیم و به موسی حجّت روشنی دادیم (که با آن بتواند آنان را هدایت کند).

توضیحات:

«جَهْرَةً»: آشکارا. حال ضمیر (نا) و به معنی (مُجَاهِرِینَ مُعَایِنِینَ) است، یا حال (اللهَ) است. می‌تواند صفت مصدر محذوف (رُؤْیَة) هم باشد. «ثُمَّ»: سپس. در اینجا مراد ترتیب زمانی نیست. بلکه پیشرفت در مراتب گناهان است. چرا که گوساله‌پرستی پیش از درخواست رؤیت خدا است (نگا: بقره / ۵۱ - ۵۵، و طه / ۸۵ - ۹۷). «سُلْطَاناً»: حجّت و برهان. مراد معجزاتی است که خدا بدو عطاء فرموده بود. سلطه و قدرت.

سوره نساء آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿وَرَفَعۡنَا فَوۡقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمۡ وَقُلۡنَا لَهُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُلۡنَا لَهُمۡ لَا تَعۡدُواْ فِي ٱلسَّبۡتِ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ١٥٤﴾

ترجمه:

و برای گرفتن پیمان از ایشان، کوه طور را بالای سرشان (همچون سایه‌بانی) نگاه داشتیم (و از آنان پیمان گرفتیم که به دستورات تورات عمل کنند، و آنان هم پذیرفتند) و بدی‌شان گفتیم: سجده‌کنان وارد درِ (بیت‌المقدّس، اریحاء، ایلیاء، و...) شوید. و بدی‌شان گفتیم: در روز شنبه (به شکار ماهی نپردازید و از انجام فرمان) سرپیچی نکنید. و (در برابر همه این‌ها) از آنان پیمان مؤکدی گرفتیم.

توضیحات:

«بِمِیثَاقِهِمْ»: به خاطر اخذ پیمان از ایشان (نگا: بقره / ۶۳، و اعراف / ۱۷۱). «سُجَّداً»: سجده‌کنان. با خضوع و خشوع. «لا تَعْدُوا»: تجاوز نکنید. از حدود مقرّرات در نگذرید. «غَلِیظاً»: مؤکد. استوار. بزرگ.

سوره نساء آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ وَكُفۡرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتۡلِهِمُ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَقَوۡلِهِمۡ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيۡهَا بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٥٥﴾

ترجمه:

(خداوند بر آنان خشم گرفت) به خاطر این که پیمان‌شان را شکستند و به آیات خدا کفر ورزیدند و پیغمبران را به ناحق کشتند و (بر گمراهی خود پافشاری کردند و از روی استهزاء) گفتند که: دل‌هایمان در غلاف (و پرده‌هائی) است (که پند و اندرز کسی بدان راه ندارد. نه چنین است) بلکه خداوند به سبب کفرشان (انگار) بر دل‌هایشان مهر زده است و این است که جز گروه اندکی (از ایشان) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«فَبِما نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ»: به سبب شکستن پیمان خود. عامل جار و مجرور (غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِمْ) یا (لَعَنَّاهُمْ) محذوف است و آنچه در میانه این آیه تا آیه ۱۶۲ آمده است حکم جمله معترضه را دارد. واژه (ما) حرف زائد و برای تأکید است، و (میثاق) مفعولٌ‌به است. «غُلْفٌ»: جمع أَغْلَف، به معنی: در غلاف است، یا جمع غِلاف است، در این صورت معنی عبارت چنین می‌شود: دل‌هایمان غلاف یعنی اوعیه دانش است و گنجایش سخنان شما را ندارد. «طَبَعَ»: مهر زده است. مراد این که کفر و ضلال ایشان مایه محرومیت از هدایت خدا شده است (نگا: بقره / ۷، و منافقون / ۳).

سوره نساء آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿وَبِكُفۡرِهِمۡ وَقَوۡلِهِمۡ عَلَىٰ مَرۡيَمَ بُهۡتَٰنًا عَظِيمٗا ١٥٦﴾

ترجمه:

و (خداوند بر آنان خشم گرفت) به سبب کفر ورزیدنشان، و افترای بزرگی که بر مریم بستند.

توضیحات:

«بُـهْتَاناً»: افتراء. دروغ بزرگی که عقل‌ها را مبهوت و حیران می‌سازد.

سوره نساء آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿وَقَوۡلِهِمۡ إِنَّا قَتَلۡنَا ٱلۡمَسِيحَ عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينَۢا ۝١٥٧﴾

ترجمه:

و (خداوند بر آنان خشم گرفت به سبب این که از روی استهزاء و سخریه) می‌گفتند که: ما عیسی پسر مریم، پیغمبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند، ولیکن کار بر آنان مشتبه شد و (متردّد گردیدند که آیا عیسی یا دیگری را کشته‌اند و در این‌باره با همدیگر اختلاف نظر پیدا کردند و) کسانی که درباره او اختلاف پیدا کردند (جملگی) راجع بدو در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن می‌گویند و (باید بدانند که) یقیناً او را نکشته‌اند (و قطعاً مقتول کس دیگری بوده است).

توضیحات:

«عِيسَي ابْنَ مَرْيَمَ، رَسُولَ الله»: این سخن می‌تواند گفتار کافران یهود و از روی استهزاء و سخریه باشد. یعنی کسی را کشتیم که او خود را عیسی پسر مریم و فرستاده خدا می‌دانست؛ یا شما چنین می‌گوئید (نگا: شعراء / ۲۷) و می‌تواند گفتار خدا بوده و بیان‌گر گناه بزرگ آنان باشد. «مَا صَلَبُوهُ»: او را به دار نزده‌اند. «لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ»: درباره این که کشته، عیسی یا دیگری بوده است، دچار شک و گمانند. «إِتِّبَاعَ»: پیروی کردن. مستثنای منقطع است. «يَقِيناً»: قطعاً. حال ضمیر (و) یا (ه) در (مَا قَتَلُوهُ) است.

سوره نساء آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيۡهِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝١٥٨﴾

ترجمه:

بلکه خداوند او را (از دست آنان رهاند و پس از گذشت روزگاری که خود می‌داند، وی را میراند و) در پیش خود به مرتبه والائی رساند. و خداوند چیره (است و بر هر کاری توانا است، و) حکیم است (و هر چیزی را برابر حکمتی انجام می‌دهد، و

سنجیده عمل می‌کند).

توضیحات:

«رَفَعَهُ»: او را رفعت و عزّت بخشید (نگا: آل‌عمران / ۵۵، مائده / ۱۱۷، مریم / ۵۷).

سوره نساء آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿وَإِن مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهِۦ قَبۡلَ مَوۡتِهِۦۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا ١٥٩﴾

ترجمه:

و کسی از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگ خود (در آن دم که در آستانه مرگ قرار می‌گیرد و ارتباط او با این جهان ضعیف و با جهان بعد از مرگ قوی می‌گردد و پرده‌ها تا اندازه‌ای از برابر چشمش کنار می‌رود و بسیاری از حقائق را می‌بیند) به عیسی ایمان می‌آورد (امّا دیگر چه سود، فرصت از دست رفته است و ایمان و توبه ناپذیرفته است) و روز رستاخیز گواه بر آنان خواهد بود (و شهادت می‌دهد که او تنها بنده و فرستاده خدا بوده است و رسالت آسمانی را رسانده است).

توضیحات:

«إِنْ»: نیست. «بِهِ«: بدو، یعنی به عیسی. «قَبْلَ مَوْتِهِ»: پیش از مرگ خود، یعنی یکایک اهل کتاب که مانند هرکس دیگری در این وقت توبه ایشان پذیرفتنی نیست (نگا: یونس / ۹۰، و غافر / ۸۴ و ۸۵). علّت عدم پذیرش ایمان در آستانه مرگ این است که چنین ایمانی اضطراری است؛ نه اختیاری (نگا: انعام / ۱۵۸). «شَهِیداً»: گواه (نگا: مائده / ۱۱۶ - ۱۱۹).

سوره نساء آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿فَبِظُلۡمٖ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتۡ لَهُمۡ وَبِصَدِّهِمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرٗا ١٦٠﴾

ترجمه:

به خاطر جور و ستمی که از یهودیان سر زد و (به خصوص) به سبب این که بسی از راه خدا (مردمان را) بازداشتند، (برای تنبیه ایشان، قسمتی از) چیزهای پاکیزه را

که بر آنان حلال بود، حرام کردیم.

توضیحات:

«هَادُوا»: آئین یهودیت را پذیرفتند. «صَدِّ»: بازداشتن. جلوگیری کردن. «کَثِیراً»: صفت مصدر محذوفی است و تقدیر چنین است: صَدّاً کثِیراً.

سوره نساء آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿وَأَخۡذِهِمُ ٱلرِّبَوٰاْ وَقَدۡ نُهُواْ عَنۡهُ وَأَكۡلِهِمۡ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا١٦١﴾

ترجمه:

و (همچنین بر آنان برخی از چیزهای پاکیزه و حلال را حرام کردیم) به خاطر دریافت ربا (و رباخواری)، در حالی که (بر زبان پیغمبران) از آن نهی شده بودند، و به سبب خوردن مال مردم به ناحق، و ما برای کافران ایشان عذاب دردناکی را آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«الرِّبَوا»: ربا. رباخواری. رسم‌الخطّ قرآنی این واژه را با واو و الف ضبط کرده است.

سوره نساء آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ مِنۡهُمۡ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَۚ وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَٱلۡمُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤۡتِيهِمۡ أَجۡرًا عَظِيمًا١٦٢﴾

ترجمه:

و امّا راسخان در علم از میان ایشان، و مؤمنان (امّت محمّدی) که ایمان دارند بدانچه بر تو و بدانچه (بر پیغمبران) پیش از تو نازل شده است، و به ویژه آنان که نماز را چنان که باید می‌خوانند، و کسانی که زکات مال به در می‌کنند، و افرادی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، به همه اینان پاداش بزرگی را خواهیم داد.

توضیحات:

«لکِنْ»: امّا. ولی. این واژه برای استدراک مابعد خود از (اَعْتَدْنَا لِلْکَافِرِینَ) به کار

رفته است. «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»: ثابت‌قدمان در دانش. فرزانگان آشنا به علوم دینی. «الْـمُقِيمِينَ الصَّلوةَ»: نمازگزارانی که چنان که باید نماز را به جای می‌آورند. منصوب به اختصاص است، و تقدیر چنین است: «أَخُصُّ الْـمُقِيمِينَ الصَّلاةَ بِالذِّكْرِ أَوْ بِالْـمَدْحِ». «الْـمُؤْتُونَ»: دهندگان. از مصدر إيتاء.

سوره نساء آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ١٦٣﴾

ترجمه:

ما به تو (ای پیغمبر، قرآن و شریعت را) وحی کردیم، همان‌گونه که پیش از تو به نوح و پیغمبران بعد از او وحی کردیم، و (همان گونه که) به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوادگان (او که برخی از آنان پیغمبران خدا بودند)، عیسی، ایوب، یونس، هارون، و سلیمان وحی کردیم، و به داود زبور دادیم.

توضیحات:

«الأَسْبَاطِ»: جمع سِبْط، نوادگان. مراد نوادگان دوازده‌گانه یعقوب است (نگا: اعراف / ۱۶۰). بعضی‌ها معتقدند که همه آنان پیغمبر بوده‌اند، ولی برخی از ایشان پیغمبر بوده‌اند (نگا: مائده / ۱۲).

سوره نساء آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا ١٦٤﴾

ترجمه:

و ما پیغمبران زیادی را روانه کرده‌ایم که سرگذشت آنان را قبلاً برای تو بیان کرده‌ایم، و پیغمبران (دیگر) زیادی را (به میان مردم روانه کرده‌ایم) که سرگذشت آنان

را برای تو بیان نکرده‌ایم. (و شیوه وحی به موسی این بود که) خداوند حقیقةً (از پشت حجاب بدون واسطه) با موسی سخن گفت.

توضیحات:

«رُسُلاً»: پیغمبران. مفعول فعل محذوفی چون (أَرْسَلْنَا) است. «تَكْلِيماً»: حرف زدن. مفعول مطلق و برای تأکید است.

سوره نساء آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعْدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا۝١٦٥﴾

ترجمه:

ما پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده‌رسان، و (کافران را به عقاب) بیم‌دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجّت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویند که اگر پیغمبری به‌سوی ما می‌فرستادی، ایمان می‌آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می‌گرفتیم). و خدا چیره حکیم است (و کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می‌پذیرد).

توضیحات:

«رُسُلاً»: بدل از (رُسُلاً) در آیه پیشین است. «بَعْدَ الرُّسُلِ»: پس از آمدن پیغمبران.

سوره نساء آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشْهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيْكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلْمِهِۦۖ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا۝١٦٦﴾

ترجمه:

(هر چند که کافران نبوّت تو را انکار می‌کنند) لیکن خداوند بر آنچه (از قرآن) بر تو نازل شده است گواهی می‌دهد. این خدا است که آن را به (مقتضای) دانش (خاصّ) خویش نازل کرده است. و فرشتگان (نیز بدان) گواهی می‌دهند و (صحّت نبوّت تو را تصدیق می‌کنند. گرچه) کافی است که خدا گواه باشد.

توضیحات:

«لکِنْ»: امّا. ولی. استدراک از مفهوم ماقبل است. «بِعِلْمِهِ»: برابر دانش خاصّ خود، قرآن را نازل کرده است و او می‌داند که تو شایستگی دریافت آن را داری، و در آن مصلحت بندگان را مراعات نموده است، و پیوسته در حفظ آن هم می‌کوشد.

سوره نساء آیه ۱۶۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا١٦٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و (دیگران را با تهدید یا تبلیغ) از راه خدا بازداشته‌اند (و مانع دخول مردم به دین خدا شده‌اند، فرسنگ‌ها از حق دور گشته‌اند و) بسیار گمراه شده‌اند.

توضیحات:

«صَدُّوا»: باز داشته‌اند. مانع شده‌اند. «ضَلالاً بَعِیداً»: گمراهی دور و دراز. سرگشتگی فراوان.

سوره نساء آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ طَرِيقًا١٦٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته‌اند و ستم ورزیده‌اند، (مادام که بر کفر ماندگار باشند) خداوند ایشان را نمی‌بخشد و آنان را به راهی (که راه نجات و بهشت باشد) هدایت نخواهد کرد.

توضیحات:

«کَفَرُوا وَظَلَمُوا»: کفر و معاصی را یکجا جمع کرده‌اند. بر اثر کفر، خویشتن را از سعادت محروم، و دیگران را از حق به دور نموده‌اند، و منکر رسالت پیغمبر شده‌اند، لذا بر خود و مردم و پیغمبر ستم کرده‌اند.

سوره نساء آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا١٦٩﴾

ترجمه:

(آنان را به راهی هدایت نخواهد کرد) مگر راه دوزخ! که در آنجا برای همیشه جاودانه می‌مانند، و این کار برای خدا آسان است (که ایشان را به راه دوزخ رهنمون کند و جاودانه در آنجا نگاه دارد).

توضیحات:

«یَسِیراً»: آسان. ساده.

سوره نساء آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧٠﴾

ترجمه:

ای مردم! پیغمبر (محمّد نام) از جانب خدا به سویتان آمده است و دین حق را برایتان آورده است، پس ایمان بیاورید (و فرصت را غنیمت شمرید، که این کار) به سود شما است. و اگر کافر شوید (و جز راه کفر نروید، بدانید که زیانی به خدا نمی‌رسانید). چرا که آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلّق به خدا است. و خدا آگاه (از آفریدگان خود و) حکیم (در کار خویش) است.

توضیحات:

﴿قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ﴾: حقیقةً به پیش شما آمده است. با برنامه حق که قرآن است به‌سوی شما آمده است. با دین حق که اسلام است به نزد شما آمده است.

سوره نساء آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۖ وَلَا تَقُولُواْ ثَلَٰثَةٌۚ ٱنتَهُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ١٧١﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ مکنید (و درباره عیسی راه افراط و تفریط نپوئید) و

درباره خدا جز حق مگوئید (و او را به اوصاف ناشایستی همچون حلول و اتّحاد و اتّخاذ همسر و انتخاب فرزند، نستائید). بی‌گمان عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده خدا است (و او یکی از پیغمبران است، و پسر خدا نیست آن گونه که شما می‌پندارید) و او واژه خدا (یعنی پدیده فرمانِ: کنْ) است که خدا آن را به مریم رساند (و بدین وسیله عیسی را در شکم مریم پروراند) و او دارای روحی است (که) از سوی خدا (به کالبدش دمیده شده است) پس به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید (و الوهیت را خاصّ خدا بدانید و هیچ یک از انبیاء را در الوهیت انباز خدا نسازید) و مگوئید که (خدا) سه تا است (بلکه خدا یکتا است و جز الله خدای دیگری وجود ندارد. از این سخن پوچ) دست بردارید که به سود شما است. خدا یکی بیش نیست که الله است و حاشا که فرزندی داشته باشد. (چگونه به انباز و زن و فرزند نیازی خواهد داشت) و حال آن که از آن او است آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، و کافی است (که تنها) خدا مدبّر (مخلوقات خود) باشد.

توضیحات:

«كَلِمَتُهُ»: آفریده خدا، که خداوند او را با واژه (كُنْ) و همانند آن پدید می‌آورد. جمع (کلمه)، کلمات است که به معنی مخلوقات است (نگا: کهف / ۱۰۹ و لقمان / ۲۷). در این آیه مراد عیسی عليه السلام است (نگا: آل‌عمران / ۳۹ و ۴۵) و اطلاق سبب بر مسبّب شده است. امام محمّد غزالی می‌فرماید: برای پیدایش هر فرزندی دو سبب قریب و بعید لازم است. یکی منی و دومی فرمان (كُنْ). چون سبب نخستین در حق عیسی عليه السلام منتفی است، خداوند او را به سبب دوم اضافه فرموده است. «رُوحٌ»: موجود ناشناخته‌ای که قوام حیات تن بدان است (نگا: اسراء / ۸۵، حجر / ۲۹، ص / ۷۲، سجده / ۹...). «رُوحٌ مِّنْهُ»: روحی که آفریده او است (نگا: سجده / ۹، حجر / ۲۹، ص / ۷۲، تحریم / ۱۲). «مِنْهُ»: از آن او. ساخته او. واژه (مِنْ) در اینجا حرف ابتدائیه است؛ نه تبعیض (نگا: جاثیه / ۱۳، و سوره‌های حجر، ص، سجده، و تحریم، آیات مذکور در فوق). «ثَلاثَة»: خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «ءَالِـهَتُنَا ثَلاثَة...» «وَكِيلاً»: حافظ. نگهبان (نگا: نساء / ۸۱، اسراء / ۲، فرقان / ۴۳، احزاب / ۴۸، مزّمّل / ۹).

سوره نساء آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿لَّن يَسۡتَنكِفَ ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ وَلَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيَسۡتَكۡبِرۡ فَسَيَحۡشُرُهُمۡ إِلَيۡهِ جَمِيعٗا ١٧٢﴾

ترجمه:

هرگز مسیح ابائی از این ندارد که بنده‌ای (از بندگان متواضع) برای خدا باشد، و فرشتگان مقرّب نیز (از بندگی او سر باز نمی‌زنند). و کسی که از عبادت خدا سر باز زند و خویشتن را بزرگ‌تر از آن شمرد (که به عبادت او پردازد، او را به عذاب سختی گرفتار می‌سازد، بدان گاه) که همگان را در پیشگاه خود گرد می‌آورد.

توضیحات:

«لَن يَسْتَنكِفَ»: هرگز سر باز نمی‌زند و خودداری نمی‌کند. «الْمُقَرَّبُونَ»: مراد خواصّ فرشتگان است. از قبیل: جبرائیل و میکائیل.

سوره نساء آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡتَنكَفُواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٧٣﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، خداوند پاداش ایشان را به تمام و کمال خواهد داد و از فضل خود بر پاداش آنان خواهد افزود. و امّا کسانی که سر باز زنند و بزرگی ورزند، خداوند آنان را مجازات دردناکی خواهد کرد، و بجز خدا سرپرست و یاوری نخواهند یافت.

توضیحات:

«فَيُوَفِّيهِمْ»: پاداش آنان را به طور کامل خواهد داد. «وَلِيّاً»: سرپرست. «نصِيراً»: یاور.

سوره نساء آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا ١٧٤﴾

ترجمه:

ای مردم! از سوی پروردگارتان حجّتی به نزدتان آمده است (که محمّد است و او با سیرت عملی و دعوت تشریعی خود، حقیقت ایمان را برایتان روشن می‌سازد، و مؤید به معجزات الهی است) و به سویتان نور آشکاری فرستاده‌ایم (که قرآن است و همچون نور با پرتو خود راه را روشن و به‌سوی نجات رهنمودتان می‌سازد).

توضیحات:

«بُرْهَانٌ»: حجّت آشکار. مراد پیغمبر اسلام است، چرا که معجزات و نشانه‌های روشنی با خود داشت که دالّ بر این بود که فرستاده خدا است. «نُور»: مراد قرآن است، چرا که در امر هدایت به نور می‌ماند. «مُبِيناً»: روشن. روشن‌گر. یادآوری: «برهان و نور» می‌توانند هر دو به معنی (قرآن) باشد، چرا که قرآن قوی‌ترین دلیل بر صدق پیغمبر بوده، و نوری است که روشنی با خود دارد و روشن‌گر غیرخود می‌باشد.

سوره نساء آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدۡخِلُهُمۡ فِي رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ١٧٥﴾

ترجمه:

کسانی که به خدا ایمان بیاورند و بدان (کتاب او، یعنی قرآن) چنگ زنند، ایشان را به رحمت و فضل عظیم (خود که بهشت است) وارد خواهد ساخت، و در راه راستی به‌سوی خود رهنمودشان خواهد کرد.

توضیحات:

«إِعْتَصَمُوا بِهِ»: چنگ زدند به قرآن. متوسّل شدند به خدا. «صِرَاطاً مُّسْتَقِيماً»: راه راست که مراد دین اسلام است. (صِرَاطاً) مفعول دوم (يَهْدِيهِمْ) است.

سوره نساء آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿يَسۡتَفۡتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِي ٱلۡكَلَٰلَةِۚ إِنِ ٱمۡرُؤٌاْ هَلَكَ لَيۡسَ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَهُۥٓ أُخۡتٞ فَلَهَا نِصۡفُ مَا تَرَكَۚ وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن لَّمۡ يَكُن لَّهَا وَلَدٞۚ فَإِن كَانَتَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا

تَرَكَۚ وَإِن كَانُوٓاْ إِخۡوَةٗ رِّجَالٗا وَنِسَآءٗ فَلِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۗ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ أَن تَضِلُّواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿١٧٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! درباره نحوه میراث کسی که مرده است و فرزندی و پدری از خود به جای نگذاشته است) از تو می‌پرسند. بگو: خداوند در (این‌باره که مشهور است به) کلاله، برایتان حکم صادر می‌کند. اگر مردی مُرد و فرزندی نداشت و دارای خواهری بود (پدری و مادری، یا پدری)، نصف ترکه از آن او است. (و اگر خواهری بمیرد و) فرزندی نداشته باشد، برادر (پدری و مادری، یا پدری) همه ترکه را به ارث می‌برد. و اگر دو خواهر (یا بیشتر، از متوفّی) باقی بماند، دو سوم اموال را به ارث می‌برند، و اگر برادران و خواهران با هم باشند، هر مردی به اندازه سهم دو زن ارث می‌برد. خداوند (احکام و مقرّرات را) برایتان روشن می‌سازد تا گمراه نشوید (و از جمله در تقسیم ارث راه خطا نروید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و اعمال و افعال و منافع و مصالح بندگان از دید او پنهان نیست).

توضیحات:

«يَسْتَفْتُونَكَ»: از تو فتوا می‌طلبند. «يُفْتِيكُمْ»: برایتان فتوا می‌دهد و حکم صادر می‌کند. «الْكَلالَةِ»: کسی که فرزندی و پدری نداشته باشد، و هنگامی که بمیرد افرادی چون برادران و خواهران، از او ارث ببرند. وارثانی جز فرزند و پدر. «حَظِّ»: سهم، قسمت.

سوره مائدة

سوره مائدة آيه ۱

متن آيه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! به پیمان‌ها و قراردادها وفا کنید (اعمّ از عقدها و عهدهای مشروع انسان با انسان، یا انسان با خدا. بعد از ذبح، خوردن گوشتِ) چهارپایان برای شما حلال است مگر آنهائی که (در این سوره مستثنی می‌گردد) و بر شما خوانده می‌شود. هنگامی که در حالت احرام هستید (یا این که در سرزمین حرم بسر می‌برید) شکار (بَرّی) را حلال ندانید. خداوند هرچه بخواهد (و مصلحت بداند) حکم می‌کند.

توضیحات:

«أَوْفُوا»: وفا کنید. «بَهِیمَةِ الأَنْعَامِ»: چهارپایان. جنین چهارپایان. بَهیمَة به معنی گنگ و أَنْعام به معنی بز و گوسفند و شتر و گاو است. بنابه معنی نخستین، اضافه بهیمه به انعام، اضافه بیانیه، و بنا به معنی دوم اضافه لامیه است. «غَيْرَ»: حال است. «مُحِلِّي»: در اصل مُحِلِّینَ، به معنی حلال‌کنندگان است که نون آن در حالت اضافه حذف شده است. «الصَّيْدِ»: شکار. می‌تواند به معنی اسم مفعول یا مصدر باشد. «حُرُمٌ»: جمع حَرام به معنی مُحْرِم است، یعنی احرام‌بستگان. کسانی که در سرزمین حرم هستند (نگا: مائده / ۹۵ و ۹۶). «يَحْكُمُ»: حکم می‌کند. این واژه متضمّن (يَفْعَلُ) است، به معنی: انجام می‌دهد.

سوره مائدة آيه ۲

متن آيه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَـٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَـٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا

يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ۝٢﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! (حرمت‌شکنی) شعائر (دین) خدا را برای خود حلال ندانید (بدین صورت که هرگونه که بخواهید بدان دست ببرید و در آن تصرّف کنید) و نه ماه حرام را (بدین معنی که در آن بجنگید)، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نه قربانی‌های نشانداری را (که به بیت‌الله هدیه می‌گردند، بدین‌گونه که متعرّض چنین حیواناتی یا صاحبان آنها بشوید) و نه کسانی را که آهنگِ آمدن به خانه خدا را دارند و به دنبال لطف و خوشنودی خدایند (بدین معنی که آنان را از آمدن بدانجا بازدارید و یا این که با ایشان بجنگید). هر وقت که از احرام به در آمدید و از سرزمین حرم خارج شدید، شکار کنید (و شکار کردن برای شما بلامانع خواهد بود). دشمنی قومی که شما را از آمدن به مسجدالحرام باز داشتند، شما را بر آن ندارد که تعدّی و تجاوز کنید. در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمائید، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی مکنید. از خدا بترسید. بی‌گمان خداوند دارای مجازات شدیدی است.

توضیحات:

«لا تُحِلُّوا»: حلال مکنید. مباح ندانید. «شَعَآئِرَ»: جمع شَعِيرَة، علائم. مراد خود عبادات است که انجام آنها نشانه خوشنودی خدا از انجام‌دهندگان عبادات است، و نشانه‌هائی هستند که بدان‌ها راه هدایت از ضلالت باز شناخته می‌شود. از قبیل: مناسک حجّ و سائر فرائض و احکام شریعت. «الشَّهْرَ الْحَرَامَ»: ماه حرام. مراد هر چهار ماه حرام است، یعنی: ذوالقعده، ذوالحجّه، محرّم، رجب (نگا: توبه / ۳۶). «الْهَدْيَ»: حیوانات بی‌نشانی که به بیت‌الله هدیه می‌شود. «ءَآمِّينَ»: قصدکنندگان. روندگان. «لا يَجْرِمَنَّكُمْ»: شما را وادار نسازد. «شَنَئَانُ»: بغض. دشمنانگی. «الْعُدْوَانِ»: تعدّی و تجاوز. ظلم و ستم.

سوره مائدهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن

تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ٱلۡيَوۡمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِۚ ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ فِي مَخۡمَصَةٍ غَيۡرَ مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٣﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان)! بر شما حرام است (خوردن گوشت) مردار، خون (جاری)، گوشت خوک، حیواناتی که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شود و به نام دیگران سر بریده شود، حیواناتی که خفه شده‌اند، حیواناتی که با شکنجه و کتک کشته شده‌اند، آنهائی که از بلندی پرت شده و مرده‌اند، آنهائی که بر اثر شاخ‌زدن حیوانات دیگر مرده‌اند، حیواناتی که درندگان از بدن آنها چیزی خورده و بدان سبب مرده‌اند، مگر این که (قبل از مرگ بدان‌ها رسیده و) آنها را سر بریده باشید، حیواناتی که برای نزدیکی به بتان قربانی شده‌اند، و بر شما حرام است که با چوبه‌های تیر به پیشگوئی پردازید و از غیب سخن گوئید، همه این‌ها برای شما گناه بزرگ و خروج از فرمان یزدان است. از امروز کافران از (نابودن کردن) دین شما مأیوس گشته‌اند (و می‌دانند این دین ماندگار و جاودانه است)، پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزّت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم. امّا کسی که در حال گرسنگی ناچار شود (از محرّمات سابق چیزی بخورد تا هلاک نشود) و متمایل به گناه نباشد (و عمداً نخواهد چنین کند، مانعی ندارد) چرا که خداوند بخشنده مهربان است (و از مضطرّ صرف نظر می‌کند و برای او مقدار نیاز را مباح می‌نماید).

توضیحات:

«مَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ اللهِ بِهِ»: حیوانی که به هنگام ذبح نام جز خدا بر آن برده شود. یعنی به نام دیگران و به خاطر تقرّب بدانان سر بریده شود. (أُهِلَّ) از مصدر (إِهْلال) به معنی بلندکردن صدا است به نام چیزی. مانند: لات، عزّی، یا به نام کسی. مانند: انبیاء و اولیاء، به هنگام ذبح حیوان.: خفه‌شده. «الْمَوْقُوذَةُ»: کتک‌خورده. «الْـمـتَرَدِّيَةُ»: پرت شده. «ذَكَّيْتُمْ»: ذبح کردید. «النُّصُبِ»: جمع آن (أَنصاب)، سنگهائی که در اطراف کعبه نصب کرده بودند و آنها را می‌پرستیدند و بر روی چنین سنگهائی یا در کنار آنها

حیوانات خود را برای تقرّب بدان‌ها سر می‌بریدند. «الأزْلام»: جمع زَلَم، چوبه‌های تیر. عرب‌ها وقتی که می‌خواستند راهی سفری یا جنگی یا تجارتی شوند، و یا کار مهمّی - از قبیل ازدواج - انجام دهند، سه تیر برمی گرفتند و بر روی یکی: خدایم بدان فرمان داده است، و بر روی دومی: خدایم از آن نهی کرده است، می‌نوشتند، و بر روی سومی چیزی نمی‌نوشتند، آنها را بهم می‌زدند، سپس اگر اوّلی به دستشان می‌رسید، کار را انجام می‌دادند، و اگر دومی بیرون می‌آمد، کار را انجام نمی‌دادند، و اگر سومی به دستشان می‌افتاد، دوباره فال را از سر می‌گرفتند. امروزه به جای این چوبه‌ها، از دانه‌های تسبیح، مهره‌های نرد، جام قهوه، اوراق پاسور، و چیزهای نامشروع دیگر استفاده می‌نمایند و فرمان قرآن را فراموش می‌کنند. «مَخْمَصَةٍ»: گرسنگی. «مُتَجَانِفٍ»: متمایل، گراینده.

سوره مائدۀ آیه ۴

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمۡۖ قُلۡ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ وَمَا عَلَّمۡتُم مِّنَ ٱلۡجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُۖ فَكُلُواْ مِمَّآ أَمۡسَكۡنَ عَلَيۡكُمۡ وَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ۝٤﴾

ترجمه:

از تو می‌پرسند که چه چیز (از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها) بر آنان حلال شده است؟ بگو: بر شما چیزهای پاکیزه حلال شده است، و (نیز شکاری که) حیوانات شکاری صید می‌کنند و شما بدان‌ها آموخته‌اید از آنچه خدا به شما آموخته است. از نخجیری که چنین حیواناتی برای شما (شکار می‌کنند و خود از آن نمی‌خورند و سالم) نگاه می‌دارند بخورید، و (به هنگام فرستادن حیوان به‌سوی شکار) نام خدا را بر آن ببرید، و از خدا بترسید، چرا که خداوند سریع‌الحساب است.

توضیحات:

«الجَوارِحِ»: جمع جارحه، حیوانات و پرندگان شکاری. «مُكَلِّبِينَ»: تعلیم‌دهندگان سگ‌های شکاری و غیره. حال ضمیر (تُمْ) در فعل (عَلَّمْتُمْ) است. «فَكُلُوا مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ»: بخورید از نخجیری که حیوانات شکاری برای شما شکار می‌کنند و خود از آن

چیزی نمی‌خورند. با این توضیح که حیوان شکاری باید تعلیم دیده باشد و به هنگام روانه‌کردن به‌سوی نخجیر نام خدا برده شود. در این صورت اگر نخجیر را بکشد، کشتن آن به جای سربریدن است. اگر حیوان شکاری چیزی را از نخجیر بخورد، باقیمانده حرام خواهد بود.

سوره مائدۀ آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلۡيَوۡمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حِلّٞ لَّكُمۡ وَطَعَامُكُمۡ حِلّٞ لَّهُمۡۖ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ حَبِطَ عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٥﴾

ترجمه:

امروزه (با نزول این آیه) برای شما همه چیزهای پاکیزه (طبع سالم پسند) حلال گردید، و (ذبائح و) خوراک اهل کتاب (جز آنچه با آیات دیگر تحریم شده است) برای شما حلال است و خوراک شما برای آنان حلال است، و (ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است، هرگاه که مهریه آنان را بپردازید و قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد. هر کس که انکار کند آنچه را که باید بدان ایمان داشته باشد (از جمله ایمان به احکام حلال و حرام برخی از خوراکیها و ازدواج‌های مذکور در اینجا) اعمال او باطل و بیفایده می‌گردد و در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود.

توضیحات:

«الْـمُحْصَنَاتُ»: زنان پاکدامن. «أُجُور»: مهریه‌ها. «مُحْصِنِينَ»: مردان پاکدامن. «غَيْرَ مُسَافِحِينَ»: مردانی که زناکار نیستند. «أَخْدَان»: جمع خِدْن، رفیقه (نگا: نساء / ۲۵). «الإِيمَـان»: آنچه باید بدان باور داشت. مراد احکام شریعت است.

سوره مائدۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى

ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِۚ وَإِن كُنتُمۡ جُنُبٗا فَٱطَّهَّرُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُم مِّنۡهُۚ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴿٦﴾﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز بپاخاستید (و وضو نداشتید)، صورت‌ها و دست‌های خود را همراه با آرنج‌ها بشوئید، و سرهای خود (همه یا قسمتی از آنها) را مسح کنید، و پاهای خود را همراه با قوزک‌های آنها بشوئید. و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید، همه بدن) خود را بشوئید. و اگر بیمار بودید (و بیماری مانع از استعمال آب بود) یا این که مسافر باشید (و یافتن آب برایتان دشوار بود) یا این که یکی از شما از پیشاب برگشت، یا با زنان مجامعه کردید، و (در همه این صورتها، آب برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید، (بدین شکل که دو بار کف دست بر خاک زده و) با آن بر صورت‌ها و دست‌های خود (تا مچ یا آرنج) بکشید. خداوند نمی‌خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقّت اندازد، و بلکه می‌خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) به جای آورید.

توضیحات:

«أَرْجُلَكُمْ»: پاهای خود. عطف بر (وُجُوهَ) و (أَيْدِيَ) یعنی اندامهای شستنی است، و ذکر آن بعد از (رُؤُوسِ) یعنی اندامی که مسح می‌شود، به خاطر ترتیب اعضاء وضو است. «الْغَآئِطِ»: مکان گود، مراد قضای حاجت است. «صَعِيداً»: سطح زمین. زمین. خاک (نگا: نساء / ۴۳). «لامَسْتُمْ»: مجامعه کردید. آمیزش جنسی کردید. «حَرَجٍ»: تنگنا. مشقّت.

سوره مائدهٔ آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِي وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذۡ قُلۡتُمۡ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ۞﴾

ترجمه:

و (ای مؤمنان!) به یاد آورید نعمت (هدایت دین) خدای را بر خود، و به یاد آورید پیمانی را که (توسّط پیغمبر در عَقَبه دوم) با شما بست، بدان گاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم (و در خوشی و ناخوشی و گنج و رنج، ای پیغمبر با تو همراهیم!). و از خدا بترسید که خدا از درون سینه‌ها آگاه است.

توضیحات:

«نِعْمَةَ اللهِ»: مراد نعمت اسلام یا هر نعمت دیگری است. «مِیثَاقَهُ»: مراد پیمان عَقَبه اوّل یا دوم و یا این که بیعت رضوان است و تمام پیمانهای تکوینی و تشریعی را نیز می‌تواند شامل شود. «ذَاتِ الصُّدُورِ»: خودِ سینه‌ها. مراد اَسرار درون سینه‌ها است، از قبیل: کینه‌ها و نیات خوب یا بد.

سوره مائدۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلْقِسْطِۖ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعْدِلُواْۚ ٱعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ۞﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید، و دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید. دادگری کنید که دادگری (به ویژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیکتر (و کوتاه‌ترین راه به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خدا) است. از خدا بترسید که خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«قَوَّامِينَ»: کسانی که مجدّانه در انجام واجبات می‌کوشند و بر آنها دوام دارند. تلاش‌گران راه عدل و داد. «شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ»: گواهانی که دادگرانه گواهی می‌دهند و از این و از آن جانبداری نمی‌کنند. «لا يَجْرِمَنَّكُمْ»: شما را بر آن ندارد. «شَنَئَانُ»: دشمنانگی. بغض.

سوره مائدهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٞ ٩﴾

ترجمه:

خداوند به کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، وعده می‌دهد که آمرزش (او گناهانشان را دریابد) و پاداش بزرگی (و ثواب فراوانی) از آن ایشان باشد.

توضیحات:

سوره مائدهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١٠﴾

ترجمه:

و کسانی که کافر شوند و آیات (قرآنی و جهانی) ما را تکذیب کنند، آنان اهل دوزخ هستند.

توضیحات:

«الْجَحِيمِ»: آتش فروزان. اسمی از اسماء دوزخ است.

سوره مائدهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ هَمَّ قَوۡمٌ أَن يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ فَكَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! نعمتی را که خدا به شما بخشیده است به یاد آورید. بدان گاه که جمعی خواستند به‌سوی شما دست‌درازی کنند (و شما را از میان بردارند) امّا خدا دست آنان را از شما باز داشت (و شر آنان را از سر شما کوتاه کرد). از خدا بترسید، و باید که مؤمنان تنها بر خدا تکیه کنند.

توضیحات:

«هَمَّ»: قصد کرد. خواست. «قَوْمٌ»: قومی. جمعی. شاید مراد کفّار قریش باشد که قبل از هجرت خواستند پیغمبر و بسیاری از یاران او را بکشند (نگا: انفال / ۳۰).

سوره مائدۀ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَبَعَثۡنَا مِنۡهُمُ ٱثۡنَيۡ عَشَرَ نَقِيبٗاۖ وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مَعَكُمۡۖ لَئِنۡ أَقَمۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيۡتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ وَءَامَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرۡتُمُوهُمۡ وَأَقۡرَضۡتُمُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ فَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و دوازده رهبر برای آنان تعیین کرد و بدی‌شان گفت: من با شمایم (و یاری و مددتان می‌نمایم) اگر نماز را بگزارید و زکات مال بدر کنید و به پیغمبرانم ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید و (با انفاق دارائی در راه خیر، از جمله کمک به نیازمندان) به خدا قرض نیکوئی دهید. (با انجام همه این‌ها) از گناهان شما چشم‌پوشی می‌نمایم و شما را به باغ‌هائی (از بهشت) وارد می‌گردانم که رودبارها از زیر (درختان) آنها جاری است. امّا کسی که از شما بعد از این کافر شود (و نقض عهد کند) راه راست را گم کرده است (و منحرف گشته است).

توضیحات:

«نَقِيباً»: سردار. رئیس. «اثْنَى عَشَرَ نَقِيباً»: (نگا: بقره / ۱۳۶، و اعراف / ۱۶۰). «إِنِّي مَعَكُمْ»: من با شمایم. مراد: من شما را کمک و یاری می‌کنم. «عَزَّرْتُمُوهُمْ»: اگر آنان را کمک کنید و گرامیشان دارید و از دشمنان و گرفتاری‌ها به دورشان نمائید. «أَقْرَضْتُمُ اللهَ»: به خدا قرض دادید. مراد انفاق مال در راه خیرات و دستگیری از بینوایان است. «سَوَآءَ السَّبِيل»: راستای راه. راه راست. مراد راه نجات است. یادآوری: معنی آیه بدین صورت نیز می‌تواند باشد: خدا با شما است اگر نماز بخوانید و...، در این صورت خداوند گناهان شما را می‌بخشاید، و...

سوره مائدۀ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ لَعَنَّٰهُمۡ وَجَعَلۡنَا قُلُوبَهُمۡ قَٰسِيَةٗۖ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۖ فَٱعۡفُ

عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴿١٣﴾

ترجمه:

امّا به سبب پیمان‌شکنی ایشان، آنان را نفرین کردیم و از رحمت خود محروم داشتیم و دل‌هایشان را سخت نمودیم (به گونه‌ای که دلیل و اندرز بدان راه نمی‌یافت). آنان سخنان را تحریف و بخش فراوانی از آنچه (در تورات بود و) بدی‌شان تذکر داده شده بود، ترک کردند. (این خوی پلید هنوز هم در چنین قومی وجود دارد و تو) همیشه می‌توانی خیانتی (تازه) از آنان ببینی، مگر عدّه کمی از ایشان (که به تو ایمان آورده‌اند و خیانت‌پیشه نیستند). پس از آنان درگذر و (بدسگالی‌ها و دوروئی‌هایشان را) نادیده بگیر، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«قَاسِيَةً»: سخت. سنگین. «الكَلِمَ»: اسم جنس جمعی کلمه، سخنان. «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ»: سخنان را از موارد خود منحرف می‌سازند و مطالب را دگرگون می‌سازند (نگا: بقره / ۷۵ و ۷۹، و آل‌عمران / ۷۸). «خَآئِنَةٍ»: خیانت. «إِصْفَحْ»: صرف نظر کن. از مؤاخذه چشم‌پوشی کن (نگا: بقره / ۱۰۹).

سوره مائدهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَهُمۡ فَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَأَغۡرَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَاوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَسَوۡفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ﴿١٤﴾

ترجمه:

و از کسانی که می‌گویند: ما مسیحی هستیم (و ادّعا دارند که یاران مسیح می‌باشند نیز) پیمان گرفتیم (که به انجیل عمل کنند و خدای را به یگانگی بستایند و محمّد را پیغمبر واپسین بدانند) امّا آنان قسمت قابل ملاحظه‌ای از آنچه بدانان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند؛ لذا به پاداش آن تا دامنه قیامت، میان (گروههای مختلف) ایشان کینه و دشمنی افکندیم (و تا روز رستاخیز پیوسته فرقه‌های مسیحی همدیگر را کافر و ملعون می‌نامند و یکدیگر را دشمن می‌دارند) و خداوند (در آن روز) ایشان را از آنچه کرده‌اند آگاه خواهد ساخت (و پاداش اعمال‌شان را خواهد داد).

توضیحات:

«أَغْرَيْنَا»: افکندیم. به راه انداختیم. «الْبَغْضَآءَ»: کینه‌توزی شدید. «يُنَبِّئُهُمْ»: باخبرشان می‌سازد.

سوره مائدۀ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ كَثِيرٗا مِّمَّا كُنتُمۡ تُخۡفُونَ مِنَ ٱلۡكِتَـٰبِ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖۚ قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَـٰبٞ مُّبِينٞ ١٥﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمّد) به‌سوی شما آمده است. بسیاری از چیزهائی را برایتان روشن می‌سازد که از کتاب (تورات و انجیل) پنهان نموده‌اید، و از بسیاری از چیزها (و مطالبی که پنهان ساخته‌اید و فعلاً مورد نیاز نیست) صرف نظر می‌نماید. از سوی خدا نوری (که پیغمبر است و بینش‌ها را روشنی می‌بخشد) و کتاب روشن‌گری (که قرآن است و هدایت‌بخش مردمان است) به پیش شما آمده است.

توضیحات:

«يَعْفُو»: چشم‌پوشی می‌کند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «نُورٌ»: مراد پیغمبر است که بصیرتها را روشن می‌سازد (نگا: نساء / ۱۷۴) یا مراد قرآن است و عطف (کتَابٌ) بر (نُورٌ) عطفِ تفسیر است (نگا: تغابن / ۸). «مُبِينٌ»: روشن. روشن‌گر. قرآن خود روشن است و روشن‌گر چیزهائی است که مردمان برای رسیدن به هدایت، بدان‌ها نیازمندند.

سوره مائدۀ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦﴾

ترجمه:

خداوند با آن (کتاب) کسانی را به راه‌های امن و امان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت می‌کند که جویای خوشنودی او باشند، و با مشیت و فرمان خود، آنان را از تاریکی‌های (کفر و جهل) بیرون می‌آورد و به‌سوی نور (ایمان و علم) می‌برد، و

ایشان را به راه راست رهنمود می‌شود.

توضیحات:

«رِضْوَانَهُ»: خوشنودی کامل خود. «سُبُلَ السَّلامِ»: راه‌های امن و امان. راه نجات. «بِإِذْنِهِ»: برابر خواست و فرمان خود.

سوره مائدۀ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ أَن يُهۡلِكَ ٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗاۗ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾

ترجمه:

به طور مسلم، کسانی که می‌گویند: خدا، مسیح پسر مریم است! کافرند. بگو: اگر خداوند بخواهد مسیحِ پسرِ مریم و مادر او و همه کسانی را که در روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می‌تواند (کوچک‌ترین) کاری بکند (و جلو دست خدا را بگیرد)؟ از آن خدا است آنچه در آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است. هر چه بخواهد می‌آفریند؛ و خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللهِ شَيْئاً»: چه کسی می‌تواند در مقابل خدا کاری بکند؟

سوره مائدۀ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحۡنُ أَبۡنَٰٓؤُاْ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥۚ قُلۡ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمۖ بَلۡ أَنتُم بَشَرٞ مِّمَّنۡ خَلَقَۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨﴾

ترجمه:

یهودیان و مسیحیان می‌گویند: ما پسران و عزیزان خدائیم! بگو: پس چرا شما را در برابر گناهانتان عذاب می‌دهد؟ بلکه شما انسان‌هائی همچون سائر انسان‌هائی هستید که خدا آنان را آفریده است. خداوند هر که را بخواهد عذاب می‌دهد. و سلطنت

آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، متعلّق به خدا است (و همه‌چیز از آن او است) و برگشت (همگان) به‌سوی او است (و به حساب و کتاب هرکسی رسیدگی می‌کند).

توضیحات:

«الْـمَصِيرُ»: سرانجام کار. برگشت.

سوره مائدۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ عَلَىٰ فَتۡرَةٖ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُواْ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٖ وَلَا نَذِيرٖۖ فَقَدۡ جَآءَكُم بَشِيرٞ وَنَذِيرٞۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٩﴾

ترجمه:

ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمّد) به‌سوی شما آمده است و به دنبال انقطاع مدّت زمانی که میان پیغمبران بوده است، (حقائق را دیگرباره) بیان می‌کند، تا این که (در روز رستاخیز) نگوئید: مژده‌دهنده و بیم‌دهنده‌ای (از پیغمبران) به‌سوی ما نیامده است (تا فرمان خدا را به ما برسانند. هم اینک پیغمبر) مژده‌دهنده و بیم‌دهنده‌ای (محمّد نام) به‌سوی شما آمده است (و عذری برای شما نمانده است). و خداوند بر همه چیز توانا است.

توضیحات:

«عَلَيا فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ»: مدّت زمانی که میان ارسال پیغمبران فاصله افتاده است.

«فَتْرَةٍ »: مدّت انقطاع نبوّت پیغمبری تا پیغمبری دیگر.

سوره مائدۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَعَلَ فِيكُمۡ أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكٗا وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمۡ يُؤۡتِ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید، و زمانی را به یاد آورید که خداوند پیغمبرانی در میان شما برانگیخت و شاهانی از شما به سلطنت رسانید (و در واقع همه شما را با رهائی از ظلم

و ستم فرعون و فرعونیان و بخشیدن دارائی و آزادی، شاهِ خانه خود گردانید)، و به شما آن داد که به کس دیگری از جهانیان نداده است.

توضیحات:

«جَعَلَكُم مُّلُوكاً»: شما را شاه نمود. یعنی به سبب کثرت شاهان، گوئی همه شما را شاه گردانده است. یا این که مراد رسیدن بنی‌اسرائیل به حرّیت و ثروت و رفاه نسبی است، و استعمال شاه جنبه مَثَل دارد، همان‌گونه که درباره شخص دارا و بی‌نیازی می‌گوئیم: فلانی شاهِ زمان خود است (نگا: غافر / ۲۹).

سوره مائدهٔ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَارِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ﴿٢١﴾﴾

ترجمه:

ای قوم من! به سرزمین مقدّسی وارد شوید که خداوند دخول بدانجا را برای شما مقدّر کرده است، و (در برابر دشمنِ سرسختی که در آنجا بسر می‌برد پای به فرار نگذارید و) پشت مکنید، تا زیانکارانه برنگردید (و یاری و خوشنودی خدا را از دست ندهید).

توضیحات:

«الأرْضَ الـْمُقَدَّسَةَ»: سرزمین مقدّس که از عریش تا فرات را دربر دارد. آنجا را سرزمین پاک از آن نظر می‌گویند که انبیاء بیشماری در آن مبعوث شده‌اند و از لوث بت‌پرستی زدوده شده است. «كَتَبَ اللهُ لَكُمْ»: خداوند مقدّر کرده است که اگر مطیع فرمان او باشید، بدانجا وارد می‌شوید و سکونت می‌کنید.

سوره مائدهٔ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ فِيهَا قَوۡمٗا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَا حَتَّىٰ يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

گفتند: ای موسی! در آنجا قوم زورمند و قلدری زندگی می‌کنند و ما هرگز بدانجا

وارد نمی‌شویم مادام که آنان از آنجا بیرون نروند. در صورتی که آنان از آن سرزمین بیرون رفتند، ما بدانجا خواهیم رفت.

توضیحات:

«جَبَّارِينَ»: جمع جبّار، زورمندِ بلند بالا و سرکش. قلدرِ قوی‌هیکل.

سوره مائدۀ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمَا ٱدۡخُلُواْ عَلَيۡهِمُ ٱلۡبَابَ فَإِذَا دَخَلۡتُمُوهُ فَإِنَّكُمۡ غَٰلِبُونَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ۝٢٣﴾

ترجمه:

دو نفر (سردار) از مردان خداترس که خداوند بدی‌شان نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: شما (از قیافه درشت این مردمان نترسید و ناگهانی یورش برید و) از دروازه بر آنان وارد شوید. اگر وارد دروازه شوید (به سبب دل ضعیفی که دارند) شما پیروز خواهید شد. اگر مؤمن هستید، بر خدا توکل کنید.

توضیحات:

سوره مائدۀ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَآ أَبَدٗا مَّا دَامُواْ فِيهَا فَٱذۡهَبۡ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ۝٢٤﴾

ترجمه:

گفتند: ای موسی! ما هرگز بدان سرزمین مقدّس پای نمی‌نهیم مادام که آنان در آنجا بسر برند. پس (دست از سر ما بردار و) تو و پروردگارت بروید و (با آن زورمندان قوی هیکل) بجنگید؛ ما در اینجا نشسته‌ایم (و منتظر پیروزی شما هستیم)!.

توضیحات:

«قَاعِدُونَ»: نشستگان.

سوره مائدۀ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ إِلَّا نَفۡسِي وَأَخِيۖ فَٱفۡرُقۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ۝٢٥﴾

ترجمه:

(بدین هنگام موسی رو به درگاه کردگار کرد و عاجزانه) گفت: پروردگارا! من تنها اختیار خود و برادرم (هارون) را دارم؛ میان من و این قوم ستم‌پیشه، (با عدالت خداوندی خود) داوری کن (و حساب ما را از حساب ایشان جدا فرما، و ما را به عذاب آنان گرفتار منما).

توضیحات:

«فَافْرُقْ بَیْنَنَا»: میان ما فرق بگذار و حساب ما را از یکدیگر جدا بدار. ما را از همدیگر دور بدار و میان ما و ایشان فاصله بینداز. میان ما و ایشان داوری کن.

سوره مائدهٔ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴿۲۶﴾﴾

ترجمه:

(خدا به موسی) گفت: این سرزمین تا چهل سال بر آنان ممنوع است (و بدان پای نخواهند گذاشت، و) در سرزمین (خشک بیابان) سرگردان (بدین سو و آن سو) می‌گردند (و راه به جائی نمی‌برند) و بر قوم ستم‌پیشه و نافرمان غمگین مباش.

توضیحات:

«یَتِیهُونَ»: راه گم می‌کنند. سرگردان می‌مانند. «فَلا تَأْسَ»: غم مخور. غمگین مباش. از ماده (أسی) است.

سوره مائدهٔ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴿۲۷﴾﴾

ترجمه:

داستان دو پسر آدم (قابیل و هابیل) را چنان که هست برای یهودیان و دیگر مردمان بخوان (تا بدانند عاقبت گناهکاری و سرانجام پرهیزگاری چیست). زمانی که هر کدام عملی را برای تقرّب (به خدا) انجام دادند. امّا از یکی (که مخلص بود و هابیل

نام داشت) پذیرفته شد، ولی از دیگری (که مخلص نبود و قابیل نام داشت) پذیرفته نشد. (قابیل به هابیل) گفت: بی‌گمان تو را خواهم کشت! (هابیل بدو) گفت: (من چه گناهی دارم) خدا (کار را) تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد!.

توضیحات:

«نَبَأَ»: خبر. «بِالْحَقِّ»: متلبّس به حق و حقیقت. این واژه می‌تواند صفت مصدر محذوف (تِلاوَة)، یا حال فاعل فعل (أُتْلُ)، و یا حال مفعول (نَبَأَ) باشد. یعنی؛ خواندن راستین، یا تو که بر حقی، و یا خبری که راست است و با واقعیت وفق دارد (نگا: اسراء / ۱۰۵). «قرباناً»: چیزی که بدان وسیله می‌توان به خدا نزدیک شد؛ از قبیل حیوان قربانی و غیره (نگا: آل عمران / ۱۸۳). مصدر است و مفرد و تثنیه و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است.

سوره مائدۀ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢٨﴾

ترجمه:

اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی، من دست به‌سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم. آخر من از خدا (یعنی) پروردگار جهانیان می‌ترسم.

توضیحات:

«بَسَطتَّ»: گشودی. دراز کردی.

سوره مائدۀ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ٢٩﴾

ترجمه:

من می‌خواهم با (کوله‌بار) گناه من و گناه خود (در روز رستاخیز به‌سوی پروردگار) برگردی و از دوزخیان باشی، و این سزای (عادلانه خدا برای) ستمگران است.

توضیحات:

«تَبُوأَ»: برگردی. «تَبُوأَ بِإِثْمِي وَ إِثْمِكَ»: مراد این است که گناه کشتن مرا بر گناهان اصلی خود بیفزائی.

سوره مائدۀ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَطَوَّعَتْ لَهُۥ نَفْسُهُۥ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصْبَحَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ۝٣٠﴾

ترجمه:

پس نفس (سرکش) او تدریجاً کشتن برادرش را در نظرش آراست و او را مصمم به کشتن کرد، و (عاقبت به ندای وجدان گوش فرا نداد و) او را کشت! و از زیانکاران شد (و هم ایمان خود را و هم برادرش را از دست داد).

توضیحات:

«فَطَوَّعَتْ»: کم‌کم بیاراست و سهل و ساده جلوه داد.

سوره مائدۀ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي ٱلْأَرْضِ لِيُرِيَهُۥ كَيْفَ يُوَٰرِي سَوْءَةَ أَخِيهِ ۚ قَالَ يَٰوَيْلَتَىٰٓ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا ٱلْغُرَابِ فَأُوَٰرِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ ۝٣١﴾

ترجمه:

(بعد از کشتن، نمی‌دانست جسد او را چه کار کند) پس خداوند زاغی را فرستاد (که زاغ دیگری را کشته بود) تا زمین را بکاود و بدو نشان دهد چگونه جسد برادرش را دفن کند. (هنگامی که دید که آن زاغ چگونه زاغِ مرده را در گودالی که کند پنهان کرد) گفت: وای بر من! آیا من نمی‌توانم مثل این کلاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! پس (سرانجام از ترس رسوائی و بر اثر فشار وجدان، از کرده خود پشیمان شد و) از زمره افراد پشیمان گردید.

توضیحات:

«يَبْحَثُ»: جستجو و تکاپو می‌کند. «يُوَارِي»: پنهان می‌کند و مخفی می‌دارد. «سَوْأَةَ»: عورت. در اینجا مراد جسد انسان بعد از مرگ است. «يَا وَيْلَتَيا»: وای بر من! دردا و حسرتا!. «فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ»: مراد این که پشیمان گردید، امّا پشیمانی او به خاطر

ترسِ از خدا و ندامتِ بر کار زشت نبود تا توبه بشمار آید؛ بلکه پشیمانی او بدان خاطر بود که سرزنش پدر و مادر و احتمالاً برادران را پیش چشم می‌داشت، و این که تا آنجا درمانده است که نمی‌تواند جسد برادر خود را دفن و او را از دیده دیگران پنهان دارد.

سوره مائدۀ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿مِنۡ أَجۡلِ ذَٰلِكَ كَتَبۡنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ نَفۡسَۢا بِغَيۡرِ نَفۡسٍ أَوۡ فَسَادٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا وَمَنۡ أَحۡيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحۡيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعٗاۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡأَرۡضِ لَمُسۡرِفُونَ٣٢﴾

ترجمه:

به همین جهت بر بنی‌اسرائیل مقرّر داشتیم که (متجاوز کشته شود. چرا که) هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسان‌ها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهائی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است؛ (زیرا فرد نماینده جمع و عضوی از اعضاء جامعه است). و پیغمبران ما همراه با معجزات آشکار و آیات روشن به پیش ایشان آمدند و امّا بسیاری از آنان (احکام خدا را نادیده گرفتند و) پس از آن در روی زمین راه اسراف (در قتل و جنایت) پیش گرفتند.

توضیحات:

«مِنْ أَجْلِ ذلِكَ»: بدان خاطر. به خاطر حادثه هابیل و قابیل. «مَن قَتَلَ نَفْساً... وَ مَنْ أَحْيَاهَا»: مراد این است که بدی در حق کسی، بدی در حق جامعه است. و نیکی در حق کسی، نیکی در حق جامعه است و...

سوره مائدۀ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿إِنَّمَا جَزَٰٓؤُاْ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓاْ أَوۡ يُصَلَّبُوٓاْ أَوۡ تُقَطَّعَ أَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم مِّنۡ خِلَٰفٍ أَوۡ يُنفَوۡاْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِۚ ذَٰلِكَ لَهُمۡ خِزۡيٞ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ٣٣﴾

ترجمه:

کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شریعت می‌تازند و

بدین‌وسیله) با خدا و پیغمبرش می‌جنگند، و در روی زمین (با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروان‌ها) دست به فساد می‌زنند، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند، یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال) به دار زده شوند، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید، تنها) از جائی به جائی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

توضیحات:

«يُحَارِبُونَ»: می‌جنگند. «فَسَاداً»: حال است و به جای (مُفْسِدِينَ) به کار رفته است و یا این که مفعولٌ‌له است. «يُصَلَّبُوا»: به دار زده شوند. «مِنْ خِلافٍ»: عکس یکدیگر؛ یعنی دست راست و پای چپ، و اگر جنایت تکرار شد، دست چپ و پای راستِ باقیمانده. «يُنفَوْا»: تبعید شوند. زندانی شوند. «خِزْيٌ»: خواری. رسوائی.

سوره مائدۀ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبۡلِ أَن تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهِمۡۖ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ۝٣٤﴾

ترجمه:

مگر کسانی (از این محاربین با حکومت اسلامی و راهزنان و مفسدانی) که پیش از دست‌یافتن شما بر آنان از کرده خود پشیمان شوند و توبه کنند (که مجازات مذکور یزدان از آنان سلب، ولی حقوق مردمان به جای خود باقی می‌ماند). چه بدانید که خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است (و توبه‌کاران را می‌بخشد و بدی‌شان رحم می‌کند).

توضیحات:

«مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ»: پیش از این که بر آنان چیره شوید و دسترسی پیدا کنید.

سوره مائدۀ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۝٣٥﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا بترسید (و از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرّب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و بایسته است)، و در راه او جهاد کنید تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«إِبْتَغُوا»: بطلبید. «الْوَسيلَةَ»: وسیله، هر نوع عمل صالحی است که موجب رضایت خدا و تقرّب بدو می‌گردد.

سوره مائدۀ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفۡتَدُواْ بِهِۦ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنۡهُمۡۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٣٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن، مال کافران باشد و (یکایک آنان در آخرت) آن را برای نجات خود از عذاب روز قیامت بپردازند و بخواهند خویشتن را بدان بازخرید کنند، از ایشان پذیرفته نمی‌گردد (و راهی برای نجات‌شان وجود ندارد و) دارای عذاب دردناکی می‌باشند.

توضیحات:

«لِيَفْتَدُوا بِهِ»: تا آن را فدیه خود کنند. خویشتن را با دادن آن رها کنند.

سوره مائدۀ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿يُرِيدُونَ أَن يَخۡرُجُواْ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنۡهَاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٣٧﴾

ترجمه:

آنان پیوسته می‌خواهند از آتش دوزخ بیرون بیایند، ولی ایشان نمی‌توانند از آن بیرون بیایند، و دارای عذاب دائم و مستمرّند.

توضیحات:

«مُقِيمٌ»: دائم. ناگسستنی.

سوره مائدهٔ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقۡطَعُوٓاْ أَيۡدِيَهُمَا جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلٗا مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ۝٣٨﴾

ترجمه:

دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند (بر کار خود) چیره و (در قانونگذاری خویش) حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می‌کند تا مانع پخش آن گردد).

توضیحات:

«جَزَآءً»: مفعولٌ‌له است. «نَكَالاً»: عقوبت. مجازات. بدل از (جَزَآءً) یا مفعولٌ‌له است. یادآوری: برای قطع دست دزد شرائطی است. از جمله: دزدی برابر نقشه قبلی و با پیروی از امیال نفسانی باشد و کالا اهمّیت داشته و در انبار یا جای محکمی گذاشته شده باشد، و قحطی و فقر و فاقه انگیزه دزدی نبوده باشد.

سوره مائدهٔ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَمَن تَابَ مِنۢ بَعۡدِ ظُلۡمِهِۦ وَأَصۡلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ۝٣٩﴾

ترجمه:

امّا کسی که پس از ارتکاب ستم (دزدی) پشیمان شود و (از دزدی) توبه کند و (با انجام اعمال نیکو و پس‌دادن اموال مسروقه یا قیمت آنها) به اصلاح (حال خود) پردازد، خداوند توبه او را می‌پذیرد، بی‌گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

سوره مائدهٔ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ۝٤٠﴾

ترجمه:

مگر نمی‌دانی که سلطنت آسمان‌ها و زمین (و هر چه در آنها است) از آن او است؟

هرکس را بخواهد (برابر حکمت و قدرت خود) مجازات می‌کند، و هرکس را بخواهد (برابر حکمت و رحمت خود) می‌بخشد. و خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«أَلَمْ تَعْلَمْ»: مگر ای مخاطب مکلّف ندانسته‌ای و اطّلاع کامل نداری؟. «مُلْكُ»: فرمانروائی. مملکت.

سوره مائدۀ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَلَمۡ تُؤۡمِن قُلُوبُهُمۡۛ وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْۛ سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ سَمَّٰعُونَ لِقَوۡمٍ ءَاخَرِينَ لَمۡ يَأۡتُوكَۖ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ مِنۢ بَعۡدِ مَوَاضِعِهِۦۖ يَقُولُونَ إِنۡ أُوتِيتُمۡ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمۡ تُؤۡتَوۡهُ فَٱحۡذَرُواْۚ وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتۡنَتَهُۥ فَلَن تَمۡلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمۡۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٤١﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! مایه اندوه تو نشود (کار کافرانی که) در کفر بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. کسانی (از منافقان گول‌خورده‌ای) که به زبان می‌گویند مؤمن هستیم، ولی از دل مؤمن نمی‌باشند (و گفتارشان با کردارشان و بیرونشان با درونشان همخوانی ندارد)، و کسانی که خویشتن را یهودی می‌دانند و پیوسته گوش به دروغ فرا می‌دارند (و اکاذیب و اباطیل اَحبار را باور می‌نمایند و سخنان یاوه) گروه دیگری (از خود) را می‌پذیرند که (به سبب کبر و غرور و بغض و حسد) به پیش تو نمی‌آیند و سخنان (آسمانی تورات) را از جاهای خود به دور و تحریف می‌کنند (و به پیروان خود) می‌گویند: اگر این (چیزهائی را که ما می‌گوئیم، توسّط محمّد) به شما گفته شد، آن را بپذیرید، و اگر چنین به شما گفته نشد (از پذیرش هرگونه سخن دیگری) خویشتن را برحذر دارید. اگر خداوند (بر اثر گناهان پی در پی) بلای کسی را بخواهد، تو نمی‌توانی اصلاً برای او کاری بکنی. آنان کسانیند که (در ضلال و عناد اسراف کرده‌اند و) خداوند نمی‌خواهد دل‌هایشان را (از کثافت کفر و شرک) پاک گرداند. بهره ایشان در دنیا خواری و رسوائی، و در آخرت عذاب بزرگی است.

توضیحات:

«يُسَارِعُونَ»: بر همدیگر سرعت و سبقت می‌گیرند. «سَمّاعُونَ»: شنوندگان. پذیرندگان. «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ»: گوش به دروغ فرا می‌دارند و آن را می‌پذیرند. برای دروغ‌پردازی و یاوه‌سرائی و تکذیب حقائق، گوش به دروغ فرا می‌دارند و آن را می‌پذیرند. برای دروغ‌پردازی و یاوه‌سرائی و تکذیب حقائق، گوش به سخن فرا می‌دارند. «سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخَرِينَ»: سخنان کسان دیگری را می‌شنوند و می‌پذیرند. برای کسان دیگری گوش به سخن فرا می‌دارند، یعنی جاسوس دیگرانند و شنیدنی‌های خود را به سمع آنان می‌رسانند. «فِتْنَة»: بلا و محنت. ضلالت.

سوره مائدۀ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحْتِۚ فَإِن جَآءُوكَ فَٱحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْۖ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْـًٔاۖ وَإِنْ حَكَمْتَ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ۝٤٢﴾

ترجمه:

آنان بسی دروغ را می‌شنوند و می‌پذیرند، و بسیار مال حرام را می‌خورند. اگر ایشان نزد تو آمدند (و داوری از تو خواستند) در میان‌شان داوری کن یا از ایشان روی بگردان و (کاری به داوری آنان نداشته باش و مترس که) اگر از آنان روی بگردانی، هیچ زیانی نمی‌توانند به تو برسانند. ولی اگر در میان‌شان داوری کردی، دادگرانه داوری کن. (چرا که) بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«أَكَّالُونَ»: بسیارخورندگان. «سُحْت»: مال حرام. «الْقِسْطِ»: عدل و داد. «الْـمُقْسِطِينَ»: دادگران.

سوره مائدۀ آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ ٱلتَّوْرَىٰةُ فِيهَا حُكْمُ ٱللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَـٰٓئِكَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ۝٤٣﴾

ترجمه:

شگفتا چگونه تو را به داوری می‌خوانند، در حالی که تورات دارند و حکم خدا در آن (به ویژه درباره زنا به روشنی) آمده است؟ (وانگهی) پس از داوری، پشت می‌کنند و (از حکم تو) روی می‌گردانند! (چرا که آن را هرچند موافق با حکم کتابشان می‌دانند، موافق با خواست دل‌شان نمی‌یابند)! و آنان مؤمن نیستند (و حق را باور نمی‌دارند).

توضیحات:

«كَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ»: چگونه شما را به داوری می‌طلبند؟!

سوره مائدۀ آیه ۴۴

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ فِيهَا هُدٗى وَنُورٞۚ يَحۡكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسۡلَمُواْ لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلۡأَحۡبَارُ بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ عَلَيۡهِ شُهَدَآءَۚ فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ وَٱخۡشَوۡنِ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗاۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ۴۴﴾

ترجمه:

ما تورات را (بر موسی) نازل کردیم که در آن رهنمودی (به سوی حق) و نوری (زداینده تاریکی‌های جهل و نادانی، و پرتوانداز بر احکام الهی) بود. پیغمبرانی که تسلیم فرمان خدا بودند بدان برای یهودیان حکم می‌کردند، و نیز خداپرستان و دانشمندانی بدان حکم می‌کردند که امانتداران و پاسداران کتاب خدا بودند. پس (ای علماء یهودیان، و شما ای مؤمنان!) از مردم نهراسید و بلکه از من بهراسید (و همچون سلف صالح خود محافظان و مراقبان کتاب خدا و مجریان احکام آسمانی باشید) و آیات مرا به بهای ناچیز (دنیا، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید و (بدانید که) هرکس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است (و قصد توهین به احکام الهی را داشته باشد) او و امثال او بی‌گمان کافرند.

توضیحات:

«الرَّبَّانِيُّونَ»: خداپرستان پرهیزگار. مردان خدا. مراد پیشوایان دینی مسیح است (نگا: مائده / ۶۳). «الأَحْبَار»: جمع حِبْر، فرزانگان. پیشوایان دین یهود. «بِمَا»: به

سبب چیزی که. «اسْتُحْفِظُوا»: بدانان سپرده شده بود تا در حفظ آن بکوشند و پاسش دارند. «شُهَدَآءَ»: نگهبانان و پاسداران.

سوره مائدهٔ آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفْسَ بِٱلنَّفْسِ وَٱلْعَيْنَ بِٱلْعَيْنِ وَٱلْأَنفَ بِٱلْأَنفِ وَٱلْأُذُنَ بِٱلْأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلْجُرُوحَ قِصَاصٌۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُۥۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ٤٥﴾

ترجمه:

و در آن (کتاب آسمانی، تورات نام) بر آنان مقرّر داشتیم که انسان در برابر انسان (کشته می‌شود) و چشم در برابر چشم (کور می‌شود) و بینی در برابر بینی (قطع می‌شود) و گوش در برابر گوش (بریده می‌شود) و دندان در برابر دندان (کشیده می‌شود) و جراحتها قصاص دارد (و جانی بدان اندازه و به همان منوال زخمی می‌گردد که جراحت وارد کرده است اگر مثل آن جراحات ممکن گردد و خوف جان در میان نباشد)، و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص صرف نظر کند)، این کار باعث بخشش (برخی از گناهان) او می‌گردد. و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگر بشمارند.

توضیحات:

«كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ»: بر آنان واجب کردیم. «النَّفْسَ»: جان. شخص. «الْجُرُوحَ»: مفرد آن جُرْح، زخم‌ها. جراحات.

سوره مائدهٔ آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِۖ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ٤٦﴾

ترجمه:

و به دنبال آنان (یعنی پیغمبران پیشین)، عیسی پسر مریم را بر راه و روش ایشان فرستادیم که تصدیق‌کننده توراتی بود که پیش از او فرستاده شده بود، و برای او انجیل نازل کردیم که در آن رهنمودی (به سوی حق) و نوری (زداینده تاریکی‌های

جهل و نادانی، و پرتوانداز بر احکام الهی) بود، و تورات را تصدیق می‌کرد که پیش از آن نازل شده بود، و برای پرهیزگاران راهنما و پنددهنده بود.

توضیحات:

«قَفَّيْنا»: به دنبال آوردیم. در پی آوردیم. «ءَاثَارِهِمْ»: گام‌هایشان. راه و روش ایشان. « وَقَفَّيْنَا عَلَيا ءَاثارِهِمْ بِعِيسَيا...»: به دنبال ایشان، عیسی را فرستادیم تا راه و روش ایشان را در پیش گیرد و همچون آنان به ارشاد و راهنمائی پردازد. «بَيْنَ يَدَيْهِ»: پیش از آن. «هُديً وَ مَوْعِظَةً»: حال بوده و معطوف بر (مصدّقاً) هستند.

سوره مائدۀ آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلۡيَحۡكُمۡ أَهۡلُ ٱلۡإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ۝٤٧﴾

ترجمه:

(ما پس از نزول انجیل بر عیسی، به طرفداران او دستور دادیم که) باید پیروان انجیل به چیزی (از احکام) حکم کنند که خدا در انجیل نازل کرده است، و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، او و امثال او متمرّد (از شریعت خدا) هستند.

توضیحات:

«مَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ اللهُ»: کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، اگر منکر آن باشد کافر است، و اگر منکر نبوده و مقِرّ باشد ظالم است، و اگر در راه حَکمیت دادن بدان تلاش نکند و سستی ورزد فاسق است (نگا: تفسیر واضح).

سوره مائدۀ آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ۝٤٨﴾

ترجمه:

و بر تو (ای پیغمبر) کتاب (کامل و شامل قرآن) را نازل کردیم که (در همه احکام و اخبار خود) ملازم حق، و موافق و مصدّق کتاب‌های پیشین (آسمانی)، و شاهد (بر صحّت و سقم) و حافظ (اصول مسائل) آنها است. پس (اگر اهل کتاب از تو داوری خواستند) میان آنان بر طبق چیزی داوری کن که خدا بر تو نازل کرده است، و به خاطر پیروی از امیال و آرزوهای ایشان، از حق و حقیقتی که برای تو آمده است روی مگردان. (ای مردم)! برای هر ملّتی از شما راهی (برای رسیدن به حقائق) و برنامه‌ای (جهت بیان احکام) قرار داده‌ایم. اگر خدا می‌خواست همه شما (مردمان) را ملّت واحدی می‌کرد (و بر یک روال و یک سرشت می‌سرشت، و لذا راه و برنامه ارشادی آنان در همه امکنه و ازمنه یکی می‌شد) و امّا (خدا چنین نکرد) تا شما را در آنچه (از شرائع) به شما داده است بیازماید (و فرمانبردار یزدان و سرکش از فرمان منّان جدا و معلوم شود). پس (فرصت را دریابید و) به‌سوی نیکیها بشتابید (و به جای مشاجره در اختلافات به مسابقه در خیرات بپردازید و بدانید که) جملگی بازگشت‌تان به‌سوی خدا خواهد بود، و از آنچه در آن اختلاف می‌کرده‌اید آگاهتان خواهد کرد (و هر یک را برابر کردار خوب یا بد پاداش و پادافره خواهد داد).

توضیحات:

«مُهَیْمِناً»: حافظ و نگهبان. گواه و دیدبان. یعنی قرآن حافظ و شاهد کتب آسمانی پیشینیان است. نگاهدار اصول مسائل، و شاهد بر حقائق الهی و انحرافات و عقائد خرافی است. «شِرْعَةً»: شریعت. راه و روشی که خداوند برای ملّتی معین فرموده است (نگا: حجّ / ۳۴ و ۶۷، جاثیه / ۱۸). «مِنْهَاجاً»: برنامه. راه و روش. عطف (مِنْهَاجاً) بر (شِرْعَةً) از قبیل عطف تفسیر است. «إِسْتَبِقُوا»: مسابقه دهید. بر همدیگر پیشی جوئید.

سوره مائدۀ آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَأَنِ ٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن يَفۡتِنُوكَ عَنۢ بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعۡضِ ذُنُوبِهِمۡۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

و (به تو ای پیغمبر فرمان می‌دهیم به این که) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که خدا بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که (با کذب و حق‌پوشی و خیانت و غرض‌ورزی) تو را از برخی چیزهائی که خدا بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند). پس اگر (از حکم خدا رویگردان شدند و به قانون خدا) پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد به سبب پاره‌ای از گناهانشان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد (و به عذاب دنیوی، پیش از عذاب اخروی گرفتار کند). بی‌گمان بسیاری از مردم (از احکام شریعت) سرپیچی و تمرّد می‌کنند (و از حدود قوانین الهی تخطّی می‌نمایند).

توضیحات:

«أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ...»: تو را به دور دارند از. تو را منحرف نمایند از. «أَن يُصِيبَهُمْ»: این که آنان را دچار عذاب و بلا سازد.

سوره مائدۀ آیه ۵۰

متن آیه:

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ۝٥٠﴾

ترجمه:

آیا (آن فاسقان از پذیرش حکم تو بر طبق آنچه خدا نازل کرده است سرپیچی می‌کنند و) جویای حکم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می‌کند؟

توضیحات:

«يَبْغُونَ»: می‌خواهند. خواستارند.

سوره مائدۀ آیه ۵۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ۝٥١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اوّلی آنان را به

سرپرستی نپذیرید). ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد (و آنان را به سرپرستی بپذیرد) بی‌گمان او از زمره ایشان بشمار است. و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی‌کند.

توضیحات:

«أَوْلِيَآءَ»: جمع ولی، دوستان. سرپرستان. ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلْيَهُودَ وَٱلنَّصَـٰرَىٰٓ أَوْلِيَآءَ﴾: در اینجا منظور این نیست که مسلمانان هیچ‌گونه رابطه تجاری و اجتماعی با یهودیان و مسیحیان نداشته باشند. بلکه منظور این است که با آنان هم‌پیمان نگردند و محرم اسرارشان ندانند و در برابر دشمنان خود بر دوستی آنان تکیه نکنند و هرگز ایشان را به سرپرستی نپذیرند.

سوره مائدۀ آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَـٰرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ ۚ فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِىَ بِٱلْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِۦ فَيُصْبِحُواْ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّواْ فِىٓ أَنفُسِهِمْ نَـٰدِمِينَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

می‌بینی کسانی که بیماری (ضعف و شک و نفاق) به دل دارند، (در دوستی و یاری با یهودیان و مسیحیان) بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و می‌گویند: می‌ترسیم که (روزگار برگردد و) بلائی بر سر ما آید (و به کمک ایشان نیازمند شویم). امید است که خداوند فتح (مکه) را پیش بیاورد یا از جانب خود کاری کند (و دشمنان اسلام را نابود و منافقان را رسوا نماید) و این دسته از آنچه در دل پنهان داشته‌اند، پشیمان گردند (و بر ضعف و شک و نفاق خود افسوس خورند).

توضیحات:

«دَآئِرَةٌ»: مصیبت بزرگی که چرخش زمان باعث پیدایش آن شود. حادثه و بلائی که همه را در برگیرد. «الْفَتْحِ»: فتح مکه. پیروزی و نصرت.

سوره مائدۀ آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ إِنَّهُمۡ لَمَعَكُمۡۚ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَأَصۡبَحُواْ خَٰسِرِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

(بدان گاه که فتح و پیروزی فرا رسد) مؤمنان می‌گویند: آیا اینان همان کسانی هستند که با شدّت و با حدّت به خدا سوگند می‌خوردند و می‌گفتند: ما (بر آئین شمائیم و همچون شما مسلمانیم و) با شما هستیم! (دروغ گفتند و) کردارشان بیهوده و تباه گشت (و رنجشان بر باد رفت و تلاششان هدر گردید) و زیانکار شدند (و هم ایمان و هم یاری مؤمنان را از دست دادند).

توضیحات:

﴿أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: با نهایت تأکید به خدا سوگند می‌خورند. «جَهْدَ»: غایت و نهایت. حال یا مفعول مطلق است (نگا: بیضاوی). «أَيْمَان»: جمع یمین، سوگندها. «حَبِطَتْ»: هدر رفت. بی‌ثمر شد. «حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ»: این جمله می‌تواند مقول قول مؤمنان، یا بیان خداوند متعال درباره سرانجام بد منافقان باشد.

سوره مائدۀ آیه ۵۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هرکس از شما از آئین خود بازگردد (و از ایمان به کفر گراید، کوچک‌ترین زیانی به خدا نمی‌رساند و در آینده) خداوند جمعیتی را (به جای ایشان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند دوست‌شان می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند. نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت و نیرومندند. در راه خدا جهاد می‌کنند و به تلاش می‌ایستند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای (در اطاعت از فرمان یزدان) هراسی به خود راه نمی‌دهند. این هم فضل خدا است (که

کسی دارای چنین اوصافی باشد)؛ خداوند آن را به هرکس که بخواهد (به خیر و خوبی نائل شود) عطاء می‌کند. و خداوند دارای فضل فراوان و (انعام بیشمار است، و از مستحقّان آن) آگاه است.

توضیحات:

«أَذِلَّةٍ»: جمع ذلیل، مراد افراد مهربان و نرم‌خو و متواضع است. «أَعِزَّةٍ»: جمع عزیز، مراد افراد سختگیر و دلیر و بیباک است. واژه‌های (أَذِلَّةٍ) و (أَعِزَّةٍ) صفت کلمه (قَوْمٍ) می‌باشد. «لآئِمٍ»: سرزنش کننده. «وَاسِعٌ»: دارای فضل فراوان و انعام بیکران.

سوره مائدۀ آیه ۵۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ۝٥٥﴾

ترجمه:

تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شمایند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می‌آورند و زکات مال به در می‌کنند.

توضیحات:

«وَ هُمْ رَاكِعُونَ»: و حال آن که آنان عبادات و تکالیف خود را فروتنانه و از صمیم قلب انجام می‌دهند (نگا: آل‌عمران ۴۳، و ص / ۲۴). این جمله، حال فاعل فعلهای (يُقِيمُونَ) و (يُؤْتُونَ) است (نگا: توبه / ۵۴). و می‌تواند جمله مستأنفه نیز باشد.

سوره مائدۀ آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ۝٥٦﴾

ترجمه:

و هرکس که خدا و پیغمبر او و مؤمنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از زمره حزب‌الله است و) بی‌تردید حزب‌الله پیروز است.

توضیحات:

«حِزْب»: جمعیتی که دارای یک ایده و مرام باشند و به‌سوی هدف واحدی مردمان

را فرا خوانند.

سوره مائدة آیه ۵۷

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَكُمۡ هُزُوٗا وَلَعِبٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَـٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَٱلۡكُفَّارَ أَوۡلِيَآءَۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٥٧﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! کسانی را از اهل کتاب و از کافران به دوستی نگیرید که دین شما را مسخره می‌کنند و به بازی می‌گیرند. از خدا بترسید (و دشمنان آئین خود را دوست و یار خود ندانید) اگر مؤمنان (راستین واقعی) هستید.

توضیحات:

«هُزُواً»: مسخره. شوخی. اصل کلمه (هُزُواً) است و همزه ماقبل مضموم به واو تبدیل شده است. «لَعِباً»: بازی. واژه‌های (هُزُواً و لَعِباً) مصدرند و به معنی اسم مفعول به کار رفته‌اند.

سوره مائدة آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا نَادَيۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوٗا وَلَعِبٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ٥٨﴾

ترجمه:

آنان هنگامی که (اذان می‌گوئید و مردمان را) به نماز می‌خوانید، نماز را به باد استهزاء می‌گیرند و بازیچه‌اش قرار می‌دهند (و بدان می‌خندند و تمسخرش می‌کنند). این کارشان بدان خاطر است که ایشان کسانِ نفهم و بیشعوری هستند (و ضلالت را از هدایت باز نمی‌شناسند و هدف و حکمت نماز را درک نمی‌کنند).

توضیحات:

«إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَي الصَّلاةِ»: هنگامی که صدا به نماز برداشتید. وقتی که برای ادای نماز اذان گفتید.

سوره مائدة آیه ۵۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ هَلۡ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن

قَبۡلُ وَأَنَّ أَكۡثَرَكُمۡ فَٰسِقُونَ﴿٥٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! بگو: ای اهل کتاب! آیا بر ما خُرده می‌گیرید؟ (مگر ما چه کرده‌ایم) جز این که به خداوند و به چیزی که بر ما نازل شده و به چیزی که پیشتر (بر شما) نازل شده است ایمان داریم؟! (این کار شما ناشی از عدم ایمان است و هم بدان خاطر است که) بیشتر شما فاسق (و خارج از شریعت خدا) هستند.

توضیحات:

«هَلۡ تَنقِمُونَ مِنَّآ»: آیا این را بر ما خرده می‌گیرید و زشت می‌دانید؟. «وَأَنَّ أَكۡثَرَكُمۡ فَاسِقُونَ»: بی‌گمان بیشتر شما شاهراه خداشناسی را ترک گفته‌اند و از حدود آئین خدا بدر رفته‌اند. این جمله می‌تواند عطف بر ماقبل بوده و معنی چنین باشد: ما بر این باوریم که بیشتر شما فاسق هستید. یا مستأنفه بوده و بیان‌گر بی‌انصافی ایشان باشد.

سوره مائدۀ آیه ۶۰

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلۡ أُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِۚ مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيۡهِ وَجَعَلَ مِنۡهُمُ ٱلۡقِرَدَةَ وَٱلۡخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَۚ أُوْلَٰٓئِكَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ﴿٦٠﴾

ترجمه:

بگو: آیا شما را باخبر کنم از چیزی که پاداش بدتری از آن (چیزهائی که بر ما خرده می‌گیرید) در پیشگاه خدا دارد؟ (این کردار شما است، شما) کسانی که خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود به دور کرده است و بر ایشان خشم گرفته و (با مسخ قلوب‌شان) از آنان میمون‌ها و خوک‌هائی را ساخته است، و (کسانی را پدیدار نموده است که) شیطان را پرستیده‌اند. آنان (از هرکس دیگری) موقعیت و منزلت‌شان بدتر و از راستای راه منحرف‌تر و گمراهترند.

توضیحات:

«مَثُوبَةً»: پاداش. استعمال پاداش به جای پادافره، برای استهزاء است. (مَثُوبَةً) مصدر میمی و به معنی ثواب، و تمییز (بِشَرٍّ) است. «عَبَدَ»: پرستش کردند. استعمال

آن به صورت مفرد، با توجّه به موصول مشترک (مَنْ) است. «الْقِرَدَةَ»: جمع قِرْد، میمون‌ها. «الْخَنَازِيرَ»: جمع خِنْزير، خوک‌ها. «جَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ»: مراد مسخ اخلاقی و معنوی است؛ نه ظاهری و مادی (نگا: بقره / ۶۵، و اعراف / ۱۶۶). جمهور علماء معتقد به مسخ ظاهری و مادی هستند و می‌گویند که خداوند دسته‌های از آنان را به میمون و خوک تبدیل نموده است و نسلی از آنان به وجود نیامده است و لذا منقرض شده‌اند. «الطَّاغُوتَ»: هر معبودی جز خدا. اهریمن. هرکس و هرچیزی که اطاعت از آن، مایه طغیان و دوری از راه حق شود، چه آفریده‌ای که پرستیده شود، و چه فرماندهی که در شرّ و بدی از او فرمانبرداری گردد، و چه اهریمنی باشد که انسان را از راه به در برد.

سوره مائدۀ آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا جَآءُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُواْ بِٱلۡكُفۡرِ وَهُمۡ قَدۡ خَرَجُواْ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا كَانُواْ يَكۡتُمُونَ۝٦١﴾

ترجمه:

هنگامی که (منافقان) نزد شما می‌آیند (به دروغ) می‌گویند: ایمان آورده‌ایم! و حال آن که با کفر وارد و با کفر خارج می‌شوند (و به هنگام ورود و به هنگام خروج راستگو و مسلمان نبوده‌اند) و خدا از آنچه (در دل از نفاق) پنهان می‌کنند (از هر کس دیگری) آگاه‌تر است.

توضیحات:

«دَخَلُوا بِالْكُفْرِ»: کافرانه به پیش تو آمدند و کافرانه از پیش تو برگشتند. حرف (بِ) باء ملابسه یا باء حالیه است. همان‌گونه که می‌گوئیم: «خَرَجَ زَيْدٌ بِسِلاحِهِ ، اي مُتَسَلِّحاً...»: زید مسلّحانه بیرون رفت.

سوره مائدۀ آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَتَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَأَكۡلِهِمُ ٱلسُّحۡتَۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ۝٦٢﴾

ترجمه:

بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناهکاری و ستمکاری، و خوردن مال حرام بر یکدیگر سبقت می‌جویند! چه کار زشتی می‌کنند!

توضیحات:

«الْعُدْوَانِ»: ظلم و ستم. تعدّی و دست‌درازی. «السُّحْتَ»: مال حرام.

سوره مائدهٔ آیه ۶۳

متن آیه:

﴿لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ ٱلْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾﴾

ترجمه:

چرا پیشوایان مسیحی و علماء یهودی آنان را از سخنان گناه‌آلود و خوردن مال حرام نهی نمی‌کنند و باز نمی‌دارند؟ آنان (هم با ترک نهی و لب فروبستن از اندرز و ارشاد) چه کار زشتی می‌کنند.

توضیحات:

«لَوْ لا»: چرا نباید که. «الرَّبَّانِيُّونَ»: پیشوایان دینی مسیحی. «الأحْبَار»: پیشوایان دینی یهودی (نگا: مائده / ۴۴).

سوره مائدهٔ آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغْلُولَةٌ ۚ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْ ۘ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ ۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ۚ وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ كُلَّمَآ أَوْقَدُواْ نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا ٱللَّهُ ۚ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا ۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾﴾

ترجمه:

(برخی از) یهودیان می‌گویند: دست خدا به غل و زنجیر بسته است! (و بخل او را از عطاء و بخشش به ما گسسته است)!. دستهایشان بسته باد! (و بخل بهره ایشان، و دستهایشان در دوزخ به زنجیر بسته باد)! و به سبب آنچه می‌گویند نفرینشان باد (و از رحمت خدا محروم و مطرود گردند)!. بلکه دو دست خدا باز (و او جواد و بخشنده

است)، هرگونه که بخواهد (و حکمت خداوندی اقتضاء کند) می‌بخشد. (به سبب تنگ‌چشمی و کینه‌توزی) آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل می‌شود (که آیات قرآن مجید است) بر سرکشی و کفرورزی بسیاری از آنان می‌افزاید. ما در میان (طوائف مختلف) آنان (به سبب انحراف عقیدتی و معیارهای غلطی که به نام خدا به آئین خود راه داده‌اند) تا روز قیامت دشمنی و کینه‌توزی افکنده‌ایم. آنان هر زمان که آتش جنگی (علیه پیغمبر و مؤمنان) افروخته باشند، خداوند آن را (با شکست ایشان و پیروزی پیغمبر و مؤمنان) خاموش ساخته است. آنان به خاطر ایجاد فساد در زمین می‌کوشند (و با نیرنگ بازی و فتنه‌گری و جنگ‌افروزی در پخش فساد می‌جوشند. آنان مفسدند) و خداوند مفسدان و تباهکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«مَغْلُولَةٌ»: بسته به غل و زنجیر. «مَبْسُوطَتَانِ»: باز. بسته‌شدن دست کنایه از بخل، و باز بودن آن کنایه از بخشندگی است (نگا: اسراء / ۲۹). «غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا »: عبارت دعائی است. «فَسَاداً»: مفعولٌ‌له، یا حال و به معنی (مُفْسِدِینَ) است.

سوره مائدۀ آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَكَفَّرۡنَا عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٦٥﴾

ترجمه:

و اگر اهل کتاب (اعم از مسیحیان و یهودیان، به جای دشمنانگی و تباهکاری، به اسلام بگروند و) ایمان بیاورند و پرهیزگاری پیشه کنند، گناهانشان را می‌زدائیم (و زشتی‌ها و پلشتی‌های گذشته ایشان را می‌بخشیم) و آنان را به باغ‌های پرنعمت بهشت داخل می‌سازیم.

توضیحات:

«النَّعِیمِ»: پرناز و نعمت.

سوره مائدۀ آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ أَقَامُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِم مِّن رَّبِّهِمۡ لَأَكَلُواْ مِن فَوۡقِهِمۡ

﴿وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۚ مِّنۡهُمۡ أُمَّةٞ مُّقۡتَصِدَةٞۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ سَآءَ مَا يَعۡمَلُونَ٦٦﴾

ترجمه:

و اگر آنان به تورات و انجیل (اصلی و دست‌نخورده) و بدانچه که از سوی پروردگارشان (به نام قرآن) بر آنان نازل شده است عمل بکنند (و در میان خود قوانین الهی را پیاده کنند و برپای دارند) از بالای سر خود و از زیرپای خود (و از هر سو، غرق در نعمت شده و از آسمان و زمین) روزی خواهند خورد. (اهل کتاب همه یکسان نیستند) جمعی از آنان عادل و میانه‌روند (و به اسلام می‌گروند و به محمّد ایمان می‌آورند) ولی بسیاری از ایشان (نااهل و کج‌روند و) بدترین کاری را انجام می‌دهند.

توضیحات:

«أَقَامُوا»: پابرجا داشتند. مراد این است که اگر تورات و انجیل را محفوظ می‌داشتند و به محتوای آنها و قرآن عمل می‌کردند و... «مُقْتَصِدَةً»: معتدل و میانه‌رو. جماعتی که راه افراط و تفریط نمی‌پویند و جز راستای راه نمی‌جویند.

سوره مائدۀ آیه ۶۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ٦٧﴾

ترجمه:

ای فرستاده (خدا، محمّد مصطفی!) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ‌گونه خوف و هراسی، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن)، و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را (به مردم) نرسانده‌ای (و ایشان را بدان فرا نخوانده‌ای. چرا که تبلیغ جمیع اوامر و احکام بر عهده تو است، و کتمان جزء از جانب تو، کتمان کلّ بشمار است). و خداوند تو را از (خطرات احتمالی کافران و اذیت و آزار) مردمان محفوظ می‌دارد (زیرا سنّت خدا بر این جاری است که باطل بر حق پیروز نمی‌شود. و) خداوند گروه کافران (و مشرکانی را که درصدد اذیت و آزار تو برمی‌آیند و می‌خواهند برابر خواست آنان دین خدا را تبلیغ کنی، موفّق نمی‌گرداند و به راه راست ایشان) را هدایت نمی‌نماید.

توضیحات:

«بَلِّغْ»: تبلیغ کن. برسان. «يَعْصِمُكَ»: محفوظ و مصونت می‌دارد. «وَإِن لَّـمْ تَفْعَلْ»: اگر به تمام و کمال تبلیغ نکنی. این تهدید خطاب به پیغمبر و به پیروی از او، خطاب به همه علماء و مسلمانانی است که در کار تبلیغ چه بسا سستی کنند و برخی از حقائق را به خاطر دیگران پنهان دارند.

سوره مائدۀ آیه ۶۸

متن آیه:

﴿قُلۡ يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ لَسۡتُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۖ فَلَا تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ٦٨﴾

ترجمه:

ای فرستاده (خدا، محمّد مصطفی!) بگو: ای اهل کتاب! شما بر هیچ (دین صحیحی از ادیان آسمانی پایبند) نخواهید بود، مگر آن که (ادّعا را کنار بگذارید و عملاً احکام) تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگارتان (به نام قرآن) برایتان نازل شده است برپا دارید (و در زندگی پیاده و اجرا نمائید). ولی (ای پیغمبر! بدان که) آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده است، بر عصیان و طغیان و کفر و ظلم بسیاری از آنان می‌افزاید (و این قرآن به خاطر روح لجاجت کافران در آنان تأثیر معکوس می‌نماید!). بنابراین (آسوده خاطر باش و) بر گروه کافران غمگین مباش.

توضیحات:

«لَسْتُمْ عَلَيا شَيْءٍ»: شما پایبند چیزی نیستید. شما دارای عقیده و ایمانی نیستید. «فَلا تَأْسَ»: بر عدم ایمان کافران غم مخور.

سوره مائدۀ آیه ۶۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّـٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ٦٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی از مسلمانان و یهودیان و صابئان و مسیحیان (اهل نجات هستند

و) خوف و هراسی (از عذاب دوزخ در جهان جاویدان) و غم و اندوهی (بر عمر سپری شده در جهان گذران) ندارند آنان که به خدا و قیامت ایمان داشته باشند و کار شایسته انجام دهند.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا»: مسلمانان. مؤمنانی که در روزگاران گذشته به پیغمبران ایمان آورده‌اند. «الصَّابِئُونَ»: ستاره‌پرستان. خورشیدپرستان. آنان که از هر دینی قسمتی را برگرفته‌اند، و... واژه (الصَّابِئُونَ) مبتدا است و خبر آن محذوف بوده و تقدیر چنین می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَ النَّصَارَيا كَذلِكَ». و یا خبر آن جمله (مَنْ ءَامَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الأخِرِ) است.

سوره مائدۀ آیه ۷۰

متن آیه:

﴿لَقَدۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ رُسُلٗاۖ كُلَّمَا جَآءَهُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُهُمۡ فَرِيقٗا كَذَّبُواْ وَفَرِيقٗا يَقۡتُلُونَ۝٧٠﴾

ترجمه:

ما از (یهودیان) بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم (که احکام تورات را مراعات دارند، و برای تبلیغ آن به مردمان) پیغمبرانی به‌سوی ایشان فرستادیم. (امّا آنان پیمان‌شکنی کردند و) هر زمان که پیغمبری چیزی را می‌آورد که با هواها و هوس‌های آنان سازگار نبود، دسته‌ای (از پیغمبران) را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند.

توضیحات:

«مِيثَاق»: پیمان استوار. «فَرِيقاً»: دسته. گروه. ذکر فعل (كَذَّبُوا) به صورت ماضی، و فعل (يَقْتُلُونَ) به صورت مضارع، بیان‌گر پیشه ناپاک گذشته و حالِ بنی‌اسرائیل است.

سوره مائدۀ آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتۡنَةٞ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ ثُمَّ عَمُواْ وَصَمُّواْ كَثِيرٞ مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ۝٧١﴾

ترجمه:

و (بنی‌اسرائیل) گمان بردند که آزمایشی در میان نیست (تا مؤمنان راستین را از مؤمنان دروغین ایشان جدا سازد) و بلا و عذابی (در برابر تکذیب و قتل انبیاء گریبانگیرشان) نخواهد بود. لذا کور شدند (و آزمون‌ها و شدائد گذشتگان را نادیده گرفتند) و کر شدند (و سخنان حق انبیاء را نشنیدند. خداوند آنان را دچار بلاها کرد و کسانی را بر ایشان مسلّط نمود که مزه خواری و پستی بدانان چشاند. و لذا از کرده خود پشیمان شدند و) آن گاه خداوند توبه ایشان را پذیرفت (و عزّت و کرامت بدی‌شان بخشید. ولی) دوباره بسیاری از آنان (از راه راست منحرف و از دیدن حقائق) کور شدند و (از شنیدن سخنان پیغمبران و خیرخواهان) کر شدند. خداوند اعمال ایشان را (دیده و) می‌بیند (و پاداش و پادافره آنان را می‌دهد).

توضیحات:

«تَكُونَ»: به صورت تامّه به کار رفته است. «فِتْنَةٌ»: آزمایش. بلا و عذاب. «عَمُوا»: کور شدند. «صَمُّوا»: کر شدند. «كَثِيرٌ»: بدل از ضمیر (و) در (عَمُوا وَصَمُّوا) است.

سوره مائدۀ آیه ۷۲

متن آیه:

﴿لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ٧٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی کافرند که می‌گویند: (خدا در عیسی حلول کرده است و) خدا همان مسیح پسر مریم است. (در صورتی که خود) عیسی گفته است: ای بنی‌اسرائیل! خدای یگانه‌ای را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است. بی‌گمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است. و ستمکاران یار و یاوری ندارند (تا ایشان را از عذاب جهنّم برهاند).

توضیحات:

«اِنَّ اللهَ هُوَ الْـمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ»: مراد وحدت مسیح با خدا، و به عبارت دیگر (توحید

در تثلیث)! است.

سوره مائدهٔ آیه ۷۳

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٣﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی کافرند که می‌گویند: خداوند یکی از سه خدا است! (در صورتی که) معبودی جز معبود یگانه وجود ندارد (و خدا یکی بیش نیست) و اگر از آنچه می‌گویند دست نکشند (و از معتقدات باطل خود برنگردند) به کافران آنان (که بر این اعتقاد باطل ماندگار می‌مانند) عذاب دردناکی خواهد رسید.

توضیحات:

«إِنَّ اللهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ»: مراد تعدّد خدایان، یعنی (تثلیثِ در توحید!) است.

سوره مائدهٔ آیه ۷۴

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٤﴾

ترجمه:

آیا (اینان از این عقیده منحرفانه دست نمی‌کشند و) به‌سوی خدا برنمی‌گردند و از او آمرزش (گناهان خود را) نمی‌خواهند؟! خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است (و اگر توبه نمایند و طلب آمرزش کنند، خداوند ایشان را می‌بخشد و بدی‌شان رحم می‌کند).

توضیحات:

«أَفَلا يَتُوبُونَ»؟: چنین پرسشی برای توبیخ است و بیان‌گر تعجّب از اصرار ایشان بر کفر است.

سوره مائدهٔ آیه ۷۵

متن آیه:

﴿مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرۡ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

مسیح پسر مریم جز پیغمبری نبود. پیش از او نیز پیغمبرانی (چون او انسان و برگزیده یزدان بوده‌اند و به میان مردمان روانه شده‌اند و پس از روزگاری از دنیا) رفته‌اند، و مادرش نیز زن بسیار راستکار و راستگوئی بود. هم عیسی و هم مادرش (از آنجا که انسان بودند) غذا می‌خوردند. بنگر که چگونه (نشانه‌های انسانی آن دو را برمی‌شماریم و) آیات (خود) را برای آنان (که عیسی و مادرش را خدا می‌دانند!) توضیح و تبیین می‌کنیم؟ دوباره بنگر که چگونه ایشان (از حق با وجود این همه روشنی) باز داشته می‌شوند؟!

توضیحات:

«خَلَتْ»: آمده‌اند و رفته‌اند (نگا: بقره / ۱۳۴، و فاطر / ۲۴). «صِدِّيقَةٌ»: بسیار راستکار و راستگو. زنی که احکام و شرائع خدا را تصدیق و به کتاب‌های آسمانی باور داشته است (نگا: تحریم / ۱۲). «أَنَّيا»: چگونه. «يُؤْفَكُونَ»: بازداشته می‌شوند. منصرف گردانده می‌شوند.

سوره مائدۀ آیه ۷۶

متن آیه:

﴿قُلۡ أَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗاۚ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ٧٦﴾

ترجمه:

بگو: آیا جز خدا کسی و چیزی را می‌پرستید که مالک هیچ سود و زیانی برای شما نیست؟ و خدا شنوای (اقوال و) آگاه (از اعمال شما) است.

توضیحات:

«مِن دُونِ »: بجز. غیر از. «مَا»: چیزی. کسی. در اینجا مراد حضرت عیسی، یا حضرت عیسی و مادرش حضرت مریم است.

سوره مائدۀ آیه ۷۷

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓاْ أَهۡوَآءَ قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرٗا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ٧٧﴾

ترجمه:

بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دین خود راه افراط و تفریط مپوئید و از اهواء و امیال گروهی که پیش از این گمراه شده‌اند و بسیاری را گمراه کرده‌اند و از راه راست منحرف گشته‌اند، پیروی منمائید.

توضیحات:

«لا تَغْلُوا»: غلوّ مکنید. از جمله غلوّ اهل کتاب این است که مسیحیان عیسی و مادرش را از مرتبه پیغمبری و صِدّیقیت به مرتبه خدائی می‌رسانند، و یهودیان عیسی و مادرش را حرامزاده و زناکار قلمداد می‌نمایند! «غَيْرَ الْحَقِّ»: به ناحق. باطل (نگا: نساء / ۱۷۱، و اعراف / ۱۴۶). واژه (غَيْرَ الْحَقِّ) قید وصفی و برای تأکید است و بیان‌گر این واقعیت است که غلوّ به طور کلّی نادرست و ناروا است. لفظ (غَیر) می‌تواند صفت مصدر محذوف (غُلُوّاً) باشد. یعنی: «لا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غُلُوّاً غَيْرَ الْحَقِّ ، أَيْ باطِلاً». و می‌تواند حال ضمیر فاعل (و) در (لا تَغْلُوا) باشد. یعنی «لا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ مُجَاوِزِينَ الْحَقَّ».

سوره مائدۀ آیه ۷۸

متن آیه:

﴿لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

کافران بنی‌اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعن و نفرین شده‌اند. این بدان خاطر بود که آنان پیوسته (از فرمان خدا) سرکشی می‌کردند و (در ظلم و فساد) از حدّ می‌گذشتند.

توضیحات:

«كَانُوا يَعْتَدُونَ»: از حق تجاوز می‌کردند. ستمگری می‌کردند.

سوره مائدۀ آیه ۷۹

متن آیه:

﴿كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشتکاری‌ها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی می‌کردند! (چرا که دسته‌های مرتکب منکرات می‌شدند و گروهی هم سکوت می‌نمودند، و بدین وسیله همه مجرم می‌گشتند).

توضیحات:

«لا يَتَنَاهَوْنَ»: یکدیگر را نصیحت نمی‌نمودند و از منکرات نهی نمی‌کردند. از منکرات دست نمی‌کشیدند.

سوره مائدة آیه ۸۰

متن آیه:

﴿تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ لَبِئۡسَ مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي ٱلۡعَذَابِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را به دوستی می‌پذیرند (و با مشرکان برای نبرد با اسلام همدست می‌شوند. با این کار زشت) چه توشه بدی برای خود پیشاپیش (به آخرت) می‌فرستند! توشه‌ای که موجب خشم خدا و جاودانه در عذاب (دوزخ) ماندن است.

توضیحات:

«تَرَيا كَثِيراً مِّنْهُمْ»: بسیاری از یهودیان و یا منافقان را می‌بینی که. «سَخِطَ»: خشمگین شد. «أَن سَخِطَ...»: این عبارت، می‌تواند مخصوص به ذمّ باشد و معنی آن همان می‌شود که بیان شد. و هم می‌تواند علّت ذمّ بوده و مخصوص به ذمّ محذوف باشد و معنی آن چنین است: چه توشه بدی پیشاپیش برای خود می‌فرستند که خشم خدا و جاودانه در عذاب ماندن است.

سوره مائدة آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ كَانُواْ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨١﴾

ترجمه:

اگر آنان به خدا و پیغمبر (اسلام) و آنچه بر او (از قرآن) نازل شده است، ایمان می‌آوردند، (به سبب ایمان راستین هرگز) کافران را به دوستی نمی‌گرفتند. ولی بسیاری از آنان فاسق و از دین خارجند.

توضیحات:

«النَّبِيِّ»: مراد پیغمبر اسلام محمّدبن عبداللّه یا موسی است. «مَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ»: مراد قرآن یا تورات است. «فَاسِقُونَ»: بیرون‌روندگان از دین. مراد منافقان یا یهودیان بی‌ایمان است.

سوره مائدهٔ آیه ۸۲

متن آیه:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانًا وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! خواهی دید که دشمن‌ترین مردم برای مؤمنان، یهودیان و مشرکانند، و خواهی دید که مهربان‌ترین مردم برای مؤمنان، کسانیند که خود را مسیحی می‌نامند، این بدان خاطر است که در میان مسیحیان، کشیشان و راهبانی هستند که (به سبب آشنائی با دین خود و خوف از خدا، از شنیدن حق سر باز نمی‌زنند و در برابر آن) تکبّر نمی‌ورزند.

توضیحات:

«نَصَارَیا»: پیروان مسیح. «قِسِّيسِينَ»: کشی‌شان. بالاترین رتبه روحانی میان مسیحیان، رتبه اُسْقُف و بعد رتبه کشیش و سپس رتبه شَمّاس است. «رُهْبَاناً»: جمع راهب، پارسایان. زاهدان. دَیرنشینان.

سوره مائدهٔ آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

و آنان هر زمان بشنوند چیزهائی را که بر پیغمبر نازل شده است (از شنیدن آیات قرآنی متأثّر می‌شوند و) بر اثر شناخت حق و دریافت حقیقت، چشمان‌شان را می‌بینی که پر از اشک (شوق) می‌گردد (و زبان‌شان به دعا باز می‌شود و) می‌گویند: پروردگارا! (به تو و پیغمبران تو و همه کتاب‌های آسمانی و بدین آیات قرآنی) ایمان داریم (و خویشتن را در پناه تو می‌داریم) پس (ایمان ما را بپذیر و) ما را از زمره (امّت محمّدی که) گواهان (بر مردم در روز رستاخیزند) بشمار آور.

توضیحات:

«تَفِیضُ»: لبریز می‌گردد. «الدَّمْعِ»: اشک. «مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ»: ناشی از پی‌بردن به حق است (نگا: قصص / ۵۳). «الشَّاهِدِینَ»: گواهی‌دهندگان به پیغمبری محمّد و آسمانی بودن قرآن. امّت محمّد که گواهان بر مردم در روز رستاخیزند (نگا: بقره / ۱۴۳).

سوره مائدۀ آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَمَا لَنَا لَا نُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡحَقِّ وَنَطۡمَعُ أَن يُدۡخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلصَّٰلِحِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

ما چرا نباید به خدا و به حقیقتی که (توسّط محمّد) برای ما آمده است، ایمان نیاوریم؟! و حال آن که (راه صواب نمایان و حق بی‌پرده عیان است و) امیدواریم که پروردگارمان ما را با صالحان (به بهشت جاویدان) ببرد.

توضیحات:

«مَا لَنَا»: ما چرا نباید. چه چیز ما را از آن باز می‌دارد که. «یُدْخِلَنَا»: ما را به بهشت داخل سازد. مفعول دوم، واژه (الْجَنّة) بوده و محذوف است.

سوره مائدۀ آیه ۸۵

متن آیه:

﴿فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ بِمَا قَالُواْ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٥﴾

ترجمه:

پس خداوند در برابر اعتراف‌شان (به حق) باغ‌های (بهشت را) به عنوان پاداش بدی‌شان می‌دهد که در زیر (درختان) آن جویبارها روان است و آنان جاودانه در آنجا می‌مانند، و این جزای نیکوکاران (چون ایشان) است.

توضیحات:

«أَثَابَهُمْ»: پاداش‌شان داد. «خَالِدِينَ»: حال ضمیر (هُمْ) در فعل (أَثَابَهُمْ) می‌باشد.

سوره مائدهٔ آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ٨٦﴾

ترجمه:

و کسانی که کافر شوند و آیات ما را تکذیب کنند، آنان دوزخیانند.

توضیحات:

«أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»: یاران دوزخ. دوزخیان.

سوره مائدهٔ آیه ۸۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ٨٧﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است بر خود حرام مکنید، و (از حلال به حرام) تجاوز ننمائید (و از حدود مقرّرات الهی تخطّی مکنید) زیرا که خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«أَحَلَّ»: حلال کرده است. «الْـمُعْتَدِينَ»: تجاوزکاران.

سوره مائدهٔ آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ٨٨﴾

ترجمه:

و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است بخورید، و از (مخالفت با دستورات) خداوندی بپرهیزید که شما بدو ایمان دارید.

توضیحات:

«حَلالاً»: مفعولٌ‌به یا حال است (نگا: بقره / ۱۶۸).

سوره مائدۀ آیه ۸۹

متن آیه:

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلۡأَيۡمَٰنَۖ فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطۡعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنۡ أَوۡسَطِ مَا تُطۡعِمُونَ أَهۡلِيكُمۡ أَوۡ كِسۡوَتُهُمۡ أَوۡ تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖۚ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيۡمَٰنِكُمۡ إِذَا حَلَفۡتُمۡۚ وَٱحۡفَظُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٨٩﴾

ترجمه:

خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی‌اراده مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را در برابر سوگندهائی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند. کفّاره این‌گونه سوگندها عبارت است از: خوراک دادن به ده نفر مستمند از غذاهای معمولی و متوسّطی که به خانواده خود می‌دهید، یا جامه‌دادن به ده نفر از مستمندان، و یا آزادکردن برده‌ای. (میان هر یک از این سه‌کار مخیر هستید) امّا اگر کسی (هیچ یک از این سه‌کار را نتوانست و توانائی انجام آنها را) نیافت، (او می‌تواند) سه روز روزه (بگیرد). این کفّاره سوگندهائی است که می‌خورید. سوگندهای خود را حفظ کنید (و سعی کنید سوگند نخورید و اگر خوردید بدان‌ها عمل کنید و اگر هم سوگندها را شکستید کفّاره را فراموش نکنید). خداوند این چنین (روشن) آیات (احکام) خود را برای شما بیان می‌کند تا (بر اثر آشنائی با احکام الهی) شکر (نعمت‌های او را) به جای آورید.

توضیحات:

«اللَّغْوِ»: یاوه (نگا: بقره ۲۲۵). «أَوْسَطِ»: معمولی. متوسّط. «أَهْلِيكُمْ»: اهل و خانواده خود. مرکب از (أَهْلينَ) و (كُمْ) است و نون (أَهْلينَ) که جمع اهل و خلاف قیاس است به علّت اضافه حذف شده است. «تَحْرِير»: آزادکردن. «رَقَبَة»: گردن. مراد انسان است.

سوره مائدۀ آیه ۹۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٩٠﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگیی که در کنار آنها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت‌آزمائی و غیبگوئی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«الْـمَيْسِرُ»: قمار (نگا: بقره / ۲۱۹). «الأنصَابُ»: جمع نصب، بتان سنگی و غیره (نگا: مائده / ۳ و ۹۰). «الأزْلامُ»: جمع زَلَم، تیرهای مخصوصی که با آن بخت‌آزمائی و فال‌بینی می‌کردند و... (نگا: مائده / ۳ و ۹۰). «رِجْسٌ»: پلید. مراد پلید و کثیف معنوی است.

سوره مائدۀ آیه ۹۱

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ٩١﴾

ترجمه:

اهریمن می‌خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه‌توزی می‌پراکنند، و بندگان را از یاد خدا غافل می‌کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهم‌ترین آنها است، باز می‌دارند) دست می‌کشید و بس می‌کنید؟!

توضیحات:

«يُوقِعَ»: بیفکند و پراکنده کند. «الْبَغْضَآءَ»: کینه‌توزی. «فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ»؟: پس آیا بس می‌کنید؟! یعنی باید که خودداری کنید و دست از آن بردارید.

سوره مائدۀ آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَٱحۡذَرُواْۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٩٢﴾

ترجمه:

از خدا و از پیغمبر فرمانبرداری کنید و (از مخالفت فرمان خدا و پیغمبر) خویشتن را برحذر دارید. و اگر (از فرمان خدا و پیغمبر روی برگرداندید و) پشت کردید، بدانید که بر پیغمبر ما تنها تبلیغ آشکار و روشن‌گر (و رساندن فرمان و توضیح کامل احکام) است و بس.

توضیحات:

«الْبَلاغُ»: تبلیغ. رساندن فرمان. «الْـمُبِینُ»: واضح و روشن. توضیح‌دهنده و روشن‌گر.

سوره مائدۀ آیه ۹۳

متن آیه:

﴿لَيۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جُنَاحٞ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحۡسَنُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٩٣﴾

ترجمه:

بر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، گناهی به سبب آنچه (از مسکرات پیش از تحریم و آگاهی از آن) نوشیده‌اند متوجّه آنان نیست، اگر (از محرّمات) بپرهیزند و (بدانچه درباره تحریم نازل شده است) ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند. بعد از آن (هم از محرّمات) بپرهیزند و (به احکام نازله درباره تحریم) ایمان داشته باشند. سپس (باز هم درجات تقوا را طی کنند و از محرّمات) بپرهیزند و همه کارهای خود را نیکو کنند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد (و هر گروهی از آنان را به اندازه اخلاصی که دارند پاداش می‌دهد).

توضیحات:

«جُنَاحٌ»: گناه. «طَعِمُوا»: خورده‌اند. نوشیده‌اند (نگا: بقره / ۲۴۹). «إِتَّقَوْا»: پرهیزگاری کردند. ذکر سه بار آن در این آیه بیان‌گر مراحل ابتدائی و متوسّط و عالی تقوا است. همچنین بیان‌گر این واقعیت است که اعتقاد بیشتر به احکام الهی، مایه

ایمان بیشتر و استوارتر می‌شود (نگا: توبه / ۱۲۴، و فتح / ۴).

سوره مائدة آیه ۹۴

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلصَّيۡدِ تَنَالُهُۥٓ أَيۡدِيكُمۡ وَرِمَاحُكُمۡ لِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٩٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! مسلّماً خداوند شما را با (تحریم) برخی از نخجیر (یعنی حیوانات و طیور وحشی برّی که به آسانی در دسترس شما قرار می‌گیرند و) دست‌ها و نیزه‌های شما بدان‌ها می‌رسند، آزمایش می‌کند، تا روشن شود چه کسی در حال نهان (از دیدگان مردمان، به سبب نیروی ایمان) از خدا می‌ترسد. هرکس بعد از آن (که حدود و احکام بیان گردید، از آنها تخطّی و) تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت.

توضیحات:

«الصَّیْدِ»: حیوان شکاری. نخجیر (نگا: مائده / ۱ و ۹۵ و ۹۶). «بَعْدَ ذلِکَ»: بعد از بیان احکام، و این اعلام و انذار.

سوره مائدة آیه ۹۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡتُلُواْ ٱلصَّيۡدَ وَأَنتُمۡ حُرُمٞۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحۡكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ هَدۡيَۢا بَٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ أَوۡ كَفَّٰرَةٞ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوۡ عَدۡلُ ذَٰلِكَ صِيَامٗا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمۡرِهِۦۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَۚ وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُۚ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ٩٥﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که در حالت احرام هستید (و یا این که در سرزمین حرم بسر می‌برید) نخجیر مکشید. و هرکس از شما عمداً نخجیر بکشد باید کفّاره‌ای معادل آن از چهارپایان (اهلی، مانند: بز و گوسفند و شتر و گاو) بدهد، کفّاره‌ای که دو نفر عادل از میان خودتان به معادل بودن آن قضاوت کنند و برابری آن را تصدیق نمایند. چنین حیوانی قربانی می‌گردد و به مستمندان مکه داده می‌شود، یا کفّاره‌ای (معادل قیمت آن حیوان) خوراک (یک روزه به هر یک از) فقراء می‌دهد، و یا برابر آن (خوراک؛ به عبارت دیگر به

تعداد مستمندان دریافت‌کننده کفّاره، روزهائی) روزه می‌گیرد. تا متجاوز کیفر کار خود را بچشد. خداوند از آنچه در گذشته (پیش از تحریم شکار) انجام پذیرفته است، گذشت می‌نماید. ولی هر کس (به کشتن نخجیر) دوباره برگردد (و بعد از آگاهی از تحریم، باز به شکار پردازد) خداوند از او انتقام می‌گیرد، و خداوند توانا و انتقام‌گیرنده است.

توضیحات:

«حُرُم»: جمع حَرام به معنی مُحْرِم است (نگا: مائده / ۱). «جَزَآءٌ»: مبتدا و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین است: «فَعَلَيْهِ جَزَآءٌ». «مِثْلُ»: صفت (جَزَآءٌ) است. «النَّعَمِ »: چهارپایان. مراد گاو و گوسفند و بز و شتر است. «هَدْياً»: حیوان قربانی. حال ضمیر (ه) در (بِهِ) است. « كَفَّارَةٌ »: عطف بر (جَزَآءٌ) است. «صِيَاماً»: تمییز است. «وَبَالَ»: زیان و ضرر. کیفر.

سوره مائدۀ آیه ۹۶

متن آیه:

﴿أُحِلَّ لَكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَحۡرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِلسَّيَّارَةِۖ وَحُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَرِّ مَا دُمۡتُمۡ حُرُمٗاۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ۝٩٦﴾

ترجمه:

نخجیر (آبزی، یعنی حیوانی که در رودخانه یا در آبگیر زندگی می‌کند و یا در) دریا، و خوردن از (گوشت) آن، برای شما (مقیمان مؤمن که آن را تازه به تازه می‌خورید) و برای (شما) مسافران (مؤمن که آن را خشکیده یا یخزده و یا به صورت کنسرو می‌خورید) حلال است، ولی مادام که در حال احرام هستید نخجیر خشکزی (یعنی حیوانی که در بیابان‌ها و دشت‌ها و کوه‌ها زندگی می‌کند و معمولاً اهلی نمی‌گردد) برای شما حرام است. از خدائی بترسید که به‌سوی او برگردانده می‌شوید و درپیشگاه او گردآورده می‌شوید.

توضیحات:

«صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ»: عطف (طَعَامُ) بر (صَيْدُ) عطف خاصّ بر عام است. «مَتَاعاً»: بهره‌مند شدن. مفعولٌ‌له است. «السَّيَّارَة»: جماعت مسافران. «تُحْشَرُونَ»: گردآورده می‌شوید.

سوره مائدة آیه ۹۷

متن آیه:

﴿جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَۚ ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٩٧﴾

ترجمه:

خداوند، کعبه، (یعنی) بیت‌الحرام، و ماههای حرام، و قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن (به کار دنیوی و اخروی) مردم قرار داده است. این بدان خاطر است که بدانید که خداوند مطّلع از هر آن چیزی است که در آسمان‌ها و زمین است، و بدانید که خداوند همه چیز را می‌داند.

توضیحات:

«الْبَیْتَ الْحَرَامَ»: عطف بیانِ کعبه و مراد همه حَرَم است. «قِیَاماً»: قوام. وسیله پایداری و مایه پابرجائی. «الشَّهْرَ الْحَرَامَ»: ماه حرام، که مراد جنس آن، یعنی: ذُوالقعده و ذوالحجّه و المحرّم و رجب است (نگا: مائده / ۲، و توبه / ۳۶). «الْـهَدْیَ»: و «الْقَلآئِدَ»: (نگا: مائده / ۲). «ذلِکَ»: این احترام بدان خاطر است که.

سوره مائدة آیه ۹۸

متن آیه:

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩٨﴾

ترجمه:

بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است، و در عین حال بس آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

سوره مائدة آیه ۹۹

متن آیه:

﴿مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ٩٩﴾

ترجمه:

پیغمبر وظیفه‌ای جز تبلیغ (و رساندن پیام آسمانی) ندارد. خداوند آگاه از چیزی است که آشکار می‌سازید و باخبر از چیزی است که پنهان می‌نمائید.

توضیحات:

«الْبَلاغُ»: تبلیغ. رساندن. «تُبْدُونَ»: ظاهر و آشکار می‌دارید.

سوره مائدۀ آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿قُل لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ كَثۡرَةُ ٱلۡخَبِيثِۚ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مردم) بگو: ناپاک و پاک (و حرام و حلال) مساوی نیستند، هر چند که فراوانی ناپاک (و حرام) شما را به شگفت اندازد. پس ای خردمندان! (با امتثال اوامر و اجتناب نواهی یزدان) خویشتن را از (خشم) خدا برحذر دارید تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«لا يَسْتَوِي»: برابر و یکسان نیست. «الْخَبِيثُ»: کثیف، ناپاک. مراد افکار و اعمال و اموال حرام است. «الطَّيِّبُ»: پاک و پاکیزه. مراد افکار و اعمال و اموال حلال است. « أُوْلِي الأَلْبَابِ»: صاحبان خرد. عاقلان.

سوره مائدۀ آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَسۡـَٔلُواْ عَنۡ أَشۡيَآءَ إِن تُبۡدَ لَكُمۡ تَسُؤۡكُمۡ وَإِن تَسۡـَٔلُواْ عَنۡهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلۡقُرۡءَانُ تُبۡدَ لَكُمۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهَاۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ١٠١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از مسائلی سؤال مکنید (که خداوند از راه لطف از آنها سخن نگفته است، و چه بسا به شما مربوط نبوده، و چندان سودی برای زندگی شما نداشته باشند، و) اگر فاش گردند و آشکار شوند شما را ناراحت و بدحال کنند. چنان که به هنگام نزول قرآن (در زمان حیات پیغمبر، از او) راجع بدان‌ها پرس و جو کنید، برای شما (با وحی آسمانی) بیان و روشن می‌شوند (و آن گاه دچار مشقّات و مشکلات فراوانی

می‌گردید و از عهده انجام تکالیف و وظائف بیشمار برنمی‌آئید. پس شما را به ناگفته‌ها و نانموده‌ها چه کار؟ مگر نه این است که) خداوند از این مسائل گذشته است (و پرسش‌های قبلی شما را نادیده گرفته است و از مجازات اخروی آنها صرف نظر فرموده است؟) و خداوند بس آمرزگار و بردبار است. (این است که از شما می‌گذرد و در مجازات شما شتاب نمی‌ورزد).

توضیحات:

«لا تَسْـَٔلُوا عَنْ أَشْيَآءَ...»: هنگامی که آیه (أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) نازل گردید، اصحاب پیغمبر فهمیدند که اجل آن حضرت نزدیک شده است. لذا شتابزده سؤالاتی درباره چیزهائی می‌کردند که به وقوع پیوسته و از آنها سخن نرفته بود. پیغمبر ترسید که این پرسش‌ها باعث نزول احکام و ایجاد تکالیف فراوان و باعث دردسر آنان شود. این بود ایشان را از این امر بازداشت، و به دنبال آن نهی آسمانی نیز شرف نزول یافت. آیه فوق به هیچ وجه راه سؤالات منطقی و آموزنده و سازنده را به روی مردم نمی‌بندد (نگا: نحل / ۴۳) بلکه منحصراً مربوط به سؤالات نابجا و جستجو از اموری است که نه تنها مورد نیاز نیست، بلکه مکتوم‌ماندن آنها بهتر و حتّی گاهی لازم است (نگا: بقره / ۱۰۸) از قبیل: نقشه‌های جنگی، طرحهای مبارزات اجتماعی، نقطه ضعف‌های مردم، پنهان داشتن بیماری‌های سخت و هراسناک از شخص بیمار، مخفی ماندن اوضاع و احوال مردگان و سرنوشت آینده ما و دیگران و...

سوره مائدۀ آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُواْ بِهَا كَٰفِرِينَ۝١٠٢﴾

ترجمه:

جمعی از پیشینیان از (اموری همانند) آنها (که شما می‌پرسید) سؤال کردند و بعد از آن (که توسّط پیغمبران از آنها اطّلاع یافتند و موظّف به رعایت احکام مربوطه شدند) نسبت بدان‌ها به مخالفت برخاستند و منکر (حقّانیت پاسخ) آنها (و بالطبع صلاحیت گویندگان آن سخن‌ها، یعنی انبیاء) شدند.

توضیحات:

«أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ»: نسبت بدان‌ها کافر شدند. نسبت بدان‌ها بنای مخالفت گذاشتند و راه عصیان در پیش گرفتند. مراد از کفر در اینجا عصیان و مخالفت است، و

یا کفر به معنی معروف خود.

سوره مائدۀ آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٖ وَلَا سَآئِبَةٖ وَلَا وَصِيلَةٖ وَلَا حَامٖ وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَأَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ١٠٣﴾

ترجمه:

خداوند بَحیره، سائبه، وصیله، و حامی را مشروع و مقرّر نداشته است. ولیکن کافران (از پیش خود چیزهائی سرهم می‌کنند و) برخدا دروغ می‌بندند، و بیشتر آنان نمی‌فهمند (که این کارها ناروا است و عذاب سختی به دنبال دارد).

توضیحات:

«بَحِيرَةٖ»: در لغت به معنی گوش شکافته، و در اصطلاح به شتر ماده‌ای می‌گفتند که پنج شکم می‌زائید و پنجمین آنها نرینه بود. در این صورت گوشش را می‌شکافتند و بارکردن و سوارشدن و خوردن گوشت آن را حرام می‌دانستند و از هیچ‌گونه چراگاه و آبی آن را باز نمی‌داشتند. «سَآئِبَةٖ»: در لغت به معنی رها، و در اصطلاح به شتر ماده‌ای می‌گفتند که صاحبش نذر می‌کرد که اگر به سلامت از سفر برگردد، آن را رها کند. چنین شتری مانند بَحِیرَة برای وفای به نذر معاف و آزاد می‌شد. «وَصِيلَةٖ»: در لغت به معنی واصله یعنی رسیده و پیوسته، و در اصطلاح به برّه مادینه‌ای گفته می‌شد که به صورت دوقلو همراه نرینه‌ای متولّد می‌گردید و به خادمان بتان داده می‌شد. «حَامٖ»: در لغت به معنی حامی و حافظ، و در اصطلاح به شتر نری گفته می‌شد که از نژاد آن ده نسل متولّد می‌گردید و در این صورت همچون بَحِیرَة و سَآئِبَة آزادانه می‌چرید و از باربری و سواری و خوردن معاف می‌شد. البتّه درباره بَحیرة و سائبۀ و وصیلۀ و حامی سخنان دیگری گفته‌اند که همه و همه بیان‌گر فرهنگ منحطّ جاهلیت پیش از اسلام است.

سوره مائدۀ آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ حَسۡبُنَا مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ١٠٤﴾

ترجمه:

هنگامی که بدانان (که از قوانین دل و اهواء درونشان پیروی می‌کنند) گفته شود که بیائید به‌سوی آنچه خدا نازل کرده و (آنچه) پیغمبر (بیان نموده است برگردیم، تا هدایت بیابیم) می‌گویند: چیزی ما را بسنده است که پدران و نیاکان خویش را بر آن یافته‌ایم (و تا چشم گشوده‌ایم چنین و چنان در میان قوم و فامیل خود دیده‌ایم! دیگر قرآن و سخنان پیغمبر، ما را چه کار؟) آیا اگر پدران و نیاکانشان چیزی ندانسته باشند و (به‌سوی حق) راه نیافته باشند (باز هم باید چنین گویند و کنند)؟!.

توضیحات:

«أَوَ لَوْ كَانَ»: آیا اگر پدران و نیاکان آنان کافر و گمراه بوده باشند، باید فرزندان ایشان هم کورکورانه کافر و گمراه شوند و به دنبال خرافات روان گردند و گذشتگان خود را الگوی خوبی و نیکی بدانند؟!

سوره مائدهٔ آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيۡكُمۡ أَنفُسَكُمۡۖ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهۡتَدَيۡتُمۡۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٠٥﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! مواظب خود باشید (و خویشتن را از معاصی و گناهان به دور دارید و هوشیار باشید که آلودگیهای جامعه شما را نیالاید). هنگامی که شما هدایت یافتید (و راه خداشناسی را در پیش گرفتید و دیگران را نیز به کار نیک خواندید و از کار بد بازداشتید) گمراهی گمراهان به شما زیانی نمی‌رساند (و نافرمانی دیگران شما را به دوزخ نمی‌کشاند. چرا که حساب هر کس جدا است و) بازگشت همه شما به‌سوی خدا است، و شما را از آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید آگاه می‌سازد (و هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت).

توضیحات:

«عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ»: خویشتن را بپائید. مراقب خود باشید. (عَلَيْكُمْ) اسم‌الفعل است و (أَنفُسَكُمْ) مفعولٌ‌به است. جمله به صورت اغراء به کار رفته است و تقدیر چنین است: «إِلْزَمُوا أَنفُسَكُمْ وَ احْفَظُوها مِن مُّلابَسَةِ الْـمَعَاصِي وَالإِصْرَارِ عَلَي الذُّنُوبِ». یادآوری این نکته لازم است که مراد آیه می‌تواند این باشد که: ای جماعت مؤمنان! اگر عالمان، جاهلان را

راهنمائی کنند و مسلمانان فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در میان خود فراموش نکنند، کفر کافران و گمراهی گمراهان زیان و ضرری بدی‌شان نمی‌رساند و...

سوره مائدة آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَٰدَةُ بَيۡنِكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ حِينَ ٱلۡوَصِيَّةِ ٱثۡنَانِ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ أَوۡ ءَاخَرَانِ مِنۡ غَيۡرِكُمۡ إِنۡ أَنتُمۡ ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةُ ٱلۡمَوۡتِۚ تَحۡبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعۡدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقۡسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ لَا نَشۡتَرِي بِهِۦ ثَمَنٗا وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰ وَلَا نَكۡتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡأٓثِمِينَ ١٠٦﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که (علائم و قرائن) مرگ یکی از شما فرا رسید (و خواست درباره چیزی وصیت کند) باید در موقع وصیت دو نفر دادگر از میان خودتان، یا اگر در سفر بودید و بلای مرگ دامنگیرتان شد (و به مسلمانان دسترسی نبود) از میان دیگران به گواهی گرفته شوند. اگر (به هنگام شهادت در صدق آن دو) شک کردید، بعد از نماز (عصر یا نماز دیگری که مردم در آن گرد می‌آیند) آن دو را نگاه دارید. آنان باید به خدا سوگند بخورند که (حاضر نیستیم حق را برای چیزی زیر پا نهیم و) سوگندمان را (به مال دنیا) نمی‌فروشیم (و جز حق چیزی نمی‌جوئیم و برای کسی دروغ نمی‌گوئیم و از کسی جانبداری نمی‌کنیم) اگر هم آن کس خویشاوند ما باشد؛ و گواهی الهی را (که به ادای آن دستور داده شده‌ایم) کتمان نمی‌کنیم؛ چرا که اگر چنین کنیم ما از زمره گناهکاران خواهیم بود.

توضیحات:

«شَهَادَةُ»: گواهی. مبتدا است و (إِثْنانِ) خبر است. در این صورت مضافی پیش از (إِثْنانِ) محذوف است و تقدیر چنین است: «شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إذا... شَهَادَةُ اثْنَيْنِ». یا این که (شَهادَةُ) مصدر است و به معنی شُهُود، یعنی گواهان است و نیازی به حذف نیست. برخی هم (شَهادَةُ) را مبتدا و خبر آن را (شَهادَةُ) محذوف دانسته و (إِثْنانِ) را فاعل مبتدا گرفته‌اند. «مِنكُمْ»: از خودتان؛ یعنی از مسلمانان یا از نزدیکان خود. «مِنْ غَيْرِكُمْ»: از دیگران؛ یعنی از کافران یا از بیگانگان. «ضَرَبْتُمْ فِي الأرْضِ»: مسافرت

کردید. «تَحْبِسُونَهُمَا»: نگاه‌شان می‌دارید. «إِرْتَبْتُمْ»: شک کردید.

سوره مائدهٔ آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْأَوْلَيَـٰنِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهَـٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن شَهَـٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعْتَدَيْنَآ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١٠٧﴾﴾

ترجمه:

اگر اطّلاع حاصل شد که (آن دو شاهد با دروغ و خیانت) مرتکب گناهی شده‌اند، باید که دو نفر دیگری جای ایشان (برای ادای سوگند) قرار بگیرند که جزو وارثان بوده و از همه ایشان برای دریافت ترکه مستحقّ‌تر باشند. (این دو نفر جدید) باید به خدا سوگند بخورند که گواهی ایشان درست‌تر و راست‌تر از گواهی آن دو (گواه) است، و (با تهمت و افتراء بر آن دو گواه) مرتکب تجاوزی نشده‌ایم (و در سوگند خود از حق منحرف نگشته‌ایم، که اگر چنین کرده باشیم) ما در این صورت از زمره ستمکاران خواهیم بود (و به خود و دیگران ستم روا خواهیم داشت).

توضیحات:

«عُثِرَ»: اطّلاع یافته شد. «إِسْتَحَقَّا»: مرتکب شده‌اند. «إِسْتَحَقَّ»: مرتکب شده است. استحقاق پیدا کرده است. «الأَوْلَيَانِ»: مثنی أَوْلَی است به معنی احقّ و اقرب، یعنی: شایسته‌تر (از دیگر وارثان برای ترکه) و نزدیکتر (از آنان به متوفّی). فاعل فعل (إِسْتَحَقَّ) است. «إِسْتَحَقَّ... عَلَيْهِمُ الأَوْلَيَانِ»: دو نفری که از دیگر وارثان برحق‌تر و به متوفّی نزدیکتر باشند. دو نفر از میان وارثانی که گواهان نخست بر آنان ستم کرده‌اند. با توجّه به معنی اخیر، (إِسْتَحَقَّ عَلَيْهِمْ) یعنی بر آنان ستم کرده‌اند، و (أَوْلَيَانِ) در معنی (اوّلانِ) به کار رفته است. یعنی دو شاهدی که قبلاً سوگند یاد کردند و برای ادای شهادت أَوْلَی و احقّ بودند. «عَلَيْهِمْ»: حرف (عَلي) در اینجا در معنی معمولی خود یعنی (بر) و به معنی (از) به کار رفته است (نگا: مطفّفین / ۲).

سوره مائدۀ آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِٱلشَّهَٰدَةِ عَلَىٰ وَجۡهِهَآ أَوۡ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيۡمَٰنُۢ بَعۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡمَعُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ١٠٨﴾

ترجمه:

این (کار که بدین منوال ذکر شد) بیشتر سبب می‌شود که (شاهدان در بیان حقیقت دقیق‌تر شوند و تغییر و تبدیلی در آن ندهند و بلکه) چنان که باید گواهی دهند یا بترسند (از عذاب اخروی دردناکی که سوگند دروغ سبب آن می‌گردد، و یا بترسند) از این که (دروغ‌شان فاش گردد و حق سوگندخوردن به ورثه واگذار گردد و) سوگندهائی پس از سوگندهایشان خورده شود (و در پیشگاه خدا و مردم رسوا شوند). از خدا بترسید و (با احکام او مخالفت نکنید و اوامر او را به گوش جان) بشنوید و (بپذیرید و بدانید که) خداوند بیرون‌روندگان از زیر فرمان خود را (مورد عنایت قرار نمی‌دهد و به‌سوی نعمت جنّت) رهنمود نمی‌گرداند.

توضیحات:

«أَدْني»: نزدیک‌تر است. «أَوْ»: یا. و... «تُرَدَّ»: ارجاع شود. واگذار شود.

سوره مائدۀ آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبۡتُمۡۖ قَالُواْ لَا عِلۡمَ لَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١٠٩﴾

ترجمه:

آن روزی (را خاطرنشان ساز) که خداوند پیغمبران را (در پیشگاه خود) گرد می‌آورد و بدی‌شان می‌گوید: به (دعوت) شما چه پاسخی داده شده است؟ (آیا ملّت‌هائی که به‌سوی آنان فرستاده شده‌اید چگونه از دعوت شما استقبال کرده‌اند و به چه راهی رفته‌اند؟ راه ایمان یا راه انکار پیموده‌اند؟). می‌گویند: ما را هیچ‌گونه آگاهی و دانشی نیست (مگر آنچه از راه وحی آموخته‌ایم و ظواهری که در روزگار حیات خود از مردم مشاهده کرده‌ایم) تو خود (علاوه از ظواهر) از تمام خفایا آگاهی.

توضیحات:

«یَوْمَ»: در آن روزی که. به یاد داشته باشید روزی را که. واژه (یَوْمَ) مفعولٌ‌فیه فعل (لا یَهْدِي) در آیه قبل یا مفعولٌ‌به فعل محذوفی همچون (تذکّروا) یا (إِتَّقُوا) است. «مَاذَا اُجِبْتُمْ »: پاسخ مردم به شما چه بوده است؟ «لا عِلْمَ لَنَا»: ما چیزی نمی‌دانیم. ما را چه رسد که در پیشگاه باری از آگاهی دم زنیم و درباره ایمان یا الحاد مردم اظهارنظر کنیم؟!

سوره مائدهٔ آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًاۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَۖ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِيۖ وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِيۖ وَإِذْ تُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِيۖ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴿١١٠﴾﴾

ترجمه:

در آن هنگام خداوند (از میان پیغمبران خطاب به عیسی می‌گوید:) ای عیسی پسر مریم! به یاد آور نعمت مرا که بر تو و مادرت ارزانی داشتم؛ بدان گاه که توسّط جبرئیل (پیام آسمانی را به تو رساندم و) تو را نیرو بخشیدم و یاری دادم (و بر اثر تأیید آسمانی به عنوان کودک) میان گهواره با مردم سخن می‌گفتی و در (سنّ پختگی و) میانه‌سالی (به عنوان پیغمبر با ایشان صحبت می‌نمودی. و به یاد بیاور) آن گاه را که نوشتن و دانش سودمند و تورات و انجیل را (بدون آموزگار) به تو آموختم. و (به یاد بیاور) آن گاه را که (از توان بشر فراتر می‌رفتی) و به دستور من چیزی از گِل به شکل پرنده می‌ساختی و بدان می‌دمیدی و به فرمان من پرنده‌ای (زنده) می‌شد، و کورمادرزاد و مبتلای به بیماری پیسی را به فرمان و قدرت من شفا می‌دادی، و (به یاد بیاور) آن گاه را که مردگان را به فرمان من (زنده می‌کردی و از گورها) بیرون می‌آوردی، و (به یاد بیاور) آن گاه را که شرّ بنی‌اسرائیل را از سر تو کوتاه کردم در آن موقع که دلائل و معجزات بدانان می‌نمودی و کافران ایشان می‌گفتند: این‌ها جز جادوی آشکار، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

توضیحات:

«أَيَّدتُّكَ»: تو را تقویت کردم و یاری دادم. «رُوحِ‌الْقُدُس»: جبرئیل «الْمَهْدِ»: گهواره. «كَهْلاً»: کهولت و میان‌سالی. حال است. «إِذْن»: فرمان. اجازه. تکرار واژه اذن، بیان‌گر این واقعیت است که این کارها به خواست و فرمان خدا؛ نه با قدرت شخصی عیسی انجام می‌پذیرفت، و هر وقت خدا می‌خواست این امور به عنوان معجزاتی بر دست عیسی انجام می‌گرفت. «الْكِتَابَ»: خطّ و کتابت. مصدری از مصادر ثلاثی مجرّد (كَتَبَ يَكْتُبُ) است. «الْحِكْمَةَ»: دانش راستین. «تُبْرِئُ»: بهبودی می‌بخشیدی. «الأَكْمَهَ»: کور مادرزاد. «الأَبْرَصَ»: مبتلا به بیماری پیسی. «كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَآئِيلَ عَنكَ»: نگذاشتم بنی‌اسرائیل تو را بکشند یا به دار زنند. «جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ»: برای آنان معجزات آوردی و نمودی.

سوره مائدة آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَوۡحَيۡتُ إِلَى ٱلۡحَوَارِيِّـۧنَ أَنۡ ءَامِنُواْ بِي وَبِرَسُولِي قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّنَا مُسۡلِمُونَ ١١١﴾

ترجمه:

و (خاطرنشان ساز) آن گاه را که به حواریون الهام کردیم که به من و فرستاده من (عیسی) ایمان بیاورید. (آنان پذیرفتند و) گفتند: ایمان آورده‌ایم و (پروردگارا)! گواه باش که ما مخلص و منقاد (اوامر تو) هستیم.

توضیحات:

«أَوْحَيْتُ»: الهام کردم. به دل آنان انداختم. توسّط عیسی بدی‌شان اعلام و ابلاغ کردم. (وحي) منحصر به وحی اصطلاحی بر پیغمبران نیست، بلکه الهاماتی که به قلب انسان‌ها و دیگر جانداران می‌شود از مصداق‌های آن است (نگا: نحل / ۶۸، و قصص / ۷). «الْحَوَارِيُّون»: جمع حواری، گزیدگان یاران عیسی. «مُسْلِمُونَ»: مخلصان در ایمان، و خاضعان اوامر رحمان.

سوره مائدة آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ هَلۡ يَسۡتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ

ٱلسَّمَآءِۖ قَالَ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴿١١٢﴾﴾

ترجمه:

و (خاطرنشان ساز) آن گاه را که حواریون (به عیسی) گفتند: ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگار تو می‌تواند سفره‌ای از آسمان برای ما فرو فرستد (و با پذیرش این درخواست تو، بر ما منّت نهد؟ عیسی بدیشان) گفت: اگر مؤمن (به خدا) هستید از خدا بترسید (و مطیع اوامر و نواهی او باشید، و درخواستهای نابجا و ناروا نکنید).

توضیحات:

«هَلْ يَسْتَطِيعُ»: آیا اجابت می‌کند و می‌پذیرد؟ آیا می‌تواند؟ اگر مراد معنی اخیر باشد، یا باید چنین پرسشی پیش از ریشه‌دار و استوار شدن ایمان در اندرون حواریون مطرح شده باشد، و یا پرسش ایشان جنبه استخبار داشته و خواسته‌اند بدانند که خداوند چنین چیزی را می‌پذیرد یا خیر. در اینجا (توانستن) به معنی (خواستن) است. وقتی که ما به دوستمان می‌گوئیم: آیا می‌توانی کتاب خود را به ما بدهی؟ او بگوید: خیر نمی‌توانم. منظور از این نتوانستن، نخواستن است. «مَآئِدَة»: خوان. سفره. خوراک.

سوره مائدهٔ آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ نُرِيدُ أَن نَّأۡكُلَ مِنۡهَا وَتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعۡلَمَ أَن قَدۡ صَدَقۡتَنَا وَنَكُونَ عَلَيۡهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴿١١٣﴾﴾

ترجمه:

گفتند: می‌خواهیم (به عنوان تبرّک) از آن (خوان یغما چیزی) بخوریم و دل‌هایمان (با زیادت یقین به قدرت ربّ‌العالمین) آرامش یابد و (به عین‌الیقین) بدانیم که تو (در رسالت خود) به ما راست گفته‌ای و (با تبدیل استدلالات نظری به مشاهدات تجربی و بصری، وسوسه‌ها از زوایای دل‌ها زدوده شود و در پیش آنان که چنین معجزه‌ای را نمی‌بینند) جزو گواهان بر آن باشیم.

توضیحات:

«صَدَقْتَنَا»: با ما راست بوده‌ای و راست گفته‌ای. «الشَّاهِدِينَ»: گواهان در پیش دیگران، یا گواهان بر قدرت یزدان و صدق نبوّت عیسی.

سوره مائدۀ آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدٗا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةٗ مِّنكَۖ وَٱرۡزُقۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ۝١١٤﴾

ترجمه:

عیسی پسر مریم (هنگامی که دید درخواست ایشان برای اطمینان بیشتر است؛ نه امتحان او و شک در قدرت خدا، درخواست ایشان را پذیرفت و) گفت: آفریدگارا و پروردگارا! خوانی از آسمان (برای ما بندگان) فرو فرست تا (روز نزول آن) جشنی برای ما (مؤمنانِ) متقدّمین و (دیگر مؤمنانِ) متأخّرین شود و معجزه‌ای از جانب تو (بر صدق نبوّت من) باشد. و ما را (نه فقط امروز، بلکه همیشه) روزی برسان، و تو بهترین روزی‌دهندگانی.

توضیحات:

«أَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا»: ما مؤمنان متقدّم و دیگر مؤمنان متأخّر. یعنی روز نزول مائده روز عید ما معاصران و آیندگان باشد. یا این که: همه ما از نخستین فرد تا آخرین فرد از خوان بخوریم.

سوره مائدۀ آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡۖ فَمَن يَكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنكُمۡ فَإِنِّيٓ أُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ۝١١٥﴾

ترجمه:

خداوند (دعای عیسی را پذیرفت و بدو) گفت: من آن را برای شما فرو می‌فرستم، ولی هرکس از شما از آن به بعد (که نزول مائده و گام نهادن به مرحله شهود و عین‌الیقین تحقّق یافت، چون مسؤولیت بیشتری پیدا می‌کند) اگر کافر گردد (و راه الحاد و انکار پوید) او را چنان مجازاتی می‌کنم که کس دیگری از جهانیان را بدان گونه مجازات نکرده باشم!.

توضیحات:

«مُنَزِّلُهَا»: نازل کننده آن.

سوره مائدهٔ آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ءَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِى وَأُمِّىَ إِلَٰهَيْنِ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ قَالَ سُبْحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِى بِحَقٍّ ۚ إِن كُنتُ قُلْتُهُۥ فَقَدْ عَلِمْتَهُۥ ۚ تَعْلَمُ مَا فِى نَفْسِى وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِى نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ١١٦﴾

ترجمه:

و (خاطرنشان ساز) آن گاه را که خداوند می‌گوید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای که جز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را نیز پرستش کنید)؟. عیسی می‌گوید: تو را منزّه از آن می‌دانم که دارای شریک و انباز باشی. مرا نسزد که چیزی را بگویم (و بطلبم که وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بی‌گمان تو از آن آگاهی. تو (علاوه از ظاهر گفتار من) از راز درون من هم باخبری، ولی من (چون انسانی بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان می‌داری بی‌خبرم. زیرا تو داننده رازها و نهانی‌هائی (و از خفایا و نوایای امور باخبری).

توضیحات:

«مِن دُونِ»: سوای. غیراز. «نَفْس»: ذات. دل و جان. «علاّمُ»: بس آگاه.

سوره مائدهٔ آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِى بِهِۦٓ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۖ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِى كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ١١٧﴾

ترجمه:

من به آنان چیزی نگفته‌ام مگر آنچه را که مرا به گفتن آن فرمان داده‌ای (و آن) این که جز خدا را نپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است (و همو مرا و شما را آفریده است و همه بندگان اوئیم). من تا آن زمان که در میان آنان بودم از وضع (اطاعت و عصیان) ایشان اطّلاع داشتم، و هنگامی که مرا میراندی، تنها تو مراقب و ناظر ایشان بوده‌ای (و اعمال و افکارشان را پائیده‌ای) و تو بر هر چیزی مطّلع هستی.

توضیحات:

«شَهِیداً»: مطلّع و آگاه. «الرَّقِیبَ»: مراقب و مواظب. «شَهِیدٌ»: حاضر و ناظر. آگاه و باخبر.

سوره مائدۀ آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿إِن تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١١٨﴾

ترجمه:

اگر آنان را مجازات کنی، بندگان تو هستند (و هرگونه که بخواهی درباره ایشان می‌توانی عمل کنی) و اگر از ایشان گذشت کنی (تو خود دانی و توانی) چرا که تو چیره و توانا و حکیمی (لذا نه بخشش تو نشانه ضعف، و نه مجازات تو بدون حکمت است).

توضیحات:

«إِن تَغْفِرْ لَـهُمْ...»: این شیوه ادب انبیاء با خدا است (نگا: ابراهیم / ۳۶).

سوره مائدۀ آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡۚ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ١١٩﴾

ترجمه:

(در روز قیامت) خداوند می‌گوید: امروز روزی است که تنها درستی کردار و درستی گفتار راستگویان (در دنیا، هم اینک در عقبی) بدی‌شان سود می‌رساند. برای آنان باغ‌هائی (از بهشت) است که در زیر درختان آن جویبارها روان است. ایشان در آنجا جاودانه می‌مانند. خداوند (به سبب اعمال گذشته ایشان) از آنان خوشنود، و ایشان هم (به سبب اجر و پاداش فراوان و بی‌پایانی که دریافت داشته‌اند) از خدا خوشنودند. این است پیروزی بزرگ (و نعمت سترگ).

توضیحات:

«صِدْقُهُمْ»: راستی در ایمان و اقرار و سائر اقوال و احوال ایشان.

سوره مائدهٔ آيه ۱۲۰

متن آيه:

﴿لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرُۢ ١٢٠﴾

ترجمه:

حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنها است، از آن خدا است، و او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«مُلْك»: شاهی. کشور. عزّت و قدرت.

سوره انعام

سوره أنعام آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَۖ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ ١﴾

ترجمه:

ستایش خداوندی را سزا است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و تاریکیها و روشنائی را ایجاد کرده است (که هر یک سود ویژه‌ای و حکمت خاصّی در بردارند و دلائل باهر و براهین قاطعی بر وجود خدایند) ولی با این وصف، کسانی که منکر وجود پروردگار خویشند (برای آفریدگار خود بتان را) انباز می‌کنند.

توضیحات:

«جَعَلَ»: ایجاد کرده است. پدید آورده است (نگا: نحل / ۷۲، و فرقان / ۶۱). « يَعْدِلُونَ»: برابر قرار می‌دهند. یعنی کافران بتان را در پرستش و درخواست حاجت از آنها با خدا همتا و همبر می‌کنند.

سوره أنعام آیه ۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٖ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلٗاۖ وَأَجَلٞ مُّسَمًّى عِندَهُۥۖ ثُمَّ أَنتُمۡ تَمۡتَرُونَ ٢﴾

ترجمه:

خدا آن ذاتی است که شما را از گِل آفریده است؛ سپس (برای زندگی هر یک از شما) زمانی را تعیین کرده است (و با مرگ شخص پایان می‌پذیرد) و زمان معین (فرا رسیدن رستاخیز) را تنها خدا می‌داند و بس. سپس شما (افراد مشرک، درباره آفریننده‌ای که انسان را از این اصل ناچیز یعنی گِل آفریده است و او را تکامل بخشیده است) شک و تردید به خود راه می‌دهید.

توضیحات:

«طِینٍ»: گِل. مراد خلق آدم یعنی ابوالبشر از گِل و به تبع او خلق همه آدمیزادگان از آن است (نگا: آل‌عمران / ۵۹، اسراء / ۶۱). یا این که مراد این است که جسم انسان متشکل از عناصر خاک به نسبت‌های خاصّ است (نگا: مؤمنون / ۱۲، حجّ / ۵). «قَضَیا»: مقدّر کرد. تعیین نمود. «اَجَلاً»: نهایت زمان عمر (نگا: اعراف / ۳۴). «أَجَلٌ مُسَمّيً»: مدّت معین و مشخّص. مراد فرا رسیدن رستاخیز و زنده‌شدن دوباره و سر برآوردن از گورها است (نگا: فاطر / ۴۵، احقاف / ۳). برخی واژه (أَجَلاً) را به معنی مرگ معلّق یعنی ناگهانی و زودرس که در گروِ رُخدادها و پیشامدها و مشروط به شرائط و مقتضیات است دانسته‌اند، و واژه (اجل) را مرگ طبیعی معنی کرده‌اند. «تَـمْتَرُونَ»: شک می‌کنید. فعل مضارع باب افتعال از ماده (مری) است.

سوره أنعام آیه ۳

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ يَعۡلَمُ سِرَّكُمۡ وَجَهۡرَكُمۡ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُونَ٣﴾

ترجمه:

در آسمان‌ها و زمین تنها او خدا است (و پرستش را سزا است. او) پنهان و آشکار شما را می‌داند و از آنچه (از خوبی و بدی انجام می‌دهید و) فراچنگ می‌آورید آگاه است (و جزا و سزای شما را می‌دهد).

توضیحات:

«هُوَ اللهُ فِي السَّمَاوَاتِ...»: تنها او معبود و متصرّف است در آسمان‌ها و... «سِرّ»: راز. اقوال و افعال نهانی. «جَهْر»: آشکار. اقوال و افعال ظاهری.

سوره أنعام آیه ۴

متن آیه:

﴿وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ٤﴾

ترجمه:

هیچ دلیلی از دلائل (دالّ بر وجود) پروردگارشان بدانان نمی‌رسد مگر آن که از آن روی می‌گردانند.

توضیحات:

«ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَاتِ»: دلیلی از دلائل. معجزه‌ای از معجزات. آیه‌ای از آیات قرآن. «مُعْرِضِينَ»: رویگردانان.

سوره أنعام آیه ۵

متن آیه:

﴿فَقَدۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَسَوۡفَ يَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَـٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ٥﴾

ترجمه:

هنگامی که قرآن بدانان رسید، آن را تکذیب کردند، پس اخبار آن چیزی که (در قرآن راجع به مکافات دنیا و مجازات آخرت بدی‌شان گوشزد شده است و) به مسخره‌اش گرفته‌اند به سراغشان خواهد آمد و دامنگیرشان خواهد گردید.

توضیحات:

«الْحَقِّ»: مراد قرآن و شریعت و هدایت است (نگا: نساء / ۱۷۰، مائده / ۸۳ و ۸۴، قصص / ۴۸). «أَنبَآءُ»: اخبار.

سوره أنعام آیه ۶

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ مَّكَّنَّـٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَا لَمۡ نُمَكِّن لَّكُمۡ وَأَرۡسَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡهِم مِّدۡرَارٗا وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَنۡهَٰرَ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ٦﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌اند (و آگاهی پیدا نکرده‌اند) که پیش از ایشان چقدر از اقوام و ملّت‌ها را هلاک کرده‌ایم؟ اقوام و ملّت‌هائی که در زمین (اسباب و ابزار) قدرت و نعمت بدی‌شان دادیم، قدرت و نعمتی که آن را به شما نداده‌ایم، و باران‌های پیاپی برای آنان باراندیم و رودبارها در زیر (منازل و کاخ‌های) ایشان روان کردیم. امّا (هنگامی که سرکشی و نافرمانی کردند و شکر نعمت به جای نیاوردند، به پاس گناهانشان) آنان را نابود ساختیم و اقوام و ملّت‌های دیگری را پس از ایشان پدیدار کردیم (و زمام امور را به دست‌شان سپردیم. پس از گذشتگان پند گیرید و از خواب غفلت بیدار شوید).

توضیحات:

«قَرْنٍ»: مردمان هم‌عصر. مردمان هم‌عصر پیغمبری یا شاهی، مانند قوم نوح و هود و عاد. «مَكَّنَّاهُمْ»: قدرت و نعمت‌شان دادیم. بدی‌شان قوّت و سلطه بخشیدیم (نگا: توبه / ۶۹، قصص / ۷۸). «مِدْراراً»: بسیار ریزان. صیغه مبالغه از ماده (درّ) و حال برای (السَّمَآءَ) است. «أَنشَأْنَا»: آفریدیم. پدیدار کردیم.

سوره أنعام آیه ۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ كِتَٰبٗا فِي قِرۡطَاسٖ فَلَمَسُوهُ بِأَيۡدِيهِمۡ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ۝٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! اگر نامه‌ای نوشته در صفحه کاغذی بر تو نازل کنیم (و در آن حقّانیت رسالت تو نگاشته شده باشد) و آن را (علاوه از دیدن) با دست‌های خود لمس کنند (که در این صورت جای شک و گمانی باقی نمی‌ماند) باز هم کافران (دشمن حق و ناباوران ستیزه‌گر) می‌گویند: این، چیزی جز جادوگری نیست.

توضیحات:

«كِتَاباً»: مصدر است و به معنی مکتوب. نوشته. کتاب. نامه. «قِرْطاسٍ»: کاغذ. صفحه‌ای که روی آن بنویسند، اعم از کاغذ و پوست و الواح. «إِنْ»: نیست. نمی‌باشد.

سوره أنعام آیه ۸

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ مَلَكٞۖ وَلَوۡ أَنزَلۡنَا مَلَكٗا لَّقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ۝٨﴾

ترجمه:

می‌گویند: چه می‌شد اگر فرشته‌ای به پیش او بیاید (و در حضور ما بر نبوّت و صدق گفتارش گواهی دهد تا بدو ایمان بیاوریم؟ بگو:) اگر فرشته‌ای به پیش او بفرستیم (و موضوع جنبه حسی و شهود پیدا کند، برابر سنّت همیشگی خدا درباره آنان که طلب معجزه کرده‌اند و پس از مشاهده معجزه سر برتافته‌اند و نابود گشته‌اند)، کار از کار می‌گذرد (و فرمان هلاک ایشان صادر می‌گردد) و دیگر مهلت (زنده ماندن) بدی‌شان

داده نمی‌شود.

توضیحات:

«لَوْ لا»: حرفی است که دلالت بر طلب حصول مابعد خود دارد. «قُضِيَ الأمْرُ»: کار نابودی ایشان تمام می‌شد. «لا یُنظَرُونَ»: مهلت داده نمی‌شوند.

سوره أنعام آیه ۹

متن آیه:

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ مَلَكٗا لَّجَعَلۡنَٰهُ رَجُلٗا وَلَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ٩﴾

ترجمه:

اگر هم فرشته‌ای را (مؤید پیغمبر) می‌کردیم، او را به شکل انسان در می‌آوردیم (تا آنان بتوانند او را ببینند و سخنانش را فهم کنند. در این صورت باز هم اشکال برطرف نمی‌شد) و ایشان را دچار همان اشتباهی می‌کردیم که قبلاً در آن بودند.

توضیحات:

«رَجُلاً»: مرد. در اینجا مراد شخص، یعنی انسان و بشر است. «لَبَسْنا»: مشتبه کردیم. «ما»: همان طور که. همان چیزی که. «یَلْبِسُونَ»: در آن مشتبه می‌شوند.

سوره أنعام آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ١٠﴾

ترجمه:

بیگمان پیغمبرانی پیش از تو مورد استهزاء قرار گرفته‌اند، و همان چیزی که پیغمبران را بدان سبب مسخره می‌کرده‌اند، مسخره‌کنندگان را فرا گرفته است (و عذابی که بازیچه‌اش شمرده‌اند دامنگیرشان شده است).

توضیحات:

«حَاقَ»: فرا گرفت. فرو گرفت. از ماده (حیق). «سَخِرُوا مِنْهُمْ»: آنان را مسخره کردند. «سَخِرَ مِنْهُ وسَخِرَ بِهِ»، او را مسخره کرد.

سوره أنعام آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ١١﴾

ترجمه:

بگو: در زمین بگردید و سپس بنگرید و دقّت کنید که سرانجام آنان که (پیغمبران خود را) تکذیب می‌کرده‌اند چه شده است؟!

توضیحات:

«أُنْظُرُوا»: بنگرید. بیندیشید. «كَيْفَ كَانَ عاقِبَةُ...»: (عاقِبَةُ) اسم كان، و (كَيْفَ) خبر كانَ است.

سوره أنعام آیه ۱۲

متن آیه:

﴿قُل لِّمَن مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُل لِّلَّهِۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ١٢﴾

ترجمه:

بگو: آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن کیست؟ (از زبان فطرتِ آنان) بگو: از آن خدا است. (همو از روی تفضّل و تلطّف) رحمت (به بندگان را) بر عهده خود گرفته است (و هرکه از روی ایمان دست دعا به‌سوی رحمان بردارد از آستان یزدان ناامید برنمی‌گردد). بدون هیچ‌گونه شک و گمانی شما را در روز قیامت گرد می‌آورد (و آن گاه پاداش و پادافره همگان را می‌دهد). تنها کسانی که (سرمایه) وجود خود را از دست داده‌اند (و هستی خویشتن را باخته‌اند) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«كَتَبَ»: واجب کرده است. «إِلي»: در. برای. «لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلي يَوْمِ الْقِيامَةِ...»: شما را در روز قیامت گرد می‌آورد. شما را از گورها برای روز قیامت برمی‌انگیزد و گرد می‌آورد (نگا: هود / ۱۰۳). «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ...»: آنان که وجود خود را ضایع کرده‌اند و خویشتن را در روز قیامت گرفتار عذاب نموده‌اند، کسانیند که به خدا و حساب و کتاب آخرت باور ندارند.

سوره أنعام آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣﴾

ترجمه:

و از آن او است آنچه در شب و روز قرار دارد (یعنی همان‌گونه که هرچه در هر مکانی است از آن خدا است، هرچه در هر زمانی هم که باشد متعلّق بدو است) و او شنوای (همه اصوات و) آگاه (از همه موجودات) است.

توضیحات:

«سَكَنَ»: آرمیده است. قرار گرفته است. وجود دارد. «الَّیْلِ وَالنَّهارِ»: مراد همه ازمنه است.

سوره أنعام آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُۗ قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٤﴾

ترجمه:

بگو: آیا غیر خدا را معبود و یاور خود بگیرم؟! در صورتی که او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و او روزی می‌دهد (و رازق همگان او است و همه بدو نیازمندند) و به او روزی داده نمی‌شود (و نیازمند کسی نیست). بگو: به من دستور داده شده است که نخستین کسی باشم که (از این امّت، خویشتن را خالصانه تسلیم فرمان خدا کند و) مسلمان باشد (و نیز خداوند به من دستور داده است که) از زمره مشرکان مباش.

توضیحات:

«وَلِيّ»: سرپرست. یاور. «فَاطِرِ»: آفریننده. جداکننده کهکشانها و کرات از هم (نگا: انبیاء / ۳۰) صفت (اللهِ) یا بدل از آن است. «أَسْلَمَ»: خویشتن را خالصانه تسلیم فرمان خدا کرد. مسلمان گردید.

سوره أنعام آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٥﴾

ترجمه:

بگو: من (هم مانند سائر انسان‌های مال‌اندیش) اگر نافرمانی پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم.

توضیحات:

سوره أنعام آیه ۱۶

متن آیه:

﴿مَّن يُصۡرَفۡ عَنۡهُ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمَهُۥۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ١٦﴾

ترجمه:

کسی که (چنین عذابی) بدان هنگام از او به دور داشته شود، به حقیقت خدا بدو رحم کرده است، و این پیروزی آشکاری است.

توضیحات:

سوره أنعام آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾

ترجمه:

اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر خیری به تو برساند (هیچ کس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند)، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«كَاشِفَ»: برطرف کننده. «وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ...»: جواب (إِنْ) محذوف است. تقدیر چنین است: «فَلا رَآدَّ لِفَضْلِهِ» (نگا: یونس ۱۰۷).

سوره أنعام آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١٨﴾

ترجمه:

او بر سر بندگان خود مسلّط است و او حکیم (است و کارهایش را از روی حکمت انجام می‌دهد، و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.

توضیحات:

«الْقَاهِرُ»: غالب. مسلّط. «فَوْقَ»: اسمی است به معنی (عَلی) یعنی بر (نگا: اعراف / ۱۲۷).

سوره أنعام آیه ۱۹

متن آیه:

﴿قُلۡ أَيُّ شَيۡءٍ أَكۡبَرُ شَهَٰدَةٗۖ قُلِ ٱللَّهُۖ شَهِيدُۢ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَۚ أَئِنَّكُمۡ لَتَشۡهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخۡرَىٰۚ قُل لَّآ أَشۡهَدُۚ قُلۡ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَإِنَّنِي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ١٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به کسانی که بر رسالت تو گواهی می‌خواهند) بگو: بالاترین گواهی، گواهی کیست (تا او بر صدق نبوّت من گواهی دهد)؟ بگو: خدا میان من و شما گواه است! (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدان‌ها می‌رسد بدان بیم دهم. (قرآنی که هیچ کس و هیچ گروهی نمی‌تواند سوره‌ای همانند آن را بسازد و ارائه دهد). آیا به راستی شما گواهی می‌دهید که خدایان دیگری با خدایند؟! بگو: من گواهی نمی‌دهم (و هرگز کسی و چیزی را انباز خدا نمی‌دانم و نمی‌کنم). بگو: او خدای یگانه یکتا است، و من از بتان (جاندار و بی‌جانی که) انباز خدا می‌کنید بیزارم.

توضیحات:

«شَهَادَةٌ»: گواهی. تمییز است. «قُلِ اللهُ»: بگو: خدا است. با توجّه بدین معنی، واژه (اللهُ) مبتدا و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین است: «اللهُ أَكْبَرُ شَهادَةً». «شَهِيدٌ»: گواه. خبر (اللهُ) یا (هُوَ) محذوف است. «مَن بَلَغَ»: هر که قرآن بدو برسد. واژه (مَنْ) عطف بر ضمیر (كُمْ) و فاعل (بَلَغَ) هُوَ است که به قرآن برمی‌گردد و عائد محذوف است. تقدیر چنین است: وَ مَن «بَلَغَهُ الْقُرْءَانُ». «ءَالِهَةً»: جمع إله، خدایان. «بَرِيءٌ»: بیزار.

سوره أنعام آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمُۘ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ

فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ﴿٢٠﴾

ترجمه:

کسانی که کتاب آسمانی بدانان داده‌ایم (یعنی یهودیان و مسیحیان) او را (که محمّد نام و پیغمبر خاتم است و صفات او در کتاب‌هایشان مذکور است، خوب) می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند. کسانی که (سرمایه وجود) خود را از دست داده‌اند (زیانکارند و بدانچه پی می‌برند اقرار نمی‌کنند و) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«يَعرِفُونَهُ»: پیغمبر را از روی صفات مذکور او در کتاب‌های آسمانی، و بینش و نگرش عقلانی می‌شناسند.

سوره أنعام آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴿٢١﴾﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد (و فرزند و انباز برای او قرار می‌دهد و چیزهای ناروای دیگر بدو نسبت می‌دهد)؟ یا دلائل (دالّ بر یگانگی خدا و صدق انبیاء) او را تکذیب می‌نماید (و آیات قرآن و معجزات پیغمبران را باور نمی‌دارد و نادیده می‌انگارد)؟. مسلّماً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.

توضیحات:

«إِفْتَرَيا»: به هم بافت. دروغ بست. «ءَايَاتِ»: دلائل. معجزات. آیات قرآن.

سوره أنعام آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَيۡنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

(برای آنان بیان کن چیزی را که در روز قیامت رخ می‌دهد). آن روزی که همه آنان را جمع می‌کنیم و سپس به کسانی که (انبازانی برای خدا قرار داده‌اند و بدو)

شرک ورزیده‌اند می‌گوئیم: انبازانی که گمان می‌بردید کجایند (تا چنین معبودهای دروغین در این عرصه وحشتناک به فریادتان رسند)؟!

توضیحات:

«نَحْشُرُهُمْ»: ایشان را گرد می‌آوریم.

سوره أنعام آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَمۡ تَكُن فِتۡنَتُهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشۡرِكِينَ٢٣﴾

ترجمه:

سپس عاقبت کفر آنان چیزی جز این نیست که می‌گویند: به خداوندی که پروردگار ما است سوگند که ما مشرک نبوده‌ایم! (و هرگز جز تو را نپرستیده‌ایم)!.

توضیحات:

«فِتْنَةُ»: کفر. آزمایش. عذاب. مراد سرانجام کفر، نتیجه آزمایش، و پایان محنت شدیدشان در قیامت است.

سوره أنعام آیه ۲۴

متن آیه:

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ كَذَبُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡۚ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ٢٤﴾

ترجمه:

بنگر که چگونه با خویشتن نیز دروغ می‌گویند، و نشانی از شرکاء و انبازانی نماند که آنان به هم می‌بافتند.

توضیحات:

«أُنظُرْ»: بنگر. مراد این است که دقّت کن و با چشم عقل ببین. «ضَلَّ عَنْهُمْ»: از ایشان ناپدید گردید. (ضَلَّ) در اینجا به معنی (غابَ) است.

سوره أنعام آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَۖ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ

هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

برخی از آنان (به هنگام تلاوت قرآن) به تو گوش فرا می‌دهند ولی (نه برای فهمیدن آن و هدایت بدان، بلکه برای طعنه‌زدن و ریشخند کردن آن. بدین سبب ایشان را از فایده عقل و گوش محروم کرده‌ایم و گوئی که) ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان کری قرار داده‌ایم (تا ندای آسمانی قرآن را نشنوند). اگر آنان همه دلائل و نشانه‌های حق را هم ببینند بدان باور نمی‌دارند و ایمان نمی‌آورند. تا آنجا که وقتی برای مجادله به پیش تو می‌آیند می‌گویند: این‌ها (که تو بر ما می‌خوانی) جز افسانه‌های پیشینیان چیز دیگری نیست.

توضیحات:

«أَكِنَّةً»: جمع كنان، پرده‌ها. «أَن يَفْقَهُوهُ»: این که آن را بفهمند و درک کنند. «وَقْراً»: سنگینی. کری. «ءَايَةٍ»: دلیل. معجزه. نشانه. «يُجَادِلُونَكَ»: با تو مجادله می‌کنند. حال است و به معنی (مُجادِلِينَ) است. «أَسَاطِيرُ»: جمع أُسْطُورَة، افسانه‌ها. مراد خرافات و اباطیل است (نگا: فرقان / ۵).

سوره أنعام آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَهُمۡ يَنۡهَوۡنَ عَنۡهُ وَيَنۡـَٔوۡنَ عَنۡهُۖ وَإِن يُهۡلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ﴿٢٦﴾﴾

ترجمه:

آنان (دیگران را) از قرآن باز می‌دارند و خود نیز از آن دوری می‌گزینند (و لذا نه خودشان از قرآن سود می‌برند و نه می‌گذارند مردم از آن سود ببرند! به سبب چنین کاری) آنان جز خویشتن را هلاک نمی‌نمایند (و تنها خودشان زیان می‌بینند) ولی (زشتی عمل خود و فرجام بد آن را) درک نمی‌کنند.

توضیحات:

«يَنْهَوْنَ» باز می‌دارند. «يَنْأَوْنَ»: دوری می‌گزینند.

سوره أنعام آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ يَٰلَيۡتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ

مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴿٢٧﴾

ترجمه:

اگر تو (ای محمّد)! آنان را مشاهده کنی بدان گاه که ایشان را (در کنار) آتش دوزخ نگاه می‌دارند (و هراس جهنّم ایشان را برداشته است، منظره‌های وحشت‌انگیزی را می‌بینی و سخن‌های شگفت‌انگیزی را می‌شنوی!) آنان می‌گویند: ای کاش! (برای نجات از این سرنوشت شوم، بار دیگر) به دنیا برمی‌گشتیم و (در آنجا دیگر) آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم و از زمره مؤمنان می‌شدیم.

توضیحات:

«وَلَوْ تَرَيا»: اگر ببینی. جواب (لَوْ) محذوف است و تقدیر چنین است: «لَرَأَيْتَ مَا لا يُحِيطُ بِهِ نِطَاقُ التَّعْبيرِ». «وُقِفُوا»: نگاه داشته شده‌اند. «نُرَدُّ»: برگردانده شویم.

سوره أنعام آیه ۲۸

متن آیه:

﴿بَلۡ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخۡفُونَ مِن قَبۡلُۖ وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ﴿٢٨﴾

ترجمه:

(این تمنّا، آرزوی دروغینی بیش نیست) بلکه (به خاطر آن است که در آن جهان، عیوب) کارهائی که قبلاً (در این دنیا انجام می‌داده‌اند و از خود و دیگران) پنهان می‌کرده‌اند، برای آنان آشکار گشته است. اگر هم (به فرض محال به دنیا) برگردانده شوند، به سراغ همان چیزی می‌روند که از آن نهی شده‌اند. ایشان (در وعده ایمان) دروغگویند.

توضیحات:

«بَلْ»: بلکه. حرفی است که برای ابطال ماقبل به کار می‌رود. «بَدَا»: آشکار شد. «مَا كَانُوا يُخْفُونَ»: آنچه را که پنهان می‌کردند. مراد از آن، عیبها و زشتیهائی است که می‌کرده‌اند. یا مراد اعتقاد به خدا و پیغمبران و حقائق دیگر است که در دل مخفی می‌داشتند و وجدان و مردم را فریب می‌دادند و بر فطرت خویش سرپوش می‌گذاشتند. ولی به هنگام مشاهده صحنه‌های رستاخیز از کرده خود پشیمان شده‌اند (نگا: عنکبوت / ۶۵).

سوره أنعام آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ٢٩﴾

ترجمه:

و آنان (اگر هم به دنیا برگردند، دیگرباره) می‌گویند: زندگی تنها همین زندگی دنیای ما است و ما هرگز برانگیخته نمی‌شویم (و قیامت و دوزخ و بهشتی در میان نیست!).

توضیحات:

«قَالُوا»: یعنی مشرکان قبلاً در دنیا می‌گفتند؛ یا این که اگر هم به دنیا برگردند می‌گویند. «إِنْ هِيَ»: (إِنْ) به معنی نیست، و (هِيَ) به معنی او که مراد حیات دنیا است. «حَيَاتُنَا الدُّنْيَا»: زندگی نزدیک‌تر ما. مراد زندگی این جهان است که مقابل زندگی آن جهان است. «الدُّنْيَا»: مؤنّث (أَدْنِي) است به معنی اقرب یعنی نزدیکتر. «مَبْعُوثِينَ»: برانگیخته‌شدگان. زنده‌شدگان.

سوره أنعام آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ قَالَ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ٣٠﴾

ترجمه:

اگر آنان را ببینی بدان هنگام که در پیشگاه (دادگاه عدل) پروردگارشان نگاه داشته شده‌اند (خواهی دید که چه حال بد و وضع تباهی دارند، و خداوند بدیشان) می‌گوید: آیا این (چیزهائی را که می‌بینید و دامنگیرتان است) حق نیست؟! می‌گویند: آری به پروردگارمان سوگند! (حق است. آن گاه خداوند باز بدیشان) می‌گوید: پس به سبب کفری که می‌ورزیدید عذاب (دوزخ) را بچشید.

توضیحات:

«عَلَيا رَبِّهِمْ»: در پیشگاه دادگاه پروردگارشان. مضاف محذوف است و تقدیر چنین است: عَليا قَضآءِ وَ جَزآءِ رَبِّهِمْ. «بَلَيا»: (نگا: بقره / ۸۱). «بِمَا»: به سبب. در عوض. در

مقابل. به همان چیزی که. واژه (ما) می‌تواند مصدریه یا موصول باشد، ولی مصدریه بهتر است.

سوره أنعام آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ قَالُواْ يَٰحَسۡرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطۡنَا فِيهَا وَهُمۡ يَحۡمِلُونَ أَوۡزَارَهُمۡ عَلَىٰ ظُهُورِهِمۡۚ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ٣١﴾

ترجمه:

مسلّماً آنان که ملاقات با خدا را دروغ می‌پندارند (و حساب و کتاب و مجازات و مکافات آخرت را باور نمی‌دارند و به انکار خود ادامه می‌دهند) تا آن گاه که ناگهان قیامت فرا می‌رسد، زیان می‌بینند (و در هنگامه رستاخیز سخت پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: افسوسا و دریغا! (چرا غافل بودیم و) در دنیا کوتاهی کردیم و (توشه و زاد آخرت را تهیه ننمودیم. آنان در آن روز بار) گناهان را بر دوش خود می‌کشند. هان! چه بد چیزی بر دوش می‌کشند!

توضیحات:

«لِقَآءِ»: ملاقات. دیدار. مصدر باب مفاعله است. «السَّاعَةُ»: روز قیامت (نگا: روم / ۵۵، لقمان / ۳۴). دم مرگ. چرا که پیغمبر فرموده است: «مَن مَّاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ». «بَغْتَةً»: ناگهانی. سرزده. مصدر است و حال فاعل فعل (جَآءَتْهُمْ) یا مفعول (هُمْ) می‌باشد. «فِيهَا»: در آن. مرجع (ها) می‌تواند دنیا، یا السَّاعَةُ، و یا (مَا) به معنی اعمال باشد. معنی چنین می‌شود: در دنیا، درباره قیامت، در انجام اعمال. «أَوْزَار»: جمع وِزْر، بارهای سنگین. گناهان. در اینجا به معنی گناهان است که به بارهای سنگین تشبیه شده است. «أَلا»: هان! حرفی است که برای آگاه‌کردن شنونده از مابعد خود به کار می‌رود. «يَزِرُونَ»: حمل می‌کنند. برمی‌دارند.

سوره أنعام آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۖ وَلَلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

زندگی دنیا (که کافران تنها آن را زندگی می‌دانند) سرگرمی و بازیچه‌ای بیش نیست، و سرای آخرت (جهان حقیقی است و) برای پرهیزگاران بهتر (از این جهان فانی) است. آیا (این امر بدیهی را) نمی‌فهمید (و سود و زیان خود را نمی‌دانید).

توضیحات:

«لَعِبٌ»: بازی. کاری که انجام‌دهنده، مقصودش از آن جلب نفع یا دفع شرّ نمی‌باشد. «لَـهْوٌ»: سرگرمی. کاری که انسان را به خود مشغول دارد و او را از انجام امور مهمّ غافل سازد.

سوره أنعام آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَدۡ نَعۡلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحۡزُنُكَ ٱلَّذِي يَقُولُونَۖ فَإِنَّهُمۡ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ۝٣٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! ما می‌دانیم که آنچه (کفّار مکه) می‌گویند تو را غمگین می‌سازد. (ناراحت مباش) چرا که آنان (از ته دل به صدق تو ایمان دارند و در حقیقت) تو را تکذیب نمی‌کنند. بلکه ستمکاران (چون ایشان، از روی عناد) آیات خدا را انکار می‌نمایند.

توضیحات:

«بِئَايَاتِ اللهِ يَجْحَدُونَ»: آیات خدا را از روی عناد انکار می‌کنند. مصدر این فعل جحود است که عبارت از این است که انسان چیزی را که از دل بدان ایمان دارد با زبان تکذیب کند (نگا: انعام / ۲۰، نمل / ۱۴). حرف باء متعلّق به (يَجْحَدُونَ) است و تقدیم جار و مجرور بر آن به خاطر رعایت رؤوس آیه‌ها است.

سوره أنعام آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَاۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ وَلَقَدۡ جَآءَكَ مِن نَّبَإِيْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ۝٣٤﴾

ترجمه:

پیغمبران فراوانی پیش از تو تکذیب شده‌اند (و مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند) و

در برابر تکذیب‌ها (و اذیت و آزارها) شکیبائی کرده‌اند (و بر عقیده خود ماندگار مانده‌اند و سنگر را خالی نکرده‌اند) و اذیت و آزار شده‌اند (و گرفتاری‌ها و شکنجه‌ها را تحمّل کرده‌اند) تا یاری ما ایشان را دریافته است (و در مبارزه حق و باطل پیروز شده‌اند. تو نیز چنین باش. این سخن خداوند است و مبتنی بر وعده پیروزی است) و هیچ‌چیز نمی‌تواند سخنان خدا را دگرگون سازد. به تو اخبار و سرگذشت پیغمبران رسیده است (و می‌دانی که رسالت با شدائد همراه است و سرانجام سختی‌ها پیروزی در دنیا و آن گاه جَنَّةُالْمَأْوی است).

توضیحات:

«أُوذُوا»: اذیت شده‌اند. «مبدّل»: تغییردهنده. دگرگون کننده. در اینجا مراد تغییر دهنده وعده پیروزی خدا به پیغمبران است (نگا: غافر / ۵۱). «کلماتِ»: سخنان. احکام و شرائع. سُنَن. «نَبَأ»: خبر. مراد قصص و سرگذشت است.

سوره أنعام آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكَ إِعۡرَاضُهُمۡ فَإِنِ ٱسۡتَطَعۡتَ أَن تَبۡتَغِيَ نَفَقٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ سُلَّمٗا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأۡتِيَهُم بِـَٔايَةٖۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمۡ عَلَى ٱلۡهُدَىٰۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٣٥﴾

ترجمه:

اگر روگردانی ایشان از (دعوت) تو برای تو سخت و سنگین است، چنان که می‌توانی (جهت اقناع آنان راهی پیدا کنی و مثلاً) نقبی در زمین بزنی و یا نردبانی به‌سوی آسمان بگذاری (و اعماق زمین و بالای آسمان‌ها را بگردی) و دلیلی برای (ایمان آوردن) ایشان بیاوری (چنین کن. امّا بدان که این لجوجان تو را تصدیق نمی‌کنند و ایمان نمی‌آورند). ولی اگر خدا بخواهد آنان را (قهراً و جبراً) بر هدایت جمع خواهد کرد (و ایمان را بدی‌شان تلقین خواهد نمود. امّا هدایت اجباری و ایمان زورکی چه سودی دارد؟ لذا ایشان را به خود وا می‌گذارد تا با اراده و اختیار خود اگر خواستند ایمان بیاورند و اگر نخواستند ایمان نیاورند). پس از زمره کسانی مباش که (حکم خدا و سنّت او را درباره مردم) نمی‌دانند.

توضیحات:

«كَبُرَ عَلَيْكَ»: برای تو سخت و دشوار است. برای تو سنگین است. «إِعْرَاضُ»: روگردانی. دوری. «نَفَقاً»: نقب. دالان. دهلیز. «سُلَّماً»: نردبان. «ءَايَةٍ»: دلیل. معجزه حسی، همچون معجزات موسی و عیسی. «الجَاهِلِينَ»: ناآشنایان. مراد از جهل در اینجا ضدّ علم است و منظور جهلی است که انسان در آن معذور است. از قبیل جهل به حکمت و مشیت خدا.

سوره أنعام آیه ۳۶

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ٣٦﴾

ترجمه:

تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند (و از روی تدبیر و تفکر سخنان را می‌شنوند. امّا اینان مردگان زنده‌نما هستند) و خداوند مردگان (چون ایشان را به هنگام رستاخیز از گورها) برمی انگیزد. و پس از زنده‌شدن به‌سوی او برگردانده می‌شوند (و مورد بازخواست قرار می‌گیرند و سزا و جزای خود را می‌بینند).

توضیحات:

«يَسْتَجِيبُ»: اجابت می‌کند. می‌پذیرد. «يَسْمَعُونَ»: می‌شنوند. می‌فهمند. «الْمَوْتَيا»: جمع میت، مردگان. مراد مردگان معنوی است؛ نه مردگان جسمانی. ﴿يَبۡعَثُهُمُ﴾ « يَبْعَثُهُمْ»: آنان را زنده می‌کند.

سوره أنعام آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةٗ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ٣٧﴾

ترجمه:

و (آنان از روی تمسخر) می‌گویند: چرا دلیل مادی و معجزه‌ای از سوی پروردگارش بر او نازل نمی‌گردد (تا گواه بر صدق دعوت او باشد؟!) بگو: خداوند می‌تواند (هرگونه) دلیل و معجزه‌ای نازل کند، ولی آنان نمی‌دانند (که برابر سنّت الهی اگر به درخواست

ایشان پاسخ گفته شود و ایمان نیاورند نابود می‌گردند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: دلیل حسی. معجزه. «لا يَعْلَمُونَ»: حکمت انزال آیات را نمی‌دانند و متوجّه نیستند که برابر سنّت خدا تکذیب مشاهده عیان مایه هلاک آنان می‌گردد (نگا: انعام / ۸).

سوره أنعام آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا طَٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيۡهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمۡثَالُكُمۚ مَّا فَرَّطۡنَا فِي ٱلۡكِتَٰبِ مِن شَيۡءٖۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يُحۡشَرُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

(یکی از دلائل قوی قدرت خدا و حکمت و رحمتش این است که او همه چیز را آفریده است) و هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند وجود ندارد مگر این که گروه‌هائی همچون شمایند (و هر یک دارای خصائص و ممیزات و نظام حیات خاصّ خود می‌باشند). در کتاب (کائنات) هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم (و همه‌چیز را ضبط و به همه چیز پرداخته‌ایم. بگذار تکذیب‌کنندگان هرچه می‌خواهند بکنند) پس (از گذشت این چند روزه زندگی دنیوی) آنان (همراه همه گروه‌ها و دسته‌های حیوانات موجود) در پیشگاه پروردگارشان جمع‌آورده می‌شوند (و به حساب و کتابشان می‌رسیم).

توضیحات:

«دَآبَّةٍ»: جنبنده. حیوان. «طَآئِرٍ»: پرنده. «يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ»: با دو بال خود می‌پرد. ذکر این قید برای تأکید است. همان‌گونه که می‌گوئیم: با گوش‌هایمان شنیدیم. با چشم هایمان دیدیم. «أُمَمٌ»: ملّت‌ها. گروه‌هائی که دارای صفات و خصائص و طبائع ممیزه باشند. «مَا فَرَّطْنا»: کوتاهی نکرده‌ایم. غفلت نورزیده‌ایم. فروگذار نکرده‌ایم. «الْكِتَابِ»: لوح محفوظ، که نمی‌دانیم چیست (نگا: انعام / ۵۹، یس / ۱۲، بروج / ۲۲). جهان هستی، که کتاب دیدنی خدا است. قرآن، که کتاب خواندنی خدا است و تمام اموری که مردم برای تربیت و هدایت بدان نیاز دارند و همه چیزهائی که از احکام اسلامی و مسائل اخلاقی باید بدانند، در آن به گونه مجمل یا مفصّل وجود دارد. علم خدا.

سوره أنعام آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا صُمّٞ وَبُكۡمٞ فِي ٱلظُّلُمَٰتِۗ مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضۡلِلۡهُ وَمَن يَشَأۡ يَجۡعَلۡهُ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٩﴾

ترجمه:

آنان که آیات (جهانی و قرآنی) ما را تکذیب می‌دارند (و از حواسّ خود برای شناخت حق سود نمی‌برند و هرگز حق نمی‌شنوند و حق نمی‌گویند، گوئی) کرانند و لالانند و در تاریکی‌ها (ی گوناگون کفر و جهل و تعصّب و تقلید) قرار دارند. خداوند (برابر نظم و نظام و قوانین و سننی که دارد) هر که را بخواهد گمراه می‌سازد، و هر که را بخواهد بر جاده مستقیم (ایمان) قرار می‌دهد.

توضیحات:

«صُمٌّ»: کران. «بُکْمٌ»: لالان. «مَن یَشَإِ اللهُ...»: هر کس که دارای قصد بد و سوء نیت باشد، خدا او را به حال خود رها می‌سازد تا سرگشته شود و سپس به دوزخ رود، و هر کس که دارای قصد خوب و نیت پاک باشد، خدا او را هدایت می‌بخشد و در راه راست رهنمودش می‌نماید و سرانجام بهشت را بدو عطاء می‌فرماید.

سوره أنعام آیه ۴۰

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوۡ أَتَتۡكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَدۡعُونَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

بگو: به من بگوئید که اگر عذاب خدا شما را فرا گیرد (همان گونه که قبلاً ملّت‌های پیشین را فرا گرفته است) یا این که قیامت شما (با فرا رسیدن مرگتان و یا از هم پاشیدن جهان) فراز آید، آیا (برای نجات از عذاب دنیوی یا اخروی) غیر خدا را به یاری می‌طلبید؟ (و اگر بطلبید سودی به شما می‌رسانند و شما را می‌رهانند)؟! اگر شما راستگوئید (در این که بتها و انبازها سودی برای شما دارند و پرستش را سزاوارند)؟!.

توضیحات:

«أَرَأَیْتَکُمْ»: مراد عرب‌ها از چنین ترکیب و شیوه‌ای این است که: آیا هیچ فکر

کرده‌اید که؟ مرا خبر دهید که آیا؟ مرا آگاه سازید که آیا؟ (نگا: اسراء / ۶۲). «السَّاعَةُ»: قیامت. هنگام مرگ.

سوره أنعام آیه ۴۱

متن آیه:

﴿بَلۡ إِيَّاهُ تَدۡعُونَ فَيَكۡشِفُ مَا تَدۡعُونَ إِلَيۡهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوۡنَ مَا تُشۡرِكُونَ۝٤١﴾

ترجمه:

(نه، در وقت رخدادهای بزرگ، و در هنگامه رستاخیز به کسی جز خدا متوسّل نمی‌شوید و پناه نمی‌برید و) بلکه تنها خدا را به یاری می‌طلبید، و او اگر خواست آن چیزی را برطرف می‌سازد که وی را برای رفع آن به فریاد می‌خوانید، و (دیگر آن روز) چیزهائی را که (امروز) شریک خدا می‌سازید فراموش می‌نمائید (و از خاطر می‌زدائید).

توضیحات:

«تَدۡعُونَ»: فرا می‌خوانید. استمداد می‌جوئید. «تَنسَوۡنَ»: فراموش می‌کنید. از یاد می‌برید.

سوره أنعام آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَتَضَرَّعُونَ۝٤٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! ناراحت مباش که پیغمبران زیادی را) ما به‌سوی ملّت‌هائی که پیش از تو بوده‌اند گسیل داشته‌ایم (و هنگامی که علم طغیان برافراشته و سرپیچی ورزیده‌اند) آنان را به سختی‌ها و زیان‌ها گرفتار و به شدائد و بلایا دچار ساخته‌ایم تا بلکه خشوع و خضوع نمایند (و توبه کنند و به‌سوی خدای خود برگردند).

توضیحات:

«الۡبَأۡسَآءِ»: بلا و مصیبت خارج از جسم شخص، مانند: تنگدستی، زیان مالی، مرگ فرزندان. «الضَّرَّآءِ»: بلا و مصیبت مربوط به جسم شخص. مانند: بیماری، رنجوری، غم و اندوه. «يَتَضَرَّعُونَ»: خشوع و خضوع کنند. فروتنی و فرمانبرداری کنند. توبه و انابت کنند.

سوره أنعام آیه ۴۳

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَٰكِن قَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

آنان چرا نباید هنگامی که به عذاب ما گرفتار می‌آیند، خشوع و خضوع کنند (و بیدار شوند و اندرز گیرند و با تضرّع و زاری دست دعا به‌سوی باری بلند کنند و آمرزش خواهند؟) ولی دل‌هایشان سخت شده است و (نرود میخ آهنین بر سنگ! و علاوه از قساوت قلب) اهریمن (هم) اعمالی را که انجام می‌دهند برای‌شان آراسته و پیراسته است.

توضیحات:

«بَأۡس»: قوّت و شدّت. در اینجا مراد عذاب است (نگا: انعام / ۱۴۷، اعراف / ۹۸). «قَسَتۡ»: قساوت پیدا کرد. سخت و سنگین شد.

سوره أنعام آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةً فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

هنگامی که آنان فراموش کردند آنچه را که بدان متذکر و متّعظ شده بودند (و آزمون ناداری و بیماری کارگر نیفتاد، آزمون دیگری جهت بیداری ایشان به کار بردیم و) درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به رویشان گشودیم تا آن گاه که (کاملاً در فراخی نعمت غوطه‌ور شدند و) بدانچه بدی‌شان داده شد، شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ایشان را گرفت و سرمست و مغرور شدند و ناشکری کردند و) ما به ناگاه ایشان را بگرفتیم (و به عذاب خود مبتلا کردیم) و آنان مأیوس و متحیر ماندند (و به‌سوی نجات راه نبردند).

توضیحات:

«مَا ذُكِّرُوا بِهِ»: آنچه بدان پند و اندرز داده شدند که بَأۡسَآء در اموال و ضَرَّآء در ابدان بود. «مُبۡلِسُونَ»: ناامیدان و سرگشتگان و غمگینان.

سوره أنعام آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْۚ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٤٥﴾

ترجمه:

(بدین ترتیب) نسل ستمکاران ریشه‌کن شد، و ستایش تنها پروردگار جهانیان را سزا است (که با نقمت و نعمت مردمان را تربیت می‌کند، و روی زمین را از فساد ظالمان پاک می‌سازد).

توضیحات:

«دَابِرُ»: تابع. خلف. قطْعِ دابر، کنایه از ریشه‌کن کردن است.

سوره أنعام آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمۡعَكُمۡ وَأَبۡصَٰرَكُمۡ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِهِۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ هُمۡ يَصۡدِفُونَ٤٦﴾

ترجمه:

بگو: به من بگوئید که اگر خداوند گوش و چشم‌هایتان را (از شما بازپس) بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد (بدان گونه که چیزی را نشنوید و نبینید و نفهمید)، غیر از الله خدائی هست که آنها را به شما برگرداند؟! بنگر که ما چگونه دلائل و براهین را به گونه‌های مختلف ذکر می‌کنیم و آنان پس (از شنیدن، به جای پذیرفتن و راه حق گرفتن) روی می‌گردانند!.

توضیحات:

«نُصَرِّفُ»: به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم و توضیح می‌دهیم. «يَصْدِفُونَ »: اعراض و انصراف می‌نمایند. پشت می‌کنند و روی می‌گردانند.

سوره أنعام آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ بَغۡتَةً أَوۡ جَهۡرَةً هَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلظَّٰلِمُونَ٤٧﴾

ترجمه:

بگو: به من بگوئید که اگر عذاب خدا به ناگاه یا این که آشکارا (و بدون انتظار قبلی یا با انتظار قبلی) به شما در رسید، مگر جز گروه ستمکاران هلاک می‌گردند؟! (بگذار عذاب خدا مشرکان و گمراهان چون شما را در بر گیرد).

توضیحات:

«بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً»: ناگهان و بدون انتظار. مانند: عذاب قوم لوط. یا آشکارا و با انتظار. مانند: عذاب قوم نوح و فرعون.

سوره أنعام آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴿٤٨﴾﴾

ترجمه:

ما پیغمبران را جز به عنوان بشارت‌دهندگان (مؤمنان به خیر و ثواب) و بیم‌دهندگان (کافران از عقاب و عذاب) نمی‌فرستیم. پس کسانی که (به دعوت پیغمبران) ایمان آورند و کار شایسته کنند، نه ترسی دارند (از شر و بلائی که بدانان می‌رسد) و نه غمگین می‌شوند (از خیر و نعمتی که از دست می‌دهند).

توضیحات:

«مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»: مژده‌دهندگان و بیم‌دهندگان. حال (مُرْسَلین) هستند. «أَصْلَحَ »: زشتی‌ها را زدود و بر خوبی‌ها فزود.

سوره أنعام آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ﴿٤٩﴾﴾

ترجمه:

آنان که آیات (قرآنی و دلائل جهانی) ما را تکذیب می‌دارند، عذاب (دردناک یزدانی) به خاطر نافرمانی (و خروج از برنامه ایمانی) بدانان می‌رسد.

توضیحات:

«بِمَا»: به سبب. به خاطر. «كَانُوا يَفْسُقُونَ»: به طور مستمر از دائره ایمان و اطاعت

به در می‌رفتند و از التزام احکام شانه خالی می‌کردند.

سوره أنعام آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ إِنِّي مَلَكٌۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ۝٥٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بدین کافران) بگو: من نمی‌گویم گنجینه‌های (ارزاق و اسرار جهان) یزدان در تصرّف من است (چرا که الوهیت و مالکیت جهان تنها و تنها از آن خدای سبحان است و بس) و من نمی‌گویم که من غیب می‌دانم (چرا که کسی از غیب جهان باخبر است که در همه مکان‌ها و زمان‌ها حاضر و ناظر باشد که خدا است) و من به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. (بلکه من انسانی همچون شمایم. این است عوارض بشری از قبیل: خوردن و خفتن و در کوچه و بازار راه رفتن، در من دیده می‌شود، جز این که به من وحی می‌شود و) من جز از آنچه به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم (و سخن کسی جز سخن خدا را نمی‌شنوم و تنها به فرمان او راه می‌روم). بگو: آیا نابینا و بینا (و کافر سرگشته و مؤمن راه یافته، در شناخت این حقائق) یکسانند؟ (و هر دو مساوی در پیشگاه یزدانند)؟ مگر نمی‌اندیشید (تا در پرتو عقل، حق برایتان نمودار و آشکار شود)؟.

توضیحات:

«خَزَآئِنُ»: جمع خزینه، گنجینه‌ها. انبارهای نفائس اموال. مراد از (خَزَآئِنُ اللهِ) مقدّراتی است که جز خدا کسی از آنها آگاه نیست. «مَلَك»: فرشته. «الأعْمَیا»: کور. مراد شخص گمراه است که با چراغ عقل حقائق را پیدا نمی‌کند. «الْبَصِیرُ»: بینا. مراد شخص ایمانداری است که در پرتو اندیشه به حقائق راه می‌یابد.

سوره أنعام آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَأَنذِرۡ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحۡشَرُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ لَيۡسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ۝٥١﴾

ترجمه:

با آن (چیزهائی که در قرآن آمده است) کسانی را بترسان که (چون به جهان دیگر

ایمان دارند، از هول و هراس رستاخیز بیمناکند و) می‌ترسند از این که در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب) گردآورده می‌شوند. (آنجائی که در آن) برای آنان جز خدا یاور و میانجیگری (که بتواند ایشان را از عذاب دوزخ برهاند) وجود ندارد. آنان (را از آن روز بترسان، تا امروز که فرصت باقی است) شاید پرهیزگاری پیشه کنند (و آن وقت به بهشت روند).

توضیحات:

«أَنذِرْ»: بترسان. بیم ده. «بِهِ»: به آن، یعنی قرآن. «الَّذِينَ يَخَافُونَ»: کسانی که می‌ترسند. مراد مؤمنان است (نگا: فاطر / ۱۸، یس / ۱۱، ذاریات / ۵۵). «مِن دُونِهِ»: سوای او. غیر از او.

سوره أنعام آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ۝٥٢﴾

ترجمه:

کسانی را (از پیش خود) مران که سحرگاهان و شامگاهان خدای را به فریاد می‌خوانند (و همه وقت به عبادت و پرستش خدا مشغولند و) منظورشان (تنها رضایت) او است. نه حساب ایشان بر تو است و نه حساب تو بر آنان است (و هرکس در گرو عمل خویش است، چه شاه چه درویش است). اگر (به حرف مشرکان درباره این‌گونه مؤمنان گوش دهی و از خود) آنان را برانی، از زمره ستمگران خواهی بود.

توضیحات:

«لا تَطْرُدِ»: طرد مکن. مران. «الْغَدَاةِ»: سحرگاهان. «الْعَشِيِّ»: شامگاهان. «بِالْغَدَاةِ وَ الْعَشِيِّ»: در سحرگاهان و شامگاهان. مراد، در همه اوقات است. «مِنْ شَيْءٍ»: حرف (مِنْ) زائد است و (شَيْءٍ) در موضع رفع است و اسم (ما) است. «فَتَطْرُدَهُمْ»: منصوب است، چون جواب نهی است. تقدیر چنین است: «لا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ... فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ، وَ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ».

سوره أنعام آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنۢ بَيۡنِنَآۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ۝٥٣﴾

ترجمه:

این چنین (با پیشی‌گرفتن مستمندان در پذیرش دین و دخول بدان بر توانگران، سنّت ما جاری و ساری بوده است و) برخی را (که ثروتمندان متکبّرند) با برخی دیگر (که تنگدستان فقیرند) آزموده‌ایم تا (متکبّران، تمسخرکنان) بگویند: آیا اینان همان کسانیند که خداوند از میان ما (برگزیده است و با اعطاء نعمت ایمان) بر ایشان منّت نهاده است؟ آیا خداوند سپاسگزاران را بهتر نمی‌شناسد (تا این کافران سرکش مغرور)؟

توضیحات:

«فَتَنَّا»: امتحان کردیم. آزمودیم. «مَنَّ... عَلَیا»: نعمت داد. نیکی نمود.

سوره أنعام آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۖ كَتَبَ رَبُّكُمۡ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَ أَنَّهُۥ مَنۡ عَمِلَ مِنكُمۡ سُوٓءَۢا بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَصۡلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٞ رَّحِيمٞ۝٥٤﴾

ترجمه:

هرگاه مؤمنان به آیات (قرآن) ما به پیش تو آمدند (برای احترامشان) بدی‌شان بگو: درودتان باد! (شما را مژده باد که) خداوند شما (از روی لطف) بر خویشتن رحمت واجب نموده است (و رحمت فراوان و بیکرانش مقتضی آن است) که هرکس از شما از روی نادانی (انسانی) دچار لغزشی شد، ولی بعد از آن توبه کرد (و نادمانه به آستانه کریمانه خدا برگشت و اعمال زشت خود را جبران) و اصلاح کرد (خداوند عذر تقصیر او را می‌پذیرد) چرا که او آمرزگار (بندگان و) مهربان (در حق همگان) است.

توضیحات:

«أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ...»: جمله بدل (الرَّحْمَةَ) یا مفعولٌبه (کَتَبَ) است. جواب شرطِ (مَنْ) محذوف است و تقدیر چنین است: «فَلَهُ غُفْرانُ رَبِّهِ». «بِجَهالَةٍ»: از روی نادانی. مراد

این است که کسی که آگاهانه یا ناآگاهانه مرتکب گناه می‌شود، از زمره جاهلان بشمار است. یا این که گناهکار مطلقاً نادان است.

سوره أنعام آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِتَسۡتَبِينَ سَبِيلُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ۝٥٥﴾

ترجمه:

این چنین (روشن و آشکار) آیات (قرآنی و دلائل جهانی) را توضیح می‌دهیم، تا راه (نادرست) گناهکاران (از راه درست مؤمنان) پیدا و نمودار شود.

توضیحات:

«نُفَصِّلُ»: از هم جدا می‌سازیم. نمودار و آشکار می‌کنیم. توضیح و تبیین می‌نمائیم. «وَلِتَسْتَبِينَ»: تا این که روشن و هویدا شود. واو حرف عطف است و فعل (لِتَسْتَبِينَ) را بر فعل مقدّری مانند (لِيَفْهَمُوا) عطف می‌کند. تقدیر چنین است: «لِيَفْهَمُوا وَلِتَسْتَبِينَ». « سَبِيلُ»: راه. این واژه به صورت مذکر و مؤنّث به کار می‌رود.

سوره أنعام آیه ۵۶

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهۡوَآءَكُمۡ قَدۡ ضَلَلۡتُ إِذٗا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ۝٥٦﴾

ترجمه:

بگو: من نهی شده‌ام از این که پرستش کنم آن‌هائی را که سوای خدا به فریاد می‌خوانید (و عبادت‌شان می‌نمائید). بگو: من از هوی و هوس‌های شما پیروی نمی‌کنم، که (اگر چنین کنم، همچون شما) در آن وقت گمراه می‌شوم و از زمره راه‌یافتگان نخواهم بود.

توضیحات:

«نُـهِيتُ»: نهی شده‌ام. بازداشته شده‌ام. «أَهْوَآءَ»: خواستهای ناروا و آرزوهای پوچ.

سوره أنعام آیه ۵۷

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبۡتُم بِهِۦۚ مَا عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦٓۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ يَقُصُّ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰصِلِينَ ٥٧﴾

ترجمه:

بگو: من بر شریعت واضحی هستم که از سوی پروردگارم نازل شده است و شما قرآن را تکذیب می‌کنید (که در برگیرنده شریعت غرّا و آشکارا است. بدانید عذاب و کیفری) که در (نزول و وقوع) آن شتاب می‌ورزید در قدرت من نیست. فرمان جز در دست خدا نیست. خدا به دنبال حق می‌رود (و کارهایش برابر حکمت انجام می‌شود. لذا اگر خواست عذاب واقع می‌گردد و اگر نخواست عذاب واقع نمی‌شود) و او بهترین (قاضی میان من و شما و) جدا کننده (حق از باطل) است.

توضیحات:

«بَيِّنَةٍ»: دلیل. شریعت. مراد قرآن است. «كَذَّبْتُم بِهِ»: آن را تکذیب می‌کنید. ضمیر (ه) به (بینه) برمی‌گردد و مذکر آوردن آن به خاطر معنی مراد است که قرآن است. «يَقُصُّ الْحَقَّ»: حق را می‌گوید. حق را از باطل جدا می‌سازد. از حق پیروی می‌کند. «الْفَاصِلِينَ»: جداسازندگان. داوری‌کنندگان. روشن‌گران.

سوره أنعام آیه ۵۸

متن آیه:

﴿قُل لَّوۡ أَنَّ عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۗ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٥٨﴾

ترجمه:

بگو: اگر آنچه که در وقوع آن (که عذاب خدا است و از روی استهزاء) شتاب می‌ورزید، در قدرت من بود (در وقوع آن شتاب می‌کردم و از شر شما خلاص می‌شدم و) کار من با شما پایان می‌پذیرفت، ولیکن (کار در دست خدا است و) خدا آگاه‌تر از (هر کسی بدان چیزی است که در دنیا یا آخرت در خور) ستمکاران است.

توضیحات:

«لَقُضِيَ الأمْرُ»: کار خاتمه می‌پذیرفت. کار یکسره می‌شد و فیصله پیدا می‌کرد.

سوره أنعام آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٥٩﴾

ترجمه:

گنجینه‌های غیب و کلید آنها در دست خدا است و کسی جز او از آنها آگاه نیست. و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این که از آن خبردار است. و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های (درون) زمین، و هیچ‌چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد، مگر این که (خدا از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است.

توضیحات:

«مَفَاتِح»: جمع مَفْتَح، گنجینه‌ها، جمع مِفْتَح، کلیدها. «وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ...». حرف (مِنْ) زائد است و واژه (وَرَقَةٍ) در موضع رفع و فاعل (تَسْقُطُ) است، و واژه‌های (حَبَّة، رَطب، یابِسٍ) عطف بر آن هستند (نگا: سبأ / ۳). «رَطَب»: تر. «یَابِسٍ»: خشک. «کِتَابٍ مُّبِينٍ»: علم خدا. لوح محفوظ.

سوره أنعام آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠﴾

ترجمه:

خدا است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی انگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هرکس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید. سپس (در روز رستاخیز همگان) به‌سوی خدا برمی‌گردید و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا)

می‌کردید باخبر می‌گرداند (و پاداش و پادافره اعمال را به صاحبان آنها می‌رساند).

توضیحات:

«يَتَوَفَّاكُمْ»: شما را می‌میراند. مراد از میراندن در اینجا خواباندن است (نگا: زمر / ۴۲). «جَرَحْتُمْ»: فراچنگ آوردید. انجام دادید. گناه ورزیدید. «يَبْعَثُكُمْ»: شما را زنده می‌گرداند. مراد از زنده‌گرداندن در اینجا بیدارکردن است (نگا: زمر / ۴۲). «لِيُقْضى»: تا این که پایان داده شود (نگا: بقره / ۲۰۰). تا این که به اتمام رسانده شود (نگا: طه / ۱۱۴) تا آن گاه که مقدّر شود (نگا: سبأ / ۱۴). «أَجَلٌ مُّسَمّيً»: مدّت معین. مراد پایان زندگی یا مدّت زندگانی است (نگا: انعام / ۲). «مَرْجِعُكُمْ»: رجوع و برگشت شما.

سوره أنعام آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ٦١﴾

ترجمه:

خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقّت تمام تا دم مرگِ یکایک شما، مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند، و (فرشتگان گروه اوّل و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی‌کنند.

توضیحات:

«وَهُوَ الْقَاهِرُ...»: (نگا: انعام / ۱۸). «حَفَظَةً»: جمع حافظ، مراقبان. مراد فرشتگان (الكِرام الْكاتِبون) است (نگا: زخرف / ۸۰، انفطار / ۱۰ و ۱۱). «رُسُلُنَا»: فرستادگان ما. مراد فرشتگان همدست مَلَک‌الْموت است (نگا: سجده / ۱۱). «وَهُمْ لا يُفَرِّطُونَ»: وحال آن که آنان کوتاهی نمی‌کنند. این جمله می‌تواند حال (رُسُلُنا) یا (حَفَظَةً و رُسُلُنا) باشد؛ چرا که در کارِ حفظ و توفّی کوتاهی نمی‌کنند.

سوره أنعام آیه ۶۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ٦٢﴾

ترجمه:

سپس (همه مردگان در روز قیامت زنده می‌گردند و) به‌سوی خدا، یعنی سَرور حقیقی ایشان برگردانده می‌شوند. هان! (بدانید که در چنین روزی) فرمان و داوری از آن خدا است و بس، و او سریع‌ترینِ حساب‌گران است (و در کوتاه‌ترین مدّت به حساب یکایک خلائق می‌رسد و پاداش و پادافره آنان را می‌دهد).

توضیحات:

«رُدُّوا»: برگردانده شدند. «مَوْلَیا»: سَرور. مالک. متصرّف. واژه (مَوْلَیا) مجرور است و بدل (اللهِ) است. و واژه (الْحَقِّ) صفت (مَوْلَیا) است. «الْحُکْمُ»: فرمان. داوری. «الْحَاسِبِینَ»: حساب‌گران. حسابرسان.

سوره أنعام آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٣﴾

ترجمه:

بگو: چه کسی شما را از اهوال و شدائد خشکی و دریا رهائی می‌بخشد، در آن حال که (دشواری‌ها و گرفتاری‌های بزرگ به شما رو می‌کند و) او را فروتنانه عَلَنی و نهانی به فریاد می‌خوانید (و می‌گوئید:) اگر خدا ما را از این اهوال برهاند، سوگند می‌خوریم که از سپاس‌گزاران (نعمت و فضیلت او) باشیم؟

توضیحات:

«ظُلُمَات»: تاریکی‌ها. مراد اهوال و شدائد است. «تَدْعُونَهُ»: او را به فریاد می‌خوانید. این جمله حال ضمیر (کُمْ) در فعل (یُنَجِّیکُمْ) می‌باشد. «تَضَرُّعاً وَخُفْیَةً»: آشکارا و پنهان. مفعول مطلق یا منصوب به نزع خافضند، و یا این که حال بوده و به معنی «مُعْلِنِینَ وَمُسِرِّینَ» می‌باشد.

سوره أنعام آیه ۶۴

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ٦٤﴾

ترجمه:

بگو: خدا شما را از آن (اهوال و شدائد) و از هر غم و اندوهی می‌رهاند. سپس (با این وجود برای او) شما شریک و انباز می‌سازید! (شریک و انبازی که می‌دانید کاری از دست آنها ساخته نیست).

توضیحات:

«كَرْبٍ»: غم و اندوه.

سوره أنعام آیه ۶۵

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَفۡقَهُونَ٦٥﴾

ترجمه:

بگو: خدا می‌تواند که عذاب بزرگی از بالای سرتان و یا از زیر پاهایتان بر شما بگمارد (و شما را دچار بلاهای آسمانی و بمباران‌های هوائی یا بلاهای زمینی همچون زلزله‌ها و آتشفشانی‌ها و انفجارهای مین‌ها و دیگر موادّ منفجره جنگ‌ها سازد) و یا این که کار را بر شما به هم آمیزد (و در نتیجه حقیقت امر بر شما مشتبه شود) و دسته‌دسته و پراکنده گردید (و جنگ‌ها در میانتان برپا گرداند) و برخی از شما را به جان برخی دیگر اندازد و گرفتار همدیگر سازد. بنگر که چگونه آیات (قرآنی و دلائل جهانی خود) را بیان و روشن می‌گردانیم تا بلکه (بیندیشند و به خود بازگردند و حقیقت را) بفهمند.

توضیحات:

«يَبْعَثَ»: بفرستد. برانگیزد. «يَلْبِسَكُمْ»: شما را به هم اندازد. شما را گروه گروه و دسته دسته سازد. کار را بر شما مشوّش و آمیخته کند. شما را دارای خواستها و آرزوهای مختلف و متناقض کند. «شِيَعاً»: جمع شیعه، گروه‌ها و دسته‌ها. حال ضمیر

(كُمْ) يا مفعول مطلق (يَلْبِسَ) از غير لفظ خود می‌باشد. «بَأْسَ»: جنگ. عذاب.

سوره أنعام آيه ۶۶

متن آيه:

﴿وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ﴿٦٦﴾﴾

ترجمه:

قوم تو (يعنی قريش و مردمان مكه قرآن را باور نمی‌دارند و) آن را تكذيب می‌نمايند، و حال آن كه قرآن حق است (و جای تكذيب كردن ندارد). بگو: من حافظ و مسلّط بر شما نيستم (و مأمور بررسی اعمال و مجازات شما نمی‌باشم و بلكه سر و كارتان با خدا است).

توضيحات:

«لَسْتُ عَلَيْكُم بِوَكيلٍ»: حافظ شما و مسؤول كردار و رفتارتان نمی‌باشم.

سوره أنعام آيه ۶۷

متن آيه:

﴿لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ﴿٦٧﴾﴾

ترجمه:

هر خبری (كه خداوند در قرآن بيان كرده است) موعد خود دارد (و در هنگام مقرّر و جای معين تحقّق می‌پذيرد) و (صدق اين اخبار را به هنگام وقوع) خواهيد دانست (و خواهيد ديد به چه عذابی گرفتار می‌آئيد).

توضيحات:

«نَبَإٍ»: خبر. «مُسْتَقَرٌّ»: مكان استقرار و هنگام وقوع. مكان استقرار و جايگاه وقوع.

سوره أنعام آيه ۶۸

متن آيه:

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴿٦٨﴾﴾

ترجمه:

هرگاه ديدی كسانی به تمسخر و طعن در آيات (قرآنی) ما می‌پردازند، از آنان روی بگردان (و مجلس ايشان را ترک كن و با آنان منشين) تا آن گاه كه به سخن ديگری

می‌پردازند. اگر شیطان (چنین فرمانی را) از یاد تو برد (و دستور الهی را فراموش کردی)، پس از به خاطر آوردن (و یاد کردن فرمان، از پیش ایشان برخیز و) با قوم ستمکار منشین.

توضیحات:

«يَخُوضُونَ»: فرو می‌روند. یاوه‌سرائی می‌کنند. در اینجا مراد تمسخر قرآن و استهزاء دین و ایمان است (نگا: نساء ۱۴۰ و انعام / ۷۰). «امَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ»: اگر اهریمن آن را از یاد تو برد. در اینجا هر چند روی سخن به پیغمبر است، ولی در حقیقت منظور پیروان او است. نسیان پیغمبران در اموری بوده است که مربوط به کار تبلیغ احکام دین و مقام رسالت نبوده و بلکه غفلت در موضوعات عادی از قبیل سهو در نماز بوده است و چنین فراموشی و غفلتی موجب اضاعه فریضه‌ای یا تحریم حلال و تحلیل حرام نگشته است (نگا: کهف / ۶۳ و ۷۳، یوسف / ۴۲). «الذِّكْرَيا»: به یاد آوردن. متوجّه شدن. تذکر.

سوره أنعام آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنۡ حِسَابِهِم مِّن شَيۡءٖ وَلَٰكِن ذِكۡرَىٰ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ۝٦٩﴾

ترجمه:

کمترین چیزی از حساب آنان (که درباره قرآن یاوه‌سرائی می‌کنند) به حساب پرهیزگاران گرفته نمی‌شود و لیکن (باید پرهیزگاران نشست و برخاست‌شان با چنین بزهکارانی برای پند و اندرز و) تذکر و ارشاد باشد، تا این که (از بیهوده‌گوئی دست بردارند و از عذاب خدا خویشتن را به دور داشته و) پرهیزگاری کنند.

توضیحات:

«ذِكْرَيا»: پند و اندرزدادن. تذکیر و ارشاد. مرفوع است و مبتدای مؤخّر است: «عَلَيْهِمْ ذِكْرَيا». یا منصوب است و مفعول مطلق فعل محذوف: «عَلَيْهِمْ أَن يُذَكِّرُوهُمْ تَذْكِيراً».

سوره أنعام آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَعِبٗا وَلَهۡوٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ وَذَكِّرۡ بِهِۦٓ أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ بِمَا كَسَبَتۡ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ وَإِن تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ لَّا يُؤۡخَذۡ

مِنۡهَآۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبۡسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْۖ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ٧٠﴾

ترجمه:

کسانی را ترک کن که آئین (فطری و آسمانی) خود را به بازی و شوخی گرفته‌اند و زندگی دنیا آنان را گول زده است (و آخرت را از یادشان برده است). و به آن (زمزمه جاویدان قرآن، پیوسته ایشان را) پند و اندرز بده (و بدانان بگو که در روز قیامت) هرکسی در گرو اعمالی است که انجام داده است و مسؤول چیزهائی است که فراچنگ آورده است، و بجز خدا برای ایشان یار و یاوری و میانجی و واسطه‌ای نیست (تا مردمان را از عذاب دوزخ برهاند و به بهشت وارد گرداند). و اگر چنین کسی هرگونه فدیه و تاوانی (که تو می‌دانی، برای نجات خود) بپردازد، از او دریافت نمی‌گردد (و پذیرفته نمی‌شود). آنان کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده‌اند که کرده‌اند (و به زندان چیزهائی دربندند که فراچنگ آورده‌اند). برای آنان به سبب کفری که می‌ورزیده‌اند، نوشیدنی بسیار داغ و عذاب بس دردناکی است.

توضیحات:

«ذَرْ»: ترک کن. رها کن. از ماده (وذر). «غَرَّتْهُمْ»: گولشان زده است. فریبشان داده است. «ذَكِّرْ بِهِ»: بدان پند ده. مردمان را به قرآن راهنمائی و ارشاد کن. «أَن تُبْسَلَ»: تا دچار هلاکت نشود. تا هلاک نگردد. این که مرهون و محبوس شود. جمله مفعول لَهُ است و تقدیر چنین است: «لِئَلاّ تُبْسَلَ؛ مَخَافَةَ أَن تُبْسَلَ»؛ یا این که مفعولٌبِهِ فعل (ذَكِّرْ) است. واژه (تُبْسَلَ) از ماده (بَسْل) به معنی حبس، و هلاک است. «تَعْدِلْ»: فدیه دهد. تاوان و عوض دهد. «عَدْل»: فدیه. عوض. قیمت. «أُبْسِلُوا بِمَا»: در گروِ چیزی هستند که. گرفتار چیزی هستند که. هلاک می‌گردند به سبب چیزی که. به زندان دوزخ گرفتار می‌آیند به سبب چیزی که. «شَرَابٌ»: نوشیدنی. نوشابه. «حَمِيمٍ»: آب داغ. آب بسیار گرم.

سوره أنعام آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قُلۡ أَنَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ أَعۡقَابِنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰنَا

ٱللَّهُ كَٱلَّذِي ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ لَهُۥٓ أَصۡحَٰبٞ يَدۡعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلۡهُدَى ٱئۡتِنَاۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۖ وَأُمِرۡنَا لِنُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴿٧١﴾

ترجمه:

بگو: آیا چیزی غیر از خدا را بخوانیم (و عبادت و پرستش کنیم) که نه سودی به حال ما دارد و نه زیانی؟ و آیا پس از آن که خداوند ما را هدایت بخشیده است (و به‌سوی خود رهنمون کرده است) به عقب بازگشت کنیم (و از ایمان دست بکشیم و دیگر بار به کفر برگردیم؟ و) بسان کسی (باشیم و کنیم) که شیاطین او را در زمین (بیابان‌های برهوت) ویلان و سرگردان به دنبال خود کشند، و دوستانی داشته باشد که او را به راه راست خوانند و به‌سوی خود فریاد دارند (امّا او بدی‌شان گوش نکند و به دنبال شیاطین رود و گمراه‌تر و گمراه‌تر شود)؟ بگو: هدایت خداوند، هدایت است و (بجز اسلام، ضلالت است، و از سوی خدا) به ما دستور داده شده است که فرمانبردار پروردگار جهانیان باشیم (و منقاد او شویم و به فرمان او رویم).

توضیحات:

«أَنَدْعُو»: آیا به فریاد خوانیم؟ آیا پرستش نمائیم؟ در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «إِسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ»: شیاطین او را وادار به رفتن و شتاب ورزیدن کنند. شیاطین او را سرگردان و ویلان کنند. شیاطین او را از راه به در برند و در جهان آواره و دربه در کنند. فعل (إِسْتَهْوَتْ) از ماده (هوي) است، به معنی: رفتن. گمراه شدن. فرو افتادن. «حَيْرَانَ»: آواره و سرگردان. حال ضمیر (هُ) است و به دلیل وصفیت غیرمنصرف بوده و مؤنّث آن (حَیری) است. «لِنُسْلِمَ»: این است که تسلیم و منقاد شویم.

سوره أنعام آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَأَنۡ أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّقُوهُۚ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ﴿٧٢﴾﴾

ترجمه:

و (از سوی خدا به ما دستور داده شده است) این که نماز را به گونه شایسته بخوانید و از خدا بترسید و (اوامر او را اجرا کنید؛ چه) او است که در پیشگاهش گردآورده می‌شوید (و حساب و کتاب پس می‌دهید).

توضیحات:

«وَأَنْ أَقِيمُوا...»: این جمله عطف بر (أُمِرْنَا لِنُسْلِمَ) است، و تقدیر چنین است: «أُمِرْنا لاَنْ نُسْلِمَ وَ لاَنْ نُقيمَ».

سوره أنعام آيه ۷۳

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ ٱلْحَقُّ وَلَهُ ٱلْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ۝٧٣﴾

ترجمه:

او آن کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است (و آنها را بیهوده نیافریده است و بلکه از روی حکمت و هدف ساخته است) و هر وقت (اراده خدا بر پیدایش چیزی قرار گیرد، بدان) می‌گوید: باش! پس می‌شود. سخن او حق است (و فرمان او شدنی) و مالکیت (مطلق و تصرّف همه‌جانبه) از آن او است، در آن روزی که (برای اعلان رستاخیز) در صور دمیده شود. دانای آشکار و پنهان است (و در کار او گذشته و حال و آینده یکسان است. او آ گاه از همه چیزهائی است که نهان از حواسّ و ابصار، یا قابل رؤیت در لیل و نهار است) و او حکیم (در کردار و) آ گاه (از احوال انسان، و مطّلع از بواطن و ظواهر جهان) است.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق نه باطل و بیهوده. آفرینش همه موجودات به اندازه و از روی آ گاهی و برابر حکمت انجام گرفته است؛ نه از روی تصادف و بیهوده و عبث (نگا: دخان / ۳۸ و ۳۹، مؤمنون / ۱۱۵ و ۱۱۶، آل‌عمران / ۱۹۱). «يَوْمَ يَقُولُ...»: روزی که می‌گوید. در اینجا مراد از روز، وقت و زمان است. «الصُّورِ»: بوق. طرز و نوع صور و چگونگی دمیدن در آن جزو غیب است. «الْغَيْبِ»: آنچه نهان از دیدگان و به دور از دائره علم و نیروی روح مردمان است. «الشَّهَادَةِ»: آنچه آشکار و محسوس و دیدنی و فهمیدنی است و علم بشر بدان احاطه پیدا می‌کند، و یا روح آدمی بدان دسترسی می‌یابد.

سوره أنعام آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصۡنَامًا ءَالِهَةً إِنِّيٓ أَرَىٰكَ وَقَوۡمَكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٧٤﴾

ترجمه:

و (برای مردمان بیان کن چیزهائی را که رخ داد) بدان گاه که ابراهیم به پدر خود آزر گفت: آیا بتهائی را به خدائی می‌گیری!! (مگر زشت نیست که انسان عاقل، سنگ‌های بی‌جان را پرستش و عبادت کند و در برابر تراشیده‌های دست خود کرنش برد؟!). به حقیقت من تو را و قوم تو را در گمراهی آشکار (و به دور از راه پروردگار) می‌بینم.

توضیحات:

«أَبِيهِ ءَازَرَ»: پدرش که آزر نام داشت (نگا: مریم / ۴۱ - ۴۵، توبه / ۱۱۴، انبیاء / ۵۲، شعراء / ۷۰، زخرف / ۲۶، ممتحنه / ۴). برخی واژه (أَب) را کنایه از عمو می‌دانند، همان‌گونه که در سوره بقره آیه ۱۳۳ آباء به معنی اجداد به کار رفته است. واژه (ءَازَرَ) عطف بیان است. «أَصْنَاماً»: جمع صنم. بتها. «ءَالِـهَةً»: جمع إله، خدایان. مفعول دوم فعل (تَتَّخِذُ) است.

سوره أنعام آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلۡمُوقِنِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

و همان‌گونه (که گمراهی قوم ابراهیم را در امر پرستش بتها به او نمودیم، بارها و بارها نیز) مُلک عظیم آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم، تا از زمره باورمندان راستین شود (و بر راستای خداشناسی رود).

توضیحات:

«نُرِي»: نشان می‌دهیم. در اینجا به معنی: نشان می‌دادیم. از مصدر (إرائه) باب افعال. «مَلَكُوتَ»: ملک عظیم. وزن (فَعَلوت) برای مبالغه به کار می‌رود. مانند:

(رحَمُوت): رحمت فراوان. (رَهَبُوت): رهبت شدید و هراس زیاد. «وَلِیَکُونَ»: تا باشد. برخی حرف واو را زائد دانسته و برخی (لِیَکُونَ) را عطف بر فعل محذوفی شمرده‌اند و تقدیر را چنین دانسته‌اند: «لِیَسْتَدِلَّ وَ لِیَکُونَ».

سوره أنعام آیه ۷۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيۡهِ ٱلَّيۡلُ رَءَا كَوۡكَبٗاۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلۡأٓفِلِينَ ٧٦﴾

ترجمه:

(از جمله) هنگامی که شب او را در برگرفت (و تاریکی شب همه‌جا را پوشاند) ستاره‌ای (درخشان به نام مشتری یا زهره) را دید (بر سبیل فرض و إرخاءالْعِنان) گفت: این پروردگار من است! امّا هنگامی که غروب کرد (برای ابطال عقیده ستاره‌پرستان موجود در آن محیط) گفت: من غروب‌کنندگان را دوست نمی‌دارم (و به عبادت چیزهای تغییرپذیر و زوال‌پذیر نمی‌گرایم).

توضیحات:

«جَنَّ عَلَیْهِ»: او را فرا گرفت. «اَفَلَ»: غروب کرد. «اْلآفِلِینَ»: غروب‌کنندگان.

سوره أنعام آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَءَا ٱلۡقَمَرَ بَازِغٗا قَالَ هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمۡ يَهۡدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلضَّآلِّينَ ٧٧﴾

ترجمه:

و هنگامی که ماه را در حال طلوع (در کرانه افق) دید (باز هم بر سبیل فرض و ارخاءالعنان) گفت: این پروردگار من است! ولی هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمائی نکند، بدون شک از زمره قوم گمراه (و جمعیت سرگشته در وادی کفر و ضلال) خواهم بود.

توضیحات:

«بَازِغاً»: طلوع‌کنان. حال (قَمَر) است.

سوره أنعام آیه ۷۸

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمۡسَ بَازِغَةٗ قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَآ أَكۡبَرُۖ فَلَمَّآ أَفَلَتۡ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ٧٨﴾

ترجمه:

و هنگامی که خورشید را در حال طلوع (در کرانه افق) دید (دوباره بر سبیل فرض و ارخاءالعنان) گفت: این پروردگار من است (چرا که) این بزرگ‌تر (از ستاره و ماه) است! امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من! بی‌گمان من از آنچه انباز خدا می‌کنید بیزارم (و تنها رو به خدا می‌دارم).

توضیحات:

«هذا»: این. ذکر (هذا) به صورت مذکر بدین سبب است که مُشَارٌإِلَیه (شَيْء) یا (طالِع) است. یعنی: «هذا الشَّيْءُ. هذَا الطّالِعُ». «هذا رَبِّي»: این جمله در هر سه آیه می‌تواند به صورت استفهام انکاری خوانده شود. یعنی: هذا رَبّی؟! آیا این خدای من است؟! ممکن نیست.

سوره أنعام آیه ۷۹

متن آیه:

﴿إِنِّي وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ حَنِيفٗاۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ٧٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان من رو به‌سوی کسی می‌کنم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، و من (از هر راهی جز راه او) به کنارم و از زمره مشرکان نیستم.

توضیحات:

«وَجْهِيَ»: رویم را. مراد از روکردنِ رو، قصد پرستش و انجام عبادت است. «فَطَرَ»: آفریده است. پدیدار کرده است. «حَنیفاً»: حقّگرای برکنار از ادیان باطله و عقائد منحرفه. این واژه حال فاعل ضمیر (تُ) در فعل (وَجَّهْتُ) است (نگا: بقره / ۱۳۵).

سوره أنعام آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَحَآجَّهُۥ قَوۡمُهُۥۚ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنِۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشۡرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيۡـٔٗاۚ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ٨٠﴾

ترجمه:

و (با وجود این) قوم ابراهیم با او به ستیزه پرداختند (و وی را از خشم خدایان خود ترساندند. ابراهیم) گفت: آیا شما را سزد که درباره خدا با من بستیزید، و حال آن که مرا (خداوند با دلائل روشن به‌سوی حق راهنمائی کرده و) هدایت بخشیده است؟ من از آن چیزهائی که انباز خدا می‌کنید نمی‌ترسم (چرا که می‌دانم از سوی آنها و از جانب کسی زیانی به من نمی‌رسد) امّا اگر خدا بخواهد ضرر و زیان (به کسی برسد، بی‌گمان بدو) می‌رسد. دانش پروردگارم همه‌چیز را در برگرفته است (و خدای من از هر چیز آگاه است، ولی خدایان شما از چیزی آگاهی ندارند). آیا یادآور نمی‌شوید (و از خواب غفلت بیدار نمی‌گردید و متوجّه نیستید که چیزهای عاجز و درمانده مستحقّ پرستش نمی‌باشند)؟.

توضیحات:

«حَآجَّهُ»: با او مجادله کردند (نگا: انبیاء / ۵۱ - ۷۰ و شعراء / ۶۹ - ۸۲). «لآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ»: از چیزی که آن را انباز خدا می‌کنید نمی‌ترسم. یعنی من هرگز از بت‌های شما نمی‌ترسم، زیرا آنها قدرتی ندارند که به کسی زیانی برسانند. «إِلاّ أَن يَشآءَ رَبِّي شَيْئاً»: مگر آن چیزی که خدا بخواهد. لیکن اگر خدا بخواهد زیانی به کسی برساند می‌تواند. واژه (شَيْئاً) مفعولٌ‌به است و یا مفعول مطلق است و به جای (مَشيئَةً) به کار رفته است و تقدیر چنین است: «إِلاّ أَن يَشآءَ مَشِيئَةً». «عِلْمـاً»: تمییز است.

سوره أنعام آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَكَيۡفَ أَخَافُ مَآ أَشۡرَكۡتُمۡ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمۡ أَشۡرَكۡتُم بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗاۚ فَأَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ أَحَقُّ بِٱلۡأَمۡنِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٨١﴾

ترجمه:

چگونه من از چیزی که (بی‌جان است و بت نام دارد و از روی نادانی) آن را انباز (خدا) می‌سازید می‌ترسم؟ و حال آن که شما از این نمی‌ترسید که برای خداوند (جهان که همه کائنات گواه بر یگانگی او است) چیزی را انباز می‌سازید که خداوند دلیلی بر (حقّانیت پرستش) آن برای شما نفرستاده است؟ پس کدام یک از دو گروه (بت‌پرست و خداپرست) شایسته‌تر به امن و امان (و نترسیدن از مجازات یزدان) است، اگر می‌دانید (که درست کدام و نادرست کدام است)؟

توضیحات:

«سُلْطَاناً»: دلیل. برهان. «الْفَرِیقَیْنِ»: دو گروه. «أَحَقُّ»: شایسته‌تر. درخورتر. «الأمْنِ»: امنیت. آرامش.

سوره أنعام آیه ۸۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ۝٨٢﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند، امن و امان ایشان را سزا است، و آنان راه‌یافتگان (راه حق و حقیقت) هستند.

توضیحات:

«لَمْ یَلْبِسُوا»: آمیخته نکرده‌اند. «ظُلْم»: شرک (نگا: لقمان / ۱۳). «لَمْ یَلْبِسُوا إِیمَانَهُم بِظُلْمٍ»: مراد این که همراه ایمان به خدا، در برابر دیگران نیز کرنش نمی‌برند و برای آنها قربانی و نذر نمی‌کنند و جلب منافع و دفع بلایا نمی‌خواهند و... (نگا: یوسف / ۱۰۶، عنکبوت / ۶۱ - ۶۵، زمر / ۳).

سوره أنعام آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيۡنَٰهَآ إِبۡرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ۝٨٣﴾

ترجمه:

اینها دلائل ما بود که آنها را به ابراهیم عطاء کردیم (تا) در برابر قوم خود (به کارشان گیرد، و غروب ستارگان و خورشید و ماه را دلیل بر الوهیت و وحدانیت ما داند. او با همین دلائلِ کوْنی بر آنان پیروز شد و برتری یافت، و این سنّت ما است که با علم و حکمت) هر کس را بخواهیم او را درجاتی بالا می‌بریم. (ای پیغمبر!) پروردگار تو حکیم (است و هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و به جای خود می‌کند، و) آگاه است (و می‌داند چه کسی مستحقّ رفعت است و چه کسی مستوجب ذلّت).

توضیحات:

«تِلْكَ»: این حُجَجِ باهره‌ی گذشته که ابراهیم از آنها سود جست.

سوره أنعام آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ كُلًّا هَدَيۡنَاۚ وَنُوحًا هَدَيۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ٨٤﴾

ترجمه:

ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (فرزند اسحاق) را عطاء نمودیم (و افتخار این دو تن هم تنها در جنبه پیغمبرزادگی نبود، بلکه مانند پدرشان) آن دو را (به سوی حقیقت و خوبی) رهنمود کردیم. پیشتر نیز نوح را (دستگیری و به‌سوی حق و نیکی) ارشاد نمودیم. و از نژاد نوح (هم کسانی همچون) داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون را (قبلاً هدایت و ارشاد کردیم) و همان‌گونه (که ابراهیم و همه این پیغمبران را پاداش دادیم) محسنان را (نیز بدانچه مستحقّ باشند) پاداش می‌دهیم.

توضیحات:

«كَلاًّ» و «نُوحاً»: منصوب به فعل‌های (هَدَيْنا) هستند. «مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»: از تبار و نژاد او. برخی مرجع ضمیر (ه) را ابراهیم و برخی نوح می‌دانند.

سوره أنعام آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحۡيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلۡيَاسَۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ٨٥﴾

ترجمه:

و زکریا، یحیی، عیسی، و الیاس را (نیز هدایت دادیم و) همه آنان از زمره صالحان (و بندگان شایسته ما) بودند.

توضیحات:

«زَکَرِیَّا»: عطف بر (هَارُونَ) است.

سوره أنعام آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَإِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطٗاۚ وَكُلّٗا فَضَّلۡنَا عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ٨٦﴾

ترجمه:

و اسماعیل، الیسَع، یونس، و لوط را (نیز رهنمود کردیم) و هر کدام (از اینان) را بر جهانیان (زمان خود) برتری دادیم.

توضیحات:

«کلاًّ»: هر کدام. منصوب به (فَضَّلْنَا) است.

سوره أنعام آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡ وَإِخۡوَٰنِهِمۡۖ وَٱجۡتَبَيۡنَٰهُمۡ وَهَدَيۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٨٧﴾

ترجمه:

و از میان پدران و فرزندان و برادران‌شان (گروه زیادی را رهنمود نمودیم و) آنان را برگزیدیم و به راه راست ارشاد کردیم.

توضیحات:

«إِجْتَبَيْنَاهُمْ»: آنان را برگزیدیم و برای رسالت خویش گلچین کردیم.

سوره أنعام آیه ۸۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٨٨﴾

ترجمه:

این (توفیق بزرگی که چنین شایستگان و برگزیدگانی بدان نائل آمدند) توفیق

خدائی است و خداوند هر کس از بندگانش را بخواهد بدان نائل می‌سازد. اگر (این چنین شایستگانی - چه رسد به دیگران -) شرک می‌ورزیدند، هر آنچه می‌کردند هدر می‌رفت (و اعمال خیرشان ضائع می‌شد و خرمن طاعت‌شان به آتش شرک می‌سوخت).

توضیحات:

«حَبِطَ»: باطل و پوچ گردید. بیهوده و بی‌نتیجه ماند. هدر رفت و ضائع شد.

سوره أنعام آیه ۸۹

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَۚ فَإِن يَكۡفُرۡ بِهَا هَـٰٓؤُلَآءِ فَقَدۡ وَكَّلۡنَا بِهَا قَوۡمٗا لَّيۡسُواْ بِهَا بِكَٰفِرِينَ٨٩﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که کتاب (آسمانی) و حکمت (ربّانی) و نبوّت (یزدانی) بدی‌شان دادیم. اگر (این مشرکان مکه و کافران معاصر تو) نسبت بدان (سه چیز) کفر ورزند (مهمّ نیست. زیرا) ما کسانی را عهده‌دار (حفظ و سودبردن از) آن (سه چیز) می‌سازیم که نسبت بدان کفر نمی‌ورزند (و بلکه همچون اهل مدینه به جان در راه آن می‌کوشند).

توضیحات:

«حُكْم»: حکمت، و آن شناخت اسرار شریعت و قراردادن هر چیز در جای خود و انجام کارها در جای مناسب است. دانش و بینش سودمند. قضاوت و داوری. «هؤُلآءِ»: اینان. مراد اهل مکه و دیگر کافران هم‌عصر پیغمبر و همه کسانی است که همچون ایشان باشند. «قَوْماً لَيْسُوا...»: منظور اهل مدینه و انصار و همه کسانی است که طریق ایشان جویند و راه آنان پویند. «وَكَّلْنَا بِهـا»: عهده‌دار حفظ و بهره‌مند شدن از آن کردیم.

سوره أنعام آیه ۹۰

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡۗ قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰلَمِينَ٩٠﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خداوند ایشان را هدایت داده است (و توفیق رسیدن به راه حق و نیکی عطاء نموده است) پس از هدایت ایشان پیروی کن (و به راه ایشان برو. ای پیغمبر! همان‌گونه که این پیغمبران به پیروان خود گفته‌اند، تو نیز به پیروان خود) بگو: من در برابر (تبلیغ رسالت آسمانی و ابلاغ فرمان یزدانی) پاداش و مزدی از شما نمی‌طلبم. این قرآن (که تبلیغ آن وظیفه من است) چیزی جز یادآوری و اندرز برای جهانیان نیست.

توضیحات:

«إِقْتَدِهْ»: اقتداء کن. پیروی کن. دنباله‌روی کن. حرف (هْ) در آخر آن، هاء سکته است (نگا: حاقّه / ۱۹ و ۲۰ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۹). عرب‌ها این حرف را به واژه اضافه می‌کنند اگر بخواهند بر آن سکوت کنند و بایستند. «فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ»: از هدایت ایشان پیروی و به راه آنان برو. مراد پیروی رسول از اصول دین و فضائل اخلاقی این بزرگان است؛ نه پیروی از فروع و قوانینی که قابل نسخ هستند. «ذِكْرَیا»: یادآوری و اندرز. تذکیر و ارشاد. این مصدر می‌تواند به جای اسم فاعل، یعنی (مذکر) گرفته شود و معنی: یادآوری کننده و اندرز دهنده داشته باشد.

سوره أنعام آیه ۹۱

متن آیه:

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ إِذْ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٖ مِّن شَيْءٖۗ قُلْ مَنْ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِي جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورٗا وَهُدٗى لِّلنَّاسِۖ تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرٗاۖ وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوٓاْ أَنتُمْ وَلَآ ءَابَآؤُكُمْۖ قُلِ ٱللَّهُۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ٩١﴾

ترجمه:

کافران، خدا (و رحمت و حکمت او) را چنان که باید نشناخته‌اند، وقتی که می‌گویند: خداوند هیچ چیزی بر هیچ کسی فرو نفرستاده است (و انسانی را به پیغمبری برنگزیده است! ای پیغمبر! به مشرکان و یهودیانی که با آنان هم‌رأی و هم‌صدا می‌گردند،) بگو: چه کسی کتابی را نازل کرده است که موسی آن را برای مردم آورده است و نوری (رخشا) و هدایتی (راهنما) بوده است؟ (شما ای یهودیان!) آن را در کاغذهای (پراکنده و صفحات جداگانه) می نویسید و آن قسمت را (که به مصلحت

شما است و با آرزوهایتان می‌خواند) نشان می‌دهید، و بسیاری از آن را (که شما را وادار به تصدیق قرآن و ایمان به نبوّت محمّد می‌دارد) پنهان می‌کنید. و به شما (ای یهودیان! توسّط این قرآن، از آئین یزدان و هدایت خدای منّان) چیزهائی آموخته شده است که شما و پدران شما از آن باخبر نبوده‌اید. (در پاسخِ پیشین ایشان) بگو: خدا (این قرآن را نازل کرده است) و بگذار در باطل (و یاوه‌سرائی) خود (فرو روند و) به بازیچه پردازند.

توضیحات:

«مَا قَدَرُوا اللهَ»: چنان که باید منزلت و عظمت خدا را نشناخته‌اند. به گونه لازم به قدر و شأن خدا پی نبرده‌اند. «نُوراً وَهُدیً»: مُنوِّر و هادی. پرتوانداز و راهنما. حال (الْکِتَابَ) یا ضمیر (ه) در (جَآءَ بِهِ) است. «قَرَاطِیسَ»: جمع قِرْطاس، کاغذ پاره، صفحاتی که در آن کتابت و نگارش انجام گیرد، اعم از کاغذ و غیره. «عُلِّمْتُم مَّا...»: آنچه توسّط قرآن به شما یاد داده شده است (نگا: مائده / ۱۵ و نمل / ۷۶). «قُلِ اللهُ»: واژه مبارک (اللهُ) فاعل فعل مقدّر یا مبتدای خبر محذوفی است. یعنی: «أَنزَلَهُ اللهُ. أَللهُ أَنزَلَهُ». «ذَرْ»: ترک کن. رها کن. بگذار. از ماده (وذر). «خَوْض»: فرو رفتن در باطل مراد است.

سوره أنعام آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾﴾

ترجمه:

این (قرآن) کتابی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم (همان گونه که تورات را قبلاً فرو فرستاده‌ایم). پرخیر و برکت است (و تا به قیامت ماندگار می‌ماند). تصدیق‌کننده همه کتاب‌های (آسمانی از قبیل تورات و انجیل) است که پیش از آن نازل شده‌اند. (آن را فرو فرستاده‌ایم) تا با آن (اهل) مکه و کسان دور و بر آن (یعنی همه مردمان جهان) را (از خشم خدا) بترسانی. کسانی که به آخرت ایمان دارند بدان ایمان می‌آورند (چرا که امید به ثواب و هراس از عقاب ایشان را بدین امر وا می‌دارد. و هم

بدان سبب) آنان بر (ادای به موقع و به گونه شایسته) نماز خود، محافظت می‌ورزند.

توضیحات:

«مُبَارَكٌ»: پرخیر و برکت. دراز آهنگ و دیرپای. «مَا بَيْنَ يَدَيْهِ»: مراد همه کتاب‌های آسمانی پیش از قرآن است. «أُمَّ الْقُرَيا»: مراد مکه است که از هر سو مسلمانان رو بدان می‌دارند و به‌سوی آن نماز می‌خوانند. «مَنْ حَوْلَـهَا»: کسانی که در پیرامون مکه در همه اقطار زمین زندگی کرده و می‌کنند (نگا: انعام / ۱۹ و ۹۰، فرقان / ۱، سبأ / ۲۸).

سوره أنعام آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ ٩٣﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی بر خدا ببندد (و بگوید که کتابی بر کسی نازل نشده است. یا این که بگوید: خدا را فرزند و انباز است) یا این که بگوید: به من وحی شده است، و بدو اصلاً وحی نشده باشد (از قبیل: مُسَیلمه کذّاب و أَسْوَد عَنسی و طُلَیحه أَسَدی.) و یا کسی که بگوید: من هم همانند آنچه خدا (بر محمّد) نازل کرده است خواهم آورد! (چرا که قرآن افسانه‌های گذشتگان است و شعری بیش نیست، اگر بخواهم مثل آن را می‌گویم و می‌سرایم)!. اگر (حال همه ستمگران، از جمله این) ستمکاران را ببینی (و بدانی که چه وضع نابهنجار و دور از گفتاری دارند) در آن هنگام که در شدائد مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دست‌های خود را (به سوی آنان) دراز کرده‌اند (و بر بناگوش‌شان تپانچه و بر پشت‌شان تازیانه می‌زنند و بدی‌شان می‌گویند: اگر می‌توانید از این عذاب الهی) خویشتن را برهانید. این زمان به سبب دروغ‌هائی که بر خدا می‌بستید و از (پذیرش) آیات او سرپیچی می‌کردید، عذاب خوارکننده‌ای می‌بینید.

توضیحات:

«إِفْتَرَیا»: سرهم کرد. به هم بافت. «لَوْ تَرَیا»: اگر می‌دیدی. اگر می‌دانستی. «غَمَرَاتِ»: جمع غَمْرَة، شدائد. «أَخْرِجُوا أَنفُسَکُمْ»: جان بدهید. قالب تهی کنید. خویشتن را برهانید. خود را از این عذاب به در کشید. «أَلْیَوْمَ»: امروز. مراد زمان است که هنگام جان کندن است و سرآغاز عذاب آخرت می‌باشد؛ و یا منظور روز قیامت است. «الْـهُونِ »: ذلّت و خواری. در اینجا به معنی پست‌کننده و خوارکننده است. «تَسْتَکْبِرُونَ»: خویشتن را بزرگ‌تر از آن می‌دیدید که آیات خدا را بپذیرید. از روی دشمنانگی خود را فراتر می‌گرفتید از این که.

سوره أنعام آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جِئۡتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَتَرَكۡتُم مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ وَرَآءَ ظُهُورِكُمۡۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمۡ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ أَنَّهُمۡ فِيكُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيۡنَكُمۡ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٩٤﴾

ترجمه:

(روز رستاخیز پروردگار به مردم می‌فرماید: اکنون) شما تک و تنها (و به دور از خویشان و یاران و مال دنیا، حیات دوباره یافته‌اید و برای حساب و کتاب، یک‌یک و لخت و عور) به‌سوی ما برگشته‌اید؛ همان‌گونه که روز نخست شما را آفریدیم (و برهنه و عریان و بدون هیچ‌گونه توشه و توان، به صحنه جهان گسیل داشتیم) و هرچه به شما داده بودیم، از خود به جای گذاشته‌اید (و دست خالی بدینجا آمده‌اید) و میانجیگرانی را با شما نمی‌بینیم که گمان می‌بردید (در نزد خدا به یاریتان می‌شتابند و) آنان در خودِ (پرستش و عبادت) شما شریک (و سهیم با خدا) هستند! دیگر پیوند شما گسیخته است (و روابط خویشی و دوستی و پدری و فرزندی و فرمانبری و فرماندهی پاک بریده است و تمام پندارها و تکیه‌گاه‌ها) و چیزهائی که گمان می‌بردید (که کاری از آنها ساخته است) از (دید) شما گم و ناپدید گشته است.

توضیحات:

«فُرَادَیا»: جمع فَرْد یا فَرید، یک‌یک. تک و تنها. بریده و جدای از یاران و بتان و

اموال و اولاد. حال ضمیر (و) است. «خَوَّلْنَاكُمْ»: به شما داده‌ایم. بهره شما کرده‌ایم. «شُفَعَآءَ »: میانجیگران. مراد اشخاص و چیزهائی است که در بزرگ داشت‌شان می‌کوشیدند و به نام‌شان قربانی می‌کردند و برای‌شان نذر و نذور می‌نمودند، تا در پیشگاه خدا برای آنان شفاعت کنند و ایشان را به خدا نزدیک گردانند. (نگا: انعام / ۱۳۶، یونس / ۱۸، زمر / ۴۳). «زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَآءُ»: گمان می‌بردید که آنان در اداره امور و پرورش نفوس شما با خدا شریک و سهیمند، و لذا مستحق عبادت و پرستش می‌باشند. «تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ»: میانتان جدائی افتاد. فاعل (تَقَطَّعَ) از سیاق کلام مفهوم است که (ما) است. تقدیر چنین است: «تَقَطَّعَ ما بَيْنَكُمْ مِنَ الرَّوابِطِ».

سوره أنعام آیه ۹۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰۖ يُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ ٱلْمَيِّتِ مِنَ ٱلْحَيِّۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ٩٥﴾

ترجمه:

این خدا است که دانه و هسته را می‌شکافد (و گیاه و درخت از آنها می‌رویاند. همو است که) زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (از قبیل آفریدن انسان از خاک، و تولید شیر از حیوان). این (چنین قادر توانائی) خدای شما است. پس چگونه (پس از این بیان، از عبادت یزدان به عبادت دیگران می‌گرائید، و از حق) منحرف می‌شوید؟

توضیحات:

«فَالِقُ»: شکافنده. پدیدآورنده. «الْحَبِّ»: دانه. «النَّوَيا»: هسته. «مُخْرِجُ»: بیرون آورنده. «أَنَّيا»: چگونه؟ «تُؤْفَكُونَ»: منصرف و منحرف می‌گردید. برگردانده می‌شوید.

سوره أنعام آیه ۹۶

متن آیه:

﴿فَالِقُ ٱلْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ سَكَنًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ حُسْبَانًاۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ٩٦﴾

ترجمه:

او است که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای

کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان،) و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمرّه عبادی و تجاری خود) کرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار متعالی است که) چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است.

توضیحات:

«الإِصْبَاحِ»: صبح. بامداد. مصدری است که بامداد بدان نامگذاری شده است. «حُسْبَاناً »: شمارش. حساب. همچون کفران و شکران، مصدر ثلاثی مجرّد است. «تَقْدِي»: اندازه‌گیری. سنجش. تدبیر استوار.

سوره أنعام آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهۡتَدُواْ بِهَا فِى ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ﴿٩٧﴾﴾

ترجمه:

و او آن کسی است که ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شب‌های سفر) در تاریکی‌های خشکی و دریا بدان‌ها رهنمود شوید. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (معانی آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را) می‌دانند.

توضیحات:

«جَعَلَ»: آفریده است. «فَصَّلْنَا»: بیان داشته‌ایم. روشن ساخته‌ایم.

سوره أنعام آیه ۹۸

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ فَمُسۡتَقَرّٞ وَمُسۡتَوۡدَعٞۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَفۡقَهُونَ﴿٩٨﴾﴾

ترجمه:

و او کسی است که شما را از یک شخص آفریده است که (آدم است و او هم از خاک زمین است و زمین هم در مدّت حیات) محلّ استقرار و (پس از مرگ) محلّ تسلیم (به خاک شما) است. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان

داشته‌ایم که (آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را چنان که باید) می‌فهمند.

توضیحات:

«نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»: یک کس. مراد آدم علیه السلام است. «مُسْتَقَرٌّ»: محلّ استقرار و زندگی آدمیان در روی زمین. «مُسْتَوْدَعٌ»: محلّ به امانت سپردن آدمیان پس از مرگ. مراد گور است که تا روز رستاخیز آرامگاه آدمیان است. «فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»: مراد این که اصل انسان‌ها که خاک است، محلّ حیات و ممات مردمان است. یا این که انسان‌ها که از آدم پدیدار گشته‌اند، گروهی از نطفه‌ها در پشت آنان استقرار می‌پذیرد، و گروهی از نطفه‌ها در رحم ایشان به ودیعت نهاده می‌شود. در این صورت مراد از (مستقرّ) مرد، و مراد از (مستودَع) زن خواهد بود.

سوره أنعام آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٖ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرٗا نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا قِنۡوَانٞ دَانِيَةٞ وَجَنَّٰتٖ مِّنۡ أَعۡنَابٖ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشۡتَبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٍۗ ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَيَنۡعِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٩٩﴾

ترجمه:

و او کسی است که از (ابرِ) آسمان، آب (باران) فرو می‌فرستد، و ما (که خدائیم، با قدرت سترگ خود) به وسیله آن آب، همه رُستنی‌ها را می‌رویانیم و از رُستنی‌ها سبزینه بیرون می‌آوریم، و از آن سبزینه، دانه‌های تنگاتنگ یکدیگر، و از شکوفه‌های درخت خرما خوشه‌های آویزان نزدیک بهم و در دسترس، و باغ‌های انگور و زیتون و انار پدید می‌سازیم که (در شکل و مزه و بو و سود) همگون و یا غیرهمگونند. بنگرید به میوه نارس و رسیده یکایک آنها، آن گاه که میوه دادند. بی‌گمان در این (گوناگونی درونی و بیرونی و تغییر آغاز و انجام میوه‌ها) نشانه‌ها و دلائل (خداشناسی) است برای کسانی که (حق را می‌پذیرند و بدان) ایمان می‌آورند.

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: آسمان. بالای سر. مراد ابر است (نگا: نور / ۴۳، واقعه / ۶۹). «فَأَخْرَجْنَا»: عطف متکلّم بر غائب برای التفات است. «نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ»: گیاهان و رُستنی‌های گوناگون. گیاهان و رُستنی‌های مورد نیاز همه‌چیز، اعم از انسان و حیوان و اشیاء. « خَضِراً»: سبز و تازه. سبزینه یا کلروفیل که منشأ اصلی دانه‌ها و میوه‌ها است (نگا: قصّةالایمان، صفحه ۳۴۵). «مُتَرَاكِباً»: تنگاتنگ یکدیگر. متراکم. «طَلْع»: شکوفه خرما. میوه کال خرما. «مِن طَلْعِهَا»: این عبارت بدل جزء از کلّ (مِنَ الْنَّخْلِ) است و در آن عامل تکرار شده است. «قِنْوَانٌ»: جمع قِنْو، خوشه‌های خرما. «دَانِيَةٌ»: در دسترس. نزدیک. «يَنْع»: رسیده. «أُنظُروا إِلَيا ثَمَرِهِ...»: نگریستن به معنی دقّت و وارسی است و چه بسا خداوند بزرگوار خواسته باشد مؤمنان را متوجّه این نکته فرماید که گیاهان نیز دارای نر و ماده هستند. ضمیر (ه) به جمیع درختان و همچنین یکایک آنها برمی‌گردد.

سوره أنعام آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلۡجِنَّ وَخَلَقَهُمۡۖ وَخَرَقُواْ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتِۭ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ۝١٠٠﴾

ترجمه:

(کافران با این همه دلائل روشن) فرشتگان و اهریمنان را شرکاء خدا می‌سازند؛ در حالی که خداوند خودِ آنان و همه ملائکه و شیاطین را آفریده است. (لذا با اطّلاع از این موضوع، سزاوار نیست جز آفریدگار را بپرستند و آفریدگانی همچون خود را عبادت کنند). کافران از روی نادانی، پسران و دخترانی برای خدا به هم می‌بافند (و مسیحیان گمان می‌برند که مسیح پسر خدا است، و یهودیان عُزَیر را پسر خدا می‌دانند، و برخی از مشرکان عرب نیز فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند!). خداوند منزّه (از همه این نقص‌ها و عیب‌ها) و به دور از این صفاتی است که او را بدان‌ها توصیف می‌کنند.

توضیحات:

«الۡجِنَّ»: موجودات ناپیدا و پوشیده از حسّ انسان، که مراد اهریمنان و یا فرشتگان

است. جنّ که آفریدگانی نهان از دیدگانند. این واژه می‌تواند مفعول اوّل فعل (جَعَلوا) و (شُرَكَآءَ) مفعول دوم آن باشد و برعکس. یا این که (شُرَكاءَ) مفعول اوّل و (لله) مفعول دوم، و (الْجِنّ) بدل بشمار آید. «خَلَقَهُمْ»: آنان را آفریده است. مراد از (هُمْ) کافران، یا فرشتگان و اهریمنان و جنّیان است. «خَرَقُوا»: از پیش خود ساخته‌اند. سرهم کرده‌اند. به هم بافته‌اند.

سوره أنعام آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٞۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٠١﴾

ترجمه:

خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین را از نیستی به هستی آورده است. چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد، در حالی که او همسری ندارد؟ (همسر و فرزند باید از جنس شوهر باشد و خدا یگانه و بی‌همتا است) و همه چیز را او آفریده است (از جمله اشخاص و اشیائی را که شریک او می‌سازند) و او آگاه از هر چیز است (و آنچه گویند و کنند از چشم خدا پوشیده نمی‌ماند و بی‌پاداش و پادافره نمی‌گردد).

توضیحات:

«بَدِيعُ»: کسی که چیزها را بدون مُدِل و نمونه قبلی پدید می‌آورد. نوآفرین. «أَنَّىٰ»: چگونه؟ «صَاحِبَةٌ»: همسر.

سوره أنعام آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ فَٱعۡبُدُوهُۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ١٠٢﴾

ترجمه:

آن (متّصف به صفات کمال است که) خدا و پروردگار شما است. جز او خدائی نیست؛ و او آفریننده همه چیز است. پس وی را باید بپرستید (و بس؛ چرا که تنها او مستحقّ پرستش است) و حافظ و مدبّر همه چیز است.

توضیحات:

«وَکِیل»: محافظ و مدبّر. سرپرست و مراقب.

سوره أنعام آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَهُوَ يُدۡرِكُ ٱلۡأَبۡصَٰرَۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٠٣﴾

ترجمه:

چشم‌ها (کنْهِ ذات) او را درنمی‌یابند، و او چشم‌ها را درمی‌یابد (و به همه دقائق و رموز آنها آشنا است) و او دقیق (است و با علم کامل و اراده شامل خود به همه ریزه‌کاری‌ها آشنا، و از همه چیزها) آگاه است.

توضیحات:

«بَصَآئِرُ»: جمع بَصیرة، بینش درون. دلائل متقن و براهین روشن. در اینجا مراد قرآن و حجّت‌های واضح موجود در آن است. «أَبْصَرَ»: دید. با چشم بصیرت به تأمّل و دقّت پرداخت. آگاه گردید (نگا: اعراف / ۲۰۱). «عَمِيَ»: کور و نابینا گردید. از دید او پنهان ماند. مراد این است که از مشاهده حق چشمان خود را بست و بدان پشت کرد. «حَفِیظ»: حافظ. مراقب.

سوره أنعام آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿قَدۡ جَآءَكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنۡ أَبۡصَرَ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ عَمِيَ فَعَلَيۡهَاۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ١٠٤﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بگو به مردمان:) بی‌گمان دلائل روشنی و حجّتهای مبرهنی از سوی پروردگارتان (در قرآن) برایتان آمده است (و راه حق را برایتان پیدا و هویدا ساخته است). پس هر که (از آنها سود جوید و در پرتو آنها حق را) ببیند (سود آن) برای خودش بوده، و هرکه کور شود (و چشم دیدن حق را نداشته باشد و در پرتو دلائل و براهین، راه حق نپوید) به زیان خود کار می‌کند، و من حافظ و مراقب (رفتار و کردار) شما نمی‌باشم. (بلکه من تنها پیغمبرم و وظیفه من تبلیغ اوامر و نواهی یزدان جهان است. این خداوند است که اعمال شما را می‌پاید و سزا و جزای همگان را می‌دهد).

توضیحات:

«نُصَرِّفُ»: به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم و توضیح می‌دهیم. «لِيَقُولُوا»: بگذار بگویند که. تا بگویند که. این واژه، عطف بر فعل مقدّری است و تقدیر چنین می‌شود: «لِيَجْحَدُوا وَ لِيَقُولُوا». حرف لام در اینجا لام عاقبت یا صَیرورت نام دارد (نگا: قصص / ۸). «دَرَسْتَ»: درس‌خوانده‌ای. مراد این است که کافران می‌گویند: تو کتاب‌های آسمانی گذشته را فرا گرفته‌ای و قرآن را از روی آنها و در پیش مردمان آموخته‌ای (نگا: نحل / ۱۰۳ و فرقان / ۴ و ۵). «لِنُبَيِّنَهُ»: تا آن را بیان داریم. مرجع ضمیر (هُ) واژه (الْقُرْءَانِ) محذوف است که از سیاق کلام پیدا است و یا (الآياتِ) به اعتبار تأویل به (الْكِتاب) است.

سوره أنعام آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسۡتَ وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ١٠٥﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که بیشتر نشانه‌های جهانی و آیه‌های قرآنی را به صورتهای مختلف بیان داشتیم، دیگر) آیات (قرآنی) را به شکلهای گوناگون بیان می‌داریم (تا گروهی از مردمان از آنها درس خداشناسی بیاموزند و گروه دیگری راه انکار در پیش گیرند) و بگویند: تو درس خوانده‌ای (و قرآن را از دیگران نه از خدا آموخته‌ای. هدف ما این است که) آن را برای کسانی روشن سازیم که علم و آگاهی دارند (و حق را از ناحق تشخیص می‌دهند و حقیقت را می‌پذیرند).

توضیحات:

«أَعْرِضْ»: اعتناء مکن. اهمّیت مده (نگا: المراغی).

سوره أنعام آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿ٱتَّبِعۡ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٠٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! پیروی کن از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی شده است. هیچ

خدائی جز او وجود ندارد. به مشرکان اعتناء مکن (و دشمنانگی آنان و سخنان ایشان را ناچیز انگار).

توضیحات:

«وَكِيل»: مراقب احوال و مسؤول اعمال.

سوره أنعام آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكُواْۗ وَمَا جَعَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ١٠٧﴾

ترجمه:

اگر خدا می‌خواست (که او را به یگانگی بپرستند، ایشان را با قدرت و قوت خویش وادار به این کار می‌کرد و از خود اختیاری نمی‌داشتند، و هرگز) شرک نمی‌ورزیدند (و لیکن آنان را به خود واگذاشته است تا به اختیار نه به اجبار راه یزدان یا راه شیطان را در پیش گیرند) و ما تو را مراقب (اعمال و مسؤول افعال) ایشان نکرده‌ایم و ما تو را مکلّف نساخته‌ایم که احوال آنان را اصلاح و امور ایشان را روبراه سازی.

توضیحات:

«لا تَسُبُّوا»: دشنام ندهید. «الَّذِينَ»: کسانی را که. اگر مراد از (الَّذِينَ) خود مشرکان باشد، معنی چنین می‌شود که دشنام به معبودها و بت‌های مشرکان در اصل دشنام به خود آنان است. معبودها و بت‌هائی که. با توجّه بدین معنی، به کار رفتن (الَّذِينَ) بنابر عقیده مشرکان است که معبودها و بت‌های خود را متصرّف در امور می‌بینند و همچون ذوی‌العقول می‌پندارند. یا بر اثر تغلیب ذوی‌العقولی است از قبیل: فرشتگان، عیسی، عُزَیر و غیره که با دیگر چیزها پرستش می‌کنند. «يدْعُونَ»: می‌پرستند. «عَدْواً»: تجاوزکردن از حق و گرائیدن به باطل. حال یا مفعولٌ‌له است.

سوره أنعام آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّواْ ٱللَّهَ عَدۡوَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرۡجِعُهُمۡ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٠٨﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان)! به معبودها و بت‌هائی که مشرکان بجز خدا می‌پرستند دشنام ندهید

تا آنان (مبادا خشمگین شوند و) تجاوزکارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند. همان‌گونه (که معبودها و بتها را در نظر اینان آراسته‌ایم) برای هر ملّتی و گروهی کردارشان را آراسته‌ایم. (هرکسی کار خود را زیبا می‌بیند. بزهکار بر اثر تکرار گناه قبح آن در نظرش زدوده می‌شود و بر اثر وسوسه شیطانی و نفسانی زشت زیبا جلوه‌گر می‌گردد. به هر حال) عاقبت بازگشت‌شان به‌سوی خدای‌شان است و خدا آنان را از آنچه کرده‌اند آگاه می‌سازد (و پاداش و پادافره نیکان و بدان را خواهد داد).

توضیحات:

«أَقْسَمُوا»: قسم یاد کردند. «جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ»: با همه تاب و توان خود در مؤکد کردن سوگندهایشان. (جَهْدَ) مصدر است و به عنوان حال به کار رفته و به معنی (جاهِدينَ) است. یا منصوب به نزع خافض است و تقدیر چنین می‌شود: «أَقْسَمُوا بِجَهْدِ أَيْمانِهِم ، أَيْ: أَوْكَدِها...» «بِهَا»: به آن معجزات. چرا که ایمان بدان‌ها ایمان به پیغمبر است. به سبب آن معجزات. «مَا يُشْعِرُكُمْ »: شما چه می‌دانید؟ واژه (ما) استفهام انکاری است. یعنی شما این امر ثابت در نزد خدا و مکنون در عالم غیب را نمی‌دانید و خدا می‌داند که اگر چنین معجزاتی بیاید باز هم ایمان نمی‌آورند.

سوره أنعام آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَأَقْسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَاۚ قُلْ إِنَّمَا ٱلْأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ١٠٩﴾

ترجمه:

مشرکان با همه توان و با تأکید هر چه بیشتر، به خدا سوگند می‌خورند که اگر معجزه‌ای (از نوع آن معجزاتی که در سوره اسراء: آیه‌های ۹۲ و ۹۳ خواسته‌اند) برای آنان آورده شود به سبب آن ایمان می‌آورند. بگو: معجزات از سوی خدا است و (برابر میل او انجام می‌پذیرد و در اختیار من نیست. ای مؤمنان)! شما چه می‌دانید؟ اگر (این معجزاتی که خواسته‌اند) بدی‌شان نموده شود (باز هم) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«الَّطِيفُ»: دقیق. آشنا به ریزه‌کاری‌ها و دقائق اشیاء.

سوره أنعام آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿وَنُقَلِّبُ أَفۡـِٔدَتَهُمۡ وَأَبۡصَٰرَهُمۡ كَمَا لَمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١١٠﴾

ترجمه:

(شما ای مؤمنان! نمی‌دانید که به هنگام وقوع معجزات حسّی) ما دل‌ها و چشم‌های آنان را (در دریای تخیلات و توهمات و در میان امواج تأویلات و احتمالات) واژگونه و حیران می‌گردانیم (و بعد از نزول معجزات) همان‌گونه خواهند بود که در آغاز بودند، و ایشان را به خود وا می‌گذاریم تا در طغیان و سرکشی خود سرگردان و ویلان شوند.

توضیحات:

«نُقَلِّبُ»: غوطه‌ور می‌کنیم و زیر و رو می‌نمائیم. واژگونه و سرگشته می‌نمائیم. «نَذَرْهُمْ»: آنان را ترک می‌گوئیم و به حال خود وامی‌گذاریم. از ماده (وذر) است. «یَعْمَهُونَ»: سرگشته شوند. از ماده (عَمَه) به معنی کوردلی و سرگردانی. (عَمَه) و (عَمیً) هر دو در اصل به معنی کوری است؛ جز این که اوّلی برای (بَصیرت) و دومی برای (بَصَر) است. (نگا: حجر / ۱۴و۱۵)

سوره أنعام آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّنَا نَزَّلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَحَشَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ كُلَّ شَيۡءٖ قُبُلٗا مَّا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَجۡهَلُونَ ١١١﴾

ترجمه:

اگر ما (درباره درخواست مشرکان کوتاهی نمی‌کردیم و مثلاً) فرشتگانی را به پیش ایشان می‌فرستادیم (و با چشم سر آنان را می‌دیدند) و مردگانی (را زنده می‌کردیم و در برابر دیدگانشان سر از گورها بدر می‌آوردند و درباره صدق محمّد) با ایشان سخن می‌گفتند، و همه‌چیز را آشکارا در برابر آنان گرد می‌آوردیم (تا جملگی حق را رویاروی برای ایشان بیان و بر آن گواهی دهند) آنان ایمان نمی‌آوردند مگر این که خدا می‌خواست

(و خدا هم سنّت خود را برای کسانی تغییر نمی‌دهد که زنگ جاهلیت بر دل آنان نشسته است و بینش ایشان را تباه کرده است) ولیکن بیشتر آنان (از این واقعیت که سنّت خدا درباره انسان‌ها تغییر ناپذیر است بی‌خبرند و حقیقت امر را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«حَشَرْنَا»: جمع کردیم. گرد آوردیم. «قُبُلاً»: مصدر است و به معنی مقابل و رویاروی. یا جمع (قَبیل) است به معنی کفیل و ضامن. در این صورت معنی چنین می‌شود: اگر همه چیز را دوروبر آنان جمع کنیم و بر حقّانیت دین شهادت دهند و صداقت آن را ضمانت کنند. یا جمع (قَبیل) است و به معنی گروه و جماعت. در این صورت معنی چنین می‌شود: اگر همه چیز را گروه گروه به پیش ایشان گسیل داریم و در برابر آنان گرد آوریم. منصوب است چون حال (کلّ شَيْءٍ) است.

سوره أنعام آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ١١٢﴾

ترجمه:

همان گونه (که اینان که در صدد هدایت ایشان هستی با تو دشمنی و ستیزه می‌ورزند) دشمنانی از انسان‌های متمرّد و جنّیان سرکش را در برابر هر پیغمبری عَلَم کرده‌ایم. گروهی از آنها سخنان فریبنده بی‌اساسی را نهانی به گروه دیگری پیام می‌داده‌اند تا ایشان را (با یاوه‌سرائی‌های رنگین و وسوسه‌های دروغین) بفریبند. اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین کاری را نمی‌کردند (ولی همه این‌ها برابر تقدیر و مشیت خدا انجام گرفته و انجام می‌گیرد). پس بگذار دروغ‌ها به هم بافند (و خویشتن را گرفتار کفر و ضلال کنند. بر تو تبلیغ است و بر ما هم حساب).

توضیحات:

«عَدُوّاً»: دشمن. دشمنان. صفتی است بر وزن (فَعُول)، مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است و آن را جمع می‌بندند و (أَعْداء) می‌گویند. «شَیاطِینَ»: متمرّدان. سرکشان. «شَیَاطِینَ الإِنسِ وَ الْجنّ»: اضافه صفت به موصوف

است. «زُخْرُفَ الْقَوْلِ»: سخنان آراسته بی‌اساس. سخنان به ظاهر زیبا و فریبا ولی بی‌حقیقت و ناروا. بدل (عَدُوّاً) یا مفعول دوم (جَعَلْنا) است. «غُرُوراً»: گول‌زدن. فریب‌دادن. مفعول‌له، یا بدل از (زُخْرُفَ)، و یا حال است و به معنی (غارّینَ) است. «وَما یَفْتَرُونَ»: واژه (ما) مفعول‌معه یا عطف بر ضمیر (هُمْ) است.

سوره أنعام آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَلِتَصْغَىٰٓ إِلَيْهِ أَفْـِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُواْ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ﴿١١٣﴾﴾

ترجمه:

(بگذار آنان سخنان باطل را بیارایند تا خویشتن را بدان گول زنند و بفریبند) و تا دل‌های کسانی که به آخرت عقیده ندارند بدان (مزخرفات) گرایش یابد، و از آن راضی و بدان خشنود گردند، و مرتکب هرچیزی شوند که می‌خواهند.

توضیحات:

«تَصْغیا»: متمایل گردد. گرایش یابد. از ماده (صَغْو) یا (صَغْي) منصوب به (أَنْ) مقدّر است. عطف بر محلّ (غُرُوراً) است که تقدیر چنین می‌شود: «لِیَغْتَرُّوا وَ لِتَصْغي». « لِیَقْتَرِفُوا»: اقتراف به معنی اکتساب، یعنی: فراچنگ آوردن است (نگا: توبه / ۲۴ و شوری / ۲۳). در اینجا به معنی ارتکاب گناه است. «مُقْتَرِفُونَ»: فراچنگ آورندگان. مرتکبان بزه و گناه.

سوره أنعام آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيْكُمُ ٱلْكِتَٰبَ مُفَصَّلًاۚ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ﴿١١٤﴾﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بدی‌شان بگو: این داوری خدا درباره حق و حقیقت است) آیا جز خدا را (میان خود و شما) قاضی کنم؟ و حال آن که او است که کتاب (آسمانی قرآن) را برای شما نازل کرده است و (حلال و حرام و حق و باطل و هدایت و ضلالت، در آن)

تفصیل و توضیح شده است. کسانی که کتاب (های آسمانی را پیشتر) برای آنان فرستاده‌ایم می‌دانند که این (قرآن) حقیقه از سوی خدا آمده است و مشتمل بر حق است (چرا که کتاب‌های آسمانی خودشان بدان بشارت داده است و تصدیق‌کننده آن است). پس تو از تردیدکنندگان مباش (و پیروان تو نیز درباره حقّانیت قرآن کمترین تردیدی به خود راه ندهند).

توضیحات:

«أَبْتَغِيا»: بطلبم. جویا شوم. «حَكَماً»: قاضی. داور. واژه (غَيْرَ) مفعول است و (حَكَماً) حال یا تمییز آن است. «مُفَصَّلاً»: به صورت مفصّل و مبین. به گونه مشروح و روشن. «لا تَكُونَنَّ مِنَ الْـمُمْتَرِينَ»: از زمره متردّدان مباش. مراد بازداشتن پیغمبر از شک و تردید نیست. زیرا پیغمبر درباره قرآن شک و تردیدی نداشت. بلکه مراد تشویق و ترغیب آن حضرت است بر ماندگاری و ثبات برحق (نگا: انعام / ۱۴ و یونس / ۱۰۵ و قصص / ۸۷).

سوره أنعام آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١١٥﴾

ترجمه:

فرمان پروردگار تو صادقانه و دادگرانه انجام می‌پذیرد. هیچ کسی نمی‌تواند فرمان‌های او را دگرگونه کند (و جلو دستورات او را بگیرد). خدا شنوا (ی سخن آنان) و دانا (ی کردار ایشان) است.

توضیحات:

«تَـمَّتْ»: تمام شد. انجام پذیرفت. مراد این است که فرمان خدا انجام می‌پذیرد و جامه عمل به خود می‌گیرد. «كَلِمَةٌ»: فرمان. مراد تحقّق وعد و وعید خدا است (نگا: اعراف / ۱۳۶، هود / ۱۱۹، صافّات / ۱۷۱ و ۱۷۲). «صِدْقاً وَ عَدْلاً»: صادقانه و دادگرانه. مراد این است که مضمون آن حتماً تحقّق می‌یابد و عادلانه پاداش نیکان و پادافره بدان داده می‌شود. مصدرند و حال بوده و به معنی (صَادِقَةً وَعَادِلَةً) می‌باشند. «كَلِمَات»: فرمانها. سنن (نگا: احزاب / ۶۲). یادآوری: می‌توان در این آیه شریفه، واژه

(كَلِمَة) را كلام‌الله یعنی قرآن، و واژه (كلمات) کلمه‌ها و جملات و احکام آن بشمار آورد. در این صورت معنی چنین می‌شود: قرآن پروردگارت در منتهای کمال است. در آنچه از آن خبر می‌دهد صادق، و درباره آنچه حکم صادر می‌کند عادل می‌باشد. هیچ کسی نمی‌تواند آن را تباه و دگرگون کند (زیرا خدا حافظ آن است. نگا: حجر / ۹) و خدا اقوال مردمان را می‌شنود و از افعال همگان آگاه است. «صِدْقاً وَ عَدْلاً»: این دو واژه می‌توانند تمییز باشند. در این صورت معنی چنین می‌شود: قرآن پروردگارت، صداقت و عدالت در آن به تمام و کمال است. و...

سوره أنعام آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ١١٦﴾

ترجمه:

اگر از بیشتر مردم (که کافران و منافقانند) پیروی کنی، تو را از راه خدا دور می‌سازند. چرا که آنان جز از ظنّ و گمان پیروی نمی‌کنند و آنان جز به دروغ و گزاف سخن نمی‌گویند.

توضیحات:

«يَخْرُصُونَ»: گزاف می‌گویند. از روی ظنّ و تخمین، نه علم و یقین سخن می‌گویند. یاوه‌سرائی می‌کنند و دروغ می‌گویند.

سوره أنعام آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١١٧﴾

ترجمه:

بیگمان پروردگارت (از تو و از هر کس دیگری) آگاه‌تر است از حال کسانی که (گمراه گشته و) از راه او به در می‌روند، و از حال کسانی که هدایت می‌یابند (و راه او را در پیش می‌گیرند).

توضیحات:

«أَعْلَمُ مَنْ»: در اینجا حرف (ب) مقدّر است. یعنی (أَعْلَمُ بِمَنْ). (نگا: تفسیرالمنار،

روح‌المعانی).

سوره أنعام آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤۡمِنِينَ۝١١٨﴾

ترجمه:

پس (از آنجا که خدا راه‌یافتگان و گمراهان را بهتر از هرکسی می‌شناسد، به ضلالت مشرکان در تحریم برخی از چهارپایان گوش فرا ندهید و) از گوشت چهارپائی بخورید که به هنگام ذبح نام خدا را بر آن برده‌اند (و آن را به نام الله، نه به نام کسی یا چیزی جز او سر بریده‌اند) اگر به آیات خدا (و از جمله به آیات وارده در این‌باره) ایمان دارید.

توضیحات:

«فَكُلُوا»: ذکر حرف (فَ) در اوّل آیه بیان‌گر این واقعیت است که مؤمنان در امر تحلیل و تحریم باید از فرمان یزدان نه مشرکان پیروی‌کنند.

سوره أنعام آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تَأۡكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَقَدۡ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيۡكُمۡ إِلَّا مَا ٱضۡطُرِرۡتُمۡ إِلَيۡهِۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا لَّيُضِلُّونَ بِأَهۡوَآئِهِم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُعۡتَدِينَ۝١١٩﴾

ترجمه:

شما چرا باید از گوشت حیوانی نخورید که به هنگام ذبح نام خدا بر آن رفته است؟ و حال آن که خداوند گوشت حیواناتی را که بر شما حرام است (در همین سوره / ۱۴۵ و مائده / ۳) بیان کرده است (و دستور داده است که از آنها نخورید) مگر ناچار و درمانده شوید (که در این صورت می‌توانید به اندازه‌ای که رفع ضرورت و دفع هلاک کند از گوشت حرام آنها بخورید). بسیاری از مردم، با هواها و هوس‌های (کج و نادرست) خود، بدون آگاهی (از صحّت آنچه که می‌گویند و بدون دلیلی بر آنچه در راه آن می‌کوشند، دیگران را) سرگشته و گمراه می‌سازند. بی‌گمان پروردگارت (از تو و از همه بندگان) آگاهتر از حال تجاوزکاران است.

توضیحات:

«مَا لَكُمْ أَلاّ تَأْكُلُوا»: چرا باید نخورید؟ یعنی مانعی برای خوردن در میان نیست. «الْـمُعْتَدِينَ»: متجاوزین از حدود خدا با تحریم چیز حلال.

سوره أنعام آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿وَذَرُواْ ظَٰهِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَبَاطِنَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡسِبُونَ ٱلۡإِثۡمَ سَيُجۡزَوۡنَ بِمَا كَانُواْ يَقۡتَرِفُونَ١٢٠﴾

ترجمه:

گناهان آشکار و بزهکاری‌های پنهان را ترک کنید (و در هیچ حال خویشتن را به معصیت نیالائید). بی‌گمان کسانی که به دنبال گناه راه می‌افتند، هرچه زودتر کیفر ارتکاب معاصی ایشان داده می‌شود.

توضیحات:

«ظَاهِرَ الإِثْمِ»: گناه آشکار. گناهی که با اندام ظاهری بدن انجام می‌پذیرد. مانند: زدن، دشنام دادن، دزدی، زنا. «بَاطِنَهُ»: گناه پنهان. گناهی که به قلب و درون مربوط می‌گردد. مانند: حسد. مکر و کید. سوءظنّ. مراد از گناه آشکار و گناه پنهان، همه گناهان است؛ چرا که گناه از این دو قسم خارج نیست.

سوره أنعام آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَأۡكُلُواْ مِمَّا لَمۡ يُذۡكَرِ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسۡقٞۗ وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِهِمۡ لِيُجَٰدِلُوكُمۡۖ وَإِنۡ أَطَعۡتُمُوهُمۡ إِنَّكُمۡ لَمُشۡرِكُونَ١٢١﴾

ترجمه:

از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است (و یا به نام دیگران و یا به خاطر بتان سر بریده شده است). چرا که خوردن از چنین گوشتی، نافرمانی (از دستور خدا) است. بی‌گمان اهریمنان و شیاطین صفتان، مطالب وسوسه‌انگیزی به طور مخفیانه به دوستان خود القاء می‌کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند (و بکوشند که شما را به تحریم آنچه خدا حلال کرده است وادارند). اگر از آنان اطاعت کنید بی‌گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود.

توضیحات:

«فِسْقٌ»: نافرمانی. گناه.

سوره أنعام آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿أَوَ مَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَٰهُ وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَاۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ١٢٢﴾

ترجمه:

آیا کسی که (به سبب کفر و ضلال همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطاء ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم و نوری (از مناره ایمان) فرا راه او داشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود (و چشم او را روشنائی، گوش او را شنوائی، زبان او را توان گفتار، و دست و پای او را قدرت انجام کار می‌بخشد) مانند کسی است که به مَثَل‌گوئی در تاریکی‌ها فرو رفته است (و توده‌های انباشته ظلمت‌کده کفر او را در خود بلعیده است و شبح بی‌جان و بی‌اندیشه و بی‌تکانی از او برجای نهاده است) و از آن تاریکی‌ها نمی‌تواند بیرون بیاید؟ همان‌گونه (که خداوند ایمان را در دل ایمانداران آراسته است، کفر و ضلال را در دل ناباوران پیراسته است و) اعمال کافران در نظرشان زیبا جلوه داده شده است.

توضیحات:

«مَيْتاً»: مرده. مراد کافر و گمراه است. مخفّف (مَيّت) است. «نُوراً»: مراد نور دانش و بینش قرآن است که مؤید به دلیل و برهان است و مسلمان در پرتو هدایت آن می زید. «مَثَلُهُ»: صفت و نعت او. «الظُّلُمَاتِ»: تاریکی‌ها. مراد تاریکی‌های جهل و کفر و ضلال است.

سوره أنعام آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُواْ فِيهَاۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ١٢٣﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که در مکه سردمداران آنجا را فاسقان و گناه‌پیشگان تشکیل می‌دادند.

همیشه هم) در هر شهری (که تا اندازه‌ای بزرگ و پرجمعیت باشد) سردمداران آنجا را از بزهکاران فراهم می‌سازیم تا در آنجا به نیرنگ پردازند (و عاقبت وسیله خرابی شهر و انحراف مردمان را فراهم سازند. همه باید بدانند که) اینان جز به خویشتن نیرنگ نمی‌زنند ولی خودشان نمی‌دانند (که سرمایه‌های وجود خود، اعم از فکر و هوش و ابتکار و عمر و وقت و مال خویش را به جای صرف سعادت صرف شقاوت می‌کنند).

توضیحات:

«أَكَابِرَ»: بزرگان. سردمداران. «مُجْرِميها»: مجرمین آنجا. «جَعَلْنا... أَكابِرَ مُجْرِمِيهَا»: (أَكابِرَ) مفعول اوّل و (مُجْرِميها) مفعول دوم است و برعکس. یا این که (أَكابِرَ) مفعول اوّل و (فِي كُلِّ قَرْيَة) مفعول دوم و (مُجْرِمِيهَا) مضاف‌الیه است. و یا این که (جَعَلْنَا) را به معنی: مکانت‌دادن و منزلت بخشیدن گرفت، که در این صورت تنها به یک مفعول نیازمند است که (أَكَابِرَ) است. به هر حال معنی چنین می‌شود: بزرگان آن شهر را به لهو و لعب و فساد و تباهی می کشانیم. گناهکاران آن شهر را بزرگان آنجا می‌گردانیم. بزرگان گناه‌پیشه آن شهر را در آنجا مکانت و منزلت می‌دهیم و ریاست و قدرت می‌بخشیم. «لِيَمْكُرُوا»: لام آن لام عاقبت است. مراد این است که مفاسد و بدبختی‌های اجتماع از سردمداران بی‌دین و ناپرهیزگار سرچشمه می‌گیرد، و ایشانند که مردمان را از راه حق منحرف می‌سازند.

سوره أنعام آيه ۱۲۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ قَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ حَتَّىٰ نُؤۡتَىٰ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ ٱللَّهِۘ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ حَيۡثُ يَجۡعَلُ رِسَالَتَهُۥۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا كَانُواْ يَمۡكُرُونَ ١٢٤﴾

ترجمه:

(این سردمداران به مردمان حسادت می‌ورزند در این که دانش و نبوّت و هدایتی خدا بدی‌شان عطاء کند. و لذا) هنگامی که دلیل و برهان روشنی برای اینان می‌آید (و وحی آسمانی بدی‌شان می‌رسد) می‌گویند: (حق را) باور نمی‌داریم مگر این که همانند آنچه به پیغمبران خدا داده شده است به ما نیز داده شود (و همچون ایشان به ما وحی شود). خداوند بهتر می‌داند که (چه کسی را برای پیامبری انتخاب و) رسالت خویش را

به چه کسی حوالت می‌دارد. از سوی خدا هرچه زودتر خواری و رسوائی (در دنیا) نصیب کسانی می‌گردد که بزهکاری پیش می‌گیرند، و عذاب سختی (در آخرت) به سبب نیرنگی که می‌ورزند بهره ایشان می‌شود.

توضیحات:

«ءَايَةٌ»: آیه‌ای از قرآن. حجّت و برهانی بر صدق محمّد. «لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ اللهِ»: ایمان نمی‌آوریم تا این که چیزی که به پیغمبران وحی می‌شود، به ما نیز وحی گردد و همانند ایشان پیغمبر شویم. یا این که: به شما ایمان نمی‌آوریم تا این که معجزاتی که بر دست پیغمبران انجام گرفته است، از سوی شما به ما نموده نشود. « حَيثُ»: جائی که. به گونه‌ای که. مراد این است که تنها خدا می‌داند که چه کسی را پیغمبر می‌کند و چگونه بدو وحی آسمانی را می‌رساند. «صَغارٌ»: کوچکی و حقارت. خواری و رسوائی. «عِندَ اللهِ»: از سوی خدا. در نزد خدا.

سوره أنعام آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ ۖ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝١٢٥﴾

ترجمه:

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را (با پرتو نور ایمان باز و) گشاده برای (پذیرش) اسلام می‌سازد، و آن کس را که خدا بخواهد گمراه و سرگشته کند، سینه‌اش را به گونه‌ای تنگ می‌سازد که گوئی به‌سوی آسمان صعود می‌کند (و به سبب رقیق شدن هوا و کمبود اکسیژن، تنفّس کردن هر لحظه مشکل و مشکلتر می‌شود. کافر لجوج نیز با پیروی از تقالید پوسیده، هر دم بیش از پیش از هدایت آسمانی دورتر و کینه‌اش نسبت به حق و حقیقت بیشتر و پذیرش اسلام برای وی دشوارتر می‌شود). بدین منوال خداوند عذاب را بهره کسانی می‌سازد که ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«يَشْرَحْ صَدْرَهُ»: مراد از شرح صدر، بر سر شوق و شور آوردن انسان است برای پذیرش اسلام و تابش ایمان در زوایای دل او. «ضَيِّقاً»: تنگ. «حَرَجاً»: بسیار تنگ.

مصدر است و به عنوان صفت مشبّهه به کار رفته است. «الرِّجْسَ»: پلیدی. در اینجا مراد خشم و عذاب است (نگا: اعراف / ۷۱، یونس / ۱۰۰).

سوره أنعام آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسۡتَقِيمٗاۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ١٢٦﴾

ترجمه:

این (مطلب که مددهای الهی شامل حال حق‌طلبان می‌گردد و عذاب الهی به سراغ دشمنان حق می‌رود، سنّت ثابت خدا است و بخشی از راستای) راه مستقیم پروردگار تو است. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی و دلائل عقلانی) را برای کسانی تشریح و توضیح داده‌ایم که (دلی پذیرا و گوشی شنوا دارند و) پند می‌گیرند و اندرز می‌پذیرند.

توضیحات:

«هذا»: این. مراد اسلام یا قرآن است، و یا این که مراد سرافرازی و خوشبختی مؤمنان و سیه‌روزی و بدبختی کافران در این جهان و آن جهان است. «مُسْتَقِیماً»: راست. حال مؤکد برای (صِراطُ) است. چرا که راه خدا پیوسته مستقیم است.

سوره أنعام آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿لَهُمۡ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمۡۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٢٧﴾

ترجمه:

برای آنان (که پندپذیر و بیدارند) دارالسلام است که (بهشت یزدان است و زدوده از آفات و بلایا بوده و غم و اندوه به ساحت آن راه ندارد و) از سوی پروردگارشان بدی‌شان تعلّق می‌گیرد، و خداوند به سبب کاری که (در دنیا) انجام می‌داده‌اند، سرپرست و یاور آنان است.

توضیحات:

«دارُ السَّلام»: خانه امن و امان. سرزمین سلام و درود (نگا: مریم / ۶۲، واقعه / ۲۶). مراد بهشت است که جای شادی است و غم و اندوه و بلا و مصیبتی در آن نیست.

سوره أنعام آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ قَدِ ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِۖ وَقَالَ أَوۡلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلۡإِنسِ رَبَّنَا ٱسۡتَمۡتَعَ بَعۡضُنَا بِبَعۡضٖ وَبَلَغۡنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِيٓ أَجَّلۡتَ لَنَاۚ قَالَ ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ١٢٨﴾

ترجمه:

(به یاد بیاور آن) روزی را که در آن همه آنان را در کنار هم گرد می‌آوریم (و خطاب به گناهکاران می‌گوئیم:) ای گروه جنّیان! شما افراد فراوانی از انسان‌ها را گمراه ساختید. (بدین هنگام با افسوس و دریغ) پیروان ایشان از میان انسان‌ها (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! برخی از ما از برخی دیگر سود بردیم. (جنّیان با وسوسه شیطانی بر ما ریاست کردند و از ما بهره گرفتند، و ما انسان‌ها به وسوسه ایشان دچار شهوات و لذّات زودگذر شدیم، تا آن گاه که مدّت معلوم زندگی را سپری کردیم) و به مرگی گرفتار آمدیم که برای ما معین و مقدّر فرموده بودی. (هم‌اینک با کوله‌بار کفر و ضلال در پیشگاه ذوالجلال ایستاده‌ایم. وای بر ما! خداوند بدیشان) می‌گوید: آتش (دوزخ) جایگاه شما است و همیشه در آن ماندگارید مگر مدّت زمانی که خدا بخواهد. بی‌گمان پروردگار تو حکیم (است و کارهایش از روی حکمت انجام می‌گیرد و) آگاه است (و می‌داند چه کسانی را از دست دوزخ رها کند).

توضیحات:

«مَعْشَرَ»: گروه. دسته. جمعیت. «إِسْتَكْثَرْتُمْ»: بسیاری را وسوسه کردید و گول زدید. «أَجَّلْتَ لَنَا»: برای ما معین و مقرّر کردی. «مَثْوَيا»: مقرّ. جایگاه. «إِلاّ مَا»: جز مدّت زمانی که. جز کسانی که. این استثناء بیان‌گر این واقعیت است که قادر مطلق خدا است و هرچه خواهد کند. و چه بسا این استثناء تعلیق به محال باشد (نگا: هود / ۱۰۷ و ۱۰۸).

سوره أنعام آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعۡضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ١٢٩﴾

ترجمه:

و همان‌گونه (که ستمگران، در این جهان پشتیبان یکدیگر و رهبر و راهنمای هم هستند، در جهان دیگر نیز آنان را به یکدیگر وامی‌گذاریم و) برخی از ستمگران را همنشین برخی دیگر می‌گردانیم، و این به خاطر اعمالی است که (در جهان گذران) انجام می‌داده‌اند.

توضیحات:

«نُوَلِّي»: دوست و یاور می‌سازیم. سرپرست و پیشوا می‌کنیم. «نُوَلِّي بَعْضَ»: ستمگران را همدم و همنشین یکدیگر می‌سازیم. در این جهان، ستمگرانی را بر ستمگران دیگری مسلّط می‌نمائیم و امارت می‌بخشیم (نگا: اسراء / ۱۶).

سوره أنعام آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ۝١٣٠﴾

ترجمه:

(در آن روز خداوند بدی‌شان می‌گوید:) ای جنّیان و ای انسان‌ها! آیا پیغمبرانی از خودتان به‌سوی شما نیامدند و آیات (کتاب های آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می‌گویند: ما علیه خود گواهی می‌دهیم (و اقرار می‌کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره‌ای ندارند و) علیه خود گواهی می‌دهند (و می‌گویند) که ایشان کافر بوده‌اند (و مستحقّ عذاب جاویدان و خوفناک یزدانند).

توضیحات:

«رُسُلٌ مِّنكُمْ»: پیغمبرانی از خودتان. برخی این آیه را دلیل بر آن می‌دانند که

پیغمبران جنّیان از جنس خودشان می‌باشند. ولی مراد از (مِنکُمْ) مجموع آنان است و پیغمبران در زمین تنها از اولاد آدم هستند. قرآن و اسلام برای هر دو دسته است و چه بسا تنها نمایندگانی از خود جنّیان مأمور تبلیغ قرآن و رساندن احکام به همنوعان خود باشند (نگا: احقاف / ۲۹ - ۳۱، جنّ / ۱ - ۱۷). در اینجا از راه تغلیب دست‌های بر دسته دیگر واژه (مِنکُمْ) به کار رفته است. همان‌گونه که می‌گوئیم: (اَکَلْتُ الْخُبْزَ وَ اللَّبَنَ): نان و شیر خوردم. در صورتی که نان خوردنی و شیر نوشیدنی است.

سوره أنعام آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ أَن لَّمۡ يَكُن رَّبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا غَٰفِلُونَ۝١٣١﴾

ترجمه:

این (ارسال رسل) به خاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه مردمان شهرها و آبادی‌ها را به سبب ستم‌هایشان هلاک نمی‌کند، در حالی که اهل آنجا (به سبب نیامدن پیغمبران به میان‌شان و نبودن راهنمایان و عدم تبلیغ مبلّغان، از حق) غافل و بی‌خبر باشند.

توضیحات:

«لَـمْ يَكُنْ... بِظُلْمٍ»: خدا کسی را به سبب ستمهایش مجازات نمی‌کند در حالی که.

سوره أنعام آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ۝١٣٢﴾

ترجمه:

و هر یک (از نیکوکاران و بدکاران) دارای درجاتی (و درکاتی از پاداش و عزّت و پادافره و ذلّت در جهان دیگر) بر طبق اعمال خود هستند، و پروردگارت (هیچ گاه) از کارهائی که مردمان می‌کنند غافل و بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«مِـمَّا»: از آنچه. به خاطر آنچه.

سوره أنعام آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿وَرَبُّكَ ٱلۡغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۚ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفۡ مِنۢ بَعۡدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوۡمٍ ءَاخَرِينَ ١٣٣﴾

ترجمه:

پروردگار تو بی‌نیاز (از بندگان و عبادت ایشان) و مهربان (نسبت به همه مردمان) است. اگر بخواهد همه شما را از میان می‌برد و کسانی را که خود بخواهد جایگزین شما می‌سازد، همان‌گونه که شما را از دودمان انسانهای دیگری آفریده است (و بر جای دیگرانتان نشانده است).

توضیحات:

«ذُوالرَّحْمَةِ»: مهربان. خبر دوم است. «مِن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخَرِينَ»: از نژاد کسان دیگری. به جای فرزندان کسان دیگری (نگا: توبه / ۳۹).

سوره أنعام آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَأٓتٖۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ١٣٤﴾

ترجمه:

بی‌گمان آنچه (از قیامت و حساب و عقاب و ثواب و اختلاف درجات و درکات) به شما وعده داده می‌شود خواهد آمد، و شما نمی‌توانید (خدا را) درمانده کنید (و از دست عدالت و کیفر او بگریزید).

توضیحات:

«مُعْجِزِينَ»: درمانده و ناتوان‌کنندگان.

سوره أنعام آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَامِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١٣٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! بگو: ای قوم من! (بر کفر خود و دشمنانگیتان نسبت به من ماندگار باشید و) هرچه در قدرت دارید بکنید. من هم (بر جای خود ایستاده‌ام و تا می‌توانم شکیبائی) می‌کنم (و در دفاع از اسلام می‌کوشم). بالاخره خواهید دانست که چه کسی سرانجامِ نیک خواهد داشت (و پیروزی در این جهان و سعادت در آن جهان مال چه کسی خواهد شد). بی‌گمان ستمکاران موفّق و رستگار نخواهند شد.

توضیحات:

«عَلَيا مَكانَتِكُمْ»: به اندازه قدرت و استطاعتی که دارید. در جائی که هستید. به گونه‌ای که هستید و وضع و حالتی که دارید. «عَاقِبَةُ الدَّارِ»: سرانجام جهان. پیروزی نهائی. حُسنِ خاتِمت و عاقبت. مراد پیروزی در این دنیا، یا سرافرازی در آن سرا است. «الظَّالِمُونَ»: ستمکاران. کافران.

سوره أنعام آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلۡحَرۡثِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ نَصِيبٗا فَقَالُواْ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعۡمِهِمۡ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَاۖ فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمۡ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمۡۗ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ١٣٦﴾

ترجمه:

(بت‌پرستان همیشه دچار اوهام خرافاتند. مثلاً این گونه) مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایانی را که خدا آنها را آفریده است برای خدا قرار می‌دهند و به گمان خود می‌گویند: این برای خدا است (و با این سهم به خدا تقرّب می‌جوئیم و بدین منظور آن را به مهمانان و ناتوانان می‌دهیم) و این برای شرکاء (و معبودهای) ما است (و با این سهم نیز به بت‌ها و اصنام تقرّب می‌جوئیم و بدین منظور آن را صرف رؤسا و پرده‌داران و خادمان بتکده‌ها و معابد می‌نمائیم). امّا آنچه به شرکاء (و معبودهای) ایشان تعلّق می‌گیرد به خدا نمی‌رسد (و صرف آن در راه او ممنوع است) و آنچه متعلّق به خدا می‌باشد به شرکاء (و معبودهای) ایشان می‌رسد (و می‌تواند صرف آنها گردد و به سرپرستان و خدمتگذاران اصنام ایشان داده شود). چه بد داوری می‌کنند!.

توضیحات:

«ذَرَأَ»: آفرید. از نیستی به هستی آورد و افزون و پراکنده کرد. «الْحَرْثِ»: کشت. زراعت. «الأَنْعَامِ»: جمع نَعَم، چهارپایان (شتر، گاو، بز و گوسفند). «بِزَعْمِهِم»: به گمان خود. مراد این است که چنین پیشه و اندیشه‌ای ساخته و پرداخته خود ایشان است. «شُرَكَآئِهِمْ»: مراد بت‌های بت‌پرستان است که آنها را شریک خدا می‌دانستند. یا مراد رؤسای معابد و پرده‌داران و خدمتکاران است که آنان را در اموال خود شریک می‌دانستند.

سوره أنعام آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُواْ عَلَيْهِمْ دِينَهُمْۖ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ۝١٣٧﴾

ترجمه:

همان گونه (که اوهام و خیال بافی‌هایشان تقسیم‌بندی ستمگرانه فوق را در نظرشان آراسته بود، گمان‌های نادرستی که درباره بت‌هایشان داشتند کار را بدانجا کشانده بود که) بت‌هایشان کشتن فرزندان‌شان را در نظر بسیاری از مشرکان زیبا جلوه داده بود (و دسته‌ای فرزندان‌شان را قربانی بتان می‌کردند و دسته‌های دخترانشان را زنده بگور می‌نمودند) تا سرانجام آنان را هلاک گردانند و آئین ایشان را بر آنان مشتبه کنند (و یگانه‌پرستی را با خرافه‌پرستی بیآمیزند و راه را از چاه باز نشناسند). اگر خدا می‌خواست آنان چنین نمی‌کردند. (حال که مشیت خدا چنین می‌خواهد) پس بگذار آنان (بر خدا و رسول او) دروغ بندند (چرا که عقاب و عذاب در انتظار ایشان است).

توضیحات:

«لِيُرْدُوهُمْ»: تا این که آنان را به هلاکت اندازند. از ماده (رَدی) به معنی هلاک. « لِيَلْبِسُوا»: تا مشتبه کنند. تا این که به هم آمیزند و مخلوط سازند.

سوره أنعام آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ هَٰذِهِۦٓ أَنْعَٰمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَٰمٌ لَّا يَذْكُرُونَ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا ٱفْتِرَآءً عَلَيْهِۚ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ۝١٣٨﴾

ترجمه:

و (از جمله خرافات ایشان این است که) می‌گویند: این (قسمت از) چهارپایان و کشت و زرع ممنوع است (و مخصوص بتها می‌باشد) و جز کسانی (از خدمتکاران اصنامی) که ما بخواهیم از آن نمی‌خورند، و این (قاعده ناروا ساخته آنان و ناشی از) گمان ایشان است (نه ناشی از فرمان یزدان، و همچنین می‌گفتند: اینها) حیواناتی هستند که سوار شدن بر آنها حرام است و (کسی نباید سوار آنها شود. و این‌ها) حیواناتی هستند که به هنگام ذبح نام خدا را بر آنها نمی‌رانند (بلکه نام بتان را بر آنها می‌رانند و این را دستور خدا می‌دانند و) بر خدا دروغ می‌بندند. هرچه زودتر کیفر افتراهای آنان را خواهیم داد.

توضیحات:

«حِجْرٌ»: ممنوع. قدغن. حرام. مصدری است به معنی اسم مفعول، یعنی محجور، مانند (ذِبْح) که به معنی مَذبوح است (نگا: صافّات / ۱۰۷). مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. «بِزَعْمِهِمْ»: به گمان ایشان. یعنی چنین می‌انگارند که خدا بدی‌شان اجازه داده است چنین کنند (نگا: اعراف / ۲۸ و یونس / ۵۹). «إِفْتِرَآءً عَلَيْهِ»: مراد این است که این نوع تقسیم‌بندی بی‌اساس و ناروا است و دروغ‌گفتن بر زبان خدا است. (إِفْتِرآءً) حال و به معنی (مُفْتِرِينَ) و یا مفعولٌ‌له است.

سوره أنعام آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ خَالِصَةٞ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِنَاۖ وَإِن يَكُن مَّيۡتَةٗ فَهُمۡ فِيهِ شُرَكَآءُۚ سَيَجۡزِيهِمۡ وَصۡفَهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ١٣٩﴾

ترجمه:

و (یکی دیگر از انواع قبائح و احکام خرافی ایشان این است که در مورد گوشت حیواناتی که ذبح کردن و سوار شدن و بارکشیدن از آنها را قدغن و حرام اعلام کرده‌اند) می‌گویند: جنینی که در شکم این حیوانات است ویژه مردان ما است و بر زنان ما حرام است (پس اگر زنده متولّد شود، تنها باید مردان از گوشت آن بخورند و زنان از آن محرومند) و اگر جنین مرده متولّد بشود، همه در آن شریک هستند (و مردان و زنان می‌توانند از گوشت آن استفاده کنند). هرچه زودتر خداوند کیفر این

توصیف (افعال و احکام دروغین) ایشان را خواهد داد. چه او حکیم (است و کارهایش به مقتضی حکمت انجام می‌گیرد و) آگاه است (و از هر چیز باخبر است).

توضیحات:

«خَالِصَةٌ»: پاک و دربست. ذکر تاء در آخر آن برای مبالغه است و همچون تاء در واژه‌های: راویة، نسّابة، علاّمة می‌باشد. و یا این که ذکر تاء به اعتبار معنی (ما) است که (أَجِنَّة) است و ذکرنکردن تاء در آخر (مُحَرَّم) به اعتبار لفظ است. همان‌گونه که در سوره طلاق آیه ۱۱ لفظ (خالِدینَ) به اعتبار معنی (مَنْ) و ضمیر (هُ) در (لَهُ) به اعتبار لفظ (مَنْ) است.

سوره أنعام آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوۡلَٰدَهُمۡ سَفَهَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفۡتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِۚ قَدۡ ضَلُّواْ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ١٤٠﴾

ترجمه:

مسلّماً زیان می‌بینند کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی می‌کشند و چیزی را که خدا بدی‌شان می‌دهد با دروغ گفتن از زبان خدا بر خویشتن حرام می‌کنند. (به سبب چنین دروغ و افترائی و تحریم ناروا و نابه‌جائی) بی‌گمان گمراه می‌شوند و راهیاب نمی‌گردند.

توضیحات:

«سَفَهاً»: سفاهت. نادانی. مفعول‌له است و یا حال فاعل است و به معنی (سُفَهآءَ) است.

سوره أنعام آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ١٤١﴾

ترجمه:

خدا است که آفریده است باغ‌هائی را که بر پایه استوار می‌گردند (و درختانش با قلاّبهای ویژه به اشیاء اطراف می‌چسبند و کمر راست می‌کنند و روی داربستها قرار می‌گیرند) و باغ‌هائی را که چنین نیستند و (نیازی به پایه و داربست و پیچیدن به اطراف ندارند و بر سر پای خود می‌ایستند و گردن می‌افرازند. بلی این خدا است که انواع) خرمابُن‌ها و کشتزارها را آفریده است که ثمره آنها (در رنگ و طعم و بو و شکل و غیره) گوناگون است، و نیز درختان زیتون و انار را آفریده است که (در برخی صفات) همگونند و (در برخی صفات) متفاوتند. هنگامی که به بار آمدند از میوه آنها بخورید و به هنگام رسیدن و چیدن و درو کردنشان از آنها (به فقراء و مساکین) ببخشید و زکات لازم آنها را بدهید، و (در خوردن و یا بخشیدن از آنها) اسراف نکنید، زیرا که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ»: باغها. «مَعْرُوشَاتٍ»: درختانی که همچون مَو به اطراف اشیاء دوروبر خود می‌پیچند و از آنها بالا می‌روند و بر روی پایه‌ها و داربست‌ها قرار می‌گیرند. «اُكُل»: میوه. ثمره. آنچه خورده می‌شود. «الرُّمَّانَ»: انار. «حَصَاد»: درو. چیدن میوه. برداشت محصول. یادآوری: واژه‌های (مَعْرُوشَات) و (مُخْتَلِفاً) و (مُتَشَابِهاً) حال هستند. ضمیر (هُ) در واژه‌های (أُكُلُهُ) و (ثَمَرِهِ) و (حَقَّهُ) بر یکایک کلمات پیش از خود بر سبیل بدلیت برمی‌گردد.

سوره أنعام آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ حَمُولَةٗ وَفَرۡشٗاۚ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ١٤٢﴾

ترجمه:

(این خدا است که برای شما) از چهارپایان (یعنی: شتر و گاو و بز و گوسفند) حیواناتی (را آفریده است که بزرگ و) باربرند، و حیواناتی (را آفریده است) که کوچکند (و از پشم و موی آنها فرش‌ها و گستردنی‌ها تهیه می‌کنید. این‌ها روزی خدا برای شمایند و) از آنچه خدا نصیب شما کرده است (و برای شما حلال نموده است) بخورید و از گام‌های اهریمن پیروی مکنید (و با افتراء تحلیل و تحریم، در راه او گام برندارید) بی‌گمان اهریمن دشمن آشکار شما است (و هرگز خیر و خوبی شما را نمی‌خواهد).

توضیحات:

«حَمُولَةً»: چهارپایان باربر. چهارپایان بزرگ؛ از قبیل: گاو و شتر. عطف بر واژه (جنَّاتٍ) است. «فَرْشاً»: چهارپایانی که کوچکند و از پشم و موی آنها فرشها و گستردنی‌ها تهیه می‌گردد. از قبیل: بز و گوسفند (نگا: نحل / ۸۰). «خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»: گام‌های اهریمن. مراد راه‌های شیطان است.

سوره أنعام آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ نَبِّـُٔونِي بِعِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٤٣﴾

ترجمه:

(خداوند از هر نوعی از چهارپایان، یعنی: شتر و گاو و بز و گوسفند، نر و ماده آفریده است که روی هم) هشت جفت آفریده است: از گوسفند دو جفت و از بز دو جفت. (ای محمّد: به کسانی که از پیش خود در تحلیل و تحریم چهارپایان به میل خود سخن می‌رانند) بگو: آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده است؟ (که چنین نیست؛ زیرا گاهی نرها را حلال می‌دانید) یا ماده‌های آنها را؟ (که چنین هم نیست؛ چه گاهی ماده‌ها را حلال می‌دانید) یا این که آنچه ماده‌ها در شکم دارند؟ (که چنین هم نیست؛ زیرا که شما همیشه جنین‌ها را حرام نمی‌دانید! پس این چه تحلیل و تحریمی است که می‌انگارید و هردم به گونه‌ای بیان می‌دارید)؟! اگر (در تحلیل و تحریم خود مستند و دلیلی دارید و) راست می‌گوئید مرا از روی علم و دانش (از آن حجّت و برهان) بیاگاهانید.

توضیحات:

«ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ»: هشت صنف. مراد چهار نوع حیوان نر و چهار نوع حیوان ماده از میان چهارپایان اهلی: گاو و شتر و بز و گوسفند است. «الضَّأْنِ»: جمع ضائِن و ضائِنَة، گوسفندان. «الْـمَعْزِ»: جمع ماعِز، بزها. «ءَآلذَّكَرَيْنِ»: آیا دوتا نر. فراهم آمده است از: (أَ) همزه استفهام، و (الذَّكَرَيْنِ). «نَبِّئُونِي»: مرا باخبر سازید، مرا آگاه کنید.

سوره أنعام آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ۝١٤٤﴾

ترجمه:

و (خداوند آفریده است) از شترانْ، نر و ماده را و از گاوْ، نر و ماده را. بگو: آیا خداوند دو نر را حرام کرده است؟ (که چنین نیست؛ زیرا گاهی نرها را حلال می‌دانید) یا دو ماده را؟ (که چنین هم نیست؛ چه گاهی ماده‌ها را حلال می‌دانید) یا این که آنچه در شکم ماده‌ها است؟ (که چنین هم نیست؛ زیرا که شما پیوسته جنین‌ها را حرام نمی‌دانید. شما گمان می‌برید که این تحلیل و تحریمِ خاصّ شما به فرمان ایزد بوده است!) آیا شما بدان هنگام (که فرمان خدا درباره این تحریم صادر شد) حاضر بودید (و با گوش خود شنیدید) که خداوند آن را به شما سفارش کرد؟ (هرگز چنین نبوده است. پس از این کارهای ناشایستی که می‌کنید دست بکشید؛ چرا که ظلم است) و چه کسی ظالم‌تر از کسی است که بر خدا دروغ بندد تا مردمان را از روی جهل گمراه سازد؟ خداوند هیچ گاه ستمکاران را (به راه راست و به‌سوی چیزی که خیر و صلاح دنیا و آخرت‌شان در آن باشد) هدایت نخواهد کرد.

توضیحات:

«الإِبِلِ»: شتران. از لفظ خود دارای مفرد نیست. «الْبَقَرِ»: گاو. اسم جنس است و یکی از آن را (بقرة) می‌گویند. این واژه شامل گاو میش نیز می‌گردد.

سوره أنعام آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿قُل لَّآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ رِجۡسٌ أَوۡ فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ۝١٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! بگو: در آنچه به من وحی شده است، چیزی را بر خورنده‌ای حرام نمی‌یابم، مگر (چهار چیز و آنها عبارتند از:) مردار، (همچون حیوان خفه شده،

پرت‌گشته، شاخ‌زده، درنده خورنده، ذبح شرعی نشده.) و خون روان (نه بسته همچون جگر و سپرز و خون مانده در میان عروق، که مباح است)، و گوشت خوک که همه این‌ها ناپاک (و مضرّ برای بدن) هستند، و گوشت حیوانی که (در وقت ذبح به نام خدا سربریده نشده باشد و بلکه) به نام (بتی یا معبودی) جز خدا سربریده شده باشد (که مایه خروج از عقیده صحیح است). ولی اگر کسی (به سبب قحطی و نیافتن چیزی برای خوردن) وادار (به استفاده از این محرّمات) گردد بدون آن که علاقه‌مند (بدانها) باشد و (از سدّ جوع و اندازه ضرورت) تجاوز کند (گناهی براو نیست). چه پروردگار تو بس آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«مَسْفُوحاً»: ریخته شده. مراد خون جاری و روان از بدن حیوان به هنگام ذبح و جز آن است. با این قید خون جامد، از قبیل: سپرز و جگر، خارج می‌شود. «فَإِنَّهُ رِجْسٌ»: چه جمیع آنها کثیف و ناپاک هستند. چه گوشت خوک کثیف و ناپاک است. مرجع ضمیر می‌تواند سه چیز مذکور بوده و (رِجْسٌ) وصف همه باشد؛ یا این که مرجع (لَحْم)، و (رِجْس) تنها وصف آن باشد. «فِسْقاً»: عصیان. خروج از فرمان یزدان. در اینجا مراد چیزی است که سبب نافرمانی از دستور خدا و خروج از عقیده صحیح الله می‌گردد. « غَیْرَ باغٍ وَلا عَادٍ»: (به بقره / ۱۷۳ و مائده / ۳) مراجعه شود. برای اطّلاع بیشتر از خوراکیهای حلال و حرام در اسلام به تفسیرالمنار سوره انعام آیه ۱۴۵ مراجعه گردد.

سوره أنعام آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٖۖ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ وَٱلۡغَنَمِ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلۡحَوَايَآ أَوۡ مَا ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖۚ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِبَغۡيِهِمۡۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ۝١٤٦﴾

ترجمه:

(این چیزهائی بود که بر شما حرام کرده‌ایم) و بر یهودیان هر (حیوان) ناخنداری (یعنی: درندگان که دارای پنجه‌های قوی، و پرندگان شکاری که از چنگال نیرومند

برخوردارند) حرام کرده بودیم، و از گاو و گوسفند (تنها) پیه‌ها و چربی‌های آنها را بر آنان حرام نموده بودیم، مگر پیه‌ها و چربی‌هائی که بر پشت این‌ها یا در اندرونه (و لابلای احشاء و امعاء) قرار دارد و یا پیه‌ها و چربی‌هائی که آمیزه استخوان گردیده است. این هم پادافره ایشان در برابر ستم‌گریشان بود که بدانان دادیم (تا از غوطه‌ور شدن در گناهان و پیروی از شهوات خویشتن را به دور دارند) و ما (در همه اخبارمان و از جمله این خبر) راستگوئیم.

توضیحات:

«ذِي ظُفُرٍ»: ناخندار. مراد درندگان دارای پنجه و پرندگان دارای چنگال است (نگا: تفسیرالمنار، سوره نساء / ۱۶۰ و سوره انعام / ۱۴۰). برخی (ذی ظُفُر) را شامل حیواناتی می‌دانند که دارای سم یکپارچه باشند، و پرندگانی که انگشت‌های پایشان با پرده به هم پیوسته باشد. «الْحَوَايَا»: جمع حاوِیة و حَوِیة، مجموعه محتویات شکم حیوان است که به صورت یک کره می‌باشد و اَمْعاء در درون آن قرار دارد. «بِبَغْيِهِمْ»: به سبب ستمگری آنان. (نگا: نساء / ۱۶۰، اعراف / ۱۳۸، یونس / ۸۳، طه / ۸۷ - ۹۱).

سوره أنعام آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمۡ ذُو رَحۡمَةٖ وَٰسِعَةٖ وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُهُۥ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ١٤٧﴾

ترجمه:

اگر تو را تکذیب کردند (و این حقائق را که از جانب خدا به تو وحی می‌شود نپذیرفتند) بدی‌شان بگو: پروردگار شما دارای رحمت گسترده و مهر فراوان است و (در این جهان مؤمنان و کافران را در بر می‌گیرد. اگر خدا در مجازات ناباوران و بزهکاران شتاب روا نمی‌دارد، شما را نفریبد، چرا که کیفر طاغی و یاغی چون شما حتمی است و) عذاب او از رسیدن به گناهکاران ردخور ندارد.

توضیحات:

«بَأْس»: عذاب و عِقاب.

سوره أنعام آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖۚ

كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَاۗ قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَخۡرُصُونَ﴿١٤٨﴾

ترجمه:

مشرکان (برای اعتذار از کفر و معذرت‌خواهی از تحریم خوراکیهای حلال) خواهند گفت: (شرک ما و تحریم چیزهای حلال از سوی ما، برابر مشیت خدا است!) اگر خدا می‌خواست، ما و پدران ما مشرک نمی‌شدیم، و چیزی را (از اشیاء حلال بر خود) تحریم نمی‌کردیم. کسانی که پیش از آنان بوده‌اند نیز همین‌گونه (که به تو دروغ می‌گویند و تو را تکذیب می‌دارند، به پیغمبران ما دروغ می‌گفتند و آنان را) تکذیب می‌نمودند تا (سرانجام طعم) عذاب ما را چشیدند (و کیفر اعمال بد خود را دیدند). بگو: آیا دلیل قاطعی (و سند درستی برای رضایت خدا از شرک خود و تحریم چیزهای حلال، در دست) دارید تا آن را به ما ارائه دهید؟! شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید و (حجّت و برهانی بر گفتار و کردار خود ندارید. شما نه از روی علم و یقین، بلکه) از روی ظنّ و تخمین کار می‌کنید.

توضیحات:

«هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ»: آیا حجّت و برهان و سند درستی دارید؟ نه ندارید. «تَخْرُصُونَ»: گزاف می‌گوئید. ناسنجیده عمل می‌کنید. دروغ می‌گوئید. از ماده (خَرْص) به معنی: تخمین.

سوره أنعام آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿قُلۡ فَلِلَّهِ ٱلۡحُجَّةُ ٱلۡبَٰلِغَةُۖ فَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ﴿١٤٩﴾﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! بگو: خدا دارای دلیل روشن و رسا است (بر این که گفتار و کردارتان بی‌پایه و بی‌مایه است، و شما اصلاً دلیل قطعی بر صدق گفتار و درستی کردار خود ندارید در این که می‌گوئید: خدا به کفر و شرک ما راضی و به تحلیل و تحریم ما خوشنود است! آری) اگر خدا می‌خواست همگی شما را (از راه اجبار به‌سوی حق و حقیقت) هدایت می‌نمود (امّا هدایت اجباری بیسود است و راهیابی اختیاری پسندیده

و ستوده است).

توضیحات:

«الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»: دلیل رسائی که به نهایتِ قوّت و استواری خود رسیده است. برهان گویا و روشن.

سوره أنعام آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ يَشۡهَدُونَ أَنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَاۖ فَإِن شَهِدُواْ فَلَا تَشۡهَدۡ مَعَهُمۡۚ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ۝١٥٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! بگو: گواهان خود را بیاورید که گواهی می‌دهند بر این که خداوند این چیزها را حرام کرده است (که شما قائل به تحریم آنها هستید). در صورتی که (حاضر آمدند و به دروغ) گواهی دادند، با آنان (هم‌صدا مشو و) گواهی مده. (چرا که دروغگویند و شایسته تصدیق نیستند.) و از هوی و هوس کسانی پیروی مکن که آیات (قرآنی و جهانی) ما را تکذیب می‌نمایند و به آخرت ایمان نمی‌آورند و برای پروردگار خود (بتان و معبودهای باطلی را) همتا و همطراز می‌کنند.

توضیحات:

«هَلُمَّ»: بیاورید. اسم‌الفعل و مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. «يَعْدِلُونَ»: معادل قرار می‌دهند. شریک و انباز درست می‌کنند. (نگا: انعام / ۱).

سوره أنعام آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ۝١٥١﴾

ترجمه:

بگو: بیائید چیزهائی را برایتان بیان کنم که پروردگارتان بر شما حرام نموده است. این که هیچ چیزی را شریک خدا نکنید، و به پدر و مادر (بدی نکنید و بلکه تا آنجا که ممکن است بدیشان) نیکی کنید، و فرزندانتان را از ترس فقر و تنگدستی (کنونی یا آینده) مکشید (چرا که) ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم (و روزی‌رسان همگان مائیم؛ نه شما)، و به گناهان کبیره (از جمله زنا) نزدیک نشوید، خواه (آنها در وقت انجام برای مردم) آشکار باشد و خواه پنهان، و کسی را بدون حق (قصاص و اجرا فرمان الهی) مکشید که خداوند آن را حرام کرده است. این‌ها اموری هستند که خدا به گونه مؤکد شما را بدان‌ها توصیه می‌کند تا آنها را بفهمید و خردمندانه عمل کنید.

توضیحات:

«تَعَالَوْا»: بیائید. «أَتْلُ»: بخوانم. بیان دارم. «إِمْلاق»: فقر و تنگدستی. بی‌چیزی و نداری. «الْفَوَاحِشَ»: گناهان کبیره. زنا. جمع‌آمدن در معنی زنا برای مبالغه است یا به اعتبار تعدّد زناکاران یا نهی از انواع آن است. «مَا ظَهَرَ»: آنچه توسّط اندام‌ها انجام می‌پذیرد. مانند: کشتن. زنا. دزدی. «مَا بَطَنَ»: آنچه مربوط به دل باشد. مانند: حسد. سوءنیت.

سوره أنعام آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١٥٢﴾

ترجمه:

به مال یتیم جز به نحو احسن (و بهترین راهی که باعث حفظ و ازدیاد آن گردد) نزدیک مشوید (و بدین شیوه خداپسندانه ادامه دهید) تا آن گاه که یتیم به رُشد کامل خود می‌رسد (و در آن هنگام به گونه شایسته می‌تواند در مال خویش تصرّف کند. در این وقت اموالش را به خودش تسلیم کنید)، و پیمانه و ترازو را به تمام و کمال و دادگرانه مراعات دارید و (نه کم و زیاد بدهید و نه کم و زیاد دریافت کنید. در حدّ توانائی انسانی خود در این‌باره بکوشید و بدانید که) ما هیچ کسی را به انجام چیزی جز به اندازه تاب و توانش موظّف نمی‌سازیم. و هنگامی که سخنی (در کار داوری یا

گواهی و یا راجع به روایت و خبری) گفتید، دادگری کنید (و از حق منحرف نشوید) هر چند (کسی که سخن به نفع یا به زیان او گفته می‌شود) از خویشاوندان باشد. و به عهد و پیمان خدا (که برای انجام تکالیف از شما گرفته است، و عهد و پیمان فیمابین خود درباره مسائل و مصالح مشروع) وفا کنید. این‌ها چیزهائی هستند که خداوند شما را به رعایت آنها توصیه می‌کند، تا این که متذکر شوید و پند گیرید.

توضیحات:

«بِالَّتي»: با خصلت یا خصالی که. با کار یا کارهائی که. «أَشُدَّ»: قوّت. مفرد است، یا جمعی است که دارای مفرد نمی‌باشد. مراد از (أَشُدَّ) رشد مذکور در (نساء / ۶) است. «أَوْفُوا»: به تمام و کمال بپردازید. «عَهْدِ الله»: پیمان خدا. مراد از آن، همه چیزهائی است که خداوند از بندگان خود خواسته است. همچنین همه عهدها و پیمان‌هائی است که مردمان با یکدیگر می‌بندند. در این صورت نسبت آن به خدا بدین سبب است که خداوند به حفظ و وفای بدان امر نموده است.

سوره أنعام آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٥٣﴾

ترجمه:

این راه (که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم) راه مستقیم من است (و منتهی به سعادت هر دو جهان می‌گردد. پس) از آن پیروی کنید و از راه‌های (باطلی که شما را از آن نهی کرده‌ام) پیروی نکنید که شما را از راه خدا (منحرف و) پراکنده می‌سازد. این‌ها چیزهائی است که خداوند شما را بدان توصیه می‌کند تا پرهیزگار شوید (و از مخالفت با آنها بپرهیزید).

توضیحات:

«مُسْتَقِيماً»: حال است. «إِتَّبِعُوهُ»: در آن گام بردارید. بدان عمل کنید.

سوره أنعام آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى

وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ﴿١٥٤﴾

ترجمه:

بعد (از بیان فرمان‌های دهگانه، شما را باخبر می‌سازم که پروردگار می‌فرماید:) ما کتاب (تورات) را برای موسی فرستادیم تا بر کسی که (امور دینی خود را خوب انجام دهد و) نیکی و خوبی ورزد اتمام (کرامت و نعمت) باشد و بیان‌گر همه‌چیز (از تعالیم لازم جهت بنی‌اسرائیل) بوده و (آنان را به‌سوی راه راست) هدایت و (برای کسانی که از آن پیروی کنند، مایه) رحمت شود. بلکه (در پرتو ارشادات و رهنمودهای این کتاب مقدّس، بنی‌اسرائیل) به ملاقات با پروردگار خود ایمان بیاورند (و بدانند که در روز قیامت برای حساب و کتاب در پیشگاه خدا حاضر خواهند شد).

توضیحات:

«ثُمَّ»: سپس. در اینجا برای ترتیب زمانی و عطف معنی بر معنی نیست. بلکه برای عطف خبر بر خبر است. مانند شعر زیر: «وَلَقَدْ سادَ ثُمَّ سادَ أَبُوهُ»

سوره أنعام آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴿١٥٥﴾﴾

ترجمه:

این (قرآن) کتاب مبارکی است که ما آن را فرو فرستاده‌ایم. پس از آن پیروی کنید و (از مخالفت با آن) بپرهیزید تا مورد رحم خدا قرار گیرید.

توضیحات:

«مُبَارَكٌ»: پرخیر و برکت. مشتمل بر فوائد دینی و دنیوی. صفت (کِتابٌ) است.

سوره أنعام آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿أَن تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلۡكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيۡنِ مِن قَبۡلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمۡ لَغَٰفِلِينَ﴿١٥٦﴾﴾

ترجمه:

(آن را فرو فرستاده‌ایم) تا نگوئید کتاب (آسمانی) تنها بر دو گروه (یهود و نصاری)

پیش از ما فرو فرستاده شده است، و (ما اصلاً از آنها آگاهی نداشته‌ایم و) از بحث و بررسی آنها بی‌خبر بوده‌ایم (و لذا از انجام گناه و دوری از راه خدا معذوریم).

توضیحات:

«أَن تَقُولُوا»: تا نگوئید. متعلّق به (أَنزَلْنَاهُ) است و تقدیر چنین است: «لِئَلاّ تَقُولُوا». «إِن كُنَّا»: ما بوده‌ایم. (إِنْ) مخفّف از مثقّله است و عمل نمی‌کند. «دِرَاسَة»: قرائت مکرّر. خواندن و فهم کردن (نگا: آل‌عمران. ۷۹، اعراف / ۱۶۹، سبأ / ۴۴).

سوره أنعام آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿أَوْ تَقُولُواْ لَوْ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهْدَىٰ مِنْهُمْۚ فَقَدْ جَآءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَاۗ سَنَجْزِى ٱلَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصْدِفُونَ۝١٥٧﴾

ترجمه:

یا این که بگوئید: اگر کتابی بر ما نازل می‌شد، راه یافته‌تر (و خوبتر و بهتر) از آنان می‌گشتیم. بی‌گمان از سوی پروردگارتان برایتان قرآنی آمده است (که بیان‌گر حلال و حرام) و راهنمای (مردمان به‌سوی خیر و صلاح دو جهان) و رحمت (خدا برای بندگان) است. پس چه کسی ستمکارتر از کسی خواهد بود که آیات (قرآن) خدا را تکذیب کند و بی‌دلیل و بی‌جهت از آنها رویگردان شود؟ کسانی را که از آیات ما رویگردان شوند بدترین عذاب خواهیم داد، و سزای رویگردانی ایشان را هرچه زودتر بدانان خواهیم رساند.

توضیحات:

«بَيِّنَةٌ»: دلیل و برهان. در اینجا مراد قرآن است. «صَدَفَ عَنْ»: رویگردان و منصرف شد. رویگردان و منصرف کرد. «سُوءَ الْعَذَابِ»: بدترین و سخت‌ترین عذاب. اضافه صفت به موصوف است.

سوره أنعام آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِىَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِىَ بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَۗ يَوْمَ

يَأْتِي بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِيٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًاۗ قُلِ ٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ﴿۱۵۸﴾

ترجمه:

(دلائل متقن بر وجوب ایمان بیان گردیده‌است. پس چرا ایمان نمی‌آورند؟) آیا انتظار دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغ‌شان بیایند؟ یا این که پروردگارت (خودش) به‌سوی آنان بیاید؟ یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت که (دالّ بر شروع رستاخیز باشد) برای آنان نمودار شود؟ روزی پاره‌ای از نشانه‌های پرودگارت فرا می‌رسد (و آنان را به ایمان اجباری وادار می‌نماید) امّا ایمان آوردن افرادی که قبل از آن ایمان نیاورده‌اند، یا این که با وجود داشتن ایمان (کارهای پسندیده نکرده‌اند و) خیری نیندوخته‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت. بگو: منتظر (یکی از این امور سه‌گانه) باشید و ما هم منتظر (نتیجه وعده خدا درباره خود و وعید او درباره شما) هستیم.

توضیحات:

«يَنظُرُونَ»: انتظار می‌کشند. «أَن تَأْتِيَهُمُ الْـمَلائِكَةُ»: مراد آمدن فرشتگان قبض ارواح (نگا: انعام / ۹۳)، یا آمدن فرشتگان به عنوان پیغمبرانی برای مردم (نگا: مؤمنون / ۲۴) یا برای شهادت بر صدق رسالت پیغمبر است (نگا: حجر / ۷). «يَأْتِيَ رَبُّكَ»: مراد صدور فرمان خدا درباره عذاب کافران (نگا: توبه / ۲۴، نحل / ۳۳) یا حضور پیداکردن خدا - بنا به عقیده ایشان - برای گواهی بر صدق رسالت پیغمبر یا برای دیدن ذات ذوالجلال (نگا: بقره / ۵۵، اسراء / ۹۲) یا فرا رسیدن رستاخیز و حضور خدا در آن برای دادگاهی بندگان است (نگا: یونس / ۹۳). «بَعْضُ ءَايَاتِ...»: از جمله چنین علاماتی که ایمان و عمل صالح با ظهور آنها پذیرفته نیست: دم احتضار و هنگام خروج روح از بدن، یا زمانی که انسان به مجازات و قصاص و عذاب عظیم خدا گرفتار می‌آید و در انتخابِ راهِ خوبی یا بدی از او سلب اختیار می‌شود، یا هنگام پدیدار شدن علائم تخریب جهان و به هم‌خوردن شیرازه کون و مکان است. چرا که در همه این اوقات ایمان اضطراری و اجباری است. در صورتی که زمان پذیرش ایمان و توبه و طاعت وقتی است که انسان دارای اراده و اختیار بوده و فرصت انتخابِ کفر یا دین، و انجام اعمالِ خیر یا شر را داشته باشد. «أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَـانِهَـا خَيْراً»: این جمله عطف بر (ءَامَنَتْ) است و نفی متوجّه آن می‌گردد و معنی چنین است: یا مؤمن باشد و اعمال نیک انجام

نداده باشد و کارهای خداپسندانه نکرده باشد.

سوره أنعام آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗا لَّسۡتَ مِنۡهُمۡ فِي شَيۡءٍۚ إِنَّمَآ أَمۡرُهُمۡ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ١٥٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که آئین (یکتاپرستی راستین) خود را پراکنده می‌دارند (و آن را با عقائد منحرف و معتقدات باطل به هم می‌آمیزند) و دسته دسته و گروه گروه می‌شوند (و هر دسته و گروهی از مکتبی و مذهبی پیروی می‌کنند) تو به هیچ وجه از آنان نیستی و (حساب تو از آنان جدا و) سروکارشان با خدا است و خدا ایشان را از آنچه می‌کنند باخبر می‌سازد (و سزای آنان را خواهد داد).

توضیحات:

«شِيَعاً»: جمع شیعه، گروه‌ها و دسته‌ها. «لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»: تو اصلاً از آنان نیستی و مسؤول رستگاری یا زشتکاری ایشان نمی‌باشی و راه تو از راه آنان جدا است.

سوره أنعام آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشۡرُ أَمۡثَالِهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَا وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٦٠﴾

ترجمه:

هرکس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست‌کم از دریای جود و کرم خداوند معظّم) ده برابر دارد، و هرکس کار بدی کند، پادافره او (به سبب عدل و داد یزدان) جز هم‌سنگ و هم‌سان آن داده نمی‌شود و به (اینان با افزایش کیفر، و به آنان با کاهش پاداش از) ایشان ظلم و ستم نمی‌گردد.

توضیحات:

«عَشْرُ أَمْثَالِهَا»: ده برابر. چندین برابر. برخی لفظ (عَشْرُ) را برای کثرت می‌دانند؛ نه حصر (نگا: بقره / ۲۴۵، زمر / ۱۰).

سوره أنعام آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ دِينٗا قِيَمٗا مِّلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٦١﴾

ترجمه:

بگو: بی‌گمان پروردگارم (با وحی آسمانی و نشان دادن آیات قرآنی و گسترده جهانی) مرا به راه راست رهنمود کرده است. و آن دین راست و استوار و پابرجا، یعنی دین ابراهیم است. همان کسی که حقّگرا (و از آئینهای انحرافی محیط خود رویگردان) بود و از زمره مشرکان نبود.

توضیحات:

«دِيناً»: بدل از محلّ (إِلي صِرَاطٍ) در معنی است. چرا که (هَداني إِلي صِراطٍ) و (هَداني صِراطاً) یکی است و در سوره فتح آیه دوم فرموده است: (وَيَهْدِيَكَ صِرَاطاً مُّسْتَقِيماً). یا مفعول فعل محذوفی‌است که فعل مذکور (هَداني) دالّ بر آن است. مثل: هَدانِی، أَعْطانِی، أَعْرَفَنِي. «قِيَماً»: باارزش. پابرجا و ثابت و غیرقابل نسخ. راست و استوار. صفت است و مصدری است از ریشه (قوم). «حَنِيفاً»: حقّگرا. مخلص. حال ابراهیم است.

سوره أنعام آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٦٢﴾

ترجمه:

بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره مماتم شود).

توضیحات:

«نُسُك»: عبادت. حجّ. قربانی. عطف (نُسُك) - اگر به معنی مطلق عبادت باشد - بر (صَلاة) عطف عام بر خاصّ است. «مَحْيَا»: زندگی. زیستن. «مَمَات»: مرگ. مردن. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي»: مراد اعمال و اقوالی است که مربوط و مقرون به زندگی و مرگ، یعنی

کارهای دنیا و آخرت است یا خود زیستن و مردن.

سوره أنعام آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾

ترجمه:

خدا را هیچ شریکی نیست، و به همین دستور داده شده‌ام، و من اوّلین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص‌ترین فرد در میان همه انسان‌ها برای خدا) هستم.

توضیحات:

«أَوَّلُ الْـمُسْلِمِينَ»: مراد نخستین مسلمان در میان امّت محمّدی، یا مخلص‌ترین و مطیع‌ترین کس در میان تمام اهل جهان از آغاز تا پایان آن است.

سوره أنعام آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖۚ وَلَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٍ إِلَّا عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ١٦٤﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به کسانی که تو را همچون خود به شرک‌ورزی می‌خوانند) بگو: آیا (سزاوار است که) پروردگاری جز خدا را بطلبم (و معبودی جز او را پرستش بکنم) و حال آن که خدا پروردگار هر چیزی است؟ هیچ کسی جز برای خود کار نمی‌کند، و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. سرانجام همه شما به‌سوی خدا باز می‌گردید و شما را از آنچه در آن اختلاف می‌ورزید آگاه می‌سازد (و میانتان درباره راه و روش و ادیان و عقائدتان داوری می‌کند).

توضیحات:

«أَبْغِي»: بطلبم. بجویم. «لا تَزِرُ»: برنمی‌دارد. کسی به گناه دیگری گرفتار نمی‌آید و گناه او را به عهده نمی‌گیرد. «وازِرَةٌ»: حمل‌کننده. بردارنده. «وِزْر»: بار. مراد بَزَه و گناه و همچنین سزای بَزَه و گناه است. «مَرْجِع»: رجوع و بازگشت.

سوره أنعام آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ ٱلۡأَرۡضِ وَرَفَعَ بَعۡضَكُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمُۢ ١٦٥﴾

ترجمه:

خدا است که شما را جانشینان (دیگران برای آبادانی جهان در کره) زمین گردانید، و (در استعدادهای ذاتی و مواهب آسمانی و اموال کسبی) برخی را بر برخی، درجاتی بالاتر برد (و در کمال مادی و معنوی به نسبت استفاده شخص از اسباب و سنن یزدان و گسترده در پهنه جهان، کسانی را بیشتر از کسانی ترقّی و تعالی داد) تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید (و در عمل مشخّص شود چه کسی به شرائع آسمانی مؤمن یا کافر و در نعمت‌های خدادادی سپاسگزار و یا ناسپاس است). بی‌گمان پروردگارت زود رساننده عقاب (به مخالفان) است و او دارای مغفرت بیکران و رحمت فراوان (در حق پشیمان‌شوندگان از گناهان و برگردندگان به آستان یزدان) است.

توضیحات:

«خَلآئِفَ»: جمع خلیفه، جانشینان. مراد جانشینان خدا در اجرای احکام و تنفیذ اراده او و در امر آبادانی و اداره کره زمین است؛ و یا مراد این است که هر گروهی جانشین گروه دیگری در این زمین می‌گردد و امانتداری او در مواهب مادی و معنوی و اجرا قوانین دین الهی مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

سوره اعراف

سوره أعراف آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓصٓ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم. صاد.

توضیحات:

ذکر حروف مقطّعه در اوائل برخی از سوره‌ها، علاوه از جلب توجّه شنوندگان، و دعوت آنان به سکوت و استماع، عرب‌ها را فریاد می‌دارد که این قرآن از همان حروف هجائی فراهم آمده است که شما گفتار و نوشتار خود را بدان اداء می‌کنید. پس اگر درباره آسمانی‌بودن قرآن دچار شک و تردیدید، سوره‌ای همچون یکی از سوره‌های آن را بسازید و ارائه دهید، و... (نگا: بقره / ۲۳).

سوره أعراف آیه ۲

متن آیه:

﴿كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيۡكَ فَلَا يَكُن فِي صَدۡرِكَ حَرَجٞ مِّنۡهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾

ترجمه:

(این قرآن) کتابی است که از (سوی یزدان جهان) بر تو نازل شده است و نباید از ناحیه آن هیچ‌گونه نگرانی و ناراحتی به خود راه دهی. (نه نگرانی از ناحیه بار سنگین رسالتی که بر دوش داری و نه از جانب عکس‌العمل‌هائی که دشمنان سرسخت در برابر آن نشان می‌دهند، و نه از سوی نتیجه و برداشتی که از تبلیغ این رسالت انتظار می‌رود. چرا که هدف از نزول این قرآن این است) که بدان (کافران را از عواقب شوم افکار و اعمال‌شان) بترسانی، و مؤمنان را پند و اندرز دهی.

توضیحات:

«لِتُنذِرَ»: متعلّق به (أُنزِلَ) است. «ذِكْرَيا»: پند و اندرز دادن. پنددهنده و اندرزگو.

این واژه مصدر و به معنی (تذکیر) است. مجرور بوده و عطف بر محلّ (لِتُنذِر) است. تقدیر چنین می‌شود: «لِلإِنذَارِ وَالتَّذْكِيرِ». یا این که (ذِكْري) به معنی اسم فاعل یعنی (مذکّر) است. مرفوع بوده و خبر مبتدای محذوف است. تقدیر چنین می‌شود: «وَهُوَ ذِكْري لِلْمُؤْمِنينَ». و...

سوره أعراف آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ٣﴾

ترجمه:

از چیزی پیروی کنید که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده است، و جز خدا از اولیاء و سرپرستان دیگری پیروی مکنید (و فرمان مپذیرید). کمتر متوجّه (اوامر و نواهی خدا) هستید (و کمتر پند می‌گیرید).

توضیحات:

«مِن دُونِهِ»: بجز او. به جای او. ضمیر (هِ) به (رَبِّ) برمی‌گردد. اگر مرجع آن (ما) باشد، پیش از (اَوْلِيَآءَ) مضافی چون (أَباطيل) محذوف است. در این صورت معنی چنین می‌شود: جز از وحی آسمان، از یاوه‌سرائی سرپرستان دیگری پیروی مکنید. «قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ»: کمتر پند می‌گیرید و متذکر می‌گردید. راجع به قوانین و احکام الهی چندان چیزی نمی‌دانید. گاه‌گاهی یادآور و پندپذیر می‌گردید. (قَلِيلاً) صفت موصوف محذوفی چون (زَمَاناً) یا (تذكّراً) است و (ما) زائد و برای تأکید قلّت است.

سوره أعراف آیه ۴

متن آیه:

﴿وَكَم مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأۡسُنَا بَيَٰتًا أَوۡ هُمۡ قَآئِلُونَ٤﴾

ترجمه:

چه بسیار شهرها و آبادی‌هائی که آنها را (به سبب گناهان فراوان ساکنان آنجاها) ویران کرده‌ایم و عذاب ما مردمان آنجاها را در برگرفته است، در شبانگاهان (که در خواب ناز بوده‌اند، مانند قوم لوط) یا در چاشتگاهان که به استراحت پرداخته‌اند (مانند قوم شعیب).

توضیحات:

«کَمْ»: چه بسیار. «قَرْيَةٍ»: شهر. روستا. در اینجا مراد ساکنان شهر یا روستا است. « بَأْس»: عذاب. «بَيَاتاً»: شب هنگام. در حالی که شب را می‌گذراندند. این واژه می‌تواند مفعول‌فیه بوده و یا این که مصدر و به معنی (بائِتِينَ) و حال باشد. «قَآئِلُونَ»: خفتگان در نیمروز. استراحت‌کنندگان در چاشتگاه. از ماده (قَيْل).

سوره أعراف آیه ۵

متن آیه:

﴿فَمَا كَانَ دَعۡوَىٰهُمۡ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ٥﴾

ترجمه:

در آن موقع که عذاب ما به سراغ ایشان آمده است، دعا و استغاثه‌ای جز این نداشته‌اند که گفته‌اند: واقعاً ما ستمکار بوده‌ایم (و با دست خود بر خود ستم کرده‌ایم و هم اینک پشیمانیم و چشم به راه عفو یزدانیم! امّا بدین هنگام پشیمانی را چه سود؟!).

توضیحات:

«دَعْوَاهُمْ»: دعای ایشان. استغاثه آنان.

سوره أعراف آیه ۶

متن آیه:

﴿فَلَنَسۡـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرۡسِلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَنَسۡـَٔلَنَّ ٱلۡمُرۡسَلِينَ٦﴾

ترجمه:

(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به‌سوی آنان روانه شده‌اند می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر و چگونه بدان پاسخ داده‌اید)؟ و حتماً از پیغمبران هم می‌پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده‌اید و از مردمان در قبال فرمان یزدان چه شنیده و چه دیده‌اید)؟.

توضیحات:

«الْـمُرْسَلِينَ»: فرستادگان. پیغمبران.

سوره أعراف آیه ۷

متن آیه:

﴿فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيۡهِم بِعِلۡمٖۖ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ۝٧﴾

ترجمه:

مسلّماً (اعمال همه را مو به مو و) آگاهانه برای آنان شرح می‌دهیم؛ چرا که ما از آنان به دور نشده‌ایم (و همه‌جا حاضر و ناظر کردار و رفتارشان بوده‌ایم).

توضیحات:

«عَلَيْهِمْ»: برای همه مردمان. برای پیغمبران، در توضیح پاسخ ایشان به خدا: «لا عِلْمَ لَنا» (نگا: مائده / ۱۰۹). «بِعِلْمٍ»: آگاهانه. از روی علم. «مَا كُنَّا غَآئِبِينَ»: غائب نبوده‌ایم. غافل و بی‌خبر نبوده‌ایم.

سوره أعراف آیه ۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡوَزۡنُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّۚ فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ۝٨﴾

ترجمه:

سنجش درست (و دقیق اعمال) در آن روز انجام می‌گیرد. پس هر که (کفّه حسنات) ترازوی او سنگین شود (و بر کفّه سیئات او رجحان پذیرد) این چنین کسانی رستگارند.

توضیحات:

«الْوَزْنُ»: وزن‌کردن. سنجش. مبتدا است و خبر آن (يَوْمَئِذٍ) است. «الْحَقُّ»: صحیح. درست. صفت (الْوَزْنُ) است. این صفت و موصوف، معنی مبتدا و خبر نیز می‌دهند. یعنی: وزن‌کردن اعمال در آن روز صحیح است. «مَوَازِين»: جمع میزان: ترازوها. و جمع موزون: سنجیده‌ها.

سوره أعراف آیه ۹

متن آیه:

﴿وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَظۡلِمُونَ۝٩﴾

ترجمه:

و کسی که (کفّه حسنات او از کفّه سیئات) ترازوی او سبک شود، این چنین کسانی به سبب پیوسته انکار کردن آیات ما (سرمایه وجود) خود را از دست داده‌اند.

توضیحات:

«خَسِرُوا»: از دست داده‌اند. زیانکار و بی‌بهره نموده‌اند. «يَظْلِمُونَ»: ظلم در اینجا در معنی تکذیب و انکار به کار رفته است.

سوره أعراف آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَۗ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ١٠﴾

ترجمه:

شما را در زمین مقیم کرده‌ایم و قدرت و نعمتتان داده‌ایم، و وسائل زندگیتان را در آن مهیا نموده‌ایم، (امّا شما در برابر نعمت‌های فراوان) بسیار کم سپاس‌گزاری می‌کنید.

توضیحات:

«مَكَّنَّاكُمْ»: شما را قدرت و نعمت دادیم. و قوّه و سلطه بخشیدیم. به شما مکان و مأوی دادیم. «مَعَايِشَ»: جمع مَعیشة و مَعاش، وسائل زندگی و مایه بقاء. از قبیل: خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها.

سوره أعراف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَٰكُمۡ ثُمَّ صَوَّرۡنَٰكُمۡ ثُمَّ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ لَمۡ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ١١﴾

ترجمه:

(آدم، جدّ نخستین) شما را آفریدیم و سپس صورتگری کردیم. بعد از آن به فرشتگان (و از جمله ابلیس که در صف آنان قرار داشت، ولی از ایشان نبود) گفتیم: برای آدم سجده (خضوع و تواضع) کنید (و بزرگ و گرامیش دارید). پس (همه فرشتگان به فرمان یزدان) سجده کردند (و تعظیم و تکریم به جای آوردند) مگر ابلیس که (از جنّیان بود و فرمان نبرد و) سجده نکرد.

توضیحات:

«خَلَقْنَاكُمْ»: شما را آفریدیم. در اینجا مراد این است که: اصل شما یعنی نیای نخستینتان را آفریدیم (نگا: حجر / ۲۸ - ۳۳). صیغه جمع برای تعظیم آدم است که

ابوالبشر است. «صَوَّرْنا»: صورت‌بندی و صورتگری کردیم. آدم را از خاک آفریدیم و جان به کالبدش دمیدیم و پیکر زیبا و قامت رعنا و اندیشه والا بدو دادیم. «إِلاَّ إِبْلِيسَ»: مگر اهریمن. مستثنی منقطع است. زیرا که ابلیس از جنس فرشتگان نیست (نگا: کهف / ۵۰ و حجر / ۲۷).

سوره أعراف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ١٢﴾

ترجمه:

(خداوند به او) گفت: چه چیز تو را بازداشت از این که سجده ببری، وقتی که من به تو دستور (تعظیم و تواضع برای آدم) داده‌ام؟ (ابلیس از روی عناد و تکبّر پاسخ) گفت: من از او بهترم. چرا که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک. (و آتش کجا و خاک کجا)!.

توضیحات:

«مَا مَنَعَكَ»؟: چه چیز تو را باز داشت؟ چه چیز مانع شد؟ «طِينٍ»: گِل (نگا: صافّات / ۱۱). خاک (نگا: آل‌عمران / ۵۹). زیرا خاک عام است و بر گِل و غیرگِل اطلاق می‌شود. استعمال (طین) در اینجا چه بسا اشاره به مرحله‌ای از مراحل تدریجی خِلقت آدم باشد.

سوره أعراف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿قَالَ فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ١٣﴾

ترجمه:

(خداوند بدو) گفت: پس از این (بهشت آسمانی یا بهشت زمینی، یا از میان فرشتگان، و یا از این منزلت و مرتبت) فرود آی! تو را نرسد که در این (مکان دل‌آرا، و جایگاه والا، نافرمانی کنی و) تکبّر ورزی. پس بیرون رو، تو از زمره خوارانی (و جای تو در میان اشرار است، نه در میان اخیار).

توضیحات:

«إِهْبِطْ»: فرود آی. پائین رو. تنزّل کن. «مِنْها»: از آن. مرجع (ها) واژه (جَنَّة) مفهوم

از مقام است، همان‌گونه که در آیه ۶۱ سوره نحل، (ها) به (أَرْضِ) مفهوم از مقام برمی‌گردد: «وَلَوْ يُؤاخِذُ اللهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْها مِن دآبَّةٍ». مراد از (جَنَّة) بهشت موعود، یا بهشت موجود در زمین است. یا این که مرجع (ها) منزلت و مرتبت و یا (مَلائِكة) در آیه ۱۱ است. «الصَّاغِرِينَ»: خواران، افراد پست و حقیر. از مصدر (صَغار) به معنی ذُلّ (نگا: انعام / ۱۲۴).

سوره أعراف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ١٤﴾

ترجمه:

(اهریمن) گفت: مرا تا روزی مهلت ده و زنده بدار که (قیامت نام است و مردمان در آن زنده می‌شوند و از گورها) برانگیخته می‌گردند.

توضیحات:

«أَنظِرْنِي»: مرا مهلت ده. مراد این که مرا زنده بدار و ممیران.

سوره أعراف آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ١٥﴾

ترجمه:

(خداوند) گفت: شما از زمره مهلت یافتگانی (و مدّتهای مدید در زمین ماندگار می‌مانی).

توضیحات:

«الْـمُنظَرِينَ»: مهلت‌یافتگان. مهلت داده‌شدگان.

سوره أعراف آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قَالَ فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ١٦﴾

ترجمه:

(اهریمن) گفت: بدان سبب که مرا گمراه داشتی، من بر سر راه مستقیم تو در کمین آنان می‌نشینم (و با هرگونه وسائل ممکن در گمراهی ایشان می‌کوشم).

توضیحات:

«أَغْوَيْتَنِي»: مرا گمراه ساختی. حکم گمراهی درباره‌ام صادر کردی. «صِرَاط»: راه. منصوب به نزع خافض است و در اصل (عَلي صِراطِكَ) است. می‌تواند مفعول‌فیه نیز باشد.

سوره أعراف آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ ١٧﴾

ترجمه:

سپس از پیش‌رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ (و از هر جهت که بتوانم) به سراغ ایشان می‌روم و (گمراهشان می‌سازم و از راه حق منحرفشان می‌نمایم. تا بدانجا که) بیشتر آنان را (مؤمن به خود و) سپاسگزار نخواهی یافت.

توضیحات:

«أَيْمان»: جمع یمین، طرف راست. «شَمَآئِل»: جمع شِمال، طرف چپ.

سوره أعراف آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالَ ٱخۡرُجۡ مِنۡهَا مَذۡءُومًا مَّدۡحُورًاۖ لَّمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمۡ أَجۡمَعِينَ ١٨﴾

ترجمه:

(خداوند) گفت: خوار و حقیر و رانده و ذلیل از این (جایگاه قدس و قدسیان) بیرون رو. سوگند می‌خورم، دوزخ را از تو و از همه کسانی پر می‌سازم که از تو پیروی کنند.

توضیحات:

«مَذْؤُوماً»: مذموم. ننگین. حقیر. حال اوّل برای ضمیر مستتر در فعل (أُخْرُجْ) است. «مَدْحُوراً»: مطرود. رانده شده. حال دوم است. «مِنكُمْ»: از شما. در اصل: (مِنک وَ مِنْهُمْ) است و از راه تغلیب ضمیر مخاطب به کار رفته است.

سوره أعراف آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَيَـٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ فَكُلَا مِنۡ حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩﴾

ترجمه:

ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و در هر کجا که خواستید (بگردید و از نعمت‌های آن) بخورید، ولی به این درخت، نزدیک نشوید (و از آن نخورید، که اگر چنین کنید) از زمره ستمکاران خواهید شد.

توضیحات:

«حَيْثُ»: هرجا. «الشَّجَرَةَ»: درخت. بوته گیاه (نگا: صافّات / ۱۴۶). خداوند نوع درخت یا گیاه مورد نظر را مشخّص نفرموده است.

سوره أعراف آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَوَسۡوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ لِيُبۡدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيۡنِ أَوۡ تَكُونَا مِنَ ٱلۡخَٰلِدِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

سپس اهریمن آنان را وسوسه کرد تا (مخالفت با فرمان خدا را در نظرشان بیاراید و لباس‌هایشان را از تن به در آورد و برهنه و عریان‌شان سازد) و عورات نهان از دیده آنان را بدی‌شان نماید، و (بدین منظور) گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره جاویدانان (در این سرا) خواهید شد.

توضیحات:

«لِيُبْدِيَ»: تا ظاهر و آشکار سازد. «وُورِيَ»: مستور شده است. پوشیده گشته است. مجهول فعل ماضی (واری) از مصدر (مُواراه) است. «سَوْءَات»: جمع (سَوْءَة)، عورت. شرمگاه.

سوره أعراف آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ٢١﴾

ترجمه:

و برای آنان بارها سوگند خورد که من خیرخواه شما هستم.

توضیحات:

«قَاسَمَ»: سوگند خورد. بارها سوگند خورد. «النَّاصِحِينَ»: خیرخواهان. مخلصان.

سوره أعراف آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمۡ أَنۡهَكُمَا عَن تِلۡكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ٢٢﴾

ترجمه:

پس آرام آرام آنان را با مکر و فریب (به سوی نافرمانی و خوردن از آن درخت) کشید. هنگامی که از آن درخت چشیدند، عورات خویش بدیدند، و (برای پوشاندن شرمگاه‌های خود) شروع به جمع‌آوری برگ‌های (درختان) بهشت کردند و آنها را بر خود افکندند. پروردگارشان (به سرزنش ایشان پرداخت و خطاکاری آنان را متذکر شد و) فریادشان زد که آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که اهریمن دشمن آشکارتان است (و خیر شما را نمی‌خواهد؟).

توضیحات:

«فَدَلاَّهُمَا»: فعل (دَلّی) از ماده (دلو)، یعنی: اهریمن آن دو را آهسته آهسته از درجه و مقام والایشان فرود آورد و از شاخسار اطاعت به چاهسار معصیت انداخت. یا فعل (دَلّی) در اصل (دلل) و مضاعف بوده و لام دوم به یاء تبدیل شده است. در این صورت معنی چنین می‌شود: اهریمن آن دو را بر انجام کار ناشایست دل و جرأت بخشید. «بِغُرُورٍ»: با نیرنگ و فریب. «طَفِقَا»: شروع کردند. از افعال مقاربه است. «يَخْصِفَانِ»: از ماده (خصف) به معنی: الصاق. چسباندن. پینه‌کردن. یعنی: برگ درختان را بر اندام خود می‌انداختند و عورت خویشتن را با آن می‌پوشاندند.

سوره أعراف آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٢٣﴾

ترجمه:

(آدم و همسرش، دست دعا به‌سوی خدا برداشتند و) گفتند: پروردگارا! ما (با نافرمانی از تو) بر خویشتن ستم کرده‌ایم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قَالَ ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ٢٤﴾

ترجمه:

(خداوند خطاب به آدم و حوّاء و ابلیس) گفت: (از این جایگاه والا) پائین روید. برخی دشمن برخی خواهید بود. در زمین تا روزگاری استقرار خواهید داشت و (از نعمت‌های آن) بهره‌مند خواهید شد.

توضیحات:

«بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»: مراد این است که شما مردمان با اهریمنان دشمن خواهید بود. یا این که فرزندان آدم و حوّاء برخی دشمن برخی خواهند بود. «مستقرّ»: قرارگاه. استقرار. «مَتَاعٌ»: تمتّع. بهره‌مندی. کالا و قُوت زندگی. «إِليا حِينٍ»: تا زمانی که مرگتان فرا می‌رسد. تا وقتی که روزگارتان به پایان می‌رسد و قیامت بپا می‌شود.

سوره أعراف آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قَالَ فِيهَا تَحۡيَوۡنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنۡهَا تُخۡرَجُونَ٢٥﴾

ترجمه:

(خداوند) گفت: در زمین (تولید نسل می‌کنید و) زندگی بسر می‌برید و در آن می‌میرید (و دفن می‌شوید) و از آنْ (هنگام رستاخیز زنده می‌گردید و) بیرون می‌آئید.

توضیحات:

در «فِيهَا» و «مِنْهَا» مرجع ضمیرِ (ها) أَرْض است.

سوره أعراف آیه ۲۶

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمۡ لِبَاسٗا يُوَٰرِي سَوۡءَٰتِكُمۡ وَرِيشٗاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ ذَٰلِكَ خَيۡرٞۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

ای آدمیزادگان! ما لباسی برای شما درست کرده‌ایم که عورات شما را می‌پوشاند، و لباس زینتی را (برایتان ساخته‌ایم که خود را بدان می‌آرائید. امّا باید بدانید که) لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است (که انسان خود را بدان می‌آراید و خویشتن را از عذاب آخرت می‌رهاند). این (آفرینش لباس‌های ظاهری و باطنی) از نشانه‌های (فضل و رحمت) خدا است تا بندگان متذکر (نعمت‌های پروردگار) شوند.

توضیحات:

«أَنزَلْنَا»: آفریدیم. درست کردیم. (نگا: زمر / ۶، حدید / ۲۵). «یُوارِي»: می‌پوشاند. پنهان می‌دارد. «رِیشاً»: پر. در اینجا مراد لباس زینت و وسائل آرایش است. «ذلِكَ»: آن آفرینش لباس به طور مطلق، یا آن آفرینش لباس تقوا.

سوره أعراف آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ كَمَآ أَخۡرَجَ أَبَوَيۡكُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ يَنزِعُ عَنۡهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوۡءَٰتِهِمَآۚ إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡۗ إِنَّا جَعَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

ای آدمیزادگان! شیطان شما را نفریبد، همان‌گونه که پدر و مادرتان را (فریفت و) از بهشت بیرون‌شان کرد و لباس‌شان را از (تن) ایشان بیرون ساخت تا عورات‌شان را بدی‌شان نماید. شیطان و همدستانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید (لذا از راه‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلفی که نهان از دید شما است بر شما یورش می‌آورند. باید چنین دشمنانی را پائید و از کید و مکرشان ترسید. با این توضیح که آنان بر مؤمنان تسلّط ندارند و بلکه) ما شیاطین را دوستان و یاران کسانی ساخته‌ایم که ایمان نمی‌آورند (یعنی اهریمنان تنها بر غیر مؤمنان تسلّط دارند).

توضیحات:

«لا يَفْتِنَنَّكُمْ»: شما را گول نزند و نفريبد. «يَنزِعُ»: به در می‌آورد. می‌کند. «قَبِيل»: اعوان. ياران و همدستان. «مِنْ حَيْثُ»: از راهی که. به گونه‌ای که. «جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ»: مراد اين است که شيطان و يارانش تنها بر افراد بی‌ايمان و بر کسانی که ايمان سستی دارند مسلّط هستند (نگا: حجر / ۴۲، نحل / ۹۹ و ۱۰۰).

سوره أعراف آيه ۲۸

متن آيه:

﴿وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً قَالُواْ وَجَدۡنَا عَلَيۡهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا بِهَاۗ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٢٨﴾

ترجمه:

(کافران) وقتی که کار زشتی (همچون شرک و طواف کعبه را در حال برهنگی) انجام می‌دهند، می‌گويند: پدران خود را بر اين کار ديده‌ايم (و نياکانمان را بر اين روش و برنامه يافته‌ايم و ما به دنبال آنان رفته و از ايشان پيروی می‌کنيم) و خدا ما را بدان دستور داده است! بگو (ای پيغمبر)!: خداوند به کار زشت دستور نمی‌دهد. آيا چيزی را به خدا نسبت می‌دهيد که (مستند و دليل صحّت آن را) نمی‌دانيد؟

توضیحات:

«فَاحِشَةً»: عمل قبيح. گناه بسيار زشت. «الْفَحْشَآء»: عمل قبيح. گناه بسيار زشت.

سوره أعراف آيه ۲۹

متن آيه:

﴿قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمۡ تَعُودُونَ٢٩﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارم (همگان را در هر زمان و مکانی) به دادگری فرمان داده است، و (دستور او) اين (است) که در هر عبادتی رو به خدا کنيد و از وی مخلصانه اطاعت نمائيد و او را صادقانه بپرستيد. خداوند همان‌گونه که شما را در آغاز آفريده است، (به همان سادگی پس از مرگ شما را زنده می‌کند و به‌سوی او) برمی‌گرديد.

توضیحات:

«الْقِسْطِ»: دادگری. میانه‌روی. «وُجُوهٌ»: جمع وجه. چهره. ذات. «عِندَ»: در. «مَسْجِد»: مکان عبادت. زمان عبادت. سجود که مراد از آن نماز است. «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»: در هر مسجدی به نماز ایستید و دل خود را متوجّه خدا کنید. در هر زمان و مکان عبادتی خالصانه به خدا رو کنید و تنها او را در نظر داشته باشید. در هر سجده و کرنشی رو به‌سوی خدا دارید و عبادتتان تنها برای او باشد. « أُدْعُوهُ»: او را عبادت کنید و بپرستید. دعاء در اینجا به معنی عبادت است. «الدِّينَ»: اطاعت. عبادت. انقیاد.

سوره أعراف آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُۚ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ٣٠﴾

ترجمه:

(در آن وقت که به‌سوی او برمی‌گردید، دو گروه خواهید بود:) گروهی که (خداوند ایشان را موفّق گردانده است و به سبب پیروی از رهنمود پیغمبران) هدایتشان بخشیده است، و گروهی که درخور گمراهی گردیده و سرگشته شده‌اند، چرا که به جای یزدان شیاطین را به دوستی و سروری گرفته‌اند و خویشتن را راه‌یافته پنداشته‌اند.

توضیحات:

«فَرِيقاً»: گروه. دسته. واژه نخست، مفعولٌ‌به مقدّم فعل (هَدي) است، و واژه دوم مفعول به فعل محذوفی چون (أَضَلَّ) است. «مِن دُونِ الله»: به جای خدا.

سوره أعراف آیه ۳۱

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ٣١﴾

ترجمه:

ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را (با لباس مادی که عورت شما

را بپوشاند، و با لباس معنوی که تقوا نام دارد) بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده‌روی مکنید که خداوند مسرفان و زیاده‌روی کنندگان را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«خُذُوا زِینَتَکُمْ»: مراد این است که به هنگام نماز و انجام عبادت لباسهای زیبا و مؤدّبانه و پاکیزه بپوشید و به نام پرهیزگاری از لباس‌های کثیف و مندرس و یا ناشایست و جلف استفاده نکنید، و نیز تقوا و اخلاص داشته باشید. «الْـمُسْرِفِینَ»: متجاوزین از حدود حرام و حلال خدا.

سوره أعراف آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ٣٢﴾

ترجمه:

(ای محمّد! زشتی کارِ افتراء تحلیل و تحریم را بدی‌شان خاطرنشان ساز و به آنان) بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزیهای پاکیزه را تحریم کرده است؟ بگو: این (نعمتها و موهبتهای حلال و) چیزهای پاکیزه، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است (و دیگران نمی‌بایست از آن استفاده کنند. ولی در این دنیا بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست، و این هم از رحمت واسعه خدا و لطف او است. امّا) در روز قیامت این‌ها همه در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد (و دیگران به کلّی از آن محروم می‌گردند). این چنین آیات (خود را درباره احکام حلال و حرام) برای کسانی توضیح و تشریح می‌کنیم که آگاهند و می‌فهمند.

توضیحات:

«أَخْرَجَ»: بیرون آورده است. در اینجا مراد این است که: آفریده است و به مرحله ظهور رسانده است. «خَالِصَةً»: دربست. به تمام و کمال. حال است.

سوره أعراف آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٣٣﴾

ترجمه:

بگو: خداوند حرام کرده است کارهای نابهنجار (چون زنا) را، خواه آن چیزی که آشکارا انجام پذیرد و ظاهر گردد، و خواه آن چیزی که پوشیده انجام گیرد و پنهان ماند، و (هر نوع) بزهکاری را و ستمگری (بر مردم) را که به هیچ وجه درست نیست، و این که چیزی را شریک خدا کنید بدون دلیل و برهانی که از سوی خدا مبنی بر حقّانیت آن خبر در دست باشد، و این که به دروغ از زبان خدا چیزی را (درباره تحلیل و تحریم و غیره) بیان دارید که (صحّت و سقم آن را) نمی‌دانید.

توضیحات:

«بَطَنَ»: پنهان ماند. مخفی گردید. «الإِثْمَ»: گناه. بزهکاری. عطف عام بر خاصّ است. «الْبَغْيَ»: ظلم و ستم. تعدّی. عطف خاصّ بر عام است. «بِغَيْرِ الْحَقِّ»: باطل. نادرست. ذکر این قید برای توضیح و تأکید است؛ چرا که هر نوع ظلم و ستمی باطل و نادرست است. یا این که معنی آن چنین است: به ناحق. یعنی تعدّی و تجاوزی که حق است و از روی مُشاکله تعدّی و تجاوز نامیده می‌شود، بلامانع است (نگا: بقره / ۱۹۴). «سُلْطَاناً»: دلیل و برهان.

سوره أعراف آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ۝٣٤﴾

ترجمه:

هر گروهی دارای مدّت زمانی (مشخّص و معلوم) است، و هنگامی که زمان (محدود) آنان به سر رسید، نه لحظه‌ای (از آن) تأخیر خواهند کرد و نه لحظه‌ای (بر آن) پیشی می‌گیرند.

توضیحات:

«أَجَلٌ»: مدّت. زمان. وقت سررسید. «سَاعَةً»: مراد کمترین وقت ممکن است. «لا يَسْتَأْخِرُونَ»: درنگ نمی‌کنند. «لا يَسْتَقْدِمُونَ»: پیشی نمی‌گیرند و جلو نمی‌افتند.

سوره أعراف آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأۡتِيَنَّكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ۝٣٥﴾

ترجمه:

ای آدمیزادگان! اگر پیغمبرانی از جنس خود شما انسان‌ها به نزدتان بیایند و آیات مرا برای شما بازگو بنمایند، (شما دو گروه خواهید شد. گروهی حق را می‌پذیرد، و گروهی حق را تکذیب می‌دارد) پس کسانی که پرهیزگاری کنند (و با انجام طاعات و ترک محرّمات، خویشتن را از عذاب خدا در امان دارند) و به اصلاح (حال خود و دیگران) بپردازند، (در آخرت) نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌گردند.

توضیحات:

«إِمَّا»: اگر. این واژه فراهم آمده است از: (إِنْ) شرطیه و (ما) زائد که برای تأکید شرط ذکر شده است.

سوره أعراف آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ۝٣٦﴾

ترجمه:

و کسانی که آیات مرا تکذیب کنند و از (پیروی آیات و دریافت رهنمود از) آنها، خویشتن را فراتر گیرند و سرپیچی کنند، آنان دوزخیانند و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«إِسْتَكبَرُوا عَنْهَا»: خویشتن را بالاتر از آن می‌دانند که آیات خدا را بپذیرند و از آنها رهنمود گیرند.

سوره أعراف آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ يَنَالُهُمۡ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ۝٣٧﴾

ترجمه:

آخر چه کسی ستمکارتر از کسانی است که بر خدا دروغ می‌بندند یا این که آیات او را تکذیب می‌نمایند؟ نصیب مقدّرشان بدی‌شان می‌رسد (و در جهان روزگار معین خود را بسر می‌برند و روزی مشخّص خویش را می‌خورند) تا آن گاه که فرستادگان ما (یعنی فرشتگان قبض ارواح) به سراغشان می‌آیند تا جان‌شان را بگیرند. (بدین هنگام بدیشان) می‌گویند: معبودهائی که جز خدا می‌پرستیدید کجایند؟ (بدیشان بگوئید بیایند و شما را از چنگال مرگ بربایند)!. می‌گویند: از ما نهان و ناپیدا شده‌اند و به ترک ما گفته‌اند (و امید نفع و خیری بدانان نداریم. در اینجا است که) آنان علیه خود گواهی می‌دهند و اعتراف می‌کنند که کافر بوده‌اند.

توضیحات:

«نَصِيبَهُمْ مِنَ الْكِتَابِ»: قسمت مقدّر روزی. مدّت معین عمر. «الْكِتَابِ»: مقدّر. نوشته شده. مصدر است و به معنی اسم مفعول یعنی مکتوب است. «يَتَوَفَّوْنَهُمْ»: آنان را می‌میرانند. جان آنان را می‌گیرند. «كُنتُمْ تَدْعُونَ»: عبادت می‌کردید. به فریاد می‌خواندید و استمداد می طلبیدید. «ضَلُّوا عَنَّا»: از ما نهان و ناپیدا شده‌اند و به ترک ما گفته‌اند. (ضَلُّوا) در اینجا به معنی (غابُوا) است. «شَهِدُوا»: گواهی دادند. اعتراف نمودند.

سوره أعراف آیه ۳۸

متن آیه:

﴿قَالَ ٱدۡخُلُواْ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ فِي ٱلنَّارِۖ كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ أُخۡتَهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعٗا قَالَتۡ أُخۡرَىٰهُمۡ لِأُولَىٰهُمۡ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَـَٔاتِهِمۡ عَذَابٗا ضِعۡفٗا مِّنَ ٱلنَّارِۖ قَالَ لِكُلّٖ ضِعۡفٞ وَلَٰكِن لَّا تَعۡلَمُونَ٣٨﴾

ترجمه:

(در روز قیامت خداوند به این کافران) می‌گوید: به همراه گروه‌ها و دسته‌هائی از کافران انس و جنّی که پیش از شما (در دنیا مدّتی زندگی کرده‌اند و آن گاه از جهان) رفته‌اند وارد آتش دوزخ شوید! (در این هنگام) هر وقت گروهی داخل آتش شود، گروه همجنس (پیشین) خود را نفرین می‌فرستد، تا آن گاه که همه به هم می‌رسند و پیش هم گرد می‌آیند، آن وقت پسینیان خطاب به پیشینیان می‌گویند: پروردگارا! اینان ما را

گمراه کرده‌اند (زیرا که پیش از ما بوده‌اند و ما را به‌سوی کفر رهبری نموده‌اند) پس آتش آنان را چندین برابر (تیزتر و عذابشان را بیشتر) گردان. (پروردگار خطاب بدی‌شان) می‌گوید: عذاب هر یک از شما (پیروان و پسروان و بالادستان و زیردستان، به سبب کفر و ضلال و تقلید کورکورانه از همدیگر) چندین برابر است، ولی (به علّت عذاب سخت خود، اندازه عذاب دیگران را) نمی‌دانید.

توضیحات:

«أدْخُلُوا فِي»: واژه (في) در اینجا به معنی (مَعَ) است. یعنی. همراه با. «خَلَتْ»: رفته‌اند. گذشته‌اند. «أُخْتَهَا»: خواهرش. در اینجا مراد همجنس و همکیش است که اینان بر اثر آنان رفته‌اند و از ایشان تقلید نموده‌اند. «إدَّارَكُوا»: به هم رسیدند. با هم گرد آمدند. اصل این فعل (تَدارَكُوا) و از باب تفاعُل است. «أُخْرَاهُمْ»: پسینیان. مراد پیروان و تقلیدکنندگان است «اُولاهُمْ»: پیشینیان. مراد پیشوایان و تقلیدشدگان است. «ضِعْفاً»: دو چندان. چند برابر.

سوره أعراف آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَقَالَتۡ أُولَىٰهُمۡ لِأُخۡرَىٰهُمۡ فَمَا كَانَ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلٖ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ۳۹﴾

ترجمه:

و رؤساء و پیشینیان به پیروان و پسینیان می‌گویند: شما هیچ‌گونه امتیازی بر ما ندارید (و تخفیفی از عقاب نه شما را است و نه ما را؛ چاره‌ای نیست جز واویلا و مدارا)! پس بچشید عذاب را به سبب کاری که خود کرده‌اید (و خود کرده را چاره نیست).

توضیحات:

«فَضْلٍ»: برتری. مراد برتری از لحاظ تخفیف عذاب است.

سوره أعراف آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ۴۰﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که آیات (کتاب‌های آسمانی و نشانه‌های گسترده جهانی) ما را تکذیب می‌کنند و خویشتن را بالاتر از آن می‌دانند که بدان‌ها گردن نهند، درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌گردد (و خودشان بی‌ارج و اعمال‌شان بی‌ارزش می‌ماند) و به بهشت وارد نمی‌شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد (که به هیچ وجه امکان ندارد، و لذا ایشان هرگز به بهشت داخل نمی‌گردند). این چنین ما گناهکاران را جزا و سزا می‌دهیم.

توضیحات:

«لا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوابُ السَّمَآءِ»: مراد این است که دعاها و اعمال‌شان پذیرفته نمی‌شود. اعمال‌شان به‌سوی خدا اوج نمی‌گیرد (نگا: فاطر / ۱۰) و به‌سوی (علّیّین) بالا نمی‌رود و بلکه در (سِجّین) ثبت و ضبط می‌شود (نگا: مطفّفین / ۷ و ۱۹). ارواح آنان به‌سوی بهشت پر نمی‌کشد که در آسمان‌ها و آن بالا بالاها قرار دارد (نگا: نجم / ۱۵). «يَلِجَ»: داخل شود. «سَمِّ»: سوراخ. «الْخِيَاطِ»: سوزن. «حَتَّيا يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»: تا آن گاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد. این سخن بر سبیل ضرب‌المثل است و بیان‌گر چیز ناممکن و ناشدنی است.

سوره أعراف آیه ۴۱

متن آیه:

﴿لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ۝٤١﴾

ترجمه:

برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوش‌هائی از آتش است. ما این چنین جزا و سزای ستمکاران (گمراه و کفرپیشه) را می‌دهیم.

توضیحات:

«مِهَادٌ»: بستر. زیرانداز. «غَوَاشٍ»: جمع غاشِیة، بالاپوش. پوشش. مراد آتش است که از هر سو ایشان را احاطه می‌کند (نگا: زمر / ۱۶) (غَواشٍ) مبتدای مؤخّر و (مِن فَوْقِهِمْ) خبر مقدم آن است.

سوره أعراف آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند – به هیچ کس (از آنان) جز به اندازه تاب و توانش تکلیف نمی‌کنیم – ایشان بهشتیانند و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: مبتدا است، و (أولئِكَ أَصْحَابُ الجَنَّةِ) خبر آن است. «لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلاّ وُسْعَهَا»: به هیچ کسی جز به اندازه تاب و توانش تکلّیف نمی‌کنیم و جز به اندازه استعداد فکری و جسمی و امکاناتش انتظار نداریم. جمله معترضه است.

سوره أعراف آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلّٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُۖ لَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّۖ وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

هرگونه کینه‌ای را از دل‌هایشان می‌زدائیم (تا برادرانه در کمال صفا و صمیمیت در بهشت بسر برند). در زیر (قصرها و درختان) آنان رودبارها جاری می‌گردد. (خرّم و خندان خدای را سپاس می‌گذارند) و می‌گویند: خدائی را سپاسگزاریم که ما را بدین (نعمت جاویدان و بی‌پایان) رهنمود فرمود و اگر (لطف عمیم و فضل کریم) خدا (نبود و توسّط پیغمبران ما را توفیق عنایت نمی‌فرمود و) رهنمودمان نمی‌نمود، هدایت فراچنگ نمی‌آوردیم. واقعاً پیغمبرانِ پروردگارمان حق آوردند (و حق گفتند و به‌سوی حق همگان را رهبری نمودند. در اینجا از سوی فرشتگان خدا) ندا داده می‌شود که: این بهشت شما است (که در جهان به شما وعده داده شده بود، و هم اینک) آن را به خاطر اعمالی (بایسته و کردارهای شایسته‌ای) که انجام داده‌اید به ارث می‌برید.

توضیحات:

«نَزَعۡنَا»: بیرون کشیدیم. «غِلٍّ»: کینه. دشمنی.

سوره أعراف آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدۡ وَجَدۡنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّٗا فَهَلۡ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمۡ حَقّٗاۖ قَالُواْ نَعَمۡۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنُۢ بَيۡنَهُمۡ أَن لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

(پس از استقرار بهشتیان در بهشت، و دوزخیان در دوزخ) بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که ما آنچه را پروردگارمان (توسّط پیغمبران) به ما وعده داده بود همه را حق یافته‌ایم (و به نعمت و کرامت خدای خود رسیده‌ایم)، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافته‌اید (و به عقاب و عذاب خدا گرفتار آمده‌اید؟). می‌گویند: بلی! (همه را عین حقیقت دیده‌ایم و به عقاب هولناک و عذاب دردناکی دچار آمده‌ایم. دریغا و فسوسا! در این هنگام، میان بهشت و دوزخ) ندادهنده‌ای در میان‌شان ندا درمی‌دهد که نفرین خدا بر ستمگران باد!

توضیحات:

«حَقّاً»: حال یا مفعول دوم است. «أَذَّنَ»: صدا زد. ندا در داد. «مُوَذِّنٌ»: ندا دهنده. این ندا دهنده شاید فرشته‌ای یا انسانی باشد.

سوره أعراف آیه ۴۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

آن ستمگرانی که (مردمان را) از راه خدا باز می‌داشتند، و (بر راستای خداشناسی سدها و مانع‌ها ایجاد می‌کردند، و در دل‌های مردمان شک‌ها و گمان‌ها می‌انداختند تا آنان را منحرف سازند و بدی‌شان) راه خدا را کج و نادرست نشان دهند، و آنانی که به آخرت کفر می‌ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند).

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: صفت (الظَّالِمِينَ) است. «يَبْغُونَـهَا عِوَجاً»: آن را کج می‌خواهند. یعنی همیشه در صدد آن هستند که جاده مستقیم الهی را کج نشان دهند و نادرست جلوه بنمایند.

سوره أعراف آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَبَيۡنَهُمَا حِجَابٞۚ وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ كُلَّۢا بِسِيمَىٰهُمۡۚ وَنَادَوۡاْ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۚ لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ يَطۡمَعُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

در میان بهشتیان و دوزخیان مانعی وجود دارد (اَعراف نام) و بالای اعراف مردانی (از بهترینِ مؤمنان و برگزیده‌ترینِ ایشان) قرار دارند و (از آنجا همه مردمان را می‌نگرند و نیکان و بدان) جملگی را از روی سیمای (سعادت یا شقاوتِ) ایشان می‌شناسند. بهشتیان را بدان گاه که هنوز وارد بهشت نشده‌اند و می‌خواهند بدان داخل شوند فریاد می‌دارند که درودتان باد! (مژده باد که شما را که خوفی و هراسی ندارید و جاودانه در بهشت ماندگارید).

توضیحات:

«حِجَابٌ»: سِتر. مانع. مراد دیواری است که دروازه‌ای دارد و عرض و طول و چگونگی آن بر ما مجهول است (نگا: حدید / ۱۳). «الأعْرَافِ»: جمع عُرْف، بلندی‌ها، در اینجا مراد بلندی‌های (سُور) مذکور در (حدید / ۱۳) است. «رِجالٌ»: مردانی که بر اعراف قرار دارند که برخی آنان را از زبدگان مؤمنان می‌دانند، و برخی ایشان را کسانی می‌دانند که حسنات و سیئات ایشان مساوی است و هنوز تکلیفشان روشن نگشته است، ولی امیدوارند که به بهشت روند. «لَـمْ يَدْخُلُوهَا...»: مرجع ضمیر (و) می‌تواند واژه (رِجالٌ) یا (أَصْحاب) باشد.

سوره أعراف آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا صُرِفَتۡ أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

هنگامی که چشمان (مؤمنان مستقرّ در اعراف) متوجّه دوزخیان می‌شود، (آنچه نادیدنی است آن بینند، و از هراس آتش دوزخ) می‌گویند: پروردگارا! ما را با (این) گروه ستمگر همراه مگردان.

توضیحات:

«صُرِفَتْ»: متوجّه گردانده شد. «تِلْقَآءَ»: جهت. سو. مصدر (لَقِيَ) است.

سوره أعراف آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم بِسِيمَىٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ٤٨﴾

ترجمه:

و آنان که بر اعراف جایگزینند، مردانی (از دوزخیان) را که از سیمای‌شان آنان را می‌شناسند، صدا می‌زنند و می‌گویند: آیا گردآوری (مال و ثروت و سپاه و حشم) شما، و چیزهائی که (می‌پرستیدید و) بدان‌ها می‌نازیدید و بزرگ می‌داشتید، چه سودی به حالتان داشت؟

توضیحات:

«مَآ أَغْنَيا عَنكُمْ»: چه سودی به حالتان داشت؟ چه سودی برایتان نداشت. «جَمْعُكُمْ»: گردآوری مال و ثروت و سپاه و غیره. جمعیت. تعداد افراد. «مَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ»: چیزهائی که بزرگ‌شان می‌داشتید و بتانی که می‌پرستید. چیزی که همیشه بدان تکبّر می‌کردید. خود را بزرگ‌تر از آن می‌دیدید که حق را بپذیرید.

سوره أعراف آیه ۴۹

متن آیه:

﴿أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍۚ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ٤٩﴾

ترجمه:

آیا اینان (که هم اکنون به بهشت می‌روند و غرق نعمت جاوید یزدان می‌شوند) همان کسانی نیستند که (در دنیا) سوگند می‌خوردید: ممکن نیست خداوند رحمی

بدی‌شان کند (و آنان را به بهشت نائل گرداند؟ ای مؤمنان! به کوری چشم کافران) به بهشت درآئید. نه ترسی متوجّه شما می‌گردد و نه به غم و اندوهی گرفتار می‌آئید. (چرا که بهشت جای سعادت و سرور و شادمانی و نعمت جاویدان یزدانی است).

توضیحات:

«أَقْسَمْتُمْ»: سوگند خوردید. «أُدْخُلُوا الجَنَّةَ...»: این عبارت می‌تواند فرموده خدا خطاب به اصحاب اعراف یا سائر مؤمنان باشد؛ و یا گفته اصحاب اعراف خطاب به مؤمنان بشمار آید.

سوره أعراف آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُۚ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ۝٥٠﴾

ترجمه:

دوزخیان بهشتیان را صدا می‌زنند که مقداری از آب یا از چیزهائی که خداوند قسمت شما فرموده است به ما عطاء کنید. بهشتیان می‌گویند: خداوند آب و چیزهای بهشت را بر کافران قدغن کرده است.

توضیحات:

«نَادَي»: صدا زد. چگونگی صدازدن بر ما مجهول است، جز این که چنین صدازدنی دلیل بر قرب مکانی بهشت و دوزخ نمی‌باشد. امروزه در دنیا به وسیله دستگاه‌ها با هم صحبت‌کردن و یکدیگر را از مسافت دور دیدن چیز عادی است. «أَفِيضُوا»: عطاء کنید.

سوره أعراف آیه ۵۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا نَسُواْ لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ۝٥١﴾

ترجمه:

آن کسانی که (به دنبال دین حق راه نیفتادند و بلکه) خوشگذرانی و بازی را آئین خود کردند (و دین را مسخره پنداشتند و به بازیچه گرفتند) و زندگی دنیا آنان را گول زد (و جهان عاجل، ایشان را از جهان آجل بازداشت)، پس امروز ایشان را (از

برخورداری از الطاف و انعام خود بی‌نصیب و آنان را) از یاد می‌بریم، چون که ایشان رسیدن به چنین روزی را از یاد بردند و آیات (دیدنی جهان و خواندنی قرآن و سائر کتاب‌های آسمانی) ما را انکار کردند.

توضیحات:

«إِتَّخَذُوا دینَهُمْ لَهْواً وَلَعِباً»: لَهْو و لعب را آئین خود کردند. دین خود را به بازی و شوخی گرفتند. «کَمَا»: همان‌گونه که. چون که. زیرا که. حرف (ک) می‌تواند برای تشبیه یا تعلیل باشد. واژه (ما) در (کَما) و در (وَما کانُوا...) مصدری است و بعد از تأویل به مصدر چنین می‌شود: «کَنِسْیَانِهِمْ وَ جُحُودِهِمْ. لِنِسْیانِهِمْ وَجُحُودِهِمْ».

سوره أعراف آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ جِئْنَٰهُم بِكِتَٰبٖ فَصَّلْنَٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدٗى وَرَحْمَةٗ لِّقَوْمٖ يُؤْمِنُونَ۝٥٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان کتاب بزرگی (به نام قرآن) را برای ایشان فرستاده‌ایم که با آگاهی (کامل و شامل خدایانه خود از فطرت انسان و سرشت جهان، احکام و معانی) آن را توضیح داده و تبیین کرده‌ایم تا مایه هدایت (ایشان به‌سوی سعادت) و رحمت (خدا در هر دو سرا) برای کسانی باشد که مؤمنین (بدان) باشند.

توضیحات:

«فَصَّلْناهُ»: معانی و مفاهیم آن را اعم از عقائد و احکام و مواعظ، مفصّلاً و مشروحاً بیان داشته‌ایم و روشن نموده‌ایم. «عَلی عِلْمٍ»: آگاهانه. مشتمل بر دانش بسیار. حال ضمیر فاعلی (نا) و به معنی (عالِمینَ) و یا حال ضمیر مفعولی (هُ) و به معنی (مُشْتَمِلاً عَلي عِلْمٍ کَثیرٍ) است. «هُديً وَ رَحْمَةً»: مفعولٌ‌له یا حال (کِتابٍ) یا ضمیر (هُ) است.

سوره أعراف آیه ۵۳

متن آیه:

﴿هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥۚ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُۥ يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُواْ لَنَآ أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعْمَلُۚ قَدْ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ۝٥٣﴾

ترجمه:

آیا (افراد بی‌باور) انتظار جز این را دارند که سرانجام تهدیدهای کتاب خدا را مشاهده کنند (و عقاب و عذاب موعود او را هم اینک ببینند؟). روزی چنین سرانجامی فرا می‌رسد (و عقاب و عذاب خدا گریبانگیرشان می‌گردد. در آن روز) آنان که در دنیا آن را فراموش کرده‌اند و پشت گوش انداخته‌اند، می‌گویند: بی‌گمان پیغمبرانِ پروردگارمان آمدند و حق را با خود آوردند (و ما و دیگران را به‌سوی آن دعوت کردند، ولی ما بدان کافر شدیم و اکنون پشیمانیم و راه چاره‌ای برای خود نمی‌دانیم) آیا میانجیگرانی داریم که برای ما میانجیگری کنند (و ما را از دست عذاب برهانند؟) یا (کاری کنند که مجدّدا به جهان) برگردانده شویم تا اعمالی انجام دهیم جدای از اعمالی که قبلاً می‌کردیم؟ (ولی مگر ممکن است چنین شود؟! آنان پاسخی برای خود نمی‌شنوند. چرا که با غرور بیجا در دنیا) ایشان خویشتن را زیانبار کرده‌اند و هستی خود را باخته‌اند، و معبودهائی را که به دروغ ساخته بودند همگی گم گشته‌اند و ناپدید شده‌اند.

توضیحات:

«تَأۡوِيلَهُۥ»: سرانجام و عاقبت آن. مراد عقاب و عذابی است که وعده داده می‌شود.

«مِن قَبۡلُ»: قبلاً. در دنیا.

سوره أعراف آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٥٤﴾

ترجمه:

پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس بر تخت (مرکز فرماندهی جهان) چیره شد (و به اداره جهان هستی پرداخت). با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

توضیحات:

«سِتَّةِ أَيَّامٍ»: شش روز. مراد شش دوره از زمان است که مقدار آنها را کسی جز خدا نمی‌داند. «إِسْتَوَيا»: مستولی شد. استقرار یافت. چگونگی آن بر ما مجهول است و آنچه از آن می‌فهمیم این است که خداوند به فرمانروائی و اداره جهان پرداخت. «الْعَرْش»: تخت سلطنت. آفریده سترگی است که چگونگی آن بر ما مجهول است. «إِسْتَوي عَلي الْعَرْشِ»: کاملاً چیره شد و فرماندهی را به دست گرفت. «حَثِيثاً»: با سرعت. شتابان. حال فاعل (يَطْلُبُهُ) است. یا صفت مصدر محذوف است و تقدیر چنین است: «يَطْلُبُهُ طَلَباً حَثِيثاً». «مُسَخَّرَاتٍ»: فرمانبرداران. فرمانبران. حال است. «الْخَلْقُ»: آفرینش. همه مخلوقات. «الأَمْرُ»: فرماندهی. رهبری و گرداندن کار و بار مخلوقات و نظارت بر احوال و اوضاع آنها. «تَبَارَكَ اللهُ»: مقدّس و منزّه خدا است. خیر و برکت مادی و معنوی خدا افزون و فراوان است. جاوید و بزرگوار خدا است. فعل (تَبارَكَ) از مصدر (بَرَكَة) به معنی کثرت و زیادت یا به معنی ثبوت و ماندگاری است.

سوره أعراف آیه ۵۵

متن آیه:

﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ۝٥٥﴾

ترجمه:

پروردگارِ خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید (و در دعا با بلندگرداندن صدا یا درخواست چیز ناروا از حدّ اعتدال تجاوز مکنید که) او تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«تَضَرُّعاً»: متواضعانه و خاشعانه. علنی و آشکارا. حال ضمیر (و) در فعل (أُدْعُوا) است و به معنی مُتَضَرِّعِينَ است. «خُفْيَةً»: پنهانی. نهانی.

سوره أعراف آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًاۚ إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ۝٥٦﴾

ترجمه:

در زمین بعد از اصلاح آن (توسّط خدا یا بر دست انبیاء علی‌الخصوص محمّد مصطفی) فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش، و امید به رحمتش). بی‌گمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است. (پس نیکوکار باشید تا دعای شما پذیرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود).

توضیحات:

«خَوْفاً وَ طَمَعاً»: در حال خوف و رجا. از ترس عقاب و امید به ثواب. هر دو واژه حال و به معنی: «خَآئِفِينَ وَطَامِعِين» می‌باشند. «قَرِيبٌ»: مذکر آمدنِ (قَريبٌ) به سبب کسب تذکیر مضاف یعنی (رَحْمَةَ) از مضاف‌الیه‌یعنی (اللهِ) است. یا حمل فَعیل به معنی فاعِل بر فَعیل به معنی مَفْعُول است. (نگا: روح‌المعانی، اعراف / ۵۶).

سوره أعراف آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتۡ سَحَابٗا ثِقَالٗا سُقۡنَٰهُ لِبَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَنزَلۡنَا بِهِ ٱلۡمَآءَ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ كَذَٰلِكَ نُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

او کسی است که بادها را به عنوان مژده‌رسانهای رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد (تا مردمان را به باریدن باران که مایه حیات و بیان‌گر لطف یزدان است مژده دهند). هنگامی که بادها ابرهای سنگین (و پر آب را بر دوش خود) برداشتند، آنها را به خاطر (آبیاری) زمینی (بی‌جنب و جوش و خشکیده همچون) مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را (از خاک تیره) پدید می‌آوریم. و همان‌گونه (که زمین مرده را پرجنب و جوش و زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم. درباره این امثال که بیان‌گر نمونه معاد در این دنیا است بیندیشید) تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید.

توضیحات:

«بُشْراً»: جمع بَشیر، مژده‌دهندگان. «بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ»: پیشاپیش باران رحمت خود.

«أَقَلَّتْ»: برداشت. «سَحاباً»: ابرها. جمع سَحابَة. «ثِقَالاً»: جمع ثَقیلَة، سنگین از آب فراوان. «سُقْنَا»: راندیم.

سوره أعراف آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخۡرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَٱلَّذِي خَبُثَ لَا يَخۡرُجُ إِلَّا نَكِدٗاۚ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَشۡكُرُونَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

زمین خوب (و دارای خاک مرغوب)، گیاه آن به فرمان پروردگارش می‌روید و بالا می‌گیرد، امّا زمین بد (و شوره‌زار) از آن جز گیاه ناچیز و کم‌سود نمی‌روید. (این مثلی است در تأثیرِ وراثت، تفاوتِ قابلیت در افراد، نجابتِ خانوادگی، و تأثیر ایمان و کفر دودمان در زندگی زناشوئی. مردمان در فهم و ادراک، همچون زمین خوب و بدند) و ما برای شکرگزاران این چنین آیات را بیان می‌کنیم.

توضیحات:

«نَكِداً»: پر درد سر و کم سود. حال ضمیر مستتر در (يَخْرُجُ) است.

سوره أعراف آیه ۵۹

متن آیه:

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ۝٥٩﴾

ترجمه:

(پیوسته مشرکان، دشمنان حق بوده‌اند، و کافران با پیغمبران جنگیده‌اند. از جمله) ما نوح را به‌سوی قوم خود (که در میان‌شان برانگیخته شده بود) فرستادیم. او بدی‌شان گفت: ای قوم من! برای شما جز خدا معبودی نیست. پس تنها خدا را بپرستید. من (از شما و دلسوزتان می‌باشم. قیامت و حساب و کتابی در میان است و اگر نافرمانی کنید) می‌ترسم دچار عذاب آن روزِ بزرگ شوید (و به دوزخ روید).

توضیحات:

«يَوْمٍ عَظِيمٍ»: روز بزرگ که قیامت است.

سوره أعراف آیه ۶۰

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٦٠﴾

ترجمه:

اشراف و رؤسای قوم او گفتند: ما شما را (دور از حق و) در گمراهی و سرگشتگی آشکاری می‌بینیم.

توضیحات:

«الْمَلأُ»: اشراف رؤساء و زعماء.

سوره أعراف آیه ۶۱

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي ضَلَٰلَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦١﴾

ترجمه:

گفت: ای قوم من! هیچ‌گونه گمراهی در من نیست و دچار سرگشتگی هم نیستم. ولی من فرستاده‌ای از سوی پرودرگار جهانیانم.

توضیحات:

«ضَلالَةٌ»: کمترین گمراهی.

سوره أعراف آیه ۶۲

متن آیه:

﴿أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمۡ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

من مأموریت‌های (محولّه از سوی) پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و شما را پند و اندرز می‌دهم و از جانب خدا چیزهائی (به من وحی می‌گردد و) می‌دانم که شما نمی‌دانید.

توضیحات:

«رِسَالات»: جمع رسالت، چیزهائی که پیغمبران را مأمور تبلیغ آنها می‌کنند.

سوره أعراف آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَوَعَجِبۡتُمۡ أَن جَآءَكُمۡ ذِكۡرٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنكُمۡ لِيُنذِرَكُمۡ وَلِتَتَّقُواْ وَلَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

آیا تعجّب می‌کنید از این که (کتاب آسمانی پر) اندرزی از سوی پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان به شما برسد تا شما را بیم دهد و پرهیزگار شوید و (در پرتو هراس از عذاب و عقاب، و پرهیز از موجبات خشم خدا) امید آن باشد که مشمول رحمت و رأفت گردید؟

توضیحات:

«ذِكْرٌ»: پند و اندرز. در اینجا مراد کتاب آسمانی است (نگا: یوسف / ۱۰۴، انبیاء / ۵۰).

سوره أعراف آیه ۶۴

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمًا عَمِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

امّا آنان (با وجود این همه دلائل روشن ایمان نیاوردند و) او را تکذیب کردند. پس ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم، و کسانی را که آیات (خواندنی و دیدنی) ما را تکذیب نمودند، غرق کردیم، چرا که آنان مردمان (کور دل و) نابینائی بودند (و حق را نمی‌دیدند).

توضیحات:

«أَلَّذِينَ مَعَهُ»: کسانی که با او بودند. کسانی که پیروان او بودند. «فِي الْفُلْكِ»: در کشتی. با کشتی. «عَمِينَ»: جمع عَمی، نابینایان. کوردلان.

سوره أعراف آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

(همان‌گونه که نوح را برای دعوت به توحید به‌سوی قوم خود فرستادیم،) هود را هم به‌سوی قوم عاد که خودش از آنان بود روانه کردیم. هود به قوم عاد گفت: ای قوم من! خدای را بپرستید و (بدانید) جز او معبودی ندارید. آیا پرهیزگاری نمی‌ورزید؟ (و نمی‌خواهید با یکتاپرستی خویشتن را از شرّ و فساد در امان دارید)؟.

توضیحات:

«أَخَاهُمْ»: برادرشان. مراد اخوّت در جنس است. در میان عرب‌ها رسم است که خطاب به هم می‌گویند: «یا أَخا الْعَرَبِ». واژه (أَخا) مفعول فعل محذوف (أَرْسَلْنا) است.

سوره أعراف آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ٦٦﴾

ترجمه:

رؤساء و اشراف کفرپیشه قوم او گفتند: ما شما را ابله می‌دانیم؛ (آخر این چه دعوتی است که راه انداخته‌ای و این چه چیز است که ما را بدان می‌خوانی)؟! و ما شما را از زمره دروغگویان می‌پنداریم.

توضیحات:

«سَفاهَة»: کم‌خردی. ابلهی. «مِنَ الْكَاذِبِينَ»: از زمره دروغگویان. این سخن بیان‌گر این است که پیغمبران پیشین را هم دروغگو پنداشته‌اند و آنان را نیز تکذیب نموده‌اند.

سوره أعراف آیه ۶۷

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي سَفَاهَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٦٧﴾

ترجمه:

هود گفت: ای قوم من! من ابله نیستم. بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم.

توضیحات:

«لَيْسَ بِي سَفَاهَة»: هیچ‌گونه سبک‌مغزی و کم‌خردی در من نیست.

سوره أعراف آیه ۶۸

متن آیه:

﴿أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمۡ نَاصِحٌ أَمِينٌ ٦٨﴾

ترجمه:

من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می‌رسانم و من اندرزگوی امینی برای شما هستم (و در آنچه می‌گویم یکرنگ و راستگویم و از خود چیزی نمی‌گویم).

توضیحات:

«نَاصِحٌ»: نصیحت‌کننده. دلسوز. مخلص.

سوره أعراف آیه ۶۹

متن آیه:

﴿أَوَعَجِبۡتُمۡ أَن جَآءَكُمۡ ذِكۡرٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنكُمۡ لِيُنذِرَكُمۡۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ قَوۡمِ نُوحٖ وَزَادَكُمۡ فِي ٱلۡخَلۡقِ بَصۜۡطَةٗۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

آیا تعجّب می‌کنید از این که (کتاب آسمانی پر) اندرزی از سوی پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان به شما برسد تا شما را بیم دهد. به یاد آورید آن زمانی را که شما را بعد از قوم نوح وارثان زمین کرد و شما را در میان مردمان از سلطنت شکوهمندتر و از مملکت فراختر و از قدرت جسمانی بیشتری برخوردار کرد. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید (و شکر آنها را بگزارید) باشد که رستگار شوید.

توضیحات:

«الْخَلْقِ»: مردمان، آفریدگان. خلقت، بنیه. «فِي الْخَلْقِ»: در میان مردمان. از لحاظ بدنی. «بَصْطَةً» = «بَسْطَةً»: توسعه، گسترش. مفعول‌به یا تمییز است. «ءَالآءَ»: جمع إلی، نعمت‌ها.

سوره أعراف آیه ۷۰

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِنَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَحۡدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧٠﴾

ترجمه:

گفتند: آیا به پیش ما آمده‌ای (و دست‌اندر کار تبلیغ شده‌ای) تا ما را بر آن داری که بُتانی را رها سازیم که پدرانمان آنها را پرستیده‌اند و تنها خدا را بپرستیم و بس؟! (ما هرگز چنین نخواهیم کرد.) پس چیزی را بر سر ما بیاور که (در برابر نافرمانی از خود) به ما وعده می‌دهی، اگر از راستگویانی.

توضیحات:

«وَحْدَهُ»: تنها. یگانه. حال است. «نَذَرَ»: ترک کنیم. رها سازیم.

سوره أعراف آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالَ قَدۡ وَقَعَ عَلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ رِجۡسٞ وَغَضَبٌۖ أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسۡمَآءٖ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٖۚ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ٧١﴾

ترجمه:

هود گفت: (به سبب نافرمانی و دشمنانگیتان با حق) مسلّماً عذاب بزرگی و خشم سترگی از سوی پروردگارتان بر شما واقع می‌شود و بی‌گمان دامنگیرتان می‌گردد. آیا با من درباره بت‌هائی ستیزه می‌کنید که از الوهیت جز نامی ندارند و شما و نیاکان شما بر آنها نام خدا گذارده‌اید و معبودشان نامیده‌اید، و هیچ‌گونه حجّتی (که دالّ بر الوهیت آنها باشد) از جانب خدا در حقّ آنها نازل نشده است. (اکنون که چنین است) در انتظار (عذاب خدا) باشید و من هم با منتظرانِ (شما چشم به راه نزول عذاب) می‌مانم.

توضیحات:

«وَقَعَ»: رخ داد. ثابت و واجب گردید. «رِجْسٌ»: عذاب. «سُلْطَانٍ»: دلیل و برهان.

سوره أعراف آیه ۷۲

متن آیه:

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَقَطَعۡنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۖ وَمَا كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

پس (عذاب طوفانِ باد دامنگیرشان گردید، و ما) هود و مؤمنانی را که با او بودند در پرتو لطف و مرحمت خود رهائی بخشیدیم، و کسانی را که آیات (خواندنی و دیدنی) ما

را تکذیب کردند و از زمره مؤمنان نشدند، نابود و مستأصل گرداندیم.

توضیحات:

«أَنجَيْنَا»: نجات دادیم. «دَابِرَ»: آخر. تابع. قطعِ دابِر، کنایه از استیصال و نابودکردن است (نگا: انعام / ۴۵).

سوره أعراف آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٧٣﴾

ترجمه:

(از زمره پیغمبران یکی هم) صالح را به‌سوی قوم ثمود که خودش از آنان بود فرستادیم. صالح بدی‌شان گفت: ای قوم من! خدای را بپرستید (و بدانید که) جز او معبودی ندارید. هم اینک معجزه بزرگی (بر صدق پیغمبری من) از سوی پروردگارتان برایتان آمده است و (آن) این شتر خدا است (با ویژگی‌های خاصّ خود) که به عنوان معجزه‌ای برای شما آمده است (و یک شتر عادی و معمولی نیست). پس آن را به حال خود واگذارید تا در زمین هر کجا خواست بچرد، و بدان آزاری مرسانید که (اگر آزاری برسانید) عذاب دردناکی دچارتان می‌گردد.

توضیحات:

«بَيِّنَةٌ»: دلیل. معجزه بزرگ و روشن. «ءَايَةً»: نشانه. معجزه. حال ناقه است. عامل آن معنی اشاره است که عامل معنوی است.

سوره أعراف آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ ٱلۡجِبَالَ بُيُوتٗاۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

و به یاد داشته باشید که خداوند شما را جانشینان قوم عاد کرده است و در

سرزمین (حجر، میان حجاز و شام) استقرار بخشیده است. (سرزمینی با دشت‌های مسطّح و حاصلخیز، و با کوهستان‌های مستحکم و مستعدّی که می‌توانید) در دشت‌های آن کاخ‌ها برافرازید و در کوه‌های آن خانه‌ها بتراشید و بسازید. پس نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشید و در زمین، تباهکارانه فساد راه می‌ندازید.

توضیحات:

«بَوَّأَ»: استقرار بخشید. منزل و مأوی داد. «تَنْحِتُونَ»: می‌تراشید. «سُهُول»: جمع سَهْل، دشت‌ها. «الْجِبَالَ بُيُوتاً»: واژه (الْجِبالَ) می‌تواند مفعول باشد و (بُيُوتاً) حال بوده و تأويل به مشتقّ شود؛ یعنی انگار به معنی (مَسْكُونَةً) باشد. یا این که (الْجِبَالَ) منصوب به نزع خافض بوده و (بُيُوتاً) مفعول بشمار آید. «لا تَعْثَوْا»: فساد و تباهی مکنید. «مُفْسِدِينَ»: حال است و برای تأکید معنی (لا تَعْثَوْا) به کار رفته است.

سوره أعراف آیه ۷۵

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

اشراف و رؤسای متکبّر قوم او به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا واقعاً می‌دانید که صالح فرستاده‌ای از جانب پروردگار خدا است؟ (مستضعفان پاسخ دادند و) گفتند: ما بدانچه او بدان مأموریت یافته است ایمان داریم.

توضیحات:

«إِسْتَكْبَرُوا»: تکبّر نمودند و بزرگی فروختند و حقّ را نپذیرفتند. «اسْتُضْعِفُوا»: ضعیف بشمار آمده بودند. مراد کسانی است که استثمار شده بودند. «لِمَنْ ءَامَنَ»: بدل جزء از کلّ برای (لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا) است.

سوره أعراف آیه ۷۶

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

مستکبران (به مستضعفان) گفتند: ولی ما بدانچه شما بدان ایمان دارید، ایمان نداریم.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَعَقَرُواْ ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

پس شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرکشی نمودند و گفتند: ای صالح! اگر (راست می‌گوئی) از زمره پیغمبرانی، آنچه را که به ما وعده می‌دهی (و عذابی را که ما را از آن می‌ترسانی) بر سر ما بیاور!.

توضیحات:

«عَقَرُوا»: پی‌کردند. شتر را ذبح کردند. «عَتَوْا»: سرکشی کردند.

سوره أعراف آیه ۷۸

متن آیه:

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٧٨﴾

ترجمه:

(در نتیجه ستیزه‌جوئی و طغیان‌گری) زلزله‌ای (قصرها و خانه‌های مستحکم) ایشان را در برگرفت (و زندگی پرزرق و برق آنان را در هم کوبید) و در شهر و دیار خود خشکیدند و مردند.

توضیحات:

«الرَّجْفَةُ»: زلزله. «جَاثِمِينَ»: بر زانوها افتادگان. پیکرهای خشکیده و بی‌جان. «فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ»: صبحگاهان در خانه‌های خود اجسام بی‌جانی شدند و نقش بر زمین گشتند. با توجّه بدین معنی، (أَصْبَحُوا) تامّه است و (جَاثِمِينَ) حال است.

سوره أعراف آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٧٩﴾

ترجمه:

پس (صالح با دلی پر اندوه) از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! من پیام پروردگارم را به شما رساندم و شما را پند دادم، ولی شما اندرزگویان را دوست نمی‌دارید.

توضیحات:

«تَوَلَّیا»: روی برتافت. ایشان را ترک کرد و رفت. ترک‌کردن آنان و سخن‌گفتن با ایشان، می‌تواند پیش از نزول بلا باشد، و یا این که بعد از نزول بلا بوده و خطاب برای عبرت بازماندگان و اظهار تأسّف از وضع رقّت‌بار مردگان باشد. «رِسالَةَ»: پیام. آنچه پیغمبران برای تبلیغ آن فرستاده می‌شوند.

سوره أعراف آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ



ترجمه:

لوط را هم فرستادیم و او به قوم خود گفت: آیا کار بسیار زشت و پلشتی را انجام می‌دهید که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است؟!

توضیحات:

«إِذْ»: ظرف است برای (أَرْسَلْنا) و امتداد زمانی دارد و مظروف می‌تواند در برخی از اجزاء آن انجام گیرد. یا این که (لُوطاً) منصوب به فعل محذوف (أُذْكُرْ) است و...

سوره أعراف آیه ۸۱

متن آیه:

﴿إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ٨١﴾

ترجمه:

(جای شگفت است که) شما به جای زنان به مردان دل می‌بازید و با آنان می‌آمیزید! اصلاً شما مردمان تجاوزپیشه‌اید (و به انگیزه شهوت‌رانی و هواپرستی از مرز

فطرت در می‌گذرید).

توضیحات:

«شَهْوَةً»: از روی شهوت. مفعول‌له است. «مِن دُونِ» به جای.

سوره أعراف آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴾

ترجمه:

پاسخ قوم او جز این نبود که گفتند: اینان را از شهر و دیار خود بیرون کنید. آخر اینان مردمان پاک و پرهیزگاری هستند!.

توضیحات:

«أُنَاسٌ»: مردمان. «يَتَطَهَّرُونَ»: پاکی را دوست می‌دارند. زاهد و پرهیزگارند. البتّه این سخن را برای تمسخر مؤمنان می‌گفتند، همان‌گونه که عادت فاسقان و کافران مقتدر و ستم‌پیشه است (نگا: هود / ۸۷).

سوره أعراف آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿٨٣﴾﴾

ترجمه:

پس ما لوط و مؤمنان بدو و خانواده او را نجات دادیم، مگر همسرش را که او (از خانواده خود گسیخته بود و به گمراهان پیوسته بود و لذا) از جمله نابودشوندگان گردید.

توضیحات:

«أَهْلَهُ»: خانواده و خویشاوندان لوط. گروندگان بدو. «الْغَابِرِينَ»: ماندگاران. هلاک‌شدگان. واژه (غابر) به کسی گفته می‌شود که همراهانش بروند و از ایشان بگسلد و باقی بماند. یا به معنی رونده است و مراد از دنیارونده و هلاک‌شونده است.

سوره أعراف آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

بر آنان بارانی (از سنگ) باراندیم (و ایشان را سنگباران کردیم) بنگر که سرانجام گناهکاران به کجا کشید.

توضیحات:

«أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ»: مراد باران غضب است؛ نه رحمت. و آن این که، پس از زیرورو شدن شهر و دیارشان، گدازه‌هائی از سنگ بر سرشان باریدن گرفت (نگا: هود / ۸۲، فرقان / ۴۰).

سوره أعراف آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٨٥﴾

ترجمه:

شعیب را هم به‌سوی اهل مدین که خود از آنان بود فرستادیم بدی‌شان گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید (و بدانید) که جز او معبودی ندارید. معجزه‌ای از سوی پروردگارتان (بر صحّت پیغمبری من) برایتان آمده است. (پیام آسمانی این است که در زندگی به ویژه در تجارت و معامله با دیگران راست و درست باشید و) ترازو و پیمانه را به تمام و کمال بکشید و بپردازید و از حقوق مردم چیزی نکاهید، و در زمین بعد از اصلاح آن (توسّط خدا، یا بر دست انبیاء) فساد و تباهی مکنید. این کار به سود شما است اگر (به خدا و به حقیقت،) ایمان دارید.

توضیحات:

«مَدْيَن»: اسم قبیله‌ای است که از نسل مَدْیان یکی از فرزندان ابراهیم می‌باشند. این نام به مسکن ایشان هم اطلاق شده است (نگا: قصص / ۴۵). «بَيِّنَةٌ»: دلیل. معجزه. نوع این معجزه مانند بسیاری از معجزات دیگر روشن نشده است. «لا تَبْخَسُوا»: کم مکنید. نکاهید.

سوره أعراف آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَقۡعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٖ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبۡغُونَهَا عِوَجٗاۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ كُنتُمۡ قَلِيلٗا فَكَثَّرَكُمۡۖ وَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨٦﴾

ترجمه:

شما بر سر راه‌ها(ی منتهی به حق و هدایت و عمل صالح) منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه الله بازدارید و آن (راه مستقیم) را کج بنمائید (و خود به راه معوجّ منحرف گردید). به خاطر آورید آن زمانی را که اندک بودید و خداوند (بر اثر تلاش شبانه‌روزی خودتان نیروی انسانی و قدرت مالی) شما را افزون کرد. و نیز بنگرید که سرانجام کار مفسدان (همیشه به کجا انجامیده و عاقبت) چگونه گشته است.

توضیحات:

«تُوعِدُونَ»: می‌ترسانید. «تَبْغُونَـها عِوَجاً»: آن راه را کج می‌خواهید. مراد این است که راه خدا را در نظر مردم کج نشان می‌دهید، و خودتان نیز راهی جدا از راه راست را در پیش می‌گیرید.

سوره أعراف آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَإِن كَانَ طَآئِفَةٞ مِّنكُمۡ ءَامَنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٞ لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ فَٱصۡبِرُواْ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ بَيۡنَنَاۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨٧﴾

ترجمه:

و اگر دسته‌های از شما بدانچه مأمور بدان هستم ایمان بیاورد (و پیغمبری مرا بپذیرد)، و دسته‌های ایمان نیاورد (و تنها به زندگی این جهان بچسبد) منتظر باشید تا خداوند میان ما داوری کند، و او بهترینِ داوران است.

توضیحات:

«الْحَاكِمِينَ»: داوران. قضات.

سوره أعراف آیه ۸۸

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَنُخۡرِجَنَّكَ يَٰشُعَيۡبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرۡيَتِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۚ قَالَ أَوَلَوۡ كُنَّا كَٰرِهِينَ ٨٨﴾

ترجمه:

اشراف و سران متکبّر قوم شعیب (که خویشتن را بالاتر از آن می‌دانستند که دین خدا را بپذیرند، بدو) گفتند: ای شعیب! حتماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهر و آبادی خود بیرون می‌کنیم مگر این که به آئین ما درآئید. شعیب گفت: آیا ما به آئین شما در می‌آئیم در حالی که (آن را به سبب باطل و نادرست بودن) دوست نمی‌داریم و نمی‌پسندیم؟! (هرگز چنین کاری ممکن نیست).

توضیحات:

«أَوْ»: یا این که. مگر این که. «لَتَعُودُنَّ»: در می‌آئید و می‌پذیرید. برمی‌گردید. فعل (لَتَعُودُنَّ) می‌تواند از افعال ناقصه و به معنی (لَتَصِيرُنَّ) بوده و یا از افعال تامّه باشد. «مِلَّة»: دین. آئین. «لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا»: به آئین ما در می‌آئید. به آئین ما برمی‌گردید. با توجّه به معنی دوم، برگشتن شعیب به آئین ایشان، از راه تغلیب و قلمدادکردن او از زمره مؤمنان است، و یا این که به ظنّ اشراف و رؤسای قوم است، والاّ به سبب عصمت انبیاء نه تنها شعیب بلکه هیچ پیغمبری پیش از نبوّت هم مشرک نبوده است تا دوباره به شرک برگردد.

سوره أعراف آیه ۸۹

متن آیه:

﴿قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ٨٩﴾

ترجمه:

اگر ما به آئین شما درآئیم، بعد از آن که خدا ما را از آن نجات بخشیده است، مسلّماً به خدا دروغ بسته‌ایم (و به گزاف خویشتن را پیروان آئین آسمانی نامیده‌ایم). ما را نسزد که بدان درآئیم، مگر این که خدا که پروردگار ما است بخواهد (که هرگز

چنین چیزی را هم نخواهد خواست). علم پروردگار ما همه چیز را در بر گرفته است (و او با مرحمت و محبّتی که نسبت به مؤمنان دارد، ایمان ما را محفوظ می‌فرماید. لذا) ما تنها بر خدا توکل داشته (و هم بدو پشت می‌بندیم). پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن (حقی که سنّت تو در داوری میان محِقّینِ مصلِحین و مبْطِلینِ مفسدین، بر آن جاری است) و تو بهترینِ داورانی (چرا که بر همه‌چیز آگاه و بر هر چیز توانائی).

توضیحات:

«إِلاّ أَن يَشَآءَ اللهُ»: ذکر این قید برای یادآوری این مطلب است که خدا قادر مطلق است و هرچه بخواهد شدنی است، ولی سنّت خدا برابر عدل انجام می‌گیرد و لذا هرگز چنین دستوری را صادر نمی‌فرماید. یا این که بیان این سخن از سوی شعیب، محض تواضع و تأدّب با خدا و فرمانبری بی‌چون و چرا از ذات ذوالجلال است. همان‌گونه که پیغمبر ما به هنگام دعا می‌فرمود: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَليا دِينِكَ»: در صورتی که می‌دانست خداوند دل او را بر ایمان ثابت و ماندگار می‌دارد. «إِفْتَحْ»: داوری کن (نگا: شعراء / ۱۱۸). «الْفَاتِحِينَ»: قضات. داوران.

سوره أعراف آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعۡتُمۡ شُعَيۡبًا إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ﴾

ترجمه:

اشراف و سران کافر قوم او (خطاب به پیروان خود) گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت شما (هم به سبب گرویدن به آئینی که آباء و اجدادتان بر آن نبوده‌اند، شرف و ثروت خود را از دست می‌دهید و) زیانکار می‌گردید.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۹۱

متن آیه:

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٩١﴾

ترجمه:

(در نتیجه ستیزه‌جوئی و طغیان‌گری) زلزله‌ای (قصرها و خانه‌های) ایشان را در برگرفت (و زندگی پرزرق و برق آنان را درهم کوبید) و در شهر و دیار خود خشکیدند و مردند.

توضیحات:

«الرَّجْفَةُ»، «أَصْبَحُوا»، «جَاثِمِينَ»: (نگا: اعراف / ۷۸).

سوره أعراف آیه ۹۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَاۚ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَانُواْ هُمُ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴾

ترجمه:

کسانی که شعیب را تکذیب کردند (آن چنان نابود شدند و شهر و دیارشان ویران گردید که) گوئی هرگز در آنجا نبوده و سکونت نگزیده‌اند. کسانی که شعیب را تکذیب کردند (و گمان می‌بردند آنان که از شعیب پیروی کنند زیانکار می‌شوند، خودشان سعادت دنیا و آخرت را از دست دادند و) زیانمند شدند.

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: مبتدا است. خبر آن جمله (كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا) می‌باشد. «لَمْ يَغْنَوْا»: بسر نبرده‌اند. نبوده‌اند.

سوره أعراف آیه ۹۳

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡۖ فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾﴾

ترجمه:

سپس شعیب از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! من پیامهای پروردگارم را به شما رساندم و اندرزتان دادم (و در حق شما خیرخواهی نمودم. ولی حق را نشنیدید و جز بر طغیان و عصیان نیفزودید) پس با این حال چگونه بر حال قوم بی‌ایمان (و بی‌دینی چون شما) اندوه بخورم؟

توضیحات:

«ءَاسَیا»: محزون می‌شوم. غم و اندوه می‌خورم. فعل مضارع، متکلّم وحده، ثلاثی مجرّد، از ماده (أسی) و از باب چهارم است.

سوره أعراف آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِی قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِیٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ ٩٤﴾

ترجمه:

ما به هیچ آبادی و شهری پیغمبری نفرستاده‌ایم (که او اهل آنجا را به دین راستین خدا خوانده باشد و ایشان از پذیرش دعوت او سرپیچی نموده باشند) مگر این که ساکنان آن را به شدائد و مصائب گرفتار ساخته‌ایم تا این که (به خود آیند و زیر ضربات حوادث و فشار مشکلات، فطرت آنان بیدار و نیاز به پروردگار در زوایای وجودشان پرتوافکن شود و دست دعا به‌سوی خدا بردارند و خالصانه به درگاه الله) تضرّع و زاری کنند.

توضیحات:

«قَرۡيَةٖ»: مراد شهر بزرگی است که مرکز فرماندهی امراء و پایتخت رؤساء باشد. «وَمَآ أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ»: در این کلام حذفی وجود دارد، از قبیل: «فَكَذَّبَهُ أَهْلُهَا». «يَضَّرَّعُونَ»: خشوع و خضوع کنند. فروتنی و فرمانبرداری کنند. توبه و انابت کنند. فعل مضارع از باب تفعّل است. «الْبَأْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ»: (نگا: بقره / ۱۷۷ و ۲۱۴).

سوره أعراف آیه ۹۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

سپس (هنگامی که این هشدارها و بیدارباشها در آنان اثر نگذاشت، ایشان را به فراوانی نعمت و اعطاء سلامت آزمودیم و) بدی را به نیکی (و بلا را به رفاه) تبدیل کردیم تا بدانجا که (از لحاظ اموال و انفس) فزونی گرفتند و (به سبب نادانی مغرور شدند و لاف‌زنان) گفتند: به پدران و نیاکان ما هم خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و مستمندی دست داده است (و این روزگار است که گاهی به انسان رو می‌کند و گاهی

به انسان پشت می‌کند و اصلاً سعادت و شقاوت ما در دست خدا نیست! چون با پتک بلا بیدار نشدند و شکر نعمت هم نگفتند) پس ناگهانی ایشان را (به عذاب و عقاب) گرفتیم و نفهمیدند (که چه شد و چرا چنین گشت).

توضیحات:

«عَفَوْا»: فزونی یافتند چه در اموال و چه در انفس. برای فهم بیشتر این آیه مراجعه شود به (انعام / ۴۲ - ۴۵، مؤمنون / ۷۷، زخرف / ۷۵).

سوره أعراف آیه ۹۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

اگر مردمان این شهرها و آبادیها (به خدا و انبیاء) ایمان می‌آوردند و (از کفر و معاصی) پرهیز می‌کردند، (درگاه خیرات و) برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشودیم (و از بلایا و آفات به دورشان می‌داشتیم) ولی آنان به تکذیب (پیغمبران و انکار حقائق) پرداختند و ما هم ایشان را به کیفر اعمال‌شان گرفتار و مجازات نمودیم (و عبرت جهانیانشان کردیم).

توضیحات:

«أَخَذْنَاهُمْ»: ایشان را مجازات کردیم و کیفر دادیم. «بِمَا»: به سبب کاری که. به سبب چیزی که.

سوره أعراف آیه ۹۷

متن آیه:

﴿أَفَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا بَيَٰتٗا وَهُمۡ نَآئِمُونَ ٩٧﴾

ترجمه:

آیا مردمان این شهرها و آبادیها (که دعوت پیغمبران را نپذیرفتند و به جای ایمان بر کفر و معاصی افزودند، از این) ایمن شدند که عذاب ما شبانه به سراغ آنان رود، در حالی که ایشان غرق در خواب باشند؟ (شگفتا که از مکافات عمل غافل شدند).

توضیحات:

«بَأْس»: عذاب (نگا: غافر / ۲۹ و ۸۵). «بَيَاتاً»: شب هنگام. در حالی که شب را می‌گذراندند (نگا: اعراف / ۴).

سوره أعراف آیه ۹۸

متن آیه:

﴿أَوَ أَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا ضُحٗى وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ٩٨﴾

ترجمه:

یا این که مردمان این شهرها و آبادی‌ها ایمن شدند از این که عذاب ما چاشتگاهان به سراغشان آید، در حالی که (به انجام کارهای بی‌ارزشی مشغولند که انگار) سرگرم بازی هستند؟

توضیحات:

«ضُحيً»: وقت چاشتگاه. می‌شود مراد تمام روز هم باشد.

سوره أعراف آیه ۹۹

متن آیه:

﴿أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِۚ فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩٩﴾

ترجمه:

آیا آنان از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا ایمن و غافل شده‌اند؟ در حالی از چاره نهانی و مجازات ناگهانی خدا جز زیانکاران (و از دست‌دهندگان عقل و انسانیت) ایمن و غافل نمی‌گردند.

توضیحات:

«مَكْرَ»: چاره نهانی و مجازات ناگهانی. مراد از مکر خدا در حق بندگان این است که ایشان را در ناز و نعمت و کفر و معاصی آزاد می‌گذارد و به ناگاه تازیانه عذاب را بر آنان می‌نوازد و کار ایشان را می‌سازد (نگا: آل‌عمران / ۵۴).

سوره أعراف آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ أَهۡلِهَآ أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡۚ وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ١٠٠﴾

ترجمه:

آیا برای کسانی که زمین را از صاحبان قبلی آن به ارث می‌برند (و جانشین دیگران می‌گردند) روشن نشده است که اگر بخواهیم آنان را (همچون پیشینیان) به سبب گناهانشان نشانه تیر بلا می‌گردانیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهیم تا دیگر (صدای حق را) نشنوند (و آهسته آهسته رهسپار دوزخ شوند)؟

توضیحات:

«لَمْ يَهْدِ»: روشن نشده است و معلوم نگشته است. خداوند ایشان را رهنمود و متوجّه نکرده است. فاعل آن می‌تواند ضمیر مستتر (هُوَ) بوده و به (الله) برگردد، و مفعول آن جمله (أَن لَّوْ نَشَآءُ) باشد. یا این که فاعل آن جمله (أَن لَّوْ نَشَآءُ) بوده و فعل لازم بشمار آید. «أَصَبْنَاهُمْ»: ایشان را نشانه تیر بلا می‌گردانیم. آنان را دچار مصیبت می‌کنیم و نابودشان می‌سازیم. «نَطْبَعُ»: مهر می‌نهیم (نگا: نساء / ۱۵۵). «لا يَسْمَعُونَ»: اندرز نمی‌پذیرند. صدای حق را نمی‌شنوند و نصائح را در گوش نمی‌گیرند.

سوره أعراف آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿تِلْكَ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ بِمَا كَذَّبُوا۟ مِن قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٠١﴾﴾

ترجمه:

این‌ها آبادی‌هائی است که برخی از اخبار آنها را برای تو روایت می‌نمائیم (و شرح می‌دهیم که چگونه ساکنان آنجاها به سبب ایمان نیاوردن به پیغمبران، دچار بلاها و مصائب بیشمار شدند). پیغمبران‌شان با دلائل روشن به سراغ آنان آمدند و معجزات متقن بدی‌شان نمودند، امّا آنان (به سبب لجاجتِ در کفر و ممارستِ بر تکذیب انبیاء، روی حرف خود ایستادند و) چیزی را که قبلاً تکذیب کرده بودند (حاضر نشدند بپذیرند و باز هم مثل همیشه آن را تکذیب کردند و) بدان ایمان نیاوردند. این چنین خداوند بر دل‌های کافران مهر می‌نهد (و بر اثر ادامه گناه، حسّ تشخیص حقّ را از آنان سلب می‌کند).

توضیحات:

«تِلْكَ الْقُرَيا»: واژه (تِلْكَ) می‌تواند مبتدا و (الْقُرَي) خبر اوّل، و جمله (نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآئِهَا) خبر دوم باشد. یا این که (تِلْكَ) مبتدا و (الْقُرَيا) بَدَل، و جمله بعدی خبر

بشمار آید. «مِن قَبْلُ»: پیش از آمدن پیغمبران و بعد از آمدن آنان، یکسان بودند. از آغاز آمدن پیغمبران تا هنگام مرگ خود.

سوره أعراف آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿وَمَا وَجَدۡنَا لِأَكۡثَرِهِم مِّنۡ عَهۡدٖۖ وَإِن وَجَدۡنَآ أَكۡثَرَهُمۡ لَفَٰسِقِينَ ١٠٢﴾

ترجمه:

اکثر این اقوام را بر سر پیمان (و وفای به عهد خود) ندیدیم و بلکه بیشتر آنان را نافرمان و گناهکار یافتیم.

توضیحات:

«عَهْدٍ»: مراد عهد و پیمان فطری یا تشریعی و یا هردوی آنها است. «فَاسِقِينَ»: نافرمانان. گناهکاران. کافران (نگا: بقره / ۲۶، سجده / ۱۸).

سوره أعراف آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَظَلَمُواْ بِهَاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٠٣﴾

ترجمه:

سپس به دنبال آنان (یعنی پیغمبران مذکور،) موسی را همراه با دلائل روشن و معجزات متقن خود به‌سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم، و ایشان (به جای این که بدان‌ها ایمان بیاورند) بدان‌ها کفر ورزیدند (و سزای کفر خود را چشیدند) و بنگر که سرانجام تباهکاران چه شد (و از جمله فرعون و فرعونیان کارشان به کجا کشید و چه بلاهائی بدی‌شان رسید)؟.

توضیحات:

«بَعَثْنَا»: مبعوث کردیم. فرستادیم. «ظَلَمُوا بِهَا»: بدان‌ها کفر ورزیدند. به سبب تکذیب آنها کافر شدند. به سبب کفر ورزیدن بدانها، بر خود و قوم خود ستم ورزیدند. آنها را تکذیب کردند.

سوره أعراف آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرۡعَوۡنُ إِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٤﴾

ترجمه:

موسی گفت: ای فرعون! من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیان هستم (آمده‌ام تا دعوت او را به تو و درباریان و دیگر مردمان برسانم و همگان را به‌سوی شریعت او فرا خوانم).

توضیحات:

«الْعَالَـمِينَ»: جهانیان. جهان پیدا و ناپیدا؛ یعنی همه کائنات.

سوره أعراف آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ قَدۡ جِئۡتُكُم بِبَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَرۡسِلۡ مَعِيَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٠٥﴾

ترجمه:

سزاوار است که از زبان خدا جز حق نگویم. من از سوی پروردگارتان معجزه بزرگی برای شما دارم (که به روشنی بر حقّانیت رسالت من دلالت می‌نماید) پس بنی‌اسرائیل را (از زنجیر اسارت و بردگی خود آزاد ساز و آنان را به من واگذار و) همراه من بفرست (تا از سرزمین تو بکوچند و به سرزمین دیگری روند و در آنجا به پرستش خدای یگانه مشغول شوند).

توضیحات:

«حَقِيقٌ عَلَيا»: سزاوار من است که. سعی من در این است که. واژه (عَلي) به معنی (ب) یا (فی) است. «بَيِّنَةٍ»: معجزه بزرگ. دلیل مهمّ و روشن. نشانه سترگ.

سوره أعراف آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿قَالَ إِن كُنتَ جِئۡتَ بِـَٔايَةٖ فَأۡتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٠٦﴾

ترجمه:

فرعون گفت: اگر معجزه بزرگ و دلیل سترگی با خود داری، آن را بنمای، اگر از زمره راستگویانی (و خویشتن را پیغمبر خدا می‌دانی).

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ١٠٧﴾

ترجمه:

پس موسی فوراً عصای خود را بینداخت، به ناگاه به صورت اژدهای آشکاری درآمد (که از حیات کامل برخوردار بود و بدین سو و آن سو می‌خزید و می‌جهید).

توضیحات:

«ثُعْبَانٍ»: اژدها. مار بزرگ. «مُبِينٌ»: آشکار. علنی. مراد از ذکر این قید این است که سحر و تردستی و چشم‌بندی در میان نبود، بلکه عصا حقیقتاً به اژدهای زنده تبدیل شد.

سوره أعراف آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ١٠٨﴾

ترجمه:

و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد، به ناگاه بینندگان دیدند که (همچون خورشید، درخشان و) سفید است.

توضیحات:

«نَزَعَ»: بیرون آورد (نگا: قصص. ۷۵). «بَيْضَآءُ»: سفید. مراد نورانی و درخشان است.

سوره أعراف آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ١٠٩﴾

ترجمه:

(هنگامی که موسی نشانه بزرگ خدا را بنمود) اشراف قوم فرعون (از راه تملّق و چاپلوسی با فرعون هم‌آوا شدند و) گفتند: واقعاً این جادوگر ماهری است! (و کاری که می‌کند معجزه خدائی نیست).

توضیحات:

«عَلِيمٌ»: بسیار دانا در دانش جادوگری و فوت و فن آن.

سوره أعراف آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُمۡۖ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ١١٠﴾

ترجمه:

او می‌خواهد شما را از سرزمینتان (که مصر است) بیرون کند. چه می‌اندیشید و چه نظر می‌دهید؟ (آیا باید در حق او چه کرد)؟.

توضیحات:

«تَأْمُرُونَ»: دستور می‌دهید. اشاره می‌کنید و رأی می‌دهید. آیه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰ می‌تواند سخن فرعون باشد و یا این که درباریان متملّق، سخن او را تکرار کرده باشند (نگا: یونس / ۷۸، طه / ۵۷، شعراء / ۳۴ و ۳۵). ذکر صیغه جمع خطاب به فرعون در آیه ۱۱۰، برای تعظیم است.

سوره أعراف آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَأَرۡسِلۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ١١١﴾

ترجمه:

(سپس به فرعون) گفتند: (عجله مکن و جریان کار) او و برادرش (هارون) را به تأخیر بینداز و (کسانی از لشکریان خود را) به شهرها بفرست تا (جادوگران مجرّب را) جمع کنند (و بدینجا گسیل دارند).

توضیحات:

«أَرْجِهْ»: کار او را به تأخیر بینداز تا سپس درباره او تصمیم گرفته شود. اصل آن (أَرْجِئْهُ) است و از مصدر (إِرْجاء) به معنی به تأخیر انداختن. این واژه می‌تواند از ماده (رَجا) یا (رَجی) که به همین معنی است باشد (نگا: احزاب / ۵۱). «حَاشِرِينَ»: جمع‌کنندگان. حال یا صفت موصوف محذوفی است و اصل آن: (اَرْسِلْ رِجالاً حَاشِرِينَ) است.

سوره أعراف آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ١١٢﴾

ترجمه:

تا همه جادوگران ماهر را (به خدمت تو) بیاورند (و جادوی موسی را باطل و کار او را یکسره سازند و دیگر کسی گول او را نخورد و به دنبال او نرود).

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرۡعَوۡنَ قَالُوٓاْ إِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٣﴾

ترجمه:

جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما پیروز گردیم اجر و پاداش مهمی‌خواهیم داشت؟

توضیحات:

«إِنَّ لَنَا لأَجْراً»: این جمله می‌تواند به صورت استفهامی بوده و ادات استفهام حذف شده باشد، و یا این که به صورت غیراستفهامی بوده و جادوگران اجر و پاداش عظیمی را پیش خود مجسّم کرده باشند و فرعون به فراست آن را دریافته باشد.

سوره أعراف آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ لَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ١١٤﴾

ترجمه:

گفت: آری! و (علاوه از آن) شما از مقرّبان (درگاه ما) خواهید بود.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحۡنُ ٱلۡمُلۡقِينَ ١١٥﴾

ترجمه:

(سپس جادوگران مغرورانه رو به موسی کردند و) گفتند: ای موسی! یا تو (عصای

خود را) بینداز یا ما (ریسمان‌های خویش را) می‌اندازیم.

توضیحات:

«إِمَّا»: یا این که. «الْمُلْقِینَ»: اندازندگان.

سوره أعراف آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿قَالَ أَلۡقُواْۖ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ وَجَآءُو بِسِحۡرٍ عَظِيمٖ ١١٦﴾

ترجمه:

موسی گفت: شما (آنچه دارید) بیندازید. هنگامی که (وسائل جادوگری خود را) بینداختند، مردم را چشم بندی کردند و ایشان را به هراس افکندند و جادوی بزرگی از خود نشان دادند.

توضیحات:

«سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ»: مراد این است که به مردم چنین نمودند که ریسمان‌هایشان مارهای زنده‌اند، در صورتی که چنین نبود (نگا: طه / ۶۶). «إِسْتَرْهَبُوهُمْ»: آنان را به هراس فراوانی انداختند تا آنجا که موسی نیز بترسید (نگا: طه / ۶۷ و ۶۸).

سوره أعراف آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧﴾

ترجمه:

به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز. ناگهان (به صورت اژدهائی درآمد و) به سرعت آنچه را بهم می‌بافتند (و تزویرهائی را که می‌نمودند همه را) بلعید.

توضیحات:

«تَلْقَفُ»: می‌بلعد. قورت می‌دهد. از ماده (لَقْف) به معنی به سرعت بلعیدن. «يَأْفِكُونَ »: به هم می‌بافتند. به دروغ سرهم می‌کردند. از ماده (إِفْك) به معنی بدترین دروغ. بهتان و افتراء.

سوره أعراف آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٨﴾

ترجمه:

پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد (و پوچ از آب درآمد).

توضیحات:

«وَقَعَ»: استوار و آشکار گردید. ثابت و ظاهر شد. «بَطَلَ»: پوچ و باطل شد.

سوره أعراف آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩﴾

ترجمه:

در آنجا (که گرد آمده بودند، فرعون و فرعونیان) شکست خوردند و (از آنجا به شهر) خوار و رسوا برگشتند.

توضیحات:

«إنقَلَبُوا»: برگشتند. «صَاغِرِينَ»: رسوایانه و زبونانه. جمع (صاغِر) به معنی خوار و مفتضح. معنی آیه می‌تواند چنین نیز باشد: در آنجا شکست خوردند و خوار و رسوا گشتند. در این صورت (انقلاب) مَجاز از (صَیْرُورت) است.

سوره أعراف آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠﴾

ترجمه:

و جادوگران به سجده افتادند (و کرنش کردند).

توضیحات:

«سَاجِدِينَ»: سجده‌کنندگان. حال است.

سوره أعراف آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢١﴾

ترجمه:

گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٢﴾

ترجمه:

پروردگار موسی و هارون. (یعنی به خدائی ایمان داریم که موسی و هارون به او ایمان دارند).

توضیحات:

«رَبِّ»: بدل است.

سوره أعراف آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿قَالَ فِرۡعَوۡنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكۡرٞ مَّكَرۡتُمُوهُ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لِتُخۡرِجُواْ مِنۡهَآ أَهۡلَهَاۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ١٢٣﴾

ترجمه:

فرعون گفت: آیا به خدای (موسی و هارون) ایمان آوردید پیش از آن که به شما اجازه دهم؟ حتماً این توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار، پیش‌تر با هم) چیده‌اید تا اهل آن را از آنجا بیرون کنید؛ ولی خواهید دانست (که چه شکنجه‌ای در برابر این رفتارتان خواهید چشید).

توضیحات:

«بِهِ»: مرجع ضمیر (ه) می‌تواند خدا یا موسی باشد. «ءَاذَنَ»: اجازه دهم.

سوره أعراف آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ١٢٤﴾

ترجمه:

سوگند می‌خورم که دست‌ها و پاهای شما را در جهت خلاف یکدیگر (یعنی دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست) قطع می‌کنم و (با این حالِ پریشان و وضع اسفناک) همگی شما را به دار می‌آویزم.

توضیحات:

«أُصَلِّبَنَّكُمْ»: شما را به دار می‌زنم.

سوره أعراف آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ١٢٥﴾

ترجمه:

(جادوگران بر اثر نور ایمان، هراسی به خود راه ندادند و) گفتند: (باکی نیست؛ چرا که) ما به‌سوی پروردگار خود برمی‌گردیم (و به رحمت و نعمت او دست می‌یابیم، لذا مرگ در راه او را با آغوش باز می‌پذیریم).

توضیحات:

«مُنقَلِبُونَ»: برگردندگان. رجوع‌کنندگان.

سوره أعراف آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَاۚ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ١٢٦﴾

ترجمه:

ایراد تو بر ما و آزار رساندن تو به ما جز به خاطر این نیست که ما به آیات روشن و معجزات متقن پروردگارمان - وقتی که به ما رسیده است - ایمان آورده‌ایم (و فرمان خدای خود را لبّیک گفته‌ایم). پروردگارا! صبر عظیم به ما مرحمت فرما و ما را مسلمان بمیران.

توضیحات:

«مَا تَنقِمُ مِنَّا إِلاّ»: بر ما زشت نمی‌شماری مگر. از ما رخنه نمی‌گیری و بر ما عیب نمی‌دانی مگر. ما را عقوبت نمی‌کنی مگر به خاطر (نگا: بروج / ۸). «أَفْرِغْ عَلَيْنَا»: بر ما بریز. مراد این است که ما را غرق شکیبائی و بردباری گردان. «مُسْلِمِينَ»: مطیعان فرمان و منقادان شریعت یزدان. حال است.

سوره أعراف آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ ١٢٧﴾

ترجمه:

اشراف قوم فرعون (بدو) گفتند: آیا موسی و پیروان او را آزاد و رها می‌سازی تا در سرزمین (مصر آزادانه) به فساد پردازند و تو و معبودان تو را ترک گویند (و نه به تو و نه به معبودان تو وقعی ننهند؟). گفت: پسران آنان را علی‌الدوام خواهیم کشت و دخترانشان را زنده نگاه می‌داریم (تا کلفت‌ها و گماشتگان ما گردند) و ما بر ایشان کاملاً مسلّط هستیم (و هرچه بخواهیم بر سر آنان می‌آوریم).

توضیحات:

«تَذَرُ»: رها می‌سازی. «سَنُقَتِّلُ»: خواهیم کشت. ذکر ماده (قَتَّلَ) از باب تفعیل برای مبالغه در کار و استمرار در آن است. «نَسْتَحْيِي»: زنده نگاه می‌داریم. «نِسَآءَ»: زنان. مراد جنس إناث یعنی زنان و دختران است. «قَاهِرُونَ»: غالبان. چیرگان.

سوره أعراف آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ١٢٨﴾

ترجمه:

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و شکیبائی کنید (و بدانید که فرعون بنده ناتوانی بیش نیست و فرمانروای مطلق خدا است و) بی‌گمان خدا زمین را به کسانی از بندگان خود واگذار می‌کند که خود بخواهد، و سرانجام (نیک و پسندیده در گیر و دار جهان) از آن پرهیزگاران است (آن کسانی که مراعات سنن و اسباب می‌دارند. از قبیل اتّحاد و اتّفاق و اعتصام به حق و اقامت عدل و صبر در برابر شدائد).

توضیحات:

«يُورِثُهَا مَنْ»: آن را به کسانی وامی‌گذارد. آن را ملک کسانی می‌سازد. « الْعَاقِبَةُ »: مراد نتیجه پیروزمندانه و سرانجام خداپسندانه در دنیا و همچنین در آخرت است.

سوره أعراف آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَاۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ١٢٩﴾

ترجمه:

گفتند: پیش از آن که به پیش ما بیائی (گرفتار شکنجه فرعون بوده‌ایم) و پس از آمدنت (هم از سوی او) اذیت و آزار شده‌ایم (و هم‌اکنون نیز دچار رنج و محنت و در معرض عذاب و عقاب هستیم. موسی) گفت: امید است که پروردگارتان دشمنتان را هلاک سازد و شما را در زمین جایگزین (او) گرداند تا ببیند چگونه عمل می‌کنید. (آیا راه صلاح یا فساد در پیش می‌گیرید. دادگری یا ستم می‌ورزید. شکر نعمت به جای می‌آورید یا کفران نعمت می‌کنید).

توضیحات:

«أُوذِينَا»: اذیت و آزار شده‌ایم. «يَسْتَخْلِفَكُمْ»: شما را جایگزین و جانشین گرداند.

سوره أعراف آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ١٣٠﴾

ترجمه:

ما فرعون و فرعونیان را به خشکسالی و قحطی و تنگی معیشت و کمبود ثمرات و غلاّت گرفتار ساختیم تا بلکه متذکر گردند (و از خواب غفلت بیدار شوند و از سرکشی و ستم خود بکاهند و متوجّه خدا گردند و به بنی‌اسرائیل بیش از این ظلم و جور روا ندارند).

توضیحات:

«ءَالَ»: اهل. بستگان و نزدیکان. در اینجا مراد اطرافیان و همفکران است. «السِّنِينَ»: جمع سَنَة، خشکسالی و قحطی. شدائد و سختی‌ها.

سوره أعراف آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿فَإِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَٰذِهِۦۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةٞ يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓۗ أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمۡ عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٣١﴾

ترجمه:

ولی (آنان نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی و خوشی بدی‌شان دست می‌داد (که اغلب هم چنین بود) می‌گفتند: این به خاطر (استحقاق و امتیازی است که بر سایر مردمان داریم و ناشی از میمنت و مبارکی) ما است. امّا هنگامی که بدی و سختی بدی‌شان دست می‌داد، می‌گفتند: (این خشکسالی‌ها و بلاها همه ناشی از) نحوست و شومی موسی و پیروان او است! هان! (ای مردمانِ همه اعصار و قرون بدانید) که بدبیاری آنان تنها از جانب خدا (و با تقدیر و تدبیر او نه کس دیگری) بوده است، ولیکن اکثر آنان (این حقیقت ساده را) نمی‌دانستند (و دیگران نیز اغلب نمی‌دانند که خوشی و ناخوشی و سختی و فراخی برابر اراده و مشیت خدا به انسان دست می‌دهد).

توضیحات:

«الْحَسَنَةُ»: نیکی. خیر و نعمت. «سَیِّئَةٌ»: بدی. شرّ و مصیبت. «یَطَّیَّرُوا»: اصل آن «یَتَطَیَّرُوا» است و به معنی: فال بد می‌زنند. نحوست و شومی را ناشی می‌دانند از. «طَآئِر»: نحوست و شومی. خوشبختی و بدبختی. «عِندَ اللهِ»: از سوی خدا است. در دست خدا است.

سوره أعراف آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ مَهۡمَا تَأۡتِنَا بِهِۦ مِنۡ ءَايَةٖ لِّتَسۡحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ١٣٢﴾

ترجمه:

(آنان به سبب این اندیشه نادرست) گفتند: هر اندازه برای ما معجزه بیاوری (و هر نوعی از معجزات بنمائی) تا ما را بدان جادو کنی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم (و به تو نمی‌گرویم).

توضیحات:

«مَهۡمَا»: هراندازه. هرگونه.

سوره أعراف آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلطُّوفَانَ وَٱلۡجَرَادَ وَٱلۡقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ وَٱلدَّمَ ءَايَٰتٖ مُّفَصَّلَٰتٖ

فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ﴿١٣٣﴾

ترجمه:

پس (هر زمان به مصیبت و نکبتی دچارشان کردیم و از جمله:) سیل، ملخ، شته، قورباغه، و خون بر آنان فرستادیم که هر یک معجزه جداگانه و روشنی بود (بر صدق موسی؛ و او پیشاپیش درباره هر یک جداگانه و مفصّل سخن گفته بود و وقوع هریک را خبر داده بود) امّا آنان تکبّر ورزیدند (و خویشتن را بالاتر از آن دیدند که حق را بپذیرند) چرا که انسان‌های گناهکاری بودند.

توضیحات:

«الطُّوفَانَ»: سیل. «الجَْرَادَ»: ملخ. «قُمَّلَ»: شپش را گویند، ولی در اینجا شپش معمولی مورد نظر نیست. بلکه مراد جانوری است که آفت گیاهی است که می‌تواند شته یا ساس باشد. برخی هم آن را بید و گنه و مگسک گفته‌اند، و برخی‌حشره‌ای دانسته‌اند که مایه تباهی گیاهان و نابودی حیوانات می‌گردد (نگا: المنتخب / صفحه ۲۲۶). «الضَّفَادِعَ»: جمع ضَفْدَع، قورباغه. «الدَّمَ»: خون. بدین معنی که آب رودبارها و جویبارها به خون تبدیل می‌گشت. یا این که به بیماریهای گوناگون مبتلا می‌شدند که مایه خونریزی از دماغ و قُبُل و دُبُر و چه بسا فلج شدن اعضاء می‌گردید. «ءَايَاتٍ مُفَصَّلاتٍ»: معجزه‌های جداگانه و نشانه‌های واضح و روشن. (ءَايَاتٍ) حال اشیاء متقدّم است.

سوره أعراف آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيۡهِمُ ٱلرِّجۡزُ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَۖ لَئِن كَشَفۡتَ عَنَّا ٱلرِّجۡزَ لَنُؤۡمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرۡسِلَنَّ مَعَكَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿١٣٤﴾

ترجمه:

هر زمان که عذابی (از عذاب‌های پنجگانه مذکور) بر آنان واقع می‌شد (از شدّت تأثیر و فزونی تألّم آن) می‌گفتند: ای موسی! برای ما خدای خود را به فریاد خوان و از او درخواست کن که به عهدی که با تو بسته است وفا کند (که عهد نبوّت و رسالت است). اگر عذاب را از ما برداری، سوگند می‌خوریم که به تو ایمان بیاوریم و (همان گونه که خواسته‌ای) بنی‌اسرائیل را همراه تو می‌فرستیم (و آنان را آزاد می‌سازیم تا به

یگانه‌پرستی مشغول شوند).

توضیحات:

«الرِّجْزُ»: عذابی که دل‌ها از آن بلرزه درآید و باعث پریشانی و سرگردانی مردم شود. « بِمَا عَهِدَ عِندَكَ»: دعا کن و در آن متوسّل به عهدی شو که با تو بسته است. و آن عهد نبوّت و رسالت است که چون تو را همچون ابراهیم به خلعت و پیشوائی بزرگوار داشته است، دعای تو را مستجاب می‌دارد (نگا: بقره / ۱۲۴).

سوره أعراف آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلرِّجۡزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ١٣٥﴾

ترجمه:

امّا هنگامی که عذاب را تا مدّتی که سپری می‌کردند از آنان بر می‌داشتیم، ناگهان پیمان شکنی می‌کردند و سوگند خود را نقض می‌نمودند.

توضیحات:

«إِلَيا أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ»: تا مدّتی که بدان می‌رسیدند. مراد این است که اندک روزگاری می‌توانستند بر سر پیمان بمانند. «يَنكُثُونَ»: پیمان شکنی می‌کردند. سوگند خود را نقض می‌نمودند.

سوره أعراف آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ١٣٦﴾

ترجمه:

تا (سرانجام کار بدانجا رسید که) از آنان انتقام گرفتیم و لذا ایشان را در دریا غرق نمودیم، به سبب این که آنان آیات و معجزات ما را تکذیب می‌کردند و از (ایمان و اقرار به) آنها غافل می‌شدند (و در حق آنها بی‌توجّهی می‌نمودند).

توضیحات:

«إِنتَقَمْنَا مِنْهُمْ»: از آنان انتقام گرفتیم. ایشان را دچار نقمت و هلاک کردیم. «الْيمِّ»: دریا.

سوره أعراف آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿وَأَوۡرَثۡنَا ٱلۡقَوۡمَ ٱلَّذِينَ كَانُواْ يُسۡتَضۡعَفُونَ مَشَٰرِقَ ٱلۡأَرۡضِ وَمَغَٰرِبَهَا ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۖ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلۡحُسۡنَىٰ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُواْۖ وَدَمَّرۡنَا مَا كَانَ يَصۡنَعُ فِرۡعَوۡنُ وَقَوۡمُهُۥ وَمَا كَانُواْ يَعۡرِشُونَ ١٣٧﴾

ترجمه:

و ما همه جهات و نواحی پرنعمت و برکت سرزمین (مصر و شام) را به قوم مستضعف (و دربندِ زنجیر ظلم و ستم، یعنی بنی‌اسرائیل) واگذار کردیم، و وعده نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقّق یافت، و آنچه فرعونیان (از کاخ‌های مجلّل) ساخته بودند، و آنچه از باغ‌های داربست فراهم آورده بودند، درهم کوبیدیم.

توضیحات:

«أَوْرَثْنَا»: واگذار کردیم. عطاء نمودیم. «يُسْتَضْعَفُونَ»: تحقیر و تضعیف می‌شدند. «مَشَارِقَ الأرْضِ وَ مَغَارِبَـها»: مراد همه نواحی و جهات سرزمین وسیع مصر یا شام و یا هردوی آنها است که چه بسا شام تحت فرمانروائی فرعون بوده باشد. مراد از مشرق‌ها و مغرب‌ها، جوانب شرقی و غربی، یا افق‌های مختلفی است که سرزمین پهناور به خاطر خاصّیت کرویت زمین خواهد داشت. «بَارَكْنَا فِيهَا»: رزق و روزی و نعمت و سرسبزی را در آن افزودیم (نگا: دخان / ۲۵ - ۲۸). «تَـمَّتْ»: تحقّق یافت. اجرا گردید. «كَلِمَةُ»: وعده خدا به بنی‌اسرائیل درباره نابودی دشمنان‌شان و جانشین گرداندن آنان (نگا: اعراف / ۱۲۹ و قصص / ۵ و ۶). «بِمَا صَبَرُوا»: به سبب صبرایشان بر شدائدی که از فرعون و فرعونیان دیدند. «دَمَّرْنَا»: تخریب و ویران کردیم. «كَانُوا يَعْرِشُونَ»: برمی‌افراشتند و استوار می‌داشتند، اعم از کاخ‌ها و خانه‌ها و داربستِ درخت‌ها (نگا: انعام / ۱۴۱ و نحل / ۶۸).

سوره أعراف آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتَوۡاْ عَلَىٰ قَوۡمٖ يَعۡكُفُونَ عَلَىٰٓ أَصۡنَامٖ لَّهُمۡۚ قَالُواْ يَٰمُوسَى

ٱجۡعَل لَّنَآ إِلَٰهٗا كَمَا لَهُمۡ ءَالِهَةٞۚ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ١٣٨﴾

ترجمه:

بنی‌اسرائیل را (از دست فرعون و فرعونیان نجات دادیم و سالم) از دریا (ی قلزم نزد خلیج سویس) گذراندیم. (در مسیر خود) به گروهی رسیدند که بتهائی داشتند و مشغول پرستش آنها بودند. (در این هنگام بنی‌اسرائیل به موسی) گفتند: ای موسی! برای ما معبودی بساز (تا به پرستش آن بپردازیم) همان‌گونه که آنان دارای معبودهائی هستند (و به پرستش آنها مشغول می‌باشند! موسی) گفت: شما گروه نادانی هستید (و نمی‌دانید عبادت راستین چیست و خدائی که باید پرستیده شود کیست).

توضیحات:

«جَاوَزْنَا»: عبور دادیم. «الْبَحْرَ»: مراد دریای قلزم یا احمر نزد خلیج سویس فعلی است. «يَعْكُفُونَ»: مواظب عبادت و ملازم پرستش بودند.

سوره أعراف آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٣٩﴾

ترجمه:

اینان (را که می‌بینید به بت‌پرستی مشغولند) کارشان (مایه) هلاک و نابودی (خودشان و معبودهایشان) است، و آنچه می‌سازند و می‌کنند پوچ و نادرست است.

توضیحات:

«مُتَبَّرٌ»: نابودشده و ویران گشته. اسم مفعول از مصدر (تتبیر) به معنی تدمیر و تخریب و هلاک‌کردن است (نگا: اسراء / ۷). خبر مقدّم برای (ما) و جمله (مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ) خبر (إِنَّ) است. «بَاطِلٌ»: زائل و مضمحل. پوچ و نادرست. «مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: بت‌هائی که می‌سازند. عبادتی که می‌کنند.

سوره أعراف آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا وَهُوَ فَضَّلَكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٤٠﴾

ترجمه:

(سپس) گفت: آیا جز خدا (که آفریدگار همه کائنات است) معبودی برای شما جستجو کنم؟! و حال آن که او است که شما را (با دادن زمین فراوان) بر مردمان (همعصرتان) برتری داده است.

توضیحات:

«أَبْغِيكُمْ»: برای شما بطلبم. «فَضَّلَكُمْ عَلَي الْعَالَـمِينَ»: مراد تفضیل آنان بر دیگر مردمان هم عصر به وسیله دادن نعمت فراوان بدانان و تجدید یگانه‌پرستی و آئین و سنّت پیغمبران در میان‌شان است.

سوره أعراف آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ١٤١﴾

ترجمه:

به خاطر بیاورید زمانی را که از (دست جور فرعون و) فرعونیان شما را نجات دادیم. آنان که به شما بدترین عذاب را می‌رساندند، (و شما را به کارهای طاقت‌فرسا می‌گماشتند و همچون حیوانتان می‌انگاشتند). پسرانتان را می‌کشتند (تا نسل شما کم شود) و دخترانتان را (برای خدمتکاری خود) زنده نگاه می‌داشتند. در این (شکنجه و آزار فرعون و فرعونیان، و نجات بخشیدنتان از آن) آزمایش بزرگی برایتان از جانب پروردگارتان بود.

توضیحات:

«يَسُومُونَكُمْ»: به شما می‌رساندند و می‌چشاندند. «سُوءَالْعَذَابِ»: بدترین عذاب و شکنجه. «بَلآءٌ»: امتحان و آزمایش.

سوره أعراف آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿وَوَٰعَدۡنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيۡلَةٗ وَأَتۡمَمۡنَٰهَا بِعَشۡرٖ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخۡلُفۡنِي فِي قَوۡمِي وَأَصۡلِحۡ وَلَا تَتَّبِعۡ سَبِيلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٤٢﴾

ترجمه:

ما با موسی وعده گذاشتیم (که برای پرورش خود و دریافت پیام سهمگین آسمانی)

سی‌شب (به مناجات و عبادت بپردازد) و (سپس برای پختگی کامل) ده شب بر آنها افزودیم و بدین‌وسیله مدّت (راز و نیاز و سوز و ساز با) پروردگارش چهل شب تمام شد. موسی (پیش از این که عازم عبادت و مناجات خدا شود) به برادر خود هارون گفت: در میان قوم من جانشین من باش و اصلاحگر بوده و از راه و روش تباهکاران پیروی مکن.

توضیحات:

«وَاعَدْنَا»: وعده گذاشتیم. وعده دادیم. «تَمَّ»: تمام شد. تکمیل گردید. «مِيقَاتُ»: مدّت تعیین شده. وقت معین. «أَرْبَعِينَ»: حال واژه (مَعْدُوداً) محذوف، ظرف، و مفعول‌به ذکر کرده‌اند، و برخی (تَمَّ) را به معنی (صَارَ) و (أَرْبَعِينَ) را خبر آن دانسته‌اند. «أُخْلُفْنِي»: جانشین من باش.

سوره أعراف آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرۡ إِلَيۡكَۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِي وَلَٰكِنِ ٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡجَبَلِ فَإِنِ ٱسۡتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوۡفَ تَرَىٰنِيۚ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكّٗا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقٗاۚ فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٤٣﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، (و کلامی را شنید که به کلام کسی نمی‌ماند، خواست ذاتی را هم ببیند که چیزی مثل او نیست. لذا) عرض کرد: پروردگارا! (خویشتن را) به من بنمای تا تو را ببینم (و جمال والای تو را بنگرم. تا افتخار گفتار و دیدار نصیبم گردد. خدایش بدو) گفت: (تو با این بنیه آدمی و در این جهان مادی تاب دیدار مرا نداری و) مرا نمی‌بینی. ولیکن (برای اطمینان خاطر از این که تاب دیدن مرا نداری) به کوه (که همچون تو ماده و بسی نیرومندتر از تو است) بنگر، اگر (در برابر تجلّی ذات من) بر جای خود استوار ماند، تو هم مرا خواهی دید. امّا هنگامی که پروردگارش خویشتن به کوه نمود، آن را درهم کوبید و موسی بیهوش و نقش زمین گردید. وقتی که به هوش آمد گفت: پروردگارا! تو منزّهی (از آن که با چشمان سر قابل رؤیت باشی. بلکه این چشمان دل و خِردند که می‌توانند تو را مشاهده کنند). من (از این پرسش پشیمانم و) به‌سوی تو برمی‌گردم و من نخستینِ مؤمنان (به عظمت و جلال یزدان در این زمان) هستم.

توضیحات:

«أَرِنِي»: به من نشان بده. مفعول دوم آن (ذاتَكَ) یا (نَفْسَكَ) محذوف است. «لَن تَرَانِي »: مراد این است که مرا در این جهان نمی‌بینی، و یا این که هرگز مرا نمی‌بینی (نگا: تفسیرالمنار، جلد ۹، صفحه ۱۴۹ - ۱۷۸). «تَجَلَّيا»: جلوه‌گر شد. برخی گفته‌اند: مراد ظهور ذات باری است و کیفیت آن بر ما مجهول است. بعضی هم گفته‌اند: مراد جلوه پرتوی از قدرت الهی‌است. «دَكّاً»: درهم کوبیده. با زمین یکسان شده (نگا: کهف / ۹۸). مصدر است و به عنوان اسم مفعول یعنی (مَدْكُوكاً) به کار رفته است. « خَرَّ »: فرو افتاد. «صَعِقاً»: مدهوش افتاده. از حال رفته و بر زمین نقش بسته. «أَفَاقَ»: به هوش آمد. «اَوَّلُ الْـمُؤْمِنِينَ»: مراد نخستینِ مؤمنان در روزگار خودش است. یا نخستینِ مؤمنان به مسأله عدم رؤیت خدا در این سرا است.

سوره أعراف آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤﴾

ترجمه:

خدا گفت: ای موسی! من تو را با رسالت‌های خویش و با سخن گفتنم (با تو از فراسوی حجاب و بدون واسطه) بر مردمان (هم‌عصری که مأموریت تبلیغ احکام آسمانی بدانان داری) برگزیدم، پس آنچه به تو داده‌ام (یعنی توراتی را که به دست تو سپرده‌ام، محکم) برگیر و از زمره شکرگزاران (نعمت یزدان) باش.

توضیحات:

«إِصْطَفَيْتُكَ»: تو را برگزیده‌ام. «رِسَالاتِ»: جمع رسالت، چیزهائی که پیغمبر را مأمور تبلیغ آنها می‌کنند (نگا: اعراف / ۶۲). «كَلامِ»: سخن‌گفتن.

سوره أعراف آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿وَكَتَبۡنَا لَهُۥ فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ

قَوۡمَكَ يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ دَارَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ١٤٥﴾

ترجمه:

و برای او در الواح (تورات) از هرچیز (که مورد نیاز بنی‌اسرائیل از نصائح و حِکَم و احکام حلال و حرام بود) نوشتیم، تا پند و اندرز (زندگی) و روشن‌گر همه چیز (در امر تکالیف دینی و وظائف شرعی ایشان) باشد. (بدو گفتیم: این) الواح را با تاب و توان برگیر (و با نشاط فراوان و تلاش بی‌امان، مانند دیگر پیغمبران أُولُوالعزم، در تبلیغ آنها دامن همّت به کمر بزن) و به قوم خود (یعنی بنی‌اسرائیل) فرمان بده نیکوترین آنها را به کار بندند. (مثلاً عفو را بر قصاص، صبر کردن را بر پیروز شدن، آسان گرفتن را بر سخت گرفتن، و بالاخره آنچه را که دارای اجر بیشتر است بر چیزی ترجیح دهند که از ثواب کمتری برخوردار است). به زودی سرزمین گنه‌کاران (نافرمان و خارج‌شدگانِ از دستور یزدان، از قبیل: عاد و ثمود و قوم لوط) را به شما نشان می‌دهیم (تا بنگرید و عبرت گیرید و بدانید که اگر چون ایشان شوید، سرانجام تأسّف‌انگیزی همچون آنان خواهید داشت و به شما هم همان می‌رسد که بدی‌شان رسیده است).

توضیحات:

«أَلْوَاح»: جمع لَوح، آنچه بر آن چیزی نویسند. چگونگی و جنس و تعداد این الواح بر ما مجهول است. «مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً»: به عنوان اندرز و توضیح. بدل از جار و مجرور است. «سَأُرِيكُمْ»: به شما نشان خواهم‌داد.

سوره أعراف آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿سَأَصۡرِفُ عَنۡ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلۡغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ١٤٦﴾

ترجمه:

از (اندیشیدن درباره نشانه‌های موجود در آفاق و انفس و از فهم‌کردن) آیات خود کسانی را باز می‌دارم که در زمین به ناحق تکبّر می‌ورزند (و خویشتن را بالاتر از آن می‌دانند که آیات ما را بپذیرند و راه انبیاء را در پیش گیرند)، و اگر هر نوع آیه‌ای (از کتاب آسمانی و هرگونه معجزه‌ای از پیغمبران و هر قسم نشانه‌ای از نشانه‌های جهانی) را ببینند

بدان ایمان نمی‌آورند، و اگر راه هدایت (و رستگاری) را ببینند آن را راه خود نمی‌گیرند، و چنان که راه گمراهی را ببینند آن را راه خود می‌گیرند، این (انحراف از جاده شریعت خدا) هم بدان سبب است که آیات ما را تکذیب کرده و از آنها غافل و بی‌خبر گشته‌اند.

توضیحات:

«سَأَصْرِفُ»: منصرف خواهم ساخت. راه آنان را تغییر خواهم داد. «بِغَيْرِ الْحَقِّ»: به ناحق. ذکر این قید برای تأکید است؛ زیرا که تکبّر بر دیگران و خویشتن برتر گرفتن از پذیرش فرمان یزدان، همیشه نادرست است (نگا: بقره / ۶۱). «الرُّشْدِ»: هدایت. عکس گمراهی (نگا: بقره / ۲۵۶، جنّ / ۲). «الْغَيِّ»: گمراهی. «ذلِكَ»: یکایک این انحرافات و امور ناپسند، از ایشان سر می‌زند به سببِ.

سوره أعراف آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡۚ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤٧﴾

ترجمه:

کسانی که آیات (کتاب خواندنی آسمانی و دیدنی جهانی) ما را تکذیب دارند و به ملاقات (خدا در قیامت و به زنده‌شدن بعد از مرگ و حساب و کتاب) آخرت ایمان نمی‌آورند، اعمال (نیکی که انجام داده‌اند برباد می‌رود و باطل و) بیهوده می‌شود. مگر چنین کسانی جز در برابر کارهائی که کرده‌اند (و معاصی و کفری که ورزیده‌اند) پاداش داده می‌شوند؟

توضیحات:

«لِقَآءِ»: ملاقات. رویاروی شدن. مراد رستاخیز و حاضرشدن برای حساب و کتاب در پیشگاه خدا است. «حَبِطَتْ»: هدر رفت و ضائع شد. برباد رفت. «هَلْ يُجْزَوْنَ»: مراد این است که کارهای خوبشان هدر می‌رود و تنها کیفر اعمال بدشان نصیب‌شان می‌شود.

سوره أعراف آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿وَٱتَّخَذَ قَوۡمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِنۡ حُلِيِّهِمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٌۚ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّهُۥ لَا

﴿يُكَلِّمُهُمۡ وَلَا يَهۡدِيهِمۡ سَبِيلًاۘ ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَٰلِمِينَ ١٤٨﴾

ترجمه:

بعد از (رفتن) موسی (به کوه طور برای مناجات رب غفور)، قوم او از زیورهایشان گوساله‌ای ساختند و آن را معبود خود گرفتند که پیکر (بی‌جانی) بود و (تنها با مهارتی که سامری در آن به کار گرفته بود) صدای گاو داشت. مگر نمی‌دیدند که چنین پیکر گوساله‌گونه‌ای با آنان سخن نمی‌گوید و به راهی ایشان را راهنمائی نمی‌کند. (به هر حال، اندیشه گاوپرستی پیشین و بت‌پرستی پسین ایشان گُل کرد و غیبت موسی را غنیمت شمردند و) گوساله را به خدائی گرفتند و (به خود) ستم کردند.

توضیحات:

«حُلِّيِهِمْ»: زیورهای خود. زینت‌آلات خویش. «عِجْلاً»: گوساله‌ای. «جَسَداً»: پیکره‌ای. بدل یا عطف بیان است. به معنی: سرخ رنگ هم آمده است که از (جَسَد) به معنی خون خشکیده، زعفران و رنگ‌هائی چون آن است. در این صورت صفت است. «خُوَارٌ»: صدای گاو. «إِتَّخَذُوهُ»: آن را معبود خود کردند. درباره گوساله سامری مراجعه شود به: (بقره / ۵۱ و ۵۴ و ۹۲ و ۹۳، نساء / ۱۵۳، طه / ۸۵ - ۹۱).

سوره أعراف آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿وَلَمَّا سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ١٤٩﴾

ترجمه:

هنگامی که پشیمان و سرگردان شدند و دانستند که گمراه گشته‌اند، گفتند: اگر پروردگارمان بر ما رحم نکند و ما را نیامرزد، بی‌گمان از زیانکاران خواهیم بود.

توضیحات:

«سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ»: بسی پشیمان شدند و افسوس فراوان خوردند. در اصل دست خود را گاز گرفتن و چانه بر دست ندامت افگندن است. واژه (فِي) به معنی (عَلي) است.

سوره أعراف آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي مِنۢ بَعۡدِيٓۖ أَعَجِلۡتُمۡ أَمۡرَ رَبِّكُمۡۖ وَأَلۡقَى ٱلۡأَلۡوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأۡسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيۡهِۚ قَالَ ٱبۡنَ أُمَّ إِنَّ ٱلۡقَوۡمَ ٱسۡتَضۡعَفُونِي وَكَادُواْ يَقۡتُلُونَنِي فَلَا تُشۡمِتۡ بِيَ ٱلۡأَعۡدَآءَ وَلَا تَجۡعَلۡنِي مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥٠﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی (از مناجات) به پیش قوم خود خشمگین و اندوهناک بازگشت، گفت: پس از (رفتن من به مناجات) چه بد جانشینی مرا انجام دادید. آیا بر فرمان پرودگارتان (مبنی بر انتظار رجوع من از میعادگاه طور و مراعات پیمان خود با من) شتاب ورزیدید؟ موسی الواح را بینداخت و (موی) سر برادرش (هارون) را گرفت و آن را به‌سوی خود کشید (چرا که او را مقصّر می‌دید. هارون) گفت: ای پسر مادرم! این مردمان مرا درمانده و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند، پس دشمنان را به من شاد مکن و مرا از زمره قوم ستم‌پیشه مدان.

توضیحات:

«غَضْبَانَ»: خشمگین. حال اوّل است. «أَسِفاً»: اندوهگین. حال دوم است. «إِبْنَ أُمَّ»: پسر مادر. ادای سخن بدین شیوه، برای بر سر مهرآوردن و عطوفت است. منادا است و هر دو واژه به منزله یک واژه مرکب همچون (خَمْسَه عَشَرَ) بشمار آمده است. «لا تُشْمِتْ بِيَ الأَعْدَآءَ»: دشمنان را به من شاد مکن. از مصدر (إِشْمات) به معنی مسرور کردن. ثلاثی مجرّد آن (شَمَاتَة) است، به معنی: از گرفتاری دشمن و مصیبت او شاد شدن.

سوره أعراف آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٥١﴾

ترجمه:

(هنگامی که پاکی و بی‌گناهی هارون برای موسی مسلّم شد) گفت. پروردگارا! بر من و برادرم ببخشای (و از کاری که من در حق هارون کردم و از قصور احتمالی او در امر جانشینی صرف نظر فرمای) و ما را به رحمت خود داخل کن و (ما را لطف خویشتن شامل کن. چرا که) تو از همه مهربانان مهربانتری.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُفۡتَرِينَ ١٥٢﴾

ترجمه:

آنان که (همچون سامری و راهروانش) گوساله را معبود خود کردند، خشم عظیمی از سوی پروردگارشان ایشان را (در آخرت) فرا می‌گیرد، و خواری شدیدی در دنیا بدی‌شان دست می‌دهد. کسانی را هم که (به خدا) دروغ بندند (و جز او را بپرستند) این چنین جزا و سزا می‌دهیم.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ»: همچون کیفر ایشان. «الْـمُفْتَرِينَ»: بهتان و تهمت‌زنندگان. کسانی که به ناروا چیزهائی گویند و دروغ‌هائی به هم بافند.

سوره أعراف آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِهَا وَءَامَنُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٥٣﴾

ترجمه:

کسانی که کارهای زشتی (چون کفر و معاصی) انجام دهند و سپس توبه کنند و (از آنها دست بکشند و به‌سوی خدا برگردند و حقیقه) ایمان بیاورند، خدای تو بعد از آن (توبه که با بودن ایمان پذیرفتنی است، نسبت بدانان) بس آمرزنده و مهربان است (و ایشان را به درگاه خود می‌پذیرد و از اشتباهات و گناهانشان در می‌گذرد).

توضیحات:

«ءَامَنُوا»: ذکر خاصّ بعد از عام است. چرا که توبه از کفر و معاصی، خود ایمان بشمار است. «مِن بَعْدِهَا»: ضمیر (ها) در اوّلی به سیئات، و در دومی به توبه برمی‌گردد. «إِنَّ رَبَّكَ...»: این جمله خبر (الَّذِينَ) است و ضمیر عائد محذوف است. تقدیر چنین می‌شود: «إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِها لَغَفُورٌ لَّـهُمْ ، رَحِيمٌ بِـهِـمْ».

سوره أعراف آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى ٱلۡغَضَبُ أَخَذَ ٱلۡأَلۡوَاحَۖ وَفِي نُسۡخَتِهَا هُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ هُمۡ لِرَبِّهِمۡ يَرۡهَبُونَ ١٥٤﴾

ترجمه:

هنگامی که خشم موسی فرو نشست، الواح (تورات را از زمین) برگرفت، الواحی که در نوشته‌های آن سراسر هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خود می‌ترسیدند.

توضیحات:

«سَكَتَ»: خاموش شد. فرو نشست. «فِي نُسۡخَتِهَا»: در نوشته‌های آن. نُسْخه به معنی منسوخ، یعنی مکتوب است. «يَرۡهَبُونَ»: می‌ترسند. می‌هراسند.

سوره أعراف آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿وَٱخۡتَارَ مُوسَىٰ قَوۡمَهُۥ سَبۡعِينَ رَجُلٗا لِّمِيقَٰتِنَاۖ فَلَمَّآ أَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ قَالَ رَبِّ لَوۡ شِئۡتَ أَهۡلَكۡتَهُم مِّن قَبۡلُ وَإِيَّٰيَۖ أَتُهۡلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآۖ إِنۡ هِيَ إِلَّا فِتۡنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَتَهۡدِي مَن تَشَآءُۖ أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَاۖ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡغَٰفِرِينَ ١٥٥﴾

ترجمه:

(سپس خداوند به موسی دستور داد برای معذرت‌خواهی و توبه از کردار گوساله‌پرستان قوم، همراه گروهی از بنی‌اسرائیل به میعادگاه او بیایند) و موسی هفتاد مرد را از میان قوم خود (به نمایندگی از سوی آنان) برای میعادگاه ما برگزید (و ایشان را به کوه طور برد. در آنجا زمین‌لرزه‌ای درگرفت). هنگامی که زمین لرزه آنان را فراگرفت، موسی گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی می‌توانستی آنان و مرا پیش از این نیز هلاک کنی (تا بنی‌اسرائیل هلاک آنان را خود می‌دیدند. ولی اینک مرا به قتل ایشان متّهم می‌سازند). آیا ما را به سبب کاری که بی‌خردان ما کرده‌اند هلاک می‌سازی؟ (خداوندا! ما را به گناه آنان مگیر). این (درخواست نابه‌جای رؤیت، یا وقوع زلزله، یا کار گوساله‌پرستی) جز آزمایش تو چیز دیگری نیست که به سبب آن (برابر قوانین و سنن یزدان و گسترده در پهنه جهان) هر کس را بخواهی (و مستحقّ بدانی)

گمراه می‌سازی، و هر کس را بخواهی (و شایسته بدانی) هدایت می‌کنی. تو سرپرست ما هستی. پس بر ما ببخشای و به ما رحم فرمای، چرا که تو بهترین آمرزندگانی.

توضیحات:

«قَوْمَهُ»: از قوم خود. حرف جرّ (مِنْ) از اوّل آن حذف شده است و تقدیر چنین بوده است: مِن قَوْمِهِ. «إِنْ هِيَ»: نیست آن. واژه (إِنْ) نافیه است، و مرجع (هِيَ) فِتْنَة به معنی امتحان، فَعْلَة به معنی کار، «مَسْأَلَةُ الإِرَاءَة» به معنی درخواست خود را نشان دادن است که همه محذوف است و از سیاق پیدا است، و یا این که مرجع (هِيَ) رَجْفَة مذکور است. «إِيَّايَ»: مرا. «فِتْنَتُكَ»: آزمایش تو.

سوره أعراف آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِنَّا هُدۡنَآ إِلَيۡكَۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنۡ أَشَآءُۖ وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ ١٥٦﴾

ترجمه:

و برای ما در این دنیا و آن دنیا (زندگی) نیکی مقرّر دار (که سَروری و توفیق طاعت در این سرای، و سعادت ناشی از رضایت و عنایت تو در آن سرای است) چرا که ما (توبه نموده‌ایم و) به‌سوی تو بازگشت کرده‌ایم. (خدا بدو) گفت: عذاب خود را به هرکس که (گناه کند و توبه نکند و خود) بخواهم میرسانم، و رحمت من هم همه‌چیز را در برگرفته (و در این سرای شامل کافر و مؤمن می‌گردد، امّا در آن سرای) آن را برای کسانی مقرّر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند و زکات بدهند و به آیات (کتاب‌های آسمانی و نشانه‌های گسترده جهانی) ایمان بیاورند.

توضیحات:

«اُكْتُبْ»: مقدّر فرما. تفضّل و عطاء فرما. «هُدْنَا»: بازگشتیم. توبه کردیم.

سوره أعراف آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ

وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٥٧﴾﴾

ترجمه:

(به ویژه رحمت خود را اختصاص می‌دهم به) کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده (خدا محمّد مصطفی) پیغمبر امّی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت بازمی‌دارد، و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌نماید و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد بند و زنجیر (احکام طاقت‌فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می‌آورد (و از غُل استعمار و استثمارشان می‌رهاند). پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند، و از نوری پیروی کنند که (قرآن نام است و همسان نور مایه هدایت مردمان است و) به همراه او نازل شده است، بی‌گمان آنان رستگارند.

توضیحات:

«أُمِّيَّ»: منسوب به (أُمّ) یعنی مادر است. مراد کسی است که نتواند بخواند و بنویسد (نگا: عنکبوت / ۴۸). «إِصْر»: بار سنگین. مراد تکالیف سخت است (نگا: بقره / ۲۸۶). «الأغْلال»: جمع غُلّ، بند و زنجیرهای آهنین. در اینجا مراد احکام طاقت‌فرسائی است که به سبب معاصی و نافرمانی بر اهل کتاب واجب گشته بود. «إِصْرَهُمْ وَ الأغْلالَ...»: مشکلات و مشقّات معنوی، به وسیله بار و غل، نموده شده است که حسّی و قابل لمس می‌باشند. یعنی آنان به کسانی می‌مانند که بار بر دوش و بند و زنجیر به دست و پا داشته باشند و... «عَزَّرُوهُ»: او را حمایت کردند. او را یاری نمودند. در احترام وی کوشیدند.

سوره أعراف آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ

وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! (به مردم) بگو: من فرستاده خدا به‌سوی جملگی شما (اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و زرد و سرخ) هستم. خدائی که آسمان‌ها و زمین از آن او است. جز او معبودی نیست. او است که می‌میراند و زنده می‌گرداند. پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیغمبر درس نخوانده‌ای که ایمان به خدا و به سخنهایش دارد. از او پیروی کنید تا هدایت یابید.

توضیحات:

«كَلِمَـٰتِهِۦ»: سخنان او. مراد همه کتاب‌های آسمانی است (نگا: بقره / ۱۳۶).

سوره أعراف آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿وَمِن قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ﴿١٥٩﴾﴾

ترجمه:

در میان قوم موسی (یعنی بنی‌اسرائیل) گروه زیادی (بر دین صحیح ماندگار) بودند که (مردم را) به‌سوی حق رهنمود می‌کردند و (به سبب تمسّک) به حق (به هنگام داوری) دادگری می‌نمودند.

توضیحات:

«أُمَّةٌ»: گروه فراوانی. مراد از این گروه زیاد، عُقَلائی است که در زمان موسی گوساله‌پرستی نکردند و در برابر سُفَهاء قرار داشتند، و یا این که مراد عدّه‌ای از اصحاب پیغمبر است که در صدر اسلام آئین اسلام را پذیرفتند. «بِهِ»: به حق. « يَعْدِلُونَ»: دادگری می‌کنند.

سوره أعراف آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿وَقَطَّعۡنَـٰهُمُ ٱثۡنَتَيۡ عَشۡرَةَ أَسۡبَاطًا أُمَمٗاۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰهُ قَوۡمُهُۥٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنۢبَجَسَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۚ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡغَمَـٰمَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَـٰتِ مَا رَزَقۡنَـٰكُمۡۚ وَمَا

ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿١٦٠﴾﴾

ترجمه:

بنی‌اسرائیل را به دوازده قبیله و شاخه تقسیم کردیم، و هنگامی که آنان از موسی تقاضای آب کردند، به موسی وحی کردیم که با عصای خود بر سنگ بزن. به ناگاه دوازده چشمه از آن سنگ بیرون جوشید. هر دسته‌ای از مردمان با آبشخور خود آشنا شد (و هیچ قبیله‌ای مزاحم قبیله دیگری نگردید) و ابر را سایبان ایشان کردیم (و بدین‌وسیله آنان را از گرمای سوزان بیابان محفوظ داشتیم) و ترنجبین و بلدرچین نصیب ایشان کردیم (و بدانان گفتیم:) از چیزهای پاکی بخورید که روزی شما کرده‌ایم. (ولی آنان در حق این نعمت‌ها ناشکری کردند و ستم ورزیدند) امّا به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم نمودند (و زیان ناسپاسی متوجّه خودشان گردید).

توضیحات:

«قَطَّعْنَاهُمْ»: آنان را تقسیم کردیم. «أَسْبَاطاً»: جمع سِبْط، نوادگان. مراد قبائل است و هر قبیله‌ای از نسل مردی. بدل است؛ نه تمییز. واژه (أَسْباط) گاهی در معنی مفرد یعنی قبیله استعمال شده است، همان‌گونه که (أَنصار) برای گروه ویژه‌ای از اصحاب، عَلَم شده است. در این صورت می‌توان (أَسْباطاً) را تمییز بشمار آورد. «أُمَماً»: جماعت. گروه. بدل دوم (اثْنَتَيْ عَشْرَةَ) یا عطف بیان یا بدل (أَسْباطاً) است. «إِنبَجَسَتْ »: برجوشید. فوّاره زد (نگا: بقره / ۶۰). «مَشْرَب»: آبشخور. «ظَلَّلْنا»: سایبان کردیم. « غَمَام «: ابر. «مَنّ»: ترنجبین. گزنگبین. «سَلْوَیا»: پرنده بلدرچین. سُمانی (نگا: بقره / ۵۷).

سوره أعراف آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قِيلَ لَهُمُ ٱسۡكُنُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ وَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ وَقُولُواْ حِطَّةٞ وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيٓـَٰٔتِكُمۡۚ سَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٦١﴾﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) آن گاه را که بدی‌شان گفته شد: در این شهر (بزرگی که پیغمبرتان موسی برایتان نام برده است) سکونت گزینید و هرگونه که می‌خواهید و هرچه که لازم دارید (از خوراکیها و میوه‌های آنجا) بخورید و بگوئید: خداوندا! از گناهان ما درگذر، و

از دروازه (آن شهر) با خشوع و خضوع وارد شوید تا گناهان شما را بیامرزیم. ما به نیکوکاران (از عفو و مغفرت) فزونتر می‌بخشیم.

توضیحات:

«حِطَّةٌ»: زدودن. برطرف‌کردن (نگا: بقره / ۵۸). «سُجَّداً»: فروتنانه (نگا: بقره / ۵۸).

سوره أعراف آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَظۡلِمُونَ ١٦٢﴾

ترجمه:

سپس ستمگران (از فرمان خدای‌شان سرپیچی کردند و) گفتاری را که بدانان گفته شده بود دیگر کردند و دگرگون گفتند؛ پس در برابر سرپیچی و تمرّدشان، از آسمان بر آنان عذابی فرستادیم.

توضیحات:

«رِجْزاً»: عذاب. عقوبت. (نگا: بقره / ۵۹).

سوره أعراف آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿وَسۡـَٔلۡهُمۡ عَنِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَتۡ حَاضِرَةَ ٱلۡبَحۡرِ إِذۡ يَعۡدُونَ فِي ٱلسَّبۡتِ إِذۡ تَأۡتِيهِمۡ حِيتَانُهُمۡ يَوۡمَ سَبۡتِهِمۡ شُرَّعٗا وَيَوۡمَ لَا يَسۡبِتُونَ لَا تَأۡتِيهِمۡۚ كَذَٰلِكَ نَبۡلُوهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ١٦٣﴾

ترجمه:

از آنان درباره (سرگذشت اهالی) شهر (ایله) که در ساحل دریا بود بپرس. (به یاد بیاورند) هنگامی را که آنان (در روز شنبه از حدود و مقرّرات خدا) تجاوز می‌کردند. همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه به‌سویشان می‌آمدند (روی آب) و خودنمائی می‌کردند، امّا در غیر روز شنبه به‌سویشان نمی‌آمدند (و این هم آزمایشی از سوی خدا بود). به همین منوال آنان را پیوسته به سبب فسق و فجور دائمی و مستمرّشان (با آزمون‌های گوناگون) می‌آزمودیم (تا نیکوکاران پاک‌سیرت از بدکاران بد طینت جدا و

مشخّص شوند).

توضیحات:

«عَنِ الْقَرْيَةِ»: درباره شهر و اهل شهر. «حَاضِرَةَ الْبَحْرِ»: مشرف بر دریا. کنار دریا. «يَعْدُونَ»: تجاوز می‌کردند. ستم می‌نمودند. «حِيتَان»: جمع حُوت، ماهی‌ها. «شُرَّعاً»: جمع شارع به معنی نزدیک و نمایان. سربرافراشته. پیاپی. حال است «تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ... شُرَّعاً»: ماهی‌های آن نواحی روی آب خودنمائی می‌کردند. ماهی‌های آنجا از آب سر به در می‌آوردند. ماهی‌های آن مکان، پیاپی می‌آمدند و به دنبال همدیگر ردیف می‌شدند.

سوره أعراف آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ٱللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًاۖ قَالُواْ مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ١٦٤﴾

ترجمه:

و (به یاد یهودیان بیاور) هنگامی را که گروهی از (صلحای اسلاف) ایشان (که همچون دیگران نافرمانی و بزهکاری نمی‌کردند) به کسانی می‌گفتند (که سرکشان و گناهکاران را پند می‌دادند و موعظه می‌کردند:) چرا مردمانی را پند می‌دهید که خداوند آنان را (به سبب کفر و معاصی، در دنیا) نابود می‌کند یا (در آخرت) عذاب شدیدی خواهد داد؟ (مگر نمی‌دانید که پند و اندرز در اینان تأثیری ندارد و نرود میخ آهنین در سنگ؟) می‌گفتند: (ما به وظیفه خود که امر به معروف و نهی از منکر است عمل می‌کنیم) تا در پیشگاه پروردگارتان معذور بوده (و رفع مسؤولیت از خویشتن کرده باشیم) و شاید هم (این بیچارگان از گناه باز ایستند و نور ایمان زوایای درونشان را روشن سازد و راه) تقوا و پرهیزگاری در پیش گیرند.

توضیحات:

«أُمَّةٌ»: جماعت. گروه. «مَعْذِرَةً»: برای داشتن عذر تقصیر در پیشگاه ربّ جلیل. مفعول‌له است.

سوره أعراف آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۭ بَـِٔيسِۭ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٥﴾

ترجمه:

امّا هنگامی که پندها و اندرزهائی را نشنیدند که بدان‌ها تذکر داده شدند، کسانی را که (دیگران را نصیحت می‌نمودند و آنان را) از بدی نهی می‌کردند از (عذاب به دور داشتیم و از بلا) رهانیدیم، و کسانی را که (مخالفت فرمان می‌کردند و بیشتر و بیشتر گناه می‌ورزیدند و بدین وسیله بر خود و جامعه) ستم می‌نمودند، به خاطر استمرار بر معاصی و نافرمانی، به عذاب سختی گرفتار ساختیم.

توضیحات:

«نَسُوا»: فراموش کردند. در گوش نگرفتند و توجّه ننمودند. «بَئِیسٍ»: سخت. شدید.

سوره أعراف آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا عَتَوۡاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنۡهُ قُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ١٦٦﴾

ترجمه:

و هنگامی که از ترک چیزهائی که از آنها نهی می‌شدند سر باز زدند و سرکشی نمودند، خطاب بدانان گفتیم: به بوزینگان مطرودی تبدیل شوید (و به سبب خوی حیوانی از جامعه انسانی مطرود و در میان مردمان منفور و از رحمت یزدان به دور گردید).

توضیحات:

«عَتَوْا»: سرکشی‌کردند. «قِرَدَةً خَاسِئِینَ»: (نگا: بقره / ۶۵، مائده / ۶۰).

سوره أعراف آیه **۱۶۷**

متن آیه:

﴿وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبۡعَثَنَّ عَلَيۡهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَن يَسُومُهُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٦٧﴾

ترجمه:

و (نیز به یاد یهودیان بیاور) آن گاه را که پروردگار تو (توسّط پیغمبران به نیاکان

ایشان گوشزد و) اعلام کرد که تا دامنه روز قیامت کسی را بر آنان چیره می‌گرداند که بدترین عذاب را بدانان می‌چشاند. بی‌گمان پروردگار تو (به عاصیان و طاغیان) هرچه زودتر عقاب می‌رساند و او (نسبت به مطیعان و توبه‌کاران) آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«تَأَذَّنَ»: مؤکداً اعلام کرد (نگا: ابراهیم / ۷). «لَيَبْعَثَنَّ»: حتماً می‌فرستد. «يَسُومُهُم»: (نگا: بقره / ۴۹).

سوره أعراف آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿وَقَطَّعۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُمَمٗاۖ مِّنۡهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنۡهُمۡ دُونَ ذَٰلِكَۖ وَبَلَوۡنَٰهُم بِٱلۡحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ١٦٨﴾

ترجمه:

و آنان را در زمین به گروه‌هائی تقسیم کردیم. برخی از ایشان صالح بودند (که عبارتند از: مؤمنان) و بعضی از آنان جز آنان بودند (که عبارتند از: کافران و منافقان) و (همگان اعم از دینداران و بی‌دینان) ایشان را به نیکی‌ها و بدی‌ها آزمایش کردیم تا این که (پشیمان شوند و از خواب غفلت بیدار و به‌سوی کردگار) باز گردند.

توضیحات:

«قَطَّعْنَاهُمْ فِي الأَرْضِ أُمَـماً»: یهودیان را در اقطار زمین میان دیگران پراکنده ساختیم. «بَلَوْناهُمْ»: ایشان را آزمودیم.

سوره أعراف آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٞ وَرِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَأۡخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغۡفَرُ لَنَا وَإِن يَأۡتِهِمۡ عَرَضٞ مِّثۡلُهُۥ يَأۡخُذُوهُۚ أَلَمۡ يُؤۡخَذۡ عَلَيۡهِم مِّيثَٰقُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن لَّا يَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِۗ وَٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٦٩﴾

ترجمه:

بعد از آن، فرزندان ناخلفی جانشین آنان شدند که وارث کتاب (آسمانی تورات) گشتند (امّا بدان عمل نکردند. چرا که به جای پیروی از حق به دنبال مادیات روان شدند و) کالای این جهانِ دانی را دریافت می‌داشتند و (متاع سرای باقی را نادیده

می‌گرفتند و به تحریف کلام آسمانی دست می‌یازیدند و حلال و حرام را همسان می‌شمردند و به خود) می‌گفتند: (ان‌شاء الله) بخشیده خواهیم شد، و حال آن که اگر باز هم کالائی همانند کالای نخست (از راه حرام و حتّی با تحریف کلام) به دستشان می‌رسید آن را دریافت می‌داشتند (و بدین وسیله با وجود اصرار بر گناه، امید آمرزش در سر می‌پروراندند!) مگر از آنان در کتاب (تورات) پیمان گرفته نشده است که از زبان خدا جز حق نگویند؟ و حال آن که آنچه را در کتاب (تورات) است خوانده و فهم کرده‌اند و (دیده‌اند که باید حق را بگویند؛ نه باطل را، و متاع) دنیای دیگر بسی بهتر (از کالای این دنیا) برای کسانی است که پرهیزگاری کنند (و از خدای بترسند. چرا نمی‌اندیشید و همچنان بر گناه استمرار می‌ورزید)؟ مگر عقل ندارید و نمی‌فهمید (که جهان باقی را نباید به خاطر جهان فانی از دست داد)؟.

توضیحات:

«خَلَفَ»: جانشین و جایگزین گردید. سر رشته کارها را به دست گرفت. «خَلْفٌ»: جانشینان بد. فرزندان ناصالح. اسم جمع یا مصدر است. «عَرَض»: کالا. متاع. «هذا الأدْني»: اصل آن: «مَتاعَ هَذا الشَّيْءِ الأدْني» است که این جهانِ فانی است.

سوره أعراف آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠﴾

ترجمه:

و آنان که به کتاب (آسمانی تورات سخت پای‌بند بوده و بدان) متمسّک می‌شوند و نماز (واجب بر خویشتن) را به جای می‌آورند (پاداش بزرگی دارند و) ما پاداش اصلاح‌گران (خود و جامعه انسانی) را هدر نمی‌دهیم.

توضیحات:

«يُمْسِكُونَ»: متمسّک می‌شوند. پای‌بند تعالیم آن می‌باشند.

سوره أعراف آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ نَتَقۡنَا ٱلۡجَبَلَ فَوۡقَهُمۡ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٞ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُۥ وَاقِعُۢ بِهِمۡ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٧١﴾

ترجمه:

و (نیز به خاطر بنی‌اسرائیل بیاور) هنگامی را که کوه (طور) را بر فراز سر آنان نگاه داشتیم. آن چنان که انگار سایبانی (یا تکه‌ای ابر) است، و ایشان گمان بردند که بر سرشان فرو می‌افتد. (در این وقت خوف و هراس، بدی‌شان گفتیم:) آنچه را (از تورات) به شما دادیم محکم برگیرید و در عمل بدان کوشا باشید و آنچه را در آن است بررسی کنید و در مدّنظر گیرید تا پرهیزگار شوید (و خویشتن را با مواظبت احکام و دستورات آن، از عذاب به دور دارید).

توضیحات:

«نَتَقْنا»: از جای کندیم و بالابردیم (نگا: بقره / ۶۳). «ظُلَّةٌ»: سایبان.

سوره أعراف آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِيٓ ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَأَشۡهَدَهُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَلَسۡتُ بِرَبِّكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ شَهِدۡنَآۚ أَن تَقُولُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنۡ هَٰذَا غَٰفِلِينَ ١٧٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برای مردم بیان کن) هنگامی را که پروردگارت فرزندان آدم را از پشت آدمیزادگان (در طول اعصار و قرون) پدیدار کرد و (عقل و ادراک بدانان داد تا عجائب و غرائب گیتی را دریابند و از روی قوانین و سنن منظّم و شگفت‌انگیز هستی، خدای خود را بشناسند و بالاخره با خواندن دلائل شناخت یزدان در کتاب باز و گسترده جهان، انگار خداوند سبحان) ایشان را بر خودشان گواه گرفته است (و خطاب بدانان فرموده است) که: آیا من پروردگار شما نیستم؟ آنان (هم به زبان حال پاسخ داده و) گفته‌اند: آری! گواهی می‌دهیم (توئی خالق باری. ما دلائل و براهین جهان را موجب اقرار و اعتراف شما مردمان کرده‌ایم) تا روز قیامت نگوئید ما از این (امر خداشناسی و یکتاپرستی) غافل و بی‌خبر بوده‌ایم.

توضیحات:

«أَخَذَ»: پدید آورد. «مِن ظُهُورِهِمْ»: از پشت‌های ایشان. مراد ستون فقرات است. بدل از (مِن بَني ءَادَمَ) است. «أَن تَقُولُوا»: مفعول‌له برای مطالب پیشین، یعنی پدیدارکردن و به گواهی گرفتن و گواهی دادن است.

سوره أعراف آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿أَوۡ تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أَشۡرَكَ ءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةٗ مِّنۢ بَعۡدِهِمۡۖ أَفَتُهۡلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ١٧٣﴾

ترجمه:

یا این که نگوئید: نیاکان ما پیش از ما شرک ورزیدند و ما هم فرزندان آنان بودیم (و چون چیزی در دست نداشتیم که با آن حق را از باطل بشناسیم، از ایشان پیروی کردیم. لذا خویشتن را بی‌گناه می‌دانیم. پروردگارا!) آیا به سبب کاری که باطلگرایان (یعنی نیاکان مشرک ما که بنیان‌گذاران بت‌پرستی بوده‌اند) کرده‌اند ما را (مجازات می‌کنی و در روز رستاخیز با عذاب خود) نابودمان می‌گردانی؟

توضیحات:

«أَفَتُهْلِكُنا»: آیا ما را نابود می‌گردانی؟ مراد از نابودی در اینجا عقاب رساندن و مجازات کردن است.

سوره أعراف آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ١٧٤﴾

ترجمه:

این چنین آیات (کتابِ خواندنی آسمانی) را توضیح می‌دهیم (و نشانه‌های کتابِ دیدنی جهانی دالّ بر وجود خدا را می‌نمایانیم) بلکه آنان (که هم اینک یا در آینده می‌زیند از مخالفت با حق و تقلید از باطل) دست بردارند.

توضیحات:

«كَذلِكَ»: مثْلِ آن بیان شیوا و گویا.

سوره أعراف آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱلَّذِيٓ ءَاتَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنۡهَا فَأَتۡبَعَهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ١٧٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! برای آنان بخوان خبر آن کسی را که به او (علم و آگاهی از) آیات خود را دادیم (و او را از احکام کتاب آسمانی پیغمبر روزگار خود مطّلع ساختیم) امّا او از (دستور) آنها بیرون رفت (و بدان‌ها توجّه نکرد) و شیطان بر او دست یافت و از زمره گمراهان گردید.

توضیحات:

«أُتْلُ»: بخوان. «نَبَأ»: خبر. «الَّذِي»: کسی که. مردی که. نام شخص مذکور، در قرآن و حدیث تعیین نشده است. به هر حال مصداق آیه شریفه شامل هرکسی است که دارای چنین صفتی باشد. یعنی از حق مطّلع گردد و از آن پیروی کند، امّا بعدها از آن برگردد و راه ستیز در پیش گیرد. «إِنسَلَخَ»: پوست انداخت. در اینجا مراد این است که نسبت به آیات کافر شد و به ترک آنها گفت. «أَتْبَعَهُ»: دنبالش کرد. و بدو رسید. او را پیروِ خود کرد. مراد این است که شیطان بر او تسلّط و غلبه پیدا کرد. «الْغَاوِينَ»: گمراهان.

سوره أعراف آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَرَفَعۡنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخۡلَدَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُۚ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلۡكَلۡبِ إِن تَحۡمِلۡ عَلَيۡهِ يَلۡهَثۡ أَوۡ تَتۡرُكۡهُ يَلۡهَثۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۚ فَٱقۡصُصِ ٱلۡقَصَصَ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ١٧٦﴾

ترجمه:

امّا ما اگر می‌خواستیم مقام او را با این آیات بالا می‌بردیم و (دانشش را مایه سعادتش می‌نمودیم. امّا اجبار برخلاف سنّت ما است و لذا او را به حال خود رها ساختیم) لیکن او به زمین آویخت (و به پستی گرائید و به‌سوی آسمان هدایت بالا نرفت) و از هوی و هوس خویش پیروی کرد. مَثل او بسان مَثل سگ است که اگر بر او بتازی، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر هم آن را به حال خود واگذاری، زبان از دهان بیرون می‌آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب می‌دارند. (چنین افرادی بر اثر آرزوپرستی و دنیاپرستی، دائماً در پی مال‌اندوزی روان و نالانند و از ترس زوال نعمت و هراس از مرگ بیقرار و بی‌آرامند). پس داستان را بازگو کن بلکه بیندیشند (و از کفر و ضلال برگردند).

توضیحات:

«أَخْلَدَ إِلَي الأَرْضِ»: به دنیا چسبید و بدان گرائید. به پستی گرائید. «يَلْهَثْ»: زبان بیرون می‌آورد. «تَحْمِلِ»: حمله کنی. بتازی. «ذٰلِكَ»: آن. اشاره به وصف سگ یا اشاره به وضع شخصی است که از دلائل توحید و آیات کتاب آسمانی آگاه باشد و به ترک آنها گوید و به دنبال آرزوی نفسانی و وساوس شیطانی رود.

سوره أعراف آیه ۱۷۷

متن آیه:

﴿سَآءَ مَثَلًا ٱلۡقَوۡمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمۡ كَانُواْ يَظۡلِمُونَ ١٧٧﴾

ترجمه:

چه بد مثَلی دارند کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند. آنان (با این انحراف و انکار، به ما ستم نمی‌رسانند، بلکه) به خود ستم می‌کنند (چرا که خویشتن را از سعادت اخروی محروم می‌سازند).

توضیحات:

«سآءَ مَثَلاً»: چه مثل بدی. واژه (مَثَلاً) تمییز است. «الْقَوْمُ»: مبتدا است و ماقبل آن خبر بشمار است، یا این که خبر مبتدای محذوف است. «وَأَنفُسَهُمْ كانُوا يَظْلِمُونَ»: این جمله یا جمله مستأنفه است و معنی آن گذشت. یا این که عطف بر (كَذَّبُوا...) است و معنی چنین می‌شود: چه بد مثلی دارند کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند و به خود ستم می‌ورزند.

سوره أعراف آیه ۱۷۸

متن آیه:

﴿مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِيۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٧٨﴾

ترجمه:

هر که را خداوند (به راه حق) هدایت کند، حقیقه او راه یافته (و به سعادت دو جهان رسیده) است، و هر که را (به سبب سیطره هوی و هوسش، از این توفیق محروم و از راه حق) گمراه کند، زیانکار ایشانند.

توضیحات:

«الْمُهْتَدِي»: راه یافته. راهیاب. «الْخَاسِرُونَ»: زیانکاران. ذکر بخش اوّل آیه به صورت مفرد و بخش دوم آن به صورت جمع، می‌تواند اشاره به این باشد که راه حق یکی بیش نیست و راه باطل متشعّب و فراوان است.

سوره أعراف آیه ۱۷۹

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ ۖ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ ﴿١٧٩﴾﴾

ترجمه:

ما بسیاری از جنّیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده‌ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. (این بدان خاطر است که) آنان دل‌هائی دارند که بدان‌ها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی‌فهمند، و چشم‌هائی دارند که بدان‌ها (نشانه‌های خداشناسی و یکتاپرستی را) نمی‌بینند، و گوش‌هائی دارند که بدان‌ها (مواعظ و اندرزهای زندگی‌ساز را) نمی‌شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنان که باید سود نمی‌جویند و منافع و مضارّ خود را از هم تشخیص نمی‌دهند) همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته‌ترند (چرا که چهارپایان از سنن فطرت پا فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می‌پویند). اینان واقعاً بی‌خبر (از صلاح دنیاو آخرت خود) هستند.

توضیحات:

«ذَرَأْنَا»: آفریده‌ایم و در جهان پراکنده ساخته‌ایم. «لا يَفْقَهُونَ»: نمی‌فهمند. درک نمی‌کنند.

سوره أعراف آیه ۱۸۰

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَٱدْعُوهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا۟ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ أَسْمَٰٓئِهِۦ ۚ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾﴾

ترجمه:

خدا دارای زیباترین نامها است (که بر بهترین معانی و کاملترین صفات دلالت

می‌نمایند. پس به هنگام ستایش یزدان و درخواست حاجات خویش از خدای سبحان) او را بدان نام‌ها فریاد دارید و بخوانید، و به ترک کسانی بگوئید که در نام‌های خدا به تحریف دست می‌یازند (و واژه‌هائی به کار می‌برند که از نظر لفظ یا معنی، منافی ذات یا صفات خدا است)، آنان کیفر کار خود را خواهند دید.

توضیحات:

«الْحُسْنَىا»: مؤنّث أَحْسَن است، به معنی زیباترین واژه‌ها از لحاظ معانی و صفات است. «فَادْعُوهُ بِـهـَا»: خدا را با آنها نام ببرید و ذکر کنید و بخوانید. «ذَرُوا»: رها سازید. بی‌مبالات و بی‌توجّه شوید. «يُلْحِدُونَ»: اسامی را تحریف می‌کنند. مراد از الحاد در اسماء خدا این است که الفاظ و مفاهیم آن را تحریف کنند، یا این که خدا را به اوصافی توصیف نمایند که شایسته ذات او نیست، و یا این که صفات خدا را برای مخلوقات خدا به کار برند.

سوره أعراف آیه ۱۸۱

متن آیه:

﴿وَمِمَّنۡ خَلَقۡنَآ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ١٨١﴾

ترجمه:

در میان آفریدگانمان، گروهی هستند که به (سبب دوست داشتِ) حق (دیگران را به‌سوی حق) دعوت می‌کنند، و (در حکم‌ها و داوری‌هایشان هم به سبب عشق به حق) به حق دادگری می‌کنند.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به سبب دوست داشت حق. به سبب ایمان به حق و تمسّک بدان.

سوره أعراف آیه ۱۸۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨٢﴾

ترجمه:

کسانی که آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی) ما را تکذیب می‌دارند، کم‌کم گرفتار و (به عذاب خود) دچارشان می‌سازیم، از راهی و به گونه‌ای که نمی‌دانند.

توضیحات:

«سَنَسْتَدْرِجُهُمْ»: درجه به درجه بالایشان می‌بریم و کم‌کم در پیله نعمت اسیر و گرفتارشان می‌سازیم. آهسته و آرام به‌سوی هلاک و عذابشان می کشانیم و می لغزانیم. «مِنْ حَيْثُ»: از راهی که. به گونه‌ای که.

سوره أعراف آیه ۱۸۳

متن آیه:

﴿وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ١٨٣﴾

ترجمه:

و به آنان مهلت می‌دهم (و در عقوبت ایشان شتاب نمی‌ورزم و در گمراهی رهایشان می‌سازم). بی‌گمان طرح و نقشه من سخت استوار است (و دائماً ایشان را می‌پاید و نابودشان می‌نماید).

توضیحات:

«أُمْلِي»: مهلت می‌دهم (نگا: آل‌عمران / ۱۷۸). «كَيْد»: چاره‌جوئی نهانی. «مَتِينٌ»: محکم و استوار.

سوره أعراف آیه ۱۸۴

متن آیه:

﴿أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْۗ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٌ ١٨٤﴾

ترجمه:

آیا آنان (تا به حال درباره چیزی که پیغمبر ایشان را به‌سوی آن دعوت می‌نماید) نیندیشیده‌اند (تا آشکارا بدانند) همنشین ایشان (که از سوی خدا مبعوث شده است) دیوانه نیست، بلکه او تنها و تنها بیم‌دهنده آشکار (و بیان‌گر احکام کردگار) است.

توضیحات:

«صاحِب»: همنشین. همدم. «جِنَّةٍ»: جنون. دیوانگی. (نگا: مؤمنون / ۲۵، سبأ / ۸ و ۴۶). «مُبِين»: واضح و آشکار. بیان‌گر (نگا: مائده / ۱۹).

سوره أعراف آیه ۱۸۵

متن آیه:

﴿أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن

يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ١٨٥﴾

ترجمه:

(آنان به یکتاپرستی و توحیدی که محمّد ایشان را بدان می‌خواند، ایمان نمی‌آورند) آیا آنان به مُلک (پهناور و عظمت شگفت) آسمان‌ها و زمین (و عجائب و غرائب آنها) و به هر آنچه که خدا آفریده است نمی‌نگرند (و آنها راورانداز و وارسی نمی‌کنند، تا کمال قدرت صانع و وحدانیت مالک جهان را ببینند)؟ و آیا نمی‌اندیشند که چه بسا اجل آنان نزدیک شده باشد؟ (پس تا فرصت باقی است حق را بپذیرند و ایمان به حق را در خود تقویت کنند، و در پذیرش اسلام امروز و فردا نکنند. اگر آنان به این قرآن که پر است از دلیل و برهان، ایمان نیاورند) پس بالاتر از آن به چه سخنی (و دعوت دیگری) ایمان می‌آورند؟ (شاید در انتظار کتابی برتر از قرآنند؟ چه نادان مردمانند)؟.

توضیحات:

«مَلَکُوت»: مُلک عظیم و سُلطه فوق‌العاده، آنچه تحت سیطره و سیادت پادشاه قرار می‌گیرد. مراد از ملکوت آسمان‌ها و زمین، عجائب و غرائب و دلائل و براهین موجود در آنها است (نگا: انعام / ۷۵). «حَدِیث»: کلام. سخن. «بَعْدَهُ»: بعد از قرآن. مرجع ضمیر (هُ) قرآن است که از سیاق کلام پیدا است (نگا: جاثیه / ۶). مراد این است که کسی به قرآن ایمان نمی‌آورد، باید از ایمان آوردن او به چیز دیگری قطع امید کرد.

سوره أعراف آیه ۱۸۶

متن آیه:

﴿مَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُۥۚ وَيَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٨٦﴾

ترجمه:

خدا هرکه را (به سبب انتخاب راه بد و به خاطر انجام اعمال زشت و نابه کاریهای همیشگی او، از کتاب‌های آسمانی منحرف و از راه حق) گمراه سازد، هیچ راهنمائی نخواهد داشت، و خداوند آنان (یعنی چنین کسی و افرادی چون او گمراه) را رها می‌سازد تا در طغیان و سرکشی خود سرگردان و ویلان شوند (و به سبب اصرار بر کفر و ضلال و دشمنی مستمرّ باایمان و کمال، راه به جائی نبرند).

توضیحات:

«يَعْمَهُونَ»: سرگردان و حیران شوند. از ماده (عَمَهُ) به معنی: چرخش و گردش در

امواج گمراهی و سرگردانی (نگا: بقره / ۱۵). مفرد آوردن ضمیر در اوّل آیه، با توجّه به لفظ (مَنْ) و جمع‌آوردن آن در آخر آیه با توجّه به معنی (مَنْ) است.

سوره أعراف آیه ۱۸۷

متن آیه:

﴿يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَاۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتْ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۚ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةٗۗ يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَاۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝١٨٧﴾

ترجمه:

راجع به قیامت از تو می‌پرسند و می‌گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می‌رسد و) قیامت رخ می‌دهد؟ بگو: تنها پروردگارم از آن آگاه است، و کسی جز او نمی‌تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد (و از پایان این جهان و سرآغاز آن جهان مردمان را بیاگاهاند. اطّلاع از هنگامه قیامت) برای (ساکنان) آسمان‌ها و زمین سنگین و دشوار است (و هرگز دانش ایشان بدان نمی‌رسد). قیامت ناگهانی به وقوع می‌پیوندد و بر سرتان می‌تازد. از تو می‌پرسند: انگار تو از (شروع) قیامت باخبری؟ بگو: اطّلاع از آن، خاصّ یزدان است، ولیکن بیشتر مردمان (این مسأله و فلسفه آن را چنان که باید) نمی‌دانند.

توضیحات:

«السَّاعَةِ»: وقت پایان جهان. قیامت. «مُرْسَاهَا»: به وقوع پیوستن آن. (مُرْسي) مصدر میمی و از ماده (رَسْو) است. «لا یُجَلّیها»: پرده از آن به کنار نمی‌زند و آشکارش نمی‌سازد. « لِوَقْتِهَا»: در هنگام خود. لام آن لام توقیت نام دارد و به معنی (عِندَ) است. مانند: (أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ... سوره اسراء، آیه ۷۸). «ثَقُلَتْ»: آگاهی از آن دشوار و محال است. خوف و هراس آن سنگینی می‌کند بر. « حَفِيٌّ »: مُصِرّ و حریص. آگاه. «كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا»: انگار تو سخت جویا و خواستار آنی. انگار که تو از آن مطلع و باخبری.

سوره أعراف آیه ۱۸۸

متن آیه:

﴿قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ

لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿١٨٨﴾

ترجمه:

بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالک و مقتدرم گرداند.) اگر غیب می‌دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می‌کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی‌رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودم. حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرّات بی‌خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود؟). من کسی جز بیم‌دهنده و مژده‌دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نمی‌باشم.

توضیحات:

«لاَسْتَکْثَرْتُ»: حتماً افزون‌طلبی می‌کردم. خیلی فراهم می‌آوردم.

سوره أعراف آیه ۱۸۹

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَجَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَاۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتۡ حَمۡلًا خَفِيفٗا فَمَرَّتۡ بِهِۦۖ فَلَمَّآ أَثۡقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنۡ ءَاتَيۡتَنَا صَٰلِحٗا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٨٩﴾﴾

ترجمه:

او آن کسی است که شما را از یک جنس آفرید، و همسران شما را از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیاسایند. ولی (بسیار اتّفاق می‌افتد که) هنگامی که شوهران با همسران آمیزش جنسی می‌کنند، همسران بار سبکی (به نام جنین) برمی‌دارند و به آسانی با آن روزگار را بسر می‌برند. امّا هنگامی که بار آنان سنگین می‌شود، شوهران و همسران خدای خود را فریاد می‌دارند و می‌گویند: اگر فرزند سالم و شایسته‌ای به ما عطاء فرمائی از زمره سپاسگزاران خواهیم بود.

توضیحات:

«نَفْسٍ واحِدَةٍ»: مراد نسل و نوع انسان‌ها است (نگا: روم / ۲۱) به عبارت دیگر، در اینجا واحد نوعی موردنظر است؛ نه واحد شخصی. «تَغَشّاها»: با او همبستر شد. «مَرَّتْ بِهِ»: او را برد. مراد این است که وجود آن سنگینی نکرد و در انجام کارها وقفه‌ای

ایجاد ننمود. «أَثْقَلَتْ»: به سبب بزرگ شدن جنین، سنگین شد. «صَالِحاً»: شایسته. مراد فرزندی است که شایسته زندگی بوده و سالم و تندرست باشد.

سوره أعراف آيه ۱۹۰

متن آيه:

﴿فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحٗا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ ءَاتَىٰهُمَاۚ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١٩٠﴾

ترجمه:

امّا وقتی که خداوند فرزند سالم و شایسته‌ای بدانان داد، در دادن آن، چیزهائی (از قبیل: قبور اولیاء و صلحاء، و اشخاص و اصنام) را انباز خدا می‌سازند، و خدا بس بالاتر از آن است که همسان انبازهای ایشان شود.

توضیحات:

«فِيمَا»: در اعطاء. واژه (ما) می‌تواند مصدری و به معنی: دادن، و یا این که موصول و به معنی: خداداد باشد. «عَمَّا»: از کاری که. از چیز یا چیزهائی که. واژه (ما) مصدری یا موصول است.

سوره أعراف آيه ۱۹۱

متن آيه:

﴿أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ١٩١﴾

ترجمه:

آیا چیزهائی را انباز خدا می‌سازند که نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده می‌شوند؟

توضیحات:

«لا يَخْلُقُ... يُخْلَقُونَ»: ذکر فعل نخست به صورت مفرد، به خاطر رعایت لفظ (ما) و ذکر فعل دوم به صورت جمع، به خاطر رعایت معنی آن است.

سوره أعراف آيه ۱۹۲

متن آيه:

﴿وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٢﴾

ترجمه:

انبازهای آنان نه می‌توانند ایشان را یاری دهند و نه می‌توانند خویشتن را کمک

نمایند.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۹۳

متن آیه:

﴿وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡۚ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ ١٩٣﴾

ترجمه:

(ای بت‌پرستان)! شما اگر انبازهای خود را به فریاد خوانید تا شما را هدایت کنند، پاسخ شما را نمی‌توانند بدهند و خواسته شما را برآورده کنند. برای شما یکسان است، خواه آنها را به فریاد خوانید، و خواه خاموش باشید (و آنها را به یاری نطلبید. در هر دو صورت تکانی و کمکی از آنها نمی‌بینید).

توضیحات:

«إِن تَدْعُوهُمْ إِلَي الْهُدَيا لا يَتَّبِعُوكُمْ»: اگر شما از آنها تقاضای هدایت کنید، تقاضای شما برآورده نمی‌شود. اگر شما بخواهید آنها را هدایت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند. «صَامِتُونَ»: جمع صامت به معنی خاموش.

سوره أعراف آیه ۱۹۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٩٤﴾

ترجمه:

بتهائی را که بجز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگانی همچون خود شما هستند (و کاری از آنان ساخته نیست و نمی‌توانند فریادرس شما باشند). آنان را به فریاد خوانید و (از ایشان استمداد جوئید) اگر راست می‌گوئید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند (و نیاز شما را برآورده کنند).

توضیحات:

«إِنَّ الّذِينَ تَدْعُونَ»: کسانی را که به کمک می‌طلبید و به فریاد می‌خوانید. بتهائی را که فریاد می‌دارید و می‌پرستید. «تَدْعُونَ»: صدا می‌زنید و به فریاد می‌خوانید.

می‌پرستید. « عِبَادٌ »: مراد کسانی است که ندا می‌گردند و به کمک خوانده می‌شوند. یا مراد اصنام جمادی است که بنا به عقیده بت‌پرستان واژه‌های خاصّ ذوی‌العقول، یعنی (الَّذِینَ) و (عِبَادٌ) برای آنها به کار رفته است، و به حکم تکوین فرمانبردار خدایند.

سوره أعراف آیه ۱۹۵

متن آیه:

﴿أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ١٩٥﴾

ترجمه:

آیا این بت‌ها دارای پاهائی هستند که با آنها راه بروند؟ یا دارای دست‌هائی هستند که با آنها چیزی را برگیرند (و دفع بلا از شما و خویشتن کنند؟) یا چشم‌هائی دارند که با آنها ببینند؟ یا گوش‌هائی دارند که با آنها بشنوند؟ (پس آنها نه تنها با شما برابر نیستند، بلکه از شما هم کمتر و ناتوانترند. در این صورت چگونه آنها را انباز خدا می‌کنید و آنها را می‌پرستید؟). بگو: این بت‌هائی را که شریک خدا می‌دانید فراخوانید و سپس شما و آنها همراه یکدیگر درباره من نیرنگ و چاره‌جوئی کنید و اصلاً مرا مهلت ندهید (و اگر می‌توانید غضبم کنید و نابودم گردانید. امّا بدانید که این‌ها موجودات غیر مؤثّری هستند و کمترین تأثیری در وضع من و شما ندارند).

توضیحات:

«يَبْطِشُونَ بِـهَا»: آنچه بخواهند با آنها برمی‌دارند. با آنها دفع بلا می‌کنند. «كِيدُونِ»: برای نابودیم نقشه بکشید و مکر و کید کنید. چاره مرا بسازید. «لا تُنظِرُونِ»: مرا فرصت ندهید.

سوره أعراف آیه ۱۹۶

متن آیه:

﴿إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان سرپرست من خدائی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است، و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می‌کند.

توضیحات:

«يَتَوَلَّيا»: سرپرستی می‌کند. یاری می‌دهد.

سوره أعراف آیه ۱۹۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَكُمۡ وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٧﴾

ترجمه:

چیزهائی را که شما بجز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، نه می‌توانند شما را یاری دهند و نه می‌توانند خویشتن را کمک کنند.

توضیحات:

سوره أعراف آیه ۱۹۸

متن آیه:

﴿وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ١٩٨﴾

ترجمه:

و اگر از آنها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی‌شنوند (چه رسد به این که شما را ارشاد و راهنمائی کنند. و به ظاهر پیکره) آنها را می‌بینید که (انگار با چشمان خود) به شما می‌نگرند، ولیکن چیزی را نمی‌بینند.

توضیحات:

«وَإِن تَدْعُوهُمْ...»: (نگا: اعراف. ۱۹۳).

سوره أعراف آیه ۱۹۹

متن آیه:

﴿خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ ١٩٩﴾

ترجمه:

گذشت داشته باش و آسانگیری کن و به کار نیک دستور بده و از نادانان چشم‌پوشی کن.

توضیحات:

«الْعَفْوَ»: گذشت. چیزی که آسان و ساده بوده و برای مردم میسّر باشد. «الْعُرْفِ»: رفتار و کردار شایسته و پسندیده. «أَعرِضْ»: صرف نظر کن. چشم‌پوشی کن.

سوره أعراف آیه ۲۰۰

متن آیه:

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٠٠﴾

ترجمه:

و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسید (و خواست تو را از مسیر منحرف و از هدف باز دارد) به خدا پناه ببر (و خویشتن را بدو بسپار). او شنوای دانا است (و همه‌چیز را می‌شنود و همه‌چیز را می‌داند و هرچه زودتر به فریادت می‌رسد).

توضیحات:

«یَنزَغَنَّکَ»: تو را وسوسه کند. «إِسْتَعِذْ»: پناه ببر.

سوره أعراف آیه ۲۰۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ٢٠١﴾

ترجمه:

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌ای از شیطان می‌شوند به یاد (عداوت و نیرنگ شیطان، و عقاب و ثواب یزدان) می‌افتند، و (در پرتو یاد خدا و به خاطر آوردن دشمنانگی اهریمن) بینا می‌گردند (و آگاه می‌شوند که اشتباه کرده‌اند و از راه حق منحرف شده‌اند، و لذا شتابان به‌سوی حق برمی‌گردند).

توضیحات:

«طَآئِفٌ»: خیال بد. وسوسه.

سوره أعراف آیه ۲۰۲

متن آیه:

﴿وَإِخۡوَٰنُهُمۡ يَمُدُّونَهُمۡ فِي ٱلۡغَيِّ ثُمَّ لَا يُقۡصِرُونَ ٢٠٢﴾

ترجمه:

و امّا شیاطین، برادران (اهریمن صفت) خود (یعنی کافران و منافقان را وسوسه می‌کنند و) در گمراهی کمک و یاری‌شان می‌دهند تا بدانجا که دیگر (از گناه باز نمی‌ایستند و از هیچ جنایتی) کوتاهی نمی‌کنند.

توضیحات:

«إِخْوَانُـهـُمْ»: اخوان شیاطین که منافقان و کافرانند. «يَمُدُّونَهُمْ»: شیاطین ناپرهیزگاران را با تشویق بر گناه و سبک جلوه‌دادن آن مدد می‌دهند، و ناپرهیزگاران هم با پیروی و فرمانبرداری از شیاطین، آنها را کمک و یاری می‌نمایند.

سوره أعراف آیه ۲۰۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا لَمۡ تَأۡتِهِم بِـَٔايَةٖ قَالُواْ لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَاۚ قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّيۚ هَٰذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٢٠٣﴾

ترجمه:

هنگامی که (در نزول وحی تأخیر می‌افتد و) آیه‌ای برای آنان نمی‌آوری، می‌گویند: چرا آن را بر نمی‌گزینی و از پیش خود نمی‌سازی؟! بگو: من تنها از قرآنی پیروی می‌کنم که به من وحی می‌شود. این قرآن بینش و هدایت و رحمت پروردگارتان است برای کسانی که مؤمن باشند (چرا که ایشان برابر قوانین آن عمل می‌کنند).

توضیحات:

«إِجْتَبَيْتَهَا»: آن را برمی‌گزیدی و از پیش خود می‌ساختی و ارائه می‌دادی. «بَصائِرُ»: جمع بصیرت، به معنی بینش درون.

سوره أعراف آیه ۲۰۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٢٠٤﴾

ترجمه:

هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید.

توضیحات:

«أَنصِتُوا»: خاموش باشید.

سوره أعراف آیه ۲۰۵

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ وَلَا

تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

ترجمه:

پروردگارت را در دل خود، با فروتنی (در برابر خدا) و هراس (از او) و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن، و از زمره غافلان مباش.

توضیحات:

«تَضَرُّعاً وَ خِيفَةً»: فروتنانه و بیمناکانه. با فروتنی و هراس. این دو واژه حال بوده و به معنی (مُتَضَرُّعاً وَ خائِفاً) است، و یا این که مضافی در تقدیر است و در اصل چنین است: (ذا تَضَرُّعٍ وَ خِيفَةٍ). «دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ»: مراد این است که اگر خدای را همراه دل با زبان هم یاد کردی، آهسته‌تر از بلندکردن صدا و بالاتر از سرّ نهان، یعنی تنها گرداندن زبان باشد (نگا: اسراء / ۱۱۰). «الْغُدُوِّ»: صبحگاهان. فاصله طلوع فجر و طلوع خورشید. «الآصالِ»: جمع أَصيل: شامگاهان. فاصله عصر و مغرب.

سوره أعراف آیه ۲۰۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسْجُدُونَ۩



ترجمه:

بی‌گمان کسانی که مقرّبان (درگاه) پروردگار تو هستند، خویشتن را بزرگ‌تر از آن نمی‌دانند که به پرستش خدا بپردازند، و بلکه به تسبیح و تقدیس او مشغولند و در برابر او کرنش و سجده می‌برند.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ»: کسانی که در پیش پروردگار تو دارای مقام و منزلت هستند. مراد فرشتگان مقرّب است. «عِندَ رَبِّكَ»: نزد پروردگارت. مراد قرب مکانی نیست، بلکه مقصود قرب مقامی است.

سوره أنفال

سوره أنفال آیه ۱

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَنفَالِۖ قُلِ ٱلۡأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَصۡلِحُواْ ذَاتَ بَيۡنِكُمۡۖ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١﴾

ترجمه:

از تو درباره غنائم می‌پرسند (و می‌گویند که غنائم جنگ بدْر چگونه تقسیم می‌گردد و به چه کسانی تعلّق می‌گیرد)؟ بگو: غنائم از آن خدا و پیغمبر است (و پیغمبر به فرمان خدا تقسیم آن را به عهده می‌گیرد.) پس از خدا بترسید و (اختلاف را کنار بگذارید و) در میان خود صلح و صفا به راه اندازید، و اگر مسلمانید از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید.

توضیحات:

«الأنفَال»: جمع نَفْل، غنائم. «ذَاتَ»: حالت. صاحب. «بَیْن»: این واژه از اضداد است و به معنی وصلت و فُرقت آمده است. «ذَاتَ بَیْنِکُمْ»: حالتی که مایه پیوند شما می‌گردد. حالتی که مایه جدائی شما می‌شود.

سوره أنفال آیه ۲

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٢﴾

ترجمه:

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان هراسان می‌گردد (و در انجام نیکی‌ها و خوبی‌ها بیشتر می‌کوشند) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمان‌شان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند (و خویشتن را در پناه او می‌دارند و هستی خویش را بدو می‌سپارند).

توضیحات:

«وَجِلَتۡ»: هراسناک شد و لبریز از خوف گردید.

سوره أنفال آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که نماز را چنان که باید می‌خوانند و از آنچه بدی‌شان عطاء کرده‌ایم، (مقداری را به نیازمندان) می‌بخشند.

توضیحات:

سوره أنفال آیه ۴

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤﴾

ترجمه:

آنان واقعاً مؤمن هستند و دارای درجات عالی، مغفرت الهی، و روزی پاک و فراوان، در پیشگاه خدای خود می‌باشند.

توضیحات:

«حَقّاً»: صفت مصدر محذوفی است و تقدیر چنین است: إیماناً حَقّاً. «کَریمٌ»: پاک. فراوان.

سوره أنفال آیه ۵

متن آیه:

﴿كَمَآ أَخۡرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيۡتِكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ ٥﴾

ترجمه:

(ناخوشنودی بعضی از شما از چگونگی تقسیم غنائم بدر) همانند آن است که خداوند تو را از خانه‌ات (در مدینه، به‌سوی میدان بدر) به حق بیرون فرستاد، در حالی که جمعی از مؤمنان (چون آمادگی جنگ را نداشتند، از این امر) ناخوشنود بودند (ولی برخلاف دید محدود آنان درباره احکام الهی، سرانجامِ بدر پیروزی چشمگیری بود).

توضیحات:

«كَمَآ أَخۡرَجَكَ...»: حال مؤمنان در خلاف خود راجع به غنائم، همانند حال ایشان به هنگام فرمان خروج برای جنگ با مشرکان در بدر است. «بَيۡت»: خانه، مراد خانه پیغمبر در مدینه و یا مراد خود مدینه است.

سوره أنفال آیه ۶

متن آیه:

﴿يُجَٰدِلُونَكَ فِي ٱلۡحَقِّ بَعۡدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلۡمَوۡتِ وَهُمۡ يَنظُرُونَ ٦﴾

ترجمه:

(این گروه از مؤمنان) با تو درباره حق (یعنی بیرون رفتن جهت جنگ با مشرکان) مجادله می‌کنند، پس از آن که روشن شده است (که برابر وعده‌ای که بدی‌شان داده‌ای در جنگ پیروز می‌شوند). انگار که به‌سوی مرگ رانده می‌شوند و (صحنه مرگ خویشتن را با چشمان خود) می‌نگرند.

توضیحات:

«الْحَقِّ»: مراد بیرون رفتن برای جنگیدن در بدر است. «يسَاقُونَ»: رانده می‌شوند.

سوره أنفال آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحۡدَى ٱلطَّآئِفَتَيۡنِ أَنَّهَا لَكُمۡ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيۡرَ ذَاتِ ٱلشَّوۡكَةِ تَكُونُ لَكُمۡ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقۡطَعَ دَابِرَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! به یاد آورید) آن گاه را که خداوند پیروزی بر یکی از دو دسته را به شما وعده داد. (پیروزی بر کاروان تجاری قریش به سرپرستی ابوسفیان، و یا پیروزی بر لشکری که از مکه تدارک شده بود و به سرپرستی ابوجهل برای نجات کاروان آمده بود). شما دوست می‌داشتید دسته‌ای نصیب شما گردد که از قدرت و قوّت چندانی برخوردار نیست (که کاروان بود،) ولی خدا می‌خواست حق را با سخنان خود (که بیان‌گر اراده و قدرت یزدانند، برای مردم) ظاهر و استوار گرداند و کافران را (از سرزمین عرب با پیروزی مؤمنان) ریشه‌کن کند (لذا شما را با لشکر قریش درگیر کرد).

توضیحات:

«غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ»: فاقد قوّت و قدرت. بی‌نیرو و شکوه. «يُحِقُّ»: ثابت و پابرجا دارد. « دَابِرَ»: دنباله‌رو. آخر. (قَطْعُ الدَّابِرِ) کنایه از ریشه‌کن کردن است.

سوره أنفال آیه ۸

متن آیه:

﴿لِيُحِقَّ ٱلۡحَقَّ وَيُبۡطِلَ ٱلۡبَٰطِلَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ۝٨﴾

ترجمه:

تا بدین وسیله حق را (که اسلام است) پابرجا و باطل را (که شرک است) تباه گرداند، هرچند که بزهکاران (کافر و طغیانگر، آن را) نپسندند.

توضیحات:

«وَلَوْ كَرِهَ الْـمُجْرِمُونَ»: مراد افراد کفرپیشه است، نه مؤمنانی که نمی‌خواستند با لشکر قریش درگیر شوند. چرا که کافران احقاق حق و ابطال باطل را دوست نمی‌دارند.

سوره أنفال آیه ۹

متن آیه:

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ ۝٩﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! حالا که غنائم را تقسیم می‌کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می‌ورزید، به یاد آورید) زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدّت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت:) من شما را با یک‌هزار فرشته کمک و یاری می‌دهم که این گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند.

توضیحات:

«تَسْتَغِيثُونَ»: یاری می طلبید. کمک می‌خواهید. «مُـمِدّ»: معین. یاری‌دهنده. «مُرْدِفِينَ»: آنان که دیگران را پشت سر خود می‌دارند و خویشتن در جلو حرکت

می‌کنند (نگا: آل‌عمران / ۱۲۴ - ۱۲۷). واژه (مُرْدِفِينَ) صفت کلمه (أَلْفٍ) است.

سوره أنفال آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمْۚ وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝١٠﴾

ترجمه:

خداوند این (امداد با فرشتگان) را تنها برای مژده دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیداکردن دل شما به آن کرد، وگرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است). بی‌گمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است.

توضیحات:

«بُشْرَیا»: بشارت، مژده.

سوره أنفال آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ ٱلشَّيْطَٰنِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلْأَقْدَامَ ۝١١﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! به یاد آورید) زمانی را که (از دشمنان و کم‌آبی به هراس افتادید و خداوند) خواب سبکی بر شما افگند تا مایه آرامش و امنیت (روح و جسم شما) از ناحیه خدا گردد، و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را (از پلیدی جسمانی) پاکیزه دارد و کثافت (وسوسه‌های) شیطانی را از شما به دور سازد، و (با این نعمت) دل‌هایتان را ثابت (و به یاری خدا واثق) نماید، و گامها را (در شنزارهای بدر) استوار دارد (و روحیه شما را تقویت و بر میزان استقامت شما بیفزاید).

توضیحات:

«يُغَشِّيكُمْ»: همچون پرده‌ای بر دیدگان شما افگند. بر شما چیره کرد. «النُّعَاسَ»: خواب سبک و چرت‌مانندی که با وجود آن حواسّ از کار نمی‌افتد و ادراک و شعور بر جای است. «أَمَنَةً»: امن. امنیت. مفعول‌له است. «رِجْزَ»: ناپاکی. مراد وسوسه‌های

اهریمنی است (نگا: مائده / ۹۰، مدّثّر / ۵).

سوره أنفال آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ بَنَانٖ ١٢﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می‌نمایم. شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت‌قدم بدارید، (و من هم) به دل‌های کافران خوف و هراس خواهم انداخت. (به مؤمنان الهام کنید:) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردن‌های ناپاک‌شان سنگینی می‌کند) و دست‌های ایشان را ببرید (و پنجه‌هایشان را پی کنید).

توضیحات:

«أَنَّيا مَعَكُمْ»: من با شمایم. مراد از این همراهی، همراهی کمک و یاری است. «الرُّعْبَ »: خوف. هراس. «فَوْقَ الأعْنَاقِ»: بالاتر از گردن. مراد وارد آمدن ضربه‌های کاری بر سر و گردن کافران است. «بَنَانٍ»: سرانگشتان. مراد دست‌ها و پنجه‌ها، و یا این که دست‌ها و پاها، و یا همه اندام بدن است. در این صورت تسمیه کلّ به اسم جزء است. یعنی هرگونه که ممکن شد.

سوره أنفال آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ
﴾

ترجمه:

این (پشتیبانی از مؤمنان و رسواکردن کافران) بدان خاطر است که کافران با خدا و پیغمبرش به ستیز برخاستند، و هرکه با خدا و پیغمبرش بستیزد، (او درخور عذاب است و هرچه زودتر خدا او را گرفتار مجازات دردناک در دنیا و آخرت خواهد کرد) چه خدا دارای عقاب شدید است (همان گونه که دارای رحمت وسیع است).

توضیحات:

«ذلِكُمْ»: این را داشته باشید و عذاب آن را بچشید. خبر مبتدای محذوف است یا مبتدا است و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین است: «الأمْرُ ذلِكَ. یا: ذلِكَ الأمْرُ».

سوره أنفال آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُمۡ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٤﴾

ترجمه:

این (عذاب و عقاب دنیوی، یعنی شکست و گریز در برابر مؤمنان) را بچشید و (بدانید که) عذاب دوزخ برای کافران (به جای خود باقی) است.

توضیحات:

«شَآقُّوا»: دشمنی کردند. به مقابله برخاستند. «مَن يُشَاقِقْ»: جزای شرط محذوف است که عبارت است از: (لَهُ عَذَابٌ شَدِيدٌ). یا تنها عائد شرط در آخر آیه محذوف است که (لَهُ) است.

سوره أنفال آیه ۱۵

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحۡفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ١٥﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که با انبوه کافران (در میدان نبرد) روبرو شدید، بدانان پشت نکنید (و فرار ننمائید).

توضیحات:

«زَحْفاً»: در حال لشکرکشی. مراد جمعیت فراوان و ساز و برگ زیاد دشمن است. این واژه مصدر است و در معنی اسم فاعل، یعنی (زاحِفينَ) به کار رفته است و حال فاعل فعل (كَفَرُوا) می‌باشد. «فَلا تُوَلُّوهُمُ الأدْبَارَ»: بدانان پشت نکنید. مراد این است که فرار ننمائید.

سوره أنفال آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَمَن يُوَلِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفٗا لِّقِتَالٍ أَوۡ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٖ فَقَدۡ بَآءَ بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٦﴾

ترجمه:

هرکس در آن هنگام بدانان پشت کند و فرار نماید - مگر برای تاکتیک جنگی یا پیوستن به دسته‌ای - گرفتار خشم خدا خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود، و دوزخ بدترین جایگاه است.

توضیحات:

«مُتَحَرِّفاً»: کسی که از سوئی به سوئی می‌رود؛ در اینجا مراد کسی است که برای تاکتیک جنگی از قبیل جنگ و گریز یا به دام انداختن دشمن و غیره از برابر دشمن بگریزد و این سو و آن سو رود و یا این که به گروه دیگری از دشمن حمله‌ور شود. « مُتَحَيِّزاً»: گراینده. از جائی به جائی رونده. مراد جنگجوئی است که عقب‌نشینی او به خاطر پیوستن به دیگران و رزمیدن به همراه ایشان باشد. واژه‌های (مُتَحَرِّفاً) و (مُتَحَيِّزاً) حال می‌باشند. «فِئَةٍ»: گروه. دسته. «الْـمَصِيرُ»: جایگاه. محلّ بازگشت.

سوره أنفال آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَلَمۡ تَقۡتُلُوهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمۡۚ وَمَا رَمَيۡتَ إِذۡ رَمَيۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبۡلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡهُ بَلَآءً حَسَنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١٧﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان)! شما کافران را (با قوّت و قدرت خود در نبرد بدر) نکشتید، بلکه خدا (با پیروز نمودنتان بر آنان و افگندن هراس به دل‌هایشان) ایشان را کشت. و (ای پیغمبر! بدان گاه که مشتی خاک به طرف آنان پرتاب کردی و خاک به چشمان ایشان فرو رفت، در اصل) این تو نبودی که (خاک را به‌سوی آنان) پرتاب کردی (چرا که مشتی خاک از حیث کمیت و کیفیت آن توانائی را ندارد) بلکه خداوند (آن خاک را تکثیر و به‌سوی ایشان) پرتاب کرد (و به چشمان آنان رساند) تا بدین وسیله مؤمنان را خوب بیازماید (و با اعطاء خوبی‌ها آزمایش‌شان نماید). بی‌گمان خداوند شنوای (دعا و استغاثه مؤمنان بوده و از صدق و اخلاص ایشان) آگاه است.

توضیحات:

«لِيُبْلِيَ الْـمُؤْمِنينَ مِنْهُ بَلآءً حَسَناً»: خداوند چنین کاری را کرد تا مؤمنان را با نعمت نصرت و پیروزی بیازماید و در صورت شکر نعمت، بر مقدار آن بیفزاید و توفیق بیشترشان عطاء نماید. بَلآءً در اینجا محمول بر احسان و نعمت است و مراد امتحان مؤمنان با حسنات است (نگا: اعراف / ۱۶۸).

سوره أنفال آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيۡدِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٨﴾

ترجمه:

این (پیروزی مؤمنان و شکست کافران، حق است و نمونه آن را دیدید) و خداوند (دام) مکر و کید کافران را سست (و بی‌اثر) می‌کند.

توضیحات:

«ذٰلِكُمْ»: آن نصرت و پیروزی مؤمنان، و شکست و کشتار کافران. مبتدا و خبر آن محذوف است؛ و یا این که خود خبر مبتدای محذوف است، و جمله (أَنَّ اللهَ مُوهِنُ...) عطف بر آن است (نگا: انفال / ۱۴). «مُوهِن»: سست‌کننده.

سوره أنفال آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِن تَسۡتَفۡتِحُواْ فَقَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡفَتۡحُۖ وَإِن تَنتَهُواْ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَعُودُواْ نَعُدۡ وَلَن تُغۡنِيَ عَنكُمۡ فِئَتُكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَوۡ كَثُرَتۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٩﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان)! شما (که از پروردگار خود) درخواست پیروزی (در جنگ بدر) را می‌کردید و پیروز هم شدید. (حال که مشغول تقسیم غنائم هستید، از روش اعتراض‌آمیز و مخالفت با نحوه تقسیم غنائم) اگر دست بردارید، برای شما بهتر خواهد بود. اگر هم (به مجادله و پرخاشگری خود) برگردید، ما هم (به تقبیح کارتان و تحریک دشمنانتان) برمی‌گردیم (و شما را در چنگال کشتن تنها رها می‌سازیم) و جمعیت شما هر چند هم زیاد باشد (بدون یاری خدا) کاری از پیش نخواهد برد. بی‌گمان خدا با مؤمنان است (و یاری و پشتیبانی او شامل آنان است).

توضیحات:

«إِن تَسْتَفْتِحُوا...»: اگر طلب پیروزی و فتح و ظفر می‌کنید. این آیه با توجّه به سابق و لاحق خود، خطاب به مؤمنان است. برخی آن را خطاب به مشرکان قریش می‌دانند که چون آماده کارزار شدند، به پرده کعبه آویختند و از خداوند پیروزی بهترین و بزرگوارترینِ دو گروه، یعنی قریشیان و مسلمانان را خواستند. آن وقت معنی آیه چنین می‌شود: ای مشرکان قریش! شما که از خدا درخواست پیروزی گروه برحق را داشتید، و هم‌اینک مسلمانان پیروز شده‌اند و حق را عیان می‌بینید، اگر از کفر و دشمنانگی با پیغمبر و مسلمانان دست بردارید برای شما بهتر است، و اگر به کفر و جنگ با ایشان برگردید، ما هم پیروزکردن آنان و شکست دادن شما را تکرار می‌کنیم؛ و...

سوره أنفال آیه ۲۰

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوْاْ عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، و از پیغمبر روگردان نشوید، در حالی که شما (آیات قرآن را) می‌شنوید (و می‌بینید که آشکارا امر به وجوب اطاعت از او می‌کنند).

توضیحات:

«لا تَوَلَّوْا عَنْهُ»: بدو پشت مکنید. از دستور او سرپیچی مکنید. «تَسْمَعُونَ»: می‌شنوید. مراد از شنیدن در اینجا، فهمیدن و تصدیق‌کردن است.

سوره أنفال آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ٢١﴾

ترجمه:

و مانند کسانی نباشید که می‌گفتند: شنیدیم (امّا در گوش نگرفتیم)، و حال آن که آنان نمی‌شنوند (چون به دنبال آن نمی‌روند).

توضیحات:

«الَّذِينَ قالُوا...»: مراد از چنین کسانی بیشتر دو گروهند: کافران دشمن حق و

حقیقت (نگا: نساء / ۴۶) و منافقان دورو (نگا: محمّد / ۱۶). «لا يَسْمَعُونَ»: مراد این است که گوش‌شان به حقائق بدهکار نیست (نگا: اعراف / ۱۷۹).

سوره أنفال آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلۡبُكۡمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡقِلُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان بدترین انسان‌ها در پیشگاه یزدان، افراد کر و لالی هستند که نمی‌فهمند.

توضیحات:

«الدَّوَابِ»: جمع دَابَّة، جنبندگان (نگا: نور / ۴۵). در اینجا مراد انسان‌ها است. «الصُّمُّ»: جمع اصمّ، اشخاص کر. مراد کسانی است که برای شناخت حق و پندگرفتن از مواعظ حسنه گوش فرا نمی‌دهند. «الْبُكْمُ»: جمع ابکم، اشخاص لال. مراد کسانی است که حق و حقیقت را نمی‌گویند. «لا يَعْقِلُونَ»: مراد کسانی است که از عقل برای تشخیص حق از باطل، و خیر از شر، سود نمی‌جویند.

سوره أنفال آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمۡ خَيۡرٗا لَّأَسۡمَعَهُمۡۖ وَلَوۡ أَسۡمَعَهُمۡ لَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

اگر خداوند (در آنان آمادگی پذیرش حق می‌دید، و زمینه قبول خیر و) نیکی در ایشان سراغ می‌داشت، (حرف حق را به هر صورت بود) به گوششان می‌رسانید، ولی اگر (با فراهم نبودن زمینه، چنین کاری را می‌کرد و حق را) به گوش آنان می‌رسانید، سرپیچی می‌کردند؛ چرا که ایشان (آگاهانه از پذیرش حق) روگردانند.

توضیحات:

«أَسْمَعَهُمْ»: به گوش آنان رساند. گوش ایشان را باز و شنوا کرد. «خَيْراً»: نیکی. در اینجا مراد استعداد و زمینه پذیرش حق است. معنی آیه فوق درست به آن می‌ماند که کسی بگوید: من اگر می‌دانستم فلان کس دعوت مرا می‌پذیرد، از او دعوت می‌کردم. ولی در حال حاضر وضع طوری است که اگر او را دعوت کنم نخواهد پذیرفت. بنابراین

دعوت نخواهم کرد.

سوره أنفال آیه ۲۴

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمۡ لِمَا يُحۡيِيكُمۡۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَقَلۡبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! فرمان خدا را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد، و بدانید که خداوند میان انسان و دل او جدائی می‌اندازد (و می‌تواند انسان را از رسیدن به خواست‌ها و آرزوهای دل باز دارد و او را بمیراند و نگذارد عمر طولانی داشته باشد که مهم‌ترین آرزوی دل هر انسانی است)، و بدانید که همگان در پیشگاه خدای سبحان گرد آورده می‌شوید (و به حساب و کتابتان رسیدگی می‌گردد).

توضیحات:

«إِسْتَجِيبُوا»: بپذیرید. دعوت خدا را با طاعت و عبادت پاسخ گوئید. «إِذا»: هرگاه که. واژه (إِذا) می‌تواند عام باشد و مراد بیان شرط نباشد. یعنی هر زمان که شما را دعوت کرد، بی‌گمان به‌سوی چیزی دعوت می‌کند که مایه حیات است و... یا این که ذکر (إِذا) برای شرط بوده و به خاطر دو چیز باشد: الف - دخالت دادن عقل در پذیرفتن یا نپذیرفتن فرمان، حتی اگر این فرمان از منبعی باشد که جز حق ظاهر و خیر خالص از آن صادر نگردد. ب - اوامر و احکام شریعت همه خیر مطلق است و بررسی و وارسی آنها بر نورانیت و حقّانیت آنها می‌افزاید و زیبائی و والائی آنها را بهتر و بیشتر در آئینه ضمیر می‌نمایاند. «يَحُولُ»: حائل می‌گردد و فاصله می‌اندازد. مراد بیان قدرت کامل و علم شامل خدا است که با قدرت خود بر هر چیزی توانا و با علم خود از هرچیزی آگاه است، و این او است که اختیار قلب که سررشته زندگی است در دست او است، و حیات و ممات انسان مربوط بدو است.

سوره أنفال آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ فِتۡنَةٗ لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمۡ خَآصَّةٗۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾ [۲۵]

ترجمه:

خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامن‌گیر کسانی نمی‌گردد که ستم می‌کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آنان می‌سوزد) و بدانید که خداوند دارای کیفر سخت و مجازات شدید است.

توضیحات:

«فِتۡنَةً»: بلا و مصیبت. «خَآصَّةً»: مخصوصاً. به ویژه.

سوره أنفال آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ أَنتُمۡ قَلِيلٞ مُّسۡتَضۡعَفُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمۡ وَأَيَّدَكُم بِنَصۡرِهِۦ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾ [۲۶]

ترجمه:

(ای مؤمنان)! به یاد آورید هنگامی را که شما گروه اندک و ضعیفی در سرزمین (مکه) بودید و می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند، ولی خدا شما را (در سرزمین مدینه) پناه و مأوی داد و با معونت و یاری خود شما را (در جنگ بدر پیروز گرداند و) نیرو بخشید و غنائم پاکیزه‌ای بهره شما کرد تا این که سپاسگزاری بکنید (و در راه جهاد به جان و دل بکوشید).

توضیحات:

«أَن يَتَخَطَّفَكُمْ»: این که شما را بربایند. «ءَاوَیا»: پناه داد. مکان و مأوی داد. «أَيَّدَ»: تقویت کرد. نیرو و شکوه بخشید. «الطَّيِّبَاتِ»: روزیهای پاکیزه. مراد غنائم جنگ است که تنها برای آنان حلال و پاکیزه بود.

سوره أنفال آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمۡ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾ [۲۷]

ترجمه:

ای مؤمنان! به خدا و پیغمبر (با دوست داشت دشمنان حق، پخش اسرار جنگی،

پشت سرافکندن برنامه‌های الهی، و غیره) خیانت مکنید، و در امانات خود نیز آگاهانه خیانت روا مدارید.

توضیحات:

«وَتَخُونُوا اماناتِکُمْ»: این جمله عطف بر (تَخُونُوا...) و مجزوم است، یا این که منصوب است چون جواب نهی است. همان‌گونه که شاعر می‌گوید: «لا تَنْهَ عَنْ خُلُقٍ وَ تَأتِيَ مِثْلَهُ عارٌ عَلَيْكَ - إِذا فَعَلْتَ – عَظيمٌ» «وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»: در حالی که مفاسد خیانت و بدفرجامی آن را در دنیا و آخرت می‌دانید.

سوره أنفال آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ٢٨﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان راستین)! بدانید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش هستند (و ترجیح محبّت دارائی و فرزندان بر محبّت یزدان سبحان، مایه بلا و هلاک شما است) و بدانید که پاداش بزرگ (مؤمنانی که از عهده امتحان برمی‌آیند و رضایت خدا را بالاتر از مال و منال دنیا می‌دانند) در پیشگاه خدا (مهیا و مصون) است.

توضیحات:

«فِتْنَةٌ»: مایه آزمایش. وسیله هلاک. مایه آشوب (نگا: آل‌عمران / ۱۴، و تغابن / ۱۵).

سوره أنفال آیه ۲۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّكُمۡ فُرۡقَانٗا وَيُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! اگر از خدا (بترسید و از مخالفت فرمان او) بپرهیزید، خدا بینش ویژه‌ای به شما می‌دهد که در پرتو آن حق را از باطل می‌شناسید، و گناهانتان را می‌زدایید و شما را می‌آمرزد، چرا که یزدان دارای فضل و بخشش فراوان است.

توضیحات:

«فُرْقَاناً»: نصرت و پیروزی، چون دشمنان را از دوستان و محق را از مبطل جدا

می‌سازد. بینش و روشن‌بینی، چون بدان حق از باطل شناخته می‌شود. این واژه مصدر ثلاثی مجرّد است و برای مبالغه به کار می‌رود.

سوره أنفال آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يَمۡكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثۡبِتُوكَ أَوۡ يَقۡتُلُوكَ أَوۡ يُخۡرِجُوكَۚ وَيَمۡكُرُونَ وَيَمۡكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران درباره تو نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند یا بکشند و یا این که (از شهر مکه) بیرون کنند. آنان چاره می‌اندیشیدند و نقشه می‌کشیدند (که چگونه به تو شر و بلا برسانند) و خدا (هم برای نجات تو از شر و بلای ایشان) تدبیر و چاره‌سازی می‌کرد، و خداوند بهترین چاره‌ساز است.

توضیحات:

«لِيُثْبِتُوكَ»: تا تو را برجای بدارند و زندانی کنند. «يُخْرِجُوكَ»: تو را اخراج کنند (نگا: توبه / ۴۰). «يَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللهُ»: (نگا: آل‌عمران / ۵۴، اعراف / ۹۹ و ۱۲۳)؛ واژه (مکر) به معنی تدبیر و چاره‌اندیشی و طرح نقشه است.

سوره أنفال آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدۡ سَمِعۡنَا لَوۡ نَشَآءُ لَقُلۡنَا مِثۡلَ هَٰذَآ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣١﴾

ترجمه:

این کافران هنگامی که آیات ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: شنیدیم (چیز مهمّی نیست)! اگر ما هم بخواهیم مثل این را می‌گوئیم. چرا که چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

توضیحات:

«أَسَاطِيرُ»: جمع أُسْطُورَه، افسانه‌ها (نگا: فرقان / ۵).

سوره أنفال آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلۡحَقَّ مِنۡ عِندِكَ فَأَمۡطِرۡ عَلَيۡنَا حِجَارَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئۡتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به خاطر بیاور) زمانی را که کافران می‌گفتند: خداوندا اگر این (آئین و این قرآن) حق است و از ناحیه تو است، از آسمان بارانی از سنگ بر سر ما فرود آور یا به عذاب دردناک (دیگری) ما را گرفتار ساز.

توضیحات:

«إِن كَانَ هذا هُوَ الْحَقَّ»: واژه (هُوَ) ضمیر فصل یا عماد است و (الْحَقَّ) خبر (كانَ) است.

سوره أنفال آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

خداوند تا تو در میان آنان هستی ایشان را عذاب نمی‌کند (به گونه‌ای که آنان را ریشه‌کن و نابود سازد. چرا که تو رَحْمَةلِلْعالَمین بوده و آنان را به‌سوی حق فرا می‌خوانی و امیدواری که آئین اسلام را بپذیرند و راه رستگاری در پیش گیرند)، و همچنین خداوند ایشان را عذاب نمی‌دهد در حالی که (برخی از) آنان طلب بخشش و آمرزش می‌نمایند (و از کرده خود پشیمانند و از اعمال ناشایست خویش توبه می‌کنند).

توضیحات:

«وَأَنتَ فِيهِمْ»: در حالی که تو در میان آنان بسر می‌بری. «وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»: در حالی که طلب آمرزش را دارند. مراد از عذاب مورد نظر آیه، عذاب و بلای بزرگی است که یکباره ایشان را هلاک و نابود سازد؛ نه عذاب و بلای جزئی و معمولی. دو چیز وسیله امنیت از عذاب خدا است: وجود پیغمبر در میان مسلمین، و استغفار به درگاه ربّ‌العالمین. اوّلی اختصاص به مسلمانان صدر اسلام، و دومی مربوط به همه مؤمنان در تمام قرون و اعصار است.

سوره أنفال آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَمَا لَهُمۡ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمۡ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوۡلِيَآءَهُۥٓۚ إِنۡ أَوۡلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

چرا خداوند آنان را عذاب نکند، در حالی که ایشان (مسلمانان را) از مسجدالحرام باز می‌دارند؟ آنان هرگز سرپرستان مسجدالحرام نمی‌باشند، بلکه تنها کسانی حق این سرپرستی را دارند که پرهیزگار باشند، و لیکن غالب آنان (از این واقعیت) بی‌خبرند.

توضیحات:

«أَوْلِيَآؤُهُ»: ضمیر (هُ) در هر دو واژه (اولیاء) به مسجدالحرام برمی‌گردد. برخی هم مرجع آن را (ألله) دانسته‌اند. در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: چرا خداوند آنان را عذاب نکند، در حالی که ایشان مسلمانان را از مسجدالحرام باز می‌دارند؟ آنان هرگز دوستان خدا نمی‌باشند. بلکه تنها مسلمانان پرهیزگار دوستان خدا بشمارند، ولیکن بیشتر آنان (از این واقعیت) بی‌خبرند (نگا: یونس / ۶۲ و ۶۳).

سوره أنفال آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمۡ عِندَ ٱلۡبَيۡتِ إِلَّا مُكَآءٗ وَتَصۡدِيَةٗۚ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

دعا و تضرّع ایشان در کنار مسجدالحرام جز سوت‌کشیدن و کف‌زدن نمی‌باشد. پس (ای کافران! مزه مرگ در میدان نبرد بدْر و اسارت در آن و) عذاب را بچشید به سبب کفری که می‌ورزیده‌اید.

توضیحات:

«صَلاتُهـُمْ»: نماز ایشان. دعا و عبادت ایشان. «مُكَآءً»: سوت‌کشیدن. «تَصْدِيَة»: کف‌زدن. از ماده (صدد) و در آن دال دوم به یاء قلب شده است. یا از (صَدي) و ناقص یائی است.

سوره أنفال آیه ۳۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيۡهِمۡ حَسۡرَةٗ ثُمَّ يُغۡلَبُونَۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحۡشَرُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردمان را) از راه خدا (و ایمان به الله) بازدارند. آنان اموال‌شان را خرج خواهند کرد، امّا بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بی‌گمان کافران همگی به‌سوی دوزخ رانده می‌گردند و در آن گرد آورده می‌شوند.

توضیحات:

«يُحْشَرُونَ»: رانده می‌شوند. گردآورده می‌شوند.

سوره أنفال آیه ۳۷

متن آیه:

﴿لِيَمِيزَ ٱللَّهُ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجۡعَلَ ٱلۡخَبِيثَ بَعۡضَهُۥ عَلَىٰ بَعۡضٖ فَيَرۡكُمَهُۥ جَمِيعٗا فَيَجۡعَلَهُۥ فِي جَهَنَّمَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

(این شکست در دنیا و عذاب در آخرت همه به خاطر آن است که) تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد و برخی از ناپاکان را بر برخی دیگر بیفزاید و جملگی ایشان را روی هم انباشته کند و آن گاه به دوزخ‌شان بیندازد. آنان (در دنیا و آخرت) زیانکارند.

توضیحات:

«لِيَمِيزَ اللهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»: تا خدا کافر را از مؤمن جدا سازد و آنان را همسان و برابر نکند (نگا: مائده / ۱۰۰ و سجده / ۱۸). لام (لِيَمِيزَ) متعلّق به فعل مقدّری است که از سیاق کلام مفهوم می‌گردد، و تقدیر چنین است: «فَعَلَ اللهُ ذلِكَ لِيَميزَ». «فَيَرْكُمَهُ»: تا آن را متراکم کند و روی هم انباشته سازد.

سوره أنفال آیه ۳۸

متن آیه:

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ وَإِن يَعُودُواْ فَقَدۡ مَضَتۡ سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! به کافران بگو: (درگاه توبه همیشه باز است و) اگر (از کفر و عناد) دست بردارند، گذشته اعمال‌شان بخشوده می‌شود، و اگر هم (به کفر و ضلال خود) برگردند (و به جنگ و ستیزتان برخیزند) قانون خدا درباره پیشینیان از مدّنظر گذشته است (و همان قانون هم درباره آنان اجرا می‌گردد. یعنی سزای مشرکان و معاندان و مکذّبان نابودی است و ایشان هم نابود می‌شوند).

توضیحات:

«سَلَفَ»: از پیش گذشت. «مَضَتْ»: رفت. جاری شد. «سُنَّةُ»: روش. قانون. « سُنَّةُالأَوَّلِينَ»: عادت خدا نسبت به گذشتگان. یعنی یاری مؤمنان و رسوائی و نابودی کافران (نگا: انبیاء / ۱۰۵، غافر / ۵۱). اضافه (سُنَّة) به (الأوّلينَ) به خاطر مُلابسه ظاهری میان آن دو تا است والاّ سنّت از آن خدا است؛ نه دیگران (نگا: اسراء / ۷۷، احزاب / ۳۸ و ۶۲، غافر / ۸۵).

سوره أنفال آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣٩﴾

ترجمه:

و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند). پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بدارید، چرا که) خدا می‌بیند چیزهائی را که می‌کنند (و کیفرشان می‌دهد).

توضیحات:

«فِتْنَةٌ»: از دین برگرداندن. بلا و آشوب. «يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ للهِّ»: مراد این است که ادیان باطله از میان رود، و جز دین اسلام بر جای نماند. دین و پرستش همه خاصّ خدا باشد.

سوره أنفال آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡۚ نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ۝٤٠﴾

ترجمه:

و اگر پشت کردند (و به روی‌گردانی خود از حق و آزار مؤمنان ادامه دادند) بدانید که (شما تحت سرپرستی خدا قرار دارید و) خداوند سرپرست شما است و او بهترین سرپرست و بهترین یاور و مددکار است.

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: پشت کردند. نپذیرفتند. «الْـمَوْلَيا»: سَرور. سرپرست.

سوره أنفال آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ۝٤١﴾

ترجمه:

(ای مسلمانان)! بدانید که همه غنائمی را که فراچنگ می‌آورید، یک پنجم آن متعلّق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و واماندگان در راه است. (سهم خدا و رسول به مصالح عامّه‌ای اختصاص دارد که پیغمبر در زمان حیات خود مقرّر می‌دارد یا پیشوای مؤمنان بعد از او معین می‌نماید. بقیه یک پنجم هم صرف افراد مذکور می‌شود. چهار پنجم باقیمانده نیز میان رزمندگان حاضر در صحنه تقسیم می‌گردد. باید به این دستور عمل شود) اگر به خدا و بدانچه بر بنده خود در روز جدائی (کفر از ایمان، یعنی در جنگ بدر، روز هفدهم ماه رمضان سال دوم هجری) نازل کردیم ایمان دارید. روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران) رویاروی شدند (و با هم جنگیدند، و گروه اندک مؤمنان، بر جمع کثیر کافران، در پرتو مدد الهی پیروز شدند) و خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«خُمُس»: یک پنجم. «ذِي الْقُرْبي»: خویشاوندان. مراد بنی‌هاشم و بنی عبدالمطّلب است. «يَوْمَ الْفُرْقَانِ»: روز جدائی حق از باطل و ایمان از کفر. مراد روزی است که قرآن در شب آن نازل گردید (نگا: آل‌عمران / ۴ و فرقان / ۱) و جنگ بدر در سال دوم

هجری در آن به وقوع پیوست.

سوره أنفال آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِذۡ أَنتُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلۡقُصۡوَىٰ وَٱلرَّكۡبُ أَسۡفَلَ مِنكُمۡۚ وَلَوۡ تَوَاعَدتُّمۡ لَٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡمِيعَٰدِ وَلَٰكِن لِّيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗا لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝٤٢﴾

ترجمه:

(به یاد آورید) زمانی را که شما در طرف نزدیکتر (به مدینه منوّره) بودید (و باران فقط در آنجا بارید و زمین را سفت گردانید) آنان (یعنی دشمنان) در طرف دورتر مستقرّ بودند (و آب در اختیار نداشتند و زمین آنجا سست بود و بارانی هم به خود ندید، و لذا قدم‌ها بدان فرو می‌رفت) و کاروان (قریشیان به سرپرستی ابوسفیان که شما در تعقیب آن بودید) در مکان پائین‌تری از شما قرار داشت. اگر با همدیگر وعده (جنگ) می‌دادید (قریشیان به خاطر هراس از شما مؤمنان، و شما مؤمنان به سبب کمی خود و فراوانی دشمنان) به وعده خود وفا نمی‌کردید، ولیکن (بدون وعده قبلی و میل قلبی با یکدیگر رویاروی شدید) تا خداوند کاری را تحقّق بخشد که می‌بایست انجام گیرد، و بدین وسیله آنان که گمراه می‌شوند با اتمام حجّت بوده و آنان که راه حق را می‌پذیرند با آگاهی و دلیل آشکار باشد. بی‌گمان خدا بر هر چیزی توانا است (و او بود که گروه اندک مسلمانان را پیروز و گروه فراوان کافران را شکست داد).

توضیحات:

«الْعُدْوَةِ»: کناره. سمت. طرف. ناحیه. «الدُّنْيَا»: مؤنّث أَدْنی، نزدیک‌تر. مراد ناحیه‌ای است که به مدینه نزدیک‌تر بود. «الْقُصْويا»: مؤنّث أَقصی، دورتر. «الرَّكْبُ»: کاروان. مراد کاروان ابوسفیان است که در آیه هفتم همین سوره بدان اشاره شده است. «أَسْفَل»: پائین‌تر. مراد مکان پائین‌تری است که در ساحل دریا قرار داشت. «لَوْ تَوَاعَدْتُمْ»: اگر شما و قریشیان به همدیگر وعده جنگ می‌دادید و بر آن توافق می‌کردید. «لِيَهْلِكَ»: تا هلاک شود. مراد از هلاک در اینجا کفر است چون سبب هلاک است. «يَحْيَا»: زنده شود. مراد از زنده شدن، ایمان آوردن است. زیرا ایمان

آوردن، از مرگِ کفر زنده شدن و زندگی دوباره یافتن است (نگا: انعام / ۱۲۲). « بَينَةٍ »: دلیل آشکار. مراد مشاهده کشته‌شدن کفّار و پیروزی آشکار مؤمنان در جنگ بدر است که در پرتو مدد و یاری باری تعالی بود.

سوره أنفال آیه ۴۳

متن آیه:

﴿إِذۡ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلٗاۖ وَلَوۡ أَرَىٰكَهُمۡ كَثِيرٗا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤٣﴾

ترجمه:

در آن زمان خداوند در خواب دشمنان را به تو اندک نشان داد، و اگر آنان را زیاد نشان می‌داد، مسلّماً سست می‌شدید و درباره کار (جنگیدن و نجنگیدن) دچار کشمکش می‌گشتید، ولی خداوند (شما را از این عجز و اختلاف) رهائی بخشید، چرا که او از آنچه (در میان دل‌ها و) در اندرون سینه‌ها است باخبر است (و از روحیه و باطن همگان آگاه است).

توضیحات:

«يُرِيكَهُمْ»: آنان را به تو نمود. پیغمبر پیش از درگیری در خواب چنین دید که شماره دشمنان اندک است. مؤمنان از این خواب دل و جرأتی پیدا کردند. والاّ تعداد کافران بیش از هزار نفر بود، در صورتی که مؤمنان ۳۱۴ نفر بودند. « سَلَّمَ »: رهائی بخشید. نجات داد.

سوره أنفال آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يُرِيكُمُوهُمۡ إِذِ ٱلۡتَقَيۡتُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِكُمۡ قَلِيلٗا وَيُقَلِّلُكُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِهِمۡ لِيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗاۗ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٤٤﴾

ترجمه:

و در آن زمان خداوند آنان را در نظر شما به هنگام رویاروئی کم جلوه داد، و شما را نیز در نظر آنان کم جلوه داد، تا خداوند موضوعی را که می‌بایست تحقّق یابد انجام دهد. (این اراده خدا بود) و همه کارها و همه چیزها (در این جهان) به فرمان و خواست یزدان برمی‌گردد (و آنچه او بخواهد می‌شود و بس).

توضیحات:

«يُرِيكُمُوهُمْ... قَلِيلاً»: (كُمْ) و (هُمْ) مفعول اوّل و دوم (يُري) و (قَليلاً) حال (هُمْ) است.

سوره أنفال آیه ۴۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَٱثْبُتُواْ وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که با گروهی (از دشمنان در میدان کارزار) روبرو شدید، پایداری نمائید (و فرار نکنید) و بسیار خدا را یاد کنید (و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید و به تضرّع و زاریش بخوانید) تا (در دنیا) پیروز و (در آخرت) رستگار شوید.

توضیحات:

«فِئَةً»: دسته. گروه. «فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا...»: دو عامل پیروزی، یکی پایداری و دومی در همه حال به یاد خدا بودن و ذکر خدا کردن است.

سوره أنفال آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَـٰزَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْۖ وَٱصْبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّـٰبِرِينَ ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می‌شوید و شکوه و هیبت شما از میان می‌رود (و ترس و هراسی از شما نمی‌شود). شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.

توضیحات:

«ريح»: باد. در اینجا مراد قوّت و قدرت، شکوه و هیبت، و غلبه و پیروزی است.

سوره أنفال آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ٤٧﴾

ترجمه:

و مانند کسانی (از قریشیان) نباشید که بسیار مغرورانه و خودستایانه و برای خودنمائی کردن در برابر مردم (از شهر مکه به‌سوی میدان بدر) بیرون آمدند و (با نمایش مال و منال و قدرت و قوّت خود) مردمان را از راه خدا باز می‌داشتند (و از دخول آنان به دین اسلام با تمام توان جلوگیری می‌نمودند). خداوند از آنچه می‌کردند آگاه است (و کیفر آنان را خواهد داد).

توضیحات:

«بَطَراً»: سرمستی نعمت و قدرت. غرور حاصل از اموال و اولاد و جاه و جلال. فخر. « رِئَآءَ»: برای ریا و خودنمائی. واژه‌های (بَطَراً) و (رِئَآءَ) مصدر و مفعول‌له بوده و یا این که حال بشمارند و به جای (بَطِرينَ) و (مُرائِينَ) یعنی سرمستانه و ریاکارانه به کار رفته‌اند. «مُحِيطٌ»: کاملاً آگاه و از هر جهت توانا.

سوره أنفال آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَإِذۡ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡۖ فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوۡنَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَۚ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٤٨﴾

ترجمه:

(به یاد آور) زمانی را که اهریمن (با وسوسه‌های خود) اعمال‌شان را در جلو دیدگانشان می‌آراست و می‌گفت: امروز هیچ کس نمی‌تواند بر شما پیروز شود و من، هم‌پیمان و یاور شما هستم. امّا هنگامی که دو گروه (مؤمنان و کافران) همدیگر را دیدند (و رویاروی شدند) بر پاشنه‌های خود چرخید (و از عهد و پیمان خود دست کشید) و گفت من از شما بیزار و گریزانم. من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خدا می‌ترسم. چرا که خدا سخت کیفردهنده و مجازات‌کننده است.

توضیحات:

«جارٌ»: هم‌پیمان. یاور. «تَرَآءَتْ»: همدیگر را دیدند. «نَكَصَ عَلَيا عَقِبَيْهِ»: به عقب برگشت و گریخت. مراد این است که مکر و کید او باطل شد و از خواست‌های خود دست کشید.

سوره أنفال آیه ۴۹

متن آیه:

﴿إِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمۡۗ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ۝٤٩﴾

ترجمه:

(به یاد آور) آن زمانی را که منافقان و کسانی که (ضعیف‌الایمان بودند و) در دل‌هایشان بیماری (کفر و نفاق سَرَک می‌کشید و در غوغا) بود، می‌گفتند: اینان را آئین‌شان مغرور نموده و گول زده است (این است که چنین آماده رزم و فداکارند و خویشتن را با دست ما به کشتن می‌دهند. امّا کافران و منافقان و همه مردمان باید بدانند که) هرکس به خدا پشت بندد (خدا او را بسنده است و وی را پیروز می‌گرداند و به مقصود می‌رساند) چرا که خدا مقتدر و توانا است و کارها را بجا و از روی فلسفه انجام می‌دهد (و حق را بر باطل چیره می‌گرداند).

توضیحات:

«وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ»: عطف تفسیر است (نگا: بقره / ۱۰). «غَرَّ»: مغرور کرده است. گول زده است.

سوره أنفال آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ۝٥٠﴾

ترجمه:

اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می‌دهد) بدان گاه که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می‌زنند و (بدی‌شان می‌گویند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشید، (از مشاهده این همه درد و رنج و ترس و خوف دچار شگفت خواهی شد و به

حال آنان تأسّف خواهی خورد).

توضیحات:

«یَتَوَفَّیا»: جان می‌گیرند. به قبض روح می‌پردازند (نگا: نساء / ۹۷، انعام / ۶۱، محمّد / ۲۷، نحل / ۲۸ و ۳۲). «الْحَرِیقِ»: سوزاندن. سوزاننده (نگا: آل‌عمران / ۱۸۱).

سوره أنفال آیه ۵۱

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّـٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٥١﴾

ترجمه:

این به خاطر کارهائی است که از پیش می‌کرده‌اید و می‌فرستاده‌اید و خداوند به بندگان هرگز کمترین ستمی روا نمی‌دارد.

توضیحات:

«ظَلّام»: صیغه مبالغه در کمیت است؛ نه کیفیت (نگا: آل‌عمران / ۱۸۲). به معنی (ذي ظُلْم) است، از قبیل: عَطاّر. تَمّار.

سوره أنفال آیه ۵۲

متن آیه:

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٥٢﴾

ترجمه:

(اینان رفتار و کردار زشتی دارند) همچون رفتار و کردار قوم فرعون و کسانی که پیش از ایشان بودند و آیات ما را (با وجود روشنی) تکذیب می‌کردند، پس خداوند آنان را به (کیفر) گناهانشان گرفت، و خداوند نیرومند و شدیدالعقاب است (و اعمال ناشایست در گذشته از هر کسی سرزده یا درآینده سرزند، سرنوشت او همین خواهد بود).

توضیحات:

«دَأْب»: عادت همیشگی. پیشه.

سوره أنفال آیه ۵۳

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا عَلَىٰ قَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٥٣﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده است تغییر نمی‌دهد مگر این که آنان حال خود را تغییر دهند (و دیگر شایستگی نعمت خدا را نداشته باشند و بلکه سزاوار نقمت گردند) و بی‌گمان خداوند شنوای (اقوال و) آگاه (از افعال مردمان) است.

توضیحات:

«ذَلِكَ»: این عذاب و کیفر قریشیان. «مَا بِأَنفُسِهِمْ»: رفتار و کردارشان. نیات و افکارشان.

سوره أنفال آیه ۵۴

متن آیه:

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَۚ وَكُلّٞ كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ٥٤﴾

ترجمه:

(اینان رفتار و کردار زشتی دارند و در انکار آیات و تکذیب رسالت پیغمبران خدا، کاروبارشان) همچون کاروبار قوم فرعون و کسانی است (از قبیل قوم نوح و عاد و ثمود) که پیش از ایشان می‌زیستند و آیات پروردگار خود را تکذیب می‌کردند، پس ما ایشان را به سبب گناهانشان (با صاعقه‌های جانگداز و بادهای خانمان برانداز و چیزهای دیگر) نابود کردیم، و قوم فرعون را در آب غرق نمودیم، و همه (این فرقه‌ها به خود) ستم کردند (چرا که خویشتن را در معرض عذاب الهی قرار دادند و سعادت سرمدی را به شقاوت ابدی تبدیل کردند).

توضیحات:

«كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ...»: تکرار به خاطر تأکید در تقبیح کار و تشنیع حال و توبیخ کافران بدسگال است.

سوره أنفال آیه ۵۵

متن آیه:

﴿إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ۝٥٥﴾

ترجمه:

بیگمان بدترین انسان‌ها در پیشگاه یزدان، کسانی هستند که کافرند و ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«الدَّوَآبِّ»: جنبندگان، اعم از انسان و حیوان. در اینجا مراد انسان‌ها است.

سوره أنفال آیه ۵۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ ۝٥٦﴾

ترجمه:

کسانی که از آنان پیمان گرفته‌ای (که مشرکان را کمک و یاری نکنند) ولی آنان هر بار پیمان خود را می‌شکنند و (از خیانت و نقض عهد) پرهیز نمی‌کنند.

توضیحات:

«الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ...»: مراد یهودیان بنی‌قُرَیظه است که پیغمبر از آنان پیمان گرفت که با او نجنگند و مشرکان را یاری ندهند، ولی ایشان بارها و بارها پیمان‌شکنی کردند و کفّار مکه را برشوراندند و در جنگ بدر با سلاح یاری دادند. «عَاهَدْتَ مِنْهُمْ»: با برخی از آنان پیمان بستی. از آنان پیمان گرفتی.

سوره أنفال آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَإِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِم مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

اگر آنان را در (میدان) جنگ رویاروی بیابی و بر ایشان پیروز شوی، آن چنان آنان را در هم بکوب که کسانی که در پشت سر ایشان قرار دارند (و دوستان و یاران ایشان بشمارند) پند گیرند (و پراکنده شوند و عرض‌اندام نکنند).

توضیحات:

«تَثْقَفَنَّهُمْ»: آنان را دریافتی. بر آنان پیروز شدی. «شَرِّدْ»: پراکنده و پریشان کن.

«لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ»: تا این که افراد پشت سر آنان یعنی اعوان و یاران‌شان عبرت گیرند و جرأت حمله را نداشته باشند.

سوره أنفال آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةً فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨﴾

ترجمه:

هرگاه (با ظهور نشانه‌هائی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را بشکنند و حمله غافلگیرانه کنند، تو آنان را آگاه کن و) همچون ایشان پیمان‌شان را لغو کن (و بدون اطّلاع بدانان حمله مکن، چرا که این کار خلاف مروت و شریعت است و خیانت بشمار است و) بی‌گمان خداوند خیانتکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«إِمَّا»: این واژه مرکب از (إِنْ) شرطیه و (ما) زائده است که برای تأکید بدان افزوده می‌شود. «فَانبِذْ إِلَيْهِمْ»: عهدشان را به‌سویشان بینداز. یعنی: آنان را بیاگاهان که شما با ایشان دیگر عهد و پیمانی نداری. «عَلَيا سَوَآءٍ»: به طور یکسان و همچون ایشان. آشکارا و بی‌پیرایه.

سوره أنفال آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ لَا يُعۡجِزُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

کافران تصوّر نکنند که (بر قدرت ما) پیشی گرفته‌اند و (از قلمرو کیفر ما) به در رفته‌اند (و با نجات از دست مرگ در جنگ بدر، از زیر دست ما خارج شده‌اند) آنان (هرگز ما را) درمانده نمی‌کنند (و ماجزای خیانت و عذرشان را خواهیم داد).

توضیحات:

«سَبَقُوا»: پیشی گرفته‌اند. مراد این است که از عقاب و عذاب خدا پیشی نگرفته‌اند و نجات پیدا نکرده‌اند و خداوند آگاه از آنان و غالب بر ایشان است.

سوره أنفال آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيْءٖ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمنِ خدا و دشمن خویش را بترسانید، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ‌گونه ستمی نمی‌بینید.

توضیحات:

«اَعِدُّوا»: تهیه کنید. آماده سازید. «رِباط»: ریسمانی که چهارپا را با آن می‌بندند. در اینجا مراد پرورش و نگهداری مَرْکب‌های جهاد است. «ءَاخَرِینَ»: دیگران. «مِن دُونِهِمْ»: سوای ایشان. غیر از آنان. «یُوَفَّ إِلَیْکُمْ»: پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود. «أَنتُمْ لا تُظْلَمُونَ»: از سوی خدا به شما ظلم نمی‌شود. اگر نیروی کافی برای مقابله با دشمنان فراهم سازید، از سوی آنان ظلم و ستمی به شما نمی‌شود، چرا که جرأت آن را نخواهند داشت.

سوره أنفال آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ۝٦١﴾

ترجمه:

اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای (و در پذیرش پیشنهاد صلح تردید و دودلی مکن و شرائط منطقی و عاقلانه و عادلانه را بپذیر) و بر خدای توکل نمای که او شنوای (گفتار و) آگاه (از رفتار همگان) است.

توضیحات:

«إِن جَنَحُوا...»: اگرتمایل به صلح نشان‌دادند. « سَلْم «: صلح.

سوره أنفال آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾

ترجمه:

و اگر بخواهند تو را فریب دهند (و منظورشان از گرایش به صلح، مکر و کید باشد، باکی نداشته باش، چرا که) خدا برای تو کافی است. او همان کسی است که تو را با یاری خود و توسّط مؤمنان (مهاجر و انصار) تقویت و پشتیبانی کرد.

توضیحات:

«حَسْبَکَ»: کافی و ضامن و مراقب تو است.

سوره أنفال آیه ۶۳

متن آیه:

﴿وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٣﴾

ترجمه:

و (خدا بود که عرب‌ها را با وجود دشمنانگی شدیدشان در پرتو اسلام دگرگون کرد و) در میان آنان الفت ایجاد نمود (و دل‌های پر از حقد و کینه آنان را به هم نزدیک و مهربان کرد، به گونه‌ای که) اگر همه آنچه در زمین است صرف می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار سازی. ولی خداوند (با هدایت آنان به ایمان و دوستی و برادری) میان‌شان انس و الفت انداخت، چرا که او عزیز و حکیم است (و بر هر کاری توانا، و کارش از روی فلسفه و حکمت انجام می‌پذیرد).

توضیحات:

«أَلَّفَ»: انس و الفت انداخت. دل‌هایشان را به هم پیوند داد.

سوره أنفال آیه ۶۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسۡبُكَ ٱللَّهُ وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! خدا برای تو و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند کافی و بسنده است (و ضامن و مراقب همگی شما است).

توضیحات:

«مَنْ»: عطف بر ضمیر (ک) و منصوب است.

سوره أنفال آیه ۶۵

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَى ٱلۡقِتَالِۚ إِن يَكُن مِّنكُمۡ عِشۡرُونَ صَٰبِرُونَ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن برای اعلاء فرمان خدا) برانگیز. هرگاه بیست نفر شکیبا (و ورزیده و قوی‌الایمان) از شما باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند، و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران غلبه می‌کنند، به خاطر این که کافران گروهی هستند که نمی‌فهمند (برای چه چیزی و چه کسی می‌جنگند، و اگر کشته شدند سرنوشت خانواده و سرانجام خودشان چه خواهد بود، و لذا این تاریکی راه و ناآگاهی از هدف و ندانستن نتیجه دنیوی و اخروی مبارزه، تاب و توانی برای آنان باقی نمی‌گذارد).

توضیحات:

«حَرِّضْ»: برانگیز. تشویق و تحریک کن. «بِأَنَّـهُمْ»: به سبب این که ایشان.

سوره أنفال آیه ۶۶

متن آیه:

﴿ٱلۡـَٰٔنَ خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمۡ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمۡ ضَعۡفٗاۚ فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ صَابِرَةٞ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُمۡ أَلۡفٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفَيۡنِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ 

ترجمه:

هم اینک خداوند برای شما تخفیف قائل شد و دید در شما ضعفی است (و تازه‌کار و ناآزموده می‌باشید، در این حال) اگر از شما صد نفر شکیبا باشند، بر دویست نفر غلبه

می‌کنند، و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر - با مدد و یاری الهی - پیروز می‌شوند، و (در هر حال فراموش نکنید که) خدا با شکیبایان است (و یاری و مدد او تنها شامل ایشان است).

توضیحات:

«فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٌ صَابِرَةٌ...»: دو حکم مذکور در دو آیه، مربوط به دو گروه مختلف و در شرائط متفاوت است. هنگامی که مسلمانان قوی‌الایمان باشند، می‌توانند کافران بیشماری را درهم شکنند، و هنگامی که مسلمانان گرفتار ضعف و سستی عقیده شوند می‌توانند بر کافران کمتری پیروز گردند. آیه ۶۵ دالّ بر عزیمت و اراده است و آیه ۶۶ دالّ بر رخصت و اجازه.

سوره أنفال آیه ۶۷

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي ٱلْأَرْضِۚ تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنْيَا وَٱللَّهُ يُرِيدُ ٱلْأٓخِرَةَۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝٦٧﴾

ترجمه:

هیچ پیغمبری حق ندارد که اسیران جنگی داشته باشد. مگر آن گاه که کاملاً بر دشمن پیروز گردد و بر منطقه سیطره و قدرت یابد (در غیر این صورت باید با ضربات قاطع و کوبنده و پیاپی، نیروی دشمن را از کار بیندازد. امّا به محض حصول اطمینان از پیروزی خود و شکست دشمن دست از کشتار بردارد و به اسیرکردن قناعت کند. ای مؤمنان!) شما (تنها به فکر جنبه‌های مادی هستید و) متاع ناپایدار دنیا را می‌خواهید، در صورتی که خداوند سرای (جاویدان) آخرت (و سعادت همیشگی) را (برای شما) می‌خواهد، و خداوند عزیز و حکیم است (و این است که کارهایش سراسر از روی حکمت و تدبیر، و متوجّه عزّت و پیروزی است).

توضیحات:

«أَسْري»: جمع اسیر، محبوسان. «يُثْخِنَ»: از مصدر (إِثْخان) به معنی غلظت و شدّت به کاربردن و مبالغه در مجروح کردن و ضعیف نمودن دشمن است (نگا: محمّد / ۴) در اینجا مراد درهم کوبیدن دشمن و کشتار آنان است تا آن گاه که غلبه و پیروزی مسلّم شود و سپاه ایشان تارومار گردد. «عَرَض»: حطام دنیا. کالای ناپایدار و

نعمت زودگذر جهان.

سوره أنفال آیه ۶۸

متن آیه:

﴿لَّوۡلَا كِتَٰبٞ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٦٨﴾

ترجمه:

اگر حکم سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ امّتی را کیفر ندهد، و مخطّی در اجتهاد، مجازات نگردد) عذاب بزرگی در مقابل چیزی که (به عنوان فدیه اسیران گرفته‌اید و شتابی که ورزیده‌اید) به شما می‌رسید.

توضیحات:

«كِتَابٌ»: حکم. فرمان. مراد کیفر ندادن بدون ابلاغ قبلی است (نگا: اسراء / ۱۵)، عذاب سخت و توان فرسا ندادن مسلمانان در زمان حیات پیغمبر و استغفارشان از گناهان (نگا: انفال / ۳۳)، و عدم مجازاتِ مجتهدِ مخطّی در اجتهاد خود (نگا: تفسیرالمنتخب، و صفوةالتفاسیر).

سوره أنفال آیه ۶۹

متن آیه:

﴿فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٦٩﴾

ترجمه:

اکنون از آن چیزی که (از فدیه اسیران) فراچنگ آورده‌اید حلال و پاکیزه بخورید و (دغدغه‌ای به خود راه ندهید، و در همه کارهایتان) از خدا بترسید. بی‌گمان یزدان (سبحان نسبت به بندگانی که به درگاه او برگردند) بسیار آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«مِمَّا غَنِمْتُمْ»: مراد مطلق غنیمت، یا فدیه اسیران است. «حَلالاً طَيِّباً»: مراد مباح و آزاد است. حال اوّل و دوم (ما)، یا صفت مصدر محذوف (أَكلاً) بوده و برای تأکید ذکر شده‌اند.

سوره أنفال آیه ۷۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّمَن فِيٓ أَيۡدِيكُم مِّنَ ٱلۡأَسۡرَىٰٓ إِن يَعۡلَمِ ٱللَّهُ فِي قُلُوبِكُمۡ خَيۡرٗا

يُؤۡتِكُمۡ خَيۡرٗا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٠﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خداوند در دل‌هایتان خیری (همچون ایمان و اخلاص و صدق در اسلام آوردنتان) سراغ یابد (و بداند که دارای نیت پاک و راستینی هستید، در دنیا و آخرت) بهتر از آنچه از شما دریافت شده است به شما عطاء می‌کند و شما را می‌بخشد (و شرک و سیئات شما را نادیده می‌گیرد) و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«خَيْراً»: واژه اوّل صفت مشبّهه و مراد از آن ایمان راستین و صدق در پذیرش اسلام است. واژه دوم، اسم تفضیل و مراد از آن بهتر از چیزی است که مؤمنان از کافران دریافت داشته‌اند.

سوره أنفال آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَإِن يُرِيدُواْ خِيَانَتَكَ فَقَدۡ خَانُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ فَأَمۡكَنَ مِنۡهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٧١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! اگر (مشرکان با اظهار ایمان) بخواهند به تو خیانت کنند (موضوع تازه‌ای نیست و باکی نداشته باش، چرا که) آنان پیش از این (نیز با اتخاذ شرکاء و انداد برای خدا و کفران نعمتِ الله) به خدا خیانت کرده‌اند و خداوند (در قبال آن شما را) بر آنان پیروز کرده است (هرچند شما ضعیف بودید و ایشان نیرومند بودند) و خداوند آگاه (از احوال و افکار همگان است و) حکیم است (و کارها را برابر حکمت و فلسفه‌ای که خود می‌داند می‌گرداند).

توضیحات:

«أَمْكَنَ مِنْهُمْ»: شما را بر آنان چیره کرد و ایشان را مقهورتان نمود. گویند: (أَمْكَنَ اللهُ أَوْلِيَآءَهُ مِنْ أَعْدَآئِهِ) خداوند دوستانش را بر دشمنانش پیروز گرداند.

سوره أنفال آیه ۷۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ

وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَـٰٓئِكَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَيۡءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْۚ وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٧٢﴾

ترجمه:

بیگمان کسانی که ایمان آورده‌اند و (از خانه و کاشانه خویش) مهاجرت کرده‌اند و با جان و مال خود در راه خدا (به تلاش ایستاده‌اند و) جهاد نموده‌اند (و لقب مهاجرین را برازنده خود گردانده‌اند)، و کسانی که (مهاجرین را در منزل و مأوای خود) پناه داده‌اند و (ایشان را با جان و مال) یاری نموده‌اند (و از سوی خدا و پیغمبر لقب انصار دریافت داشته‌اند،) برخی از آنان یاران برخی دیگرند (و مسؤول و متعهّد در برابر یکدیگرند) و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند ولیکن مهاجرت ننموده‌اند (و با وجود توانائی به جامعه نوین شما در مدینه نپیوسته‌اند، هیچ‌گونه تعهّد و مسؤولیت و) ولایتی در برابر آنان ندارید تا آن گاه که مهاجرت می‌کنند. اگر (چنین مؤمنان غیرمهاجری از دست ظلم و جور دیگران) به سبب دینشان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است، مگر زمانی که مخالفان آنان گروهی باشند که میان شما و ایشان پیمان (ترک مخاصمه) باشد. (در این صورت رعایت عهد و پیمان، از رعایت حال چنین مؤمنان بی‌حالی لازم‌تر است. به هر حال) خداوند می‌بیند آنچه را که می‌کنید (پس مواظب حال همدیگر و حفظ حدود و عهود باشید).

توضیحات:

«ءَاوَوْا»: منزل و مأوی دادند. پناه دادند. «وَلايَة»: نصرت. مدد و یاری (نگا: کهف / ۴۴). «إِسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ»: از شما کمک و یاری خواستند تا دین خود را حفظ کنند و خویشتن را از شکنجه و آزاری برهانند که به سبب داشتن دین و ایمان، متوجّه آنان می‌گردد. «میثاق»: مراد پیمان ترک مخاصمه است.

سوره أنفال آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ ٧٣﴾

ترجمه:

و کسانی که کافرند، برخی یاران برخی دیگرند (و در جانبداری از باطل و بدسگالی با مؤمنان همرأی و همسنگرند. پس ایشان را به دوستی نگیرید و در حفظ عهد و پیمان بکوشید) که اگر چنین نکنید فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد.

توضیحات:

«إِلاّ تَفْعَلُوهُ»: اگر آن را انجام ندهید. ضمیر (هُ) به میثاق یا حفظ آن و یا نصر مذکور در آیه قبلی برمی‌گردد.

سوره أنفال آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٧٤﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند، و همچنین کسانی که پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، (هر دو گروه) آنان حقیقه مؤمن و باایمانند (و شایسته واژه مهاجر و انصارند و تار و پود جاودانه پرچم اسلامند و) برای آنان آمرزش (گناهان از سوی یزدان منان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است.

توضیحات:

«وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَ هَاجَرُوا...»: آیات پیشین متضمّن تعهّد و مسؤولیت و یاری مؤمنان با همدیگر است، و این آیه بیان‌گر ستایش و بزرگداشت آنان و مقام و منزلت ایشان است. «رِزْقٌ كَرِيمٌ»: (نگا: انفال / ۴).

سوره أنفال آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ مَعَكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ مِنكُمۡۚ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ٧٥﴾

ترجمه:

و کسانی که پس از (نزول این آیات) ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و با شما (ای مهاجران و انصار) جهاد نموده‌اند، آنان از زمره شما هستند و (از حقوق و مدد و

یاری شما برخوردار می‌گردند. این ولایت ایمانی بود، و امّا ولایت خویشاوندی علاوه بر این میان افرادی موجود است و) کسانی که با یکدیگر خویشاوندند برخی برای برخی دیگر سزاوارترند (و حقوق آنان) در کتاب خدا (بیان شده است و حکم خدا بر آن رفته است و) بی‌گمان خداوند آگاه از هر چیزی است.

توضیحات:

«أُوْلُوالأرْحَامِ»: اقرباء. خویشاوندان. «أوْلَیا»: سزاوارتر. «کِتَابِ اللهِ»: کتاب خدا قرآن. حکم و فرمان خدا (نگا: انفال / ۶۸).

سوره توبهٔ

سوره توبهٔ آیه ١

متن آیه:

﴿بَرَآءَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١﴾

ترجمه:

(این، اعلام) بیزاری خداوند و پیغمبرش از مشرکانی است که شما (مؤمنان توسّط فرستاده خدا، فرمانده کلّ قوا) با آنان پیمان بسته‌اید (و ایشان آن را به دلخواه شکسته‌اند و به دشمنان اسلام پیوسته‌اند. به آنان چهار ماه فرصت داده می‌شود که در این فاصله یا به اسلام بگروند، یا سرزمین عربستان را ترک کنند، و یا این که آماده نبرد با مسلمانان شوند).

توضیحات:

«بَرَآءَةٌ»: بیزاری. مراد اعلام مقاطعه و ترک معاهده است. این سوره را (بَرَاءَة) نامگذاری کرده‌اند به خاطر این که آغاز آن بدین واژه است. توبه هم گفته‌اند چون از توبه زیاد سخن رفته است (نگا: آیه ١١٧ به بعد). فاضحه نیز نامیده‌اند چرا که منافقان را رسوا نموده است (نگا: آیه ۴۹ به بعد). از آنجا که این سوره با بیزاری و خشم خدا از مشرکان آغاز شده است و در آن از اجازه جنگ با ایشان سخن رفته است (نگا: آیه ۵ و ٢٨) عبارت «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ» که نشانه صلح و دوستی و بیان‌گر رحمانیت و رحیمیت خدا است در ابتدای آن نیامده است. (بَرَآءَة) خبر مبتدای محذوف و تقدیر چنین است: (هذِهِ بَرَآءَةٌ). یا مبتدا است و خبر آن (إِلَي الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ). در این صورت مثل این است که بگوئیم: «مِن فُلانٍ إِلي فُلانٍ».

سوره توبهٔ آیه ٢

متن آیه:

﴿فَسِيحُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخۡزِي ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢﴾

ترجمه:

پس (ای مؤمنان! به کافران بگوئید): آزادانه چهار ماه در زمین بگردید (و از آغاز عید قربان سال نهم هجری، یعنی روز دهم ذی‌الحجّه همان سال، تا روز دهم ماه ربیع‌الآخر ق. سال بعدی، یعنی سال دهم هجری، به هر کجا که می‌خواهید بروید و بگردید) و بدانید که شما (در همه حال و همه آن، مغلوب قدرت خدائید و از دست او نجات پیدا نمی‌کنید و) هرگز نمی‌توانید خدا را درمانده کنید، و بی‌گمان خداوند کافران را خوار و رسوا می‌سازد.

توضیحات:

«سِيحُوا»: بگردید. از مصدر سیاحت، به معنی جریان آزاد آب است و در اینجا مراد سیر و سیاحت اختیاری است. «مُخْزِي»: خوارکننده. رسواکننده.

سوره توبهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿وَأَذَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِيٓءٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ وَرَسُولُهُۥۚ فَإِن تُبۡتُمۡ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣﴾

ترجمه:

این اعلامی است از سوی خدا و پیغمبرش به همه مردم (که در اجتماع سالانه ایشان در مکه) در روز بزرگترین حجّ (یعنی عید قربان، توسّط امیر مؤمنان علی‌بن ابیطالب و به امیرالحاجی ابوبکر صدیق، بر همگان خوانده می‌شود) که خدا و پیغمبرش از مشرکان بیزارند و (عهد و پیمان کافران خائن را ارج نمی‌گذارند. پس ای مشرکانِ عهدشکن بدانید که) اگر توبه کردید (و از شرک قائل‌شدن برای خدا برگشتید) این برای شما بهتر است، و اگر سرپیچی کردید (و بر کفر و شرک خود ماندگار ماندید) بدانید که شما نمی‌توانید خدای را درمانده دارید و (خویشتن را از قلمرو قدرت و فرماندهی او بیرون سازید. ای پیغمبر! همه) کافران را به عذاب عظیم و سخت دردناکی مژده بده.

توضیحات:

«أَذَانٌ»: اعلام. آگهی. «يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ»: روز بزرگترین حجّ. مراد روز عید قربان

است که مهم‌ترین مناسک حجّ در آن انجام می‌پذیرد و در واقع قسمت اصلی اعمال آن به پایان می‌رسد. در مقابل حجّ اکبر، حجّ اصغر است که عُمره نام دارد و در آن وقوف در عرفات انجام نمی‌گیرد.

سوره توبۀ آیه ۴

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٤﴾

ترجمه:

امّا کسانی که از مشرکان با آنان پیمان بسته‌اید و ایشان چیزی از آن فروگذار نکرده‌اند (و پیمان را کاملاً رعایت نموده‌اند) و از کسی بر ضدّ شما پشتیبانی نکرده (و او را یاری نداده‌اند)، پیمان آنان را تا پایان مدّت زمانی که تعیین کرده‌اند محترم شمارید و بدان وفا کنید. بی‌گمان خداوند پرهیزگاران (وفاکننده به عهد) را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«لَـمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئاً»: چیزی از شروط پیمان شما را نکاسته‌اند و نقض ننموده‌اند.
«لَـمْ يُظَاهِرُوا»: پشتیبانی و یاری نکرده‌اند.

سوره توبۀ آیه ۵

متن آیه:

﴿فَإِذَا ٱنسَلَخَ ٱلۡأَشۡهُرُ ٱلۡحُرُمُ فَٱقۡتُلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَيۡثُ وَجَدتُّمُوهُمۡ وَخُذُوهُمۡ وَٱحۡصُرُوهُمۡ وَٱقۡعُدُواْ لَهُمۡ كُلَّ مَرۡصَدٖۚ فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾

ترجمه:

هنگامی که ماه‌های حرام (که مدّت چهار ماهه امان است) پایان گرفت، مشرکان (عهدشکن) را هرکجا بیابید بکشید و بگیرید و محاصره کنید و در همه کمینگاه‌ها برای (به دام انداختن) آنان بنشینید. اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از زمره شمایند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بی‌گمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای توبه‌کنندگان از گناهان،) و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است.

توضیحات:

«إنسَلَخَ»: به پایان رسید. گذشت. «الأَشْهُرُ الْحُرُمُ»: ماه‌های حرام که عبارتند از: ذیقعده، ذیحجّه، محرم، رجب. «أَحْصُرُوهُمْ»: در قلعه‌ها و دژها و مکان‌هائی که خود را در آنها پنهان می‌کنند، ایشان را محاصره کنید و دوروبرشان را بگیرید. «مَرْصَدٍ»: کمینگاه. «خَلُّوا»: رها کنید. آزاد سازید.

سوره توبۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِنۡ أَحَدٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٱسۡتَجَارَكَ فَأَجِرۡهُ حَتَّىٰ يَسۡمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبۡلِغۡهُ مَأۡمَنَهُۥۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡلَمُونَ ٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! اگر یکی از مشرکان (و کافرانی که به شما دستور جنگ با آنان داده شده است) از تو پناهندگی طلبید، او را پناه بده تا کلام خدا (یعنی آیات قرآن) را بشنود (و از دین آگاه شود و راجع بدان بیندیشد. اگر آئین اسلام را پذیرفت، از زمره شما است، و اگر اسلام را نپذیرفت) پس از آن او را به محلّ امن (و مأوی و منزل قوم) خودش برسان (تا از خطرات راه برهد و بدون هیچ‌گونه اذیت و آزاری به میان اهل و عیال خویشتن رود). این (پناه دادن) بدان خاطر است که مشرکان مردمان نادان (و ناآگاه از حقیقت اسلام) هستند (و چه بسا در پرتو آشنائی با اسلام، نور ایمان در دل‌هایشان روشن گردد).

توضیحات:

«إِسْتَجارَكَ»: از تو پناه خواست. «أَجِرْهُ»: پناهش بده. «مَأْمَنَهُ»: محلّ امن و امان خود. یعنی سرزمین قوم و قبیله و منزل او که سرپناه اهل و عیال خودش می‌باشد. «ذلِكَ»: این فرمانِ به پناهندگی، یا این پناهندگی.

سوره توبۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿كَيۡفَ يَكُونُ لِلۡمُشۡرِكِينَ عَهۡدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ فَمَا ٱسۡتَقَٰمُواْ لَكُمۡ فَٱسۡتَقِيمُواْ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧﴾

ترجمه:

چگونه برای مشرکانی (که بارها پیمان خود را شکسته‌اند) در پیش خدا و پیغمبرش عهد و پیمانی محترم شمرده می‌شود؟ مگر عهد و پیمان کسانی (از قبائل عرب) که در کنار مسجدالحرام با ایشان پیمان بستید (و آنان بر پیمان خود ماندگار ماندند). مادام که ایشان در برابر شما راست و وفادار باشند، شما نیز نسبت بدی‌شان راست و وفادار باشید و عهد خود را نگاه دارید. بی‌گمان خداوند پرهیزگاران (وفاکننده به عهد و پیمان) را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«كَيْفَ يَكُونُ...»: استفهام انکاری است. یعنی نخواهد بود. «فَمَااسْتَقامُوا»: پس مادام که بر جاده راستی و درستی ماندگار شدند.

سوره توبۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿كَيۡفَ وَإِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ لَا يَرۡقُبُواْ فِيكُمۡ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ يُرۡضُونَكُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَتَأۡبَىٰ قُلُوبُهُمۡ وَأَكۡثَرُهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨﴾

ترجمه:

چگونه (عهد و پیمان با شما را مراعات می‌دارند؟ هرگز! بلکه) اگر بر شما پیروز شوند، نه خویشاوندی را در نظر می‌گیرند و نه عهدی را مراعات می‌دارند (و در نابودی شما همه توان خود را به کار می‌گیرند. اگر پیروزی با شما باشد) آنان با سخنان (زیبا و شیرین) خود شما را راضی و خوشنود می‌دارند، ولی دل‌هایشان (با زبانهایشان هم‌آوا نیست و اندرونشان از کینه شما لبریز است و از اذعان و اقرار بدانچه می‌گویند) ابا دارد. بیشتر آنان نافرمانبردارند (و عهد و پیمان را نگاه نمی‌دارند).

توضیحات:

«إِن يَظْهَرُوا...»: اگر پیروز و چیره شوند. «لا يَرْقُبُوا»: مراعات نمی‌دارند. مواظبت نمی‌کنند. «إِلاّ»: قرابت و خویشاوندی. «ذِمَّةً»: عهد و پیمان. «تَأبَيا»: سر باز می‌زند. خودداری می‌کند. «فَاسِقُونَ»: افراد نافرمانبردار و دررونده از پذیرش دستور خدا.

سوره توبۀ آیه ۹

متن آیه:

﴿ٱشۡتَرَوۡاْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلٗا فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩﴾

ترجمه:

آنان آیات (خواندنی قرآن و دیدنی جهان) خدا را به بهای اندک (کالا و متاع دنیوی) فروخته‌اند و از راه خدا بازمانده‌اند و دیگران را نیز از آن بازداشته‌اند. آنان کار بسیار بدی کرده‌اند.

توضیحات:

«إِشْتَرَوْا»: فروخته‌اند. معاوضه کرده‌اند (نگا: بقره / ۴۱، ۷۹، ۱۷۴، آل‌عمران / ۷۷، ۱۸۷، ۱۹۹، مائده / ۴۴، ۱۰۶). «صَدُّوا»: باز ماندند و به دور افتادند. بازداشتند و به دور نگاه داشتند. این فعل ذو وَجْهَین است و در اینجا می‌تواند هم لازم باشد و هم متعدّی.

سوره توبهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿لَا يَرۡقُبُونَ فِي مُؤۡمِنٍ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُعۡتَدُونَ ١٠﴾

ترجمه:

آنان (نه تنها درباره شما، بلکه) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند و ایشان تجاوزپیشه‌اند (و عهدشکنی و تعدّی، بیماری مزمنی برای آنان گشته است).

توضیحات:

«لا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ...»: آیه ۸ درباره پیغمبر و یاران است و این آیه درباره همه مؤمنان موحّد است. چرا که در اوّلی واژه (فیکُمْ) و در این آیه (مُؤْمِنٍ) به صورت نکره آمده است.

سوره توبهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِۗ وَنُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ١١﴾

ترجمه:

اگر آنان (از کفر) توبه کردند و (احکام اسلام را مراعات داشتند، و از جمله) نماز را خواندند و زکات دادند (دست از آنان بدارید، چرا که) در این صورت برادران دینی شما

هستند (و سزاوار همان چیزهائی بوده که شما سزاوارید، و همان چیزهائی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است). ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و شرح می‌دهیم.

توضیحات:

«نُفَصِّلُ»: شرح می‌دهیم. بیان می‌داریم. «لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»: برای کسانی که آگاهند و اهل فهم و شعورند. این جمله انسان را به تدبّر و تأمّل می‌خواند.

سوره توبهٔ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم مِّنۢ بَعۡدِ عَهۡدِهِمۡ وَطَعَنُواْ فِي دِينِكُمۡ فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلۡكُفۡرِ إِنَّهُمۡ لَآ أَيۡمَٰنَ لَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَنتَهُونَ ١٢﴾

ترجمه:

و اگر پیمان‌هائی را که بسته‌اند و مؤکد نموده‌اند شکستند، و آئین شما را مورد طعن و تمسخر قرار دادند (اینان سردستگان کفر و ضلالند و) با سردستگان کفر و ضلال بجنگید، چرا که پیمان‌های ایشان کمترین ارزشی ندارد. شاید (در پرتو بازبودن درگاه توبه خدا و شدّت عمل شما، پشیمان شوند و) دست بردارند.

توضیحات:

«نَكَثُوا»: نقض کردند. به هم زدند. «أَيْمَان»: جمع یمین، سوگندها. «مِن بَعْدِ عَهْدِهِمْ»: پس از پیمان بستن و به سوگندهای بزرگ استوار داشتن ایشان. «أَئِمَّةَالْكُفْرِ»: مراد پیشوایان کفر و ضلال ایشان از قبیل ابوسفیان و حرث‌بن هشام است. یا مراد خود این افراد است که خویشتن را سران و متقدّمان در این کار می‌دانستند. به هر حال این عبارت پیروان سردستگان کفر و ضلال را نیز شامل می‌شود.

سوره توبهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوۡمٗا نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ وَهَمُّواْ بِإِخۡرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٍۚ أَتَخۡشَوۡنَهُمۡۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَوۡهُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣﴾

ترجمه:

آیا با مردمانی نمی‌جنگید که پیمانهای خود را (مکرّراً) شکسته‌اند و (قبلاً نیز ایشان

بودند که) تصمیم به اخراج پیغمبر (از مکه) گرفته‌اند و (هم ایشان بودند که) نخستین بار (اذیت و آزار و تجاوز و تعدّی به جان و مال) شما را آغاز کرده‌اند؟ آیا از ایشان می‌ترسید (و به جنگ آنان نمی‌روید)؟. در صورتی که سزاوارتر آن است که از خدا بترسید (و از کیفر نافرمانی او بهراسید) اگر واقعاً ایمان دارید (و مؤمنان راستین هستید).

توضیحات:

«أَلا تُقَاتِلُونَ»؟: آیا نمی‌جنگید؟ استفهام انکاری است، یعنی باید که بجنگید. «هَمُّوا»: قصد کردند. در اینجا به معنی عزم را جزم کردند و تصمیم قاطعانه گرفتند (نگا: توبه / ۷۴). «بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ»: آنان بار اوّل به اذیت و آزارتان در مکه پرداختند (نگا: انفال / ۳۰) و تصمیم به شکنجه دیگر مسلمانان گرفتند (نگا: نساء / ۷۵). «أَحَقّ»: درخورتر و سزاوارتر.

سوره توبۀ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ١٤﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان)! با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را بر ایشان پیروز گرداند و (با فتح و پیروزی مؤمنان بر کافران) سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد (و بر دل‌های زخمی ایشان مرهم نهد و درد دیرینه اذیت و آزار کفّار را از درون آنان بزداید).

توضیحات:

«قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ»: مراد مؤمنانی است که نتوانسته بودند از مکه مهاجرت کنند، و همچنین مسلمانانی مورد نظر است که مشرکانی چون قوم خُزاعه درباره آنان غدر کردند و مکر و کید نمودند.

سوره توبۀ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥﴾

ترجمه:

و کینه را از دل‌هایشان بردارد (و شادی پیروزی را جایگزین آن گرداند. همه باید بدانند که) خداوند توبه هر کس را بخواهد (و شایسته‌اش بداند) می‌پذیرد (و لذا کافران می‌توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به‌سوی خدا برگردند و اسلام را بپذیرند). خداوند آگاه (از کار و بار بندگان، و در قانونگذاری‌ها) دارای حکمت فراوان است.

توضیحات:

«غَيْظَ»: خشم و کینه فراوان. در اینجا بیشتر مراد خشم و کینه نهان در دل مؤمنان عاجز و ناتوان است (نگا: نساء / ۷۵).

سوره توبهٔ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تُتۡرَكُواْ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَلَمۡ يَتَّخِذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَلِيجَةٗۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٦﴾

ترجمه:

آیا گمان می‌برید که به حال خود رها می‌شوید (و مورد آزمایش به وسیله جهاد و غیره قرار نمی‌گیرید) و خداوند به مردم نمی‌شناساند کسانی از شما را که به جهاد برخاسته‌اند و بغیر از خدا و پیغمبر و مؤمنان، دوست نزدیکی و محرم‌اسراری برای خود نگرفته‌اند؟ خداوند از همه اعمالتان آگاه است (و پاداش رفتار و کردارتان را به تمام و کمال می‌دهد).

توضیحات:

«لَـمَّا يَعْلَمِ اللهُ...»: مراد این است که علم غیبی خدا به علم عینی تبدیل شود و آنچه در پس‌پرده غیب نهان بود برای مردم به صحنه ظهور برسد و آشکار گردد (نگا: بقره / ۱۴۳). به عبارت دیگر، نفی علم به معنی نفی معلوم است، و عبارت فوق به جای این که (هنوز خدا ندانسته باشد) معنی شود، به (هنوز تحقّق نیافته و معلوم نشده باشد) معنی می‌گردد. «وَلِيجَةً»: محرم اسرار. بیگانه‌ای که به عنوان دوست صمیمی برگزیده شود. در اینجا مراد دوست ناباب و دغلی است که از مشرکان و منافقان انتخاب و بر اسرار مسلمانان آگاه می‌شود.

سوره توبهٔ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِلۡمُشۡرِكِينَ أَن يَعۡمُرُواْ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلۡكُفۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ وَفِي ٱلنَّارِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ١٧﴾

ترجمه:

مشرکانی که به کفر خویش گواهی می‌دهند حق ندارند مساجد خدا را (با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت) آباد کنند. آنان اعمال‌شان هدر و تباه است (و اجر و مزدی به کارهایشان تعلّق نمی‌گیرد) و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می‌مانند.

توضیحات:

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ»: مشرکان را نسزد و نرسد. «أَن يَعْمُرُوا»: مراد آباد کردن مادی یا معنوی است. یعنی مشرکان نه حق شرکت در تعمیر و بنای مساجد را دارند و نه حق شرکت در اجتماع و عبادت در آنها را. البتّه کمک مالی یا بدنی آنان در ساختمان مساجد بلامانع است اگر زیان سیاسی یا دینی در آن نباشد (نگا: تفسیرالمنار، صفحه ۲۰۸ جلد ۱۰). «شَاهِدِينَ»: مراد گواهی به زبان حال است (نگا: اعراف / ۱۷۲ و عادیات / ۷). چرا که شهادت اعمال مهمتر از شهادت اقوال است.

سوره توبهٔ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمۡ يَخۡشَ إِلَّا ٱللَّهَۖ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٨﴾

ترجمه:

تنها کسی حق دارد مساجد خدا را (با تعمیر یا عبادت) آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد. امید است چنین کسانی از زمره راه‌یافتگان باشند.

توضیحات:

«عَسَيا»: امید است. برخی واژه‌های (عَسي) را در قرآن به معنی واجب و لازم است می‌دانند. امّا در اینجا معنی امید و رجا مناسب‌تر می‌نماید. چرا که مسلمان نباید به اعمال صالحه مغرور گردد، و بلکه باید همیشه در میان خوف و رجا بسر برد.

سوره توبۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَجَعَلۡتُمۡ سِقَايَةَ ٱلۡحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ كَمَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَجَٰهَدَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ لَا يَسۡتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩﴾

ترجمه:

آیا (رتبه سقایت و) آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را همسان (مقام آن) کسی می‌شمارید که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده است و در راه خدا جهاد کرده است (و به جان و مال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیست و) در نزد خدا برابر نمی‌باشند، و خداوند مردمانی را که (به خویشتن به وسیله کفرورزیدن، و به دیگران به وسیله اذیت و آزار آنان) ستم می‌کنند (به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی) رهنمود نمی‌سازد.

توضیحات:

«سِقَايَة»: میرابی. آب‌دادن. در اینجا مراد پیشه آب‌دادن به حاجیان در مسجدالحرام است که منزلت و مقامی داشته است. «عِمَارَة»: آباد کردن. تعمیر نمودن. «كَمَنْ»: مضافی مانند (إیمان) محذوف است و تقدیر چنین است: كإيمانِ مَنْ. «لا يَسْتَوُونَ»: مثل هم نیستند. برابر و یکسان نمی‌باشند.

سوره توبۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده‌اند و به مهاجرت پرداخته‌اند و در راه خدا با جان و مال (کوشیده‌اند و) جهاد نموده‌اند، دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه خدایند، و آنان رستگاران و به مقصودرسندگان (و سعادتمندان دنیا و آخرت) می‌باشند.

توضیحات:

«أَعْظَمُ دَرَجَةً»: دارای منزلت و مقام والاتر و بزرگ‌تری هستند. واژه دَرَجَة تمییز

است. ذکر این نکته لازم است که از اسم تفضیل (أَعْظَمُ) نباید چنین استنباط گردد که ایمان مؤمنان و جهاد ایشان دارای فضیلت و اجر بیشتر و سقایت کافران دارای فضیلت و اجر کمتر است! بلکه اسم تفضیل در موارد زیادی بیان‌گر این واقعیت است که یکی از دو طرف مقایسه دارای فضیلت است و دیگری اصلاً دارای فضیلتی نیست (نگا: بقره / ۲۲۱، نساء / ۱۲۸، توبه / ۱۰۸).

سوره توبهٔ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾﴾

ترجمه:

پروردگارشان آنان را به رحمت خود و خوشنودی (از ایشان که بزرگترین نعمت است) و بهشتی مژده می‌دهد که در آن نعمت‌های جاودانه دارند.

توضیحات:

«رِضْوَانٍ»: خوشنودی و رضایتی که خشمی به دنبال ندارد (نگا: آل‌عمران / ۱۵، توبه / ۷۲). «نَعِيمٌ»: نعمت‌های فراوان. هرآنچه از آن بهره‌مند و متلذّذ شوند. هرچه انسان از آن خوشش بیاید. «مُقِيمٌ»: باقی. جاودانه. همیشگی.

سوره توبهٔ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

همواره در بهشت ماندگار می‌مانند (و غرق در لذائذ و نعمت‌های آن خواهند بود). بی‌گمان در پیشگاه خدا پاداش بزرگی (و فراوانی برای فرمانبرداران امر او) موجود است.

توضیحات:

«أَجْرٌ عَظِيمٌ»: پاداش بزرگی که عقل‌ها از توصیف آن عاجزند.

سوره توبهٔ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ

عَلَى ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! پدران و برادران (و همسران و فرزندان و هر یک از خویشاوندان دیگر) را یاوران خود نگیرید (و تکیه‌گاه و دوست خود ندانید) اگر کفر را بر ایمان ترجیح دهند (و بی‌دینی از دینداری در نزدشان عزیزتر و گرامی‌تر باشد). کسانی که از شما ایشان را یاور و مددکار خود کنند مسلّماً ستمگرند.

توضیحات:

«أَوۡلِيَآءَ»: جمع ولی، یاور و مددکار که کار دیگری را به عهده گیرد.

سوره توبۀ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید، و بازرگانی و تجارتی که از بی‌بازاری و بی‌رونقی آن می‌ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است، این‌ها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می‌کند (و عذاب خویش را فرو می‌فرستد). خداوند کسان نافرمانبردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.

توضیحات:

«إِقۡتَرَفۡتُمُوهَا»: آن را کسب کرده‌اید و فراچنگ آورده‌اید. «تَرَبَّصُوا»: انتظار بکشید. چشم به راه باشید. «أَمۡر»: کار. یعنی اگر چنین کردید، خدا هم کار خود را می‌کند و عذاب عاجل یا عقاب آجل را نازل می‌نماید که مراد تهدید و تخویف است.

سوره توبۀ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿لَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٖ وَيَوۡمَ حُنَيۡنٍ إِذۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡ كَثۡرَتُكُمۡ فَلَمۡ تُغۡنِ عَنكُمۡ شَيۡـٔٗا وَضَاقَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ ثُمَّ وَلَّيۡتُم مُّدۡبِرِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

خداوند شما را در مواقع زیادی یاری کرد و (به سبب نیروی ایمان بر دشمنان پیروز گرداند، و از جمله) در جنگ حُنَین (که در روز شنبه، شانزدهم شوّال سال هشتم هجری، میان شما که ۱۲۰۰۰ نفر بودید، و میان قبائل ثقیف و هوازنِ مشرک که ۴۰۰۰ نفر بودند درگرفت، و شما به کثرت خود و قلّت دشمنان مغرور شدید و خداوند شما را در اوائل امر به خود رها کرد و دشمنان بر شما چیره شدند) بدان گاه که فزونی خودتان شما را به اعجاب انداخت (و فریفته و مغرورِ انبوه لشکر شدید) ولی آن لشکریانِ فراوان اصلاً به کار شما نیامدند (و گره از کارتان نگشادند) و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد، و از آن پس‌پشت کردید و پای به فرار نهادید.

توضیحات:

«مَوَاطِنَ»: جمع مَوْطِن، قرارگاه. جایگاه. مراد میدانهای جنگ است. «فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئاً»: دردی از شما را دوا نکرد. کاری برای شما نکرد. « ضَاقَتْ »: تنگ شد. «بِمَا رَحُبَتْ»: با وجود فراخی. حرف (بِ) به معنی (مَعَ)، و واژه (ما) مصدری است، و (رَحُبَتْ) از رحب به معنی وسعت است. «وَلَّيْتُمْ»: پشت کردید. «مُدْبِرِينَ»: پشت‌کنان. «وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ»: از معرکه گریختید و پشت به دشمن نمودید. (مَدْبِرِينَ) حال است و برای تأکید معنی است.

سوره توبهٔ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَا وَعَذَّبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٦﴾

ترجمه:

سپس (عنایت خدا دربرتان گرفت و) خداوند آرامش خود را نصیب پیغمبرش و مؤمنان گرداند و لشکرهائی را (از فرشتگان برای تقویت قلب مسلمانان) فرو فرستاد که شما ایشان را نمی‌دیدید، و (پیروز شدید و دشمنان شکست خوردند، و بدین

وسیله) کافران را مجازات کرد، و این است کیفر کافران (در این جهان، و عذاب آخرت هم به جای خود باقی است).

توضیحات:

«سَکِینَة»: طُمأنینه و آرامش. آرام و قرار. «جُنوداً»: جمع جند، لشکرها.

سوره توبۀ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٧﴾

ترجمه:

بعد از آن (واقعه هم همیشه درگاه خدا باز است و) خداوند توبه هرکه را بخواهد (و شایسته‌اش بداند) می‌پذیرد؛ چراکه خدا صاحب مغفرت فراوان و رحمت بی‌کران است.

توضیحات:

«یَتُوبُ اللهُ... عَلَیا مَنْ»: این جمله که با فعل مضارع آغاز شده است، دلالت بر استمرار دارد و می‌رساند که درهای توبه و بازگشت به روی همگان همیشه باز است.

سوره توبۀ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان مشرکان (به سبب کفر و شرکشان، از لحاظ عقیده) پلیدند، لذا نباید پس از امسال (که نهم هجری است) به مسجدالحرام وارد شوند. اگر (بر اثر قطع تجارت آنان با شما) از فقر می‌ترسید، (نترسید که) خداوند اگر بخواهد شما را به فضل و رحمت خود (از خلق و از مشرکان) بی‌نیاز می‌گرداند؛ چراکه خدا آگاه (از کار شما است و برای گرداندن آن) دارای کمال عنایت و حکمت است.

توضیحات:

«نَجَسٌ»: مصدر است و به معنی پلیدی و ناپاکی است. در اینجا مراد (نَجِس) با کسر جیم است که به معنی شخص پلید و ناپاک است و برای مبالغه به صورت مصدر

ذکر شده است و مقصود اشخاص شرور بدطینت است. «عَيْلَةً»: فقر و تنگدستی.

سوره توبهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلۡحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا (چنان که شاید و باید) ایمان دارند، و نه چیزی را که خدا (در قرآن) و فرستاده‌اش (در سنّت خود) تحریم کرده‌اند حرام می‌دانند، و نه آئین حق را می‌پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را گردن می‌نهند، و یا این که) خاضعانه به اندازه توانائی، جزیه را می‌پردازند (که یک نوع مالیات سرانه است و از اقلیت‌های مذهبی به خاطر معاف بودن از شرکت در جهاد، و تأمین امنیت جان و مال آنان گرفته می‌شود).

توضیحات:

«رَسُولُهُ»: مراد محمّدبن عبداللّه، پیغمبر اسلام است. «لايَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ»: معتقد به دین حق که اسلام است نمی‌باشند. «مِنَ الَّذِينَ...»: واژه (مِنْ) در اینجا بیانیه است؛ نه تبعیضیه. یعنی همه پیروان کتب آسمانی پیشین. «الْجِزْيَة»: از کزیت فارسی یا از جزاء عربی است و مراد مالیاتی است که از طرف حکومت اسلامی تعیین و از مردان بالغ و سالم و عاقل ثروتمند اهل کتاب به اندازه توانائی دریافت می‌شود؛ نه افراد فلج و کور و بنده و فقیر و حقیر، و نه از زنان و کودکان و راهبان گوشه‌گیر. حکومت اسلامی از اهل کتاب جزیه می‌گیرد و از مسلمانان خمس غنائم، زکات مال، فطریه، وجوه کفّارات مختلفه، و غیره. در ضمن اهل کتاب را از جهاد معاف می‌کند و امنیت مالی و جانی آنان را تأمین می‌نماید و از امکانات کشور برخوردارشان می‌سازد. لذا جزیه یک نوع کمک مالی برای دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت کشور اسلامی است. «عَن يَدٍ»: با دست خود. نقداً. به اندازه قدرت. به سبب انقیاد. به سبب انعام بدانان. «صَاغِرُونَ»: اَذِلّاء. از ماده صَغار به معنی کوچکی و رذالت (نگا: انعام / ۱۲۴، اعراف /

۱۳ و ۱۱۹).

سوره توبۀ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِۖ ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

یهودیان می‌گویند: عُزَیر پسر خدا است (چرا که آنان را بعد از یک قرن خواری و مذلّت از بند اسارت رهانید و تورات را که از حفظ داشت دوباره برای ایشان نگاشت و در دسترسشان گذاشت)، و ترسایان می‌گویند: مسیح پسر خدا است (چرا که او بی‌پدر از مادر بزاد). این، سخنی است که آنان به زبان می‌گویند (و ادعائی بیش نیست و مبنی بر دلیل و برهانی نمی‌باشد. نه هیچ پیغمبری آن را گفته است و نه در هیچ کتاب آسمانی از سوی خدا آمده است. این گفتار) آنان به گفتار کافرانی می‌ماند که پیش از آنان همچنین می‌گفتند (و مثلاً معتقد به حلول خدا در برخی از مخلوقات بودند و یا این که فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند). خداوند کافران را نفرین و نابود کند چگونه (دروغ می‌گویند و چگونه از حق با وجود این همه روشنی به دور می‌گردند و) بازداشته می‌شوند؟!

توضیحات:

«عُزَيْرٌ»: همان کسی است که اهل کتاب او را عزرا می‌نامند. «ذلِكَ قَوْلُـهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ»: این سخنی است که به زبان می‌گویند و دلیلی بر صحّت آن ندارند. این سخنی است که می‌گویند و نشاید که چنین بگویند. «يُضَاهِئُونَ»: همچون ایشان می‌گویند. سخنشان به سخن کافرانی می‌ماند که. در اصل مضافی حذف شده است و ضمیر مضاف‌الیه به جای آن قرار گرفته و مرفوع شده است. تقدیر چنین است: «يُضَاهِي قَوْلُهُمْ قَوْلَ الَّذِينَ». از ماده (ضَها) یا (ضَهي) است و یاء به همزه تبدیل شده است. آن را (يُضاهُونَ) هم خوانده‌اند. «قاتَلَهُمُ اللهُ»: خدا با آنان بجنگد! سرنوشت کسی هم که خدا با او بجنگد نابودی و بدبختی است. مراد دعا است، یعنی خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خود به دور کند. «أَنَّيا»: چگونه. «يُؤْفَكُونَ»: بازداشته می‌شوند.

منصرف گردانده می‌شوند (نگا: مائده / ۷۵).

سوره توبهٔ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣١﴾

ترجمه:

یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته‌اند (چرا که علماء و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌کنند، و خودسرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می‌برند و سخنان آنان را دین می‌دانند و کورکورانه به دنبال‌شان روان می‌گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند. (در صورتی که در همه کتاب‌های آسمانی و از سوی همه پیغمبران الهی) بدی‌شان جز این دستور داده نشده است که: تنها خدای یگانه را بپرستند و بس. جز خدا معبودی نیست و او پاک و منزّه از شرک‌ورزی و چیزهائی است که ایشان آنها را انباز قرار می‌دهند.

توضیحات:

«إِتَّخَذُوا»: قرار داده‌اند. تبدیل کرده‌اند. «أَحْبَار»: جمع حِبْر، علماء، مراد پیشوایان دینی یهودیان است. «رُهْبَان»: جمع راهب، پارسایان. دیرنشینان. مراد پیشوایان دینی مسیحیان است. «أَرْبَاباً»: جمع رَبّ، معبودان.

سوره توبهٔ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَيَأۡبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

آنان می‌خواهند نور خدا را با (گمان‌های باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش این نور که اسلام است جلوگیری کنند) ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال رساند (و پیوسته با پیروزی این آئین، آن را گسترده‌تر گرداند) هرچند که کافران دوست نداشته باشند.

توضیحات:

«يُطْفِئُوا»: از مصدر إِطْفاء، به معنی خاموش کردن. «نُورَاللهِ»: مراد آئین اسلام، یا قرآن است (نگا: نساء / ۱۷۴ و تغابن / ۸). «يَأْبَيا»: خودداری می‌کند. سرباز می‌زند.

سوره توبۀ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

خدا است که پیغمبر خود (محمّد) را همراه با هدایت و دین راستین (به میان مردم) روانه کرده است تا این آئین (کامل و شامل) را بر همه آئینها پیروز گرداند (و به منصّه ظهورش رساند) هرچند که مشرکان نپسندند.

توضیحات:

«الْـهُدَيا»: هدایت. مراد قرآن است. «لِيُظْهِرَهُ»: تا او را مطلع و مسلّط گرداند. تا آن را برتری و چیرگی بخشد. مرجع ضمیر (هُ) می‌تواند (رَسُول) یا (دينِ الْحَقِّ) باشد.

سوره توبۀ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۗ وَٱلَّذِينَ يَكۡنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلۡفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! بسیاری از علماء دینی یهودی و مسیحی، اموال مردم را به ناحق می‌خورند، و دیگران را از راه خدا بازمی‌دارند (و از اطمینان مردمان به خود سوء استفاده می‌کنند و از پذیرش اسلام ممانعت می‌نمایند. ای مؤمنان! شما همچون ایشان نشوید و مواظب علماء بدکردار و عرفاء ناپرهیزگار خود باشید و بدانید اسم و رسْم دنیاپرستان مال‌اندوز را تغییر نمی‌دهد) و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می‌کنند و آن را در راه خدا

خرج نمی‌نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده.

توضیحات:

«بِالْبَاطِلِ»: به ناحق. بیهوده. مثلاً از راه گناه بخشی و بهشت فروشی و تحریم حلال و تحلیل حرام. «يَكْنِزُونَ»: اندوخته می‌کنند. گنجینه می‌سازند. مراد از کنز، ثروت‌اندوزی بیجائی است که حقوق شرعی از آن پرداخت نگردد. «الذَّهَبَ»: طلا. زر. «الْفِضَّة»: نقره. سیم. «الذَّهَبَ وَالْفِضَّة»: مراد اموال است. «لا يُنفِقُونَـها»: استعمال ضمیر مفرد (ها) به جای ضمیر مثنّی (هُما) جائز است هنگامی که بیان یکی از دو چیز به منزله بیان هردوی آنها باشد (نگا: بقره / ۴۵، جمعه / ۱۱). یا این که ضمیر (ها) متوجّه معنی است که کنوز یا اموال است. «بَشِّرْ»: مژده بده. مراد ریشخند و تهکم است.

سوره توبهٔ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُحۡمَىٰ عَلَيۡهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكۡوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمۡ وَجُنُوبُهُمۡ وَظُهُورُهُمۡۖ هَٰذَا مَا كَنَزۡتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَكۡنِزُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

روزی (فرا خواهد رسید که) این سکه‌ها در آتش دوزخ، تافته می‌شود و پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های ایشان با آنها داغ می‌گردد (و برای توبیخ) بدی‌شان گفته می‌شود: این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می‌کردید، پس اینک بچشید مزه چیزی را که می‌اندوختید.

توضیحات:

«يَوْمَ»: در روزی که. روزی را که. ظرف است برای (عذاب إليمٍ) یا (يُعَذَّبُونَ) محذوف و یا مفعول‌به (أُذْكُرْ) محذوف است. «تُكْوَيا»: داغ می‌گردد. «جِبَاه»: جمع جِبْهَة، پیشانی‌ها. «جنوب»: جمع جنب، پهلوها. «ظُهُور»: جمع ظَهْر، پشت‌ها.

سوره توبهٔ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثۡنَا عَشَرَ شَهۡرٗا فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ يَوۡمَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

وَٱلۡأَرۡضَ مِنۡهَآ أَرۡبَعَةٌ حُرُمٞۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُۚ فَلَا تَظۡلِمُواْ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمۡۚ وَقَٰتِلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ كَآفَّةٗ كَمَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ كَآفَّةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

شماره ماه‌ها (ی سال قمری) در حکم و تقدیر خدا (ی متعال، و مضبوط در لوح محفوظ، یا موجود) در کتاب آفرینش - از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده است - دوازده ماه است که چهار ماه حرام است (و آنها عبارتند از: ذی‌القعده، ذی‌الحجّه، محرّم، و رجب. جنگ در این ماه‌ها حرام است، و) این (تحریم نبرد) آئین راستین و تغییرناپذیر (خدا) است، پس در آنها به خویشتن ستم نکنید (و جنگ در آنها را حلال ندانید، مگر این که تجاوز و قانون‌شکنی از سوی دشمن باشد و شما به ناچار از خود دفاع کنید. ای مؤمنان!) با همه مشرکان بجنگید همان‌گونه که آنان جملگی با شما می‌جنگند، و بدانید که (لطف و یاری) خدا با پرهیزگاران است.

توضیحات:

«كِتَاب»: مراد همه کتاب‌های آسمانی، یا لوح محفوظ، و یا کتاب بازِ هستی است. «حُرُم»: جمع حرام. مراد ماه‌های چهارگانه ذی‌القعده، ذی‌الحجّه، محرم، و رجب است که جنگیدن در آنها حرام است. «الدِّينُ»: آئین. حکم و داوری. حساب. «الْقَيِّمُ»: راست و درست. استوار و پابرجا. «الدِّينُ الْقَيِّمُ»: آئین راستین و ابدی. داوری درست و سرمدی. حساب صحیح و همیشگی. «كَآفَّةً»: جملگی. همگی. مصدری است مانند عافِية و عاقِبَة، و به معنی (كافّينَ) بوده و حال فاعل یا مفعول می‌باشد. «قَاتِلُوا الـمُشْرِكينَ كَآفَّة»: جملگی با مشرکان بجنگید. با جملگی مشرکان بجنگید.

سوره توبۀ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلنَّسِيٓءُ زِيَادَةٞ فِي ٱلۡكُفۡرِۖ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُحِلُّونَهُۥ عَامٗا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامٗا لِّيُوَاطِـُٔواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُۚ زُيِّنَ لَهُمۡ سُوٓءُ أَعۡمَٰلِهِمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

به تأخیر انداختن (و بهم‌زدن ترتیب ماه‌های حرام) افزایش در کفر است. کافران بدان گمراهِ (گمراه و سرگشته‌تر از پیش) می‌شوند. آنان یک سال (ماه حرام را) حلال می‌کنند و یک سال (ماه حلال را) حرام می‌سازند (و برابر آرزوی خود ماه‌ها را جابجا می‌نمایند و می‌گویند: ماهی در برابر ماهی) تا با تعداد ماه‌هائی که خدا حرام کرده است موافقت برقرار سازند (و عدد چهار را تکمیل گردانند) و بدین وسیله چیزی را (برای خود) حلال نمایند که خداوند حرام کرده است (و چیزی را حرام نمایند که خداوند حلال فرموده است). کردار زشت‌شان در نظرشان آراسته شده است، و خداوند گروه کافران (مُصرّ بر کفر را به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.

توضیحات:

«أَلنَّسِيءُ»: به تأخیر انداختن. مراد جابه‌جائی ماه‌ها و بهم‌زدن ترتیب طبیعی آنها است که عرب‌ها بنا به مصالحی چنین می‌کردند و مثلاً اعلام می‌کردند که ماه محرم امسال به تأخیر انداخته می‌شود و ماه صفر جایگزین آن می‌گردد. یا ماه ذی‌الحجّه که مراسم حجّ در آن انجام می‌گیرد، از تابستان به زمستان انداخته می‌شود، و... «يُحِلُّونَهُ... يُحَرِّمُونَهُ»: مرجع ضمیر (هُ) واژه (أَلنَّسِيءُ) است و می‌توان آیه را چنین معنی کرد: کافران سالی، به تأخیرانداختن و جابجاکردن را حلال می‌دانند و سالی، حرام. «لِيُوَاطِئُوا»: از مصدر مُواطاه به معنی موافقت و مطابقت است. یعنی تا این که شماره چهار را تکمیل می‌کنند، هرچند که ماه‌های حرام جابجا شوند.

سوره توبۀ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ أَرَضِيتُم بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ٣٨﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: (برای جهاد) در راه خدا حرکت کنید، سستی می‌کنید و دل به دنیا می‌دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید؟ آیا سزد که چنین کنید)؟ تمتّع و کالای این جهان در برابر تمتّع و کالای آن جهان، چیز کمی بیش نیست.

توضیحات:

«مَا لَكُمْ»: چه چیزتان شده است؟ چه خبرتان است؟ چرا شما؟ «إنفِرُوا»: بیرون روید. برای جهاد به تندی خارج شوید. «إِثَّاقَلْتُمْ»: سستی و کندی کردید. اصل آن (تَثَاقَلْتُمْ) و از باب تفاعُل است. «إِثَّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ»: خویشتن را به زمین چسپانده و تنبلی کردید. دل به زندگی جهان دادید و بدان گرائیدید. «مِنَ الآخِرَةِ»: بدل آخرت. به جای دنیای دیگر.

سوره توبۀ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡـًٔاۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٣٩﴾

ترجمه:

اگر برای جهاد بیرون نروید، خداوند شما را (در دنیا با استیلاء دشمنان و در آخرت با آتش سوزان) عذاب دردناکی می‌دهد و (شما را نابود می‌کند و) قومی را جایگزینتان می‌سازد که جدای از شمایند (و پاسخگوی فرمان خدایند و در اسرع وقت دستور او را اجرا می‌نمایند. شما بدانید که با نافرمانی خود تنها به خویشتن زیان می‌رسانید) و هیچ زیانی به خدا نمی‌رسانید (چرا که خدا بی‌نیاز از همگان و دارای قدرت فراوان است) و خدا بر هر چیزی توانا است (و از جمله بدون شما هم می‌تواند اسلام را پیروز گرداند، و همچنین شما را از بین ببرد و دسته فرمانبرداری را جانشین شما کند).

توضیحات:

«إِلاّ تَنفِرُوا»: اگر برای جهاد بیرون نروید. اصل آن (إِنْ لا تَنْفِرُوا) است. «غَيْرَكُمْ»: جدای از شما، یعنی مطیع و فرمانبردار و مؤمن و پرهیزگار. واژه (غَيْرَ) صفت (قَوْماً) است و به سبب ابهام فراوانی که دارد با وجود اضافه معرفه نمی‌گردد. می‌تواند مستثنی نیز باشد. « يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ »: قوم دیگری را جانشین شما می‌سازد. قومی را جانشین شما می‌کند که مغایر با شمایند و دستور خدا را اجرا می‌نمایند. «لا تَضُرُّوهُ »: به خدا زیان نمی‌رسانید. به پیغمبر زیان نمی‌رسانید.

سوره توبۀ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَاۖ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٖ لَّمۡ تَرَوۡهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝٤٠﴾

ترجمه:

اگر پیغمبر را یاری نکنید (خدا او را یاری می‌کند، همان‌گونه که قبلاً) خدا او را یاری کرد، بدان گاه که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که (دو نفر بیشتر نبودند و) او دومین نفر بود (و تنها یک نفر به همراه داشت که رفیق دلسوزش ابوبکر بود). هنگامی که آن دو در غار (ثور جای گزیدند و در آن سه روز ماندگار) شدند (ابوبکر نگران شد که از سوی قریشیان به جان پیغمبر گزندی رسد،) در این هنگام پیغمبر خطاب به رفیقش گفت: غم مخور که خدا با ما است (و ما را حفظ می‌نماید و کمک می‌کند و از دست قریشیان می‌رهاند و به عزّت و شوکت می‌رساند. در این وقت بود که) خداوند آرامش خود را بهره او ساخت (و ابوبکر از این پرتو الطاف، آرام گرفت) و پیغمبر را با سپاهیانی (از فرشتگان در همان زمان و همچنین بعدها در جنگ بدر و حُنَین) یاری داد که شما آنان را نمی‌دیدید، و سرانجام سخن کافران را فروکشید (و شوکت و آئین آنان را از هم گسیخت) و سخن الهی پیوسته بالا بوده است (و نور توحید بر ظلمت کفر چیره شده است و مکتب آسمانی، مکتبهای زمینی را از میان برده است) و خدا باعزّت است (و هرکاری را می‌تواند بکند و) حکیم است (و کارها را بجا و از روی حکمت انجام می‌دهد).

توضیحات:

«ثَانِيَ اثْنَيْنِ»: یکی از دو نفر. حال ضمیر (هُ) است. «الْغَار»: مراد غار کوه ثور است که در جنوب مکه قرار دارد و راه یک ساعته پیاده از آن دور است. «إِذْهُـمَـا فِي الْغَارِ»: بدل بعض از (إِذْ أَخْرَجَهُ)، و (إِذْ يَقُولُ) بدل دوم آن است. «عَلَيْهِ»: ضمیر (ه) به پیغمبر و یا به ابوبکر صِدّیق برمی‌گردد. «كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا»: مراد سخنی است مبنی بر قتل پیغمبر که همگی بر آن متّفق شدند (نگا: انفال / ۳۰). شرک. دعوت به کفر. مراد معتقدات ایشان است. «كَلِمَةُاللهِ»: مراد وعده پیروزی خدا به پیغمبران و مؤمنان است

(غافر / ۵۱). توحید. دعوت به اسلام. آئین اسلام. واژه (كَلِمَةُ) مبتدا است و جمله (هِيَ الْعُلْيَا) خبر آن است. ذکر جمله اسمیه برای دوام است و بیان‌گر همیشگی و جاودانگی (كَلِمَةُ الله) است.

سوره توبهٔ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿ٱنفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤١﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! هرگاه منادی جهاد، شما را به جهاد ندا درداد فوراً) به‌سوی جهاد حرکت کنید، سبک‌بار یا سنگین‌بار، (جوان یا پیر، مجرّد یا متأهّل، کم‌عائله یا پرعائله، غنی یا فقیر، فارغ‌البال یا گرفتار، مسلّح به اسلحه سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و... در هر صورت و در هر حال،) و با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید. اگر دانا باشید می‌دانید که این به نفع خود شما است.

توضیحات:

«خِفَافاً»: جمع خَفیف، سبکباران. «ثِقَالاً»: جمع ثقیل، سنگین‌باران. «خِفَافاً وَ ثِقَالاً»: حال است و مراد این است که در هر حالی باید به جهاد رفت: سواره یا پیاده، پیر یا جوان، فقیر یا غنی، آسان یا مشکل.

سوره توبهٔ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿لَوۡ كَانَ عَرَضٗا قَرِيبٗا وَسَفَرٗا قَاصِدٗا لَّٱتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنۢ بَعُدَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلشُّقَّةُۚ وَسَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَوِ ٱسۡتَطَعۡنَا لَخَرَجۡنَا مَعَكُمۡ يُهۡلِكُونَ أَنفُسَهُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

(منافقان) اگر غنائمی نزدیک (و در دسترس) و سفری سهل و آسان باشد (به طمع دنیا) از تو پیروی می‌کنند و به دنبال تو می‌آیند، ولی راه دور و پردردسر (همچون تبوک) برای ایشان ناشدنی و نارفتنی است. به خدا سوگند می‌خورند که اگر می‌توانستیم با شما حرکت می‌کردیم. آنان (در واقع با این عمل‌ها و این دروغ‌ها)

خویشتن را تباه و هلاک می‌کنند، و خدا می‌داند که ایشان دروغگویند.

توضیحات:

«عَرَضاً»: کالا و متاع فانی دنیا. حُطام دنیا. «قَاصِداً»: آسان و بی‌دردسر. «الشُّقَّة»: مسافتی که بدون مشقّت طی نشود.

سوره توبۀ آیه ۴۳

متن آیه:

﴿عَفَا ٱللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَتَعۡلَمَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٤٣﴾

ترجمه:

خدا تو را بیامرزاد! چرا به آنان اجازه دادی (که از جهاد بازمانند و با شما خارج نشوند) پیش از آن که برای تو روشن گردد که ایشان (در عذرهائی که می‌آورند) راستگویند و یا بدانی که چه کسانی دروغگویند.

توضیحات:

«عَفَا اللهُ عَنكَ»: جمله دعائی است و مراد از این نوع جمله‌ها بیشتر تعظیم و توقیر است؛ نه توبیخ و تحقیر. در اینجا عتاب بر ترک اوّلی و أکمَل است؛ نه به خاطر ارتکاب جرم و معصیت (نگا: نور / ۶۲). بلکه می‌توان گفت منظور از خطاب به صورت استفهام استنکاری، بیان منافقی منافقان است. یعنی اگر بدی‌شان اجازه نمی‌دادی، منافقی منافقان در عمل برای همگان روشن می‌شد. چرا که در هر صورت منافقان به جنگ تبوک نمی‌رفتند.

سوره توبۀ آیه ۴۴

متن آیه:

﴿لَا يَسۡتَـٔۡذِنُكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

آنان که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند در انجام جهاد با مال و جان (در راه یزدان) از تو اجازه نمی‌گیرند، (زیرا جهاد واجب است و در اداء واجبات، کسب اجازه لازم نیست. این چنین مؤمنان راستینی که برای رفتن به جهاد اجازه نمی‌گیرند، به

طریق اوّلی برای نرفتن به جهاد درخواست اجازه نمی‌کنند) و خداوند به خوبی افراد پرهیزگار را می‌شناسد (و از نیات و اعمال آنان کاملاً آگاه است).

توضیحات:

«لا یَسْتَأْذِنُکَ...»: در کار جهاد از تو درخواست اجازه نمی‌کنند؛ نه برای خروج و نه برای قعود. متعلّق آن می‌تواند محذوف و واژه (تخلّف) باشد، و (أَن یُجاهِدُوا)، کراهَةَ أَن یجاهِدُوا منظور نظر و در تقدیر باشد.

سوره توبهٔ آیه ۴۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَسۡتَـٔۡذِنُكَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱرۡتَابَتۡ قُلُوبُهُمۡ فَهُمۡ فِي رَيۡبِهِمۡ يَتَرَدَّدُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند که (در جهاد شرکت نکنند که مدّعیان دروغینند و) به خدا و روز جزا ایمان ندارند و دل‌هایشان دچار شک و تردید است و در حیرت و سرگردانی خود بسر می‌برند.

توضیحات:

«إِرْتابَتْ»: دچار شک و تردید شده است. «یَتَرَدَّدُونَ»: در رفت و برگشت و آمد و شدند. سرگردانند.

سوره توبهٔ آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَرَادُواْ ٱلۡخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةٗ وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمۡ فَثَبَّطَهُمۡ وَقِيلَ ٱقۡعُدُواْ مَعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

اگر (این منافقان نیت پاک و درستی داشتند و) می‌خواستند (برای جهاد) بیرون روند، توشه و ساز و برگ آن را آماده می‌کردند (و مسلّح و مجهّز در خدمت رسول راه می‌افتادند.) امّا خدا (می‌دانست که اگر برای جهاد بیرون می‌آمدند جز زیان و ضرر نداشتند. این بود که) بیرون‌شدن و حرکت‌کردن آنان را (به سوی میدان نبرد) نپسندید و ایشان را از (این کار) بازداشت. و بدی‌شان گفته شد: با نشستگان (عاجز و

ناتوان، از قبیل: بیماران و پیران و کودکان و زنان، در خانه) بنشینید (چرا که شایستگی آن را ندارید که در کارهای بزرگ و راه سترگ خدا گام بردارید).

توضیحات:

«عُدَّة»: توشه. ساز و برگ. «إِنْبِعاث»: روانه‌شدن. رفتن. «ثَبَّطَ»: بازداشت. با ترس و هراس انداختن به دل منافقان، از بیرون رفتن ایشان برای غزوه تبوک و جنگ با رومیان جلوگیری کرد. «قِيلَ»: گفته شد. این سخن می‌تواند القاء خدا، اذن رسول، ندای وجدان، وسوسه شیطان، و یا گفتار یک یا چند نفر از میان خودشان باشد.

سوره توبهٔ آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلَوْ أَرَادُواْ ٱلْخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةً وَلَـٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ ٱقْعُدُواْ مَعَ ٱلْقَـٰعِدِينَ ۝٤٦﴾

ترجمه:

اگر آنان همراه شما (برای جهاد) بیرون می‌آمدند، چیزی جز شر و فساد بر شما نمی‌افزودند، و به سرعت در میان شما حرکت می‌کردند و مشغول آشفتن و گول‌زدن و برگرداندنتان از دین می‌شدند. در میانتان هم کسانی هستند که سخن ایشان را بشنوند (و دعوت تفرقه‌آمیز و فتنه‌برانگیز ایشان را بپذیرند). خداوند ستمگران را خوب می‌شناسد (و از فاسق و فاجر ایشان آگاه و از رفتار آشکار و نهانشان باخبر است).

توضیحات:

«خَبَالاً»: شر و فساد (نگا: آل‌عمران / ۱۱۸). «أَوْضَعُوا»: سرعت می‌گرفتند. با شتاب راه می‌افتادند. «خِلالَ»: جمع خَلَل؛ میان، بین. «فِتْنَة»: تفرقه و اختلاف. از دین برگرداندن. «سَمَّاعُونَ»: شنوندگان. فرمانبرداران. جاسوسان.

سوره توبهٔ آیه ۴۸

متن آیه:

﴿لَقَدِ ٱبْتَغَوُاْ ٱلْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلْأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَهُمْ كَـٰرِهُونَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

(این گروه منافقان) پیش از این هم به فتنه‌گری و ایجاد فساد (در میان شما) پرداخته‌اند و (در جنگ احد و دیگر موارد) برضدّ شخص پیغمبر (و برخی از مؤمنان و خود آئین اسلام توطئه‌ها چیده‌اند و) نقشه‌ها کشیده‌اند و رایزنی‌ها نموده‌اند و نیرنگ‌ها ورزیده‌اند (برای این که جلو اسلام را بگیرند و کار را بر تو تباه کنند) تا زمانی که - علی‌رغم خواست منافقان (و به کوری چشم ایشان) - یاری خدا فرا رسید و آئین اسلام آشکار و پیروز گردید (و دسته دسته مردمان بدان گرویدند و مزه ایمان را چشیدند و به حساب منافقان رسیدند).

توضیحات:

«قَلَّبُوا لَكَ الأُمُورَ»: برضدّ تو مشورتها نموده‌اند و چاره‌اندیشی‌ها کرده‌اند و نیرنگ‌ها ساخته‌اند. «جَآءَالْحَقُّ»: حق فرا رسید. وعده پیروزی تحقّق یافت. «أَمْرُاللهِ»: مراد آئین خدا اسلام است.

سوره توبهٔ آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ ٱئۡذَن لِّي وَلَا تَفۡتِنِّيٓۚ أَلَا فِي ٱلۡفِتۡنَةِ سَقَطُواْۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٩﴾

ترجمه:

بعضی از منافقان می‌گویند: به ما اجازه بده (تا در جهاد با رومیان شرکت نکنیم) و ما را دچار فتنه و فساد (جمال ماهرویان رومی) مساز. هان! هم‌اینک ایشان (با مخالفت فرمان خدا) به خودِ فتنه و فساد افتاده‌اند و (دچار معصیت و گناه شده‌اند و در روز قیامت) آتش دوزخ، کافران (چون ایشان) را فرا می‌گیرد.

توضیحات:

«لا تَفْتِنِّي»: مرا دچار فتنه و آشوب مساز. مرا شیدا و مفتون زیبارویان رومی مساز و گناه آلودم مکن.

سوره توبهٔ آیه ۵۰

متن آیه:

﴿إِن تُصِبۡكَ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡۖ وَإِن تُصِبۡكَ مُصِيبَةٞ يَقُولُواْ قَدۡ أَخَذۡنَآ أَمۡرَنَا مِن قَبۡلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمۡ فَرِحُونَ ٥٠﴾

ترجمه:

اگر نیکی به تو رسد (و پیروزی و غنیمت یابی، این توفیق) ایشان را ناراحت می‌کند، و اگر مصیبتی به تو دست دهد (و مثلاً کشته‌ها و زخمی‌هائی داشته باشی، شادی می‌کنند و) می‌گویند: ما که تصمیم خود را از پیش گرفته‌ایم (و قبلاً خویشتن را برحذر از این بلا داشته‌ایم) و شادان برمی‌گردند و می‌روند.

توضیحات:

«أَخَذْنَا أَمْرَنَا»: تصمیم خود را گرفته بودیم. خود را از خطر رهانده و محفوظ و مصون داشته‌ایم.

سوره توبهٔ آیه ۵۱

متن آیه:

﴿قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٥١﴾

ترجمه:

بگو: هرگز چیزی (از خیر و شر) به ما نمی‌رسد، مگر چیزی که خدا برای ما مقدّر کرده باشد. (این است که نه در برابر خیر مغرور می‌شویم و نه در برابر شر به جزع و فزع می‌پردازیم، بلکه کاروبار خود را به خدا حواله می‌سازیم، و) او مولی و سرپرست ما است، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

«كَتَبَ»: مقدّر نموده است. واجب گردانده است. مقرّر داشته است.

سوره توبهٔ آیه ۵۲

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلۡ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحۡدَى ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِۖ وَنَحۡنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمۡ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٖ مِّنۡ عِندِهِۦٓ أَوۡ بِأَيۡدِينَاۖ فَتَرَبَّصُوٓاْ إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی انتظار دارید: (یا پیروزی و غنیمت در دنیا، و یا شهادت و بهشت در آخرت). ولی ما درباره شما چشم به راه هستیم که یا خداوند (در این جهان یا آن جهان) به عذابی از سوی خود گرفتارتان سازد و یا (در این جهان) با دست ما (مذلّت و خواری نصیبتان سازد). پس شما چشم به راه (فرمان و خواست)

خدا باشید و ما هم با شما در انتظاریم.

توضیحات:

«تَرَبَّصُونَ»: انتظار می‌کشید. چشم‌براهید. «إِحْدَي الْحُسْنَيَيْنِ»: یکی از دو حالت نیک و عاقبت خوب. پیروزی و بهروزی یا شهادت و جنّت.

سوره توبۀ آیه ۵۳

متن آیه:

﴿قُلۡ أَنفِقُواْ طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمۡ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ قَوۡمًا فَٰسِقِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به منافقانی که برای پنهان داشتن نفاق خود به بذل و بخشش می‌پردازند) بگو: چه از روی اختیار و چه از روی اجبار به بذل و بخشش بپردازید، در هر حال از شما پذیرفته نمی‌گردد، چرا که شما قوم فاسقی هستید (و بر دین خدا میشورید و از فرمان او به در می‌روید و نفاقتان اعمال نیکتان را پوچ و بیسود می‌گرداند).

توضیحات:

«أَنفِقُوا»: ببخشید. بخشش و احسان کنید. در ظاهرْ امر و در معنی خبر است (نگا: توبه / ۸۰). «طَوْعاً أَوْكَرْهاً»: به دلخواه یا به ناچار. مصدرند و حال واقع شده‌اند و به معنی (طَآئِعينَ) و (كارِهينَ) به کار رفته‌اند.

سوره توبۀ آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَمَا مَنَعَهُمۡ أَن تُقۡبَلَ مِنۡهُمۡ نَفَقَٰتُهُمۡ إِلَّآ أَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمۡ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

هیچ‌چیز مانع پذیرش نفقات و بذل و بخشش‌هایشان نشده است جز این که آنان به خدا و پیغمبرش ایمان ندارند (و کفر هم اعمال را پوچ و بیسود می‌کند،) و جز با ناراحتی و بی‌حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی‌ایستند، و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی‌کنند.

توضيحات:

«كُسَالَيا»: جمع كسْلان، تنبل. سست.

سوره توبهٔ آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ۝٥٥﴾

ترجمه:

فزونی اموال و اولاد (یعنی نیروی اقتصادی و انسانی) ایشان، تو را به شگفتی نیندازد. چرا که خداوند می‌خواهد آنان را در زندگی دنیا بدین وسیله معذّب کند (و پیوسته به جمع مال و منال کوشند و همه عمر در راه نگهداری و پاسداری آن تلاش ورزند، و به خاطر دلبستگی فوق‌العاده به این امور، خدا و آخرت را فراموش کنند) و در حال کفر جان دهند و قالب تهی کنند.

توضيحات:

«تَزْهَقَ»: بدر رود. از مصدر زُهوق به معنی خُروج، و در اینجا مراد جان‌دادن و قالب تهی‌کردن است که برای آنان همراه با شکنجه‌ها و دردها است (نگا: انعام / ۹۳ و أنفال / ۵۰). «أَنفُس»: جمع نفْس، جان. روح.

سوره توبهٔ آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ۝٥٦﴾

ترجمه:

به خدا سوگند می‌خورند که آنان از شمایند (و مؤمن و مسلمانند) در حالی که از شما نیستند (و مؤمن و مسلمان نمی‌باشند) و مردمان ترسوئی هستند (و چون از شما وحشت دارند، دروغ می‌گویند و نفاق می‌ورزند).

توضيحات:

«يَفْرَقُونَ»: می‌ترسند. از مصدر (فَرَق) به معنی خوف و فزع.

سوره توبهٔ آیه ۵۷

متن آیه:

﴿لَوۡ يَجِدُونَ مَلۡجَـًٔا أَوۡ مَغَـٰرَٰتٍ أَوۡ مُدَّخَلٗا لَّوَلَّوۡاْ إِلَيۡهِ وَهُمۡ يَجۡمَحُونَ﴾

ترجمه:

اگر پناهگاهی یا غارهائی و یا سردابی پیدا کنند شتابان بدانجا می‌روند و به سرعت بدان می‌خزند.

توضیحات:

«مَلْجَأً»: پناهگاه. «مَغَارَاتٍ»: جمع مَغارة، غارها. «مُدَّخَلاً»: سرداب. دهلیز. نقب. «يَجْمَحُونَ»: شتابان و پریشان می‌گریزند. از (جُموح) به معنی توسنی و سربرداشتنِ اسب. «وَهُمْ يَجْمَحُونَ»: مراد این است که منافقان از شما نفرت و وحشت دارند و از آئین شما بیزارند.

سوره توبهٔ آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَلۡمِزُكَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ فَإِنۡ أُعۡطُواْ مِنۡهَا رَضُواْ وَإِن لَّمۡ يُعۡطَوۡاْ مِنۡهَآ إِذَا هُمۡ يَسۡخَطُونَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

در میان آنان کسانی هستند که در تقسیم زکات از تو عیبجوئی می‌کنند و ایراد می‌گیرند (و نسبت بی‌عدالتی را به تو می‌دهند! اینان جز به فکر حطام دنیا در اندیشه چیز دیگری نیستند، و لذا) اگر بدانان چیزی از زکات داده شود خوشنود می‌شوند و اگر چیزی از آن بدی‌شان داده نشود هرچه زودتر خشم می‌گیرند (و اخم و تخم می‌کنند).

توضیحات:

«يَلْمِزُكَ»: از تو عیبجوئی می‌کنند. به تو طعنه می‌زنند و از تو ایراد می‌گیرند. « الصَّدَقَاتِ»: جمع صَدَقَة، زکات (نگا: توبه / ۶۰). «يَسْخَطُونَ»: خشمگین می‌شوند.

سوره توبهٔ آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ سَيُؤۡتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

اگر آنان بدانچه خدا و پیغمبرش بدی‌شان داده است (و قسمت ایشان کرده است) راضی می‌شدند و می‌گفتند: (دستور) خدا ما را بسنده است و خداوند از فضل و احسان خود به ما می‌دهد و پیغمبرش (بیش از آنچه به ما داده است این بار به ما عطاء می‌کند، و) ما (به فضل و بخشایش پروردگار خود چشم دوخته و) تنها رضای خدا را می‌جوئیم، (اگر چنین می‌گفتند و می‌کردند، به سود آنان بود).

توضیحات:

«وَلَوْ»: جواب آن محذوف است که (لَكانَ خَيْراً لَـهُمْ) است. «رَاغِبُونَ»: جمع راغِب، مشتاق. خواهان. آرزومند.

سوره توبهٔ آیه ۶۰

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝٦٠﴾

ترجمه:

زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبّتشان (برای پذیرش اسلام و سودگرفتن از خدمت و یاری‌شان به اسلام چشم داشته) می‌شود، (آزادی) بندگان، (پرداخت بدهی) بدهکاران، (صرف) در راه (تقویت آئین) خدا، و واماندگان در راه (و مسافران درمانده و دورافتاده از مال و منال و خانه و کاشانه) می‌باشد. این یک فریضه مهمّ الهی است (که جهت مصلحت بندگان خدا مقرّر شده است) و خدا دانا (به مصالح آفریدگان) و حکیم (در وضع قوانین) است.

توضیحات:

«الْفُقَرَآءِ»: مستمندانی که چیزی دارند ولی کفاف زندگی ایشان نمی‌کند. «الْـمَسَاكِينِ»: مستمندانی که چیزی ندارند. فقیر و مسکین به جای همدیگر هم به کار می‌روند. « الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا»: کارکنانی که از سوی پیشوای مسلمانان مأمور جمع‌آوری زکات می‌شوند. «الْـمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُـهُمْ»: کسانی هستند که پیشوای مسلمانان صلاح بداند از راه احسان از ایشان دلجوئی شود و یا زیان و ضررشان به مسلمانان نرسد. «فِي الرِّقَابِ

»: در راه آزادکردن بندگان با خرید و کمک ایشان برای آزادی. «الْغَارِمِينَ»: افراد مقروض و مدیونی که قادر به پرداخت قرض خود نباشند و وام آنان حاصل نادانی نبوده و صرف معصیت نشده باشد. «فِي سَبِيلِ اللهِ»: مراد تمام راه‌هائی است که منتهی به خوشنودی خدا می‌گردند. «إبْنِ السَّبِيلِ»: مسافر دورافتاده از خانه و کاشانه و نیازمند کمک برای رسیدن به آن باشد. «فَرِيضَةً»: واجب. مصدر و مفعول مطلق تأکیدی برای فعل مقدّری است. یعنی: فَرَضَ اللهُ لَهُمُ الصَّدَقَاتِ فَرِيضَةً.

سوره توبۀ آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلنَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٞۚ قُلۡ أُذُنُ خَيۡرٖ لَّكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَيُؤۡمِنُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡۚ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦١﴾

ترجمه:

در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می‌آزارند و می‌گویند: او سراپاگوش است (و راست و دروغ را می‌شنود و همه‌چیز را باور می‌کند). بگو: (او در نهایت لطف و محبّت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می‌دهد، ولی به سخن خوب عمل می‌کند و سخن بد را نادیده می‌گیرد و بدان عمل نمی‌کند، و این) سراپا گوش بودن او به نفع شما است. او به خدا ایمان دارد (و همه فرموده‌های او را تصدیق می‌کند) و به مؤمنان ایمان دارد (و هرچه بگویند باور می‌کند، چون معتقد به اخلاص ایشان است) و او برای کسانی که از شما که ایمان آورده‌اند رحمت است (زیرا ایشان را به راستای خداشناسی آورده است و راه بهشت را بدانان نموده است). کسانی که فرستاده خدا را می‌آزارند، عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«أُذُنٌ»: گوش. مراد شخصی است که همه چیز را باور کند. خوش‌باور و دهن‌بین. نامیدن انسان به اندام شنوائی (أُذُن) یا اندام بینائی (عَین=جاسوس) برای مبالغه است.

سوره توبۀ آیه ۶۲

متن آیه:

﴿يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ لِيُرۡضُوكُمۡ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ أَن يُرۡضُوهُ إِن كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ



ترجمه:

برای شما، به خدا سوگندها می‌خورند (که درباره پیغمبر چیز بدی نگفته‌اند و به دروغ از شرکت در جهاد واپس نکشیده‌اند) تا با سوگندهای خود شما را راضی کنند. در حالی که شایسته‌تر این است که خدا و پیغمبرش را (با عبادت و طاعت و فرمانبرداری) راضی کنند، اگر واقعاً ایمان دارند.

توضیحات:

«...أَحَقُّ»: مراد این است که راضی‌کردن خدا و پیغمبر مهمتر از راضی‌کردن مسلمانان است. «أَن یُرْضُوهُ»: ضمیر (هُ) به (رسول) برمی‌گردد. ولی چون سخن از خدا و رسول در میان است، می‌بایست (یُرْضُوهُمـا) گفته شود. امّا از آنجا که راضی‌کردن پیغمبر عین راضی‌کردن خدا است ضمیر مفرد به جای ضمیر مثنّی ذکر شده است (نگا: نساء / ۸۰). همچنین می‌توان گفت: (وَاللهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن یُرْضُوهُ)، دو جمله است و (اللهُ) و (رَسُولُ) مبتدا بوده و خبر اوّلی به خاطر دلالت خبر دومی بر آن، حذف شده است. تقدیر چنین است: «وَاللهُ أَحَقُّ أَنْ یُرْضُوهُ وَ رَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ یُرْضُوهُ». مثل بیت زیر: نَحْنُ «بِمـا عِنْدَنا وَأَنْتَ بِمـاعِنْدَ كَ راضٍ وَالرَّأْيُ مُخْتَلِفٌ»

سوره توبهٔ آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدٗا فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡخِزۡيُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٣﴾

ترجمه:

آیا ندانسته‌اند که هرکس با خدا و پیغمبرش دشمنی و مخالفت کند، سزای او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می‌ماند؟ این (گرفتار آمدن به دوزخ) رسوائی و خواری بزرگی است.

توضیحات:

«یُحَادِدْ»: دشمنی و مخالفت کند. مراد این است: کسی که با انجام گناه نافرمانی خود را نشان می‌دهد، انگار جبهه‌گیری کرده است و خویشتن را در حدّی یعنی

جانبی، و خدا را در حدّی قرار داده است (نگا: مجادله / ۵ و ۲۰ و ۲۲). «الخِزْيُ»: خواری و رسوائی.

سوره توبۀ آیه ۶۴

متن آیه:

﴿يَحۡذَرُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ سُورَةٞ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

منافقان (خدا و آیات و پیغمبر او را در میان خود به مسخره می‌گیرند و) می‌ترسند که سوره‌ای برضدّ ایشان نازل شود (و علاوه از آنچه می‌گویند) آنچه را (هم که) در دل دارند به رویشان بیاورد و آشکارش سازد. بگو: هر اندازه می‌خواهید مسخره کنید، بی‌گمان خداوند آنچه را که از آن بیم دارید (و در پنهان داشتنش می‌کوشید) آشکار و هویدا می‌سازد.

توضیحات:

«يَحْذَرُ»: می‌پرهیزند. می‌ترسند. «تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ»: برضدّ آنان نازل شود. «إِنَّ اللهَ مُخْرِجٌ... »: (نگا: محمّد / ۲۹و۳۰).

سوره توبۀ آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُمۡ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلۡعَبُۚ قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

اگر از آنان (درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان) بازخواست کنی، می‌گویند: (مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر) بازی و شوخی می‌کردیم. بگو: آیا به خدا و آیات او و پیغمبرش می‌توان بازی و شوخی کرد؟!

توضیحات:

«...نَخُوضُ»: بی‌قصد و غرض سخن می‌گفتیم و صحبت می‌نمودیم.

سوره توبۀ آیه ۶۶

متن آیه:

﴿لَا تَعۡتَذِرُواْ قَدۡ كَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡۚ إِن نَّعۡفُ عَن طَآئِفَةٖ مِّنكُمۡ نُعَذِّبۡ طَآئِفَةَۢ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

(بگو: با چنین معذرت‌های بیهوده) عذرخواهی نکنید. شما پس از ایمان‌آوردن، کافر شده‌اید. اگر هم برخی از شما را (به سبب توبه مجدّد و انجام کارهای شایسته) ببخشیم، برخی دیگر را نمی‌بخشیم. زیرا آنان (بر کفر و نفاق خود ماندگارند و در حق پیغمبر و مؤمنان) به بزهکاری خود ادامه می‌دهند.

توضیحات:

«بَعْدَ إِيمَانِكُمْ»: پس از آن که اظهار ایمان کرده‌اید.

سوره توبۀ آیه ۶۷

متن آیه:

﴿ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡۚ نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند و (از بذل و بخشش در راه خیر) دست می‌کشند. خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی‌گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). واقعاً منافقان فرمان‌ناپذیر (و سرکش و گناهکار) هستند.

توضیحات:

«يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ»: دست خود را باز می‌دارند. مراد این است که بخل می‌ورزند و به احسان و انفاق و بذل و بخشش نمی‌پردازند. «الْفَاسِقُونَ»: کسانی که از فرمان خدا بیرون می‌روند و عاصی و کافر و گمراه می‌شوند.

سوره توبۀ آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ هِيَ حَسۡبُهُمۡۚ

﴿وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٦٨﴾

ترجمه:

خداوند به مردان و زنان منافق، و به همه کافران وعده آتش دوزخ داده که جاودانه در آن می‌مانند، و دوزخ برای (عِقاب و عذاب) ایشان کافی است. (علاوه از آن) خدا آنان را نفرین و از رحمت خود به دور داشته و دارای عذاب همیشگی خواهند بود.

توضیحات:

«مُقیمٌ»: دائم. سرمدی. ناگسستنی.

سوره توبهٔ آیه ۶۹

متن آیه:

﴿كَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنكُمۡ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرَ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ فَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِخَلَٰقِكُمۡ كَمَا ٱسۡتَمۡتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُم بِخَلَٰقِهِمۡ وَخُضۡتُمۡ كَٱلَّذِي خَاضُوٓاْۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

(شما ای منافقان)! همانند کسانی هستید که قبل از شما می‌زیستند (و در نفاق و کفر بر همدیگر سبقت می‌گرفتند و جز راه فسق و فجور نمی‌پوئیدند). آنان از شما نیرومندتر و از اموال و فرزندان بیشتری برخوردار بودند و از قسمت خود (در این جهان گذران، از لذائذ نامشروع و گناهان) بسی استفاده کردند و (عاقبت مردند و دنیا را به دیگران سپردند و شرمندگی بردند. هم‌اینک شما نیز همچون ایشان از تقوا و یاد خدا دوری گزیده‌اید و به راه هواها و هوس‌ها رفته‌اید و به گرداب شهوات افتاده‌اید و از محرّمات) شما هم بهره خود را برده‌اید همان‌گونه که افراد پیش از شما بهره خود را بردند، و به همان چیزی (از پلشتی‌ها و زشتی‌ها) فرو رفته‌اید که آنان بدان فرو رفتند. ایشان کردارشان در دنیا و آخرت پوچ و بیسود گشت و زیانبار (هر دو جهان) شدند. (هان اگر به راه آنان روید، همچون ایشان شوید).

توضیحات:

«كَالَّذِينَ...»: خبر مبتدای محذوف است. تقدیر چنین است: «أَنتُمْ كَالَّذِينَ». «إِسْتَمْتَعُوا»: بسیار سود جستند و لذّت بردند. از لذائذ جسمانی و شهوات فانی بسی

بهره‌مند شدند. «خَلا»: بهره. نصیب. «خُضْتُمْ»: فرو رفته‌اید. به باطل پرداخته‌اید و بدان وارد شده‌اید. «کَالَّذِي»: موصول مفرد (الَّذِي)، به جای موصول جمع (أَلَّذِينَ) به کار رفته است. یا این که صفت موصوف محذوفی، مانند: فَریق، فَوْج، و خَوْض است، و تقدیر چنین است: «کَالْفَرِيقِ الَّذِي... کَالْخَوْضِ الَّذِي». یعنی: همچون کسانی که. همچون باطل‌گرائی‌ها و شهوت پرستی‌هائی که.

سوره توبهٔ آیه ۷۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَأۡتِهِمۡ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَقَوۡمِ إِبۡرَٰهِيمَ وَأَصۡحَٰبِ مَدۡيَنَ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتِۚ أَتَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

آیا (این گروه منافقان از سرگذشت دیگران عبرت نمی‌گیرند؟ مگر) خبر قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، شعیب، و لوط بدی‌شان نرسیده است؟ پیغمبران‌شان همراه با دلائل روشن به‌سویشان آمدند (و به رهنمودشان پرداختند و آنان تکذیب و تکفیرشان کردند و به اندرزهایشان گوش ندادند و به روشنگری‌هایشان وقع و ارجی ننهادند و لذا به عذاب خدا گرفتار آمدند و نابود شدند) و خدا بدی‌شان ظلم و ستم نکرد، بلکه آنان خودشان به خویشتن ظلم و ستم کردند.

توضیحات:

«قَوْم عَاد»: قوم هود است که به وسیله بادهای تند و وحشتزا نابود شدند (نگا: اعراف / ۶۵ و ۷۱). «قَوْم ثمود»: قَوْم صالح است که با زلزله‌های ویرانگر هلاک شدند (اعراف / ۷۳ و ۷۸). «أَصْحَابِ مَدْيَنَ»: قوم شعیب است که به وسیله آذرخش آسمان کشته شدند (نگا: اعراف / ۹۱). «الْـمُؤْتَفِکات»: زیر و رو شده‌ها. مراد شهر و روستای قوم لوط است که با زلزله زیر و رو گردید (نگا: حجر / ۷۳ و ۷۴، انبیاء / ۷۴، نجم / ۵۳). از ماده (إِفْك) به معنی وارونه‌کردن چیزی و برگرداندن آن از راهی به راهی است (نگا: احقاف / ۲۲). دروغ را إِفْک می‌گویند، چون دروغ قلب حقائق است (نگا: نور / ۱۱).

سوره توبهٔ آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ۝٧١﴾

ترجمه:

مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گزارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است.

توضیحات:

«أَوْلِيَآءُ»: یاران. یاوران.

سوره توبهٔ آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ۝٧٢﴾

ترجمه:

خداوند به مردان و زنان مؤمن بهشت را وعده داده است که در زیر (کاخ‌ها و درخت‌های) آن جویبارها روان است و جاودانه در آن می‌مانند، و مسکن‌های پاکی را در بهشت جاویدان بدانان وعده داده است (که جای ماندگاری همیشگی و زندگی سرمدی است. از همه مهمتر خداوند خوشنودی خود را بدی‌شان وعده داده است که) خوشنودی خدا بالاتر از هر چیز است. پیروزی بزرگ همین است.

توضیحات:

«طَيِّبَةً»: پاکیزه و قشنگ و دلپسند. «عَدْنٍ»: جای اقامت و ماندگاری. مراد بهشت جاویدان است که سرای ماندن و زیستن واقعی و همیشگی است. «رِضْوَانٌ»: رضایت و خوشنودی. «ذٰلِكَ»: همه این‌هائی که گذشت، یا این که خوشنودی خدا.

سوره توبۀ آیه ۷۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٣﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! با کافران و منافقان جهاد و پیکار کن (تا ایشان را از کفر و نفاق برگردانی) و بر آنان سخت بگیر و (با ایشان خشن باش. این مجازات کنونی ایشان است و در آخرت) جایگاه‌شان دوزخ است و چه بد سرنوشت و چه زشت جایگاهی است!

توضیحات:

«أُغْلُظْ عَلَيْهِمْ»: با کفّار به جهاد بی‌امان بپرداز، و منافقان را سخت تهدید و سرزنش کن و حدود و مقرّرات خدا را درباره ایشان اجرا نما (نگا: نور / ۲). «الْمَصِيرُ»: سرنوشت. جایگاه.

سوره توبۀ آیه ۷۴

متن آیه:

﴿يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُواْ وَلَقَدۡ قَالُواْ كَلِمَةَ ٱلۡكُفۡرِ وَكَفَرُواْ بَعۡدَ إِسۡلَٰمِهِمۡ وَهَمُّواْ بِمَا لَمۡ يَنَالُواْۚ وَمَا نَقَمُوٓاْ إِلَّآ أَنۡ أَغۡنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضۡلِهِۦۚ فَإِن يَتُوبُواْ يَكُ خَيۡرٗا لَّهُمۡۖ وَإِن يَتَوَلَّوۡاْ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَا لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ

﴾

ترجمه:

منافقان به خدا سوگند می‌خورند که (سخنان زننده‌ای) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند و پس از ایمان آوردن، به کفر برگشته‌اند و قصد انجام کاری کرده‌اند که بدان نرسیده‌اند (و آن کشتن پیغمبر به هنگام مراجعه از جنگ تَبوک بود). چیزی که این منافقان را بر سر خشم آورد و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد، مگر این که خدا و پیغمبرش به فضل و کرم خود آنان را (با اعطاء غنائم که هدف ایشان در زندگی است) بی‌نیاز گردانده‌اند (و این هم نباید مایه خشم و انتقام ایشان شود). اگر آنان توبه کنند، (خداوند توبه ایشان را می‌پذیرد و) این برای‌شان بهتر خواهد بود، و اگر روی بگردانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت به عذاب بسیار دردناکی

کیفر می‌دهد، و در سراسر روی زمین نه دوستی و نه یاوری خواهند داشت.

توضیحات:

«هَمُّوا»: قصد کردند. «مَا نَقَمُوا»: خشم نگرفته‌اند. عیبجوئی نکرده‌اند (نگا: مائده / ۵۹). «مِن فَضْلِهِ»: از مرحمت خدا و اعطای پیغمبر از غنائم بدی‌شان (نگا: توبه / ۵۹). در اینجا سخن از فضل خدا و پیغمبر است ولی ضمیر مفرد به جای ضمیر تثنیه به کار رفته است و بلامانع است (نگا: توبه / ۶۲). «یَكُ»: مخفّف (یَکُنْ) است که در اصل (یَکُونُ) و از افعال ناقصه است.

سوره توبۀ آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّنۡ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنۡ ءَاتَىٰنَا مِن فَضۡلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

در میان (منافقان) کسانی هستند که (سوگند می‌خورند و) با خدا پیمان می‌بندند که اگر از فضل خود ما را بی‌نیاز کند (و به نعمت و نوائی برساند) بدون شک به صدقه و احسان می‌پردازیم و از زمره شایستگان (درگاه یزدان و نیکوکاران مردمان) خواهیم بود.

توضیحات:

«عَاهَدَ اللهَ»: با خدا پیمان بست. «لَنَصَّدَّقَنَّ»: حتماً به صدقه‌دادن و احسان‌کردن و بخشش نمودن می‌پردازیم. از باب تفعّل و اصل آن (لَنَتَصَدَّقَنَّ) است.

سوره توبۀ آیه ۷۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضۡلِهِۦ بَخِلُواْ بِهِۦ وَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

امّا هنگامی که خدا از فضل خود (ثروت و دارائی) بدانان بخشید، بخل ورزیدند (و چیزی نبخشیدند و به عهد خود وفا نکردند، و هم از خدا و هم از خیرات) سرپیچی کردند و روی گرداندند.

توضیحات:

«وَهُم مُّعرِضُونَ»: اصلاً آنان مردمانی هستند که عادتشان روگردانی از طاعت است،

و گوش به فرمان خدا و دل به حقائق نمی‌دهند.

سوره توبهٔ آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَأَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقٗا فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ يَلۡقَوۡنَهُۥ بِمَآ أَخۡلَفُواْ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

خداوند نفاق را در دل‌هایشان پدیدار و پایدار ساخت تا آن روزی که خدا را در آن ملاقات می‌کنند. این به خاطر آن است که پیمان خدا را شکستند و همچنین دروغ گفتند.

توضیحات:

«أَعْقَبَ»: برجای نهاد. پدیدار و پایدار کرد. «فَأَعْقَبَهُمْ...»: فاعل می‌تواند خدا باشد و معنی آن گذشت، و می‌تواند بخل و روی‌گردانی باشد که در این صورت معنی چنین می‌شود: این بخل و روی‌گردانی، نفاق را در دل‌هایشان تا روز رستاخیز متمکن و برقرار ساخت تا در آن روز به سزای عمل بد خود برسند، و... «يَلْقَوْنَهُ»: خدا را ملاقات کنند. به سزای عمل خود برسند. ضمیر (هُ) به خدا یا به بخل برمی‌گردد.

سوره توبهٔ آیه ۷۸

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ٧٨﴾

ترجمه:

مگر آنان نمی‌دانستند که خداوند راز و نجوای ایشان را می‌داند و خدا بس آگاه از نهانی‌ها و پنهانی‌ها است؟ (و لذا نقض عهد و نیرنگ ایشان درباره مؤمنان از خدا مخفی نمی‌ماند).

توضیحات:

«نَجْوَاهُمْ»: نجوی، سخن درگوشی. سخن پنهان از دیگران. سرّ و راز.

سوره توبهٔ آیه ۷۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَلۡمِزُونَ ٱلۡمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا

جُهۡدَهُمۡ فَيَسۡخَرُونَ مِنۡهُمۡ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنۡهُمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

ترجمه:

کسانی که مؤمنان (ثروتمندی) را که مشتاقانه بیش از اندازه به خیرات و صدقات می‌پردازند، و مؤمنان (فقیری) را که (با وجود تنگدستی) به کمک‌های مختصری دست می‌یازند، مورد تمسخر قرار می‌دهند، خداوند ایشان را (با کشف رسوائی‌ها و پلشتی‌هایشان در پیش مردم) مورد تمسخر قرار می‌دهد و عذاب بسیار دردناکی خواهند داشت.

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: مبتدا و خبر آن (فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ، سَخِرَ اللهُ مِنْهُمْ) یا (وَمِنْهُمْ) مقدّر است و تقدیر چنین است: «وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ». «يَلْمِزُونَ»: عیبجوئی می‌کنند. رخنه می‌گیرند. «الْـمُطَّوِّعِينَ»: اصل آن «الْـمُتَطَوِّعِينَ» است به معنی کسانی که بیش از اندازه لازم و واجب زکات می‌دهند و احسان می‌کنند. کسانی که مشتاقانه برای رضای خدا خیرات و صدقات فراوان می‌دهند. «جُهْدَهُمْ»: به اندازه تاب و توانشان. مراد مال اندکی است که به قدر وسع و طاقت خود می‌دهند. «سَخِرَ اللهُ مِنْهُمْ»: مراد مُشاکله است. یعنی خداوند سزای مسخره کردن‌شان را می‌دهد.

سوره توبۀ آیه ۸۰

متن آیه:

﴿ٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ أَوۡ لَا تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ إِن تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ سَبۡعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٨٠﴾

ترجمه:

چه برای آنان طلب آمرزش کنی و چه نکنی، حتّی اگر هفتاد بار (و دفعات بسیار) برای آنان طلب آمرزش کنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌آمرزد. این بدان خاطر است که به خدا و پیغمبرش ایمان ندارند (و سر از بند شریعت و ربقه اطاعت برتافته‌اند) و خداوند گروه بیرون‌روندگان از فرمان یزدان (و آئین آسمانی) را (به راه سعادت) هدایت نمی‌کند.

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْ»: از لحاظ لفظ امر است و از نظر معنی مضارع. «إِسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لا تَسْتَغْفِرْ لَـهُمْ...»: اگر خواستی برای آنان طلب آمرزش کن و یا مکن. چه برای آنان طلب آمرزش کنی یا نکنی. «سَبْعِينَ مَرَّة»: هفتاد بار. مراد کثرت است؛ نه تحدید.

سوره توبهٔ آیه ۸۱

متن آیه:

﴿فَرِحَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ بِمَقۡعَدِهِمۡ خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ وَكَرِهُوٓاْ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَالُواْ لَا تَنفِرُواْ فِي ٱلۡحَرِّۗ قُلۡ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرّٗاۚ لَّوۡ كَانُواْ يَفۡقَهُونَ ٨١﴾

ترجمه:

(منافقانی که از رفتن به جنگ تبوک سر باز زده‌اند و در خانه‌های خود گرفته‌اند و نشسته‌اند، این) خانه‌نشینان (منافق) از این که از رسول خدا واپس کشیده‌اند شادمانند، و نخواستند با مال و جان در راه یزدان جهاد و پیکار کنند (و دین خدا را یاری دهند. تا می‌توانند دیگران را از جنگ می‌ترسانند و با نشستنِ با خود تشویق می‌نمایند) و می‌گویند در گرما (ی سوزان تابستان به‌سوی میدان نبرد) حرکت نکنید. (ای پیغمبر! بدانان) بگو: اگر دانا بودند می‌فهمیدند که آتش دوزخ بسیار گرمتر و سوزان‌تر (از گرمای تابستان و از همه آتش‌های جهان) است.

توضیحات:

«الْمُخَلَّفُونَ»: واپس‌ماندگان. برجای نشستگان. «مَقْعَد»: نشستن. مصدر میمی است. «خِلافَ»: خلف. بعد، در این صورت ظرف است. به معنی مخالفت هم آمده است که در این صورت مفعول‌له است، و یا مصدر است و به معنی مُخالِفِينَ بوده و حال است. «الْحَرِّ»: گرما.

سوره توبهٔ آیه ۸۲

متن آیه:

﴿فَلۡيَضۡحَكُواْ قَلِيلٗا وَلۡيَبۡكُواْ كَثِيرٗا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

(بگذار در این جهان بر اثر مسخره‌کردن مؤمنان) اندکی بخندند و (امّا لازم است

بدانند که باید در آن جهان) بسیار گریه کنند، این جزای کارهائی است که می‌کنند.

توضیحات:

«فَلْيَضْحَكُوا... وَلْيَبْكُوا»: مراد خبر است. یعنی: می خندند. و گریه می‌کنند.

سوره توبۀ آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ مِّنۡهُمۡ فَٱسۡتَـٔۡذَنُوكَ لِلۡخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخۡرُجُواْ مَعِيَ أَبَدٗا وَلَن تُقَٰتِلُواْ مَعِيَ عَدُوًّاۖ إِنَّكُمۡ رَضِيتُم بِٱلۡقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٖ فَٱقۡعُدُواْ مَعَ ٱلۡخَٰلِفِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

هرگاه خداوند تو را (از جنگ تبوک) به‌سوی گروهی از آنان بازگرداند و ایشان از تو اجازه خواستند که در رکاب تو به‌سوی جهاد حرکت کنند، بگو: هیچ گاه با من به جهاد نخواهید آمد و هیچ وقت همراه من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید (و این افتخار نصیبتان نخواهد شد) چرا که شما نخستین بار به کناره‌گیری و خانه‌نشینی خوشنود شدید، پس با کناره‌گیران و خانه‌نشینان بنشینید (و با پیرمردان و زنان و بیماران و کودکان باشید).

توضیحات:

«رَجَعَ»: برگرداند. این فعل از افعال ذو وجهین است (نگا: اعراف / ۱۵۰ / و طه / ۴۰). در اینجا متعدّی است. «رَضِيتُم بِالْقُعُودِ...». بار اوّل بدون عذر از جهاد واپس کشیدند، پس توبه شما پذیرفته نیست و... «الْخَالِفِينَ»: ماندگان. متخلّفان.

سوره توبۀ آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٖ مِّنۡهُم مَّاتَ أَبَدٗا وَلَا تَقُمۡ عَلَىٰ قَبۡرِهِۦٓۖ إِنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُواْ وَهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

هرگاه یکی از آنان مُرد اصلاً بر او نماز مخوان و بر سر گورش (برای دعا و طلب آمرزش و دفن او) نایست، چرا که آنان به خدا و پیغمبرش باور نداشته‌اند و در حالی مرده‌اند که از دین خدا و فرمان الله خارج بوده‌اند.

توضیحات:

«لا تُصَلِّ عَلَیا أَحَدٍ مِّنْهُمْ...»: بر کسی از آنان نماز میت مخوان. چرا که نماز خواندن تو رحمت است و ایشان درخور رحمت نیستند (نگا: توبه / ۱۰۳).

سوره توبهٔ آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَلَا تُعۡجِبۡكَ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَأَوۡلَٰدُهُمۡۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَتَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

اموال و اولادشان تو را به شگفت نیندازد. خداوند می‌خواهد آنان را با آن در دنیا (با رنج‌ها و بلاهائی که در جمع‌آوری اموال، و غم‌ها و اندوه‌هائی که در پرورش اطفال متحمّل می‌شوند) شکنجه دهد، (و به سبب اشتغال به اموال و اولاد از آخرت غافل بشوند) و جان‌شان برآید در حالی که کافر باشند (و در نتیجه دنیا و آخرت را از دست بدهند).

توضیحات:

«تَزْهَقَ»: بیرون رود. برآید.

سوره توبهٔ آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٌ أَنۡ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ ٱسۡتَـٔۡذَنَكَ أُوْلُواْ ٱلطَّوۡلِ مِنۡهُمۡ وَقَالُواْ ذَرۡنَا نَكُن مَّعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ٨٦﴾

ترجمه:

هنگامی که سوره‌ای نازل گردد (و آنان را دعوت کند) که در ایمان خود به خدا اخلاص داشته باشید و به همراه پیغمبرش به جهاد بپردازید ثروتمندان ایشان از تو اجازه می‌خواهند (که به جهاد نروند و) می‌گویند: بگذار با خانه‌نشینان (معذور، در مدینه) بمانیم.

توضیحات:

«أُوْلُوا الطَّوْلِ»: ثروتمندان. مقتدران بر جهاد با مال و جان. «الطَّوْلِ»: قدرت. ثروت. امکانات. «ذَرْنَا»: ما را رها کن.

سوره توبهٔ آیه ۸۷

متن آیه:

﴿رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

آنان بدین خوشنودند که با زنان خانه‌نشین (و پیران و بیماران و کودکان) باقی بمانند. دل‌هایشان (با خوف و نفاق) مهر زده شده است و لذا نمی‌فهمند (که عزّت دنیا و سعادت آخرت در جهاد و پیروی از پیغمبر است و بس).

توضیحات:

«الْخَوَالِفِ»: جمع خالِفَة، بازماندگان. مراد زنان است چون در خانه می‌مانند. «طُبِعَ عَلَیا قُلُوبِهِمْ»: بر دل‌هایشان مهر زده شده است. مراد این است که دل‌هایشان از فهم حقیقت و دریافت گفتار و کردار درست بسته است.

سوره توبهٔ آیه ۸۸

متن آیه:

﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

ولی پیغمبر و مؤمنانی که با او هستند، با مال و جان خود به جهاد می‌پردازند (تا خدا را از خود خوشنود سازند و دین خدا را بالا برند). همه خوبی‌ها و نیکی‌ها (از قبیل: پیروزی و غنیمت دنیا، و بهشت و کرامت آخرت) از آن ایشان است، و آنان بی‌گمان رستگارانند.

توضیحات:

«الْخَيْرَاتُ»: انواع منافع. خوبیها و نیکیهای هر دو جهان.

سوره توبهٔ آیه ۸۹

متن آیه:

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٨٩﴾

ترجمه:

خداوند برای آنان باغ‌های (بهشت) را آماده کرده است که جویبارها در (زیر کاخ‌ها و درختان) آن روان است و جاودانه در آن می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ.

توضیحات:

«الْفَوْزُ»: رستگاری. پیروزی. رسیدن به آرزوها و خوبی‌ها.

سوره توبهٔ آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَجَآءَ ٱلۡمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ لِيُؤۡذَنَ لَهُمۡ وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ۝٩٠﴾

ترجمه:

عذرخواهان اعراب (بادیه‌نشین، که دارای عذرهای درست و پذیرفتنی هستند، به پیش تو) آمده‌اند تا بدی‌شان اجازه داده شود (که در جهاد شرکت نکنند. و امّا گروه دیگری از آنان که کافرند، حتی زحمت آمدن به پیش شما را هم به خود نمی‌دهند) و در خانه نشسته‌اند و (در اظهار ایمان) به خدا و پیغمبرش دروغ گفته‌اند. به افراد کفرپیشه آنان عذاب بسیار دردناکی خواهد رسید.

توضیحات:

«الـْمُعَذِّرُونَ»: عذرخواهان. عذرتراشان. «جَآءَ الـْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ...»: برخی چنین عرب‌های بادیه‌نشینی را صادق و برخی کاذب می‌دانند. اگر صادق به حساب آیند، « قَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا... »: غیر از ایشانند، و معنی آن در بالا گذشت. اگر کاذب به حساب آیند، گروه دومی در میان نیست و معنی چنین می‌شود: عذرتراشان منافق بادیه‌نشین به پیش تو آمده‌اند تا بدی‌شان اجازه شرکت نکردن در جهاد داده شود. بدین‌وسیله می‌بینی کسانی خانه‌نشینی گزیده‌اند که در اظهار ایمان به خدا و پیغمبرش دروغ گفته‌اند. به چنین افراد بادیه‌نشینی عذاب بسیار دردناکی خواهد رسید.

سوره توبهٔ آیه ۹۱

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرۡضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُواْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ مَا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ مِن سَبِيلٍۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩١﴾

ترجمه:

بر ناتوانان و بیماران و کسانی که چیزی ندارند که آن را صرف جهاد کنند (و با آن خویشتن را برای جهاد آماده سازند) گناهی نیست (و عذرشان مقبول و جهدشان مشکور است) هرگاه اینان با خدا و پیغمبرش خالص باشند (و در دین‌شان شک و شبهه‌ای نبوده و آنچه در توان دارند از خدا و پیغمبرش دریغ ندارند. آنان در این صورت نیکوکارند و) بر نیکوکاران هیچ راهی (برای سرزنش و گناهکار قلمداد کردن‌شان) وجود ندارد. و خداوند دارای مغفرت بیشمار و رحمت بسیار است.

توضیحات:

«الْمَرْضَیا»: جمع مریض، بیماران. «حَرَجٌ»: گناه. ایراد. «نَصَحُوا»: خالص و مخلص شدند. از مصدر (نصح) به معنی خلوص. «مَا عَلَي الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ»: این جمله جنبه ضرب المثل را دارد. حرف (مِنْ) زائد و برای تأکید است. یعنی: سرزنشگران راهی برای سرزنش محسنان ندارند. و...

سوره توبهٔ آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوۡكَ لِتَحۡمِلَهُمۡ قُلۡتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحۡمِلُكُمۡ عَلَيۡهِ تَوَلَّواْ وَّأَعۡيُنُهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنفِقُونَ ٩٢﴾

ترجمه:

همچنین ایراد و گناهی نیست بر کسانی که وقتی به پیش تو آمدند تا آنان را بر مرکبی سوار کنی (و به جهاد روانه سازی. ولی) تو گفتی: مرکبی ندارم که شما را بر آن سوار کنم. ایشان برگشتند، در حالی که چشمان‌شان از غم (فوت افتخار جهاد) پر از اشک بود (و افسوس می‌خوردند) چون چیزی نداشتند که آن را صرف جهاد کنند.

توضیحات:

«إِذَا مَا»: وقتی که. «أَتَوْكَ»: نزد تو آمدند. «حَزَناً»: از غم. مفعول‌له است. «أَلاّ يَجِدُوا...»: مفعول‌له (حَزَناً) است.

سوره توبهٔ آیه ۹۳

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَسۡتَـٔۡذِنُونَكَ وَهُمۡ أَغۡنِيَآءُۚ رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ۝٩٣﴾

ترجمه:

تنها راه (رخنه و شکنجه) به روی کسانی باز است که از تو اجازه می‌خواهند (در جهاد شرکت نکنند) در حالی که ثروتمند و قدرتمندند، (و می‌توانند ساز و برگ جنگ را تهیه کنند و در میدان نبرد برزمند). آنان بدین خوشنودند که با زنان (و سالخوردگان و کودکان و بیماران) باقی بمانند. خداوند دل‌هایشان را مهر زده است (چرا که آنان دل‌هایشان را بر روی حقائق بسته‌اند و از ترس با ضعیفان در خانه نشسته‌اند) و آنان نمی‌دانند (که چه سرانجام بدی و عاقبتِ وخیمی در دنیا و آخرت متوجّه ایشان به سبب تخلّف از فرمان و عدم شرکت آنان در جنگ است).

توضیحات:

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَي الَّذِينَ...»: کسانی مورد بازخواست قرار می‌گیرند و لومه و عقاب می‌شوند که.

سوره توبهٔ آیه ۹۴

متن آیه:

﴿يَعۡتَذِرُونَ إِلَيۡكُمۡ إِذَا رَجَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡۚ قُل لَّا تَعۡتَذِرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكُمۡ قَدۡ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنۡ أَخۡبَارِكُمۡۚ وَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ۝٩٤﴾

ترجمه:

وقتی که به‌سوی آنان (از جنگ تبوک) برگردید، ایشان شروع به عذرآوری می کنند (و دروغ‌ها به هم می‌بافند. بدی‌شان) بگو: عذرخواهی مکنید. ما هرگز به شما باور نمی‌کنیم. خداوند ما را از خبرهایتان آگاه ساخته است (و برخی از دروغها و ترفندهایتان را به پیغمبر وحی کرده است. این همه دروغ و عذرخواهی چرا، سخن کوتاه کنید و در عمل کوشید که) خدا و پیغمبرش عمل شما را خواهند دید. (اگر

کردارتان گواهی بر صلاح و تقوایتان داد و بیان‌گر توبه حقیقی شما از نفاق گردید، از همان مزایائی برخوردار می‌شوید که سایر مؤمنان برخوردارند، و اگر باز هم به نفاق خود ادامه دادید، با شما همان شدّت و حدّت و جهاد و پیکاری خواهد شد که با کافران می‌گردد. این در این جهان، و امّا) پس از این (جهان؛ یعنی در آخرت) به‌سوی خدا برگردانده می‌شوید که آگاه از پنهان و آشکار (همگان و ظاهر و باطن شما منافقان) است و شما را از آنچه انجام می‌داده‌اید باخبر می‌سازد (و پاداش و پادافره اعمال و اقوالتان را می‌دهد).

توضیحات:

«لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ»: به شما باور نداریم و تصدیقتان نمی‌کنیم. «نَبَّأَنَا»: ما را باخبر کرده است. «سَيَرَي اللهُ...»: مراد این است که آینده صدق یا کذب شما را روشن خواهد ساخت، و کردارتان بر گفتارِ راست یا دروغ شما گواهی خواهد داد.

سوره توبهٔ آیه ۹۵

متن آیه:

﴿سَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ إِذَا ٱنقَلَبۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ لِتُعۡرِضُواْ عَنۡهُمۡۖ فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمۡۖ إِنَّهُمۡ رِجۡسٞۖ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

هنگامی که به‌سوی آنان باز گردید، برای شما به خدا سوگند خواهند خورد (که معذرتهایشان راست و درست است) تا از آنان صرف نظر کنید. (ولی از کار آنان غافل مشوید و از آنان در مگذرید و) از ایشان دوری گزینید، بی‌گمان آنان پلیدند (و دارای نیت و هدف ناپاکی هستند) و به کیفر کارهائی که می‌کنند جایگاه‌شان دوزخ است.

توضیحات:

«إِنقَلَبْتُمْ»: برگشتید. «لِتُعْرِضُوا... فَأَعْرِضُوا»: این دو فعل از مصدر اعراض بوده و در اوّلی به معنی: صرف نظر کردن و عفو نمودن، و در دومی به معنی: رویگردانی و دوری کردن به کار رفته است. « رِجْسٌ »: خبیث. پلید (نگا: مائده / ۹۰). همان‌گونه که باید انسان خود را از کثافات مادی بپرهیزد، لازم است خویشتن را از نجاسات معنوی هم دور نگهدارد.

سوره توبهٔ آیه ۹۶

متن آیه:

﴿يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ لِتَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡۖ فَإِن تَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرۡضَىٰ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ۝٩٦﴾

ترجمه:

برای شما سوگندها می‌خورند تا از آنان درگذرید و خوشنود شوید. تازه اگر هم شما از آنان درگذرید و خوشنود شوید، خداوند (از ایشان خشمگین است و) از گروهی که سر از فرمان تافته و بر دین شوریده باشند، در نمی‌گذرد و خوشنود نمی‌شود.

توضیحات:

«الْفَاسِقِين»: شوریدگان بر دین. بیرون‌روندگان از آئین و فرمان یزدان.

سوره توبهٔ آیه ۹۷

متن آیه:

﴿ٱلۡأَعۡرَابُ أَشَدُّ كُفۡرٗا وَنِفَاقٗا وَأَجۡدَرُ أَلَّا يَعۡلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝٩٧﴾

ترجمه:

بادیه‌نشینان عرب، کفر و نفاق‌شان شدیدتر است از (کفر و نفاق شهرنشینان عرب. زیرا سنگدل‌تر و جفاپیشه‌ترند و با اهل خیر و صلاح نشست و برخاست کمتری دارند) و آنان بیشتر سزاوارند که از مقرّرات و قوانین چیزی بی‌خبر باشند که خداوند بر پیغمبرش نازل کرده است. خداوند آگاه (از احوال بندگان، اعم از مؤمنان و کافران و منافقان، و) حکیم (در کار خود، از جمله تعیین سزا و جزای مردمان) است.

توضیحات:

«الْأَعْرَابُ»: عرب‌های بادیه‌نشین (نگا: توبه / ۹۰). «أَجْدَرُ»: سزاوارتر. درخور و شایسته‌تر. «حُدُودَ»: احکام و شرائع. اوامر و نواهی. فرائض و واجبات. «أَجْدَرُ أَلاّ يَعْلَمُوا»: سزد که ندانند و بی‌خبر بمانند.

سوره توبهٔ آیه ۹۸

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغۡرَمٗا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ

ٱلسَّوۡءِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٩٨﴾

ترجمه:

برخی از بادیه‌نشینان (منافق) عرب، چیزی را که (در راه خدا) صرف می‌کنند، زیان می‌دانند (چرا که به ثواب آن ایمان ندارند)، و چشم به راه (حوادث دردناک و) بلایا و مصائب (خوفناکی) هستند که شما را از هر سو احاطه دهند (و له و لوردتان کنند) - بلاها و مصیبت‌ها گریبان‌گیر خودشان باد - (چون مردمان بدخواه و تنگچشم و منافقی هستند، تیره‌روزی‌ها و ناکامی‌ها و بدبختی‌ها تنها به سراغ آنان می‌رود). خداوند شنوا و دانا است (و لذا نیات و اقوال و افعال ایشان را می‌داند و می‌شنود).

توضیحات:

«يَتَّخِذُ»: به حساب می‌آورد. به شمار می‌آورد. «مَغْرَماً»: زیان و ضرر. «يَتَرَبَّصُ»: انتظار می‌کشد. «الدَّوَآئِرَ»: جمع دائرة، بلایا و مصائب روزگار. «السَّوْء»: هرگونه شر و بلا و زیان و ضرری که مایه بدحالی انسان شود. «دَآئِرَةُ السَّوْءِ»: بلای بد. اضافه موصوف به صفت است (نگا: مریم / ۲۸) و جنبه مبالغه دارد. از قبیل: رَجُلُ صدق. برخی گفته‌اند. واژه (دائِرَة) دارای همان معنی است که واژه (السَّوْء) بیان‌گر آن است. در این صورت اضافه به خاطر بیان و تأکید است.

سوره توبهٔ آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِۚ أَلَآ إِنَّهَا قُرۡبَةٞ لَّهُمۡۚ سَيُدۡخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٩٩﴾

ترجمه:

در میان عربهای بادیه‌نشین، کسانی هم هستند که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند و چیزی را که (در راه خدا) صرف می‌کنند مایه نزدیکی به خدا و سبب دعای پیغمبر (در حق خود) می‌دانند (و دعای پیغمبر مایه سعادت محسنان و خیر و برکت عُمر و روزی ایشان است). هان! بی‌گمان صرف پول (در راه خدا، و دعاهای رسول) مایه تقرّب آنان (در پیشگاه خداوند) است. (به طور قطع) خداوند آنان را غرق رحمت خود خواهد کرد، چرا که خداوند آمرزنده (گناهان و) مهربان (در حق بندگان) است.

توضیحات:

«قُرُبَاتٍ»: جمع قُرْبَة، به معنی تقرّب یا چیزی است که مایه تقرّب می‌گردد. منصوب است چون مفعول دوم (یَتَّخِذُ) است، و جمع آمدن آن با توجّه به انواع خوبی‌ها و راه‌های گوناگون آنها است. «صَلَوَاتِ»: جمع صَلاة، دعاها. «إِنَّـها»: مرجع ضمیر (ها) واژه نفقه است که از (صَلَوات) مفهوم می‌گردد و با توجّه به معنی، ضمیر مؤنّث به کار رفته است. برخی هم مرجع آن را (صَلَوات) دانسته‌اند.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿وَٱلسَّـٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَـٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَـٰنٍ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّـٰتٍ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ۝١٠٠﴾

ترجمه:

پیشگامان نخستین مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خوشنود است و ایشان هم از خدا خوشنودند، و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ.

توضیحات:

«السَّابِقُونَ»: پیشگامان. سبقت‌گیرندگان بر دیگران در ایمان و هجرت و نصرت. مراد مهاجرانی است که پیش از صلح حُدَیبِیه هجرت کردند و با جان و مال در راه خدا کوشیدند، و نیز انصاری است که در عقبه اوّل و دوم با پیغمبر بیعت کردند و یا این که هنگام قدوم پیغمبر به مدینه ایمان آوردند. «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ...»: مراد کسانی است که به دنبال این پیشگامان مهاجر و انصار ایمان آوردند و در اقوال و افعال، صادقانه از چنین پیشوایان پیش‌تاز پیروی کردند. تابعین و همه مؤمنانی که از کردار نیک و رفتار پسندیده مهاجران و انصار بزرگوار در تمام امکنه و اعصار تا آخر روزگار پیروی می‌کنند.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَمِمَّنۡ حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مُنَٰفِقُونَۖ وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ مَرَدُواْ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعۡلَمُهُمۡۖ نَحۡنُ نَعۡلَمُهُمۡۚ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيۡنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٖ ١٠١﴾

ترجمه:

در میان عرب‌های بادیه‌نشین اطراف (شهر) شما، و در میان خود اهل مدینه، منافقانی هستند که تمرین نفاق کرده‌اند و در آن مهارت پیدا نموده‌اند. تو ایشان را نمی‌شناسی و بلکه ما آنان را می‌شناسیم. ایشان را (در همین دنیا) دو بار شکنجه می‌دهیم (: یک‌بار با پیروزی شما بر دشمنانتان که مایه درد و حسرت و خشم و کین آنان می‌گردد، و بار دوم با رسواکردن ایشان به وسیله پرده‌برداری از نفاق‌شان). سپس (در آخرت) روانه عذاب بزرگی می‌گردند (و به دوزخ گرفتار می‌آیند).

توضیحات:

«مَرَدُوا»: تمرین دیده‌اند و چیرگی و مهارت پیدا کرده‌اند. «مَرَّتَینِ»: دوبار: غیظ و خشم ناشی از پیروزی مسلمانان که آنان را می‌ترکاند، و رسوائی اجتماعی ناشی از پرده‌برداری از نفاق ایشان. بلاها یا رسوائیهای دوران زندگی، و عذاب وقت مرگ و داخل قبر (نگا: انفال / ۵۰ و توبه / ۵۵ و ۵۷). «یُرَدُّونَ»: بازگردانده می‌شوند. مراد به دوزخ حوالت کردن و در جهنّم انداختن ایشان است (نگا: بقره / ۸۵).

سوره توبهٔ آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿وَءَاخَرُونَ ٱعۡتَرَفُواْ بِذُنُوبِهِمۡ خَلَطُواْ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٠٢﴾

ترجمه:

مردمان دیگری هم هستند که (نه از پیشگامان نخستین، و نه از منافقین بشمارند و) به گناهان خود اعتراف می‌کنند، و کار خوبی را با کار بدی می‌آمیزند (و گاهی به حسنات و زمانی به سیئات دست می‌یازند) امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد (و احساس شرمندگی چنین کسانی از گناه، و هراس آنان از عقاب و عذاب، و تصمیم ایشان بر این که به‌سوی گناه نروند، سبب گردد که دیگر دچار معصیت نشوند و مشمول مغفرت و مرحمت خدا شوند. چرا که) بی‌گمان خداوند دارای مغفرت فراوان و

رحمت بیکران است.

توضیحات:

«ءَاخَرُونَ»: دیگران. مراد گروه سومی غیر از دو گروه پیشین یعنی پیشگامان نخستین و منافقان داخل و خارج مدینه است.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! از اموال آنان (که به گناه خود اعتراف دارند و در صدد کاهش بدی‌ها و افزایش نیکی‌های خویش می‌باشند) زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را (از رذائل اخلاقی، و گناهان، و تنگ چشمی) پاک داری، و (در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و درجات) ایشان را بالا بری، و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه آرامش (دل و جان) ایشان می‌شود (و سبب اطمینان و اعتقاد بیشترشان می‌گردد) و خداوند شنوای (دعای مخلصان و) آگاه (از نیات همگان) است.

توضیحات:

«صَدَقَة»: زکات. آنچه مؤمن برای نزدیکی به خدا صرف می‌کند. «صَلِّ عَلَيْهِمْ»: برای ایشان دعا کن. «صَلاتَكَ»: دعای تو. «سَكَنٌ»: رحمت. آرامش خاطر.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤﴾

ترجمه:

آیا نمی‌دانند که تنها خدا است که توبه (توبه‌کاران راستین) و زکات و صدقه (مؤمنان مخلصین) را می‌پذیرد، و فقط او است که بسیار توبه‌پذیر و مهربان است؟

توضیحات:

«يَأْخُذُ»: در اینجا به معنی می‌پذیرد و پاداش آن را می‌دهد (نگا: ذاریات / ۱۶). رابطه لطیفی میان (خُذْ) در آیه قبلی، و (يَأْخُذُ) در این آیه است، و آن این که پیغمبر همان چیزی را دریافت می‌دارد که خدا بدان دستور می‌دهد.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَقُلِ ٱعۡمَلُواْ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٠٥﴾

ترجمه:

بگو: (هرچه می‌خواهید) انجام دهید (خواه نیک، خواه بد. امّا بدانید که) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می‌بیند (و آنها را به حساب شما می‌گیرد) و پیغمبر و مؤمنان اعمال (ظاهر) شما را می‌بینند و (به نسبت خوبی و بدی، با شما دوستی یا دشمنی می‌ورزند. این در دنیا، و امّا) در آخرت به‌سوی خدا برگردانده می‌شوید که آگاه از پنهان و آشکار (همگان و دیدنی و نادیدنی جهان) است و شما را بدانچه می‌کنید مطلع می‌سازد (و پاداش و پادافره اعمال و اقوال شما را می‌دهد).

توضیحات:

«قُلْ»: فعل (قُلْ) عطف بر فعل (خُذْ) در آیه ۱۰۳ است. «فَسَيَرَي اللهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْـمُؤْمِنُونَ»: خدا از کارتان آگاه است، چون حاضر در همه‌جا و ناظر بر همه‌چیز است. پیغمبر و مؤمنان هم از کارتان مطلع می‌شوند، چرا که انسان هر عملی را انجام دهد - خواه ناخواه - ظاهر خواهد شد. اعمالتان از دید خدا پنهان نمی‌ماند و در روز قیامت پیغمبر و مؤمنان هم از کردارتان باخبر می‌گردند (نگا: آل‌عمران / ۱۷۹، اعراف / ۱۸۸، توبه / ۹۴، نمل / ۶۵، احقاف / ۹، حاقّه / ۱۸، الطارق / ۹، العادیات / ۱۰).

سوره توبهٔ آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿وَءَاخَرُونَ مُرۡجَوۡنَ لِأَمۡرِ ٱللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمۡ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيۡهِمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ١٠٦﴾

ترجمه:

و گروه دیگری (از متخلّفان از جهاد) هستند که به فرمان خدا واگذار گردیده‌اند (و

مردم باید در انتظار بمانند تا ببینند که دستور خدا درباره این دسته که بدون عذر از جهاد بازپس مانده‌اند چه باشد) یا خدا ایشان را به گناه خود می‌گیرد و یا بر آنان می‌بخشاید. خداوند آگاه (از احوال و نیات آنان بوده و) حکیم است (و برابر حکمت خود، بندگان را ثواب یا عقاب می‌دهد).

توضیحات:

«ءَاخَرُونَ»: دسته دیگری که غیر از دسته مذکور در آیه ۱۰۲ می‌باشند که بدون عذر از جهاد واپس کشیدند و بعدها پشیمان گشتند و عذرتراشی هم ننمودند و به فرمان پیغمبر از همنشینی و گفتگوی با اصحاب و حتّی نزدیکی با زنان خود محروم شدند، تا فرمان خدا در آیه ۱۱۸ در رسید و ایشان را بخشید. «مُرْجَوْنَ»: به تأخیر انداخته‌شدگان. واگذارشدگان. جمع (مُرْجي) است که اسم مفعول است و از مصدر (إرجاء). اصل آن (رجو) یا (رجا) می‌باشد (نگا: اعراف / ۱۱ و احزاب / ۵۱).

سوره توبهٔ آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا وَكُفۡرٗا وَتَفۡرِيقَۢا بَيۡنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَإِرۡصَادٗا لِّمَنۡ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبۡلُۚ وَلَيَحۡلِفُنَّ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّا ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٠٧﴾

ترجمه:

و (از میان منافقان) کسانی هستند که مسجدی را بنا کردند و منظورشان از آن، زیان (به مؤمنان) و کفرورزی (در آن) و تفرقه‌اندازی میان مؤمنان (و درهم کوبیدن صفوف مسلمانان) و کمینگاه ساختن برای کسی بود که قبلاً با خدا و پیغمبرش جنگیده بود و (علم طغیان برافراشته بود) سوگند هم می‌خوردند که نظری جز نیکی نداشته‌اند (و تنها مرادشان خدمت به مردمان و اقامه نماز در آن بوده و بس) امّا خداوند گواهی می‌دهد که آنان (در سوگند خود) دروغ می‌گویند.

توضیحات:

«الَّذِينَ...»: عطف بر ماسبق است و تقدیر آن چنین است: «وَمِنْهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً». «ضِراراً»: زیان رساندن. مفعول‌له است. « إِرْصَاداً »: در کمین نشستن. « الْحُسْنَيا»: کار نیک. علّت تأنیث آن این است که در اصل (أَلْخَصْلَةَ الْحُسْنَيا) بوده و

موصوف حذف شده و صفت به جای آن نشسته است. آیه مذکور درباره گروهی از منافقان است که وقتی مسجد قبا در مدینه ساخته شد، ابوعامر نامی ایشان را بر آن داشت که منافقان برای چشم هم چشمی با کسانی که مسجد قباء را ساختند، و برای گردهمائی و رایزنی علیه اسلام و مؤمنان، مسجدی بسازند. بعد از اتمام آن از پیغمبر درخواست کردند که در چنین مسجدی که بعدها مسجد ضرار نام گرفت نماز بخواند. امّا وحی آسمان نقاب از چهره آنان برداشت و پیغمبر چه رسد به این که در آن نماز نخواند، دستور داد که آن را بسوزانند و زباله‌دانش نمایند.

سوره توبهٔ آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! هرگز در آن (مسجد ضرار) نایست و نماز مگذار. مسجدی (مانند مسجد قبا) که از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده است (و مراد سازندگان آن تنها رضای الله بوده است) سزاوار آن است که در آن برپای ایستی و نماز بگزاری. در آنجا کسانی هستند که می‌خواهند (جسم و روح) خود را (با ادای عباداتِ درست) پاکیزه دارند و خداوند هم پاکیزگان را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«لا تَقُمْ فیهِ...»: در آن به عبادت نایست. در آن نماز مخوان (نگا: نساء / ۱۰۲). اصلاً در آن توقّف مکن و ممان. «أَحَقُّ»: این واژه گرچه افعل التفضیل است ولی در اینجا مراد مقایسه میان (شایسته) و (شایسته‌تر) نیست؛ بلکه مقایسه میان (شایسته) و (ناشایسته) است؛ لذا در اینجا (أَحَقُّ) به معنی شایسته است؛ نه شایسته‌تر (نگا: فرقان / ۲۴).

سوره توبهٔ آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿أَفَمَنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ تَقۡوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٍ خَيۡرٌ أَم مَّنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٖ فَٱنۡهَارَ بِهِۦ فِي نَارِ جَهَنَّمَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٩﴾

ترجمه:

آیا کسی که شالوده آن (مسجد) را بر پایه تقوا و پرهیز از (مخالفت فرمان) خدا و (جلب) خوشنودی (او) بنیاد نهاده است، (کارش) بهتر است یا کسی که شالوده آن را بر لبه پرتگاه شکافته و فرو تپیده‌ای بنیاد نهاده است و (هر آن با فرو ریختن خود) او را به آتش دوزخ فرو می‌اندازد؟ خداوند مردمان ستم‌پیشه را (به چیزی که خیر و صلاح ایشان در آن باشد) هدایت نمی‌کند.

توضیحات:

«بُنْیَان»: پایه. شالوده. مصدر است و به معنی اسم مفعول به کار رفته است. یعنی بناء به معنی مبنی. «بُنْیَانَهُ»: شالوده مسجد. شالوده دین خود. «شَفا»: لبه. کناره (نگا: آل‌عمران / ۱۰۳). «جُرُفٍ»: گودال. پرتگاه. «هَارٍ»: شکافته و مشرف به سقوط، از ماده (هور) و در آن قلب‌المکان شده است و لام‌الفعل و عین‌الفعل به جای همدیگر به کار رفته است. «فَانْـهارَ بِهِ»: پرتگاه، ساختمان و صاحب آن را با خود به پائین انداخت. برخی معنی آیه را چنین بیان کرده‌اند: آیا کسی که پایه دین خود را بنیاد نهاده است بر شالوده استوار که تقوا و کسب رضای خدا یا طاعت و عبادت است، بهتر است، یا کسی که آن را بر ضعیف‌ترین و سست‌ترین شالوده بنیاد نهاده است که او را به دوزخ می‌اندازد و...

سوره توبهٔ آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿لَا يَزَالُ بُنْيَـٰنُهُمُ ٱلَّذِى بَنَوْاْ رِيبَةً فِى قُلُوبِهِمْ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾﴾

ترجمه:

بنائی را که خودشان برپا کرده‌اند همواره به عنوان (یک عامل شک و تردید، یا یک نتیجه) شک و تردید، در قلوب آنان باقی می‌ماند، مگر این که دل‌هایشان قطعه قطعه شود (و بمیرند، و یا این که توبه کنند و به‌سوی خدا برگردند) و خدا آگاه (از هر چیزی و) حکیم (در افعال و دادن جزا و سزای هرکسی) است.

توضیحات:

«رِيبَةً»: شک و تردید. خبر لایزالُ است. «إِلاّ»: به معنی (إِلي) است. «تَقَطَّعَ

قُلُوبُهُمْ»: دل‌هایشان پاره پاره شود. دل از کفر برکنند و توبه کنند. فعل (تَقَطَّعَ) مضارع است و تائی از اوّل آن حذف شده است. آیه را چنین هم معنی کرده‌اند: این بنای ایشان هرقدر بیشتر بماند، آنان بیشتر در میان مسلمانان شک و تردید می‌پراکنند.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١١﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای) بهشت خریداری می‌کند. (آنان باید) در راه خدا بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده‌ای است که خداوند آن را در (کتاب‌های آسمانی) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است، و چه کسی از خدا به عهد خود وفاکننده‌تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید، و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است.

توضیحات:

«إِشْتَرَيا»: خریداری کرده است. معمولاً فعل ماضی در معاملات معنی مضارع دارد؛ لذا می‌توان آن را (خریداری می‌کند) معنی کرد. «يُقَاتِلُونَ»: می‌جنگند. فعل مضارع در اینجا می‌تواند معنی امر داشته باشد: باید بجنگند. «وَعْداً»: مفعول مطلق فعل محذوف (وَعَدَ) است. «حَقّاً»: مفعول مطلق فعل محذوف (اَحَقَّ) یا صفت (وَعْداً) است (نگا: نساء / ۱۲۲). «أَوْفى»: وفاکننده‌تر. «إِسْتَبْشِرُوا»: شادمان باشید. شاد و خوشنود باشید. «ذلِكَ»: این معامله‌ای که خریدار خدا، فروشندگان مؤمنان، کالا اموال و انفس مسلمانان، بها بهشت جاویدان، و سند گفته خداوند سبحان و ثبت در تورات و انجیل و قرآن است.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلۡعَٰبِدُونَ ٱلۡحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلۡأٓمِرُونَ

بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٢﴾

ترجمه:

(از جمله اوصاف این مؤمنان و سائر مسلمانان این است که) آنان توبه‌کننده (از معاصی)، پرستنده (دادار)، سپاس‌گزار (پروردگار)، گردنده (در زمین و اندیشمند در آفاق و انفس)، نمازگزار، دستوردهنده به کار نیک، بازدارنده از کار بد، و حافظ قوانین خدا می‌باشند. (ای پیغمبر)! مژده بده به مؤمنان (به چیزهائی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است).

توضیحات:

«اَلتَّآئِبُونَ»: توبه‌کنندگان. خبر مبتدای محذوف یا مبتدای خبر محذوف است و تقدیر چنین است: «هُمُ التَّآئِبُونَ... التَّآئِبُونَ الْعَابِدُونَ... مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَیْضاً» (نگا: نساء / ۹۵ و حدید / ۱۰). «السَّآئِحُونَ»: گردندگان در زمین برای اطّلاع از آثار و درس گرفتن و عبرت آموختن از تاریخ گذشتگان و دیدن عجائب و غرائب جهان (نگا: انعام / ۱۱، توبه / ۲). روزه‌داران (نگا: تحریم / ۵). «الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ»: محافظان قوانین خدا. اجراکنندگان احکام و شرائع الله. «بَشِّرِ الْـمُؤْمِنِینَ»: مژده بده به مؤمنان. مورد مژده محذوف است و اشاره بدان دارد که بیرون از حدود شُمار و گفتار و پندار است که بهشت و رضای کردگار است.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١١٣﴾

ترجمه:

پیغمبر و مؤمنان را نسزد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هرچند که خویشاوند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته‌اند، و) مشرکان اهل دوزخند.

توضیحات:

«مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا»: برای پیغمبر و مؤمنان شایسته و درست نیست که. «

أُوْلِي قُرْبَىا»: خویشاوندان. نزدیکان.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ ٱسۡتِغۡفَارُ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوۡعِدَةٖ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوّٞ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنۡهُۚ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٞ ١١٤﴾

ترجمه:

طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، به خاطر وعده‌ای بود که بدو داده بود، ولی هنگامی که برای او روشن شد که پدرش (در قید حیات بر کفر اصرار می‌ورزد و برابر وحی آسمانی دار فانی را با کفر وداع می‌گوید، دانست که او) دشمن خدا است، از او بیزاری جست (و ترک طلب آمرزش برای وی گفت). واقعاً ابراهیم بسیار مهربان و دست‌بدعا و فروتن و شکیبا بود.

توضیحات:

«إِسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ»: (نگا: شعراء / ۸۶). «مَوْعِدَة»: وعده (نگا: مریم / ۴۷). «تَبَرَّأَ»: بیزاری جست. دوری کرد (نگا: بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷). «أَوَّاهٌ»: آه‌گویان. خاشع در دعا. تسبیحگوی. مهربان. کثیرالدعاء. «حَلِيمٌ»: صبور و بردبار. از آیه چنین برمی‌آید که دعاکردن برای هدایت کافران و مشرکان زنده بلامانع است ولی برای مردگان آنان صحیح نیست (نگا: مجادله / ۲۲).

سوره توبهٔ آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوۡمَۢا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰهُمۡ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ١١٥﴾

ترجمه:

خداوند (به سبب عدالت و حکمتی که دارد) هیچ وقت قومی را که هدایت بخشیده است گمراه نمی‌سازد (و در برابر اشتباه و لغزش ناشی از اجتهادی که می‌کنند، به عقاب و عذابشان نمی‌گیرد) مگر زمانی که چیزهائی را که باید از آنها بپرهیزند روشن و آشکار (و بی‌شبهه و اشکال، توسّط پیغمبر) برای آنان بیان کند. بی‌گمان خداوند آگاه از هر چیزی است.

توضیحات:

«لِيُضِلَّ»: گمراه سازد. حکم به گمراهی دهد. مراد این است که عقاب بعد از بیان احکام است.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ١١٦﴾

ترجمه:

حکومت آسمان‌ها و زمین تنها از آن خدا است. او است که زندگی می‌بخشد و می‌میراند. جز خدا برای شما سرپرستی (که کارهای شما بدو واگذار شود) و یاوری (که شما را کمک و از شما دفاع کند) وجود ندارد.

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: سِوای خدا. بجز خدا.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١١٧﴾

ترجمه:

خداوند توبه پیغمبر (از اجازه‌دادن منافقان به عدم شرکت در جهاد) و توبه مهاجرین و انصار (از لغزش‌های جنگ تبوک، مثل کندی و سستی اراده و اندیشه بد به دل راه دادن و آهنگ بازگشت از نیمه راه جهاد) را پذیرفت. مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی (با وجود گرمای زیاد، کمی وسیله سواری و زاد، فصل درو و چیدن محصول خود) از پیغمبر پیروی کردند (و همراه او رهسپار جنگ تبوک شدند) بعد از آن که دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده بود که (از حق به‌سوی باطل) منحرف شود. (در این حال) باز هم خداوند توبه آنان را پذیرفت. چرا که او بسیار رؤوف و مهربان است.

توضیحات:

«لَقَد تَّابَ اللهُ عَلَي النَّبِيِّ...»: ذکر پیغمبر در سرآغاز توبه‌کنندگان، به خاطر

بزرگداشت هرچه بیشتر مهاجرین و انصار است، والاّ گناهی از او سر نزده بود تا از آن توبه کند. یا این که توبه پیغمبر از اموری است که اگر از دیگران سر می‌زد، مانند اجازه‌دادن به منافقان که در منزل بمانند و در جنگ شرکت نکنند (نگا: توبه / ۴۳) اصلاً گناه یا حتی درخور لومه و عتاب نبود. یا این که طلب استغفار باید پیشه هر مؤمنی اعم از پیغمبر و غیره باشد (نگا: محمّد / ۱۹ و فتح / ۲). «سَاعَةِ الْعُسْرَةِ»: هنگام سختی و بحرانی. مراد زمانی است که مؤمنان آماده جنگ تبوک می‌شدند و به مناسبت سختی معیشت و مشکلات راه و رزمیدن با امپراطوری روم در نقطه بسیار دوری از مدینه سخت در تنگنا بودند، و لشکری را هم که تهیه دیدند جَیشُ الْعُسْرَة لقب گرفت. «كَادَ يَزِيغُ»: نزدیک بود که منحرف و از راه به در شود. «فَرِيقٍ»: دسته. گروه.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١١٨﴾

ترجمه:

خداوند توبه آن سه نفری را هم می‌پذیرد که (بی‌هیچ حکمی به آینده) واگذار شدند (و پیغمبر و مؤمنان و خانواده خودشان با ایشان سخن نگفتند و از آنان دوری جستند) تا بدانجا که (ناراحتی ایشان به حدی رسید که) زمین با همه فراخی، بر آنان تنگ شد، و دل‌شان به هم آمد و (جان‌شان به لب رسید. هم مردم از آنان بیزار و هم خودشان از خود بیزار شدند. بالاخره) دانستند که هیچ پناهگاهی از (دست خشم) خدا جز برگشت به خدا (با استغفار از او و پناه‌بردن بدو) وجود ندارد (چرا که پناه بی‌پناهان او است و بس). آن گاه خدا (به نظر مرحمت در ایشان نگریست و) بدی‌شان پیغام توبه داد تا توبه کنند (و آنان هم توبه کردند و خدا هم توبه ایشان را پذیرفت). بی‌گمان خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

توضیحات:

«الثَّلاثَةِ»: سه نفر که عبارت بودند از: کعب‌بن مالک و مُراره‌بن ربیع و هلال‌بن امیه.

« خُلِّفُوا »: واپس نهاده شدند. مراد این است که خداوند حکم قطعی درباره آنان صادر نفرمود (نگا: توبه / ۱۰۶) و به آینده واگذار شدند. «بِمَا رَحُبَتْ»: با همه وسعتی که دارد. «ظَنُّوا»: یقین حاصل کردند (نگا: بقره / ۴۶). «مَلْجَأَ»: پناهگاه. «تَابَ عَلَيْهِمْ»: ایشان را توفیق توبه داد. با مرحمت بدی‌شان برگشت و پیام پذیرش توبه آنان را به پیغمبر وحی کرد. «لِيَتُوبُوا»: تا آنان توبه کنند و در آینده نیز بر توبه و استغفار ماندگار باشند.

سوره توبهٔ آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّـٰدِقِينَ ۝١١٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید.

توضیحات:

«الصَّادِقِينَ»: راستان در کردار و گفتار و پندار.

سوره توبهٔ آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ وَلَا يَرْغَبُواْ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِۦۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَطَـُٔونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ ٱلْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِۦ عَمَلٌ صَـٰلِحٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ ۝١٢٠﴾

ترجمه:

درست نیست که اهل مدینه و بادیه‌نشینان دوروبر آنان، از پیغمبر خدا جا بمانند (و در رکاب او به جهاد نروند، و در راه همان چیزی جان نبازند که او در راه آن جان می‌بازد) و جان خود را از جان پیغمبر دوست‌تر داشته باشند. چرا که هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد، و گامی به جلو برنمی‌دارند که موجب خشم کافران شود، و به دشمنان دستبردی نمی‌زنند (و ضرب و قتل و جرحی نمی‌چشانند و اسیر و غنیمتی نمی‌گیرند) مگر این که به واسطه آن، کار نیکوئی برای

آنان نوشته می‌شود (و پاداش نیکوئی بدانان داده می‌شود). بی‌گمان خداوند پاداش نیکوکاران را (بی‌مزد نمی‌گذارد و آن را) هدر نمی‌دهد.

توضیحات:

«مَا كَانَ»: صحیح نیست. درست نیست. «لا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ»: جان خود را از جان او عزیزتر و با ارزش‌تر ندانند. از بذل جان خود در راه حفظ جان او دریغ نکنند. «ظَمَأٌ»: تشنگی. «نَصَبٌ»: خستگی. «مَخْمَصَةٌ»: گرسنگی. «لا يَطَأُونَ»: گام نمی‌گذارند. پای نمی‌نهند. «مَوْطِئاً»: جای گام. قدمگاه. «لا يَطَأُون مَوْطِئاً»: مراد این است که گامی به جلو برنمی‌دارند و وارد مکانی نمی‌شوند، مگر این که... «لا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلاً»: صدمه‌ای به دشمن نمی‌رسانند و اسیر و غنیمتی از ایشان نمی‌گیرند، و...

سوره توبهٔ آیه ١٢١

متن آیه:

﴿وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ١٢١﴾

ترجمه:

(همچنین مجاهدان راه‌حق) هیچ خرجی خواه کم خواه زیاد نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (در رفت و برگشت از جهاد) نمی‌سپرند، مگر این که (پاداش آن) برای‌شان نوشته می‌شود، تا (از این راه) خداوند پاداشی نیکوتر از کاری که می‌کنند بدی‌شان دهد.

توضیحات:

«نَفَقَةً»: خرج. صرف مال. «وَادِياً»: زمین گود پرپیچ و خم و فراز و نشیبی که میان کوه‌ها و جنگل‌ها لمیده باشد. مراد سرزمین به طور مطلق است. «كُتِبَ لَهُمْ»: برای آنان نوشته می‌شود. نائب فاعل، ذلِكَ یا ثَوابٌ یا عَمَلٌ صالِحٌ است. «أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: پاداشی نیکوتر از کاری که می‌کنند. پاداش نیکوترین کاری که می‌کنند، و آن جهاد است. نیکوترین پاداشی که نیکوکاران در برابر نیکوکاری‌هایشان مستحقّ آن می‌باشند. واژه (أَحْسَنَ) صفت مصدر محذوف (جَزَآءً) است و تقدیر چنین است: «لِيَجْزِيَهُمُ اللهُ جَزَآءً أَحْسَنَ جَزَآءٍ مَّا».

سوره توبۀ آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗۚ فَلَوۡلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرۡقَةٖ مِّنۡهُمۡ طَآئِفَةٞ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَحۡذَرُونَ ١٢٢﴾

ترجمه:

مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند (و برای فرا گرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند). باید که از هر قوم و قبیله‌ای، عدّه‌ای بروند (و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند، و هنگامی که به‌سوی قوم و قبیله خود برگشتند (به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و) آنان را (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا (خویشتن را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت) خودداری کنند.

توضیحات:

«كَآفَّة»: همگی. جملگی. حال ضمیر واو در فعل (لِيَنفِرُوا) است. «فَلَوْلا نَفَرَ»: چه خوب است که عازم بشود و بیرون برود. «طَائِفَةٌ»: دسته‌ای. برخی. «لِيَتَفَقَّهُوا»: تا دانش‌اندوزی کنند. تا آشنا شوند و مهارت به هم رسانند. معنی دیگر آیه این است که: شایسته نیست، مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) بیرون بروند. چرا از هر گروهی برخی از آنان (به کارزار) نمی‌روند (و برخی در مدینه نمی‌مانند) تا در دین (و معارف اسلامی) آگاهی پیدا کنند و وقتی که قوم خود (از جهاد) به‌سوی ایشان برگشتند، آنان را (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا بترسند (و خویشتندار و پرهیزگار گردند). با توجّه به معنی نخست، ضمیر فعل (لِيَتَفَقَّهُوا) و (لِيُنذِرُوا) و (رَجَعُوا) به طالبان علم برمی‌گردد که به جهاد اکبر مشغولند، و ضمیر فعل (يَحْذَرُونَ) به قوم و قبیله آنان. امّا با توجّه به معنی دوم، ضمیر فعل (لِيَتَفَقَّهُوا) و (لِيُنذِرُوا) به کسانی برمی‌گردد که به جهاد اصغر یعنی پیکار با دشمنان نمی‌روند و بلکه در خدمت پیغمبر در مدینه می‌مانند و دانش‌اندوزی می‌کنند و چیزهائی را که در غیاب مجاهدان وحی شده است بدی‌شان می‌رسانند. و ضمیر فعل (رَجَعُوا) و (يَحْذَرُونَ) به مجاهدان و پیکارگران

برمی‌گردد.

سوره توبۀ آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ ٱلۡكُفَّارِ وَلۡيَجِدُواْ فِيكُمۡ غِلۡظَةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٢٣﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! با کافرانی بجنگید که به شما نزدیک‌ترند، و باید که (در جنگ) از شما شدّت وحدّت (و جرأت و شهامت) ببینند. و بدانید که خداوند (یاری و لطفش) با پرهیزگاران است.

توضیحات:

«يَلُونَكُمْ»: از حیث مکان یا نسب به شما نزدیکند. در اینجا بیشتر قرب مکانی مورد نظر است. از ماده (ولی) است. «غِلْظَة»: شدّت و خشونت در جنگ که بالطبع صبر و شکیبائی و جرأت و شهامت را نیز شامل می‌شود.

سوره توبۀ آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ فَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمۡ زَادَتۡهُ هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنٗاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَزَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَهُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ١٢٤﴾

ترجمه:

هنگامی که سوره‌ای (از سوره‌های قرآن) نازل می‌شود، کسانی از آنان (که منافقند، از روی تمسخر و استهزاء، برخی به برخی رو می‌کنند و) می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ (و آیا چیز مهمّ و مفیدی گفت و نمود؟!) و امّا مؤمنان، (همان سوره قرآن) بر ایمان‌شان می‌افزاید و (نور آن بیش از پیش راه حق را بدی‌شان می‌نماید، و از این نزول قرآن که مایه افزایش ایمان و پرتو جان و سعادت هر دو جهان آنان می‌شود) شادمان می‌گردند.

توضیحات:

«إِذا مَا»: هر زمان که.

سوره توبۀ آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتۡهُمۡ رِجۡسًا إِلَىٰ رِجۡسِهِمۡ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که در دل‌هایشان بیماری (نفاق) است، (نزول سوره‌ای از سوره‌های قرآن، به جای این که روح تازه‌ای به کالبدشان دمد و مایه تربیت جدیدی شود)، خباثتی بر خباثت‌شان می‌افزاید (و کفر و عنادشان را بیشتر می‌نماید، و پلیدی‌هایشان هر روز فزونی می‌گیرد، و تاریکی‌های جان و دل‌شان دائماً تراکم می‌پذیرد، و) در حال کفر می‌میرند (و در دوزخ جای می‌گیرند).

توضیحات:

«مَرَضٌ»: مراد نفاق است (نگا: بقره / ۱۰ و محمّد / ۲۰). «رِجْساً»: خباثت. پلیدی (نگا: اعراف / ۷۱ و توبه / ۱۲۵). مراد کفر و نفاق است.

سوره توبهٔ آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿أَوَلَا يَرَوۡنَ أَنَّهُمۡ يُفۡتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٖ مَّرَّةً أَوۡ مَرَّتَيۡنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمۡ يَذَّكَّرُونَ ﴾

ترجمه:

آیا منافقان نمی‌بینند که در هر سالی، یک یا دو بار (و بلکه بیشتر) مورد آزمایش قرار می‌گیرند (و بلاهائی از قبیل: کشف اسرار و ظهور احوال و پیروزی مؤمنان، و شکست کافران می‌بینند، ولی) بعد از آن (همه گرفتاری‌ها و آزمونها، از کرده‌ها و گفته‌های زشت خود دست نمی‌کشند و) توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند و بیدار و هوشیار نمی‌شوند.

توضیحات:

«يُفْتَنُونَ»: آزمایش می‌گردند. به بلاهاگرفتار می‌شوند تا مایه بیداری ایشان گردد. « مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ»: یک‌بار یا دوبار. مراد تکثیر است؛ نه عدد به خصوصی.

سوره توبهٔ آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ نَّظَرَ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ هَلۡ يَرَىٰكُم مِّنۡ أَحَدٖ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْۚ صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ١٢٧﴾

ترجمه:

و هرگاه آنان (در مجلس پیغمبر باشند و) سوره‌ای نازل گردد، برخی به برخی می‌نگرند (و با اشاره به همدیگر می‌فهمانند که) آیا کسی شما را می‌بیند (و متوجّه ما می‌باشد؟ همین که اطمینان یافتند مؤمنان به سخنان پیغمبر سرگرم و سراپا گوشند) آن وقت (از مجلس) بیرون می‌روند (و ندای هدایت را نمی‌شنوند. چراکه تحمّل شنیدن پیام آسمانی را ندارند و از ایمان و ایمانداران بیزارند). از آنجا که قوم بی‌دانش و نفهمی هستند، خداوند دل‌هایشان را (از حق) بگردانیده است.

توضیحات:

«هَلْ يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ»: این جمله می‌تواند بیان‌گر گفتار زبانی ایشان، یا اشارات سر و صورت و چشم‌های آنان باشد. در هر حال تفسیری است برای نگاههایشان به یکدیگر. «إِنصَرَفُوا»: از مجلس بیرون می‌روند. دل به سخنان نمی‌دهند و بدان ایمان نمی‌آورند و بلکه از وحی آسمانی رویگردان می‌شوند. «صَرَفَ اللهُ قُلُوبَهُمْ»: این جمله می‌تواند خبریه باشد که معنی آن گذشت، و می‌تواند انشائیه یعنی برای دعا و نفرین باشد. در این صورت معنی چنین می‌شود: خداوند دل‌هایشان را از ایمان بگرداند و از جانب حق بچرخاند.

سوره توبۀ آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨﴾

ترجمه:

بیگمان پیغمبری (محمّد نام)، از خود شما (انسانها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان دارای محبّت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.

توضیحات:

«مِنْ أَنفُسِكُمْ»: از خود شما انسان‌ها. یعنی انسان است و از لحاظ سرشت بشری همچون شما است (نگا: کهف ۱۱۰ /، فصّلت / ۶). «عزیز»: سخت و دشوار. «عَنِتُّمْ»: رنج بردید. ناراحتی کشیدید. از ماده (عَنَت) به معنی مشقّت. «مَا عَنِتُّمْ»: رنج و مشقّتی که می‌بینید. واژه (ما) مصدریه است. «حَرِيصٌ»: علاقه‌مند.

سوره توبهٔ آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ﴾

ترجمه:

اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند (باکی نداشته باش و) بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز او معبودی نیست. به او دلبسته‌ام و کارهایم را بدو واگذار کرده‌ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ (جهان و ملکوت آسمان) است.

توضیحات:

«الْعَرْشِ»: تخت سلطنت. آفریده سترگی است که چگونگی آن بر ما مجهول است (نگا: اعراف / ۵۴، حاقّه / ۱۷).

سوره یونس

سوره یونس آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. را. این آیه‌های کتاب استواری است (که هر چند از همین نوع حرف‌ها فراهم آمده است، نمی‌توانید همانند آن را بسازید. از استحکام و نظم و نظام برخوردار است و باطل و خرافه و هزل بدان راه ندارد، و پر است از سخنان حکمت‌آمیزی که سود دنیا و آخرت مردم را دربر دارد).

توضیحات:

«الر»: (نگا: بقره / ۱). «تِلْک»: آن. در اینجا مراد (این) است و برای بیان فخامت و عظمت قرآن، اسم اشاره به دور، یعنی (آن) به کار رفته است، همان‌گونه که در حضور کسی هستیم و برای تعظیم می‌گوئیم: آن جناب، آن حضرت. «الْحَكِيمِ»: محکم و استوار در لفظ و در معنی. دارای سخنان حکمت‌آمیز.

سوره یونس آیه ۲

متن آیه:

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ رَجُلٖ مِّنۡهُمۡ أَنۡ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنَّ لَهُمۡ قَدَمَ صِدۡقٍ عِندَ رَبِّهِمۡۗ قَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٞ مُّبِينٌ ٢﴾

ترجمه:

آیا این برای مردم شگفتی دارد که ما مردی از خودشان را (پیغمبر کردیم و بدو) پیغام دادیم که مردمان را (از عذاب خدا) بترسان و مؤمنان را مژده بده که آنان در نزد پروردگارشان دارای مقام و منزلت عالی هستند (و از سابقه نیک برخوردار و بر دیگران برتری دارند. امّا با وجود صدق رسول و اعجاز قرآن) کافران می‌گویند که: این مرد، (محمّد نام) واقعاً جادوگر آشکاری است.

توضیحات:

«عَجَباً»: تعجّب. شگفتی. خبر (کانَ) است که بر اسم آن مقدّم شده است که جمله (أَنْ أَوْحَیْنا إِلی رَجُلٍ) است. «قَدَمَ صِدْقٍ»: اصل قدم، کف پا است، ولی عرب‌ها آن را بر سبقت و پیشی‌گرفتن در چیزی بر دیگران استعمال کرده‌اند. صدق به معنی راستی و راستگوئی، و ضدّ کذب است. امّا عرب‌ها آن را در معنی فضائل و افتخارات به کار برده‌اند. مراد از قَدَم صِدق، مقام و منزلت و درجات رفیعه است (نگا: اسراء / ۸۰، قمر / ۵۵).

سوره یونس آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۖ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ إِذۡنِهِۦۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ 

ترجمه:

پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس به اداره جهان هستی پرداخت. زمام اداره جهان هستی به دست او است (و چرخش امور آن به فرمان او). کسی میانجی نمی‌تواند بشود مگر پس از اجازه او. این خدا است که صاحب و پروردگار شما است، پس او را پرستش کنید (نه دیگری را). آیا گوشزد نمی‌شوید (و پند و عبرت نمی‌گیرید)؟

توضیحات:

«سِتَّةَ اَیّامٍ»: مراد شش دوره است (نگا: اعراف / ۵۴، حجّ / ۴۷، معارج / ۴). «إسْتَوَیا عَلَی الْعَرْشِ»: (نگا: اعراف / ۵۴). «یُدَبِّرُ الأمْرَ»: کار جهان را به مقتضی حکمت و مصلحت می‌گرداند.

سوره یونس آیه ۴

متن آیه:

﴿إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّاۚ إِنَّهُۥ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٤﴾

ترجمه:

بازگشت همه شما به‌سوی او است. این وعده راستین خداوند است (و خداوند خلاف وعده نمی‌کند). خدا است که از آغاز، موجودات را می‌آفریند (و جامه هستی به تن همه کائنات، از جمله انسان‌ها می‌کند) و هم او است که آنها را (دیگر بار پس از تخریب جهان، هستی می‌بخشد و به‌سوی خود) برمی‌گرداند. تا دادگرانه پاداش کسانی را بدهد که ایمان آورده‌اند و کارهای نیکو کرده‌اند. و امّا کسانی که راه کفر پوئیده‌اند، (بی‌سزا نمی‌مانند، و بلکه) نوشیدنی از آب داغ و سوزانی دارند و دارای عذاب بس دردناکی هستند، به سبب کفری که ورزیده‌اند.

توضیحات:

«وَعْدَ اللهِ حَقّاً»: واژه‌های (وَعْدَ) و (حَقّاً) مفعول مطلق فعل محذوفی هستند. تقدیر چنین است: «وَعَدَکُم بِالْبَعْثِ وَ الرُّجُوعِ وَعْداً ، وَحَقَّ ذلِکَ الْوَعْدَ حَقّاً». «شَرَابٌ»: نوشیدنی. «حَمِیمٍ»: آب بسیار گرم و داغ (نگا: کهف / ۲۹، محمّد / ۱۵).

سوره یونس آیه ۵

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِی جَعَلَ ٱلشَّمۡسَ ضِيَآءٗ وَٱلۡقَمَرَ نُورٗا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ۝٥﴾

ترجمه:

خدا است که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانده است، و برای ماه منازلی معین کرده است تا شماره سال‌ها و حساب (کارها) را بدانید. خداوند (آن همه عجائب و غرائب آفرینش و چرخش و گردش مهر و ماه را سرسری و از بهر بازیگری پدید نیاورده است و بلکه) آن را جز به حکمت نیافریده است. خداوند آیات (قرآن و نشانه‌های جهان) را برای آنان که می‌فهمند و درک می‌کنند شرح و بسط می‌دهد.

توضیحات:

«ضِيَآءً»: روشنی. این واژه مصدر و برای مبالغه به جای اسم فاعل، یعنی (مُضیئَة) به معنی روشن، به کار رفته است. «نُوراً»: نور. این واژه مصدر و برای مبالغه در معنی اسم فاعل یعنی (مُنَوِّر) به معنی تابان به کار رفته است. فرق (ضِیاء و نُور) در این

است که (ضِیاء) برای چیزی استعمال می‌گردد که نور آن از خودش باشد، و (نُور) برای چیزی به کار می‌رود که روشنائی آن از خودش نباشد و بلکه منعکس‌کننده نور چیز دیگری باشد (نگا: فرقان / ۶۱، احزاب / ۴۶، نوح / ۱۶). « مَنَازِلَ »: مراد بروج خورشید و ماه، یا تنها بروج ماه است.

سوره یونس آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَّقُونَ ٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان در آمدوشدِ شب و روز (و تفاوت کیفی و کمی آنها) و در چیزهائی که خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده است، نشانه‌هائی (بر وجود آفریدگار و دلائلی بر عظمت پروردگار) برای کسانی است که پرهیزگارند (و هراس از عقاب و عذاب خدا را در مدّنظر دارند).

توضیحات:

«إِخْتِلاف»: آمد و شد. تفاوت در کمیت و کیفیت، یعنی درازی و کوتاهی شب‌ها و روزها و روشنائی و تاریکی آنها، و غیره (نگا: بقره / ۱۶۴، آل‌عمران / ۱۹۰).

سوره یونس آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَٱطۡمَأَنُّواْ بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ٧﴾

ترجمه:

مسلّماً کسانی که (به روز رستاخیز و زندگی دوباره ایمان ندارند و) دیدار ما را انتظار نمی‌کشند، و به زندگی دنیوی بسنده می‌کنند (و گمان می‌برند که جهان دیگری پس از این جهان وجود ندارد) و به این جهان دل می‌بندند (و برای جهان دیگر، تلاش نمی‌نمایند)، و از آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی) ما غافل و بی‌توجّه می‌مانند.

توضیحات:

«لايَرْجُونَ»: نمی‌خواهند. انتظار نمی‌کشند. «إطْمَأَنُّوا بِهـَا»: بدان دل بسته‌اند.

بدان آرام گرفته‌اند.

سوره یونس آیه ۸

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨﴾

ترجمه:

چنین کسانی جایگاه‌شان دوزخ است به سبب کارهائی که می‌کنند.

توضیحات:

«أُوْلئِكَ»: جمله (أُوْلئِكَ مَأْواهُمْ) خبر (إِنَّ) در آیه قبلی است.

سوره یونس آیه ۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهۡدِيهِمۡ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمۡۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمان (راستین و کارهای خداپسند) رهنمودشان می‌نماید (و در دنیا بر ایمان، استوار و ثابت قدم‌شان می‌دارد، و در آخرت به بهشت نائل‌شان می‌فرماید که) جویبارها در زیر (کاخ‌های) ایشان در بهشت خوش و پرناز و نعمت روان است.

توضیحات:

«بِإِيمَانِهِمْ»: به سبب داشتن ایمان صحیح و درستی که دارند. «جَنَّاتِ النَّعِيمِ»: بهشت پرناز و نعمت. جای لذّت و شادخواری و خوشگذرانی.

سوره یونس آیه ۱۰

متن آیه:

﴿دَعۡوَىٰهُمۡ فِيهَا سُبۡحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٞۚ وَءَاخِرُ دَعۡوَىٰهُمۡ أَنِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠﴾

ترجمه:

در بهشت دعای مؤمنان: پروردگارا! تو منزّهی (از آنچه کافران در دنیا می‌گفتند) و سلام آنان در آن (خطاب به همدیگر) درودتان باد (ای فرمانبرداران یزدان سبحان)! و

ختم دعا و گفتارشان: شکر و سپاس پروردگار جهانیان را سزا است، (که ایمان را نصیب ما کرد و از ما خوشنود گردید) می‌باشد.

توضیحات:

«دَعْوَاهُمْ»: دعای ایشان در مناجات پروردگارشان. «ءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ»: پایان دعایشان. « أَنْ»: از حروف مشبّهة بالفعل و مخفّفه از مثقّله است.

سوره یونس آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ ٱسۡتِعۡجَالَهُم بِٱلۡخَيۡرِ لَقُضِيَ إِلَيۡهِمۡ أَجَلُهُمۡۖ فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١١﴾

ترجمه:

اگر خداوند در رساندن شرّها و بلاهائی شتاب ورزد که مردمان (در حالت خشم و غضب و یا حماقت و جهالت) در طلب آنها شتاب می‌نمایند، همچنان که (برابر سرشت انسانی خود) در فراچنگ آوردن خیرها و نعمت‌ها شتاب می‌ورزند، عمر (همگی انسان‌ها به پایان می‌رسد و اثری از) آنان باقی نمی‌ماند (و اختیار که پایه تکلیف و وجه امتیاز انسان از حیوان است، از میان می‌رود، و اطاعت جنبه اضطراری پیدا می‌کند). امّا ما افرادی را که معتقد به ملاقات ما (در قیامت) نیستند، به حال خود رها می‌سازیم (و در مجازات‌شان عجله نمی‌کنیم و بلکه در دنیا بدی‌شان مهلت می‌دهیم) تا در سرکشی و نافرمانی خود (بلولند و) سرگردان شوند (و حق را از باطل، و راه را از چاه باز نشناسند).

توضیحات:

«لَوْ يُعَجِّلُ اللهُ لِلنَّاسِ...»: مفهوم آیه سه چیز می‌تواند باشد: ۱- افراد بی‌ایمان تمسخرکنان به پیغمبران یا به داعیان الی الله گفته و می‌گویند: اگر راست می‌گوئید که در برابر گناه، عذاب و عقابی وجود دارد، از خدا بخواهید هم اینک آن را به ما برساند!! انسان شتابگر است و با شتاب خواستار بدی و خوبی است. و... (نگا: اعراف / ۷۰، انفال / ۳۲، رعد / ۶، عنکبوت / ۵۳ و ۵۴، اسراء / ۱۱، انبیاء / ۳۷). ۲ - انسان‌ها اعم از باایمان و بی‌ایمان، با انجام گناهان که موجب عذابند، انگار در نزول عقاب از سوی خدا شتاب دارند، و اگر خدا در مقابل گناهان فوراً بزهکاران را نابود می‌کرد،

کسی برجای نمی‌ماند. و... (نگا: نحل / ۶۱، فاطر / ۴۵). ۳ - اگر خدا به سخن مردم گوش فرا دهد و دعای ایشان را که در حالت یأس و ناامیدی، علیه خود و خویشان خود می‌کنند، و یا در حالت خشم علیه دیگران و به ویژه دشمنان خویش می‌نمایند، هرچه زودتر بپذیرد و برآورده کند، کسی برجای نمی‌ماند. و... (نگا: تفسیرالمنار، جلد۱۱، صفحه۳۱۱).

سوره یونس آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوۡ قَاعِدًا أَوۡ قَآئِمًا فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمۡ يَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡمُسۡرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢﴾

ترجمه:

هنگامی که به انسان ناراحتی و بلائی می‌رسد (که نه خود و نه دیگران نمی‌توانند آن را دفع و چاره کنند)، چه بر پهلو خوابیده، و چه نشسته، و چه ایستاده باشد (برای رفع مشکل) ما را به کمک می‌خواند. امّا هنگامی که ناراحتی و بلائی را (که در مقابل آن درمانده بود) از او به دور داشتیم، آن چنان راه (سابق) خود را در پیش می‌گیرد (و خدای را باز هم فراموش می‌کند) که انگار ما را برای دفع محنتی که بدو رسیده است به فریاد نخوانده است (و اصلاً ضرر و زیانی متوجّه او نبوده و بلائی بدو دست نداده است. آری! همیشه) این چنین اعمال اسرافگران در نظرشان آراسته شده است (و تکرار گناه از قباحت آن کاسته است، و اهریمن نابه کار باطل را برای آنان حق جلوه داده است).

توضیحات:

«مَسَّ»: دست داد. اصابت کرد و رسید. «الضُّرُّ»: بلا و محنت. زیان مالی یا جانی. «لِجَنبِهِ»: بر پهلوی خود. حرف (ل) به معنی (عَلي) است، و (لِجَنبِهِ) حال ضمیر فاعلی مستتر در فعل (دَعَانَا) است. «قَاعِداً»: نشسته. حال است و عطف بر (لِجَنبِهِ) است.

سوره یونس آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٣﴾

ترجمه:

ما گروه‌ها (و نسل‌های زیادی) را هلاک کرده‌ایم که پیش از شما بوده‌اند، بدان گاه که ستم کرده‌اند (و راه گناه سپرده‌اند) و پیغمبران‌شان برای آنان دلائل روشن و معجزات آشکاری آورده‌اند و ارائه نموده‌اند، ولی آنان جزو کسانی نبوده‌اند که ایمان بیاورند (و سخنان پیغمبران را بشنوند و به دنبال ایشان روند. آری در گذشته و حال و آینده) این چنین گروه بزهکاران را سزا می‌دهیم. (پس خویشتن را بپائید و نافرمانی ننمائید).

توضیحات:

«الْقُرُونَ»: جمع قرن، مردمان یک عصر و زمان. نسل‌ها. (نگا: انعام / ۶، مؤمنون / ۴۲). «وَجَآءَتْهُمْ...» و «وَ مَا كَانُوا... »: این دو جمله، حال ضمیر (و) در فعل (ظَلَمُوا) می‌باشند.

سوره یونس آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَٰكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلْأَرْضِ مِنۢ بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

سپس به دنبال آنان شما را در زمین جانشینان (ایشان و سرنشینان زمین) کرده‌ایم تا بنگریم شما چگونه عمل می‌کنید.

توضیحات:

«خَلآئِفَ»: جمع خَلیفَة. یعنی جانشینان کسانی که بر اثر تباهی و گناه نابود شده‌اند (نگا: اعراف / ۷۴، نور / ۵۵).

سوره یونس آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا ٱئْتِ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُۚ قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآيِٕ نَفْسِيٓۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۖ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٥﴾

ترجمه:

هنگامی که آیه‌های روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که به ملاقات ما (در

روز رستاخیز) ایمان ندارند می‌گویند: قرآنی جز این را برای ما بیاور (و کتابی جز قرآن را ارائه بده) یا این که آن را تغییر بده (و آیه‌های مربوط به قیامت و آیه‌های راجع به بتان ما را حذف و دگرگون کن). بگو: مرا نرسد که خودسرانه و به میل خود آن را تغییر دهم. من جز به دنبال چیزی نمی‌روم و جز چیزی را نمی‌گویم که بر من وحی گردد. اگر از فرمان پروردگارم تخطّی کنم، از عذاب روز بزرگ می‌ترسم (که دامنگیرم شود و تغییر و تبدیل قرآن مایه عقاب و عذابم گردد).

توضیحات:

«بَيِّنَاتٍ»: جمع بینة، واضح و روشن. حال است. «تِلْقَآءِ»: سوی. جانب. از ماده (لقی) است. «مِن تِلْقَآءِ نَفْسِي»: از سوی خود. با اختیار و اراده خودم.

سوره یونس آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قُل لَّوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرَىٰكُم بِهِۦۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ١٦﴾

ترجمه:

بگو: اگر خدای می‌خواست (قرآنی بر من نازل نمی‌کرد و من) آن را بر شما نمی‌خواندم (و آن را به کسی از شما نمی‌رساندم، و خدا توسّط من) شما را از آن آگاه نمی‌کرد. (به هر حال من تنها مبلّغ قرآنم نه مؤلّف آن، و در این باره اختیاری از خود ندارم. سال‌هائی در میان شما بسر برده‌ام و از این نوع سخنان چیزی نگفته‌ام و) عمری پیش از این با شما بوده‌ام (و صدق و امانت خود را نشان داده‌ام. از بررسی گذشته و حال می‌توانید بفهمید که آنچه برای شما می‌خوانم وحی آسمانی است). آیا (مطلبی به این روشنی را) نمی‌فهمید؟

توضیحات:

«لآ أَدْرَاكُم بِهِ»: شما را از آن آگاه نمی‌کرد. از آن باخبرتان نمی‌ساخت. « لَبِثْتُ »: مانده‌ام. بسر برده‌ام. «عُمُراً»: یک عمر. مراد مدّت مدید است. مفعولٌ‌فیه است.

سوره یونس آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْمُجْرِمُونَ

﴿۱۷﴾ **ترجمه:**

چه‌کسی ستمکارتر از کسی است که دروغی را به خدا نسبت دهد، یا آیه‌های او را تکذیب کند؟ (دروغ‌بستن به خدا و تکذیب آیات او، کفر بشمار است و جرم بزرگی دربر دارد و) هرگز مجرمان (کفرپیشه) رستگار نمی‌گردند (و قطعاً از عذاب خدا رهائی نمی‌یابند).

توضیحات:

«لا یُفْلِحُ»: رستگار نمی‌شود. نجات نمی‌یابد.

سوره یونس آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّـُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ۱۸﴾

ترجمه:

اینان غیر از خدا، چیزهائی را می‌پرستند که نه بدی‌شان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازند، و می‌گویند: این‌ها میانجی‌های ما در نزد خدایند (و در آخرت رستگارمان می‌نمایند!) بگو: آیا خدا را از وجود چیزهائی (به نام بتان و انبازهای یزدان) باخبر می‌سازید که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آنها ندارد؟ (مگر شما بتها را نماینده خدا نمی‌دانید؟ آیا ممکن است خدا اگر نماینده‌ای می‌داشت از بودن آن بی‌خبر می‌گشت، ولی شما باخبر از آن می‌شدید؟!). خداوند منزّه (از هرگونه انبازی) و فراتر از آن چیزهائی است که مشرکان انبازشان می‌دانند.

توضیحات:

«أَتُنَبِّئُونَ اللهَ بِمـَا»: آیا خدا را از وجود بت‌ها و انبازهائی باخبر می‌سازید که خدا از وجود آنها بی‌خبر است؟ یعنی اگر خدا شریکی می داشت قبل از همه خودش از آن خبر می‌داشت.

سوره یونس آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَٱخۡتَلَفُواْۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡ فِيمَا فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١٩﴾

ترجمه:

مردمان (در آغاز آفرینش) ملّت واحدی بیش نبودند (و سرشت انسانی ایشان استعداد خیر و شرّ در خود داشت. خداوند پیغمبرانی از میان‌شان برانگیخت تا آنان را در برابر وحی آسمانی به راه خیر بدارند و ارشاد کنند. بعدها) مردمان دو گروه شدند و با هم اختلاف پیدا کردند. (یعنی دسته‌ای از کلام آسمانی پیروی کردند و راه خیر در پیش گرفتند، و گروهی به وسوسه شیطانی گوش فرا دادند و به راه شرّ رفتند و میکربِ پیکر جامعه انسانی شدند). اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود (که عذاب بزرگ کافران و مجازات شدید مبطلان تا روز رستاخیز به تأخیر انداخته شود)، درباره چیزی که در آن اختلاف دارند (با تمییز حق از باطل، و برجای داشتن محِقّ و نابودکردن مبطِل) داوری می‌شد (و مسأله کفر و نفاق خاتمه می‌یافت، چرا که از ترس نابودی آنی، اختیار که رمز تکامل و پیشرفت است از میان برمی‌خاست و جبر مطلق بر جامعه حاکم می‌شد. امّا چون مجازات آنی مخالف سرشت انسانی است، خدا چنین نکرد).

توضیحات:

«أُمَّةً وَاحِدَةً»: (نگا: بقره / ۲۱۳). «لَوْ لا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ»: (نگا: ابراهیم / ۴۲، نحل / ۶۱، فاطر / ۴۵). « لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ »: در میان‌شان داوری می‌شد و کار فیصله پیدا می‌کرد. مراد این است که خدا در دنیا فوراً آنان را مجازات می‌کرد و عذاب خدا سریعاً دامنگیرشان می‌گردید. «فِيمَا»: درباره چیزی که. مراد از این چیز، دین است که مردمان در امر آن اختلاف پیدا می‌کنند. گروهی راه آن می‌پویند و دسته‌ای راه دیگر می‌جویند.

سوره یونس آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦۖ فَقُلۡ إِنَّمَا ٱلۡغَيۡبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: کاش! معجزه‌ای (جز قرآن، همچون معجزه سایر پیغمبران) بر او

(که محمّد است) از سوی پروردگارش فرو فرستاده می‌شد (و ما را به صدق رسالتش قانع می‌کرد! بدی‌شان) بگو: (نزول معجزات از عالم غیب است و) تنها خدا است که بر غیب آگاه است. (اگر قرآن شما را قانع نمی‌سازد) پس منتظر باشید و من هم با شما منتظر می‌مانم (تا ببینیم عاقبت کار و فرمان پروردگار چه خواهد بود).

توضیحات:

«ءَایَةٌ»: معجزه. مراد معجزه مادی و حسی، از قبیل معجزات پیغمبران پیشین است (نگا: انبیاء / ۵، قصص / ۴۸) یا معجزات پیشنهادی دیگر (نگا: إسراء / ۹۰ - ۹۳، عنکبوت / ۵۰ و ۵۱). «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّهِ»: غیب، تنها و تنها از آن خدا است، و فقط و فقط او بر آن آگاه است.

سوره یونس آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ ٢١﴾

ترجمه:

هنگامی که پس از شرّ و بلائی که (برای بیداری و آگاهی) به مردم رسیده است، مزه خیر و نعمتی به انسان‌ها می‌چشانیم (و ایشان را به قدرت و ثروت و شادی هم می‌آزمائیم)، به ناگاه درباره آیه‌های ما به چاره‌سازی می‌نشینند (و به تکذیب آنها می‌پردازند و با توجیهات نادرست در مقام انکار آیه‌ها برمی‌آیند، و پیغمبر ما را شاعر و ساحر و دیوانه می‌خوانند، و مشکلات و سختی‌ها را ناشی از اسباب و علل و تصادف و قهر طبیعت می‌دانند، و نعمت‌ها و خوشی‌ها را حمل بر زرنگی و شایستگی خود و شفقت روزگار می‌نمایند!). بگو: خداوند در چاره‌سازی (حیله‌گری‌های شما) از سرعت بیشتری برخوردار است (و می‌تواند شما را در اسرع وقت نابود نماید و سریعاً تازیانه عذاب را به تنتان آشنا کند و فوراً در برابر اعمال زشتتان سزایتان دهد. امّا تا آن زمان که خود می‌داند، مهلت‌تان می‌دهد و به حال خودتان وا می‌گذارد). بی‌گمان فرستادگان (مأمور ثبت و ضبط کردار و گفتار و پندار شما یعنی فرشتگان) ما حیله‌گری‌ها و چاره‌سازی‌های شما را می‌نویسند (و در قیامت کیفر آنها را به کف دستتان می‌گذاریم).

توضیحات:

«أَذَقْنَا»: چشاندیم. «رَحْمَة»: مراد نعمت است که از رحمت خدا سرچشمه می‌گیرد. « ضَرَّآءَ»: شدّت و محنت. گزند. مؤنّث است و مذکر ندارد. «مَكْرٌ»: نیرنگ. چاره‌سازی نهانی و چاره‌جوئی پنهانی. مراد این است که کافران می‌خواستند با تکذیب آیات و طعنه‌زدن بدان‌ها و شک و گمان انداختن به دل ضعفاء تأثیر کلام آسمانی را خنثی نمایند. «رُسُلَنا»: فرستادگان ما. مراد فرشتگان مأمور نوشتن اعمال مردمان است (نگا: انفطار / ۱۰ و ۱۱ و ۱۲).

سوره یونس آیه ۲۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِی یُسَیِّرُكُمۡ فِی ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۖ حَتَّیٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِی ٱلۡفُلۡكِ وَجَرَیۡنَ بِهِم بِرِیحٖ طَیِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِیحٌ عَاصِفٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِیطَ بِهِمۡ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِینَ لَهُ ٱلدِّینَ لَئِنۡ أَنجَیۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِینَ ۝٢٢﴾

ترجمه:

او است که شما را در خشکی و دریا راه می‌برد (و امکان سیر و حرکت در قاره‌ها و آبها را برای شما میسّر می‌کند). چه بسا هنگامی که در کشتی‌ها قرار می‌گیرید و کشتی‌ها با باد موافق سرنشینان را (آرام آرام به‌سوی مقصد) حرکت می‌دهند، و سرنشینان بدان شادمان می‌گردند، به ناگاه باد سختی وزیدن می‌گیرد و از هر سو موج به‌سویشان میدود و می‌پندارند که (توسّط مرگ از هر سو) احاطه شده‌اند (و راه گریزی نیست. در این وقت) خدا را به فریاد می‌خوانند و طاعت و عبادت و فرمانبرداری و دین را تنها از آن او می‌دانند (چرا که همه‌کس و همه‌چیز را بسی ضعیف‌تر و ناتوانتر از آن می‌بینند که کاری از دست آنان برآید و از این ورطه رستگارشان نماید. بدین هنگام عهد می‌کنند که) اگر ما را از این حال برهانی، از زمره سپاسگزاران خواهیم بود (و دیگر به کسی و چیزی جز تو روی نمی‌آوریم و هرگز این و آن را به فریاد نمی‌خوانیم و نمی‌پرستیم).

توضیحات:

«یُسَیِّرُكُمْ»: به سیر و حرکتتان می‌اندازد. شما را راه می‌برد. «الْفُلْكِ»: کشتی. کشتی‌ها. مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. «جَرَیْنَ بِهِمْ»:

کشتی‌ها سرنشینان خود را حرکت می‌دهند و می‌برند. «بِرِیحٍ طَیِّبَةٍ»: با باد موافق. با باد شرطه. «عَاصِفٌ»: مخرّب و توفنده. صفت (ریحٌ) است. علّت ذکر آن به صورت مذکر، سه چیز می‌تواند باشد: واژه (ریح) مذکر هم بشمار آمده باشد. (عاصف) صفت اختصاصی (ریح) است و مانند حائض نیازی به فارق ندارد. (عاصف) مانند (تامِر) و (لابِن) از باب نسب، و به معنی (ذاتُ عَصْفٍ) باشد که مذکر و مؤنّث در آن یکسان است. «أُحِیطَ بِهِمْ»: احاطه شده‌اند. یعنی مرگ و نابودی همه جوانب را بر آنان گرفته است. « الدِّینَ »: دین و آئین. طاعت و عبادت و انقیاد. «مِنْ هٰذِهِ»: از این حال. مرجع اسم اشاره، حال محذوف است که مؤنّث است.

سوره یونس آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَـٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

امّا هنگامی که خدا آنان را نجات می‌دهد، ناگهان به ناحق در زمین شروع به ظلم و فساد می‌کنند (و عهد و پیمان را فراموش می‌نمایند). ای مردم! ظلم و ستمی که مرتکب می‌شوید، وبال و زیان آن متوجّه خود شما می‌شود. چند روزی از متاع و لذّت دنیا بهره‌مند می‌شوید، پس از آن بازگشت شما به‌سوی خدا است و آن گاه ما شما را از آنچه انجام می‌داده‌اید آگاه می‌سازیم (و سزای اعمالتان را می‌دهیم).

توضیحات:

«أَنجَاهُمْ»: نجات‌شان داد. «یَبْغُونَ»: ظلم و تعدّی می‌کنند. «مَتاعَ»: کالا. بهره‌مندی و تمتّع. مفعولٌ‌به فعل محذوفی همچون (تَتمتّعونَ) است.

سوره یونس آیه ۲۴

متن آیه:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَـٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَـٰمُ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَـٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَـٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ

﴿كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

حال دنیا (از حیث زوال و فنا و از میان‌رفتن نعمت آن) همانند آبی است که از آسمان می‌بارانیم و بر اثر آن گیاهان زمین که انسان‌ها و حیوانها از آنها می‌خورند (و استفاده می‌کنند، می‌رویند و) به هم می‌آمیزند تا بدانجا که زمین (در پرتو آن) کاملاً آرایش و زیبائی می‌گیرد و آراسته و پیراسته می‌گردد و اهل زمین یقین پیدا می‌کنند که بر زمین تسلّط دارند (و حتماً می‌توانند از ثمرات و غلّات و محصولات آن بهره‌مند شوند. در بحبوحه این شادی و در گیراگیر این سرسبزی و آراستگی) فرمان ما (مبنی بر درهم کوبیدن و ویران کردن آن) در شب یا روز در می‌رسد (و با بلاهای گوناگون، از قبیل: سرمای سخت، تگرگ شدید، سیل، طوفان، و غیره، آن را نابود می‌سازیم) و گیاهانش را از ریشه برآورده و دروده و نابودش می‌کنیم. انگار دیروز در اینجا نبوده است (و هرگز وجود نداشته است، و انسان‌هائی در آن سرزمین نزیسته‌اند). ما (بدین وضوح) آیه‌ها (ی خویش) را برای قومی تشریح و تبیین می‌کنیم که می‌اندیشند (و می‌فهمند).

توضیحات:

«فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الأرْضِ»: به وسیله آب باران، گیاهان گوناگون به هم می‌آمیزند و سر به‌هم می‌زنند. گیاهان گوناگون با آب باران می‌آمیزند و آن را می‌مکند و رشد می‌کنند. در تعبیر دوم، مراد از گیاهان دانه‌های آنها است که آب را جذب خود می‌کنند. «زُخْرُف»: بهجت و زیبائی. «إزَّيَّنَتْ»: زینت گرفت و آراست. اصل آن (تَزَيَّنَتْ) و از باب تفعّل است. «ظَنَّ»: یقین پیدا کرد. «حَصِيداً»: درو شده. فَعیل به معنی مَفعول، یعنی (مَحصود) است. در اینجا مراد نابود شده و تباه گشته می‌باشد (نگا: انبیاء / ۱۵). «لَمْ تَغْنَ»: نبوده است. وجود نداشته است. از ماده (غنی) به معنی: بودن، شدن، ماندن.

سوره یونس آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٢٥﴾

ترجمه:

خداوند (انسان را به بهشت، یعنی) به سرای امن و امان و آرامش و اطمینان دعوت

می‌کند، و هرکس را بخواهد به راه راست (که منتهی به این مرکز امن و امان و آرامش و اطمینان می‌گردد) هدایت می‌نماید.

توضیحات:

«یَدْعُو»: فرا می‌خواند. رسم‌الخطّ قرآنی الفی در آخر دارد. «دَارِ»: منزل. خانه. «السَّلامِ»: امن و امان. درود. «دَارِ السَّلامِ»: مراد بهشت است که سرای سلامتِ اهل آن از هرگونه رنج و گزند و اندوه و بلا است (نگا: اعراف / ۴۹) یا سرای درود و تحیت است (نگا: واقعه / ۲۶).

سوره یونس آیه ۲۶

متن آیه:

﴿لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ ٱلۡحُسۡنَىٰ وَزِيَادَةٞۖ وَلَا يَرۡهَقُ وُجُوهَهُمۡ قَتَرٞ وَلَا ذِلَّةٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

کسانی که کارهای نیکو می‌کنند، منزلت نیکو (یعنی بهشت) از آن ایشان است و افزون (بر آن هم که مغفرت و رضوان است) دارند، و غبار غم و اندوه بر پیشانی ایشان نمی‌نشیند و خواری و رسوائی نمی‌بینند. آنان اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«الْحُسْنَيا»: نیکو. زیبا. صفت است و به جای موصوف نشسته است و تقدیر چنین است: (الْـمَنْزِلَةُ الْحُسْني... الْـمَثُوبَةُ الْحُسْنَيا)، یعنی مقام والا و جایگاه زیبا. پاداش نیکو. مراد بهشت است. یا این که مراد پاداش نیکوتر و اجر مضاعف است (نگا: بقره / ۲۶۱، انعام / ۱۶۰). «زِيَادَةٌ»: افزون بر آن. مراد تفضّل خدا (نگا: نساء / ۱۷۳) یا رضایت او است (نگا: توبه / ۷۲، مائده / ۲). «لا يَرْهَقُ»: فرا نمی‌گیرد. نمی‌پوشاند. «قَتَرٌ»: دود مانندی که بر اثر غم و اندوه و هول و هراس چهره را می‌پوشاند. غبارغم.

سوره یونس آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَسَبُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ جَزَآءُ سَيِّئَةِۭ بِمِثۡلِهَا وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ مَّا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۖ كَأَنَّمَآ أُغۡشِيَتۡ وُجُوهُهُمۡ قِطَعٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مُظۡلِمًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا

خَٰلِدُونَ ﴿٢٧﴾

ترجمه:

کسانی که کارهای زشت می‌کنند، کیفر هر کار زشتی به اندازه آن خواهد بود (نه بیشتر)، و خواری و حقارت آنان را فرا می‌گیرد. هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند آنان را از (دست عذاب) خدا رهائی بخشد (و در پناه خود دارد. آن اندازه روسیاه و گرفتار غم و اندوهند) انگار با پاره‌های تاریکی از شب چهره‌هایشان پوشانده شده است. آنان دوزخیانند و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«السَّيِّئَات»: معاصی و گناهان. «عَاصِمٍ»: نگاه‌دارنده. بازدارنده. رهابخش. «قِطَعاً»: جمع قطعه، تکه‌ها و پاره‌ها. «مُظْلِماً»: تاریک. حال (الَّيلِ) است.

سوره یونس آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡۚ فَزَيَّلۡنَا بَيۡنَهُمۡۖ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمۡ إِيَّانَا تَعۡبُدُونَ ﴿٢٨﴾

ترجمه:

روزی (برای رسیدگی به حساب و کتاب مردم) جملگی (کافران و مؤمنان) را گرد می‌آوریم و سپس به کافران می‌گوئیم: شما و معبودهایتان در جای خود بایستید. بعد آنها را از هم جدا می‌سازیم (و ایشان را مقابل معبودهایشان نگاه می‌داریم و در میان طرفین به داوری می‌پردازیم) و معبودهایشان می‌گویند: شما ما را نپرستیده‌اید (بلکه به وسوسه اهریمن و به سخن دل گوش فرا داده‌اید و مجسّمه ما را به خاطر منافع خود پرستش نموده‌اید. معبود حق ذات پاک پروردگار است و بس).

توضیحات:

«نَحْشُرُهُمْ»: آنان را گرد می‌آوریم. «مَكَانَكُمْ»: در جای خود بایستید. تکان مخورید. مفعولٌ‌فیه است و تقدیر آن چنین است: «إِلْزَمُوا مَكَانَكُم. «شُرَكَآؤُكُمْ»: مراد اهریمن و شیاطین انس و جنّ است (نگا: اعراف / ۳۰، توبه / ۳۱، فصّلت / ۲۹). «فَزَيَّلْنا»: جدائی انداختیم. مراد این است که خداوند پیوند موجود میان مشرکان و معبودهای آنان را

گسیخته می‌دارد، و امیدهائی را که مشرکان به معبودان خود داشتند بر باد می‌دهد. میان مشرکان و معبودهایشان دشمنانگی و اختلاف می‌اندازد (نگا: بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷، اعراف / ۳۷ و ۳۸).

سوره یونس آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ إِن كُنَّا عَنۡ عِبَادَتِكُمۡ لَغَٰفِلِينَ ۝٢٩﴾

ترجمه:

همین بس که خدا میان ما و شما گواه است که ما بدون شک از عبادت شما بی‌خبر بوده‌ایم.

توضیحات:

«إِنْ»: مخفّف از (إِنَّ) است و تقدیر چنین است: «إِنَّناكُنّا...».

سوره یونس آیه ۳۰

متن آیه:

﴿هُنَالِكَ تَبۡلُواْ كُلُّ نَفۡسٖ مَّآ أَسۡلَفَتۡۚ وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ۝٣٠﴾

ترجمه:

در آنجا (که میدان حشر و پهنه گردهمآئی است) هرکسی کارهائی را که قبلاً (در دنیا) کرده است می‌آزماید، و جملگی مردم به‌سوی خدا، یعنی مولای حقیقی خویش برگردانده می‌شوند، و چیزهائی را که به دروغ ساخته و به هم بافته بودند از میان برمی‌خیزند.

توضیحات:

«هُنَالِكَ»: آنجا که صحرای محشر است. «تَبْلُو»: می‌آزماید. مراد این است که هرکسی نتیجه عمل خود را می‌بیند. «أَسْلَفَتْ»: از پیش فرستاده است. تقدیم داشته است (نگا: حاقّه / ۲۴). «ضَلَّ»: نهان و پنهان شد. مخفی و غائب گردید (نگا: انعام / ۲۴، اعراف / ۵۳).

سوره یونس آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١﴾

ترجمه:

بگو: چه کسی از آسمان (به وسیله اشعّه و باران) و از زمین (به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها) به شما روزی می‌رساند؟ یا چه کسی بر گوش و چشم‌ها توانا است (و آنها را می‌آفریند و بدان‌ها نیروی شنوائی و بینائی می‌دهد)؟ یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (و حیات و ممات در دست او است)؟ یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند؟ (پاسخ خواهند داد و) خواهند گفت: آن خدا است، (چرا که آفریدگار جهان و روزی‌رسان مردمان و مدبّر کار و بار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است). پس بگو: آیا نمی‌ترسید و پرهیزگار نمی‌شوید؟

توضیحات:

«مَن يُخْرِجُ الْحَيَّ...»: (نگا: آل‌عمران / ۲۷، انعام / ۹۵). «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ»: (نگا: یونس / ۳). «أَفَلا تَتَّقُونَ»: آیا از خشم و عذاب خدا نمی‌پرهیزید.

سوره یونس آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

آن، خدا است که پروردگار برحق شما است (و او چنین کارهائی را می‌کند و ربوبیت و وحدانیت او با براهین و دلائل قاطعانه ثابت می‌باشد. به همین سبب پرستش او حق است و پرستش جز او باطل). آیا سوای حق جز گمراهی است؟ پس چگونه باید از راه به در برده شوید؟

توضیحات:

«أَنَّيا»: چگونه؟ «تُصْرَفُونَ»: روگردان می‌گردید. از راه به در برده می‌شوید. مراد این است که چگونه است که شیاطین شما را از حق منصرف و روگردان می‌کنند.

سوره یونس آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ فَسَقُوٓاْ أَنَّهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

همان گونه (که بعد از حق جز گمراهی نیست، همان‌گونه هم) فرمان پروردگار تو درباره کسانی که (برخلاف حکم عقل و ندای وجدان، از دستور یزدان سبحان) سرپیچی می‌کنند (و بزهکاری‌ها و سرکشی‌ها دل‌شان را تاریک و روح‌شان را آلوده می‌کند و آگاهانه به بیراهه می‌روند) صادر شده است که ایمان نیاورند (چرا که با انجام نابایست‌ها و ناشایست‌ها محکوم به این شده‌اند).

توضیحات:

«حَقَّتْ»: واجب و ثابت شده است. «کلمه»: حکم و قضاوت.

سوره یونس آیه ۳۴

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۚ قُلِ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

بگو: آیا از این انبازان (خیالی) شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند، و بار دیگر آن آفرینش را از سر گیرد؟ بگو: تنها خدا آفرینش را آغاز می‌کند و سپس بار دیگر آن را از سر می‌گیرد. (یعنی: پدید آورنده جهان خدا و گرداننده هستی خدا و برگشت دهنده حیات و ممات در چرخه کائنات او است، و سرانجام بازگشت انام، به‌سوی خدای لاینام است). پس چگونه (بعد از این بیان، از عبادت یزدان به عبادت دیگران می‌گرائید، و از حق) منحرف می‌شوید؟

توضیحات:

«يَبْدَأُ الْخَلْقَ...»: نیستی را هستی می‌بخشد و هستی را به نیستی تبدیل می‌کند، و جان به پیکر خاک می‌دمد و جان را از آن باز پس می‌گیرد. پیدایش جهان از او و برگشت همگان بدو است (نگا: یونس / ۴). «فَأَنَّيا تَوْفَكُونَ»: چگونه از حق و ایمان، به‌سوی باطل و بی‌دینی منحرف و منصرف می‌شوید (نگا: انعام / ۹۵).

سوره یونس آیه ۳۵

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّۚ قُلِ ٱللَّهُ يَهۡدِي لِلۡحَقِّۗ أَفَمَن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّيٓ إِلَّآ أَن يُهۡدَىٰۖ فَمَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

بگو: آیا از این انبازان (خیالی) شما کسی هست که به‌سوی حق راه نماید (و راه راستین را بنماید)؟ بگو: خدا راه حق را می‌نماید. آیا آن کس که راه راست را نشان می‌دهد سزاوارتر است که پیروی شود (و انسان به فرمان او رود) یا کسی که راهی نمی‌نماید و بلکه باید خودش راهنمائی گردد (و راه برده شود)؟ شما را چه می‌شود (که چراغ عقل از کفتان به در می‌رود؟ به دنبال چه چیز می‌روید)؟ این چه حکمی است که می‌کنید؟

توضیحات:

«أللهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ»: (نگا: طه / ۵۰). «لا يَهِدِّي إِلاّ أَن يُهْدَيا»: راهنمائی نمی‌کند، و بلکه نیازمند راهنمائی است و راهنمائی می‌شود. از قبیل: بتها و ستارگان و ماه و خورشید. راهنمائی نمی‌کند مگر این که از سوی خدا راهنمائی شود. از قبیل: عیسی و عُزَیر و فرشتگان (نگا: انبیاء / ۷۳).

سوره یونس آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

بیشتر مشرکان (در معتقدات خود) جز از شک و گمان پیروی نمی‌کنند (و جز به دنبال اوهام و خرافات نمی‌روند). شک و گمان هم اصلاً انسان را از حق و حقیقت بی‌نیاز نمی‌سازد (و ظنّ جای یقین را پر نمی‌کند و سودمند نمی‌افتد). بی‌گمان خداوند آگاه از چیزهائی است که انجام می‌دهند.

توضیحات:

«وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ»: مراد این است که بیشتر کافران، نادان و خرافی هستند و تحت

تأثیر پندارهای غلط بت‌ها را می‌پرستند، ولی گروه کمی هم رهبران سیاه دل و آگاهی هستند و بت‌پرستی را به خاطر منافع خود و فریب دیگران پیشه می‌کنند. «ظَنّاً»: گمان بسیار ضعیف.

سوره یونس آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٣٧﴾

ترجمه:

این قرآن از سوی غیر خدا، (چه محمّد و چه احبار و کهّان و چه دیگر مردمان) ساخته و پرداخته نشده است و بلکه (وحی خدا است و) تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیشین (همچون تورات و انجیل) است، و بیان‌گر (شرائع و عقائد و احکام) کتاب‌های گذشته می‌باشد. شک و تردیدی در آن نیست، و از سوی پروردگار جهانیان فرستاده شده است.

توضیحات:

«أَن یُفْتَرَیا»: این که سرهم کرده شود و به دروغ به هم بافته شود. «مِن دُونِ»: از غیر. از سوای. «تَصْدِیقَ»: به معنی مُصدِّق، یعنی تصدیق‌کننده است. خبر (کانَ) محذوف است و تقدیر چنین است: وَ لکِن کَانَ هُوَ تَصْدِیقَ. می‌تواند مفعول له فعل مقدّری هم باشد. یعنی نازل شده است برای تصدیق. «الَّذِي بَیْنَ یَدَیْهِ»: مراد همه سخنانی است که بر زبان انبیاء رفته است و همه کتابهائی است که توسّط ایشان آمده است (نگا: مائده / ۴۸). «الْکِتَابِ»: مراد جنس کتاب است و شامل همه کتاب‌های آسمانی می‌گردد.

سوره یونس آیه ۳۸

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ۝٣٨﴾

ترجمه:

بلکه آنان می‌گویند که (محمّد قرآن را خود ساخته و پرداخته است و) او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است. بگو: (اگر چنین است و قرآن ساخته بشر است) شما یک سوره همانند آن را بسازید و ارائه دهید و در این کار هرکسی را که می‌خواهید بجز خدا فرا خوانید و به کمک بطلبید، اگر راست می‌گوئید (که قرآن را من ساخته و پرداخته‌ام).

توضیحات:

«أَمْ»: بلکه. «إِفْتَرَاهُ»: آن را خود به هم بافته است و به دروغ به خدا نسبت داده است.

سوره یونس آیه ۳۹

متن آیه:

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِمَا لَمۡ يُحِيطُواْ بِعِلۡمِهِۦ وَلَمَّا يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

بلکه آنان چیزی را تکذیب می‌کنند که اصلاً آگاهی از آن ندارند و واقعیت آن برای ایشان روشن نشده است. (مگر این صحیح است که انسان چیزی را تکذیب کند که درباره آن نیندیشیده و آن را مورد مطالعه دقیق قرار نداده و موضوعات آن را نفهمیده است!). به همین منوال پیشینیان هم (پیغمبران و کتاب‌های آسمانی را خودسرانه و ناآگاهانه) تکذیب می‌کردند. (ای انسان)! بنگر که سرانجام ستمکاران به کجا کشید (و چگونه نابود گشتند. این درس عبرتی برای شما و آیندگان بعد از شما است و سرنوشت ستمکاران جز همین نیست).

توضیحات:

«لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ»: آگاهی کامل از آن پیدا نکرده‌اند. «تَأْوِيلُهُ»: معنی و تفسیر قرآن. عاقبت و مآل سخن قرآن که خواری مشرکان در دنیا و جاودانه‌ماندن ایشان در آتش دوزخ است (نگا: اعراف / ۵۲ و ۵۳).

سوره یونس آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يُؤۡمِنُ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن لَّا يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

از میان ایشان، برخی (پس از پی‌بردن به قرآن و درک عظمت معانی آن)، بدان ایمان می‌آورد، و دسته‌ای بدان ایمان نمی‌آورد (و از گمراهی و عناد با قرآن برنمی‌گردد). خداوند تباهکاران را بهتر می‌شناسد (و از هر کسی آگاه‌تر از حال مفسدان است).

توضیحات:

سوره یونس آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمۡ عَمَلُكُمۡۖ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّآ أَعۡمَلُ وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٤١﴾

ترجمه:

اگر (با وجود دلائل روشن بر حقّانیت پیغمبریت) تو را تکذیب کردند، بگو: عمل خودم از آن خودم و عمل خودتان از آن خودتان. شما پاک و بیگناهید از آنچه می‌کنم، و من هم پاک و بی‌گناهم از آنچه می‌کنید. (هرکسی در گرو اعمال خویش است، و هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت).

توضیحات:

«لِي عَمَلِي...»: سزا و جزای کارم را می‌بینم، و شما سزا و جزای کارتان را می‌بینید (نگا: نمل / ۹۰، یس / ۵۴، صافّات / ۳۹). «أَنتُم بَرِيئُونَ...»: شما مقصّر نبوده و مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرید در مقابل کاری که من می‌کنم، و من هم مقصّر نبوده و مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرم در مقابل کاری که شما می‌کنید (نگا: انعام / ۱۰۴ و ۱۶۴). شما از آنچه می‌کنم بیزار و گریزانید، من هم از آنچه می‌کنید بیزار و گریزانم (نگا: هود / ۳۵، شعراء / ۲۱۶).

سوره یونس آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يَعۡقِلُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

گروهی از آنان، گوش به‌سوی تو فرا می‌دهند (هنگامی که قرآن می‌خوانی یا

آیه‌های تازه‌ای از سوی خدا بیان می‌نمائی. امّا گوئی هیچ نمی‌شنوند و کرند!) آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی هرچند نفهمند!

توضیحات:

«يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ»: به تو گوش می‌دهند؛ نه برای فهمیدن و به کار بستن (نگا: انعام / ۲۵، انبیاء / ۲). «تُسْمِعُ»: بشنوانی. «الصُّمَّ»: جمع أَصَمّ، اشخاص کر.

سوره یونس آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يُبۡصِرُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

و گروهی از آنان به تو می‌نگرند (و درباره تو می‌اندیشند و دلائل آشکار نبوّت تو را درک می‌کنند و به حقّانیت اسلام پی می‌برند، امّا انگار که چیزی را نمی‌فهمند و نمی‌بینند)! آیا تو می‌توانی نابینایان را رهنمود کنی هرچند نبینند (و فاقد بصیرت هم باشند)؟.

توضیحات:

«الْعُمْيَ»: جمع أَعْمی، نابینایان. «لا يُبْصِرُونَ»: نمی‌بینند (نگا: بقره / ۱۷). درک نمی‌کنند و پی نمی‌برند (نگا: انعام / ۱۰۴، اعراف / ۱۷۹).

سوره یونس آیه ۴۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ ٱلنَّاسَ شَيۡـٔٗا وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند، بلکه این مردم هستند که (با اختیار کفر و ترک ایمان) به خویشتن ستم می‌نمایند.

توضیحات:

سوره یونس آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ كَأَن لَّمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيۡنَهُمۡۚ قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! ایشان را بترسان از) روزی که آنان را (خدا برای حساب و کتاب) گرد می‌آورد (و ایشان در آن روز به یاد زندگی دنیا می‌افتند و از هراس رستاخیز فکر می‌کنند که) انگار جز ساعتی از روز (در دنیا نبوده‌اند و) نمانده‌اند (تنها بدان اندازه) که با همدیگر آشنا شوند (و آن گاه از یکدیگر خداحافظی کنند و به سرای دیگر روند! در روز قیامت) به راستی کسانی زیانبارند که رویاروئی با خدا را تکذیب کرده‌اند و راهیاب نبوده‌اند.

توضیحات:

«یَحْشُرُهُمْ»: آنان را گرد می‌آورد. «لَمْ یَلْبَثُوا»: نمانده‌اند و بسر نبرده‌اند. «یَتَعَارَفُونَ بَیْنَهُمْ»: یکدیگر را ببینند و بشناسند. با هم آشنا شوند. این جمله راجع به آشنائی آنان در یک ساعته دنیا است (نگا: روم / ۵۵، احقاف / ۳۵، مؤمنون / ۱۱۲). برخی این آشنائی را مربوط به روز رستاخیز می‌دانند و می‌گویند: کافران در قیامت همدیگر را می‌شناسند و بر سر کفر و ضلال خود یکدیگر را لومه و سرزنش می‌کنند.

سوره یونس آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَإِمَّا نُرِیَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِی نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّیَنَّكَ فَإِلَیۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِیدٌ عَلَىٰ مَا یَفۡعَلُونَ ۝٤٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! اگر ما پاره‌ای از آنچه بدی‌شان وعده داده‌ایم، (از قبیل: پیروزی تو بر آنان، و رساندن عذاب بدیشان، در حال حیات) به تو نشان دهیم، یا این که تو را بمیرانیم (پیش از آن که انجام همه این وعده‌ها را ببینی، در هر حال برای حساب و کتاب در روز قیامت) آنان به‌سوی ما برمی‌گردند، و خدا از آنچه می‌کنند مطّلع و آگاه است.

توضیحات:

«شَهِیدٌ»: مطّلع و آگاه (نگا: آل‌عمران / ۹۸، مائده / ۱۱۷، انعام / ۱۹).

سوره یونس آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌۖ فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمۡ قُضِیَ بَیۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا یُظۡلَمُونَ ۝٤٧﴾

ترجمه:

هر ملّتی دارای پیغمبری است (که در روز قیامت خویشتن را بدو نسبت می‌دهند). هرگاه پیغمبرشان (به صحرای محشر که صحنه دادگاه الهی است) آمد (در حضور او) دادگرانه میان‌شان داوری می‌گردد (و او بر کردار و رفتار ملّت خود گواهی می‌دهد) و ستمی بدی‌شان نمی‌شود.

توضیحات:

«لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ»: مراد این است که در روز قیامت هر ملّتی پیغمبری دارد و او بر آنان گواهی می‌دهد (نگا: نساء / ۴۱، اسراء / ۷۱). «فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمْ»: هنگامی که پیغمبرشان در دادگاه قیامت حاضر آمد.

سوره یونس آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

می‌گویند: این وعده (عذاب) اگر راست می‌گوئید (که عذابی در میان است) کی عملی می‌شود (و موقع و موعد آن کی خواهد بود)؟.

توضیحات:

«مَتَيا هذَا الْوَعْدُ»: کی این وعده عملی می‌شود. مراد عذاب قیامت یا عذاب دنیا است.

سوره یونس آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌۚ إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

بگو: من (تنها پیغمبر و رساننده اوامر و نواهی الهی هستم و اختیار) هیچ سود و زیانی برای خود (یا برای مردمان در دست) ندارم مگر آن چیزی را که خدا بخواهد (و مرا از طریق وحی از آن بیاگاهاند و بر انجام یا دوری از آن توانایم گرداند. پس چگونه می‌توانم عذاب خدا را زودتر از موقع خود به شما برسانم یا قیامت را هویدا گردانم). هر ملّتی دارای مدّت زمان محدودی است. هر وقت زمان آنان بسر رسید، نه لحظه‌ای

تأخیر می‌کنند و نه لحظه‌ای پیشی می‌گیرند.

توضیحات:

«أَجَلٌ»: واژه نخست به معنی زمان و دوره زندگی است، واژه دوم به معنی پایان زمان زندگی و سررسید دوره حیات است. «لا یَسْتَأْخِرُونَ...»: (نگا: اعراف / ۳۴).

سوره یونس آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُهُۥ بَيَٰتًا أَوۡ نَهَارٗا مَّاذَا يَسۡتَعۡجِلُ مِنۡهُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ۞﴾

ترجمه:

بگو: به من بگوئید اگر عذاب خدا شب هنگام یا روزی به شما رسد، (چه فائده‌ای برای شما گناهکاران دارد؟) به خاطر چه چیز گناهکاران برای فرا رسیدن آن شتاب دارند؟ (مگر نه این است که هر وقت در رسد، مایه بدبختی آنان است، پس شتاب چرا)؟!.

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: چه می‌بینید؟ نظر شما چیست؟ مراد این است که مرا خبر دهید. «بَیاتاً»: شب هنگام (نگا: اعراف / ۹۷ و ۹۸، یونس / ۲۴). «یَسْتَعْجِلُونَ»: شتاب دارند، عجله می‌کنند. «مَاذَا یَسْتَعْجِلُونَ مِنْهُ الْـمُجْرِمُونَ»: این چه شتابی است که گناهکاران می‌کنند؟

سوره یونس آیه ۵۱

متن آیه:

﴿أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنتُم بِهِۦٓۚ ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ۞﴾

ترجمه:

آیا بعدها، پس از آن که واقع شد بدان ایمان می‌آورید؟ (آن وقت که به شما می‌گویند): اکنون؟! (تازه چه فائده! ایمان کنونی سودی ندارد) در حالی که (قبلاً در دنیا آن را به بازی می‌گرفتید و دائماً) برای فرا رسیدن آن شتاب می‌ورزیدید.

توضیحات:

«أَثُمَّ»: آیا سپس. «إِذَا مَا»: زمانی که. (ما) برای تأکید است. «ءَآلْآنَ»: آیا اکنون؟

سوره یونس آیه ۵۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ﴾

ترجمه:

سپس به ستمکاران می‌گویند: عذاب جاوید و همیشگی را بچشید. آیا جز در برابر چیزهائی که کرده‌اید کیفر داده می‌شوید؟

توضیحات:

«الخُلْدِ»: سرمدی. ابدی. دائمی.

سوره یونس آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَيَسۡتَنۢبِـُٔونَكَ أَحَقٌّ هُوَۖ قُلۡ إِي وَرَبِّيٓ إِنَّهُۥ لَحَقّٞۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

(کافران بر سبیل استهزاء) از تو می پرسند: که آیا آن (رستاخیز و عذابی که می‌گوئی) راست است؟! بگو: آری، به خدایم سوگند قطعاً راست است، و شما نمی‌توانید (از آن جلوگیری کنید، و با فرار و سرپیچی از آن، خدا را) درمانده و ناتوان سازید.

توضیحات:

«يَسْتَنْبِئُونَكَ»: از تو خبر را می‌پرسند. حقیقت خبر را از تو جویا و سراغ می‌گیرند. «هُوَ »: آن. مراد قیامت و عذاب دنیوی و اخروی است. «إِي»: آری. بلی.

سوره یونس آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّ لِكُلِّ نَفۡسٖ ظَلَمَتۡ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ لَٱفۡتَدَتۡ بِهِۦۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

اگر آنچه در زمین است، متعلّق به کسی باشد که (با کفر و شرک، به خود و دیگران) ستم کرده است، و آن را برای بازخرید (و نجات خویشتن از عذاب دوزخ) بپردازد، (از او پذیرفته نمی‌گردد. او و دیگر کافران) هنگام رویاروئی با عذاب (دوزخ سخت به هراس

می‌افتند و بغض می‌کنند و) آهسته (ناله سر می‌دهند و) اظهار پشیمانی می‌نمایند. در میان‌شان دادگرانه داوری می‌گردد و بدی‌شان ستمی نمی‌شود.

توضیحات:

«لاَفْتَدَتْ بِهِ»: آن را فدیه دهد و برای بازخرید خود از آتش بپردازد. خبر محذوف است که (لَن يُقْبَلَ) است (نگا: آل‌عمران / ۹۱). «اَسَرُّوا النَّدَامَةَ»: آهسته و پنهانی اظهار ندامت می‌کنند. اظهار ندامت کافران به دلیل آیات دیگر ثابت است (نگا: نساء / ۷۳، کهف / ۴۲، فرقان / ۲۷، فجر / ۲۴). یا این که کافران پس از مشاهده عذاب دوزخ حیرت‌زده می‌گردند و قدرت نطق و بیان از دست می‌دهند واین است که پشیمانی آنان در سینه‌هاحبس می‌گردد و هرچند بخواهند قادر به ادای ندامت نخواهند بود (نگا: سبأ / ۳۳).

سوره یونس آیه ۵۵

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

آگاه باشید که هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است. آگاه باشید که وعده خدا (به عذاب و عقاب کافران) راست است، و لیکن بیشتر مردمان (به سبب بی‌خردی و یا غلبه غفلت بر آنان، کار و بار آخرت را فراموش کرده‌اند و معنی تهدید خدا را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«وَعْدَ الله»: وعده خدا بر زبان انبیاء.

سوره یونس آیه ۵۶

متن آیه:

﴿هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

خدا است که می‌میراند و زنده می‌گرداند، و (پس از زنده‌گرداندن برای حساب و کتاب) به‌سوی او برگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«تُرْجَعُونَ»: باب افعال و از مصدر ارجاع است.

سوره یونس آیه ۵۷

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾

ترجمه:

ای مردمان! از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی (جهت رهنمود زندگی) و درمانی برای چیزهائی که در سینه‌ها است (همچون کفر و نفاق و کینه و ستم و دشمنی با حق و حقیقت) آمده است (که قرآن نام دارد) و هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

توضیحات:

«مَوْعِظَةٌ»: پند و اندرز. «شِفَآءٌ»: بهبودی. درمان. «الصُّدُورِ»: سینه‌ها. مراد دل‌هائی است که در سینه‌ها است (نگا: حجّ / ۴۶). در جسم انسان دو کانون وجود دارد به نام: «قلب» و «مغز» که هر کدام مظهر بخشی از اعمال روانی است. مسائلی که برای روح اتّفاق می‌افتد، تا اندازه‌ای در این دو مرکز نمودار و برای انسان‌ها آشکار می‌گردد. این است که آنچه به روح مربوط باشد بیشتر به قلب و مغز نسبت داده می‌شود. «شِفَآءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ»: مراد پاکسازی روح از رذائل اخلاقی است.

سوره یونس آیه ۵۸

متن آیه:

﴿قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٥٨﴾

ترجمه:

بگو: به فضل و رحمت خدا - به همین (نه چیز دیگری) - باید مردمان شادمان شوند. این بهتر از چیزهائی است که (از حطام دنیا) گرد می‌آورند (و روی همدیگر می‌گذارند).

توضیحات:

«فَبِذالِكَ»: برای تأکید معنی است و از لحاظ ترکیبی بدل از (بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ)

می‌باشد. «هُوَ»: مرجع آن واژه (ذلِكَ) است. مراد از (فضل و رحمت) ایمان و قرآن است.

سوره یونس آیه ۵۹

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزۡقٖ فَجَعَلۡتُم مِّنۡهُ حَرَامٗا وَحَلَٰلٗا قُلۡ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمۡۖ أَمۡ عَلَى ٱللَّهِ تَفۡتَرُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

بگو: به من بگوئید: آیا چیزهائی را که خدا برای شما آفریده و روزی شما کرده است و (خودسرانه) بخشی از آنها را حرام و بخشی از آنها را حلال نموده‌اید، بگو: آیا خدا به شما اجازه داده است (که از پیش خود چنین کنید) یا این که بر خدا دروغ می‌بندید (و از زبان خدا چیزهائی می‌گوئید و می‌کنید که خدا بدان‌ها دستور نداده است؟).

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: به من بگوئید. «ما»: چیزی را. مفعول (أَنزَلَ) است. «أَنْزَلَ»: مراد از نازل کردن در اینجا آفریدن و ایجادکردن است (نگا: اعراف / ۲۶، حدید / ۲۵). «فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَلالاً وَّحَرَاماً»: (نگا: مائده / ۱۰۳، انعام / ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۴۴ و ۱۴۵). «ءَآللهُ»: آیا خدا. مرکب از همزه استفهام و واژه مبارک (أَللهُ) است.

سوره یونس آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

آیا گمان کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، درباره (چیزهائی که) در روز قیامت رخ می‌دهد چیست؟ (آیا گمان می‌برند که بازخواستی در میان نیست؟ یا این که کیفر داده نمی‌شوند؟ و یا این که اندکی عذاب می‌بینند؟). خداوند دارای لطف و مرحمت (فراوان) نسبت به مردمان است ولیکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند (و بلکه ناسپاسی می‌کنند و بر خدا دروغ می‌بندند).

توضیحات:

«يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: درباره روز قیامت. ظرف واژه (ظنّ) است.

سوره یونس آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ وَمَا تَتۡلُواْ مِنۡهُ مِن قُرۡءَانٖ وَلَا تَعۡمَلُونَ مِنۡ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيۡكُمۡ شُهُودًا إِذۡ تُفِيضُونَ فِيهِۚ وَمَا يَعۡزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثۡقَالِ ذَرَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَآ أَصۡغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٦١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! تو به هیچ کاری نمی‌پردازی و چیزی از قرآن نمی‌خوانی، و (شما ای مؤمنان)! هیچ کاری نمی‌کنید، مگر این که ما ناظر بر شما هستیم، در همان حال که شما بدان دست می‌یازید و سرگرم انجام آن می‌باشید. و هیچ چیز در زمین و در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، چه ذرّه‌ای باشد و چه کوچک‌تر و چه بزرگ‌تر از آن، (همه این‌ها) در کتاب واضح و روشنی (در نزد پروردگارتان، به نام لوح محفوظ) ثبت و ضبط می‌گردد.

توضیحات:

«شَأْنٍ»: کار مهمّ و بزرگ. «مَا تَتْلُو»: نمی‌خوانی. در رسم‌الخطّ قرآنی الفی در آخر دارد. «مِنْهُ»: مرجع ضمیر (هُ) واژه (شَأْنٍ) است، و یا این که مرجع آن (قرآن) است و اضمار قبل از ذکر برای تفخیم است. «شُهُوداً»: جمع شاهد: مراقب. آگاه. «تُفِيضُونَ فِيهِ»: بدان می‌آغازید. بدان می‌پردازید (نگا: بقره / ١٩٨). «مَايَعْزُبُ»: پنهان نمی‌ماند. نهان نمی‌گردد. « مِثْقَالِ ذَرَّةٍ »: (نگا: نساء / ۴٠). «كِتَابٍ مُّبِينٍ»: کتاب واضح و روشن. مراد لوح محفوظ است (نگا: أنعام / ۵٩).

سوره یونس آیه ۶۲

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

هان! بی‌گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب

در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است).

توضیحات:

«أَوْلِيَآء»: جمع ولی، دوستان. «أَوْلِيَآء الله»: افراد مؤمن و متّقی (نگا: انفال / ۳۴، یونس / ۶۳).

سوره یونس آیه ۶۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ۝٦٣﴾

ترجمه:

(دوستان خداوند) کسانیند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

توضیحات:

«وَكَانُوا يَتَّقُونَ»: اولیاء خدا مؤمنان متّقی می‌باشند. برای آگاهی‌از صفات و خصال آنان مراجعه شود به: (بقره / ۳، ۴، ۵، ۱۷۷).

سوره یونس آیه ۶۴

متن آیه:

﴿لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ۝٦٤﴾

ترجمه:

برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگامه رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا، (یعنی وعده‌هائی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلّف‌ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مژده داده می‌شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است.

توضیحات:

«الْبُشْري»: بشارت. مژده. «لَهُمُ الْبُشْرَيا»: مژده باد ایشان را (نگا: فرقان / ۲۲). بشارت دادن برای ایشان است، در دنیا هنگام مرگ (نگا: فصّلت / ۳۰ و ۳۱) و در آخرت در هنگامه رستاخیز (نگا: حدید / ۱۲). «كَلِمَاتِ الله»: سخنان خدا. مراد وعده‌هائی است که خداوند به پیغمبران و پیروان ایشان داده است (نگا: انعام / ۳۴).

سوره یونس آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًاۚ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦٥﴾

ترجمه:

سخنان آنان تو را غمگین نسازد (و مسخره و طعنه و تکذیب ایشان تو را ناراحت ننماید). عزّت (و قدرت) کلاً در دست خدا است (و خدا تو را با آن بر آنان پیروز می‌نماید) و او شنوای (سخنان و) آگاه (از اعمالِ ایشان) است.

توضیحات:

«الْعِزَّةَ»: چیرگی و برتری. شکوه و عظمت. قوّت و قدرت.

سوره یونس آیه ۶۶

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

آگاه باشید، هرکس (و هر چیز) که در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است (و همه را او آفریده است و او سرپرستی و رهبری می‌کند و کارهایشان را می‌پاید و بر جملگی نظارت می‌نماید). کسانی که جز خدا انبازهائی را می‌پرستند، (جز از گمان) پیروی نمی‌کنند (و در حقیقت انبازی وجود ندارد تا آنان آن را عبادت کنند و بپرستند). ایشان جز به دنبال گمان نمی‌روند و کارشان جز تخمین‌زدن و دروغ‌گفتن نیست.

توضیحات:

«مَايَتَّبِعُ»: پیروی نمی‌کنند. چه‌چیز را پیروی می‌کنند؟ واژه (ما) می‌تواند حرف نفی یا اسم استفهام باشد. اگر حرف نفی بشمار آید، واژه (شُرَكَآء) می‌تواند مفعول (مَايَتَّبِعُ) بوده و مفعول (يَدْعُونَ) محذوف باشد، و برعکس. «يَدْعُونَ»: عبادت می‌کنند (نگا: نساء / ۱۱۷). «يَخْرُصُونَ»: تخمین می‌زنند. از روی حدس و گمان کار می‌کنند. دروغ می‌گویند.

سوره یونس آیه ۶۷

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّیۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِیهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَأٓیَٰتٍ لِّقَوۡمٍ یَسۡمَعُونَ ۝٦٧﴾

ترجمه:

او (که آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلّق بدو است، همان) کسی است که شب را برای شما پدید آورده است تا در آن بیارامید و روز را روشن گردانیده است (تا در آن به تلاش در پی معاش بپردازید). بی‌گمان در این کار نشانه‌هائی است برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند.

توضیحات:

«مُبْصِراً»: روشن (نگا: اسراء / ۱۲، نمل / ۱۳). «ذلِكَ»: مشارالیه ساختن و پرداختن یا اختلاف شب و روز است. استعمال اسم اشاره بعید، برای بیان علوّ منزلت مشارالیه است. «ءَایَاتٍ»: نشانه‌های هستی. دلیل‌ها و حجّت‌های دالّ بر یگانگی خدا. «یَسْمَعُونَ»: می‌شنوند. مراد پذیرفتن و فهم کردن است.

سوره یونس آیه ۶۸

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱلۡغَنِیُّۖ لَهُۥ مَا فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِی ٱلۡأَرۡضِۚ إِنۡ عِندَكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭ بِهَٰذَآۚ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ۝٦٨﴾ قَا

ترجمه:

(مشرکان) می‌گویند: خداوند فرزندی برای خود برگزیده است (که فرشتگانند. عجب بدبختی! این انسان است که برای بقای نام و نشان نیاز به فرزند دارد. خدا که جاودانه و سرمدی است کی نیاز به فرزند دارد) او منزّه (از این عیب‌ها و نقص‌ها) است. او بی‌نیاز است. چرا که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است. شما (ای مشرکان)! هیچ‌گونه دلیل و برهانی بر این (ادّعای خود) ندارید. آیا چیزی را به خدا نسبت می‌دهید که از آن آگاهی ندارید؟!

توضیحات:

«وَلَداً»: فرزند. فرزندان. این واژه برای مفرد و جمع به کار می‌رود. مراد فرشتگان

به گفته کافران (نگا: نحل / ۵۷) و عیسی و عُزَیر به گفته مسیحیان و یهودیان است (نگا: توبه / ۳۰). «سُبۡحَانَهُ»: پاک و منزّه است. برای تعجّب به کار می‌رود. «سُلۡطَانٍ»: حجّت و برهان.

سوره یونس آیه ۶۹

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

بگو: قطعاً کسانی که به دروغ چیزی را به خدا نسبت می‌دهند، رستگار نمی‌شوند (و از عذاب آخرت رهائی نمی‌یابند).

توضیحات:

سوره یونس آیه ۷۰

متن آیه:

﴿مَتَٰعٞ فِي ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلۡعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴾

ترجمه:

(با این حرف‌ها چند روزی مردم را اغفال کردن و چند صباحی به مال و منال دنیا رسیدن) بهره‌گرفتنی از این دنیا است. سپس به‌سوی ما برمی‌گردند و آن گاه ما عذاب شدید (دوزخ) را به سبب کفری که ورزیده‌اند بدانان می‌چشانیم.

توضیحات:

«مَتَاعٌ»: برخورداری ناچیز. کالای اندک. تنوین آن بیان‌گر تقلیل و تحقیر است.

سوره یونس آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ نُوحٍ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكُم مَّقَامِي وَتَذۡكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡتُ فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ وَشُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُنۡ أَمۡرُكُمۡ عَلَيۡكُمۡ غُمَّةٗ ثُمَّ ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ٧١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برای دلداری مؤمنان و بیداری مشرکان، سرگذشت برخی از پیغمبران

و پیشینیان، از جمله) سرگذشت نوح را (از قرآن) برای آنان بخوان. وقتی (از اوقات) نوح به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر ماندنم (در میانتان) و پند دادنم (به شما) با آیات خدا (و دلائل الهی) برایتان سخت و غیرقابل تحمّل است، من (بر این کار پایدار و ماندگارم و) بر خدا تکیه دارم، پس همراه با معبودهایتان قاطعانه تصمیم خود را بگیرید (و هرچه از دستتان برمی‌آید درباره من انجام دهید و هیچ کوتاهی مکنید. این کار را از روی مشورت کامل و تصمیم قاطع انجام دهید تا) بعداً منظورتان از خودتان نهان نماند و مایه اندوهتان نشود. پس از آن نسبت به من هرچه می‌خواهید بکنید و مرا مهلت ندهید.

توضیحات:

«کَبُرَ»: سخت و ناگوار است. «إن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ»: جزای شرط (فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ) است و جمله (فَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ) معترضه است. یا این که جزای شرط محذوف است و تقدیر چنین است: «فَافْعَلُوا ما تُرِيدُونَ». «مَقَام»: مصدر میمی و به معنی اقامت و ماندن است. «تَذْكِير»: پند دادن. یادآوری کردن. مراد تبلیغ است. «تَذْكِيرِي بِئَايَاتِ الله»: تبلیغ آیات خدا توسّط من. این که شما را با آیات خدا و دلائل و براهین آسمانی پند و اندرز می‌دهم. «أَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ»: مشورت کنید و تصمیم خود را بگیرید (نگا: یوسف / ۱۵). «وَشُرَكَآءَكُمْ»: همراه با معبودهایتان. واو به معنی (مَعَ) و (شُرَكَآءَ) مفعول‌معه است. «غُمَّةً»: مبهم و مخفی. غم و اندوه. «لا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً»: کارتان به غم و اندوه نکشد. کارتان مخفی و نامشخّص نگردد. «أُقْضُوا إِلَيَّ»: نسبت به من هرچه می‌خواهید بکنید. کار مرا بسازید و نابودم کنید. «لا تُنظِرُونِ»: مرا مهلت و فرصت ندهید.

سوره یونس آیه ۷۲

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ۝٧٢﴾

ترجمه:

اگر (از دعوت من) روی گردانیدید (به من زیانی نمی‌رسانید) چرا که من کمترین مزد و پاداشی از شما نمی‌خواهم. مزد و پاداش من جز بر خدا نیست، و به من دستور

داده شده است که (همه کار و بار خود را بدو حوالت دارم و) از زمره تسلیم‌کنندگان (امور زندگی به خدا و فرمانبرداران اوامر الله) باشم.

توضیحات:

«الْـمُسْلِمِینَ»: مطیعان و فرمانبرداران. تسلیم‌کنندگان خود به خدا.

سوره یونس آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ خَلَٰٓئِفَ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

آنان او را تکذیب کردند (و دروغگویش نامیدند) و ما او و کسانی را که با او در کشتی نشستند نجات دادیم، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آن مؤمنان را جایگزین (ایشان در زمین) گرداندیم. بنگر که سرانجام بیم‌شدگان (نافرمان و بی‌ایمان) چگونه گردید؟

توضیحات:

«الْفُلْكِ»: کشتی. «خَلاَئِفَ»: جمع خلیفه. جانشینان. جایگزینان. «ءَایَاتِنَا»: آیات ما. نشانه‌ها و معجزات ما، از جمله طوفان نوح. «الْـمُنْذَرِینَ»: بیم داده‌شدگان. ترسانده‌شدگان.

سوره یونس آیه ۷۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ نَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

سپس بعد از نوح، پیغمبران فراوان و بزرگواری را فرستادیم. آنان همراه با دلائل روشن (و معجزات دالّ بر صدق خود) به پیش قوم خویش رفتند. امّا ایشان هم حاضر نشدند به چیزی ایمان بیاورند که قبلاً دیگران آن را تکذیب کرده بودند. به همین شیوه دل‌های متجاوزان را مهر می‌زنیم (تا دیگر حق و حقیقت بدان‌ها نفوذ نکند و راهیاب نشوند. یعنی کفر و نفاق و استمرار گناه تدریجاً بر دل‌های متجاوزان اثر

می‌گذارد تا بدانجا که انگار دل‌ها مهر باطل می‌خورند و پرده‌ای بر آنها فرو می‌افتد، و دیگر نور حق بر آنها نمی‌تابد).

توضیحات:

«رُسُلاً»: پیغمبران فراوان و بزرگواری. تنوین آن برای تکثیر و تفخیم است. «كَذالِكَ»: بدین شیوه. از این راه. یعنی: تجاوزهای پیاپی به حریم احکام الهی و حق و حقیقت، کم‌کم قوّه تشخیص را از متجاوزان می‌گیرد و کارشان به جائی می‌رسد که سرکشی و بزهکاری برای ایشان طبیعت ثانوی می‌شود، به گونه‌ای که دیگر در مقابل هیچ حقیقتی تسلیم نمی‌شوند. این است که سرانجام مهر باطل می‌خورند.

سوره یونس آیه ۷۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِـَٔايَٰتِنَا فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

سپس بعد از آنان، موسی و هارون را برانگیختیم و همراه با آیات و معجزات خود به پیش فرعون و درباریانش فرستادیم. ولی تکبّر کردند (و خود را بالاتر از آن دیدند که از موسی و هارون پیروی کنند و آئین خدا را بپذیرند) و قوم گناهکاری شدند.

توضیحات:

«مَلَأٌ»: درباریان. اشراف. «إِسْتَكْبَرُوا»: تکبّر ورزیدند. خویشتن را بالاتر و بزرگ‌تر از آن دیدند که به راه خدا روند و حقیقت را بشنوند.

سوره یونس آیه ۷۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰذَا لَسِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧٦﴾

ترجمه:

هنگامی که حق از سوی ما (بر دست موسی) برای آنان روشن و جلوه‌گر شد، گفتند: واقعاً این جادوی آشکاری است.

توضیحات:

«الْحَقُّ»: مراد معجزات حضرت موسی است، از قبیل: عصا و ید بیضاء.

سوره یونس آیه ۷۷

متن آیه:

﴿قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

موسی گفت: آیا به حق که به‌سوی شما آمده است، سحر می‌گوئید؟ آیا این (معجزات) جادو است؟ (اگر جادو است، من شما را به مبارزه می‌طلبم و از شما می‌خواهم که جادوگران را گرد آورید تا ثابت کنید که این جادو است). به هر حال جادوگران پیروز نمی‌شوند.

توضیحات:

«أَتَقُولُونَ»: مقول قول محذوف است و تقدیر چنین است: «أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ سِحْرٌ، أَسِحْرٌ هذا». «وَلا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ»: حرف واو حالیه است.

سوره یونس آیه ۷۸

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَلۡفِتَنَا عَمَّا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا نَحۡنُ لَكُمَا بِمُؤۡمِنِينَ ٧٨﴾

ترجمه:

گفتند: (ای موسی)! آیا به پیش ما آمده‌ای تا ما را از (عقائد و تقالید و) چیزهائی منصرف گردانی که پدران و نیاکان خود را بر آن دیده و یافته‌ایم، و می‌خواهید بزرگی (و ریاست) در زمین برای شما دو نفر باشد؟ ما به هیچ وجه به شما ایمان نمی‌آوریم.

توضیحات:

«لِتَلْفِتَنَا»: تا ما را منصرف کنی. «الْكِبْرِيَآءُ»: عظمت. سَیطره. شاهی و سَروری.

سوره یونس آیه ۷۹

متن آیه:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ٧٩﴾

ترجمه:

فرعون گفت: همه جادوگران ماهر و زبردست را به پیش من بیاورید (تا کار این دو

جادوگر را بسازیم).

توضیحات:

«عَلِیمٍ»: آگاه و زبردست.

سوره یونس آیه ۸۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی بدی‌شان گفت: (هرچه از فنون سحر می‌دانید به کار بندید و) آنچه می‌توانید بیندازید و بیفکنید (تا ببینیم).

توضیحات:

«السَّحَرَة»: جادوگران. «مُلْقُونَ»: افکنندگان. اندازندگان.

سوره یونس آیه ۸۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨١﴾

ترجمه:

هنگامی که (ریسمان‌ها و عصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و (جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را (بقاء و دوام نمی‌بخشد و) شایسته و سودمند نمی‌گرداند.

توضیحات:

«أَلْقَوْا»: انداختند. مراد انداختن ریسمان‌ها و عصاهای جادوگری است (نگا: شعراء / ۴۴). «لا يُصْلِحُ»: شایسته ماندن نمی‌سازد.

سوره یونس آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

خداوند با سخنان خود (که بر انبیاء نازل می‌کند) حق را پایدار و ماندگار

می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند.

توضیحات:

«یُحِقُّ»: نمایان و ثابت می‌گرداند (نگا: انفال / ۷ و ۸). «بِکَلِمَاتِهِ»: به وسیله کلمات خود. مراد فرموده‌های نازل بر انبیاء، دستور پیدایش اشیاء توسّط فرمان (کُنْ)، نیروهای عامل و کارآ و متصرّف در هستی که به منزله کارگزاران خدایند (نگا: نساء / ۱۷۱، نحل / ۴۰ تفسیر عبدالکریم الخطیب).

سوره یونس آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوۡمِهِۦ عَلَىٰ خَوۡفٖ مِّن فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِمۡ أَن يَفۡتِنَهُمۡۚ وَإِنَّ فِرۡعَوۡنَ لَعَالٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

هیچ کس به موسی ایمان نیاورد مگر گروهی از مردمان قومش، (که ایمان آوردند) و از فرعون و درباریان و اشراف بنی‌اسرائیل می‌ترسیدند که (شکنجه و آزارشان رسانند و) آنان را از دین برگردانند. بی‌گمان فرعون در زمین عَلَم طغیان برافراشته بود و گردنکشی کرده بود و از زمره متجاوزان (در ظلم و فساد و جنایت و خونریزی) بود.

توضیحات:

«عَلَيا خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ»: با وجود ترس از فرعون. واژه (عَلي) به معنی (مَعَ) است (نگا: انسان / ۸). «أَن يَفْتِنَهُمْ»: آنان را از دین برگردانند. ایشان را اذیت و آزار رسانند (نگا: بقره / ۱۹۱). «لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ»: برتری‌جوئی و گردنکشی در زمین می‌کرد. «الْـمُسْرِفِينَ»: اسرافکاران. در اینجا مراد کسانی است که شرّ و فساد زیادی می‌کردند.

سوره یونس آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوۡمِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيۡهِ تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسۡلِمِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

موسی (برای دلداری و تشجیع مؤمنان) گفت: ای قوم من! اگر واقعاً به خدا ایمان دارید بر او توکل کنید (و باید بر او توکل کنید) اگر خود را بدو تسلیم کرده‌اید.

توضیحات:

«إِن كُنتُمْ...»: برخی دو چیز را به دو شرط تعلیق کرده‌اند و معنی آیه همان است که گذشت. برخی هم تعلیق یک چیز را به دو شرط جائز دانسته‌اند و معنی چنین می‌شود: اگر خود را تسلیم خدا کرده‌اید و اگر واقعاً به خدا ایمان دارید، بر او توکل کنید. «مُسْلِمِينَ»: فرمانبرداران. تسلیم‌کنندگان خود به خدا.

سوره یونس آیه ۸۵

متن آیه:

﴿فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٥﴾﴾

ترجمه:

پس مؤمنان گفتند: بر خدا توکل می‌کنیم و بس. پروردگارا! ما را (وسیله) آزمون مردمان ستمکار و (اماج) بلا و آزار کافران (بدکردار) مساز.

توضیحات:

«فِتْنَةً»: امتحان و آزمایش. فتنه و بلا. مراد این است که پروردگارا کافران را با اذیت و آزار رساندن‌شان به ما آزمایش مکن که تاب و توان شکنجه ستمکاران را نداریم. یا این که: پروردگارا ما را نشانه تیر بلای ستمکاران و مقهور و مغلوب ایشان مگردان.

سوره یونس آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾﴾

ترجمه:

و ما را با فضل و رحمت خود از دست مردمان کافر نجات بده.

توضیحات:

سوره یونس آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَٱجْعَلُواْ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾﴾

ترجمه:

و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که برای قوم خود خانه‌هائی در

سرزمین مصر برگزینید و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر بسازید و (در آنجاها، به دور از چشم فرعون و فرعونیان) نماز را برپای دارید، و به ایمانداران مژده بده (که سرانجام پیروز می‌شوند و در دنیا نصرت و در آخرت جنّت از آن ایشان می‌گردد).

توضیحات:

«تَبَوَّءَا»: انتخاب کنید. مأوی بسازید. «قِبْلَةً»: مقابل یکدیگر و نزدیک به هم. قبله نماز که مراد مصلّی و محلّ برگزاری نماز است.

سوره یونس آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةً وَأَمْوَٰلًا فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِكَ ۖ رَبَّنَا ٱطْمِسْ عَلَىٰٓ أَمْوَٰلِهِمْ وَٱشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا۟ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾﴾

ترجمه:

(هنگامی که کینه‌توزی کافران و اذیت و آزار ایشان با موسی به غایت رسید) موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و فرعونیان در دنیا زینت (و بهجت جهان، یعنی فرزندان و قدرت فراوان و نعمت) و دارائی (سرشار) داده‌ای، و عاقبتِ آن این شده است که (بندگانت را) از راه تو به در می‌برند و گمراهشان می‌کنند. پروردگارا! اموال‌شان را نابود گردان و بر دل‌هایشان (بند قسوت را) محکم کن، تا ایمان نیاورند مگر آن گاه که به عذاب دردناک (دوزخ) گرفتار آیند (که آن وقت توبه و پشیمانی دیگر سودی ندارد).

توضیحات:

«زِينَةً»: بهجت. دارائی و فرزندان (نگا: کهف / ۴۶، قصص / ۷۹ - ۸۲). «لِيُضِلُّوا»: تا عاقبت کارشان بدانجا بکشد که دیگران را گمراه کنند. حرف (لِ)، لام عاقبت است. «إِطْمِسْ»: از میان ببر. بیسود و بی‌اثر کن. «أُشْدُدْ عَلَيا قُلُوبِهِمْ»: دریچه سراچه دل‌هایشان را محکم ببند. بند کیسه دل‌هایشان را سفت و سخت ببند تا نور و مدد الهی به داخل آنها نرود و قدرت تفکر و اندیشه از آنان سلب شود.

سوره یونس آیه ۸۹

متن آیه:

﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَٱسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾﴾

ترجمه:

خدا فرمود: دعای شما (موسی و هارون) پذیرفته شد، پس بر راستای راه پابرجا باشید و استقامت به خرج دهید (و از انبوه مشکلات نهراسید) و از راه و برنامه کسانی پیروی نکنید که ناآگاهند.

توضیحات:

«أُجِيبَتْ»: پذیرفته شد. اجابت گردید. «إِسْتَقِيمَا»: در کار خود قاطع و ثابت قدم باشید. پایداری کنید و بر تبلیغ رسالت استوار بمانید.

سوره یونس آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴾

ترجمه:

بنی‌اسرائیل را از دریا عبور دادیم. فرعون و لشکریانش، برای ظلم و تعدّی، آنان را دنبال کردند و در پی ایشان راه افتادند، تا بدانجا که (گذرگاه دریا به هم آمد و آب از هر سو ایشان را در برگرفت و) غرقاب فرعون را در خود پیچید. (در این هنگام بود که) گفت: ایمان دارم که خدائی وجود ندارد مگر آن خدائی که بنی‌اسرائیل بدو ایمان آورده‌اند و من از زمره فرمانبرداران (و مطیعان فرمان یزدان) هستم.

توضیحات:

«جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ»: بنی‌اسرائیل را از دریا گذراندیم. (بَنِي إِسْرائِيلَ) مفعول اوّل، و (الْبَحْرَ) مفعول دوم است. «بَغْياً وَ عَدْواً»: برای ظلم و تعدّی. ستمگرانه و متجاوزانه. این دو واژه، مفعولٌ‌له هستند و یا حال بوده و به معنی: (باغِينَ وَ عادِينَ) می‌باشند. «الْغَرَقُ»: غرقاب. غرقابه. غرق شدن. «أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ»: نزدیک غرق شدن بود.

سوره یونس آیه ۹۱

متن آیه:

﴿ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ۝٩١﴾

ترجمه:

آیا اکنون (که مرگت فرا رسیده است و توبه پذیرفتنی نیست، از کرده خود پشیمانی و روی به خدای می‌داری؟) و حال آن که قبلاً سرکشی می‌کردی و از زمره تباهکاران بودی.

توضیحات:

«ءَالآنَ»: مرکب از همزه استفهام و واژه (الْآنَ) است.

سوره یونس آیه ۹۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡيَوۡمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنۡ خَلۡفَكَ ءَايَةٗۚ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنۡ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ ۝٩٢﴾

ترجمه:

ما امروز لاشه تو را (از امواج دریا و یورش ماهیها) می‌رهانیم (و آن را به ساحل می رسانیم و به پیش کسانی گسیل می‌داریم که تو را خدا می‌دانستند) تا برای کسانی که اینجا نیستند و برای آیندگان درس عبرتی باشی. بی‌گمان بسیاری از مردمان از آیات (خواندنی قرآن و دیدنی جهان) ما غافل و بی‌خبرند (و بدان‌ها چنان که شاید و باید نمی‌نگرند).

توضیحات:

«نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ»: لاشه تو را می‌رهانیم. (بِبَدَنِكَ) در موضع حال از ضمیر (ک) است. یا این که حرف (بِ) زائد و (بَدَن) بدل از (ک) است. «مَنْ خَلْفَك»: کسانی که از تو به جای مانده‌اند. کسانی که بعد از تو می‌آیند. «ءَاية»: اندرز و عبرت.

سوره یونس آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ بَوَّأۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدۡقٖ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ فَمَا ٱخۡتَلَفُواْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ۝٩٣﴾

ترجمه:

(از آن به بعد) بنی‌اسرائیل را در جایگاه خوب و اقامتگاه دلپذیری (که فلسطین است) منزل و مأوی دادیم و روزیهای پاکیزه‌ای بدی‌شان عطاء کردیم. آنان (قدر این

نعمت را ندانستند و) پس از آگاهی (از معجزات موسی و دلائل صدق دعوت او و تشخیص حق از باطل) با یکدیگر (درباره دین) به ستیزه و کشمکش پرداختند (و دین را که مایه اتّحاد و یگانگی بود وسیله تفرقه و پراکندگی کردند). بی‌گمان پروردگار تو در روز قیامت درباره چیزی که در آن اختلاف داشتند در میان‌شان داوری می‌نماید (و همه را برابر کاری که کرده‌اند سزا و جزا می‌دهد).

توضیحات:

«بَوَّأْنَا»: منزل و مأوی دادیم. استقرار دادیم. «مُبَوَّأَ»: منزل و مأوی. اقامتگاه. «مُبَوَّأَ صِدْقٍ »: مکان شایسته و مورد رضایت (نگا: یونس / ۲ و ۸۷، و اسراء / ۸۰). «فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّیا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ»: اختلاف نورزیدند مگر زمانی که آگاهی پیدا کردند. مراد از (عِلْم)، کتاب (تورات) است که بنی‌اسرائیل پس از آگاهی از احکام الهی، با یکدیگر به نزاع برخاستند و هر گروهی برابر تفسیر و تعبیر و برداشت خود از تورات، به حق یا به ناحق راهی در پیش گرفت. یا این که مراد این است که پیش از بعثت حضرت محمّد، بنی‌اسرائیل بر نبوّت او متّفق‌القول بودند، ولی پس از ظهور پیغمبر، برخی از آنان ایمان آوردند و برخی دیگر ایمان نیاوردند و در این‌باره اختلاف پیدا کردند و بر سر مسأله نبوّت پیغمبر خاتم به نزاع برخاستند (نگا: آل‌عمران / ۱۹، بینه / ۴).

سوره یونس آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ فَسۡـَٔلِ ٱلَّذِينَ يَقۡرَءُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكَۚ لَقَدۡ جَآءَكَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ٩٤﴾

ترجمه:

اگر درباره چیزی که (از قصص موسی و فرعون و بنی‌اسرائیل) بر تو نازل شده است، در شک و تردید هستی، از کسانی سؤال کن که قبل از تو (اهل کتاب بوده‌اند و) کتاب‌های آسمانی را می‌خوانده‌اند. بی‌گمان (بیان) حق (و خبر صادق قرآنی) از سوی پروردگارت برای تو آمده است و از زمره متردّدان مباش.

توضیحات:

«فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ...»: مخاطب رسول اکرم است و مراد غیر او است (نگا: یونس /

۱۰۴) همان‌گونه که عرب‌ها می‌گویند: «إِيّاكَ أَعْني وَ اسْمَعي يا جارَةُ». «أَلَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ»: مراد اهل کتاب است. «الْكِتَابَ»: مراد جنس کتاب است و شامل تورات و انجیل هم می‌گردد. «الْحَقُّ»: آیات راستین قرآن. «الْمُمْتَرِينَ»: متردّدان. گمان‌برندگان.

سوره یونس آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٩٥﴾

ترجمه:

حتماً از زمره کسانی مباش که آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی) ما را تکذیب می‌کنند که (اگر چنین کنی) از زیانکاران خواهی بود.

توضیحات:

«لا تَكُونَنَّ»: حتماً مباش. مراد پیروان پیغمبر است.

سوره یونس آیه ۹۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که (خودخواه و سیاه‌دل هستند و به اوج طغیان رسیده‌اند و از جهالت به گرداب ضلالت افتاده‌اند و سعی در رستگاری خود از کفر و نفاق ندارند) حکم پروردگارت نسبت بدی‌شان این است که (همچون فرعون) ایمان نمی‌آورند (مگر وقتی که عذاب را با چشم خود ببینند).

توضیحات:

«حَقَّتْ»: واجب و ثابت شده است. « کلمه »: فرمان. حکم. قضاوت.

سوره یونس آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٩٧﴾

ترجمه:

هرچند که همه دلائل روشن (و تمام آیات و معجزات الهی) به سراغ آنان بیاید،

(ایمان نمی‌آورند) تا زمانی که عذاب دردناک را مشاهده کنند (که در این هنگام ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد).

توضیحات:

«ءَايَة»: دلیل و برهان. معجزه.

سوره یونس آیه ۹۸

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَا كَانَتۡ قَرۡيَةٌ ءَامَنَتۡ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوۡمَ يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُواْ كَشَفۡنَا عَنۡهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ٩٨﴾

ترجمه:

هیچ قوم و ملّتی (که در شهرها در گذشته زندگی می‌کرده‌اند به طور دسته جمعی در برابر پیغمبران الهی به موقع) ایمان نیاورده‌اند تا ایمان‌شان بر ایشان سودمند باشد، مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب خوارکننده را در دنیا از آنان به دور داشتیم و ایشان را تا مدّت زمانی (که خواسته‌ایم بمانند، از زندگی) برخوردار کردیم.

توضیحات:

«فَلَوْلا»: چرا نمی‌بایست که. «قَرْيَةٌ»: شهر. مراد مردمان شهر است و انبیاء همه در شهرها مبعوث شده‌اند. «الْخِزْيِ»: خواری و رسوائی. در اینجا معنی خوارکننده و رسواکننده دارد. یادآوری این نکته لازم است که اخطارها و هشدارهائی که معمولاً قبل از عذاب نهائی می‌آید، برای قوم یونس به قدر کافی بیدارکننده بود و آنان این اخطارها را جدّی گرفتند و از زشتی‌ها و پلشتی‌ها توبه کردند و توبه آنان پذیرای آستان خدا گردید.

سوره یونس آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَأٓمَنَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ كُلُّهُمۡ جَمِيعًاۚ أَفَأَنتَ تُكۡرِهُ ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٩٩﴾

ترجمه:

اگر پروردگارت می‌خواست، تمام مردمان کره زمین جملگی (به صورت اضطرار و اجبار) ایمان می‌آوردند (امّا ایمان اضطراری و اجباری به درد نمی‌خورد). آیا تو (ای

پیغمبر!) می‌خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟ (این کار نه صحیح و سودمند است و نه از دست تو ساخته است).

توضیحات:

«تُكْرِهُ»: مجبور می‌سازی. وادار می‌کنی.

سوره یونس آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِۚ وَيَجْعَلُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾﴾

ترجمه:

هیچ کسی نمی‌تواند ایمان بیاورد، مگر این که (بدان گرایش پیدا نماید و برای آن تلاش کند و) خدا اجازه دهد (و اسباب و وسائل ایمان را برای او میسّر سازد. امّا کسی که به ایمان رو نکند و حاضر به استفاده از سرمایه فکر و خرد خویش نباشد، او مستحقّ خشم و عذاب خدا است،) و خدا عذاب را نصیب کسانی می‌سازد که تعقّل و تفکر نمی‌ورزند.

توضیحات:

«الرِّجْسَ»: پلیدی و کثافت. در اینجا مراد عذاب است.

سوره یونس آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿قُلِ ٱنظُرُواْ مَاذَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۚ وَمَا تُغْنِي ٱلْأٓيَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ﴿١٠١﴾﴾

ترجمه:

بگو: بنگرید (و چشم برون و درون را باز کنید و ببینید) در آسمان‌ها و زمین چه چیزهائی است؟! آیات (خواندنی کتاب‌های آسمانی، از جمله قرآن، و دیدنی جهان هستی) و بیم‌دهندگان (پیغمبر نام، و اندرزها و انذارها هیچ کدام) به حال کسانی سودمند نمی‌افتد که نمی‌خواهند ایمان بیاورند.

توضیحات:

«أنظُرُوا»: بنگرید. دقّت کنید. «ماتُغْني»: مفید واقع نمی‌شود. سودمند نمی‌افتد (نگا: آل‌عمران / ۱۰ و ۱۱۶، انفال / ۱۹). «الآيَاتُ»: دلائل و براهین. عجائب و غرائب جهان.

نشانه‌های دالّ بر وجود خدا در گستره هستی. «النُّذُرُ»: جمع نَذیر به معنی مُنْذِر، مانند بَدیع به معنی مُبْدِع، یعنی: پیغمبران (نگا: اعراف / ۱۸۴ و ۱۸۸، احقاف / ۲۱) یا به معنی إنذار باشد: یعنی: ترساندن‌ها و بیم دادن‌ها (نگا: قمر / ۱۶ و ۱۸) یا به معنی مُنْذَرٌبِهِ بوده باشد. یا خود مصدر است و به معنی إنذار، یعنی اخطار و تَهدید است.

سوره یونس آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿فَهَلۡ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثۡلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ قُلۡ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ١٠٢﴾

ترجمه:

آیا آنان چشم آن دارند که روزگاری (پر از بلاها و عذاب‌هائی) جز روزگار کسانی داشته باشند که پیش از ایشان بوده‌اند؟ (نه؛ انتظار جز این را نداشته باشند، که خدا در دنیا و آخرت به مصیبت‌ها و بدبختی‌ها گرفتارشان سازد). بگو منتظر (فرمان خدا) باشید و من هم با شما چشم به راه می‌مانم. (ولی می‌دانم پیروزی دنیا و سعادت عقبی از آن ما مؤمنان، و شکست دنیا و بدبختی عقبی از آن شما کافران می‌گردد).

توضیحات:

«فَهَلْ يَنتَظِرُونَ...»: انگار چشم به راه مصائب و بلایائی، همچون مصائب و بلایای گذشتگان می‌باشند. «أَيَّام»: روزگاران. مراد حوادث بزرگ و ناگواری است که در طی روزگاران رخ می‌دهد (نگا: اعراف / ۱۳۰، ابراهیم / ۵، جاثیه / ۱۴) همان‌گونه که می‌گوئیم (مَغْرِب) و منظورمان نماز مغرب است که در آن برگزار می‌شود.

سوره یونس آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيۡنَا نُنجِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾

ترجمه:

پس از آن (که بلا و عذاب گریبانگیر کافران گردید) پیغمبرانِ خود و مؤمنان را می‌رهانیم (این هم اختصاص به اقوام گذشته و پیغمبران و مؤمنان پیشین ندارد، بلکه) همین طور ایمان آورندگان (به تو) را (نیز) نجات خواهیم داد و این حقی است بر ما (حقی مسلّم و تخلّف ناپذیر).

توضیحات:

«ثُمَّ»: حرف عطف است و جمله (نُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا) را بر جمله محذوفی از قبیل (لَنُهْلِكُ الْأُمَمَ) عطف می‌کند. «كَذلِكَ»: همان‌گونه که. مثل. «حَقّاً عَلَيْنَا»: این کار حتماً شدنی است. بر ما واجب است. مراد از وجوب در اینجا یعنی مانند کار واجبی بر خدا است والّا چیزی بر او واجب نیست. (حَقّاً عَلَيْنَا) جمله معترضه است میان (كَذلِكَ) و (نُنجِ الْـمـؤْمِنِينَ). «نُنجِ»: نجات می‌دهیم. فعل مضارع مرفوع است و در اصل (نُنجِي) است که در رسم‌الخطّ قرآنی حرف (ی) ندارد (نگا: انبیاء / ۸۸).

سوره یونس آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿قُلۡ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي شَكّٖ مِّن دِينِي فَلَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِنۡ أَعۡبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُمۡۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٤﴾

ترجمه:

بگو: ای مردمان! اگر درباره آئین من در شک و تردید هستید (بدانید که) من کسانی را که بجز خدا می‌پرستید نمی‌پرستم، ولیکن خداوندی را می‌پرستم که شما را می‌میراند (و بعد از مرگ شما را زنده می‌گرداند و به سزای خود می‌رساند) و به من دستور داده شده است که از زمره مؤمنان باشم (آنان که خداوند ایشان را از عذاب دوزخ می‌رهاند و به بهشت نائل می‌گرداند).

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: بجز خدا. به جای خدا. «يَتَوَفَّاكُمْ»: شما را می‌میراند.

سوره یونس آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَأَنۡ أَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٥﴾

ترجمه:

و (به من دستور داده شده است) این که به آئینی رو کن که خالی از هرگونه شرک و انحرافی است (و کاملاً موافق با فطرت است) و از زمره مشرکان مباش.

توضیحات:

«وَجْهَكَ»: روی خود را. توجّه خود را. «حَنِيفاً»: شخص مخلصی که کار و بار خود را به خدا واگذارد و از راستای دین به هیچ وجه منحرف نشود. راست و درست. خالص و بی غلّ و غشّ. این واژه می‌تواند حال فاعل فعل (أَقِمْ)، یا (وَجْهَ) به معنی توجّه، و یااین که (دین) باشد. یعنی توجّه مخلصانه، توجّه صادقانه، آئین مستقیم و بی‌شائبه.

سوره یونس آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٦﴾

ترجمه:

و به جای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می‌رساند و نه زیانی. اگر چنین کنی (و دعا و عبادت خود را به جای آفریدگار متوجّه آفریدگان سازی) از ستمکاران و مشرکان خواهی شد.

توضیحات:

«لا تَدْعُ»: عبادت مکن. به فریاد مخوان. «الظَّالِمِينَ»: ستمگران. مراد کافران و مشرکان است (نگا: انعام / ۸۲، لقمان / ۱۳، بقره / ۲۵۴).

سوره یونس آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٧﴾

ترجمه:

اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هرکس از بندگانش که بخواهد می‌کند (و کسی نمی‌تواند مانع آن گردد) و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

توضیحات:

«كَاشِفَ»: برطرف کننده. «رَآدَّ»: برگرداننده. مانع.

سوره یونس آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ١٠٨﴾

ترجمه:

بگو: ای مردمان (سراسر جهان، اعم از همعصران و آیندگان)، از سوی پروردگارتان، حق (که کتاب راستین قرآن است، توسّط پیغمبر صادق آخرالزمان) به‌سویتان آمده است. هرکس که (با ایمان آوردن به شریعت خدا) راهیاب گردد، بی‌گمان به سود خود راهیاب می‌شود (و نفع ایمان عائد خودش می‌گردد) و هرکس که (با گردن نهادن به کفر و پیروی از وسوسه‌های شیطان) گمراه و سرگشته شود، به زیان خود گمراه و سرگشته می‌شود (و زیان کفر و بی‌دینی گریبان‌گیر خودش می‌گردد. کار من تنها تبلیغ فرموده‌های خدا است) و من مأمور (مراقبت از اعمال، و مسؤول نظارت) بر (افعال) شما نیستم (و قدرت آن را ندارم که شما را از کفر باز دارم و به پذیرش ایمان وادارم).

توضیحات:

«الْحَقُّ»: قرآن. دین اسلام (نگا: بقره / ۱۱۹، یونس / ۹۴). «وَكِيلٍ»: حافظ. مراقب. مسؤول (نگا: انعام / ۶۶، ۱۰۲، ۱۰۷).

سوره یونس آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَٱصۡبِرۡ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ١٠٩﴾

ترجمه:

از آنچه بر تو وحی می‌شود، پیروی کن و شکیبا باش (و در برابر اذیت و آزاری که در راه تبلیغ رسالت آسمانی به تو می‌رسد، استقامت کن) تا خداوند (میان تو و دیگران) داوری می‌کند (و فرمان خود را صادر می‌نماید) و او بهترین داوران است.

توضیحات:

«إِتَّبِعْ»: پیروی کن. «الْحَاكِمِينَ»: داوران. قضات (نگا: اعراف / ۸۷).

سوره هود

سوره هود آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۝١﴾

ترجمه:

الف. لام. را. (این قرآن) کتاب بزرگواری است که آیه‌های آن (توسّط خدا) منظّم و محکم گردیده است (و لذا تناقض و خلل و نسخی بدان راه ندارد) و نیز آیات آن از سوی خداوند (جهان) شرح و بیان شده است که هم حکیم است و هم آگاه (و کارهایش از روی کاردانی و فرزانگی انجام می‌پذیرد).

توضیحات:

«الر»: الف. لام. را (نگا: بقره / ۱). «أُحْکِمَتْ»: محکم و استوار و متقن و منظّم گردیده است. «ثُمَّ»: علاوه از آن. سپس. با توجّه به معنی اوّل بیان‌گر ترتیب اخباری، و با توجّه به معنی دوم، بیان‌گر ترتیب زمانی است. «فُصِّلَت»: شرح و بیان شده است. تدریجاً سوره سوره و آیه آیه برحسب وقائع و مصالح نازل شده است (نگا: إسراء / ۱۰۶، فرقان / ۳۲). همچون گردنبند، درّ و گوهرهای دلائل توحید، احکام، مواعظ، قصص، صفات حق تعالی، و وعد و وعیدها در آن به رشته کشیده شده است و با الفاظ زیبا و معانی والا آراسته و پیراسته گشته است. «مِن لَّدُنْ»: از جانب. از سوی.

سوره هود آیه ۲

متن آیه:

﴿أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۚ إِنَّنِي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ ۝٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بدی‌شان بگو:) این که جز خدا را نپرستید. بی‌گمان من از سوی خدا بیم دهنده (کافران به عذاب دوزخ) و مژده‌دهنده (مؤمنان به نعمت بهشت) هستم.

توضیحات:

«أَلاّ»: این که نه. تا این که نه. «أَلاّ تَعْبُدُوا»: مفعول به فعل مقدّر (قُلْ) در اوّل آن است. معنی بالا با توجّه بدین نکته است. امّا این جمله می‌تواند علّت دو فعل (اُحْکِمَتْ... فصّلت) در آیه قبلی باشد که معنی چنین می‌شود: تحکیم و تفصیل آیات، به زبان حال. یعنی به زبان برهان و استدلال، شما را فریاد می‌دارند که جز خدا را نپرستید.

سوره هود آیه ۳

متن آیه:

﴿وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَيُؤۡتِ كُلَّ ذِي فَضۡلٖ فَضۡلَهُۥۖ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ كَبِيرٍ ٣﴾

ترجمه:

و این که از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به‌سوی او برگردید که خداوند (به سبب استغفار صادقانه و توبه مخلصانه) شما را تا دم مرگ به طرز نیکوئی (از مواهب زندگی این جهان) بهره‌مند می‌سازد، و (در آخرت برابر عدل و داد خود) به هر صاحب فضیلت و احسانی (پاداش) فضیلت و احسانش را می‌دهد. اگر هم پشت بکنید (و از ایمان به یزدان و طاعت و عبادت خداوند رحمن روی بگردانید، بر رسولان پیام باشد و بس) من بر شما از عذاب روز بزرگی (که روز قیامت است) بیمناکم.

توضیحات:

«مَتاعاً»: بهره‌مند ساختن. مفعول مطلق از غیر لفظ فعل است، از قبیل (أَنبَتَكُم مِّنَ الأَرْضِ نَبَاتاً) یا به معنی کالا و مفعولٌ‌به است (نگا: نوح / ۱۰، ۱۱، ۱۲). « أَجَلٍ مُّسَمّيً»: پایان عمر با فرا رسیدن مرگ. پایان عمر جهان. «ذِي فَضْلٍ»: محسن. نیکوکار. «فَضْلَهُ»: پاداش احسان و نیکوکاریش. مرجع ضمیر (هُ) می‌تواند خدا باشد، یعنی خداوند از فضل خود بدو می‌دهد. «تَوَلَّوْا»: پشت بکنید و روی بگردانید. اصل آن (تَتَوَلَّوْا) است.

سوره هود آیه ۴

متن آیه:

﴿إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٤﴾

ترجمه:

برگشت شما به‌سوی خدا است، و خدا بر هر چیزی توانا است. (او است که به شما زندگی می‌بخشد و شما را می‌میراند و دوباره جان به پیکرتان میدواند و برای حساب و کتاب در قیامت جمعتان می‌گرداند و به دوزخ یا بهشتتان می‌رساند).

توضیحات:

«مَرْجِع»: مصدر میمی و به معنی رجوع است.

سوره هود آیه ۵

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ يَثۡنُونَ صُدُورَهُمۡ لِيَسۡتَخۡفُواْ مِنۡهُۚ أَلَا حِينَ يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ۝٥﴾

ترجمه:

هان! (برخی از) آنان، کینه و دشمنی (پیغمبر و مؤمنان) را به دل می‌گیرند و سعی می‌کنند تا آن را از خدا پنهان دارند! هان! آنان هنگامی که با جامه‌ها خویشتن را می‌پوشانند (و رازها به همدیگر می‌گویند و نیرنگ‌ها می‌جویند تا با آشکار شدن کارشان رسوا نشوند) خداوند از آنچه نهان می‌دارند و از آنچه آشکار می‌سازند (به طور یکسان) باخبر و آگاه است. چرا که او آگاه از رازهای سینه‌ها است.

توضیحات:

«يَثْنُونَ»: خم می‌کنند و پیچ می‌دهند. در هم می‌پیچند و پنهان می‌دارند. از ماده (ثني). «يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ»: سینه‌هایشان را می‌پیچانند و خمیده و دولایش می‌گردانند. مراد پنهان داشتن کارها و مخفی کردن رازها است. «يَسْتَغْشُونَ»: حجاب و پرده می‌گردانند. «يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ»: با جامه‌هایشان خویشتن را می‌پوشانند (نگا: نوح / ۷). «ذَاتِ الصُّدُورِ»: (نگا: مائده / ۷).

سوره هود آیه ۶

متن آیه:

﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا وَيَعۡلَمُ مُسۡتَقَرَّهَا وَمُسۡتَوۡدَعَهَاۚ كُلّٞ فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ۝٦﴾

ترجمه:

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزی آن، بر عهده خدا است (و خدا روزی مناسب هر یک را در بحر و برّ می‌رساند) و محلّ زیست (دوران حیات) و محلّ دفن (پس از ممات) او را می‌داند. همه این‌ها در کتاب روشنی (به نام لوح محفوظ، موجود و مضبوط) است.

توضیحات:

«دَآبَّةٍ»: جانور. جنبنده. شامل‌انسان هم می‌گردد (نگا: بقره / ۱۶۴). «مُسْتَقَرّ»: قرارگاه. محلّ زیست. «مُسْتَوْدَع»: آرامگاه. محلّ دفن. «كِتَابٍ مُّبِينٍ»: نوشته آشکار. کتاب روشن. مراد لوح محفوظ است (نگا: انعام / ۵۹).

سوره هود آیه ۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٖ وَكَانَ عَرۡشُهُۥ عَلَى ٱلۡمَآءِ لِیَبۡلُوَكُمۡ أَیُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۗ وَلَئِن قُلۡتَ إِنَّكُم مَّبۡعُوثُونَ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡمَوۡتِ لَیَقُولَنَّ ٱلَّذِینَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِینٞ ۝٧﴾

ترجمه:

خدا آن کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید و (پیش از آن، جهان هستی جز موادّ مذاب گازی شکل گسترده در گستره گیتی نبود، و این جهان هستی و پای) تخت قدرت خدا بر (این ماده عظیم به ظاهر) آب، قرار داشت. (این آفرینش سترگ و شگفت را بدین خاطر ساخت) تا شما را بیازماید (و معلوم شود) که چه کسانی از شما کارهای نیکو می‌کنند (و چه افرادی از شما کارهای بد می‌کنند). اگر به آنان بگوئی شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید (و زندگی دوباره پیدا می‌کنید) کافران (از روی شگفت) می‌گویند (چیزی را می‌گوئی باورکردنی نیست و واقعیت ندارد؛ بلکه) این یک جادوگری آشکاری است (که خردها را به بازیچه می‌گیرد).

توضیحات:

«سِتَّةِ أَیَّامٍ»: شش دوره (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳). «عَرْش»: قوام کار. تخت سلطنت که مراد تصرّف و قدرت است. موجود ناشناخته‌ای که فراتر از درک و علم انسان‌ها است (نگا: اعراف / ۵۴، توبه / ۱۲۹، یونس / ۳). مجموعه جهان هستی، چرا

که تخت قدرت یزدان محیط بر همه جهان است. «الْـمَآءِ»: آب. شاید مراد موادّ مذاب و آبگونه‌ای باشد که در آغاز جهان، به صورت گازهای فوق العاده فشرده در پهنه کائنات پراکنده بوده است (نگا: انبیاء / ۳۰، فصّلت / ۱۱). «مَبْعُوثُونَ»: برانگیختگان. زنده شدگان. «سِحْر»: جادو. در اینجا مراد سخن عاری از حقیقت و گفتار بی‌اساس، و به تعبیر دیگر، حُقّه و کلک است.

سوره هود آیه ۸

متن آیه:

﴿وَلَئِنۡ أَخَّرۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٖ مَّعۡدُودَةٖ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحۡبِسُهُۥٓۗ أَلَا يَوۡمَ يَأۡتِيهِمۡ لَيۡسَ مَصۡرُوفًا عَنۡهُمۡ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨﴾

ترجمه:

اگر عذاب را تا مدّت زمان محدودی (که پایان عمر جهان و آغاز قیامت است) به تأخیر اندازیم، (از روی استهزاء) می‌گویند: چه چیز مانع آن (از رسیدن به ما الآن) شده است؟ (اگر وعده خدا راست است، عذاب را همین الآن بر سر ما بیاورد و ما را مهلت ندهد). هان! روزی عذاب به سراغ آنان می‌آید و دیگر از ایشان دور نمی‌گردد (و دست از سرشان برنمی‌دارد) وچیزی را که در (دنیا) مسخره می‌کردند، از هر سو دربرشان می‌گیرد.

توضیحات:

«أُمَّةٍ»: مدّتی از زمان (نگا: یوسف / ۴۵). «مَعْدُودَةٍ»: اندک. کم (نگا: یوسف / ۲۰). «يَحْبِسُهُ»: آن را باز می‌دارد و به تأخیر می‌اندازد. «يَوْمَ»: روزی. مراد قیامت است. «مَصْرُوف»: برگردانده. دفع شده. «حَاقَ بِـهِـمْ»: آنان را فرو گرفت. ایشان را احاطه کرد.

سوره هود آیه ۹

متن آیه:

﴿وَلَئِنۡ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ ثُمَّ نَزَعۡنَٰهَا مِنۡهُ إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٞ كَفُورٞ ٩﴾

ترجمه:

و اگر از سوی خود به انسان نعمتی بچشانیم (و مثلاً روزی فراوان و صحّت و امنیت برسانیم و بنا به حکمتی) سپس آن را از او بگیریم و بستانیم، بسیار ناامید (از

برگشت دوباره این نعمت به خود) و ناسپاس (در برابر سایر نعمت‌های دیگر) می‌شود.

توضیحات:

«أَذَقْنَا»: چشاندیم. «رَحْمَةً»: احسان. نعمت که از رحمت سرچشمه می‌گیرد. «نَزَعْنَا»: سلب کردیم. به در آوردیم. بازپس گرفتیم. «يَؤُوسٌ»: بسیار ناامید و مأیوس. «كَفُورٌ»: بسیار ناشکر و ناسپاس.

سوره هود آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾﴾

ترجمه:

و اگر بعد از ناخوشی و زیان و ضرری که به انسان رسیده است، خوشی و نعمت و منفعتی بدو برسانیم، می‌گوید: بدی‌ها و سختی‌ها از من به دور شده‌اند (و مشکلات و ناراحتی‌ها دیگر هرگز برنمی‌گردند. دوباره دچار سُرور و غرور بیجا می‌گردد و) بسی شادان (از متاع دنیا) و نازان (بر دیگران) می‌شود.

توضیحات:

«نَعْمَاءَ»: نعمت. «ضَرَّاءَ»: شدّت. ناخوشی. «مَسَّتْهُ»: بدو رسیده است. دامنگیرش شده است. «السَّيِّئَات»: بدی‌ها. مصائب و بلایا. «فَرِحٌ»: شادمان. «فَخُورٌ»: بسیار فخرفروش (نگا: نساء / ۳۶).

سوره هود آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾﴾

ترجمه:

مگر کسانی که (به هنگام شدائد) شکیبائی کنند، و (در وقت خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و مستمندی) کارهای شایسته و بایسته انجام دهند، بی‌گمان آنان بخشایش (یزدان شامل گناهانشان می‌گردد) و پاداش بزرگی (در برابر اعمال صالحه) دارند.

توضیحات:

«إلاَّ الَّذِینَ...»: عیب‌های مذکور را تنها کسانی ندارند که...

سوره هود آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكُۢ بَعۡضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَضَآئِقُۢ بِهِۦ صَدۡرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌۚ إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٞۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٌ ١٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برای خوشنودی مشرکان تلاش مکن. آنان نمی‌خواهند ایمان بیاورند. اگر برای ارضاء آنان بکوشی) چه بسا تو برخی از چیزهائی را که به تو وحی می‌شود (از قبیل آیاتی که درباره نکوهش معبودهای دروغین ایشان است) فروگذاری و از (تبلیغ) آن (به مشرکان) دلتنگ و ناراحت شوی؟ زیرا که نکند (آن را تکذیب کنند و مانند همیشه) بگویند: چرا گنجی رایگان بدو ارمغان نمی‌گردد، یا این که او با فرشته‌ای نمی‌آید (تا صحّت نبوّت وی را به ما اعلام نماید. ای پیغمبر!) تو تنها بیم‌دهنده (کافران و مژده‌رسان مؤمنان) هستی (و وظیفه تو تبلیغ کلام آسمانی است وبس) و خداوند مطّلع و مراقب هرچیزی است (و از احوال تو و احوال ایشان آگاه است و اعمال همگان را می‌پاید).

توضیحات:

«لَعَلَّ»: در اینجا برای استفهام انکاری است و معنی نهی دارد (نگا: کهف / ۶، شعراء / ۳). «ضَآئِقٌ»: دلتنگ. غمگین. «أَن یَقُولُوا»: از ترس این که نگویند که. تا نگویند که. « کَنزٌ»: گنج. مراد مشرکان، گنج بادآورده و رایگانی است که دالّ بر صدق نبوّت پیغمبر باشد (نگا: فرقان / ۸). «نَذِیرٌ»: بیم‌دهنده (نگا: رعد / ۷، نازعات / ۴۵). «وَکِیلٌ»: مطّلع. مراقب. پیغمبر از آنجا که انسان بوده است، تبلیغ مطالبی برای او مشکل و ناراحت‌کننده بوده است، ولی کوچک‌ترین تعلّلی در کار تبلیغ نداشته است. البتّه اگر یاری و مددالهی نبود، دچار چنین لغزشی می‌شد (نگا: اسراء / ۷۴).

سوره هود آیه ۱۳

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٣﴾

ترجمه:

بلکه (مشرکان پا از درخواست گنج رایگان و نزول فرشتگان بالاتر می‌گذارند و) می‌گویند: (محمّد خودش قرآن را تألیف کرده است و) آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهد! بگو: (اگر این قرآن را انسانی چون من نوشته است) شما (هم) ده سوره دروغین همانند آن را (بنویسید و برای ما) بیاورید و غیر از خدا هرکس را که می‌توانید دعوت کنید (و به یاری خود بطلبید) اگر (در ادّعای خویش) راستگوئید.

توضیحات:

«اَمْ»: یا. بلکه. «مِثْلِهِ»: مانند آن. مِثْل صفت اوّل (سُوَرٍ) است و با موصوف خود می‌تواند مطابقت بکند یا نکند (نگا: مؤمنون / ۴۷، اعراف / ۱۹۴). «مُفْتَرَيَاتٍ»: به هم بافته‌ها. ساخته‌های دروغین. صفت دوم (سُوَرٍ) است. «مِن دُونِ اللهِ»: سوای خدا. جار و مجرور متعلّق به فعل (أُدْعُوا) است.

سوره هود آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَإِلَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٤﴾

ترجمه:

پس (ای مشرکان)! اگر (کسانی را که برای یاری در این کار دعوت می‌کنید) پاسخ شما را ندادند (و استدعای شما را نپذیرفتند، چرا که از انجام آن ناتوانند) بدانید که این قرآن با آگاهی الله و وحی خدا نازل شده است (و از علم الهی سرچشمه گرفته است) و معبودی جز خدا نیست (و نزول این آیاتِ معجز، دلیلی و نشانی بر این حقیقت است). پس آیا اسلام را می‌پذیرید و فرمانبردار خدا می‌گردید؟ (باید که تسلیم شوید اگر طالب حقّ می‌باشید).

توضیحات:

«فَإِن لَّـمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ...»: مرجع ضمیر (و) در این فعل به (مَنْ) در آیه قبلی، یعنی

مدعوّین مشرکان جهت یاری ایشان برمی‌گردد، و ضمیر (کُمْ) به خود مشرکان مخاطب، امّا اگر مرجع (و)، مشرکان مخاطب، و مرجع (کُمْ)، پیغمبر و مؤمنان باشد، معنی چنین می‌شود: اگر مشرکان دعوت شما مسلمانان را اجابت نکردند و حاضر نشدند لااقل ده سوره همانند این سوره‌ها را بیاورند، شما مؤمنان بدانید که این ضعف و ناتوانی نشانه آن است که این آیات از علم الهی سرچشمه گرفته است، و... (نگا: قصص / ۵۰). «أُنزِلَ بِعِلْمِ اللهِ»: نازل شده است با دانش خدا نه با دانش محمّد یا دیگران (نگا: نساء / ۱۶۶، هود / ۴۹).

سوره هود آیه ۱۵

متن آیه:

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ١٥﴾

ترجمه:

کسانی که (تنها) خواستار زندگی دنیا و زینت آن باشند (و جز خوردن و نوشیدن و اموال و اولاد را طالب نبوده و چشم‌داشتی به آخرت نداشته باشند، برابر سنّت موجود در پیکره هستی، پاداش دسترنج و) اعمال‌شان را در این جهان بدون هیچ‌گونه کم و کاستی به تمام و کمال می‌دهیم (چرا که مدار این جهان بر اعمال استوار است؛ نه بر نیات و مقاصد، و بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست) وحقی از آنان در آن ضایع نمی‌گردد.

توضیحات:

«مَن كَانَ يُرِيدُ...»: (نگا: اسراء / ۱۸، شوری / ۲۰). «زِينَتَها»: (نگا: آل‌عمران / ۱۴). «لا يُبْخَسُونَ»: حقّی از آنان ضایع نمی‌گردد و نتیجه اعمال‌شان نقصان نمی‌بینند.

سوره هود آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٦﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند، و آنچه در دنیا

انجام می‌دهند، ضایع و هدر می‌رود (و بی‌اجر و پاداش می‌شود) و کارهایشان پوچ و بیسود می‌گردد (هرچند که اعمال‌شان به ظاهر انسانی و مردمی و عبادی باشد).

توضیحات:

«حَبِطَ»: هدر رفت. پوچ و بی‌ثمر شد (نگا: بقره / ۲۱۷، آل‌عمران / ۲۲).

سوره هود آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ مِنَ ٱلْأَحْزَابِ فَٱلنَّارُ مَوْعِدُهُۥ ۚ فَلَا تَكُ فِى مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۚ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝١٧﴾

ترجمه:

آیا کسی که دلیل و برهان روشنی (به نام فطرت و عقل سلیم) از سوی پروردگار خود دارد (و با نور آن به آفاق و انفس می‌نگرد و به وجود آفریدگار جهان پی می‌برد) و گواهی از جانب خدا (به نام قرآن) به دنْبال آن می‌آید (و بر صدق دریافت عقل او از جهان، شهادت می‌دهد و برداشت وی را تصدیق می‌نماید) و قبل از قرآن (هم جملگی کتاب‌های آسمانی، این راه را تأیید کرده‌اند و در این مسیر رفته‌اند، از آن جمله تورات، یعنی) کتاب موسی که رهبر و رحمت بوده است، (آیا چنین کسانی با افرادی برابرند که با چشم خرد به ملکوت جهان نمی‌نگرند، و به کتاب‌های آسمانی و پیغمبران الهی گوش دل فرا نمی‌دهند، و جز به فکر دنیا نبوده و گمراه بسر می‌برند و گمراه می‌میرند)؟. آنان (که درباره کائنات می‌اندیشند و با چراغ عقل پروردگار خود را می‌یابند و تاریخ انبیاء و گذشتگان را پیش چشم می‌دارند) بی‌گمان به قرآن ایمان می‌آورند (چرا که آن را با دید جهان‌بین و بینش حقّگرای خویش همگام و همنوا می‌بینند). هرکس از گروه‌ها (و طوائف گمراه که دشمن حق و حقیقت و ادیان و انبیاء خدایند) به قرآن ایمان نیاورد، میعادگاه او آتش است (و جملگی گمراهان گریزان از نور قرآن، در آتش سوزان دوزخ گرد می‌آیند و چه بد جایگاهی است! ای پیغمبر!) درباره قرآن شک و گمانی به خود راه مده. قرآن حق است و از سوی پروردگارت آمده است، ولی بیشتر مردم (حق را نمی‌پذیرند و به چیزی که باید ایمان داشت) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«بَيِّنَةٍ»: دلیل و برهان روشن. بیان‌گر حق و باطل و جداسازنده آن دو از یکدیگر. در اینجا مراد فطرت خداجو و عقل سلیم است. «يَتْلُوهُ»: به دنبال آن می‌آید. «شَاهِدٌ»: گواه. مراد قرآن است. «مِنْهُ»: مرجع ضمیر (هُ) واژه (رَبّ) است. «مِن قَبْلِهِ»: پیش از قرآن. مرجع (هِ) واژه (شاهِدٌ) است. «إِمَاماً»: مقتدی. راهنما. حال (كِتابُ) است. « أُوْلَئِكَ »: آنان. مراد افراد برحق و با ایمان است. مفرد آمدن (مَنْ) در آغاز آیه، و جمع آمدن (أولئِكَ) در وسط آن، با توجّه به لفظ و معنی موصول است. «بِهِ»: به قرآن. « الأَحْزَابِ»: جمع حِزْب، گروه‌ها و دسته‌ها. در اینجا مراد همه طوائف و قبائل و کسانی است که کفر و ضلال آنان را به هم مربوط می‌سازد و در یک صف قرار می‌دهد. «مَوْعِد »: وعده‌گاه. مراد جایگاه و قرارگاه است. «مِرْيَةٍ»: شک و تردید.

سوره هود آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًاۚ أُوْلَـٰٓئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ ٱلْأَشْهَـٰدُ هَـٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمْۚ أَلَا لَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّـٰلِمِينَ ١٨﴾

ترجمه:

چه کسی ستمگرتر از کسی است که به خدا دروغ بندد؟! (کسانی که به خدا دروغ می‌بندند و چیزهائی را بدو نسبت می‌دهند که از او نیست، در قیامت به گونه خاصّی) آنان به پروردگارشان عرضه می‌گردند (و در دادگاه عدل الهی به‌سان می‌شوند) و گواهان (حاضر در آنجا، اعم از پیغمبران و فرشتگان و غیره بر آنان گواهی می‌دهند و) می‌گویند: اینان بر پروردگار خود دروغ بسته‌اند (و لذا زشت‌ترین گناه و رسواکننده‌ترین ستم را مرتکب شده‌اند). هان! نفرین خدا بر ستمگران باد!

توضیحات:

«الأَشْهَادُ»: جمع شَهید یا شاهِد، مثل أَشْراف و شَریف، و أَصْحاب و صاحِب، گواهان. مراد پیغمبران (نگا: نساء / ۴۱) و مؤمنان (نگا: بقره / ۱۴۳) و فرشتگان (نبأ / ۳۸) و اعضاء بدن (نگا: نور / ۲۴) است. «أَلا لَعْنَةُ اللهِ عَلَي الظَّالِـمِـينَ»: هان! نفرین خدا بر

ستمکاران باد. بدانید که نفرین خدا ستمکاران را دربر می‌گیرد.

سوره هود آیه ۱۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ١٩﴾

ترجمه:

آن ستمکارانی که (مردمان را) از راه خدا باز می‌داشتند، و (بر راستای خداشناسی سدها و مانع‌ها ایجاد می‌کردند، و در دل‌های مردمان شک‌ها و گمان‌ها می‌انداختند تا آنان را منحرف سازند و بدی‌شان) راه خدا را کج و نادرست نشان دهند، و آنانی که به آخرت کفر می‌ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند).

توضیحات:

«الَّذِينَ»: صفت واژه (الظَّالِمِينَ) در آیه قبلی است. «يَبْغُونَـهَا عِوَجاً»: آن را کج می‌خواهند. یعنی همیشه در صدد آن هستند که جاده مستقیم الهی را کج نشان دهند و نادرست جلوه بنمایند.

سوره هود آیه ۲۰

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يَكُونُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَۘ يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ مَا كَانُواْ يَسۡتَطِيعُونَ ٱلسَّمۡعَ وَمَا كَانُواْ يُبۡصِرُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

(این کافران) چنان نیستند که آنان بتوانند (خدا را از عذاب رساندن به خود) در دنیا ناتوان و درمانده سازند (و از قلمرو قدرت او خارج شوند. اگر خدا بخواهد ایشان را گرفتار عذاب و بلائی کند) آنان بجز خدا یاور و فریادرسی ندارند (که ایشان را از عذاب و بلای آسمانی برهاند. در آخرت هم به سبب عصیان و طغیانشان) عذابشان چندین برابر می‌گردد (و پیوسته افزونتر و افزونتر می‌شود. چرا که در دنیا) آنان نمی‌توانستند (نشانه‌های خداشناسی پخش در آفاق و انفس را) ببینند.

توضیحات:

«الأرْض»: زمین. مراد دنیا است. «أَوْلِيَآءَ»: یاران و مددکاران. آلهه و معبودان. «مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ...»: تاب شنیدن حق و چشم دیدن نشانه‌های دالّ بر وجود

آفریدگار، و توان پیروی از قرآن را نداشته‌اند، و در حقیقت از گوش و چشم خود سود نبرده‌اند.

سوره هود آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢١﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خویشتن را زیانبار می‌کنند و هستی خود را می‌بازند، و معبودهائی را که به دروغ به هم می‌بافند و می‌سازند، گم و ناپدید می‌گردند (و دروغگوئی‌ها و یاوه سرائی‌هایشان از بین می‌رود و بیفائده و بیسود می‌شود).

توضیحات:

«خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ»: خود را زیانبار کرده و وجود خویش را باخته‌اند. به خویشتن زیان رسانده‌اند. «مَا»: مراد معبودهای دروغین و اکاذیب و دعاوی باطل است که در قیامت کاری از دست معبودها ساخته نیست، و در جهانِ حقائق، اباطیل بی‌ثمر است.

سوره هود آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

مسلّماً آنان زیانبارترین (مردمان) هستند (چرا که سعادت خود را باخته‌اند، و باقی را به فانی، و نعمت را به نقمت، و جنّان را به نیران داده‌اند).

توضیحات:

«لا جَرَمَ»: حَقّاً. مسلّمـاً.

سوره هود آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَأَخۡبَتُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ أُوْلَـٰٓئِكَ أَصۡحَـٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَـٰلِدُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و به خدای خویش

آرمیده‌اند (و کرنشش برده‌اند و تسلیم فرمانش شده‌اند) آنان بهشتیانند و در آنجا جاودانه می‌مانند.

توضیحات:

«أَخْبَتُوا إِلَیا رَبِّهِمْ»: در برابر خدای خود فروتنی و کرنش می‌کنند. به عدالت و قضاوت خدای خود اطمینان دارند (نگا: حجّ / ۳۴ و ۵۴).

سوره هود آیه ۲۴

متن آیه:

﴿مَثَلُ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ كَٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡأَصَمِّ وَٱلۡبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِۚ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

حال این دو گروه (یعنی مؤمنان و کافران) همانند حال کور و کر، یا بینا و شنوا است. آیا حال و مآل این دو گروه یکی است؟ آیا یادآور و پندپذیر نمی‌گردید؟

توضیحات:

«الْفَرِيقَيْنِ»: دو گروه. دو دسته. مراد این است که همان‌گونه که شخص کور و کر با شخص بینا و شنوا در پیداکردن راه و تشخیص آن از چاه، یکی نیست، پویندگان راه یزدان، و روندگان راه شیطان هم برابر و یکسان نیستند. «مَثَلاً»: حال و وضع. تمییز یا حال فاعل است و یا این که صفت مصدر محذوف (إِسْتِواءً) است.

سوره هود آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢٥﴾

ترجمه:

(همان گونه که تو را به پیش قومت فرستادیم و گروهی به دشمنانگی و سرکشی پرداختند) نوح را (هم) به پیش قومش فرستادیم (و او بدی‌شان گفت:) من بیم‌دهنده (شما از عذاب خدا و) بیان‌گر (راه نجات) برای شما می‌باشم.

توضیحات:

«مُبِينٌ»: آشکار. بیان‌کننده.

سوره هود آیه ۲۶

متن آیه:

﴿أَن لَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ أَلِيمٖ ٢٦﴾

ترجمه:

(همچنین بدی‌شان گفت): جز الله، (یعنی خدای واحد یکتا) را نپرستید. بی‌گمان من از عذاب روز پر رنج (قیامت) بر شما می‌ترسم.

توضیحات:

«أَلاّ تَعْبُدُوا...»: مقول قول نوح است. «أَلِيمٍ»: دارای درد و رنج.

سوره هود آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرٗا مِّثۡلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمۡ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأۡيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلِۭ بَلۡ نَظُنُّكُمۡ كَٰذِبِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

اشراف کافر قوم او (بدو پاسخ دادند و) گفتند: تو را جز انسانی همچون خود نمی‌بینیم (و لذا به پیغمبری تو باور نداریم). ما می‌بینیم که کسی جز افراد فرومایه و کوتاه‌فکر و ساده‌لوح ما (به تو نگرویده و) از تو پیروی نکرده است. (شما ای پیروان نوح! نه نوح و نه) شما را برتر از خود نمی‌بینیم و بلکه دروغگویانتان می‌دانیم.

توضیحات:

«أَرَاذِل»: جمع أَرْذَل، اشخاص بسیار کوچک و فرومایه و «بَادِيَ الرَّأْيِ»: سطحی نگر و کوتاه‌فکر. ساده لوح و ظاهربین. با توجّه بدین معانی، واژه (بادِيَ) از ماده (بَدْو) است. امّا به معنی: در نگاه اوّل. سهل و ساده. بدون تفکر و اندیشه زیاد. از ماده (بَدْء) است.

سوره هود آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِهِۦ فَعُمِّيَتۡ عَلَيۡكُمۡ أَنُلۡزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمۡ لَهَا كَٰرِهُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

ای قوم من! به من بگوئید، اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم (که علم

ضروری من برگرفته از دانش و بینش پیغمبری است) و خداوند از سوی خود رحمتی به من عطاء فرموده باشد (که نبوّت است) و این رحمت الهی (به سبب توجّه شما به مادیات و غفلت از معنویات) بر شما پنهان مانده باشد، آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش آن واداریم، درحالی که شما دوستش نمی‌دارید و منکر آن می‌باشید؟ (دین را با اجبار که نمی‌شود به دیگران تحمیل و تزریق کرد).

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: مرا خبر دهید (نگا: انعام / ۴۰، یونس / ۵۰). «بیّنه»: نور بصیرت. حجّت و برهان (نگا: هود ۱۷). «رَحْمَةً»: مراد نبوّت است. «عُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ»: بر شما مخفی و پنهان شده باشد. «أَنُلْزِمُكُمُوهَا»: آیا به پذیرش آن، شما را مجبور کنیم، و با اکراه آن را به شما بقبولانیم؟. ضمائر (كُمْ) و (ها) مفعول اوّل و دوم (نُلْزِمُ) است. حرف (و) میان این ضمائر، برگشت به اصل و تکمله (كُمْ) است.

سوره هود آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۚ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمًا تَجۡهَلُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

ای قوم من! من در برابر آن، (یعنی تبلیغ رسالت پروردگارم) از شما (پول و مزد و ثروت و) مالی نمی‌خواهم، چرا که مزد من جز بر عهده خدا نیست (و پاداش خود را تنها از او می‌خواهم و بس). و من کسانی را که ایمان آورده‌اند (از مجلس و همدمی خود به خاطر شما) نمی‌رانم. آنان (در روز قیامت) خدای خود را ملاقات می‌کنند (و اگر آنان را برانم در آن وقت از من شکایت می‌کنند). و امّا من شما را گروه نادانی می‌دانم (چرا که معیار ارزش انسان‌ها را در مال و جاه می‌دانید؛ نه در پیروی از حق و انجام کار نیک).

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: بر آن. در برابر آن. مرجع ضمیر (ه) تبلیغ مفهوم از آیات قبلی است (نگا: هود / ۵۱). «طَارِد»: طردکننده. دورکننده.

سوره هود آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

ای قوم من! اگر من مؤمنان (فقیر و به گمان شما حقیر) را از پیش خود برانم، چه کسی مرا (از دست انتقام خدا می‌رهاند و) در برابر (مجازات شدید) الله یاری می‌دهد؟ (هیچ کسی). آیا یادآور نمی‌شوید (و نمی‌اندیشید که آنان خدائی دارند و انتقام ایشان را می‌گیرد)؟

توضیحات:

«مَن يَنصُرُنِي مِنَ الله»؟: چه کسی مرا از عقاب خدا مصون و محفوظ می‌کند؟

سوره هود آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيۡرًاۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ أَنفُسِهِمۡ إِنِّيٓ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣١﴾

ترجمه:

من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های (رزق و روزی) خدا در دست من است (و هرگونه که بخواهم در آن تصرّف می‌کنم و کسانی را که از من پیروی کنند، ثروتمند می‌سازم) و به شما نمی‌گویم که من غیب می‌دانم (و آگاه از علم خدا می‌باشم و از چیزهائی باخبرم که دیگران از آنها بی‌خبرند) و من نمی‌گویم که من فرشته‌ام. و من (هرگز برای خوشایند شما) نمی‌گویم آنان که در نظر شما خوار می‌آیند، خداوند هیچ‌گونه خوبی و نیکی بهره ایشان نمی‌سازد (و اجر و پاداش فراوان و قابل توجّهی بدانان عطاء نمی‌کند. من جز ایمان و صداقت از آنان نمی‌بینم و من مأمور به ظاهرم) و خدا از چیزهائی که در اندرون دارند آگاه‌تر (از هر کسی) است. (اگر آنچه شما دوست دارید بگویم و بکنم،) در این صورت من از زمره ستمکاران (به خود و به دیگران) خواهم بود.

توضیحات:

«وَلاَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ»: عطف بر (عِندِي خَزآئِنُ الله) است و تکرار (لا) برای تأکید نفی است. «تَزْدَرِي»: حقیر می‌بینند. خوار و پست می‌بینند. از باب افتعال و از ماده (زری) است. «خَيْراً»: خوبی. نیکی. مراد خوشبختی دنیا و آخرت است که در برابر داشتن ایمان به مؤمنان وعده داده شده است (نگا: یونس / ۶۳ و ۶۴، زمر / ۱۰، نور / ۵۵).

سوره هود آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ٣٢﴾

ترجمه:

گفتند: ای نوح! با ما جرو بحث کردی (تا به تو ایمان بیاوریم) و جرو بحث را به درازا کشاندی (تا آنجا که ما را خسته کردی. جانمان از این همه گفتار به لب رسیده است و دیگر تاب تحمّل شنیدن سخنانت را نداریم). اگر راست می‌گوئی (که تو پیغمبری و اگر به تو ایمان نیاوریم، عذاب خدا گریبانگیرمان می‌گردد) آنچه را که ما را از آن می‌ترسانی، به ما برسان (و هیچ درنگ مکن. حرف بس است، عذاب کو؟).

توضیحات:

«قَدْ جَادَلْتَنَا»: با ما بسی مجادله و جرّ و بحث کردی. با ما ستیزه و پرخاش نمودی.

سوره هود آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّمَا يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

گفت: (رساندن عذاب در دست خدا است؛ نه در دست من) این خدا است که آن را به شما می‌رساند اگر بخواهد (و حکمتش اقتضاء کند)، و شما نمی‌توانید (خدا را) درمانده کنید (و از نزول عذاب او جلوگیری نمائید و یا از آن بگریزید و خویشتن را برهانید).

توضیحات:

«يَأْتِيكُم بِهِ»: آن را به شما می‌رساند.

سوره هود آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَا يَنفَعُكُمۡ نُصۡحِيٓ إِنۡ أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغۡوِيَكُمۡۚ هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

هرگاه خدا بخواهد شما را (به خاطر فساد درون و گناهان فراوان) گمراه و هلاک کند، هرچند که بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به شما نمی‌رساند (و پندهایم در شما نمی‌گیرد). خدا پروردگار شما است و به‌سوی او برگردانده می‌شوید (و به مجازات خود می‌رسید).

توضیحات:

«نُصْحِي»: پند من. اندرز من. خلوص و خیرخواهی من. «يُغْوِيَكُمْ»: شما را گمراه کند. در اینجا مراد از گمراهی، نتیجه و اثر گمراهی است که عذاب و هلاک است.

سوره هود آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُجۡرِمُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

آیا مشرکان می‌گویند که (محمّد) این (قرآن) را از پیش خود ساخته است و آن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر آن را از پیش خود ساخته باشم و به دروغ به خدا نسبت داده باشم، (جرم بزرگی مرتکب شده‌ام و سزای) بزهکاری من بر گردن من است (و مجازات آن را خواهم دید. ولی اگر من راستگو باشم، شما گناهکارید) و من از (آثار) بزهکاری شما (بر کنار و) سالم می‌باشم (و به گناه شما نمی‌سوزم).

توضیحات:

«أَمْ»: یا این که. آیا. «إِفْتَرَاهُ»: آن را از پیش خود ساخته است و به دروغ به خدا نسبت داده است. فاعل (إِفْتَرَي) می‌تواند پیغمبر اسلام باشد، و این آیه به عنوان یک جمله معترضه ذکر شده باشد، و می‌تواند نوح باشد و قوم او گفته باشند که وی این قصص و اخبار را از پیش خود می‌گوید. «إِجْرام»: گناه‌کردن. مجرم به معنی گناهکار، از این واژه است. «بَرِيءٌ»: برکنار. به دور (نگا: یونس / ۴۱). متنفّر و بیزار (نگا: انعام /

۱۹).

سوره هود آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤۡمِنَ مِن قَوۡمِكَ إِلَّا مَن قَدۡ ءَامَنَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

به نوح وحی شد که جز آنان که (تا کنون) ایمان آورده‌اند، هیچ کس دیگری از قوم تو ایمان نخواهد آورد. بنابراین از کارهائی که می‌کنند غمگین مباش. (ما هرچه زودتر سزای اذیت و آزار و تهمت و تکذیب ایشان را در کف دست‌شان خواهیم گذاشت).

توضیحات:

«لا تَبْتَئِسْ»: محزون مشو. غمگین مباش.

سوره هود آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

و (به نوح وحی شد که) کشتی را تحت نظارت ما و برابر تعلیم وحی ما بساز (و بدان که تو و مؤمنان همراه تو از مراقبت و محافظت ما برخوردارید و محفوظ از ظالمان، و مصون از اشتباه در کار ساختن کشتی می‌باشید. از این پس به مشرکان رحم مکن) و با من درباره (گذشت از) ستمگران گفتگو منما (که آنان محکوم به عذابند و) مسلّماً ایشان غرق خواهند شد.

توضیحات:

«بِأَعْيُنِنَا»: تحت رعایت و نظارت ما (نگا: طه / ۳۹، طور / ۴۸). «بِوَحْيِنَا»: با راهنمائیها و تعلیمات وحی ما. «مُغْرَقُونَ»: غرق‌شدگان. در آب خفه‌شدگان.

سوره هود آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَيَصۡنَعُ ٱلۡفُلۡكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيۡهِ مَلَأٞ مِّن قَوۡمِهِۦ سَخِرُواْ مِنۡهُۚ قَالَ إِن تَسۡخَرُواْ مِنَّا

فَإِنَّا نَسۡخَرُ مِنكُمۡ كَمَا تَسۡخَرُونَ ﴿٣٨﴾

ترجمه:

نوح دست‌اندر کار ساختن کشتی شد. هر زمان که گروهی از اشراف قوم او از کنار وی می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند (و می‌خندیدند و می‌گفتند: دیوانه شده است. به سرش زده است. پیغمبری را ترک گفته است و نجّاری را پیشه کرده است! نوح هم بدی‌شان پاسخ می‌داد و) می‌گفت: اگر شما ما را مسخره می‌کنید، ما هم همان‌گونه شما را مسخره می‌کنیم. (امروز از بی‌خبری شما از پیام آسمانی می‌خندیم و فردا به سبب شکنجه و عذابی که گریبان‌گیرتان می‌گردد به تمسخرتان می‌نشینیم).

توضیحات:

«كُلَّمَا»: هر زمان که. هر وقت که. «سَخِرُوا مِنْهُ»: مسخره‌اش می‌کردند.

سوره هود آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ﴿٣٩﴾﴾

ترجمه:

هرچه زودتر خواهید دانست که عذاب خوارکننده و رسواکننده (در دنیا) بهره چه کسی، و شکنجه جاودان (در آخرت) گریبانگیر کدام یک از مردمان می‌گردد.

توضیحات:

«يُخْزِيهِ»: رسوایش می‌سازد. خوارش می‌کند. «مُقِيم»: جاودان. همیشگی و ناگسستنی.

سوره هود آیه ۴۰

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلۡنَا ٱحۡمِلۡ فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ وَمَنۡ ءَامَنَۚ وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٞ ﴿٤٠﴾﴾

ترجمه:

(نوح به کار خود مشغول بود و کافران هم به تمسخر خود ادامه دادند) تا آن گاه که فرمان ما (مبنی بر هلاک کافران) در رسید و آب از زمین جوشیدن گرفت (و خشم

ما به غایت رسید. به نوح) گفتیم: سوار کشتی کن از هر صنفی نر و ماده‌ای را، و خاندان خود را، مگر کسانی را که فرمان هلاک آنان قبلاً صادر شده است (که همسر و یکی از پسران تو است)، و کسانی را (در آن بنشان) که ایمان آورده‌اند. و جز افراد اندکی بدو ایمان نیاورده بودند.

توضیحات:

«حَتَّیا»: غایت است برای (یَصْنَعُ) و کلام میان این دو واژه، حال ضمیر مستتر (هُوَ) در فعل مذکور است. «فَارَ»: فوران کرد. جوشیدن گرفت. «التَّنُّورُ»: سطح زمین (نگا: قمر / ۱۲). چشمه‌ساران. تنور پخت و پز نان. که جوشیدن آب از آن بیان‌گر دگرگونی و پیدایش حادثه‌ای نو ظهور بود. «فَارَ التَّنُّورُ»: کنایه از آب زیاد و همچنین شدّت خشم خدا است. همان‌گونه که می‌گویند: (حَمِيَ الْوَطِيسُ): تنور گرم شد، که مراد گرمی معرکه و کارزار است. «اثْنَيْنِ»: دوتا. مراد نر و ماده است. مفعول (إِحْمِلْ) است. « سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ»: درباره او قبلاً سخن رفت که (إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ) است (نگا: هود / ۳۷). این فرمان شامل کافران به طور عام و شامل همسر نوح (واعِلَة) و پسرش (کنْعان) به طور خاصّ است.

سوره هود آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱرْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْرٜىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝٤١﴾

ترجمه:

(نوح خطاب به خاندان و بستگان باایمان خود و سائر مؤمنان) گفت: سوار کشتی شوید (و نترسید) که حرکت و توقّف آن با یاری خدا و حفظ و عنایت الله است (و به هنگام ورود به کشتی و حرکت آن، و در وقت لنگر انداختن و خروج از آن، نام خدا را بر زبان رانید و از حضرت باری یاری بطلبید، و از او آمرزش گناهان خود را بخواهید و بدانید که) بی‌گمان پروردگار من بسیار آمرزنده و بس مهربان است.

توضیحات:

«بِسْمِ اللهِ»: به نام خدا. با یاری و نگهداری و قوّت و قدرت خدا. «مَجْرِي»: حرکت. زمان حرکت. مسیر حرکت. مصدر میمی و اسم زمان و مکان است. «مُرْسِي»: لنگر انداختن. زمان ایستادن. لنگرگاه. مصدر میمی و اسم زمان و مکان است و از ماده

(رسو) می‌باشد. «بِسْمِ اللهِ مَجْرِيها وَمُرْساها»: این جمله می‌تواند متّصل به (إِرْكَبُوا) و حال از ضمیر (و) بوده و تقدیر چنین باشد: مُسَمّینَ اللهَ. یا این که: قائِلینَ بِسْمِ الله وَقْتَ إِجْرائِها وَ وَقْتَ إِرْسائِها. و همچنین می‌تواند کلام جداگانه‌ای باشد و مژده‌ای از سوی پروردگار به حفظ و حراست کشتی در همه احوال بشمار آید.

سوره هود آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَهِیَ تَجۡرِی بِهِمۡ فِی مَوۡجٖ كَٱلۡجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبۡنَهُۥ وَكَانَ فِی مَعۡزِلٖ یَٰبُنَیَّ ٱرۡكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلۡكَٰفِرِینَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

(مؤمنان سوار کشتی شدند و) کشتی با سرنشینانش (سینه) امواج کوه پیکر را می‌شکافت و (همچنان) به پیش می‌رفت. (مهر پدری در میان این امواجی که از سر و دوش هم بالا می‌رفتند و روی هم می‌غلطیدند، موج گرفت) و نوح پسرش را که در کناری (جدا از پدر) قرار گرفته بود فریاد زد که فرزند دلبندم با ما سوار شو و با کافران مباش، (اگر به‌سوی خدا برگردی نجات می‌یابی، والّا با جملگی بی‌دینان هلاک می‌گردی).

توضیحات:

«تَجْرِي بِهِمْ»: کشتی سرنشینانش را در میان امواجی چون کوه، حرکت می‌داد. «فِي مَعْزِلٍ». در کناری. در گوشه‌ای. «مَعْزِلٍ». جای جداگانه. مکانی دور افتاده. اسم مکان از عزلت است.

سوره هود آیه ۴۳

متن آیه:

﴿قَالَ سَـَٔاوِیٓ إِلَىٰ جَبَلٖ یَعۡصِمُنِی مِنَ ٱلۡمَآءِۚ قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلۡیَوۡمَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَۚ وَحَالَ بَیۡنَهُمَا ٱلۡمَوۡجُ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُغۡرَقِینَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

(پسر لجوج و مغرور نوح) گفت: به کوه بزرگی می‌روم و مأوی می‌گزینم که مرا از سیلاب محفوظ می‌دارد (و از غرقاب مصون) نوح گفت: امروز هیچ قدرتی در برابر فرمان خدا (مبنی بر غرق و هلاک‌شدن کافران) پناه نخواهد داد مگر کسی را که

مشمول رحمت خدا گردد و بس. (در همین هنگام موجی برخاست و او را در کام خود فرو برد) و موج میان پدر و پسر جدائی انداخت و پسر در میان غرق‌شدگان جای گرفت (و خیال خام، او را از راه آب دنیا، به آتش آخرت انداخت).

توضیحات:

«سَئَاوَیا»: پناه خواهم برد. منزل و مأوی خواهم ساخت. «عاصِمَ»: بازدارنده و حفظ‌کننده. این واژه می‌تواند به معنی ذی‌عصمت، یعنی محفوظ و مصون باشد، و معنی چنین شود: امروز هیچ کسی از مرگ نجات پیدا نمی‌کند مگر آن کسی که مشمول رحمت خدا گردد. «حَالَ بَيْنَهُمَا»: میان آن دو حائل شد و میان آن دو جدائی انداخت (نگا: انفال / ۲۴، سبأ / ۵۴).

سوره هود آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَقِيلَ يَٰٓأَرۡضُ ٱبۡلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقۡلِعِي وَغِيضَ ٱلۡمَآءُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى ٱلۡجُودِيِّۖ وَقِيلَ بُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

(بعد از هلاک کافران) گفته شد که: ای زمین! آب خود را فرو خور، و ای آسمان! از باریدن بایست، و (آن گاه به دستور خدا) آبها از میان برده شده و فرمان اجرا گردید و کار به انجام رسید، و کشتی بر کوه جودی پهلو گرفت (و در این وقت بود که) گفته شد: نابود باد گروه ستمکاران!.

توضیحات:

«إِبْلَعِي»: فرو خور. قورت بده. «أَقْلِعِي»: از بارش و ریزش بایست. بند بیا. «أَقْلَعَ عَنْ كَذا»: «كَفَّ عَنْهُ وَ تَرَكَهُ». «غِيضَ»: از میان برده شد. فعل (غاضَ) به صورت لازم و متعدّی استعمال می‌شود. در اینجا متعدّی و مجهول است. «قُضِيَ الأَمْرُ»: فرمان اجرا گردید. کار پایان گرفت. «إِسْتَوَتْ»: استقرار یافت. «الْجُودِيِّ»: نام کوهی است که آن را کوه کارد و یا اکراد نزدیک موصل در شمال عراق، کوه ماسیس از سلسله جبال آرارات در ارمنستان، و کوهی در قلمرو قبیله طی در عربستان دانسته‌اند. «بُعْداً»: هلاک (نگا: هود / ۶۰ و ۶۸ و ۹۵) مفعول مطلق فعل محذوفی است و اصل آن چنین است: بَعُدُوا

بُعْداً. دورشدن از رحمت خدا.

سوره هود آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبۡنِي مِنۡ أَهۡلِي وَإِنَّ وَعۡدَكَ ٱلۡحَقُّ وَأَنتَ أَحۡكَمُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٤٥﴾

ترجمه:

نوح پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: پروردگارا! پسرم (کنعان که امواج او را فرو بلعیده است) از خاندان من است و (تو هنگامی که به من دستور فرمودی، خاندان خود را سوار کشتی کنم، در اصل وعده حفظ خاندان مرا داده‌ای) و وعده تو راست است (و خلافی در آن نیست) و تو داورترین داوران و دادگرترین دادگرانی (و درددل مرا می‌دانی. پروردگارا! لطفی و مرحمتی).

توضیحات:

«وَنَادَيا نُوحٌ»: برخی حرف واو را برای ترتیب زمانی نمی‌دانند و این دعا و تضرّع را پیش از غرق‌شدن پسر نوح و به دنبال گفتگوی نوح با کنعان می‌دانند. برخی بعد از غرق شدن پسر نوح می‌دانند که نوح به سبب مهر پدری مردن فرزند را از یاد برده است. یا این که چون به قدرت مطلقه خدا ایمان داشته فرزند خود را از آستان او خواسته است. «أَحْكَمُ الحَاكِمِينَ»: آگاه‌ترین و دادگرترین و استوارترین کسانی که داوری و دادگری و فرمانروائی از ایشان انتظار می‌رود (نگا: مائده / ۵۰، اعراف / ۸۷).

سوره هود آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيۡسَ مِنۡ أَهۡلِكَۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيۡرُ صَٰلِحٖۖ فَلَا تَسۡـَٔلۡنِ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۖ إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

فرمود: ای نوح! پسرت از خاندان تو نیست، چرا که او (به سبب رفتار زشت و کردار پلشتی که پیش گرفته است با تو فرسنگ‌ها فاصله دارد، و ذات او عین) عمل ناشایست است. بنابراین آنچه را از آن آگاه نیستی (که درست است یا نادرست) از من مخواه.

من تو را نصیحت می‌کنم که از نادانان نباشی (و ندانی که در مکتب آسمانی، پیوند بر اساس عقیده است؛ نه گوشت و خون).

توضیحات:

«إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»: او، کار ناشایست است. یعنی او تا آنجا در کفر و الحاد و فسق و فجور فرو رفته است که انگار وجودش مجسّمه شرّ و فساد است.

سوره هود آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡـَٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ۝٤٧﴾

ترجمه:

نوح گفت: پروردگارا! از این که چیزی را (از این به بعد) از تو بخواهم که بدان آگاه نباشم، خویشتن را در پناه تو می‌دارم (و عاجزانه از آستانت می‌خواهم که مرا از چنین لغزش‌هائی به دور داری). اگر بر من نبخشائی و به من رحم ننمائی از زیانکاران خواهم بود.

توضیحات:

«أَعُوذُ بِكَ»: به تو پناه می‌آورم و خویشتن را در پناه تو می‌دارم. «إِلاّ»: مرکب از (إِنْ) و (لا) است.

سوره هود آیه ۴۸

متن آیه:

﴿قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهۡبِطۡ بِسَلَٰمٖ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن مَّعَكَۚ وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ۝٤٨﴾

ترجمه:

(پس از آن که طوفان همه جا را ویران کرد، به زبان وحی به نوح) گفته شد: ای نوح! از کشتی پیاده شو (و بدان که تو و همراهانت) از امنیت ما برخوردارید و (از قحطی‌ها و بیماری‌ها و سایر بلاها) سالم و برکنارید و (درهای) برکات خدا به روی تو و گروههای همراهت (گشوده) است (و نگران نباشید که محیط سالم و پربرکتی خواهید داشت و بعدها) ملّت‌ها و گروه‌های دیگری (از نسل شما پدید می‌آیند که آنان) را از

نعمت‌ها و خوشی‌ها برخوردار می‌کنیم (ولی ایشان در غرور و غفلت فرو می‌روند و) آن گاه عذاب دردناکی از سوی ما بدانان می‌رسد.

توضیحات:

«إِهْبِطْ»: فرود آی. بیا پائین. «بِسَلامٍ»: به سلامت. در امن و امان از بلاهای زمین و زمان. به دور از شُرورِ کافران و دشمنانگیهای ایشان. با درود و سلام ما بر تو. «بَرَکاتٍ»: خیرات. فزونی روزی و فراوانی نیازمندیهای زندگی. «أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ»: مراد کسانی است که با نوح در کشتی بوده‌اند یا همه اشخاص و جاندارانی است که در کشتی بسر برده‌اند (نگا: انعام / ۳۸). «أُمَمٌ»: مبتدا است و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین می‌شود: مِنْهُمْ أُمَمٌ. مراد از (أُمَمٍ) قبلی کسانی است که حاضرند و یا از نسل آنان پدید می‌آیند و مشمول سلام خداوندی می‌گردند، و مراد از (أُمَمٌ) بعدی، کسانی است که در آینده از نسل آنان به وجود می‌آیند و سلام خداوندی شامل ایشان نمی‌شود.

سوره هود آیه ۴۹

متن آیه:

﴿تِلۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهَآ إِلَيۡكَۖ مَا كُنتَ تَعۡلَمُهَآ أَنتَ وَلَا قَوۡمُكَ مِن قَبۡلِ هَٰذَاۖ فَٱصۡبِرۡۖ إِنَّ ٱلۡعَٰقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

این (قصّه و داستان‌های ملّت‌های پیشینی که تو آنان را ندیده‌ای) جزو اخبار غیب است که آن را به تو (ای پیغمبر اسلام!) وحی می‌کنیم. نه تو و نه قوم تو پیش از این، آن را نمی‌دانستید. پس (در برابر اذیت و آزار قوم خود) شکیبائی کن (همان گونه که پیغمبران پیشین در برابر اذیت و آزار اقوام خود شکیبائی کردند، و بدان) که سرانجام (کار، برد با شکیبایان و) از آنِ پرهیزگاران است.

توضیحات:

«أَنبَآءِ»: جمع نَبَأ، اخبار.

سوره هود آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۖ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا

مُفۡتَرُونَ ﴿٥٠﴾

ترجمه:

(ما به عنوان پیغمبر) هود را به‌سوی قوم عاد فرستادیم که از خودشان بود. (هود بدیشان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او معبودی ندارید. شما (که به خدایان متعدّدی معتقدید، در ادّعای خود) دروغگویانی بیش نیستید.

توضیحات:

«إِلَیا عَادٍ»: جار و مجرور متعلّق به محذوفی است که معطوف بر (وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا) در آیه ۲۵ است. «أَخَاهُمْ هُوداً»: برادرشان هود را. مراد این است که هود فردی از افراد خودشان بود. واژه (أَخ) مفعول فعل محذوف (أَرْسَلْنا) و واژه (هُوداً) عطف بیان است. «مُفْتَرُونَ»: افتراءکنندگان. کسانی که به دروغ انبازهائی به خدا نسبت می‌دهند.

سوره هود آیه ۵۱

متن آیه:

﴿يَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٥١﴾

ترجمه:

ای قوم من! در برابر (تبلیغ رسالت و بیان) آن، من از شما پاداشی درخواست نمی‌کنم. پاداش من تنها بر آن کسی است که مرا آفریده است. آیا نمی‌فهمید؟ (و نمی‌دانید که چه کسی خیرخواه و چه کسی بدخواه شما است، و چه چیز برای شما سودمند و چه چیز زیانمند است)؟.

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: بر آن. در برابر آن. مرجعِ ضمیر (ه) تبلیغ مفهوم از آیه قبلی است (نگا: هود / ۲۹). «فَطَرَنِي»: مرا آفریده است. مرا بر فطرت سلیم آفریده است (نگا: روم / ۳۰).

سوره هود آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ مُجۡرِمِينَ ﴿٥٢﴾

ترجمه:

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش (گناهان و لغزش‌هایتان) را بطلبید و به‌سوی او برگردید تا آسمان را بر شما ریزنده و بارنده کند (و باران و برکات آن را بر شما پیاپی و فراوان گرداند) و نیروئی بر نیرویتان (و عزّت و شکوهی بر عزّت و شکوهتان) بیفزاید. (ای قوم من! از حق و حقیقتْ) بزهکارانه روی برنتابید (و بر گناه مصمّم و مصرّ نشوید).

توضیحات:

«السَّمَآءَ»: هرچه بالای سر انسان باشد. آسمان. در اینجا مراد باران است. «مِدْراراً»: ریزنده. بارنده. حال سَماء است و صیغه مبالغه از ماده (دَرّ). «مُجْرِمينَ»: گناهکاران. مراد از جرم، کفر و عناد است. این واژه حال ضمیر (و) در فعل (لا تَتَوَلَّوْا) است.

سوره هود آیه ۵۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ وَمَا نَحۡنُ بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

گفتند: ای هود! تو دلیلی برای ما نیاورده‌ای (که بر صحّت چیزی دلالت کند که ما را بدان می‌خوانی) و ما به خاطر سخن تو خدایان خود را رها نمی‌کنیم (و به ترک عبادت معبودهای خویش نمی‌گوئیم) و به تو ایمان نمی‌آوریم (و به پیغمبریت باور نمی‌داریم).

توضیحات:

«بَيِّنَة»: دلیل روشن و برهان آشکار.

سوره هود آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

چیزی جز این نمی‌گوئیم که یکی از خدایان ما بلائی به تو رساننده است (و دیوانه‌ات کرده است، بدان گاه که به بدگوئی آنها زبان گشوده‌ای و ما را از عبادت‌شان

برحذر داشته‌ای. این است که هذیان می‌گوئی و یاوه‌سرائی می‌کنی. هود در پاسخش) گفت: من خدا را گواه می‌گیرم و شما هم گواهی دهید (بر گفتارم) که من از چیزهائی که (بجز خدا) می‌پرستید بیزار (و از بیماری شرک شما سالم) و برکنارم.

توضیحات:

«إِعْتَرَاكَ... بِسُوءٍ»: بلائی بر سر تو آورده است. دیوانه‌ات نموده است. «بَرِيءٌ»: بیزار. سالم. «مِمَّا تُشْرِكُونَ»: از چیزهائی که شریک خدای‌شان می‌دانید و برخی از پرستش را بدان‌ها اختصاص می‌دهید. از شرک شما و انباز ورزیدنتان.

سوره هود آیه ۵۵

متن آیه:

﴿مِن دُونِهِۦ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ۝٥٥﴾

ترجمه:

بجز خدا (از هرچه می‌پرستید گریزان و بیزارم. حال که چنین است هرچه از دستتان ساخته است کوتاهی مکنید و) همگی به نیرنگ و چاره جوئیم بپردازید و مهلتم مدهید. (من نه از شما و نه از معبودهائی می‌ترسم که گمان می‌برید بلائی بر سرم آورده‌اند).

توضیحات:

«كِيدُونِي»: چاره مرا بسازید و هر بلا و زیانی که می‌خواهید به من برسانید، برسانید. «لا تُنظِرُونِ»: مرا مهلت مدهید.

سوره هود آیه ۵۶

متن آیه:

﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسْتَقِيمٖ ۝٥٦﴾

ترجمه:

من بر خدا تکیه کرده‌ام که پروردگار من و پروردگار شما است. هیچ جنبنده‌ای (اعم از انسان و غیرانسان) نیست مگر این که خدا بر او تسلّط دارد (و زمام اختیارش را در دست دارد. پس چرا باید از شما ترسید؟! بدانید که قدرت خدای من در طریق حق و عدل جاری می‌گردد، زیرا) بی‌گمان خدای من بر صراط

مستقیم (که جاده عدل و داد است) قرار دارد (و کاری برخلاف حکمت و صواب انجام نمی‌دهد).

توضیحات:

«ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَا»: موی پیشانی او را در دست دارد. مراد این است که بر آن تسلّط کامل دارد و به هر سو که بخواهد می‌برد و از هرچه بخواهد باز می‌دارد. «إِنَّ رَبِّي...»: مراد این است که کارهای خدا بر طریق عدل ساری و در راه حق جاری می‌شود.

سوره هود آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَيَسۡتَخۡلِفُ رَبِّي قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ٥٧﴾

ترجمه:

اگر (از دعوت من) روی بگردانید (باکی نیست. زیرا بر رسولان پیام باشد و بس) و من رسالتی را که مأمور بدان بودم به شما رساندم. پروردگارم (شما را می‌میراند و) کسان دیگری را به جای شما می‌نشاند و شما کمترین زیانی (با روگردانی از پرستش و دوری از عبادتش) بدو نمی‌رسانید. بی‌گمان پروردگار من مراقب و مواظب هر چیزی است (و کردار و رفتار شما از او پنهان نمی‌ماند و بی‌سزا و جزا نمی‌گردد).

توضیحات:

«تَوَلَّوۡا»: پشت بکنید. اعراض نمائید. «يَسۡتَخۡلِف»: جاینشین و جایگزین می‌سازد. «حَفِيظٌ»: مطّلع و آگاه. مراقب و مواظب (نگا: انعام / ۱۰۴).

سوره هود آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا هُودٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَنَجَّيۡنَٰهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٨﴾

ترجمه:

هنگامی که فرمان ما (مبنی بر نابودی قوم عاد) در رسید، هود و مؤمنان همراه او را در پرتو مرحمت خود نجات دادیم و ایشان را از عذاب سخت و شدید رهانیدیم.

توضیحات:

«أَمْرُنَا»: فرمان ما مبنی بر عذاب. کار ما، که مراد عذاب است. «غَلِیظٍ»: بسیار سخت و شدید (نگا: حاقّه / ۶ – ۸).

سوره هود آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ عَادٞۖ جَحَدُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَعَصَوۡاْ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ٥٩﴾

ترجمه:

این هم قوم عاد بودند که آیه‌های (آفاق و انفُس) و دلائل پروردگارشان را انکار و تکفیر کردند و از فرمان (پیغمبر خدا هود و در اصل از فرمان همه) پیغمبران خدا سرکشی نمودند و از دستور هر سرکش عناد پیشه‌ای پیروی کردند.

توضیحات:

«تِلْكَ»: اشاره به قبیله است و مؤنّث ذکر شده است، و اعاده ضمیر مذکر به عاد، در افعال (جَحَدُوا ، عَصَوْا ، إِتَّبَعُوا) با توجّه به لفظ قوم است. یا این که (تِلْكَ) اشاره به آثار باقیمانده عاد است. یعنی این آثار بر جای قوم عاد است و بنگرید که چه بر سرشان آمده است. «جَحَدُوا»: انکار کردند. تکفیر نمودند. «عَصَوْا رُسُلَهُ»: از فرمان پیغمبران خدا سرپیچی و سرکشی کردند. ذکر (رُسُل) به صورت جمع، بیان‌گر این واقعیت است که سرکشی از فرمان پیغمبری از جمله هود، در اصل سرکشی از فرمان جملگی پیغمبران پیشین و پسین خدا است. زیرا که همه انبیاء مردمان را به توحید خوانده‌اند و هماهنگ و همگام، در مسیری حرکت کرده‌اند. «جَبَّارٍ»: سرکش و متمرّد. زورمند و قلدری که دیگران را با زور به کاری که نمی‌خواهند وادارد. « عَنِيدٍ »: طاغی و یاغی. دشمن حق و حقیقت.

سوره هود آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ عَادٗا كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّعَادٖ قَوۡمِ هُودٖ ٦٠﴾

ترجمه:

در این دنیا دچار نفرین (مردمان) و طرد (از رحمت یزدان) شدند (و از پس ایشان

بدنامی و رسوائی ماند) و در روز قیامت نیز (همین طور به لعنت و طرد از رحمت گرفتار می‌شوند و منفور خدا و فرشتگان و مردمان می‌گردند). هان! (ای جهانیان! بدانید که قوم) عاد به خدای خود (ایمان نیاوردند و نسبت بدو) کافر شدند. هان! (ای مردمان! بدانید که) عاد، قوم هود (شایسته طرد از رحمت خدا و درخور هلاک شدند، پس) نیست و نابود باد!.

توضیحات:

«أُتْبِعُوا»: بدی‌شان رسید. گریبانگیرشان گردید. با لعن و نفرین دنبال گردیدند. «بُعْداً لِعَادٍ»: نابود باد عاد (نگا: هود / ۴۴). «قَوْمِ هُودٍ»: (نگا: نجم / ۵۰).

سوره هود آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٞ مُّجِيبٞ ٦١﴾

ترجمه:

به سوی قوم ثمود یکی از خودشان را (به عنوان پیغمبر) فرستادیم که صالح نام داشت. (به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد (و کسی غیر او مستحقّ پرستیدن نمی‌باشد). او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است). پس، از او طلب آمرزش (گناهان خویش) را بنمائید و به‌سوی او برگردید (و با انجام عبادات و دوری از منکرات، مغفرت و مرحمت او را بخواهید و بدانید که اگر در این کار صادق باشید، خداوند شما را در می‌یابد و دعای شما را می‌پذیرد). بی‌گمان خداوند من (به بندگانش) نزدیک (است و استغفار و انگیزه استغفارشان را می‌داند) و پذیرنده (دعای کسانی) است (که او را مخلصانه به زاری می‌خوانند و به یاریش می‌طلبند).

توضیحات:

«إِلَيا ثَمُودَ»: عطف بر (إِلي عاد...) در آیه ۵۰ است. «أخاهُمْ»: (نگا: اعراف / ۶۵، هود / ۵۰). «أَنْشَأَكم مِّنَ الأرْضِ»: شما را از زمین آفریده است. مراد این است که آدم و حوّاء را از خاک آفریده است که پدر و مادر نخستین شما هستند و شما هم از نسل

آنان می‌باشید (نگا: طه / ۵۵). «إِسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا»: توان آباد نمودن زمین را به شما داده است. از شما آبادکردن زمین را خواسته است. در زمین عمری به شما داده است و مدّت روزگاری بر جایتان داشته است. «ثُمَّ تُوبُوا إِلَيۡهِ»: سپس هر وقت دچار لغزش و گناه شدید، توبه کنید و با انجام اعمال نیک به‌سوی خدا برگردید. «إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ»: پروردگار من قریب الرحمه است (نگا: اعراف / ۵۶). پروردگار من نزدیک است و از همه‌چیز آگاه است (نگا: بقره / ۱۸۶). «مُجِيبٌ»: پاسخ‌دهنده. پذیرنده.

سوره هود آیه ۶۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدۡ كُنتَ فِينَا مَرۡجُوّٗا قَبۡلَ هَٰذَآۖ أَتَنۡهَىٰنَآ أَن نَّعۡبُدَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ۝٦٢﴾

ترجمه:

گفتند: ای صالح! پیش از این مایه امید ما بودی. آیا ما را از پرستش چیزهائی که پدرانمان می‌پرستیدند نهی می‌کنی؟ (و از عبادت بتانی باز می‌داری که نیاکان و همچنین خودمان به عبادت آنها عادت کرده و الفت گرفته‌ایم؟!) ما راجع بدانچه ما را بدان دعوت می‌کنی به شک و تردید عجیبی گرفتار آمده‌ایم! (مگر می‌شود که خدا را به یگانگی پرستید و بدون میانجیگری بتان و شفیعان به خدا تقرّب جست؟! این غیرممکن است).

توضیحات:

«مَرۡجُوّاً»: محلّ امید. مایه امیدواری. «مُرِيبٍ»: به شک اندازنده. دلهره‌انگیز.

سوره هود آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي مِنۡهُ رَحۡمَةٗ فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنۡ عَصَيۡتُهُۥۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيۡرَ تَخۡسِيرٖ ۝٦٣﴾

ترجمه:

گفت: ای قوم من! به من بگوئید، اگر من (در دعوت شما به پرستش خدای یگانه)، از سوی خدا دلیل روشنی داشته باشم و او از جانب خود به من رحمت (نبوّت و رسالت)

داده باشد، حال اگر از فرمان او سرکشی کنم، چه کسی مرا در برابر (خشم) خدا یاری می‌دهد و از عذاب او رستگار می‌سازد؟! شما که جز بر زیان و هلاک من نمی‌افزائید.

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: مرا خبر دهید. «إِن كُنتُ عَلَيا بَيِّنَةٍ»: اگر مؤید به حجّت واضح و برهان روشن باشم. «رَحْمَةً»: مراد نبوّت و رسالت است. «يَنصُرُنِي مِنَ الله»: (نگا: هود / ۳۰). « تَخْسِيرٍ»: هلاک کردن. زیان رسانیدن. «فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ»: اگر از شما پیروی کنم جز مایه زیان من نمی‌گردید. هرگاه شما را به هدایت خوانم، بر تکذیب خود می‌افزائید و مایه افزایش خسارت و زیانتان می‌گردد و بس. اگر از شما پیروی کنم جز مایه هلاک من نمی‌گردید.

سوره هود آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٞ قَرِيبٞ ٦٤﴾

ترجمه:

(صالح گفت): ای قوم من! این شتر خدا است و برای شما معجزه‌ای است (بر صدق نبوّت من. چرا که همچون شتران دیگر نیست و ویژگیهای خارق‌العاده‌ای دارد). پس آن را رها کنید تا در زمین (از مراتع و علفزارها) بخورد و اذیت و آزاری بدان مرسانید که (اگر چنین کنید) هرچه زودتر به عذاب سختی گرفتار می‌آئید.

توضیحات:

«نَاقَةُ الله»: شتر خدا. اضافه شتر به (الله) اضافه تشریفی است و بیان‌گر اکرام و احترام است. از قبیل: «أَرْضُ اللهِ. بَيْتُ الله. شَهْرُ الله». «ءَايَةً»: معجزه. حجّت و برهان (نگا: اعراف / ۷۳، شعراء / ۱۵۵، قمر / ۲۳ - ۳۱).

سوره هود آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمۡ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٖۖ ذَٰلِكَ وَعۡدٌ غَيۡرُ مَكۡذُوبٖ ٦٥﴾

ترجمه:

امّا آنان شتر را سر بریدند. صالح بدی‌شان گفت: در خانه و کاشانه خود سه روز

زندگی کنید (و بدانید که مهلت زندگانی شما به پایان رسیده است. پس از این سه روزه حیات، عذاب خدا به سراغ شما متکبّران و سرکشان می‌آید و طومار عمرتان را در هم می نوردد). این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود.

توضیحات:

«عَقَرُوهَا»: آن را نحر کردند. آن را سر بریدند (نگا: اعراف / ۷۷).

سوره هود آیه ۶۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَٰلِحًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ ۝٦٦﴾

ترجمه:

هنگامی که فرمان ما (مبنی بر عذاب قوم ثمود) در رسید، صالح و مؤمنان همراه او را در پرتو لطف و مرحمت خود نجات دادیم (و از هلاک مصون و از عذاب محفوظ داشتیم) و از خواری و رسوائی آن روز (بد و هولناک) رهانیدیم. (ای پیغمبر)! پروردگار تو نیرومند و چیره است (و به قوّت و عزّت و نصرت او اطمینان داشته باش).

توضیحات:

«بِرَحْمَةٍ مِّنَّا»: با لطف و مرحمت مخصوص خود. « خِزْيِ »: خواری. رسوائی.

سوره هود آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ۝٦٧﴾

ترجمه:

صدای شدید (و وحشتناک صاعقه و امواج هراسناک زلزله)، افراد ستمکار (قوم ثمود) را در برگرفت و در خانه و کاشانه خود خشکیدند و بر روی افتادند.

توضیحات:

«الصَّيْحَةُ»: صوت شدید. صدای مهیب (یس / ۴۹ و ۵۳). در جاهای دیگر قرآن، (صاعِقَة) و (رَجْفَة) به کار رفته است که همه لازم و ملزوم یکدیگرند (نگا: اعراف / ۷۸، فصّلت / ۱۳). «فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ»: (نگا: اعراف / ۷۸ و ۹۱).

سوره هود آیه ۶۸

متن آیه:

﴿كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّثَمُودَ ٦٨﴾

ترجمه:

آن چنان که گوئی هرگز ساکن آن دیار نبوده‌اند (و در آبادانی آنجا نکوشیده‌اند. ویران و خالی و بی‌صاحب!). هان! قوم ثمود آفریدگار خود را انکار کردند. هان! (ای مردمان!) نابود باد قوم ثمود (و از رحمت خدا مطرود..).

توضیحات:

«كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا»: انگار در آنجا بسر نبرده‌اند و هرگز ساکن آن دیار نبوده‌اند (نگا: اعراف / ۹۲، یونس / ۲۴). «أَلا بُعْداً لِّثَمُودَ»: (نگا: هود / ۴۴).

سوره هود آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞۖ فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ ٦٩﴾

ترجمه:

فرستادگانِ (فرشته) ما همراه با مژدگانی، به پیش ابراهیم آمدند و بدو سلام کردند. ابراهیم جواب سلام ایشان را داد. آن گاه هرچه زودتر گوساله بریانی را برای ایشان آورد.

توضیحات:

«الْبُشْرَىا»: بشارت. مژده. مراد مژده تولّد فرزندانی است که پرچم نبوّت را بر دوش می‌کشند. «عِجْلٍ»: گوساله. «حَنيذٍ»: بریان.

سوره هود آیه ۷۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَءَآ أَيۡدِيَهُمۡ لَا تَصِلُ إِلَيۡهِ نَكِرَهُمۡ وَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۚ قَالُواْ لَا تَخَفۡ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمِ لُوطٖ ٧٠﴾

ترجمه:

هنگامی که دید آنان دست به‌سوی آن دراز نمی‌کنند (و لب به غذا نمی‌زنند، پیش خود فکر کرد که دوست نیستند و سر جنگ دارند، این است که نمی‌خواهند غذا

بخورند) لذا از ایشان رمید و بدشان دید و هراسی از آنان به دل راه داد. گفتند: مترس. ما (فرشتگان خدائیم و) به‌سوی قوم لوط روانه شده‌ایم (تا آنان را هلاک کنیم).

توضیحات:

«رَأیا أَیْدِیَهُمْ لا تَصِلُ إِلَیْهِ»: دید که دستشان بدان نمی‌رسد. مراد این است که دست به طعام نمی‌زنند و از آن نمی‌خورند. حال چون فرشته بودند غذا نمی‌خوردند. یا این که به رسم عرب، قاصدانی که برای پیام بدی همچون اعلان جنگ آمده باشند، در منزلِ طرف غذا نمی‌خورند، این بود که غذا نمی‌خوردند. « أَوْجَسَ »: احساس کرد. به دل راه داد. «خِیفَةً»: خوف و هراس.

سوره هود آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ ٧١﴾

ترجمه:

همسر ابراهیم (ساره که در آنجا) ایستاده بود (از این خبر که آنان فرشتگان خدایند و برای نجات برادرزاده شوهرش لوط و سایر مؤمنان از دست کفّار آمده‌اند شادمان شد و) خندید، ما (توسّط همان فرشتگان) بدو مژده (تولّد) اسحاق (از او)، و به دنبال وی (تولّد) یعقوب (از فرزندش اسحاق) را دادیم.

توضیحات:

«ضَحِكَتْ»: خندید و مسرور گردید. شادمانی او از شنیدن (لا تَخَفْ إِنّا أُرْسِلْنا إِلي قَوْمِ لُوطٍ) بود.

سوره هود آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قَالَتۡ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٞ وَهَٰذَا بَعۡلِي شَيۡخًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عَجِيبٞ ٧٢﴾

ترجمه:

گفت: ای وای! آیا من که پیرزنی هستم و این هم (ابراهیم) شوهرم که پیرمردی می‌باشد، فرزندی می‌زایم! این چیز شگفتی (و محالی) است (مگر ممکن است از ما دو نفر انسان فرتوت و فرسوده، بچّه‌ای پدید آید)؟!.

توضیحات:

«يَا وَيْلَتَي»: ای وای من! «عَجُوزٌ»: پیرزن. «بَعْل»: شوهر. «شَيْخاً»: پیرمرد. حال بَعْل است.

سوره هود آیه ۷۳

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَتَعۡجَبِينَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۖ رَحۡمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيۡكُمۡ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٞ مَّجِيدٞ ٧٣﴾

ترجمه:

گفتند: آیا از کار خدا شگفت می‌کنی؟ ای اهل بیت (نبوّت)! رحمت و برکات خدا شامل شما است (پس جای تعجّب نیست اگر به شما چیزی عطاء کند که به دیگران عطاء نفرموده باشد). بی‌گمان خداوند ستوده (در همه افعال و) بزرگوار (در همه احوال) است.

توضیحات:

«أَهْلَ الْبَيْتِ»: أَهْلَ منصوب به اختصاص است. «حَمِيدٌ»: ستوده. شایسته حمد و ثنا. « مَجِيدٌ»: بزرگوار. دارای فضل و احسان فراوان.

سوره هود آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنۡ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلرَّوۡعُ وَجَآءَتۡهُ ٱلۡبُشۡرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِي قَوۡمِ لُوطٍ ٧٤﴾

ترجمه:

هنگامی که خوف و هراس از ابراهیم دور شد و مژده (تولّد فرزند) بدو رسید، (دلش به حال قوم لوط سوخت و با فرشتگان) ما (شروع) به مجادله (و گفتگو) درباره (هلاک) قوم لوط کرد.

توضیحات:

«الرَّوْعُ»: خوف و هراس. وحشت. «يُجَادِلُنا»: با فرستادگان ما به مجادله پرداخت.

سوره هود آیه ۷۵

متن آیه:

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٞ مُّنِيبٞ ٧٥﴾

ترجمه:

واقعاً ابراهیم بسی بردبار و آه‌کشنده و توبه‌کار بود.

توضیحات:

«لَحَلِيمٌ»: بردبار و شکیبا. «أَوَّاهٌ»: آه‌کشنده. آه او به خاطر مصائبی بود که دامن مردم را گرفته بود. دلسوزانه به حال آنان تأسّف می‌خورد. «مُنِيبٌ»: رجوع‌کننده. برگردنده به خدا. توبه‌کار.

سوره هود آیه ۷۶

متن آیه:

﴿يَـٰٓإِبۡرَٰهِيمُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَآۖ إِنَّهُۥ قَدۡ جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَإِنَّهُمۡ ءَاتِيهِمۡ عَذَابٌ غَيۡرُ مَرۡدُودٖ ۝٧٦﴾

ترجمه:

(فرشتگان به او گفتند:) ای ابراهیم از این (جدال و درخواست رحمت برای قوم لوط) دست بکش. فرمان پروردگارت (درباره هلاک ایشان) شرف صدور یافته است و به طور قطع عذاب بدی‌شان می‌رسد و (با جدال و التماس تو) برگشت ندارد.

توضیحات:

«أَعْرِضْ»: صرف نظر کن. دست بکش. «غَيْرُ مَرْدُودٍ»: بدون ردخور. بدون بازگشت.

سوره هود آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا وَقَالَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَصِيبٞ ۝٧٧﴾

ترجمه:

هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) به پیش لوط درآمدند، لوط بسیار از آمدن آنان ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباهکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است.

توضیحات:

«سِيءَ بِهِمْ»: حضور ایشان لوط را بدحال و ناراحت کرد، چرا که ایشان را انسان گمان برد. «ضَاقَ بِهِم ذَرْعاً»: سخت به تنگنا افتاد و کاری برای ایشان از دستش بر

نمی‌آمد. دلش به حال آنان سوخت و بسیار نگران ایشان گردید. «ذَرْعاً»: تاب و توان. ضیقِ ذِراع یا ذَرْع، کنایه از فقدان طاقت و عدم توانائی است، و رَحْبِ ذِراع یا ذَرع، کنایه از تاب و توان انجام کار است. ذرع را کنایه از صدر و قلب هم گرفته‌اند. (ذِراعاً) تمییز است و محوَّل از فاعل، یعنی: «عَجَزَتْ قُوَّتُهُ عَنْ حِمَايَتِهِمْ مِنْ أَذي قَوْمِهِ». «عَصِيبٌ»: پیچیده و دشوار. سخت و شدید.

سوره هود آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَجَآءَهُۥ قَوۡمُهُۥ يُهۡرَعُونَ إِلَيۡهِ وَمِن قَبۡلُ كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطۡهَرُ لَكُمۡۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ فِي ضَيۡفِيٓۖ أَلَيۡسَ مِنكُمۡ رَجُلٞ رَّشِيدٞ ٧٨﴾

ترجمه:

قوم لوط (از ورود این جوانان زیبا آگاه شدند و) شتابان به‌سوی لوط آمدند. قومی که (آلوده به گناه بودند و) پیش از آن (هم) اعمال زشت و پلشتی (چون لِواط) انجام می‌دادند. لوط بدی‌شان گفت: ای قوم من! (شرمتان باد! بر مهمانان من ببخشائید و) این‌ها دختران منند و برای شما (از آمیزش با ذکور) پاکیزه‌ترند (من حاضرم آنان را به عقد شما درآورم) پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا مکنید (و بدی‌شان تعدّی و تجاوز منمائید). آیا در میان شما مرد راهیاب و راهنمائی، یافته نمی‌شود؟

توضیحات:

«يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ»: به‌سوی او شتابان آمدند. عشق گناه ایشان را شتابان به‌سوی او راند. «هؤُلآءِ بَنَاتِی»: این‌ها دختران من هستند. مراد این است که دختران خود را با عقد ازدواج در اختیار سران شما می‌گذارم. یا این که من چون پیغمبرم در حکم پدر امت خود می‌باشم و زنان آنان انگار دختران من هستند (نگا: شعراء / ۱۶۶). از خدا بترسید و بروید با زنان ازدواج کنید و بیامیزید. «فِی ضَیفِی»: درباره مهمانانم. واژه ضیف، در اصل مصدر است و برای مفرد و تثنیه و جمع به کار می‌رود. «رَشِیدٌ»: عاقل. راهیاب. راهنما.

سوره هود آیه ۷۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنۡ حَقّٖ وَإِنَّكَ لَتَعۡلَمُ مَا نُرِيدُ ٧٩﴾

ترجمه:

گفتند: تو که می‌دانی ما را به دختران تو نیازی نیست، و می‌دانی که چه چیز می‌خواهیم.

توضیحات:

«مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ»: ما به دختران صلبی تو یا زنان خودمان که آنان را دختران خود می‌دانی چندان نیازی نداریم. یا این که: ما بر زنان خود حق داریم و مالک آنان هستیم، امّا... «حَقٌّ»: مالکیت. نیاز. احتیاج.

سوره هود آیه ۸۰

متن آیه:

﴿قَالَ لَوۡ أَنَّ لِي بِكُمۡ قُوَّةً أَوۡ ءَاوِيٓ إِلَىٰ رُكۡنٖ شَدِيدٖ ٨٠﴾

ترجمه:

لوط گفت: کاش! بر شما توانائی می‌داشتم (تا با قدرت و قوّت هرچه بیشتر با شما می‌جنگیدم و از مهمانان خود دفاع می‌نمودم) یا این که تکیه‌گاه محکمی (چون قوم و عشیره و پیروان فراوان و هم‌پیمانان نیرومند) می‌داشتم و بدان (از دست شما) پناه می‌بردم (و به دفع اذیت و آزارتان از مهمانانم می‌پرداختم و شما افراد خیره‌سر و بی‌شرم را سرکوب می‌کردم).

توضیحات:

«ءَاوِي»: پناه می‌برم. «رُكْنٍ»: تکیه‌گاه. مراد این است که کاش غریب نمی‌بود و او و عمویش ابراهیم قبیله و خویشاوندان زیادی می‌داشتند (نگا: انبیاء / ۷۱، عنکبوت / ۲۶).

سوره هود آیه ۸۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓاْ إِلَيۡكَۖ فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٌ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَۖ إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمۡۚ إِنَّ مَوۡعِدَهُمُ ٱلصُّبۡحُۚ أَلَيۡسَ ٱلصُّبۡحُ بِقَرِيبٖ ٨١﴾

ترجمه:

(فرشتگان بعد از اطّلاع از پریشانی لوط و اصرار بزهکاران، به لوط) گفتند: ای لوط!

ما فرستادگان پروردگارت هستیم، (این زشتکاران) دست‌شان به تو نمی‌رسد (و نمی‌توانند کوچک‌ترین بلا و کم‌ترین زیانی به تو برسانند). اهل و عیال خود را در پاسی از شب بکوچان، و کسی از شما پشت سر خود را ننگرد (تا هول و هراس عذاب را نبیند و دچار شر و مصیبتی نشود) مگر همسر تو که او می‌ماند و به همان بلائی که آنان بدان گرفتار می‌گردند گرفتار می‌شود. موعد (هلاک) ایشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟ (بلی موعد نزدیکی است و مترس هرچه زودتر فرا می‌رسد).

توضیحات:

«لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ»: دستشان به تو نمی‌رسد. دسترسی به تو پیدا نمی‌کنند. یعنی در حق ما یا شما نمی‌توانند کاری بکنند. «أَسْرِ بِأَهْلِكَ»: اهل و عیال خود را در شب بکوچان. از مصدر (إِسْراء) به معنی: شب روی. «بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ»: در بخشی از شب. ذکر (لَيْل) بعد از (أَسْرِ) برای تأکید بیشتر است. «إِمْرَأَتَكَ»: مستثنی از (فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ) است. «إِنَّهُ»: واژه (ه) ضمیر شأن است.

سوره هود آیه ۸۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ٨٢﴾

ترجمه:

هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم لوط) فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو نمودیم و آنجا را با گِل‌های متحجّر و پیاپی سنگباران کردیم. (بدین ترتیب شهر و دیار کسانی که همه‌چیز را وارونه کرده بودند، واژگونه شد و در زیر سنگ‌ها مدفون گردید).

توضیحات:

«عَالِيَهَا»: فوقانی آن. سطح آن. «سَافِلَهَا»: تحتانی آن. پائین آن. «أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً»: آنجا را سنگباران کردیم. بر آنجا سنگهای فراوانی فرود آوردیم. «سِجِّيلٍ»: سنگ گِل. گِلی که به سنگ تبدیل شده باشد (نگا: ذاریات / ۳۳). «مَنضُودٍ»: متتابع و منتظم. پیاپی. مراد رگبار سنگ‌ها و پی‌درپی آمدن آنها است.

سوره هود آیه ۸۳

متن آیه:

﴿مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَۖ وَمَا هِيَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٖ ٨٣﴾

ترجمه:

سنگ‌هائی که از سوی پروردگار تو نشاندار (به نشان عذاب و بدون بازدارنده قرار داده شده) بودند. این چنین سنگ‌هائی از ستمکاران (دیگر هم) به دور نیست (و هر گروه منحرف و ملّت ستم‌پیشه‌ای چنین سرنوشتی در انتظارش می‌باشد).

توضیحات:

«مُسَوَّمَةً»: نشاندار. نشاندار به نشان عذاب و نشانه‌گیری شده به‌سوی نقطه معلوم و فرد معین. مسخّر و مسلّط. غیرقابل جلوگیری و پیشگیری. «مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ»: سنگ‌ها به فرمان خدا مشخّص و معلوم شده بود که به کجا و به چه کسی اصابت کنند. سنگ‌ها از سوی خدا بر آنجا و ساکنان آن مسخّر و مسلّط شده بود و چیزی و کسی نمی‌توانست از آنها جلوگیری کند و مانع اجرای فرمان خدا شود (نگا: المنار، جلد۱۲، صفحه ۱۳۷). «مَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ»: چنین عذابی از سایر ستمکاران هم به دور نیست و مردمان ستم‌پیشه در هر عصر و زمانی باید انتظار این‌گونه مجازات را داشته باشند. سرزمین قوم لوط از ستمکاران مکه چندان دور نیست و سر راه آنان در کوچ‌های زمستان و تابستان قرار دارد (نگا: حجر / ۷۶، صافّات / ۱۳۷ و ۱۳۸).

سوره هود آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ وَلَا تَنقُصُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَۖ إِنِّيٓ أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ وَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ مُّحِيطٖ ٨٤﴾

ترجمه:

شعیب را (نیز) به‌سوی قوم مدین فرستادیم که از خود آنان بود. (شعیب بدیشان) گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید (و بدانید که) جز او معبودی ندارید. و از پیمانه و ترازو مکاهید. من شما را خوب و بی‌نیاز (از کاستن از مقادیر و اوزان) می‌بینم (و شایسته نیست با وجود ثروتمندی از چیزهای مردم بدزدید و کم‌فروشی بکنید. اگر ایمان نیاورید و شکر نعمت را نگزارید) من بر شما از عذاب روز فراگیر می‌ترسم.

توضیحات:

«مَدْيَنَ»: اسم قوم شعیب است (نگا: اعراف / ۸۵). «الْـمكْيَالَ»: کیل و پیمانه. «الْميزَانَ»: ترازو. «إِنِّي أَرَاكُم بِخَيْرٍ»: من شما را خوب و محلّ امید می‌بینم. من شما را ثروتمند و نیکوحال و بی‌نیاز می‌بینم. «مُحِيطٍ»: فراگیر. مراد از فراگیری روز قیامت، فراگیر بودن عذاب آن است. «خَيْرٍ»: در اینجا مراد از این واژه مال و دارائی است که مایه کسب خیر و صلاح و نفع و سود است (نگا: بقره / ۲۱۵ و ۲۷۲ و ۲۷۳). یا این که مراد تشویق و ترغیب ایشان به نیکی و نیکوکاری است و (خَيْر) به معنی خوب و نیک است.

سوره هود آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ أَوۡفُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٨٥﴾

ترجمه:

ای قوم من! پیمانه و ترازو از روی عدل و داد، به تمام و کمال بسنجید و بپردازید و از چیزهای مردم نکاهید و در زمین تباهکارانه تباهی نکنید.

توضیحات:

«أَوْفُوا»: به تمام و کمال بپردازید و به تمام و کمال دریافت کنید. «لا تَبْخَسُوا»: نکاهید. کم ندهید. «لا تَعْثَوْا»: فساد راه نیندازید. تباهی مکنید. «لا تَعْثَوْا فِي...»: (نگا: بقره / ۶۰، اعراف / ۷۴). «لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ»: تعمیم بعد از تخصیص است و گذشته از مقادیر و اوزان، شامل کشیده، شمرده، مِتْر شده، و غیره خواهد شد.

سوره هود آیه ۸۶

متن آیه:

﴿بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ٨٦﴾

ترجمه:

(ای قوم من)! چیزی را که خداوند (از مال حلال) برایتان باقی می‌گذارد (از چیزی که از مال حرام گرد می‌آورید و روی هم می‌اندوزید) بهتر است، اگر مؤمن باشید (و حرف مرا و وعده خدا را باور می‌دارید). من (تنها مبلّغ اوامر خدایم و) محافظ (اقوال و

افعال) شما نمی‌باشم (و توانائی جزا و سزای رفتار و کردار و گفتارتان را ندارم).

توضیحات:

«بَقِيَّةِ اللهِ»: مراد سودی است که پس از به تمام و کمال پرداختن پیمانه و ترازو برای مؤمن می‌ماند. اعمال صالحه و ثواب معنوی (نگا: کهف / ۴۶، مریم / ۷۶). طاعت و عبادت خدا و انتظار پاداش آن. «حَفِيظٍ»: مراقب احوال و افعال. نگهدارنده از بزهکاری‌ها و زشتکاری‌ها.

سوره هود آیه ۸۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ ٨٧﴾

ترجمه:

گفتند: ای شعیب! آیا نمازهایت به تو دستور می‌دهد که ما چیزهائی را ترک کنیم که پدرانمان (از قدیم و ندیم) آنها را پرستیده‌اند؟! (مگر می‌شود عبادت بتهائی را رها سازیم که از دیرباز نیاکانمان را بر آن دیده‌ایم و خود نیز بر آن رفته‌ایم؟! یا نمازهایت به تو دستور می‌دهد که ما آزادی خود را از دست بدهیم) و ما نتوانیم به دلخواه خود در اموال خویش تصرّف کنیم؟! تو که مرد شکیبا و خردمندی هستی (چرا باید چنین سخنان یاوه و پریشانی بگوئی)؟!

توضیحات:

«صَلَوَات»: جمع صَلاة، نمازها. به صورت مفرد هم ذکر شده است. نماز مهمترین و آشکارترین سمبل دین است. «أَصَلَواتُكَ تَأْمُرُكَ»: این جمله به صورت استفهام انکاری و برای استهزاء است. «الْحَلِيمُ»: شکیبا. خردمند. «الرَّشِيدُ»: عاقل و بالغ. راهیاب و راسترو (نگا: جنّ / ۲۱). «إِنَّكَ لاَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»: این جمله نیز جنبه استهزاء و ریشخند را دارد.

سوره هود آیه ۸۸

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ٨٨﴾

ترجمه:

گفت: ای قوم من! اگر من (بر اثر نبوّت) دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم (و به یقین کامل رسیده باشم) و روزی خوبی (علاوه از نبوّت) به من عطاء فرموده باشد، به من بگوئید (آیا می‌توانم برخلاف فرمان خدا، یعنی خالق و هادی و رازق خود رفتار کنم، و شما را از بت‌پرستی و بزهکاری نهی ننمایم؟). من نمی‌خواهم شما را از چیزی باز دارم و خودم مرتکب آن شوم (و بلکه شما را به انجام کاری می‌خوانم که خود نیز بدان عمل می‌کنم). من تا آنجا که می‌توانم جز اصلاح (خویشتن و شما را) نمی‌خواهم، و توفیق من هم (در رسیدن به حق و نیکی و زدودن ناحق و بدی) جز با (یاری و پشتیبانی) خدا (انجام پذیرفتنی) نیست. تنها بر او توکل می‌کنم و (کار و بارم را بدو واگذار می‌سازم و با توبه و انابت) فقط به‌سوی او برمی‌گردم.

توضیحات:

«إِن كُنتُ عَلَىا بَيِّنَةٍ...»: جواب شرط محذوف است که عبارت است از: «أَيَصِحُّ لِي أَن لاَّ ءَامُرُكُمْ بِتَرْكِ عِبادَةِ الأَوْثانِ، وَالْكَفِّ عَنِ الْـمَعاصِي»؟ «رِزْقاً حَسَناً»: روزی پاک. مراد ثروت و دارائی فراوان و حلال است که شعیب از آن برخوردار بوده است. «أَنْـهَاكُمْ عَنْهُ»: شما را از آن نهی می‌کنم و بازمی‌دارم. (أَنْـهي) فعل مضارع و متکلّم وحده است.

سوره هود آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثۡلُ مَآ أَصَابَ قَوۡمَ نُوحٍ أَوۡ قَوۡمَ هُودٍ أَوۡ قَوۡمَ صَٰلِحٖۚ وَمَا قَوۡمُ لُوطٖ مِّنكُم بِبَعِيدٖ ٨٩﴾

ترجمه:

ای قوم من! مخالفت (موجود میان شما و) من، شما را بر آن ندارد که بر عناد با حق و اصرار بر کفر خود بیفزائید و سبب شود که همان بلائی به شما برسد که به قوم نوح یا قوم هود و یا قوم صالح رسید، و (مکان و زمان وقوع هلاک) قوم لوط از شما

چندان دور نیست (و دست‌کم از ایشان عبرت بگیرید و خویشتن را بپائید).

توضیحات:

«لا يَجْرِمَنَّكُمْ»: شما را وادار نکند. شما را بر آن ندارد (نگا: مائده / ۲). فعل مضارع از ماده (جرم) و مؤکد به نون تأکید. «شِقاق»: مخالفت. دشمنانگی. «وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ»: سرزمین قوم لوط از سرزمین شما و تاریخ نابودی ایشان از روزگار شما خیلی دور نیست.

سوره هود آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝٩٠﴾

ترجمه:

از پروردگارتان آمرزش (گناهان خود را) بخواهید و بعد (از هر گناه و لغزشی که در زندگی مرتکب می‌شوید پشیمان شوید و) به‌سوی او برگردید. بی‌گمان پروردگار من بسیار مهربان (در حق بندگان پشیمان و) دوستدار (مؤمنان توبه‌کار) است.

توضیحات:

«وَدُودٌ»: بسیار با محبّت. بسیار دوستدار.

سوره هود آیه ۹۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًاۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝٩١﴾

ترجمه:

گفتند: ای شعیب! بسیاری از چیزهائی را که می‌گوئی نمی‌فهمیم (و گوشمان به سخنانت بدهکار نیست) و ما شما را در میان خود ضعیف می‌بینیم (و قادر به دفاع از خویشتن و اقناع دیگران نمی‌دانیم). اگر (به خاطر احترام) قبیله اندک تو نبود (که بر آئین ما می‌باشند) ما تو را سنگباران می‌کردیم و تو در پیش ما قدر و ارزشی نداری (تا تو را بزرگ و محترم داریم و از کشتن تو صرف نظر کنیم، و در برابر ما قوّت و قدرت آن را نداری که از خویشتن دفاع کنی).

توضیحات:

«مَا نَفْقَهُ»: نمی‌فهمیم. متوجّه نمی‌شویم. «رَهْطُ»: عشیره و قبیله. جماعتی از ده نفر کمتر. مراد فامیل و خویشاوندان اندک شعیب است. «مَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيز»: تو در پیش ما دارای قدرت و عزّت نیستی. تو در برابر ما قوّت و قدرتی نداری.

سوره هود آیه ۹۲

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِيٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّاۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٞ ٩٢﴾

ترجمه:

شعیب گفت: ای قوم من! آیا قبیله و عشیره من در نزد شما گرامی‌تر و مهمتر از خدا است (و به خاطر آنان با من مدارا و سازش می‌کنید) و خدا را فراموش می‌سازید و او را پشت سر می‌اندازید (و به قدرت و عزّت وی اعتنائی نمی‌کنید؟!). بی‌گمان پروردگار من آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید (و اعمال و افعال شما از دید او مخفی نمی‌ماند و پاداش آنها را در کف دستتان می‌گذارد).

توضیحات:

«أَعَزُّ»: گرامی‌تر. قدرتمندتر. «ظِهْرِيّاً»: پشت سر انداخته شده. فراموش شده و اسم منسوب به (ظَهْر) به معنی پشت است و کسره ظاء به سبب تغییراتی است که گاهی در اسم منسوب می‌دهند، همان‌گونه که در نسبت به (أَمْسِ) و (دَهْر) می‌گویند: «إِمْسِيّ و دُهْرِيّ». مفعول دوم فعل (إِتَّخَذْتُمُوهُ) است.

سوره هود آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَٰمِلٞۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٞ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَٰذِبٞۖ وَٱرْتَقِبُوٓاْ إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٞ ٩٣﴾

ترجمه:

ای قوم من! هرچه در قدرت دارید انجام دهید و کوتاهی نکنید (و بدانید که پشتیبان من خدا است و از شما باکی نیست). من به کار خود مشغولم (و همان‌گونه

که شما به راه خود ادامه می‌دهید، من هم به راه خود ادامه می‌دهم). بالاخره خواهید دانست که چه کسی دچار عذابی می‌شود که او را خوار و رسوا می‌کند، و چه کسی دروغگو است (و از من و شما کدام راسترو و خوشبخت، و کدام کجرو و بدبخت می‌باشیم). چشم به راه باشید و من هم چشم به راهم (که عاقبت چه می‌شود).

توضیحات:

«إِعْمَلُوا عَلَیا مَكَانَتِكُمْ»: با تمام نیرو و تلاش به کار خود بپردازید. هرچه از دستتان برمی‌آید، دریغ نورزید (نگا: انعام / ۱۳۵). «إِرْتَقِبُوا»: چشم به راه باشید. منتظر باشید. «رَقِیبٌ»: چشم به راه. منتظر.

سوره هود آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٩٤﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم مدین) در رسید، شعیب و مؤمنانِ همراهِ او را در پرتو مهر خود (از عذاب و هلاک) نجات دادیم و صدای (وحشتناک صاعقه و زلزله)، ستمکاران را دریافت و (بر اثر آن قالب تهی کردند و نقش زمین شدند و) در خانه و کاشانه خود کالبدهای بی‌جانی گشتند.

توضیحات:

«جَاثِمِینَ»: در جای خود خشکیده و بر رخساره فرو افتاده (نگا: اعراف / ۷۸ و ۹۱، هود / ۶۷).

سوره هود آیه ۹۵

متن آیه:

﴿كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَآۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾﴾

ترجمه:

بدان‌گونه که انگار هرگز از ساکنان آن دیار نبوده‌اند (و در آنجا نزیسته‌اند و روزگاری در آن بسر نبرده‌اند. نه خود ماندند و نه اثری از ایشان ماند). هان! نابود (و دور از رحمت خدا) باد قوم مدین! همان‌گونه که قوم ثمود نابود (و دور از رحمت خدا) شدند.

توضیحات:

«كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡا»: (نگا: اعراف / ۹۲، هود / ۶۸). «بُعْداً»: (نگا: هود / ۴۴ و ۶۰ و ۶۸).

سوره هود آیه ۹۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٩٦﴾

ترجمه:

ما موسی را همراه با معجزات (دالّ بر صدق او) و همراه با برهان آشکار (و مؤثّر در نفوس) فرستادیم.

توضیحات:

«ءَايَات»: معجزات مذکور در (اعراف / ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۳۳). «سُلْطَانٍ مُّبِينٍ»: حجّت و برهان قوی و آشکار. مراد همان معجزات سابق است. عطف صفت بر موصوف می‌باشد (نگا: بقره / ۵۳، انبیاء / ۴۸، ذاریات / ۳۸).

سوره هود آیه ۹۷

متن آیه:

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ فِرۡعَوۡنَۖ وَمَآ أَمۡرُ فِرۡعَوۡنَ بِرَشِيدٖ ٩٧﴾

ترجمه:

موسی را به‌سوی فرعون و اشراف و اعیان او فرستادیم (و فرعون رسالت موسی را نپذیرفت و) اطرافیان و زعماء فرعون از فرمان او پیروی کردند (و دستور موسی را گردن نهادند)، در حالی که فرمان فرعون مترقّیانه و مایه هدایت نبود (و ارزش پیروی را نداشت).

توضیحات:

«رَشِيدٍ»: راهبر. راهیاب. مترقّیانه (نگا: هود / ۷۸).

سوره هود آیه ۹۸

متن آیه:

﴿يَقۡدُمُ قَوۡمَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَأَوۡرَدَهُمُ ٱلنَّارَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡوِرۡدُ ٱلۡمَوۡرُودُ ٩٨﴾

ترجمه:

فرعون در روز قیامت در پیشاپیش قوم خود بوده (و ایشان را به‌سوی آتش دوزخ

رهبری خواهد کرد، همان‌گونه که در دنیا آنان را به‌سوی کفر و ضلال رهبری می‌کرد) و ایشان را به آتش دوزخ می‌اندازد. چه بد جایگاهی که بدان وارد می‌شوند!

توضیحات:

«يَقْدُمُ»: پیش می‌افتد. پیشاپیش حرکت می‌کند. «أَوْرَدَهُمْ»: آنان را وارد کرد. فعل ماضی در اینجا به معنی فعل مضارع است. یعنی: ایشان را داخل می‌سازد. «الْوِرْدُ»: آبشخور. ورود. مکان ورود. مصدر به معنی داخل‌شوندگان (نگا: مریم / ۸۶). «الْمَوْرُودُ»: جائی که بدان وارد می‌شوند. آبی که بدان وارد می‌شوند. «بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ»: چه بد آبشخوری که آنان را بدان وارد می‌کنند. چه کسان بدبیار و بدبختی که به آتش دوزخشان داخل می‌کنند. واژه (الـمورود) را صفت واژه (الوِرد) دانسته و مخصوص به ذمّ (النار) محذوف است. یا این که (الـمورود) مخصوص به ذمّ است و حذفی در میان نیست.

سوره هود آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِۦ لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ بِئۡسَ ٱلرِّفۡدُ ٱلۡمَرۡفُودُ ٩٩﴾

ترجمه:

در این دنیا دچار نفرین (مردمان) و طرد (از رحمت یزدان) شدند (و از پس ایشان بدنامی و رسوائی ماند) و در روز قیامت نیز (همین طور به لعنت و طرد از رحمت گرفتار می‌شوند و منفور خدا و فرشتگان و مردمان می‌گردند). چه بد عطائی که (به آنان) داده می‌شود!

توضیحات:

«أُتْبِعُوا»: (نگا: هود / ۶۰) «الرِّفْدُ»: عطاء و ارمغان. «الْـمَرْفُودُ»: عطاء شده. بخشش. «الرِّفْدُ الْـمَرْفُودُ»: مراد لعنت و نفرین است که از راه ریشخند عطاء و ارمغان نامیده شده است (نگا: صافّات / ۶۲).

سوره هود آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيۡكَۖ مِنۡهَا قَآئِمٞ وَحَصِيدٞ ١٠٠﴾

ترجمه:

این از خبرهای شهرها و آبادی‌هائی است که ما برای تو (ای پیغمبر!) بازگو می‌کنیم (تا قوم خود را بدان‌ها پند دهی، و به یاری خدا اطمینان حاصل کنی). برخی از این شهرها و آبادی‌ها هنوز برپا و برجایند (و آثاری از آنها مانده و درس عبرت همگانند،) و برخی درویده (و از میان رفته‌اند همانند کشتزار درو شده).

توضیحات:

«الْقُرَيا»: جمع قرية، مراد شهرها و آبادی‌های بزرگ است. «قَآئِمٌ»: برجا. ماندگار. «حَصِيدٌ»: درو شده. مراد تباه و ویران شده است.

سوره هود آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡۖ فَمَآ أَغۡنَتۡ عَنۡهُمۡ ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِي يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ لَّمَّا جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَمَا زَادُوهُمۡ غَيۡرَ تَتۡبِيبٖ ١٠١﴾

ترجمه:

ما بدانان ستم نکردیم (و بیهوده نابودشان ننمودیم) و بلکه خودشان (با کفر و فساد و پرستش بت‌ها و غیره) بر خویشتن ستم روا داشتند، و معبودهائی را که بغیر از خدا می‌پرستیدند و به فریاد می‌خواندند، کم‌ترین سودی بدانان نرساندند و هیچ‌گونه کمکی نتوانستند بدی‌شان بنمایند (و مثلاً آنان را از هلاک و نابودی برهانند) بدان گاه که فرمان (هلاک ایشان از سوی) پروردگارت صادر گردید، و جز بر هلاک و زیان‌شان نیفزودند (و تنها مایه بدبختی و نابودی ایشان شدند و بس).

توضیحات:

«مَآ أَغۡنَتۡ عَنۡهُمۡ»: عذاب خدا را از ایشان دور نکرد. بدی‌شان سودی نبخشید. «مِن شَيۡءٍ»: هیچ چیزی. حرف (مِنْ) در اینجا برای عمومیت نفی بعد از خود می‌باشد. «تَتۡبِيب»: هلاک ساختن. زیانمند کردن.

سوره هود آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَخۡذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلۡقُرَىٰ وَهِيَ ظَٰلِمَةٌۚ إِنَّ أَخۡذَهُۥٓ أَلِيمٞ شَدِيدٌ ١٠٢﴾

ترجمه:

عقاب پروردگار تو این چنین است (که درباره قوم نوح و عاد و ثمود و مدین و غیره گذشت) هرگاه که (بر اثر کفر و فساد، اهالی) شهرها و آبادی‌هائی را عقاب کند که ستمکار باشند. به راستی عقاب خدا دردناک و سخت است.

توضیحات:

«أَخْذُ»: عقاب. عذاب. هلاک کردن. «الْقُرَیا»: واژه (الْقُرَیا) متنازع مصدر (اَخْذُ) و فعل (أَخَذَ) است.

سوره هود آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّمَنۡ خَافَ عَذَابَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّجۡمُوعٞ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّشۡهُودٞ ١٠٣﴾

ترجمه:

به حقیقت در این (مجازات و نابودی ملّت‌های ستمگر، و در این روایات و اخبار گذشتگان) عبرت بزرگی است برای کسی که از عذاب آخرت بهراسد. آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند، و روزی است که (از سوی مردمان و فرشتگان و پریان) مشاهده می‌گردد (و همگان آن را خواهند دید و ناظر صحنه‌هایش خواهند شد).

توضیحات:

«ءَایَةً»: نشانه قدرت و مشیت خدا. حجّت و برهان آشکار بر اجراء قوانین و سنن خدا درباره آفریدگانش. عبرت و پند. «یَوْمٌ مَّجْمُوعٌ»: روز گردهمآئی (نگا: تغابن / ۹). «یَوْمٌ مَّشْهُودٌ»: روز دیدنی (نگا: آل‌عمران / ۳۰).

سوره هود آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٖ مَّعۡدُودٖ ١٠٤﴾

ترجمه:

ما چنین روزی را فقط تا زمان اندکی به تأخیر می‌اندازیم.

توضیحات:

«أَجَلٍ»: مدّت. سر رسید زمانی. «مَعْدُودٍ»: کم. اندک. «أَجَلٍ مَّعْدُودٍ»: انتهاء مدّت قلیل، که عمر دنیا است (نگا: شوری / ۱۷).

سوره هود آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَأۡتِ لَا تَكَلَّمُ نَفۡسٌ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ فَمِنۡهُمۡ شَقِيّٞ وَسَعِيدٞ ١٠٥﴾

ترجمه:

روزی که این روز فرا می‌رسد کسی یارای سخن گفتن و دم بر آوردن ندارد، مگر با اجازه خدا. (در چنین روزی، مردمان دو گروه بیش نیستند:) دسته‌های از آنان (به سبب کفر و ضلال، به انواع عذاب گرفتارند و) بدبختند، و دسته‌های (به سبب طاعت و عبادت، غرق در نعمت‌های گوناگونند و) خوشبختند.

توضیحات:

«نَفْسٌ»: فردی. کسی. «شَقِيٌّ»: بدبخت. «سَعِيدٌ»: خوشبخت.

سوره هود آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُواْ فَفِي ٱلنَّارِ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَشَهِيقٌ ١٠٦﴾

ترجمه:

و امّا آنان که بدحال و بدبیارند در آتش دوزخ جای دارند و در آنجا (در دم و بازدم خود) ناله و فریاد سر می‌دهند.

توضیحات:

«شَقُوا»: بدبخت و بدبیار شده‌اند. «زَفِيرٌ»: صدای ناشی از بازدم و نفَس بازپس دادنِ شدید و طولانی. «شَهِيقٌ»: صدای دم و نفَس بازپس بردن شدید و طولانی.

سوره هود آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ١٠٧﴾

ترجمه:

آنان در دوزخ جاودانه می‌مانند تا آن گاه که آسمان‌ها و زمین (آنجا) برپا است. (یعنی تا دوزخ، دوزخ است در آن بسر می‌برند) مگر این که خدای تو بخواهد (و اوضاع را دگرگون کند، و عذابی را جایگزین عذاب دیگری گرداند). بی‌گمان پروردگار تو هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد (و چیزی نمی‌تواند جلو او را بگیرد و از انجام آن کار باز دارد).

توضیحات:

«مَا دَامَتِ السَّمَـاوَاتُ وَ الأَرْضُ»: مادام که آسمان‌ها و زمین‌برپا است. یعنی تا دوزخْ دوزخ است. چرا که مراد از آسمان‌ها و زمین، آسمان‌ها و زمین دوزخ است و آن هر آن چیزی است که بالای سر و زیر پای دوزخیان قرار دارد (نگا: ابراهیم / ۴۸). یا این که مراد جاودانگی و نفی انقطاع است همان‌گونه که عرب می‌گوید: «لا أَفْعَلُ کَذا ما لاحَ کَوْکَبٌ... مَا اخْتَلَفَ الَّیْلُ وَ النَّهارُ». «إِلاّ مَا شَآءَ رَبُّکَ»: مراد تقیید سرمدی و ابدی بودن است، نه افاده عدم عموم (نگا: انعام / ۱۲۸، اعراف / ۱۸۸، یونس / ۴۹، اعلی / ۷). یا این که استثناء متوجّه اهل توحید گناهکار است. یعنی: افراد بدبخت در دوزخ جاودانه می‌مانند مگر مؤمنان بزهکار.

سوره هود آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِینَ سُعِدُواْ فَفِی ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِینَ فِیهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۖ عَطَآءً غَیۡرَ مَجۡذُوذٖ ١٠٨﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که (به سبب انجام کارهای نیکو) خوشبخت شده‌اند (وارد بهشت گشته و) در بهشت جاودانه می‌مانند، مادام که آسمان‌ها و زمین برپا است، مگر این که خدا بخواهد (و اهل توحید بزهکار را وارد بهشت نسازد و به دوزخ‌شان دراندازد و بعدها بیرون‌شان آورد و به بهشت‌شان برد. خداوند به افراد خوشبخت) عطیه عظیمی می‌دهد که گسیختنی (و کاستی پذیرفتنی) نیست.

توضیحات:

«إِلاّ مَا شَآءَ رَبُّکَ»: مراد سرمدیت و ابدیت است. یا این که (ما) به معنی (مَنْ) است

و استثناء موحّدین بزهکار از ضمیر (سَعِدُوا) است که سالها بعد از چنین افراد خوشبختی از دوزخ خارج و به بهشت می‌آیند. «عَطَآءً»: عطیه. بخشش. مفعول مطلق است و تقدیر چنین است: «يُعْطِيهِمْ عَطَآءً». عَطاء مصدر یا اسم مصدر و به معنی (إعطاء) است. حال مفعول مقدّر و تمییز از نسبت هم بشمار آورده‌اند. «غَيْرَ مَجْذُوذٍ»: غیر مقطوع. ناگسستنی. همیشگی و پیاپی.

سوره هود آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَٰٓؤُلَآءِۚ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ ١٠٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! درباره قوم بت‌پرست خود) شک و تردیدی به خویشتن راه مده که اینان همان چیزهائی را می‌پرستند و همان عبادتی را می‌کنند که پدران ایشان در گذشته آنها را می‌پرستیدند و بدان گونه پرستش می‌نمودند. (سرنوشت دنیا و آخرت بت‌پرستان و منحرفان پیشین را هم برایت روایت کردیم و دانستی که بر سرشان چه آمد و چه می‌آید) و ما بهره (استحقاقی جزا و سزای) اینان را نیز بی‌کم و کاست خواهیم داد.

توضیحات:

«مِرْيَة»: شک و تردید. «مِمّا»: از چیزهائی که. درباره پرستشی که. (ما) می‌تواند مصدریه بوده، و یا موصوله باشد و مضاف حذف شده باشد؛ یعنی درباره پرستشگران بتان. «غَيْرَ مَنقُوصٍ»: بی کم و کاست. به تمام و کمال. (غَيْرَ) حال مؤکده (نصیب) است.

سوره هود آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَٱخْتُلِفَ فِيهِۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ١١٠﴾

ترجمه:

ما کتاب (آسمانی تورات) را به موسی دادیم و سپس درباره آن (از سوی پیروان در

تفسیر و معنی آن بر حسب اهواء و شهوات ایشان) اختلاف شد (و بسیاری از حق به دور گشتند و دسته دسته و پراکنده شدند) و اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود (که عذاب کافران و مجازات شدید مبطلان تا روز رستاخیز به تأخیر انداخته شود) درباره چیزی که در آن اختلاف پیدا کرده بودند (با تمییز حق از باطل، و برجای داشتن محِقّ و نابودکردن مبطِل) داوری می‌شد (و مسأله کفر و نفاق خاتمه می‌یافت، چرا که از ترس نابودی آنی، اختیار که رمز تکامل و پیشرفت است از میان برمی‌خاست و جبر مطلق بر جامعه حاکم می‌شد. امّا چون مجازات آنی مخالف سرشت انسانی است، خدا چنین نکرد). آنان (که تورات را از پدران خود به ارث برده‌اند) درباره کتاب (آسمانی خود) به شک و تردید شگفتی گرفتار آمده‌اند (و از حقیقت فرسنگها به دور افتاده‌اند).

توضیحات:

«لَوْ لا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ...»: (نگا: یونس / ۱۹). «لَفِي شَكٍّ...»: (نگا: هود / ۶۲).

سوره هود آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَٰلَهُمْۚ إِنَّهُۥ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ١١١﴾

ترجمه:

پروردگارت حتماً (پاداش و پادافره) اعمال همگان را بی‌کم و کاست می‌دهد و او آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنند.

توضیحات:

«كُلاًّ»: همه مؤمنان و کافران. همه کفّارِ ملّت اسلام. «لَـمّـَا»: حرف جازمه است و فعل آن محذوف است و تقدیر چنین می‌شود: «لَـمّـَا یَتْرُكُوا». «لَـمّـَا یُهْمِلُوا». «لَـمّـَا یَنالُوا». همان‌گونه که می‌گویند: «خَرَجْتُ وَ لَـمّـَا». «سافَرْتُ وَ لَـمّـَا». «قارَبْتُ الْمَدینَةَ وَلَـمّـَا». برخی هم (لَـمّـَا) را زائد دانسته‌اند. بسیاری هم آن را در اصل (مِنْ ما) دانسته و (ما) را به معنی (مَنْ) محسوب کرده‌اند. در این صورت جار و مجرور را خبر (إِنَّ) بشمار آورده‌اند. یعنی: «إِنَّ كلًّا لَـمِنَ الَّذینَ»؛ یا. «لَـمِنْ خَلْقٍ». «اعْمَـالَـهُمْ»: مضاف محذوف است، یعنی جزای اعمال ایشان.

سوره هود آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطۡغَوۡاْۚ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٢﴾

ترجمه:

بنابراین، همان‌گونه که فرمان یافته‌ای (در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه و پیکار و پیاده کردن تعلیمات قرآن) استقامت کن همراه کسانی که (از کفر و شرک دست کشیده‌اند و) با تو (به سوی خدا) برگشته‌اند و (ایمان آورده‌اند، و از حدود قوانین خدا) تجاوز نکنید (و از جاده اعتدال به کنار نروید و راه افراط و تفریط مپوئید) چرا که خدا می‌بیند چیزی را که می‌کنید (پس مواظب پندار و گفتار و کردار خود باشید).

توضیحات:

«إِسْتَقِمْ»: راستای راه حق و حقیقت و خیر و صلاح را در پیش گیر. استقامت و پایداری کن. «كَمَآ أُمِرْتَ»: همچنان که دستور داده شده‌ای. به گونه‌ای که فرمان یافته‌اید. «لا تَطْغَوْا»: از حد اعتدال در مگذرید. در وظائف و تکالیف مقرّره افراط و تفریط مکنید و زیاده و نقصان روا مدارید.

سوره هود آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَلَا تَرۡكَنُوٓاْ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ١١٣﴾

ترجمه:

و به کافران و مشرکان تکیه مکنید (که اگر چنین کنید) آتش دوزخ شما را فرو می‌گیرد، و (بدانید که) جز خدا دوستان و سرپرستانی ندارید (تا بتوانند شما را در پناه خود دارند و شر و بلا و زیان و ضرر را از شما به دور نمایند) و پس از (تکیه به کافران و مشرکان، دیگر از سوی خدا) یاری نمی‌گردید و (بر دشمنان) پیروز گردانده نمی‌شوید.

توضیحات:

«لا تَرْكَنُوا»: تکیه مکنید. معتمد و مستند خود مسازید و مدانید. «الَّذِينَ ظَلَمُوا»: کافران و مشرکان حربی. «ثُمَّ»: پس از تکیه به کافران و مشرکان که دشمنان خدا و

مؤمنانند. «لا تُنصَرُونَ»: یاری نمی‌گردید. پیروز گردانده نمی‌شوید.

سوره هود آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ ذَٰلِكَ ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ١١٤﴾

ترجمه:

در دو طرف روز (که وقت نماز صبح و عصر است) و در اوائل شب (که وقت نماز مغرب و عشاء است) چنان که باید نماز را به جای آورید. بی‌گمان نیکی‌ها (و از جمله نمازهای پنج‌گانه) بدی‌ها را از میان می‌برد. بی‌گمان در این (سفارش‌ها و قانون‌های آسمانی) اندرز و ارشاد کسانی است که پند می‌پذیرند و خدای را یاد می‌کنند و به یاد می‌دارند.

توضیحات:

«طَرَفَيِ النَّهارِ»: دو طرف روز. مراد اوّل و آخر روز است که هنگام گزاردن نماز صبح و عصر است. «زُلَفاً»: «جمع زُلْفَة»، و در لفظ و معنی مانند (قُرَب) جمع قُرْبَة است. یعنی: نزدیکی‌ها و اوائل شب که وقت نماز مغرب و عشاء است. «الْحَسَنَاتِ»: همه اعمال صالحه و از جمله ترک زشتی‌ها و پلشتی‌ها (نگا: نساء / ۳۱، انفال / ۲۹). «ذلِكَ»: این سفارشها و توصیه‌ها، از امر به استقامت تا اقامه نماز. «ذِكْرَيا»: یادآوری. تذکر. یا این که به معنی مذکر است، یعنی یادآورنده و تذکر دهنده. «الذَّاكِرِينَ»: یاد آورندگان. پندپذیران. به یاد دارندگان. برای پی‌بردن به اوقات پنج‌گانه نماز مراجعه شود به (طه / ۱۳۰ و روم / ۱۷ و اسراء / ۷۸).

سوره هود آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَٱصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١١٥﴾

ترجمه:

و (در برابر سختی‌های چیزهائی که به تو دستور داده شده است) شکیبائی کن که خداوند پاداش نیکوکاران را ضائع نخواهد کرد (و رنج آنان را در دنیا و آخرت هدر نخواهد داد).

توضیحات:

«فَإِنَّ اللهَ...»: این جمله تعلیل (إِصْبِرْ) است.

سوره هود آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَا كَانَ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِن قَبۡلِكُمۡ أُوْلُواْ بَقِيَّةٖ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡفَسَادِ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّنۡ أَنجَيۡنَا مِنۡهُمۡۗ وَٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَآ أُتۡرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجۡرِمِينَ ١١٦﴾

ترجمه:

چرا نمی‌بایست که در میان ملّت‌های (گذشته) پیش از شما فرزانگانی باشند که از فساد در زمین نهی کنند (تا دیگران را از گرفتار آمدن به عذاب و نابود شدن رهائی بخشند؟) مگر مردمان کمی که (به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کردند و) ما نجاتشان دادیم، و (امّا در همان حال) کافرانی می‌زیستند که از خوشگذرانی و تنعّم و تلذّذی پیروی می‌کردند که آنان را مغرور و فاسد کرده بود، و دائماً گناه می‌ورزیدند (و هیچ وقت به دعوت پیغمبران و خیرخواهان گوش نمی‌دادند و از فساد و تباهی دست نمی‌کشیدند).

توضیحات:

«الْقُرُونِ»: جمع قَرْن، مردمان یک عصر و زمان. مراد ملّت‌های پیشین است. «أُولُوا بَقِيَّةٍ»: صاحبان فضل. خیرخواهان. خردمندان خویشتندار. «بَقِيَّة»: عقل و فضل. خیر و نیکی. «إِلاّ قَلِيلاً...»: لیکن گروه اندکی. مستثنی منقطع است. «مَآ أُتْرِفُوا فِيهِ»: خوشگذرانی و مال‌اندوزی و شهرت طلبی گذرائی که درآن غوطه‌ور گشتند و مایه غرور و سرکشی ایشان شد. می‌گویند: «أَتْرَفَتْهُ النِّعْمَةُ»: یعنی نعمت او را به سرکشی و خوشگذرانی کشاند. مُتْرِف به معنی غرق در شهوات، از این ریشه است.

سوره هود آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا مُصۡلِحُونَ ١١٧﴾

ترجمه:

(سنّت و عادت) پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادی‌ها را ستمگرانه ویران کند، در حالی که ساکنان آنجاها (متمسّک به حق و ملتزِم به فضائل بوده و)

درصدد اصلاح (حال خود و دیگران) برآمده باشند.

توضیحات:

«الْقُرَیا»: شهرها و آبادی‌ها. مراد ساکنان آنجاها است. «بِظُلْمٍ»: ستمگرانه و ناعادلانه. حال فاعل است. یا این که ظلم به معنی کفر است و معنی چنین می‌شود: خداوند کافران را بر اثر کفر از میان نمی‌برد و بلکه به سبب بیدادگری و بی‌انصافی نابودشان می‌سازد. در این صورت (بِظُلْمٍ) حال مفعول است. «مُصْلِحُونَ»: خوبان و نیکوکاران. اصلاح‌گران.

سوره هود آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةً وَٰحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾﴾

ترجمه:

(ای پیغمبری که آزمند بر ایمان آوردن قوم خود و متأسّف بر روی گردانی ایشان از دعوت آسمانی هستی! بدان که) اگر پروردگارت می‌خواست مردمان را (همچون فرشتگان در یک مسیر و بر یک برنامه قرار می‌داد و) ملّت واحدی می‌کرد (و پیرو آئین یگانه‌ای می‌نمود، و آنان در مادیات و در معنویات و در انتخاب راه حق یا راه باطل اختیار و اختلافی نمی‌داشتند. آن وقت جهان به گونه دیگری در می‌آمد) ولی (خدا مردمان را مختار و با اراده آفریده و) آنان همیشه (در همه چیز، حتّی در گزینش دین و اصول عقائد آن) متفاوت خواهند ماند.

توضیحات:

«أُمَّةً وَاحِدَةً»: ملّت واحدی. مردمان یکسان و همگونی. «لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً...»: مردمان را ملّت واحدی و یکسانی می‌کرد که مثلاً زندگی اجتماعی آنان همسان زندگی زنبوران عسل و مورچگان، و زندگی روحانی ایشان همگون زندگی فرشتگان می‌شد و کارشان مبنی بر اجبار نه اختیار می‌گشت و ثواب و عقابی به اعمال‌شان تعلّق نمی‌گرفت (نگا: بقره / ۲۱۳، یونس / ۱۹). «وَلا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ»: همیشه متفاوت و جداگانه می‌مانند. دسته‌های ایمان می‌آورند و از حق جانبداری می‌نمایند و گروهی ایمان نمی‌آورند و حق را نمی‌پذیرند.

سوره هود آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَۚ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمۡۗ وَتَمَّتۡ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١١٩﴾

ترجمه:

(مردمان بنا به اختلاف استعداد، در همه چیز حتی در دینی که خدا برای آنان فرستاده است متفاوت می‌مانند) مگر کسانی که خدا بدی‌شان رحم کرده باشد (و در پرتو لطف او بر احکام قطعی الدلاله کتاب خدا متّفق بوده، هر چند در فهم معنی ظنّی الدلاله آن که منوط به اجتهاد است، اختلاف داشته باشند) و خداوند برای همین (اختلاف و تحقّق اراده و رحمت) ایشان را آفریده است، و سخن پروردگار تو بر این رفته است که: دوزخ را از جملگی جنّی‌ها و انسان‌های (پیرو نفْسِ امّاره و اهریمن مکاره) پُر می‌کنم.

توضیحات:

«لِذالِك خَلَقَهُمْ»: خدا آنان را بر تفاوت و تنوّع آفریده است و حق انتخاب راه درست و راه نادرست را بدی‌شان داده است و جوابگوی این انتخابشان کرده است. برای این رحمت، آنان را آفریده است. برای تحقّق این اراده ایشان را آفریده است. «تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ...»: فرمان پروردگارت بر این رفته است و تحقّق یافته و تنفیذ گردیده است (نگا: اعراف / ۱۳۷). «لَأَمْلَأَنَّ...»: (نگا: اعراف / ۱۸، سجده / ۱۳).

سوره هود آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿وَكُلّٗا نَّقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَۚ وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَقُّ وَمَوۡعِظَةٞ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ١٢٠﴾

ترجمه:

این همه از اخبار پیغمبران بر تو فرو می‌خوانیم، کلّاً برای این است که بدان دلت را برجای و استوار بداریم (و در برابر مشکلات تبلیغ رسالت، آن را تقویت نمائیم). برای تو در ضمن این (سوره و اخبار مذکور در آن، بیان) حق آمده است (همان حقی که پیغمبران دیگران را بدان می‌خواندند) و برای مؤمنان پند و یادآوری مهمّی ذکر شده

است (که می‌توانند همچون ایمانداران پیشین از آن سود جویند و راه سعادت پویند).

توضیحات:

«كُلاًّ»: همه. جملگی. مفعول‌به مقدّم برای فعل (نَقُصُّ) است. «ما»: چیزی که. بدل از (كُلاًّ) است. «فِي هذِهِ»: در اخبار پیغمبران. در این سوره. «ذِكْرَيا»: تذکار و یادآوری آنچه بر سرِ گذشتگان آمده است.

سوره هود آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنَّا عَٰمِلُونَ ١٢١﴾

ترجمه:

بگو به کسانی که ایمان نمی‌آورند: هرچه در قدرت دارید بکنید (و در راه خود بروید) که ما نیز آنچه می‌توانیم می‌کنیم (و در راه خود می‌رویم، ولی بدانید سرانجامِ شما شکست و بدبختی، و عاقبتِ ما پیروزی و خوشبختی است).

توضیحات:

«عَلَيا مَكَانَتِكُمْ»: به اندازه قدرت و استطاعتی که دارید (نگا: انعام / ۱۳۵). به شیوه و برنامه خود.

سوره هود آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿وَٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ١٢٢﴾

ترجمه:

و چشم به راه باشید (که به ما چه چیز می‌رسد از آنچه فکر می‌کنید که می‌رسد) و ما هم چشم به راه هستیم (که برابر وعده خدا، دعوت آسمانی پیروز و اسلام بر شما و بر همه دشمنان دین غلبه کند).

توضیحات:

«إِنتَظِرُوا»: منتظر عواقب باشید. تهدید دیگری است که به دنبال تهدیدات قبلی آمده است.

سوره هود آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُ ٱلۡأَمۡرُ كُلُّهُۥ فَٱعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٢٣﴾

ترجمه:

(آگاهی از) غیب آسمان‌ها و زمین ویژه خدا است، و کارها یکسره بدو برمی‌گردد (و امور جهان به فرمان او می‌چرخد)، پس او را بپرست و بر او تکیه کن و (بدان که) پروردگارت از چیزهائی که می‌کنید بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الأرْضِ»: آگاهی از راز آسمان‌ها و زمین. یعنی اطّلاع از غیب کائنات خاصّ خدا است و بس. «إِلَيْهِ يُرْجَعُ الأمْرُ»: کار و بار بدو حوالت می‌گردد. کار بندگان برای حساب و کتاب در آخرت بدو برگشت داده می‌شود. متصرّف در شؤون و گرداننده امور جهان او است.

سوره یوسف

سوره یوسف آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ۝١﴾

ترجمه:

الف. لام. را. این، آیه‌های کتاب روشن و روشن‌گری است (برای کسانی که از آن راهنمائی و هدایت طلبند).

توضیحات:

«الر»: (نگا: بقره / ۱). «تِلْكَ»: آن. در اینجا به معنی (این) و اشاره به آیات سوره یوسف است که انتظار نزول آنها می‌رود و متأخّر به منزله متقدّم در نظر گرفته شده است. یا این که حضور آنها در ذهن به منزله وجود خارجی است. «الْكِتَابِ»: مراد سوره یوسف یا قرآن مجید است.

سوره یوسف آیه ۲

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ۝٢﴾

ترجمه:

ما آن را (به صورت) کتاب خواندنی (و به زبان) عربی فرو فرستادیم تا این که شما (آن را) بفهمید (و آنچه را در آن است به دیگران برسانید).

توضیحات:

«قُرْءَاناً»: خواندنی. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی مقروء به کار رفته است و حال ضمیر (ه) است. «عَرَبِيّاً»: حال دوم یا صفت (قُرْءَاناً) است.

سوره یوسف آیه ۳

متن آیه:

﴿نَحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ أَحۡسَنَ ٱلۡقَصَصِ بِمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ٣﴾

ترجمه:

ما از طریق وحی این قرآن، نیکوترین سرگذشت‌ها را برای تو بازگو می‌کنیم و (تو را بر آنها مطّلع می‌گردانیم) هرچند که پیشتر از زمره بی‌خبران (از احوال گذشتگان) بوده‌ای.

توضیحات:

«أَحْسَنَ الْقَصَصِ»: نیکوترین سرگذشت‌ها. زیباترین بیان و راست‌ترین و درست‌ترین وجه. «الْقَصَصِ»: سرگذشت‌ها. بیان سرگذشت. مصدر یا اسم مصدر است (نگا: آل‌عمران / ۶۲، اعراف / ۱۷۶). «بِمَآ أَوْحَيْنَا»: به سبب وحی ما.

سوره یوسف آیه ۴

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيۡتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوۡكَبٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ رَأَيۡتُهُمۡ لِي سَٰجِدِينَ ٤﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به یاد دار) آن گاه را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و همچنین خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند.

توضیحات:

«یآ أَبَتِ»: ای پدرم! اصل آن، یا أَبی است و عرب‌ها در نداء یاء متکلّم را به تاء تبدیل می‌کنند. «رَأَيْتُهُمْ»: استعمال ضمیر (هُمْ) و واژه (ساجِدينَ) برای ستارگان و خورشید و ماه، بدان خاطر است که سجده بردن مخصوص ذوی‌العقول است و چنین کراتی به منزله ذوی‌العقول فرض شده‌اند. «سَاجِدِينَ»: حال است.

سوره یوسف آیه ۵

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيۡدًاۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٥﴾

ترجمه:

(پدرش) گفت: فرزند عزیزم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، (چرا که مایه حسد آنان می‌شود، و اهریمن ایشان را بر آن می‌دارد) که برای تو نیرنگ بازی و دسیسه‌سازی کنند. بی‌گمان اهریمن دشمن آشکار انسان است.

توضیحات:

«فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْداً»: درباره تو به مکر و کید عظیم متوسّل می‌شوند.

سوره یوسف آیه ۶

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٦﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که در خواب خویشتن را سرور و برتر دیدی) پروردگارت تو را (به پیغمبری) برمی‌گزیند و تعبیر خواب‌ها را به تو می‌آموزد (و با خلعت نبوّت تو را مفتخر می‌سازد) و بر تو و خاندان یعقوب نعمت خود را کامل می‌کند، همان طور که پیش از این بر پدرانت ابراهیم و اسحاق کامل کرد. بی‌گمان پروردگارت بسیار دانا و پرحکمت است (و می‌داند چه کسی را برمی‌گزیند و خلعت نبوّت را به تن چه کسی می‌کند).

توضیحات:

«يَجْتَبِيكَ»: تو را برمی‌گزیند و برای نبوّت انتخاب می‌کند. «تَأْوِيلِ»: تعبیر. تفسیر. «الأحَادِيثِ»: سخنان. مراد خواب‌ها و رؤیاها است. «أَبَوَيْكَ»: پدرانت. مراد جدّ او اسحاق و جدّ پدرش ابراهیم است.

سوره یوسف آیه ۷

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخۡوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٞ لِّلسَّآئِلِينَ ٧﴾

ترجمه:

در (سرگذشت) یوسف و برادرانش دلائل و نشانه‌هائی (بر قدرت خدا و مرحمت او به بندگان باایمانش) است برای کسانی که پرسندگان (و مشتاقان آگاهی) از آن می‌باشند.

توضیحات:

«فِي يُوسُفَ»: در سرگذشت یوسف. مضاف محذوف است.

سوره يوسف آيه ۸

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٨﴾

ترجمه:

هنگامی که (برادران پدری یوسف) گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین که از یک مادرند) در پیش پدرمان از ما محبوبترند، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم (و از آن دو برای پدر سودمندتر می‌باشیم). مسلّماً پدرمان در اشتباه روشنی است.

توضیحات:

«عُصْبَةٌ»: گروه متّحد و نیرومند. «ضَلالٍ»: خطای در اندیشه و عدم رعایت مساوات در محبّت.

سوره يوسف آيه ۹

متن آیه:

﴿ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا يَخۡلُ لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ قَوۡمٗا صَٰلِحِينَ ٩﴾

ترجمه:

یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی (دور دست) بیفکنید، تا توجّه پدرتان فقط با شما باشد (و تنها و تنها شما را دوست داشته باشد و به شما مهر ورزد) و بعد از آن (از گناه خود پشیمان می‌شوید و توبه می‌کنید و) افراد صالحی خواهید گشت (چرا که خدا توبه‌پذیر است و پدر هم عذرتان را قبول می‌نماید).

توضیحات:

«إطْرَحُوهُ»: بیندازید. «يَخْلُ لَكُمْ»: خالصانه از آن شما می‌شود. تنها متوجّه شما می‌گردد. «وَجْهُ»: چهره. ذات. کنایه از خوشروئی و توجّه به احوال و اوضاع ایشان است.

سوره يوسف آيه ۱۰

متن آیه:

﴿قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلۡقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ يَلۡتَقِطۡهُ بَعۡضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ١٠﴾

ترجمه:

گوینده‌ای از آنان گفت: یوسف را مکشید (که کشتن جرمی عظیم و گناهی نابخشودنی است) و بلکه او را به ژرفای چاه بیندازید تا قافله‌ای او را برگیرد (و به سرزمین دورافتاده‌ای ببرد)، اگر (برای دورکردن او و رسیدن به هدف خود) می‌خواهید کاری بکنید.

توضیحات:

«غَيَابَةِ»: نهآن گاه. مراد ژرفای چاه است. «الْـجُبِّ»: چاه. «السَّيَّارَةِ»: جمع سَیار، قافله‌ها. کاروانیان.

سوره یوسف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَالَكَ لَا تَأۡمَ۬نَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ١١﴾

ترجمه:

(پس از اتّفاق آنان بر دور داشتن یوسف، به پدرشان) گفتند: پدر جان! چرا نسبت به یوسف به ما اطمینان نمی‌کنی؟ در حالی که ما خیرخواه او می‌باشیم (و جز محبّت و خلوص از ما ندیده است و راهنما و دلسوز وی بوده و هستیم).

توضیحات:

«نَاصِحُونَ»: خیرخواهان. راهنمایان به کار نیک.

سوره یوسف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿أَرۡسِلۡهُ مَعَنَا غَدٗا يَرۡتَعۡ وَيَلۡعَبۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ١٢﴾

ترجمه:

فردا او را با ما بفرست (تا در میان چمنزارها و گلزارها) بخورد و بازی کند و ما مراقب و نگهبان وی خواهیم بود.

توضیحات:

«يَرْتَعْ»: بچرد. مراد خوردن و آشامیدن و بهره‌مندی از میوه‌ها و چیزهای خوشمزه است.

سوره یوسف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِيٓ أَن تَذْهَبُواْ بِهِۦ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ ٱلذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَٰفِلُونَ ١٣﴾

ترجمه:

گفت: اگر او را از پیش من دور کنید و ببرید، ناراحت و غمگین می‌گردم. می‌ترسم که شما از او غافل شوید و گرگ وی را بخورد.

توضیحات:

سوره یوسف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَئِنْ أَكَلَهُ ٱلذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّآ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ١٤﴾

ترجمه:

گفتند: اگر گرگ او را بخورد، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم (و از او محافظت می‌کنیم) در این صورت ما زیانمندانی بیش نخواهیم بود (و جز ننگ و عار بهره‌ای نخواهیم داشت).

توضیحات:

«عُصْبَة»: (نگا: یوسف / ۸، نور / ۱۱، قصص / ۷۶).

سوره یوسف آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِۦ وَأَجْمَعُوٓاْ أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ١٥﴾

ترجمه:

هنگامی که او را بردند و تصمیم گرفتند که او را به ژرفای چاه بیندازند (و عاقبت هم نقشه خود را اجرا کردند)، در همین حال بدو پیام دادیم که در آینده آنان را به این کاری که (در حق تو) کردند آگاه خواهی ساخت، در حالی که نخواهند فهمید (که تو برادر ایشان یوسف هستی. همان برادری که بر نیرنگ او همداستان شدند و گمان بردند که از دست او آسوده گشتند).

توضیحات:

«لَـمَّـا»: جواب (لَـمّا) محذوف است و تقدیر چنین است: «فَلَمّا ذَهَبُوا بِهِ»، «نَفَذُوهُ فَحَفِظْنَاهُ». «أَوْحَيْنَا»: وحی کردیم. مراد الهام قلبی است (نگا: مریم / ۱۷، قصص / ۷). «وَ أَوْحَيْنا»: حرف واو زائد است.

سوره یوسف آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَجَآءُوٓ أَبَاهُمۡ عِشَآءٗ يَبۡكُونَ ١٦﴾

ترجمه:

شبانگاه گریه‌کنان پیش پدرشان برگشتند (و شیون سر دادند).

توضیحات:

«يَبْكُونَ»: می‌گریستند. حال است.

سوره یوسف آیه ۱۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَـٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبۡنَا نَسۡتَبِقُ وَتَرَكۡنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا فَأَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُؤۡمِنٖ لَّنَا وَلَوۡ كُنَّا صَٰدِقِينَ ١٧﴾

ترجمه:

گفتند: ای پدر! ما رفتیم و سرگرم مسابقه (دو و تیراندازی) گشتیم و یوسف را نزد اثاثیه خود گذاردیم و گرگ (آمد و) او را خورد. تو هرگز (سخنان) ما را باور نمی‌داری، هرچند هم راستگو باشیم (چرا که یوسف را بسیار دوست می‌داری و ما را بدخواه او می‌انگاری).

توضیحات:

«نَسْتَبِقُ»: مسابقه می‌دادیم. «مُؤْمِنٍ»: باورکننده. تصدیق‌کننده.

سوره یوسف آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٖ كَذِبٖۚ قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٞۖ وَٱللَّهُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ١٨﴾

ترجمه:

پیراهن او را آلوده به خون دروغین بیاوردند (و به پدرشان نشان دادند. پدر) گفت: (چنین نیست. یوسف را گرگ نخورده است و او زنده است) بلکه نفس (امّاره) کار زشتی را در نظرتان آراسته است و (شما را دچار آن کرده است. این کار شما، و امّا کار من،) صبر جمیل است، (صبری که جزع و فزع، زیبائی آن را نیالاید، و ناشکری و ناسپاسی اجر آن را نزداید و به گناه تبدیل ننماید.) و تنها خدا است که باید از او یاری خواست در برابر یاوه رسواگرانه‌ای که می‌گوئید.

توضیحات:

«قَمِیص»: پیراهن. «عَلَیا قَمیصِهِ»: حال مقدّم برای (دَم) است. «کَذِبٍ»: دروغین. مصدر است و برای مبالغه به معنی اسم فاعل، یعنی کاذب به کار رفته است. «سَوَّلَتْ»: زینت داده است و خوشایند کرده است. آراسته و دوست‌داشتنی نموده است (نگا: محمّد / ۲۵). «أَمْراً»: کار عظیم. مراد کار زشت است. «فَصَبْرٌ جَمِیلٌ»: صبر جمیل، آن است که سخنانی که نشان دهنده ناسپاسی و شِکوه و بیتابی باشد بر زبان جاری نشود. واژه صَبْرٌ خبر مبتدای محذوف است. «الْمُسْتَعَانُ»: کسی که از او کمک و یاری خواسته می‌شود. «تَصِفُونَ»: بیان می‌دارید. در اینجا مراد بیان دروغ و گفتن سخنان یاوه و ناروا است (نگا: انعام / ۱۰۰)

سوره یوسف آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَجَآءَتۡ سَيَّارَةٞ فَأَرۡسَلُواْ وَارِدَهُمۡ فَأَدۡلَىٰ دَلۡوَهُۥۖ قَالَ يَٰبُشۡرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٞۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ١٩﴾

ترجمه:

(بعدها) قافله‌ای (بدانجا) آمد و آب‌آور خود را فرستادند (تا از چاه آب برای آنان بیاورد. هنگامی که) سطل خود را به پائین انداخت (و از چاه بالا کشید، دید که پسری بدان آویخته است! فریاد برآورد و) گفت: مژده باد! این پسری (بس زیبا و دوست‌داشتنی) است، و او را به عنوان کالائی (برای فروش، از دیگران) پنهان داشتند (و عازم مصر شدند). و خداوند آگاه از هر آن چیزی بود که می‌کردند (و به دل می‌گرفتند).

توضیحات:

«وارِدَ»: آبدار. آب‌آور. مأمور تهیه آب کاروان. «أَدْلَیا»: سرازیر کرد. فرو انداخت. «دَلْو»: سطل. ظرفی از پوست. «یَا بُشْرَیا»: مژده باد! ترکیبی است که به هنگام سُرور و شادمانی گفته می‌شود، در مقابل (یا حَسْرَتا) که به هنگام جزع و فزع بیان می‌گردد. «غُلامٌ»: پسر بچّه، از روز تولّد تا آغاز جوانی. «أَسَرُّوهُ»: او را پنهان کردند. او را به دل جای دادند. «بِضَاعَة»: کالا. دارائی. حال است از ضمیر (ه) در فعل (أَسَرُّوهُ). «أَسَرُّوهُ بِضَاعَة»: او را کالائی برای فروش انگاشتند و به دل راه دادند. او را به عنوان متاعی نهان داشتند.

سوره یوسف آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَشَرَوۡهُ بِثَمَنِۭ بَخۡسٖ دَرَٰهِمَ مَعۡدُودَةٖ وَكَانُواْ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

و او را به پول ناچیزی، تنها به چند درهم فروختند، و (نسبت بدو چندان سخت‌گیری نکردند، چرا که از ترس خانواده یوسف) از (نگهداری) او پرهیز داشتند.

توضیحات:

«شَرَوْهُ»: او را فروختند. «بَخْسٍ»: ناقص. مراد بهای کمتر از بهای افراد مثل او است. «دَرَاهِمَ»: درهم‌ها. بدل از (ثَمَنٍ) است. «مَعْدُودَة»: اندک. کم. «الزَّاهِدِینَ»: افراد بی‌علاقه و بی‌مبالات. مراد این است که هرچه زودتر می‌خواستند شر او را از سر خود کم کنند. به دو جهت: یکی این که او را مُفت به دست آورده بودند. دیگر این که می‌ترسیدند خانواده‌اش سر برسند.

سوره یوسف آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِي ٱشۡتَرَىٰهُ مِن مِّصۡرَ لِٱمۡرَأَتِهِۦٓ أَكۡرِمِي مَثۡوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗاۚ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢١﴾

ترجمه:

کسی که او را در مصر خریداری کرد، به همسر خود گفت: او را گرامی دار (و کاری کن که مکان مناسبی برای او تهیه کنی تا احساس کند یکی از افراد خانواده ما است). شاید برای ما سودمند افتد، یا اصلاً او را به فرزندی بپذیریم. بدین منوال ما یوسف را در سرزمین (مصر استقرار بخشیدیم و) مکانت و منزلت دادیم، تا (در آنجا) تعبیر برخی از خواب‌ها را بدو بیاموزیم. خدا بر کار خود چیره و مسلّط است، ولی بیشتر مردم (خفایای حکمت و لطف تدبیرش را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«مَثْوَیا»: اقامتگاه. اقامت. اسم مکان یا مصدر میمی است. «أَكْرِمِي مَثْوَاهُ»: آنچه به اقامتگاه او یا ماندگاری او مربوط می‌شود فراهم آور و در احترام و بزرگداشت او کوتاهی مکن. «مَكَّنَّا»: مکانت و منزلت بخشیدیم. استقرار دادیم. «وَلِنُعَلِّمَهُ »: واو زائد است (نگا: بقره / ۱۴۳). «الأحَادِيثِ»: جمع حدیث، خواب‌ها.

سوره یوسف آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که یوسف به رشد و کمال خود رسید (و به نهایت قوّت جسمانی و عقلانی دست یافت، نیروی) داوری و دانائی بدو دادیم، و ما این چنین (که پاداش یوسف را دادیم) پاداش (همه) نیکوکاران را می‌دهیم.

توضیحات:

«أَشُدّ»: رشد جسمانی و عقلانی. «حُكْماً»: حکمت. داوری. نبوّت. «عِلْماً»: دانش تعبیر خواب. تفقّه در دین. آگاهی از مصالح امور.

سوره یوسف آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلۡأَبۡوَٰبَ وَقَالَتۡ هَيۡتَ لَكَۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

زنی که یوسف در خانه‌اش بود، آرام آرام نیرنگ آغازید و به گول‌زدن او پرداخت، و درها را بست و گفت: بیا جلو و دست به کار شو، با تو هستم! یوسف گفت: پناه بر خدا! او که خدای من است، مرا گرامی داشته است (چگونه ممکن است دامن عصمت به گناه بیالایم و به خود ستم نمایم؟!) بی‌گمان ستمکاران رستگار نمی‌گردند.

توضیحات:

«رَاوَدَتْهُ... عَنْ...»: خواست او را نیرنگ کند و گولش بزند. مراد این است که با انواع حیله‌ها از او کام خواست و مکارانه و متضرّعانه کامجوئی طلبید. «هَيْتَ»: بیا جلو. بفرما. اسم‌الفعل است. «لَكَ»: با تو هستم. «إِنَّهُ رَبِّي»: خدا پروردگار من است. عزیز مصر ولی نعمت من است. مرجع ضمیر (ه) می‌تواند خدا باشد، یا این که عزیز مصر. استعمال (رَبّي) در معنی دوم، با توجّه به عرف ظاهر مردم است که می‌گویند: صَاحِبُ الدّارِ (نگا: یوسف / ۴۲ و ۵۰). «إِنَّهُ لا يُفْلِحُ...»: واژه (ه) ضمیرشأن است. یعنی: به هر حال.

سوره یوسف آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ هَمَّتۡ بِهِۦۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦۚ كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

زن (که چنین دید به پرخاشگری پرداخت و برای تنبیه عبد خود) قصد (زدن) یوسف کرد، و یوسف (برای دفاع از خود) قصد (طرد) او کرد، امّا برهان خدای خود را دید (و از دفاع دست کشید و فرار را بر قرار ترجیح داد). ما این چنین کردیم (و در حفظ وی در همه مراحل کوشیدیم) تا بلا و زنا را از او دور سازیم. چرا که او از بندگان پاکیزه و گزیده ما بود.

توضیحات:

«هَمَّتْ بِهِ»: زلیخا قصد زدن و تنبیه‌کردن یوسف کرد. «هَمَّ بِهَا»: یوسف قصد انتقام از او و دفاع از خود کرد. «بُرْهَان»: مراد راه نجاتی است که پروردگارش بدو الهام کرد. «السُّوءَ»: زشتی‌ها و پلشتی‌ها. بلاها و بدی‌ها. «الْفَحْشَآء»: زنا. «الْمُخْلَصِينَ»:

گزیدگان. پاکان.

سوره یوسف آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ وَقَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٖ وَأَلۡفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلۡبَابِۚ قَالَتۡ مَا جَزَآءُ مَنۡ أَرَادَ بِأَهۡلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسۡجَنَ أَوۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٥﴾

ترجمه:

(از پی هم) به‌سوی در (دویدند و) بر یکدیگر پیشی جستند، (یوسف می‌خواست زودتر از در خارج شود و زلیخا می‌خواست از خروج او جلوگیری کند. در این حال و احوال،) پیراهن یوسف را از پشت بدرید، دم در به آقای زن برخوردند، (زن خطاب به شوهر خود) گفت: سزای کسی که به همسرت قصد انجام کار زشتی کند، جز این نیست که یا زندانی گردد یا شکنجه دردناکی ببیند.

توضیحات:

«إِسْتَبَقَا»: با یکدیگر مسابقه دادند و بر همدیگر پیشی گرفتند. «قَدَّتْ»: پاره کرد. چاک زد. «أَلْفَيَا»: یافتند. برخوردند. «لَدَیا»: نزد. دم.

سوره یوسف آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالَ هِيَ رَٰوَدَتۡنِي عَن نَّفۡسِيۚ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٖ فَصَدَقَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٦﴾

ترجمه:

یوسف گفت: او مرا با نیرنگ و زاری به خود می‌خواند (و می‌خواست مرا گول بزند! جدال و دفاع به اوج خود رسید. در این وقت) حاضری از (حاضران) اهل (خانه آن) زن گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می‌گوید و یوسف از زمره دروغگویان خواهد بود.

توضیحات:

«شَهِدَ شَاهِدٌ»: گواهی، گواهی داد. داوری، داوری کرد. حاضری از حضّار گفت. «قَمِیص»: پیراهن. «قُبُلٍ»: جلو.

سوره یوسف آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ فَكَذَبَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می‌گوید و یوسف از زمره راستگویان خواهد بود.

توضیحات:

«دُبُرٍ»: پشت سر.

سوره یوسف آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيۡدِكُنَّۖ إِنَّ كَيۡدَكُنَّ عَظِيمٞ ٢٨﴾

ترجمه:

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده است، گفت: این کار از نیرنگ شما زنان سرچشمه می‌گیرد. واقعاً نیرنگ شما بزرگ است.

توضیحات:

«كَيْد»: مکر. نیرنگ.

سوره یوسف آیه ۲۹

متن آیه:

﴿يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلۡخَاطِـِٔينَ ٢٩﴾

ترجمه:

ای یوسف! از این (موضوع) چشم‌پوشی کن و (آن را پنهان و پوشیده دار و تو ای زن) از گناهت استغفار کن (و آمرزش آن را از خدا بخواه)، بی‌گمان تو از بزهکاران بوده‌ای.

توضیحات:

«أَعْرِضْ»: صرف نظر کن. از آن سخن مگو و پنهانش کن.

سوره یوسف آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي ٱلْمَدِينَةِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفْسِهِۦ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾﴾

ترجمه:

(خبر این موضوع در شهر پیچید و) گروهی از زنان در شهر گفتند: همسر عزیز (مصر) خواسته است که خادم خویش را بفریبد و به خود خواند. عشق جوان، به اندرون دلش خزیده است. ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.

توضیحات:

«الْعَزِيز»: والا مقام. مراد شاه مصر، یا وزیر اعظم است. «قَدْ شَغَفَهَا حُبّاً»: عشق یوسف به اندرون دل او خزیده است و وی را شیفته و شیدای خود کرده است. واژه (حُبّاً) تمییز است.

سوره یوسف آیه ۳۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَـًٔا وَءَاتَتْ كُلَّ وَٰحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَآ إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که (همسر عزیز) نیرنگ ایشان را شنید، (کسانی را) دنبال آنان فرستاد (و ایشان را به خانه خود دعوت کرد) و بالش‌هائی برای‌شان فراهم ساخت (و مجلس را با پشتی‌های گرانبها و دیگر وسائل رفاه و آسایش بیاراست)، و به دست هر کدام کاردی (برای پوست کندن میوه) داد، سپس (به یوسف) گفت: وارد مجلس ایشان شو. هنگامی که چشمان‌شان بدو افتاد، بزرگوارش دیدند و (به دهشت افتادند و سراپا محو جمال او شدند و به جای میوه) دست‌هایشان را بریدند و گفتند: ماشاءالله! این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگواری است.

توضیحات:

«مَكْر»: نیرنگ. مراد سخنان ناجور و بدگوئی‌های زنان از زلیخا است. «أَعْتَدَتْ»: آماده کرد. از ریشه (عتد). «مُتَّكَئاً»: بالش. پشتی. «سِكِّيناً»: کارد. «حَاشَ لله»: عبارتی

است که مراد از آن تنزيه خدا و شگفت از آفريدگان او است. برخی واژه (حاشَ) را اسم‌الفعل و برخی آن را فعل ماضی و مخفّف از (حاشی) دانسته‌اند.

سوره يوسف آيه ۳۲

متن آيه:

﴿قَالَتۡ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِي لُمۡتُنَّنِي فِيهِۖ وَلَقَدۡ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ فَٱسۡتَعۡصَمَۖ وَلَئِن لَّمۡ يَفۡعَلۡ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسۡجَنَنَّ وَلَيَكُونٗا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

(همسر عزيز) گفت: اين همان کسی است که مرا به خاطر (عشق) او سرزنش کرده‌ايد. (آری!) من او را به خويشتن خوانده‌ام ولی او خويشتنداری و پاکدامنی کرده است. اگر آنچه بدو دستور می‌دهم انجام ندهد، بی‌گمان زندانی و تحقير می‌گردد.

توضيحات:

«إِسْتَعْصَمَ»: سرپيچی و خودداری کرد. پاکدامنی نمود. «الصَّاغِرِينَ»: افراد پست. توهين و تحقيرشدگان.

سوره يوسف آيه ۳۳

متن آيه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱلسِّجۡنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِۖ وَإِلَّا تَصۡرِفۡ عَنِّي كَيۡدَهُنَّ أَصۡبُ إِلَيۡهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

(يوسف که اين تهديد همسر عزيز و اندرز زنان مهمان برای فرمانبرداری از او را شنيد) گفت: پروردگارا! زندان برای من خوشايندتر از آن چيزی است که مرا بدان فرا می‌خوانند، و اگر (شرّ) نيرنگ ايشان را از من باز نداری، بدانان می‌گرايم و (دامن عصمت به معصيت می‌آلايم و خويشتن را بدبخت می‌نمايم و آن وقت) از زمره نادان می‌گردم.

توضيحات:

«السِّجْن»: زندان. «أَصْبُ»: عشق می‌ورزم. می‌گرايم. از ماده (صبو).

سوره يوسف آيه ۳۴

متن آيه:

﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنۡهُ كَيۡدَهُنَّۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٤﴾

ترجمه:

پروردگارش دعای او را اجابت کرد و (شرّ) کید و مکرشان را از او بازداشت. تنها خدا است که شنوای (دعاهای پناه‌برندگان به خود است و) آگاه (از احوال بندگان و مصالح ایشان) می‌باشد.

توضیحات:

«صَرَفَ عَنْهُ»: از او برگرداند. از او دور داشت. از او بگردانید.

سوره یوسف آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا رَأَوُاْ ٱلْأٓيَٰتِ لَيَسْجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

بعد از آن که نشانه‌ها (و علائم پاکدامنی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدّتی زندانی کنند. (برای این که سر و صداها بخوابد و بلکه زن عزیز نیز بر سر عقل بیاید).

توضیحات:

«بَدَا لَـهُمْ»: چنین به نظرشان رسید. عزیز مصر و مردان او چنین صلاح دیدند. «الآيَاتِ»: نشانه‌های پاکدامنی. دلائل عصمت و پاکی. «إِلَيا حِينٍ»: تا مدّت نامعلوم و نامحدودی.

سوره یوسف آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجْنَ فَتَيَانِۖ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَعْصِرُ خَمْرًاۖ وَقَالَ ٱلْأٓخَرُ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِنْهُۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِۦٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾﴾

ترجمه:

دو جوان (از خدمت‌گزاران شاه) همراه یوسف زندانی شدند. یکی از آن دو گفت: من در خواب دیدم (که انگور برای) شراب می‌فشارم. و دیگری گفت: من در خواب دیدم که نان بر سر دارم و پرندگان از آن می‌خورند. (ای یوسف)! ما را از تعبیر آن بیاگاهان که تو را از زمره نیکوکاران می‌بینیم.

توضیحات:

«أَرَانِي»: خود را می‌دیدم. «أَعْصِرُ»: می‌فشارم. شیره آن را می‌گیرم. «خُبْزاً»: نان. «نَبِّئْنَا»: ما را مطلع ساز.

سوره یوسف آیه ۳۷

متن آیه:

﴿قَالَ لَا يَأۡتِيكُمَا طَعَامٞ تُرۡزَقَانِهِۦٓ إِلَّا نَبَّأۡتُكُمَا بِتَأۡوِيلِهِۦ قَبۡلَ أَن يَأۡتِيَكُمَاۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّيٓۚ إِنِّي تَرَكۡتُ مِلَّةَ قَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

(یوسف) گفت: پیش از آن که جیره غذائی شما به شما برسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این (تعبیر رؤیا و خبر از غیب) که به شما می‌گویم از چیزهائی است که پروردگارم به من آموخته است (و به من وحی فرموده است)، چرا که من از (ورود به) کیش گروهی دست کشیده‌ام که به خدا نمی‌گروند و به روز بازپسین ایمان ندارند.

توضیحات:

«مِلَّةَ»: کیش. آئین. «تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ...»: مراد این است که از دخول به کیش گروهی خودداری کرده‌ام و به دنبال آنان نرفته‌ام که...

سوره یوسف آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱتَّبَعۡتُ مِلَّةَ ءَابَآءِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ مَا كَانَ لَنَآ أَن نُّشۡرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ ذَٰلِكَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ عَلَيۡنَا وَعَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

و من از آئین پدران (و نیاکان) خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام (و به دنبال ایشان رفته‌ام). ما (انبیاء) را نسزد که چیزی را انباز خدا کنیم. این (توحید و یگانه‌پرستی)، لطف خدا است در حق ما (انبیاء که افتخار تبلیغ آن را پیدا کرده‌ایم) و در حق همه مردمان (که با پذیرش آن راه بهشت را می‌سپرند) ولیکن بیشتر مردمان سپاس‌گزاری (چنین لطفی را) نمی‌کنند (و چیزهائی را انباز خدا می‌نمایند که کاری از آنها ساخته نیست).

توضیحات:

«مَا كَانَ لَنَا»: ما را نرسد و نسزد. «مِن شَيْءٍ»: چیزی را، اعم از فرشته و پری و انسان و بت و غیره. حرف (مِنْ) زائد و واژه (شَيْءٍ) مفعول‌به است. یا معنی چنین است: چیزی از شرک، کم باشد یا زیاد. «ذلِكَ»: این توحیدی که از نفی شرک مستفاد است.

سوره یوسف آیه ۳۹

متن آیه:

﴿يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٣٩﴾

ترجمه:

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده (و گوناگونی که انسان باید پیرو هر یک از آنها شود) بهترند یا خدای یگانه چیره (بر همه چیز و کس)؟.

توضیحات:

«يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ»: ای دو دوست من در زندان! ای دو ساکن زندان. همان‌گونه که گویند: «أَصْحَابُ الْـجَنَّة»، «وأَصْحابُ النّارِ». «مُتَفَرِّقُونَ»: خدایان پراکنده. مراد متعدّد و متنوّع در ذات و صفات است. «الْقَهَّار»: بسیار چیره و غالب. صیغه مبالغه (قاهر) است.

سوره یوسف آیه ۴۰

متن آیه:

﴿مَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسۡمَآءٗ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

این معبودهائی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هائی (بی‌مسمّی) نیست که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده‌اید. خداوند حجّت و برهانی برای (خدا نامیدن) آنها نازل نکرده است (و وحی و پیامی برای معبود بودن آنها ارسال ننموده است). فرمانروائی از آن خدا است و بس. (این، او است که بر کائنات حکومت می‌کند و از جمله عقائد و عبادات را وضع می‌نماید). خدا دستور داده است که جز او را نپرستید.

این است دین راست و ثابتی (که ادلّه و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند) ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (که حق این است و جز این پوچ و ناروا است).

توضیحات:

«سُلْطَانٍ»: دلیل و برهان. حجّت و مدرک. «الْـحُكْمُ»: حکومت و فرمانروائی. حکم و فرمان. «الْقَيِّمُ»: راست و درست. ثابت و پابرجا.

سوره یوسف آیه ۴۱

متن آیه:

﴿يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسۡقِي رَبَّهُۥ خَمۡرٗاۖ وَأَمَّا ٱلۡأٓخَرُ فَيُصۡلَبُ فَتَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِن رَّأۡسِهِۦۚ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ٱلَّذِي فِيهِ تَسۡتَفۡتِيَانِ ٤١﴾

ترجمه:

ای دوستان زندانی من! (اینک تعبیر خواب خود را بشنوید) امّا یکی از شما (که در خواب دیده است که انگور برای شراب می‌فشارد، آزاد می‌گردد و دوباره ساقی مجلس می‌شود و) به سرور خود شراب می‌دهد، و امّا دیگری (که در خواب دیده است که نان بر سر دارد و مرغان از آن می‌خورند، آزاد نمی‌گردد و) به دار زده می‌شود و پرندگان از (گوشت) سر او می‌خورند. این، چیزی است که از من درباره آن نظر خواستید و قطعی و حتمی است.

توضیحات:

«رَبَّهُ»: مراد از (رَبّ) سرور و آقا و مالک اصطلاحی است. «يُصْلَبُ»: بر دار می‌شود. به دار زده می‌شود. «قُضِيَ الأمْرُ»: کار قطعی و حتمی و شدنی است. تعبیر همین است و بس. «تَسْتَفْتِيَانِ»: درباره آن فتوا و نظر می‌خواهید.

سوره یوسف آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٖ مِّنۡهُمَا ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهِۦ فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِينَ ٤٢﴾

ترجمه:

(یوسف خطاب) به یکی از آن دو که می‌دانست آزاد می‌گردد گفت: مرا در پیش

سرور خود (یعنی شاه مصر) یادآور شو (و شرح حال مرا بدو بگو. باشد که از زندان رهایم کند). امّا اهریمن آن را از یادش ببرد که در پیش سرورش بازگو کند. لذا یوسف چند سالی در زندان بماند.

توضیحات:

«ظَنَّ»: یقین داشت (نگا: بقره / ۴۶ و ۲۴۹، حاقّه / ۲۰). «نَاجٍ»: رها. رستگار. «أَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ»: اهریمن یوسف را از یاد ساقی ببرد و او شرح حال یوسف را به شاه نگفت. ضمیر (ه) در فعل (أَنسَاهُ) به ساقی برمی‌گردد. به عبارت دیگر (ه) مفعول به اوّل، و (ذِكْرَ) مفعول‌به دوم است. ذکر این نکته نیز ضروری است که اهریمن جز وسوسه و اغفال، کاری نمی‌تواند بکند. با وسوسه‌های دائم خود، انسان‌ها را به لذائذ و شهوات و کارهای بیهوده مشغول می‌دارد و چه بسا خدا و حقائق را از یاد آنان می‌برد (نگا: نحل / ۹۹ و ۱۰۰، ابراهیم / ۲۲، حجر / ۴۲). «لَبِثَ»: ماند. «بِضْعَ»: چند. عدد مبهمی میان سه تا نه است.

سوره یوسف آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ إِنِّيٓ أَرَىٰ سَبۡعَ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖۖ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ أَفۡتُونِي فِي رُءۡيَٰيَ إِن كُنتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

شاه (مصر) گفت: من در خواب هفت گاو چاق را دیدم که هفت گاو لاغر آنها را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و (نارس، و هفت) خوشه خشک (و رسیده) را دیدم (که خشک‌ها بر سبزها می‌پیچند و آنها را نابود می‌کنند). ای بزرگان! (علماء و حکماء) اگر خواب‌ها را تعبیر می‌کنید (و در این فنّ سررشته دارید) نظر خود را درباره خوابم برایم بیان دارید.

توضیحات:

«بَقَرَاتٍ»: جمع بقرة، گاوها. «سِمَانٍ»: جمع سَمین، چاق. فربه. «عِجَافٍ»: «جمع أَعْجَف و عَجْفاء ، لاغر». «سُنبُلات»: «جمع سُنْبُلَة»، خوشه گندم. «خُضْرٍ»: جمع أَخْضَر و خَضْراء، سبز و نارس. «یَابِسَاتٍ»: جمع یابِس، خشک. رسیده. «أَفْتُونِي»: برایم فتوا و

نظر دهید. «تَعْبُرُونَ»: تعبیر می‌کنید. سرانجام خواب‌ها را بیان می‌دارید. از معنی خیالی می‌گذرید و به معنی حقیقی می‌پردازید.

سوره یوسف آیه ۴۴

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖۖ وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

گفتند: (این خواب از زمره) خواب‌های پریشان و پراکنده است (و جزو اوهام و خیالات آشفته‌ای است که معنی ندارند) و ما از تعبیر (این گونه) خیال پردازی‌ها آگاه نیستیم.

توضیحات:

«أَضْغَاثُ»: جمع ضِغْث، بسته‌ای از چوب. دسته‌ای از گیاهان مختلف خشکیده. در اینجا مراد آمیزه‌ای از خاطره‌ها و خیال‌های بی سر و ته است. «أَحْلام»: جمع حُلُم، رؤیا. خواب. «أَضْغَاثُ أَحْلام»: مجموعه‌ای از خواب‌های درهم و آشفته و بیجا و بی‌معنی.

سوره یوسف آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ فَأَرۡسِلُونِ ٤٥﴾

ترجمه:

کسی که از میان آن دو (نفر زندانی، از زندان) نجات یافته بود و بعد از مدّتها (سفارش یوسف را) به یاد آورد، گفت: من شما را از تعبیر چنین خوابی مطّلع می‌گردانم. مرا بفرستید (تا آن جوان یوسف نام را ببینم که او در این کار ماهر و استاد است).

توضیحات:

«إِدَّكَرَ»: متذکر شد. به یاد آورد. «أُمَّةٍ»: مدّتی از زمان (نگا: هود / ۸). «وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ... »: حرف واو، حالیه است.

سوره یوسف آیه ۴۶

متن آیه:

﴿يُوسُفُ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ أَفۡتِنَا فِي سَبۡعِ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ لَّعَلِّيٓ أَرۡجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

ای یوسف! ای بسیار راستگو! از تعبیر خواب، ما را آگاه کن که (شاه دیده است:) هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را خورده‌اند، و هفت خوشه خشک، و هفت خوشه سبز (به هم پیچیده‌اند و رسیده‌ها نارس‌ها را تباه کرده‌اند)، تا این که من به‌سوی مردم برگردم (و تعبیر تو را برای ایشان بیان دارم). امید است که آنان (تعبیر خواب را) بدانند و (با علم و فضل تو آشنا شوند).

توضیحات:

«الصِّدِّيقُ»: بسیار راستگو و راستکار.

سوره یوسف آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالَ تَزۡرَعُونَ سَبۡعَ سِنِينَ دَأَبٗا فَمَا حَصَدتُّمۡ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تَأۡكُلُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

(یوسف) گفت: باید هفت سال پیاپی (با تلاش هرچه بیشتر، گندم و جو) بکارید، و آنچه را که درو می‌کنید - جز اندکی که می‌خورید - در خوشه خود نگاه دارید.

توضیحات:

«دَأْباً»: پیاپی. حال و به معنی (دَآئِبِينَ) است، یا به معنی رنج و زحمت کشیدن است و مفعول مطلق فعل محذوف (تَدْأَبُونَ) است. «حَصَدْتُمْ»: درو کردید. «ذَرُوهُ»: رهایش کنید. باقی بگذارید.

سوره یوسف آیه ۴۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ شِدَادٞ يَأۡكُلۡنَ مَا قَدَّمۡتُمۡ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تُحۡصِنُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

پس از آن (سال‌های خوش) هفت سال سخت در می‌رسد و (قحطی می‌شود و این سال‌های سخت) آنچه را که به خاطرشان اندوخته‌اید از میان برمی‌دارند، مگر مقدار کمی را (که برای بذر) محفوظ می‌نمائید.

توضیحات:

«شِدَادٌ»: جمع شدید، سخت. مراد خشکسالی‌ها و قحطی‌ها است. «قَدَّمْتُمْ»: اندوخته‌اید. پیشاپیش آماده کرده‌اید. «يَأْكُلْنَ مَا...»: سال‌ها اندوخته‌ها را می‌خورند. نسبت فعل به (سِنِينَ) برای مبالغه است والاّ اصل این است که مردم در آن سال‌ها اندوخته‌ها را می‌خورند. «تُحْصِنُونَ»: حفظ می‌کنید. محکم نگاه می‌دارید. مراد حفظ بذر برای کشت آینده است.

سوره یوسف آیه ۴۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

سپس، بعد از آن (سال‌های خشک و سخت)، سالی فرا می‌رسد که باران‌های فراوان برای مردم بارانده و به فریادشان رسیده می‌شود و در آن شیره (انگور و زیتون و دیگر میوه‌ها و دانه‌های روغنی) را می‌گیرند (و به نعمت و خوشی می‌افتند).

توضیحات:

«يُغَاثُ»: بارانده می‌شود. از واژه (غَيْث) به معنی باران. یاری و مدد می‌گردند. از مصدر (غَوْث) یا (إِغاثَه) به معنی کمک کردن و به فریاد رسیدن. «يَعْصِرُونَ»: میفشارند. شیره میوه‌ها و دانه‌های روغنی را می‌گیرند، که نشانه وفور نعمت و رحمت ایزد تعالی است.

سوره یوسف آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِي بِهِۦ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْـَٔلْهُ مَا بَالُ ٱلنِّسْوَةِ ٱلَّٰتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝٥٠﴾

ترجمه:

شاه گفت: یوسف را به پیش من آورید. هنگامی که فرستاده (شاه) نزد او رفت، گفت: به‌سوی سرور خود باز گرد و از او بپرس: ماجرای زنانی که دست‌های خود را بریده‌اند چه بوده است؟ بی‌گمان پروردگار من بس آگاه از نیرنگ ایشان است.

توضیحات:

«بَالُ»: حال و وضع. کار و بار. مراد حقیقت حال و سبب کاری است که زنان با یوسف داشتند.

سوره یوسف آیه ۵۱

متن آیه:

﴿قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِۦ ۚ قُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوٓءٍ ۚ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْـَٰٔنَ حَصْحَصَ ٱلْحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٥١﴾﴾

ترجمه:

(شاه، زنان را احضار کرد و بدی‌شان) گفت: جریان کار شما - بدان گاه که یوسف را به خود خواندید - چگونه می‌باشد؟ (آیا به شما گرائید و خواسْتِ شما را پاسخ گفت؟). گفتند: خدا منزّه (از آن) است (که بنده نیک خود را رها کند که دامن طهر او به لوث گناه آلوده گردد)! ما گناهی از او سراغ نداریم. زن عزیز (مصر) گفت: هم اینک حق آشکار می‌شود. این من بودم که او را به خود خواندم (ولی نیرنگ من در او نگرفت) و از راستان (در گفتار و کردار) است.

توضیحات:

«خَطْب»: پیشامد. کار بزرگی که درباره آن گفتگو می‌شود. «حَصْحَصَ»: روشن و نمایان شد. جلوه‌گر گردید.

سوره یوسف آیه ۵۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِٱلْغَيْبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ ٱلْخَآئِنِينَ ﴿٥٢﴾﴾

ترجمه:

این (اعتراف من) بدان خاطر است که (یوسف) بداند من در غیاب (او، جز حق

نمی‌گویم و نبودن او را برای خود مغتنم نمی‌شمرم و) بدو خیانت نمی‌کنم، و خداوند بی‌گمان نیرنگ نیرنگبازان را (به‌سوی هدف) رهنمود نمی‌کند (و به هدف نمی‌رساند، و بلکه باطل و بیهوده می‌گرداند).

توضیحات:

«بِالْغَيْبِ»: در غیاب یوسف از این مجلس. «لا يَهْدِي كَيْدَ...»: مراد از هدایت کید، تنفیذ آن است.

سوره یوسف آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أُبَرِّئُ نَفۡسِيٓۚ إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥٣﴾

ترجمه:

من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم (و خویشتن را بیگناه نمی‌دانم) چرا که نفس (سرکش طبیعةً به شهوات می‌گراید و زشتی‌ها را تزیین می‌نماید و مردمان را) به بدی‌ها و نابکاریها می‌خواند، مگر نفس کسی که پروردگارم بدو رحم نماید (و او را در کنف حمایت خود مصون و محفوظ فرماید). بی‌گمان پروردگارم دارای مغفرت و مرحمت فراوانی است.

توضیحات:

«مآ أُبَرِّئُ»: تبرئه نمی‌کنم. بیگناه نمی‌دانم. «أَمَّارَةٌ»: بسیار فرمان‌دهنده. صیغه مبالغه امر است. «إِلاّ مَا»: مگر نفسی که. مگر زمانی که. یادآوری: آیه‌های ۵۲ و ۵۳، یعنی از (ذٰلِكَ لِيَعْلَمَ... تا غَفُورٌ رَحِيمٌ) را می‌توان سخن یوسف بشمار آورد که بعد از سخنان زنان، قاصد به پیش او برگشته باشد و او به عنوان تعلیقی بر کشف حقیقت، آن را فرموده باشد. معنی دو آیه مذکور چنین می‌شود: این، بدان خاطر است که (شاه) بداند من در غیاب (او) بدو خیانت نکرده‌ام. بی‌گمان ترفند خیانتکاران راه به جائی نمی‌برد. من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم که نفس، (انسان را) به بدی‌ها می‌خواند مگر زمانی که پروردگارم رحم نماید. بی‌گمان پروردگارم غفور و رحیم است.

سوره یوسف آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ لِنَفۡسِيۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلۡيَوۡمَ لَدَيۡنَا مَكِينٌ أَمِينٞ ٥٤﴾

ترجمه:

(هنگامی که پاکی یوسف در پیش شاه مسلّم گردید) شاه گفت: او را به نزد من بیاورید تا وی را (از افراد مقرّب و) خاصّ خود کنم. وقتی که (یوسف را آوردند و شاه) با او صحبت نمود (بر محبّتش افزود و بدو) گفت: از امروز تو در پیش ما بزرگوار و مورد اطمینان و اعتمادی.

توضیحات:

«اَسْتَخْلِصْهُ»: او را از مقرّبان و خاصّان کنم. «كَلَّمَهُ»: با یوسف سخن گفت. با شاه سخن گفت. فاعل (كَلَّمَ) می‌تواند شاه یا یوسف باشد. «لَدَیْنَا»: نزد ما. در پیش ما. « مَكِينٌ»: دارای مکانت و منزلت. محترم و ارجمند.

سوره یوسف آیه ۵۵

متن آیه:

﴿قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ ٥٥﴾

ترجمه:

یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و محصولات زمین کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار (خزائن و مستغلاّت، و) بس آگاه (از مسائل اقتصادی و کشاورزی) می‌باشم.

توضیحات:

«خَزَآئِنِ الأرْضِ»: فرآورده‌های زمین. گنجینه‌های اموال و دارائی.

سوره یوسف آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُۚ نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُۖ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦﴾

ترجمه:

(شاه پیشنهاد یوسف را پذیرفت و او وزیر اقتصاد و دارائی شد) و بدین منوال یوسف را در سرزمین (مصر بالا بردیم و جاه و جلال و) نعمت و قدرت دادیم. در آنجا هرکجا

که می‌خواست منزل می‌گزید (و هرگونه که می‌خواست دخل و تصرّف می‌کرد. آری)! ما نعمت خود را به هرکس که بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضائع نمی‌گردانیم.

توضیحات:

«مَكَّنَّا»: سلطه و قدرت و جاه و نعمت دادیم. مسلّط و متصرّف در امور کردیم. «يَتَبَوَّأُ »: منزل و مأوی می‌گزید. «حَيْثُ»: هرجا. هرگونه.

سوره یوسف آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

و پاداش آخرت، برای کسانی که (در دنیا) ایمان می‌آورند و پرهیزگاری می‌کنند، بهتر (و والاتر از پاداش دنیوی ایشان) است.

توضیحات:

«ءَامَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ»: ذکر این عبارت در قالب ماضی و مضارع بیان‌گر ثبات و استمرار بر ایمان و تقوا است.

سوره یوسف آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَجَآءَ إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٥٨﴾

ترجمه:

(قحطی و خشکسالی در اطراف مصر به غایت رسید و مردم از هر سو بدانجا سرازیر شدند) و برادران یوسف (نیز همچون دیگران از کنعان شام عازم مصر گشتند) و به پیش یوسف آمدند، و او ایشان را شناخت، ولی آنان وی را نشناختند.

توضیحات:

«إِخْوَةُ»: جمع اخ، برادران. «وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ»: جمله حالیه است. «مُنكِرُونَ»: ناشناسندگان. یعنی او را نمی‌شناختند.

سوره یوسف آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ لَّكُم مِّنۡ أَبِيكُمۡۚ أَلَا تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

(یوسف به گونه شایسته از آنان پذیرائی کرد و بار و بنه ایشان را چنان که می‌خواستند آماده نمود) و هنگامی که بار و بنه و توشه ایشان را آماده ساخت، گفت: (از سخنان شما فهمیدم که برادر دیگری از پدر دارید. دفعه آینده) برادر پدری خود را نزد من آورید (و از چیزی نترسید) مگر نمی‌بینید که من پیمانه را به تمام و کمال می‌دهم (و حق آن را اداء می‌کنم) و بهترین میزبانم؟

توضیحات:

«جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ»: ساز و برگ و بار و بنه و نیازمندی‌های ایشان را آماده کرد. «جَهَاز»: ساز و برگ. بار و بنه. اسباب و لوازم. «أُوفِي»: به تمام و کمال می‌دهیم. وفا و اداء می‌کنم. «الْمُنزِلِين»: میزبانان. «اَنَاخَيْرُ الْـمُنزِلِينَ»: مراد تشویق به آوردن بنیامین، برادر پدریشان است؛ نه منّت نهادن بر آنان.

سوره یوسف آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَإِن لَّمۡ تَأۡتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ ۝٦٠﴾

ترجمه:

و اگر او را نزد من نیاورید (بدانید که چیزی به شما داده نمی‌شود و) هیچ‌گونه گندم و حبوباتی (از غلّه و محصولات) به شما نمی‌دهم، و دیگر به پیش من نیائید.

توضیحات:

«کَیْل»: پیموده. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی (مکیل) است. در این آیه و آیه‌های ۶۳ و ۶۵ همین سوره به معنی گندم و حبوباتی است که پیموده می‌گردد.

سوره یوسف آیه ۶۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ عَنۡهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ ۝٦١﴾

ترجمه:

(برادران یوسف پاسخ دادند و) گفتند: ما با پدرش راجع بدو با لطائف حیل گفتگو

می‌نمائیم، و حتماً (برای جلب موافقت پدر می‌کوشیم و) این کار را خواهیم کرد.

توضیحات:

«سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ»: با پدرش درباره او به نیرنگ می‌نشینیم و هوشیارانه سعی خود را می‌کنیم.

سوره یوسف آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَقَالَ لِفِتۡيَٰنِهِ ٱجۡعَلُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ فِي رِحَالِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

(سپس هنگامی که آهنگ کوچیدن کردند، یوسف) به کارگزاران خود گفت: (پول) کالائی را که پرداخته‌اند در میان بارهایشان بگذارید، شاید پس از مراجعت به خانواده خویش، بدان پی ببرند و بلکه (بر وفای به عهد ما اطمینان یابند و بر برادر خود بنیامین نترسند و همراه او به پیش ما) برگردند.

توضیحات:

«فِتْيَان«: جمع فَتی، غلامان. کارگزاران. «بِضَاعَتَهُمْ»: مراد کالای مورد نظر است. برخی معتقدند که یوسف چیزی بدی‌شان نداد تا مجبور به بازگشت شوند. بلکه کالاهائی را که آورده بودند بدون این که متوجّه شوند مجدّدا به جای غلّات در بارهایشان جای داد و به خودشان برگرداند (نگا: في ظلال‌القرآن). «رِحال»: جمع رَحْل، کالا و متاع سوار. کیف و ساک و چیزی که مسافر کالای خود را در آن می‌گذارد. «إنقَلَبُوا»: بازگشتند (نگا: زخرف / ۱۴).

سوره یوسف آیه ۶۳

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

هنگامی که به پیش پدرشان برگشتند (داستان خود را با عزیز مصر بازگو کردند و از مراحم و الطاف او بسی سخن راندند و) گفتند: (اگر بنیامین را با خود نبریم این دفعه

چیزی به ما داده نخواهد شد و) از گندم و حبوبات محروم می‌شویم، پس برادرمان را با ما بفرست تا کیل و پیمانه‌ای دریافت داریم و (خوراک مورد نیاز خانواده را با خود بیاوریم. قول می‌دهیم که) ما نگهبان و حافظ او باشیم.

توضیحات:

«نَکْتَلْ»: از مصدر اکتیال، به معنی دریافت داشتن چیزی با کیل و پیمانه‌است (نگا: مطفّفین / ۲). «الْکَیْلُ»: (نگا: یوسف / ۶۰ و ۶۵).

سوره یوسف آیه ۶۴

متن آیه:

﴿قَالَ هَلۡ ءَامَنُكُمۡ عَلَيۡهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمۡ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبۡلُ فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

(یعقوب به یاد گذشته‌ها افتاد و) گفت: آیا من درباره او به شما اطمینان کنم همان‌گونه که درباره برادرش (یوسف) قبلاً به شما اطمینان کردم؟! (نه من شما را امین نمی‌دانم و فرزند خود را به شما نمی‌سپارم. حافظ و نگهبان فقط خدا است و) خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه مهربانان مهربانتر است. (او مرا و فرزند مرا کافی است).

توضیحات:

«هَلْ ءَامَنُکُمْ»: آیا شما را امین بدانم و به شما اطمینان کنم؟ فعل (ءَامَنُ) مضارع متکلّم وحده است از باب چهارم. «فَاللهُ خَیْرٌ حَافِظاً»: واژه (حافِظاً) تمییز است مانند (للهِ دَرُّهُ فارِساً).

سوره یوسف آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَٰعَهُمۡ وَجَدُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ رُدَّتۡ إِلَيۡهِمۡۖ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبۡغِيۖ هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتۡ إِلَيۡنَاۖ وَنَمِيرُ أَهۡلَنَا وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٖۖ ذَٰلِكَ كَيۡلٞ يَسِيرٞ ٦٥﴾

ترجمه:

هنگامی که بارهای خود را باز کردند، دیدند که (پول) کالای ایشان (در داخل بارهایشان گذارده شده و) بدی‌شان برگشت داده شده است. گفتند: ای پدر! ما دیگر

(بیش از این از الطاف عزیز مصر) چه می‌خواهیم؟! این (بهای) کالای ما است که به ما پس داده شده است. (پس بهتر است برادرمان را با ما بفرستی) و ما برای خانواده خود موادّ غذائی (بیشتری) بیاوریم و از برادر خود محافظت کنیم و بار شتری را (بر مقدار قبلی) بیفزائیم که آن (چیزی که با خود آورده‌ایم با توجّه به جود و لطف عزیز مصر) اندک است.

توضیحات:

«مَتَاعَهُمْ»: کالای خود را. بار و بنه خویش را. «مَا نَبْغِي»: مگر چه می‌خواهیم؟ مگر چه انتظاری داریم؟ «نَمِيرُ»، غذا و خوراک حمل می‌کنیم. از واژه (مِيرَة) به معنی طعام و خوراکی که از جاهای دیگر وارد کنند. «كَيْل»: (نگا: یوسف / ۶۰). «كَيْلٌ يَسِيرٌ»: گندم و غلّه اندکی است. گندم و غلّه‌ای است که ساده و آسان به دست می‌آید.

سوره یوسف آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمْ ۖ فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝٦٦﴾

ترجمه:

(سرانجام یعقوب گول سخنان فرزندان را خورد. ولی برای اطمینان خاطر) گفت: من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا این که عهد و پیمان مؤکد و استوار با سوگند به خدا، با من نبندید که او را (سالم) به من برمی‌گردانید، مگر که (بر اثر مرگ و یا غلبه دشمن و یا عامل دیگر) قدرت از شما سلب گردد. (فرزندانش پیمانش را پذیرفتند و خدای را به شهادت طلبیدند). هنگامی که با پدر پیمان بستند، گفت: خداوند آگاه و مطلع بر آن چیزی است که (به همدیگر) می‌گوئیم.

توضیحات:

«مَوْثِقاً»: عهد و پیمان مؤکد. «مَوْثِقاً مِّنَ الله»: عهد و پیمانی که با سوگند خوردن به خدا مؤکد گردد. «أَن يُحَاطَ بِكُمْ»: از طرف دشمن احاطه شوید. مرگ بر شما چیره شود. «وَكِيلٌ»: حافظ. مراقب. مطلع.

سوره یوسف آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٖ مُّتَفَرِّقَةٖۖ وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

(یعقوب به عهد و پیمان مؤکد فرزندان خود دل بست و شفقت پدری او را بر آن داشت که آنان را راهنمائی و نصیحت کند) و گفت: ای فرزندانم! از یک در (به مصر) داخل نشوید، بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پلیدان در امان بمانید. ولی بدانید که من با این تدبیر) نمی‌توانم چیزی را که خدا مقرّر کرده باشد از شما به دور سازم. (یقیناً آنچه باید بشود می‌شود، و راهی برای دفع بلا جز رعایت اسباب و عللِ پیدا و توسّل به خدا سراغ ندارم). تنها حکم و فرمان از آن یزدان است. (دافع شر و جالب خیر جهان فقط ایزد سبحان است). بر او توکل می‌کنم (و از او استمداد می‌جویم و کارم را بدو واگذار می‌کنم) و باید که توکل‌کنندگان بر او توکل کنند و بس (و کار خویش را بدو حوالت دارند).

توضیحات:

«مَآ أُغۡنَيا عَنكُمۡ»: شما را بی‌نیاز نمی‌گردانم و قدرت دفع شر و جلب خیر برایتان ندارم. «إِنۡ»: نیست.

سوره یوسف آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَهُمۡ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغۡنِي عَنۡهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ إِلَّا حَاجَةٗ فِي نَفۡسِ يَعۡقُوبَ قَضَىٰهَاۚ وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلۡمٖ لِّمَا عَلَّمۡنَٰهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

(سفارش پدر را پذیرفتند) و هنگامی که از همان طریق و به همان شیوه (به مصر) وارد شدند که پدرشان بدی‌شان دستور داده بود، چنین ورودی آنان را از آنچه خدا خواسته بود به دور نداشت و (حذَر با قدَر برنیامد و در مصر به دزدی متّهم شدند و برادرشان بنیامین به گروگان گرفته شد و غم‌ها و اندوه‌ها یکی پس از دیگری ایشان را

در برگرفت) ولیکن حاجتی را برآورده کرد که در اندرون یعقوب بود (و آن پیدا شدن یوسف و شناسائی او توسّط بنیامین و سرانجام بهم رسیدن پدر و پسر بعد از مدّتها فراق و هجران بود). بی‌گمان یعقوب (در پرتو وحی) آگاه از چیزهائی بود که ما بدو آموخته بودیم. (از جمله می‌دانست که یوسف زنده است و عاقبت خواب او تحقّق پیدا می‌کند) امّا بسیاری از مردم نمی‌دانند (که یعقوب چنین آگاهی و اطّلاعی در پرتو وحی داشته است).

توضیحات:

«مِن شَيْءٍ»: چیزی را. حرف (مِنْ) زائد است و واژه (شَيْءٍ) در اصل منصوب و مفعول است. «إِلاّ»: لیکن. امّا. «حاجَةً»: نیازی. مستثنی منقطع است. این نیاز، دیدار دوباره یوسف است که پیوسته در اندرون یعقوب غوغا می‌کرد. زیرا برابر وحی آسمانی می‌دانست که یوسف را گرگ نخورده است و روزی باید خواب او تحقّق یابد. امّا سوز فراق و درد انتظار و دلهره ناگوار، به آتش درون او دامن می‌زد (نگا: یوسف / ۱۸، ۸۳ – ۸۷، ۹۴). بسیاری از تفاسیر می‌گویند: چنین نیازی عبارت بوده است از سفارش فرزندان به رعایت اسباب و مسبّبات جهان، و توکل کردن بر یزدان، و مراقبت از خود در حدّ توان؛ و این که یعقوب خواسته است که با این سفارش به فرزندان پندی دهد و اضطراب قلب خود را نیز اندکی فرو نشاند. «قَضَاهَا»: نیاز را برآورده کرد. فاعل فعل (قَضا) دُخُول حاصل از کلام قبلی، یا یعقوب است. «إِنَّهُ»: مرجع ضمیر (هُ) یعقوب است. «لِمَا عَلَّمْنَاهُ»: چیزی که بدو آموخته بودیم. بر اثر تعلیمی که ما بدو داده بودیم. واژه (ما) می‌تواند موصول و یا مصدریه باشد.

سوره یوسف آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُۖ قَالَ إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

و وقتی که به (سرای) یوسف داخل شدند، برادرش (بنیامین) را نزد خود جای داد (و پنهانی بدو) گفت: من برادر تو (یوسف) هستم، و از کارهائی که آنان کرده‌اند

ناراحت مباش.

توضیحات:

«ءَاوَیا»: جای داد. «لا تَبْتَئِسْ»: محزون و غمگین مشو. بدحال و ناراحت مشو.

سوره یوسف آیه ۷۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِي رَحۡلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلۡعِيرُ إِنَّكُمۡ لَسَٰرِقُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

هنگامی که بار و بنه آنان را آماده کرد، پیمانه (قیمتی شاه را) در بارِ برادرش (بنیامین) نهاد. پس (از رهسپار شدن و پیمودن مسافتی) ندادهنده‌ای (از اطرافیان یوسف) فریاد برآورد: ای کاروانیان! شما دزدید، (بایستید و تکان مخورید).

توضیحات:

«السِّقَایَةَ»: پیمانه‌ای که بدان آب می‌خورند. یا پیمانه‌ای که بدان گندم و جو را می‌پیمایند. «رَحْلِ»: جُل و رختی که همچون زین بر پشت شتر می‌بندند و بر آن سوار می‌شوند. بر بار و کالای شتر نیز اطلاق می‌گردد. در اینجا معنی دوم مراد است. «أَذَّنَ»: صدا زد. فریاد برآورد. «مُؤَذِّن»: فریاد کننده. ندا دهنده. «الْعِیرُ»: شتران. اسم جمع است و از لفظ خود دارای مفرد نیست. در اینجا مراد اهل کاروان، یعنی کاروانیان است. «إِنَّکُمْ لَسَارِقُونَ»: بیان این جمله می‌تواند به خاطر دزدیدن یوسف از پدر باشد، یا ندادهنده آن را از پیش خود گفته باشد، یا برای دفع ضرری به ضرری خفیفتر از آن باشد، و یا این که راه چاره‌ای بوده که خدا آن را برای یوسف مباح کرده باشد (نگا: ص / ۴۴).

سوره یوسف آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ وَأَقۡبَلُواْ عَلَيۡهِم مَّاذَا تَفۡقِدُونَ ٧١﴾

ترجمه:

(برادران یوسف از این صدا به هم آمدند و) رو بدی‌شان کرده گفتند: چه چیز گم کرده‌اید؟

توضیحات:

«وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ»: بدی‌شان رو کردند. به‌سویشان رفتند. جمله حالیه است، و مرجع ضمیر (هم) جویندگان یا منادیان می‌باشد. «تَفْقِدُونَ»: گم کرده‌اید. به کار بردن فعل مضارع برای استحضار صورت ذهنی است.

سوره یوسف آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ نَفۡقِدُ صُوَاعَ ٱلۡمَلِكِ وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمۡلُ بَعِيرٖ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٞ ٧٢﴾

ترجمه:

گفتند: پیمانه شاه را گم کرده‌ایم و هرکس آن را برگرداند، بار شتری در برابر آن می‌گیرد. (رئیس آنان هم تأکید کرد و گفت): و من شخصاً این پاداش را تضمین می‌کنم.

توضیحات:

«صُوَاعَ»: پیمانه. به صورت مذکر و مؤنّث به کار می‌رود. «حِمْلُ»: بار. «زَعيمٌ»: ضامن.

سوره یوسف آیه ۷۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ عَلِمۡتُم مَّا جِئۡنَا لِنُفۡسِدَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

(برادران یوسف) گفتند: به خدا سوگند! شما (از روی رفتار و کردارِ دو سفری که بدینجا داشته‌ایم هر آینه) می‌دانید ما نیامده‌ایم تا در سرزمین (مصر) فساد و تباهی کنیم و ما هیچ گاه دزد نبوده‌ایم.

توضیحات:

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ»: حتماً دانسته‌اید. باید دانسته باشید.

سوره یوسف آیه ۷۴

متن آیه:

﴿قَالُواْ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمۡ كَٰذِبِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

(اطرافیان یوسف) گفتند: اگر شما دروغ بگوئید، سزای آن (کسی که دزدی کرده باشد در عرف شما) چیست؟

توضیحات:

«جَزَآؤُهُ»: سزای آن کسی که دزدی کرده باشد. جزای دزدیدن پیمانه.

سوره يوسف آيه ۷۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ۝٧٥﴾

ترجمه:

(برادران یوسف) گفتند: سزای آن (کسی که دزدی کرده باشد، این است که) هرکس آن پیمانه در بارش یافته شود، خودش (بنده و گروگان به) سزای آن گردد. (آری)! ما این چنین، ستمکاران را کیفر می‌دهیم.

توضیحات:

«جَزَآؤُهُ»: سزای دزدیدن. واژه (جزاء) اوّل، مبتدا و بقیه آیه، خبر آن است. «كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ»: این جمله می‌تواند دنباله سخن برادران یوسف بوده و برای تأکید کلام قبلی باشد، و یا این که سخن یوسف و یارانش باشد. یعنی: بلی ما هم همین سزای مقبول و مرسوم شما را مرعی می‌داریم.

سوره يوسف آيه ۷۶

متن آیه:

﴿فَبَدَأَ بِأَوۡعِيَتِهِمۡ قَبۡلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسۡتَخۡرَجَهَا مِن وِعَآءِ أَخِيهِۚ كَذَٰلِكَ كِدۡنَا لِيُوسُفَۖ مَا كَانَ لِيَأۡخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ ٱلۡمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ وَفَوۡقَ كُلِّ ذِي عِلۡمٍ عَلِيمٞ ۝٧٦﴾

ترجمه:

(یوسف) نخست بارهای دیگران را پیش از بار برادرش (بنیامین) بازرسی کرد، و سپس پیمانه را از بار برادرش بیرون آورد. ما این‌گونه برای یوسف چاره‌سازی کردیم (و نقشه و طرح انداختیم تا بتواند بنیامین را به گونه‌ای نزد خود نگاه دارد که دیگر برادران متوجّه نشوند و تسلیم فرمان او گردند). چرا که یوسف طبق آئین شاه مصر نمی‌توانست برادرش را بگیرد، مگر این که خدا می‌خواست. (ما هم که خدائیم خواستیم و یوسف را به زیور دانشی فراخور حال آراستیم و او در پرتو آن توانست راه بازداشت برادر را پیدا کند. بلی ما با اعطای دانش) هرکس را که بخواهیم درجاتی بالا

می‌بریم (همان گونه که درجات یوسف را بالا بردیم. البتّه) بالاتر از هر فرزانه‌ای، فرزانه‌تری است (و خداهم از همه فرزانه‌تر است).

توضیحات:

«أَوْعِيَة«: جمع وِعاء، ظروف. در اینجا مراد گونی و جوال و دیگر چیزهائی است که کالای خود را در آن جا داده‌اند. «كِدْنَا»: چاره‌جوئی کردیم. چاره‌جوئی را مکر و کید نامیدن، بدان خاطر است که تدبیر نهان و چاره‌سازی پنهان از دیدِ مردمان، در میان ایشان، حیله و نیرنگ نامیده می‌شود. ماده (كَيْد) برای کار پسند و ناپسند به کار می‌رود و در اینجا در معنی پسندیده به کار رفته است (نگا: اعراف / ۱۸۳، انبیاء / ۵۷، طارق / ۱۵ و ۱۶). «دينِ الْـمَلِكِ»: آئین و قانون شاه. گویا در قانون مصر آن زمان، جزای دزد، زدن او و اخذ غرامت معادل دو برابر اشیاء مسروقه از وی بوده است. «مَا كَانَ لِيَأْخُذَ... إِلاّ أن يَشَآءَ اللهُ»: اگر خواست خدا نبود، یوسف نمی‌توانست برابر قانون شاه، برادرش را بازداشت کند. یعنی: این خدا بود که برادران یوسف را واداشت که بگویند: سزای دزد بنده کردن او است. «إِلاّ أَن يَشَآءَ اللهُ»: این استثناء بیان‌گر این است که با وجود مقرّرات موجود، اگر خدا می‌خواست کار شدنی بود، و یا این که برابر مقرّرات موجود کار نشدنی بود، ولی خدا چاره‌سازی کرد و اراده او مشکل را برطرف نمود. «فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ»: بالاتر از هر دانائی، داناتری است. بالاتر از هر فرزانه‌ای، فرزانه‌تری وجود دارد که خدا است.

سوره یوسف آیه ۷۷

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِن يَسۡرِقۡ فَقَدۡ سَرَقَ أَخٞ لَّهُۥ مِن قَبۡلُۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفۡسِهِۦ وَلَمۡ يُبۡدِهَا لَهُمۡۚ قَالَ أَنتُمۡ شَرّٞ مَّكَانٗاۖ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

(برادران یوسف) گفتند: اگر (بنیامین) دزدی کند (جای شگفت نیست، که آن را از سوی مادر به ارث برده است) و برادرش (یوسف نیز که هر دو از یک مادرند) قبلاً دزدی کرده است. یوسف (از این سخن سخت ناراحت شد، ولی) ناراحتی را در درون خود پنهان کرد و نگذاشت از آن مطلع شوند. (امّا در دل) گفت: شما مقام و منزلت

بدی (در پیشگاه خدا) دارید (چرا که برادر خود را از پدر دزدیدید و او را به چاه انداختید و از پدرتان نافرمانی کردید و بدو دروغ گفتید و هنوز که هنوز است کینه او را به دل دارید و اینک هم وی را دزد می‌نامید) و خدا (از هرکسی) آگاه‌تر از چیزی است که بیان می‌دارید (و به من نسبت می‌دهید).

توضیحات:

«أَسَرَّهَا»: آن را به دل گرفت و پنهانش کرد. مرجع ضمیر (ها) واژه (مَقالَة، حَزازَة، نِسْبَة السَّرِقَة...) مفهوم از مقام و کلام پیشین است. یا این که (إِجابَة) باشد. در این صورت معنی چنین می‌شود: پاسخ ایشان را نداد و آن را در دل نهان داشت، و یا این که ضمیر (ها) متوجّه جمله (أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَاناً...) است. «لَـمْ يُبْدِهَا»: آن را آشکار نکرد. « مَكاناً»: مکانت و منزلت. جاه و مقام. تمییز است. «تَصِفُونَ»: وصف می‌کنید. بر می‌شمرید.

سوره یوسف آیه ۷۸

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ ۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾﴾

ترجمه:

گفتند: ای عزیز (مصر)!، او پدر پیر بزرگواری دارد، یکی از ما را به جای او بگیر (و به بندگی بپذیر، و بدین وسیله نیکی خود را در حق ما به اتمام برسان) که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.

توضیحات:

«الْعَزِيز»: (نگا: یوسف / ۳۰). «شَيْخاً»: پیر. «كَبِيراً»: بزرگوار. ارجمند. کهنسال.

سوره یوسف آیه ۷۹

متن آیه:

﴿قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَـٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذًا لَّظَـٰلِمُونَ ﴿٧٩﴾﴾

ترجمه:

گفت: پناه بر خدا که ما (این کار را بکنیم و) غیر از آن کس را بگیریم که کالای خود را نزد او یافته‌ایم. ما (اگر چنین کنیم) در آن صورت (بیگناه را به جای گناهکار گرفته و) از زمره ستمکاران خواهیم بود.

توضیحات:

«مَعَاذَ اللهِ»: پناه بر خدا. واژه (مَعاذ) مصدر میمی و مفعول مطلق فعل محذوفی است و به مفعول خود اضافه شده است. تقدیر چنین می‌شود: «نعُوذُ بِالله مَعاذاً».

سوره یوسف آیه ۸۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا ٱسۡتَيۡـَٔسُواْ مِنۡهُ خَلَصُواْ نَجِيّٗاۖ قَالَ كَبِيرُهُمۡ أَلَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ أَبَاكُمۡ قَدۡ أَخَذَ عَلَيۡكُم مَّوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَمِن قَبۡلُ مَا فَرَّطتُمۡ فِي يُوسُفَۖ فَلَنۡ أَبۡرَحَ ٱلۡأَرۡضَ حَتَّىٰ يَأۡذَنَ لِيٓ أَبِيٓ أَوۡ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ لِيۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨٠﴾

ترجمه:

هنگامی که (از آزادی بنیامین) کاملاً ناامید شدند، به کناری رفتند و با یکدیگر نهانی به گفتگو و رایزنی پرداختند. بزرگ آنان گفت: مگر نمی‌دانید که پدرتان از شما پیمان مؤکد با سوگند به خدا گرفته است (که برادرتان را سالم بدو برگردانید)؟ و (به یاد ندارید که) پیش از این درباره یوسف کوتاهی کرده‌اید؟ پس (به چه روئی اکنون به‌سوی او برگردیم)؟!. من از سرزمین (مصر) حرکت نمی‌کنم تا پدرم به من اجازه (خروج از آن و برگشت به کنعان را) ندهد، یا خدا در حق من داوری نکند و فرمان نراند (و با مرگ من یا آزادی بنیامین، کار را یکسره نسازد) و او بهترین داور و فرمانده است (و جز به حق فرمان نراند و جز به عدل داوری نکند).

توضیحات:

«إِسْتَيْئَسُوا»: بسیار مأیوس و ناامید شدند. «خَلَصُوا»: از مردم دور شدند و با یکدیگر خلوت کردند. «نَجِيّاً»: نجواکنندگان. پنهانی. گفتگو کنندگان. این واژه برای مفرد و جمع یکسان به کار می‌رود (نگا: مریم / ۵۲). در اینجا به صورت جمع به کار رفته و حال است. «وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ»: قبلاً درباره یوسف کوتاهی کرده‌اید. حرف (و) حالیه است و واژه (ما) زائد می‌باشد. «فَرَّطتُمْ»: قصور و کوتاهی کرده‌اید. «فَلَنْ أَبْرَحَ الأرْضَ»: پس از این سرزمین حرکت نمی‌کنم. «يَحْكُمَ»: داوری می‌کند و فرمان می‌راند. «الْحَاكِمِينَ»: داوران. فرماندهان.

سوره یوسف آیه ۸۱

متن آیه:

﴿ٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيكُمۡ فَقُولُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبۡنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدۡنَآ إِلَّا بِمَا عَلِمۡنَا وَمَا كُنَّا لِلۡغَيۡبِ حَٰفِظِينَ ٨١﴾

ترجمه:

شما به پیش پدرتان برگردید و بگوئید: ای پدر! پسرت دزدی کرده است (و در برابر آن بنده گشته است و به اسارت رفته است) و گواهی نمی‌دهیم مگر به آنچه (از دزدی بنیامین با چشم خود دیده‌ایم و بر آن) مطلع شده‌ایم، و ما (در آن هنگام که با تو پیمان بسته‌ایم نمی‌دانستیم که او دزدی می‌کند. چرا که) از غیب خبر نداشته‌ایم (و راز نهان در پشت پرده غیب جهان را جز یزدان نمی‌داند).

توضیحات:

«مَا شَهِدْنا إِلاّ بِمَا عَلِمْنَا»: گواهی نداده‌ایم مگر بر آنچه خودمان در مصر دیده و بر آن اطّلاع پیدا کرده‌ایم. شاید هم منظور این باشد که ای پدر! اگر نزد تو گواهی داده‌ایم و تعهّد نموده‌ایم که برادرمان را می‌بریم و باز می‌گردانیم به خاطر این بوده است که ما از باطن او خبر نداشته و غیب نمی‌دانسته‌ایم تا بدانیم سرانجام کار او به کجا می‌کشد و مثلاً وی دزدی می‌کند. «مَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ»: ما آگاه از غیب نبوده‌ایم.

سوره یوسف آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَسۡـَٔلِ ٱلۡقَرۡيَةَ ٱلَّتِي كُنَّا فِيهَا وَٱلۡعِيرَ ٱلَّتِيٓ أَقۡبَلۡنَا فِيهَاۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٨٢﴾ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِی کنَّا فِیهَا وَالْعِیرَ الَّتِی أَقْبَلْنَا فِیهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

ترجمه:

و از (اهالی) شهری که ما در آن بوده‌ایم (که مصر است) و از کاروانی که با آن (به کنعان) برگشته‌ایم بپرس (تا بیگناهی ما برای تو ثابت شود) و ما تأکید می‌کنیم که راستگوئیم (و جز حقیقت نمی‌گوئیم).

توضیحات:

«إِسْأَلِ الْقَرْيَةَ»: از اهالی شهر بپرس. مضاف محذوف است که (اهل) است. یعنی: «إِسْأَلْ أَهْلَ الْقَرْيَةَ». «الْقَرْيَةَ»: شهر (نگا: بقره / ۵۸، انعام / ۱۲۳، اعراف / ۹۴). «الْعِيرَ»:

کاروان. قافله.

سوره یوسف آیه ۸۳

متن آیه:

﴿قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٌۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٨٣﴾

ترجمه:

(بقیه برادران به کنعان برگشتند و پدرشان را از ماجرا باخبر کردند و او) گفت: بلکه نفس (امّاره) کار زشتی را در نظرتان آراسته است (و شما را دچار آن کرده است. این کار شما، و امّا کار من،) صبر جمیل است، (صبری که جزع و فزع، زیبائی آن را نیالاید، و ناشکری و ناسپاسی، اجر آن را نزداید و به گناه تبدیل ننماید). امید است که خداوند همه آنان را به من باز گرداند. بی‌گمان او کاملاً آگاه (از حال من و حال ایشان بوده و) دارای حکمت بالغه است (و کارهایش از روی حساب و فلسفه است).

توضیحات:

«سَوَّلَتۡ»: زینت داده است و آراسته و پیراسته کرده است (نگا: یوسف / ۱۸).

سوره یوسف آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَٱبۡيَضَّتۡ عَيۡنَاهُ مِنَ ٱلۡحُزۡنِ فَهُوَ كَظِيمٞ ﴾

ترجمه:

و از فرزندانش روی برتافت و گفت: ای وای بر من! بر (دوری) یوسف (من!) و (از بس که گریست،) چشمانش از اندوه سفید (و نابینا) گردید، و او اندوه خود را در دل نهان می‌داشت و خشم خود (بر فرزندان) را قورت می‌داد.

توضیحات:

«يَآ أَسَفَا»!: فسوسا و دریغا! حرف الف آخر (أَسَفا) به جای (ی) ضمیر است. «إِبۡيَضَّتۡ»: سفید گردید. نابینا شد. سیاهی چشمان از اشک‌های فراوان سفید گردید و اشک‌ها پرده‌ای بر چشم‌ها کشید. «كَظِيمٌ»: فعیل به معنی مفعول، یعنی: پر از خشم بر فرزندان. یا فعیل به معنی فاعل است، یعنی: فرو خورنده خشم.

سوره يوسف آيه ۸۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ تَفۡتَؤُاْ تَذۡكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوۡ تَكُونَ مِنَ ٱلۡهَٰلِكِينَ ۝٨٥﴾

ترجمه:

گفتند: (ای پدر)! به خدا سوگند! آن قدر تو یاد یوسف می‌کنی که مشرف به مرگ می‌شوی یا (می‌میری و) از مردگان می‌گردی. (خویشتن را بپا و به خود و به ما ترحّم فرما و از غم و اندوه بکاه).

توضیحات:

«تَفۡتَؤُاْ تَذۡكُرُ»: پیوسته به خاطر می‌آوری و همیشه یاد می‌کنی. در اصل (لا تَفۡتَؤُاْ) است و عرب‌ها حرف (لا) را گاهی از اوّل (تَفۡتَؤُاْ) حذف می‌نمایند و به معنی (لا تَزالُ) به کار می‌برند. «حَرَضاً»: مصدر است و به معنی نزدیک شدن به مرگ است و در اینجا برای مبالغه و مراد شخص مشرف به مرگ است. «الْهَالِكِينَ»: مردگان. تباه‌شدگان.

سوره يوسف آيه ۸۶

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ۝٨٦﴾

ترجمه:

گفت: شکایت پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به (درگاه) خدا می‌برم، (و فقط به آستان خدا می‌نالم و حلّ مشکل خود را از او می‌خواهم) و من از سوی خدا چیزهائی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

توضیحات:

«إِنَّمَا»: تنها. فقط. «أَشۡكُواْ»: شِکوه می‌کنم. شکایت می‌نمایم. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «بَثّ»: پریشانی. پراکندگی خاطر. «حُزۡن»: غم و اندوه. « أَعۡلَمُ مِنَ الله... »: مراد آگاهی یعقوب از زنده بودن یوسف به سبب وحی آسمانی است (نگا: تفسیر آلوسی، الواضح، شربینی، کبیر).

سوره يوسف آيه ۸۷

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

ای فرزندانم! بروید و (در مصر همراه برادر مهتر خود) به دنبال یوسف و برادرش بگردید و از رحمت خدا ناامید مشوید، چرا که از رحمت خدا جز کافران ناامید نمی‌گردند. (من احساس می‌کنم روزگار دیدار نزدیک است).

توضیحات:

«تَحَسَّسُوا مِنْ»: جستجو کنید. پرس و جو نمائید. «لا تَيْأَسُوا»: ناامید مشوید. مأیوس نگردید. «رَوْح»: رحمت خدا. «الْقَوْمُ الْكافِرُونَ»: مردمان ناباور.

سوره یوسف آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ فَأَوۡفِ لَنَا ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَجۡزِي ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ ٨٨﴾

ترجمه:

(فرزندانش فرمان او را گردن نهادند و رهسپار مصر شدند) و چون به پیش یوسف رفتند گفتند: ای عزیز (مصر!) ما را و خاندان ما را اندوه فرا گرفته است و (جسم و روح ما را زیان رسیده است و برای خرید مواد غذائی) کالای اندکی با خود آورده‌ایم (که گمان نمی‌رود از ما پذیرفته گردد و چیزی که مورد نیاز ما است با آن خریداری شود. بیا و) بر ما ببخش و بار و کالای ما را (بدان اندازه که نیازمندیم) به تمام و کمال بده بی‌گمان خداوند بخشندگان را (به بهترین وجه) جزا می‌دهد.

توضیحات:

«مَسَّنَا»: به ما رسیده است. به ما دست داده است. «أَهْلَنَا»: خاندان ما. عشیره و قبیله ما. «الضُّرُّ»: زیان. شدّت و سختی. کمی و کاستی و ضعف مالی یا جسمی و یا روحی (نگا: انعام / ۱۷، یونس / ۱۲ و ۱۰۷). «مُزْجاة»: مردود و ناپذیرفتنی. کنایه از چیز ناچیز و اندک است. این واژه از ماده (زجو) و اسم مفعول مصدر (إِزْجاء) می‌باشد (نگا:

نور / ۴۳). «تَصَدَّقْ»: صدقه کن. ببخش (نگا: بقره / ۲۸۰، نساء / ۹۲، مائده / ۴۵).

سوره یوسف آیه ۸۹

متن آیه:

﴿قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ ٨٩﴾

ترجمه:

(مِهر برادری در دل یوسف بجنبید و خواست خویشتن را به آنان بشناساند. سرزنش‌کنان بدیشان) گفت: آیا بدان گاه که (یوسف را به چاه انداختید، و پس از او اذیت و آزارها به بنیامین رساندید و او را در فراق برادر داغدار نمودید)، از روی نادانی (جوانی) نسبت به یوسف و برادرش می‌دانید چه (عمل زشت و ناپسندی) کردید؟

توضیحات:

«إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ»: بدان گاه که نادان بودید. مراد زمان غرور و کلّه شقی جوانی است. ضمناً اشاره‌ای به عفو و بزرگواری یوسف و ارشاد برادران به توبه و استغفار را نیز دربر دارد.

سوره یوسف آیه ۹۰

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَاْ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٩٠﴾

ترجمه:

گفتند: آیا تو واقعاً یوسف هستی؟ گفت: من یوسفم و این برادر من است. به راستی یزدان بر ما منّت گذارده است (زیرا که ما را از بلاها رهانیده و دوباره بهم رسانیده و سلامت و قدرت و عزّت بخشیده است). بی‌گمان هرکس (خدا را پیش چشم دارد و از او بترسد و) تقوا پیشه کند و (در برابر گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها) شکیبائی و استقامت ورزد (خداوند پاداش او را خواهد داد) چرا که خدا اجر نیکوکاران را ضائع نمی‌گرداند.

توضیحات:

«هَذَا أَخِي»: این برادر من است. ذکر این جمله با وجود آشنائی برادران با بنیامین اشاره به این دارد که او نیز مثل من مورد ستم و آزار شما قرار گرفته است.

سوره یوسف آیه ۹۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ ٩١﴾

ترجمه:

گفتند: به خدا سوگند! خداوند تو را (به سبب پرهیزگاری و شکیبائی و نیکوکاری) بر ما برگزیده و برتری داده است، و ما بی‌گمان (در کاری که در حق تو و برادرت روا داشته‌ایم) خطاکار بوده‌ایم.

توضیحات:

«ءَاثَرَكَ»: تو را ترجیح و تفضیل داده است. تو را اختیار نموده و برگزیده است (نگا: طه / ۷۲، نازعات / ۳۸). «إِنْ»: بی‌گمان. یقیناً. از حروف مشبّهةٌ بالفعل و مخفّف از (إِنَّ) مثقّله است. «وَإِنْ»: حرف واو، حالیه است.

سوره یوسف آیه ۹۲

متن آیه:

﴿قَالَ لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٩٢﴾

ترجمه:

(یوسف پاسخ داد و) گفت: امروز هیچ‌گونه سرزنش و توبیخی نسبت به شما در میان نیست (و بلکه از شما در می‌گذرم و برایتان طلب آمرزش می‌نمایم. ان شاءالله) خداوند شما را می‌بخشاید، چرا که او مهربانترین مهربانان است (و مغفرت و مرحمت خود را شامل نادمان و توبه‌کاران می‌نماید).

توضیحات:

«تَثْرِيبَ»: برشمردن گناهان کسی. در اینجا مراد لومه و عتاب، و توبیخ و تنبیه است.

سوره یوسف آیه ۹۳

متن آیه:

﴿ٱذۡهَبُواْ بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ أَبِي يَأۡتِ بَصِيرٗا وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩٣﴾

ترجمه:

(پس از آن، یوسف از حال پدر پرسید. وقتی که از اوضاع و احوال او آگاه گردید، بدی‌شان گفت:) این پیراهن مرا با خود (به کنعان) ببرید و آن را بر چهره او بیندازید تا

(نشانی بر پیدا شدن من بوده و روشنی بخش دل و دیده‌اش شود و دوباره) بینا گردد (و پرده تاریک غم و اندوه از جلو چشمانش بزداید و خرّم و خندانش نماید) و همه خانواده خود را به نزد من بیاورید.

توضیحات:

«قَمِیص»: پیراهن. «یَأْتِ بَصِیراً»: بینا می‌گردد. (یَأْتِ) در اینجا به معنی (یَصیرُ) است. در این صورت ملحق به افعال ناقصه است و (بَصیراً) خبر آن است. یا این که معنی چنین است: او بینا به پیش من می‌آید. در این صورت (بَصیراً) حال است. ناگفته نماند که یعقوب چه حقیقةً کور شده باشد و برابر وحی آسمانی، یوسف پیراهن خود را جهت بازیابی بینائی به کنعان فرستاده باشد، و یا این که تنها سوز فراق چشمان او را کم سو نموده باشد و مژده یوسف گم گشته، دیدگان را نور و جسم را زور بخشیده باشد، مانعی در میان نیست.

سوره یوسف آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ قَالَ أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ أَن تُفَنِّدُونِ ٩٤﴾

ترجمه:

هنگامی که کاروان (از مصر به‌سوی شام) حرکت کرد، پدرشان (به کسانی که پیش او بودند) گفت: اگر مرا بی‌خرد و بی‌مغز ننامید، (به شما می‌گویم) من واقعاً بوی یوسف را می‌بویم!.

توضیحات:

«فَصَلَتْ»: جدا شد. حرکت کرد. «لاَجِدُ»: واقعاً احساس می‌کنم. به حقیقت می‌یابم. «ریحَ»: رائحه. بو. «تُفَنِّدُونِ»: مرا کوتاه فکر و کم‌خرد می‌نامید. از ماده (فند) به معنی تباهی رأی و ضعف عقل. «لَوْ لاَ أَن تُفَنِّدُونِ»: اگر مرا بی‌خرد و بی‌فکر ندانید. جمله شرطیه است و جواب آن می‌تواند (إِنّي لاَجِدُ ریحَ یُوسُفَ) باشد، که معنی آن گذشت، و یا این که جواب آن محذوف بوده و مثلاً (لاَنْبَأْتُکُمْ عَن یُوسُفَ بِأَکْثَرَ مِنَ الشُّعُورِ وَ الْوِجْدانِ) باشد. یعنی: بیش از احساس و دریافت درون درباره یوسف به شما می‌گفتم و از او خبر می‌دادم. یا این که جمله (لَوْلا أَن تُفَنِّدُونِ) به معنی إِلاّ أَنَّکُمْ

تُفَنِّدُونِ. یا: لَوْلاهُ لَصَدَّقْتُمُونِي می‌باشد. یعنی: امّا شما مرا ابله و گول می‌دانید. اگر چنین نبود تصدیقم می‌کردید.

سوره یوسف آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ٩٥﴾

ترجمه:

(اطرافیان بدو) گفتند: به خدا قسم! بی‌گمان تو در سرگشتگی قدیم خود هستی (و بر بال خیالات و خرافات در پروازی).

توضیحات:

«ضَلالِكَ الْقَدِيمِ»: گمراهی پیشین (نگا: یوسف / ۸). مراد افراط در محبّت یوسف و اعتقاد به زنده‌بودن او و امید به دیدار و بسر رسیدن هجران است.

سوره یوسف آیه ۹۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلۡبَشِيرُ أَلۡقَىٰهُ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ فَٱرۡتَدَّ بَصِيرٗاۖ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

هنگامی که (پیک) مژده‌رسان بیامد و پیراهن را بر چهره‌اش افگند، (چشمان یعقوب) بینا گردید (و نور سرور، به دیدگانش روشنی بخشید. یعقوب به حاضران) گفت: مگر به شما نگفتم: که از سوی یزدان (و در پرتو وحی رحمان) چیزهائی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟

توضیحات:

«الْبَشِيرُ»: مژده‌رسان. «اِرْتَدَّ»: برگشت. شد. این فعل می‌تواند ملحق به افعال ناقصه بوده و به معنی (صارَ) به کار رود. یا این که فعل تامّه است و معنی (به حالت اوّلیه خود برگشت) می‌دهد. در صورت اوّل، واژه (بَصیراً) خبر (إِرْتَدَّ) و در صورت دوم، حال است. «إِنِّي أَعْلَمُ...»: (نگا: یوسف / ۶۸ و ۸۶).

سوره یوسف آیه ۹۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَـٰٓأَبَانَا ٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِـِٔينَ ٩٧﴾

ترجمه:

(فرزندان یعقوب) گفتند: ای پدر! (بر ما ببخشا و) آمرزش گناهانمان را برایمان (از خدا) بخواه. واقعاً ما خطاکار بوده‌ایم.

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْ»: طلب آمرزش کن.

سوره یوسف آیه ۹۸

متن آیه:

﴿قَالَ سَوۡفَ أَسۡتَغۡفِرُ لَكُمۡ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٩٨﴾

ترجمه:

گفت: از پروردگارم، پیوسته برایتان طلب آمرزش (گناهانتان را) خواهم کرد. بی‌گمان او بخشایش‌گر مهربانی است.

توضیحات:

«سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ»: پیوسته برایتان درخواست آمرزش خواهم کرد. واژه (سَوْفَ) بیان‌گر استمرار در مستقبل است.

سوره یوسف آیه ۹۹

متن آیه:

﴿فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَبَوَيۡهِ وَقَالَ ٱدۡخُلُواْ مِصۡرَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ ٩٩﴾

ترجمه:

(یعقوب و خاندان او رهسپار مصر شدند. یوسف تا مدخل مصر به استقبالشان شتافت). هنگامی که به پیش یوسف رسیدند، پدر و مادرش را در آغوش گرفت و (به همه آنان) گفت: به سرزمین مصر داخل شوید که به خواست خدا در امن و امان خواهید بود.

توضیحات:

«ءَاوَيا إِلَيْهِ»: در بغل خود گرفت. به خود چسپاند. «ءَامِنِينَ»: کسانی که در امنیت بسر می‌برند. حال است.

سوره يوسف آيه ۱۰۰

متن آيه:

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيۡهِ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ وَخَرُّواْ لَهُۥ سُجَّدٗاۖ وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأۡوِيلُ رُءۡيَٰيَ مِن قَبۡلُ قَدۡ جَعَلَهَا رَبِّي حَقّٗاۖ وَقَدۡ أَحۡسَنَ بِيٓ إِذۡ أَخۡرَجَنِي مِنَ ٱلسِّجۡنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلۡبَدۡوِ مِنۢ بَعۡدِ أَن نَّزَغَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بَيۡنِي وَبَيۡنَ إِخۡوَتِيٓۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٞ لِّمَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ١٠٠﴾

ترجمه:

(كاروان داخل مصر گرديد و به منزل يوسف وارد شد) و يوسف پدر و مادرش را بر تخت نشاند (و به رسم مردمان آن زمان، در حق سران و اميران و فرمانروايان، جملگی) در برابرش كرنش بردند. يوسف گفت: پدر! اين تعبير خواب پيشين (روزگار كودكی) من است! پروردگارم آن را به واقعيت مبدّل كرد. به راستی خدا در حق من نيكيها كرده است، چرا كه از زندان رهايم نموده است، و بعد از آن كه اهريمن ميان من و برادرانم تباهی و جدائی انداخت، شما را از باديه (شام به مصر) آورده است. حقيقةً پروردگارم هرچه بخواهد سنجيده و دقيق انجام می‌دهد. بی‌گمان او بسيار آگاه (و كارهايش همه) دارای حكمت است.

توضيحات:

«الْعَرْش»: تخت. «خَرُّوا»: فرو افتادند. «خَرُّوا لَهُ سُجَّداً»: در برابرش به سجده افتادند و كرنش بردند. مراد خم‌شدن و كرنش بردن جهت ادای تعظيم و توقير است، نه به منظور عبادت و طاعت. سلام شاهان و بزرگان، در آن روزگاران، سرخم كردن به‌سوی زمين بوده است، همان‌گونه كه امروز مثلاً مصافحه، معانقه، دست‌بوسی، روبوسی، برخاستن، و غيره، عادت انسان‌ها در مكانهای مختلف است. كرنش پدر و مادر و برادران برای تكريم يوسف، بايد به الهام خدا بوده باشد، همان طوری كه سجده فرشتگان برای آدم، و ذبح اسماعيل به وسيله ابراهيم به فرمان وحی بوده است (نگا: بقره / ۳۴، صافّات / ۱۰۲). برخی معنی ديگری برای اين جمله ذكر كرده و گفته‌اند: جملگی به خاطر او برای خدا سجده بردند و شكرش را گفتند. «هَذَا تَأْوِيلُ... »: (نگا: يوسف / ۴). «الْبَدْوِ»: باديه. خلاف شهر (نگا: حجّ / ۲۵، احزاب / ۲۰). در اينجا بايد مراد باديه و بيابان صِرف نباشد، بلكه بايد به معنی باديه شام يا باديه فلسطين باشد.

چرا که شهر (کنعان) و شهر (بدا) که در برخی از روایات مذکور است و مسجد یعقوب نیز گویا در آن برجا است، هر دو در آنجا قرار دارند، و این با معنی آیه (۱۰۹) هم سازگار است. «نَزَغَ»: فساد کرد و تباهی انداخت. مراد وسوسه‌کردن و تحریک نمودن برای انجام زشتیها و پلشتیها است (نگا: اعراف / ۲۰۰). «لَطِیفٌ»: دقیق در امور. چرخاننده کارها به گونه سنجیده (نگا: انعام / ۱۰۳).

سوره یوسف آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ ٱلْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِۚ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ١٠١﴾

ترجمه:

(یوسف رو به خدا کرد و گفت:) پروردگارا! (سپاسگزارم که بخش بزرگی) از حکومت به من داده‌ای و مرا از تعبیر خوابها آگاه ساخته‌ای. ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! تو سرپرست من در دنیا و آخرت هستی. (همه امور خود را به تو وامی‌گذارم و خویشتن را در پناه تو می‌دارم). مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق گردان.

توضیحات:

«مِنَ الْـمُلْكِ»: از ملک و حکومت، حرف (مِنْ) می‌تواند تبعیضیه باشد، و می‌تواند زائد بوده و (الْـمُلْكِ) مفعول باشد. یعنی ملک و حکومت را. «تَأْوِيلِ»: تعبیر. «الأحَادِيثِ»: جمع حدیث. خوابها (نگا: یوسف / ۲۱). «فَاطِرَ»: آفریننده. نوآفرین. «تَوَفَّنِي»: مرا بمیران. جانم را بگیر. «مُسْلِماً»: مسلمان. حال است. «تَوَفَّنِي مُسْلِماً»: این عبارت، بیان‌گر عبودیت کامل و نیاز شدید به کمک خدا و طلب حسن ختام زندگی از او است، و تعلیمی است برای پیروان یوسف و همه مؤمنان دیگر.

سوره یوسف آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوٓاْ أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ١٠٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر اسلام)! این (داستانی را که بر تو خواندیم) از خبرهای نهان (در دل قرون و اعصار گذشته بسیار کهن جهان) است که آن را به تو وحی می‌کنیم. تو پیش آنان (یعنی پسران یعقوب) نبودی بدان گاه که تصمیم گرفتند و نیرنگ نمودند (و بر ضدّ یوسف نقشه کشیدند و طرح در انداختند. لذا جز از طریق وحی امکان اطّلاع از آن را نداشتی).

توضیحات:

«ذَلِكَ»: آن. در اینجا مراد (این) است که داستان مذکور در سوره است. «أَنْبَآءِ»: جمع نَبَأ، خبرها. «الْغَيْب»: پوشیده و نهان از دید علمی و حسّی مردمان. «وَهُمْ يَمْكُرُونَ»: در حالی که به چاره‌جوئی نشستند و توطئه کردند و نقشه کشیدند.

سوره یوسف آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوۡ حَرَصۡتَ بِمُؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾

ترجمه:

بیشتر مردم (به سبب تصمیم بر کفر و پیروی از هوی و هوس، به تو) ایمان نمی‌آورند، هرچند که تلاش کنی (و در راهنمائی ایشان بسیار خویشتن را زحمت دهی).

توضیحات:

«وَلَوْ حَرَصْتَ»: هرچند که بر آن شوق و علاقه و تلاش و کوشش داشته باشی (نگا: نساء / ۱۲۹). « وَمَآ أَكْثَرُ النَّاسِ... بِمُؤْمِنِينَ »: (نگا: قصص / ۵۶، سبأ / ۱۳).

سوره یوسف آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَمَا تَسۡـَٔلُهُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٤﴾

ترجمه:

تو در برابر این (اندرز و راهنمائی)، پاداشی از ایشان نمی‌خواهی، (پس اگر آنان نپذیرفتند غمگین مباش. چرا که دیگران اندر شکم مادر و پشت پدرند و بدان می‌گروند، و تنها این قرآن برای گروهی از مردمان این زمان نیامده است. بلکه) قرآن جز پند و اندرزی برای همه جهانیان نیست.

توضیحات:

«إِنْ هُوَ»: آن نیست. حرف (إِنْ) نافیه، و (هُوَ) یعنی: قرآن. «ذِکْرٌ»: پند و اندرز. یادآوری (نگا: آل‌عمران / ۵۸).

سوره یوسف آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ۝١٠٥﴾

ترجمه:

و چه بسیار دلائل و نشانه‌های (دالّ بر وجود خدا) در آسمان‌ها و زمین وجود دارد که آنان (کورکورانه) از کنارشان می‌گذرند و از پذیرش آنها روی می‌گردانند.

توضیحات:

«كَأَيِّنْ»: چه بسیار. چه فراوان (نگا: آل‌عمران / ۱۴۶). رسم‌الخطّ آن (كَأَيٍّ) است. « ءَايَةٍ»: دلائل و نشانه‌های وجود خدا، و وحدت و قدرت و کمال دانش الله. «يَمُرُّونَ عَلَيْهَا»: بر آنها می‌گذرند. مراد دیدن و پی‌بردن بدان‌ها است. «وَهُمْ عَنْهَا مُعرِضُونَ»: در حالی که درباره آنها نمی‌اندیشند و از آنها درس عبرت نمی‌گیرند. از آنها روی می‌گردانند و آنها را نادیده می‌گیرند.

سوره یوسف آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ۝١٠٦﴾

ترجمه:

و اکثر آنان که مدّعی ایمان به خدا هستند، مشرک می‌باشند.

توضیحات:

«وَمَا يُؤْمِنُ...»: بیشتر آنان از لحاظ گفتار مؤمن، ولی با توجّه به کردار مشرک می‌باشند. چرا که با وجود ایمان به یگانگی خدا، پسر و دختر به خدا نسبت می‌دهند، و صفات خاصّ یزدان را برای انبیاء و اولیاء و صلحاء قائل می‌شوند. مثلاً آنان را آگاه بر گذشته و حال و آینده و آنچه بوده است و خواهد بود می‌دانند و ایشان را فریادرس در اینجا و آنجا و همه‌جا می‌شمارند. مزار برخی‌ها را همچون کعبه طواف می‌کنند و نذرها و قربانیها برای بعضی اشخاص و امکنه روا می‌دارند (نگا: توبه / ۳۰ و ۳۱، نحل / ۵۷، زمر / ۳).

سوره یوسف آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿أَفَأَمِنُوٓاْ أَن تَأۡتِيَهُمۡ غَٰشِيَةٞ مِّنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوۡ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١٠٧﴾

ترجمه:

آیا از این ایمن هستند که عذاب فراگیری از سوی خدا ایشان را در برگیرد، یا این که قیامت به ناگاه فرا رسد و ایشان غافل و بی‌خبر باشند؟

توضیحات:

«غَاشِيَةٌ»: بلای همگانی و فراگیر و نابوده‌کننده. «السَّاعَةُ»: رستاخیز. «بَغْتَةً»: ناگهانی. بدون نشانه و مقدّمه قبلی (نگا: انعام / ۳۱).

سوره یوسف آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٨﴾

ترجمه:

بگو: این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به‌سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند)، و خدا را منزّه (از انباز و نقص و دیگر ناشایست) می‌دانم، و من از زمره مشرکان نمی‌باشم (و کسی و چیزی را شریک خدا نمی‌انگارم).

توضیحات:

«أَدْعُو»: دعوت می‌کنم. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «عَلیا بَصِيرَةٍ»: با بینش و آگاهی. با بیان و حجّت واضح و آشکار؛ نه کورکورانه و از روی تقلید. حال ضمیر فعل (أَدْعُو) است. «وَمَنِ اتَّبَعَنِي»: و هرکس که از من پیروی کند این چنین باید باشد. واژه (مَنْ) می‌تواند عطف بر ذوالحال باشد، و یا این که مبتدا بوده و خبر آن محذوف و (كَذلِكَ) باشد.

سوره یوسف آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِم مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰٓۗ أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۗ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٠٩﴾

ترجمه:

(سنّت ما در گزینش پیغمبران و گسیل آنان به میان مردمان تغییر نکرده است، و از جمله در انتخاب تو به عنوان خاتم‌الانبیاء نیز مرعی شده است) و ما پیش از تو پیغمبرانی نفرستاده‌ایم، مگر این که مردانی از میان شهریان بوده‌اند و بدی‌شان وحی کرده‌ایم. (دسته‌ای از انسان‌ها بدانان گرویده و گروهی هم از ایشان بیزاری جسته‌اند. آیا قوم تو از این بی‌خبرند که پیغمبران نه فرشته و نه زن بوده‌اند و بلکه مردانی از شهرها بوده و در میان مردمان همچون ایشان زندگی کرده‌اند و تنها فرق آنان با دیگران این بوده که حاملان وحی و پیام آوران آسمانی بوده‌اند، و بعضی راه چنین راهنمایانی را انتخاب و به بهشت رسیده‌اند، و برخی هم عناد ورزیده و کفر پیشه کرده‌اند و به دوزخ واصل شده‌اند؟). مگر در زمین به گشت‌وگذار نمی‌پردازند تا ببینند که سرانجام کار گذشتگان پیش از ایشان چه بوده و به کجا کشیده شده است؟ بی‌گمان سرای آخرت، بهتر (از سرای این جهان) برای پرهیزگاران است. (ای معاندان افسار گسیخته و آرزوپرستان سرگشته)! آیا خرد و اندیشه خویش را به کار نمی‌اندازید (و نمی‌دانید که هستی خود را ناآگاهانه می‌بازید و توشه‌ای برای آخرت فراهم نمی‌سازید)؟!.

توضیحات:

«إِلاّ رِجَالاً»: یعنی پیغمبران همه مرد بوده‌اند؛ نه فرشته یا جنّ یا زن. «مِنْ أَهْلِ الْقُرَیا »: از میان اهالی شهرنشین. یعنی پیغمبران شهرنشین بوده‌اند؛ نه بیابانگرد و صحرانشین، و لذا کاملاً از اوضاع و احوال و مشکلات مادی و معنوی زندگی باخبر و مطّلع بوده و از روی شناخت به رفع مشکلات و کار تبلیغ پرداخته‌اند. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا... »: (نگا: آل‌عمران / ۱۳۷، انعام / ۱۱). «دَارُ الآخِرَةِ»: سرای آخرت. دنیای دیگر. اضافه موصوف به صفت است. یعنی (الدَّارُ الآخِرَةِ): (نگا: انعام / ۳۲، اعراف / ۱۶۹).

سوره یوسف آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسۡتَيۡـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ كُذِبُواْ جَآءَهُمۡ نَصۡرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُۖ وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُنَا عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١١٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! یاری ما را دور از خویشتن مدان. یاری ما به شما نزدیک و پیروزیتان حتمی است. پیش از این پیغمبران متعدّدی آمده‌اند و به دعوت خود ادامه داده‌اند و دشمنان حق و حقیقت هم به مبارزه خاسته و مقاومت و مخالفت نموده‌اند) تا آنجا که پیغمبران (از ایمان آوردن کافران و پیروزی خود) ناامید گشته و گمان برده‌اند که (از سوی پیروان اندک خویش هم) تکذیب شده‌اند (و تنهای تنها مانده‌اند). در این هنگام یاری ما به سراغ ایشان آمده است (و لطف و فضل ما آنان را در برگرفته است) و هرکس را که خواسته‌ایم نجات داده‌ایم. (بلی! در هیچ زمان و هیچ مکانی) عذاب ما از سر مردمان گناهکار دور و دفع نمی‌گردد.

توضیحات:

«حَتّیا»: برای غایت محذوفی است که سیاق دالّ بر آن است: «لا يُغْرِزْهُمْ تَمادي ايّامِهِمْ فَإِنَّ مَنْ قَبْلَهُمْ أُمْهِلُوا حَتّي». «إِسْتَيْأَسَ»: مأیوس و ناامید شدند (نگا: یوسف / ۸۰). « ظَنُّوا »: گمان بردند. انگاشتند. «كُذِبُوا»: تکذیب شده‌اند. با آنان دروغ گفته شده است. «ظَنُّوا أَنَّـهُمْ قَدْ كُذِبُوا»: پیغمبران می‌انگاشتند که همه مردمان از جمله مؤمنان تازه ایمان، ایشان را تکذیب می‌کنند. مؤمنان گمان می‌بردند که پیغمبران به دروغ بدی‌شان وعده نصرت و پیروزی داده‌اند. پیامبران در طوفانیترین حالات و در لحظاتی ناپایدار و به مقتضای طبع بشری، بی‌اختیار به مغز آنان میگذشت که نکند وعده پیروزی خلاف از آب درآید، و یا وعده پیروزی مشروط به شرائطی بوده که حاصل نشده باشد (نگا: بقره / ۲۱۴). «نُجِّيَ»: فعل ماضی مجهول است. به معنی: نجات داده شده است. «فَنُجِّيَ مَنْ...»: مراد نجات پیغمبران و مؤمنان است. «بَأْسُنَا»: عذاب ما (نگا: انعام / ۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، اعراف / ۴، ۵، ۹۷، ۹۸).

سوره یوسف آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿لَقَدۡ كَانَ فِي قَصَصِهِمۡ عِبۡرَةٞ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِۗ مَا كَانَ حَدِيثٗا يُفۡتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ١١١﴾

ترجمه:

به حقیقت در سرگذشت آنان، (یعنی یوسف و برادران و دیگر پیغمبران و اقوام ایماندار و بی‌ایمان، درسهای بزرگِ) عبرت برای همه اندیشمندان است. (آنچه گفته شد) یک افسانه ساختگی (و داستان خیالی و دروغین) نبوده، و بلکه (یک وحی بزرگ آسمانی است که) کتاب‌های (اصیل انبیای) پیشین را تصدیق و پیغمبران (راستین) را تأیید می‌کند، و (به علاوه) بیان‌گر همه چیزهائی است که (انسانها در سعادت و تکامل خود بدان‌ها نیاز دارند، و به همین دلیل مایه) هدایت و رحمت برای (همه) کسانی است که ایمان می‌آورند.

توضیحات:

«مَا كَانَ حَدِيثاً يُفْتَرَىا»: قرآن و از جمله این داستان، سخنی نیست که از سوی انسان‌ها به هم بافته شده باشد و از اندیشه و خیال آنها سرچشمه گرفته باشد، بلکه یک واقعیت عینی و جدای از یک خیال و پندار است و از هر نظر راهگشا است (نگا: یونس / ۳۷ و ۳۸، هود / ۱۳ و ۳۵). «تَصْدِيقَ الَّذِي...»: مراد این است که قرآن تصدیق‌کننده کتاب‌های صحیح آسمانی پیشین است. «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ»: تفصیل دهنده و شرح کننده همه چیزهائی است که مؤمن در عقیده و عمل خود بدان نیازمند است.

سوره رعد

سوره رعد آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِۗ وَٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم. را. این‌ها، آیه‌هائی از کتاب (قرآن) است. و چیزی که از سوی پروردگارت (در سراسر این قرآن) بر تو نازل شده است حق است، ولیکن بسیاری از مردم (با وجود روشنی امر، به سبب دشمنی با حق به بیراهه می‌روند و بدان) نمی‌گروند.

توضیحات:

«الـمر» (نگا: بقره / ۱). «تِلْكَ»: آن. در اینجا به معنی این است، و اشاره به آیات موجود در سوره است. به کار بردن اسم اشاره بعید به جای قریب، بیان‌گر عظمت و رفعت مشارالیه است. این واژه مبتدا و (آیات) خبر آن است. «الَّذي»: مبتدا است و خبر آن (اُنزِلَ إِلَيْكَ...) یا (الْحَقُّ) است. «الْحَقُّ»: خبر (الَّذي)، یا خبر مبتدای محذوف است. « لكِنَّ أَكْثَرَ... »: (نگا: یوسف / ۱۰۳).

سوره رعد آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمۡ تُوقِنُونَ ٢﴾

ترجمه:

خدا همان کسی است که آسمان‌ها را چنان که می‌بینید، بدون ستون برپا داشت،

سپس (به دنبال آفرینش این آسمان‌های بی‌ستون) به فرمانروائی جهان هستی پرداخت، و خورشید و ماه (و همه کرات و ستارگان دیگر) را فرمانبردار (خود و خدمتگزار شما) ساخت. هر کدام تا مدّت مشخّصی (و به خاطر هدف معینی) به حرکت خود ادامه می‌دهند. خداوند کار و بار (جهان) را (زیر نظر می‌دارد و با حساب و کتاب دقیقی) می‌گرداند و او (نشانه‌های دیدنی را در پهنه کتاب هستی بر می‌شمرد و) آیه‌ها (ی خواندنی کتاب قرآن) را بیان می‌دارد، تا این که یقین حاصل کنید که (در سرای دیگر) پروردگارتان را ملاقات خواهید کرد.

توضیحات:

«رَفَعَ»: برپا داشت. برافراشت. مراد پدید آوردن و آفریدن است. «عَمَدٍ»: اسم جمع است و واحد آن را (عَمُود) و (عِماد) ذکر کرده‌اند. برخی هم آن را جمع می‌دانند و مفرد را (عَمُود) و (عِماد) می‌شمارند (نگا: هُمَزَه / ۹). «تَرَوْنَـها»: مرجع ضمیر (ها) واژه (السَّمَاوَاتِ) یا (عَمَدٍ) است. این جمله می‌تواند صفت (عَمَد) یا حال (السَّمَاوَاتِ) باشد. «بِغَيرِ عَمَدٍ تَرَوْنَـهَا»: آسمان‌ها را می‌بینید که خداوند آنها را بدون ستون آفریده است. آسمان‌ها را آفریده و با ستون‌های نامرئی قوّه جاذبه به هم پیوند داده است. یعنی دارای ستون بوده ولی ستون‌ها را نمی‌بینید. «إِسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ»: (نگا: بقره / ۲۹، اعراف / ۵۴، یونس / ۳) / «سَخَّرَ»: مسخر گرداند. فرمانبردار کرد. «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: سر رسید معین و مدّت مشخّص. مراد فرا رسیدن هنگامه رستاخیز است. «يُدَبِّرُ»: می‌گرداند. می‌چرخاند. «يُفَصِّلُ»: شرح می‌دهد. بیان می‌دارد (نگا: انعام / ۵۵ و ۹۷، یونس / ۵).

سوره رعد آیه ۳

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِى مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنْهَٰرًا ۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِ ۖ يُغْشِى ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝٣﴾

ترجمه:

و او آن کسی است که زمین را گسترانیده و در آن کوه‌ها و جویبارها قرار داده است، و از هرگونه ثمر و میوه‌ای، جفت نر و ماده‌ای در آن آفریده است. شب را بر روز

می‌پوشاند (و برعکس روز را بر پرده شب می‌گرداند). بی‌گمان در این (آفرینش شگرف و فرمانروائی سترگ و نمایش شگفت هستی) نشانه‌هائی (واضح و آشکار بر قدرت آفریدگار) است، برای آنان که می‌اندیشند (و سرسری از کنار عجائب و غرائب نمی‌گذرند).

توضیحات:

«مَدَّ»: گسترانیده است. «رَوَاسِيَ»: جمع راسی و راسِیة، کوههای ثابت و استوار. « زَوْجَيْنِ»: دو صِنف. دو نوع. «إِثْنَيْنِ»: دو تا. مراد نر و ماده است (نگا: هود / ۴۰، یس / ۳۶، رحمن / ۵۲، نجم / ۴۵). «يُغْشِي»: (نگا: اعراف / ۵۴).

سوره رعد آیه ۴

متن آیه:

﴿وَفِي ٱلۡأَرۡضِ قِطَعٞ مُّتَجَٰوِرَٰتٞ وَجَنَّٰتٞ مِّنۡ أَعۡنَٰبٖ وَزَرۡعٞ وَنَخِيلٞ صِنۡوَانٞ وَغَيۡرُ صِنۡوَانٖ يُسۡقَىٰ بِمَآءٖ وَٰحِدٖ وَنُفَضِّلُ بَعۡضَهَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلۡأُكُلِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٤﴾

ترجمه:

در روی زمین، قطعه زمین‌هائی در کنار هم قرار دارد (که خاک هر یک بایسته محصولی و جنس هرکدام شایسته منظوری است) و تاکستان‌ها و کشتزارها و نخلستان‌های یک پایه و دو پایه در آن موجود است که هر چند با یک نوع آب سیراب می‌گردند، امّا برخی را از لحاظ طعم بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌گمان در این (اختلاف استعداد خاک‌ها و جوراجوری درخت‌ها و گیاه‌ها و دگرگونی‌های میوه‌ها و طعم آنها) نشانه‌هائی (بر قدرت خدا) برای کسانی است که عقل خویش را به کار می‌گیرند.

توضیحات:

«قِطَعٌ»: جمع قِطعة، بخش‌ها و پاره‌ها. «مُتَجَاوِرَاتٌ»: کنار هم. نزدیک به هم. «قِطَعٌ مُتَجَاوِراتٌ»: مراد قطعه‌های مختلف و متفاوت زمین است. «زَرْعٌ»: کشت. مصدر است و در اینجا به معنی کشتزارها است. «صِنْوانٌ»: جمع صِنْو، همگون. یک‌پایه. «غَيْرُ صِنْوانٍ»: مختلف. دوپایه. «صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ»: درختانی که بیخ

جداگانه دارند و مستقلّ از درختان همنوع خود هستند. یا این که: درختان همگون و همسان، و درختان مختلف و متفاوت. این معانی در صورتی است که واژه (صِنْوان) را تنها صفت (نَخیل) بدانیم. امّا اگر (صِنْوان) را به سبب عطف، صفت (نَخیل) و (زَرْع) و (جنّات) بشمار آوریم، یا این که آن را خبر مبتدای محذوف، مانند (کلّ) بدانیم معنی (صِنْوانٌ وَغَیْرُ صِنْوانٍ) عبارت خواهد بود از: درختان یک‌پایه و درختان دوپایه مصطلح در گیاه‌شناسی. بدین معنی که: برخی از درختان و گیاهان، ماده نرینه در یک درخت یا بوته، و ماده مادینه در یک درخت یا بوته دیگری است، و آنها را یک‌پایه می‌گویند، مانند درخت خرما. برخی از درختان و گیاهان هم، ماده نرینه و ماده مادینه هر دو بر یک درخت یا بوته است که بیشتر درختان و گیاهان بدین صورت بوده و آنها را دوپایه می‌نامند. حال ممکن است نرینه و مادینه در یک گل باشند، مانند بوته پنبه، و یا این که هر یک در گل جداگانه‌ای باشند، از قبیل بوته کدو. «یُسْقي»: آبیاری می‌گردند. نائب فاعل ضمیر (هُوَ) است که به کلّ واحدی از (قِطَعٌ، جنّاتٌ، زَرْعٌ، نَخیلٌ) برمی‌گردد. «الأُکُلِ»: آنچه خورده می‌شود. دانه و میوه (انعام / ۱۴، سبأ / ۱۶).

سوره رعد آیه ۵

متن آیه:

﴿وَإِن تَعۡجَبۡ فَعَجَبٞ قَوۡلُهُمۡ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَاقِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ۝٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! از چیزی) اگر باید در شگفت بمانی، شگفت‌انگیز (ترین چیز) سخن ایشان است که می‌گویند: آیا هنگامی که خاک شدیم، آیا دوباره (زنده می‌گردیم و) آفرینش تازه‌ای پیدا می‌کنیم؟ آنان کسانیند که به پروردگارشان ایمان ندارند، و غلّ‌ها و زنجیرها به گردن‌هایشان می‌افتد و دوزخیانند و در آتش جاودانه می‌مانند.

توضیحات:

«إِن تَعْجَبْ...»: اگر باید از چیزی در شگفت شد، شگفت‌انگیزترین چیز سخن

ایشان است که. «خَلْقٍ جَدِيدٍ»: آفرینش تازه. حیات دوباره. آفریده نو. «الأَغْلالُ»: جمع غُلّ، طوق آهنین (نگا: اعراف / ۱۵۷). «الأَغْلالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ»: اشاره به وضع اسفناک آنان در جهنّم است (نگا: غافر / ۷۱، حاقّه / ۳۰ و ۳۲).

سوره رعد آیه ۶

متن آیه:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ ٱلْمَثُلَٰتُۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! گمراهی، مشرکان را بدانجا کشانده است که آنان تمسخرکنان) از تو بخواهند که بدی (و بلائی که از سوی خدا ایشان را از آن می‌ترسانی) پیش از خوبی (و نعمتی که از سوی خدا بدی‌شان مژده آن را می‌رسانی) بدانان رسد! و حال آن که عذابهای درهم کوبنده و خوارکننده قبل از ایشان بوده است و (بر سر گذشتگان آمده است و طومار حیات افراد کافر چون ایشان را در هم نوردیده است.) پروردگار تو نسبت به مردم با وجود ستم‌هائی که (با انجام گناه به خود) می‌کنند بخشنده است (و در عذابشان شتاب روا نمی‌دارد) و پروردگار تو دارای کیفر سخت است (و عقوبت او در انتظار گناهکارانی است که در انجام معاصی پافشاری می‌کنند و از راه اهریمن به راه خدا برنمی‌گردند و از نیکی‌ها اندوخته‌ای برنمی‌بندند).

توضیحات:

«السَّيِّئَةِ»: بدی. مراد بلا و عذاب است. «الْحَسَنَةِ»: خوبی. مراد نعمت و رحمت است. «الْـمَثُلاتُ»: جمع مَثُلَة، کیفر سخت، عقوبت رسوا کننده. «عَلَيا ظُلْمِهِمْ»: با وجود ستمگری و بزهکاری ایشان. جار و مجرور در موضع حال است. حرف (عَلي) به معنی (مَعَ) (نگا: بقره / ۱۷۷، عَلي حُبِّهِ).

سوره رعد آیه ۷

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦٓۗ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٌۖ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ٧﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: کاش! معجزه‌ای (از معجزات پیشنهادی ما) از سوی پروردگارش بر او (که خویشتن را خاتم‌الانبیاء می‌خواند) نازل می‌شد، (و پیغمبری محمّد را برای ما ثابت می‌کرد. آخر قرآن و کارهای دیگری که از او دیده می‌شود، ما را قانع نمی‌کند. تازه اگر ما را قانع هم بکند، ما تنها چیزهائی را می‌پسندیم که خودمان پیشنهاد می‌کنیم. ای محمّد!) تو تنها بیم‌دهنده‌ای (و پیغمبری، و بر رسولان پیام باشد و بس،) و هر ملّتی راهنمائی (از میان سائر پیغمبران) دارد (و تو چیز نوظهور و بی‌سابقه‌ای نمی‌باشی).

توضیحات:

«ءَایَةٌ مِّن رَّبِّهِ»: معجزه‌ای بزرگ از سوی پروردگارش. مراد معجزه یا معجزاتی است که خودشان از روی عناد می‌خواستند. مثل کوه صفا را طلا کردن، برداشتن برخی از کوهها و تبدیل آنها به گلزارها و کشتزارها، و... (نگا: اسراء / ۹۰ - ۹۳). «لِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»: مراد از (هادٍ) پیغمبر هر قوم، کتاب آسمانی هر یک از انبیاء، ذات ذوالجلال، پیروان مبلِّغ انبیاء، و محمّد مصطفی می‌تواند باشد.

سوره رعد آیه ۸

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُۖ وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ٨﴾

ترجمه:

خدا می‌داند که هر زنی (در شکم خود) چه چیز حمل می‌کند (و بار او پسر یا دختر است، و وضع جسمانی و روحانی، و کیفیت و کمیت استعدادها و نیروهای بالقوّه در او چگونه است)، و می‌داند که رحمها از چه چیز می‌کاهند و بر چه چیز می‌افزایند (و فعل و انفعالات دوران عادی و قاعدگی و آبستنی آنها چگونه بوده و زمان حاملگی و زایمان چه وقت و چقدر و بر چه منوال است)، و هر چیز در نزد او به مقدار و میزان است (و از اندازه معین و حساب مشخّص برخوردار است).

توضیحات:

«کُلُّ أُنثَیا»: هر ماده‌ای اعم از انسان یا حیوان. «تَغِیضُ»: می‌کاهد و کم می‌کند. فرو

می‌برد و می‌بلعد. این فعل به صورت لازم و متعدّی استعمال می‌شود. در اینجا متعدّی است. «تَزْدَادُ»: می‌افزاید. افزون می‌نماید. «كُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ»: در نزد خدا همه‌چیز دارای مقدار و اندازه مشخّص و معین، و حساب و کتاب دقیق و روشن است (نگا: حجر / ۲۱، فرقان / ۲، طلاق / ۳). «بِمِقْدَارٍ»: دارای اندازه ثابت و کمیت معین است.

سوره رعد آیه ۹

متن آیه:

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡكَبِيرُ ٱلۡمُتَعَالِ ٩﴾

ترجمه:

خدا آگاه از جهان پنهان (از دید و دانش مردمان) و آگاه از جهان دیدنی (و آشکار در برابر چشم و علم ایشان) است، و بزرگوار و والا است.

توضیحات:

«الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»: (نگا: انعام / ۷۳، توبه / ۹۴ و ۱۰۵). «الْـمُتَعَالِ»: والا و برتر از جهان و منزّه از مشابهت و مماثلت این و آن. چیره و مسلّط بر همه چیز. اصل آن (الْـمُتَعالي) است و حذف یاء محض تخفیف است (نگا: غافر / ۱۵ و ۳۲).

سوره رعد آیه ۱۰

متن آیه:

﴿سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۢ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ ١٠﴾

ترجمه:

کسی که از شما سخن را پنهان می‌دارد، و کسی که سخن را آشکار می‌سازد، و آن که در روز (به دنبال کار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی‌تفاوت و) یکسان می‌باشند (و خداوند از اوضاع و احوال و رفتار و کردارتان، هرگونه که بوده و هرجا و هر زمان که باشد آگاه است).

توضیحات:

«سَوَآءٌ»: یکسان و برابر است. مصدر و به معنی (مُسْتَوِي) است و خبر مقدّم (مَنْ) می‌باشد. «أَسَرَّ»: پنهان کرد. آهسته گفت. «جَهَرَ بِهِ»: آشکارش کرد. آن را بلند گفت.

«مُسْتَخْفٍ»: بسیار خویشتن را پنهان کننده. «سَارِبٌ»: رونده. در اینجا مراد کسی است که خود را ظاهر می‌سازد و به دنبال کار خویش روان می‌گردد.

سوره رعد آیه ۱۱

متن آیه:

﴿لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٌ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ يَحۡفَظُونَهُۥ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥۚ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ١١﴾

ترجمه:

انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می‌شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر، او را می‌پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می‌نمایند. خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملّتی را تغییر نمی‌دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانائی، از ذلّت به عزّت، از نوکری به سروری، و... و بالعکس نمی‌کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند، و (این سنّت جاری در اسباب و مسبّبات ظاهری است، ولی) هنگامی که خدا بخواهد بلائی به قومی برساند هیچ کس و هیچ‌چیزی نمی‌تواند آن را (از ایشان) برگرداند، و هیچ کس غیر خدا نمی‌تواند یاور و مددکار آنان شود.

توضیحات:

«مُعَقِّبَاتٌ»: جمع مُعَقِّبَة، گروه ملائکه و جماعت فرشتگان. حرف (ة) برای مبالغه است. فرشتگانی که آدمی را می‌پایند و کردار و گفتار او را ضبط می‌نمایند و از مصائب و بلایا و اشیاء و اشخاصی که خدا بخواهد وی را حفظ می‌کنند. از آنجا که فرشتگان مانند افراد کشیکچی عوض می‌شوند و به دنبال یکدیگر می‌آیند و اعمال انسان را تعقیب می‌نمایند و او را نیز می‌پایند، آنان را (مُعَقِّبات) گفته‌اند (نگا: یونس / ۲۱، زخرف / ۸۰، ق / ۱۷ و ۱۸، انفطار / ۱۰ و ۱۱ و ۱۲). «مِنْ أَمْرِ اللهِ»: به خاطر فرمان خدا. به فرمان خدا. حرف (مِنْ) به معنی (ب) است (نگا: غافر / ۱۵). «سُوءًا»: بلا و بدی. هلاک و عذاب. «مَرَدَّ»: برگرداندن. برگرداننده. مصدر میمی است و می‌تواند به معنی (رَدّ) و یا به معنی اسم فاعل (رادّ) باشد. «فَلا مَرَدَّ لَهُ»: برگرداندن آن ممکن

نیست. کسی و چیزی نمی‌تواند آن را برگرداند و دفع کند. «مِن دُونِهِ»: بغیر از خدا. «والٍ»: یاور. سرپرست و عهده‌دار امور.

سوره رعد آیه ۱۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ١٢﴾

ترجمه:

(قدرت خدا در گستره هستی پدیدار، و آثار آن در همه‌جا آشکار است). او است که آذرخش آسمان را به شما می‌نماید که هم باعث بیم و هم مایه امید شما می‌گردد، و نیز ابرهای سنگین بار را (با تبخیر آب‌های تلخ و شیرین اقیانوس‌ها و دریاها و رودبارها) پدید می‌آورد.

توضیحات:

«الْبَرْقَ»: آذرخش آسمان که بر اثر برخورد دو توده ابر، بارهای الکتریکی متفاوت مثبت و منفی به وجود می‌آید، همان‌گونه که از برخورد سر دو سیم برق، جرقّه تولید می‌شود و به اصطلاح تخلیه الکتریکی صورت می‌گیرد. «خَوْفاً وَ طَمَعاً»: بیم و امید. بیم از آتش‌سوزی‌ها و باران‌های نابهنگام و جریان سیلاب‌ها و جزغاله شدن به سبب صاعقه و دیگر خطرات، و امید به فوائد و برکات فراوانی که باعث آن می‌گردد. از قبیل: آبیاری زمین‌ها. سمپاشی با آب اکسیژنه حاصل از آن، و تغذیه گیاهان توسّط کود ناشی از برخورد برق با هوای آسمان و غیره. این دو واژه می‌تواند مفعول سوم (يُري)، یا حال از (کُمْ) و به معنی: خَآئِفِينَ وَ طَامِعِين، و یا حال (الْبَرْ) باشند. «يُنشِئُ»: پدید می‌آورد. «السَّحَابَ»: جمع (سَحابَة) است، ابرها. «ثِقَالَ»: جمع (ثَقيلَة)، سنگین‌بار از آبهای فراوانی که در خود دارند (نگا: اعراف / ۵۷).

سوره رعد آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعۡدُ بِحَمۡدِهِۦ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مِنۡ خِيفَتِهِۦ وَيُرۡسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ وَهُمۡ يُجَٰدِلُونَ فِي ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلۡمِحَالِ ١٣﴾

ترجمه:

و رعد (مانند همه‌چیز فرمانبردار یزدان است و با صدائی که از آن می‌شنوید، با زبان حال)، و فرشتگان از هیبت و عظمت یزدان، (به زبان قال)، حمد و ثنای خدا را می‌گویند، و خدا صاعقه‌ها را روان می‌سازد و هرکس را که بخواهد بدان‌ها گرفتار می‌کند. در حالی که (کافران این همه نشانه‌های دالّ بر وجود خدا را در گوشه و کنار جهان مشاهده می‌کنند، خوب نمی‌اندیشند و) آنان درباره خدا (و توانائی او و در امر زنده‌گرداندن و جزا دادن) به مجادله می‌پردازند، و خدا دارای قدرتی بی‌انتهاء و کیفری سخت و دردناک است.

توضیحات:

«الرَّعْدُ»: رعد. صدائی که از برخورد دو توده ابر، با بار الکتریکی متفاوت به وجود می‌آید. «یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِه»: (نگا: إسراء / ۴۴، نور / ۴۱، حشر / ۲۴). «الصَّوَاعِقَ»: جمع صاعِقَة، آذرخش. آتشی که بر اثر رعد و برق شدید پدید می‌آید. «الْمحَالِ»: اگر مصدر باب مفاعله بشمار آید، به معنی مُکایدَه، یعنی چاره‌جوئی و چاره‌سازی است، و اگر اسم باشد، به معنی قوّت و قدرت است. اصل آن (محلّ) به معنی حیله و نیرنگ است. برخی هم آن را از (حَوْل) و هم‌ریشه با (حیلَة) می‌دانند، و قوّت و نقمت معنی می‌کنند. (نگا: اعراف / ۱۸۳، طارق / ۱۵ و ۱۶).

سوره رعد آیه ۱۴

متن آیه:

﴿لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّۚ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيۡءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ كَفَّيۡهِ إِلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦۚ وَمَا دُعَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ١٤﴾

ترجمه:

خدا است که شایسته نیایش و دعا است. کسانی که جز او دیگران را به یاری می‌خوانند، به هیچ وجه دعاهایشان را اجابت نمی‌نمایند و کمترین نیازشان را برآورده نمی‌کنند. آنان (که غیر خدا را به فریاد می‌خوانند، و به جای آفریدگار، از آفریدگان برآوردن نیازهایشان را درخواست می‌نمایند) به کسی می‌مانند که (برکنار آبی دور از دسترس نشسته باشد و) کف دست‌هایش را باز و به‌سوی آب دراز کرده باشد (و آن آب را به‌سوی خود بخوانَد) تا آب به دهان او برسد، و هرگز آب به دهانش نرسد. دعای

کافران (و پرستش ایشان) جز سرگشتگی و بیهوده‌کاری نیست.

توضیحات:

«دَعْوَةُ الْحَقِّ»: نیایش راستین. پرستش حقیقی. اضافه موصوف به صفت است. «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ »: شایسته نیایش و بایسته پرستش خدا است. سزاوار تقاضای نیاز، و درخور طلب اجابتِ دعا خدا است. «أَلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ الله»: کسانی که جز خدا را به فریاد می‌خوانند و جز او را پرستش می‌کنند. «لا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ»: اصلاً دعاهایشان را نمی‌شنوند و به فریادشان نمی‌رسند. نیازی از نیازهایشان را برآورده نمی‌سازند و کاری برای‌شان نمی‌کنند. «إِلاّ»: مگر. یعنی اجابت دعا و برآوردن نیاز توسّط پرستش شوندگان و به یاری خواندگان، چیزی جز همانند پاسخ و اجابت آب در برابر درخواست چنان فردی نیست. «مَا هُوَ بِبَالِغِهِ»: او به آب دسترسی پیدا نمی‌کند. آب به او یا به دهانش نمی‌رسد. «دُعَآءُ»: دعا. پرستش. «ضَلالٍ»: گمراهی و سرگشتگی. بیهوده‌کاری و پوچگرائی.

سوره رعد آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَظِلَٰلُهُم بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ۩ ١٥﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و زمین است - خواه ناخواه - خدای را سجده می‌برد (و در برابر عظمت او سر تسلیم و تکریم فرود می‌آورد)، همچنین سایه‌های آنها (که همچون خود آنها از نظم و نظام دقیق و فرمانبرداری شگفت برخوردارند) بامدادان و شامگاهان در مقابلش به سجده می‌افتند (و پیوسته در برابر اراده باری کرنش می‌برند).

توضیحات:

«يَسْجُدُ»: سجده می‌کند. کرنش می‌برد. در اینجا مراد اطاعت و فرمانبرداری از اراده و خواست حضرت باری است (نگا: آل‌عمران / ۸۳). « مَنْ »: کسانی که. واژه (مَنْ) برای ذوی‌العقول، یعنی انسان‌ها و فرشتگان و پریان به کار می‌رود، ولیکن در اینجا از راه تغلیب شامل غیر ذوی‌العقول نیز می‌باشد و به معنی (آنچه) است (نگا: نحل / ۴۹).

«طَوْعاً أَوْ كَرْهاً»: خواه ناخواه. یعنی همه کس و همه‌چیز در برابر فرمان خدا خاضع و فرمانبردار می‌باشند، ولی خضوع و فرمانبرداری دست‌های تکوینی است، و خضوع و فرمانبرداری دست‌های تکوینی و تشریعی است. مؤمنان از روی میل و رغبت در پیشگاه پروردگار به سجده می‌افتند، امّا غیر مؤمنان هرچند حاضر به چنین سجده‌ای نیستند، تمام ذرّات وجودشان از نظر قوانین آفرینش خواه ناخواه تسلیم فرمان خدا است. این دو واژه مصدر و حال می‌باشند (نگا: آل‌عمران / ۸۳). «ظِلالُهُمْ»: سایه‌های آنان. مراد این است که سایه‌های اشیاء نیز از نظم و نظام شگفتی برخوردار است و علاوه از فوائد ظاهری، می‌توان از سایه‌ها برای اندازه‌گیری خود اشیاء سود جست و نیز همچون ساعت، زمان را بدان‌ها سنجید. «الْغُدُوِّ»: جمع غَداة، بامدادان. «الآصَال»: جمع أَصیل، شامگاهان (نگا: اعراف / ۲۰۵). «بِالْغُدُوِّ وَ الآصَالِ»: مراد همیشه و پیوسته است.

سوره رعد آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ ١٦﴾

ترجمه:

(ای محمّد! به مشرکان) بگو: چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ (و آنها را می‌گرداند و می‌پاید؟ جواب درست را برای آنان بیان کن و) بگو: الله. بگو: آیا جز خدا اولیاء (و معبودهائی) برای خود برگزیده‌اید (و بدان‌ها تمسّک جسته‌اید) که برای خودشان (چه رسد به شما) سودی و زیانی ندارند؟ بگو: آیا کور (که شمائید) و بینا (که مؤمنانند) برابرند؟ یا این که تاریکی‌ها (که پرستش‌های کورکورانه شما است) و نور (که هدایت خدا و ارمغان مؤمنان است) یکسان است؟ یا این که (شدّت گمراهی آنان را بدانجا کشانده است که) برای خدا انبازهائی قائل می‌شوند که (به گمان ایشان) آنها همچون خدا دست به آفرینش یازیده‌اند (و آفریده‌هائی همچون آفریده‌های خدا دارند) و این است که کار آفرینش (و تشخیص آفریده‌های ایشان از آفریده‌های خدا) بر آنان

مشتبه و مختلط گشته است؟ (که چنین نیست). بگو: خدا آفریننده همه چیز است و او یکتا و توانا (بر انجام آفرینش و چرخش هستی) است.

توضیحات:

«أَوْلِيَآءَ»: جمع وَلی، سرپرستان. مراد معبودهای دروغین است. «أَمْ»: بلکه آیا؟ استفهام انکاری است. «أَمْ جَعَلُوا للهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ»: این عبارت می‌تواند جنبه تهکم و ریشخند را داشته باشد. یعنی: بلکه آنان برای خدا انبازهائی قرار داده‌اند که چه بسا همچون خدا دست به آفرینش یازیده‌اند و این است که جدائی آنها از خدا برای‌شان دشوار شده است؟! یا این که استفهام انکاری باشد که ترجمه آن در معنی آیه مذکور است. «خَلَقُوا كَخَلْقِهِ»: آیا همچون خدا دست به کار آفرینش زده‌اند و مخلوقاتی را آفریده‌اند؟ آیا مخلوقاتی همچون مخلوقات خدا را پدیدار کرده‌اند؟ «فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ»: به سبب آن، آفریده‌ها برای آنان یکسان و مشتبه گشته است. لذا آفرینش خدا و آفرینش چنین معبودهائی، ایشان را دچار مشکل و اشتباه ساخته است. «الْقَهَّارُ»: بسیار چیره و توانا. بسیار غالب و قاهر.

سوره رعد آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتۡ أَوۡدِيَةُۢ بِقَدَرِهَا فَٱحۡتَمَلَ ٱلسَّيۡلُ زَبَدًا رَّابِيًاۖ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيۡهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبۡتِغَآءَ حِلۡيَةٍ أَوۡ مَتَٰعٖ زَبَدٞ مِّثۡلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ وَٱلۡبَٰطِلَۚ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذۡهَبُ جُفَآءٗۖ وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمۡكُثُ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ ١٧﴾

ترجمه:

خداوند از (ابرهای) آسمان، آب فرو می‌باراند و دره‌ها و رودخانه‌ها هر یک به اندازه گنجایش خویش (برای رویش گیاهان و بهره‌وری درختان، از آب آن) در خود می‌گنجانند، و روی این سیلاب‌ها، کف‌های زیاد و بیسودی قرار می‌گیرد، همچنین است آنچه از طلا و نقره و غیره جهت تهیه زینت‌آلات روی آتش ذوب می‌نمایند، کف‌هائی همانند کف‌های آب بر می‌آورد، - پروردگار برای حق و باطل چنین مثالی می‌زند - امّا کف‌ها، (بیسود و بیهوده بوده و هرچه زودتر) دور انداخته می‌شود، ولی

آنچه برای مردم نافع است در زمین ماندگار می‌گردد. خداوند این چنین مثالی می‌زند. (عقائد باطل، همسان کف و خس و خاشاک روی آب و بالای فلزات است که هرچه زودتر از میان می‌رود، ولی ادیان حقیقی آسمانی، چون آب و طلا و نقره سودمند و ماندگار می‌باشد).

توضیحات:

«سالَتْ»: جاری شد. «أَوْدِیَةٌ»: جمع وادی، درّه‌ها. مراد رودخانه و جویبارهای میان کوهها است. «بِقَدَرِهَا»: به اندازه گنجایش خود. «زَبَداً»: کف. «رَابِیاً»: برآمده. در بالا قرار گرفته. «إِبْتِغَآءَ»: به خاطر. از برای. مفعولٌ‌له است. «حِلْیَةٍ»: زیور. «جُفَآءً»: دور انداختنی. مصدر ماده (جَفْأ) به معنی اسم مفعول، یعنی مَجْفُوء است که به معنی مطرود و پرت شده می‌باشد.

سوره رعد آیه ۱۸

متن آیه:

﴿لِلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُۥ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡحِسَابِ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٨﴾

ترجمه:

(انسان‌ها در مسیر زندگی دو گروهند: دسته‌ای به راه یزدان می‌روند، و دسته‌ای به راه شیطان). کسانی که (دعوت) پروردگار خود را پاسخ می‌گویند، سرانجامِ نیک دارند، و کسانی که (دعوت) پروردگار خود را پاسخ نمی‌گویند، (عاقبتِ بسیار بد و دردناکی دارند و) اگر همه چیزهائی که در زمین است و همانند آنها از آن ایشان باشد و همگی را برای رهائی خود (از عذاب دوزخ) پرداخت کنند (از آنان پذیرفته نمی‌گردد و از عذاب آن رهائی میسّر نمی‌شود). آنان حساب بدحال کننده‌ای دارند و جایگاه‌شان دوزخ است، و چه بد جایگاهی است!.

توضیحات:

«الْحُسْنَیا»: عاقبت نیک. سرانجام پسندیده. پاداش خوب. مبتدای مؤخّر است، و صفت به جای موصوف نشسته است و تقدیر چنین است: الْعَاقِبَةُ الْحُسْنَیا. الْـمَثُوبَةُ

الْحُسْنَيَا. « أَلَّذِينَ»: مبتدا و جمله (لَوْ أَنَّ لَهُمْ... تا... سُوءُ الْحِسَابِ) خبر آن است.

سوره رعد آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَفَمَن يَعۡلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ كَمَنۡ هُوَ أَعۡمَىٰٓۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩﴾

ترجمه:

پس آیا کسی که می‌داند که آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است حق است (و برابر آن زندگی می‌کند و هم بر آن می‌میرد، سزا و جزای او) همانند (سزا و جزای) کسی خواهد بود که (به سبب انحراف از حق و کفر مطلق، انگار) نابینا است؟! تنها خردمندان (حق را و عظمت خدا را) درک می‌کنند (و فرق میان دو گروه مؤمن و کافر را می‌فهمند).

توضیحات:

«إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُوا الأَلْبَابِ»: حق را و عظمت خدا را تنها خردمندان درک و فهم می‌کنند. تنها عاقلان می‌دانند که باید مؤمنان و کافران مثل هم بشمار نیایند.

سوره رعد آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ ٢٠﴾

ترجمه:

(خردمندان، یعنی) آن کسانی که به عهد (تکوینی و تشریعی) خدا وفا می‌کنند، و پیمان (موجود میان خود و بندگان) را نمی‌شکنند.

توضیحات:

«عَهْدِ الله»: پیمان فطری و تکوینی خدا با انسان. یعنی آن بخش از حقائق هستی که انسان با نیروی خرد و اندیشه بدان‌ها پی می‌برد (نگا: انعام / ۱۵۲). و پیمان تشریعی، یعنی رعایت احکام و قوانینی که خدا توسّط انبیاء برای راهنمائی انسان‌ها فرستاده است. «الْمِيثَاقَ»: پیمان‌هائی که انسان‌ها با انسان‌ها می‌بندند.

سوره رعد آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلۡحِسَابِ۝٢١﴾

ترجمه:

و کسانی که برقرار می‌دارند پیوندهائی را که خدا به حفظ آنها دستور داده است، (از قبیل: رابطه انسان با آفریننده جهان، پیوند انسان با جامعه انسانیت، و رابطه او با همنوعان به ویژه خویشان و نزدیکان) و از پروردگارشان می‌ترسند و از محاسبه بدی (که در قیامت به سبب گناهان داشته باشند) هراسناک می‌باشند.

توضیحات:

«يَصِلُونَ»: برقرار می‌دارند. پیوند می‌دهند. «سُوءَ الْحِسَابِ»: (نگا: رعد / ۱۸).

سوره رعد آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ۝٢٢﴾

ترجمه:

و کسانی که (در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار دیگران) به خاطر پروردگارشان شکیبائی می‌ورزند، و نماز را چنان که باید می‌خوانند، و از چیزهائی که بدی‌شان داده‌ایم، به گونه پنهان و آشکار می‌بخشند و خرج می‌کنند، و با انجام نیکی‌ها بدی‌ها را از میان برمی‌دارند. آنان (با انجام چنین کارهای پسندیده‌ای) عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است.

توضیحات:

«إِبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ»: به خاطر ذات پروردگارشان. «سِرّاً وَعَلانِيَةً»: در پنهان و آشکارا. یعنی در جائی که پنهان بهتر است پنهانی می‌بخشند، و در جائی که آشکارا بهتر است آشکارا می‌بخشند. حال ضمیر (و) در فعل (أَنفَقُوا) می‌باشد (نگا: بقره / ۲۷۴). «يَدْرَؤُونَ»: دفع می‌کنند. از میان می‌برند. «عُقْبَيا»: عاقبت نیک. سرانجام خوبی که به دنبال دنیا می‌آید که بهشت است (نگا: اعراف / ۱۲۸، هود / ۴۹، طه /

۱۳۲). «عُقْبَي الدَّارِ»: سرانجام خوب دنیا که بهشت است. (عُقْبَیا) مصدر است و به فاعل خود (الدَّارِ) افزوده شده است.

سوره رعد آیه ۲۳

متن آیه:

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَدۡخُلُونَ عَلَيۡهِم مِّن كُلِّ بَابٖ ٢٣﴾

ترجمه:

(این عاقبت نیکو) باغ‌های بهشت است که جای ماندگاری (سرمدی و زیستن ابدی) است، و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می‌شوند که صالح، (یعنی از عقائد و اعمال پسندیده‌ای برخوردار بوده) باشند (و جملگی در کنار هم جاودانه و سعادتمندانه در آن بسر می‌برند) و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد (و به درودشان) می‌آیند.

توضیحات:

«عَدْنٍ»: جای ماندن و جاودانه بسر بردن (نگا: توبه / ۷۲). «جَنَّاتُ عَدْنٍ»: بَدَل کلّ از کلّ (عُقْبَي الدّارِ) است. «وَمَن صَلَحَ...»: همراه با کسی که مؤمن صالحی بوده باشد. « مِن كُلِّ بَابٍ»: از هر دری. مراد از هر طرف و از هر سوئی است.

سوره رعد آیه ۲۴

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ عَلَيۡكُم بِمَا صَبَرۡتُمۡۚ فَنِعۡمَ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٢٤﴾

ترجمه:

(فرشتگان بدانان خواهند گفت:) درودتان باد! (همیشه به سلامت و خوشی بسر می‌برید) به سبب شکیبائی (بر اذیت و آزار) و استقامتی که (بر عقیده و ایمان) داشتید. چه پایان خوبی (دارید که بهشت یزدان و نعمت جاویدان است).

توضیحات:

«بِمَا صَبَرْتُمْ»: به سبب صبری که کردید. و آن شکیبائی بر ناگواری‌ها، تحمّل اذیت

و آزارها، مبارزه با هواها و هوس‌ها، استقامت بر عقیده و ایمان، و غیره است.

سوره رعد آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٢٥﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که (برعکس افراد فوق الذّکر)، پیمان (فطری و تکوینی) خدا را می‌شکنند که (با اعطای عقل و شعور) با ایشان بسته است، و پیوندی را می‌گسلانند که خدا به حفظ و نگاهداشت آن دستور داده است، و در روی زمین به فساد و تباهی می‌پردازند، نفرین بهره ایشان است و پایان بدِ جهان (که دوزخ سوزان است) از آنِ آنان است.

توضیحات:

«اللَّعْنَةُ»: لعن و نفرین. طرد از رحمت خدا و بی‌بهره‌ماندن از نعمت او. «سُوءُ الدَّارِ»: سرانجام بد. پایان بد جهان که دوزخ است.

سوره رعد آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ وَفَرِحُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٞ ٢٦﴾

ترجمه:

خدا روزی را برای هرکس که بخواهد (و او را متمسّک به اسباب و علل ظاهری ببیند) فراوان و فراخ می‌گرداند، و آن را برای هرکس که بخواهد (و او را غیر متمسّک به اسباب و علل ظاهری ببیند) کم و تنگ می‌نماید. (کافران) به زندگی دنیا شاد و خوشنودند، و زندگی دنیا هم در برابرِ آخرت، کالای ناچیزی بیش نیست.

توضیحات:

«يَبْسُطُ»: توسعه می‌دهد. فراخ و فراوان می‌گرداند. « يَقْدِرُ»: محدود و تنگ می‌گرداند. «فِي الآخِرَةِ»: در برابر آخرت. با مقایسه و توجّه به آخرت که نامحدود و

دارای نعمت‌های فراوان است. «مَتَاعٌ»: کالای ناچیز و اندک. تنوین آن دالّ بر ناچیزی و بی‌ارزشی است.

سوره رعد آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَنۡ أَنَابَ ٢٧﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: کاش! معجزه‌ای (از معجزات پیشنهادی ما) از سوی پروردگارش بر او (که خویشتن را خاتم‌الانبیاء می‌خواند) نازل می‌شد، (و پیغمبری محمّد را برای ما ثابت می‌کرد. آخر قرآن و کارهای دیگری که از او دیده می‌شود ما را قانع نمی‌سازد. تازه اگر ما را هم قانع سازد، ما تنها چیزهائی را می‌پسندیم که خودمان پیشنهاد می‌کنیم! ای پیغمبر، بدی‌شان) بگو: (ایمان نیاوردن آنان تنها به خاطر کمبود معجزه نیست. بلکه آنان به سبب دلبستگی به دنیا و انجام گناه و مال دوستی و آرزوپرستی، گمراه گشته‌اند و) خداوند هرکه را بخواهد گمراه می‌کند و هرکه را که (به سوی او) برگردد، به جانب خود رهبری می‌کند (و او را در مسیر هدایت توفیق می‌دهد).

توضیحات:

«لَوْ لآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ...»: (نگا: یونس / ۲۰، رعد / ۷). «أَنَابَ»: توبه کرد. برگشت.

سوره رعد آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾

ترجمه:

آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌کنند).

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: خبر مبتدای محذوف، یا بدل کلّ از کلّ (مَنْ أَنابَ)، و یا منصوب به مدح

است.

سوره رعد آیه ۲۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمۡ وَحُسۡنُ مَـَٔابٖ ٢٩﴾

ترجمه:

آن کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، خوشا به حال ایشان، و چه جایگاه زیبائی دارند!.

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: بدل از (أَلَّذِينَ) در آیه قبلی است و یا مبتدا و خبر آن جمله دعائی (طُوبَيا لَهُمْ) است. «طُوبَيا »: اسم خاصّ بهشت است. یا این که مصدر است و به معنی نیک و زیبا است، و یا اسم تفضیل و مؤنّث (أَطْيَبُ) است و به معنی پاکیزه‌ترین و زیباترین. «طُوبَيا لَهُمْ»: بهشت یا زیباترین سرانجام از آن ایشان است. خوشا به حال ایشان! «مَئَابٍ»: محلّ بازگشت. بازگشت (نگا: آل‌عمران / ۱۴).

سوره رعد آیه ۳۰

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ أَرۡسَلۡنَٰكَ فِيٓ أُمَّةٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهَآ أُمَمٞ لِّتَتۡلُوَاْ عَلَيۡهِمُ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَهُمۡ يَكۡفُرُونَ بِٱلرَّحۡمَٰنِۚ قُلۡ هُوَ رَبِّي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ مَتَابِ ٣٠﴾

ترجمه:

بدین گونه شگرف تو را به میان ملّتی فرستاده‌ایم که ملّت‌های فراوانی پیش از آنان آمده‌اند و رفته‌اند، تا آنچه را که به تو وحی کرده‌ایم بر آنان - هر چند که منکر خداوند مهربانند - بخوانی. بگو او پروردگار من است. جز او خدائی نیست. بر او توکل کرده‌ام، و بازگشت من به‌سوی او است.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ»: این‌گونه شگرف و بدین صورت سترگ که در شأن تو است، تو را روانه کرده‌ایم. مگر نه این است که خاتم پیغمبرانی و پیغمبر همه جهانیانی؟! « كَذَالِكَ»: این‌گونه و بدین ویژگی خاصّی که در ارسال تو منظور بوده است. همان‌گونه که پیغمبران

پیشین به میان اقوام خود فرستاده شده‌اند، تو نیز به میان این مردمان فرستاده شده‌ای. «وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمنِ»: در حالی که آنان به خدای مهربان اعتقاد ندارند. این جمله حال ضمیر (هُمْ) در (عَلَيْهِمْ) است. یعنی تو قرآن را برای آنان می‌خوانی و آنان بر کفر خود می‌افزایند. «مَتَابِ»: اصل آن (مَتابی) است. یعنی بازگشت من.

سوره رعد آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّ قُرۡءَانٗا سُيِّرَتۡ بِهِ ٱلۡجِبَالُ أَوۡ قُطِّعَتۡ بِهِ ٱلۡأَرۡضُ أَوۡ كُلِّمَ بِهِ ٱلۡمَوۡتَىٰۗ بَل لِّلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ جَمِيعًاۗ أَفَلَمۡ يَاْيۡـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعٗاۗ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ أَوۡ تَحُلُّ قَرِيبٗا مِّن دَارِهِمۡ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ وَعۡدُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٣١﴾

ترجمه:

اگر (به فرض به جای این قرآن)، قرآنی باشد که کوه‌ها بدان به حرکت درآید، یا زمین به وسیله آن شکافته گردد، و یا بدان مردگان (زنده و) به سخن درآورده شوند، (باز هم بعضیها به سبب عناد با حق، بدان نمی‌گروند و بر راه خدا نمی‌روند. وظیفه تو تبلیغ است و ایمان آوردن یا ایمان نیاوردن آنان در دست تو نیست) بلکه همه کارها در دست خدا است. آیا مسلمانان (هنوز منتظرند که پدران و پسران و برادران و همسران و دوستان مشرک ایشان ایمان بیاورند؟) مگر نمی‌دانند که اگر خدا می‌خواست همه مردمان را هدایت می‌داد؟! پیوسته کافران (در زندگی این جهان) به سبب کاری که می‌کنند دچار بلا و مصیبت کوبنده می‌گردند، و یا این که بلا و مصیبت کوبنده بر دور و برق آنان فرود می‌آید (و ایشان را تهدید می‌نماید) تا وعده خدا فرا رسد (که قیامت است و پروردگار سزا و جزای قطعی ایشان را بدی‌شان نماید). بی‌گمان خداوند خلاف وعده نمی‌کند.

توضیحات:

«وَلَوْ...»: جواب (لَوْ) محذوف است که (مَا ءَامَنُوا بِهِ) است (نگا: انعام / ۲۷). «قُرْءَاناً»: قرآنی. کتابی خواندنی. «أَفَلَمْ يَيْأَسْ»: آیا ندانسته‌اند؟ استعمال (يئِسَ) به معنی (عَلِمَ) را برخی حقیقی دانسته‌اند، و بعضی آن را مجازی بشمار آورده‌اند و گفته‌اند:

مأیوس شدن، متضمّن علم و آگاهی است. «قَارِعَة»: بلای کوبنده و مصیبت ویرانگر. «تَحُلُّ»: وارد می‌شود. فرا می‌رسد. «تَحُلُّ قَرِیباً مِّن دَارِهِمْ»: نزدیک به خانه و کاشانه و سرزمین ایشان رخ می‌دهد و وارد می‌گردد. «حَتَّىٰ یَأْتِیَ وَعْدُ الله»: اگر آیه تنها راجع به صدر اسلام باشد، مراد وعده غلبه مسلمانان بر قریشیان مشرک و فتح شهر مکه است، ولی اگر عام باشد، مراد فرا رسیدن قیامت و کیفر دادن مشرکان در آن است.

سوره رعد آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۝٣٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! اگر کافران، تو و آئین اسلام را استهزاء می‌کنند، غمگین مباش که) بی‌گمان پیغمبرانی پیش از تو استهزاء شده‌اند و من کافران (استهزاء کننده) را مدّتی مهلت داده‌ام و (آزاد گذاشته‌ام) سپس ایشان را گرفتار (قهر و عذاب شدید خود) ساخته‌ام. آیا باید عذاب من (در حق ایشان) چگونه بوده باشد؟! (تاریخ گذشتگان را بخوانید و شهر و دیار و آثار جبّاران را بنگرید تا بدانید).

توضیحات:

«أَمْلَیْتُ»: مهلت داده‌ام و آزاد گذارده‌ام. ناقص واوی و از مصدر (مَلاوَة) به معنی آزاد گذاشتن و به حال خود رها کردن است (نگا: آل‌عمران / ۱۷۸). «عِقَابِ»: اصل آن (عِقابِي) است. یعنی عذاب و عقاب من. «فَکَیْفَ کَانَ عِقَابِ»: جمله پرسشی و برای تعجّب از حال ایشان است و بیان‌گر مکافات شدید و عذاب سخت خدا می‌باشد (نگا: بقره / ۶۶، نساء / ۸۴).

سوره رعد آیه ۳۳

متن آیه:

﴿أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسِۭ بِمَا كَسَبَتْۗ وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوهُمْۚ أَمْ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي ٱلْأَرْضِ أَم بِظَٰهِرٍ مِّنَ ٱلْقَوْلِۗ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ مَكْرُهُمْ وَصُدُّواْ عَنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ۝٣٣﴾

ترجمه:

آیا خدائی که (همه مردمان را آفریده است و) حافظ و مراقب همه‌کس است و اعمال ایشان را می‌پاید (همسان بتهائی است که همچون او نمی‌باشند؟ مگر خدا و معبودهای دروغین مانند یکدیگرند)؟. برای خدا انبازهائی قرار داده‌اند. بگو: آنها را (خدا) بنامید (ولی بدانید که حقیر و ناقابلند و سود و زیانی ندارند و شایان پرستش نمی‌باشند). یا این که خدا را از چیزهائی (به نام شریک‌ها و انبازها) خبر می‌دهید که او از بودن آنها در زمین بی‌خبر است؟! (مگر می‌شود که شریک‌ها و انبازهائی خدا داشته باشد و او آنها را نشناسد؟!) یا این که با سخنان ظاهری (و بی‌اساس، آنها را شریک و انباز خدا می‌سازید)؟! بلکه (حقیقت این است که) نیرنگ کافران (که رخنه‌گرفتن از پیغمبران و ایجاد موانع در سر راه دعوت آنان و القاء شبهه‌ها در دلائلشان است) در نظرشان زیبا جلوه‌گر شده است و (بدین سبب) از راه خدا بازداشته شده‌اند. و خدا هرکس را (به سبب اعمال ناشایست) گمراه سازد، راهنمائی نخواهد داشت (که او را به‌سوی رستگاری رهبری کند).

توضیحات:

«قَآئِمٌ»: ایستاده. مراقب و مواظب. «مَنْ...»: مبتدا است و خبر آن محذوف است که (كَمَنْ لَيْسَ كَذٰلِكَ) می‌باشد (نگا: رعد / ۱۹، نحل / ۱۷). «سَمُّوهُمْ»: آنها را نامگذاری کنید. آنها را خدا نام بدهید. مراد این است که بتها چیزی نیستند و خود کافران آنها را نامگذاری کرده و به خیال فاسد خویش مؤثّر و متصرّف در امور جهان می‌دانند (نگا: اعراف / ۷۱، غافر / ۷۴) أ «تُنَبِّؤُونَهُ»: او را باخبر و مطّلع می‌سازید. «بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ »: با سخنی که فقط ظاهر دارد و حقیقت ندارد مانند خیال. با سخنی که دارای مفهوم صحیح و واقعیت درست نمی‌باشد. «صُدُّوا»: بازداشته شده‌اند.

سوره رعد آیه ۳۴

متن آیه:

﴿لَّهُمۡ عَذَابٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَقُّۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ٣٤﴾

ترجمه:

آنان در زندگی دنیا عذابی دارند (که مکافات عمل ایشان در این جهان است) و عذاب آخرت (آنان در آن جهان، از عذاب این جهان ایشان) سخت‌تر می‌باشد، و هیچ

کسی و هیچ چیزی نمی‌تواند حافظ ایشان در برابر (عذاب) خدا باشد (و آن را از ایشان دفع کند).

توضیحات:

«أَشَقُّ»: سخت‌تر و دارای مشقّت و رنج بیشتر (نگا: سجده / ۲۱، زمر / ۲۶، غاشیه / ۲۴). «وَاقٍ»: حفظ کننده. نگاه‌دارنده.

سوره رعد آیه ۳۵

متن آیه:

﴿مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ ۖ وَّعُقْبَى ٱلْكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

صفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است (این است که) رودخانه‌ها و جویبارها در زیر (درختان) آن جاری است. میوه و نعمتش همیشگی و سایه‌اش دائمی است. این سرانجام کسانی است که پرهیزگارند، و سرانجام کافران آتش (دوزخ) است.

توضیحات:

«مَثَلُ»: مانند و شبیه. مجازاً به معنی صفت عجیب و شگفت. این واژه مبتدا و خبر آن محذوف است. «أُكُل»: (نگا: بقره / ۲۶۵، رعد / ۴). «ظِلّ»: سایه. کنایه از رفاهیت و عزّت و نعمت و راحت دائم است. «تِلْكَ»: آن. مراد (این) و مرجع جنّت است. «عُقْبَیا»: (نگا: رعد / ۲۲).

سوره رعد آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ ۖ وَمِنَ ٱلْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُۥ ۚ قُلْ إِنَّمَآ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ أُشْرِكَ بِهِۦٓ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُواْ وَإِلَيْهِ مَـَٔابِ ﴿٣٦﴾﴾

ترجمه:

کسانی که کتاب (آسمانی) بدی‌شان داده‌ایم (و منصف هستند) از آنچه بر تو نازل شده است خوشحالند، و از میان دسته‌ها (و گروه‌های اهل کتاب و سایر مشرکان) کسانی هستند (که به سبب تعصّب‌های مذهبی و قومی) قسمتی از آن را نمی‌پذیرند.

(ای پیغمبر! به مخالفت و لجاجت این و آن اعتناء مکن و بلکه خطّ اصیل و صراط مستقیم خود را پیش بگیر و برو، و) بگو: من تنها و تنها مأمورم که خدا را بپرستم و انبازی برای او نسازم. من (مردمان را) به‌سوی او می‌خوانم و بازگشت من (و همگان) به جانب او است.

توضیحات:

«أَلَّذِینَ ءَاتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ...»: مراد گروهی از یهودیان و مسیحیانی است که ایمان آورده‌اند. «الأَحْزَابِ»: گروه‌ها و دسته‌ها. «مِنَ الأَحْزَابِ مَنْ...»: مراد یهودیان و مسیحیان و همچنین مشرکانی است که گرد هم آمدند و بر ضدّ پیغمبر و آئین اسلام به مبارزه برخاستند. «أَدْعُو»: دعوت می‌کنم. مردم را فرا می‌خوانم. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «مَئَابِ»: رجوع و بازگشت من. اصل آن (مَئَابِي) و از ماده (أَوْب) می‌باشد.

سوره رعد آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ حُكۡمًا عَرَبِيّٗاۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا وَاقٖ ٣٧﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که کتاب‌های آسمانی را برای پیغمبران پیشین فرستادیم) قرآن را هم به عنوان داور (در میان مردم و داور کتاب‌های گذشته، به زبان) عربی (بر تو) فرستادیم. (پس برابر آن با همگان اعم از اهل کتاب و سایر مشرکان رفتار کن و برابر آرزوها و خواست‌های مردم راه مرو) و اگر از آرزوها و خواست‌هایشان، بعد از آن که دانش (وحی) به تو رسیده است، پیروی کنی، کسی نمی‌تواند در برابر خدا تو را یاری دهد و تو را (از دست عذاب او) محفوظ دارد.

توضیحات:

«حُکْماً»: داوری. مصدر است و می‌تواند به معنی اسم فاعل، یعنی حاکم و داور باشد. مراد این است که قرآن فاصل حق از باطل و بیان‌گر احکام راستین الهی است. «عَرَبِیّاً »: به زبان عربی که زبان قوم پیغمبر است (نگا: ابراهیم / ۴). «اَلْعِلْمِ»: دانش و

آگاهی. مراد وحی و دستور آسمانی است. «مَا لَكَ مِنَ اللهِ...»: مخاطب پیغمبر و مراد امّت او است.

سوره رعد آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾﴾

ترجمه:

(برخیها داشتن زنان و فرزندان را بر تو عیب می‌گیرند) و ما پیش از تو پیغمبرانی را روانه کرده‌ایم و زنان و فرزندانی بدی‌شان داده‌ایم. (پیغمبران جملگی انسان بوده‌اند و بنا به سرشت انسانی خورده‌اند و خفته‌اند و با مردم رفت و آمد داشته و معامله کرده و ازدواج نموده‌اند) و هیچ پیغمبری را نرسیده است که معجزه‌ای جز با اجازه خدا بیاورد (و به مردم ارائه دهد). هر زمانی دارای نوعی معجزه است (که شایسته آن و حکمت و مصلحت در آن است).

توضیحات:

«ءَايَةٍ»: معجزه. مراد معجزاتی است که مشرکان و یهودیان پیشنهاد می‌کردند و انجام آنها را درخواست می‌نمودند (نگا: إسراء / ۹۰ – ۹۳، فرقان / ۷ و ۸) أ «أَجَلٍ»: مدّت. زمان. «كِتَابٌ»: کار حتمی و امر معین. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی (مکتوب) به معنی محتوم است. در اینجا مراد حکم معین و معجزه مشخّص و کار مقدّر است. «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»: هر زمانی معجزه مربوط به خود دارد. هر زمانی دارای حکم معین و کار مقدّری است که جز آن در آن انجام نمی‌گیرد (نگا: انعام / ۶۷).

سوره رعد آیه ۳۹

متن آیه:

﴿يَمْحُواْ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾﴾

ترجمه:

خداوند هرچه را که بخواهد (و مصلحت بداند، از نشانه‌های کتاب دیدنی جهانی و از آیه‌های کتاب خواندنی آسمانی) از میان برمی‌دارد، و هرچه را (از قوانین هستی و از

شرائع الهی که حکمتش اقتضاء کند و مناسب با زمان باشد) برجای می‌دارد و (جایگزین می‌سازد. و همه این‌ها) در علم خدا ثابت و مقرّر است.

توضیحات:

«یمْحُو»: از میان برمی‌دارد. زائل می‌گرداند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «یُثْبِتُ»: بر جای می‌دارد. ثابت و استوار می‌سازد. مراد از محو و اثبات در اینجا، عبارت است از: ۱ - تصرّفات خداوندی در نظام هستی، از قبیل: زنده‌گرداندن و میراندن، پدید آوردن و نابود کردن، کاستن و افزودن، رویاندن و پژمراندن، نیرو دادن و نیرو زدودن، و... ۲ - تصرّفات خداوندی در آیات و احکام کتاب‌های آسمانی، از قبیل: اقامه دینی و ازاله آئینی، منسوخ‌کردن آیات و احکامی و لازم گرداندن مقرّرات و قوانینی، و... «أُمُّ»: اصل. مرکز. «الْکِتَابِ»: علم خدا. لوح محفوظ. یعنی حوادث کوْنی و انسانی، و آیات و احکام آئین آسمانی، خاضع علم ثابت خدا و مشیت تغییرناپذیر او بوده که در لوح محفوظ ضبط و منعکس است. آیه فوق را می‌توان چنین هم معنی کرد: خداوند هر قانون و شریعتی را که بخواهد از میان برمی‌دارد، و هر قانون و شریعتی را که بخواهد برجای می‌دارد؛ و یا آئین پسین را جایگزین آئین پیشین می‌گرداند، و قوانین و شرائع اصولی همچون توحید و نبوّت و معاد و تحریم رذائل و تحسین فضائل، ثابت و تغییرناپذیر می‌مانند.

سوره رعد آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ وَعَلَيۡنَا ٱلۡحِسَابُ ٤٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! اگر (تو را زنده بداریم و) برخی از چیزهائی را به تو بنمائیم که به آنان وعده می‌دهیم، و یا این که تو را بمیرانیم (و شکست و مصیبت کافران و پیروزی و نعمت مؤمنان را نشانت ندهیم مسأله‌ای نیست. چرا که) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است، و بر ما حساب و کتاب.

توضیحات:

«الْبَلاغُ»: تبلیغ. ابلاغ رسالت (نگا: آل‌عمران / ۲۰، مائده / ۹۲ و ۹۹). «الْحِسَابُ»:

محاسبه. بازپرسی. «وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ...»: (نگا: زخرف / ۴۱ و ۴۲).

سوره رعد آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أَوَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّا نَأْتِي ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَاۚ وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦۚ وَهُوَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ۝٤١﴾

ترجمه:

مگر (این کافران مغرور و لجوج) نمی‌دانند که ما به زمین می‌آئیم (و) از اطراف آن می‌کاهیم؟ (از سرزمین اینان می‌کاهیم و بر سرزمین آنان می‌افزائیم، و اقوام و تمدن‌ها و حکومت‌هائی را نابود می‌کنیم و اقوام و تمدن‌ها و حکومت‌های دیگری را جایگزین آنها می‌سازیم. آیا این قانون همیشگی و ساری و جاری در همه سرزمین‌ها و جامعه‌های بشری، برای بیدار شدن مردمان کافی نیست؟). خداوند فرمان می‌راند و فرمانش هیچ‌گونه رادع و مانعی ندارد. (اصلاً چه کسی یا چه چیزی یارای جلوگیری از اجرا فرمان او را دارد)؟! و (از آنجا که خدا آگاه از هر چیزی و گواهان آماده و دلائل مهیا است) او سریع‌الحساب است (و در روز قیامت نیازی به طول زمان جهت رسیدگی به حساب مردمان نیست).

توضیحات:

«أَوَلَـمْ يَرَوْا»: آیا نمی‌دانند. مراد از دیدن، دانستن است. «الأَرْضَ»: مراد سرزمین ظالمان و کافران است (نگا: انعام / ۶). یا این که مضاف محذوف است و مراد اهل آن است. مراد خود کره زمین نیز می‌تواند باشد. « أَطْرَافِ »: دَور و بَر. نواحی. «نَنقُصُ مِنْ أَطْرَافِهَا»: از اطراف آن می‌کاهیم. این کاهش ممکن است اشاره به فتوحات اسلامی یا این که تخریب ممالک ستمگران و هلاک کردن ملحدان و مشرکان باشد. و شاید اشاره به این کشف علمی‌باشد که می‌گوید: سرعت گردش زمین به دور محور خود، و نیروی گریز از مرکز، سبب شده‌اند که در دو قطب از برآمدگی کره زمین کاسته شود. یا اشاره به این نکته دانش جدید باشد که می‌گوید: هرگاه سرعت انطلاق بخشی از گازهائی که همچون غلافی کره زمین را احاطه کرده‌اند، از قوّه جاذبه‌ای که زمین نسبت بدان‌ها دارد افزونتر باشد، مقداری از آن گازها از جو زمین خارج و راهی پهنه هستی

می‌گردند. این انطلاق که نوعی کاهش از اطراف کره زمین بشمار است، هر روزه به طور مستمرّ انجام می‌پذیرد (نگا: تفسیر المنتخب). «مُعَقِّبَ»: تعقیب کننده و بازپرس. به تعقیب اندازنده و بازدارنده. «لاَ مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ»: کسی نمی‌تواند فرمان او را بازپرسی و پی‌گردی کند، یا از اجرا فرمانش جلوگیری به عمل آورد.

سوره رعد آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَقَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَلِلَّهِ ٱلۡمَكۡرُ جَمِيعٗاۖ يَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٖۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلۡكُفَّٰرُ لِمَنۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٤٢﴾

ترجمه:

کسانی پیش از آنان (درباره پیغمبران) توطئه‌ها کرده‌اند و نقشه‌ها کشیده‌اند (و توطئه‌هایشان خنثی و نقشه‌هایشان نقش بر آب شده است) و طرح‌ها و نقشه‌ها همگی از آن خدا است (و مسلّماً توطئه‌ها و نقشه‌هائی که هم‌اینک نیز کافران برای مبارزه با تو می‌کنند و می‌کشند، خنثی و بی‌نتیجه می‌گردد). خدا از کار و بار هر کسی آگاه است (و لذا از حیله حیله‌گران چون ایشان هم بی‌خبر نمی‌باشد) و کافران خواهند دانست که پایان نیکوی این جهان (و سعادت مینوی آن جهان) از آن کیست.

توضیحات:

«مَكَرَ»: حیله‌گری و چاره‌جوئی کرد. توطئه کرد و نقشه کشید. «الْـمكْرُ»: مراد مشاکله است (نگا: آل‌عمران / ۵۴، انفال / ۳۰، اعراف / ۱۲۳).

سوره رعد آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَسۡتَ مُرۡسَلٗاۚ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ وَمَنۡ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡكِتَٰبِ ٤٣﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: تو فرستاده (خدا) نمی‌باشی. بگو: کافی است میان من و شما خدا و کسی که از کتاب (قرآن) آگاه باشد گواه شوند. (همین بس که خدا می‌داند که من فرستاده او هستم، و کسانی هم که از محتوای قرآن مجید آگاه باشند، از اعجاز قرآن می‌فهمند که کتابی را که با خود آورده‌ام ساخته و پرداخته مغز بشری نیست و

از سوی آفریننده مغزها به دست‌شان رسیده است).

توضیحات:

«مُرْسَلاً»: فرستاده. پیغمبر. «شَهِیداً»: گواه. «مَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: مراد آگاهان از قرآن، یا علماء یهودی و مسیحی است که از روی تورات و انجیل، آسمانی بودن قرآن و صدق پیغمبر اسلام را درک می‌کنند.

سوره إبراهیم

سوره إبراهیم آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. را. (این قرآن) کتابی است که آن را برای تو فرستاده‌ایم تا این که مردمان را (در پرتو تعلیمات آن) با توفیق و تفضّل پروردگارشان، از تاریکی‌ها (و گمراهی‌های کفر و نادانی) به‌سوی نور (و روشنائی ایمان و دانائی) بیرون بیاوری، (یعنی که) به راه خدای چیره ستوده (درآوری).

توضیحات:

«الر»: (نگا: بقره / ۱). «إِذْنِ»: توفیق و تفضّل. فرمان و دستور. اجازه. «إِلَیا صِرَاطِ... »: بَدَل از (إِلَي النُّورِ) است. یعنی که راه خدا، مکان نور و روشنائی است، و در پرتو نور و روشنائی، حقائق یافته می‌شود و هدایت میسّر می‌گردد.

سوره إبراهیم آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٖ شَدِيدٍ ٢﴾

ترجمه:

خدائی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن او است. وای بر کافران! که عذاب سختی (و مجازات شدیدی) دارند، (چرا که در چنگ خدای غالب بر هر چیز و مالک همه چیز گرفتارند).

توضیحات:

«أَللهِ»: عطف بیان (الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) یا موصوف مؤخّر آن است. «وَيْلٌ»: وای. هلاک و نابودی.

سوره إبراهیم آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَحِبُّونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ٣﴾

ترجمه:

کسانی که زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح می‌دهند، و مردمان را از راه خدا باز می‌دارند، و راه خدا را نادرست نشان داده و کج و معوجّ می‌نمایانند، آنان در گمراهی سخت و ژرفی گرفتارند.

توضیحات:

«يَسْتَحِبُّونَ»: آن را سخت دوست می‌دارند و تفضیل و ترجیحش می‌دهند. استحباب به معنی تلاش در محبّت و دوست داشت چیزی است و هرگاه با (عَلي) متعدّی شود، معنی مقدّم داشتن را می‌بخشد (نگا: توبه / ۲۳، نحل / ۱۰۷، فصّلت / ۱۷). «يَبْغُونَهَا عِوَجاً»: (نگا: آل‌عمران / ۹۹). «ضَلالٍ بَعِيدٍ»: (نگا: نساء / ۶۰).

سوره إبراهیم آیه ۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوۡمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمۡۖ فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٤﴾

ترجمه:

(ای محمّد)! ما هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم مگر این که به زبان قوم خودش (متکلّم بوده است) تا برای آنان (احکام الهی را) روشن سازد (و حقائق را تبیین و تفهیم کند). سپس خداوند هرکس را که (به فرمان آسمانی گوش نکرده است) گمراه ساخته است و هرکس را که (برابر دستور آسمانی حرکت نموده است) رهنمود ساخته است. و او چیره (بر هر کاری است که بخواهد، و کارهایش) دارای حکمت است.

توضیحات:

«بِلِسَانِ قَوْمِهِ»: به زبان قوم خود. «لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...»: مراد این است که تبلیغ کار پیغمبران، و هدایت کار خدا است.

سوره إبراهیم آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٥﴾

ترجمه:

موسی را همراه با آیات (و مؤید به معجزات) خود فرستادیم (و بدو دستور دادیم) که قوم خویش را از تاریکی‌های (کفر و جهل) بیرون بیاور (و) به‌سوی نور (ایمان و دانش رهنمود گردان) و روزهای خوشی و ناخوشی و نعمت و نقمتی را به یاد ایشان بیاور که خدا بر سرِ گذشتگان آورده است. بی‌گمان در این کار (که بیان سرگذشت نیکان و بدان پیشین است) برای هر شکیبای (بر مصائب و بلایای آسمانی و) سپاس‌گزار (بر انعام و عطایای الهی)، دلائل بزرگی (و نشانه‌های سترگی بر وحدانیت خدا) است.

توضیحات:

«بِئَايَاتِنَا»: همراه با معجزه‌های دالّ بر صدق موسی (نگا: اعراف / ۱۰۷ و ۱۰۸، إسراء / ۱۰۱). «أَنْ»: این که. حرف ناصبه است و پیش از آن حرف جر (ب) حذف شده و یا مفسّره است و به معنی (أَيْ) می‌باشد. «ذَكِّرْهُمْ»: بدانان گوشزد کن. به یادشان آور. « ایامِ اللهِ »: روزهای خدا. ذکر ظرف و مراد مظروف است. یعنی: حوادث خوش و ناخوشی که در آنها رخ داده و مصائب و بلایائی که آنها را گریبان‌گیر دست‌های و نعمت‌ها و لطف‌هائی که بهره گروهی نموده است (نگا: یونس / ۱۰۲، جاثیه / ۱۴). «صَبَّارٍ»: بسیار شکیبا. «شَكُورٍ»: بسیار سپاس‌گزار.

سوره إبراهیم آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برای عبرت قوم خود بیان کن) وقتی را که موسی به قوم خود گفت: نعمت دادن خدا به خویشتن را به یاد آرید، آن زمان که شما را از فرمان فرعونیان که بدترین شکنجه‌ها را به شما می‌رساندند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده نگاه می‌داشتند نجاتتان داد، و در آن (عذاب و نجات) آزمایش بزرگ شما نهفته بود.

توضیحات:

«أَنجَاکُمْ»: نجاتتان داد. (برای معنی دقیق آیه و لغات آن، به بقره / ۴۹ و اعراف / ۱۴۱ مراجعه شود).

سوره إبراهیم آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۝٧﴾

ترجمه:

و (ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید) آن زمان را که پروردگارتان مؤکدانه اعلام کرد که اگر (از نعمت‌های خدادادی، به وسیله ثبات بر ایمان و تلاش در عبادت) سپاس‌گزاری کردید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم، و اگر کافر (و ناسپاس) شدید (شما را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازم و بدانید که) بی‌گمان عذاب من بسیار سخت است.

توضیحات:

«تَأَذَّنَ»: مؤکدانه اعلام کرد. روشن و آشکار خبر داد (نگا: اعراف / ۱۶۷).

سوره إبراهیم آیه ۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكْفُرُوٓاْ أَنتُمْ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝٨﴾

ترجمه:

و موسی گفت: اگر شما و همه کسانی که در زمین هستید کافر شوید و ناسپاس گردید، به خدا زیانی نمی‌رسد، چرا که خداوند بی‌نیاز (از ایمان ایمانداران و سپاس سپاسگزاران است، و اگر کسی هم بدو ایمان نیاورد و شکر انعامش را نگزارد، او ذاتاً) ستوده است.

توضیحات:

«إِن تَكْفُرُوا»: اگر کافر شوید. اگر کفران نعمت کنید و ناسپاس گردید.

سوره إبراهیم آیه ۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا ٱللَّهُۚ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرۡنَا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَنَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٩﴾

ترجمه:

آیا به شما نرسیده است خبر کسانی که پیش از شما بوده‌اند؟ (از قبیل) قوم نوح و عاد و ثمود و کسان دیگری که پس از ایشان آمده‌اند و جز خدا کسی (تعداد بیشمار) آنان را (نمی‌داند و ایشان را چنان که باید) نمی‌شناسد. پیغمبران‌شان دلائل روشن و معجزات آشکاری برای‌شان آوردند (و بدی‌شان نمودند)، ولی آنان دست‌هایشان را بر دهانهای پیغمبران گذاشتند (و از تبلیغ آنان جلوگیری نمودند و سدّ راه رسالت آسمانی و دشمن دعوت الهی شدند و) گفتند: ما ایمان نداریم به چیزی که به همراه آن فرستاده شده‌اید (و دلائل و معجزات شما را قبول نمی‌کنیم و رسالتتان را تصدیق نمی‌نمائیم) و درباره چیزی که ما را بدان می‌خوانید سخت در شک و گمانیم (و به یکتاپرستی و قانون آسمانی یقین و باور نداریم).

توضیحات:

«نَبَأ»: خبر. «قَوْمِ»: بدل یا عطف بیان (أَلَّذِينَ) است. «فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ»: اگر معنی (أَيْدي) و (أَفْواه) همان اندام‌های مشهور بدن باشد که دست‌ها و زبان‌ها است، معانی جمله عبارت است از: دست‌هایشان را در دهان‌هایشان نهادند و از شدّت خشم و بیزاری از دعوت پیغمبران، آنها را گاز گرفتند. دست‌هایشان را به سبب غلبه خنده و قهقهه تمسخرآمیز بر دهان‌هایشان نهادند و پیغمبران را استهزاء کردند. دست‌هایشان را بر دهان‌هایشان نهادند یعنی که ای داعیان بس کنید و ساکت باشید. دست‌هایشان را بر دهان‌های انبیاء نهادند و جلو سخنان‌شان را گرفتند. و... اگر هم واژه‌های (أَیدی) و (أَفْواه) مَجاز باشد، معانی جمله عبارت خواهد بود از: مراد از (أَیدی) دلائل و حجّت‌های انبیاء و نصائح و راهنمائی‌های ایشان است، و برگرداندن سخن‌ها به

دهان‌ها، عدم پذیرش آنها است. یعنی سخنان خودتان برای خودتان خوب است، ما آنها را نمی‌شنویم و بدان‌ها عمل نمی‌کنیم. «بِمَا»: مراد از (ما) حجّت‌ها و معجزه‌ها است و نپذیرفتن آنها هم نشانه بی‌باوری نسبت به نبوّت و رسالت آسمانی است. «مِمَّا»: مراد از (ما) اعتقاد به خدا، وحدانیت او، پیغمبری، ادیان و شرائع الهی است. «مُرِيبٍ»: شک‌انداز. به گمان افکننده. صفت واژه (شَكٍّ) و برای تأکید معنی آن است.

سوره إبراهیم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٠﴾

ترجمه:

پیغمبران‌شان بدی‌شان گفتند: مگر درباره وجود خدا، آفریننده آسمان‌ها و زمین، بدون مُدِل و نمونه پیشین، شک و تردیدی در میان است؟ (مگر عقل شما کتاب باز هستی را نمی‌نگرد و به مؤلف آن راه نمی‌برد؟). او شما را فرا می‌خواند تا گناهانتان را ببخشاید و (از گذشته ناپاکتان صرف‌نظر نماید، و بدین زودیها هلاکتان نسازد و بلکه) تا مدّت مشخّصی (که در آن مرگتان فرا می‌رسد) شما را بر جای و محفوظ دارد. آنان (مسخره‌کنان در پاسخ پیغمبران) گفتند: شما جز انسان‌هائی همچون ما نیستید (و فضیلتی بر ما ندارید تا از میان ما شما را برگزینند و پیام‌آوران آسمانی برای مردمان زمینی کنند) و شما می‌خواهید ما را از چیزهائی منصرف و به دور دارید که پدرانمان آنها را می‌پرستیده‌اند. (ذکر خلقت آسمان‌ها و زمین فائده‌ای ندارد. اگر راست می‌گوئید) برای ما دلیل روشنی بیاورید (و معجزه‌هائی بنمائید که ما پیشنهاد می‌کنیم).

توضیحات:

«فَاطِرِ»: آفریننده بدون الگو و مدل (نگا: انعام / ۱۴، یوسف / ۱۰۱). بدل یا صفت (الله) است. «أَجَلٍ مُسَمّيً»: وقت تعیین شده. مراد هنگام مرگ طبیعی است (نگا: هود / ۳، نحل / ۶۱، عنکبوت / ۵۳ - ۵۵، فاطر / ۴۵، احقاف / ۳). «عَمّا»: از چیزهائی که. مراد بتها است. «سُلْطَانٍ»: حجّت و برهان. مراد معجزه‌های پیشنهادی است.

سوره إبراهیم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ إِن نَّحۡنُ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأۡتِيَكُم بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ۝١١﴾

ترجمه:

پیغمبران‌شان بدی‌شان گفتند: (همان گونه که گفتید) ما جز انسان‌هایی همچون شما نیستیم، و لیکن خداوند بر هرکس از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد (و او را با لطف خود می‌نوازد و پیغمبرش می‌سازد) و ما را نسزد که دلیلی برایتان بیاوریم (و معجزه‌ای به شما بنمائیم) مگر با اجازه خدا (و توفیق او). و مؤمنان باید به خدا توکل کنند و بس (و ما هم در برابر دشمنانگی شما بدو توکل می‌کنیم).

توضیحات:

«يَمُنُّ»: منت می‌نهد. لطف و بزرگواری می‌کند. «مَا كَانَ لَنَا»: ما را نرسد. ما نمی‌توانیم.

سوره إبراهیم آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمَا لَنَآ أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنَا سُبُلَنَاۚ وَلَنَصۡبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيۡتُمُونَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ۝١٢﴾

ترجمه:

آخر چرا نباید به خدا توکل کنیم، و حال آن که او ما را به راهمان رهنمود کرده است؟ (راهی که خودش آن را پدید آورده است و همگان را به پیمودن آن دعوت فرموده است و آئین الهیش نام داده است. ما بر توکل خود می‌افزائیم) و حتماً بر اذیت و آزارتان شکیبائی می‌نمائیم، و متوکلان باید بر خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

«مَا لَنَا»: ما را چه شده است؟ ما را چه رسیده است؟ «هَدَانَا سُبُلَنَا»: ما را به راه‌های خود داشته است و رهنمودمان کرده است و طریق نجات از دوزخ و وصول به بهشت را به ما نموده است.

سوره إبراهیم آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمۡ لَنُخۡرِجَنَّكُم مِّنۡ أَرۡضِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۖ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ رَبُّهُمۡ لَنُهۡلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٣﴾

ترجمه:

کافران (و سردستگان زندقه و ضلال، هنگامی که از راه دلیل با انبیاء برنیامدند، به زور متوسّل شدند و) به پیغمبران خود گفتند: یا به آئین ما باز می‌گردید یا این که شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم. پس پروردگارشان به آنان (که حاملان رسالات آسمانی و راهنمایان بشری بودند) پیام فرستاد که حتماً ستمکاران (کفرپیشه چون ایشان) را (به خاطر ظلم و ستمی که روا می‌دارند) نابود می‌کنیم.

توضیحات:

«لَتَعُودُنَّ»: برمی‌گردید. مراد پیغمبران و پیروان ایشان است (نگا: اعراف / ۸۸). این تعبیر از باب تغلیب است و پیغمبران به همراه پیروان خود - که سابقاً مشرک بوده‌اند - دعوت شده‌اند که به بت‌پرستی برگردند. یا این که سکوت پیش از رسالت و مأموریت تبلیغ پیغمبران، مشرکان را بر آن داشته است که پندارند پیغمبران قبلاً هم‌کیش ایشان بوده‌اند. «مِلَّة»: دین. آئین.

سوره إبراهیم آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَنُسۡكِنَنَّكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ١٤﴾

ترجمه:

و ما شما را پس از ایشان در سرزمین (آنان) سکونت می‌بخشیم. این (پیروزی) از آن کسانی است که از جاه و جلال من بترسند و از تهدید من بهراسند.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: آن. در اینجا مراد (این) است که پیروزی پیغمبران و خداپرستان بر کافران و مشرکان است (نگا: صافّات / ۱۷۱ - ۱۷۳). «مَقَام»: جایگاه و پایگاه. مصدر میمی و به معنی قِیام، یعنی نظارت و مراقبت. روز قیامت که همگان در حضور اقدس او گرد می‌آیند و مورد بازرسی و بازپرسی قرار می‌گیرند. می‌تواند کنایه از ذات پروردگار هم باشد (نگا: رحمن / ۴۶).

سوره إبراهیم آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَفۡتَحُواْ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ١٥﴾

ترجمه:

و (پیغمبران از پروردگارشان) طلب پیروزی (و غلبه بر قوم خود) کردند (هنگامی که از ایمان آوردن‌شان مأیوس گشتند، و خداوند آنان را فتح و ظفر بخشید و سود بردند) و هر قلدر و گردنکش منحرف و باطل‌گرائی، زیانمند و نامراد گردید.

توضیحات:

«إِسْتَفْتَحُوا»: درخواست فتح و پیروزی کردند (نگا: بقره / ۸۹، انفال / ۱۹). «خَابَ»: پیروز نشد و به هدف نرسید. نامراد و زیانمند گردید. «جَبَّارٍ»: متکبّر. قلدر. گردنکش. «عَنِيدٍ»: باطل‌گرا. منحرف. دشمن حق و حقیقت. فعیل به معنی مُفاعِل، یعنی مُعانِد است.

سوره إبراهیم آیه ۱۶

متن آیه:

﴿مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسۡقَىٰ مِن مَّآءٖ صَدِيدٖ ١٦﴾

ترجمه:

جلو او دوزخ قرار دارد و (در آن) از خونابه نوشانده می‌شود.

توضیحات:

«وَرَآءِ»: جلو. مقابل. این واژه از اضدّاد است و به معنی پشت سر و پیش روی آمده است و در اینجا به هر دو معنی، نتیجه یکی است. یعنی مراد از پشت سر و روبرو، سرانجام و عاقبت کار است. «صَدیدٍ»: خونابه. «مآءٍ صَدیدٍ»: آبی که خونابه است. (صَدِيدٍ) عطف بیان یا بَدَل است.

سوره إبراهیم آیه ۱۷

متن آیه:

﴿يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأۡتِيهِ ٱلۡمَوۡتُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٖۖ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٞ ١٧﴾

ترجمه:

آن را (به ناچار و با رنج بسیار) جرعه جرعه می‌نوشد، و به هیچ وجه گوارایش نمی‌یابد، و (موجبات) مرگ از هر سو بدو روی می‌آورد و حال این که نمی‌میرد، (تا از آنچه بدان مبتلا است نجات یابد) و بر سر راه او (هر زمان و آن) عذاب بسیار سختی است.

توضیحات:

«یتَجَرَّعُهُ»: با زحمت و رنج آن را جرعه‌جرعه می‌نوشد. «لا یَکادُ یُسِیغُهُ»: اصلاً گوارایش نمی‌یابد. «یَأْتِیهِ الْـمَوْتُ»: مراد اسباب و موجبات مرگ است. «مِن وَرَآئِهِ»: گذشته از عذاب قبلی. در برابر او و بر سر راه وی.

سوره إبراهیم آیه ۱۸

متن آیه:

﴿مَّثَلُ ٱلَّذِینَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَرَمَادٍ ٱشۡتَدَّتۡ بِهِ ٱلرِّیحُ فِی یَوۡمٍ عَاصِفٖۖ لَّا یَقۡدِرُونَ مِمَّا كَسَبُواْ عَلَىٰ شَیۡءٖۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِیدُ ۝١٨﴾

ترجمه:

حال و وضع اعمال کسانی که به پروردگار خود ایمان ندارند، همچون حال و وضع خاکستری است که در یک روز طوفانی، باد به تندی بر آن وزد (و آن را در هوا پخش و پراکنده کند و چیزی از آن برجای نگذارد. چنین کافرانی هم در روز قیامت) به چیزی از آنچه در دنیا (از اعمال نیک) انجام داده‌اند دست نمی‌یابند. (چرا که گِردباد کفر بر خاکستر اعمال‌شان وزیده است و آن را به غارت برده است) این (تلاش و کوشش بیراهه و بی‌بهره) گمراهی سختی، (و حاصل سرگردانی و سرگشتگی شگفتی) است.

توضیحات:

«مَثَلُ»: صفت. حال و وضع. «رَمَادٍ»: خاکستر. «عَاصِفٍ»: طوفانی. «ذلِكَ»: این کار و کوشش همراه با کفر و زندقه. این سرانجام بد و تباه. «الضَّلالُ»: گمراهی. سرگشتگی.

سوره إبراهیم آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِن یَشَأۡ یُذۡهِبۡكُمۡ وَیَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِیدٖ ۝١٩﴾

ترجمه:

(ای مخاطب)! آیا نمی‌بینی که خداوند، آسمان‌ها و زمین را چنان که باید آفریده است (و آنها را هماهنگ و منظّم و مرتّب پدیدار کرده و سر و سامان و نظم و نظام بخشیده است). اگر بخواهد شما (مردمان نافرمان و ناسپاس) را از میان می‌برد و انسان‌های (فرمانبردار و سپاسگزار) تازه‌ای را پدید می‌آورد.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق. چنان که باید. یعنی هماهنگ و منظّم و دارای حکمت و هدف.

سوره إبراهیم آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ٢٠﴾

ترجمه:

و این کارِ (میراندن شما و به جهان گسیل داشتن دیگران) برای خدا مشکل نیست.

توضیحات:

«عَزِیز»: سخت و مشکل.

سوره إبراهیم آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَبَرَزُواْ لِلَّهِ جَمِيعٗا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا مِنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ قَالُواْ لَوۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيۡنَٰكُمۡۖ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٖ ٢١﴾

ترجمه:

(روزی که قیامت نام دارد) همه در برابر خدا ظاهر و آشکار می‌گردند. (در این هنگام) ضعیفان (که پیروان نادان نیرومندانند، از راه تمسخر) به کسانی می‌گویند که خویشتن را (در دنیا) بزرگ می‌پنداشتند: ما پیروان شما بودیم، آیا می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از سر ما بردارید؟! (در پاسخ) می‌گویند: اگر خداوند ما را (به راه رستگاری) رهنمود می‌کرد، ما هم شما را (به راه نجات) رهنمود می‌کردیم، (ولی ما خودمان گمراه بودیم و شما را نیز گمراه کردیم. هم اینک) چه بی‌تابی کنیم و چه شکیبائی نمائیم یکسان است (و سودی به حال خراب ما ندارد، و از عذاب خدا) راه

نجات و گریزی برای ما نیست.

توضیحات:

«بَرَزُوا»: آشکار شدند. به دشت فراخی آمدند. «تَبَعاً»: پیروان. مصدر است و به صورت وصف جمع، یعنی تابعان آمده است. «مُغْنُونَ»: بی‌نیاز کنندگان. کفایت‌کنندگان. دفع کنندگان. «مَحِیصٍ»: راه نجات. گریزگاه.

سوره إبراهیم آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلشَّيْطَٰنُ لَمَّا قُضِيَ ٱلْأَمْرُ إِنَّ ٱللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ ٱلْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْۖ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ إِلَّآ أَن دَعَوْتُكُمْ فَٱسْتَجَبْتُمْ لِيۖ فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓاْ أَنفُسَكُمۖ مَّآ أَنَا۠ بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ أَنتُم بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُۗ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝٢٢﴾

ترجمه:

و اهریمن (سر دسته کفر و ضلال) هنگامی که کار (حساب و کتاب) به پایان رسید (و بهشتیان آماده بهشت و دوزخیان آماده دوزخ شدند، خطاب به پیروان بدبخت خود) می‌گوید: خداوند (بر زبان پیغمبران) به شما وعده راستینی داد (که فرمانبرداران را پاداش و نافرمانبرداران را پادافره خواهم داد، و بدان وفا کرد) و من به شما وعده دادم (که ثواب و عقاب و بهشت و دوزخی در میان نیست) و با شما خلاف وعده کردم (و دروغ گفتم) و من بر شما تسلّطی نداشتم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (گول وسوسه مرا خوردید و) دعوتم را پذیرفتید. پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشتن را سرزنش بکنید. (امروز) نه من به فریاد شما می‌رسم و نه شما به فریاد من می‌رسید. من (امروز) از این که مرا قبلاً (در دنیا برای خدا) انباز کرده‌اید، تبرّی می‌جویم (و آن را انکار می‌کنم). بی‌گمان کافران عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«قُضِيَ الأمْرُ»: کار پایان داده شد. «سُلْطانٍ»: تسلّط و قدرت. قهر و اجبار. «مُصْرِخ»: فریادرس. «إِنِّي كَفَرْتُ»: من انکار می‌کنم من تبرّی و بیزاری می‌جویم.

«بِما»: به انباز کردن. واژه (ما) مصدری و متعلّق به (أَشْرَكْتُمُونِي) است و در اصل چنین است: «إِنّي كَفَرْتُ بِإِشْراكِكُمْ إِيّايَ للهِ في الطاّعَةِ». «الظَّالِمِينَ»: کافران.

سوره إبراهیم آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَأُدۡخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡۖ تَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٌ ٢٣﴾

ترجمه:

(این گوشه‌ای از احوال اشقیاء بود، و امّا اشاره‌ای به احوال سعداء شود): کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای پسندیده و شایسته کرده‌اند، به باغهائی برده می‌شوند که در زیر (کاخها و درختان) آنها جویبارها روان است و با اجازه و توفیق پروردگارشان جاودانه در آنجاها می‌مانند (و از سوی خدا و فرشتگان) درودشان (می‌فرستند که) عبارت است از: سلامتان باد!.

توضیحات:

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»: با اجازه خدا و توفیق او. جار و مجرور متعلّق به (خالِدِینَ) است. «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلامٌ»: در آنجا از سوی خدا (نگا: یس / ۵۸) و از سوی فرشتگان (نگا: رعد / ۲۴) درود فرستاده می‌شوند (نگا: یونس / ۱۰).

سوره إبراهیم آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ كَشَجَرَةٖ طَيِّبَةٍ أَصۡلُهَا ثَابِتٞ وَفَرۡعُهَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٢٤﴾

ترجمه:

بنگر که خدا چگونه مثل می‌زند: سخن خوب به درخت خوبی می‌ماند که تنه آن (در زمین) استوار و شاخه‌هایش در فضا (پراکنده) باشد.

توضیحات:

«أَلَمْ تَرَ»: مگر ننگریسته‌ای؟ مگر نمی‌دانی؟ در اینجا مراد امر است. یعنی: ای انسان! بنگر و بدان. «كَلِمَة»: سخن. پدیده. مراد ایمان، کلمه توحید، هر سخن نیک

دیگری، و یا خود شخص مؤمن است. بدل اشتمال یا بدل کلّ از کلّ واژه (مَثَلاً) است. «أَصْلُ »: مراد از اصل، پائین تنه و ریشه‌های درخت است. «فَرْعُ»: شاخه. «السَّمَآءِ»: فضا. بالای سر.

سوره إبراهیم آیه ۲۵

متن آیه:

﴿تُؤۡتِیٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۢ بِإِذۡنِ رَبِّهَاۗ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ۝٢٥﴾

ترجمه:

بنا به اراده و خواست خدا هر زمانی میوه خود را بدهد (و دائماً به بارنشسته و سرسبز و خرم باشد). خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند تا متذکر گردند (و پند گیرند).

توضیحات:

«أُكُلَ»: میوه. ثمر. «كُلَّ حِينٍ»: در هر زمان. هر چند در کره زمین درختانی وجود دارد که در تمام مدّت سال میوه از شاخه‌های آنها قطع نمی‌شود و با وجود داشتن میوه‌های قبلی، به بار می‌نشینند و گل می‌دهند، ولی تشبیهات زیادی در زبان‌های مختلف داریم که اصلاً وجود خارجی ندارند. از جمله می‌گوئیم: قرآن همچون آفتابی است که غروب ندارد. هجران من همچون شبی است که پایان ندارد.

سوره إبراهیم آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجۡتُثَّتۡ مِن فَوۡقِ ٱلۡأَرۡضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٖ۝٢٦﴾

ترجمه:

و سخن بد به درخت بدی می‌ماند که از سطح زمین کنده شده باشد (و در برابر وزش طوفان‌ها هر روز به گوشه‌ای پرتاب گردد و ثبات و) قراری نداشته باشد.

توضیحات:

«كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ»: مراد انسان‌های کافر و آلوده، سخن کفر و شرک، گفتار زشت و نادرست، دعوت به بی‌دینی، فتنه‌انگیزی، و غیره است. «أُجْتُثَّتْ»: کنده شده باشد. جثّه و تنه آن از زمین درآورده شده باشد.

سوره إبراهیم آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ٢٧﴾

ترجمه:

خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده پایدارشان) هم در این جهان (در برابر زرق و برق مادیات و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) و هم در آن جهان (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطایای بی‌پایان، جاویدان و) ماندگار می‌دارد، و کافران را (در دنیا و آخرت) گمراه و سرگشته می‌سازد، و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

توضیحات:

«يُثَبِّتُ»: ثابت قدم می‌دارد. جاوید و ماندگار می‌دارد. «بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ»: به سبب سخن راست و ایمان تزلزل‌ناپذیر. بر سخن درست که کلمه توحید است. با توجّه به نکته اخیر، معنی آیه چنین می‌شود: خداوند مؤمنان را در دنیا و آخرت (که گور نخستین منزل آن است) بر کلمه توحید ثابت نگاه می‌دارد، و... یعنی در پرتو حفاظت و مراقبت خدا، مؤمنان در دنیا در برابر تهدیدات کافران و وسوسه‌های شیطان، تسلیم نمی‌شوند و بر دین و ایمان ماندگار می‌مانند، و در گور که بخشی از جهان دیگر است در پاسخ به فرشتگان خدا در نمی‌مانند و کلمه توحید را بر زبان می‌رانند، و در رستاخیز به هنگام رویارویی با خدا سرگردان و پریشان نمی‌گردند. «الظَّالِـمِينَ»: کافران.

سوره إبراهیم آیه ۲۸

متن آیه:

﴿۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ كُفۡرٗا وَأَحَلُّواْ قَوۡمَهُمۡ دَارَ ٱلۡبَوَارِ ٢٨﴾

ترجمه:

بنگر به کسانی که نعمت خدا را (نشناختند و آن را) به کفر تبدیل کردند (و به جای این که نعمت بعثت محمّد و آئین اسلام را غنیمت شمارند و آن را سپاس گویند، کفر را برگزیدند) و قوم خود را به سرزمین هلاک و نابودی کشاندند.

توضیحات:

«بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللهِ كُفْراً»: به جای شکر نعمت خدا، به شریعت آسمانی کفر ورزیدند. «

أَحَلُّوا»: داخل کردند. «الْبَوَارِ»: هلاک. نیستی و نابودی.

سوره إبراهیم آیه ۲۹

متن آیه:

﴿جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٢٩﴾

ترجمه:

و آن جهنّم است که وارد آن می‌گردند و به آتش می‌سوزند، و چه جایگاه بدی است!

توضیحات:

«جَهَنَّمَ»: عطف بیان (دارَ الْبَوار) است. «يَصْلَوْنَـهَا»: وارد آن می‌شوند و بدان می‌سوزند (نگا: نساء / ۱۰) «الْقَرَارُ»: استقرار یافتن. ماندگار شدن. در اینجا مصدر به معنی اسم مکان یعنی مَقرّ و مستقرّ است. «بِئْسَ الْقَرَارُ»: ماندن آنان در دوزخ چه بد ماندنی است. دوزخ چه بد جایگاهی است. مخصوص به ذمّ محذوف است.

سوره إبراهیم آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِۦۗ قُلۡ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمۡ إِلَى ٱلنَّارِ ٣٠﴾

ترجمه:

و برای خدا همگون‌ها و همتاهائی (از بتان) قرار داده‌اند تا (مردمان را) از راه خدا گمراه کنند. (ای پیغمبر! به این کافران) بگو: (از این چند روزه زندگی) بهره و لذّت ببرید، چرا که بازگشت شما به‌سوی آتش دوزخ است (و در آنجا جز کباب شدن و عذاب دیدن نمی‌بینید).

توضیحات:

«أَندَاداً»: جمع نِدّ، به معنی شبیه و نظیر و مانند و همتا و همگون است (نگا: بقره / ۲۲ و ۱۶۵). «تَـمَتَّعُوا»: لذّت ببرید. از زندگی بهره ببرید. «مَصِير»: بازگشت (نگا: بقره / ۲۸۵، آل‌عمران / ۲۸).

سوره إبراهیم آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قُل لِّعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ مِّن

﴿قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ ٣١﴾

ترجمه:

(ای محمّد)! بگو به بندگان مؤمن من: باید نماز را به گونه شایسته بخوانند و از آنچه بدی‌شان داده‌ایم مقداری را در پنهان و آشکار ببخشند پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن معامله و دوستی نیست (تا کسی بتواند سودی به وسیله خرید و فروش یا این که به سبب همنشینی و دوستی فراچنگ آورد و با رشوه یا رابطه از چنگال کیفر خدا رهائی یابد).

توضیحات:

«يُقِيمُوا... وَيُنفِقُوا....»: این دو فعل مجزومند به لام امری که محذوف است و در اصل چنین است: لِيُقِيمُوا... وَ لِيُنفِقُوا. «بَيْعٌ»: معامله. خرید و فروش. «خِلالٌ»: رفاقت و دوستی (نگا: بقره / ۲۵۴).

سوره إبراهیم آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ لِتَجۡرِيَ فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡهَٰرَ ٣٢﴾

ترجمه:

خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و از (ابر) آسمان آب را پائین آورده است، و با آن میوه‌ها و دانه‌ها را پدیدار کرده است و روزی شما گردانده است، و کشتی‌ها را مسخّر شما نموده است تا در دریا با اجازه و اراده او حرکت کنند، و رودخانه‌ها را در اختیار شما قرار داده است (تا در آبیاری زمین‌ها و نوشیدن آب آنها مورد استفاده قرار گیرند).

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: فضا. بالای سر. مراد ابر آسمانی است (نگا: اعراف / ۵۷، نور / ۴۳). «رِزْقاً »: مصدر است و به معنی مرزوق، و مراد هر آن چیزی است که مورد استفاده قرار گیرد چه خوردنی باشد و چه نوشیدنی. «بِأَمْرِهِ»: با مشیت و اراده او.

سوره إبراهیم آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ دَآئِبَيۡنِۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ٣٣﴾

ترجمه:

و خورشید و ماه را مسخّر شما کرده است که دائماً به برنامه (نورافشانی و تربیت موجودات زنده و ایجاد جزر و مدّ در اقیانوس‌ها و دریاها و خدمات دیگر) خود ادامه می‌دهند. و شب را (برای آسایش) و روز را (برای تلاش) مسخر شما ساخته است.

توضیحات:

«سَخَّرَ لَكُمْ»: مراد از تسخیر خورشید و ماه، در خدمت منافع و مصالح انسان قرار دادن است. «دَآئِبَيْنِ»: مثنّی دائِب، پیوسته در کار و تلاش. برابر برنامه ثابت و روشن معین به کار ادامه دهنده. منصوب است چون حال است.

سوره إبراهیم آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلۡتُمُوهُۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحۡصُوهَآۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَظَلُومٞ كَفَّارٞ ٣٤﴾

ترجمه:

و به شما داده است هر آنچه که خواسته باشید، و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید (از بس که زیادند) نمی‌توانید آنها را شمارش کنید. واقعاً انسانْ ستمگرِ ناسپاسی است (اگر نعمت‌های خدا را نادیده بگیرد و به جای پرستشِ دهنده نعمت‌ها، چیز دیگری را پرستش بکند و سر از خطّ فرمان آفریدگار برتابد).

توضیحات:

«مَا سَأَلْتمُوُهُ»: آنچه خواسته باشید. یعنی خداوند در جهان به ودیعت نهاده است هر آنچه را که در زندگی بدان نیازمندید و خواهان آنید. «لا تُحْصُوهَا»: آنها را نمی‌توانید سرشماری کنید و به حساب آورید. از مصدر إحصاء به معنی سرشماری کردن. «ظَلُومٌ »: بسیار ستمگر. «كَفَّار»: بسیار ناسپاس.

سوره إبراهیم آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برای قوم خود بیان کن) آن گاه را که ابراهیم (پس از بنای کعبه) گفت: پروردگارا! این شهر (مکه نام) را محلّ امن و امانی گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاهدار.

توضیحات:

«ءَامِناً»: در امن و امان. محلّ امن و امان. «أُجْنُبْنِي»: به دورم دار. برکنارم کن.

سوره إبراهیم آیه ۳۶

متن آیه:

﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضۡلَلۡنَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِۖ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُۥ مِنِّيۖ وَمَنۡ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٣٦﴾

ترجمه:

پروردگارا! این بتها بسیاری از مردم را گمراه ساخته‌اند. (خداوندا! من مردمان را به یکتاپرستی دعوت می‌کنم) پس هر که از من پیروی کند، او از من است، و هرکس از من نافرمانی کند (تو خود دانی، خواهی عذابش فرما و خواهی بر او ببخشا) تو که بخشاینده مهربانی.

توضیحات:

«عَصَانِي»: از من نافرمانی کرد. به راه من نرفت.

سوره إبراهیم آیه ۳۷

متن آیه:

﴿رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡـِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ ۝٣٧﴾

ترجمه:

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را (به فرمان تو) در سرزمین بدون کشت و زرعی، در کنارِ خانه تو، که (تجاوز و بی‌توجّهی نسبت به) آن را حرام ساخته‌ای سکونت داده‌ام، خداوندا تا این که نماز را برپای دارند، پس چنان کن که دل‌های گروهی از مردمان (برای زیارت خانه‌ات) متوجّه آنان گردد و ایشان را از میوه‌ها (و محصولات

سائر کشورها) بهره‌مند فرما، شاید که (از الطاف و عنایات تو با نماز و دعا) سپاگزاری کنند.

توضیحات:

«غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»: بدون کشت و زرع. بی‌آب و علف. «بَيْتِكَ الْـمُحَرَّمِ»: مراد کعبه است که بسیاری از چیزهائی که در جاهای دیگر مباح است در آنجا حرام است. از قبیل: شکار کردن پرندگان، کندن درختان و گیاهان، جنگ و نزاع (نگا: بقره / ۱۹۷، قصص / ۵۷). «أَفْئِدَةً»: جمع فُؤاد، دلها. «تَـهْـوِي»: میل کند. بگراید. دوست داشته باشد.

سوره إبراهيم آيه ۳۸

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِي وَمَا نُعۡلِنُۗ وَمَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ۝٣٨﴾

ترجمه:

پروردگارا! تو آگاهی از آنچه پنهان می‌داریم و از آنچه آشکار می‌سازیم (لذا به مصالح ما داناتری و آن کن که ما را به کار آید) و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا مخفی نمی‌ماند.

توضیحات:

«الأَرْضِ... السَّمَآءِ»: زمین و آسمان. پائین و بالای جهان.

سوره إبراهيم آيه ۳۹

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلۡكِبَرِ إِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ۝٣٩﴾

ترجمه:

سپاس خدائی را که با وجود پیری و سنّ زیاد، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. بی‌گمان پروردگار من دعا (و نیایش همگان) را می‌شنود.

توضیحات:

«وَهَبَ»: عطا کرد. «عَلَي الْكِبَرِ»: با وجود پیری و قطع امید از داشتن فرزند. «سَميع»: شنونده. پذیرنده.

سوره إبراهیم آیه ۴۰

متن آیه:

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠﴾

ترجمه:

پروردگارا! مرا و کسانی از فرزندان مرا نمازگزار کن. پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر.

توضیحات:

«مُقِيمَ الصَّلاةِ»: نمازگزار. به جای آورنده نماز. «دُعَآءِ»: اصل آن (دُعائي) است.

سوره إبراهیم آیه ۴۱

متن آیه:

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾

ترجمه:

پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را بیامرز و ببخشای در آن روزی که حساب برپا می‌شود (و حسابرسی می‌گردد و به دنبال آن پاداش و پادافره داده می‌شود).

توضیحات:

«يَقُومُ الْحِسَابُ»: حساب و کتاب به میان می‌آید و از گذشته بازخواست می‌شود.

سوره إبراهیم آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٤٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر)! گمان مبر که خدا از کارهائی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است. (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالت می‌کند که چشم‌ها در آن (از خوف و هراس چیزهائی که می‌بینند) باز می‌ماند.

توضیحات:

«تَشْخَصُ»: باز و بی‌حرکت می‌ماند. از هراس پلک‌ها بر هم نهاده نمی‌شود و

چشم‌ها خیره و مبهوت می‌گردد.

سوره إبراهیم آیه ۴۳

متن آیه:

﴿مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ وَأَفۡـِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ٤٣﴾

ترجمه:

(ستمگران همچون اسیران، از هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندادهنده) می‌شتابند و چشمان‌شان (از مشاهده این همه عذاب هراسناک) فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد.

توضیحات:

«مُهْطِعِينَ»: شتابندگان بی‌اختیار و خوار. «مُقْنِعِي رُؤُوسِهِمْ»: کسانی که سرهای خود را بالا گرفته باشند و به چیزی جز ندادهنده نگاه نکنند. واژه‌های (مُهْطِعِينَ) و (مُقْنِعِي) حال اوّل و دوم ضمیر (هُمْ) در فعل (يُؤَخِّرُهُمْ) یا أصحابُ‌الابصار مفهوم از سیاق کلام است. «لا يَرْتَدُّ»: برنمی‌گردد. «طَرْفُ»: چشم. پلک. «لا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ»: چشمان‌شان چون باز شد دوباره بر هم نهاده نمی‌شود. پلک‌های چشمان‌شان وقتی که بالا انداخته شد دوباره پائین انداخته نمی‌شود. یعنی چشم‌ها خیره می‌گردند و مات و مبهوت می‌مانند. «هَوآءٌ»: خالی از فهم و شعور و تدبّر و تفکر. یعنی دل از دست می‌رود و عقل و هوشی بر جای نمی‌ماند. مرغ دل دچار اضطراب می‌گردد و در فضای سینه به پرواز در می‌آید و برای رهائی از تخته بندِ تن خویشتن را بدین سو و آن سو می‌زند.

سوره إبراهیم آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوۡمَ يَأۡتِيهِمُ ٱلۡعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَآ أَخِّرۡنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ نُّجِبۡ دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَۗ أَوَ لَمۡ تَكُونُوٓاْ أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ٤٤﴾

ترجمه:

و مردمان را بترسان از روزی که عذاب به سراغ‌شان می‌آید و ستمکاران (و ظالمانی

که با کفر و معصیت، به خود و دیگران ظلم نموده‌اند) می‌گویند: پروردگارا! (ما را به جهان برگردان و اندک) روزگاری به ما مهلت ده تا دعوت (به یکتاپرستی) تو را پاسخ گفته و از پیغمبرانت پیروی نمائیم (و جبران مافات بنمائیم. امّا کار از کار گذشته و دیگر برگشتی به جهان نیست و پاسخ می‌شنوند که) مگر شما قبلاً (در جهان روشن) سوگند نخوردید که (دنیا را پایانی و) شما را زوالی نیست؟!

توضیحات:

«أَخِّرْنا إِلَیا أَجَلٍ قَریبٍ»: ما را تا مدّت کوتاهی بازپس بر. اندکی ما را به جهان برگردان. «أَجَلٍ»: مدّت. روزگار. «أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ»: قبلاً در جهان سوگند می‌خوردید (نگا: نحل / ۳۸). «مَا لَکُم مِّن زَوَالٍ»: شما را پایانی و بعد از این جهان، جهانی نیست. شما از قدرت و نعمتی که در دنیا دارید، به بدبختی و دوزخی که محمّد می‌گوید انتقال پیدا نمی‌کنید.

سوره إبراهیم آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَسَكَنتُمۡ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَتَبَيَّنَ لَكُمۡ كَيۡفَ فَعَلۡنَا بِهِمۡ وَضَرَبۡنَا لَكُمُ ٱلۡأَمۡثَالَ ٤٥﴾

ترجمه:

و در سرزمین و دیار مردمان ظالمی (همچون عاد و ثمود) سکونت گزیدید و (عبرت نگرفتید، هرچند که) برایتان روشن بود که در حق آنان چگونه رفتار کردیم (و بر سر ایشان چه آوردیم،) و مثل‌ها برایتان زدیم (مبنی بر این که گذشتگان چه کردند و در مقابل چه دیدند، امّا پند نگرفتید و امروز گرفتار شدید).

توضیحات:

«مَسَاكِنِ»: منازل. خانه و کاشانه. سرزمین و دیار. «الأَمْثَالَ»: مثَلها. ذکر صفاتی که پیشینیان داشتند و بیان مکافاتی که دیدند.

سوره إبراهیم آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَقَدۡ مَكَرُواْ مَكۡرَهُمۡ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكۡرُهُمۡ وَإِن كَانَ مَكۡرُهُمۡ لِتَزُولَ مِنۡهُ ٱلۡجِبَالُ ٤٦﴾

ترجمه:

آنان نیرنگ خود را نمودند (و برای جلوگیری از دعوت آسمانی توطئه‌ها کردند و نقشه‌ها چیدند) و خدا از نیرنگ‌شان آگاه است، و شریعت ثابت و استوار (همچون کوه‌های سر به فلک کشیده اسلام) با نیرنگ آنان از جای برکنده نمی‌شود.

توضیحات:

«عِندَ اللهِ مَکْرُهُمْ»: خدا از نیرنگ‌شان آگاه است و می‌تواند آن را خنثی و بی‌اثر سازد. «إِنْ»: می‌تواند حرف نفی یا حرف شرط باشد. «اِن کَانَ»: نبوده است. اگر بوده باشد. اگر (إِنْ) حرف شرط باشد معنی آیه چنین می‌شود: آنان به نیرنگ نشستند و توطئه چیدند و خدا از نیرنگشان باخبر بود و آن را باطل و خنثی کرد، هرچند که نیرنگشان آن اندازه بزرگ و سترگ بود که می‌توانست کوه‌ها را از جای برکند.

سوره إبراهیم آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخۡلِفَ وَعۡدِهِۦ رُسُلَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٖ ۝٤٧﴾

ترجمه:

گمان مبر که خداوند با پیغمبران خلاف وعده می‌کند (و پیروزی را نصیب آنان و شکست را بهره کافران نمی‌سازد). بی‌گمان خداوند چیره (بر هر کاری بوده و از کافران و بزهکاران) انتقام گیرنده است.

توضیحات:

«مُخْلِفَ»: خلاف‌کننده. عهدشکن. «وَعْدِهِ»: (نگا: نور / ۵۵، غافر / ۵۱، مجادله / ۲۱).

سوره إبراهیم آیه ۴۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تُبَدَّلُ ٱلۡأَرۡضُ غَيۡرَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُۖ وَبَرَزُواْ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ۝٤٨﴾

ترجمه:

(خداوند از کافران و عاصیان انتقام می‌گیرد) در آن روزی که این زمین به زمین دیگری و آسمان‌ها به آسمان‌های دیگری تبدیل می‌شوند و آنان (از گورها سر به درآورده و) در پیشگاه خداوندِ یگانه مسلّط (بر همه چیز و همه کس) حضور به هم می‌رسانند (و نیکی‌ها و بدی‌های خود را می‌نمایانند).

توضیحات:

«بَرَزُوا»: ظاهر و آشکار می‌گردند و همراه با خوبی‌ها و نیکی‌های خود در پهنه صحرای محشر حاضر و آماده می‌شوند (نگا: ابراهیم / ۲۱). «الْقَهَّارِ»: صیغه مبالغه قاهر است. خدائی که بر همه‌چیز و همه‌کس سیطره و تسلّط دارد (نگا: یوسف / ۳۹، رعد / ۱۶).

سوره إبراهیم آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ مُّقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ۝٤٩﴾

ترجمه:

در آن روز گناهکاران را به هم بسته و در غُل و زنجیر خواهی دید.

توضیحات:

«مُقَرَّنِينَ»: به هم بسته شده. هر یک بسته شده به اهریمنی که او را گول زده است (نگا: شعراء / ۹۴، ق / ۲۷). حال مجرمین یا مفعول دوم بشمار است. «الأَصْفَادِ»: جمع صَفَد، غُل و زنجیر آهنینی که دست و پای اسیر را با آن می‌بندند.

سوره إبراهیم آیه ۵۰

متن آیه:

﴿سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٖ وَتَغۡشَىٰ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ۝٥٠﴾

ترجمه:

پیراهن‌های ایشان از قطران است و آتش سر و صورت (و سراپای وجود) آنان را فرا می‌گیرد.

توضیحات:

«سَرَابِيلُ»: جمع سِرْبال، پیراهن (نگا: نحل / ۸۱). «قَطِرَانٍ»: ماده سیاه رنگ و قابل اشتعال و بدبوئی که از نوعی از درختان بادیه بیرون می‌تراود و شبیه قیر است. «سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ»: پیراهن‌شان از قطران است. با قطران آغشته شده‌اند. «وُجُوهَ»: سر و رو. مراد همه پیکر است.

سوره إبراهیم آیه ۵۱

متن آیه:

﴿لِيَجۡزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٥١﴾

ترجمه:

این به خاطر آن است که خداوند می‌خواهد هرکس را مطابق آنچه انجام داده است سزا و جزا دهد. خداوند حسابرس تند و سریعی است.

توضیحات:

«لِيَجْزِيَ اللهُ...»: تا این که با این نوع حضور و این قسم لباس، خداوند برابر آنچه کرده‌اند سزای‌شان دهد. این اعمال بد ایشان است که با تغییر چهره به سراغ آنان می‌آید.

سوره إبراهیم آیه ۵۲

متن آیه:

﴿هَٰذَا بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِۦ وَلِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٢﴾

ترجمه:

این (قرآن) به عموم مردم ابلاغ می‌گردد تا ترسانده شوند و بدانند که خداوند یکی بیش نیست، و خردمندان (از خواندن قرآن) پند و اندرز گیرند (و خویشتن را در پرتو آن از آتش دوزخ دور کنند و به بهشت برسانند).

توضیحات:

«هذَا»: این آیه‌ها، یعنی از ۴۲ تا آخر سوره. این قرآن... «بَلاغٌ»: تبلیغ. ابلاغ. کفایت می‌کند. «هَذَا بَلاغٌ لِّلنَّاسِ»: این ابلاغ به همه مردم است. این برای همه مردمان کافی و بسنده است.

سوره حجر

سوره حجر آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ وَقُرۡءَانٖ مُّبِينٖ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. را. این آیه‌های کتاب (منزل آسمانی) و قرآن روشن (یزدانی) است.

توضیحات:

«الر»: (نگا: بقره / ۱). «تِلْكَ»: آن. در اینجا به معنی این و اشاره به سوره مبارکه حجر است. «الْكتَابِ»: مراد قرآن است که ذکر لفظ (قُرْءَانٍ): بعد از آن عنوان تأکید را دارد. «مُبِينٍ»: روشن. روشن‌گر.

سوره حجر آیه ۲

متن آیه:

﴿رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ ٢﴾

ترجمه:

بارها و بارها کافران (در دنیای دیگر) آرزو می‌کنند که کاش! (در این جهان) مسلمان می‌بودند (و فرموده‌های خدا و رهنمودهای انبیاء را گردن می‌نهادند).

توضیحات:

«رُبَمَا»: چه بسا. این واژه برای تقلیل و تکثیر به کار می‌رود و در اینجا معنی تکثیر دارد. «يَوَدُّ»: دوست می‌دارند. آرزو می‌کنند.

سوره حجر آیه ۳

متن آیه:

﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٣﴾

ترجمه:

بگذار بخورند و بهره‌ور شوند و آرزو آنان را غافل سازد. بالاخره خواهند دانست (که

چه کار بدی کرده‌اند این که تنها به دنیا پرداخته‌اند و آخرت را فراموش نموده‌اند).

توضیحات:

«ذَرْهُمْ»: رهایشان ساز. بگذار که آنان. «يُلْهِهِمْ»: آنان را غافل سازد. ایشان را به خود مشغول کند.

سوره حجر آیه ۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٞ مَّعۡلُومٞ ٤﴾

ترجمه:

ما هیچ شهر و روستائی را نابود نکرده‌ایم مگر (پس از انقضای) مدّت معینی (که) داشته است.

توضیحات:

«قَرْيَةٍ»: شهر. آبادی. مراد ساکنان آنجا نیز می‌تواند باشد. «كِتَابٌ»: به معنی مکتوب است، یعنی: واجب و مقدّر (نگا: آل‌عمران / ۱۴۵).

سوره حجر آیه ۵

متن آیه:

﴿مَّا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ٥﴾

ترجمه:

هیچ ملّتی بر (مدّت معین و سررسید) اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نمی‌افتد.

توضیحات:

«أُمَّةٍ»: دسته. گروه. ملّت. «مِنْ أُمَّةٍ»: حرف (مِنْ) زائد و (أُمَّةٍ) فاعل است.

سوره حجر آیه ۶

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ ٦﴾

ترجمه:

و (تمسخرکنان) می‌گویند: ای کسی که (گمان می‌بری از آسمان) قرآن بر تو نازل گشته است، تو حتماً دیوانه‌ای!.

توضیحات:

«الذِّكْرُ»: مصدر است و به معنی اسم فاعل، یعنی (مذکر) است. یعنی: کتاب یادآور و اندرزگو که قرآن است (نگا: آل‌عمران / ۵۸، نحل / ۴۳ و ۴۴). «نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ»: مراد تمسخر و استهزاء است (نگا: منافقون / ۱و ۷).

سوره حجر آیه ۷

متن آیه:

﴿لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧﴾

ترجمه:

تو اگر از زمره راستگویانی، چرا (به جای آوردن قرآن) فرشتگان را به پیش ما نمی‌آوری (تا بر پیغمبری تو گواهی دهند؟!).

توضیحات:

«لَوْ ما»: چرا که نه. واژه‌ای است که بر طلب حصول ما بعد خود دلالت دارد. مانند (لَوْ لا) است در (منافقون / ۱۰).

سوره حجر آیه ۸

متن آیه:

﴿مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذٗا مُّنظَرِينَ ٨﴾

ترجمه:

ما فرشتگان را جز به حق و به همراه حق نازل نمی‌کنیم و هنگامی که نازل شوند (اگر بدانان ایمان نیاورند) دیگر بدی‌شان مهلت داده نمی‌شود (و فوراً عذاب الهی گریبانگیرشان می‌گردد و مجال ماندن نخواهند داشت).

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق. همراه با حق ثابتی که قابل انکار نیست. به همراه عذاب. «مُنظَرِينَ»: مهلت داده‌شدگان.

سوره حجر آیه ۹

متن آیه:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾

ترجمه:

ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم).

توضیحات:

«إِنّا نَحْنُ...»: این آیه دست کم با چهار تأکید لفظی بیان‌گر مصون ماندن قرآن از تحریف است.

سوره حجر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٠﴾

ترجمه:

ما پیش از تو (پیغمبرانی را) به میان گروه‌ها و دسته‌های پیشین روانه کرده‌ایم.

توضیحات:

«شِيَعِ»: جمع شیعه، گروه‌ها و دسته‌های پیرو یک راه و رسم (نگا: أنعام / ۶۵). «شِيَعِ الأَوَّلِينَ»: اضافه موصوف به صفت است.

سوره حجر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١١﴾

ترجمه:

هیچ فرستاده‌ای به پیش ایشان نمی‌آمد مگر این که او را مسخره می‌کردند (همان گونه که هم اینک باطلگرایان تو را مسخره می‌دارند).

توضیحات:

«مِن رَّسُولٍ»: حرف (مِنْ) زائد و (رَسُولٍ) فاعل است.

سوره حجر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ نَسۡلُكُهُۥ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٢﴾

ترجمه:

ما این‌گونه قرآن را به دل‌های بزهکاران داخل می‌گردانیم (و از حق آنان را

می‌آگاهانیم، تا برای‌شان اتمام حجّت شود).

توضیحات:

«نَسْلُکُهُ»: آن را وارد می‌گردانیم. مرجع ضمیر (ه) واژه (الذِّکْرَ) است (نگا: حجر / ۱۳، شعراء / ۲۰۰ و ۲۰۱).

سوره حجر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣﴾

ترجمه:

آنان بدان ایمان نمی‌آورند (چون در شهوات غوطه‌ورند و باطلگرایند نه حقّگرا) و شیوه اقوام پیشین هم بر این بوده است.

توضیحات:

«وَ قَدْ خَلَتْ...»: شیوه اقوام پیشین نیز چنین بوده است. شیوه خدا درباره پیشینیان هم بر این بوده است که آنان را مدّت زمانی مهلت داده است و سپس نابودشان ساخته و به عذاب دردناک گرفتارشان نموده است.

سوره حجر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ١٤﴾

ترجمه:

اگر (به فرض) دری از آسمان به روی آنان بگشائیم و ایشان از آنجا شروع به بالا رفتن کنند (و فرشتگان و شگفتی‌های جهان بالا را با چشم خود ببینند).

توضیحات:

«فَظَلُّوا فیهِ یَعْرُجُونَ»: از آنجا شروع به بالا رفتن کنند. یعنی مرتّباً به آسمان صعود و نزول داشته باشند.

سوره حجر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ١٥﴾

ترجمه:

بی‌گمان خواهند گفت: حتماً ما را چشم‌بندی کرده‌اند (و آنچه می‌بینیم ابداً واقعیت ندارد!) و بلکه ما را جادو نموده‌اند (این است که چیزها را عوضی می‌بینیم).

توضیحات:

«سُکِّرَتْ»: پوشانده شده است. از دیدن باز داشته شده است. پرده‌ای به پیش چشمانمان داشته شده است. «مَسْحُورُونَ»: سحر و جادوشدگان.

سوره حجر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ١٦﴾

ترجمه:

ما در آسمان برج‌های نجومی پدید آورده‌ایم (که تقویمِ مجسّم جهان و بیان‌گر نظام شگرف و حساب دقیق آن است) و آن را برای بینندگان آراسته‌ایم (تا از این منظره زیبای بالا به قدرت آفریدگار تعالی پی ببرند).

توضیحات:

«بُرُوجاً»: منزلگاه‌هائی که افلاک و کواکب در آنها به سیر و حرکت می‌پردازند. صورت‌های فلکی که هر یک مجموعه‌ای از ستارگانند که شکل ویژه‌ای به خود گرفته‌اند. «زَیَّنَّاهَا»: آن را زینت داده‌ایم و آراسته و پیراسته کرده‌ایم. مرجع ضمیر (هَا) واژه (السَّمَآءِ) است.

سوره حجر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧﴾

ترجمه:

و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته‌ایم.

توضیحات:

«رَجِیمٍ»: نفرین شده. رانده از رحمت الهی. فعیل به معنی مفعول است. یعنی: مطرود. ملعون.

سوره حجر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِلَّا مَنِ ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ١٨﴾

ترجمه:

و امّا هر که از آنها دزدکی گوش فرا دارد، آذرخش روشنی به سراغ او می‌رود.

توضیحات:

«إِلاّ»: لکن. امّا. «إِسْتَرَقَ السَّمْعَ»: دزدکی گوش فرا داد. چگونگی حفظ آسمان و نحوه استراق سمع شیاطین برای ما چندان روشن نیست.

سوره حجر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ ١٩﴾

ترجمه:

ما زمین را گسترانیده‌ایم و در زمین کوه‌های استوار و پابرجائی را پدید آورده‌ایم، و همه چیز را به گونه سنجیده و هماهنگ و در اندازه‌های متناسب و مشخّص در آن ایجاد کرده‌ایم.

توضیحات:

«مَدَدْنَاهَا»: آن را گسترانیده‌ایم و در ظاهر مسطّحش کرده‌ایم. «أَنبَتْنَا»: رویانیده‌ایم. آفریده‌ایم (نوح / ۱۷). «مَوْزُونٍ»: هماهنگ. متناسب. «مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ»: انواع و اقسام درختان و گیاهان، با نظم و نظام شگرف و حساب و کتاب دقیق. هر چیزی را با اندازه و مقدار مشخّص و معین و متناسب و مرتبط به یکدیگر.

سوره حجر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

و در آن اسباب زندگی و مایه ماندگاری شما و کسانی را آفریده‌ایم که نمی‌توانید روزی‌رسان ایشان باشید.

توضیحات:

«مَعَایِشَ»: جمع مَعیشَة و مَعاش، مایه زندگی و وسیله ماندگاری، از قبیل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها. «مَنْ»: مراد اهل و عیال و خدمتگزاران، و به طریق تغلیب چهارپایانی است که انسان عهده‌دار سرپرستی آنها است. این واژه عطف بر ضمیر (کم) و مجرور است که معنی آن گذشت. و یا این که عطف بر (معایش) است که معنی آن چنین می‌شود: ما در زمین برای شما وسائل زیستن فراهم آورده‌ایم، و برای شما کسانی را آفریده‌ایم که شما رازق آنان نیستید و بلکه خداوند رازق شما و ایشان است.

سوره حجر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِن مِّن شَیۡءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعۡلُومٍ ۝٢١﴾

ترجمه:

و چیزی وجود ندارد مگر این که گنجینه‌های آن در پیش ما است و جز به اندازه معین و مشخّصی (که حکمت ما اقتضاء کند) آن را فرو نمی‌فرستیم.

توضیحات:

«وَ إِن مِّن شَیْءٍ»: هر چه هست به اندازه لازم آفریده شده است و سنجیده و حساب شده به جهان گسیل داشته شده است و گسیل می‌گردد. منابع روزیها و سرچشمه خوبیها در نزد خدا است و آن را به مقدار حساب شده و برابر صلاح‌دید خویش بهره این و آن می‌گرداند. «مَا نُنَزِّلُهُ»: آن را حوالت نمی‌داریم و فرو نمی‌فرستیم. آن را نمی‌آفرینیم و در دسترس قرار نمی‌دهیم (نگا: زمر / ۶، حدید / ۲۵).

سوره حجر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَأَرۡسَلۡنَا ٱلرِّیَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَیۡنَٰکُمُوهُ وَمَآ أَنتُمۡ لَهُۥ بِخَٰزِنِینَ ۝٢٢﴾

ترجمه:

و بادها را برای تلقیح (ابرها و بارور ساختن آنها) به وزیدن می‌اندازیم و به دنبال آن از (ابرهای به هم پیوسته و تلقیح شده) آسمان آب می‌بارانیم و شما را بدان سیراب

می‌گردانیم (و آن گاه به شکل برف و یخ و چشمه‌ها و رودخانه‌ها و دریاها و اقیانوس‌ها در زمین جمع‌آوری و اندوخته‌اش می‌نمائیم، و دوباره آن را تبخیر و به جو زمین می‌بریم و سپس به زمین برمی‌گردانیم) و شما توانائی اندوختن (و نگهداری) آن را (بدین گونه در فضا و زمین) ندارید.

توضیحات:

«لَوَاقِحَ»: جمع لاقِح، به معنی آبستن. چرا که بادها آبستنِ به بخار آب می‌شوند. و جمع لاقِحَة، به معنی تلقیح‌کننده. چرا که بادها ابرها را به هم نزدیک و مایه تلقیح آنها می‌شوند. حال (الرِّيَاحَ) می‌باشد. «أَسْقَيْنَاكُمُوهُ»: آن را به شما می‌نوشانیم و آبشخور مزارع و مواشی شما می‌گردانیم.

سوره حجر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَنَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

و مائیم که زنده می‌گردانیم و می‌میرانیم (و باقی بوده) و وارث (جهان) می‌باشیم.

توضیحات:

«الْوَارِثُونَ»: به ارث برندگان. مراد این است که در حقیقت مالک اصلی خدا است. واژه وارث را در اینجا به معنی باقی نیز گرفته‌اند.

سوره حجر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

و ما، هم پیشینیان شما را می‌دانیم و هم پسینیان شما را، (و می‌دانیم که کی بوده‌اند و چه کرده‌اند، و کی خواهند بود و چه خواهند کرد).

توضیحات:

«الْمُسْتَقْدِمِينَ»: پیشینیان. «الْمُسْتَئْخِرِينَ»: پسینیان.

سوره حجر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ٢٥﴾

ترجمه:

و بی‌گمان پروردگار تو آنان را (روز قیامت در کنار هم) گرد می‌آورد (و به حساب و کتاب‌شان رسیدگی می‌کند و پاداش و پادافره ایشان را می‌دهد، و این برابر حکمت و آگاهی انجام می‌پذیرد و) او حکیم و آگاه است.

توضیحات:

«يَحْشُرُهُمْ»: پیشینیان و پسینیان و جمیع مردمان را گرد می‌آورد.

سوره حجر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٦﴾

ترجمه:

و ما انسان را از گِل خشکیده فراهم آمده از گِل تیره شده گندیده‌ای بیافریدیم.

توضیحات:

«صَلْصَالٍ»: گِل خشکیده سفال گونه‌ای که اگر بدان تلنگری زده شود به صدا درآید. «حَمَإٍ»: گِلی که بر اثر مجاورت فراوان با آب سیاه شده باشد. «مَسْنُونٍ»: تغییر بو داده. گندیده. «مِنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ»: صفت صَلْصال یا بدل (مِن صَلْصالٍ) است.

سوره حجر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ٢٧﴾

ترجمه:

و جنّ را پیش از آن از آتشِ سراپا شعله بیافریدیم.

توضیحات:

«الْجَآنَّ»: جنّ. جانّ و جنّ به یک معنی است (نگا: إسراء / ۸۸، رحمن / ۳۹ و ۵۶). موجودات عاقلی هستند که با حواسّ ما درک نمی‌شوند و مؤمن و کافر و مطیع و سرکش دارند و دارای تکلیف و مسؤولیتند. «السَّمُوم»: شعله و زبانه آتش بدون دود. بسیار گرم و سوزان. «نَارِ السَّمُومِ»: اضافه عام به خاصّ، و یا موصوف به صفت است.

سوره حجر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٨﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بیان کن) آن زمان را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من از گِل خشکیده سیاه شده گندیده‌ای انسانی را می‌آفرینم.

توضیحات:

«بَشَراً»: مراد آدم‌ها است (نگا: اعراف / ۱۲، ص / ۷۶، اسراء / ۶۱).

سوره حجر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

پس آن گاه که او را آراسته و پیراسته کردم و از روح متعلّق به خود در او دمیدم. (برای بزرگداشت و درودش) در برابرش به سجده افتید.

توضیحات:

«سَوَّیْتُهُ»: او را آراسته کمال و پذیرای روان کردم. او را به شکل انسان درآوردم و صورت خِلقت بشری بخشیدم. «رُوحِي»: روح متعلّق به خود. روح آفریده‌ای از آفریده‌های خدا است و اضافه آن به خدا برای تعظیم و تشریف است، همان‌گونه که گفته می‌شود: «بَیْتُ الله. ناقَةُ الله. شَهْرُ الله». «قَعُوا»: بر زمین بیفتید. فعل امر (وَقَعَ) است.

سوره حجر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

فرشتگان همه جملگی سجده کردند.

توضیحات:

«أَجْمَعُونَ»: تأکید دوم است.

سوره حجر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣١﴾

ترجمه:

مگر اهریمن که خودداری کرد (و خویشتن را بزرگ‌تر از آن دید) که از زمره سجده‌کنندگان باشد.

توضیحات:

«إِبْلیسَ»: (نگا: بقره / ۳۴، اعراف / ۱۱، کهف / ۵۰).

سوره حجر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

(خداوند بدو) گفت: ای اهریمن! تو را چه شده است که همراه سجده‌کنندگان سجده نبردی؟

توضیحات:

«مَا لَكَ»: چرا؟ تو را چه شده است؟ تو را چه رسد؟

سوره حجر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٣٣﴾

ترجمه:

گفت: شایسته من نیست که برای انسانی سجده برم که او را از گِل خشکیده حاصل از گِل تیره گندیده‌ای آفریده‌ای.

توضیحات:

«لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ»: شایان مقام من نیست که سجده برم.

سوره حجر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٣٤﴾

ترجمه:

(خدا) گفت: (چون از فرمان من سرپیچی کردی) پس از بهشت بیرون شو، چرا که تو (از رحمت من) مطرود (و از منزلت کرامت رانده) هستی.

توضیحات:

«مِنْهَا»: مرجع ضمیر (ها): جنّت، زمره فرشتگان، سماوات و ملأ اعلی گرفته‌اند. «رَجِيمٌ»: (نگا: آل‌عمران / ۳۶، حجر / ۱۷).

سوره حجر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٣٥﴾

ترجمه:

و تا روز جزا (که در آن تو و پیروان تو به عذاب سرمدی من گرفتار می‌آئید) بر تو نفرین باد.

توضیحات:

«اللَّعْنَةَ»: (نگا: بقره / ۸۹).

سوره حجر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! اکنون که چنین است مرا تا روزی مهلت ده که در آن (مردمان بعد از مرگ‌شان مجدّدا) زنده می‌گردند.

توضیحات:

«فَأَنظِرْنِي»: پس مرا مهلت ده. «يُبْعَثُونَ»: برانگیخته می‌گردند. زنده می‌شوند.

سوره حجر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

فرمود: هم اینک تو از مهلت یافتگانی.

توضیحات:

«الْـمُنظَرِینَ»: مهلت داده‌شدگان.

سوره حجر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٣٨﴾

ترجمه:

تا روزی که زمان (فرا رسیدن) آن (در پیش خدا) معلوم (و اگر هم طول بکشد محدود) است (و هنگامه رستاخیز نام دارد).

توضیحات:

«الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»: مراد روز رستاخیز است (نگا: حجر / ۳۵ و ۳۶، واقعه / ۵۰).

سوره حجر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! به سبب این که (به خاطر این انسان) مرا گمراه ساختی، (معاصی و اعمال زشت را) در زمین برای‌شان می‌آرایم و جملگی آنان را گمراه می‌نمایم.

توضیحات:

«بِمـا»: به سبب این که. حرف (ب) سببیه، و واژه (ما) مصدریه است. «لَهُمْ»: برای ایشان. مراد آدمیزادگان است (نگا: اعراف / ۱۶).

سوره حجر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

مگر بندگان گزیده و پاکیزه تو از ایشان. (که چون دل‌هایشان به یاد تو آباد است، تلاش من در حق آنان بر باد است).

توضیحات:

«الْـمُخْلَصِینَ»: گزیدگان. پاکیزگان (نگا: یوسف / ۲۴، ص ۴۶ و۴۷).

سوره حجر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ مُسۡتَقِيمٌ ۝٤١﴾

ترجمه:

فرمود: این (خلوص بندگان راستین) طریقه درستی است که دقیقاً راه به‌سوی من دارد، (و حفظ ایشان از گمراهی، شیوه صحیحی است که من آن را بر عهده گرفته‌ام).

توضیحات:

«هذا»: این راهی که پویندگان مخلص راه توحید در پیش گرفته‌اند. این محافظت و مراقبت از جویندگان راستین راه حق در برابر وسوسه‌های اهریمن. «عَلَيَّ»: بر من است. راه به‌سوی من دارد. در صورت دوم، (عَلي) به معنی (إلَيا) است.

سوره حجر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان تو هیچ‌گونه تسلّط و قدرتی بر بندگان من نداری، مگر آن گمراهانی که (به وسوسه تو گوش فرا بدهند و) به دنبال تو راه بیفتند.

توضیحات:

«سُلْطَانٌ»: تسلّط و قدرت. مراد واداشتن به گناهان با اجبار و اکراه است. چرا که تنها کاری که از دست اهریمن ساخته است وسوسه کردن است (نگا: اعراف / ۲۰۰ و ۲۰۱، ابراهیم / ۲۲، نحل / ۹۹ و ۱۰۰، صافّات / ۳۰). «الْغَاوِينَ»: گمراهان و سرگشتگان. ناباوران و بی‌دینان.

سوره حجر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

و حتماً دوزخ میعادگاه جملگی آنان است.

توضیحات:

«لَمَوْعِدُهُمْ»: میعادگاه ایشان. وعده آنان. مَوْعِد اسم مکان یا مصدر میمی است و مرجع ضمیر (هُمْ)، (الْغَاوِينَ) است.

سوره حجر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَٰبٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

دوزخ دارای هفت در است و هر دری بخش خاصّ و ویژه‌ای از آنان دارد (که از آن به دوزخ درمی‌آیند و متناسب با اعمال زشت و پلشت ایشان است).

توضیحات:

«جُزْءٌ مُّقْسُومٌ»: بهره جداگانه. مراد طائفه معین و گروه مشخّصی است که به تناسب عذاب از آن در به دوزخ می‌آیند.

سوره حجر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

(این پادافره پیروان شیطان بود، و امّا پاداش پویندگان راه یزدان، این است که:) بی‌گمان پرهیزگاران در میان باغ‌ها و چشمه‌ساران (بهشت) بسر می‌برند.

توضیحات:

«عُيُون»: جمع عَين، چشمه‌ها.

سوره حجر آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

(پروردگارشان بدانان می‌گوید:) با اطمینان خاطر و بدون هیچ‌گونه خوف و هراسی به این باغ‌ها و چشمه‌سارها درآئید.

توضیحات:

«بِسَلامٍ»: به سلامت. با درود خدا و دربانان بهشت و فرشتگان به شما (نگا: رعد / ۲۴، یس / ۵۸، زمر / ۷۳). «ءَامِنِینَ»: در امن و در امان.

سوره حجر آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

و کینه‌توزی و دشمنانگی را از سینه‌هایشان بیرون می‌کشیم، و برادرانه بر تختها رویاروی هم می‌نشینند.

توضیحات:

«نَزَعْنَا»: بیرون کشیدیم. به در آوردیم. «غِلٍّ»: کینه‌توزی و دشمنانگی (نگا: اعراف / ۴۳، حشر / ۱۰). « إِخْوَاناً »: برادران در مودّت و مخالطت، یعنی: دوستان. حال (الْمُتَّقِينَ) یا ضمیر (و) در (أُدْخُلُوا) یا ضمیر مستتر در (ءَامِنِینَ) یا ضمیر (هُمْ) در (صُدُورِهِمْ) می‌باشد. «سُرُرٍ»: جمع سَریر، تخت‌ها. «مُتَقَابِلِينَ»: روبه‌روی هم. برابر یکدیگر. صفت (إِخْوَاناً) یا حال ضمیر مستتر در آن است.

سوره حجر آیه ۴۸

متن آیه:

﴿لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ٤٨﴾

ترجمه:

در آنجا خستگی و رنجی بدی‌شان نمی‌رسد، و از آنجا بیرون نمی‌گردند.

توضیحات:

«نَصَبٌ»: خستگی. رنج (نگا: توبه / ۱۲۰). «مُخْرَجِينَ»: اخراج شدگان. بیرون رانده‌شدگان.

سوره حجر آیه ۴۹

متن آیه:

﴿نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٤٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بندگان مرا آگاه کن که من دارای گذشت زیاد و مهر فراوان هستم (در حق کسانی که توبه بکنند و ایمان بیاورند و کار نیک انجام بدهند).

توضیحات:

«نَبِّئْ»: باخبر کن.

سوره حجر آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلْعَذَابُ ٱلْأَلِيمُ ۝٥٠﴾

ترجمه:

و این که عذاب من (در حق سرکشان بی‌ایمان) عذاب بسیار دردناکی است (و عذاب‌های دیگر در برابرش عذاب نیست).

توضیحات:

«الألِيمُ»: بسیار دردآور و دردناک.

سوره حجر آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ۝٥١﴾

ترجمه:

و آنان را باخبر کن از مهمانان ابراهیم (که فرشتگانی بودند و در لباس انسان‌ها به پیش او آمدند).

توضیحات:

«ضَيْفِ»: مهمانان. مصدر است و در اینجا به معنی ضیوف استعمال شده است.

سوره حجر آیه ۵۲

متن آیه:

﴿إِذْ دَخَلُواْ عَلَيْهِ فَقَالُواْ سَلَٰمًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

زمانی (را بیان کن) که به پیش او آمدند و گفتند: درود! ابراهیم گفت: ما از شما می‌ترسیم!

توضیحات:

«سَلاماً»: درودتان باد! مترسید و آرام باشید. مفعول مطلق یا صفت مصدر محذوفی است. تقدیر چنین است: سَلِّمُوا سَلاماً. قالُوا قَوْلاً سَلاماً. «وَجِلُونَ»: بیمناکان. ترسندگان.

سوره حجر آیه ۵۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٥٣﴾

ترجمه:

گفتند: مترس! ما تو را به پسر بسیار دانائی مژده می‌دهیم.

توضیحات:

«لا تَوْجَلْ»: هراسناک مباش. «غُلامٍ»: پسر. در اینجا مراد اسحاق است.

سوره حجر آیه ۵۴

متن آیه:

﴿قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

(ابراهیم) گفت: آیا چنین مژده‌ای را به من می‌دهید در حالی که پیری گریبانگیر من شده است؟ پس چگونه (و برابر کدام قاعده در چنین سن و سالی به تولّد فرزند مرا) مژده می‌دهید؟!

توضیحات:

«عَلَیا»: به معنی (مَعَ)، یعنی: با این که. «الْکِبَرُ»: کهولت و پیری. «عَلَیا أَن مَّسَّنِيَ الْکِبَرُ»: جملیه حالیه است برای ضمیر (ی) در (بَشَّرْتُمُونِي). «بِمَ»: به کدام قاعده و قانون؟ چگونه و به چه شکل؟

سوره حجر آیه ۵۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

گفتند: ما تو را به چیز راست و درستی مژده داده‌ایم و از زمره مأیوسان (از رحمت خدا) مباش.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به چیز راست و درستی. به کار محقّق و مطمئنّی. به طریقه و شیوه‌ای که حق است و آن خرق عادت توسّط قادر مطلق است. «الْقَانِطِینَ»: افراد مأیوس و ناامید.

سوره حجر آیه ۵۶

متن آیه:

﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ۝٥٦﴾

ترجمه:

گفت: چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود، مگر گمراهان (بی‌خبر از قدرت و عظمت خدا؟!).

توضیحات:

«مَن يَقْنَطُ»: چه کسی ناامید می‌گردد؟! استفهام انکاری است، یعنی کسی ناامید نمی‌گردد.

سوره حجر آیه ۵۷

متن آیه:

﴿قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

(ابراهیم پس از الفت با فرشتگان و یقین از مژده، بدیشان) گفت: ای فرستادگان! بگوئید چه کار مهمّی (غیر از این بشارت) دارید؟

توضیحات:

«خَطْبُ»: کار مهمّی که قابل گفتگو است (نگا: یوسف / ۵۱).

سوره حجر آیه ۵۸

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

گفتند: ما به‌سوی قوم گناهکاری فرستاده شده‌ایم (و همگان را نابود می‌کنیم).

توضیحات:

«قَوْمٍ مُّجْرِمِینَ»: قوم بزهکاری. مراد قوم لوط است و نکره‌آمدن و توصیف به

گناهکاری برای خوار داشتن و نکوهش ایشان است.

سوره حجر آیه ۵۹

متن آیه:

﴿إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

مگر خانواده لوط را که همه اعضاء خانواده را نجات می‌دهیم.

توضیحات:

«إِلاّ ءَالَ لُوطٍ»: مستثنی می‌تواند متّصل باشد و معنی چنین می‌شود: ما به‌سوی قوم گناهکاری فرستاده شده‌ایم، مگر خانواده لوط که در میان آنان گناهکار نیست. یا منقطع باشد که معنی آن در بالا گذشت.

سوره حجر آیه ۶۰

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

مگر همسر او را که جزو بقیه (مردم محکوم به فنا) قلمداد کرده‌ایم.

توضیحات:

«قَدَّرْنَا»: همسان دیگران بشمار آورده‌ایم و قلمدادش نموده‌ایم. این سخن بر زبان فرشتگان رفته است ولی مراد فرموده خدا است. روشن است وقتی که درباریان و مأموران شاه بگویند: دستور داده‌ایم. چنین و چنان اندیشیده‌ایم. مراد این است که شاه دستور داده است و چنین و چنان خواسته است، و غیره. «الْغَابِرِينَ»: گذشتگان. باقی مردم. سایرین.

سوره حجر آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ۝٦١﴾

ترجمه:

هنگامی که فرستادگان به پیش خانواده لوط رفتند.

توضیحات:

«ءَالَ»: خانواده. خاندان.

سوره حجر آیه ۶۲

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

(لوط بدی‌شان) گفت: شما مردمان ناشناخته‌اید (و ما شما را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم چه می‌خواهید و از شما بیمناکیم).

توضیحات:

«مُنكَرُونَ»: افراد ناشناخته. کسانی که بد داشته شوند و از ایشان بیزار و گریزان باشند.

سوره حجر آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمۡتَرُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

گفتند: (از ما مترس که مایه هراس تو نیستیم) بلکه (ما فرستادگان خدائیم و) با خود چیزی به همراه آورده‌ایم که تو بدان قوم خود را بیم می‌دادی و ایشان درباره آن شک می‌کردند (که نزول عذاب است).

توضیحات:

«كَانُوا... يَمْتَرُونَ»: شک و تردید می‌ورزیدند.

سوره حجر آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

و ما واقعیت مسلّمی را برای تو آورده‌ایم (که جای انکار نیست) و راست می‌گوئیم.

توضیحات:

«أَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ»: حقیقت را برای تو آورده‌ایم. به پیش تو به حق آمده‌ایم و دروغی در کار نیست.

سوره حجر آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

بنابراین در پاسی از شب خانواده‌ات را با خود بردار و از اینجا برو و در پس ایشان حرکت کن (تا آنان را بپائی و به شتاب واداری) و کسی از شما به پشت سر نگاه نکند (تا عذاب قوم را نبیند و ناراحت و پریشان نگردد) و به همان جا که (برابر وحی آسمانی) به شما دستور داده می‌شود بروید.

توضیحات:

«أَسْرِ بِأَهْلِكَ»: خانواده‌ات را در شب بکوچان. «قِطْعٍ»: قسمتی. پاسی. «إِتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ»: در پشت سر ایشان خودت حرکت کن. «لا یَلْتَفِتْ»: روی برنگرداند. به عقب ننگرد. «إمْضُوا»: بروید. «حَيْثُ»: همان جا.

سوره حجر آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

و ما به لوط این موضوع را وحی کردیم که بامدادان همه آنان نابود و ریشه‌کن خواهند شد.

توضیحات:

«قَضَيْنَآ إِلَيْهِ»: بدو خبر دادیم. بدو رساندیم. «دَابِرَ»: تابع. آخر. قطع دابر، کنایه از استیصال و ریشه‌کن کردن است (نگا: انعام / ۴۵، اعراف / ۷۲، انفال / ۷). «مُصْبِحينَ»: گام به صبح نهادگان. به بامداد رسیدگان. حال (هؤُلآءِ) است و مشتق از (أَصْبَحَ) تامّه. «أَنَّ دَابِرَ هؤُلآءِ مَقْطُوعٌ»: همه این‌ها نابود می‌شوند. این جمله بدل از (ذَلِكَ الأمْرَ) و بیان‌گر کاری است که وحی شده است.

سوره حجر آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ ۝٦٧﴾

ترجمه:

(هنگامی که صبح گردید) اهل شهر (فرشتگان را به صورت مردان بسیار زیبائی دیدند و بدی‌شان چشم طمع دوختند و) شادی‌ها کردند.

توضیحات:

«يَسْتَبْشِرُونَ»: شادمان گشتند. خوشحالی نمودند.

سوره حجر آیه ۶۸

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ۝٦٨﴾

ترجمه:

(لوط ترسید که کار ناشایست خود را بکنند. بدی‌شان) گفت: اینان مهمانان من هستند، (حیاء کنید و با انجام کار ناشایستتان) مرا رسوا مسازید.

توضیحات:

«ضَيْفِي»: (نگا: حجر / ۵۱). «فَلا تَفْضَحُونِ»: مرا رسوا و بدنام مکنید.

سوره حجر آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ۝٦٩﴾

ترجمه:

و از خدا بترسید و مرا خوار مکنید.

توضیحات:

«لا تُخْزُونِ»: مرا خوار نسازید (نگا: آل‌عمران / ۱۹۲ و ۱۹۴، هود / ۷۸).

سوره حجر آیه ۷۰

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٧٠﴾

ترجمه:

گفتند: مگر ما تو را از (مهمانداری و پناه‌دادن) مردمان نهی نکردیم (و نگفتیم که حق نداری ما را از کاری که با دیگران می‌کنیم باز داری و به نصیحت و ارشاد ما بپردازی و اگر چنین کنی تو را از میان خود بیرون می‌کنیم؟).

توضیحات:

«أَوَلَـمْ نَنْهَكَ»:؟ (نگا: شعراء / ۱۶۷).

سوره حجر آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالَ هَـٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ٧١﴾

ترجمه:

گفت: این‌ها (دختران شهر، همه آماده ازدواج با مردانند و به منزله) دختران من هستند، اگر می‌خواهید کاری کنید (و در راه ازدواج و اطفاء شهوات گام بردارید).

توضیحات:

«هؤُلآءِ بَنَاتِي»: (نگا: هود / ۷۸).

سوره حجر آیه ۷۲

متن آیه:

﴿لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) به جان تو سوگند! آنان در مستی (شهوت و جهالت) خود سرگردان بودند.

توضیحات:

«لَعَمْرُک»: به زندگی تو سوگند! در اصطلاح فارسی می‌گوئیم: به جان تو سوگند!

سوره حجر آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُشۡرِقِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

پس به هنگام طلوع آفتاب، صدای (وحشتناک صاعقه و زمین لرزه) ایشان را فرو

گرفت.

توضیحات:

«الصَّيْحَةُ»: صدا. مراد صدای مهیب صاعقه و زمین‌لرزه است. «مُشْرِقِينَ»: در حالی که به طلوع آفتاب رسیده بودند. حال ضمیر (هم) است.

سوره حجر آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ۝٧٤﴾

ترجمه:

آن گاه (آنجا را زیر و رو کردیم و) بالای آن را پائین، (و پائین آن را بالا) گرداندیم، و با سنگ‌هائی از گِل متحجّر شده ایشان را سنگباران نمودیم.

توضیحات:

«سَافِل»: پائین. قسمت زیرین. «أَمْطَرْنَا»: باراندیم. «سِجِّيلٍ»: گِل متحجّر شده (نگا: هود / ۸۲، فیل / ۴).

سوره حجر آیه ۷۵

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ۝٧٥﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این (بلائی که بر سر قوم لوط آمد) نشانه‌هائی برای افراد هوشمند موجود است (که از این آثار می‌توانند عمق واقعه را دریابند و بدانند که هر گروه فاسد دیگری دستخوش چنین بلائی می‌گردد).

توضیحات:

«الْمُتَوَسِّمِينَ»: جمع مُتوسِّم، کسی که از روی نشانه‌های ظاهری و علائم ناچیز به حقائق اشیاء پی می‌برد. دارای فراست و ذکاوت.

سوره حجر آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ۝٧٦﴾

ترجمه:

این آثار بر سر راه (کاروانیان و مسافران است و خرابه‌های آن) برجا است.

توضیحات:

«إِنَّهَا»: مرجع ضمیر (ها) مدینه یا قُری می‌توان دانست، ولی اگر مرجع آن را آیات به معنی آثار و نشانه‌ها بدانیم بهتر است. «لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ»: برسر راه راست و روشنی‌است و شب وروز محلّ عبور و مرور اهالی مکه می‌باشد (نگا: صافّات / ۱۳۷ و ۱۳۸).

سوره حجر آیه ۷۷

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این (بقایای مانده بر راستای راه) نشانه بزرگی برای مؤمنان است (که از آن تکان می‌خورند و عبرت می‌گیرند و از موجبات خشم خدا خویشتن را برحذر می‌دارند).

توضیحات:

«فِی ذلِک»: در آنچه گذشت.

سوره حجر آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَإِن كَانَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ لَظَٰلِمِينَ ٧٨﴾

ترجمه:

ساکنان سرزمین اَیکة (که قوم شعیب بودند، مانند قوم لوط متمرّد و بی‌ایمان و) ستمگر بودند.

توضیحات:

«إِنْ»: مخفّف از مثقّله است و تقدیر چنین است: إِنَّهُ. «الأيْكَةِ»: درختستان. سرزمینی که میان بحر احمر و مدین قرار گرفته است. «أَصْحَابُ الأيْكَةِ»: مراد قوم شعیب است.

سوره حجر آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ ۝٧٩﴾

ترجمه:

پس از آنان انتقام گرفتیم، و این دو (قوم، یعنی قوم لوط و قوم شعیب، شهرهای ویران شده ایشان) بر سر راه واضح و آشکاری است.

توضیحات:

«إِمَامٍ»: راه. جاده. «مُبِينٍ»: واضح. روشن و آشکار.

سوره حجر آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ۝٨٠﴾

ترجمه:

ساکنان سرزمین حجر (نیز همچون قوم لوط و شعیب) فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند (و دروغگوی‌شان نامیدند).

توضیحات:

«حِجْر»: سرزمینی که میان مدینه و شام قرار دارد. «أَصْحَابُ الْحِجْرِ»: مراد قوم ثمود است که پیغمبرشان صالح نام داشت. «الْمُرْسَلِينَ»: فرستادگان خدا. مراد صالح و همه پیغمبران پیش از او است، چرا که تکذیب پیغمبری به منزله تکذیب همه پیغمبران است.

سوره حجر آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُمۡ ءَايَٰتِنَا فَكَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ۝٨١﴾

ترجمه:

ما آیات خود را برای‌شان فرستادیم (و معجزات خویش را بدی‌شان نمودیم) ولی آنان بدان‌ها پشت کردند و روی‌گردان شدند.

توضیحات:

«ءَايَاتِنَا»: مراد آیه‌های کتاب آسمانی یا معجزات حسّی است.

سوره حجر آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَكَانُواْ يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ٨٢﴾

ترجمه:

آنان در دل کوه‌ها خانه‌هائی می‌تراشیدند و (از نزول عذاب و تخریب آنها) خاطر جمع بودند.

توضیحات:

«كَانُوا يَنْحِتُونَ»: می‌تراشیدند. «ءَامِنِينَ»: در امن و آسایش. بیباک از عذاب و خراب. بی‌خیال از مرگ و آخرت.

سوره حجر آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

در این وقت صدا (ی عذاب) بامدادان ایشان را فرو گرفت (و نابودشان کرد).

توضیحات:

«مُصْبِحِينَ»: در حالی که به صبح رسیده بودند.

سوره حجر آیه ۸۴

متن آیه:

﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

و چیزی که (از اموال) کسب کرده بودند (و دژهائی که ساخته بودند آنان را از هلاک نرهاند و) برای ایشان سودمند نیفتاد.

توضیحات:

«مَآ أَغْنَيَا عَنْهُمْ»: از ایشان دفع نکرد. برای آنان سودمند نیفتاد (نگا: اعراف / ۴۸).

سوره حجر آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ٨٥﴾

ترجمه:

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم. (تمام هستی دارای هدف و حکمت است، و بر مدار حق و حقیقت می‌گردد، و لذا با فساد سرِ سازگاری ندارد، و فاسدان دیر یا زود به سزای خود می‌رسند، و همچون قوم لوط و ثمود از صحنه پر نظم و نظام آفرینش به کناری پرت می‌گردند)، و بی‌گمان روز رستاخیز فرا می‌رسد (و تباه‌کاران علاوه از مکافات دنیوی، به عذاب و عقاب سخت اخروی گرفتار می‌گردند) پس (ای پیغمبر!) گذشت زیبائی داشته باش (و بزرگوارانه و حکیمانه به دعوت خود ادامه بده و در برابر اذیت و آزار کفّار شکیبائی کن).

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق نه به باطل. هم آفرینش جهان و هم نظام حاکم بر جهان و هم هدف نهائی آن، سازگار با حق و حقیقت و دارای حکمت و مصلحت است. «السَّاعَةَ»: روز رستاخیز. «إِصْفَحْ»: گذشت کن. ببخشای. «الصَّفْحَ»: گذشت. صرف نظر کردن. «الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»: گذشت بزرگوارانه و بدون سرزنش.

سوره حجر آیه ۸۶

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ ٨٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگار تو آفریدگار بسیار آگاهی است. (پس کار خود را بدو واگذار و باک از این و از آن مدار).

توضیحات:

«الْخَلاّق»: آفریدگار. یکی از صفات خدا است و مراد آفریننده کلّ اشیاء است که قادر بر آفریدن هر چیزی و از جمله پدیدآوردن روز رستاخیز است (نگا: یس / ۳۶).

سوره حجر آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ سَبْعًا مِّنَ ٱلْمَثَانِي وَٱلْقُرْءَانَ ٱلْعَظِيمَ ٨٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ما هفت (آیه) به تو داده‌ایم که (سوره فاتحه را تشکیل می‌دهند و در

هر نمازی) تکرار می‌گردند (و از منزلت خاصّی برخوردارند و وسیله دعا و ثنا و طلب هدایت از خدایند) و همه قرآن بزرگ را به تو عطاء نموده‌ایم (که معجزه جاویدان یزدان و مایه تاب و توان مسلمان است).

توضیحات:

«سَبْعاً»: هفت. مراد هفت آیه سوره فاتحه است که در اصل مشتمل بر چکیده قرآن است. یا به عبارت دیگر، قرآن تفصیل اصول مذکور در آن است. «الْـمَثَانِي»: جمع مثنّی، یعنی: مکرّر، بارها و بارها خوانده شده. مراد از مثنّی، تنها دوبار نیست، بلکه بر جمع یعنی بر بیش از تثنیه دلالت دارد، همان‌گونه که برخی از الفاظ به صورت تثنیه ذکر می‌شوند و معنی جمع دارند. از قبیل: «لبّیك و سَعْدَیْك. حَنانَیْك» (نگا: ملک / ۴). اگر جمع (مَثْناه) باشد، به معنی ثَناء است. یعنی هفت آیه‌ای که ثناء خدا است، خواه به صورت تسبیح صریح و خواه به صورت تسبیح در قالب دعاء. «سَبْعاً مِّنَ الْمَثَانِي»: مراد سوره فاتحه است که امّ الکتاب نام دارد. در این صورت عطف (الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ) بر آن، از قبیل عطف عامّ بر خاصّ، یا کلّ بر جزء است. برخی هم (سَبْعاً مِّنَ الْـمَثَانِي) را خود قرآن می‌دانند (نگا: زمر / ۲۳) و واژه (سَبْعاً) را برای کثرت می‌شمارند و عطف را به منزله عطف صفت بر صفت می‌دانند. «مِنَ الْـمَثَانِي»: حرف (مِنْ) برای بیان (سَبْعاً) است.

سوره حجر آیه ۸۸

متن آیه:

﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) چشمان خود را به چیزی خیره مکن که به گروههائی از کافران داده‌ایم (چرا که نعمت دنیاگذران است و نعمت آخرت جاویدان) و بر آنان غمگین مباش (که چرا راه کفر می‌گیرند و به تو ایمان نمی‌آورند) و برای مؤمنان بال (مهربانی) خود را بگستران (که پشتیبان حق و حقیقتند).

توضیحات:

«لا تَـمُدَّنَّ»: چشم مدوز. خیره مشو. «ما»: چیزی که. چیزهائی که. مراد ثروت و نعمت دنیوی است. «أَزْواجاً»: دسته‌ها و گروه‌هائی. «إِخْفِضْ»: پائین بیاور و بگستران. «جَنَاحَ»: بال. «إِخْفِضْ جَنَاحَكَ»: متواضع و مهربان باش (نگا: إسراء / ۲۴، شعراء / ۲۱۵).

سوره حجر آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَقُلۡ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ٨٩﴾

ترجمه:

و (به کافران) بگو: من بیم‌دهنده آشکارم (و به شما اعلام خطر می‌کنم که اگر به سرکشی و بی‌دینی خود ادامه دهید، عذاب بر شما نازل می‌نمائیم).

توضیحات:

«النَّذِيرُ الْـمُبِينُ»: ترساننده آشکارا از عذاب پروردگار. بیم‌دهنده‌ای که بیان‌گر نزول عذاب خدا بر کافران است.

سوره حجر آیه ۹۰

متن آیه:

﴿كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ٩٠﴾

ترجمه:

همان گونه که (عذاب را) بر بخش‌کنندگان (احکام آسمانی) نازل کردیم.

توضیحات:

«كَمَا»: همان‌گونه که. همانند آنچه. تقدیر چنین است: أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ عِقاباً أَوْ عَذاباً مِّثْلَ مَا. «أَنزَلْنَا»: نازل کردیم. مراد این است که خدا نازل کرده است و انگار ما فرمانبرداران خدا فرمان شاهنشاه واقعی را اعلام می‌کنیم. «الْـمُقْتَسِمِينَ»: بخش‌کنندگان. کسانی که به تجزیه و تقسیم و تبعیض احکام الهی دست می‌زدند و قسمتی را می‌پذیرفتند که به سود آنان بود و بقیه را پشت سر می افکندند که با خواست ایشان موافق و هماهنگ نبود. یا این که این واژه به معنی مُفْتِرِين است.

یعنی: کسانی که قرآن را دروغ و بهتان و ساخته و پرداخته انسان می‌دانستند.

سوره حجر آیه ۹۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ ٩١﴾

ترجمه:

کسانی که قرآن را بخش بخش می‌کردند (و قسمتی را حق و قسمتی را باطل می‌دانستند، و یا آن را شعر، سحر، کذب، و اساطیر می‌نامیدند).

توضیحات:

«عِضِينَ»: «جمع عِضَة» که اصل آن «عِضْوَة» است، یعنی: قطعه قطعه و بخش بخش. مراد این است که به برخی از قرآن ایمان داشتند و به برخی باور نداشتند. یا این که سخنان متناقض و گوناگونی درباره آن می‌زدند. «یا جمع عَضَة» که اصل آن «عَضْهَة» است، به معنی: کذب و بهتان و سحر و کهانت. یعنی: قرآن را از این قبیل اشیاء می‌دانستند.

سوره حجر آیه ۹۲

متن آیه:

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩٢﴾

ترجمه:

به پروردگارت سوگند! که حتماً (در روز رستاخیز از آنچه در دنیا مردمان انجام می‌دهند) از جملگی ایشان پرس‌وجو خواهیم کرد.

توضیحات:

«لَنَسْأَلَنَّهُمْ»: بی‌گمان از ایشان سؤال و بازخواست می‌کنیم.

سوره حجر آیه ۹۳

متن آیه:

﴿عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٣﴾

ترجمه:

(سؤال و بازخواست می‌کنیم) از کارهائی که (در جهان) می‌کرده‌اند.

توضیحات:

سوره حجر آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٩٤﴾

ترجمه:

پس آشکارا بیان کن آنچه را که بدان فرمان داده می‌شوی (که دعوت حق است) و به مشرکان اعتناء مکن (که چه می‌گویند و چه می‌کنند).

توضیحات:

«إِصْدَعْ»: آشکارا بیان کن. آشکار ساز. «أَعرِضْ»: اعتناء مکن (نگا: نساء / ۶۳).

سوره حجر آیه ۹۵

متن آیه:

﴿إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ٩٥﴾

ترجمه:

ما تو را از (کید و مکر و اذیت و آزار) استهزاء کنندگان مصون و محفوظ می‌داریم.

توضیحات:

«كَفَيْنَاكَ»: تو را بسنده‌ایم. تو را حمایت و حفاظت می‌کنیم (نگا: بقره / ۱۳۷).

سوره حجر آیه ۹۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

آن استهزاءکنندگانی که معبود دیگری را همراه خدا قرار می‌دهند (و بتان را با خدا می‌پرستند. آنان به زودی نتیجه شرک خود را) خواهند دانست (آن گاه که عذاب دردناک دوزخ ایشان را در برخواهد گرفت).

توضیحات:

«إِله»: معبود (نگا: بقره / ۱۳۳).

سوره حجر آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧﴾

ترجمه:

و ما می‌دانیم که سینه‌ات از آنچه می‌گویند، تنگ می‌شود (و از استهزاء و استهانت و الفاظ شرک‌آلودشان دلت به هم می‌آید).

توضیحات:

«يَضِيقُ»: تنگ می‌شود. به هم می‌آید. مراد ناراحت شدن و تنگدل گشتن است.

سوره حجر آیه ۹۸

متن آیه:

﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٩٨﴾

ترجمه:

پس (به هنگام هجوم ناراحتی‌ها و اندوه‌ها متوسّل به تسبیح و تقدیس خدا شو و زبان) به حمد و ثنای پروردگارت بگشای و از زمره سجده‌کنندگان (و نمازگزاران) باش.

توضیحات:

«السَّاجِدِينَ»: سجده‌برندگان. مراد نمازگزاران است.

سوره حجر آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ ٩٩﴾

ترجمه:

و پروردگارت را پرستش کن تا مرگ به سراغ تو می‌آید (و سرای فانی را وداع می‌گوئی، و سرای باقی آغاز می‌گردد و پرده‌ها به کنار می‌رود و حقائق در برابر چشمانت جلوه‌گر می‌شود).

توضیحات:

«الْيَقِينُ»: امر مسلّم. عقیده قاطعانه. مراد مرگ است که کسی در آن تردید ندارد (نگا: مدّثّر / ۴۷).

سوره نحل

سوره نحل آیه ۱

متن آیه:

﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١﴾

ترجمه:

(ای مشرکان! آنچه خدا به شما در روز قیامت وعده داده است، چون حتمی و قریب‌الوقوع است، انگار هم اینک برای وقوع آن) فرمان خدا در رسیده است، پس (مسخره‌کنان نگوئید که اگر راست می‌گوئید که قیامتی هست از خدا بخواهید هرچه زودتر عذاب آن را بنمایاند! استهزاءکنان) آن را به شتاب مخواهید. (خداوند جهان) منزّه (از اوصافی است که مشرکان درباره او بر زبان می‌رانند، و دور) و برتر از چیزهائی است که (آنان) انباز (خداوند تبارک و تعالی) می‌سازند.

توضیحات:

«أَتَیا»: آمد. فرا رسید. استعمال فعل ماضی به جای فعل مضارع، به خاطر حتمی‌بودن و قریب‌الوقوع بودن مسأله است. «أَمْرُ»: دستور. در اینجا مراد چیزی است که بدان دستور داده می‌شود که قیامت است (نگا: انبیاء / ۱ و قمر / ۱). «فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ»: به شتاب آن را مخواهید. در فرارسیدن آن شتاب مکنید. «تَعالَیا»: بالاتر از آن است. به دور از آن است (نگا: انعام / ۱۰۰، اعراف / ۱۹۰، یونس / ۱۸).

سوره نحل آیه ۲

متن آیه:

﴿يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ٢﴾

ترجمه:

خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحی (آسمانی که حیات بخش انسان‌ها است) بر هر کس از بندگانش (به نام انبیاء) که خود بخواهد نازل می‌کند (تا

به مردم بیاموزند) که جز من (که آفریننده جهان و جهانیانم) خدائی نیست؛ پس (با انجام حسنات و دوری از سیئات)، از (غضب و عذاب) من بپرهیزید.

توضیحات:

«الرُّوحِ»: مراد به طور عام وحی و نبوّت (نگا: غافر / ۱۵) و به طور خاصّ قرآن است (نگا: شوری / ۵۲). تشبیه وحی و نبوّت یا قرآن به روح بدان خاطر است که این‌ها مانند روح که مایه حیات بدن‌ها است، مایه حیات دل‌ها و خردها می‌باشند (نگا: انفال / ۲۴). «مِنْ أَمْرِهِ»: به فرمان خود. یا این که: این وحی و نبوّت یا قرآن، کاری از کارهای خدا و رازی از رازهای او است.

سوره نحل آیه ۳

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣﴾

ترجمه:

آسمان‌ها و زمین را به مقتضای حق (و حکمت) آفریده است (نه بیهوده و به گزاف. خداوند) بالاتر از چیزهائی است که (آنان در تصرّف امور یا پرستش) انباز (خدا) می‌سازند.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به مقتضای حق و برابر حکمت.

سوره نحل آیه ۴

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ٤﴾

ترجمه:

انسان را (که یکی از مظاهر قدرت خدا است و عالَم صغیر نام دارد) از نطفه‌ای (ناچیز و ضعیف به نام منی) آفریده‌است، و او (پس از پا به رشد گذاشتن) به‌ناگاه دشمن آشکاری می‌گردد (و در برابر پروردگار خود علم طغیان برمی‌افرازد و رستاخیز و زندگی دوباره را انکار می‌کند، و فراموش می‌نماید که آن که او را قبلاً زندگی بخشیده است بعداً نیز می‌تواند زندگی ببخشد و به حال اوّلیه برگشت دهد).

توضیحات:

«نُطْفَهُ»: منی. «خَصِيمٌ»: دشمن. «صیغه مبالغه» و یا «فعیل» به معنی مُفاعل است،

از «قبیل»: «نَسیب» به معنی «مُناسِب»، «خَلیط» به معنی «مُخالِط»، «عَشیر» به معنی «مُعاشِر» . «مُبِینٌ»: اگر صفت (خَصِیمٌ) باشد به معنی واضح و آشکار است، و اگر خبر دوم بشمار آید به معنی بیان‌گر دلیل و برهان و مجادله با خدا است.

سوره نحل آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۗ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٥﴾

ترجمه:

و چهارپایان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفریده است که در آنها برای شما، وسیله گرما (در برابر سرما، از قبیل پوشیدنی و گستردنی ساخته از پشم و موی‌شان) و سودهائی (حاصل از نسل و شیر و سواری و غیره) موجود است و از (گوشت) آنها می‌خورید (و در حفظ حیات خود می‌کوشید).

توضیحات:

«الأَنْعَامَ»: چهارپایان. مفعول به فعل محذوفی است که (خَلَقَهَا) بیان‌گر آن است. «دِفْءٌ»: گرمی. در اینجا مراد وسیله‌ای است که انسان توسّط آن خویشتن را از سرما محفوظ و تن خود را بدان گرم می‌دارد.

سوره نحل آیه ۶

متن آیه:

﴿وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ ٦﴾

ترجمه:

و برایتان در آنها زیبائی است بدان گاه که آنها را (شامگاهان از چرا) باز می‌آورید و آن گاه که آنها را (بامدادان به چرا) سرمی‌دهید.

توضیحات:

«تُرِيحُونَ»: حیوانات را شامگاهان به آغل‌ها و آسایشگاه‌ها برمی‌گردانید. «تَسْرَحُونَ»: حیوانات را بامدادان به چراگاه می‌برید و در صحرا سر می‌دهید.

سوره نحل آیه ۷

متن آیه:

﴿وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ۝٧﴾

ترجمه:

آنها بارهای سنگین شما را به سرزمین و دیاری حمل می‌کنند که جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمی‌رسیدید. بی‌گمان پروردگارتان (که این‌ها را برای آسایشتان آفریده است) دارای رأفت و رحمت زیادی (در حق شما) است.

توضیحات:

«بَلَدٍ»: ناحیه و سرزمین، اعم از آباد و غیرآباد. «بَالِغِيهِ»: رسندگان بدان. «شِقِّ»: به رنج افکندن. به مشقّت انداختن.

سوره نحل آیه ۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ۝٨﴾

ترجمه:

و (خدا) اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (که به دل‌هایتان شادی بخشد، و خداوند) چیزهائی را (برای حمل و نقل و طی مسافات) می‌آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی‌دانید.

توضیحات:

«الْخَيْلَ»: گلّه اسبان. عطف بر واژه (أَنْعامَ) در آیه پنجم است. «الْبِغَالَ»: «جمع بَغْل»، استرها. «الْحَمِيرَ»: جمع حِمار، «الاغها» . «زينَةً»: عطف بر محلّ (لِتَرْكَبُوهَا) و هر دو مفعول‌له هستند. «يَخْلُقُ مَا لا تَعْلَمُونَ»: مراد ماشینها و هواپیماها و سفینه‌های فضائی و قطارها و دیگر وسائل و مرکبهای سریع‌السیری است که مولود استعدادی است که خدا به انسان‌ها داده است.

سوره نحل آیه ۹

متن آیه:

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ۝٩﴾

ترجمه:

(هدایت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهی که منتهی به خیر و حق

می‌گردد)، و برخی از راه‌ها منحرف و بیراهه است (و منتهی به خیر و حق نمی‌گردد). و اگر خدا می‌خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدایت می‌کرد (و نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب را به شما انسان‌ها نمی‌داد، و لذا همچون حیوانات راهی را بیشتر نمی‌پیمودید و ترقّی و تکاملی پیدا نمی‌کردید).

توضیحات:

«قَصْدُ»: مصدر است و به معنی اسم فاعل، یعنی قاصد است که به معنی راست و مستقیم می‌باشد. اضافه صفت به موصوف است. «عَلَي اللهِ قَصْدُ السَّبِيلِ»: هدایت به راه راست در دست خدا است. هدایت به راه راست بر خدا لازم است (نگا: لیل / ۱۲). بیان راه درست و جداسازی آن از راه نادرست بر خدا واجب و لازم است. بدین منظور است که پیغمبران را فرستاده است و ادلّه راهیابی را در کتاب بازِ هستی به جهانیان نموده است (نگا: انعام / ۱۵۳). «مِنْهَا»: ضمیر (ها) به (سبیل) باز می‌گردد که مؤنّث مجازی است. «جَآئِرٌ»: کج. نادرست.

سوره نحل آیه ۱۰

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ ١٠﴾

ترجمه:

او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاده است (که مایه حیات است) و شما از آن می‌نوشید (و زلال و گوارایش می‌یابید) و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید.

توضیحات:

«مِنَ السَّمَآءِ»: از جانب آسمان. از ابر. «شَرابٌ»: نوشیدن. «شَجَرٌ»: درختان. گیاهان (نگا: روح‌المعانی). «فِيهِ»: در آن. مرجع ضمیر (ه) واژه (شَجَرٌ) است. «تُسِيمُونَ»: حیوانات را می‌چرانید.

سوره نحل آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ۝١١﴾

ترجمه:

خداوند به وسیله آن (آب) زراعت و (درختان) زیتون و خرما و انگور و همه میوه‌ها را برای شما می‌رویاند. بی‌گمان در این (کار آفرینش میوه‌های رنگارنگ و محصولات کشاورزی گوناگون) نشانه روشنی است (از خدا) برای کسانی که (درباره نیروی آفریننده آنها) بیندیشند (و با چشم بینش و خرد به جهان گیاهان بنگرند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: نشانه و علامت آشکار. دلیل روشن.

سوره نحل آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ۝١٢﴾

ترجمه:

و خدا شب و روز و خورشید و ماه را برای (مصالح و منافع) شما مسخّر کرد، و ستارگان به فرمان او مسخّر (و برای راهیابی شما در دل تاریکی‌ها، در چرخش و گردش) هستند. مسلّماً در این کار (کار آفریدن و مسخر کردن) دلائل روشن و نشانه‌های بزرگی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای کسانی که تعقّل می‌ورزند (و در پرتو خرد به کارها می‌نگرند).

توضیحات:

«سَخَّرَ»: رام کرد. فرمانبردار گرداند (نگا: رعد / ۲). «النُّجُومُ»: ستارگان. مبتدا است. «ءَايَاتٍ»: دلائل روشن. نشانه‌های بزرگ.

سوره نحل آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ۝١٣﴾

ترجمه:

و چیزهائی را مسخّر شما گردانیده است که در زمین برای شما به رنگ‌های

مختلف و در انواع گوناگون آفریده است. مسلّماً در این (کار تسخیر و آفرینش) دلیل واضح و نشانه روشنی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای مردمی که عبرت می‌گیرند (و از دیدن این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود می‌اندیشند و به سجود می‌افتند).

توضیحات:

«مَا»: مخلوقاتی که. چیزهائی که. عطف بر (الَّیْلَ) یا (النُّجُومُ) در آیه قبلی است. «ذَرَأَ»: آفرید (نگا: انعام / ۱۳۶). «مُخْتَلِفاً»: حال واژه (مَا) است. «أَلْوَانُهُ»: رنگهای آن. اصناف و انواع آن. فاعل (مُخْتَلِفاً) است. «یَذَّکَّرُونَ»: یادآور می‌شوند. بیدار می‌گردند. می‌اندیشند. عبرت می‌گیرند.

سوره نحل آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٤﴾

ترجمه:

و او است که دریا را مسخر (شما) ساخته است تا این که از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیوری بیرون بیاورید که بر خود می‌پوشید (و خویشتن را بدان می‌آرائید و حس زیبائی را اشباع می‌نمائید) و (تو ای انسان!) کشتی‌ها را می‌بینی که (سینه) دریا را می‌شکافند و (امتعه و اقوات را بدینجا و آنجا می‌رسانند. خدا این نعمت را به شما داد) تا شما فضل او را بجوئید (و از دریا در مسیر تجارت استفاده نمائید) و سپاس‌گزاری کنید.

توضیحات:

«طَرِیّاً»: تازه. ناقص واوی و یائی و نیز مهموزاللام است. «مِنْهُ»: و «فِیهِ»: مرجع ضمیر در این دو واژه (الْبَحْرَ) است. «مَواخِرَ»: جمع «ماخِرَة»، شکافنده‌ها. مراد کشتی‌های جاری و روان است که آبها را از هم می‌شکافند. «حِلْیَةً»: زیورآلات. زینت‌آلات. از قبیل: لؤلؤ و مرجان و درّ و گوهر. «وَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ»: تا با سوار شدن بر کشتی‌ها و شکافتن دریاها، فضل و لطف و روزی فراوان خدا را بطلبید. این جمله، عطف بر (لِتَأْکُلوا مِنْهُ...) است و (تَرَي الْفُلْکَ مَوَاخِرَ فِیهِ) جمله معترضه است.

سوره نحل آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَأَنۡهَٰرٗا وَسُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥﴾

ترجمه:

و در زمین کوه‌های استوار و پابرجائی را قرار داد تا این که زمین شما را نلرزاند (و با حرکت خود شما را مضطرب نگرداند) و رودخانه‌ها و راه‌هائی را پدیدار کرد تا این که (به مقصد خود) راهیاب شوید.

توضیحات:

«أَلْقَیا»: فرانهاد. مستقرّ کرد. «رَواسِيَ»: جمع راسِیة، کوه‌های محکم و استوار. «اَن تَمِیدَ بِکُمْ»: تا شما زمین را نلرزاند و مضطرب و پریشان نگرداند. این جمله منصوب و مفعول‌له است. در اصل: (لِئَلاّ تَـمِیدَ بِکُمْ) و یا این که: (کَراهَةَ أَن تَـمیدَ بِکُمْ) است. «تَـمِیدَ»: از مصدر (مَیْد و مَیَدان) به معنی: لرزش و جنبش. تلوتلو خوردن و بدین سو و آن سو افتادن. «سُبُلاً»: جمع سَبیل، راه‌ها.

سوره نحل آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَعَلَٰمَٰتٖۚ وَبِٱلنَّجۡمِ هُمۡ يَهۡتَدُونَ ١٦﴾

ترجمه:

و نشانه‌هائی (از قبیل: کوه‌ها و درّه‌ها و بادها و رودها و رنگ خاک‌ها را پدید آورد که مردمان در روز بدان‌ها راه خود را پیدا می‌کنند) و (در شب که از این علائم استفاده نمی‌شود) ایشان به وسیله ستارگان رهنمون می‌شوند.

توضیحات:

«عَلامَاتٍ»: نشانه‌ها. عطف بر (رَواسِيَ) در آیه قبلی است.

سوره نحل آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَفَمَن يَخۡلُقُ كَمَن لَّا يَخۡلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٧﴾

ترجمه:

پس (ای وجدان‌های بیدار! از نظر عقل) کسی که (این همه چیزهای عجیب و غریب و نعمت‌های بزرگ و سترگ را) می‌آفریند، همچون کسی است که (چیزی) نمی‌آفریند؟ (آیا باید بت حقیر و انسان فقیر را شریک خدای جلیل کرد؟) آیا یادآور نمی‌شوید؟ (تا به اشتباه خود پی ببرید و از پرستش بت‌ها و انسان‌ها دست بردارید و تنها و تنها خدای یگانه را بپرستید و سپاس‌گزاری کنید).

توضیحات:

«أَفَمَنْ»: استفهام انکاری است.

سوره نحل آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحۡصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٨﴾

ترجمه:

(خداوند جز این‌ها دارای نعمت‌های فراوان دیگری است) و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را برشمارید، نمی‌توانید آنها را سرشماری کنید. بی‌گمان خداوند دارای مغفرت و مرحمت فراوان است (و اگر از پرستش بت‌های بیجان و انسان‌های ناتوان دست بردارید و به پرستش خدای رحمان برگردید، مشمول گذشت و مهر یزدان می‌گردید).

توضیحات:

«إِن تَعُدُّوا...»: اگر برشمرید. «لا تُحْصُوهَا»: آنها را نمی‌توانید سرشماری کنید.

سوره نحل آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ١٩﴾

ترجمه:

خداوند آگاه است از آنچه پنهان می‌دارید و از آنچه آشکار می‌سازید.

توضیحات:

«تُسِرُّونَ»: در دل نگاه می‌دارید. پنهان می‌کنید. در نهان انجام می‌دهید. «تُعْلِنُونَ»: آشکار می‌سازید. آشکارا انجام می‌دهید.

سوره نحل آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

آن کسانی را که بجز خدا به فریاد می‌خوانند و پرستش می‌نمایند، آنان نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان آفریده می‌گردند! (پس باید مخلوقات ضعیف را پرستید و به کمک طلبید، یا خالق کائنات را؟!).

توضیحات:

«يدْعُونَ»: فریاد می‌زنند و به یاری می‌طلبند. می‌پرستند.

سوره نحل آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمۡوَٰتٌ غَيۡرُ أَحۡيَآءٖۖ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٢١﴾

ترجمه:

(بت‌هائی که می‌پرستند) جمادند و بی‌جان، و نمی‌دانند که (پرستش کنندگانشان) چه وقت زنده و برانگیخته می‌گردند. (پس چرا باید عاقل چیزهائی را بپرستد که از فرا رسیدن قیامت بی‌خبرند و سودی و زیانی نمی‌رسانند).

توضیحات:

«أَمْوَاتٌ»: مردگان. مراد جمادات و اشیاء بیجان است. خبر مبتدای محذوف است. «غَيْرُ أَحْيَآءٍ»: نه زندگان. مردگان. خبر دوم یا صفت (أَمْواتٌ) است و جنبه تأکید را دارد. «يُبْعَثُونَ»: دوباره زنده می‌گردند. رستاخیزشان فرا می‌رسد.

سوره نحل آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٞ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

پروردگار شما (که باید او را بپرستید) پروردگار یکتائی است، و آنان که ایمان به آخرت ندارند، دل‌هایشان منکر (مبدأ و توحید هم) بوده و خویشتن را بزرگ می‌پندارند

(و برتر از آن می‌دانند که حق را بپذیرند و خدای را پرستش کنند).

توضیحات:

«مُنكِرَةٌ»: انکارکننده. نپذیرنده. «مُسْتَكْبِرُونَ»: کسانی که خویشتن را بزرگ می‌پندارند و خود را بالاتر از آن می‌دانند که به عبادت خدا بپردازند.

سوره نحل آیه ۲۳

متن آیه:

﴿لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ ٢٣﴾

ترجمه:

قطعاً خدا آگاه است از آنچه پنهان می‌سازند و از آنچه آشکار می‌نمایند (و هیچ چیزی از عقائد و اقوال و افعال آنان از دید خدا نهان نمی‌گردد و ایشان را در برابر همه این‌ها بازخواست می‌کند، و مستکبران را عقاب می‌نماید) چرا که مستکبران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«لا جَرَمَ»: حقّاً. قطعاً (نگا: هود / ۲۲).

سوره نحل آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

هنگامی که به مستکبران (کافر و بی‌دین) گفته می‌شود: پروردگار شما (بر محمّد) چه چیزهائی نازل کرده است؟ (مسخره‌آمیزانه و کینه توزانه) می‌گویند: (این‌ها که وحی آسمانی نیست، بلکه دروغ‌ها و) افسانه‌های گذشتگان است.

توضیحات:

«أَسَاطِيرُ»: افسانه‌ها و نوشته‌ها. مراد اباطیل و اکاذیب و خرافات است. جمع «أُسْطُورَة» (نگا: انعام / ۲۵) یا جمع أَسْطار و آن جمع سَطْر است (نگا: فرقان / ۵). أَساطيرُ خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «هُوَ أَساطيرُ الأوّلينَ».

سوره نحل آیه ۲۵

متن آیه:

﴿لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را (به سبب پیروی نکردن از پیغمبر) به تمام و کمال بر دوش کشند، و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون (دلیل و برهان و) آگهی گمراه ساخته‌اند (بی آن که از گناهان پیروان چیزی کاسته شود). هان (ای مردمان! بدانید که آنان چه کار زشتی می‌کنند و) چه بار گناهان بدی را بر دوش می‌کشند!

توضیحات:

«لِيَحْمِلُوا»: چنین می‌گویند تا این که بردارند. باید که بر دارند. حرف (لِ) لام عاقبت است (نگا: قصص / ۸) و یا این که لام امر (نگا: قرطبی). «أَوْزَار»: جمع وِزْر، بارهای سنگین. مراد گناهان سنگین و سزاهای کمرشکن است (نگا: انعام / ۳۱، نحل / ۲۵). «مِنْ أَوْزَار»: حرف (مِنْ) تبعیضیه است، یعنی برخی از گناهان، و یا این که زائد است، یعنی برابر گناهان. «بِغَيْرِ عِلْمٍ»: بدون علم و آگهی و دلیل و برهان. یعنی سران قوم ناآگاهانه و جاهلانه زیردستان را گمراه کرده‌اند، یا این که زیردستان بدون حجّت و برهان به دنبال سران قوم راه افتاده‌اند. یعنی حال فاعل یا حال مفعول است.

سوره نحل آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنۡيَٰنَهُم مِّنَ ٱلۡقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّقۡفُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

کسانی پیش از ایشان بوده‌اند که (از این نوع توطئه‌ها را داشته‌اند و) نیرنگ‌ها کرده‌اند، ولی خدا به سراغ شالوده (زندگی) آنان رفته است و آن را از اساس ویران کرده است، و سقف (خانه‌ها) از بالای سرشان بر سرشان فرو ریخته است، و عذاب (دنیا) از جائی بر سرشان تاخته است که انتظارش را نداشته‌اند.

توضیحات:

«مَكَرَ»: نیرنگ و توطئه کرده‌اند. «أَتَي اللهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ»: خداوند به سراغ شالوده زندگی آنها رفت و از اساس آن را ویران نمود. عذاب خدا به سراغ زیربنای کار آنان می‌رود و تشکیلات ایشان را از اساس به هم می‌زند. می‌توان مضافی را مانند (امر) یا (عذاب) پیش از (الله) محذوف دانست (نگا: انعام / ۴۰، حشر / ۲). «الْقَوَاعِدِ»: جمع قاعِدَة، اساس. شالوده. «خَرَّ»: فرو ریخت. فرو افتاد. فرو تپید. «مِنْ حَيْثُ»: از جائی و سوئی که.

سوره نحل آیه ۲۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

بعد از این (عذاب دنیا و مکافات عاجل) در روز رستاخیز خداوند آنان را خوار و رسوا می‌سازد و (بدی‌شان) می‌گوید: کجا هستند انبازان من که شما (گمان می‌بردید و) به خاطر آنها (با انبیاء خود و سایر ایمانداران) می‌جنگیدید و به نزاع برمی‌خاستید؟ (ایشان را فریاد بزنید تا بیایند و شما را یاری دهند و از عذاب صحرای محشر و دوزخ رها سازند! ولی جوابی نخواهند داشت. آن گاه) افراد دانا وآگاه (از حق و حقیقت، از قبیل: انبیاء و مؤمنان و فرشتگان) می‌گویند: امروز خواری و رسوائی عذاب و بدی، بی‌گمان دامنگیر کافران می‌گردد.

توضیحات:

«كُنتُمْ تُشَاَقُّونَ»: جدال و دشمنی و جنگ و ستیز می‌کردید. «فِيهِمْ»: درباره ایشان. به خاطر عشق بدانان. «أُوتُواالْعِلْمَ»: عالمان و دانایان. مراد فرشتگان و مؤمنان به طور عام، و انبیاء به طور خاصّ است (نگا: نساء / ۴۱، نحل / ۸۹). «الْخِزْيَ»: خواری. رسوائی. «السُّوءَ»: بدی. مراد عذاب است.

سوره نحل آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡۖ فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۭۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

کسانی که فرشتگان (برای قبض روح) به سراغ‌شان می‌روند و ایشان در حال ستم (به خود و جامعه) هستند و (در این وقت، پس از یک عمر عناد و سرکشی) تسلیم می‌شوند، (چرا که پرده از برخی از امور غیبی به کنار می‌رود و راه گریز بسته می‌شود، ولی از خوف و هراس باز هم مثل سابق دروغ می‌گویند و اظهار می‌کنند) که ما کارهای بدی (در دنیا) نمی‌کرده‌ایم! (فرشتگان بدی‌شان می‌گویند): خیر! (شما اعمال زشت فراوانی انجام داده‌اید، و) بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کردید آگاه بوده است.

توضیحات:

«تَتَوَفّاهُمْ»: ایشان را قبض روح می‌کنند و میمی‌رانند (نگا: نساء / ۹۷). «السَّلَمَ»: تسلیم شدن و فرمان بردن. «بَلي»: بلی. آری. حرفی‌است که بر ابطال نفی کلام پیش از خود دلالت دارد.

سوره نحل آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

پس (باید که شما) وارد درهای دوزخ شوید (و به داخل آن روید و) جاودانه در آن بغنوید. وه که جایگاه متکبّران چه جای بدی است!

توضیحات:

«أَبْوَابَ»: جمع باب، درها. مراد ورود به خود دوزخ است. «خَالِدِينَ»: حال فاعل (أُدْخُلُوا) است. یعنی جاودانه در آن می‌مانند. «مَثْوَيا»: اقامتگاه. جایگاه.

سوره نحل آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡۚ قَالُواْ خَيۡرٗاۗ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا

حَسَنَةٞۚ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞۚ وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

و (برعکسِ کافران،) هنگامی که به پرهیزگاران گفته می‌شود: پروردگارتان چه چیزی (بر پیغمبر خود) نازل کرده است؟ می‌گویند: خیر و خوبی را (که قرآن نام دارد و متضمّن سعادت دنیا و آخرت می‌باشد. آنان بدین وسیله از زمره نیکوکاران بشمار می‌آیند و) به نیکوکاران در این جهان نیکی می‌رسد (و زندگی خوشی نصیب‌شان می‌گردد) و سرای آخرت (ایشان از این سرای) بهتر خواهد بود و جهانِ (جاویدان) پرهیزگاران بهترین (و زیباترین) جهان می‌باشد.

توضیحات:

«خَيْراً»: خیر و خوبی. یعنی قرآنی را نازل فرموده است که سراسر خیر و خوبی است.

سوره نحل آیه ۳۱

متن آیه:

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَۚ كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣١﴾

ترجمه:

(سرای پرهیزگاران) باغ‌های (جاویدان و محلّ) اقامت دائم (بهشت) است که بدان وارد می‌گردند و رودبارها در زیر (کاخ‌ها و درختان) آن روان است. در آنجا هرچه بخواهند دارند (و هر نعمتی را آرزو کنند آماده می‌یابند. بلی) خداوند این چنین (کافی و وافی و عالی) به پرهیزگاران پاداش می‌دهد.

توضیحات:

«جَنّاتُ»: خبر مبتدای محذوف است و در اصل چنین است: «هِيَ جَنَّاتُ». یا این که مبتدا است و خبر آن محذوف است و در اصل چنین است: «لَهُمْ جَنَّاتُ».

سوره نحل آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

(پرهیزگاران،) همان‌هائی که (به هنگام مرگ) فرشتگان (قبض ارواح) جان‌شان را می‌گیرند در حالی که پاکیزه (از کفر و معاصی) و شادان (از رویاروئی سرافرازانه خود با پروردگار) هستند. (فرشتگان بدی‌شان) می‌گویند: درودتان باد! (در امان خدائید و از امروز به ناراحتی و بلائی دچار نمی‌آئید. و) به خاطر کارهائی که می‌کرده‌اید به بهشت درآئید.

توضیحات:

«أَلَّذِینَ»: صفت (الْـمُتَّقِینَ) است. «طَیِّبِینَ»: پاک و پاکیزه از کفر و معاصی. شادان و خوشحال از قالب تهی کردن و پرواز از جهان ناسوت به جهان ملکوت. حال ضمیر (هُمْ) است. «یَقُولُونَ»: مجموعه فعل و فاعل. حال (الْـمَلآئِکَةُ) است. «سَلامٌ»: درود. امن و امان از خشم و عذابِ یزدان و سلامت از گرفتاری‌ها و زشتی‌ها.

سوره نحل آیه ۳۳

متن آیه:

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ أَمۡرُ رَبِّكَۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

آیا کافران جز این انتظاری دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا این که فرمان پروردگارت (مبنی بر مجازات ایشان) فرا رسد (و عذاب آسمانی نابودشان گرداند؟). کسانی که پیش از ایشان هم بودند این چنین کردند (و مجازات کار پلید خود را دیدند) و خدا بدی‌شان ستم نکرد، و لیکن خودشان به خویشتن ستم کردند (چرا که خویش را با کفرشان در معرض عذاب کردگار قرار دادند).

توضیحات:

«هَلْ یَنظُرُونَ»: آیا انتظار می‌کشند؟ استفهام انکاری است، یعنی چشم به راه فرشتگان مرگ یا عذاب آخرت هستند.

سوره نحل آیه ۳۴

متن آیه:

﴿فَأَصَابَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

پس (سرانجام، سزای) بدیهائی که می‌کردند بدی‌شان رسید، و چیزی را که بدان

تمسخر می‌نمودند آنان را (از هر سو) در برگرفت (که عذاب دوزخ است).

توضیحات:

«سَيِّئَاتُ»: بدی‌ها. مضاف محذوف و در اصل چنین است: «جَزآءُ سیّئات». یا این که ذکر سبب و مراد مسبّب است. «حاق»: فرا گرفت. از ماده (حیق) به معنی احاطه کردن (نگا: انعام / ۱۰، هود / ۸).

سوره نحل آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٣٥﴾

ترجمه:

کافران (از راه استهزاء و مغالطه) می‌گویند: اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدران ما، چیزی جز خدا را نمی‌توانستیم بپرستیم، و چیزی را بدون اجازه او نمی‌توانستیم حرام بکنیم. (پس ماندگاری ما بر پرستش لات و عزّی و دیگر بُتان، و تحریم بَحیرَة و سائِبَة و وَصیلَة و غیره، نشانه رضایت خدا به کارمان می‌باشد، لذا فرمان تو را نمی‌بریم و فرستاده خدایت نمی‌دانیم، آری!) کسانی که پیش از ایشان هم بودند این چنین می‌کردند (و با این‌گونه بهانه‌های واهی و دلیل‌های سست، به بت‌پرستی و تحریم چیزهائی از پیش خود، ادامه می‌دادند). مگر بر پیغمبران وظیفه‌ای جز تبلیغ آشکار (، و روشن و بی‌پرده رساندن اوامر کردگار) است؟ (نه! جز این نیست. پس تو نیز فرمان برسان و حساب ایشان را به خدای واگذار).

توضیحات:

«لَوْ شآءَ اللهُ...»: (نگا: انعام / ۱۴۸، زخرف / ۲۰). «مِن شَيْءٍ»: حرف (مِنْ) زائد است. «الـْمُبِينُ»: روشن. روشن‌گر.

سوره نحل آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى

ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

ما به میان هر ملّتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری کنید. (پیغمبران دعوت به توحید کردند و مردمان را به راه حق فرا خواندند). خداوند گروهی از مردمان را (که بر اثر کردار نیک، شایسته مرحمت خدا شدند، به راه راست) هدایت داد، و گروهی از ایشان (بر اثر کردار ناشایست) گمراهی بر آنان واجب گردید (و سرگشتگی به دامان‌شان چسبید) پس (اگر در این باره در شک و تردیدید، بروید) در زمین گردش کنید و (آثار گذشتگان را بر صفحه روزگار) بنگرید و ببینید که سرانجام کار کسانی (که آیات خدا را) تکذیب کرده‌اند به کجا کشیده است (و بر سر اقوامی چون عاد و ثمود و لوط چه آمده است).

توضیحات:

«الطّاغُوتَ»: شیطان و بتان و هرچیزی که باعث طغیان شود (نگا: بقره / ۲۵۶).

«حَقَّتْ»: ثابت و واجب شده است. «حَقَّتْ عَلَيْهُمُ الضَّلالَة»: یعنی خداوند به مردمان خرد داده است، فطرت ایشان را برای یکتاپرستی بسیج کرده است، پیغمبران را فرستاده است، و آیات تشریعی و تکوینی را به انسان‌ها نموده است، آن گاه این مردمانند که بر اثر یک تصمیم‌گیری آزادانه دو دسته می‌شوند و به راه یزدان یا به راه شیطان می‌روند.

سوره نحل آیه ۳۷

متن آیه:

﴿إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) هر چند هم بر رهنمود آنان (که مغلوب شهوات و لذّات و مادیات شده‌اند) آزمند باشی (گوش‌شان به دعوت حق بدهکار نیست و) خداوند کسانی را (که بر اثر پلشتی‌ها و زشتی‌ها) گمراه بکند (با زور به راه حق) هدایت نمی‌دهد، و (روز قیامت) یاورانی را نخواهند داشت (که ایشان را یاری کنند و از عذاب خدا برهانند).

توضیحات:

«تَحْرِصْ»: آزمند باشی. تلاش و کوشش کنی.

سوره نحل آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

(کافران علاوه بر شِرْک‌شان) مؤکدانه به خدا سوگند یاد می‌کنند که خداوند هرگز کسی را که می‌میرد زنده نمی‌گرداند. خیر! (چنین نیست که می‌گویند، بلکه خداوند همه مردگان را دوباره زنده می‌کند، و این) وعده قطعی خدا است، و لیکن بیشتر مردمان نمی‌دانند (که زنده‌گرداندن برای قدرت خدا چیزی نیست و همان‌گونه که قبلاً به انسان‌ها جان بخشیده است، پس از مرگ نیز دوباره جان به پیکرشان می‌دمد).

توضیحات:

«أَقْسَمُوا»: سوگند خورده‌اند. «جَهْدَ أَيْمانِهِمْ»: در حالی که با تمام قدرت و بسیار مؤکدانه سوگند یاد می‌کنند. جَهْد مصدر و به معنی (جاهِدينَ) است و حال بشمار است (نگا: مائده / ۵۳، انعام / ۱۰۹). «وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً»: خداوند آن را مؤکدانه وعده داده است و قاطعانه بر خود واجب گردانده است. (وَعْداً) و (حَقّاً) مفعول مطلق فعل محذوف می‌باشند و تقدیر چنین است: «وَعَدَ اللهُ ذٰلِكَ وَعْداً وَ حَقَّهُ حَقّاً» . یا این که (حَقّاً) صفت (وَعْداً) است و معنی چنین می‌شود: خداوند وعده راستین آن را مؤکدانه داده است (نگا: توبه / ۱۱۱).

سوره نحل آیه ۳۹

متن آیه:

﴿لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

(خداوند همگان را زنده می‌گرداند) تا این که برای ایشان روشن گرداند چیزی را

که درباره آن اختلاف می‌ورزند (که به طور خاصّ رستاخیز و به طور عام همه اموری است که پیغمبران با خود آورده‌اند) و این که کافران بدانند که ایشان (در آنچه راجع به شرک و رستاخیز می گویند) دروغگویند.

توضیحات:

«أَلَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ»: آنچه درباره‌اش اختلاف دارند. مراد حقائقی است که پیغمبران به ارمغان آورده‌اند و همه چیزهائی است که از آن سخن گفته‌اند.

سوره نحل آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٤٠﴾

ترجمه:

(زنده‌گرداندن مردمان در روز قیامت برای ما مشکل نیست همان‌گونه که کافران گمان می‌برند). ما هرگاه چیزی را بخواهیم (پدید آوریم) کافی است که (خطاب) بدان بگوئیم: باش! پس فوراً می‌شود.

توضیحات:

«كُن فَيَكُونُ»: (نگا: بقره / ۱۱۷، آل‌عمران / ۴۷).

سوره نحل آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٤١﴾

ترجمه:

کسانی که برای خدا (به مدینه) هجرت کردند، پس از آن که (در مکه) مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه و پایگاه خوبی بدانان می‌دهیم، و پاداش اخروی (ایشان از پاداش دنیوی آنان) بزرگ‌تر است اگر بدانند.

توضیحات:

«فِي اللهِ»: به خاطر خدا و برای رضایت او. «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ»: ایشان را حتماً اسکان می‌دهیم. بی‌گمان برای ایشان تهیه می‌بینیم. «حَسَنَةً»: نیک و زیبا. صفت موصوف محذوفی است و مراد شهر مدینه است و تقدیر چنین می‌شود: داراً «حَسَنَةً». «مَبَاءَةً حَسَنَةً». «مَعيشَةً

حَسَنَةً». و... نصب آن به خاطر ظرف بوده است، و یا این که مفعول دوم (لَنُبَوِّئَنَّهُمْ) است اگر به معنی (لَنُعْطِیَنَّهُمْ) گرفته شود. «لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ»: اگر مخالفان مؤمنان می‌دانستند. یا اگر مؤمنان می‌دانستند؛ که در این صورت مراد دیدن به جای شنیدن است، والاّ مهاجران می‌دانستند که پاداش آن جهان از پاداش این جهان بهتر و والاتر است و به همین خاطر ترک خانه و کاشانه کرده‌اند و در راه نجات دین و ایمان کوشیده‌اند.

سوره نحل آیه ۴۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِینَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ یَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

(مهاجران، آن) کسانیند که (در برابر اذیت و آزار مشرکان) شکیبائی ورزیدند و (در زندگی) توکل و تکیه آنان بر پروردگارشان است.

توضیحات:

«صَبَرُوا... یَتَوَكَّلُونَ»: استعمال فعل نخست به صورت ماضی و فعل بعدی به شکل مضارع، برای استمرار، یا استحضار آن سیمای زیبا و هیئت رعنائی است که داشته‌اند.

سوره نحل آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِیٓ إِلَیۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

(مشرکان می‌گویند: می‌بایست خداوند فرشته‌ای را برای ابلاغ رسالت می‌فرستاد؛ نه تو را که فردی تهیدست و انسانی چون ما هستی. باید بدانند که) ما پیش از تو نیز جز مردانی را که بدی‌شان وحی فرستاده‌ایم، (به میان مردم) روانه نکرده‌ایم. پس (برای روشن‌گری) از آگاهان (از کتاب‌های آسمانی همچون تورات و انجیل) بپرسید، اگر (این را) نمی‌دانید (که پیغمبران همه انسان بوده‌اند نه فرشته).

توضیحات:

«رِجَالاً»: مردانی. این بخش می‌رساند که پیغمبران همه مرد بوده‌اند؛ نه زن. «نُوحِي إِلَیْهِمْ»: ما به پیغمبران وحی می‌کردیم. «الذِّکْرِ»: اطّلاع و آگهی. یاد و

یادآوری. در اینجا مراد کتاب آسمانی است. «أَهْلَ الذِّكْرِ»: علماء. اهل کتاب.

سوره نحل آیه ۴۴

متن آیه:

﴿بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ۝٤٤﴾

ترجمه:

(پیغمبران را) همراه با دلائل روشن و معجزات آشکار (دالّ بر پیغمبری ایشان)، و همراه با کتاب‌ها فرستاده‌ایم، و قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است (که احکام و تعلیمات اسلامی است) و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و درباره مطالب آن) بیندیشند.

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: دلائل روشن. معجزات آشکار. «الزُّبُرِ»: جمع زَبُور، کتاب‌ها (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴). «بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ»: جار و مجرور متعلّق به (أَرْسَلْنا) در آیه قبلی و یا متعلّق به فعل محذوفی مانند (أَرْسِلُوا) است. «الذِّكْرَ»: مراد قرآن است (نگا: آل‌عمران / ۵۸، حجر / ۶ و ۹). «ما»: آنچه. مراد احکام و شرائع است.

سوره نحل آیه ۴۵

متن آیه:

﴿أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ۝٤٥﴾

ترجمه:

آیا توطئه‌گران بدکردار (از این عذاب الهی) ایمن گشته‌اند که ممکن است خداوند آنان را (همچون قارون) به دل زمین فرو برد (و نابودشان گرداند)، یا این که عذاب الهی از آنجا که انتظارش ندارند و به گونه‌ای که به دل‌شان خطور نمی‌کند به سراغ‌شان بیاید؟

توضیحات:

«مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ»: توطئه بدی‌ها را چیدند. نیرنگ‌های زشت را پی‌ریزی کردند.

واژه (السیّئات) صفت موصوف محذوف (الْـمَکَراتِ) است، یعنی: «مَکَرُوا الْـمَکَراتِ السیّئات». یا این که مفعول فعل (مَکَرُوا) است اگر به معنی (عَمِلُوا) باشد. «یَخْسِفَ»: به زمین فرو ببرد (نگا: قصص / ۸۱ و ۸۲).

سوره نحل آیه ۴۶

متن آیه:

﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

یا این که به هنگام رفت و آمدشان (برای بازرگانی و داد و ستد، گریبان) ایشان را بگیرد (و به ناگاه هلاکشان گرداند)؟ به هر حال آنان نمی‌توانند (خدای را) درمانده کنند (و از دست عذاب و مرگ او خویشتن را برهانند).

توضیحات:

«تَقَلُّبِهِمْ»: رفت و آمد برای تجارت و بازرگانی. سعی و تلاش در پی معاش. «فَمَاهُم بِمُعْجِزِينَ»: (نگا: أنعام / ۱۳۴، یونس / ۵۳، هود / ۲۰ و ۳۳، توبه / ۲ و ۳).

سوره نحل آیه ۴۷

متن آیه:

﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ ٤٧﴾

ترجمه:

یا این که در بیم و هراس (از مرگ، بیماری، زیان، تنگدستی، صاعقه، زلزله، و بلایا و مصائب دیگر) ایشان را نگاه دارد (و زندگی را بر آنان حرام گرداند؟ بلی خداوند می‌تواند هرکس و هر گروهی را به یکبار نابود کند و یا این که به مرگ تدریجی گرفتار سازد. خداوند ایشان را از عواقب زشت کارهایشان برحذر می‌دارد تا بیدار گردند و به مجازات الهی گرفتار نیایند) چرا که خداوند بسیار با رأفت و با مرحمت است.

توضیحات:

«تَخَوُّفٍ»: بیم و هراس. کم و کاست در اموال و اولاد. «فَإِنَّ رَبَّهُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»: ذکر رأفت و رحمت بعد از تهدید، بدان خاطر است که برحذر داشتن از سرانجام بد، خود نعمت به حساب می‌آید همان‌گونه که در سوره الرحمن آمده است (نگا: الرحمن / ۴۱ و ۴۲). و این که معنی چنین است که خداوند چون رؤوف و رحیم است در

مجازات شتاب نمی‌کند (نگا: رعد / ۳۲، حجّ / ۴۴ و ۴۸).

سوره نحل آیه ۴۸

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

آیا آنان به چیزهائی که خدا آفریده است نمی‌نگرند و درباره آنها نمی‌اندیشند که چگونه سایه‌هایشان از راست و چپ منتقل می‌گردند (و گاهی بدین سو و گاهی بدان سو امتداد می‌یابند) و فروتنانه خدای را سجده می‌برند؟

توضیحات:

«يَتَفَيَّأُ»: برمی‌گردد. منتقل می‌شود. در رسم‌الخطّ قرآنی (يَتَفَيَّؤُا) است و الف زائدی در آخر دارد. «ظِلالُهُ»: سایه‌های آن (نگا: رعد / ۱۵). «سُجَّداً»: سجده‌کنان. حال (ظلال) است. «دَاخِرُونَ»: خاضعان و فروتنان. از مصدر (دُخُور) به معنی خواری و کوچکی است. «وَهُمْ دَاخِرُونَ»: حال دوم (ظلال) است.

سوره نحل آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ۝٤٩﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین جنبنده وجود دارد، خدای را سجده می‌برند و کرنش می‌کنند، و فرشتگان نیز خدای را سجده می‌برند و تکبّر نمی‌ورزند.

توضیحات:

«دَآبَّةٍ»: جنبنده. رونده (نگا: بقره / ۱۶۴، هود / ۶ و ۵۶). «مِن دَآبَّةٍ»: برخی این قید را برای (مَا فِيالأرْضِ) می‌دانند، ولی به دلیل آیه‌های دیگر مربوط به (مَا فِي السَّمَـاوَاتِ وَ مَا فِي الأرْضِ) به طور کلّی است (نگا: شوری / ۲۹، حجّ / ۱۸). «الْـمَلآئِكَة»: ذکر خاصّ فرشتگان با وجود دخول در واژه عام (ما) برای بزرگداشت فرشتگان و این که

آنان نوعی از آفریدگانند که در ماهیت جدای از جنبندگانند.

سوره نحل آیه ۵۰

متن آیه:

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ٥٠﴾

ترجمه:

فرشتگان از پروردگار خود که حاکم بر آنان است می‌ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود (به خوبی و بدون چون و چرا) انجام می‌دهند.

توضیحات:

«مِن فَوْقِهِمْ»: مراد بالا بودن حسّی و مکانی نیست، بلکه مراد برتری و والائی مقامی است (نگا: أنعام / ۶۱، أعراف / ۱۲۷). «يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ»: (نگا: تحریم / ۶).

سوره نحل آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ٥١﴾

ترجمه:

خدا گفته است که دو معبود دوگانه برای خود برنگزینید، بلکه خدا معبود یگانه‌ای است (که منم آفریدگار کائناتم) و تنها و تنها از من بترسید و بس.

توضیحات:

«قَالَ»: مراد از گفتن، دستور دادن است. «إِلـهَيْنِ»: دو معبود. مراد این است که دوگانه‌پرستی غلط است تا چه رسد به پرستش معبودهای متعدّد. یا این که همه معبودهای دروغین یکی و باطل بشمارند و در مقابل معبود حق که تنها او آفریننده جهان و منشأ خیر و برکت و نعمت است قرار دارند. «إِثْنَيْنِ»: دوگانه. صفت است و در برابر (واحِدٌ) یعنی یگانه که آن هم صفت است قرار دارد. ذکر این دو وصف برای تأکید یکتاپرستی، و نهی از دوگانه و چندگانه پرستی است. «فَارْهَبُونِ»: (نگا: بقره / ۴۰).

سوره نحل آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است، و همواره (تعیین نحوه) دینداری و (کار) قانونگذاری حق او، و اطاعت و انقیاد از وی واجب و لازم است. پس (وقتی که عالَم هستی از آنِ خدا و قوانین تکوینی و تشریعی و اطاعت و انقیاد همه چیز و همگان از او است) آیا از غیر خدا می‌ترسید؟

توضیحات:

«الدِّینُ»: دین و شریعت. قوانین و سنن. اطاعت و انقیاد. «وَاصِباً»: همیشه و همواره (نگا: صافّات / ۹). واجب و لازم. خالصانه. این واژه حال (الدّینُ) است.

سوره نحل آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

آنچه از نعمت‌ها دارید همه از سوی خدا است (و باید تنها منعم را سپاس گفت و پرستید) و گذشته از آن، هنگامی که زیانی (همچون درد و بیماری و مصائب و بلایا) به شما رسید (برای زدودن ناراحتی‌ها و گشودن گره مشکل‌ها تنها دست دعا به‌سوی خدا برمی‌دارید و) او را با ناله و زاری به فریاد می‌خوانید، (پس چرا در وقت عادی جز او را می‌پرستید و انبازها را به کمک می‌طلبید؟).

توضیحات:

«الضُّرُّ»: (نگا: أنعام / ۱۷، یونس / ۱۲). «تَجْأَرُونَ»: ناله و فریاد سر می‌دهید و متضرّعانه کمک می‌طلبید. از مصدر (جُؤار) به معنی هُرّا و آوای وحوش و چهارپایان است.

سوره نحل آیه ۵۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ۝٥٤﴾

ترجمه:

سپس هنگامی که خدا زیان را از شما دور کرد (و جلو تندباد حوادث و طوفان بلا را گرفت)، گروهی از شما (انبازهائی) شریک پروردگار خود می‌کنند! (و از نو دچار غفلت و غرور و بت‌پرستی و شرور می‌شوند!).

توضیحات:

«كَشَفَ»: برطرف کرد. کنار زد. «فَرِيقٌ»: دسته. گروه.

سوره نحل آیه ۵۵

متن آیه:

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

بگذار نعمت‌هائی را که بدی‌شان داده‌ایم ناسپاسی کنند و (رفع مشکلات و دفع مضرّات را نادیده گیرند. ای کافران چند روزی از این متاع دنیا) بهره‌مند شوید (و لذّت ببرید، عاقبت کفر و سرانجام کارتان را) خواهید دانست.

توضیحات:

«لِيَكْفُرُوا بِمَآ ءَاتَيْنَاهُمْ»: بگذار کفران و ناسپاسی چیزهائی را بکنند که بدی‌شان داده‌ایم. بگذار نعمت‌هائی را که بدی‌شان داده‌ایم نادیده انگارند. لام آن لام عاقبت، و کفران به معنی ناسپاسی و انکار است.

سوره نحل آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

(کافران) برای بتهائی که چیزی نمی‌دانند (زیرا که جمادند)، بهره‌ای (از حیوانات و ارزاق خود) که ما بدی‌شان داده‌ایم قرار می‌دهند (و بدین وسیله بدان‌ها تقرّب می‌جویند). به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتانها بازپرسی خواهید شد (و سزای کردارتان داده می‌شود).

توضیحات:

«لا يَعْلَمُونَ»: بت‌ها نمی‌دانند. کافران دلیل و حجّتی بر الوهیت بتها ندارند. کافران هیچ‌گونه سود و زیانی از بت‌ها سراغ ندارند. «كُنتُمْ تَفْتَرُونَ»: شما به هم می‌بافتید و سرهم می‌کردید.

سوره نحل آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

و برای خداوندی که از هرگونه آلایش و نیازی پاک است، دخترانی قائل می‌شدند (و فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند،) و برای خود آنچه دوست می‌داشتند قرار می‌دادند (که پسران هستند).

توضیحات:

«الْبَنَاتِ»: دختران. مراد فرشتگان است که کافران آنها را دختران خدا می‌پنداشتند (نگا: انعام / ۱۰۰) و ایشان را می‌پرستیدند (نگا: سبأ / ۴۰ و ۴۱).

سوره نحل آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨﴾

ترجمه:

(دختران را مایه ننگ و سرشکستگی و بدبختی می‌دانستند) و هنگامی که به یکی از آنان مژده تولّد دختر داده می‌شد (آن چنان از فرط ناراحتی چهره‌اش تغییر می‌کرد که) صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می‌شد.

توضیحات:

«ظَلَّ»: می‌شد. از افعال ناقصه است. «مُسْوَدّاً»: سیاه. «كَظِيمٌ»: مملوّ از غم و اندوه. لبریز از خشم و غضب (نگا: یوسف / ۸۴، زخرف / ۱۷).

سوره نحل آیه ۵۹

متن آیه:

﴿يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده بدی که به او داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد (و سرگشته و حیران به خود می‌گفت:) آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و

دختر را نگاه دارد و یا او را در زیر خاک زنده بگور سازد؟ هان! چه قضاوت بدی که می‌کردند!

توضیحات:

«يَتَوَارَيا»: خود را نهان و از دید مردمان پنهان می‌سازد. «هُونٍ»: خواری و رسوائی (نگا: انعام / ۹۳). «يَدُسُّهُ»: زنده بگورش کند. دفن و پنهانش سازد. استعمال ضمیر مذکر (ه) در واژه‌های (يُمْسِكُهُ) و (يَدُسُّهُ) با توجّه به ظاهر مرجع آن، یعنی کلمه (ما) است.

سوره نحل آیه ۶۰

متن آیه:

﴿لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِۖ وَلِلَّهِ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٦٠﴾

ترجمه:

کسانی که به آخرت باور ندارند، دارای صفات دانیه‌اند (که از جمله دوست داشتن پسر و دشمن داشتن دختر و زنده بگور کردن او است) و خدا دارای صفات عالیه است (که از جمله بی‌نیازی از همه‌کس و همه‌چیز است) و او با عزّت و با حکمت است (و می‌تواند هر کاری را بکند و کارهایش از روی حکمت است).

توضیحات:

«مَثَلُ»: صفت. حالت. «مَثَلُ السَّوْءِ»: صفات دانیه. «الْمَثَلُ الأَعْلَيا»: صفات عالیه.

سوره نحل آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ۝٦١﴾

ترجمه:

اگر خداوند مردمان را به سبب ستمشان (هرچه زودتر به عقاب و عذاب آن) کیفر می‌داد، بر روی زمین جنبنده‌ای (انسان نام) باقی نمی‌گذاشت، ولیکن آنان را تا مدّت معین (که زمان فرا رسیدن مرگ ایشان است) مهلت می‌دهد، و هنگامی که اجل آنان سر رسید نه لحظه‌ای (آن را) پس می‌اندازند و نه (لحظه‌ای آن را) پیش می‌اندازند.

توضیحات:

«عَلَيْهَا»: بر روی زمین. مرجع ضمیر (ها) واژه (الأَرْض) محذوف است. «دَآبَّةٍ»:

جنبنده. به قرینه ضمیر (هُمْ) مراد انسان است. لیکن می‌توان آن را شامل هرگونه موجود زنده و جنبنده‌ای دانست. «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: فرا رسیدن مرگ. پایان عمر (نگا: انعام / ۲ و ۶۰، هود / ۳، زمر / ۴۲).

سوره نحل آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكۡرَهُونَۚ وَتَصِفُ أَلۡسِنَتُهُمُ ٱلۡكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ وَأَنَّهُم مُّفۡرَطُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

آنان برای خدا چیزی تعیین می‌کنند که خود نمی‌پسندند (که انتخاب دختران است)، و دروغ بر زبان می‌رانند و می‌گویند: (همان گونه که در این جهان از ثروت و قدرت بهره‌مندند، در آن جهان هم) سرانجام نیک دارند (و بهشت از آن ایشان است). بدون شک آتش دوزخ بهره ایشان است و آنان پیش از دیگران بدانجا رانده و افکنده می‌شوند.

توضیحات:

«تَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ»: زبان‌هایشان آشکارا دروغ را بیان می‌دارد (نگا: کهف / ۳۶، فصّلت / ۵۰). «الْحُسْنَيا»: سرانجام نیک. مراد سعادت و خوشبختی اخروی است که بهشت است. «لا جَرَمَ»: «حقّاً». حتماً (نگا: هود / ۲۲). «مُفْرَطُونَ»: پیشگامان. جلوافتادگان. فراموش شدگان و از یاد رفتگان (نگا: اعراف / ۵۱، طه / ۱۲۶، جاثیه / ۳۴).

سوره نحل آیه ۶۳

متن آیه:

﴿تَٱللَّهِ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦٣﴾

ترجمه:

به خدا سوگند! ما (پیغمبرانی) به‌سوی ملّت‌های پیش از تو فرستادیم و اهریمن کارهای (زشت) ایشان را در نظرشان آراست و (آنان را از پیروی پیغمبران بازداشت و بدبخت‌شان کرد. در این جهان) امروز اهریمن سرپرست ایشان است و (آنان را به دنبال خود می‌کشاند، و فردای قیامت) عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ»: اهریمن در این جهان سرپرست و متولّی امور ایشان است. شیطان امروز هم که روزگار آخرین رسالت است باز هم کسانی را گول می‌زند و از راه به در می‌کند. انگار اینان همفکران گذشتگان و از نسل ایشانند.

سوره نحل آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

ما کتاب (قرآن) را بر تو نازل نکرده‌ایم مگر بدان خاطر که چیزی را برای مردمان بیان و روشن نمائی که (جزو امور دینی است و) در آن اختلاف دارند، و (هم بدان خاطر که این کتاب) هدایت و رحمت برای مؤمنان گردد.

توضیحات:

«أَلَّذِي»: چیزی که. مراد امور دینی مورد اختلاف و محلّ کشمکش مردمان است. از قبیل: توحید، نبوّت، معاد، تحلیل و تحریم حیوانات و اشیاء، و غیره... «هُدىً وَ رَحْمَةً»: مفعول‌له و عطف بر محلّ (لِتُبَيِّنَ) هستند.

سوره نحل آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

خدا است که از (ابر) آسمان آب را می‌باراند و زمین را پس از مرگ (و خشکی، با رویاندن گل‌ها و گیاه‌ها و چمنزارها و کشتزارهای فراوان در) آن، (دوباره جان و) حیات می‌بخشد. بی‌گمان در این (کار باراندن و رویاندن و موات و حیات) دلیل روشنی (بر وجود مدبّر حکیم) است برای آنان که گوش شنوا دارند.

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: مراد ابر است (نگا: اعراف / ۵۷، نور / ۴۳، واقعه / ۶۹). «مَوْتِهَا»: مراد از مرگ زمین، خشکی و لختی آن است. «فَأَحْيَا بِهِ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»: زمین لخت و خشک را با آن سبز و خرّم و لبریز از جوش و خروش می‌سازد. شاید اشاره به این هم باشد که آب برف و باران پس از جذب آن توسّط گیاهان، در درون آنها به بافت‌ها و سلول‌های زنده تبدیل می‌شود.

سوره نحل آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٖ وَدَمٖ لَّبَنًا خَالِصٗا سَآئِغٗا لِّلشَّٰرِبِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان (ای مردمان!) در وجود چهارپایان برای شما (درس) عبرتی است (که در پرتو آن می‌توانید به خدا پی ببرید. چه عبرتی از این برتر که ما) از برخی از چیزهائی که در شکم آنها است، شیر خالص و گوارائی به شما می‌نوشانیم که از میان تفاله و خون بیرون می‌تراود و نوشندگان را خوش می‌آید.

توضیحات:

«نُسْقِيكُمْ»: به شما می‌نوشانیم. «بُطُونِهِ»: شکم‌هایشان. ذکر ضمیر (ه) به صورت مذکر، بدان خاطر است که واژه (أَنْعام) اسم جمع است و تذکیر و تأنیث آن درست است (نگا: نحل / ۵). «مِن بَيْنِ»: حال مقدّم (لَبَناً) و یا این که بدل اشتمال (فِي بُطُونِهِ) بشمار است. « فَرْثٍ »: علوفه جویده و نیمه‌هضمِ دستگاه گوارش حیوان. علوفه‌ای که هنوز در داخل دستگاه گوارش حیوان باشد آن را (فَرْث) یعنی تفاله، و پس از دفع از بدن حیوان آن را (رَوْث) یعنی سرگین می‌نامند. «مِن بَيْنِ رَوْثٍ وَ دَمٍ»: مراد این است که حیوان موادّ غذائی را می‌خورد و موادّ غذائی به (فَرْث)، و فَرْث به خون، و خون به شیر تبدیل می‌شود. «خَالِصاً»: صاف. «سَآئِغاً»: گوارا. خوش‌آیند.

سوره نحل آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرٗا وَرِزۡقًا حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

(خداوند) از میوه‌های درختان خرما و انگور، (غذای پربرکتی نصیب شما می‌سازد که گاه آن را به صورت زیانباری در می‌آورید و از آن) شراب درست می‌کنید و (گاه) رزق پاک و پاکیزه از آن می‌گیرید. بی‌گمان در این (گردآوری دو و چند خاصیت و قابلیت در میوه‌ها) نشانه‌ای (از قدرت آفریدگار) برای کسانی است که از عقل و خرد سود می‌گیرند.

توضیحات:

«مِنْهُ»: مرجع ضمیر (ه) موصوف محذوفی است وتقدیرچنین است: «مَا تَتَّخِذُونَ مِنْهُ». یا این که: «ثَمَرٌ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ». (ما) یا (ثَمَرٌ) مبتدا، و جمله (مِن ثَمَراتِ النَّخیلِ وَ الأعْنابِ) خبر مقدم، و جمله (تَتَّخِذُونَ مِنْهُ) صفت مبتدای محذوف است و به جای موصوف نشسته است (نگا: صافّات / ۱۶۴). «سَکَراً»: آنچه مستی‌آور است. خمر. می. مصدر و به معنی اسم فاعل است و برای مبالغه به صورت مصدری به کار رفته است. «تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَراً وَ رِزْقاً حَسَناً»: مراد این است که این خودتان هستید که به صورت حرام یا حلال از میوه‌ها استفاده می‌کنید. پس باید عبرت بگیرید و از خواب غفلت بیدار شوید و جز به صورت حلال از میوه‌ها استفاده نکنید. «لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ»: این جمله شاید اشاره به این نکته هم داشته باشد که عاقلان مسکرات و مشروبات الکلی نمی‌نوشند. چرا که چنین چیزی دشمن عقل است.

سوره نحل آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

پروردگارت به زنبوران عسل (راه زندگی و طرز معیشت را) الهام کرد (و بدان گونه که تنها خود می‌داند به دل‌شان انداخت) که از کوه‌ها و درخت‌ها و داربست‌هائی که

مردمان می‌سازند، خانه‌هائی برگزینید.

توضیحات:

«أَوْحَیا»: الهام کرد. در فطرت زنبور عسل سرشت. مراد الهام غریزی است. «النَّحْل»: زنبوران عسل. «یَعْرِشُونَ»: مردمان به صورت سقف می‌سازند. داربست‌هائی که انسان‌ها درست می‌کنند (نگا: بقره / ۲۵۹، أنعام / ۱۴۱، أعراف / ۱۳۷). شاید هم اشاره به کندوهائی باشد که انسان‌ها می‌سازند و در اختیار زنبوران عسل قرار می‌دهند.

سوره نحل آیه ۶۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

سپس (ما به آنها الهام کردیم که) از همه میوه‌ها بخورید و راه‌هائی را بپیمائید که خدا برای شما تعیین کرده است و کاملاً (دقیق و) در اختیارند. از درون زنبور عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگ‌های مختلفی دارد. در این (مایع رنگارنگ) بهبودی مردمان نهفته است. بی‌گمان در این (برنامه زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آنها به انسان‌ها تقدیم می‌دارند که هم غذا و هم شفا است) نشانه روشنی (از عظمت و قدرت پروردگار) است برای کسانی که (درباره پدیده‌ها) می‌اندیشند (و رازها و رمزهای زندگی آفریدگان از جمله جانوران را پیش چشم می‌دارند).

توضیحات:

«كُلِي»: بخورید. استعمال مفرد مؤنّث بدان خاطر است که (نَحْل) جمع (نَحْلة) و مؤنّث است. «فَاسْلُكِي»: راه بروید. بپیمائید. «ذُلُلاً»: جمع ذَلُول، به معنی رام و مطیع. این واژه می‌تواند حال (سُبُلَ) باشد که معنی چنین می‌شود: راه‌هائی که دقیق بوده و سهل و ساده در اختیار زنبوران عسل قرار می‌گیرد. یا این که حال ضمیر فاعلی در فعل (فَاسْلُكِي) باشد که معنی چنین می‌گردد: فرمانبردارانه راه‌هائی را طی کنید که خدا تعیین کرده است.

سوره نحل آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٖ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ٧٠﴾

ترجمه:

خداوند شما را آفریده است (و روزگاری را برایتان تعیین کرده است که در آن زندگی می‌کنید و کتاب خوشبختی یا بدبختی خود را می‌نویسید و) سپس شما را می‌میراند و (به‌سوی خویش برمی‌گرداند). برخی از شما به سنین بالای عمر می‌رسند (و) به گونه‌ای (فرتوت می‌شوند که کارشان بدانجا می‌کشد) که پس از (آن همه) علم و آگهی (و تجربه‌ای که در زندگی آموخته‌اند) چیزی نخواهند دانست (و همه چیز را فراموش می‌کنند. چرا که از فعّالیت سلول‌های بدن کاسته شده است و استخوان‌ها و عضلات و اعصاب سستی گرفته است). بی‌گمان خدا (از اسرار آفریدگان خود) آگاه و توانا (بر هر آن چیزی) است (که بخواهد).

توضیحات:

«أَرْذَلِ الْعُمُرِ»: پست‌ترین مراحل زندگی. دوره‌ای که انسان در آن فرتوت و خرِف می‌گردد و همچون کودک ناتوان و نادان می‌شود.

سوره نحل آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٧١﴾

ترجمه:

خداوند برخی از شما را بر برخی دیگر از نظر روزی برتری داده است (چرا که استعدادها و تلاش‌هایتان متفاوت است). آنان که روزی فراوانی بدی‌شان داده شده است (و ثروت زیادی در اختیارشان قرار گرفته است) حاضر نیستند که روزی (و ثروت) خود را به بردگان خود بدهند و ایشان را با خود در دارائی (شریک و) مساوی گردانند؛ (پس چرا شما کافران، بندگان خدا را شریک خدا در الوهیت می‌گردانید و متصرّف در امور می‌دانید؟ مگر ثروتمندان فقیران را، و آقایان نوکران را، و سروران

بردگان را شریک در قدرت و ثروت خود می‌سازند؟ پس آنچه را که برای خود نمی‌پسندند، چرا برای خدا می‌پسندند؟!). آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند (و آفریده‌هائی از آفریدگان خدا را شریک آفریدگار می‌سازند؟!).

توضیحات:

«رَآدِّي»: اصل آن (رَآدِّينَ) است که نون در حالت اضافه حذف شده است و به معنی ردّکنندگان و برگشت دهندگان است. «ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ»: بردگان ایشان (نگا: نساء / ۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۶...). «فَهُمْ فِيهِ سَوَآءٌ»: تا در آن برابر و یکسان گردند. «يَجْحَدُونَ»: انکار می‌کنند. نادیده می‌گیرند (نگا: أنعام / ۳۳، أعراف / ۵۱).

سوره نحل آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةٗ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ هُمۡ يَكۡفُرُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما ساخت (تا در کنار آنان بیاسائید)، و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد (تا بدانان دل خوش کنید)، و چیزهای پاکیزه‌ای (همچون غلاّت و میوه‌جات و حیوانات) به شما عطا کرد (تا از آنها استفاده کنید و خدای را سپاس‌گزاری نمائید). آیا (با وجود این که کافران می‌دانند که سرچشمه همه نعمت‌ها خدا است و نه‌کس و نه‌چیز دیگری، آیا باز هم) به (بت‌های) باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را (با شرک ورزیدن) ناسپاس می‌گذارند؟!

توضیحات:

«مِنْ أَنفُسِكُمْ»: از جنس و شکل خودتان (نگا: نساء / ۱). «حَفَدَةً»: جمع حَفید، نوادگان. فرزندزادگان. «الْبَاطِلِ»: مراد بت‌ها است که مصداق روشن باطل در تمام ابعادند. در اصل مراد سودی است که از بت‌ها انتظار داشتند.

سوره نحل آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ رِزۡقٗا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ شَيۡـٔٗا وَلَا

يَسۡتَطِيعُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

و چیزهائی را بجز خدا می‌پرستند که مالک کمترین رزقی در آسمان‌ها و زمین برای آنان نیستند و (در آینده هم) نمی‌توانند (بارانی از بالا ببارانند و در زمین درختی و گیاهی برویانند و چیزی را نصیب ایشان گردانند).

توضیحات:

«مِن دُونِ اللهِ»: بجز خدا. به جای خدا. «شَيْئاً»: «اصلاً». به هیچ وجه. بدل از (رِزْقاً) است و بیان‌گر کمی و ناچیزی مبدّل‌منه است.

سوره نحل آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

پس برای خدا شبیه و نظیر قرار مدهید (و با قیاس‌های تباه و تشبیهات ناروا، پرستش بتان را توجیه و تعبیر نکنید). بی‌گمان خداوند (اعمال شما را) می‌داند و شما (سرنوشت کردار بدتان را) نمی‌دانید.

توضیحات:

«لا تَضْرِبُوا»: ذکر نکنید. مراد قرار دادن و ساختن است. «الأمْثَالَ»: جمع مِثْل، شبیه‌ها و نظیرها. همگون‌ها و مانندها.

سوره نحل آیه ۷۵

متن آیه:

﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدًا مَّمۡلُوكًا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٍ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرًّا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

خداوند برده مملوّکی را به عنوان مثال ذکر می‌کند که قادر بر هیچ‌چیز نیست، و (در مقابل آن) انسان (با ایمانی) را مثل می‌زند که به او روزی حلال و پاکیزه‌ای داده است و او پنهان و آشکار از آن می‌بخشد و صرف می‌کند، آیا آنان یکسانند؟ (مگر مشرکان که در بند شهوات و خرافات و بندگی بتان گرفتارند، با مؤمنان که رها از بند

شهوات و خرافات بوده و سر بندگی جز به آستان یزدان فرود نمی‌آرند، برابرند؟ مؤمنان که اهل منطق و استدلالند در این‌باره می‌اندیشند و می‌گویند:) سپاس خدا را سزا است (که ما را بنده خود کرد؛ نه بنده بندگان خود. واقعاً مشرکان گمراه و سرگردانند) و بلکه بیشتر آنان (فرق حق و باطل را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«عَبْداً»: بدل از (مَثَلاً) است. «هَلْ یَسْتَوُونَ»: آیا یکسان و برابرند؟ اغلب تفاسیر مراد از عبد مملوّک را بتان، و مؤمن آزاده را یزدان می‌دانند و می‌گویند بت بی‌جان کی برابر با خالق مقتدر جهان است. و برخی هم مثال فوق را تشبیهی برای مؤمن و کافر می‌شمارند. «أَلْحَمْدُ لله»: خدا را سپاس که یکتاپرستی را نصیب دوستان، و خرافه‌پرستی را بهره دشمنان کرد. همه ستودن‌ها و ستایش‌ها تنها سزاوار خدا است؛ نه سزاوار بت‌ها و جمادها.

سوره نحل آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيۡنِ أَحَدُهُمَآ أَبۡكَمُ لَا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوۡلَىٰهُ أَيۡنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأۡتِ بِخَيۡرٍ هَلۡ يَسۡتَوِي هُوَ وَمَن يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٧٦﴾

ترجمه:

و خداوند دو مرد را مثل می‌زند که یکی از آنان گنگ مادرزاد است و بر انجام چیزی توانائی ندارد و سربار صاحب خود بوده و به هرجا او را بفرستد نفعی نخواهد داشت. آیا او (که گنگ و ناتوان و سربار و بیفائده است) برابر با کسی است که (زبان‌آور و کارکن و نان‌آور و سراپا خیر و برکت است و مرتّباً دیگران را) به عدل و داد می‌خواند و در جاده صاف و راست قرار دارد (و دارای روش پسندیده و برنامه درست در زندگی است؟).

توضیحات:

«أَبْكَمُ»: گنگ مادرزاد (نگا: مفردات راغب اصفهانی). «كَلٌّ»: سربار. کسی که در زندگی تنبل و بیکار بوده و ریزه‌خوار خوان دیگران باشد. «هَلْ یَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ...»: مراد بت‌پرست و خداپرست است، یا این که مراد مقایسه بت‌های ناتوان با خداوند قادر

مطلق و متصرّف در امور جهان است؛ چرا که بت‌ها گنگ و ناتوان و سربار پرستنده خود می‌باشند و خداوند سمیع و علیم و دعوت‌کننده مردمان به‌سوی خوبی‌ها و نیکی‌ها است و پرستندگان خود را به راه راستی رهبری می‌کند که منتهی به سعادت در دنیا و خوشبختی در آخرت است.

سوره نحل آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَآ أَمۡرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ أَوۡ هُوَ أَقۡرَبُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٧٧﴾

ترجمه:

غیب آسمان‌ها و زمین را خدا می‌داند و بس، کار (برپائی) قیامت (و زنده‌گرداندن مردمان در آن، برای خدا ساده و آسان است و از لحاظ سرعت و سهولت، درست) به اندازه چشم برهم زدن و یا کوتاه‌تر از آن است. بی‌گمان خدا بر هر چیزی توانا است (چرا که قدرت بی‌انتهاء است).

توضیحات:

«لَمْحِ»: چشم برهم زدن. «لَمْحِ الْبَصَرِ»: مثلی است که برای کوتاهی زمان زده می‌شود. «أَقْرَبُ»: نزدیکتر. در اینجا مراد کوتاه‌تر و کمتر است.

سوره نحل آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی (از جهان دور و بر خود) نمی‌دانستید، و او به شما گوش و چشم و دل داد تا (به وسیله آنها بشنوید و ببینید و بفهمید و نعمت‌هایش را) سپاسگزاری کنید.

توضیحات:

«السَّمْعَ»: حسّ شنوائی. گوش. «الأبْصَارَ»: جمع بَصَر، حسّ بینائی. چشم. «الأفْئِدَةَ»: جمع فؤاد. دل. مراد ادراک و تمییز است.

سوره نحل آیه ۷۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

مگر پرندگان را نمی‌بینند که در فضای آسمان رام و فرمانبردارند و کسی جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد (و خواصّ فیزیکی خاصّ را در اندام پرندگان و قابلیت پرواز را در فضا ایجاد نمی‌سازد). واقعاً در این (امکان پرواز به هوا و جولان در فضا) نشانه‌هائی (از عظمت و قدرت خدا) برای کسانی است که (به چیزهائی که پیغمبران به ارمغان آورده‌اند) ایمان دارند.

توضیحات:

«الطَّيۡرِ»: پرنده. پرندگان. لفظی است که بر یک و بیشتر دلالت می‌کند. «مُسَخَّرَٰتٖ»: رام. فرمانبردار (نگا: بقره / ۱۶۴، اعراف / ۵۴). در اینجا مراد این است که خداوند نیروئی در بال و پر پرندگان و خاصّیتی در فضای آسمان قرار داده است که بدان‌ها این امکان را می‌دهد که برخلاف قانون جاذبه به هوا پرواز کنند و به شکل هواپیماهای زنده‌ای جلوه‌گر شوند و یکی از شگفتی‌های جهان هستی باشند.

سوره نحل آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ٨٠﴾

ترجمه:

خدا است که (به شما قدرت آن را داده است که بتوانید برای خود خانه‌سازی کنید و) خانه‌هایتان را محلّ آرامش و آسایشتان گردانده است، و از پوست‌های چهارپایان (با ایجاد خواصّ ویژه) چادرهائی برایتان ساخته است که در سفر و حضر خود آنها را (به آسانی جابجا می‌کنید و) سبک می‌یابید، و از پشم و کرک و موی چهارپایان وسائل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را فراهم کرده است که تا مدّتی (که زنده‌اید) از

آنها استفاده می‌کنید (و پس از پایان این جهان، نه شما می‌مانید و نه نعمت‌های آن).

توضیحات:

«سَکَناً»: مصدر است و مفرد و جمع در آن یکسان است (نگا: قرطبی). مایه سکون و آرامش (نگا: توبه / ۱۰۳) اسم مصدر و به معنی اسم مفعول، یعنی مسکون بوده (نگا: آلوسی) در این صورت معنی آن چنین است: موضوع و مکان سکونت و آرامش (نگا: انعام / ۹۶). «تَسْتَخِفُّونَهَا»: آن را سبک و خفیف می‌یابید. «ظَعْن»: سفر. کوچ. «أَصْواف»: جمع صُوف، پشم. «أَوْبَار»: جمع وَبَر، کرک. «أَشْعَار»: جمع شَعْر، مو. «أَثَاثاً»: ابزار و وسائل منزل. «مَتاعاً»: البسه و زینت‌آلات. «أَثَاثاً وَ مَتَاعاً»: عطف بر (بُیُوتاً) است. «إِلَیا حِینٍ»: تا مدّتی از زمان. مراد سررسید استفاده از نعمت‌ها، یا دم مرگ انسان، و یا این که اتمام جهان است.

سوره نحل آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡجِبَالِ أَكۡنَٰنٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ ٨١﴾

ترجمه:

خداوند سایه‌هائی برایتان از چیزهائی که آفریده است پدیدآورده، و پناهگاه‌هائی برایتان از کوهها ساخته است، و (طرز ساختن و استفاده از لباس‌ها را به شما آموخته است و بدین‌وسیله) جامه‌هائی برایتان تهیه دیده است که شما را از (اذیت) گرما و (آزار) جنگ محفوظ نگاه می‌دارد. بدین‌گونه خدا نعمت‌های خود را بر شما اتمام می‌بخشد تا این که (حسّ قدردانی و شکرگزاری در درونتان بیدار و) مطیع و مخلص او گردید (و تنها او را خدا بدانید و فقط از وی فرمانبرداری کنید).

توضیحات:

«ظِلال»: جمع ظِلّ، سایه‌ها. «أَکْنَاناً»: جمع کنّ، پناهگاه‌ها، مراد غارها و شکاف‌های کوه‌ها است. «سَرَابِیلَ»: جمع سِرْبال، هر نوع لباس و هرگونه جامه‌ای. در اینجا مراد زره و خفتان و کلاه خود و دیگر جامه‌های جنگی است. «بَأْس»: جنگ. اذیت و آزار و

شدائد ناگوار جنگ. «تُسْلِمُونَ»: تسلیم فرمان خدا و مخلص در عبادت او می‌گردید.

سوره نحل آیه ۸۲

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٨٢﴾

ترجمه:

با این همه اگر آنان روی برتابند (و تسلیم دعوت نشوند و حق را گردن ننهند، باک نداشته باش که گناهی بر تو نیست. چرا که) وظیفه تو تنها تبلیغ آشکار است (و آن را هم به جای آورده‌ای).

توضیحات:

«الْبَلاغُ»: ابلاغ. تبلیغ. رساندن. «الْمُبِينُ»: آشکار و بی‌پرده. بیان‌گر فرمان یزدان و روشن‌گر درست از نادرست کارهای مردمان.

سوره نحل آیه ۸۳

متن آیه:

﴿يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

(کوردلان لجوج چون ایشان) نعمت خدا را می‌شناسند و با وجود شناخت و آگاهی، (در عمل) آن را انکار می‌کنند (و ناسپاسش می‌گذارند) و بیشترشان (با تقلید از آباء و اجداد خود) کافرند (و بعدها گروه اندکی از آنان ایمان می‌آورند و اسلام را می‌پذیرند).

توضیحات:

«أَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ»: بیشتر آنان به سبب تعصّب کورکورانه، دشمنی با حق، مقدم شمردن زندگی دنیوی بر اخروی، خود برتربینی، شهوترانی و لذّت‌پرستی و دیگر آلودگیها است که کفر می‌ورزند، و گروه اندکی از آنان به سبب بی‌خردی و نادانی در اشتباهند، و اقلیتی هم بعدها ایمان می‌آورند.

سوره نحل آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

روزی (که قیامت فرا می‌رسد) از هر ملّتی گواهی را (که در دنیا پیغمبرشان بوده است) برمی‌انگیزیم (تا علاوه بر آگاهی خدا از احوال ایشان، و شهادت همه اندامشان، بر آنان شهادت دهد و موجب شرمساری و رسوائی بیشترشان گردد. در آن دادگاه پس از شهادت شهود و قرار گرفتن در برابر عذاب الهی) دیگر به کافران اجازه داده نمی‌شود (لب از لب بگشایند و معذرت‌خواهی نمایند) و (از سوی پیغمبران) از ایشان خواسته نمی‌شود که جلب رضایت و تقاضای گذشت نمایند (چرا که فرصت جلب رضایت خدا با گفتار و کردار گذشته است، و هنگام رویاروئی با نتائج اقوال و اعمال و بازتاب پندار و رفتار دنیوی فرا رسیده است).

توضیحات:

«شَهِیداً»: شاهد و گواهی. مراد پیغمبر هر ملّتی است (نگا: نساء / ۴۱، نحل / ۸۹). «وَ لا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ»: از ایشان خواسته نمی‌شود که رضایت خدا را جلب کنند و خوشنودی او را فراچنگ آورند. (یُسْتَعْتَبُونَ) از مصدر استعتاب به معنی عُتْبی طلبیدن یعنی رضایت خواستن است.

سوره نحل آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

هنگامی که کافران عذاب جهنّم را می‌بینند (و درخواست می‌کنند که چیزی از آن برای‌شان تخفیف داده بشود،) نه برای‌شان تخفیف داده می‌شود و نه چندان مهلت عطاء می‌گردد (که دیرتر به دوزخ درآیند).

توضیحات:

«ظَلَمُوا»: کفر ورزیده‌اند. «لا هُمْ یُنظَرُونَ»: مهلت و فرصت داده نمی‌شوند.

سوره نحل آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٨٦﴾

ترجمه:

و هنگامی که مشرکان انبازهای خود را می‌بینند (که در دنیا آن‌ها را معبودهای خویش می‌پنداشتند) می‌گویند: پروردگارا! این‌ها انبازهای ما هستند که (اشتباهاً در دنیا) به غیر از تو می‌پرستیدیم و (به فریادشان می‌خواندیم. پروردگارا برخی از عذاب ما را بدی‌شان حوالت گردان و از عذاب ما بکاه. چرا که ایشان بودند که ما را به عبادت خود می‌خواندند. معبودهای دروغین مشرکین پاسخ می‌دهند و) خطاب بدی‌شان می‌گویند: بی‌گمان شما دروغگوئید. (کی ما از شما خواسته‌ایم که ما را بپرستید و به فریادمان بخوانید؟! این خودتان بودید که به دنبال آرزوها و خیال‌پردازیها روان می‌شدید و بندگان ضعیف چون ما را معبود و فریادرس تصوّر می‌کردید).

توضیحات:

«کُنَّا نَدْعُو»: می‌پرستیدیم. به فریادشان می‌خواندیم و برآورنده امال‌شان می‌دانستیم. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «مِن دُونِكَ»: به جای تو. به غیر از تو. «أَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ»: سخن‌شان را به خودشان برمی‌گردانند. پاسخ سخن‌شان را می‌دهند و تکذیب‌شان می‌کنند.

سوره نحل آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَأَلْقَوْاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوْمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

(چنین ستمکارانی پس از آن همه سرکشی و تکبّر دنیوی، جملگی) در آن روز در پیشگاه خدا سرتسلیم فرود می‌آرند، (و فرمان او را گردن می‌گذارند) و آنچه به هم می‌بافتند (و هرگونه قدرت و عظمت و شفاعتی که برای بت‌ها و معبودهای خویش قائل بودند، همه و همه بر باد می‌رود و از دسترس‌شان دور و) از آنان گم و ناپیدا می‌شود.

توضیحات:

«السَّلَمَ»: خضوع و تسلیم (نگا: نحل / ۲۸). «ضَلَّ عَنْهُمْ...»: از آنان گم می‌شود. اثری و نشانی از آن نمی‌بینند.

سوره نحل آیه ۸۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

کسانی که کفر می‌ورزند و (مردمان را) از راه خدا باز می‌دارند، عذابی بر عذاب‌شان می‌افزائیم (و) در برابر فسادی که می‌نمایند (مجازات ایشان را مضاعف می‌گردانیم).

توضیحات:

«زِدْنَاهُمْ عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ»: عذابی ناشی از گمراهسازی مردمان و به دور داشتن ایشان از ایمان، بر عذاب کفرشان می‌افزائیم. عذاب‌شان را مضاعف و چندین برابر می‌گردانیم.

سوره نحل آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ٨٩﴾

ترجمه:

روزی در میان هر ملّتی گواهی از خودشان بر آنان می‌گماریم (که در دنیا پیغمبر ایشان بوده است)، و تو را (ای محمّد!) بر اینان (که هم اینک در جهان هستند و یا این که بعدها به وجود می‌آیند) گواه می‌گیریم، (و از تو درباره عملکرد مسلمانان به قرآن و دوری گزیدنشان از آن می‌پرسیم. قرآنی که برنامه کامل و جامعی در بر دارد) و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرده‌ایم که بیان‌گر همه‌چیز (امور دین مورد نیاز مردم) و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده‌رسان مسلمانان (به نعمت جاویدان یزدان) است.

توضیحات:

«شَهِیداً»: شاهدی. گواهی. مراد پیغمبر هر ملّتی است که شاهد عملی بوده و وجودش الگو و میزان سنجش حق و باطل کارهای مردمان موجود در دائره زمان نبوّت خود است. «هؤلآءِ»: اینان. مراد مسلمانان و همه مردمان جهان است که پس از بعثت پیغمبر اسلام، دعوت به پذیرش اسلام شده‌اند. «الْکِتَابَ»: قرآن. «تِبْیَاناً»: بیان. بیانگر. حال یا مفعول‌له است. «کُلَّ شَيْءٍ»: مراد همه امور اصولی مربوط به دین است

که برای تکامل فرد و جامعه در تمام جنبه‌های مادی و معنوی لازم و ضروری است؛ نه این که قرآن یک دائره‌المعارف بزرگی از همه جزئیات علوم و فنون گذشته و حال و آینده جهان باشد. «هُدیً»: هدایت. هادی. رهنمود و راهنمای به راه حق و حقیقت. «رَحْمَةً»: وسیله رحمت برای جمیع مردمان جهان. «بُشْرَیا»: مژده. مژده‌رسان. مژده‌دهنده پیروان خود به سعادت دو جهان.

سوره نحل آیه ۹۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾

ترجمه:

خداوند به دادگری، و نیکوکاری، و نیز بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد، و از ارتکاب گناهان بزرگ (چون شرک و زنا)، و انجام کارهای ناشایست (ناسازگار با فطرت و عقل سلیم)، و دست‌درازی و ستمگری نهی می‌کند. خداوند شما را اندرز می‌دهد تا این که پند گیرید (و با رعایت اصول سه‌گانه عدل و احسان و ایتاء ذی‌القربی، و مبارزه با انحرافات سه‌گانه فحشاء و منکر و بغی، دنیائی آباد و آرام و خالی از هرگونه بدبختی و تباهی بسازید).

توضیحات:

«إِیتَآءِ»: عطاء کردن. پرداختن. «ذِي الْقُرْبَیا»: خویشاوندان. نزدیکان. «الْفَحْشَآءِ»: گناهان بسیار ناشایست و نابایست. از قبیل: زنا و شرک. «الْمُنکَرِ»: زشت و پلشت. کارهای نامعقولی که با فطرت سلیم سازگار نیست. عطف عامّ بر خاصّ است. «الْبَغْيِ»: تجاوز به حقوق دیگران. ستمگری.

سوره نحل آیه ۹۱

متن آیه:

﴿وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٩١﴾

ترجمه:

به پیمان خدا (که با همدیگر می‌بندید) وفا کنید هرگاه که بستید، و سوگندها را پس از تأکید (آنها با قَسمِ به نام و ذات خدا) نشکنید، در حالی که خدای را آگاه و گواه (بر معامله و وفای به عهد) خود گرفته‌اید. بی‌گمان خدا می‌داند آنچه را که می‌کنید (و پاداش و پادافره کردارتان را می‌دهد).

توضیحات:

«عَهْدِ الله»: پیمان خدا. مراد همه عهود و پیمانهائی است که خدا انجام آنها را از مردم خواسته است و یا این که مردمان با یکدیگر می‌بندند و خدا را بر وفای بدان‌ها گواه می‌گیرند و بر کارشان آگاه می‌دانند (نگا: آل‌عمران / ۷۷، أنعام / ۱۰۲...). «الأيْمَانَ»: جمع یمین، سوگندها. «تَوْكِيدِ»: تأکید. استوار داشتن قسم با یاد آن به نام و ذات خدا. از ماده (وکد). «كَفِيلاً»: آگاه و گواه. کسی که پیمان‌ها زیر نظر او بسته می‌شود و وفا یا عدم وفای بدان‌ها را می‌پاید.

سوره نحل آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ۝٩٢﴾

ترجمه:

شما (که با پیمان بستن به نام خدا تعهّدی را می‌پذیرید، به عهد خود وفا کنید و) همانند آن زنی نباشید که (به سبب دیوانگی، پشم‌های) رشته خود را بعد از تابیدن، از هم وا می‌کرد. شما نباید به خاطر (ملاحظه این و آن و) این که گروهی، جمعیت‌شان از گروه دیگری بیشتر است، (پیمان‌ها و) سوگندهای خود را (بشکنید و آن را) وسیله خیانت و تقلب و فساد قرار دهید. (آگاه باشید که) خداوند با امر به وفای به عهد، شما را مورد آزمایش قرار می‌دهد. و (خداوند نتیجه این آزمایش و) آنچه را در آن اختلاف می‌ورزیده‌اید در روز قیامت برای شما آشکار می‌سازد (و پرده از اسرار دل‌ها برمی‌دارد).

توضیحات:

«نَقَضَتْ»: از هم وا کرد. از هم واگشاد. «غَزْلَ»: تابیده شده. رشته شده. غَزْل مصدر

است و به معنی اسم مفعول، یعنی مَغْزُول به کار رفته است. «قُوَّةٍ»: مراد تابیدن و استحکام بخشیدن است. «أَنْكَاثاً»: جمع نِکث، رشته از هم واشده و باز گشوده. حال مؤکده از (غَزْلَ) یا مفعول دوم (نَقَضَتْ) است که متضمّن معنی (جَعَلَت) می‌باشد و یا این که مفعول مطلق است و معنی چنین است: نَكَثَتْ نكثاً. «دَخَلاً»: مکر و خدعه، فساد و عداوت. «أَرْبَىٰ»: زیادتر. فراوان‌تر. از مصدر (ربو) به معنی زیادت. «تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلاً بَيْنَكُمْ»: حال ضمیر (و) در فعل (لا تَكُونُوا) است. «أَن تَكُونَ...»: تقدیر چنین است: «لإِن تَكُونَ». به سبب «أَن تَكُونَ». «مَخافَةَ أَن تَكُونَ». «بِهِ»: ضمیر (ه) برمی‌گردد به امر به وفای به عهد، یا به مصدر حاصل از (أَن تَكُونَ)، یا مصدر مفهوم از واژه (أَرْبیٰ) که (ربو) است، و یا این که راجع است به حاصل معنی که نفس کثرت است.

سوره نحل آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِي مَن يَشَآءُ ۚ وَلَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾

ترجمه:

اگر خدا می‌خواست شما را ملّت واحدی می‌کرد (و در جنس و رنگ و استعداد و ایمان فرقی نمی‌داشتید و همچون فرشتگان راهی را به اجبار در پیش می‌گرفتید و از خود اختیاری نمی‌داشتید. امّا خدا خواست که شما را متفاوت بیافریند و آزاد بگذارد تا با اختیار خود کارهای نیک یا بد بکنید و مستوجب بهشت یا دوزخ بشوید). لیکن (بدانید که در هر حال از حیطه قدرت خدا خارج نیستید، و) هر که را بخواهد گمراه می‌نماید و هر که را بخواهد هدایت عطاء می‌فرماید، (امّا برابر قوانین و سنن الهی، لذا این هدایت و اضلال، هرگز سلب مسؤولیت از شما نمی‌کند) و به طور قطع در برابر کارهائی که می‌کنید (مسؤولید و) از شما بازخواست می‌شود.

توضیحات:

«أُمَّةً وَاحِدَةً»: ملّت واحده و یکتا در روش و منش و کنش همه یکسان همچون فرشتگان مؤمن و باایمان می‌شدید (نگا: یونس / ۹۹). «يُضِلُّ مَنْ...»: (نگا: أنعام / ۳۹).

سوره نحل آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ فَتَزِلَّ قَدَمُۢ بَعۡدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَكُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٩٤﴾

ترجمه:

سوگندهایتان را در میان خود وسیله نیرنگ و فساد نسازید (و مردمان را با قسم‌های دروغ گول نزنید و از راه راست به در نکنید. اگر سوگند و قسم یاد کنید و بدان وفا نکنید، این امر) سبب می‌شود که گام‌های ثابت (بر ایمان و گذارده در جاده مستقیم مردمان) از جای بلغزد، و به سبب جلوگیری از راه خدا (با رفتار ناهنجاری که می‌ورزید، در دنیا) دچار بلا و بدی بشوید، و در آخرت عذاب بزرگی داشته باشید.

توضیحات:

«دَخَلاً»: (نگا: نحل / ۹۲). «فَتَزِلَّ قَدَمٌ»: پای از جای بلغزد. لغزش پا کنایه است از: دچار آمدن کسی به هلاکت بعد از سلامت، و به محنت بعد از نعمت، و به مصیبت بعد از عافیت.

سوره نحل آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَلَا تَشۡتَرُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ إِنَّمَا عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

پیمان یزدان را به بهای اندک (جهان) نفروشید (و به خاطر منافع ناچیز مادی، عهدشکنی نکنید). بی‌گمان آنچه نزد خدا برای شما (محافظین عهود) است، بهتر است (از آنچه برای آن پیمان‌شکنی می‌کنید)، اگر از حقیقت کار و واقعیت روزگار آگاه باشید و خوب و بد خود را بدانید.

توضیحات:

«لا تَشْتَرُوا»: (نگا: بقره / ۱۶، آل‌عمران / ۱۷۷). «ثَمَناً قَلِیلاً»: بهای اندک. قیمت ناچیز. مراد این است که هرگونه بها و کالائی، حتّی اگر تمام دنیا هم باشد در برابر عهدشکنی ناچیز است.

سوره نحل آیه ۹۶

متن آیه:

﴿مَا عِندَكُمۡ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖۗ وَلَنَجۡزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

آنچه نزد شما (مردمان از نعمت جهان) است ناپایدار و فانی است، و آنچه نزد خدا است ماندگار و باقی است. و ما پاداش زیباترین اعمال شکیبایان را می‌دهیم (که ایستادگی بر پیمان و وفای به عهد است).

توضیحات:

«یَنفَدُ»: تمام می‌شود. فانی می‌گردد (نگا: کهف / ۱۰۹). «بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: کالای عمل متوسّط و خوب و عالی صابران را عالی به حساب می‌آوریم و یکسان به قیمت عالی می‌خریم و پاداش می‌دهیم. پاداش بهترین کار ایشان را خواهیم داد که صبر است و از جمله آن پایبند بودن به عهد و پیمان. کارهای ایشان را با پاداش بهتر و زیباتر از کارهایشان سزا می‌دهیم که جزای مضاعف است.

سوره نحل آیه ۹۷

متن آیه:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾

ترجمه:

هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، بدو (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و (در آن دنیا) پاداش (کارهای خوب و متوسّط و عالی) آنان را بر طبق بهترین کارهایشان خواهیم داد.

توضیحات:

«فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً»: حتماً بدو زندگی خوشایند و پاکیزه‌ای می‌بخشیم. مراد زندگی فردی لبریز از قناعت و رضایت و شکیبائی بر مصائب جهان و شکر بر نعمت‌های یزدان، و به تبع آن زندگی جمعی قرین با آرامش و امنیت و رفاه و صلح و صفا و محبّت و دوستی و تعاون و همکاری و دیگر مفاهیم سازنده انسانی است.

سوره نحل آیه ۹۸

متن آیه:

﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٩٨﴾

ترجمه:

هنگامی که خواستی قرآن بخوانی، از وسوسه‌های شیطان مطرود (از رحمت یزدان) به خدا پناه ببر (تا اهریمن تو را از فهم معنی قرآن و عمل بدان باز ندارد).

توضیحات:

«فَاسْتَعِذْ بِاللهِ...»: به خدا پناه ببر و خویشتن را در پناه او بدار. مراد گفتن: (أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) به هنگام خواندن قرآن در نماز و جز آن است. با توجّه بدین نکته که این پناه بردن و استعاذه گفتن، تنها نباید محدود به گفتار باشد، بلکه باید از ته دل از خدا خواست که مدد فرماید و اهریمن را از محیط فکر انسان به دور و سایر موانع را از سر راه فهم قرآن بردارد تا جمال دلارای حقیقت جلوه‌گر آید. «الرَّجِيمِ»: مطرود. ملعون. فَعیل به معنی مَفْعُول است (نگا: آل‌عمران / ۳۶).

سوره نحل آیه ۹۹

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٩٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان شیطان هیچ‌گونه تسلّطی بر کسانی ندارد که ایمان دارند و بر پروردگارشان تکیه می‌نمایند.

توضیحات:

«سُلْطانٌ»: تسلّط. قدرت (نگا: حجر / ۴۲).

سوره نحل آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ هُم بِهِۦ مُشۡرِكُونَ ١٠٠﴾

ترجمه:

بلکه تنها تسلّط شیطان بر کسانی است که او را به دوستی می‌گیرند و به واسطه او شرک می‌ورزند (و خدایان و بتانی را در عبادت انباز خدا می‌سازند).

توضیحات:

«يَتَوَلَّوْنَهُ»: او را به دوستی می‌گیرند. او را به رهبری و سرپرستی خود انتخاب می‌کنند. «بِهِ مُشْرِكُونَ»: به سبب وجود اهریمن و پا در میانی او شرک می‌ورزند. در این صورت حرف باء سببیه است. یا این که: نسبت به خدا مشرکند. در این صورت حرف باء برای تعدّیه است.

سوره نحل آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا بَدَّلْنَآ ءَايَةً مَّكَانَ ءَايَةٍ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مُفْتَرٍۭ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝١٠١﴾

ترجمه:

هرگاه آیه‌ای (از قرآن) را به جای آیه دیگری (از تورات و انجیل) قرار دهیم (و برخی از احکام قرآن را جایگزین برخی از احکام کتاب‌های پیشین گردانیم) و خدا خود بهتر می‌داند که چه چیز را نازل می‌کند (و حکمت این تعویض و تبدیل چیست، کافران) می‌گویند: تو (ای محمّد!) بی‌گمان بر زبان خدا دروغ می‌بندی (و از پیش خود چیزهائی به هم می‌بافی و به نام خدا ارائه می‌دهی. امّا چنین نیست که ایشان می‌گویند و) بلکه بیشتر آنان ناآگاهند (و اهل علم و معرفت نیستند و از فلسفه تعویض احکام در مراحل انتقالی جامعه بی‌خبرند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: مراد جایگزین کردن احکام تازه قرآن به جای احکام کتاب‌های پیشین پیغمبران است (نگا: بقره / ۱۴۲، أنعام / ۱۴۵ و ۱۴۶). و شاید مراد نسخ آیه‌ای از قرآن توسّط آیه دیگری از آن باشد که خداوند بخواهد برای بهبود جامعه بیمار ادویه و اطعمه آنان را کم و بیش و تعویض و تبدیل کند. «مُفْتَرٍ»: دروغ‌پرداز. بهم بافنده دروغ و ناروا از زبان خدا.

سوره نحل آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝١٠٢﴾

ترجمه:

بگو: قرآن را جبرئیل از سوی پروردگارت به حق نازل کرده است تا مؤمنان را (در مسیر خود) ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارت برای مسلمانان باشد.

توضیحات:

«رُوحُ الْقُدُسِ»: اضافه موصوف به صفت است و به معنی روح پاک است که مراد جبرئیل، فرشته وحی است. «بِالْحَقِّ»: (نگا: بقره / ۱۷۶، نساء / ۱۰۵، حجر / ۶۴). «هُدىً وَ بُشْرَىٰ»: منصوبند و عطف بر محلّ (لِيُثَبِّتَ) می‌باشند و مفعولٌ‌له بشمارند. تقدیر چنین است: «تَثْبِيتاً لَهُمْ وَ هِدَايَةً وَ بِشَارَةً». می‌توان آن دو را مرفوع و خبر مبتدای محذوف دانست و جمله (وَ هُدىً وَ بُشْرَىٰ) را حالیه گرفت برای ضمیر (ه) در (نَزَّلَهُ).

سوره نحل آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ ١٠٣﴾

ترجمه:

ما می‌دانیم که (کفّار مکه تهمت می‌زنند و) ایشان می‌گویند: (این آیات قرآنی را خدا به محمّد نمی‌آموزد و بلکه) آن را انسانی (به نام جبر رومی) بدو می‌آموزد. زبان کسی که (آموزش قرآن را) به او نسبت می‌دهند، گنگ و غیر عربی است و این (قرآن) به زبان عربی گویا و روشنی است (که حتی شما عرب‌ها هم در فصاحت و جزالت آن حیران و از ساختن و ارائه کردن یک سوره‌اش ناتوان و درمانده‌اید).

توضیحات:

«بَشَرٌ»: مرادشان جوانی به نام جبر بود که اهل روم و مسیحی بود و در مکه به ساختن شمشیر اشتغال و تا اندازه‌ای با تورات و انجیل آشنائی داشت. «يُلْحِدُونَ»: متمایل می‌سازند و گرایش می‌دهند. مراد نسبت دادن است. «أَأَعْجَمِيٌّ»: گنگ و نارسا. غیر عربی (نگا: شعراء / ۱۹۸، فصّلت / ۴۴).

سوره نحل آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٠٤﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند کسانی را (به سوی حق و حقیقت و راه نجات و سعادت) رهنمود نمی‌سازد که به آیات خدا ایمان نیاورند، (و ایشان به سبب کفرشان به آیات قرآن، در آخرت) عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«لا یَهْدِیهِمُ اللهُ»: خداوند ایشان را توفیق نمی‌دهد و راهیاب نمی‌گرداند.

سوره نحل آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي ٱلْكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰذِبُونَ ﴿١٠٥﴾﴾

ترجمه:

تنها و تنها کسانی (بر زبان خدا) دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان نداشته باشند. و در حقیقت آنان دروغگویان واقعی هستند (نه محمّد امین. چرا که چنین کسانی از خدا و مجازات او باکی ندارند و هر وقت مصلحت بدانند، بر زبان دروغ می‌رانند).

توضیحات:

«یَفْتَرَیا»: افتراء می‌کنند. دروغ می‌بندند (نگا: آل‌عمران / ۲۴ و ۹۴، یونس / ۵۹).

سوره نحل آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُۥ مُطْمَئِنٌّۢ بِٱلْإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾﴾

ترجمه:

کسانی که پس از ایمان آوردنشان کافر می‌شوند - بجز آنان که (تحت فشار و اجبار) وادار به اظهار کفر می‌گردند و در همان حال دل‌هایشان ثابت بر ایمان است - آری! چنین کسانی که سینه خود را برای پذیرش مجدّد کفر گشاده می‌دارند (و به دلخواه خود دوباره کفر را می‌پذیرند)، خشم تند و تیز خدا (در دنیا) گریبانگیرشان می‌شود، و (در آخرت، کیفر و) عذاب بزرگی دارند.

توضیحات:

«أُكْرِهَ»: مجبور گردد. وادار شود. «قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالإِيمَانِ»: دل او ثابت بر ایمان و ماندگار بر آن است. «مَن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْراً»: کسی که از کفر خوشحال و بدان معتقد گردد. واژه (صَدْراً) تمییز است. «شَرَحَ»: مراد از شرح صدر، باز کردن آن برای قبول و پذیرش چیزی است (نگا: أنعام / ۱۲۵، طه / ۲۵، شرح / ۱).

سوره نحل آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ١٠٧﴾

ترجمه:

این (خشم خدا و عذاب بزرگ) بدان خاطر است که آنان زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح می‌دهند و گرامی‌ترش می‌دارند، و خداوند گروه کافران را (به سوی بهشت) رهنمود نمی‌گرداند.

توضیحات:

«ذلِكَ»: این برگشت به کفر. این خشم خدا و عذاب بزرگ. «إِسْتَحَبُّوا»: (نگا: توبه / ۲۳، ابراهیم / ۳).

سوره نحل آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ١٠٨﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خدا بر دل‌ها و گوش و چشمان‌شان مُهر نهاده است (و به سبب زشتی‌ها و پلشتی‌هایشان، دریچه عقل‌شان را به روی همه حقائق بسته است، و حسّ تشخیص و قدرت تمییز را از ایشان گرفته است). و چنین افرادی (با آویزان بودن پرده‌های غفلت و بی‌خبری به دل و چشم و گوش‌شان، که ابزار شناخت انسانند) غافلان واقعی می‌باشند.

توضیحات:

«طَبَعَ»: (نگا: بقره / ۷، نساء / ۱۵۵، توبه / ۹۳، اعراف / ۱۰۰ و ۱۰۱).

سوره نحل آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٠٩﴾

ترجمه:

بدون شک در آخرت تنها آنان زیانکارند (چرا که بر اثر پیروی از هوی و هوس، سرمایه عمر را باخته و سعادت جاوید را از دست داده‌اند و به شکنجه‌گاه دوزخ گرفتار آمده‌اند).

توضیحات:

«لا جَرَمَ»: به ناچار. قطعاً (نگا: هود / ۲۲، نحل / ۲۳ و ۶۲).

سوره نحل آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١٠﴾

ترجمه:

سپس (بدان ای محمّد! که) پروردگار تو نسبت به کسانی که مورد شکنجه و آزار (کفّار قریش در مکه) قرار گرفتند و بعد از آن (راهی دیار غربت شدند و هجرت کردند و با مال و جان، تلاش و) جهاد نمودند و (در برابر سختی‌ها و گرفتاریهای حفظ دین و تبلیغ آئینشان) شکیبائی ورزیدند، دارای مغفرت و مرحمت بسیاری است.

توضیحات:

«فُتِنُوا»: سخت شکنجه و عذاب داده شدند (نگا: بروج / ۱۰). با اذیت و آزار از دین برگردانده شدند. «مِن بَعْدِها»: ضمیر (ها) به مذکورات قبلی، یعنی هجرت و جهاد و صبر، و یا این که فتنه مفهوم برمی‌گردد.

سوره نحل آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١١١﴾

ترجمه:

روزی، هر کسی می‌آید و به دفاع از خود برمی‌خیزد (و جز درباره نجات خود نمی‌اندیشد، و پدران و مادران از فرزندان، فرزندان از پدران و مادران، خویشاوندان از نزدیکان، دوستان از رفیقان، و بالاخره همگان از همگان بیزار و گریزانند!) و به هر فردی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می‌شود و به هیچ کسی (کمترین) ستمی نمی‌شود.

توضیحات:

«یَوْمَ»: یاد کن روزی را که. خدا نسبت به مهاجران جهاد پیشه و شکیبا، دارای مغفرت و مرحمت است در روزی که... مراد قیامت است. واژه (یَوْمَ) ظرف (رَحیمٌ) در آیه قبلی، یا مفعول به فعل محذوف (أُذْکُرْ) است.

سوره نحل آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢﴾

ترجمه:

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند، داستان) مردمان شهری را مثل می‌زند که در امن و امان بسر می‌بردند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به‌سویشان سرازیر می‌شد، امّا آنان کفران نعمت خدا کردند، و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند، گرسنگی و هراس را بدی‌شان چشانید (و نعمتها را از ایشان سلب گردانید و بلاها بدانان رسانید).

توضیحات:

«قَرْیَةً»: آبادی بزرگ. مراد شهر مکه یا جز آن است. در هر صورت در اینجا مراد اهل آنجا است (نگا: أعراف / ۴، هود / ۱۰۲، محمّد / ۱۳). بدل از (مَثَلاً) یا مفعول‌به دوم (ضَرَبَ) است که متضمّن معنی (جَعَلَ) می‌باشد (نگا: نحل / ۷۵). «رَغَداً»: فراوان. آسان. حال یا صفت است (نگا: بقره / ۳۵ و ۵۸). «لِباسَ». جامه... کنایه از احاطه و

فراگیری است.

سوره نحل آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١١٣﴾

ترجمه:

پیغمبری از خود آنان به‌سوی ایشان آمد (و همگان را به آئین حق دعوت کرد) امّا آنان دروغگویش نامیدند (و دعوتش را نپذیرفتند)، پس عذاب (الهی) ایشان را در حال ستمگری فرو گرفت.

توضیحات:

«وَ هُمْ ظالِمُونَ»: در حالی که ظالم و ستمگر بودند. در حین ستمگریشان.

سوره نحل آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤﴾

ترجمه:

(حال که چنین است، شما ای مؤمنان! همچون ایشان نباشید و) از روزیهای حلال و پاکیزه‌ای بخورید که خدا قسمت شما می‌گرداند، و شکر نعمت خدا را به جا آورید، اگر وی را می‌پرستید (و جز او را عبادت و پرستش نمی‌کنید).

توضیحات:

«حَلالاً طَيِّباً»: در حالی که حلال و پاکیزه باشد. حال اوّل و دوم (ما) است (نگا: بقره / ۱۶۸، مائده / ۸۸، أنفال / ۶۹، یونس / ۵۹).

سوره نحل آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١٥﴾

ترجمه:

(آنچه را که مشرکان حرام می‌دانند، حرام نیست، بلکه خداوند) تنها مردار و خون و

گوشت خوک و آنچه نام غیرخدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته شده باشد (و به نام بتان و شبیه آنها سر بریده شود) بر شما حرام کرده است. ولی اگر آن کس که مجبور شود (به خاطر حفظ جان، از آن اشیاء حرام بخورد) در صورتی که علاقه‌مند (به خوردن و لذّت بردن از چنین چیزهائی) نبوده و متجاوز (از حدّ سدّ جوع هم) نباشد، (بر آنان ایرادی نیست؛ چرا که) خداوند بس آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«إِنَّمَا حَرَّمَ...»: (نگا: بقره / ۱۷۳، أنعام / ۱۴۵).

سوره نحل آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ١١٦﴾

ترجمه:

(خداوند حلال و حرام را برایتان مشخّص کرده است) و به خاطر چیزی که تنها (از مغز شما تراوش کرده و) بر زبانتان می‌رود، به دروغ مگوئید: این حلال است و آن حرام، و در نتیجه بر خدا دروغ بندید. کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌گردند.

توضیحات:

«لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمْ»: به خاطر چیزی که سخنی بیش نیست و تنها بر زبانتان می‌رود، و پشتوانه‌ای از وحی آسمانی و دلیل عقلانی ندارد. (الْكَذِبَ): مفعول‌به (لا تَقُولُوا) است. «هذا حَلالٌ وَ هذا حَرامٌ»: بدل (الْكَذِبَ) است. « لِتَفْتَرُوا عَلَي الله الْكَذِبَ»: تا بر خدا دروغ بندید. مراد این است که چون آنان به دروغگوئی عادت دارند، بر خدا نیز دروغ می‌بندند. یا این که: «الْكَذِبَ»: مفعول‌به (تَصِفُ) است، و لام در (لِما) تعلیلیه و (ما) مصدریه، و (لِتَفْتَرُوا) بدل تعلیل است، و لام (لِتَفْتَرُوا) لام صَیرُورت و عاقبت بشمار است. یعنی: نگوئید این حلال است و آن حرام، به خاطر دروغ‌های محضی که زبانتان بیان‌گر آنها است (نگا: تفسیر قاسمی).

سوره نحل آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿مَتَٰعٞ قَلِيلٞ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١٧﴾

ترجمه:

(سودجوئی و بهره‌مندی ایشان از جهان ناچیز است و تمام دنیا با توجّه به آخرت) کالای کمی است و عذاب دردناکی (پس از پایان زندگی دنیوی) دارند.

توضیحات:

«مَتَاعٌ»: کالا. تمتّع و لذّت. خبر مبتدای محذوف است. تقدیر چنین است: «ذاكَ مَتاعٌ قَليلٌ».

سوره نحل آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٨﴾

ترجمه:

ما بر یهودیان چیزهائی را حرام کرده‌ایم که قبلاً (در سوره أنعام، آیه ۱۴۶) برای تو روایت نموده‌ایم (و این محرّمات، به عنوان مجازات تمرّد و کیفر ستم ایشان بوده است) و ما (با این تحریم) بر آنان ستم نکرده‌ایم و بلکه ایشان (به سبب ظلم و جلوگیری از راه خدا و دریافت ربا و خوردن مال مردم) به خویشتن ستم روا داشته‌اند.

توضیحات:

«مَا قَصَصْنَا...»: (نکا: أنعام / ۱۴۶، نساء / ۱۶۰ و ۱۶۱).

سوره نحل آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ ١١٩﴾

ترجمه:

به هر حال، پروردگارت نسبت به کسانی که از روی حماقت و سفاهت (انسانی، و غفلت از عواقب امور به سبب غلبه شهوات نفسانی) کارهای بد می‌کنند و بعد از آن توبه می‌نمایند (و با انجام حسنات و عبادات به‌سوی خدا برمی‌گردند) و به اصلاح

(حال و جبران گذشته خود) می‌پردازند، بس آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«جَهَالَةٍ»: حماقت و سفاهت. نادانی (نگا: نساء / ۱۷، انعام / ۵۴).

سوره نحل آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٢٠﴾

ترجمه:

ابراهیم (که شما مشرکان و شما یهودیان بدو می‌نازید) پیشوائی بود (جامع همه فضائل اخلاقی) و مطیع (فرمان الهی) و حقّگرای (بیزار از باطل و کناره‌گیر از بدیها) و او از زمره مشرکان (چون شما) نبوده است.

توضیحات:

«أُمَّةً»: قُدوه. پیشوا. از ماده (أَمَّهُ) به معنی (قَصَدَهُ) یا (إِقْتَدي بِهِ) است. فُعْلَة به معنی اسم مفعول است. مانند: نُخْبَة، رُحْلَة، دُخْلَة. به معنی: مُنْتَخَب، مَرْحُولٌ إِلَيهِ، مَدْخُولٌ... در صورت دوم، معنی آیه چنین می‌شود: ابراهیم یک ملّت بود. چرا که شعاع شخصیت ابراهیم آن اندازه افزایش داشت که از یک فرد و دو فرد و یک گروه فراتر و معادل یک ملّت بود، و در خود کمالات و فضائلی را گرد آورده بود که اگر بر جماعت زیادی تقسیم می‌گردید، به یکایک ایشان می‌رسید. یا این که از آنجا که ابراهیم سرچشمه پیدایش امتی موحّد و یکتاپرست بوده به همین سبب نام امّت بر او گذارده شده است. «قَانِتاً»: مطیع و مداوم بر طاعت و عبادت خدا (نگا: بقره / ۱۱۶ و ۲۳۸، آل‌عمران / ۱۷، زمر / ۹). «حَنيفاً»: حقّگرا. مخلص فرمان خدا (نگا: بقره / ۱۳۵، آل‌عمران / ۶۷ و ۹۵...).

سوره نحل آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِۚ ٱجۡتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٢١﴾

ترجمه:

او سپاسگزار نعمت‌های خدا بود، (و به خاطر این خصال حمیده، خدا برای حمل رسالت) او را برگزید و به راه راست (منتهی به بهشت جاویدان و نعمت سرمدی یزدان)

رهنمودش گردانید.

توضیحات:

«شَاكِراً»: خبر چهارم (كانَ) است. «إِجْتَبَاهُ»: او را برای رسالت آسمانی برگزید و وی را به دوستی گرفت (نگا: نساء / ۱۲۵).

سوره نحل آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٢٢﴾

ترجمه:

و در دنیا نیکی بهره او کردیم و در آخرت هم از زمره شایستگان (نَیل به رضوان رحمان و ورود به بهشت جاویدان، یعنی نعمت فراوان و بی‌پایان) خواهد بود.

توضیحات:

«ءَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»: مراد محبّت مردمان جمیع ادیان در حق ابراهیم، و تولّد انبیاء فراوان از نسل او، و ذکر جمیل وی بر سر زبان‌ها برای همیشه است (نگا: شعراء / ۸۴، صافّات / ۱۰۸ و ۱۰۹).

سوره نحل آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٢٣﴾

ترجمه:

سپس (قرن‌ها بعد از ابراهیم، تو را به پیغمبری برگزیدیم) و به تو وحی کردیم که از آئین ابراهیم پیروی کن که حقگرا (و دور از انحراف) بود و از زمره مشرکان نبود.

توضیحات:

«مِلَّةَ»: دین. آئین.

سوره نحل آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبۡتُ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١٢٤﴾

ترجمه:

(بزرگداشت روز جمعه در اسلام، و عادی شمردن روز شنبه در آن، مخالف با برنامه ابراهیم نیست، همان‌گونه که یهودیان ادّعاء می‌کنند). بلکه (ترک کار، و تحریم شکار، و پرداختن به عبادت ویژه در) روز شنبه (جزو شریعت ابراهیم نبوده و تنها جنبه تنبیه و کیفر یهودیان را داشته است و فقط بر یهودیان یعنی) بر کسانی واجب گشته است که درباره آن اختلاف ورزیده‌اند (و بعضی آن را پذیرفته و برخی نسبت بدان بی‌اعتنائی کرده‌اند) و بی‌گمان خداوند میان آنان درباره آنچه در آن اختلاف ورزیده‌اند، روز قیامت داوری خواهد کرد (و هر یک را به جزا و سزای خود خواهد رساند).

توضیحات:

«السَّبْتُ»: (نگا: بقره / ۶۵، نساء / ۴۷ و ۱۵۴). «أَلَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ»: مراد خود یهودیها است (نگا: اعراف / ۱۶۳).

سوره نحل آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٢٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن؛ چرا که (بر تو تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلاّنه و آگاهانه، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیدا، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است.) بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر (از همگان) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند.

توضیحات:

«الْحِكْمَةِ»: سخنان استوار و بجا. «الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»: اندرز نیکو و زیبائی که دلچسب و گیرا و قانع‌کننده بوده و در آن ترهیب و تشویق و بیم و امید باشد. «جَادِلْهُمْ»: با مردمان مناظره و مباحثه و گفت و شنود کن. «بِالَّتِي»: به طریقه و شیوه‌ای که. واژه (أَلَّتِي) صفت موصوف محذوفی چون (الطَّرِيقَة ، الْمُجَادِلَة) است.

سوره نحل آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿وَإِنۡ عَاقَبۡتُمۡ فَعَاقِبُواْ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبۡتُم بِهِۦۖ وَلَئِن صَبَرۡتُمۡ لَهُوَ خَيۡرٞ لِّلصَّٰبِرِينَ ١٢٦﴾

ترجمه:

(ای مسلمانان!) هرگاه خواستید مجازات کنید (کسانی را که به حقوق شما تعدّی و تجاوز کرده‌اند)، تنها بدان اندازه مجازات کنید و کیفر دهید که درباره شما روا شده است (و از حدّ آن فراتر نروید و برمگذرید) و اگر شکیبائی پیشه ساختید (و به خاطر خدا مجازات نکردید و کیفر ندادید) حتماً شکیبائی برای شکیبایان (حق‌پرستی چون شما که از دل فرمان نمی‌برید و به راهنمائی یزدان گوش فرا می‌دارید، در دنیا و آخرت) بهترخواهد بود.

توضیحات:

«عَاقَبْتُمْ»: شکنجه دادید. کیفر رساندید. مراد این است که اگر خواستید متجاوز را گوشمالی دهید و عقاب برسانید (نگا: بقره / ۱۹۴).

سوره نحل آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ١٢٧﴾

ترجمه:

و (ای پیغمبر! تو نیز در برابر مصائب و صحنه‌های جانسوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید) شکیبائی کن و شکیبائی تو (و هرکس دیگری) جز در پرتو (لطف رحمان و به یاری و) توفیق یزدان میسّر نیست. (اگر کافران ایمان نیاوردند،) بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که می‌ورزند (و توطئه‌هائی که به راه می‌اندازند) ناراحت و نگران مباش (و خویشتن را در پناه خدا دار).

توضیحات:

«مَا صَبْرُكَ إِلاّ بِالله»: شکیبائی تو جز با معونت و توفیق یزدان میسّر نیست. «لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ»: بر آنان اندوهگین مباش. غم ایشان را مخور.

سوره نحل آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ١٢٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان خدا (مرحمت و معونت و حفاظت و رعایت همه جانبه‌اش) همراه کسانی است که تقوا پیشه کنند و (با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا به دور دارند، و با تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار باشند و (با انجام اوامر الهی خویشتن را به الطاف ایزد نزدیک سازند).

توضیحات:

«مَعَ»: با. همراه. مراد همراهی معنوی و مدد الهی است.

سوره إسراء

سوره إسراء آیه ۱

متن آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ۝١﴾

ترجمه:

تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمّد پسر عبدالّله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجدالاقصی (بیت‌المقدّس) برد، آنجا که دَور و بر آن را پربرکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته‌ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتیهای آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می‌ماند).

توضیحات:

«سُبْحَانَ»: پاک و منزّه است از ناتوانی‌ها و ناشایست‌ها. تسبیح و تقدیس و تعظیم و تکریم باد. این واژه مفعول مطلق فعل محذوفی است و برای اظهار تعجّب و بیان عظمت و قدرت به کار می‌رود. «أَسْرَيا»: شب‌رَوی کرد. در اینجا به وسیله حرف (ب) متعدّی شده است. یعنی، در شب برد (نگا: هود / ۸۱، دخان / ۲۳). «الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»: مسجدالحرام که در شهر مکه است و نقطه شروع سفر زمینی رسول است. «الْمَسْجِدِ الأَقْصَيا»: مسجد اقصی که در بیت‌المقدّس است و نقطه پایان سفر زمینی و مکان آغاز سفر آسمانی رسول است. کوچ از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی را إسراء می‌نامند. و کوچ از مسجدالاقصی به برخی از کرات آسمانی را معراج می‌گویند. إسراء و معراج هر

دو با هم در پاسی از یک شب انجام گرفته است (نگا: نجم / ۱ – ۱۸). «بَارَكْنَا»: مبارک و پربرکت گرداندیم. مراد حاصلخیزی زمین‌های اطراف شهر بیت‌المقدّس و برکات معنوی خود آنجا است؛ چرا که سرزمین انبیاء و قبله‌گاه دل‌های مردان خدا است.

سوره إسراء آیه ۲

متن آیه:

﴿وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ٢﴾

ترجمه:

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و آن را رهنمود بنی‌اسرائیل کردیم (تا در پرتو آن از تاریکی جهل و کفر به‌سوی نور علم و ایمان راهیاب شوند. و بدی‌شان دستور دادیم) این که غیر ما را تکیه‌گاه و پشتیبان خود مسازید (و امور خویش را جز به ما مسپارید).

توضیحات:

«هُدیً»: هدایت. راهنما. «أَلاّ تَتَّخِذُوا»: فعلی پیش از آن محذوف است و تقدیر چنین است: «قُلْنَا لَهُمْ لا تَتَّخِذُوا». در این صورت حرف (أَنْ) زائد است. یا این که به معنی (أَيْ) تفسیریه است و تقدیر چنین می‌شود: «أَيْ لا تَتَّخِذُوا». می‌توان حرف جرّ را نیز مقدّر دانست. «بِأَلاّ تَتَّخِذُوا». « مِن دُونِي «: به غیر از من. به جای من.

سوره إسراء آیه ۳

متن آیه:

﴿ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ٣﴾

ترجمه:

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! (ما پدران شما را از غرقاب رهانیدیم. پس به شکرانه این که زادگان آن مؤمنانید و خویشتن را پیروان نوح می‌دانید، از خدا سپاسگزاری کنید؛ چرا که) نوح بنده بسیار سپاسگزاری بود (و شما نیز همچون گذشتگانتان او را قدوه خود کنید و بدو تأسّی جوئید).

توضیحات:

«ذُرِّیَّةَ»: نژاد. نسل. منادا است، یا این که منصوب به اختصاص است و مفعولٌ‌به

(أَخُصُّ) یا (أَعْني) محذوف است.

سوره إسراء آیه ۴

متن آیه:

﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤﴾

ترجمه:

در کتاب (تورات) به بنی‌اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در سرزمین (فلسطین و دَوروبر آن) تباهی می‌ورزید و برتری‌جوئی بزرگی می‌کنید و طغیان و عدوان را به غایت، و ظلم و جور را به نهایت می‌رسانید.

توضیحات:

«قَضَيْنَا»: اعلام کردیم. باخبر ساختیم (نگا: حجر / ۶۶، قصص / ۴۴). «الْكِتَابِ»: مراد تورات است. «مَرَّتَيْنِ»: دوبار. مراد دو دفعه مهمّ است. «لَتَعْلُنَّ»: برتری‌جوئی می‌کنید. «عُلُوّاً»: برتری‌جوئی (نگا: مؤمنون / ۹۱، قصص / ۴، نمل / ۳۱، دخان / ۱۹).

سوره إسراء آیه ۵

متن آیه:

﴿فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ٥﴾

ترجمه:

هنگامی که وعده نخستین آن دو فرا رسد، بندگان پیکارجو و توانای خود را بر شما (می‌گماریم و) برانگیخته می‌داریم که (شما را سخت درهم می‌کوبند و برای به دست آوردنتان) خانه‌ها را تفتیش و جاها را جستجو می‌کنند. این وعده (غلبه و انتقام، حتمی و قطعی و) انجام پذیرفتنی است.

توضیحات:

«عِبَاداً لَنَا»: بندگان خود را. مراد تنها بندگان مؤمن خدا نیست، ممکن است بندگان کافر خدا باشد (نگا: مائده / ۱۱۸، مریم / ۹۳، فرقان / ۱۷). «أُوْلِي بَأْسٍ»: جنگجویان. نیرومندان. عذاب رسانندگان. «بَأْسٍ»: جنگ (نگا: بقره / ۱۷۷، احزاب / ۱۸). قوّت و

قدرت (نگا: نساء / ۸۴، کهف / ۲). عذاب (نگا: انعام / ۴۳ و ۱۴۸، اعراف / ۷۹ و ۹۸). «جَاسُوا»: تفتیش کردند. گشت زدند و گردیدند. «خِلالَ»: لابلای. میان. «الدِّيَارِ»: جمع دار، خانه و کاشانه. زاد و بوم. «مَفْعُولاً»: انجام شده. مراد قطعی و حتمی است (نگا: نساء / ۴۷، انفال / ۴۲ و ۴۴).

سوره إسراء آیه ۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا ٦﴾

ترجمه:

سپس (شما راه صلاح در پیش می‌گیرید و از فساد دست می‌کشید و آن گاه) شما را بر آنان چیره می‌گردانیم، و با اموال و فرزندان مدد و یاریتان می‌دهیم و تعداد نفراتتان را بیشتر (از دشمن) می‌نمائیم.

توضیحات:

«الْكَرَّةَ»: هجوم. یورش. مراد غلبه و قدرت است. «أَمْدَدْنَاكُمْ»: شما را یاری می‌دهیم و نیرو می‌بخشیم. «نَفِيراً»: نفرات. یاران همرزم. تمییز است.

سوره إسراء آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُـُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ٧﴾

ترجمه:

(آن گاه بدی‌شان گفتیم: ای بنی‌اسرائیل!) اگر نیکی کنید (و از خدا اطاعت نمائید) به خودتان نیکی می‌کنید (و سود آن در دنیا و آخرت به خودتان برمی‌گردد) و اگر بدی کنید (و از فرمان خدا سرکشی نمائید) به خودتان بدی می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم (مجازات و عقاب فسادتان) فرا می‌رسد (دشمنانتان را نیرو بخشیده و بر شما مسلّط می‌گردانیم) تا شما را بدحال (و پریشان روزگار) سازند (و گرد غم و اندوه بر چهره‌هایتان بپاشند) و داخل مسجد (الاقصی) گردند، همان‌گونه که در دفعه اوّل بدان داخل شدند (و بار دیگر به تخریب بیت‌المقدّس دست یازند) و بر هر که و هرچه

دست یابند بکشند و درهم کوبند.

توضیحات:

«وَعْدُ الآخِرَةِ»: زمان دفعه آخر دو فساد شما. «لِيَسُوءُوا...»: تا اذیت و آزارتان رسانند و آثار غم و اندوه بر سیما و دیدارتان پدیدار گردانند. متعلّق به فعل محذوفی است که جواب (إِذا) است. یعنی: «بَعَثْنَاهُمْ لِيَسُوءُوا». «الْمَسْجِدَ»: مسجدالاقصی. «مَا عَلَوْا»: آنچه بر آن مستولی و چیره می‌شوند. در این صورت (ما) موصول و مفعول‌به است. مدّتی که آنان مسلّط و چیره باشند. در این صورت (ما) مصدریه ظرفیه است. «تَتْبِيراً»: درهم کوبیدن و نابودن کردن (نگا: أعراف / ۱۳۹). دو فساد بزرگ بنی‌اسرائیل و سرکوب آنان توسّط جنگجویان نیرومند و توانا، به درستی روشن نیست. برخی سرکوبگرِ نخستین را بخت‌النصّر پادشاه بابِل، و دومی را اسپیانوس قیصر روم دانسته‌اند و... ولی قرآن کریم نوع فساد بنی‌اسرائیل و جنس دشمنانشان را روشن نفرموده است، امّا ایشان و ما و هرکس دیگری را بیم می‌دهد که ستمگری‌ها و تباهی‌ها در پیشگاه خدا بدون مجازات نمی‌ماند و لذا صهی و نیست‌های فعلی هم باید در انتظار شکست مجدّد باشند؛ چرا که وعده خدا حتماً تحقّق می‌پذیرد، و برتری‌جوئی و بیدادگری آنان بی‌پاسخ نمی‌ماند (نگا: أعراف / ۱۶۷).

سوره إسراء آیه ۸

متن آیه:

﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴾

ترجمه:

امید است پروردگارتان (بعد از بار دوم نیز اگر توبه کردید و از تباهکاری‌ها و ستمگری‌ها برگشتید) به شما رحم کند (و شما را ببخشاید)، و اگر هم (به زشتی‌ها و پلشتی‌ها) برگردید، ما هم (به مجازات و کیفرتان در همین جهان) برمی‌گردیم، و دوزخ را (هم در آن جهان) زندان تنگ کافران (چون شما) می‌کنیم.

توضیحات:

«حَصِيراً»: مکان تنگ فراگیر. زندان سختی که نتوان از آن خارج شد (نگا: کهف / ۲۹، حجّ / ۲۲).

سوره إسراء آیه ۹

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩﴾

ترجمه:

این قرآن (مردمان را) به راهی رهنمود می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌ها (برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت) است، و به مؤمنانی که (برابر دستورات آن) کارهای شایسته و پسندیده می‌کنند، مژده می‌دهد که برای آنان (در سرای دیگر) پاداش بزرگی (به نام بهشت) است.

توضیحات:

«لِلَّتِي»: به راهی که. (أَلَّتِي) صفت موصوف محذوفی مانند: (الطَّرِيقَة ، الْحَالَة ، الْـمِلَّة) است. «أَقْوَمُ»: مستقیم‌ترین و استوارترین (نگا: بقره / ۲۸۲، نساء / ۴۶، مزّمّل / ۶).

سوره إسراء آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٠﴾

ترجمه:

و (به مؤمنان مژده می‌دهد به) این که برای کسانی که به قیامت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَعْتَدْنَا»: آماده کرده‌ایم. تهیه دیده‌ایم. از ریشه (عتد) است (نگا: نساء / ۱۸ و ۳۷، یوسف / ۳۱).

سوره إسراء آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا ١١﴾

ترجمه:

انسان (چه بسا در وقت خشم یا بلایا، دست دعا به‌سوی خدا برمی‌دارد و علیه خود

و خویشاوندان و دوستان) دعای شرّ می‌کند، همان‌گونه که (به هنگام شادی یا عادی) دعای خیر می‌کند. اصلاً انسان همیشه شتابگر بوده است (و خوبی و بدی را آزمندانه و عجولانه از خدا خواسته است، و سود و زیان خود را چنان که باید ندانسته است).

توضیحات:

«يَدْعُو»: دعا می‌کند. می‌طلبد. در رسم‌الخطّ قرآنی واو آن ذکر نشده است. «دُعَآءَهُ»: مثل دعایش. همچون طلبیدنش. مفعول مطلق است. «يَدْعُو الإِنسَانُ بِالشَّرِّ...». شرّ و بلا یا خیر و صفا را فریاد زدن و خواستن، به دو صورت امکان‌پذیر است، یکی با گفتار (نگا: انفال / ۳۲، اعراف / ۷۰، انبیاء / ۳۸) دیگری با کردار خوب و رفتار پسندیده منتهی بدان‌ها (نگا: یونس / ۱۱). «عَجُولاً»: بسیار عجله‌کننده. شتابگر. معنی آیه چنین نیز می‌تواند باشد: انسان همان‌گونه که نیکیها را طلب می‌کند، بر اثر شتابزدگی و عدم مطالعه کافی به طلب بدیها برمی‌خیزد، چرا که انسان ذاتاً عجول است.

سوره إسراء آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا ١٢﴾

ترجمه:

ما شب و روز را دو نشان (دالّ بر بودن یزدان و قدرت فراوان گرداننده جهان) قرار داده‌ایم. نشان شب را محو (تاریکی) گردانده‌ایم (تا در آن بیاسائید) و نشان روز را تابان کرده‌ایم تا (در آن به تلاش و کوشش بپردازید و) از فضل پروردگارتان بهره‌مند گردید (و در پرتو پیاپی آمدن شب‌ها و روزها) شماره سالها و حساب (امور زندگی خود) را بدانید. و ما هر چیزی را دقیقاً (برای هدف و کاری، معین و) مشخّص ساخته‌ایم (و جهان را از روی نقشه و حساب و کتاب آفریده و به کار انداخته‌ایم).

توضیحات:

«ءَايَتَيْنِ»: دو نشانِ وجود خدا. دو دلیلِ قدرت و عظمت الله. «فَمَحَوْنآ ءَايَةَ الَّيْلِ»: مراد از محو شب، تاریک گرداندن و در دل ظلمت نهان ساختن است. یعنی آفریدن شب بدین

وضع و شیوه است. مثلاً اگر گفته شود: (بَیَّضَ اللهُ الْـمَآءَ ، وَ سَوَّدَ الْفَحْمَ): خداوند آب را سفید و زغال را سیاه کرده است، مراد این است که آن دو را بر این خلقت سرشته و با چنین ویژگی‌هائی آنها را آفریده است. «مُبْصِرَةً»: تابان. روشن (نگا: نمل / ۱۳). «فَضْلاً»: نعمت. رزق و روزی. «عَدَدَ السِّنِینَ وَ الْحِسابَ»: (نگا: یونس / ۵). «وَ کُلَّ شَیْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِیلاً»: ما همه‌چیز را در قرآن بیان و روشن کرده‌ایم (نگا: نحل / ۸۹). ما هر چیزی را برای هدف و کاری، معین و مشخّص کرده‌ایم. واژه (کلّ) منصوب به اشتغال است.

سوره إسراء آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِى عُنُقِهِۦ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾﴾

ترجمه:

ما اعمال هرکسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد.

توضیحات:

«کُلَّ»: منصوب به اشتغال است. «أَلْزَمْنَاهُ»: ملازم او ساخته‌ایم. همراه او کرده‌ایم. یعنی: اعمال انسان در دنیا و آخرت از او جدا نمی‌شود و نتیجه خوب و بد آنها را می‌بیند. «طَآئِرَ»: عمل. خوشبختی و بدبختی ناشی از عمل (نگا: اعراف / ۱۳۱). «کِتَاباً»: مراد نامه اعمال و کارنامه احوال انسان است (نگا: جاثیه / ۲۸ و ۲۹). «مَنشُوراً»: گشوده و باز. مراد این است که کارنامه عمل انسان در این جهان مکتوم و پوشیده است و در آن جهان باز و گشوده. واژه (مَنشُوراً) صفت دوم (کِتَاباً) یا حال ضمیر (ه) است.

سوره إسراء آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

(در آن روز بدو گفته می‌شود:) کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی. (چه مسائل روشن‌است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست).

توضیحات:

«حَسِیباً»: حسابگر. حسابرس.

سوره إسراء آیه ۱۵

متن آیه:

﴿مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا ١٥﴾

ترجمه:

هر کس (به راه حق) هدایت یابد، راهیابیش به سود خودش است، و هرکس (از راه حق) گمراه شود، گمراهیش به زیان خودش است. و هیچ کسی بارِ گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد (و به جرم دیگری کیفر داده نمی‌شود). و ما (هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر این که پیغمبری (برای آنان مبعوث و) روان سازیم.

توضیحات:

«لا تَزِرُ وازِرَةٌ...»: (نگا: أنعام / ۳۱ و ۱۶۴، نحل / ۲۵). «وَ مَا کُنَّا مُعَذِّبِینَ...»: مراد این است که عذاب بدون بیان صحیح نیست، و این است که خداوند ستمگران و منحرفان را کیفر نمی‌دهد، مگر این که پیغمبری را به میان‌شان بفرستد تا راه و چاه را بدی‌شان بنمایاند. امام محمّد غزّالی، مردمان بعد از بعثت پیغمبر اسلام را سه گروه کرده است: الف) کسانی که از بعثت محمّدی به طور کلّی بی‌خبرند، اینان رستگارند. ب) کسانی که به گونه راستین، دعوت اسلام بدی‌شان می‌رسد، ولی بر اثر سهل‌انگاری یا عِناد، بدان نمی‌گروند، اینان گرفتار عذاب کردگارند. ج) کسانی که به گونه راستین، دعوت اسلام بدی‌شان نمی‌رسد، و محمّد همچون شخص نیرنگباز و جاه‌طلب و خوشگذرانی بدی‌شان معرّفی و شناسانده می‌شود، اینان نیز همچون گروه نخست، رستگار و از عذاب در امانند. (نگا: تفسیرالمراغی، جلد اوّل، صفحه ۱۳۴، تفسیر سوره اسراء: عبدالّله محمّد شحّاته، صفحه ۹۸).

سوره إسراء آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا ١٦﴾

ترجمه:

هرگاه بخواهیم شهر و دیاری را نابود گردانیم، افراد دارا و خوشگذران و شهوتران آنجا را سردار و چیره می‌گردانیم، و آنان در آن شهر و دیار به فسق و فجور می‌پردازند (و به مخالفت با دستورات الهی برمی‌خیزند)، پس فرمان (وقوع عذاب) بر آنجا واجب و قطعی می‌گردد و آن گاه آن مکان را سخت درهم می‌کوبیم (و ساکنانش را هلاک می‌گردانیم).

توضیحات:

«أَمَرْنَا»: امیر و سردار می‌گردانیم. سلطه و قدرت می‌دهیم. به طاعت و عبادت دستور می‌دهیم. زیاد و فراوان می‌کنیم. «مُتْرَفِيهَا»: مُتْرَفین، اشخاص متنعّم خوشگذران و ثروتمندانِ غرق در شهوات (نگا: هود / ۱۱۶). پیروی و دنباله‌روی از آنان حکومت و کشور را به تباهی می‌کشاند و همگان را بر خاک مذلّت می‌نشاند. «حَقَّ»: ثابت و واجب شد (نگا: أعراف / ۳۰، یونس / ۳۳ و ۹۶، نحل / ۳۶). «الْقَوْلُ»: سخن تهدیدآمیز خدا (نگا: یونس / ۳۳، هود / ۴۰). « تَدْمِيراً »: هلاک گرداندن و درهم کوبیدن (نگا: أعراف / ۱۳۷).

سوره إسراء آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ١٧﴾

ترجمه:

و چه بسیارند مردمانی که در قرون و اعصار بعد از نوح می‌زیسته‌اند و ما آنان را (طبق همین سنّت، به سبب تمرّد و سرکشیشان) نابود گردانده‌ایم. (مثل: خود قوم نوح، قوم عاد، قوم ثمود، قوم لوط، قوم فرعون.) همین کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه و نسبت بدان‌ها بینا است (و لذا هیچ‌گونه کاری از دید او

مخفی، و بی‌سزا و جزا نمی‌ماند).

توضیحات:

«الْقُرُونِ»: جمع قَرْن، مردمان یک عصر و زمان (نگا: أنعام / ۶، یونس / ۱۳، هود / ۱۱۶).

سوره إسراء آیه ۱۸

متن آیه:

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا ١٨﴾

ترجمه:

هر کس که دنیای زودگذر (این جهان) را بخواهد (و تنها برای زندگی آن کار کند)، آن اندازه که خود می‌خواهیم و به هرکس که صلاح می‌دانیم، هرچه زودتر در دنیا بدو عطاء خواهیم کرد. به دنبال آن، دوزخ را بهره او می‌کنیم که به آتش آن می‌سوزد، در حالی که (به سبب کارهائی که در دنیا کرده است) مورد سرزنش است و (از رحمت خدا) رانده و مانده است.

توضیحات:

«الْعَاجِلَة»: جهان زودگذر. مراد لذائذ و نعمت‌های دنیای فعلی است (نگا: هود / ۱۵، شوری / ۲۰، نجم / ۲۹). «يَصْلاهَا»: بدان درآید و حرارت آن را بچشد. «مذموماً»: سرزنش شده. مراد این است که مبغوض خدا و فرشتگان و مردم است. «مَدْحُوراً»: رانده شده. مراد مطرود از الطاف و به دور از مراحم خدا است. واژه‌های (مَذْمُوماً مَّدْحُوراً) حال اوّل و دوم است (نگا: أعراف / ۱۸).

سوره إسراء آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ١٩﴾

ترجمه:

و هر کس که (دنیای جاودانه) آخرت را بخواهد و برای (فراچنگ آوردن) آن،

تلاش سزاوار آن را از خود نشان دهد، در حالی که مؤمن باشد، این چنین کسانی، تلاش‌شان بی‌سپاس (و بی‌اجر) نمی‌ماند.

توضیحات:

«سَعْيَهَا»: تلاشی که سزاوار آن جهان است. کوشش کردن در راه حقیقی آن، که متابعت از پیغمبر و انجام عبادات برابر رهنمود است. «مَشْكُوراً»: سپاس‌گزاری شده. سپاس‌گزاری خدا از بندگان، پذیرش اعمال و عبادات آنان و افزون دادن پاداش بدی‌شان است (نگا: فاطر / ۳۰ و ۳۴، شوری / ۲۳، تغابن / ۱۷).

سوره إسراء آیه ۲۰

متن آیه:

﴿كُلَّا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا ٢٠﴾

ترجمه:

و ما هر یک از اینان (که آخرت طلبانند) و از آنان (که دنیا پرستانند، در این جهان) از بخشایش پروردگارت (بهره‌مند می‌گردانیم و) کمک می‌رسانیم و (کافر و مؤمن را بر این خوان یغما می‌نشانیم. چرا که در صورت رعایت اسباب و علل،) بخشایش پروردگارت هرگز (از کسی بازداشته نشده است و از او) ممنوع نگشته است.

توضیحات:

«كُلاًّ نُّمِدُّ هؤُلآءِ وَ هؤُلآءِ»: به هر یک از این دو گروه مؤمن و مطیعِ آخرت طلب، و کافر و عاصی دنیا طلب، کمک و مدد و قدرت و نعمت می‌رسانیم. (كُلاًّ) مفعول‌به مقدّم و (هؤُلآءِ) بدل از آن است. «مَحْظُوراً»: ممنوع.

سوره إسراء آیه ۲۱

متن آیه:

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا ٢١﴾

ترجمه:

ببین چگونه برخی (از مردمان) را بر برخی دیگر (در همین دنیای ناچیز، به سبب تفاوت تلاش و کوشش‌شان) برتری داده‌ایم و (یکی را شاه، دارا، دانا، و یکی را نوکر، نادار، نادان کرده‌ایم. و امّا بدان که در دنیای مهمّ و ارزشمندِ) آخرت، درجاتْ بزرگ‌تر

و برتری‌ها سترگ‌تر است (و تفاوت‌ها و فاصله‌ها بیشتر است؛ چرا که آنجا سرای جاویدان است و بهشت و درجات عظیمِ آن در میان است. پس ای انسان! برای آن به مسابقه بپرداز و شبانه‌روز بکوش).

توضیحات:

«أُنظُرْ»: ببین. دقّت کن. «دَرَجَاتٍ... تَفْضِیلاً»: این دو واژه تمییزند.

سوره إسراء آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَّا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقۡعُدَ مَذۡمُومًا مَّخۡذُولًا ٢٢﴾

ترجمه:

(ای انسان!) با یزدان، خدای دیگری قرار مده (و معبود خود مدان و به فریاد مخوان) که نکوهیده و زبون شوی.

توضیحات:

«فَتَقْعُدَ»: که زمینگیر و حقیر شوی و بر خاک مذلّت نشینی و دستگیر و یاوری برای خود نبینی (نگا: آل‌عمران / ۱۶۰). فعل (تَقْعُدَ) را به معنی (تَصِیرَ) ذکر کرده‌اند. «مَخْذُولاً»: زبون. خوار. به خود رها شده و بی‌کمک و یاری مانده.

سوره إسراء آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلًا كَرِيمًا ٢٣﴾

ترجمه:

(ای انسان!) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید (و با آنان نیکو رفتار نمائید). هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، (کمترین اهانتی بدی‌شان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدّبانه همچون) اُف به آنان مگو! (و بر سر ایشان فریاد مزن) و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو.

توضیحات:

«قَضَیا»: فرمان داده است. سفارش کرده است. «إِحْسَاناً»: نیکی کردن. زیبا رفتار

کردن. «يَبْلُغَنَّ»: می‌رسد. واصل می‌شود. «الْكِبَرَ»: پیری و کهنسالی. «أُفٍّ»: وای. آه. اسم‌الفعل است و بیان‌گر دلتنگی و ناراحتی است. «لا تَنْهَرْهُمَا»: آن دو را مران. بر سرشان فریاد مزن. با آنان تندی و تیزی مکن. «كَرِيماً»: محترمانه و بزرگوارانه.

سوره إسراء آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ٢٤﴾

ترجمه:

و بال تواضعِ مهربانی را برای‌شان فرود آور (و در برابرشان کاملاً فروتن باش، و برای آنان دست دعا به درگاه خدا بردار) و بگو: پروردگارا! (اینک که ضعیف و جز تو پناهی ندارند) بدی‌شان مرحمت فرما، همان‌گونه که آنان در کوچکی (به ضعف و کودکی من رحم کردند و) مرا تربیت و بزرگ نمودند.

توضیحات:

«إِخْفِضْ»: پائین آور. بگستران. «جَنَاحَ»: بال. «جَنَاحَ الذُّلِّ»: بال خواری. یعنی بالی که خواری است، همان‌گونه که می‌گویند: حاتِمُ الْجَواد، یعنی حاتم بسیار بخشنده. بال خواری، کنایه از تواضع فراوان و فروتنی بسیار است (نگا: حجر / ۸۸). «مِنَ الرَّحْمَةِ»: از روی مهربانی و دلسوزی. « صَغِيراً »: در حال کوچکی. در زمان کوچکی.

سوره إسراء آیه ۲۵

متن آیه:

﴿رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا ٢٥﴾

ترجمه:

پروردگارتان (از خودتان) آگاه‌تر بدان چیزهائی است که در درونتان می‌گذرد (و لذا می‌داند که اراده نیکی و یا بدی، نسبت به والدین خود دارید). اگر افراد شایسته و بایسته‌ای باشید (و در راه خدمت بدی‌شان لغزشی از شما سر زده باشد و در اندیشه جبران آن بوده و از کرده خود پشیمان شوید، خدا شما را می‌بخشد) چرا که او در حقِ توبه‌کاران همیشه بخشنده بوده است.

توضیحات:

«أَعْلَمُ»: داناتر. دانا. «صَالِحِینَ»: نیکان. شایستگان. «أَوَّابِینَ»: بسیار برگشت‌کنندگانِ با توبه و استغفار به درگاه پروردگار. از ماده (أَوْب) به معنی: رجوع.

سوره إسراء آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِینَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِیلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِیرًا ٢٦﴾

ترجمه:

حق خویشاوند را (از قبیل: صله رحم و نیکوئی و مودّت و محبّت)، و حق مستمند و وامانده در راه را (از قبیل: زکات و صدقه و احسان)، بپرداز، و به هیچ وجه باد دستی مکن.

توضیحات:

«ءَاتِ»: بده. بپرداز. «ذَا الْقُرْبَیا»: خویشاوند. نزدیک. «تَبْذِیراً»: زیاده‌روی در پراکندن مال. باد دستی.

سوره إسراء آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِینَ كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّیَٰطِینِۖ وَكَانَ ٱلشَّیۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ٢٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان باد دستان دوستان اهریمنانند (و گوش به وسوسه‌های ایشان می‌دارند و در انجام بدی‌ها همسان و همگامند) و اهریمنان بسیار ناسپاس (نعمت‌های) پروردگار خود هستند (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می‌گذرانند. باد دستی هم فساد و نافرمانی‌است، از آن خویشتن را برحذر دارید تا همچون اهریمنان بشمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید).

توضیحات:

«الْمُبَذِّرِینَ»: باد دستان. «إِخْوَانَ الشَّیَاطِینِ»: برادران اهریمنان. دوستان و همدمان اهریمنان در انجام تباهی‌ها و بزهکاری‌ها و همنشینان ایشان در دوزخ (نگا: فصّلت / ۲۵، زخرف / ۳۶ - ۳۹). «الشَّیْطَان»: اسم جنس است (نگا: تفسیر قرطبی،

تفسیرالسراج المنیر). «كَفُوراً»: بسیار ناسپاس (نگا: هود / ۹).

سوره إسراء آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا مَّيۡسُورٗا ٢٨﴾

ترجمه:

و اگر از آنان (یعنی از خویشاوندان و بیچارگان و واماندگان در راه، به سبب نبودن امکانات و) به خاطر انتظار رحمت پروردگارت که امیدِ بدان داری، روی برگردانی، با ایشان محترمانه و مهربانانه سخن بگو (و با وعده احسان در آینده بدیشان، دلخوش و امیدوارشان گردان).

توضیحات:

«إِبْتِغَآءَ»: خواستن. چشم داشتن. مفعولٌله یا این که حال است. و تقدیر چنین است: «إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ مُبْتَغِياً رَحْمَةَ». «تَرْجُوهَا»: امیدوار بدانی. خواستار آنی. می‌تواند حال بوده و تقدیر چنین باشد: «راجِياً إِيّاها». «قَوْلاً مَّيْسُوراً»: سخن خوب و گفتار نرم. مراد هرگونه سخن نیک و برخورد محترمانه و مهربانانه است.

سوره إسراء آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ٢٩﴾

ترجمه:

دست خود را بر گردن خویش بسته مدار (و از کمک به دیگران خودداری مکن و بخیل مباش،) و آن را فوق‌العاده گشاده مساز (و بذل و بخشش بی‌حساب مکن و اسراف مورز، بدان گونه) که سبب شود از کار بمانی و مورد ملامت (این و آن) قرار گیری و لخت و غمناک گردی.

توضیحات:

«مَغْلُولَةً»: در غُل و زنجیر. بسته. «لا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَيا عُنُقِكَ»: کنایه از بخل و تنگچشمی است. «لا تَبْسُطْهَا»: آن را گسترده و باز مگردان. کنایه از اسراف و تبذیر

است. «تَقْعُدَ»: بشوی. بگردی. «مَلُوماً»: سرزنش شده و لومه شده. «مَحْسُوراً»: لخت و بی‌چیز. درمانده و اندوهناک.

سوره إسراء آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ٣٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگارت، روزی هرکس را که بخواهد فراوان و گسترده می‌دارد، و روزی هرکس را که بخواهد کم و تنگ می‌گرداند. چرا که خدا از (سرشت) بندگان خود آگاه (و به احوال و نیازمندی‌هایشان آشنا و) بینا است.

توضیحات:

«يَبْسُطُ»: گسترده و فراخ می‌گرداند (نگا: بقره / ۲۴۵، رعد / ۲۶). «يَقْدِرُ»: کم می‌گرداند. تنگ و ناچیز می‌نماید (نگا: رعد / ۲۶، فجر / ۱۶).

سوره إسراء آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ وَإِيَّاكُمۡۚ إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ خِطۡـٔٗا كَبِيرٗا ٣١﴾

ترجمه:

و (از آنجا که روزی در دست خدا است) فرزندانتان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید. ما آنان و شما را روزی می‌دهیم (و ضامن رزق همگانیم). بی‌گمان کشتن ایشان گناه بزرگی است.

توضیحات:

«اِمْلاق»: فقر و تنگدستی (نگا: انعام / ۱۵۱). «خِطْئاً»: گناه.

سوره إسراء آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا ٣٢﴾

ترجمه:

و (با انجام عوامل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و

بدترین راه و شیوه است.

توضیحات:

«لا تَقْرَبُوا الزِّنَیا»: زنا نکنید. به عوامل قرب زنا و مقدّمات آن از قبیل: چشم‌چرانی، بی‌حجابی، خلوت با اجنبی، رفتن به کانون‌های فساد، نگاه به کتاب‌ها و فیلم‌های آلوده... نزدیک نشوید. «فَاحِشَةً»: گناه زشت و کاملاً آشکار (نگا: آل‌عمران / ۱۳۵، نساء / ۱۹ و ۲۲ و ۲۵، اعراف / ۲۸).

سوره إسراء آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلَا تَقْتُلُواْ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّۗ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا فَلَا يُسْرِف فِّي ٱلْقَتْلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورًا ٣٣﴾

ترجمه:

و کسی را نکشید که خداوند کشتن او را - جز به حق - حرام کرده است. هر کس که مظلومانه کشته شود، به صاحب خون او (که نزدیکترین خویشاوند بدو است، این) قدرت را داده‌ایم (که با مراجعه به قاضی، قصاص خود را درخواست و قاتل را به مجازات برساند) ولی نباید او هم در کشتن اسراف کند (و به جای یک نفر، دو نفر و بیشتر را بکشد، یا این که به عوض قاتل، دیگری را هلاک سازد). بی‌گمان صاحب خون یاری شونده (از سوی خدا) است (چرا که حق قصاص را بدو داده است).

توضیحات:

«النَّفْسَ»: انسان. شخص. «بِالْحَقِّ»: به حق. به سبب حق. «سُلْطَاناً»: تسلّط بر قاتل در مسأله قصاص. دلیل و برهان اخذ قصاص. «إِنَّهُ»: ولی دم. صاحب خون.

سوره إسراء آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَقْرَبُواْ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوْفُواْ بِٱلْعَهْدِۖ إِنَّ ٱلْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔولًا ٣٤﴾

ترجمه:

و در مال یتیم تصرّف نکنید مگر به شیوه‌ای که (در حفظ و بهره‌وری آن مفیدتر و) بهتر باشد. (بدین کار ادامه دهید) تا این که یتیم به سنّ بلوغ می‌رسد (و می‌تواند در

دارائی خود تصرّف کند و به نحو احسن آن را مورد بهره‌برداری قرار دهد). و به عهد و پیمان (خود که با خدا یا مردم بسته‌اید) وفا کنید، چرا که از (شما روز رستاخیز درباره) عهد و پیمان پرسیده می‌شود.

توضیحات:

«لا تَقْرَبُوا»: مراد تصرّف و دست یازیدن است. «إِلاّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: مگر از راهی که بهترین راه‌ها، و طریقه‌ای که سودمندترین طرائق باشد که با نگاهداری و افزایش آن انجام پذیر است. «أَشُدَّهُ»: مراد رشد عقلانی و حسن تصرّف در امور است (نگا: نساء / ۶).

سوره إسراء آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا 

ترجمه:

و هنگامی که چیزی را به پیمانه می‌زنید، آن را به تمام و کمال پیمانه کنید، و با ترازوی درست (اشیاء را) بکشید (و در وزن و پیمانه به مشتری کم ندهید) که این کار سرانجام بهتر و نیکوتری (در دنیا و آخرت برای شما) دارد.

توضیحات:

«الْقِسْطَاسِ»: ترازو. عدالت. «بِالْقِسْطَاسِ الْـمُسْتَقِيمِ»: با ترازوی درست. با دادگری تامّ (نگا: شعراء / ۱۸۲).

سوره إسراء آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡ‍ُٔولٗا 

ترجمه:

از چیزی دنباله‌روی مکن که از آن ناآگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهائی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضاء دیگر انجام می‌دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد.

توضیحات:

«لاتَقْفُ»: دنباله‌روی مکن. از ماده (قفو) به معنی دنباله‌روی. یعنی: انسان باید گفتار و کردارش از روی علم و یقین باشد؛ نه از روی ظنّ و گمان و حدس و تخمین. «أُولئِکَ»: آنها. این واژه گاهی برای غیر ذوی‌العقول نیز به کار می‌رود. یا این که اندامهای بدن به عنوان ذوی‌العقول مورد خطاب قرار گرفته‌اند. «کَانَ عَنْهُ مَسْؤُولاً»: انسان از کردار اندام‌ها پرسیده می‌شود. یا این که: همه اندام‌ها مخاطب و مورد پرسش قرار می‌گیرند (نگا: فصّلت / ۲۰ و ۲۱).

سوره إسراء آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ٣٧﴾

ترجمه:

و در روی زمین متکبّرانه و مغرورانه راه مرو. چرا که تو (با پای کوبیدن قلدرانه‌ات بر زمین) نمی‌توانی زمین را بشکافی، و (با گردن کشیدن جبّارانه‌ات بر آسمان، نمی‌توانی) به بلندای کوهها برسی. (آخر ذرّه ناچیزی انسان نام، در برابر کره زمین، و کره زمین در برابر مجموعه هستی، چه چیز بشمار آست؟!).

توضیحات:

«مَرَحاً»: خوشحالی فراوان. شادمانی زیاد، و توأم با خودپسندی و خود بزرگ‌بینی. مصدر است و حال بشمار است؛ یا این که مفعول مطلق فعل محذوف، و یا این که معفول‌له است. «لَن تَخْرِقَ»: پاره نخواهی کرد. نخواهی شکافت. «طُولاً»: تمییز یا این که حالِ فاعل است. یعنی از لحاظ بلندی یا گردن‌کشان و متطاولانه.

سوره إسراء آیه ۳۸

متن آیه:

﴿كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ٣٨﴾

ترجمه:

همه آن (مأمورات و منهیات مذکور در آیات پیشین) بدهایش (که منهیات است) نزد پروردگارت زشت بشمار است (و از آن ناخوشنود است).

توضیحات:

«كُلُّ ذلِكَ»: همه آنها. یعنی جملگی ۲۴ سفارشی که با (لا تَجْعَلْ مَعَ اللهِ) در آیه ۲۲ شروع می‌گردد و شامل مأمورات و منهیات می‌باشد. «سَيِّئُهُ»: بد و زشت آن. مراد بخش منهیات و محظورات است.

سوره إسراء آیه ۳۹

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدۡحُورًا ٣٩﴾

ترجمه:

اینها از امور حکمت‌آمیزی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و هرگز با خداوند (یگانه و آفریدگار جهان هستی) معبود دیگری را انباز مکن، که (اگر چنین کنی) به دوزخ افکنده شوی (و از سوی خدا و مردم) سرزنش شده و مطرود (از رحمت الهی گردی).

توضیحات:

«ذلِكَ»: آن احکام پیشین راجع به اوامر و نواهی. «مِنَ الْحِكْمَةِ»: احکام مذکور برخی از امور حکمت‌آمیز است. احکام مذکور عین حکمت و ساخته و پرداخته از آن است. اشیاء متقدّم از جمله چیزهائی می‌باشند که عقل به صحّت و استواری آنها گواهی می‌دهد و نفس بدان‌ها می‌گراید. «مَدْحُوراً»: مطرود از رحمت خدا (نگا: اعراف / ۱۸، إسراء / ۱۸).

سوره إسراء آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمًا ٤٠﴾

ترجمه:

(ای کسانی که می‌گوئید: فرشتگان دختران خدایند!) آیا پروردگارتان (شما را بر خود ترجیح داده و) پسران را ویژه شما کرده است (که به گمان شما نسل اعلی بشمارند) و از فرشتگان دخترانی را خاصّ خود کرده است (که به عقیده پوچ شما بی‌ارج و از نسل ادنی محسوبند؟). واقعاً شما سخن بسیار (بزرگ کفرآمیزی و بهتان)

عظیمی بیان می‌دارید.

توضیحات:

«أَفَأَصْفَاكُمْ»: آیا شما را اختصاص داده است به؟ آیا خاصّ شما کرده است؟ «إِنَاثاً»: جمع أُنْثی، مراد دختران است (نگا: نحل / ۵۷، صافّات / ۱۴۹ و ۱۵۳، طور / ۳۹). «قَوْلاً عَظِیماً»: سخنی بسیار زشت و بس بزرگ از نظر انحراف و قباحت و شناعتی که دارد.

سوره إسراء آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ٤١﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيذَّكرُواْ وَمَا يزِيدُهُمْ إِلاَّ نُفُوراً

ترجمه:

ما در این قرآن (اثبات توحید و نفی شرک را) به صورتهای گوناگون بیان داشته‌ایم (و با استدلالهای منطقی و فطری، و در شکل تهدید و تشویق، آن را متذکر شده‌ایم) تا این که پند گیرند (و دست از این یاوه‌سرائیها بردارند) ولی جز بر نفرت و گریزشان (از حق) نمی‌افزایند.

توضیحات:

«صَرَّفْنَا»: با طرق و فنون مختلفِ کلام مکرّراً بیان داشته‌ایم. مفعول این فعل محذوف است و از سیاق کلام مفهوم است که نسبتِ فرزند به خدای بزرگوار و ردِّ آن از جانب کردگار است (نگا: انعام / ۱۰۰ - ۱۰۷، نحل / ۵۷ - ۶۲، زخرف / ۱۶ - ۱۹، نجم / ۲۱ - ۲۷). «نُفُوراً»: بیزاری و گریز.

سوره إسراء آیه ۴۲

متن آیه:

﴿قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا ٤٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: اگر با خداوند (جهان) آن چنان که می‌پندارید، خدایانی (در گستره هستی) بودند، در این صورت قطعاً درصدد برمی‌آمدند که بر (یزدان سبحان) صاحب تخت (جهان) چیره شوند، (و اختلاف و تنازع خدایان

گوناگون، نظم و نظام دنیا را مختل می‌کرد).

توضیحات:

«ءَالِهَةٌ»: جمع إله، خدایان و معبودان. «لاَبْتَغَوْا»: قطعاً طلب می‌کردند و می‌جستند. «ذِي الْعَرْشِ»: صاحب تخت فرماندهی و سریر فرمانروائی. مراد خداوند جهان است. «لاَبْتَغَوْا إِلَیا ذِي الْعَرْشِ سَبِیلاً»: خواستار غلبه بر خداوند جهان می‌شدند (نگا: انبیاء / ۲۲، مؤمنون / ۹۱). خدایان پنداری شما تلاش می‌کردند راهی برای تقرّب به خداوند جستجو کنند (نگا: اسراء / ۵۷).

سوره إسراء آیه ۴۳

متن آیه:

﴿سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤٣﴾

ترجمه:

خداوند از آنچه آنان (درباره خدا به هم می‌بافتند و از ناروا و نقائصی که در حق او) می‌گویند، بسیار به دور و (از اندیشه ایشان) خیلی والاتر و بالاتر است.

توضیحات:

«عُلُوّاً»: بالائی و والائی. مفعول مطلق و برای تأکید است. مصدری است که از غیر فعل خود آمده است (نگا: نوح / ۹۷).

سوره إسراء آیه ۴۴

متن آیه:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤٤﴾

ترجمه:

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند همگی، تسبیح خدا می‌گویند و (با تنزیه و تقدیسش، رضای او می‌جویند. اصلاً نه تنها آسمانهای هفتگانه و زمین) بلکه هیچ موجودی نیست مگر این که (به زبان حال یا قال) حمد و ثنای وی می‌گویند، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید (چرا که زبان‌شان را نمی‌دانید و از ساختار اَسرارآمیز عالَم هستی و نظام پیچیده جهان آفرینش چندان مطلع نیستید. پس همآهنگ با سراسر جهان هستی به یکتاپرستی بپردازید و از راستای جملگی کنار

نروید و دور نشوید. درهای توبه و برگشت به‌سوی یزدان جهان به روی همگان باز است). بی‌گمان یزدان بس شکیبا و بخشنده است (و در کیفر رساندن شتاب نمی‌ورزد و فرصت آشنائی با توحید و رهاکردن شرک را به مردمان می‌دهد، و در برابر بیداری از خواب غفلت‌شان مغفرت خود را شامل‌شان می‌سازد).

توضیحات:

«تُسَبِّحُ لَهُ...»: (نگا: رعد / ۱۳، انبیاء / ۳۲، حدید / ۱). نطق آب و نطق خاک و نطق گِل

سوره إسراء آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) هنگامی که قرآن (ناطق به دلائل حق) را می‌خوانی، میان تو و آنان که به قیامت باور ندارند (و پیوسته دشمن حق و از حقیقت گریزانند) حجاب ناپیدائی قرار می‌دهیم (تا نور قرآن به دل ایشان پرتو نیندازد و به آنان سودی نرساند).

توضیحات:

«حِجَاباً»: پرده و مانعی که کافران معاند را از نور معنوی قرآن باز دارد (نگا: بقره / ۲۶، توبه / ۱۲۴ و ۱۲۵). « مَسْتُوراً »: ناپیدا نادیدنی (نگا: بقره / ۷).

سوره إسراء آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ٤٦﴾

ترجمه:

و (چون در ستیزه‌جوئی با حق پافشاری می‌کنند) بر دل‌هایشان پوشش‌هائی قرار می‌دهیم تا قرآن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی ایجاد می‌کنیم (تا ندای هدایت قرآن را چنان که باید نشوند و از آن سود نبرند، و لذا) هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی (و خدایان پنداری ایشان را همراه با او نام نمی‌بری) پشت

کرده و می‌گریزند (تا صدای توحید را نشنوند).

توضیحات:

«أَكِنَّةً»: جمع کنان، پرده و پوشش (نگا: أنعام / ۲۵). «أن يَفْقَهُوهُ»: تا آن را نفهمند (نگا: أنعام / ۲۵). «وَقْراً»: سنگینی (نگا: أنعام / ۲۵). «وَحْدَهُ»: تنها و یگانه. حال است (نگا: أعراف / ۷۰). «نُفُوراً»: مصدر است و به معنی: گریز. در این صورت مفعول مطلق یا مفعول‌له است. یا این که جمع نافِر است و به معنی: گریزانان. در این صورت، حال بشمار می‌آید.

سوره إسراء آیه ۴۷

متن آیه:

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٤٧﴾

ترجمه:

ما (از هر کس دیگری) بهتر می‌دانیم که آنان به چه منظوری به سخنان تو گوش فرا می‌دهند، هنگامی که پای سخنانت می‌نشینند، و آن زمان که با هم درگوشی صحبت می‌کنند. آن زمان که ستمکاران (کفرپیشه، نهانی به یکدیگر) می‌گویند (اگر شما دوستان هم‌عقیده ما از او پیروی کنید) جز از مرد جادو شده‌ای پیروی نمی‌کنید (که جادوگران در عقل و هوش او رخنه کرده و آن را مختل ساخته‌اند).

توضیحات:

«يَسْتَمِعُونَ بِهِ»: حالی که ایشان به هنگام گوش فرا دادن داشتند و متلبّس به چه تمسخر و استهزائی در حق تو و قرآن بودند. «إِذْهُمْ نَجْوَيا»: آن گاه که آنان با هم درگوشی صحبت می‌کردند و نهانی سخنان زشتی می‌گفتند. واژه (إِذْ) ظرف زمان و بدل از (إِذْ) پیشین است. واژه (نَجْوَيا) جمع (نَجِيّ) است. مانند: قَتیل و قَتْلی، جَریح و جَرْحی. به معنی: نجواکنندگان با یکدیگر. کلمه (نَجْوي) می‌تواند مصدر هم باشد. «مَسْحُوراً»: جادو شده. مراد دیوانه و دارای اختلال حواسّ است.

سوره إسراء آیه ۴۸

متن آیه:

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٤٨﴾

ترجمه:

بنگر چگونه برای تو مثل‌ها می‌زنند و (گاه کاهن، گاه مجنون، وقتی شاعر، و زمانی ساحرت می‌گویند.) از این رو آنان گمراه گشته و نمی‌توانند راهی (به سوی حق) پیدا کنند.

توضیحات:

«ضَرَبُوا لَكَ الأمْثَالَ»: برای تو مثلها می‌زنند. مراد نسبت‌های دروغین همچون ساحر و شاعر و کاهن و مجنون و غیره است.

سوره إسراء آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ٤٩﴾

ترجمه:

و (اینان و منکرانِ دیگر رستاخیز) می‌گویند: آیا هنگامی که ما استخوانی (پوسیده) و تکه‌هائی خشکیده (و از هم پاشیده) شدیم، مگر دیگر باره آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت (و زندگی دوباره‌ای پیدا خواهیم کرد؟!).

توضیحات:

«عِظَاماً»: جمع عَظْم، استخوان‌ها. «رُفَاتاً»: درهم شکسته و از هم پراکنده. «خَلْقاً جَدِيداً»: آفرینش تازه. مخلوق نو و دوباره جان به پیکر دمیده (نگا: رعد / ۵، ابراهیم / ۱۹، یس / ۷۸ و ۷۹).

سوره إسراء آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قُلۡ كُونُواْ حِجَارَةً أَوۡ حَدِيدًا ٥٠﴾

ترجمه:

بگو: شما سنگ باشید (که به هیچ وجه قابلیت پذیرش حیات را ندارد) و یا آهن باشید (که از سنگ محکمتر است).

توضیحات:

«حَدِيداً»: آهن.

سوره إسراء آیه ۵۱

متن آیه:

﴿أَوۡ خَلۡقٗا مِّمَّا يَكۡبُرُ فِي صُدُورِكُمۡۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَاۖ قُلِ ٱلَّذِي فَطَرَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖۚ فَسَيُنۡغِضُونَ إِلَيۡكَ رُءُوسَهُمۡ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَۖ قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبٗا ٥١﴾

ترجمه:

یا این که (جز آن دو) چیز دیگری باشید که در نظرتان (از این‌ها هم) سخت‌تر است (و از قابلیت پذیرش حیات دورتر، باز خدا می‌تواند به پیکرتان جان بدمد و به زندگی مجدّد بازگرداند. آنان شگفت‌زده) خواهند گفت: چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو: آن خدائی که نخستین بار شما را آفرید. پس از آن، سرهایشان را به سویت (به عنوان استهزاء) تکان می‌دهند و می‌گویند: چه زمانی این (معاد) خواهد بود؟ بگو: شاید که نزدیک باشد.

توضیحات:

«يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ»: در نظرتان سخت‌تر و اصلاً قابلیت پذیرش حیات را ندارند. «سَيُنْغِضُونَ»: تکان خواهند داد.

سوره إسراء آیه ۵۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَدۡعُوكُمۡ فَتَسۡتَجِيبُونَ بِحَمۡدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا ٥٢﴾

ترجمه:

(این بازگشت به حیات مجدّد) روزی خواهد بود که خدا شما را از گورهایتان (برای گردهم‌آئی در محشر) فرا می‌خواند و شما (فرمان او را) با حمد و سپاس پاسخ می‌گوئید و گمان می‌برید که (در دنیا) جز مدّت اندکی ماندگار نبوده‌اید.

توضیحات:

«تَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ»: پاسخگوی امر خدا ستایش‌کنان خواهید بود. یعنی با سرعت همچون مطیعان مؤمن و فرمانبردار از گورها سر برآورده و رهسپار میدان محشر می‌گردید. «إِن لَّبِثْتُمْ»: ماندگار نبوده‌اید. نمانده‌اید. مراد ماندن در دنیا یا در گور است.

سوره إسراء آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُواْ ٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ يَنزَغُ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٗا مُّبِينٗا ۝٥٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) به بندگانم بگو: سخنی (در گفتار و نوشتار خود) بگویند که زیباترین (و نیکوترین سخن‌ها) باشد. چرا که اهریمن (به وسیله سخن‌های زشت و ناشیرین) در میان ایشان فساد و تباهی به راه می‌اندازد، و بی‌گمان اهریمن (از دیر باز) دشمن آشکار انسان بوده است (و پیوسته درصدد برآمده تا آتش جنگ را با افروزینه وسوسه شعله‌ور سازد).

توضیحات:

«أَلَّتِي»: عبارت و مقالتی را که. «يَنزَغُ»: تباهی به راه می‌اندازد. شما را برای انجام فساد و تباهی وسوسه می‌کند (نگا: اعراف / ۲۰۰).

سوره إسراء آیه ۵۴

متن آیه:

﴿رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِكُمۡۖ إِن يَشَأۡ يَرۡحَمۡكُمۡ أَوۡ إِن يَشَأۡ يُعَذِّبۡكُمۡۚ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ۝٥٤﴾

ترجمه:

پروردگارتان از حال شما آگاه‌تر (از هر کسی) است، اگر بخواهد (به شما توفیق ایمان عطاء می‌کند) و شما را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد، و اگر بخواهد (با کفر و عصیان شما را می‌میراند و) دچار عذابتان می‌گرداند. (ای محمّد!) ما تو را به عنوان وکیل (ایمان آوردن) ایشان (و مراقب احوال آنان) نفرستاده‌ایم، (تا ملزم باشی حتماً آنان ایمان بیاورند. بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

توضیحات:

«وَكِيلاً»: واگذار و موکول به او. مراقب و محافظ. مراد این است که وظیفه پیغمبر و هر دعوت‌کننده‌ای، تنها تبلیغ روشن و آشکار و تلاش لازم در امر دعوت به‌سوی حق است.

سوره إسراء آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِمَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ فَضَّلۡنَا بَعۡضَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ عَلَىٰ بَعۡضٖۖ

وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ﴿٥٥﴾

ترجمه:

پروردگارت از (احوال همه) مردمان و چیزهائی که در آسمان‌ها و زمینند آگاه‌تر (از هر کسی) است (و می‌داند چه کسانی را از میان توده مردم به پیغمبری برمی‌گزیند). ما برخی از پیغمبران را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم، و (از جمله) به داود زبور عطاء نموده‌ایم (و او را بدان افتخار بخشیده و بالاتر از بعضی انبیاء قرار داده‌ایم. به تو نیز قرآن ارمغان کرده و خاتم و سرآمد همه پیغمبرانت ساخته‌ایم).

توضیحات:

«زَبُوراً»: نام کتاب آسمانی داود است (نگا: نساء / ۱۶۳).

سوره إسراء آیه ۵۶

متن آیه:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا تَحۡوِيلًا ﴿٥٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: کسانی را که به جز خدا (شایسته پرستش) می‌پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، امّا (خواهید دید که) نه توانائی دفع زیان و رفع بلا از شما را دارند، و نه می‌توانند آن را دگرگون سازند (و ناخوشی‌ها را به خوشی‌ها تبدیل کنند و یا این که از اندوه دردها بکاهند).

توضیحات:

«تَحْوِيلاً»: تغییر و تبدیل.

سوره إسراء آیه ۵۷

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ﴿٥٧﴾

ترجمه:

آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند (و خداگونه‌هایشان می‌دانند) آنان که از همه مقرّبترند (به درگاه یزدان، همچون عیسی و عُزَیر و فرشتگان) برای تقرّب به

پروردگارشان وسیله می‌جویند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند. چرا که عذاب پروردگارت (چنان شدید است که) باید از آن خویشتن را دور و برحذر داشت.

توضیحات:

«يَبْتَغُونَ»: می‌جویند. دنبال می‌کنند و می‌طلبند. «الْوَسِيلَةَ»: چیزی که انسان را به اجر و پاداش خدا برساند و او را به خدا نزدیک گرداند که با انجام طاعات و ترک معاصی ممکن و مقدور است (نگا: مائده / ۳۵). «أَيُّهُمْ أَقْرَبُ»: آنان که به خدا نزدیکتر و در درگاه حق مقرّبترند. واژه (أَيُّ) بدل جزء از کلّ ضمیر واو در فعل (يَبْتَغُونَ) است. «مَحْذُوراً»: اسم مفعول است، یعنی برحذر داشته شده و بیم داده شده از آن.

سوره إسراء آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَإِن مِّن قَرۡيَةٍ إِلَّا نَحۡنُ مُهۡلِكُوهَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَوۡ مُعَذِّبُوهَا عَذَابٗا شَدِيدٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٥٨﴾

ترجمه:

هر شهر و دیاری را (که اهل آن ستمکار باشند) پیش از روز قیامت (به مجازات می‌رسانیم و) نابودش می‌گردانیم، یا (اهالی) آن را به عذاب سختی گرفتار می‌نمائیم. این (مجازات دنیوی پیش از مجازات اخروی) در کتاب (الهی لوح محفوظ) ثبت گردیده است (و قلم قضا و قدر بر آن رفته است. پس قریشیان از این بترسند و بیشتر به دنبال کفر و ستم نروند).

توضیحات:

«إِن مِّن قَرْيَةٍ»: آبادی و شهری وجود ندارد. واژه (إِنْ) حرف نفی، و (مِنْ) بر عمومیت مابعد خویش دلالت دارد. «قَرْيَةٍ»: هر آبادی و شهری از آبادیها و شهرهائی که ساکنان آنجا ستمگر و کافر و سرکش باشند (نگا: اسراء / ۱۶، کهف / ۵۹). «الْكِتَابِ»: لوح محفوظ (نگا: حدید / ۲۲). «مَسْطُوراً»: نوشته. ضبط و ثبت شده.

سوره إسراء آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا ٥٩﴾

ترجمه:

(قریشیان می‌خواهند، کوه صفا را طلا کنی، و کوههای پیرامون ایشان را از میان برداری و غیره). چیزی ما را از انجام این معجزات (مادی پیشنهادی) باز نمی‌دارد، مگر این که (ما قبلاً چنین معجزاتی را بر دست پیغمبران پیشین انجام داده‌ایم، و) گذشتگان آنها را (پس از مشاهده) تکذیب کرده‌اند. (سنّت ما هم بر این رفته است که پس از نمودن معجزات مادی، در صورت عدم پذیرش پیشنهادکنندگان، آنان را هلاک سازیم. از جمله) ما برای قوم ثمود شتر (از سنگ به در آوردیم و) به‌سویشان گسیل داشتیم که (معجزه هویدا و شک‌زدا و) روشنگری بود. امّا آنان نسبت بدان کفر ورزیدند (و آن را از جانب خدا ندیدند و کشتند. اصولاً برنامه ما این نیست که هر کسی معجزه‌ای پیشنهاد کند پیغمبر وقت تسلیم او گردد) و ما معجزات را جز برای بیم دادن (مردم و اتمام حجّت) اجرا نمی‌سازیم.

توضیحات:

«أَن نُّرْسِلَ بِالآیَاتِ»: مراد معجزاتی است که قریش پیشنهاد می‌کردند و می‌خواستند (نگا: اسراء / ۹۰ - ۹۳). «مُبْصِرَةً»: روشن‌گر و شک‌برانداز. معجزه‌ای که هرکس درباره آن بیندیشد، بینش به هم رساند و بصیرت پیدا کند. حال ناقه است. «ظَلَمُوا بِهَا»: به سبب باور نکردن به معجزه بودن آن شتر، به خود ستم کردند. منکر آن شدند و در حق آن ستم کردند. «تَخْوِیفاً»: بیم دادن. مفعول‌له است.

سوره إسراء آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ٦٠﴾

ترجمه:

زمانی (را به یاد آور ای پیغمبر که) به تو گفتیم: پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد و (از وضع آنان کاملاً آگاه است. پس بیباکانه دعوت خود را برسان و بدان که) ما

دیداری را که (در شب معراج) برای تو میسّر کردیم و درخت نفرین شده (زقّوم را که در ته دوزخ می‌روید و خوراک بزهکاران است و مذکور) در قرآن، جز وسیله آزمایش مردمان قرار نداده‌ایم. ما ایشان را (با مخاوف دنیا و آخرت) بیم می‌دهیم، ولی چیزی بر آنان جز طغیان و عصیان فراوان نمی‌افزاید.

توضیحات:

«الرُّؤْيَا»: رؤیت. مشاهده و دیدار. مراد دیدن کردن از چیزهائی است که در شب معراج صورت پذیرفت. «فِتْنَةً»: آزمایش. امتحان. «الشَّجَرَةَ الـْمَلْعُونَةَ»: درخت نفرین شده. مراد درخت زقّوم است که خوراک گناهکاران است و در بن دوزخ می‌روید (نگا: صافّات / ۶۲ - ۶۷، دخان / ۴۳ و ۴۴). علّت تسمیه آن بدین نام، از آن جهت است که چنین درختی نشانه دوری از رحمت خدا و لعنِ خورندگان آن است.

سوره إسراء آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ قَالَ ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ٦١﴾

ترجمه:

زمانی (را یادآور شو) که ما به فرشتگان گفتیم: برای آدم کرنش کنید. فرشتگان جملگی کرنش کردند مگر ابلیس (که از جنّیان بود و در میان فرشتگان قرار داشت، او که نمونه کامل استکبار بود) گفت: آیا برای کسی کرنش کنم که او را از گِل آفریده‌ای؟ (من که از آتشم، بهتر از آدمم! عالی برای دانی چگونه تعظیم کند؟).

توضیحات:

«خَلَقْتَ طِيناً»: او را از گِل آفریده‌ای (نگا: اعراف / ۱۲). واژه (طیناً) منصوب به نزع خافض است.

سوره إسراء آیه ۶۲

متن آیه:

﴿قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٢﴾

ترجمه:

شیطان گفت: به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته‌ای؟! (جای تعجّب است). اگر مرا تا روز قیامت زنده بداری، فرزندان او را همگی جز اندکی (با گمراهی) نابود می‌گردانم (و لگامِ وسوسه را به دهانشان می‌زنم و به جاده خطا و گناهشان می‌کشانم).

توضیحات:

«أَرَأَیْتَكَ»: آیا ملاحظه کرده‌ای که چه کرده‌ای؟ مرا بگو. خبرم کن. «هذَا الَّذِي...»: ادات استفهامی محذوف و از سیاق کلام پیدا است. یعنی: هَلْ هذا هُوَ الَّذی. «لَأَحْتَنِكَنَّ»: زیر چانه ایشان را افسار می‌بندم. لگام به دهانشان می‌زنم. با گمراهسازی نابودشان می‌گردانم و تباهشان می‌سازم.

سوره إسراء آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ٦٣﴾

ترجمه:

خدا فرمود: برو! (تا روز رستاخیز به تو مهلت داده می‌شود و هرچه می‌خواهی بکن. آدمیزادگان از عقل و اراده برخوردارند) کسانی که از ایشان از تو پیروی کنند، دوزخ سزای شما (اهریمن و آنان) است و سزای فراوان و بی‌نقصانی است.

توضیحات:

«إِذْهَبْ»: برو. جنبه توهین و تحقیر را دارد. «جَزَآءً»: مفعول مطلق (جَزَآؤُکُمْ) یا فعل محذوفی است و تقدیر چنین است: «تُجْزَوْنَ جَزآءً». «مَوْفُوراً»: فراوان. کامل و بی‌کم و کاست.

سوره إسراء آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ٦٤﴾

ترجمه:

و بترسان و خوار گردان با ندای (دعوت به معصیت و وسوسه) خود هرکسی از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان (و همه

تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان به کار گیر) و در اموال آنان (با تشویق و تحریک‌شان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام) و در اولاد ایشان (با گول زدن اولیاء و رهنمود فرزندان‌شان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرست‌شان) شرکت جوی، و آنان را (به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره) وعده بده (و بفریب)، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ و گول نیست.

توضیحات:

«إِسْتَفْزِزْ»: از مصدر استفزاز به معنی: استخفاف و خوار داشتن. به هراس انداختن. بریدن کسی از حق و کشاندن او به‌سوی باطل. «بِصَوْتِكَ»: مراد وسوسه اغواگرانه و گمراهسازانه اهریمن است. «أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ»: بر آنان فریاد بزن و بتاز. مراد لشکرکشی است. «بِخَيْلِكَ»: خیل، سواران. «رَجِلِكَ»: رَجِل، پیاده. اسم جنس و به معنی پیادگان اهریمن، اعوان و انصار و پیروان او است. «غُرُوراً»: نیرنگ. گول زدن و فریفتن. صفت مصدر محذوفی است و تقدیر آن چنین است: «وَعْداً غُرُوراً».

سوره إسراء آیه ۶۵

متن آیه:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ٦٥﴾

ترجمه:

بی‌گمان سلطه‌ای بر بندگان (مخلص و مؤمن) من نخواهی داشت، و همین کافی است که (ایشان در پناه خدایند و) پروردگارت حافظ و پشتیبان (این چنین بندگان) است.

توضیحات:

«إِنَّ عِبَادِي...»: (نگا: حجر / ۴۲).

سوره إسراء آیه ۶۶

متن آیه:

﴿رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ فِي ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٦٦﴾

ترجمه:

پروردگارتان آن کسی است که کشتی‌ها را در دریاها به حرکت در می‌آورد تا جویای رزق او (شوید و از فضل و نعمتش برخوردار) گردید. خداوند همیشه در حق شما (بندگان) مهربان بوده است.

توضیحات:

«يُزْجِي»: می‌راند. سوق می‌دهد. «الْفُلْكَ»: کشتیها (نگا: بقره / ۱۶۴). «مِن فَضْلِهِ»: از خیر و خوبی او.

سوره إسراء آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ كَفُورًا ۝٦٧﴾

ترجمه:

هنگامی که ناراحتی‌ها در دریاها به شما می‌رسد (و گرفتار طوفان‌ها و امواج سهمگین می‌شوید و کشتی خویش را همچون پر کاهی در پهنه آبها می‌بینید، وحشت می‌کنید و) جز خدا همه کسانی از نظرتان ناپدید می‌گردند که ایشان را به فریاد می‌خوانید. امّا زمانی که خدا شما را (از غرق شدن) نجات داد و به خشکی رسانید، (از یکتاپرستی) روی می‌گردانید (و انسان‌های ناتوان و بتان بی‌جان را انباز یزدان جهان می‌سازید)، و اصولاً انسان بسیار ناسپاس است.

توضیحات:

«الضُّرُّ»: ناراحتیها و گرفتاریها. مشکلات و سختی‌ها (نگا: انعام / ۱۷، یونس / ۱۲ و ۱۰۷). «ضَلَّ»: گم شد. از ذهن محو و از نظر ناپدید گردید).

سوره إسراء آیه ۶۸

متن آیه:

﴿أَفَأَمِنتُمۡ أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ ٱلۡبَرِّ أَوۡ يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗا ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ وَكِيلًا ۝٦٨﴾ أَفَأَمِنتُمْ أَن يخْسِفَ بِكمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يرْسِلَ عَلَيكمْ حَاصِباً ثُمَّ لاَ تَجِدُواْ لَكمْ وَكيلاً

ترجمه:

آیا شما ایمن از این هستید که خدا گوشه‌ای از خشکی را بشکافد و شما را در

(کام) آن فرو برد؟ یا این که طوفانی به سویتان روان دارد که باران سنگ بر شما بباراند و آن وقت حافظ و نگهبانی برای خود پیدا نکنید؟

توضیحات:

«یَخْسِفَ بِکُمْ جَانِبَ البَرِّ»: شما را به گوشه‌ای از خشکی فرو برد. گوشه‌ای از خشکی را بشکافد و شما را همراه با آن در درون زمین دفن و ناپدید گرداند. واژه (جانب) مفعول‌به یا ظرف است. «حَاصِباً»: باران سنگ. طوفان بادی که سنگ از آن ببارد (نگا: حجر / ۷۴).

سوره إسراء آیه ۶۹

متن آیه:

﴿أَمۡ أَمِنتُمۡ أَن يُعِيدَكُمۡ فِيهِ تَارَةً أُخۡرَىٰ فَيُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ قَاصِفٗا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغۡرِقَكُم بِمَا كَفَرۡتُمۡ ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ عَلَيۡنَا بِهِۦ تَبِيعٗا ٦٩﴾

ترجمه:

یا این که ایمن هستید از این که خداوند بار دیگر شما را (نیازمند سفر دریا سازد و) به دریا برگرداند و تندباد درهم شکننده‌ای به سویتان گسیل دارد (و بر سرتان بگمارد) تا شما را به سبب ناسپاسی (و کفرتان نسبت به یزدان) خودتان غرق گرداند، و از آن به بعد کسی را نیابید که خونبهای شما را از ما بخواهد (و در برابر آن ما را تعقیب و مورد پیگرد قرار دهد)؟

توضیحات:

«قَاصِفاً»: باد تند و درهم شکننده. مراد طوفان درهم شکننده کشتیها است. «بِمَا کَفَرْتُمْ»: به سبب ناسپاسی و کفرانتان. به علّت زندقه و کفرتان. «تَبِیعاً»: تعقیب کننده. خواهان خونبها. فعیل به معنی فاعل است.

سوره إسراء آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا ٧٠﴾

ترجمه:

ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت

راست، و غیره) گرامی‌داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده‌ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.

توضیحات:

«عَلَىٰ كَثِيرٍ»: مراد این است که خداوند انسان را جز بر فرشتگان بر همه مخلوقات اعم از جمادات و نباتات و حیوانات برتری داده است و با عطاء کردن چیزهائی بدو والاترش فرموده است.

سوره إسراء آیه ۷۱

متن آیه:

﴿يَوۡمَ نَدۡعُواْ كُلَّ أُنَاسِۭ بِإِمَٰمِهِمۡۖ فَمَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا ٧١﴾

ترجمه:

روزی همه انسان‌ها را همراه با نامه اعمال‌شان فرا می‌خوانیم. آن گاه هرکس نامه اعمالش به دست راستش داده شود (جزو سعادتمندان است) و آنان نامه اعمال‌شان را (شادان و خندان) می‌خوانند و کمترین ستمی بدی‌شان نخواهد شد.

توضیحات:

«أُنَاسٍ»: گروهی از مردم (نگا: بقره / ۶۰، اعراف / ۸۲ و ۱۶۰). «بِإِمَامِهِمْ»: مراد از امام، نامه اعمال (نگا: کهف / ۴۹، یس / ۱۲ و ۳۶، جاثیه / ۲۸ و ۲۹)، پیغمبران (نگا: انبیاء / ۷۳)، کتاب‌های آسمانی (نگا: هود / ۱۷، احقاف / ۱۲) پیشوایان و رهبران راه یزدان (نگا: فرقان / ۷۴، قصص / ۵) یا سردستگان و نشان دهندگان راه شیطان (نگا: توبه / ۱۲، قصص / ۱۴) است. حرف باء به معنی (مَعَ) می‌باشد. «فَتِيلاً»: رشته نازکی که در شکاف هسته خرما قرار دارد و کنایه از چیز بسیار کم و ناچیز است (نگا: نساء / ۴۹ و ۷۷).

سوره إسراء آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَمَن كَانَ فِي هَٰذِهِۦٓ أَعۡمَىٰ فَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ٧٢﴾

ترجمه:

و هرکس در این (جهان) کور (دل و گمراه) باشد، در آخرت کورتر و گمراه‌تر خواهد بود. (چرا که وجود اخروی انسان، درخت روئیده از دانه زندگی دنیوی او است).

توضیحات:

«فِي هٰذِهِ»: در این دنیا. «أَعْمَیا»: واژه نخست صفت مشبّهه و به معنی کوردل، یعنی کسی است که راه هدایت و واقعیت را نبیند و آیات آفاق و انفس را نادیده گیرد. و واژه دوم می‌تواند باز هم صفت مشبّهه بوده و به همین معنی، یا به معنی کورچشم و نابینا باشد (نگا: اسراء / ۹۷، طه / ۱۲۴ و ۱۲۵) و یا این که اسم تفضیل و از عیوب درونی باشد، یعنی کورتر و نابیناتر برانگیخته شود و راه بهشت و سعادت را نبینند (نگا: تفسیر روح‌المعانی، قاسمی، سراج‌المنیر).

سوره إسراء آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَإِن كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا ٧٣﴾

ترجمه:

نزدیک بود کافران (با نیرنگهای گوناگون و نیروهای زر و زور) تو را از (حکم) آنچه به تو وحی کرده‌ایم (و قرآنش نامیده‌ایم، دور و) منصرف گردانند (و فقراء را از پیش تو برانند) تا (در عمل، حکم) جز قرآن را به ما نسبت دهی، و آن گاه تو را به دوستی گیرند (و همدمی تو را بپذیرند).

توضیحات:

«إِن كَادُوا»: نزدیک بود که. حرف (إِنْ) مخفّف (إِنَّ) است. «لَيَفْتِنُونَكَ»: باز دارند. تو را منحرف و منصرف سازند. «مِنَ الَّذِي أَوْحَيْنآ إِلَيْكَ»: از چیزی که به تو وحی کرده‌ایم. اشاره به این است که قریشیان از پیغمبر می‌خواستند که فقراء را از خود دور کند، تا آنان در مجلس او حضور یابند (نگا: انعام / ۵۲ و ۵۳).

سوره إسراء آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا ٧٤﴾

ترجمه:

و اگر ما تو را استوار و پابرجای (بر حق) نمی‌داشتیم، دور نبود که اندکی بدانان بگرائی.

توضیحات:

«لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ»: نزدیک بود که بدی‌شان اعتماد و به جانب ایشان میل کنی.

سوره إسراء آیه ۷۵

متن آیه:

﴿إِذَا لَّأَذَقْنَٰكَ ضِعْفَ ٱلْحَيَوٰةِ وَضِعْفَ ٱلْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ٧٥﴾

ترجمه:

(و اگر چنین می‌کردی) در این صورت عذاب دنیا و عذاب آخرت (تو) را چندین برابر (می‌ساختیم و) به تو می‌چشاندیم (چرا که گناه بزرگان بزرگ است). سپس در برابر ما یار و یاوری نمی‌یافتی (تا عذاب ما را از تو به دور دارد).

توضیحات:

«ضِعْفَ»: دو چندان. چندین برابر. «ضِعْفَ الْـحَيَاةِ»: تقدیر چنین است: «عَذاباً ضِعْفاً فِي الْحَيَاةِ وَ عَذاباً ضِعْفاً فِي الْمَمَاتِ». یعنی (عَذاباً) موصوف و (ضِعْفاً) صفت بوده است. سپس موصوف حذف گردیده و صفت به جای آن نشسته است و در مقام نیابت به واژه بعد از خود اضافه گشته است.

سوره إسراء آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَإِن كَادُواْ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَاۖ وَإِذَا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ٧٦﴾

ترجمه:

(کفّار مکه با نقشه‌ها و توطئه‌های گوناگون خواستند در تو نفوذ کنند) و نزدیک بود آنان تو را از سرزمین (مکه) برکنند (و محیط آن را برایت غیرقابل تحمّل کرده) تا تو را از آنجا بیرون کنند. (اگر آنان چنین می‌کردند) در این صورت بعد از تو جز مدّت کوتاهی نمی‌ماندند.

توضیحات:

«لَيَسْتَفِزُّونَكَ»: (نگا: إسراء / ۶۴). «إِذاً لا يَلْبَثُونَ»: در این صورت باقی و برجای

نمی‌ماندند. البتّه قریشیان عاقبت چنین کردند و سران ایشان هیجده ماه بعد از هجرت پیغمبر به مدینه در جنگ بدر کشته شدند و سرانجام با فتح مکه بساط کفّار مکه برچیده شد.

سوره إسراء آیه ۷۷

متن آیه:

﴿سُنَّةَ مَن قَدۡ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ٧٧﴾

ترجمه:

(تنها در دفاع از تو چنین نبوده است. بلکه این) شیوه ما در (دفاع از همه) پیغمبرانی بوده است که پیش از تو فرستاده‌ایم (و اقوام ایشان، آنان را کشته یا از میان خود رانده‌اند و بدین وسیله درِ سعادت را بر روی خود بسته‌اند و از رحمت الهی محروم گشته‌اند) و تغییر و تبدیلی در شیوه ما نخواهی‌دید (و کسی را نخواهی یافت که بتواند سنّت ما را دگرگون سازد).

توضیحات:

«سُنَّةَ»: شیوه. روش. منصوب به نزع خافض است و تقدیر چنین است: «کَسُنَّةِ». یا این که مفعول مطلق فعل محذوفی است و در اصل چنین است: «سَنَنّا بِكَ سُنَّةَ». «تَحْویلاً»: تغییر و تبدیل.

سوره إسراء آیه ۷۸

متن آیه:

﴿أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ٧٨﴾

ترجمه:

نماز را چنان که باید بخوان به هنگام زوال آفتاب (از نصف‌النهار، که آغاز نماز ظهر است و امتداد آن وقت نماز عصر را نیز دربر می‌گیرد) تا تاریکی شب (که آغاز نماز مغرب است و امتداد آن وقت نماز عشاء را نیز در برگرفته و با طلوع فجر پایان می‌پذیرد)، و نماز صبح را (در فاصله طلوع فجر تا طلوع آفتاب) بخوان. بی‌گمان نماز صبح (توسّط فرشتگان شب و فرشتگان روز) بازدید می‌گردد.

توضیحات:

«دُلُوكِ»: زوال خورشید از نصف‌النهار. «غَسَقِ»: ظلمت. تاریکی. «غَسَقِ الَّيْلِ»: تاریکی شب. مراد از آن از اوّل شب تا پایان آن است (نگا: طه / ۱۳۰، ِ / ۳۹). «قُرْءَانَ»: مراد نماز صبح است. از آنجا که خواندن قرآن یعنی فاتحه رکن مهمّ نماز و در آن تصریح شده است، از راه تسمیه کلّ به اسم جزء، قرآن نامیده شده است. نصب آن به خاطر عطف بر (الصَّلاةَ) بوده یا این که اغراء است و تقدیر چنین است: «إِلْزَمْ قُرْءَانَ الْفَجْرِ». «مَشْهُوداً»: دیده شدنی است. مورد بازدید قرار می‌گیرد. یعنی فرشتگان مأمور بر انسان آن را می‌بینند و به هنگام تعویض کشیک در دیوان الهی بر آن گواهی می‌دهند.

سوره إسراء آیه ۷۹

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا ٧٩﴾

ترجمه:

در پاسی از شب از خواب برخیز و در آن نماز تهجّد بخوان، این یک فریضه اضافی (و افزون بر نمازهای پنجگانه) برای تو است. باشد که (در پرتو این عمل) خداوند تو را به مقام ستوده‌ای (و مکان برجسته‌ای در دنیا و آخرت که موجب ستایش همگان باشد) برساند (و مقام شفاعت کبری را به تو ارمغان دارد).

توضیحات:

«فَتَهَجَّدْ»: تهجّد از (هجود) به معنی به خواب رفتن است. لیکن در باب تفعّل معنی سلب را می‌رساند، یعنی ترک خوابیدن. مانند واژه‌های (تأثُّم) و (تحنُّث). برخی هم آن را از اضداد شمرده‌اند و به معنی بیدار شدن و ماندن دانسته‌اند. نماز شب گزاردن. « بِهِ »: حرف (ب) به معنی (فی) و مرجع ضمیر (الَّيْل) است. یعنی: در شب. یا این که مرجع ضمیر (بَعْض) مفهوم از (مِن) یا (قُرْءَانَ) مجرّد از اضافه است. یعنی: در برخی از شب، یا این که: نماز تهجّد را با تلاوت قرآن به جای آور. «نافِلَةً»: عبادت زائد بر نمازهای پنجگانه. مراد نماز تهجّد است که برای پیغمبر اسلام واجب بوده و برای پیروانش سنّت است. مفعول‌به (تهجّد) و یا این که حال ذوالحال محذوف (صَلاة)

است. «مَقَاماً مَّحْمُوداً»: هرگونه منزلت والا و مقام بالائی که ستایش همگان را برانگیزد. برخی گفته‌اند مراد مقام شفاعت کبری است که در آن رسول اکرم از پروردگار تمنّا و تقاضا می‌نمایند که دادگاهی مردمان را با لطف و کرم خود آغاز فرمایند.

سوره إسراء آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ٨٠﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارا! مرا صادقانه (به هر کاری) وارد کن، و صادقانه (از آن) بیرون آور، (و چنان کن که خطّ اصلی من در آغاز و انجام همه‌چیز، راستی و درستی باشد)، و از جانب خود قدرتی به من عطاء فرما که (در امر حکومت بر دوستان و اظهار حجّت در برابر دشمنان، برایم) یار و مددکار باشد.

توضیحات:

«مُدْخَلَ»: مصدر میمی و به معنی إدخال، یعنی وارد گرداندن است. «مُخْرَجَ»: مصدر میمی و به معنی إخراج، یعنی بیرون گرداندن است. «مُدْخَلَ صِدِقٍ وَ مُخْرَجَ صِدْقٍ»: مراد آغازیدن و پایان بخشیدن زیبا و صادقانه جملگی کارهای دنیوی و اخروی‌است. «سُلْطَاناً»: سلطه و قدرت. دلیل و حجّت.

سوره إسراء آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١﴾

ترجمه:

و (مشرکان را بترسان و بدیشان) بگو: حق فرا رسیده است (که یکتاپرستی و آئین آسمانی و دادگری است) و باطل از میان رفته و نابود گشته است (که چندتا پرستی و آئین تباه و ستمگری است). اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است (و سرانجام پیروزی از آن حق و حقیقت بوده و هست).

توضیحات:

«زَهَقَ»: زائل شد و نابود گردید. بیرون شد و رفت. «زَهُوقاً»: زائل و باطل. صیغه مبالغه و به معنی چیزی است که به طور کامل محو و نابود می‌گردد و میدان را هرچه زودتر خالی می‌کند.

سوره إسراء آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾

ترجمه:

(حق چگونه نیرومند و پیروز نمی‌گردد؟ وقتی که) ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی (دل‌ها از بیماری‌های نادانی و گمراهی، و پاک‌سازی درونها از کثافات هوی و هوس و تنگ‌چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت یزدان) است، ولی بر ستمگران (کافر، به سبب ستیز با نور حق و داشتن روح طغیان) جز زیان نمی‌افزاید.

توضیحات:

«شِفَآءٞ»: بهبودی از بیمارهای فکری و اخلاقی فرد و جامعه. مراد مرحله پاک‌سازی یا به اصطلاح عرفاء مقام تخلیه است. « رَحْمَةٌ »: رحمت یزدان به بندگان، بر اثر شکفتن گُل ایمان در پرتو آیات قرآن. مراد مرحله نوسازی یا به اصطلاح عرفاء مقام تحلیه است.

سوره إسراء آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسٗا ٨٣﴾

ترجمه:

(از جمله اخلاق فرد بی‌ایمان، یکی این است که) هنگامی که به انسان (بی‌ایمان) نعمت می‌بخشیم (و او را از ثروت و قدرت و سلامت و امنیت برخوردار می‌سازیم، مسرور و مغرور می‌گردد و از طاعت و عبادت و شکر نعمت) روگردان می‌شود (و در وقت رسیدن به نوا) خویشتن را (از بندگی ما) به دور می‌دارد و تکبّر می‌ورزد. (انگار ما را نمی‌شناسد و به ما کاری و نیازی ندارد). و هنگامی که شر و بلا گریبانگیر او گردید (و تنگدستی و

بیماری و ناامنی وی را فرا گرفت) بسیار مأیوس و ناامید می‌گردد (و می‌پندارد که دیگر درهای رزق و روزی بر او بسته است و هرگز روی خیر و خوشی نخواهد دید).

توضیحات:

«أَعْرَضَ»: از شکر نعمت منصرف و از طاعت و عبادت روگردان می‌شود. «نَأَیا بِجَانِبِهِ»: خویشتن را از یاد منعم اصلی به دور می‌کند. شانه‌های خود را بالا می‌اندازد و تکبّر می‌ورزد. «یَئُوساً»: بسیار مأیوس و دلتنگ و ناشکیبا (نگا: هود / ۹ - ۱۱). مراد این است که کافران، هم در برابر خوشیها و هم در برابر سختی‌ها خود را گم می‌کنند. در حال نوا مست و مغرور، و در وقت بلا پست و زبون می‌گردند. هر چند که در حالت یأس پرده‌های غفلت از روی فطرت کنار می‌روند و کافران بالإجبار به درگاه خدا روی می‌آورند و خالصانه رفع مشکلات را از قادر متعال درخواست می‌نمایند، امّا این توجّه اضطراری مایه افتخاری و دلیل بیداری حقیقی آنان نمی‌باشد. چرا که به محض رفع مشکلات و رهائی از طوفان حوادث، خودخواهیها و سرکشیها از ایشان سرمی‌زند و تغییرجهت می‌دهند (نگا: یونس / ۱۲ و ۲۲ و ۲۳، اسراء / ۶۷، عنکبوت / ۶۵).

سوره إسراء آیه ۸۴

متن آیه:

﴿قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا ٨٤﴾

ترجمه:

بگو: هر کسی برابر روش خود کار می‌کند (و طریقه خویش را در پیش می‌گیرد) و پروردگارتان بهتر (از همگان) می‌داند که چه کسی راهش درست‌تر (از راه دیگری بوده و راسترو کدام و گمراه کدام) است.

توضیحات:

«شَاكِلَة»: طریقه و شیوه. رویه و روش. هرگونه عادت و مکتب و مذهبی که به انسان جهت می‌دهد.

سوره إسراء آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٥﴾

ترجمه:

از تو (ای محمّد!) درباره روح می‌پرسند (که چیست). بگو: روح چیزی است که تنها پروردگارم از آن آگاه است (و خلقتی اسرارآمیز و ساختمانی مغایر با ساختمان ماده دارد و اعجوبه جهان آفرینش است. بنابراین جای شگفت نیست اگر به حقیقت روح پی نبرید). چرا که جز دانش اندکی به شما داده نشده است، (و علم شما انسان‌ها با توجّه به گستره کلّ جهان و علم لایتناهی خداوند سبحان، قطره به دریا هم نیست).

توضیحات:

«الرُّوحِ»: روح آدمی. جان. مراد آفریده‌ای از آفریدگان خدا است که ساختمان و ماهیت آن فراتر از ساختمان و ماهیت جهان ماده است و غیبی از غیوب الهی است و حقیقت آن بر ما روشن نیست. برخی با توجّه به آیه‌های ماقبل و مابعد این آیه، واژه روح را قرآن معنی می‌کنند. چرا که قرآن معجزه جاویدان و نادره ناشناخته جهان، در قالب الفاظ و عباراتی نیست که انس و جنّ بتوانند از آن تقلید کنند و همسان آن را بسازند. بلکه چگونگی آن سرّی از اسرار است (نگا: غافر / ۱۵، شوری / ۵۲). «أَمْرِ»: جمع آن امور است، یعنی: کاروبار. «مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: چیزی است که تنها خدایم از آن آگاه است، و رازی است که در حیطه علم آفریدگارم است و بس.

سوره إسراء آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا ٨٦﴾

ترجمه:

اگر ما بخواهیم آنچه را که (از قرآن) به تو وحی کرده‌ایم، از تو بازپس می‌گیریم (و از درون دل‌ها و لابلای کتاب‌ها محو می‌گردانیم) آن گاه کسی را نخواهی یافت که در این رابطه علیه ما از تو دفاع کند (و در حفظ قرآن یا برگشت آن بکوشد).

توضیحات:

«بِالَّذِي»: حرف (ب) برای تعدّیه، و به کاربردن موصول مختصّ (الَّذي) به جای موصول مشترک (ما) برای بیان اهمّیت و عظمت قرآن است. «بِهِ»: در این رابطه که بازپس گرفتن قرآن است. «وَكِيلاً»: ملتزم. متعهّد. حافظ و نگهدار. مراد کسی است که تضمین حفظ قرآن یا اعادت آن کند.

سوره إسراء آیه ۸۷

متن آیه:

﴿إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا ٨٧﴾

ترجمه:

لیکن به خاطر رحمت پروردگارت (که شامل حال تو است، آن را برجای می‌داریم و این ارمغان را بازپس نمی‌گیریم). واقعاً کرم بزرگی خدا در حق تو داشته است (که قرآن را برای تو ارسال و تو را خاتم‌الأنبیاء نموده است، و با حفاظت از قرآن آئین تو را جاویدان کرده است).

توضیحات:

«إِلاّ رَحْمَةً...»: استثناء منقطع است و (إِلاّ) معنی (لکِن) دارد. برخی (رَحْمَةً) را مفعول‌له دانسته‌اند. «فَضْلَهُ»: خیر و خوبی. کرم و نیکی.

سوره إسراء آیه ۸۸

متن آیه:

﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾

ترجمه:

بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متّفق شوند بر این که همچون این قرآن را (با این شیوه‌های دلربا و معانی زیبا بسازند و) بیاورند، نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند (چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست).

توضیحات:

«إِجْتَمَعَتْ»: گرد آیند. اتّحاد و اتّفاق حاصل کنند. «ظَهِیراً»: پشتیبان. کمک‌کننده (نگا: تحریم / ۴).

سوره إسراء آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا

كُفُورًا ﴿۸۹﴾

ترجمه:

ما در این قرآن، هر نوع مثلی را برای مردم، به شیوه‌های گوناگون بارها بیان داشته‌ایم، ولی بیشتر مردم جز انکار (حق، و نادیده گرفتن دلائل هدایت، و تکذیب خدا و رسول، چیزی قبول نمی‌کنند و) نمی‌پذیرند.

توضیحات:

«صَرَّفْنَا»: با شیوه‌های گوناگون بیان داشته‌ایم. انواع مختلف استدلال برحق را به صورتهای گوناگون تکرار کرده‌ایم (نگا: إسراء / ۴۱). «مِن كُلِّ مَثَلٍ»: معانی نمونه‌ای که در زیبائی و گیرائی به مثل می‌مانند. با وجوه مختلف و شیوه‌های گوناگون. «كُفُوراً»: کفر. انکار حق. ناشکری و ناسپاسی.

سوره إسراء آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ ٱلْأَرْضِ يَنۢبُوعًا ﴿۹۰﴾﴾

ترجمه:

و (هنگامی که کافران مکه در برابر اعجاز قرآن و دلائل روشن آن درمانده و مبهوت شدند) گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر این که از زمین (خشک و سوزان مکه) چشمه‌ای برای ما بیرون جوشانی (که آب آن دائم و روان باشد).

توضیحات:

«تَفْجُرَ»: برجوشانی. بیرون دمانی. «يَنبُوعاً»: چشمه‌ای که آب آن فوّاره کند و بیرون دمد.

سوره إسراء آیه ۹۱

متن آیه:

﴿أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ ٱلْأَنْهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفْجِيرًا ﴿۹۱﴾﴾

ترجمه:

یا این که باغی از درختان خرما و انگور (در مکه) داشته باشی و رودبارها و جویبارهای فراوان در آن روان گردانی.

توضیحات:

«جَنَّةٌ»: باغ پردرخت. «تَفْجِيراً»: سخت برجوشاندن و روان کردن. این واژه معنی تکثیر دارد؛ نه تعدّیه.

سوره إسراء آیه ۹۲

متن آیه:

﴿أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا أَوۡ تَأۡتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ۝٩٢﴾

ترجمه:

یا آسمان را تکه‌تکه بر سر ما فرود آری همان‌گونه که می‌پنداری (و می‌گوئی که خدا ما را بیم داده است) و یا این که خدا و فرشتگان را بیاوری و با ما رویاروی گردانی.

توضیحات:

«زَعَمْتَ»: گمان برده‌ای. ادّعاء کرده‌ای (نگا: سبأ / ۲۲). «كِسَفاً»: قطعه قطعه. تکه‌تکه. جمع کسْفَة به معنی و وزن قِطْعَة. حال است. «قَبِيلاً»: مقابل و رویارو. فعیل به معنی مُفاعل، مانند عَشیر به معنی مُعاشِر است. می‌توان معنی کفیل و ضامن و متضمّن و شاهد و گواه نیز از آن استنباط کرد. گروه و جماعتی از مردم (نگا: انعام / ۱۱۱). «تَأْتِيَ بِاللهِ وَ الْمَلآئِكَةِ قَبِيلاً»: خدا و فرشتگان را با ما رودررو گردانی. خدا و فرشتگان را بر پندار خود شاهد کنی. خدا را حاضر و فرشتگان را گروه گروه به پیش ما بیاوری. واژه (قَبِيلاً) حال از خدا و فرشتگان، یا تنها از فرشتگان است.

سوره إسراء آیه ۹۳

متن آیه:

﴿أَوۡ يَكُونَ لَكَ بَيۡتٞ مِّن زُخۡرُفٍ أَوۡ تَرۡقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥۗ قُلۡ سُبۡحَانَ رَبِّي هَلۡ كُنتُ إِلَّا بَشَرٗا رَّسُولٗا ۝٩٣﴾

ترجمه:

یا این که سرای بزرگ زرنگاری داشته باشی، و یا این که به‌سوی آسمان بالا روی، و تنها به بالا رفتنت از آسمان هم ایمان نمی‌آوریم مگر این که کتابی همراه خود برایمان بیاوری که آن را بخوانیم (و ببینیم که از جانب خدا در آن نوشته شده است که تو فرستاده پروردگار می‌باشی). بگو: پروردگار من منزّه است (از آن که کسی بدو فرمان دهد، یا این که در قدرت او شریک گردد). مگر من جز انسان فرستاده‌ای (از سوی

یزدان برای رهنمود مردمان) هستم؟ (معجزه در دست خدا است؛ نه من).

توضیحات:

«زُخْرُفٍ»: پرنقش و نگار. مراد کاخ زرنگار و منقش به زیور و زینت است. «تَرْقَیا»: بالا روی. صعود کنی.

سوره إسراء آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا رَّسُولٗا ٩٤﴾

ترجمه:

تنها چیزی که مانع ایمان آوردن مردمان بعد از نزول هدایت (وحی آسمانی) برای ایشان شد، این است که می‌گویند: آیا خداوند انسانی را به عنوان پیغمبر فرستاده است؟! (فرشتگان افلاکی سزاوار این مقام بزرگ رسالتند؛ نه انسان‌های خاکی).

توضیحات:

«وَ مَا مَنَعَ النَّاسَ...»: تنها مانع ایمان مردمان همین بهانه‌جوئی بوده است. این تعبیر دلیلِ بر انحصار نیست و بلکه برای تأکید و بیان اهمّیت موضوع است. «أَبَعَثَ اللهُ بَشَراً رَّسُولاً»: مراد این است که اهل مکه منکر این بودند که انسانی به مقام نبوّت برسد و پیغمبر گردد (نگا: أنعام / ۹۱، هود / ۲۷).

سوره إسراء آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ٩٥﴾

ترجمه:

بگو: اگر در زمین (به جای انسانها) فرشتگانی مستقرّ و در آن راه می‌رفتند، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته‌ای را به عنوان پیغمبر به‌سویشان می‌فرستادیم (چرا که رهبر باید از جنس پیروان خود باشد).

توضیحات:

«مُطْمَئِنِّينَ»: جمع مطمئن، آرمیده. مراد ساکن و مستقرّ است. حال است.

سوره إسراء آیه ۹۶

متن آیه:

﴿قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ۝٩٦﴾

ترجمه:

بگو: کافی است که خدا میان من و شما گواه باشد. بی‌گمان او از (حال) بندگانش بسیار آگاه، (و نسبت به کارشان) بس بینا است (و لذا می‌داند که من فرمان او را به شما رسانده‌ام و این شما هستید که از پذیرش حق لجوجانه سر باز می‌زنید).

توضیحات:

«شَهِيداً»: گواه. یعنی گواه بر صدق من و عناد با حق شما.

سوره إسراء آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّاۖ مَّأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا ۝٩٧﴾

ترجمه:

خدا هر کس را (به سبب ایمان به پروردگار و پیغمبرش و کتاب آسمانی قرآن) رهنمود کند، راهیاب او است، و هرکس را (به سبب سوء اختیار و فرو رفتن در گناهان و سرکشی از قوانین آفریدگار) گمراه سازد، جز خدا دوستان و مددکارانی برای چنین کسانی نخواهی یافت (تا دست آنان را بگیرند و به‌سوی حق برگردانند و از کیفر و عذاب آخرت رستگارشان گردانند) و ما در روز رستاخیز ایشان را بر روی رخساره (کشانده و) کور و لال و کر (از گورها) جمع می‌گردانیم (و به صحرای محشر گسیل می‌داریم. به گونه‌ای که بر اثر پریشانی حال چشمان‌شان نمی‌بیند و گوش‌هایشان نمی‌شنود و زبان‌هایشان قادر به تکلّم نمی‌باشد). جایگاه‌شان دوزخ خواهد بود. هر زمان که زبانه آتش (به سبب سوختن گوشت و استخوان ایشان) فروکش کند، (با تجدید گوشت و استخوان‌شان) بر زبانه آتش‌شان می‌افزائیم.

توضیحات:

«أَوْلِيَآء»: کمک‌کنندگان. یاران. «عَلَیا وُجُوهِهِمْ»: بر روی چهره و رخساره‌هایشان (نگا: فرقان / ۳۴، قمر / ۴۸). «عُمْیاً وَ بُکْماً وَ صُمّاً»: کوران و لالان و کران. این امر در اوائل زنده‌گرداندن دوباره و سر برآوردن از گورها است که به سبب سرگشتگی و پریشانی، حواسّ ایشان از کار می‌افتد. ولی بعدها پرده‌های سرگردانی به کنار زده می‌شود و اهوال قیامت را می‌بینند (نگا: کهف / ۵۳، شوری / ۴۵، ق / ۲۲). «خَبَتْ»: آتش فروکش کرد. از شعله افتاد. از ماده (خبو). «سَعیراً»: شعله‌ور. فروزان (نگا: نساء / ۵۵).

سوره إسراء آیه ۹۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدًا ۝٩٨﴾

ترجمه:

این (عذاب مضاعف و جاویدان) کیفرشان بدان خاطر است که آیه‌های (قرآنی و ادلّه جهانی) ما را انکار می‌نمایند و می‌گویند: آیا زمانی که استخوانهائی شدیم و فرسودیم، مگر می‌شود که (دوباره زنده گردیم و) آفرینش تازه‌ای پیدا کنیم؟!

توضیحات:

«بِأَنَّهُمْ»: به خاطر این که ایشان. «عِظَاماً»: استخوانهائی. «رُفَاتاً»: درهم شکسته و از هم پراکنده (نگا: اسراء / ۴۹). « لَمَبْعُوثُونَ »: (نگا: أنعام / ۲۹، هود / ۷).

سوره إسراء آیه ۹۹

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۡ وَجَعَلَ لَهُمۡ أَجَلٗا لَّا رَيۡبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورٗا ۝٩٩﴾

ترجمه:

آیا نمی‌نگرند که خدائی که (بدون نمونه و مُدِل قبلی) آسمان‌ها و زمین را آفریده است، توانا است بر این که پس از مردن (بار دیگر) همچون ایشان را بیافریند (و به زندگی دوباره عودت دهد؟ بلی که می‌تواند) ولی برای آنان سرآمدی تعیین نموده

است که گمانی در آن نیست و (با فرارسیدن آن زمان که قیامت نام دارد همگان را زنده می‌گرداند و به صحرای محشر گسیل می‌دارد. این سرآمد قطعی است) امّا ستمگران جز کفر و انکار را پذیرا نمی‌باشند.

توضیحات:

«مِثْلَهُمْ»: همانند ایشان. عین خودشان. یعنی خدائی که نخستین بار انسان‌ها را از نیستی به هستی آورده است، دوباره می‌تواند روح به پیکرشان بدمد و اجساد ایشان را زنده گرداند. «أَجَلاً»: مراد سرآمد دوران برزخ و سرآغاز قیامت است.

سوره إسراء آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا ١٠٠﴾

ترجمه:

بگو: اگر شما مالک خزینه‌های نعمت پروردگارم بودید (و صاحب همه جهان می‌گشتید) باز هم از ترس فقر بخل می‌ورزیدید، چرا که انسان طبعاً موجود بخیلی است.

توضیحات:

«رَحْمَةِ»: مراد نعمت است که از رحمت سرچشمه می‌گیرد. یا مراد چیزی است که سبب رحمت خدا است. از قبیل: دریافت کتاب و افتخار نبوّت. چرا که کافران به سبب تنگ‌نظری روا نمی‌دیدند که موهبت نبوّت به انسانی چون محمّد ﷺ داده شود. «لاَمْسَكْتُمْ»: بخل می‌ورزیدید. از بذل و بخشش دست نگاه می‌داشتید. کلمه مُمْسِک، به معنی بخیل، از همین ماده است. «الإِنفَاقِ»: مراد فقر و تنگدستی است. «قَتُوراً»: بسیار بخیل و تنگ‌نظر.

سوره إسراء آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ فَسۡـَٔلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا ١٠١﴾

ترجمه:

(اگر بدین کافران معجزه‌های پیشنهادیشان نموده شود، به سبب ستیزه با حق باعث ایمان آنان نمی‌گردد. چرا که) ما به موسی نُه تا معجزه روشن دادیم (و با وجود آن ایمان نیاوردند). از بنی‌اسرائیل (هم‌عصر خود که اسلام را پذیرفته‌اند) بپرس، بدان گاه که موسی به‌سویشان آمد (میان او و فرعون چه گذشت). فرعون به موسی گفت: ای موسی! من معتقدم که تو دیوانه‌ای.

توضیحات:

«تِسْعَ ءَايَاتٍ»: نُه معجزه. شاید مراد از عدد نُه، کثرت باشد، چرا که در خود قرآن معجزات فراوانی برای حضرت موسی ذکر شده است (نگا: بقره / ۵۷ و ۶۰، اعراف / ۱۰۸ و ۱۱۷ و ۱۳۰ و ۱۳۳ و ۱۷۱، نمل / ۱۰، طه / ۲۰ - ۲۲، شعراء / ۶۳). اگر هم مراد عدد محدود نُه باشد، معجزاتی مورد نظر است که در ارتباط با فرعون و فرعونیان صورت گرفته است؛ نه آن‌هائی که در ارتباط با خود بنی‌اسرائیل‌است (نگا: نمل / ۱۲). برخی آیات نه‌گانه را به معنی فرمان‌های نه‌گانه دانسته‌اند که به پرهیز از این چیزها دستور می‌دهند: شرک، زنا، کشتن بی‌گناه، دزدی، جادوگری، رباخواری، بی‌گناه را گرفتار امراءکردن و به کشتن دادن، زنان پاکدامن را تهمت زدن، تعدّی یهودیان از مراسم خاصّ شنبه. «فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَآئِيلَ»: از بنی‌اسرائیل برای روشنگری دیگران و گواهی بر صدق گفتار خود بپرس. مراد از بنی‌اسرائیل، کسانی است که مسلمان شده بودند و از تورات اطّلاع داشتند. «مَسْحُوراً»: جادو شده و دیوانه (نگا: شعراء / ۲۷). ساحر و جادوگر (نگا: اعراف / ۱۳۲).

سوره إسراء آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا ١٠٢﴾

ترجمه:

(موسی به فرعون) گفت: تو که (خوب) می‌دانی که این معجزه‌های روشنی‌بخش (و دلائل واضح) را جز صاحب آسمان‌ها و زمین نفرستاده است (و تو کاملاً آگاهانه حقائق را انکار می‌کنی) و من معتقدم که تو ای فرعون! (از حق روگردانی و سرانجام

اگر از سرکشی خود برنگردی) هلاک می‌گردی.

توضیحات:

«بَصَآئِرَ»: دلائل آشکاری که مردمان در پرتو آن راه حق را پیدا کنند و برای پیمودن جاده سعادت بصیرت و بینش پیدا می‌کنند (نگا: انعام / ۱۰۴، اعراف / ۲۰۳). حال واژه (هؤُلآءِ) است. «مَثْبُوراً»: نابود. هلاک شده. رویگردان از حق.

سوره إسراء آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ١٠٣﴾

ترجمه:

(فرعون بر سرکشی خود افزود و) خواست که (موسی و پیروانش) جملگی را از سرزمین (مصر) بردارد (و ایشان را ریشه‌کن سازد). پس ما فرعون و همه فرعونیان را غرق کردیم (و تیر نیرنگ‌شان را به‌سوی خودشان برگرداندیم و زمین را از لوث وجودشان پاک کردیم).

توضیحات:

«أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الأَرْضِ»: این که ایشان را از سرزمین مصر با کشت و کشتار نابود گرداند (نگا: اسراء / ۶۴ و ۷۶). إستفزاز به معنی بیرون راندن با زور و عُنف است و در اینجا مراد نابود کردن و ریشه‌کن ساختن است.

سوره إسراء آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا ١٠٤﴾

ترجمه:

پس از آن (که فرعون و فرعونیان را غرق کردیم) به بنی‌اسرائیل گفتیم: در زمین (شام، در ارض مقدّسی که به شما وعده داده شده است) سکونت جوئید. هنگامی که زمان زندگی اخروی فرا رسید، همه شما را با همدیگر (اعم از بزرگ و کوچک، فرمانبردار و سرکش، نیرومند و ناتوان، مؤمن و کافر، و پرهیزگار و ناپرهیزگار، در پای حساب و کتاب) حاضر می‌گردانیم.

توضیحات:

«الأَرْضَ»: مراد سرزمین شام مابین عریش و فرات است که در قرآن (ارض مقدّس) نامیده شده است (نگا: مائده / ٢١). «لَفِيفاً»: آمیزه یکدیگر. تنگ همدیگر. گروه‌ها و دسته‌های درهم آمیخته. مصدر است و حال ضمیر (کُمْ) می‌باشد.

سوره إسراء آیه ١٠٥

متن آیه:

﴿وَبِٱلۡحَقِّ أَنزَلۡنَٰهُ وَبِٱلۡحَقِّ نَزَلَۗ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ١٠٥﴾

ترجمه:

ما قرآن را با (ماده و محتوای) حق نازل کرده‌ایم، و نازل شده است تا حق را (در زمین) پابرجا کند، و تو را جز به عنوان نویدرسان و بیم‌دهنده نفرستاده‌ایم.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ»: قرآن را همراه با احکام و دستورات حق فرستاده‌ایم و گمانی در آن نیست. «بِالْحَقِّ نَزَلَ»: برای پیاده کردن حق آمده است و سرانجام هم حق را در دل‌ها جایگزین می‌سازد. یا این که: قرآن سرآغاز آن از خداوند، حق است و پیوسته در پرتو لطف حق محفوظ می‌ماند و سرانجام حق را به بار می‌آورد.

سوره إسراء آیه ١٠٦

متن آیه:

﴿وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكۡثٖ وَنَزَّلۡنَٰهُ تَنزِيلٗا ١٠٦﴾

ترجمه:

قرآنی است که آن را (در مدّت بیست و سه سال به گونه آیه‌ها و بخشهای) جداگانه فرستاده‌ایم تا آن را آرام بر مردم بخوانی (و بدین وسیله جذب دل‌ها و اندیشه‌ها شود و در عمل پیاده گردد) و قطعاً ما آن را کم کم و بهره بهره فرستاده‌ایم (نه یکجا و سرهم).

توضیحات:

«قُرْءَاناً»: منصوب به اشتغال است. «فَرَقْنَاهُ»: جدا جدا و بهره بهره‌اش کرده‌ایم و در زمانهای متفاوت فرستاده‌ایم. «عَلَىٰ مُكْثٍ»: به آرامی و تدریجی. «نَزَّلْنَاهُ تَنزِيلاً»: قرآن را بخش بخش بر حسب وقائع و به مقتضی حکمت نازل نموده‌ایم. تنزیل عبارت است

از انزال تدریجی.

سوره إسراء آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿قُلْ ءَامِنُواْ بِهِۦٓ أَوْ لَا تُؤْمِنُوٓاْ إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْعِلْمَ مِن قَبْلِهِۦٓ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾﴾

ترجمه:

بگو: (ای کافران! می‌خواهید) به قرآن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید، (اختیار خوشبختی و بدبختی خودتان را دارید، ولی بدانید که اعجاز و حقیقت قرآن روشن است) و کسانی که قبل از نزول قرآن، دانش و آگهی بدی‌شان داده شده است (و با تورات و انجیل راستین سروکار داشته‌اند)، هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان بر رو می‌افتند (و سر تسلیم در برابر خدا فرود می‌آورند و او را سپاس می‌گویند که ایشان را با نعمت ایمان نواخته است).

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ...»: مراد یهودیان و مسیحیان آگاه یا دیگر فرزانگان و فهمیدگان مردم است. «يَخِرُّونَ»: بر زمین می‌افتند. فرو می‌افتند. «لِلأَذْقَانِ»: بر چانه‌ها. حرف (لِ) به معنی (عَلي) و (أَذْقانِ) نماینده تمام چهره و صورت است. «سُجَّداً»: سجده‌کنان. کرنش‌کنان. حال ضمیر (و) در (يَخِرُّونَ) است.

سوره إسراء آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾﴾

ترجمه:

و (در حال این سجده عاشقانه) می‌گویند: پروردگارمان پاک و منزّه است (از این که در وعده نعمت بهشت و وعید عذاب دوزخ خلاف کند) مسلّماً وعده پروردگارمان انجام‌شدنی است.

توضیحات:

«إِنْ»: مسلّماً. همانا. از حروف مشبّهه بالفعل و مخفّف از مثقّله است. در اصل

چنین است (إِنَّهُ).

سوره إسراء آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩ ١٠٩﴾

ترجمه:

و (بار دیگر) بر چهره‌ها فرو می‌افتند و می‌گریند و (اشک شادی می‌ریزند، و مواعظ قرآن) بر تواضع آنان (در برابر خدا) می‌افزاید.

توضیحات:

«يَزِيدُهُمْ»: فاعل آن قرآن است.

سوره إسراء آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا وَٱبۡتَغِ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلٗا ١١٠﴾

ترجمه:

بگو: (خدا را) با « الله » یا « رحمن « به کمک طلبید (فرقی نمی‌کند، و خدا را به نامها و صفات متعدّد به فریاد خواندن، مخالف توحید نیست) خدا را به هر کدام (از اسماء حُسنی) بخوانید (مانعی ندارد و تعداد اسماء نشانه تعدّد مُسمّی نیست و) او دارای نام‌های زیبا است (که هر یک مُعرِّف کاری از کارها و بیان‌گر زاویه‌ای از کمالات یزدان جهان است. ای پیغمبر هنگامی که به نماز ایستادی) نمازت را بلند یا آهسته مخوان، و بلکه میان آن دو راهی پیش گیر (که میانه‌روی و اعتدال است).

توضیحات:

«أُدْعُوا»: به کمک طلبید. به فریاد خوانید. «الأَسْمَآءُ الْحُسْنَيا»: نام‌های زیبا (نگا: اعراف / ۱۸۰). «لا تُخَافِتْ»: از مصدر تخافُت، صدا را پائین آوردن. «أَيّاً مَّا»: هر کدام که. واژه (ما) زائد و برای تأکید است.

سوره إسراء آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١﴾

ترجمه:

بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزا است که برای خود فرزندی برنگزیده است و در فرمانروائی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یاوری به خاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنان که باید به عظمت بستا (و زبان به بزرگواریش بگشا).

توضیحات:

«وَلِيٌّ»: سرپرست. یار و مددکار. «مِنَ الذُّلِّ»: به خاطر خواری و ناتوانی. برای رهائی از حقارت.

سوره کهف

سوره کهف آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ وَلَمۡ يَجۡعَل لَّهُۥ عِوَجَاۜ ١﴾

ترجمه:

حمد و سپاس خدائی را سزا است که بر بنده خود (محمّد) کتاب (قرآن) را فرو فرستاده و در آن هیچ‌گونه انحراف و کژی قرار نداده است.

توضیحات:

«عِوَجاً»: کژی و کجی. انحراف. «لَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجاً»: مراد این است که در قرآن ضدّ و نقیض معنوی، و اختلال و انحراف لفظی وجود ندارد.

سوره کهف آیه ۲

متن آیه:

﴿قَيِّمٗا لِّيُنذِرَ بَأۡسٗا شَدِيدٗا مِّن لَّدُنۡهُ وَيُبَشِّرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرًا حَسَنٗا ٢﴾

ترجمه:

(کتابی) که ثابت و پابرجا (و معتدل و مستقیم، و هم برپا دارنده جامعه انسانی و پاسدار کتب آسمانی) است. (خداوند آن را فرو فرستاده است) تا (به وسیله آن، کافران را) از عذاب شدید (دنیوی یا اخروی) خود بترساند، و مؤمنانی را که کارهای شایسته و بایسته می‌کنند مژده دهد به این که پاداش خوبی دارند.

توضیحات:

«قَيِّماً»: معتدل. یعنی افراطی در تکالیف قرآن وجود ندارد تا سخت و طاقت‌فرسا باشد، و تفریطی در احکام قرآن نشده است تا سهل‌انگاری در چیزی شده باشد که برای سعادت انسان‌ها ضروری باشد. جاودانه و پابرجا پاسدار احکام الهی و حافظ اصول کتاب‌های آسمانی. قائم بر احکام دین و مصالح بندگان. حال (الْكِتابَ) در آیه

قبلی است. «لِیُنذِرَ»: تا بترساند و بیم دهد. مرجع فاعل آن خدا یا قرآن یا پیغمبر است. «بَأْساً»: عذاب.

سوره کهف آیه ۳

متن آیه:

﴿مَّٰكِثِينَ فِيهِ أَبَدٗا ٣﴾

ترجمه:

جاودانه در آن (بهشت برین که پاداش خوب خداوند است) خواهند ماند.

توضیحات:

«مَاکِثِینَ»: ماندگاران. مقیمان. حال ضمیر (هُمْ) است.

سوره کهف آیه ۴

متن آیه:

﴿وَيُنذِرَ ٱلَّذِينَ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗا ٤﴾

ترجمه:

و (به خصوص از عذاب شدید او) بترساند کسانی را که می‌گویند: خداوند فرزندی را (به نام عیسی یا عُزَیر یا فرشتگان، برای خود) برگرفته است.

توضیحات:

«إِتَّخَذَ»: ساخته است. برگرفته است.

سوره کهف آیه ۵

متن آیه:

﴿مَّا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٖ وَلَا لِأٓبَآئِهِمۡۚ كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ٥﴾

ترجمه:

نه ایشان و نه پدران‌شان (چنین چیزی را از روی دانش نمی‌گویند و) از آن هیچ‌گونه آگهی ندارند. چه سخن (وحشتناک و) بزرگی از دهان‌هایشان بیرون می‌آید!! (آیا خدا و فرزند داشتن؟! مگر خدا جسم است و محدود است و همچون انسان نیازمند چیزی از جمله فرزند است؟!). آنان جز دروغ و افتراء نمی‌گویند.

توضیحات:

«كَبُرَتْ كَلِمَةً»: چه سخن درشت و بزرگی! چه سخن زشت و افتراء عظیمی! واژه (کلمه) تمییز است. «إِن يَقُولُونَ»: نمی‌گویند. (إِنْ) حرف نفی است.

سوره کهف آیه ۶

متن آیه:

﴿فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا ٦﴾

ترجمه:

نزدیک است خویشتن را در پی (دوری گزیدن و روی گردانیدن) ایشان (از ایمان آوردن، دق مرگ کنی و) از غم و خشم این که آنان بدین کلام (آسمانی قرآن نمی‌گروند و بدان) ایمان نمی‌آورند (خود را) هلاک سازی.

توضیحات:

«لَعَلَّكَ»: چه بسا که تو. نزدیک است که تو. «بَاخِعٌ»: هلاک‌کننده. نابودکننده. «عَلَيا ءَاثَارِهِمْ»: به دنبال دوری ایشان از پذیرش ایمان. بر اثر کردار و رفتار ایشان. «أَسَفاً»: خشم و اندوه. مفعول‌له است.

سوره کهف آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا ٧﴾

ترجمه:

ما همه چیزهای روی زمین را زینتِ آن کرده‌ایم (و جهان پرزرق و برق، و پرنعمتی را برای انسان‌ها آراسته‌ایم) تا ایشان را بیازمائیم (و ببینیم از آنان) کدام یک کارِ نیکوتر می‌کند.

توضیحات:

«زِينَةً»: آنچه وسیله آرایش و پیرایش باشد. جمال و زیبائی.

سوره کهف آیه ۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيۡهَا صَعِيدٗا جُرُزًا ٨﴾

ترجمه:

و ما (عاقبت این جهان پرزرق و برق مردمان را در هم می‌پیچیم و) آنچه را روی زمین است (صاف می‌کنیم و) به خاک مسطّح بی‌گیاهی تبدیل می‌نمائیم (و این سرزمین پرجوش و خروش را بیابان بَرَهُوتِ خشک و خاموش می‌گردانیم، و نیکان را به بهشت و بدان را به دوزخ می‌رسانیم).

توضیحات:

«صَعِیداً»: روی زمین. سطح زمین (نگا: نساء / ۴۳، مائده / ۶). «جُرُزاً»: زمین لخت و برهوتی که گیاهی در آن نباشد (نگا: سجده / ۲۷).

سوره کهف آیه ۹

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبۡتَ أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ٩﴾

ترجمه:

(زندگی پرزرق و برق، بسیاری از مردمان را گول می‌زند، و ایشان را نسبت به زنده شدن دوباره، غافل و بی‌باور می‌کند. در صورتی که کسانی چون اصحاب کهف یافته می‌شوند که در محیط پرزرق و برق جهان و در میان انواع ناز و نعمت، استقامت و پایمردی خود را در راه ایمان نشان می‌دهند، و نیز حوادث بسیاری در جهان رخ می‌دهد که بیان‌گر از سرگرفتن حیات پس از خواب طولانی بوده که نوعی مرگ بشمار است. از جمله این حوادث داستان اصحاب کهف است). آیا گمان می‌بری که (خواب چندین ساله) اصحاب کهف و رقیم، در میان عجائب و غرائبِ (پراکنده در گستره هستی) ما چیز شگفتی است؟

توضیحات:

«أَمْ»: متضمّن معنی دو حرف است: (بَلْ) اضراب، که بر انتقال از سخنی به سخنی دلالت دارد، و همزه استفهام انکاری که مفید نفی است (نگا: بقره / ۲۱۴). «أَمْ حَسِبْتَ»: مخاطب پیغمبر است و مقصود دیگران. «الْكَهْفِ»: غار. «الرَّقِيمِ»: کتیبه. لوحه. «أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ»: گروهی از جوانان مؤمن و هوشمند بودند که از دست طاغوت عصر خویش به غاری پناه بردند، و بعدها نام آنان را بر کتیبه‌ای بالای در غار نصب کردند. «ءَايَاتِنَا»: نشانه‌های قدرت ما. عجائب و غرائب ساخته و پرداخته

آفرینش ما. «عَجَباً»: عجیب. شگفت. نادره. مصدر است و برای مبالغه در معنی وصفی به کار رفته است و خبر (کانُوا) است.

سوره کهف آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠﴾

ترجمه:

(یادآور شو) آن گاه را که این جوانان به غار پناه بردند و (رو به درگاه خدا آوردند و) گفتند: پروردگارا! ما را از رحمت خود بهره‌مند، و راه نجاتی برایمان فراهم فرما.

توضیحات:

«أَوَیا»: پناه بردند. منزل و مأوای خود کردند. داخل شدند. «الْفِتْیَةُ»: جمع فَتی، جوانان. مراد می‌تواند مردان کامل هم باشد. «هَیِّئْ»: آماده ساز. فراهم کن. «رَشَداً»: راهیابی. هدایت.

سوره کهف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ فِي ٱلۡكَهۡفِ سِنِينَ عَدَدٗا ١١﴾

ترجمه:

پس (دعای ایشان را برآوردیم و پرده‌های خواب را) چندین سال بر گوشهایشان فرو افکندیم (و در امن و امان به خواب نازشان فرو بردیم).

توضیحات:

«ضَرَبْنَا عَلَیا ءَاذَانِهِمْ»: مراد این است که آنان را به خواب عمیقی فرو بردیم. مفعول (ضَرَبْنا) محذوف است که (حِجاباً) می‌باشد. «سِنِینَ»: سالها. مفعول‌فیه زمانی است. «عَدَداً»: شمار دار. متعدّد. صفت (سِنینَ) و به معنی ذاتَ عَدَدٍ، یا مفعول مطلق فعل مقدّری است، یعنی: تعدّد عَدَداً. «سِنِینَ عَدَداً»: سالیان دراز. سالهای سال.

سوره کهف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِنَعۡلَمَ أَيُّ ٱلۡحِزۡبَيۡنِ أَحۡصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدٗا ١٢﴾

ترجمه:

پس از آن (سال‌های سال به خواب ناز فرو رفتن، که انگار خواب مرگ است) ایشان را برانگیختیم (و بیدارشان کردیم) تا ببینیم کدام یک از آن دو گروه (یعنی آنان که می‌گفتند: روزی یا بخشی از یک روز خوابیده‌ایم، و آنان که می‌گفتند: خیر! تنها خدا می‌داند که چقدر خوابیده‌اید) مدّت ماندن خود را حساب کرده است (و زمان خوابیدن خویش را ضبط نموده است).

توضیحات:

«بَعَثْنَاهُمْ»: ایشان را برانگیختیم. مراد از برانگیختن در اینجا بیدار کردن است و استعمال این واژه، شاید اشاره باشد به این که خواب طولانی آنان همچون مرگ و بیداری ایشان همچون رستاخیز پس از مرگ است. «الْحِزْبَيْنِ»: دو گروه از خود اصحاب الکهف (نگا: کهف / ۱۹). «أَحْصَيا»: حساب کرده است. ضبط نموده است. فعل ماضی است؛ نه اسم تفضیل. «أَمَداً»: مدّت معین. زمان مشخّص.

سوره کهف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿نَّحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ نَبَأَهُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى ١٣﴾

ترجمه:

ما داستان آنان را به گونه راستین (بدون کم و کاست) برای تو بازگو می‌کنیم. ایشان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند، و ما بر (یقین و) هدایتشان افزوده بودیم.

توضیحات:

«نَبَأَ»: خبر. داستان (نگا: مائده / ۲۷). «بِالْحَقِّ»: آن‌چنان که هست. راست و درست.

سوره کهف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ لَّقَدۡ قُلۡنَآ إِذٗا شَطَطًا ١٤﴾

ترجمه:

ما به دل‌هایشان قدرت و شهامت دادیم، آن گاه که بپا خاستند و (برای تجدید میعاد با آفریدگار خود، در میان مردم فریاد برآوردند و) گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است. ما هرگز غیر از او معبودی را نمی‌پرستیم. (اگر چنین بگوئیم و کسی را جز او معبود بدانیم) در این صورت سخنی (گزاف و) دور از حق گفته‌ایم.

توضیحات:

«رَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ»: دل‌هایشان را قدرت و شهامت بخشیدیم. بدی‌شان دل و جرأت دادیم. «لَن نَّدْعُوَ»: به فریاد نمی‌خوانیم. پرستش نمی‌کنیم. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «شَطَطاً»: سخنان دور از حق. برکنار از حقیقت.

سوره کهف آیه ۱۵

متن آیه:

﴿هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ عَلَيۡهِم بِسُلۡطَٰنِۭ بَيِّنٖۖ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ١٥﴾

ترجمه:

(سپس برخی از ایشان به برخی گفتند:) اینان، یعنی قوم ما، بجز الله معبودهائی را به خدائی گرفته‌اند! (چه مردمان حقیری! چرا باید بت‌های ساخت دست خویش را بپرستند، مگر عقل ندارند؟!). ای کاش! دلیل روشنی بر (خدائی) آنها ارائه می‌دادند! (مگر چنین چیزی ممکن است؟ هرگز! آنان چه ستمکارند!) آخر چه کسی ستمکارتر از فردی است که به خدا دروغ بندد (و با افتراء انبازهائی به آفریدگار جهان نسبت دهد؟!).

توضیحات:

«هؤُلآءِ قَوْمُنَا...»: استعمال اسم اشاره (هؤُلآءِ) در اینجا برای تحقیر است. (قَوْمُنا) عطف بیان است. «سُلْطَانٍ»: دلیل. حجّت. «بَیِّنٍ»: واضح و آشکار.

سوره کهف آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا ١٦﴾

ترجمه:

(برخی به برخی گفتند:) چون از این قوم می‌برید و از چیزهائی که بجز خدا می‌پرستند کناره‌گیری می‌کنید (و حساب خود را از قوم خویش و معبودهای دروغینشان جدا می‌سازید)، پس به غار پناهنده شوید (و آئین خویشتن را نجات دهید) تا پروردگارتان رحمتش را بر شما بگستراند و وسائل رفاه و رهائی شما را از این کار (مشکلی) که در پیش دارید مهیا و آسان سازد.

توضیحات:

«إِذْ»: چون که. به سبب این که. به خاطر این که. (إِذْ) در اینجا به معنی لام تعلیل است (نگا: زخرف / ۳۹). «فَأْوُوا»: پس پناه ببرید. منزل و مأوی سازید. «يُهَيِّئْ»: آسان کند. آماده سازد. «مِرْفَقاً»: اسباب زندگی. وسیله‌ای که از آن منتفع و بهره‌مند شوند.

سوره کهف آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَتَرَى ٱلشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُۚ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ١٧﴾

ترجمه:

(دهانه غار رو به شمال گشوده شده بود و چون در نیمکره شمالی قرار داشت، نور آفتاب مستقیماً به درون آن نمی‌تابید. تو ای مخاطب! وقتی که به خورشید نگاه می‌کردی) خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع به طرف راست غارشان می‌گرائید (که سوی مغرب است) و به هنگام غروب به طرف چپشان می‌گرائید (که سوی مشرِق است)، و خودشان در محلّ وسیع غار قرار داشتند (که وسط غار و فراخنای آن است، و ایشان از تابش مستقیم آفتاب در امان بودند). این (چیزی که گذشت) از نشانه‌های (قدرت) خدا است. خدا هر که را راهنمائی کند، راهیاب (واقعی) او است، و هرکه را گمراه نماید، هرگز سرپرست و راهنمائی برای وی نخواهی یافت.

توضیحات:

«تَزَاوَرُ»: می‌گراید. میل می‌کند. فعل مضارع است و اصل آن (تَتَزَاوَرُ) است. «ذَاتَ

«الْيَمِينِ»: طرف راست. مفعول‌فيه است. «تَقْرِضُ»: عدول می‌کند. «ذَاتَ الشِّمَالِ»: طرف چپ. مفعول‌فيه است. «فَجْوَةٍ»: فراخنا. محلّ وسیع. در اینجا مراد وسط غار است.

سوره کهف آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ١٨﴾

ترجمه:

(ای مخاطب! اگر چنین می‌شد که بدی‌شان بنگری) در حالی که ایشان خفته بودند، آنان را بیدار می‌انگاشتی. ما آنان را به راست و چپ می‌گرداندیم (و زیرورو می‌کردیم، تا اندامهایشان سالم بماند) و سگ ایشان بر آستانه (غار) دست‌های خود را (به حالت نگهبانی) دراز کشیده بود. اگر بدی‌شان می‌نگریستی از آنان می‌گریختی و سرتاپای تو از ترس و وحشت پر می‌شد.

توضیحات:

«أَيْقَاظ»: جمع يقِظ و يقْظان، بيداران. «رُقُودٌ»: جمع راقِد، خفتگان. «بَاسِطٌ»: بازکننده. گشاینده. «وَصِيد»: آستانه. بیرون. «بِالْوَصِيدِ»: در آستانه. در بیرون. «إِطَّلَعْتَ»: می‌دیدی اطّلاع می‌یافتی. «رُعْباً»: خوف و هراس. مفعول به دوم یا تمییز است.

سوره کهف آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا ١٩﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که ۳۰۹ سال آنان را خواباندیم) ایشان را (از خواب طولانی مرگ مانند) برانگیختیم (و بیدارشان کردیم) تا از یکدیگر (مدّت خواب خود را) بپرسند. یکی از آنان گفت: (فکر می‌کنید) چه مدّتی (در خواب) مانده‌اید؟ (دسته‌ای) گفتند: روزی یا بخشی

از روز (در خواب) بوده‌ایم. (گروه دیگری) گفتند: پروردگارتان بهتر (از همه) می‌داند که چقدر (در خواب بوده‌اید و در اینجا) مانده‌اید. (یکی پیشنهاد کرد و گفت:) سکه نقره‌ای را که با خود دارید به کسی از نفرات خود بدهید و او را روانه شهر کنید، تا (برود و) ببیند کدامین (فروشنده) ایشان غذای پاک‌تری دارد، روزی و طعامی از آن برایتان بیاورد. امّا باید نهایت دقّت را به خرج دهد و هیچ کس را از حال شما آگاه نسازد.

توضیحات:

«لِيَتَسَآءَلُوا»: تا از همدیگر بپرسند. در نتیجه از یکدیگر سؤال کنند. «وَرِقِ»: درهم‌های نقره‌ای. نقره. «أَيُّهَا»: مرجع (ها) می‌تواند (الْمَدينَةِ) باشد و جنبه مجازی داشته باشد؛ مانند: «وَاسْأَلِ الْقَريَة». یا این که (أَهْل) یا (أَطْعمة) محذوف باشد و حذف مضاف شده باشد. « أَزْكى »: پاکتر از نظر معنوی و مادی. بیشتر و بهتر. «طَعَاماً»: تمییز است. «مِنْهُ»: مرجع (هُ) طعام است. «لِيَتَلَطَّفْ»: باید کمال دقّت را در پنهان کاری به خرج دهد.

سوره کهف آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٢٠﴾

ترجمه:

قطعاً اگر آنان (از شما آگاه و) بر شما دست یابند، شما را سنگسار می‌کنند، و یا این که به آئین (بت‌پرستی) خود برمی‌گردانند، و (در آن صورت، در دنیا و آخرت) هرگز رستگار نمی‌گردید.

توضیحات:

«إِن يظْهَرُوا»: اگر غالب شوند. اگر چیره گردند (نگا: توبه / ۸). «يَرْجُمُوكُمْ»: شما را سنگسار می‌کنند. شما را سنگ‌باران می‌کنند (نگا: هود / ۹۱). «مِلَّة»: دین. آئین.

سوره کهف آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ

أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا ﴿٢١﴾

ترجمه:

همان‌گونه (که آنان را به خواب طولانی فرو بردیم، و از آن خواب عمیق بیدارشان نمودیم، مردمان شهر را) هم متوجّه حالشان کردیم، (بدان گاه که میان خود درباره رستاخیز کشمکش داشتند) تا بدانند که وعده خدا (درباره رستاخیز و زندگی دوباره) حق است، و این که بدون شک قیامت فرا می‌رسد. (در نتیجه دیدن ایشان، اهل شهر به خدا و روز رستاخیز ایمان آوردند. سپس خداوند اصحاب کهف را به هنگام دیدار مردم از ایشان، در میان غار می‌راند. مردمان درباره ایشان دو گروه شدند: بعضی از آنان) گفتند: بر (درِ غار) ایشان دیواری درست کنید (تا کسی به غار نرود. چرا که نمی‌دانیم آنان مرده‌اند یا دوباره به خواب عمیق فرو رفته‌اند) و پروردگارشان آگاه‌تر از (هر کسی به) وضع ایشان است. برخی دیگر که اکثریت داشتند، گفتند: بر (درِ غار) ایشان پرستشگاهی می‌سازیم.

توضیحات:

«أَعْثَرْنا»: دیگران را متوجّه ساختیم. مطلع و باخبر کردیم. «السَّاعَةَ»: قیامت. «إِذْ»: آن گاه. ظرف است و متعلّق است به فعل (أَعْثَرْنا). «يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ»: مردمان درباره زندگی دوباره، بین خود کشمکش داشتند. برخی زنده شدن را محال می‌دیدند. برخی می‌گفتند: روح و جسم زنده می‌گردد. بعضی هم می‌گفتند: فقط روح زنده می‌شود و جسم جزو خاک می‌گردد. «بُنْيَاناً»: بنیاد. مراد دیوار بزرگ است (نگا: صف / ۴). «غَلَبُوا عَلَيا أَمْرِهِمْ»: کسانی که اکثریت داشتند. کسانی که چرخش کار مردم در دست ایشان بود و بزرگان قوم بشمار می‌آمدند. «مَسْجِداً»: پرستشگاه.

سوره کهف آیه ۲۲

متن آیه:

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٞ رَّابِعُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ وَيَقُولُونَ خَمۡسَةٞ سَادِسُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ رَجۡمَۢا بِٱلۡغَيۡبِۖ وَيَقُولُونَ سَبۡعَةٞ وَثَامِنُهُمۡ كَلۡبُهُمۡۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا قَلِيلٞۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا وَلَا تَسۡتَفۡتِ فِيهِم مِّنۡهُمۡ أَحَدٗا ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

(معاصران پیغمبر درباره تعداد نفرات اصحاب کهف به مجادله می‌پردازند و گروهی) خواهند گفت: آنان سه نفرند که چهارمین ایشان سگشان بود، و (گروهی) خواهند گفت: آنان پنج نفرند که ششمین ایشان سگشان بود؛ همه این‌ها سخنان بدون دلیل است. و (گروهی) خواهند گفت: آنان هفت نفرند که هشتمین ایشان سگشان بود (و اینان از روی علم و آگاهی برگرفته از وحی، سخن نخواهند گفت). بگو: پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر (از هرکسی است). جز گروه کمی تعدادشان را نمی‌داند. بنابراین درباره اصحاب کهف جز مجادله روشن (و آرام با دیگران) پیش مگیر (چرا که مسأله چندان مهمّی نیست و ارزش دردسر را ندارد) و پیرامون آنان دیگر از هیچ کس مپرس (زیرا وحی الهی تو را بس است).

توضیحات:

«رَجْماً بِالْغَیْبِ»: از روی ظنّ و گمان؛ نه دلیل و برهان سخن گفتن (نگا: سبأ / ۵۳). «مِرَآءً»: ستیزه. جدال. «مِرَآءً ظَاهِراً»: مجادله سطحی و مباحثه بدون طول و تفصیل. گفتگوی منطقی و مستدلّ. «فَلا تُمَارِ فِیهِمْ إِلاّ مِرَآءً ظَاهِراً»: درباره ایشان گفتگوی ساده و مختصر؛ نه عمیق و طویل داشته باش. راجع بدی‌شان مباحثه روشن و مستدلّ داشته باش (نگا: تفسیر نمونه).

سوره کهف آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

درباره هیچ چیز (بدون مقترن کردنِ سخن به مشیت خدا) مگو که فردا آن را انجام می‌دهم.

توضیحات:

«غَداً»: فردا. مراد آینده است.

سوره کهف آیه ۲۴

متن آیه:

﴿إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

(مگر این که بگوئی:) اگر خدا بخواهد (فردا چنین و چنان کنم. چرا که تا اراده او نباشد چیزی و کاری انجام نمی‌پذیرد). و چون دچار فراموشی شدی (و إِن شَآءَ الله را نگفتی، همین که به یادت آمد)، پروردگارت را به خاطر آور و (إِن شَآءَ الله را بگو، تا گذشته را جبران بکنی و همیشه دلت با خدا باشد. هنگامی که عزم انجام کاری کردی و آن را آویزه مشیت خدا نمودی) بگو: امید است پروردگارم مرا (به چیزی) رهنمود کند که از این (چیزی که در مدّ نظر است، سودمندتر و) به خیر و صلاح نزدیکتر باشد.

توضیحات:

«إِذَا نَسِيتَ»: زمانی که إِن شَآءَ الله را فراموش کردی. «رَشَداً»: هدایت. رهنمود. خیر و نفع. در اصل (رَشَد) به معنی إرشاد و رهنمودی است که منتهی به خیر و منفعت شود؛ ولی گاهی مثل اینجا خودِ خیر و منفعت مراد است (نگا: جنّ / ۱۰). «مِنْ هذَا رَشَداً»: هدایت‌بخش‌تر از این. سودمندتر از این. (هذا) اشاره است به کار مورد نظر، و راهی که در پیش است. یا این که اشاره به سرگذشت عجیب اصحاب کهف است که معجزه جاوید پیغمبر که قرآن است از آن هم عجیب‌تر است.

سوره کهف آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ مِاْئَةٖ سِنِينَ وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا ٢٥﴾

ترجمه:

اصحاب کهف مدّت سیصد و نه سال در غارشان (در حال خواب) ماندند.

توضیحات:

«إِزْدادُوا تِسْعاً»: نه سال بر آن افزودند. مراد این است که اصحاب کهف سیصد سال شمسی زنده و در حال خواب بوده که اگر با سال قمری حساب شود، نه سال بر آن افزوده می‌گردد. چرا که سیصد سال شمسی مساوی با سیصد و نه سال قمری است. در اینجا قرآن مجید حقیقتی را بیان داشته است که سال‌ها بعد علم نجوم بدان پی برده است.

سوره کهف آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُواْۖ لَهُۥ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَبۡصِرۡ بِهِۦ وَأَسۡمِعۡۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا يُشۡرِكُ فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٦﴾

ترجمه:

بگو: خدا (از همگان) آگاه‌تر از مدّتی است که اصحاب کهف (در غار زنده و در حال خواب) ماندند (و برایتان بیان گردید. لذا به گفتگوهای مختلف در این‌باره خاتمه دهید). تنها او است که غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند (و از مجموعه جهان هستی و از جمله مدّت ماندگاری اصحاب کهف باخبر است). شگفتا او چه بینا و شنوا است! (او همه چیز را می‌بیند و همه چیز را می‌شنود! ساکنان آسمان‌ها و زمین) بجز خدا برای‌شان سرپرستی نیست (که عهده‌دار امور آنان شود) و در فرماندهی و قضاوت خود کسی را انباز نمی‌گرداند.

توضیحات:

«أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ!»: این دو فعل، صیغه تعجّبند، و در اینجا مراد خبر دادن از عظمت علم خدا است که انسان را در شگفتی فرو می‌برد. «حُکْمِهِ»: فرماندهی خود. قضاوت خود.

سوره کهف آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدٗا ٢٧﴾

ترجمه:

بخوان آنچه را که از کتاب (قرآن) از سوی پروردگارت به تو وحی شده است (و به گفته‌های این و آن که آمیخته به دروغ و خرافات و مطالب بی‌اساس است اعتناء مکن. تکیه‌گاه بحث تو در امور غیبی همچون سرگذشت اصحاب کهف، تنها باید وحی الهی باشد. چرا که سخنان خدا حقائق تغییر ناپذیری است و) کسی نمی‌تواند سخنان او را تغییر (و احکام آن را دگرگون) کند، و هرگز پناهی جز او نخواهی یافت.

توضیحات:

«مُبَدِّلَ»: تغییر دهنده. تبدیل کننده. «لا مُبَدِّلَ لِكَلِمَـاتِهِ»: هیچ کس و هیچ‌چیزی سخنان خدا را نمی‌تواند دگرگون کند. احکام قرآن، چون کلام یزدان است، بر اثر

کشفیات فنون و پیشرفت‌های علوم، دستخوش بطلان و مغلوب زمان نمی‌شود. «مُلْتَحَداً »: پناهگاه. ملجأ. محلّی که انسان خویشتن را در آن متحصن کند.

سوره کهف آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ٢٨﴾

ترجمه:

با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می‌پرستند و به فریاد می‌خوانند، (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند، و چشمانت از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان مستکبر) برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد، و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته‌ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش (همه) افراط و تفریط بوده است.

توضیحات:

«إِصْبِرْ نَفْسَكَ»: خویشتن را بدار. خود را نگاه دار. مراد بودن و بسر بردن است. «غَدَاةِ»: صبحگاهان. بامدادان. «عَشِيِّ»: شامگاهان. شبانگاهان. مراد همه اوقات است (نگا: انعام / ۵۲ و ۵۳). «لا تَعْدُ»: دور مگردان. منصرف مکن. از ماده (عدو). «لا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ»: چشمانت از ایشان برنگردد. مراد این است که چشم از ایشان برمگیر. واژه (عَيْنَاكَ) فاعل است. «أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ»: دل او را غافل کرده‌ایم. دلش را غافل دیده‌ایم. « فُرُطاً »: افراط و اسراف. ظلم و تعدّی (نگا: قاموس). تفریط و تضییع (نگا: روح‌المعانی).

سوره کهف آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ

وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ﴿٢٩﴾

ترجمه:

بگو: حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده‌ام و برنامه من و همه مؤمنان است) پس هرکس که می‌خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هرکس می‌خواهد (بدان) کافر شود. ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده‌ایم که (از هر طرف ایشان را احاطه می‌کند و) سراپرده آن، آنان را در بر می‌گیرد، و اگر (در آن آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب)، با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشابه‌ای! و چه زشت منزلی!

توضیحات:

«سُرَادِقُ»: معرّب سراپرده است، به معنی خیمه و بارگاه و چادری است که بر فراز صحن خانه کشند. «إِن يَسْتَغِيثُوا»: اگر فریاد برآورند. اگر کمک بخواهند. «يُغَاثُوا»: به فریادشان رسیده شود. کمک کرده شوند. «مُهْل»: هر نوع فلز گداخته (نگا: دخان / ۴۵، معارج / ۸). دُرْدِ ته‌نشین شده روغن که معمولاً چیز آلوده و کثیف و بد طعمی است؛ و در اینجا مراد کیم و خونابه دوزخیان است (نگا: ابراهیم / ۱۶ و ۱۷). «مُرْتَفَقاً»: محلّ اجتماع و گردهمآئی. منزل. جائی که برای حسرت و یا آسایش آرنج را بدان تکیه دهند یا زیرِ گونه بگذارند، که در صورت دوم یعنی اگر برای آسایش باشد، در اینجا جنبه ریشخند دارد؛ مثل (نُزُلٌ) در آیه ۹۳ سوره واقعه. منصوب است چون تمییز است.

سوره کهف آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ مَنۡ أَحۡسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده‌اند (به خدا و دین حقی که به تو وحی شده است) و کارهای شایسته کرده‌اند (پاداششان در پیشگاه آفریدگارشان محفوظ است). ما پاداش کسی را هدر نمی‌دهیم که کار نیکو کرده باشد.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ...»: خبر (إِنَّ)، (أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ) در آیه

بعدی است و (إِنَّا لا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً) جمله معترضه است، یا این که (إِنَّا لا نُضِيعُ...) جایگزین خبر است.

سوره کهف آیه ۳۱

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ لَهُمۡ جَنَّـٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَيَلۡبَسُونَ ثِيَابًا خُضۡرٗا مِّن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۚ نِعۡمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتۡ مُرۡتَفَقٗا ٣١﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که بهشت جاویدان از آن ایشان است؛ بهشتی که در زیر (کاخ‌ها و درختان) آن جویبارها روان است. آنان در آنجا با دستبندهای طلا آراسته می‌شوند، و جامه‌های سبز (فاخری از انواع مختلف) حریر نازک و ضخیم می‌پوشند، در حالی که بر تخت‌ها و مبلمان‌ها تکیه زده‌اند. (وه که این چیز موعود) چه پاداش خوبی است! و (به‌به این باغ‌ها و تخت‌ها) چه منزل و مَقَرّ زیبایی است!

توضیحات:

«عَدْنٍ»: جای ماندگاری. جاویدانگی. «يُحَلَّوْنَ»: زینت می‌شوند. آراسته می‌گردند. فعل مجهول است و از ماده (حلي). «أَسَاوِرَ»: جمع سِوار، دستبند. برخی آن را جمع أَسْوِرَة می‌دانند که مفرد آن سِوار است. یعنی أَساوِر را جمع‌الجمع بشمار می‌آورند. «مِنْ أَساوِرَ مِن ذَهَبٍ»: واژه (مِنْ) نخستین زائد یا ابتدائیه است، و (مِنْ) دوم بیانیه می‌باشد. «ذَهَبٍ»: طلا. زر. «خُضْراً»: جمع أَخْضَر، سبز رنگ. «سُندُسٍ»: حریر لطیف و نازک. «إِسْتَبْرَقٍ»: حریر ضخیم و برّاق. «مُتَّكِئِينَ»: تکیه‌زنندگان. «أَرَآئِكَ»: جمع أَريكة، تخت‌ها. مبلمان‌ها. «مُرْتَفَقاً»: منزل. مجلس. مقرّ.

سوره کهف آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلٗا رَّجُلَيۡنِ جَعَلۡنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيۡنِ مِنۡ أَعۡنَٰبٖ وَحَفَفۡنَٰهُمَا بِنَخۡلٖ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمَا زَرۡعٗا ٣٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) برای آنان مثالی بیان کن، مَثَل دو مرد (کافر ثروتمندی و فقیر مؤمنی) را که (در روزگاران گذشته اتّفاق افتاده است، و) ما به یکی از آن دو (یعنی کافر ثروتمند) دو باغ انگور داده بودیم. گرداگرد باغ‌ها را با نخلستان‌ها احاطه کرده بودیم، و در میان باغ‌ها (زمین‌های) زراعتی قرار داده بودیم.

توضیحات:

«رَجُلَیْنِ»: دو مرد. مراد یک فرد کافر ثروتمند، و یک فرد مؤمن فقیر است. در ضرب‌المثل هم ضرورت ندارد نام افراد مشخّص شود. (رَجُلَیْنِ) بدل (مَثَلاً) است. «حَفَفْنَا»: دور زده بودیم. احاطه کرده بودیم.

سوره کهف آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْـًٔاۚ وَفَجَّرْنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا ٣٣﴾

ترجمه:

هر دو باغ (از نظر فرآورده‌های کشاورزی کامل بودند و درختان) به ثمر نشسته بودند (و کشتزارهای داخل آن خوشه بسته بودند) و هر دو باغ در میوه و ثمره چیزی فروگذار نکرده بودند، و ما در میان آنها رودبار بزرگی (از زمین) برجوشانده بودیم (که در زیر درختان جریان داشت).

توضیحات:

«كِلْتَا»: هر دو. «أُكُلَ»: میوه. ثمره. فرآورده. «لَمْ تَظْلِمْ»: نکاسته بود. فروگذار نکرده بود.

سوره کهف آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ٣٤﴾

ترجمه:

(صاحب این دو باغ علاوه از آنها) دارائی دیگری (از طلا و نقره و اموال و اولاد) داشت (و دنیا به کام او بود و غرور ثروت او را گرفت) پس در گفتگوئی به دوست (مؤمن) خود (مغرورانه و پرخاشگرانه) گفت: من ثروت بیشتری از تو دارم و از لحاظ

نفرات (خانواده و خویش و رفیق) مقتدرتر از تو و فزونترم.

توضیحات:

«ثَمَرٌ»: حاصل. درآمد. دارائی. «كَانَ لَهُ ثَمَرٌ»: دارائی و درآمد دیگری جز این دو باغ داشت. یا این که: بدین ترتیب، صاحب این دو باغ، هرگونه میوه و درآمدی در اختیار داشت.

سوره کهف آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ٣٥﴾

ترجمه:

در حالی که (به سبب عدم ایمان به خدا) بر خویشتن ستمگر بود، (همراه دوست خود، سرمستِ غرور) به باغش گام نهاد (و نگاهی به درختان پرمیوه و خوشه‌های پُردانه و زمزمه رودبار انداخت، مستکبرانه) گفت: من باور نمی‌کنم هرگز این (باغ سرسبز) نابود شود و به فنا رود.

توضیحات:

«مَآ أَظُنُّ»: گمان نمی‌برم. باور ندارم. «تَبِيدَ»: نابود شود. از میان رود. از مصدر بَید و به یاد، به معنی فنا و هلاک. «هٰذِهِ»: این باغ. چه بسا مراد تسمیه کلّ به اسم جزء بوده و مقصود این جهان، و مرجع (مِنْها) در آیه بعد هم (جَنَّة) یا (حَيَاة) باشد.

سوره کهف آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ٣٥﴾

ترجمه:

و باور ندارم که قیامت برپا شود. اگر هم (به فرض قیامتی در کار باشد و) من به‌سوی پروردگارم برگردانده شوم (این همه شخصیت و مقام، و اموال و اولاد، نشانه شایستگی من است و در آنجا هم) مسلّماً سرانجام بهتری و جایگاه خوبتری از این (باغ و زندگی) خواهم یافت.

توضیحات:

«السَّاعَةَ»: قیامت. « قَآئِمَةً »: پابرجا. برقرار. مفعول دوم است. «مُنقَلَباً»: عاقبت. جای بازگشت.

سوره کهف آیه ۳۷

متن آیه:

﴿قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرْتَ بِٱلَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾﴾

ترجمه:

دوست (مؤمن) او، در حالی که با وی گفتگو داشت، بدو گفت: آیا منکر کسی شده‌ای که (دستگاه شگرف و سازمان پیچیده جسم) تو را از خاک ناچیزی و سپس از نقطه بی‌ارزشی آفریده است، و بعد از آن تو را مرد کاملی کرده است؟!

توضیحات:

«خَلَقَكَ مِن تُرابٍ...»: خداوند تو را از خاک درست کرد. یعنی موادّ غذائی که در زمین است، جذب ریشه‌های روئیدنیها می‌گردد، و روئیدنیها به نوبه خود خوراک حیوانات می‌شوند، و انسان از روئیدنیها و گوشت و شیر حیوانات استفاده می‌کند، و نطفه‌اش از این‌ها شکل می‌گیرد (نگا: حجّ / ۵، روم / ۲۰). یا این که مراد این است که خداوند اصل تو را - که آدم است - از خاک آفریده است (نگا: آل‌عمران / ۵۹، فاطر / ۱۱). «سَوَّاكَ»: اندام تو را متعادل و هماهنگ کرد. کامل کرد تو را. «رَجُلاً»: حال است و تأویل به مشتقّ می‌گردد. یا این که مفعول دوم (سَوّي) است. یعنی: «جَعَلَكَ رَجُلاً».

سوره کهف آیه ۳۸

متن آیه:

﴿لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّىٓ أَحَدًا ﴿٣٨﴾﴾

ترجمه:

ولی من (می‌گویم:) او (که مرا و همه جهان را آفریده است) خدا است و پروردگار من است، و من کسی را انباز پروردگارم نمی‌سازم.

توضیحات:

«لکِنَّا»: امّا من. اصل آن: لکنْ أَنَا است، و همزه را به طور سماع حذف و نون را در نون دغم می‌نمایند. «لکِنَّا هُوَ اللهُ رَبِّي»: (لکِن) مخفّف و مهمّل، (أَنَا) مبتدا، (هُوَ) مبتدای دوم، (اللهُ) خبر مبتدای دوم، (رَبِّي) صفت آن، مبتدای دوم و خبرش، خبر مبتدای اوّل، و عائد ضمیر (ی) است.

سوره کهف آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ٣٩﴾

ترجمه:

کاش! وقتی که وارد باغ می‌شدی (و این همه نعمت و مرحمت، و آثار قدرت و عظمت را می‌دیدی) می‌گفتی: ماشاءَاللهُ! (این نعمت از فضل و لطف خدا است، و آنچه خدا بخواهد شدنی است!) هیچ قوّت و قدرتی جز از ناحیه خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد، توانائی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت. ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کمترم، (امّا...).

توضیحات:

«مَا شَآءَ اللهُ»: این جمله محذوفی دارد و تقدیر چنین است: هذا مَا شَآءَ اللهُ، یعنی: این چیزی است که خدا خواسته است. یا این که: «مَا شَآءَ اللهُ کائِنٌ»، یعنی: هرچه خدا بخواهد، همان می‌شود.

سوره کهف آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ٤٠﴾

ترجمه:

چه بسا پروردگارم بهتر از باغ تو را (در دنیا یا آخرت) به من بدهد، و خدا از آسمان بلای مقدّری برای باغ تو فرو بفرستد و این باغ به سرزمین لخت و همواری تبدیل شود.

توضیحات:

«حُسْبَاناً»: مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی محسوب است و مراد از آن هر نوع بلا و عذاب مقدّر است. هلاک و نابودی. یا این که جمع (حُسْبَانَة) به معنی صاعِقَة است. «صَعیداً»: سرزمین. خاک روی زمین. «زَلَقاً»: مصدر است و در معنی اسم فاعل به کار رفته است، به معنی: صاف و صوف. لخت. لغزنده. گِل و لای.

سوره کهف آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ٤١﴾

ترجمه:

یا این که آب این باغ (در اعماق زمین) فرو رود، به گونه‌ای که هرگز نتوانی آن را پیجوئی کنی (چه رسد به این که آن را بیابی و به سطح زمین برگردانی).

توضیحات:

«غَوْراً»: فرو رفتن. در اینجا برای مبالغه، مصدر به معنی اسم فاعل یعنی (غائِر) به کار رفته است که به معنی فرو رونده است.

سوره کهف آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ٤٢﴾

ترجمه:

(سرانجام پیش‌بینی فرد مؤمن تحقّق پذیرفت و بلای ناگهانی در رسید و همه محصولات و) میوه‌های او را در آغوش کشید (و باغ سرسبز و آبادان، به زمین لخت و ویران تبدیل گردید). در حالی که باغ بر داربستها و چوب‌بندها فرو تپیده بود، صاحب باغ بر هزینه‌هائی که صرف آن کرده بود، دست تحسّر به هم می‌مالید و می‌گفت: کاشکی کسی را انباز پروردگارم نمی‌کردم! (و خدای را به یگانگی می‌پرستیدم و کفر نمی‌ورزیدم).

توضیحات:

«اُحِیطَ»: احاطه گردید. «اُحیطَ بِثَمَرِهِ»: محصولات و میوه‌هایش با بلا احاطه گردید.

محصولات نابود شد. «خاوِيَةٌ»: فرو افتاده و فرو تپیده. «عُرُوش»: جمع عَرْش، سقف‌ها. در اینجا مراد داربست‌ها و چوب‌بندها و چفته‌های زیر درختان میوه است. «خَاوِيَةٌ عَلَيا عُرُوشِهَا»: (نگا: بقره / ۲۵۹).

سوره کهف آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ٤٣﴾

ترجمه:

(او در برابر این همه مصیبت و بلا، تنهای تنها بود) و دسته و گروهی را جز خدا نداشت که او را یاری دهند، و خود نیز نتوانست خویشتن را کمک کند (و جلو بلا را بگیرد).

توضیحات:

«مِن دُونِ اللهِ»: بجز خدا. در مقابل خدا. «مُنتَصِراً»: دفع کننده و بازدارنده. انتقام گیرنده. غالب و چیره. یادآوری: معنی آیه می‌تواند چنین هم باشد: صاحب باغ کسانی را نداشت که در برابر خشم خدا او را کمک کنند، و وی هم قادر به دفع بلا نبود.

سوره کهف آیه ۴۴

متن آیه:

﴿هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا ٤٤﴾

ترجمه:

در آن مقام و در آن حال (که بلا و مصیبت و شدّت و محنت سر می‌رسد) یاری و کمک، ویژه معبود راستین است (و تنها خدا فریادرس روز مصیبت و دفع‌کننده بلا است). او بهترین پاداش را (برای مطیعان خود) دارد، و بهترین سرانجام را (برای آنان) فراهم می‌سازد.

توضیحات:

«هُنَالِكَ»: آنجا. در آن مقام و در آن حال. «الْوَلايَةُ»: کمک و یاری. دستگیری و مددکاری. «عُقْباً»: عاقبت. سرانجام.

سوره کهف آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا ٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) برای آنان (که به دارائی دنیا می‌نازند و به اولاد و اموال می‌بالند) مثال زندگی دنیا را بیان کن که همچون آبی است که از (ابر) آسمان فرو می‌فرستیم. سپس گیاهان زمین از آن (سیراب می‌گردند و به سبب آن رشد و نمو می‌کنند و) تنگاتنگ و تودرتو می‌شوند. (عطر گل و ریحان با آواز پرندگان درهم می‌آمیزد و رقص گلزار و چمنزار در می‌گیرد. ولی این صحنه دل‌انگیز دیری نمی‌پاید و باد خزان وزان می‌گردد، و گیاهان سرسبز و خندان، زرد رنگ و) سپس خشک و پرپر می‌شوند و بادها آنها را (در اینجا و آنجا) پخش و پراکنده می‌سازند! (آری! داشتن را نداشتن، و بهار زندگی را خزان در پی است، پس چه جای نازیدن به وی است. این خدا است که نعمت و حیات می‌دهد و هر وقت که بخواهد نعمت و حیات را بازپس می‌گیرد) و خدا بر هر چیزی توانا بوده (و هست).

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: سوی بالا. مراد ابر آسمان است (نگا: نور / ۴۳، واقعه / ۶۹). «إِخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الأرْضِ»: گیاهان زمین به سبب آن، تنگ یکدیگر روئیدند. گیاهان آمیزه آب آن می‌گردند، یعنی آن را می‌مکند. «هَشِیماً»: گیاه خشک و پرپر. فَعیل به معنی مَفعول است. «تَذْرُو»: می‌برد و پخش و پراکنده می‌کند. از ماده (ذرو) (نگا: ذاریات / ۱).

سوره کهف آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا ٤٦﴾

ترجمه:

دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند (و زوال‌پذیر و گذرایند). و امّا اعمال شایسته‌ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد، و

بهترین امید و آرزو است.

توضیحات:

«الْبَنُونَ»: پسران. مراد فرزندان، اعم از ذکور و إناث است. «الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ»: کارهای شایسته‌ای که ثمره و ثواب آنها باقی و ماندگار است. واژه (الْبَاقِيَاتُ) صفت موصوف مقدّری چون: «الْكَلِمَاتُ يا الأعْمَالُ» است. لذا هرگونه گفتار پسندیده و کردار شایسته را شامل می‌شود.

سوره کهف آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ وَتَرَى ٱلْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾﴾

ترجمه:

روزی ما (نظام جهان هستی را به عنوان مقدّمه‌ای برای نظام نوین درهم می‌ریزیم و از جمله) کوه‌ها را به حرکت در می‌آوریم، و (همه موانع سطح زمین را از میان برمی‌داریم، به گونه‌ای که) زمین را (صاف و همه‌چیز را در آن) نمایان می‌بینی، و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم.

توضیحات:

«يَوْمَ»: ظرف است برای فعل مقدّری چون (أُذْكُرْ). «نُسَيِّرُ»: به حرکت می‌اندازیم. راه می‌بریم. «بَارِزَةً»: پیدا و نمایان. از مصدر بُروز به معنی ظُهور. مراد این است که زمین لخت و عریان و خالی از کوه‌ها و رودها و درختان و گیاهان و ساختمان‌ها و غیره می‌شود. حال است. «لَمْ نُغَادِرْ»: رها نساخته‌ایم. ترک نکرده‌ایم.

سوره کهف آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍۭ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾﴾

ترجمه:

مردمان (پیشین و پسین، برای حساب و کتاب) صف صف به پروردگارت عرضه می‌شوند (و همگی در برابر آفریدگارت ردیف ردیف سان دیده می‌شوند. آن وقت است

که ما ایشان را صدا می‌زنیم: ای مردمان! شما لخت و عریان بدون اموال و اولاد) به همان شکل و هیئتی که نخستین بار شما را آفریده بودیم، به پیش ما برگشته‌اید. شما گمان می‌بردید که هرگز موعدی برای (رستاخیز و حساب و ثواب و عقاب) شما ترتیب نمی‌دهیم.

توضیحات:

«عُرِضُوا»: عرضه گردیدند. سان دیده شدند. «صَفّاً»: ردیف. صف‌ها. صف کشیده. این واژه مصدر است و به معنی (صُفُوفاً) یا (مَصْفُوفِينَ) و حال است. «مَوْعِداً»: مکان وعده. زمان وعده.

سوره کهف آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗاۗ وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ أَحَدٗا ٤٩﴾

ترجمه:

و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می‌شود (و مؤمنان از دیدن آنچه در آن است شادان و خندان می‌گردند) و بزهکاران (کفر پیشه) را می‌بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می‌شوند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. و بدین وسیله) آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند. (چرا که پاداش یا کیفر، محصول اعمال خود مردمان است).

توضیحات:

«الْكِتَابُ»: نامه اعمال یکایک مردم (نگا: حاقّه / ۱۹ و ۲۵). «مَا لِهذَا الْكِتَابِ»: این چه کتابی است؟ استفهام برای تعجّب است. حرف لام جرّ در رسم‌الخطّ قرآنی منفصل نوشته شده است. «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِراً»: (نگا: آل‌عمران / ۳۰ و قیامت / ۱۳).

سوره کهف آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُّۢۚ بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا ٥٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! آغاز آفرینش مردمان را برای‌شان بیان کن) آن گاه را که ما به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. آنان جملگی سجده کردند مگر ابلیس که از جنّیان بود و از فرمان پروردگارش تمرّد کرد. آیا او و فرزندانش را با وجود این که ایشان دشمنان شمایند، به جای من سرپرست و مددکار خود می‌گیرید؟! ستمکاران چه عوض بدی دارند!

توضیحات:

«وَ إِذْ قُلْنَا...»: (نگا: بقره / ۳۴، اعراف / ۱۱، اسراء / ۶۱). «الْجِنَّ»: نوعی از آفریده‌های خدا که دیده نمی‌شوند (نگا: انعام / ۱۰۰). «أَفَتَتَّخِذُونَهُ...»: مراد این است که پیروی عملی از وسوسه‌های شیطان و زادگانش، پذیرش سرپرستی و دوستی این لعنتی‌ها بشمار است. « بَدَلاً »: عوض. جایگزین. تمییز است.

سوره کهف آیه ۵۱

متن آیه:

﴿مَّآ أَشۡهَدتُّهُمۡ خَلۡقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ أَنفُسِهِمۡ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلۡمُضِلِّينَ عَضُدٗا ٥١﴾

ترجمه:

من ابلیس و فرزندانش را به هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین، و (حتی برخی از) خودشان را هم به هنگام آفرینش (برخی از) خودشان (در صحنه خلقت) حاضر نکرده‌ام، و گمراه‌سازان را دستیار و مددکار خود نساخته‌ام (و اصلاً به دستیار و مددکار نیازی ندارم).

توضیحات:

«الْمُضِلِّینَ»: گمراهسازان. سرگشته‌کنندگان. «عَضُداً»: معین. مددکار. دستیار.

سوره کهف آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا ٥٢﴾

ترجمه:

روزی خداوند می‌فرماید: انبازهائی را که برای من گمان می‌بردید صدا بزنید (تا به کمک شما بشتابند). آنان انبازها (و معبودهای پنداری) را صدا می‌زنند و آنها به ندای ایشان پاسخ نمی‌دهند (تا چه رسد به این که به کمک‌شان بشتابند) و میان‌شان عداوت راه می‌اندازیم.

توضیحات:

«جَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقاً»: میان آنان عداوت راه می‌اندازیم (نگا: مریم / ۸۱ و ۸۲، احقاف / ۶). میان‌شان مهلکه‌ای می‌سازیم که آتش دوزخ است و همه ایشان در آن مشترک خواهند بود. رابطه و میانه دنیوی ایشان را موجب هلاک اخروی آنان می‌سازیم. «مَوْبِقاً»: مهلکه. هلاک. عداوتی که آن قدر سخت است که انگار خودِ دشمنانگی است.

سوره کهف آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمۡ يَجِدُواْ عَنۡهَا مَصۡرِفٗا ٥٣﴾

ترجمه:

و (در این گیرودار) گناهکاران آتش دوزخ را می‌بینند و می‌دانند که ایشان بدان می‌افتند ولیکن محلّی نمی‌یابند که (از دست دوزخ بگریزند و) بدان رو کنند.

توضیحات:

«ظَنُّوا»: یقین داشتند. «مُوَاقِعُوهَا»: افتادگان در آن. روندگان بدان. «مَصْرِفاً»: مکانی که بدان رو کنند. انصراف و روگردانی. این واژه می‌تواند اسم مکان یا اسم زمان و یا مصدر میمی باشد. «لَـمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفاً»: گریزی از دوزخ ندارند. مکانی که از دست دوزخ بدان رو کنند نمی‌یابند. زمان روگردانی از آن را نخواهند داشت.

سوره کهف آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَكۡثَرَ شَيۡءٖ

جَدَلٗا ﴿٥٤﴾

ترجمه:

ما در این قرآن برای مردمان، هرگونه مثلی را (که در امور دین و دنیا بدان نیازمند باشند) به شیوه‌های گوناگون بیان داشته‌ایم (تا از آنها پند گیرند) ولی انسان (طبیعةً دوستدار جرّ و بحث و مشاجره است و) بیش از هر چیز به مجادله می‌پردازد (و با حقائق می‌ستیزد).

توضیحات:

«صَرَّفْنَا»: به شیوه‌های گوناگون بیان کرده‌ایم. به گونه‌های مختلف تکرار نموده‌ایم (نگا: اسراء / ۴۱). «جَدَلاً»: مجادله و مشاجره. در اینجا مراد ستیزه و نزاع به باطل است. تمییز است.

سوره کهف آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّهُمۡ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ قُبُلٗا ﴿٥٥﴾

ترجمه:

مردمان (کفرپیشه) را از ایمان آوردن و طلب آمرزش از پروردگارشان باز نداشته است هنگامی که هدایت (یعنی پیغمبر و قرآن) بدی‌شان رسیده است، مگر (دو چیز: سرسختی و سرکشی! که آنان را بر آن داشته است یکی از این دو کار را خواستار شوند:) این که سرنوشت پیشینیان دامنگیرشان گردد (و عذاب نابود کننده‌ای ایشان را از میان بردارد) و یا این که انواع عذاب (پیاپی) بدی‌شان رسد.

توضیحات:

«سُنَّةُ الأوَّلِينَ»: سنّت و قاعده‌ای که خداوند درباره گذشتگان اجرا کرده است که هلاک جملگی ایشان است (نگا: انفال / ۳۷، فاطر / ۴۳). «قُبُلاً»: جمع قَبیل، به معنی صنف و نوع (نگا: انعام / ۱۱۱). این واژه را مفرد و به معنی مقابل و رویاروی گرفته‌اند؛ یعنی کافران عذاب الهی را در برابر خود مشاهده می‌کنند. «إِلاَّ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الأوَّلِينَ»: حرف (أَنْ) و مابعد آن به تأویل مصدر می‌رود و فاعل فعل (ما مَنَعَ) است. مراد این

است که سرنوشت این‌گونه اقوامِ گمراه، هلاک حتمی است و انگار ایشان در انتظار آنند. این بدان می‌ماند که به فرد سرکشی بگوئیم: تو فقط می‌خواهی مجازات شوی. یعنی مجازاتْ سرنوشتِ حتمی تو است.

سوره کهف آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا ٥٦﴾

ترجمه:

(وظیفه پیغمبران تنها مژده‌دادن و بیم دادن است) و ما پیغمبران را جز به عنوان مژده‌رسان و بیم‌رسان نمی‌فرستیم. همواره کافران بیهوده به جدال می‌پردازند تا با جدال حق را (از میدان به در کنند و آن را) از میان ببرند. آنان آیات (قرآنی) مرا و چیزی را که از آن بیم داده شده‌اند (که مکافات دنیوی و اخروی است، به باد) استهزاء می‌گیرند.

توضیحات:

«بِالْبَاطِلِ»: با کارهای بیهوده‌ای چون پیشنهاد معجزه‌های دلخواه. بیهوده و بیخود. «لِيُدْحِضُوا»: تا از میدان به در کنند. تا نیست و نابود کنند. «بِهِ»: با جدال. «الْحَقَّ»: مراد هر آن چیزی است که پیغمبران با خود آورده‌اند. یا مراد تنها قرآن است. «ءَايَاتِي»: مراد آیات قرآنی، یا اقوال و افعالی است که با آن پیغمبران تأیید و پشتیبانی شده‌اند. «هُزُواً»: استهزاء. سخریه. مصدر است و مهموزاللام و در معنی اسم مفعول به کار رفته است.

سوره کهف آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٗاۖ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ فَلَن يَهْتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٥٧﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر از کسی است که با آیات پروردگارش پند داده شود و او از آنها روی بگرداند (و درس نگیرد و فرمان نپذیرد، و عاقبتِ معاصی و گناهانی را که کرده است) و آنچه را که با دست خود پیشاپیش فرستاده است، فراموش کند؟! ما بر دل‌های آنان (به سبب کفر گرائیشان) پرده‌هائی افکنده‌ایم تا آیات را نفهمند (و نور ایمان به دل‌هایشان نتابد) و به گوش‌هایشان سنگینی انداخته‌ایم (تا ندای حق را نشنوند) و لذا هرچند آنان را به‌سوی هدایت بخوانی، هرگز راهیاب نمی‌شوند (و به دین حق نمی‌گروند).

توضیحات:

«أَکِنَّةً» و «أن یَفْقَهُوهُ» و «وَقْراً»: (نگا: أنعام / ۲۵، إسراء / ۴۶).

سوره کهف آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَرَبُّكَ ٱلۡغَفُورُ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۖ لَوۡ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلۡعَذَابَۚ بَل لَّهُم مَّوۡعِدٞ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ مَوۡئِلٗا ٥٨﴾

ترجمه:

پروردگار تو بس آمرزنده و صاحب رحم است. اگر آنان را (فوراً) در برابر اعمال‌شان مجازات می‌نمود (می‌توانست و) هرچه زودتر عذاب را (همچون ملّت‌های گذشته) گریبان‌گیرشان می‌کرد، ولی موعدی دارند که با فرا رسیدن آن راه نجاتی و پناهی در مقابلش نمی‌یابند.

توضیحات:

«مِن دُونِهِ»: در مقابل آن موعد. بجز خدا. «لَن یَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلاً»: از دست آن پناه‌گاهی نمی‌یابند که خویشتن را در آن محفوظ دارند. با فرا رسیدن آن، پناهگاهی جز خدا نمی‌یابند که بتواند ایشان را مصون دارد. «مَوْئِلاً»: ملجأ. پناهگاه.

سوره کهف آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰٓ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلۡنَا لِمَهۡلِكِهِم مَّوۡعِدٗا ٥٩﴾

ترجمه:

و این‌ها شهرها و آبادی‌هائی است (از عاد و ثمود و قوم لوط و امثال ایشان) که ما

(در رساندن عذاب‌شان شتاب ننموده‌ایم و بلکه) موعدی برای هلاک‌شان تعیین کرده‌ایم و زمانی آنها را نابود ساخته‌ایم که ایشان ظلم و ستم پیشه کرده‌اند.

توضیحات:

«الْقُرَيا»: شهرها و آبادی‌ها. مجازاً مراد مردمان آنجاها است. «مَهْلِك»: هلاک و نابودی. مصدر میمی است.

سوره کهف آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبۡرَحُ حَتَّىٰٓ أَبۡلُغَ مَجۡمَعَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ أَوۡ أَمۡضِيَ حُقُبٗا ٦٠﴾

ترجمه:

(یادآور شو) زمانی را که موسی (پسر عمران، همراه با یوشع پسر نون، که خادم و شاگرد او بود، به امر خدا برای یافتن شخص فرزانه‌ای به نام خضر بیرون رفت تا از او چیزهائی بیاموزد. موسی برای پیدا کردن این دانشمند بزرگ نشانه‌هائی در دست داشت، همچون محلّ تلاقی دو دریا و زنده شدن ماهی بریان شده. موسی عزم خود را جزم کرد و) به جوان (خدمتگذار) خود گفت: من هرگز از پای نمی‌نشینم تا این که به محلّ برخورد دو دریا می‌رسم، و یا این که روزگاران زیادی راه می‌سپرم.

توضیحات:

«فَتَاهُ»: خادم خود. فَتی به معنی جوان است که محض احترام خطاب به خدمتگذار گفته می‌شود. «لآ أَبْرَحُ»: پیوسته راه می‌روم. همیشه در طلب خواهم بود (نگا: یوسف / ۸۰). «مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ»: محلّ تلاقی دو دریا. در قرآن این محلّ روشن نشده است، لیکن مفسّران گفته‌اند: مراد محلّ اتّصال خلیج عقبه و خلیج سوئز، یا محلّ پیوند اقیانوس هند با دریای احمر در بغاز باب‌المندب، و یا این که محلّ پیوستگی دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس است. «حُقُباً»: روزگاران. مدّت زیادی از زمان که آن را هفتاد و هشتاد سال تخمین زده‌اند. جمع آن أَحْقاب است (نگا: نبأ / ۲۳).

سوره کهف آیه ۶۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّا بَلَغَا مَجۡمَعَ بَيۡنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ سَرَبٗا ٦١﴾

ترجمه:

هنگامی که به محلّ تلاقی دو دریا رسیدند، ماهی خویش را از یاد بردند، و ماهی در دریا راه خود را پیش گرفت (و به درون آن خزید).

توضیحات:

«حُوتَ»: ماهی. ظاهراً این ماهی را به عنوان غذا تهیه کرده و با خود می‌بردند و از آن می‌خوردند. «سَرَباً»: راه سراشیبی. طریق و مسیر. مفعول دوم فعل (إِتَّخَذَ) است. برخی آن را مصدر و در معنی اسم فاعل یعنی سارِب گرفته‌اند و حال فاعل فعل (إِتَّخَذَ) بشمار آورده‌اند.

سوره کهف آیه ۶۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدۡ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبٗا ٦٢﴾

ترجمه:

هنگامی که (از آنجا) دور شدند (و راه زیادی را طی کردند، موسی) به خدمتکارش گفت: غذای ما را بیاور، واقعاً در این سفرمان دچار خستگی و رنج زیادی شده‌ایم.

توضیحات:

«جَاوَزَا»: گذشتند. دور شدند. «غَدَآءَ»: خوراک. چاشت. «نَصَباً»: رنج و خستگی.

سوره کهف آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالَ أَرَءَيۡتَ إِذۡ أَوَيۡنَآ إِلَى ٱلصَّخۡرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ ٱلۡحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيۡطَٰنُ أَنۡ أَذۡكُرَهُۥۚ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ عَجَبٗا ٦٣﴾

ترجمه:

(خدمتکارش) گفت: به یاد داری وقتی را که به آن صخره رفتیم (و استراحت کردیم)! من (بازگو کردن جریان عجیب زنده شدن و به درون آب شیرجه رفتن) ماهی را از یاد بردم (که در آنجا جلو چشمانم روی داد!). جز شیطان بازگو کردن آن را از خاطرم نبرده است. (بلی! ماهی پس از زنده شدن) به طرز شگفت‌انگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت.

توضیحات:

«أَوَيْنَا»: پناه بردیم و اقامت گزیدیم. «الصَّخْرَةِ»: سنگ بزرگ و سخت. «مَآ أَنسَانِیهُ»: آن را از یادم نبرده است. ضمیر (هُ) می‌بایست به صورت (هِ) و مکسور خوانده شود، ولی مضموم بودن آن برابر قرائت حفص و یکی از لغات عرب است (نگا: فتح / ۱۰). «عَجَباً»: به گونه شگفت‌انگیز. راه شگفت‌انگیز. این واژه صفت مصدر محذوف، یعنی: «إِتِّخاذاً عَجَباً»، و یا این که مفعول دوم (إِتَّخَذَ) می‌باشد. «وَ اتَّخَذَ سَبِیلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَباً»: ماهی به گونه شگفتی بعد از زنده شدن به دریا فرو رفت. برخی نیز گفته‌اند: خدمتکار به گونه بس استوار و سرحال برای جبران فراموشی به‌سوی دریا برای گرفتن ماهی یا ماهیهای دیگری رفت.

سوره کهف آیه ۶۴

متن آیه:

﴿قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبۡغِۚ فَٱرۡتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصٗا ٦٤﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: این چیزی است که ما می‌خواستیم (چرا که یکی از نشانه‌های پیدا کردن گمشده ما است) پس پیجویانه از راه طی شده خود برگشتند.

توضیحات:

«کُنَّا نَبْغِ»: می‌خواستیم. فعل مضارع (نَبْغِ) مرفوع است و در اصل چنین است: (نَبْغِي). کتابت آن بدون یاء، رسم‌الخطّ قرآنی است. «إِرْتَدَّا»: بازگشتند. به عقب برگشتند. «قَصَصاً»: پیجوئی. ردّ پای خود را گرفتن. می‌تواند مفعول مطلق فعلی از لفظ خود باشد: «یَقُصّانِ قَصَصاً». یا این که مصدر مؤوّل به وصف بوده باشد، یعنی: (مُقْتَصِّینَ). به معنی: (مُتَتَبِّعِینَ).

سوره کهف آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَوَجَدَا عَبۡدٗا مِّنۡ عِبَادِنَآ ءَاتَيۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَعَلَّمۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلۡمٗا ٦٥﴾

ترجمه:

پس بنده‌ای از بندگان (صالح) ما را (به نام خضر) یافتند که ما او را مشمول رحمت خود ساخته و از جانب خویش بدو علم فراوانی داده بودیم.

توضیحات:

«عَبْداً»: این بنده خدا (خضر) نام داشته است و باید پیغمبر بوده باشد. چرا که: الف) خداوند نسبت بدو فرموده است: «ءَاتَيْناهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنا». رحمت هم به معنی نبوّت آمده است (نگا: زخرف / ۳۲). ب) علم لدنی، مقتضی وحی است: «وَ عَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْماً». ج) او به موسی چیزهائی آموخته است، و پیغمبر هم جز از پیغمبر کسب علم نمی‌کند. د) جمله: «ما فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي»، در آیه (۸۲ / کهف) دلیل نبوّت است.

سوره کهف آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلۡ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمۡتَ رُشۡدٗا ٦٦﴾

ترجمه:

موسی بدو گفت: آیا (می‌پذیری که من همراه تو شوم و) از تو پیروی کنم بدان شرط که از آنچه مایه رشد و صلاح است و به تو آموخته شده است، به من بیاموزی؟

توضیحات:

«عَلَيا»: عَلی حرف جرّ است و در اینجا بیان‌گر معنی شرط است (نگا: ممتحنه / ۱۲). «رُشْداً»: دانشی که موجب خیر و صلاح دین و دنیا شود (نگا: أنبیاء / ۵۱). مصدر است و برای مبالغه در معنی وصفی به کار رفته است. یعنی: «عِلْماً ذا رُشْدٍ». مفعول دوم فعل (تُعَلِّمَني) است.

سوره کهف آیه ۶۷

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ٦٧﴾

ترجمه:

(خضر) گفت: تو هرگز توان شکیبائی با من را نداری.

توضیحات:

«مَعِيَ»: مصاحبت و همراهی با من.

سوره کهف آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَكَيۡفَ تَصۡبِرُ عَلَىٰ مَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ خُبۡرٗا ٦٨﴾

ترجمه:

و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از راز و رمز آن آگاه نیستی، شکیبائی کنی؟!

توضیحات:

«خُبْراً»: آگاهی. شناخت. دانش. تمییز است.

سوره کهف آیه ۶۹

متن آیه:

﴿قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرٗا وَلَآ أَعۡصِي لَكَ أَمۡرٗا ٦٩﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: به خواست خدا، مرا شکیبا خواهی یافت، و (در هیچ کاری) با فرمان تو مخالفت نخواهم کرد.

توضیحات:

«لآ أَعْصِي»: سرکشی و نافرمانی نمی‌کنم. «أَمْراً»: فرمان. کار.

سوره کهف آیه ۷۰

متن آیه:

﴿قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعۡتَنِي فَلَا تَسۡـَٔلۡنِي عَن شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ أُحۡدِثَ لَكَ مِنۡهُ ذِكۡرٗا ٧٠﴾

ترجمه:

(خضر) گفت: اگر تو همسفر من شدی (سکوت محض باش و) درباره چیزی (که انجام می‌دهم و در نظرت ناپسند است) از من مپرس تا خودم راجع بدان برایت سخن بگویم.

توضیحات:

«أُحْدِثَ»: پدیدار می‌کنم. «ذِکْراً»: یاد. بیان. «أُحْدِثَ... ذِکْراً»: آغاز سخن می‌کنم. به سخن می‌پردازم.

سوره کهف آیه ۷۱

متن آیه:

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَاۖ قَالَ أَخَرَقۡتَهَا لِتُغۡرِقَ أَهۡلَهَا لَقَدۡ جِئۡتَ شَيۡـًٔا إِمۡرٗا ٧١﴾

ترجمه:

پس (موسی و خضر با یکدیگر) به راه افتادند (و در ساحل دریا به سفر پرداختند) تا این که سوار کشتی شدند. (خضر در اثنای سفر) آن را سوراخ کرد. (موسی) گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟! واقعاً کار بسیار بدی کردی.

توضیحات:

«إِنطَلَقا»: به راه افتادند. روان شدند. «خَرَقَهَا»: آن را سوراخ کرد. «أَهْلَهَا»: ساکنان آن. صاحبان آن. «إِمْراً»: کار بسیار زشت و شگفت‌انگیز.

سوره کهف آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قَالَ أَلَمۡ أَقُلۡ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ٧٢﴾

ترجمه:

(خضر) گفت: مگر نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همراه من شکیبائی‌کنی؟

توضیحات:

سوره کهف آیه ۷۳

متن آیه:

﴿قَالَ لَا تُؤَاخِذۡنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرۡهِقۡنِي مِنۡ أَمۡرِي عُسۡرٗا ٧٣﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: مرا به خاطر فراموش کردن (توصیه‌ات) بازخواست مکن و در کارم (که یادگیری و پیروی از تو است) بر من سخت مگیر.

توضیحات:

«لا تُرْهِقْنِي»: بر من تحمیل مکن (نگا: کهف / ۸۰). «مِنْ أَمْرِي»: در کارم. مراد کار تعلّم و پیروی موسی از خضر است. «عُسْراً»: سختی. دشواری.

سوره کهف آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمٗا فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا زَكِيَّةَۢ بِغَيۡرِ نَفۡسٖ لَّقَدۡ جِئۡتَ شَيۡـٔٗا نُّكۡرٗا ٧٤﴾

ترجمه:

به راه خود ادامه دادند تا آن گاه که (از کشتی پیاده شدند و در مسیر خود) به

کودکی رسیدند. (خضر) او را کشت! (موسی) گفت: آیا انسان بیگناه و پاکی را کشتی، بدون آن که او کسی را کشته باشد؟! واقعاً کار زشت و ناپسندی کردی.

توضیحات:

«غُلاماً»: نوجوان. در اینجا مراد پسر بچّه و کودک است (نگا: آل‌عمران / ۴۰). «نَفْساً»: انسان. شخص. «زَکِیَّةً»: پاک و بی‌گناه. «بِغَیْرِ نَفْسٍ»: بدون کشتن کسی و داشتن حق قصاص. «نُکْراً»: زشت. نفرت‌انگیز.

سوره کهف آیه ۷۵

متن آیه:

﴿قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ۝٧٥﴾

ترجمه:

(خضر) گفت: مگر به تو نگفتم که تو با من توان شکیبائی را نخواهی داشت؟

توضیحات:

سوره کهف آیه ۷۶

متن آیه:

﴿قَالَ إِن سَأَلۡتُكَ عَن شَيۡءِۢ بَعۡدَهَا فَلَا تُصَٰحِبۡنِيۖ قَدۡ بَلَغۡتَ مِن لَّدُنِّي عُذۡرٗا ۝٧٦﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: اگر بعد از این، از تو درباره چیزی پرسیدم (و اعتراض کردم) با من همدم مشو، چرا که به نظرم معذور خواهی بود (از من جدا شوی).

توضیحات:

«بَعْدَهَا»: بعد از این مرتبه. بعد از این مسأله. «لا تُصَاحِبْني»: با من مصاحبت و همدمی مکن. «قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْراً»: تو از جانب من معذوری. کار بدانجا رسیده است که عذر مرا بخواهی.

سوره کهف آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا

جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥۖ قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرًا ٧٧﴾

ترجمه:

باز به راه خود ادامه دادند تا به روستائی رسیدند. از اهالی آنجا غذا خواستند؛ ولی آنان از مهمان کردن آن دو خودداری نمودند. ایشان در میان روستا به دیواری رسیدند که داشت فرو می‌ریخت. (خضر) آن را تعمیر و بازسازی کرد. (موسی) گفت: اگر می‌خواستی می‌توانستی در مقابل این کار مزدی بگیری (و شکممان را بدان سیر کنی. آخر فداکاری با این مردمان فرومایه، حیف است).

توضیحات:

«إِسْتَطْعَمَا»: غذا خواستند. تقاضای خوراک کردند. «جِدَاراً»: دیوار. «يَنقَضَّ»: فرود آید. فرو ریزد. «أَقَامَهُ»: برجایش داشت. آن را تعمیر و مرمّت کرد. «لَتَّخَذْتَ»: این فعل از ماده (تَخَذَ) به معنی (أَخَذَ) و از باب افتعال است.

سوره کهف آیه ۷۸

متن آیه:

﴿قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي وَبَيۡنِكَۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡتَطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا ٧٨﴾

ترجمه:

(خضر) گفت: اینک وقت جدائی من و تو است. من تو را از حکمت و راز کارهائی که در برابر آنها نتوانستی‌شکیبائی کنی آگاه می‌سازم.

توضیحات:

«فِرَاقُ»: جدائی. از یکدیگر جدا شدن و دور گشتن. «تَأْوِيلِ»: تبیین و توجیه. بیان حکمت و راز کار.

سوره کهف آیه ۷۹

متن آیه:

﴿أَمَّا ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصۡبًا ٧٩﴾

ترجمه:

و امّا آن کشتی متعلّق به گروهی از مستمندان بود که (با آن) در دریا کار می‌کردند و من خواستم آن را معیوب کنم (و موقّتاً از کار بیفتد چرا که) سر راه آنان پادشاه

ستمگری بود که همه کشتی‌ها (ی سالم) را غصب می‌کرد و می‌برد.

توضیحات:

«السَّفِينَةُ»: کشتی. «مَسَاكِينَ»: کسانی که درآمد و دارائی ایشان جوابگوی نیازهای آنان نباشد. شاید هم مراد کسانی باشد که نسبت به دیگران از نظر قدرت ضعیف و ناتوان باشند. «وَرَآءَ»: پشت سر. جلو و سر راه (نگا: ابراهیم / ۱۶). «غَصْباً»: مفعول مطلق، یا این که تأویل به مشتقّ می‌گردد و حال است.

سوره کهف آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلْغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَآ أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾﴾

ترجمه:

و امّا آن کودک (که او را کشتم) پدر و مادرش باایمان بودند (و اگر زنده می‌ماند) می‌ترسیدیم که سرکشی و کفر را بدانان تحمیل کند (و ایشان را از راه ببرد).

توضیحات:

«يُرْهِقَهُمَا»: بر ایشان تحمیل کند. به طغیان و کفرشان کشاند (نگا: کهف / ۷۳).

سوره کهف آیه ۸۱

متن آیه:

﴿فَأَرَدْنَآ أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَوٰةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾﴾

ترجمه:

ما خواستیم که پروردگارشان به جای او فرزند پاکتر و پرمحبّت‌تری بدی‌شان عطاء فرماید.

توضیحات:

«أَن يُبْدِلَـهُمَا »: عوضشان بدهد. «زَكَاةً»: پاکی و پاکیزگی. صلاح و طهارت ذات.

سوره کهف آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِى ٱلْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُۥ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَآ أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُۥ عَنْ أَمْرِى ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾﴾

ترجمه:

و امّا آن دیوار (که آن را بدون مزد تعمیر کردم) متعلّق به دو کودک یتیم در شهر بود و زیر دیوار گنجی وجود داشت که مال ایشان بود و پدرشان مرد صالح و پارسائی بود (و آن را برای‌شان پنهان کرده بود). پس پروردگار تو خواست که آن دو کودک به حدّ بلوغ برسند و گنج خود را به مرحمت پروردگارت بیرون بیاورند (و مردمان بدانند که: صلاح پدران و مادران برای پسران و دختران، و خوبی اصول برای فروع سودمند است). من به دستور خود این کارها را نکرده‌ام (و خودسرانه دست به چیزی نبرده‌ام و بلکه فرمان خدا را اجرا نموده‌ام و برابر رهنمود او رفته‌ام). این بود راز و رمز کارهائی که توانائی شکیبائی در برابر آنها را نداشتی.

توضیحات:

«كَنزٌ»: گنج. «رَحْمَةً»: مفعول‌له است برای (أَرَادَ). «تَأْوِيلُ»: تفسیر و توجیه (نگا: کهف / ۷۸). «عَنْ أَمْرِي»: به دستور خویش. خودسرانه.

سوره کهف آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَن ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِۖ قُلۡ سَأَتۡلُواْ عَلَيۡكُم مِّنۡهُ ذِكۡرًا ٨٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! برخی از کفّار به دسیسه یهودیان) از تو درباره (سرگذشت) ذوالقرنین می‌پرسند. بگو: گوشه‌ای از سرگذشت او را برایتان بازگو خواهم کرد.

توضیحات:

«ذِي الْقَرْنَيْنِ»: ذوالقرنین را اسکندر مقدونی و کورش کبیر و شاهی از پادشاهان یمن که تبابعه نامیده می‌شدند می‌دانند. علّت تسمیه او به ذوالقرنین شاید این باشد که مشرق و مغرب جهان آن روزی را تسخیر نمود و عرب‌ها به آن «قَرْنَيِ الشَّمْسِ»: یعنی دو شاخ خورشید می‌گویند. یا بدین علّت بوده است که کلاهخودی بر سر نهاده است که دو شاخک داشته است. «سَأَتْلُو»: خواهم خواند. بیان خواهم کرد. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «ذِكْراً»: یادی. شمّه‌ای (نگا: کهف / ۷۰).

سوره کهف آیه ۸۴

متن آیه:

﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ٨٤﴾

ترجمه:

ما به او در زمین قدرت و حکومت دادیم و وسائل هر چیزی را (که برای رسیدن بدان تلاش می‌کرد) در اختیارش نهادیم.

توضیحات:

«مَكَّنَّا»: تسلّط و تصرّف دادیم (نگا: یوسف / ۲۱ و ۵۶). «سَبَباً»: وسیله و ابزار دستیابی به هدف. راه و روش رسیدن به مقصود.

سوره کهف آیه ۸۵

متن آیه:

﴿فَأَتۡبَعَ سَبَبًا ٨٥﴾

ترجمه:

او هم سبب را پیگیری کرد (و از وسائل خداداد استفاده نمود).

توضیحات:

«أَتْبَعَ»: پیجوئی و پیروی کرد.

سوره کهف آیه ۸۶

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۗ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمۡ حُسۡنٗا ٨٦﴾

ترجمه:

تا وقتی که به غروبگاه خورشید رسید. به نظرش آمد که آفتاب (انگار) در چشمه گِل‌آلودِ تیره رنگی فرو می‌رود، و در آنجا گروهی (متمرّد کافر) را یافت. (از راه الهام به او) گفتیم: ای ذوالقرنین! (یکی از دو کار، درباره ایشان روا دار:) یا آنان را (در صورت ایمان نیاوردن، با کشتن) عذاب می‌دهی، و یا این که نسبت بدی‌شان خوبی می‌کنی (و در صورت ایمان آوردن از آنان گذشت می‌نمائی و به ارشاد ایشان همت می‌گماری).

توضیحات:

«مَغْرِبَ»: مراد غرب جهان معمور آن روزی است. «عَيْنٍ»: چشمه. «حَمِئَةٍ»: لجنزار

سیاه و بدبو. آب گِل‌آلودِ تیره‌رنگ. «تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ»: مراد غروب ظاهری خورشید در آن سوی دریا یا اقیانوس است که انگار آفتاب به ژرفای آب فرو می‌رود و در آن می‌غنود. «حُسْناً»: خوبی و نیکی.

سوره کهف آیه ۸۷

متن آیه:

﴿قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ٨٧﴾

ترجمه:

(ذوالقرنین بدیشان) گفت: امّا کسانی که (بر کفر بمانند و بدین وسیله به خود) ستم کنند، آنان را (در دنیا با کشتن) مجازات خواهم کرد، سپس در آخرت به‌سوی پروردگارشان برگردانده می‌شوند و ایشان را به عذاب شدیدی گرفتار خواهد کرد.

توضیحات:

«ظَلَمَ»: کفر ورزید (نگا: بقره / ۲۵۴). ستم کرد. «نُكْراً»: زشت. ناشناخته و غیر معروف برای مردمان. «عَذَاباً نُكْراً»: عذاب سختی که همانند آن دیده نشده باشد.

سوره کهف آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ٨٨﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، (در آخرت) پاداش نیکو خواهند داشت، و ما (هم در دنیا) دستور سهل و ساده‌ای در حق ایشان صادر می‌نمائیم (و تکالیف طاقت‌فرسا و مالیات سنگین بر دوششان نمی‌گذاریم).

توضیحات:

«الْحُسْنَيا»: نیکو. مراد پاداش نیکو یا بهشت است. «لَهُ جَزَآءً الْـحُسْنَيا»: سزای ایشان پاداش نیکو است. پاداش ایشان بهشت است. واژه (جَزَآءً) حال مقدم یا تمییز است. و واژه (الْـحُسْني) مرفوع و مبتدای مؤخّر، و یا این که منصوب و بدل از (جَزَآءً) است. «مِنْ أَمْرِنَا»: آنچه بدان دستور می‌دهیم. «يُسْراً»: سهل و ممکن.

سوره کهف آیه ۸۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾﴾

ترجمه:

سپس از وسیله استفاده کرد (و برای بازگشت راه شرق را در پیش گرفت).

توضیحات:

سوره کهف آیه ۹۰

متن آیه:

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ ٱلشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾﴾

ترجمه:

تا وقتی که به محلّ طلوع خورشید رسید. دید که آفتاب بر مردمانی می‌تابد که برای حفظ خود از آن، ما پوششی (به نام جامه، یا سرپناهی به نام خانه) بهره ایشان نکرده بودیم (و آنان همچون انسان‌های اوّلیه، لخت و عریان در بیابان گرم و سوزان زندگی می‌کردند).

توضیحات:

«مَطْلِعَ الشَّمْسِ»: مراد قسمت شرق جهان معمور آن روزی است. «سِتْراً»: پرده و پوشش. مراد جامه یا خانه است. «لَمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْراً»: مراد این است که آنان مردمان عریانی یا کم جامه‌ای بودند همچون ساکنان برخی از نواحی کشور سودان و اواسط آفریقای امروزی. یا این که خانه و کاشانه‌ای به صورت ساختمان نداشتند و بلکه بیابان‌نشین بوده و در مغاک‌ها و گودال‌ها بسر می‌بردند.

سوره کهف آیه ۹۱

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾﴾

ترجمه:

همان گونه (در حق مردمان مشرِق زمین رفتار کرد که درباره مردمان مغرب زمین رفتار کرده بود) و ما از آنچه می‌کرد، کاملاً مطّلع بودیم.

توضیحات:

«كَذَالِكَ»: همان‌گونه رفتار کرد. یعنی: مؤمنان مشرِق زمین را رها کرد و کافران آنجا را به قتل رساند، همان‌گونه که در حق مردمان مغرب زمین چنین کرده بود. یا این که: این چنین بود کار ذوالقرنین. «خُبْراً»: علم و آگهی (نگا: کهف / ۶۸).

سوره کهف آیه ۹۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾﴾

ترجمه:

سپس (راه شمال را در پیش گرفت و) از وسیله (و ابزار ممکن) سود جست.

توضیحات:

سوره کهف آیه ۹۳

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ ٱلسَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾﴾

ترجمه:

تا آن گاه که به میان دو کوه رسید، و در فراسوی آن دو کوه گروهی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند (مگر با مشقّت زیاد. چرا که از نظر فکری عقب‌مانده و از لحاظ تمدن در سطح بسیار پائینی بودند و زبان عجیبی داشتند).

توضیحات:

«السَّدَّيْنِ»: تثنیه سَدّ، به معنی مانع و حاجز، و گاهی به کوه گفته می‌شود. مراد از دو کوه سلسله جبال سرزمین قفقاز میان دریای خزر و دریای سیاه است. «بَيْنَ السَّدَّيْنِ»: شاید مراد تنگه «داریال» باشد که در نقشه‌های موجود، میان «ولادي کیوکز» و «تفلیس» نشان داده می‌شود. «مِن دُونِهِمَا»: جدای از مردمان مغرب زمین و مردمان مشرِق زمین. در جلو آن دو کوه. در فراسوی آن دو کوه.

سوره کهف آیه ۹۴

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَـٰذَا ٱلْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰٓ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾﴾

ترجمه:

(مردمان آنجا، هنگامی که قدرت و امکانات ذوالقرنین را دیدند، بدو) گفتند: ای ذوالقرنین! یأجوج و مأجوج در این سرزمین تباهکارند (و بر ما تاخت می‌آورند) آیا برای تو هزینه‌ای معین داریم که میان ما و ایشان سدّ بزرگ و محکمی بسازی؟

توضیحات:

«يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ»: شاید مراد از (یأجوج) قبیله تاتار، و مراد از (مأجوج) قبیله مغول باشد که هر دو از یک نژاد بودند و در منطقه شمال شرقی کره زمین، در نواحی مغولستان بسر می‌بردند، و اغلب سیل‌آسا به سمت شرق یا جنوب سرازیر می‌شدند. «خَرْجاً»: هزینه. خراج و مالیات. «سَدّاً»: سد بزرگ و محکم. شاید مراد دیوار آهنی موجود در تنگه داریال واقع در سرزمین قفقاز باشد که هنوز پابرجا است.

سوره کهف آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝٩٥﴾

ترجمه:

(ذوالقرنین) گفت: آنچه پروردگارم از ثروت و قدرت در اختیار من نهاده است بهتر است (از آنچه پیشنهاد می‌کنید. ما برای اندوختن اموال نیامده‌ایم) پس مرا با نیرو یاری کنید، تا میان شما و ایشان سدّ بزرگ و محکمی بسازم.

توضیحات:

«مَكَّنِّي»: دستیابی و دسترسیم داده است. قدرت و توانائیم بخشیده است. «رَدْماً»: سدّ محکم و نیرومند.

سوره کهف آیه ۹۶

متن آیه:

﴿ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلْحَدِيدِ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ ٱلصَّدَفَيْنِ قَالَ ٱنفُخُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارًا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۝٩٦﴾

ترجمه:

(سپس شروع به کار کرد و گفت:) قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. (آن گاه دستور چیدن آنها را بر روی یکدیگر صادر کرد) تا کاملاً میان دو طرف دو کوه را برابر

کرد (و شکاف بین آنها را از آهن پُر نمود. فرمان داد که بالای آن آتش بیفروزند، و) گفت: بدان بدمید؛ تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد (و قطعات به هم جوش خورد. سپس) گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا (آن را) بر این (سدّ) بریزم.

توضیحات:

«ءَاتُونِي»: برایم بیاورید. «زُبَر»: جمع زُبْرَة، قطعات. «سَاوَيا»: برابر و همسان کرد. هر دو سو را یکی کرد. «بَيْنَ»: مفعولٌبه است. «الصَّدَفَيْنِ»: دو جانب، دو سو. «أُنفُخُوا»: بدمید. فوت کنید. «أُفْرِغْ»: بریزم. «قِطْراً»: مس گداخته.

سوره کهف آیه ۹۷

متن آیه:

﴿فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ٩٧﴾

ترجمه:

(سدّ به قدری بلند و ستبر شد که حمله‌ورانِ یأجوج و مأجوج) اصلاً نتوانستند از آن بالا روند، و به هیچ وجه نتوانستند نقبی در آن ایجاد کنند.

توضیحات:

«مَا اسْطَاعُوا» و «مَا اسْتَطاعُوا»: نتوانستند. در فعل اوّلی تخفیف شده، و در فعل دومی اصل مراعات گشته است. «أَن يَظْهَرُوهُ»: بر پشت آن روند. بالای آن روند. «نَقْباً»: سوراخ کردن و شکافتن.

سوره کهف آیه ۹۸

متن آیه:

﴿قَالَ هَٰذَا رَحۡمَةٞ مِّن رَّبِّيۖ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَۖ وَكَانَ وَعۡدُ رَبِّي حَقّٗا ٩٨﴾

ترجمه:

(هنگامی که بنای سدّ به پایان رسید، ذوالقرنین شاکرانه) گفت: این (سدّ) از مرحمت پروردگار من است (و پابرجا می‌ماند تا خدا بخواهد) و هرگاه وعده خدا فرا رسد (و بخواهد آن را خراب کند) آن را ویران و با زمین یکسان می‌کند، و وعده پروردگار من حق (و هنگامه قیامت حتمی) است.

توضیحات:

«دَكَّآءَ»: درهم کوبیده و با زمین یکسان شده. «وَعْدُ»: مراد هنگام پایان گرفتن جهان و فرا رسیدن قیامت است.

سوره کهف آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَتَرَكۡنَا بَعۡضَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ يَمُوجُ فِي بَعۡضٖۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعۡنَٰهُمۡ جَمۡعٗا ۝٩٩﴾

ترجمه:

در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد و وعده آخرت فرا می‌رسد) ما آنان را رها می‌سازیم تا برخی در برخی (فرو لولند و در همدیگر) موج زنند، و (آن گاه برای دومین بار) در صور دمیده می‌شود، و ما ایشان را به گونه شگفتی (برای حساب و کتاب در یکجا) گرد می‌آوریم.

توضیحات:

«يَوْمَئِذٍ»: آن روز که برای بار اوّل در صور دمیده می‌شود و قیامت فرا می‌رسد (نگا: حاقّه / ۱۳). «نُفِخَ فِي الصُّورِ»: مراد دمیدن در صور برای بار دوم است (نگا: زمر / ۶۸). «صُور»: بوق. شیپور (نگا: انعام / ۷۳). «جَمْعاً»: گردآوردن عجیب و غریبی.

سوره کهف آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿وَعَرَضۡنَا جَهَنَّمَ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡكَٰفِرِينَ عَرۡضًا ۝١٠٠﴾

ترجمه:

و در آن روز، دوزخ را به طرز شگفتی به کافران نشان می‌دهیم (و ایشان را در آن گرد می‌آوریم).

توضیحات:

«عَرْضاً»: عرضه کردن عجیب و وحشتناکی.

سوره کهف آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ كَانَتۡ أَعۡيُنُهُمۡ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكۡرِي وَكَانُواْ لَا يَسۡتَطِيعُونَ سَمۡعًا ۝١٠١﴾

ترجمه:

کافرانی که چشمان‌شان از (دیدن) آیات (خواندنی و دیدنی) من در پرده بوده و توان شنیدن (فرمان یزدان) را نداشته‌اند (و از نیروی بینائی و شنوائی برای درک حقائق و رسیدن به سعادت استفاده نکرده‌اند).

توضیحات:

«ذِکْر»: آیات کتاب‌های یزدان، و نشانه‌های خداشناسی موجود در کتاب معرفت جهان (نگا: یوسف / ۱۰۵، طه / ۱۲۴، انبیاء / ۳۲).

سوره کهف آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن يَتَّخِذُواْ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوۡلِيَآءَۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ نُزُلٗا ١٠٢﴾

ترجمه:

آیا کافران گمان می‌برند که بجز من، بندگان مرا (نیز اگر) سَرور و سرپرست خود گیرند (و معبود و مسجود خویش دانند، بدی‌شان سود می‌رسانند؟). ما دوزخ را برای پذیرائی از کافران آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَ»: آیا؟ جواب استفهام محذوف است و تقدیر چنین است: «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا... أَنَّ ذٰلِكَ نَافِعٌ لَّهُمْ وَ صَارِفٌ عَنْهُمُ الْعَذابَ»؟ «نُزُلاً»: آنچه به هنگام ورود مهمان با آن از مهمان پذیرائی کنند. محل پذیرائی (نگا: آل‌عمران / ۱۹۸).

سوره کهف آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ أَعۡمَٰلًا ١٠٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به کافران) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟

توضیحات:

«الأَخْسَرِينَ»: (نگا: هود / ۲۲).

سوره کهف آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعۡيُهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ يُحۡسِنُونَ صُنۡعًا ١٠٤﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که تلاش و تکاپوی‌شان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بیسود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (و طاعت و عبادت شرک‌آلودشان موجب رستگاریشان می‌شود).

توضیحات:

«ضَلَّ»: ضائع گردید و هدر رفت. از مصدر ضَلال به معنی ضَیاع. «صُنْعاً»: کار نیکوئی که به گونه شایسته و با نظم و ترتیب بایسته انجام می‌پذیرد.

سوره کهف آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَلَا نُقِيمُ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَزۡنًا ١٠٥﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که به آیات (قرآنی و دلائل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان دیگر، برای حساب و کتاب) بی‌باور و کافرند، و در نتیجه اعمال‌شان باطل و هدر می‌رود، و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی‌شویم (و قدر و منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت).

توضیحات:

«وَزْناً»: مکانت و منزلت. قدر و قیمت.

سوره کهف آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ١٠٦﴾

ترجمه:

(حال و احوال ایشان) همان‌گونه است (که بیان کردیم)، و به سبب کفر ورزیدنشان و به خاطر مسخره کردن آیاتم و پیغمبرانم توسّط ایشان، سزای آنان دوزخ است.

توضیحات:

«ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ»: این سزای ایشان است که دوزخ است. آنچه بیان شد، حال و وضع ایشان است و دوزخ پادافره آنان است. واژه (ذٰلِكَ) می‌تواند مبتدا و (جَزَآءُ) خبر و (جَهَنَّمُ) بدل باشد؛ و یا این که (ذٰلِكَ) خبر مبتدای محذوف و (جَزَآءُ) مبتدا و (جَهَنَّمُ) خبر باشد.

سوره کهف آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا ١٠٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، باغ‌های بهشت جایگاه پذیرائی از ایشان است.

توضیحات:

«الْفِرْدَوْسِ»: بهشتِ برین. بهشت (نگا: مؤمنون / ۱۱). «نُزُلاً»: خبر (كانَتْ) است.

سوره کهف آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبۡغُونَ عَنۡهَا حِوَلًا ١٠٨﴾

ترجمه:

جاودانه در آنجا می‌مانند و تقاضای نقل مکان از آنجا را نمی‌نمایند (و حاضر نیستند آن را با چیزی عوض کنند).

توضیحات:

«خَالِدِينَ»: حال است. «لا يَبْغُونَ»: نمی‌خواهند. خواستار نمی‌شوند. «حِوَلاً»: تعویض و تحوّل. جابه‌جائی و دگرگونی.

سوره کهف آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿قُل لَّوۡ كَانَ ٱلۡبَحۡرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي لَنَفِدَ ٱلۡبَحۡرُ قَبۡلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوۡ جِئۡنَا بِمِثۡلِهِۦ مَدَدًا ١٠٩﴾

ترجمه:

بگو: اگر دریا برای (نگارش شماره و صفات و ویژگیهای) موجودات (جهان هستی) پروردگارم جوهر شود، دریا پایان می‌گیرد پیش از آن که (سخن از تعداد و حقائق و رموز) موجودات پروردگارم پایان پذیرد، هرچند هم همسان آن دریا را به عنوان کمک بدان بیفزائیم (و مرکب و جوهرش نمائیم).

توضیحات:

«مِدَاداً»: مرکب. جوهر. «كَلِمَاتِ»: سخنان. مراد موجودات و مخلوقات جهان هستی است (نگا: نساء / ۱۷۱). «نَفِدَ»: پایان پذیرفت. تمام شد. «مَدَداً»: یاری. مددکاری. تمییز است. مرادِ آیه، ترسیمی از بی‌نهایت و بیان کثرت است (نگا: لقمان / ۲۷).

سوره کهف آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا ١١٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم (و امتیاز من این است که من پیغمبر خدایم و آنچه گفت: بگو؛ می‌گویم) و به من وحی می‌شود که معبود شما یکی است و بس. پس هرکس که خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد.

توضیحات:

«أَنَّمَا إِلـهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ»: نائب فاعل فعل (يُوحي) است. «يَرْجُو»: می‌خواهد. امیدوار است. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر دارد. «يَرْجُو لِقَآءَ رَبِّهِ»: می‌ترسد از حاضر شدن در پیشگاه او برای حساب و کتاب. خواهان دیدار و ملاقات او است. چشم به راه ثواب و جزای او است. «بِعِبَادَةِ»: در عبادت و پرستش. حرف (بِ) به معنی (فی) است.

سوره مریم

سوره مریم آیه ۱

متن آیه:

﴿کٓهيعٓصٓ ۝١﴾

ترجمه:

کاف. ها. یا. عین. صاد.

توضیحات:

«کهیعص»: حروف مقطّعه‌اند (نگا: بقره / ۱).

سوره مریم آیه ۲

متن آیه:

﴿ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ ۝٢﴾

ترجمه:

(این) یادی است از مرحمت پروردگارت نسبت به بنده خود زکریا (که ای محمّد! آن را بر تو می‌خوانم).

توضیحات:

«ذِکْرُ»: یاد. یادآوری. خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «هذَا الْـمَتْلُوُّ ذِکْرُ». «رَحْمَةِ رَبِّکَ»: واژه (رَحْمَة) به فاعل خود اضافه شده است. در رسم‌الخطّ قرآنی با (ت) کشیده نوشته شده است. «عَبْدَ»: مفعولٌ‌به (رَحْمَةِ) است. «زَکَرِیَّا»: بدل است.

سوره مریم آیه ۳

متن آیه:

﴿إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا ۝٣﴾

ترجمه:

در آن هنگام که پروردگارش را (در خلوتگاه عبادت) پنهانی ندا داد.

توضیحات:

«نِدَآءً»: صدا زدن. به کمک طلبیدن. مصدر باب مفاعله است. «خَفِيّاً»: پنهان. نهان.

سوره مریم آیه ۴

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا ٤﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! استخوان‌های من (که ستون پیکر من و محکم‌ترین اعضای تن من است) سستی گرفته است، و شعله‌های پیری (تمام موهای) سر مرا فرا گرفته است، پروردگارا! من هرگز در دعاهائی که کرده‌ام (از درگاه کرم تو) محروم و ناامید باز نگشته‌ام؛ (هم اینک نیز مرا دریاب).

توضیحات:

«وَهَنَ»: سست شد. ضعیف گردید. «إِشْتَعَلَ»: شعله‌ور شد. شعله فراگیر شد. مراد سفید شدن موهای سر است. «شَيْباً»: پیری. تمییز است. «دُعَآئِكَ»: تو را به یاری خواستن و به مدد طلبیدن. (دُعَآءِ) اضافه به مفعول خود شده است. «شَقِيّاً»: محروم. ناامید. گویند: «شَقي بِكَذا». «أَيْ تَعِبَ فيهِ وَ لَـمْ يَحْصُلْ مَقْصُودُهُ».

سوره مریم آیه ۵

متن آیه:

﴿وَإِنِّي خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا ٥﴾

ترجمه:

(پروردگارا!) من از بستگانم بعد از خود بیمناکم (چرا که در ایشان شایستگی و بایستگی به دست گرفتن کار و بار دین را نمی‌بینم) و همسرم هم از اوّل نازا بوده است؛ پس از فضل خویش جانشینی به من ببخش.

توضیحات:

«الْـمَوَالِيَ»: ورثه (نگا: نساء / ۳۳). عصبه، یعنی خویشاوندان شخص از سوی پدر.

در اینجا مراد ورثه و به ویژه عموزادگان شَرور و ناباب است. «عَاقِراً»: عقیم. نازا. «وَلِيّ»: عهده‌دار امور. مراد پسر است.

سوره مريم آیه ۶

متن آیه:

﴿يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنۡ ءَالِ يَعۡقُوبَۖ وَٱجۡعَلۡهُ رَبِّ رَضِيّٗا ٦﴾

ترجمه:

از من (دین و دانش) و از آل یعقوب (ثروت و قدرت) ارث ببرد، و او را پروردگارا (در گفتار و کردار) مورد رضایت گردان.

توضیحات:

«يِرِثُنِي وَ يَرِثُ...»: مراد ارث معنوی، یعنی دین و دانش و نبوّت است (نگا: اعراف / ۱۶۹، فاطر / ۳۲، شوری / ۱۴). برخی ترکه زکریا را عِلْم و نبوّت، و میراث آل یعقوب و دارائی و شاهی می‌دانند. «ءَالِ يَعْقُوبَ»: مراد فرزندان یعقوب است که بسیاری از آنان مفتخر به خِلعت نبوّت شده و انبیاء بنی‌اسرائیل بوده‌اند. «رَضِيّاً»: مورد رضایت. فعیل به معنی مَفْعول، یعنی (مَرْضِيّ) است.

سوره مريم آیه ۷

متن آیه:

﴿يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا ٧﴾

ترجمه:

ای زکریا! ما تو را به پسری مژده می‌دهیم که نام او یحیی است و پیش از این کسی را همنام او نکرده‌ایم (و شبیه او در صفات فضل و کمال و تقوا و صلاح نیافریده‌ایم).

توضیحات:

«سَمِيّاً»: همنام. مشترک در اسم. شبیه و نظیر (نگا: مریم / ۶۵).

سوره مريم آیه ۸

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا ٨﴾

ترجمه:

(زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه مرا پسری خواهد بود با این که همسرم نازا است و من نیز به غایتِ پیری رسیده‌ام و افتاده و فرتوت شده‌ام؟

توضیحات:

«أَنَّیا»: چگونه؟ این پرسش ناشی از شعف و خوشحالی از قُدوم فرزند است که زکریا می‌خواهد با شیوه و نحوه تولّد آشنا شود و بفهمد که آیا خدا او و همسرش را به سن جوانی برمی‌گرداند و آن گاه چنین کاری صورت می‌پذیرد یا جز این. «عِتِیّاً»: مصدری از ماده (عُتُوّ) است، به غایت پیر شدن و خشکیده و افتاده گشتن.

سوره مریم آیه ۹

متن آیه:

﴿قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا ۝٩﴾

ترجمه:

فرمود: (مطلب) همین گونه است (که پیام داده است). پروردگار تو گفته است این کار برای من (که خدایم، و از هیچ، همه چیز را آفریده‌ام، و از جمله خودِ) تو را که قبلاً هیچ نبودی، هستی بخشیده‌ام، آسان است.

توضیحات:

«هَیِّنٌ»: آسان. ساده.

سوره مریم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةًۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٖ سَوِيّٗا ۝١٠﴾

ترجمه:

(زکریا) گفت: پروردگارا! نشانه‌ای (دالّ بر تحقّق این مژده) برایم بگذار. (خدا به او) فرمود: نشانه (حصول آرزوی) تو این است که سه شبانه‌روز تمام نمی‌توانی با مردم سخن بگوئی، با وجود این که تو (از لحاظ اعضاء و حواسّ) سالم و تندرست خواهی بود.

توضیحات:

«ءَایَةً»: علامت. نشانه. «أَلاّ تُکَلِّمَ النَّاسَ...»: این که زبانت بند می‌آید و قدرت تکلّمِ

با مردم را نخواهی داشت. «ثَلاثَ لَيالٍ»: سه شب. مراد سه شبانه‌روز است (نگا: آل‌عمران / ۴۱). «سَوِيّاً»: سالم و متعادل. حال ضمیر فاعلی مستتر در فعل (تُكَلِّمَ) است.

سوره مریم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنَ ٱلْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾﴾

ترجمه:

بعد (از این بشارت، زکریا) از محراب (عبادت) بیرون آمد و به پیش قوم خود رفت و با رمز و اشاره بدی‌شان گفت: بامدادان و شامگاهان (به شکرانه این نعمت که در سرنوشت آینده همه شما تأثیر بسزا دارد) به تسبیح و تقدیس (خدا) بپردازید.

توضیحات:

«الْمِحْرَابِ»: خلوتکده عبادت که معمولاً در صدر منزل و بالاتر از نقاط دیگر است (نگا: ص / ۲۱). حجره‌ای در اوّل معبد. «بُكْرَةً»: بامدادان. صبحگاهان. «عَشِيّاً»: شامگاهان. شبانگاهان.

سوره مریم آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَٰيَحْيَىٰ خُذِ ٱلْكِتَٰبَ بِقُوَّةٍۢ ۖ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

(هنگامی که یحیی متولّد شد و بزرگ گردید و به سن رشد رسید، خطاب بدو گفتیم:) ای یحیی! کتاب (تورات) را با قوّت و (قدرتِ هرچه تمام‌تر) برگیر (و با جدّ و جهدِ هرچه بیشتر بدان عمل کن). ما در کودکی بدو بینش (دینی و فهم احکام الهی موجود در تورات) دادیم.

توضیحات:

«خُذْ»: برگیر. مراد عمل کردن و اجرا نمودن است (نگا: اعراف / ۱۷۱). «الْكِتَاب»: مراد تورات است. «الْحُكْمَ»: رجاحت عقل و درایت اسرار شریعت. در اینجا مراد فهم تورات و درک احکام آن است. «صَبِيّاً»: در حالی که کودک بود.

سوره مریم آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً وَكَانَ تَقِيًّا ۝١٣﴾

ترجمه:

و از فضل خود، بدو مهر و محبّت فراوان دادیم (و بر رحم و عطوفت عظیمش سرشتیم) و برکت و پاکی نصیبش کردیم، و او پرهیزگار (به بار آمد) و متّقی بود.

توضیحات:

«حَنَاناً»: مهر و محبّت. رحم و عطوفت. عطف است بر (الْـحُكْمَ). «زَكَاةً»: برکت. یعنی او مبارک بود. پاکی و طهارت.

سوره مریم آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَبَرًّا بِوَٰلِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ۝١٤﴾

ترجمه:

و او نسبت به پدر و مادرش نیک رفتار و نیکوکار بود و زورگو و سرکش نبود.

توضیحات:

«بَرّاً»: بسیار نیکوکار و نیک رفتار. عطف است بر (تَقِيّاً). «جَبّاراً»: زورگو. متکبّری که خویشتن را بالاتر از آن بداند که حق را بپذیرد و بدان اقرار کند. «عَصِيّاً»: طغیانگر و سرکش.

سوره مریم آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَسَلَٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝١٥﴾

ترجمه:

درودش باد (در سراسر زندگی) آن روز که متولّد شده است، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شود.

توضیحات:

«وَ سَلامٌ عَلَيْهِ»: درودش باد. سالم و در امان خواهد بود از اذیت و آزار و هول و هراس تمام مراحل زندگی. «حَيّاً»: زنده. حال است و جنبه تأکید دارد.

سوره مریم آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ١٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) در کتاب (آسمانی قرآن، اندکی) از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیه شرقی (بیت‌المقدّس برای فراغت عبادت) از خانواده‌اش کناره گرفت.

توضیحات:

«إِنتَبَذَتْ»: کناره گرفت. گوشه‌گیری کرد.

سوره مریم آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ١٧﴾

ترجمه:

و پرده‌ای میان خود و ایشان افکند (تا خلوتکده‌اش از هر نظر برای عبادت آماده باشد، در این هنگام) ما جبریل (فرشته) خویش را به‌سوی او فرستادیم و جبریل در شکل انسان کامل خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد.

توضیحات:

«رُوحَنَا»: روح متعلّق به خود. مراد از روح، جبریل است (نگا: شعراء / ۱۹۳). «تَـمَثَّلَ»: مجسّم گردید. پدیدار شد. «سَوِيّاً»: (نگا: مریم / ۱۰).

سوره مریم آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ١٨﴾

ترجمه:

(مریم لرزان و هراسان) گفت: من از (سوء قصد) تو، به خدای مهربان پناه می‌برم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به خدا پناه برده و او کس بیکسان است).

توضیحات:

«إِن کُنتَ تَقِيّاً»: اگر پرهیزگار هستی. با توجّه بدین معنی، جزای شرط محذوف و از سیاق پیدا است. تو پرهیزگار نیستی. چرا که بدون اجازه به حجره عبادتگاه او درآمده

است. در این صورت، واژه (إِنْ) حرف نفی و به معنی (ما) است.

سوره مریم آیه ۱۹

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَنَاْ رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمًا زَكِيًّا ۝١٩﴾

ترجمه:

(جبریل) گفت: (مترس که من یکی از فرشتگان یزدانم و) پروردگارت مرا فرستاده است تا (سبب شوم و) به تو پسر پاکیزه‌ای (از نظر خلق و خوی و جسم و جان) ببخشم.

توضیحات:

«زَکِیّاً»: پاک از لحاظ ظاهری و معنوی. بزرگ شونده بر خیر و صلاح.

سوره مریم آیه ۲۰

متن آیه:

﴿قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۝٢٠﴾

ترجمه:

(مریم) گفت: چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که انسانی (از راه حلال) با من نزدیکی نکرده است، و زناکار هم نبوده‌ام؟!

توضیحات:

«لَمْ یَمْسَسْنِي»: به من دست نزده است. مراد نزدیکی زناشوئی است. «بَغِیّاً»: زناکار. این واژه وصف غالبی است برای زنان، مثل عاقر و حائض.

سوره مریم آیه ۲۱

متن آیه:

﴿قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ ۖ وَلِنَجْعَلَهُۥٓ ءَايَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا ۚ وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۝٢١﴾

ترجمه:

(جبریل) گفت: همان‌گونه است (که بیان داشتی. امّا) پروردگار تو گفته است این (کار، یعنی دادن فرزند بدون پدر) برای من آسان است. (انجام این امر) به خاطر آن است که (می‌خواهیم) او را معجزه‌ای برای مردمان کنیم، و (وی را برای بندگان

مخلص) رحمتی از سوی خود سازیم. دیگر کار انجام یافته است (و جائی برای بحث و گفتگو نمانده است).

توضیحات:

«أَمْراً مَّقْضِيّاً»: کاری است که حکم آن صادر و خاتمه پذیرفته است. کار مقدّر گشته و شدنی است.

سوره مریم آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا ٢٢﴾

ترجمه:

(مشیت خدا تحقّق یافت و مریم) بدو باردار شد و با جنین (خود عیسی) در مکان دوردستی گوشه گرفت.

توضیحات:

«بِهِ»: حرف (ب) برای ملابسه و مصاحبه است، یعنی متلبّسه بِهِ (نگا: مؤمنون / ۲۰). «قَصِيّاً»: دور افتاده. بعید.

سوره مریم آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ قَالَتْ يَٰلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ٢٣﴾

ترجمه:

درد زایمان او را به کنار تنه خرمابنی کشاند (تا هم بدان تکیه زند و هم خویشتن را از دید مردمان پنهان دارد. اندیشید که خانواده‌اش و خویشان و بیگانگان نسبت بدو چه خواهند گفت. اندوه و هراس سراسر وجود پاک او را فرا گرفت. گریان و نالان) گفت: کاش! پیش از این مرده بودم و چیز ناقابل فراموش شده‌ای بودم.

توضیحات:

«أَجَآءَهَا»: وادار و ناچارش کرد. او را پناهنده کرد. فعل ماضی باب افعال است از ماده (جآءَ ، يَجِيءُ). «الْمَخَاضُ»: درد زایمان. تکان خوردن بچّه در شکم هنگام

ولادت. از ماده (مَخْض) است. «جِذْعِ»: تنه. ساقه. «النَّخْلَةِ»: خرمابن. درخت خرما. «نَسْیاً»: چیز ناچیز و ناقابلی که در خور توجّه نبوده و چه بسا از یادها فراموش شود. مصدر است و به معنی اسم مفعول. «مَنسِیّاً»: فراموش شده. از یاد رفته. متروک.

سوره مریم آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ٢٤﴾

ترجمه:

(جبرئیل) از پائین او، وی را صدا زد (و گفت که از تنهائی و نبودن خوردنی و نوشیدنی، و از این که مردم چه خواهند گفت) غمگین مباش. پروردگارت پائین (تر از) تو چشمه‌ای پدید آورده است (و روانش کرده است).

توضیحات:

«نَادَاهَا»: او را صدا زد. فاعل جبرئیل است. برخی آن را عیسی می‌دانند که از درون شکم، مادر خود را ندا داده است. «مِن تَحْتِهَا»: از مکان پائین و زیرین او. «تَحْتَكِ»: زیرین و پائین تو. «سَرِیّاً»: چشمه. رودخانه کوچک. پیدایش این آب، نخستین نشانه دالّ بر پاکی و کرامت مریم بود. از ماده (سَري ، يَسْري). انسان والامقام که مراد عیسی است. یا از ماده (سَرا ، يَسْرُو). «قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِیّاً»: خداوند پائین‌تر از مکان تو چشمه‌ای یا رودخانه‌ای پدیدار کرده است. خداوند از تو بزرگواری را به وجود می‌آورد.

سوره مریم آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ٢٥﴾

ترجمه:

تنه خرمابن را بجنبان و بتکان، تا خرمای نورس دست چینی بر تو فرو افکنَد.

توضیحات:

«هُزِّي»: تکان بده. بجنبان. «رُطَباً»: خرمای تازه و نورس. «جَنِیّاً»: دست چین. میوه‌ای که برگزیده شود و با دست کنده شود. مراد میوه نورس و مرغوب است. فَعیل به معنی مَفْعُول است. به بار نشستن درخت خرما و رسیدن فوری میوه آن، دومین

نشانه دالّ بر پاکی و کرامت مریم بود.

سوره مریم آیه ۲۶

متن آیه:

﴿فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا ٢٦﴾

ترجمه:

پس (از این خرمای شیرین) بخور و (از آن آب گوارا) بیاشام و (به این فرزند دلبند و معجزه خداوند) چشم را روشن دار، و هرگاه کسی را دیدی (و در این زمینه از تو توضیح خواست با اشاره بدو بفهمان و) بگو: که من برای خدای مهربان روزه (سکوت و خودداری از گفتار) نذر کرده‌ام، و به همین دلیل امروز با انسانی سخن نمی‌گویم.

توضیحات:

«قَرِّي عَيْناً»: چشمت را روشن دار. شاد باش. «قُولِي»: بگو. مراد از گفتن، اشاره کردن و فهماندن است. «صَوْماً»: روزه. مراد روزه سکوت است که در شرع اسلام منسوخ گشته است و مشروع نیست. «إِنسِيّاً»: مفرد اسم جنس جمعی (إِنس) به معنی انسان است.

سوره مریم آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا ٢٧﴾

ترجمه:

مریم او را در آغوش گرفت و پیش اقوام و خویشان خود برد. آنان گفتند: ای مریم! عجب کار زشتی کرده‌ای!

توضیحات:

«تَحْمِلُهُ»: در حالی که او را برداشته بود. «فَرِيّاً»: بسیار زشت و عجیب. کار نادرست و نابجا.

سوره مریم آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ أُمُّكِ بَغِيّٗا ٢٨﴾

ترجمه:

ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!

توضیحات:

«هَارُونَ»: مراد هارون برادر موسی است که یکی از پیغمبران خدا بوده و مریم از نسل او است. این که با وجود فاصله صدها سال، قرآن فرموده است: (یَآ أُخْتَ هَارُونَ) این اصطلاح زبان عربی است. مثلاً عرب‌ها می‌گویند: «یا أَخَا الْعَرَبِ». یا أَخا تَمیمٍ. پس مراد این می‌شود که: «یا سُلالَةَ هَارُونَ النَّبِیِّ التَّقِیِّ الْوَرِعِ». «أُمُّكِ»: (نگا: آل‌عمران / ۳۵).

سوره مریم آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِۖ قَالُواْ كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلْمَهْدِ صَبِيًّا ٢٩﴾

ترجمه:

(مریم) اشاره بدو (یعنی نوزادش عیسی) کرد (و گفت با او حرف بزنید). گفتند: ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟

توضیحات:

«الْمَهْدِ»: گهواره. «صَبِیّاً»: کودک. حال است.

سوره مریم آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ٣٠﴾

ترجمه:

(هنگامی که عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من بنده خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا پیغمبر خواهد کرد.

توضیحات:

«ءَاتَانِیَ» و «جَعَلَنِی»: استعمال فعل ماضی به خاطر وقوع قطعی کار در آینده نزدیک است که انگار رخ داده است. یا این که به اعتبار سبقت آن در قضا و قدر الهی است.

سوره مریم آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيًّا ٣١﴾

ترجمه:

و مرا - در هر کجا که باشم - شخص پربرکت و سودمندی (برای مردمان) می‌نماید، و مرا به نماز خواندن و زکات دادن - تا وقتی که زنده باشم - سفارش می‌فرماید.

توضیحات:

«مَادُمْتُ حَيّاً»: مادام که زنده باشم.

سوره مریم آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ٣٢﴾

ترجمه:

و (مرا سفارش می‌فرماید) به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم. و مرا (نسبت به مردم) زورگو و بدرفتار نمی‌سازد.

توضیحات:

«بَرّاً»: نیک‌رفتار (نگا: مریم / ۱۴). «شَقِيّاً»: سختگیر. بد رفتار. بدبخت.

سوره مریم آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيًّا ٣٣﴾

ترجمه:

و سلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی،) آن روز که متولّد شده‌ام، و آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شوم!

توضیحات:

«وَالسَّلامُ عَلَيَّ»: (نگا: مریم / ۱۵).

سوره مریم آیه ۳۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

این است عیسی پسر مریم، (با این صفات و خصالی که گذشت). این، سخن راستین درباره او است، سخن راستینی که در آن تردید می‌کنند.

توضیحات:

«ذلِكَ»: این موصوف به صفات جلیله و خصال حمیده. مبتدا است و خبر آن (عیسي) است. «قَوْلَ الْـحَقِّ»: سخن راستین (نگا: آل‌عمران / ۵۹ و ۶۰). اضافه موصوف به صفت است. گفتار خدا. عیسی پدیده فرمان واژه (کُنْ) الله است. نصب (قَوْلَ) بدان علّت است که مفعول فعل محذوف است و تقدیر چنین است: «أَقُولُ لَكُمْ فيهِ قَوْلَ الْحَقِّ». یا حال است و تقدیر چنین می‌گردد: «حالُ كَوْنِ عِيسي كَلِمَةُ الله». یا این که نصب آن بنا بر مدح است. «يَمْتَرُونَ»: شک و تردید می‌کنند. اختلاف می‌ورزند.

سوره مریم آیه ۳۵

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٣٥﴾

ترجمه:

سزاوار خداوند نیست که فرزندی داشته باشد. او منزّه (از اتّخاذ و انتخاب فرزند، و به دور از این‌گونه عیب‌ها و نقص‌ها) است. هرگاه اراده پدید آوردن چیزی و انجام کاری کند، تنها کافی است راجع بدان بگوید: بشو! و می‌شود. (پس چنین قادر متعالی هرگز نیازی به فرزند ندارد).

توضیحات:

«قَضَیا»: اراده کرد.

سوره مریم آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٣٦﴾

ترجمه:

و تنها خداوند، پروردگار من و پروردگار شما است، پس او را پرستش کنید (و بس).

این است راه راست (و درست منتهی به نجات و سعادت).

توضیحات:

«هذا»: این راهی که شما را بدان دعوت کردم (نگا: زخرف / ۶۳ و ۶۴).

سوره مریم آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ٣٧﴾

ترجمه:

سپس (با وجود این همه تأکید عیسی بر توحید و یکتاپرستی، و روشنی کار او) گروه‌ها (و دسته‌های یهودیان و مسیحیان) در میان خود راه‌های مختلفی را در پیش گرفتند (و عقائد گوناگونی درباره مسیح ابراز داشتند). وای به حال کافران! (چون ایشان) در هنگامه روز بزرگ (قیامت چه خواهند دید و چه خواهند کشید!).

توضیحات:

«الأَحْزَابُ»: گروه‌ها و دسته‌ها. مراد فرق مختلف یهودیان و مسیحیان است. «وَيْلٌ»: هلاک و نابودی. وای. «مَشْهَدِ»: صحنه قیامت. هنگامه رستاخیز. حضور یافتن. گواهی. جایگاه گواهی پیغمبران و فرشتگان و اعضاء انسان، بر اعمال بندگان (نگا: غافر / ۵۱).

سوره مریم آیه ۳۸

متن آیه:

﴿أَسۡمِعۡ بِهِمۡ وَأَبۡصِرۡ يَوۡمَ يَأۡتُونَنَاۖ لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلۡيَوۡمَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٣٨﴾

ترجمه:

(کافران انگار در این جهان کر و کورند، ولی) در آن روز که به پیش ما می‌آیند، چه گوش شنوا و چه چشم بینائی پیدا می‌کنند (امّا چه فایده که آن روز کار از کار گذشته است و وقت حساب و کتاب فرا رسیده است) ولیکن ستمکاران، امروزه (که جهان کسب و عمل و اندوختن و توختن است) در گمراهی آشکاری بسر می‌برند.

توضیحات:

«أَسْمِعْ بِهِمْ وَ أَبْصِرْ»: چه شنوا و چه بینایند. فعل تعجّب می‌باشند. یعنی ستمکاران در قیامت همه چیز را چنان که هست می‌دانند، برعکس دنیا که بی‌خبر از حقایق

بودند. «الْيَوْمَ»: امروز. مراد جهان فعلی یا دنیای عاجل است.

سوره مریم آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ ٱلْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝٣٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان. آن هنگامی که کار از کار می‌گذرد و (همه‌چیز دنیا پایان می‌گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می‌رسد، و ستمکاران می‌بینند که) ایشان در غفلت (عمر گرانمایه را) بسر برده‌اند و (به قیامت و بهشت و دوزخی) ایمان نداشته‌اند.

توضیحات:

«يَوْمَ الْحَسْرَةِ»: روز قیامت است که هنگام پشیمان شدن و فسوسا و دریغا گفتن است و آه کشیدن و تأسّف خوردن که: نکردیم کاری که امروز ما را به کار آید. «إِذْ قُضِيَ الأَمْرُ»: آن گاه که کار دنیا پایان می‌گیرد (نگا: انعام / ۳۱ و زمر / ۵۶). آن گاه که به حساب همگان رسیدگی می‌گردد و نیکان رهسپار بهشت و بدان رهسپار دوزخ می‌شوند.

سوره مریم آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝٤٠﴾

ترجمه:

ما وارث (اصلی) زمین و همه کسانی هستیم که بر روی آن زندگی می‌کنند، و (همگان) به‌سوی ما برگردانده می‌شوند.

توضیحات:

«نَرِثُ»: به ارث می‌بریم. مراد این است که اموال مردمان و خود ایشان، جاویدان نیست و مالک اصلی خدا است.

سوره مریم آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱذْكُرْ فِي ٱلْكِتَٰبِ إِبْرَٰهِيمَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ۝٤١﴾

ترجمه:

در کتاب (قرآن، برای مردمان، گوشه‌ای از سرگذشت) ابراهیم را بیان کن. او بسیار راست کردار و راست گفتار و پیغمبر (یزدان دادار) بود.

توضیحات:

«أُذْكُرْ فِي الْكِتابِ»: آنچه در قرآن راجع به ابراهیم است بر خوان. «صِدِّيقاً»: کسی که بسیار تصدیق کننده حق باشد. راستکار و راستگو (نگا: نساء / ۶۹).

سوره مریم آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَـٰٓأَبَتِ لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا ٤٢﴾

ترجمه:

هنگامی (را بیان دار) که (محترمانه) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و اصلاً شرّ و بلائی از تو به دور نمی‌دارد؟

توضیحات:

«لا يُغْنِي عَنكَ شَيْئاً»: هیچ‌گونه مشکلی را برای تو حل نمی‌کند و اصلاً شرّ و بلائی از تو به دور نمی‌دارد. واژه (شَيْئاً) مفعول به و یا این که مفعول مطلق است.

سوره مریم آیه ۴۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا سَوِيّٗا ٤٣﴾

ترجمه:

ای پدر! دانشی (از طریق وحی الهی) نصیب من شده است که بهره تو نگشته است، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمود کنم.

توضیحات:

«صِراطاً سَوِيّاً»: راه راست و درستی که منتهی به بهشت می‌گردد.

سوره مریم آیه ۴۴

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ٤٤﴾

ترجمه:

ای پدر! اهریمن را پرستش مکن که اهریمن پیوسته در برابر (فرمان خداوند) رحمان سرکش بوده و هست.

توضیحات:

«لا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ»: مراد از پرستیدن شیطان، اطاعت از او در کار و بار زندگی، و از جمله در امر بت‌پرستی است (نگا: سبأ / ۴۱ و یس / ۶۰). «عَصِيّاً»: سرکش. نافرمان.

سوره مریم آیه ۴۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ٤٥﴾

ترجمه:

ای پدر! من از این می‌ترسم که عذاب سختی از سوی خداوند مهربان گریبانگیر تو شود (که آتش دوزخ است) و آن گاه همدم شیطان (در نفرین یزدان و عذاب سوزان) شوی.

توضیحات:

«وَلِيّاً»: دوست. همدم.

سوره مریم آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي يَـٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ٤٦﴾

ترجمه:

(پدر ابراهیم برآشفت و) گفت: آیا تو ای ابراهیم از خدایان من رویگردانی؟! اگر (از این کار یکتاپرستی و ناسزاگوئی درباره بتان) دست نکشی، حتماً تو را سنگسار می‌کنم. برو برای مدّت مدیدی از من دور شو (تا آتش کینه و خشمم فروکش کند، و دست به خون تو نیالایم).

توضیحات:

«رَاغِبٌ... عَنْ»: رویگردان از. بیزار از. «أُهْجُرْنِي»: مرا رها کن و از پیش من برو. «مَلِيّاً»: مدّت طولانی. از واژه (مَلاوَة) به معنی زمان دراز. در این صورت ظرف است، یا صفت مصدر محذوف است. این واژه را به معنی (سالم) نیز معنی کرده‌اند، که در

این صورت حال است. «أُهْجُرْنِي مَلِيّاً»: مدّت‌های مدید از پیش من برو. برای همیشه از من دور شو. سالم از پیش من برو.

سوره مریم آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا ٤٧﴾

ترجمه:

(ابراهیم به آرامی و مهربانی) گفت: (پدر) خداحافظ! من از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم خواست. چرا که او نسبت به من بسیار عنایت و محبّت دارد.

توضیحات:

«سَلامٌ عَلَيْكَ»: خداحافظ. سلام در چنین مواردی برای تودیع و متارکه است (نگا: قصص / ۵۵، رخرف / ۸۹، فرقان / ۶۳). «حَفِيّاً»: گرم و مهربان. مبالغه کننده در پرسش از حال کسی و عنایت بدو (نگا: اعراف / ۱۸۷).

سوره مریم آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ٤٨﴾

ترجمه:

و از شما (ای پدر! و ای قوم بت‌پرست!) و از آنچه بجز خدا می‌پرستید کناره‌گیری و دوری می‌کنم، و تنها پروردگارم را می‌پرستم. امید است در پرستش پروردگارم (طاعت و عبادت من پذیرفته شود و) بدبخت و نومید نگردم.

توضیحات:

«تَدْعُونَ»: عبادت می‌کنید. به کمک می‌طلبید و به فریاد می‌خوانید. «أَدْعُو»: می‌پرستم. به فریاد می‌خوانم. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی دارد. «بِدُعَآءِ»: در پرستش. در به کمک طلبیدن. حرف (بِ) به معنی (فِي) است. «شَقِيّاً»: (نگا: مریم / ۴). معنی دیگر آیه: من از شما (پدر، و قوم بت‌پرست) و از آنچه بجز خدا می‌پرستید، کناره‌گیری می‌کنم، و تنها پروردگارم را به فریاد می‌خوانم. امید است که دعای من در

پیشگاه پروردگارم بی‌پاسخ نماند.

سوره مریم آیه ۴۹

متن آیه:

﴿فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ٤٩﴾

ترجمه:

هنگامی که از آنان و از چیزهائی که بجز خدا می‌پرستیدند، کناره‌گیری کرد (و از میان ایشان هجرت نمود)، ما بدو اسحاق و (از اسحاق) یعقوب بخشیدیم، و هر یک از آنان را پیغمبر بزرگی کردیم.

توضیحات:

«وَهَبْنا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ»: اسحاق پسر ابراهیم بوده و یعقوب فرزند اسحاق و نوه ابراهیم است. این هم مژده دیگری به ابراهیم بود که پسرش اسحاق، دارای فرزند خواهد بود. «كُلاًّ»: هر یک از اسحاق و یعقوب. هر یک از ابراهیم و اسحاق و یعقوب. این واژه مفعول اوّل فعل (جَعَلْنَا) و بر آن مقدّم شده است.

سوره مریم آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ٥٠﴾

ترجمه:

و رحمت خویش را شامل ایشان کردیم (و در پرتو آن به خیر و خوبی دنیا و آخرت رسیدند) و آنان را نیکونام و بلندآوازه کردیم.

توضیحات:

«مِن رَّحْمَتِنَا»: رحمت خود را. برخی از رحمت خود را. در پرتو رحمت خود خیر و خوبی دنیا و آخرت را بهره ایشان کردیم. «لِسَانَ»: زبان. در اینجا مراد کلام و گفتار است. عرب‌ها گاهی اندام را بر چیزی اطلاق می‌کنند که از آن عضو صادر می‌شود. از قبیل: ید، بر قدرت و عطاء (نگا: فتح / ۱۰، ص / ۴۵). قَدَم، بر فضل و برتری (نگا: یونس / ۲). لِسَان، بر کلام (نگا: ابراهیم / ۴). «لِسَانَ صِدْقٍ»: ذکر جمیل. نام نیکو.

(صِدْقٍ) مصدر است و به هنگام اضافه واژه‌ای بدان، معنی وصفی دارد و بیان‌گر زیبائی و نیکوئی مضافِ خود است. از قبیل: «رَجُلُ صِدْقٍ». «إِمْرَأَةُ صِدْقٍ». «قَدَمُ صِدْقٍ». «مَقْعَدُ صِدْقٍ». «لِسانُ صِدْقٍ». اضافه موصوف به صفتِ خود است (نگا: یونس / ۲). «عَلِیّاً»: والا مقام. صفت (لِسانَ) است.

سوره مریم آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥١﴾

ترجمه:

در کتاب (آسمانی قرآن) سخن از موسی بگو. کسی که پاک و برگزیده خدا، و پیغمبری بس والا بود.

توضیحات:

«کَانَ»: بود. تکرار این واژه، برای تکریم و تفخیم شأن موسی است. «مُخْلَصاً»: کسی که خدا او را از نقائص زدوده و برای خویشتن برگزیده است (نگا: اعراف / ۱۴۴). کسی که با تمام وجود از آن خدا و پالوده از شرک است (نگا: یوسف / ۲۴). «نَبِیّاً»: والا مقام. رفیع. از مصدر (نُبُوَّة) به معنی رفعت. خبر دهنده. از (نَبَأ) به معنی خبر؛ یعنی کسی که از سوی خدا، یکتاپرستی و قوانین الهی را به اطّلاع مردم می‌رساند. در این صورت، ذکر دو وصف (رَسُولاً) و (نَبِیّاً) تنها جنبه تأکید و تعظیم دارد.

سوره مریم آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ٥٢﴾

ترجمه:

ما او را از طرف راست کوه طور ندا در دادیم (و موسی از جانب راست خود ندای ما را شنید) و او را نزدیک کردیم و با او سخن گفتیم.

توضیحات:

«الأَیْمَنِ»: طرف راست. مراد این است که نسبت به موسی، طرف راست بود والاّ

کوه راست و چپ ندارد. صفت (جانِبِ) است (نگا: طه / ۸۰). این واژه به معنی (مُبارَك) نیز آمده است. در این صورت می‌تواند صفت (جانِبِ) یا (الطُّورِ) باشد. «قَرَّبْنَاهُ نَجِيّاً»: مراد از نزدیک گرداندن، قرب و منزلت بخشیدن معنوی است، و (نَجِيّاً) فَعیل به معنی مُفاعِل، یعنی مُناجی است؛ همچون جَلیس به معنی مُجالِس، و نَدیم به معنی مُنادِم، و حال است (نگا: یوسف / ۸۰).

سوره مریم آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥ مِن رَّحْمَتِنَآ أَخَاهُ هَـٰرُونَ نَبِيًّا ۝٥٣﴾

ترجمه:

و ما از روی مرحمت خود، برادرش هارون را که پیغمبر بود، بدو دادیم (و او را دستیار و پشتیبانش کردیم).

توضیحات:

«مِن رَّحْمَتِنَا»: به خاطر مرحمت خود. از مرحمت خود. «أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيّاً»: واژه (أَخا) مفعول و (هارُونَ) عطف بیان، و (نَبِيّاً) حال هارون است.

سوره مریم آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَـٰبِ إِسْمَـٰعِيلَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ۝٥٤﴾

ترجمه:

در کتاب (آسمانی قرآن) از اسماعیل بگو. آن کسی که در وعده‌هایش راست بود، و پیغمبر والا مقامی بود.

توضیحات:

«كَانَ رَسُولاً نَّبِيّاً»: (نگا: مریم / ۵۱).

سوره مریم آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرْضِيًّا ۝٥٥﴾

ترجمه:

او همواره خانواده خود را به اقامه نماز و دادن زکات دستور می‌داد، و در پیشگاه پروردگارش مورد رضایت بود.

توضیحات:

«مَرْضِيّاً»: مورد رضایت. اسم مفعول است.

سوره مریم آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِدۡرِيسَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ٥٦﴾

ترجمه:

و در کتاب (آسمانی قرآن) از ادریس بگو. او بسیار راستکار و راستگو و پیغمبر بزرگی بود.

توضیحات:

«صِدِّيقاً»: بسیار راست و درست در کردار و گفتار.

سوره مریم آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ٥٧﴾

ترجمه:

ما او را به منزلت و مکانت والائی نائل کردیم.

توضیحات:

«رَفَعْنَاهُ»: او را رفعت و منزلت دادیم (نگا: شرح / ۴).

سوره مریم آیه ۵۸

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗا وَبُكِيّٗا۩ ٥٨﴾

ترجمه:

آنان که پیغمبرانی بودند از سُلاله آدم، و از فرزندان کسانی که با نوح سوار کشتی

کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از زمره کسانی که آنان را (به سوی ایمان) رهنمود و (برای رسالت آسمانی) برگزیده بودیم و بدی‌شان نعمت (دنیا و آخرت) داده بودیم، هر زمان که آیات خداوند مهربان پیش ایشان تلاوت می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند.

توضیحات:

«أولئِكَ»: آنان. یعنی انبیاء و رُسُل دهگانه مذکور، از زکریا تا ادریس: . «إِسْرَآئِیلَ»: یعقوب. «خَرُّوا»: از بالا فروافتادند. به روی افتادند. «سُجَّداً»: جمع ساجِد، سجده‌کنان. «بُكِيّاً»: جمع باکی، گریه‌کنان. «سُجَّداً وَ بُكِيّاً»: حال اوّل و دوم هستند.

سوره مریم آیه ۵۹

متن آیه:

﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا ٥٩﴾

ترجمه:

بعد از آنان، فرزندان ناخلَفی (روی کار آمدند و در زمین) جایگزین شدند که نماز را (ترک کردند و بهره‌مندی از آن را) هدر دادند و به دنبال (لذائذ و) شهوات راه افتادند، و (مجازات) گمراهی (خود را در دنیا و آخرت) خواهند دید.

توضیحات:

«خَلَفَ»: جانشین و جایگزین گردید. بعد از ایشان آمدند. «خَلْفٌ»: فرزندان ناشایست و ناصالح. (خَلْف) با سکون عین‌الفعل، اولاد اَشرار را، و (خَلَف) با فتح عین‌الفعل، اولاد اَخیار را می‌گویند. «غَيّاً»: ضلالت و گمراهی (نگا: بقره / ۲۵۶). گاهی مثل اینجا مراد نتیجه گمراهی است که عذاب است. و یا این که در «فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيّاً»: مضاف محذوف است و تقدیر چنین است: «فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ جَزَآءَ غَيٍّ »: (نگا: فرقان / ۶۸).

سوره مریم آیه ۶۰

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا ٦٠﴾

ترجمه:

مگر آن کسانی که توبه کنند و (چنان که باید) ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند. این چنین کسانی وارد بهشت می‌شوند و کمترین ستمی بدانان نخواهد شد.

توضیحات:

«لا يُظْلَمُونَ شَيْئاً »: هیچ ستمی بدی‌شان نمی‌شود. کمترین ظلمی بدی‌شان نمی‌شود.

سوره مریم آیه ۶۱

متن آیه:

﴿جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ٦١﴾

ترجمه:

باغ‌های ماندگاریی و جاودانگیی که خداوند مهربان آن را به بندگان خود وعده داده است و ایشان نادیده بدان ایمان دارند. وعده خدا حتماً تحقّق می‌پذیرد (و روزی آنان بهشت خدا را دیده و بدان وارد می‌گردند).

توضیحات:

«جَنَّاتِ عَدْنٍ»: (نگا: توبه / ۷۲). جنّاتِ بدل از (الْـجَنَّةَ) در آیه قبلی است. «بِالْغَيْبِ»: حرف (بِ) حالیه و ذوالحال ضمیر (ها) است که عائد موصول و محذوف است. یعنی: بهشت را وعده داده است و از دیده ایشان پنهان است. و یا این که حرف (بِ) سببیه است و معنی چنین می‌شود: به سبب تصدیق غیب و ایمان بدان. «وَعْد»: مصدر و به معنی اسم مفعول، یعنی مَوْعُود است. «مَأْتِيّاً»: آینده. اسم مفعول و به معنی اسم فاعل است.

سوره مریم آیه ۶۲

متن آیه:

﴿لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا سَلَٰمٗاۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ٦٢﴾

ترجمه:

آنان در آنجا گفتار پوچ و بیهوده‌ای نمی‌شنوند، لیکن درود (یزدان و فرشتگان و مؤمنان) را (می‌شنوند)، صبحگاهان و شامگاهان (و تمام اوان و زمان) خوراک و طعام ایشان آماده است.

توضیحات:

«إِلاّ سَلاماً»: جز درود را. لیکن درود را. مراد سلام یزدان (نگا: یس / ۵۸) و فرشتگان (نگا: رعد / ۲۴) و مؤمنان (نگا: ابراهیم / ۲۳) است. «بُکْرَةً وَ عَشِیّاً»: صبح و شام. مراد همه اوقات است.

سوره مریم آیه ۶۳

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي نُورِثُ مِنۡ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ٦٣﴾

ترجمه:

این است بهشتی که ما آن را به بندگان خود - به آن کسانی که پرهیزگار باشند - می‌دهیم.

توضیحات:

«نُورِثُ مَنْ»: به تملیک کسی در می‌آوریم که. «تَقِیّاً»: پرهیزگار. خداترس.

سوره مریم آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ لَهُۥ مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا ٦٤﴾

ترجمه:

ما (فرشتگان، بندگان جان و دل بر کف یزدان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آئیم (و به کره زمین گام نمی‌گذاریم). از آن او است آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سرِ ما و آنچه میان این دو است و پروردگارت فراموشکار نبوده (و نیست).

توضیحات:

«مَا نَتَنَزَّلُ...»: فرود نمی‌آئیم. مدّتی جبرئیل پیک وحی پیش پیغمبر نیامد. کافران گفتند: پروردگارش او را فراموش کرده است. هنگامی که جبرئیل مجدّدا نازل شد، علّت تأخیر را پرسید. او آیه فوق را برخواند. «مَا بَيْنَ أَيْدِينَا»: مراد زمان آینده، یا امکنه و جهات پیش روی ما است. «مَا خَلْفَنَا»: مراد زمان گذشته، یا امکنه و جهات پشت سر ما است. «مَا بَيْنَ ذلِكَ»: مراد زمان حال، یا امکنه و جهاتی است که در آن بسر می‌بریم.

«لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذلِكَ»: آینده و گذشته و حال، و اینجا و آنجا و همه‌جا، و دنیا و آخرت و برزخ، همه متعلّق به ذات پاک پروردگار است. «نَسِيّاً»: رهاکننده. فراموشکار. صیغه مبالغه ناسی است.

سوره مریم آیه ۶۵

متن آیه:

﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ٦٥﴾

ترجمه:

پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است. پس (حال که چنین است و همه خطوط بدو منتهی می‌شود) تنها او را پرستش کن، و بر عبادت او بر دوام و شکیبا باش. مگر شبیه و همانندی برای خدا (که خالق، رازق، عالم، قادر، حی، قیوم و... باشد) پیدا خواهی کرد (تا دست نیاز به‌سوی او دراز کنی؟).

توضیحات:

«رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ...»: (رَبُّ) بدل از (رَبُّ) آیه قبلی است. «إِصْطَبِرْ»: شکیبا باش. بر دوام باش. «سَمِيّاً»: همنام. مثل و مانند. شبیه و نظیر (نگا: مریم / ۷، شوری / ۱۱).

سوره مریم آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ أُخۡرَجُ حَيًّا ٦٦﴾

ترجمه:

انسان می‌گوید: آیا هنگامی که مُردَم (و فانی شدم، از گور) زنده بیرون آورده خواهم شد؟!

توضیحات:

«إِذَا مَا»: هر زمان که. «حَيّاً»: زنده. حال است.

سوره مریم آیه ۶۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَا يَذۡكُرُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ يَكُ شَيۡـٔٗا ٦٧﴾

ترجمه:

آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما او را پیش از این آفریدیم و او اصلاً چیزی نبود؟! (مگر این واقعیت را فراموش کرده است که بازآفرینی از نوآفرینی، و اعاده خلق به وجود در زمان آینده، از هستی بخشیدن او از عدم در زمان گذشته، ساده‌تر است؟).

توضیحات:

«وَ لَـمْ يَكُ شَيْئاً»: در حالی که چیزی نبود. یعنی نیست بود.

سوره مریم آیه ۶۸

متن آیه:

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَـٰطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝٦٨﴾

ترجمه:

سوگند به پروردگارت، هر آینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و سپس ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو درافتاده و ذلیلانه حاضر می‌سازیم.

توضیحات:

«الشَّيَاطِينَ»: مراد شیاطین قرین و همدم ایشان در دنیا است که آنان را وسوسه می‌کردند و یا معبودشان بودند. «جِثِيّاً»: جمع جاثی، به زانو درآمدگان. بر زانو نشستن ایشان، بر اثر ضعف و زبونی آنان، و یا برای اهانت بدی‌شان است. این واژه حال بوده و تصویری از بیچارگی و ناتوانی کافران است.

سوره مریم آیه ۶۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحْمَـٰنِ عِتِيًّا ۝٦٩﴾

ترجمه:

سپس از میان هر گروهی افرادی را بیرون می‌کشیم (و پیش از دیگران به دوزخ می‌اندازیم) که سرکش‌تر از همه در برابر خداوند مهربان بوده‌اند.

توضیحات:

«لَنَنْزِعَنَّ»: قطعاً و مسلّماً بیرون می‌کشیم و جدا می‌کنیم (و پیشاپیش روانه دوزخ می‌سازیم) (نگا: هود / ۹۸). «شِيعَةٍ»: گروه و دسته. جماعت. «عِتِيّاً »: مصدر است و به معنی: تکبّر و تمرّد و سرکشی و طغیان. تمییز است. یا این که جمع عاتی، به معنی:

متمرّدان و سرکشان و طاغیان و یاغیان. حال (هُمْ) است.

سوره مریم آیه ۷۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ٧٠﴾

ترجمه:

بعد از آن، ما از کسانی که برای سوختن در آتش اولویت دارند، به خوبی آگاهیم (و دقیقاً افراد گستاخ را انتخاب می‌کنیم و در این گزینش هیچ‌گونه اشتباهی رخ نخواهد داد).

توضیحات:

«صِلِيّاً»: مصدر است و به معنی: به آتش درآمدن و بریان شدن و سوختن بدان. تمییز است. یا این که جمع صالی و به معنی: به آتش در آیندگان و بریان شدگان و سوختگان بدان. حال است.

سوره مریم آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ٧١﴾

ترجمه:

همه شما (انسانها بدون استثناء) وارد دوزخ می‌شوید (مؤمنان برای عبور و دیدن، و کافران برای دخول و ماندن). این امر حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان.

توضیحات:

«إِن مِنكُمْ»: کسی از شما نیست مگر. «وَارِدُهَا»: وارد آن می‌شود. بدان نزدیک و در کنارش حاضر می‌شود (نگا: قصص / ۲۳). البتّه ورودِ مؤمنان تنها جنبه دیدن و عبور بدون اذیت و آزار است. و ورودِ کافران برای ماندگاری و چشیدن عذاب سرمدی و پیوسته در حال افزایش دوزخ است (نگا: هود / ۹۸، انبیاء / ۹۸). «مَقْضِيّاً»: (نگا: مریم / ۲۱).

سوره مریم آیه ۷۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيّٗا ٧٢﴾

ترجمه:

سپس پرهیزگاران را نجات می‌دهیم، و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می‌سازیم.

توضیحات:

«نَذَرُ»: رها می‌سازیم. «جِثِیّاً»: (نگا: مریم / ۶۸).

سوره مریم آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾﴾

ترجمه:

کافران هنگامی که آیات روشن و بیان‌گر (حقائق) ما بر آنان خوانده می‌شود، به مؤمنان می‌گویند: کدام یک از دو گروه (ما و شما) منزل (زندگی) آنان بهتر، و مجلس (عیش و عشرت) ایشان زیباتر است؟

توضیحات:

«مَقَاماً»: منزل و مسکن. جایگاه و پایگاه. «نَدِیّاً»: مجلس. باشگاه.

سوره مریم آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَٰثًا وَرِءْيًا ﴿٧٤﴾﴾

ترجمه:

ما اقوام بیشماری را نابود کرده‌ایم که پیش از آنان (در روزگاران کهن) می‌زیسته‌اند و از اینان، مال و ثروت و وسائل زندگی بهتری داشته‌اند و هم ظاهر و هیئت و سیمای‌شان آراسته‌تر و پیراسته‌تر بوده است.

توضیحات:

«کَمْ»: چه زیاد. بسیار فراوان. «قَرْنٍ»: مردمان همعصر و همزمان (نگا: انعام / ۶). «أَثَاثاً»: کالای منزل. وسائل زندگی. «رِئْیاً»: سیما و دیدار. هیئت و منظره.

سوره مریم آیه ۷۵

متن آیه:

﴿قُلْ مَن كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا

ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا ٧٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بگو: کسانی که در گمراهی هستند (و اصرار بر ادامه این راه دارند) خداوند مهربان بدی‌شان مهلت می‌دهد (تا بر کفر و طغیان خود بیفزایند و بیشتر در گناه فرو بروند) تا آن گاه که می‌بینند آنچه را بدان وعده داده شده‌اند، چه عذاب (کافران توسّط جهادگران مسلمان) را، و چه (خواری و رسوائی) آخرت را. بالاخره ایشان خواهند دانست که چه کسی مسکن و منزلش بدتر و سپاه و لشکرش ضعیف‌تر و ناتوانتر است.

توضیحات:

«فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدّاً»: بگذار خداوند مهربان به طریق استدراج بدی‌شان مهلت دهد. جمله طلبی است در معنی خبری. یعنی: خداوند مهربان بدی‌شان مهلت می‌دهد. «إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ»: چه عذاب دنیوی و چه عذاب اخروی. واژه (الْعَذابَ) و (السّاعَةَ) بدل از (ما) است. «جُنداً»: لشکر. لشکریان. مراد دسته و گروه و یاران و مددکاران است.

سوره مریم آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ٧٦﴾

ترجمه:

(این عاقبت و سرنوشت ستمگران و فریفتگان دنیا بود، و امّا) کسانی که در راه هدایت گام برداشته‌اند، خداوند بر هدایت ایشان می‌افزاید (و در راه انجام کارهای خوب و شایسته توفیق نصیب‌شان می‌گرداند) و (معلوم است که) آثار و اعمال نیکوئی که (از انسان می‌ماند و) در پیشگاه پروردگارت ذخیره می‌گردد، از لحاظ اجر و پاداش و از نظر عاقبت خوبتر و مفیدتر است.

توضیحات:

«هُديً»: هدایت و رهنمود. مفعول‌به است. «مَرَدّاً»: مصدر میمی و به معنی بازگشت، یا این که اسم مکان و به معنی محلّ بازگشت است که مراد در اینجا بهشت است.

سوره مریم آیه ۷۷

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي كَفَرَ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالٗا وَوَلَدًا ٧٧﴾

ترجمه:

آیا در شگفت نیستی از آن کسی که آیات ما را انکار کرده و می‌گوید: (اگر قیامتی هم به فرض باشد، در آنجا) بدون شک دارائی فراوان و فرزندان زیادی به من داده خواهد شد؟! (و در آنجا هم از شما جلوتر و از خوشی و لذائذ بیشتری بهره‌مند خواهم شد).

توضیحات:

«أَفَرَأَيْتَ»: (نگا: بقره / ۲۴۳، انعام / ۴۶). «لأُوتَيَنَّ»: حتماً و قطعاً به من داده خواهد شد. از مصدر (ایتآء). «مالاً وَ وَلَداً»: تنوین برای تکثیر است.

سوره مریم آیه ۷۸

متن آیه:

﴿أَطَّلَعَ ٱلۡغَيۡبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ٧٨﴾

ترجمه:

آیا او از (اَسرار) غیب آگاه شده است؟ و یا (این که در این زمینه) از پیشگاه خدای مهربان عهد و پیمانی گرفته است؟

توضیحات:

«أَطَّلَعَ»: آیا آگاه شده است؟ آیا اطّلاع پیدا کرده است؟ این واژه فراهم آمده است از (أَ) که حرف استفهام است و مراد از آن تعجّب است و (إِطَّلَعَ) فعل ماضی باب افتعال.

سوره مریم آیه ۷۹

متن آیه:

﴿كَلَّاۚ سَنَكۡتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلۡعَذَابِ مَدّٗا ٧٩﴾

ترجمه:

چنین نیست که او می‌گوید. ما آنچه را که می‌گوید (علیه او) می‌نویسیم، و عذاب را بر او مستمرّ و پیاپی خواهیم داشت.

توضیحات:

«كَلاّ»: نه چنین است. حرف ردع و انکار است و سخن گوینده ماقبل را باطل

می‌گرداند و او را از کاری که کرده است باز می‌دارد. «نَمُدُّ»: طول می‌دهیم. مستمرّ و پیاپی می‌کنیم. افزایش می‌دهیم و مضاعف می‌گردانیم.

سوره مریم آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا ٨٠﴾

ترجمه:

(و او را می‌میرانیم) و از او به ارث می‌بریم آنچه را که از آن دم می‌زند (که وجود مال و ولد است، و روز قیامت) تک و تنها پیش ما خواهد آمد (و نه مال و ولد، و نه یاور و پشتیبانی همراه او خواهد بود).

توضیحات:

«نَرِثُهُ مَا يَقُولُ»: مراد این است که او را می‌میرانیم و از دست او می‌گیریم اموال و اولادی را که از آنها صحبت می‌کند. «فَرْداً»: تک و تنها. حال است.

سوره مریم آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ٨١﴾

ترجمه:

(این گونه افراد) بجز خدا، معبودهائی برای خود برگزیده‌اند تا این که چنین معبودهائی مایه عزّت و احترام (دنیوی و اخروی) ایشان گردند. (در دنیا در رفع مشکلات یاری‌شان دهند، و در آخرت برای‌شان شفاعت و میانجیگری کنند).

توضیحات:

«عِزّاً»: مصدر است و برای مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث یکسان به کار می‌رود.

سوره مریم آیه ۸۲

متن آیه:

﴿كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا ٨٢﴾

ترجمه:

نه چنین است (که می‌اندیشند. روز قیامت) معبودهائی را که می‌پرستند، عبادت

ایشان را انکار خواهند کرد، و دشمن آنان خواهند شد.

توضیحات:

«سَیَکْفُرُونَ»: بیزاری خواهند جُست. منکرخواهند شد (نگا: نحل / ۸۶، عنکبوت / ۲۵، احقاف / ۶). «ضدّاً »: حال مؤکده (عَلَیْهِمْ) است.

سوره مریم آیه ۸۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا ٨٣﴾

ترجمه:

نمی‌دانی که ما شیاطین را به‌سوی کافران فرستاده‌ایم تا آنان را (در انجام گناهان) سخت برانگیزند و بیاغالانند.

توضیحات:

«تَؤُزُّهُمْ»: تکان دهند و بجنبانند. مراد تحریک و تشویق بر معاصی است (نگا: فصّلت / ۲۵). «أَزّاً »: برانگیختن. سخت تکان دادن. به جوش آوردن.

سوره مریم آیه ۸۴

متن آیه:

﴿فَلَا تَعۡجَلۡ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمۡ عَدّٗا ٨٤﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! از کفر ایشان دلتنگ مباش، و در نزول عذاب) بر آنان شتاب مکن. ما تمام اعمال ایشان را دقیقاً محاسبه می‌کنیم (و جزای کارهایشان را خواهیم داد).

توضیحات:

«نَعُدُّ»: می‌شماریم. حساب می‌کنیم.

سوره مریم آیه ۸۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا ٨٥﴾

ترجمه:

روزی ما پرهیزگاران را (با تعظیم و تکریم هرچه بیشتر) به گونه گروه‌هائی که به نزد شاهان روند و مهمانان ایشان شوند، در پیشگاه خداوند مهربان جمع می‌نمائیم (و

وارد بهشت می‌گردانیم).

توضیحات:

«يَوْمَ»: در روزی. روزی را. مفعول فیه یا مفعول بِهِ است. «نَحْشُرُ»: جمع می‌کنیم. گرد می‌آوریم. «وَفْداً»: گروه‌های اعزامی به دربار امراء و شاهان. جمع است و مفرد آن (وافد). مانند. «رَكْب و راكِب»، «و صَحْب و صاحِب». حال (الـمُتَّقينَ) است.

سوره مریم آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَنَسُوقُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا ﴿٨٦﴾﴾

ترجمه:

و گناه‌کاران را (همچون شتران تشنه‌ای که به‌سوی آبشخور به سرعت بروند) تشنه کام به‌سوی جهنّم می‌رانیم (و بدانجا داخل می‌گردانیم).

توضیحات:

«نَسُوقُ»: می‌رانیم. «وِرْداً»: جمع وارِد، در آیندگان. وارد شوندگان. مجازاً تشنگان، و تشبیهاً چهارپایان تشنه‌کام نیز معنی کرده‌اند که متضمّن تحقیر و توهین بدکاران است.

سوره مریم آیه ۸۷

متن آیه:

﴿لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ﴿٨٧﴾﴾

ترجمه:

(در آن روز، چه بندگان متّقی و چه بندگان مجرم مؤمن و غیر مؤمن، هیچ یک از) آنان نمی‌توانند شفاعت بکنند، مگر آن کسی که با خداوند مهربان عهد و پیمان دارد (که یکتاپرستی و انجام کارهای شایسته در دنیا است).

توضیحات:

«لا يَمْلِكُونَ»: نمی‌توانند. دارا نیستند. مراد بندگان خدا به طور کلّی است. «إِلاّ مَنْ»: مراد کسانی است که یکتاپرست و مؤمنِ راستین باشند. چنین کسانی بعد از اجازه خداوند مهربان می‌توانند شفاعت بکنند (نگا: طه / ۱۰۹، سبأ / ۲۳، زخرف / ۸۶،

نجم / ۲۶). «عَهْداً»: پیمان. مراد توحید و ایمان خالص است. برخی پیمان را (اذن) مذکور در آیات متعدّد قرآن دانسته‌اند.

سوره مریم آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا ٨٨﴾

ترجمه:

(یهودیان و مسیحیان و مشرکان) می‌گویند: خداوند مهربان فرزندی برای خود برگرفته است!

توضیحات:

«قالُوا»: مراد مسیحیان و یهودیان (نگا: توبه / ۳۰) و مشرکان قریش است (نگا: زخرف / ۱۹).

سوره مریم آیه ۸۹

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ جِئۡتُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِدّٗا ٨٩﴾

ترجمه:

واقعاً چیز بسیار زشت و زننده‌ای را می‌گوئید.

توضیحات:

«إِدّاً»: بسیار زشت و زننده. سخت شگفت.

سوره مریم آیه ۹۰

متن آیه:

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ٩٠﴾

ترجمه:

نزدیک است آسمان‌ها به خاطر این سخن از هم متلاشی گردد، و زمین بشکافد، و کوهها به شدّت درهم فرو ریزد!

توضیحات:

«تَكَادُ»: نزدیک است. «يَتَفَطَّرْنَ»: شق شوند. متلاشی گردند. «تَخِرُّ»: فرو افتند. فرو ریزند. «هَدّاً»: به شدّت ویران کردن و اجزاء پیکره را پراکنده نمودن. مفعول مطلق

تأکیدی (تَخِرُّ) است. یا این که به معنی متفرّق و پراکنده است، که در این صورت (هَدّاً) به معنی (مَهْدُودَةً) و حال است.

سوره مریم آیه ۹۱

متن آیه:

﴿أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا ٩١﴾

ترجمه:

از این که به خداوند مهربان، فرزندی نسبت می‌دهند.

توضیحات:

«دَعَوْا»: نسبت دادند. ادّعاء کردند.

سوره مریم آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَمَا يَنۢبَغِي لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ٩٢﴾

ترجمه:

برای خداوند مهربان سزاوار نیست که فرزندی برگیرد.

توضیحات:

«ما يَنبَغي»: سزاوار نیست.

سوره مریم آیه ۹۳

متن آیه:

﴿إِن كُلُّ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا ٩٣﴾

ترجمه:

تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، بنده خداوند مهربان (و فرمانبردار یزدان) می‌باشند.

توضیحات:

«إِنْ»: نیست. حرف نفی است. «مَنْ»: کسانی که. «ءَاتِي»: آینده. مراد فرمانبردار است. یعنی مقصود (إِتْيانِ) معنوی به معنی خضوع و خشوع در برابر فرمان است. «عَبْداً»: بنده گوش به فرمان و مطیع. حال است.

سوره مریم آیه ۹۴

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ أَحۡصَىٰهُمۡ وَعَدَّهُمۡ عَدّٗا ٩٤﴾

ترجمه:

او همه آنان را سرشماری کرده است، و دقیقاً تعدادشان را می‌داند.

توضیحات:

«أَحْصَاهُمْ»: ایشان را سرشماری کرده است. شماره ایشان را داشته است.

سوره مریم آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا ٩٥﴾

ترجمه:

و همه آنان روز رستاخیز تک و تنها (بدون یار و یاور و اموال و اولاد و محافظ و مراقب) در محضر او حاضر می‌شوند.

توضیحات:

«فَرْداً»: تک و تنها. از همه چیز بریده و به پیش خدا رسیده. حال است.

سوره مریم آیه ۹۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ٩٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته و پسندیده انجام می‌دهند، خداوند مهربان آنان را دوست می‌دارد و حجّت ایشان را به دل‌ها می‌افکند.

توضیحات:

«سَيَجْعَلُ لَهُمْ وُدّاً»: ایشان را دوست می‌دارد. آنان را در نظر مردم عزیز، و محبّت آنان را به دل‌ها می‌اندازد (نگا: حشر / ۹ و ۱۰).

سوره مریم آیه ۹۷

متن آیه:

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ٩٧﴾

ترجمه:

ما قرآن را به زبان تو (که عربی است) ساده و آسان فراهم آورده‌ایم، تا به وسیله آن، پرهیزگاران را (به رضا و نعمت خدای مهربان) مژده دهی، و مردمان سرسخت (دشمن حق و طرفدار باطل) را با آن (از ناخوشنودی و عذاب یزدان) بترسانی.

توضیحات:

«یَسَّرْنَاهُ»: قرآن را سهل و ساده کرده‌ایم. قرآن را آسان و روان فراهم آورده‌ایم (نگا: قمر / ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰). «بِلِسَانِكَ»: به زبان تو که عربی فصیح و روشن و گویا است (نگا: نحل / ۱۰۳، یوسف / ۲). «لُدّاً»: «جمع أَلَدّ»، دشمنان سرسختی که به باطل بر عداوت لجاجت دارند (نگا: بقره / ۲۰۴).

سوره مریم آیه ۹۸

متن آیه:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۞﴾

ترجمه:

پیش از اینان (که با تو ای پیغمبر سر عناد و دشمنی دارند) چه نسلها و نژادهای فراوانی را (بر اثر کفر و گناه) نابود کرده‌ایم، آیا کسی از ایشان را می‌بینی، یا کوچک‌ترین صدائی از آنان را می‌شنوی؟!

توضیحات:

«قَرْنٍ»: (نگا: انعام / ۶). «مِنْ أَحَدٍ»: هیچ کسی. حرف (مِنْ) در چنین مواردی برای نفی عام مابعد خود به کار می‌رود. «رِكْزاً»: صدای بسیار ضعیف و بس نهان.

سوره طه

سوره طه آیه ۱

متن آیه:

﴿طه ۝١﴾

ترجمه:

طا. ها.

توضیحات:

«طه»: (نگا: بقره / ۱).

سوره طه آیه ۲

متن آیه:

﴿مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ۝٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ما قرآن را برای تو نفرستاده‌ایم تا (از غم ایمان نیاوردن کافران، و نپذیرفتن شریعت یزدان) خویشتن را خسته و رنجور کنی.

توضیحات:

«لِتَشْقَیا»: تا خود را به رنج و زحمت اندازی، و خویشتن را نابود سازی (نگا: کهف / ۶، شعراء / ۳، فاطر / ۸).

سوره طه آیه ۳

متن آیه:

﴿إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ ۝٣﴾

ترجمه:

لیکن آن را برای پند و اندرز کسانی فرستاده‌ایم که از خدا می‌ترسند (و از او اطاعت می‌کنند).

توضیحات:

«إِلاّ»: لیکن. امّا. «إِلاّ تَذْكِرَةً»: لیکن برای پند و اندرز. استثناء منقطع است. «تَذْكِرَةً»: آنچه مایه یادآوری و سبب پندآموزی گردد. مصدر باب تفعیل است (نگا: اعلی / ۹ و ۱۰).

سوره طه آیه ۴

متن آیه:

﴿تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ ٱلْأَرْضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلْعُلَى ٤﴾

ترجمه:

از سوی کسی نازل شده است که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است.

توضیحات:

«تَنزِيلاً»: فرو فرستادن. مفعول مطلق فعل محذوف (نَزَّلَ) است (نگا: اسراء / ۱۰۶). می‌تواند به معنی اسم مفعول، یعنی (مُنَزَّل) باشد (نگا: انعام / ۱۱۴، شعراء / ۱۹۴). «الْعُلَيا»: جمع عُلْيا، رفیع، بلند.

سوره طه آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلرَّحْمَٰنُ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوَىٰ ٥﴾

ترجمه:

خداوند مهربانی (قرآن را فرو فرستاده) است که بر تخت سلطنت (مجموعه جهان هستی) قرار گرفته است (و قدرتش سراسر کائنات را احاطه کرده است).

توضیحات:

«الرَّحْمنُ»: خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «هُوَ الرَّحْمنُ». «الْعَرْشِ» و «إِسْتَوَيا»: (نگا: بقره / ۲۹، اعراف / ۵۴).

سوره طه آیه ۶

متن آیه:

﴿لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ ٦﴾

ترجمه:

از آن او است آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین و آنچه در میان آن دو و آنچه در زیر خاک (از دفائن و معادن) است.

توضیحات:

«الثَّرَیا»: خاک. زمین. «مَا تَحْتَ الثَّرَیا»: آنچه در درون خاک و در اعماق زمین است.

سوره طه آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) اگر آشکارا سخن بگوئی (یا پنهان، برای خدا فرق نمی‌کند) و نهانی (سخن گفتن تو با دیگران را) و نهان‌تر (از آن را که سخن گفتن تو با خودت و خواطر دل است) می‌داند.

توضیحات:

«إِن تَجْهَرْ...»: اگر آشکارا سخن بگوئی. مخاطب پیغمبر و به تبع او پیروانش می‌باشد. یا مخاطب خود «انسان» و عام است. «السِّرَّ»: مراد نجوای با دیگران است. «أَخْفَیا»: مراد چیزهائی است که به دل می‌گذرد، اعم از اندیشه و وسوسه و نیت (نگا: ملک / ۱۳، / ۱۶).

سوره طه آیه ۸

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ ٨﴾

ترجمه:

او خدا است و جز خدا معبودی نیست. او دارای نام‌های نیکو است.

توضیحات:

«أَللهُ»: خبر مبتدای محذوف است. «الأَسْمآءُ الْـحُسْنَیا»: نام‌های نیکو. وجه تسمیه اسماء حُسنی، بدان جهت است که بر تنزیه و کمال عظمت و قدرت دلالت دارند (نگا: اعراف / ۱۸۰، اسراء / ۱۱۰).

سوره طه آیه ۹

متن آیه:

﴿وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ٩﴾

ترجمه:

آیا خبر (سرگذشت شگفت) موسی (با فرعون) به تو رسیده است؟

توضیحات:

«هَلْ أَتَاكَ»: آیا به تو رسیده است؟ عرب‌ها برای تثبیت خبر در دل مخاطب، آن را با استفهام می‌آغازند و وی را بدین وسیله تشویق و ترغیب به شنیدن می‌نمایند. «حَدِيثُ»: سخن. مراد خبر و قصّه است.

سوره طه آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِذۡ رَءَا نَارٗا فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ١٠﴾

ترجمه:

وقتی (در دل شب تاریک سردی، به هنگام مراجعت از مَدْین به مصر، از دور) آتشی را دید و به خانواده خود گفت: اندکی توقّف کنید که آتشی دیده‌ام. امیدوارم از آن آتش، شعله‌ای برایتان بیاورم، یا این که در دور و بر آتش راهنمائی را بیابم (و راه را از او بپرسم).

توضیحات:

«أُمْكُثُوا»: توقّف کنید. اندکی بایستید. «ءَانَسْتُ»: دیده‌ام. از مصدر (إیناس) که به معنی احساس کردن چیزی است که موجب خوشحالی و آرامش باشد، برعکس «توجّس» که به معنی احساس کردن چیزی است که موجب خوف و هراس است. «قَبَسٍ»: شعله برگرفته از آتش بر نوک چند چوب. «هُدىً»: راهنما. راهنمائی (نگا: بقره / ۲).

سوره طه آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ١١﴾

ترجمه:

هنگامی که به کنار آتش رسید، (از سوئی) ندا داده شد: ای موسی!

توضیحات:

«نُودِيَ»: صدا زده شد. مجهول (نادی) است.

سوره طه آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ١٢﴾

ترجمه:

بدون شک من پروردگار تو می‌باشم. کفشهایت را از پا بیرون بیاور، چرا که در سرزمین پاک و مبارک « طُوی « هستی.

توضیحات:

«إِخْلَعْ نَعْلَيْكَ»: کفش‌هایت را از پا بیرون بیاور. در آن زمان بیرون آوردن کفش نشانه تواضع و ادب بوده است (نگا: المصحف المیسّر). «طُويً»: «طُوي»، نام سرزمین کنار کوه طور است.

سوره طه آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ ١٣﴾

ترجمه:

من تو را (برای مقام رسالت) برگزیده‌ام، پس گوش فراده بدانچه وحی می‌شود (تا آن را خوب بیاموزی و به قوم خود برسانی).

توضیحات:

«إِخْتَرْتُكَ»: تو را برگزیده‌ام.

سوره طه آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ ١٤﴾

ترجمه:

من «الله» هستم، و معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن، (عبادتی

خالص از هرگونه شرکی)، و نماز را بخوان تا (همیشه) به یاد من باشی.

توضیحات:

«لِذِكْرِي»: برای این که همیشه به یاد من باشی. تا در نماز به ذکر من بپردازی. به هنگام یاد من. با توجّه به معنی اخیر، حرف (لِ) به معنی (عِندَ) است (نگا: إسراء / ۷۸).

سوره طه آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخۡفِيهَا لِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا تَسۡعَىٰ ١٥﴾

ترجمه:

رستاخیز به طور قطع خواهد آمد. من می‌خواهم (موعد) آن را (از بندگان) پنهان دارم تا (مردمان در حالت آماده باش دائم بوده، و در ضمن به سبب مخفی بودن قیامت آزادی عمل داشته باشند، و سرانجام) هرکسی در برابر تلاش و کوشش خود جزا و سزا داده شود.

توضیحات:

«أَكَادُ»: نزدیک است که من. می‌خواهم (نگا: قاموس اللغه). «أُخْفِيهَا»: آن را پنهان می‌دارم. برخی گفته‌اند، همزه آن برای سلب است و إخفاء به معنی إظهار است، در این صورت مفهوم آیه چنین می‌شود: رستاخیز به طور قطع فرا می‌رسد و درصدد آشکار ساختن آن و خاتمه بخشیدن بدین جهانم، تا هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت. «بِمَا»: برابر عمل خود. واژه (ما) مصدریه است.

سوره طه آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنۡهَا مَن لَّا يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ ١٦﴾

ترجمه:

(ای موسی!) نباید تو را از (ایمان به قیامت و آمادگی برای) آن باز دارد کسی که بدان باور نداشته و از هوا و هوس خویش پیروی می‌نماید، که هلاک خواهی شد.

توضیحات:

«فَلا يَصُدَّنَّكَ»: باید که تو را باز ندارد. تو را غافل و دور از آن نکند. «عَنْها»: از آن.

مرجع ضمیر (ها) واژه (السَّاعَةَ) است. «تَرْدي»: «هلاك شوي». این فعل می‌تواند مضارع منصوب و جواب نهی باشد. یا مضارع مرفوع، و جمله فعل و فاعل خبر مبتدای محذوف بوده و تقدیر چنین باشد: فَأَنتَ تَرْدی به سبب ذلِک.

سوره طه آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَمَا تِلۡكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ ١٧﴾

ترجمه:

ای موسی! در دست راست تو چیست؟

توضیحات:

«يَمِين»: دست راست. «مَا تِلْكَ بِيَمينِكَ؟»: مراد از این پرسش، متوجّه کردن مخاطب است به چیزهائی که بعداً سر می‌زند.

سوره طه آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخۡرَىٰ ١٨﴾

ترجمه:

پاسخ داد که این عصای من است و بر آن تکیه می‌کنم و با آن گوسفندانم را می‌رانم و برای آنها برگ می‌ریزم، و نیازهای دیگری را با آن برآورده می‌کنم.

توضیحات:

«أَتَوَكَّؤُاْ»: تکیه می‌زنم، چه در ایستادن و چه در رفتن. «أَهُشُّ»: برگ درختان را می‌ریزم. فرود می‌آورم و می‌رانم. «مَـَٔارِبُ»: «جمع مأْرِبَة»، حوائج و منافع.

سوره طه آیه ۱۹

متن آیه:

﴿قَالَ أَلۡقِهَا يَٰمُوسَىٰ ١٩﴾

ترجمه:

(خدا بدو امر) فرمود: ای موسی! عصا را بینداز.

توضیحات:

«أَلْقِهَا»: آن را بینداز. آن را بیفکن.

سوره طه آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَأَلۡقَىٰهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٞ تَسۡعَىٰ ٢٠﴾

ترجمه:

موسی فوراً عصا را انداخت، و ناگهان مار بزرگی شد و به سرعت راه افتاد.

توضیحات:

«حَيَّةٌ»: مار بزرگ (نگا: اعراف / ۱۰۷). «تَسْعي»: به سرعت حرکت می‌کند و راه می‌رود.

سوره طه آیه ۲۱

متن آیه:

﴿قَالَ خُذۡهَا وَلَا تَخَفۡۖ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلۡأُولَىٰ ٢١﴾

ترجمه:

(خدا به موسی) فرمود: آن را بگیر و مترس! ما آن را به هیئت اوّل و حالت نخستین خود باز خواهیم گرداند.

توضیحات:

«سِيرَة»: شیوه و چگونگی. هیئت و حالت. همان چیزی که بود.

سوره طه آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَٱضۡمُمۡ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخۡرَىٰ ٢٢﴾

ترجمه:

دست خود را به گریبان خویش فرو بر، تا سفید و درخشان بیرون آید، بی‌آن که دچار عیب و بیماریی شده باشد، و این معجزه دیگری (برای تو) است.

توضیحات:

«جَنَاحِ»: زیر بغل. گریبان. «بَيْضَآءَ»: سفید نورانی (نگا: اعراف / ۱۰۸). حال اوّل ضمیر فعل (تَخْرُجْ) است. «سُوءٍ»: بیماری. عیب و نقص. «ءَايَةً»: معجزه. حال دوم است برای ضمیر فعل (تَخْرُجْ).

سوره طه آیه ۲۳

متن آیه:

﴿لِنُرِيَكَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا ٱلۡكُبۡرَى ٢٣﴾

ترجمه:

(ما این‌ها را به تو نمودیم) تا بعضی از معجزه‌های بزرگ خود را (با تبدیل عصا به اژدها و درخشنده شدن دست) به تو نشان دهیم (و دلیل صدق رسالت تو باشند).

توضیحات:

«مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَيا»: بعضی از معجزه‌های بزرگ ما. مراد دو معجزه مهمّی است که در بالا ذکر شده‌اند.

سوره طه آیه ۲۴

متن آیه:

﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٢٤﴾

ترجمه:

برو به‌سوی فرعون (و وی را دعوت به ایمان به خدای یگانه کن) که او سرکشی کرده است (و در کفر و طغیان از حدّ گذشته است).

توضیحات:

«طَغَيا»: سرکشی آغازیده است و طغیان کرده است.

سوره طه آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥﴾

ترجمه:

(موسی خاشعانه به دعا پرداخت و) گفت: پروردگارا! سینه‌ام را فراخ و گشاده دار (تا در پرتو شرح صدر، خشم و کین از دل برخیزد، و با آرامش تمام رسالت آسمانی را به جای آورم).

توضیحات:

«إِشْرَحْ»: فراخ کن و گشاده دار (نگا: انعام / ۱۲۵).

سوره طه آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦﴾

ترجمه:

و کار (رسالت) مرا بر من آسان گردان (تا آن را به گونه آراسته و پیراسته، به گوش فرعون و فرعونیان برسانم).

توضیحات:

«يَسِّرْ»: آسان کن. ساده گردان.

سوره طه آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧﴾

ترجمه:

و گره از زبانم بگشای (تا روشن و گویا آن را بیان دارم).

توضیحات:

«عُقْدَةً»: گره. مراد لکنت زبان است.

سوره طه آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾

ترجمه:

تا این که سخنان مرا بفهمند (و دقیقاً متوجّه مقصود من شوند).

توضیحات:

«يَفْقَهُوا»: تا بفهمند. فعل مضارع مجزوم است، چرا که جواب طلب است.

سوره طه آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا مِّنۡ أَهۡلِي ٢٩﴾

ترجمه:

و یاوری از خاندانم برای من قرار ده.

توضیحات:

«وَزِیراً»: یاور. معاون. پشتیبان و تکیه‌گاه.

سوره طه آیه ۳۰

متن آیه:

﴿هَٰرُونَ أَخِي ٣٠﴾

ترجمه:

برادرم هارون را.

توضیحات:

«هَارُونَ»: عطف بیان است.

سوره طه آیه ۳۱

متن آیه:

﴿ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ٣١﴾

ترجمه:

به وسیله او پشت مرا استوار دار (و بر نیروی من بیفزای).

توضیحات:

«أَزْر»: پشت. «قوّت».

سوره طه آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي ٣٢﴾

ترجمه:

و او را در کار (رسالت و تبلیغ) من شریک گردان.

توضیحات:

«أَمْر»: مراد کار رسالت و نبوّت و تبلیغ و دعوت است.

سوره طه آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ٣٣﴾

ترجمه:

تا تو را بسیار تسبیح گفته و تقدیس کنیم.

توضیحات:

«کَثِیراً»: صفت مصدر محذوفی است.

سوره طه آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ٣٤﴾

ترجمه:

و بسیار ذکر تو گوئیم و بر یاد تو باشیم.

توضیحات:

«نَذْکُرَکَ»: اسماء حُسنای تو را بر زبان رانیم. ذکر تو گوئیم. به یا تو باشیم

سوره طه آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ٣٥﴾

ترجمه:

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای (و هستی، و امور ما را زیر نظر داشته‌ای و می‌داری).

توضیحات:

«بَصِیراً»: بینا. آگاه.

سوره طه آیه ۳۶

متن آیه:

﴿قَالَ قَدۡ أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ يَٰمُوسَىٰ ٣٦﴾

ترجمه:

(خدا موسی را ندا داد و) فرمود: ای موسی! خواسته تو به تو داده می‌شود.

توضیحات:

«أُوتِیتَ»: داده شدی. از مصدر إیتآء. «سُؤْل»: درخواست. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی: «مَسْؤُول».

سوره طه آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَيۡكَ مَرَّةً أُخۡرَىٰٓ ٣٧﴾

پترجمه:

ما (پیش از این) بار دیگری بر تو منّت نهاده‌ایم (و بدون تقاضا و درخواست تو، تو را مشمول عنایت خود قرار داده‌ایم).

توضیحات:

«مَنَنَّا عَلَيْكَ»: در حق تو انعام و احسان کرده‌ایم.

سوره طه آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ٣٨﴾

ترجمه:

بدان گاه که آنچه را که لازم بود (توسّط فرشتگان) به مادرت الهام کردیم.

توضیحات:

«أَوْحَيْنَا»: الهام کردیم. مراد از وحی، الهام است (نگا: نحل / ۶۸، قصص / ۷).

سوره طه آیه ۳۹

متن آیه:

﴿أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ٣٩﴾

ترجمه:

(الهام کردیم) که او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل بیفکند، (و آن وقت فرعون) دشمن من و دشمن او، آن را (از آب) بگیرد. من محبّت خود را بر تو افکندم (بدان گونه که هرکس تو را ببیند بی‌اختیار دوستت داشته باشد). هدف هم این بود که تحت نظارت و رعایت من چنان که باید پرورش یابی.

توضیحات:

«إِقذِ فِيهِ»: او را بیفکن. «التَّابُوتِ»: صندوق (نگا: بقره / ۲۴۸). «الْيَمِّ»: دریا. مراد رود نیل است (نگا: اعراف / ۱۳۶). «عَدُوٌّ»: مراد فرعون است. «لِتُصْنَعَ»: تا ساخته

شوی. مراد از ساختن، پرورش و تربیت است. «عَلَىٰ عَيْنِي»: تحت رعایت و نظارت خاصّ من (نگا: هود / ۳۷).

سوره طه آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِذْ تَمْشِيٓ أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُۥ فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَٰكَ مِنَ ٱلْغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَٰمُوسَىٰ ۝٤٠﴾

ترجمه:

در آن هنگام خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون تو را می‌پائید و) راه می‌رفت (چون دید که تو را از آب گرفتند و به دنبال زن شیردهی می‌گشتند، بدیشان) گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را بر عهده گیرد و (دایه خوبی برای وی باشد؟ پس از موافقت آنان، مادرت را بدی‌شان نمود، و آن وقت) ما تو را به‌سوی مادرت باز گرداندیم تا چشمش (از دیدن تو) روشن شود (و از زنده بودن تو شاد گردد) و غمگین نشود. (بعد از بزرگ شدن، از میان فرعونیان، اشتباهاً) کسی را کشتی، و ما تو را از غم و اندوه (شرّ و بلای فرعونیان و قصاص فرعون) رهانیدیم، و (بعد از آن) تو را (در کوره‌های حوادث، یکی پس از دیگری) بارها و بارها آزمودیم. پس از آن سالها در میان مردم مَدْین ماندگار شدی. سپس ای موسی! در موعدی که (برای گرفتن فرمان رسالت) مقدّر بود (از مَدْین به مصر) بازگشتی.

توضیحات:

«فَتَنَّاكَ»: تو را با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها آزمودیم تا از آلودگی‌ها پاکیزه شدی و از بوته آزمایش خالص به در آمدی (نگا: انبیاء / ۳۵). «فُتُوناً»: جمع (فَتْن)، انواع آزمون‌ها و آزمایش‌ها، مانند: ظنون که جمع ظنّ است. و یا این که فُتُون جمع فِتْنَة است، مثل: به دور، جمع بَدْرَة، «حُجُوز جمع حُجْزَة». برخی هم گفته‌اند، فُتُون مصدر است، همانند: شکور و کفُور و ثُبُور. «عَلَىٰ قَدَرٍ»: بر طبق تقدیر ازلی. قَدَر به معنی مُقَدَّر یا مَوْعِد است.

سوره طه آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ٤١﴾

ترجمه:

و تو را برای (وحی خود و حمل رسالت) خویش برگزیدم.

توضیحات:

«إِصْطَنَعْتُكَ»: تو را برگزیدم. تو را از خاصّان کردم. در حق تو نیکی نمودم.

سوره طه آیه ۴۲

متن آیه:

﴿ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي ٤٢﴾

ترجمه:

تو و برادرت همراه با آیات من (که در اختیارتان گذارده‌ام) بروید و در ذکر (و یاد و اجرای فرمان) من سستی مکنید.

توضیحات:

«بِئَايَاتِي»: همراه با آیات من. آیات، هم شامل دو معجزه بزرگ موسی می‌شود، و هم سایر نشانه‌های پروردگار و تعلیمات و برنامه‌هائی که بیان‌گر حقّانیت دعوت و نبوّت او است (نگا: اسراء / ۱۰۱). «لاتَنِيَا»: سستی نکنید. از ماده (وني).

سوره طه آیه ۴۳

متن آیه:

﴿ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٤٣﴾

ترجمه:

به‌سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است (و در کفر و طغیان از حدّ گذشته است).

توضیحات:

سوره طه آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ٤٤﴾

ترجمه:

سپس به نرمی با او (درباره ایمان) سخن بگوئید، شاید (غفلت خود و عظمت خدا را) یاد کند و (از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ) بهراسد.

توضیحات:

«لَیِّناً»: نرم و ملایم. «یَتَذَکَّرُ»: پند گیرد. یادآور گردد.

سوره طه آیه ۴۵

متن آیه:

﴿قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن یَفۡرُطَ عَلَیۡنَآ أَوۡ أَن یَطۡغَیٰ ٤٥﴾

ترجمه:

(موسی و هارون خاشعانه) گفتند: پروردگارا! ما (از این) می‌ترسیم که او (قبل از آن که به سخنان ما گوش فرا دهد) بر ما پیش دستی کند (و فرمان قتل ما را صادر کند و پیام تو به گوش او و اطرافیانش نرسد) و یا (بعد از شنیدن) طغیانگری آغازد (و اسائه ادب کند).

توضیحات:

«یَفْرُطَ»: سبقت گیرد. پیش افتد. «أَن یَفْرُطَ عَلَیْنَا»: این که بر اتمام تبلیغ و اظهار معجزات ما با کشتن ما پیشی گیرد و آنها را ناتمام گذارد. این که بر اذیت و آزار ما بیفزاید.

سوره طه آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِی مَعَکُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَیٰ ٤٦﴾

ترجمه:

فرمود: نترسید! من با شما هستم و (حرفهایشان را) می‌شنوم و (اعمالشان را) می‌بینم (و ایشان را از کشتن و آزار شما باز می‌دارم).

توضیحات:

«مَعَکُمَا»: مراد از معیت و همراهی خدا، حفاظت و رعایت و نصرت ذات باری است.

سوره طه آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَأۡتِیَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّکَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِیٓ إِسۡرَٰٓءِیلَ وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ جِئۡنَٰکَ بِـَٔایَةٖ مِّن رَّبِّکَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَیٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلۡهُدَیٰٓ ٤٧﴾

ترجمه:

به پیش او بروید و بگوئید: ما دو فرستاده پروردگار تو هستیم. بنی‌اسرائیل را با ما همراه بدار (و ایشان را از ایمان باز مدار) و آنان را اذیت و آزار مکن. ما معجزه‌ای از پروردگارت برایت‌آورده‌ایم (که دالّ بر صدق ما است). در امان ماندن از عذاب، نصیب کسی است که راه هدایت در پیش گیرد.

توضیحات:

«أَرْسِلْ»: آزاد کن از بردگی و بندگی و اسارت و واداشتن به کار بدون جیره و مواجب و حق و دستمزدی. بگذار در ایده و عقیده همراه ما شوند. «ءَايَةٍ»: معجزه‌ای بزرگ. دلیل و برهان سترگ. «السَّلامُ»: سلامت. در امان ماندن از عذاب. «عَلَيا»: برای. این واژه به معنی (لِ) است. «وَالسَّلامُ عَلَيا»: این جمله برای بیان تحیت و درود نیست؛ چرا که در ابتدای خطاب ذکر نشده است (نگا: تفسیرهای المنتخب، صفوه التفاسیر، المراغی). امّا برخی آن را به معنی « درود بر کسی باد که... » دانسته‌اند.

سوره طه آیه ۴۸

متن آیه:

﴿إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ٤٨﴾

ترجمه:

به ما وحی شده است که عذاب (شدید الهی) دامنگیر کسی می‌گردد که (آیات آسمانی و معجزات را) تکذیب نماید، و (از دعوت ما و ایمان به خدا) روی بگرداند.

توضیحات:

«عَلَيا مَنْ»: بر کسی وارد می‌گردد که. از آن کسی است که. «تَوَلّي»: پشت کرد. اعراض نمود. روی گرداند.

سوره طه آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ٤٩﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: ای موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟

توضیحات:

«رَبُّكُمَا»: پروردگار شما دو نفر. بیان کلام بدین شیوه نشانه غرور فرعون است.

سوره طه آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ٥٠﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: پروردگار ما آن کسی است که هر چیزی را وجود بخشیده است و سپس (در راستای آن چیزی که برای آن آفریده شده است) رهنمودش کرده است.

توضیحات:

«خَلْقَهُ»: آفرینش آن. وجود آن. «هَدَيا»: رهنمودش کرده است. بدو مسیر داده است. برای انجام وظیفه خاصّ خود، راهنمائی کرده است.

سوره طه آیه ۵۱

متن آیه:

﴿قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ٥١﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: پس حال و وضع مردمان گذشته چه شده است؟ (اگر آن گونه باشد که تو می‌گوئی، پس چرا زنده نگشته‌اند و با ایشان حساب و کتاب نشده است؟ ما که کسی را ندیده‌ایم که زنده‌اش کرده، و به دوزخ یا بهشت فرستاده باشند).

توضیحات:

«بَالُ»: حال و وضع. کار و بار (نگا: یوسف / ۵۰، محمّد / ۲ و۵). «الْقُرُونِ»: جمع قَرْن، مراد مردمان هم‌عصرِ اعصار و ازمنه است (نگا: انعام / ۶).

سوره طه آیه ۵۲

متن آیه:

﴿قَالَ عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَٰبٖۖ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ٥٢﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: (تمام مشخّصات و اعمال و اقوال اقوام گذشته محفوظ و موجود است و) اطّلاعات مربوط بدی‌شان در کتابی عظیم و شگفت (به نام لوح محفوظ،

مکتوب) است و تنها پروردگارم از آن مطلع است و بس. پرودگار من به خطا نمی‌رود (و لذا چیزی از قلم او نمی‌افتد) و فراموش نمی‌کند (و بنابراین، چیزی از یاد او نمی‌رود. مطمئناً روزی جزا و سزای ایشان به تمام و کمال داده می‌شود).

توضیحات:

«کِتَابٍ»: کتاب عظیم و عجیب. مراد لوح محفوظ است.

سوره طه آیه ۵۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدًا وَسَلَكَ لَكُمۡ فِیهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٥٣﴾﴾

ترجمه:

پروردگاری است که زمین را گهواره (سکونت و آرامش) شما کرده است، و در آن راههائی (در خشکی و آب و هوا، جهت ارتباط) برایتان به وجود آورده است، و از آسمان آب را ریزان و باران کرده است، و با آن انواع گیاهان و اقسام درختان نر و ماده را رویانده است.

توضیحات:

«مَهْداً»: گهواره. زمین از لحاظ سهولت زندگی بر آن، و آسانی گشت و گذارِ در آن، به گهواره کودک تشبیه شده است که محلّ آسایش و آرامش او است. «سَلَكَ»: ساخته است. کشیده است. «أَخْرَجْنَا»: استعمال فعل (أَخْرَجْنَا) به جای (أَخْرَجَ) برای جلب توجّه شنونده به امور و کارهای شگفتی است که بعد از آن بیان می‌شود. در اینجا صنعت التفات ملحوظ و منظور است (نگا: انعام / ۹۹). «أَزْوَاجاً»: جمع زَوْج، هم می‌تواند اشاره به اصناف و انواع گیاهان باشد، و هم اشاره به مسأله زوجیت، یعنی نر و مادّه بودن در عالم گیاهان. «شَتَّیا»: جمع شَتیت، مختلف و گوناگون در شکل و رنگ و طعم و بو.

سوره طه آیه ۵۴

متن آیه:

﴿كُلُواْ وَٱرۡعَوۡاْ أَنۡعَٰمَكُمۡۚ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَأٓیَٰتٍ لِّأُوْلِی ٱلنُّهَىٰ ﴿٥٤﴾﴾

ترجمه:

(از این فرآورده‌های گیاهی، هم) خودتان بخورید و هم چهارپایان خود را (در آن) بچرانید. مسلّماً در این امور، نشانه‌های روشنی (بر اثبات وجود خدا و یگانگی او) است برای کسانی که دارای عقل سالم باشند.

توضیحات:

«إِرْعَوْا»: بچرانید. به چَرا ببرید. «أَنْعَام»: چهارپایان. «النُّهَیا»: جمع نُهْیة، به معنی: عقل. علّت تسمیه عقل بدان، این است که عقل از چیز قبیح نهی می‌کند. «اُوْلِي النُّهَیا»: عاقلان و خردمندان.

سوره طه آیه ۵۵

متن آیه:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾﴾

ترجمه:

ما شما را از زمین آفریده‌ایم، و بدان باز می‌گردانیم، و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم (برای حساب و کتاب و جزا و سزا).

توضیحات:

«تَارَةً»: دفعه دیگر. بار دیگر (نگا: اسراء / ۶۹).

سوره طه آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾﴾

ترجمه:

ما همه معجزات خود را (که مؤید رسالت موسی و صدق او در اموری بود که از سوی خدا ابلاغ می‌کرد) به فرعون نشان دادیم، ولی او (همه آنها را) تکذیب کرد و (از ایمان بدان‌ها) سرپیچی کرد.

توضیحات:

«كُلَّهَا»: جملگی آنها. مراد همه معجزاتی است که موسی برای اثبات موضوعات مطروحه نشان داد. یا مراد ادلّه و براهین دالّ بر وجود صانع قادر حکیم است.

سوره طه آیه ۵۷

متن آیه:

﴿قَالَ أَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا مِنۡ أَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ يَٰمُوسَىٰ ٥٧﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: ای موسی! آیا آمده‌ای که ما را با این جادوی خویش از سرزمین خودمان بیرون کنی؟ (ما می‌دانیم که مسأله نبوّت، و دعوت به توحید، و ارائه این کارهائی که می‌کنی، همگی توطئه است، و مرادت حکومت و سیطره قوم خود بر مصر است).

توضیحات:

«أَرْضِنَا»: سرزمین ما. مراد مصر است.

سوره طه آیه ۵۸

متن آیه:

﴿فَلَنَأۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٖ مِّثۡلِهِۦ فَٱجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدٗا لَّا نُخۡلِفُهُۥ نَحۡنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانٗا سُوٗى ٥٨﴾

ترجمه:

یقیناً ما هم جادوئی همسان جادوی تو را برای تو می‌آوریم (و سحرت را با سحر خود باطل و بی‌اثر می‌گردانیم. پس هم اکنون) موعد آن را معین کن. موعدی که نه ما و نه تو از آن تخلّف نکنیم، و وعده‌گاه مکان صاف و مسطّح، و فاصله آن نسبت به همگان یکسان باشد.

توضیحات:

«مَکَاناً سُويً»: مکان صاف و مسطّح. جائی که مسافت آن نسبت به ما و شما یک اندازه باشد. (مَکاناً) بدل از (مَوْعِداً) است.

سوره طه آیه ۵۹

متن آیه:

﴿قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحۡشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحٗى ٥٩﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: میعاد ما و شما روز جشنی است که در آن خود را می‌آرایند. باید مردم در چاشتگاه گرد آورده شوند (تا ماجرائی را ببینند که میان ما و شما می‌گذرد).

توضیحات:

«يَوْمُ الزِّينَةِ»: روز زینت. روزی بوده است که یکی از اعیاد به حساب می‌آمده است و همگان در آن خود را می‌آراسته‌اند و به سرور و شادی می‌پرداخته‌اند. گویا امروزه در مصر هنوز برقرار و «وفاء نیل» نام دارد. «ضُحيً»: چاشتگاه. چاشت.

سوره طه آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّىٰ فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ٦٠﴾

ترجمه:

(فرعون آن مجلس را ترک گفت و) پشت نمود و رفت و همه مکر و فریب خود را جمع کرد و سپس (در روز موعد با تمام قدرت و جملگی جادوگران چیره‌دست و ادوات و ابزار جادو به میدان) آمد.

توضیحات:

«كَيْد»: نیرنگ. مراد همه چیزهائی است که در چاره‌کردن موسی و پیروزی بر او، لازم و ضروری بود.

سوره طه آیه ۶۱

متن آیه:

﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا فَيُسۡحِتَكُم بِعَذَابٖۖ وَقَدۡ خَابَ مَنِ ٱفۡتَرَىٰ ٦١﴾

ترجمه:

موسی خطاب به جادوگران گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید (و به الوهیت فرعون باور نکنید، و پیغمبران خدا را تکذیب ننمائید، و معجزات ایشان را جادو ندانید) که خدا شما را با عذاب (خود) نابود و ریشه‌کن خواهد ساخت، و شکست و نومیدی از آن کسانی است که بر خدا دروغ می‌بندند.

توضیحات:

«وَيْلَكُمْ»: وای بر شما! نابود شوید! «يُسْحِتَ»: ریشه‌کن و نابود می‌گرداند. «خَابَ»: ناامید گردید. شکست خورد.

سوره طه آیه ۶۲

متن آیه:

﴿فَتَنَٰزَعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَىٰ ٦٢﴾

ترجمه:

(این سخن موسی ایشان را به هراس انداخت، و بر برخی از دل‌ها تأثیر خود را بخشید، و در میان جمعیت ساحران اختلاف افتاد) و درباره کارهایشان به نزاع برخاستند، و مخفیانه و درگوشی با هم به سخن پرداختند.

توضیحات:

«أَسَرُّوا النَّجْوَىا»: نجوای خود را درباره کار موسی و این که در حق او چه خواهند کرد، از مردم مخفی و نهان داشتند.

سوره طه آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخۡرِجَاكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِمَا وَيَذۡهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلۡمُثۡلَىٰ ٦٣﴾

ترجمه:

(جادوگران بعد از رایزنی به یکدیگر) گفتند: این دو نفر قطعاً جادوگرند. آنان می‌خواهند شما را با جادوی خود از سرزمینتان بیرون کنند، و آئین بهتر و برتر شما را از میان بردارند.

توضیحات:

«إِنْ»: حرف مشبّهةٌ بالفعل و مخفّف از مثقّله است و به همین خاطر در مابعد خود عمل نکرده است. یا این که (إِنْ) حرف نافیه و به معنی (ما) است و حرف لام واژه (لَسَاحِرَانِ) به معنی (إِلاّ) است و تقدیر چنین است: «ما هذانِ إِلاّ ساحِرانِ». این دو نفر جز دو ساحر نبوده و نیستند. «طَرِيقَة»: راه و رسم. آئین و مذهب. «الْـمُثْلَيا»: مؤنّث (أَمْثَل) به معنی افضل است، یعنی: بهتر و برتر. مرادشان آئین عالی و مذهب حق است.

سوره طه آیه ۶۴

متن آیه:

﴿فَأَجۡمِعُواْ كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ٱئۡتُواْ صَفّٗاۚ وَقَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡيَوۡمَ مَنِ ٱسۡتَعۡلَىٰ ٦٤﴾

ترجمه:

تمام مکر و کید خود را (اعم از نقشه و مهارت و قدرت ممکن) رویهم بریزید و یکپارچه به کار گیرید. سپس همگی در یک صف (به میدان مبارزه) گام نهید. امروز کسی پیروز می‌گردد که بتواند برتری خود را (به حریف) نشان دهد.

توضیحات:

«أْتُوا»: بیائید. درآئید. «صَفّاً»: یک صف. صف کشیده. حال است و به معنی: «مُصْطَفّينَ» است. «إِسْتَعْلَيا»: برتری یافت. چیره شد.

سوره طه آیه ۶۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ٦٥﴾

ترجمه:

(جادوگران باد به غبغب انداخته) گفتند: ای موسی! آیا تو اوّل (هنرنمائی خود را می‌کنی و عصای خود را) می‌اندازی، یا ما اوّل (دست به کار شویم و اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (و کار تو را یکسره سازیم؟).

توضیحات:

«تُلْقِيَ»: بر زمین می‌اندازی و بساط جادوگری را می‌پراکنی. مفعول فعل به علّت وضوح، حذف شده است.

سوره طه آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ ٦٦﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: شما اوّل (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید. (آنان طنابها و عصاهای خود را انداختند. موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، به ناگاه طنابها و عصاهای آنان (مار شده‌اند و می‌خزند و) تند راه می‌روند.

توضیحات:

«حِبَال»: جمع حَبْل، طناب. ریسمان. « عِصِيّ»: جمع عَصا، چوبه دستیها. «تَسْعَيا»:

حرکت می‌کند. تند راه می‌رود.

سوره طه آیه ۶۷

متن آیه:

﴿فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ٦٧﴾

ترجمه:

در این هنگام موسی در درون خود، احساس اندکی هراس کرد.

توضیحات:

«أَوْجَسَ»: احساس کرد. به دل افکند. به دل راه داد (نگا: هود / ۷۰).

سوره طه آیه ۶۸

متن آیه:

﴿قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٦٨﴾

ترجمه:

گفتیم: مترس! حتماً تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطل‌شان را شکست خواهی داد).

توضیحات:

«الأَعْلَیا»: برتر. چیره (نگا: آل‌عمران / ۱۳۹ و نجم / ۷).

سوره طه آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩﴾

ترجمه:

و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌های (مزوّرانه و شعبده بازی‌های مکارانه) ایشان را به سرعت ببلعد. چرا که کارهائی را که کرده‌اند، نیرنگِ جادوگر است، و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود.

توضیحات:

«تَلْقَفْ»: تند می‌بلعد (نگا: اعراف / ۱۱۷). «إِنَّمـا»: مسلّماً چیزی را که. «كَيْدُ»: نیرنگ. چشم‌بندی. «سَاحِرٍ»: مراد جنس جادوگر است. «حَيْثُ أَتَیا»: هرجا باشد. هر کجا برود.

سوره طه آیه ۷۰

متن آیه:

﴿فَأُلْقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ۝٧٠﴾

ترجمه:

(موسی عصای خود را انداخت. عصا مار بزرگی گردید و همه طناب‌ها و چوبه دستی‌های مارگونه ایشان را فوراً بلعید.) به دنبال آن، جادوگران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما (حقیقت را عیان می‌بینیم و) به پروردگار هارون و موسی ایمان داریم.

توضیحات:

«أُلْقِيَ السَّحَرَةُ»: جادوگران انداخته شدند. استعمال فعل مجهول بیان‌گر این واقعیت است که سطوت معجزه، جادوگران را فروتنانه بر رو انداخته است.

سوره طه آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ ۝٧١﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم، بدو ایمان آوردید؟! مسلّماً او بزرگ شما است. بزرگی که به شما جادوگری آموخته است. بی‌گمان دست‌هایتان و پاهایتان را عکس یکدیگر قطع می‌کنم، و شما را بر فراز شاخه‌های درختان خرما به دار می‌آویزم. (آن وقت) خواهید دانست که کدام یک (از دو خدا: من یا خدای موسی) عذابش سخت‌تر و پایدارتر است.

توضیحات:

«ءَاذَنَ»: اجازه دهم. «كَبِير»: «رئیس». بزرگ. «مِنْ خِلافٍ»: عکس یکدیگر. از دو قسمت مختلف، مثل پای راست و دست چپ، و پای چپ و دست راست. «لأُصَلِّبَنَّ»: قطعاً به دار می‌آویزم. «فِي»: به معنی (علي) یعنی بالا و فراز است. «جُذُوع»: «جمع جِذْع»، ساقه و تنه. شاخه (نگا: مریم / ۲۳ و ۲۵).

سوره طه آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ ٧٢﴾

ترجمه:

(جادوگران پاسخ دادند و) گفتند: ما هرگز تو را بر دلائل و براهین روشنی که برایمان آمده است، و بر پروردگاری که ما را آفریده است بر نمی‌گزینیم و مقدّم نمی‌داریم، پس هر فرمانی که می‌خواهی صادر کنی، صادر کن (و آنچه می‌خواهی بکن، که باکی نیست. امّا بدان) تو تنها می‌توانی در زندگی این جهان فرمان بدهی (و قدرت فرماندهی تو از دائره این دنیا فراتر نمی‌رود).

توضیحات:

«لَن نُّؤْثِرَكَ»: هرگز تو را ترجیح نمی‌دهیم و برنمی‌گزینیم. «الْبَيِّنَاتِ»: معجزات. دلائل. «وَالَّذِي فَطَرَنا»: و بر خدائی که ما را آفریده است. حرف (وَ) می‌تواند حرف عطف و (أَلّذي) عطف بر (ما) باشد، و یا این که واو حرف جرّ و برای قسم باشد. «إِقْضِ»: حکم کن، فرمان بده. «قَاضٍ»: حکم‌کننده. فرمان دهنده. عائد آن محذوف است. «هذِهِ الْحَيَاةَ»: مفعول فیه است.

سوره طه آیه ۷۳

متن آیه:

﴿إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغۡفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكۡرَهۡتَنَا عَلَيۡهِ مِنَ ٱلسِّحۡرِۗ وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ٧٣﴾

ترجمه:

ما به پروردگارمان ایمان آورده‌ایم تا ببخشاید گناهان ما را و جادوگری‌هائی را که بدان وادارمان می‌کردی. خدا بهتر (از هر کسی) و پایدارتر (از هر قدرتی) است.

توضیحات:

«خَطَايَا»: خطاها. گناهان و بدی‌ها. «أَكْرَهْتَنَا»: به ما تحمیل کردی. وادارمان نمودی. این جمله بیان‌گر این واقعیت است که جادوگران می‌دانستند که جادوگری،

گمراه‌سازی و کار ناپسندی است. فرعون آن را برای به هراس انداختن مردم از خود، مورد بهره‌برداری قرار می‌داد.

سوره طه آیه ۷۴

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ مَن يَأْتِ رَبَّهُۥ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ۝٧٤﴾

ترجمه:

(ساحران سپس چنین ادامه دادند و گفتند:) بی‌گمان هر که (بی‌ایمان و) گنهکار به پیش پروردگارش رود، دوزخ از آن او است. در آنجا نه می‌میرد (تا از دست عذاب رهائی یابد) و نه زنده می‌ماند (آن گونه که باید زیست و از نعمتها لذّت برد و بهره‌مند گردید. بلکه برای همیشه در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زند).

توضیحات:

«إِنَّهُ»: کار و بار چنین است. واژه (هُ) ضمیر شأن است. «مُجْرِماً»: بزهکارانه. به قرینه واژه (مُؤْمِن) در آیه بعدی و بسیاری از آیات دیگر، مراد از مُجْرِم، کافر و بی‌ایمان است (نگا: اعراف / ۸۴، فرقان / ۳۱).

سوره طه آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَمَن يَأْتِهِۦ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلْعُلَىٰ ۝٧٥﴾

ترجمه:

و هرکه با ایمان و عمل صالح به پیش پروردگارش رود، چنین کسانی دارای مراتب والا و منازل بالایند.

توضیحات:

«الْعُلَيا»: جمع عُلْيا، مؤنّث أَعْلی، بالا و والا، رفیع و شریف.

سوره طه آیه ۷۶

متن آیه:

﴿جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ ۝٧٦﴾

ترجمه:

(آن منازل و مراتب) باغ‌های (بهشت جاویدانی) است که جای ماندگاری است، و

در زیر (قصرها و درخت‌های) آن رودبارها جاری است، و جاودانه در آنجا می‌مانند، و این (چنین چیز باارزشی) پاداش کسی است که (با ایمان و انجام طاعت) خویشتن را پاک و پاکیزه (از کثافات کفر و معاصی) کند.

توضیحات:

«جَنَّاتُ»: بدل از (الدَّرَجاتُ الْعُلَيا) است. «تَزَكَّيا»: خود را پاک داشت. خویشتن را پاکیزه از کفر و معاصی‌کرد.

سوره طه آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ ٧٧﴾

ترجمه:

(مدّت‌ها به این منوال گذشت و حوادث تلخ و شیرینی میان موسی و فرعون روی داد. سرانجام) ما به موسی پیام دادیم که شبانه بندگانم را (از مصر به‌سوی فلسطین) کوچ بده، و آن گاه (که به کرانه نیل رسیدید، با عصا به رودخانه دریاگون نیل بزن و) راهی خشک برای آنان در این دریا بگشا. (راهی که چون در آن گام بگذاری) نه از فرعونیان می‌ترسی که به تو برسند و نه (از غرق شدن در آب) هراسی داری.

توضیحات:

«أَسْرِ بِعِبَادِي»: شبانه بندگانم را کوچ بده و از مصر به‌سوی سرزمین موعود فلسطین بیرون ببر (نگا: اسراء / ۱). «فَاضْرِبْ لَـهُمْ»: برای ایشان بساز. مأخوذ از گفتار عرب است، وقتی که می‌گویند: «ضَرَبَ فُلانٌ لِفُلانٍ في مالِهِ نصيباً». یعنی قسمتی را مال ایشان ساخت. «يَبَساً»: خشک. مصدر است و در معنی وصفی، یعنی (يابِس) به کار رفته است و وصف (طَريقاً) می‌باشد. «دَرَكاً»: ملحق شدن و دریافتن. اسم مصدر از ادراک است. «لا تَخافُ دَرَكاً وَ...»: حال ضمیر مستتر در (إِضْرِبْ) است.

سوره طه آیه ۷۸

متن آیه:

﴿فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ٧٨﴾

ترجمه:

(موسی فرمان خدا را اجرا کرد و) فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند (و در کنار دریا بدی‌شان رسیدند و در عقب‌شان وارد جاده‌ای شدند که با کنار رفتن آب پدید آمده بود. در این هنگام) دریا آنان را به گونه شگفتی در میان (امواج خروشان) خود گرفت.

توضیحات:

«أَتْبَعَهُمْ»: دنبال‌شان کرد. در عقب‌شان روان شد. «غَشِيَهُمْ»: ایشان را فرا گرفت. آنان را در خود نهان کرد. «الْيَمِّ»: دریا (نگا: اعراف / ۱۳۶). «مَا»: آن چیزی که خِردها نمی‌توانند به توصیفش بپردازند و خوف و هراسش را بیان دارند. فاعل است.

سوره طه آیه ۷۹

متن آیه:

﴿وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ ۝٧٩﴾

ترجمه:

(بدین منوال) فرعون قوم خود را گمراه ساخت و (به بیراهه کشاند، و ایشان را به راه راست) هدایت ننمود.

توضیحات:

«أَضَلَّ»: گمراه ساخت. «مَا هَدَيا»: رهنمود نکرد. این بخش، بیان‌گر تکذیب سخن فرعون است که می‌گفت: من شما را جز به راه هدایت رهنمود نمی‌نمایم (نگا: غافر / ۲۹).

سوره طه آیه ۸۰

متن آیه:

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ ۝٨٠﴾

ترجمه:

ای بنی‌اسرائیل! ما شما را از (چنگال فرعون، یعنی) دشمنتان نجات دادیم، و طرف راست کوه طور را میعادگاه (موسی و هفتاد نفر از) شما کردیم (تا تورات را دریافت دارد)، و ترنجبین و بلدرچین را (در آن بیابانی که سرگردان بودید) نصیب شما ساختیم.

توضیحات:

«الأَيْمَنَ»: سمت راست. صفت (جانب) است (نگا: مریم / ۵۲). «نَزَّلْنا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَيا »: (نگا: بقره / ۵۷).

سوره طه آیه ۸۱

متن آیه:

﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ ٨١﴾

ترجمه:

(بدی‌شان گفتیم:) از (این) روزی‌های پاکیزه‌ای که (بدون رنج) به شما داده‌ایم بخورید و در آن (از حدود و مقرّرات خدا) تجاوز نکنید (و مواظب باشید نعمت رایگان، موجب کفران و طغیان شما نشود. چه اگر نعمت من، باعث ناسپاسی و گردنکشی شود) خشم من دامنگیرتان می‌گردد و هرکه خشم من دامنگیرش شود پرت و هلاک می‌شود.

توضیحات:

«لا تَطْغَوْا فِيهِ»: در آن سرکشی نکنید. سرکشی در نعمت خدا این است که انسان به جای این که از آن در راه طاعت و عبادت خدا و طریق سعادت دنیا و آخرت خود استفاده کند، آن را وسیله گناهکاری و ناسپاسی و گردنکشی از فرمان و قوانین الهی، و بالاخره کفر و زندقه سازد. «هَوي»: پرت شد و سقوط کرد. هلاک و نابود گردید.

سوره طه آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ ٨٢﴾

ترجمه:

من قطعاً (با غفران عظیمی که دارم) می‌آمرزم کسی را که (از کفر و گناه خود) برگردد و (به بهترین وجه) ایمان بیاورد و کارهای شایسته بکند و سپس راهیاب بشود (و این راه را تا آخر زندگی ادامه دهد).

توضیحات:

«غَفَّارٌ»: بسیار آمرزنده. دارای آمرزش سترگ. «ءَامَنَ»: ایمان آورد. در آراستن و

پیراستن ایمان خود کوشید. «إِهْتَدَيا»: راهیاب شد. بر هدایت دوام و استمرار داشت.

سوره طه آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ ٨٣﴾

ترجمه:

(موسی پیش‌تر خود را به کوه طور رسانید. بدو گفتیم:) ای موسی! چه چیز تو را بر آن داشت که (درآمدن به کوه طور) بر قوم خود پیشی گیری؟

توضیحات:

«أَعْجَلَكَ»: تو را به شتاب و سبقت واداشت.

سوره طه آیه ۸۴

متن آیه:

﴿قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضَىٰ ٨٤﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: آنان به دنبال من بوده و (هرچه زودتر به خدمت می‌رسند). پروردگارا! من به‌سوی (میعادگاه و محضر وحی) تو شتاب کردم تا (هرچه زودتر احکام و قوانین تو را دریافت و به بندگانت برسانم و از من) خوشنود شوی.

توضیحات:

«عَلَيا أَثَرِي»: به دنبال من. نزدیک به من و پا به پای من.

سوره طه آیه ۸۵

متن آیه:

﴿قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ ٱلسَّامِرِيُّ ٨٥﴾

ترجمه:

(خدا) فرمود: ما قوم تو را بعد از (رهسپار شدن) تو (بدینجا) آزمایش کردیم (و آنان از عهده امتحان برنیامدند) و « سامری « ایشان را گمراه و از راه بدر کرد.

توضیحات:

«فَتَنَّا»: آزمایش کردیم. آزمودیم. «السَّامِرِيُّ»: مردی از اهالی فلسطین بود و از اقلیم سامره. به مصر کوچ کرد و بعدها همراه بنی‌اسرائیل از آنجا خارج شد. او منافق

بود و چنین وانمود می‌کرد که به موسی ایمان دارد و کفر خود را مخفی می‌کرد.

سوره طه آیه ۸۶

متن آیه:

﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًاۚ أَفَطَالَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡعَهۡدُ أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُم مَّوۡعِدِي٨٦﴾

ترجمه:

موسی پس از دریافت تورات، خشمگین و اندوهناک به‌سوی قوم خود برگشت. (بدیشان پرخاش کرد و) گفت: ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکوئی به شما نداد (که عبارت است از: نزول تورات و بیان احکام آسمانی، و نجات و پیروزی بر فرعونیان، و وارث حکومت مصر شدن، و مغفرت و آمرزش خداوندی؟). آیا مدّت جدائی من از شما به طول انجامیده است؟! یا این که خواسته‌اید که خشم پروردگارتان دامنگیرتان شود و این است که با وعده من مخالفت کرده‌اید؟! (و سر از آئین و راه و روش من پیچیده و بیراهه رفته‌اید).

توضیحات:

«غَضْبَانَ»: خشمگین. حال است. «أَسِفاً»: غم‌زده و اندوهناک. حال دوم است. «وَعْداً حَسَناً»: وعده زیبائی. مراد نزول تورات و بیان احکام آسمانی در آن؛ یا نجات و پیروزی بر فرعونیان و وارث حکومت سرزمین مصر شدن؛ یا وعده مغفرت و آمرزش توبه‌کنندگان و انجام‌دهندگان کارهای پسندیده؛ و یا این که همه این امور. «الْعَهْدُ»: مدّت جدائی موسی از بنی‌اسرائیل و رفتن به مناجات. «أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ...»: مراد این است که عمل شما آن چنان است که گویا چنین تصمیمی را درباره خود اتّخاذ کرده‌اید.

سوره طه آیه ۸۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ ٨٧﴾

ترجمه:

گفتند: ما به اختیار خود از وعده تو سرپیچی نکرده‌ایم، ولیکن بارهای سنگینی از زیورآلات (طلائی) مردمان (قبطی که توسّط زنانمان به بهانه امانت جهت خودآرائی بدان‌ها در روز عید گرفته شده بود و به همراه داشتیم) بار ما شده بود و (سامری می‌گفت: نحوست این زر و زیورِ حرام است که موسی برنمی‌گردد. این بود که) ما آنها را از خود دور انداختیم و سامری نیز (آنچه با خود داشت) از خود دور افکند.

توضیحات:

«مَلْكِ»: اختیار و توانائی. «أَوْزَاراً»: جمع وِزْر است به معنی بارهای سنگین. «زِينَة»: زیورآلات. مراد زر و طلای امانتی است که زنان بنی‌اسرائیل قبل از حرکت از مصر به بهانه فرارسیدن عید خود از قبطیان گرفته بودند. «قَذَفْنَا»: انداختیم. از خود دور کردیم. «فَكَذٰلِكَ أَلْقَي السَّامِرِيُّ »: سامری هم آنچه داشت دور انداخت. سامری هم آنها را به میان آتش انداخت. این بود که سامری برنامه و طرحی که داشت به مرحله اجرا درآورد.

سوره طه آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ فَقَالُواْ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ٨٨﴾

ترجمه:

سپس مجسّمه گوساله‌ای را برای مردم (از میان آتش) بیرون آورد (که به علّت تعبیه سوراخهائی در آن، به هنگام وزش باد، صدائی همچون) صدای گوساله داشت. (سامری و پیروانش) گفتند: این معبود شما و معبود موسی است و او (چنین چیزی را) فراموش کرده است (و در طلب آن به کوه طور رفته است).

توضیحات:

«فَأَخْرَجَ لَـهُمْ»: این بخش، از زبان خداوند است که بیان‌گر نتیجه فتنه‌انگیزی سامری است. «جَسَداً»: جسم. لاشه. مراد مجسّمه و تندیس است. بدل از (عِجْلاً) می‌باشد (نگا: اعراف / ۱۴۸). «خُوَارٌ»: صدای گاو. «نَسِيَ»: موسی فراموش کرده است. سامری عهد و پیمان خود را با خدا و موسی به فراموشی سپرد.

سوره طه آیه ۸۹

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا ٨٩﴾

ترجمه:

آیا آنان نمی‌بینند که (این گوساله) پاسخ ایشان را نمی‌دهد و زیانی از آنان دور نمی‌گرداند و سودی برای‌شان فراهم نمی‌آورد؟

توضیحات:

«لا يَرْجِعُ»: برنمی‌گرداند. مراد این است که سخن نمی‌گوید و پاسخ نمی‌دهد. به صورت متعدّی استعمال شده است (نگا: ممتحنه / ۱۰، سبأ / ۳۱). «أَلاّ يَرْجِعَ»: حرف (أَنْ) مخفّف از مثقّله و جزو حروف مشبّهةٌ بالفعل است.

سوره طه آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي ٩٠﴾

ترجمه:

هارون (که به هنگام وقوع چنین آشوبی در میان‌شان بسر می‌برد،) پیش‌تر (از برگشتن موسی از میعادگاه) به بنی‌اسرائیل گفت: ای قوم من! با این (گوساله زرّینْ) شما دچار بلا (و آزمون بزرگ و سختی) شده‌اید. پروردگار شما خداوند مهربان است (نه کس و نه چیز دیگری). اکنون که چنین است، از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت نمائید.

توضیحات:

«مِن قَبْلُ»: پیش از برگشت موسی از کوه طور. «فُتِنتُم بِهِ»: بدان در فتنه و بلا افتاده‌اید. چرا که گوساله را می‌پرستید و به دوزخ می‌افتید. بدان دچار آزمایش و آزمون شده‌اید. چرا که گوساله‌ای بدین شکل و هیئت، برای امتحان ایمان شما است.

سوره طه آیه ۹۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَن نَّبۡرَحَ عَلَيۡهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرۡجِعَ إِلَيۡنَا مُوسَىٰ ٩١﴾

ترجمه:

گفتند: ما پیوسته به پرستش این گوساله ادامه می‌دهیم تا موسی به پیش ما برمی‌گردد.

توضیحات:

«لَن نَّبْرَحَ»: همیشه ما. «عَاكِفِينَ»: مقیمان. پرستش‌کنندگان (نگا: بقره / ۱۸۷، اعراف / ۱۳۸).

سوره طه آیه ۹۲

متن آیه:

﴿قَالَ يَـٰهَـٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾﴾

ترجمه:

(موسی در حالی که از آنچه شنید و دید، سخت متأثّر بود) گفت: ای هارون! هنگامی که دیدی آنان گمراه می‌شوند، چه چیز مانع از آن شد که (جلو ایشان را بگیری و نگذاری به بیراهه روند؟ و)...

توضیحات:

«مَا مَنَعَكَ»:؟ چه چیز تو را بازداشت؟ چه چیز جلو تو را گرفت؟

سوره طه آیه ۹۳

متن آیه:

﴿أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِى ﴿٩٣﴾﴾

ترجمه:

از من پیروی کنی؟! (مگر هنگامی که می‌خواستم به میعادگاه بروم نگفتم: جانشین من باش در میان قوم من، و به اصلاح بپرداز و راه تباهکاران را در پیش مگیر؟). آیا از دستور من سرپیچی کردی؟

توضیحات:

«أَلاّ تَتَّبِعَنِي»:؟ این که از من پیروی نکنی؟ اشاره به این است که موسی به هارون گفته بود که پس از رفتن موسی، او جانشین وی شود و به اصلاح بپردازد (نگا: اعراف / ۱۴۲).

سوره طه آیه ۹۴

متن آیه:

﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي ٩٤﴾

ترجمه:

(هارون) گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه موی سرم را (بر دست بپیچ). من ترسیدم که (اگر با ایشان شدّت عمل نشان دهم) بگوئی میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی.

توضیحات:

«يَا ابْنَ أُمَّ»: ای پسر مادرم! ادای سخن بدین شیوه، برای برانگیختن رأفت و رِقّت موسی بود، والاّ موسی و هارون برادران پدری و مادری یکدیگر بودند. یاء متکلّم از آخر (أُمَّ) برابر قاعده زبان عربی حذف و با فتحه خوانده شده است. «لَمْ تَرْقُبْ»: رعایت نکردی. حفظ و نگهداری نکردی (نگا: توبه / ۸ و ۱۰).

سوره طه آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قَالَ فَمَا خَطۡبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ٩٥﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: (امّا تو) ای سامری! این کار خطرناک چیست که از تو سر زده است؟

توضیحات:

«خَطْب»: امر خطیر. کار خطرناک و عظیم (نگا: یوسف / ۵۱، حجر / ۵۷).

سوره طه آیه ۹۶

متن آیه:

﴿قَالَ بَصُرۡتُ بِمَا لَمۡ يَبۡصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضۡتُ قَبۡضَةٗ مِّنۡ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذۡتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي ٩٦﴾

ترجمه:

(سامری) گفت: من از چیزهائی (در صنعت و هنر مجسّمه‌سازی) آگاهم که بنی‌اسرائیل از آنها آگاه نیستند. من مقداری از آثار (تعالیم و قوانین) پیغمبر (خدا موسی) را برگرفتم و برای (گول‌زدن دیگران) آن را (به شکم گوساله) ریختم. این

چنین نفْسِ من مطلب را در نظرم آراست (و آنچه می‌خواستم انجام دادم).

توضیحات:

معنی دیگر آیه که تنها نقل قول از زبان سامری است عبارت است از: سامری گفت: چیزی را من دیده‌ام که آنان ندیده‌اند (که جبرئیل فرشته وحی است) و از جای پای (اسب) جبرئیل مشتی (خاک) برگرفتم و آن را (به درون گوساله) ریختم، و نفْس من این چنین کار را در نظرم آراست. «بَصُرْتُ»: دیدم. مراد از دیدن در اینجا، فهم کردن و پی‌بردن و دانستن فنون مجسّمه‌سازی و تمثالگری است. «فَقَبَضْتُ قَبْضَةً»: مشتی را برگرفتم. مراد برداشتن مقداری از تورات و عمل کردن بدان است. «أَثَرِ الرَّسُولِ»: اثر پیغمبر. مراد از (أَثَر) تورات، و مراد از (الرَّسُول) موسی است. «نَبَذْتُ»: انداختم. رها کردم. «سَوَّلَتْ»: آن را زینت داد و گرامی و شیرین کرد (نگا: یوسف / ۱۸ و ۸۳).

سوره طه آیه ۹۷

متن آیه:

﴿قَالَ فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا ٩٧﴾

ترجمه:

(موسی به سامری) گفت: برو (از میان ما). در زندگی دنیا بهره‌ات (بیزاری و گریز باد. و) این که پیوسته بگوئی: (به من) دست نزنید و نزدیک نشوید، و در آخرت برای تو موعدی است که درباره‌ات تخلّف‌ناپذیر است (و خداوند آن را فراموش نخواهد کرد. هم‌اینک هم، گوساله) معبودت را که پیوسته به عبادتش می‌پرداختی بنگر و ببین که چگونه آن را می‌سوزانیم و سپس خاکسترش را به دریا می‌ریزیم و می‌پراکنیم.

توضیحات:

«مِسَاسَ»: تماس. مخالطت و معاشرت. مصدر باب مفاعله است. «لا مِسَاسَ»: هیچ‌گونه همنشینی و آمیزشی نیست. مراد نهی است، یعنی با من نیامیزید و تماس نگیرید. مقصود بایکوت سامری و طرد او از میان جامعه است. اشاره به یکی از قوانین جزائی شریعت موسی است که اعلان پلیدی پلید و کناره‌گیری از او است (نگا: فی ظلال‌القرآن). «لَن تُخْلَفَهُ»: از تو در نمی‌گذرد. «إِلـٰهِكَ»: معبود خود. مراد گوساله

سامری است. «نَسْفاً»: از هم پاشیدن و پراکندن.

سوره طه آیه ۹۸

متن آیه:

﴿إِنَّمَآ إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمٗا ٩٨﴾

ترجمه:

معبود شما تنها الله است، همان خدائی که معبودی جز او نیست. دانش او همه‌چیز را فرا گرفته است (و از گذشته و حال و آینده، و آنچه بوده است و هست و خواهد بود، باخبر است).

توضیحات:

«وَسِعَ»: در بر گرفته‌است. فرا گرفته‌است (نگا: بقره / ۲۵۵، انعام / ۸۰).

سوره طه آیه ۹۹

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ مَا قَدۡ سَبَقَۚ وَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكۡرٗا ٩٩﴾

ترجمه:

این چنین اخبار گذشتگان را برای تو بازگو می‌کنیم. ما از سوی خود قرآن را به تو عطا کرده‌ایم (که صلاح دین و دنیا را به تو و پیروانت تذکر می‌دهد).

توضیحات:

«کَذلِكَ»: این چنین اخبار گذشتگان را. همان‌گونه که خبر موسی را برایت روایت کردیم، تو را از سرگذشت ملّت‌های گذشته دیگر مطلع می‌سازیم. «ذِکْراً»: مراد قرآن است (نگا: آل‌عمران / ۵۸، حجر / ۶ و ۹).

سوره طه آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا ١٠٠﴾

ترجمه:

هرکس از قرآن روی گردان شود (و از تصدیق و عمل بدان دوری گزیند، در دنیا گمراه خواهد بود، و) در روز قیامت بار سنگینی (از عذاب مسؤولیت و گناه) بر دوش خواهد داشت.

توضیحات:

«وِزْراً»: بار سنگین. بر گناه هم اطلاق می‌شود، و در اینجا مراد عقوبت و جزای گناه است.

سوره طه آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ١٠١﴾

ترجمه:

(این چنین کسانی) جاودانه در آن (عذاب) خواهند ماند، و چه بار بدی که در روز قیامت دارند!

توضیحات:

«حِمْلاً»: بار. مراد بار سنگین گناهان است.

سوره طه آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ وَنَحۡشُرُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ زُرۡقٗا ١٠٢﴾

ترجمه:

روزی در صُور (برای بار دوم) دمیده می‌شود، و گنهکاران را (با چهره و اندام) کبود رنگ (از شدّت درد و رنج، و با چشمان کور) در آن روز (در گستره رستاخیز) گرد می‌آوریم.

توضیحات:

«زُرْقاً»: جمع أَزْرَق. کسی که صورتش بر اثر شدّت درد و رنج، تیره و کبود شده باشد. کبود چشم. مراد از کبودی چشم ضعف بینائی است، و کبود چشم را نابینا معنی کرده‌اند (نگا: طه / ۱۲۴). حال بشمار است.

سوره طه آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿يَتَخَٰفَتُونَ بَيۡنَهُمۡ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا عَشۡرٗا ١٠٣﴾

ترجمه:

آنان در میان خود آهسته به هم می‌گویند: جز ده شبانه‌روز (در دنیا) نبوده‌اید و

نمانده‌اید.

توضیحات:

«يَتَخَافَتُونَ»: با صدای آهسته بهم می‌گویند. «إِن لَّبِثْتُمْ»: نمانده‌اید و توقّف نکرده‌اید (نگا: یونس / ۴۵). «عَشْراً»: مذکر آمدن این واژه، بیان‌گر این است که تمییزِ محذوف، مؤنّث است که لَیالی است؛ هرچند هنگامی که عدد بدون معدود بیان شود، این قاعده چندان مراعات نمی‌گردد.

سوره طه آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذۡ يَقُولُ أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا يَوۡمٗا ١٠٤﴾

ترجمه:

ما بهتر می‌دانیم که (آهسته به یکدیگر) چه می‌گویند، و (کاملاً آگاهیم) از سخن کسی که راهش (در به تصویرکشیدن کوتاهی دنیا، به حقیقت) نزدیکتر و بهتر است، آن گاه که می‌گوید: شما تنها یک روز در دنیا بسر برده‌اید!

توضیحات:

«أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً»: کسی که رأی او دادگرانه‌تر و به واقعیت نزدیکتر است. مراد از ترجیح سخن گوینده دوم این نیست که او به صداقت و راستی نزدیکتر است؛ بلکه مراد این است که او بهتر درجه پشیمانی و اندازه هراس و عذاب قیامت را به تصویر کشیده است. چرا که عمر جهان گذران، در قبال عمر بی‌پایان و جاویدان آخرت، نه ده روز، بلکه یک روز نیز بشمار نمی‌آید که کمترین عدد است.

سوره طه آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡجِبَالِ فَقُلۡ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسۡفٗا ١٠٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! حال که از قیامت صحبت کرده‌ای، منکران رستاخیز) از تو درباره کوهها می‌پرسند (و می‌گویند: کوههائی بدین عظمت - که به عقیده ایشان قابل تزلزل نیست - به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت؟). بگو: پروردگارم آنها را از جا می‌کند و (در هوا) پراکنده می‌دارد (و برباد می‌دهد).

توضیحات:

«نَسْفاً»: از بُن کندن و پراکنده ساختن (نگا: مرسلات / ۱۰).

سوره طه آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿فَيَذَرُهَا قَاعٗا صَفۡصَفٗا ١٠٦﴾

ترجمه:

سپس زمین را به صورت فَلات صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد.

توضیحات:

«قَاعاً»: «فَلات». زمین صاف و هموار (نگا: نور / ۳۹). خالی (نگا: تفسیرالمصحف المیسّر). «صَفْصَفاً »: کاملاً مسطّح و هموار و صاف.

سوره طه آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجٗا وَلَآ أَمۡتٗا ١٠٧﴾

ترجمه:

در آن هیچ‌گونه پستی و بلندی نمی‌بینی (انگار قبلاً آباد نبوده است و خانه و کاشانه و فراز و نشیبی نداشته است).

توضیحات:

«عِوَج»: پیچ. نشیب. گودی. «أَمْتاً»: فراز. برجستگی. بلندی.

سوره طه آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا ١٠٨﴾

ترجمه:

در آن روز (که مردمان سر از گورها به در می‌آورند، همگی) بدون کمترین سرپیچی، از منادی (الهی) پیروی می‌کنند، (و برابر فرمان او رهسپار عرصه محشر می‌شوند،) و صداها به سبب (جلال و شکوه خداوند) مهربان فروکش می‌کند، و جز صدای آهسته (و پنهان در زیر لبان، چیزی) نمی‌شنوی.

توضیحات:

«الدَّاعِي»: دعوت‌کننده. مُنادی. مراد إسرافیل است. «عِوَج»: سرپیچی و انحراف. «لِلرَّحْمنِ»: به خاطر سیطره عظمت خداوند مهربان بر عرصه محشر. در برابر خداوند مهربان. «هَمْساً»: صدای آهسته و زیرلبی.

سوره طه آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ قَوۡلٗا ١٠٩﴾

ترجمه:

در آن روز شفاعت (هیچ کسی) سودی نمی‌بخشد، مگر (شفاعت) کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد و گفتارش را بپسندد.

توضیحات:

«لا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ»: در روز قیامت. شفاعت به سه شرط انجام می‌گیرد: ۱ - خدا به شفاعت کننده اجازه شفاعت دهد (نگا: بقره / ۲۵۵، یونس / ۳). ۲ - آنچه درخواست می‌شود خداپسند باشد (نگا: طه / ۱۰۹). ۳ - خدا راضی شود از کسی که برای او شفاعت می‌گردد (نگا: انبیاء / ۲۸، نجم / ۲۶).

سوره طه آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ عِلۡمٗا ١١٠﴾

ترجمه:

خدا می‌داند آنچه را که (مردمان) در پیش دارند و (در آخرت بدان گرفتار می‌آیند، و می‌داند) آنچه را که (در دنیا انجام داده‌اند و) پشت سر گذاشته‌اند، ولی آنان از (کار و بار و حکمت) آفریدگار آگاهی ندارند.

توضیحات:

«مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: امور دنیای ایشان. احوال قیامت آنان. «مَا خَلْفَهُمْ»: امور دنیای ایشان. احوال قیامت آنان. هر یک از دو موصول «مَا» می‌تواند مربوط به گذشته یا آینده، و یا این که امور دنیا یا امور آخرت باشد و برعکس هم، معنی شود. «هُمْ»: مرجع

ضمیر می‌تواند مردمان یا گردآیندگان در عرصه محشر باشد. «بِهِ»: مرجع ضمیر می‌تواند خدا باشد که معنی آن گذشت، و یا این که موصولهای (ما) باشد که معنی آن چنین می‌شود: خدا می‌داند که مردمان چه کرده‌اند و چه می‌کنند و عاقبتشان چه خواهد بود، ولی مردمان کارهای خود را فراموش می‌کنند و نمی‌دانند در دنیا و آخرت چه بر سرشان می‌آید.

سوره طه آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا ١١١﴾

ترجمه:

(در آن روز همه) چهره‌ها در برابر خداوندِ باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبانِ جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و کرنِش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله‌بارِ) کفر (دنیای خود) را بر دوش کشد، ناامید (از لطف خدا و بی‌بهره از نجات و ثواب) می‌گردد.

توضیحات:

«عَنَتْ»: خشوع و خضوع کرد. مثل اسیران کرنش برد. از این ماده واژه (عانی) به معنی اسیر است که جمع آن (عُناة) است. «الْوُجُوهُ»: چهره‌ها. ذکر چهره‌ها در میان سایر اعضاء، بدان خاطر است که اشرف اندامها بوده و اثر فروتنی و خواری در آن نمایان می‌گردد. و یا این که تسمیه کلّ به اسم جزء است و مراد خودِ انسان‌ها است. «الْحَيِّ الْقَيُّومِ»: (نگا: بقره / ۲۵۵). «خَابَ»: ناامید گردید و به آرزو نرسید. زیانمند شد. از دست داد. « ظُلْماً»: کفر.

سوره طه آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ١١٢﴾

ترجمه:

و هر کس کارهای نیکو انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلم و ستمی می‌ترسد (که بر او رود، و مثلاً بر گناهانش افزوده شود) و نه از کم و کاستی می‌هراسد (که گریبانگیر کارهای نیک و پاداشش شود. چرا که حساب خدا دقیق است).

توضیحات:

«وَ هُوَ مُؤْمِنٌ»: در حالی که انجام دهنده کارهای نیک مؤمن باشد. چرا که کارهای نیک کافر هدر می‌رود و ضائع می‌شود (نگا: بقره / ۲۱۷، زُمَر / ۶۵، احزاب / ۱۹). «ظُلْماً»: مراد عقاب بدون سبب، یا افزایش بر لغزش‌ها و سیئات است. «هَضْماً»: خوردن و کاستن. کم کردن حق کسی و وفا نکردن به ادای آن واجب. مراد کاستن از حَسَنات است.

سوره طه آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا وَصَرَّفۡنَا فِيهِ مِنَ ٱلۡوَعِيدِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ أَوۡ يُحۡدِثُ لَهُمۡ ذِكۡرٗا ١١٣﴾

ترجمه:

همچنین قرآن را به زبان عربی فرو فرستادیم و در آن بیم دادن و ترساندن را (به شیوه‌های گوناگون) بازگو کردیم، تا این که (مردمان از کفر و معاصی) بپرهیزند، یا باعث یادآوری و بیداری (و مایه پند و عبرت) ایشان شود.

توضیحات:

«کَذلِكَ»: همچنین. عطف بر (کَذلِكَ) در آیه ۹۹ است. «أَنْزَلْناهُ»: بدون مرجع قبلی، برای اشاره به عظمت قرآن و استقرار و حضور آن در اَذهان است. «قُرْءَاناً عَرَبِيّاً»: حال اوّل و حال دوم بشمارند؛ یا این که (قُرْءَاناً) حال و (عَرَبِيّاً) صفت آن است (نگا: یوسف / ۲). «صَرَّفْنا»: به شیوه‌های گوناگون و بیانات مختلف بازگو کردیم (نگا: انعام / ۴۶، إسراء / ۴۱). «ذِكْراً»: پند و عبرت. بیداری و آگاهی.

سوره طه آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ١١٤﴾

ترجمه:

والا مقام خدا است که شاه حقیقی او است (و جملگی فرماندهان و فرمانبران بدو

نیازمندند، و دائره امر و نهیش سراسر گستره هستی است. ای پیغمبر! نازل کننده قرآن چنین خدای بلندمرتبه و توانائی است. پس به هنگام نزول قرآن) پیش از این که وحی (آیات) قرآن به پایان برسد، در آن عجله مکن (و تندتند آیه‌ها را به دنبال جبرئیل تکرار منما و بر زبان مران. چرا که هرچند قرآن مافوق طاقت و توان انسان است، امّا خدا حافظ و نگهدار آن است و آن را در مغزت ثبت و ضبط می‌نماید). بگو: پروردگارا! (در پرتو قرآن) بر دانشم بیفزا (و از قرآن و ابعاد مختلف آن آگاه‌ترم فرما).

توضیحات:

«تَعَالَیا»: والا مقام است. از علوّ و عظمت مطلق برخوردار است. «لا تَعْجَلْ بِالْقُرْءَانِ»: مراد نهی از عجله‌ای است که حضرت محمّد به هنگام دریافت وحی جهت فراگیری و حفظ قرآن داشت، و بدین خاطر با شتاب به دنبال فرشته وحی جبرئیل امین، آیات قرآنی را تکرار می فرمود (نگا: قیامه / ۱۵ - ۱۷، اعلی / ۶). «یُقْضَیا»: به پایان رسانده شود.

سوره طه آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ عَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبۡلُ فَنَسِيَ وَلَمۡ نَجِدۡ لَهُۥ عَزۡمٗا ١١٥﴾

ترجمه:

در آغاز کار، ما به آدم فرمان دادیم (که از میوه درخت ممنوع نخورد). امّا او ترک فرمان کرد و (از آن خورد، و در اوائل کار) از او تصمیم درستی و اراده استواری مشاهده نکردیم.

توضیحات:

«عَهِدْنَا إِلَیا ءَادَمَ»: به آدم فرمان دادیم. مراد از عهد در اینجا سفارش و فرمان است. چنین توصیه و امری هم راجع بود به نخوردن از میوه درخت ممنوع (نگا: بقره / ۳۵). «مِن قَبْلُ»: در اوائل کار. پیشاپیش. قبل از زمان حال در روزگاران گذشته. «نَسِیَ»: ترک کرد. مراد از نسیان در اینجا فراموش کردن مطلق نیست. زیرا بر فراموشی مطلق عتاب و ملامتی وجود ندارد. از سوی دیگر، شیطان که نخوردن از میوه درخت را برابر فرموده آیه ۲۰ سوره اعراف به یاد آدم آورده بود. لذا مراد ترک فرمان یا دست‌کم فراموش‌کاریی است که به سبب کم توجّهی حاصل می‌گردد (نگا: طه / ۱۲۶).

«عَزْماً»: تصمیم و اراده استواری که انسان را در برابر وسوسه‌های اهریمن نگاه دارد.

سوره طه آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ ١١٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بیان دار) آن گاه را که به فرشتگان دستور دادیم: برای آدم سجده (تعظیم و تکریم) ببرید، پس (همگی اطاعت کردند و) سجده بردند مگر ابلیس که سر باز زد.

توضیحات:

«أسْجُدُوا»: (نگا: بقره / ۳۴).

سوره طه آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ ١١٧﴾

ترجمه:

آن وقت گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و همسر تو است، پس (بپائید به دام وسوسه خود شما را گرفتار نسازد و) از بهشت بیرونتان نکند که به رنج و زحمت خواهی افتاد.

توضیحات:

«تَشْقَیا»: تو به درد و رنج خواهی افتاد. از شقاوتِ به معنی زحمت و مشقّت است (نگا: طه / ۲). روی سخن متوجّه آدم و حوّاء است، ولی علّت مفرد آمدن فعل بدان خاطر است که عهد و پیمان در آغاز متوجّه آدم بوده و نقطه پایان هم متوجّه او شده است. از سوی دیگر، درد و رنج مرد که رئیس اهل و عیال خود است، متضمّن درد و رنج اهل و عیال نیز می‌باشد.

سوره طه آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ ١١٨﴾

ترجمه:

(بر ما است که خواسته‌های زندگی تو را در بهشت فراهم سازیم و) تو در آن نه

گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌گردی.

توضیحات:

«إِنَّ لَكَ»: برای تو هست. مراد تضمین روزی از سوی خداوند است.

سوره طه آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ ١١٩﴾

ترجمه:

و در آن تو نه تشنه می‌مانی و نه آفتاب‌زده می‌شوی.

توضیحات:

«لا تَضْحَيا»: حرارت آفتاب سوزان به تو نمی‌خورد و گرمازده نمی‌گردی. مراد این است که کار کردن و رنج‌کشیدن در میان نیست.

سوره طه آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ لَّا يَبۡلَىٰ ١٢٠﴾

ترجمه:

سپس شیطان (به نیرنگ و حیله نشست و) آدم را وسوسه کرد (و بدو) گفت: آیا تو را به درخت جاودانگی و ملک فناناپذیر رهنمود کنم؟ (اگر از این درخت ممنوع بخورید، دیگر نمی‌میرید و سرمدی می‌شوید).

توضیحات:

«الْخُلْدِ»: جاودانگی. سرمدی. (نگا: اعراف / ۲۰). «لا يَبْلي»: کهنه و فرسوده نمی‌شود. فناپذیر و زائل نمی‌گردد.

سوره طه آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿فَأَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ ١٢١﴾

ترجمه:

سرانجام هر دو نفر از آن خوردند (و جامه‌های بهشتی از بدنشان فرو ریخت) و

شرمگاه‌شان برای‌شان نمایان شد (که تا آن زمان از ایشان پنهان بود) و شروع کردند به این که برگ‌های درختان بهشت را بر خود بپیچند و بچسبانند. بدین نحو آدم از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد و گمراه شد (و این واقعه پیش از نبوّت او بود).

توضیحات:

«فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا»: (نگا: اعراف / ۲۰ و ۲۲ و ۲۷). «غَوي»: گمراه شد. زندگیش تباه شد.

سوره طه آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ۝١٢٢﴾

ترجمه:

سپس پروردگارش او را (برای پیغمبری) برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و (به سوی اعتذار و استغفار) رهنمودش کرد.

توضیحات:

«إِجْتَبَاهُ»: انتخابش کرد. به پیغمبریش برگزید. خدا با توفیق توبه او را به خود نزدیک فرمود (نگا: اعراف / ۲۳).

سوره طه آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿قَالَ ٱهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًاۢ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ۝١٢٣﴾

ترجمه:

خدا دستور داد: هر دو گروه شما با هم (ای آدم و حوّاء و اهریمن!) از بهشت فرو آئید (و در زمین ساکن شوید، و در آنجا) برخی (از فرزندانتان) دشمن برخی دیگر خواهند شد، و هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد، هرکه از هدایت و رهنمودم پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد.

توضیحات:

«إِهْبِطَا»: مراد آدم و حوّاء و ابلیس است (نگا: بقره / ۳۶). «امّا»: (نگا: بقره / ۳۸). «لا يَضِلُّ»: در دنیا گمراه و سرگشته نمی‌شود. «لا يَشْقَيا»: در آخرت با درآمدن به

دوزخ بدبخت نمی‌گردد.

سوره طه آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ ١٢٤﴾

ترجمه:

و هرکه از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتاب‌های آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می‌آوریم.

توضیحات:

«ذِکْر»: یاد. مراد هر آن چیزی است که خدا بدان یاد شود، اعم از قرآن و غیر آن. «مَعیشَةً»: زندگی. مراد زندگی دنیا است (نگا: اعراف / ۱۰). «ضَنکاً»: تنگ. مراد سخت و پرنگرانی و اضطراب است (نگا: انعام / ۱۲۵). مصدر است و برای مذکر و مؤنّث یکسان به کار می‌رود. «أَعْمَیا»: کور. این کوری به هنگام زنده‌شدن و سر برآوردن از گورها است (نگا: اسراء / ۹۷).

سوره طه آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ١٢٥﴾

ترجمه:

خواهد گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا (برانگیخته‌ای و به عرصه قیامت گسیل داشته و در آنجا) جمع آورده‌ای؟ من که قبلاً (در دنیا) بینا بوده‌ام.

توضیحات:

«قَدْ کُنتُ بَصِیراً»: من بینا بوده‌ام. این جواب به اعتبار اکثر افراد است؛ چرا که برخی در دنیا کور مادرزاد بوده و یا بعدها کور شده‌اند.

سوره طه آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ ١٢٦﴾

ترجمه:

(خدا) می‌گوید: همین است (که هست و بچش نتیجه نافرمانی را). آیات (کتابهای آسمانی، و دلائل هدایتِ جهانی) من به تو رسید و تو آنها را نادیده گرفتی؛ همان‌گونه هم تو امروز نادیده گرفته می‌شوی (و بی‌نام و نشان در آتش رها می‌گردی).

توضیحات:

«كَذلِكَ»: همین است که می‌بینی. به خاطر آن است که. «نَسِيتَهَا»: آن را ترک کردی و درباره آن سستی نمودی. «تُنْسَيا»: فراموش می‌شوی. ترک گفته می‌شوی (نگا: اعراف / ۵۱).

سوره طه آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَنۡ أَسۡرَفَ وَلَمۡ يُؤۡمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦۚ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبۡقَىٰٓ ١٢٧﴾

ترجمه:

ما این‌گونه سزا می‌دهیم کسی را که افراط (در عصیان) و تفریط (در پرستش و عبادت) پیش می‌گیرد و به آیات پروردگارش ایمان نمی‌آورد. مسلّماً عذاب آخرت بسیار سخت‌تر و ماندگارتر (از عذاب این جهان) است.

توضیحات:

«كَذلِكَ نَجْزِي»: این‌گونه هم در دنیا سزا و جزا می‌دهیم. این‌گونه در آخرت سزا و جزا می‌دهیم. «أَسْرَفَ»: افراط و زیاده‌روی کرد. تفریط و کوتاهی کرد.

سوره طه آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ١٢٨﴾

ترجمه:

آیا آنان پی نبرده‌اند که پیش از ایشان بسیاری از مردمان (اعصار و ادوار مختلف) را نابود کرده‌ایم (و هم‌اینک ایشان برجای آنان نشسته‌اند) و در امکنه و منازلشان گام برمی‌دارند؟ (مگر شما پسینیان سرنوشتی جز سرنوشت پیشینیان دارید؟!). به حقیقت در این (صحنه‌های عبرت‌انگیز زمان) نشانه‌هائی برای (اندرز گرفتن و بیدار شدن)

خردمندان است.

توضیحات:

«أَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ»: آیا ایشان را رهنمود نکرده است؟ (نگا: اعراف / ۱۰۰). «الْقُرُونِ»: (نگا: انعام / ۶). «النُّهَيا»: (نگا: طه / ۵۴).

سوره طه آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾﴾

ترجمه:

اگر وعده پروردگارت قبلاً بر این نمی‌رفت (که عذاب و هلاک گناهکاران را به تأخیر بیندازد) و ملاحظه زمان مقرّر (یعنی قیامت) نبود (عذاب خدا هم اینک در دنیا) دامنگیر (کافران و فاسقان معاصر، بسان کافران و فاسقان پیش) می‌شد.

توضیحات:

«كَلِمَةٌ سَبَقَتْ»: سخنی که زده شده، و وعده‌ای که داده شده است (نگا: انفال / ۳۳، قمر / ۴۶). «لِزَاماً»: لازم و واجب. حتمی و قطعی. مصدر باب مفاعله است و در معنی وصفی برای مبالغه به کار رفته است. «أَجَلٌ مُّسَمّيً»: مدّت مقدّر عمرشان، یا روز قیامت (نگا: انعام / ۶). عطف است بر واژه (كَلِمَةٌ).

سوره طه آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾﴾

ترجمه:

(اکنون که بنا نیست این بدکاران فوراً مجازات شوند) پس تو (ای پیغمبر!) در برابر چیزهائی که می‌گویند (و تکذیب و استهزائی که می‌کنند) شکیبائی کن، و (برای تسلّی خاطر) قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن، و در اثناء شب و در بخش‌هائی از روز، به پرستش و ستایش پروردگارت مشغول شو، تا (پیوندت با خدا استوار گردد و آرامش خاطر به تو دست دهد، و بدانچه برایت مقدّر شده است) راضی و خوشنود شوی.

توضیحات:

«فَاصْبِرْ»: بدین سبب شکیبائی کن. حرف (فَ) سببیه است، و مراد از شکیبائی عدم اضطراب است؛ نه ترک جنگ و جهاد. «سَبِّحْ»: امر به پیغمبر به طور خاصّ و به پیروان او به طور عام است. «سَبِّحْ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ»: کنایه از تسبیح و تحمید و تنزیه مطلق خدا در همه اوقات است. یا این که مراد به جای آوردن نمازهای پنجگانه است. بدین شرح: «قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ»: نماز صبح. «قَبْلَ غُرُوبِهَا»: نماز ظهر و عصر. «مِنْ ءَانَآءِ الَّيْلِ»: نماز مغرب و عشاء. «أَطْرَافَ النَّهَارِ»: نماز صبح و مغرب، یا نماز ظهر. تکرار آن بیان‌گر مزیت بیشتر، و جمع آمدن آن برای همگونی با (ءَانَآءِ الَّيْلِ) است (نگا: تفسیر قاسمی). «ءَانَآءِ»: جمع إِنْو، إِنْی، أَنْی، ساعتها. بخشها (نگا: آل‌عمران / ۱۱۳). «أَطْرَافَ»: جوانب و ساعات. مراد بامدادان و شامگاهان است (نگا: هود / ۱۱۴).

سوره طه آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ ١٣١﴾

ترجمه:

چشم خود را مدوز به نعمت‌های مادیی که به گروههائی از کافران داده‌ایم. این نعمت‌های مادی که زینت زندگی دنیا است، بدی‌شان داده‌ایم تا آنان را بدان بیازمائیم. داده (اخروی جاویدان و سرمدی) پروردگارت بهتر و پایدارتر (از این نعمت‌های موقّت و زودگذر جهان فانی) است.

توضیحات:

«لا تَمُدَّنَّ»: مدوز. منگر. «أَزْوَاجاً»: اصناف. گروه‌ها و دسته‌ها (نگا: حجر / ۸۸). «زَهْرَةَ»: زینت و بهجت. آرایش و سرسبزی. مفعول فعل محذوف (جَعَلْنا) یا بدل از محلّ (**ما**) و یا حال است.

سوره طه آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ١٣٢﴾

ترجمه:

خانواده خود را به گزاردن نماز دستور بده (چرا که نماز مایه یاد خدا و پاکی و صفای دل و تقویت روح است) و خود نیز بر اقامه آن ثابت و ماندگار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه ما به تو روزی می‌دهیم. سرانجام (نیک و ستوده) از آن (اهل تقوا و) پرهیزگاری است.

توضیحات:

«**أَهْلَ**»: اهل پیغمبر، عبارت است از امت محمّدی و خانواده خودش. اهل مردم، افراد خانواده ایشان است. «لا نَسْأَلُكَ رِزْقاً»: از تو روزی نمی‌خواهیم. از تو روزی خودت و دیگران را نمی‌خواهیم. لذا به سبب فراچنگ آوردن رزق، از نماز غافل مشو. «الْعَاقِبَةُ»: مراد سرانجام نیکو است. چرا که سرانجام بد همچون معدوم بشمار است.

سوره طه آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا يَأۡتِينَا بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّهِۦٓۚ أَوَ لَمۡ تَأۡتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ١٣٣﴾

ترجمه:

(کافران مکه) می‌گویند: چرا (محمّد) معجزه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد (که ما خود پیشنهاد می‌کنیم؟ از قبیل: برجوشاندن چشمه ساری از زمین و داشتن باغی از درختان خرما و انگور و غیره). آیا معجزه (بزرگِ قرآن نام که در) کتاب‌های پیشین (آسمانی تورات و انجیل و زَبور مذکور است)، به پیش ایشان نیامده است؟

توضیحات:

«أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ... الأُولَيا»: آیا خبر روشن اقوام پیشین که در کتب آسمانی گذشته بوده است برای آنان نیامده است (که پیاپی معجزاتی پیشنهاد می‌کردند و پس از مشاهده معجزات، به کفر و انکار ادامه می‌دادند، و عذاب شدید الهی دامنگیرشان می‌شد). این‌ها چرا معجزه می‌طلبند و بهانه‌جوئی می‌کنند، مگر همین قرآن با این امتیازات بزرگ که حاوی حقائق کتب آسمانی پیشین است، برای آنان کافی نیست. «ءَايَةٍ»: معجزات حسّی، از قبیل: عصای موسی و ید بیضاء. معجزات پیشنهادی (نگا: إسراء /

۹۰ - ۹۳). «بَيِّنَةُ»: معجزه بزرگ کتاب‌های آسمانی، یعنی قرآن. معجزات انبیاء گذشته. «الصُّحُفِ الأُولَيا»: کتاب‌های آسمانی پیشین. از قبیل: تورات و انجیل و زبور (نگا: شعراء / ۱۹۶، اعلی / ۱۸ و ۱۹).

سوره طه آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّآ أَهۡلَكۡنَٰهُم بِعَذَابٖ مِّن قَبۡلِهِۦ لَقَالُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ مِن قَبۡلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخۡزَىٰ ١٣٤﴾

ترجمه:

اگر ما پیش از نزول قرآن و آمدن پیغمبر اسلام، ایشان را با عذابی نابود می‌کردیم، (روز قیامت) می‌گفتند: پروردگارا! چرا (در دنیا) پیغمبری برای ما نفرستادی، تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که (در آخرت) خوار و رسوا شویم (و به دوزخ گرفتار آئیم)؟

توضیحات:

«مِن قَبْلِهِ»: پیش از نزول قرآن. پیش از بعثت محمّد. «نَذِلَّ وَ نَخْزَيا»: در دنیا خوار و در آخرت رسوا شویم. در آخرت خوار و رسوا شویم.

سوره طه آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿قُلۡ كُلّٞ مُّتَرَبِّصٞ فَتَرَبَّصُواْۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ أَصۡحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ وَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ١٣٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به این منکران حقیقت و معاندان دین) بگو: (ما و شما) جملگی منتظر (وعده‌ها و وعیدهای الهی) هستیم (ما در انتظار وعده پیروزی بر شما هستیم و شما در انتظار شکست ما. حال که چنین است) پس شما هم انتظار بکشید. به زودی خواهیم دانست چه کسانی (از ما و شما) بر راه راست بوده و راهیابند (و چه کسانی گمراه و اهل عذابند).

توضیحات:

«كُلٌّ»: هر یک از ما و شما. «مُتَرَبِّصٌ»: منتظر. چشم به راه. (نگا: توبه / ۵۲، طور / ۳۰ و ۳۱، حدید / ۱۴) «السَّوِيِّ»: راست و مستقیم (نگا: مریم / ۱۷ و ۴۳).

سوره أنبیاء

سوره أنبیاء آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ ۝١﴾

ترجمه:

(زمان) محاسبه مردمان (کفرپیشه چون قریش بسیار) بدی‌شان نزدیک است در حالی که آنان غافل (از هول و هراس آن) و روی‌گردان (از ایمان بدان) می‌باشند.

توضیحات:

«حِسَابُهُمْ»: محاسبه ایشان. مراد زمان حساب و کتاب گرفتن از آنان است که قیامت است. (نگا: قمر / ۱)

سوره أنبیاء آیه ۲

متن آیه:

﴿مَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّن رَّبِّهِم مُّحۡدَثٍ إِلَّا ٱسۡتَمَعُوهُ وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ۝٢﴾

ترجمه:

هیچ بخش تازه‌ای از قرآن (و اندرز جدیدی) از سوی پروردگارشان بدی‌شان نمی‌رسد مگر این که آن را به شوخی می‌شنوند و به بازی می‌گیرند.

توضیحات:

«ذِكْرٍ»: قرآن (نگا: حجر / ۹). پند و اندرز. «مُحْدَثٍ»: تازه. صفت (ذِكْرٍ) است.

سوره أنبیاء آیه ۳

متن آیه:

﴿لَاهِيَةٗ قُلُوبُهُمۡۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلۡ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡۖ أَفَتَأۡتُونَ ٱلسِّحۡرَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ۝٣﴾

ترجمه:

(آنان در حالی هستند که) دل‌هایشان غافل است (از اندیشیدن درباره آن). چنین

ستم‌پیشگانی گفتگوهای درِگوشی (خود را که برای توطئه علیه پیغمبر و قرآن انجام می‌دادند) پنهان می‌داشتند (و به همدیگر) می‌گفتند: مگر این (شخص که ادّعای پیغمبری می‌کند) انسانی همچون شما نیست؟ (حال که او بشر عادی و همسان با شما است و کلام جادوئی دارد) آیا به سراغ جادو می‌روید (و آن را می‌پذیرید) گرچه می‌بینید (که جادو است؟!).

توضیحات:

«لاهِیَةً»: غافل و بی‌خبر. «أَسَرُّوا»: پنهان داشتند و پوشیدند. «الَّذِینَ»: بدل ضمیر (و) است یا فاعل است و از باب: «أَكَلُونِي الْبَرَاغِيثُ»: است. «أَسَرُّوا النَّجْوَيا»: جنبه مبالغه در پنهان داشتن دارد. «هَلْ هذا»: استفهام انکاری است. «أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ»: آیا به سراغ سحر می‌روید؟ آیا سحر را می‌پذیرید؟

سوره أنبیاء آیه ۴

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّي يَعۡلَمُ ٱلۡقَوۡلَ فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٤﴾

ترجمه:

(خدا پیغمبر را از سخنان پنهانی و توطئه‌های نهانی ایشان بیاگاهانید، و او بدیشان) گفت: پروردگارم می‌داند سخنی را که در آسمان و سخنی را که در زمین گفته شود؛ چرا که او شنوای (هر گفتاری و) آگاه (از هر کرداری) است.

توضیحات:

«قَالَ»: پیغمبر گفت.

سوره أنبیاء آیه ۵

متن آیه:

﴿بَلۡ قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمِۭ بَلِ ٱفۡتَرَىٰهُ بَلۡ هُوَ شَاعِرٞ فَلۡيَأۡتِنَا بِـَٔايَةٖ كَمَآ أُرۡسِلَ ٱلۡأَوَّلُونَ ٥﴾

ترجمه:

(ستمکاران کفرپیشه به این هم اکتفاء نمی‌کنند که می‌گویند: محمّد انسان عادی است و پیغمبر نبوده، و قرآن هم جادوئی بیش نیست) بلکه می‌گویند: (قرآن) خوابهای آشفته و پراکنده‌ای بیش نیست، نخیر او اصلاً آن را از پیش خود ساخته است

(و به خدا نسبت داده است)، نخیر اصلاً او شاعری است (و قرآن مجموعه‌ای از تخیلات شاعرانه خودش می‌باشد. اگر وی راست می‌گوید که فرستاده خدا است) پس او معجزه‌ای را به ما ارائه دهد که (از جنس معجزاتی باشد که) پیغمبران پیشین (از خود نموده و) با آن فرستاده شده‌اند.

توضیحات:

«بَلْ»: بلکه. این واژه برای گسیختن از موضوعی و پرداختن به موضوع دیگری به کار می‌رود. «أَضْغَاثُ أَحْلامٍ»: خوابهای آشفته و پریشان (نگا: یوسف / ۴۴). «ءَايَةٍ»: معجزه حسی و مادی مراد است (نگا: طه / ۱۳۳).

سوره أنبیاء آیه ۶

متن آیه:

﴿مَآ ءَامَنَتۡ قَبۡلَهُم مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآۖ أَفَهُمۡ يُؤۡمِنُونَ ۝٦﴾

ترجمه:

مردمان پیشینی که قبل از ایشان بوده‌اند (و تقاضای معجزات گوناگون نموده‌اند) هر کدام که ایمان نیاورده‌اند نابودشان کرده‌ایم. (قبلاً هم مشیت خدا بر این تعلّق گرفته است که مادام تو در میان قریش باشی، خدا ایشان را به عذابی گرفتار نکند که مایه نابودیشان گردد). مگر آنان ایمان می‌آورند؟! (ممکن نیست).

توضیحات:

«قَرْيَةٍ»: آبادی. مراد مردمان آبادی است. «مِن قَرْيَةٍ»: برخی حرف «مِنْ» را دالّ بر عموم نفی مابعد دانسته‌اند. یعنی: هیچ کدام از ملّت‌های پیشینی که درخواست معجزه کرده‌اند ایمان نیاورده و در نتیجه نابود شده‌اند. ولی بهتر است (مِنْ) تبعیضیه بشمار آید. به هر حال خدا چنین معجزه‌ای بدی‌شان نمی‌نمایاند، چرا که حتماً ایمان نمی‌آورند و در نتیجه نابود می‌شوند. خداوند هم پیشتر خواسته است که عذاب استیصال دامن‌گیر این ملّت نشود (نگا: أنفال / ۳۳).

سوره أنبیاء آیه ۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ۝٧﴾

ترجمه:

(تنها تو نیستی که پیغمبری، و در عین حال انسان. بلکه) پیش از تو جز مردانی را برنینگیخته‌ایم که بدی‌شان (دین آسمانی را) وحی کرده‌ایم. از (اهل علم و) آشنایان به کتاب‌های‌آسمانی بپرسید اگر این را نمی‌دانید.

توضیحات:

«رِجَالاً»: مردان. مراد این است که پیغمبران همه انسان بوده و از میان مردان برگزیده شده‌اند؛ نه زنان. «الذِّكْرِ»: مراد کتاب‌های آسمانی پیشین است (نگا: أنبیاء / ۱۰۵). دانش و آگاهی. «أَهْلَ الذِّكْرِ»: آشنایان به کتاب‌های آسمانی پیشین. آگاهان و فرزانگان.

سوره أنبیاء آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمَا جَعَلۡنَٰهُمۡ جَسَدٗا لَّا يَأۡكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ ٨﴾

ترجمه:

ما پیغمبران را به صورت کالبدهائی که غذا نخورند نیافریده‌ایم (بلکه آنان انسان بوده و همچون انسان‌های دیگر خورده‌اند و نوشیده‌اند و زندگی کرده‌اند و مرده‌اند) و عمر جاویدان هم نداشته‌اند.

توضیحات:

«جَسَداً»: مراد کالبد و پیکری است که مانند فرشتگان به غذا نیازمند نباشد.

سوره أنبیاء آیه ۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ صَدَقۡنَٰهُمُ ٱلۡوَعۡدَ فَأَنجَيۡنَٰهُمۡ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهۡلَكۡنَا ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٩﴾

ترجمه:

(ما به پیغمبران خود وعده داده بودیم که آنان را از چنگال دشمنان رهائی بخشیم و نقشه‌هایشان را نقش برآب کنیم. آری ما سرانجام) به وعده وفا کرده‌ایم و صدق آن را بدی‌شان نموده‌ایم و آنان و همه کسانی را که خواسته‌ایم، نجات بخشیده‌ایم، و زیاده‌روی کنندگان (در تکذیب و تعذیب پیغمبران) را نابود کرده‌ایم.

توضیحات:

«الْمُسْرِفِينَ»: مراد اسراف‌کنندگان در زشتی‌ها و پلشتی‌ها، و زیاده‌روی کنندگان در

تکذیب و تعذیب مؤمنان و انبیاء است.

سوره أنبياء آیه ۱۰

متن آیه:

﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٠﴾

ترجمه:

ما برایتان کتابی (به نام قرآن) نازل کرده‌ایم که وسیله بیداری و آوازه و بزرگواری شما است. آیا نمی‌فهمید (که سود و عظمت‌تان در چیست؟!).

توضیحات:

«فِيهِ ذِكۡرُكُمۡ»: در این کتاب شرف و عظمت شما نهفته است. آوازه و شهرت شما را پاس می‌دارد. مایه بیداری و وسیله هوشیاری شما است.

سوره أنبياء آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ١١﴾

ترجمه:

بسیار بوده است که (اهالی) آبادی‌های ستمگری را (به سبب کفرشان) نابود کرده‌ایم و پس از ایشان، گروه‌های دیگری را روی کار آورده‌ایم.

توضیحات:

«قَصَمۡنَا»: در هم شکسته‌ایم. مراد هلاک کردن و نابود ساختن است.

سوره أنبياء آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأۡسَنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَرۡكُضُونَ ١٢﴾

ترجمه:

آنان هنگامی که عذاب ما را احساس کرده‌اند، ناگهان پای به فرار گذاشته‌اند (و برای نجات خویش همچون چهارپایان به این سو و آن سو گریخته‌اند).

توضیحات:

«أَحَسُّوا»: احساس کرده‌اند. پی برده‌اند. این قسمت، تفصیل بخش اجمالی سابق است. چرا که احساس، پیش از هلاک است. «بَأۡسَنا»: عذاب ما. «يَرۡكُضُونَ»: از ماده

(رکض) به معنی تند دویدن، اسب را تاختن، و پا بر زمین کوبیدن است (نگا: ص / ۴۲).

سوره أنبياء آيه ۱۳

متن آيه:

﴿لَا تَرۡكُضُواْ وَٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتۡرِفۡتُمۡ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡـَٔلُونَ ١٣﴾

ترجمه:

(امّا به عنوان تمسخر و استهزاء بدی‌شان گفته شده است:) نگریزید و باز گردید به‌سوی زندگانی پرناز و نعمتی که در آن بسر می‌بردید و به‌سوی کاخها و قصرهای پرزرق و برقتان! شاید (خدمتگزاران و اطرافیانتان به شما نیاز داشته باشند و) از شما (کمکی و چیزی) خواسته شود (و به رأی و نظرتان محتاج باشند).

توضیحات:

«أُتْرِفْتُمْ فِيهِ»: در آن غرق خوشگذرانی بودید (هود / ۱۱۶).

سوره أنبياء آيه ۱۴

متن آيه:

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ١٤﴾

ترجمه:

می‌گویند: وای بر ما! ما ستمگر بوده‌ایم (و با کفر ورزیدن، بر خود ستم کرده‌ایم، و هم اینک به آتش می‌سوزیم).

توضیحات:

«يَا وَيْلَنَا»: ای وای بر ما! ترکیبی است که به هنگام افسوس خوردن و پشیمانی بردن گفته می‌شود.

سوره أنبياء آيه ۱۵

متن آيه:

﴿فَمَا زَالَت تِّلۡكَ دَعۡوَىٰهُمۡ حَتَّىٰ جَعَلۡنَٰهُمۡ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ١٥﴾

ترجمه:

پیوسته این، فریاد ایشان خواهد بود (و «وای بر ما» را تکرار می‌کنند) تا این که آنان را درویده و فرو افتاده می‌نمائیم (و ایشان را از پای می‌اندازیم و هلاکشان می‌سازیم).

توضیحات:

«دَعْوَاهُمْ»: فریاد و صدای ایشان. «حَصِیداً»: درو شده. مراد از پای انداخته و پی کرده می‌باشد. «خَامِدِینَ»: خاموش شدگان. مراد هلاک شوندگان و از نفس افتادگان است.

سوره أنبیاء آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ١٦﴾

ترجمه:

ما که آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است برای بازی و شوخی نیافریده‌ایم (و بیهوده و بی‌هدف ساخته و پرداخته نساخته‌ایم).

توضیحات:

«لاعِبِینَ»: بازی و شوخی‌کنان. حال ضمیر (نا) در (مَا خَلَقْنَا) است.

سوره أنبیاء آیه ۱۷

متن آیه:

﴿لَوۡ أَرَدۡنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهۡوٗا لَّٱتَّخَذۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ١٧﴾

ترجمه:

(به فرض محال) اگر می‌خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی مناسب خود انتخاب می‌کردیم (و لهو و لعب خدایانه‌ای برمی‌گزیدیم). ما چنین کاری را نمی‌کنیم.

توضیحات:

«مِن لَّدُنَّا»: متناسب با شأن خدایانه خود. «إِن كُنَّا فَاعِلِینَ»: اگر چنین کاری می‌کردیم. ما چنین کاری نمی‌کنیم. با توجّه به معنی دوم، حرف «إِنْ»: نافیه است (نگا: مریم / ۹۳).

سوره أنبیاء آیه ۱۸

متن آیه:

﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ ١٨﴾

ترجمه:

بلکه (ما چنین نمی‌خواهیم و) حق را به جان باطل می‌اندازیم، و حق مغز سر باطل را از هم می‌پاشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می‌شود. وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می‌کنید (از بی‌هدفی جهان، و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می‌بندید).

توضیحات:

«نَقْذِفُ»: پرت می‌کنیم. می‌اندازیم. «یَدْمَغُهُ»: جمجمه و مغز سر آن را می‌شکافد. محو و نابودش می‌کند. «زَاهِقٌ»: از میان رونده. مضمحلّ شونده. «أَلْوَیْلُ»: هلاک. عذاب. وای.

سوره أنبياء آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ ١٩﴾

ترجمه:

از آن او است هر که و هر چه در آسمان‌ها و زمین است، (و لذا تنها شایسته پرستش او است) و کسانی که در پیشگاه وی هستند (و مقرّبان درگاه پروردگارند، یعنی فرشتگان) از پرستش او سر باز نمی‌زنند و خویشتن را بالاتر از عبادتش نمی‌دانند و (از بندگی شبانه‌روزی خود هرگز) خسته نمی‌گردند.

توضیحات:

«مَنْ عِندَهُ»: کسانی که در پیشگاه خدایند. مراد فرشتگان مقرّب است که همچون صاحبان مکانت و منزلت در نزد شاهانند. مراد از پیشگاه خدا هم، محضر قرب معنوی است. «لا یَسْتَحْسِرُونَ»: خسته و درمانده نمی‌شوند (نگا: ملک / ۴).

سوره أنبياء آیه ۲۰

متن آیه:

﴿يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفۡتُرُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیسند و سستی به خود راه نمی‌دهند.

توضیحات:

«لا يَفْتَرُونَ»: سست نمی‌شوند و خسته و دلگیر نمی‌گردند.

سوره أنبياء آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةً مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ هُمۡ يُنشِرُونَ ٢١﴾

ترجمه:

(فرشتگان مقرّب این چنین به عبادات مشغولند، و امّا اینان) آیا خدایانی از (سنگ و چوب و فلز و دیگر اشیاء) زمین را به خدائی گرفته‌اند که (انگار قادرند مردگان را) زندگی دوباره بخشند؟!

توضیحات:

«أَمْ»: آیا؟ این حرف برای انتقال از سخنی و پرداختن به سخن دیگری است همراه با انکار (نگا: بقره / ۲۱۴). «مِنَ الأَرْضِ»: از عَناصِر و اشیاء زمین. «يُنشِرُونَ»: زندگی می‌بخشند. در آخرت مردگان را زنده می‌کنند.

سوره أنبياء آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از یزدان، معبودها و خدایانی می‌بودند و (امور جهان را می‌چرخاندند) قطعاً آسمان‌ها و زمین تباه می‌گردید (و نظام گیتی به هم می‌خورد. چرا که بودن دو شاه در کشوری و دو رئیس در اداره‌ای، نظم و ترتیب را به هم می‌زند). لذا یزدان صاحب سلطنت جهان، بسی برتر از آن چیزهائی است که ایشان (بدو نسبت می‌دهند و) بر زبان می‌رانند.

توضیحات:

«إِلاّ»: غیر از (نگا: هود / ۳۶). «الْعَرْشِ»: تخت سلطنت جهان. کنایه از عزّت و قدرت و فرماندهی است (نگا: أعراف / ۵۴). موجود ناشناخته‌ای که انسان به حقیقت آن پی نمی‌برد (نگا: حاقّه / ۱۷).

سوره أنبیاء آیه ۲۳

متن آیه:

﴿لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

خداوند در برابر کارهائی که می‌کند، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد (و بازپرسی نمی‌شود، و کسی حق خُرده‌گیری ندارد) ولی دیگران مورد بازخواست و پرسش قرار می‌گیرند (و در افعال و اقوال‌شان جای ایراد و سؤال بسیار است).

توضیحات:

«لا یُسْأَلُ...»: پرسیده نمی‌شود. اعتراض گرفته نمی‌شود.

سوره أنبیاء آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡۖ هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ وَذِكۡرُ مَن قَبۡلِيۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

آیا آنان غیر از یزدان، معبودهائی را (سزاوار پرستش دیده و) به خدائی گرفته‌اند؟! بگو: دلیل خود را (بر این شرک) بیان دارید. این (قرآن است که) راهنمای کسانی است که با من همراهند (و پسینیان بشمارند) و این (هم تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی که) راهنمای کسانی بوده که قبل از من می‌زیسته‌اند (و پیشینیان نامیده می‌شوند. هیچ کدام شرک را جائز نمی‌دانند و بلکه مردمان را به توحید و یکتاپرستی می‌خوانند. لذا گمان شما در امر شرک، نه بر عقل و نه بر نقل استوار است). اصلاً اغلب آنان (این کتابها را اندیشمندانه بررسی نکرده‌اند و چیزی از) حق نمی‌دانند، و این است که (از یکتاپرستی و ایمانِ ناآلوده به کثافت شرک) روی گردانند.

توضیحات:

«مِن دُونِهِ»: علاوه از خدا. غیر از خدا. «هذا»: این. مراد وحی یا قرآن و سائر کتاب‌های آسمانی است. «ذِکْرُ»: تذکر و رهنمود. یادآور و راهنمای مردم به خدا و دین (نگا: أعراف / ۶۳ و ۶۹، طه / ۹۹).

سوره أنبياء آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾

ترجمه:

ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید.

توضیحات:

سوره أنبياء آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

(برخی از کفّار عرب) می‌گویند: خداوند رحمان فرزندانی (برای خود، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که ملائکه دختران خدایند!). یزدان سبحان پاک و منزّه (از این‌گونه نقصها و عیبها) است. (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند (که به هیچ وجه از طاعت و عبادت و اجرا فرمان یزدان سرپیچی نمی‌کنند).

توضیحات:

«وَلَداً»: فرزندان. در اینجا مراد فرشتگان است (نگا: نحل / ۵۷). واژه «وَلَد»: برای مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث به کار می‌رود (نگا: بقره / ۱۱۶).

سوره أنبياء آیه ۲۷

متن آیه:

﴿لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند (نه به فرمان کس دیگری).

توضیحات:

«لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ»: چیزی نخواهند گفت تا خدا نگوید و فرمان ندهد. به فرمان او

عمل می‌نمایند و چانه نمی‌زنند و ستیزه نمی‌کنند.

سوره أنبياء آيه ۲۸

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

خداوند اعمال گذشته و حال و آینده ایشان را می‌داند (و از دنیا و آخرت و از وجود و پیش از وجود و بعد از وجودشان آگاه است) و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خوشنود است و (اجازه شفاعت او را داده است. به خاطر همین معرفت و آگاهی) همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند.

توضیحات:

«مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَاخَلْفَهُمْ»: (نگا: بقره / ۲۵۵). «خَشْيَةِ»: خوف همراه با تعظیم و تکریم و هیبت و رهبت (نگا: فاطر / ۲۸). «مُشْفِقُونَ»: افراد ترسان. اشخاص برحذر.

سوره أنبياء آيه ۲۹

متن آیه:

﴿وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

هرکس از ایشان (که فرشتگان و مأموران اجرا فرمان یزدانند، به فرض) بگوید غیر از خدا من هم معبودی هستم، سزای وی را دوزخ می‌گردانیم. سزای ظالمان (دیگری را هم که با ادّعاء ربوبیت و شرک به خویشتن ستم کنند) همین خواهیم داد.

توضیحات:

«مِن دُونِهِ»: غیر از او. به جای او.

سوره أنبياء آيه ۳۰

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ

ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٠﴾

ترجمه:

آیا کافران نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده عظیمی در گستره فضا، یکپارچه) به هم متّصل بوده و سپس (بر اثر انفجار درونی هولناکی) آنها را از هم جدا ساخته‌ایم (و تدریجاً به صورت جهان کنونی درآورده‌ایم) و هرچیز زنده‌ای را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده‌ایم. آیا (درباره آفرینش کائنات نمی‌اندیشند و) ایمان نمی‌آورند؟

توضیحات:

«أَوَلَمْ يَرَ...»: آیا نمی‌بینند؟ آیا نمی‌دانند و آگاهی ندارند؟ «رَتْقاً»: چسپیده و متّصل. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی (مَرْتُوق) است. «فَتَقْنَاهُمَا»: آن دو را از هم جدا و منفصل کردیم. استعمال فعل مثنّی (کانَتا) و ضمیر مثنّی (هُما) با توجّه به این است که مجموعه سماوات یک طرف، و خود ارض یا زمین یک طرف در مدّنظر بوده است. در این بخش اشاره گذرائی به آغاز پیدایش جهان شده است. «مِنَ الْمآءِ»: از آب. اشاره به پیدایش حیات در سواحل اقیانوس‌ها و دریاها و رودخانه‌ها است. به سبب آب. اشاره به این است که قسمت اعظم بدن انسان و حیوان و گیاه از آب تشکیل و بدون آب تحوّلات و انفعالات داخلی آنها ناممکن است، و از سوی دیگر قوام زندگی جانداران بر آب است.

سوره أنبياء آيه ۳۱

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ﴿٣١﴾﴾

ترجمه:

ما در زمین کوه‌های استوار و ریشه‌داری پدید آورده‌ایم تا زمین انسان‌ها را مضطرب نسازد و توازن آنان را به هم نزند (و کوه‌ها از فشار گدازه‌ها و گازهای درونی، و حرکات پوسته زمین، و از وزش تند بادها، تا حدّ زیادی جلوگیری کنند)، و در لابلای کوه‌ها راه‌های گشادی به وجود آورده‌ایم، تا این که (پیوند انسان‌ها به وسیله سلسله جبال‌ها از هم نگسلد و به مقصدشان) راهیاب گردند (و با دیدن این آثار به ذات آفریدگار پی

ببرند).

توضیحات:

«رَوَاسِيَ»: جمع رَاسِية، کوههای استوار و پابرجا. از آنجا که این‌گونه کوه‌ها در زیر باهم پیوند دارند، چه بسا این واژه اشاره به این پیوستگی ریشه‌ای کوه‌ها داشته که اثر عمیقی در جلوگیری از لرزش‌های زمین دارد. «أَن تَمِيدَ بِهِمْ»: تا ایشان را نلرزاند و توازنشان را به هم نزند (نگا: نحل / ۱۵). «فِجَاجاً»: جمع فَجّ، راه گشاد (نگا: حجّ / ۲۷). این واژه مفعول (جَعَلْنا) و واژه (سُبُلاً) بدل آن است. برخی هم (فِجَاجاً) را که در معنی صفت (سُبُلاً) است، حال آن دانسته‌اند (نگا: نوح / ۲۰). «يَهْتَدُونَ»: راهیاب شوند به یکتاپرستی و کمال قدرت و حکمت الهی. راهیاب شوند به مصالح و مقاصد زندگی.

سوره أنبیاء آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَجَعَلْنَا ٱلسَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًاۖ وَهُمْ عَنْ ءَايَٰتِهَا مُعْرِضُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

و ما آسمان را سقف محفوظی نمودیم، ولی آنان از نشانه‌های (خداشناسی موجود در) آن روی گردانند (و درباره این همه عظمتی که بالای سرشان جلوه‌گر است نمی‌اندیشند).

توضیحات:

«السَّمَآء»: مراد کواکب و نجوم موجود در گستره فضای نزدیک به ما، یا به عبارت دیگر، آسمان دنیا است که بر اثر تماسک و تجاذب از سقوط محفوظ و مصونند (نگا: حجّ / ۶۵). یا این که مراد از آسمان، جوی است که همچون سقفی گرداگرد زمین را فرا گرفته است و آن را در برابر شهاب‌ها و سنگ‌های سرگردان و اشعّه کیهانی نگاه می‌دارد و از انهدام حفظ می‌کند.

سوره أنبیاء آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَۖ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

خدا است که شب و روز و خورشید و ماه را آفریده‌است و همه در مداری می‌گردند (که او برای آنها تعیین کرده است).

توضیحات:

«کُلٌّ»: همه این چهار چیز. یعنی شب و روز و خورشید و ماه. زیرا شب که همان سایه مخروطی زمین است، در گرد زمین دائماً در حرکت است، و نور آفتاب که به زمین می‌تابد و روز را تشکیل می‌دهد، همانند استوانه‌ای است که در گرد این کره پیوسته نقل مکان می‌کند. بنابراین شب و روز نیز برای خود مسیر و مکانی دارند. «فَلَكٍ»: مراد مدار و راه حرکت است (نگا: یس / ۴۰). «یَسْبَحُونَ»: شناورند. در حرکتند.

سوره أنبیاء آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

ما برای هیچ انسانی پیش از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم (تا برای تو جاودانگی قرار دهیم. بلکه هر کسی مرده و می‌میرد و تو هم می‌میری. وانگهی آنان که انتظار مرگ تو را دارند و با مرگ تو اسلام را خاتمه یافته می‌دانند)، مگر اگر تو بمیری ایشان جاویدانه می‌مانند؟!

توضیحات:

«الْـخُلْدَ»: ماندن همیشگی در دنیا. جاودانگی.

سوره أنبیاء آیه ۳۵

متن آیه:

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

هر کسی مزه مرگ را می‌چشد (و قطعاً می‌میرد، اعم از پیغمبر و غیر پیغمبر. چرا که زنده جاوید تنها خدا است و بس). ما شما را با سود و زیان و بدیها و خوبی‌ها (در زندگی دنیا) کاملاً می‌آزمائیم، و سرانجام به‌سوی ما برگردانده می‌شوید (و جزا و سزای اعمال خود را دریافت می‌دارید).

توضیحات:

«نَبْلُوكُمْ»: شما را می‌آزمائیم. یعنی همچون آزماینده‌ای شما را مورد آزمایشهای گوناگون خوشی و ناخوشی قرار می‌دهیم. «فِتْنَةً»: آزمایش. آزمون. مفعول مطلق است از غیر لفظ فعل و برای تأکید است (نگا: فرقان / ۲۰).

سوره أنبیاء آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

هنگامی که کافران تو را می‌بینند، کاری جز تمسخر و استهزاء تو را ندارند، (و خواهند گفت:) آیا این همان کسی است که از خدایان شما عیبجوئی و بدگوئی می‌کند؟ (مگر او را سزد که چنین گوید و کند؟!). و حال این که ایشان (که نمی‌پسندند از بتان سنگی و بی‌جانشان بدگوئی شود) به قرآن خداوند مهربان (و خالق انسان و جهان) باور ندارند.

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی است و به معنی (لا) است. «هُزُواً»: مسخره. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی مَهْزُوء می‌باشد (نگا: مائده / ۵۷ و ۵۸). «وَهُم بِذِكْرِ...»: جمله حالیه است. در حالی که خود کافران. «يَذْكُرُ»: عیبجوئی و بدگوئی می‌کند (نگا: اسراء / ۶۰). «ذِكْرِ الرَّحْمنِ»: قرآن خداوند مهربان (نگا: آل‌عمران / ۵۸، حجر / ۶ و ۹). کتاب‌های آسمانی (نگا: انبیاء / ۱۰۵). وحی آسمانی. ایمان به خدا. «هُمْ»: برای تأکید ضمیر ماقبل است.

سوره أنبیاء آیه ۳۷

متن آیه:

﴿خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ٣٧﴾

ترجمه:

(آن چنان انسان شتابگر است که انگار) انسان از شتاب ساخته شده است (و تار و پود وجودش از عجله فراهم آمده است. انسان هم برای دیدن خیر و نعمت، و هم برای

مشاهده شر و نقمت عجول است). هرچه زودتر بلا و عذاب خويش را به شما می‌نمایانم. به شتابم نیندازید و عجله نکنید.

توضیحات:

«خُلِقَ الإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ»: مراد شتابزدگی انسان است (نگا: اسراء / ۱۱). «ءَايَاتِي»: بلا و عذاب خود. مراد دلائل صدق وعده الهی مبنی بر دامنگیری عذاب و عقاب دنیوی و اخروی است. «لا تَسْتَعْجِلُونِ»: با شتاب و عجله از من مخواهید. از من نخواهید که قبل از موعد، عذاب را برسانم، یا قیامت را برپا دارم.

سوره أنبياء آيه ۳۸

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

می‌گویند: فرا رسیدن این وعده (که رستاخیز و قیامت نام دارد) کی خواهد بود اگر (ای مؤمنان! در سخن خود) راستگو هستید؟

توضیحات:

«هذاَ الْوَعْدُ»: مراد وعده عذاب دنیوی و اخرویی است که پیغمبر و مؤمنان فرا رسیدن آن را به گوش کافران می‌رساندند.

سوره أنبياء آيه ۳۹

متن آیه:

﴿لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

اگر کافران خبر می‌داشتند از آن زمانی که (قیامت فرا می‌رسد و به دوزخ می‌افتند و آتش جهنّم از هر سو ایشان را در بر می‌گیرد و) آنان نمی‌توانند آتش را از پس و پیش خود باز دارند و (از طرف کسی هم) ایشان یاری نمی‌گردند، (اینک چنین سخنانی نمی‌گفتند).

توضیحات:

«حِينَ»: مفعول‌به فعل (يَعْلَمُ) است. «لا يَكُفُّونَ»: بازنمی‌دارند. نمی‌توانند به دور

کنند. «وُجُوهِهِمْ... ظُهُورِهِمْ»: مراد از روها و پشت‌ها، پیش و پس است که اشهر جوانب و اطراف انسان است، والاّ آتش از بالا و پائین و راست و چپ و روبرو و پشت سر و بالاخره از درون و بیرون، دوزخیان را در برمی‌گیرد (نگا: عنکبوت / ۵۴ و ۵۵، هُمَزه / ۶ و ۷).

سوره أنبیاء آیه ۴۰

متن آیه:

﴿بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ۝٤٠﴾

ترجمه:

(قیامت با اطّلاع قبلی فرا نمی‌رسد و) بلکه ناگهانی به سراغ ایشان می‌آید و آنان را مات و مبهوت می‌کند و توانائی دفع و برگرداندن آن را نخواهند داشت و دیگر مهلت و فرصت (توبه و معذرت) بدی‌شان داده نمی‌شود.

توضیحات:

«بَغْتَةً»: ناگهانی و سرزده. «فُجْأَة». مصدر است و حال و یا مفعول مطلق بشمار است. «فَتَبْهَتُهُمْ»: پس ایشان را به دهشت و حیرت می‌اندازد. «لاهُمْ يُنظَرُونَ»: ایشان مهلت داده نمی‌شوند.

سوره أنبیاء آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! این تنها تو نیستی که از طرف کفّار مورد استهزاء قرار می‌گیری. بلکه) پیغمبران بزرگواری پیش از تو مورد تمسخر قرار گرفته‌اند، و سرانجام عذابی که مسخره‌کنندگان بازیچه و شوخی می‌دانسته‌اند، ایشان را فرا گرفته و دامنگیرشان گشته است.

توضیحات:

«رُسُلٍ»: پیغمبران عظیم‌الشأن تنوین برای تعظیم و توقیر است. «حَاقَ»: دامنگیر گشته است. فرا گرفته است (نگا: أنعام / ۱۰). «سَخِرُوا مِنْهُمْ»: آنان که پیغمبران را

مسخره و استهزاء کرده‌اند.

سوره أنبياء آيه ۴۲

متن آيه:

﴿قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

بگو: چه کسی می‌تواند شما را در شب و روز از (دست عقاب و عذاب) خداوند مهربان محفوظ و مصون بدارد؟! (هيچ کسی نمی‌تواند). اصلاً ايشان از قرآن (که آنان را به ياد خدا و انجام نيکی‌ها و دوری از بدی‌ها می‌اندازد) روی‌گردان و گريزانند.

توضيحات:

«يَكْلَؤُكُمْ»: شما را محفوظ و حمايت می‌کند. از مصدر كلْأ و كلاءَة، به معنی: رعايت و حمايت و حراست.

سوره أنبياء آيه ۴۳

متن آيه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَ أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا يُصۡحَبُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

يا اين که آنان خدايانی دارند که می‌توانند ايشان را از (عذاب) ما باز و به دور دارند؟! (اين خدايان ساختگی) نه خود را می‌توانند ياری کنند (و از عذاب بلای ما برهانند) و نه (برای نجات) از (عقاب و عذاب) ما از سوی کسی ياری می‌گردند و پناه داده می‌شوند.

توضيحات:

«مِن دُونِنَا»: از رويارويی با ما و رهائی از دست ما. «لا يَسْتَطِيعُونَ نصْرَ أَنفُسِهِمْ ، وَ لا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ»: نه خود را می‌توانند کمک و ياری کنند، و نه در برابر ما از سوی کسی بدی‌شان کمک و ياری می‌شود و از دست عذاب ما پناه داده می‌شوند. نه خودشان قدرت دفاع از خود دارند، و نه از سوی ما ياری و مدد می‌شوند. «يُصْحَبُونَ»: پناه داده می‌شوند. کمک می‌گردند. از مصدر (إصحاب) به معنی پناه دادن و در جوار خود گرفتن.

سوره أنبياء آيه ۴۴

متن آیه:

﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

(در برابر کفر کافران، در رساندن عذاب شتاب نداریم، و) بلکه ما اینان و پدرانشان را از انواع نعمتها بهره‌مند ساخته‌ایم (و ایشان به جای شکرگزاری، به غرور و طغیان خود افزوده‌اند) تا بدانجا که عمر طولانی کرده‌اند (ولی سرانجام آهسته و آرام گرفتار عقاب و عذاب ما شده و می‌شوند). مگر آنان نمی‌بینند که (این نعمت و ملک می‌رود دست به دست، و ما از نعمت و قدرت و صحّت و جاه و جلال گروهی می‌کاهیم، و بر ثروت و شوکت و عظمت و نعمت گروه دیگری می‌افزائیم؟ بلی! این جهان و نعمتهایش پایدار نیست و) ما از زمین (اینان) می‌کاهیم (و بر زمین آنان می‌افزائیم، و قدرت و دولت را میان مردمان دست به دست می‌گردانیم). آیا (با این حال ما غالبیم یا) ایشان غالبند؟

توضیحات:

«مَتَّعْنَا»: نعمت داده‌ایم. بهره‌مند و برخوردار کرده‌ایم. این آیه اشاره به قاعده استدراج دارد (نگا: اعراف / ۱۸۲). «أَنَّا نَأْتِي الأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا»: اشاره به چرخه زندگی است و مراد کاستن از دارائی و توانائی دسته‌ای، و افزایش بر دارائی و توانائی گروهی است. در اینجا چون مقام تهدید است تنها به کاهش اشاره شده است و از افزایش سخن نرفته است.

سوره أنبياء آيه ۴۵

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلۡوَحۡيِۚ وَلَا يَسۡمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

بگو: (ای کافران! من از پیش خود چیزی نمی‌گویم و با سخنان خود شما را بیم نمی‌دهم. بلکه) شما را با وحی (و کلام آسمانی قرآن) بیم می‌دهم. (اگر در دل سخت شما اثر نمی‌گذارد، به خاطر آن است که بر اثر روی‌گردانی از حق، انگار پرده‌های گناه و غرور و غفلت بر گوشهایتان فرو افتاده است و کرتان ساخته است) و اشخاص کر

هنگامی که بیم داده می‌شوند، صدا و ندا را نمی‌شنوند.

توضیحات:

«بِالْوَحْيِ»: به وسیله وحی و پیام آسمانی. «إِذَا مَا»: زمانی که.

سوره أنبياء آيه ۴۶

متن آیه:

﴿وَلَئِن مَّسَّتۡهُمۡ نَفۡحَةٞ مِّنۡ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

اگر گوشه ناچیزی از عذاب پروردگارت (که از آن بیم داده می‌شوند) بدی‌شان برسد (به فریاد می‌آیند و) خواهند گفت: وای بر ما! ما ستمگر بوده‌ایم (و با معاصی و کفر بر خود و دیگران ظلم نموده‌ایم).

توضیحات:

«مَسَّتْهُمْ»: بدی‌شان رسید. دامنگیرشان شد. «نَفْحَةٌ»: وزشی. بوئی. مراد کمی و اندکی است.

سوره أنبياء آيه ۴۷

متن آیه:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی‌شود، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می‌سازیم (و سزا و جزای آن را می‌دهیم) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم.

توضیحات:

«الْـمَوَازِينَ»: جمع میزان، ترازو. نوع و کیفیت آن بر ما مجهول است. «الْقِسْطَ»: عدل و داد. مصدر است و برای مبالغه صفت واقع شده و به معنی «الْعَادِلَة»: است. «لِيَوْمِ»: در روز. واژه (لِ) به معنی (فِي) است. «شَيْئاً»: مفعول مطلق است. «مِثْقَالَ»: به

اندازه سنگینی. خبر (کانَ) است و اسم آن (الْعَمَلُ) یا (الظُّلْمُ) محذوف است. «خَرْدَلٍ»: دانه خردل. عرب‌ها در کوچکی و ریزی به دانه خردل مَثَل می‌زنند. «أَتَیْنَا بِهَا»: آن را حاضر و آماده می‌سازیم. «حَاسِبِینَ»: حسابرسان. حسابگران. تمییز است.

سوره أنبیاء آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَیۡنَا مُوسَىٰ وَهَـٰرُونَ ٱلۡفُرۡقَانَ وَضِیَآءٗ وَذِکۡرٗا لِّلۡمُتَّقِینَ ۴۸﴾

ترجمه:

ما به موسی و هارون (کتاب جامعی به نام تورات) دادیم (که) جداسازنده (حق از باطل بود) و نوری (بود که در ظلمات جهل و ضلالت در پرتو آن به‌سوی خیر و هدایت حرکت می‌شد) و پند و اندرز پرهیزگاران (بشمار می‌آمد).

توضیحات:

«الْفُرْقَانَ»: جداسازنده حق و باطل. «ضِیَآءً»: نور. «ذِکْراً»: پند و اندرز. پنددهنده و اندرزگو. عطف (ضِیَآءً) و (نُوراً) و (ذِکْراً) بر همدیگر، از قبیل عطف صفت بر موصوف خود است (نگا: احزاب / ۱۲).

سوره أنبیاء آیه ۴۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِینَ یَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَیۡبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشۡفِقُونَ ۴۹﴾

ترجمه:

همان کسانی که از پروردگارشان در غیب و نهان می‌ترسند و از (شدائد و دادگاهی روز) قیامت در هول و هراس بسر می‌برند.

توضیحات:

«بِالْغَیْبِ»: در نهان از چشم مردمان، و در وقت خلوت با خود.

سوره أنبیاء آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَهَـٰذَا ذِکۡرٞ مُّبَارَكٌ أَنزَلۡنَـٰهُۚ أَفَأَنتُمۡ لَهُۥ مُنکِرُونَ ۵۰﴾

ترجمه:

این (قرآن) پنددهنده پرخیر و برکتی است که (یادآور خوبی‌ها و نیکی‌ها و همه چیزهائی است که برایتان مفید و سودمند باشد و) آن را (برایتان) نازل کرده‌ایم (همان گونه که تورات را بر موسی و هارون نازل کرده بودیم). آیا شما (عربها که اهل بلاغت و فصاحت بوده و افتخار و شهرتتان در گروِ قرآن است) آن را منکر می‌شوید و ناشناخته‌اش می‌گیرید؟

توضیحات:

«ذِكْرٌ»: قرآن (نگا: حجر / ۶ و ۹). پنددهنده (نگا: انبیاء / ۳۶).

سوره أنبياء آيه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ إِبۡرَٰهِيمَ رُشۡدَهُۥ مِن قَبۡلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ٥١﴾

ترجمه:

ما (وسیله) هدایت و راهیابی را پیشتر (از موسی و هارون) در اختیار ابراهیم گذارده بودیم و از (احوال و فضائل) او برای (حمل رسالت) آگاهی داشتیم.

توضیحات:

«رُشْد»: هدایت راهیابی به خیر و صلاح دنیا و آخرت. «مِن قَبْلُ»: از قبل. پیش از موسی و هارون.

سوره أنبياء آيه ۵۲

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ أَنتُمۡ لَهَا عَٰكِفُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

آن گاه که به پدرش و قوم خود گفت: این مجسّمه‌هائی که شما دائماً به عبادتشان مشغولید چیستند (و چه ارزشی دارند؟ چرا باید چیزهائی را بپرستید که خودتان آنها را ساخته و پرداخته کرده‌اید؟!).

توضیحات:

«التَّمَـاثِيلُ»: جمع تِمثال، مجسّمه‌ها و تندیسها. «لَـها»: بر آنها. حرف (ل) به معنی (عَلَيا) است. «عَاكِفُونَ»: مداومان بر طاعت و عبادت و تعظیم و تکریم.

سوره أنبياء آيه ۵۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

(پاسخ دادند و) گفتند: ما پدران (و نیاکان) خویش را دیده‌ایم که این‌ها را پرستش می‌کرده‌اند (و ما از روش و آئین گذشتگانمان دست برنمی‌داریم).

توضیحات:

«وَجَدۡنَا»: دیده‌ایم و یافته‌ایم. «ءَابَآءَ»: پدران. مراد نیاکان و گذشتگان است.

سوره أنبیاء آیه ۵۴

متن آیه:

﴿قَالَ لَقَدۡ كُنتُمۡ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٥٤﴾

ترجمه:

ابراهیم گفت: قطعاً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده و هستید.

توضیحات:

«مُبِینٍ»: واضح. روشن و آشکار.

سوره أنبیاء آیه ۵۵

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا بِٱلۡحَقِّ أَمۡ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

گفتند: آیا واقعاً (معتقدی) آنچه را به ما می‌گوئی حقیقت دارد، یا این که (با ما شوخی می‌کنی و) جزو افراد ملعبه‌باز و شوخی کننده هستی؟! (مگر می‌شود گذشتگان ما در این کار گمراه بوده باشند؟!).

توضیحات:

«اللاّعِبِینَ»: شوخی و مزاح‌کنندگان.

سوره أنبیاء آیه ۵۶

متن آیه:

﴿قَالَ بَل رَّبُّكُمۡ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٦﴾

ترجمه:

(ابراهیم بدی‌شان) گفت: (من اهل شوخی و مزاح نیستم و آنچه می‌گویم جدی است. این‌ها خدایان شما نیستند و) بلکه پروردگار شما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است. همان پروردگاری که آنها را آفریده است و من بر این چیزی که گفتم از زمره گواهانی هستم که آگاهند و با دلیل و برهان گفته خود را ثابت می‌نمایند.

توضیحات:

«فَطَرَهُنَّ»: آنها را خلق کرده است. بدون مُدِل و نمونه قبلی آنها را آفریده است. «الشَّاهِدِينَ»: گواهان. در اینجا مراد کسانی است که مسأله‌ای برای آنان واضح و آشکار است و برای اثبات آن دلیل و برهان کامل دارند. تنها چیزی را خواهند گفت که می‌بینند و می‌دانند.

سوره أنبياء آيه ۵۷

متن آيه:

﴿وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصۡنَٰمَكُم بَعۡدَ أَن تُوَلُّواْ مُدۡبِرِينَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

(آن گاه ابراهیم آهسته) گفت: به خدا سوگند! من نسبت به بتانتان قطعاً چاره‌اندیشی می‌کنم (و نقشه‌ای برای نابودیشان خواهم کشید) وقتی که پشت بکنید و بروید (و برای مراسم عید بیرون شهر روید و از آنها دور شوید).

توضیحات:

«لاَکِیدَنَّ»: حتماً نقشه نابودی بت‌ها را می‌کشم و چاره‌سازی می‌کنم. «تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»: هرگاه بروید و پشت کنید و دور شوید. (مُدْبِرِينَ) حال مؤکده است.

سوره أنبياء آيه ۵۸

متن آيه:

﴿فَجَعَلَهُمۡ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرٗا لَّهُمۡ لَعَلَّهُمۡ إِلَيۡهِ يَرۡجِعُونَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

(وقتی که روز عید فرا رسید و مردمان برای انجام مراسم خاصّ آن بیرون شهر رفتند، ابراهیم به‌سوی بت‌ها رفت) و همه آنها را قطعه قطعه کرد، مگر بت بزرگشان را، تا به پیش آن بیایند (و از آن چگونگی حادثه و علّت چنین کاری را بپرسند، و

بدی‌شان پاسخ ندهد و بطلان بت‌پرستی برای‌شان روشن شود).

توضیحات:

«جُذَاذاً»: تکه‌تکه. قطعه قطعه. مصدر است و به معنی اسم مفعول. «إلاّ کَبِیراً لَّـهُمْ»: مگر بت بزرگ‌تر در مقام یا از لحاظ پیکره را. مگر بت بزرگ مردمان را. «إِلَیْهِ»: مرجع (ه) می‌تواند بت بزرگ باشد، تا عبرت بگیرند. و نیز می‌تواند (ابراهیم) باشد تا تمام گفتنی‌ها را بگوید.

سوره أنبیاء آیه ۵۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٩﴾

ترجمه:

(هنگامی که به بتخانه برگشتند و چنین وضعی را دیدند، فریاد زدند و) گفتند: چه کسی چنین کاری را بر سر خدایان ما آورده است؟ (هر کسی این کار را کرده باشد) او از جمله ستمگران است (و باید کیفر خود را ببینند).

توضیحات:

«إِنَّهُ لَـمِنَ الظَّالِـمِینَ»: مراد این است کسی که چنین کرده است، خویشتن را در معرض هلاک انداخته و به خود و دیگران ستم روا داشته است.

سوره أنبیاء آیه ۶۰

متن آیه:

﴿قَالُواْ سَمِعۡنَا فَتًى يَذۡكُرُهُمۡ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبۡرَٰهِيمُ ٦٠﴾

ترجمه:

(برخی) گفتند: جوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که بدو ابراهیم می‌گویند.

توضیحات:

«فَتيً»: جوان. مرد کامل (نگا: یوسف / ۳۰ و ۳۶ و ۶۲، کهف / ۱۰ و ۱۳ و ۶۰). «یَذْکُرُهُمْ»: به زشتی از آنها یاد می‌کرد. می‌گفت که بلائی بر سر آنها خواهد آورد.

سوره أنبیاء آیه ۶۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ فَأۡتُواْ بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعۡيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡهَدُونَ ٦١﴾

ترجمه:

(بزرگان قوم) گفتند: او را در برابر مردم حاضر کنید تا (دادگاهی شود و آگاهان) گواهی دهند.

توضیحات:

«عَلَیا أَعْیُنِ النَّاسِ»: در برابر دید مردم.

سوره أنبیاء آیه ۶۲

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ ءَأَنتَ فَعَلۡتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ٦٢﴾

ترجمه:

گفتند: آیا تو ای ابراهیم! این کار را بر سر خدایان ما آورده‌ای؟

توضیحات:

سوره أنبیاء آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالَ بَلۡ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمۡ هَٰذَا فَسۡـَٔلُوهُمۡ إِن كَانُواْ يَنطِقُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

(ابراهیم گفت: چرا از من بازخواست می‌کنید؟ آثار و ابزار جرم بر بت بزرگ هویدا و همراه است) شاید این بت بزرگ چنین کاری را کرده باشد! (مگر نه این است که تبر بر گُرده او است و تنها وی برجای است و شما آن را می‌پرستید و حل مشکلات و رفع بلاها را از آن و از دیگر بتان می‌خواهید؟) پس از آنها مسأله را بپرسید اگر می‌توانند صحبت کنند. (چرا که خدا باید قادر بر هر چیزی باشد).

توضیحات:

«بَلْ»: بلکه. حرفی است برای ابطال ماقبل خود و اثبات مابعد. «کَبیرُهُمْ»: بزرگ بت‌های دیگر.

سوره أنبیاء آیه ۶۴

متن آیه:

﴿فَرَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ فَقَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

آنان به خود آمدند و به خویشتن گفتند: حقیقه شما (بت‌پرستان) ستمگرید (که چیزهای ناتوان و ضعیفی را می‌پرستید).

توضیحات:

«فَرَجَعُوا إِلَيا أَنفُسِهِمْ»: به خود بازگشتند و بیدار گشتند. «فَقَالُوا»: به خویشتن گفتند. برخی به برخی گفتند.

سوره أنبیاء آیه ۶۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ نُكِسُواْ عَلَىٰ رُءُوسِهِمۡ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

(این بیداری روحانی بر اثر این طوفان روانی، دقائقی بیشتر طول نکشید و) سپس آنان چرخشی زدند و عقب‌گرد کردند (و گفتند:) تو که می دانستی این‌ها سخن نمی‌گویند.

توضیحات:

«نُكِسُوا عَلَيا رُؤُوسِهِمْ»: گرد سر خود چرخیدند. یعنی از حالت اقرار به اشتباه و خطا، به ستیزه و جدال باطل گرائیدند و هدایت را رها و به ضلالت دست یازیدند.

سوره أنبیاء آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَالَ أَفَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا يَضُرُّكُمۡ ٦٦﴾

ترجمه:

(ابراهیم) گفت: آیا به جای خداوند (جهان و خالق انسان) چیزهائی را می‌پرستید که کمترین سود و زیانی به شما نمی‌رسانند؟

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: به جای خدا.

سوره أنبیاء آیه ۶۷

متن آیه:

﴿أُفّٖ لَّكُمۡ وَلِمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

وای بر شما! و وای برچیزهائی که به جای خدا می‌پرستید! آیا نمی‌فهمید (که از این مجسّمه‌ها و تندیس‌ها کاری ساخته نیست و شایسته پرستش نیستند؟).

توضیحات:

«أُفٍّ لَّكُمْ»: اف بر شما. بیزارم از شما به سبب کاری که می‌کنید.

سوره أنبياء آيه ۶۸

متن آیه:

﴿قَالُواْ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓاْ ءَالِهَتَكُمۡ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ٦٨﴾

ترجمه:

(برخی به برخی رو کردند و) گفتند: اگر می‌خواهید کاری کنید (که انتقام خدایان خود را گرفته باشید) ابراهیم را سخت بسوزانید و خدایان خویش را مدد و یاری دهید.

توضیحات:

«إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ»: اگر کاری از شما ساخته است. اگر می‌خواهید انتقام بگیرید.

سوره أنبياء آيه ۶۹

متن آیه:

﴿قُلۡنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ٦٩﴾

ترجمه:

(آتشی را برافروختند و ابراهیم را در آن انداختند و) ما به آتش دستور دادیم که ای آتش سرد و سالم شو بر ابراهیم (و کمترین زیانی بدو مرسان).

توضیحات:

«بَرْداً»: سرد. «سَلاماً»: نجات و امان. «بَرْداً وَ سَلاماً»: در اصل به معنی «ذاتَ بَرْدٍ وَ سَلامٍ» است.

سوره أنبياء آيه ۷۰

متن آیه:

﴿وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَخۡسَرِينَ ٧٠﴾

ترجمه:

آنان خواستند که ابراهیم را با نیرنگ خطرناکی نابود کنند، ولی ما ایشان را

زیانبارترین مردم نمودیم (چرا که نیرنگشان نگرفت و حتّی سبب ذلّت نمرود و نمرودیان گردید و انگیزه ایمان آوردن مردمانی گشت).

توضیحات:

«کَیْداً»: نقشه نابودی خطرناک. نیرنگ بزرگ.

سوره أنبياء آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا لِلۡعَٰلَمِينَ ٧١﴾

ترجمه:

و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسیل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پرخیر و برکتش برای جهانیان کرده‌ایم.

توضیحات:

«لُوطاً»: لوط، برادرزاده یا عموزاده ابراهیم بود. «الأَرْض»: مراد سرزمین شام است که سرزمین حاصلخیز و محلّ زندگی بسیاری از انبیاء بوده است (نگا: إسراء / ۱) و ابراهیم بعد از بابلِ عراِ، در آنجا زیسته است (نگا: المصحف المیسّر).

سوره أنبياء آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ نَافِلَةٗۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا صَٰلِحِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

ما به ابراهیم اسحاق و یعقوب را به عنوان ارمغانی عطاء کردیم، و همه (افراد مذکور، یعنی ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب) را مردانی شایسته و بایسته نمودیم.

توضیحات:

«نَافِلَةً»: عطیه. ارمغان. مصدری است همچون (عاقبه) و (عافیه) و مفعول مطلق از غیر لفظ فعل خود، مثل: «قَعَدْتُ جُلُوساً». یا حال (اسحاق و یعقوب) است، یا به معنی افزون و زیاد است و حال (یعقوب) می‌باشد. در این صورت معنی آیه چنین است: ما به ابراهیم برابر دعای خودش (نگا: صافّات / ۱۰۰) اسحاق را عطاء کردیم، و افزون بر آن نوه‌اش یعقوب را بدو بخشیدیم، و... یادآوری: اسماعیل نیز فرزند ابراهیم بوده است. در اینجا یادی از او نشده است، زیرا تولّد او از زن جوانی به نام (هاجر) مایه تعجّب

نیست. لیکن تولّد اسحاق از زنی پیر و نازا به نام (ساره) مسأله شگفتی است (نگا: هود / ۷۱ و ۷۲).

سوره أنبياء آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

ما آنان را پیشوایانی نمودیم که برابر دستور ما (مردمان را به کارهای نیک، راهنمائی و) رهبری می‌کردند، و انجام خوبی‌ها و اقامه نماز و دادن زکات را بدی‌شان وحی کردیم، و آنان تنها ما را می‌پرستیدند.

توضیحات:

«أَئِمَّةً»: پیشوایان. مراد انبیاء و پیغمبران است. «بِأَمْرِنَا»: به فرمان ما. برابر قوانین و مقرّرات ما. «فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلاةِ وَ إِيتَآءَ الزَّكَاةِ»: «گزاردن نماز» و «دادن زکات»، ذکر خاصّ بعد از عام است و اشاره به اهمّیت این دو کار است.

سوره أنبياء آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

و به لوط شناخت (اسرار اشیاء) و دانش (سودمند) عطاء کردیم، و او را از شهر و دیاری که (مردمان آن) کارهای زشت و پلید انجام می‌دادند رهائی بخشیدیم. آنان مردمان بدی بودند و (از طاعت خدا و عمل طبع‌پسند) سرکشی می‌کردند.

توضیحات:

«لُوطاً»: مفعول‌به فعل محذوف (ءَاتَيْنَا) است که فعل ملفوظ (ءَاتَيْنَاهُ) مبین آن بوده و از نوع اشتغال است. «حُكْماً»: حکمت اسرار اشیاء. دستور نبوّت و رسالت. قضاوت و داوری. «عِلْماً»: هرگونه دانشی که در سعادت و سرنوشت انسان مؤثّر باشد.

«الْخَبَآئِثَ»: کثافتکاری‌ها. مراد بیشتر عمل شنیع «لِواط» است (نگا: هود / ۷۷ – ۷۹، نمل / ۵۵، عنکبوت / ۲۹). «قَوْمَ سُوءٍ»: مردمان بدکردار و گناهکار و غرق معاصی. «فَاسِقِینَ»: از مصدر فسوق به معنی خروج و سرکشی از فرمان یزدان سبحان.

سوره أنبیاء آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَأَدۡخَلۡنَٰهُ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

و او را غرق رحمت خود کردیم، چرا که او از زمره افراد شایسته و بایسته بود.

توضیحات:

«فِي رَحْمَتِنَا»: در رحمت خود. به میان اهل رحمت خود.

سوره أنبیاء آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٦﴾

ترجمه:

(خوب است در اینجا یاد کنی) نوح را، هنگامی که پیشتر (از اینان که اشاره گذرائی بدی‌شان شد، ما را) به فریاد خواند (و گفت: پروردگارا! مرا دریاب که من شکست خورده‌ام، و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان.) و ما هم دعای وی را پذیرفتیم و او (و پیروان) و خاندانش را از (اندوه فراوان و) غم بزرگ (کافران موذی و طوفان وحشتناک) رهانیدیم.

توضیحات:

«نَادَیا»: ندا داد. به فریاد خواند (نگا: نوح / ۲۶، قمر / ۱۰). «أَهْلَهُ»: خاندانش. پیروانش. «الْكَرْبِ»: غم و اندوه.

سوره أنبیاء آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَنَصَرۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

ما او را در برابر مردمانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، یاری و مدد دادیم. آنان مردمان بدی بودند و لذا همه ایشان را (در طوفان) غرق کردیم.

توضیحات:

«مِنْ»: به معنی (عَلي) است. یا این که برای تعدیه (نَصَرْنَا) به مفعول دوم بوده و به معنی کمک کردن و ادامه آن برای انتقام گرفتن از دشمن است. «ءَايَاتِنَا»: مراد نشانه‌های دالّ بر نبوّت و رسالت نوح، یا آیات آسمانی است.

سوره أنبیاء آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ٧٨﴾

ترجمه:

(و یاد کن) داود و سلیمان را، هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان مردمانی، شبانگاهان در آن چریده و تباهش کرده بودند، داوری می‌کردند، و ما شاهد داوری آنان بودیم.

توضیحات:

«يَحْكُمَانِ»: قضاوت و داوری می‌کردند. «الْحَرْثِ»: زراعت. کشتزار. «نَفَشَتْ»: پخش و پراکنده شدند. در شب چریدند و مایه فساد و تباهی شدند. «شَاهِدِينَ»: گواهان و آگاهان. یادآوری: قصّه قضاوت بدین‌گونه بود که گوسفندان شخصی شبانه داخل کشتزار کسی شدند و مایه زیان و ضرری گشتند. داود گفت: گوسفندان در برابر ضرر و زیان وارده به کشاورز داده می‌شود، و سلیمان مخالف این رأی بود و گفت: کشاورز از فرآورده گوسفندان استفاده می‌کند بدان اندازه که خسارت دیده است سپس گوسفندان به صاحب خود برگردانده می‌شوند (نگا: المصحف المیسّر).

سوره أنبیاء آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ ٧٩﴾

ترجمه:

(هرکدام از این دو راه پیشنهادی، دادگرانه بود، ولی ما بهترین راه حل در مسأله) قضاوت را به سلیمان فهماندیم، و به هریک از آن دو داوری و دانش آموختیم، و کوه‌ها و پرندگان را در ذکر و تسبیح با داود همراه ساختیم، و ما (این کار را) می‌کردیم (و انجام چنین کارهائی در برابر قدرت ما چیزی نیست).

توضیحات:

«فَهَّمْنَاهَا»: قضاوت و داوری تعلیم و تفهیم کردیم. مرجع (ها) (حُکومَة) به معنی داوری مفهوم از سیاق است. «سَخَّرْنا...»: (نگا: رعد / ۱۳ و ۱۵، إسراء / ۴۴، حجّ / ۱۸، سبأ / ۱۰). «وَ سَخَّرْنَا مَعَ...»: مراد هم‌آوائی و هم‌صدائی همه چیزهائی است که دور و بر داود بودند در عبادت و پرستش، به زبان حال یا قال.

سوره أنبیاء آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡۖ فَهَلۡ أَنتُمۡ شَٰكِرُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

و بدو ساختن زره را آموختیم تا (این لباس جنگی) شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا (خدا را در برابر همه این نعمت‌ها) سپاسگزاری می‌کنید؟

توضیحات:

«صَنْعَةَ»: ساختن. «لَبُوسٍ»: لباس. در اینجا مراد زره است (نگا: سبأ / ۱۰ و ۱۱) و به تبع آن همه ادوات جنگی. «لِتُحْصِنَکُمْ»: تا شما را از آزار دشمنان در جنگ محفوظ و مصون دارد. اشاره بدین نکته نیز دارد که اسلحه برای دفاع باید باشد؛ نه برای تاخت و تاز. «بَأْسِکُمْ»: جنگ شما با دشمنانتان.

سوره أنبیاء آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةٗ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦٓ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيۡءٍ عَٰلِمِينَ ٨١﴾

ترجمه:

ما باد تند و سریع را فرمانبردار سلیمان کرده بودیم تا به فرمان او به‌سوی سرزمینی حرکت کند که پرخیر و برکتش ساخته بودیم. و (این، جای شگفت نیست، چرا که) ما بر هر چیزی آگاه و دانا بوده (و هستیم).

توضیحات:

«عَاصِفَة»: تند باد. در اینجا مراد قوی و سریع‌السیر است، امّا خوش‌رَو و بی‌لرزش و آسایش‌بخش (نگا: ص / ۳۶). امروزه استفاده از جریان و فشار هوا به عنوان وسیله جابه‌جائی و حرکت برای همگان روشن و آشنا است. واژه (عاصِفَة) حال است. «بِأَمْرِهِ»: به فرمان سلیمان. طبق اراده او. «الأَرْضِ الَّتِي...»: مراد سرزمین شام است که مَقرّ فرماندهی سلیمان بوده است. ولی تنها مسیر بادهای مسخر، سرزمین مبارک شام نبوده، و بلکه به هرجا که سلیمان می‌خواسته است حرکت می‌کردند (نگا: ص / ۳۶).

سوره أنبیاء آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا دُونَ ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ٨٢﴾

ترجمه:

و گروهی از شیاطین را (نیز فرمانبردار سلیمان کرده بودیم) که برای او (در دریا جهت استخراج لؤلؤ و مرجان و جواهرات و مواد پرارزش دیگر) غواصی می‌کردند و کارهائی جز این (از قبیل ساختن کاخ‌ها و دژها) انجام می‌دادند، و ما آنان را (از تمرّد و سرکشی در برابر فرمان سلیمان و اذیت و آزار رسانیدن به مردمان، دور) نگاه می‌داشتیم.

توضیحات:

«يَغُوصُونَ»: غواصی می‌کردند. به دریا فرو می‌رفتند. «دُونَ ذٰلِكَ»: جز این. غیر از آن (نگا: ص / ۳۷). «كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ»: ما مراقب اعمال شیاطین بودیم و آنان را از تمرّد و اذیت کردن به دور می‌کردیم.

سوره أنبیاء آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

ایوب را (یاد کن) بدان گاه که (بیماری او را از پای در آورده بود، و در این وقت) پروردگار خود را به فریاد خواند (و عاجزانه گفت: پروردگارا!) بیماری به من روی آورده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی (پس بدین بنده ضعیف رحم فرما).

توضیحات:

«الضُّرُّ»: با ضم، گرفتاریهائی که متوجّه ذات انسان می‌گردد. مانند: بیماری، لاغری. با فتح، ضرر و زیان در هر چیز.

سوره أنبیاء آیه ۸۴

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

دعای او را پذیرفتیم و بیماری وی را برطرف ساختیم، و (به جای) اولاد (و اموالی که از دست داده بود) دو چندان بدو دادیم، محض مرحمتمان (در حق ایوب) و تذکاری (از صبر و شکیبائی) برای پرستندگان (یزدان سبحان، تا همچون ایوب شکیبا و امیدوار به لطف و فضل خدا باشند).

توضیحات:

«أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُم مَّعَهُمْ»: مراد اعطای دو چندان فرزندان تازه‌ای است که جای خالی فرزندان از دست رفته را پر و جبران کنند. «رَحْمَةً»: لطف و فضل. مفعولٌ‌له است. «ذِكْرَيا»: یادآوری. تذکار.

سوره أنبیاء آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٨٥﴾

ترجمه:

(همچنین یاد کن برای مردمان) اسماعیل و ادریس و ذاالکفل را که جملگی از زمره شکیبایان (در برابر شدائد زندگی و تکالیف رسالت) بودند (و الگوی استقامت و

پایمردی بشمار می‌آمدند).

توضیحات:

«ذَا الْکِفْل»: یکی از پیغمبران بنی‌اسرائیل است.

سوره أنبياء آيه ۸۶

متن آيه:

﴿وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٨٦﴾

ترجمه:

ما آنان را غرق رحمت خود کردیم، چرا که ایشان از زمره شایستگان و بایستگان (بندگان ما) بودند.

توضیحات:

«أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا»: آنان را غرق رحمت خود کردیم. ایشان را به بهشت وارد کردیم.

سوره أنبياء آيه ۸۷

متن آيه:

﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾

ترجمه:

(یاد کن داستان یونس ملقب به) ذوالنون را در آن هنگام که (بر قوم نافرمان خود خشم گرفت و ایشان را به عذاب خدا تهدید کرد و بدون دریافت پیام آسمانی، از میانشان) خشمناک بیرون رفت و گمان برد که (با زندانی کردن و دیگر چیزها) بر او سخت و تنگ نمی‌گیریم. (سوار کشتی شد و کشتی به تلاطم افتاد و به قید قرعه مسافران و کشتیبانان او را به دریا انداختند و نهنگی او را بلعید.) در میان تاریکیها (ی سه‌گانه شب و دریا و شکم نهنگ) فریاد برآورد که (کریما و رحیما!) پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزّهی (از هرگونه کم و کاستی، و فراتر از هر آن چیزی هستی که نسبت به تو بر دلمان می‌گذرد و تصوّر می‌کنیم. خداوندا بر اثر مبادرت به کوچ بدون اجازه حضرت باری) من از جمله ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب!).

توضیحات:

«ذَا النُّونِ»: ماهیدار. صاحب ماهی. مراد یونس است. (نون) به معنی ماهی بزرگ است و مراد نهنگ یا وال است. «مُغَاضِباً»: خشمگین. خشمناک. خشم یونس بر قوم خود بدین سبب بود که تبلیغ و پندهایش در ایشان تأثیر نداشت. این بود که خشمگین گردید و خودسرانه آنان را ترک و به عذاب خدا بیم داد. پس از رفتن او و مردمان از کرده خود پشیمان شدند و توبه کردند و دنبالش گشتند و او را نیافتند. وی سوار کشتی شد و راه دریا را در پیش گرفت. در راه، کشتی متلاطم گردید. نظر سرنشینان این بود که برای سبک‌شدن کشتی، یکی را به قید قرعه به دریا اندازند. چند بار قرعه کشیدند و هر دفعه نام او بیرون می‌آمد. سرانجام وی را به دریا انداختند و ماهی بزرگ به نام نهنگ یا وال او را بلعید، و بر اثر دعا خدا او را زنده نگاه داشت و نجاتش داد. بلی! هرکس صادقانه به درگاه یزدان تلگراف دعا زند، هرچه زودتر پاسخ خود را دریافت می‌کند. «لَن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ»: بر او سخت و تنگ نمی‌گیریم و وی را به خاطر ترک محلّ خدمت مورد مؤاخذه و تنبیه قرار نمی‌دهیم، چرا که ناشکیبائی را اشتباه و لغزش نمی‌دانست. «الظُّلُمَاتِ»: تاریکی‌های شب و دل دریا و اندرون شکم ماهی.

سوره أنبیاء آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ۝٨٨﴾

ترجمه:

دعای او را پذیرفتیم و وی را از غم رها کردیم، و ما همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم (و در برابر دعای خالصانه، آنان را از گرفتاری‌ها می‌رهانیم).

توضیحات:

«كَذلِكَ»: این گونه. به همین شکل. «نُنْجِي»: نجات می‌دهیم و می‌رهانیم.

سوره أنبیاء آیه ۸۹

متن آیه:

﴿وَزَكَرِيَّآ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ۝٨٩﴾

ترجمه:

و زکریا را (یاد کن) بدان گاه که پروردگار خود را به فریاد خواند (و گفت:) پروردگارا! مرا تنها مگذار (و فرزندی به من عطاء کن که در زندگی یار و یاور من و پس

از مرگ برنامه تبلیغ را پیگیری کند. البتّه اگر هم فرزندی وارث من نشد باکی نیست، چرا که) تو بهترین وارثانی (و باقی پس از فنای مردمانی).

توضیحات:

«فَرْداً»: یکه و تنها (نگا: مریم / ۸۰ و ۹۵). بدون فرزند و وارث (نگا: مریم / ۲ - ۱۵).

سوره أنبیاء آیه ۹۰

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ٩٠﴾

ترجمه:

ما دعای او را برآورده ساختیم و (با وجود کبر سن، فرزندی به نام) یحیی را بدو بخشیدیم، و (برای حصول این مقصود) همسر (نازای) او را برایش بایسته (و در خور زاد و ولد) کردیم، آنان در انجام کارهای نیک بر یکدیگر سرعت می‌گرفتند، و در حالی که چیزی می‌خواستند یا از چیزی می‌ترسیدند ما را به فریاد می‌خواندند، (و در وقت نیازمندی و بی‌نیازی، و بیماری و سلامت، و خوشی و ناخوشی، رو به آستانه ما می‌کردند و میان خوف و رجا می‌زیستند) و همواره خاشع و خاضع ما می‌بودند.

توضیحات:

«أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ»: همسرش را برای او بایسته زاد و ولد کردیم. همسرش را برایش زن خوب و پارسائی نمودیم. «رَغَباً وَ رَهَباً»: این دو واژه مصدرند و می‌توانند حال، یا مفعولٌله، و یا مفعولٌفیه باشند. یعنی: راغبانه و خائفانه. به خاطر عشق به طاعت و ترس از عقوبت. در زمان رغبت و هنگام رهبت. «كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ»: همواره از ما می‌ترسیدند؛ نه از کس دیگری. پیوسته فرمانبردار و مطیع ما می‌بودند و تنها برای ما کرنش می‌بردند. مرجع ضمیر (هم) و (و) می‌تواند زکریا و همسرش و یحیی بوده، یا پیغمبران مذکور در آیات پیشین باشد.

سوره أنبیاء آیه ۹۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٩١﴾

ترجمه:

(همراه با قصّه این پیغمبران و خوبان، یاد کن سرگذشت مریم،) زنی را که (ازدواج نکرد و) دامان خویش را (از آلودگی به بی‌عفّتی) کاملاً پاک نگاه داشت، و ما از روح متعلّق به خود در وی دمیدیم، و او و فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم. (چرا که زنی را بدون شوهر حامله کردیم و پسری را بدون پدر دیده به جهان گشودیم، و تغییر اسباب و مسبّبات را به عنوان دلیلی بر قدرت خدایانه خود به مردمان نمودیم و متوجّه‌شان کردیم که آفریننده قوانین و سنن حاکم بر جهان، هر وقت که بخواهد می‌تواند قوانین و سنن را دگرگون کند).

توضیحات:

«أَحْصَنَتْ»: مصون و محفوظ داشت. «فَرْجَهَا»: عورت خود را. کنایه از پاکدامنی و عفّت است. «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»: خود را از آمیزش با مرد، چه از راه حلال و چه از راه حرام، به دور داشت، خویشتن را از آلودگی به بی‌عفّتی مصون و محفوظ کرد و عفیف و پاکدامن زیست. «نَفَخْنَا»: مراد از نفخ و دمیدن، پدید آوردن رازی از رازهای الهی در شکم مریم است که در پرتو آن حیات جنینی فرزندش عیسی برقرار و بر دوام گردد (نگا: حجر / ۲۹). «مِن رُّوحِنَا»: از روح متعلّق به خود. مراد از چنین اضافه‌ای بیان عظمت شیء مورد نظر است. به اصطلاح اضافه تشریفیه است، همچون: «بَیْتُ الله». «شَهْرُ الله». «صُنْعُ الله» (نگا: نمل / ۸۸). «ءَایَةً»: دلیل و نشانه قدرت.

سوره أنبیاء آیه ۹۲

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ۝٩٢﴾

ترجمه:

این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملّت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (چرا که ملّت واحد، با برنامه واحد، باید روبه خدای واحد کند).

توضیحات:

«هذِهِ»: خطاب به همه انسان‌ها در تمام قرون و اعصار است، و اشاره به مشارالیه

ذهنی دارد که طریقت انبیاء و ملّت توحید، یعنی آئین یکتای اسلام است. یا اشاره به جماعت انبیاء دارد. «أُمَّةً»: ملّت و جماعت. دین و آئین. حال است. معنی آیه می‌تواند چنین هم باشد: این دین، آئین یکتای همه پیغمبران و مردمان گذشته و حال و آینده جهان است، و... مراد اتّحاد در اصول دین اسلام است.

سوره أنبیاء آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡۖ كُلٌّ إِلَيۡنَا رَٰجِعُونَ ٩٣﴾

ترجمه:

(امّا با وجود این وحدت ملّت و وحدت آئین، برخی‌ها گوش به رهنمودهای آسمانی نداده و) کار (دین و آئین) خویش را در میان خود به تفرّقه انداخته و (می‌اندازند و گروه گروه شده و می‌شوند و سرانجام) همگی به‌سوی ما برمی‌گردند (و ما به حساب اعمال‌شان می‌رسیم).

توضیحات:

«تَقَطَّعُوا»: از هم گسیختند، و انگار هر یک قطعه و تکه‌ای با خود بردند. «أَمْرَهُمْ»: مراد کار و بار دین انسان‌ها است که در اصول یکی بوده و توسّط انبیاء خدا در طول زمان به مردمان رسانده شده است.

سوره أنبیاء آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ ٩٤﴾

ترجمه:

هرکس چیزی را از کارهای شایسته و بایسته انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد (به خدا و پیغمبران و برنامه آسمانی)، تلاش او نادیده گرفته نمی‌شود و (ناسپاس نمی‌ماند، و توسّط فرشتگان در نامه اعمالش) ما قطعاً آن را خواهیم نوشت.

توضیحات:

«كُفْرَانَ»: نادیده گرفتن. پنهان داشتن. مراد بی‌اجر و باطل قلمداد کردن است. «لَهُ»: آن سعی و تلاش را.

سوره أنبياء آيه ۹۵

متن آيه:

﴿وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾﴾

ترجمه:

غیرممکن است که به‌سوی ما (برای حساب و کتاب) برنگردند مردمانی که آنان را (در جهان بر اثر کفر و ظلم) نابود کرده باشیم (و این که همان‌گونه که خود گمان می‌برند مرگ آخرین مرحله زندگی ایشان باشد).

توضیحات:

«حَرَامٌ»: ممتنع. غیرممکن. این واژه خبر مقدم و (أَنَّهُمْ لا يَرْجِعُونَ) تأویل به اسم مرفوع بوده و مبتدا است. برخی هم (حَرامٌ) را به معنی (واجِبٌ) دانسته‌اند و آیه را چنین معنی کرده‌اند: عدم بازگشت به دنیا برای مردمانی که آنان را به جرم گناهانشان نابود کرده‌ایم، واجب و قطعی است (نگا: مؤمنون / ۹۹ و ۱۰۰).

سوره أنبياء آيه ۹۶

متن آيه:

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾﴾

ترجمه:

(این نابودسازی بزهکاران و عدم بازگشت ایشان به دنیا) تا زمانی ادامه خواهد داشت که یأجوج و مأجوج رها می‌گردند، و ایشان شتابان از هر بلندی و ارتفاعی می‌گذرند (و موجب پریشانی و هرج و مرج در زمین می‌شوند، و این یکی از نشانه‌های فرا رسیدن قیامت است).

توضیحات:

«حَتّي»: حرف ابتدائیه بوده و کلام بعد از آن غایت و هدف است. «فُتِحَتْ»: گشوده می‌شوند. مراد از میان رفتن سدّ سر راه ایشان، یا گشایش ابواب فتنه و فساد توسّط آنان است. «يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ»: (نگا: کهف / ۹۴). «هُمْ»: مراد قبائل بی‌بند و بار یأجوج و ماجوج است. یا این که ضمیر (هُمْ) به مردم برمی‌گردد و معنی چنین می‌شود که: از نشانه‌های فرا رسیدن قیامت یکی شکسته شدن سدّ ذوالقرنین و طغیان یأجوج و مأجوج است، و دوم روان شدن مردمان از فراز و بلندیهای زمین به‌سوی

محشر است (نگا: تفسیر المراغی). «حَدَبٍ»: زمین بلند و مرتفع. «يَنسِلُونَ»: شتاب می‌گیرند. تند رهسپار می‌شوند.

سوره أنبیاء آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٩٧﴾

ترجمه:

(در این هنگام) وعده راستین (خدا که روز قیامت است) نزدیک می‌شود، و به ناگاه (آن چنان وحشتی سراسر وجود) کافران (را فرا می‌گیرد که) چشمهایشان از حرکت باز می‌ایستد (و خیره خیره بدان صحنه نگاه می‌کنند و فریادشان بلند می‌شود که) ای وای برما! ما از این (روز) غافل بودیم (و رویاروئی با خدا و حساب و کتاب را باور نمی‌کردیم و) بلکه به خود ستم کردیم (چرا که کفر و عناد ورزیدیم و خویشتن را برای همیشه بدبخت نمودیم).

توضیحات:

«الْوَعْدُ»: مصدر است و به معنی موعود بوده و مراد رستاخیز و قیامت است. «شَاخِصَةٌ»: خیره شده. مات برده. «شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ...»: چشم‌ها باز و خیره و مات ایستاده و پلک‌ها از شدّت خوف به هم زده نشود. (شاخِصَةٌ) خبر مقدّم (أَبْصَارُ) است.

سوره أنبیاء آیه ۹۸

متن آیه:

﴿إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ٩٨﴾

ترجمه:

(ای کافران ستمگر!) شما و چیزهائی که جز خدا می‌پرستید آتشگیره و هیزم دوزخ خواهید بود. شما حتماً وارد آن می‌گردید.

توضیحات:

«حَصَبُ»: آتشگیره. هیزم و آنچه برای شعله‌ور شدن و تافتن تنور به داخل آن می‌اندازند.

سوره أنبیاء آیه ۹۹

متن آیه:

﴿لَوۡ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةٗ مَّا وَرَدُوهَاۖ وَكُلّٞ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٩٩﴾

ترجمه:

اگر این‌ها معبودها و خدایانی بودند، هرگز وارد دوزخ نمی‌گشتند. (نه تنها وارد دوزخ می‌گردند) حتی همه (بت‌ها و بت‌پرست‌ها) در آن جاودانه می‌مانند.

توضیحات:

«كُلٌّ»: همه معبودها و پرستندگان آنها.

سوره أنبیاء آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَهُمۡ فِيهَا لَا يَسۡمَعُونَ ١٠٠﴾

ترجمه:

آنان در دوزخ ناله غم‌انگیز و گلوگیری دارند و در آنجا چیزی را (که مایه سرور و شادی باشد) نمی‌شنوند.

توضیحات:

«زَفِيرٌ»: صدائی که در گلو شکسته شود و به سبب غم و اندوه با زحمت اداء گردد. «لا يَسْمَعُونَ»: نمی‌شنوند. مراد شنیدن سخنان دل‌انگیز و مایه سرور است (نگا: اعراف / ۴۴).

سوره أنبیاء آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ ١٠١﴾

ترجمه:

آنان که (به خاطر ایمان درست و انجام کارهای خوب و پسندیده) قبلاً بدی‌شان وعده نیک داده‌ایم، چنین کسانی از دوزخ (و عذاب آن) دور نگاه داشته می‌شوند.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ...»: مراد جملگی مؤمنان و اشاره به همه وعده‌هائی است که خداوند در این جهان بدی‌شان داده است (نگا: یونس / ۲۶، رعد / ۱۸، کهف / ۸۸). «الْـحُسْني»: نعمت بزرگ و پاداش نیکو (نگا: نساء / ۹۵، اللیل / ۶ و ۹).

سوره أنبیاء آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿لَا يَسۡمَعُونَ حَسِيسَهَاۖ وَهُمۡ فِي مَا ٱشۡتَهَتۡ أَنفُسُهُمۡ خَٰلِدُونَ ١٠٢﴾

ترجمه:

آنان حتّی صدای آتش دوزخ را هم نمی‌شنوند و بلکه در میان آنچه خود می‌خواهند و آرزو دارند جاودانه بسر می‌برند.

توضیحات:

«حَسِيسَهَا»: صدای آتش. صدای شعله‌ها و تنوره کشیدن آتش.

سوره أنبیاء آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿لَا يَحۡزُنُهُمُ ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ وَتَتَلَقَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوۡمُكُمُ ٱلَّذِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ١٠٣﴾

ترجمه:

هراس بزرگ (رستاخیز نه تنها) ایشان را غمگین نمی‌سازد، و بلکه فرشتگان (به استقبال آنان می‌شتابند و برای تبریک و شاد باش) پذیرایشان می‌گردند (و بدی‌شان می‌گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

توضیحات:

«الْفَزَعُ الأكْبَرُ»: بزرگ‌ترین هراس و عظیم‌ترین و وحشتناک‌ترین بیم. مراد خوف و هراس روز قیامت است که به دنبال نفخه دوم پدیدار و هویدا می‌گردد (نگا: نمل / ۸۷ و ۸۹). «تَتَلَقَّاهُمْ»: پذیره ایشان می‌گردند و با آنان رویاروی می‌شوند.

سوره أنبیاء آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ١٠٤﴾

ترجمه:

(این امر) روزی (تحقّق می‌پذیرد که) ما آسمان را درهم می‌پیچیم به همان صورت که طومار نامه‌ها در هم پیچیده می‌شود. همان‌گونه که (نخستین بار سهل و ساده)

آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم (و به شکل دیگری زندگی دوباره می‌بخشیم و مردمان را برای حساب و کتاب حاضر می‌آوریم). این وعده‌ای است که ما می‌دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می‌رسانیم.

توضیحات:

«يَوْمَ»: در روزی. روزی که. مفعول‌فیه (لا يَحْزُنُهُمْ) یا مفعول‌به فعل محذوف (أُذْكُرْ) است. «نَطْوِي»: جمع می‌گردانیم. در هم می‌پیچیم. «طَيِّ»: جمع گرداندن. در هم پیچیدن. «السِّجِلِّ»: اوراقی که مطالب را روی آن می‌نگارند. «لِلْكُتُبِ»: حرف (لِ) به معنی (عَلی) و برای بیان علّت است. یا این که لام برای اضافه است. واژه (كُتُب) جمع کتاب و آن به معنی مَکتوب است. بنابراین معنی (لِلْكُتُبِ) چنین می‌شود: جمع کردن طومار برای نگارش نوشته‌هائی بر آن. جمع کردن طومار و نامه‌ها و نوشته‌ها. «نُعِيدُهُ»: آن را برگشت می‌دهیم (نگا: اعراف / ۲۹، روم / ۲۷). «وَعْداً»: مفعول مطلق تأکیدی برای فعل محذوف (وَعَدْنا) است.

سوره أنبياء آيه ۱۰۵

متن آيه:

﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ ١٠٥﴾

ترجمه:

ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب (انبیاء پیشین) نوشته‌ایم که بی‌گمان (سراسر روی) زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد (و آن را به دست خواهند گرفت).

توضیحات:

«الزَّبُورِ»: کتابهائی که برای پیغمبران فرستاده شده است (نگا: تفسیرالمراغی، و نمونه). کتاب مزامیر داود. «مِن بَعْدِ»: واژه (بَعْدِ) می‌تواند برای ترتیب بیانی باشد؛ نه ترتیب زمانی. یعنی: علاوه بر. یا این که زمانی باشد. یعنی: پس از. «الذِّكْرِ»: قرآن (نگا: آل‌عمران ۵۸، حجر / ۶ و ۹). کتب انبیاء به ویژه تورات (نگا: انبیاء / ۷ و ۲۴ و ۴۸ و ۵۰). «الصَّالِحُونَ»: شایستگان. شایسته از لحاظ علم و عمل، قدرت و قوّت، اداره مملکت و درک اجتماعی، ایمان و تقوا، و غیره (نگا: اعراف / ۱۲۸، نور / ۵۵). معنی آیه

می‌تواند چنین نیز باشد: ما، در زبور بعد از تورات، چنین نوشتیم که این زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. یادآوری: بعضی واژه (الأَرْض) را زمین بهشت، و صلاح را تقوا و پرهیزگاری می‌دانند (نگا: مریم / ۶۳، زمر / ۷۴).

سوره أنبياء آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغًا لِّقَوۡمٍ عَٰبِدِينَ ١٠٦﴾

ترجمه:

این (سخن برای مفهوم قانون زندگی دنیوی، و آگاهی از سرنوشت حیات اخروی،) مردمان عبادت‌پیشه را کافی و بسنده است.

توضیحات:

«هذا»: این نکته که چه کسانی حکومت زمین را به دست می‌گیرند، یا آخرت را فراچنگ می‌آورند. تمام وعد و وعیدها و سرگذشت و سرانجام ملّت‌هائی که در این سوره آمده است. «بَلاغاً»: کفایت و بسندگی. مایه درک موضوع و سبب رسیدن به هدف. نیل به مقصود.

سوره أنبياء آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةً لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ما تو را جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده‌ایم.

توضیحات:

«رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ»: رحمت برای جهانیان. وجود پیغمبر خاتم سبب سعادت دو جهان مردمان است. چرا که عمل به آئین و برنامه‌ای که او با خود آورده است ناکامی‌ها و بدبختی‌ها و بیدادگری‌ها و تباهکاری‌ها را پایان می‌دهد، و سرانجام منتهی به حکومت صالحان با ایمان بر معموره جهان خواهد شد، و در پایان آنان را به نعمت جاوید و سرمدی آخرت نائل خواهد کرد.

سوره أنبياء آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٨﴾

ترجمه:

بگو: (اصل دعوت من این است:) به من وحی می‌شود که معبود شما یکی بیش نیست (و بقیه چیزهای دیگری که به من وحی می‌گردد، تابع همین اصل اساسی توحید است). حال که چنین است، آیا شما تسلیم (خداوند یگانه) می‌گردید (و بت‌های سنگی و معبودهای طاغوتی را کنار می‌گذارید؟).

توضیحات:

«إِنَّمَآ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»: خدا و معبودتان تنها خدای یگانه و معبود یکتائی است و بس. جمله نائب فاعل (يُوحي) است. «مُسْلِمُونَ»: گردن‌نهندگان. تسلیم‌شوندگان. مراد از پرستش، تشویق و ترغیب به پذیرش توحید است.

سوره أنبياء آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖۖ وَإِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٞ مَّا تُوعَدُونَ ١٠٩﴾

ترجمه:

اگر (در برابر سخنان روشن‌گر و سعادت‌بخش تو) پشت کردند و روی‌گردان شدند، بگو: همه شما را یکسان (از مأموریت خود که تبلیغ رسالت بود) آگاه کردم و (چیزی را از کسی پنهان نداشتم. دیگر) نمی‌دانم آنچه (درباره پیروزی مؤمنان و شکست کافران، و حساب و کتاب و بهشت و دوزخ) به شما وعده داده می‌شود، (فرا رسیدن آن) نزدیک است یا دور.

توضیحات:

«ءَاذَنتُكُمْ»: به شما اطّلاع دادم و باخبرتان کردم (نگا: فصّلت / ۴۷). «عَلَيا سَوَآءٍ»: به طور یکسان. بدون استثناء. «إِنْ»: نه! حرف نفی است.

سوره أنبياء آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُونَ ١١٠﴾

ترجمه:

خداوند می‌داند سخنانی را که آشکارا می‌گوئید (و طعنه‌ها و تشرهائی که راجع به

اسلام بر زبان می‌رانید) و آنچه را که (از بدسگالی‌ها و کینه‌توزی‌ها در دل) پنهان می‌دارید.

توضیحات:

«الْجَهْرَ»: آشکار.

سوره أنبياء آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿وَإِنۡ أَدۡرِي لَعَلَّهُۥ فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ١١١﴾

ترجمه:

من چه می‌دانم، شاید این (مهلت و تأخیر عذاب) آزمونی برای شما باشد و (شاید خداوند می‌خواهد شما را از لذائذ این جهان برای افزایش گناهان بیشتر) تا مدّتی بهره‌مند سازد (و برابر قانون استدراج، آهسته و آرام مغلوب و مقهورتان گرداند و به دوزختان کشاند).

توضیحات:

«فِتْنَةٌ»: آزمون و آزمایش. مراد استدراج است تا بر گناهان خود بیفزایند (نگا: آل‌عمران / ۱۷۸). «مَتَاعٌ»: بهره‌مند ساختن. تمتّع و بهره‌مندی (نگا: بقره / ۳۶، آل‌عمران / ۱۴). «إِلَيا حِينٍ»: تا مدّتی که روزگار زندگی پایان می‌پذیرد و مرگ فرا می‌رسد.

سوره أنبياء آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿قَٰلَ رَبِّ ٱحۡكُم بِٱلۡحَقِّۗ وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ١١٢﴾

ترجمه:

(پیغمبر پس از مشاهده این همه دوری و روگردانی مشرکان از پذیرش اسلام، رو به خدا کرد و عاجزانه) گفت: پروردگارا! دادگرانه (میان من و اینان) داوری کن (تا سرانجام، حال مؤمن و کافر یکسان نباشد. آن گاه روی سخن به مخالفان کرده و اظهار داشت:) پروردگار همه ما خداوند مهربان است و (سرتاپای وجودمان را رحمت الهی فرا گرفته است. و در برابر) نسبت‌های ناروائی که (درباره اسلام و در مورد ذات پاک خدا) می‌زنید، تنها از او کمک و یاری خواسته می‌شود.

توضیحات:

«اُحْکُمْ»: داوری فرما و کار را یکسره کن. «الْمُسْتَعَانُ»: کسی که از او استمداد خواسته می‌شود و طلب یاری و کمک می‌گردد. «تَصِفُونَ»: بیان می‌دارید (نگا: یوسف / ۱۸ و ۷۷، انبیاء / ۱۸).

سوره حج

سوره حج آیه ۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ ١﴾

ترجمه:

ای مردم! از (عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید (و به یاد روز قیامت باشید). واقعاً زلزله (انفجار جهان و فرو تپیدن ارکان آن، در آستانه) هنگامه رستاخیز، چیز بزرگی (و حادثه هراس‌انگیزی) است.

توضیحات:

«زَلْزَلَةَ»: حرکت و تکان سختی که در سازمان عالم هستی در آستانه رستاخیز ایجاد می‌گردد و کوهها را از جا می‌کند و دریا را به هم می‌ریزد و آسمان‌ها را در هم می‌کوبد (نگا: واقعه / ۴). «السَّاعَةَ»: هنگامه رستاخیز قیامت (نگا: أنعام / ۳۱ و ۴۰).

سوره حج آیه ۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ ٢﴾

ترجمه:

روزی که زلزله رستاخیز را می‌بینید (آن‌چنان هول و هراس سرتا پای مردمان را فرا می‌گیرد که حتی) همه زنان شیردهی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده‌اند، کودک خود را رها و فراموش می‌کنند. و جملگی زنان باردار (از خوف این صحنه بیمناک) سقط جنین می‌نمایند، و (تو ای بیننده!) مردمان را مست می‌بینی، ولی مست نیستند و بلکه عذاب خدا سخت (وحشتناک و هراس‌انگیز) است (و توازن ایشان را به هم زده است و لذا آنان را آشفته و خراب، با چشمان از حدقه به در آمده و با گام‌های افتان و خیزان، و با وضع بی‌سر و سامان و حال پریشان می‌بینی).

توضیحات:

«تَذْهَلُ»: رها و فراموش می‌کند. غافل و بی‌خبر می‌گردد. از مصدر (ذُهول) به معنی غفلت و فراموشی ناشی از شدّت ترس. «مُرْضِعَةٍ»: زن شیردهی که پستان در دهان نوزاد نهاده و به شیر دادن مشغول باشد. «عَمَّا»: از فرزندی که. استعمال (ما) به جای (مَن) شایع و فراوان است (نگا: آل‌عمران / ۳۶، نسأ / ۳). «ذاتِ حَمْلٍ»: باردار. «سُكَارَيا»: جمع سَکران، مستان (نگا: نساء / ۴۳). یادآوری: خوف و هراس هنگامه رستاخیز جنبه عمومی ندارد و شامل کسانی نمی‌شود که در دنیا فرمانبردار اوامر و نواهی الهی بوده‌اند (نگا: بقره / ۳۸: آل‌عمران / ۱۷۰: نمل / ۸۷ و ۸۹، انبیاء / ۱۰۳).

سوره حج آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ ٣﴾

ترجمه:

گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی (و بلکه تنها از روی تقلید و هواپرستی) درباره (شناخت) یزدان (و مسأله توحید خداوند منّان، و احیاء مردگان، و رستاخیز همگان به فرمان خالق جهان) به مجادله برمی‌خیزند، و (در این امر، طبیعی است، نه از دانش و منطق، بلکه) از هرگونه شیطان (انس و جنّ) سرکشی، پیروی می‌نمایند (و برابر نقشه و برنامه و حیله و دام همه شیاطین و شیاطین صفتان عمل می‌کنند).

توضیحات:

«يُجَادِلُ فِي اللهِ»: درباره ذات و صفات و افعال و اعمال خدا ستیزه‌گری می‌کند. «شَيْطَانٍ»: مراد اهریمن انس و جنّ است (نگا: بقره / ۱۴، انعام / ۱۱۲). «يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ»: در این جدال از هر اهریمنی پیروی می‌کند. در همه اعمال و اقوال از هر اهریمنی پیروی می‌کند. «مَرِيدٍ»: متمرّد و سرکش.

سوره حج آیه ۴

متن آیه:

﴿كُتِبَ عَلَيۡهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهۡدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ٤﴾

ترجمه:

اهریمنانی که مشخّص و معلوم است، هرکس آنها را به دوستی گیرد، حتماً گمراهش می‌گردانند و به عذاب آتش (دوزخ) سوزانش می‌کشانند.

توضیحات:

«كُتِبَ عَلَيْهِ»: انگار بر این اهریمنان، همچون کالای دارای اتیکت نوشته شده است. روشن و معلوم است و این نتیجه حتمی برنامه ابلیس و همه شیاطین دیگر است. «أَنَّهُ»: شأن و مقام چنین است. «فَأَنَّهُ»: این اهریمن و اهریمنان. «يَهْدِيهِ»: او را رهنمود می‌کنند. هدایت در اینجا به معنی دلالت، یعنی راهنمائی است (نگا: صافّات / ۲۳). «السَّعِيرِ»: آتش برافروخته و سوزان. «فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ...»: این جمله، خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «فَشَأْنُهُ أَنَّهُ يُضِلُّهُ»، یا، «فَشَأْنُهُ الإِضْلالُ». یادآوری: علّت ترجمه ضمیر مفرد (ه) در (عَلَيْهِ) و غیره به جمع، این است که پیش از اسم نکره (شَيْطانٍ) واژه (كلّ) قرار دارد که موجب تعمیم و مفید استغراق است (نگا: انعام / ۱۶۴، إسراء / ۱۳).

سوره حج آیه ۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ ٱلْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلْأَرْحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓا۟ أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا ۚ وَتَرَى ٱلْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنۢبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ ۝٥﴾

ترجمه:

ای مردم! اگر درباره رستاخیز (مردگان و زندگانی دوباره ایشان) تردید دارید، (بدین نکته توجّه کنید تا به گوشه‌ای از قدرت الهی پی ببرید و به خود آئید:) ما شما را از خاک می‌آفرینیم، سپس (این خاک پیش پا افتاده را) به نطفه، و بعد (نطفه، این پدیده اسرارآمیز فراهم آمده از اِسْپِرم مرد و اُووِل زن را) به خون بسته (زالو مانند)، و پس از آن (این خون بسته را به چیزی شبیه) به یک قطعه گوشت (جویده شده) در می‌آوریم

که برخی (کامل و تامّ الخلقه و) بسامان، و برخی (ناتمام و ناقص‌الخلقه و) نابسامان است. (همه اینها) بدین خاطر است که برای شما روشن سازیم (که ما بر آفرینش و تغییر و تبدیل و هرگونه کاری، از جمله زندگی دوباره بخشیدن توانائیم). ما جنین‌هائی را که بخواهیم تا زمان خود در رحم‌ها نگاه می‌داریم و آن گاه شما را به صورت کودک (پسر یا دختر، از شکم مادران) بیرون می‌آوریم، سپس (شما را تحت نظارت و رعایت خود می‌پائیم) تا به رشد جسمانی و عقلانی خود می‌رسید. برخی از شما (در این میان) می‌میرند و بعضی از شما به نهایت عمر و غایت پیری می‌رسند. تا بدانجا که چیزی از علوم خود را به خاطر نخواهند داشت (و دانسته‌های خویش را فراموش کرده و از یاد می‌برند، و درست همانند یک کودک می‌شوند. دلیل دیگری بر قدرت خدا در همه‌چیز، به ویژه درباره مسأله رستاخیز، این است که ای انسان در فصل زمستان) تو زمین را خشک و خاموش می‌بینی، امّا هنگامی که (فصل بهار در می‌رسد و) بر آن آب می‌بارانیم، حرکت و جنبش بدان می‌افتد و رشد و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا و شادی‌بخش را می‌رویاند.

توضیحات:

«الْبَعْثِ»: رستاخیز. از نو زنده گرداندن. «خَلَقْنَاکُمْ»: اصل شما یا خود شما را آفریده‌ایم (نگا: آل‌عمران / ۵۹، طه / ۵۵، بقره / ۲۸، مؤمنون / ۱۲). «نُطْفَةٍ»: مراد موجود زنده حاصل در منی است که از آن به « آب جهنده « تعبیر شده است (نگا: قیامت / ۳۷، طارق / ۶). «عَلَقَةٍ»: خون بسته زالوگونه. «مُضْغَةٍ»: قطعه گوشتی بدان شکل و اندازه که جویده شود. «مُخَلَّقَةٍ»: تامّ الخلقه. دارای شکل و اندام. «غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ»: ناقص‌الخلقه. ناکامل و نابسامان. «نُقِرُّ»: نگاه می‌داریم و از درون پرت نمی‌کنیم. «طِفْلاً»: کودک. حال است. ذکر آن به صورت مفرد بدان علّت است که مصدر است، یا به اعتبار جنس و یا این که کلّ واحد افراد است. «أَرْذَلِ الْعُمُر »: پست‌ترین مرحله عمر، و آن پیری و فرتوتی فراوانی است که بدان هنگام عقل دچار فراموشی و اندیشه دستخوش پریشانی می‌شود. «هَامِدَةً»: خشک و خاموش. مراد زمین خشکیده و مرده است. «إهْتَزَّتْ»: به حرکت و تکان می‌افتد. مراد حرکت و تکانی است که به سبب جنبش عناصر گیاهان در داخل آن پیدا و پدیدار می‌گردد. «رَبَتْ»: بالا آمد و پفیده

شد. مراد رشد و نمو گیاهان است. «زَوْج»: صنف. نوع. «بَهِیجٍ»: زیبا و باطراوت. سُرورآفرین و شادی‌بخش. سرسبز و خرّم.

سوره حج آیه ۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٦﴾

ترجمه:

آن (چیزهائی که در آیات پیشین درباره مراحل مختلف آفرینش انسان و جهان گیاهان بازگو شد) بدان خاطر است که (بدانید) خدا حق است و (لذا نظامی را که آفریده نیز حق بوده و بیهوده و بی‌هدف نیست، و به زبان حال به شما می‌گوید:) او مردگان را زنده می‌گرداند، و وی بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«ذَلِكَ»: آن. اشاره به آفرینش انسان و دیگر چیزهای بعد از آن دارد. مبتدا است و جار و مجرور خبر آن است.

سوره حج آیه ۷

متن آیه:

﴿وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي ٱلۡقُبُورِ ٧﴾

ترجمه:

و (این که بدانید) بدون شک قیامت فرا می‌رسد و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست، و خداوند تمام کسانی را که در گورها آرمیده‌اند دوباره زنده می‌گرداند.

توضیحات:

«يَبْعَثُ»: دوباره حیات می‌بخشد و زنده می‌گرداند.

سوره حج آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ٨﴾

ترجمه:

گروهی از مردم درباره (یگانگی آفریدگار و صفات و افعال و اعمال) خداوندگار بدون هیچ دانشی و رهنمودی و کتاب روشنگری به مجادله می‌پردازند.

توضیحات:

«عِلْمٍ»: مراد علم ضروری و بدیهی است. از قبیل: اطّلاع انسان از زنده بودن خود، و این که یک، نصف دو است. «هُدیً»: مراد استدلال درست و حجّت صحیح است. «کِتَابٍ»: مراد کتاب آسمانی است (نگا: أحقاف / ۴). «مُنِیر»: روشنگر. بیان‌گر حق و حقیقت (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴). روشن و واضح (نگا: فرقان / ۶۱).

سوره حج آیه ۹

متن آیه:

﴿ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٩﴾

ترجمه:

مستکبرانه دوش‌هایشان را بالا می‌اندازند و مغرورانه روی‌شان را برمی‌گردانند تا (بدین وسیله مردمان را از راه خدا) گمراه سازند. بهره آنان در این جهان خواری و رسوائی است، و در روز قیامت عذاب آتش سوزان (دوزخ) را بدی‌شان می‌چشانیم.

توضیحات:

«ثَانِيَ»: پیچاننده. برگرداننده. حال ضمیر مستتر در (یُجَادِلُ) است. «عِطْف»: از سر تا سرینها را می‌گویند. پهلو. جانب. «ثَانِيَ عِطْفِهِ»: پهلوی خود را پیچ می‌دهد. پهلو پیچ‌دادن مترادف است با روگردانی (منافقون / ۵) و پشت کردن (اسراء / ۸۳) که کنایه از تکبّر و بی‌اعتنائی‌است. «خِزْيٌ»: خواری و رسوائی (نگا: بقره / ۸۵). «الْحَرِیق»: سوزان (نگا: آل‌عمران / ۱۸۱).

سوره حج آیه ۱۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ١٠﴾

ترجمه:

(بدو گفته می‌شود: خواری و عذابی را که می‌بینی) این نتیجه همان کارهائی است که خودت قبلاً انجام داده‌ای و پیشاپیش فرستاده‌ای، و اصلاً خداوند کمترین ستمی نسبت به بندگان روا نمی‌دارد. (نه کسی را بی‌جهت کیفر می‌دهد، و نه بر میزان

مجازات کسی بدون دلیل می‌افزاید، و بلکه برنامه او سراسر عدالت و دادگری است).

توضیحات:

«قَدَّمَتْ يَدَاكَ»: دست‌هایت آن را پیشاپیش فرستاده است. از آنجا که اغلب کارها توسّط دست انجام می‌پذیرد، اعمال سائر اعضاء بدان نسبت داده شده است. «لَيْسَ بِظَلاَّمٍ»: کمترین ستمی روا نمی‌دارد (نگا: آل‌عمران / ۱۸۲، نساء / ۴۰).

سوره حج آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍۖ فَإِنْ أَصَابَهُۥ خَيْرٌ ٱطْمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنْيَا وَٱلْأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ ١١﴾

ترجمه:

بعضی از مردم هم، خدا را در حاشیه و کناره می‌پرستند (و دارای عقیده سستی هستند. ایمان‌شان بر پایه مصالح‌شان استوار است، و لذا) اگر خیر و خوبی بدی‌شان برسد، به سبب آن شاد و آسوده خاطر و (بر دین) استوار و ماندگار می‌شوند، و اگر بلا و مصیبتی بدی‌شان برسد، (به سوی کفر برمی‌گردند و) عقب‌گرد می‌کنند. بدین ترتیب هم (آرامش ایمان به قضا و قدر و مدد و یاری خداوند را در) دنیا و هم (نعمت و سعادت) آخرت را از دست می‌دهند، و مسلّماً این زیان روشن و آشکاری است (که انسان هم دنیا و هم آخرتش بر باد فنا رود).

توضیحات:

«حَرْفٍ»: لبه. کناره. «يَعْبُدُ اللهَ عَلي حَرْفٍ»: مراد متزلزل و مذبذب بودن در پذیرش فرمان یزدان و ایمان به اسلام است. انگار چنین فردی بر لبه چیزی قرار گرفته است و با تکان مختصری از مسیر خارج می‌شود، و یا این که در جنگی که درگرفته است خویشتن را به کناری می‌کشد و در اطراف و جوانب میدان می‌جنگد، تا اگر پیروزی نصیب لشکریان شد، با ایشان بماند، و اگر ترس شکست و احتمال بلائی در میان بود، فرار بکند. «إِطْمَأَنَّ بِهِ»: ثابت و استوار می‌ماند بر باور و عقیده‌ای که ظاهراً پذیرفته است. ماندگار می‌ماند به سبب آن. «فِتْنَةٌ»: بلا و مصیبت. امتحان و آزمایش. «إِنقَلَبَ عَلي وَجْهِهِ»: بازگشت می‌کند. از ایمان برمی‌گردد و به کفر می‌گراید (نگا: بقره / ۱۴۳، آل‌عمران / ۱۴۴).

سوره حج آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ١٢﴾

ترجمه:

آنان جز خدا چیزهائی را به فریاد می‌خوانند و می‌پرستند که نه زیانی می‌توانند بدی‌شان برسانند و نه سودی را. این، سرگشتگی فراوان، و گمراهی بسیار دور (از حق و حقیقت) است.

توضیحات:

«يَدْعُو»: به فریاد می‌خواند (نگا: شعراء / ۷۲). عبادت می‌کند (نگا: انعام / ۵۶). در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «الْبَعِيد»: (نگا: بقره / ۱۷۶).

سوره حج آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ ١٣﴾

ترجمه:

کسانی را به فریاد می‌خوانند و می‌پرستند که زیانشان بیش از سودشان می‌باشد. چه یاوران و سروران بدی، و چه همدمان و دوستان بدی هستند!

توضیحات:

«لَـمَنْ»: لام زائد است و برای تأکید به اوّل مفعول افزوده شده است. مراد از (ما) در آیه قبلی بتها، و مراد از (مَنْ) در این آیه، می‌تواند طاغوت‌هائی چون فرعون باشد. «يَدْعُو»: (نگا: حجّ / ۱۲). «ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ»: استعمال اسم تفضیل (أَقْرَب) بدان خاطر است که طاغوت‌ها ممکن است به پیروان خود حقوق و جوائزی در دنیا بدهند، لیکن در برابر عذاب و عقاب آخرت بسی ناچیز است (نگا: اعراف / ۱۱۳). یا این که استعمال اسم تفضیل به معنی وجود صفتی در طرفین مورد مقایسه نیست، و چه بسا طرف ضعیف‌تر، اصلاً فاقد آن چنان صفتی باشد. وقتی که می‌گوئیم: «عذاب آتش جهان، بهتر از عذاب دوزخ است» . مفهوم سخن، آن نیست که عذاب جهان خوب است.

سوره حج آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ١٤﴾

ترجمه:

خداوند کسانی را که ایمان بیاورند و کارهای پسندیده بکنند، داخل باغ‌های بهشت می‌کند که رودبارها در زیر (درختان و کاخ‌های) آنها روان است. بی‌گمان خداوند هر چه را اراده کرده و بخواهد به انجام می‌رساند (چه عذاب و عقاب مفسدان، و چه جزا و سزای مؤمنان باشد).

توضیحات:

«يُدْخِلُ»: وارد می‌سازد. داخل می‌نماید.

سوره حج آیه ۱۵

متن آیه:

﴿مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ ١٥﴾

ترجمه:

کسی که (از میان کفّار) گمان می‌برد خدا پیغمبرش را در دنیا و آخرت یاری نمی‌دهد و پیروز نمی‌گرداند، (بداند که خداوند به کوری چشم او وی را در هر دو سرا پیروز می‌گرداند. لذا از خشم بترکد و بمیرد و هر کاری که از دستش ساخته است انجام دهد، مثلاً) او ریسمانی به سقف‌خانه بیاویزد و سپس (خویشتن را حلق‌آویز و راه نفس را) قطع نماید و (تا سر حدّ مرگ پیش رود و بدین هنگام بنگرد و) ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند (و خودکشی پیروزی را از محمّد باز می‌گرداند؟).

توضیحات:

«لَن يَنصُرَهُ اللهُ»: خداوند پیغمبرش را هرگز پیروز نخواهد کرد. ضمیر (ه) به پیغمبر برمی‌گردد که از سیاق کلام مفهوم می‌شود. نظیر آن (نگا: نحل / ۶۱، قدر / ۱). «مَن كَانَ يَظُنُّ»: مراد ترکیدن از خشم و خودکشی برای رهائی از آتش حسادت درون است (نگا: آل‌عمران / ۱۱۹). «سَبَب»: ریسمان. وسیله (نگاه: کهف / ۸۴). «السَّمَآءِ»: سقف و آسمانه خانه. آسمان. «لِيَقْطَعْ»: پاره کند. ببندد. مراد قطع گردن یا جلو راه نفس

کشیدن است. یادآوری: معنی آیه را به گونه دیگری نیز بیان داشته‌اند: کسی که گمان می‌برد خداوند هرگز پیغمبرش را - نه در دنیا و نه در آخرت - پیروز نمی‌گرداند، (بداند به کوری چشم او خداوند وی را در هر دو جهان پیروز و رستگار می‌گرداند، و پیروزی را بدو می‌رساند. برای این که از این پیروزی جلوگیری شود) او با هر وسیله‌ای که می‌تواند خویشتن را به آسمان برساند و (از پیروزی) جلوگیری کند و ببیند نیرنگ و چاره‌سازی وی چیزی را برطرف می‌نماید که او را بر سر خشم آورده است (نگا: ص / ۱۰).

سوره حج آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ ١٦﴾

ترجمه:

این گونه روشن، ما قرآن را به صورت آیه‌های کاملاً واضح و آشکار فرو فرستاده‌ایم (تا وضوح و سادگی قرآن، حجّتی بر مردم شود) و بی‌گمان خداوند (با این قرآن) هرکه را بخواهد هدایت و راهنمائی می‌کند.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ»: این گونه. مشارالیه می‌تواند انزال مذکور بعد از اسم اشاره بوده و یا انزال آیات بر پیغمبران پیشین مراد باشد. «آياتٍ»: حال ضمیر (ه) است. «وَ أَنَّ اللهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ»: این جمله خبر مبتدای محذوفی مثل (أَلأَمْر) بوده و تقدیر چنین است: «أَلأَمْرُ أَنَّ اللهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ». یا این که لامی مقدّر شود و چنین باشد: «لِاَنَّ اللهَ...»

سوره حج آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١٧﴾

ترجمه:

قطعاً خداوند روز قیامت داوری خواهد کرد در میان مؤمنان و یهودیان و ستاره‌پرستان و مسیحیان و زردشتیان و مشرکان، (و برحقّ و ناحق را بدانان می‌شناساند). مسلّماً خداوند حاضر و ناظر بر هر چیزی است.

توضیحات:

«الصَّابِئِينَ»: ستاره‌پرستان (نگا: بقره / ۶۲). «الْمَجُوسَ»: زردشتیان. آتش‌پرستان. آنان کسانی هستند که به دو مبدأ خیر و شر یا نور و ظلمت معتقدند و خدای نیکیها را اهورامزدا، و خدای شر و ظلمت را اهریمن می‌دانند و آتش را احترام بسیار می‌گذارند. «شهید»: حاضر و ناظر.

سوره حج آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩ ١٨﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌ای و ندانسته‌ای که تمام کسانی که در آسمان‌ها بوده و همه کسانی که در زمین هستند، و خورشید و ماه و ستاره‌ها و کوهها و درختان و جانوران و بسیاری از مردمان، برای خدا سجده می‌برند (و به تسبیح و تقدیس او مشغول و سرگرمند؟) و بسیاری از مردمان هم (غافل بوده و برای خدا سجده نمی‌برند و) عذاب ایشان حتمی است (و مستحقّ عقابند، و این‌ها در نزد پروردگارشان بی‌ارزش می‌باشند) و خدا هرکه را بی‌ارزش کند، هیچ کسی نمی‌تواند او را گرامی دارد (و مشمول عنایت و سعادت آسمانی کند. چرا که تنها این) خدا است که هر چیزی را که بخواهد انجام می‌دهد.

توضیحات:

«يَسْجُدُ لَهُ...»: (نگا: رعد / ۱۳ و ۱۵، اسراء / ۴۴). «الدَّوَآبُّ»: جمع دابّه، هر نوع حیوان و جانداری (نگا: بقره / ۱۶۴).

سوره حج آیه ۱۹

متن آیه:

﴿هَٰذَانِ خَصۡمَانِ ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩﴾

ترجمه:

اینان که دو دسته مقابل هم (مردمان، به نام مؤمنان و کافران) می‌باشند (و در

آیه‌های متعدّد ذکری از ایشان رفته است) درباره (ذات و صفات) خدا به جدال پرداخته‌اند و به کشمکش نشسته‌اند. کسانی که کافرند، (خداوند برای‌شان آتش دوزخ را تهیه دیده، و انگار آتش آن) جامه‌هائی (است که به تن آنان چست بوده و) برای آنان از آتش بریده (و دوخته) شده است. (علاوه بر آن) از بالای سرهایشان (بر آنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می‌شود.

توضیحات:

«هذَانِ»: این دو گروه. مراد مؤمنان و کافران بوده که پیوسته در صفوف مختلف مبارزه با یکدیگرند. «خَصْمَانِ»: طرفین دعاوی. دو دسته مقابل هم. خصم برای یک نفر و بیشتر استعمال می‌گردد، و در اینجا مراد دسته و گروه است (نگا: ص / ۲۱). «یُصَبُّ»: ریخته می‌شود. «الْحَمِیمُ»: آب بسیار گرم و سوزان و جوشان.

سوره حج آیه ۲۰

متن آیه:

﴿یُصۡهَرُ بِهِۦ مَا فِی بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠﴾

ترجمه:

(این آب جوشان آن‌چنان در بدنشان نفوذ می‌کند که) آنچه در درونشان است بدان گداخته و ذوب می‌گردد، و هم پوستهایشان.

توضیحات:

«یُصْهَرُ»: ذوب و گداخته می‌گردد. پخته می‌شود. «الْجُلُود»: جمع جِلد، پوستها.

سوره حج آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِیدٍ ٢١﴾

ترجمه:

و تازیانه‌هائی از آهن برای (زدن و سرکوبی) ایشان (آماده شده) است.

توضیحات:

«مَقَامِع»: جمع مِقْمَعَة، تازیانه. گرز. چکش چوگان مانندی که با آن بر سر فیل می‌زنند.

سوره حج آیه ۲۲

متن آیه:

﴿كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٢٢﴾

ترجمه:

هر زمان که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند، بدان برگردانده شوند (و آمرانه بدی‌شان گفته‌شود:) بچشید عذاب سوزان را.

توضیحات:

«مِنْ غَمٍّ»: از غم عظیمی از غمهای آتش. در این صورت (مِنْ غَمٍّ) بدل از ضمیر (ها) می‌باشد. به سبب غم بزرگ حاصل از آن. «وَ ذُوقُوا»: در آن (بدیشان گفته شود) حذف است و عطف بر (أُعِيدُوا) است و تقدیر چنین است: «أُعِيدُوا فِيهَا»، «وَ قِيلَ لَهُمْ»: «ذُوقُوا» (نگا: سجده / ۲۰).

سوره حج آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٢٣﴾

ترجمه:

(این حال گروه اوّل، یعنی کافران در قیامت است. امّا گروه دوم که مؤمنانند) خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغهائی (از بهشت) داخل می‌گرداند که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودبارها جاری است. آنان با دستبندهائی از طلا و مروارید زینت می‌یابند، و جامه‌هایشان در آنجا از حریر است.

توضیحات:

«يُحَلَّوْنَ»: زینت داده می‌شوند. از مصدر (تَحْلِيَة) به معنی آراستن، و از ماده (حلی). «أَسَاوِرَ»: (نگا: کهف / ۳۱). «مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ»: حرف (مِنْ) نخست برای بیان جنس، و دومی برای تبعیض است. «لُؤْلُؤاً»: درّ. مروارید. عطف بر محلّ (مِنْ أَسَاوِرَ) است.

سوره حج آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ ۝٢٤﴾

ترجمه:

آنان به‌سوی (گفتن) سخنان زیبا، و راه (انجام کارهای) پسندیده رهنمود می‌گردند.

توضیحات:

«هُدُوا»: راهیاب و رهنمود می‌گردند. «الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»: سخنان زیبا و پسندیده. مراد سخنان روح‌پرور و نشاط‌آور و لبریز از صفا و صمیمیت و معنویت است. یا سخنانی که دالّ بر تقدیس خدا و بیان‌گر اعتراف به فضل او است (نگا: یونس / ۱۰، فاطر / ۳۴ و ۳۵). «الْحَمِیدِ»: پسندیده. بایسته. «صِرَاطِ الْحَمِیدِ»: راه بایسته. مراد انجام افعال نیکو است. برخی (الْحَمید) را به معنی خدای ستوده دانسته‌اند. در این صورت معنی چنین می‌شود: آنان به‌سوی سخنان زیبائی (که روح را در مدارج کمال سیر می‌دهد) رهنمود می‌شوند، و به راه خدای شایسته ستایش هدایت می‌گردند (تا بدانجا که به آخرین درجه قرب یزدانی و لذّات روحانی می‌رسند). برخی معنی آیه را مربوط بدین جهان دانسته و گفته‌اند: مؤمنان در این جهان به‌سوی سخنان زیبا (که توحید است) رهنمود می‌گردند، و به‌سوی راه خدا (که اسلام است) سوق داده می‌شوند.

سوره حج آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ۝٢٥﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که کفر می‌ورزند و (مردمان را) از راه خدا (که دین اسلام است) و (مؤمنان را) از (ورود به) مسجدالحرام باز می‌دارند که (مکه است و ما) آن را برای همه مردمان، اعم از کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و یا از نقاط دیگر بدان وارد می‌شوند، یکسان (حرم امن و امان و محلّ مراسم حجّ و عمره) نموده‌ایم، همچنین کسانی که با توسّل به ظلم (از حدّ اعتدال خارج می‌شوند و) در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌گردند، عذاب دردناکی بدی‌شان می‌چشانیم.

توضیحات:

«الْمَسْجِدِ الْحَرَام»: مراد مکه است که به سبب اهمّیت فراوان مسجدالحرام، از مکه

بدان تعبیر شده است. «سَوَآءً»: برابر و یکسان. مفعول دوم است. «الْعَاكِفُ»: ساکن. مقیم. فاعل (سَوَآءً) می‌باشد. «الْبَادِ»: از بادیه آینده. مراد زُوّار و حجّاجی است که از اطراف و اکناف به مکه می‌آیند. اصل آن (الْبادي) است. «بِإِلْحَادٍ»: إلحاد به معنی انحراف از حد اعتدال است. مفعول‌به است و حرف (ب) در اوّل آن زائد است (نگا: مریم / ۲۵). «بِظُلْمٍ»: ستمگرانه. به سبب ظلم. «مَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ»: هرکس در آنجا از روی ستم مرتکب کج‌روی و انحراف شود. هرکس در آنجا منحرفانه و ستمگرانه مرتکب هرگونه گناهی شود. مفعول فعل (يُرِدْ) یا محذوف است که (شَيْئاً) است، و حرف (ب) برای ملابسه می‌باشد، یا این که این حرف زائد است و إلحاد مفعول است. (بِظُلْمٍ) حال یا بدل (بِإِلْحَادٍ) بوده و جنبه تأکید را دارد.

سوره حج آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ٢٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به خاطر بیاور) زمانی را که محلّ خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم و (پایه‌های قدیمی) آن را بدو نمودیم (و دستور دادیم به بازسازی آن بپردازد. هنگامی که خانه کعبه آماده شد، به ابراهیم خطاب کردیم که این خانه را کانون توحید کن و) چیزی را انباز من منمای و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع برندگان و سجده برندگان (از وجود بتان و مظاهر شرک و از هرگونه آلودگی ظاهری و معنوی دیگر) تمییز و پاکیزه گردان.

توضیحات:

«بَوَّأْنَا»: آماده‌ساختیم. وارد کردیم. شناساندیم. «بَوَّأْنا لإِبْرَاهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ»: جای کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم. مکان قدیمی کعبه را به ابراهیم نشان دادیم. ابراهیم را به محلّ کعبه رساندیم. «شَيْئاً»: مفعول‌به یا مفعول مطلق است. «الطَّآئِفِينَ»: طواف کنندگان دور کعبه. «الْقَآئِمِينَ»: ایستادگان در نماز. «الرُّكَّعِ»: رکوع برندگان در

نماز. «السُّجُودِ»: سجده‌برندگان در نماز. این سه واژه اشاره دارند به سه رکن از ارکان مهمّ نماز که قیام و رکوع و سجود است، و لذا ذکر آنها کنایه از خود نماز است. یادآوری: از آنجا که مکتب ابراهیم خلیل و محمّد مصطفی و همه انبیاء یکی است (نگا: آل‌عمران / ۹۵، یوسف / ۳۸، نحل / ۱۲۳) فرمان (لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ...) در این آیه، و (أَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... وَ...) و احکام مترتّب بر آن، متوجّه خاتم‌الانبیاء بوده است (تفسیر المنتخب، حجّ / ۲۷) و این است که در سال فتح مکه بتها سرنگون و کعبه از لوث اصنام زدوده می‌گردد (نگا: تفسیر أضواء البیان، حجّ / ۲۶). لذا آیات بعدی خطاب به پیغمبر اسلام است (نگا: تفسیر ابن کثیر، حاشیه کازرونی بر تفسیر بیضاوی). در این صورت عطف بر جمله مقدّری مثل: اِقْتِدَآءً بِإِبْرَاهِيمَ است.

سوره حج آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ٢٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) به مردم اعلام کن که (افراد مسلمان و مستطیع)، پیاده، یا سواره بر شتران باریک اندام (ورزیده و چابک و پرتحمّل، و مرکبها و وسائل خوب دیگری) که راه‌های فراخ و دور را طی کنند، به حجّ کعبه بیایند (و ندای تو را پاسخ گویند).

توضیحات:

«أَذِّنْ»: اعلام کن. آگهی کن. «رِجَالاً»: جمع راجِل، پیادگان. حال است. «ضَامِر»: شتر لاغر و باریک اندام. مراد استفاده از مرکبهای قوی و دارای عضلات سفت و محکمی است که تاب تحمّل بیابانهای خشک و سوزان و بی‌آب و علف را داشته باشند. «رِجَالاً وَ عَلَيا كُلِّ ضَامِرٍ»: مراد استفاده از هرگونه امکانات، برای شرکت در این فریضه مهمّ است. «فَجٍّ عَمِيقٍ»: راه فراخ. راه دور (نگا: أنبیاء / ۳۱، نوح / ۲۰).

سوره حج آیه ۲۸

متن آیه:

﴿لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ٢٨﴾

ترجمه:

(آنان به این سرزمین مقدّس بیایند) تا منافع خویش را با چشم خود ببینند (و به سود مادی و معنویشان برسند و ناظر فوائد فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و اخلاقی حجّ باشند)، و در ایام معینی که (روز عید قربان و دو و یا سه روز بعد از آن است، به هنگام ذبح قربانی) نام خدا را بر چهارپایانی (همچون بز و گوسفند و شتر و گاو) ببرند که خدا نصیب ایشان کرده است. پس (از ذبح حیوانات، ای حجّاج) خودتان از (گوشت) آنها بخورید و بینوایان مستمند را نیز بخورانید.

توضیحات:

«مَنَافِعَ»: مراد سود مادی همچون تجارت و بازرگانی، و سود معنوی همچون عبادت و عفو و مغفرت است. «أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ»: چند روز معین و مشخّص. مراد روز عید و دو روز یا سه روز بعد از آن است. برخی هم روز عرفه و روز عید و یک روز بعد از آن و بعضی هم ده روز ذی‌الحجّه دانسته‌اند. «بَهِيمَةِ الأَنْعَامِ»: چهارپایان اهلی (نگا: مائده / ۱). «فَكُلُوا مِنْهَا وَ...»: معنی مستفاد از این بخش آیه، این است که گوشت قربانی باید به مصرفهای لازم برسد. دیگر گوشتهای قربانی در سرزمین مِنی بر روی زمین انداخته نشود تا گندیده و یا در زیر خاکها مدفون گردد. بلکه اگر نیازمندانی در آنجا و در آن زمان پیدا نشوند، باید گوشتها - در صورت امکان - هرگونه که شده است به مناطق دیگری حمل و به مصرف برسد. «الْبَآئِسَ»: سخت نیازمند. مستمند.

سوره حج آیه ۲۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٢٩﴾

ترجمه:

بعد از آن باید آلودگیها (و چرک و کثافت، و زوائد بدن همچون مو و ناخن) را از خود برطرف سازند، و به نذرهای خویش (اگر نذر کرده‌اند) وفا کنند، و خانه قدیمی و گرامی (خدا، کعبه) را طواف نمایند.

توضیحات:

«لِيَقْضُوا»: قطع کنند. به پایان برسانند. برطرف سازند. «تَفَثَ»: چرک و کثافت و

آلودگی. از قبیل: موهای زائد و ناخن و عرق بدن. «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»: مراد تَقْصیر است که از مناسک حجّ بشمار است و به دنبال از احرام به در آمدن انجام می‌پذیرد. «نُذُورَهُمْ»: مراد نذرهای حلال است. از قبیل: قربانی‌های اضافی و صدقات و خیرات. «لِيَطَّوَّفُوا»: مراد طواف اضافه است که بعد از عرفه و از احرام به در آمدن انجام می‌پذیرد. «الْعَتِيقِ»: عتیق چیزی است که از نظر زمان یا مکان و یا مرتبه متقدّم باشد. آزاد (از تسلّط جبّاران و قلدران).

سوره حج آیه ۳۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ۝٣٠﴾

ترجمه:

آن (چیزی که گذشت، برنامه و مناسک حجّ بود) و هر کس اوامر و نواهی خدا را (به ویژه در مراسم و امور مربوط به حجّ) بزرگ و محترم دارد، از نظر خدا چنین کاری (در دنیا و آخرت) برای او بهتر است. (خوردن گوشت) چهارپایان (همچون شتر و گاو و بز و گوسفند) برای شما حلال گشته است، مگر (گوشت) آن چهارپایانی که (در قرآن) برایتان بیان می‌شود (همچون مردار و غیره). و از (پرستش) پلیدها، یعنی بتها دوری کنید، و از گفتن افتراء (بر مردم و بر خدا) بپرهیزید.

توضیحات:

«ذلِكَ»: این‌گونه اسماء اشاره، برای جداسازی دو نوع سخن از هم، و یا فاصله انداختن بخش پیشین سخنی از قسمت پسین آن به کار می‌رود (نگا: ص / ۵۵). خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «أَلأَمْرُ هُوَ ذلِكَ». «حُرُمات»: «مقدّسات». چیزهائی که نباید حرمت آنها پایمال شود. مراد مراسم و مناسک حجّ و به طور کلّی احکام اوامر و نواهی خدا است (نگا: بقره / ۱۹۴). « عِندَ رَبِّهِ »: از نظر پروردگارش. در پیشگاه خداوندگارش. «إِلاّ مَا يُتْلَيا...»: (نگا: مائده / ۳). «الرِّجْسَ»: ناپاک. پلید. در اینجا ناپاک و پلید معنوی مراد است و لذا با (الأوْثان) یعنی بتان بیان و توضیح داده شده است. «مِنْ»: مِن بیانیه است. «قَوْلَ الزُّورِ»: افتراء. سخن باطل و بی‌اساس.

سوره حج آیه ۳۱

متن آیه:

﴿حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيۡرَ مُشۡرِكِينَ بِهِۦۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخۡطَفُهُ ٱلطَّيۡرُ أَوۡ تَهۡوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٖ سَحِيقٖ ٣١﴾

ترجمه:

حقّگرا و مخلص خدا باشید، و هیچ‌گونه شرکی برای خدا قرار ندهید. زیرا کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضیض کفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تکه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند (و وی را آن چنان بر زمین می‌کوبد که بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود).

توضیحات:

«حُنَفَآءَ»: جمع حَنیف، حقّگرایان و دوری گزیدگان از باطل. مخلصین (نگا: بقره / ۱۳۵، آل‌عمران / ۶۷ و ۹۵). حال ضمیر (و) در فعل (إِجْتَنِبُوا) است. «غَيۡرَ»: عطف بر (حُنَفَآءَ) و حال است. «خَرَّ»: سقوط کرد. فرو افتاد. «السَّمَآءِ»: مراد آسمان ایمان است. شخص به هنگام سقوط از آن بر اثر اضطراب فراوان، احساس بی‌وزنی و بی‌ارجی در درون روح و جان خود می‌کند و خویشتن را بی‌پایگاه می‌بیند. «الطَّيۡرُ»: مراد پرندگان هواها و هوس‌ها است که افکار شخص را پریشان می‌سازند. «تَـهۡوِي بِهِ»: او را پرت می‌کند. وی را به پائین می‌اندازد. «الرِّيحُ»: مراد ابلیس ملعون است که کافر را در وادی ضلالت سرگردان و ویلان می‌سازد و هلاک و تباهش می‌نماید. «سَحِيقٍ»: بسیار ژرف. دور افتاده و پرت.

سوره حج آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ ٣٢﴾

ترجمه:

(مطلب) چنین است (که گفته شد)، و هر کس مراسم و برنامه‌های الهی را بزرگ

دارد (و از جمله مناسک حجّ را گرامی‌شمارد)، بی‌گمان بزرگداشت آنها نشانه پرهیزگاری دل‌ها (و خوف و هراس از خدا) است.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: (نگا: حجّ / ۳۰). «شَعَآئِرَ»: (نگا: بقره / ۱۵۸، مائده / ۲). «فَإِنَّـهَا»: شعائر و مناسک. حیوانات قربانی.

سوره حج آیه ۳۳

متن آیه:

﴿لَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٣٣﴾

ترجمه:

در این حیوانات قربانی، منافع (دنیوی از قبیل سوار شدن و بار کردن و استفاده از شیر و پشم و تولید مثل آنها برایتان آزاد) است تا زمان معین (که روز ذبح آنها است) و بعد هم که در کنار خانه قدیمی و گرامی (کعبه، یعنی در قربانگاه منی و دیگر جاهای حرم) آماده گردیدند (و ذبح شدند، شما می‌توانید از منافع مادی و معنوی آنها برخوردار شوید).

توضیحات:

«لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ...»: مراد این است که استفاده از فرآورده‌های حیوانات قربانی آزاد است. یا این که: در مراسم و مناسک، سود شما است. «اَجَلٍ مُّسَمّيً»: وقت مشخّص. مراد روز ذبح است. «مَحِلُّهَا»: حلال بودن ذبح، یا محلّ و یا زمان حلال بودن ذبح حیوان قربانی. یا این که: محلّ مردم از احرام‌شان تا کعبه است. یعنی پس از مناسک، کعبه را طواف می‌کنند. «إِلَي الْبَيْتِ»: حرف (إِلي) به معنی (عِندَ) یعنی نزد، و مراد از بیت، کلّ حرم است.

سوره حج آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

(قربانی تنها منحصر به شما مسلمانان نبوده، و بلکه) ما برای هر ملّتی (که پیش از شما به خدا ایمان داشته‌اند) قربانی را (که سمبل آمادگی انسان برای فدا شدن در راه

خدا است) مقرّر کرده‌ایم، تا به نام خدا چهارپایانی را ذبح کنند که خدا بدی‌شان عطاء نموده است. خدای شما و ایشان خدای واحدی است (و برنامه او و هم برنامه واحدی است. حال که چنین است) پس‌تسلیم (فرمان) او بوده، و (اعمالتان خالصانه برای او باشد. ای پیغمبر) مژده بده مخلصان متواضع (در برابر فرمان خدا) را (به بهشت و پاداش فراوان آفریدگارشان).

توضیحات:

«مَنسَكاً»: عبادت. در اینجا به قرینه (لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ...) مراد قربانی، یعنی ذبح حیوان برای فقراء است. «أَسْلِمُوا»: مخلص شوید. منقاد و مطیع شوید. «الْمُخْبِتِينَ»: افراد متواضع و مُقِرّ به بندگی و مطمئنّ از ایمان خود (نگا: هود / ۲۳، حجّ / ۵۴). ایمانداران خاضع و خاکی.

سوره حج آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمۡ وَٱلۡمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

آنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود (به خاطر درک مقام باعظمت یزدان) دل‌هایشان به هراس می‌افتد، و در برابر مصائبی که گریبانگیرشان می‌گردد، شکیبائی پیش می‌گیرند (و ایستادگی می‌کنند، چرا که تسلیم فرمان قضا و قدرند)، و نماز را چنان که باید می‌خوانند، و از اموالی که بدی‌شان عطاء کرده‌ایم (در کارها و راه‌های خیر) صرف می‌کنند.

توضیحات:

«وَجِلَتْ»: به خوف و هراس افتاد (نگا: أنفال / ۲، حجر / ۵۲ و۵۳).

سوره حج آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَٱلۡبُدۡنَ جَعَلۡنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمۡ فِيهَا خَيۡرٞۖ فَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّۖ فَإِذَا وَجَبَتۡ جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ وَٱلۡمُعۡتَرَّۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرۡنَٰهَا لَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

ما (ذبح) شتران (چاق و فربه، و دیگر چهارپایان) را (در حجّ) برای شما از جمله مراسم و مناسک (دین و نشانه‌های آئین) الهی قرار داده‌ایم، و در چنین حیواناتی خیر (دنیا و اجر آخرت) شما است. پس در حالی که به صف ایستاده‌اند (و دست‌ها و پاها را جفت هم کرده‌اند و آماده ذبح می‌باشند) نام خدا را بر آنها ببرید (و به نام خدا ذبحشان کنید)، و هنگامی که (نقش زمین شدند و) بر پهلوهایشان افتادند، خودتان (اگر خواستید) از گوشت آنها بخورید و به مستمند (غیر گدا) و به فقیر (گدا پیشه) بخورانید. این‌گونه (که می‌بینید) شتران را رام و مطیع شما کرده‌ایم تا این که (از الطاف کریمانه و انعام بزرگوارانه آفریدگار خود) سپاسگزاری کنید.

توضیحات:

«الْبُدْنَ»: جمع بَدَنَة، شتران چاق و فربه و تنومند. مفعول فعل مقدّری است که فعل مذکور بعد از آن، یعنی (جَعَلْناها) بیان‌گر آن است. «صَوَآفَّ»: جمع صَآفَّة، برپا ایستاده و صف کشیده، دست‌ها و پاها را جفت کرده و دراز کشیده. از لحاظ نحوی حال است و از نظر صرفی غیر منصرف. «وَجَبَتْ»: فرو افتاد. نقش زمین گردید. «جُنُوب»: جمع جنب، پهلوها. «الْقَانِعَ»: مستمندی که عفیف‌النفس است و دست تکدّی دراز نمی‌کند، و یا این که بدانچه بدو دهند راضی می‌گردد و الحاح و اصرار نمی‌کند. «الْمُعْتَرَّ»: فقیری که آشکارا دست تکدّی دراز و با الحاح و اصرار از طرف درخواست می‌کند. «کَذلِكَ»: این گونه. مثل چنین. نعت مصدر محذوفی است و در اصل چنین است: «سَخَّرْنَاهَا لَکُمْ تَسْخیراً کَذلِكَ».

سوره حج آیه ۳۷

متن آیه:

﴿لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقْوَىٰ مِنكُمْۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُحْسِنِينَ ۝٣٧﴾

ترجمه:

گوشت‌ها و خون‌های قربانی‌ها (که مظاهر و صور ظاهری هستند، به هیچ وجه مورد توجّه خدا نبوده و) هرگز به خدا نمی‌رسد (و موجب رضای او نمی‌گردد) و بلکه

پرهیزگاری (و ورع و اخلاص) شما بدو می‌رسد (و رضا و خوشنودیش را کسب می‌کند). این‌گونه که (می‌بینید) خداوند حیوانات را مسخر شما کرده است تا خدا را به خاطر این که هدایتتان نموده است (و به‌سوی انجام اعمال نیکو رهنمودتان کرده است) بزرگ دارید و (سپاسگزار الطاف او باشید. ای پیغمبر!) نیکوکاران را (به پاداش عظیم و لطف عمیم خدا) مژده بده.

توضیحات:

«لَن يَنَالَ اللهَ...»: این آیه اشاره بدان دارد که خداوند گوشت و خون قربانیهائی را نمی‌پذیرد که از تقوا و پرهیزگاری و نیت خالص و درست سرچشمه نگیرد. «لِتُكَبِّرُوا»: تا این که تکبیر گوئید و بزرگ دارید. «عَلي مَا هَدَاكُمْ»: به خاطر این که به کارهای خیری همچون قربانی و انجام مناسک حجّ رهنمودتان کرده است.

سوره حج آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ٣٨﴾

ترجمه:

خداوند دفاع می‌کند از مؤمنان (و به سبب ایمان‌شان پیروزشان می‌گرداند). چرا که مسلّماً خداوند خیانت پیشگان کافر را دوست نمی‌دارد (و دوستان مؤمن خود را در دست خیانتکاران ملحد رها نمی‌سازد).

توضیحات:

«خَوَّانٍ»: بسیار خیانتکار. صیغه مبالغه خائن است (نگا: نساء / ۱۰۷). «كَفُورٍ»: شدیدالْكفر. بس کفرپیشه. صیغه مبالغه کافر است. استعمال صیغه مبالغه (خَوَّان) و (كَفُور) متوجّه مبالغه در نفی محبّت است (نگا: آل‌عمران / ۱۸۲). چرا که خداوند هیچ‌گونه خائنی (نگا: انفال / ۵۸) و کافری (نگا: آل‌عمران / ۳۲) را دوست نمی‌دارد.

سوره حج آیه ۳۹

متن آیه:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ ٣٩﴾

ترجمه:

اجازه (دفاع از خود) به کسانی داده می‌شود که به آنان جنگ (تحمیل) می‌گردد، چرا که بدی‌شان ستم رفته است (و آنان مدّت‌های طولانی در برابر ظلم ظالمان شکیبائی ورزیده‌اند و خون دل خورده‌اند) و خداوند توانا است بر این که ایشان را پیروز کند.

توضیحات:

«أُذِنَ»: اجازه داده شده است. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ...»: خدا به کسانی که بدی‌شان حمله و تعدّی می‌شود اجازه دفاع از خود داده است (نگا: بقره / ۱۹۰).

سوره حج آیه ۴۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗاۗ وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝٤٠﴾

ترجمه:

همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود اخراج شده‌اند (و از مکه وادار به هجرت گشته‌اند) و تنها گناه‌شان این بوده است که می‌گفته‌اند پروردگار ما خدا است! اصلاً اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند (و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری ننماید، باطل همه‌جاگیر می‌گردد و صدای حق را در گلو خفه می‌کند، و آن وقت) دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشتهای (یهودیان)، و مسجدهای (مسلمانان) که در آنها خدا بسیار یاد می‌شود، تخریب و ویران می‌گردد. (امّا خداوند بندگان مصلح و مراکز پرستش خود را فراموش نمی‌کند) و به طور مسلم خدا یاری می‌دهد کسانی را که (با دفاع از آئین و معابد) او را یاری دهند. خداوند نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد یاران خود را پیروز می‌گرداند، و چیزی نمی‌تواند او را درمانده کند و از تحقّق وعده‌هایش جلوگیری نماید).

توضیحات:

«دَفْعُ»: برگرداندن. جلوگیری نمودن (نگا: بقره / ۲۵۱). «صَوَامِعُ»: جمع صَوْمعه، دیرها. محلّ رهبانیت راهبان که اسلام آن را منسوخ کرده است (نگا: حدید / ۲۷). « بِيَعٌ»: جمع بیعَة، کلیساها. «صَلَوَاتٌ»: جمع صَلاة، معرَّب واژه عبری (صَلُوقا)، معابد

یهودیان، کنشت‌ها. «يُذْكَرُ فِيهَا...»: مرجع (ها) می‌تواند (مساجد) یا این که معابد به طور کلّی باشد.

سوره حج آیه ۴١

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٤١﴾

ترجمه:

(آن مؤمنانی که خدا بدی‌شان وعده یاری و پیروزی داده است) کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و امر به معروف، و نهی از منکر می‌نمایند، و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد (و بدان‌ها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد، همان‌گونه که آغاز همه کارها از ناحیه خدا است).

توضیحات:

«إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي...»: اگر ایشان را تسلّط و تصرّف دهیم و قدرتشان بخشیم (نگا: انعام / ۶، اعراف / ۱۰). «للهِ عَاقِبَةُ الأُمُورِ»: سرنوشت کارها به دستور و فرمان خدا بستگی دارد و هر که را بخواهد غالب، و هرکه را بخواهد مغلوب می‌گرداند. کارها عاقبت به دادگاه الهی برگشته و مورد بررسی واقع می‌گردد.

سوره حج آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ ٤٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! در برابر اذیت و آزار و یاوه‌گوئی مردمان غمگین و ناراحت مباش). اگر تو را تکذیب می‌کنند (کار تازه‌ای نیست) پیش از اینان نیز قوم نوح (نوح را) و قوم عاد (هود را) و قوم ثمود (صالح را اذیت و آزار رسانده و) تکذیب کرده‌اند.

توضیحات:

«كَذَّبَتْ»: فاعل آن اسم جمع (قوم) و مفعول آن به سبب کمال ظهور محذوف است.

سوره حج آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَقَوۡمُ إِبۡرَٰهِيمَ وَقَوۡمُ لُوطٖ ٤٣﴾

ترجمه:

و همچنین قوم ابراهیم (ابراهیم را) و قوم لوط (لوط را).

توضیحات:

سوره حج آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَأَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰۖ فَأَمۡلَيۡتُ لِلۡكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٤﴾

ترجمه:

و اهل مدین (پیغمبر خود شعیب را تکذیب نموده‌اند) و (بالاخره سایر پیغمبران اذیت و آزار دیده‌اند و تهدید و تکذیب شده‌اند و از جمله توسّط فرعون و فرعونیان) موسی (هم) تکذیب شده است (و درد و رنج و شکنجه و آزاری را دیده که تو دیده و خواهی دید). امّا ما کافران (آزاررسان و اقوام بی‌ایمان) را مدّتی مهلت داده‌ایم و (فوراً به گناهانشان نگرفته‌ایم، تا بلکه به خود آیند و فرمان حق را پذیرا گردند، ولیکن وقتی که آنان به افتراء پرداخته و به آزار وتکذیب پیغمبران خود ادامه داده‌اند) آن گاه ایشان را گرفتار (انواع عذاب) نموده‌ام. (در آیات متعدّد قرآنی باید دیده باشی) عاقبت چگونه کارشان را ناپسند شمرده‌ام (و زشتی آن را با تازیانه‌های عقاب بدی‌شان نموده‌ام؟).

توضیحات:

«أَصْحَابُ مَدْيَنَ»: اهل شهر مدین، یعنی قوم شعیب (نگا: اعراف / ۸۵). « أَمْلَيْتُ »: مهلت داده‌ام (نگا: آل‌عمران / ۱۷۸). «أَخَذْتُـهُمْ»: ایشان را گرفتار عقاب کرده‌ام (نگا: آل‌عمران / ۱۱، اعراف / ۹۶، عنکبوت / ۴۰). «نَكِيرِ»: زشت دانستنم و ناپسندیدنم. نکیر به معنی انکار بوده و اشاره دارد به این که خداوند نعمت را به نقمت، سلامت را به هلاکت، آبادانی را به ویرانی، و سعادت را به شقاوت تبدیل فرموده است.

سوره حج آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئۡرٖ مُّعَطَّلَةٖ وَقَصۡرٖ مَّشِيدٍ ٤٥﴾

ترجمه:

چه بسیار شهرها و آبادی‌هائی که آنجاها را نابود کرده‌ایم، و به سبب ستمگری (ساکنانشان) فرو تپیده و برهم ریخته است، و چاه‌هائی که بی‌استفاده رها گشته است، و کاخ‌های برافراشته و استواری که بی‌صاحب و متروک مانده است.

توضیحات:

«فَكَأَيِّنْ...»: چه بسیار. چه زیاد. «قَرْيَةٍ»: اشاره به ساکنان ستمگر آبادیها دارد (نگا: نساء / ۷۵، انبیاء / ۶ و ۱۱ و ۷۴ و ۹۵). «خَاوِيَةٌ عَلَيا عُرُوشِهَا»: (نگا: بقره / ۲۵۹، کهف / ۴۲). «مَشِيدٍ»: استوار. برافراشته. آراسته (نگا: نساء / ۷۸).

سوره حج آیه ۴۶

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَتَكُونَ لَهُمۡ قُلُوبٞ يَعۡقِلُونَ بِهَآ أَوۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۖ فَإِنَّهَا لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ ٤٦﴾

ترجمه:

آیا در زمین به سیر و سفر نپرداخته‌اند تا (از دیدن آثار گذشتگان و مشاهده ویرانه‌های کاخ‌های ستمگران) دلهائی به هم رسانند که بدان‌ها (وظیفه خود را در قبال دعوت حق درک و) فهم کنند، و گوش‌هائی داشته باشند که بدان‌ها (اخبار جبّاران، و ندای وجدان، و فرمان یزدان را) بشنوند؟ چرا که این چشم‌ها نیستند که کور می‌گردند، و بلکه این دل‌های درون سینه‌ها هستند که نابینا می‌شوند.

توضیحات:

«ءَاذَانٌ»: جمع أُذُن، گوش‌ها. «تَعْمَيا»: کور می‌گردد و نمی‌بیند. «الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»: جار و مجرور (فِي الصُّدُورِ) جنبه تأکید را دارد. چرا که مکان قلب‌ها سینه‌ها است. همان‌گونه که خواهیم گفت: «رَأَيْتُهُ بِعَيْنِي. سَمِعْتُهُ بِأُذُنِي» (نگا: انعام / ۲۵ و اسراء / ۴۶).

سوره حج آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥۚ وَإِنَّ يَوۡمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلۡفِ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٤٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! کافران، مسخره‌کنان) از تو می‌خواهند که هرچه زودتر عذابی را بر سر ایشان بیاوری (که آنان را از آن می‌ترسانی. این عذاب بدون شک گریبانگیرشان می‌گردد) و خداوند به هیچ وجه خلاف وعده نمی‌کند (و عذاب را گریبانگیرشان می‌سازد، هرچند سال‌ها طول بکشد، اصلاً زمان نسبت به خدا مطرح نیست، و مثلاً در همین جهان) یک روز خدا، بسان هزار سالی است که شما می‌شمارید و به حساب می‌آرید.

توضیحات:

«يَسْتَعْجِلُونَكَ»: عجولانه از تو می‌خواهند (نگا: انعام / ۵۷ و ۵۸، رعد / ۶). «إِنَّ يَوْماً... »: اشاره به این است که زمان نسبی است، و زمان با توجّه به خدای ازلی و ابدی معنی ندارد، و لذا او برای رساندن عذاب شتاب نمی‌گیرد و عجله نمی‌کند.

سوره حج آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ ثُمَّ أَخَذۡتُهَا وَإِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ٤٨﴾

ترجمه:

چه آبادی‌ها و شهرهای بسیاری که با وجود این که (مردمانشان) ستمگر بوده‌اند، ما بدی‌شان مهلت داده‌ایم (و در عذاب‌شان شتاب نکرده‌ایم، تا بلکه بیدار شوند و به‌سوی ما برگردند. ولی چون به ستمکاری و زشتکاری ادامه داده‌اند) بعدها ایشان را به عذاب گرفتار نموده‌ایم و (زیر ضربات مجازات گرفته‌ایم. پس ای کافران! به سبب تأخیر عذاب مغرور نشوید و بدانید که) برگشت (همگان در روز قیامت به‌سوی خداوند، و تمام خطوط منتهی) به من است (که خالق جهانم، همان‌گونه که آغاز از من بوده است).

توضیحات:

«الْـمَصِير»: مرجع. بازگشت.

سوره حج آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ۝٤٩﴾

ترجمه:

بگو: ای مردم! من تنها و تنها بیم‌دهنده آشکاری برای شما هستم و بس. (دیگر نه عقاب و عذاب شما در دست من است، و نه حساب و کتاب شما مربوط به من).

توضیحات:

«نَذِيرٌ مُّبِينٌ»: بیم‌دهنده آشکار. بیم‌دهنده‌ای که بیان‌گر اوامر و نواهی آسمانی و روشن‌کننده حقائق از اباطیل باشد.

سوره حج آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ۝٥٠﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته بکنند، آمرزش (یزدان شامل گناهان ایشان می‌شود) و رزق و روزی ارزشمند و پاک و فراوانی (در بهشت) دارند.

توضیحات:

«رِزْقٌ»: روزی. فضل و نعمت. «كَرِيمٌ»: پاک و فراوان. ارزشمند.

سوره حج آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ سَعَوۡاْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ۝٥١﴾

ترجمه:

و کسانی که در راه مسابقه و مبارزه با قرآن، درباره (نادرست و ناچیز جلوه دادن) آیه‌های ما به تلاش می‌ایستند، آنان ساکنان دوزخند.

توضیحات:

«سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا»: تلاش و کوشش می‌کنند در راه باطل قلمداد کردن آیه‌های قرآنی ما. گاهی آن را سحر (نگا: سبأ / ۴۳) و زمانی آن را شعر (نگا: انبیاء / ۵) و چه بسا آن را افسانه‌های گذشتگان (نگا: انعام / ۲۵) می‌خوانند. «مُعَاجِزِينَ»: مبارزان.

مسابقه‌دهندگان. درمانده‌کنندگان (نگا: سبأ / ۵ و ۳۸). حال ضمیر (و) در فعل (سَعَوْا) می‌باشد.

سوره حج آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٢﴾

ترجمه:

ما پیش از تو رسولی و نبیی را نفرستاده‌ایم، مگر این که هنگامی که (آن رسول یا نبی آیات و احکام خدا را برای مردم) تلاوت کرده است اهریمن (با ایجاد وساوس و اباطیل در دل شنوندگان سست ایمان، و با پخش یاوه‌سرائی توسّط ذرّیه و دارودسته خود) در تلاوت او القاء (شبهه) نموده است (و گاهی پیغمبران را شاعر، و زمانی ساحر، و وقتی ناقل افسانه‌ها و خرافات پیشینیان جلوه‌گر ساخته است). امّا خداوند آنچه را که شیطان القاء نموده است (توسّط تبلیغ و تبیین پیغمبران و دعوت و زحمت شبانه‌روزی پیروان ایشان در همه جا و همه آن) از میان برداشته است (و شبهات و ترّهات اهریمنان انس و جان را از صفحه دل مردمان زدوده است) و سپس آیات خود را (در برابر سخنان ناروا و دلائل نابه‌جای نیرنگ‌بازان بی‌مایه و دسیسه‌بازان بی‌پایه) پایدار و استوار داشته است، زیرا که خدا بس آگاه (از کردار و گفتار و پندار شیطان و شیطان صفتان بوده و همه کارهایش از روی فلسفه و) دارای حکمت است (و لذا اهریمن و پیروان او را همیشه مهلت داده است تا به دسایس و وساوس خود بپردازند).

توضیحات:

«رَسُولٍ»: پیغمبری که شرع جدید و برنامه ویژه‌ای را با خود بیاورد. «نَبِيٍّ»: پیغمبری که شرع جدید و برنامه ویژه‌ای را با خود نیاورد، و بلکه تنها عهده‌دار تبلیغ و تقریر شرع و برنامه پیغمبران پیشین باشد، مانند انبیاء بنی‌اسرائیلی که در فاصله بین موسی و عیسی زیسته‌اند. «تَمَنّي»: قرائت و تلاوت کرده است. آرزو کرده است و دوست داشته است. «أُمْنِيَّةِ»: قرائت و تلاوت. امید و آرزو. اگر واژه (تمنّی) به معنی (خوانده است) و (أُمْنِية) به معنی (خواندن) در نظر گرفته شود معنی آیه چنان است که گذشت. ولی اگر (تمنّی) به معنی (آرزو کرده است) و (أُمْنِيَّة) به معنی (آرزو) باشد، معنی آیه

چنین می‌شود: ما پیش از تو رسولی و نبی‌ای را نفرستاده‌ایم، مگر این که هنگامی که (آن رسول یا نبی) آرزو کرده است (و تلاش نموده است که دعوتش در بین مردم با سرعت موفّق و هرچه زودتر همه‌جا گستر شود) شیطان (انس و جنّ، مشکلات و موانعی در سر راه دعوت او با شایعه‌پراکنیها و یاوه‌سرائیها) پدید آورده است. امّا خداوند آنچه را که شیطان پدید آورده است (توسّط تبلیغ و تبیین پیغمبران و دعوت و زحمت شبانه‌روزی پیروان ایشان... «يَنسَخُ اللهُ»: از میان برمی‌دارد و باطل می‌گرداند (نگا: انبیاء / ۱۸). «يُحْكِمُ»: محکم و استوار و ثابت و پایدار می‌دارد (نگا: رعد / ۱۷). « أَلْقي ، يُلْقي »: مراد از القاء شیطان در آیه، ایجاد موانع در راه دعوت پیغمبران و بازداشتن مردم از پذیرش آئین آسمانی ایشان با دسائس و وساوس و شبهات است و بس (نگا: انعام / ۱۱۲، فصّلت / ۲۶، شعراء / ۲۲۱ و ۲۲۲). امّا این که شیطان الفاظ و جملاتی را بر زبان پیغمبران و به ویژه رسول اکرم جاری و داخل در کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن کند، مخالف نصّ صریح آیات متعدّد قرآن است که بیان‌گر عدم سلطه شیطان بر مؤمنان – چه رسد بر پیغمبران – است (نگا: ابراهیم / ۲۲، حجر / ۴۲، نحل / ۹۹ و ۱۰۰، اسراء / ۶۵). مگر نه این است که قرآن در حفظ و پناه یزدان است و جز وحی آسمانی سخنی در آن نیست؟ (نگا: حجر / ۹، فصّلت / ۴۲، نجم / ۳ و ۴).

سوره حج آيه ۵۳

متن آيه:

﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ۝٥٣﴾

ترجمه:

این وسوسه‌های شیطانی (و ایجاد مشکلات در راه دعوت آسمانی توسّط مخالفان برنامه‌های یزدانی) بدان خاطر است که خداوند می‌خواهد آنها را آزمایش کسانی سازد که در دل‌هایشان بیماری (نفاق ریشه دوانده) است، و آزمون کسانی کند که سنگین دل (از کفر و ضلال) هستند، و مسلّماً ستمگران (منافق و کافر نام، با برنامه‌های الهی به ویژه اسلام) عداوت عمیق و مخالفت سختی داشته و دارند.

توضیحات:

«فِتْنَةً»: آزمایش و آزمون. بلا و محنت. «القَاسِيَةِ»: سخت. سنگین. «فِتْنَةً لِّلَّذِينَ...»:

(نگا: اسراء / ۶۰، مدّثّر / ۳۱). «قُلُوبُهُمْ»: فاعل (القَاسِيَة) است. «شِقَاقٍ»: عداوت. «بَعید»: شدید. سخت. ریشه‌دار و تمام عیار.

سوره حج آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٤﴾

ترجمه:

و این که عالمان و آگاهان بدانند که آنچه (پیغمبران به مردم می‌گویند) حق بوده و از جانب پروردگار تو است، پس باید بدان ایمان بیاورند تا دل‌هایشان بدان آرام گیرد و در برابرش تسلیم و خاضع شود. قطعاً خداوند مؤمنان را به راه راست رهنمود می‌نماید (و شبهه‌ها و وسوسه‌های شیطانی را در پرتو هدایت و وحی آسمانی بدی‌شان می‌شناساند و حیران و سرگردانشان نمی‌گذارد).

توضیحات:

«أَنَّهُ»: مراد قرآن، یا همه چیزهائی است که به پیغمبران وحی شده است. اگر مرجع ضمیر (ه) قرآن باشد، چون اصل اصیل حقی است که کفّار و منافقان با آن دشمنی دارند، قبلاً نامی از آن نرفته است. «تُخْبِتَ»: خضوع و خشوع کند (نگا: هود / ۲۳، حجّ / ۳۴). «لَهَادِ الَّذِینَ...»: اصل آن (لَهَادِی الَّذِینَ...) است و در رسم‌الخطّ قرآنی یاء حذف شده است.

سوره حج آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ ٥٥﴾

ترجمه:

کافران همواره درباره آن، (یعنی آنچه پیغمبران با خود آورده‌اند، به ویژه قرآن) در شک و تردید بسر خواهند برد تا این که وقت (مرگ) ایشان به ناگاه فرا می‌رسد، و یا عذاب روز سترون، آنان را در بر می‌گیرد (که قیامت است و خیر و رحمتی، و خوشی و

نعمتی برای ایشان به همراه ندارد).

توضیحات:

«الَّذِینَ کَفَرُوا...»: مراد اغلب کفّار و افراد متعصّب و کینه‌توز ملحد است؛ نه همه کافران. چرا که بسیاری در ادامه راه بیدار شده‌اند و به صفوف پیغمبران و پیروان ایشان پیوسته‌اند. « مِرْیَةٍ »: شک و تردید. «السَّاعَةُ»: دم مرگ که نخستین مرحله و اوّلین منزل قیامت است (نگا: انعام / ۳۱). قیامت. «یَوْمٍ عَقِیمٍ»: روز نازا و سترون. یعنی قیامت که دیگر روزی به دنبال ندارد، و بی‌خیر و رحمت و راحت و خوشی برای کفّار است (نگا: ذاریات / ۴۱).

سوره حج آیه ۵۶

متن آیه:

﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٥٦﴾

ترجمه:

ملک و فرمانروائی در آن روز مال خدا است (و کسی نه مالک چیزی و نه صاحب قدرت و فرمانی است. در چنین روزی تنها) او است که میان بندگان خود فرمان می‌راند و داوری می‌نماید. کسانی که (در جهان عاجل) ایمان آورده باشند و کارهای پسندیده کرده باشند، (در جهان آجل) در باغ‌های پرنعمت (بهشت) بسر خواهند برد.

توضیحات:

«الْـمُلْكُ»: پادشاهی و فرمانروائی. دارائی. «جَنَّاتِ النَّعِیمِ»: (نگا: مائده / ۶۵، توبه / ۲۱، یونس / ۹).

سوره حج آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٥٧﴾

ترجمه:

و کسانی که (در جهان عاجل) کافر بوده‌اند و آیات (خواندنی یا دیدنی) ما را تکذیب نموده و دروغ خوانده‌اند، عذاب خوارکننده‌ای خواهند داشت.

توضیحات:

«ءَايَات»: آیه‌های کتاب‌های آسمانی به ویژه آیات قرآن. نشانه‌های کون و مکان دالّ بر وجود یزدان.

سوره حج آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

و کسانی که در راه خدا هجرت کرده‌اند و سپس (در میدان رزم) کشته شده‌اند و یا این که (به مرگ طبیعی) مرده‌اند، خدا جزا و نعمت زیبائی (و جایگاه و مقام توصیف‌ناپذیر و والائی) بدی‌شان عطاء خواهد کرد، چرا که خداوند بهترین نعمت‌رسان و دهنده خیر و عطاء (به دیگران) است.

توضیحات:

«الَّذِينَ هَاجَرُوا...»: مراد مهاجران صدر اسلام به طور خاصّ، و مهاجران همه ادیان در طول زمان به طور عام است. «رِزْقاً حَسَناً»: عطاء زیبا و والا. مراد پاداش ویژه است، ولی جز خدا کسی ماهیت و مقدار آن را نمی‌داند. «الرَّازِقِينَ»: در اصل (رازق) به معنی روزی‌آفرین است، ولی در اینجا مراد از (رازق) عطاء کننده خیر و رساننده نعمت به دیگران است.

سوره حج آیه ۵۹

متن آیه:

﴿لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ ۝٥٩﴾

ترجمه:

خداوند چنین کسانی را به جایگاهی وارد می‌کند که از آن راضی و خوشنود خواهند بود. بی‌گمان خدا کاملاً آگاه (از اعمال این بندگان جان فدا، و) شکیبا است (و در پاداش دادن به مؤمنان، و کیفر رساندن به کافران عجله و شتاب نمی‌کند).

توضیحات:

«مُدْخَلاً»: مکان دخول. مراد بهشت است که نیکان در آخرت بدان وارد می‌شوند.

سوره حج آیه ۶۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٦٠﴾

ترجمه:

(مسأله) به همین منوال است. و هر فرد (مؤمنی که در برابر ستم و جنایتی که به او شده است) دست به ستم و جنایت زند به همان اندازه که بدو ستم و جنایت شده است و سپس دوباره به وی ستم و جنایت شود (و جنایتکار دیگر بار دست تعدّی دراز کند) حتماً خداوند او را (علیه متعدّی) یاری خواهد کرد (و کسی را پیروز می‌گرداند که تمام نیروی خود را برای دفاع در برابر ظالم بسیج می‌کند و باز هم از طرف ستمگر تحت ستم قرار می‌گیرد)، و خداوند بسیار عفوکننده و بس بخشاینده است (و کار به ظاهر ستم قصاص گیرنده را عفو، و لغزشهای او را می‌بخشاید).

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: (نگا: حجّ / ۳۰). به همین منوال. این وعده‌ای است که به مهاجران داده‌ایم. «عَاقَبَ»: ستم و جنایت کرد. مراد قصاص کردن و انتقام گرفتن است که برای مشاکله لفظی، قصاص، عقاب نامیده شده است. «بُغِيَ عَلَيْهِ»: ستم و جنایت بدو شد (نگا: بقره / ۱۷۳، انعام / ۱۴۶).

سوره حج آیه ۶۱

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ٦١﴾

ترجمه:

(مسأله) به همین منوال است (و این وعده از سوی خدای قادر توانا است. بلی) خدا که شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌گرداند (و از یکی می‌کاهد و بر یکی می‌افزاید و طبق نظام معینی چرخه زمان را به گردش می‌اندازد) و او شنوای (گفتار ستمدیدگان و) بینای (کردار ستمگران) است (و داد مظلومان را از ظالمان می‌گیرد).

توضیحات:

«ذَٰلِكَ»: (نگا: حجّ / ۳۰). به همین منوال. این پیروزی. «یُولِجُ»: داخل می‌کند (نگا: آل‌عمران / ۲۷).

سوره حج آیه ۶۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٦٢﴾

ترجمه:

(مسأله) به همین منوال است. و خداوند حق است و آنچه را که بجز او به فریاد می‌خوانند و پرستش می‌نمایند باطل است، و خداوند والامقام و بزرگوار است.

توضیحات:

«ذَٰلِكَ»: به همین منوال. این پیروزی و این قدرت. «یَدْعُونَ»: پرستش می‌کنند. به فریاد می‌خوانند (نگا: یونس / ۱۰۶، انعام / ۵۶).

سوره حج آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ مُخۡضَرَّةًۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ٦٣﴾

ترجمه:

(ای عاقل)! آیا نمی‌نگری که خداوند از (ابر) آسمان آب (باران) را فرو می‌آورد، و زمین (به وسیله آن، گیاهان گوناگونی از خود می‌رویاند و) سبز و خرّم می‌گردد؟ واقعاً خدا (با بندگان خویش) بسیار بالطف، و بس دقیق و آگاه است (در همه‌چیز، از جمله در تولید و تبخیر آب شیرین و آفرینش و پرورش بذر گیاهان، و بالیده و بارور کردن درختان).

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: مراد از آسمان، ابر آسمان است (نگا، اعراف / ۵۷، نور / ۴۳). «مُخْضَرَّةً»: سبز و خرّم. پوشیده از گیاهان و درختان سبز.

سوره حج آیه ۶۴

متن آیه:

﴿لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٦٤﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و تنها خدا غنی (بالذّات در عالم هستی و بی‌نیاز از کمک دیگران است، و) شایسته هرگونه حمد و ستایش (از جانب بندگان) می‌باشد.

توضیحات:

«الْغَنِيُّ»: بی‌نیاز. خدا خالق و مالک همه‌چیز است و نیازی به بندگان و آفریدگان خود ندارد، و بلکه همه‌کس و همه چیز نیازمند بدو و لطف و وجود او است.

سوره حج آیه ۶۵

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٦٥﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینی (ای انسان) که یزدان (سبحان به سبب رحم و لطفی که نسبت به شما بندگان دارد، تمام مواهب و امکانات) چیزهائی را که در زمین است در اختیار و دسترس شما قرار داده است و همچنین کشتی‌ها را با مشیت خود در حال حرکت در دریا، فرمانبردار شما کرده است، و (از این گذشته) خداوند نمی‌گذارد (سنگ‌های سرگردان و اشعّه‌های کیهانی) آسمان بر زمین فرو افتد مگر (بدان اندازه که مورد نیاز بوده و) او اجازه دهد. واقعاً یزدان بسی مهربان و دارای مرحمت فراوان (در حق بندگان) است.

توضیحات:

«سَخَّرَ لَكُمْ...»: (نگا: بقره / ۱۶۴، اعراف / ۵۴، رعد / ۲). «الْفُلْكَ تَجْرِي...»: (نگا: بقره / ۱۶۴). «يُمْسِكُ السَّمَآءَ أَن تَقَعَ...»: مراد این است که خدا هریک از کرات آسمانی را در مدار خود به حرکت درآورده است و نیروی دافعه حاصل از گریز از مرکز را درست معادل نیروی جاذبه بین آنها قرار داده است تا هر یک در مدار خود به حرکت درآیند، بی آن که در فاصله‌های آنها دگرگونی حاصل بشود، و تصادم و برخوردی در میان‌شان روی بدهد. همچنین اتمسفر زمین را آن چنان آفریده است که اشعّه‌های مرگبار

کیهانی را برگرداند، و سنگهای سرگردان را بگدازد و متلاشی سازد.

سوره حج آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِیٓ أَحۡیَاكُمۡ ثُمَّ یُمِیتُكُمۡ ثُمَّ یُحۡیِیكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ ۝٦٦﴾

ترجمه:

خدا کسی است که شما را زندگی بخشیده است (و جان به کالبدتان دمیده است) و بعد (از طی دوره حیات) شما را می‌میراند (و به خاک گورتان داخل می‌گرداند) و سپس (بار دیگر در رستاخیز) شما را زنده می‌کند (و برای محاسبه حسنات و سیئات، حیات نوینتان می‌بخشد). واقعاً (جای شگفت است که با وجود مشاهده این همه دلائل قدرت، و دیدن آثار نعمت، باز هم) انسان سخت منکر (بودن آفریدگار) و بسی ناسپاس (نعمت‌های بیشمار پروردگار) است.

توضیحات:

«كَفُورٌ»: بسیار ناباور و بی‌ایمان. بس ناسپاس و ناشکر (نگا: هود / ۹، اسراء / ۲۷ و ۶۷).

سوره حج آیه ۶۷

متن آیه:

﴿لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا یُنَٰزِعُنَّكَ فِی ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِیمٖ ۝٦٧﴾

ترجمه:

برای هر ملّتی برنامه‌ای (ویژه، جهت معاملات و عبادات، با توجّه به شرائط زمان و مکان) قرار داده‌ایم که برابر آن رفته‌اند و بدان عمل کرده‌اند. (برای تو هم واپسین برنامه آسمانی را فرستاده‌ایم که ناسخ همه برنامه‌های پیشین است و تا قیامت مردمان را بسنده است). پس باید درباره این امر با تو ستیزه نکنند (و مثلاً اهل کتاب گمان نبرند آنچه در تورات و انجیل است به عنوان برنامه شریعت ایشان را کافی و بسنده است. بلکه باید بدانند که حکم آنها به وسیله قرآن، لغو و منسوخ گردیده است). تو به‌سوی پروردگارت دعوت کن که (راه راست همین است که تو می‌پوئی و) تو قطعاً بر راستای راه هدایتی.

توضیحات:

«مَنسَكاً»: مراسم شریعت. برنامه عبادت. مراد شیوه معاملات و کیفیت عبادات است که با توجّه به ظروف و احوال، مختلف و متغیر بوده است؛ نه اصول عقائد و اصول اخلاق که در همه شریعت‌ها و برنامه‌های انبیاء یکی بوده است (نگا: مائده / ۴۸، شوری / ۱۳). لذا برنامه عبادات و معاملات از بعثت موسی تا بعثت عیسی تورات، و از بعثت عیسی تا بعثت محمّد - صَلَواتُ الله عَلَیْهِمْ أَجْمعِین - انجیل، و از بعثت محمّد تا جهان باقی است قرآن می‌باشد و بقیه مردود و منسوخ هستند. «نَاسِكُوهُ»: عاملین بدان. انجام دهندگان آن. «الأمْرِ»: کار و بار. مراد شریعت پیغمبر خاتم است.

سوره حج آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ۝٦٨﴾

ترجمه:

و اگر با تو به ستیز پرداختند، پس (با ایشان ستیزه مکن و بلکه) بگو: خدا از کارهائی که می‌کنید آگاه‌تر از هر کسی است (و آشنا به اباطیلی است که می‌گوئید و مطلع از تحریفی است که نسبت به کتاب‌های آسمانی روا می‌دارید).

توضیحات:

سوره حج آیه ۶۹

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ۝٦٩﴾

ترجمه:

خداوند در روز رستاخیز میان شما درباره آنچه اختلاف می‌ورزید داوری می‌کند (و راهیاب را ثواب و گمراه را عقاب می‌دهد).

توضیحات:

سوره حج آیه ۷۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ۝٧٠﴾

ترجمه:

(ای عاقل)! مگر نمی‌دانی خداوند قطعاً مطلع است از همه چیزهائی که در آسمان و زمین است (و چیزی از اعمال و اقوال مردم بر او مخفی نمی‌ماند) و همه چیزها در کتابی (به نام لوح محفوظ) ثبت و ضبط است، و مسلّماً این کار برای خدا ساده و آسان است.

توضیحات:

«كِتَابٍ»: مراد لوح محفوظ است که همه چیز، حتی قرآن در آن نوشته شده است (نگا: انعام / ۵۹، حدید / ۲۲، بروج / ۲۱ و ۲۲). «يَسِيرٌ»: آسان. کم و ناچیز (نگا: یوسف / ۶۵).

سوره حج آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ ٧١﴾

ترجمه:

مشرکان بجز خدا چیزهائی را می‌پرستند که خدا (در هیچ یک از کتاب‌های آسمانی) دلیلی برای پرستش آنها نازل نکرده است، و از روی علم و آگاهی (ناشی از عقل هم) چنین نمی‌کنند (و بلکه تنها از روی تقلید از آباء و اجداد آنها را پرستش می‌نمایند و به خود ستم روا می‌دارند) و ستمگران را یاری و مددکاری نیست (اعم از بت و غیربت که ایشان را در روز قیامت از آتش دوزخ برهاند).

توضیحات:

«سُلْطَاناً»: حجّت و برهان (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نساء / ۹۱ و ۱۴۴ و ۱۵۳).

سوره حج آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمُنكَرَۖ يَكَادُونَ يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٢﴾

ترجمه:

هنگامی که آیات واضح و روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره‌های کافران،

اخم و تخم (و آثار کینه و خشم) را خواهی دید. بلکه (از شدّت ناراحتی و کینه‌توزی) نزدیک است به کسانی حمله‌ور شوند که آیات ما را بر ایشان می‌خوانند (و صدای حق را به گوششان می‌رسانند). بگو: به بدتر از این (تنور کینه و خشم تافته از نزول آیات الهی) شما را خبر دهم و بیاگاهانم؟ (آن چیز که بدتر از این شما را بدحال می‌کند و می‌سوزاند) آتش دوزخ است. آتشی که خداوند آن را به کافران وعده داده است و بدترین جایگاه است.

توضیحات:

«بَیِّنَاتٍ»: جمع بینة، واضح و روشن. یعنی آشکارا بر عقائد حقه و احکام صادقه و بر بطلان عبادت ایشان دلالت دارند. حال (ءَایَاتُ) می‌باشد. «الْـمُنکَرَ»: زشت. مراد اخم و تخم و ترشروئی و چهره درهم کشیدن است. مصدر میمی است. «یَکادُونَ یَسْطُونَ»: نزدیک است پا شوند و حمله‌ور گردند. «النَّارُ»: خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: هِيَ النَّارُ. یا این که مبتدا و خبر آن (وَعَدَهَا اللهُ الَّذِینَ کَفَرُوا) است. «الْـمَصِیر»: جایگاه (نگا: نساء / ۹۷ و ۱۱۵).

سوره حج آیه ۷۳

متن آیه:

﴿یَـٰٓأَیُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٞ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِینَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن یَخۡلُقُواْ ذُبَابٗا وَلَوِ ٱجۡتَمَعُواْ لَهُۥۖ وَإِن یَسۡلُبۡهُمُ ٱلذُّبَابُ شَیۡـٔٗا لَّا یَسۡتَنقِذُوهُ مِنۡهُۚ ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلۡمَطۡلُوبُ ٧٣﴾

ترجمه:

ای مردم! مثلی زده شده است (با دقّت) بدان گوش فرا دهید. آن کسانی را که بغیر از خدا به کمک می‌خوانید و پرستش می‌نمائید، هرگز نمی‌توانند مگسی را بیافرینند، اگر هم همگان (برای آفرینش آن) دست به دست یکدیگر دهند. حتی اگر هم مگس چیزی را از آنان بستاند و برگیرد، نمی‌توانند آن را از او بازپس گیرند و برهانند. هم طالب (که مگس ناچیز است) و هم مطلوب (که بتان سنگی و یا معبودان دروغینند) درمانده و ناتوانند.

توضیحات:

«مَثَلٌ»: ضرب‌المثل (نگا: بقره / ۲۶). «تَدْعُونَ»: به کمک می‌طلبید و به فریاد می‌خوانید. پرستش می‌کنید. «الَّذِینَ»: کسانی که. در اینجا بیشتر مراد بتها است. « لا یَسْتَنقِذُوهُ»: آن را نمی‌توانند برگردانند و برهانند.

سوره حج آیه ۷۴

متن آیه:

﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝٧٤﴾

ترجمه:

آنان خدای را آن گونه که باید بشناسند نشناخته‌اند (چرا که سنگها و دیگر آفریدگان عاجز و ضعیف را همتای خدا می‌سازند). به حقیقت خدا توانا (برهر کاری و) چیره (بر هر چیزی) است. (چرا که همه کائنات را آفریده‌است. او همچون بتان و معبودان دروغین نیست که بر آفرینش مگسی توانائی ندارند).

توضیحات:

«مَا قَدَرُوا»: نشناخته‌اند (نگا: انعام / ۹۱).

سوره حج آیه ۷۵

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ۝٧٥﴾

ترجمه:

خداوند از میان فرشتگان پیام‌آورانی (همچون جبرئیل) را برمی‌گزیند (و به‌سوی انبیاء گسیل می‌دارد) و هم از میان انسان‌ها پیغمبرانی (همچون موسی و عیسی و محمّد) را (برمی‌گزیند و به‌سوی مردم می‌فرستد، و از کار همه آنان باخبر است) چرا که خداوند شنوا و بینا است.

توضیحات:

«یَصْطَفَیا»: برمی‌گزیند. «مِنَ الْـمَلاَئِکَةِ رُسُلاً»: انتخاب فرشتگان برای ابلاغ وحی به پیغمبران و کارهای دیگر جز آن است (نگا: فاطر / ۱، انعام / ۶۱).

سوره حج آیه ۷۶

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ۝٧٦﴾

ترجمه:

خداوند می‌داند آنچه را در پیش روی آنان است (که حال و آینده ایشان است) و می‌داند آنچه را که در پشت سر آنان است (و گذشته ایشان است) و همه کارها به خدا بازگردانده می‌شود (و مرجع کلّیه امور او است و همگان در برابرش مسؤول می‌باشند).

توضیحات:

«یَعْلَمُ مَا بَیْنَ...»: (نگا: بقره / ۲۵۵). «تُرْجَعُ الأمُورُ»: (نگا: بقره / ۲۱۰).

سوره حج آیه ۷۷

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩ ٧٧﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برای آفریدگار خویش) رکوع (و کرنش برید،) و سجده کنید (و به خاک افتید،) و پروردگار خود را پرستش نمائید و کارهای نیک انجام دهید، تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«إرْکَعُوا وَ اسْجُدُوا»: اشاره به اقامه نماز است. «لَعَلَّکُمْ»: تا این که شما.

سوره حج آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٧٨﴾

ترجمه:

و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس امّاره است، پیروز گردید). خدا شما را (از میان مردم برای یاری دین خود) برگزیده است (و به شما شخصیت و عظمت بخشیده است) و در دین کارهای

دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظائفی مقرّر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است. این دین همان) آئین پدرتان ابراهیم است. خدا شما را قبلاً (در کتاب‌های پیشین) و در این (واپسین کتاب) مسلمین نامیده است (و افتخار تسلیم در برابر فرمان‌های الهی را به شما داده است و شما را الگو و اسوه حسنه ملّت‌های دیگر کرده است) تا پیغمبر (با شهادت عملی خود) گواه بر شما باشد (و در روز قیامت رفتار و کردارش مقیاس سنجش اعمال شما مسلمانان گردد) و شما هم (با شهادت عملی خود) گواه بر مردمان باشید (و رفتار و کردارتان به عنوان امت نمونه، محک سنجش اعمال سایرین، و الگوی بارز خداپرستان راستین گردد). پس (برای حصول این منظور) نماز را بخوانید و زکات مال به در کنید و به خدا چنگ زنید که سرپرست و یاور شما او است، و چه سرور و یاور نیک و چه مددکار و کمک‌کننده خوبی است!.

توضیحات:

«إِجْتَبَاکُمْ»: شما را برای نصرت دین و پیروزی آئین خود برگزیده است. « حَرَجٍ »: ضیق. مشقّت (نگا: مائده / ۶، اعراف / ۲). «مِلَّةَ»: دین. آئین. برابر قاعده اِغراء، مفعول به فعل محذوفی است و تقدیر چنین است: «إِلْزَمُوا مِلَّةَ... إِتَّبِعُوا مِلَّةَ». یا بدل از محلّ جار و مجرور (فِي‌الدِّينِ) است که منصوب به (مَاجَعَلَ) است. « أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ »: خدا ابراهیم را پدر امت محمّد (نامیده است با وجود این که همگان از نسل او نیستند. این بدان خاطر است که ابراهیم نیای رسول خدا بوده و او هم از لحاظ شفقت و رحمت همچون پدر امت خویش است (نگا: بقره / ۱۲۸، توبه / ۱۲۸). «هُوَ سَمَّاکُمُ الْـمُسْلِمِينَ»: خدا شما را مسلمان نامیده است. مراد از (هُوَ) خدا است، به دلیل این که: فی هذا، یعنی در این کتاب که قرآن است، ابراهیم کاری و دخالتی ندارد. همچنین فاعل افعال (إِجْتَبَاکُمْ) و (ماجَعَلَ) خدا است. «مِن قَبْلُ»: مراد در کتاب‌های آسمانی پیشین و از جمله توسّط ابراهیم. «فِي هذا»: در این کتاب که قرآن است. « لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَآءَ عَلَي النَّاسِ»: مراد شهادت عملی است (نگا: بقره / ۱۴۳). یعنی: پیغمبر اسوه و الگوی شما امت محمّدی است، و شما امت محمّدی هم اسوه و الگوی مردم جهانید. چرا که محمّد پیغمبر نمونه و شما نیز با

داشتن والاترین آئین مقیاس و الگوئی برای سنجش شخصیت و فضیلت در میان همه امتها هستید. لذا پیدا است که چه مسؤولیت بزرگ و وظیفه سترگی بر عهده ما پیروان محمّد است. پروردگارا به ما این توفیق و سعادت مرحمت فرما که سراپا تسلیم فرمان تو، و با چنگ زدن به قرآن، مردمی نمونه باشیم.

سوره مؤمنون

سوره مؤمنون آیه ۱

متن آیه:

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١﴾

ترجمه:

مسلّماً مؤمنان پیروز و رستگارند.

توضیحات:

«أَفْلَحَ»: پیروز شد. به آرزو رسید. رستگار گردید.

سوره مؤمنون آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢﴾

ترجمه:

کسانیند که در نمازشان خشوع و خضوع دارند.

توضیحات:

«خَاشِعُونَ»: مراد کسانی است که دل به خدا می‌دهند و می‌دانند چه می‌گویند و چه می‌کنند. انگار در برابر پروردگار ایستاده‌اند و مؤدّبانه او را می‌ستایند و متواضعانه از بارگاه کبریائی رسیدن به سعادت و دوری از شقاوت را می‌طلبند.

سوره مؤمنون آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣﴾

ترجمه:

و کسانیند که از (کردار) بیهوده و (گفتار) یاوه رویگردانند (و زندگی را جدّی می‌گیرند؛ نه شوخی).

توضیحات:

«اللَّغْوِ»: کردار بیهوده و گفتار یاوه. اعمال و اقوالی که در آن خیر و سودی نباشد.

سوره مؤمنون آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ۝٤﴾

ترجمه:

و کسانیند که زکات مال بدر می‌کنند.

توضیحات:

«فَاعِلُونَ»: انجام دهندگان. در اینجا پرداخت کنندگان مراد است.

سوره مؤمنون آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ۝٥﴾

ترجمه:

و عورت خود را حفظ می‌کنند.

توضیحات:

«فُرُوج»: جمع فَرْج، عورت.

سوره مؤمنون آیه ۶

متن آیه:

﴿إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ۝٦﴾

ترجمه:

مگر از همسران یا کنیزان خود، که در این صورت جای ملامت ایشان نیست.

توضیحات:

«عَلَیا»: در اینجا به معنی (عَنْ) است. «ما»: به معنی (مَنْ) و برای ذوی‌العقول است. «مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ»: مُلک یمین، کنیزان مراد است (نگا: نساء / ۳ و ۲۴ و ۲۵). کنیز در گذشته بوده است و مرد می‌توانسته است از میان کنیزان خود کسانی را به همسری گیرد. اسلام در جنگ مشروع اجازه داده است مسلمانان از دشمنان برده بگیرند اگر دشمنان از میان مسلمانان مردمان را برده کنند. در غیر این صورت

مسلمانان کسی را برده و کنیز نمی‌کنند (نگا: تفسیرالمنتخب).

سوره مؤمنون آیه ۷

متن آیه:

﴿فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٧﴾

ترجمه:

اشخاصی که غیر از این (دو راه زناشوئی) را دنبال کنند، متجاوز (از حدود مشروع) بشمار می‌آیند (و زناکار می‌باشند).

توضیحات:

«إبْتَغي»: جست. طلبید. «الْعَادُونَ»: تجاوزگران. در گذرندگان از احکام خدا و حدود شریعت او.

سوره مؤمنون آیه ۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨﴾

ترجمه:

و کسانیند که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند.

توضیحات:

«أَمَانَاتِهِمْ»: مراد از امانت، هر آن چیزی است که شخص را بر آن امین دانسته باشند، اعم از تکالیف شرعی خدا یا اموال سپرده مردم. «عَهْدِهِمْ»: پیمان با خدا با پذیرش دین او، و پیمان با مردم در مصالح جامعه مراد است. «رَاعُونَ»: رعایت‌کنندگان. امانتداران و نگاه‌دارندگان عهد و پیمان.

سوره مؤمنون آیه ۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩﴾

ترجمه:

و کسانیند که مواظب نمازهای خود می‌باشند (و پیوسته آنها را در وقت خود اداء، و ارکان و اصول و خشوع و خضوع لازم را مراعات می‌نمایند).

توضیحات:

«عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»: مداوم بر نمازهای خود در اوقات معین بوده و شروط لازم آن را مراعات می‌دارند.

سوره مؤمنون آیه ۱۰

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ۝١٠﴾

ترجمه:

آنان مستحقّان (سعادت) و فراچنگ آورندگان (بهشت) هستند.

توضیحات:

«الْوَارِثُونَ»: به ارث برندگان. مراد مستحقّان می‌باشد (نگا: اعراف / ۴۳). تملّک‌کنندگان.

سوره مؤمنون آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝١١﴾

ترجمه:

آنان بهشتِ برین را تملّک می‌کنند و جاودانه در آن خواهند ماند.

توضیحات:

«الْفِرْدَوس»: بهشتِ برین (نگا: کهف / ۱۰۷). (فردوس) مذکر است ولی در اینجا به صورت مؤنّث آمده است، چون مراد (جنّة) است. برخی هم آن را مذکر و مؤنّث می‌دانند.

سوره مؤمنون آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ ۝١٢﴾

ترجمه:

ما انسان را از عُصاره‌ای از گِل آفریده‌ایم.

توضیحات:

«سُلالَةٍ»: چکیده. عصاره. مراد ماده‌ای است که منی از آن پدید می‌آید. «طِينٍ»: گِل. مراد خاک است (نگا: کهف / ۳۷). «مِن سُلالَةٍ مِّن طِينٍ»: اشاره به یکی از اطوار

خلقت نسل انسان است (نگا: سجده / ۸).

سوره مؤمنون آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ ١٣﴾

ترجمه:

سپس او را به صورت نطفه‌ای درآورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای می‌دهیم.

توضیحات:

«نُطْفَةً»: (نگا: نحل / ۴، حجّ / ۵). «قَرَارٍ»: محلّ استقرار. قرارگاه (نگا: ابراهیم / ۲۶ و ۲۹، نمل / ۶۱). صفت است و برای مبالغه به کار رفته‌است. «مَكِينٍ»: محکم و استوار. مراد موقعیت خاصّ و محلّ اطمینان رحم مادر است.

سوره مؤمنون آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ ١٤﴾

ترجمه:

سپس نطفه را به صورت لخته خونی، و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده‌ای، و این تکه گوشت جویده را بسان استخوانهای ضعیفی درمی‌آوریم، و بعد بر استخوانها گوشت می‌پوشانیم، و از آن پس او را آفرینش تازه‌ای بخشیده و (با دمیدن جان به کالبدش) پدیده دیگری خواهیم کرد. والا مقام و مبارک یزدان است که بهترینِ اندازه‌گیرندگان و سازندگان است.

توضیحات:

«عَلَقَةً،مُضْغَةً»: (نگا: حجّ / ۵). «أَنشَأْنَاهُ»: او را آفریدیم. وی را پدیدار کردیم. «تَبَارَكَ»: والا مقام است و دارای خیر زیاد است. «الْخَالِقِينَ»: اندازه‌گیرندگان. سازندگان. خالق از ماده خلق، و خلق به معنی اندازه‌گیری است (نگا: المصحف المیسّر، تفسیر نمونه، المراغی). هنگامی که یک قطعه چرم را برای بریدن، اندازه‌گیری می‌کنند، عرب واژه (خلق) برای آن به کار می‌برد. درآفرینش، مسأله

تقدیر، یعنی اندازه‌گیری، بیش از هر چیزی اهمّیت دارد (نگا: مائده / ۱۱۰). (خلق) به معنی (صنع) نیز آمده است (نگا: زادالمسیر، روح‌المعانی). ساختن خدا شاملِ از عدم آفریدن و تغییر ظاهری اشیاء می‌گردد، ولی کار سازندگی انسان منحصر به تغییر صورت اشیاء است و بس.

سوره مؤمنون آیه ۱۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٥﴾

ترجمه:

بعد از آن (که مدّت روزگاری بر این کره خاکی زندگی کردید) شما خواهید مرد.

توضیحات:

«بَعْدَ ذلِكَ»: بعد از اتمام آفرینش بدین شکل شگفت و صباحی چند زندگی کردن.

سوره مؤمنون آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ ١٦﴾

ترجمه:

سپس (به دنبال سپری شدن دوره حیات مردمان) شما در روز قیامت دوباره زنده خواهید گردید (و به حساب عمرتان رسیدگی می‌شود).

توضیحات:

«تُبْعَثُونَ»: به زندگی دوباره باز گردانده می‌شوید.

سوره مؤمنون آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلۡخَلۡقِ غَٰفِلِينَ ١٧﴾

ترجمه:

ما بر فراز شما هفت آسمان آفریده‌ایم و (با وجود کرات و کواکب و سیارات بی‌شمار و بالاخره عالَم‌های بسیار) ما از کار آفرینش و وضع آفریدگان (خود) غافل نبوده و نیستیم (و از جمله خلقت انسان برای ما ساده، و آگاهی از او آسان است).

توضیحات:

«سَبۡعَ طَرَآئِقَ»: هفت طبقه آسمان. طرائق جمع طریقه به معنی طبقه است (نگا: ملک / ۳، نوح / ۱۵). چه بسا مراد از هفت، تکثیر باشد. در این صورت مقصود عالَم‌های بسیار و کرات و کواکب و سیارات بیشماری است که نسبت به ما هر یک فوق دیگری است. اگر هم مراد از (سبع) همان هفت باشد، یعنی غیر از مجموعه ثوابت و سیارات و کهکشانهائی که آسمان اوّل یا به تعبیر قرآنی (السَّمَآءَ الدُّنْیا) (نگا: فصّلت / ۱۲، صافّات / ۶، ملک / ۵) آسمان نزدیک را تشکیل می‌دهد، شش آسمان دیگر بالاتر از آن قرار دارد که هنوز چشم مسلّح و غیرمسلّح بشر بدان‌ها پی نبرده است. اگر هم (طرائق) را به معنی (طبقات) ندانسته، و به معنی (راهها) بدانیم، مراد مدارات و مسیرهای حرکت کرات است که با معنی نخست چندان تفاوتی ندارد. «الْخَلْقِ»: آفرینش. آفریدگان.

سوره مؤمنون آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ١٨﴾

ترجمه:

ما از آسمان آب ارزشمندی را به اندازه لازم و معین فرو فرستاده‌ایم و آن را در زمین ماندگار نموده‌ایم، و ما کاملاً می‌توانیم به گونه‌های مختلف آن را از بین ببریم.

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: مراد ابر آسمان است (نگا: اعراف / ۵۷، نور / ۴۳، واقعه / ۶۹). کرات بالا. در این صورت مراد ایجاد آب در آغاز آفرینش در کره زمین است. «مَآءً»: آب مهمّ و باارزشی. تنکیر آن اشاره به ارزش و اهمّیت آب است (نگا: تفسیر أضواء البیان). «بِقَدَرٍ»: به اندازه معین (نگا: حجر / ۲۱، قمر / ۴۹). در عصرحاضر، دانشمندان موفّق به ضبط و ثبت مقدار باران نازل شده در سطح کره زمین گردیده‌اند. در هر ثانیه بر روی کره زمین، هفده میلیون تن باران می‌بارد که مساوی با ۵۳۶ تریلیون (۵۳۶۰۰۰ میلیارد) تن در سال است و این رقمی است لایتغیر. «فَأَسْكَنَّاهُ فِي الأَرْضِ»: آن را در زمین ماندگار و بردوام کردیم.

اشاره به این است که خدا به وسیله اتمسفر زمین از ضایع و پراکنده شدن آب در فضا، و به وسیله طبقه نفوذ ناپذیر زمین از فرو رفتن آن در اعماق زمین، و با چرخه آب از گندیده شدن آن بر روی زمین جلوگیری فرموده است. «ذَهَابٍ بِهِ»: از بین بردن آن از راه‌های گوناگون. تنکیر (ذَهَابٍ) اشاره به کثرت راه‌ها و مبالغه در بسیار دور داشتن و از دسترس به دور کردن آب است (نگا: تفسیر قاسمی).

سوره مؤمنون آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَأَنشَأۡنَا لَكُم بِهِۦ جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ لَّكُمۡ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ١٩﴾

ترجمه:

ما به وسیله این آب، نخلستان‌ها و تاکستان‌ها برای شما پدید آورده‌ایم که میوه‌های زیادی برایتان به بار می‌آورند و از آنها می‌خورید.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ»: (بقره / ۲۶۶). «مِنْهَا تَأْكُلُونَ»: از باغها می‌خورید. مراد این است که علاوه از میوه، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها از میوه‌ها درست می‌کنید و بهره‌برداری‌های دیگری از قبیل تهیه البسه و موادّ داروئی از باغ‌ها می‌کنید (نگا: نحل / ۱۱ و ۶۷).

سوره مؤمنون آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَشَجَرَةٗ تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

همچنین درختی (با آن) پدیدار کرده‌ایم که در کوه طور سینا می‌روید و (صدها سال عمر می‌کند و پیوسته سبز و خرم است و بدون زحمت زیاد، برکات فراوانی بهره شما می‌سازد) و تولید روغن و نان خورشی می‌کند برای خورندگان.

توضیحات:

«شَجَرَةً»: عطف بر (جَنَّاتٍ) در آیه قبلی است. «طُورِ سَيْنَآءَ»: مکانی است که مناجات موسی در آنجا صورت گرفته است و (طُور سِنينَ) نیز گفته می‌شود (نگا: تین /

۲). «الدُّهْنِ»: روغن. «صِبْغٍ»: نان خورش. مراد همان روغن است، و عطف صفت بر موصوف خود است. یعنی: این روغن، هم به عنوان نان خورش به کار می‌رود و هم جنبه‌های دیگر دارد.

سوره مؤمنون آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٢١﴾

ترجمه:

در (چگونگی آفرینش) چهارپایان رهنمود مهمّی است برای شما (تا بدان به قدرت خدا پی ببرید). از آنچه در شکم آنها است (و شیر نام دارد) به شما می‌نوشانیم، و چهارپایان (جز این غذای گوارا و نیروبخش شیر) منافع زیادی (همچون مو و پشم) برای شما دارند و (به علاوه) از (گوشت) آنها تغذیه می‌کنید و سود می‌برید.

توضیحات:

«وَ إِنَّ لَكُمْ فِي»...: (نحل / ۶۶). «مِنْهَا تَأْكُلُونَ»: از گوشت آنها تغذیه می‌کنید. از آنها بهره‌برداری می‌کنید و سود می‌برید.

سوره مؤمنون آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

و بر (مرکبهای راهوار) چهارپایان (در خشکی)، و (در دریا) بر کشتیها برداشته می‌شوید (و این همه فائده حیوانها و آثار و خواصّ اشیاء، مایه عبرت است).

توضیحات:

«الْفُلْكِ»: کشتی‌ها (نگا: بقره / ۱۶۴).

سوره مؤمنون آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان! در داستان پیغمبران عبرت و درس زندگی است) ما نوح را به‌سوی قوم خودش فرستادیم. او بدی‌شان گفت: ای قوم من! خداوند (یگانه یکتا) را بپرستید، چرا که معبودی جز او ندارید. آیا (از عذاب خدا و زوال نعمتی که به شما داده است) نمی‌پرهیزید؟

توضیحات:

«أَفَلا تَتَّقُونَ»: آیا از عذاب خدا خویشتن را به دور نمی‌دارید؟ آیا با وجود این امر روشن، از پرستش بت‌ها پرهیز نمی‌کنید؟

سوره مؤمنون آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

اشراف و سران کافر قوم او گفتند: این مرد جز انسانی همچون شما نبوده (و در ادّعای نبوّت دروغگو است) ولی او (با این ادّعاء) می‌خواهد بر شما برتری گیرد (و خویشتن را سرور و آقای شما گرداند). اگر خدا می‌خواست (پیغمبری را به میان ما روانه کند) حتماً فرشتگانی را (برای این منظور) می‌فرستاد. ما چنین چیزی را در (تاریخ) پدران پیشین خود نشنیده‌ایم (که انسانی ادّعای نبوّت کند و خود را نماینده خدا بداند).

توضیحات:

«الْـمَلَؤُاْ»: اشراف. بزرگان (نگا: بقره / ۲۴۶، اعراف / ۶۰).

سوره مؤمنون آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ فَتَرَبَّصُواْ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٖ ٢٥﴾

ترجمه:

او فقط مردی است که مبتلا به نوعی از جنون است، پس باید مدّتی درباره او صبر کنید (تا مرگ او فرا رسد یا از این دیوانگی بهبودی یابد).

توضیحات:

«إِنْ»: نه. حرف نفی است و به معین (لا). «جِنَّةٌ»: جنون. دیوانگی.

سوره مؤمنون آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٢٦﴾

ترجمه:

نوح گفت: پروردگارا! چون مرا تکذیب می‌کنند (و دعوتم را دروغ می‌دانند، نابودشان گردان، و بر آنان) مرا یاری داده و پیروز گردان.

توضیحات:

«بِمَـا»: به سبب این که. در برابر تکذیب‌شان. حرف باء سببیه یا برای بدل است، و (ما) مصدریه می‌باشد.

سوره مؤمنون آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ أَنِ ٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡۖ وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

بدو وحی کردیم که زیر نظر (و در پناه حفاظت و رعایت) ما و برابر رهنمود و آموزش ما به ساختن کشتی بپرداز. هرگاه فرمان ما (مبنی بر هلاک ایشان) صادر شد (و دیدی که) آب از تنور بر می‌جوشد، بلافاصله از همه حیوانات از هر نوعی جفتی (نر و ماده) را سوار کشتی کن، و نیز خانواده و پیروانت را سوار کشتی نما، مگر آن کسانی که قبلاً فرمان نابودیشان داده شده است (که همسرت و پسرت می‌باشند) و درباره کسانی که (با در پیش گرفتن راه کفر و ضلال و طغیان و عصیان، بر خود و دیگران) ستم ورزیده‌اند، (راجع به نجات ایشان) با من سخن مگو. چرا که آنان همگی قطعاً غرق خواهند شد (و دیگر جای گفتگو نیست).

توضیحات:

«بِأَعْيُنِنَا... فَارَ التَّنُّورُ... وَ...»: (نگا: هود / ۳۷ و ۴۰). «أُسْلُكْ فِيهَا»: داخل کن

بدان. مراد جای دادن و حمل کردن است (نگا: هود / ۴۰).

سوره مؤمنون آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَإِذَا ٱسۡتَوَيۡتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلۡفُلۡكِ فَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

هرگاه تو و همراهانت بر کشتی (سوار شدی و) استقرار یافتی، بگو: شکر و سپاس خداوندی را سزا است که ما را از دست قوم ستمگر رهانید.

توضیحات:

«إِسْتَوَيْتَ»: استقرار یافتی و جای گرفتی.

سوره مؤمنون آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَقُل رَّبِّ أَنزِلۡنِي مُنزَلٗا مُّبَارَكٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

و بگو: پروردگارا! مرا در جایگاه پرخیر و برکتی فرود آور و تو بهترین فرودآورندگانی.

توضیحات:

«مُنزَلاً»: جایگاه نزول. یا مصدر میمی است و به معنی انزال، یعنی: فرود آوردن است. با توجّه به معنی دوم، مفهوم چنین خواهد بود: و بگو: پروردگارا! مرا نیکو و باخیر و برکت فرود آور.

سوره مؤمنون آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ وَإِن كُنَّا لَمُبۡتَلِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

قطعاً در این (داستان) نشانه‌هائی است (بر قدرت خدا، و در برگیرنده عبرتها و پندها برای خردمندان است) و ما به طور مسلم (همگان را در همه قرون و اعصار به اشکال مختلف) آزمایش می‌نمائیم.

توضیحات:

«ءَايَاتٍ»: عبرت‌ها و پندها. دلیل‌ها و رهنمودها. «إِنْ»: قطعاً. مسلّماً. مخفّف از (إِنَّ) و از حروف مشبّهةٌ بالفعل است. «مُبْتَلِينَ»: آزمایش‌کنندگان. مراد این است که خداوند با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و به انواع و اشکال گوناگون، بندگان را می‌آزماید (نگا: بقره / ۱۵۵، آل‌عمران / ۱۸۶، اعراف / ۱۶۸، انبیاء / ۳۵).

سوره مؤمنون آیه ۳۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ٣١﴾

ترجمه:

سپس بعد از آنان، (یعنی قوم نوح)، مردمان دیگری را (به نام عاد، قوم هود) بر سر کار آوردیم.

توضیحات:

«قَرْناً»: مردمان یک عصر و زمان (نگا: انعام / ۶). در اینجا مراد عاد، یعنی قوم هود است (نگا: اعراف / ۶۵، هود / ۵۰، شعراء / ۱۲۴). «ءَاخَرِينَ»: دیگران.

سوره مؤمنون آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

پیغمبری از خودشان را به میان‌شان روانه کردیم. (توسّط او بدی‌شان پیغام دادیم) که خدا را بپرستید، زیرا جز او معبودی ندارید. آیا (خویشتن را از عذاب او) می‌پرهیزید؟

توضیحات:

«رَسُولاً مِّنْهُمْ»: پیغمبری از خودشان. مراد هود (علیه السلام) است.

سوره مؤمنون آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَتۡرَفۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ

ٱلدُّنۡيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يَأۡكُلُ مِمَّا تَأۡكُلُونَ مِنۡهُ وَيَشۡرَبُ مِمَّا تَشۡرَبُونَ ﴿٣٣﴾

ترجمه:

اشراف بی‌باوری که فرا رسیدن قیامت را قبول نداشتند و در زندگی دنیا، ناز و نعمت بدی‌شان داده بودیم، گفتند: این انسانی همچون شما بوده (و پیغمبر نیست. چرا که) از همان چیزهائی می‌خورد که شما می‌خورید و از همان چیزهائی می‌نوشد که شما می‌نوشید. (رابط میان خدا و مردم باید فرشته باشد نه انسان!).

توضیحات:

«الْمَلأُ»: اشراف و بزرگان و سران قوم (نگا: بقره / ۲۴۶، اعراف / ۶۰). «لِقَآءِ الآخِرَةِ»: دیدار آخرت. «أَتْرَفْنَاهُمْ»: بدی‌شان اموال و اولاد و ناز و نعمت دادیم. مراد اغنیاء و اقویاء است.

سوره مؤمنون آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَئِنۡ أَطَعۡتُم بَشَرٗا مِّثۡلَكُمۡ إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٣٤﴾﴾

ترجمه:

اگر از انسانی همسان خود پیروی کنید و بدو بگروید، در این صورت سخت زیانکار خواهید بود.

توضیحات:

«مِثْلَکُمْ»: همچون خود. صفت است.

سوره مؤمنون آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَيَعِدُكُمۡ أَنَّكُمۡ إِذَا مِتُّمۡ وَكُنتُمۡ تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخۡرَجُونَ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

آیا او به شما وعده می‌دهد که هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید، شما (بار دیگر زنده می‌گردید و از گورها) به در آورده می‌شوید؟! (و حیات نوین و جاویدی را آغاز می‌کنید؟!).

توضیحات:

«أَنَّکُمْ»: تکرار این لفظ برای تأکید هرچه بیشتر است.

سوره مؤمنون آیه ۳۶

متن آیه:

﴿هَيۡهَاتَ هَيۡهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

آنچه به شما وعده داده می‌شود (که زندگی دوباره و برپا شدن رستاخیز نام دارد، محال و ناممکن است، و از عقل) دورِ دور است (و هرگز نمی‌شود).

توضیحات:

«هَيْهَاتَ»: دور است! در اینجا به معنی محال و ناشدنی است و تکرار آن برای تأکید است. «لِـمَـا»: حرف لام زائده بوده و واژه (ما) فاعل اسم الفعل (هَيهَاتَ) است.

سوره مؤمنون آیه ۳۷

متن آیه:

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

حیاتی جز حیات این جهان وجود ندارد که (گروهی از ما) می‌میریم (و گروه دیگری جای آنان را می‌گیریم) و زندگی می‌کنیم، و ما هرگز (پس از مرگ) برانگیخته نمی‌شویم.

توضیحات:

«إِنْ هِيَ»: واژه (إِنْ) حرف نفی است و مراد از (هِيَ)، (حَيَاة) است، و ضمیر عائد بر متأخر بوده و با خبر تفسیر شده است.

سوره مؤمنون آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا وَمَا نَحۡنُ لَهُۥ بِمُؤۡمِنِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

او مردی است که بر خدا دروغ می‌بندد. (او نه رسالتی از طرف خدا دارد، و نه وعده رستاخیزش درست است، و بلکه خودسرانه سخن می‌گوید) و ما (سران شما که خردمندان شمائیم) هرگز بدو ایمان نمی‌آوریم و تصدیقش نمی‌کنیم. (پس شما هم نباید بدین مرد دروغگو بگروید).

توضیحات:

«إِنْ»: نیست. «إِفْتَرَیا»: (نگا: آل‌عمران / ۹۴، عنکبوت / ۶۸).

سوره مؤمنون آیه ۳۹

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ۝٣٩﴾

ترجمه:

(هود رو به آفریدگار خود نمود و) گفت: پروردگارا! کمکم کن، (من از اینان مأیوس شده‌ام، نابودشان فرما) به سبب این که مرا تکذیب کرده و دروغگویم نامیده‌اند.

توضیحات:

«بِمَا كَذَّبُونِ»: در برابر این که مرا تکذیب کرده‌اند. به سبب این که مرا دروغگو نامیده و دعوتم را نپذیرفته‌اند.

سوره مؤمنون آیه ۴۰

متن آیه:

﴿قَالَ عَمَّا قَلِيلٖ لَّيُصۡبِحُنَّ نَٰدِمِينَ ۝٤٠﴾

ترجمه:

(خدا به هود) گفت: به زودی حتماً از کار خود پشیمان می‌گردند (وقتی که عذاب الهی را مشاهده می‌کنند).

توضیحات:

«عَمَّا قَلِيلٍ»: به زودی. واژه (ما) زمانیه یا زائده است. «لَيُصْبِحُنَّ»: قطعاً خواهند شد. «نَادِمِينَ»: جمع نَادِم، پشیمان.

سوره مؤمنون آیه ۴۱

متن آیه:

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ بِٱلۡحَقِّ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ غُثَآءٗۚ فَبُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝٤١﴾

ترجمه:

ناگهان صدای بلند (و مرگبار طوفان باد) آنان را - به سبب استحقاقی که داشتند - فرو گرفت، و ما ایشان را بسان خس و خاشاک (سیلاب درهم کوبیده و تکه‌تکه روی هم انباشته) کردیم. ستمکاران (از رحمت خدا) دور و نابود شوند.

توضیحات:

«الصَّيْحَةُ»: صدای مهیب. مراد صدای شدید طوفان باد است که همراه با آن است. چرا که عاد، یعنی قوم هود با طوفان باد نابود شده‌اند (نگا: حاقّه / ۶). برخی از مفسّرین به سبب واژه (صَیحَة) این آیات را درباره ثمود، یعنی قوم صالح دانسته‌اند؛ زیرا قوم صالح با صدای مرگبار رعد از میان رفته‌اند (نگا: هود / ۶۷). در اینجا واژه (صَیحَة) به معنی مطلق عذاب نیز می‌تواند باشد. «غُثَآءً»: خس و خاشاک و چوبها و چیزهائی که سیلاب با خود می‌آورد. (نگا: اعلی / ۵). «بُعْداً»: (نگا: هود / ۴۴ و ۶۰ و ۶۸ و ۹۵).

سوره مؤمنون آیه ۴۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

پس از ایشان، مردمان دیگری را بر سر کار آوردیم.

توضیحات:

«قُرُوناً»: (نگا: یونس / ۱۳، مؤمنون / ۳۱).

سوره مؤمنون آیه ۴۳

متن آیه:

﴿مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

هیچ ملّتی بر سر رسید مرگ و نابودیش پیشی و پسی نمی‌گیرد.

توضیحات:

«مِنْ أُمَّةٍ»: ملّتی. جماعتی. حرف (مِنْ) زائد و (أُمَّةٍ) فاعل است. «أَجَلَهَا»: وقت نابودی. سر رسید هلاک (نگا: اعراف / ۳۴ و ۱۸۵، حجر / ۵).

سوره مؤمنون آیه ۴۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا تَتۡرَاۖ كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُۖ فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضًا وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَۚ فَبُعۡدًا لِّقَوۡمٍ لَّا يُؤۡمِنُونَ ۝٤٤﴾

ترجمه:

سپس پیغمبران خود را یکی پس از دیگری (به‌سوی اقوام‌شان) روانه کردیم و اقوام‌شان آنان را تکذیب نموده و دروغگو نامیدند، ما هم (این ملّت‌های سرکش را نابود و) یکی را به دنبال دیگری روانه (دیار نیستی) کردیم و ایشان را نقل مجالس و مایه عبرت (دیگران) نمودیم. نابود باد اقوامی که بی‌ایمان و بی‌باورند.

توضیحات:

«تَتْرَا»: پیاپی. یکی بعد از دیگری. حال است و از ماده (وتر). اصل آن (وتری) است و واو به تاء تبدیل شده است، همچون (تقوی) که از (وقایة) است. «أَحَادِیثَ»: جمع أُحْدُوثَة، مانند أَعاجیب که جمع أُعْجُوبَة است. أُحْدُوثَة سخنی است که مردمان به خاطر غرابت و شگفتی، آن را برای یکدیگر روایت می‌نمایند. یا جمع حدیث، و مراد سخنان عبرت‌انگیز است.

سوره مؤمنون آیه ۴۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٤٥﴾

ترجمه:

سپس موسی و برادرش هارون را همراه با معجزات و براهین (دالّ بر صدق رسالتشان) و حجّت واضحی که بیان‌گر (اثبات پیغمبری آنان) باشد روانه کردیم.

توضیحات:

«ءَایاتِ»: مراد معجزات و براهین نه‌گانه مذکور در سوره اسراء، آیه ۱۰۱ است. «سُلْطَانٍ مُّبِینٍ»: حجّتی که بیان‌گر حق باشد. در اصل (سُلْطانٍ مُّبینٍ) صفت (ءَایات) است. به عبارت دیگر، عطف صفت بر موصوف است.

سوره مؤمنون آیه ۴۶

متن آیه:

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

به‌سوی فرعون و فرعونیان، ولی آنان (خود را بالاتر از این دانستند که دعوت ایشان را بپذیرند و) تکبّر ورزیدند، و ایشان اصولاً مردمان سلطه‌طلب و خود بزرگ‌بین بودند.

توضیحات:

«مَلَئِهِۦ»: اشراف. اطرافیان (نگا: بقره / ۲۴۶، اعراف / ۶۰ و ۱۰۳). «عَالِينَ»: سرکشان. مراد مستکبران و خود بزرگ‌بینانی است که مقام طلب و شهرت طلب بوده و خویشتن را بالاتر از دیگران می‌دانند و مردمان را زیردستان خود می‌انگارند (نگا: اعراف / ۱۲۷، یونس / ۸۳، قصص / ۸۳).

سوره مؤمنون آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَقَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لِبَشَرَيۡنِ مِثۡلِنَا وَقَوۡمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

(فرعون و فرعونیان) گفتند: آیا به دو انسان همچون خودمان ایمان بیاوریم (و پیغمبرشان بدانیم) و حال این که قوم آن دو (یعنی بنی‌اسرائیل) پرستندگان و خدمتگذاران ما بوده و هستند؟!

توضیحات:

«وَقَوْمُهُمَا»: حرف (واو) حالیه است. «عَابِدُونَ»: پرستندگان. مراد بندگان و خدمتگذاران و کرنش‌کنندگان است.

سوره مؤمنون آیه ۴۸

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡلَكِينَ ٤٨﴾

ترجمه:

این بود که آن دو را تکذیب کردند و در نتیجه (در دریا غرق و) هلاک گردیدند.

توضیحات:

«الْمُهْلَكِينَ»: هلاک شوندگان.

سوره مؤمنون آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٤٩﴾

ترجمه:

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم تا این که (بنی‌اسرائیل در پرتو احکام و

رهنمودهای آن) راهیاب گردند.

توضیحات:

«الْکتَاب»: مراد تورات است.

سوره مؤمنون آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ ٥٠﴾

ترجمه:

ما پسر مریم (عیسی) و مادرش (مریم) را نشانه‌ای (بر قدرت خود) کردیم (چرا که عیسی را بدون پدر متولّد، و مریم را بدون شوهر آبستن نمودیم) و آن دو را به تپه‌ای پناهنده کردیم که آرامش و امنیت و آب جاری داشت.

توضیحات:

«ءَايَةً»: دلیلی بر کمال قدرت. نشانه‌ای بر عظمت و قدرت. «ءَاوَيْنَا»: منزل و مأوی دادیم. راندیم و پناهنده کردیم. «رَبْوَةٍ»: پشته. تپه. زمین بلند (نگا: بقره / ۲۶۵). مراد عرصه بیت‌المقدّس است (نگا: المصحف‌المیسّر). «ذَاتِ قَرَارٍ»: محلّ استقرار. محلّ امن و امان و آرامش و اطمینان. «معیّن»: آب روان. از ماده (معن) به معنی جریان آب، یا از (عین) یعنی قابل دید.

سوره مؤمنون آیه ۵۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٥١﴾

ترجمه:

(به پیغمبران گفته‌ایم تا به پیروان خود برسانند. گفته‌ایم) ای پیغمبران! از غذاهای حلال بخورید و کارهای شایسته بکنید، بی‌گمان من از آنچه انجام می‌دهید بس آگاهم.

توضیحات:

«یَآ أَیُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا»...: مخاطب انبیاء بوده و مراد پیروان انبیاء است. «الطَّیِّبَات»: چیزهای پاکیزه. مراد خوراکی‌های حلال است (نگا: بقره / ۵۷ و ۱۷۲ و ۲۶۷، نساء / ۱۶۰).

سوره مؤمنون آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ ٥٢﴾

ترجمه:

(و بدی‌شان گفتیم: به اقوام خود برسانند که) این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملّت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائی دارند) و من پروردگار همه شما هستم، پس تنها از من بهراسید (چرا که ملّت واحد، با برنامه واحد، باید از خدای واحد بترسد و خویشتن را از عذاب و عقاب او به دور دارد).

توضیحات:

«إِنَّ هذِهِ»...: (نگا: انبیاء / ۹۲).

سوره مؤمنون آیه ۵۳

متن آیه:

﴿فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٥٣﴾

ترجمه:

امّا مردمان کار و بار (دین) خود را به پراکندگی کشاندند و (هر گروهی به راهی رفتند، و عجب این که) هر دسته و جمعیتی بدانچه دارند و برآنند خوشحال و شادانند (چرا که گمان می‌برند ایشان بر راستای راهند و دیگران کژ راهه می‌روند).

توضیحات:

«فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ»: کار دین خود را بخش بخش و پراکنده کردند و خودشان فرقه فرقه شدند. «زُبُراً»: جمع زُبْرَة به معنی قطعه و تکه است. یا جمع زَبور به معنی کتاب. بدین معنی که: کارهای دین را از هم پاشیدند و پراکنده نمودند، یا این که کارهای دین خود را پراکنده کردند و در کتاب‌های جدا و مختلف گنجاندند (نگا: معجم الفاظ القرآن الکریم).

سوره مؤمنون آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَذَرۡهُمۡ فِي غَمۡرَتِهِمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ٥٤﴾

ترجمه:

بگذار تا مدّت زمانی (که وقت مقدّر هلاک ایشان است) در غرقاب (جهالت و

ضلالت) خود بسر برند.

توضیحات:

«غَمْرَتِهِمْ»: غمرة، غرقاب. مراد حیرت و ضلالت و غفلت و جهالت است که ایشان را فرا می‌گیرد (نگا: حجر / ۳، زخرف / ۸۳، طارق / ۱۷).

سوره مؤمنون آیه ۵۵

متن آیه:

﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

آیا (این کافران و عاصیان) گمان می‌برند اموال و فرزندانی که (بدی‌شان می‌دهیم و) با آن یاری‌شان می‌نمائیم.

توضیحات:

«نُمِدُّهُمْ»: مدد و یاری‌شان می‌دهیم. بدی‌شان عطاء می‌کنیم.

سوره مؤمنون آیه ۵۶

متن آیه:

﴿نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

(برای این است که) شتابان (درهای خوبی‌ها و نعمت‌ها را به روی‌شان می‌گشائیم و) خیرات و برکات را نصیب‌شان می‌نمائیم؟ (نه! اشتباه می‌کنند) بلکه نمی‌فهمند (که این گام به گام به‌سوی دوزخ کشاندن و بر عذاب سرمدی ایشان افزودن است).

توضیحات:

«نُسَارِعُ»: پیشی می‌گیریم و شتاب می‌ورزیم. «بَلْ»: حرفی است که دلالت بر ابطال سخن پیش از خود و اثبات سخن بعد از خود دارد. یعنی در رساندن خوبیها و نعمتها شتاب نمی‌ورزیم، بلکه برابر قاعده استدراج، کاری می‌کنیم بر گناه خود بیفزایند تا مایه افزایش عذاب آخرت ایشان شود.

سوره مؤمنون آیه ۵۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

کسانی که از خوف خدا در هراس هستند.

توضیحات:

«مُشْفِقُونَ»: اشخاص بیمناک و در هراس. مراد کسانی است که با انجام خوبیها خویشتن را سخت از عذاب خدا به دور می‌دارند.

سوره مؤمنون آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ٥٨﴾

ترجمه:

آنانی که به آیات پروردگارشان ایمان دارند.

توضیحات:

«ءَايَات»: آیه‌های خواندنی کتاب‌های یزدان، و نشانه‌های دیدنی در کتاب دیدنی جهان.

سوره مؤمنون آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا يُشۡرِكُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

افرادی که برای پروردگار خود انباز قرار نمی‌دهند (و کسی و چیزی را شریک او نمی‌کنند).

توضیحات:

سوره مؤمنون آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ ٦٠﴾

ترجمه:

اشخاصی که عطاء می‌کنند و می‌بخشند آنچه را که در توان دارند، در حالی که دل‌هایشان ترسان و هراسان است (از این که نکند صدقات و حسنات آنان پذیرفته

نگردد) و به علّت این که به‌سوی خدای‌شان (برای حساب و کتاب) برمی‌گردند.

توضیحات:

«يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَوْا»: می‌دهند و عطاء می‌کنند آنچه را که عطاء کرده و در توان دارند. مراد دادن زکات و صدقات و ادای حقوق مردم و حق پروردگار است. «وَجِلَةٌ»: ترسان و هراسان (نگا: حجر / ۵۲ و ۵۳).

سوره مؤمنون آیه ۶۱

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ٦١﴾

ترجمه:

چنین کسانی (که صفات چهارگانه ایشان گذشت) در خیرات و حسنات (با دیگران) مسابقه سرعت می‌دهند و در انجام آنها (بر سایرین) پیشی می‌گیرند.

توضیحات:

«يُسَارِعُونَ»: بر همدیگر سرعت و سبقت می‌گیرند. «وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»: از دیگران زودتر حسنات و خیرات انجام می‌دهند و جلوتر بدان می‌رسند. بلی! مسابقه مؤمنان در انجام خوبی‌ها و نیکی‌ها است و مسابقه بی‌دینان در انجام بدی‌ها و زشتی‌ها.

سوره مؤمنون آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَلَدَيۡنَا كِتَٰبٞ يَنطِقُ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

ما برای هیچ کسی جز به اندازه تاب و توانش (وظائف و تکالیف تعیین و) تحمیل نمی‌کنیم (و از افراد مخلص پیشین نیز جز به اندازه توانشان چیزی خواسته نشده است، و جملگی تکالیف آسمانی در توان انسان است، و همه اعمال بندگان ثبت و ضبط در) کتابی است که در پیش ما است و به حق سخن می‌گوید و (گویای حقائق بوده و ذرّه‌ای از اعمال و اقوال آدمی به دست فراموشی سپرده نمی‌شود و به همین دلیل) هیچ ظلم و ستمی بدی‌شان نمی‌گردد.

توضیحات:

«لا نُكَلِّفُ»...: (نگا: انعام / ۱۵۲، اعراف / ۴۲). «كِتَابٌ»: مراد نامه و پرونده اعمال

است (نگا: کهف / ۴۹، جاثیه / ۲۹). «يَنطِقُ بِالْحَقِّ»: نطق کتاب جنبه مجازی دارد و مراد این است که گویای حقیقت است و آئینه تمام نمای کارهای آدمی است.

سوره مؤمنون آیه ۶۳

متن آیه:

﴿بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

اصلاً (برنامه کافران با برنامه مؤمنان به کلّی از هم جدا است، چرا که) دل‌های (کافران به سبب عناد و تعصّب) ایشان غافل از این (گونه اعمال خیر و انجام وظیفه در حدّ توان و دقّت در حساب) است، و آنان کارهائی جدا (از کار مؤمنان) دارند و به انجام آنها مشغول می‌باشند.

توضیحات:

«غَمْرَةٍ»: ضلالت و حیرت و غفلت و جهالت (نگا: مؤمنون / ۵۴). «هذا»: این کارهای نیکی که مؤمنانِ متّصف به اوصاف اربعه پیشین، انجام می‌دادند. «مِن دُونِ ذلكَ»: جدای از آن و مخالف با آن.

سوره مؤمنون آیه ۶۴

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذۡنَا مُتۡرَفِيهِم بِٱلۡعَذَابِ إِذَا هُمۡ يَجۡـَٔرُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

(کافران به کارهای پلشت خود ادامه می‌دهند) و هنگامی که (در روز قیامت) سران خوشگذران ایشان را گرفتار عذاب می‌کنیم، ناگهان فریاد می‌کشند و لابه سر می‌دهند.

توضیحات:

«حَتّي»: ابتدائیه است. «أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ»: ذکر خاصّ افراد متنعّم و خوشگذران بدان خاطر است که دیگران پیروان بشمارند و همراه این سردمدارانند. «يَجْأَرُونَ»: بسان گاو بانگ سر می‌دهند و فریاد می‌کشند. از مصدر (جُوار) به معنی صدای گاو، مراد ناله سر دادن و لابه کردن است.

سوره مؤمنون آیه ۶۵

متن آیه:

﴿لَا تَجۡـَٔرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

(بدی‌شان خواهیم گفت:) امروز فریاد و واویلا سر ندهید و تضرّع و لابه نکنید، شما از سوی ما یاری و کمک نمی‌شوید (و با داد و بیداد از عذاب آتش رهایتان نمی‌کنیم).

توضیحات:

«مِنَّا لا تُنصَرُونَ»: از سوی ما یاری نمی‌شوید.

سوره مؤمنون آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قَدۡ كَانَتۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

آیات من (در دنیا) بر شما خوانده می‌شد و شما بر پاشنه‌های خود چرخی می‌زدید (و بدان‌ها پشت می‌کردید و از پذیرش احکام و دستور آنها سر باز می‌زدید).

توضیحات:

«أَعْقَاب»: جمع عَقِب، پاشنه. «تَنكِصُونَ»: به عقب برمی‌گشتید. اعراض می‌نمودید. از مصدر (نُکُوص) به معنی رجوع عقب عقب. عقب عقب برگشتن.

سوره مؤمنون آیه ۶۷

متن آیه:

﴿مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

از این عقب‌گرد و روی‌گردانی، به خود می بالیدید و (آیات ما را) در گفتگوهای شبانه خود به باد استهزاء می‌گرفتید و (از آنها) بدگوئی می‌کردید.

توضیحات:

«مُسْتَکْبِرِینَ»: به خود بالندگان. متکبّران. «بِهِ»: ضمیر (ه) به نکوص، مصدر (تَنكِصُونَ) برمی‌گردد. برخی مرجع آن را قرآن که از آیات فراهم می‌آید، نزول آیات، پیغمبر، بیت‌الحرام دانسته‌اند. «مُسْتَکْبِرِینَ بِهِ»: به این اعراض افتخار می‌کردند. پیغمبر و قرآن و نزول آیات را متکبّرانه تکذیب می‌کردند. با توجّه بدین معنی، مستکبرین را به معنی

مکذبین گرفته‌اند. از این که پرده‌داران کعبه و خادمان بیت‌الحرام بودند، به خود می‌بالیدند. در معنی اخیر، مرجع ضمیر به سبب شهرت قریشیان به نازش و افتخار به بیت‌الحرام حذف شده است. «سَامِراً»: گفتگوهای شبانه. قصّه‌گویان شب. واژه (سامِر) را مصدری همچون عاقبة و عافیة و قائم (نگا: تفسیر قاسمی)، یا اسمِ جمعی همچون جامِل و باقِر و حاجّ و حاضِر، به معنی شتران و گاوان و حاجیان و حاضران دانسته‌اند. «تَهْجُرُونَ»: هذیان و پریشان‌گوئی می‌کردند. بدگوئی و یاوه‌سرائی می‌نمودند. ترک می‌کردند. با توجّه به معنی اخیر (تَهْجُرُونَ) مفهوم چنین می‌گردد: آیات مرا ترک می‌کردند و از پذیرش سر باز می‌زدند. واژه‌های (مُسْتَكْبِرِينَ، سَامِر، تَهْجُرُونَ) حال می‌باشند.

سوره مؤمنون آیه ۶۸

متن آیه:

﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُواْ ٱلْقَوْلَ أَمْ جَآءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ٦٨﴾

ترجمه:

آیا آنان سخنان را نمی‌سنجند (و درباره این آیات الهی نمی‌اندیشند، تا اعجاز قرآن را با چشم سر و چشم دل مشاهده کنند)، یا این که مطالبی برای آنان آمده است که برای نیاکانشان نیامده (و نزول آیات آسمانی، چیز نوظهوری است؟ چنین نیست، ارسال پیغمبران و انزال کتاب‌های آسمانی برای ایشان شیوه دیرین خدا بوده و محتوای دعوت تو از نظر اصول و اساس، همان محتوای دعوت پیغمبران است).

توضیحات:

«اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا»...: (نگا: نساء / ۸۲). اصل يَدَّبَّرُوا، (يَتَدَبَّرُوا) است، یعنی آیا درباره معانی و مفاهیم آیات قرآنی نمی‌اندیشند؟

سوره مؤمنون آیه ۶۹

متن آیه:

﴿أَمْ لَمْ يَعْرِفُواْ رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

یا این که ایشان پیغمبر خود را نمی‌شناسند، و این است که (رسالت) او را قبول نمی‌کنند؟

توضیحات:

«أَمْ لَمْ یَعْرِفُوا»...: آنان که محمّد را می‌شناسند و از امانت و صداقت و حسن اخلاق و حسب و نسب او آگاهند.

سوره مؤمنون آیه ۷۰

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلۡ جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ وَأَكۡثَرُهُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ۝٧٠﴾

ترجمه:

یا این که خواهند گفت: او دیوانه است؟ (چنین نیست که می‌انگارند) بلکه او حق را برای آنان آورده است (و سخنانش سراسر حقیقت است. ولی عیب کار اینجا است که) بیشتر ایشان از حق بیزار (و دشمن حقیقت) می‌باشند.

توضیحات:

«جِنَّةٌ»: جنون. دیوانگی (نگا: اعراف / ۱۸۴، مؤمنون / ۲۵). «الْحَقِّ»: حقیقت. مراد قرآن (نگا: مائده / ۴۸ و ۸۴) یا شریعت است (نگا: قصص / ۴۸، عنکبوت / ۶۸).

سوره مؤمنون آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ فَهُمۡ عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ ۝٧١﴾

ترجمه:

اگر حق و حقیقت از خواستها و هوس‌های ایشان پیروی می‌کرد (و جهان هستی بر طبق تمایلاتشان به گردش می‌افتاد) آسمان‌ها و زمین و همه کسانی که در آنها بسر می‌برند تباه می‌گردیدند (و نظم و نظام کائنات از هم می‌پاشید). ما قرآن را به آنان داده‌ایم که در آن (موجبات) آوازه ایشان است، ولی آنان از (چیزی که مایه) عزّت و آبروی‌شان (است) رویگردانند (و انگار راه بیداری و خوشبختی خود را نمی‌دانند).

توضیحات:

«الْحَقُّ»: خدا (نگا: نور / ۲۵). یعنی اگر خدا برابر خواست مردم به ویژه کفّار رفتار کند، هرج و مرج سراسر جهان را فرا می‌گیرد و... حقیقت. آنچه صحیح و درست است و مقابل باطل قرار دارد. «ذِکْر»: قرآن. (نگا: آل‌عمران / ۵۸، حجر / ۶ و ۹). شهرت و افتخار و نام و آوازه (نگا: انبیاء / ۱۰، زخرف / ۴۴). چرا که قرآن به زبان عرب‌ها بوده و

ملّت‌ها مادام که زبان‌شان برجا است، ایشان ماندگارند. غیر از این، قرآن عرب‌ها را به جهان شناساند و آنان را زنده نگاه داشت و از نوکری به سَروری رساند.

سوره مؤمنون آیه ۷۲

متن آیه:

﴿أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ خَرۡجٗا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيۡرٞۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

آیا (بهانه فرار ایشان از حق این است که) تو از آنان اجر و مزدی (در برابر دعوت و ادای رسالت) طلب می‌کنی؟ (نه! چنین کاری را نکرده و نمی‌کنی. چرا که) اجر و مزد پروردگارت بهتر است (از چیزی که ایشان دارند) و او بهترین روزی‌رسان است.

توضیحات:

«خَرْجاً»: اجر و مزد. هزینه (نگا: کهف / ۹۴). «خَرَاج»: اجر و مزد. هزینه. «خَيْرُ الرَّازِقِينَ»: بهترینِ روزی‌رسانان. بهترینِ دهندگان (نگا: مائده / ۱۱۴، حجّ / ۵۸).

سوره مؤمنون آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّكَ لَتَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٧٣﴾

ترجمه:

تو (ای پیغمبر!) آنان را به راه راست فرا می‌خوانی (که دین اسلام و منتهی به سعادت است).

توضیحات:

سوره مؤمنون آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه (راست) منحرف هستند.

توضیحات:

«نَاكِبُونَ»: منحرفان از مسیر.

سوره مؤمنون آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

اگر بدی‌شان رحم کنیم و بلاها و گرفتاری‌های گریبانگیرشان را برطرف سازیم، در طغیان و سرکشی خود مصرانه و سرگردان دست‌وپا می‌زنند.

توضیحات:

«ضُرٍّ»: (نگا: انعام / ۱۷، یونس / ۱۲ و ۱۰۷). «یَعْمَهُونَ»: (نگا: بقره / ۱۵، انعام / ۱۱۰، اعراف / ۱۸۶).

سوره مؤمنون آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

(اگر هم از طریق رحمت و نعمت بیدار نشدند) ما ایشان را به عذاب (مصائب و شدائدی همچون قحط و فقر) گرفتار می‌سازیم، امّا آنان در برابر پروردگارشان نه سر فرود می‌آورند و کرنش می‌برند، و نه تضرّع و زاری می‌کنند. (لذا حوادث دردناک هم ایشان را از مرکب غرور و سرکشی و خودکامگی پائین نمی‌آورد و در برابر جلال حق تسلیم و خاشع نمی‌گرداند).

توضیحات:

«مَا اسْتَكانُوا»: از ماده (کون) یعنی: حال به حال نشدند و دگرگون نگشتند (نگا: المصحف المیسّر). از ماده (کین) یعنی: خواری و کوچکی ننمودند و خشوع و خضوع نکردند (نگا: آل‌عمران / ۱۴۶).

سوره مؤمنون آیه ۷۷

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

(این وضع، یعنی آزمون‌های رحمت و نعمت، و بلا و محنت برای بیداری ادامه می‌یابد، و ایشان هم بر گردنکشی و سرکشی خود می‌افزایند) تا دری از عذاب شدید

(روز قیامت) را به رویشان می‌گشائیم و به ناگاه در آن درمانده و ناامید (از نجات) می‌گردند. (بدین ترتیب مراحل آزمون لطف و مهربانی، و گوشمالی و کیفر تربیتی، سپری می‌شود، و سرانجام عذاب ابدی و درماندگی همیشگی سر می‌رسد).

توضیحات:

«بَاباً ذَا عَذَابٍ»: دری از عذاب. مراد مجازات روز قیامت و عذاب دوزخ است (نگا: زخرف / ۷۴ و ۷۵). «مُبْلِسُونَ»: ماتم‌زدگان و متحیران و ناامیدان از نجات (نگا: روم / ۱۲ و ۴۹).

سوره مؤمنون آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

خدا کسی است که برای شما گوش و چشم و عقل را آفریده است (تا صداها را بشنوید و جهان را ببینید و خالق آن را درک کنید، و در نتیجه ایمان بیاورید). امّا کمتر شکر و سپاس (این آفریده‌های خدا) را به جای می‌آورید.

توضیحات:

«الأَفْئِدَة»: جمع فُؤاد، دل. در اینجا مراد عقل و خرد است. «قَلِيلاً مَّا»: واژه (قَليلاً) صفت مصدر محذوف یا مفعول مطلق است، و کلمه (ما) زائد و برای تأکید است.

سوره مؤمنون آیه ۷۹

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

او کسی است که در زمین شما را آفریده‌است و در آن افزون و پراکنده نموده است و (روز قیامت برای سزا و جزا) در پیشگاه او گرد آورده می‌شوید.

توضیحات:

«ذَرَأَ»: آفریده است و افزون و پراکنده نموده است (نگا: انعام / ۱۳۶، اعراف / ۱۷۹). «إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»: در پیشگاه او جمع آورده می‌شوید. به پیشگاه او برگردانده

می‌شوید (نگا: بقره / ۲۰۳، آل‌عمران / ۱۲ و ۱۵۸).

سوره مؤمنون آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

او است که زنده می‌گرداند و می‌میراند، و آمد و شد (پیاپی) شب و روز، (و اختلاف رنگ، و کوتاهی و درازی آنها برابر قوانین و طبق فرمان او و) مربوط بدو است. آیا (دلالت این‌ها را بر قدرت خدا و وجوب ایمان بدو و به روز قیامت) نمی‌فهمید؟

توضیحات:

«إِخْتِلاف»: آمد و شد. دگرگونی زمانی و فعل و انفعالات (نگا: بقره / ۱۶۴، آل‌عمران / ۱۹۰).

سوره مؤمنون آیه ۸۱

متن آیه:

﴿بَلۡ قَالُواْ مِثۡلَ مَا قَالَ ٱلۡأَوَّلُونَ ٨١﴾

ترجمه:

(چنین کاری را نکرده و نمی‌کنند) و بلکه سخنانی همچون سخنان پیشینیان را می‌گویند.

توضیحات:

سوره مؤمنون آیه ۸۲

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

می‌گویند: آیا هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان گشتیم، آیا واقعاً برانگیخته خواهیم شد (و زندگی دوباره پیدا خواهیم کرد؟!).

توضیحات:

«لَمَبْعُوثُونَ»: برانگیخته‌شدگان (نگا: هود / ۷، انعام / ۲۹، مؤمنون / ۳۷).

سوره مؤمنون آیه ۸۳

متن آیه:

﴿لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

این وعده به ما، و در گذشته به نیاکان ما داده شده است. امّا این چیزی جز دروغ‌های پیشینیان نیست (که آن را دهان به دهان برای یکدیگر روایت، و زمان به زمان برای همدیگر کتابت کرده‌اند).

توضیحات:

«أَسَاطِیر»: جمع أُسْطُورَة، اکاذیب. دروغگوئی‌ها (نگا: انعام / ۲۵، فرقان / ۵).

سوره مؤمنون آیه ۸۴

متن آیه:

﴿قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

بگو: زمین و کسانی که در زمین هستند از آن کیستند، اگر دانا و فرزانه‌اید؟!

توضیحات:

«إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»: اگر فهمیده و آگاهید. این جمله متضمّن تحقیر مخاطبان بوده و اشاره به نادانی ایشان دارد.

سوره مؤمنون آیه ۸۵

متن آیه:

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

(بر اساس ندای فطرت، و بداهت عقل) خواهند گفت: (همه کائنات، و از جمله زمین و ساکنان آن) از آن خدایند. بگو: پس چرا نمی‌اندیشید و یادآور نمی‌گردید (که تنها مالک کائنات شایسته پرستش است و بس؟).

توضیحات:

«اَفَلا تَذَكَّرُونَ»: تذکر به معنی یاد کردن و اندیشیدن و به خاطر آوردن است (نگا: انعام / ۱۵۲). اصل (تَذَكَّرُونَ) تَتَذَكرُونَ است.

سوره مؤمنون آیه ۸۶

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ٨٦﴾

ترجمه:

بگو: چه کسی صاحب آسمان‌های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است؟ (آیا ملک کائنات و فرمانروائی بر آنها از آن کیست).؟

توضیحات:

«الْعَرْش»: (نگا: اعراف / ۵۴، توبه / ۱۲۹).

سوره مؤمنون آیه ۸۷

متن آیه:

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چرا پرهیزگاری پیش نمی‌گیرید (و خویشتن را از فرجام شرک و کفر و عصیان نسبت به یزدان، صاحب و فرمانده جهان به دور نمی‌دارید؟!).

توضیحات:

«أَفَلاتَتَّقُونَ»: پس چرا پرهیزگاری نمی‌کنید؟ پس چرا خود را از موجبات عذاب خدا به دور نمی‌دارید؟

سوره مؤمنون آیه ۸۸

متن آیه:

﴿قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

بگو: آیا چه کسی فرماندهی بزرگ همه‌چیز را در دست دارد (و ملک فراخ کائنات و حکومت مطلقه بر موجودات، از آن او است؟) و او کسی است که پناه می‌دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟!

توضیحات:

«مَلَكُوت»: ملک سترگ. فرماندهی بزرگ (نگا: انعام / ۷۵، اعراف / ۱۸۵، یس / ۸۳). «يُجِيرُ»: پناه می‌دهد. در پناه خود می‌گیرد، و به فریاد می‌رسد. «لا يُجَارُ عَلَيْهِ»: کسی در برابر او پناه داده نمی‌شود، و فریادرسی نمی‌گردد.

سوره مؤمنون آیه ۸۹

متن آیه:

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩﴾

ترجمه:

خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چگونه گول (هوی و هوس و وسوسه شیاطین را) می‌خورید و (از حق کناره‌گیری می‌کنید، انگار) جادو و جنبل می‌شوید؟

توضیحات:

«أَنَّیا»: چگونه؟ «تُسْحَرُونَ»: جادو می‌شوید. افسون می‌گردید. گول زده می‌شوید و از حق برگردانده می‌شوید.

سوره مؤمنون آیه ۹۰

متن آیه:

﴿بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٩٠﴾

ترجمه:

(چنین نیست که ایشان می‌انگارند و قرآن را افسانه‌سرائی‌ها و دروغگوئی‌های پیشینیان قلمداد می‌نمایند) بلکه برای ایشان حق را آورده‌ایم (که قرآن است و قانون آئینی است که وسیله سعادت دنیا و آخرت همگان است) و آنان قطعاً دروغگویند (در این که قرآن را اساطیر و اکاذیب گذشتگان می‌گویند).

توضیحات:

«الْحَقِّ»: مراد قرآن است که آئین‌نامه راستین اسلام است (نگا: بقره / ۱۱۹، نساء / ۱۷۰، یونس / ۱۰۸). توحید و کتاب‌های آسمانی و شرائع الهی.

سوره مؤمنون آیه ۹۱

متن آیه:

﴿مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٖ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ إِذٗا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۭ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ٩١﴾

ترجمه:

خداوند نه فرزندی برای خود برگرفته است و نه خدائی با او (انباز) بوده است، چرا که اگر خدائی با او می‌بود، هر خدائی به آفریدگان خود می‌پرداخت (و در نتیجه هر

بخشی از جهان با نظام خاصّی اداره می‌گردید، و این با وحدت نظامی که بر سراسر هستی حاکم است، سازگار نمی‌بود) و هر یک از خدایان (برای توسعه قلمرو حکومت خود) بر دیگری برتری و چیرگی می‌جست (و نظام عالم از هم گسیخته می‌شد و جهان هستی به تباهی می‌کشید). خدا والاتر و بالاتر از آن چیزها (و یاوه‌سرائیهائی) است که ایشان (خدای را بدان‌ها وصف و درباره او) می‌گویند.

توضیحات:

«لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ»: هر خدائی به اداره امور آفریدگان خاصّ خود می‌پرداخت و به دیگران محبّت و مرحمتی نمی‌کرد، و از آمیزش مخلوقات خویش با سایر آفریده‌ها جلوگیری می‌نمود، و نمی‌گذاشت خدایان دیگر برآفریدگانش چیره شوند و در کارهایشان دخالت ورزند. «لَعَلا بَعْضُهُمْ عَلَيا بَعْضٍ»: برخی بر برخی دیگر می‌خواست چیره شود. یکی بر دیگری برتری می‌جست، تا بر رقعه ملک خود بیفزاید و سایرین را مغلوب خویشتن نماید.

سوره مؤمنون آیه ۹۲

متن آیه:

﴿عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٩٢﴾

ترجمه:

خدا از پنهان و آشکار (همه آفریدگان) آگاه است (و سرتاسر هستی در قبضه قدرت او است و نیازی برای اداره جهان به فرزند و شریک و کمک این و آن ندارد، و) لذا او پاک و دور از آن چیزهائی است که ایشان شریک (خداوند جهان) می‌گردانند.

توضیحات:

«تَعَالَيا»: بالاتر و برتر است. بسی دورتر و والاتر است (نگا: انعام / ۱۰۰، اعراف / ۱۹۰).

سوره مؤمنون آیه ۹۳

متن آیه:

﴿قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ٩٣﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارا! اگر چیزی (را از عذاب) که بدان وعده داده می‌شوند، (در دنیا بر

سر آنان بیاوری، در حالی که من در میان‌شان باشم و) به من بنمائی.

توضیحات:

«إِمَّا»: مرکب است از (إِنْ) شرطیه و (ما) زائده که برای تأکید ذکر می‌شود. «تُرِيَنِّي»: به من بنمائی. به من نشان دهی. مراد این است که اگر عذاب و بلا را دامنگیرشان کردی، در حالی که من در قید حیات و در میان‌شان باشم.

سوره مؤمنون آیه ۹۴

متن آیه:

﴿رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٩٤﴾

ترجمه:

پروردگارا! مرا از زمره کافران مگردان (و همراه ایشان معذّب منما).

توضیحات:

«لا تَجْعَلْنِي»...: مراد این است که اگر کافران طاغی و ستمگران یاغی را به عذاب گرفتار فرمودی، مرا همراه ایشان گرفتار عذاب مفرما. یعنی گاهی فتنه و بلا بیگناه و گناهکار، یا تر و خشک را شامل می‌شود، پروردگارا در چنین مواقعی مرا از عذاب به دور دار (نگا: انفال / ۲۵).

سوره مؤمنون آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقَٰدِرُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

ما قطعاً می‌توانیم آنچه را که بدی‌شان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، (و تو را محفوظ و بر آنان پیروز گردانیم. لذا به یاری ما و پیروزی خود مطمئن باش).

توضیحات:

«مَا»: مراد عذاب است.

سوره مؤمنون آیه ۹۶

متن آیه:

﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

(به کار دعوت خویش ادامه بده و خصال) بد (ایشان) را با (خصال) نیک (خود) و (سخنان) نامطلوب (آنان) را با بهترین (منطق) پاسخ بگو. ما کاملاً از چیزهائی که (درباره تو و دعوت تو) می‌گویند، آگاهیم.

توضیحات:

«إِدْفَعْ»: بازگردان. پاسخ بده. «بِالَّتِي»: به خصلتی که. به حسنه‌ای که.

سوره مؤمنون آیه ۹۷

متن آیه:

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧﴾

ترجمه:

(در عین حال خود را به خدا بسپار) و بگو: پروردگارا! خویشتن را از وسوسه‌های اهریمنان (و تحریکات ایشان به انجام گناهان) در پناه تو می‌دارم.

توضیحات:

«هَمَزَاتٍ»: جمع هَمْزَة، تحریکات. مراد وسوسه‌ها است.

سوره مؤمنون آیه ۹۸

متن آیه:

﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾

ترجمه:

و خویشتن را در پناه تو می‌دارم از این که با من (در اعمال و اقوال و سایر احوال) گرد آیند (و مرا از تو غافل نمایند).

توضیحات:

«أَن يَحْضُرُونِ»: این که در جلسات رتق و فتق امور، و به هنگام انجام اعمال و بیان اقوال، نزد من حضور یابند و شرکت داشته باشند.

سوره مؤمنون آیه ۹۹

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ٩٩﴾

ترجمه:

(کافران به راه غلط خود ادامه می‌دهند) و زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می‌رسد،

می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردانید.

توضیحات:

«حَتَّیا»: حرف ابتدائیه است. برخی آن را غائیه می‌دانند. «إِرْجِعُونِ»: مرا به دنیا برگردانید. علّت استعمال فعل جمع به جای فعل مفرد، یعنی (إِرْجِعُونِ) به جای (إِرْجِعْنِی)، محض تعظیم مخاطب است. حسّان بن ثابت می‌گوید: اَلا فَارْحَمُونِي يا إِلهَ محمّد فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً فَأَنْتَ لَهُ أَهْلُ. برخی هم می‌گویند: (رَبِّ) یاری طلبیدن از خدا، و (إِرْجِعُوني) خطاب به فرشتگان است. یا این که از شدّت خوف بارها (إِرْجِعْنِي) را تکرار کرده و پروردگار با جمع ضمیر، به تکرار این قول اشاره فرموده است. البتّه به درخواست ایشان وقعی نهاده نمی‌شود (نگا: انعام / ۲۷ و ۲۸، زمر / ۵۸ و ۵۹، منافقون / ۱۰ و ۱۱).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٠٠﴾

ترجمه:

تا این که کار شایسته‌ای بکنم و فرصتهائی را که از دست داده‌ام جبران نمایم. نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می‌راند (و اگر به فرض به زندگی دنیا برگردد، باز به همان برنامه و روش خود ادامه می‌دهد). در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند (و دوباره زنده می‌گردند و برای سعادت سرمدی یا شقاوت ابدی به صحرای محشر گسیل می‌شوند).

توضیحات:

«لَعَلِّي»: تا این که من. شاید که من. «فِيمَا تَرَكْتُ»: در برابر فرصتهائی که از دست داده‌ام. در برابر اموال و اشیائی که آنها را ترک گفته‌ام و از آنها جدا گشته‌ام. به عوض ایمان و اعمال نیکوئی که نداشته‌ام. «كَلِمَةٌ»: کلام و سخن (نگا: کهف / ۵). «مِن وَرَآئِهِمْ»: در پیش روی ایشان. در جلو آنان (نگا: ابراهیم / ۱۶). «بَرْزَخٌ»: حائل و مانعی که ایشان را از رجوع به دنیا باز می‌دارد. عالم برزخ. مراد از برزخ، مرگ و یا این

که جهان میان مرگ و رستاخیز است که بدان عالم قبر و عالم ارواح نیز گفته می‌شود.

سوره مؤمنون آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ١٠١﴾

ترجمه:

هنگامی که (برای بار دوم) در صور دمیده شود، هیچ‌گونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هرکسی در اندیشه نجات خویشتن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند (زیرا در جهان دیگر انتساب به فلان شخص یا طایفه و قبیله کارگشا نیست و در آن دم همه از یکدیگر رمان و گریزانند).

توضیحات:

«الصُّور»: بوق. مراد صور دوم است که نشانه رستاخیز مردگان است (نگا: انعام / ۷۳). «فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ»: هیچ‌گونه روابط فامیلی و خویشاوندی بر جای نمی‌ماند. بدین معنی که در قیامت انسان است و اعمالش و هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند و نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها از کار می‌افتد (نگا: عبس / ۳۴ - ۳۷). «لايَتَسَآءَلُونَ»: از همدیگر نمی‌پرسند. این عدم پرسش از یکدیگر در آغاز هنگامه رستاخیز است (نگا: قصص / ۶۶، معارج / ۱۰) والاّ بعد از آن پرسش و مجادله در می‌گیرد (نگا: صافّات / ۲۷، طور / ۲۵، مدّثّر / ۴۰).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٢﴾

ترجمه:

کسانی که سنجیده‌های (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سنگین و ارزشمند شود (و در ترازوی خدا وزن و ارجی داشته باشد)، اینان قطعاً رستگارند.

توضیحات:

«ثَقُلَتۡ»: سنگین شود. مراد رجحان کفّه حسنات بر سیئات، و ارزشمندی اعمال و اقوال انسان است در پیشگاه خدا. «مَوَازِين»: جمع مَوزون، برکشیده‌ها و سنجیده‌ها. مراد کردار و گفتار و پندار دنیوی انسان است. یا جمع میزان، به معنی ترازوی اعمال

است (نگا: اعراف / ۸، انبیاء / ۴۷).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ١٠٣﴾

ترجمه:

و کسانی که سنجیده‌های (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سبک و بی‌ارزش باشد، اینان (عمر خود را باخته و) خویشتن را زیانمند نموده‌اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند.

توضیحات:

«خَفَّتْ مَوَازِينُهُ... »: (نگا: اعراف / ۹).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿تَلۡفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمۡ فِيهَا كَٰلِحُونَ ١٠٤﴾

ترجمه:

شعله‌های آتش دوزخ صورت‌های ایشان را فرا می‌گیرد، و آنان در میان آن، چهره در هم کشیده (و پریشان و نالان) بسر می‌برند.

توضیحات:

«تَلْفَحُ»: شعله می‌زند. مراد سوزاندن و بریان کردن است. «کالِحُونَ»: ترشرویان و چهره در هم کشیدگانی که لب‌هایشان از درد و رنج جمع و باز بماند.

سوره مؤمنون آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥﴾

ترجمه:

(خداوند خطاب بدی‌شان می‌گوید:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آنها را دروغ می‌نامیدید؟!

توضیحات:

«أَلَمْ تَکُنْ...»: مراد این است که آیات من برای شما خوانده می‌شد و شما بدان‌ها ایمان نمی‌آوردید و بلکه یاوه و دروغ می‌نامیدید.

سوره مؤمنون آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ١٠٦﴾

ترجمه:

در پاسخ می‌گویند: پروردگارا! بدبختی ما (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود، و ما مردمان گمراهی بودیم.

توضیحات:

«شِقْوَتُنَا»: بدبختی ما (نگا: هود / ۱۰۵).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ١٠٧﴾

ترجمه:

پروردگارا! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور، و اگر (بعد از این، به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم، ما ستمگر خواهیم بود (و مستحقّ هرگونه عذابی).

توضیحات:

«عُدْنَا»: برگشتیم. دعوت کردیم.

سوره مؤمنون آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿قَالَ ٱخۡسَ‍ُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١٠٨﴾

ترجمه:

(خداوند بدیشان) می‌گوید: بتمرکید در آن! و با من سخن مگوئید.

توضیحات:

«إِخْسَؤُوا»: بتمرکید! چخ! ساکت! این واژه برای راندن و دور کردن سگ به کار می‌رود و نسبت به انسان، برای ساکت کردن زبونانه است (نگا: بقره / ۶۵).

سوره مؤمنون آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ

﴿ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩﴾

ترجمه:

(مگر فراموش کرده‌اید، در دنیا) گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ایمان آورده‌ایم، پس ما را ببخش و به ما رحم فرما، و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

توضیحات:

«فَرِيقٌ»: دسته. گروه.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي وَكُنتُم مِّنۡهُمۡ تَضۡحَكُونَ ١١٠﴾

ترجمه:

شما ایشان را به باد تمسخر می‌گرفتید، تا آنجا که سرگرم شدن به تمسخر ایشان، ذکر و عبادت مرا از یادتان برده بود، و کارتان همیشه خندیدن بدانان بود و بس.

توضیحات:

«سِخْرِيّاً»: مصدر است و به معنی اسم مفعول، و افزودن یاء نسبت برای مبالغه است، یعنی کسانی که بسیار مورد تمسخر قرار می‌گیرند (نگا: مطفّفین / ۲۹ - ۳۲). «ذِكْري»: یاد من (نگا: مائده / ۹۱، کهف / ۱۰۱، طه / ۴۲). «أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي»: مؤمنان، یاد مرا از ذهن شما بدر کرده‌اند و ایمان و پرستش مرا از یادتان برده‌اند. نسبت به مؤمنان، بدان خاطر است که ایشان هرچند چنین نکرده‌اند، ولی سبب وجود نسیان و فراموشی هستند (نگا: ابراهیم / ۳۶).

سوره مؤمنون آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ١١١﴾

ترجمه:

من امروز به خاطر صبری که کرده‌اند و پایمردی و استقامتی که (در برابر آن همه استهزاء) نشان داده‌اند، پاداش‌شان داده‌ام (و در بهشت جایگزینشان کرده‌ام) و آنان به مقصود رسیدگان و رستگارانند.

توضیحات:

«بِمَا»: واژه (ما) مصدریه است. «أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ»: این جمله مفعول به دوم (جَزَیْتُهُمْ) و یا این که در موضع جرّ به لام تعلیل‌مقدّری است. یعنی: «لَفَوْزُهُمْ بِالتَّوْحِیدِ الْـمُؤَدِّي إِلَیا کُلِّ سَعَادَةٍ».

سوره مؤمنون آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢﴾

ترجمه:

(خداوند بدی‌شان) می‌گوید: چند سال در روی زمین زیسته و ماندگار بوده‌اید؟!

توضیحات:

«کَمْ»: چقدر؟ مفعول‌فیه (لَبِثْتُمْ) است. «لَبِثْتُمْ»: توقّف کرده‌اید و ماندگار شده‌اید. «عَدَداً»: تمییز (کَمْ) است.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡـَٔلِ ٱلۡعَآدِّينَ ١١٣﴾

ترجمه:

می‌گویند: روزی یا بخشی از روزی! (ما که سخت گرفتار عذابیم، پاسخ درستی نمی‌توانیم بدهیم) پس از کسانی بپرس که قادر به شمارش هستند.

توضیحات:

«لَبِثْنَا یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ...»: این پاسخ یا پاسخ‌های دیگری توسّط گروههای مختلف دوزخیان (نگا: بقره / ۲۵۹، یونس / ۴۵، طه / ۱۰۳، نازعات / ۴۶) در مقام مقایسه عمر ناچیز این جهان با عمر طولانی و ابدی آن جهان است. «الْعَادِینَ»: شمارندگان. حسابگران و حسابرسان.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿قَٰلَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ لَّوۡ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١٤﴾

ترجمه:

(خداوند بدی‌شان) می‌گوید: جز مدّت کمی (در زمین) ماندگار نبوده‌اید، اگر شما کمترین آگاهی و دانشی می‌داشتید (در دنیا متوجّه این می‌شدید).

توضیحات:

«...لَوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»: اگر اندک دانش و معرفتی می‌داشتید، در پرتو آن متوجّه عمر محدود و ناچیز خود در برابر عمر نامحدود و سرمدی آخرت می‌شدید. بعضی حرف (لَوْ) را به معنی (لَيْتَ) دانسته‌اند که در این صورت معنی چنین می‌شود: ای کاش! شما این مطلب را در دنیا می‌دانستید.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ١١٥﴾

ترجمه:

آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و (حکمت و فلسفه‌ای در آفرینش شما نیست، این است که به فساد پرداخته‌اید؟ و چنین انگاشته‌اید که) به‌سوی ما (برای حساب و کتاب) برگردانده نمی‌شوید.

توضیحات:

«عَبَثاً»: بیهوده. باطل. بی‌فلسفه و حکمت. مراد این است که خداوند مردمان را در اصل برای سزا و جزای آخرت آفریده است (نگا: یونس / ۴).

سوره مؤمنون آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ ١١٦﴾

ترجمه:

خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است (برتر از آن است که جهان هستی را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد).

توضیحات:

«الْـمَلِكُ الْحَقُّ»: شاهنشاه حقیقی و فرمانروای راستین. «الْكَرِيم»: عظیم (نگا: مؤمنون / ۸۶). چیزی که از آن خیرات فرود آید. آنچه خداوند بزرگوارش فرموده باشد.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧﴾

ترجمه:

هرکس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند - و مسلّماً هیچ دلیلی بر حقّانیت آن نخواهد داشت - حساب او با خدا است. قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند، (و بلکه مؤمنان رستگار می‌شوند).

توضیحات:

«یَدْعُ»: فرا خواند. پرستش نماید.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشای و (به من) مرحمت فرمای، چرا که تو بهترین مهربانانی.

توضیحات:

سوره نور

سوره نور آیه ۱

متن آیه:

﴿سُورَةٌ أَنزَلۡنَٰهَا وَفَرَضۡنَٰهَا وَأَنزَلۡنَا فِيهَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ لَّعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١﴾

ترجمه:

(این) سوره مهمّی است که ما آن را وحی کرده‌ایم و (احکام) آن را واجب نموده‌ایم و آیه‌های واضحی (و دلائل روشنی که دالّ بر قدرت و یگانگی یزدان، و آسمانی بودن قرآنند) در آن فرو فرستاده‌ایم، تا این که پند گیرید.

توضیحات:

«سُورَةٌ»: (نگا: بقره / ۲۳). خبر مبتدای محذوف است و تنوین آن برای تفخیم است. «فَرَضْنَا»: احکام آن را قاطعانه واجب کرده‌ایم. «ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ»: دلائل واضح و روشن. آیه‌های روشن. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»: تا این که از آنها پند گیرید و آنها را یادآور شوید و بدان‌ها عمل کنید.

سوره نور آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾

ترجمه:

(از جمله احکام سوره، یکی این است که) هر یک از زن و مرد زناکار (مؤمن، بالغ، حرّ، و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرا قوانین) دین خدا رأفت (و رحمت کاذب) نسبت بدی‌شان نداشته باشید، اگر به روز قیامت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان بر (اجرا حکم ناظر، و به هنگام زدن تازیانه‌ها و) شکنجه ایشان حاضر باشند.

توضیحات:

«الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي»: مراد دختر زناکار و پسر زناکار است. چرا که زن زناکار و مرد

زناکار برابر سنّت رسول، رجم و سنگسار می‌گردند. «إِجْلِدُوا»: تازیانه بزنید. مراد زدن به وسیله چیزی است که جِلد، یعنی پوست بدن را درد و الم برساند، بدون این که باعث شکستگی استخوان و یا پاره شدن گوشت بدن گردد. تازیانه هم باید به همه اندامهای لخت بدن بجز رأس و وجه و فرج زده شود. «لا تَأْخُذْكُم بِـهِمَا رَأْفَةٌ»: مراد این است که حدود خدا را به سبب مقام مردمان، شفاعت و میانجیگری دیگران، لومه این و آن، وسوسه شیطان، و غیره تعطیل و رها نسازید و از آن هم نکاهید. «طائِفَةٌ»: دسته. گروه. بعضی چهار نفر و بالاتر، و برخی ده نفر و بیشتر دانسته‌اند. یادآوری ۱: زنا به وسیله یکی از این سه چیز ثابت می‌شود: الف) اقرار به زنا. ب) آبستن شدن زن بی‌شوهر. ج) شهادت چهار نفر که گواهی دهند که بدون هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای، زناکاران را در حال عمل جماع دیده‌اند و آلات تناسلی آنان را داخل یکدیگر مشاهده نموده‌اند (نگا: تفسیرالمراغی). یادآوری ۲: آیه مورد بحث، حکم آیه‌های ۱۵ و ۱۶ سوره نساء را در صد تازیانه محدود و معین کرده است. یادآوری ۳: عبارت: «أَلشَّيْخُ وَالشَّيْخَة إِذا زَنَيَا فَاجْلِدُوهُـما أَلْبَتَّةَ، نَكالاً مِنَ الله وَاللهُ عَزِيزٌ حَكيمٌ»! که برخی آن را آیه رجم نام داده و جزو قرآن منسوخ‌التلاوه بشمار آورده‌اند، نه از زمره آیات الهی و نه از جمله احادیث نبوی است (نگا، تفسیر عبدالکریم خطیب، جلد ۱۷ و ۱۸، صفحات ۱۲۱۲ - ۱۲۱۷). یادآوری ۴: مسأله تغریب، یعنی تبعید یک ساله زناکار هم که در بحث زنا مطرح است، بعضی آن را حدیثی منسوخ، و برخی آن را سخنی نادرست بشمار آورده‌اند، گروهی هم آن را افزون بر صد تازیانه به صلاح دید حاکم یا قاضی واگذار کرده‌اند.

سوره نور آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٣﴾

ترجمه:

مرد زناکار (پیش از دست کشیدن از کار پلشت زنا، و توبه‌کردن از آلوده دامانی) حق ندارد جز با زن زناکار (فاحشه‌ای که از عمل زشت فاحشه‌گری دست نکشیده و از آلوده دامانی توبه نکرده باشد) و یا با زن مشرک (و کافری که هنوز بر شرک و کفر

ماندگار باشد) ازدواج کند، همان‌گونه هم زن زناکار (پیش از دست کشیدن از کار پلشت زنا و توبه از آلوده دامانی) حق ندارد جز با مرد زناپیشه (ماندگار بر زناکاری و توبه ناکرده از آلوده دامانی) و یا با مرد مشرک (و کافری که هنوز شرک و کفر را رها نکرده باشد) ازدواج کند. چرا که چنین (ازدواجی) بر مؤمنان حرام شده است.

توضیحات:

«لا یَنکِحُ»: ازدواج نمی‌کند. نباید ازدواج بکند. برخی نکاح را در اینجا مجاز از وطأ و جماع دانسته‌اند. «حُرِّمَ»: تحریم شده است. بعضی تحریم را در اینجا ناسزاوار و ناشایست معنی کرده‌اند. «ذلِكَ»: نکاح زناکاران. زنا. یادآوری: آیه فوق در حقیقت دارای دو معنی‌است که چکیده آنها عبارت است‌از: الف) مرد زناکار جز با زن زناکار و یا مشرک، و زن زناکار جز با مرد زناکار و یا مشرک ازدواج نمی‌کند. چنین ازدواجی برای مؤمنان حرام است. ب) مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک، و زن زناکار جز با مرد زناکار یا مشرک زنا نمی‌کند، و زنا بر مؤمنان حرام شده است (و هرگز به چنین کار زشت و پستی دست نمی‌یازند). ضمناً باید توجّه داشت که عطف (مشرکان) بر (زانیان) در واقع برای بیان اهمّیت مطالب است. یعنی گناه (زنا) همطراز گناه (شرک) است. چرا که برابر برخی از روایات، شخص زناکار در لحظاتی که مرتکب این عمل می‌شود، مؤمن نمی‌باشد!

سوره نور آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٤﴾

ترجمه:

کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند، سپس چهار گواه (بر ادّعای خود، حاضر) نمی‌آورند، بدی‌شان هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز گواهی دادن آنان را (در طول عمر بر هیچ کاری) نپذیرید، و چنین کسانی فاسق (و متمرّد از فرمان خدا) هستند.

توضیحات:

«الْمُحْصَناتِ»: زنان پاکدامن. تهمت‌زدن به هر کسی - اعم از مردان و زنان پاکدامن یا عادی - دارای همین حکم است. لیکن به خاطر اهمّیت بیشتر تنها (المحصَناتِ) ذکر شده است.

سوره نور آیه ۵

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾

ترجمه:

مگر کسانی که (قبل از حدّ) توبه کنند، (و پشیمانی خود را اظهار نمایند و دیگر تهمت نزنند، که خداوند از ایشان صرف نظر می‌فرماید)، چرا که خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«إِلاّ الَّذِينَ...»: بعضی این استثناء را مربوط به جمیع کلام، و بعضی آن را به دو جمله «لا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَداً» و «أُولئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» می‌دانند، و بسیاری آن را تنها به جمله اخیر، یعنی «أُولئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» باز می‌گردانند. نتیجه‌اش این است که به وسیله توبه، هم حدّ از آنان ساقط و هم شهادت آنان در آینده مقبول است، و هم حکم فسق در تمام زمینه‌ها و احکام اسلامی از ایشان دور و مطرود است (نگا: زادالّمسیر). بعضی با توجّه به لفظ (أَبَداً) حدّ و فسق را در پرتو توبه ساقط می‌دانند، ولی شهادت را مردود می‌شمارند.

سوره نور آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ أَزۡوَٰجَهُمۡ وَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمۡ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمۡ أَرۡبَعُ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٦﴾

ترجمه:

کسانی که همسران خود را متّهم (به عمل منافی عفّت) می‌کنند، و جز خودشان گواهانی ندارند (که بر صدق اتّهامشان گواهی دهند، از آنان خواسته می‌شود که برای این که هشتاد تازیانه نخورند و عقوبت نبینند) هر یک از ایشان باید چهار مرتبه خدای را به شهادت بطلبد که (در این نسبت زنا که به همسرم دادم) راستگو هستم.

توضیحات:

«أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللهِ»: چهار بار به خدا سوگند می‌خورد و خدا را به گواهی می‌گیرد.

سوره نور آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلۡخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٧﴾

ترجمه:

در پنجمین مرتبه (باید بگوید:) نفرین خدا بر او باد اگر دروغگو باشد!

توضیحات:

«لَعْنَتَ الله»: نفرین خدا. مراد طرد از رحمت خدا و مستحقّ خشم خدا بودن است، نَعُوذُ بِاللهِ! اگر زن سخن شوهر خود را پذیرفت رجم می‌گردد. در غیر این صورت او به دفاع از خود به طریق مذکور در آیات ۸ و ۹ زبان به سخن می‌گشاید.

سوره نور آیه ۸

متن آیه:

﴿وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ أَن تَشۡهَدَ أَرۡبَعَ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٨﴾

ترجمه:

اگر زن چهار بار خدا را به شهادت بطلبد (و سوگند بخورد) که شوهرش (در اتّهامی که بدو می‌زند) دروغگو است (چنین شهادتی) عذاب (رجم) را از او دفع می‌نماید.

توضیحات:

«يَدْرَأُ»: دفع می‌کند. برطرف می‌کند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «أَن تَشْهَدَ...»: حرف (أَنْ) وصله آن، در موضع رفع است و فاعل فعل (يَدْرَأُ) است. تقدیر چنین است: «يَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذابَ شَهَادَتُـهَا». «الْعَذابَ»: مراد رجم است.

سوره نور آیه ۹

متن آیه:

﴿وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٩﴾

ترجمه:

و در مرتبه پنجم (باید بگوید که:) نفرین خدا بر او باد اگر شوهرش راست بگوید! (در این که من مرتکب زنا شده باشم).

توضیحات:

«الْخَامِسَةَ»: عطف بر (أَرْبَعُ) است. «أَنَّ غَضَبَ»: حرف جرّی مقدّر است و تقدیر

چنین‌است: «بِأَنَّ غَضَبَ». یادآوری: آیات ۶ تا ۹ برنامه قاعده «لِعَان» در فقه اسلامی است، و چهار حکم قطعی برای این نوع شوهر و همسر در پی خواهد داشت: الف) شوهر و همسر بدون هیچ‌گونه مراسم طلاق، فوراً از هم جدا می‌گردند و مهریه به زن داده می‌شود. ب) برای همیشه بر یکدیگر حرام و حق ازدواج مجدّد را نخواهند داشت. ج) حد قذف از مرد و زن برداشته می‌شود. با این توضیح که اگر مرد از اجرای برنامه لعان سر باز زند تازیانه می‌خورد، و اگر زن خودداری کند، رجم می‌شود. د) اگر زن در این ماجرا آبستن و فرزندی بزاید، متعلّق به شوهر نخواهد بود و بلکه منتسب به همسر می‌گردد (نگا: تفسیر عبدالکریم خطیب، تفسیر نمونه).

سوره نور آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝١٠﴾

ترجمه:

اگر بزرگواری و مرحمت خدا شامل حال شما نمی‌شد، و او بس توبه‌پذیر (از بندگان خود) و حکیم (در افعال خویش) نبود (دچار رنج زیاد می‌شدید، و با احکام و حدود الهی آشنا نمی‌گشتید).

توضیحات:

«لَوْلا...»: جواب (لَوْلا) محذوف و چه بسا تقدیر چنین باشد: «وَلَوْ لا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ، وَ رَحْمَتُهُ بِكُمْ، وَ أَنَّهُ تَوَّابٌ حَكيمٌ، لَوْ لا هذا لَعَنِتُّمْ وَ لَمَا عَرَفْتُمْ هذِهِ الْحُدُودَ، وَ تِلْكَ الأَحْكامَ الَّتي بَيَّنَهَا اللهُ لَكُمْ، و...».

سوره نور آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ ۝١١﴾

ترجمه:

کسانی که این تهمت بزرگ را (درباره عائشه، امّ‌المؤمنین) پرداخته و سرهم کرده‌اند، گروهی از خود شما هستند، امّا گمان مبرید که این حادثه برایتان بد است، بلکه این مسأله برایتان خوب است (و خیر شما در آن است. چرا که: منافقان کوردل از

مؤمنان مخلص جدا، و کرامت بیگناهان را پیدا، و عظمت رنجدیدگان را هویدا می‌کند، برخی از مسلمانان ساده‌لوح را به خود می‌آورد. آنانی که دست به چنین گناهی زده‌اند، هر یک به اندازه شرکت در این اتّهام، سهم خود را از مسؤولیت و مجازات آن خواهد داشت و) هر کدام از آنان به گناه کاری که کرده است گرفتار می‌آید، و کسی که (سردسته آنان در این توطئه بوده و) بخش عظیمی از آن را به عهده داشته است، عذاب بزرگ و مجازات سنگینی دارد.

توضیحات:

«الإِفْكِ»: تهمت بزرگ. دروغ شاخدار (فرقان / ۴). اشاره به تهمت عظیمی است که منافقان به امّ‌المؤمنین عائشه صدیقه، همسر پاک رسول خدا زدند، و نسبت زنا با یکی از اصحاب جلیل‌القدر به نام «صفوان بن معطّل» بدو دادند! چکیده داستان بدین قرار است که: در هر غزوه‌ای رسول خدا زنی را به قید قرعه از میان امهات‌المؤمنین با خود می‌برد. در غزوه بنی‌مصطلق قرعه به نام عائشه افتاد. در برگشت از غزوه، شب هنگام در مکانی، مختصر استراحتی کردند. عائشه صدیقه از کجاوه بیرون می‌آید و برای قضای حاجت از لشکرگاه دور می‌شود. وقتی که به کجاوه برمی‌گردد متوجّه می‌شود گردن‌بند او پاره شده است. به دنبال آن به محلّ قضای حاجت برمی‌گردد و برای یافتن گردن‌بند مدّتی معطّل می‌شود. بعد از برگشت می‌بیند لشکریان حرکت کرده‌اند. به امید این که طولی نمی‌کشد مسؤولان کجاوه متوجّه نبودن او در کجاوه می‌شوند، در جای خود به انتظار می‌نشیند، ولی تا صبح خبری از کسی نمی‌شود. عادت هم بر این بوده است که کسی از لشکریان موظّف بوده که در منزلگاه اتراق شبانه بماند و بعد از روشن شدن هوا، آنجا را نگاه کند و اسباب و اثاثیه بجا مانده را جمع و به صاحبانش مستردّ دارد. عهده‌دار این وظیفه این بار صحابی مذکور بوده است. سحرگاهان متوجّه یک سیاهی در منزلگاه می‌شود. وقتی که نزدیک می‌گردد، چشمش به امّ المؤمنین می‌افتد. «إِنّا للهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ» گویان شتر خود را می‌خواباند و مادر مؤمنان و عزیزه پیغمبر اسلام بر شتر سوار می‌گردد، و خویشتن را در راه به رسول خدا و اصحاب می‌رسانند. این منظره سبب می‌شود که گروهی به شایعه‌پردازی مشغول شوند. این شایعه توسّط سردسته منافقان «عبدالله بن ابي بن سلول» در شهر مدینه می‌پیچد. این وضع همچنان ادامه پیدا می‌کند و پس از یک ماه

و اندی آیات برائت نازل می‌گردد و به هر یک از تهمت‌زنندگان حد قذف، یعنی هشتاد تازیانه زده می‌شود. «عُصْبَةٌ»: گروه. دسته (نگا: یوسف / ۸ و ۱۴) «الَّذِي تَوَلّي»: کسی‌که رهبری کرد. کسی که انجام داد. مرادعبداللّه پسر ابی پسر سلول است. «كِبْرَهُ»: بیشتر آن را.

سوره نور آیه ۱۲

متن آیه:

﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ ١٢﴾

ترجمه:

چرا هنگامی که این تهمت را می‌شنیدید، نمی‌بایست مردان و زنان مؤمن نسبت به خود گمان نیک بودن (و پاکدامنی و پاکی) را نیندیشند و نگویند: این تهمت بزرگ آشکار و روشنی است؟

توضیحات:

«بِأَنفُسِهِمْ»: نسبت به خود. این تعبیر اشاره به این است که مؤمنان همه اعضاء یک پیکرند و همگان به منزله نفس واحدند که اگر اتّهامی متوجّه یکی از آنها بشود، انگار متوجّه همه شده است (نگا: حجرات / ۱۱).

سوره نور آیه ۱۳

متن آیه:

﴿لَّوۡلَا جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٣﴾

ترجمه:

چرا نمی‌بایست آنان (موظّف شوند) چهار شاهد را حاضر بیاورند تا بر سخن ایشان گواهی دهند؟ اگر چنین گواهانی را حاضر نمی‌آوردند، آنان برابر حکم خدا دروغگو (و مستحقّ تازیانه خوردن) بودند.

توضیحات:

«عِندَاللهِ»: در پیش خدا. برابر قانون و حکم خدا. «لَوْلا»: در این آیه و آیه بالاتر

مفید ترغیب و تشویق به انجام کار مابعد خود است که در آیه پیشین: «ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْراً» و در این آیه «جَآءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ»: می‌باشد.

سوره نور آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْأَخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِى مَآ أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

اگر تفضّل و مرحمت خدا در دنیا (با عدم تعجیل عقوبت) و در آخرت (با مغفرت) شامل حال شما نمی‌شد، هر آینه به سبب خوض و فرو رفتنتان در کار تهمت، عذاب سخت و بزرگی گریبانگیرتان می‌گردید.

توضیحات:

«أَفَضْتُمْ فِيهِ»: در آن خوض کردید و غوطه‌ور شدید. بدان پرداختید و در آن فرو رفتید (نگا: یونس / ۶۱). از مصدر افاضه و از ماده (فیض).

سوره نور آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُۥ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُۥ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

(عذاب گریبانگیرتان می‌شد) در آن زمانی که به استقبال این شایعه می‌رفتید و آن را از زبان یکدیگر می‌قاپیدید، و با دهان چیزی پخش می‌کردید که علم و اطّلاعی از آن نداشتید، و گمان می‌بردید این، مسأله ساده و کوچکی است، در حالی که در پیش خدا بزرگ بوده (و مجازات سختی به دنبال دارد).

توضیحات:

«إِذْ»: ظرف (لَمَسَّكُمْ) است. «تَلَقَّوْنَهُ»: آن را دریافت می‌کردید و پذیره‌اش می‌رفتید. تائی از اوّل فعل حذف شده است. «تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ»: با زبانتان به پخش شایعه و روایت آن برای مردم می‌پرداختید. «هَيِّناً»: ساده و ناچیز. یعنی انتظار عذاب و

مجازات در برابر آن را نداشتید، و یا عذاب و عقاب آن را کم و ناچیز می‌دانستید. یعنی: در پذیرش شایعه مطالبه دلیل نمی‌کردید، و در پخش شایعه تکیه بر دلیل نداشتید، و آن را سرسری می‌گرفتید.

سوره نور آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ ١٦﴾

ترجمه:

چرا نمی‌بایستی وقتی که آن را می‌شنیدید، می‌گفتید: ما را نسزد که زبان بدین تهمت بگشائیم، سبحان‌الله! این بهتان بزرگی است!

توضیحات:

«مَا يَكُونُ لَنَا»: ما را نسزد. شایسته ما نیست. سخنی است گنده‌تر از دهان ما. «سُبْحَانَكَ»: سخنی است بس غریب و نامعقول! عرب‌ها وقتی که چیزی را ببینند یا بشنوند و از آن تعجّب کنند، جملاتی همچون: «سُبْحَانَاللهِ. لآ إِلهَ إِلاّ اللهُ». بر زبان می‌رانند. «بُهْتانٌ»: باطل و دروغی که شنونده را مبهوت و مدهوش کند (نگا: نساء / ۱۱۲ و ۱۵۶).

سوره نور آیه ۱۷

متن آیه:

﴿يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧﴾

ترجمه:

خداوند نصیحتتان می‌کند، این که اگر مؤمنید، نکند هرگز چنین کاری را تکرار کنید (و خویشتن را آلوده چنین معصیتی سازید. چرا که ایمان راستین با تهمت دروغین سر سازگاری ندارد).

توضیحات:

«يَعِظُكُمْ»: پندتان می‌دهد. شما را باز می‌دارد. «أَن تَعُودُوا»: از این که برگردید و دیگربار به تکرار گناه دست یازید. در اصل چنین است: كراهَةَ أَن تَعُودُوا. فِی أَن

تَعُودُوا. «أَبَداً»: مراد این است که مادام‌العمر. تا زنده‌اید.

سوره نور آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٨﴾

ترجمه:

خداوند آیات (احکام واضح و روشن خود) را برای شما بیان می‌دارد، و خدا بس آگاه (است و از نیازهای شما و عوامل بدی و خوبی زندگیتان باخبر است) و حکیم است (و به مقتضای حکمتش احکام و قوانین را برایتان وضع می‌کند).

توضیحات:

سوره نور آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتی‌ها را).

توضیحات:

«الْفَاحِشَةُ»: (نگا: نساء / ۱۵، انعام / ۱۵۱).

سوره نور آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ٢٠﴾

ترجمه:

اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نمی‌شد، و اگر خداوند (نسبت به شما) مهر و محبّت نمی‌داشت، (آن چنان مجازات بزرگ و کمرشکنی در برابر تهمت زنا به امّ‌المؤمنین برایتان در دنیا تعیین می‌کرد که زندگیتان را تباه می‌کرد).

توضیحات:

«لَوْ لا...»: جواب (لَوْ لا) محذوف است و تقدیر چنین است: «لَعَاقَبَكُمْ فِيمَا قُلْتُمْ لِعَائِشَةَ. لَعَجَّلَ عُقُوبَتَكُمْ فِي‌الدُّنْيَا بِالْـمَعْصِيَةِ. لَـمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذابٌ عَظِيمٌ». «وَإِنَّ اللهَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»: عطف بر جمله (فَضْلُ اللهِ...) است.

سوره نور آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! گام به گام شیطان، راه نروید و به دنبال او راه نیفتید، چون هرکس گام به گام شیطان راه برود و دنبال او راه بیفتد (مرتکب پلشتی‌ها و زشتی‌ها می‌گردد). چرا که شیطان تنها به زشتی‌ها و پلشتی‌ها (فرا می‌خواند و) فرمان می‌راند. اگر تفضّل و مرحمت الهی شامل شما نمی‌شد هرگز فردی از شما (از کثافت گناه، با آب توبه) پاک نمی‌گردید، ولی خداوند هر که را بخواهد (از کثافات سیئات، با توفیق در حسنات، و با پذیرش توبه از او) پاک می‌گرداند، و خدا شنوای (هر سخنی، و) آگاه (از هر عملی) است.

توضیحات:

«خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»: (نگا: بقره / ۱۶۸ و ۲۰۸، انعام / ۱۴۲). «مَن يَتَّبِعْ...»: جواب شرط محذوف است و تقدیر چنین است: «مَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ يُوقِعْهُ فِي السَّعِيرِ» (نگا: حجّ / ۴) یا: «مَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِرْتَكَبَ الْفَحْشَآءَ وَالْـمُنكَرَ». «الْفَحْشَآءِ»: گناهان کبیره. پلشتی‌ها (نگا: بقره / ۱۶۹ و ۲۶۸، نحل / ۹۰). «الْـمُنكَرِ»: معاصی قبیحه. زشتی‌ها (نگا: آل‌عمران / ۱۰۴، مائده / ۷۹) . «ما زكي»: از کثافات گناه پاک نمی‌شد. «مِنْ أَحَدٍ»: حرف (مِنْ) زائد بوده و واژه (أَحَدٍ) فاعل است.

سوره نور آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢﴾

ترجمه:

کسانی که از شما اهل فضیلت و فراخی نعمتند، نباید سوگند بخورند این که بذل و بخشش خود را از نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا باز می‌گیرند (به علّت این که در ماجرای افک دست داشته و بدان دامن زده‌اند). باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست نمی‌دارید که خداوند شما را بیامرزاد؟ (همان گونه که دوست دارید خدا از لغزشهایتان چشم‌پوشی فرماید، شما نیز اشتباهات دیگران را نادیده بگیرید و به این‌گونه کارهای خیر ادامه دهید)، و خدا آمرزگار و مهربان است (پس خویشتن را متأدّب و متّصف به آداب و اوصاف آفریدگارتان سازید).

توضیحات:

«لا يَأْتَلِ»: سوگند نخورد (نگا: بقره / ۲۲۶) قصور و کوتاهی نکند (نگا: آل‌عمران / ۱۱۸). در صورتی که به معنی قسم باشد، باید حرف (لا) پیش از (يُؤْتُوا) حذف و تقدیر چنین می‌شود: «وَلا يَأْتَلِ». «أَن يُؤْتُوا». اگر هم نهی از کوتاهی و ترک احسان باشد، حرف (فِي) محذوف و تقدیر چنین است: «لا يُقَصِّرُوا فِي أَن يُؤْتُوا». «أُولُوا الْفَضْلِ»: صاحبان فضل و برتری. کسانی که از افزایش تقوا و صلاحیت برخوردارند. «السَّعَة»: فراخی مال و ثروت. فزونی دارائی. «أَن يُؤْتُوا»: این که نبخشند. در این که ببخشند. «لِيَصْفَحُوا»: باید گذشت و چشم‌پوشی کنند (نگا: بقره / ۱۰۹).

سوره نور آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٢٣﴾

ترجمه:

کسانی که زنان پاکدامن بی‌خبر (از هرگونه آلودگی و) ایماندار را به زنا متّهم

می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی‌دارند (اگر توبه نکنند).

توضیحات:

«الْمُحْصَنَاتِ»: زنان عفیفه و پاکدامن. «الْغَافِلاتِ»: زنان بی‌خبر از هرگونه آلودگی، پاکدل و سینه بی‌کینه، بی مکر و نیرنگ (نگا: کشّاف).

سوره نور آیه ۲۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

(آنان عذاب عظیمی دارند) در آن روزی که علیه آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهائی که کرده‌اند گواهی می‌دهند.

توضیحات:

«أَلْسِنَتُهُمْ»: مراد از به گفتار آمدن زبان، با وجود این که برابر آیات دیگر مهر شده است (نگا: یس / ۶۵)، به نطق آوردن زبان و همه اندام‌های دیگر است، به گونه‌ای که تنها خدا می‌داند (نگا: فصّلت / ۲۰ و ۲۱).

سوره نور آیه ۲۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ ٢٥﴾

ترجمه:

در آن روز خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم‌وکاست بدی‌شان می‌دهد، و آگاه می‌گردند که خداوند حق آشکار است (و روز قیامت در حقّانیت پروردگار شک و تردیدی برای سرسخت‌ترین لجوجان هم نمی‌ماند).

توضیحات:

«دِین»: جزاء (نگا: فاتحه / ۴، حجر / ۳۵، شعراء / ۸۲).

سوره نور آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٢٦﴾

ترجمه:

زنان ناپاک، از آنِ مردان ناپاکند، و مردان ناپاک، از آنِ زنان ناپاکند، و زنان پاک، متعلّق به مردان پاکند، و مردان پاک، متعلّق به زنان پاکند. (پس چگونه تهمت می‌زنید به عائشه عفیفه رزین، همسر محمّد امین، فرستاده ربّ‌العالمین؟!) آنان از نسبت‌های ناموسی ناروائی که بدانان داده می‌شود مبرّا و منزّه هستند، (و به همین دلیل) ایشان از مغفرت الهی برخوردارند و دارای روزی ارزشمندند (که بهشت جاویدان و نعمت‌های غیرقابل تصوّر آن است).

توضیحات:

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ، وَ...»: مراد نوریان مر نوریان را طالبند، ناریان مر ناریان را جاذبند، و... «مُبَرَّؤُونَ»: پاکان و بیگناهان. «لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ»: (نگا: انفال / ۴ و ۷۴). یادآوری: هیچ یک از همسران پیامبران به طور قطع انحراف و آلودگی جنسی نداشته‌اند، و منظور از خیانت در داستان نوح و لوط، جاسوسی کردن به نفع کفّار است؛ نه خیانت ناموسی (نگا: تفسیر نمونه، جلد ۱۴، صفحه ۴۲۵، و تفسیرالمیزان عربی، جلد ۱۵، صفحه ۱۰۲).

سوره نور آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! وارد خانه‌هائی نشوید که متعلّق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا در کوبیدن و کارهائی جز اینها) و سلام کردن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام). امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید.

توضیحات:

«حَتّي تَسْتَأْنِسُوا»: تا خواستار انس و الفت می‌شوید. مراد اجازه گرفتن مؤدّبانه و دوستانه است. شیوه و وسیله اجازه خواستن هم برابر عرف محلّ متفاوت است. «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»: برخی گفته‌اند تعلیل محذوفی است چون: «اُرْشدّتمْ إِلي ذلِكَ». «قيلَ لَكُمْ هذا».

سوره نور آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡۖ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٢٨﴾

ترجمه:

اگر کسی را در خانه‌ها نیافتید (که به شما اجازه دهد) بدانجاها داخل نشوید تا (کسی پیدا می‌آید و) به شما اجازه داده می‌شود. اگر هم به شما (اجازه داده نشد و) گفتند: برگردید، پس برگردید (و اصرار نکنید). این (کار رجوع، زیبنده‌تر به حالتان و) پاکتر برایتان می‌باشد. خدا بس آگاه از کارهائی است که می‌کنید (پس با رهنمودهای او مخالفت نورزید).

توضیحات:

«أَزْكي»: پاکتر. زیبنده‌تر. شایسته‌تر (نگا: بقره / ۲۳۲).

سوره نور آیه ۲۹

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

گناهی بر شما نیست که (بدون اجازه) وارد خانه‌های غیرمسکونی (چون مسجدها و دکان‌ها و مهمانخانه‌ها و هتل‌ها و گرمابه‌ها) شوید. چرا که (اماکن عامّه هستند و برای گروه مخصوصی بنا نشده‌اند و) شما حق استفاده از آنها را دارید. خدا می‌داند آنچه را که آشکار می‌سازید و آنچه را که پنهان می‌دارید (و کارهای ظاهر و باطن شما در برابر علم او یکسان و نمایان است).

توضیحات:

«غَيْرَ مَسْكُونَةٍ»: مراد منازل متروکه و اماکن عامّه است. «مَتَاعٌ»: بهره‌مندی. حق استفاده. مصدر میمی و به معنی استمتاع است (نگا: المصحف المیسّر، و روح‌المعانی). کالا و امتعه.

سوره نور آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) به مردان مؤمن بگو: (آنان موظّفند که از نگاه به عورت و محلّ زینت نامحرمان) چشمان خود را فرو گیرند، و عورت‌های خویشتن را (با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع) مصون دارند. این برای ایشان زیبنده‌تر و محترمانه‌تر است. بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است (و سزا و جزای رفتارشان را می‌دهد).

توضیحات:

«يَغُضُّوا»: فرو گیرند. برگیرند. پائین اندازند. مراد دوری از چشم‌چرانی و نظربازی است. مجزوم و جواب (قُلْ) است. «مِنْ»: حرف تبعیضیه است و بیان‌گر این واقعیت است که هنگام روبرو شدن با زن نامحرم، مؤمن باید نگاه خود را کم و کوتاه کند. نه به طور کلّی چشمان خود را بربندد، و نه بدو خیره بنگرد. «فُرُوجَهُمْ»: مراد حفظ قُبُل و دُبُر از زنا و لِواط است، و پوشاندن آنها با لباس‌هائی که نازک بدن‌نما نبوده و به گونه‌ای چسب بدن نباشد که اندام‌های برجسته را نشان دهد.

سوره نور آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾

ترجمه:

و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرند (و چشم‌چرانی

نکنند) و عورت‌های خویشتن را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخال، گردن‌بند، بازوبند) نمایان نسازند، مگر آن مقدار (از جمال خلقت، همچون چهره و پنجه دست‌ها) و آن چیزها (از زینت‌آلات، همچون لباس و انگشتری و سرمه و خضاب) که (طبیعةً) پیدا می‌گردد، و چارقد و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبان‌هایشان آویزان کنند (تا گردن و سینه و اندام‌هائی که احتمالاً از لابلای چاک پیراهن نمایان می‌شود، در معرض دید مردم قرار نگیرد) و زینت (اندام یا ابزار) خود را نمودار نسازند مگر برای شوهران‌شان، پدران‌شان، پدران شوهران‌شان، پسران‌شان، پسران شوهران‌شان، برادران‌شان، پسران برادران‌شان، پسران خواهران‌شان، زنان (همکیش) خودشان، کنیزان‌شان، دنباله روانی که نیاز جنسی در آنان نیست (از قبیل: افراد مخنث، ابلهان، پیران فرتوت، اشخاص فلج)، و کودکانی که هنوز بر عورت زنان آگاهی پیدا نکرده‌اند (و چیزی از امور جنسی نمی‌دانند)، و پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش می‌دارند (جلب توجّه کند و صدای خلخال پاهایشان به گوش مردم برسد و) دانسته شود. ای مؤمنان! همگی به‌سوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هائی که در برابر فرمان خدا داشته‌اید توبه کنید) تا رستگار شوید.

توضیحات:

«لایُبْدِینَ»: نمایان نسازند. پدیدار نکنند. «زِینَتَهُنَّ»: زینت زنان دو قسمت است: الف) خِلقتی و سرشتی که اندام او است ب) زیورآلات و وسائل آرایش. از اندام‌های بدن زن جز پنجه دست‌ها و صورت، همه باید پوشیده شود. از زیورآلات و وسائل آرایش آنچه متعلّق به پنجه دست‌ها و صورت است می‌تواند پیدا باشد، و جز زینت‌آلات و وسائل آرایش این دو عضو، بقیه نباید نمایان گردد. با توجّه بدین نکته که هنگام استعمال و بودن آنها بر اعضاء ممنوع است؛ نه به تنهائی و جدای از اندام‌ها. «خُـمُر»: جمع خِمار، روسری. چارقد. «جُیُوب»: جمع جَیب، گریبان. یقه. قسمت بالای سینه. «نِسَآئِهِنَّ»: مراد زنان مؤمنه خدمتگزار یا همدم و دوست بانوان است. امّا زنان کافره، مورد اختلاف بوده، برخی ایشان را همچون مردان نامحرم و بیگانه می‌دانند. «مَا مَلَکَتْ أَیْمـانُـهُنَّ»: مراد کنیزان و بردگان زن است. امّا بندگان و بردگان مرد، محلّ

اختلاف است. جمهور معتقد به منع هستند (نگا: المصحف‌المیسّر). «الإِرْبَة»: رغبت و اشتهاء. حاجت و نیاز. «غَیْرِ أُولِي الإِرْبَة»: افرادی که قدرت زناشوئی ندارند و میل جنسی در آنان فرو مرده است. «الطِّفْلِ»: اطفال. واژه (طِفل) بر یکی و بیشتر دلالت می‌نماید. در اینجا معنی جمع دارد. «لَمْ يَظْهَرُوا عَلي عَوْراتِ النِّسَآءِ»: مراد بچّه‌هائی است که هنوز از امور جنسی بی‌خبرند، و احساس زناشوئی به دل‌شان راه پیدا نکرده است و عورت و غیر عورت در نظرشان یکی است. «لَمْ يَظْهَرُوا»: آگاهی نیافته‌اند. توانائی پیدا نکرده‌اند (نگا: توبه / ۸، کهف / ۲۰).

سوره نور آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٣٢﴾

ترجمه:

مردان و زنان مجرّد خود را و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خویش را (با تهیه نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر درآورید (و به فقر و تنگدستی ایشان ننگرید و نگران آینده آنان نباشید. چرا که) اگر فقیر و تنگدست باشند (و ازدواجشان برای حفظ عفّت و دوری از گناه انجام گیرد) خداوند آنان را در پرتو فضل خود دارا و بی‌نیاز می‌گرداند. بی‌گمان خداوند دارای نعمت فراخ (بوده و) آگاه (از نیات همگان) است.

توضیحات:

«أَنكِحُوا»: مردان را همسر، و زنان را شوهر دهید. مراد سهل و ساده و بی‌ریا و تکلّف گرفتن ازدواج و پرداخت مخارج آن و تهیه مهریه و نفقه است. «الأَيَامي»: جمع أیم، مردان و زنان بیوه. در اینجا مراد مردان و زنان مجرّد است اعم از پسر و دختر و بیوه. «الصَّالِحِينَ»: شایستگان. مراد کسانی است که می‌توانند ازدواج کنند و به وظائف زناشوئی اقدام نمایند. اهل تقوا و صلاح. «عِبَاد»: غلامان. «إِمَآء»: جمع أَمَة، کنیزان. «مِنكُمْ»: از خودتان. مراد مردان و زنان و غلامان و کنیزان مسلمان است؛ نه غیر مسلمان. چرا که ازدواج با کفّار صحیح نیست (بقره / ۲۲۱).

سوره نور آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱلَّذِينَ يَبۡتَغُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِمَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَكَاتِبُوهُمۡ إِنۡ عَلِمۡتُمۡ فِيهِمۡ خَيۡرٗاۖ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ ءَاتَىٰكُمۡۚ وَلَا تُكۡرِهُواْ فَتَيَٰتِكُمۡ عَلَى ٱلۡبِغَآءِ إِنۡ أَرَدۡنَ تَحَصُّنٗا لِّتَبۡتَغُواْ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَمَن يُكۡرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعۡدِ إِكۡرَٰهِهِنَّ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٣﴾

ترجمه:

آنان که امکانات ازدواج را ندارند (و قادر به پرداخت مهریه و نفقه نمی‌باشند) باید در راه عفّت و پاکدامنی تلاش کنند، تا خداوند از فضل و لطف خود ایشان را دارا کند (و وسیله رفع نیازشان را فراهم سازد). کسانی که از بردگانتان خواستار (آزادی خود با) عقد قرارداد شدند، با ایشان عقد قرارداد ببندید اگر خیر (و صلاحیت بر پای خود ایستادن در زندگی آزاد و امانت در پرداخت اقساط بازخرید) در ایشان سراغ دیدید، (در راه آزادی کمکشان کنید) و از مال و ثروت خدا که خدا به شما داده است بدی‌شان بدهید. همچنین کنیزان خود را (با جلوگیری از ازدواج ایشان) وادار به زنا نکنید، اگر آنان خواستند (با ازدواج با مردان دلخواه خود، شخصیت مستقلّی بهم رسانند و همچون آزادگان تشکیل خانواده دهند و) عفیف و پاکدامن باشند. (ای مؤمنان! با جلوگیری از ازدواج، کار کنیزان را به خودفروشی نکشانید) تا بدین وسیله خواهان مال و دارائی زودگذر دنیا بوده (و بگوئید ازدواج آنان با دیگران باعث کم‌کاری ایشان و کاستی رونق و کاهش بهایشان می‌گردد). هرکس ایشان را (با منع ازدواج) وادار (به زنا و خودفروشی) کند، اگر از واداشتن آنان توبه کند (و راه ازدواج کنیزان و رفاه حال ایشان را به وسیله موافقت با ازدواج فراهم سازد) خدا آمرزگار و مهربان است (و او را می‌بخشد و مورد لطف و محبّت قرار می‌دهد).

توضیحات:

«لِيَسْتَعْفِفْ»: باید با سعی و رنج خواستار پاکدامنی شود. مثلاً با روزه گرفتن، سرگرم مطالعه و ورزش شدن، پرداختن به اعمال مفید طاقت‌فرسا، دوری از اماکن پر رفت و آمد زنان، و راه‌های حلال دیگر، خویشتن را از بند شهوت موقّتاً برهاند و منتظر لطف خدا بماند. «نِكاحاً»: امکانات ازدواج. مخارج ازدواج. اسم آلت است، یعنی چیزی

که به وسیله آن ازدواج رو به راه می‌شود. مانند (رکاب) که وسیله سوار شدن بر اسب است (نگا: تفسیر قاسمی). «الْکِتَابِ»: مکاتبه. عقد کتابت. قرارداد و سند آزادی. «خَيْراً»: مراد قدرت بر کسب و کار و صلاحیت زندگی مستقلّ، و صداقت و امانت در پرداخت اقساط بهای خود است. «مَالِ اللهِ...»: مراد پرداخت بهای آنان از محلّ زکات بیت‌المال (نگا: توبه / ۶۰)، یا صدقه و بخشش صاحب برده و دیگر مؤمنان است. «فَتَيَاتِكُمْ»: فَتَیات، جمع فَتاة، مراد کنیزان است. «الْبِغَآءِ»: زنا. می‌تواند مراد سبب آن باشد که جلوگیری از ازدواج است و آیه برابر این نظریه معنی شده است. «تَحَصُّناً»: تعفّف. پاکدامنی. «عَرَضَ الْحَيَاةِ»: (نگا: نساء / ۹۴). یادآوری: معنی آیه به طریقی که بیان شد، تنها نظریه عبدالکریم خطیب در «التفسیر القرآنی للقرآن» است. بقیه تفاسیر مورد استفاده، آیه را تا اوّل «وَلا تُكْرِهُوا...»: به همان شکل معنی، و از آن به بعد نظرشان بدین‌گونه است: کنیزان خود را به خاطر فراچنگ آوردن کالای زودگذر دنیا وادار به زنا و خودفروشی نکنید، اگر آنان خواستند پاک و پاکدامن بمانند، و هرکس آنان را بر این کار وادارد (سپس پشیمان گردد) خداوند آمرزگار و مهربان است (و از او درمی‌گذرد و مشمول مرحمت خود قرار می‌دهد). فقط برخی از مفسّران مغفرت و مرحمت را شامل صاحبان بردگان، و گروهی شامل کنیزان وادار شده به زنا، و دسته‌های هم شامل مالک و مملوک دانسته‌اند.

سوره نور آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ وَمَثَلٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

(در این سوره) آیه‌های روشن و بیان‌گر (احکام الهی)، و سرگذشت مهمّی همچون سرگذشت پیشینیان، و اندرز بزرگی جهت پرهیزگاران، برایتان فرو فرستاده‌ایم (تا به مقرّرات دینی خود آشنا، و از این سرگذشت بیدار و هوشیار، و از این اندرز پرحکمت درس زندگی بیاموزید).

توضیحات:

«مُبَيِّنَاتٍ»: به صورت لازم، یعنی صفت مشبّهه، و به صورت متعدّی، یعنی اسم فاعل به کار رفته است. واضح. توضیح دهنده (نگا: نور / ۴۶، طلاق / ۱۱). «مَثَلاً»: نمونه. مثلی از امثال. در اینجا مراد سرگذشت تهمت زدن به عائشه است که خدا او را همچون مریم و یوسف تبرئه فرمود (نگا: نساء / ۱۵۶، مریم / ۲۸، یوسف / ۲۵). «مَوْعِظَةً»: اندرز بزرگی که این داستان در لابلای خود دارد. یادآوری: چه بسا مراد از (آیاتٍ) همه آیه‌های سوره‌های دیگر، و (مَثَلاً) به معنی مثلی از امثال، و (مَوْعِظَةً) به معنی پندی از پندها باشد و هدف تنها آیه‌های این سوره و فقط مسأله افک نباشد.

سوره نور آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشۡكَوٰةٖ فِيهَا مِصۡبَاحٌۖ ٱلۡمِصۡبَاحُ فِي زُجَاجَةٍۖ ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ لَّا شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوۡ لَمۡ تَمۡسَسۡهُ نَارٞۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ۝٣٥﴾

ترجمه:

خدا روشن‌گر آسمان‌ها و زمین است (و او است که جهان را با نور فیزیکی ستارگان تابان، و با نور معنوی وحی و هدایت و معرفت درخشان، و با شواهد و آثار موجود در مخلوقات فروزان کرده است). نور خدا، به چلچراغی می‌ماند که در آن چراغی باشد و آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حباب درخشانی که انگار ستاره فروزان است، و این چراغ (با روغنی) افروخته شود (که) از درخت پربرکت زیتونی (به دست آید) که نه شرقی و نه غربی است (بلکه تک درختی است در سرزمین باز و بلندی که از هر سو آفتاب بدان می‌تابد. به گونه‌ای روغنش پالوده و خالص است) انگار روغن آن بدون تماس با آتش دارد شعله‌ور می‌شود. نوری است بر فراز نوری! (نور چلچراغ و نور حباب و نور روغن زیتون، همه‌جا را نورباران کرده‌اند. به همین منوال هم نور تشریعی وحی و نور تکوینی هدایت و نور عقلانی معرفت پرده‌های شک و شبهه را از جلو دیدگان همگان به کنار زده، و جمال ایزد ذوالجلال را بر در و دیوار وجود به تجلّی انداخته‌اند.

امّا این چشم بینا و دل آگاه است که می‌تواند ببیند و دریابد). خدا هر که را بخواهد به نور خود رهنمود می‌کند (و شمعک نور خرد را به چلچراغ نور اَحَد می‌رساند و سراپا فروزانش می‌گرداند). خداوند برای مردمان مثل‌ها می‌زند (تا معقول را در قالب محسوس بنمایاند و دور از دائره دریافت خرد را - تا آنجا که ممکن است، با کمک وحی و در پرتو دانش - به خرد نزدیک نماید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و می‌داند چگونه مخلوق را با معبود آشنا گرداند).

توضیحات:

«أَللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ»: این جمله را سه‌گونه می‌توان معنی کرد: الف) خدا روشن‌گر هستی است. چرا که خداوند با پرتو لطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هر یک از مخلوقات را در پرتو نور هدایت تکوینی و تشریعی و خرد خدادادی به راه و روش و کار و وظیفه خود آگاه و آشنا فرموده است. پیوسته هم جهان و جهانیان را در پرتو نور خود می‌پاید و مراقبت می‌نماید. ب) خدا نور هستی است. مگر نه این است که. نور، خود ظاهر و ظاهر کننده اشیاء است؟ همه چیز در پرتو نور دیده می‌شود و نور رمز بقاء است؟ همه هستی نور است؟ به همین منوال خدا برای چشم‌های بینا و دل‌های آگاه، آشکار است، و او هستی را پدیدار کرده است و همه چیز هستی بر وجود پایدار او دلالت دارد. بدون وجود خدا دنیا لحظه‌ای برجای نمی‌ماند. همه انوار هستی از نور او مایه می‌گیرد و به نور پاک او منتهی می‌گردد. ج) خدا هدایت دهنده هستی است. او است که جهان را می‌گرداند. و انسان را با وحی و عقل و دانش رهنمود، و حیوان را با غریزه رهبری، و زمین را و زمان را و همه چیز جهان را به گونه‌ای به وظیفه خویش آشنا و در مسیر خود هدایت فرموده است، و سراسر جهان را نظم و نظام بخشیده و همه ذرّات زمین و کرات آسمان را همچون حلقه‌های زنجیر به هم پیوند داده است. «مِشْکَاةٍ»: چراغدان. قندیل. چلچراغ. «مِصْبَاحٌ»: چراغ. فتیله. «زُجْاجَةٍ»: شیشه. حباب چراغ. لامپ. «دُرِّيّ»: فروزان چون درّ. «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ»: این درخت نه در قسمت شرقی باغ است و نه در قسمت غربی. ولی اصل این است که این درخت، درخت معمولی نیست. چرا که متعلّق به مکانی و محدود به جهتی نمی‌باشد. تنها ضرب‌المثل است و بس. «زَيْتُهَا»: روغن آن. روغن شگفتی است که از جنس این روغن‌های معروف نیست.

خود به خود تابان و درخشان و سوزان است! لذا نه نور خدا نور معمولی، و نه چلچراغ هستی چلچراغ معمولی، و نه روغن آن که هدایت وحی (نگا: نساء / ۱۷۴) و سرشت (نگا: بقره / ۱۴۸) و دانش (نگا: انعام / ۱۲۲، نور / ۴۰) است روغن معمولی است. ابوالاعلی مودودی؛ معتقد است که در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مِشکاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زُجاجَة) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها نهان نمی‌دارد، بلکه بر شدّت ظهور نیز می‌افزاید (نگا: تفسیر سوره نور، صفحه ۱۹۸).

سوره نور آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ٣٦﴾

ترجمه:

(اگر در جستجوی این نور پرفروغ هستید، آن را بجوئید) در خانه‌هائی که خداوند اجازه داده است برافراشته شوند و در آنها نام خدا برده شود (و با ذکر و یاد او، و با تلاوت آیات قرآنی، و بررسی احکام آسمانی آباد شود. خانه‌های مسجد نامی که) در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان می‌پردازند.

توضیحات:

«فِي بُيُوتٍ»: مراد از (بیوت) مساجد است و جار و مجرور می‌تواند متعلّق به فعل محذوفی باشد و تقدیر چنین است: «إِذا أَرَدْتُمْ إِلْتِمـَاسَ هذَا النُّورِ فَالْتَمِسُوهُ فِي بُيُوتٍ» (نگا: تفسیر عبدالکریم خطیب). یا این که: هذِهِ الْمِشْكاة، یا: هذَا الْمِصْبَاحُ، یا: «هذِهِ الشَّجَرةُ الـْمُبَارَكَةُ فِي بُيُوتٍ». بعضی هم این جار و مجرور را متعلّق به فعل (يُسَبِّحُ) می‌دانند. در این صورت (فیها) برای تأکید بوده و زائد است. «يُسَبِّحُ»: (نگا: بقره / ۳۰). فاعل آن (رِجالٌ) در آیه بعدی است. «بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»: (نگا: رعد / ۱۵).

سوره نور آیه ۳۷

متن آیه:

﴿رِجَالٌ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٌ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ

﴿يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ٣٧﴾

ترجمه:

مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی‌سازد. از روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن دگرگون و پریشان می‌گردد.

توضیحات:

«تَتَقَلَّبُ»: به حیرت و اضطراب می‌افتد (نگا: احزاب / ۱۰، غافر / ۱۸).

سوره نور آیه ۳۸

متن آیه:

﴿لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٨﴾

ترجمه:

تا این که خداوند برابر بهترین کارهایشان پاداش‌شان را بدهد و از فضل خود بر پاداش‌شان بیفزاید، چرا که خداوند هرکس را که خود بخواهد بی‌حساب از مواهب خویش بهره‌مند می‌سازد.

توضیحات:

«لِيَجْزِيَهُمْ...»: تا پاداش‌شان دهد. لام آن متعلّق به (يُسَبِّحُ) یا (لا تُلْهِيهِمْ) یا به محذوفی که سوق کلام بر آن دلالت دارد. یعنی آنچه بیان شد انجام می‌دهند، تا این که خدا پاداش‌شان دهد. لام عاقبت است، یعنی تا سرانجام خدا پاداش کارهای نیک ایشان را عطاء فرماید. «أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا»: (نگا: توبه / ۱۲۱، نحل / ۹۶).

سوره نور آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٣٩﴾

ترجمه:

کافران اعمال‌شان به سرابی می‌ماند که در بیابان بی‌آب و علفی شخص تشنه‌ای آن را آب پندارد. امّا هنگامی که به سراغ آن رود، اصلاً چیزی نیابد، مگر خدا را که (او را بمیراند و) به حساب او برسد و سزای (عمل) وی را به تمام و کمال بدهد. خداوند در

حسابرسی سریع است (و محاسبه بنده‌ای او را از محاسبه بنده دیگر باز نمی‌دارد).

توضیحات:

«قِیعَةٍ»: (قِیعَة) و (قاع) به معنی بیابان بی آب و علف است. کویر. فلات. «الظَّمْئَانُ»: تشنه. «جَآءَهُ»: به مکانی بیاید که سراب را در آنجا آب می‌دید. «شَیْئاً»: اصلاً. چیزی. «وَجَدَ اللهَ عِندَهُ»: خدا را در نزد سراب بیابد. خدا را در کنار خود حاضر بیابد. در هر صورت مراد این است که اجل مقدّر خدا در می‌رسد و خدا به حسابش می‌رسد. هدف از خود مثل هم، این است که کافران در دنیا به دنبال جهان سرابگون در تک و پویند و سرانجام چیزی نمی‌جویند، و در آخرت نیز اعمال نیکی هم اگر داشته باشند بیفایده بوده و رنج‌شان برباد است، و عذاب سرمدی خدا برای‌شان آماده است (نگا: آل‌عمران / ۱۷۷، فرقان / ۲۳).

سوره نور آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَوۡ كَظُلُمَٰتٖ فِي بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ يَغۡشَىٰهُ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ سَحَابٞۚ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ۝٤٠﴾

ترجمه:

یا (اعمال آنان) بسان تاریکیهائی در دریای ژرف موّاجی است که امواج عظیمی آن را فرا گرفته باشد و بر فراز آن امواج عظیم، امواج عظیم دیگری قرار گرفته باشد (و موج‌های کوه پیکر بر یکدیگر دوند و به بالای همدیگر روند) و بر فراز امواج (خوفناک دریا) ابرهای تیره خیمه زده باشند. تاریکی‌ها یکی بر فراز دیگری جای گرفته (و آن چنان ظلمتی و وحشتی پدید آمده باشد که مسافر دریا) هرگاه دست خود را به در آورد (و بدان بنگرد، به سبب تاریکی وحشتزای بیرون و هراس دل از جای کنده درون) ممکن نیست که آن را ببیند. (آری! نور حقیقی در زندگی انسان‌ها فقط نور ایمان است و بدون آن فضای حیات تاریک و ظلمانی است. نور ایمان هم تنها از سوی خدا عطاء می‌گردد) و کسی که خدا نوری بهره او نکرده باشد، او نوری ندارد (تا وی را به راه راست رهنمود کند و بر راستای راه بدارد).

توضیحات:

«ظُلُمـاتٍ»: این آیه شریفه اشاره به طوفان‌های دریائی دارد. در دریاهای پرآب و اقیانوس‌های فراخ، هنگامی که طوفان‌ها در می‌گیرد امواج خوفناکی با درازا و پهنا و بلندای گوناگون به راه می‌افتد. به گونه‌ای که چین‌ها بالای چین‌ها روان و طبقه‌ها فوق طبقه‌ها دوان می‌گردد و گردبادهای دریائی جلو نور خورشید را می‌گیرد. طوفان‌ها هم به نوبه خود ابرهای انباشته و ستبری را ایجاد می‌نماید و تاریکی هوا بر تاریکی آبها می‌افزاید و بالاخره ظلمت تا بدانجا حکمفرما می‌گردد که با وجود سلامت چشم‌ها رؤیت اشیاء ناممکن می‌شود (نگا: المنتخب). کسی که گرفتار چنین محیطی شود کی از آن رها و به‌سوی نجات راه پیدا می‌کند؟ کافران و منافقان محروم از نور خدا هم در تاریکی‌های کفر و شرک و معاصی گرفتارند. دل‌هایشان دستخوش امواج حیرت بوده، و ابرهای شک بر دل‌هایشان خیمه زده، و در نتیجه با ظلمات عقیده غلط و کردار بد و گفتار نادرست، راهی گور تاریک و دشت محشر تاریک و دوزخ تاریک می‌گردند و بالاخره در دنیا و آخرت در ظلمات بسر می‌برند. «لُجِّيٍّ»: منسوب به (لُجَّة)، دارای آب زیاد با عمق بسیار و سطح موّاج.

سوره نور آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٤١﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) مگر نمی‌دانی که همه کسانی و همه چیزهائی که در آسمان‌ها و زمین بسر می‌برند، و جملگی پرندگان در حالی که (در هوا) بال گسترده‌اند، سرگرم تسبیح (خدا و فرمانبر اوامر) او هستند؟! همگی به نماز و تسبیح خود آشنایند (و برابر فرمان تکوینی یا تشریعی، و یا الهام الهی، به وظیفه خویش در زندگی آگاهند، و به زبان قال یا حال بیان‌گر عظمت و جبروت پروردگار و نمایانگر قدرت و حکمت آفریدگارند)، و خدا دقیقاً آگاه از کارهائی است که انجام می‌دهند.

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ»: مگر نمی‌بینی؟ مراد از دیدن در اینجا، مشاهده کردن با دیده بیرون یا

بینش درون است (نگا: بقره / ۲۴۳ و ۲۴۶ و ۲۵۸، آل‌عمران / ۲۳، نساء / ۴۴ و ۴۹ و ۵۱ و ۶۰ و ۷۷). «مَنْ»: کسانی که. چیزهائی که. «صَآفَّاتٍ»: بال گسترندگان. بال‌ها صاف نگاه دارندگان. حال است. «صَلاتَهُ وَ تَسْبِیحَهُ»: نماز و تسبیح خود. دعا و نیایش و تسبیح و تنزیه پدید آورنده خود (نگا: رعد / ۱۳ و ۱۵، اسراء / ۴۴، حجّ / ۱۸، انبیاء / ۷۹). «الطَّیْرُ»: پرندگان. ذکر (الطَّیْرُ) بعد از (مَنْ) ذکر خاصّ بعد از عام است و اشاره به ویژگی‌های شگرفی است که در خلقت پرندگان نهفته است. از آنجا که این آفریده‌ها برخلاف قانون جاذبه به هوا بلند می‌شوند و برِآسا به این سو و آن سو می‌دوند، و آگاهیهای دقیق و عجیبی از مسائل هواشناسی و وضع جغرافیائی زمین به هنگام مسافرت و مهاجرت از قاره‌ای به قاره‌ای و حتّی از قطبی به قطب دیگر زمین دارند، و از دستگاه‌های هدایت‌کننده مرموز و راهیاب در دل شب‌های تار و برفراز خشکی‌ها و آب‌های بسیار برخوردارند، و به خاطر ویژگی‌های دیگر، قرآن روی پرندگان تکیه فرموده است.

سوره نور آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ۝٤٢﴾

ترجمه:

مالکیت آسمان‌ها و زمین (و فرماندهی مجموعه جهان هستی) از آن خداوند است، و بازگشت (همگان در روز قیامت برای حساب و کتاب و سزا و جزا) به‌سوی یزدان است.

توضیحات:

«مُلْك»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۹، مائده / ۱۷ و ۱۸ و ۴۰ و ۱۲۰). «الْمَصیرُ»: (نگا: بقره / ۲۸۵، آل‌عمران / ۲۸، مائده / ۱۸).

سوره نور آیه ۴۳

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ۝٤٣﴾

ترجمه:

مگر نمی‌دانی که خداوند ابرها را آهسته (به سوی هم) می‌راند، سپس آنها را گرد می‌آورد، بعد آنها را متراکم و انباشته می‌سازد، آن گاه می‌بینی که باران از لابلای آنها بیرون می‌ریزد، و نیز خدا از آسمان، از ابرهای کوه مانند آن، تگرگ‌های بزرگی را فرو می‌آورد، و هرکس را بخواهد با آن زیان می‌رساند، و هرکس را بخواهد از زیان آن به دور می‌دارد. درخشش برق (حاصل از اصطکاک) ابرها (آن اندازه نیرومند است) نزدیک است چشم‌ها را (خیره و) از میان بردارد. (هر یک از این پدیده‌ها دلیل بر قدرت خدا و موجب ایمان به آفریدگار آنها است).

توضیحات:

«يُزْجِي»: آهسته و آرام سوق می‌دهد و می‌راند (نگا: إسراء / ۶۶). «سَحَاباً»: ابرها. این واژه از لحاظ لفظ مفرد، و از نظر معنی جمع است (نگا: اعراف / ۵۷، نور / ۴۰). «يَؤَلِّفُ»: گرد می‌آورد و به هم متّصل می‌گرداند. «رُكَامًا»: متراکم. انباشته (نگا: انفال / ۳۷، طور / ۴۴). «الْوَدْقُ»: باران. «السَّمَآءِ»: مراد ابر آسمان است. «مِن جِبَالٍ»: مراد ابرهای کوه پیکر است. کسی می‌تواند شباهت کوه‌ها و ابرها را درک کند که با هواپیما بر فراز توده‌های عظیم ابرها پرواز نماید و قله‌ها و دره‌ها و پستی‌ها و بلندی‌های ابرها را بنگرد و منظره ناهمواری‌ها را از بالا مشاهده نماید. (مِنْ جِبالٍ) بدل از (مِنَ السَّمَآءِ) است. «بَرَدٍ»: تگرگ. نکره آمدن آن اشاره به بزرگی دارد و حرف (مِنْ) پیش از آن تبعیضیه است. «سَنَا»: درخشندگی. پرتو. اینجا اشاره به رعد و برق‌های شدیدی است که گاهی در یک دقیقه چهل بار آذرخش در می‌گیرد و چه بسا کشتیبانان و خلبانان را - به ویژه در مناطق گرمسیر - دچار مشکلات و سوانحی می‌سازد (نگا: تفسیرالمنتخب).

سوره نور آیه ۴۴

متن آیه:

﴿يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٤﴾

ترجمه:

خدا شب و روز را (با کوتاه و دراز کردن، و گرم و سرد نمودن، و یکی را ظاهر و دیگری را محو ساختن، و دیگر حوادث و فعل و انفعال‌ها) دگرگون می‌نماید. واقعاً در

این (کار تغییر احوال) عبرت بزرگی برای کسانی است که چشم داشته باشند (و بنگرند و بیندیشند و نتائج گشت‌وگذار و تغییر تدریجی شب و روز که سرچشمه پیدایش فصول چهارگانه و عامل اصلی حیات موجودات زنده است در مدّ نظر دارند).

توضیحات:

«یُقَلِّبُ»: دگرگون می‌سازد. زیر و رو می‌گرداند. تغییر می‌دهد. می‌برد و می‌آورد. «أُولِي الأَبْصَارِ»: دارندگان چشم. مراد خردمندان و اندیشمندانی است که در فراسوی دوربین دیده‌ها، خردها می‌گمارند و همه‌چیز را با دقّت زیر نظر می‌دارند.

سوره نور آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّن مَّآءٍۖ فَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ يَخۡلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٤٥﴾

ترجمه:

خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفریده است (ولی با این که اصل همه آنها آب است، دارای انواع گوناگون و استعدادهای مختلف و طرز زندگی متفاوت شگفت‌انگیزی هستند) گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند (همچون: ماهیها و خزندگان) و گروهی از آنها بر روی دو پا راه می‌روند (مانند: انسان‌ها و پرندگان) و دسته‌های بر روی چهار پا راه می‌روند (از قبیل: چهارپایان. تازه جنبندگان و جانداران، منحصر به این‌ها نیستند و بلکه چهره‌های بسیار متنوّع و اشکال مختلف دیگر دارند، و) خدا هرچه را بخواهد می‌آفریند. قطعاً او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«كلَّ دَآبَّةٍ»: هر جنبنده‌ای. همه جنبندگان. «مِن مَّآءٍ»: از آب ویژه‌ای که منی است، یا از آب معمولی. تنکیر (مَآءٍ) در اینجا بیان‌گر افراد نوعی یا افراد شخصی، یا هر دو است. و تعریف آن در سوره انبیاء آیه ۳۰ که می‌فرماید: (وَ جَعَلْنا مِنَ الْمَآءِ كلّ شَيْءٍ حَيٍّ) بیان‌گر جنس است (نگا: تفسیر آلوسی). منظور از خلقت موجودات زنده از آب این است که خداوند دانا و توانا، نخستین جوانه حیات را در اعماق یا سواحل دریاها پدیدار فرموده است؛ یا این که مراد از چنین آبی منی است، و اگر هم برخی از

جانداران از راه تقسیم سلول‌ها به وجود می‌آیند؛ نه از راه نطفه منی، از قبیل: تک سلولی‌ها، حکم بالا جنبه نوعی دارد؛ نه عمومی. و یا این که مراد این است که آب ماده اصلی موجودات زنده است و قسمت عمده جسم آنها آب بوده و بدون آن قادر به ادامه حیات خود نمی‌باشند. «يَخْلُقُ اللهُ مَا يَشَآءُ»: این بخش از آیه، بیان‌گر این واقعیت است که جانداران منحصر به سه گروه خزندگان و دوپایان و چهارپایان نبوده و بلکه حیواناتی وجود دارد که به گونه دیگری و دارای پاهای بیشتری، و یا ساختار و شیوه حیات شگفت‌تری می‌باشند.

سوره نور آیه ۴۶

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖۚ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤٦﴾

ترجمه:

ما (از طریق وحی) آیه‌های روشن و روشنگری را فرو فرستاده‌ایم (که هم خود واضح بوده و هم بیان‌گر احکام دینی و امثال زندگی و اسرار کونی می‌باشند) و خداوند هرکه را بخواهد (در پرتو تلاش شخص و توفیق الهی) به راه راست رهنمود می‌کند.

توضیحات:

«مُبَيِّنَاتٍ»: روشن. روشن‌گر (نگا: نور / ۳۴).

سوره نور آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

(از جمله کسانی که خدا توفیق هدایت قرینشان نفرموده است، منافقانی هستند که پرتو ایمان به دل‌هایشان نتابیده است، ولی دم از ایمان می‌زنند) و می‌گویند: به خدا و پیغمبر ایمان داریم و (از اوامرشان) اطاعت می‌کنیم، امّا پس از این ادّعاء، گروهی از ایشان (از شرکت در اعمال خیر همچون جهاد، و از حکم قضاوت شرعی) رویگردان می‌شوند، و آنان در حقیقت مؤمن نیستند.

توضیحات:

«وَمَآ أُولئِكَ...»: مشارالیه کسانی است که (ءَامَنَّا وَ أَطَعْنَا) می‌گویند. «بِالْـمُؤْمِنِينَ»: معرفه آمدن (مُؤْمِنِينَ) اشاره بدان دارد که اینان مؤمنان زبانی بوده؛ نه مؤمنان راستین و مخلصی که تو می‌شناسی و قرآن معرّفی فرموده است: «إِنَّمَا الـْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ ءَامَنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَـمْ يَرْتابُوا». (نگا: حجرات / ۱۵).

سوره نور آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

هنگامی که ایشان به‌سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده می‌شوند تا (پیغمبر، برابر چیزی که خدا نازل فرموده است) در میان‌شان داوری کند، بعضی از آنان (نفاقشان ظاهر می‌شود و از قضاوت او) رویگردان می‌گردند. (زیرا که می‌دانند حق به جانب ایشان نیست و پیغمبر هم دادگرانه عمل می‌فرماید، و حق را به صاحب حق می‌دهد).

توضیحات:

«دُعُوا»: دعوت شدند. فرا خواهنده شدند. «إِلَي اللهِ»: مراد به‌سوی قرآن خدا است. «لِيَحْكُمَ»: تا داوری کند. مرجع ضمیر (رسول) است. جائز است که ضمیر به مدعوّ الیه مفهوم از کلام، یعنی (الله) و (رسول) برگردد. در هر صورت پیغمبر قاضی بوده و اطاعت از او، اطاعت از خدا است (نگا: نساء / ۸۰). «مُعرِضُونَ»: رویگردانان از حکم پیغمبر.

سوره نور آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

ولی اگر حق داشته باشند (چون می‌دانند داوری به نفع‌آنان خواهد بود) با نهایت تسلیم به‌سوی او می‌آیند.

توضیحات:

«مُذْعِنِينَ»: اذعان کنندگان. گردن نهادگان. با فروتنی و شتاب پذیرای حکم

شوندگان. حال است.

سوره نور آیه ۵۰

متن آیه:

﴿أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥۚ بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

آیا در دل‌هایشان بیماری (کفر) است؟ یا (در حقّانیت قرآن) شک و تردید دارند؟ یا می‌ترسند خدا و پیغمبرش بر آنان ستم کنند؟ (بلی! ایشان دچار بیماری کفر و گرفتار شک بوده و از داوری پیغمبر که برابر احکام الهی است هراسناک می‌باشند. خوب می‌دانند که خدا و رسول ستمگر نبوده و حق کسی را حیف و میل نمی‌کنند) بلکه خودشان ستمگرند.

توضیحات:

«أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ...»: استفهام جنبه مبالغه در نکوهش و توبیخ را دارد. «إِرْتَابُوا»: دچار شک و گمان شده‌اند. «يَحِيفَ»: ستم کند. به‌سوی یکی از دو طرف دعاوی گرایش نماید.

سوره نور آیه ۵۱

متن آیه:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ۝٥١﴾

ترجمه:

مؤمنان هنگامی که به‌سوی خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، سخن‌شان تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم! و رستگاران واقعی ایشانند.

توضیحات:

«إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ...»: واژه (إِنَّما) برای حصر است. یعنی مؤمنان تنها یک سخن دارند که پذیرش و اطاعت است. واژه (قَوْلَ) خبر مقدّم (كانَ)، و اسم آن (أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا) است.

سوره نور آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٥٢﴾﴾

ترجمه:

و هرکس از خدا و پیغمبرش پیروی کند و از خدا بترسد و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزد، این چنین کسانی (به رضایت و محبّت خدا و نعیم بهشت و خیر مطلق دست یافتگان و) به مقصود خود رسیدگانند.

توضیحات:

«يَتَّقْهِ»: اصل این فعل (يَتَّقِهِ) است و برای تخفیف قاف را ساکن کرده‌اند زیرا دو کسره پشت سر هم ثقیل می‌باشد. «الْفَآئِزُونَ»: (نگا: توبه / ۲۰، مؤمنون / ۱۱۱).

سوره نور آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ لَيَخۡرُجُنَّۖ قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٥٣﴾﴾

ترجمه:

آنان مؤکدانه سوگندهای مغلّظه یاد می‌کنند که اگر بدی‌شان دستور دهی (جان بر کف به‌سوی میدان جهاد) بیرون می‌روند (و از خانه و کاشانه و اموال و اولاد خود در می‌گذرند). بگو: سوگند یاد نکنید. اطاعت شناخته شده‌ای است (که شما دارید. هرگز قول به فعل در نیامده است. گفتار چیزی نیست، کردار نشان دهید) چرا که قطعاً خدا از آنچه می‌کنید آگاه است.

توضیحات:

«جَهْدَ أَيْمانِهِمْ»: نهایت تأکید و مبالغه در سوگندهایشان دارند (نگا: مائده / ۵۳، انعام / ۱۰۹، نحل / ۳۸). «لَيَخْرُجَنَّ»: بی‌گمان از خانه و کاشانه و اموال و اولاد خود می‌گذرند. جان بر کف به‌سوی پهنه کارزار می‌روند. «طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ»: اطاعت شما شناخته شده است. یعنی عالِم بی‌عمل بوده و قول را به فعل تبدیل نمی‌کنید (نگا: نساء / ۸۱، توبه / ۸). با توجّه بدین معنی (طَاعَةٌ) مبتدا و (مَعْرُوفَةٌ) خبر آن است، یا این که (طَاعَةٌ) خبر مبتدای

محذوف است و تقدیر چنین است: «طَاعَتُكُمْ طَاعَةٌ». آنچه از شما خواسته می‌شود اطاعت معلوم و مشخّصی است که اطاعت صادقانه و خالصانه است. در این صورت (طَاعَةٌ) خبر مبتدای محذوف بوده و تقدیر چنین می‌شود: «أَلْمَطْلُوبُ مِنكُمْ طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ».

سوره نور آیه ۵۴

متن آیه:

﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٥٤﴾

ترجمه:

بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید (اطاعت صادقانه‌ای که اعمالتان بیان‌گر آن باشد). اگر سرپیچی کردید و روی‌گردان شدید، بر او (که محمّد و پیغمبر خدا است) انجام چیزی واجب است که بر دوش وی نهاده شده است (و آن تبلیغ رسالت است و از عهده‌اش هم برآمده است و کار خود را کرده است) و بر شما هم انجام چیزی واجب است که بر دوش شما نهاده شده است (که اطاعت صادقانه و عبادات مخلصانه است) امّا اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید یافت (و به خیر و سعادت جهان نائل می‌گردید. در هر حال) بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ روشن و تبلیغ آشکار نیست (و به وظیفه خود هم عمل کرده است).

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: پشت کردید. روی گردان شدید. در اصل (تَتَوَلَّوْا) می‌باشد. «حُمِّلَ»: بر دوش او نهاده شده است. مسؤول و موظّف شده است «الْبَلاغُ»: ابلاغ رسالت. تبلیغ قوانین دین (نگا: آل‌عمران / ۲۰، مائده / ۹۲ و ۹۹).

سوره نور آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡـٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان‌گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملّت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدّل می‌سازد، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند. بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دائره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقی می‌باشند).

توضیحات:

«الَّذِینَ ءَامَنُوا مِنكُمْ...»: مراد مؤمنان صدر اسلام به طور خاصّ، و همه مؤمنان متّصف به دو صفت ایمان و عمل صالح به طور عام، در تمام ازمنه و امکنه است. «لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ»: قطعاً ایشان را جانشین و جایگزین دیگران می‌سازیم و حکومت و ریاست را به دست آنان می‌سپاریم. مراد این است که در هر عصر و زمان پایه‌های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آنان صاحب حکومتی ریشه‌دار و پرنفوذ خواهند شد. «الأرْضِ»: مراد از آن تمام روی زمین نیست، بلکه تسمیه جزء به اسم کلّ است. برخی ارض را شامل سراسر کره زمین دانسته‌اند و در انتظار روزی و روزگاری هستند که حکومت جهانی در دست مسلمین خواهد بود - إن شَآءَ اللهُ -. «الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ»: مراد همه ملّت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده‌اند و در روی زمین حکومت پیدا کرده‌اند (نگا: اعراف / ۱۳۷، یونس / ۱۴، قصص / ۵ و ۶). «لَیُمَكِّنَنَّ»: پابرجا و مستقرّ می‌دارد. «دِینَهُمْ»: دین مورد نظر، آئین اسلام است. «مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ»: به دنبال خوف و هراس مسلمانان در اوائل عهد رسول است (نگا: انفال / ۲۶). «كَفَرَ»: کفر ورزید. کفران نعمتِ خلافت کرد. «بَعْدَ ذٰلِكَ»: بعد از

آگاهی از این وعده. بعد از حصول آنچه وعده داده می‌شود. «الْفَاسِقُونَ»: مرتدّان. خارج شوندگان از طاعت خدا. سرکشان از فرمان یزدان. افراد کاملاً فاسق و سر به کفر و طغیان نهاده.

سوره نور آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

نماز را (در وقت معین و با خشوع و خضوع لازم) بخوانید، و زکات را (به مستحقّان آن) بپردازید، و از پیغمبر اطاعت کنید، تا این که (از سوی خدا) به شما رحم شود (و مشمول رضایت و عنایت او گردید).

توضیحات:

«لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: تا به شما رحم شود. به امید رحمت و عنایت خدا به خود.

سوره نور آیه ۵۷

متن آیه:

﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٥٧﴾

ترجمه:

گمان مبر که کافران درمانده کنندگان (خدا) در زمین باشند (و بتوانند از چنگال مجازات الهی فرار کنند و از قلمرو قدرتش بیرون روند. نه تنها در این جهان از مجازات خدا مصون نیستند) بلکه در آخرت جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است!

توضیحات:

«مُعْجِزِينَ»: درمانده‌کنندگان. گاهی انسان در تعقیب کسی است و او از دستش فرار می‌کند و هرچه کوشش می‌نماید به او دسترسی پیدا نمی‌نماید و از قلمرو قدرتش بیرون می‌رود، و این امر او را ناتوان می‌سازد، امّا خدا کسی نیست که بتوان از قلمرو قدرت او بیرون رفت و وی را درمانده کرد و از دست کیفرش خود را به دور داشت. (مُعْجِزِين) مفعول دوم است. «مَأْوَاهُمْ»: مکانی که سرانجام کافران در آن منزل می‌گزینند.

سوره نور آیه ۵۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حدّ بلوغ نرسیده‌اند (ولی مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تمییز و تشخیص می‌دهند، به هنگام ورود به اطاق‌های خواب مردان و همسران) در سه وقت اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و در نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را در می‌آورید، و بعد از نماز عشاء. (این اوقات) سه وقت (ویژه خلوت و آشکار شدن) عورت شما است. بعد از این سه وقت بر شما و آنان گناهی نیست بدون اجازه وارد شوند. (آنان خدمتکاران و کوچکان شما هستند و مشکل است هر بار در سایر اوقات اجازه بگیرند). ایشان دور و بر شما در رفت و آمدند و شما نیز دور و بر ایشان در رفت و آمدید (و با صفا و صمیمیت خانوادگی به یکدیگر خدمت می‌نمائید). این‌گونه (صریح و روشن) خداوند آیه‌ها را برای شما توضیح و تبیین می‌کند (تا خویشتن را در پرتو احکام قرآنی، متأدّب به اخلاق اسلامی کنید) و خداوند بس آگاه و کاربجا است.

توضیحات:

«الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: مراد بردگان و خدمتکاران است (نگا: زادالمسیر، المنتخب). «الَّذِينَ»: از راه تغلیب مراد پسران و دختران است. «لَمْ يَبْلُغُوا»: نرسیده‌اند. «الْحُلُمَ»: احتلام. مراد زمان بلوغ است. «مَرَّاتٍ»: دَفَعات. مراد اوقات اجازه گرفتن است. «الظَّهِيرَةِ»: وقت ظهر. هنگام گرمای نیمروز. «عَوْراتٍ»: جمع عورت، شرمگاه. مراد اوقاتی است که معمولاً میان زن و شوهر خلوت می‌گردد، و ستر عورت مراعات نمی‌شود. «بَعْدَهُنَّ»: غیر از آن سه وقت. «طَوَّافُونَ»: جمع طَوَّاف، صیغه مبالغه است و به معنی بسیار گردندگان است، ولی مراد رفت و آمد و داخل شدن و بیرون رفتن و دور و بر یکدیگر پلکیدن برای خدمت و معاشرت و مخالطت است. خبر مبتدای

محذوف بوده و تقدیر چنین است: «هُمْ طَوَّافُونَ». «بَعْضُكُمْ»: مبتدا است و خبر آن جار و مجرور (عَلي بَعْضٍ) است که مُتعلّق آن محذوف و تقدیر چنین است: «بَعْضُكُمْ طَائِفٌ عَلي بَعْضٍ». جمله (بَعْضُكُمْ عَلي بَعْضٍ) بدل از جمله (طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ) است.

سوره نور آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٩﴾

ترجمه:

هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند (در همه اوقات برای ورود به مکانی که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند، و یا منزل اختصاصیی که آنان در آنجا بسر می‌برند) باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بوده‌اند (هنگامی که به سن بلوغ رسیده و اینک مردان و زنان بزرگ‌سال بشمارند) اجازه گرفته‌اند. خداوند این چنین (روشن و ساده) آیات (احکام شریعت) خود را توضیح داده و تبیین می‌کند (تا متأدّب به آداب اسلامی شوید). و خداوند بس آگاه (از احوال آفریده‌های خود و) دارای حکمت است (در قانونگذاری برای بندگانش).

توضیحات:

«الَّذِينَ مِنْ...». مراد مردان و زنان، یعنی افراد بزرگ‌سال است.

سوره نور آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠﴾

ترجمه:

زنان از کار افتاده‌ای که (به سن و سال نازائی رسیده‌اند و بر اثر سالخوردگی جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند و) میل به ازدواج (با مردان، و مردان نیز رغبت به ازدواج با آنان را) ندارند، اگر لباسهای (حفظ حجاب مذکور در **سوره نور آیه** ۳۱، و سوره احزاب آیه ۵۹) خود را از تن به در آورند (و با جامه‌های معمولی با دیگران معاشرت کنند) گناهی بر آنان نیست (چرا که به علّت فرتوت بودن و کهنسال شدن،

همچون دختران نابالغ گشته‌اند) در صورتی که (هدف آنان خودآرائی و نمایش وسائل آرایش در برابر مردم نبوده و به بهانه برداشتن لباس حجاب) زینت را نشان ندهند. (با همه این احوال، چون پیران سرمشق جوانان هستند) اگر عفّت را رعایت کنند (و خویشتن را بپوشانند) برای ایشان بهتر است، و خداوند شنوا و دانا است (و لذا آنچه را می‌گویند می‌شنود، و آنچه را در دل دارند و در سر می‌پرورانند می‌داند).

توضیحات:

«الْقَوَاعِدُ»: جمع قاعد. زنان پیر و فرتوتی که از حیض باز ایستاده‌اند و نازا شده و میل زناشوئی و جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده باشند. «لا يَرْجُونَ نِكاحاً»: امیدی به ازدواج ندارند، چرا که دیگر بدانان رغبتی نیست و آتش دلدادگی و دلباختگی خودشان در دل‌شان فرو مرده است. «أَن يَضَعْنَ ثِيابَهُنَّ»: این که لباسهای خود را زمین بگذارند. مراد (خِمار) و (جَلابیب) مذکور در **سوره نور آیه** ۳۱، و سوره احزاب آیه ۵۹ است که روسری و چارقد و مقنعه و جامه‌های رویین می‌باشد. «غَيْرَ»: حال است. «مُتَبَرِّجاتٍ»: خارج‌شوندگان از حشمت. زنان آرایش کرده و زینت و زیبائی خود را نشان دهنده. «يَسْتَعْفِفْنَ»: عفّت پیشه کنند. مراد حفظ حجاب برابر **سوره نور آیه** ۳۱، و سوره احزاب آیه ۵۹ است.

سوره نور آیه ۶۱

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗاۚ فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦١﴾

ترجمه:

بر (اشخاص صاحب عذر چون) کور و لنگ و بیمار، و بر خود شما (تندرستان)

گناهی نیست که در خانه‌های (فرزندان) خودتان، یا خانه‌های پدران، مادران، برادران، خواهران، عموها، عمّه‌ها، دائی‌ها، و خاله‌های خود، یا خانه‌هائی که کلیدهای آنها در اختیار شما است (و نگاهبانی و مواظبت آنها به شما واگذار شده است) و یا خانه‌های دوستانتان غذا بخورید. همچنین بر شما گناهی نیست که به طور دسته‌جمعی و یا جداگانه خوراک تناول نمائید. هر وقت داخل خانه‌ای شدید بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت (و لبریز از خیر و ثواب فراوان، و تقویت‌کننده پیوند موجود میان دل‌های مردمان، و درود) پاکی که به فرمان خدا مقرّر است (و موجب صفا و صمیمیت می‌گردد). این‌گونه (کافی و وافی و واضح) خداوند آیه‌ها (ی احکام محکمه و شرائع مبرمه خود) را برایتان توضیح می‌دهد و تبیین می‌کند تا این که (بیندیشید و در پرتو خرد، احکام و مواعظ مندرج در آیات را) بفهمید (و بدان‌ها عمل کنید).

توضیحات:

«حَرَجٌ»: گناه (نگا: توبه / ۹۱، احزاب / ۳۸). «بُيُوتِكُمْ»: خانه‌های خود. مراد خانه فرزندان است. چرا که به فرموده پیغمبر، فراچنگ آورده اولاد فرا چنگ آورده پدر بشمار است: الف)« اِنَّ أَطْيَبَ ما يَأْكُلُ الْمَرْءُ مِنْ كَسْبِهِ ، وَ إِنَّ وَلَدَهُ مِنْ كَسْبِهِ». ب) «أَنْتَ وَ مالُكَ لأبِيكَ». (نگا: تفسیر آلوسی). «لَيْسَ عَلي الأعْمي...»: طبق برخی از روایات، اهل مدینه پیش از آن که اسلام را پذیرا شوند، افراد نابینا و شل و بیمار را از حضور بر سر سفره غذا منع می‌کردند و با آنان هم‌غذا نمی‌شدند. اسلام این عمل را نکوهش فرمود. «مَفَاتِحَ»: جمع مِفْتَح، کلیدها (نگا: انعام / ۵۹). «مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ»: خانه‌هائی که کلیدهای آنها در اختیار شما است. مراد خانه‌هائی است که نگاهبانی و مواظبت آنها به شما واگذار شده و شما را مراقب و متصرّف در آنها نموده‌اند. «أَن تَأْكُلُوا جِميعاً أَوْ اَشْتَاتاً»: این که گروهی یا تنها غذا بخورید. برخی از اعراب مانند قبیله کنانه، و جمعی از مسلمانان در آغاز اسلام از غذا خوردن تنهائی، ابا داشتند، قرآن بدانان تعلیم می‌دهد که غذا خوردن به صورت جمعی و فردی هر دو مجاز است. «فَسَلِّمُوا عَلي أَنفُسِكُمْ»: بر خودتان سلام کنید. مراد از «خودتان»، «همدیگر» است (نگا: بقره / ۵۴) و در اصل منظور ساکنان منازل است، اعم از بیگانگان یا خویشان و اهل خانواده. از قبیل: پدر و مادر و برادر و خواهر و همسر و پسر و دختر (نگا: آل‌عمران / ۶۱). اگر هم به هنگام

ورود به خانه‌ای، کسی در آنجا نباشد، باید بر خویشتن سلام کرد و گفت: «أَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلي عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ». «مِنْ عِندِاللهِ»: از سوی خدا مقرّر است و برنامه اسلامی است. «تَحِيَّةً»: درود و سلام. مفعول مطلق است برای (سَلِّمُوا) از غیر لفظ خود، همچون قَعَدْتُ جُلُوساً. «طَيِّبَةً»: پاک. مایه خوشحالی و سرور.

سوره نور آیه ۶۲

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُواْ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُواْ حَتَّىٰ يَسْتَـْٔذِنُوهُ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ فَإِذَا ٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمُ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴿٦٢﴾﴾

ترجمه:

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان دارند و هنگامی که در کار مهمّی (چون جهاد) با او باشند، بدون اجازه وی (به جائی) نمی‌روند (و تک و تنها رهایش نمی‌کنند). کسانی که از تو اجازه می‌گیرند آنان واقعاً به خدا و پیغمبرش ایمان دارند. پس هرگاه از تو برای انجام بعضی از کارهای خود اجازه خواستند، به هرکس از ایشان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه بده، و از خدا برای آنان آمرزش بخواه. بی‌گمان خدا بخشایش‌گر و مهربان است (و با مغفرت و رحمت خود، اجازه خواستن و به دنبال مصالح خویش رفتن ایشان را که نوعی قصور در چنین اوقات بشمار است می‌بخشد).

توضیحات:

«أَمْرٍ جَامِعٍ»: کار مهمّی که مردمان برای مشورت و یا شرکت در آن گرد می‌آیند، از قبیل جهاد و جمعه و جماعت و عیدین. «إِسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللهَ»: مراد طلب بخشش قصور آنان در تشخیص مهمّ و مهمّتر است.

سوره نور آیه ۶۳

متن آیه:

﴿لَّا تَجْعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُم بَعْضًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

ترجمه:

(ای مؤمنان!) دعوت پیغمبر را در میان خویش (برای اجتماع و شرکت در کارهای مهمّ) همسان دعوت برخی از برخی از خود بشمار نیاورید (چرا که فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است). خداوند آگاه از کسانی است که در میان شما خویشتن را می‌دزدند و پشت سر دیگران خود را پنهان می‌دارند (تا پیغمبر آنان را نبیند و از انصراف و گریز ایشان نپرسد و کاری بدانان حوالت نکند). آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیانی که می‌ورزند) گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی، و دوزخ و دیگر شکنجه‌های اخروی).

توضیحات:

«دُعَآءَ»: دعوت. فراخواندن برای کار مهمّی. «يَتَسَلَّلُونَ»: خود را می‌دزدند. خویشتن را کنار می‌کشند و پشت دیوار و پشت سر مردم خویش را پنهان می‌سازند. آهسته و پنهانی راه خود را در پیش می‌گیرند. «لِوَاذاً»: پناه بردن. یکی در پشت دیگری خویشتن را قائم کردن. مصدر باب مفاعله است و حال بوده و به معنی (مُلاوِذينَ) است.

سوره نور آیه ۶۴

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قَدۡ يَعۡلَمُ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ وَيَوۡمَ يُرۡجَعُونَ إِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿٦٤﴾

ترجمه:

هان! (ای مردمان!) آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلّق به خدا است. او آگاه است از آنچه شما (هم اینک) بر آن هستید (و چه نوع عقیده و هدف و روشی دارید) و آگاه است از آن روزی که انسان‌ها در آن به‌سوی او بازمی‌گردند، و ایشان را از اعمالی که انجام داده‌اند آگاه می‌سازد (و جزا و سزا و پاداش و پادافره کردار و رفتار و گفتارشان را می‌دهد) و خداوند از هر چیزی آگاه است (و احوال و اوضاع و موافقت و مخالفت و اخلاص و نفاق کسی بر او پنهان نمی‌ماند).

توضیحات:

«قَدْ يَعْلَمُ»: حتماً می‌داند. حرف (قَدْ) در اینجا برای تحقیق است (نگا: تفسیر آلوسی). «يَوْمَ»: مفعول به و عطف بر (ما) است، و یا عطف بر (أَلآنَ) مقدّر است و تقدیر چنین است: «مَآ أَنتُمْ عَلَيهِ الآنَ وَ يَوْمَ». و یا این که ظرف است و معنی چنین می‌شود: خداوند آگاه است از آنچه شما بر آن هستید، و در روزی که انسان‌ها به‌سوی او باز می‌گردند، ایشان را از آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد. یادآوری: در این آیه سه بار بر روی علم خدا نسبت به اعمال انسان‌ها تکیه شده است، تا ما متوجّه باشیم که خدا به طور دائم مراقب ما است و چیزی از اعمال پنهان و آشکار ما بر او مخفی نمی‌ماند.

سوره فرقان

سوره فرقان آیه ۱

متن آیه:

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ١﴾

ترجمه:

والا مقام و جاوید کسی است که فرقان، (یعنی جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمّد) نازل کرده است، تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد (و آن را به گوش ایشان برساند).

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: والامقام و عظیم‌القدر است. پربرکت و افزون خیر است. ماندگار و زوال‌ناپذیر است. این واژه تنها به صورت ماضی به کار می‌رود و دالّ بر کثرت و زیادت خیر است و معنی تمجید و تعظیم نیز دارد. «الْفُرْقَانَ»: مصدر است و به معنی جدا کردن. در اینجا به عنوان اسم فاعل به کار رفته و به معنی جدا سازنده حق از باطل است. مراد قرآن است.

سوره فرقان آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾

ترجمه:

آن کسی که حکومت و مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن او است، و فرزندی (برای خود) برنگزیده است، و در حکومت و مالکیت انبازی نداشته است، و همه چیز را آفریده است و آن را دقیقاً اندازه‌گیری و کاملاً برآورد کرده است.

توضیحات:

«قَدَّرَهُ»: آن را اندازه‌گیری کرده است. آن را آماده کرده است برای همان ویژگی و

کاری که خود خواسته است و انجام وظیفه‌ای که بدان واگذار فرموده است و میان اشیاء موازنه برقرار نموده است.

سوره فرقان آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ٣﴾

ترجمه:

(مشرکان) سوای خدا، معبودهائی را برگرفته‌اند (و به پرستش اصنام و کواکب و اشخاصی پرداخته‌اند) که چیزی را نمی‌آفرینند و بلکه خودشان آفریده‌هائی بیش نیستند، و مالک سود و زیانی برای خود نبوده، و بر مرگ و زندگی و رستاخیز اختیار و توانی ندارند.

توضیحات:

«شَيْئاً»: چیزی را. اصلاً و ابداً. «نُشُوراً»: زندگی دوباره. رستاخیز. حیات بعد از ممات (نگا: عبس / ۲۲).

سوره فرقان آیه ۴

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمٗا وَزُورٗا ٤﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: این (قرآن) دروغی بیش نیست که خود (محمّد) آن را از پیش خود به هم بافته است و گروهی او را در این کار یاری داده‌اند. آنان واقعاً (با بیان این سخن) ستم و بهتان بزرگی را مرتکب شده‌اند.

توضیحات:

«إِفْكٌ»: بدترین دروغ (نگا: نور / ۱۱). «اِفْتَرَاهُ»: سرهم کرده است. ساخته و پرداخته نموده است (نگا: آل‌عمران / ۹۴، یونس / ۳۸). «قَوْمٌ ءَاخَرُونَ»: گروه دیگری. مراد اهل کتابی است که اسلام را پذیرفته بودند، یا اشخاصی چون عداس، یسار، نصر، ابوفکیهه رومی و... (نگا: نحل / ۱۰۳). «جَآءُوا»: عرب واژه‌های (جَآءَ) و (أَتِي) را به

معنی (فَعَلَ) یعنی انجام داد، به کار می‌برند (نگا: تفسیر أضواء البیان). «زُوراً»: باطل. بُهتان (نگا: حجّ / ۳۰). تنکیر (ظُلْماً) و (زُوراً) برای تعظیم است.

سوره فرقان آیه ۵

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ عَلَيۡهِ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٥﴾

ترجمه:

(درباره قرآن نیز) می‌گویند: افسانه‌های پیشینیان است که (از دیگران) خواسته است آن را برایش بنویسند، و چنین افسانه‌هائی سحرگاهان و شامگاهان بر او خوانده می‌شود (تا آنها را حفظ کند و به خاطر سپارد).

توضیحات:

«أَسَاطِیرُ»: افسانه‌ها (نگا: أنعام / ۲۵). «اِکْتَتَبَها»: درخواست نوشتن آنها را از دیگران کرده است. آنها را رونویس کرده است. «بُکْرَةً»: سحرگاهان. بامدادان. «أَصِیلاً»: شامگاهان. مراد کفّار از سحرگاهان و شامگاهان، همه اوقات شبانه‌روز بوده است.

سوره فرقان آیه ۶

متن آیه:

﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٦﴾

ترجمه:

بگو: قرآن را کسی فرو فرستاده است که راز آسمان‌ها و زمین را می‌داند (و گوشه‌ای از این راز را به عنوان معجزه در قرآن گنجانده است تا دلیل بر وحی الهی باشد و انسان‌ها نتوانند حتّی سوره‌ای همچون سوره‌های قرآن را بسازند و ارائه دهند). بی‌گمان خدا آمرزگار و مهربان است (و سرکشان و بزهکارانی را می‌بخشد که برگردند و از دروغگوئی‌ها و پلشتی‌ها دست بکشند).

توضیحات:

«یَعْلَمُ السِّرَّ...»: اشاره به این است که قرآن ساخته و پرداخته مغز بشر نیست و با کمک این و آن تنظیم نشده است، بلکه تألیف خدا است و معجزه بوده و یکی از اسرار است.

سوره فرقان آیه ۷

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَلَكٞ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ٧﴾

ترجمه:

(محمّد را نیز مسخره می‌کنند) و می‌گویند: این چه پیغمبری است؟! او غذا می‌خورد، و در بازارها راه می‌رود، (نه شیوه فرشتگان دارد، و نه روش شاهان. او امتیازی بر دیگران ندارد، چرا که همچون افراد عادی نیاز به تغذیه دارد، و در بازارها برای کسب و تجارت و خرید نیازمندیهای خود رفت و آمد می‌کند). چرا لااقل فرشته‌ای به‌سوی او فرستاده نشده است تا (به عنوان گواه صدق دعوتش) همراه او مردم را بیم بدهد (و در امر تبلیغ رسالت او را یاری نماید و ما هم ایمان بیاوریم).

توضیحات:

«مَا لِهذاَ الرَّسُولِ»: این پیغمبر را چه شده است؟ چرا باید این پیغمبر؟ «لَوْلا»: چرا نباید که؟ این واژه در اینجا برای استفهام است.

سوره فرقان آیه ۸

متن آیه:

﴿أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٨﴾

ترجمه:

یا این که گنجی (از آسمان) به‌سوی او انداخته شود (تا از آن خرج و انفاق کند) و یا این که باغی داشته باشد که از (میوه‌های) آن بخورد (و امرار معاش کند). ستمگران (کفرپیشه) می‌گویند: شما جز از یک انسان دیوانه پیروی نمی‌کنید.

توضیحات:

«کَنزٌ»: گنج. «جَنَّةٌ»: باغ. «مَسْحُوراً»: جادو شده. دیوانه (نگا: إسراء / ۴۷ و ۱۰۱).

سوره فرقان آیه ۹

متن آیه:

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ببین چگونه برای تو مثل‌ها می‌زنند (و گاهی تو را جادو شده، و گاهی دیوانه، و زمانی دروغگو، و وقتی تعلیم‌دیده بیگانگان غیر عرب می‌نامند، و بدین وسیله از راه راست و طریقه مباحثات و محاجات درست بدر می‌روند) و گمراه می‌شوند و نمی‌توانند (به سوی جاده حقیقت و بیان حجّت) راهی پیدا کنند (و بر یک سخن ماندگار بمانند، و هر زمان قولی و هر لحظه نقلی دارند).

توضیحات:

«الأمْثال»: مراد مثال‌های بی‌پایه و اساس و تشبیهات نادرست و ناروا است.

سوره فرقان آیه ۱۰

متن آیه:

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرٗا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورٗا ١٠﴾

ترجمه:

بزرگوار خداوندی است که اگر بخواهد برای تو بهتر از آن (چیزهائی که آنان پیشنهاد می‌کنند) می‌سازد، باغ‌هائی را (در دنیا برایت پدیدار می‌نماید) که در زیر (قصر و قصور و درختان) آنها رودبارها و جویبارها روان باشد، و برای تو کاخهای مجلّلی می‌سازد (و در اختیارت قرار می‌دهد که ایشان در خواب هم ندیده باشند).

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: (نگا: فرقان / ۱). «جَنَّاتٍ»: باغ‌هائی را. بدل از (خَیْراً) است.

سوره فرقان آیه ۱۱

متن آیه:

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ١١﴾ بَلْ كذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيراً

ترجمه:

(این حرفهائی را که می‌زنند همه بهانه است). واقع قضیه این است که آنان قیامت را دروغ می‌دانند، و ما برای کسی که قیامت را دروغ بداند آتش شعله‌ور و سوزانی را آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«بَلْ»: این واژه برای (إضراب) است. یعنی آنان آنچه را در زمینه نفی توحید تو نبوّت می‌گویند، بهانه‌هائی است که در حقیقت از انکار معاد سرچشمه گرفته است. «السَّاعَةُ»: قیامت (نگا: أنعام / ۳۱ و ۴۰، اعراف / ۱۸۷). «سَعِیراً»: آتش شعله‌ور و ملتهب (نگا: نساء / ۱۰ و ۵۵، إسراء / ۹۷).

سوره فرقان آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا ١٢﴾

ترجمه:

هنگامی که (این آتش فروزان دوزخ) ایشان را از دور می‌بیند (و آنان چشمشان بدان می‌افتد) صدای خشم‌آلود و جوش و خروش آن را می‌شنوند.

توضیحات:

«تَغَيُّظاً»: فریاد خشم. خشم را با نعره و فریاد آشکار کردن. «زَفِیراً»: جوش و خروش ناشی از خشم. از خشم نفس طولانی بیرون کشیدن (نگا: هود / ۱۰۶، أنبياء / ۱۰۰).

سوره فرقان آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ هُنَالِكَ ثُبُورٗا ١٣﴾

ترجمه:

هنگامی که ایشان، با غُل و زنجیر، به مکان تنگی از آتش دوزخ افکنده می‌شوند، در آنجا (واویلا سر می‌دهند و) مرگ را به فریاد می‌خوانند (و آرزوی نابودی می‌کنند).

توضیحات:

«مُقَرَّنِينَ»: کسانی که دست‌ها و پاهایشان را با غل و زنجیر به هم بسته باشند (نگا: ابراهیم / ۴۹). «دَعَوْا»: فریاد می‌دارند. ندا می‌زنند. «هُنَالِكَ»: در آن مکان تنگ. «ثُبُوراً»: هلاک. یعنی فریاد می‌زنند، مرگ ما را دریاب تا نابود شویم و از عذاب برهیم (نگا: نبأ / ۴۰).

سوره فرقان آیه ۱۴

متن آیه:

﴿لَّا تَدۡعُواْ ٱلۡيَوۡمَ ثُبُورٗا وَٰحِدٗا وَٱدۡعُواْ ثُبُورٗا كَثِيرٗا ١٤﴾

ترجمه:

امروز یک بار نه، بلکه بارها و بارها مرگ را به آرزو بخواهید و فریادش دارید (ولی بدانید که دیگر مرگی وجود ندارد، و خلاص از عذاب و نجات از عقابی که پیوسته رو به افزایش است، غیر ممکن است).

توضیحات:

«ثُبُوراً كَثِيراً»: مراد واویلاها و ناله‌های پشت سر یکدیگر و ای مرگ و ای مرگهای مکرّر است.

سوره فرقان آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا ١٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! بدیشان) بگو: آیا این (سرنوشت دردناک) بهتر است، یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده است؟ (بهشتی که برابر وعده الهی توسّط انبیاء) هم پاداش (اعمال دنیوی) آنان است و هم جایگاه و قرارگاه (سرمدی) ایشان.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: این سرنوشت بدفرجام دوزخ نام.

سوره فرقان آیه ۱۶

متن آیه:

﴿لَّهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعۡدٗا مَّسۡـُٔولٗا ١٦﴾

ترجمه:

(همان بهشتی که) هرچه بخواهند، در آنجا موجود و برای آنان فراهم است، و برای همیشه در آنجا خواهند ماند. این نعمت‌ها وعده خدا بوده است، وعده‌ای که (مؤمنان برابر رهنمود یزدان در کتاب‌های آسمانی) تحقّق آن را از خدا خواسته‌اند.

توضیحات:

«خَالِدِينَ»: حال است. «وَعْداً مَّسْؤُولاً»: وعده‌ای که مورد تقاضا و درخواست مؤمنان از خدا بوده است (نگا: آل‌عمران / ۱۹۴) و فرشتگان نیز آن را برای مؤمنان از

خدا درخواست کرده‌اند (نگا: غافر / ۸). آن چنان این وعده قطعی و حتمی است که مؤمنان می‌توانند آن را در آخرت از خدا مطالبه و درخواست کنند.

سوره فرقان آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ١٧﴾

ترجمه:

(برای اندرز مردمان یادآور شو) روزی را که خداوند همه مشرکان را (برای حساب و کتاب) به همراه همه کسانی که (همچون عیسی و عُزَیر و فرشتگان، در دنیا) بجز خدا می‌پرستیدند، گرد می‌آورد و (به پرستش شدگان) می‌گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کرده‌اید (و بدی‌شان دستور داده‌اید که شما را پرستش نمایند) یا این که خودشان گمراه گشته‌اند (و به اختیار خود شما را پرستش نموده‌اند؟).

توضیحات:

«مَا يَعْبُدُونَ»: مراد عیسی و عُزَیر و فرشتگان و دیگر ذوی‌العقولی است که پرستش شده‌اند (نگا: مائده / ۱۱۶، توبه / ۳۰، انبیاء / ۲۶، سبا / ۴۰ و ۴۱).

سوره فرقان آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا ١٨﴾

ترجمه:

آنان (در پاسخ) می‌گویند: تو منزّه و به دور (از آن چیزهائی) هستی (که مشرکان به تو نسبت می‌دهند). ما (انسان‌ها) را نرسد که جز تو سرپرستانی برای خود برگزینیم (و سوای تو را بپرستیم)، ولیکن (سبب کفر و انحراف‌شان این است که) آنان و پدران و نیاکانشان را (از نعمت‌ها و لذائذ دنیا) برخوردار نموده‌ای، تا آنجا که یاد (تو و سپاس تو) را فراموش کرده‌اند (و به جای شکر نعمت، در شهوات و کامجوئی‌ها فرو رفته‌اند) و مردمان تباهی شده‌اند و هلاک گشته‌اند.

توضیحات:

«مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا...»: ما را نسزد. ما نباید که. مراد ما انسان‌ها و همه خلائق است. «أَوْلِيَآءَ»: مراد معبودها است. «مَتَّعْتَهُمْ»: متمتّع نموده‌ای. از نعمت برخوردار کرده‌ای. «الذِّكْرَ»: مراد یاد پروردگار و عذاب و عقاب کردگار است. «بُوراً»: فاسد و تباه. هلاک شده. این واژه جمع مکسّر (بائِر) یا مصدر است و در معنی جمع.

سوره فرقان آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَقَدۡ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسۡتَطِيعُونَ صَرۡفٗا وَلَا نَصۡرٗاۚ وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا كَبِيرٗا ١٩﴾

ترجمه:

(به پرستش‌کنندگان مشرک گفته می‌شود: شما که می‌گفتید اینان شما را از راه منحرف و گمراه کرده‌اند و به عبادت خود خوانده‌اند! هم اینک) ایشان سخنان شما را تکذیب می‌کنند و نادرست می‌دانند. لذا نه می‌توانید (عذاب الهی را) از خود به دور دارید، و نه می‌توانید (خویشتن را) یاری دهید و (یا از دیگران) یاری ببینید. (بندگان جملگی باید بدانند که) هرکس از شما (با کفر و عصیان، همچون اینان) ستم کند، عذاب بزرگی را بدو می‌چشانیم.

توضیحات:

«بِمَا تَقُولُونَ»: در چیزی که می‌گوئید. حرف (ب) به معنی (فی) است (نگا: آل‌عمران / ۱۲۳، قمر / ۳۴). «صَرْفاً»: دفع عذاب. بازگرداندن (نگا: آل‌عمران / ۱۵۲، اعراف / ۱۴۶، یوسف / ۲۴ و ۳۳). «نَصْراً»: مراد خویشتن را کمک و یاری کردن، و یا از دیگران کمک و یاری دریافت نمودن است.

سوره فرقان آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمۡ لَيَأۡكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشُونَ فِي ٱلۡأَسۡوَاقِۗ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا ٢٠﴾

ترجمه:

ما هیچ یک از پیغمبران را پیش از تو نفرستاده‌ایم مگر این که (همه آنان از جنس بشر بوده‌اند و) غذا می‌خورده‌اند و در بازارها (برای معامله و تهیه نیازمندیهای‌خود) راه می‌رفته‌اند. ما برخی از شما را وسیله امتحان برخی دیگر کرده‌ایم (و اغنیاء را با فقراء، تندرستان را با بیماران، پیغمبران را با کافران و مشرکان، و برعکس می‌آزمائیم). آیا شکیبائی می‌ورزید؟ (تا از عهده امتحان الهی بدر آئید و پاداش بزرگ او را دریافت نمائید؟ شکیبائی کنید، چرا که شکیبائی رکن اصلی پیروزی است). خدای تو بینا است (و همه‌چیز را می‌بیند و همگان را در برابر اعمال‌شان پاداش می‌دهد).

توضیحات:

«فِتْنَةً»: آزمون. آزمایش. «جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً»: مراد آزمایش عمومی مردم به وسیله یکدیگر است (نگا: انعام / ۵۳ و ۱۶۵، انفال / ۲۸، محمّد / ۴).

سوره فرقان آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ نَرَىٰ رَبَّنَاۗ لَقَدِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ وَعَتَوۡ عُتُوّٗا كَبِيرٗا ٢١﴾

ترجمه:

آنان که امیدی به ملاقات ما (در روز رستاخیز نداشته و قیامت را قبول) ندارند می‌گویند: چرا فرشتگان به پیش ما نمی‌آیند (تا بر صدق رسالت تو گواهی دهند؟) یا چرا پروردگار خود را نمی‌بینیم (تا خودش در برابرمان ظاهر و به ما بگوید که او تو را فرستاده است؟) واقعاً آنان خویشتن را بزرگ پنداشته‌اند (و از حدّ خود بسی پا را فراتر) و در ظلم و طغیان سخت سرکشی نموده‌اند.

توضیحات:

«إسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ»: خودشان را دست بالا و بزرگ گرفته‌اند. خود را بزرگ پنداشته‌اند. «عَتَوْا»: سرکشی کرده‌اند. از حدّ خود فراتر رفته‌اند.

سوره فرقان آیه ۲۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَرَوۡنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشۡرَىٰ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُجۡرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ٢٢﴾

ترجمه:

روزی فرشتگان را می‌بینند و در آن روز مژده و نویدی برای بزهکاران در میان نخواهد بود (و بلکه روزی است که از ترس فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پناه!! امان!!

توضیحات:

«يَوْمَ»: در روزی. مراد روز فوت و مرگ هر کسی (نگا: نساء / ۹۷) یا روز قیامت است. «لا بُشْرِي»: بشارت و مژده‌ای نخواهد بود. بشارت مباد. «حِجْراً مَّحْجُوراً»: پناه و امان دهید. دست باز دارید و صدمه‌ای نرسانید که ممنوع و گناه است. (حِجْراً مَّحْجُوراً) اصطلاحی بوده است در میان عرب‌ها که وقتی به کسی برخورد می‌کردند که از او می‌ترسیدند، برای گرفتن امان آن را خطاب به طرف می‌گفتند. مخصوصاً در ماههای حرام و ایام حجّ، اگر دشمنی به دشمنی برخورد می‌کرد و می‌ترسید صدمه‌ای بدو بزند این جمله را تکرار می‌کرد و در امان بود. (حِجْراً) مفعول به فعل مقدّری است و (مَحْجُوراً) صفت است و به عنوان تأکید معنی آمده است. در اصل چنین است: «أَطْلُبُ مِنكَ حِجْراً»، «لا سَبيلَ إِلي رَفْعِهِ وَ دَفْعِهِ». کافران در قیامت خیال می‌کنند با گفتن (حِجْراً مَّحْجُوراً) می‌توانند خویشتن را از دست فرشتگان عذاب و از مجازات و عقاب خدا برهانند.

سوره فرقان آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾

ترجمه:

ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرّات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم (و ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم. چرا که نداشتن ایمان، موجب محو و نابودی احسان، و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد).

توضیحات:

«قَدِمْنَآ إِلي مَا»: به سراغ چیزهائی می‌رویم که. «هَبَآءً»: ذرّات کوچک غبار که به هنگام تابش نور خورشید به داخل اطاق دیده می‌شوند. «مَنثُوراً»: پراکنده. مراد این است که اعمال ایشان را بدان گونه پراکنده می‌داریم که همچون چنین ذرّاتی قابل

جمع نبوده و مفید فائده‌ای نباشند (نگا: ابراهیم / ۱۸).

سوره فرقان آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

بهشتیان در آن روز، جایگاه و استراحتگاه‌شان بهتر و نیکوتر است...

توضیحات:

«خَیْرٌ»: صیغه تفضیل، گاهی در مواردی به کار می‌رود که یک طرف به کلّی فاقد آن است (نگا: فصّلت / ۴۰). لذا این آیه بیان‌گر آن نیست که دوزخیان وضع‌شان خوب است و بهشتیان وضع‌شان از آنان بهتر می‌باشد. «مُسْتَقَرّاً»: قرارگاه. جایگاه. «مَقِیلاً»: استراحتگاه. خوابگاه. از ماده (قیل). واژه‌های (مُسْتَقَرّاً) و (مَقِیلاً) تمییز می‌باشند.

سوره فرقان آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَيَوْمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلْغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

(یادآور شو) روزی را که آسمانِ (کره زمین در آن روز، بر اثر انفجارات کواکب و سیارات) به وسیله ابر (حاصل از گرد و غبار غلیظ کرات) پاره‌پاره (و لکه‌لکه) می‌گردد. و فرشتگان تندتند و پیاپی فرو فرستاده می‌شوند (تا نامه اعمال را به دست مردمان برسانند، و به هنگام حسابرسی و دادگاهی بر آنان گواهی دهند).

توضیحات:

«تَشَقَّقُ»: پاره‌پاره می‌گردد. اشارت به آن است که در آستانه قیامت، انقلابات و انفجارات شگرفی سراسر عالم هستی را فرا می‌گیرد و ابر غلیظی از گرد و غبار کرات متلاشی شده، صفحه آسمان را می‌پوشاند که در لابلای این ابر شکافی وجود دارد. «بِالْغَمَامِ»: به وسیله ابر. همراه ابر. واژه (ب) ممکن است به معنی ملابست باشد، یا برای سببیت بوده، و یا این که به معنی (عَنْ) باشد (نگا: / ۴۴). یعنی: آسمان گاه‌گاهی از لابلای ابر پدیدار می‌شود.

سوره فرقان آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِۚ وَكَانَ يَوۡمًا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ عَسِيرٗا ٢٦﴾

ترجمه:

در آن روز حکومت واقعی و ملک حقیقی، از آن خداوند مهربان است (و مملکت جهان، به صورت ظاهر و باطن و حقیقی و مجازی، در دست یزدان است)، و آن روز برای کافران روز سختی خواهد بود.

توضیحات:

«اَلْحَقُّ»: واقعی. راستین. صفت «اَلْمُلْكُ» است. «عَسِيراً»: سخت. شدید (نگا: قمر / ۸، مدّثّر / ۹).

سوره فرقان آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا ٢٧﴾

ترجمه:

و در آن روز ستمکار (کفرپیشه) هر دو دست خویش را (از شدّت حسرت و ندامت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش! با رسول خدا راه (بهشت را) برمی‌گزیدم (و با قافله انبیاء به‌سوی خوشبختی جاویدان و رضای یزدان سبحان حرکت می‌کردم. ای وای! من، بر خود چه کردم؟).

توضیحات:

«اَلظّالِمُ»: کافر. کسی که با کفر و مخالفت با انبیاء، به خویشتن ظلم کرده است. «يَعَضُّ»: گاز می‌گیرد. دست خود یا انگشت خود را گاز گرفتن، کنایه از خشم و پشیمانی است.

سوره فرقان آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا ٢٨﴾

ترجمه:

ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم.

توضیحات:

«خَلِیلاً»: دوست خاصّ و صمیمی که انسان او را مشاور خود کند.

سوره فرقان آیه ۲۹

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا ٢٩﴾

ترجمه:

بعد از آن که قرآن (برای بیداری و آگاهی) به دستم رسیده بود، مرا گمراه (و از حق منحرف و منصرف) کرد. (آری! این چنین) شیطان انسان را (به رسوائی می‌کشد و) خوارِ خوار می‌دارد.

توضیحات:

«الذِّکْرِ»: قرآن (نگا: آل‌عمران / ۵۸، اعراف / ۶۳ و ۶۹...). یاد خدا (نگا: مائده / ۹۱، رعد / ۲۸). «الشَّیْطَانُ»: اهریمن جنّ و انس. «خَذُولاً»: بسیار خوار کننده و رسوائی به بار آورنده.

سوره فرقان آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا ٣٠﴾

ترجمه:

و پیغمبر (شکوه‌کنان از کیفیت برخورد مردمان با قرآن) عرض می‌کند، پروردگارا! قوم من این قرآن را (که وسیله سعادت دو جهان بود) رها و از آن دوری کرده‌اند (و از ترتیل و تدبّر و عمل بدان غافل شده‌اند).

توضیحات:

«مَهْجُوراً»: متروک. رها شده. مراد از ترک قرآن، دوری گزیدن از: شنیدن و اندیشیدن، عمل به احکام حلال و حرام آن، در اصول و فروع دین حاکم کردن و داوری بردن بدان، درمان دل و درون خود را از قرآن خواستن، و بالاخره عقائد و عبادات و اخلاق از آن آموختن است.

سوره فرقان آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا وَنَصِيرٗا ٣١﴾

ترجمه:

این گونه (که تو ای پیغمبر! با موضع‌گیری و عداوت سرسختانه این گروه روبرو شده‌ای، همه پیغمبران در چنین شرایطی قرار داشته‌اند، و) برای هر پیغمبری گروهی از بزهکاران را دشمن ساخته‌ایم (که با او به مبارزه پرداخته و با مکتب و دعوتش مخالفت ورزیده‌اند. امّا بدان که حق همیشه پیروز است، و تو هم تنها و بدون یاور نیستی، و خدا تو را به راه پیروزی بر آنان راهنمائی می‌کند و یاریت می‌دهد) و همین بس که خدای تو راهنما و یاور باشد.

توضیحات:

«عَدُوّاً»: دشمنان. واژه (عَدُوّ) برای مفرد و جمع به کار می‌رود (نگا: انعام / ۱۱۲، کهف / ۵۰). «الْـمُجْرِمينَ»: بزهکارانی مراد است که فسادشان شدّت گرفته باشد (نگا: انعام / ۱۲۳، یونس / ۱۷، شعراء / ۹۹، مدّثّر / ۴۱).

سوره فرقان آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا ٣٢﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: چرا قرآن بر او یکجا نازل نمی‌شود؟ (و چرا آیات آن تدریجاً و با فواصل مختلف زمانی نازل می‌گردد؟). همین گونه (ما قرآن را به صورت آیات جداگانه و بخش‌بخش می‌فرستیم) تا دل تو را (با اُنس بدان و حفظ آن) پابرجا و استوار بداریم، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام (توسّط جبریل، بر تو) فرو می‌خوانیم (تا آن را با دقّت بیاموزی و کم‌کم به خاطر سپاری).

توضیحات:

«جُمْلَةً وَاحِدَةً»: به یکباره. یکجا. (جُمْلَةً) حال، و (واحِدَةً) صفت مؤکده است. «كَذالِكَ»: بدین گونه. یعنی به همین گونه جداجدا و گاه‌گاه. «رَتَّلْناهُ تَرْتيلاً»: آن را جداجدا و کم‌کم فرو می‌خوانیم و پیاپی و منظّم نازل می‌گردانیم. نزول تدریجی قرآن از نظر تلقّی وحی، و ابلاغ به مردم، و اجرا قوانین آن در برنامه زندگی در مناسبتهای

تاریخی و حوادثی که در مسیر انقلابی امّت اسلامی به وقوع می‌پیوندد، دارای اثرات عمیق‌تری است.

سوره فرقان آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلَا يَأۡتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَأَحۡسَنَ تَفۡسِيرًا ٣٣﴾

ترجمه:

(این کافران) هیچ مثالی را (به عنوان اعتراض از قرآن و رخنه از رسالت و دعوت تو) به میان نمی‌کشند، مگر این که ما پاسخ راست و درست را، و بهترین وجه و زیباترین تبیین و تفسیر را به تو می‌نمایانیم (و بدین وسیله اعتراضات واهی ایشان را پاسخ داده و باطل می‌گردانیم).

توضیحات:

«مَثَلٍ»: مراد اعتراضات و شبهات است. «الْحَقِّ»: جواب درست و پاسخ واقعی. «أَحْسَنَ»: بهترین و زیباترین چیز در حدّ ذات خود. عطف بر «الْحَقِّ» یا محلّ آن است.

سوره فرقان آیه ۳۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُحۡشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُوْلَٰٓئِكَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ٣٤﴾

ترجمه:

کسانی که کشان‌کشان بر رخساره‌هایشان به‌سوی دوزخ برده می‌شوند و در آن گرد آورده می‌شوند، آنان بدترین جایگاه و منحرف‌ترین راه را دارند.

توضیحات:

«یُحْشَرُونَ... إِلي...»: (نگا: انعام / ۳۸ و ۵۱، انفال / ۳۶). «مَکاناً»: مراد مرتبه و پلّه و پایه دنیوی، و یا منزل و مأوی و جایگاه اخروی است.

سوره فرقان آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرٗا ٣٥﴾

ترجمه:

ما به موسی کتاب (تورات) عطاء کردیم (و او را موظّف به تبلیغ احکام آن نمودیم)

و برادرش هارون را همراه و مددکار او ساختیم (تا وی را در کار مهمّ رسالت و برنامه سنگین مبارزه با فرعون و فرعونیان کمک و یاری نماید).

توضیحات:

«وَزِیراً»: معین. یاور. مددکار (نگا: طه ۲۹ - ۳۵).

سوره فرقان آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَقُلۡنَا ٱذۡهَبَآ إِلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَدَمَّرۡنَٰهُمۡ تَدۡمِيرٗا ٣٦﴾

ترجمه:

گفتیم: هر دو نفر به‌سوی مردمانی بروید که آیات ما را تکذیب کرده‌اند (و نشانه‌های خدا را که در آفاق و انفس پخش است نادیده گرفته‌اند و تعلیمات انبیای پیشین را پشت گوش انداخته‌اند. موسی و هارون به پیش فرعون و فرعونیان رفتند و آنان آن دو را تکذیب کردند) پس ما ایشان را به شدّت هلاک و نابود کردیم.

توضیحات:

«كَذَّبُوا بِئَايَاتِنَا...»: مراد از (آیات) نشانه‌های خداشناسی موجود در گستره هستی، یا آیات کتاب‌های آسمانی پیشین، و یا معجزات نهگانه‌ای است که بر دست موسی انجام گرفته است. «فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيراً»: ایشان را سخت هلاک ساختیم. این جمله جواب جمله مقدّر محذوفی بوده و در اصل چنین است: «فَذَهَبَا إِلَيْهِم بِالرِّسَالَةِ فَكَذَّبُوهُمَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيراً...». در اینجا علّت استحقاق عذاب فرعون و فرعونیان مورد نظر است، و چکیده‌ای از سرگذشت ایشان بدون در نظر گرفتن تقدم و تأخر زمانی مطالب حادثه، برای پیغمبر نقل می‌شود.

سوره فرقان آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ لَّمَّا كَذَّبُواْ ٱلرُّسُلَ أَغۡرَقۡنَٰهُمۡ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ لِلنَّاسِ ءَايَةٗۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا ٣٧﴾

ترجمه:

(قبل از موسی نیز چنین کردیم) و قوم نوح را غرق نمودیم و ایشان را عبرت مردمان ساختیم، بدان گاه که پیغمبران را تکذیب کردند. ما برای ستمگران عذاب

دردناکی فراهم ساخته‌ایم.

توضیحات:

«قَوْمَ»: مفعول‌به برای فعل محذوفی است و منصوب به اشتغال‌است و فعل (أَغْرَقْنَاهُمْ) بیان‌گر آن‌است. «الرُّسُلِ»: مراد فقط نوح است. ولی تکذیب یکی از انبیاء، به منزله تکذیب همه پیغمبران است. «ءَایَةً»: عبرت. اندرز.

سوره فرقان آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَعَادًا وَثَمُودَاْ وَأَصۡحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونَۢا بَيۡنَ ذَٰلِكَ كَثِيرٗا ٣٨﴾

ترجمه:

و عاد و ثمود و اصحاب الرّس و ملّت‌ها و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند (هلاک ساختیم).

توضیحات:

«أَصْحَابَ الرَّسِّ»: اصحاب الاخدود مذکور در سوره بروج آیه چهار است. چرا که (أُخدود) به معنی شکاف و گودال مستطیل شکل در زمین است، و از جمله معانی (رَسّ) هم معنی چاه و حفره است. مراد کافرانی است که در یمن زندگی می‌کردند و خواستند مسیحیان موحّد و راستین نجران را که در همسایگی آنان می‌زیستند به کفر برگردانند. مسیحیان خداشناس نپذیرفتند و بر دین آسمانی ماندگار شدند. رؤسای کفّار برای وا داشتن ایشان گودالی را کندند و در آن آتش برافروختند و هر که مسیحیت را ترک نگفت بدان گودالش انداختند. «قُرُوناً»: ملّت‌ها و اقوام (نگا: انعام / ۶، یونس / ۱۳، مؤمنون / ۴۲).

سوره فرقان آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَكُلّٗا ضَرَبۡنَا لَهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَۖ وَكُلّٗا تَبَّرۡنَا تَتۡبِيرٗا ٣٩﴾

ترجمه:

(ولی ما هرگز غافلگیرانه آنان را مجازات نکردیم و بلکه) برای همه آنان مثل‌ها زدیم (و پندها و اندرزها گفتیم. امّا به خود نیامدند و اندرز نپذیرفتند) و ما جملگی ایشان را

سخت هلاک و نابود کردیم.

توضیحات:

«کُلاًّ»: مفعول‌به برای فعل محذوفی است و از باب اشتغال است. «الأَمْثَالَ»: مواعظ و مثل‌های سودمند. «تَتْبِیراً»: سخت هلاک کردن و نابود ساختن.

سوره فرقان آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَتَوۡاْ عَلَى ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِيٓ أُمۡطِرَتۡ مَطَرَ ٱلسَّوۡءِۚ أَفَلَمۡ يَكُونُواْ يَرَوۡنَهَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ نُشُورٗا ۝٤٠﴾

ترجمه:

(قریشیان در سفرهای خود به شام) از کنار شهری که باران شر و بدبختی (سنگباران) بر سر اهالی آنجا در گرفته بود گذشته‌اند (و صحنه‌های گویا و تابلوهای زنده سرنوشت دردناک آلودگان و بزهکاران را دیده‌اند). مگر آنها را ندیده‌اند؟! (آری! این صحنه‌ها را دیده‌اند، ولی درس عبرت نگرفته‌اند. چرا که آنان کافر بوده و اصلاً به رستاخیز معتقد نیستند) و به معاد دل نمی‌بندند.

توضیحات:

«الْقَرْيَةِ»: بزرگ‌ترین شهر قوم لوط مراد است. «نُشُوراً»: زنده شدن دوباره. رستاخیز. معاد (نگا: فرقان / ۳، فاطر / ۹، ملک / ۱۵).

سوره فرقان آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَوۡكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ۝٤١﴾

ترجمه:

هنگامی که تو را می‌بینند، تنها به استهزاء و تمسخرت می‌گیرند، (و شوخی‌کنان برخی به برخی می‌گویند:) این است آن کسی که خدا او را به عنوان پیغمبر فرستاده است؟! (تا ما عقلاء و کبراء از او پیروی کنیم و به دنبالش راه بیفتیم؟!).

توضیحات:

«إِنْ»: نه. حرف نفی است (نگا: ملک / ۲۰). «هُزُواً»: تمسخر. در اینجا به معنی مسخره شده، یعنی (مَهْزُوءٌ بِهِ) به کار رفته‌است. (نگا: بقره / ۶۷ و ۲۳۱، مائده / ۵۷ و

۵۸...) «هذا»: این. در اینجا جنبه تحقیر و کوچک شمردن دارد.

سوره فرقان آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا لَوۡلَآ أَن صَبَرۡنَا عَلَيۡهَاۚ وَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ حِينَ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ مَنۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ۝٤٢﴾

ترجمه:

اگر ما استقامت و پایداری بر (پرستش) خدایان خود نکنیم، بیم آن می‌رود که (این مرد ما را گمراه سازد، و با حسن بیان و قوّت حجّت خویش) ما را از معبودهایمان منصرف کند (و به‌سوی یکتاپرستی متمایل نماید، و در نتیجه منحرفمان گرداند. مشرکان در روز قیامت) هنگامی که عذاب (خدا) را دیدند، خواهند دانست که چه کسی گمراه و منحرف است. (آیا تو بیراهه می‌روی، یا این که ایشان کژراهه می‌روند).

توضیحات:

«إِن كَادَ...»: نزدیک است که. حرف (إِنْ) مخفّف از مثقّله است، و اسم آن محذوف و اصل آن: (إِنَّهُ كَادَ) است. «لَيُضِلُّنَا عَنْ...»: منصرفمان کند از. گمراهمان کند از.

سوره فرقان آیه ۴۳

متن آیه:

﴿أَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيۡهِ وَكِيلًا ۝٤٣﴾

ترجمه:

به من بگو ببینم، آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش می‌کند (و آرزوپرستی را جایگزین خداپرستی می‌سازد، تا آنجا که سنگهای بی‌جانی را برمی‌گزیند و به دلخواه می‌پرستد) آیا تو وکیل او خواهی بود؟ (و می‌توانی او را از هواپرستی به خداپرستی برگردانی، و از ضلالت به هدایت بکشانی؟!).

توضیحات:

«أَرَأَيْتَ»: مرا خبر بده. به من بگو (نگا: المصحف المیسّر). «مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ»: کسی که هوی و هوس را معبود و خدای خود ساخته است. مراد از آرزوپرستی، به فرمان دل گوش کردن، و فرمان خدا و رسول و رهنمود عقل را رها کردن است (نگا: کهف / ۲۸، طه / ۱۶، قصص / ۵۰). «وَكيلاً»: کسی که کار و بار خود را بدو

وامی‌گذارند. مراد این است رسول خدا قادر به دفاع و هدایت چنین اشخاصی نیست و تنها بَشیر و نَذیر و سِراج مُنیر «ورحمةًلِلْعَالَمِین است»، و بر رسولان پیام باشد و بس.

سوره فرقان آیه ۴۴

متن آیه:

﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

آیا گمان می‌بری که بیشتر آنان (چنان که باید) می‌شنوند یا می‌فهمند؟! (نه! آنان تفکر و تعقّل ندارند). ایشان همچون چهارپایان هستند، و بلکه گمراه‌تر.

توضیحات:

«إِن هُمْ...»: واژه (إِنْ) حرف نفی است. «کَالأنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»: (نگا: اعراف / ۱۷۹).

سوره فرقان آیه ۴۵

متن آیه:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینی که پروردگارت چگونه سایه را گسترانیده است؟ (و شامل همه کره زمین به طور متناوب کرده است، و با نظام ویژه نور و ظلمت، زندگی را برای انسان‌ها و جانداران و گیاهان ممکن و آسان ساخته است؟!) و همچنین خورشید را دالّ بر این سایه گسترده کرده است؟ اگر خدا می‌خواست سایه را ساکن می‌کرد (و با استقرار دائم ظلمت، توازن حرارت را به هم می‌زد، و حیات را از گستره زمین برمی‌چید).

توضیحات:

«مَدَّ الظِّلَّ...»: سایه را همه جا گستر کرده است. اشاره به این است که سایه گاهی بر قسمت شرقی و گاهی بر قسمت جنوبی کره زمین می‌افتد، و بر اثر گردش زمین به دور خود، شب و روز تولید می‌گردد و سایه و روشنی همه جا را به نوبه فرا می‌گیرند، و بر اثر گردش زمین به دور خورشید، فصول چهارگانه تشکیل، و قطب شمال و قطب

جنوب هم مانند سایر نقاط زمین به طور متناوب از نور و سایه برخوردار می‌شوند. «عَلَيْهِ دَلِيلاً»: رهنمون به آن. بیان‌گر آن. اشاره به این است که خورشید شناساننده تاریکی است، چرا که ضدّ به ضدّ شناخته می‌شود. «ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً»: این جمله عطف بر جمله (مَدَّ الظِّلَّ) است، و (وَ لَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَهُ سَاكِناً) میان آنها جمله معترضه است.

سوره فرقان آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

سپس ما آن سایه را آهسته جمع کرده و برمی‌چینیم (و این برچیدن تدریجی بیشترین فائده را برای موجودات دارد).

توضیحات:

«قَبَضْنَاهُ»: آن را جمع می‌گردانیم. مراد محو تدریجی سایه بر حسب موقعیت خورشید است. «إِلَيْنَا»: به‌سوی خود. این تعبیر بیان‌گر این است که تابش نور و گسترش سایه - بر اثر طلوع و غروب خورشید - هر دو در دست خدا و ناشی از قدرت «لایزال الله» در نظام کائنات است.

سوره فرقان آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِبَاسًا وَٱلنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾﴾

ترجمه:

این خدا است که برای شما شب را (همچون) پوشش، و خواب را (مایه) آرامش و آسایش، و روز را (هنگام) بیداری (و جنبش و تلاش و کوشش) نموده است.

توضیحات:

«لِبَاساً»: مراد این است که تاریکی شب همچون جامه شما را در خود می‌پوشاند. «سُبَاتاً»: تعطیل کار به منظور استراحت و تجدید قوا است. ضمناً اشاره لطیفی به تعطیل فعّالیت‌های برخی از اندام‌های بدن به هنگام خواب دارد. «نُشُوراً»: بیداری.

مراد وقت بیداری و تلاش و کوشش و حرکت و جنبش است که به زنده شدن دوباره رستاخیز می‌ماند (نگا: فرقان / ۳ و ۴۰، فاطر / ۹، ملک / ۱۵).

سوره فرقان آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِیٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّیَٰحَ بُشۡرَۢا بَیۡنَ یَدَیۡ رَحۡمَتِهِۦۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ طَهُورٗا ٤٨﴾

ترجمه:

خدا کسی است که بادها را به عنوان مژده‌رسانهای پیش قراول باران رحمت خود وزان می‌کند... و این ما هستیم که از آسمان آب پاک و پاک کننده (محیط و چرک و کثافت) را نازل می‌گردانیم.

توضیحات:

«الرِّیَاحَ»: جمع ریح، بادها، ذکر آن به صورت جمع، اشاره به انواع مختلف بادها است که ابرها را به مناطق روی زمین می‌رانند. «بُشْراً»: مخفّف (بُشُراً) جمع (بَشُور) به معنی مبشّر است. مژده‌رسانها. بشارت دهندگان (نگا: اعراف / ۵۷). «بَیْنَ یَدَیْ»: پیش از. قبل از. «رَحْمَتِهِ»: رحمت او. مراد باران است که رحمت خدا در حقّ بندگان است. اشاره به وزش بادها در پیشاپیش توده‌های ابر است که آمیخته با رطوبت ملایمی بوده و نسیم دل‌انگیزی ایجاد می‌کند که از آن بوی باران به مشام می‌رسد و به مژده رسان‌هائی می‌مانند که خبر از خوشی‌ها و شادی‌ها می‌دهند. «السَّمَآءِ»: مراد ابر آسمان است (نگا: واقعه / ۶۹). «طَهُوراً»: پاک. پاک کننده (نگا: انفال / ۱۱).

سوره فرقان آیه ۴۹

متن آیه:

﴿لِّنُحۡـِۧیَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّیۡتٗا وَنُسۡقِیَهُۥ مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِیَّ كَثِیرٗا ٤٩﴾

ترجمه:

تا با آن آب سرزمین مرده (و خشکیده را با رویاندن گیاهان، سرسبز و) زنده گردانیم، و آن را برای نوشیدن در اختیار مخلوقاتی که آفریده‌ایم، از جمله چهارپایان زیاد و مردمان فراوان، قرار دهیم.

توضیحات:

«بَلْدَةً»: سرزمین. «مَيْتاً»: مرده. مراد خشک و بی‌آب و علف است. (مَيْتاً) صفت (بَلْدَةً) است و می‌بایست به صورت مؤنّث، یعنی (مَيْتَة) ذکر شود، امّا در اینجا توجّه به معنی است که (بَلَداً) است؛ نه به لفظ (نگا: فاطر / ۹). «نُسْقِيَهُ»: آن را برای نوشیدن در اختیار قرار دهیم. برخی (إسقاء) و (سقْي) را به یک معنی دانسته‌اند. «أَنْعَام»: چهارپایان. «أَنَاسِيَّ»: جمع إنسان یا إنسی، مردمان.

سوره فرقان آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُمۡ لِيَذَّكَّرُواْ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ۝٥٠﴾

ترجمه:

ما قرآن را به صورتهای گوناگون (در قالب الفاظ زیبا و جمله‌های مؤثّر و گیرا و شیوه‌های دلربا) در میان مردمان بیان داشته‌ایم تا آنان (خدای خود را) یاد کنند و پند گیرند، امّا بسیاری از مردم جز کفر و ناسپاسی (در برابر آن از خود) نشان نمی‌دهند.

توضیحات:

«صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ»: ما باران را در میان انسان‌ها تقسیم می‌کنیم و گاهی باران را در این ناحیه و گاهی در آن ناحیه می‌بارانیم و از نعمت آب بهره‌مند می‌گردانیم (نگا: نور / ۴۳). در این صورت مرجع ضمیر (ه) باران است. امّا با توجّه به آیه ۵۲ و موارد استعمال (صرف) به صورت فعل‌های ماضی و مضارع در قرآن و ذکر (لِيَذَّكَّرُوا) یا همانند آن پشت سر آن، مرجع ضمیر (قرآن) است (نگا: إسرا / ۴۱ و ۸۹، کهف / ۵۴، طه / ۱۱۳، احقاف / ۲۷، أنعام / ۴۶ و ۶۵) و معنی آن گذشت. «كُفُوراً»: کفران نعمت. کفر و انکار.

سوره فرقان آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَبَعَثۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا ۝٥١﴾

ترجمه:

اگر ما می‌خواستیم در هر شهر و روستائی، (پیغمبر) بیم‌رسانی را برمی‌انگیختیم.

(ولی صلاح امت‌ها و ملّت‌ها در این نمی‌باشد).

توضیحات:

«قَرْيَةٍ»: شهر. روستا. مراد ناحیه و دیار است. «نَذِيراً»: بیم‌دهنده. منظور پیغمبری است که مردمان را از سرکشی و عذاب خدا بترساند.

سوره فرقان آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا ٥٢﴾

ترجمه:

پس (در تبلیغ رسالت و دعوت به حق، استوار و کوشا باش و) از کافران اطاعت مکن (و به دنبال هوس‌ها و خرافات ایشان مرو) و با (اسلحه) قرآن با آنان جهاد بزرگ (و همه جانبه تبلیغاتی) را بیاغاز.

توضیحات:

« جَاهِدْهُم بِهِ »: با حجّت و برهان و درس‌ها و عبرت‌های قرآن، جهاد فکری و فرهنگی و تبلیغاتی را با کافران به راه انداز. هر چند در آیات پیشین از قرآن نامی به میان نیامده است، ولی هر کلمه و هر جمله‌ای از آیه‌های قبلی بخشی از قرآن بوده و تسمیه کلّ به اسم جزء روا است (نگا: بقره / ۲). از سوی دیگر حضور قرآن در ذهن، خود مرجع ضمیر است.

سوره فرقان آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞ وَجَعَلَ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٗا وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ٥٣﴾

ترجمه:

خدا کسی است که دو دریا را در کنار هم روان‌می‌سازد (و بر اثر وزن مخصوص، یعنی تفاوت درجه غلظت آب شور و شیرین، آمیزه همدیگر نمی‌شوند و) این یکی شیرینِ شیرین است، و آن دیگر شورِ شور! خداوند در میان آن دو حاجز و مانعی ایجاد کرده‌است که آنها را کاملاً از هم جدا ساخته است.

توضیحات:

«مَرَجَ»: به‌سوی هم سر داده است. مجاور هم رها و روان کرده است. «الْبَحْرَيْنِ»:

مراد تمام آب‌های شیرین جهان و تمام آب‌های شور آن است که با وجود جزر و مدّ آب دریاها که در شبانه‌روز دو مرتبه بر اثر جاذبه ماه صورت می‌گیرد، کوه‌ها و خشکی‌ها مانع اختلاط دریاها می‌گردند. یا این که مراد این است همان‌گونه که در میان اقیانوس‌ها جریان آبهای گرم در داخل آبهای سرد، و آبهای سرد در داخل آب‌های گرم صورت می‌گیرد، آب‌های شیرین در میان آب‌های شور، و آب‌های شور در میان آب‌های شیرین نیز وجود دارد (نگا: أضواءالبیان، جلد ششم، صفحه۳۳۹) به آیات ۶۱ سوره نمل، و ۱۹ سوره الرحمن، و ۱۲ سوره فاطر جهت اطّلاع بیشتر مراجعه گردد. «عَذْبٌ»: شیرین و خوشگوار. «فُراتٌ»: بسیار خوشگوار (نگا: مرسلات / ۲۷). «مِلْحٌ»: شور. «أُجَاجٌ»: بسیار شور. «بَرْزَخاً»: حاجز و مانع. مراد تفاوت درجه غلظت آب شور و شیرین، و به اصطلاح وزن مخصوص است. یا کوه‌ها و خشکی‌های روی زمین است. «حِجْراً»: منع، و در اینجا به معنی مانع است. عطف (حجرا) بر (بَرْزَخاً)، عطف صفت بر موصوف است. «حِجْراً مَّحْجُوراً»: (نگا: فرقان / ۲۲). واژه‌های (عَذْبٌ ، فُراتٌ ، مِلْحٌ و أُجاجٌ) صفت مشبّهه‌اند (نگا: أضواءالبیان).

سوره فرقان آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ مِنَ ٱلۡمَآءِ بَشَرٗا فَجَعَلَهُۥ نَسَبٗا وَصِهۡرٗاۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرٗا ٥٤﴾

ترجمه:

خدا است که از آب (مَنی) انسان‌ها را آفریده است و ایشان را به (دو گروه) ذُکور و إناث تبدیل کرده است، و پروردگار تو همواره (بر انجام هر چه بخواهد) توانا بوده و هست.

توضیحات:

«الْمَآءِ»: مراد از آب، نطفه است. می‌تواند آب معمولی باشد. یعنی انسانِ نخستین، از آب آفریده شده، و پیدایش تمام افراد انسان از آب نطفه است، و حتّی آب مهمترین ماده ساختمان بدن انسان را تشکیل می‌دهد. «نَسَباً»: خویشاوندی حاصل از جهت مردان. «صِهْراً»: خویشاوندی حاصل از جهت زنان. مراد از (نَسَباً و صِهْراً) دو دسته نر و ماده، یعنی مردان و زنان است (نگا: نجم / ۴۵ و ۴۶، قیامت / ۳۹).

سوره فرقان آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمۡ وَلَا يَضُرُّهُمۡۗ وَكَانَ ٱلۡكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرٗا٥٥﴾

ترجمه:

مشرکان معبودهائی جز خدا را پرستش می‌کنند که نه سودی به آنان می‌رسانند و نه زیانی. کافران پیوسته در راه سرکشی از پروردگارشان همدیگر را پشتیبانی می‌کنند.

توضیحات:

«الْکَافِر»: جنس کفّار. «عَلي رَبِّهِ»: بر ضدّ پروردگارش. مراد این است که کافران در مسیر انحراف از راه خدا تنها نیستند و بر ضدّ آئین خدا یکدیگر را تقویت و نیروهائی را بسیج می‌نمایند (نگا: اعراف / ۲۰۲). در نظر پروردگارش. «ظَهِیراً»: پشتیبان. یاور شیطان و دیگر کافران در راه معصیت و سرکشی از یزدان. خوار و ذلیل (نگا: تفسیر المراغی و آلوسی و زادالمسیر). در صورت دوم معنی (وَکَانَ الْکَافِرُ عَلي رَبِّهِ ظَهِیراً) چنین است: کافر در نظر خدایش ناچیز و بی‌ارزش است.

سوره فرقان آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٥٦﴾

ترجمه:

ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده (مؤمنان به بهشت) و بیم دهنده (کافران به دوزخ، به‌سوی مردم) نفرستاده‌ایم.

توضیحات:

«مُبَشِّراً»: مژده‌رسان.

سوره فرقان آیه ۵۷

متن آیه:

﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٥٧﴾

ترجمه:

بگو: من در برابر ابلاغ این آئین هیچ‌گونه پاداشی از شما مطالبه نمی‌کنم. تنها پاداش من این است که کسی - اگر خواست - راه به‌سوی پروردگارش در پیش گیرد

(و در مسیری که منتهی به رضا و رحمت و پاداش فراوان یزدان است گام بردارد).

توضیحات:

«قُلْ مَآ أَسْأَلُكُمْ»: مراد این است که در برابر تبلیغ دین خدا، پولی از شما نمی‌خواهم و برای دریافت چیزی چنین کاری را نمی‌کنم. «إِلاّ مَن شَآءَ»: جز این را که کسی به اختیار خود این آئین را بپذیرد و گام به‌سوی خدا بردارد و راه خدا در پیش گیرد. استثناء منقطع است، و (إِلاّ) به معنی (لكِنَّ) است. برخی هم گفته‌اند استثناء متّصل است و تقدیر چنین است: «مَآ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاّ أَجْرَ مَنْ ءَامَنَ ، أَيْ إِلاّ الأَجْرَ الْحَاصِلَ مِنْ إِيمانِهِ؛ فَإِنَّ الدَّالَّ عَلَي الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ...» یعنی تنها اجر و پاداش من هدایت شما است، آن هم از روی اراده و اختیار نه اکراه و اجبار.

سوره فرقان آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَىِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾﴾

ترجمه:

و (در همه امور) بر خداوندی تکیه کن که همیشه زنده است و هرگز نمی‌میرد، و حمد و ثنای او را به جای آور (و بدان تو عهده دار ایمان یا کفر مردمان نیستی و خدا همگان را می‌پاید) و همین کافی است که خداوند از گناهان بندگانش آگاه است (و هیچ‌گونه گناهی از دید او مخفی نمی‌ماند).

توضیحات:

«الْحَيِّ»: (نگا: بقره / ۲۵۵، آل‌عمران / ۲، طه / ۱۱۱). «كَفي بِهِ»: او کافی و بسنده است.

سوره فرقان آیه ۵۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ ٱلرَّحْمَٰنُ فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾﴾

ترجمه:

آن کسی‌که آسمان‌ها و زمین را و همه چیزهای میان آن دو را در شش دوره آفریده است، و آن گاه بر تخت (فرماندهی و اراده امور جهان) نشسته است (و کار و بار کائنات را با دست قدرت خود چرخانده است و پیوسته مراقب احوال و اوضاع عالم بوده است). او دارای رحمت فراوان و فراگیر است (و رحمت عام وی همه موجودات را دربر گرفته است و مطیع و عاصی و مؤمن و کافر بر این خوان یغما نشسته‌اند اگر می‌خواهی از ادوار آفرینش هستی باخبر گردی) پس از شخص بسیار آگاه و فرزانه بپرس.

توضیحات:

«سِتَّةِ أَيَّامٍ... ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ»: (نگا: اعراف / ۵۴). «الرَّحْمنُ»: دارای رحمت فراگیر. خدائی که دارای رحمت عظیم و لطف عمیم است. خبر مبتدای محذوف است و در حقیقت وصف دیگری برای (الْحَيِّ) است، و بنا به قاعده قطع تابعیت، مرفوع شده است. «فَسْئَلْ بِهِ خَبِيراً»: درباره آن آفرینش و نیاز جهان به آفریدگار رحمان از دانشمند فرزانه‌ای بپرس تا از آن تو را مطّلع سازد. چه بسا اشاره به این باشد که در پرتو پیشرفت علوم خدا شناخته می‌گردد و پرده از چگونگی پیدایش جهان و ادوار آن برداشته می‌شود. چنان که امروزه پیدایش یکجا و ناگهانی مجموعه جهان از عدم را پنج بیلیون سال پیش تخمین می‌زنند (نگا: «اللهُ يَتجَلّي فِي عَصْرِ الْعِلْمِ»، صفحه ۲۷، مقاله دکتر ادوارد لوترکیسیل، و صفحه ۸۵، مقاله دکتر رونالد روبرت‌کار). برخی ضمیر (ه) را به (الله) برمی‌گردانند. یعنی از من که خدایم بپرس، چرا که من آگاه و آشنایم. آگاهانه از آن آفرینش و نیاز جهان به آفریدگار جهان پرس‌وجو و بحث و فحص کن و تحقیق در این باره برایت مهمّ باشد. «خَبِيراً»: مفعول یا حال است.

سوره فرقان آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا۩ ۝٦٠﴾

ترجمه:

هنگامی که به کافران گفته می‌شود: برای خداوند رحمان (که سراسر وجود شما غرق رحمت او است، کرنش ببرید و) سجده کنید. (از روی کبر و غرور و از سر استهزاء و تمسخر) می‌گویند: رحمان چه چیز است؟ (ما که او را نمی‌شناسیم تا برایش

سجده برده و پرستش کنیم). آیا ما برای چیزی سجده کنیم (و پرستش نمائیم) که تو به ما دستور می‌دهی؟ (مگر ما به سخن تو گوش می‌دهیم و فرمان تو را می‌پذیریم؟! امر به سجده در آن بیماردلان اثر معکوس می‌گذارد) و بر نفرت و گریز ایشان (از پذیرش ایمان) می‌افزاید.

توضیحات:

«مَاالرَّحْمَانُ»؟: رحمان چیست؟ مراد این است که تمسخر و تفرعن می‌کردند و همچون فرعون رفتار می‌نمودند که تجاهل کنان به موسی می‌گفت: «وَمَا رَبُّ الْعَالَمِینَ»؟! (نگا: شعراء / ۲۳). «زَادَ»: فاعل آن امر به سجده یا ذکر واژه رحمان است. «نُفُوراً»: بیزاری و گریز (نگا: إسراء / ۴۱ و ۴۶).

سوره فرقان آیه ۶۱

متن آیه:

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي جَعَلَ فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا ۝٦١﴾

ترجمه:

پاینده و بزرگوار خدای رحمانی است که در آسمان برجهائی را به وجود آورده‌است و در آن، چراغ (فروزان خورشید) و ماه تابان را ایجاد نموده است.

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: (نگا: فرقان / ۱). «بُرُوجاً»: برجهای دوازده‌گانه فلکی. منزلگاههای آسمانی خورشید و ماه (نگا: فرقان / ۶۱، حجر / ۱۶). «سِرَاجاً»: چراغ. مراد خورشید است که منبع نور است (نگا: یونس / ۵، نوح / ۱۶). «قَمَراً مُنِیراً»: ماه تابان. ماه روشنی‌بخش (نگا: یونس / ۵، نوح / ۱۶).

سوره فرقان آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝٦٢﴾

ترجمه:

خدای رحمان کسی است که شب و روز را (به طور متناوب) جایگزین یکدیگر می‌سازد، برای (عبرت) انسانی که بخواهد به یاد خدا باشد (و فطرت خداشناسی را در

خود بیدار نگاه دارد) یا بخواهد (نعمت‌های بی‌شمار آفریدگارش را) سپاس‌گزاری کند (و با زنده نگاه داشتن روح شکرگزاری، بر الطاف و انعام خدا در حق خود بیفزاید).

توضیحات:

«خِلْفَةً»: چیزی که به دنبال چیز دیگری می‌آید. «أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ»: بخواهد به یاد خدا باشد. بخواهد به حکمت خدا و قدرت مطلقه او از روی مشاهده نظام بدیع خورشید و ماه و ابراج آسمانی و ستارگان کیهانی پی ببرد.

سوره فرقان آیه ۶۳

متن آیه:

﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣﴾

ترجمه:

و بندگان (خوب خدای) رحمان کسانیند که آرام (و بدون غرور و تکبّر) روی زمین راه می‌روند (و تواضع در حرکات و سکنات ایشان و حتی در راه رفتن آنان آشکار است)، و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب (دشنامها و بد و بیراههای خود) قرار می‌دهند، از آنان روی می‌گردانند و به ترک ایشان می‌گویند.

توضیحات:

«هَوْناً»: آهسته و آرام. مراد با وقار و فروتنانه راه رفتن، و ترک خودخواهی کردن است. مصدر است و در معنی اسم فاعل برای تأکید به کار رفته است. «الْجَاهِلُونَ»: سفهاء. نادانان. «سَلاماً»: درود. مراد سلام متارکه و دوری گزیدن و رویگردانی است؛ نه سلام احوال‌پرسی و خوش و بش کردن (نگا: قصص / ۵۵).

سوره فرقان آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ٦٤﴾

ترجمه:

و کسانیند که (بخش قابل ملاحظه‌ای از شب، و گاهی تمام) شب را با سجده و قیام به روز می‌آورند (و با عبادت و نماز سپری می‌کنند).

توضیحات:

«يَبِيتُونَ»: شب را بسر می‌برند. مراد تهجّد و شب زنده‌داری است. «سُجَّداً وَ قِيَاماً»: جمع ساجِد و قائِم، حال است.

سوره فرقان آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۝٦٥﴾

ترجمه:

و کسانیند که پیوسته می‌گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما به دور دار. چرا که عذاب آن (گریبانگیر هر کس که شد از او) جدا نمی‌گردد (و تا ابد ملازم وی می‌شود).

توضیحات:

«اصْرِفْ عَنَّا»: از ما منصرف گردان. از ما بازدار (نگا: یوسف / ۲۴ و ۳۳). «غَرَاماً»: ملازم. غیر دست بردار. هلاک و نابودی همیشگی و بی‌انقطاع.

سوره فرقان آیه ۶۶

متن آیه:

﴿إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝٦٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است.

توضیحات:

«مُسْتَقَرّاً»: مکان ماندن موقّت. «مُقَاماً»: محلّ اقامت دائم. «مُسْتَقَرّاً وَ مُقَاماً»: عطف این دو واژه بر یکدیگر، بیان‌گر افزایش کمیت و کیفیت عذاب و رو به فزونی نهادن آن در طول مدّت است (نگا: فاطر / ۳۶).

سوره فرقان آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ۝٦٧﴾

ترجمه:

و کسانیند که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند.

توضیحات:

«أَنفَقُوا»: خرج کردند. برای خود و خانواده خرید کردند. «لَـمْ يَقْتُرُوا»: سختگیری نمی‌کنند و بخل نشان نمی‌دهند. «قَوَاماً»: حد وسط. میانه‌روی. یعنی نه آن چنان سخت‌گیری و تنگ چشمی می‌کنند که زن و فرزندان‌شان گرسنه بمانند، و نه آن چنان در مخارج و نفقه زیاده‌روی و باد دستی می‌کنند که تبذیر و اسراف بشمار آید.

سوره فرقان آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾﴾

ترجمه:

و کسانیند که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند، و انسانی را که خداوند خونش را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق، و زنا نمی‌کنند. چرا که هر کس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک و قتل و زنا) را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند.

توضیحات:

«لا يَدْعُونَ»: فرا نمی‌خوانند. نمی‌پرستند. «بِالْحَقِّ»: مراد این است که شخص کاری کرده باشد که در برابر آن مستحقّ قصاص باشد (نگا: انعام / ۱۵۱). «أَثَاماً»: جزاء گناه. کیفر. عقاب و عذاب.

سوره فرقان آیه ۶۹

متن آیه:

﴿يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ﴿٦٩﴾﴾

ترجمه:

(کسی که مرتکب یکی از کارهای زشت و پلشت شرک و قتل و زنا شود) عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و خوار و ذلیل، جاودانه در عذاب می‌ماند.

توضیحات:

«يُضَاعَفْ»: دو چندان می‌گردد. چندین برابر می‌شود. مجزوم است چون بدل از

(یَلْقَ) است. «مُهَاناً»: خوار و پست.

سوره فرقان آیه ۷۰

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝٧٠﴾

ترجمه:

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، که خداوند (گناهان چنین کسانی را می‌بخشد و) بدی‌ها و گناهان (گذشته) ایشان را به خوبی‌ها و نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است (و نه تنها که سیئات را می‌بخشد، بلکه آنها را تبدیل به حسنات می‌نماید).

توضیحات:

«یُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»: خداوند بدی‌های ایشان را به نیکی‌ها، و گناهانشان را به طاعات و عبادات تبدیل می‌نماید! کرم بین و لطف خداوندگار، گذشت او با گذشت انسان‌ها، و مهر او با مهر انسان‌ها تفاوت از زمین تا آسمان دارد.

سوره فرقان آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا ۝٧١﴾

ترجمه:

(آخر) کسی که توبه کند و کار شایسته انجام دهد، کاملاً به‌سوی خدا باز می‌گردد (و تبدیل سیئات به حسنات تعجّبی ندارد. زیرا کار خدا بی‌مثال، و پاداش خدا بی‌حساب و دریای مهرش بی‌کران است).

توضیحات:

«وَمَن تَابَ...»: این آیه پاسخی است برای تعجّبی که چه بسا آیه پیشین در برخی از اذهان برمی‌انگیزد، و آن این که چگونه ممکن است خداوند سیئات را به حسنات تبدیل فرماید؟ «مَتَاباً»: بازگشتن. دست کشیدن از معاصی. مفعول مطلق تأکیدی است و بیان‌گر اهمّیت و عظمت توبه است. معنی آیه چنین هم می‌تواند باشد: کسی که از معاصی دست بکشد و علاوه از آن کارهای شایسته انجام دهد، این چنین کسی به‌سوی

خدا برمی‌گردد و توبه می‌کند.

سوره فرقان آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامٗا ٧٢﴾

ترجمه:

و (بندگان خدای رحمان) کسانیند که بر باطل گواهی نمی‌دهند، و هنگامی که کارهای یاوه و سخنان پوچی را ببینند و بشنوند، بزرگوارانه (از شرکت در بیهوده‌کاری و یاوه‌سرائی کناره‌گیری می‌کنند و از آنها) می‌گذرند.

توضیحات:

«الزُّور»: باطل. «لا يَشْهَدُونَ الزُّورَ»: در مجالس دروغگوئی و معاصی شرکت نمی‌کنند. شهادت باطل و گواهی دروغ نمی‌دهند. «إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ»: هر گاه سخنان یاوه را بشنوند. هر گاه لغزشی و گناهی از کسی مشاهده کنند (نگا: مؤمنون / ۳). «مَرُّوا كِرَاماً»: بزرگوارانه می‌گذرند و همچون بزرگان خویشتن را از شرکت در بدگوئیها و بدکرداریها کنار می‌کشند و بزرگوارانه می‌گذرند و همچون بزرگان لغزش و گناه دیگران را نادیده می‌گیرند و به پخش آن نمی‌پردازند. یا این که اگر دشنام و حرفهای زشتی از کسی شنیدند، به بزرگی خود می‌بخشند.

سوره فرقان آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا وَعُمۡيَانٗا ٧٣﴾

ترجمه:

و کسانیند هنگامی که به وسیله آیات پروردگارشان پند داده شدند همسان کران و نابینایان بر آن فرو نمی‌افتند (و غافل‌وار بدان گوش فرا نمی‌دهند. بلکه با گوش دل می‌شنوند و با چشم عقل بدان می‌نگرند، و درسها و اندرزهای قرآنی را آویزه گوش جان می‌کنند و نیروی ایمان خود را بدان تقویت می‌سازند).

توضیحات:

«ذُكِّرُوا»: نصیحت شدند. پند داده شدند. «لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْها»: بر آن فرو نمی‌افتند. بدان نمی‌پردازند و گوش فرا نمی‌دهند. «صُمّاً وَ عُمْياناً»: جمع أَصَمّ و أَعْمی، کران و

کوران. حال است. مراد این است که بندگان خوب خدا، واقعاً به قرآن گوش می‌دهند و بدان عمل می‌کنند و کور و کر از آن نمی‌گذرند.

سوره فرقان آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا٧٤﴾

ترجمه:

و کسانیند که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندانی به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه‌ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند).

توضیحات:

«قُرَّةَ أَعْيُنٍ»: روشنی چشمان. مایه سرور و شادی (نگا: طه / ۴۰). «إِمَاماً»: پیشوا. رهبر. سرمشق (نگا: بقره / ۱۲۴، هود / ۱۷). ذکر (إمام) به صورت مفرد بدان خاطر است که اسم جنس است (نگا: تفسیر قاسمی) و به صورت مفرد و جمع به کار می‌رود (نگا: تفسیر آلوسی).

سوره فرقان آیه ۷۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُجۡزَوۡنَ ٱلۡغُرۡفَةَ بِمَا صَبَرُواْ وَيُلَقَّوۡنَ فِيهَا تَحِيَّةٗ وَسَلَٰمًا٧٥﴾

ترجمه:

به اینان بالاترین درجات و عالی‌ترین منزلگاههای بهشت داده می‌شود در برابر صبر و استقامتشان (بر انجام طاعات و دوری از منکرات)، و در آن (جایگاههای والای بهشت، از هر سو) بدانان درود و سلام گفته می‌شود.

توضیحات:

«الْغُرْفَةَ»: قسمت‌های فوقانی ساختمان و طبقات بالای منازل. ساختمان بلند. در اینجا مراد منازل و درجات عالی بهشت است (نگا: عنکبوت / ۵۸، زمر / ۲۰). «بِمَا»: به سبب صبرشان. واژه (ب) سببیه، و (ما) مصدریه است (نگا: رعد / ۲۴). «تَحِيَّةً وَ

سَلاماً»: واژه (سَلاماً) عطف تفسیر برای (تَحِیَّةً) است (نگا: یونس / ۱۰).

سوره فرقان آیه ۷۶

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ حَسُنَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٧٦﴾

ترجمه:

در آنجاها جاودانه می‌مانند. چه قرارگاه خوب و چه جایگاه زیبائی!!

توضیحات:

«مُسْتَقَرّاً وَ مُقَاماً»: (نگا: فرقان / ۶۶).

سوره فرقان آیه ۷۷

متن آیه:

﴿قُلۡ مَا يَعۡبَؤُاْ بِكُمۡ رَبِّي لَوۡلَا دُعَآؤُكُمۡۖ فَقَدۡ كَذَّبۡتُمۡ فَسَوۡفَ يَكُونُ لِزَامَۢا ٧٧﴾

ترجمه:

بگو: اگر عبادت و دعایتان نباشد، پرورگار من اعتنائی به شما ندارد (و برایتان کوچک‌ترین ارزشی قائل نیست. چرا که نعمت‌های والای بهشت را بندگان خوب خدا در پرتو پرستش او به دست خواهند آورد). امّا شما (کفّار، رسالت آسمانی را) تکذیب می‌کنید و (نتیجه بد) آن ملازم شما خواهد شد (و سزای کفر و عصیان خود را خواهید دید).

توضیحات:

«مَا يَعْبَؤُاْ»: چه توجّهی به شما دارد و برایتان چه ارزشی قائل است؟ به شما اعتنائی ندارد و اهمّیتی برایتان قائل نیست. در صورت اوّل واژه (ما) مفعول مطلق و متضمّن استفهام است، و در صورت دوم (ما) نافیه است. «دُعَآؤُكُمْ»: عبادت و پرستشتان. دعا و نیایشتان. «لَوْ لا»: جواب لَوْ لا محذوف است. «لِزاماً»: مصدر باب مفاعله و به معنی اسم فاعل، یعنی مُلازِم‌است. مراد این که نتیجه کار و جزای عمل‌شان وبال گردنشان می‌گردد و مکافات خود را خواهند دید. به عبارت دیگر، تکذیب کفّار مقتضی عذاب و هلاک آنان در دنیا و آخرت بوده و موجب بدبختی ایشان خواهد شد.

سوره شعراء

سوره شعراء آیه ۱

متن آیه:

﴿طسٓمٓ ١﴾

ترجمه:

طا. سین. میم.

توضیحات:

«طسم»: حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره شعراء آیه ۲

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾

ترجمه:

این (سوره که به تو وحی می‌شود، برخی از) آیات کتاب (قرآن است که) بیان‌گر (احکام الهی برای سعادت دنیا و آخرت مردمان) است.

توضیحات:

«تِلْكَ...»: (نگا: یوسف / ۱، حجر / ۱).

سوره شعراء آیه ۳

متن آیه:

﴿لَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ أَلَّا يَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٣﴾

ترجمه:

انگار می‌خواهی از غم و اندوه این که آنان ایمان نمی‌آورند، خویشتن را نابود کنی؟!

توضیحات:

«لَعَلَّكَ»: چرا باید که تو. انگار تو می‌خواهی. مراد از (لَعَلَّ) در اینجا استفهام انکاری است که متضمّن نفی بعد از خود است. «بَاخِعٌ»: هلاک کننده. نابود سازنده

(نگا: کهف / ۶). «أَلاَّ یَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»: از این که ایمان نمی‌آورند. جمله در موضع نصب است و مفعول له است.

سوره شعراء آیه ۴

متن آیه:

﴿إِن نَّشَأۡ نُنَزِّلۡ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةٗ فَظَلَّتۡ أَعۡنَٰقُهُمۡ لَهَا خَٰضِعِينَ ٤﴾

ترجمه:

اگر ما بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان نازل می‌نمائیم که گردن‌هایشان در برابر آن (خم گردد، و از روی اجبار ایمان آورند و) تسلیم شوند. (امّا سنّت خدا و حکمت الله مقتضی اختیار است، و ثواب یا عقاب را مترتّب بر آن کرده است).

توضیحات:

«ءَايَةً»: معجزه‌ای مراد است که مردم را وادار به ایمان گرداند. «ظَلَّتْ»: بشود و بگردد. از افعال ناقصه و به معنی (صارَتْ) می‌باشد. «أَعْنَاق»: جمع عُنُق، گردنها، تسمیه کلّ به اسم جزء است و مراد خود مردمان است. برخی (أعنَاق) را به معنی جماعت و گروه، و رؤساء و رهبران قوم دانسته‌اند. ذکر (ظَلَّتْ) به شکل مفرد مؤنّث باتوجّه به لفظ (أعناق) و ذکر (خَاضِعينَ) به صورت جمع مذکر با توجّه به معنی آن است (نگا: انبیاء / ۱۵، یوسف / ۴).

سوره شعراء آیه ۵

متن آیه:

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ مُحۡدَثٍ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهُ مُعۡرِضِينَ ٥﴾

ترجمه:

هیچ‌گونه موعظه و اندرز تازه‌ای (از قرآن) برای آنان از سوی خداوند رحمان نمی‌آید، مگر این که ایشان از آن روی‌گردان می‌شوند.

توضیحات:

«ذِكْرٍ»: موعظه و اندرز. در اینجا مراد بخشی از آیات قرآن است. «مُحْدَثٍ»: تازه و نو (نگا: انبیاء / ۲).

سوره شعراء آیه ۶

متن آیه:

﴿فَقَدۡ كَذَّبُواْ فَسَيَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَـٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٦﴾

ترجمه:

آنان (آیات قرآنی را) دروغ می‌نامند، و هرچه زودتر خبر (مجازات) چیزی که بدان استهزاء و تمسخر می‌کنند بدی‌شان خواهد رسید (و کیفر کمرشکن و دردناک کار خود را خواهند دید).

توضیحات:

«أَنبَآءُ»: اخبار. مراد کیفرهای سختی است که در این جهان و آن جهان دامنگیر آنان می‌شود (نگا: انعام / ۵ و ۶).

سوره شعراء آیه ۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَمۡ أَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ ٧﴾

ترجمه:

آیا آنان به زمین نمی‌نگرند و نمی‌بینند که چه قدر انواع و اقسام گیاهان و درختان نر و ماده زیبا و سودمند را در آن رویانده‌ایم؟ (اگر دقّت کنند نشانه‌های قدرت یزدان را در آرایش و پیرایش ظاهری و در خواصّ و فوائد باطنی روئیدنی‌ها می‌بینند، و پیدایش این همه رنگ و بو و فعل و انفعالات شیمیائی، و وجود زوجیت و طرز تلقیح و باروری رُستنی‌ها، به زبان حال ایشان را به‌سوی خالق متعال رهنمود می‌کند و آنان را از تکفیر و تکذیب حق به دور می‌سازد).

توضیحات:

«زَوْجٍ»: صنف و نوع (نگا: طه / ۵۳). نر و ماده (نگا: رعد / ۳). «كَرِيمٍ»: نافع و سودمند. ارزشمند. زیبا و خوش منظر (نگا: شعراء / ۵۸).

سوره شعراء آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این کار (آفرینش گیاهان و درختان، در کوه و دمن و مزرعه و بیابان) نشانه بزرگی است (بر وجود خالق جهان) ولی اکثر مردمان (چشم دل را می‌بندند و به ندای عقل گوش فرا نمی‌دهند و این چند روزه حیات را غافلوار بسر می‌برند و به خدا) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«ءَايَةً»: نشانه و دلیل. عبرت و پند.

سوره شعراء آیه ۹

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٩﴾

ترجمه:

پروردگار تو قطعاً چیره‌ی مهربان است.

توضیحات:

«الْعَزِيزُ»: قدرتمندی که توانا بر همه چیز است. «الرَّحِيمُ»: مهربانی که رحمت واسعه‌اش همه جا را فرا گرفته است.

سوره شعراء آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَإِذۡ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئۡتِ ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠﴾

ترجمه:

(برای قوم خود بیان دار) هنگامی را که پروردگارت موسی را نزدیک کوه طور ندا داد که به‌سوی قوم ستمکار (فرعون و فرعونیان برو). (قومی که با کفر و معاصی بر خود ستم کرده‌اند، و با به بندگی کشاندن بنی‌اسرائیل، بدانان ظلم نموده‌اند).

توضیحات:

«إِئْتِ»: بیا. در اینجا مراد به سراغ رفتن است.

سوره شعراء آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَۚ أَلَا يَتَّقُونَ ١١﴾

ترجمه:

قوم فرعون. (شگفتا چگونه در ظلم فرو رفته‌اند!) آیا (از سرانجام کار و کیفر ستم خود نمی‌ترسند و از خشم و عذاب خدا) نمی‌پرهیزند؟

توضیحات:

«قَوْمَ»: عطف بیان یا بدل است. «أَلا يَتَّقُونَ»: آیا نمی‌پرهیزند؟ هان پرهیز کنند. «أَلا»: دو کلمه و فراهم آمده است از همزه استفهام و لاء نفی. یا تنها واژه‌ای است و حرف تنبیه بوده و برای ترغیب و تشویق به کار پس از خود است.

سوره شعراء آیه ۱۲

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ١٢﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: پروردگارا! من می‌ترسم که مرا تکذیب کنند (و از روی تکبّر و تفرعن رسالتم را نپذیرند).

توضیحات:

«أَن يُكَذِّبُونِ»: این که مرا دروغگو نامند و تکذیب کنند. ضمیر مفعولی (ی) از آخر فعل حذف شده است.

سوره شعراء آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَيَضِيقُ صَدۡرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرۡسِلۡ إِلَىٰ هَٰرُونَ ١٣﴾

ترجمه:

(اگر تکذیبم کنند، از غم و غصّه) سینه‌ام تنگ می‌شود، و (بدین هنگام چنان که باید در مجادله با آنان) زبانم نمی‌گردد (و روان و گویا صحبت نمی‌کنم). پس (جبرئیل را) به پیش (برادرم) هارون بفرست (و پیغمبرش گردان، تا یاری و کمکم‌کند).

توضیحات:

«يَضيقُ صَدْري»: سینه‌ام تنگ می‌شود. در فارسی می‌گوئیم: دلم تنگ می‌شود. آزرده خاطر و دل شکسته می‌گردم. «لا يَنطَلِقُ»: گویا و رسا نمی‌گردد. «فَأَرْسِلْ»: بفرست. مفعول آن مقدّر است که (جبرئیل) فرشته وحی است. از واژه ارسال پیدا

است که موسی از آستان ذوالجلال درخواست نموده است که هارون را پیغمبر فرماید (قصص / ۳۴، مریم / ۵۳، انبیاء / ۴۸).

سوره شعراء آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَهُمۡ عَلَيَّ ذَنۢبٞ فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ١٤﴾

ترجمه:

آنان (به گمان خود، قصاص) گناهی بر من دارند و می‌ترسم (پیش از انجام وظیفه تبلیغ) مرا بکشند.

توضیحات:

«ذَنبٌ»: مراد قصاص مرد ستمگری است که با یک مرد مظلوم بنی‌اسرائیلی درگیر شده بود، و به هنگام میانجیگری موسی، اشتباهاً توسّط موسی به قتل رسید (نگا: قصص / ۱۵).

سوره شعراء آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قَالَ كَلَّاۖ فَٱذۡهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسۡتَمِعُونَ ١٥﴾

ترجمه:

(خداوند این تقاضای صادقانه موسی را اجابت کرد و گفت:) این چنین نیست (که بتوانند تو را به قتل برسانند. درخواستت را راجع به هارون پذیرفتم). دو نفری با (توشه) معجزات ما (که عصا و ید بیضاء است، به‌سوی فرعون و فرعونیان) بروید (و بدانید که) ما با شما هستیم و (شما را در پناه خود می‌داریم، و کاملاً مطالبی را که در میان شما و ایشان می‌گذرد) می‌شنویم. (قطعاً شما پیروزید).

توضیحات:

«ءَايَات»: معجزات. مراد عصا و ید بیضاء است (نگا: طه / ۱۷ - ۲۳).

سوره شعراء آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَأۡتِيَا فِرۡعَوۡنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾

ترجمه:

به سراغ فرعون بروید و بگوئید: ما فرستادگان پروردگار جهانیانیم.

توضیحات:

«رَسُولُ»: علّت این که به صورت مفرد آمده است نه به صورت مثنّی؛ یعنی (رَسُولا)، این است (رَسُول) مصدر و به معنی (رِسالَة) است و به عنوان مفرد و مثنّی و جمع و مؤنّث و مذکر ذکر می‌شود. مانند: «لَقَدْ كَذَبَ الْواشُونَ ما فُهْتُ عِنْدَهُمْ بِسِرٍّ وَ لا أَرْسَلْتُهُمْ بِرَسُولٍ» همچنین (رسول) معنی جمع نیز دارد. مانند: ضَیف و طِفل در: «هؤُلآءِ ضَيْفي» (حجر / ۶۸)، «ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً» (حجّ / ۵).

سوره شعراء آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

(پروردگار جهانیان به تو دستور می‌دهد) این که بنی‌اسرائیل را (آزاد از زنجیر اسارت و بردگی کنی و) با ما همراه سازی (تا به سرزمین مقدّس، یعنی فلسطین برویم).

توضیحات:

«أَرْسِلْ مَعَنَا»: مراد جلوگیری نکردن و آزاد گذاشتن است تا این که بتوانند بیایند و با موسی و هارون راهی فلسطین شوند.

سوره شعراء آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی میان خود (در دامان مهر و در آغوش لطف خویش) نپرورده‌ایم؟! و آیا سال‌های متمادی از عمرت در بین ما ماندگار نبوده‌ای (و از رعایت و حفاظت و نان و نمک ما برخوردار نگشته‌ای؟!).

توضیحات:

«قالَ...»: سخن فرعون جنبه ریشخند را دارد. «وَلِیداً»: طفل. کودک. فعیل به

معنی مفعول، و حال است. «لَبِثْتَ»: مانده‌ای.

سوره شعراء آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَفَعَلۡتَ فَعۡلَتَكَ ٱلَّتِي فَعَلۡتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩﴾

ترجمه:

و آن کاری را کرده‌ای که کرده‌ای و (مرتکب قتل یکی از طرفداران ما شده‌ای. و از این‌ها گذشته، تو اینک) کفران نعمت‌های ما می‌کنی (و حق نان و نمک ما را فراموش می‌نمائی، و با ادّعای پیغمبری پرورگار جهان، الوهیت ما را نادیده می‌گیری).

توضیحات:

«فَعْلَتَكَ»: کاری که کرده‌ای. اشاره به قتل مرد قبطی است (نگا: قصص / ۱۵). «الْكَافِرِينَ»: افراد ناسپاس. کفران نعمت کنندگان.

سوره شعراء آیه ۲۰

متن آیه:

﴿قَالَ فَعَلۡتُهَآ إِذٗا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٢٠﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: من در حین انجام این کار (نمی‌دانستم مشتی که برای تأدیب و تنبیه به قبطی می‌زنم، منتهی به قتل می‌گردد، و) از سرگشتگان (و بیخبرانی) بودم (که اطّلاع ندارند ضربه مشت هم گاهی منجر به قتل می‌شود).

توضیحات:

«إِذاً»: آن زمان که. «الضَّآلِّينَ»: گمراهان. در اینجا مراد جاهلین، بیخبران و غافلان از عواقب موقعیت است.

سوره شعراء آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَفَرَرۡتُ مِنكُمۡ لَمَّا خِفۡتُكُمۡ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكۡمٗا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢١﴾

ترجمه:

پس من از دست شما گریختم وقتی که از شما ترسیدم (که در برابر این قتل غیرعمد مرا بکشید) و خداوند به من علم و دانش بخشید (تا در پرتو آن چیزها را

درست ببینم و کارها را صحیح و بجا انجام دهم) و مرا از زمره پیغمبران کرد (تا بندگان خدا را به‌سوی نجات از عذاب فرا خوانم).

توضیحات:

«حُکْماً»: دانش و آگهی. حکمت، که هر کاری در پرتو آن بجا و به موقع انجام می‌پذیرد (نگا: انعام / ۸۹).

سوره شعراء آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ نِعۡمَةٞ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنۡ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٢٢﴾

ترجمه:

آیا این منّتی است که تو بر من میگذاری این که بنی‌اسرائیل را بنده و برده خود ساخته‌ای؟!

توضیحات:

«وَتِلْک نِعمَةٌ... »: در این جمله، حرف استفهام انکاری مقدّر است که مفید نفی است. اصل آن چنین است: وَ هَلْ تِلْک نِعْمَةٌ...؟! آیا نعمت است که؟! « أَنْ عَبَّدْتَ... »: حرف (أَنْ) تفسیریه است، و مطالب مابعد آن، تفسیر مطالب ماقبل آن است (نگا: یونس / ۲). « عَبَّدْتَ »: برده و بنده کرده‌ای.

سوره شعراء آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قَالَ فِرۡعَوۡنُ وَمَا رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٣﴾

ترجمه:

فرعون گفت: پروردگار جهانیان کیست (که این همه از او صحبت می‌کنی و خویشتن را فرستاده او می‌دانی؟).

توضیحات:

«مَا رَبُّ الْعَالَـمِینَ»: گمان می‌رود فرعون این سخن را برای تجاهل و تحقیر مطرح کرده باشد.

سوره شعراء آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر شما راه یقین می‌پوئید (و حقیقت را می‌جوئید، حق این است که گفتم).

توضیحات:

«رَبُّ»: خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «هُوَ رَبُّ...» «إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ»: اگر به دنبال باور درست و سخن منطقی بوده باشید و هدف شما از این سؤال، درک و فهم حقیقت باشد.

سوره شعراء آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قَالَ لِمَنۡ حَوۡلَهُۥٓ أَلَا تَسۡتَمِعُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

(فرعون رو) به اطرافیان خود (کرد و مسخره‌کنان) گفت: آیا نمی‌شنوید (این مرد چه می‌گوید؟! می‌شنوید که جز یاوه نمی‌گوید؟!).

توضیحات:

«أَلا تَسْتَمِعُونَ»: آیا گوش فرا می‌دهید؟! آیا می‌شنوید؟! این سخن جنبه تعجّب و ریشخند را دارد.

سوره شعراء آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالَ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٦﴾

ترجمه:

(موسی پس از اشاره به جهان کبیر، اشاره به جهان صغیر کرد و) گفت: او پروردگار شما و پروردگار نیاکان پیشین شما است (که مردند و چون جاودانه نبودند خدا نبودند).

توضیحات:

«رَبُّكُمْ وَ رَبُّ...»: اشاره به دو نکته است: ۱ - متوجّه ساختن فرعون و فرعونیان به نشانه‌های موجود در انفس، یا تذکر خودشناسی ۲ - قلم بطلان کشیدن بر ادّعای ربوبیت فرعون زمان و فرعون‌های دوران.

سوره شعراء آیه ۲۷

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرۡسِلَ إِلَيۡكُمۡ لَمَجۡنُونٞ ٢٧﴾

ترجمه:

(فرعون به خیره‌سری همچنان ادامه داد و) گفت: پیغمبری که به‌سوی شما فرستاده شده است قطعاً دیوانه است! (چرا که سخنان پریشان می‌گوید، و جز مرا خدا می‌داند).

توضیحات:

«أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ»: فرعون خواست با تعبیر «به سوی شما فرستاده شده است» خشم مردم را برانگیزد، و ایشان را به تکذیب موسی وادارد.

سوره شعراء آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

(و موسی باز هم به نشانه‌های خداشناسی گسترده در پهنه آفرینش اشاره کرد و) گفت: او پروردگار طلوع و غروب (کواکب و سیارات جهان) و همه چیزهائی است که در میان آن دو قرار دارد، اگر شما عاقل می‌بودید (چنین چیزی را در پرتو خرد، از روی نظام طلوع و غروب ستارگان و برنامه دقیق و اسرارآمیز آنها می‌فهمیدید).

توضیحات:

«الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»: مراد طلوع خورشید و نمایان شدن روز، و غروب خورشید و پیدایش شب است. یا این که مراد طلوع و غروب همه کواکب و سیارات جهان است. به معنی خاور و باختر نیز می‌باشند، و معنی زمان طلوع و غروب هم از آنها مستفاد می‌گردد (نگا: تفسیر شربینی).

سوره شعراء آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذۡتَ إِلَٰهًا غَيۡرِي لَأَجۡعَلَنَّكَ مِنَ ٱلۡمَسۡجُونِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

(فرعون سخت برآشفت و) گفت: اگر جز مرا به پروردگاری برگزینی تو را از زمره

زندانیان خواهم کرد (و در بیغوله‌های زندان همچون دیگران خواهی پوسید).

توضیحات:

«الْمَسْجُونِينَ»: زندانیان.

سوره شعراء آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ۝٣٠﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: آیا اگر من چیز روشنی را به تو نشان دهم (که دلیل قاطع و برهان واضحی بر وجود خدای متعال و نمایانگر صدق رسالت و پیغمبری من باشد) باز هم (مرا زندانی می‌کنی؟).

توضیحات:

«شَيْءٍ»: چیز. مراد معجزه دالّ بر وجود خدا و درستی پیغمبری موسی است.

سوره شعراء آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ۝٣١﴾

ترجمه:

(فرعون) گفت: اگر از زمره راستگویانی، آن را بنمای.

توضیحات:

«فَأْتِ بِهِ»: آن را بیاور. آن را نشان بده.

سوره شعراء آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝٣٢﴾

ترجمه:

(در این هنگام موسی) عصای خود را انداخت. به ناگاه اژدهای (حقیقی و) نمایانی گردید.

توضیحات:

«أَلْقَيا»: انداخت. افکند. «ثُعْبَانٌ»: اژدها. مار بزرگ (نگا: طه / ۲۰). «مُبِينٌ»: آشکار و

نمایان. مراد حقیقی است. یعنی چشم‌بندی و جادوئی در میان نبود. بلکه به خواست خدا چوبه دستی مار گردید.

سوره شعراء آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

و دست خود را (به گریبان فرو برد و سپس آن را) بیرون آورد، ناگهان بینندگان آن را سفید و روشن (همچون ماه تابان) دیدند. (پرتو آن همه جا را نورباران و درخشان کرد).

توضیحات:

«نَزَعَ»: بیرون آورد. مراد بیرون آوردن از گریبان است (نگا: نمل / ۱۲). «بَيْضَآءُ»: سفید. مراد تابان و رخشان است.

سوره شعراء آیه ۳۴

متن آیه:

﴿قَالَ لِلۡمَلَإِ حَوۡلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ٣٤﴾

ترجمه:

(فرعون) به اشراف و بزرگان دور و بر خود گفت: این (مرد) جادوگر بس آگاه (و ماهری) است.

توضیحات:

«مَلإِ»: اشراف. بزرگان (نگا: بقره / ۲۴۶، اعراف / ۶۰).

سوره شعراء آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِۦ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

می‌خواهد با جادوی خود (عامّه مردم را پیرامون خویش جمع آورد و) شما را از سرزمین خودتان (مصر) بیرون کند. پس شما (چه می‌اندیشید و) چه فرمان می‌دهید؟

توضیحات:

«مَاذَا تَأْمُرُونَ»؟: فرمان شما چیست؟ این سخن بیان‌گر سقوط فرعون از ادّعای

خدائی ودلجوئی او از سران به هنگام ضعف خود و غلبه موسی است.

سوره شعراء آیه ۳۶

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَٱبۡعَثۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

گفتند: موسی و برادرش را مهلت بده (و در کار شکنجه آنان عجله مکن) و به تمام شهرها (ی مصر، مأمورانی) برای بسیج اعزام کن.

توضیحات:

«أَرْجِهْ»: او را مهلت بده. امر مصدر (إرجاء) به معنی به تأخیر انداختن، و ضمیر متّصل (ه) است. در اصل (أَرْجِئْهُ) بوده و همزه برای تخفیف حذف شده است و ضمیر ساکن گشته است (نگا: اعراف / ۱۱۱). «حَاشِرِينَ»: گرد آورندگان. یعنی کسانی باشند که جادوگران را جمع‌آوری و در دربار حاضر کنند.

سوره شعراء آیه ۳۷

متن آیه:

﴿يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ ٣٧﴾

ترجمه:

تا همه جادوگران ماهر و زبردست را پیش تو بیاورند.

توضیحات:

«سَحَّار»: صیغه مبالغه ساحِر است، جادوگر بسیار ماهر و بس آگاه و کهنه‌کار.

سوره شعراء آیه ۳۸

متن آیه:

﴿فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ٣٨﴾

ترجمه:

سرانجام جادوگران در روز موعود (که چاشتگاه روز جشن مصریها بود، در مکان معینی) گردآورده شدند (و به میدان مبارزه گسیل گشتند).

توضیحات:

«لِمِيقَاتِ»: در وعده‌گاه. در زمان معین و در مکان مشخّص (نگا: اعراف / ۱۴۳ و

۱۵۵). «يَوْمٍ مَّعْلُومٍ»: روز مشخّص که روز جشن مصریان بوده است.

سوره شعراء آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلۡ أَنتُم مُّجۡتَمِعُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

(از مردم نیز برای حضور در میدان مبارزه دعوت به عمل آمد) و به مردم گفته شد: آیا (در این صحنه) شما گرد می‌آئید؟

توضیحات:

«هَلْ أَنتُم مـُّجْتَمِعُونَ»؟: آیا اجتماع می‌کنید؟ آیا جمع می‌شوید؟ مراد از سؤال، تحریک و تشویق مردم به گردهمآئی با شتاب هر چه بیشتر است.

سوره شعراء آیه ۴۰

متن آیه:

﴿لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

تا اگر جادوگران پیروز شوند، ما از آنان پیروی کنیم (و آن چنان صحنه را گرم و داغ نمائیم و هیاهو و جنجالی برپا کنیم که دشمنِ خدایان ما برای همیشه از میدان به در رود).

توضیحات:

«نَتَّبِعُ»: پیروی کنیم. دنباله‌روی کنیم. مراد پیروی و دنباله‌روی از آئین جادوگران و طرفداری از مکتب خدایان دروغین ایشان است.

سوره شعراء آیه ۴۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرۡعَوۡنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤١﴾

ترجمه:

هنگامی که جادوگران (نزد فرعون حاضر) آمدند و به فرعون گفتند: آیا ما پاداش بزرگ و قابل ملاحظه‌ای خواهیم داشت اگر پیروز شویم؟

توضیحات:

«أَجْراً»: تنوین برای بیان عظمت و ارزش پاداش و مزد کار است.

سوره شعراء آیه ۴۲

متن آیه:

﴿قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

(فرعون که سخت از موسی به وحشت افتاده بود و در تنگنا قرار داشت) گفت: بلی! (هر چه بخواهید می‌دهم) به علاوه شما در این صورت از مقرّبان (درگاه من) خواهید بود.

توضیحات:

«الْمُقَرَّبِينَ»: مراد نزدیکان درگاه فرعون و درباریان شاهی است.

سوره شعراء آیه ۴۳

متن آیه:

﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

(در روز موعود و در میدان مبارزه، موسی) به جادوگران گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید! (و هر چه در قدرت دارید بنمائید و به میدان آورید).

توضیحات:

«مُلْقُونَ»: اندازندگان. افکنندگان. اسم فاعل از مصدر (إلقاء) است.

سوره شعراء آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَأَلْقَوْاْ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

پس جادوگران (با غرور و نخوت) طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: به عزّت فرعون سوگند که ما قطعاً چیره و پیروزیم!

توضیحات:

«حِبَال»: جمع حَبْل، طناب‌ها. ریسمان‌ها. «عِصِيّ»: جمع عَصا، چوبه دستی.

سوره شعراء آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

موسی (مهلت نداد و) عصای خود را افکند، ناگهان (اژدهای بزرگی گردید و با سرعت) شروع به بلعیدن ابزارهای دروغین ایشان کرد (و آنها را یکی بعد از دیگری در کام خود فرو برد).

توضیحات:

«تَلْقَفُ»: با سرعت و قدرت می‌بلعید. «یَأْفِکُونَ»: با دروغ سر هم می‌کردند و به هم می‌بافتند. اشاره به کارها و ابزارهای دروغین جادوگران است (نگا: اعراف / ۱۱۷، توبه / ۷۰).

سوره شعراء آیه ۴۶

متن آیه:

﴿فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

جادوگران سجده‌کنان بر زمین فرو افتادند.

توضیحات:

«أُلْقِیَ»: فرو انداخته شدند. بیان فعل به صورت مجهول بیان‌گر این است که آن چنان تحت تأثیر جاذبه معجزه موسی قرار گرفتند که برای خدا سجده بردند (نگا: طه / ۷۰) و نیروی معجزه به گونه‌ای ایشان را قانع کرد که نتوانستند خویشتنداری کنند و فوراً برای خدا سجده بردند.

سوره شعراء آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

گفتند: به پروردگارِ عالَمیان ایمان داریم.

توضیحات:

«قالُوا...»: مراد این است که کردار را با گفتار توأم، و فعل سجده را با قول مؤکد کردند.

سوره شعراء آیه ۴۸

متن آیه:

﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَـٰرُونَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

به پروردگار موسی و هارون.

توضیحات:

«رَبِّ»: بدل است. ذکر آن برای رفع توهمی است که در ذهن عامّه مردم بود. و آن این که مردم، فرعون را (رَبِّ) خود می‌دانستند.

سوره شعراء آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَـٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

(فرعون جادوگران را تهدید کرد و) گفت: آیا به او ایمان آوردید پیش از آن که من به شما اجازه دهم؟! او بی‌گمان بزرگ و استاد شما است و به شما جادوگری آموخته است. پس خواهید دانست (که با چه زجر و شکنجه‌ای شما را خواهم کشت). حتماً دست‌ها و پاهای شما را عکس یکدیگر قطع می‌گردانم و همگی شما را به دار می‌آویزم.

توضیحات:

«ءَاذَنَ»: اجازه دهم. « كبِيرُ »: مراد بزرگ و استاد است. «مِنْ خِلافٍ»: عکس یکدیگر. مثلاً دست راست و پای چپ، یا پای راست و دست چپ (نگا: مائده / ۳۳). «لأُصَلِّبَنَّكُمْ»: حتماً به دارتان می‌آویزم.

سوره شعراء آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَا ضَيۡرَۖ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

(جادوگران شجاعانه) گفتند: هیچ زیانی نیست (از این کاری که تو خواهی کرد. هر کاری که می‌خواهی بکن باکی نیست، چرا که) ما به‌سوی پروردگارمان باز می‌گردیم (و به لقای معشوق و معبود حقیقی خود می‌رسیم و پاداش خویش را از او دریافت می‌داریم).

توضیحات:

«ضَیْرَ»: زیان و ضرر. «لا ضَیْرَ»: مانعی نیست. زیان و ضرری در میان نمی‌باشد. «مُنقَلِبُونَ»: بر گردندگان (نگا: مطفّفین / ۳۱).

سوره شعراء آیه ۵۱

متن آیه:

﴿إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ۝٥١﴾

ترجمه:

ما امیدواریم که پروردگارمان گناهان ما را ببخشاید، چرا که ما (در میان قوم تو) نخستین ایمان‌آورندگان بوده‌ایم.

توضیحات:

«نَطْمَعُ»: آزمندیم. امیدواریم. «خطایا»: گناهان. خطاها. «أَن کُنَّا»: به سبب این که ما بوده‌ایم. در اصل (لِأَن کُنَّا) بوده و حرف (أَنْ) مخفّف از مثقّله است.

سوره شعراء آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِيٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

ما به موسی وحی کردیم که شبانه بندگان (مؤمن بنی‌اسرائیل) مرا (از مصر) کوچ بده. شما حتماً تعقیب می‌شوید (و فرعون و فرعونیان برای دستگیری شما دنبالتان می‌کنند).

توضیحات:

«أَنْ»: حرف مشبّهةٌبالفعل و مخفّف از (أَنَّ) است (نگا: مؤمنون / ۲۷) «أَسْرِ

بِعِبادي»: در شب بندگانم را کوچ بده (نگا: إسراء / ۱). «مُتَّبَعُونَ»: تعقیب شوندگان. دنبال شوندگان. مراد تعقیب بنی‌اسرائیل توسّط فرعون و فرعونیان است.

سوره شعراء آیه ۵۳

متن آیه:

﴿فَأَرۡسَلَ فِرۡعَوۡنُ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

(توسّط جاسوسان خبر به دربار رسید که موسی و بنی‌اسرائیل در صدد کوچ به سرزمین دیگری هستند) پس فرعون (مأمورانی) به شهرها فرستاد تا (نیرو) جمع کنند (و جلو ایشان را بگیرند).

توضیحات:

«الْـمَدَآئِنِ»: جمع مَدینة، شهر. «حَاشِرِينَ»: گردآورندگان (نگا: شعراء / ۳۶).

سوره شعراء آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرۡذِمَةٞ قَلِيلُونَ ۝٥٤﴾

ترجمه:

(فرعون به مأموران دستور داد و گفت: به اهالی شهرها بگوئید:) این‌ها (که قصد فرار و تجمع و تقویت در جای دیگری را دارند) گروه اندک و ناچیزی هستند (و ما با نخستین تاخت ایشان را گرفتار و به شکنجه و آزار می‌رسانیم).

توضیحات:

«شِرْذِمَةٌ»: گروه و طائفه‌ای ناچیز و کم اهمّیت.

سوره شعراء آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُمۡ لَنَا لَغَآئِظُونَ ۝٥٥﴾

ترجمه:

آنان ما را بر سر خشم می‌آورند.

توضیحات:

«غَآئِظُونَ»: خشمگین کنندگان. بر سر خشم‌آورندگان.

سوره شعراء آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

(البتّه جای هیچ‌گونه نگرانی نیست، و لیکن) ما گروهی هستیم محتاط (و بیدار و دوراندیش).

توضیحات:

«جَمِيعٌ»: گروه و دسته. جمع (نگا: قمر / ۴۴). «حَاذِرُونَ»: افراد محتاط و دوراندیش. آگاه و بیدار.

سوره شعراء آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ٥٧﴾

ترجمه:

(سرانجام آنچه می‌بایست بشود شد، و عاقبت بنی‌اسرائیل بر فرعون و فرعونیان پیروز شدند) و ما آنان را از باغ‌ها و چشمه سارها بیرون راندیم.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ»: مراد باغ‌های سرسبز و چشمه‌ساران پر آب مصر است.

سوره شعراء آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ٥٨﴾

ترجمه:

و (ایشان را) از میان گنجها و کاخهای مجلّل (به در کردیم).

توضیحات:

«كُنُوزٍ»: گنجها. «كَرِيمٍ»: مراد ارزشمند و مجلّل و مزین و خوش و زیبا است.

سوره شعراء آیه ۵۹

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٥٩﴾

ترجمه:

این چنین (شد که بنی‌اسرائیل پیروز گشتند) و آنها را میراث بنی‌اسرائیل کردیم.

توضیحات:

«کَذالِکَ»: کار چنین شد. در اینجا ترتیب طبیعی داستان مراعات نشده است. بلکه نتیجه و چکیده داستان گفته شده سپس به درازا از آن سخن رفته است.

سوره شعراء آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

(فرعون و فرعونیان) بنی‌اسرائیل را تعقیب کردند و به هنگام طلوع آفتاب بدی‌شان رسیدند.

توضیحات:

«مُشْرِقِینَ»: به طلوع خورشید رسیدگان. از مصدر (إشراق) به معنی رسیدن به وقت شُروق که به معنی طُلوع است. همان‌گونه که (إصباح) به معنی داخل شدن در (صَباح) و (إمساء) به معنی رسیدن به (مَساء) است. (مُشرِقِینَ) می‌تواند حال ضمیر (و) و یا (هم) باشد.

سوره شعراء آیه ۶۱

متن آیه:

﴿فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ ۝٦١﴾

ترجمه:

هنگامی که هر دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما (در چنگال فرعونیان) گرفتار می‌گردیم (و هلاک می‌شویم).

توضیحات:

«تَرَآءَیا»: دید. فعل ماضی باب تفاعل است و در رسم‌الخطّ قرآنی (تراءا) است. «مُدْرَکُونَ»: رسیدگان. گرفتارشدگان.

سوره شعراء آیه ۶۲

متن آیه:

﴿قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ٦٢﴾

ترجمه:

(موسی) گفت: چنین نیست. پروردگار من با من است. (قطعاً به دست دشمنم نمی‌سپارد و به راه نجات) رهنمودم خواهد کرد.

توضیحات:

«کلاّ»: چنین نیست. این واژه حرفی است که سخن پیش از خود را ردّ و نفی می‌کند. یعنی: نگوئید که فرعون و سپاهیانش به ما می‌رسد. «مَعِيَ»: (نگا: طه / ۴۶).

سوره شعراء آیه ۶۳

متن آیه:

﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ٦٣﴾

ترجمه:

به دنبال آن به موسی پیام دادیم که عصای خود را به دریا بزن. (وقتی عصا را به دریا زد) دریا از هم شکافت، و هر بخشی همچون کوه بزرگی گردید (و دوازده راه خشک در آن پدیدار شد، و هر گروهی از اسباط دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل در جاده‌ای حرکت کرد).

توضیحات:

«إنفَلَقَ»: از هم شکافت. از هم باز شد. از هم جدا شد. «فِرْقٍ»: قِسم. بخش. مراد جوانب آبی است که واپس رفته است. «الطَّوْد»: کوه. کوه بزرگ. توصیف آن به عظیم در آیه، برای تأکید است.

سوره شعراء آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

و در آنجا دیگران را (نیز به موسی و بنی‌اسرائیل) نزدیک گرداندیم (و فرعون و فرعونیان را وارد آن راه‌های دوازده‌گانه کردیم).

توضیحات:

«أَزْلَفْنا»: نزدیک گرداندیم (نگا: شعراء / ۹۰، ِ / ۳۱، تکویر / ۱۳). «ثُمَّ»: آنجا. ظرف است. مراد وسط دریا است. «الآخَرينَ»: دیگران. مراد فرعون و لشکریان فرعون است.

سوره شعراء آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ٦٥﴾

ترجمه:

موسی و جملگی همراهان او را نجات دادیم.

توضیحات:

«أَنجَيْنَا»: نجات دادیم.

سوره شعراء آیه ۶۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

سپس دیگران را غرق کردیم.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۶۷

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ٦٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این (ماجرای نجات مؤمنان و غرق کافران) درس عبرت بزرگی است (برای کسانی که چشم باز و دل آگاه داشته باشند و درباره سرگذشت جبّاران مغرور بیندیشند و اوراق تاریخ مکتوب و منظور را به دقّت بخوانند و ببینند). ولی اکثر آنان ایمان نیاوردند (و کمتر ایشان، همچون آسیه و جادوگران، به جمع مؤمنان پیوستند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: اندرز سترگ و عبرت بزرگ.

سوره شعراء آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٦٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگار تو با عزّت و توانا، و با محبّت و مهربان است.

توضیحات:

«الْعَزِيزُ»: توانا، در انتقام گرفتن از تکذیب کنندگان. «الرَّحِيمُ»: مهربان، در حق تصدیق کنندگان.

سوره شعراء آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ٦٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) سرگذشت ابراهیم را برای کافران بیان دار.

توضیحات:

«نَبَأَ»: خبر. مراد قصّه و سرگذشت است.

سوره شعراء آیه ۷۰

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

هنگامی که به پدرش (آزر) و قوم (بت‌پرست) خود گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟ (چیزهائی را که می‌پرستید، کی شایسته پرستش می‌باشند؟).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ٧١﴾

ترجمه:

(مفتخرانه پاسخ دادند و) گفتند: بت‌های بزرگی را می‌پرستیم و دائماً (به پرستش

آنها می‌پردازیم و) بر عبادت‌شان ماندگار می‌مانیم.

توضیحات:

«نَظَلُّ»: بر دوام می‌مانیم. از افعال ناقصه و بیان‌گر استمرار در کار است. «عَاكِفِينَ»: ملازمان عبادت (نگا: بقره / ۱۸۷، اعراف / ۱۳۸).

سوره شعراء آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

گفت: آیا هنگامی که آنها را به کمک می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند و نیازتان را برآورده می‌کنند؟

توضیحات:

«هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ»؟: آیا دعا و سخن شما را می‌شنوند؟ آیا نیازتان را برآورده می‌کنند و به شما پاسخ می‌گویند؟

سوره شعراء آیه ۷۳

متن آیه:

﴿أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ٧٣﴾

ترجمه:

یا سودی به شما می‌رسانند (اگر از آنها اطاعت کنید؟) و یا زیانی متوجّه شما می‌سازند (اگر از آنها سرپیچی نمائید؟).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۷۴

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

می‌گویند: (چیزی از این کارها را نمی‌توانند بکنند) فقط ما پدران و نیاکان خود را دیده‌ایم که این چنین می‌کردند (و بتان را به گونه ما پرستش می‌نمودند و ما هم از کارشان تقلید می‌کنیم و بس. مگر می‌شود پدران و نیاکان ما در اشتباه بوده باشند؟).

توضیحات:

«وَجَدۡنَا»: یافته‌ایم. دیده‌ایم. «ءَابَآء»: پدران. مراد پدران و اجداد و نیاکان است (نگا: شعراء / ۷۶).

سوره شعراء آیه ۷۵

متن آیه:

﴿قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

آیا (می‌دانید که چه کار می‌کنید و) می‌بینید که چه چیز را می‌پرستید؟!

توضیحات:

«أَفَرَأَيْتُمْ»؟: آیا می‌بینید؟ مراد از دیدن، اندیشیدن و دانستن و به اصل مسأله پی بردن است.

سوره شعراء آیه ۷۶

متن آیه:

﴿أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

هم شما و هم پدران پیشین شما.

توضیحات:

«أَنتُمْ»: تأکید ضمیر فاعلی در آیه قبلی است. «الأَقْدَمُونَ»: پیشینیان و گذشتگان.

سوره شعراء آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

همه آنها دشمن من هستند (آن‌هائی که شما معبود خود می‌دانید) بجز پروردگار جهانیان.

توضیحات:

«عَدُوٌّ»: این واژه برای مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث یکسان به کار می‌رود (نگا: نساء / ۱۰۱، انعام / ۱۱۲). «إِلاّ رَبَّ»: اگر به خدا معتقد نبوده باشند و خدا جزو

معبودهای آنان نبوده باشد، استثناء منقطع است و ذکر آن به منظور تأکید بر توحید خالص است. اگر هم علاوه از بتها خدا را نیز پرستش می‌کرده‌اند، ابراهیم پروردگار جهانیان را استثناء می‌کند.

سوره شعراء آیه ۷۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ٧٨﴾

ترجمه:

(پروردگار جهانیانی) که مرا آفریده است، و هم او مرا (به سوی سعادت دنیا و آخرت) راهنمائی می‌سازد (و در سراسر زندگی من حضور دارد و لحظه‌ای از من غافل نیست).

توضیحات:

«يَهۡدِينِ»: مرا راهنمائی می‌کند و دستگیرم او است (نگا: طه / ۵۰).

سوره شعراء آیه ۷۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ٧٩﴾

ترجمه:

آن کسی است که او مرا میخوراند و می‌نوشاند.

توضیحات:

«يُطْعِمُني...»: مراد این است که روزی‌رسانم او است و من همه جا بر سر خوان نعمت او نشسته‌ام.

سوره شعراء آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که بیمار شوم او است که مرا شفا می‌دهد.

توضیحات:

«يَشْفِينِ»: مراد این است که شافی تنها خدا است و دکتر و دوا وسیله است. انسان مؤمن به پزشک مراجعه می‌کند و دارو می‌خورد، ولی هیچ کدام را شفا دهنده نمی‌داند

و بلکه معتقد است که اگر خدا خواست دوا و درمان مؤثّر واقع می‌شوند. نان و آب وسیله سیر کردنند، ولی سیرکننده خدا است.

سوره شعراء آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحۡیِینِ ﴿٨١﴾﴾

ترجمه:

و آن کسی است که (چون اجلم فرا رسید) او مرا می‌میراند و سپس (در رستاخیز برای حساب و کتاب و جزا و سزا) مرا زنده می‌گرداند.

توضیحات:

«یُحْیِینِ»: مرا زنده می‌کند. اشاره به این است که حیات‌بخش و میراننده و دوباره زنده کننده خدا است.

سوره شعراء آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِیٓ أَطۡمَعُ أَن یَغۡفِرَ لِی خَطِیٓـَٔتِی یَوۡمَ ٱلدِّینِ ﴿٨٢﴾﴾

ترجمه:

و آن کسی است که امیدوارم در روز جزا و سزا (که قیامت برپا است) گناهم را بیامرزد.

توضیحات:

«أَطْمَعُ»: چشم طمع می‌دوزم. امیدوارم. «خَطِیئَتِي»: گناهم. لغزشم. «یَوْمَ الدِّینِ»: روز حساب و کتاب و جزا و سزا (نگا: فاتحه / ۴).

سوره شعراء آیه ۸۳

متن آیه:

﴿رَبِّ هَبۡ لِی حُکۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِی بِٱلصَّٰلِحِینَ ﴿٨٣﴾﴾

ترجمه:

(ابراهیم دست دعا به درگاه خدا برداشت و گفت:) پروردگارا! به من کمال و معرفت مرحمت فرما (تا در پرتو آن، حق را حق و باطل را باطل ببینم، و قدرت بر داوری صحیح در میان بندگانت داشته باشم)، و مرا (در دنیا و آخرت) از زمره شایستگان و بایستگان گردان.

توضیحات:

«حُکْماً»: کمال و معرفت. شناخت عمیق همراه با قدرت داوری. کمال علم و عمل. حکمت (نگا: شعراء / ۲۱).

سوره شعراء آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

و (با توفیق در طاعت و عبادت و اعمال نیک) برای من ذکر خیر و نام نیک در میان آیندگان بر جای دار.

توضیحات:

«لِسَانَ صِدْقٍ»: ذکر خیر. نام نیک (نگا: مریم / ۵۰). «الآخِرينَ»: کسانی که بعدها می‌آیند و در زمین زندگی می‌کنند. آیندگان جهان.

سوره شعراء آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥﴾

ترجمه:

و مرا از زمره کسانی ساز که بهشت پرنعمت را فراچنگ می‌آورند.

توضیحات:

«وَرَثَةِ جَنَّةِ»: وارثان بهشت. مراد کسانی است که در پرتو ایمان به الله و پرستش خدا بهشت را به دست می‌آورند (نگا: اعراف / ۴۳). «جَنَّةِ النَّعِيمِ»: (نگا: مائده / ۶۵، یونس / ۹، حجّ / ۵۶).

سوره شعراء آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٨٦﴾

ترجمه:

و پدرم را (با رهنمود به ایمان و توفیق در طاعت و عبادت، مورد مرحمت و مشمول مغفرت گردان، و بدین وسیله او را) که از گمراهان است بیامرز.

توضیحات:

«إِغْفِرْ...»: طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش آزر، پیش از فوت آزر است، و ابراهیم وقت جدا شدن از او بدو وعده داده بود که برای وی طلب آمرزش کند. امّا چون دید که او با کفر از جهان رفت، از او بیزاری جست و طلب آمرزش را قطع کرد (نگا: توبه / ۱۱۴).

سوره شعراء آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

و مرا خوار و رسوا مدار در روزی که (مردمان برای حساب و کتاب و سزا و جزا، زنده و) برانگیخته می‌شوند.

توضیحات:

«يُبْعَثُونَ»: (نگا: اعراف / ۱۴، حجر / ۳۶، مؤمنون / ۱۰۰).

سوره شعراء آیه ۸۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

آن روزی که اموال، (یعنی نیروی مادی)، و اولاد، (یعنی نیروی انسانی، به کسی) سودی نمی‌رساند.

توضیحات:

«يَوْمَ»: ظرف و مراد قیامت است.

سوره شعراء آیه ۸۹

متن آیه:

﴿إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩﴾

ترجمه:

بلکه تنها کسی (نجات پیدا می‌کند و از اموالی که در راه آفریدگار صرف، و از اولادی که در مسیر پروردگار رهنمود کرده باشد، سود می‌برد) که با دل سالم (از بیماری کفر و نفاق و ریا) به پیشگاه خدا آمده باشد.

توضیحات:

«إِلاّ مَنْ...»: مگر کسی که. لیکن کسی که. واژه (مَنْ) می‌تواند مرفوع و بدل از فاعل (یَنفَعُ) و مضافی پیش از آن مقدّر باشد که تقدیر چنین خواهد بود: «لا یَنفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ إِلاّ مالُ و بَنُو مَنْ أَتَي اللهَ بَقَلْبٍ سَلیمٍ». و یا این که واژه (مَنْ) منصوب و مفعول بوده و در اصل بدل از مفعول محذوف باشد که تقدیر چنین خواهد بود: «یَوْمَ لاْ یَنفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ أَحَدَاً إَلاّ مَنْ أَتَي اللهَ بِقَلْبٍ سَلیمٍ». در هر صورت اموال و اولادی به انسان سود می‌رسانند که تبدیل به باقیات صالحات شده باشند. «قَلْبٍ سَلیمٍ»: دل سالم از بیماری کفر و نفاق و ریا (نگا: اعراف / ۱۴۷، احزاب / ۱۹، بقره / ۲۶۴).

سوره شعراء آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝٩٠﴾

ترجمه:

در آن هنگام بهشت برای پرهیزگاران نزدیک گردانده می‌شود (و آنان که از کفر و معاصی رویگردان، و به ایمان و طاعت در جهان روی آورده بودند، به‌سوی آن می‌روند).

توضیحات:

«أُزْلِفَتْ»: نزدیک گردانده شد.

سوره شعراء آیه ۹۱

متن آیه:

﴿وَبُرِّزَتِ ٱلْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۝٩١﴾

ترجمه:

و دوزخ برای گمراهان آشکار گردانده می‌شود.

توضیحات:

«بُرِّزَتْ»: نموده شد. آشکار گردید. «الْغَاوِینَ»: گمراهان.

سوره شعراء آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ۝٩٢﴾

ترجمه:

و بدی‌شان گفته می‌شود: کجا هستند معبودهائی که پیوسته آنها را عبادت می‌کردید؟

توضیحات:

«مَا»: چیزهائی که. مراد معبودهای دروغین است.

سوره شعراء آیه ۹۳

متن آیه:

﴿دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ ٩٣﴾

ترجمه:

(معبودهای) غیر از خدا. آیا آنها (در برابر این شدائد و سختیهائی که اکنون با آن روبرو هستید و هستند) شما را کمک می‌کنند یا خویشتن را یاری می‌دهند؟

توضیحات:

«يَنتَصِرُونَ»: باز می‌دارند. خویشتن را به دور می‌دارند. انتصار به معنی یاری دادن خود یا کمک خواستن و یا دفع بلا از خویشتن است (نگا: کهف / ۴۳، قصص / ۸۱، قمر / ۱۰، رحمن / ۳۵).

سوره شعراء آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ٩٤﴾

ترجمه:

پس از آن، آنان (که پرستش شوندگان گمراهساز) همراه گمراهان (که پرستش کنندگان ایشان بودند) پیاپی به دوزخ سرنگون افکنده می‌شوند.

توضیحات:

«كُبۡكِبُوا»: سرنگون و پیاپی فرو افکنده می‌شوند.

سوره شعراء آیه ۹۵

متن آیه:

﴿وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

و جملگی لشکریان اهریمن (نیز همراه آن دو گروه به دوزخ سرنگون می‌گردند).

توضیحات:

«جُنُودُ إِبْلِيسَ»: لشکریان و یاوران ابلیس. مراد پیروان ابلیس، یعنی جنایتکاران و معصیت پیشگان سراسر تاریخ است (نگا: اعراف / ۱۸، حجر / ۴۳).

سوره شعراء آیه ۹۶

متن آیه:

﴿قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ۝٩٦﴾

ترجمه:

آنان (که معبودهای دروغین را پرستیده‌اند) در آنجا به کشمکش (با معبودهای خود) می‌پردازند و می‌گویند:

توضیحات:

«وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ»: جمله حالیه است.

سوره شعراء آیه ۹۷

متن آیه:

﴿تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۝٩٧﴾

ترجمه:

به خدا سوگند ما در گمراهی آشکاری بوده‌ایم.

توضیحات:

«إِن كُنَّا»: واژه (إِنْ) مخفّف از مثقّله و در اصل چنین است: «إِنَّا كُنَّا».

سوره شعراء آیه ۹۸

متن آیه:

﴿إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٩٨﴾

ترجمه:

آن زمان که ما شما (معبودان دروغین) را با پروردگار جهانیان (در عبادت و طاعت) برابر می‌دانستیم.

توضیحات:

«إِذْ»: زمانی که. ظرف زمان گمراهی است. یا (إِذْ) تعلیلیه است (نگا: زخرف / ۳۹).

سوره شعراء آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ۝٩٩﴾

ترجمه:

و ما را جز بزهکاران (شیاطین نام) گمراه نکرده است.

توضیحات:

«الـْمُجْرِمُونَ»: مراد شیطان و یاوران او، یا رؤساء و کبراء ایشان است (نگا: احزاب / ۶۷).

سوره شعراء آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ۝١٠٠﴾

ترجمه:

(ای وای بر ما! امروز) ما اصلاً شفاعت کنندگانی نداریم (که ما را برهانند! ما که معتقد به میانجیگری میانجیگران برای نجات خود بودیم).

توضیحات:

«مِن شَافِعِينَ»: واژه (مِنْ) بیان‌گر عمومیت نفی چیزی است که پس از آن قرار دارد (نگا: تفسیر المصحف المفسّر).

سوره شعراء آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ۝١٠١﴾

ترجمه:

(همچنین، امروز) دوست صمیمی و دلسوزی هم نداریم (تا دست کم گریه‌ای برای ما سر دهد).

توضیحات:

«حَمِيمٍ»: گرم. مراد صمیمی و دلسوز است.

سوره شعراء آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٢﴾

ترجمه:

کاش! (به جهان) برگشتی داشتیم تا از زمره مؤمنان می‌شدیم (و در پرتو ایمان درست و اعمال شایسته، از عذاب دوزخ نجات می‌یافتیم و به بهشت در می‌آمدیم).

توضیحات:

«لَوْ»: واژه (لَوْ) در اینجا در معنی (لَيْتَ) و برای تمنّی است. «كَرَّةً»: رجعت. برگشت. مراد برگشت به جهان است (نگا: مؤمنون / ۹۹ و ۱۰۰).

سوره شعراء آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این (سرگذشت ابراهیم) پند و عبرتی (برای عاقلان قوم تو و سایر فرزانگان) است، ولی (جای تعجّب است) بیشتر آنان ایمان نداشته (و ایمان نمی‌آورند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: پند و اندرز. درس عبرت.

سوره شعراء آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤﴾

ترجمه:

قطعاً پروردگارت (بر انتقام از بی‌دینان) توانا و (نسبت به مؤمنان) مهربان است.

توضیحات:

«وَإِنَّ رَبَّكَ...»: تکرار این نوع جمله‌ها دلداری مؤثّری است برای پیغمبر و مؤمنان اندک صدر اسلام، و برای اقلیت مؤمنان در برابر اکثریت گمراهان در هر عصر و زمان.

سوره شعراء آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٠٥﴾

ترجمه:

(ماجرای آموزنده دیگری مربوط به قوم نوح است). قوم نوح پیغمبران را تکذیب کردند.

توضیحات:

«كَذَّبَتْ...»: قوم نوح با تکذیب نوح، همه پیغمبران را نیز تکذیب کرده‌اند، چرا که تکذیب پیغمبری، تکذیب همه پیغمبران بشمار است؛ شاید هم قوم نوح، منکر همه پیغمبران و به طور کلّی همه ادیان آسمانی بوده‌اند (نگا: فرقان / ۳۷). تأنیث فعل (كَذَّبَتْ) به خاطر این است که واژه (قوم) به صورت مذکر و مؤنّث به کار می‌رود، و به طور کلّی هر اسم جمعی فعل آن می‌تواند به صورت مذکر و مؤنّث ذکر شود.

سوره شعراء آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٠٦﴾

ترجمه:

زمانی که هم نژادشان نوح بدی‌شان گفت: هان! پرهیزگاری کنید!

توضیحات:

«أَخُوهُمْ»: برادرشان. مراد همنژادشان است، همان‌گونه که می‌گویند: «أَخُوالْعَرَب. أَخُوتَميم». «أَلا تَتَّقُونَ»: آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟ هان! پرهیزگاری کنید.

سوره شعراء آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٠٧﴾

ترجمه:

قطعاً من برای شما پیغمبر امینی هستم.

توضیحات:

«أَمينٌ»: امین در ادای رسالت آسمانی. مشهور به امانت در میان مردم.

سوره شعراء آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٠٨﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

«إِتَّقُوااللهَ»: از عذاب خدا خویشتن را در امان دارید. از خدا بترسید.

سوره شعراء آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٩﴾﴾

ترجمه:

من در مقابل این دعوت هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم. مزد من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: در برابر دعوت و تبلیغ اوامر و نواهی. «إِنْ»: حرف نفی است.

سوره شعراء آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾﴾

ترجمه:

پس از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

«أَطيعُونِ»: از من اطاعت کنید. مراد پذیرش دستور آسمانی است.

سوره شعراء آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلْأَرْذَلُونَ ﴿١١١﴾﴾

ترجمه:

گفتند: آیا ما (اشراف و نجباء) به شما ایمان بیاوریم، در حالی که پست‌ترین و بی‌ارزش‌ترین افراد از تو پیروی کرده‌اند؟! (چگونه انتظار داری افراد ثروتمند و والامقام، با مشتی بی‌سر و پا و گمنام، همراه و همنشین شوند؟!).

توضیحات:

«وَاتَّبَعَكَ»: حرف (و) حالیه است. «الأَرْذَلُونَ»: پست‌ترین مردم. مراد افراد بی‌چیز و بی‌مقام است (نگا: هود / ۲۷).

سوره شعراء آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٢﴾

ترجمه:

(نوح) گفت: (وظیفه من دعوت همگان به‌سوی حق و اصلاح جامعه است) من چه می‌دانم آنان چه کاری داشته‌اند؟ (و گذشته ایشان چه بوده است؟ مهم امروز است که دعوت مرا پذیرفته و در مقام خودسازی برآمده‌اند و در راه حق گام نهاده‌اند).

توضیحات:

«مَا عِلْمي»: من چه می‌دانم. من نمی‌دانم. واژه (ما) می‌تواند اسم استفهام یا حرف نفی باشد.

سوره شعراء آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ لَوۡ تَشۡعُرُونَ ١١٣﴾

ترجمه:

حساب (اعمال و جزای کار) ایشان جز بر عهده پروردگارم نیست، اگر شما فهمیده و باشعور باشید (می‌دانستید که کار خوب و بد گذشته ایشان از دید خدا پنهان نبوده است و سر و کارشان با خدا است نه با من).

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی است.

سوره شعراء آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٤﴾

ترجمه:

من هرگز مؤمنان را (از پیش خود) نمی‌رانم (تا دل شما را به دست آرم).

توضیحات:

«طَارِد»: طرد کننده. دور کننده.

سوره شعراء آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ١١٥﴾

ترجمه:

من بیم دهنده آشکاری بیش نیستم.

توضیحات:

«إِنْ أَنَا...»: حرف (إِنْ) نافیه است. «مُبِينٌ»: واضح و آشکار.

سوره شعراء آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ١١٦﴾

ترجمه:

گفتند: ای نوح! اگر (بدین رفتار و گفتار خود) پایان ندهی، قطعاً جزو سنگساران خواهی شد (و بر سر تو همان خواهد آمد که بر سر سایر مخالفان ما آمده است).

توضیحات:

«الْمَرْجُومِينَ»: افراد سنگباران شده. سنگساران.

سوره شعراء آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ١١٧﴾

ترجمه:

(نوح به پیشگاه خدا عرض کرد و) گفت: پروردگارا! قوم من، مرا دروغگو نامیدند (و دعوتم را نپذیرفتند)!

توضیحات:

«قالَ: رَبِّ...»: این آیه مقدّمه تقاضای مطالب آیه بعدی است.

سوره شعراء آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٨﴾

ترجمه:

(اکنون که هیچ راهی برای هدایت این ستمگران باقی نمانده است و تمام تلاش و توانم بیفایده بوده است) میان من و اینان خودت داوری کن (و کافران و مشرکان را نابود فرما) و من و مؤمنانی را که با من هستند (از دست شکنجه و آزارشان) نجات بده.

توضیحات:

«إِفْتَحْ»: داوری کن (نگا: اعراف / ۸۹). جدائی بیفکن. مراد قضاوت در میان اهل توحید و سایر کافران و مشرکان است، و حق و سزای هر گروهی را دادن و به مکافات یا مجازات رساندن است.

سوره شعراء آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١١٩﴾

ترجمه:

ما او و کسانی را که با او بودند، در کشتی پر (از انسان‌ها و حیوانهای گوناگون و خوراک و نیازمندی‌های آنان و اینان) نجات دادیم.

توضیحات:

«مَن مَّعَهُ»: کسانی که با او بودند. مراد پیروان ایماندار است. «الْفُلْك»: (نگا: بقره / ۱۶۴). «الْمَشْحُونَ»: پر. لبریز. کشتی نوح انباشته از مردمان و حیوانات و پرندگان و خوراک و مایحتاج آنها بود (نگا: هود / ۴۰).

سوره شعراء آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ١٢٠﴾

ترجمه:

سپس بقیه را غرق کردیم.

توضیحات:

«بَعْدُ»: بعد از نجات نوح و مؤمنان.

سوره شعراء آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ١٢١﴾

ترجمه:

بی‌گمان در این (سرگذشت نوح و سرنوشت مؤمنان و کافران) عبرت سترگ و دلیل بزرگی (بر قدرت خدا و صدق پیغمبران) است، و بیشتر مردمان (با وجود شنیدن داستان عبرت‌انگیزِ راه یافتگان و گمراهان و سرانجام کار ایشان) ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«ءَايَةً»: عبرت (نگا: فرقان / ۳۷). دلیل. «مَا كَانَ أَكْثَرُهُم بِمُؤْمِنِينَ»: اغلب مردمان آن روزی به نوح ایمان نیاوردند و غرق شدند. بیشتر کسانی که قرآن را می‌شنوند و از این سرنوشت اطّلاع حاصل می‌کنند، ایمان نمی‌آورند (نگا: هود / ۱۷، غافر / ۵۹، روم / ۴۲، شعراء / ۱۵۸ و ۱۹۰).

سوره شعراء آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٢٢﴾

ترجمه:

مسلّماً پروردگار تو چیره و توانا (بر انتقام از ستمکاران) و مهربان (در حق پرهیزگاران) است.

توضیحات:

«الْعَزِيز»: چیره. شکست‌ناپذیر.

سوره شعراء آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ١٢٣﴾

ترجمه:

قوم عاد پیغمبران (خدا) را تکذیب کردند (و دروغگو نامیدند).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٤﴾

ترجمه:

بدان گاه که برادرشان هود بدی‌شان گفت: هان! تقوا پیشه کنید (و پرهیزگار باشید، و از عذاب خدا بپرهیزید).

توضیحات:

«أَلا تَتَّقُونَ»: هان! پرهیزگار باشید. آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟

سوره شعراء آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٢٥﴾

ترجمه:

من پیغمبر امینی برای شما هستم.

توضیحات:

«رَسُولٌ أَمِينٌ»: (نگا: شعراء / ۱۰۷).

سوره شعراء آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٢٦﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢٧﴾

ترجمه:

من هیچ اجر و پاداشی در برابر این دعوت از شما نمی‌طلبم. اجر و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نمی‌باشد.

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: (نگا: شعراء / ۱۰۹).

سوره شعراء آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعۡبَثُونَ ۝١٢٨﴾

ترجمه:

آیا شما بالای هر بلندی و مکان مرتفعی کاخ سر به فلک کشیده‌ای می‌سازید و (در آن) به خوشگذرانی و کارهای بیهوده می‌پردازید؟

توضیحات:

«رِيعٍ»: مکان مرتفع. بلندی. «ءَايَةً»: نشانه. مراد کاخ بلند و سر به فلک کشیده است. «تَعۡبَثُونَ»: کارهای بیهوده. و خوشگذرانی می‌کنید. جمله حال است برای ضمیر (و) در فعل (تَبْنُونَ).

سوره شعراء آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ۝١٢٩﴾

ترجمه:

و دژها و قلعه‌هائی می‌سازید که انگار جاودانه می‌مانید؟

توضیحات:

«مَصَانِعَ»: دژها و کاخ‌ها. کارخانه‌ها و کارگاه‌ها. «لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ»: انگار جاودانه می‌مانید. تا این که جاودانه بمانید. معنی آیه می‌تواند چنین هم باشد: کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را برای کندن کوه‌ها و ساختن کاخ‌ها و برج‌ها به کار می‌برید، انگار جاودانه می‌مانید؟

سوره شعراء آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ ۝١٣٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که مجازات می‌کنید، از حدّ تجاوز می‌کنید و همچون ستمگران و سرکشان کیفر می‌دهید (و در برابر کمترین جرم، سنگین‌ترین جریمه و سزا روا می‌دارید و عدالت و ترحّمی ندارید).

توضیحات:

«بَطَشْتُمْ»: حمله‌ور شدید. یعنی سخت به دیگران و همسایگان تاخت و تاز می‌برید. در مجازات زیاده‌روی کردید و از حد فراتر رفتید (نگا: بروج / ۱۲). «جَبّارينَ»: سرکشان و ستمگران. حال است.

سوره شعراء آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٣١﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعۡلَمُونَ ١٣٢﴾

ترجمه:

از (خشم) خدائی بپرهیزید که شما را با نعمت‌هائی که می‌دانید یاری داده است.

توضیحات:

«أَمَدَّكُمْ»: شما را یاری داده است (نگا: إسراء / ۶).

سوره شعراء آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ ١٣٣﴾

ترجمه:

شمار را یاری داده است با (اعطاء) چهارپایان و پسران.

توضیحات:

«أَمَدَّكُمْ»: این آیه، سرآغاز برشمردن امداد خداوندی است.

سوره شعراء آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿وَجَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٣٤﴾

ترجمه:

و با باغ‌ها و چشمه‌ها.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣٥﴾

ترجمه:

من می‌ترسم عذاب روز بزرگ (قیامت) گریبانگیر شما شود.

توضیحات:

«يَوْمٍ عَظيمٍ»: روز بزرگ. مراد قیامت است (نگا: انعام / ۱۵، اعراف / ۵۹). از آنجا که در دنیا نیز انسان به مجازات عمل بد خود (نگا: اعراف / ۱۳۰ و ۱۶۵) یا به مکافات عمل خوبه خود (نگا: نحل / ۳۰) می‌رسد، روز بزرگ می‌تواند روزهای سخت و وحشتناک دنیا نیز باشد (نگا: شعراء / ۱۸۹).

سوره شعراء آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ ١٣٦﴾

ترجمه:

آنان (به هود پاسخ دادند و) گفتند: برای ما تفاوت نمی‌کند چه ما را اندرز بدهی یا ندهی! (بیهوده خود را خسته مکن و ما را درد سر مده).

توضیحات:

«قَالُوا»: قوم عاد گفتند. مراد از این سخن تحقیر و توهین است.

سوره شعراء آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣٧﴾

ترجمه:

این (چیزهائی که به هم بافته‌ای و به ما خواهی گفت) جز شیوه و عادت پیشینیان نیست (آنانی که در گذشته خود را پیغمبر نامیده‌اند و دروغ‌هائی را به گذشتگان

تحویل داده‌اند و ادعاهائی همچون ادّعای تو داشته‌اند).

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی است. «خُلُقُ الأوَّلِينَ»: اخلاق و عادت گذشتگان و پیشینیان. مرادشان تکذیب همه پیغمبران است (نگا: انعام / ۲۵). یا این که مراد این است اعمالی که آنان مرتکب می‌شدند، از قبیل بت‌پرستی و ساختن قصرها و قلعه‌های سر به فلک کشیده بر نقاط مرتفع، و خشونت در مجازات رساندن و کیفر دادن، همان چیزهائی است که پیشینیان انجام می‌داده‌اند و مطلب قابل ایرادی نمی‌باشد.

سوره شعراء آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ١٣٨﴾

ترجمه:

و ما (نه در این جهان و نه در آن جهان) عذاب داده نمی‌شویم.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ١٣٩﴾

ترجمه:

قوم عاد، هود را دروغگو نامیدند (و رسالتش را نپذیرفتند) و ما هم نابودشان کردیم. در این (سرگذشت قوم عاد) عبرتی است (برای کسانی که بخواهند از سرنوشت دیگران، درسی و پندی بیاموزند). اکثر قوم عاد ایمان نیاوردند (و راه کفر در پیش گرفتند و نتیجه آن را دیدند).

توضیحات:

«ءَايَةً»: درس عبرت. نشانه قدرت. «مَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ»: بیشتر قوم عاد ایمان نداشتند، بیشتر مردم به این روایت ایمان ندارند.

سوره شعراء آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٤٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگار تو چیره و توانا (بر درهم شکستن جبّاران ستمکار) و مهربان (در حق ضعیفان دیندار) است.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٤١﴾

ترجمه:

قوم ثمود پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از آنان فرمانبرداری نکردند).

توضیحات:

«كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ»: (نگا: فرقان / ۳۷و۳۸).

سوره شعراء آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٤٢﴾

ترجمه:

آن زمان که برادرشان صالح بدی‌شان گفت: آیا تقواپیشه نمی‌سازید؟ (و از خدا نمی‌ترسید؟).

توضیحات:

«أَخُوهُمْ»: (نگا: شعراء / ۱۰۶). «أَلا تَتَّقُونَ»: آیا تقوا پیشه نمی‌سازید؟ هان! تقواپیشه کنید (نگا: شعراء / ۱۰۶).

سوره شعراء آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٤٣﴾

ترجمه:

من بی‌گمان برایتان پیغمبر امینی هستم.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝١٤٤﴾

ترجمه:

پس از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝١٤٥﴾

ترجمه:

و در قبال تبلیغ دعوت اجر و پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. اجر و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

توضیحات:

«إِنْ أَجْرِيَ...»: (نگا: شعراء / ۱۰۹).

سوره شعراء آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ۝١٤٦﴾

ترجمه:

آیا (چنین تصوّر می‌کنید که جهان سرای جاودانگی است و) شما در نهایت امن و امان در ناز و نعمت جهان رها می‌شوید؟

توضیحات:

«أَتُتْرَكُونَ»: آیا به ترک شما گفته می‌شود؟ آیا رها می‌شوید؟ استفهام انکاری و مفید نفی است. «مَا»: آنچه. مراد نعمت جهان است. «ههُنَا»: اینجا مراد این جهان است. «ءَامِنِينَ»: در امن و امان و دور از دست انتقام و مرگ و عذاب و کیفر. حال است.

سوره شعراء آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ۝١٤٧﴾

ترجمه:

در میان باغ‌ها و چشمه‌سارها؟

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿وَزُرُوعٍ وَنَخۡلٍ طَلۡعُهَا هَضِيمٞ ١٤٨﴾

ترجمه:

و در میان کشتزارها، و نخلستان‌هائی که میوه‌های نرم و شاداب و رسیده دارند؟

توضیحات:

«طَلْع»: چوب‌های شکوفه خرما که خوشه خرما در درون آن قرار دارد. در اینجا مراد نخستین میوه خرما است (نگا: انعام / ۹۹، / ۱۰). «هَضِيمٌ»: درهم فرو رفته و پر و تنگ یکدیگر. نرم و لطیف و شاداب و رسیده.

سوره شعراء آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿وَتَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا فَٰرِهِينَ ١٤٩﴾

ترجمه:

و ماهرانه در دل کوهها خانه‌هائی را بتراشید (و بسازید و در آنها به عیش و نوش بپردازید؟)

توضیحات:

«تَنْحِتُونَ»: می‌تراشید. «فَارِهِينَ»: حاذقانه و ماهرانه. سرمستانه و هواپرستانه و شادان و خندان. حال ضمیر (و) در فعل (تَنْحِتُونَ) است.

سوره شعراء آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٥٠﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٥١﴾

ترجمه:

و از فرمان اسراف کنندگان فرمانبرداری مکنید.

توضیحات:

«أَمْرَ»: فرمان. مراد دستور و فرمان سران و رهبران ستمکار و بزهکار است.

سوره شعراء آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ١٥٢﴾

ترجمه:

آن کسانی که در زمین تباهی می‌نمایند و اصلاح نمی‌کنند.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ١٥٣﴾

ترجمه:

(قوم ثمود به صالح پاسخ دادند و) گفتند: تو از زمره جادوشدگان و دیوانگان هستی و بس. (این است که چنین پریشان‌گوئی و یاوه‌سرائی می‌کنی).

توضیحات:

«الْمُسَحَّرِينَ»: جادوشدگان. عقل از دست دادگان و دیوانگان (نگا: اسراء / ۴۷).

سوره شعراء آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٥٤﴾

ترجمه:

تو انسانی همچون خود ما بیش نیستی، (آخر چگونه گمان می‌بری که پیغمبر شده‌ای؟) اگر از زمره راستگویانی، معجزه‌ای را به ما بنما.

توضیحات:

«ءَايَةً»: معجزه. نشانه.

سوره شعراء آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ۝١٥٥﴾

ترجمه:

(هنگامی که خدا شتر ماده‌ای را معجزه‌آسا برای صالح پدیدار کرد، صالح بدیشان) گفت: این شتری است (که خدا آن را معجزه شما نموده است). یک روز سهم آب متعلّق به آن و روز جداگانه دیگری سهم آب متعلّق به شما است.

توضیحات:

«نَاقَةٌ»: (نگا: اعراف / ۷۳ و ۷۷، هود / ۶۴، اسراء / ۵۹، قمر / ۲۷). «شِرْبٌ»: سهم آب. نصیب و بهره‌ای از آب. این شتر، یک شتر عادی نبوده و گویا از ویژگی‌های آن یکی این بوده است که یک روز آب آبادی را به خود اختصاص می‌داد و می‌نوشید!

سوره شعراء آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ۝١٥٦﴾

ترجمه:

کمترین آزاری به آن نرسانید که اگر چنین کنید عذاب روز بزرگ، شما را فرو خواهد گرفت.

توضیحات:

«يَوْمٍ عَظِيمٍ»: روز بزرگ. مراد عذاب بزرگ است که در روز معین و مقدّر رخ می‌دهد. نسبت دادن عظیم به روز، به جای نسبت آن به عذاب برای مبالغه است. چرا که عظمت روز، به علّت عظمت بلا و مصیبت وارده است.

سوره شعراء آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿فَعَقَرُوهَا فَأَصۡبَحُواْ نَٰدِمِينَ ۝١٥٧﴾

ترجمه:

ولی آنان شتر را (با تیر) کشتند و (عذاب خدا را در چند قدمی خود دیدند و از کرده خود) پشیمان شدند.

توضیحات:

«عَقَرُوهَا»: شتر را کشتند (نگا: اعراف / ۷۷، هود / ۶۵).

سوره شعراء آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٥٨﴾

ترجمه:

عذاب ایشان را فرو گرفت (و پشیمانی بدی‌شان سودی نبخشید). مسلّماً در این (سرگذشتِ پایمردی پیغمبران و مؤمنان، و سرنوشت کافران و ظالمان) درس عبرتی (برای مردمان، و همچنین نشانه‌ای از قدرت خداوند جهان در یاری دینداران و نابودی بی‌دینان و گردنک‌شان تاریخ) است. و اکثر (قوم ثمود هم ایمان نیاوردند و همچون قوم عاد) ایشان (نیز از زمره) مؤمنان نشدند.

توضیحات:

«إِنَّ فِي ذلِكَ...»: (نگا: شعراء / ۱۳۹).

سوره شعراء آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٥٩﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگار تو چیره (بر گردنک‌شان و) مهربان (در حق مؤمنان) است.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٦٠﴾

ترجمه:

قوم لوط پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از ایشان پیروی نکردند).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٦١﴾

ترجمه:

آن زمان که برادرشان لوط بدی‌شان گفت: هان! پرهیزگاری کنید.

توضیحات:

«أَلا تَتَّقُونَ»: (نگا: شعراء / ۱۰۶).

سوره شعراء آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٦٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان من پیغمبر امینی برای شما هستم.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٦٣﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من اطاعت کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٤﴾

ترجمه:

در برابر این (دعوت آسمانی) مزدی از شما نمی‌خواهم. اجر و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

توضیحات:

«إِنْ أَجْرِيَ...»: (نگا: شعراء / ۱۰۹).

سوره شعراء آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿أَتَأۡتُونَ ٱلذُّكۡرَانَ مِنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٥﴾

ترجمه:

آیا در میان جهانیان، به سراغ جنس ذکور می‌روید (و با ایشان به جای زنان آمیزش می‌نمائید؟).

توضیحات:

«الذُّكْرَانَ»: جمع ذَکر، نرها، مراد مردان است (نگا: شوری / ۵۰). «مِنَ الْعَالَمِينَ»: در میان زنان و مردان، به سراغ مردان می‌روید و همجنسگرائی می‌کنید. در میان مردمان جهان، تنها شما این انحراف را پیش گرفته و به چنین کار پست و ننگینی آلوده‌اید.

سوره شعراء آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٌ عَادُونَ ١٦٦﴾

ترجمه:

و همسرانی را که پروردگارتان برایتان آفریده است رها می‌سازید. بلکه اصلاً شما قومی هستید که (با ارتکاب همه معاصی، در ظلم به خود و جامعه) از حدّ می‌گذرید (و مرزی میان خوب و بد به رسمیت نمی‌شناسید).

توضیحات:

«تَذَرُونَ»: رها می‌سازید. ترک می‌کنید (نگا: بقره / ۲۷۸). «عَادُونَ»: متجاوزین. از حدود و مقرّرات خدا درگذرندگان (نگا: بقره / ۱۷۳ و ۱۹۰).

سوره شعراء آیه ۱۶۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُخۡرَجِينَ ١٦٧﴾

ترجمه:

گفتند: ای لوط! اگر (از این سخنان) دست نکشی، از زمره تبعید شدگان (از شهر و دیار ما) خواهی بود.

توضیحات:

«الْمُخْرَجِينَ»: اخراج شدگان. تبعید شدگان.

سوره شعراء آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلۡقَالِينَ ١٦٨﴾

ترجمه:

(لوط بدی‌شان پاسخ داد و) گفت: من از کار شما نفرت دارم (و زشت و ناپسندش می‌دانم).

توضیحات:

«الْقَالِينَ»: جمع قالی، دشمن دارندگان. بیزاران، کینه به دل دارندگان.

سوره شعراء آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهۡلِي مِمَّا يَعۡمَلُونَ ١٦٩﴾

ترجمه:

پروردگارا! مرا و اهل و عیال و پیروان مرا از (عذابی که سزاوار) کارهای ایشان (است) به دور و محفوظ دار!

توضیحات:

«أَهْلِي»: مراد از اهل، افراد مؤمن خانواده و همه پیروان است. «مِـمَّا يَعْمَلُونَ»: از آنچه انجام می‌دهند. مراد نجات از بلا و عذاب درهم کوبنده‌ای است که زشتکاریها و گناهان ایشان به دنبال دارد.

سوره شعراء آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ١٧٠﴾

ترجمه:

ما او را و جملگی خاندان و پیروان او را (از عذاب و بلای نابودکننده ناشی از کردار بزهکاران) رهائی بخشیدیم.

توضیحات:

«أَجْـمَعِين»: جملگی. تأکید است.

سوره شعراء آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ١٧١﴾

ترجمه:

مگر پیرزنی را که (همسر او بود، و به سبب همکاری با بزهکاران) از هلاک شدگان گردید.

توضیحات:

«عَجُوزاً»: پیرزنی. مراد همسر لوط است (نگا: تحریم / ۱۰). «الْغَابِرِينَ»: هالکین. نابود شوندگان (نگا: اعراف / ۸۳). باقیماندگان. «فِي الْغَابِرِينَ»: از زمره هلاک شوندگان. از جمله باقیماندگان در عذاب به همراه کافران و فاجران.

سوره شعراء آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ١٧٢﴾

ترجمه:

سپس ما دیگران را نابود کردیم (و جملگی اهل شهر را با شهر زیر و رو نموده و درهم کوبیدیم).

توضیحات:

«الآخَرِينَ»: دیگران. مراد ساکنان شهر است که لوط و مؤمنان از میان‌شان گریخته و به بیرون شهر رفته بودند.

سوره شعراء آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ١٧٣﴾

ترجمه:

و بر سرشان باران (سنگ) را باراندیم امّا چه باران بدی که این گروه تهدید شدگان را فرو گرفت! (بارانی که سخت شهر و دیارشان را ویران و نابود کرد).

توضیحات:

«أَمْطَرْنَا»: باراندیم. مراد سنگباران است (نگا: هود / ۸۲). «الْمُنذَرِينَ»: بیم داده

شدگان. تهدید شدگان. مراد قوم لوط است که توسّط لوط تهدید به عذاب الهی شده بودند.

سوره شعراء آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾﴾

ترجمه:

در این (ماجرای قوم لوط) درس عبرتی (برای هوشیاران) است، و بیشتر آن قوم ایمان نیاوردند (و سزای خود را دیدند).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾﴾

ترجمه:

قطعاً پروردگار تو چیره (بر نابودی بزهکاران و جبّاران تاریخ) و مهربان (در حق مؤمنان) است.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿كَذَّبَ أَصْحَابُ لْئَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾﴾

ترجمه:

ساکنان اَیکه پیغمبران را دروغگو نامیدند (و از ایشان پیروی نکردند).

توضیحات:

«أَصْحَابُ الأيْكَةِ»: (نگا: حجر / ۷۸).

سوره شعراء آیه ۱۷۷

متن آیه:

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که شعیب بدی‌شان گفت: هان! پرهیزگاری کنید.

توضیحات:

«أَلا تَتَّقُونَ»: (نگا: شعراء / ۱۰۶).

سوره شعراء آیه ۱۷۸

متن آیه:

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٧٨﴾

ترجمه:

مسلّماً من برای شما پیغمبر امینی هستم.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۷۹

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٧٩﴾

ترجمه:

از خدا بترسید و از من پیروی کنید.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۸۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٠﴾

ترجمه:

من در برابر دعوت خود هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌خواهم و پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۸۱

متن آیه:

﴿أَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُخۡسِرِينَ ١٨١﴾

ترجمه:

پیمانه را به تمام و کمال بپردازید، و از زمره کم‌دهندگان (جنس به مردم و کاهندگان اموال ایشان) نباشید.

توضیحات:

«أَوْفُوا الْكَيْلَ»: (نگا: انعام / ۱۵۲). «الْـمُخْسِرِينَ»: کم دهندگان، کاهندگان (نگا: الرحمن / ۹، مطفّفین / ۳).

سوره شعراء آیه ۱۸۲

متن آیه:

﴿وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِ ١٨٢﴾

ترجمه:

و با ترازوی درست (اشیاء و اجناس را) بکشید.

توضیحات:

«زِنُوا»: وزن کنید. بکشید. «الْقِسْطَاسِ»: ترازو. «الْـمُسْتَقِيمِ»: صحیح و درست.

سوره شعراء آیه ۱۸۳

متن آیه:

﴿وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ١٨٣﴾

ترجمه:

و اشیاء مردم را نکاهید (و حقوق ایشان را ضایع نکنید) و در زمین تباهی نورزید.

توضیحات:

«لا تَبْخَسُوا»: نکاهید (نگا: اعراف / ۸۵، هود / ۸۵). «لا تَعْثَوْا» فساد نکنید (نگا: بقره / ۶۰).

سوره شعراء آیه ۱۸۴

متن آیه:

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلۡجِبِلَّةَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٨٤﴾

ترجمه:

و بپرهیزید از (عذاب) کسی که شما و نسل‌های گذشته را آفریده است.

توضیحات:

«الْجِبِلَّةَ»: جماعت و گروه. مراد دسته‌ها و نسل‌های قوی و مقتدر است (نگا: یس / ۶۲).

سوره شعراء آیه ۱۸۵

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ١٨٥﴾

ترجمه:

گفتند: تو قطعاً از جمله جادوشدگان و دیوانگانی.

توضیحات:

«الْـمُسَحَّرِينَ»: (نگا: شعراء / ۱۵۳).

سوره شعراء آیه ۱۸۶

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ١٨٦﴾

ترجمه:

تو انسانی جز ما نیستی و ما مسلّماً تو را از زمره دروغگویان می‌دانیم.

توضیحات:

«إِنْ»: حتماً. مسلّماً. مخفّف از مثقّله است. بعضی هم حرف (إِنْ) را نافیه و لام (لَـمِن) را به معنی (إِلاّ) می‌دانند.

سوره شعراء آیه ۱۸۷

متن آیه:

﴿فَأَسۡقِطۡ عَلَيۡنَا كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٨٧﴾

ترجمه:

اگر راست می‌گوئی (که پیغمبری) تکه‌هائی از آسمان بر سر ما فرو ریز.

توضیحات:

«كِسَفاً»: جمع كسْفَة، قطعات. تکه‌ها (نگا: اسراء / ۹۲).

سوره شعراء آیه ۱۸۸

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨٨﴾

ترجمه:

(شعیب بدی‌شان) گفت: پروردگار من آگاه‌تر (از هر کسی) از کارهائی است که

شما می‌کنید (و معاصی و گناهانی که می‌ورزید. مطمئنّاً عذاب درخور گناهتان را در وقت مقدّر به شما می‌رساند).

توضیحات:

«رَبِّي أَعْلَمُ...»: این سخن بر نهایت تفویض و توکل شعیب، و غایت تهدید ایشان دلالت دارد.

سوره شعراء آیه ۱۸۹

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٨٩﴾

ترجمه:

او را تکذیب کردند و در نتیجه عذاب روزِ ابر ایشان را فرو گرفت (و آتش سوزان آنان را سوزاند). واقعاً عذاب روز بزرگی بود.

توضیحات:

«الظُّلَّةِ»: ابر سایه‌گستر (نگا: اعراف / ۱۷۱). گویا از شدّت گرما به زیر ابر بزرگی پناهنده شده بودند و ابر بر آنان باران آتش باراند و ایشان را به بدترین وجه سوزاند.

«عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»: (نگا: شعراء / ۱۳۵ و ۱۵۶).

سوره شعراء آیه ۱۹۰

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةًۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٩٠﴾

ترجمه:

همانا در این (سرگذشت نیز) درس عبرتی است (برای عاقلان) و بیشتر ایشان (هم) ایمان نیاوردند (و جزای خود را دیدند).

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۹۱

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٩١﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگارت چیره و مهربان است.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۱۹۲

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٩٢﴾

ترجمه:

این (قرآن) فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (و همه سرگذشت‌های مذکور در آن راست، و احکام آن تا روز قیامت برجا و واجب‌الاجرا است).

توضیحات:

«إِنَّهُ»: همانا قرآن. «تَنزِيلُ»: مصدر است و به معنی اسم مفعول است، یعنی «مُنَزَّل» و فرو فرستاده (نگا: انعام / ۱۱۴).

سوره شعراء آیه ۱۹۳

متن آیه:

﴿نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣﴾

ترجمه:

جبرئیل آن را فرو آورده است.

توضیحات:

«الرُّوحُ الأَمِينُ»: لقب جبریل عليه السلام است.

سوره شعراء آیه ۱۹۴

متن آیه:

﴿عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ١٩٤﴾

ترجمه:

بر قلب تو، تا از زمره بیم دهندگان باشی.

توضیحات:

«قَلْب»: مراد روح پیغمبر است که پایگاه نزول معجزه بزرگ و جاویدان قرآن است.

سوره شعراء آیه ۱۹۵

متن آیه:

﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ١٩٥﴾

ترجمه:

با زبان عربی روشن و آشکاری است.

توضیحات:

«بِلِسَانٍ»: جار و مجرور متعلّق به فعل (نَزَل) است. «مُبِینٍ»: واضح و روشن (نگا: یوسف / ۱).

سوره شعراء آیه ۱۹۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَفِي زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٩٦﴾

ترجمه:

(وصف) این قرآن در کتاب‌های پیشینیان (از قبیل تورات و انجیل) موجود است.

توضیحات:

«زُبُر»: جمع زَبُور. کتاب‌ها (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴، نحل / ۴۴). «إِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الأوَّلِينَ»: بیشتر فضائل و عقائد و مواعظ و قصص قرآن و صفات پیغمبر، در کتاب‌های پیغمبران پیشین موجود بوده است (نگا: بقره / ۸۹، طه / ۱۳۳، اعلی / ۱۸ و ۱۹). این فرموده، به اعتبار اغلب است.

سوره شعراء آیه ۱۹۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَكُن لَّهُمۡ ءَايَةً أَن يَعۡلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٩٧﴾

ترجمه:

آیا همین نشانه برای (ایمان آوردن) ایشان کافی نیست که علمای بنی‌اسرائیل (به خوبی) از آن آگاهند؟!

توضیحات:

«ءَايَةً»: نشانه. دلیل و برهان بر صدق رسول. «أَن يَعْلَمَهُ...»: مراد علم و آگاهی بنی‌اسرائیل از دلائل حقّانیت قرآن و صدق دعوت است (نگا: بقره / ۱۴۶، رعد / ۴۳).

سوره شعراء آیه ۱۹۸

متن آیه:

﴿وَلَوۡ نَزَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ بَعۡضِ ٱلۡأَعۡجَمِينَ ١٩٨﴾

ترجمه:

اگر قرآن را بر یکی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم.

توضیحات:

«بَعْضِ»: یکی. فردی. «الأَعْجَمِینَ»: غیر عرب‌ها. مفرد آن أَعْجَم، یعنی کسی که سخنش برای عرب‌ها نامفهوم باشد. عرب‌ها به غیر عرب‌ها، عجم می‌گویند.

سوره شعراء آیه ۱۹۹

متن آیه:

﴿فَقَرَأَهُۥ عَلَيۡهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ١٩٩﴾

ترجمه:

و او قرآن را برای آنان می‌خواند (به گونه کاملاً رسا و گویا و صحیح و زیبا) به آن ایمان نمی‌آوردند.

توضیحات:

«مَا کَانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ»: مراد این است که قرآن چه رسد به این که توسّط پیغمبری از خودشان آمده است، اگر توسّط فردی غیر عرب هم به دستشان می‌رسید و اعجاز آن را بیش از پیش هم می‌دیدند و به فرض می‌دانستند که چنین کلامی ساخته چنین فردی نمی‌تواند باشد، باز هم ایمان نمی‌آوردند.

سوره شعراء آیه ۲۰۰

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ سَلَكۡنَٰهُ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٠٠﴾

ترجمه:

ما این‌گونه قرآن را (با بیانی گویا و رسا، و به شیوه ساده و آسان، توسّط فردی از خودشان) به دل‌های بزهکاران وارد می‌گردانیم (و فصاحت و بلاغت و اعجاز آن را بدی‌شان می‌فهمانیم. امّا...).

توضیحات:

«سَلَکْنَاهُ»: آن را داخل و وارد می‌گردانیم (نگا: حجر / ۱۲).

سوره شعراء آیه ۲۰۱

متن آیه:

﴿لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٢٠١﴾

ترجمه:

(امّا ایشان، به سبب دل‌های بیماری که دارند) بدان ایمان نمی‌آورند، تا عذاب دردناک را (و مجازات شدیدی را که بدان بیم داده شده بودند) می‌بینند. (امّا چه فایده که دیگر ایمان ایشان پذیرفته و سودمند نیست).

توضیحات:

«الْعَذَاب»: مراد عقاب و عذابی است که از آن بیم داده شده‌اند.

سوره شعراء آیه ۲۰۲

متن آیه:

﴿فَيَأۡتِيَهُم بَغۡتَةً وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٠٢﴾

ترجمه:

عذاب، ناگهانی گریبانگیر ایشان می‌گردد. به گونه‌ای که نمی‌فهمند (چگونه و از کجا سر رسیده است).

توضیحات:

«بَغْتَةً»: ناگهانی. «وَهُمْ لا يَشْعُرُونَ»: به گونه‌ای که از آمدن آن خبردار و آگاه نمی‌شوند و غافلگیر می‌گردند.

سوره شعراء آیه ۲۰۳

متن آیه:

﴿فَيَقُولُواْ هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ ٢٠٣﴾

ترجمه:

(و به هنگام نزول عذاب فریاد برمی‌آورند) و می‌گویند: آیا به ما مهلتی و فرصتی داده می‌شود؟! (آخر اکنون همه چیز را می‌دانیم و سخت پشیمانیم و گوش بفرمانیم! مگر چنین چیزی ممکن است؟!).

توضیحات:

«مُنظَرُونَ»: مهلت داده شدگان (نگا: اعراف / ۱۵، حجر / ۸ و ۳۷). «هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ»: این جمله می‌تواند بیان‌گر قطع امید و اظهار تأسّف ایشان باشد، و یا این که بیان‌گر درخواست بی‌پاسخ آنان بشمار آید.

سوره شعراء آیه ۲۰۴

متن آیه:

﴿أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ٢٠٤﴾

ترجمه:

آیا درخواست سرعت گرفتن و جلو افتادن (نزول) عذاب ما را داشتند؟!

توضیحات:

«يَسْتَعْجِلُونَ»: درخواست جلو انداختن دارند. درخواست می‌نمایند عذاب پیش از زمان خود فرا رسد. اشاره به این است که کافران بارها تمسخرکنان به پیغمبران می‌گفتند: هر چه زودتر خدا عذابی را که ما را از آن می‌ترسانید به ما برساند (نگا: اعراف / ۷۰ و ۷۷، انفال / ۳۲، هود / ۳۲، عنکبوت / ۲۹، احقاف / ۲۲).

سوره شعراء آیه ۲۰۵

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتَ إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ ٢٠٥﴾

ترجمه:

بگو ببینم، اگر ما سال‌های دیگری ایشان را (از این زندگی دنیا) بهره‌مند سازیم (و با خوشی و خرّمی مدّت دیگری را بسر ببرند).

توضیحات:

«اَفَرَأَيْتَ»: به من بگو. بیان کن (نگا: مریم / ۷۷، فرقان / ۴۳). «سِنِينَ»: سال‌ها.

سوره شعراء آیه ۲۰۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ ٢٠٦﴾

ترجمه:

سپس عذابی که به آنان وعده داده می‌شود، دامنگیرشان گردد.

توضیحات:

«مَا»: فاعل فعل (جَآءَ) است.

سوره شعراء آیه ۲۰۷

متن آیه:

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ٢٠٧﴾

ترجمه:

این تمتّع و بهره‌گیری از دنیا، برای آنان چه سودی خواهد داشت؟

توضیحات:

«مَا»: واژه نخستین استفهامیه، و واژه دوم موصوله یا مصدریه است.

سوره شعراء آیه ۲۰۸

متن آیه:

﴿وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ٢٠٨﴾

ترجمه:

ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکرده‌ایم، مگر این که بیم دهندگانی (از پیغمبران) داشته‌اند (و قبلاً به میان ایشان رفته‌اند و به اندرز و رهنمودشان برخاسته‌اند و آنان را به اوامر و نواهی خدا آشنا ساخته‌اند).

توضیحات:

«قَرۡيَةٍ»: شهر و دیار. مراد ساکنان آنجا است.

سوره شعراء آیه ۲۰۹

متن آیه:

﴿ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٠٩﴾

ترجمه:

تا متذکر شوند و بیدار گردند. ما هرگز ستمگر نبوده‌ایم (تا پیش از ارسال پیغمبران و اتمام حجّت بر مردمان، ایشان را عذاب دهیم).

توضیحات:

«ذِكْري»: یادآوری و عبرت. مفعول له است. یا خبر مبتدای محذوف و تقدیر چنین است: هذِهِ ذِکری....

سوره شعراء آیه ۲۱۰

متن آیه:

﴿وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢١٠﴾

ترجمه:

این قرآن را شیاطین فرو نیاورده‌اند (و بلکه جبریل آن را فرو آورده است).

توضیحات:

«مَا تَنَزَّلَتْ...»: مشرکان می‌گفتند: جنّیان و شیاطین قرآن را به محمّد می‌رسانند، و او همچون کاهنان الهامات و اطّلاعات خود را از ایشان دریافت می‌دارد.

سوره شعراء آیه ۲۱۱

متن آیه:

﴿وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ٢١١﴾

ترجمه:

(اصلاً این کار) ایشان را نسزد، و توانائی (چنین کاری را) ندارند.

توضیحات:

«مَا يَنْبَغِي لَهُمْ»: ایشان را نسزد. سزاوار آن نیستند.

سوره شعراء آیه ۲۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ٢١٢﴾

ترجمه:

قطعاً ایشان از گوش فرا دادن (به فرشتگان و دریافت پیام آسمانی از ایشان) محروم و برکنارند.

توضیحات:

«السَّمْع»: گوش فرا دادن و شنیدن (نگا: حجر / ۹، جنّ / ۸ و ۹).

سوره شعراء آیه ۲۱۳

متن آیه:

﴿فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ٢١٣﴾

ترجمه:

بجز خدا معبودی را به فریاد مخوان و پرستش مکن، که (اگر چنین کنی) از زمره عذاب شوندگان خواهی بود.

توضیحات:

«لا تَدْعُ»: به فریاد مخوان. به کمک مطلب. پرستش مکن. «مَعَ اللهِ»: با خدا. مراد بجز خدا است. «فَتَکُونَ...»: مخاطب پیغمبر و مراد افراد امّت است.

سوره شعراء آیه ۲۱۴

متن آیه:

﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ٢١٤﴾

ترجمه:

خویشاوندان نزدیک خود را (از شرک و مخالفت با فرمان پروردگار) بترسان (و آنان را به‌سوی توحید و دادگری فرا خوان).

توضیحات:

«عَشِیرَة»: وابستگان و خویشان (نگا: توبه / ۲۴).

سوره شعراء آیه ۲۱۵

متن آیه:

﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥﴾

ترجمه:

و بال (محبّت و مودّت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستران.

توضیحات:

«إِخْفِضْ جَنَاحَکَ»: بگستران بال خود را. مراد نرمخوئی و فروتنی و مهربانی است (نگا: حجر / ۸۸).

سوره شعراء آیه ۲۱۶

متن آیه:

﴿فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢١٦﴾

ترجمه:

و اگر آنان (که خویشان تو می‌باشند) از فرمان تو سرکشی کردند، بگو: من از کار شما بیزارم (و شما را دوست نمی‌دارم).

توضیحات:

«عَصَوْکَ»: از تو سرپیچی و سرکشی کردند و نافرمانی نمودند. مرجع ضمیر (و)

خویشان نزدیک است. یا مرجع آن مؤمنین است که اگر در احکام و فروع اسلام از محمّد (پیروی نکنند، از ایشان و معاصی ایشان بیزاری می‌جوید.

سوره شعراء آیه ۲۱۷

متن آیه:

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ۝٢١٧﴾

ترجمه:

و بر خدای چیره و مهربان توکل کن.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۲۱۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ۝٢١٨﴾

ترجمه:

آن خدائی که تو را می‌بیند بدان گاه که (برای نماز تهجّد) برمی‌خیزی.

توضیحات:

«تَقُومُ»: برمی‌خیزی. پا می‌شوی. مراد قیام برای تهجّد، یعنی نماز شب یا سایر نمازهای دیگر است.

سوره شعراء آیه ۲۱۹

متن آیه:

﴿وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ۝٢١٩﴾

ترجمه:

و (همچنین می‌بیند) حرکت (قیام و رکوع و سجود و نشست و برخاست) تو را در میان (صف جماعت) سجده برندگان.

توضیحات:

«تَقَلُّبَ»: انتقال از حالی به حالی. مراد اوضاع و احوال قیام و رکوع و سجده، و بالاخره حرکات و سکنات نمازگزار است. «السَّاجِدِينَ»: سجده برندگان. مراد مؤمنانی است که به نماز جماعت مشغولند.

سوره شعراء آیه ۲۲۰

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٢٢٠﴾

ترجمه:

چرا که او بس شنوا و آگاه است.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۲۲۱

متن آیه:

﴿هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١﴾

ترجمه:

آیا به شما خبر بدهم شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند (و القاء وسوسه می‌کنند؟).

توضیحات:

«هَلْ أُنَبِّئُكُمْ...»: این آیه پاسخ به تهمت کافران است که می‌گفتند قرآن را شیاطین به محمّد القاء می‌کنند.

سوره شعراء آیه ۲۲۲

متن آیه:

﴿تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢﴾

ترجمه:

بر کسانی نازل می‌گردند که کذّاب و بس گناه‌کار باشند. (چرا که کاهنان و غیبگویان دروغزن و پلشت‌می‌باشند).

توضیحات:

«أَفَّاكٍ»: مرتکب شونده زشت‌ترین دروغ‌ها. کذّابی که دائماً دروغ‌های بزرگ را ردیف می‌سازد. «أَثِیمٍ»: گناهکار و بزهکار.

سوره شعراء آیه ۲۲۳

متن آیه:

﴿يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣﴾

ترجمه:

(به شیاطین) گوش فرا می‌دهند، و بیشترشان دروغگویند (و از پیش خود چیزهائی به هم می‌بافند).

توضیحات:

«يُلْقُونَ السَّمْعَ»: گوش فرا می‌دهند. شنیده‌های خود را به دیگران القاء می‌کنند و می‌رسانند. «وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ»: بیشترشان دروغگویند. مراد این است که کاهنان و غیبگویان مطلقاً دروغگویند، ولی سخنان دروغ خود را در لابلای سخنان و واژه‌های صحیح پنهان و بیان می‌دارند.

سوره شعراء آیه ۲۲۴

متن آیه:

﴿وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ۝٢٢٤﴾

ترجمه:

سرگشتگان و گمراهان از شعراء پیروی می‌کنند.

توضیحات:

«الشُّعَرَآءُ...»: کافران می‌گفتند قرآن شعر است و محمّد از زمره شاعران است. خدا می‌فرماید اغلب شعراء سخنان‌شان مبتنی بر باطل و دروغ است و به دنبال خیال روان می‌گردند. ولی محمّد از خدا سخنان خود را دریافت می‌دارد و کلامش احکام و حکمت و دستور زندگی است.

سوره شعراء آیه ۲۲۵

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ يَهِيمُونَ ۝٢٢٥﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینی که آنان به هر راهی بی‌هدف پا می‌گذارند (و غرق تخیلات و تشبیهات شاعرانه خویش بوده و در بند منطق و استدلال نمی‌باشند؟).

توضیحات:

« وَادٍ »: درّه. مراد راه است. نوع کلام و فن سخن. مراد انواع شعر، از قبیل: هجاء و مدح و غزل و غیره است. در اینجا تنها فنون و انواع شعر مورد نظر است. «يهِيمُونَ»:

سرگشته روان می‌گردند. بی‌هدف اقدام می‌کنند.

سوره شعراء آیه ۲۲۶

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ۝٢٢٦﴾

ترجمه:

و این که ایشان چیزهائی می‌گویند که خودشان انجام نمی‌دهند و بدان‌ها عمل نمی‌کنند.

توضیحات:

سوره شعراء آیه ۲۲۷

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ۝٢٢٧﴾

ترجمه:

مگر شاعرانی که مؤمن هستند و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند و بسیار خدا را یاد می‌نمایند (و اشعارشان مردم را به یاد خدا می‌اندازد) و هنگامی که مورد ستم قرار می‌گیرند (با این ذوق خویش خود را و سایر مؤمنان را) یاری می‌دهند. و کسانی که ستم می‌کنند خواهند دانست که بازگشت‌شان به کجا و سرنوشت‌شان چگونه است!!

توضیحات:

«إِنتَصَرُوا»: کمک کردند و یاری دادند. مراد دفاع از اسلام و مؤمنان و پاسخ به هجاء باطل کافران با هجاء حق است. «مُنقَلَبٍ»: مرجع، بازگشت (نگا: کهف / ۳۶). «يَنقَلِبُونَ»: برمی‌گردند. بازگشت می‌کنند (نگا: شعراء / ۵۰).

سوره نمل

سوره نمل آیه ۱

متن آیه:

﴿طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ١﴾

ترجمه:

طا. سین. این (کلام که آن را به تو وحی می‌کنیم) آیات قرآن و کتاب بیان‌گر (احکام الهی برای سعادت دو جهان) است.

توضیحات:

«طس»: حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱) و (طا. سین) خوانده می‌شود (نگا: المصحف المیسّر). «تِلْكَ...»: (نگا: یوسف / ۱). «كِتَابٍ مُبِينٍ»: از آنجا که (کتاب) همراه صفت (مُبین) آمده است، عطف آن بر (الْقُرْءَانِ) از قبیل عطف صفت بر موصوف است (نگا: مائده / ۱۵، انبیاء / ۴۸).

سوره نمل آیه ۲

متن آیه:

﴿هُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾

ترجمه:

راهنما و مژده‌رسان برای مؤمنان است.

توضیحات:

«هُديً»: هدایت. هادی (نگا: بقره / ۲). «بُشْري»: مژده. مژده‌رسان (بقره / ۹۷، نحل / ۸۹ و ۱۰۲).

سوره نمل آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٣﴾

ترجمه:

آن کسانی که نماز را چنان که باید می‌خوانند، و زکات را می‌پردازند، و قاطعانه آنان به آخرت ایمان دارند.

توضیحات:

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ...»: (نگا: بقره / ۳ و ۴).

سوره نمل آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ٤﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که به آخرت ایمان ندارند، ما اعمال‌شان را (توسّط وسوسه اهریمن و اتباع و اعوان شیطان، و انسان‌های شیطان صفت) در نظرشان می‌آرائیم و ایشان سرگردان بسر می‌برند (و چاه را از راه، و زشت را از زیبا جدا نمی‌کنند).

توضیحات:

«زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ»: (نگا: انعام / ۴۳، اسراء / ۶۳ - ۶۵، مریم / ۸۱ - ۸۳، حجّ / ۵۳، فصّلت / ۲۵). «يَعْمَهُون»: (نگا: بقره / ۱۵، انعام / ۱۱۰، اعراف / ۱۸۶).

سوره نمل آیه ۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٥﴾

ترجمه:

آنان کسانی هستند که عذاب بدی (در دنیا) دارند، و ایشان در آخرت زیانکارترین (مردمان جهان) می‌باشند.

توضیحات:

«سُوءُ الْعَذَابِ»: عذاب بد. مراد سرگردانی و پریشانی و یأس و ناامیدی و چه بسا زندانی و گرفتاری این جهان است. اضافه صفت به موصوف است. «الأَخْسَرُونَ»: جمع أَخْسَر، کسی که دچار زیان و خسران بیشتری گردد.

سوره نمل آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦﴾

ترجمه:

و تو (ای محمّد!) کسی هستی که قرآن از سوی خداوند حکیم (در گرداندن امور آفریدگان، و) آگاه (از کار و بار سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی ایشان) به تو القاء و عطاء می‌گردد.

توضیحات:

«تلقّي»: به تو القاء و عطاء می‌گردد. به تو رسانده و آموخته می‌شود. «حَكِيمٍ»: خدائی که کارهایش از روی حکمت است و حساب و هدفی در آفرینش جهان و نازل کردن قرآن دارد. «عَلِيمٍ»: خدائی که دارای آگاهی بی‌پایان و فرزانه مطلق جهان است.

سوره نمل آیه ۷

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَـَٔاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ٧﴾

ترجمه:

(یادآوری کن) زمانی را که موسی (در راه برگشت از مدین به مصر، در شب تاریک و سردی که راه را گم کرده بود و درد زایمان همسرش درگرفته بود) به خانواده‌اش گفت: (بایستید که) من آتشی (از دور) می‌بینم. هر چه زودتر خبری (از راه) و یا شعله و اخگری چند از آتش برایتان می‌آورم، تا این که خویشتن را گرم کنید.

توضیحات:

«ءَانَسۡتُ»: دیده‌ام. مشاهده کرده‌ام. «شِهَابٍ»: آذرخش. در اینجا مراد شعله و اخگر آتش است. «قَبَسٍ»: برگرفته. برداشته شده. مقداری از آتش که از آتش دیگری برداشته شود و از جائی به جائی برده شود (نگا: طه / ۱۰). «تَصۡطَلُونَ»: خود را با آتش گرم کنید.

سوره نمل آیه ۸

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهَا نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨﴾

ترجمه:

هنگامی که به آتش رسید، ندائی برخاست که: مبارک است آن کسی که (آثار قدرتش) در آتش (جلوه‌گر) است و (آفریدگار همه جهان است، و مبارک است) آن کسی که (موسی نام) و پیرامون آتش (بر پای ایستاده) است (و برای بردن آتش ظاهری آمده است، ولی با آتش پیام آسمانی بر می‌گردد)، و خدا که پروردگار جهانیان است منزّه است (از این که محدود به مکان و مقید به مادّیت و جسمیت و متجلّی در صورت و شکلی همچون آتش شود).

توضیحات:

«نُودِيَ»: ندا داده شد. ندائی برخاست. مجهول فعل (نادی) و از باب مُفاعله است. «أَنْ»: حرف تفسیریه است. یعنی ندا این بود. «مَن فِي النَّارِ» مراد خدا است که نشانه قدرت او در آتش جلوه‌گر بود. «مَنْ حَوْلَهَا»: مراد موسی است که با آتش عشق الهی رویاروی گشته است و پیام رسان آسمان شده است. «سُبْحَانَ الله...»: مراد تنزیه خدا از جسمیت، و تقید به مکان، و حلول و ظهور در چیزی است. و یا این که آفریدگار در ذات و صفات و افعال، جدای از آفریدگان است.

سوره نمل آیه ۹

متن آیه:

﴿يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٩﴾

ترجمه:

ای موسی! آن کس (که با تو سخن می‌گوید) منم که یزدان (جهان و جهانیان و) توانا و مقتدر شکست‌ناپذیر و آگاه و فرزانه کار به جایم.

توضیحات:

«إِنَّهُ»: آن کس که با تو سخن می‌گوید. «اللهُ»: عطف بیان است. برخی ضمیر (هُ) در (إِنَّهُ) را ضمیر شأن، و (أَنَا) را مبتدا و (اللهُ) را خبر دانسته‌اند. در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: بی‌گمان من خدای عزیز و حکیم هستم.

سوره نمل آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٠﴾

ترجمه:

(ای موسی! برای اطمینان خاطر و یقین به حضور در پیشگاه خدای غفور) عصای خود را بینداز. (همین که عصایش را انداخت به اژدهائی تبدیل شد). هنگامی که دید به حرکت درآمد، انگار مار چابک و تندروی است، پای به فرار گذاشت و پشت سر خود را ننگریست! (او را ندا در دادیم:) ای موسی مترس! (تو پیغمبری و در بارگاه حضور خدائی، و) پیغمبران در پیشگاه من نمی‌ترسند (چرا که اینجا آستانه دادگری و امن و امان یزدان است؛ نه دربار ستمگری و خوف و هراس فرعون و فرعونیان).

توضیحات:

«تَهْتَزُّ»: حرکت می‌کند. می‌جنبد. «جَآنٌّ»: مار تندرو و سریع‌السیر سفید یا زرد رنگ. «وَلّي مُدْبِراً»: (نگا: توبه / ۲۵). «لَمْ يُعَقِّبْ»: به پشت سر نگاه نکرد، یعنی برنگشت.

سوره نمل آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١﴾

ترجمه:

و امّا هر کس که ستم کند و سپس (توبه نموده و در مقام جبران برآید و بدین وسیله) بدی را به نیکی تبدیل نماید، (او را خواهم بخشید، چرا که) بی‌گمان من بخشایش‌گر و مهربانم.

توضیحات:

«إِلاّ مَنْ...»: مگر کسی که. با توجّه بدین معنی، استثناء متّصل است و مراد از لغزش پیغمبران، ترک اوّلی است و تنها به صورت گناه است (نگا: اعراف / ۲۲ و ۲۳، انبیاء / ۸۷، قصص / ۱۶) یا این که (إِلاّ) به معنی (لکن) است و معنی آن در ترجمه آیه گذشت، و استثناء منقطع است و مستثنی کسانی جز پیغمبران هستند که در پرتو توبه و ترک معاصی و انجام کارهای پسندیده، می‌توانند از مغفرت و مرحمت خدا برخوردار گردند (نگا: انعام / ۵۴).

سوره نمل آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍۖ فِي تِسْعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِۦٓۚ إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ١٢﴾

ترجمه:

و (ای موسی!) دست خود را به گریبان خویش فرو ببر (و سپس آن را از چاک گریبان بیرون بیار و ببین) که سفید و درخشان (همچون ماه تابان) به در می‌آید، بدون آن که (به بیماری بَرَص یا بیماری دیگری مبتلا شده باشد و) عیبی در آن وجود داشته باشد، (و بدان که معجزات تو منحصر به ید بیضاء و عصا نیست، و بلکه این دو معجزه) از جمله نه معجزه‌ای است که تو آنها را به فرعون و قوم او نشان خواهی داد. ایشان واقعاً جماعت طغیانگر و نافرمانبرداری هستند.

توضیحات:

«بَيْضَآءَ» سفید. درخشان (نگا: اعراف / ۱۰۸). حال است. «تِسْعِ ءَايَاتٍ»: نُهْ معجزه. نُهْ دلیل بر صدق رسالت موسی (نگا: اسراء / ۱۰۱). «فَاسِقِينَ»: درروندگان از پذیرش فرمان خدا.

سوره نمل آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ ءَايَٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُواْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ١٣﴾

ترجمه:

هنگامی که معجزات ما را کاملاً آشکارا بدی‌شان نمود، گفتند: (این چیزهائی که ما می‌بینیم) جز جادوی واضح و روشنی نیست!

توضیحات:

«جَآءَتْهُمْ»: به پیش ایشان آمد. مراد از آمدن. پدیدار شدن و جلوه‌گر گشتن است. «مُبْصِرَةً»: کاملاً آشکارا و پیدا. حال (آیات) است.

سوره نمل آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسْتَيْقَنَتْهَآ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّاۚ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ١٤﴾

ترجمه:

ستمگرانه و مستکبرانه معجزات را انکار کردند، هر چند که در دل بدان‌ها یقین و اطمینان داشتند. بنگر سرانجام و سرنوشت تباهکاران چگونه شد؟ (مگر در دریا غرق نشدند و به دوزخ واصل نگشتند؟).

توضیحات:

«جَحَدُوا بِهَا»: آنها را انکار کردند و نپذیرفتند. «إِسْتَيْقَنَتْهَا»: آنها را کاملاً باور داشتند و یقیناً می‌دانستند. «ظُلْماً وَ عُلُوّاً»: ستمگرانه و مستکبرانه. از روی ستم و برتری جوئی. با توجّه به معنی اوّل، این دو واژه حال ضمیر (و) در فعل (جَحَدُوا) و به معنی (ظَالِمِينَ وَ عَالِينَ) است. و با توجّه به معنی دوم، مفعول له می‌باشند.

سوره نمل آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ عِلۡمٗاۖ وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٥﴾

ترجمه:

ما به داود و سلیمان دانش (قابل ملاحظه‌ای) عطاء کردیم و آنان (سپاس خدا را به جای آوردند و) گفتند: حمد و سپاس خداوند را سزا است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری بخشید.

توضیحات:

«عِلْماً»: دانش عظیم و فراوان. تنکیر برای تعظیم است. «فَضَّلْنَا...»: در این آیه، یکی از نعمت‌های مهمّ الهی که دانش است، معیار برتری دانسته شده است. چرا که هر قدرتی و هر ارزشی از علم سرچشمه می‌گیرد. در آیات بالا می‌بینیم که نعمت مایه غرور فرعون و فرعونیان و قوم عاد گشته است، ولی این آیه می‌رساند که مؤمنانِ چون سلیمان و داود، نعمت بر شکر و طاعت‌شان افزوده است.

سوره نمل آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَوَرِثَ سُلَيۡمَٰنُ دَاوُۥدَۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمۡنَا مَنطِقَ ٱلطَّيۡرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيۡءٍۖ

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٦﴾

ترجمه:

سلیمان وارث (پدرش) داود شد و گفت: ای مردم! به ما (درک) سخن پرندگان (و نحوه سخن گفتن با آنها، به وسیله خداوند بزرگوار) آموخته شده است، و به ما از همه چیزها (و تمام وسائلی که از نظر مادی و معنوی برای تشکیل حکومت الهی لازم باشد) داده شده است. این فضیلت و لطف آشکاری است (و باید بسیار سپاس آن را بگوئیم، و با شکر این فخر رضای خدا را بجوئیم).

توضیحات:

«مَنطِق»: سخن. گفتار. مصدر میمی و به معنی نطق است. این آیه اشاره به نطق پرندگان دارد و آیات دیگر نیز مؤید این مطلب است که حیوانات و از جمله پرندگان با یکدیگر سخن می‌گویند (نگا: انعام / ۳۸، نمل / ۱۸ و ۲۲). «مِن كُلِّ شَيْءٍ»: مراد همه چیزهائی است که برای حکومت آنان و خلیفه‌گری انسان لازم باشد.

سوره نمل آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَحُشِرَ لِسُلَيۡمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ وَٱلطَّيۡرِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

لشکریان سلیمان از جنّ و انس و پرنده، برای او گردآوری گشتند، و همه آنان به یکدیگر ملحق و در نزد هم نگاه داشته شدند.

توضیحات:

«حُشِرَ»: گرد آورده شد. «مِنْ»: حرف تبعیضیه است. یعنی برخی از جنّ و انس و پرنده (نگا: فی ظلال القرآن). «يُوزَعُونَ»: نگاه داشته شدند و کنار یکدیگر جمع آورده شدند (نگا: فصّلت / ۱۹). با نظم و ترتیب و صف در صف جای داده شدند، به گونه‌ای که هیچ کدام از مکان خود پیش و پس نرود.

سوره نمل آیه ۱۸

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوۡاْ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمۡلِ قَالَتۡ نَمۡلَةٞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمۡلُ ٱدۡخُلُواْ مَسَٰكِنَكُمۡ لَا يَحۡطِمَنَّكُمۡ سُلَيۡمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه:

(آن گاه حرکت کردند) تا رسیدند به درّه مورچگان، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به لانه‌های خود بروید، تا سلیمان و لشکریانش بدون این که متوجّه باشند شما را پایمال نکنند.

توضیحات:

«وَادِ النَّمْلِ»: درّه مورچگان. سرزمین مورچگان. مراد مکانی است که مورچه‌ها در آنجا فراوان بودند. در رسم‌الخطّ قرآنی یاء آخر (وادی) حذف شده است. «قالَتْ نَمْلَةٌ»: قرآن بیان‌گر این واقعیت است که حیوانات و پرندگان هر گروهی برای خود ملّت و گروهی همچون انسان‌ها بوده و با یکدیگر سخن می‌گویند (نگا: نمل / ۱۶ و ۲۲). «لا يَحْطِمَنَّكُمْ»: شما را پایمال نکنند. شما را درهم نشکنند و نکشند. «وَهُمْ لا يَشْعُرُونَ»: در حالی که متوجّه نباشند.

سوره نمل آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِيٓ أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩﴾

ترجمه:

سلیمان از سخن آن مورچه تبسّم کرد و خندید و گفت: پروردگارا! چنان کن که پیوسته سپاسگزار نعمتهائی باشم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و (مرا توفیق عطاء فرما تا) کارهای نیکی را انجام دهم که تو از آنها راضی باشی (و من بدان‌ها رستگار باشم)، و مرا در پرتو مرحمت خود از زمره بندگان شایسته‌ات گردان.

توضیحات:

«فَتَبَسَّمَ ضَاحِكاً»: لبخند زد و خندید. واژه (ضَاحِكاً) حال مؤکده است. خندیدن سلیمان به خاطر یاد نعمت‌های سترگ خدا بر خود است که از جمله آنها فهم سخنان مورچگان و پرندگان است. همچنین از این که او و سپاهیانش حتی عمداً به مورچه‌ای زیان نمی‌رسانند، و این که حیوانات و پرندگان و حتی حشراتی چون مورچگان هم او را می‌شناسند. «أَوْزِعْنِي...»: مرا ملازم شکر خود گردان. چنان کن که دائماً

سپاس‌گزار نعمت‌های تو باشم و آنها را هیچ وقت فراموش نکنم.

سوره نمل آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

سلیمان از لشکر پرندگان سان دید و جویای حال آنها شد و گفت: چرا شانه بسر را نمی‌بینم؟ (آیا او در میان شما است و او را نمی‌بینم؟) یا این که از جمله غائبان است؟

توضیحات:

«تَفَقَّدَ»: جویا شد. پرس و جو کرد. «تَفَقَّدَ الطَّیْرَ»: از پرندگان سان دید. جویای حال و احوال پرندگان شد. «الْهُدْهُدَ»: شانه‌بسر. پوپک. پوپو. در اینجا هدهد ویژه‌ای مراد است که چه بسا نوبت کشیک او بوده باشد.

سوره نمل آیه ۲۱

متن آیه:

﴿لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ٢١﴾

ترجمه:

حتماً او را کیفر سختی خواهم داد، و یا او را سر می‌برم (اگر گناهش بزرگ باشد)، و یا این که باید برای من دلیل روشنی اظهار کند (که غیبت وی را موجّه سازد).

توضیحات:

«سُلْطَانٍ»: دلیل و حجّت. «مُبِینٍ»: روشن. بیان‌گر حقّانیت و عذر تقصیر.

سوره نمل آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ وَجِئۡتُكَ مِن سَبَإِۭ بِنَبَإٖ يَقِينٍ ٢٢﴾

ترجمه:

چندان طول نکشید (که هدهد برگشت و) گفت: من بر چیزی آگاهی یافته‌ام، که تو از آن آگاه نیستی. من برای تو از سرزمین سبا یک خبر قطعی و مورد اعتماد آورده‌ام.

توضیحات:

«مَکَثَ»: ماند. مراد طول کشیدن است. در اصل مرجع ضمیر مستتر در آن به

هدهد برمی‌گردد. «غَيْرَ بَعيدٍ»: نه چندان زیاد. مدّت کمی. واژه (غَيْرَ) صفت زمان محذوف است و تقدیر چنین است: «فَمَكَثَ الْهُدْهُدُ زَمَاناً غَيْرَ بَعيدٍ». «أَحَطْتُ»: احاطه پیدا کرده‌ام. به خوبی آگاهی یافته‌ام (نگا: کهف / ۹۱). «سَبَإٍ»: اسم نیای قبیله سبا بوده و سپس بر خود این قبیله اطلاق شده و بعدها نام سرزمین ایشان گشته است. «نَبَإٍ يَقِينٍ»: خبر راستین و قطعی.

سوره نمل آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ ٢٣﴾

ترجمه:

من دیدم که زنی بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز (لازم برای زندگی) بدو داده شده است، و تخت بزرگی دارد (و دربار بسیار مجلّلی).

توضیحات:

«مِن كُلِّ شَيْءٍ»: مراد وسائل زندگی و اسباب رفاه است، و مراد از همه چیز بیان کثرت و فراوانی نعمت است. «عَرْشٌ»: تخت سلطنت.

سوره نمل آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

من او و قوم او را دیدم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌برند، و اهریمن اعمال‌شان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه (راست) به در برده است، آنان (به خدا و یکتاپرستی) راهیاب نمی‌گردند.

توضیحات:

«مِن دُونِ اللهِ»: به جای خدا. بجز خدا. «أَعْمَالَهُمْ»: مراد پرستش و کرنش ایشان برای خورشید است.

سوره نمل آیه ۲۵

متن آیه:

﴿أَلَّا يَسۡجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

(آنان را از راه بدر برده است) تا این که برای خداوندی سجده نبرند که نهانی‌های آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌دهد و می‌داند آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌سازید.

توضیحات:

«أَلاّ یَسْجُدُوا» تا سجده نبرند و عبادت نکنند. (أَلاّ) فراهم آمده است از (أَنْ) ناصبه و (لا) نافیه. «الْخَبْءَ»: نهان. پوشیده. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی مَخْبُوء است. «یُخْرِجُ الْخَبْءَ»: نهانی‌ها را بیرون می‌آورد و از آسمان‌ها اشعّه‌ها و بارانها و از زمین گنجها و معدن‌ها و گیاهان را بیرون می‌دهد و به ظهور می‌رساند. بر غیب آسمان‌ها و زمین مطّلع‌است.

سوره نمل آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩ ٢٦﴾

ترجمه:

جز خدا که صاحب عرش عظیم (و حکمفرمائی بر کائنات) است معبودی نیست. (پس چرا باید جز او را بپرستند؟!).

توضیحات:

«اللهُ»: خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: هُوَ اللهُ. «الْعَرْشِ الْعَظِیمِ»: (نگا: اعراف / ۵۴). اشاره به این است که: تخت بلقیس کجا و تخت فرماندهی کلّ کائنات کجا؟

سوره نمل آیه ۲۷

متن آیه:

﴿قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

(سلیمان به هدهد) گفت: تحقیق می‌کنیم تا ببینیم راست گفته‌ای یا از زمره دروغگویان بوده‌ای.

توضیحات:

«سَنَنظُرُ»: خواهیم نگریست. مراد از نگریستن بررسی و تحقیق است.

سوره نمل آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ مَاذَا يَرۡجِعُونَ ۝٢٨﴾

ترجمه:

این نامه مرا ببر و آن را به‌سویشان بینداز و سپس از ایشان دور شو و در کناری بایست و بنگر که به یکدیگر چه می‌گویند و واکنش آنان چه خواهد بود.

توضیحات:

«أَلْقِهْ»: آن را بینداز. ضمیر (ه) را با اختلاس کسره، یعنی ساکن خوانده‌اند. «تَوَلَّ»: پشت کن. دور شو. مراد این است که خود را در گوشه‌ای دور از چشمان ایشان پنهان کن. «یَرْجِعُونَ»: به همدیگر چه می‌گویند. تصمیم ایشان بعد از رایزنی چه خواهد بود.

سوره نمل آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ كِتَٰبٞ كَرِيمٌ ۝٢٩﴾

ترجمه:

(بلقیس) گفت: ای سران قوم! نامه محترمی به سویم انداخته شده است.

توضیحات:

«کِتَابٌ»: نوشته. نامه. «کَرِیمٌ»: محترم. ارزشمند.

سوره نمل آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۝٣٠﴾

ترجمه:

این نامه از سوی سلیمان آمده است، و (سرآغاز) آن چنین است: به نام خداوند

بخشنده مهربان.

توضیحات:

سوره نمل آیه ۳۱

متن آیه:

﴿أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣١﴾

ترجمه:

برای این (نامه را فرستاده‌ام) تا برتری‌جوئی در برابر من نکنید، و تسلیم شده به‌سوی من آئید.

توضیحات:

«أَلاّ تَعْلُوا»: تا این که تکبّر و تعالی نکنید. یعنی بزرگی نفروشید و عظمت به خود نگیرید. (أَنْ) حرف ناصبه، یا حرف تفسیریه و به معنی یعنی، و (لا) حرف نهی است. «مُسْلِمِينَ»: منقادان و خاضعان. موحّدان و مؤمنان. حال است.

سوره نمل آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ تَشۡهَدُونِ ٣٢﴾

ترجمه:

(بلقیس رو به اعضای مجلس شوری کرد و) گفت: ای بزرگان و صاحب نظران! رأی خود را در این کار مهمّ برای من ابراز دارید که من هیچ کار مهمّی را بدون حضور و نظر شما انجام نداده‌ام.

توضیحات:

«أَفْتُونِي»: برای من نظر خود را بیان دارید و رأی دقیق و صحیح خویش را بگوئید. از مصدر إفتاء است. «قاطِعَةً»: تصمیم گیرنده و اقدام کننده. «تَشْهَدُونِ»: در پیش من حاضر می‌شوید و رأی خود را صادر می‌کنید.

سوره نمل آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ إِلَيۡكِ فَٱنظُرِي مَاذَا تَأۡمُرِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

گفتند: ما از هر لحاظ قدرت و قوّت داریم و در جنگ تند و سرسخت می‌باشیم. فرمان فرمانِ تو است، بنگر که چه فرمان می‌دهی.

توضیحات:

«أُولُوا»: صاحبان. دارندگان. «بَأْسٍ»: شدّت و حدّت جنگ. «الأمْرُ إِلَيْكَ»: اختیار کار در دست تو است. فرمان فرمانِ تو است.

سوره نمل آیه ۳۴

متن آیه:

﴿قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرۡيَةً أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشانند و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند. اصلاً پیوسته شاهان چنین می‌کنند.

توضیحات:

«قَرْيَةً»: شهر و دیار. «أَعِزَّةَ»: جمع عزیز، بزرگان و مقتدران. «أَذِلَّةً»: جمع ذلیل، خواران و کوچکان. ملکه سبا با بیان این مطالب خواست عطش جنگ سپاهیان را فرو نشاند، و عاقبتِ دائمی جنگ را جلو چشمان‌شان مجسّم گرداند.

سوره نمل آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

من (برای صلح و ساز و جلوگیری از خرابیها و خونریزیها، هیئتی را) به پیش آنان می‌فرستم همراه با تحفه‌ای تا ببینم فرستادگان (ما از پذیرش ارمغان یا نپذیرفتن آن، و چیزهای دیگر) چه خبری با خود می‌آورند (تا برابر آن عمل کنیم).

توضیحات:

«مُرْسِلَةٌ»: فرستنده. «هَدِيَّةٍ»: تحفه. ارمغان. پیشکش. «ناظِرَةٌ»: نگاه کننده.

سوره نمل آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

هنگامی که (رئیس و گوینده فرستادگان) به پیش سلیمان رسید (و هدیه را تقدیم داشت، سلیمان شاکرانه) گفت: می‌خواهید مرا از لحاظ دارائی و اموال کمک کنید (و با آن فریبم دهید؟!). چیزهائی را که خدا به من عطاء فرموده است بسی ارزشمند و بهتر از چیزهائی است که خدا به شما داده است. (و من نیازی بدین اموال ندارم). بلکه این شمائید که (نیازمند دارائی و اموال هستید و) به هدیه خود شادمان و خوشحالید. (زیرا شما تنها به بودن این دنیا معتقدید و سخت به وسائل زندگی و رفاه آن دل بسته‌اید. ولی ما بدین جهان و آن جهان باور داریم، و اینجا را پلی برای رسیدن به سعادت آنجا می‌دانیم).

توضیحات:

«جَآءَ»: ذکر فعل به صورت مفرد با توجّه به سردسته و گوینده فرستادگان است. « قَالَ »: حضرت سلیمان به عنوان تحدّث به نعمت خدا و برشمردن الطاف او، شاکرانه گفت. «تَفۡرَحُونَ»: شادمان می‌شوید (نگا: آل‌عمران / ۱۸۸). مغرور می‌گردید (نگا: هود / ۱۰، قصص / ۷۶).

سوره نمل آیه ۳۷

متن آیه:

﴿ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

به‌سوی ایشان بازگرد (و بدی‌شان بگو که) ما با لشکرهائی به سراغ آنان می‌آئیم که قدرت مقابله با آنها را نداشته باشند، و ایشان را از آن (شهر و دیار سبا) به گونه خوار و زار در عین حقارت بیرون می‌رانیم.

توضیحات:

«إِرْجِعْ»: برگرد ای رئیس گروه اعزامی بلقیس! «قِبَلَ»: توانائی. تاب مقاومت. «صَاغِرُونَ»: (نگا: توبه / ۲۹، اعراف / ۱۳ و ۱۱۹، یوسف / ۳۲).

سوره نمل آیه ۳۸

متن آیه:

﴿قَالَ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

(سلیمان خطاب به حاضران) گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما می‌تواند تخت او را پیش من حاضر آورد، قبل از آن که آنان نزد من بیایند و تسلیم شوند (تا بدین وسیله با قدرت شگرفی رویاروی گردند و دعوت ما را بپذیرند).

توضیحات:

«يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا»: تخت بلقیس را برای من می‌آورد.

سوره نمل آیه ۳۹

متن آیه:

﴿قَالَ عِفۡرِيتٌ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ٣٩﴾

ترجمه:

عفریتی از جنّیان گفت: من آن را برای تو حاضر می‌آورم پیش از این که (مجلس به پایان برسد و) تو از جای برخیزی. و من بر آن توانا و امین هستم.

توضیحات:

«عِفْرِيتٌ»: نیرومندترین جنّیان. دیو قوی و درشت هیکل. سرگذشت سلیمان پر از شگفتیها و خارق عادات است، و از جمله اطاعت جنّیها از او و انجام کارهای شگفت برای او است (نگا: سبأ / ۱۲، ص / ۳۵). «ءَاتِي...»: می‌آورم. آورنده. این واژه می‌تواند فعل مضارع و متکلّم وحده، و یا این که اسم فاعل (إتیان) باشد. «أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ»: مراد پایان یافتن مجلس است.

سوره نمل آیه ۴۰

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلَّذِی عِندَهُۥ عِلۡمٌ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّی لِيَبۡلُوَنِیٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّی غَنِیٌّ كَرِيمٌ ۝٤٠﴾

ترجمه:

کسی که علم و دانشی از کتاب داشت گفت: من تخت (بلقیس) را پیش از آن که چشم بر هم زنی، نزد تو خواهم آورد. هنگامی که سلیمان تخت را پیش خود آماده دید، گفت: این از فضل و لطف پروردگار من است. (این همه قدرت و نعمت به من عطاء فرموده است) تا مرا بیازماید که آیا شکر (نعمت) او را بجا می‌آورم یا ناسپاسی می‌کنم. هر کس که سپاسگزاری کند تنها به سود خویش سپاسگزاری می‌کند، و هر کس که ناسپاسی کند، پروردگار من بی‌نیاز (از سپاس او و) صاحب کرم است (و سفره کریمانه انعام خود را از شکرگزار و ناشکر قطع نمی‌کند).

توضیحات:

«قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ»: مراد کسی است که مرد خدا بوده و دانش فراوان و عمیقی از کتاب فراچنگ آورده است. بعضی نام این شخص محترم را آصف ابن برخیا ذکر کرده‌اند. برخی از مفسّران چنین شخص مقتدر و فرزانه‌ای را خود سلیمان می‌دانند که خطاب به عفریت مذکور می‌گوید: من آن را در آن واحد حاضر می‌آورم (نگا: تفسیرهای المراغی و عبدالکریم خطیب). «الْكِتَابِ»: روشن نیست چه کتابی است. برخی آن را لوح محفوظ می‌دانند. «يَرْتَدَّ»: برگردد. مراد چشم برهم نهادن است. «طَرْف»: چشم. مراد پلک بالا است. کنایه از سرعت است. «يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»: مراد این است که نفع شکرگزاری عائد خود سپاس‌گزار می‌گردد.

سوره نمل آیه ۴۱

متن آیه:

﴿قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا عَرۡشَهَا نَنظُرۡ أَتَهۡتَدِیٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

(سلیمان) گفت: تخت او را (با تغییرات محلّ برخی از زینت آلات و رنگ و روغن

ظاهری) ناشناخته کنید، تا ببینیم متوجّه می‌شود (که تخت او است) یا جزو کسانی خواهدبود که پی نمی‌برند (که این خود آن تخت است).

توضیحات:

«نَكِّرُوا»: ناشناخته کنید و بدو نگوئید. تغییر شکل دهید. مراد جابه‌جائی برخی از لون‌ها و رنگ‌ها است. «أَتَهْتَدِي»: آیا پی می‌برد؟ آیا متوجّه تخت خود می‌شود؟

سوره نمل آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَتۡ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ ٤٢﴾

ترجمه:

هنگامی که او بدانجا رسید (و تخت خود را با وجود آن همه مسافت و درهای بسته و محافظان کاخ سلطنت، مشاهده کرد و بدان خیره شد، از سوی یکی از همراهان بدو) گفته شد: آیا تخت تو این‌گونه است (و این همان تخت نیست؟) گفت: انگار این همان است! امّا پیش از این (معجزه) هم (با مشاهده کار هدهد و شنیدن چیزهائی از قاصدان خود، از حقّانیت سلیمان) آگاهی یافته و از زمره منقادان و تسلیم شدگان بوده‌ایم (و چندان نیازی به این معجزه جدید نبود).

توضیحات:

«أُوتِينَا الْعِلْمَ»: آگاهی یافته بودیم. به قدرت خدا و صدق نبوّت سلیمان پی برده بودیم. «مِن قَبْلِهَا»: پیش از این معجزه، مرجع ضمیر (معجزه) یا (حاله) است که مراد حاضر آوردن تخت بلقیس است.

سوره نمل آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ٤٣﴾

ترجمه:

و معبودهائی که به جای خدا می‌پرستید، او را (از پرستش خدا) بازداشته بود. او هم از زمره قوم کافر (خود) بود.

توضیحات:

«صَدَّهَا»: او را بازداشته بود. «مَا»: مصدریه یا موصول است و فاعل فعل (صَدَّ) می‌باشد.

سوره نمل آیه ۴۴

متن آیه:

﴿قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ وَكَشَفَتۡ عَن سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ۝٤٤﴾

ترجمه:

(بعد از مشاهده تخت خود) بدو گفته شد: داخل کاخ (عظیم سلیمان) شو. هنگامی که (صحنه شیشه‌ای) آن را دید، گمان برد که آب عمیقی است (چرا که ماهیها در آن شنا می‌کردند). ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب عبور کند و جامه‌های درازش تر نشود، سلیمان بدو) گفت: (حیاط) قصر از بلور صاف ساخته شده است! (بلقیس از دم و دستگاه سلیمان شگفت زده شد و سلطنت و قدرت مادی و معنوی خود را در برابر فرمانروائی و توانائی و دارائی سلیمان ناچیز دید. دل خود را متوجّه خالق جهان کرد و) گفت: پروردگارا! من به خود ستم کرده‌ام (و گول کفر و غرور شاهی را خورده‌ام، و هم اینک پشیمانم) و با سلیمان خویشتن را تسلیم پروردگار جهانیان می‌دارم (و به پیغمبری او اقرار می‌نمایم و تو را به یگانگی می‌ستایم).

توضیحات:

«الصَّرْحَ»: کاخ. قصر (نگا: قصص / ۳۸، غافر / ۳۶). «لُجَّةً»: آب فراوانی که دارای موج باشد. «مُمَرَّدٌ»: صیقلی زده و صاف. «قَوَارِيرَ»: جمع قارُورَة، قطعات صاف شیشه. بلور. «أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ...»: مراد پذیرش پیغمبری سلیمان و متابعت از قانون یزدان است.

سوره نمل آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ فَإِذَا هُمۡ فَرِيقَانِ يَخۡتَصِمُونَ۝٤٥﴾

ترجمه:

ما به‌سوی قوم ثمود برادرشان صالح را روانه کردیم (تا ایشان را به یکتاپرستی دعوت کند و بدی‌شان بگوید) که خدا را بپرستید. امّا آنان به دو گروه تقسیم شدند و به کشمکش پرداختند. (دسته‌ای مؤمن و دسته‌های کافر گشتند).

توضیحات:

«أَخَاهُمْ...»: مراد برادر نسبی و قومی است؛ نه دینی و مکتبی (نگا: اعراف / ۶۵ و ۷۳ و ۸۵). «فَرِيقَانِ»: دو دسته. دو گروه. مراد کافران و مؤمنان است (نگا: اعراف / ۷۵ و ۷۶). «يَخْتَصِمُونَ» نزاع و کشمکش می‌کنند. ذکر فعل به صورت جمع با توجّه به افراد و اشخاص دو گروه است.

سوره نمل آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

(بدی‌شان) گفت: ای قوم من! چرا پیش از تلاش و کوشش برای جلب خوبی‌ها و نیکی ها (با عبادت و اطاعت از الله) عجله برای بلاها و بدی‌ها دارید (و عذاب و مجازات خدا را با شتاب خواستار می‌گردید؟). چرا نباید از خدا طلب آمرزش کنید تا مورد مرحمت قرار گیرید؟

توضیحات:

«السَّيِّئَةِ»: بدی. مراد عذاب خدا است. چرا که قوم صالح می‌گفتند: ای صالح! اگر راست می‌گوئی که تو پیغمبری و عذاب خدا در کمین بزهکاران است، آنچه را که ما را از آن بیم می‌دهی بر سر ما بیاور (نگا: اعراف / ۷۷). «الْحَسَنَةِ»: نیکی، مراد رحمت و نعمت حاصل از ایمان به خدا است. «لَوْلا»: این واژه به معنی (هَلاّ) و برای ترغیب و تشویق انجام کار بعد از خود به کار می‌رود.

سوره نمل آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَـٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

گفتند: ما تو را و کسانی را که با تو هستند به فال بد گرفته‌ایم (و شوم و بدشگونتان می‌دانیم. به سبب نحوست وجود شما است که قحطی و خشکسالی گریبان‌گیرمان شده است. در پاسخ بدیشان) گفت: بدشانسی و بدبختی شما (به خاطر اعمال خودتان) از سوی خدا (بر سرتان می‌آید و چنین مجازاتی را سبب شده) است. بلکه (باید بدانید این هوشدارها و بیدارباش‌ها آزمایش‌های الهی هستند، و پیوسته با خوبیها و بدیها) شما مردمان مورد آزمایش قرار می‌گیرید.

توضیحات:

«إِطَّيَّرْنَا»: به فال بد می‌گیریم. نحس و شوم می‌دانیم. اصل آن (تَطَيَّرْنَا) و از باب تفعّل است (نگا: اعراف / ۱۳۱، یس / ۱۸). «طَآئِرُكُمْ»: بدبختی و بدطالعی شما (نگا: اعراف / ۱۳۱، اسراء / ۱۳). «تُفْتَنُونَ»: مورد آزمایش قرار می‌گیرید (نگا: عنکبوت / ۲). عذاب داده می‌شوید (نگا: ذاریات / ۱۳، بروج / ۱۰). گول زده می‌شوید و از دین برگردانده می‌شوید و گمراه می‌گردید (نگا: نساء / ۱۰۱، اعراف / ۲۷).

سوره نمل آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَكَانَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ تِسۡعَةُ رَهۡطٖ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

در آن شهر (که حِجر نام داشت) نُهْ گروهک بودند که در سرزمین (آنجا با آراء و تبلیغ و خرابه کاری خود) تباهی می‌کردند و به اصلاح (حال خویش و جامعه) نمی‌پرداختند.

توضیحات:

«الْـمَدِينَةِ»: شهر. مراد حِجر است که بین حجاز و شام واقع است و «مدائن صالح» نامیده می‌شود (نگا: حجر / ۸۰). «رَهْطٍ»: گروهک (نگا: هود / ۹۱ و ۹۲). مراد نُهْ نفر از رؤساء قبائل و اشراف شهر است همراه با دار و دسته ایشان.

سوره نمل آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

(این گروهکها که آئین صالح عرصه بر آنان تنگ کرده بود، به یکدیگر) گفتند: برای همدیگر به خدا سوگند بخورید که بر صالح و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم و آنان را به قتل می‌رسانیم، سپس به ولی دم او می‌گوئیم که ما در کشتن (وی و) خانواده‌اش شرکت نداشته‌ایم و (در آنچه می‌گوئیم) راستگوئیم.

توضیحات:

«تَقَاسَمُوا»: برای یکدیگر سوگند بخورید و قسم یاد کنید. فعل امر است. این واژه می‌تواند فعل ماضی بوده و بدل از واو (قَالُوا) یا حال فاعل باشد (نگا: تفسیر آلوسی). «لَنُبَيِّتَنَّهُ»: قطعاً شبیخون می‌زنیم. از مصدر (تَبْيِيت) به معنی شبیخون زدن و حمله غافلگیرانه شبانه. «وَلِيِّهِ»: صاحب خون و ولی دم صالح، از قبیل خویشان و نزدیکان. «مَهْلِكَ»: هلاک. مصدر میمی است. یا این که اسم مکان یا اسم زمان است. یعنی ما چه رسد که ایشان را نکشته‌ایم، اصلاً بدانجا گام ننهاده و در آن زمان در محلّ قتل نبوده‌ایم. «مَهْلِكَ أَهْلِهِ»: مراد این است که کسی که اتباع صالح را نکشد، حتماً خود او را نیز نمی‌کشد. «مَا شَهِدْنَا»: حاضر نشده‌ایم. شرکت نداشته‌ایم.

سوره نمل آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

ایشان نقشه مهمی‌کشیدند (برای نابودی صالح و پیروان او) و ما هم نقشه مهمی‌کشیدیم، (برای نجات او و پیروانش). در حالی که ایشان خبر نداشتند.

توضیحات:

«مَكَرُوا»: نقشه کشیدند. توطئه کردند. به چاره‌جوئی پرداختند (نگا: آل‌عمران / ۵۴، انفال / ۳۰).

سوره نمل آیه ۵۱

متن آیه:

﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَـٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَـٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ ۝٥١﴾

ترجمه:

بنگر که عاقبت، توطئه ایشان چه شد (و کار آنان به کجا کشید؟ عاقبت، این شد) که ما آنان و قوم ایشان همگی را نابود کردیم.

توضیحات:

«أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ...»: مؤوّل به مصدر و بدل از (عاقِبَةُ مَكْرِهِمْ) است. یا خبر مبتدای محذوف می‌باشد.

سوره نمل آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

این، خانه‌های ایشان است که بر اثر ظلم و ستم فرو تپیده است و خالی از سکنه شده است. مسلّماً در این امر عبرت بزرگی است برای کسانی که آگاه و فهمیده باشند.

توضیحات:

«خَاوِيَةً»: فروتپیده و ویران. خالی از سکنه (نگا: بقره / ۲۵۹، کهف / ۴۲، حجّ / ۴۵). حال است. «ءَايَةً»: عبرت. اندرز.

سوره نمل آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

و ما کسانی را نجات دادیم که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند.

توضیحات:

«الَّذِينَ ءَامَنُوا...»: مراد صالح و سایر مؤمنین است.

سوره نمل آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

لوط را (هم به‌سوی قوم خود فرستاده‌ایم). وقتی به قوم خود گفت: آیا به سراغ کار بسیار زشت (لِواط) می‌روید، در حالی که (پلشتی و سرانجام شوم آن را) می‌دانید؟!

توضیحات:

«الْفَاحِشَةَ»: قبیح‌ترین کردارها و گفتارها (نگا: اعراف / ۲۸). زنا (نگا: نساء / ۱۵ و ۱۹). در اینجا مراد لِواط است (نگا: نمل / ۵۵). «وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ»: در حالی که شما زشتی و پلشتی آن را می‌بینید. در حالی که همدیگر را در حین انجام لواط می‌بینید و از یکدیگر خجالت نمی‌کشید.

سوره نمل آیه ۵۵

متن آیه:

﴿أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

آیا شما به جای زنان به سراغ مردان می‌روید و (این‌عمل قبیح و غیرطبیعی را) دوست می‌دارید؟! اصلاً شما قوم نادانی هستید. (نه خدا را چنان که باید می‌شناسید، و نه به نوامیس خلقت آشنائید، و نه هدف آفرینش را تشخیص می‌دهید).

توضیحات:

«تَأْتُونَ»: از مصدر إتیان، به معنی جماع و نزدیکی است. «شَهْوَةً»: آرزومند گشتن. تمایل به جماع. مفعول‌له، یا حال است.

سوره نمل آیه ۵۶

متن آیه:

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٖ مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

پاسخ قوم او جز این نبود که (به یکدیگر) گفتند: (لوط و) پیروان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، آنان مردمانی پاکدامن و بیزار از ناپاکی‌ها هستند!

توضیحات:

«ءَالَ»: خاندان. مراد پیروان مؤمن و گرویدگان به لوط است (نگا: آل‌عمران / ۳۳، غافر / ۲۸ و ۴۶). «یَتَطَهَّرُونَ»: پاکی و پاکدامنی می‌ورزند. از ناپاکی بیزاری می‌جویند. البتّه مرادشان ریشخند و تمسخر بود.

سوره نمل آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَٰهَا مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

ما لوط و خاندان او را (از عذاب قریب‌الوقوع) نجات دادیم، بجز همسرش را که خواستیم جزو باقیماندگان (در شهر و از زمره نابود شوندگان) باشد.

توضیحات:

«قَدَّرْنَاهَا»: (نگا: حجر / ۶۰). «الْغَابِرِینَ»: (نگا: حجر / ۶۰).

سوره نمل آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

بر آنان باران (سنگ) را سخت باراندیم. باران بیم داده شدگان (به عذاب الهی) چه بد بارانی است!

توضیحات:

«أَمْطَرْنَا»: (نگا: هود / ۸۲ و ۸۳). «الْمُنذَرِینَ»: بیم داده شدگان. ترسانده شدگان.

سوره نمل آیه ۵۹

متن آیه:

﴿قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيۡرٌ أَمَّا يُشۡرِكُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بگو: خدای را سپاس (می‌گویم که تباه‌کاران همچون قوم ثمود و گردنکشان همسان فرعونیان را به دیار عدم فرستاد، و از خدا درخواست می‌نمایم که نازل فرماید) رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزیده خویش. آیا خدا (که این همه

قدرت و نعمت و موهبت دارد) بهتر است (برای پرستش و کرنش) یا چیزهائی که انباز خدا می‌سازید (و فاقد نفع و ضرر هستند و چیزی از آنها ساخته نیست؟).

توضیحات:

«قُلِ الْحَمْدُ للهِّ...»: (نگا: انعام / ۴۵). «إِصْطَفي»: برگزید. «ءَاللهُ»: فراهم آمده است از همزه استفهام و واژه (الله). «امّا...»: مرکب است از (أَمْ) و (ما).

سوره نمل آیه ۶۰

متن آیه:

﴿أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ٦٠﴾

ترجمه:

(آیا بت‌هائی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، و برای شما از آسمان آبی بارانده است که با آن باغ‌های زیبا و فرح‌افزا رویانیده‌ایم؟ باغ‌هائی که شما نمی‌توانستید درختان آنها را برویانید. آیا (با توجّه به آفرینش آسمان‌ها و زمین و نزول باران و برکات و ثمرات ناشی از آن، و هماهنگی و پیوند لطیف و دقیق هر یک از این مخلوقات) معبودی با خدا است؟! اصلاً ایشان قومی هستند (از حق‌پرستی به بت‌پرستی) عدول می‌کنند.

توضیحات:

«حَدَآئِق»: جمع حدیقة، باغ‌هائی که دارای آب کافی بوده و اطراف آن را دیوار کشیده باشند. «ذَاتَ بَهۡجَةٍ»: زیبا و شادی‌افزا. «بَهۡجَةٍ»: زیبائی رنگ و حسن ظاهر. «مَا كَانَ لَكُمۡ»: برای شما امکان نداشت. شما نمی‌توانستید. «يَعۡدِلُونَ»: تجاوز می‌کنند. عدول می‌نمایند.

سوره نمل آیه ۶۱

متن آیه:

﴿أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٦١﴾

ترجمه:

(بت‌ها بهترند) یا کسی که زمین را قرارگاه (و محلّ اقامت انسان‌ها) ساخته است، و

در میان آن رودخانه‌ها پدید آورده است، و برای زمین کوه‌های پابرجا و استوار آفریده است (تا قشر زمین را از لرزش نگاه دارند) و میان دو دریا مانعی پدیدار کرده است (تا آمیزه یکدیگر نگردند. حال با توجّه به این‌ها) آیا معبودی با خدا است؟! اصلاً بیشتر آنان بی‌خبر و نادانند (و قدر عظمت خدا را نمی‌دانند).

توضیحات:

«قَرَاراً»: محلّ اقامت. قرارگاه. مکان استقرار. مصدر است و به معنی اسم مکان، یعنی مَقَرّ است. «رَواسِيَ»: جمع راسِیة، کوه‌های محکم و پابرجا (نگا: رعد / ۳، حجر / ۱۹). «الْبَحْرَیْنِ»: دریای شور و دریای شیرین (نگا: فرقان / ۵۳، فاطر / ۱۲). «حَاجِزاً»: مانع.

سوره نمل آیه ۶۲

متن آیه:

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

(آیا بت‌ها بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هر گاه او را به کمک طلبد، و شما (انسان‌ها) را (برابر قانون حیات دائماً به طور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این کره خاکی مسلّط و مستقرّ می‌گرداند. حال با توجّه بدین امور) آیا معبودی با خدا است؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.

توضیحات:

«الـمُضْطَرَّ»: درمانده. وامانده. «يَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الأَرْضِ»: شما را در زمین جایگزین یکدیگر می‌سازد (نگا: انعام / ۱۶۵، نور / ۵۵). «قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ»: (نگا: اعراف / ۳).

سوره نمل آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

(آیا بت‌های بی‌جان بهترند) یا کسی که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا رهنمود (و دستگیری) می‌کند، و کسی که بادها را به عنوان بشارت دهندگان، پیشاپیش نزول رحمتش وزان می‌سازد (و آنها را پیک قدوم باران می‌سازد. در ساختن و راه‌اندازی این‌ها) آیا معبودی با خدا است؟ خدا فراتر و دورتر از این چیزهائی است که انباز او می‌گردانند.

توضیحات:

«بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ»: (نگا: اعراف / ۵۷).

سوره نمل آیه ۶۴

متن آیه:

﴿أَمَّن يَبْدَؤُاْ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلْ هَاتُواْ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

(آیا معبودهای دروغین شما بهترند) یا کسی که آفرینش را می‌آغازد، سپس آن را برگشت می‌دهد، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی عطاء می‌کند؟ (حال با توجّه به قدرت آفرینش یزدان، و نظم و نظام موجود در پدیده‌های جهان، و اقرار عقل سالم به زنده شدن دوباره مردمان در دنیای جاویدان) آیا معبودی با خدا است؟ (ای پیغمبر بدیشان) بگو: دلیل و برهان خود را بیان دارید اگر راست می‌گوئید (که جز خدا معبودهای دیگری هم وجود دارند).

توضیحات:

«يَبْدَأُ»: می‌آغازد. «الْخَلْقَ»: آفرینش. «يَبْدَأُ الْخَلْقَ»: اشاره به سرآغاز جهان و آفرینش آن از عدم است. شاید هم مراد آفرینش مستمرّ اشیاء و انسان‌ها در همه ازمنه و ادوار جهان باشد (نگا: قصص / ۶۸، رحمن / ۲۹). «يُعِيدُهُ»: آفرینش را بار دیگر برگشت می‌دهد. مراد رستاخیز است. شاید هم مراد اعاده مستمرّ حیات و ممات برخی از موجودات و گردش چرخه زندگی در همین جهان با دست قدرت خدای سبحان باشد. از قبیل تبدیل لاشه و گیاه به خاک، و خاک به لاشه و گیاه و... (نگا: روم / ۱۹).

سوره نمل آیه ۶۵

متن آیه:

﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

بگو: کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند غیب نمی‌دانند جز خدا، و نمی‌دانند چه وقت برانگیخته می‌شوند (و قیامت فرا می‌رسد).

توضیحات:

«قُل لَّا يَعْلَمُ...»: این آیه قاطعانه و با چند تأکید، آگاهی از غیب را خاصّ خدا می‌داند و بس (نگا: انعام / ۵۹). «أَيَّانَ»: چه وقت.

سوره نمل آیه ۶۶

متن آیه:

﴿بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّنۡهَاۖ بَلۡ هُم مِّنۡهَا عَمُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

اصلاً دانش و آگاهی ایشان درباره قیامت به پایان آمده و ته کشیده است (و کمترین اطّلاعی از آن ندارند). بلکه درباره قیامت دودل و متردّدند، و حتی نسبت بدان کوردل و نابینایند.

توضیحات:

«إِدَّارَكَ»: به پایان آمده است. ته کشیده است. عاجز و ناتوان گشته است (نگا: تفسیر ابن کثیر، تفسیر کبیر). پیاپی آمده است. اصل این فعل (تَدَارَكَ) و ماضی باب تفاعُل است. «فِي الآخِرَةِ»: درباره آخرت. نسبت به آخرت. «عَمُونَ»: جمع (عَمي)، کوران. مراد کوردلان است. «إِدَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الآخِرَةِ»: آگاهی ایشان درباره قیامت به پایان آمده و ته کشیده است. دلائل و براهین پیاپی و فراوانی بر وجود قیامت بدی‌شان نموده شده و به دست‌شان رسیده است، ولی آنان از آنها رویگردان هستند.

سوره نمل آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: آیا زمانی که ما و پدران ما خاک گشتیم (و هر ذرّه‌ای از انداممان به درزی و گودی خزید) آیا ما (زنده می‌گردیم و برای زندگی مجدّد) بیرون آورده می‌شویم؟!

توضیحات:

«ءَابَآؤُنَا»: عطف بر ضمیر (نَا) است.

سوره نمل آیه ۶۸

متن آیه:

﴿لَقَدۡ وُعِدۡنَا هَٰذَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٦٨﴾

ترجمه:

این (زنده شدن دوباره، توسّط محمّد) به ما، و قبلاً (به وسیله کسانی که خویشتن را اتباع پیغمبران دیگر می‌دانند) به پدران ما، وعده داده شده است. (اگر رستاخیز راست بود، تا به حال رخ می‌داد). این جز افسانه‌های پیشینیان و خرافات گذشتگان نمی‌باشد.

توضیحات:

«إِنْ هذا...»: حرف (إِنْ) نافیه است. «أَسَاطِيرُ»: دروغ‌ها و افسانه‌ها (نگا: انعام / ۲۵).

سوره نمل آیه ۶۹

متن آیه:

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٦٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بگو: در زمین بگردید (و آثار گذشتگان و عجائب و غرائب جهان را ببینید) و بنگرید که سرانجام کار گناهکاران به کجا کشیده و عاقبت ایشان چه شده است.

توضیحات:

«سِيرُوا»: بگردید. به گردش پردازید. «أُنظُرُوا»: بنگرید. دقّت و تأمّل کنید.

سوره نمل آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُن فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

غم آنان را مخور و از نیرنگ‌هائی که می‌کنند تنگدل مباش. (وظیفه تو تبلیغ است و بس. و ما پشتیبان و یار و یاور تو می‌باشیم).

توضیحات:

«ضَيْقٍ»: تنگی. دلتنگی. غمگینی (نگا: نحل / ۱۲۷).

سوره نمل آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٧١﴾

ترجمه:

(کافران تمسخرکنان) می‌گویند: اگر راست می‌گوئید (که عذابی در میان است) موعد آن کی خواهد بود؟ (پس چرا هر چه زودتر فرا نمی‌رسد؟).

توضیحات:

«مَتي»: چه وقت؟ کی؟

سوره نمل آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي تَسۡتَعۡجِلُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

بگو: چه بسا بخشی از عذابی که در فرا رسیدن آن شتاب دارید، (هم اینک) برای فرا گرفتن شما ردیف شده (و بر سرتان سایه افکنده) باشد (و به همین زودی بر شما فرود آید و نابودتان کند).

توضیحات:

«رَدِفَ»: پیاپی شده است. پشت سر هم قرار گرفته است.

سوره نمل آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

پروردگارت نسبت به مردم لطف و کرم دارد (و هر چه زودتر تازیانه عذاب را بر سرشان فرود نمی‌آورد، و بلکه کیفرشان را به تأخیر می‌اندازد) ولی بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند (و الطاف و مراحم خدا را نادیده می‌گیرند).

توضیحات:

«لَذُو فَضْلٍ...»: (نگا: بقره / ۲۴۳).

سوره نمل آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

پروردگارت محقّقاً آگاه است از چیزهائی که سینه‌هایشان در خود نهان می‌دارند، و از چیزهائی که ایشان آشکار می‌سازند.

توضیحات:

«تُكِنُّ»: نهان می‌دارد. پنهان می‌نماید (نگا: بقره / ۲۳۵).

سوره نمل آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَمَا مِنۡ غَآئِبَةٖ فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٧٥﴾

ترجمه:

هیچ نهفته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر این که (خدا از آن آگاه است و ثبت و ضبط) در کتاب آشکاری است.

توضیحات:

«غَآئِبَةٍ»: نهفته. نهان. حرف (ه) برای مبالغه است، یعنی بسیار پنهان و نهان.
«كِتَابٍ مُبِينٍ»: (نگا: انعام / ۵۹).

سوره نمل آیه ۷۶

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان این قرآن برای بنی‌اسرائیل (حقیقت) اکثر چیزهائی را (که در تورات از احکام و قصص آمده است و) در آنها اختلاف دارند، روشن و بیان می‌دارد.

توضیحات:

«يَقُصُّ»: بیان می‌دارد. فرو می‌خواند. (نگا: انعام / ۵۷). «أَكْثَرَ الَّذي...»: (نگا: آل‌عمران / ۵۹، مریم / ۳۰).

سوره نمل آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

و قطعاً این قرآن برای مؤمنان (وسیله) هدایت و رحمت (و مایه نجات و سعادت دو جهان ایشان) است.

توضیحات:

«لِلْمُؤْمِنِين»: هر چند قرآن مایه هدایت و رحمت و سعادت همگان است، امّا ذکر مؤمنان بدان خاطر است که به ویژه ایشان از قرآن منتفع و بهره‌مند می‌گردند.

سوره نمل آیه ۷۸

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُم بِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ٧٨﴾

ترجمه:

مسلّماً پروردگارت با قضاوت (دادگرانه و حکیمانه) خود (در روز قیامت) میان‌شان داوری خواهد کرد، و او بس چیره و توانا و آگاه و دانا است.

توضیحات:

«يَقْضي»: داوری می‌کند. مراد در روز قیامت است (نگا: یونس / ۹۳، جاثیه / ۱۷). «بِحُكْمِهِ»: با قضاوت و داوری خود.

سوره نمل آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلۡحَقِّ ٱلۡمُبِينِ ٧٩﴾

ترجمه:

پس بر خدا توکل کن (و کار و بار خود را بدو بسپار و بدان که با وجود این که کافران از دعوت تو رویگردانند) تو قطعاً بر (راستای جاده حقیقت و طریقه) حق آشکار هستی (و با دین راستینی که داری بر کفّار پیروز می‌گردی).

توضیحات:

«الْـمُبِين»: روشن و آشکار. روشن‌گر درست از نادرست و جدا سازنده محقّ از مبطل.

سوره نمل آیه ۸۰

متن آیه:

﴿إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ٨٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان تو نمی‌توانی مرده دلان (زنده‌نما) را شنوا بگردانی، و ندای (دعوت خود) را به گوش کران برسانی، وقتی که (به حق) پشت می‌کنند و (از آن) می‌گریزند.

توضیحات:

«لا تُسْمِعُ»: نمی‌شنوانی. شنوا نمی‌گردانی. پذیرا نمی‌گردانی. (نگا: انفال / ۲۳، فاطر / ۲۲). «الْـمَوْتي»: مردگان. مراد کافران و مشرکانی است که تعصّب و لجاجت و استمرار بر گناه، فکر و اندیشه آنان را به خود مشغول داشته است و گوش ایشان را از شنیدن ادلّه و پذیرش حق انداخته است و آن را به مرده دلانی تبدیل ساخته است (انعام / ۱۲۲). «الصُّمَّ»: کران. مراد افرادی است که پنبه غفلت گوش ایشان را آگنده است، و اباطیل ایشان را از حقائق گریزان کرده است. «الدُّعَآءَ»: نداء (نگا: انبیاء / ۴۵). «وَلَّوْا»: (نگا: اسراء / ۴۶، نمل / ۱۰). «مُدْبِرِينَ»: (نگا: توبه / ۲۵، انبیاء / ۵۷). «وَلَّوْا مُدْبِرِينَ»: کسانی که بسیار رویگردان و گریزانند.

سوره نمل آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ٨١﴾

ترجمه:

تو نمی‌توانی کوردلان را از گمراهی‌شان بازگردانی و به‌سوی حق رهنمودشان کنی. تو تنها کسانی را می‌توانی شنوا (و با حق آشنا) گردانی که به آیات ما ایمان داشته باشند، چرا که آنان تسلیم شوندگان (حقائق و مخلصان و فرمانبرداران اوامر خدا) هستند.

توضیحات:

«**الْعُمْيِ**»: جمع أَعْمی، کوران. مراد کوردلان و دل مردگان است (نگا: بقره / ۱۸ و ۱۷۱). «إِنْ»: حرف نفی است. «مُسْلِمُونَ»: مطیعان. مخلصان. تسلیم شوندگان.

سوره نمل آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

هنگامی که فرمان وقوع قیامت فرا می‌رسد (و مردمان در آستانه رستاخیز قرار می‌گیرند، از جمله نشانه‌های آن، یکی این است که) ما جانوری را از زمین برای مردمان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن می‌گوید (و برخی از سخنانش این است که کافران که) به آیات خدا ایمان نمی‌آوردند (اینک با چشم خود ببینند که قیامت دارد شروع می‌شود و عذاب الهی گریبانگیرشان می‌گردد و دیگر پشیمانی سودی ندارد).

توضیحات:

«وَقَعَ»: رخ داد. فرا رسید. حتمی و ثابت شد (نگا: اعراف / ۷۱ و ۱۱۸ و ۱۳۴، یونس / ۵۱، واقعه / ۱، حاقّه / ۱۵). در اینجا مراد نزدیک شدن قیامت و پیدایش نشانه‌های ظهور آن است. «الْقَوْلُ»: فرمان و حکم خدا. مراد فرموده خداوندی دالّ بر وعید کافران به عذاب است (نگا: اسراء / ۱۶، قصص / ۶۳، زمر / ۷۱، ۪ / ۱۴). «دَآبَّةً»: جنبنده. حیوان. مراد حیوانی است که دارای مشخّصات و صفات خاصّ خود بوده و ظهور آن یکی از علائم فرا رسیدن قیامت و بسته شدن درگاه توبه است. قرآن به اجمال از آن گذشته است و این ما را بس. احادیث فراوانی را درباره نوع و شکل و محلّ خروج و کارهای وی، به پیغمبر (نسبت داده‌اند که علماء و فقهاء، اغلب آنها را مردود و نامقبول دانسته‌اند (نگا: تفسیر روح‌المعانی، قاسمی، کبیر، الواضح، المراغی).

حتی برخی (دَآبَّة) را مفرد و برخی جمع، و گروهی آن را حیوان یا حیوان‌ها، و دسته‌های آن را انسان یا انسان‌های مصلح دانسته‌اند (نگا: تفسیر الواضح، تفسیر عبدالکریم خطیب، نمونه...). «أَنَّ النَّاسَ...»: در اصل: «بِأَنَّ النَّاسَ... لِاَنَّ النَّاسَ...» است.

سوره نمل آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ فَوۡجٗا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُمۡ يُوزَعُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

روزی (را ای پیغمبر! یادآور شو که قیامت فرا می‌رسد و) گروه عظیمی از همه ملّت‌ها را گرد می‌آوریم که (در دنیا) آیات (کتابهای آسمانی و معجزات پیغمبران ربّانی و نشانه‌های جهانی دالّ بر وجود) ما را تکذیب می‌کرده‌اند، و پس (از گردآوری ایشان، جملگی) آنان به یکدیگر ملحق و در کنار همدیگر نگاه داشته می‌شوند.

توضیحات:

«فَوْجاً»: گروه و جماعت فراوان. مراد کافران و ناباوران سراسر تاریخ کره خاکی است. «مِمَّنْ»: حرف (مِنْ) بیانیه است. یعنی: از کسانی که. برخی هم (مِنْ) را تبعیضیه گرفته‌اند و گفته‌اند: مراد از فوج تکذیب‌کنندگان، رؤسای خطدهنده شیطان‌صفت و سردستگان گمراه و گمراهساز گروه‌ها و دسته‌های مختلف مردمان در طول تاریخ است که برای توبیخ بیشتر، زودتر به پیش خوانده می‌شوند و مجازات می‌گردند (نگا: هود / ۹۸، مریم / ۶۹). «ءَایات»: مراد آیات کتاب‌های منزل آسمانی، و معجزات انبیاء ربّانی، و نشانه‌های جهانی دالّ بر وجود خدا است (نگا: یوسف / ۱۰۵، فصّلت / ۵۳). «یُوزَعُونَ»: (نگا: نمل / ۱۷).

سوره نمل آیه ۸۴

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبۡتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمۡ تُحِيطُواْ بِهَا عِلۡمًا أَمَّاذَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴾

ترجمه:

زمانی که (به پای حساب سوق، و در آنجا حاضر) می‌آیند (خدا توبیخ‌کنان خطاب بدی‌شان) می‌گوید: آیا آیات مرا تکذیب کرده‌اید، بدون آن که (تحقیق نموده و) کاملاً

از آنها آگاهی پیدا کرده باشید؟! اصلاً (شما در دنیا) چه کار می کرده‌اید؟ (مگر بیهوده آفریده شده بودید؟).

توضیحات:

«جَآءُوا»: در مکان حساب و کتاب حاضر آمدند. «وَلَـمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْماً»: درباره آيات کتاب‌های آسمانی و معجزات پیغمبران و نشانه‌های دالّ بر وجود یزدان و پخش در گستره جهان، تحقیق نکردید و بدون احاطه علمی بدانها، درصدد انکار آنها برآمدید؟ جمله حالیه است. «أَمَّا ذَا»: یا چه خبر را. مرکب از حرف عطف (أَمْ) و (مَا) استفهامیه است. در اصل از آنان درباره دو چیز سؤال می‌شود: یکی از تکذیب بدون تحقیق و آگاهی، و دیگر از اعمالی که انجام می‌داده‌اند.

سوره نمل آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾﴾

ترجمه:

و (سرانجام) فرمان (خدا درباره ایشان صادر و عذاب) به سبب ظلمی که کرده‌اند گریبان‌گیرشان می‌شود و (آنان چنان مبهوت و درمانده می‌گردند که برای دفاع از خود) سخنی برای گفتن ندارند.

توضیحات:

«وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ»: (نگا: نمل / ۸۲). «بِمَا ظَلَمُوا»: به سبب ظلمی که کرده‌اند و آن تکذیب آیات خدا، بدون تحقیق و بررسی و علم و آگاهی است.

سوره نمل آیه ۸۶

متن آیه:

﴿أَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًاۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینند که ما شب را (تاریک) ساخته‌ایم تا در آن بیارامند، و روز را روشن نموده‌ایم (تا در آن به تلاش پردازند؟) قطعاً در این (ساختار شب‌ها و روزها، و دگرگونی ظلمانی و نورانی، که موجب فعل و انفعالات فراوان و گردش چرخه حیات مردمان

است) نشانه‌هائی (دالّ بر وجود قادر متعال و ایزد لایزال) است برای مردمانی که (درباره حقائق می‌اندیشند و به حقائق مسلم) ایمان می‌آورند.

توضیحات:

«جَعَلْنَا الَّیْلَ»: شب را ساخته‌ایم با تاریکیها و همه ویژگیهائی که دارد. اصل آن جَعَلْنَا الَّیلَ مُظْلِماً است. «لِیَسْکُنُوا»: تا بیارامند. (نگا: یونس / ۶۷، قصص / ۷۲). «مُبْصِراً»: واضح و آشکار. روشن (نگا: اسراء / ۱۲ و ۵۹، نمل / ۱۳).

سوره نمل آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۚ وَكُلٌّ أَتَوۡهُ دَٰخِرِينَ ٨٧﴾

ترجمه:

و (یادآور شو) روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند.

توضیحات:

«یَوْمَ»: عطف بر (یَوْمَ) در آیه ۸۳ است. «فَزِعَ»: وحشت‌زده و هراسان گردد. «إِلاّ مَنْ...»: (نگا: انبیاء / ۱۰۱ – ۱۰۳). «دَاخِرِینَ»: فروتنان و کرنش بران (نگا: نحل / ۴۸).

سوره نمل آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَتَرَى ٱلۡجِبَالَ تَحۡسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِۚ صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرُۢ بِمَا تَفۡعَلُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری، در حالی که کوه‌ها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند (چرا که کوه‌ها بخشی از کره زمین بوده و کره زمین به دور خود و به دور خورشید می‌گردد). این ساختار خدائی است که همه چیز را محکم و استوار (و مرتّب و منظّم) آفریده است. (خداوندی که حساب و نظام در برنامه

آفرینش او است) مسلّماً وی از کارهائی که شما انجام می‌دهید بس آگاه است (و کردار نیک و بدتان را بی‌جزا و سزا نمی‌گذارد).

توضیحات:

«جَامِدَةً»: ساکن و ثابت. آرام و بی‌حرکت. «وَهِيَ تَـمُرُّ...»: از آنجا که حرکت کوهها به ناچار باید همراه حرکت همه زمین‌های متّصل بدان‌ها باشد، لذا حرکت کوه‌ها اشاره به حرکت زمین است. زمین هر شبانه‌روز یک بار به دور خود می‌گردد، آن را حرکت وضعی می‌نامند، و هر سال یک بار به دور خورشید می‌گردد و آن را حرکت انتقالی می‌گویند. «صُنْعَ»: آفرینش. ساختار. مفعول مطلق فعل محذوفی بوده و تقدیر چنین است: «صَنَعَ اللهُ ذلِكَ صُنْعاً». اضافه مصدر است به فاعل خود. «أَتْقَنَ»: محکم و استوار درست کرده است. منظّم و مرتّب و به تمام و به کمال آفریده است. این آیه یکی از معجزات قرآن است. چرا که تا آن زمان صحبت کردن از حرکت زمین در جهان مطرح نبوده است و اگر هم بوده باشد مشهور و مقبول عام نبوده است.

سوره نمل آیه ۸۹

متن آیه:

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَا وَهُم مِّن فَزَعٖ يَوۡمَئِذٍ ءَامِنُونَ ٨٩﴾

ترجمه:

کسانی که کارهای پسندیده (چون ایمان به خدا و اخلاص در طاعت) انجام بدهند، پاداش بهتر و والاتری از آن خواهند داشت (که رضا و خوشنودی پروردگار است)، و در آن روز (که قیامت فرا می‌رسد و ترس و خوف مردمان را فرا می‌گیرد) چنین کسانی در امن و امان بسر می‌برند (و غم و اندوه و دلهره و نگرانی همگانی، از آنان به دور است).

توضیحات:

«فَزَعٍ»: ترس و هراس (نگا: انبیاء / ۱۰۳). «ءَامِنُونَ»: جمع ءَامِن، در امن و امان. دور از بلا و مصیبت و خوف و هراس. مفرد آمدن بخش نخست آیه، با توجّه به لفظ (مَنْ)، و جمع آمدن قسمت دوم آیه، با توجّه به معنی آن است.

سوره نمل آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٠﴾

ترجمه:

و کسانی که کارهای ناپسند (چون شرک و معصیت) انجام می‌دهند، به رو در آتش افکنده می‌شوند (و بدان سرنگون می‌گردند، و بدی‌شان گفته می‌شود:) آیا جزائی جز سزای آنچه می‌کردید (و معاصی و کفری که می‌ورزیدید) به شما داده می‌شود؟

توضیحات:

«کُبَّتْ»: به رو افکنده شد. به صورت بر زمین انداخته شد. از ماده (کبّ) به معنی افکندن چیزی به صورت بر زمین است. ذکر (وُجُوه) برای تأکید است، و مراد از (وُجُوه) هم همه اندام‌ها است.

سوره نمل آیه ۹۱

متن آیه:

﴿إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلۡبَلۡدَةِ ٱلَّذِی حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَیۡءٖۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِینَ ۝٩١﴾

ترجمه:

به من دستور داده شده است که تنها و تنها خداوند این شهر (مقدّس مکه نام) را بپرستم. آن خداوندی که چنین شهری را حرمت بخشیده است (و آن را حرم امن و امان ساخته است، و حرام فرموده است که با کشتن انسانی یا ظلم به کسی، و یا با ذبح حیوان و جانور پناهنده بدان، و یا این که با کندن درخت و گیاه آن بدان اهانت گردد. امّا تصوّر نشود که فقط این سرزمین ملک خدا است، بلکه در عالم هستی) همه چیز از آن او است. و به من فرمان داده شده است که از زمره تسلیم شدگان باشم (و همچون سایر مخلصان در برابر او کرنش ببرم و بس).

توضیحات:

«رَبِّ»: خداوند. صاحب. «هذِهِ الْبَلْدَةِ»: این شهر. مراد مکه مشرّفه است. «حَرَّمَهَا»: آن را حرمت و کرامت بخشیده است. آن را حرام کرده است (نگا: مائده / ۹۶ و ۹۷، ابراهیم / ۳۷). «الْمُسْلِمِینَ»: تسلیم شوندگان. منقادان. مخلصان.

سوره نمل آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَأَنْ أَتْلُوَاْ ٱلْقُرْءَانَ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾﴾

ترجمه:

و (به من فرمان داده شده است) این که قرآن را بخوانم (و آن را بررسی و وارسی کرده و خود بفهمم و به دیگران تفهیم نمایم، و در همه کارهای زندگی برنامه خویشتن گردانم). پس هر کس (در پرتو آن) راهیاب شود برای (خیر و صلاح و سعادت دنیوی و اخروی) خود راهیاب شده است، و هر کس (از قرآن دوری کند و در نتیجه) گمراه گردد (سزای خود را می‌بیند). و بگو: من فقط از زمره بیم دهندگان می‌باشم (و یکی از پیغمبران خدا بوده و وظیفه ما رساندن فرمان یزدان است و حساب و کتاب بر خدای منّان).

توضیحات:

«أَتْلُوَ»: تلاوت نمایم. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر دارد.

سوره نمل آیه ۹۳

متن آیه:

﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾﴾

ترجمه:

و بگو: حمد و سپاس خدای را سزا است. او آیات خود را به شما نشان خواهد داد و شما آنها را خواهید شناخت، و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل و بی‌خبر نیست.

توضیحات:

«سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ»: مراد از آیات، آثار قدرت خدا در دنیا و اسرار عالم هستی است که در پرتو پیشرفت علم، مردمان با خداشناسی آشناتر می‌شوند. یا این که مراد از آیات، فرموده‌های قرآن است که با گذشت زمان و ترقّی دانش و معرفت، اعجاز آن نمایانتر می‌گردد (نگا: فصّلت / ۵۳).

سوره قصص

سوره قصص آیه ۱

متن آیه:

﴿طسٓمٓ ١﴾

ترجمه:

طا. سین. میم.

توضیحات:

«طسم»: از حروف مقطّعه‌اند (نگا: بقره / ۱).

سوره قصص آیه ۲

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾

ترجمه:

این‌ها آیه‌های کتاب روشن و روشنگرند.

توضیحات:

«تِلْكَ»: این آیات قرآنی. «الْمُبِينِ»: آشکار. آشکار کننده (نگا: مائده / ۱۵، یوسف / ۱، حجر / ۱). یعنی قرآن مجید با محتوای روشنش، حق را از باطل و راه را از بیراهه نمودار می‌سازد و روشن‌گر راه سعادت انسان‌ها می‌باشد.

سوره قصص آیه ۳

متن آیه:

﴿نَتۡلُواْ عَلَيۡكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرۡعَوۡنَ بِٱلۡحَقِّ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٣﴾

ترجمه:

ما راست و درست بر تو گوشه‌ای از داستان واقعی موسی و فرعون را می‌خوانیم، برای (استفاده) کسانی که مؤمنند (و می‌خواهند در میان انبوه مشکلات، راه خود را به‌سوی هدف بگشایند).

توضیحات:

«نَتْلُو»: تلاوت می‌کنیم. می‌خوانیم. در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی در آخر دارد. «نَبَإِ»: خبر. داستان (نگا: مائده / ۲۷، انعام / ۳۴ و ۶۷). «مِن نَّبَإِ»: حرف (مِنْ) تبعیضیه است. یعنی گوشه‌ای از این داستان پرماجرا. «بِالْحَقِّ»: راست و درست. عین واقعیت. یعنی آنچه در اینجا آمده است، نه تنها خالی از هرگونه خرافات است، بلکه بیان واقعی مطالب حقیقی است. «لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ»: تأکیدی است بر این حقیقت که مؤمنان هدف اصلی این آیات بوده و ذکر داستان به خاطر آنان و جهت استفاده ایشان است.

سوره قصص آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَيَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٤﴾

ترجمه:

فرعون در سرزمین (مصر، شروع به) استکبار و سلطه‌گری کرد، و (در میان) مردمان آنجا (تفرّقه انداخت و آنان) را به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تبدیل نمود. (هر گروهی و دسته‌ای به دفاع از افراد خود و جنگ و دشمنی با سایرین می‌پرداخت. فرعون مخصوصاً مردمان مصر را به دو گروه مشخّص قبطیان و سبطیان تقسیم کرد، و) گروهی از ایشان را (که سبطیان یعنی بنی‌اسرائیل بودند، در برابر قبطیان) ضعیف و ناتوان می‌کرد. پسرانشان را سر می‌برید و دخترانشان را (برای خدمتگذاری) زنده نگاه می‌داشت. او مسلّماً از زمره تباهکاران (و جنایتکاران تاریخ) بود.

توضیحات:

«عَلا»: سرکشی و قلدری کرد. زورگوئی کرد و بزرگی فروخت (نگا: مؤمنون / ۹۱ و ۴۶، یونس / ۸۳). «شِیَعاً»: جمع شیعة، گروه‌ها و دسته‌ها. طوائف گوناگون. «طَآئِفَةً مِّنْهُمْ»: مراد سبطیان یا بنی‌اسرائیل است (نگا: بقره / ۴۹). «یَسْتَحْیِي نِسَآءَهُمْ»: (نگا: بقره / ۴۹، اعراف / ۱۲۷ و ۱۴۱، ابراهیم / ۶).

سوره قصص آیه ۵

متن آیه:

﴿وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٥﴾

ترجمه:

ما می‌خواستیم که به ضعیفان و ناتوانان تفضّل نمائیم و ایشان را پیشوایان و وارثان (حکومت و قدرت) سازیم.

توضیحات:

«نَمُنَّ»: تفضّل کنیم و نعمت بخشیم. مشمول مواهب خود نمائیم (نگا: آل‌عمران / ۱۶۴، نساء / ۹۴، انعام / ۵۳، طه / ۳۷). «أَئِمَّةً»: جمع امام، پیشوایان. سردستگان (نگا: انبیاء / ۷۳، توبه / ۱۲). «الْوَارِثِينَ»: به ارث برندگان. مراد به دست گیرندگان و دریافت کنندگان حکومت و قدرت است (نگا: شعراء / ۵۹).

سوره قصص آیه ۶

متن آیه:

﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنُرِيَ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا مِنۡهُم مَّا كَانُواْ يَحۡذَرُونَ ٦﴾

ترجمه:

و ایشان را در سرزمین (مصر) مستقرّ گردانیم و سلطه و حکومتشان دهیم، و بر دست مستضعفان، به فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی را بنمایانیم که از آن در هراس بودند.

توضیحات:

«نُمَكِّنَ»: مکانت و منزلت بخشیم. سلطه و قدرت دهیم. مستقرّ سازیم و حکومت دهیم. «هَامَان»: وزیر فرعون و مستشار اعظم او بود «مَا»: آنچه. مراد هلاک فرعون و فرعونیان بر دست بنی‌اسرائیل است (نگا: یونس / ۹۰) که در اینجا به مقدّمات آن اشاره شده است.

سوره قصص آیه ۷

متن آیه:

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧﴾

ترجمه:

ما به مادر موسی الهام کردیم که موسی را شیر بده، و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را به دریا (گونه نیل) بینداز، و مترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از زمره پیغمبرانش می‌نمائیم.

توضیحات:

«أَوْحَيْنَا»: الهام کردیم. پیام دادیم (نگا: نحل / ۶۸، مائده / ۱۱۱، طه / ۳۸، انفال / ۱۲، زلزله / ۵). «الْيَمِّ»: دریا. مراد رودخانه عظیم نیل است (نگا: طه / ۳۹).

سوره قصص آیه ۸

متن آیه:

﴿فَٱلۡتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرۡعَوۡنَ لِيَكُونَ لَهُمۡ عَدُوّٗا وَحَزَنًاۗ إِنَّ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ خَٰطِـِٔينَ ٨﴾

ترجمه:

(کار به جائی رسید که مادر موسی ناچار شد، او را به دریا گونه نیل بیندازد) خاندان فرعون، موسی را (از روی امواج نیل) بر گرفتند تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوه‌شان گردد! مسلّماً فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند.

توضیحات:

«ءَالُ»: خاندان. دار و دسته. «لِيَكُونَ»: لام این واژه لام عاقبت است؛ نه لام علّت. یعنی سرانجام و عاقبت کار چنین شد. «حَزَناً»: حُزْن و حَزَن به معنی غم و اندوه است. در اینجا به معنی اسم فاعل مُحْزِن است، یعنی: مایه اندوه و سبب غم.

سوره قصص آیه ۹

متن آیه:

﴿وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩﴾

ترجمه:

زن فرعون (آسیه هنگامی که دید آنان قصد کشتن کودک را دارند) گفت: او را نکشید، نور چشم من و تو است. شاید برای ما مفید باشد، و یا اصلاً او را پسر خود کنیم. آنان نمی‌فهمیدند (که دست تقدیر در پس پرده غیب چه بازی می‌کند).

توضیحات:

«قُرَّةُ عَيْنٍ»: روشنی چشم. مراد مایه سرور و شادمانی است (نگا: طه / ۴۰). (قُرَّةُ) خبر مبتدای محذوف است و اصل آن چنین است: «هُوَ قُرَّةُ عَيْنٍ». «إِمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ»: زن فرعون. مراد آسیه، همسر فرعون است که قرآن او را زن باایمانی معرّفی می‌کند (نگا: تحریم / ۱۱).

سوره قصص آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠﴾

ترجمه:

دل مادر موسی تهی (از صبر و قرار) شد، و اگر دل او را (با اعطای صبر و شکیبائی) برجای و استوار نمی‌داشتیم تا از زمره باورمندان (به وعده خدا) باشد، نزدیک بود (بر اثر ناراحتی و پریشانی، راز) او را آشکار سازد (و فریاد بزند که وای فرزندم!).

توضیحات:

«فَارِغاً»: خالی و تهی. مراد خالی از قوّت و قدرت ضبط خود و تهی از خویشتنداری و شکیبائی (نگا: ابراهیم / ۴۳). «إِنْ... لَتُبْدِي...»: از مصدر ابداء به معنی بیان و اظهار است. «رَبَطْنَا عَلي قَلْبِهَا»: دل او را بر جای و استوار داشتیم (نگا: کهف / ۱۴). «الْمُؤْمِنِينَ»: مراد باورمندان و معتقدان به وعده خدا است، که در اینجا (إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيْكِ...) در آیه هفتم است.

سوره قصص آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَقَالَتۡ لِأُخۡتِهِۦ قُصِّيهِۖ فَبَصُرَتۡ بِهِۦ عَن جُنُبٖ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١١﴾

ترجمه:

(مادر موسی، در پرتو لطف خدا، آرامش خود را بازیافت) و به خواهر موسی گفت: او را پیجوئی و پیگیری کن (تا ببینیم حال و وضع او چه می‌شود. خواهر موسی دستور

مادر را انجام و دورادور موسی را زیر نظر داشت) و او را از جانبی می‌دید بدون این که آنان بدانند.

توضیحات:

«قُصِّیهِ»: او را دنبال کن. حال و وضع او را بپای. «عَن جُنُبٍ»: از جانبی. از گوشه‌ای. مراد دورادور است. «وَهُمْ لا یَشْعُرُونَ»: در حالی که فرعون و فرعونیان نمی‌دانستند که او خواهر موسی است و مشغول دید زدن است.

سوره قصص آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰٓ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُۥ لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

و ما دایگان را از او بازداشتیم (و نگذاشتیم نوزاد پستان زنی را بمکد) پیش از آن (که مادرش را پیدا و به دایگانی موسی ببرند! مأموران در جستجوی دایگان می‌گشتند. خواهر موسی خود را بدی‌شان رساند) و گفت: آیا شما را به ساکنان خانواده‌ای رهنمود کنم که برایتان سرپرستی او را بر عهده گیرند (و وی را شیر دهند و پرورش کنند) و خیرخواه و دلسوز او باشند؟

توضیحات:

«حَرَّمْنَا»: تحریم کردیم. مراد از تحریم، منع کردن و بازداشتن است. «الْمَرَاضِعَ»: جمع مُرْضِع، زنان شیرده. دایگان. یا جمع مَرْضَع است و اسم مکان و مراد پستان است. یا این که مصدر میمی و به معنی رضاع و شیر دادن است. «نَاصِحُونَ»: دلسوزان. خیرخواهان.

سوره قصص آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾﴾

ترجمه:

(مأموران مادر موسی را به قصر فرعون بردند و نوزاد سخت پستان او را مکیدن گرفت

و برق خوشحالی از چشم‌ها جستن کرد، و بدین ترتیب) ما موسی را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش (از دیدار او) روشن شود (و غم و اندوهی در دل او نماند) و غمگین نگردد و بداند که وعده خدا راست است، اگر چه بیشتر مردم (چنین) نمی‌دانند.

توضیحات:

«كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها»: (نگا: قصص / ۹).

سوره قصص آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسۡتَوَىٰٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤﴾

ترجمه:

و زمانی که موسی به نهایت قدرت و رشد (جسمانی) خود رسید، و خرد و اندیشه‌اش کامل گردید، بدو فرزانگی و دانش دادیم، و ما این‌گونه به نیکوکاران پاداش می‌دهیم (و خوبی و نیکی ایشان را با خوبی و نیکی پاسخ داده و آنان را در هر دو جهان یاری می‌کنیم و خوشبخت می‌گردانیم).

توضیحات:

«أَشُدَّ»: قدرت و قوّت. مراد رشد و نموّ جسمانی است. «إِسْتَوِي»: تکامل و تعادل پیدا کرد و از نظر خرد و اندیشه کامل گردید. «حُكْماً»: حکمت. فرزانگی. روشن‌بینی (نگا: انعام / ۸۹).

سوره قصص آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَدَخَلَ ٱلۡمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفۡلَةٖ مِّنۡ أَهۡلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيۡنِ يَقۡتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنۡ عَدُوِّهِۦۖ فَٱسۡتَغَٰثَهُ ٱلَّذِي مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِي مِنۡ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيۡهِۖ قَالَ هَٰذَا مِنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّهُۥ عَدُوّٞ مُّضِلّٞ مُّبِينٞ ١٥﴾

ترجمه:

موسی (از قصر فرعون، رهسپار کوچه و بازار پایتخت مملکت شد) و بدون این که اهالی شهر مطّلع شوند، وارد آنجا گردید. در شهر دید که دو مرد می‌جنگند که یکی از قبیله او (بنی‌اسرائیلی‌ها) و دیگری از دشمنان او (یعنی از طائفه قبطی‌های جانبدارِ فرعون) است. فردی که از قبیله او بود، علیه کسی که از دشمنانش بود، از موسی

کمک خواست (و موسی کمکش کرد) و مشتی بدو زد و او را کشت! موسی گفت: این از عمل شیطان بود (چرا که با وسوسه خود بر سر خشمم آورد و غافلگیرم کرد). واقعاً او دشمن گمراه کننده آشکاری است.

توضیحات:

«الْمَدِينَةِ»: مراد پایتخت مملکت فرعون است که گویا «منف» یا «مصر» و یا این که «مصرایم» نام داشته است. «عَلي حينِ»: حرف (عَلي) به معنی (فِي) است. «شِيعَةِ»: قوم و قبیله. «إِسْتَغَاثَ»: یاری و کمک خواست. فریادرس طلبید. «وَكَزَ»: مشت زد. «قَضي عَلَيْهِ»: او را کشت.

سوره قصص آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي فَغَفَرَ لَهُۥٓۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٦﴾

ترجمه:

(موسی از کرده خود پشیمان شد و رو به درگاه خدا کرد و) گفت: پروردگارا! من بر خویشتن (با کشتن یک تن) ستم کردم، پس (به فریادم رس و) مرا ببخش. (خدا دعایش را اجابت کرد) و او را بخشید، چرا که خدا بس آمرزگار و مهربان (درباره بندگان پشیمان و توبه‌کار) است.

توضیحات:

«ظَلَمْتُ نَفْسِي»: (نگا: نمل / ۴۴).

سوره قصص آیه ۱۷

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ فَلَنۡ أَكُونَ ظَهِيرٗا لِّلۡمُجۡرِمِينَ ١٧﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! به پاس نعمت‌هائی که به من عطاء فرموده‌ای (و عطاء می‌فرمائی که مغفرت و مرحمت است)، هرگز پشتیبان بدکاران و بزهکاران نخواهم شد.

توضیحات:

«بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ»: حرف باء می‌تواند برای سبب و یا قسم استعطافی باشد. در

صورت نخست، یعنی: به سبب نعمتهائی که عطاء فرموده‌ای که قدرت و قوت و جاه و نعمت و عزّت و دانش و حکمت است. و به سبب لطفی که می‌فرمائی و مغفرتی که عطاء می‌نمائی. در صورت دوم، یعنی: تو را سوگند می‌دهم به نعمت‌هائی که روا داشته‌ای این که مرا ببخشی و آمرزش خویش را بهره‌ام گردانی، که اگر چنین شود، دیگر من...

سوره قصص آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَأَصۡبَحَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِي ٱسۡتَنصَرَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَسۡتَصۡرِخُهُۥۚ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِيّٞ مُّبِينٞ ١٨﴾

ترجمه:

در شهر، ترسان و نگران، شب را به روز آورد، و ناگهان کسی که دیروز از موسی یاری و مدد خواسته بود، او را به فریاد خواند (چرا که با قبطی دیگری گلاویز شده بود و از عهده‌اش بر نمی‌آمد). موسی بدو گفت: حقاً تو گمراه آشکاری.

توضیحات:

«يَتَرَقَّبُ»: خویشتن را می‌پائید، و مواظب مأموران بود. چشم به راه گرفتاری و مجازات خویش بود. جمله فعل و فاعل خبر دوم (أَصۡبَحَ) یا حال ضمیر مستتر در (خَآئِفاً) است. برخی (أَصۡبَحَ) را تامّ بشمار آورده‌اند و (خَآئِفاً) و (يَتَرَقَّبُ) را حال اوّل و دوم دانسته‌اند. «غَوِيٌّ»: گمراه و سرگشته.

سوره قصص آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَنۡ أَرَادَ أَن يَبۡطِشَ بِٱلَّذِي هُوَ عَدُوّٞ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقۡتُلَنِي كَمَا قَتَلۡتَ نَفۡسَۢا بِٱلۡأَمۡسِۖ إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٩﴾

ترجمه:

و همین که موسی خواست به‌سوی کسی که دشمن آن دو بود دست بگشاید و حمله نماید، (مرد قبطی فریاد زد و) گفت: آیا می‌خواهی مرا بکشی همان‌گونه که

دیروز کسی را کشتی؟ در زمین جز این نمی‌خواهی که ستمگر زورگوئی باشی، و نمی‌خواهی که از اصلاحگران باشی.

توضیحات:

«یَبْطِشَ»: حمله‌ور شود. یورش برد. «جَبَّاراً»: زورگو. قدرتمند و قدرت‌نما. نیرومندی که هر چه بخواهد بکند و از فرمان خدا نافرمانی نماید.

سوره قصص آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلۡمَلَأَ يَأۡتَمِرُونَ بِكَ لِيَقۡتُلُوكَ فَٱخۡرُجۡ إِنِّي لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

(وقتی که خبر کشته شدن قبطی پراکنده شد) مردی (که از خانواده فرعون بود و ایمان آورده بود) از نقطه دوردست شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! درباریان و بزرگان قوم برای کشتن تو به رایزنی نشسته‌اند، پس (هر چه زودتر از شهر) بیرون برو. مسلّماً من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم.

توضیحات:

«أَقْصَي الْـمَدينَةِ»: دورترین نقطه شهر. «يَسْعي»: مراد از سعی، سرعت در رفتن است. «الْـمَلأَ»: بزرگان دولت. دولتمردان. «يَأْتَمِرُونَ»: مشاورت می‌کنند. رایزنی می‌نمایند. «النَّاصِحِينَ»: (نگا: اعراف / ۲۱ و ۷۹، یوسف / ۱۱، قصص / ۱۲).

سوره قصص آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَخَرَجَ مِنۡهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢١﴾

ترجمه:

موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان و چشم به راه بود (که هر لحظه حادثه‌ای رخ دهد و فرعونیان او را دستگیر کنند. خدا را به فریاد خواند و) گفت: پروردگارا! مرا از مردمان ستمگر رهائی بخش.

توضیحات:

«خَآئِفاً»: ترسان. «يَتَرَقَّبُ»، انتظار می‌کشید. چشم به راه دستگیری و وقوع

پی‌آمدها و حوادث بود.

سوره قصص آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلۡقَآءَ مَدۡيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ٢٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که رو به جانب مدین (شهر شعیب) کرد، گفت: امید است که پروردگارم مرا به راستای راه رهنمود فرماید (و ناهمواری‌ها و گرفتاری‌ها را از سر من به دور دارد).

توضیحات:

«تَوَجَّهَ»: روکرد. «تِلْقَآءَ»: جانب. سو. «مَدْيَنَ»: (نگا: اعراف / ۸۵). «عَسي»: امید است. «سَوَآءَالسَّبِيلِ»: (نگا: بقره / ۱۰۸، مائده / ۱۲ و ۶۰ و ۷۷).

سوره قصص آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدۡيَنَ وَجَدَ عَلَيۡهِ أُمَّةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسۡقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمۡرَأَتَيۡنِ تَذُودَانِۖ قَالَ مَا خَطۡبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسۡقِي حَتَّىٰ يُصۡدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيۡخٞ كَبِيرٞ ٢٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، مردمان زیادی را دید که بر آن گرد آمده‌اند و چهارپایان خود را سیراب می‌کنند، و آن طرف‌تر دو زنی را دید که گوسفندان خویش را می‌پایند (و نمی‌گذارند به چاه نزدیک شوند و با دیگر گوسفندان بیامیزند). گفت: شما دو نفر چه کار می‌کنید؟ (چرا گوسفندان خود را دورادور نگاه داشته‌اید و آبشان نمی‌دهید؟). گفتند: پدر ما پیرمرد کهنسالی است و ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان (همگی، گوسفندان خود را) بر می‌گردانند (و چاه آب خلوت می‌شود).

توضیحات:

«أُمَّةً»: جماعت زیاد. مردمان فراوان. «مِن دُونِهِمْ»: پائین‌تر از آنان. مکانی نزدیک به جائی که مردمان در آنجا اجتماع کرده بودند. «تَذُودَانِ»: حفاظت و نگهداری می‌کردند. مراد دور نگهداشتن گوسفندان از قاطی شدن با گوسفندان مردم و رفتن آنها به میان جمعیت است. «مَا خَطْبُكُمَا»: کارتان چیست؟ مراد این است که چرا گوسفندان خود را با دیگران آب نمی‌دهید؟ (نگا: طه / ۹۵، حجر / ۵۷، یوسف / ۵۱).

«يُصْدِرَ»: برمی‌گردانند. خارج می‌کنند. «الرِّعَآءُ»: جمع راعی، چوپانان. «شَيْخٌ»: پیرمرد. «كَبِيرٌ»: کهنسال. سالخورده. یادآوری: مفعول‌های افعال «يَسْقُونَ، تَذُودانِ، نَسْقي، يُصْدِرَ» محذوف است.

سوره قصص آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ۲۴﴾

ترجمه:

(موسی دلش به حال آنان سوخت، و) گوسفندان ایشان را سیراب کرد. سپس (از فرط خستگی) به زیر سایه (درختی) رفت و عرضه داشت: پروردگارا! من نیازمند هر آن چیزی هستم که برایم حواله و روانه فرمائی.

توضیحات:

«تَوَلَّي»: پشت کرد و رفت. «خَيْرٍ»: رزق و روزی. خوبی و نیکی. «إِنِّي... فَقِيرٌ»: هر رزقی که برای من فرستی نیازمند آنم، و هر گونه نیکوئیی که در حق من کنی محتاج بدانم.

سوره قصص آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَجَآءَتۡهُ إِحۡدَىٰهُمَا تَمۡشِي عَلَى ٱسۡتِحۡيَآءٖ قَالَتۡ إِنَّ أَبِي يَدۡعُوكَ لِيَجۡزِيَكَ أَجۡرَ مَا سَقَيۡتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيۡهِ ٱلۡقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفۡۖ نَجَوۡتَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ۲۵﴾

ترجمه:

یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیاء گام برمی‌داشت (و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد) به پیش او آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش این که (لطف فرموده و آب از چاه بیرون کشیده‌ای و بدان گوسفندان) ما را آب داده‌ای، به تو بدهد. هنگامی که موسی به پیش پدر او آمد و سرگذشت خود را برای وی بیان کرد، گفت: نترس که از مردمان ستمگر رهائی یافته‌ای (و اینجا از قلمرو آنان بیرون است و دسترسی به تو ندارند).

توضیحات:

«عَلَي اسْتِحْيَآءٍ»: با حیاء و شرم. «الْقَصَصَ»: داستان. سرگذشت (نگا: یوسف / ۳).

سوره قصص آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا يَـٰٓأَبَتِ ٱسۡتَـٔۡجِرۡهُۖ إِنَّ خَيۡرَ مَنِ ٱسۡتَـٔۡجَرۡتَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡأَمِينُ ٢٦﴾

ترجمه:

یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر من! او را استخدام کن. چرا که بهترین کسی را که باید استخدام کنی شخصی است که نیرومند و درستکار باشد.

توضیحات:

«يَآ أَبَتِ» ای پدر من! (نگا: یوسف / ۴ و ۱۰۰، مریم / ۴۲ - ۴۵). «إِسْتَأْجِرْهُ»: او را اجیر کن. او را به کار گمار. «إِسْتَأْجَرْتَ»: اجیر کرده‌ای. به کار گمارده‌ای. ذکر فعل به صورت ماضی و اراده معنی به صورت مضارع، اشاره دارد به این که، او آزموده و شناخته شده می‌باشد. «الْقَوِيُّ»: خبر (إِنَّ) است.

سوره قصص آیه ۲۷

متن آیه:

﴿قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَنۡ أُنكِحَكَ إِحۡدَى ٱبۡنَتَيَّ هَٰتَيۡنِ عَلَىٰٓ أَن تَأۡجُرَنِي ثَمَٰنِيَ حِجَجٖۖ فَإِنۡ أَتۡمَمۡتَ عَشۡرٗا فَمِنۡ عِندِكَۖ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أَشُقَّ عَلَيۡكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

(شعیب - پدر آن دو دختر - به موسی) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو درآورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی. سپس اگر هشت سال را به ده سال تمام برسانی، محبّتی کرده‌ای، (و این دو سال اضافه بر تو واجب نیست. به هر حال) من نمی‌خواهم بر تو سختگیری کنم (و تو را به درازترین مدّت وا دارم). اگر خدا بخواهد مرا از زمره نیکان خواهی یافت (و خواهی دید که من به عهد خود وفا می‌کنم).

توضیحات:

«تَأْجُرَنِي»: برای من کار کنی. خویشتن را کارگر من گردانی. «حِجَجٍ»: جمع حِجَّة،

سال‌ها. «مِنْ عِندِكَ»: از بزرگواری خودت است. کاری است که به اختیار خود می‌کنی.

سوره قصص آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا ٱلْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَٰنَ عَلَيَّ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾﴾

ترجمه:

(موسی پذیرفت و) گفت: این قراردادی میان من و تو است. البتّه هر کدام از این دو مدّت را برآوردم (به عهد خود وفا کرده‌ام، و از من خواسته نمی‌شود که بیش از آن کار کنم) و بر من ستم نمی‌گردد. خدا هم بر آنچه ما می‌گوئیم شاهد و گواه است.

توضیحات:

«الأَجَلَيْنِ»: دو مدّت. دو سرانجام. «لا عُدْوَانَ عَلَيَّ»: نباید به من ستم شود و بر مدّت افزوده گردد. گناهی بر من نیست، چرا که زمان کار خود را به پایان برده‌ام. «وَكِيلٌ»: شاهد و گواه. کسی که کار بدو واگذار می‌شود و حافظ مردمان و مسؤول کار آنان است.

سوره قصص آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ ٱمْكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی مدّت را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به‌سوی مصر) حرکت کرد، در جانب کوه طور آتشی را دید به خانواده‌اش گفت: بایستید. من آتشی می‌بینم. شاید از آنجا خبری (از راه) یا شعله‌ای از آتش برای شما بیاورم تا خویشتن را بدان گرم کنید.

توضیحات:

«قَضَي»: بسر برد. «أَهْلِ»: خانواده. همسر و سایر همراهان. «ءَانَسَ»: دید. مشاهده

کرد (نگا: طه / ۱۰، نمل / ۷). «جَذْوَةٍ»: اخگر سوزان. شعله آتش. «تَصْطَلُونَ»: خود را با آتش گرم کنید (نگا: نمل / ۷).

سوره قصص آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی به کنار آتش آمد، از ناحیه سرزمین راست (خود) در منطقه مبارکی (چون کوه طور) از میان یک درخت ندا داده شد: ای موسی! من یزدانم، پروردگار جهانیان.

توضیحات:

«شَاطِئِ»: ساحل. کناره. «الْوِادِي»: (نگا: طه / ۱۲). «الأيْمَنِ»: طرف راست. میمون و مبارک (نگا: تفسیر قاسمی). «مِنَ الشَّجَرَةِ»: از میان درخت. از سوی درخت.

سوره قصص آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ ٣١﴾

ترجمه:

و عصای خود را بینداز. وقتی که موسی دید که همسان ماری با سرعت و شدّت حرکت می‌کند، پشت کرد و پای به فرار گذاشت و پشت سر خود را نگاه نکرد. (بار دیگر ندا داده شد:) ای موسی! برگرد و نترس که تو از زمره افرادی هستی که (از مخاوف و مکاره) در امانند.

توضیحات:

«جَآنٌّ»: (نگا: نمل / ۱۰). «أَقْبِلْ»: رو کن. بیا. «الآمِنِينَ»: جمع آمِن، در امن و امان.

سوره قصص آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِۖ فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

دست خود را به گریبانت فرو ببر، بدون این که به عیب و نقصی (همچون بیماری برص مبتلا باشد) سفید و رخشان (بسان ماه تابان) بیرون می‌آید، و دست‌هایت را برای زدودن خوف و هراس به‌سوی خود (بیار و آنها را) جمع کن (و بر سینه‌ات بگذار، تا آرامش خویش را بازیابی). چرا که این دو (یعنی قلب عصا به اژدها، و ید بیضاء) دو دلیل قاطع و حجّت واضح پروردگارت برای فرعون و اطرافیان او است. بی‌گمان آنان گروهی هستند که گناهکار (و خارج از فرمان پروردگار) می‌باشند.

توضیحات:

«أُسْلُكْ»: داخل گردان. فرو ببر (نگا: مدّثّر / ۴۲، حاقّه / ۳۲، مؤمنون / ۲۷). «أُضْمُمْ»: جمع گردان. «جَنَاحَ»: بال. در اینجا مراد دست و ساعد و بازو است که برای انسان به منزله بال پرندگان است. «الرَّهْبِ»: خوف و هراس. «أُضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ»: دست‌هایت را جمع و بر سینه‌ات بگذار تا قلبت آرامش خود را بازیابد. قاطع و جدّی باش و در ادای مسؤولیت رسالت از هیچ مقام و هیچ قدرتی ترس و وحشت نداشته باش. «ذَانِكَ»: این دو تا. مراد تبدیل عصا به اژدها و ید بیضاء است. «بُرْهَانَانِ»: دو دلیل قاطع و واضح.

سوره قصص آیه ۳۳

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ٣٣﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! من از آنان کسی را کشته‌ام و می‌ترسم که مرا بکشند (و این مأموریت ناتمام بماند).

توضیحات:

«نَفْساً»: کسی. فردی.

سوره قصص آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ٣٤﴾

ترجمه:

برادرم هارون که از من زبان بلیغ‌تر و فصیح‌تری دارد با من بفرست تا یاور من بوده و (با توضیح گفتارم برای دیگران و پاسخگوئی روشن به شبهات ایشان) مرا تصدیق نماید. چرا که می‌ترسم تکذیبم کنند و دروغگویم نامند.

توضیحات:

«رِدْءاً»: یاور و مددکار. «يُصَدِّقُنِي»: مراد این است که با توضیح گفتارم و ردّ شبهات دیگران، راستی و درستی من روشن شود.

سوره قصص آیه ۳۵

متن آیه:

﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

(خدا درخواست موسی را پذیرفت و بدو) گفت: ما بازوان تو را به وسیله برادرت (هارون) تقویت و نیرومند خواهیم کرد، و به شما سلطه و برتری خواهیم داد، و لذا به سبب (قدرت) معجزات ما آنان به شما دسترسی نمی‌یابند و بر شما پیروز نمی‌گردند. بلکه شما و پیروانتان چیره و پیروزید.

توضیحات:

«سَنَشُدُّ»: محکم و استوار خواهیم کرد. قوّت و قدرت خواهیم داد. «عَضُدَ»: بازو. تقویت بازو، کنایه از تقویت و پشتیبانی شخص است. «سُلْطَاناً»: سلطه و شوکت. تسلّط و قدرت. «أَنتُمَا»: مبتدا است. «أَنتُمَا وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ»: (نگا: مجادله / ۲۱).

سوره قصص آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّفۡتَرٗى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا

فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی با آیات روشن و دلائل قاطع ما به سراغ آنان رفت (و خویشتن را معرّفی کرد و فرمان خدا و معجزه‌های ید بیضاء و قلب عصا را بدی‌شان نمود) گفتند: این چیزی جز جادوی دروغ و به هم بافته‌ای نیست (و سخن خود را به دروغ فرموده خدا می‌نامی) و ما نشنیده‌ایم چنین چیزی در میان نیاکان ما بوده باشد (و کسی تا حال خدا را یکی معرّفی و ادّعای توحید کرده باشد).

توضیحات:

«بِئَايَاتِنَا» آیات ما. معجزات ما. دلائل و حجّتهای ما. «بَيِّنَاتٍ»: روشن. حال است. «مُفْتَرَيً»: سر هم کرده و به هم بافته. مرادشان این بود که موسی در ادّعای خود دروغ می‌گوید و سخنان و معجزه‌های او، جادوی خود او است؛ نه فرموده و معجزه‌هائی که خدا فرو فرستاده باشد و بدی‌شان نموده باشد.

سوره قصص آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٧﴾

ترجمه:

موسی گفت: (آنچه می‌گویم حقیقت و هدایت است و جادو نیست و) پروردگار من بهتر می‌داند که چه کسانی هدایت را از سوی او (برای مردم) آورده‌اند و چه کسانی سرای آخرت از آن ایشان است. بی‌گمان ستمکاران رستگار نمی‌گردند (و به عذاب خدا گرفتار می‌آیند و از دست مجازات خدا نجات پیدا نمی‌کنند).

توضیحات:

«عَاقِبَةُ الدَّارِ»: مراد سرانجام خوش و پسندیده سرای جاویدان است که بهشت است (نگا: انعام / ۱۳۵، رعد / ۲۲ و ۲۴). بعضی هم معتقدند که سرانجام سعادتمندانه کار انسان در گشت و گذار همین جهان است و به تبع آن خوشبختی آن جهان جاویدان که بهشت یزدان است. یعنی: سعادت هر دو دنیا (نگا: یونس / ۶۴، نحل / ۳۰، زمر / ۱۰).

سوره قصص آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

فرعون گفت: ای سران و بزرگان قوم! من خدائی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (امّا محض احتیاط و تحقیق بیشتر) ای هامان! آتشی بر گِل بیفروز (و از خشتها آجرهای محکم بساز) و برای من کاخ بزرگی بساز. شاید من خدای موسی را از بالا ببینم، هر چند که من یقین دارم که موسی از زمره دروغگویان است.

توضیحات:

«إِلهٍ»: خداوندگار. پروردگار (نگا: شعراء / ۲۹، نازعات / ۲۴). «مِنْ إِلهٍ»: واژه (مِنْ) برای تعمیم (إِلهٍ) بعد از خود است. «أَوْقِدْ عَلَي الطِّينِ»: مراد تبدیل خشت گلین به آجر پخته است. «هَامَان»: وزیر اعظم یا نخست وزیر فرعون بوده است. «صَرْحاً»: کاخ بزرگ و بلند (نگا: نمل / ۴۴). «أَطَّلِعُ»: خبر یابم. بنگرم (نگا: کهف / ۱۸، مریم / ۷۸، صافّات / ۵۵). «لَأَظُنُّهُ»: گمانش می‌برم. یقین دارم که او.

سوره قصص آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

فرعون و سپاهیانش به ناحق در سرزمین (مصر) تکبّر ورزیدند و گمان بردند که (پس از مرگ زنده نمی‌گردند و) به‌سوی ما برگردانده نمی‌شوند.

توضیحات:

«إِسْتَكْبَرَ»: تکبّر نمود. خویشتن را بزرگ پنداشت (نگا: بقره / ۳۴).

سوره قصص آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

پس ما او و سپاهیانش را (به سوی دریا کشاندیم و آنان را) گرفتیم و به دریایشان انداختیم (و نابودشان ساختیم). بنگر که عاقبت کار ستمگران چگونه شد؟ (این، سرنوشت ستمکاران در همه دوران است؛ نه ویژه فرعون و فرعونیان).

توضیحات:

«فَنَبَذْنَاهُمْ»: ایشان را پرت کردیم و انداختیم. «الْيَمِّ»: دریا. «أُنظُرْ»: بنگر. مراد نگاه کردن با چشم ظاهر نیست، بلکه با چشم دل است.

سوره قصص آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ ٤١﴾

ترجمه:

و ما آنان را سردستگان و پیشوایانی کردیم که مردمان را به‌سوی دوزخ می‌خواندند و روز قیامت (از سوی کسی) یاری نمی‌گردند (و ایشان و دنباله روانشان از آتش دوزخ رهائی ندارند).

توضیحات:

«أَئِمَّةً»: جمع امام، پیشوایان، مراد سردستگان کفر و ضلال و پیشاهنگان کاروان گمراهان است که در دنیا به آنان خطّ و نشان می‌دهند و در دنیا پیشاپیش ایشان به‌سوی بدبختی حرکت، و در قیامت نیز در جلو پیروانشان به جانب جهنّم راه می‌افتند و آنان را به دوزخ می‌کشانند و بدانجا وارد می‌گردانند (نگا: هود / ۹۸).

سوره قصص آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ ٤٢﴾

ترجمه:

در همین جهان در عقب‌شان نفرین فرستادیم و در روز قیامت هم (زشت سیرتان این جهان) از زمره زشت صورتان (آن جهان) خواهند بود.

توضیحات:

«أَتْبَعْنَاهُمْ»: در پی ایشان روانه کردیم. به دنبال‌شان آوردیم. «الْـمَقْبُوحِينَ»:

زشت‌رویان. روسیاهان (نگا: زمر / ۶۰). طرد شدگان از مرحمت و مکرمت یزدان، و دور افتادگان از بهشت جاویدان.

سوره قصص آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

ما بر موسی کتاب آسمانی (تورات) نازل کردیم بعد از آن که اقوام روزگاران پیشین را (بر اثر کفر و ظلم و زورشان) نابود کردیم، تا برای مردم مایه بینش و وسیله هدایت و رحمت باشد، و ایشان (در پرتو اوامر و نواهی آن، راه را از چاه باز شناسند و) پندپذیر گردند.

توضیحات:

«الْقُرُونَ الأُولي»: ملّت‌های پیشین. اقوام گذشته. «بَصَآئِرَ»: جمع بَصِیرَة، بینش. نور دلها. مفعول له یا حال است.

سوره قصص آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلۡغَرۡبِيِّ إِذۡ قَضَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلۡأَمۡرَ وَمَا كُنتَ مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) تو در جانب غربی (کوه طور) نبودی در آن دم که ما فرمان (نبوّت) را به موسی ابلاغ کردیم (و بدو کتاب تورات عطاء و وی را برای تبلیغ به پیش مردم فرستادیم) و تو از حاضران (در صحنه تبلیغ و مبارزه موسی با فرعون و فرعونیان) نبودی (تا بر سرگذشت ایشان مطّلع گردی. حال که سرگذشت حقیقی بنی‌اسرائیل و موسی و فرعون و پیروان آنان را - چنان که باید - برای مردم بیان می‌داری، چرا باید باور نکنند و به تو ایمان نیاورند؟!).

توضیحات:

«بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ»: مراد قسمت غربی کوه طور با توجّه به موقعیت موسی است. «قَضَيْنَا»: رساندیم. پیام دادیم (نگا: حجر / ۶۶، اسراء / ۴).

سوره قصص آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأۡنَا قُرُونٗا فَتَطَاوَلَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيٗا فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ تَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ۝٤٥﴾

ترجمه:

این ما بودیم که اقوام و نسل‌هائی را (در قرون و اعصار مختلف) آفریدیم و زمان‌های طولانی بر آنان سپری شد (و بر اثر مرور زمان، عهدها و پیمان‌های خدا را فراموش کردند و رهنمودهای انبیاء را از یاد بردند. ای پیغمبر!) تو در میان اهل مدین اقامت نداشتی تا آیات ما را (که بیان‌گر سرگذشت ساکنان مدین است) بر اینان (که مردمان مکه و سال‌ها بعد از ایشان می‌زیند) فروخوانی (و از احوال پیشینیان بیاگاهانی). ولی این ما هستیم که تو را فرستاده‌ایم (و چنین اخباری را از طریق وحی در اختیارت قرار داده‌ایم).

توضیحات:

«أَنْشَأْنَا»: آفریدیم (نگا: انعام / ۶ و ۹۸). «تَطَاوَلَ»: به درازا کشید. بعد از فوت ایشان، روزگاران زیادی گذشت و زمان امتداد پیدا کرد. «ثَاوِیاً»: مقیم. ساکن. «تَتْلُو»: فرو می‌خوانی. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «مُرْسِلِینَ»: فرستندگان. روانه‌کنندگان.

سوره قصص آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذۡ نَادَيۡنَا وَلَٰكِن رَّحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ۝٤٦﴾

ترجمه:

تو در کنار کوه طور نبودی بدان گاه که ما (موسی را برای برگزیدن او به عنوان پیغمبر) ندا در دادیم (تا فرمان‌های صادره الهی را بشنوی و هم اینک برای دیگران روایت نمائی). ولی (ما این اخبار را به تو می‌رسانیم) به خاطر مرحمتی که پروردگارت نسبت به تو دارد، تا قومی را (با آنها) بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده‌ای (از پیغمبران خدا) به‌سوی ایشان نیامده است، شاید مایه عبرت و بیداری آنان گردد.

توضیحات:

«رَحۡمَةً»: مفعول له یا خبر (کانَ) محذوف است. «مَآ أَتَاهُمْ مِن نَّذِیرٍ»: تا حال پیغمبری برای ایشان نیامده است (نگا: سجده / ۳). مراد نیامدن پیغمبری به سرزمین عربستان بدین زودیها است؛ نه از آغاز جهان تا روزگار خاتم پیغمبران (نگا: تفسیر قاسمی، تفسیر آلوسی). چرا که به فرموده قرآن هیچ ملّتی بدون پیغمبر نبوده است (نگا: فاطر / ۲۴).

سوره قصص آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

هر گاه (پیش از فرستادن تو، ای پیغمبر!) عقوبتی به خاطر اعمال‌شان گریبانگیرشان می‌گردید، می‌گفتند: پروردگارا! چه خوب بود اگر پیغمبری برای ما می‌فرستادی تا از آیات تو فرمان می‌بردیم و از زمره مطیعان می‌گشتیم! (این است که تو را در میان آنان برانگیختیم، همان‌گونه که سایر پیغمبران را در میان اقوام خودشان برانگیخته و مأمور تبلیغ نموده‌ایم).

توضیحات:

«لَوْ لا أَنْ...»: واژه (لَوْلا) امتناعیه و جواب آن محذوف است و تقدیر چنین است: «لَوْ لا أَنَّهُمْ یَحْتَجُّونَ بِتَرْكِ الإِرْسالِ إِلَیْهِمْ لَعاجَلْناهُمْ بِالْعُقُوبَةِ». «لَوْ لآ أَرْسَلْتَ...»: واژه (لَوْلا) تحضیضیه است. «بِما قَدَّمَتْ أَیْدیهِمْ»: حرف (ب) سببیه است. نسبت دادن اعمال به دست، از راه تغلیب است (نگا: بقره / ۹۵، آل‌عمران / ۱۸۲، نساء / ۶۲). چرا که بیشتر کارها با دست انجام می‌پذیرد. یادآوری: آیات متعدّدی بیان‌گر این واقعیت است که سنّت خداوندی بر این است که پروردگار پیش از ارسال پیغمبران، هیچ ملّتی را به خاطر گناهانشان مجازات نفرموده و به عذاب گرفتار نساخته است (نگا: نساء / ۱۶۵، مائده / ۱۹، انعام / ۱۵۶).

سوره قصص آیه ۴۸

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ لَوۡلَآ أُوتِيَ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ مُوسَىٰٓۚ أَوَ لَمۡ يَكۡفُرُواْ بِمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۖ قَالُواْ سِحۡرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓاْ إِنَّا بِكُلّٖ كَٰفِرُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

هنگامی که قرآن از سوی ما به پیش ایشان فرستاده شد، گفتند: چه خوب بود اگر همان چیزهائی که به موسی داده شده بود (که قلب عصا به اژدها و ید بیضاء و نزول کتاب یکجا است) بدو داده می‌شد. مگر در گذشته چیزهائی را انکار نکردند که به موسی داده شده بود؟ (این بهانه‌جویان) گفتند: این دو (کتاب تورات و قرآن) جادوهائی هستند که یکدیگر را پشتیبانی و تأکید می‌نمایند، و گفتند: ما هیچ کدام را قبول نداریم (و منکر هر دو هستیم).

توضیحات:

«الْحَقُّ»: قرآن. «سِحْرَانِ»: دو تا فسون و جادو. مراد تورات و قرآن است. «تَظَاهَرَا»: پشت یکدیگر را گرفته‌اند. همدیگر را پشتیبانی و تأکید نموده‌اند.

سوره قصص آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قُلۡ فَأۡتُواْ بِكِتَٰبٖ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهۡدَىٰ مِنۡهُمَآ أَتَّبِعۡهُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٩﴾

ترجمه:

بگو: اگر شما راست می‌گوئید (که این دو کتاب، یعنی تورات و قرآن از سوی خدا نیست) کتابی روشن‌تر و هدایت بخش‌تر از آنها را از سوی خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

توضیحات:

«أَتَّبِعْهُ»: تا از آن پیروی کنم. مجزوم به جواب امر است.

سوره قصص آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَإِن لَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٠﴾

ترجمه:

پس اگر (این پیشنهاد تو را نپذیرفتند و) پاسخت نگفتند، بدان که ایشان فقط از

هواها و هوس‌های خود پیروی می‌کنند! آخر چه کسی گمراه‌تر و سرگشته‌تر از آن کسی است که (در دین) از هوی و هوس خود پیروی کند، بدون این که رهنمودی از جانب خدا (بدان شده) باشد؟! مسلّماً خداوند مردمان ستم‌پیشه را (به سوی حق) رهنمود نمی‌نماید (چرا که کسی که به دنبال باطل رود، به حق راهیاب نمی‌شود).

توضیحات:

«فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ...»: اگر در آوردن کتابی که خواسته‌ای پاسخت ندادند و از عهده آن برنیامدند.

سوره قصص آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ وَصَّلۡنَا لَهُمُ ٱلۡقَوۡلَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٥١﴾

ترجمه:

ما سخنان (قرآن) را (در قالب آیات متعدّدی، به اقتضای حکمت) پیاپی فرستادیم و به هم ارتباط و پیوند دادیم تا (درباره وعده‌ها و پندها و درس‌های آن بیندیشند و بدان‌ها ایمان بیاورند و مقاصد و مفاهیم آن را بیاموزند و) یادآور شوند.

توضیحات:

«لَقَدْ وَصَّلْنا»: ارتباط دادیم و متّصل کردیم. یکی بعد از دیگری را فرو فرستادیم. اندک اندک و پیاپی نازل نمودیم و به هم پیوند دادیم (نگا: فرقان / ۳۲). «الْقَوْلَ»: مراد آیات قرآن است.

سوره قصص آیه ۵۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

کسانی که پیش از نزول قرآن، برای‌شان کتاب (تورات و انجیل را) فرستادیم (و اهل کتاب نامیده می‌شوند، اگر واقعاً مطالب تورات و انجیل را خوانده و از دل مقاصد آنها را تصدیق کرده باشند، هم اینک محمّد را به عنوان پیغمبر می‌پذیرند و) به قرآن ایمان می‌آورند.

توضیحات:

«مِن قَبْلِهِ... هُم بِهِ...»: ضمیر (ه) به قرآن برمی‌گردد.

سوره قصص آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلِهِۦ مُسۡلِمِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

هنگامی که (قرآن) بر آنان خوانده می‌شود (شتابان ایمان خود را اعلان می‌دارند و) می‌گویند: بدان باور داریم، چرا که آن حق بوده و از سوی پروردگارمان (نازل شده) است. ما پیش از نزول قرآن هم مسلمان بوده‌ایم (و نشانه‌های این پیغمبر را در کتاب‌های آسمانی خود یافته‌ایم، و هم اینک که او را بازشناخته و آیات قرآنی را با کتاب‌های دیگر آسمانی همسو و هماهنگ دیده‌ایم، آن را با جان و دل پذیرا شده‌ایم).

توضیحات:

«مِن قَبْلِهِ»: پیش از نزول قرآن و تلاوت آن. «مُسْلِمِينَ»: ایمانداران. فرمانبرداران. مؤمنین به بعثت محمّد و نزول قران بر او.

سوره قصص آیه ۵۴

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡتَوۡنَ أَجۡرَهُم مَّرَّتَيۡنِ بِمَا صَبَرُواْ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که دو بار اجر و پاداش‌شان داده می‌شود، به سبب این که (در راه ایمان اذیت و آزارها دیده‌اند و) شکیبائی کرده‌اند، و بدی‌ها را با نیکی‌ها از میان برمی‌دارند (و نه تنها بدی‌ها را با بدی‌ها پاسخ نمی‌گویند، بلکه در مقابل کردار و گفتار بد مردم، رفتار بایسته می‌کنند و سخن شایسته می‌گویند) و از آنچه بدی‌شان عطاء کرده‌ایم (در راه خیر و صلاح) خرج می‌کنند و می‌بخشند.

توضیحات:

«مَرَّتَيْنِ»: دو بار. پاداشی در برابر ایمان به پیغمبران پیشین، و پاداشی در مقابل باور به خاتم‌النبیین. «يَدْرَءُونَ...»: (نگا: رعد / ۲۲).

سوره قصص آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ لَا نَبۡتَغِي ٱلۡجَٰهِلِينَ ۝٥٥﴾

ترجمه:

و هنگامی که یاوه بشنوند از آن روی می‌گردانند (و دشنام را با دشنام پاسخ نمی‌گویند و بلکه) می‌گویند: اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شما است (و هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت). وداع و بدرودتان باد! ما خواهان (همنشینی با) نادانان نیستیم.

توضیحات:

«اللَّغْوَ»: سخنان پوچ. یاوه سرائی. بیهوده‌گوئی. «سَلامٌ عَلَيْكُمْ»: وداعتان باد! بدرودتان! (نگا: فرقان / ۶۳). «لا نَبْتَغي»: نمی‌خواهیم. مراد طالب نبودن معاشرت و مصاحبت است «الْجَاهِلِينَ»: (نگا: بقره / ۶۷).

سوره قصص آیه ۵۶

متن آیه:

﴿إِنَّكَ لَا تَهۡدِي مَنۡ أَحۡبَبۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ۝٥٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) تو نمی‌توانی کسی را که بخواهی هدایت ارمغان داری (و او را به ایمان، یعنی سر منزل مقصود و مطلوب انسان برسانی) ولی این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطاء می‌نماید، و بهتر می‌داند که چه افرادی (بر طبق حکمت و عنایت یزدان و برابر اندیشه و تلاش انسان، سزاوار پذیرش ایمان بوده و به‌سوی صفوف مؤمنان) راهیابند.

توضیحات:

«إِنَّكَ لا تَهْدِي...»: مراد این است که پیغمبر، تبلیغ و ارائه طریق می‌نماید و بس. توفیق هدایت و ایصال به مطلوب در دست خداوند است (نگا: بقره / ۲۷۲، یونس / ۴۳، ابراهیم / ۴).

سوره قصص آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ إِن نَّتَّبِعِ ٱلۡهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفۡ مِنۡ أَرۡضِنَآۚ أَوَ لَمۡ نُمَكِّن لَّهُمۡ حَرَمًا ءَامِنٗا يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيۡءٖ رِّزۡقٗا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

(مشرکان مکه به پیغمبر عرض کردند) و گفتند: اگر همراه تو هدایت را پذیرا شویم (و از برنامه توحیدی اسلامی پیروی کنیم، قبایل نیرومند عرب به جنگ ما برمی‌خیزند و) ما را از روی زمینمان می‌ربایند (و نابودمان می‌نمایند. پس هر چند به حقّانیت اسلام معترفیم، ولی برای حفظ جان و مال و مقام خود حاضر به قبول ایمان نیستیم!). مگر ما حرم پر اَمن و امانی را برای ایشان فراهم نیاورده‌ایم که محصولات و میوه‌جات فراوانی (از نواحی مختلف) به‌سوی آن آورده می‌شود؟! (وقتی که در حال کفر، ایشان را از امنیت و مواهب زندگی برخوردار می‌گردانیم، چگونه آنان را با وجود ایمان و اطاعت از فرمان، در دست دیگران رها می‌گردانیم؟! این محصولات و ثمرات) داده ما است (بدی‌شان...) و لیکن بیشتر آنان (این را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«الْهُدي»: هدایت و رهنمود. مراد دین اسلام است. «نُتَخَطَّفْ»: ربوده می‌گردیم. از میان برداشته می‌شویم. «أَوَلَـمْ نُمَكِّنْ»: آیا برای ایشان قرار نداده‌ایم و نساخته‌ایم؟ واژه (نُمَكِّنْ): در اینجا به معنی (نَجْعَلْ) است. «ءَامِناً»: دارای امن و امان. دارای امنیت. «يُجْبي»: جمع‌آوری و حمل می‌شود. «كُلِّ»: در اینجا برای تکثیر و به معنی فراوان و زیاد است. «رِزْقاً»: داده و عطاء. حال (ثَمَرَاتُ) یا مفعول له است.

سوره قصص آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةِۭ بَطِرَتۡ مَعِيشَتَهَاۖ فَتِلۡكَ مَسَٰكِنُهُمۡ لَمۡ تُسۡكَن مِّنۢ بَعۡدِهِمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ وَكُنَّا نَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٥٨﴾

ترجمه:

چه مردمان زیادی را نابود ساخته‌ایم که در زندگی خود (همچون اینان) مست و مغرور (جاه و مال و زر و زور) شده‌اند و طغیان و سرکشی پیشه ساخته‌اند. این خانه‌های ایشان است که بعد از آنان (روی آبادی به خود ندیده است و) جز مدّت

اندکی منزل و مأوی نگشته است، (و آن هم سکونت موقّت مسافران و سیاحان به هنگام رفت و آمدشان از این مناطق بوده است). و ما خودمان مالک و صاحب (املاک و دیارشان) شده‌ایم.

توضیحات:

«كَمْ أَهْلَكْنا مِن قَرْيَةٍ...»: (نگا: اعراف / ۴). «بَطِرَتْ»: سرمست و مغرور شده است. طغیان و سرکشی کرده است. کفران کرده و ناسپاس گذاشته است (نگا: انفال / ۴۷). «مَعِيشَتَهَا»: مفعول فیه است و حرف جرّ (فِي) محذوف است. در اصل چنین است: بَطِرَتْ فِي مَعِيشَتِها. «لَمْ تُسْكَنْ... إلاّ قَلِيلاً»: جز مدّت کمی، یا جز بخش اندکی، و یا این که جز توسّط افراد معدودی، روی آبادی به خود ندیده است و ساکنانی نداشته است. «الْوَارِثِينَ»: مالکین. صاحبان (نگا: حجر / ۲۳، انبیاء / ۸۹، قصص / ۵).

سوره قصص آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبۡعَثَ فِيٓ أُمِّهَا رَسُولٗا يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۚ وَمَا كُنَّا مُهۡلِكِي ٱلۡقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهۡلُهَا ظَٰلِمُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

پروردگار تو هرگز شهر و دیاری را ویران نمی‌سازد مگر این که در کانون و مرکز آنجا پیغمبری را برانگیزد تا آیات ما را بر اهالی آن فرو خواند، و ما شهر و دیاری را نابود نکرده و نابود نمی‌گردانیم مگر این که ساکنان آنجا ستمکار باشند.

توضیحات:

«الْقُرى»: جمع قَرْيَة، شهرها و آبادیهای بزرگ (نگا: انعام / ۱۳۱). «أُمِّهَا»: مرکز آن. کانون و پایتخت آن. «يَتْلُو»: الف زائدی در رسم‌الخط قرآنی در آخر دارد. «حَتّي يَبْعَثَ فِي أُمِّها رَسُولاً»: این بخش، اشاره به این واقعیت است که لزومی ندارد در هر شهر و روستائی پیغمبری مبعوث گردد. همین که در یک کانون بزرگ که مرکز اخبار و محل اندیشمندان و پایتخت بزرگان یک قوم است پیغمبری برانگیخته شود، کافی و بسنده است. «وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ»: این بخش، بیان‌گر این مطلب است که ظلم سبب ویرانی است، و ظالمان بدون کیفر و مجازات نمی‌مانند.

سوره قصص آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

آنچه به شما داده شده است، کالای این جهان و زینت آن است (و زودگذر و همراه با ناگواریها و رنجها و دردها است) ولی آنچه در نزد خدا (در آن سرا است) بهتر و جاودانه‌تر است. آیا نمی‌دانید (که باقی با فانی و محدود با نامحدود، یکسان نیست؟!).

توضیحات:

«مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: کالای زندگی دنیوی است و تنها در مدّت عمر کوتاهتان از آن استفاده می‌کنید و بس. «خَيْرٌ وَ أَبْقي»: خوبتر و پایدارتر. مراد خوب و سرمدی است.

سوره قصص آیه ۶۱

متن آیه:

﴿أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ۝٦١﴾

ترجمه:

آیا کسی که بدو وعده نیکو داده‌ایم، و بدان خواهد رسید (که نعمت فراوان و نامحدود آن جهان و بهشت جاویدان است) همسان کسی است که کالای زندگی این جهان را بدو داده‌ایم (و از نعمت ناپایدار و آمیزه به غصّه و رنج آن بهره‌مندش ساخته‌ایم) و سپس در روز قیامت از زمره احضارشدگان (برای حساب و کتاب، و گرد آورده شدگان در عذاب و عقاب دوزخ) است؟!

توضیحات:

«لاقِيهِ»: رسنده بدان است. «الْـمُحْضَرِينَ»: احضار شدگان. گرد آورده شدگان. مراد کسانی است که فرشتگان آنان را به پای حساب و کتاب می‌آورند و برای عذاب حاضرشان می‌گردانند (نگا: روم / ۱۶، صافّات / ۵۷).

سوره قصص آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: انبازهائی که برای من گمان می‌بردید کجایند؟! (ای مشرکان! حالا که حجاب‌ها و پرده‌ها کنار رفته‌اند و هنگامه حساب و کتاب و گرفتاری و درماندگی است، بگوئید بت‌ها و خدا گونه‌های انس و جنّی که می‌پنداشتید و می‌پرستیدید بیایند و شما را از عقاب و عذاب آفریدگار برهانند).

توضیحات:

«أَيْنَ»: کجا؟ کو؟

سوره قصص آیه ۶۳

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

کسانی که (سردستگان کفر و ضلال بوده و) فرمان عذاب درباره آنان مسلم شده است، می‌گویند: پروردگارا! ما اینان را گمراه ساخته‌ایم. از آنجا که خودمان گمراه بوده‌ایم ایشان را هم گمراه نموده‌ایم. ما از اینان در پیشگاه تو بیزاری می‌جوئیم (و می‌گوئیم: ایشان شهوات و آرزوهای خود را پرستش کرده‌اند و) ما را عبادت نکرده‌اند!

توضیحات:

«حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ»: مستحقّ عذاب شده‌اند (نگا: نمل / ۸۲). «أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا»: ایشان را گمراه ساخته‌ایم، چرا که خودمان گمراه بوده‌ایم. مراد این است که اغواگران می‌گویند: پیروان ما به میل خود به دنبال ما آمده‌اند و به محض این که وسوسه ما با شهوات ایشان موافقت داشته است، از ما اطاعت نموده‌اند. لذا هر دو گروه یکسان و برابریم (نگا: مائده / ۷۷). «مَا... يَعْبُدُونَ»: عبادت، در اینجا علاوه از پرستش، معنی اطاعت نیز دارد.

سوره قصص آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَقِيلَ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ

يَهۡتَدُونَ ﴿٦٤﴾

ترجمه:

(به پرستش کنندگان گول خورده) گفته می‌شود: انبازهای خود را (که معبودهای دروغینند) به فریاد خوانید (تا شما را یاری کنند). آنان ایشان را به فریاد می‌خوانند، ولی پاسخی بدانان نمی‌دهند. (در این هنگام) عذاب را (با چشم خود) می‌بینند (و آرزو می‌کنند:) کاش! هدایت یافته و راهیاب می‌بودند (و امروز گرفتار چنین مجازات شدید نمی‌شدند).

توضیحات:

«أُدْعُوا»: فرا خوانید. به کمک طلبید. «لَوْ أَنَّهُمْ...»: حرف (لَوْ) برای تمنّی است. یا برای شرط است و جواب محذوف است که (لَـمّـا رَأَوُا الْعَذابَ) است.

سوره قصص آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٦٥﴾﴾

ترجمه:

(خاطرنشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟

توضیحات:

«أَجَبْتُمْ»: پاسخ دادید (نگا: مائده / ۱۰۹).

سوره قصص آیه ۶۶

متن آیه:

﴿فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٦﴾﴾

ترجمه:

در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خبرها از یادشان می‌رود (و جملگی دچار فراموشی می‌شوند و سخنی برای گفتن نخواهند داشت و حتّی از هول و هراس) نمی‌توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند.

توضیحات:

«عَمِيَتْ»: کور می‌گردد. مراد مخفی شدن و از یاد رفتن است. این فراموشی از

شدّت حیرت بدی‌شان دست می‌دهد. «لا يَتَسَآءَلُونَ»: نمی‌پرسند. مراد این است که نمی‌توانند بر اثر هول و هراس از یکدیگر هم سؤال بکنند.

سوره قصص آیه ۶۷

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ ٦٧﴾

ترجمه:

(آنچه گذشت درباره مشرکانی است که بر شرک مرده‌اند) و امّا کسانی که (در دنیا) توبه کرده و ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند، امید است که از زمره رستگاران گردند.

توضیحات:

«عَسي»: امید است. این واژه نسبت به خدا به معنی محقّق و مسلّم و حتمی است.

سوره قصص آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند، و هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و مردمان (پس از صدور فرمان خدا درباره چیزی و کسی) حق انتخاب و اختیار ندارند. خداوند بسی منزّه‌تر و بالاتر از آن است که چیزی را انباز او کنند.

توضیحات:

«الْخِيَرَة»: حق انتخاب. گزینش. مراد این است که انسان در برابر حکم خدا، صاحب اختیار نبوده و حق چانه زدن ندارد (نگا: احزاب / ۳۶).

سوره قصص آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) پروردگار تو آگاه است از آنچه سینه‌هایشان (از کینه‌ها در خود)

پنهان می‌دارد، و از آنچه آنان آشکار می‌سازند (و به صورت اعتراض‌ها و طعنه‌ها بروز می‌دهند).

توضیحات:

«تُكِنُّ»: پنهان می‌دارد (نگا: نمل / ۷۴).

سوره قصص آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

پروردگار تو الله است و خدائی جز او نیست، و هر گونه سپاس و ستایشی بدو تعلّق دارد چه در این جهان و چه در آن جهان، و فرماندهی و داوری از آن او است، و بازگشت همه شما به‌سوی او خواهد بود. (او خالق، و او حاکم، و او قاضی است).

توضیحات:

«الأُولي»: این جهان. «**الآخِرَة**»: آن جهان. «**الْحُكْمُ**»: فرماندهی. داوری و دادرسی.

سوره قصص آیه ۷۱

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلَّيۡلَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا تَسۡمَعُونَ ٧١﴾

ترجمه:

بگو: (ای مردم!) به من بگوئید اگر خداوند شب را تا روز قیامت همیشه ماندگار کند (و روز روشن را به دنبال آن نیاورد) بجز خدا کدام خدا است که بتواند برای شما روشنائی بیاورد؟ (و روز روشنی پدیدار کند تا در آن به تلاش بپردازید و کسب و کار کنید؟). آیا نمی‌شنوید؟ (باید که بشنوید و بنگرید و کرنش برید اگر عاقلید).

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: چه می‌بینید و نظرتان چیست؟ مرا خبر دهید و به من بگوئید. «سَرْمَداً»: دائمی و همیشگی. ماندگار و پایدار.

سوره قصص آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِلَيۡلٖ تَسۡكُنُونَ فِيهِۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

بگو: مرا خبر دهید، اگر خداوند روز را تا روز قیامت جاودانه و دائمی کند (و شب تاریک را به دنبال آن نیاورد) بجز خدا کدام خدا است که بتواند برای شما شبی را بیاورد تا در آن بیارامید (و خستگی کار روزانه را از تن به در کنید؟). مگر نمی‌بینید (که دچار چه اشتباه بزرگی هستید؟ مگر شب و روز دو نشانه سترگ بر وجود خدای بزرگ نیستند؟).

توضیحات:

«تَسْكُنُونَ»: بیارامید. به استراحت بپردازید (نگا: یونس / ۶۷).

سوره قصص آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

این از لطف و مرحمت الهی است که شب را و روز را برای شما آفریده است تا در آن بیارامید و (در این، به تلاش معاش بپردازید و) فضل خدا را بجوئید، و سپاسگزار (الطاف و مراحم او) باشید.

توضیحات:

«فِيهِ»: در شب.

سوره قصص آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می‌دارد و می‌گوید: انبازهائی که برای من گمان می‌بردید کجایند؟!

توضیحات:

سوره قصص آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَنَزَعۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا فَقُلۡنَا هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ فَعَلِمُوٓاْ أَنَّ ٱلۡحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

(در آن روز، ما) از هر امتی گواهی (از میان‌شان برگزیده و) بیرون می‌کشیم و (به پیش خود احضار می‌کنیم، و خطاب به مشرکان) می‌گوئیم: دلیل خود را (بر شرک و کفر دنیوی) بیاورید. پس آنان خواهند دانست که حق با خدا است، و چیزهائی که به هم می‌بافتند (و انباز و بت و دست‌اندرکار جهان می‌نامیدند، از دست‌شان به در رفته است و) از ایشان گم و ناپدید گشته است.

توضیحات:

«نَزَعْنَا»: نزع به معنی بیرون کشیدن است. ولی در اینجا مراد برگزیدن و احضار کردن است. «شَهِیداً»: گواه. مراد پیغمبر هر قومی است (نگا: بقره / ۱۴۳، نساء / ۴۱ و ۴۲). «أَنَّ الْحَقَّ للهِ»: حق با خدا است. آنچه خدا فرموده است، حق و حقیقت است. الوهیت حق خدا است و بس.

سوره قصص آیه ۷۶

متن آیه:

﴿۞إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوۡمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيۡهِمۡۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلۡعُصۡبَةِ أُوْلِي ٱلۡقُوَّةِ إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ ٧٦﴾

ترجمه:

قارون از قوم موسی بود و (بر اثر داشتن دارائی فراوان) بر آنان فخر فروشی کرد (و چون ثروتمندترین فرد بنی‌اسرائیل بود، از ایشان خواست که او را فرمانده و خویشتن را فرمانبردارش بدانند). ما آن اندازه گنج و دفینه بدو داده بودیم که (حمل صندوقهای) خزائن آن بر گروه پر زور و با قدرت سنگینی می‌کرد (و ایشان را دچار مشکل می‌نمود). وقتی (از اوقات) قوم او بدو گفتند: (مغرورانه) شادمانی مکن، که

خدا شادمانان (سرمست از غرور) را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«بَغي»: سرکشی کرد. تکبّر ورزید. خود را بزرگ‌تر از دیگران دید و دیگران را پائین‌تر از خویش. «الْكُنُوزِ»: جمع كَنْز، گنجینه. دفینه. «ما»: چیزی که. مقداری که. موصول است و به معنی (أَلَّتي) است. «مَفَاتِحَ»: جمع مَفْتَح، به فتح میم، مخزن. خزینه. صندوق و ظروف گنج (نگا: انعام / ۵۹، نور / ۶۱). «تَنُوأُ»: سنگینی می‌کند. به رنج و مشقّت می‌اندازد. «الْعُصْبَةِ»: جماعت زیاد. گروه فراوان (نگا: یوسف / ۸). «أُولِي الْقُوَّةِ»: زورمندان. قدرتمندان. «الْفَرِحِينَ»: افراد شادمان. مراد کسانی است که بر اثر فرا چنگ آوردن اموال و داشتن مادیات فراوان مغرور و متکبّر شوند و از باده پیروزی سرمست گردند و از خوشحالی در پوست نگنجند.

سوره قصص آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ وَلَا تَبۡغِ ٱلۡفَسَادَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

به وسیله آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی)، و همان‌گونه که خدا به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران ببخش و بدیشان) نیکی کن، و در زمین تباهی مجوی که خدا تباهکاران را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«إِبْتَغِ»: بطلب. بجوی. «وَابْتَغِ فِيمَا»: مراد این است که نعمت دنیا باید وسیله باشد؛ نه هدف. به عبارت دیگر ثروت دنیا را باید در راه فراچنگ آوردن بهشت خدا به کار انداخت.

سوره قصص آیه ۷۸

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَ لَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ

ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗاۚ وَلَا يُسۡ‍َٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

(قارون) گفت: این مال در سایه آگاهی و دانشی که دارم به من داده شده است (و مرا فراهم گشته است. خودم آن را به دست آورده‌ام و خودم هم می‌دانم چگونه آن را مصرف کنم). مگر ندانسته است که خداوند نسلهای (قرون و اعصار) زیادی را نابود کرده است که از او قدرت بیشتری، و در گردآوری (دارائی مهارت) زیادتری داشته‌اند. (بگذار مجرمان چون او در فسق و فجور و کبر و غرور خود فرو روند. در قیامت همه چیز عیان است و حاجت به بیان نیست، و لذا) گناهکاران از گناهانشان سؤال (تحقیق و ترحیم) نمی‌شود، (بلکه سؤال توبیخ و تحقیر از ایشان می‌گردد).

توضیحات:

«عَلَي عِلْمٍ عِندِي»: در پرتو دانشی که دارم. در سایه آگاهی و به سبب علمی که مرا است. «الْقُرُونِ»: (نگا: یونس / ۱۳، قصص / ۴۳ و ۴۵). «قُوَّةً»: مراد نیروی مادی است. «جَمْعاً»: گردآوری. توان بهره‌وری و استفاده از سرمایه در بازرگانی و کشاورزی و راه‌های دیگر اقتصادی برای افزایش دارائی مراد است. «لا يُسْأَلُ...»: در آخرت گناهکاران از گناهانشان پرسشی نمی‌شود که برای تحقیق باشد و بخواهند حال ایشان را هم مراعات دارند و مِهری بدانان ورزند، زیرا همه چیز روشن است. بلکه سؤال توبیخ و تهدید مطرح است که خود یک نوع مجازات روانی برای گناهکاران است (نگا: حجر / ۹۲، نحل / ۵۶، صافّات / ۲۴). برخی هم احتمال داده‌اند که چنین امری مربوط به مجازات دنیوی است که چون عذاب الهی فرا رسد، مجال پرسش و پاسخ نیست و عذاب الهی همان و نابودی همان (نگا: تفسیر نمونه).

سوره قصص آیه ۷۹

متن آیه:

﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٧٩﴾

ترجمه:

(قارون به اندرز پندگویان وقعی ننهاد و بلکه هوس قدرت و جنون ثروت او را بر آن داشت که با آرایش هر چه بیشتر، دارائی خود را به نمایش گذاشت و) با تمام زینت

خود در برابر قوم خویش نمایان گردید (و زر و زیور و قدرت و شوکت خویشتن را در معرض دیدگان مردمان قرار داد). آنان که طالب زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش! همان چیزهائی که به قارون داده شده است ما هم می‌داشتیم. (چه ثروت سرشاری! و چه جاه و جلالی!). واقعاً او دارای بهره بزرگ و شانس سترگ است.

توضیحات:

«فِي زِينَتِهِ»: در میان جاه و جلالش. با تمام زر و زورش (نگا: هود / ۱۵، احزاب / ۲۸). «حَظٍّ»: بهره و نصیب. شانس و بخت. سعادت و خوشبختی.

سوره قصص آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

و کسانی که دانش و آگاهی داشتند (به افرادی که عاشقان زرق و برق دنیا بودند و بزرگواری را در زر و زور می‌دیدند) گفتند: وای بر شما! (چه می‌گوئید و سعادت را در چه می‌جوئید؟) اجر و پاداش خدا (که بهشت جاویدان است) بسی والاتر و بهتر (از این چیزها) است برای کسانی که ایمان داشته باشند و کارهای شایسته انجام دهند و این (بهشت یزدان هم) جز نصیب شکیبایان نمی‌گردد.

توضیحات:

«أُوتُوا الْعِلْمَ»: دانایان و فرزانگان. «لا يُلَقَّاهَا إِلاَّ الصَّابِرُونَ»: به بهشت خدا جز شکیبایان برده نمی‌شوند و بدان رسانده نمی‌شوند. این نصیحت جز به دل شکیبایان فرو نمی‌رود و کسی جز ایشان آن را پذیرا نمی‌شود. ضمیر (ها) به (مَثُوبَة) و (جنّة) مفهوم از ثواب، و یا به (مَقالَة) و (كَلِمَة) علماء آگاه از احوال دنیا و آخرت بر می‌گردد.

سوره قصص آیه ۸۱

متن آیه:

﴿فَخَسَفۡنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٖ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُنتَصِرِينَ ٨١﴾

ترجمه:

سپس ما او را و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم، و گروه و دسته‌های نداشت که او را در برابر خدا یاری دهند (و وی را از عذاب الهی برهانند)، و خود نیز نتوانست خویشتن را کمک کند.

توضیحات:

«خَسَفْنَا»: فرو بردیم (نگا: نحل / ۴۵، اسراء / ۶۸). «مِن دُونِ اللهِ»: در مقابل خدا (نگا: کهف / ۴۳). «الْـمُنتَصِرِینَ»: یاری دهندگان.

سوره قصص آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَأَصۡبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوۡاْ مَكَانَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَقُولُونَ وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُۖ لَوۡلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَاۖ وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

آنان که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند، (هنگامی که این صحنه دلخراش را دیدند) گفتند: وای! انگار خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کس که بخواهد روزی را تنگ و کم می‌گرداند (و چرا ما از این واقعیت غافل بودیم که داشتن و نداشتن مادیات، وسیله آزمایش مردمان است و بس؟!). اگر خداوند بر ما منت نمی‌نهاد (و تفضّل نمی‌فرمود، آرزوی دیروزی ما را برآورده می‌کرد، و امروز همچون قارون) ما را (به دل زمین) فرو می‌برد. وای! انگار کافران رستگار نمی‌گردند (و حتماً عذاب خدا دیر یا زود گریبانگیرشان می‌شود).

توضیحات:

«وَیْکَأَنَّ»: وای! مثل این که. این کلمه را بعضی بسیط می‌دانند، و برخی مرکب از (وَیْ) و (کَأَنَّ) یا (وَیْكَ) و (أَنَّ). واژه (وَیْ) یا (وَیْكَ) اسم الفعل و برای تعجّب و ندامت به کار می‌روند، و در اینجا معنی ندامت و پشیمانی دارند. «یَقْدِرُ»: تنگ می‌کند. کم می‌گرداند (نگا: رعد / ۲۶، اسراء / ۳۰).

سوره قصص آیه ۸۳

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٨٣﴾

ترجمه:

ما آن سرای آخرت را تنها بهره کسانی می‌گردانیم که در زمین خواهان تکبّر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی‌جویند (و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی و شهرت طلبی و بزرگ‌بینی و تباه‌کاری، پاک و پالوده است)، و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

توضیحات:

«تِلْكَ الدَّارُ...»: آن سرای آخرت که بهشت جاویدان است و بارها وصف آن را شنیده‌اید. «عُلُوّاً»: برتری جوئی. مراد تکبّر و استکبار و خود بزرگ بینی است (نگا: اسراء / ۴، نمل / ۱۴). «الْعَاقِبَةُ»: سرانجام، به معنی وسیع کلمه. از قبیل: سرانجام کار. پیروزی در این جهان. بهشت و نعمت‌های آن جهانی.

سوره قصص آیه ۸۴

متن آیه:

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٤﴾

ترجمه:

هر کس کار نیکی انجام دهد، پاداشی بهتر از آن دارد، (که اجر مضاعف است، و این افزایش بستگی به میزان عمل و اخلاص و حسن نیت و صفای قلب دارد) و هر کس کار بدی انجام دهد، به کسانی که کار بد کنند، جز اعمال آنان، کیفر ایشان نیست (و کیفرشان درست به اندازه گناهشان است).

توضیحات:

«مَن جَآءَ بِالْحَسَنَةِ»: مراد از حَسَنة، هر گونه کار نیک است که پاداش مضاعف دارد (نگا: انعام / ۱۶۰، بقره / ۲۶۱). یا این که مراد ایمان و عمل صالح است که جزای آن بهتر از خود آن است که رضا و خوشنودی خدا است که همه خوشی‌ها را به همراه دارد (نگا: توبه / ۷۲، مائده / ۱۶). «لا يُجْزَى... إِلاّ مَا كانُوا يعْمَلُونَ»: در برابر سیئات و

معاصی، کیفری جز کیفر همان عملی را که انجام داده‌اند دامنگیرشان نمی‌گردد (نگا: انعام / ۱۶۰، یونس / ۲۷).

سوره قصص آیه ۸۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِی فَرَضَ عَلَیۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖۚ قُل رَّبِّیٓ أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِی ضَلَٰلٖ مُّبِینٖ ٨٥﴾

ترجمه:

همان کسی که (تبلیغ) قرآن را بر تو واجب گردانده است، تو را به محلّ بازگشت بزرگ (قیامت) برمی‌گرداند (و میان تو و تکذیب‌کنندگانت داوری می‌نماید و به مقام محمود و بهشت موعودت می‌رساند). بگو: پروردگار من (از همه) بهتر می‌داند که چه کسی هدایت را از سوی او آورده است، و چه کسی در گمراهی آشکار بسر می‌برد.

توضیحات:

«فَرَضَ»: واجب گردانده است. مراد تبلیغ قرآن و عمل به آن و رساندن اوامر یزدان به مردمان است (نگا: نور / ۱، مائده / ۹۲ و ۹۹). «رَآدّ»: برگرداننده. «مَعَادٍ»: زادگاه و جایگاه که مراد مکه است. روز رستاخیز یا محشر و میعادگاه حساب و کتاب که برای پیغمبر ورود به بهشت را به دنبال دارد. بهشت که محلّ برگشت مؤمنان بدان است. تنوین مَعادٍ، برای تعظیم است. «مَن جَآءَ بِالْهُدي»: مراد خود پیغمبر است.

سوره قصص آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَمَا كُنتَ تَرۡجُوٓاْ أَن یُلۡقَىٰٓ إِلَیۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِیرٗا لِّلۡكَٰفِرِینَ ٨٦﴾

ترجمه:

تو این امید را نداشتی که کتاب (بزرگ قرآن) برای تو فرستاده شود، لیکن رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد و (خواست با ارسال قرآن برای خاتم پیغمبران، این مسؤولیت سنگین را به تو سپارد. به شکرانه این نعمت بزرگ هرگز) پشتیبان کافران مباش (و یاور و همدست ایشان مشو).

توضیحات:

«أَمْ كُنتَ تَرْجُو»: چشم به راه نبودی. امیدوار نبودی. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر (تَرْجُو) موجود است. «إِلاّ»: لیکن (نگا: قصص / ۴۶). «إِلاّ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ»: لیکن رحمت پروردگارت ایجاب کرد و شامل تو شد. مگر به خاطر رحم پروردگارت نسبت به تو و امت تو. «إِلاّ رَحْمَةً»: (نگا: اسراء / ۸۷). «ظَهِيراً»: پشتیبان (نگا: قصص / ۱۷). مسلّماً پیغمبر هرگز از کفّار پشتیبانی نمی‌کرده است، ولی این دستور در مورد او تأکید است، و در مورد دیگران بیان یک وظیفه مهمّ.

سوره قصص آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ ۖ وَٱدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾﴾

ترجمه:

کافران تو را از آیات خداوند باز ندارند، پس از آن که بر تو نازل شده است، و (مردم را) به‌سوی پروردگارت دعوت کن، و از زمره مشرکان مباش.

توضیحات:

«لا يَصُدُّنَّكَ»: تو را باز ندارند. «عَنْ ءَايَاتِ اللهِ»: از ترتیل و تبلیغ و عمل به آیات خدا.

سوره قصص آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ ۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُۥ ۚ لَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾﴾

ترجمه:

همراه الله معبود دیگری را به فریاد مخوان. جز او هیچ معبود دیگری وجود ندارد. همه چیز جز ذات او فانی و نابود می‌شود. فرماندهی از آن او است و بس، و همگی شما به‌سوی او برگردانده می‌شوید (و به حساب و کتاب اقوال و اعمالتان رسیدگی می‌کند و در میانتان داوری خواهد کرد).

توضیحات:

«لا تَدْعُ»: به فریاد مخوان. مپرست. «وَجْهَهُ»: (نگا: انعام / ۵۲، کهف / ۲۸). «الْحُکْمُ»: فرماندهی و حاکمیت. داوری و قضاوت.

سوره عنکبوت

سوره عنکبوت آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓ ١﴾

ترجمه:

الف، لام، میم.

توضیحات:

«الـم»: حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره عنکبوت آیه ۲

متن آیه:

﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ ٢﴾

ترجمه:

آیا مردمان گمان برده‌اند همین که بگویند ایمان آورده‌ایم (و به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر اقرار کرده‌ایم) به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظائف و رنج‌ها و سختی‌هائی که باید در راه آئین آسمانی تحمّل کرد) آزمایش نمی‌گردند؟!

توضیحات:

«لا يُفْتَنُونَ»: آزمایش نمی‌گردند. مورد امتحان واقع نمی‌شوند (نگا: بقره / ۱۵۵ و ۲۱۴).

سوره عنکبوت آیه ۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣﴾

ترجمه:

ما کسانی را که قبل از ایشان بوده‌اند (با انواع تکالیف و مشقّات و با اقسام نعمتها و محنت‌ها) آزمایش کرده‌ایم، آخر باید خدا بداند چه کسانی راست می‌گویند، و چه

کسانی دروغ می‌گویند.

توضیحات:

«فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۴۰ و ۱۶۶ و ۱۶۷).

سوره عنکبوت آیه ۴

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَاۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٤﴾

ترجمه:

آیا کسانی که بدی‌ها را انجام می‌دهند گمان می‌برند که بر ما پیشی می‌گیرند (و از حوزه قدرت ما می‌گریزند و از چنگال کیفر ما رهائی می‌یابند؟!). چه بد داوری می‌کنند!

توضیحات:

«يَسْبِقُونَا»: از پیش ما در بروند. از دست ما به در روند (نگا: انفال / ۵۹). «يَحْكُمُونَ»: داوری می‌کنند.

سوره عنکبوت آیه ۵

متن آیه:

﴿مَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٖۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٥﴾

ترجمه:

کسی که ملاقات خدا را چشم می‌دارد (و به زندگی دوباره و رستاخیز و قیامت و حساب و کتاب و پاداش و پادافره معتقد است، باید در پرستش و فرمانبرداری از خدا سستی و سهل‌انگاری نکند، و باید بداند) زمانی را که خدا تعیین کرده است (دیر یا زود) فرا می‌رسد، و او شنوا و آگاه است (و گفتار و رفتار همگان را می‌شنود و می‌بیند و سزا و جزا می‌دهد).

توضیحات:

«يرْجُو»: امیدوار است. چشم می‌دارد. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی دارد. «لِقَآءَ»: ملاقات (نگا: انعام / ۳۱ و ۱۵۴).

سوره عنکبوت آیه ۶

متن آیه:

﴿وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦﴾

ترجمه:

کسی که تلاش و کوششی (در راه پیشرفت دین خدا، و انجام عبادات تقبّل) کند، در حقیقت برای خود تلاش و کوشش کرده است (و سود آن عائد خودش می‌گردد). چرا که خدا بی‌نیاز از جهانیان (و طاعت و عبادت ایشان) است.

توضیحات:

«جَاهَدَ»: با دشمنان خدا جهاد کرد. با دشمن نفس امّاره به مبارزه برخاست. در راه دین مصائب و مشکلاتی تحمّل کرد.

سوره عنکبوت آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٧﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام بدهند (ما گناهان ایشان را می‌بخشیم و) بدی‌هایشان را محو می‌کنیم، و پاداش کارهای نیک‌شان را به بهترین وجه می‌دهیم.

توضیحات:

«لَنُكَفِّرَنَّ»: (نگا: نساء / ۳۱، آل‌عمران / ۱۹۵، مائده / ۱۲ و ۶۵). «لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ مَا...»: (نگا: توبه / ۱۲۱، نحل / ۹۶ و ۹۷، نور / ۳۸). ما همه اعمال خوب آنان را به حساب بهترین آنها می‌گذاریم و پاداش می‌دهیم.

سوره عنکبوت آیه ۸

متن آیه:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨﴾

ترجمه:

ما به انسان توصیه می‌کنیم که به پدر و مادرش کاملاً نیکی کند، و (امّا ای انسان!) اگر آن دو تلاش کردند که برای من انباز قرار دهی - که کمترین اطّلاعی از آن نداری (و اصلاً شرک با علم و عقل سازگار نیست) - از ایشان اطاعت مکن. (ولی باز هم محترمانه و مهربانانه با ایشان رفتار کن). بازگشت همه شما به‌سوی من است و از

کارهائی که کرده‌اید آگاهتان می‌کنم (و جزا و سزای اعمالتان را بی کم و کاست خواهم داد).

توضیحات:

«حُسْناً»: زیبائی. یعنی باید انسان کاملاً به پدر و مادرش نیکی کند، نیکی و نیکوکاریی که انگار خودِ زیبائی است (نگا: بقره / ۸۳). «إِلَي اللهِ...»: (نگا: مائده / ۴۸ و ۱۰۵).

سوره عنکبوت آیه ۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ ٩﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای بایسته می‌کنند، ما ایشان را در میان شایستگان قرار می‌دهیم (و همدم و همنشین پیغمبران و صدیقان و شهداء و صالحان می‌کنیم).

توضیحات:

«لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ»: (نگا: نساء / ۶۹). «الصَّالِحِينَ»: شایستگان (نگا: یوسف / ۱۰۱).

سوره عنکبوت آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ أَوَ لَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠﴾

ترجمه:

در میان مردم کسانی هستند که می‌گویند ایمان آورده‌ایم (و از زمره مؤمنانیم)، امّا هنگامی که به خاطر خدا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، (به ناله و فریاد می‌آیند و چه بسا از دین برگردند. انگار ایشان) شکنجه مردمان را (در دنیا) همسان عذاب خدا (در آخرت) می‌شمارند، و هنگامی که پیروزیی از سوی پروردگارت نصیب (شما مؤمنان) گردد، خواهند گفت: ما که با شما بوده‌ایم (و ایمانی چون ایمان شما داشته‌ایم و باید از غنائم پیروزیتان بر دشمنان بهره‌ای داشته باشیم). آیا خداوند آگاه‌تر (از هر کسی، به ایمان و نفاق و) به آنچه در سینه‌های جهانیان است نمی‌باشد؟

توضیحات:

«أُوذِيَ»: اذیت و آزار شد. شکنجه داده شد. «فِي اللهِ»: به خاطر خدا. در راه خدا. «فِتْنَةً»: شکنجه و آزار. بلا و مصیبت.

سوره عنکبوت آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ ١١﴾

ترجمه:

خداوند مسلّماً مؤمنان را می‌شناسد، و قطعاً منافقان را هم می‌شناسد.

توضیحات:

«لَيَعْلَمَنَّ»: به طور قطع و یقین می‌داند و می‌شناسد.

سوره عنکبوت آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٢﴾

ترجمه:

کافران به مؤمنان می‌گویند: از راه و روش و مکتب و آئین ما پیروی کنید (و اگر رستاخیز و حساب و کتابی در میان بود، مسؤولیت آن را ما می‌پذیریم) و قطعاً گناهان شما را به عهده می‌گیریم! ولی آنان هرگز گناهان ایشان را به گردن نمی‌گیرند (و اصلاً کسی گناهان کسی را نمی‌تواند تقبّل کند، و بلکه هر کسی در گرو اعمال خویش است) و آنان قطعاً دروغ می‌گویند.

توضیحات:

«إِتَّبِعُوا سَبِيلَنَا»: از راه و روش ما پیروی کنید. از آئین و مکتب ما پیروی کنید. «وَلْنَحْمِلْ»: باید که برداریم. به گردن می‌گیریم. «مِن شَيْءٍ»: اصلاً. به هیچ وجه.

سوره عنکبوت آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ١٣﴾

ترجمه:

آنان بارهای سنگین خود را بر دوش می‌کشند، و بارهای سنگین دیگری را افزون بر بارهای سنگین خودشان (بر دوش می‌کشند که مکافات گمراهسازی دیگران است، بدون این که از بار گناهان گمراه‌شدگان هم چیزی کاسته شده باشد) و در روز قیامت از ایشان درباره افتراها و دروغ‌هائی که بهم می‌بافند پرسیده می‌شود.

توضیحات:

«أَثْقَالَ»: جمع ثِقْل، بارهای سنگین. مراد بار گناهان است. «أَثْقَالاً مَّعَ أَثْقَالِهِمْ»: بارهای گناهان گمراه‌سازی دیگران به همراه بارهای گناهان گمراهی خود (نگا: نحل / ۲۵).

سوره عنکبوت آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١٤﴾

ترجمه:

ما نوح را به‌سوی قوم خود فرستادیم، و او نهصد و پنجاه سال در میان آنان ماندگار شد (و جز گروه اندکی بدو ایمان نیاوردند). سرانجام در حالی که (با کفر و معاصی) به خود ستم می‌کردند، طوفان ایشان را در برگرفت.

توضیحات:

«لَبِثَ»: ماند. ماندگار شد. «أَلْفَ سَنَةٍ إِلاّ خَمْسِينَ عَاماً»: هزار سال، بجز پنجاه سال. یعنی نهصد و پنجاه سال.

سوره عنکبوت آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٥﴾

ترجمه:

ما نوح و مسافران کشتی را (از امواج سهمگین طوفان) نجات دادیم و کشتی (و داستان آن) را پند و عبرتی برای جهانیان کردیم.

توضیحات:

«أَصْحَابَ السَّفِينَةِ»: سواران بر کشتی. مسافران کشتی. «جَعَلْنَاهَا»: ضمیر (هَا) به

(السَّفِينَة) برمی‌گردد که متضمّن داستان قبل و بعد طوفان مجموعه وقائع و حوادث کشتی و کشتی‌ساز و کشتیبان است. «ءَايَةً»: پند و عبرت (نگا: حاقّه / ۱۲).

سوره عنکبوت آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١٦﴾

ترجمه:

(خاطرنشان ساز داستان) ابراهیم را، آن زمانی که او به قوم خود گفت: خدا را بپرستید و خویشتن را از (عذاب) او بپرهیزید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.

توضیحات:

«إِبْرَاهِيمَ»: عطف بر نوح است، و یا این که مفعول فعل محذوف (أُذْكُرْ) است.

سوره عنکبوت آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١٧﴾

ترجمه:

(ابراهیم بدی‌شان گفت:) شما غیر از خدا بت‌هائی را هم می‌پرستید (که آنها را با دست خود می‌تراشید و می‌سازید) و دروغی را به هم می‌بافید (و می‌گوئید: این‌ها معبودهای ما بوده و وسیله تقرّب به خدایند). بجز خدا، کسانی را که می‌پرستید توانائی روزی رساندن به شما را ندارند، و روزی را از پیشگاه خدا بخواهید و او را بندگی و سپاسگزاری کنید، (و بدانید که سرانجام برای حساب و کتاب و سزا و جزا) به‌سوی او برگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«أَوْثَان»: جمع وَثَن، بت‌ها. «تَخْلُقُونَ»: می‌سازید. به هم می‌بافید. «إِفْكاً»: چیزی که دور از حقیقت است. دروغ بزرگ (نگا: نور / ۱۱ و ۱۲، صافّات / ۱۵۱).

سوره عنکبوت آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَإِن تُكَذِّبُواْ فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٨﴾

ترجمه:

و اگر هم شما (سخنان مرا) تکذیب کنید (مطلب تازه‌ای نیست)، ملّت‌های پیش از شما (نیز پیغمبرشان را) تکذیب کرده‌اند (و عاقبت به سرنوشت دردناکی گرفتار آمده‌اند) و وظیفه پیغمبر جز تبلیغ روشن و روشن‌گر نمی‌باشد.

توضیحات:

«الْبَلاغُ الْمُبِينُ»: (نگا: مائده / ۹۲، نحل / ۳۵ و ۸۲).

سوره عنکبوت آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١٩﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را می‌آغازد و سپس آن را باز می‌گرداند؟ این کار برای خدا سهل و آسان است.

توضیحات:

«لَمْ يَرَوْا»: ندانسته‌اند. ندیده‌اند. رؤیت در اینجا مشاهده با چشم یا مشاهده قلبی و علمی است. «يُبْدِئُ»: می‌آغازد. مراد آفرینش و ایجاد نخستین است، یا مراد زنده شدن زمینهای مرده و روئیدن گیاهان و تولّد اطفال از نطفه و غیره است. «يُعِيدُهُ»: مراد از إعاده، حیات را به ممات تبدیل کردن و زنده گرداندن دوباره و رستاخیز مردگان است. یا این که اشاره به چرخه سالیانه حیات و ممات گیاهان و درختان و حیوانات و انسان‌ها است. «يَسِيرٌ»: سهل و ساده.

سوره عنکبوت آیه ۲۰

متن آیه:

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠﴾

ترجمه:

بگو: در زمین بگردید و بنگرید که خدا چگونه در آغاز موجودات را پدید آورده است و

(چه رنگ و بو و سیما و ویژگی‌هائی به هر یک داده است، و چه اسراری در آنها به ودیعت نهاده است. تا از مشاهده اشیاء پی به راز و رمز آنها ببرید و در برابر قدرت مافوق تصوّر آفریدگارشان سر تسلیم فرود آورید، و بدانید کسی که اوّل این جهان را از نیستی به هستی آورده است) بعداً هم جهان دیگر را پدیدار می‌کند. چرا که خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«سِیرُوا»: بگردید. سیر و سیاحت کنید. «انظُرُوا»: بنگرید. دقّت کنید. مطالعه و بررسی نمائید. «بَدَأَ»: (نگا: انبیاء / ۱۰۴، اعراف / ۲۹). «النَّشْأَةَ الآخِرَةَ»: پیدایش واپسین. مراد رستاخیز و آفرینش مجدّد آن جهانی است، در مقابل «النَّشْأَةَ الأُولي» که پیدایش نخستین و سرآغاز آفرینش این جهانی است (نگا: واقعه / ۶۲).

سوره عنکبوت آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ ٢١﴾

ترجمه:

(آن وقت که رستاخیز به پا شد، خدا) هر کس را بخواهد (و مستحقّ بداند) عذاب می‌رساند، و هر کس را بخواهد مورد مرحمت قرار می‌دهد. (سرانجام، جملگی) شما به‌سوی او بازگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«تُقْلَبُونَ»: بازگردانده می‌شوید.

سوره عنکبوت آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٢٢﴾

ترجمه:

شما نمی‌توانید (از قلمرو حکومت خدا بیرون روید و او را) درمانده کنید، چه در زمین و چه در آسمان (باشید)، و بغیر از خدا شما هیچ سرپرستی و یاوری ندارید.

توضیحات:

«مُعْجِزِينَ»: درمانده کنندگان (نگا: هود / ۲۰ و ۳۳). «مِن وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ»: (نگا:

بقره / ۱۰۷).

سوره عنکبوت آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٣﴾

ترجمه:

کسانی که آیات خدا و ملاقات او را باور ندارند، ایشان از رحمت من مأیوس می‌باشند، و آنان عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«يَئِسُوا»: ناامید گشته‌اند. مراد این است که به مرحمت من در حق نیکان و رساندن ایشان به بهشت باور ندارند.

سوره عنکبوت آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقۡتُلُوهُ أَوۡ حَرِّقُوهُ فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

امّا پاسخ قوم (ابراهیم به) او جز این چیزی نبود که (به یکدیگر) گفتند: او را بکشید یا بسوزانید! پس (ایشان سرانجام او را به آتش انداختند و ما آتش را سرد و سالم برای ابراهیم کردیم و) او را از آتش رهانیدیم. در این (بی‌تأثیر کردن آتش، و رهانیدن ابراهیم از نیرنگ کافران) نشانه‌هائی (بر قدرت خدا) برای مؤمنان است.

توضیحات:

«فَمَا كَانَ جَوَابَ...»: واژه (جَوابَ) خبر مقدم (كَانَ) و (إِلاّ أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ) اسم آن است.

سوره عنکبوت آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا مَّوَدَّةَ بَيۡنِكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُ بَعۡضُكُم بِبَعۡضٖ وَيَلۡعَنُ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم

مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٥﴾

ترجمه:

(ابراهیم خطاب به قوم خود) گفت: شما غیر از خدا، بت‌هائی را برای خویشتن برگزیده‌اید تنها به خاطر محبّت (بزهکارانه‌ای) که در زندگی دنیا میان خودتان (نسبت به آباء و اجداد و قوم و قبیله خویش) دارید، سپس در روز قیامت (دشمن یکدیگر می‌گردید و این رشته محبّت بزهکارانه از هم گسیخته می‌شود، و) برخی از شما از برخی دیگر بیزاری می‌جوید و بعضی از شما بعضی دیگر را نفرین می‌کند، و بالاخره جایگاه‌تان آتش دوزخ خواهد بود و هیچ یار و یاوری نخواهید داشت (تا شما را از عذاب خدا برهاند).

توضیحات:

«مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ»: به خاطر محبّت میان خود. مراد این است که بتهائی که می‌پرستید، مجسّمه افراد صالح یا بزرگان قوم است، یا این که پدران خود را بر پرستش چنین بت‌هائی دیده‌اید و محض تقلید از ایشان و چشم هم‌چشمی یکدیگر، شما هم آنها را می‌پرستید. و یا این که پرستش بت‌های مخصوص رمز وحدت هر قوم و قبیله‌ای بشمار می‌آمد و بت‌پرستی تنها به خاطر دوست داشتن و جانبداری از قوم و قبیله بود و بس. واژه (مَوَدَّة) مفعول له است. «يَكْفُرُ»: بیزاری می‌جوید (نگا: ابراهیم / ۲۲، مریم / ۸۲). «كَفَرَ بِالشَّيْءِ: تَبَرَّأَ مِنْهُ».

سوره عنکبوت آیه ۲۶

متن آیه:

﴿فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌۘ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٦﴾﴾

ترجمه:

لوط به ابراهیم ایمان آورد (که خود از موحّدان بزرگ بود). ابراهیم گفت: من به‌سوی پروردگارم هجرت می‌کنم (و در راه رضای او گام برمی‌دارم) چرا که او مقتدر (است و مرا از دست دشمنانم می‌رهاند و به آرزویم می‌رساند، و) حکیم است (و به من جز کاری را فرمان نمی‌دهد که در آن خیر و صلاح باشد. ابراهیم از عراق به شام مهاجرت کرد و قوم و قبیله خود را رها ساخت).

توضیحات:

«لُوطٌ»: شخصیت والای معاصر ابراهیم و از پیغمبران بزرگ خدا بود (نگا: شعراء

۱۶۰ - ۱۷۵). «إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلِي رَبِّي»: (نگا: صافّات / ۹۹). من به عبادت پروردگارم می‌پردازم. من در راه رضایت پروردگارم از اینجا هجرت می‌کنم.

سوره عنکبوت آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَجۡرَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

ما به ابراهیم اسحاق و (نوه‌اش) یعقوب را عطاء کردیم، و در دودمان او نبوّت قرار دادیم و کتاب (آسمانی برای آنان فرستادیم) و در دنیا پاداش او را دادیم، و وی در آخرت از زمره صالحان است.

توضیحات:

«الْكِتَابَ»: مراد جنس کتاب است و شامل زبور و تورات و انجیل و قرآن می‌گردد. «الصَّالِحِينَ»: (نگا: بقره / ۱۳۰). صالح بودن، عالی‌ترین درجه کمال انسانی در اعتقاد و ایمان و قول و عمل و اخلاق است، و بسیاری از پیغمبران از خدا تقاضا کرده‌اند تا ایشان را جزو صالحان قلمداد فرماید (نگا: نمل / ۱۹، قصص / ۲۷، شعراء / ۸۳، صافّات / ۱۰۰). «أَجْرَهُ»: مراد مجموعه افتخارات دنیوی است. از قبیل: مدح او، درود فرستادن بر او تا دنیا دنیا است، بخشیدن فرزندان بایسته، ادامه خطّ نبوّت در دودمان او.

سوره عنکبوت آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

لوط را (هم به‌سوی قوم خود فرستادیم و او) زمانی به قوم خود گفت: شما کار بسیار زشتی را انجام می‌دهید، کار زشتی که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است!

توضیحات:

«لَتَأْتُونَ»: انجام می‌دهید. «الْفَاحِشَةَ»: کار بسیار زشت. مراد لِواط است (نگا: اعراف / ۸۱، نمل / ۵۵).

سوره عنکبوت آیه ۲۹

متن آیه:

﴿أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقۡطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ وَتَأۡتُونَ فِي نَادِيكُمُ ٱلۡمُنكَرَۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ۝٢٩﴾

ترجمه:

آیا شما با مردان آمیزش می‌کنید، و راه (تولید و تکثیر نسل) را می‌بندید، و در باشگاه‌ها و مجالس خود (آشکارا و در میان جمع، بدون ترس و خوف از یزدان، و حیا و شرم از مردمان) کارهای زشت انجام می‌دهید؟! (و دامن عصمت به گناه می‌آلائید؟!) پاسخ قوم او جز این نبود که بگویند: اگر راست می‌گوئی، عذاب خدا را بر سر ما بیاور (و ما مردمان آلوده را امان مده!)

توضیحات:

«تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ»: راهزنی می‌کنید و مردمان را می‌کشید و اموال‌شان را به سرقت می‌برید. با عدم زناشوئی با زنان، و انجام عمل لواط، راه تولید نسل را تعطیل می‌کنید. «نَادِي»: مجلس. محلّ اجتماعات. باشگاه. «الْمُنكَرَ»: زشت و پلشت. در اینجا مراد کاری است که فطرت از آن بیزار و طبع سلیم از آن گریزان است. مثل: همجنس‌گرائی، کشف عورت، دشنام و سخنان رکیک، استهزاء و تمسخر. «فَمَا كَانَ جَوَابَ...»: (نگا: عنکبوت / ۲۴).

سوره عنکبوت آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ۝٣٠﴾

ترجمه:

(لوط از آستانه خدا کمک طلبید و) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم تباه پیشه پیروز گردان.

توضیحات:

سوره عنکبوت آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا مُهۡلِكُوٓاْ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِۖ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ٣١﴾

ترجمه:

هنگامی که فرستادگان (فرشته) ما به پیش ابراهیم آمدند و (تولّد اسحاق و یعقوب را) نوید دادند و (ضمناً) افزودند که ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند.

توضیحات:

«رُسُلُنَا»: فرستادگان ما. مراد فرشتگان مأمور نابودی قوم لوط است. «الْبُشْري»: مژده. نوید. مراد بشارت تولّد اسحاق و بعدها نوه‌اش یعقوب است (نگا: هود / ۷۱).

سوره عنکبوت آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗاۚ قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَاۖ لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

ابراهیم گفت: لوط در آن شهر است! گفتند: (نگران مباش) ما بهتر (از تو) می‌دانیم که چه کسانی در آن هستند. او را و خانواده و پیروانش را نجات خواهیم داد، مگر همسر او را که از جمله ماندگاران و نابود شوندگان خواهد بود.

توضیحات:

«أَهْلَهُ»: خانواده‌اش. پیروانش. «الْغَابِرِينَ»: ماندگاران. هلاک شوندگان. (نگا: اعراف / ۸۳، حجر / ۶۰، شعراء / ۱۷۱، نمل / ۵۷).

سوره عنکبوت آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلَمَّآ أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗاۖ وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

هنگامی که فرستادگان ما پیش لوط آمدند، لوط به خاطر آنان سخت ناراحت و دلتنگ شد. (فرشتگان) گفتند: مترس و غمگین مباش! ما تو را و خانواده و پیروان تو را نجات خواهیم داد مگر همسرت را که از ماندگاران و نابود شوندگان خواهد بود.

توضیحات:

«سِيءَ»: بدحال و ناراحت گردید. مجهول (سَآءَ) است. «ذَرْعاً»: (نگا: هود / ۷۷).

سوره عنکبوت آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

ما بر اهل این شهر عذابی از آسمان به خاطر نافرمانی و فسق و فجورشان نازل خواهیم کرد.

توضیحات:

«مُنزِلُونَ»: فرود آورندگان. نازل کنندگان. «رِجْزاً»: عذاب. (نگا: حجر / ۷۴).

سوره عنکبوت آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

ما از آن شهر آثار نمایانی را برجای گذاشتیم تا درس عبرتی برای کسانی باشد که از روی خرد عمل می‌کنند.

توضیحات:

«ءَايَةً»: نشانه. مایه عبرت.

سوره عنکبوت آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗا فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱرۡجُواْ ٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

(همچنین فرستادیم) شعیب را به‌سوی شهر مدین که خود از اهالی آنجا بود. گفت: ای قوم من! خدای را پرستش کنید، و (سعادت) روز بازپسین را بخواهید، و در زمین اصلاً فساد و تباهی نکنید.

توضیحات:

«أَخَاهُمْ شُعَيْباً»: (نگا: اعراف / ۶۵ و ۷۳ و۸۵). «لا تَعْثَوْا فِي الأرْضِ مُفْسِدِينَ»: (نگا: بقره / ۶۰، اعراف / ۷۴).

سوره عنکبوت آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ ۳۷﴾

ترجمه:

او را تکذیب کردند و زلزله آنان را فرو گرفت و در خانه و کاشانه خود به رو در افتادند و مردند.

توضیحات:

«الرَّجْفَةُ»: زلزله. (نگا: اعراف / ۷۸). «جَاثِمِينَ»: (نگا: اعراف / ۷۸).

سوره عنکبوت آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَعَادًا وَثَمُودَاْ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمْۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسْتَبْصِرِينَ ۳۸﴾

ترجمه:

(ما قبائل) عاد و ثمود را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم) و خانه و کاشانه (ویران شده) ایشان (سر راه مسافرت شما است و) برای شما نمایان است. اهریمن اعمال (زشت و پلشت) ایشان را در نظرشان آراست و بدین وسیله ایشان را از راه (حق و حقیقت) بازداشت، در حالی که چشم بینا داشتند (و حق و باطل را در پرتو تبلیغ انبیاء از هم تشخیص می‌دادند).

توضیحات:

«عَاداً و ثَمُودَ»: مفعول فعل محذوف (أَهْلَكْنَا) یا (أُذْكُرُوا) است. واژه ثمود الف زائدی در

رسم‌الخطّ قرآنی به دنبال دارد. «تَبَيَّنَ»: آشکار است. فاعل آن (مَسَاكِن) و حرف (مِن) زائد است. یا فاعل آن (إهلاك) است که از روند سخن استفاده می‌شود. در این صورت واژه (مِنْ) معنی (از جهت، به سبب) دارد، بعضی هم آن را تبعیضیه دانسته‌اند. «مُسْتَبْصِرِينَ»: دارندگان چشم بینا و عقل و فهم کافی و باخبر از راهنمائی‌های انبیاء.

سوره عنکبوت آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

(ما گول خوردگان زر و زور، یعنی) قارون و فرعون و هامان را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم). موسی با دلائل و براهین روشن به سراغ آنان رفت، امّا ایشان در زمین استکبار و برتری‌جوئی کردند، ولی نتوانستند پیشی گیرند (و از دست خدا بگریزند و خویشتن را از عذاب او برهانند).

توضیحات:

«قَارُون»: (نگا: قصص / ۷۶ - ۸۳). «هَامَان»: (نگا: قصص / ۳۷ - ۴۲). «مَا كَانُوا سَابِقِينَ»: پیشی گیرندگان بر خدا نبودند. یعنی از حوزه قدرت خدا نتوانستند خارج شوند و از عذاب او خویشتن را به دور دارند.

سوره عنکبوت آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ حَاصِبٗا وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ خَسَفۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

ما هر یک از این‌ها را به گناهانشان گرفتیم: برای بعضی از ایشان طوفان همراه با سنگریزه حواله کردیم، و بعضی از ایشان را صدای (رعب‌انگیز صاعقه‌ها و زمین‌لرزه‌ها) فرا گرفت، و برخی از ایشان را هم به زمین فرو بردیم، و برخی دیگر را (در آب دریا)

غرق کردیم. خداوند هرگز بدی‌شان ستم نکرده است و آنان خودشان (با ارتکاب کفر و فسق و فجور) به خویشتن ستم کردند (و نتیجه آن را هم دیدند و چشیدند).

توضیحات:

«کُلاًّ»: جملگی این گناهکاران مذکور را. «مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَیْهِ حَاصِباً»: مراد عاد است که قوم هود ؑ است (نگا: حاقّه / ۶). «حَاصِباً»: طوفانی که در آن سنگریزه‌ها به حرکت درآیند (نگا: اسراء / ۶۸). «أَخَذَتْهُ الصَّیْحَةُ»: مراد ثمود است که قوم صالح ؑ است (نگا: هود / ۶۷). «الصَّیْحَةُ»: ندای صاعقه‌ها که با زمین‌لرزه در مرکز وقوع آن همراه است (هود / ۶۷ و ۹۴، حجر / ۷۳ و ۸۳، مؤمنون / ۴۱). «مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الأرْضَ»: مراد قارون و قوم لوط است (نگا: هود / ۸۲، قصص / ۸۱). «مَنْ أَغْرَقْنَا»: مراد قوم نوح و فرعون و فرعونیان است (نگا: هود / ۳۷ - ۴۳، شعراء / ۶۶).

سوره عنکبوت آیه ۴۱

متن آیه:

﴿مَثَلُ ٱلَّذِینَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِیَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَیۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُیُوتِ لَبَیۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ یَعۡلَمُونَ ٤١﴾

ترجمه:

کار کسانی که جز خدا، (اشخاص و اصنام و اشیائی را به دوستی برگرفته‌اند، و از میان آفریدگان، برای خود) سرپرستانی برگزیده‌اند، همچون کار عنکبوت است که (برای حفظ خود از تارهای ناچیز) خانه‌ای برگزیده است (بدون دیوار و سقف و در و پیکری که وی را از گزند باد و باران و حوادث دیگر در امان دارد). بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانه و کاشانه عنکبوت است، اگر (آنان از سستی معبودها و پایگاه‌هائی که غیر از خدا برگزیده‌اند باخبر بودند، به خوبی) می‌دانستند (که در اصل بر تار عنکبوت تکیه زده‌اند).

توضیحات:

«کَمَثَلِ الْعَنکَبُوتِ...»: خانه عنکبوت هر چند از عجائب آفرینش است، ولی در سستی ضرب‌المثل است و سست‌تر از آن تصوّر نمی‌شود. «لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ»: اگر می‌دانستند! کاش می‌دانستند! این قید مربوط به بت‌ها و معبودهای دروغین است؛ نه

سستی خانه عنکبوت.

سوره عنکبوت آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٤٢﴾

ترجمه:

خداوند از چیزهائی که بجز خدا به فریاد می‌خوانند آگاه است و او چیره کار بجا است (و بر نابودی آنان توانا است، ولی حکمتش ایجاب می‌کند که به مردمان فرصت کافی بدهد و بر همگان اتمام حجّت کند).

توضیحات:

«مَا يَدْعُونَ»: آنچه را که به فریاد می‌خوانند. آنچه را که می‌پرستند.

سوره عنکبوت آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

اینها مثالهائی هستند که ما برای مردم می‌زنیم، و جز فرزانگان، آنها را فهم نمی‌کنند (و سوای خردمندان از آنها عبرت نمی‌گیرند و درس زندگی نمی‌آموزند).

توضیحات:

«نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ»: برای مردم ذکر می‌کنیم و بدی‌شان ارمغان می‌داریم. «مَا يَعْقِلُهَا»: آنها را فهم نمی‌کنند. مراد از فهم کردن و متوجّه شدن، عبرت گرفتن و استفاده کردن است.

سوره عنکبوت آیه ۴۴

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

خداوند آسمان‌ها و زمین را از روی حساب و برابر حکمت آفریده است. قطعاً در این (آفرینش زیبا و به جای کائنات) نشانه بزرگی برای ایمانداران است (تا با آن خالق جهان را بشناسند).

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق نه بیهوده و بازیچه (نگا: انبیاء / ۱۶). از روی حساب و برابر حکمت.

سوره عنکبوت آیه ۴۵

متن آیه:

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بخوان آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده است، و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلّماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند (در نظر شرع) بازمی‌دارد، و قطعاً ذکر خدا و یاد الله (از هر چیز دیگری) والاتر و بزرگ‌تر است، و خداوند می‌داند که شما چه کارهائی را انجام می‌دهید (و سزا و جزایتان را خواهد داد).

توضیحات:

«الْكِتَابِ»: مراد قرآن است. «تَنْهي»: باز می‌دارد. به دور می‌کند. «الْفَحْشَآءِ»: کارهای بسیار زشت و پلشت همچون زنا. «الْمُنكَرِ»: زشت و ناپسند. مراد کارهائی است که شرائع آسمانی و عقلهای سالم نمی‌پسندند و از آنها متنفّرند، همچون کشت و کشتار و فساد و تباهی. «لَذِكْرُاللهِ أَكْبَرُ»: (نگا: جمعه / ۹). معنی جمله: یاد خدا از هر عبادتی و از جمله نماز بالاتر است. نماز از هر عبادت دیگری والاتر است. خدا شما را یاد کند و تعریف‌تان نماید و نعمت‌تان عطاء فرماید، بزرگ‌تر از ذکر و یادی است که شما با طاعت و عبادت نسبت به خدا اداء می‌نمائید (نگا: بقره / ۱۵۲).

سوره عنکبوت آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

با اهل کتاب (یعنی با یهودیان و مسیحیان) جز به روشی که نیکوتر (و نرمتر و

آرامتر و به قبول نزدیکتر) باشد، بحث و گفتگو مکن، مگر با کسانی از ایشان که ستم کنند (و متوسّل به زور یا گستاخی شوند و از حدّ اعتدال در جدال، خارج گردند. در این صورت شدّت و حدّت در مقابله با آنان بلامانع است). بگوئید: به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و بر شما نازل شده است ایمان داریم (که قرآن و تورات و انجیل است). معبود ما و معبود شما یکی است، و ما تنها تسلیم و فرمانبردار او هستیم.

توضیحات:

«بِالَّتِي...»: با طریقه و شیوه‌ای که (نگا: نحل / ۱۲۵). «إِلاّ الَّذِينَ ظَلَمُوا»: مگر کسانی که با سرکشی و نافرمانی به خود ستم کنند. مگر آنان که به زور متوسّل شوند و گستاخی پیش گیرند.

سوره عنکبوت آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ۝٤٧﴾

ترجمه:

همچنین ما کتاب (آسمانی قرآن) را بر تو نازل کرده‌ایم و کسانی که پیش از این، کتاب (آسمانی همچون تورات و انجیل را) برای آنان فرو فرستاده‌ایم (و ایشان به راستی بدان‌ها پایبند و معتقدند) به این کتاب (آسمانی قرآن نام) ایمان می‌آورند (چرا که هم نشانه‌های آن را در کتاب‌های خود یافته‌اند و هم محتوایش را از نظر اصول کلّی هماهنگ با محتوای کتاب‌های خویش می‌بینند)، و از میان اینان (که اهل مکه و مشرکان عرب هستند، همچنین) کسانی بدان ایمان دارند، و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند.

توضیحات:

«يُؤْمِنُونَ بِهِ»: مراد اهل کتابِ معتقد به تورات و انجیل است که از ته دل به قرآن ایمان آوردند (نگا: بقره / ۱۴۶). «هؤلآءِ»: مراد اهل مکه و عربهای مشرک است. «مَا يَجْحَدُ»: انکار نمی‌کند. از مصدر جحود است که به معنی انکار کردن چیزی است به زبان که آن چیز در دل ثابت و پذیرفته باشد (نگا: نمل / ۱۴). «الْكَافِرُونَ»: مراد افراد بی‌دینِ مُصرِّ بر کفر است.

سوره عنکبوت آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

تو پیش از قرآن، کتابی نمی‌خواندی، و با دست راست خود چیزی نمی‌نوشتی که اگر چنین می‌شد (و تو مطالعه کتب می‌کردی و چیزی می‌نوشتی و بالاخره سوادی می‌داشتی) باطل‌گرایان به شک و تردید می‌افتادند (و می‌گفتند: این قرآن حاصل مطالعه شخصی و یادداشت‌های فردی تو است).

توضیحات:

«مَا كُنتَ تَتْلُو»: نمی‌خواندی. در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی در آخر (تَتْلُو) است. «مِن قَبْلِهِ»: پیش از نزول قرآن. «بِيَمِينِكَ»: با دست راستت. تعبیر با دست راست به خاطر آن است که غالباً انسان‌ها با دست راست می‌نویسند. «الْمُبْطِلُونَ»: فرو روندگان در باطل. باطلگرایان (نگا: اعراف / ۱۷۳).

سوره عنکبوت آیه ۴۹

متن آیه:

﴿بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٩﴾

ترجمه:

(این کتاب آسمانی، شک و تردیدی در حقّانیت آن نیست و) بلکه (مجموعه‌ای از) آیات هویدا و روشنی است که در سینه‌های دانشوران (ثابت و استوار) است (و در پیش آگاهان و فرزانگان واضح و آشکار است که این قرآن کلام یزدانی است؛ نه کلام انسانی)، و جز ستمگران آیات ما را انکار نمی‌کنند.

توضیحات:

«هُوَ»: مراد قرآن است. «ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»: آیات روشن و واضحی است در پیش فرزانگان، و جای در سینه ایشان دارد. یعنی عالمان حقّجو و حقّگو آن را می‌پذیرند و به حقّانیت آن ایمان می‌آورند (نگا: فی ظلال القرآن). آیه‌های

آشکار و روشنی است و در سینه‌های فرزانگان نگاهداری می‌شود، و علاوه بر سطور کتابها در صدور انسان‌ها نیز محفوظ و از دستبرد حوادث زمان در امان است. «الظَّالِمُونَ»: کفّار و مشرکین.

سوره عنکبوت آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٥٠﴾

ترجمه:

(انگار معجزه قرآن را کافی نمی‌دانند) و می‌گویند: چه می‌شد اگر معجزاتی (همچون عصای موسی و ید بیضاء) از سوی پروردگارش بدو عطاء می‌گردید! (تا ما با دیدن چنین معجزه‌های محسوسی ایمان می‌آوردیم). بگو: معجزات همه متعلّق به خدا است (و آنچه او بخواهد رخ می‌دهد)، و من تنها بیم دهنده روشنگری هستم و بس.

توضیحات:

«ءَايَاتٌ»: مراد معجزات محسوس است. «عِندَالله»: مال خدا. در دست خدا. مراد به فرمان و اراده خدا است. «نَذِيرٌ مُبِينٌ»: (نگا: اعراف / ۱۸۴، هود / ۲۵).

سوره عنکبوت آیه ۵۱

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥١﴾

ترجمه:

آیا همین اندازه برای آنان کافی و بسنده نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کرده‌ایم و پیوسته بر آنان خوانده می‌شود (و دائماً در طی قرون و اعصار، همگان را به مبارزه می‌خواند و معجزه جاویدان یزدان می‌ماند؟) مسلّماً در (نزول) این (کتاب) رحمت بزرگی (در حق بندگان) و تذکر سترگی است (برای کسانی که درهای قلب خود را به روی حقیقت می‌گشایند).

توضیحات:

«يُتْلِي عَلَيْهِمْ»: بر آنان تلاوت می‌شود. مراد این است که قرآن معجزه جاویدان است

و برای صحّت و سقم آن می‌توان پیوسته آن را دید و آزمود. دیگر همانند معجزات حسّی پیشنهادی شما گذرا و ناپایدار نیست. «فِي ذٰلِكَ»: در نزول قرآن. «لَرَحْمَةً»: رحمت است و مردمان را از ضلالت می‌رهاند و به سعادت می‌رساند. «ذِكْرَي»: یادآوری اعجاز قرآنی و درس‌های آسمانی.

سوره عنکبوت آیه ۵۲

متن آیه:

﴿قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

بگو: همین بس که خدا میان من و شما گواه است (و می‌داند که من فرمان او را به شما رسانده‌ام و وظیفه خود را انجام داده‌ام). او می‌داند آنچه در آسمان‌ها و زمین است (و لذا کار کسی بر او پنهان نمی‌ماند). کسانی که (معبودهای) باطل را باور می‌دارند (و آنها را پرستش می‌کنند) و به خدا اعتقاد ندارند، آنان واقعاً زیانکارند (و سرمایه وجودشان را در برابر هیچ از دست می‌دهند).

توضیحات:

«شَهِيداً»: گواه. «بِالْبَاطِلِ»: مراد از باطل. همه آن چیزهائی است که به غیر از خدا پرستش شود.

سوره عنکبوت آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَوۡلَآ أَجَلٞ مُّسَمّٗى لَّجَآءَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ وَلَيَأۡتِيَنَّهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

آنان عذاب را با عجله از تو می‌خواهند (و مسخره‌کنان می‌گویند: اگر عذاب خدا حق است و دامن کفّار را می‌گیرد، پس چرا هر چه زودتر به سراغ ما نمی‌آید و نابودمان نمی‌نماید؟). اگر موعد مقرّری تعیین نشده بود، عذاب (الهی فوراً) به سراغ ایشان می‌آمد، و ناگهانی و بدون مقدّمه و بی‌آن که ایشان به خود آیند، عذاب به سراغشان می‌آمد.

توضیحات:

«یَسْتَعْجِلُونَكَ»: (نگا: رعد / ۶، حجّ / ۴۷). «بَغْتَةً»: ناگهانی. غیرمنتظره (نگا: انعام / ۳۱ و ۴۴ و ۴۷، اعراف / ۹۵ و ۱۸۷).

سوره عنکبوت آیه ۵۴

متن آیه:

﴿يَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ۝٥٤﴾

ترجمه:

آنان عذاب را با شتاب از تو می‌خواهند، و حال این که مسلّماً دوزخ کافران را در بر خواهد گرفت.

توضیحات:

«لَمُحِيطَةٌ»: احاطه خواهد کرد. در بر خواهد گرفت. اسم فاعل معنی استقبال دارد. یا این که بر اثر کفر و معاصی که موجب دخول دوزخ بوده، انگار دوزخ هم اینک ایشان را در بر گرفته است.

سوره عنکبوت آیه ۵۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۡ وَيَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ۝٥٥﴾

ترجمه:

روزی عذاب دوزخ از بالای سرشان و از زیر پاهایشان (و به طور کلّی از هر سو) ایشان را فرا خواهد گرفت و خداوند بدی‌شان خواهد فرمود: بچشید (جزای) کارهائی را که (در دنیا) می‌کردید.

توضیحات:

«يَوْمَ»: در روزی که. روزی. این واژه می‌تواند ظرف فعل مقدّری باشد که معنی آن در بالا گذشت، و یا این که متعلّق به (مُحِيطَة) بوده و معنی آن چنین می‌شود: دوزخ در روزی ایشان را فرا خواهد گرفت که.

سوره عنکبوت آیه ۵۶

متن آیه:

﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ ٥٦﴾

ترجمه:

ای بندگان مؤمن من! زمین من فراخ است (و اگر در جائی تحت فشار کفّار و ستمگران بودید، می‌توانید به نقاط دیگری مسافرت کنید) و تنها مرا بپرستید. (چرا که پرستش توحیدی، رمز آزادگی و سرفرازی است).

توضیحات:

«أَرْضِي وَاسِعَةٌ»: اشاره به این است که مسلمانان از سرزمین کفر - اگر قادر به عبادت نبودند - به سرزمینی مهاجرت کنند که در آن بتوانند به عبادت و طاعت بپردازند (نگا: نساء / ۹۷ - ۱۰۰).

سوره عنکبوت آیه ۵۷

متن آیه:

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

(سرانجام همه انسان‌ها می‌میرند و) هر کسی مزه مرگ را می‌چشد سپس به‌سوی ما بازگردانده می‌شوید (و هر یک جزا و سزای خود را می‌گیرید).

توضیحات:

«ذَآئِقَةُ»: چشنده.

سوره عنکبوت آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ غُرَفٗا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ نِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٥٨﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند، ایشان را در کاخهای عظیم بهشت جای می‌دهیم. کاخ‌هائی که در زیر آنها رودبارها روان است. جاودانه در آن بسر می‌برند (و هرگز از آن نمی‌کوچند. به‌به) پاداش آنان که (برای خدا) کار می‌کنند چه پاداش خوبی است!

توضیحات:

«لَنُبَوِّئَنَّهُمْ»: قطعاً ایشان را مسکن و مأوی می‌دهیم. نازل می‌گردانیم (نگا: آل‌عمران / ۱۲۱). «غُرَفاً»: جمع غُرْفَة. ساختمان‌های بلند. کاخ‌های سر به فلک کشیده (نگا: زمر / ۲۰).

سوره عنکبوت آیه ۵۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

آن کسانی (که در برابر مشکلات زندگی و مشقّات تکالیف و وظائف دینی) شکیبائی ورزیده‌اند و (در همه احوال) بر پروردگار خود تکیه و توکل داشته‌اند.

توضیحات:

«أَلَّذِينَ»: صفت (الْعَامِلِينَ) است.

سوره عنکبوت آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ۝٦٠﴾

ترجمه:

چه بسیارند جنبندگانی که (در زمین با شما زندگی می‌کنند و بر اثر ضعف، حتّی) نمی‌توانند روزی خود را بردارند (و جابه‌جا کنند، تا آن را بخورند یا بیندوزند). خدا روزی‌رسان آنها و شما است. (پس غم روزی را نخورید و ننگ خواری و اسارت را نپذیرید) و خدا بس شنوا و آگاه است. (لذا دعای شما و صدای سایر آفریدگان خود را می‌شنود، و از حال و روز همگان باخبر است، و سهم و روزی کسی و چیزی را فراموش نمی‌نماید).

توضیحات:

«كَأَيِّنْ»: چه بسیار است. کثیر و فراوان است. «لا تَحْمِلُ»: مراد حمل کردن یا ذخیره نمودن است. یعنی نمی‌توانند روزی خود را بردارند و از اینجا بدانجا برند، و یا مانند موش‌ها و مورچگان و زنبورهای عسل توشه بیندوزند.

سوره عنکبوت آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٦١﴾

ترجمه:

هر گاه از آنان (که کسانی و یا بت‌هائی را شریک خدا می‌دانند) بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است، و خورشید و ماه را (برای منافع شما انسان‌ها روان و) مسخّر کرده است؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! (چرا که می‌دانند که این معبودهای دروغین همه مخلوقند و توانائی آفرینش کائنات و چرخش کرات را نداشته و ندارند). پس چگونه (با وجود اعتراف به یگانگی خدا در آفرینش کائنات و تسخیر کرات، از اقرار به یگانگی خدا در الوهیت و فرمانروائی) منحرف می‌گردند؟!

توضیحات:

«أَنَّي»: چگونه. «يُؤْفَكُونَ»: برگردانده می‌شوند (نگا: مائده / ۷۵، توبه / ۳۰).

سوره عنکبوت آیه ۶۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴾

ترجمه:

خداوند روزی هر کس از بندگانش را بخواهد فراوان و گسترده می‌کند و یا کم و تنگ می‌گرداند (برابر مصلحت و صلاح دیدی که خود می‌داند). خدا آگاه از هر چیز است.

توضیحات:

«يَبْسُطُ»: توسعه می‌دهد. فراخ و گسترده می‌گرداند. «يَقْدِرُ»: کم می‌کند. تنگ می‌گرداند (نگا: رعد / ۲۶، اسراء ۳۰، قصص / ۸۲).

سوره عنکبوت آیه ۶۳

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ مَوۡتِهَا لَيَقُولُنَّ

﴿ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

اگر از آنان (که مشکوکند) بپرسی چه کسی از آسمان آب بارانده است و زمین را به وسیله آن بعد از مردنش زنده گردانده است؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! بگو: ستایش خدای را (که حق آن اندازه روشن است که مشرکان نیز بدان اعتراف دارند). امّا بیشتر آنان نمی‌فهمند و نمی‌دانند (که به چه تناقض عجیبی گرفتارند. چرا که به خالق رازق واحدی معتقدند و چیزهای دیگری را هم پرستش می‌کنند).

توضیحات:

«أَحْيَا بِهِ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»: مراد رویاندن گیاهان از خاک خشک به وسیله برف و باران است. «الْحَمْدُ للهِ»: خدای را سپاس بر ظهور حجّت و توفیق راه صواب.

سوره عنکبوت آیه ۶۴

متن آیه:

﴿وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

زندگی این دنیا جز لهو و لعب نیست، و زندگی سرای آخرت زندگی است، اگر فهم و شعور داشته باشند. (چرا که به دنبال زندگی جهان مرگ است، ولی آخرت جاودانگی است).

توضیحات:

«لَهْوٌ وَ لَعِبٌ»: (نگا: انعام / ۳۲). «الْحَيَوَانُ»: حیات و زندگی.

سوره عنکبوت آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

هنگامی که (مشرکان) سوار کشتی می‌شوند (و ترس و نگرانی بدی‌شان دست می‌دهد) خالصانه و صادقانه خدای را به فریاد می‌خوانند (و غیر او را فراموش

می‌گردانند). سپس هنگامی که خدا آنان را نجات داد و سالم به خشکی رساند، باز ایشان شرک می‌ورزند (و به انبازهائی برای خدا معتقد می‌شوند).

توضیحات:

«الْفُلْكِ»: کشتی (نگا: بقره / ۱۶۴). «مُخْلِصِينَ»: (نگا: یوسف / ۲۴). «الدِّينَ»: دعا (نگا: تفسیر زادالمسیر، قاسمی، صفوةالتفاسیر).

سوره عنکبوت آیه ۶۶

متن آیه:

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ وَلِيَتَمَتَّعُواْۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

بگذار چیزهائی را که بدی‌شان داده‌ایم نادیده بگیرند و (کفران نعمت کنند، و چند روزی از لذّات زودگذر) بهره‌مند گردند، (سرانجام) خواهند فهمید (که چه سرنوشت شومی در انتظار ایشان است).

توضیحات:

«لِيَكْفُرُوا بِمَآ ءَاتَيْنَاهُمْ»: بگذار نسبت به آیاتی که برای آنان فرستاده‌ایم کفر ورزند. بگذار کفران نعمت‌هائی را بکنند که بدی‌شان داده‌ایم.

سوره عنکبوت آیه ۶۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

مگر (قریشیان با چشم عبرت و تفکر) نمی‌بینند که ما (سرزمین ایشان، مکه را) حرم پر امن و امانی ساخته‌ایم، در حالی که دور و بر آنان مردم ربوده می‌گردند (و در همه جای بیرون این حرم غارت و کشتار می‌کنند؟!). آیا به (بت‌های) باطل ایمان دارند و نعمت خدا (داد امنیت مکه و رسالت محمّد) را نادیده و ناسپاس می‌گذارند؟

توضیحات:

«حَرَماً ءَامِناً»: (نگا: قصص / ۵۷). «يُتَخَطَّفُ»: ربوده می‌گردند. «الْبَاطِلِ»: چیزی که اصل و اساس و حق و حقیقتی نداشته باشد. در اینجا مراد بت‌ها است (نگا: عنکبوت /

۵۲).

سوره عنکبوت آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ٦٨﴾

ترجمه:

آخر چه کسی ستمگرتر از کسی است که بر خدا دروغ بندد، و یا (دین) حق را چون بدو رسد تکذیب کند؟! آیا جایگاه کافران دوزخ نیست؟

توضیحات:

«الْحَقِّ»: آئین راستین اسلام. قرآن که کتاب راستین است.

سوره عنکبوت آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٦٩﴾

ترجمه:

کسانی که برای (رضایت) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند، آنان را در راه‌های منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می‌گردانیم، و قطعاً خدا با نیکوکاران است (و کسانی که خدا در صف ایشان باشد پیروز و بهروزند).

توضیحات:

«جَاهَدُوا فِينَا»: مراد هر گونه جهاد و تلاشی است که در راه خدا و برای رضایت او و به منظور خدمت به دین اسلام انجام پذیرد. «لَنَهْدِيَنَّهُمْ»: ایشان را هدایت می‌دهیم و رهنمود می‌گردانیم و به خیر و حق می‌رسانیم. «سُبُلَنَا»: راه‌های منتهی به خودمان. راه‌های حرکت و سیر به‌سوی خدا و وصول به رضایت‌الله. مراد افزایش هدایت و توفیق در خیرات و حسنات است (نگا: محمّد / ۱۷، مریم / ۷۶).

سوره روم

سوره روم آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم.

توضیحات:

«الـم»: (نگا: بقره / ۱).

سوره روم آیه ۲

متن آیه:

﴿غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ٢﴾

ترجمه:

رومیان (از ایرانیان) شکست خورده‌اند.

توضیحات:

«الرُّومُ»: ملّت روم که مسیحی بودند و شاه ایشان در عصر نبوّت هرقل نام داشت.

سوره روم آیه ۳

متن آیه:

﴿فِيٓ أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ سَيَغۡلِبُونَ ٣﴾

ترجمه:

(این شکست) در نزدیک‌ترین سرزمین (به سرزمین عرب که نواحی شام است، رخ داده است) و ایشان پس از شکست‌شان پیروز خواهند شد.

توضیحات:

«أَدْنيَ الأَرْضِ»: در نزدیک‌ترین سرزمین نسبت به مکه. «غَلَبِهِمْ»: غلب به معنی مغلوبیت و شکست است. مصدر به مفعول خود، یعنی (هم) اضافه شده است.

سوره روم آیه ۴

متن آیه:

﴿فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٤﴾

ترجمه:

در مدّت چند سالی. همه چیز در دست خدا و به فرمان او است، چه قبل (که رومیان شکست خورده‌اند) و چه بعد (که آنان پیروز می‌گردند. ضعف و قدرت و شکست و پیروزی و غیره آزمون خداوندی است). در آن روز (که رومیان پیروز می‌گردند) مؤمنان شادمان می‌شوند.

توضیحات:

«بِضْعِ»: چند. اند. مدّتی میان ۳ و ۹. «الأَمْرُ»: فرمان. کار. «مِن قَبْلُ وَ مِن بَعْدُ»: پیش و پس. مراد همه وقت و همه آن است. چرا که زمان‌ها عبارتند از: ماضی و حال و مستقبل. به عبارت دیگر: پیش و اکنون و آینده. «يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»: مراد این است که اگر امروز شکست رومیان مسیحی باعث خوشحالی مشرکان مکه شده است، در آن روز که رومیان بر زرتشتیان پیروز می‌شوند، موجب شادمانی مؤمنان می‌گردد. چرا که مسیحیان و مسلمانان هر دو پیرو مکتب آسمانیند.

سوره روم آیه ۵

متن آیه:

﴿بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٥﴾

ترجمه:

(آری! خوشحال می‌شوند) از یاری خدا. خدا هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد، و او بس چیره (بر دشمنان خود) و بسیار مهربان (در حق دوستان خویش) است.

توضیحات:

«بِنَصْرِ الله»: متعلّق به (يَفْرَحُ) است.

سوره روم آیه ۶

متن آیه:

﴿وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦﴾

ترجمه:

این وعدّه‌ای است که خدا داده است، و خداوند هرگز در وعده‌اش خلاف نخواهد کرد، و لیکن بیشتر مردم (که کافران و مشرکان و منافقانند، این را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«وَعْدَاللهِ»: واژه (وَعْدَ) مفعول مطلق تأکیدی فعل محذوفی است و تقدیر چنین است: «وَعَدَاللهُ ذلِكَ وَعْداً». مصدر به فاعل خود اضافه شده است. «أَكثَرَ النَّاسِ»: مراد کافران و مشرکان و منافقانند که چون خدا را به درستی نشناخته‌اند، به وعده‌های الهی باور ندارند.

سوره روم آیه ۷

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ ۝٧﴾

ترجمه:

(این اکثریت کوتاه بین) تنها ظاهر و نمادی از زندگی دنیا را می‌دانند، و ایشان از آخرت کاملاً بی‌خبرند.

توضیحات:

«ظَاهِراً مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: مراد این است که شناخت آنان درباره جهان سطحی و اندک است و برداشت ایشان از زندگی، مجموعه‌ای از خور و خواب و سرگرمی‌ها و لذّات زودگذر است، و نمی‌دانند که دنیا پل آخرت، و مرحله مقدّماتی برای زندگی جاویدان و گسترده و نامحدود آن جهانی است.

سوره روم آیه ۸

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ ۝٨﴾

ترجمه:

آیا با خود نمی‌اندیشند که خداوند آسمان‌ها و زمین و چیزهائی را که در میان آن دو است، جز به حق و برای مدّت زمان معینی نیافریده است؟ (بلی! آفرینش کائنات برای حکمت عالیه است و پایان مشخّصی دارد، و هر کس آن درود عاقبت کار که

کشت). بسیاری از مردم به ملاقات با خدا (در روز قیامت، برای حساب و کتاب و سزا و جزا) باور ندارند.

توضیحات:

«أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ»؟: آیا با خود نمی‌اندیشند؟ آیا درباره خود نمی‌اندیشند تا ببینند چه کرده‌اند و چه می‌کنند و سرنوشت ایشان به کجا می‌انجامد؟ «فِي أَنفُسِهِمْ»: برخی گفته‌اند: مراد از این قید، اندیشیدن درباره اسرار وجود انسان، یا عالم صغیر است (نگا: روح‌المعانی، الکبیر). بسیاری هم معتقدند که منظور این است انسان‌ها در درون جان و از طریق عقل و وجدان، درباره آسمان‌ها و زمین و اشیاء میان آنها بیندیشند. «بِالْحَقِّ»: به حق نه باطل. برای حکمت عالیه نه بازی و شوخی (نگا: انبیاء / ۱۶). «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: مدّت محدود و معین. واژه (أَجَلٍ) عطف بر (الْحَقِّ) است.

سوره روم آیه ۹

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٩﴾

ترجمه:

آیا در زمین به گشت و گذار نپرداخته‌اند تا بنگرند که سرانجام کار مردمان پیش از ایشان به کجا کشیده است؟ آن کسانی که از ایشان نیروی بیشتری داشته‌اند، و زمین را بهتر کاویده و زیر و رو کرده‌اند (تا آب و مواد معدنی را استخراج، و درختان و گیاهان را در آن کشت و زرع کنند،) و زمین را بیش از ایشان آباد کرده‌اند و در عمران آن کوشیده‌اند، و پیغمبرانشان معجزه‌ها بدی‌شان نموده‌اند (و دلائل روشنی را بر صحّت رسالت خود ارائه داده‌اند، امّا به جای تسلیم فرمان خدا شدن، علم طغیان و کفران برافراشته‌اند و راه کشتن پیغمبران در پیش گرفته‌اند و عاقبت به مجازات دردناک خود گرفتار آمده‌اند) و خدا بدی‌شان ستم نکرده است، ولیکن خودشان (با انجام کفر و معاصی) به خویشتن ستم نموده‌اند.

توضیحات:

«كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً»: از كفّار مكه نيروى بيشترى داشته‌اند (نگا: غافر / ۸۲). «أَثَارُوا»: كاويده‌اند. شخم زده‌اند. زير و رو كرده‌اند. مفهوم آن شامل كشت و زرع، و كندن چاه و قنات و نهر، و استخراج معادن و فلزات مى‌گردد. «عَمَرُوهَا»: آن را عمران و آبادان كرده‌اند، با كشت و زرع و ساختمان. «الْبَيِّنَاتِ»: معجزات. دلائل روشن و براهين واضح. «فَمَا كَانَ اللهُ لِيَظْلِمَ»: اين بخش بيان‌گر آن است كه آنان مرتكب ظلم و ستم شده‌اند (نگا: غافر / ۲۱، فصّلت / ۱۵ و ۱۶).

سوره روم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ كَانَ عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠﴾

ترجمه:

سپس عاقبت كار كسانى كه مرتكب كارهاى بسيار زشت مى‌شدند، بدانجا كشيد كه آيات خدا را هم تكذيب مى‌كردند و آنها را به باد تمسخر مى‌گرفتند.

توضیحات:

«السُّوأي»: مونث (أَسْوَأ) است كه اسم تفضيل است. يعنى كارهاى بسيار زشت و پلشت. اين واژه مفعول به (أَسَآءُوا) است. اگر (السُّوأي) را اسم (كانَ) بدانيم، معنى آيه چنين مى‌شود: عاقبت كار كسانى كه اعمال بد انجام مى‌دادند، بدترين سرنوشت شد، و اين هم بدان علّت بود كه آيات خدا را تكذيب و آنها را تمسخر مى‌كردند.

سوره روم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١١﴾

ترجمه:

خداوند آفرينش (انسان) را مى‌آغازد، سپس او را (مى‌ميراند و وى را به حيات) دوباره برمى‌گرداند. آن گاه به‌سوى خدا بازگردانده مى‌شويد.

توضیحات:

«يَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ»: (نگا: عنکبوت / ۱۹).

سوره روم آيه ۱۲

متن آيه:

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٢﴾

ترجمه:

آن روز که قيامت برپا می‌شود، بزهکاران بهت زده و نااميد و سرگردان می‌گردند.

توضيحات:

«يُبْلِسُ»: غمزده و نااميد از نجات و مأيوس از هر چيز و بهت زده می‌شوند (نگا: انعام / ۴۴، مؤمنون / ۷۷، زخرف / ۷۵، روم / ۴۹).

سوره روم آيه ۱۳

متن آيه:

﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ ١٣﴾

ترجمه:

و از انبازهائی که برای خدای خود گمان می‌بردند، ميانجيگرانی نخواهند داشت. انبازهائی که (در دنيا) به سبب اعتقاد بدان‌ها کافر شده بودند.

توضيحات:

«كَانُوا بِشُرَكَآئِهِمْ كَافِرِينَ»: آنان در دنيا به سبب اعتقاد به انبازهائی برای خدای خود کافر شده بودند. آنان در آخرت از انبازهائی که برای خدای خود گمان می‌بردند بيزاری می‌جويند و منکر (الوهيت و شرکت) آنها خواهند شد.

سوره روم آيه ۱۴

متن آيه:

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤﴾

ترجمه:

روزی که قيامت برپا می‌شود، مردم از همديگر جدا می‌گردند (و هر گروهی سرنوشت جداگانه‌ای برای خود در جهان ابدی خواهد داشت و حال و وضع کافران، جدای از حال و وضع مؤمنان خواهد بود).

توضيحات:

«يَتَفَرَّقُونَ»: مراد از تفرق، جدا شدن صف مؤمنان از صف کافران است که دسته‌های به بهشت و گروهی به دوزخ می‌روند و هر یک سرنوشت ابدی خود را می‌آغازد.

سوره روم آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥﴾

ترجمه:

گروهی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان در باغ بهشت مالامال از شادی و سرور می‌گردند (و آثار شادمانی در سراپای ایشان هویدا و پیدا است).

توضیحات:

«رَوۡضَةٖ»: باغ پر آب و درخت و خرم و سرسبز. مراد بهشت است. «يُحۡبَرُونَ»: مسرور می‌گردند. از مصدر (حُبور) به معنی سُرور، یعنی خدا سراپای وجودشان را از سرور و شادی مالامال می‌فرماید، به گونه‌ای که آثار خوشحالی و شادمانی در چهره و سیمای‌شان هویدا و نمایان می‌گردد (نگا: زخرف / ۷۰).

سوره روم آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلۡأٓخِرَةِ فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ١٦﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که کافر بوده‌اند و آیات ما را تکذیب کرده‌اند و به فرا رسیدن قیامت ایمان نداشته‌اند، آنان به عذاب دوزخ گرفتار می‌گردند.

توضیحات:

«مُحۡضَرُونَ»: احضار شدگان. آمادگان و حاضران (نگا: قصص / ۶۱).

سوره روم آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧﴾

ترجمه:

پس به تنزیه خدا (از هر عیب و نقصی و چیزهائی که لایق جلال و کمال او نیست)

سحرگاهان و شامگاهان (و همه اوقات و اَوان) بپردازید.

توضیحات:

«سُبْحانَ اللهِ...»: مصدر است و معنی امر دارد. خداوند بندگان خود را رهنمود می‌فرماید به این که او را منزّه و بری بدانند از همه صفات نقصی که سزاوار خدا نیست، و وی را در همه اوقات به ویژه در دو وقت سحرگاهان و شامگاهان به پاکی بستایند. اگر (سُبْحانَ) معنی امری از آن گرفته نشود، معنی آیه چنین است: در بامدادان و شامگاهانتان تسبیح و تقدیس، زیبنده خدا است و بس.

سوره روم آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ۝١٨﴾

ترجمه:

در آسمان‌ها و زمین (و در همه اوقات، به ویژه) عصرگاهان و زمانی که به دم ظهر رسیده‌اید، خدای را حمد و ستایش کنید.

توضیحات:

«الْحَمْدُ»: معنی امر دارد. یعنی: «إِحْمَدُوا...» (سُبْحانَ) و (الْحَمْدُ) در این دو آیه می‌توانند امری هم به حساب نیایند. «فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ»: مراد از سوی ساکنان عالم افلاکی و بندگان کره خاکی است. این آیات اوقات پنجگانه نماز را در خود جمع کرده‌اند. بدین ترتیب: «حِينَ تُمْسُونَ»: شامل مغرب و عشاء است که خیلی به هم نزدیک هستند. «حِينَ تُصْبِحُونَ»: نماز صبح را شامل است. «عَشِيّاً»: بیان‌گر نماز عصر است. «حِينَ تُظْهِرُونَ»: نماز ظهر. اگر معنی امری از (الْحَمْد) منظور نظر نباشد، مفهوم آیه چنین است: حمد و ستایش (ساکنان عالم افلاکی و بندگان کره خاکی) در آسمان‌ها و زمین (در همه وقت و حین، به ویژه) عصرگاهان و زمانی که به وقت ظهر می‌رسید، سزاوار و زیبنده خدا است.

سوره روم آیه ۱۹

متن آیه:

﴿يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ

تُخۡرَجُونَ ﴿۱۹﴾

ترجمه:

خداوند همواره زنده را از مرده، و مرده را از زنده می‌آفریند، و زمین موات را حیات می‌بخشد، و همین گونه (سهل و ساده، به سادگی آفرینش مکرّر و همیشگی حیات از ممات، شما آفرینش دوباره می‌یابید و از گورها) بیرون آورده می‌شوید (و رستاخیز برپا می‌گردد).

توضیحات:

«يُخۡرِجُ»: بیرون می‌آورد. مراد از بیرون آوردن، آفریدن است. «يُخۡرِجُ الۡحَيَّ مِن...»: موجودات مرده دائماً جزو اندام موجودات زنده می‌شوند، و چرخه حیات و ممات و تبدیل بی‌جان به جاندار و برعکس ادامه دارد (نگا: آل‌عمران / ۲۷، انعام / ۹۵).

سوره روم آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ تَنتَشِرُونَ ﴿۲۰﴾﴾

ترجمه:

یکی از نشانه‌های (دالّ بر عظمت و قدرت) خدا این است که (نیای) شما را از خاک آفرید و سپس شما انسان‌ها (به مرور زمان زیاد شدید و در روی زمین برای تلاش در پی معاش) پراکنده گشتید.

توضیحات:

«خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ»: (نگا: حجّ / ۵، کهف / ۳۷). آفرینش انسان از خاک، ممکن است اشاره به آفرینش نخستین انسان، یعنی آدم باشد، یا آفرینش همه انسان‌ها از خاک. چرا که موادّ غذائی تشکیل دهنده وجود انسان در اصل از خاک است. «إِذَا»: این واژه معمولاً برای زمان ناگهانی به کار می‌رود، ولی گاهی همچون اینجا برای تراخی و تدریج است (نگا: روح‌المعانی). «تَنتَشِرُونَ»: پخش می‌گردید. اشاره به فراوان شدن و برای کسب و کار و بقا و ادامه حیات در زمین پراکندن است.

سوره روم آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم

مَّوَدَّةً وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

ترجمه:

و یکی از نشانه‌های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبّت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل جسمانی و روحانی آنها برقرار و محفوظ باشد). مسلّماً در این (امور) نشانه‌ها و دلائلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.

توضیحات:

«خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ»: از جنس خودتان برایتان همسرانی بیافرید. یعنی آدمیزادگان را در دو نوع زن و مرد خلق و هر یک را مکمّل دیگری کرد (نگا: نحل / ۷۲).

سوره روم آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ﴿٢٢﴾

ترجمه:

و از زمره نشانه‌های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا آفرینش آسمان‌ها و زمین و مختلف بودن زبانها و رنگهای شما است. بی‌گمان در این (آفرینش کواکب فراوان جهان که با نظم و نظام شگفت‌آور گردانند، و در این تنوّع خلقت) دلائلی است برای فرزانگان و دانشوران.

توضیحات:

«خَلْقُ»: آفرینش. آفریده‌ها. «إِخْتِلافُ»: تفاوت. فرق. «إِخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ»: اختلاف زبانها و دگرگونی‌های صداهایتان که به وسیله گوش تشخیص داده می‌شود «إِخْتِلافُ... أَلْوَانِکُمْ»: اختلاف رنگ‌ها و دگرگونی شکل و سیما و قیافه مراد است که به وسیله چشم تشخیص داده می‌شود.

سوره روم آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

و از نشانه‌های (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است، و تلاش و کوششتان برای (کسب و کار و) بهره‌مندی از فضل خدا. قطعاً در این (امور، یعنی مسأله خواب، و تلاش در پی معاش) دلائلی است برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند (و حقیقت را بپذیرند).

توضیحات:

«مَنَامُکُمْ»: خوابیدن و خفتن شما. پدیده (خواب) نموداری از نظام حکیمانه خدا است و دنیای خواب هنوز برای انسان‌ها ناشناخته و راز سر به مُهری است. «إِبْتَغَآءُ»: طلبیدن. جستجو کردن. «یَسْمَعُونَ»: می‌شنوند و می‌پذیرند. گوش شنوا و حق‌پذیری دارند.

سوره روم آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

و از زمره نشانه‌های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا، یکی این است که خدا برق را که هم باعث ترس است و هم مایه امید، به شما می‌نمایاند، و از آسمان آب مهمّی را می‌باراند، و زمین را بعد از مرگش، (یعنی خشک و سوزان بودن) به وسیله آن آب زنده (و سرسبز) می‌گرداند. بی‌گمان در این (درخشش آذرخش آسمان و نزول باران و آبیاری زمین و سرسبز شدن آن) دلائلی است برای فهمیدگان و خردمندان.

توضیحات:

«یُرِیکُمُ الْبَرْقَ»: (نگا: رعد / ۱۲).

سوره روم آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

و از جمله دلائل و نشانه‌های (کمال قدرت و نهایت عظمت) خدا یکی هم این است که آسمان و زمین (بدین ساختار استوار و صورت زیبا) ساخته و پرداخته او و به فرمان وی برپا است. بعدها وقتی (که بخواهد مردمان را می‌میراند، و این نظم و نظام را خراب می‌گرداند، و برای زنده شدن) شما را از زمین با ندائی فرا می‌خواند و شما فوراً (مطیعانه و شتابان از زمین) بیرون می‌آئید.

توضیحات:

«تَقُومَ»: پابرجا و استوار می‌گردد. «بِأَمْرِهِ»: به فرمان او (نگا: حجّ / ۶۵). با ساخت و کارکرد او. «دَعَاكُمْ»: شما را فرا خواند. مراد فرا خواندن با نفخ صور به هنگام رستاخیز است (نگا: زمر / ۶۸). «مِنَ الأَرْضِ»: از زمین. مراد این است که بعد از نهایت جهان و گذشت ازمنه‌ای بر آن، شما را که در دل زمین جای دارید فرا می‌خواند و حاضرتان می‌گرداند. یا این که از بالای زمین، شما را ندا در می‌دهد و...

سوره روم آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

هر که و هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خدا است، و جملگی فرمانبردار او هستند.

توضیحات:

«قَانِتُونَ»: جمع قانِت، خاضع و منقاد. مطیع و فرمانبردار. مراد انقیاد و اطاعت تکوینی است که همه موجودات جهان در آن یکسانند. چرا که از نظر قوانین آفرینش، زمام امر همه در دست خدا است.

سوره روم آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾

ترجمه:

او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس آن را باز می‌گرداند، و این برای او آسانتر است. (زیرا کسی که بتواند کاری را در آغاز انجام دهد، قدرت بر اعاده آن را نیز دارد). بالاترین وصف، در آسمان‌ها و زمین متعلّق به خدا است، و او بسیار باعزّت و اقتدار، و سنجیده و کار بجا است. (لذا در عین قدرت نامحدود، کاری بی‌حساب انجام نمی‌دهد، و بلکه همه کارهایش از روی حکمت است).

توضیحات:

«يَبْدَأُ الْخَلْقَ... ثُمَّ...»: (نگا: یونس / ۴ و ۳۴، نمل / ۶۴، روم / ۱۱). «أَهْوَنُ»: آسان‌تر. تعبیر آسان و آسانتر، یا سخت و سخت‌تر، الفبائی است که خدا با آن با ما انسان‌ها صحبت می‌فرماید، والا این واژه‌ها و مطلب‌ها در برابر قدرت نامحدود خدا بی‌مصداق و بی‌معنی‌است. «الْـمَثَلُ الأعْلي»: وصف اتم و اکمل. اعلی درجه صفات حمیده، همچون قدرت شامله، و حکمت تامّه، و مالکیت بی‌حدّ و نهایت، و علم فراگیر و جهان‌گیر. مراد این است که اوصاف بدیعه خدا بکمال است، و همه محدودش را دارند و او نامحدودش.

سوره روم آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ضَرَبَ لَكُم مَّثَلٗا مِّنۡ أَنفُسِكُمۡۖ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِي مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ فَأَنتُمۡ فِيهِ سَوَآءٞ تَخَافُونَهُمۡ كَخِيفَتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

خداوند برای شما (انسان‌های مشرک) مثلی می‌آورد که از (اوضاع و احوال) خود شما برگرفته شده است. (و آن مثل این است که اگر بردگانی داشته باشید) آیا بردگانتان در چیزهائی که بهره شما ساخته‌ایم شریک شما می‌باشند، بدان گونه که شما و ایشان هر دو در آن یکسان و برابر باشید، و همچنان که شما آزادگان از یکدیگر می‌ترسید، از بردگان هم بیمناک باشید (و بدون اجازه ایشان دست به کاری نبرید و

نزنید و دخل و تصرّفی در اموال خود نکنید؟ نه! ابداً چنین چیزی تصوّر نمی‌رود. پس چطور جائز می‌دانید که بعضی از آفریدگان خدا، همچون فرشتگان و پریان و پیغمبرانی چون عیسی و عُزَیر، و بت‌ها و صنم‌ها، شریک خدا در ملک و مملکت و سلطه و قدرت او باشند؟!). ما این سان (روشن و گویا) آیات را برای مردمانی بیان می‌داریم که می‌فهمند (و معانی ضرب‌المثل‌ها را درک می‌کنند).

توضیحات:

«مِنْ أَنفُسِكُمْ»: منتزع و برگرفته از اوضاع و احوال خودتان. «هَلْ لَكمْ»؟: حرف (هَلْ) برای استفهام است و در اینجا مراد توبیخ و نفی است. «سَوَآءٌ»: مساوی در تصرّف در دارائی و اموال. «كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ»: همان‌گونه که از خودتان، یعنی از آزادگان همچون خود ترس دارید.

سوره روم آیه ۲۹

متن آیه:

﴿بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۖ فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

(مشرکان ستمگر برای شرک‌ورزی خود دلیلی ندارند و) بلکه ستمگران از هوی و هوس خود بدون علم و آگهی (از عاقبت بد شرک) پیروی می‌کنند. چه کسی می‌تواند کسانی را که خدا آنان را گمراه کرده باشد هدایت کند؟ اصلاً برای ایشان هیچ یار و یاوری نخواهد بود (تا برای آنان میانجیگری کند و ایشان را از عذاب برهاند).

توضیحات:

«بَلْ»: حرف اِضراب است و بیان‌گر انتقال از سخنی و پرداختن به سخن دیگری است. «فَمَن يَهْدِي»: مراد این است که کسی نمی‌تواند هدایت دهد جز خدا.

سوره روم آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

روی خود را خالصانه متوجّه آئین (حقیقی خدا، اسلام) کن. این سرشتی است که خداوند مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد (و آن را از خداگرائی به کفرگرائی، و از دینداری به بی‌دینی، و از راستروی به کجروی کشاند). این است دین و آئین محکم و استوار، و لیکن اکثر مردم (چنین چیزی را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«أَقِمْ وَجْهَكَ»: روی خود را متوجّه ساز. با خلوص و اهتمام هر چه بیشتر رو کن به عبادت و پرستش خدا. «حَنِیفاً»: حق‌گرایانه و مخلصانه (نگا: بقره / ۱۳۵). حال ضمیر فاعلی مستتر در (أَقِمْ) یا حال (الدِّینِ) است. یعنی خالصانه و مخلصانه رو کن، یا رو به دین خالص و حقیقی کن. «فِطْرَةَ»: سرشت. آفرینش. خداباوری و خداشناسی (نگا: زادالمسیر). مفعول فعل محذوف (إِتَّبِع) یا (أَعْنِي) است و یا بدل از (حَنِیفاً) می‌باشد. در رسم‌الخطّ قرآنی با (ت) نوشته شده است. «لا تَبْدِیلَ»: نباید تبدیل و تغییر داده شود. لفظ آن نفی است، ولی معنی نهی دارد. «لِخَلْقِ الله»: مراد از (خَلْق) فطرت و خلقت است. یعنی باید سلامت فطرت حفظ و از راه حقیقی خود منحرف نگردد و باز داشته نشود. «ذلِكَ»: این چیز که فطرت خداشناسی است و در اعماق دل‌های انسان‌ها نهفته است و به هنگام بلاهای سخت، بیشتر از هر وقت دیگری بروز می‌کند. «الْقَیِّمُ»: استوار و پابرجا. راست و درست.

سوره روم آیه ۳۱

متن آیه:

﴿مُنِیبِینَ إِلَیۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِیمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِینَ ٣١﴾

ترجمه:

(ای مردم! رو به خدا کنید و با توبه و اخلاص در عمل) به‌سوی خدا برگشته، و از (خشم و عذاب) او بپرهیزید، و نماز را چنان که باید بگزارید، و از زمره مشرکان نگردید.

توضیحات:

«مُنِیبِینَ»: برگردندگان. توبه کنندگان. مراد این است که اگر مردمان را به حال خود رها کنند، جز یکتاپرستی و آئین آسمانی را بر نمی‌گزینند. یا این که: باید توبه کرد و

به‌سوی خدا یا دین او برگشت. حال (النَّاسِ) یا حال ضمیر مستتر در (أَقِمْ) است و جمع آمدن آن به خاطر معنی است. چرا که مخاطب پیغمبر و منظور امت او است (نگا: طلاق / ۱). انگار در اصل چنین است: «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ مُنِيبِينَ». یا این که خبر فعل ناقص محذوفی است و در اصل چنین است: «كُونُوا مُنِيبِينَ».

سوره روم آیه ۳۲

متن آیه:

﴿مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

از آن کسانی که آئین خود را پراکنده و بخش بخش کرده‌اند و به دسته‌ها و گروه‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند. هر گروهی هم از روش و آئینی که دارد خرسند و خوشحال است (و مکتب و مذهب ساخته هوی و هوس خود را حق می‌پندارد).

توضیحات:

«فَرَّقُوا دِينَهُمْ»: آئین خود را به هنگام تکدر فطرت، به تبع هوی و هوس پراکنده و جدا ساخته‌اند و آن را بخش بخش کرده‌اند و به جای خداپرستی، هواپرستی نموده‌اند. «شِيَعاً»: جمع شيعَة، گروه‌ها و دسته‌ها. فرقه‌ها و حزب‌ها. «بِمَا لَدَيْهِمْ»: بدانچه دارند.

سوره روم آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرّٞ دَعَوۡاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنۡهُ رَحۡمَةً إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

هر زمان که مصائب و بلایای بزرگی (همچون طوفان‌ها و زلزله‌ها و شداید دیگر) به انسان‌ها برسد، پروردگارشان را به فریاد می‌خوانند (و جز او را کاشف مصائب و دافع بلایا نمی‌دانند) و بدو پناهنده می‌گردند. سپس به مجرّد این که (حوادث زیانبار و مصائب برطرف شد و) خداوند مرحمتی از جانب خود در حق ایشان روا دید (و نعمتی بدی‌شان داد) ناگهان گروهی از آنان برای پروردگارشان شریک و انباز قرار می‌دهند (و به خداگونه‌ها و بت‌ها معتقد می‌شوند و از راستای راه به در می‌روند).

توضیحات:

«مَسَّ»: لمس کرد. دست داد. «ضُرٌّ»: ضرر و زیان عظیم. مراد حوادث زیانبار و وقائع گرانبار است. «إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ...»: مراد این است که به هنگام مصائب سخت و بلایای شدید، مردم به یادخدا می‌افتند و این یکی از نشانه‌های فطرت توحیدی است (نگا: عنکبوت / ۶۵). «أَذَاقَهُمْ»: بدی‌شان چشاند. مراد از چشاندن، رساندن و دادن است.

سوره روم آیه ۳۴

متن آیه:

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

(بگذار این افراد کم ظرفیت مشرک) نعمتهائی را که ما بدانان داده‌ایم کفران کنند و ناسپاس گذارند. (ای منکران! از نعمت‌های زودگذر چند روزه دنیا) بهره‌مند شوید و لذّت ببرید، امّا (به زودی نتیجه شوم و سرانجام وخیم اعمال خویش را) خواهید دانست.

توضیحات:

«لِيَكْفُرُوا»: کفران نعمت کنند. بی‌باور شوند. «بِمَا»: به چیزی که. به سبب آنچه. «يَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ»: بگذار نعمت‌هائی را که بدی‌شان داده‌ایم بی‌سپاس گذارند و آنها را کفران کنند. بگذار نعمت‌های ما ایشان را به کفر سوق دهد و موجب بی‌دینی و بی‌بندوباری و سرمستی ایشان شود. «فَتَمَتَّعُوا»: خوش بگذرانید و از لذّات و نعمات بهره ببرید. واژه‌های (لِيَكْفُرُوا) و (تَمَتَّعُوا) هر دو امرند و برای تهدید به کار رفته‌اند. اوّلی به صورت امر غائب و دومی به صورت امر حاضر است. گوئی خداوند در آغاز آنان را غائب فرض فرموده است، و سپس برای شدّت بخشیدن به تهدید، ایشان را رویاروی و مخاطب قرار داده است.

سوره روم آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَمۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشۡرِكُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

آیا ما دلیل گویا و روشنی برای آنان نازل کرده‌ایم که شرک ایشان را موجّه و پسندیده می‌شمارد؟!

توضیحات:

«أَمْ»: آیا. استفهام انکاری است. «سُلْطَاناً»: دلیل بسیار بسیار محکم و قانع کننده مکتوب در کتاب آسمانی. «يَتَكَلَّمُ»: گویا است. دلالت می‌کند. گفتن، در اینجا مجاز از گویا و رسا و روشن و آشکار بودن حجّت و برهان است (نگا: مؤمنون / ۶۲، جاثیه / ۲۹).

سوره روم آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

هرگاه به مردمان مرحمتی بکنیم و نعمتی برسانیم، از آن سرمست و مغرور می‌گردند، و اگر رنج و بلائی به خاطر کارهائی که کرده‌اند گریبانگیرشان شود، فوراً (از رحمت خدا) مأیوس و ناامید می‌گردند.

توضیحات:

«فَرِحُوا»: مغرور و سرمست می‌گردند. «بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ»: به سبب کارهائی که کرده‌اند. مراد مکافات عمل و بازتابهای معاصی انسان است. «يَقْنَطُونَ»: ناامید و مأیوس از رحمت خدا می‌گردند و یأس سراسر وجودشان را دربر می‌گیرد. این آیه بیان می‌دارد که هم عُجب و غرور مذموم است و هم یأس و ناامیدی از رحمت خدا.

سوره روم آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

آیا آنان نمی‌دانند که خداوند روزی را برای هر کس که بخواهد گسترده و فراخ و برای هر کس که بخواهد تنگ و کم می‌گرداند؟ (پس نباید نعمت دنیا انسان را مغرور،

یا فقر وفاقه انسان را مأیوس سازد). قطعاً در این (افزایش و کاهش نعمتی که حکمت خدا مقتضی می‌داند) نشانه‌های آشکاری (و دلائل بارزی است بر این که کارها به دست دیگری) است، برای کسانی که (حق و حقیقت را) باور می‌دارند.

توضیحات:

«يَبْسُطُ الرِّزْقَ... وَيَقْدِرُ»: (نگا: عنکبوت / ۶۲).

سوره روم آیه ۳۸

متن آیه:

﴿فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

(چون چنین است) پس حق نزدیکان (که نیکوئی و صله رحم است) و حق مستمندان و واماندگان در راه (که صدقه و زکات است) بده. این برای کسانی که ذات خدا را می‌جویند (و راه رضا و جزای الله را می‌پویند) بهتر (از هر چیز دیگری است) و آنان (که چنین کنند) قطعاً رستگارند.

توضیحات:

«ذَالْقُرْبي»: نزدیکان و خویشاوندان. «الْمِسْكِينَ»: مستمند. «إِبْنَ السَّبِيلِ»: مسافر و وامانده. گدای راه‌نشین (نگا: بقره / ۱۷۷). «وَجْهَ اللهِ»: (نگا: بقره / ۱۱۵ و ۲۷۲، رعد / ۲۲). «يُرِيدُونَ وَجْهَ اللهِ»: مراد کسانی است که تنها محض رضای خدا و دریافت پاداش از الله، دست به بذل و بخشش و پرداخت زکات می‌یازند، و کارشان را خالی از هر گونه ریا و خودنمائی و منّت و تحقیر و انتظار پاداش از دیگران می‌سازند (نگا: بقره / ۲۶۴ و ۲۶۵، لیل / ۱۸ - ۲۰). تمام کارهائی را که انسان انجام می‌دهد و به نوعی با خدا ارتباط پیدا می‌کند، خواه برای رضای او، یا رسیدن به پاداش او، و یا نجات از کیفر او باشد، همه مصداق «وجه‌الله»: است، هر چند مرحله عالی و کامل، آن است که جز عبودیت و اطاعت او را در نظر نگیرد.

سوره روم آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

آنچه را که به عنوان ربا می‌دهید تا از اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت (و بلکه خدا از آن می‌کاهد و نابودش می‌نماید)، و آنچه را که به عنوان زکات می‌پردازید و تنها ذات خدا را منظور نظر می‌دارید، این‌گونه کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود.

توضیحات:

«مِن رِّباً»: هر گونه ربائی. مراد انواع معامله ربوی است. «لِيَرْبُوَ»: تا افزایش یابد و بر دارائی‌تان بیفزاید. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی به دنبال دارد. «فِي أَمْوَالِ النَّاسِ»: از مال مردم. به حساب دارائی مردم که برای شما حلال نیست. «لا يَرْبُو»: افزایش نمی‌یابد. فزونی نمی‌گیرد، و بلکه خدا آن را از میان هم بر می‌دارد (نگا: بقره / ۲۷۶). الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی به دنبال دارد. «الـْمُضْعِفُونَ»: کسانی که دارای اجر مضاعف و پاداش چندین برابرند (نگا: بقره / ۲۴۵).

سوره روم آیه ۴۰

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ ثُمَّ رَزَقَكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۖ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفۡعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيۡءٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

خدا کسی است که شما را آفریده است، سپس (با عطاء کردن وسائل مادی و معنوی کسب و تهیه زمینه معاش و آماده‌سازی محیط زیست) به شما روزی رسانده است. بعد شما را می‌میراند، سپس دوباره زنده‌تان می‌گرداند. آیا در میان انبازهایتان (که برای خدا گمان می‌برید) کسی هست که چیزی از این (کارهای آفرینش و روزی‌رسانی و میراندن و زنده‌گرداندن) را انجام دهد؟ خدا دورتر و برتر از این است که برای او به انباز معتقد شوند (و او را در کنار بت‌های سنگی و معبودهای ساختگی قرار دهند).

توضیحات:

«هَلْ مِنْ...»: استفهام انکاری است. چرا که هیچ یک از مشرکان معتقد نبودند که بتها و انبازها می‌توانند بیافرینند، یا روزی برسانند، یا بمیرانند، و یا این که زنده گردانند.

سوره روم آیه ۴۱

متن آیه:

﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

(همیشه چنین بوده است که) تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهائی پدیدار گشته است که مردمان انجام می‌داده‌اند. بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهائی را که انسان‌ها انجام می‌دهند بدی‌شان می‌چشاند تا این که آنان (بیدار شوند و از دست یازیدن به معاصی) برگردند.

توضیحات:

«ظَهَرَ»: پدیدار گشته است. فراوان شده است. «الْفَسَادُ»: تباهی. مراد بلاها و مصیبتهائی چون خشکسالی و امراض و از میان رفتن خیرات و برکات است. «بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»: مراد گناهان و بزهکاریهای مردمان است. «لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ...»: (نگا: اعراف / ۹۴ و ۹۶).

سوره روم آیه ۴۲

متن آیه:

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: در زمین بگردید و بنگرید سرانجام کار پیشینیان به کجا کشیده است. (خواهید دید که خدا آنان را هلاک، و خانه و کاشانه ایشان را ویران کرده است، زیرا که) بیشتر آنان مشرک بوده‌اند (و شرک مایه تباهی است).

توضیحات:

«أُنظُرُوا»: بنگرید. دقّت کنید (نگا: آل‌عمران / ۱۳۷، انعام / ۱۱، اعراف / ۸۶).

سوره روم آیه ۴۳

متن آیه:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

روی خود را به‌سوی آئین استوار و ماندگار (اسلام که سازگار با فطرت انسانی و مبنی بر یکتاپرستی است) متوجّه گردان، پیش از آن که روز عظیمی (قیامت نام) فرا رسد که هیچ کسی نمی‌تواند آن را از خدا (به هم زند و از وقوع آن) جلوگیری کند. در آن روز (مردمان به دسته‌ها و گروه‌های مختلف) تقسیم می‌گردند (بهشتیان و دوزخیان، و هر یک با درجات و درکاتی خاصّ).

توضیحات:

«الدِّینِ الْقَیِّمِ»: (نگا: روم / ۳۰). «یَوْمٌ»: مراد قیامت است. «مَرَدَّ»: برگرداندن. مصدر میمی و به معنی رَدّ، یا این که به معنی اسم فاعل، یعنی رادّ است. «لا مَرَدَّ لَهُ مِنَ الله»: خدا، دیگر آن را باز نمی‌گرداند و برنامه وقوع آن را بهم نمی‌زند. کسی نمی‌تواند از وقوع قیامت جلوگیری کند و بر خلاف فرمان صادره الهی مبنی بر فرا رسیدن قیامت، از آن ممانعت به عمل آورد. «یَصَّدَّعُونَ»: متفرّق می‌گردند. مراد این است که مردمان در آخرت به بهشتی و دوزخی تقسیم می‌شوند، و هر دسته از این‌ها به تناسب اعمال خود دارای درجات بهشتی یا درکات دوزخی ویژه است (نگا: روم / ۱۴)

سوره روم آیه ۴۴

متن آیه:

﴿مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

کسانی که کافر شوند، کفرشان به زیان خودشان است (و وبال آن عاقبت دامنگیرشان می‌گردد) و کسانی که (ایمان داشته و) کارهای نیکو انجام دهند، (راه بهشت سرمدی و نعیم ابدی را) برای خود مهیا می‌سازند.

توضیحات:

«عَلَيۡهِ كُفۡرُهُ»: کفر او به زیان خودش است. «يَمۡهَدُونَ»: آماده می‌سازند. مهیا می‌کنند. مراد آماده‌سازی محلّ آرامش و آسایش سرمدی و سعادت ابدی آخرت است که بهشت است.

سوره روم آیه ۴۵

متن آیه:

﴿لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٥﴾

ترجمه:

(مردمان از هم جدا می‌گردند) تا خداوند از فضل و لطف خود پاداش کسانی را بدهد که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته و بایسته کرده‌اند، (چرا که ایشان محبوبان خدایند) ولی خدا کافران را دوست نمی‌دارد (تا ایشان را به حساب آورد و از آنان سخن بگوید).

توضیحات:

«لِيَجۡزِيَ»: تا خداوند پاداش بدهد. این واژه می‌تواند متعلّق به (يَصَّدَّعُونَ) یا (يَمۡهَدُونَ) باشد.

سوره روم آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَلِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

از جمله نشانه‌های (دالّ بر قدرت) خدا این است که خداوند بادها را به عنوان مژده‌رسان (به نعمت‌های گوناگون، همچون نزول باران و تلقیح گیاهان و تکان دادن آب‌های فراوان و تغییر هوا و غیره) می‌فرستد و تا شما را از رحمت خود بچشاند. کشتی‌ها هم با اراده و اجازه او به حرکت درآیند، و شما نیز از لطف و فضل الهی برخوردار گردید و (خدا را) سپاس‌گزار باشید.

توضیحات:

«مُبَشِّرَاتٍ»: مژده‌رسان‌ها. مژده‌رسان به این که ابرها را به حرکت درآورده و آنها را

متراکم و تلقیح می‌نمایند و از آنها باران‌ها می‌بارانند و گَرده گیاهان را جابه‌جا و آنها را بارور می‌کنند و باعث حرکت کشتی‌های بادبانی و تکان آبها در سطح دریاها و اقیانوس‌های فراخ، و نعمت‌ها و برکت‌های دیگری می‌گردند. آری! بادها هم وسیله نعمت‌های فراوان در زمینه کشاورزی و دامداری هستند، و هم وسیله انتقال ابرها و پخش گرده‌ها و هم باعث سرعت و رونق کار تجارت.

سوره روم آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمۡنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

ما قبل از تو پیغمبرانی را به‌سوی اقوام‌شان فرستاده‌ایم و آنان دلائل واضح و آشکاری (از معجزات ربّانی و منطق عقلانی) برای این اقوام آورده‌اند (و مردمان گروهی ایمان آورده و گروهی به مخالفت برخاسته‌اند). پس ما از بزهکاران انتقام گرفته‌ایم (و مؤمنان را یاری کرده‌ایم) و همواره یاری مؤمنان بر ما واجب بوده است.

توضیحات:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنا...»: این آیه میان آیات ماقبل و مابعد، جمله معترضه است.

سوره روم آیه ۴۸

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبۡسُطُهُۥ فِي ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ يَشَآءُ وَيَجۡعَلُهُۥ كِسَفًا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

خدا کسی است که بادها را وزان می‌سازد و بادها ابرها را برمی‌انگیزند. سپس خدا آن گونه که بخواهد ابرها را در (پهنه) آسمان می‌گستراند و آنها را به صورت توده‌هائی بالای یکدیگر انباشته و متراکم می‌دارد و (پس از تلقیح، ای انسان) تو می‌بینی که از لابلای آنها باران‌ها فرو می‌بارد، و هنگامی که آن (باران حیات‌بخش) را بر کسانی از بندگانش می‌باراند، آنان خوشحال و مسرور می‌گردند.

توضیحات:

«تُثِيرُ»: به حرکت در می‌آورد و برمی‌انگیزد. «سَحَاباً»: ابرها. اسم جنس جمعی است. «كِسَفاً»: جمع كِسْفَة، بر وزن و معنی قِطْعَة. تکه‌ها و توده‌های ابر بالای یکدیگر. توده‌های متراکم و انباشته (نگا: اعراف / ۵۷، نور / ۴۳). «يَسْتَبْشِرُونَ»: شاد می‌گردند. خوشحال می‌شوند.

سوره روم آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِۦ لَمُبْلِسِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

آنان قطعاً (لحظاتی) پیش از نزول باران، ناامید و سرگردان بوده‌اند.

توضیحات:

«لَمُبْلِسِينَ»: ناامیدان و سرگردانان (نگا: انعام / ۴۴، مؤمنون / ۷۷، زخرف / ۷۵).

سوره روم آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَٱنظُرْ إِلَىٰٓ ءَاثَٰرِ رَحْمَتِ ٱللَّهِ كَيْفَ يُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٖ قَدِيرٞ ۝٥٠﴾

ترجمه:

به آثار (باران یعنی) رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را پس از مردنش زنده می‌کند. آن کس (که زمین مرده را این چنین با نزول باران زنده می‌کند) زنده کننده مردگان (در رستاخیز) است و او بر همه چیز توانا است.

توضیحات:

«ءَاثَارِ»: مراد باران و زراعت است. «رَحْمَةِ»: رحمت الهی. باران (نگا: فرقان / ۴۸، نمل / ۶۳، شوری / ۲۸). «مُحْيِ»: زنده کننده.

سوره روم آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحٗا فَرَأَوْهُ مُصْفَرّٗا لَّظَلُّواْ مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ ۝٥١﴾

ترجمه:

اگر ما بادی (داغ و سوزان) را وزان سازیم و بر اثر آن (افراد ضعیف‌الایمان) زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، راه ناشکری و کفران پیش می‌گیرند.

توضیحات:

«رَأَوْهُ»: آن را ببینند. مرجع ضمیر (ه)، نبات مفهوم از سیاق است. نبات در اصل مصدر است شامل قلیل و کثیر می‌گردد، و در اینجا مراد باغ‌ها و کشت‌ها و علفزارها است. «مُصْفَرّاً»: زردرنگ. مراد پژمرده است. «لَظَلُّوا... یَکْفُرُونَ»: کفران نعمت می‌کنند. کفر می‌ورزند.

سوره روم آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَإِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ٥٢﴾

ترجمه:

تو (ای پیغمبر!) نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی (و کافران را مؤمن گردانی) و نمی‌توانی صدا را به گوش کران برسانی، هنگامی که روی برمی‌گردانند و می‌روند.

توضیحات:

«لا تُسْمِعُ»: نمی‌شنوانی. مراد از شنواندن، قبولاندن است. «الْـمَوْتَي»: مردگان. مراد کافران دلمرده‌ای است که همچون مردگان شده‌اند. «الصُّمَّ»: کران. مراد کافران سنگین دلی است که گوش شنوا ندارند و ندای حق را نمی‌شنوند. «وَلَّوْا مُدْبِرِینَ»: (نگا: نمل / ۸۰).

سوره روم آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ٥٣﴾

ترجمه:

همچنین تو نمی‌توانی نابینایان (کوردلی را که صندوق دل خود را بر روی حق بسته‌اند) از گمراهی‌شان (نجات و به راستای جاده حق) راهنمائی کنی. تو تنها می‌توانی (سخنان حق خود را) به گوش کسانی برسانی که آیات ما را باور می‌دارند،

چرا که آنان تسلیم (حق و حقیقت) هستند.

توضیحات:

«الْعُمْيِ»: کوران. مراد کوردلانی است که آماده پذیرش حق نبوده و کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند. «إِنْ»: حرف نفی است و به معنی (لا) است. «مُسْلِمُونَ»: مطیعان و خاضعان فرمان یزدان.

سوره روم آیه ۵۴

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ ٥٤﴾

ترجمه:

خداوند همان کسی است که شما را از (چیزی سراپا) ضعف آفریده است و سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قوّت و قدرت بخشیده است، و آن گاه ضعف و پیری را جایگزین این قوّت و قدرت ساخته است. آخر خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند (و از هیچ، چیز می‌سازد) و او بس آگاه و توانا است (و می‌داند چگونه شما را بیافریند و چرخه وجود شما را چگونه بگرداند).

توضیحات:

«خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ»: شما را از سراپا ضعف و ناتوانی آفریده است. شما را از چیز ضعیفی به نام منی آفریده است. این جمله شبیه به: «خُلِقَ الإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ»: است (نگا: انبیاء / ۳۷). خود آیه روی هم بیان‌گر ضعف انسان (نگا: نساء / ۲۸) بوده و اشاره بدین نکته دارد که ناچیزی آغازین انسان‌ها و شکوفائی دوران جوانی آنان و سستی زمان پیری مردمان، همه این دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌ها از ناحیه خداوند بزرگوار است و چرخ حیات با دست حکمت عالیه آفریدگار در گردش است.

سوره روم آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقۡسِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ مَا لَبِثُواْ غَيۡرَ سَاعَةٖۚ كَذَٰلِكَ كَانُواْ يُؤۡفَكُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

روزی که قیامت برپا می‌شود، گناه‌کاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی در (دنیا و جهان برزخ) ماندگار نبوده‌اند! این چنین آنان (در دنیا توسّط شیاطین و شیاطین صفتان از درک حقیقت و راه درست) بازداشته شده‌اند! (و هم‌اینک گرفتار عذاب ابدی گشته‌اند. بدا به حال‌شان!).

توضیحات:

«السَّاعَةُ»: قیامت. «یُقْسِمُ»: سوگند می‌خورند. «مَا لَبِثُوا»: نمانده‌اند. درنگ ننموده‌اند. «غَیْرَ سَاعَةٍ»: جز مدّت اندکی. جز لحظه‌ای. مراد از (ساعَة) جزئی از زمان شبانه‌روز است (نگا: یونس / ۴۵، اسراء / ۵۲، مؤمنون / ۱۱۳، احقاف / ۳۵). «کَذلِكَ»: این چنین که در اینجا از درک حق محرومند و گذشت زمان برای ایشان روشن نیست. «کَانُوا یُؤْفَکُونَ»: در دنیا از درک حقیقت و تشخیص راه درست بازداشته شده‌اند (نگا: مائده / ۷۵). «أُفِكَ الرَّجُلُ: إِذا عُدِلَ بِهِ عَنِ الصِّدْقِ»: (نگا: زادالّمسیر، جلد ۶، صفحه ۳۱۱).

سوره روم آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٥٦﴾

ترجمه:

کسانی که بدی‌شان علم و ایمان عطاء شده است، می‌گویند: شما بدان اندازه که خدا مقدّر فرموده بود (در دنیا و جهان برزخ) تا روز رستاخیز ماندگار بوده‌اید، این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانسته‌اید (که چنین روزی حق است و فرا می‌رسد).

توضیحات:

«الَّذِینَ أُوتُوا...»: مراد پیغمبران و فرشتگان و مؤمنان است. یا تنها مراد فرشتگان است (نگا: مؤمنون / ۱۱۲ – ۱۱۴). «فِي كِتَابِ الله»: در علم خدا. برابر قضا و قدر خدا. «کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ»: شما نمی‌دانستید که رستاخیز حق است و آن را به تمسخر می‌گرفتید.

سوره روم آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَعۡذِرَتُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

در آن روز عذرخواهی ستمگران سودی به حال‌شان ندارد، و برای‌شان جلب رضایت نمی‌شود.

توضیحات:

«وَلا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ»: برای ایشان خوشنودی خدا خواسته نمی‌شود و جلب رضایت نمی‌گردد (نگا: نحل / ۸۴).

سوره روم آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَلَئِن جِئۡتَهُم بِـَٔايَةٖ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُبۡطِلُونَ ٥٨﴾

ترجمه:

ما در این قرآن برای مردمان هر گونه مثالی را که (بیدار کننده بوده و به زندگی ایشان مربوط باشد) بیان کرده‌ایم. وقتی که آیه‌ای برای آنان می‌آوری، کافران می‌گویند: شما بر باطل هستید (و این چیزهائی را که می‌گوئید بی‌اساس است).

توضیحات:

«أَنتُمْ»: شما. مراد پیغمبر و پیروان او است. «مُبْطِلُونَ»: افراد ناحق. اهل باطل.

سوره روم آیه ۵۹

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

این چنین (که از اینان می‌بینی) خداوند بر دل‌های کسانی که آگاهی و شعور ندارند مهر می‌نهد (تا صدای حق و ندای هدایت بدان‌ها نفوذ نکند).

توضیحات:

«کَذلِكَ»: بدین شیوه. «یَطْبَعُ»: مهر می‌نهد (نگا: نساء / ۱۵۵، توبه / ۸۷ و ۹۳).

سوره روم آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠﴾

ترجمه:

پس شکیبائی داشته باش. وعده خدا به طور مسلم حق است. هرگز نباید کسانی که ایمان ندارند، مایه خشم و ناراحتی تو گردند (و عدم ایمان ایشان، تاب و توان و صبر و شکیبائی را از تو سلب کند).

توضیحات:

«لا یَسْتَخِفَّنَّکَ»: تو را سبک از جای برندارد و مایه فزع و جزع و پریشانی و خشم تو نشود.

سوره لقمان

سوره لقمان آیه ۱

متن آیه:

﴿الٓمٓ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. میم.

توضیحات:

«الـم»: (نگا: بقره / ۱).

سوره لقمان آیه ۲

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾

ترجمه:

این، آیات کتاب پرمحتوا و استوار (قرآن) است.

توضیحات:

«تِلْكَ ءَايَاتُ...»: (نگا: یونس / ۱).

سوره لقمان آیه ۳

متن آیه:

﴿هُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّلۡمُحۡسِنِينَ ٣﴾

ترجمه:

هدایت و رحمت برای نیکوکاران است.

توضیحات:

«هُديً وَ رَحْمَةً»: حال آیات می‌باشند.

سوره لقمان آیه ۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤﴾

ترجمه:

آن کسانی که نماز را چنان که باید می‌خوانند، و زکات را می‌پردازند، و به آخرت کاملاً ایمان دارند.

توضیحات:

«الَّذِينَ»: صفت محسنین است.

سوره لقمان آیه ۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾

ترجمه:

آنان هدایت پروردگارشان را فرا چنگ آورده‌اند و ایشان قطعاً رستگارند.

توضیحات:

«أُولئِكَ عَلي هُديً...»: (نگا: بقره / ۵).

سوره لقمان آیه ۶

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾

ترجمه:

در میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان پوچ و یاوه‌اند تا با چنین سخنانی (بندگان خدا را) جاهلانه از راه خدا منحرف و سرگشته سازند و آن را مسخره کنند. آنان عذاب خوار و رسوا کننده‌ای دارند.

توضیحات:

«لَهْوَ الْحَديثِ»: سخنانی که انسان را غافل از چیزهای سودمند دنیوی و اخروی کند. مانند: خرافات، افسانه‌های بیفایده، حرف‌های مضحک، و آوازهای جلف.

سوره لقمان آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ۝٧﴾

ترجمه:

هنگامی که آیات ما بر ایشان خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گردانند و می‌روند. انگار آنها را نشنیده‌اند. گوئی در گوش‌هایشان سنگینی است. ایشان را به عذاب دردناکی مژده بده.

توضیحات:

«مُسْتَکْبِراً»: متکبّرانه. خود بزرگ‌بینانه. «وَقْراً»: سنگینی.

سوره لقمان آیه ۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ۝٨﴾

ترجمه:

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته و بایسته بکنند، باغ‌های پرنعمت بهشت از آن ایشان است.

توضیحات:

«جَنَّاتُ النَّعِیمِ»: (مائده / ۶۵، حجّ / ۵۶).

سوره لقمان آیه ۹

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٩﴾

ترجمه:

جاودانه در آن خواهند ماند. این وعده مسلّم الهی است، وعده‌ای تخلّف‌ناپذیر. (خداوند نه وعده دروغین می‌دهد، و نه از وفای به وعده‌های خود عاجز است، چرا که) او عزیز و قدرتمند، و حکیم و آگاه است.

توضیحات:

«وَعْدَاللهِ حَقّاً»: (وَعْدَ) و (حَقّاً) مفعول مطلق بوده و تقدیر چنین است: «وَعَدَاللهُ ذلِكَ وَعْداً، وَ أَحَقَّ ذلِكَ حَقّاً».

سوره لقمان آیه ۱۰

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ ١٠﴾

ترجمه:

خداوند آسمان‌ها را بدون ستونی که قابل رؤیت (برای شما) باشد آفریده است، و در زمین کوه‌های استواری را پراکنده است، تا زمین شما را نلرزاند و سراسیمه نگرداند، و در زمین انواع جنبندگان را پخش و پراکنده کرده است. و از آسمان آب فرو فرستاده‌ایم و با آن اقسام گوناگونی از گیاهان پرارزش را رویانده‌ایم.

توضیحات:

«بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»: (نگا: رعد / ۲). «رَوَاسِيَ»: (نگا: رعد / ۳، نحل / ۱۵). «أَن تَمِيدَ بِكُمْ»: (نگا: نحل / ۱۵، انبياء / ۳۱). «بَثَّ»: زیاد و فراوان و پخش و پراکنده کرد (نگا: نساء / ۱). «زَوْجٍ»: صنف. نوع (نگا: انعام / ۱۴۳). «كَرِيمٍ»: زیبا و سودمند (نگا: انفال / ۴).

سوره لقمان آیه ۱۱

متن آیه:

﴿هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ١١﴾

ترجمه:

این‌ها (که می‌نگرید و می‌بینید) آفریده‌های خدایند، شما به من نشان دهید آنانی که جز خدایند چه چیز را آفریده‌اند؟ (تا شایسته پرستش و شراکت در الوهیت را داشته باشند). بلکه ستمگران (کفرپیشه) در گمراهی آشکاری هستند.

توضیحات:

«هذا»: این مخلوقات و موجودات جهان هستی، اعم از انسان و نبات و حیوان و زمین و سایر کرات. «مِن دُونِهِ»: بجز خدا. سوای خدا.

سوره لقمان آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ۝١٢﴾

ترجمه:

ما به لقمان فرزانگی بخشیدیم (و بدو دستور دادیم) که خدا را سپاس‌گزاری کن و (بدان که) هر کس سپاس‌گزاری کند، به سود خویش سپاس‌گزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند (به خود زیان می‌رساند نه به خدا) چرا که خدا بی‌نیاز و ستوده است.

توضیحات:

«لُقْمَانَ»: نام شخصی صالح و فهمیده و فاضل و آگاهی است که تاریخ زندگانی او روشن نیست. برخی او را پیغمبر پروردگار، و گروهی وی را فرزانه‌ای پرهیزگار می‌دانند. «الْحِکْمَةَ»: نبوّت. فرزانگی. حکمت اصابه در قول و عمل، و اتقان در امور است. به عبارت دیگر، حکمت مجموعه فضائلی است که دارنده آن در پرتو آن هر کاری را در جای خود انجام می‌دهد و هر سخنی را در موقع مناسب اداء می‌کند. «أَنْ»: حرف تفسیریه است. چرا که شکرگزاری عین حکمت، و حکمت عین شکرگزاری است. «کَفَرَ»: کافر شد. کفران نعمت کرد. «حَمِیدٌ»: ستوده توسّط فرشتگان و همه ذرّات موجودات (نگا: ابراهیم / ۸).

سوره لقمان آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴾

ترجمه:

(یادآور شو) زمانی را که لقمان به پسرش گفت - در حالی که او را پند می‌داد - پسر عزیزم! (چیزی و کسی را) انباز خدا مکن، واقعاً شرک ستم بزرگی است.

توضیحات:

«بُنَيَّ»: مصغّر ابن است و به (ی) متکلّم اضافه شده است.

سوره لقمان آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ١٤﴾

ترجمه:

ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم (که در حق ایشان نیک باشد و نیکی کند، به ویژه مادر، چرا که) مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه‌ای دچار آمده است. پایان دوران شیرخوارگی او دو سال است (و در این دو سال نیز، کودک شیر، یعنی شیره جان مادر را می‌نوشد. مادر در این مدّت ۳۳ ماهه حمل و شیرخوارگی، مهم‌ترین خدمات و بزرگ‌ترین فداکاری را مبذول می‌دارد. لذا به انسان توصیه ما این است) که هم سپاسگزار من و هم سپاس‌گزار پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به‌سوی من است (و نیکان را جزا و بدان را سزا می‌دهم).

توضیحات:

«حَمَلَتْهُ»: بدو حامله شده است و باردار گشته است. «وَهْناً»: ضعف و سستی. حال (أُمّ) است، یعنی ذاتَ وَهْنٍ. یا مفعول مطلق فعل محذوف است و جمله حال است، و تقدیر چنین است: «تَهِنُ وَهْناً». «وَهْناً عَلي وَهْنٍ»: ضعف‌ها و سستی‌های پیاپی و پشت سرهم. «فِصَالُ»: از شیر بریدن. پایان دوران شیرخوارگی (نگا: احقاف / ۱۵). «عَامَيْنِ»: دو سال (نگا: بقره / ۲۳۳).

سوره لقمان آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٥﴾

ترجمه:

هر گاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که کمترین آگاهی از بودن آن و (کوچک‌ترین دلیل بر اثبات آن) سراغ نداری، از ایشان فرمانبرداری مکن. (چرا که در مسأله عقائد و کفر و ایمان همگامی و همراهی جائز

نیست، و رابطه با خدا، مقدّم بر رابطه انسان با پدر و مادر است، و اعتقاد مکتبی برتر از عواطف خویشاوندی است. ولی در عین حال) با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته‌ای رفتار کن و راه کسانی را در پیش گیر که به جانب من (با یکتاپرستی و طاعت و عبادت) رو کرده‌اند. بعد هم همه به‌سوی من برمی‌گردید و من شما را از آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید آگاه می‌سازم (و بر طبق اعمالتان پاداش و کیفرتان می‌دهم).

توضیحات:

«جَاهَدَاكَ»: اگر درباره تو به تلاش ایستادند و کوشش نمودند. «مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»: آنچه تو از آن بی‌خبری و دلیلی بر وجودش نداری. یعنی چیزی که اصلاً وجود ندارد و در واقع محال و ناشدنی است. «مَعْرُوفاً»: نیک و پسندیده. صفت مصدر محذوفی است و تقدیر چنین است: «صَاحِبْهُما فِي الدُّنْيَا صِحَاباً مَّعْرُوفاً». «أَنَابَ»: برگشت. مراد از رجوع کردن، رو نمودن است. دو آیه، از (وَصَّيْنَا الإِنسَانَ) تا (تَعْمَلُونَ) معترضه و تأکید بر نهی از شرک است.

سوره لقمان آیه ۱۶

متن آیه:

﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ١٦﴾

ترجمه:

پسر عزیزم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد انجام گرفته) باشد و در دل سنگی، یا در آسمان‌ها، و یا این که در میان زمین باشد، خدا آن را حاضر می‌آورد (و به حساب و کتاب آن رسیدگی می‌کند). چرا که خداوند بس دقیق و آگاه است.

توضیحات:

«إِنَّهَا»: مرجع (هَا) خَصْلَة است اعم از نیک یا بد، یا حسنات و سیئات. «مِثْقَالَ حَبَّةٍ»: اندازه دانه‌ای. مراد سنگینی آن است. (نگا: نساء / ۴۰، یونس / ۶۱، انبیاء / ۴۷). «خَرْدَلٍ»: دانه خردل. سپندان. در کوچکی و حقارت ضرب‌المثل است. «صَخْرَةٍ»: سنگ بزرگ و سخت (نگا: کهف / ۶۳). مثال سختی است. «السَّمَاوَاتِ»: مثال دوری است. «الأَرْضِ»: مثال نهانی است. «لَطِيفٌ»: (نگا: انعام / ۱۰۳، یوسف / ۱۰۰).

سوره لقمان آیه ۱۷

متن آیه:

﴿يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ١٧﴾

ترجمه:

ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. این‌ها از کارهای (اساسی و مهمّی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.

توضیحات:

«ذلِكَ»: اشاره به (صبر) و سائر امور دیگر، یعنی نهی از منکر و امر به معروف و اقامه نماز، بر سبیل بَدَلیت است. «عَزْمِ الأمُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۶).

سوره لقمان آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ ١٨﴾

ترجمه:

با تکبّر و بی‌اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند هیچ متکبّر مغروری را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«لا تُصَعِّرْ»: از مردم، با تکبّر و بی‌اعتنائی روی مگردان. از ماده (صَعَر) به معنی بیماری گردن کجی و یا چهره یا گونه کژی است. مراد روی گردانی با بی‌اعتنائی و تکبّر است. «مَرَحاً»: شادمانی فراوان توأم با غرور و سرمستی است (نگا: اسراء / ۳۷). «مُخْتَالٍ فَخُورٍ»: (نگا: نساء / ۳۶).

سوره لقمان آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ ١٩﴾

ترجمه:

و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و (در سخن گفتنت) از صدای خود بکاه (و فریاد مزن) چرا که زشت‌ترین صداها، صدای خران است.

توضیحات:

«إِقْصِدْ»: میانه‌روی کن. اعتدال داشته باش. مراد انتخاب میان تند و کند رفتن است. «أغْضُضْ»: بکاه. پائین بیاور. «الْحَمِيرِ»: جمع حِمار، الاغ‌ها. خران. «إِنَّ أَنكَرَ الأَصْوَاتِ...»: صدای خر در زشتی ضرب‌المثل است. چرا که این حیوان گاهی بی‌جهت و بدون هیچ‌گونه نیازی، وقت و بی‌وقت عرعر می‌کند، و زشتی آن بیشتر از نظر بلندی است، و عرب‌ها هم به بلندی صدا افتخار می‌کردند.

سوره لقمان آیه ۲۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ 

ترجمه:

آیا ندیده‌اید که خداوند آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است مسخّر شما کرده است (و در مسیر منافع شما به حرکت انداخته است)، و نعمت‌های خود را - چه نعمت‌های ظاهر و چه نعمت‌های باطن - بر شما گسترده و افزون ساخته است؟ برخی از مردم بدون هیچ‌گونه دانش و هدایت و کتاب روشن و روشنگری، درباره (شناخت و یکتائی) خدا راه ستیز و جدال را پیش می‌گیرند.

توضیحات:

«سَخَّرَ لَكُمْ...»: (نگا: رعد / ۲، حجّ / ۶۵). «أَسْبَغَ»: فراوان و فراخ کرده است. اتمام بخشیده است و فراگیر نموده است.. «ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»: آشکار و پنهان. نعمت‌های ظاهر، همچون: صحّت، دارائی، فرزندان خوب. نعمت‌های باطن، همچون عقل، حسن تدبیر، اطمینان قلب، ایمان. حال هستند. « يجَادِلُ فِی... »: (نگا: حجّ / ۸).

سوره لقمان آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٢١﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که بدانان گفته می‌شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافته‌ایم. آیا (از نیاکان خود پیروی می‌کنند) ولو این که اهریمن ایشان را به عذاب آتش فروزان (دوزخ) فرا خواند؟

توضیحات:

«مَآ أَنزَلَ اللهُ»: مراد کتاب آسمانی و حق و هدایت است. «نَتَّبِعُ مَا...»: (نگا: بقره / ۱۷۰). «السَّعِيرِ»: آتش زبانه‌کش و فروزان (نگا: نساء / ۱۰ و ۵۵، حجّ / ۴).

سوره لقمان آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

کسی که (دل به خدا دهد و) مطیعانه رو به خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، به دستاویز بسیار محکمی چنگ زده است. سرانجام همه کارها به خدا بازگشت داده می‌شود (و حسنات را پاداش، و سیئات را پادافره می‌دهد).

توضیحات:

«يُسْلِمْ وَجْهَهُ»: مراد خلوص در عبادت است (نگا: بقره / ۱۱۲، نساء / ۱۲۵). «إِسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقي»: (نگا: بقره / ۲۵۶).

سوره لقمان آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ

بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

کسی که کافر شود (و این حقائق روشن را انکار کند) کفر او تو را غمگین نسازد. بازگشت آنان به‌سوی ما است و ما ایشان را از کارهائی که کرده‌اند آگاه می‌سازیم (و نتائج تلخ و شوم اعمال‌شان را بدی‌شان خواهیم چشاند). خدا مسلّماً از آنچه در درون سینه‌ها (از نیات و رازها) است، کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«ذَاتِ الصُّدُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۹ و ۱۵۴).

سوره لقمان آیه ۲۴

متن آیه:

﴿نُمَتِّعُهُمۡ قَلِيلٗا ثُمَّ نَضۡطَرُّهُمۡ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٖ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

ما ایشان را اندکی (در دنیا از زندگی) بهره‌مند می‌سازیم، سپس آنان را وادار (به دخول) به عذاب سخت و شدیدی می‌گردانیم (و به آتش دوزخ‌شان می‌کشانیم).

توضیحات:

«نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلاً»: (نگا: نساء / ۷۷). «نَضْطَرُّهُمْ»: وادارشان می‌کنیم. مجبورشان می‌گردانیم. «غَلِيظٍ»: سخت و شدید.

سوره لقمان آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

هر گاه از آنان (که معتقد به انبازها و شرکاء هستند) بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ حتماً می‌گویند: خدا. (چرا که بتها و سایر انبازها سازنده چیزی نبوده و بلکه خودشان ساخته و مخلوقند). بگو: ستایش خدا را (که مسأله آن اندازه روشن است که خودتان بدان اعتراف می‌کنید). ولی اکثر آنان (چندان چیزی)

نمی‌دانند (و این است که به مقتضی اعتراف خود عمل نمی‌نمایند و عبادت را تنها منحصر به خدا نمی‌کنند).

توضیحات:

«وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ...»: (نگا: عنکبوت / ۶۱ و ۶۳).

سوره لقمان آیه ۲۶

متن آیه:

﴿لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٦﴾

ترجمه:

از آن خدا است آنچه در آسمان‌ها و زمین است. لذا خدا بی‌نیاز (از عبادت انسان‌ها) و ستوده (از طرف همه آفریده‌های جهان) است.

توضیحات:

«هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»: (نگا: بقره / ۲۶۷، حجّ / ۶۴).

سوره لقمان آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٧﴾

ترجمه:

اگر همه درختانی که روی زمین هستند قلم شوند، و دریا (برای آن مرکب گردد) و هفت دریا کمک این دریا شود (و با آن مخلوقات خدا یادداشت گردد، قلم‌ها می‌شکنند و مرکب‌ها می‌خشکند، ولی) مخلوقات خدا پایان نمی‌گیرند. خداوند عزیز و حکیم است (می‌داند چه چیزها را باید بیافریند و چگونه بیافریند).

توضیحات:

«يَمُدُّهُ»: کمکش کند. یعنی مرکب گردد و بر آن بیفزاید (نگا: کهف / ۱۰۹). «مِن بَعْدِهِ»: مراد بعد از تمام شدن مرکب دریا. « سَبْعَةُ أَبْحُرٍ »: هفت دریا. مراد کثرت است نه تحدید. یعنی دریاها و دریاها. «مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللهِ»: سخنان خدا که بیان‌گر علم خدا است پایان نمی‌گیرد. آفریده‌های خدا به پایان نمی‌رسند (نگا: کهف / ۱۰۹). آیه درباره ترسیمی از علم نامتناهی خدا یا مخلوقات بی‌حدّ و حصر خدا است.

سوره لقمان آیه ۲۸

متن آیه:

﴿مَّا خَلۡقُكُمۡ وَلَا بَعۡثُكُمۡ إِلَّا كَنَفۡسٖ وَٰحِدَةٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ٢٨﴾

ترجمه:

آفرینش شما (در آغاز) و زنده گرداندن شما (در انجام) جز همسان (آفرینش و زنده گرداندن) فردی نیست. خداوند شنوا و بینا است (و اقوال و اعمال بندگان از او نهان نمی‌باشد).

توضیحات:

«خَلْقُكُمْ»: آفریدن شما در ابتداء جهان. «بَعْثُكُمْ»: زنده گرداندن شما پس از مرگ در انتهای جهان. «كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ»: آفرینش یک انسان و زنده گرداندن او، با آفرینش همه انسان‌ها و زنده گرداندن ایشان هیچ تفاوتی ندارد، و اصلاً مفاهیمی همچون «سخت» و «آسان» و «کوچک» و «بزرگ» در برابر قدرت بی‌انتهاء خدا معنی ندارد.

سوره لقمان آیه ۲۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٩﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌ای که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌گرداند، و خورشید و ماه را مسخّر کرده (و در مسیر منافع انسان‌ها به جریان انداخته است)؟ و این که هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند (و این نظم و نظام با پایان گرفتن دنیا، پایان می‌یابد) و خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است؟

توضیحات:

«يُولِجُ الَّيْلَ فِي...»: (نگا: آل‌عمران / ۲۷). «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: مدّت محدود و معین که پایان این جهان و فرارسیدن آن جهان است.

سوره لقمان آیه ۳۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ

ٱلۡكَبِيرُ ﴿٣٠﴾

ترجمه:

این (آفریده‌های عجیب و غریبی را که می‌بینید) دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه را که بجز او به فریاد می‌خوانید و عبادت می‌نمائید باطل است، و خداوند والا مقام و بزرگوار (و بالاتر و برتر از آن) است (که به توصیف درآید).

توضیحات:

«بِأَنَّ اللهَ هُوَ الْحَقُّ»: این بدان سبب است که خدا حق است. این‌ها بیان‌گر آن است که خدا حق است. یعنی چون خدا حق است چنین عجائب و غرائبی را آفریده است. یا این که آفرینش این‌ها دلیل بر حقّانیت خدا است.

سوره لقمان آیه ۳۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ﴿٣١﴾﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌ای کشتی‌ها بر صفحه دریاها به فرمان الله، و در پرتو نعمت خدا حرکت می‌کنند، تا او گوشه‌ای از نشانه‌های (قدرت) خود را به شما بنمایاند. قطعاً در این (گشت و گذار کشتی‌ها در گستره دریاها) نشانه‌های بزرگی (بر قدرت خدا) است برای کسانی که بس شکیبا و بسیار سپاسگزار باشند.

توضیحات:

«بِنِعْمَةِ اللهِ»: در پرتو احسان خدا. چرا که آبها را با وزن مخصوص و کشتی‌ها را با مشخّصات محدود بیافریده است و شرائط حرکت آنها را فراهم فرموده است.

سوره لقمان آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ ﴿٣٢﴾﴾

ترجمه:

(منکران خدا) هنگامی که (سوار کشتی می‌شوند و) موجهائی همچون کوه آنان را فرا می‌گیرد، خالصانه خدا را به فریاد می‌خوانند و عبادت را خاصّ او می‌دانند. ولی هنگامی که آنان را نجات داده و سالم به خشکی رساندیم، برخی از ایشان میانه‌روی را در پیش می‌گیرند (و بر ایمان خود وفادار و پایدار می‌مانند، و تعداد زیادی دوباره خدا را فراموش کرده و راه کفر در پیش می‌گیرند). آیه‌های ما را هیچ کسی جز خیانت پیشگان ناسپاس، انکار نمی‌کند.

توضیحات:

«الظُّلَلِ»: جمع ظُلَّة، سایه‌بان‌ها. مراد کوه‌ها (نگا: اعراف / ۱۷۱، هود / ۴۲)، یا ابرها است. «دَعَوُا اللهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ»: (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵). «مُقْتَصِدٌ»: معتدل. میانه‌رو. مراد کسی است که بین خوف و رجا بسر می‌برد و راه افراط و تفریط در پیش نمی‌گیرد (نگا: مائده / ۶۶). «خَتَّارٍ»: غدّار. مراد عهد شکن ستم‌پیشه‌ای است که عهود خدا با خود را مراعات نمی‌دارد. «كَفُورٍ»: بسیار ناسپاس. کسی که نسبت به نعمت‌های خدا سخت کفران می‌ورزد.

سوره لقمان آیه ۳۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْاْ يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔاۚ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ٣٣﴾

ترجمه:

ای مردمان! (از خشم و عذاب) خدا بپرهیزید، و از روزی بترسید که نه پدری مسؤولیت اعمال فرزندش را می‌پذیرد و کاری برای او برآورده می‌کند، و نه فرزندی اصلاً مسؤولیت اعمال پدرش را می‌پذیرد و کاری برای او برآورده می‌سازد. وعده خدا (به فرا رسیدن قیامت) حق است. پس زندگانی دنیا شما را گول نزند و (مال و مقام و نفس امّاره و اهریمن) فریبکار شما را درباره خدا نفریبد.

توضیحات:

«لايَجْزي»: برآورده نمی‌کند. سزا و جزای او را به عهده نمی‌گیرد (نگا: بقره / ۴۸ و

۱۲۳). «جازٍ»: برآورده کننده و به عهده گیرنده. «الْغَرُورُ»: هر چیز که انسان را گول زند، از قبیل: اهریمن، نفس امّاره. دارائی. مقام. شهوات و لذّات.

سوره لقمان آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ ٣٤﴾

ترجمه:

آگاهی از فرا رسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می‌باراند، و مطّلع است از آنچه در رحم‌های (مادران) است، و هیچ کسی نمی‌داند فردا چه چیز فراچنگ می‌آورد، و هیچ کسی نمی‌داند که در کدام سرزمینی می‌میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر (از موارد مذکور) است.

توضیحات:

«عِلْمُ السَّاعَةِ»: آگاهی از وقوع قیامت. «يُنَزِّلُ الْغَيْثَ»: مراد این است که تنها خدا می‌داند در چه موقع باران می‌بارد و کدام منطقه را زیر پوشش قرار می‌دهد و دقیقاً چه مقدار در دشت و بیابان و کوه و درّه می‌بارد. «يَعْلَمُ مَا فِي الأَرْحَامِ»: مراد آگاهی از تمام خصوصیات و جزئیات کودک است. از قبیل پسر و دختر بودن، و استعدادهای درونی و ویژگیهای بیرونی جنین و به طور کلّی کیفیات روحی و صفات جسمانی و اوضاع حال و آینده او است؛ نه گوشه‌ای از احوال فعلی وی. «مَاذَا تَكْسِبُ غَداً»: مراد از کسب، همه چیزهائی است که برای انسان حاصل می‌شود، اعم از این که به سود او باشد یا به زیان او. همچون: خیر، شرّ، صحّت، مرض، و... مراد از (غَداً) زمان آینده است ولو این که لحظه‌ای بعد باشد (نگا: کهف / ۲۳). خلاصه مراد از عدم آگاهی مردم از امور پنج‌گانه مذکور در آیه، خصوصیات و جزئیات هر یک از موارد است.

سوره سجدة

سوره سجدة آيه ۱

متن آيه:

﴿الٓمٓ ١﴾

ترجمه:

الف. لام. ميم.

توضيحات:

«الـم»: (نگا: بقره / ۱).

سوره سجدة آيه ۲

متن آيه:

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾

ترجمه:

(اين) كتاب از سوى پروردگار جهانيان نازل شده است و ترديدى در آن نيست (كه از سوى خدا فرو فرستاده شده است).

توضيحات:

«تَنزِيلُ الْكِتَابِ»: فرو فرستادن كتاب قرآن. كتاب فرستاده شده. واژه (تنزيل) به معنى مصدرى خود، و يا اين كه به معنى اسم مفعول است و اضافه صفت به موصوف است يا به معنى (مِنْ) است (نگا: شعراء / ۱۹۲).

سوره سجدة آيه ۳

متن آيه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۚ بَلۡ هُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٣﴾

ترجمه:

امّا (مشركان) مى‌گويند: (محمّد) خودش آن را از پيش خود ساخته است (و به

دروغ به خدا نسبت داده است). بلکه قرآن (سخن) حقّی است که از سوی پروردگارت (بر تو) نازل شده است تا گروهی را (از خشم خدا) بترسانی که پیش از تو پیغمبری برای آنان نیامده است، شاید هدایت یابند (و به‌سوی حق رهنمود شوند).

توضیحات:

«أَمْ»: این واژه برای انتقال از کلام پیشین به کلام پسین تازه‌ای است. «مَآ أَتَاهُمْ... مِن قَبْلِكَ»: مراد از (هُمْ) مخاطبان مشرک عصر نزول قرآن و پیشینیان اقرب ایشان است که از زمان ابراهیم و اسماعیل به بعد، پیغمبری برای آنان نیامده بود و کتابی هم در میان‌شان نبود که بیان‌گر قوانین آسمانی باشد. این است که در عصر نزول قرآن ۳۶۰ بت در کعبه پرستش می‌شد (نگا: قصص / ۴۶، سبأ / ۴۴).

سوره سجدهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٤﴾

ترجمه:

خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان آن دو است در شش دوره بیافرید و سپس بر تخت فرماندهی جهان قرار گرفت. بجز خدا برای شما هیچ یاوری (که شما را از عذاب خدا برهاند) و هیچ شفیعی (که در پیش خدا - جز با اجازه خدا - برایتان شفاعت کند) وجود ندارد. آیا یادآور می‌شوید؟

توضیحات:

«سِتَّةِ أَيَّامٍ»: مراد شش دوره است (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، هود / ۷، فرقان / ۵۹). «إِسْتَوَي عَلَي الْعَرْشِ»: (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، رعد / ۲، فرقان / ۵۹). «وَلِيٍّ»: یاور. کمک کننده. «شَفِيعٍ»: میانجی.

سوره سجدهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٥﴾

ترجمه:

خداوند (تمام عالم هستی را) از آسمان گرفته تا زمین، زیر پوشش تدبیر خود قرار داده است، (و جز او مدبِّری در این جهان وجود ندارد). سپس تدبیر امور در روزی که اندازه آن هزار سال از سال‌هائی است که شما می‌شمارید، به‌سوی او باز می‌گردد.

توضیحات:

«يُدَبِّرُ الأمْرَ»: کار را می‌گرداند. تدبیر کار را می‌کند. «مِنَ السَّمَآءِ إِلَيَ الأَرْضِ»: از آسمان تا زمین، یعنی کلّ عالم هستی. از مرکز فرماندهی آسمان، برای زمین فرمان را صادر می‌کند و امور زمین را زیر نظر می‌دارد. «يَعْرُجُ إِلَيْهِ»: گزارش کار برای او برده می‌شود. امر جهان پایان می‌گیرد و به سویش برگشت داده می‌شود. «أَلْفَ سَنَةٍ»: هزار سال. مراد از هزار و فروع آن کثرت است (نگا: حجّ / ۴۷). مفهوم آیه این است که خداوند این جهان را آفریده و آسمان و زمین را با تدبیر خاصّی نظم بخشیده است، و پیوسته به رتق و فتق امور آن مشغول است، و پس از سالیان سال، این جهان را در هم می‌پیچد، و تمام امور سرانجام به خدا باز می‌گردد، و خدا جهان دیگری را با طرح نوینی ابداع می‌فرماید.

سوره سجدۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٦﴾

ترجمه:

او خداوندی است که از پنهان و آشکار باخبر است، و چیره و مهربان است.

توضیحات:

«الْغَيْبِ»: آنچه از مردم نهان است. «الشَّهَادَةِ»: آنچه بر مردم عیان است.

سوره سجدۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ ٧﴾

ترجمه:

آن کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید، و آفرینش انسان (اوّل) را از گل آغازید.

توضیحات:

«أَحْسَنَ»: زیبا و آراسته و پیراسته کرد. یعنی کاخ عظیم خلقت را بر «نظام احسن» آفریده است و کاملتر و زیباتر از آن تصوّر نمی‌شود. به گونه‌ای که میان همه موجودات پیوند و هماهنگی است و به هر کدام آنچه را به زبان حال خواسته است عطاء فرموده است (نگا: طه / ۵۰). «طِینٍ»: گِل. یعنی مخلوق برجسته انسان نام را از موجود ساده و کم ارزش گِل آفریده است و او را گُل سرسبد جهان خلقت کرده است و شاعر در این باره چه نیکو سروده است: دهنده‌ای که به گُل نکهت و به گِل جان داد

سوره سجدهٔ آیه ۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسۡلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ٨﴾

ترجمه:

سپس خداوند ذرّیه او را از عُصاره آب (به ظاهر) ضعیف و ناچیزی (به نام منی) آفرید.

توضیحات:

«سُلالَةٍ»: عُصاره و فشرده خالص هر چیز. مراد نطفه آدمی است (نگا: مؤمنون / ۱۲). «مَهِینٍ»: حقیر و ناچیز. ضعیف و خوار. مراد نطفه و منی است که به ظاهر ناچیز ولی در حقیقت از اسرارآمیزترین موجودات است.

سوره سجدهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٩﴾

ترجمه:

آن گاه اندام‌های او را تکمیل و آراسته کرد و از روح متعلّق به خود (که سرّی از اسرار است) در او دمید، و برای شما گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌ها آفرید (تا بشنوید و بنگرید و بفهمید، امّا) شما کمتر شکر (نعمت‌های او) را به جای می‌آورید.

توضیحات:

«سَوَّاهُ»: انسان را تکمیل و آراسته کرد. خلقت او را اتمام بخشید. «مِن رُّوحِهِ»:

(نگا: حجر / ۲۹). «قَلِیلاً مَّا»: کمتر. اندک.

سوره سجدۀ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ أَءِذَا ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدِۢۚ بَلۡ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ كَٰفِرُونَ ١٠﴾

ترجمه:

(کافران) می‌گویند: آیا هنگامی که ما مردیم و در زمین گم گشتیم (و ذرّات وجود ما آمیزه خاک گردید و اثری از آن نماند) آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت (و دوباره زندگی را از سر می‌گیریم؟) بلکه آنان منکر ملاقات با پروردگارشان (برای حساب و کتاب) هم هستند.

توضیحات:

«ضَلَلْنَا فِي‌الأرْضِ»: در زمین گم شدیم. مراد از گم شدن، جزو خاک شدن و در پهنه زمین پراکندن و پرتاب شدن است. «خَلْقٍ»: آفرینش. «بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ»: (نگا: یونس / ۷ و ۸).

سوره سجدۀ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١١﴾

ترجمه:

بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، به سراغتان می‌آید و جان شما را می‌گیرد، سپس به‌سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«يَتَوَفَّاكُمْ»: جان شما را می‌گیرد (نگا: نحل / ۲۸ و ۳۲، انفال / ۵۰). «وُكِّلَ»: مأمور گشته است. گماشته شده است.

سوره سجدۀ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ١٢﴾

ترجمه:

اگر (می‌شد) ببینی گناهکاران را در آن هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب گرد آورده شده‌اند، و ایشان از خجالت) سر به زیر افکنده‌اند و می‌گویند: پروردگارا! دیدیم (آنچه خود را از آن به کوری زده بودیم) و شنیدیم (آنچه خود را از آن به کری زده بودیم. هم اینک پشیمانیم) پس ما را (به جهان) بازگردان تا عمل صالح انجام دهیم (و سرافراز به خدمت برگردیم). ما (به قیامت و فرموده پیغمبرانت) یقین کامل داریم.

توضیحات:

«نَاكِسُو رُؤُوسِهِمْ»: جمع ناکس، سر به زیر. «أَبْصَرْنَا»: دیدیم.

سوره سجدهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ مِنِّي لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١٣﴾

ترجمه:

اگر ما می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمه‌اش را می‌دادیم، ولیکن (انسان را صاحب اراده و مکلّف به تکالیف و مسؤول در برابر اعمال خود، و قابل هدایت به وسیله پیغمبران آفریدیم و) من مقرّر کردم که دوزخ را از جملگی افراد (بی‌ایمان و گناهکار) جنّ و انس پر کنم.

توضیحات:

«وَلَوْ شِئْنَا»: (نگا: انعام / ۳۹، هود / ۱۱۸). «حَقَّ الْقَوْلُ»: (نگا: نمل / ۸۲). «لأَمَلاَنَّ جَهَنَّمَ...»: (نگا: اعراف / ۱۸).

سوره سجدهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَذُوقُواْ بِمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمۡۖ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

بچشید (عذاب جهنّم را) به خاطر این که ملاقات امروز خود را (با پروردگارتان

برای حساب و کتاب) فراموش کرده‌اید، و ما نیز شما را (در میان عذاب رها و) به دست فراموشی می‌سپاریم، و بچشید عذاب همیشگی را به سبب اعمالی که (در دنیا) انجام می‌داده‌اید.

توضیحات:

«نَسِيتُمْ»: فراموش کرده‌اید. مراد از فراموشی، ترک اعمالی است که سبب نجات می‌گردند. «نَسِينَاكُمْ»: شما را فراموش کرده‌ایم. مراد رها ساختن در عذاب است. «الْخُلْدِ»: جاودانگی. همیشگی.

سوره سجدۀ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدٗاۤ وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ۩ ١٥﴾

ترجمه:

تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هر وقت بدان‌ها پند داده شوند، (برای خدا) به سجده می‌افتند، و ستایش‌گرانه به تسبیح پروردگارشان می‌پردازند و تکبّر نمی‌ورزند.

توضیحات:

«ذُكِّرُوا بِهَا»: بدان پند داده شدند. «سُجَّداً»: جمع ساجِد، سجده کنندگان. «بِحَمْدِ رَبِّهِمْ»: متلبّس به حمد و ستایش پروردگارشان هستند. حرف (ب) برای ملابسه و جار و مجرور در موضع حال است.

سوره سجدۀ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ١٦﴾

ترجمه:

پهلوهایش از بسترها به دور می‌شود (و خواب شیرین را ترک گفته و به عبادت پروردگارشان می‌پردازند و) پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می‌خوانند، و از چیزهائی که بدی‌شان داده‌ایم می‌بخشند.

توضیحات:

«تَتَجَافي»: رها و به دور می‌شوند. مراد برخاستن از خواب خوش و ترک بستر نرم و گرم است. «الْـمَضَاجِعِ»: جمع مَضْجَع، بسترها، رختخواب‌ها. «خَوْفاً وَ طَمَعاً»: با بیم و امید. در حال خوف و رجا. مفعول مطلق فعل محذوف بوده و تقدیر چنین است: «يَخَافُونَ خَوْفاً وَ يَطْمَعُونَ طَمَعاً». یا این که حال ضمیر (و) است و به معنی خَآئِفِينَ وَ طَامِعِينَ می‌باشند.

سوره سجدهٔ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾

ترجمه:

هیچ کس نمی‌داند، در برابر کارهائی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی‌آفرین و مسرّت‌بخشی برای ایشان پنهان شده است.

توضیحات:

«مَآ أُخْفِيَ لَهُمْ»: چیزهائی که برای آنان پنهان شده است. مراد مواهب عظیم و نعمت‌های فراوانی است که برای مؤمنان تهیه دیده شده است. «قُرَّةِ أَعْيُنٍ»: مایه روشنایی چشم. مراد چیزهائی شادی‌آفرین و مسرّت بخش است (نگا: طه / ۴۰). «جَزَآءً»: مفعول له است.

سوره سجدهٔ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن كَانَ فَاسِقٗاۚ لَّا يَسۡتَوُۥنَ ١٨﴾

ترجمه:

آیا کسی که مؤمن بوده است، همچون کسی است که فاسق بوده است؟! (نه، هرگز! این دو) برابر نیستند.

توضیحات:

«فَاسِقاً»: خارج از دین خدا. کافر. «لا يَسْتَوُونَ»: برابر و یکسان نیستند. چون مراد از (مَنْ) دسته و گروه است، این فعل به صورت صیغه جمع آورده شده است.

سوره سجدۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٩﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های بهشت که جای زندگی است، از آن ایشان خواهد بود، به عنوان محلّ پذیرائی (خدا از ایشان) در برابر کارهائی که (در دنیا) انجام می‌داده‌اند.

توضیحات:

«جَنَّاتُ الْـمَأْوي»: باغ‌های محلّ زندگی. یعنی دنیا جایگاه سفر است، ولی بهشت جایگاه ماندن و زندگی کردن. «نُزُلاً»: مکانی که مهمان محترم را در آنجا می‌نشانند. محلّ پذیرائی. چیزی که برای پذیرائی از مهمان آماده می‌کنند. مراد این است که بهشت محلّ پذیرائی از مؤمنان است و دائماً همچون مهمان از ایشان پذیرائی می‌شود. حال (جَنَّات) است، و یا جمع (نَازِل) و حال ضمیر (الَّذِينَ ءَامَنُوا) است.

سوره سجدۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمۡ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که (از فرمان خدا و اطاعت از او) به در رفته (و راه کفر در پیش گرفته‌اند) جایگاه ایشان آتش دوزخ است. هر زمان که بخواهند از آن بدر آیند، ایشان بدانجا بازگردانده می‌شوند و بدی‌شان گفته می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌پنداشتید!

توضیحات:

«أُعِيدُوا»: برگردانده شدند (نگا: حجّ / ۲۲).

سوره سجدۀ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَكۡبَرِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢١﴾

ترجمه:

ما قطعاً عذاب نزدیک‌تر (دنیا) را پیش از عذاب بزرگ‌تر (آخرت) بدی‌شان می‌چشانیم، شاید (از کفر و معاصی دست بکشند، و به‌سوی خدا) برگردند.

توضیحات:

«الْعَذَابِ الأدْنى»: عذاب نزدیک‌تر. عذاب کمتر. مراد مصائب و بلایا و آفات دنیوی است، همچون: زیان‌ها و ضررها، بیماری‌ها و ناخوشی‌ها، خشکسالی‌ها، دردها و رنج‌ها، که بیدارباش‌ها و هشدارهای خدائی بشمارند. «دُونَ»: قبل از. پیش از. «الْعَذَابِ الأكْبَرِ»: عذاب بزرگتر. مراد عذاب اخروی جهنّم است (نگا: رعد / ۳۴، زمر / ۲۶).

سوره سجدهٔ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که به آیات پروردگارش پند داده شود، و او از آنها روی بگرداند؟ مسلّماً ما همگی بزهکاران را کیفر خواهیم داد.

توضیحات:

«ذُكِّرَ»: پند داده شد. یادآور گردید. «أَعْرَضَ»: روی گرداند. پشت کرد. «مُنتَقِمُونَ»: انتقام گیرندگان. مراد از انتقام خدا در قرآن، مجازات کردن و کیفر دادن است (نگا: اعراف / ۱۳۶، حجر / ۷۹، مائده / ۹۵).

سوره سجدهٔ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآئِهِۦۖ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٢٣﴾

ترجمه:

ما برای موسی کتاب (تورات) را فرو فرستادیم، و شک نداشته باش که موسی

تورات را دریافت داشت، و. ما آن را رهنمون و راهنمای بنی‌اسرائیل گرداندیم.

توضیحات:

«الْكِتَابَ»: مراد تورات است. «مِرْيَةٍ»: شک و تردید. «لِقَآئِهِ»: دریافت کردن موسی تورات را. ضمیر (ه) به (الکتاب) باز می‌گردد. «لا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِ»: مخاطب پیغمبر اسلام است و مراد دیگران (نگا: المصحف المیسّر). «هُديً»: هدایت. هادی. راهنمای به حق و حقیقت.

سوره سجدهٔ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُواْ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

و از میان بنی‌اسرائیل پیشوایانی را پدیدار کردیم که به فرمان ما (و برابر قوانین ما، مردمان را) راهنمائی می‌نمودند، بدان گاه که بنی‌اسرائیل (در راه خدا بر تحمّل سختی‌ها) شکیبائی ورزیدند و به آیات ما ایمان کامل پیدا کردند.

توضیحات:

«أَئِمَّةً»: امامان و پیشوایان. مراد انبیاء خدا، یا پیشوایان دینی است که پس از پیغمبران کار امر به معروف و نهی از منکر را به عهده می‌گیرند. «بِأَمْرِنَا»: به فرمان ما و برابر دستور ما. طبق موازین و قوانین ما. «لَـمَّا صَبَرُوا وَ...»: وقتی که بنی‌اسرائیل مشقّات تکالیف و دشواری‌های راه خدا را تحمّل و بر آن استقامت و شکیبائی کردند. دو چیز انسان‌ها را به پیشوائی می‌رساند: نخست ایمان و یقین به آیات الهی، دیگر شکیبائی و پایداری.

سوره سجدهٔ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

پروردگار تو، روز قیامت، میان آنان درباره چیزهای مورد اختلاف ایشان (از قبیل: مسائل دین، رستاخیز، ثواب، و عقاب) داوری می‌کند (و هر یک را به جزا و سزای خود

می‌رساند).

توضیحات:

«یَفْصِلُ»: قضاوت می‌نماید. داوری می‌کند. «بَیْنَهُمْ»: میان بنی‌اسرائیل. میان انبیاء و بنی‌اسرائیل. میان کفّار و مؤمنین.

سوره سجدهٔ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿أَوَ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

آیا برای ایشان روشن نشده است که پیش از آنان ما مردمان نسل‌های فراوانی را هلاک کرده‌ایم و (ایشان هم اینک) در مسکن و (مأوی و جا و) مکان آنان راه می‌روند (و در سفرهای خود ویرانه‌های منازل‌شان را می‌بینند؟). واقعاً در این (دیدار دیار متروک و خالی از سکنه جبّاران و تبه‌کاران تاریخ) نشانه‌هائی (از قدرت خدا، و درس‌های عبرتی از گذشتگان) است. آیا (این اندرزهای الهی، و پندهای عبرت را از زبان حال کاخ‌های ویران و کنگره‌های سر به فلک سایان) نمی‌شنوند؟

توضیحات:

«لَمْ یَهْدِ لَهُمْ»؟: برای آنان روشن و آشکار نشده است؟ (نگا: اعراف / ۱۰۰). فاعل (لَمْ یَهْدِ) مضمون جمله (کَمْ أَهْلَکْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ) است. «الْقُرُونِ»: مردمان نسلهای گوناگون (نگا: انعام / ۶). «أَفَلا یَسْمَعُونَ»: آیا نمی‌شنوند؟ مراد از شنیدن، تدبّر و تفکر و عبرت گرفتن است.

سوره سجدهٔ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّا نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَٰمُهُمْ وَأَنفُسُهُمْۚ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

آیا نمی‌بینند که ما آب را (در لابلای ابرها و بر پشت بادها) به‌سوی سرزمین‌های خشک و برهوت می‌رانیم و به وسیله آن کشتزارها می‌رویانیم که از آن هم چارپایانشان

می‌خورند، و هم خودشان تغذیه می‌نمایند؟ آیا نمی‌بینند؟

توضیحات:

«نَسُوقُ»: می‌رانیم. «الْجُرُزِ»: زمین لخت و برهوت و بدون گیاه (نگا: کهف / ۸). «زَرْعاً»: کشتزار (نگا: انعام / ۱۴۱، کهف / ۳۲). زرع، در اینجا می‌تواند شامل هر گونه گیاه و درختی باشد.

سوره سجدهٔ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡفَتۡحُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: اگر راستگوئید، این روز فیصله (کار) و قضاوت (پروردگار در میان کافران و مؤمنان) کی خواهد بود؟! (چرا عذاب استیصال دنیوی، یا عذاب سرمدی اخروی، هر چه زودتر فرا نمی‌رسد و دامنگیر ما نمی‌شود؟!).

توضیحات:

«الْفَتْحِ»: داوری میان مردم. مراد دو چیز است: نخست روز عذاب استیصال دنیوی، یعنی عذابی که کفّار را ریشه‌کن می‌سازد و مجال و فرصت ایمان آوردن از آنان سلب می‌شود. مثل عذاب فرعون و فرعونیان، قوم هود، قوم نوح (نگا: انعام / ۸ و ۴۰ – ۴۴، فرقان / ۳۶ – ۳۸). دوم روز عذاب سرمدی اخروی که روز داوری اصلی است و به کسی مهلت گریز از عذاب داده نمی‌شود (نگا: بقره / ۱۶۲، نحل / ۸۵، انبیاء / ۴۰ سبأ / ۲۶، صافّات / ۲۱، دخان / ۴۰). و امّا فتح را جنگ بدر یا روز فتح مکه دانستن، اشتباه است. چرا که ایمان آوردن کفّار پذیرفته و مقبول بوده است. از جمله در فتح مکه در حدود دو هزار نفر طلقاء ایمان آورده‌اند (نگا: تفسیر قاسمی).

سوره سجدهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

بگو: در روز فیصله (کار) و قضاوت (پروردگار، کار از کار می‌گذرد و) ایمان آوردن کفّار سودی به حال‌شان ندارد و (لحظه‌ای از دست عذاب) بدی‌شان مهلت داده

نمی‌شود.

توضیحات:

«يَوْمَ الْفَتْحِ»: (نگا: سجده / ۲۸).

سوره سجدهٔ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! اکنون که چنین است و استهزاء و تمسخر، کار همیشگی کافرین است) به ایشان اهمّیت مده (و به تبلیغ خود ادامه بده) و منتظر (یاری خدا و شکست مشرکان) باش، چرا که ایشان هم منتظر (شکست و هلاک تو و مؤمنان) هستند.

توضیحات:

«أَعْرِضْ عَنْهُمْ»: از آنان روی بگردان. بدی‌شان اهمّیت مده.

سوره أحزاب

سوره أحزاب آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! بترس از (عذاب و خشم) خدا، و از کافران و منافقان اطاعت مکن. بی‌گمان خداوند آگاه (از هر چیزی، و) دارای حکمت (در افعال و اقوال خود) است.

توضیحات:

«إِتَّقِ اللهَ»: مراد مداومت بر تقوا و ترس از خدا است. «لا تُطِعْ»: مراد پذیرش سخنان کافران و منافقان، و قبول پیشنهادهای سازشکارانه‌ای است که از طرف ایشان مطرح می‌گردد.

سوره أحزاب آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٢﴾

ترجمه:

از چیزی پیروی کن که از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود. بی‌گمان خداوند از کارهائی که انجام می‌دهید بس آگاه است.

توضیحات:

«إِتَّبِعْ»: پیروی کن.

سوره أحزاب آیه ۳

متن آیه:

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٣﴾

ترجمه:

و بر خدا توکل کن (و کارهای خود را بدو بسپار). همین بس که خداحافظ (و

مدافع انسان) باشد.

توضیحات:

«وَکیلاً»: (نگا: آل‌عمران / ۱۷۳، نساء / ۸۱).

سوره أحزاب آیه ۴

متن آیه:

﴿مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤﴾

ترجمه:

خداوند دو دل را در درون کسی قرار نداده است (همان گونه که کسی دو پدر و یا مادر ندارد). خداوند هرگز همسرانتان را با اظهار « ظِهار » مادران شما نمی‌سازد، و فرزندخواندگانتان را فرزندان حقیقی شما نمی‌نماید. این سخنی است که شما به زبان می‌گوئید (چرا که رابطه پدری و فرزندی یک رابطه طبیعی است و با الفاظ و قراردادها و شعارها هرگز حاصل نمی‌شود). خداوند حق می‌گوید و به راه راست راهنمائی می‌کند.

توضیحات:

«قَلْبَیْنِ»: دو دل. «مَا جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ...»: مراد این است که همان‌گونه که خداوند برای کسی دو پدر، و یا دو مادر قرار نداده است، به کسی هم دو دل نداده است. «جَوْف»: درون. داخل. «تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ»: بدانان می‌گوئید که پشت شما همچون پشت مادرم است. این کار را «ظِهار» می‌گویند. در جاهلیت با گفتن (أَنتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمّي)، همسر برای ابد برای مرد حرام، و با این گفته همسر به منزله مادر او پنداشته می‌شد و آن را طلاق بدون رجعت بشمار می‌آوردند. حکم ظِهار در اسلام در سوره مجادله، آیات ۲ - ۴ خواهد آمد. «أَدْعِیَآءَ»: جمع دَعِی، فرزندخوانده‌ها.

سوره أحزاب آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا ٥﴾

ترجمه:

آنان را به نام پدران‌شان بخوانید که این کار در پیش خدا عادلانه‌تر بشمار است. اگر هم پدران ایشان را نشناختید، آنان برادران دینی و یاران شما هستند. هر گاه در این مورد اشتباه کردید (و مثلاً بر اثر عادت گذشته، یا سبق لسان، به لغزش افتادید و به خطا رفتید) گناهی بر شما نیست. ولی آنچه را که دلتان می‌خواهد (یعنی از روی عمد و اختیار می‌گوئید، گناه است و کیفر دارد). به هر حال، پیوسته خدا آمرزگار و مهربان بوده و هست (و قلم عفو بر اشتباهات و لغزش‌ها می‌کشد و شما را می‌بخشد).

توضیحات:

«أُدْعُوهُمْ»: صدایشان بزنید. ایشان را بخوانید و بنامید. «أَقْسَطُ»: دادگرانه‌تر. استعمال اسم تفضیل عادلانه‌تر بدان معنی نیست که اگر آنان را به نام پدرخوانده‌ها صدا بزنند عادلانه است و به نام پدران واقعی عادلانه‌تر، بلکه مقایسه عادلانه و ناعادلانه، یا به عبارت دیگر خوب و بد است. وقتی که می‌گوئیم: انسان اگر خود را به کام اژدها نیندازد بهتر است. مفهوم سخن این نیست که اگر خود را به کام اژدها بیندازد بِهْ و خوب است. «مَوَالِي»: جمع مَوْلی، یاران. «جُنَاحٌ»: گناه و مجازات. «تَعَمَّدَتْ قُلُوبُکُمْ»: مراد چیزی است که قصد آن کرده باشید و عمداً آن را گفته باشید.

سوره أحزاب آیه ۶

متن آیه:

﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦﴾

ترجمه:

پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد (و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، مقدم بر اراده و خواست ایشان است) و همسران

پیغمبر، مادران مؤمنان محسوبند (و باید احترام مادری آنان را از نظر به دور نداشت، و یکایک ایشان را بزرگ و ارجمند شمرد)، و خویشاوندان نسبت به همدیگر (از نظر ارث بردن بعضی از بعضی) از مؤمنان و مهاجران، در کتاب یزدان (قرآن) از اولویت بیشتری برخوردارند، (و پیمان مؤاخات و برادری موجب ارث نمی‌باشد)، مگر این که بخواهید در حق دوستان خود کار نیکی انجام دهید (و از طریق وصیت، مقداری برای آنان به ارث بگذارید و بدی‌شان خوبی کنید، که این عمل مانعی ندارد). این (حکم توارث خویشاوندان) در کتاب (قرآن) مکتوب و مقرّر است (و تغییر و تبدیلی نمی‌شناسد).

توضیحات:

«أَلنَّبِيُّ أَوْلِي...»: مراد این است که پیغمبر اسلام در جان و مال امّت محمّدی، حق تصرّف بیشتری از خود تصرّف مؤمنان در جان و مال خود دارد، و پیغمبر همیشه باید عزیزتر از جان و مال مؤمن در نزد مؤمن باشد، و فرمان و فرموده او مقدم بر اراده و خواست خود انسان (نگا: نساء / ۶۵). «أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»: همسران پیغمبر مادران امت محمّدی هستند، و لذا مؤمنان باید برابر فرمان آسمانی حرمت مقام مادری ایشان را رعایت کنند و یکایک مادران آسمانی را گرامی‌دارند (نگا: احزاب / ۵۳). «أُولُوا الأرْحَامِ، بَعْضُهُمْ أَوْلِي بِبَعضٍ...»: این قسمت از آیه، بیان‌گر این واقعیت است که مؤاخات و برادری موجود میان مهاجرین و انصار مدینه در صدر اسلام، و مؤاخات و برادری منعقد در هر زمانی، موجب ارث بردن نمی‌باشد. «كِتَابِ اللهِ»: مراد لوح محفوظ یا قضا و قدر الهی است و یا مراد قرآن کلام آفریدگار است که قوانین ارث در آن مقرّر است (نگا: بقره / ۲۳۳، نساء / ۱۱ و ۱۲ و ۱۹ و ۱۷۶). «إِلاّ أَن تَفْعَلُوا...»: اشاره بدین نکته است که اگر انسان در حق دوستان نیکی کرد و از ۱۳ دارائی به جای مانده، قسمتی را برابر وصیت، به آنان دهد، بلامانع است. «الْكِتَابِ»: مثل بالا. «مَسْطُوراً»: مکتوب. نوشته شده.

سوره أحزاب آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٧﴾

ترجمه:

(یادآور شو) هنگامی را که از پیغمبران پیمان گرفتیم و همچنین از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم. (آری)! از آنان پیمان محکم و استواری گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ رسالت، و دعوت مردم به خداشناسی و یکتاپرستی کوتاهی نکنند).

توضیحات:

«مِیثَاقاً غَلِیظاً»: پیمان سخت و عهد استوار (نگا: نساء / ۲۱).

سوره أحزاب آیه ۸

متن آیه:

﴿لِّيَسۡـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡۚ وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ٨﴾

ترجمه:

هدف این است که خداوند از راستکاری و راستگوئی افراد راستکار و راستگو پرسش کند (و پاداش نیک آنان را بدهد)، و خداوند عذاب دردناکی برای کافران آماده ساخته است.

توضیحات:

«لِیَسْأَلَ»: تا سؤال کند. مراد این است که پیغمبران باید پیام خدا را به مردم ابلاغ کنند، و علماء نیز تا آنجا که در توان دارند باید در تبیین آئین الهی بکوشند و از کتمان بپرهیزند تا با در دست داشتن حجّت، خدا از مردم بازخواست فرماید. «الصَّادِقِینَ»: راستکاران و راستگویان. مراد انبیاء خدا است (نگا: مائده / ۱۰۹) یا مراد مؤمنین است که در مقابل کافرین قرار گرفته‌اند (نگا: احزاب / ۲۳، حجرات / ۱۵، حشر / ۸).

سوره أحزاب آیه ۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! به یاد آورید نعمت خدای را در حق خودتان، بدان گاه که لشکرها به سراغ شما آمدند (تا کار اسلام را برای همیشه یکسره کنند. یعنی پیغمبر را بکشند و

مسلمانان را در هم بکوبند و مدینه را غارت کنند، و بالاخره چراغ اسلام را خاموش سازند). ولی ما تندباد (سخت سردی) را بر آنان گماشتیم و لشکرهائی (از فرشتگان) را به‌سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی‌دیدید. (فرشتگان رعب و هراس را به دل‌هایشان انداختند و طوفان باد خیمه و خرگاه ایشان را بازیچه قرار داد و بدین وسیله آنان را در هم کوبیدیم). خداوند می‌دید کارهائی را که می‌کردید.

توضیحات:

«إِذْ جَآءَتْکُمْ جُنُودٌ...»: اشاره به جنگ احزاب است. جنگ احزاب، نام مبارزه همه جانبه‌ای است که از ناحیه عموم دشمنان اسلام و گروههای مختلفی همچون یهودیان بنی نضیر و طایفه قریش، و قبائل غطفان و بنی‌اسد و بنی سلیم در سال پنجم هجری به راه انداخته شده بود. «رِیحاً»: مراد طوفان باد سخت و سردی است که خیمه و خرگاه لشکریان کفر را به بازیچه گرفت. «جُنُودٌ لَّمْ تَرَوْهَا»: مراد فرشتگانی است که خوف و هراس را به دل سپاهیان دشمن انداختند. چه بسا مراد چیزهای دیگری هم باشد که جز خدا کسی از آنها آگاه نیست.

سوره أحزاب آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ ٱلْأَبْصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ﴿١٠﴾﴾

ترجمه:

(به خاطر بیاورید) زمانی را که دشمنان از طرف بالا و پائین (شهر) شما، به‌سوی شما آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و زمانی را که چشم‌ها (از شدّت وحشت) خیره شده بود، و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگونی درباره (وعده) خدا داشتید (قوی‌الایمان به وعده الهی مطمئن، و ضعیف‌الایمان نامطمئن بود).

توضیحات:

«مِن فَوْقِکُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنکُمْ»: کنایه از محاصره از هر سو است. «زَاغَتِ الأَبْصَارُ»: مراد اختلال پیدا کردن چشم‌ها از شدّت خوف و هراس است. «بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ»: دل‌ها به گلوگاه‌ها رسیده بود. در فارسی معادل این مفهوم چنین است:

جانها به لب‌ها رسیده بود. مراد اضطراب دل‌ها است. «تَظُنُّونَ بِاللهِ الظُّنُونَ»: درباره وعده خدا گمانها می‌بردید. مراد این است که برخی‌ها که قوی‌الایمان بودند به وعده خدا اطمینان کامل داشتند، و برخی‌ها که ضعیف‌الایمان بودند، چندان امیدی به وعده پیروزی الهی نداشتند. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر (الظُّنُونَ) قرار دارد.

سوره أحزاب آیه ۱۱

متن آیه:

﴿هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ١١﴾

ترجمه:

در این وقت مؤمنان (در کوره داغ حوادث جنگ و مبارزه و هلاک و هراس) آزمایش شدند و سخت به اضطراب افتادند.

توضیحات:

«هُنالِكَ»: آنجا. در اینجا مراد «آن وقت» است. «ابْتُلِيَ»: آزمایش شدند. کلام از باب تمثیل است و مراد این است که خداوند ایشان را بیازمود تا مخلص از منافق، و ثابت قدم از متزلزل، در این محاصره همه جانبه و تهدید به نابودی جدا و ممتاز شود. «زُلْزِلُوا...»: مضطرب و پریشان شدند و سخت تکان خوردند.

سوره أحزاب آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا ١٢﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) زمانی را که منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری (نفاق) بود می‌گفتند: خدا و پیغمبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند.

توضیحات:

«الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ»: مراد همان منافقان است، و عطف صفت بر موصوف است. «غُرُوراً»: گول زدن، در اینجا مراد باطل و دروغ است.

سوره أحزاب آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَـٔۡذِنُ فَرِيقٞ مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارٗا ۝١٣﴾

ترجمه:

و (به یاد آورید) زمانی را که گروهی از آنان (که منافق و ضعیف‌الایمان بودند) گفتند: ای اهل یثرب! اینجا (کنار خندق) جای ماندگاری شما نیست (و ایستادگی در کارزار، همگان را زیانبار می‌سازد)، لذا (به منازل خود) برگردید. دسته‌های از ایشان هم از پیغمبر اجازه (بازگشت به خانه‌های خود) خواستند و گفتند: واقعاً خانه‌های ما بدون حفاظ و نااستوار است (و باید برای نگهبانی از آنها برگردیم.) در حالی که بدون حفاظ و نااستوار نبود و مرادشان جز فرار (از جنگ) نبود.

توضیحات:

«يَثْرِبَ»: نام شهر «مدینه» در دوره جاهلیت بود. «مُقَامَ»: جای اقامت. اقامت. مراد ماندن در دور و بر خندق برای دفاع از خود است. «عَوْرَةٍ»: شکاف و درز دیوار و جز آن. در اینجا مراد «ذَاتُ عَوْرَةٍ»: یعنی صاحب شکاف و محلّ رخنه است که دزدان و امثال ایشان می‌توانند از آنجا وارد منزل گردند. «إِنْ»: حرف نفی است.

سوره أحزاب آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ دُخِلَتۡ عَلَيۡهِم مِّنۡ أَقۡطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُواْ ٱلۡفِتۡنَةَ لَأٓتَوۡهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ إِلَّا يَسِيرٗا ۝١٤﴾

ترجمه:

(آنان آن اندازه سست اراده و ایمانند که نه آماده پیکار با دشمن و نه پذیرای شهادتند) و اگر احزاب از جوانب مدینه وارد آن شوند (و شهر را اشغال کنند) و بدی‌شان پیشنهاد نمایند که از دین برگردید (و بت‌پرستی و شرک را بپذیرید) به سرعت می‌پذیرند و جز مدّت کمی برای انتخاب این پیشنهاد درنگ نخواهند کرد!

توضیحات:

«لَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ»: مراد این است که اگر سپاهیان احزاب وارد شهر و منازل ایشان

شوند. «أَقْطَارِهَا»: نواحی و جوانب شهر. «سُئِلُوا»: از ایشان درخواست گردد. کفّار بدانان پیشنهاد کنند. «الْفِتْنَةَ»: برگشت از دین (نگا: بقره / ۱۹۳). برخی گفته‌اند مراد جنگ علیه مسلمین است. یعنی منافقان و افراد ضعیف‌الایمان نه تنها دین اسلام را ترک می‌گویند، بلکه حاضرند با اسلام و مسلمین وارد کارزار شوند. «مَا تَلَبَّثُوا»: درنگ نمی‌کنند. «بِهَا»: در پذیرش ردّه و برگشت از دین. یا در منازل و شهر. یعنی هر چه زودتر به کفر و شرک برمی‌گردند، یا هر چه زودتر از خانه و کاشانه خود به در می‌آیند و همراه کفّار بی‌درنگ با مسلمانان می‌جنگند.

سوره أحزاب آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كَانُواْ عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلۡأَدۡبَٰرَۚ وَكَانَ عَهۡدُ ٱللَّهِ مَسۡـُٔولٗا ١٥﴾

ترجمه:

آنان قبلاً با خدا عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند). عهد و پیمان خدا پرسش دارد (و از وفای بدان بازخواست می‌شود).

توضیحات:

«لا يُوَلُّونَ الأَدْبَارَ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۱، انفال / ۱۵). «مَسْؤُولاً»: پرسیده. مورد پرسش و باز خواست قرار گیرنده.

سوره أحزاب آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٦﴾

ترجمه:

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار سودی به حال شما نخواهد داشت، و اگر (هم به فرض) سودی داشته باشد، خدا بیش از چند روزی (از زندگی دنیا) بهره‌مندتان نمی‌گرداند، (و روزگار زندگی هر چند طولانی هم باشد کم و ناچیز است).

توضیحات:

«لا تُـمَتَّعُونَ»: به شما داده نخواهد شد و برخوردارتان نمی‌گردانند.

سوره أحزاب آیه ۱۷

متن آیه:

﴿قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٧﴾

ترجمه:

بگو: چه کسی می‌تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند، اگر او مصیبت یا رحمتی را برای شما بخواهد؟ آنان غیر از خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت.

توضیحات:

«يَعْصِمُكُمْ»: شما را حفظ می‌کند. در امانتان می‌دارد. «مِن دُونِ الله»: بجز خدا.

سوره أحزاب آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا ١٨﴾

ترجمه:

خداوند کسانی را به خوبی می‌شناسد که مردم را از جنگ باز می‌داشتند، و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: به‌سوی ما بیائید و (به ما بپیوندید و خود را از معرکه بیرون بکشید)، و جز مقدار کمی (آن هم از روی اکراه یا ریا) دست به جنگ نمی‌یازیدند.

توضیحات:

«قَدْ يَعْلَمُ»: خدا قطعاً می‌داند. «الْمُعَوِّقِينَ»: منصرف کنندگان. بازدارندگان. «هَلُمَّ»: بیائید! این واژه برای مفرد و مثنّی و جمع به کار می‌رود (نگا: انعام / ۱۵۰). «الْبَأْسَ»: جنگ. شدّت جنگ (نگا: بقره / ۱۷۷). «لا يَأْتُونَ الْبَأْسَ»: دست به جنگ نمی‌یازند.

سوره أحزاب آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي

يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم بِأَلۡسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ١٩﴾

ترجمه:

آنان نسبت به شما بخیلند (و برای تهیه ادوات و ابزار جنگی کمترین کمکی نمی‌کنند) و هنگامی که لحظات بیم و هراس فرا می‌رسد (و جنگجویان به‌سوی یکدیگر می‌روند و چکاچاک اسلحه همدیگر را می‌شنوند، آن چنان ترسو هستند که) می‌بینی به تو نگاه می‌کنند در حالی که چشمان‌شان بی‌اختیار در حدقه به گردش درآمده است همسان کسی که دچار سکرات موت بوده و می‌خواهد قالب تهی کند. امّا هنگامی که خوف و هراس نماند (و جنگ به پایان رسید و زمان امن و امان فرا رسید) زبانهای تند و تیز خود را بی‌ادبانه بر شما می‌گشایند (و مقامات شجاعت و یاری خویشتن را می‌ستایند، و پررویانه سهم هر چه بیشتر غنائم را ادّعاء می‌نمایند!) و برای گرفتن غنائم سخت حریص و آزمندند. آنان هرگز ایمان نیاورده‌اند، و لذا خدا اعمال ایشان را باطل و بی‌مزد می‌کند و این کار برای خدا آسان است.

توضیحات:

«أَشِحَّةً»: جمع شَحیح، بخلاء. آزمندان. «أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ»: مراد این است که اهل ایثار و فداکاری از نظر جان و مال نبوده و برای تهیه توشه و ادوات جنگی حاضر به همکاری نیستند. برخی از مفسّران فرموده‌اند: مراد این است که قبل از جنگ خویشتن را دوستان و دوستداران گرم شما نشان می‌دهند. «يُغْشي عَلَيْهِ»: بیهوش می‌گردد. «سَلَقُوكُمْ»: شما را با سخنان درشت و ناهمگون می‌آزارند. شما را زخم زبان می‌زنند و می‌رنجانند. «حِدَادٍ»: جمع حَدید، تیز و تند. مراد تیز و بُرّان برای اذیت و آزار دیگران است. «أَشِحَّةً عَلَي‌الْخَيْرِ»: آزمندان بر غنائم. بخل ورزندگان بر خیر و نعمت.

سوره أحزاب آیه ۲۰

متن آیه:

﴿يَحۡسَبُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ لَمۡ يَذۡهَبُواْۖ وَإِن يَأۡتِ ٱلۡأَحۡزَابُ يَوَدُّواْ لَوۡ أَنَّهُم بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ يَسۡـَٔلُونَ عَنۡ أَنۢبَآئِكُمۡۖ وَلَوۡ كَانُواْ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلٗا ٢٠﴾

ترجمه:

آنان (از شدّت خوف و هراس هنوز) گمان می‌کنند لشکریان احزاب نرفته‌اند، و اگر احزاب بار دیگر برگردند، ایشان دوست می‌دارند در میان اعراب بادیه‌نشین، صحرانشین شوند (تا اذیت و آزاری بدی‌شان نرسد، و بدین اکتفاء می‌کنند که از شما خبر بگیرند) و اخبار شما را جویا شوند. اگر آنان (قبلاً فرار نمی‌کردند و به مدینه برنمی‌گشتند و) در میان شما می‌ماندند، جز مقدار کم و ناچیزی نمی‌جنگیدند (و آن هم برای ریا و خودنمائی) و...

توضیحات:

«بَادُونَ»: جمع بادی، بادیه‌نشینان، صحرانشینان (نگا: حجّ / ۲). «الأعْرَابِ»: ساکنان بادیه (نگا: توبه / ۹۰).

سوره أحزاب آیه ۲۱

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾

ترجمه:

سرمشق و الگوی زیبائی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است. برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند:) امید به خدا داشته، و جویای قیامت باشند، و خدای را بسیار یاد کنند.

توضیحات:

«أُسْوَةٌ»: قدوه و پیشوا. الگو و سرمشق. «يَرْجُو»: امیدوار باشد. بخواهد. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر دارد.

سوره أحزاب آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا ٢٢﴾

ترجمه:

هنگامی که مؤمنان احزاب را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیغمبرش به ما وعده فرموده بودند. (خدا و رسول او به ما وعده داده بودند که نخست

سختی‌ها و رنج‌ها، و به دنبال آن خوشی‌ها و گنج‌ها است) و خدا و پیغمبرش راست فرموده‌اند. این سختی‌ها جز بر ایمان (به خدا) و تسلیم (قضا و قدر شدن) ایشان نمی‌افزاید.

توضیحات:

«هذا»: این محنت و گرفتاری، و پیروزی و رهائی.

سوره أحزاب آیه ۲۳

متن آیه:

﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا ٢٣﴾

ترجمه:

در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده‌اند در پیمانی که با او بسته‌اند. برخی پیمان خود را بسر برده‌اند (و شربت شهادت سرکشیده‌اند) و برخی نیز در انتظارند (تا کی توفیق رفیق می‌گردد و جان را به جان آفرین تسلیم خواهند کرد). آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند (و کمترین انحراف و تزلزلی در کار خود پیدا نکرده‌اند).

توضیحات:

«قَضي نَحْبَهُ»: به نذر خود وفا کرد. مراد از نذر، موت است. یعنی جان خود را فدا کرده است و شربت شهادت را نوشیده است.

سوره أحزاب آیه ۲۴

متن آیه:

﴿لِّيَجۡزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٤﴾

ترجمه:

هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدق‌شان پاداش بدهد، و منافقان را هر گاه بخواهد عذاب کند، و یا (اگر توبه کنند) ببخشد و توبه ایشان را بپذیرد. چرا که خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«بِصِدْقِهِمْ»: به سبب صدق و راستیشان.

سوره أحزاب آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُواْ خَيْرًاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

خداوند کافران را با دلی لبریز از خشم و غم بازگرداند، در حالی که به هیچ یک از نتائجی که در نظر داشتند نرسیده بودند. خداوند (در این میدان) مؤمنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بی‌نیاز ساخت، و خداوند نیرومند و چیره است.

توضیحات:

«رَدَّ»: برگرداند. «بِغَيْظِهِمْ»: همراه با خشم و غم. یعنی غمگین و خشمگین برگشتند. «خَيْراً»: مراد پیروزی و غنیمت و هدف‌های دیگری که داشتند می‌باشد.

سوره أحزاب آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾﴾

ترجمه:

خداوند کسانی از اهل کتاب (بنی‌قریظه) را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از دژهایشان پائین کشید، و به دل‌هایشان ترس و هراس انداخت (و کارشان به جائی رسید که) گروهی را کشتید و گروهی را اسیر کردید.

توضیحات:

«ظَاهَرُوهُمْ»: ایشان را پشتیبانی کرده بودند. «صَيَاصِي»: جمع صیصَة، آنچه بدان پناهنده شوند. در اینجا مراد قلعه‌ها و دژهای محکم است. «تَأْسِرُونَ»: اسیر می‌کردید.

سوره أحزاب آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَٰرَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرًا ﴿۲۷﴾

ترجمه:

و زمین‌ها و خانه‌هایشان و دارائی آنان، و همچنین زمینی را که هرگز بدان گام ننهاده بودید، به چنگ شما انداخت. بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«أَرْضاً لَّمْ تَطَؤُوهَا»: زمینی که بدان پای ننهاده بودید. مراد باغ‌ها و اراضی بنی‌قُرَیظه، یا سرزمین خیبر است که به فاصله نه چندان زیادی در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

سوره أحزاب آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ﴿۲۸﴾﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! به همسران خود بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، بیائید تا به شما هدیه‌ای مناسب بدهم و شما را به طرز نیکوئی رها سازم.

توضیحات:

«أُمَتِّعْكُنَّ»: تا به شما مُتعه طلاق بدهم. مراد از مُتعه، هدیه‌ای است که با شأن زن متناسب باشد (نگا: بقره / ۲۳۶ و ۲۴۱). «أُسَرِّحْكُنَّ»: شما را رها سازم. مراد طلاق است (نگا: بقره / ۲۲۹). «سَرَاحاً جَمِيلاً»: رها و آزاد کردنِ نیکوئی. مراد طلاقی است که زیان و ضرری و جنگ و دعوائی به همراه نداشته باشد.

سوره أحزاب آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿۲۹﴾﴾

ترجمه:

و امّا اگر شما خدا و پیغمبرش و سرای آخرت را می‌خواهید (و به زندگی ساده از نظر مادی، و احیاناً محرومیت‌ها قانع هستید) خداوند برای نیکوکاران شما پاداش

بزرگی را آماده ساخته است.

توضیحات:

«إِن كُنتُنَّ...»: مخاطب زنان پیغمبر، ولی محتوای آیات همگان را شامل می‌شود.

سوره أحزاب آیه ۳۰

متن آیه:

﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ۝٣٠﴾

ترجمه:

ای همسران پیغمبر! هر کدام از شما مرتکب گناه آشکاری شود (از آنجا که مفاسد گناهان شما در محیط تأثیر سوئی دارد و به شخص پیغمبر هم لطمه می‌زند) کیفر او دو برابر (دیگران) خواهد بود، و این برای خدا آسان است.

توضیحات:

«فَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ»: گناه آشکارا. «ضِعْفَيْنِ»: دو برابر. دو چندان.

سوره أحزاب آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَمَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا نُّؤۡتِهَآ أَجۡرَهَا مَرَّتَيۡنِ وَأَعۡتَدۡنَا لَهَا رِزۡقٗا كَرِيمٗا ۝٣١﴾

ترجمه:

و هر کس از شما در برابر خدا و پیغمبرش خضوع و اطاعت کند و کار شایسته انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم داد، و برای او (در قیامت) رزق و نعمت ارزشمندی فراهم ساخته‌ایم.

توضیحات:

«يَقْنُتْ»: خشوع و خضوع کند. از ماده (قنوت) که به معنی اطاعت توأم با خضوع و ادب است. «رِزْقاً كَرِيماً»: روزی گرانقدر و ارزشمند. مراد بهشت است که کانون همه موهبت‌ها و نعمت‌ها است.

سوره أحزاب آیه ۳۲

متن آیه:

﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّۚ فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٣٢﴾

ترجمه:

ای همسران پیغمبر! شما (در فضل و شرف) مثل هیچ یک از زنان (عادی مردم) نیستید. اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید (به گونه هوس‌انگیز) صدا را نرم و نازک نکنید (و با اداء و اطواری بیان ننمائید) که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید. (بدان گونه که مورد رضای خدا و پیغمبر او است).

توضیحات:

«إِنِ اتَّقَيْتُنَّ»: برخی این شرط را قید جمله ماقبل دانسته و گفته‌اند: شما مثل هیچ یک از زنان عادی مردم نیستید اگر پرهیزگار باشید. بعضی هم به ما بعد مربوط دانسته‌اند که معنی آن در بالا گذشت. «لا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»: سخن را نازک نکنید و به گونه هوس‌انگیز و با ادا و اطوار صحبت منمائید و بلکه به طور معمولی و شایسته حرف بزنید.

سوره أحزاب آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا ٣٣﴾

ترجمه:

و در خانه‌های خود بمانید (و جز برای کارهائی که خدا بیرون رفتن برای انجام آنها را اجازه داده است، از خانه‌ها بیرون نروید) و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمائی نکنید (و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید) و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید. خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت (پیغمبر) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

توضیحات:

«قَرْنَ»: قرار بگیرید. بمانید. اصل آن (إِقْرَرْنَ) است و برای تخفیف راء اوّل را حذف

و فتحه آن را به قاف منتقل کرده‌اند. مراد نهی از خروج زیاد بی‌هدف است. «لا تَبَرَّجْنَ»: (نگا: نور / ۶۰). «الرِّجْسَ»: (نگا: مائده / ۹۰، انعام / ۱۲۵). «أَهْلَ الْبَیْتِ»: زنان خانواده پیغمبر. واژه (أَهْلَ) منصوب به اختصاص، و یا این که منادا است. «عَنکُمْ... یُطَهِّرَکُمْ»: تبدیل ضمیرهای جمع مؤنّث به جمع مذکر به خاطر لفظ (أَهْلَ) است (نگا: هود / ۷۳، طه / ۱۰، قصص / ۲۹).

سوره أحزاب آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ٣٤﴾

ترجمه:

و آیات خدا و سخنان حکمت انگیز (پیغمبر) را که در منازل شما خوانده می‌شود (بیاموزید و برای دیگران) یاد کنید. بی‌گمان خداوند دقیق و آگاه است.

توضیحات:

«أُذْکُرْنَ»: یاد کنید و بیان دارید. «الْحِکْمَةِ»: مراد سنّت نبوی است. «لَطِیفاً»: آگاه از دقائق امور. صاحب لطف.

سوره أحزاب آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُسۡلِمِينَ وَٱلۡمُسۡلِمَٰتِ وَٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلۡخَٰشِعِينَ وَٱلۡخَٰشِعَٰتِ وَٱلۡمُتَصَدِّقِينَ وَٱلۡمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلۡحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمۡ وَٱلۡحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا ٣٥﴾

ترجمه:

مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایش‌گر و زنان بخشایش‌گر، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد

می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.

توضیحات:

«الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ»: مردان و زنان مسلمان و منقاد فرمان خدا. «الْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ»: مردان و زنان مطیع اراده و معترف به الوهیت خدا (نگا: بقره / ۲۳۸، نساء / ۳۴). «الذَّاكِرِينَ...»: همیشه یاد کنندگان خدا با طاعت و دعا. این آیه بیان‌گر این واقعیت است که اسلام از نظر جنبه‌های انسانی دنیوی و مقامات معنوی اخروی زن و مرد را در کنار هم قرار می‌دهد و برای هر دو پاداشی یکسان قائل است (نگا: نحل / ۹۷).

سوره أحزاب آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦﴾

ترجمه:

هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرّر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد). هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد.

توضیحات:

«قَضي»: داوری کرد. حکم صادر کرد. سخن را به پایان برد. «الْخِيَرَةُ»: اختیار. حق انتخاب (نگا: قصص / ۶۸).

سوره أحزاب آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ تَقُولُ لِلَّذِيٓ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَأَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِ أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبۡدِيهِ وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيۡدٞ مِّنۡهَا وَطَرٗا زَوَّجۡنَٰكَهَا لِكَيۡ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ حَرَجٞ فِيٓ أَزۡوَٰجِ أَدۡعِيَآئِهِمۡ إِذَا قَضَوۡاْ مِنۡهُنَّ وَطَرٗاۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولٗا ٣٧﴾

ترجمه:

(یادآور شو) زمانی را که به کسی (زید بن حارثه نام) که خداوند (با هدایت دادن وی به اسلام) بدو نعمت داده بود، و تو نیز (با تربیت کردن و آزاد نمودن وی) بدو لطف کرده بودی، می‌گفتی: همسرت (زینب بنت جحش) را نگاهدار و از خدا بترس. (ای پیغمبر!) تو چیزی را در دل پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌سازد، و از مردم می‌ترسیدی، در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. هنگامی که زید نیاز خود را بدو به پایان برد (و بر اثر سنگدلی و ناسازگاری زینب، مجبور به طلاق شد و وی را رها کرد) ما او را به همسری تو درآوردیم. تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخواندگان خود نباشد، بدان گاه که نیاز خود را بدانان به پایان ببرند (و طلاق‌شان دهند). فرمان خدا باید انجام بشود.

توضیحات:

«الَّذِي...»: کسی که. مراد زید پسر حارثه است که پسرخوانده پیغمبر بود. «أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ»: مراد نعمت هدایت و توفیق شرفیابی به دین اسلام است. «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ»: مراد نعمت آزاد کردن زید از بردگی و حسن تربیت او است. «مَا»: چیزی که. مراد پیام وحی است. یعنی خدا به پیغمبر خبر داده بود که زید پسر حارثه، برده آزاد شده تو، زینب دختر جحش، عمّه‌زاده تو را طلاق خواهد داد، و تو باید - بر خلاف میل خود و علیرغم سنّت جامعه جاهلیت - او را به همسری بپذیری. تا دو سنّت غلط جاهلی شکسته شود: یکم حرام بودن ازدواج با همسر مطلّقه پسرخوانده برابر عرف محیط، دوم کسر شأن بودن ازدواج با همسر مطلّقه یک غلام و برده آزاد شده. «وَطَراً»: نیاز و حاجت. «قَضي زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَراً»: زید از زینب کام دل گرفت و نیاز خود را برآورده کرد. کنایه از پایان گرفتن زندگی با زینب و طلاق دادن او است.

سوره أحزاب آیه ۳۸

متن آیه:

﴿مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ٣٨﴾

ترجمه:

هیچ گونه گناه و تقصیری بر پیغمبر نیست در انجام چیزی که خدا برای او واجب و

لازم کرده باشد. این سنّت الهی، در مورد پیغمبران (ملّت‌های) پیشین نیز جاری بوده است، و فرمان خدا همواره روی حساب و برنامه دقیقی است و باید به مرحله اجرا درآید.

توضیحات:

«حَرَجٍ»: گناه. تقصیر. «فِيمَا فَرَضَ اللهُ لَهُ»: در چیزی و کاری که خدا آن را برای او معین و واجب کرده است (نگا: تحریم / ۲). «سُنَّةَ اللهِ»: طریقه و شیوه‌کار خدا. واژه (سُنَّة) مفعول مطلق و در اصل چنین بوده است: «سَنَّ اللهُ ذٰلِكَ سُنَّةً». «الَّذِينَ»: مراد انبیاء خدا است (نگا: اسراء / ۷۷). «قَدَراً مَّقْدُوراً»: این بخش اشاره به حتمی‌بودن فرمان الهی، و چه بسا ناظر به رعایت حکمت و مصلحت در آن است. یعنی فرمان خدا هم از روی حساب است و هم بی‌چون و چرا باید اجرا شود. واژه (قَدَر) یا به معنی همان قضا و قدر است. یعنی کار خدا از قضا و قدر سرچشمه می‌گیرد. یا به معنی ذُوقَدَر و یا این که اندازه و مقدار معین است. توصیف (قَدَراً) به (مَقْدُوراً) برای تأکید است. مثل: «ظِلٌّ ظَلِيلٌ. لَيْلٌ أَلْيَلُ».

سوره أحزاب آيه ۳۹

متن آيه:

﴿ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا ٣٩﴾

ترجمه:

(پیغمبران پیشین، یعنی آن) کسانی که (برنامه‌ها و) رسالتهای خدا را (به مردم) می‌رساندند، و از او می‌ترسیدند و از کسی جز خدا نمی‌ترسیدند، و همین بس که خدا حسابگر (زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان) باشد.

توضیحات:

«الَّذِينَ»: مراد همان انبیاء خدا در آیه قبلی است. «حَسِيباً»: حسابگر. حسابرس. مراد محاسبه‌کننده اعمال و ناظر بر افعال است.

سوره أحزاب آيه ۴۰

متن آيه:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ

بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٤٠﴾

ترجمه:

محمّد پدر (نسبی) هیچ یک از مردان شما (نه زید و نه دیگری) نبوده (تا ازدواج با زینب برای او حرام باشد) و بلکه فرستاده خدا و آخرین پیغمبران است (و رابطه او با شما رابطه نبوّت و رهبری است). و خدا از همه چیز آگاه بوده و هست.

توضیحات:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ...»: این بخش، بیان‌گر نتیجه (مَا جَعَلَ أَدْعِيَآءَكُمْ أَبْنَآءَكُمْ...) در آیه چهارم همین سوره است. «خَاتَمَ النَّبِيِّنَ»: آخرین پیغمبران. واژه (خاتَم) اسم آلت است. یعنی ابزاری که بدان ختم و مهر می‌گردد. در اینجا مراد آخرین فرد پیغمبران است و این که آئین او آئین مردمان در طول زمان و سراسر جهان است (نگا: اعراف / ۱۵۸، سبأ / ۲۸، فرقان / ۱).

سوره أحزاب آیه ۴۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ﴿٤١﴾﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! بسیار خدای را یاد کنید (و هرگز او را فراموش ننمائید).

توضیحات:

«أُذْكُرُوا اللهَ...»: مراد این است که بنده در همه حال به یاد خدا باشد، و پرستش و ستایش یزدان صحنه‌های زندگی او را نورباران کند.

سوره أحزاب آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

و بامدادان و شامگاهان (و در همه وقت و آن) به تسبیح و تقدیس او بپردازید.

توضیحات:

«بُكْرَةً»: بامدادان. اوّل روز. «أَصِيلاً»: شامگاهان. آخر روز.

سوره أحزاب آيه ۴۳

متن آيه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ۝٤٣﴾

ترجمه:

او كسی است كه به شما عنايت و مرحمت می‌كند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می‌نمايند، تا يزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاريكی‌های (كفر و ضلالت) بيرون آورد و به نور (ايمان و هدايت) برساند. چرا كه او پيوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

توضيحات:

«يُصَلِّي»: اين فعل از ماده (صَلاة) است كه به معنی توجّه و عنايت و مهربانی و عطوفت است. در اينجا مراد از (صَلاة) خدا رحمت، و از (صَلاة) فرشتگان طلب مغفرت و مرحمت است (نگا: غافر / ۷ - ۹).

سوره أحزاب آيه ۴۴

متن آيه:

﴿تَحِيَّتُهُمۡ يَوۡمَ يَلۡقَوۡنَهُۥ سَلَٰمٞۚ وَأَعَدَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَرِيمٗا ۝٤٤﴾

ترجمه:

درودشان (از جانب خدا) در روزی كه او را ملاقات و ديدار می‌كنند، امن و امانتان باد است، و خدا برای آنان پاداش گران‌بها و ارزشمندی را فراهم ساخته است.

توضيحات:

«تَحِيَّتُهُمْ»: درود ايشان. می‌تواند مراد درود مؤمنان به يكديگر (نگا: يونس / ۱۰، ابراهيم / ۲۳) يا درود خدا بدی‌شان (نگا: يس / ۵۸) و يا درود فرشتگان به آنان باشد (نگا: رعد / ۲۳ و ۲۴). «يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ»: روزی كه خدا را ديدار می‌كنند. مراد روز قيامت است (نگا: كهف / ۱۱۰، توبه / ۷۷). «كَرِيماً»: گران‌بها. ارزشمند.

سوره أحزاب آيه ۴۵

متن آيه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٤٥﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم.

توضیحات:

«شَاهِداً»: گواهی دهنده به حق. یعنی وجود مبارک پیغمبر، با اوصاف و اخلاق زیبایش، و ارائه برنامه‌های سازنده مکتوب در قرآن و منظور در افعال و اقوالش، گواه بر حقّانیت مکتب آسمانی اسلام است. گواه بر احوال و اعمال امت اسلامی است، همان‌گونه که هر پیغمبری شاهد و گواه بر امت خویش است، و جملگی پیغمبران چنین گواهی و شهادتی را در روز قیامت اداء خواهند فرمود (نگا: نساء / ۴۱). «مُبَشِّراً»: مژده دهنده مؤمنان به بهشت و سعادت سرمدی. «نَذِيراً»: بیم دهنده کافران به دوزخ و عذاب ابدی.

سوره أحزاب آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا ٤٦﴾

ترجمه:

و به عنوان دعوت کننده به‌سوی خدا طبق فرمان الله، و به عنوان چراغ تابان.

توضیحات:

«دَاعِياً»: دعوت کننده. «بِإِذْنِهِ»: برابر فرمان خدا و طبق برنامه الله. با توفیق خدا و در پرتو راهگشائی او. «سِرَاجاً»: چراغ. «مُنِيراً»: نورانی. نوربخش. «سِرَاجاً مُنِيراً»: مراد از چراغ روشن، خورشید تابان است (نگا: نوح / ۱۶). یعنی وجود خورشید گونه پیغمبر، تاریکی‌های جهل و شرک و کفر را از افق آسمان روح انسان‌ها می‌زداید، و راه منتهی به سعادت را برای همگان روشن می‌نماید.

سوره أحزاب آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا ٤٧﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) به مؤمنان مژده بده که ایشان از سوی خدا نعمت فراوانی (و برتری

عظیمی، در دنیا و آخرت) دارند.

توضیحات:

«فَضْلاً كَبِيراً»: خیر و نعمت فراوان. یعنی خداوند آن قدر از فضل خود به مؤمنان می‌بخشد که موازنه میان عمل و پاداش را به کلّی به هم می‌زند (نگا: بقره / ۲۶۱، انعام / ۱۶۰، سجده / ۱۷). برتری بزرگ بر سائر ملّت‌ها.

سوره أحزاب آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٤٨﴾

ترجمه:

و از کافران و منافقان فرمانبرداری مکن، و اعتنائی به اذیت و آزارشان نداشته باش، و بر خدا تکیه کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع باشد.

توضیحات:

«لا تُطِعْ...»: مخاطب پیغمبر و مراد پیروان او است. «دَعْ»: رها کن. مراد از رهائی در اینجا بی‌اعتنائی و ناچیز شمردن است. «وَكِيلاً»: (نگا: نساء / ۸۱).

سوره أحزاب آیه ۴۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحۡتُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمۡ عَلَيۡهِنَّ مِنۡ عِدَّةٖ تَعۡتَدُّونَهَاۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٤٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که با زنان مؤمنه ازدواج کردید و پیش از همبستری با ایشان، آنان را طلاق دادید، برای شما عدّه‌ای بر آنان نیست تا حساب آن را نگاه دارید. ایشان را از هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و به گونه محترمانه و زیبائی آنان را آزاد و رها سازید.

توضیحات:

«نَكَحْتُمْ»: به ازدواج درآوردید. مراد از نکاح در اینجا، عقد ازدواج است. «الْمُؤْمِنَاتِ»: زنان مؤمنه. این تعبیر زنان کتابیه را خارج نمی‌سازد و تنها بیان‌گر

اغلبیت است. «أَن تَمَسُّوهُنَّ»: مراد از مسّ، جماع یعنی نزدیکی زناشوئی است. «تَعْتَدُّونَهَا»: از مصدر اعتداد، به معنی حساب نگاه داشتن، مراد این است که اگر طلاق قبل از دخول واقع شود، نگاه داشتن عدّه لازم نیست. از این حکم، زنِ شوهرمرده مستثنی است و باید چهار ماه و ده روز عدّه نگاه دارد (نگا: تفسیر قاسمی). «فَمَتِّعُوهُنَّ»: مراد این است که اگر مهریه‌ای تعیین شده، نصف آن پرداخت می‌شود (نگا: بقره / ۲۳۷) و اگر مهریه‌ای معین نشده است، حق متاع و هدیه مناسب داده می‌شود (نگا: بقره / ۲۳۶). «سَرَاحاً جَمِيلاً»: (نگا: احزاب / ۲۸).

سوره أحزاب آیه ۵۰

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحۡلَلۡنَا لَكَ أَزۡوَٰجَكَ ٱلَّـٰتِيٓ ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّـٰتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَـٰلَـٰتِكَ ٱلَّـٰتِي هَاجَرۡنَ مَعَكَ وَٱمۡرَأَةً مُّؤۡمِنَةً إِن وَهَبَتۡ نَفۡسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنۡ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسۡتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۗ قَدۡ عَلِمۡنَا مَا فَرَضۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَـٰنُهُمۡ لِكَيۡلَا يَكُونَ عَلَيۡكَ حَرَجٞۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٠﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! ما برای تو (جهت توفیق در کار تبلیغ دعوت و چیزهای دیگر) حلال کرده‌ایم همسرانت را که مهرشان را پرداخته‌ای، و همچنین کنیزانی را که خدا در جنگ بهره تو ساخته است، و عموزادگان، و عمّه‌زادگان، و دائی‌زادگان و خاله‌زادگانی که با تو مهاجرت کرده‌اند، و زن باایمانی که خویشتن را به پیغمبر ببخشد و پیغمبر بخواهد او را به ازدواج خود درآورد، که (این یکی) خاصّ تو است و برای سائر مؤمنان جایز نیست (بدون مهریه و از راه هبه، زنی را به ازدواج خود درآورند). ما خودمان می‌دانیم برای مؤمنان در مورد همسران‌شان و کنیزان‌شان چه احکامی (همچون نفقه و مهریه و شاهدان عقد و عدم تجاوز از چهار زن) مقرّر می‌داریم. (اشاره‌ای به علم خود، یعنی سرچشمه احکام گذشته به خاطر آن است) تا این که (از احکامی که خاصّ تو است دلتنگ نبوده و) رنجی گریبانگیر تو نشود. خداوند آمرزنده و مهربان است.

توضیحات:

«أَحْلَلْنَا»: حلال کرده‌ایم. جائز نموده‌ایم. «أُجُورَهُنَّ»: مهریه‌های ایشان (نگا: نساء / ۲۴ و ۲۵، مائده / ۵، ممتحنه / ۱۰). «أَفَآءَ اللهُ عَلَيْكَ»: غنیمت تو کرده و بهره جنگی تو ساخته است. «إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ»: اگر خود را هبه‌ی پیغمبر کرد و مهریه‌ای را نخواست. «خَالِصَةً لَكَ»: ویژه تو است. واژه (خَالِصَةً) حال (إِمْرَأَةً) است، و صفت مصدر محذوف است و تقدیر چنین است: «هِبَةً خَالِصَةً». «لِكَيْلا»: تا این که. مقصود این است، احکامی که اختصاص به تو دارد، و احکامی که به سایر مؤمنان مربوط است، از علم و حکمت صادر می‌شود و هیچ یک از این احکام و مقرّرات بی‌حساب نیست.

سوره أحزاب آیه ۵۱

متن آیه:

﴿تُرۡجِي مَن تَشَآءُ مِنۡهُنَّ وَتُـٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ مَن تَشَآءُۖ وَمَنِ ٱبۡتَغَيۡتَ مِمَّنۡ عَزَلۡتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكَۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ وَلَا يَحۡزَنَّ وَيَرۡضَيۡنَ بِمَآ ءَاتَيۡتَهُنَّ كُلُّهُنَّۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمٗا ۝٥١﴾

ترجمه:

(به خاطر شرائط خاصّ زندگی) می‌توانی موعد هم خوابگی هر یک از زنان را به تأخیر اندازی (و به وقت دیگری موکول کنی) و هر کدام را بخواهی می‌توانی در کنار خود جای دهی، و هرگاه یکی ازآنان را که کنار گذاشته‌ای خواستی او را نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست. این (حکم تفویض اختیار) بهترین وسیله‌ای است که باعث می‌گردد ایشان مسرور شوند و غمگین نشوند، و جملگی آنان بدانچه بدی‌شان می‌دهی خوشنود گردند. (چرا که می‌دانند این فرمان خدا است و تو در پرتو آن می‌توانی بهتر فکر خود را متوجّه مسؤولیتهای بزرگ و سنگین رسالت و مصالح مهمّ امت اسلامی کنی)، و خدا می‌داند چه چیزهائی (از عشق و نفرت) در دل‌های شما است، و خدا بس آگاه (از ظاهر و باطن شما بوده، و در کیفر دادن شتاب ندارد) و شکیبا است.

توضیحات:

«تُرْجِي»: به تأخیر می‌اندازی، از مصدر (إرجَاء) و از ماده (رجأ) یا (رجو) (نگا: اعراف / ۱۱۱، شعراء / ۳۶). «تُئْوِي»: جا می‌دهی. از مصدر إیواء، به معنی کسی را نزدیک خود جا و مأوی دادن. «إِبْتَغَيْتَ»: خواستی. «عَزَلْتَ»: به دور داشته‌ای. « أَدْنی

»: نزدیکتر (نگا: بقره / ۲۸۲، مائده / ۱۰۸، روم / ۳). «ذَلِكَ»: این تفویض اختیار، و تخییر ابتدائی و استمراری. «كُلُّهُنَّ»: همه آنان. تأکید ضمیر (ن) در (يَرْضَيْنَ) است.

سوره أحزاب آیه ۵۲

متن آیه:

﴿لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعۡدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ حُسۡنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ رَّقِيبٗا ٥٢﴾

ترجمه:

بعد از این، دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی (و مثلاً برخی از اینان را طلاق دهی و به جای وی همسران تازه‌ای را خواستگاری نمائی) هر چند جمال آنان تو را به شگفت درآورد، مگر کنیزان. خداوند ناظر و مراقب بر هر چیزی است.

توضیحات:

«وَلا أَن تَبَدَّلَ...»: مراد طلاق دادن همسری و ازدواج با زن دیگری است. یعنی نباید نه بر همسران حاضر بیفزائی، و نه به جای یکی از اینان با کس دیگری ازدواج نمائی. «رَقِيباً»: مراقب و مطّلع. حافظ و ناظر.

سوره أحزاب آیه ۵۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤۡذَنَ لَكُمۡ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَٰكِنۡ إِذَا دُعِيتُمۡ فَٱدۡخُلُواْ فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا مُسۡتَـٔۡنِسِينَ لِحَدِيثٍۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّۚ وَمَا كَانَ لَكُمۡ أَن تُؤۡذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزۡوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦٓ أَبَدًاۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ٥٣﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! به خانه‌های پیغمبر بدون این که به شما اجازه داده شود داخل نشوید (و سر زده به منازل مردم وارد نگردید)، وقتی داخل شوید که برای صرف غذا به شما

اجازه داده شود، آن هم مشروط به این که به موقع وارد شوید؛ نه این که از مدّتی قبل بیائید و در انتظار پخت غذا بنشینید. ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید و زمانی که غذارا خوردید پراکنده گردید، و (پس از صرف غذا هم) به گفتگو ننشینید (و در خانه مردم مجلس انس تشکیل ندهید). این کار شما، پیغمبر را آزار می‌داد، امّا او شرم می‌کرد (چون میزبان بود آن را به شما تذکر دهد)، ولی خدا از بیان حق شرم نمی‌کند (و اباء ندارد). هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دل‌های شما و آنان بهتر است. شما حق ندارید پیغمبر خدا را آزار دهید، و هرگز حق ندارید که بعد از مرگ او همسرانش را به همسری خویش درآورید. این کار در نزد خدا (گناهی نابخشودنی و) بزرگ است.

توضیحات:

«يُؤْذَنَ»: در اینجا اذن علاوه از معنی اجازه، متضمّن معنی دعوت نیز هست. «إِلَى طَعَامٍ»: (إِلَى) متعلّق به (يُؤْذَنَ) است، و بیان‌گر این واقعیت است که اگر اجازه هم باشد، بدون دعوت نباید به منازل مردم رفت و طفیلیگری حرام است (نگا: تفسیر قاسمی). «إِنيا»: پخت و پز غذا. زمان آماده شدن غذا برای تناول نمودن. «غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ»: مراد این است که نباید زودتر از وقت خود به خانه مردم رفت و منتظر پختن غذا و چیدن سفره نشست و مزاحم میزبان شد. واژه (غَيْرَ) حال ضمیر (و) در (تَدْخُلُوا) است. واژه (نَاظِرِين) هم به معنی (مُنتَظِرِينَ) است. «لا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ»: مراد این است که بعد از صرف غذا جا خوش نکنید و منزل میزبان را محلّ انس و نقّالی نسازید و مجلس را طول ندهید. «مَتَاعاً»: کالا و وسائل امانتی منزل، از قبیل ظروف و بیل و کلنگ و جارو و غیره. «حِجَاب»: پرده. حائل و مانع (نگا: اسراء ۴۵، ص / ۳۲، شوری / ۵۱). «مَا كَانَ لَكُمْ»: شما را نرسد. شما حق ندارید. این آیه هر چند درباره خانه پیغمبر است، ولی روی سخن به مؤمنان است و آموزنده برخی از آداب معاشرت و مهمانی است.

سوره أحزاب آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِن تُبْدُواْ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝٥٤﴾

ترجمه:

اگر چیزی را آشکار کنید، و یا آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است (و با هر کسی متناسب با نیت و عملکردش رفتار می‌کند).

توضیحات:

«إِن تُبْدُوا...»: (نگا: بقره / ۲۸۴).

سوره أحزاب آیه ۵۵

متن آیه:

﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ۝٥٥﴾

ترجمه:

بر آنان (یعنی همسران پیغمبر) گناهی نیست که با پدران، فرزندان، برادران، فرزندان برادران، فرزندان خواهران خود، و زنان مسلمان، و بردگان خود (بدون حجاب تماس بگیرند). از خدا بترسید، قطعاً خدا بر هر چیزی حاضر و ناظر است.

توضیحات:

«لا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ...»: گناهی بر زنان پیغمبر نیست که بدون حجاب با اشخاص مذکور صحبت کنند. «ءَابَآئِهِنَّ»: پدران نسبی یا رضاعی. «أَبْنَآئِهِنَّ»: فرزندان نسبی یا رضاعی. «أَبْنَآءِ إِخْوَانِهِنَّ»: فرزندان برادر. عموها را نیز شامل می‌شود. «أَبْنَآءِ أَخَوَاتِهِنَّ»: فرزندان خواهران. دائیها را هم شامل می‌گردد. «نِسَآئِهِنَّ وَ لا مَا مَلَكَتْ أَيْمانُهُنَّ»: (نگا: نور / ۳۱). «إِتَّقِينَ»: تقوا پیشه کنید. بترسید. بپرهیزید. «شَهِيداً»: عالم و مطّلع (نگا: نساء / ۳۳ و ۷۹ و ۱۶۶، یونس / ۲۹، رعد / ۴۳، اسراء / ۹۶، عنکبوت / ۵۲). حاضر و ناظر (نگا: نساء / ۷۲).

سوره أحزاب آیه ۵۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ۝٥٦﴾

ترجمه:

خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید.

توضیحات:

«يُصَلُّونَ»: درود خدا بر محمّد عبارت است از نزول رحمت. درود فرشتگان دعا و طلب آمرزش برای او است. «صَلُّوا عَلَيْهِ»: درود مؤمنان بر او، صلوات فرستادن است. (سَلِّمُوا تَسْلِيماً): سلام بگوئید سلام کردن (نگا: نور / ۲۷ و ۶۱) علّت تأکید (سَلِّمُوا) با (تَسْلِيماً) این است که در بخش صلوات، خدا و فرشتگان شرکت دارند و به منزله تأکید است و لذا تنها این قسمت به تأکید نیاز داشت. معنی دیگر (سَلِّمُوا تَسْلِيماً) تسلیم فرمان و منقاد اوامر پیغمبر گشتن است (نگا: نساء / ۶۵، احزاب / ۲۲).

سوره أحزاب آیه ۵۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا مُّهِينٗا ٥٧﴾

ترجمه:

کسانی که خدا و پیغمبرش را (با کفر و الحاد و سخنان ناروا) آزار می‌رسانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می‌کند (و از رحمت خود بی‌نصیب می‌گرداند) و عذاب خوارکننده‌ای برای ایشان تهیه می‌بیند.

توضیحات:

«يُؤْذُونَ اللهَ»: مراد از آزار رساندن به خدا، بر سر خشم آوردن خدا به سبب کفر و الحاد است. یا این که اذیت و آزار رساندن به پیغمبر و مؤمنان مراد است و ذکر خدا برای نشان دادن اهمّیت و تأکید مطلب است. «لَعَنَهُمْ...»: (نگا: بقره / ۸۸ و ۱۵۹، نساء / ۴۶ و ۵۲).

سوره أحزاب آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨﴾

ترجمه:

کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می‌رسانند، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده‌اند.

توضیحات:

«بِغَيۡرِ مَا اکتَسَبُوا»: بدون این که کاری کرده باشند و یا این که گناهی مرتکب شده باشند. «بُهۡتَان»: دروغ زشت و کردار و گفتار ناروا (نگا: نساء / ۱۱۲ و ۱۵۶، نور / ۱۶، ممتحنه / ۱۲). «إِثۡماً مُّبِيناً»: گناه آشکار و روشن.

سوره أحزاب آیه ۵۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ۝٥٩﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که رداهای خود را جمع‌وجور بر خویش فرو افکنند. تا این که (از زنان بی‌بندوبار و آلوده) دست کم باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اوباش) قرار نگیرند. خداوند (پیوسته) آمرزنده و مهربان بوده و هست (و اگر تا کنون در رعایت کامل حجاب سست بوده‌اید و کوتاهی کرده‌اید، توبه کنید و از این کار دوری کنید، تا خدا با مهر خود شما را ببخشد).

توضیحات:

«يُدۡنِينَ»: نزدیک کنند. مراد جمع و جور کردن لباس و بر خود افکندن است. «جَلابِيب»: جمع جِلْباب، رداء، مِقنعه و روسری بلند، روپوش. مراد جامه‌ای است که حجاب اسلامی با آن رعایت گردد. حجاب اسلامی هم با لباسی مراعات می‌گردد که: ۱ - عورت را بپوشاند ۲ - به گونه‌ای چسب بدن نباشد که برجستگی‌های بدن را نشان دهد ۳ - زنان لباس مردان، و مردان لباس زنان را نپوشند.

سوره أحزاب آیه ۶۰

متن آیه:

﴿لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ

بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٠﴾

ترجمه:

اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در مدینه (شایعات بی‌اساس و اخبار دروغین پخش می‌کنند و) باعث اضطراب (مؤمنان و تزلزل دین ایشان) می‌گردند، از کار خود دست نکشند، تو را بر ضدّ ایشان می‌شورانیم و بر آنان مسلّط می‌گردانیم، آن گاه جز مدّت اندکی در جوار تو در شهر مدینه، نمی‌مانند (و بلکه در پرتو شوکت اسلام از آنجا رانده می‌شوند).

توضیحات:

«مَرَضٌ»: مراد هوسبازی و شهوترانی و فسق و فجور (نگا: احزاب / ۳۲) یا نفاق (نگا: بقره / ۱۰) و یا این که ضعف ایمان (نگا: تفسیرهای: المراغی و قاسمی) است. «الْمُرْجِفُونَ»: کسانی که خبرهای ناگوار و نادرست در میان مردم می‌پراکنند تا ایشان را دچار اضطراب و تزلزل افکار گردانند. پراکندگان خبرهای ناروا و وحشت‌انگیز. مراد یهودیان مدینه است. «لَنُغْرِيَنَّكَ»: تو را برمی‌شورانیم و تشویق و تحریک می‌نمائیم. مراد وعده سلطه و غلبه بر آنان است.

سوره أحزاب آیه ۶۱

متن آیه:

﴿مَّلۡعُونِينَۖ أَيۡنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقۡتِيلٗا ٦١﴾

ترجمه:

(آن وقت ایشان) نفرین شدگان و (از رحمت خدا محروم و) رانده شدگانند. هر کجا یافته شوند، گرفته خواهند شد و پیاپی به قتل خواهند رسید.

توضیحات:

«مَلْعُونِينَ»: نفرین شدگان. رانده شدگان از رحمت خدا. حال ضمیر (و) در فعل (لايُجَاوِرُونَكَ) یا مفعول فعل محذوف (أَذمّ) است. «ثُقِفُوا»: یافته شوند (نگا: آل‌عمران / ۱۱۲). بر آنان دست یافته شود (نگا: انفال / ۵۷، ممتحنه / ۲). «قُتِّلُوا تَقْتِيلاً»: بدون هیچ‌گونه رحم و شفقتی زار زار کشته شوند. پیاپی کشته شوند. ذکر قتل در باب

تفعیل، برای مبالغه یا تکرار است.

سوره أحزاب آیه ۶۲

متن آیه:

﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٦٢﴾

ترجمه:

این سنّت الهی، در مورد پیشینیان (و گذشتگانی هم که با انبیاء خود چنین رفتار ناهنجاری داشته‌اند) جاری بوده است و در سنّت خدا دگرگونی نخواهی دید.

توضیحات:

«سُنَّةِ الله»: (نگا: اسراء / ۷۷، کهف / ۵۵، احزاب / ۳۸).

سوره أحزاب آیه ۶۳

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ٦٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) مردم از تو درباره فرا رسیدن قیامت می‌پرسند، بگو: آگاهی از آن، اختصاص به خدا دارد و بس. (و کسی جز او از این موضوع مطّلع نیست). تو چه می‌دانی، شاید هم فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد.

توضیحات:

«السَّاعَةَ»: قیامت (نگا: انعام / ۳۱ و ۴۰، اعراف / ۱۸۷، یوسف / ۱۰۷). «مَا يُدْرِيكَ»: تو چه می‌دانی؟ در اصل معنی آن چنین است: چه چیز و چه کسی تو را آگاهانیده است؟ (يُدْري) از مصدر (إدْراء) به معنی اعلام و باخبر کردن است. «يَسْأَلُونَكَ»: پرسش از طرف کفّار بوده است (نگا: شوری / ۱۷ و ۱۸).

سوره أحزاب آیه ۶۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤﴾

ترجمه:

خداوند قطعاً کافران را نفرین و از رحمت خود محروم ساخته است و برای ایشان آتش سوزانی فراهم کرده است.

توضیحات:

«سَعِيراً»: (نگا: نساء / ۱۰ و ۵۵، فرقان / ۱۱).

سوره أحزاب آیه ۶۵

متن آیه:

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٦٥﴾

ترجمه:

آنان جاودانه در آن خواهند ماند و سرپرست و یاوری نخواهند یافت (تا از ایشان حمایت و دفاع کنند).

توضیحات:

«وَلِيّاً»: (نگا: بقره / ۱۰۷).

سوره أحزاب آیه ۶۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠ ٦٦﴾

ترجمه:

روزی (را خاطر نشان ساز که در آن) چهره‌های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می‌گردد (و فریادهای حسرت بارشان بلند می‌شود و) می‌گویند: ای کاش! ما از خدا و پیغمبر فرمان می‌بردیم (تا چنین سرنوشت دردناکی نمی‌داشتیم).

توضیحات:

«تُقَلَّبُ»: زیر و رو می‌شود. یعنی گاه این سمت صورت و گاه آن سمت بر آتش نهاده می‌شود و همچون سیخ کباب غلط داده می‌شود. دگرگون و حال به حال می‌گردد. یعنی رنگهای مختلفی به خود می‌گیرد. گاه زرد و گاه سرخ و گاه کبود و گاه سیاه می‌گردد. (پناه بر خدا!). «الرَّسُولَ»: در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد که الف اطلاق نامیده می‌شود.

سوره أحزاب آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ٦٧﴾

ترجمه:

و می‌گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده‌ایم و آنان ما را از راه به در برده‌اند و گمراه کرده‌اند.

توضیحات:

«سَادَةَ»: جمع سید، سران. رؤسا. مراد ملوک و امراء است. «كُبَرَآءَ»: جمع کبیر، بزرگان. مراد راهنمایان مکتبی و مذهبی است. «السَّبِيلَ»: راه. در رسم‌الخطّ قرآنی الف اطلاق در آخردارد.

سوره أحزاب آیه ۶۸

متن آیه:

﴿رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا ٦٨﴾

ترجمه:

پروردگارا! آنان را دو چندان عذاب کن، و ایشان را کاملاً از رحمت خود به دور دار (و کمترین ترحّمی بدی‌شان منما).

توضیحات:

«ضِعۡفَيۡنِ»: دو چندان. چرا که گمراه بوده‌اند و گمراه کرده‌اند.

سوره أحزاب آیه ۶۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا ٦٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! همانند کسانی نباشید که (با گفتن سخنان ناروا) موسی را آزار رساندند (و رنجیده و آزرده کردند) و خدا او را از آنچه می‌گفتند تبرئه کرد، و او در پیشگاه خدا گرانقدر و صاحب منزلت بود.

توضیحات:

«ءَاذَوْا»: آزار رساندند و رنجاندند، با سخنانی همچون دیوانه (نگا: شعراء / ۲۷) و دروغگو (نگا: غافر / ۲۴) و حقیر و ناچیز (نگا: زخرف / ۵۲). «وَجِیهاً»: صاحب جاه و منزلت (نگا: آل‌عمران / ۴۵).

سوره أحزاب آیه ۷۰

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا بترسید (و خویشتن را با انجام خوبیها و دوری از بدیها از عذاب او در امان دارید) و سخن حق و درست بگوئید.

توضیحات:

«سَدِیداً»: راست و درست (نگا: نساء / ۹).

سوره أحزاب آیه ۷۱

متن آیه:

﴿يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾

ترجمه:

در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می‌دهد و) اعمالتان را بایسته می‌کند و گناهانتان را می‌بخشاید. اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد.

توضیحات:

«فَوْزاً»: پیروزی و کامیابی. نجات و رستگاری. برای مصداق‌های عظیم فوز (نگا: نساء / ۱۳، مائده / ۱۱۹، انعام / ۱۶، توبه / ۷۲، غافر / ۹، دخان / ۵۷، جاثیه / ۳۰).

سوره أحزاب آیه ۷۲

متن آیه:

﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢﴾

ترجمه:

ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسؤولیت، و انجام وظیفه اجباری بدون مسؤولیت را بدی‌شان پیشنهاد کردیم. جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال این که انسان (این اعجوبه جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. امّا برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند.

توضیحات:

«الأَمَانَةَ»: مراد از امانت، اختیار و اراده است که مدار تکالیف شرعیه و در نتیجه تعهّد و مسؤولیت است. پذیرش این امانت، بزرگترین افتخار و امتیاز انسان است، و با رعایت آن خوشبخت و با ترک آن بدبخت خواهد بود. بیان این نکته ضروری است که همه موجودات عالم در برابر فرمان خدا خاضع و ساجدند و به صورت اجبار، نه اختیار به انجام وظیفه مشغولند و مسیر واحدی را برابر قوانین طبیعی و تکوینی می‌پیمایند، بجز انسان که با اراده و اختیار به انجام وظیفه می‌پردازد و اگر تکالیف شرعیه را به جای آورد، سیر صعودی و سرانجام سعادت سرمدی دارد، و اگر غفلت نمود و طاعات و عبادات را رها کرد، سیر نزولی و سرانجام شقاوت ابدی دارد. البتّه جنّیان نیز در حمل امانت برابر آیات قرآن همچون انسانند (نگا: انعام / ۱۳۰، اعراف / ۱۷۹، ذاریات / ۵۶). لذا در اینجا مراد از «انسان» دو گروه انس و جنّ است. امّا چون آیه مورد نظر، موضوع آن انسان است، تنها از انسان سخن رفته است (نگا: المصحف المیسّر). «أَبَیْنَ»: خودداری کردند. سر باز زدند. مراد اِباءِ عجز و قصور است؛ نه عصیان و فجور. یعنی خویشتن را مستعدّ این کار عظیم ندیدند و اظهار ناتوانی کردند؛ نه این که سرکشی کنند و مخالفت ورزند. «ظَلُوماً»: (نگا: ابراهیم / ۳۴). «جَهُول»: بسیار نادان. صیغه مبالغه جاهل است. «إِنَّهُ کَانَ ظَلُوماً جَهُولاً»: این قید متوجّه (حَمَلَهَا الإِنسَانُ) نیست، بلکه مربوط به جمله محذوفی است و تقدیر چنین است: (حَمَلَهَا الإِنسَانُ فَلَمْ یُحْسِنْ حَمْلَها، وَلَمْ یُؤَدِّهَا عَلي وجْهِها). به عبارت دیگر، این وصف درباره جنس انسان نیست و بلکه متوجّه برخی از انسان‌ها بوده و مراد کسانی است که مقام بزرگ و ارزشهای والای انسانی را فراموش کنند و خود را اسیر و بنده این خاکدان نمایند. روی هم رفته

این آیه بیان‌گر عظمت و سعادت و برتری انسان‌های انسان، بر سایر موجودات جهان، و حقارت و شقاوت و فروتری انسان‌های ناانسان، از همه مخلوقات یزدان است.

سوره أحزاب آیه ۷۳

متن آیه:

﴿لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا ٧٣﴾

ترجمه:

(خداوند این امانت را به انسان‌ها داد، تا ایشان را در بوته آزمایش قرار دهد) و سرانجام خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را کیفر دهد، و بر مردان و زنان مؤمن ببخشاید و (بدیشان رحمت نماید). خداوند همواره بس بخشاینده و مهربان بوده و هست.

توضیحات:

«لِيُعَذِّبَ...»: واژه (لِ) برای عاقبت و نتیجه ماقبل است. اگر لام عاقبت باشد، معنی چنین است: سرانجام حمل این امانت این باشد که. اگر هم لام غایت باشد، معنی چنین است: هدف از عرض امانت این بوده که.

سوره سبأ

سوره سبأ آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١﴾

ترجمه:

(در همین جهان) سپاس خداوندی را سزا است که تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن او است، و هم در آن جهان سپاس او را سزا است، (چرا که حاکمیت و مالکیت هر دو جهان از آن او است) و او کار بجا و بس آگاه است.

توضیحات:

«لَهُ الْحَمْدُ فِي الآخِرَةِ»: اشاره به این است که بندگانش در برابر تفضّل و الطافی که در آخرت بدی‌شان خواهد فرمود، او را خواهند ستود (نگا: یونس / ۱۰، فاطر / ۳۴، زمر / ۷۴).

سوره سبأ آیه ۲

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۚ وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾

ترجمه:

می‌داند آنچه را که به زمین وارد می‌شود، و آنچه را که از آن خارج می‌شود، و آنچه را که از آسمان پائین می‌آید، و آنچه را که به‌سوی آن بالا می‌رود، و او مهربان و بخشاینده است.

توضیحات:

«يَلِجُ»: از مصدر ولوج به معنی ورود (نگا: اعراف / ۴۰). «يَعْرُجُ»: صعود می‌کند. «فِيهَا»: به‌سوی آن. واژه (في) به معنی (إِلي) است.

سوره سبأ آیه ۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: قیامت هرگز برای (حساب و کتاب و سزا و جزای) ما برپا نمی‌شود. بگو: چرا، به پروردگارم سوگند! آن کسی که دانای راز (نهان در گستره جهان) است، قیامت به سراغ شما می‌آید (و خدا به اعمال شما رسیدگی می‌نماید). به اندازه سنگینی ذرّه‌ای، در تمام آسمان‌ها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد، و نه کمتر از اندازه ذرّه و نه بزرگ‌تر از آن، چیزی نیست مگر این که در کتاب آشکاری ثبت و ضبط و نگهداری می‌شود.

توضیحات:

«بَلِي»: آری. این حرف برای ابطال نفی ماقبل است. «وَرَبِّي»: به پروردگارم سوگند. «عَالِمِ»: بدل یا صفت (رَبّ) است. «لا يَعْزُبُ»: (نگا: یونس / ۶۱). «أَصْغَرُ»: مبتدا و (أَكْبَرُ) عطف بر آن است، (فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) خبر. «كِتَابٍ مُّبِينٍ»: لوح محفوظ. علم خدا. جهان پهناور هستی. (نگا: انعام / ۵۹، یونس / ۶۱، هود / ۶، نمل / ۷۵).

سوره سبأ آیه ۴

متن آیه:

﴿لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤﴾

ترجمه:

(برپائی قیامت و ضبط اعمال برای این است) تا خداوند پاداش کسانی را بدهد که ایمان آورده‌اند و کارهای بایسته و شایسته کرده‌اند. آنان آمرزش (خدا) و روزی ارزشمند و فراخی دارند. (خداوند آمرزش خود را شامل لغزش‌هایشان می‌گرداند، و نعمت فراوان و خوب بهشت را بهره آنان می‌سازد).

توضیحات:

«لِيَجْزِيَ»: (نگا: ابراهیم / ۵۱، روم / ۴۵، احزاب / ۲۴). «رِزْقٍ كَرِيمٌ»: (نگا: انفال /

۷۴، حجّ / ۵۰، نور / ۲۶).

سوره سبأ آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ ۝٥﴾

ترجمه:

کسانی که (در دنیا پیوسته) تلاش می‌کردند آیات ما را تکذیب و انکار کنند، و تصوّر می‌کردند که (پیغمبر را شکست می‌دهند و او را) درمانده می‌سازند (و جلو پخش قرآن و فرمان یزدان را می‌گیرند)، آنان عذابی از بدترین و دردناکترین عذابها را خواهند داشت.

توضیحات:

«وَالَّذينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعَاجِزِينَ» (نگا: حجّ / ۵۱). «رِجْزٍ»: (نگا: اعراف / ۱۳۴ و ۱۳۵، انفال / ۱۱). در اینجا مراد بدترین و سخت‌ترین عذاب است.

سوره سبأ آیه ۶

متن آیه:

﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ۝٦﴾

ترجمه:

کسانی که فرزانه و آگاهند، چیزی را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، حق می‌بینند، و راهنمای راه خدای چیره و ستوده می‌دانند.

توضیحات:

«الَّذِي»: آنچه. مراد قرآن است. «هُوَ الْحَقَّ»: مراد این است که قرآن عین حقیقت است و هماهنگ با قوانین آفرینش و واقعیت‌های عالم هستی و جهان انسانیت است. «الْحَقَّ»: مفعول دوم فعل (يَرِي) است و مفعول اوّل آن (الَّذي) است.

سوره سبأ آیه ۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ ۝٧﴾

ترجمه:

کافران (برخی به برخی دیگر، تمسخرکنان) می‌گویند: آیا مردی را به شما بنمائیم که شما را خبر می‌دهد از این که هنگامی که پیکرهایتان کاملاً متلاشی شد (و ذرّات وجودتان در جهان پخش و پراکنده گردید، دوباره زنده می‌شوید و) آفرینش تازه‌ای پیدا می‌کنید؟

توضیحات:

«هَلْ نَدُلُّكُمْ»؟: آیا شما را رهنمود کنیم؟! مرادشان تمسخر پیغمبر بود و این است که واژه (رَجُلٍ) هم به کار برده‌اند. انگار او را نمی‌شناسند. «مُزِّقْتُمْ»: متلاشی شدید. یعنی مردید و پوسیدید و خاک شدید و ذرّات خاک پیکرهایتان در گوشه‌ها و کنارهای جهان، و چه بسا در بدن جانوران و گیاهان پراکنده گردید. «كُلَّ مُمَزَّقٍ»: کاملاً پراکنده. واژه (کلّ) مفعول مطلق است، و (مُمَزَّقٍ) مصدر میمی و بر وزن اسم مفعول و به معنی تمزیق، یعنی قطعه قطعه و تکه تکه کردن است.

سوره سبأ آیه ۸

متن آیه:

﴿أَفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢ ۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأَٰخِرَةِ فِى ٱلْعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلْبَعِيدِ ﴿٨﴾﴾

ترجمه:

آیا او بر خدا دروغ می‌بندد؟ یا نوعی دیوانگی دارد؟ (وگرنه انسان صادق و عاقل چگونه لب به چنین سخنی‌می‌گشاید؟ چنین نیست که ایشان تصوّر می‌کنند. نخیر!) بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، گرفتار عذاب (یک نوع نگرانی جانکاه) و گمراهی عجیب (زندگی نامفهوم و بی‌محتوا) هستند (و با وجود ظاهر آراسته، آرام و قرار ندارند، و در حقیقت ایشان دیوانه و سرگردانند. غافل‌وار به مسیر نادرست و گناه‌آلودشان ادامه می‌دهند تا طومار زندگی ننگین‌شان درهم پیچیده می‌شود و به دوزخ درمی‌آیند).

توضیحات:

«أَفْتَرَي»: در اصل چنین است: «أَإِفْتَرَي»؟ همزه وصل حذف شده و همزه استفهام به حال خود مانده است. «جِنَّةٌ»: جنون. دیوانگی (نگا: اعراف / ۱۸۴، مؤمنون / ۲۵ و ۷۰).

«بَلْ»: حرفی است که بر ابطال ماقبل، و اثبات مابعد دلالت می‌کند. «فِي الْعَذَابِ...»: مراد عذاب و سرگشتگی دنیوی است که هم اینک در آنند، و یا این که مراد شکنجه و ویلانی اخروی است که چون محقّقاً گریبانگیر کفّار می‌گردد، انگار هم اکنون در آنند. «الضَّلالِ الْبَعيدِ»: (نگا: نساء / ۶۰ و ۱۱۶ و ۱۳۶ و ۱۶۷، ابراهیم / ۳ و ۱۸).

سوره سبأ آیه ۹

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٩﴾

ترجمه:

آیا به چیزهائی که پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نمی‌کنند (تا ببینند زیر پایشان کره مذاب و سوزان و در حال فوَرانی است، و بالای سرشان اشعّه کیهانی و سنگهای سرگردانی است، و انسان‌ها در میان دو منبع خطر زندگی می‌کنند؟). اگر بخواهیم ایشان را به دل زمین فرو می‌بریم، یا این که قطعه‌هائی از آسمان بر سرشان فرو می‌افکنیم. قطعاً در این (چیزهائی که می‌بینند) نشانه‌ای (از عظمت و قدرت خدا) است برای هر بنده‌ای که بخواهد خالصانه به‌سوی خدا برگردد.

توضیحات:

«مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: مراد همه چیزهائی است که پیش روی انسان است و رو بدان‌ها دارد. یا مراد زمین است که در زیر پای انسان است. «مَا خَلْفَهُمْ»: مراد همه چیزهائی است که پشت سر انسان است و رو بدان‌ها ندارد. یا مراد آسمان است که بالای سر او قرار دارد. «نَخْسِفْ»: (نگا: قصص / ۸۱ و ۸۲، عنکبوت / ۴۰، نحل / ۴۵). «كِسَفاً»: جمع کِسْفَة، بر وزن و معنی قِطْعَة (نگا: اسراء / ۹۲). «مُنِيبٍ»: کسی که با توبه خالصانه به درگاه خدا برمی‌گردد. بازگردنده.

سوره سبأ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ ١٠﴾

ترجمه:

ما به داود از جانب خود فضیلت بزرگی بخشیدیم. (از جمله به کوهها و پرنده‌ها دستور دادیم که) ای کوهها و ای پرندگان! با او (در تسبیح و تقدیس خدا) هم آواز شوید. همچنین آهن را (همچون موم) برای او نرم کردیم (تا در زره‌سازی نیازی به تافتن آن نداشته باشد).

توضیحات:

«دَاوُدَ»: یکی از پیغمبران بنی‌اسرائیل است که در فاصله سالهای ۹۷۰ - ۱۰۳۳ قبل از میلاد می‌زیسته است. «فَضْلاً»: فضیلت و نعمت بزرگ. مراد مواهبی همچون نبوّت، زَبور، تسخیر کوه‌ها و پرنده‌ها، نرم کردن آهن، و تعلیم زره‌سازی است. برتری (نگا: نمل / ۱۵ و ۱۶). «أَوِّبِي»: هم‌آواز شوید. تکرار کنید (نگا: انبیاء / ۷۹). «الطَّیْرَ»: علّت نصب آن سه چیز می‌تواند باشد: عطف بر محلّ (جِبالُ). مفعول معه. مفعول به فعل مقدّر (سَخَّرْنا) (نگا: ص / ۱۸ و ۱۹). «أَلَنَّا»: نرم کردیم. بعضی می‌گویند: آهن در دست او همچون موم و خمیر نرم بود. برخی می‌گویند: مراد تعلیم ذوب آهن بدو است.

سوره سبأ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿أَنِ ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١﴾

ترجمه:

(ما به داود دستور دادیم) که زره‌های کامل و فراخ بساز، و بافته‌های (حلقه‌های آنها) را به اندازه و متناسب کن، و کار شایسته‌ای انجام دهید (و دقّت کافی در کیفیت و کمیت محصول و مصنوع خود داشته باشید) چرا که من می‌بینم آنچه را که انجام می‌دهید (و ساخته و پرداخته کسی، بی‌حساب و کتاب نمی‌ماند).

توضیحات:

«أَنِ اعْمَلْ...»: حرف أَنْ مفسِّره است و به معنی: این که و یعنی. یا مصدریه است و حرف جرّی محذوف است. تقدیر آن چنین است: «لاَنِ اعْمَلْ». یعنی: «أَلَنَّا لَهُ الحَدِيدَ لِهذاَ الأمْرِ». «سَابِغَاتٍ»: جمع سابِغ، به معنی تامّ و کامل، و مراد زره است. «قَدِّرْ»: اندازه و تناسب را رعایت کن. «السَّرْدِ»: بافت. حلقه زره. زره‌ساز را (سَرّاد) و (زَرّاد)

می‌گویند. «إِعۡمَلُوا صَالِحاً»: کار شایسته و بایسته انجام دهید. مخاطب داود و خاندان و قوم او است، و در اصل درسی است برای انسانهای مؤمن که باید در ساخته‌ها و بافته‌های خود دقّت کافی داشته باشند و محصول کامل و مفیدی ارائه دهند و از خیانت و دغلکاری بپرهیزند.

سوره سبأ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهۡرٞ وَرَوَاحُهَا شَهۡرٞۖ وَأَسَلۡنَا لَهُۥ عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِۖ وَمِنَ ٱلۡجِنِّ مَن يَعۡمَلُ بَيۡنَ يَدَيۡهِ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَمَن يَزِغۡ مِنۡهُمۡ عَنۡ أَمۡرِنَا نُذِقۡهُ مِنۡ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ١٢﴾

ترجمه:

باد را مسخّر سلیمان کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود، و شامگاهان مسیر یک ماه را. و چشمه مس مذاب را برای او روان ساختیم، و پروردگارش گروهی از جنّیان را رام او کرده و در پیش او کار می‌کردند و اگر یکی از آنها از فرمان ما سرپیچی می‌کرد (و به سخن سلیمان گوش نمی‌داد، کیفرش می‌دادیم و) از آتش سوزان بدو می‌چشاندیم.

توضیحات:

«الرِّيحَ»: باد. مفعول فعل محذوف (سَخَّرْنا) است (نگا: ص / ۳۶). «غُدُوُّها»: بامدادان آن. مراد حرکت باد از صبح تا ظهر است. «رَوَاحُهَا»: شامگاهان آن. مراد حرکت باد به هنگام برگشت از ظهر تا شب است. باد چگونه دستگاه سلیمان - اعم از تخت یا فرش او - را به حرکت درمی‌آورده است، بر ما روشن نیست. «أَسَلْنَا»: جاری ساختیم. از ماده (سَيَلان). «عَيْنَ»: چشمه. مراد معدن است. «الْقِطْرِ»: مس مذاب (نگا: کهف / ۹۶). «بِإِذْنِ رَبِّهِ»: به فرمان پروردگارش. مراد این است که خدا ایشان را مسخر و مطیع سلیمان کرد. «يَزِغْ»: منحرف و کج شود. یعنی بر سلیمان عصیان و طغیان کند.

سوره سبأ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَعۡمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ وَقُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍۚ ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ ١٣﴾

ترجمه:

آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند، از قبیل: پرستشگاه‌های عظیم، مجسّمه‌ها، ظرف‌های بزرگ غذاخوری همانند حوض‌ها، و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل جابه جائی نبود. به دودمان داود گفتیم:) ای دودمان داود! سپاس‌گزاری (این همه نعمت را) بکنید، و (بدانید که) اندکی از بندگانم سپاس‌گزارند (و خدای را به هنگام خوشی و نعمت یاد می‌آرند. پس کاری کنید که از زمره این گروه گزیده شکرگزار باشید).

توضیحات:

«مَحَارِيبَ»: جمع مِحراب، معبدها و پرستشگاه‌ها. قصرها و کاخ‌ها. «تَمَاثِيلَ»: جمع تِمثال، مجسّمه‌ها و تندیس‌ها. «جِفَانٍ»: جمع جَفْنَة، ظرف‌های غذاخوری. «الجَوابِ»: اصل آن (الجَوابِي) است و جمع جَابِيَة، حوض‌ها. «جِفَانٍ كَالجَوَابِ»: مراد ظرفهای غذاخوری همچون حوض است. از قبیل: مجمعه‌ها و سینیهای بزرگ. «قُدُورٍ»: جمع قِدْر، دیکها. «رَاسِيَاتٍ»: جمع راسِيَة، ثابت و پابرجا. مراد از (قُدُورٍ راسِياتٍ) دیک‌هائی است که به سبب بزرگی و سنگینی آنها را از جا تکان ندهند و بالا و پائین نبرند. «الشَّكُورُ»: بسیار سپاس‌گزار.

سوره سبأ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ١٤﴾

ترجمه:

زمانی که بر سلیمان (که سمبل قدرت و عظمت بود) مرگ مقرّر داشتیم، جنّیان را از مرگ او نیاگاهانید مگر موریانه‌هائی که (مدّت‌ها بود به عصای سلیمان رخنه کرده بودند و) عصای وی را می‌خوردند. هنگامی که سلیمان (که در میان جنّیان بر عصای خود تکیه زده بود و کارهای ایشان را می‌پائید) فرو افتاد، فهمیدند که اگر آنان از غیب مطّلع می‌بودند، در عذاب خوار کننده (بیگاری و اسارت) باقی نمی‌ماندند (و راه خود را در پیش می‌گرفتند).

توضیحات:

«قَضَيْنَا»: مقرّر داشتیم. واجب گرداندیم. فرمان صادر کردیم. «دَآبَّةُ الأرْضِ»: موریانه. چوبخواره. چوبخوارک. واژه (أَرْض) به معنی (أَكْل) یعنی خوردن است. یا این که جمع (أَرَضَة) به معنی موریانه بوده و در نتیجه (دَآبَّةُ الأرْضِ) معنی موریانه‌ها و چوبخواره‌ها و چوبخوارکها دارد. «مِنسَأَة»: عصا. «تَبَيَّنَتْ»: فهمیدند و دانستند. این فعل از افعال ذو وجهین است و در اینجا به صورت متعدّی به کار رفته است. فاعل آن (الْجِنُّ) و مفعول آن جمله (أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ...) می‌باشد. «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ»: اشاره به این است که جنّیان که مردمان این همه خوارق و اوهام بدی‌شان نسبت می‌دهند، و گویا فالگیران و کاهنان و دیگر شیادان، سحر و جادو را با استمداد از ایشان می‌کنند، و بالاخره از غیب آگاه‌شان می‌دانند، قرآن آنان را در کار غیب همچون انسان‌ها ناتوان و درمانده معرّفی می‌فرماید. «الْعَذَابِ الْمُهِينِ»: چه بسا اشاره به کارهای سنگین و سختی باشد که سلیمان گاهی به عنوان جریمه و مجازات بر عهده گروهی از جنّیان می‌گذاشت. یا این که عدم آزادی، خودش عذاب خوار کننده و کمرشکنی است.

سوره سبأ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ وَشِمَالٖۖ كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ ١٥﴾

ترجمه:

برای اهالی سبا در محلّ سکونت‌شان نشانه‌ای (از قدرت خدا) بود. دو باغ (عظیم و گسترده) در سمت راست و چپ (شهر یمن، با میوه‌های فراوان. بدی‌شان گفته شد:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جای آورید. شهری است پاک و پاکیزه، و (پربرکت و نعمت، و آفریدگارتان) پروردگاری است بس آمرزنده.

توضیحات:

«سَبَإٍ»: قبیله مشهور سَبَأ. شهر سبأ. ساکنان شهر سبأ. «مَسْكَنِهِمْ»: محلّ سکونت ایشان که مأرب است و در ۱۰۰ کیلومتری صنعاء قرار دارد. «ءَايَةٌ»: نشانه قدرت

خداوند تعالی. «جَنَّتَانِ»: دو باغ. مراد باغ‌های فراوان و متّصل به هم است. بدل از (ءَایَة) یا خبر مبتدای محذوف و تقدیر چنین است: «هِيَ جَنَّتَانِ»، و یا این که مبتدا است و خبر آن محذوف بوده و در اصل چنین است: هُنَاک جَنَّتَانِ. «بَلْدَةٌ»: شهر. خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است. «هذِهِ بَلْدَةٌ».

سوره سبأ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ ١٦﴾

ترجمه:

امّا آنان (از شکر نعمت) روی گردان شدند (و مغرور رفاه و لذائذ گشتند). بدین سبب ما سیل ویران‌گری را به‌سویشان روان کردیم و باغ‌های (پربرکت و پرمیوه) ایشان را به باغ‌های (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ، و درخت‌های شوره گز و اندکی درخت سدر، مبدّل ساختیم.

توضیحات:

«الْعَرِمِ»: ویران‌گر. در این صورت (سَیْلَ الْعَرِمِ) اضافه موصوف به صفت است. یا این که جمع عَرِمَة، به معنی سدّ است. برخی هم آن را نام درّه‌ای دانسته‌اند. «أُکُلٍ»: ثمره (نگا: رعد / ۴). «خَمْطٍ»: تلخ. بدمزه. «أَثْلٍ»: گز. شوره گز. «سِدْرٍ»: نام درختی است مشهور به کنار.

سوره سبأ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ ١٧﴾

ترجمه:

این (تعویض و تبدیل،) چیزی بود که به خاطر کفران نعمت، ایشان را بدان کیفر دادیم. مگر ما جز ناسپاس را مجازات می‌کنیم؟

توضیحات:

«هَلْ نُجَازِي»: آیا مجازات می‌کنیم و کیفر می‌دهیم؟

سوره سبأ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ١٨﴾

ترجمه:

میان آنان و شهرهای دیگری که پربرکت و نعمت کرده بودیم، شهرک‌ها و روستاهائی ساخته و پرداخته بودیم که (از یکی، دیگری) نمایان بود، و در میان آنها فاصله‌های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم (به گونه‌ای که امنیت برقرار بود و نیازی هم به حمل آب و توشه سفر دیده نمی‌شد. توسّط انبیاء بدی‌شان پیام دادیم که) شب‌ها و روزها در امن و امان در آنجاها سیر و سفر کنند (و از حق منحرف نشوند و به یاد الطاف خدا باشند و پرستش او را فراموش ننمایند).

توضیحات:

«قُرِيً ظَاهِرَةً»: شهرها و روستاهائی که به هم نزدیک و از یکدیگر نمایان باشند.
«قَدَّرْنا»: مقدور کردیم. نظم و نظام بخشیدیم و سر و سامان دادیم. مراد تنظیم فواصل و ترتیب محلّ‌های غذاخوری و استراحت شبانه و روزانه است.

سوره سبأ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ١٩﴾

ترجمه:

امّا ایشان (مست و مغرور نعمت و قدرت گشتند و همچون بنی‌اسرائیل از خوشی‌ها سیر شدند و) گفتند: پروردگارا! فاصله‌های (منازل) سفرهای ما را زیاد بفرما (تا فقرای بی‌سروپا نتوانند همچون ما اغنیاء سفر کنند.) و بدین وسیله به خود ستم کردند و (ما چنان زندگانی ایشان را پریشان کردیم و در هم پیچیدیم که) آنان را سخنانی (بر سر زبان‌ها) نمودیم، و سخت متلاشی‌شان ساختیم (و هر کدام را به گوشه‌ای از جهان پرت کردیم). قطعاً در این سرگذشت، نشانه‌های عبرت برای همه شکیبایان سپاس‌گزار است.

توضیحات:

«بَاعِدْ»: دور کن. فاصله بینداز. «بَاعِدْ بَیْنَ أَسْفَارِنَا»: این درخواست به درخواست بیجای بنی‌اسرائیل می‌ماند که می‌گفتند: کو سیر و پیاز؟!. (نگا: بقره / ۶۱). چه بسا مراد از این خواست، توسعه طلبی و گسترش منطقه نفوذ و قدرت، یعنی چیزی نزدیک به مفهوم امپریالیسم امروزی باشد. «أَحَادِیثَ»: مراد سخنانی است که بر سر زبان‌ها و نقل مجالس بوده و به عنوان افسانه عبرت و ضرب‌المثل نابودی قدرت روایت می‌شده است. «مَزَّقْنَاهُمْ...»: (نگا: سبأ / ۷).

سوره سبأ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۝٢٠﴾

ترجمه:

واقعاً ابلیس پندار خود را درباره آنان راست گرداند (و به کرسی نشاند). چرا که همگی از او پیروی کردند مگر گروه اندکی از مؤمنان.

توضیحات:

«لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ»: ابلیس گمان و آرزوی خود را درباره ایشان واقعیت بخشید. شیطان پنداری که درباره آنان داشت، محقّق یافت. «عَلَيْهِمْ»: واژه (عَلي) به معنی (فِي) است. «ظَنَّهُ»: اشاره به آرزو و قصد ابلیس در حق انسانها، به هنگام طرد شیطان از آستانه یزدان است (نگا: اعراف / ۱۱ - ۱۸، حجر / ۳۸ - ۴۴).

سوره سبأ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِٱلْءَاخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِى شَكٍّ ۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ ۝٢١﴾

ترجمه:

شیطان هیچ‌گونه قدرتی بر آنان نداشت (تا با آن بتواند ایشان را به پیروی از خود وادارد. تنها کاری که از دست او ساخته است، وسوسه است. این هم بدو داده نشده است) مگر بدان خاطر تا بدانیم که چه کسی به آخرت ایمان می‌آورد، و چه کسی درباره

آن متردّد می‌ماند. پروردگار تو مراقب (احوال) و نگهدار (حساب افعال بندگان) است.

توضیحات:

«سُلْطَانٍ»: سلطه و قدرت و استیلاء. «لِنَعْلَمَ»: (نگا: بقره / ۱۴۳، آل‌عمران / ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۶۷، مائده / ۹۴، کهف / ۱۲). «حَفِيظٌ»: (نگا: هود / ۵۷).

سوره سبأ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ٢٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: کسانی را به فریاد بخوانید که بجز خدا (معبود خود) می‌پندارید. (امّا بدانید آنها هرگز گرهی از کارتان نمی‌گشایند و سودی و زیانی به شما نمی‌رسانند. چرا که) آنها در آسمان‌ها و زمین به اندازه ذرّه‌ای مالک چیزی نیستند و در آسمان‌ها و زمین کم‌ترین حق مشارکت (در خلقت و مالکیت و اداره جهان) نداشته (و انباز خدا نمی‌باشند)، و خداوند در میان‌شان یاور و پشتیبانی ندارد (تا در اداره مملکت کائنات بدو نیازمند باشد).

توضیحات:

«زَعَمْتُمْ»: گمان برده‌اید. بعد از آن، جمله (أَنَّهُمْ ءَالِهَةٌ) مقدّر است. «مِن دُونِ اللهِ»: بجز خدا. بعد از آن جمله (لا يَسْتَجِيبُونَ دُعَآءَكُمْ) مقدّر است. لذا مجموعاً چنین می‌شود: «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ ءَالِهَةٌ مِّن دُونِ اللهِ لا يَسْتَجِيبُونَ لَكُمْ». «شِرْكٍ»: مشارکت. نصیب و بهره. «ظَهِيرٍ»: یاور و پشتیبان.

سوره سبأ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٢٣﴾

ترجمه:

هیچ‌گونه شفاعتی در پیشگاه خدا سودمند واقع نمی‌گردد، مگر شفاعت کسی که

خدا بدو اجازه (میانجیگری) دهد (و آن هم جز خوب و پسندیده نگوید. در آن روز اضطراب و وحشتی بر دل‌های شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان چیره می‌شود، و در انتظار این هستند که ببینند خداوند به چه کسانی اجازه شفاعت می‌دهد و برای چه کسانی باید شفاعت بشود. این حالت اضطراب و نگرانی همچنان ادامه می‌یابد) تا زمانی که (فرمان از ناحیه خدا صادر می‌شود و) فزع و اضطراب از دل‌های آنان زایل می‌گردد. (گروهی رو به گروه دیگر کرده شادان و خندان می‌پرسند:) آیا پروردگارتان چه (دستوری صادر) فرمود؟ می‌گویند: حق را (صادر) فرمود (که اجازه شفاعت است) و او والا و بزرگوار است.

توضیحات:

«لا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ»: (نگا: بقره / ۲۵۴ و ۲۵۵، طه / ۱۰۹، انبیاء / ۲۸، نجم / ۲۶). «فُزِّعَ»: هراس برطرف شد. باب تفعیل فَزَعَ، برای سلب است. «قَالُوا: مَاذَا قَالَ رَبُّکُمْ»: این جمله جنبه مژده به یکدیگر را دارد و بیان‌گر اوج شادی شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان است. «الْحَقَّ»: درست. مراد اجازه شفاعت برابر شرائط مذکور آیات دیگر قرآن است.

سوره سبأ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: چه کسی شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌رساند (و برکات و نعمات آنها را در اختیارتان می‌گذارد؟ اگر از روی عناد پاسخت ندادند، خودت) بگو: خدا. قطعاً یا ما (مؤمنان) و یا شما (مشرکان) بر هدایت یا ضلالت آشکاری هستیم. (چرا که عقیده ما و شما با هم تضادّ روشنی دارد. پس حتماً گروهی از ما و شما اهل هدایت و دست‌های گرفتار ضلالت است).

توضیحات:

«مِنَ السَّمَاوَاتِ»: روزی‌های پروردگار که از ناحیه آسمان، یعنی از سوی بالا به ما می‌رسد، همچون: نور و حرارت آفتاب و هوا و برف و باران. «وَالأرْضِ»: برکات زمین

همچون: منابع آب‌های زیرزمینی و معادن گوناگون.

سوره سبأ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قُل لَّا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّآ أَجۡرَمۡنَا وَلَا نُسۡـَٔلُ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

بگو: از شما درباره گناهانی که ما کرده‌ایم، و از ما درباره گناهانی که شما کرده‌اید، پرسیده نمی‌شود (و پافشاری ما برای راهنمائی شما تنها جنبه دلسوزی به حال شما دارد و بس).

توضیحات:

«أَجْرَمْنَا»: مرتکب گناه شده‌ایم.

سوره سبأ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قُلۡ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ ٢٦﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارمان ما را (در روز رستاخیز) گرد می‌آورد و سپس در میان ما به حق داوری می‌کند. تنها او داور آگاه (از کارهای ما و شما) است.

توضیحات:

«يَفْتَحُ»: قضاوت و داوری می‌کند (نگا: شعراء / ۱۱۸). «الْفَتَّاحُ»: قاضی و داور (نگا: اعراف / ۸۹).

سوره سبأ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرُونِيَ ٱلَّذِينَ أَلۡحَقۡتُم بِهِۦ شُرَكَآءَۖ كَلَّاۚ بَلۡ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾

ترجمه:

بگو: کسانی را که به عنوان شریک خدا به خدا ملحق ساخته‌اید، به من نشان دهید (تا ببینم برابر کدام ویژگی، در الوهیت با خداوندی انبازند که چیزی همسان او نیست؟!) نه، هرگز! (چنین چیزی ممکن نیست. آخر این یک مشت سنگ و چوب خاموش و بی‌جان، که آنها را سمبل و نماد ارواح و فرشتگان می‌دانید، ساخته و

پرداخته دست خودتان بوده و مرتبه خدائی را نشایند) بلکه تنها الله (که آفریدگار آسمان‌ها و زمین) و چیره و کار بجا است، خدا است و بس.

توضیحات:

«أَرُونِيَ»: به من بنمائید. نشانم دهید. «بِهِ»: به خدا. «شُرَكَآءَ»: حال (الَّذِينَ) است. «هُوَ اللهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»: (هُوَ) مبتدا و (اللهُ) خبر آن بوده و تفسیرش می‌کند و (الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) صفت اوّل و دوم (اللهُ) است. یا این که (هُوَ) ضمیر شأن و (اللهُ) مبتدا و (الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) خبر اوّل و دوم است.

سوره سبأ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم دهنده (کافران به شقاوت سرمدی) باشی، ولیکن اکثر مردم (از این معنی) بی‌خبرند (و همگانی بودن نبوّت تو را باور نمی‌دارند).

توضیحات:

«كَآفَّةً»: همه. جملگی (نگا: بقره / ۲۰۸، توبه / ۳۶ و ۱۲۲). حال ضمیر (كَ) است. اسم فاعل و (ه) برای مبالغه است همچون رَاوِية، و یا این که مصدر است همچون عَاقِبَة. یا این که حال مقدّم (ناس) است. «بَشِيراً وَ نَذِيراً»: حال (ک) هستند. این آیه جهانی بودن دعوت پیغمبر را می‌رساند (نگا: اعراف / ۱۵۸، انعام / ۱۹، فرقان / ۱).

سوره سبأ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

(کافران) می‌گویند: اگر راست می‌گوئید (که رستاخیزی در میان است، به ما بگوئید) این وعده کی به وقوع می‌پیوندد؟!

توضیحات:

«مَتي هذَا الْوَعْدُ»؟: مراد وعده وقوع قیامت و داخل شدن نیکان به بهشت و ورود بدان به دوزخ است. البتّه پرسش کافران جنبه استهزاء داشت.

سوره سبأ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَـٔۡخِرُونَ عَنۡهُ سَاعَةٗ وَلَا تَسۡتَقۡدِمُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

بگو: وعده شما روز مشخّصی است که نه ساعتی از آن پسی می‌گیرید، و نه ساعتی از آن پیشی می‌گیرید.

توضیحات:

«مِيعَادُ يَوْمٍ»: مراد از میعاد، زمان شیء موعود است. اضافه به چیزی شده است که بیان‌گر آن است. یعنی: «میعادٌ هُوَ یَوْمٌ». «لا تَسْتَأْخِرُونَ...»: (نگا: اعراف / ۳۴، یونس / ۴۹).

سوره سبأ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ بِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ ٣١﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: ما هرگز به این قرآن و دیگر کتاب‌های پیش از آن ایمان نخواهیم آورد. اگر برایت ممکن بود که ببینی (حال چنین ستمگرانی را) در آن زمان که ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب) نگاه داشته شده‌اند (از کارشان در شگفت می‌ماندی. چرا که) همه با یکدیگر در گفتگویند و هر یکی گناه را به گردن دیگری می‌اندازند. مستضعفان و زیردستان، به مستکبران و بالادستان می‌گویند: اگر شما نبودید (و ما را گمراه نمی‌کردید) ما ایمان می‌آوردیم (و اکنون رستگار می‌شدیم).

توضیحات:

«وَلَوْ تَرَي...»: (نگا: انعام / ۲۷ و ۳۰ و ۹۳، انفال / ۵۰، سجده / ۱۲). «يَرْجِعُ»: ردّ می‌کنند. بازگشت می‌دهند. مراد لومه و سرزنش و گناه را به گردن یکدیگر انداختن است. این فعل از افعال ذو وجهین است و در اینجا متعدّی است.

سوره سبأ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

مستکبران هم به مستضعفان می‌گویند: آیا ما شما را از هدایتی باز داشته‌ایم که برایتان آمده بوده است؟! (هرگز ما چنین کاری را نکرده‌ایم و) بلکه خود شما گناهکار بوده‌اید (و به کفر و الحاد گرائیده‌اید).

توضیحات:

«صَدَدْنَاكُمْ»: شما را بازداشته‌ایم. مانع شما بوده‌ایم.

سوره سبأ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

مستضعفان به مستکبران (بار دیگر) می‌گویند: بلکه توطئه‌ها و تبلیغات مکارانه شما در شب و روز سبب شد که ما از هدایت بازمانیم، در آن هنگامی که شما به ما دستور می‌دادید که خدا را به یگانگی نشناسیم و انبازها و همتاهائی برای او قرار دهیم. (سرانجام هر دو گروه از شدّت وحشت، نفَس‌هایشان در سینه‌ها حبس می‌شود) و پشیمانی خود را پنهان می‌دارند، بدان گاه که عذاب را مشاهده می‌کنند و ما غل و زنجیرها را به گردن کافران می‌اندازیم (و ایشان را روانه دوزخ می‌سازیم). آیا به آنان جزائی جز (جزای) کارهائی که می‌کرده‌اند داده می‌شود؟

توضیحات:

«مَكْرُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ»: نیرنگ شب و روز، یعنی حیله‌گری‌ها و توطئه‌های مستمرّ شما درباره ما ما را از هدایت بازداشت. «أَندَاداً»: همگون‌ها و همتاها. مراد انبازها و شرکاء است. «أَسَرُّوا»: پنهان داشتند. مراد بند آمدن زبان از گفتار به خاطر شدّت وحشتی است که از مشاهده عذاب بدی‌شان دست می‌دهد. یا این که (أَسَرُّوا) از اضداد است و به معنی: اظهار پشیمانی کردند «هَلْ يُجْزَوْنَ إِلاّ مَا...»: مراد تجسم اعمال است. یعنی این اعمال و کردار کفّار و مجرمین است که به صورت زنجیرهای اسارت بر گردن و دست و پای آنان گذارده می‌شود. یا این که انسان جزای همان چیزهائی را می‌بیند که کرده است و لاغیر.

سوره سبأ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

ما به هر شهر و دیاری که پیغمبری را فرستاده‌ایم، سران و متنعّمان آنجا گفته‌اند: ما بدانچه آورده‌اید باور نداریم.

توضیحات:

«قَرْيَةٍ»: شهر و دیار. «نَذِيرٍ»: بیم دهنده. مراد پیغمبر الهی است. «مُتْرَفُوهَا»: مراد رؤساء و اغنیاء و زورمداران و متنعّمان و بالاخره مستان ناز و نعمت و قدرت است (نگا: اسراء / ۱۶، مؤمنون / ۶۴). «أُرْسِلْتُم بِهِ»: (نگا: ابراهیم / ۹).

سوره سبأ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٥﴾

ترجمه:

و گفته‌اند: ما که (در دنیا) اموال و اولاد بیشتری داریم و (این نشانه علاقه و محبّت خدا به ما است، و در آخرت هم) ما هرگز عذاب نمی‌بینیم و شکنجه نمی‌شویم.

توضیحات:

«أَمْوَالاً وَ أَوْلاداً»: تمییزند.

سوره سبأ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس که خود بخواهد فراخ یا تنگ می‌گرداند (اعم از عاصی و مطیع. داشتن و نداشتن، نشانه محبّت و خوشنودی، و یا نفرت و ناخوشنودی خدا از بنده نیست) و لیکن بیشتر مردم (چنین چیزی را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«يَبْسُطُ وَيَقْدِرُ»: (نگا: رعد / ۲۶، اسراء / ۳۰، قصص / ۸۲).

سوره سبأ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

اموال و اولاد شما چیزهائی نیستند که شما را به ما نزدیک و مقرّب سازند، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و بایسته بکنند آنان (مقرّب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده‌اند پاداش مضاعف دارند، و ایشان در طبقات بالا (یعنی در برترین منازل بهشت) در امن و امان بسر می‌برند.

توضیحات:

«زُلْفي»: قرب و منزلت. پایه و مقام. مفعول مطلق است و هم معنی با مصدر فعل. «الضِّعْفِ»: مضاعف. چندین برابر. مراد دست کم یک به ده است (نگا: انعام / ۱۶۰). «إِلاّ»: لیکن. امّا. «مَنْ»: مستثنی از ضمیر (كُمْ) در فعل (تُقَرِّبُكُمْ) است و یا مبتدا و مابعد آن خبر است. «الْغُرُفَاتِ»: (نگا: زمر / ۲۰، عنکبوت / ۵۸). «جَزَآءُ الضِّعْفِ»: اضافه موصوف به صفت، و یا اضافه مصدر به مفعول خود است.

سوره سبأ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

کسانی که (در دنیا پیوسته) تلاش می‌کنند آیات ما را تکذیب و انکار کنند، و تصوّر می‌کنند که (پیغمبر را شکست می‌دهند و او را) درمانده می‌سازند (و جلو پخش قرآن و فرمان یزدان را می‌گیرند) آنان به عذاب احضارشدگانند (و جاودانه در آن ماندگار می‌مانند).

توضیحات:

«الَّذِينَ يَسْعَوْنَ...»: (نگا: حجّ / ۵۱، سبأ / ۵). «مُحْضَرُونَ»: احضار شدگان. یعنی فرشتگان به زور آنان را در دوزخ حاضر می‌آورند (نگا: قصص / ۶۱).

سوره سبأ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد فراخ و یا تنگ می‌گرداند، و هر چه را (در راه خدا) ببخشید و صرف کنید، خدا جای آن را پر می‌کند، و او بهترین روزی دهندگان است.

توضیحات:

«يُخْلِفُهُ»: جای آن را پر می‌کند. عوض آن را می‌دهد.

سوره سبأ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ يَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

(یادآور شو) روزی را که خداوند جملگی آنان را گرد می‌آورد و سپس به فرشتگان (رو در روی فرشته پرستان) می‌گوید: آیا اینان شما را (به جای من) پرستش می‌کرده‌اند؟!

توضیحات:

«إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ»: مراد این است که ای فرشتگان شما به این جماعت گفته‌اید که آنان شما را پرستش کنند؟ این سؤال برای تنبیه و شرمندگی هر چه بیشتر کافران و مشرکان است.

سوره سبأ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم مُّؤۡمِنُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

می‌گویند: تو منزّهی (از این نسبت‌های ناروائی که به ساحت مقدّست داده‌اند، ما به هیچ وجه با این گروه ارتباط نداشته‌ایم) و تنها تو یار و یاور ما بوده‌ای نه آنان. بلکه ایشان جنّیان را می‌پرستیده‌اند، و اکثر آنان بدی‌شان ایمان داشته‌اند.

توضیحات:

«أَنتَ وَلِيُّنَا مِنْ...»: (نگا: فرقان / ۱۸). «الْجِنَّ»: مراد شیاطین است (نگا: نساء / ۱۱۷).

سوره سبأ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا يَمۡلِكُ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٖ نَّفۡعٗا وَلَا ضَرّٗا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

در آن روز هیچ یک از شما نمی‌تواند برای دیگری سودی و زیانی داشته باشد، و به ستمگران می‌گوئیم: عذاب آتشی را بچشید که آن را دروغ می‌دانستید.

توضیحات:

«الْيَوْمَ»: آن روز که قیامت است. امروز که قیامت است.

سوره سبأ آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٞ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمۡ عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُكُمۡ وَقَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٞ مُّفۡتَرٗىۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ إِنۡ

هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٤٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که آیه‌های روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: او مردی است که می‌خواهد شما را باز دارد از چیزهائی که پدرانتان پرستش می‌کرده‌اند. و می‌گویند: این (قرآن) جز دروغ بزرگی نیست که (به خدا) نسبت داده شده است. همچنین کافران هنگامی که قرآن برای‌شان می‌آید درباره آن می‌گویند: این جادوی آشکاری بیش نیست.

توضیحات:

«بَيِّنَاتٍ»: واضح و آشکار. حال است «مَا هذَا...»: مرادشان پیغمبر اسلام است. «إِفْكٌ»: سخنی که حقیقت نداشته باشد. دروغ (نگا: نور / ۱۱ و ۱۲، فرقان / ۴). «مُفْتَرىً»: از پیش خود ساخته شده و به هم بافته شده. (نگا: قصص / ۳۶). «الْحَقِّ»: مراد قرآن است.

سوره سبأ آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَمَآ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّن كُتُبٖ يَدۡرُسُونَهَاۖ وَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ قَبۡلَكَ مِن نَّذِيرٖ ٤٤﴾

ترجمه:

ما (قبلاً) هیچ کتابی برای ایشان نفرستاده‌ایم تا آن را بخوانند (و به اتّکای آن، سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ پیغمبری نیز به‌سویشان روانه نکرده‌ایم (تا در پرتو کلام او، دعوت تازه اسلام را نادرست و ناروا ببینند).

توضیحات:

«يَدْرُسُونَهَا»: آن را می‌خوانند. «وَمَآ أَرْسَلْنَا...»: (نگا: قصص / ۴۶، سجده / ۳).

سوره سبأ آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَمَا بَلَغُواْ مِعۡشَارَ مَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ فَكَذَّبُواْ رُسُلِيۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٥﴾

ترجمه:

کسانی که پیش از اینان بوده‌اند. (آیات کتاب‌های آسمانی را) تکذیب کرده‌اند، و حال این که اینان (حتّی از لحاظ قوّت و قدرت) به یکدهم ایشان هم نمی‌رسند، از آنجا که پیغمبران مرا تکذیب کرده‌اند، بنگرید که چگونه کیفرشان داده‌ام (و شهر و

دیارشان را آئینه عبرت دیگران ساخته‌ام. پس شما ستمگرانِ مکه، و شما ستمگرانِ تاریخ، سرنوشت خود را از ایشان قیاس کنید و بدانید نه سنّت الهی تغییرپذیر است و نه شما از آنان برتر و مقتدرترید).

توضیحات:

«مِعْشَارَ»: ده یک. یکدهم. «نَكِيرِ»: ناخوشنودی و بد آمدنم از ایشان. مراد اثر ناخوشنودی است که کیفر و مجازات است (نگا: حجّ / ۴۴).

سوره سبأ آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۝٤٦﴾

ترجمه:

بگو: من شما را تنها یک نصیحت می‌کنم، و آن این است که: خالصانه برای خدا، دو نفر دو نفر، و یا یک نفر یک نفر، برخیزید (و اندیشه‌های خفته را زنده کنید). سپس (درباره محمّد که سال‌ها با او بسر برده‌اید فکر خود را به کار گیرید و) بیندیشید (تا پاکی و امانتداری و سلامت جسمانی و روحانی او، در خاطره‌ها مجسّم شود... این) همدم و همنشین (دیرینه) شما، جنّ زده و دیوانه نیست. بلکه او بیم دهنده شما از عذاب سختی است که در پیش است.

توضیحات:

«بِوَاحِدَةٍ»: به خصلت و نصیحت یگانه‌ای. «أَن تَقُومُوا للهِّ»: و آن این که برای خدا برخیزید و دست به کار شوید. «مَثْني»: دوتا دوتا. حال است. «فُرَادی»: یک یک. مفرد آن فرد است (نگا: انعام / ۹۴). «جِنَّةٍ»: دیوانگی (نگا: اعراف / ۱۸۴، مؤمنون / ۲۵ و ۷۰، سبأ / ۸). «بَيْنَ يَدَيْ»: پیشاپیش (نگا: اعراف / ۵۷، نمل / ۶۳، فرقان / ۴۸). جلو. پیش رو. «بَيْنَ يَدَيْ عَذابٍ شَدِيدٍ»: قبل از وقوع عذاب سخت. رویاروئی عذاب سخت. یعنی انگار عذاب خدا رویاروی انسان قرار گرفته است. یا این که آن اندازه نزدیک است که هر آن به انسان برسد.

سوره سبأ آیه ۴۷

متن آیه:

﴿قُلۡ مَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٖ فَهُوَ لَكُمۡۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٞ ٤٧﴾

ترجمه:

بگو: هر مزدی که (در قبال تبلیغ دعوت آسمانی) از شما خواسته باشم، برای خودتان. (من پاداش مادی چشم نمی‌دارم، و بلکه) اجر و مزد من بر خدا است و بس. او آگاه از هر چیزی و حاضر و ناظر بر هر امری است.

توضیحات:

«شَهِیدٌ»: گواه. مطلع (نگا: آل‌عمران / ۹۸، مائده / ۱۱۷).

سوره سبأ آیه ۴۸

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ٤٨﴾

ترجمه:

بگو: پروردگار من، حق را آشکارا بیان می‌دارد (و با آن باطل را از میان بر می‌دارد... او) دانای نهانی‌ها و کاملاً آگاه از پنهانی‌ها است.

توضیحات:

«یَقْذِفُ بِالْحَقِّ»: حق را به جان باطل می‌اندازد. (نگا: انبیاء / ۱۸). مراد بیان ادلّه حق به صورت قاطع و واضح است. یا این که منظور از افکندن حق، ارسال کتب آسمانی برای انبیاء، و القاء وحی الهی به قلوب پیغمبران: است.

سوره سبأ آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَمَا يُبۡدِئُ ٱلۡبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ٤٩﴾

ترجمه:

بگو: حق به میان آمد و باطل (در پرتو نور حق، اثری از آن نماند و مُرد، و لذا) نه کار تازه‌ای را می‌تواند انجام دهد، و نه کار گذشته‌ای را می‌تواند از سر گیرد.

توضیحات:

«الْحَقُّ»: مراد اسلام است. «الْبَاطِلُ»: مراد کفر است. «مَا يُبْدِئُ»: شروع نمی‌کند. نقش جدیدی ایفاء نمی‌کند. «مَا يُعِيدُ»: از سر نمی‌گیرد. دوباره انجام نمی‌دهد. نقش قدیم بازی نمی‌کند. «مَا يُبْدِئُ البَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ»: مراد نقش بر آب بودن همه نقشهای باطل است. انگار باطل به شخص مُرده می‌ماند که نه کارهای گذشته را می‌تواند بکند و نه کارهای تازه‌ای از او ساخته است. ذکر این نکته ضروری است که نور اسلام فاعلیت زدودن کفر و شرک و نفاق را دارد، همان‌گونه که نور، ظلمت را می‌زداید. امّا انسان‌ها هم باید از نور آن استفاده کنند و قابلیت را بهم برسانند، تا در پرتو فاعلیتِ فاعلْ و قابلیت قابل، پیروزی ظاهر و حاصل شود.

سوره سبأ آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن ضَلَلۡتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفۡسِيۖ وَإِنِ ٱهۡتَدَيۡتُ فَبِمَا يُوحِيٓ إِلَيَّ رَبِّيٓۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٞ قَرِيبٞ ٥٠﴾

ترجمه:

(به مشرکان بت‌پرست) بگو: اگر من (با ترک بت‌ها و دوری از آئین شما) گمراه شده باشم، به زیان خود گمراه شده‌ام (و کیفر آن را می‌بینم) و اگر راهیاب بوده باشم، در پرتو چیزهائی است که پروردگارم به من وحی می‌فرماید. او شنوا و نزدیک است (و اقوال و افعال ما بر او پنهان نمی‌ماند).

توضیحات:

«أَضِلُّ عَلي نَفْسِي»: به زیان خود گمراه می‌شوم و کیفر آن را می‌بینم.

سوره سبأ آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ فَزِعُواْ فَلَا فَوۡتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ٥١﴾

ترجمه:

اگر برایت ممکن بود ببینی (حال ستمگران را) در آن دم که به وحشت می‌افتند و راه گریزی ندارند و اصلاً مهلتی بدی‌شان داده نمی‌شود، و از مکان نزدیکی گرفتار (و روانه آتش) می‌گردند، (صحنه هراس‌انگیزی را خواهی دید که انسان از آن برخود

می‌لرزد و بیتاب می‌شود).

توضیحات:

«وَلَوْ تَرَي»: (نگا: سبأ / ۳۱). «فَزِعُوا»: به هراس افتادند. سراسیمه شدند. «لا فَوْتَ»: هیچ رهائی نیست. مراد از (فَوْتَ) گریز و مهلت است. یعنی اصلاً خدا بدی‌شان مهلت نمی‌دهد و راه گریزی هم ندارند. «مَكَانٍ قَرِيبٍ»: مراد این است که در اسرع وقت از نزدیک‌ترین محلّ گرفتارشان می‌سازند. این آیه بیان‌گر حال آشفته کافران در آغاز هنگامه رستاخیز است (نگا: / ۴۱ - ۴۴). یا این که وضع نابسامان آنان به هنگام بلایای نابود کننده و عذاب استیصال در دنیا است (نگا: غافر / ۸۳ - ۸۵).

سوره سبأ آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ ۝٥٢﴾

ترجمه:

و (به هنگام گرفتار شدن در چنگال مجازات الهی) خواهند گفت: به « حق « ایمان داریم. آنان چگونه می‌توانند از فاصله دور (از جهان که جای پذیرش ایمان و مزرعه آخرت بود) سهل و ساده حقّ را فرا چنگ آورند (و از مزایای ایمان بدان برخوردار شوند؟).

توضیحات:

«بِهِ»: مرجع ضمیر (ه) حق در آیه ۴۹ است که مراد اسلام و قرآن است. «أَنَّي»: چگونه؟ «التَّنَاوُشُ»: دسترسی پیدا کردن. فراچنگ آوردن. «مَكَانٍ بَعيدٍ»: مراد آخرت است که با جهان ما فاصله دوری دارد. یعنی بعد از خروج از دنیا، تازه کسی نمی‌تواند ایمانی به دست آورد که در پرتو آن رستگاری میسّر گردد (نگا: انعام / ۱۵۸، غافر / ۸۴ و ۸۵).

سوره سبأ آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَقَدۡ كَفَرُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۖ وَيَقۡذِفُونَ بِٱلۡغَيۡبِ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ ۝٥٣﴾

ترجمه:

و حال این که قبلاً (در زمان حیات که از عقل و اختیار و اراده برخوردار بوده‌اند) حقّ را نپذیرفته‌اند، و بلکه دورادور به جهان غیب نسبت‌های ناروائی زده‌اند (و نبوّت و قیامت و بهشت و دوزخ و بالاخره جهان ماوراء طبیعت را به تمسخر گرفته‌اند).

توضیحات:

«بِهِ»: (نگا: سبأ / ۵۲). «یَقْذِفُونَ بِالْغَیْبِ»: نسبت‌های ناروائی به جهان غیب می‌دادند و سخنان نادرستی درباره آن اظهار می‌کردند. گمان‌های نادرستی درباره ماوراء طبیعت داشتند. «مَکَانٍ بَعِیدٍ»: دورادور. نقطه دور دست. مراد دور از حقیقت است.

سوره سبأ آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَحِیلَ بَیۡنَهُمۡ وَبَیۡنَ مَا یَشۡتَهُونَ کَمَا فُعِلَ بِأَشۡیَاعِهِم مِّن قَبۡلُۚ إِنَّهُمۡ کَانُواْ فِی شَكّٖ مُّرِیبِۭ ۝٥٤﴾

ترجمه:

میان ایشان و آنچه آرزو دارند (که پذیرش ایمان ایشان و نجات از عذاب است) جدائی افکنده می‌شود، همان‌گونه که با گروههای همسان و همکیش آنان قبلاً چنین عمل شده است. آخر ایشان (در جهان) سراپا در شک بوده‌اند (و زندگی را پیوسته با ظنّ و گمان به سر برده‌اند و اینک چنین سرنوشتی باید داشته باشند).

توضیحات:

«حِیلَ»: حائل و مانع انداخته شده است. فاصله و جدائی افکنده شده است. «مَا»: آنچه. مراد پذیرش ایمان اخروی و رهائی از دوزخ است یا بازگشت به جهان و انجام کارهای شایسته در آن است (نگا: سجده / ۱۲). یا رهائی از بلاهای بزرگ آسمانی و عذاب استیصال جهانی است (نگا: غافر / ۸۳ - ۸۵). «أَشْیَاع»: جمع شیعَة، مراد اَمثال و اَقران است (نگا: انعام / ۶۵). «مُرِیبٍ»: شک‌انداز. به دودلی افکنده. این واژه صفت و برای مبالغه و تأکید است. مثل: «شِعْرٌ شاعِرٌ».

سوره فاطر

سوره فاطر آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۚ يَزِيدُ فِي ٱلۡخَلۡقِ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١﴾

ترجمه:

ستایش خداوندی را سزا است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، و فرشتگان را با بال‌های دوتا دوتا، و سه‌تا سه‌تا، و چهارتا چهارتائی که دارند، مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه‌های مختلف تکوینی و تشریعی) کرد. او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می‌افزاید. چرا که خدا بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«فَاطِرِ»: مُخترع. مُبدِع. آفریننده بدون مُدل و اُلگو (نگا: انعام / ۱۴، یوسف / ۱۰۱، ابراهیم / ۱۰). «جَاعِلِ»: سازنده. قراردهنده. (نگا: بقره / ۳۰ و ۱۲۴، آل‌عمران / ۵۵، قصص / ۷). «أُوْلِي»: دارندگان. صاحبان. «أَجْنِحَةٍ»: جمع جناح، بال‌ها. بال و پر نماد سرعت و قدرت است و می‌تواند معنی کنائی داشته باشد. «مَثْني وَثُلاثَ وَ رُبَاعَ»: (نگا: نساء / ۳). «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ»: بر آفرینش می‌افزاید. مراد افزایش اندام‌هایی همچون بال و پر فرشتگان یا حسن و زیبائی مردمان و غیره. یا این که: خدا هر چه بخواهد می‌آفریند و بر مخلوقات و موجودات فعلی عالَم می‌افزاید. در صورتی که جز او کسی نمی‌تواند حتی ذرّه‌ای را از عدم بیافریند و بر ذرّات هستی بیفزاید. «رُسُلاً»: فرستادگان. مراد گمارده شدن فرشتگان برای اجرای مأموریت‌های مختلف است (نگا: یونس / ۲۱، انعام / ۶۱، عنکبوت / ۳۱).

سوره فاطر آیه ۲

متن آیه:

﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٢﴾

ترجمه:

خداوند (درِ خزائن) هر رحمتی را برای مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند (آن را ببندد و) از آن جلوگیری نماید، و خداوند هر چیزی را که باز دارد و از آن جلوگیری کند، کسی جز او نمی‌تواند آن را رها و روان سازد، و او توانا و کار بجا است. (لذا نه در کاری در می‌ماند، و نه کاری را بدون فلسفه انجام می‌دهد).

توضیحات:

«مُرْسِلَ»: فرستنده. روانه کننده. «مِن بَعْدِهِ»: بجز خدا. پس از جلوگیری از آن. هم معنی آیه (نگا: یونس / ۱۰۷).

سوره فاطر آیه ۳

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ۝٣﴾

ترجمه:

ای مردم! نعمتی را که خدا به شما عطا فرموده است (با به جای آوردن شکر و ادای حق آن) یادآوری کنید (و سفله و ناسپاس نباشید، و از کنار این همه مواهب و برکات و امکانات حیات، سهل و ساده نگذرید. بلکه از خود بپرسید). آیا جز الله، آفریننده‌ای وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی برساند؟ (نه! اصلاً). جز او خدائی وجود ندارد. پس با این حال چگونه منحرف می‌گردید (و از راه راست به راه کج می‌گرائید، و به جای یزدان برای بتان کرنش می‌برید و سجده می‌کنید؟).

توضیحات:

«يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَآءِ وَالأَرْضِ»: این جمله، اگر صفت (خالق) باشد، معنی آن در بالا گذشت. و اگر حال (الله) باشد، معنی چنین است: آیا آفریننده‌ای جز خدا، که شما را از آسمان و زمین روزی می‌رساند، وجود دارد؟. «فَأَنَّي تُؤْفَكُونَ»: (نگا: انعام / ۹۵، یونس / ۳۴).

سوره فاطر آیه ۴

متن آیه:

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٤﴾

ترجمه:

اگر تو را تکذیب کنند، (غم مخور، چیز تازه‌ای نیست، و) پیغمبران پیش از تو نیز مورد تکذیب قرار گرفته‌اند. (خدا حاضر و ناظر است و سرانجام) همه کارها به‌سوی خدا برگردانده می‌شود (و از آنها پرس و جو می‌گردد و بدان‌ها پاداش و پادافره داده می‌شود).

توضیحات:

«وَإِن يُكَذِّبُوكَ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴).

سوره فاطر آیه ۵

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ٥﴾

ترجمه:

ای مردمان! وعده خدا حق است، پس زندگی دنیوی شما را گول نزند و اهریمن شما را درباره خدا نفریبد.

توضیحات:

«وَعْدَ اللهِ»: وعده‌هائی همچون: قیامت، حساب و کتاب، بهشت و دوزخ. «الْغَرُور»: بسیار گول زننده. مراد اهریمن، مال و دارائی، شهوات و لذّات، و بالاخره هر چیزی است که انسان را از راه به در برد (نگا: لقمان / ۳۳).

سوره فاطر آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ٦﴾

ترجمه:

بی‌گمان اهریمن دشمن شما است، پس شما هم او را دشمن بدانید (و از مکر و

کید او یک لحظه غافل نمانید و از وسوسه‌های او پیروی نکنید). او پیروان خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنّم شوند.

توضیحات:

«یَدْعُو»: فرا می‌خواند. به دور خود می‌خواند. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی دارد. «السَّعِیرِ»: آتش سوزان (نگا: حجّ / ۴، لقمان / ۲۱). «حِزْب»: هر کس از برنامه و هدف شیطان پیروی کند.

سوره فاطر آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِینَ كَفَرُواْ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِیدٞۖ وَٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِیرٌ ٧﴾

ترجمه:

کسانی که کافر بشوند، عذاب سختی دارند، و کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند، آمرزش (خدا شامل گناهانشان می‌گردد) و پاداش بزرگی دارند.

توضیحات:

سوره فاطر آیه ۸

متن آیه:

﴿أَفَمَن زُیِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ یُضِلُّ مَن یَشَآءُ وَیَهۡدِی مَن یَشَآءُۖ فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ عَلَیۡهِمۡ حَسَرَٰتٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِیمُۢ بِمَا یَصۡنَعُونَ ٨﴾

ترجمه:

آیا کسی که عمل‌های بدش (توسّط شیطان و شیطان صفتان) در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می‌بیند و از قوانین آسمانی پیروی می‌کند؟) خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هر کس را بخواهد راهیاب می‌نماید. پس خود را با غم و غصّه آنان هلاک مکن. خدا بس آگاه از کارهائی است که می‌کنند.

توضیحات:

«أَفَمَن زُیِّنَ...»: مقابل این گروه، مقدّر است، برای آن (نگا: اعراف / ۳۰، کهف /

۱۰۳ و ۱۰۴). «فَلا تَذْهَبْ نَفْسُكَ...»: (نگا: کهف / ۶، شعراء / ۳). «حَسَرَاتٍ»: جمع حَسْرَة، غم‌ها و اندوه‌ها. مفعول‌له است.

سوره فاطر آیه ۹

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَسُقۡنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَحۡيَيۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ ٩﴾

ترجمه:

خدا کسی است که بادها را روان می‌دارد، و بادها ابرها را برمی‌انگیزند، و ما ابرها را به‌سوی سرزمین‌های موات می‌رانیم و آن سرزمین‌های موات را دارای حیات می‌گردانیم. زنده گرداندن (مردگان در گورها برای حساب و کتاب) نیز به همین منوال است.

توضیحات:

«تُثِيرُ»: برمی‌انگیزد. به حرکت در می‌آورد (نگا: روم / ۴۸). «سُقْنَا»: سوق دادیم. راندیم. «بَلَدٍ مَّيِّتٍ»: سرزمین خشک و بی‌گیاه (نگا: اعراف / ۵۷). «النُّشُورُ»: (نگا: فرقان / ۳ و ۴۰ و ۴۷). برانگیختن از گورها.

سوره فاطر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًاۚ إِلَيۡهِ يَصۡعَدُ ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥۚ وَٱلَّذِينَ يَمۡكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَمَكۡرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ١٠﴾

ترجمه:

هر کس عزّت و قدرت می‌خواهد، (آن را از خدا بخواهد چرا که) هر چه عزّت و قدرت است در دست خدا است. (راه وصول به عزّت و قدرت هم گفتار و کردار نیک است). گفتار پاکیزه به‌سوی خدا اوج می‌گیرد (و گوینده خود را پرواز می‌دهد)، و خدا کردار پسندیده را بالا می‌برد (و انجام دهنده‌اش را والا می‌گرداند). کسانی که نقشه‌های سوء می‌کشند و نیرنگ‌ها به راه می‌اندازند، عذاب سختی دارند، و نقشه‌ها و نیرنگ‌هایشان نقش بر آب و تباه می‌شود.

توضیحات:

«یَصْعَدُ»: بالا می‌رود و پذیرفته می‌شود. «یَبُورُ»: تباه می‌گردد و نابود می‌شود (نگا: فرقان / ۱۸، ابراهیم / ۲۸).

سوره فاطر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ جَعَلَكُمۡ أَزۡوَٰجٗاۚ وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٖ وَلَا يُنقَصُ مِنۡ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١١﴾

ترجمه:

خداوند (اصل) شما (آدم) را از خاک بیافرید، سپس شما (ذرّیه آدم) را از نطفه خلق کرد، و آن گاه شما را به صورت زوج‌های (نر و ماده) درآورد. هیچ زنی باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر که خدا می‌داند (جنین او پسر یا دختر است و در شکم مادر چه احوالی دارد و کی به دنیا می‌آید). هیچ شخص پیری عمر درازی بدو داده نمی‌شود (و زنده نمی‌ماند و عمر زیادی نمی‌کند)، و هیچ شخصی از عمرش کاسته نمی‌شود (و مرگ زودرس گریبانگیرش نمی‌گردد) مگر این که در کتاب (لوح محفوظ) ثبت و ضبط است. این برای خدا ساده و آسان است.

توضیحات:

«وَاللهُ خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ...»: (نگا: آل‌عمران / ۵۹، کهف / ۳۷، حجّ / ۵، روم / ۲۰). «أَزْوَاجاً»: جمع زَوْج، جنس نر و ماده، یعنی زن و مرد (نگا: انعام / ۱۴۳). «جَعَلَکُمْ أَزْوَاجاً»: شما را همسران یکدیگر کرد و به صورت نر و ماده در آورد. دسته‌ای از شما را به صورت زن، و گروهی از شما را به صورت مرد خلق کرد. برابری تقریبی زن و مرد در مسیر زندگی، یکی از مسائل مهمّ و قابل توجّه است و بیان‌گر این واقعیت است که جهان به خود رها نشده، و بلکه ناظم و ناظری دارد. «مَا یُعَمَّرُ»: (نگا: بقره / ۹۶). «مُعَمَّرٍ»: سالخورده. پیر. «کتَابٍ»: لوح محفوظ (نگا: انعام / ۵۹). «مَا یُعَمَّرُ... وَلا یُنقَصُ...»: دو معنی دارد: یکی این که: خداوند مقدّر فرموده است که برخیها در پیری بمیرند و گروهی در کودکی و جوانی. دوم این که: روزی یا شبی از عمر شخص

سالخورده نمی‌گذرد، مگر این که در لوح محفوظ ثبت و ضبط است. به عبارت دیگر: مدّت عمر شخص در لوح محفوظ تعیین شده است، و پیوسته شب‌ها و روزها از آن کاسته می‌شود، تا همه دقائق پایان می‌پذیرد. «يَسِيرٌ»: ساده و آسان (نگا: نساء / ۳۰ و ۱۶۹، حجّ / ۷۰).

سوره فاطر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡبَحۡرَانِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ سَآئِغٞ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞۖ وَمِن كُلّٖ تَأۡكُلُونَ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُونَ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢﴾

ترجمه:

دو دریا یکسان نیستند. این یکی گوارا و شیرین و برای نوشیدن خوشگوار است، و آن دیگر شور و تلخ. (با وجود این تفاوت) از هر دوی آنها گوشت تازه (ماهیها و جانوران دیگر دریا را) می‌خورید، و از هر دوی آنها وسائل زینت (مروارید و صدف و درّ و مرجان و غیره) برای پیرایش بیرون می‌آورید. (به علاوه از هر دو می‌توانید برای نقل و انتقالات استفاده کنید. لذا، شما انسان‌ها) می‌بینید کشتی‌ها (در پرتو قانون وزن مخصوص اشیاء، از هر طرف دل) دریاها را می‌شکافند و پیش می‌روند، تا از فضل خدا بهره گیرید و شکرگزار (این همه نعمت و لطف خداوندگار) باشید.

توضیحات:

«الْبَحْرَانِ»: مراد دریاهای شیرین و دریاهای شور است. «عَذْبٌ فُرَاتٌ» و «مِلْحٌ أُجَاجٌ»: (نگا: فرقان / ۵۳). «سَآئِغٌ»: (نگا: نحل / ۶۶). «لَحْماً طَرِيّاً»: (نگا: نحل / ۱۴). «حِلْيَةً»: (نگا: رعد / ۱۷، نحل / ۱۴). «تَري الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ...»: (نگا: نحل / ۱۴).

سوره فاطر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ ١٣﴾

ترجمه:

خدا شب را داخل در روز، و روز را داخل در شب می‌کند. او خورشید و ماه را مسخر کرده است (و برای سود انسان‌ها به گردش و چرخش انداخته است). هر یک از آن دو تا مدّت معین و سرآمد روشنی به حرکت خود ادامه می‌دهند. آن کسی که (درازی و کوتاهی شب‌ها و روزها و نظام نور و ظلمت و حرکات دقیق ماه و خورشید را سر و سامان داده است) الله است که خداوندگار شما است، و مالکیت و حاکمیت (جهان هستی) از آن او است. و بجز او کسانی که به فریاد می‌خوانید (و پرستش می‌نمائید) حتی مالکیت و حاکمیت پوسته نازک خرمائی را ندارند.

توضیحات:

«يُولِجُ»: (نگا: آل‌عمران / ۲۷، حجّ / ۶۱، لقمان / ۲۹) / «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: (نگا: رعد / ۲، روم / ۸، لقمان / ۲۹). «تَدْعُونَ»: (نگا: انعام / ۴۰ و ۴۱ و ۵۶، اعراف / ۳۷ و ۱۹۴ و ۱۹۷، اسراء / ۶۷، مریم / ۴۸، حجّ / ۷۳). «قِطْمِيرٍ»: پوسته نازک و سفیدرنگ پیرامون هسته خرما، که نشان و نماد ناچیزی و کمی است.

سوره فاطر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٖ ١٤﴾

ترجمه:

اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاریهای خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند، و (به فرض) اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگوئی به شما را ندارند، و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرک‌ورزی شما را رد می‌کنند (و می‌گویند: شما ما را پرستش نکرده‌اید و بیخود می‌گوئید). و هیچ کسی همچون (خداوند) آگاه (از احوال آخرت، به گونه قطع و یقین، از چنین مطالبی) تو را باخبر نمی‌سازد.

توضیحات:

«يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ»: (نگا: یونس / ۲۸، قصص / ۶۳). «خَبِيرٍ»: مراد ذات پاک الله است که از تمام عالم هستی و ذرّه ذرّه آن آگاه است و دنیا و آخرت و گذشته و حال و آینده در پیشگاه علم او روشن و آشکار و یکسان است.

سوره فاطر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ١٥﴾

ترجمه:

ای مردم! شما (در هر چیزی، محتاج و) نیازمند خدائید، و خدا بی‌نیاز (از عبادت شما است) و ستوده است.

توضیحات:

«الْحَمِيدُ»: شایسته سپاس و ستایش در همه حال. ذاتاً ستوده.

سوره فاطر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٦﴾

ترجمه:

اگر بخواهد شما را از میان برمی‌دارد، و مردمان دیگری را جایگزین شما می‌سازد.

توضیحات:

«يُذْهِبْكُمْ...»: (نگا: انعام / ۱۳۳).

سوره فاطر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ١٧﴾

ترجمه:

و این کار برای خدا مشکل و سنگین نیست.

توضیحات:

«عَزِيزٍ»: صعب و سخت. مشکل و پرمشقّت (نگا: توبه / ۱۲۸، هود / ۹۱، ابراهیم / ۲۰).

سوره فاطر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ وَإِن تَدۡعُ مُثۡقَلَةٌ إِلَىٰ حِمۡلِهَا لَا يُحۡمَلۡ مِنۡهُ شَيۡءٞ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰٓۗ إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفۡسِهِۦۚ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨﴾

ترجمه:

هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، و اگر انسان سنگین‌باری کسی را برای حمل گناهانش به فریاد خواند، (او چنین کمکی را نمی‌تواند بکند و) چیزی از بار گناهانشان برداشته نمی‌شود، هر چند از نزدیکان و بستگان باشد. (ای پیغمبر! از عناد قوم خود ناراحت مباش) تو کسانی را (با این قرآن) می‌ترسانی که نهانی از پروردگارشان می‌هراسند و نماز را چنان که باید می‌خوانند. هر کس پاکی پیشه کند (و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد) پاکی او برای خودش است و (خود از آن سود می‌برد. به هر حال) بازگشت (همگان، اعم از کافران و مؤمنان) به‌سوی خدا است (و سرانجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید).

توضیحات:

«لا تَزِرُ...»: (نگا: انعام / ۱۶۴، اسراء / ۱۵). این بخش از آیه، پاسخ سخن کسانی است که در (عنکبوت / ۱۲) مذکور است. «مُثْقَلَةٌ»: نفْس سنگین بار. یعنی کسی که بار گناهانش سنگین باشد. «حِمْل»: بار. «إِنَّمَا تُنذِرُ...»: یعنی چنین افرادی از برحذر داشتن تو سود می‌برند. «تَزَکَّي»: پاک از چرک کفر و گناه شد.

سوره فاطر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ ١٩﴾

ترجمه:

نابینا و بینا یکسان نیست.

توضیحات:

«الأعْمي وَ الْبَصِيرُ»: مراد جاهل و عالم، و گمراه و راهیاب است.

سوره فاطر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ ٢٠﴾

ترجمه:

و تاریکی‌ها و نور هم همسان نمی‌باشد.

توضیحات:

«الظُّلُمَاتُ»: تاریکی‌های کفر مراد است. «النُّورُ»: نور ایمان مراد است.

سوره فاطر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلۡحَرُورُ ٢١﴾

ترجمه:

و سایه و گرمای سوزان هم یکی نیست.

توضیحات:

«الظِّلُّ»: مراد بهشت است. «الْحَرُورُ»: باد داغ و سوزان. گرمای سوزان. مراد دوزخ است.

سوره فاطر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَحۡيَآءُ وَلَا ٱلۡأَمۡوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسۡمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ ٢٢﴾

ترجمه:

و مردگان و زندگان هم مساوی نمی‌باشند. خداوند هر کس را بخواهد شنوا (و پذیرای حق و حقیقت) می‌گرداند، و تو نمی‌توانی (پند و اندرز آسمانی را به دل دلمردگان فرو بری، همان‌گونه که نمی‌توانی) مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانی.

توضیحات:

«الأَحْيَآءُ وَالأَمْوَاتُ»: مراد مؤمنان و کافران است (نگا: انعام / ۱۲۲). «وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ...»: (نگا: نمل / ۸۰ و ۸۱، روم / ۵۲).

سوره فاطر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنۡ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ٢٣﴾

ترجمه:

تو تنها بیم‌دهنده‌ای و بس.

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی است. «نَذِيرٌ»: ترساننده دیگران از نافرمانی خدا. برحذر دارنده دیگران از خشم و عذاب الله.

سوره فاطر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۚ وَإِن مِّنۡ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٞ ٢٤﴾

ترجمه:

ما تو را همراه (دین) حقّ، به عنوان مژده دهنده (مؤمنان به بهشت) و بیم دهنده (کافران به دوزخ، به میان مردمان) فرستاده‌ایم. هیچ ملّتی (از ملّت‌های پیشین) هم نبوده است که بیم دهنده‌ای به میان‌شان فرستاده نشده باشد.

توضیحات:

«إِن مِّنْ أُمَّةٍ...»: (نگا: یونس / ۱۹، نحل / ۳۶). «خَلا»: رفته است (نگا: بقره / ۱۳۴ و ۱۴۱). آمده است (نگا: احقاف / ۲۱). «نَذِيرٌ»: مراد رسول یا نبی، و یا عالِم و دانشمند است (نگا: المصحف المیسّر، نمونه، روح‌المعانی). یعنی یا پیغمبری در میان هر ملّتی برانگیخته شده است، و یا دعوت پیغمبران و سخنان ایشان به گوش آنان رسیده است.

سوره فاطر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ٢٥﴾

ترجمه:

اگر تو را تکذیب کنند، (عجیب نیست). زیرا کسانی هم که پیش از آنان بوده‌اند، پیغمبران خود را که برای ایشان دلائل روشن (بیان کرده‌اند) و رساله‌ها و کتاب‌های آسمانی روشن‌گر (راه هدایت) را آورده‌اند تکذیب نموده‌اند.

توضیحات:

«وَإِن يُكَذِّبُوكَ...»: (نگا: حجّ / ۴۲ - ۴۴). «بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ الْكِتابِ الْمُنِيرِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴، نحل / ۴۴).

سوره فاطر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَخَذۡتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٢٦﴾

ترجمه:

سپس کافران را (به گناهانشان) گرفته‌ام (و سخت تنبیه‌شان کردم). بنگرید که چگونه کیفرشان داده‌ام (و شهر و دیارشان را آئینه عبرت دیگران ساخته‌ایم؟!)

توضیحات:

«نَكِيرِ»: (نگا: حجّ / ۴۴، سبأ / ۴۵).

سوره فاطر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٖ مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهَاۚ وَمِنَ ٱلۡجِبَالِ جُدَدُۢ بِيضٞ وَحُمۡرٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٞ ٢٧﴾

ترجمه:

(ای عاقل!) مگر نمی‌بینی که خداوند از آسمان آب سودمندی را می‌باراند و با آن محصولات گوناگون و میوه‌های رنگارنگ را به وجود می‌آورد؟ (و مگر نمی‌بینی که) کوه‌ها خطوط و جاده‌هائی است (که بر سطح زمین کشیده شده است. خطوط و جاده‌هائی) که برخیها سفید و برخی‌ها سرخ و بعضی‌ها سیاه پر رنگ است، و هر یک از آنها به رنگ‌های مختلفی و در طرح‌های متفاوتی (با دست تقدیر پروردگار، بر چهره زمین ترسیم گشته) است.

توضیحات:

«جُدَدٌ»: جمع جُدَّة، خطها و راه‌ها. مراد خود کوه‌ها می‌تواند باشد که انگار جاده‌هائی هستند که به صحرا کشیده‌اند، و خطهائی هستند که با قلم قضا بر صفحه زمین نوشته‌اند. یا این که چین‌ها و لایه‌های کوه‌ها و همچنین خود خطوط و نقشه‌ای روی صخره‌ها و سنگ‌ها است. «بِيضٌ»: جمع أَبْيض و بَيضاء، سفید رنگ. «حُمْرٌ»: جمع «أَحْمَر وحَمْراء»، سرخ رنگ. «مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهَا»: (مُخْتَلِفٌ) صفت (بِيضٌ وحُمْرٌ) است، و (أَلْوَانُ) فاعل (مُخْتَلِفٌ) است. «غَرَابِيبُ»: جمع غِرْبيب، سیاه پر رنگ. این واژه

عطف بر (بِيضٌ وحُمْرٌ) است. «سُودٌ»: جمع أَسْوَد و سَوْداء، سیاه. این واژه بدل یا عطف بیان (غَرَابِيبُ) است، و جنبه تأکید و تفسیر معنی آن را دارد. برخی هم گفته‌اند: در کلام تقدیم و تأخیر است و در اصل چنین است: سُودٌ غَرَابِيبُ.

سوره فاطر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مُخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَۗ إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ٢٨﴾

ترجمه:

انسان‌ها و جنبندگان و چهارپایان نیز کاملاً دارای رنگ‌های مختلفی بوده و متفاوتند. (این نشانه‌های بزرگ آفرینش، بیش از همه توجّه خردمندان و فرزانگان را به خود جلب می‌کند، و این است که) تنها بندگان دانا و دانشمند، از خدا، ترس آمیخته با تعظیم دارند. قطعاً خداوند توانا و چیره (در کار جهان آرائی است) و بس آمرزگار (برای بندگان توبه‌کار و امیدوار به الطاف کردگاری) است.

توضیحات:

«مُخْتَلِفٌ»: مبتدای مؤخّر و جمله پیشین خبر آن است. «كَذٰلِكَ»: برخی این واژه را به جمله قبل از خود مربوط دانسته و آن را محلاً منصوب و صفت مصدر محذوف (إِخْتِلافاً) دانسته و تقدیر چنین است: «مُخْتَلِفٌ إِخْتِلافاً كَائِناً كَذٰلِكَ». بعضی هم آن را جمله مستقلّی به حساب آورده و خبر مبتدای محذوف به شمار آورده‌اند و تقدیر چنین است: «أَلأَمْرُ كَذٰلِكَ». یعنی: آری مطلب چنین است که گذشت. یادآوری: آیه‌های ۲۷ و ۲۸ صفحه تازه‌ای از کتاب بزرگ آفرینش را در برابر دیدگان انسان‌ها می‌گشاید، و بیان‌گر این واقعیت است که ماده همه این آفریدگان یعنی قلم و مرکب آن یکی است و امّا نقّاش چیره‌دست، این همه نقش و نگار بر در و دیوار وجود پدیدار کرده است. از آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ، و از عناصر بسیطه محدود، این همه موجودات کاملاً متنوّع و مختلف خلق فرموده است. «يَخْشَي»: خشیت، ترس آمیخته با تعظیم است، و مولود سیر در آفاق و انفس، و درک گوشه‌هائی از عجائب و غرائب کائنات و راز و رمز موجودات، و آگاهی از مسؤولیت‌هائی است که انسان در برابر خالق جهان دارد.

سوره فاطر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ ٢٩﴾

ترجمه:

کسانی که کتاب خدا (قرآن را) می‌خوانند، و نماز را پا برجای می‌دارند، و از چیرهائی که بدی‌شان داده‌ایم، پنهان و آشکار، بذل و بخشش می‌نمایند، آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که هرگز بی‌رونق نمی‌گردد و از میان نمی‌رود.

توضیحات:

«يَرْجُونَ»: می‌خواهند. امید می‌دارند. جمله (يَرْجُونَ تِجَارَةً...) خبر (إِنَّ) است. «لَن تَبُورَ»: هرگز تباه و نابود نمی‌گردد. یعنی بی‌رونقی و زیانمندی و از میان رفتن ندارد. چرا که معامله با خدا پیوسته سودمند است و زیان و ضرر نمی‌بیند (نگا: صف / ۱۰ – ۱۳).

سوره فاطر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿لِيُوَفِّيَهُمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٞ شَكُورٞ ٣٠﴾

ترجمه:

(آنان قرآن را تلاوت می‌کنند، و نماز را می‌خوانند، و بذل و بخشش می‌کنند) تا خداوند اجرشان را به تمام و کمال بدهد، و از فضل خود بر پاداش‌شان بیفزاید. چرا که خدا آمرزگار و سپاس‌گزار است (و بدی‌هایشان را می‌بخشاید، و از خوبی‌هایشان سپاس‌گزاری می‌فرماید، و مواهبی بدی‌شان عطاء می‌نماید که به اندیشه و تصوّر در نمی‌آید).

توضیحات:

«لِيُوَفِّيَهُمْ»: متعلّق به (يَتْلُونَ كِتابَ...)، یا به (لَن تَبُورَ) است. در صورت اوّل معنی آن گذشت. در صورت دوم معنی چنین است: تجارت آنان هرگز زیان نمی‌بیند و نابود نمی‌گردد، چرا که پاداش دهنده ایشان خدا است.

سوره فاطر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ٣١﴾

ترجمه:

آنچه از کتاب (قرآن) به تو پیام داده‌ایم، حقّ است، و تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است. قطعاً خداوند از (اوضاع) بندگان خود کاملاً آگاه (و به احوال‌شان) بینا است.

توضیحات:

«مُصَدِّقاً...»: (نگا: آل‌عمران / ۳ و ۵۰، مائده / ۴۸).

سوره فاطر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٣٢﴾

ترجمه:

(ما کتاب‌های پیشین را برای ملّت‌های گذشته فرستادیم و) سپس کتاب (قرآن) را به بندگان برگزیده خود (یعنی امت محمّدی) عطاء کردیم. برخی از آنان به خویشتن ستم می‌کنند، و گروهی از ایشان میانه‌روند، و دسته‌ای از ایشان در پرتو توفیقات الهی در انجام نیکی‌ها پیشتازند. این (سبقت در خیرات) واقعاً فضیلت بزرگی است.

توضیحات:

«ثُمَّ»: بعد از فرستادن کتاب‌های آسمانی پیشین. «أَوْرَثْنَا...»: (نگا: اعراف / ۱۳۷). «مُقْتَصِدٌ»: میانه‌رو (نگا: لقمان / ۳۲). «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ»: سبقت گیرنده بر دیگران در انجام نیکی‌ها. سبقت گیرنده بر دیگران به سبب کارهای نیک. «إِذْن»: توفیق (نگا: بقره / ۲۵۱، انفال / ۶۶). «ذلِكَ»: به ارث رساندن قرآن به بندگان برگزیده. انتخاب امت محمّدی. سبقت در خیرات.

سوره فاطر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا

حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾

ترجمه:

(پاداش پیشگامان در نیکی‌ها) باغ‌های اقامتی است که بدان‌ها داخل می‌شوند، و در آنجاها با دستبندهای طلا و مروارید آراسته و پیراسته می‌گردند، و جامه‌هایشان در آنجاها ابریشمین است.

توضیحات:

«جَنَّاتُ»: بدل از (الْفَضْلُ الْکَبِیرُ) یا خبر مبتدای محذوف است: «جَزَآئُهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ». یا این که مبتدای مؤخّر و خبر مقدم آن محذوف است: «لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ». «عَدْنٍ»: اقامت گزیدن و ماندن (نگا: توبه / ۷۲، رعد / ۲۳). «یُحَلَّوْنَ...»: (نگا: کهف / ۳۱، حجّ / ۲۳).

سوره فاطر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾

ترجمه:

و خواهند گفت: سپاس خداوندی را سزا است که غم و اندوه را از ما زدود. بی‌گمان پروردگار ما آمرزنده (گناهان بندگان و) سپاسگزار (کارهای نیک ایشان) است.

توضیحات:

«أَذْهَبَ»: از میان برد. برطرف ساخت. «الْحَزَنَ»: غم و اندوه (نگا: توبه / ۹۲، قصص / ۸).

سوره فاطر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ﴿٣٥﴾

ترجمه:

خداوندی که در پرتو فضل و لطف خویش، ما را در سرای اقامت و ماندگاری جای داد. در آن هیچ‌گونه رنج و مشقّت جسمانی و هیچ‌گونه ناتوانی و واماندگی روحانی به ما دست نمی‌دهد.

توضیحات:

«نَصَبٌ»: رنج و مشقّت. خستگی. «لُغُوبٌ»: درماندگی ناشی از خستگی، و ناتوانی حاصل از رنج و مشقّت. برخی (نَصَبٌ) را خستگی جسمی، و (لُغُوب) را خستگی روحی دانسته‌اند. «الـْمُقامَةِ»: مصدر میمی و به معنی اقامت است.

سوره فاطر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ٣٦﴾

ترجمه:

کسانی که کفر پیشه‌اند، آتش دوزخ برای آنان است. هرگز فرمان مرگ ایشان صادر نمی‌شود تا بمیرند (و راحت شوند). و هرگز عذاب دوزخ برای ایشان تخفیف داده نمی‌شود (تا مدّتی بیارامند). ما هر کافر لجوج در کفر را این چنین کیفر و سزا می‌دهیم.

توضیحات:

«لا يُقْضِي عَلَيْهِمْ»: درباره ایشان حکم مرگ دوباره صادر نمی‌شود. «كَفُورٍ»: صیغه مبالغه کافر است. یعنی مبالغه کننده در کفر. بسیار ناسپاس و کفران کننده نعمت.

سوره فاطر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا غَيْرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوَ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُ ۖ فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ٣٧﴾

ترجمه:

آنان در دوزخ فریاد برمی‌آورند: پروردگارا! بیرونمان بیاور تا کارهای شایسته‌ای انجام دهیم که جدای از کارهائی باشد که قبلاً می‌کردیم. (بدیشان خواهیم گفت:) آیا بدان اندازه به شما عمر ندادیم که در آن هر کس بخواهد بیدار و هوشیار شود، کافی و بسنده باشد؟ و آیا بیم دهنده (الهی، اعم از پیغمبران و علماء ادیان، برای ابلاغ آئین آسمانی) به پیش شما نیامد؟ (ما که همه وسائل نجات را در اختیارتان گذاشتیم و راه

رستگاری را به شما نمودیم، ولی خودتان از آن بهره نگرفتید و فرصت را از دست دادید) پس بچشید. اصلاً برای ستمگران یار و یاوری نیست.

توضیحات:

«يَصْطَرِخُونَ»: نعره‌زنان کمک می‌طلبند. فریاد برمی‌آورند. «مَا»: مدّت زمانی که. «مَنْ»: فاعل (يَتَذَكَّرُ) است.

سوره فاطر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ غَيْبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٣٨﴾﴾

ترجمه:

خداوند داننده غیب آسمان‌ها و زمین است و مسلّماً از چیرهائی که در درون دل‌ها است کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«إِنَّهُ عَلِيمٌ...»: مراد این است که خدا که آگاه از همه چیز است می‌داند که اگر دوزخیان به دنیا برگردند، دوباره همان اعمال گذشته را ادامه می‌دهند (نگا: انعام / ۲۸).

سوره فاطر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ ۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾﴾

ترجمه:

خدا کسی است که شما را جانشین (گذشتگان) روی زمین کرده است. هر کس (از شما) کافر گردد، به زیان خود کافر می‌گردد، و کفر کافران در پیشگاه خدا جز بر خشم نمی‌افزاید، و جز زیان چیزی نصیب کافران نمی‌نماید.

توضیحات:

«خَلآئِفَ»: جانشینان. مراد جانشین و جایگزین پیشینیان است (نگا: انعام / ۱۶۵، یونس / ۱۴ و ۷۳). «مَقْتاً»: خشم و غضب (نگا: نساء / ۲۲).

سوره فاطر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا فَهُمۡ عَلَىٰ بَيِّنَتٖ مِّنۡهُۚ بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا ٤٠﴾

ترجمه:

بگو: آیا درباره انبازهای خود که علاوه از خدا آنها را هم به فریاد می‌خوانید، خوب دقّت کرده‌اید؟ نشانم دهید آنها کدام چیز زمین را آفریده‌اند؟ و یا در آفرینش (کدام چیز) آسمان‌ها مشارکت داشته‌اند؟ یا شاید کتاب (آسمانی) در اختیار مشرکان گذارده‌ایم و ایشان حجّت روشنی از آن (بر کار شرک و بت‌پرستی خود) دارند؟! (اصلاً ایشان دلیل عقلی و دلیل نقلی ندارند) و بلکه ستمگران جز وعده‌های دروغ به یکدیگر نمی‌دهند (و فقط همدیگر را گول می‌زنند).

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»؟: آیا دیده‌اید؟ به من بگوئید. مراد دقّت کافی درباره معبودهای دروغین است. خدا در این بخش از ایشان دلیل عقلی می‌طلبد. «أَرُونِي»: به من نشان دهید. بدل اشتمال (أَرَأَيْتُمْ) است. «شِرْكٌ»: مشارکت (نگا: سبأ / ۲۲). «ءَاتَيْنَاهُمْ»: ضمیر (هُمْ) بهتر است به صورت التفات، به مشرکان برگردد. «أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَاباً»: مراد دلیل نقلی‌است. «غُرُوراً»: (نگا: نساء / ۱۲۰، اسراء / ۶۴، احزاب / ۱۲). «قُلْ أَرَأَيْتُمْ... مَاذَا خَلَقُوا»: این بخش آیه، دو معنی دارد. یکی در بالا گذشت، و دیگری چنین است: به من بگوئید: انبازهائی را که علاوه از خدا آنها را هم به فریاد می‌خوانید و پرستش می‌نمائید، آنها چه چیز را در زمین یا در آسمان‌ها آفریده‌اند؟

سوره فاطر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن تَزُولَاۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنۡ أَمۡسَكَهُمَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤١﴾

ترجمه:

خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاهداری می‌کند و نمی‌گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود شوند. هر گاه (هم بخواهند از مسیر خود) خارج و نابود شوند، جز خدا هیچ کس

نمی‌تواند آنها را (در مسیر خود) نگاه و محفوظ دارد. خداوند شکیبا است (و در مجازات تعجیل روا نمی‌دارد) و آمرزنده است (و توبه بزهکاران را می‌بخشاید).

توضیحات:

«يُمْسِكُ»: حفظ می کند. نگاه می‌دارد. «أَن تَزُولا»: نابود بشوند، و یا کنار بروند. از مصدر زوال، به معنی نابود شدن، یا از مدار خود منحرف شدن. «إِنْ أَمْسَكَهُمَا»: حرف (إِنْ) نافیه است. «مِن بَعْدِهِ»: غیر او. بجز او.

سوره فاطر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَأَقْسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى ٱلْأُمَمِۖ فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

آنان (یعنی کفّار مکه) مؤکدانه به خدا قسم می‌خوردند که اگر پیغمبری به میان ایشان بیاید، راهیاب‌ترین ملّت‌ها خواهند بود (و در پذیرش دین او، بر همگان پیشی خواهند گرفت). امّا هنگامی که پیغمبری (از خودشان برانگیخته شد و) به میان‌شان آمد، (بعثت او) جز گریز و بیزاری (از حق) چیزی بر آنان نیفزود.

توضیحات:

«أَقْسَمُوا بِالله جَهْدَ أَيْمَانِهِم»: (نگا: مائده / ۵۳، انعام / ۱۰۹، نحل / ۳۸، نور / ۵۳). «إِحْدَي الأُمَمِ»: ملّت یگانه‌ای در میان همه ملّت‌ها. واژه (إِحْدَي) به معنی (جَميع) و (هر) است. جنبه عموم و تعظیم را دارد. مراد یگانه و پیشگام است. «نُفُوراً»: گریز. بیداری (نگا: اسراء / ۴۱ و ۴۶).

سوره فاطر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿ٱسْتِكْبَارًا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦۚ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًاۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

(گریزشان از حق) به خاطر استکبار در زمین و حیله‌گری‌های زشت است، و حیله‌گری‌های زشت جز دامن‌گیر حیله‌گران نمی‌گردد. آیا آنان انتظار دارند سرنوشتی جز سرنوشت پیشینیان را داشته باشند؟! هرگز دگرگونی و تبدیلی در شیوه رفتار خدا (در معامله با ملّت‌ها) نخواهی یافت، و هرگز نخواهی دید که روش خدا تغییر مسیر و جهت دهد.

توضیحات:

«إِسْتِكْبَاراً»: عظمت فروشی. خود بزرگ بینی. خود را بزرگ‌تر از آن دیدن که حق را پذیرفتن (نگا: بقره / ۳۴، نساء / ۱۷۲، اعراف / ۴۸ و ۲۰۶). مفعول له است. «مَكْرَ»: عطف بر (إِسْتِكْبَاراً) است. «لا يَحِيقُ»: گریبانگیر نمی‌گردد. نمی‌رسد (نگا: انعام / ۱۰، هود / ۸، نحل / ۳۴). «فَهَلْ يَنظُرُونَ»: آیا انتظار دارند؟ (نگا: بقره / ۲۱۰، انعام / ۱۵۸، اعراف / ۵۳، نحل / ۳۳). «سُنَّةَ»: طریقه. شیوه. خطّ سیر (نگا: انفال / ۳۸، اسراء / ۷۷). «تَحْوِيلاً»: تغییر جهت. دگرگونی (نگا: اسراء / ۵۶ و ۷۷).

سوره فاطر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَكَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا ٤٤﴾

ترجمه:

آیا در زمین به گشت و گذار نمی‌پردازند تا ببینند فرجام کار پیشینیان به کجا کشیده است، در حالی که آنان از اینان قدرت و قوت بیشتری داشته‌اند؟ هیچ چیزی چه در آسمان‌ها و چه در زمین خدا را درمانده و ناتوان نخواهد کرد. چرا که او بسیار فرزانه و خیلی قدرتمند است.

توضیحات:

«أَوَلَـمْ يَسِيرُوا...»: (نگا: یوسف / ۱۰۹، روم / ۹). «مِن شَيْءٍ»: هیچ چیزی. حرف (مِنْ) زائد و برای استغراق است، و (شَيْءٍ) فاعل است.

سوره فاطر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا ٤٥﴾

ترجمه:

هر گاه خداوند مردمان را در برابر کارهائی که می‌کنند (فوراً و بدون کمترین مهلتی برای اصلاح و تجدید نظر و خودسازی) به کیفر برساند، انسانی را بر روی زمین باقی نخواهد گذاشت. ولیکن خداوند (به لطف و کرم خود، کیفر) ایشان را تا سررسید زمان معینی (که قیامت است) به تأخیر می‌اندازد. وقتی که مدّت مشخّصه ایشان فرا رسید، خداوند بندگان خود را دیده است (و از گفتار و کردار و پندار ایشان باخبر بوده است، لذا چنان که باید پاداش و پادافره آنان را می‌دهد).

توضیحات:

«وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللهُ النَّاسَ...»: (نگا: نحل / ۶۱). «دَآبَّةٍ»: جنبنده. مراد انسان است (نگا: انفال / ۲۲ و ۵۵). «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: مدّت معین. مراد روز قیامت است. «فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ»: وقتی که قیامت ایشان فرا رسید. برخی گفته‌اند: مراد از (أَجَلٍ مُّسَمّيً) و (أَجَلُهُمْ) زمان محدود عمر و سررسید معلوم مدّت زندگانی هر کسی است که با مرگ او فرا می‌رسد (نگا: انعام / ۹۳).

سوره یس

سوره یس آیه ۱

متن آیه:

﴿يسٓ ١﴾

ترجمه:

یا، سین.

توضیحات:

«یس»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره یس آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾

ترجمه:

سوگند به قرآن حکیم!

توضیحات:

«الْحَكِيمِ»: دارای حکمت و دانش سودمند.

سوره یس آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣﴾

ترجمه:

قطعاً تو از زمره فرستادگان (یزدان) هستی.

توضیحات:

سوره یس آیه ۴

متن آیه:

﴿عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤﴾

ترجمه:

و بر راه راست (خداشناسی) قرار داری (که دین اسلام است).

توضیحات:

«صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»: (نگا: فاتحه / ۶). «عَلَي صِراطٍ مُّسْتَقِيمٍ»: خبر دوم (إِنَّ) است.

سوره یس آیه ۵

متن آیه:

﴿تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٥﴾

ترجمه:

(این قرآن را) فرو فرستاده است خداوند چیره و مهربان.

توضیحات:

«تَنزِيلَ»: فرو فرستادن. در اینجا به معنی فرو فرستاده بوده و مفعول مطلق است. برای مبالغه، قرآن وصف به مصدر شده است (نگا: سجده / ۲).

سوره یس آیه ۶

متن آیه:

﴿لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غَٰفِلُونَ ٦﴾

ترجمه:

(آن را برای تو فرو فرستاده است) تا قومی را بیم دهی که پدران و نیاکان (نزدیک) ایشان (توسّط پیغمبران) بیم داده نشده‌اند، و به همین علّت است که غافل و بی‌خبر (از قانون آسمانی، نسبت به خدا و خود و مردمان) هستند.

توضیحات:

«قَوْماً»: مراد کفّار مکه در آغاز نبوّت پیغمبر اسلام است. «مَآ أُنذِرَ»: بیم داده نشده است (نگا: سجده / ۳). «ءَابَآؤُهُمْ»: مراد پدران و نیاکان قریب قریش همعصر پیغمبر است، والاّ پدران و نیاکان بعید ایشان توسّط انبیاء، از جمله ابراهیم و اسماعیل بیم داده شده است (نگا: فاطر / ۲۴ و ۲۵).

سوره یس آیه ۷

متن آیه:

﴿لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٧﴾

ترجمه:

(ایشان مستحقّ عذاب گشته‌اند و) سخن (خدا مبنی بر پر کردن جهنّم از چنین افرادی) درباره بیشتر آنان به حقیقت پیوسته است، و آنان دیگر ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ...»: (نگا: اسراء / ۱۶، قصص / ۶۳، سجده / ۱۳). «الْقَوْلُ»: مراد فرموده خدا: «لأَمْلأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَ مِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ»، در (ص / ۸۵، و نظیر آن در حجر / ۴۳، اعراف / ۱۸، هود / ۱۱۹، سجده / ۱۳) می‌باشد.

سوره یس آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّا جَعَلۡنَا فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا فَهِيَ إِلَى ٱلۡأَذۡقَانِ فَهُم مُّقۡمَحُونَ ٨﴾

ترجمه:

ما به گردن‌هایشان غلّ‌هائی می‌اندازیم که تا چانه‌هایشان می‌رسد و سرهای ایشان (بر اثر آن) رو به بالا نگاه داشته می‌شود (و نه می‌توانند به زیر پاهای خود بنگرند، و نه می‌توانند سرهایشان را بدین سو و آن سو حرکت دهند).

توضیحات:

«أَغْلالاً»: (نگا: اعراف / ۱۵۷، رعد / ۵، سبأ / ۳۳). «الأذْقَانِ»: جمع ذَقَن، چانه‌ها. زنخها (نگا: اسراء / ۱۰۷ و ۱۰۹). «مُقْمَحُونَ»: سر در هوا ماندگان. کسانی که سرهایشان رو به بالا شق و رق مانده باشد.

سوره یس آیه ۹

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ٩﴾

ترجمه:

ما در پیش روی آنان سدّی، و در پشت سر ایشان سدّی قرار داده‌ایم (و لذا به کسانی می‌مانند که در میان دو سدّ، گیر کرده باشند، و پیش رو و پشت سر خود را مشاهده نکنند) و بدین وسیله جلو چشمان ایشان را گرفته‌ایم و دیگر نمی‌بینند.

توضیحات:

«بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: جلو ایشان. «مَا خَلْفَهُمْ»: پشت سر آنان. «سَدّاً...»: خداوند کسانی را

که به آینده ننگرند و مستقبل را فراموش سازند، و به گذشته ننگرند و احوال ملّت‌های پیشین را پیش چشم ندارند، به افرادی تشبیه فرموده است که میان دو سدّ عظیم گیر کرده باشند و روبرو و پشت سر خود را نبینند، و همگون و همسان کوران، راه پیشروی و راه پَسروی خود را پیدا نکنند. «فَأَغْشَیْنَاهُمْ»: بر چشمان‌شان پرده‌ای کشیده‌ایم (نگا: بقره / ۷).

سوره یس آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٠﴾

ترجمه:

چه آنان را بترسانی و چه ایشان را نترسانی، برای‌شان یکسان است ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«سَوَآءٌ عَلَیْهِمْ...»: (نگا: بقره / ۶).

سوره یس آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ١١﴾

ترجمه:

تو تنها کسی را می‌ترسانی (و با بیم دادنت بدو سود می‌رسانی) که از قرآن پیروی کند، و پنهانی از (خداوند) مهربان هراس داشته باشد. چنین کسی را به گذشت و پاداش ارزشمندی مژده بده.

توضیحات:

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ...»: تو تنها کسی را بیم خواهی داد. مراد این است که تنها کسی از بیم دادن تو سود می‌برد و از آن استفاده می‌کند که. «بِالْغَیْبِ»: در نهان. در خلوت (نگا: فاطر / ۱۸).

سوره یس آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ



ترجمه:

ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم، و چیزهائی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهائی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزهائی را که (در آن) برجای نهاده‌اند (و کارهائی را که نکرده‌اند، ثبت و ضبط می‌کنیم و) می‌نویسیم. و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نمائیم و می‌نگاریم.

توضیحات:

«مَا قَدَّمُوا»: اعمال خوب و بدی که در دنیا انجام داده‌اند و پیشاپیش به آخرت فرستاده‌اند. «ءَاثَارَهُمْ»: چیزهائی را که باقی گذارده‌اند و بر جای نهاده‌اند، اعم از آثار خیری همچون مسجد و مدرسه و بیمارستان و دیگر موقوفات، و آثار بدی همچون غصب املاک و بنای میخانه‌ها و کتاب‌های گمراه کننده و طرح‌های استعمارگرانه و پروژه‌های خانمانسوز و ستمگرانه. یا عبادات و کارهای نیکی که می‌بایست بکنند، ولی نکرده‌اند، و معاصی و کارهای بدی که می‌بایست نکنند، ولی کرده‌اند. «أَحْصَيْنَاهُ»: سرشماری کرده‌ایم. ضبط و ثبت نموده‌ایم. «إِمَامٍ مُّبِينٍ»: کتاب آشکار. کتاب روشن‌گر. مراد لوح محفوظ است که کتاب جامع و عمومی است و همه اعمال و همه حوادث و همه موجودات این جهان در آن ثبت و ضبط می‌گردد، و به منزله کتاب اصلی یا دفتر کلّ برای نامه اعمال شخصی بندگان (نگا: اسراء / ۱۴، کهف / ۴۹، حاقّه / ۱۹ و ۲۵) و نامه اعمال عمومی ملّت‌ها (نگا: جاثیه / ۲۸) است.

سوره یس آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٣﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! از آنجا که داستان قریشیان همچون داستان ساکنان انطاکیه در روزگاران گذشته است) برای ایشان سرگذشت ساکنان شهر (انطاکیه) را مثال بزن، بدان گاه که فرستادگان (خدا) به‌سوی آنان آمدند.

توضیحات:

«الْقَرْيَةِ»: شهر (نگا: بقره / ۵۸ و ۲۵۹، نساء / ۷۵، انعام / ۱۲۳). مراد از آن،

انطاکیه یکی از شهرهای ترکیه فعلی است که سابقاً از شهرهای معروف روم بوده است.

«أَصْحَابَ»: بدل از (مَثَلاً) است.

سوره یس آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

وقتی (از اوقات) دو نفر (از فرستادگان خود) را به‌سوی ایشان روانه کردیم و آنان آن دو را تکذیب کردند. سپس آنان را (با ارسال فرد) سومی تقویت نمودیم. آنان (سه نفری بدی‌شان) گفتند: ما فرستادگانی هستیم که به‌سوی شما روانه شده‌ایم.

توضیحات:

«فَعَزَّزْنَا»: تقویت کردیم. تأیید کردیم.

سوره یس آیه ۱۵

متن آیه:

﴿قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ١٥﴾

ترجمه:

(در پاسخ ایشان، بدانان) گفتند: شما انسان‌هائی همچون ما بیش نیستید، و خداوند مهربان چیزی را (از وحی آسمانی برای کسی) فرو نفرستاده است، و شما جز دروغ نمی‌گوئید.

توضیحات:

«إِنْ أَنتُمْ إِلاّ...»: (نگا: ابراهیم / ۱۰).

سوره یس آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ١٦﴾

ترجمه:

گفتند: به خدا! پروردگارتان می‌داند که ما به‌سوی شما فرستاده شده‌ایم. (مهمّ نیست شما بپذیرید یا نپذیرید. ما که به وظیفه خود عمل کرده‌ایم. چرا که...).

توضیحات:

«رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا...»: عرب‌ها گاهی جمله (رَبُّنا يَعْلَمُ) را به عنوان قَسَم به کار می‌برند، این است که بعد از ماده «علم» همزه «إِنّا» که باید مفتوح باشد، در اینجا چون مراد قَسَم است، مکسور خوانده شده است (نگا: تفسیر روح‌المعانی، و المصحف الميسّر).

سوره یس آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٧﴾

ترجمه:

بر ما جز تبلیغ روشن و روشن‌گر نمی‌باشد.

توضیحات:

«الْبَلاغُ الْمُبِينُ»: (نگا: مائده / ۹۲ و ۱۱۰، نحل / ۳۵ و ۸۲).

سوره یس آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨﴾

ترجمه:

گفتند: ما شما را به فال بد گرفته‌ایم. (وجود شما شوم است و مایه بدبختی شهر و دیار ما است. سوگند می‌خوریم که از این سخنان) اگر دست برندارید، قطعاً شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما خواهید دید.

توضیحات:

«تَطَيَّرْنَا بِكُمْ»: شما را به فال بد گرفته‌ایم. وجود شما را شوم می‌دانیم (نگا: نمل / ۴۷، اعراف / ۱۳۱). «لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا»: اگر پایان ندهید. اگر دست نکشید (نگا: بقره / ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۲۷۵، مریم / ۴۶).

سوره یس آیه ۱۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ١٩﴾

ترجمه:

گفتند: شومی خودتان (که ناشی از کفرتان است) با خودتان همراه است (و اگر درست بیندیشید، به این حقیقت واقف خواهید شد که تیره‌روزی شما ناشی از افکار

منحطّ و اعمال زشت و عقیده پلشتی است که دارید، نه این که به سبب دعوت ما به خداپرستی و انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها باشد) آیا اگر یادآور گردید (به خدا و اوامر و نواهی او و چیزهائی که سعادت شما در آنها است، باید ما دعوت‌کنندگان را شکنجه دهید و بکشید؟!) اصلاً شما گروهی هستید که (در سرکشی و کفر از حدّ درمی‌گذرید، و در معاصی و زشتکاری‌ها) اسرافکار و متجاوزید.

توضیحات:

«طَآئِرُكُمْ»: شوم و نحوست شما. بدبختی و تیره‌روزیتان (نگا: نمل / ۴۷، اعراف / ۱۳۱). «أَئِن ذُكِّرْتُمْ»: آیا اگر پند داده شدید و خدا و نیکی‌ها و بدی‌ها را به شما گوشزد کردند؟ جواب شرط محذوف است و تقدیر چنین است: «أَئِن ذُكِّرْتُم ، تَلَقَّيْتُمُ التَّذْكِيرَ وَ الإِنذَارَ بِالْكُفْرِ وَ الإِنكَارِ»؟ «مُسْرِفُونَ»: اسراف پیشگان، متجاوزین از حدّ در طغیان و کفر و معاصی.

سوره یس آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

مردی از دورترین نقطه شهر با شتاب بیامد، گفت: ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید (که سعادت هر دو جهان شما در آن است).

توضیحات:

«أَقْصي»: دورترین نقطه. «الْـمَدِينَةِ»: شهر. مراد همان (الْقَرْيَةِ) در آیه سیزده است که انطاکیه است. «رَجُلٌ»: مردی که مؤمن بود و ایمان خود را پنهان می‌کرد، و در این لحظه حسّاس به یاری پیغمبران شتافت. گویا نام او (حبیب نجّار) بوده است. «يَسْعي»: جمله وصفیه و صفت (رَجُلٌ) است.

سوره یس آیه ۲۱

متن آیه:

﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ ٢١﴾

ترجمه:

پیروی کنید از کسانی که پاداشی (در برابر تبلیغ خود) از شما نمی‌خواهند و آنان (از کردار و گفتارشان پیدا است که) افرادی راهیاب و هدایت یافته‌اند.

توضیحات:

«لا يَسْأَلُكُمْ... هُمْ....»: مفرد آمدن فعل (لا يَسْأَلُ) و ذکر ضمیر جمع (هُمْ) در آیه، با توجّه به لفظ و معنی موصول (مَنْ) است.

سوره یس آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده است و به‌سوی او برگردانده می‌شوید؟

توضیحات:

«مَا لِيَ...»: چرا من نباید؟ مرا نسزد و نرسد که. این آیه تا آخر آیه ۲۵ سخن مرد مؤمن است و مخاطب او فرستادگان خدا (نگا: المختصر فی تفسیر القرآن) و یا این که ساکنان شهر است و آنچه را برای خود می‌پسندد، برای ایشان هم می‌پسندد. «فَطَرَنِي»: مرا آفریده است (نگا: هود / ۵۱، انعام / ۷۹).

سوره یس آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ ٢٣﴾

ترجمه:

آیا غیر از خدا، معبودهائی را برگزینم (و پرستش نمایم) که اگر خداوند مهربان بخواهد زیانی به من برساند، میانجیگری ایشان کمترین سودی برای من ندارد و مرا (از زیان وارده) نجات نمی‌دهند؟

توضیحات:

«أَأَتَّخِذُ...»: (نگا: انعام / ۱۴، فرقان / ۲۸). «إِن يُرِدْنِ بِضُرٍّ»: اگر بخواهد به من زیانی برساند. «لا تُغْني عَنّي...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۰، توبه / ۲۵). «لا يُنقِذُونِي»: مرا نجات نمی‌دهند و رها نمی‌سازند.

سوره یس آیه ۲۴

متن آیه:

﴿إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٤﴾

ترجمه:

(هر گاه چنین کاری را بکنم و انبازهائی را پرستش نمایم) در این صورت من در گمراهی آشکاری خواهم بود.

توضیحات:

سوره یس آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ٢٥﴾

ترجمه:

من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام، پس بشنوید، (و بدانید که من دعوت این فرستادگان خدا را پذیرفته‌ام. شما نیز دعوت ایشان را پذیرا شوید که سعادتتان در پذیرش فرموده‌ها و رهنمودهای آنان است).

توضیحات:

«فَاسْمَعُونِ»: پس از من بشنوید. اگر مخاطب فرستادگان خدا باشد، مراد این است که فردای قیامت شاهد ایمان آوردن وی باشند. و اگر مخاطب سائر مردم باشد، مراد این است که بشنوند و گواه جرأت او باشند، و یا این که سخن وی را بپذیرند و همچون او از پیغمبران پیروی کنند که به سود ایشان است.

سوره یس آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

(مردمان بر او شوریدند و شهیدش کردند. از سوی خدا) بدو گفته شد: وارد بهشت شو. (وقتی که آن همه نعمت و کرامت دید) گفت: ای کاش! قوم من می‌دانستند.

توضیحات:

«قِيلَ»: این سخن، از طرف فرشتگان یا مستقیماً از سوی خدای جهان است. «أُدْخُلِ الْجَنَّةَ»: بیشتر آیات قرآن بیان‌گر این واقعیت است، شهادت و مرگ مؤمن همان است و داخل شدن به بهشت همان. انگار فاصله‌ای میان بدرود زندگی دنیوی و دخول به بهشت اخروی نیست (نگا: آل‌عمران / ۱۶۹، واقعه / ۸۹).

سوره یس آیه ۲۷

متن آیه:

﴿بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

(ای کاش! می‌دانستند) که پروردگارم مرا آمرزیده است و از زمره گرامیانم قلمداد فرموده است.

توضیحات:

«بِمَا غَفَرَ لِي»: به چه سبب و در برابر چه کاری مرا بخشیده است؟ مراد تحقیر عمل خود و تعظیم مغفرت خدا است. چه غفرانی نصیبم کرده است. مراد اظهار تعجّب از الطاف بی‌حدّ پروردگاری است. بدانچه خدا مرا بخشیده است. خلاصه «مَا» می‌تواند موصوله و استفهامیه و مصدریه باشد.

سوره یس آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

ما بعد از (قتل) او، اصلاً لشکری از آسمان فرو نفرستادیم، و حکمت ما اقتضاء نمی‌کرد که (برای نابودی ایشان) سپاهی از فرشتگان روانه سازیم.

توضیحات:

«مَا كُنَّا مُنزِلِينَ»: ما فرو نفرستادیم. مراد این است که حکمت ما اقتضاء نمی‌کرد، یا ایشان در خور این نبودند که فرشتگانی برای نابودیشان نازل کنیم.

سوره یس آیه ۲۹

متن آیه:

﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

تنها یک صدا بود و بس که (موج انفجارش کار ایشان را بساخت و) ناگهان جملگی خاموش شدند (و بر جای سرد گشتند و مردند).

توضیحات:

«صَيْحَةً»: صدای شدید. فریاد توفنده. خبر (كَانَتْ) است و اسم آن محذوف (نگا: هود / ۶۷). «فَإِذَا...»: واژه (إِذا) بر سرعت حصول مابعد خود به دنبال حصول ماقبل خود دلالت دارد. «خَامِدُونَ»: خاموش شدگان. مراد مردگان است.

سوره یس آیه ۳۰

متن آیه:

﴿يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

فسوسا و اسفا بندگان را! هیچ پیغمبری به‌سوی ایشان نمی‌آید مگر این که او را مسخره می‌کنند و به باد استهزاء می‌گیرند.

توضیحات:

«يَا حَسْرَةً»: دردا و فسوسا! این عبارت بیان‌گر تعجّب از کار بندگان است. آن بندگان تیره‌روزی که نه تنها گوش هوش به ندای پیغمبران و رهبران آسمانی نمی‌دهند، بلکه ایشان را به تمسخر می‌گیرند.

سوره یس آیه ۳۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ٣١﴾

ترجمه:

مگر نمی‌دانند که در روزگاران پیش از ایشان چه ملّت‌های فراوانی را (به گناهانشان گرفته‌ایم و) نابودشان نموده‌ایم، که هرگز به‌سویشان باز نمی‌گردند (و دیگر به دنیا گام نمی‌گذارند)؟!.

توضیحات:

«أَلَمْ يَرَوْا»: آیا ندیده‌اند؟ مراد از دیدن در اینجا دانستن است (نگا: انعام / ۶، اعراف

/ ۱۴۸). « الْقُرُونِ »: ملّت‌ها و نژادها (نگا: انعام / ۶، یونس / ۱۳، اسراء / ۱۷).

سوره یس آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

همه آنان (بدون استثناء در روز قیامت) نزد ما گرد می‌آیند و حاضر می‌گردند.

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی است. «لَمَّا»: به معنی إلاّ است. «جَمِيعٌ»: فعیل به معنی مفعول یعنی مجموع است. «جَمِيعٌ.... مُحْضَرُونَ»: خبر اوّل و دوّم (كُلٌّ) است. یا این که (مُحْضَرُونَ) صفت (جَمیْعٌ) است.

سوره یس آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

نشانه‌ای (از قدرت خدا بر رستاخیز) برای آنان، زمین مرده است که آن را حیات بخشیده‌ایم و از آن دانه‌هائی را بیرون آورده‌ایم که ایشان از آن تغذیه می‌کنند.

توضیحات:

«أَلأَرْضُ الْمَيْتَةُ»: مراد زمین خشک کره زمین، پیش از پیدایش حیات، و اشاره به معمّای فوق‌العاده مرموز و پیچیده و شگفت‌انگیز شروع حیات است که کسی به درستی نمی‌داند تحت تأثیر چه عواملی در روز نخست موجودات بیجان تبدیل به سلول‌های زنده شده است. یا این که اشاره به زمین‌های خشک کنونی و مسأله حیات در جهان گیاهان و حیوانات و زنده شدن زمین‌های مرده است که از یک سو دلیل روشنی است بر این که علم و دانش عظیمی در آفرینش این جهان به کار رفته است، و از سوی دیگر نشانه آشکاری از رستاخیز است.

سوره یس آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ٣٤﴾

ترجمه:

و در زمین باغ‌های خرما و انگور (و سایر درختان و گیاهان دیگر) پدیدار کردیم، و چشمه‌سارانی از آن بیرون آوردیم.

توضیحات:

«الْعُيُونِ»: چشمه‌ها.

سوره یس آیه ۳۵

متن آیه:

﴿لِيَأْكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْۚ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝٣٥﴾

ترجمه:

تا از میوه‌های آن درختان که (به صورتِ غذای آماده و بسته‌بندی شده بر شاخسارها ظاهر می‌شوند و) دست انسان‌ها در ساختن آنها کم‌ترین دخالتی نداشته است، تناول کنند. آیا انسان‌ها (در برابر این همه خوراکی‌های لذیذ و بی‌نیاز از پخت و پز) سپاسگزاری نخواهند کرد؟!

توضیحات:

«ثَمَرِهِ»: مرجع ضمیر (ه) می‌تواند (الله) باشد. یعنی تا از ساختار خداوندی بخورند. یا مرجع آن شیء مجهول یا مذکور بوده که باغ‌ها است. برخی هم مرجع ضمیر را (نخیل) دانسته‌اند که مذکر است، و بدان اکتفا شده است چون بر اثر عطف (اعناب) را نیز شامل می‌شود. «وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ»: این جمله می‌تواند حالیه و (ما) نافیه باشد که معنی چنین خواهد بود: در حالی که دست آنان در آن کمترین دخالتی نداشته است. و یا این که واو حرف عطف و (ما) موصوله باشد که معنی چنین خواهد شد: و چیزی که خود می‌سازند. یعنی در آیه، هم اشاره به میوه‌هائی است که بدون تغییر مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد، و هم اشاره به میوه‌هائی است که با انجام عملی روی آنها چون پخت و پز و کنسرو به غذاهای مختلف تبدیل می‌گردند.

سوره یس آیه ۳۶

متن آیه:

﴿سُبْحَٰنَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَزْوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ۝٣٦﴾

ترجمه:

تسبیح و تقدیس خداوندی را سزا است که همه نرها و ماده‌ها را آفریده است، اعم از آنچه از زمین می‌روید، و از خود آنان، و از چیزهائی که ایشان نمی‌دانند.

توضیحات:

«سُبْحَانَ الَّذِي»: (نگا: اسراء / ۱). «الأَزْوَاجَ»: زوج‌ها. یعنی جنس نر و ماده. این آیه بیان‌گر زوجیت در گیاهان و انسان‌ها و همه موجودات دیگر است (نگا: رعد / ۳، ذاریات / ۴۹، طه / ۵۳).

سوره یس آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَءَايَةٌ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

و نشانه‌ای (دالّ بر قدرت ما) شب است. ما روز را از آن برمی‌گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می‌گیرد.

توضیحات:

«نَسْلَخُ»: بیرون می‌کشیم. برمی‌گیریم. سلخ در اصل به معنی کندن پوست حیوان است. در اینجا انگار روشنائی روز را از پیکر سیاه شب می‌کنند، و ظلمت موجود در جو زمین، هویدا می‌گردد. «مُظْلِمُونَ»: به تاریکی افتادگان. ظلمت زدگان.

سوره یس آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٣٨﴾

ترجمه:

و (نشانه دیگری بر قدرت خدا، این است که) خورشید به‌سوی قرارگاه خود در حرکت است. این، محاسبه و اندازه‌گیری و تعیین خدای بس چیره و توانا و آگاه و دانا است.

توضیحات:

«الشَّمْسُ تَجْرِي»: خورشید در حرکت است. مراد حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به‌سوی یک سمت معین و ستاره دوردستی به نام «وِگا» است با سرعت ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه. البتّه خورشید حرکت وضعی به دور

خود نیز دارد (نگا: تفسیر نمونه و تفسیر المنتخب، ذیل آیه، کتاب نجوم به زبان ساده، جلد دوم، صفحه ۱۷۴، تألیف مایردگانی، ترجمه محمّد رضا خواجه‌پور). «لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا»: به‌سوی قرارگاه خود. تا زمان استقرار نهائی خود که قیامت است. اگر مراد از جریان خورشید، گردش آن برگرد محور خود باشد، حرف (لام) به معنی (فی) بوده و معنی چنین می‌شود: در محلّ و مدار خود. «تَقْدِيرُ»: معین کردن. مقدّر نمودن. محاسبه و اندازه‌گیری (نگا: انعام / ۹۶، فرقان / ۲).

سوره یس آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ٣٩﴾

ترجمه:

برای ماه نیز منزلگاه‌هائی تعیین کرده‌ایم که (پس از طی کردن آنها) به صورت ته مانده کهنه (خوشه خرما بر درخت) در می‌آید (قوسی شکل و زرد رنگ).

توضیحات:

«مَنَازِلَ»: ماه در فاصله گردش به دور زمین، و گردش زمین به دور خورشید، از کنار مجموعه‌هائی از ستارگان می‌گذرد که منزلگاه‌های ماه نامیده می‌شود. « عَادَ »: درمی‌آید. این فعل به معنی (صَارَ) است، برمی‌گردد. «الْعُرْجُونِ»: پایه خوشه خرما که پس از چیدن خوشه بر درخت می‌ماند و زرد رنگ و قوسی شکل است. «عَادَ كَالْعُرْجُونِ...»: به شکل عرجون در می‌آید. دوباره همچون عرجون برمی‌گردد. مراد هلال آخر ماه است که در جانب مشرِق نزدیک صبحگاهان ظاهر می‌شود، خمیده و پژمرده و زردرنگ و نوک‌های آن رو به پائین. هلال در ربع اوّل و ربع آخر ماه به همین شکل است.

سوره یس آیه ۴۰

متن آیه:

﴿لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

نه خورشید را سزد (در مدار خود سریعتر شود و) به (مدار) ماه رسد، و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد (و مانع پیدایش آن شود). هر یک در مداری شناورند (و

مسیر خود را بدون کمترین تغییر ادامه می‌دهند).

توضیحات:

«يَنبَغِي لَهَا»: آن را سزد. سزاوار آن است. «أَن تُدْرِكَ»: برسد. ملحق شود. «يَسْبَحُونَ»: شناورند. مراد حرکت آرام خورشید و ماه بر حسب ظاهر و مطابق حسّ بینائی ما، و یا حرکت هر یک در فلک مربوط است که متوازی یکدیگرند.

سوره یس آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَءَايَةٌ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ۝٤١﴾

ترجمه:

و (نشانه دیگری بر قدرت ما، این که برابر وزن مخصوص اجسام و خواصّ ویژه آب) ما آدمیزادگان را در کشتی مملوّ (از ایشان و کالاهایشان) حمل می‌کنیم. (کشتی‌هائی که حرکت آنها در دل اقیانوس‌ها، بی‌شباهت به حرکت کواکب در گستره آسمان‌ها نیست).

توضیحات:

«الْفُلْكِ»: (نگا: ابراهیم / ۳۲، نحل / ۱۴، اسراء / ۶۶). «الْـمَشْحُونِ»: (نگا: شعراء / ۱۱۹).

سوره یس آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَخَلَقۡنَا لَهُم مِّن مِّثۡلِهِۦ مَا يَرۡكَبُونَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

و برای ایشان همسان کشتی چیزهائی را آفریده‌ایم که بر آنها سوار می‌شوند.

توضیحات:

«خَلَقْنَا»: تعبیر از انواع مرکب‌ها بدین واژه، بدان خاطر است که خالق موادّ خام و وسائل اوّلیه آنها خدا است. «مَا»: این واژه مفهوم وسیعی را ترسیم می‌کند که شامل هر نوع وسیله سواری زمینی و هوائی و دریائی است.

سوره یس آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَإِن نَّشَأۡ نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنقَذُونَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

و اگر بخواهیم آنان را غرق خواهیم کرد، به گونه‌ای که هیچ فریادرسی نداشته باشند، و اصلاً نجات داده نشوند.

توضیحات:

«صَرِیخَ»: فریادرس. فریاد خواه. در این صورت مصدر به معنی اسم فاعل یعنی صارِخ است. صدا و فریاد. در این صورت معنی «فَلا صَرِیخَ لَهُمْ»: چنین است: اصلاً صدا و فریادی نخواهند داشت تا کمک و یاری طلب کنند. یعنی فوراً غرق و در حال می‌میرند.

سوره یس آیه ۴۴

متن آیه:

﴿إِلَّا رَحۡمَةً مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

مگر این که رحمت ما باشد (و نسیم لطف ما وزیدن گیرد) و تازمانی (که اجل ایشان در می‌رسد، آنان را از زندگی) بهره‌مند سازیم.

توضیحات:

«إِلاّ رَحْمَةً...»: لکن رحمت ما ایشان را درمی‌یابد و تا وقت اجل مقدّر آنان را از زندگی بهره‌مند می‌سازیم (نگا: تفسیر المنتخب). واژه (رَحْمَة) مفعول له، یا منصوب به نزع خافض است و تقدیر چنین است: بِرَحْمَةٍ.

سوره یس آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُواْ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيكُمۡ وَمَا خَلۡفَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که بدانان گفته شود: بپرهیزید از عذاب و مجازات دنیوی که پیش رو دارید، و از عذاب و مجازات اخروی که در پشت سر دارید، تا به شما رحم شود، (اعتناء نمی‌کنند).

توضیحات:

«مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ»: آنچه در پیش رو دارید. مراد کیفر و مجازات دنیوی است. «مَا

خَلۡفَكُمۡ»: آنچه در پشت سر دارید. مراد عذاب و عقاب اخروی است. «إِذَا قِيلَ لَهُمْ...»: جمله شرطیه است و جزاء آن محذوف است که از آیه بعد استفاده می‌شود، و تقدیر چنین است: «إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا... أَعْرَضُوا...».

سوره یس آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ۝٤٦﴾

ترجمه:

هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر این که از آن روی گردان می‌شوند.

توضیحات:

«ءَايَاتِ»: آیه‌های کتاب‌های آسمانی و تعلیمات پیغمبران. دلائل و براهین توحید خدا و صدق پیامبران. «مُعْرِضِينَ»: روی‌گردانان.

سوره یس آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ۝٤٧﴾

ترجمه:

و هنگامی که به آنان گفته شود: از چیزهائی که خدا به شما داده است، انفاق و احسان کنید، کافران به مؤمنان می‌گویند: آیا به کسی خوراک بدهیم که اگر خدا می‌خواست خوراک بدو می‌داد (و فقیرش نمی‌کرد؟ مگر مشیت الهی چنین نخواسته است؟ ما با مشیت الهی مخالفت نمی‌ورزیم) شما در گمراهی آشکار و روشنی هستید.

توضیحات:

«أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَآءُ اللهُ أَطْعَمَهُ»: کافران از راه تمسخر به مؤمنان می‌گفتند: اگر رازق خداوند است، پس چرا از ما می‌خواهید که به فقیران خوراک دهیم؟ و اگر خدا خواسته است که آنان محروم بمانند، پس چرا ما کسانی را از دارائی خود بهره‌مند سازیم که خداوند ایشان را محروم ساخته است؟ این منطق جاهلانه، علاوه از تمسخر مؤمنان، به آن می‌ماند که افرادی بگویند: چه ضرورتی دارد که ما درس بخوانیم، و یا

به دیگری درس بدهیم؟ اگر خدا می‌خواست همه را عالم و باسواد می‌کرد.

سوره یس آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

و خواهند گفت: اگر راست می‌گوئید (که رستاخیز و قیامتی در میان است) این وعده کی تحقّق می‌یابد؟!

توضیحات:

«مَتی هذَا لْوَعْدُ»؟: این وعده کی خواهد بود؟! تاریخی برای رستاخیز تعیین نمی‌کنند؟ چرا هم اینک فرا نمی‌رسد؟

سوره یس آیه ۴۹

متن آیه:

﴿مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

(پاسخ استهزاء ایشان، این است که آنان، چندان) انتظار نمی‌کشند مگر صدائی را که (ناگهان طنین‌انداز می‌گردد و موج آن) ایشان را در بر می‌گیرد (و نابودشان می‌گرداند) در حالی که با یکدیگر (به معامله و کار و بار روزمرّه زندگی، سرگرم و) درگیرند.

توضیحات:

«مَا يَنظُرُونَ»: انتظار ندارند. توقّع ندارند. ماده «نظر» بدون «إِلي» بیشتر به معنی انتظار و توجّه و توقّع و تدبّر است (نگا: بقره / ۲۱۰، انعام / ۱۵۸، اعراف / ۵۳، نحل / ۳۳، فاطر / ۴۳). «يَخِصِّمُونَ»: به نزاع و جدال مشغول، و سرگرم گیر و دارند. اصل آن یختصمون و از باب افتعال است.

سوره یس آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ تَوۡصِيَةٗ وَلَآ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ يَرۡجِعُونَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

(این حادثه به قدری سریع و برق آسا و غافلگیرانه است که) حتّی توانائی وصیت

نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتّی فرصت مراجعت به‌سوی خانواده و فرزندان‌شان را پیدا نخواهند کرد.

توضیحات:

«تَوْصِيَةً»: سفارش. نکره آمدن آن، بیان‌گر این واقعیت است که حتّی فرصت یک سفارش یا کمترین وصیتی در میان نخواهد بود.

سوره یس آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يَنسِلُونَ ٥١﴾

ترجمه:

(برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به‌سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند.

توضیحات:

«نُفِخَ»: دمیده شد. مراد نفخه ثانی است که دیگر باره صور برای زنده‌شدن مردگان زده می‌شود. «الأَجْدَاثِ»: جمع جَدَث، قبر. گور. (نگا: قمر / ۷، معارج / ۴۳). «يَنسِلُونَ»: می‌شتابند (نگا: انبیاء / ۹۶).

سوره یس آیه ۵۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

خواهند گفت: ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابمان (بیدار کرد و) برانگیخت؟! این همان چیزی است که خداوند مهربان وعده داده بود، و فرستادگان (خدا در سخن‌ها و پیام‌های خود) راست گفته بودند.

توضیحات:

«يَا وَيْلَنَا»: ای وای بر ما! واویلا به حال ما! (نگا: انبیاء / ۱۴ و ۴۶ و ۹۷). «بَعَثَنَا»: ما را دوباره زنده کرد. ما را برانگیخت. «مَرْقَدِ»: مصدر میمی و به معنی خواب است، و یا این که اسم مکان و به معنی خوابگاه است. عقاب و عذاب قبر، در برابر کیفر و مجازات

قیامت، خوابه گونه‌ای بیش نمی‌باشد. «مَن بَعَثَنَا»: این سؤال بدان خاطر است که کافران با دیدن آن همه هول و هراس و دهشت و وحشت، اختلاط عقول و اختلال حواسّ پیدا می‌کنند و ناخودآگاه چنین سؤالی بر زبان‌شان جاری می‌گردد. همان‌گونه که در دنیا معمول است که انسان به هنگام انجام کار بدی و یا رویاروی شدن با کیفر آن می‌گوید: وای چه کار کردم؟! چنین کاری را من کردم؟ آیا این بلا را من بر سر خود آوردم؟ «هذَا مَا...»: این بخش، پاسخ کافران به سؤال خودشان است. برخی هم آن را پاسخ آفریدگار، یا فرشتگان، و یا مؤمنان به کافران می‌دانند.

سوره یس آیه ۵۳

متن آیه:

﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٥٣﴾

ترجمه:

صدای واحدی بیش نخواهد بود (که ایشان را دعوت به خروج از گورها می‌کند) و ناگهان ایشان در پیشگاهمان (برای دادگاهی) گرد آورده می‌شوند و حاضر می‌گردند.

توضیحات:

«إِن كَانَتْ إِلاّ صَيْحَةً...»: (نگا: یس / ۲۹). مراد نفخه ثانی است. «جَمِيعٌ»: جمع آمده. گرد آورده شده. فعیل به معنی مفعول، یعنی مجموع است. خبر اوّل (هُمْ) و واژه (مُحْضَرُونَ) خبر دوم یا صفت بشمار است (نگا: یس / ۳۲).

سوره یس آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗا وَلَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

در چنین روزی به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌گردد، و به شما جز پاداش و پادافره کارهائی که در دنیا می‌کرده‌اید داده نمی‌شود.

توضیحات:

«شَيْئاً»: چیزی از ظلم. مفعول مطلق است. چیزی از چیزها. مفعول به است (نگا: یونس / ۴۴، مریم / ۶۰).

سوره یس آیه ۵۵

متن آیه:

﴿إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ٥٥﴾

ترجمه:

بهشتیان در چنین روزی، سخت سرگرم خوشی، و شادانند (و بی‌خبر از غم و اندوه دیگران، و خندان از نعمت‌های یزدانند).

توضیحات:

«شُغُلٍ»: سرگرمی عظیم. هر چیز که انسان را به خود مشغول سازد و بی‌خبر از دیگران کند و موجب فراموشی غم و اندوه شود. تنکیر آن برای تعظیم است. «فِي شُغُلٍ»: سرگرم سُرور و شادمانی، و بهره‌مند از نعمت‌های الهی هستند. «فَاكِهُونَ»، جمع فَاكهٌ، خوشحال و خندان. بهره‌مند از نعمت و سرگرم لذّت. سرگرم شوخی و مزاح.

سوره یس آیه ۵۶

متن آیه:

﴿هُمۡ وَأَزۡوَٰجُهُمۡ فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ٥٦﴾

ترجمه:

آنان و همسرانشان در زیر سایه‌های پر و فراخ، بر تخت‌ها تکیه زده‌اند.

توضیحات:

«ظِلال»: جمع ظِلّ، سایه. تنکیر آن برای تعظیم است. «الأَرَآئِكِ»: جمع اَریکة، تخت. اورنگ (نگا: کهف / ۳۱، انسان / ۱۳، مطفّفین / ۲۳ و ۳۵). «مُتَّكِئُونَ»: تکیه‌کنندگان. لم‌دهندگان (نگا: کهف / ۳۱، زخرف / ۳۴).

سوره یس آیه ۵۷

متن آیه:

﴿لَهُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

برای آنان در بهشت، میوه‌های لذّت‌بخش و فراوانی است. و هر چه بخواهند در اختیار ایشان خواهد بود.

توضیحات:

«فَاكِهَةٌ»: میوه. مراد انواع میوه‌ها است. تنکیر آن برای تفخیم است که بیان‌گر مرغوبیت و کثرت میوه‌ها است. «يَدَّعُونَ»: طلب می‌کنند. درخواست می‌نمایند. دل‌شان بخواهد.

سوره یس آیه ۵۸

متن آیه:

﴿سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ رَّحِيمٖ ۝٥٨﴾

ترجمه:

از سوی پروردگاری مهربان، بدی‌شان درود و تهنیت گفته می‌شود.

توضیحات:

«سَلامٌ»: درود (نگا: اعراف / ۴۶، یونس / ۱۰، رعد / ۲۴، ابراهیم / ۲۳). بدل (ما) یا مبتدا و خبر آن محذوف است: «سَلامٌ عَلَيْكُمْ». «قَوْلاً»: مفعول مطلق فعل محذوف است.

سوره یس آیه ۵۹

متن آیه:

﴿وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

(این سرگذشت شوق‌انگیز و پرافتخار بهشتیان بود، و امّا با خطابی تحقیرآمیز به گناهکاران گفته می‌شود:) ای بزهکاران! امروز (از مؤمنان) جدا و به دور شوید.

توضیحات:

«إِمْتَازُوا»: جدا گردید. به کنار روید.

سوره یس آیه ۶۰

متن آیه:

﴿أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ۝٦٠﴾

ترجمه:

ای آدمیزادگان! مگر من به شما سفارش ننمودم و امر نکردم که اهریمن را پرستش نکنید، چرا که او دشمن آشکار شما است؟

توضیحات:

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ»؟: آیا با شما پیمان نبستم؟ آیا به شما توصیه نکردم؟ مراد فرمان دادن است (نگا: طه / ۱۱۵). چنین عهد و پیمان و توصیه و دستوری، از طرق مختلف با انسان بسته شده و بدو فرمان داده شده است. یکم: توسّط پیغمبران (نگا: بقره / ۱۶۸، اعراف / ۲۷، یونس / ۲، زخرف / ۶۲). دوم: توسّط عقل. چرا که دلائل و براهین عقلی با زبان گویائی به انسان‌ها می‌فهمانند که نباید جز خدا را پرستید و اطاعت کرد. سوم: از راه فطرت. چرا که انسان ذاتاً یکتاپرست بوده و فطرت سالم، طاعت و عبادت را منحصر به ذات پاک پروردگار می‌داند. «لا تَعبُدُوا»: مراد از عبادت در اینجا، اطاعت است. چرا که یکی از صورت‌های عبادت اطاعت می‌باشد (نگا: توبه / ۳۱، مؤمنون / ۴۷).

سوره یس آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَأَنِ ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١﴾

ترجمه:

و (آیا به شما دستور ندادم) این که مرا بپرستید و بس که راه راست همین است.

توضیحات:

«وَأَنِ اعْبُدُونِي...»: عطف بر (لا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ) است و واژه (أَنْ) تفسیریه است.

سوره یس آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ جِبِلّٗا كَثِيرًاۖ أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

اهریمن گروههای فراوانی از شما انسان‌ها را گمراه کرده است. آیا (تاریخ جبّاران گمراه پیشین را خواندید، و آثار سرنوشت گول خوردگان ابلیس را دیدید و) نیندیشیدید؟

توضیحات:

«جِبِلاًّ»: گروه. ملّت. (نگا: شعراء / ۱۸۴).

سوره یس آیه ۶۳

متن آیه:

﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

این (که در پیش رو دارید و بدان می‌نگرید) همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد.

توضیحات:

«هذِهِ جَهَنَّمُ...»: وقتی بدانان چنین خطابی می‌گردد که دادگاهی به پایان آمده و در کنار دوزخ گرد آورده شده‌اند.

سوره یس آیه ۶۴

متن آیه:

﴿ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

به سبب کفری که می‌ورزیدید، امروز به دوزخ وارد شوید و بدان بسوزید.

توضیحات:

«إِصْلَوْهَا»: با دوزخ بسوزید و سوزش آن را بچشید. بدان وارد شوید (نگا: المختصر فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه، تفسیر صفوة البیان).

سوره یس آیه ۶۵

متن آیه:

﴿ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٦٥﴾

ترجمه:

امروزه بر دهان‌هایشان مهر می‌نهیم، و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان بر (کارهائی که انجام می‌داده‌اند و) چیزهائی که فرا چنگ می‌آورده‌اند، گواهی می‌دهند.

توضیحات:

«نَخْتِمُ...»: (نگا: بقره / ۷، انعام / ۴۶). «أَفْوَاهِهِمْ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۸ و ۱۶۷). «تَشْهَدُ»: گواهی اعضاء در قیامت مسلّم است (نگا: فصّلت / ۲۰ و ۲۱، نور / ۲۴).

سوره یس آیه ۶۶

متن آیه:

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

اگر ما بخواهیم ایشان را (در دنیا مجازات کنیم، می‌توانیم. از جمله) کورشان می‌نمائیم، به گونه‌ای که اگر آنان بخواهند در راه بر یکدیگر پیشی گیرند، به هیچ وجه نتوانند راه را ببینند.

توضیحات:

«لَطَمَسْنَا»: محو می‌کردیم. از بین می‌بردیم (نگا: نساء / ۴۷، یونس / ۸۸، مرسلات / ۸). در اینجا مراد کور کردن و از میان بردن بینائی دیدگان است. «فَاسْتَبِقُوا»: (نگا: بقره / ۱۴۸، یوسف / ۱۷ و ۲۵). «فَأَنّي»: چگونه؟ «فَأَنّي يُبْصِرُونَ»؟: چگونه می‌توانند ببینند؟ یعنی به هیچ وجه نمی‌توانند مسیر خود را ببینند. «الصِّرَاطَ»: مفعول به، یا منصوب به نزع خافض است.

سوره یس آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَمَسَخۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مُضِيّٗا وَلَا يَرۡجِعُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

و اگر ما بخواهیم، ایشان را با وجود مکانت و منزلت‌شان، در جای خود مسخ می‌نمائیم و (آنان را به شکل انسان افلیج یا زمینگیر در می‌آوریم.) به گونه‌ای که نه بتوانند به جلو حرکت کنند و نه به عقب برگردند.

توضیحات:

«لَمَسَخْنَاهُمْ»: ایشان را مسخ می‌کردیم. مراد از مسخ، دگرگون کردن و حال به حال نمودن است، یعنی به صورت‌های بسیار زشت و پست و ناتوان و ناجور درآوردن. در اینجا بیشتر مراد تغییر و تبدیل انسان زیبا و توانا، به انسان نازیبا و درمانده و زار و نزار است. امّا مراد از مسخ می‌تواند تبدیل به حیوانات و مجسّمه‌های بی‌روح نیز باشد. «عَلي مَكَانَتِهِمْ»: بر جای خود. در محلّ توقّف خود. با وجود قوّت و قدرت و عظمت و منزلتی که ایشان دارند. (نگا: اضواء البیان، المنتخب). «مُضِيّاً»: رفتن. مصدر ثلاثی مجرّد (مَضي، يَمْضي) است (نگا: معجم الفاظ القرآن الکریم). با ضم و کسر میم آمده

است، همچون (عُتِيّ و عِتِيّ) (نگا: روح‌المعانی).

سوره يس آيه ۶۸

متن آیه:

﴿وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

به هر کس که طول عمر بدهیم، او را از لحاظ خلقت و آفرینش وارونه و واژگونه می‌کنیم. آیا متوجّه نیستند (که سیر صعودی، سیر نزولی به دنبال دارد، و این جهان سرای فنا است نه سرای بقا؟).

توضیحات:

«نُنَكِّسْهُ»: او را واژگونه و وارونه می‌کنیم. مراد عقبگرد قوای جسمانی و روحانی انسان است، تا بدانجا که بازگشت کامل انسان به حالات طفولیت انجام می‌پذیرد، و حرکات و روحیات کودکان در پیران پدیدار می‌گردد. به عبارت دیگر: پیران، کودکان می‌شوند (نگا: حجّ / ۵، روم / ۵۴). «الْخَلْقِ»: خلقت. آفرینش. مراد وضع جسمی و روحی است.

سوره يس آيه ۶۹

متن آیه:

﴿وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ ٦٩﴾

ترجمه:

ما به پیغمبر (اسلام سرودن) چکامه نیاموخته‌ایم و چامه‌سرائی او را نسزد. این (کتاب هم که بر او نازل کرده‌ایم) جز یادآوری (عاقلان به قانون و فرمان یزدان جهان) و کتاب خواندنی روشن‌گر (حقائق برای مؤمنان) نیست.

توضیحات:

«الشِّعْرَ»: چکامه. چامه. «مَا يَنبَغِي»: نسزد. در خور نیست. لازم نیست. «إِنْ»: نیست. «هُوَ»: کتاب منزل قرآن. «ذِكْرٌ»: پند و اندرز. یاد و یادآوری. «قُرْءَانٌ»: قرآن. کتاب خواندنی. «مُبِينٌ»: روشن و واضح. روشن‌گر و بیان‌گر.

سوره يس آيه ۷۰

متن آیه:

﴿لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٠﴾

ترجمه:

(هدف از فرو فرستادن آن، این است که) تا افراد زنده (بیدار دل) را با آن بیم دهد، و بر کافران (اتمام حجّت شود و) فرمان عذاب مسلّم گردد.

توضیحات:

«حَيّاً»: مراد زنده معنوی است که شخص عاقل و اندیشمند و بیدار دل است (نگا: انعام / ۱۲۲، فاطر / ۲۲). «يَحِقَّ»: واجب شود. مسلّم گردد. «الْقَوْلُ»: فرمان عذاب. عذاب. «يَحِقَّ الْقَوْلُ»: (نگا: اسراء / ۱۶، قصص / ۶۳، یس / ۷).

سوره یس آیه ۷۱

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا خَلَقۡنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتۡ أَيۡدِينَآ أَنۡعَٰمٗا فَهُمۡ لَهَا مَٰلِكُونَ ٧١﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینند که برخی از آن چیزهائی که قدرت ما آفریده است، چهارپایانی است که برای انسان‌ها خلق کرده‌ایم و ایشان صاحب آنهایند؟

توضیحات:

«أَوَلَـمْ يَرَوْا»: (نگا: انعام / ۶، رعد / ۴۱، نحل / ۴۸ و ۷۹).

سوره یس آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَذَلَّلۡنَٰهَا لَهُمۡ فَمِنۡهَا رَكُوبُهُمۡ وَمِنۡهَا يَأۡكُلُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

و چهارپایان را رام ایشان ساخته‌ایم. برخی از آنها را مرکب خود می‌سازند، و از برخی دیگر تغذیه می‌کنند.

توضیحات:

«ذَلَّلْنَاهَا»: آنها را منقاد و رام کرده‌ایم. «رَكُوبُهُمْ»: رکوب به معنی مرکب، یعنی وسیله سواری است. فَعول به معنی مفعول، یعنی: رَکوب به معنی مَرکوب است و مانند: حَلوب به معنی محلوب.

سوره یس آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَلَهُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

و از برخی از آنها استفاده‌هائی می‌کنند و (از پشم و کرک و مو و پوست و استخوان‌شان فایده‌ها می‌برند، و از شیر برخی) از آنها نوشیدنی‌ها و فرآورده‌های شیری به دست می‌آورند. آیا نباید شکرگزار (این همه نعمت خدا) باشند؟

توضیحات:

«مَشَارِبُ»: جمع مَشْرَب به معنی مشروب؛ مانند مَأْکل به معنی مَأْکول؛ نوشیدنی‌ها. مراد شیرها است.

سوره یس آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمۡ يُنصَرُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

آنان گذشته از خدا، معبودهائی برای خود برگزیده‌اند، بدین امید که (از سوی ایشان) یاری شوند.

توضیحات:

«مِن دُونِ»: غیر از. بجز.

سوره یس آیه ۷۵

متن آیه:

﴿لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَهُمۡ وَهُمۡ لَهُمۡ جُندٞ مُّحۡضَرُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

معبودها (ی دروغین) نمی‌توانند پرستندگان خود را کمک کنند و یاری دهند، و بلکه پرستندگان، سپاه‌های آماده معبودها (ی عاجز خود) هستند (و از آنها مواظبت می‌نمایند و از بلاها و گزندها به دور می‌دارند).

توضیحات:

«لا یَسْتَطِیعُونَ»: معبودها نمی‌توانند (نگا: اعراف / ۱۹۲، یونس / ۱۸). «جُندٌ»:

سپاه. لشکر. «مُحْضَرُونَ»: آماده.

سوره یس آیه ۷۶

متن آیه:

﴿فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٦﴾

ترجمه:

پس (حالا که چنین است) سخنان آنان تو را غمگین نکند، ما می‌دانیم آنچه را که مخفی می‌دارند و آنچه را که آشکار می‌سازند.

توضیحات:

«قَوْلُهُمْ»: مراد سخنان مبنی بر الحاد و انکار خدا، و تکذیب و تقبیح پیغمبر است.

سوره یس آیه ۷۷

متن آیه:

﴿أَوَ لَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ٧٧﴾

ترجمه:

آیا انسان (با چشم عقل و دیده بینش ننگریسته است و) ندیده است که ما او را از نطفه ناچیزی آفریده‌ایم و هم اینک او پرخاشگری است که آشکارا به پرخاش برمی‌خیزد؟! (زهی بی‌خبری و خیره‌سری!).

توضیحات:

«أَوَلَـمْ يَرَ»؟: (نگا: انعام / ۶، رعد / ۴۱، نحل / ۴۸ و ۷۹). «خَصِيمٌ مُبِينٌ»: (نگا: نحل / ۴).

سوره یس آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحْيِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ٧٨﴾

ترجمه:

برای ما مثالی می‌زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می‌کند و می‌گوید: چه کسی می‌تواند این استخوان‌هائی را که پوسیده و فرسوده‌اند زنده گرداند؟!

توضیحات:

«الْعِظَامَ»: جمع عَظْم، استخوانها. «رَمِيمٌ»: پوسیده و فرسوده. «نَسِيَ خَلْقَهُ»: جمله

کوتاهی است که پاسخ کاملی برای پرسش هر فرد بی‌خبری است که قدرت خدا را با قدرت مردم همسان بداند و درباره آفرینش خود از خاک نیندیشد.

سوره یس آیه ۷۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩﴾

ترجمه:

بگو: کسی آنها را زنده می‌گرداند که آنها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آنها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او بس آگاه از (احوال و اوضاع و چگونگی و ویژگی) همه آفریدگان است.

توضیحات:

«أَنشَأَهَا»: آنها را آفرید و پدیدار کرد (نگا: انعام / ۹۸، عنکبوت / ۲۰). «هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»: خدا بسیار آگاه از اعمال و اقوال هر مخلوقی است. خدا هر نوع آفرینشی را بسیار خوب می‌داند، و در بازآفرینی کسی در نمی‌ماند.

سوره یس آیه ۸۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن، آتش روشن می‌کنید. (او که قادر بر رستاخیز انرژی‌ها است، قادر بر برانگیختن مردگان و بازگرداندن به زندگی دوباره ایشان است).

توضیحات:

«الشَّجَرِ الأَخْضَرِ»: درخت سبز. این تعبیر بیان‌گر این واقعیت است که تنها درختان سبز و زنده می‌توانند عمل کربن‌گیری و ذخیره‌کردن نور آفتاب را انجام دهند. «نَاراً»: مراد انرژی ذخیره شده آفتاب بر اثر فتوسنتز در چوب‌های درختان است که بر اثر اصطکاک و مالش، به صورت جرقّه الکتریسیته ظاهر می‌شود و باعث روشن شدن آتش می‌گردد، یا با سوزاندن چوب‌ها، انرژی نهان در آنها آزاد می‌شود، و نور و حرارت اندوخته و پنهان در ذرّات پیکره درختان، دیگر بار به صورت روشنائی و

گرما جلوه‌گر می‌آید (نگا: تفسیر نمونه. تفسیر المنتخب). «تُوقِدُونَ»: آتش را برمی‌افروزید. از مصدر ایقاد، به معنی افروختن آتش.

سوره یس آیه ۸۱

متن آیه:

﴿أَوَ لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨١﴾

ترجمه:

آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان‌های خاک شده را دوباره) به گونه خودشان بیافریند؟ آری! (می‌تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و دانا است.

توضیحات:

«أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ»: این که به گونه سابق و به شکل پیشین بسازد و بیافریند. «الْخَلاّق»: صیغه مبالغه خالق است. آفریدگار.

سوره یس آیه ۸۲

متن آیه:

﴿إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٨٢﴾

ترجمه:

هر گاه خدا چیزی را بخواهد که بشود، کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید: بشو! و آن هم می‌شود.

توضیحات:

«أَمْرُهُ»: کارش. (نگا: بقره / ۱۰۹، یوسف / ۲۱). فرمانش (نگا: نحل / ۴۰، انبیاء / ۲۷، حجّ / ۶۵).

سوره یس آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

پاکا خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است. و شما به‌سوی او

برگردانده می‌شوید (و به حساب و کتابتان رسیدگی می‌گردد).

توضیحات:

«مَلَکُوتُ»: مالکیت و حاکمیت. کشور عظیم. قدرت تصرّف فراوان.

سوره صافات

سوره صافات آيه ۱

متن آيه:

﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١﴾

ترجمه:

قسم به آنان که (در مقام عبوديت و انقياد) محکم صف کشيده‌اند!

توضيحات:

«الصَّآفَّاتِ»: جمع صَآفَّة، دسته و گروهی که به صف ايستاده‌اند. واژه (صافّات) از نظر معنی، جمع الجمع است. مراد فرشتگان است که برای اجرا اوامر و بندگی خدا صف کشيده‌اند (نگا: صافّات / ۱۶۵ و ۱۶۶). چه بسا مراد صفوف رزمندگان اسلام، و يا صفوف نماز جماعت، و يا اين که صف‌های داعيان و عالمان، در برابر کافران و منافقان و بزهکاران باشد.

سوره صافات آيه ۲

متن آيه:

﴿فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢﴾

ترجمه:

و قسم به آنان که سخت باز می‌دارند!

توضيحات:

«الزَّاجِرَاتِ»: بازدارندگان. منع کنندگان. مراد فرشتگان است که شياطين را از استراق سمع باز می‌دارند و ابرها را بدينجا و آنجا می‌رانند. و يا اين که مراد رزمندگانی است که دشمنان را از تجاوز به حريم اسلام باز می‌دارند، و يا اين که مراد داعيان و عالمانی است که بی‌دينان را از تجاوز به قرآن و قوانين اسلام به دور می‌دارند و مردمان را از منکرات نهی می‌کنند.

سوره صافات آيه ۳

متن آيه:

﴿فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ٣﴾

ترجمه:

و قسم به آنان که پیاپی (آیات خدا را) تلاوت می‌کنند!

توضیحات:

«التَّالِيَاتِ»: تلاوت کنندگان. مراد فرشتگانی است که کتاب‌های آسمانی را بر پیغمبران خدا تلاوت می‌نموده‌اند. یا رزمندگان جهادگری است که قلب و جان خویش را به نور تلاوت آیات خدا روشن می‌سازند. و یا این که داعیان و عالمانی مراد است که آیات آسمانی را بر مردم تلاوت و ایشان را به‌سوی خدا می‌خوانند. «ذِكْراً»: مراد کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن است (نگا: نحل / ۴۳ و ۴۴، انبیاء / ۴۸ و ۱۰۵).
یادآوری: سه آیه پیشین، می‌تواند درباره یک گروه، و یا این که گروه‌های مختلف باشد.

سوره صافات آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤﴾

ترجمه:

قطعاً معبود شما یکی است (نه بیشتر).

توضیحات:

«إِنَّ إِلَهَكُمْ»: سوگندهای سه آیه پیشین، برای همین امر مهم بود که «الوهیّت» تنها متعلّق به یکی است که صاحب آسمان‌ها و زمین و همه گستره هستی است.

سوره صافات آیه ۵

متن آیه:

﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥﴾

ترجمه:

آن کسی که خداوند آسمان‌ها و زمین و همه چیزهائی است که در میان آن دو قرار دارد، و خداوند مشرق‌ها است.

توضیحات:

«رَبُّ»: خبر دوم (إِنَّ) و یا خبر مبتدای محذوف است. «الْمَشَارِق»: جمع مشرِق، مکان طلوع. مراد خاستگاه‌های خورشید در ایام سال است که به خاطر کروی بودن

زمین هر نقطه‌ای از آن نسبت به نقطه دیگر مشرِق یا مغرب محسوب می‌شود، و یا مراد مشرق‌های همه ستارگان جهان بوده و ذکر خاصّ بعد از عامّ است و به خاطر اهمّیت ویژه، بدان‌ها اشاره شده است. از آنجا که ذکر مشارِق و مغارب پیوسته با هم بوده، در اینجا مغارب به قرینه مشارِق حذف شده است (نگا: معارج / ۴۰).

سوره صافات آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦﴾

ترجمه:

ما نزدیک‌ترین آسمان (به شما) را با زینت ستارگان آراسته‌ایم.

توضیحات:

«الدُّنْيَا»: از لحاظ صرفی، اسم تفضیل و مؤنّث (أَدْني) و به معنی نزدیکتر و نزدیک‌ترین است. از لحاظ نحوی صفت (السَّمَآءُ) است. مراد نزدیک‌ترین آسمان به ما ساکنان کره زمین است. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که همه ستارگانی که فضای بالای سر ما را آراسته‌اند و با چشم خود آنها را می‌بینیم، از نظر قرآن آسمان اوّل ما است. «الْكَواكِبِ»: بدل (زِينَةٍ) است.

سوره صافات آیه ۷

متن آیه:

﴿وَحِفۡظًا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧﴾

ترجمه:

ما آن را از هر شیطان متمرّدی، کاملاً حفظ کرده‌ایم.

توضیحات:

«حِفْظاً»: مفعول مطلق فعل محذوفی است و در اصل چنین است: «وَحَفِظْنَاهَا حِفْظاً». «مَارِدٍ»: متمرّد. سرکش. بی‌خیر و بی همه چیز. «حِفْظاً مِّنْ...»: مراد پاسداری آسمان از نفوذ شیاطین است که هر گاه بخواهند به عالم فرشتگان نزدیک شوند و اخبار حوادث این جهان را بدانند که پیش از وقوع در زمین، در آسمان‌های نزدیک و دوردست منعکس است، مورد اصابت شهاب‌ها قرار می‌گیرند (نگا: حجر / ۱۷ و ۱۸، ملک / ۵).

سوره صافات آیه ۸

متن آیه:

﴿لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ۝٨﴾

ترجمه:

آنان نمی‌توانند به گروه والامقام (و صدرنشینان عالم ملکوت، که فرشتگان کبارند) دزدکی گوش فرا دهند (و اسرار غیب را بشنوند) چرا که از هر سو به‌سویشان (تیرهای شهاب) نشانه می‌رود.

توضیحات:

« لا يسَّمَّعُونَ »: در اصل (لا يتَسَمَّعُونَ) است. نمی‌توانند دزدکی گوش فرا دهند. یعنی آنان می‌خواهند اخبار ملأ اعلی را بشنوند، امّا به آنها اجازه داده نمی‌شود. «الْمَلإِ الأعْلی»: گروه برتر. مراد ملائکه کرام و فرشتگان والا مقام عالم بالا است. «يقْذَفُونَ»: به‌سویشان تیراندازی می‌شود. رجم می‌گردند.

سوره صافات آیه ۹

متن آیه:

﴿دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ۝٩﴾

ترجمه:

آنان سخت (به عقب رانده می‌شوند و از صحنه آسمان) طرد می‌گردند، و عذاب به تمام و کمالی (در دنیا) و دائمی و سرمدی (در آخرت) دارند.

توضیحات:

«دُحُوراً»: طرد. راندن. مفعول مطلق فعل محذوفی است: «يُدْحَرُونَ دُحُوراً». «وَاصِبٌ»: تامّ و خالص. همیشگی و دائمی. (نگا: نحل / ۵۲).

سوره صافات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ۝١٠﴾

ترجمه:

و امّا از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخشی سوراخ کننده (جو آسمان و بدن آن شیطان) به دنبال او روان می‌گردد (و وی را می‌سوزاند و نابودش

می‌گرداند).

توضیحات:

«إِلاّ مَنْ...»: استثناء از ضمیر (و) در (لا یَسَّمَّعُونَ) و (مَنْ) بدل از آن و یا منصوب و مستثنی است. «خَطِفَ»: ربود. با سرعت برگرفت. معنی مجازی خَطِفَ، استماع خبر و استراق سمع است. «أَتْبَعَ»: به معنی (تَبِعَ)، یعنی دنبال کرد. تعقیب کرد. «شِهَابٌ»: آذرخش آسمان. «ثَاقِبٌ»: سوراخ کننده. مراد سوزاننده است. یعنی شهابی که دل فضای ظلمانی و بدن شیطان متمرّد را سوراخ سوراخ می‌کند. یا این که جوّ را می‌سوزاند و شیطان متمرّد را آتش می‌زند. یادآوری: آیات پیشین بر اعتقاد جمعی از مشرکان قلم بطلان می‌کشد که شیاطین و اجنّه را مطّلع از غیب می‌دانستند و معبود خویش قرار می‌دادند (نگا: جنّ / ۶).

سوره صافات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۭ ١١﴾

ترجمه:

(به منکران بعث و قیامت بگو و) از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش (دوباره) ایشان سخت‌تر و دشوارتر است یا آفرینش (آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و سایر) چیزهائی که آفریده‌ایم؟ ما که ایشان را از گِل چسبنده ناچیزی (در آغاز خلقت انسان) آفریده‌ایم (و بر آفرینش آنان توانا بوده‌ایم. لذا سهل و ساده ایشان را بازآفرینی می‌کنیم و مشکلی در این امر نمی‌بینیم).

توضیحات:

«فَاسْتَفْتِهِمْ»: از ایشان نظر بخواه. مراد از استفتاء در اینجا تنها اطّلاع از دیدگاه ایشان است و بس. والاّ رأی آنان فاقد ارزش است. «أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقاً»: (نگا: شوری / ۲۹، احقاف / ۳۳). «مَنْ»: کسانی که. چیزهائی که. استعمال (مَنْ) بدان خاطر است که با اجرام سماوی ذوی‌العقول همچون فرشتگان و پریان وجود دارد و تغلیب است. «أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ...»: مراد از (مَنْ) شاید گذشتگان باشد که بسی از این‌ها قوی‌تر بوده‌اند (نگا: توبه / ۶۹، قصص / ۷۸، روم / ۹، فاطر / ۴۴، غافر / ۲۱ و ۸۲، محمّد / ۱۳،

/ ۳۶). «لازِبٍ»: چسبنده.

سوره صافات آیه ۱۲

متن آیه:

﴿بَلۡ عَجِبۡتَ وَيَسۡخَرُونَ ١٢﴾

ترجمه:

امّا تو (آن قدر مسأله معاد را مسلّم و واضح می‌بینی که از ناباوری ایشان) تعجّب می‌کنی، و ایشان (آن قدر مسأله معاد را محال و ناممکن می‌دانند که هم تو و هم معاد را) مسخره می‌کنند.

توضیحات:

«عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ»: تو در پرتو دلائل بیشمار، بر قدرت خدای متعال برای ایجاد معاد، در شگفتی، و ایشان معاد را مسخره می‌دانند و صحبت تو درباره معاد و شگفت تو از کارشان را به تمسخر می‌گیرند.

سوره صافات آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ ١٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که بدانان (قدرت خدا و ادلّه قیامت) تذکر داده شود، متذکر و پندپذیر نمی‌گردند. (و به کفر و شرک و زشتکاری‌های خود ادامه می‌دهند).

توضیحات:

«ذُكِّرُوا»: پند داده شدند (کهف / ۵۷، مائده / ۱۳، فرقان / ۷۳). «لا يَذْكُرُونَ»: یادآور نمی‌گردند. متذکر و منتفع نمی‌شوند.

سوره صافات آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ ءَايَةٗ يَسۡتَسۡخِرُونَ ١٤﴾

ترجمه:

و هر گاه معجزه‌ای (از معجزات) یا دلیلی (از دلائل دالّ بر قدرت خدا) را ببینند، (نه تنها خود به تمسخر می‌پردازند، بلکه) دیگران را به مسخره کردن فرا می‌خوانند.

توضیحات:

«ءَايَةً»: دلیل و برهان. معجزه. «يَسْتَسْخِرُونَ»: دیگران را به مسخره کردن دعوت می‌کنند. در سخریه مبالغه و زیاده‌روی می‌کنند.

سوره صافات آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ١٥﴾

ترجمه:

و خواهند گفت: این (چیزی که ما می‌بینیم) جز جادوی آشکار و روشنی نیست.

توضیحات:

«إِنْ هذا...»: (نگا: مائده / ۱۱۰، انعام / ۷، یونس / ۷۶، هود / ۷، نمل / ۱۳، سبأ / ۴۳).

سوره صافات آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ١٦﴾

ترجمه:

آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان گشتیم، ما زنده گردانده می‌شویم؟!

توضیحات:

«أَإِذَا مِتْنَا...»: (نگا: مؤمنون / ۳۵ و ۸۲).

سوره صافات آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ١٧﴾

ترجمه:

آیا پدران و نیاکان گذشته ما نیز (زنده می‌گردند که سالیان سال است مرده‌اند و ذرّات وجودشان در پهنه زمین پراکنده و نابود شده است؟).

توضیحات:

«ءَابَاؤُنَا الأَوَّلُونَ»: (نگا: مؤمنون / ۲۴ و ۶۸، شعراء / ۲۶، قصص / ۳۶).

سوره صافات آیه ۱۸

متن آیه:

﴿قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ ١٨﴾

ترجمه:

بگو: بلی! (همه شما زنده می‌شوید) در حالی که خوار و پست خواهید بود.

توضیحات:

«دَاخِرُونَ»: جمع داخر، خوار و پست. ذلیل و فرمانبردار (نگا: نحل / ۴۸، نمل / ۸۷، غافر / ۶۰).

سوره صافات آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ فَإِذَا هُمۡ يَنظُرُونَ ١٩﴾

ترجمه:

تنها یک صدا خواهد بود و به ناگاه آنان (سر از گورها به در آورده و به چیزی که بدی‌شان وعده داده شده خیره می‌شوند و) می‌نگرند.

توضیحات:

«زَجْرَةٌ»: فریاد و صدا. مراد نفخه دوم است (نگا: نازعات / ۱۳). «يَنظُرُونَ»: می‌نگرند. انتظار می‌کشند.

سوره صافات آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا هَٰذَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ٢٠﴾

ترجمه:

و خواهند گفت: ای وای بر ما! این، روز جزا است!

توضیحات:

«يَا وَيْلَنَا»: (نگا: انبیاء / ۱۴ و ۴۶ و ۹۷، یس / ۵۲).

سوره صافات آیه ۲۱

متن آیه:

﴿هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢١﴾

ترجمه:

(و بدی‌شان پاسخ داده می‌شود:) این، روز داوری و حسابرسی است، همان روزی

که در دنیا دروغش می‌نامیدید.

توضیحات:

«الْفَصْلِ»: قضاوت و داوری. سخن قاطعانه و نهائی در حل و فصل کشمکش و دشمنانگی. جدائی میان حق و باطل. «يَوْمُ الْفَصْلِ»: مراد روز قیامت است.

سوره صافات آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

(ای فرشتگان من!) کسانی را که (با کفر و زندقه) به خود ستم کرده‌اند، همراه با همسران (کفر پیشه) آنان، به همراه آنچه می‌پرستیده‌اند، جمع‌آوری کنید.

توضیحات:

«مَا»: آنچه. مراد بت‌ها است.

سوره صافات آیه ۲۳

متن آیه:

﴿مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ ٢٣﴾

ترجمه:

غیر از خدا (هر چه را پرستش می‌کرده‌اند، همه را یکجا گرد آورید و) آن گاه آنان را به راه دوزخ راهنمائی کنید (تا بدان در آیند).

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: غیر از خدا.

سوره صافات آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡـُٔولُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

آنان را نگاه دارید که باید بازپرسی شوند (و از عقائد و اعمال‌شان پرسیده شود).

توضیحات:

«قِفُوهُمْ»: نگاه‌شان دارید. «مَسْؤُولُونَ»: پرسیدگان. بازخواست شوندگان.

سوره صافات آیه ۲۵

متن آیه:

﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ۝٢٥﴾

ترجمه:

(ای مشرکان!) شما چرا همدیگر را یاری نمی‌دهید (و در نجات هم نمی‌کوشید؟).

توضیحات:

«لا تَنَاصَرُونَ»: همدیگر را یاری نمی‌دهید. اصل آن (لا تَتَنَاصَرُونَ) است.

سوره صافات آیه ۲۶

متن آیه:

﴿بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ ۝٢٦﴾

ترجمه:

بلکه آنان امروز کاملاً مطیع و تسلیمند.

توضیحات:

«مُسْتَسْلِمُونَ»: افراد منقاد و مطیع.

سوره صافات آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ۝٢٧﴾

ترجمه:

(در این حال) بعضی رو به بعضی می‌نمایند و همدیگر را بازخواست می‌کنند.

توضیحات:

«يَتَسَآءَلُونَ»: از همدیگر بازخواست می‌کنند. به گونه کشمکش و سرزنش از یکدیگر سؤالاتی می‌کنند و همدیگر را مقصّر وضع موجود قلمداد می‌نمایند.

سوره صافات آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَأۡتُونَنَا عَنِ ٱلۡيَمِينِ ۝٢٨﴾

ترجمه:

(مستضعفان به مستکبران) می‌گویند: شما از راه خیرخواهی به‌سوی ما می‌آمدید

(تا به ما ضربه بزنید و گمراهمان سازید).

توضیحات:

«عَنِ الْيَمِينِ»: از طریق خیرخواهی و دلسوزی. از راه دین. از راه قدرت. مراد این است که شما گفتید: ما خیرخواه شما هستیم، و آئینی که دارید حق است، و با زور وادار به گمراهیمان کردید.

سوره صافات آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَل لَّمۡ تَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

(مستکبران به مستضعفان در پاسخ) می‌گویند: بلکه خودتان بی‌ایمان و بی‌باور بودید (گناه ما چیست. بروید و خویشتن را سرزنش و نفرین کنید).

توضیحات:

سوره صافات آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭۖ بَلۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا طَٰغِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

ما که هیچ‌گونه سلطه و قدرتی بر شما نداشتیم (تا از شما سلب اختیار کنیم) بلکه خودتان مردمان سرکش و نافرمانی بودید (و بر حق و حقیقت شوریدید و به چنین روزی افتادید).

توضیحات:

«سُلْطَانٍ»: سلطه و قدرت. مراد زور و اجبار است.

سوره صافات آیه ۳۱

متن آیه:

﴿فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ رَبِّنَآۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ٣١﴾

ترجمه:

پس عذاب پروردگارمان گریبانگیرمان شد، و ما باید آن را بچشیم.

توضیحات:

«فَحَقَّ عَلَیْنَا...»: فرمان خدا درباره ما محقّق گشت که ما گمراهان باید روز قیامت عذاب را بچشیم.

سوره صافات آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَأَغْوَيْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ۝٣٢﴾

ترجمه:

ما خودمان گمراه بودیم و شما را هم گمراه کردیم.

توضیحات:

«غَاوِینَ»: گمراهان (نگا: اعراف / ۱۷۵، حجر / ۴۲، شعراء / ۹۱ و ۹۴).

سوره صافات آیه ۳۳

متن آیه:

﴿فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝٣٣﴾

ترجمه:

در نتیجه آنان (همگی، اعم از راهبران و پیروان) در عذاب، با یکدیگر و مشترکند.

توضیحات:

«مُشْتَرِکُونَ»: با یکدیگر اشتراک دارند. با همدیگرند.

سوره صافات آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ ۝٣٤﴾

ترجمه:

ما این‌گونه با بزهکاران رفتار می‌کنیم.

توضیحات:

«کَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْـمُجْرِمِینَ»: با همه بزهکاران تاریخ چنین می‌کنیم.

سوره صافات آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۝٣٥﴾

ترجمه:

(چرا که) وقتی که بدانان گفته می‌شد: جز خدا معبودی نیست، بزرگی می‌نمودند (و خویشتن را بالاتر از آن می‌دیدند که یکتاپرستی را بپذیرند).

توضیحات:

«یَسْتَکْبِرُونَ»: (نگا: بقره / ۳۴ و ۸۷، نساء / ۱۷۳).

سوره صافات آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۢ ٣٦﴾

ترجمه:

و می‌گفتند: آیا ما برای (سخن) چکامه‌سرای دیوانه‌ای، معبودهای خویش را رها سازیم؟!

توضیحات:

«شَاعِرٍ»: مرادشان - «زَادَهُمُ اللهُ عَذاباً» - پیغمبر گرامی اسلام بود. «شَاعِرٍ مَّجْنُونٍ»: این سخن، ضدّ و نقیض است. چرا که شاعر برعکس دیوانه از روی اندیشه که زاده خرد است سخن می‌گوید.

سوره صافات آیه ۳۷

متن آیه:

﴿بَلۡ جَآءَ بِٱلۡحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

(امّا او شاعر و مجنّون نیست و) بلکه حق را آورده و پیغمبران را تصدیق کرده است. (محتوای دعوت محمّد و هماهنگی آن با دعوت انبیاء، دلیل صدق گفتار او است).

توضیحات:

«الْحَقِّ»: مراد آئین اسلام است که عین حقیقت است.

سوره صافات آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِنَّكُمۡ لَذَآئِقُواْ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَلِيمِ ٣٨﴾

ترجمه:

شما (ای مشرکان کوردل!) قطعاً عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَمَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

و جز در برابر کارهائی که می‌کرده‌اید کیفر داده نمی‌شوید.

توضیحات:

«مَا تُجْزَوْنَ...»: (نگا: یس / ۵۴).

سوره صافات آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

مگر بندگان مخلص خدا (که پروردگارشان از کیفر لغزش‌هایشان می‌گذرد، و پاداش مضاعف ده تا هفت صد برابر کردار نیک‌شان و گاهی افزون بر آن، بدی‌شان عطاء می‌فرماید).

توضیحات:

«مُخْلَصِينَ»: افراد پاک و بی‌آلایش. کسانی که خداوند ایشان را از نقائص پاکیزه و پالوده کرده است و تمام همّ و غمّ خود را صرف طاعت خدا نموده‌اند (نگا: یوسف / ۲۴، ص / ۴۶).

سوره صافات آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ٤١﴾

ترجمه:

ایشان را روزی ویژه و معینی است.

توضیحات:

«مَعْلُومٌ»: مشخّص. ویژه. یعنی دارای صفات مخصوص به خود. مراد مواهب توصیف ناشدنی و غیرقابل درک بهشت است.

سوره صافات آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

یعنی میوه‌های رنگارنگ. و آنان مکرّم و معزّزند (و با نهایت احترام از ایشان پذیرائی می‌گردد).

توضیحات:

«فَوَاكِهُ»: بدل از (رزق) است. تنکیر آن دالّ بر وفور و مرغوبیت است. «مُكْرَمُونَ»: اشاره به این است که همچون حیوانات، آذوقه در مقابل آنان ریخته نمی‌شود، بلکه همچون مهمانان عزیزی، از ایشان پذیرائی می‌گردد.

سوره صافات آیه ۴۳

متن آیه:

﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٤٣﴾

ترجمه:

در میان باغ‌ها و بوستان‌های پر نعمت بهشت بسر می‌برند.

توضیحات:

«جَنَّاتِ النَّعِيمِ»: (نگا: مائده / ۶۵، یونس / ۹، حجّ / ۵۶، لقمان / ۸).

سوره صافات آیه ۴۴

متن آیه:

﴿عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

بالای تخت‌های آراسته و مزین، روبه‌روی یکدیگر می‌نشینند.

توضیحات:

«سُرُرٍ»: جمع سَریر، تخت‌ها. «مُتَقَابِلِينَ»: روبه‌روی همدیگر. حال (هُمْ) است.

سوره صافات آیه ۴۵

متن آیه:

﴿يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

قدح‌های می برگرفته از رودبار جاری شراب، گرداگرد آنان در گردش است.

توضیحات:

«كَأْسٍ»: قدح شراب. مراد از واژه کأس در قرآن، خود شراب است. «مَعِين»: جاری. رودبار روان. مراد چشمه‌سار جاری شراب است که بیان‌گر فراوانی و بی‌دردسری نگاهداری در خُمره‌ها و بی‌زحمتِ تهیه و خرید و فروش، و مصون از کهنگی و تباهی است (نگا: واقعه / ۱۸).

سوره صافات آیه ۴۶

متن آیه:

﴿بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

می سفیدرنگ و خوشگواری برای نوشندگان.

توضیحات:

«بَيْضَآءُ»: سفید رنگ. صفت (كَأْسٍ) است. «لَذَّةٍ»: لذیذ. خوشگوار. این واژه مؤنّث (لَذّ) به معنی (لذیذ) و یا این که مصدر است و برای مبالغه به عنوان وصف به کار رفته است. صفتِ دوم (كَأْسٍ) است.

سوره صافات آیه ۴۷

متن آیه:

﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾﴾

ترجمه:

نه در آن تباهی‌ها و گرفتاری‌هائی (همچون بیهوشی و سردرد و سایر مضرّات و مفاسد) است، و نه میخواران از آن به حالت تهوّع (و استفراغ و عرق و کثرت بول) در می‌آیند.

توضیحات:

«غَوْلٌ»: گرفتاری‌ها و تباهی‌هائی همچون بیهوشی و خمار و زوال عقل. «عَنْهَا»: به

سبب آن. واژه (عَنْ) مفید سببیت است (نگا: توبه / ۱۱۴، هود / ۵۳). «یُنزَفُونَ»: نَزْف، به معنی بیرون کشیدن آب از چاه و مانند این است. در اینجا مراد تخلیه بدن از راه استفراغ و عرق کردن و بول زیاد است که میخواره دچار آن می‌شود (نگا: واقعه / ۱۹).

سوره صافات آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ٤٨﴾

ترجمه:

همسرانی دارند با چشمانی درشت و خمارآلود.

توضیحات:

«قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ»: دارای چشمانی نیم نگاه. دارای چشمانی که تنها با آنها به شوهران زیبای خود نگاه می‌کنند و نه به دیگران، که کنایه از این است که آنان تنها به شوهران صاحب جمال خود عشق می‌ورزند و جز مهر ایشان را در دل ندارند. دارای چشمانی خمارآلود. «عِینٌ»: جمع عَیناء، زنان درشت چشم.

سوره صافات آیه ۴۹

متن آیه:

﴿كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ ٤٩﴾

ترجمه:

انگار آنان تخم‌های (شترمرغ) هستند که (در زیر بال و پر شترمرغ) پنهان (از دید مردمان و گرد و غبار) باشند.

توضیحات:

«بَیْضٌ»: جمع بَیضَة، تخم‌مرغ (البتّه هر گونه تخم‌مرغی). ولی در اینجا شاید مراد تخم شترمرغ است که عرب‌ها زنان زیبای سفیدپوست را از لحاظ صفا و شفّافیت بدان تشبیه می‌کنند. «مَکْنُونٌ»: مستور و پنهان. مراد دور از دسترس بیگانگان و پوشیده در زیر بال و پر و زدوده از گرد و غبار. که اشاره به سفیدی و درخشندگی است.

سوره صافات آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ٥٠﴾

ترجمه:

بعضی (از این افراد مخلص) رو به بعضی دیگرمی‌کنند و از یگدیگر می‌پرسند (که حال چه احوالی دارند، و در دنیا چه می‌کردند و چه می‌دیدند؟!).

توضیحات:

«أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ...»: بعضی از بهشتیان رو به بعضی دیگر کنند و...

سوره صافات آیه ۵۱

متن آیه:

﴿قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ۝٥١﴾

ترجمه:

یکی از آنان می‌گوید: من همنشینی (در دنیا) داشتم (که با من درباره دین و قوانین آسمانی مجادله می‌کرد).

توضیحات:

«قَرِينٌ»: همنشین. دوست.

سوره صافات آیه ۵۲

متن آیه:

﴿يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

می‌گفت: آیا تو از زمره کسانی هستی که باور می‌کنند (به این که بعد از مرگ، زندگی و رستاخیزی، و حساب و کتابی، و سزا و جزائی در میان است؟).

توضیحات:

«الْمُصَدِّقِينَ»: تصدیق کنندگان. مؤمنان.

سوره صافات آیه ۵۳

متن آیه:

﴿أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

آیا زمانی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا ما مورد بازخواست (از اعمال و اقوال خود) قرار می‌گیریم و سزا و جزا می‌بینیم؟!.

توضیحات:

«لَمَدِينُونَ»: جمع مَدِین، بازخواست و بازجوئی شدگان. پاداش و پادافره داده شدگان (نگا: واقعه / ۸۶).

سوره صافات آیه ۵۴

متن آیه:

﴿قَالَ هَلۡ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

(سپس آن بهشتی، رو به دوستان بهشتی خود کرده) می‌گوید: آیا شما می‌توانید نگاهی (به دوزخ) بیندازید و او را بنگرید؟

توضیحات:

«مُطَّلِعُونَ»: کسانی که از بالا به پائین بنگرند و دیده‌ور شوند. افراد مشرِف بر چیزی.

سوره صافات آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ٥٥﴾

ترجمه:

پس آن گاه خودش دیده‌ور می‌شود (و به دوزخ می‌نگرد) و او را در وسط دوزخ می‌بیند.

توضیحات:

«سَوَآءِ»: وسط. (نگا: دخان / ۴۷). این آیه و آیات دیگری در قرآن بیان‌گر این واقعیت است که در قیامت قدرت دید فوق‌العاده‌ای به بهشتیان عطاء می‌شود که فاصله مکانی برای ایشان چندان مطرح نیست (نگا: اعراف / ۴۴) و مطالب و مقاصد هم بدون ثغور و حدود است (نگا: انبیاء / ۱۰۲، فصّلت / ۳۱، زخرف / ۷۱، واقعه / ۲۱، مرسلات / ۴۲).

سوره صافات آیه ۵۶

متن آیه:

﴿قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرۡدِينِ ٥٦﴾

ترجمه:

می‌گوید: به خدا سوگند! نزدیک بود (با نیرنگ خود) مرا پرت کنی و هلاکم سازی.

توضیحات:

«إِن كِدْتَ»: نزدیک بود که تو. «لَتُرْدِینِ»: اصل آن لَتُرْدِینی، از مصدر إرْداء و ماده (ردی) (نگا: طه / ۱۶، فصّلت / ۲۳)، مرا پرت کنی. مرا هلاک سازی.

سوره صافات آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَا نِعۡمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ۝٥٧﴾

ترجمه:

اگر نعمت (هدایت و توفیق) پروردگارم (دستگیرم) نبود، من هم (هم اینک) از احضار شدگان (در دوزخ) بودم.

توضیحات:

«الْمُحْضَرِينَ»: کسانی که فرشتگان ایشان را در میان دوزخ گرد آورده‌اند (نگا: روم / ۱۶، سبأ / ۳۸، یس / ۳۲ و ۵۳ و ۷۵، قصص / ۶۱).

سوره صافات آیه ۵۸

متن آیه:

﴿أَفَمَا نَحۡنُ بِمَيِّتِينَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

آیا ما دیگر نمی‌میریم؟!

توضیحات:

«أَفَمَا نَحْنُ...»: وقتی که آن بهشتی، عذاب دوزخ را می‌بیند، و این همه نعمت و خوشی وصف ناشدنی بهشت را هم می‌نگرد، به گونه تجاهل العارف و انگار که خواب می‌بیند، سؤال می‌کند: آیا واقعاً ما دیگر نمی‌میریم و جاودانه هستیم؟ یا این که تحدّث به نعمت می‌کند.

سوره صافات آیه ۵۹

متن آیه:

﴿إِلَّا مَوۡتَتَنَا ٱلۡأُولَىٰ وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

مگر مرگ نخستینی که داشتیم (و بعد از آن برانگیخته شدیم) و ما هرگز عذاب داده نمی‌شویم.

توضیحات:

«مَوْتَتَنَا الأُولي»: مرگ پیشین ما. گاهی عرب‌ها - مثل اینجا - واژه اوّل را به کار می‌برند و دومی به دنبال ندارد. لذا مراد همان مرگ بعد از پایان عمر و فرا رسیدن اجل است (نگا: دخان / ۳۵ و ۵۶).

سوره صافات آیه ۶۰

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٠﴾

ترجمه:

این (نعمت و کرامتی که خدا به ما روا دیده است) واقعاً پیروزی بزرگی است (که به دست آورده‌ایم، و رستگاری سترگی است از عقاب و عذاب اخرویی که در دنیا از آن می‌ترسیدیم).

توضیحات:

«الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»: پیروزی بزرگ. رستگاری سترگ.

سوره صافات آیه ۶۱

متن آیه:

﴿لِمِثۡلِ هَٰذَا فَلۡيَعۡمَلِ ٱلۡعَٰمِلُونَ ٦١﴾

ترجمه:

برای رسیدن به چنین چیزی، کارکنان باید کار کنند.

توضیحات:

«هذا»: این سعادت عُظمی و نعمت کبری.

سوره صافات آیه ۶۲

متن آیه:

﴿أَذَٰلِكَ خَيۡرٞ نُّزُلًا أَمۡ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ٦٢﴾

ترجمه:

آیا آن (همه نعمت‌های بیکران و جاویدانی) که بهشتیان را با آن پذیرائی می‌کنند بهتر است، یا درخت زقّوم (نفرت‌انگیز که از آن به دوزخیان می‌دهند؟).

توضیحات:

«نُزُلاً»: (نگا: آل‌عمران / ۱۹۸، کهف / ۱۰۲ و ۱۰۷، سجده / ۱۹). «الزَّقُّومِ»: نام درختچه بدبو و تلخ مزه‌ای است که در سرزمین تهامه می‌روید و شیره‌ای دارد که اگر به بدن انسان بخورد، ورم می‌کند.

سوره صافات آیه ۶۳

متن آیه:

﴿إِنَّا جَعَلۡنَٰهَا فِتۡنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ ٦٣﴾

ترجمه:

ما آن را مایه رنج و محنت ستمگران کرده‌ایم.

توضیحات:

«فِتْنَةً»: زحمت و محنت. رنج و عذاب. مراد این است که دوزخیان وادار به خوردن چنین درخت بدبو و تلخی می‌شوند که به جای این که وسیله راحت باشد، باعث عذاب و رنج بیشتر می‌گردد. ممکن است (فِتْنَةً) را به معنی آزمایش دانست. در این صورت اشاره به این است که زقّوم در دنیا وسیله آزمایش ستمگران کفرپیشه است. چرا که کافران گفته و می‌گویند: مگر درخت در آتش می‌روید؟!

سوره صافات آیه ۶۴

متن آیه:

﴿إِنَّهَا شَجَرَةٞ تَخۡرُجُ فِيٓ أَصۡلِ ٱلۡجَحِيمِ ٦٤﴾

ترجمه:

زقّوم درختی است که در ته دوزخ می‌روید.

توضیحات:

«تَخْرُجُ»: بیرون می‌دمد. می‌روید. «أَصْل»: قعر. ته.

سوره صافات آیه ۶۵

متن آیه:

﴿طَلۡعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ٦٥﴾

ترجمه:

شکوفه و میوه آن انگار کلّه‌های شیاطین است.

توضیحات:

«طَلْعُهَا»: طلع، شکوفه. نخستین میوه‌ای که بر درخت ظاهر می‌شود (نگا: انعام / ۹۹، شعراء / ۱۴۸). «رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ»: نماد نهایت زشتی قیافه است که بر اساس انعکاسات ذهنی انسان‌ها ترسیم می‌گردد.

سوره صافات آیه ۶۶

متن آیه:

﴿فَإِنَّهُمۡ لَأٓكِلُونَ مِنۡهَا فَمَالِـُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

دوزخیان از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر و آکنده می‌سازند.

توضیحات:

«مَالِئُونَ»: پُر کنندگان.

سوره صافات آیه ۶۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمۡ عَلَيۡهَا لَشَوۡبًا مِّنۡ حَمِيمٖ ٦٧﴾

ترجمه:

سپس آب داغ کثیف و آلوده‌ای را بر آن می‌نوشند.

توضیحات:

«لَشَوباً»: شَوب، آلوده. آمیخته. مراد آلوده به زردابه و خونابه است (نگا: ص / ۵۷، نبأ / ۲۵، حاقّه / ۳۶). «حَمِيمٍ»: آب داغ و جوشان. (نگا: انعام / ۷۰، یونس / ۴، حجّ / ۱۹).

سوره صافات آیه ۶۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ مَرۡجِعَهُمۡ لَإِلَى ٱلۡجَحِيمِ ٦٨﴾

ترجمه:

آن گاه (که از زقّوم خوردند و از آب داغِ آلوده نوشیدند) به دوزخ برمی‌گردند.

توضیحات:

«مَرْجِعُهُمْ»: رجوع و برگشت ایشان. مراد این است که دوزخیان برای خوردن زقّوم به قعر دوزخ برده می‌شوند (نگا: صافّات / ۶۴) و برای نوشاندن آب داغ و سوزان به مکان دیگری که قرآن روشن نفرموده است (نگا: رحمن / ۴۴)، سپس هر کسی را به جایگاه عذابش برمی‌گردانند.

سوره صافات آیه ۶۹

متن آیه:

﴿إِنَّهُمۡ أَلۡفَوۡاْ ءَابَآءَهُمۡ ضَآلِّينَ ٦٩﴾

ترجمه:

(آنان شایسته چنین عذابی هستند. چرا که) پدران خود را در گمراهی یافته‌اند (و به دنبال ایشان کورکورانه روان گشته‌اند).

توضیحات:

«أَلْفَوْا»: (نگا: بقره / ۱۷۰، یوسف / ۲۵).

سوره صافات آیه ۷۰

متن آیه:

﴿فَهُمۡ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ يُهۡرَعُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

(چنان دل و دین به تقلید نیاکان داده‌اند که انگار) آنان را به دنبال نیاکانشان به شتاب می‌رانند.

توضیحات:

«عَلي ءَاثَارِهِمْ»: در راه ایشان. به دنبال آنان (نگا: مائده / ۴۶، کهف / ۶).
«يُهْرَعُونَ»: به شتاب رانده می‌شوند. به سرعت روانه می‌گردند. (نگا: هود / ۷۸).

سوره صافات آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ضَلَّ قَبۡلَهُمۡ أَكۡثَرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٧١﴾

ترجمه:

قبل از اینان هم، اکثر پیشینیان گمراه بوده‌اند (چون مثل همین مشرکان از نیاکانشان تقلید کرده‌اند و کورکورانه مسیر ایشان را پیموده‌اند).

توضیحات:

«الأَوَّلِینَ»: پیشینیان. گذشتگان.

سوره صافات آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

و ما در میان‌شان بیم‌دهندگانی (برانگیختیم و به‌سویشان) روانه کردیم.

توضیحات:

«مُنذِرِینَ»: بیم دهندگان. مراد پیغمبرانی است که آنان را به مسؤولیت‌هایشان آشنا می‌کردند و ایشان را از فرجام شرک و کفر و بدکرداری و بیدادگری و تقلید کورکورانه از دیگران بیم می‌دادند.

سوره صافات آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

بنگر که فرجام کار بیم داده شدگان چه شده است؟! (همه نابود شده‌اند و عبرت تاریخ گشته‌اند).

توضیحات:

«الـْمُنذَرِینَ»: بیم داده شدگان. یعنی آن کسانی که پیغمبران الهی، ایشان را از تباهی و گمراهی می‌ترساندند.

سوره صافات آیه ۷۴

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

مگر بندگان پاکیزه و برگزیده خدا، (که از این مهلکه جان به در برده‌اند و به بهشت نعیم و فوز عظیم رسیده‌اند).

توضیحات:

«إِلاّ عِبَادَ الله الـْمُخْلَصِینَ»: (نگا: صافّات / ۴۰).

سوره صافات آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ نَادَىٰنَا نُوحٞ فَلَنِعۡمَ ٱلۡمُجِيبُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

نوح ما را به فریاد خواند و ما بهترین پاسخ دهندگان (برای او) بودیم.

توضیحات:

«لَقَدْ نَادَانَا...»: (نگا: قمر / ۱۰، مؤمنون / ۲۹، نوح / ۲۶ و ۲۷).

سوره صافات آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٦﴾

ترجمه:

ما او را و خانواده و پیروان او را از اندوه بزرگ (تمسخر و آزار قومش، و طوفان و غرق شدن در امواج کوه پیکر آب) نجات دادیم.

توضیحات:

«نَجَّیْنَاهُ...»: (نگا: یونس / ۷۳، اعراف / ۶۴، شعراء / ۱۱۹، انبیاء / ۷۶ و ۷۷). «الْکرْبِ »: غم و اندوه (نگا: انعام / ۶۴، انبیاء / ۷۶).

سوره صافات آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلۡبَاقِينَ ٧٧﴾

ترجمه:

و نژاد او را بازماندگان (روی زمین) کردیم.

توضیحات:

«ذُرِّیَّتَهُ...»: برخی، از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که تمام نسل بشر بعد از نوح، از

دودمان او به وجود آمده و تمام نژادهای روی زمین به فرزندان وی منتهی می‌شوند. امّا مؤمنان دیگری در خدمت نوح بودند، و قاعدةً از ایشان هم فرزندانی باقی مانده است (نگا: هود / ۴۰). همچنین چه بسا طوفان نوح بخش بزرگی از معموره زمین را فرا گرفته باشد (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن) مگر در بخش‌های دیگر مردمانی نبوده‌اند و زاد و ولد نداشته‌اند؟ به هر حال، چه این باشد و چه آن، مسأله مهمّی نیست.

سوره صافات آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ۝٧٨﴾

ترجمه:

و نام نیک او را در میان ملّت‌های بعدی باقی گذاردیم.

توضیحات:

«تَرَكْنَا عَلَيْهِ...»: مفعول (تَرَكْنا) ثَناءً محذوف است. یا این که سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعَالَمِینَ است. (نگا: صافّات / ۱۰۸ و ۱۱۹ و ۱۲۹). «الآخِرِینَ»: آیندگان. مراد ذکر جمیل و نام نیک و دعای خیر برای او است که بر زبان همه پیروان ادیان آسمانی جاری می‌گردد (نگا: مریم / ۵۰، شعراء / ۸۴).

سوره صافات آیه ۷۹

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٖ فِي ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٧٩﴾

ترجمه:

و آن درود بر نوح، در میان جهانیان است.

توضیحات:

«سَلامٌ عَلي نُوحٍ...»: اگر واژه (سَلامٌ) خبر مبتدای محذوف (هُوَ) باشد، جمله اخباری است و معنی آن در بالا گذشت. و اگر (سَلامٌ) مبتدا بشمار آید، جمله انشائی و برای دعا است و معنی چنین است: درود خدا تا قیامت بر نوح باد. «فِي الْعَالَـمِینَ»: در میان همه جهانیان. مراد تا پایان عمر انسان‌ها و نهایت دنیا است.

سوره صافات آیه ۸۰

متن آیه:

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٠﴾

ترجمه:

ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش خواهیم داد.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۸۱

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨١﴾

ترجمه:

چرا که او از بندگان با ایمان ما بود.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۸۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٨٢﴾

ترجمه:

سپس دیگران را غرق کردیم.

توضیحات:

«ثُمَّ»: بعد از نجات نوح و همراهان. «الآخَرِینَ»: دیگران. مراد قوم کافر نوح است.

سوره صافات آیه ۸۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ لَإِبۡرَٰهِيمَ ٨٣﴾

ترجمه:

از زمره دنباله‌روان نوح (در اصول دین، و پیمودن راه او در دعوت به توحید و خداشناسی) ابراهیم بود.

توضیحات:

«شِیعَةِ»: پیرو. دنباله‌رو. مراد از پیروی و دنباله‌روی، تداوم خطّ فکری و مکتبی است. به عبارت دیگر: انبیاء، همه مبلّغان یک مکتب و استادان یک دانشگاه هستند، و توحید و عدل و تقوا و اخلاص و بسیاری دیگر از کردارهای پسندیده و خصال حمیده،

تغییرناپذیر و شیوه متّبع همه فرستادگان خدا بوده است.

سوره صافات آیه ۸۴

متن آیه:

﴿إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ ٨٤﴾

ترجمه:

وقتی که با قلب سالم (زدوده از شرک) رو به پروردگارش آورد.

توضیحات:

«سَلِيمٍ»: سالم. پاک از شرک. «قَلْبٍ سَلِيمٍ»: (نگا: شعراء / ۸۹).

سوره صافات آیه ۸۵

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

زمانی به پدر و قوم خود گفت: این‌ها چه چیزند که می‌پرستید؟!

توضیحات:

«مَاذَا»: این‌ها چه چیزند؟ سؤال، جنبه تحقیر بت‌ها و ناپسند شمردن کار پدر را دارد.

سوره صافات آیه ۸۶

متن آیه:

﴿أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ٨٦﴾

ترجمه:

آیا غیر از خدا، خواستار معبودهای سراپا دروغ هستید؟!

توضیحات:

«إِفْكاً»: دروغ محض. کثیف‌ترین دروغ (نگا: نور / ۱۱ و ۱۲، فرقان / ۴، سبأ / ۴۳، احقاف / ۱۱، عنکبوت / ۱۷). «أَإِفْكاً ءَالِهَةً»: همزه برای استفهام توبیخی است. واژه (إِفْكاً) می‌تواند مفعول به و واژه (ءَالِهَةً) بدل، و یا این که (إِفْكاً) مفعول له و (ءَالِهَةً) مفعول به باشد. در صورت اخیر، معنی آیه چنین می‌شود: آیا محض دروغ، معبودهائی جز خدا را خواستارید؟

سوره صافات آیه ۸۷

متن آیه:

﴿فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٨٧﴾

ترجمه:

آخر، شما درباره پروردگار جهانیان چگونه می‌اندیشید؟!

توضیحات:

«فَمَا ظَنُّكُمْ...»: آیا گمان می‌برید خدای جهانیان نیاز به انبازهائی برای اداره جهان هستی دارد؟ آیا اگر افرادی یا بت‌هائی را همچون خدا منشأ اثر بدانید، فردای قیامت، خدا به شما چه خواهد گفت و چه خواهد کرد و شما چه پاسخی دارید که بدو بدهید؟

سوره صافات آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَنَظَرَ نَظۡرَةٗ فِي ٱلنُّجُومِ ۝٨٨﴾

ترجمه:

سپس نگاهی به ستارگان انداخت. (انگار می‌خواهد از اوضاع کواکب، حوادث آینده را پیش‌بینی کند).

توضیحات:

«نَظَرَ نَظْرَةً...»: نگاه ابراهیم به ستارگان آسمانی، جنبه مطالعه در اسرار آفرینش بود، هر چند ایشان آن را نگاه منجّمانه می‌پنداشتند.

سوره صافات آیه ۸۹

متن آیه:

﴿فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٞ ۝٨٩﴾

ترجمه:

گفت: من ناخوش هستم. (روحم از این کفر و شرک و ظلم بیمار است).

توضیحات:

«سَقِيمٌ»: بیمار. «إِنِّي سَقِيمٌ»: مرادِ ابراهیم، بیماری روح و آزار دل از پندارگرائی و اوهام‌پرستی مردم، و برداشت ایشان از سخن او بیماری ظاهری بود. به این ترتیب عذر خود را از عدم شرکت در جشن سالیانه ایشان خواست. گویا سحرگاهان غذاهائی در

کنار بت‌ها می‌نهادند تا متبرّک شود، و خودشان از شهر بیرون می‌رفتند. شامگاهان از مراسم صحرا برمی‌گشتند و از آن خوراکی‌ها می‌خوردند.

سوره صافات آیه ۹۰

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ مُدۡبِرِينَ ٩٠﴾

ترجمه:

آنان بدو پشت کردند و (به دنبال مراسم خود) رفتند.

توضیحات:

«فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ»: (نگا: توبه / ۲۵، انبیاء / ۵۷، نمل / ۸۰، روم / ۵۲).

سوره صافات آیه ۹۱

متن آیه:

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٩١﴾

ترجمه:

شتابان و نهان، به سراغ معبودهای ایشان رفت (و تمسخرکنان فریاد زد) و گفت: آیا (از غذاهای رنگارنگ) نمی‌خورید؟

توضیحات:

«رَاغَ»: مخفیانه و شتابان رفت. به نهانی رو کرد به.

سوره صافات آیه ۹۲

متن آیه:

﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ ٩٢﴾

ترجمه:

شما را چه شده است که حرف نمی‌زنید؟

توضیحات:

«مَا لَكُمْ»: شما را چه شده است؟

سوره صافات آیه ۹۳

متن آیه:

﴿فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ ٩٣﴾

ترجمه:

با قدرت هر چه بیشتر ضربه‌های سخت و پیاپی بر آنها فرو کوفت.

توضیحات:

«رَاغَ عَلَیْهِمْ»: از بالا بر آنها فرو کوفت. «بِالْیَمِینِ»: با دست راست. با قدرت و قوّت (نگا: زمر / ۶۷). «رَاغَ عَلَیْهِمْ ضَرْباً»: واژه (ضَرْباً) می‌تواند مفعول مطلق (رَاغَ) به اعتبار معنی باشد. چرا که معنی چنین است: «ضَرَبَهُمْ ضَرْباً». یا این که مصدر است و در معنی اسم فاعل است: «رَاغَ عَلَیْهِمْ ضَارِباً». و یا این که مفعول له و معنی آن چنین است: برای زدن به سراغ‌شان رفت.

سوره صافات آیه ۹۴

متن آیه:

﴿فَأَقْبَلُوٓاْ إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ٩٤﴾

ترجمه:

به طرف ابراهیم دوان دوان آمدند (و همچون شترمرغ بال گرفتند، و او را فرو کوفتند).

توضیحات:

«یَزِفُّونَ»: می‌شتافتند. به تک ایستادند. حال ضمیر (و) در فعل (أَقْبَلُوا) است. زَفّ و زَفیف، دویدن شترمرغ را می‌گویند، بدان گاه که رفتن و پرواز را آمیزه یکدیگر می‌سازد.

سوره صافات آیه ۹۵

متن آیه:

﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ٩٥﴾

ترجمه:

(ابراهیم بدی‌شان) گفت: آیا چیزهائی را می‌پرستید که خودتان می‌تراشید؟

توضیحات:

«تَنْحِتُونَ»: می‌تراشید (نگا: اعراف / ۷۴، شعراء / ۱۴۹).

سوره صافات آیه ۹۶

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ ٩٦﴾

ترجمه:

خداوند هم شما را آفریده است، و هم بتهائی را که می‌سازید.

توضیحات:

«امَ تَعْمَلُونَ»: اگر واژه (ما) موصوله به شمار آید، معنی چنین است: خدا هم شما را آفریده است، و هم ساخته‌هایتان را که بت‌ها است. و اگر (مَا) مصدریه به حساب آید، مفهوم این می‌شود که خداوند هم شما را آفریده است و هم اعمال شما را. از آنجا که بحث از بتها است؛ نه از اعمال آدمی، آیه مورد نظر، ناظر به این معنی نیست. تازه اگر چنین هم باشد، بیان‌گر این واقعیت است که اعمال انسان‌ها هر چند به اراده آنان انجام می‌گیرد، امّا اراده و قدرت بر تصمیم‌گیری و نیروهای دیگری که افعال خود را با آن انجام می‌دهند، همه از ناحیه خدا است. اگر هم بر بت‌ها «ساخته‌های انسان» اطلاق می‌شود، به خاطر شکلی است که انسان بدان‌ها می‌دهد، وگرنه ماده آنها را خدا آفریده است. این سخن درست به آن می‌ماند که می‌گویند: این فرش، آن خانه، و آن اتومبیل، ساخته انسان است. مسلّماً منظور این نیست که انسان موادّ آنها را ساخته است. بلکه مراد این است که صورت آنها با دست انسان شکل می‌پذیرد و تغییر ظاهر می‌دهد.

سوره صافات آیه ۹۷

متن آیه:

﴿قَالُواْ ٱبۡنُواْ لَهُۥ بُنۡيَٰنٗا فَأَلۡقُوهُ فِي ٱلۡجَحِيمِ ٩٧﴾

ترجمه:

(مشرکان فریاد زدند و به یکدیگر) گفتند: برای او چهاردیواری بزرگی بسازید (و در میان آن آتش بیفروزید) و او را به میان آتش سوزان و پر اخگر بیفکنید.

توضیحات:

«بُنْيَاناً»: ساختمان (نگا: توبه / ۱۰۹ و ۱۱۰، نحل / ۲۶، کهف / ۲۱). در اینجا مراد چهار دیواری است. «الجَحِيمِ»: آتش عظیم و سوزان و پر اخگر. نامی از نام‌های دوزخ.

سوره صافات آیه ۹۸

متن آیه:

﴿فَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٩٨﴾

ترجمه:

(خلاصه، آنان) برای نابودی ابراهیم نقشه‌ای پی افکندند و نیرنگی اندیشیدند، ولی ما (او را نجات دادیم و والایش کردیم، و) آنان را پست و حقیر و مغلوب و ذلیل نمودیم.

توضیحات:

«کَیْداً»: نیرنگ. چاره‌اندیشی. در اینجا طرح نابودی ابراهیم و نقشه برچیدن اثرات تبلیغ قولی و عملی او مراد است. «الأسْفَلِینَ»: پستان و خواران. به زیر افتادگان و شکست خوردگان.

سوره صافات آیه ۹۹

متن آیه:

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ٩٩﴾

ترجمه:

ابراهیم گفت: من به‌سوی پروردگارم می‌روم، او مرا رهنمود می‌کند.

توضیحات:

«إِنِّي ذَاهِبٌ إِلي رَبِّي»: بدیهی است خداوند مکانی ندارد. پس مراد مهاجرت از محیط آلوده به محیط پاک است. ابراهیم به دستور خدا به سرزمین انبیاء و کانون وحی الهی، یعنی شام مهاجرت فرمود، و راهنمایش در همه جا خدا بود. لذا سفر إِلی الله داشت.

سوره صافات آیه ۱۰۰

متن آیه:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠٠﴾

ترجمه:

پروردگارا! فرزندان شایسته‌ای به من عطاء کن. (فرزندانی که بتوانند کار دعوت را به دست گیرند و برنامه مرا تداوم بخشند).

توضیحات:

«الصَّالِحِینَ»: شایستگان (نگا: انبیاء / ۷۲ و ۸۶).

سوره صافات آیه ۱۰۱

متن آیه:

﴿فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ ١٠١﴾

ترجمه:

ما او را به پسری بردبار و خردمند مژده دادیم.

توضیحات:

«غُلامٍ»: پسر نوجوان (نگا: آل‌عمران / ۴۰، کهف / ۷۴ و ۸۰ و ۸۲). «حَلِيمٍ»: شکیبا. خردمند.

سوره صافات آیه ۱۰۲

متن آیه:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٠٢﴾

ترجمه:

وقتی که (او متولّد شد و بزرگ گردید و) به سنّی رسید که بتواند با او به تلاش (در پی معاش) ایستد، ابراهیم بدو گفت: فرزندم! من در خواب چنان می‌بینم که باید تو را سر ببرم (و قربانیت کنم). بنگر نظرت چیست؟ گفت: ای پدر! کاری که به تو دستور داده می‌شود بکن. به خواست خدا مرا از زمره شکیبایان خواهی یافت.

توضیحات:

«أَرى فِي الْمَنَامِ»: در خواب می‌بینم. مراد این است که در خواب به من فرمان داده شده است. چرا که خواب انبیاء وحی بشمار است (نگا: صفوه التفاسیر).

سوره صافات آیه ۱۰۳

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ١٠٣﴾

ترجمه:

هنگامی که (پدر و پسر) هر دو تسلیم (فرمان خدا) شدند (و ابراهیم پسر را روی شنها دراز کشاند) و رخساره او را بر خاک انداخت.

توضیحات:

«أَسْلَمَا»: تن در دادند. تسلیم قضا و قدر الهی شدند. منقاد فرمان یزدان شدند. «تَلَّهُ»: او را بر خاک انداخت. «لِلْجَبِينِ»: بر رخساره. واژه (لِ) به معنی (عَلی)، و (جَبِين) به معنی رخساره است.

سوره صافات آیه ۱۰۴

متن آیه:

﴿وَنَـٰدَيۡنَـٰهُ أَن يَـٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ١٠٤﴾

ترجمه:

فریادش زدیم که: ای ابراهیم!

توضیحات:

«أَنْ»: حرف تفسیریه است. چرا که ما بعد آن، تفسیر و توضیح ماقبل آن است (نگا: یونس / ۲).

سوره صافات آیه ۱۰۵

متن آیه:

﴿قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٠٥﴾

ترجمه:

تو خواب را راست دیدی و دانستی (و برابر فرمان آن عمل کردی و مأموریت خود را به جای آوردی. دست نگهدار که در این آزمایش بزرگ موفّق شدی. بیش از این رنج تو و فرزندت را نمی‌خواهیم)، ما این‌گونه به نیکوکاران سزا و جزا می‌دهیم.

توضیحات:

«صَدَّقْتَ»: باور کردی و راست انگاشتی. یعنی آنچه در خواب دیده بودی، بدان عمل کردی.

سوره صافات آیه ۱۰۶

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَـٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ ١٠٦﴾

ترجمه:

این (آزمایش بزرگ که ذبح فرزند با دست پدر است) مسلّماً آزمایشی است که بیان‌گر (ایمان کامل و یقین صادق به خداوند هستی) است.

توضیحات:

«الْبَلآءُ»: امتحان. آزمون. «الْـمُبِينُ»: روشن و آشکار. روشن‌گر و بیان‌گر.

سوره صافات آیه ۱۰۷

متن آیه:

﴿وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ ١٠٧﴾

ترجمه:

ما قربانی بزرگ و ارزشمندی را فدا و بلاگردان او کردیم.

توضیحات:

«فَدَيْنَاهُ»: فدای جان او و بلاگردان عمر وی کردیم. «ذِبْحٍ»: حیوانی که سر بریده می‌شود. مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی مذبوح است. مراد قوچ بزرگ و ارزشمندی است که خداوند فرو فرستاد تا به جای فرزند قربانی شود. «عَظِيمٍ»: عظمت این قربانی بیشتر در دو چیز است: یکی این که به فرمان خدا و بلاگردان یکی از انبیاء بود. دیگر این که سنّت و شیوه‌ای شد که تا پایان جهان به صورت برنامه هر ساله مؤمنان بر جای است.

سوره صافات آیه ۱۰۸

متن آیه:

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ١٠٨﴾

ترجمه:

و نام نیک او را در میان ملّت‌های بعدی باقی گذاردیم (و اسوه آیندگان با ایمان و قدوه پاکبازان جهانش کردیم).

توضیحات:

«تَرَكْنَا عَلَيْهِ...»: (نگا: صافّات / ۷۸ و ۱۱۹ و ۱۲۹).

سوره صافات آیه ۱۰۹

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ١٠٩﴾

ترجمه:

درود بر ابراهیم!

توضیحات:

«سَلامٌ...»: (نگا: صافّات / ۷۹).

سوره صافات آیه ۱۱۰

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١١٠﴾

ترجمه:

ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش خیر خواهیم داد.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١١﴾

ترجمه:

چرا که او از بندگان با ایمان ما بود.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۱۲

متن آیه:

﴿وَبَشَّرۡنَٰهُ بِإِسۡحَٰقَ نَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٢﴾

ترجمه:

ما او را به (تولّد) اسحاق که پیغمبر و از زمره صالحان بود، مژده دادیم.

توضیحات:

«نَبِیّاً...»: مراد این است که مقدّر بود پیغمبر گردد و از زمره شایستگان شود.

سوره صافات آیه ۱۱۳

متن آیه:

﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ ١١٣﴾

ترجمه:

ما به ابراهیم و (فرزندش) اسحاق خیر و برکت دادیم (در عمر و زندگی، در نسلهای آینده، در مکتب و ایمان، و...) از دودمان این دو، افرادی نیکوکار به وجود آمدند، و هم افرادی که (به خاطر عدم ایمان) آشکارا به خود ستم کردند.

توضیحات:

«مُحْسِنٌ»: نیکوکار. مراد مؤمن و مطیع فرمان خدا است. «ظَالِمٌ»: ستمگر. مراد کافر و منافق و گنه‌کار است.

سوره صافات آیه ۱۱۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١١٤﴾

ترجمه:

ما به موسی و هارون واقعاً نعمت‌های گرانبهائی بخشیدیم.

توضیحات:

«لَقَدْ مَنَنَّا...»: واقعاً نعمت‌های گرانبها و ارزشمندی دادیم، منّت، اگر جنبه عملی داشته باشد، زیبا و پسندیده است و مراد نعمت‌های بزرگ و سنگین است. و اگر با لفظ و سخن باشد، زشت و بدنما است.

سوره صافات آیه ۱۱۵

متن آیه:

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُمَا وَقَوۡمَهُمَا مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ١١٥﴾

ترجمه:

آنان و قوم ایشان را از غم و اندوه بزرگ (اذیت و آزار فرعون و فرعونیان) نجات دادیم.

توضیحات:

«الْكَرْبِ الْعَظِيمِ»: (نگا: انبیاء / ۷۶، صافّات / ۷۶).

سوره صافات آیه ۱۱۶

متن آیه:

﴿وَنَصَرۡنَٰهُمۡ فَكَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٦﴾

ترجمه:

و آنان را یاری کردیم تا (بر دشمنانشان) پیروز شدند.

توضیحات:

«نَصَرْنَاهُمْ»: ایشان را یاری دادیم. یعنی موسی و هارون و قوم بنی‌اسرائیل را.

سوره صافات آیه ۱۱۷

متن آیه:

﴿وَءَاتَيْنَٰهُمَا ٱلْكِتَٰبَ ٱلْمُسْتَبِينَ ١١٧﴾

ترجمه:

و به آن دو، کتاب روشن‌گر (احکام دین، و بیان‌گر رهنمودهای امور زندگی آن روزی) عطاء کردیم (که تورات است).

توضیحات:

«الْـمُسْتَبِينَ»: واضح و روشن. روشن‌گر و بیان‌گر (نگا: انعام / ۵۵).

سوره صافات آیه ۱۱۸

متن آیه:

﴿وَهَدَيْنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ ١١٨﴾

ترجمه:

و آن دو را به راه راست رهنمود کردیم (که راه انبیاء و اولیاء است، و خطر انحراف و گمراهی و سقوط در آن وجود ندارد).

توضیحات:

«الصِّرَاطَ الْـمُسْتَقِيمَ»: (نگا: فاتحه / ۶).

سوره صافات آیه ۱۱۹

متن آیه:

﴿وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي ٱلْأٓخِرِينَ ١١٩﴾

ترجمه:

و نام نیک آنان را در اقوام بعد باقی گذاردیم.

توضیحات:

«وَتَرَكْنا عَلَيْها...»: (نگا: صافّات / ۷۸ و ۱۰۸).

سوره صافات آیه ۱۲۰

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٠﴾

ترجمه:

درود بر موسی و هارون!

توضیحات:

«سَلامٌ عَلي...»: (نگا: صافّات / ۷۸ و ۱۰۸).

سوره صافات آیه ۱۲۱

متن آیه:

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ۝١٢١﴾

ترجمه:

ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

توضیحات:

«إِنّا كَذلِكَ...»: (نگا: انعام / ۸۴، یوسف / ۲۲، قصص / ۱۴).

سوره صافات آیه ۱۲۲

متن آیه:

﴿إِنَّهُمَا مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ۝١٢٢﴾

ترجمه:

آن دو نفر، از زمره بندگان مؤمن ما بودند.

توضیحات:

«مَا»: آنچه. مراد بت است.

سوره صافات آیه ۱۲۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ إِلۡيَاسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ۝١٢٣﴾

ترجمه:

الیاس از پیغمبران بود.

توضیحات:

«إِلْيَاسَ»: یکی از پیغمبران بنی‌اسرائیل و از نسل هارون ۷ بود.

سوره صافات آیه ۱۲۴

متن آیه:

﴿إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾﴾

ترجمه:

زمانی به قوم خود گفت: آیا پرهیزگاری پیشه خود نمی‌کنید؟

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۲۵

متن آیه:

﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ ٱلْخَٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾﴾

ترجمه:

آیا بت بعل را به فریاد می‌خوانید (و نیازمندی‌های خود را از او می‌خواهید) و آیا بهترین آفرینندگان را رها می‌سازید؟!

توضیحات:

«تَدْعُونَ»: به فریاد می‌خوانید (نگا: انعام / ۴۰ و ۴۱). «بَعْلاً»: نام بت معینی در بعلبک. هر نوع معبودی که به وسیله آن به خدا تقرّب جویند. جمع آن بُعول است. «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»: (نگا: مؤمنون / ۱۴). خالق به معنی مقدّر و اندازه گیرنده، و یا به معنی آفریدگار است. بت‌پرستان معتقد بودند که بت‌هایشان آفریننده بوده و در کار آفرینش دست دارند (نگا: مجمع‌البیان الحدیث). «تَذَرُونَ»: (نگا: بقره / ۲۳۴، شعراء / ۱۶۶).

سوره صافات آیه ۱۲۶

متن آیه:

﴿ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾﴾

ترجمه:

خدا، که معبود شما و معبود نیاکان پیشین شما است.

توضیحات:

«أللهَ»: بدل (أَحْسَنَ) است. «رَبَّكُمْ»: عطف بیان یا بدل (اللهَ) یا صفت آن است. یا این که (اللهَ) بدل اوّل و (رَبَّكُمْ) بدل دوم (أَحْسَنَ) است.

سوره صافات آیه ۱۲۷

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٢٧﴾

ترجمه:

آنان الیاس را تکذیب کردند، پس ایشان (توسّط فرشتگان در دوزخ) گرد آورده می‌شوند.

توضیحات:

«لَـمُحْضَرُونَ»: (نگا: قصص / ۶۱، روم / ۱۶، سبأ / ۳۸).

سوره صافات آیه ۱۲۸

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٢٨﴾

ترجمه:

مگر بندگان مخلص خدا (که ایشان رستگار و کامگارند).

توضیحات:

«إِلاّ عِبَادَ...»: (نگا: صافّات / ۴۰ و ۷۴).

سوره صافات آیه ۱۲۹

متن آیه:

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ١٢٩﴾

ترجمه:

و نام نیک او را در میان ملّت‌های بعدی باقی گذاردیم.

توضیحات:

«تَرَكْنَا عَلَيْهِ...»: (نگا: صافّات / ۷۸ و ۱۰۸ و ۱۱۹).

سوره صافات آیه ۱۳۰

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلۡ يَاسِينَ ١٣٠﴾

ترجمه:

درود بر الیاس!

توضیحات:

«إِلْ يَاسِينَ»: تلفّظ دیگر إلیاس است. همچون سَیناء و سِینِینَ که هر دو نام

سرزمین معینی است. یا إبراهیم و أبراهام، میکال و میکائیل و... دیگر این که در آیه ۱۳۲ که می‌فرماید: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْـمُؤْمِنينَ». ضمیر مفرد به کار رفته است که مرجع آن إِلْ یاسینَ است. از سوی دیگر، در همین سوره، در آیات: «سَلامٌ عَلي نُوحٍ» (۷۹) «سَلامٌ عَلي إِبْرَاهِيمَ» (۱۰۹) «سَلامٌ عَلي مُوسي وَهَارُونَ» (۱۲۰) سلام صدر سخن آیه‌ها به همان پیغمبری برمی‌گردد که مذکور است. بنابراین در اینجا هم سلام بر الیاس است و بس نه پیروان الیاس، یعنی الیاسی‌ها. به عبارت دیگر ال یاسین، جمع الیاسی نبوده تا بعد از تخفیف «الیاسین» شده باشد، همان‌گونه که برخی معتقدند.

سوره صافات آیه ۱۳۱

متن آیه:

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣١﴾

ترجمه:

ما این چنین پاداش نیکوکاران را خواهیم داد.

توضیحات:

«إِنّا کَذلِکَ...»: (نگا: صافّات / ۸۰ و ۱۰۵ و ۱۱۰ و ۱۲۱).

سوره صافات آیه ۱۳۲

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣٢﴾

ترجمه:

إلیاس از زمره بندگانِ با ایمان ما بود.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۳۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لُوطٗا لَّمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٣٣﴾

ترجمه:

قطعاً لوط از زمره پیغمبران بود.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۳۴

متن آیه:

﴿إِذۡ نَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ١٣٤﴾

ترجمه:

زمانی، او و جملگی خاندان و پیروان او را نجات دادیم.

توضیحات:

«أَهْلَهُ»: خاندان او و پیروان او (نگا: نمل / ۵۶، قمر / ۳۴).

سوره صافات آیه ۱۳۵

متن آیه:

﴿إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ١٣٥﴾

ترجمه:

نمگر پیرزنی (که همسر لوط بود و با کافران در اذیت و آزار مؤمنان همکاری می‌کرد، و بدین سبب) از زمره هلاک شدگان گردید.

توضیحات:

«الْغَابِرِينَ»: هالکین. نابود شوندگان (نگا: اعراف / ۸۳، حجر / ۶۰).

سوره صافات آیه ۱۳۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ١٣٦﴾

ترجمه:

آن گاه (که لوط و مؤمنان را نجات دادیم) دیگران را درهم کوبیدیم و نابود کردیم.

توضیحات:

«دَمَّرْنَا»: هلاک و نابود کردیم. در هم کوبیدیم (نگا: اعراف / ۱۳۷، شعراء / ۱۷۲).

سوره صافات آیه ۱۳۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّكُمۡ لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ ١٣٧﴾

ترجمه:

و شما (ای اهل مکه! در سَفَر تجارتی خود به سرزمین شام) بامدادان از سرزمین ایشان عبور می‌کنید (و پیوسته آثار ویران آنان را دید می‌زنید).

توضیحات:

«مُصْبِحِينَ»: به روز رسندگان. وارد صبح شدگان. حال است (نگا: حجر / ۶۶ و ۸۳).

سوره صافات آیه ۱۳۸

متن آیه:

﴿وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٣٨﴾

ترجمه:

و شامگاهان هم (مخروبه‌های شهر ایشان سدوم را می‌بینید). آیا نمی‌اندیشید و متوجّه نیستید (که بدکرداری و تباهکاری ایشان، موجب ویرانی سرزمینشان و بدفرجامی خودشان شده است؟).

توضیحات:

«بِالَّيْلِ»: حرف (ب) به معنی (فی) است. مراد از مُصْبِحِينَ و بِالَّيلِ، رویهم، یعنی پیوسته و دائم.

سوره صافات آیه ۱۳۹

متن آیه:

﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٣٩﴾

ترجمه:

مسلّماً یونس هم از زمره پیغمبران بود.

توضیحات:

سوره صافات آیه ۱۴۰

متن آیه:

﴿إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١٤٠﴾

ترجمه:

زمانی، او به‌سوی کشتی پر (از مسافر و کالا، بدون اجازه پروردگارش، از میان قوم خود) گریخت.

توضیحات:

«أَبَقَ»: گریخت. این واژه بیشتر برای گریختن بندگان از پیش صاحبانشان به کار می‌رود. اینجا مراد ترک کردن قوم و قبیله بدون اجازه پروردگار است.

سوره صافات آیه ۱۴۱

متن آیه:

﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُدۡحَضِينَ ١٤١﴾

ترجمه:

(کشتی دچار سانحه شد و می‌بایست بر طبق قرعه، افرادی از سرنشینان به دریا انداخته شوند). یونس در قرعه‌کشی شرکت کرد و از جمله کسانی شد که قرعه به نام ایشان درآمد. (پس برابر عرف آن روز به دریا انداخته شد).

توضیحات:

«سَاهَمَ»: در قرعه‌کشی شرکت کرد. «الْمُدْحَضِينَ»: مغلوبان. قرعه به نام ایشان درآمدگان. فرو انداختگان.

سوره صافات آیه ۱۴۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٞ ١٤٢﴾

ترجمه:

ماهی او را بلعید، در حالی که مستحقّ ملامت بود (و می‌بایست در برابر کاری که کرده بود، زندانی شود).

توضیحات:

«الْحُوتُ»: نوعی ماهی بزرگ. «مُلِيمٌ»: گناه‌کار. مستحقّ سرزنش. کسی که کاری کند یا حرفی بزند که سزاوار سرزنش و درخور لومه شود.

سوره صافات آیه ۱۴۳

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ ١٤٣﴾

ترجمه:

اگر او قبلاً از زمره پرستشگران نمی‌بود.

توضیحات:

«الْمُسَبِّحِينَ»: عبادت کنندگان (نگا: صافّات / ۱۶۶). دعا کنندگان (نگا: انبیاء / ۷۹، نور / ۴۱، سجده / ۱۵).

سوره صافات آیه ۱۴۴

متن آیه:

﴿لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٤٤﴾

ترجمه:

او در شکم ماهی تا روز رستاخیز می‌ماند.

توضیحات:

«لَبِثَ»: ماند. «إِلِي يَوْمِ يُبْعَثُونَ»: تا روزی که برانگیخته شوند. مراد مدفون شدن برای همیشه است. چرا که او در دل ماهی و ماهی در دل زمین تا روز رستاخیز دفن می‌شوند.

سوره صافات آیه ۱۴۵

متن آیه:

﴿فَنَبَذۡنَٰهُ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٞ ١٤٥﴾

ترجمه:

ما او را در یک سرزمین برهوت خالی (ازدرخت و گیاه) افکندیم، در حالی که بیمار و نزار بود.

توضیحات:

«نَبَذْنَاهُ»: او را انداختیم. او را افکندیم. مراد این است که کاری کردیم که ماهی او را از دهان خود پرت کند. «الْعَرَآءِ»: سرزمین برهوت و خالی از درخت و گیاه و ساختمان. «سَقِيمٌ»: بیمار. ناخوش.

سوره صافات آیه ۱۴۶

متن آیه:

﴿وَأَنۢبَتۡنَا عَلَيۡهِ شَجَرَةٗ مِّن يَقۡطِينٖ ١٤٦﴾

ترجمه:

ما کدوبُنی بر بالای او رویانیدیم (تا در سایه برگ‌های پهن و مرطوب آن بیارامد).

توضیحات:

«شَجَرَةً»: گیاه. بوته. «يَقْطِينٍ»: کدو. کدوبُن بدان خاطر انتخاب شده تا برگ‌هایش روی یونس بیفتد و او را از گزند حوادث در امان دارد.

سوره صافات آیه ۱۴۷

متن آیه:

﴿وَأَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلۡفٍ أَوۡ يَزِيدُونَ ١٤٧﴾

ترجمه:

(یونس کم‌کم بهبودی یافت) و او را به‌سوی جمعیت یک صد هزار نفری یا بیشتر فرستادیم (تا ایشان را به ایمان آوردن و توبه کردن از بدی‌ها و انجام نیکی‌ها دعوت کند).

توضیحات:

«مِائَةِ أَلْفٍ»: صد هزار، مراد قوم خودش است (نگا: یونس / ۹۸). «أَوْ»: بلکه. یا. عرب‌ها چنین حرفی را برای تأکید مطلب پیشین به کار می‌برند.

سوره صافات آیه ۱۴۸

متن آیه:

﴿فَـَٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ١٤٨﴾

ترجمه:

آنان همه ایمان آوردند و ما ایشان را از مواهب فراوان و نعمت‌های فراخ زندگی تا مدّت مشخّصی بهره‌مند ساختیم.

توضیحات:

«فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلي حِينٍ»: (نگا: یونس / ۹۸). مدّت معین. یعنی فرا رسیدن اجل آنان و زمان مقدّر ایشان در حیات دنیوی.

سوره صافات آیه ۱۴۹

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ ١٤٩﴾

ترجمه:

از آنان (که ساکن مکه بوده و به دنبال خرافات راه افتاده و معتقدند که فرشتگان دختران خدایند) بپرس که آیا دختران از آنِ پروردگار تو باشند و پسران از آنِ خودشان؟ (آیا این عادلانه است؟).

توضیحات:

«الْبَنَاتُ»: مراد فرشتگان است که بنا به عقیده تباه خود می‌گفتند: فرشتگان

دختران خدایند (نگا: بقره / ۱۱۶، نحل / ۵۷، نجم / ۲۷). البتّه پسر و دختر در پیشگاه خدا ارزش یکسان دارند و معیار شخصیت هر دو پاکی و تقوا است. ولی استدلال قرآن در اینجا به اصطلاح از باب «ذکر مسلّماتِ خصم» است که مطالب طرف را بگیرند و به خود او باز گردانند. نظیر این معنی (نگا: نجم / ۲۲).

سوره صافات آیه ۱۵۰

متن آیه:

﴿أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثٗا وَهُمۡ شَٰهِدُونَ ١٥٠﴾

ترجمه:

یا این که (وقتی که) ما فرشتگان را به صورت ماده می‌آفریدیم، ایشان ناظر (بر خلقت فرشتگان) بوده‌اند؟

توضیحات:

«شَاهِدُونَ»: جمع شاهد، حاضر و ناظر (نگا: کهف / ۵۱، زخرف / ۱۹).

سوره صافات آیه ۱۵۱

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ ١٥١﴾

ترجمه:

هان! آنان تنها از روی دروغها و تهمتهای به هم بافته خود می‌گویند:

توضیحات:

«مِنْ إِفْکِهِمْ»: بنا به دروغ‌های زشت خود. تنها از روی به هم بافته‌ها و خیال‌پردازیهای خود. «لَيَقُولُونَ»: مقول قول در آیه بعدی است که (وَلَدَ اللهُ) است.

سوره صافات آیه ۱۵۲

متن آیه:

﴿وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٥٢﴾

ترجمه:

خداوند فرزند زاده است! قطعاً ایشان دروغگویند.

توضیحات:

«وَلَدَ»: زاد. فرزند به دنیاآورد. صاحب فرزند شد.

سوره صافات آیه ۱۵۳

متن آیه:

﴿أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ ١٥٣﴾

ترجمه:

آیا خدا دختران را بر پسران ترجیح داده است (در صورتی که به گمان شما پسران از دختران بهترند؟ تازه اگر برابر اندیشه تباه شما هم بود، می‌بایست خدا پسران را نصیب خود کند؛ نه دختران را!).

توضیحات:

«أَصْطَفَي»: آیا برگزیده است؟ در اصل (أَإِصْطَفَي) است. همزه فعل برای تخفیف حذف شده است.

سوره صافات آیه ۱۵۴

متن آیه:

﴿مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ١٥٤﴾

ترجمه:

چه چیزتان شده است، چگونه داوری می‌کنید؟ (هیچ می‌فهمید چه می‌گوئید؟!).

توضیحات:

«مَا لَكُمْ...»: (نگا: یونس / ۳۵).

سوره صافات آیه ۱۵۵

متن آیه:

﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٥﴾

ترجمه:

آیا یادآور نمی‌گردید (و از این بی‌خبری‌ها به خود نمی‌آئید، و از این بیهوده‌گوئی‌ها دست بر نمی‌دارید؟).

توضیحات:

«أَفَلا تَذَكَّرُونَ»: (نگا: انعام / ۸۰، سجده / ۴، یونس / ۳).

سوره صافات آیه ۱۵۶

متن آیه:

﴿أَمۡ لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ ١٥٦﴾

ترجمه:

یا این که شما دلیل روشن و روشن‌گری (در این زمینه) دارید؟

توضیحات:

«سُلْطَانٌ»: دلیل و برهان (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نساء / ۹۱ و ۱۴۴ و ۱۵۳، انعام / ۸۱). مراد وحی آسمانی است.

سوره صافات آیه ۱۵۷

متن آیه:

﴿فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٥٧﴾

ترجمه:

اگر راست می‌گوئید (که دلیل و برهانی دارید) کتاب خود را بیاورید و بنمائید.

توضیحات:

«بِكِتَابِكُمْ»: مراد از کتاب، کتاب آسمانی است. (نگا: زخرف / ۲۱، فاطر / ۴۰).

سوره صافات آیه ۱۵۸

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٥٨﴾

ترجمه:

آنان معتقد به خویشاوندی و نزدیکی میان خدا و جنّیان هستند. در صورتی که جنّیان می‌دانند که مشرکان (و هم خودشان، اگر شرک بورزند، در میان دوزخ) حاضر آورده می‌شوند.

توضیحات:

«جَعَلُوا»: مراد از ضمیر (و) مشرکان عرب است. «الْجِنَّةِ»: جنّیان. مراد شیاطین است. «إِنَّهُمْ»: که ایشان. مراد مشرکان عرب، یا جنّیان است. «لَمُحْضَرُونَ»: (نگا: روم / ۱۶، سبأ / ۳۸، یس / ۳۲ و ۵۳، صافّات / ۱۲۷). «نَسَباً»: خویشی و خویشاوندی. قرابت و نسبت. مثلاً می‌گفتند: اهریمن و یزدان دو برادر یکدیگرند. اهریمن شَرور و لئیم، و یزدان بزرگوار و کریم است. اهریمن و یزدان شریک همدیگرند. اهریمن خالق شرّ و یزدان خالق خیر است.

سوره صافات آیه ۱۵۹

متن آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٥٩﴾

ترجمه:

خداوند، پاک و منزّه است از توصیف‌هائی که (این گروه مشرک و خرافه‌پرست) می‌کنند.

توضیحات:

«سُبْحَانَ...»: (نگا: انبیاء / ۲۲، مؤمنون / ۹۱).

سوره صافات آیه ۱۶۰

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٠﴾

ترجمه:

مگر بندگان مخلص خدا (که در دوزخ گرد آورده نمی‌شوند).

توضیحات:

«إِلاّ عِبَادَ...»: برخی آنان را مستثنی از حضور در آتش می‌دانند و معنی آن در بالا گذشت. بعضی هم آنان را مستثنی می‌دانند از آنچه مشرکان توصیف می‌کنند. یعنی: جز توصیف بندگان مخلص خدا، هیچ توصیفی شایسته ذات مقدّس خدا نمی‌باشد. «الْـمُخْلَصِينَ»: (نگا: صافّات / ۴۰ و ۷۴ و ۱۲۸).

سوره صافات آیه ۱۶۱

متن آیه:

﴿فَإِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ ١٦١﴾

ترجمه:

شما و چیزهائی که پرستش می‌کنید.

توضیحات:

«فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ»: اگر واژه (ما) موصوله بشمار آید، معنی چنین خواهد بود: شما و چیزهائی که می‌پرستید. شما با معبودهایتان بمانید. اگر هم واژه (ما) مصدریه به حساب آید، معنی چنین می‌شود: شما و عبادتی که می‌کنید. شما در گرو عبادتی

هستید که می‌کنید.

سوره صافات آیه ۱۶۲

متن آیه:

﴿مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ ١٦٢﴾

ترجمه:

هرگز نمی‌توانید کسی را با فتنه و فساد از خداپرستی منحرف سازید (و به بت‌پرستی بکشانید).

توضیحات:

«مَآ أَنتُمۡ»: واژه (ما) نافیه است. «عَلَيۡهِ»: ضمیر (ه) به خداوند بر می‌گردد و جار و مجرور متعلّق به (فَاتِنِينَ) است. «فَاتِنِينَ»: گول زنندگان. منحرف کنندگان. مفسدین. حرف (ب) زائد و برای تأکید نفی نسبت ما بعد خود از ما قبل خود به کار می‌رود. «مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَآتِنِينَ»: ای کفّار مکه! شما و بت‌هائی که می‌پرستید یا شما و عبادتی که می‌کنید، هرگز نمی‌توانید بندگان شایسته خدا را تباه و منحرف سازید، و گول زنید و فریب دهید.

سوره صافات آیه ۱۶۳

متن آیه:

﴿إِلَّا مَنۡ هُوَ صَالِ ٱلۡجَحِيمِ ١٦٣﴾

ترجمه:

مگر کسی را که مایل باشد به آتش دوزخ بسوزد.

توضیحات:

«صَالِ»: مخفّف صالی، کسی که با آتش بسوزد. از ماده (صلی) که سوختن با آتش است (نگا: مریم / ۷۰، انشقاق / ۱۲).

سوره صافات آیه ۱۶۴

متن آیه:

﴿وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٞ مَّعۡلُومٞ ١٦٤﴾

ترجمه:

هر یک از ما مقام مشخّص و جایگاه جداگانه‌ای داریم (و در آنجا و در آن پُست به انجام وظیفه مشغول و گوش به فرمان یزدانیم).

توضیحات:

«مَا مِنَّا إِلاّ...»: گویندگان کلام فرشتگانند که بت‌پرستان ایشان را دختران خدا می‌پنداشتند.

سوره صافات آیه ۱۶۵

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّآفُّونَ ﴿١٦٥﴾﴾

ترجمه:

و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرا فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم (و کسی از ما جرأت حرکت از جای خود، و گام بیرون نهادن از دائره حوزه کارش را ندارد).

توضیحات:

«الصَّآفُّونَ»: به صف ایستادگان (نگا: صافّات / ۱).

سوره صافات آیه ۱۶۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾﴾

ترجمه:

و ما جملگی، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم (و ستایشگران ایزد بیچونیم).

توضیحات:

«الْمُسَبِّحُونَ»: تسبیح گویان (نگا: انبیاء / ۲۰ و ۲۶ و ۲۷).

سوره صافات آیه ۱۶۷

متن آیه:

﴿وَإِن كَانُواْ لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾﴾

ترجمه:

هر چند مشرکان (پیش از بعثت) می‌گفتند:

توضیحات:

«إِنْ»: مخفّف از مثقّله است. اصل آن «إِنَّ» است.

سوره صافات آیه ۱۶۸

متن آیه:

﴿لَوۡ أَنَّ عِندَنَا ذِكۡرٗا مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦٨﴾

ترجمه:

اگر کتابی همچون کتاب‌های (آسمانی) پیشینیان می‌داشتیم.

توضیحات:

«ذِکْراً»: مراد کتابی، همچون کتاب‌های آسمانی انبیاء است (نگا: اعراف / ۶۳ و ۶۹، حجر / ۶ و ۹، انبیاء / ۲ و ۲۴ و ۵۰). «الأوَّلِینَ»: (نگا: حجر / ۱۰ و ۱۳، فاطر / ۴۳، شعراء / ۲۶ و ۱۳۷ و ۱۸۴ و ۱۹۶).

سوره صافات آیه ۱۶۹

متن آیه:

﴿لَكُنَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٩﴾

ترجمه:

ما قطعاً بندگان مخلص خدا می‌شدیم.

توضیحات:

«الْـمُخْلَصِینَ»: (نگا: صافّات / ۴۰ و ۷۴ و ۱۲۸).

سوره صافات آیه ۱۷۰

متن آیه:

﴿فَكَفَرُواْ بِهِۦۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ١٧٠﴾

ترجمه:

(آرزوی آنان جامه عمل به خود پوشید و بزرگ‌ترین کتاب آسمانی قرآن برای ایشان فرو فرستاده شد) و ایشان بدان کفر ورزیدند، و فرجام کار خود را خواهند دانست.

توضیحات:

«بِهِ»: به آن کتاب آسمانی که قرآن است.

سوره صافات آیه ۱۷۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١﴾

ترجمه:

وعده ما راجع به بندگان فرستاده ما قبلاً (در لوح محفوظ) ثبت و ضبط گشته است.

توضیحات:

«لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا...»: (نگا: یونس / ۱۹، انبیاء / ۱۰۱).

سوره صافات آیه ۱۷۲

متن آیه:

﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ ٱلْمَنصُورُونَ ١٧٢﴾

ترجمه:

و آن این که ایشان قطعاً یاری می‌گردند.

توضیحات:

«الْمَنصُورُونَ»: یاری شوندگان (نگا: روم / ۴۷، حجّ / ۴۰، غافر / ۵۱).

سوره صافات آیه ۱۷۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلْغَـٰلِبُونَ ١٧٣﴾

ترجمه:

و لشکر ما حتماً پیروز می‌شوند.

توضیحات:

«الْغَالِبُونَ»: چیره شوندگان. پیروزمندان. (نگا: مجادله / ۲۱). یادآوری: وعده خداوند مبنی بر پیروزی لشکر اسلام و غلبه مؤمنان، یک وعده مشروط است؛ نه مطلق. مشروط به بندگان حقیقی و لشکریان راستین خدا بودن و تلاش در مسیر الهی با افکار و برنامه‌های آسمانی.

سوره صافات آیه ۱۷۴

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ١٧٤﴾

ترجمه:

از آنان دست بدار و ایشان را تا مدّت زمانی معین به حال خود واگذار.

توضیحات:

«فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ»: ایشان را به حال خود بگذار. از آنان روی بگردان و صبر داشته باش (نگا: نساء / ۸۱، انعام / ۹۱). «حَتّي حِينٍ»: تا زمانی. مراد تا زمانی که به تو اجازه جنگ می‌دهیم و تو را بر آنان چیره و پیروز می‌گردانیم و ننگ شکست و رسوائی بدی‌شان می‌چشانیم.

سوره صافات آیه ۱۷۵

متن آیه:

﴿وَأَبۡصِرۡهُمۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ١٧٥﴾

ترجمه:

(آن وقت) نگاه‌شان کن (که چه بلائی بر سرشان می‌آید) و آنان خود بالاخره خواهند دید (هزیمت خویش را و نصرت شما را).

توضیحات:

«أَبۡصِرۡ بِهِمۡ»: نگاه‌شان کن. بنگرشان.

سوره صافات آیه ۱۷۶

متن آیه:

﴿أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ١٧٦﴾

ترجمه:

آیا عذاب ما را بشتاب می‌خواهند؟! (مگر خِرد ندارند؟!).

توضیحات:

«يَسۡتَعۡجِلُونَ»: بشتاب می‌خواهند. زود فرا رسیدن را می‌خواهند مراد از عذاب مذکور در آیه، عذاب دنیوی (نگا: سجده / ۲۸) و عذاب اخروی است (نگا: یونس / ۴۸، انبیاء / ۳۸، نمل / ۷۱، سبأ / ۲۹، یس / ۴۸).

سوره صافات آیه ۱۷۷

متن آیه:

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلۡمُنذَرِينَ ١٧٧﴾

ترجمه:

هنگامی که عذاب ما در حیاط منازل‌شان (و در میدان زندگی‌شان) فرود آمد، بیم‌شدگان چه بامداد بدی خواهند داشت!

توضیحات:

«بِسَاحَتِهِمْ»: در حیاط ایشان. در میدان زندگی آنان. «سَاحَة»: حیاط، میدان. «صَبَاحُ»: بامداد. صبح. مراد بامداد بیداری از خواب غفلت، یا صبح معمولی است که عذاب در چنین وقتی به سراغ ایشان می‌آید.

سوره صافات آیه ۱۷۸

متن آیه:

﴿وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ۝١٧٨﴾

ترجمه:

دست از آنان بدار و ایشان را تا مدّت زمانی معین به حال خود واگذار.

توضیحات:

«تَوَلَّ...»: (نگا: صافّات / ۱۷۴). تکرار آیه، برای تأکید بیشتر است.

سوره صافات آیه ۱۷۹

متن آیه:

﴿وَأَبۡصِرۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ۝١٧٩﴾

ترجمه:

(آن وقت، کار آشفته و وضع پریشان ایشان را) تو ببین، و آنان خودشان هم (فرجام بد و حال تباه خویش را) خواهند دید.

توضیحات:

«أَبْصِرْ...»: (نگا: صافّات / ۱۷۵). تکرار به خاطر تأکید است. یا این که آیه‌های ۱۷۴ و ۱۷۵ اشاره به شکست و رسوائی حتمی دنیوی کافران، و پیروزی و والائی قطعی دنیوی مؤمنان دارد، و آیه‌های ۱۷۸ و ۱۷۹ بیان‌گر مجازات و کیفر سخت الهی و ناکامی و بدبختی قطعی اخروی افراد بی‌دین و ایمان است.

سوره صافات آیه ۱۸۰

متن آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝١٨٠﴾

ترجمه:

پاک و منزّه است خداوندگار تو از توصیفهائی که (مشرکان درباره خدا به هم

می‌بافند و سر هم) می‌کنند، خداوندگار عزّت و قدرت.

توضیحات:

«رَبُّ الْعِزَّةِ»: خداوند عزّت. صاحب قدرت و قوّت. «الْعِزَّةِ»: غلبه. قوّه.

سوره صافات آیه ۱۸۱

متن آیه:

﴿وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾﴾

ترجمه:

درود بر پیغمبران!

توضیحات:

«سَلامٌ...»: در این سوره بر بسیاری از پیغمبران، جداگانه درود فرستاده شده است (نگا: ۱۰۹ و ۱۳۰). خدا در اینجا به گونه جمع بندی بر همه پیغمبران درود فرستاده و جملگی ایشان را مورد لطف و مرحمت قرار داده است.

سوره صافات آیه ۱۸۲

متن آیه:

﴿وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٨٢﴾﴾

ترجمه:

ستایش، یزدان را سزا است که خداوندگار جهانیان است.

توضیحات:

«الْحَمْدُ للهِّ...»: (نگا: فاتحه / ۲).

سوره ص

سوره ص آيه ۱

متن آيه:

﴿صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِی ٱلذِّكۡرِ ۝١﴾

ترجمه:

صاد... سوگند به قرآن پرآوازه و والا و يادآور و بيان‌گر (ارزشهای حقيقی و قوانين سعادت‌بخش خدا).

توضيحات:

«ص»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱). «ذِي الذِّكْرِ»: پرآوازه. بزرگوار. يادآورنده. بيان‌گر. قرآن دارای صيت همه‌جا گير و عظمت فراگير بوده، و انسان را به ياد خدا و معاد می‌اندازد، و او را به ارزش‌های وجودی خدا آشنا می‌گرداند، و با بيان آسمانی، ظلمات غفلت و پرده‌های فراموشكاری انسانی را كنار می‌زند. «وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ»: جمله قسميه است و جواب آن محذوف است و تقدير چنين است: «وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ ، إِنَّكَ صَادِقٌ وَ إِنَّ هذَا الْكلامَ مُعْجِزٌ».

سوره ص آيه ۲

متن آيه:

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِی عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ ۝٢﴾

ترجمه:

(اگر می‌بينيد كافران در برابر اين آيات روشن‌گر و قرآن بيدارگر تسليم نمی‌شوند، نه به خاطر اين است كه پرده‌ای بر اين كلام حق افتاده است) بلكه كافران گرفتار تكبّر و غروری هستند (كه آنان را از قبول حق بازداشته) و عداوت و عصيانی (كه ايشان را از پذيرش دعوت تو باز می‌دارد).

توضيحات:

«عِزَّةٍ»: تكبّر. خود بزرگ بينی (نگا: بقره / ۲۰۶). مراد عزّت كاذب است. «شِقَاقٍ»:

مخالفت با حق و حقیقت. رویاروئی (نگا: حجّ / ۵۳).

سوره ص آیه ۳

متن آیه:

﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ ٣﴾

ترجمه:

پیش از ایشان اقوام زیادی بوده‌اند که ما آنان را (به خاطر کفر و شرک و ستم و گناه) هلاک کرده‌ایم و (به هنگام نزول عذاب) فریاد برآورده‌اند و شیون سر داده‌اند، ولی (چه سود دیر شده است و) زمان نجات و خلاص باقی نمانده است.

توضیحات:

«قَرۡنٍ»: (نگا: انعام / ۶، مریم / ۷۴ و ۹۸). «مَنَاصٍ»: فرار. نجات. سلامت. «لاتَ»: لاء نفی جنس است همراه با (تَ) زائد. «لاتَ حِینَ مَنَاصٍ»: اینک وقت گریز نیست. اکنون زمان نجات نمی‌باشد.

سوره ص آیه ۴

متن آیه:

﴿وَعَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ ٤﴾

ترجمه:

در شگفتند از این که بیم دهنده‌ای از خودشان به‌سویشان آمده است، و کافران می‌گویند: این، جادوگر بسیار دروغگوئی است.

توضیحات:

«أَن جَآءَهُمۡ...»: جمله، منصوب به نزع خافض است. یعنی: «مِنۡ أَن جَآءَهُمۡ». «هذا»: مراد محمّد است.

سوره ص آیه ۵

متن آیه:

﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥﴾

ترجمه:

آیا او به جای این همه خدایان، به خدای واحدی معتقد است؟ واقعاً این (حرفی که می‌زند) چیز شگفتی است.

توضیحات:

«عُجَابٍ»: واقعاً عجیب است. بسیار شگفت است. عَجِیب و عُجَاب و عُجَّاب برای مبالغه و به یک معنی است (نگا: هود / ۷۲، ق / ۲).

سوره ص آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ٦﴾

ترجمه:

سرکردگان ایشان راه افتادند (و به یکدیگر گفتند) که بروید و (محکم به بتان خویش بچسبید و) بر (عبادت) خدایان خود ثابت و استوار باشید. این همان چیزی است که خواسته می‌شود.

توضیحات:

«أَنْ»: حرف مفسّره و به معنی (أَيْ) است، در معنی یعنی. «إِنطَلَقَ الْمَلأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا»: سران راه افتادند و به یکدیگر گفتند بروید. سران راه افتادند و چیزی که زبان‌شان زمزمه می‌کرد «بروید» بود. «إِنطَلَقَ»: روان شد. شروع کرد. «إِمْشُوا»: بروید و پراکنده شوید. بر مذهب و مکتب خویش بروید و ماندگار باشید. «إِنَّ هذا لَشَيْءٌ يُرَادُ»: استقامت بر عبادت بتان و ماندگاری بر آئین آباء و اجداد، چیزی است که مورد درخواست ما سران قوم است. این دعوت جدید چیزی است از روی قصد، یعنی توطئه‌ای است که طرّاحی شده است و هدف آن برکناری ما و ریاست محمّد بر عرب است.

سوره ص آیه ۷

متن آیه:

﴿مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ٧﴾

ترجمه:

ما در آئین دیگری، این (یکتاپرستی) را نشنیده‌ایم. این جز دروغ ساختگی نیست.

توضیحات:

«الْمِلَّةِ الآخِرَةِ»: آئین دیگری. مراد آئین اهل کتاب، به ویژه مسیحیت است که معتقد به تثلیث بوده و هستند. یا مراد آئین پدران بت‌پرست قریشیان است که ایشان

را دیده و زمان ایشان نسبت به زمان نیاکانشان، واپسین بشمار است. «إِخْتِلاقٌ»: کذب محض. دروغ از پیش خود ساخته و پرداخته.

سوره ص آیه ۸

متن آیه:

﴿أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ ۝٨﴾

ترجمه:

آیا از میان همه ما، قرآن بر او نازل شده است؟ اصلاً آنان درباره قرآن من بدگمان و متردّدند. اصلاً آنان عذاب مرا نچشیده‌اند (این است که چنین گستاخانه سخن می‌گویند).

توضیحات:

«الذِّكْرُ»: قرآن. این سخن را از راه تمسخر می‌گفتند (نگا: حجر / ۶). «لَـمّـَا يَذُوقُوا»: هنوز نچشیده‌اند. «بَلْ»: برای انتقال از سببی به سبب دیگری از اسباب کفر آنان است.

سوره ص آیه ۹

متن آیه:

﴿أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ ۝٩﴾

ترجمه:

راستی مگر گنج‌های رحمت پروردگار بسیار با عزّت و بس بخشاینده تو در دست ایشان است؟ (تا هر که را که بخواهند نبوّت بدهند و هر کس را که بخواهند محروم سازند؟!).

توضیحات:

«خَزَآئِنُ رَحْـمَةِ رَبِّكَ...»: (نگا: اسراء / ۱۰۰).

سوره ص آیه ۱۰

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ ۝١٠﴾

ترجمه:

یا مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین و چیزهائی که در میان آن دو است، از آن

ایشان است؟ اگر چنین است با وسائل و اسباب (لازمه صعودی که در دست دارند به‌سوی آسمان‌ها) بالا روند (و هر گونه که خود می‌خواهند حکومت کنند، و به هر کس که می‌خواهند وحی بفرستند).

توضیحات:

«فَلۡيَرۡتَقُوا»: پس بالا بروند و صعود کنند. «الأَسْبَابِ»: جمع سَبَب، ریسمان. وسیله. مراد ابزار و ابواب و طرق صعود است (نگا: حجّ / ۱۵، انعام / ۳۵، اسراء / ۴۲).

سوره ص آیه ۱۱

متن آیه:

﴿جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ ١١﴾

ترجمه:

اینان که اینجا (در شهر مکه) هستند، سپاه ناچیز شکست خورده‌ای از دسته‌ها و گروه‌هایند (که قبلاً در برابر پیغمبران عَلَم طغیان برافراشته‌اند و سرانجام مغلوب گشته‌اند و تار و مار شده‌اند).

توضیحات:

«جُندٌ»: سپاه ناچیز. گروهک. تنوین آن برای تحقیر است. «مَا»: چیزهائی که. در اینجا مراد (کسانی که و افرادی که) است. «هُنَالِكَ»: آنجا. مراد مکه است. «مَهْزُومٌ»: شکست خورده. «الأحْزابِ»: دسته‌ها و گروه‌ها (نگا: آیه ۱۲). واژه (مَا) مبتدا و (جُندٌ) خبر مقدّم، و (مَهْزُومٌ) خبر دوم یا صفت (جُندٌ) می‌باشد. یا این که (جُندٌ) مبتدا و (مَا) زائد و (مَهْزُومٌ) خبر است. معنی آیه چه بسا این باشد: اینان در آنجا سپاهک شکست خورده‌ای از میان احزاب خواهند بود. اشاره به شکست بی‌دینان در جنگ احزاب است.

سوره ص آیه ۱۲

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ ١٢﴾

ترجمه:

قبل از اینان نیز قوم نوح و عاد و فرعون که دارای بناهائی بلند و استوار همچون کوه بوده‌اند (پیغمبران ما را) تکذیب کرده‌اند.

توضیحات:

«قَبْلَهُمْ»: پیش از قوم قریش. «ذُوالأوْتَادِ»: دارای میخ‌ها. مراد از اوتاد، بناهای بلند و کوه مانندی است که همچون میخ بر دل زمین نشسته است (نگا: نباء / ۷). نمونه این‌گونه بناها اهرام ثلاثه مصر است. لذا ذوالاوتاد توصیف ویژه فراعنه است (نگا: فجر / ۱۰).

سوره ص آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ لۡـَٔيۡكَةِۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ ١٣﴾

ترجمه:

و قوم ثمود و لوط و صاحبان باغ‌های فراوان سر در هم کشیده (به تکذیب پیغمبران پرداخته‌اند و کیفر خویش را دیده‌اند). اینان همان گروه‌ها و دسته‌هایند. (گروهها و دسته‌های ششگانه‌ای که نمونه‌ای از مردمان کفرپیشه و ستمگر تاریخند و بر پیغمبران شوریده‌اند و به عذاب الهی گرفتار آمده‌اند).

توضیحات:

«أَصْحَابُ الأيْكَةِ»: صاحبان باغ‌های فراوان و پردرخت. مراد قوم شعیب است (نگا: حجر / ۷۸). «الأحْزَابُ»: اشاره به همان احزابی است که در دو آیه قبل آمده و مشرکان مکه را گروه اندکی از آنان شمرد.

سوره ص آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ١٤﴾

ترجمه:

هر یک از این گروه‌ها، پیغمبران را تکذیب کرده و عذاب من گریبان‌گیرشان گشته است.

توضیحات:

«إِن كُلٌّ...»: (إِنْ) حرف نفی و به معنی (مَا) است. «فَحَقَّ عِقَابِ»: (نگا: حجّ / ۱۸).

سوره ص آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ مَّا لَهَا مِن فَوَاقٖ ١٥﴾

ترجمه:

اینان (نیز با این اعمال و افعال که دارند) انتظاری جز این نمی‌کشند که یک صدای آسمانی فرا رسد، صدائی که نیازی به تکرار ندارد (و در آن بازگشتی نیست).

توضیحات:

«صَيْحَةً»: (نگا: هود / ۶۷ و ۹۴، حجر / ۷۳ و ۸۳، مؤمنون / ۴۱، یس / ۲۹ و ۴۹ و ۵۳). «فَوَاقٍ»: تکرار. رجوع و بازگشت. مهلت. «مَا لَهَا مِن فَوَاقٍ»: نیازی به تکرار ندارد. هیچ‌گونه رهائی و بارگشتی از آن نیست. یعنی این صیحه یکباره همه‌جا و همگان را فرا می‌گیرد و درها به روی انسان‌ها بسته می‌شود. نه رهائی از آن ممکن است و نه پشیمانی سودی دارد و نه فریادها به جائی می‌رسد.

سوره ص آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ١٦﴾

ترجمه:

(کافران مسخره‌کنان) می‌گویند: پروردگارا! سهم (عذاب) ما را پیش از روز رستاخیز و حساب و کتاب (قیامت) به ما برسان.

توضیحات:

«عَجِّلْ»: پیش بینداز. زودتر برسان (نگا: کهف / ۵۸، یونس / ۱۱). «قِطَّنَا»: بهره و نصیب ما را. سهمیه و قسمت ما را. نامه نوشته ما را با توجّه به این که معنی «قِطَّ» صحیفه مکتوبه، یعنی کاغذی که چیزی بر آن نگارند، مفهوم آیه چنین می‌شود: پروردگارا نامه اعمال ما را پیش از روز جزا به دست ما برسان، تا آن را بخوانیم و ببینیم که ما چه کاره‌ایم (نگا: تفسیر نمونه، المختصر فی تفسیر القرآن، روح‌المعانی).

سوره ص آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلۡأَيۡدِۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ١٧﴾

ترجمه:

در برابر چیزهائی که می‌گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور (پیغمبران شکیبا، از جمله) بنده ما داود قدرتمند و توانا را. واقعاً او (در همه کار و همه حال به‌سوی خدا

باز می‌گشت و) بسی توبه‌کار بود.

توضیحات:

«الأَیْدِ»: قدرت و قوّت. «ذَاالأَیْدِ»: دارای سلطه و قدرت. مراد قدرت جسمانی، و توانائی انجام طاعت و عبادت، و سلطه کامل در سیاستمداری و مملکت‌داری است. «أَوَّابٌ»: کسی که بسیار به خدا پناه ببرد و برگردد. کسی که از آنچه خدا از آن خوشش نمی‌آید دست بکشد و به‌سوی آنچه خدا از آن خوشش می‌آید برگردد (نگا: اسراء / ۲۵).

سوره ص آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّا سَخَّرۡنَا ٱلۡجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحۡنَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ ١٨﴾

ترجمه:

ما کوه‌ها را با او هم‌آوا کردیم. (کوه‌ها هم‌صدا با او) شامگاهان و بامدادان به تسبیح و تقدیس (آفریدگار جهان) می‌پرداختند.

توضیحات:

«سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ»: کوه‌ها را با او هم‌آوا و هم‌صدا کردیم (نگا: سبأ / ۱۰). کوهها را فرمانبردارش ساختیم و از منافع آنها برخوردارش کردیم. «الإِشْرَاقِ»: برآمدن خورشید. تابیدن خورشید به هنگام چاشتگاه. «الْعَشِيِّ»: شب هنگام. شبانگاهان (نگا: آل‌عمران / ۴۱، انعام / ۵۲، کهف / ۲۸).

سوره ص آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱلطَّيۡرَ مَحۡشُورَةٗۖ كُلّٞ لَّهُۥٓ أَوَّابٞ ١٩﴾

ترجمه:

و پرندگان را نیز (با او در تسبیح و تقدیس) هم‌آوا کردیم و در پیش او گرد آوردیم. جملگی آنها فرمانبردار داود بودند (و به دستور او عمل می‌کردند).

توضیحات:

«مَحْشُورَةً»: گرد آمده و جمع‌آوری شده. «كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ»: همگی فرمانبردار داود

بودند و به‌سوی او برمی‌گشتند. جملگی فرمانبردار خدا و خاضع در برابر مشیت الله بودند و هستند (نگا: انبیاء / ۷۹).

سوره ص آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَشَدَدۡنَا مُلۡكَهُۥ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ وَفَصۡلَ ٱلۡخِطَابِ ٢٠﴾

ترجمه:

و حکومت او را (با در اختیار قرار دادن وسائل مادی و معنوی) استحکام بخشیدیم، و بدو فرزانگی و شناخت (امور) دادیم، و قدرت داوری قاطعانه و عادلانه‌اش ارزانی داشتیم.

توضیحات:

«شَدَدْنَا»: تقویت کردیم و استحکام بخشیدیم. پا برجای و استوار نمودیم. «مُلْكَهُ»: شاهی و حکومت او را. مملکت و کشور او را. «الْحِكْمَةَ»: شناخت اسرار اشیاء و اصابت در گفتار و کردار (نگا: آل‌عمران / ۴۸). «فَصْلَ الْخِطَابِ»: سخن فیصله دهنده. گفتار نیرومندی که نمایانگر قضاوت عادلانه و بیان‌گر داوری قاطعانه باشد. مصدر و به معنی اسم فاعل، یعنی فاصل است و اضافه مصدر به مفعول خود یا اضافه صفت به موصوف خود می‌باشد. یعنی «الْخِطَابَ الْفَاصِلَ». همان‌گونه که «جَوَامِعُ الْكَلِمِ»، به معنی «أَلْكَلام الْجَامِعُ» است.

سوره ص آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَهَلۡ أَتَىٰكَ نَبَؤُاْ ٱلۡخَصۡمِ إِذۡ تَسَوَّرُواْ ٱلۡمِحۡرَابَ ٢١﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) آیا داستان شاکیانی به تو رسیده است که وقتی (از اوقات) از دیوار عبادتگاه (نه از درگاه خانه، به‌سوی داود) بالا رفتند؟

توضیحات:

«الْخَصْمِ»: دشمن. مفرد و مثنّی و جمع و مذکر و مؤنّث در آن مساوی است و در اینجا مراد طرفین دعاوی است. «تَسَوَّرُواْ»: از دیوار بلند بالا رفتند. از دژ بالا پریدند. از ماده (سُور) به معنی دیوار بلند اطراف خانه یا شهر است. نحوه صعود و علّت اصلی آن

بر ما مجهول است. آنچه روشن است، ورود از طریق غیرعادی به کاخ شاهی و یا معبد است. «الْمـِحْرَابَ»: عبادتگاه. در اینجا مراد محلّ مخصوص، و یا پرستشگاه است.

سوره ص آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنۡهُمۡۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ خَصۡمَانِ بَغَىٰ بَعۡضُنَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فَٱحۡكُم بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَلَا تُشۡطِطۡ وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ ٢٢﴾

ترجمه:

ناگهان بر داود وارد شدند (و ناگهانی در برابرش ظاهر گشتند) و او از ایشان ترسید (و گمان برد که قصد کشتن وی را دارند. بدو) گفتند: مترس! ما دو نفر شاکی هستیم و یکی از ما بر دیگری ستم کرده است. تو در میان ما به حق و عدل داوری کن و ستم روا مدار، و ما را به راستای راه رهنمود فرما.

توضیحات:

«فَزِعَ»: ترسید. وحشت کرد. «لا تُشْطِطْ»: از حق دور مشو. دور از حقیقت مگو. در داوری ستم مکن. إشطاط و شَطَط، هر دو به معنی انحراف و تجاوز از حدّ معین و اصل حقیقت است (نگا: کهف / ۱۴). «سَوَآءِ الصِّرَاطِ»: (نگا: بقره / ۱۰۸، مائده / ۱۲ و ۶۰ و ۷۷).

سوره ص آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَآ أَخِي لَهُۥ تِسۡعٞ وَتِسۡعُونَ نَعۡجَةٗ وَلِيَ نَعۡجَةٞ وَٰحِدَةٞ فَقَالَ أَكۡفِلۡنِيهَا وَعَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ ٢٣﴾

ترجمه:

(یکی از دو نفر گفت:) این برادر من است و او نود و نه میش دارد، و من تنها یک میش دارم، و (وی به من) می‌گوید: آن را به من واگذار (چرا که این یکی هم از من باشد بهتر است، و هیچی از یکی خوبتر است!) و او بر من در سخن چیره شده است (چون از لحاظ فصاحت و بلاغت از من گویاتر و رساتر است و مرا مغلوب و منکوب قدرت منطق خود کرده است، و نیز با اصرار زیادی که در این باره می‌ورزد خسته و درمانده‌ام نموده است).

توضیحات:

«نَعْجَةً»: گوسفند. میش. «أَكْفِلْنِيهَا»: سرپرستی آن را به من واگذار. آن را بهره من گردان. مراد به تملّک او درآوردن آن گوسفند و دادن آن بدو است و از ماده (کفل) به معنی سرپرستی، یا نصیب (نگا: نساء / ۸۵، حدید / ۲۸). «عَزَّنِ »: مرا مغلوب کرده است و بر من چیره شده است.

سوره ص آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قَالَ لَقَدۡ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعۡجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦۖ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡخُلَطَآءِ لَيَبۡغِي بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٞ مَّا هُمۡۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسۡتَغۡفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّۤ رَاكِعٗاۤ وَأَنَابَ۩ ٢٤﴾

ترجمه:

(داود) گفت: مسلّماً او با درخواست یگانه میش تو برای افزودن آن به میشهای خود، به تو ستم روا می‌دارد. اصلاً بسیاری از آمیزگاران و کسانی که با یکدیگر سر و کار دارند، نسبت به همدیگر ستم روا می‌دارند، مگر آنان که واقعاً مؤمنند و کارهای شایسته می‌کنند، ولی چنین کسانی هم بسیار کم و اندک هستند. داود گمان برد که ما او را آزموده‌ایم (و اندازه هراس او از دیگران، و نیز نحوه قضاوت وی را به محک آزمایش زده‌ایم). پس از پروردگار خویش آمرزش خواست و به سجده افتاد و توبه کرد.

توضیحات:

«الْخُلَطَآءِ»: جمع خَلیط. آمیزشکاران. آمیزگاران. شرکاء. مراد آشنایان و شریکانی است که با هم سر و کار دارند و اغلب اموال یا احشام خود را با هم می‌آمیزند. «قَلِيلٌ مَّا هُمْ»: آنان بسیار اندکند. (هُمْ) مبتدای مؤخّر و (قَلِيلٌ) خبر مقدّم، و (مَا) زائد و برای مبالغه در کمی و تأکید قلّت آمده است و معنی همچون (جِدّاً) دارد. «فَتَنَّاهُ»: او را امتحان کرده‌ایم. امتحان در این که آیا با وجود آن که خدا را در کنار خود می‌بیند از بندگان می‌ترسد یا خیر، و نیز سنجش کار قضاوت او. «إِسْتَغْفَرَ»: طلب آمرزش کرد. مراد طلب آمرزش مطلق است. یعنی درخواست بخشش بدون در میان بودن خطا و گناه. چنین استغفاری برمی‌گردد به مبدأ: «حَسَنَاتُ الأَبْرَارِ، سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ»: (نگا:

غافر / ۵۵، محمّد / ۱۹، فتح / ۲، نصر / ۳). «خَرَّ»: فرو افتاد (نگا: اعراف / ۱۴۳، نحل / ۲۶، حجّ / ۳۱، سبأ / ۱۴). «رَاكِعاً»: كرنش كنان. سجده‌كنان. خاشعانه (نگا: بقره / ۴۳، آل‌عمران / ۴۳، مائده / ۵۵). تعبیر «رَاكِعاً»: یا به خاطر آن است كه ركوع مقدّمه سجده بوده و یا این كه به معنی خود سجده است، چرا كه ركوع و سجود هر دو به معنی انحناء و خمیدن است، و گاهی هم به معنی مطلق خشوع و خضوع می‌باشد. «أَنَابَ»: از كرده خویش پشیمان شد و برگشت. توبه كرد. كرده داود، شتاب در صدور حكم قضاء بر اثر وضوح موضوع، و یا گمان بردن كشتن خود توسّط طرفین دعاوی، و خوف بیجا از بندگان با وجود حضور یزدان بود.

سوره ص آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ ۝٢٥﴾

ترجمه:

به هر حال، ما این (تَرک أولی وَ سیئه‌ی مقَرَّبین) را بر او بخشیدیم (و وی را مشمول لطف و محبّت خود قرار دادیم) و او در پیشگاه ما دارای مقام والا و برگشتگاه زیبا است (كه بهشت برین و نعمت‌های فردوس اعلی است).

توضیحات:

«ذلِكَ»: آن لغزش كه در طرز قضاوت رخ داد و یا گمان قتل. آن گناه مراد گناهی همچون گناه مذكور در (غافر / ۵۵ و محمّد / ۱۹) است. «زُلْفي»: (نگا: سبأ / ۳۷). «حُسْنَ مَئَابٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۴، رعد / ۲۹). آنچه از آیات ۲۱ تا ۲۵ استفاده می‌شود بیش از این نیست كه افرادی به عنوان دادخواهی از عبادتگاه داود بالا رفتند و نزد او حاضر شدند. او نخست وحشت كرد. سپس به شكایت شاكی گوش فرا داد كه یكی از آنان ۹۹ گوسفند و دیگری فقط یک گوسفند داشت. صاحب ۹۹ گوسفند از صاحب یک گوسفند خواسته است كه این یكی را هم بدو بدهد. داود پیش از آن كه از طرف مقابل توضیحی بخواهد حق را به شاكی داد. او به زودی متوجّه لغزش خود شد و از عجله و دستپاچگی خویش توبه كرد و خدا توبه او را پذیرفت. بدون این كه حق كسی ضایع شده باشد. امّا برخی از مفسّران محترم با توجّه به اسرائیلیات موجود در

کتاب‌های محرَّف یهودیان و مسیحیان، داستان‌های گوناگونی را در تفاسیر خود ذکر نموده‌اند که مفسّران بیشماری در کتاب‌های خود آن افسانه‌ها و روایات را نقد نموده‌اند و بر آنها قلم بطلان کشیده‌اند (نگا: تفسیر کبیر، روح‌المعانی، التفسیر النی للقرآن، أضواء البیان، تفسیر ابن‌کثیر، تفسیر قاسمی، نمونه، فی ظلال القرآن، الواضح،) برای نمونه چند جمله‌ای را عیناً از تفسیر أضواء البیان ذکر می‌نمایم: «إِعْلَمْ أَنَّ مَا يَذْكُرُهُ كَثِيرٌ مِنَ الـمُفَسِّرِينَ فِي تَفْسِيرِ هذِهِ الآيَةِ الْكَرِيمَةِ» (ص / ۲۴) «مِمَّا لا يَلِيقُ بِمَنصَبِ دَاوُدَ - عَلَيْهِ وَعَلي نَبِيِّنَا الصَّلاةُ والسَّلامُ - كُلُّهُ رَاجِعٌ إِلَيَ الإِسْرَائِيلِيَّات، فَلاثِقَةَ بِهِ، وَلا مُعَوَّلَ عَلَيْهِ، وَمَا جَاءَ مِنْهُ مَرْفُوعاً إِلَيَ النَّبِيِّ ﷺ لا يَصِحُّ مِنْهُ شَيْءٌ».

سوره ص آیه ۲۶

متن آیه:

﴿يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلۡنَٰكَ خَلِيفَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱحۡكُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلۡهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا نَسُواْ يَوۡمَ ٱلۡحِسَابِ ٢٦﴾

ترجمه:

ای داود! ما تو را در زمین نماینده (خود) ساخته‌ایم (و بر جای پیغمبران پیشین نشانده‌ایم) پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد. بی‌گمان کسانی که از راه خدا منحرف می‌گردند عذاب سختی به خاطر فراموش کردن روز حساب و کتاب (قیامت) دارند.

توضیحات:

«خَلِيفَةً»: مراد نماینده خدا است (نگا: بقره / ۳۰)، یا جانشین پیغمبران و جایگزین مردمان پیشین است (نگا: اعراف / ۷۴). «بِمَا»: حرف (ب) سببیه، و واژه (مَا) مصدریه است.

سوره ص آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا بَٰطِلٗاۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنَ ٱلنَّارِ ٢٧﴾

ترجمه:

ما آسمان‌ها و زمین و چیزهائی را که در بین آن دو تا است بیهوده نیافریده‌ایم. این، گمان کافران است (و انگاره اندیشه بیمار ایشان). وای بر کافران! به آتش دوزخ دچار می‌آیند.

توضیحات:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۹۱، انبیاء / ۱۶). «وَيْلٌ...»: (نگا: ابراهیم / ۲، مریم / ۳۷).

سوره ص آیه ۲۸

متن آیه:

﴿أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلۡمُفۡسِدِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلۡمُتَّقِينَ كَٱلۡفُجَّارِ ٢٨﴾

ترجمه:

آیا (با حکمت و عدالت ما سازگار است) کسانی را که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، همچون تباهکاران (و فساد پیشگان در زمین) بشمار آوریم؟ و یا این که پرهیزگاران با بزهکاران برابر داریم؟

توضیحات:

«الْفُجَّارِ»: جمع فاجِر، کسانی که از حدود و ثغور قوانین شرعی تجاوز می‌کنند و آشکارا به فسق و فجور می‌پردازند. «أَمْ»: این واژه متضمّن معنی دو حرف است: (بَلْ) که برای انتقال از سخنی به سخن دیگر، و (أ) همزه استفهام انکاری است. یعنی مگر ممکن است اَشرار و بدان، با اخیار و خوبان یکسان بشمار آیند؟ هرگز.

سوره ص آیه ۲۹

متن آیه:

﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٩﴾

ترجمه:

(ای محمّد! این قرآن) کتاب پرخیر و برکتی است و آن را برای تو فرو فرستاده‌ایم تا درباره آیه‌هایش بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.

توضیحات:

«کِتَابٌ»: مراد قرآن است. خبر مبتدای محذوف (هُوَ) یا (هذا) است. «مُبَارَكٌ»: صفت کتاب، یا خبر دوم بشمار است.

سوره ص آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَوَهَبۡنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيۡمَٰنَۚ نِعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ٣٠﴾

ترجمه:

ما سلیمان را به داود عطاء کردیم. او بنده بسیار خوبی بود، چرا که او توبه‌کار بود.

توضیحات:

«أَوَّابٌ»: (نگا: اسراء / ۲۵، ص / ۱۷). کسی که از غفلت‌ها و لغزش‌ها بسی دوری می‌گزینند، و با توبه و انابه فراوان پیوسته به درگاه یزدان برمی‌گردد.

سوره ص آیه ۳۱

متن آیه:

﴿إِذۡ عُرِضَ عَلَيۡهِ بِٱلۡعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلۡجِيَادُ ٣١﴾

ترجمه:

(خاطر نشان ساز) زمانی را که شامگاهان اسب‌های نژاده تندرو و زیبای تیزرو، بدو نموده و عرضه شد.

توضیحات:

«عُرِضَ عَلَيْهِ...»: مراد سان دیدن اسب‌ها و رژه رفتن سپاه است که بیان‌گر ارتشی نیرومند و بازگو کننده قدرت مادی حکومت سلیمان برای اجرا قوانین یزدان در میان مردمان است. «الْعَشِيِّ»: شامگاهان. مراد بعدازظهر تا غروب آفتاب است. «الصَّافِنَاتُ»: جمع صافِن، اسبانی که بر روی دو پا و یک دست ایستاده، و یک دست را کمی بلند کرده و تنها نوک سم آن را بر زمین می‌گذارند. اسب‌هائی که روی دو پا بلند می‌گردند و می‌ایستند. هر یک از این صفات نشانه اسب‌های اصیل و چابک است «الْجِيَادُ»: جمع جَواد، اسب‌های تیزرو و تندرو. یا جمع (جَيِّد) اسبان خوب و زیبا.

سوره ص آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ ٣٢﴾

ترجمه:

سلیمان گفت: من این اسبان را سخت دوست می‌دارم، چون ساز و برگ من برای عبادت پروردگارم می‌باشند (که جهاد است. او همچنان به آنها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش در پرده (گرد و غبار) پنهان شدند.

توضیحات:

«حُبَّ»: مفعول به یا مفعول مطلق است. «الْخَيْر»: اموال و دارائی فراوان (نگا: بقره / ۱۸۰، عادیات / ۸). در اینجا مراد اسب‌های رهوار است که انگار نفْسِ خیر می‌باشند. «عَن ذِكْرِ رَبِّي»: محبّتی که ناشی از یاد پروردگارم است. به خاطر ذکر و پرستش پروردگارم. چرا که اسب‌ها ساز و برگ جهاد بودند. «تَوارَتْ»: پنهان و نهان شدند (نگا: نحل / ۵۹). «الْحِجَاب»: پرده. سِتر. مراد گرد و غبار حاصل از دویدن اسب‌ها و فاصله پیدا کردن آنها است.

سوره ص آیه ۳۳

متن آیه:

﴿رُدُّوهَا عَلَيَّۖ فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ ٣٣﴾

ترجمه:

(اسب‌ها آن قدر جالب بودند که سلیمان به چاکران دستور داد) آنها را به‌سوی من بازگردانید. (او شخصاً سواران را مورد تفقّد، و اسبان را مورد نوازش قرار داد) و بر ساق‌ها و گردن‌های اسب‌ها دست کشید.

توضیحات:

«رُدُّوهَا»: اسب‌ها را برگردانید. «طَفِقَ مَسْحاً»: شروع به دست کشیدن و مالش دادن کرد. «السُّوقِ»: جمع ساق. ساق‌های پا. «الأعْنَاقِ»: جمع عُنُق، گردن‌ها.

سوره ص آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ ٣٤﴾

ترجمه:

ما سلیمان را دچار بیماری ساختیم و وی را همچون کالبدی (بی‌جان) بر تخت سلطنت انداختیم (تا به ابّهت خود ننازد و به نیروی خویش تکیه نکند و بداند که عظمت و قدرت انسان با کمترین ناخوشی و کوچک‌ترین بیماری متزلزل و چه بسا نابود می‌گردد). سلیمان آن گاه (که بلای خدا را دید، توبه و استغفار سر داد و به درگاه الله) بازگشت.

توضیحات:

«فَتَنَّا»: مبتلا و گرفتار ساختیم. دچار بیماری نمودیم. «أَلْقَیْنَا»: در اینجا ضمیر (ه) محذوف است و در اصل چنین است: «أَلْقَیْنَاهُ». «جَسَداً»: پیکر. تن. حال مفعول محذوف است و برای تشبیه آمده است. یعنی همچون جسم بی‌روح. «أَنَابَ»: توبه و انابه سر داد. استغفار نمود. عبدالکریم خطیب در تفسیر «التفسیر القرآني للقرآن» با استفاده از تقریرات استاد محمّد شاهین حمزه، سخنی بدین مفهوم دارد که: چه بسا روح سلیمان در حال بیداری از پیکر او جدا شده و دورادور ناظر لاشه بی‌روان خود بوده است. این عمل را امروزه «أَلطَّرْحُ الرُّوحِيُّ»: یعنی تجرید روح یا فرافکنی روح می‌نامند (نگا: جزء ۲۴، صفحه ۱۰۸۶).

سوره ص آیه ۳۵

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٣٥﴾

ترجمه:

سلیمان گفت: پروردگارا! مرا ببخشای و حکومتی به من عطاء فرمای که بعد از من کسی را نسزد (که چنین سلطنت و عظمتی داشته باشد). بی‌گمان تو بسیار بخشایش‌گری.

توضیحات:

«مُلْکاً»: حکومت. سلطنت. «لا یَنبَغِي»: نسزد. سزاوار و درخور نباشد.

سوره ص آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾﴾

ترجمه:

پس ما (دعای سلیمان را برآورده کردیم و) باد را به زیر فرمان او درآوردیم. باد برابر فرمانش به هر کجا که می‌خواست، آرام حرکت می‌کرد.

توضیحات:

«رُخَآءً»: نرم و آرام. حال ضمیر مستتر در (تَجْرِي) است. « أَصَابَ »: قصد کرد. اراده کرد.

سوره ص آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٖ وَغَوَّاصٖ ﴿٣٧﴾﴾

ترجمه:

و به زیر فرمان او درآوردیم همه بنّاها و غوّاصان دیو را.

توضیحات:

«الشَّيَاطِينَ»: دیوها (نگا: انبیاء / ۸۲). عطف بر «الرِّيحَ» است. «كُلَّ»: بدل از (الشَّيَاطِينَ) است. «بَنَّآءٍ»: معمار. استاد. «غَوَّاصٍ»: ملوان. کسی که به دریا فرو رود.

سوره ص آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ﴿٣٨﴾﴾

ترجمه:

و گروه دیگری از دیوها را در غل و زنجیر به زیر فرمان او کشیدیم (تا از فساد و اذیت و آزارشان به مردم جلوگیری نماید).

توضیحات:

«ءَاخَرِينَ»: دیگران. عطف بر (كُلَّ) است. «مُقَرَّنِينَ»: بسته شده به همدیگر (نگا: ابراهیم / ۴۹، فرقان / ۱۳). «الأَصْفَادِ»: جمع صَفَد، غُل و زنجیر (نگا: ابراهیم / ۴۹).

سوره ص آیه ۳۹

متن آیه:

﴿هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمۡنُنۡ أَوۡ أَمۡسِكۡ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٩﴾

ترجمه:

(ما بدو وحی کردیم که) این (چیزهائی که به تو داده‌ایم) عطاء ما است، پس (به هر کس که می‌خواهی) ببخش یا (آن را از هر کس که می‌خواهی) بازدار، بدون هیچ‌گونه حساب و کتابی (که در برابر دادن یا ندادن، از تو کشیده شود).

توضیحات:

«هذَا»: این نعمت‌های الهی. «أُمْنُنْ»: عطاء کن. ببخش. «أَمْسِكْ»: بازدار. مبخش. «بِغَيْرِ حِسَابٍ»: بدون این که در بخشش یا عدم بخشش محاسبه و بازخواستی باشد. عطایای الهی و داده‌های خدائی آن اندازه زیاد است که هر چه از آن ببخشی به حساب نمی‌آید.

سوره ص آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ٤٠﴾

ترجمه:

قطعاً سلیمان در پیشگاه ما، مقامی ارجمند و سرانجامی نیکو دارد.

توضیحات:

«زُلْفي»: قُربت. مقام و منزلت. پایه و درجه (نگا: سبأ / ۳۷، ص / ۲۵). «حُسْنَ مَئَابٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۴، رعد / ۲۹، ص / ۲۵).

سوره ص آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ ٤١﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) خاطر نشان ساز (سرگذشت) بنده ما ایوب را، بدان گاه که پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: اهریمن مرا دچار رنج و درد کرده است (و سخت زار و نزار و بیمارم).

توضیحات:

«أَيُّوبَ»: عطف بیان است. «مَسَّنِيَ»: به من رسانده است. دچار و گرفتارم کرده

است. «مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ...»: مراد بيمار شدن است. از جمله ادب پيغمبران اين است كه شرّ و بلا را به اهريمن نسبت مى‌دهند (نگا: قصص / ۱۵) و خير و خوشى را به خدا (نگا: نمل / ۴۰). «نُصْبٍ»: رنج و مشقّت. با فتح نون و صاد هم به همين معنى است. «عَذَابٍ»: درد و الم (نگا: انبياء / ۸۳).

سوره ص آيه ۴۲

متن آيه:

﴿ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَـٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۝٤٢﴾

ترجمه:

(به فريادش رسيديم و او را ندا در داديم كه) پاى خود را به زمين بكوب. (هنگامى كه چنين كرد چشمه آبى برجوشيد. بدو پيام داديم:) اين، آبى است كه هم براى شستشوى (تنت مفيد) است و هم براى نوشيدن (گوارا و سودمند) است.

توضيحات:

«أُرْكُضْ»: بكوب. «أُرْكُضْ بِرِجْلِكَ»: پاى خود را به زمين بكوب. راه برو كه شفا يافته‌اى (نگا: تفسير قاسمى). «مُغْتَسَلٌ»: آبى كه در آن خود را بشويند. چه بسا مراد آب معدنى داراى گوگرد باشد. «شَرَابٌ»: نوشيدنى. «بَارِدٌ»: سرد. خنک.

سوره ص آيه ۴۳

متن آيه:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَـٰبِ ۝٤٣﴾

ترجمه:

(بيمارى و ناراحتى ايوب را برطرف ساختيم و به جاى) اولاد (و اموالى كه از دست داده بود) دو چندان بدو عطاء كرديم، محض مرحمتمان (در حق ايوب) و تذكارى (از صبر و شكيبائى) براى خردمندان (تا همچون ايوب شكيبا و اميدوار به لطف و فضل خدا باشند و در حوادث و مشكلات، رشته صبر جميل را از دست ندهند).

توضيحات:

«وَهَبْنَا... ذِكْرَي...»: (نگا: انبياء / ۸۴). «وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُم مَّعَهُمْ»: خانواده پراكنده ايوب را دَورِ او گرد آورديم و بر تعدادشان افزوديم. يعنى كانون خانوادگى وى

را گرم‌تر از گذشته ساختیم و فرزندان بیشتری بدو مرحمت کردیم. یا این که: به جای اولاد و اموالی که از دست داده بود، دو چندان بدو عطاء نمودیم.

سوره ص آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثٗا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ نِّعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ ٤٤﴾

ترجمه:

(ایوب سوگند خورده بود که یکی از افراد خانواده‌اش را تنبیه کند و چندین ضربه چوب بزند. ما برای رفع این مشکل نیز بدو دستور دادیم) بسته‌ای (از چوبهای نازک، یا رشته خرما، و یا ساقه‌های گندم و همانند آن) را برگیر و (او را) با آن بزن، و سوگند خود را مشکن. (و با کم‌ترین اذیت و آزاری قسم خویش را به مرحله اجرا درآور). ما ایوب را شکیبا یافتیم. چه بنده خوبی بود! او بسیار توبه و استغفار سر می‌داد.

توضیحات:

«ضِغْثاً»: دسته‌ای از ساقه‌های گندم و جو یا چوبهای نازک. بسته‌ای از رشته‌های خرما یا گیاهان. «لا تَحْنَثْ»: سوگند خود را مشکن. قسم خود را نقض نکن. «خُذْ بِيَدِكَ ضِغْثاً فَاضْرِب بِّهِ...»: قرآن مجید علّت سوگند خوردن ایوب، و نام کسی را که مرتکب جرم شده است، و گناهش چه بوده است، ذکر نفرموده است. در مورد اجرا حدود اسلامی به گونه‌ای که در آیه است، یا باید آن را خاصّ شریعت ایوب و مرحمتی در حق او دانست، و یا این که چنین حکمی را در مورد فرسودگان و بیماران خطاکار قلمداد کرد، و یا این که راجع به کسانی انگاشت که مرتکب جرمی نشده‌اند، ولیکن سرپرست یا ولی ایشان سوگند خورده است که آنان را کیفر دهد و چوب بزند و ظاهر قانون حدود را رعایت کند. وگرنه اجراء حدّ زنا و تهمت و سوگند و غیره با بسته‌ای از ساقه‌ها و رشته‌ها و دسته‌های از چوبهای نازک، یعنی تعطیل حدود الهی، و چنین کاری مجاز نیست (نگا: تفسیر قاسمی).

سوره ص آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٥﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب سخن بگو، آنان که دارای قدرت و بینش (کافی و قوی درباره امور زندگانی و رموز آئین یزدانی) بودند.

توضیحات:

«أُوْلِي الأَيْدِي»: دارندگان قدرت و قوّت در طاعت و عبادت. دارندگان دست‌های تلاشگر در همه زمینه‌های خوبی و نیکی. «الأَبْصَارِ»: جمع بَصَر به معنی بصیرت؛ یعنی بینش روشن و آگاهی قابل ملاحظه از قوانین و اسرار دین و شریعت، و آشنایی با امور زندگی و شناخت راه و روش دنیوی.

سوره ص آیه ۴۶

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى ٱلدَّارِ ٤٦﴾

ترجمه:

ما آنان را با صفت خاصّی ویژگی بخشیدیم که یاد (همیشگی ایشان از) سرای آخرت بود.

توضیحات:

«أَخْلَصْنَاهُمْ»: ایشان را برگزیدیم. آنان را اختصاص دادیم. بدی‌شان ویژگی بخشیدیم. «خَالِصَةٍ»: صفت اختصاصی. ویژگی خاصّ. «ذِكْري»: یاد کردن. در اندیشه چیزی بودن. خبر مبتدای محذوف و یا بدل از (خَالِصَةٍ) است. «الدَّارِ»: سرا. به طور مطلق مراد سرای آخرت است. گوئی غیر از آن، سرائی وجود ندارد و دنیا جز گذرگاهی به‌سوی آن نیست.

سوره ص آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٧﴾

ترجمه:

ایشان در پیشگاه ما از زمره برگزیدگان بس نیک و نیکوکارند.

توضیحات:

«الـْمُصْطَفَيْنَ»: جمع مُصْطَفی، نخبگان. برگزیدگان. «الأَخْيَارِ»: جمع خَیر، خوبان و

نیکان. محسنان و نیکوکاران.

سوره ص آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرۡ إِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٨﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) از اسماعیل و الیسع و ذالکفل یاد کن. آنان جملگی از خوبان و نیکانند.

توضیحات:

«الْيَسَعَ»: نام یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل است و بعضی معتقدند که او همان یوشع‌بن‌نون است. برخی هم او را همان إلیاسین که إلیاس باشد می‌دانند. «ذَالْكِفْلِ»: نام یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل است که سرپرستی مریم را به عهده گرفت و زکریا نام دارد.

سوره ص آیه ۴۹

متن آیه:

﴿هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ٤٩﴾

ترجمه:

این (فرازهائی را که از خصال و مقامات انبیاء گذشته برشمردیم، تنها) یادی (از ایشان) است، و مسلّماً پرهیزگاران دارای مرجع و مأوای آراسته و زیبائی هستند.

توضیحات:

«ذِكْرٌ»: خاطره. یاد. عظمت و آوازه. وسیله پند و مایه عبرت دیگران. با توجّه به معنی اخیر، مفهوم آیه این می‌شود، این فرازها، مایه پند و اندرز کسانی است که پندپذیر و عبرتگیر باشند و بدین وسیله بخواهند از زمره متّقیان گردند. «حُسْنَ مَئَابٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۴، رعد / ۲۹).

سوره ص آیه ۵۰

متن آیه:

﴿جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ ٥٠﴾

ترجمه:

(منزل و مأوائی که) باغ‌های جاویدان بهشت و محلّ ماندگاری همیشگی است و

درها (ی آنجا) به روی ایشان باز است (و پیوسته در انتظارشان است).

توضیحات:

«جَنَّاتِ عَدْنٍ»: (نگا: توبه / ۷۲، رعد / ۲۳، نحل / ۳۱). جنّاتِ، بدل یا عطف بیان (مَئَابٍ) است. «مُفَتَّحَةً لَّهُمُ الأَبْوَابُ»: واژه (مُفَتَّحَةً) حال، و کلمه (الأَبْوَابُ) نائب فاعل است.

سوره ص آیه ۵۱

متن آیه:

﴿مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ٥١﴾

ترجمه:

در آنجا (راحت و آسوده بر تخت‌ها) تکیه می‌زنند و میوه‌های فراوان و نوشیدنی‌های زیادی را می‌طلبند (و خدمتکاران بهشتی فوراً خواست‌هایشان را برآورده می‌کنند).

توضیحات:

«مُتَّكِئِينَ»: تکیه زنندگان. حال ضمیر (هُمْ) است. «يَدْعُونَ»: می‌طلبند. «كَثِيرَةٍ»: فراوان. مراد انواع میوه‌های فراوان و نوشیدنی‌های گوناگون است.

سوره ص آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ٥٢﴾

ترجمه:

در کنار ایشان همسرانی هستند که (با زیبائی و ملاحتی که دارند چشم شوهران خود را تنها متوجّه خود می‌کنند و از دیگران باز می‌دارند، و به سبب زیبائی شوهرانشان) تنها به شوهران‌شان چشم می دوزند، و جملگی هم‌سنّ و سال می‌باشند (و در میان‌شان پیر وجود ندارد و گوئی همه در یک زمان متولّد گردیده‌اند).

توضیحات:

«قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ»: (نگا: صافّات / ۴۸). همسرانی که به خاطر جمال شوهران خود و عشق بدانان تنها بدی‌شان چشم دوخته‌اند. همسرانی که با جمال و زیبائی خود چشم شوهران‌شان را به خود جلب و ایشان را دلباخته خویش نموده‌اند. «أَتْرَابٌ»:

جمع تِرْب، افراد همسن و سال (نگا: واقعه / ۳۷، نبأ / ۳۳). یعنی همه همسران هم‌سنّ و سال بوده گوئی جملگی در یک زمان آفریده شده‌اند. همگی همسران و جملگی شوهران، جوان و هم‌سنّ و سالند (نگا: تفسیر نمونه).

سوره ص آیه ۵۳

متن آیه:

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٥٣﴾

ترجمه:

این، چیزهائی است که برای روز حساب و کتاب (قیامت، به شما پرهیزگاران) وعده داده می‌شود (و تخلّف‌ناپذیر است).

توضیحات:

«لِيَوْمِ الْحِسَابِ»: مراد برای زمان بعد از حساب و کتاب است، چرا که نعمت‌های مذکور در آیات ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ پس از وارسی و بررسی و دخول به بهشت در اختیار خداپرستان راستین قرار می‌گیرد.

سوره ص آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ ٥٤﴾

ترجمه:

این (نعمت‌های فراوان) عطاء و داده‌های ما است و هرگز نابودی و پایان ندارد.

توضیحات:

«نَفَادٍ»: فنا و نابودی. از میان رفتن و پایان پذیرفتن.

سوره ص آیه ۵۵

متن آیه:

﴿هَٰذَاۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٖ ٥٥﴾

ترجمه:

این (نعمت‌ها و بهره‌های پرهیزگاران بود که ذکر گوشه‌ای از آن گذشت) و امّا سرکشان (از خطّ فرمان یزدان، و شورندگان بر انبیاء و پیغمبران) دارای بدترین مرجع و مأوایند.

توضیحات:

«هذَا»: خبر مبتدای محذوفی است و تقدیر آن چنین است: «أَلأَمْرُ هذَا»: یا مبتدا است و خبر آن محذوف است و تقدیر چنین است: «هذَا لِلْمُتَّقِينَ».

سوره ص آیه ۵۶

متن آیه:

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ۝٥٦﴾

ترجمه:

و آن دوزخ است که بدانجا در می‌آیند و بدان می‌سوزند، و چه بد جایگاه و قرارگاهی است.

توضیحات:

«جَهَنَّمَ»: عطف بیان، یا بدل از «شَرَّ» است. «بِئْسَ الْمِهَادُ»: (نگا: بقره / ۲۰۶، آل‌عمران / ۱۲ و ۱۹۷).

سوره ص آیه ۵۷

متن آیه:

﴿هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۝٥٧﴾

ترجمه:

این آب داغ و خونابه (اندام دوزخیان است که نوشیدنی ایشان) است، باید که از آن پیوسته بچشند و بخورند.

توضیحات:

«هذَا»: مبتدا است. «حَمِيمٌ»: آب داغ. خبر (هذا) است. «فَلْيَذُوقُوهُ»: حرف (ف) برای تکرار است. یعنی چاره‌ای نیست پیوسته باید از آن بچشند و بخورند. جمله معترضه است. «غَسَّاقٌ»: اسم خونابه روان از پیکر دوزخیان است (نگا: نبأ / ۲۵). در اصل به معنی گنداب و آب بدبو است.

سوره ص آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَءَاخَرُ مِن شَكْلِهِۦٓ أَزْوَٰجٌ ۝٥٨﴾

ترجمه:

و جز این، انواع کیفرهای دیگری از این قبیل دارند.

توضیحات:

«ءَاخَرُ»: دیگری. مبتدا است. «مِن شَكْلِهِ»: همسان و همگون آن. صفت (ءَاخَرُ) است. «أَزْوَاجٌ»: اصناف و انواع. خبر (ءَاخَرُ) است.

سوره ص آیه ۵۹

متن آیه:

﴿هَٰذَا فَوۡجٞ مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ ٱلنَّارِ ٥٩﴾

ترجمه:

(هنگامی که رؤسای کفر و ضلال وارد دوزخ می‌شوند و با چشم خود می‌بینند که پیروان ایشان را نیز به سمت دوزخ می‌آورند، خطاب به یکدیگر می‌گویند: بنگرید) این گروه انبوه، بر اثر فشار و زور (فرشتگان) خود را به میان شما می‌اندازند (و جا را بر شما تنگ می‌کنند) - خوش نیامدند و خوشی نبینند - آنان با آتش دوزخ سوخته می‌شوند.

توضیحات:

«هذَا فَوْجٌ...»: این سخن می‌تواند گفته فرشتگان عذاب، خطاب به گروه دیگری از خودشان باشد. «مُقْتَحِمٌ»: کسی که با فشار و زور و هول دادن، وادار به دخول به جائی شود (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن، و معالم التنزیل بغوی). کسی که با زور خود را به جائی بیندازد. «لا مَرْحَباً بِهِمْ»: خوش نیامدند. خیر و خوشی نبینند. گفته سردستگان کفر و ضلال، خطاب به پیروان سرگشته است. مفعول مطلق است. «صَالُوا النَّارِ»: وارد شوندگان به آتش و سوختگان در آن. واژه (صَالُو) که در اصل (صَالُونَ) است و نون آن در حالت اضافه افتاده است، جمع (صَالِي) به معنی وارد شونده به آتش و سوزنده بدان است (نگا: صافّات / ۱۶۳، مطفّفین / ۱۶). در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد.

سوره ص آیه ۶۰

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٦٠﴾

ترجمه:

(پیروان، خطاب به سروران خود) می‌گویند: بلکه شما خوش نیامدید و خوشی نبینید. چرا که این شما بودید که چنین جائی را بهره ما کردید، وه که چه مقر و جایگاه بدی است!

توضیحات:

«لا مَرْحَباً بِکُمْ»: خوش نیامدید خیر و خوشی نبینید! «قَدَّمْتُمُوهُ»: آن را پیشکشش کرده‌اید و عرضه داشته‌اید. آن را عطاء نموده‌اید. واو آن نتیجه اشباع ضمّه‌ای است که بر اثر اتّصال ضمیر منصوب پیدا گشته است (نگا: گنجینه صرف، صفحه ۱۸۴). ضمیر (هُ) به کفر یا دوزخ و یا عذاب مفهوم برمی‌گردد. «الْقَرَارُ»: مَقَرّ و جایگاه. منزل و مأوی (نگا: ابراهیم / ۲۹، مؤمنون / ۱۳ و ۵۰، نمل / ۶۱).

سوره ص آیه ۶۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ۝٦١﴾

ترجمه:

و می‌گویند: پروردگارا! هر کس چنین جایگاه و عذابی را نصیب ما نموده است، عذاب او را در آتش دوزخ چندین برابر گردان.

توضیحات:

«عَذَاباً ضِعْفاً»: عذاب دو چندان. عذابی چند برابر (نگا: اعراف / ۳۸).

سوره ص آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ ۝٦٢﴾

ترجمه:

(سرانجام، دوزخیان به همدیگر) می‌گویند: ما چرا کسانی را نمی‌بینیم که (در دنیا) ایشان را از زمره بدان و بدکاران به حساب می‌آوردیم؟

توضیحات:

«نَعُدُّهُمْ»: بشمارشان می‌آوردیم. محسوب‌شان می‌داشتیم. «الأشْرَارِ»: جمع شَرّ، اشخاص بد. افراد بیسود و بیفایده. مرادشان مردمان مؤمن به طور عام و فقراء

مسلمین به طور خاصّ است (نگا: شعراء / ۱۱۱، هود / ۲۷، مطفّفین / ۲۹ – ۳۶). یا مراد همان اشرار و افراد سرکش است. چرا که کفّار به مؤمنان برچسب ریاست طلب و آشوبگر زده و می‌زنند (نگا: اعراف / ۱۱۰، شعراء / ۳۵).

سوره ص آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٦٣﴾

ترجمه:

آیا ما (اشتباهاً در دنیا) ایشان را حقیر و ناچیز گرفته بودیم و بدی‌شان گپ می‌زدیم (و هم اینک در بهشت بسر می‌برند و از مقرّبان درگاه یزدانند؟) و یا این که (همان گونه‌اند که ما گمان می‌بردیم و الآن در دوزخند و در میان این دودها و شعله‌های آتش)، چشمان (نزدیک بین ما) ایشان را نمی‌توانند ببینند؟

توضیحات:

«أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيّاً»: آیا ما ایشان را به مسخره گرفته‌ایم و ناچیزشان دانسته‌ایم؟ فعل (أَتَّخَذْنَاهُمْ) در اصل (أَإِتَّخَذْنَاهُمْ) است و همزه وصل به خاطر همزه استفهام حذف شده است. واژه (سِخْرِيّاً) به معنی مسخره و حقیر، برای مفرد و مثنّی و جمع یکسان به کار می‌رود، و با ضمّ سین هم به همین معنی است (نگا: مؤمنون / ۱۱۰، زخرف / ۳۲). «زَاغَتْ»: انحراف پیدا کرده است. از حق منحرف شده است. از ماده زَیغ به معنی انحراف از حق و حقیقت است. نسبت آن به چشم نه به صاحبان چشم، برای مبالغه در مطلب است. معنی دیگر آیه این است که: آیا ما در دنیا این مردمان محترم بهشتی و مقرّبان الهی را مسخره کرده باشیم؟ و یا بدتر از این، آنان را آن اندازه حقیر و ناچیز دانسته باشیم که اصلاً به چشم نمی‌آمدند؟!

سوره ص آیه ۶۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ ٱلنَّارِ ٦٤﴾

ترجمه:

این (گفتگوهائی را که از زبان دوزخیان بیان داشتیم) یک واقعیت است (و قطعاً در وقت خود به وقوع می‌پیوندد) و نزاع و سخنان خصمانه دوزخیان با یکدیگر خواهد بود.

توضیحات:

«لَحَقٌّ»: مراد از حقیقت داشتن، وقوع و تحقّق است. «تَخَاصُمُ»: ستیزه و پرخاش. خبر مبتدای محذوف و تقدیر چنین است: «هُوَ تَخَاصُمُ». و جمله (تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ) بیان (ذٰلِكَ) است.

سوره ص آیه ۶۵

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٞۖ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٦٥﴾

ترجمه:

بگو: من تنها بیم دهنده (مردمان از عذاب یزدان) می‌باشم و بس. و هیچ معبودی جز خداوند یگانه غالب (بر هر چیز و هر کس) وجود ندارد.

توضیحات:

«مُنذِرٌ»: بیم دهنده. «الْقَهَّارُ»: غالب بر هر کس، و چیره بر هر چیز.

سوره ص آیه ۶۶

متن آیه:

﴿رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٦٦﴾

ترجمه:

پروردگار آسمان‌ها و زمین و همه چیزهائی است که در میان آن دو است و بسیار با عزّت و آمرزگار است.

توضیحات:

«رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ...»: (نگا: شعراء / ۲۴). «الْغَفَّارُ»: (نگا: طه / ۸۲، نوح / ۱۰).

سوره ص آیه ۶۷

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ نَبَؤٌاْ عَظِيمٌ ٦٧﴾

ترجمه:

بگو: (آنچه من شما را به وسیله) آن (بیم می‌دهم که قرآن بزرگوار است) خبر سترگی است.

توضیحات:

«نَبَؤٌاْ»: خبر مهمّ و سرگذشت قابل توجّه (نگا: انعام / ۳۴ و ۶۷، اعراف / ۱۷۵). در اینجا مراد قرآن است که خبر بزرگی است درباره سرنوشت مؤمنان و کافران و سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی ایشان.

سوره ص آیه ۶۸

متن آیه:

﴿أَنتُمۡ عَنۡهُ مُعۡرِضُونَ ۝٦٨﴾

ترجمه:

شما (بر اثر غفلت) از آن رو گردانید.

توضیحات:

«مُعْرِضُونَ»: (نگا: بقره / ۸۳، آل‌عمران / ۲۳).

سوره ص آیه ۶۹

متن آیه:

﴿مَا كَانَ لِيَ مِنۡ عِلۡمِۭ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ۝٦٩﴾

ترجمه:

من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) هنگامی که (درباره آفرینش آدم) گفتگو می‌کردند، خبر ندارم. (تنها چیزی که در این زمینه می‌دانم آن مقداری است که از طریق وحی به من رسیده است و بس).

توضیحات:

«الْـمَلإِ الأَعْلي»: در اینجا مراد فرشتگان و آنانی است که بدی‌شان دستور داده شد که برای آدم سجده برند (نگا: بقره / ۳۰) همان‌گونه که آیه ۷۱ همین سوره بیان‌گر آن است. «إِذْ»: زمانی که. بدان گاه که. «يَخۡتَصِمُونَ»: جدال و نزاع می‌کردند. مراد از مجادله و منازعه، بحث و گفتگو درباره آفرینش انسان است.

سوره ص آیه ۷۰

متن آیه:

﴿إِن يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ۝٧٠﴾

ترجمه:

به من هم وحی نمی‌شود مگر بدان خاطر که (پیغمبر خدایم و) بیم دهنده (مردمان از عذاب یزدان و) بیان‌گر (اوامر و نواهی الهی) می‌باشم.

توضیحات:

«إِن يُوحي»: وحی نمی‌شود. حرف (إِنْ) نافیه است. نائب فاعل (يُوحي) ضمیر مستتر است. یعنی: «مَا يُوحي إِلَيَّ حالُ الْـمَلاٍ الأعْلي». یا این که: «مَا يُوحي إِلَيَّ الَّذِي يُوحي مِنَ الأمُورِ الْغَيْبِيَّةِ... إِلاّ لأَنِّي نَذِيرٌ مُبِينٌ مِنْ جِهَتِهِ تَعَالِي». «إِلاّ أَنَّمَا أَنَا...»: مگر بدان خاطر که من. معنی حصر بدان می‌ماند که به کسی گفته شود: «لَـمْ تُسْتَقْضَ يَا فُلانُ إِلاّ لِأَنَّكَ عالِـمٌ عامِلٌ مُرْشِدٌ». ای فلانی! از تو داوری خواسته نمی‌شود مگر بدان خاطر که تو دانا هستی و به دانش خود عمل می‌کنی و راهنمای دیگرانی.

سوره ص آیه ۷۱

متن آیه:

﴿إِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ ٧١﴾

ترجمه:

وقتی (این گفتگو در ملأ اَعلی و عالَم بالا درگرفت) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی را از گِل می‌آفرینم.

توضیحات:

«إِذْ قَالَ رَبُّكَ...»: بیان گفتگوئی است که در ملأ اعلی و عالم بالا در گرفته است. «بَشَراً»: مراد آدم است. «طِينٍ»: گِل.

سوره ص آیه ۷۲

متن آیه:

﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

هنگامی که آن را سر و سامان دادم و آراسته و پیراسته کردم، و از جان متعلّق به خود در او دمیدم، در برابرش سجده (بزرگداشت و درود) ببرید.

توضیحات:

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ...»: (نگا: حجر / ۲۹).

سوره ص آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

پس همه فرشتگان جملگی سجده بردند.

توضیحات:

«فَسَجَدَ الْمَلآئِكَةُ...»: (نگا: حجر / ۳۰).

سوره ص آیه ۷۴

متن آیه:

﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

جز ابلیس که تکبّر ورزید، و از کافران گردید.

توضیحات:

«إِلاّ إِبْلِيسَ...»: (نگا: بقره / ۳۴).

سوره ص آیه ۷۵

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

فرمود: ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از این که سجده ببری برای چیزی که من آن را مستقیماً با قدرت خود آفریده‌ام؟ آیا تکبّر ورزیده‌ای یا اصلاً از متکبّران بوده‌ای؟

توضیحات:

«خَلَقْتُ بِيَدَيَّ»: مستقیماً و بدون واسطه چیز دیگری، از قبیل پدر و مادر، آن را با قدرت خود آفریده‌ام. (یَد) کنایه از قدرت است. «أَسْتَكْبَرْتَ»: مراد این است که هم

اینک خود را به بزرگی می‌زنی و تکبّر می‌ورزی. «أَمْ کُنتَ مِنَ الْعَالِینَ»: یا این که همواره از متکبّران و خود بزرگ بینان بوده‌ای. «الْعَالِینَ»: (نگا: یونس / ۸۳، دخان / ۳۱، مؤمنون / ۴۶).

سوره ص آیه ۷۶

متن آیه:

﴿قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ٧٦﴾

ترجمه:

گفت: من بهتر از او هستم. تو مرا از آتش آفریده‌ای و وی را از گِل.

توضیحات:

«قَالَ أَنَا خَیْرٌ...»: (نگا: اعراف / ۱۲).

سوره ص آیه ۷۷

متن آیه:

﴿قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٧٧﴾

ترجمه:

گفت: از میان آن (جماعتِ ملأ اعلی و فرشتگان عالَم بالا) بیرون شو، چرا که تو مطرود (از رحمت ما) و رانده شده (از میان فرشتگان) هستی.

توضیحات:

«مِنْهَا»: از جنت. از آسمان. از جماعت فرشتگان. «رَجِیمٌ»: مطرود از درگاه رحمت و کرامت خدا. رانده شده از میان صفوف فرشتگان (نگا: آل‌عمران / ۳۶، حجر / ۱۷ و ۳۴، نحل / ۹۸).

سوره ص آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٧٨﴾

ترجمه:

قطعاً نفرین من تا روز جزا بر تو خواهد بود.

توضیحات:

«یَوْمِ الدِّینِ»: (نگا: فاتحه / ۴، حجر / ۳۵، شعراء / ۸۲، صافّات / ۲۰). «إِلي یَوْمِ

الدِّينِ»: همیشه تا روز قیامت.

سوره ص آیه ۷۹

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

گفت: پروردگارا! (حال که چنین است) پس تا روزی مرا مهلت بده و ممیران که مردمان دوباره زنده می‌گردند (و رستاخیز شروع می‌شود).

توضیحات:

«فَأَنظِرْنِي...»: (نگا: اعراف / ۱۴، حجر / ۳۶).

سوره ص آیه ۸۰

متن آیه:

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠﴾

ترجمه:

فرمود: تو از مهلت داده‌شدگانی (و تا پایان جهان زنده می‌مانی).

توضیحات:

«الْـمُنظَرِينَ»: (نگا: اعراف / ۱۵، حجر / ۸ و ۳۷).

سوره ص آیه ۸۱

متن آیه:

﴿إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٨١﴾

ترجمه:

تا روز زمان معین (که پایان عمر جهان و سرآغاز قیامت است).

توضیحات:

«الْوَقْتِ الْـمَعْلُومِ»: (نگا: حجر / ۳۸). «يَوْمِ الدِّينِ ، يَوْمِ يُبْعَثُونَ ، ويَوْمِ الْوَقْتِ الْـمَعْلُومِ»، همه به یک معنی است.

سوره ص آیه ۸۲

متن آیه:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢﴾

ترجمه:

گفت: به عزّت و عظمتت سوگند که (در پرتو عمر جاویدان و تلاش بی‌امان) همه آنان را گمراه خواهم کرد.

توضیحات:

«لأُغْوِيَنَّهُمْ...»: (نگا: حجر / ۳۹).

سوره ص آیه ۸۳

متن آیه:

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾﴾

ترجمه:

مگر بندگان مخلص تو از ایشان را (که بر آنان سلطه و قدرتی نداشته و وسوسه‌ام در ایشان نمی‌گیرد).

توضیحات:

«الْمُخْلَصِينَ»: (نگا: یوسف / ۲۴، حجر / ۴۰، صافّات / ۷۴).

سوره ص آیه ۸۴

متن آیه:

﴿قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾﴾

ترجمه:

فرمود: به حق سوگند، و حق می‌گویم (و جز حق نمی‌گویم).

توضیحات:

«الْحَقُّ»: مبتدا و خبر آن محذوف است، یعنی أَلْحَقُّ قَسَمی. «الْحَقَّ»: مفعول به مقدّم (أَقُولُ) است. جمله (الْحَقَّ أَقُولُ) معترضه است میان ماقبل و مابعد خود.

سوره ص آیه ۸۵

متن آیه:

﴿لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾﴾

ترجمه:

هر آینه دوزخ را هم از تو و هم از کسانی که از تو پیروی کنند پر و لبریز می‌سازم.

توضیحات:

«تَبِعَكَ»: از تو پیروی کرد. به دنبال تو راه افتاد. «أَجْمَعِينَ»: تأکید ضمیر (كَ) و (هُمْ) است.

سوره ص آیه ۸۶

متن آیه:

﴿قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) بگو: من از شما در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا هیچ پاداشی نمی‌طلبم، و از زمره مدّعیان (دروغین نبوّت هم) نیستم (و آنچه می‌گویم ساختگی نبوده و از پیش خود به هم نمی‌بافم).

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: در مقابل تبلیغ آنچه بدان مأمورم که قرآن است (نگا: ص / ۸۷). «الْمُتَكَلِّفِينَ»: مدّعیان دروغین. کسانی که به طریق ساختگی و به ناروا چیزی را به خود نسبت می‌دهند و وانمود می‌کنند. دغلبازان.

سوره ص آیه ۸۷

متن آیه:

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾﴾

ترجمه:

این قرآن، چیزی جز پند و اندرز جهانیان (و مایه بیداری جملگی ایشان) نمی‌باشد.

توضیحات:

«إِنْ هُوَ...»: (نگا: یوسف / ۱۰۴، یس / ۶۹، قلم / ۵۲).

سوره ص آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾﴾

ترجمه:

و خبر آن را بعد از مدّت زمانی خواهید دانست (و به زودی صدق وعد و وعید و راستی اخبار و گفتار قرآن را هم در این جهان و هم در آن جهان خواهید دید).

توضیحات:

«وَلَتَعْلَمُنَّ...»: مراد این است راستی و درستی مطالب قرآن، هم در این جهان و هم در آن جهان برای مردمان آشکار خواهد گشت (نگا: فصّلت / ۵۳، نمل / ۹۳).

سوره زمر

سوره زمر آیه ۱

متن آیه:

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ۝١﴾

ترجمه:

نزول کتاب (قرآن) از سوی خداوند باعزّت و باحکمت انجام پذیرفته است.

توضیحات:

«تَنزِيلُ»: (نگا: شعراء / ۱۹۲، سجده / ۲، یس / ۵).

سوره زمر آیه ۲

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ۝٢﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) ما این کتاب را که در برگیرنده حق و حقیقت است، بر تو فرو فرستاده‌ایم. خدا را پرستش کن و پرستش خود را سره و خاصّ او گردان.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: در برگیرنده حق. فرمان دهنده به حق (نگا: آل‌عمران / ۳، نساء / ۱۰۵، مائده / ۴۸). «الدِّينَ»: طاعت و عبادت (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵، لقمان / ۳۲، بینه / ۵).

سوره زمر آیه ۳

متن آیه:

﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ ۝٣﴾

ترجمه:

هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی‌گیرند (و بدانان تقرّب و توسّل می‌جویند، می‌گویند:) ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) درباره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفرپیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی‌کند (و او را با وجود کذب و کفر به درک و فهم حقیقت نائل نمی‌گرداند).

توضیحات:

«لِلّهِ الدِّینُ الْخَالِصُ»: تنها عبادت بی‌شائبه از کفر و شرک، خداپسند و مقبول خدا است. تنها خدا، طاعت و عبادت خالصانه می‌گردد و بس. «مِن دُونِهِ»: غیر از خدا. جدای از خدا. «أَوْلِیَآءَ»: سرپرستان. یاوران. مراد معبودها است. از قبیل: فرشتگان و عُزَیر و عیسی و اصنام. (نگا: اعراف / ۲۷ و ۳۰، هود / ۲۰ و ۱۱۳، رعد / ۱۶، کهف / ۵۰ و ۱۰۲، فرقان / ۱۸، عنکبوت / ۴۱). «زُلْفي»: (نگا: سبأ / ۳۷، ص / ۲۵ و ۴۰). «کُفَّار»: کفرپیشه. کفران کننده نعمت.

سوره زمر آیه ۴

متن آیه:

﴿لَّوۡ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدٗا لَّٱصۡطَفَىٰ مِمَّا يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ سُبۡحَٰنَهُۖۥ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ۝٤﴾

ترجمه:

اگر خداوند می‌خواست فرزندی داشته باشد، می‌بایست از میان چیزهائی که خود می‌آفریند کسی یا چیزی را برگزیند. (در صورتی که فرزند باید از جنس پدر بوده و همچون او قدیم باشد. این هم ناممکن است). خداوند پاک و منزّه (از همه عیبها به ویژه از نیاز به فرزند) است. او خداوند یگانه پیروزمند است (و فرزند داشتن مخالف با یگانگی، و نیاز به فرزند بیان‌گر عدم پیروزمندی و چیرگی است).

توضیحات:

«إِصْطَفَي»: برگزید.

سوره زمر آیه ۵

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيۡلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيۡلِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمًّىۗ أَلَا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٥﴾

ترجمه:

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است (نه به بازیچه). شب را بر روز، و روز را بر شب می‌پیچد، و خورشید و ماه را فرمانبردار (دستور خود) کرده است (و برای مصلحت بندگان به گردش و چرخش انداخته است). هر یک از آنها تا مدّت معین و مشخّصی (که خدا می‌داند) در حرکت خواهد بود. هان! خدا بسیار مقتدر و بخشنده است (و هر چه را بخواهد می‌کند و هر که را بخواهد می‌بخشد).

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: به حق نه به شوخی و عبث. یعنی آفرینش دارای نظم و نظام شگرف و مقصد و هدف بزرگی است، و زندگی بازیچه نیست. «يُكَوِّرُ»: می‌پیچد. یعنی خداوند زمین را کروی آفریده است و به دور خود به گردش انداخته است، و بر اثر این گردش، قسمتی از کره زمین روز و قسمتی شب است، و گوئی از یک سو نوار سفید بر سیاه، و از سوی دیگر نوار سیاه بر سفید پیچیده می‌شود. چرا که مصدر آن (تکویر) است که به معنی پیچیدن عمامه و دستار به دور سر است. «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: (نگا: رعد / ۲، لقمان / ۲۹، فاطر / ۱۳).

سوره زمر آیه ۶

متن آیه:

﴿خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۚ يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٦﴾

ترجمه:

خدوااند شما را از یک تن (به نام آدم) بیافرید، سپس از جنس او همسرش را (به نام حوّاء) خلق کرد، و برای شما هشت جفت چهارپا گسیل داشت. او شما را در شکم‌های مادرانتان، در میان تاریکی‌های سه‌گانه، آفرینش‌های جوراجور و پیاپی می‌بخشد (و جنین را هر دم به گونه‌ای درآورده و به پلّه‌ای از خلقت می‌رساند) کسی که چنین

(نعمت‌هائی را می‌بخشد و این‌گونه نقش آفرینی) می‌کند، الله است که پروردگار شما است و حکومت و مملکت (سراسر عالم هستی) از آن او است. جز او معبودی وجود ندارد. پس چگونه (با وجود این همه موجبات و دواعی عبادت از حق منحرف می‌گردید، و از پرستش خدا به پرستش چیزهای دیگر) برگردانده می‌شوید؟

توضیحات:

«نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»: شخص واحدی. یک تن. مراد ابوالبشر، آدم ۷ است (نگا: نساء / ۱، انعام / ۹۸، اعراف / ۱۸۹). «ثُمَّ»: برای تأخیر زمانی نیست بلکه برای تأخیر بیان است. «جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»: همسر او را از جنس او آفرید. (نگا: نساء / ۱، اعراف / ۱۸۹). «أَنزَلَ»: خلقت بخشید. بیافرید. (نگا: اعراف / ۲۶، حدید / ۲۵). «ثَمَـانِيَةَ أَزْوَاجٍ»: (نگا: انعام / ۱۴۳). «خَلْقاً مِّن بَعْدِ خَلْقٍ»: مراد تطوّرات جنین و تحوّلات عجیب آن در مراحل مختلف است. «ظُلُمَـاتٍ ثَلاثٍ»: چه بسا مراد ظلمت شکم مادر، و ظلمت رحم، و ظلمت مشیمه یا بچّه‌دان باشد. یا مراد لایه‌های جنینی إِکتُودِرْم و مِزُودِرْم و اِنْدُودِرْم باشد. و یا این که مراد تخمدان و لوله فالوپ و رحم باشد. هدف اصلی را به علم «جنین‌شناسی» که در اصل درس خداشناسی است واگذار می‌کنیم. «أَنَّي»: چگونه؟ کجا؟ «فَأَنَّي تُصْرَفُونَ»: (نگا: یونس / ۳۲).

سوره زمر آیه ۷

متن آیه:

﴿إِن تَكْفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْۖ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلْكُفْرَۖ وَإِن تَشْكُرُواْ يَرْضَهُ لَكُمْۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ۝٧﴾

ترجمه:

اگر کافر گردید، خدا بی‌نیاز از (ایمان و عبادت) شما است، و لیکن کفر را از بندگان خود نمی‌پسندد، و اگر (با انجام عبادت و طاعت خدا را) سپاس‌گزاری کنید، از این کارتان خوشنود می‌گردد. هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد (و گناهان دیگری را به گردن نمی‌گیرد). بعدها بازگشت همه شماها به‌سوی پروردگارتان خواهد بود و از چیزهائی که می‌کرده‌اید آگاهتان خواهد ساخت. چرا که او آگاه از اسرار و

افکار نهفته در سینه‌ها است.

توضیحات:

«إِن تَكْفُرُوا»: اگر کافر شوید. اگر ناشکری و کفران نعمت کنید «الْكُفْرَ»: الحاد و بی‌دینی. ناشکری و کفران نعمت. «إِن تَشْكُرُوا»: اگر شکر نعمت به جای آورید و سپاسگزار الطاف خداوندی باشید. شکر، علاوه از شکر نعمت اصطلاحی، کنایه از ایمان و فرمانبرداری از دستورات خدا هم می‌باشد. «لا تَزِرُ...»: (نگا: انعام / ۱۶۴، اسراء / ۱۵، فاطر / ۱۸). «ذَاتِ الصُّدُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۹ و ۱۵۴، مائده / ۷، انفال / ۴۳).

سوره زمر آیه ۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦۚ قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ ٨﴾

ترجمه:

هنگامی که گزندی متوجّه انسان می‌گردد، پروردگار خود را به فریاد می‌خواند و تضرّع کنان رو به درگاه او می‌آورد. سپس هنگامی که نعمت بزرگی از جانب خود بدو داد (و شقاوت او را به سعادت و ناخوشی وی را به خوشی تبدیل کرد) خدا را که قبلاً به فریاد می‌خواند فراموش می‌کند (و گزند را از یاد می‌برد و به ترک دعا می‌گوید) و خداگونه‌هائی را برای خدا می‌سازد تا (هم خود را و هم مردمان را بدان) از راه او به در برد و گمراه کند. (ای پیغمبر! به چنین فردی) بگو: اندک روزگاری از کفر خود بهره‌مند شو (و با آن خوش بگذران، امّا بدان که) تو از دوزخیانی.

توضیحات:

«الإِنسَانَ»: مراد از ذکر جنس، بعضی از افراد است. مانند: «إِنَّ الإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم / ۳۴). «ضُرٌّ»: گزند. زیان و ضرر مالی و بدنی. (نگا: یونس / ۱۲، نحل / ۵۳ و ۵۴، مؤمنون / ۷۵، روم / ۳۳). «مُنِيباً»: توبه‌کنان. برگردنده با تضرّع و زاری. حال است. «خَوَّلَهُ»: (نگا: انعام / ۹۴). «نَسِيَ مَا»: خدا را فراموش می‌کند. در این صورت (مَا) به معنی

(مَنْ) و برای تفخیم و تعظیم است. گزند و بلا را فراموش می‌کند. دعا کردن و به فریاد خواستن را از یاد می‌برد. در این صورت (مَا) مصدریه است (نگا: تفسیر آلوسی). «یَدْعُو»: الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی دارد. «أَندَاداً»: امثال و نظائر. خداگونه‌ها.

سوره زمر آیه ۹

متن آیه:

﴿أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا يَحْذَرُ ٱلْءَاخِرَةَ وَيَرْجُواْ رَحْمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ ۝٩﴾

ترجمه:

(آیا چنین شخص مشرکی که بیان کردیم، بهتر است) یا کسی که در اوقات شب سجده‌کنان و ایستاده به طاعت و عبادت مشغول می‌شود و (خویشتن را) از (عذاب) آخرت به دور می‌دارد، و رحمت پروردگار خود را خواستار می‌گردد؟ بگو: آیا کسانی که (وظیفه خود را در قبال خدا) می‌دانند، با کسانی که (چنین چیزی را) نمی‌دانند، برابر و یکسانند؟! (هرگز). تنها خردمندان (فرق اینان را با آنان تشخیص می‌دهند، و از آن) پند و اندرز می‌گیرند.

توضیحات:

«قَانِتٌ»: پرستشگر فرمانبردار. شخص مطیعی که با خشوع و خضوع نماز و دعای خود را طول می‌دهد (نگا: بقره / ۱۱۶ و۲۳۸، آل‌عمران / ۱۷، نساء / ۳۴، نحل / ۱۲۰). «آناءَ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۳، طه / ۱۳۰).

سوره زمر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿قُلْ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌۗ وَأَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝١٠﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! از سوی من به مردمان) بگو: ای بندگان مؤمن من! از (عذاب) پروردگارتان (خویشتن را) بپرهیزید. کسانی که نیکی کنند، در همین جهان بدی‌شان نیکی می‌شود. (در مراکز کفر و شرک و ظلم و غرق در گناه زندگی نکنید و پستی و

خواری را نپذیرید و هجرت را پیشه سازید). زمین خداوند وسیع و فراخ است (و در دیار غربت شکیبائی کنید). قطعاً به شکیبایان اجر و پاداش‌شان به تمام و کمال و بدون حساب داده می‌شود.

توضیحات:

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ»: کسانی که نیکی کنند، علاوه از آخرت در همین جهان نیکی عظیمی می‌بینند (نگا: نحل / ۳۰ و ۱۲۲، غافر / ۵۱). برای کسانی که در این جهان نیکی کنند، در آخرت نیکی عظیمی است. تفسیر اوّل درست‌تر به نظر می‌رسد. چرا که نقطه مقابل نیکوکاران، بدکارانند که در هر دو جهان بدی می‌بینند (نگا: بقره / ۸۵ و ۱۱۴، آل‌عمران / ۵۶، رعد / ۳۴). پس باید که نیکوکاران نیز در هر دو جهان نیکی ببینند. «بِغَيْرِ حِسَابٍ»: (نگا: بقره / ۲۱۲، آل‌عمران / ۲۷ و ۳۷، نور / ۳۸، ص / ۳۹).

سوره زمر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ١١﴾

ترجمه:

بگو: به من فرمان داده شده است به این که خدا را بپرستم و پرستش را (از هر گونه شائبه کفر و شرک و ریا، پالوده و زدوده سازم و) خاصّ او کنم.

توضیحات:

«مُخْلِصاً لَّهُ الدِّينَ»: (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵، لقمان / ۳۲، زمر / ۲).

سوره زمر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٢﴾

ترجمه:

و به من دستور داده شده است که نخستین فرد از افراد منقاد (اوامر خدا) باشم.

توضیحات:

«أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ»: دارای دو معنی عمده است: الف - نخستینِ مسلمانان و

پیروان دین اسلام باشم. یعنی در آنچه مردم را بدان می‌خوانم، خودم قدوه و الگو بوده و در طاعت و عبادت و تلاش در راه پیشبرد مقاصد آئین اسلام، سرآمد دیگران باشم. ب - من نخستین فرد از تسلیم شوندگان اوامر یزدان در حرکت با کاروان ایمان به قافله سالاری پیغمبران باشم (نگا: انعام / ۱۶۳، نمل / ۹۱).

سوره زمر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣﴾

ترجمه:

بگو: اگر من از (اوامر) پروردگارم سرکشی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم. (چرا که من باید اوّلین مؤمن به آئین خویش و پیشگام‌ترین مسلمانان در انجام وظائف مکتب آسمانی باشم، و هر کس در هر مقامی که باشد اگر در برابر مقام الوهیت، عبودیت خود را نشان ندهد، باید به عذاب الهی بسوزد).

توضیحات:

«قُلْ إِنِّي...»: (نگا: انعام / ۱۵، یونس / ۱۵).

سوره زمر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ١٤﴾

ترجمه:

بگو: تنها خدا را می‌پرستم و بس، و عبادت و طاعتم را خاصّ او می‌کنم و (پرستش او را از هر گونه کفر و شرکی می‌زدایم و) می‌پالایم.

توضیحات:

«اللهَ»: مفعول به برای (أَعْبُدُ) می‌باشد و بیان‌گر حصر است.

سوره زمر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم مِّن دُونِهِۦۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ١٥﴾

ترجمه:

امّا شما هر چه و هر که را جز او می‌خواهید بپرستید. (راه من این بود و راه شما هر چه می‌خواهد باشد، هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت). بگو: زیانکاران واقعی کسانی هستند که (عمر و جان) خود را (به سبب گمراهی، و حتّی عمر و جان اهل و عیال) و وابستگان خود را (با گمراهسازی)، در روز قیامت (هدر دهند و) زیانبار کنند. هان! زیان آشکار واقعاً همین است.

توضیحات:

«خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ»: (نگا: انعام / ۱۲ و ۲۰، اعراف / ۹ و ۵۳). «أَهْلِیهِمْ»: أَهْلُونَ و أَهْلِینَ، جمع أَهْل است. اهل و عیال و خویشان و وابستگان (نگا: مائده / ۸۹).

سوره زمر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿لَهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحۡتِهِمۡ ظُلَلٞۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ١٦﴾

ترجمه:

بالای سرشان سایبان‌هائی از آتش و در زیر پاهایشان سایبان‌هائی از آتش دارند (و بلکه از هر سو آتش بر آنان خیمه زده است و طبقات آتش ایشان را فرا گرفته است). این چیزی است که خداوند بندگان خود را از آن می‌ترساند (و بر حذر می‌دارد). پس ای بندگانم! خویشتن را از (عذاب) من بپرهیزید (و با انجام طاعت و عبادت خود را از آتش دوزخ در امان دارید).

توضیحات:

«ظُلَلٌ»: جمع ظُلَّة، سایبانها. مراد طبقات و چینها و لایه‌های متراکم آتش است (نگا: بقره / ۲۱۰، لقمان / ۳۲، اعراف / ۱۷۱، شعراء / ۱۸۹).

سوره زمر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ فَبَشِّرۡ عِبَادِ ١٧﴾

ترجمه:

کسانی که از عبادت طاغوت دوری می‌گزینند، و (با توبه و استغفار) به‌سوی خدا باز می‌گردند، ایشان را بشارت باد (به اجر و پاداش عظیم خداوندی). مژده بده به بندگانم.

توضیحات:

«الطَّاغُوتَ»: بتان و شیاطین و هر معبودی جز خدا (نگا: بقره / ۲۵۶ و ۲۵۷، نساء / ۵۱ و ۶۰ و ۷۶، مائده / ۶۰، نحل ۳۶). «أَنَابُوا»: با توبه و استغفار به‌سوی خدا برگشتند. «الْبُشْري»: مژده. بشارت (نگا: بقره / ۹۷، آل‌عمران / ۱۲۶، یونس / ۶۴). «عِبَادِ»: بندگان من در اصل (عِبادي) بوده و یاء حذف شده و کسره به جای آن است.

سوره زمر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾

ترجمه:

آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانیند که خدا هدایت‌شان بخشیده است، و ایشان واقعاً خردمندند.

توضیحات:

«الْقَوْلَ»: مراد هر گونه سخن و گفتاری است. چرا که این آیه بیان‌گر آزاداندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری ایشان در مسائل مختلف است. به مؤمنان اجازه می‌دهد سخنان دیگران را مطالعه و بررسی کنند و اهل تحقیق باشند.

سوره زمر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَفَمَنۡ حَقَّ عَلَيۡهِ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ١٩﴾

ترجمه:

آیا کسی که (به خاطر ارتکاب معاصی و اصرار بر ظلم و فساد، روح ایمان و تشخیص برای همیشه در او مرده است و وجودش یکپارچه وجود جهنّمی شده است، و لذا) فرمان عذاب درباره او قطعی و محقّق گشته است (تو می‌توانی وی را از عذاب برهانی؟) آیا تو می‌توانی کسی را نجات دهی که در آتش دوزخ قرار گرفته است؟

توضیحات:

«حَقَّ»: ثابت و واجب شده است. (نگا: اعراف / ۳۰، حجّ / ۱۸، ص / ۱۴). «كَلِمَةُ الْعَذَابِ»: فرمان عذاب (نگا: یونس / ۳۳ و ۹۶، نحل / ۳۶). «أَفَمَنْ... أَفَأَنتَ...»: تکرار استفهام برای تأکید انکار و نفی است. یعنی اصلاً نمی‌توانی. «تُنقِذُ»: نجات می‌دهی و می‌رهانی.

سوره زمر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ ٱلۡمِيعَادَ ٢٠﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که از (عذاب) پروردگارشان (خویشتن را) بپرهیزند، آنان (در بهشت برین جای دارند و) دارای قصرها و کاخ‌هائی هستند که بالای یکدیگر ساخته شده‌اند و در زیر آنها رودبارها جاری است. این وعده را خدا می‌دهد و خدا خلاف وعده نمی‌کند.

توضیحات:

«غُرَفٌ»: منازل برافراشته و خانه‌های سر به فلک کشیده. بالاخانه‌ها و کاخ‌ها (نگا: فرقان / ۷۵). «مَبْنِيَّةٌ»: ساخته شده. ذکر این واژه پس از (غُرَف) مراد حقیقت آن است. یعنی جنبه مجازی ندارد و بلکه واقعاً وجود دارد. «وَعْدَ»: مفعول مطلق فعل محذوف است و برای تأکید مضمون جمله پیشین است. یعنی: «وَعَدَهُمُ اللهُ بِذلِكَ وَعْداً». «الْمِيعَادَ»: (نگا: آل‌عمران / ۹، انفال / ۴۲، رعد / ۳۱، سبأ / ۳۰).

سوره زمر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ حُطَٰمًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢١﴾

ترجمه:

(ای مخاطب!) مگر نمی‌بینی که خداوند از آسمان آب را می‌باراند و آن را به آب انبارهای زیرزمینی زمین وارد و مستقرّ می‌گرداند، و سپس به وسیله آن انواع سبزه‌زارها و کشتزارها را با رنگهای گوناگون می‌رویاند، و آن‌گاه سبزه‌زارها و کشتزارها می‌بالند و لبریز از جوش و خروش می‌شوند و بعداً آنها را پژمرده و زردرنگ می‌بینی، و آن وقت خدا آنها را خشک و پرپر می‌سازد؟ واقعاً در این (چرخه آب و گیاه، درس) عبرتی برای خردمندان است.

توضیحات:

«سَلَكَهُ»: آن را داخل و مستقرّ می‌گرداند (نگا: مدّثّر / ۴۲، شعراء / ۲۰۰، مؤمنون / ۲۷). «يَنَابِيعَ»: جمع ینبُوع، چشمه‌ها. مراد منبع‌ها و آب انبارهای زیرزمینی است. منصوب به نزع خافض است و در اصل چنین است: «فِي يَنَابِيعَ». یا این که حال است و به معنی آب‌های جَهنده و جوشنده از زمین است (نگا: روح‌المعانی). «مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ»: در رنگ‌های گوناگون. دارای انواع جوراجور. «يَهِيجُ»: از اضداد است و به دو معنی آمده است: خشک می‌گردد. می‌بالد و جوش و خروش برمی‌دارد (نگا: نمونه. صفوة البیان. التفسیر القرآنی للقرآن). «مُصْفَرّاً»: زرد رنگ (نگا: روم / ۵۱). «حُطامًا»: گیاه خشکیده و خُرد و پرپر شده. «ذِكْرَي»: تذکر و بیدار باش. درس عبرت (نگا: انعام / ۶۸ و ۶۹ و ۹۰، اعراف / ۲، هود / ۱۱۴ و ۱۲۰).

سوره زمر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ فَوَيۡلٞ لِّلۡقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٢﴾

ترجمه:

آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و فراخ ساخته است و دارای (بینشی روشن از) نور پروردگارش می‌باشد (و در پرتو آن، راه را از چاه تشخیص می‌دهد، همچون کسی است که هدایت الهی در سایه اسلام پرتوی به دل او نیفکنده

است و درونش با ایمان تابان نشده است؟!). وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد خدا بدان‌ها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدان در آنها اثر نمی‌گذارد!). آنان واقعاً به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.

توضیحات:

«شَرَحَ صَدْرَهُ»: (نگا: انعام / ۱۲۵، طه / ۲۵). «عَلَي نُورٍ»: دارای نور هدایت است (نگا: مائده / ۴۴ و ۴۶، نور / ۴۰، حدید / ۲۸). بینش روشن خدادادی. «أَفَمَن شَرَحَ...»: جواب (مَنْ) محذوف است که مفهوم از سیاق سخن است و تقدیر چنین است: «أَفَمَن شَرَحَ اللهُ صَدْرَهُ لِلإِسْلامِ فَهُوَ عَلي نُورٍ كَمَنْ هُوَ قَاسِي الْقَلْبِ لا يَهْتَدِي بِنُورٍ». (نگا: محمّد / ۱۴). «ذِكْرِ اللهِ»: یاد خدا. قرآن خدا (نگا: آل‌عمران / ۵۸، اعراف / ۶۳ و ۶۹، حجر / ۶ و ۹، نحل / ۴۴). «الْقَاسِيَةِ»: سخت و سنگین (نگا: مائده / ۱۳، حجّ / ۵۳).

سوره زمر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٍ ٢٣﴾

ترجمه:

خداوند بهترین سخن را (به نام قرآن) فرو فرستاده است. کتابی را که (از لحاظ کاربرد و گیرائی الفاظ، و والائی و هم‌آوایی معانی، در اعجاز) همگون و (مطالبی چون مواعظ و براهین و قصص، و مسائل مقابل و مختلفی همانند: ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر، حسنات و سیئات، بهشت و دوزخ، البتّه هر بار به شکلی تازه و به شیوه‌ای نو، در آن) مکرّر است. از (شنیدن آیات) آن لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگار خود می‌ترسند، و از آن پس پوست‌هایشان و دل‌هایشان (و همه وجودشان) نرم و آماده پذیرش قرآن خدا می‌گردد (و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند). این (کتاب مشتمل بر) رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می‌سازد، و خدا هر که را گمراه سازد، اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت.

توضیحات:

«أَحْسَنَ الْحَدِيثِ»: زیباترین کلام و بهترین سخن. مراد قرآن است. «كِتَاباً»: بدل از (أَحْسَنَ) است. «مُتَشَابِهاً»: همگون و همسان. مراد این است که جملگی قرآن از لحاظ لفظی و معنوی همگون در اعجاز است. در سراسر قرآن، الفاظ به گونه زیبا و بجا به کار رفته‌اند، و معانی بدون کمترین تناقض و تضاد استعمال شده‌اند. «مَثَانِيَ»: جمع مثنّی، مکرّر. مراد این است که احکام و مواعظ و قصص و غیره در موارد متعدّد به شکلهای متفاوت و صورت‌های مختلف تکرار شده‌اند تا خوب فهم و در مغزها جایگزین شوند. یا این که مثنّی به معنی دو تا و جفت یکدیگر است. یعنی مسائل و مطالب مقابل یکدیگر در قرآن آمده است که در هر دو بخش اعجاز قرآن پیدا و هویدا است. از قبیل: ایمان و کفر. حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شرّ، حسنات و سیئات، بیم و امید. «تَقْشَعِرُّ»: بر خود می‌لرزد. «تَلِينُ»: نرم می‌گردد. می‌گراید. مراد رام و پذیرای قوانین و احکام قرآن شدن و تسلیم حقائق و معانی آن گشتن است. «ذِكْرِ اللهِ»: قرآن خدا (نگا: زمر / ۲۲).

سوره زمر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

آیا کسی که عذاب بد (و سوزناک دوزخ) را در روز قیامت با چهره و صورت از خود دور می‌سازد (زیرا دست و پای وی در غل و زنجیر است، همانند کسی است که در آن روز در نهایت امنیت و خوشی بسر می‌برد؟ در آن روز) به ظالمان گفته می‌شود: بچشید (کیفر) کارهائی را که کرده‌اید.

توضیحات:

«أَفَمَن يَتَّقِي...»: هنگامی که خطری متوجّه صورت می‌شود، انسان دست و بازو و سایر اعضای پیکر خود را سپر آن قرار می‌دهد تا چهره را از خطر مصون کند. امّا در دوزخ، حال دوزخیان به گونه‌ای است که باید با صورت از خود دفاع کنند. چرا که دست و پای دوزخیان در غل و زنجیر است (نگا: یس / ۸، انسان / ۴). جواب (مَنْ)

محذوف است و تقدیر چنین است: «أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَنْ هُوَ ءَامِنٌ مِّن كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَمُتَنَعِّمٌ فِي الْجِنَانِ». «ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ»: (نگا: عنکبوت / ۵۵).

سوره زمر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

(ستمگران تصوّر نکنند فقط در آخرت دچار عذاب می‌گردند و در این جهان در امان می‌مانند) کسانی که قبل از ایشان بوده‌اند (و پیغمبران ما را) تکذیب کرده‌اند، عذاب (الهی به گونه‌ای و) از جائی دامانشان را گرفته است که (انتظارش را نداشته و) بدان پی نبرده‌اند.

توضیحات:

«مِن قَبْلِهِمْ...»: پیش از این کافران و مشرکانِ فعلی. «مِنْ حَيْثُ»: از جائی که.

سوره زمر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلۡخِزۡيَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

خداوند خواری و رسوائی را در زندگی دنیا بدی‌شان چشانده است، و قطعاً عذاب آخرت (آنان از عذاب ذلّت و پستی همین جهان ایشان، بسیار سخت‌تر و) بزرگ‌تر است اگر بدانند (و اهل سنجش و بینش باشند).

توضیحات:

«الْخِزْيَ»: خواری و پستی. رسوائی و بدنامی (نگا: بقره / ۸۵ و ۱۱۴، مائده / ۳۳ و ۴۱). «أَكْبَرُ»: بزرگتر. مراد سخت‌تر و شدیدتر و دردناکتر است.

سوره زمر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

ما در این قرآن برای مردمان هر نوع مثلی را (که برای رهنمود و بیداری ایشان

مفید باشد) بیان داشته‌ایم، تا این که آنان پند گیرند و هوشیار گردند.

توضیحات:

«مِن کُلِّ مَثَلٍ»: هر نوع مثلی که مفید بوده و برای عبرت و هدایت لازم باشد.

سوره زمر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قُرۡءَانًا عَرَبِيًّا غَيۡرَ ذِي عِوَجٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

قرآن فصیحی که به زبان عربی (نازل شده) است و خالی از هر گونه کژی (ظاهری) و نادرستی (معنوی) است؛ شاید که ایشان پرهیزگاری پیشه کنند (و در پرتو فهم قرآن، خویشتن را از خواری دنیا و عذاب سخت آخرت برهانند و به دور دارند).

توضیحات:

«قُرْءَاناً عَرَبِیّاً»: قرآنی که به زبان عربی است. قرآنی که فصیح و رسا است. (قُرْءَاناً) حال مؤکده (الْقُرْءَانِ) است. واژه (عَرَبِیّاً) به معنی عربی یا فصیح است. «عِوَجٍ»: کژی و نادرستی. مراد این است که قرآن هم از لحاظ قوانین دستوری، و هم از نظر محتوا و معانی، نقص و عیبی ندارد (نگا: کهف / ۱).

سوره زمر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلٗا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلٗا سَلَمٗا لِّرَجُلٍ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

خداوند مثالی زده است: مردی را که برده شریکانی است که پیوسته درباره او به مشاجره و منازعه مشغولند (و هر کدام او را به کاری دستور می‌دهد و او در میان دستورهای ضدّ و نقیض ایشان سرگردان و ویلان است)، و مردی را که تنها تسلیم یک نفر است (و تحت سرپرستی او خطّ و برنامه‌اش مشخّص است و لذا سرگردان و حیران در میان این و آن نیست). آیا این دو (برده که نمونه مشرک و موحّدند) برابر و یکسانند؟ (هرگز). حمد و سپاس تنها خدا را سزا است (نه بت‌ها و انبازها و معبودهای دروغین را) و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند (و این حقیقت را فراموش کرده‌اند).

توضیحات:

«رَجُلاً»: بدل از (مَثَلاً) است. «مُتَشَاكِسُونَ»: افراد درگیر جنگ و نزاع. کشمکش کنندگان. «سَلَماً»: خالص. دربست. مراد این است که چنین برده‌ای بر کنار از دعوا و گیر و دار اربابان متفرّق است و دربست متعلّق به کسی است. «مَثَلاً رَّجُلاً»: کنایه از مشرک است. یعنی شخص مشرک با پرستش معبودهای متعدّد، سرگردان و ویلان و بی‌پناه و بی‌نوا است. «رَجُلاً سَلَماً»: کنایه از موحّد و یکتاپرست است. یعنی مؤمن یکتاپرست دارای پناهگاه معین و راه و مقصد روشن است. «أَكْثَرُهُمْ»: بیشتر آنان. مراد همه آنان، یعنی مشرکان است.

سوره زمر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾﴾

ترجمه:

(ای محمّد! مرگ از مسائلی است که همه انسان‌ها در آن یکسانند، و شتری است که بر در خانه همه کس می‌خوابد. لذا) تو هم می‌میری، و همه آنان می‌میرند (و سرانجامِ نیک و خوش و جاویدان از آنِ پرهیزگاران است).

توضیحات:

«إِنَّكَ مَيِّتٌ»: تو خواهی مرد. ضمیر (ک) به پیغمبر خدا، محمّد مصطفی، برمی‌گردد، و عمومیت قانون مرگ را نسبت به همه انسان‌ها روشن می‌سازد.

سوره زمر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾﴾

ترجمه:

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان به نزاع و کشمکش می‌پردازید (و خدا در میانتان داوری می‌کند و حق هر کسی را به کف دستش می‌نهد).

توضیحات:

«تَخۡتَصِمُونَ»: منازعه و مجادله می‌کنید. مراد دادگاهی همه انسان‌ها در قیامت است. انبیاء بیان می‌فرمایند که رسالت خود را به جای آورده و تبلیغ خود را کرده‌اند. برخی از مردم این کار را انکار می‌کنند. مظلوم ظالم را، و زیردست بالادست را به داوری می‌کشاند (نگا: بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷، احزاب / ۹۶۷ و ۶۸، صافّات / ۲۷ - ۳۳ و ۵۰ - ۶۱).

سوره زمر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدۡقِ إِذۡ جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد، و حقیقت و صداقت را که (توسّط پیغمبران) بدو رسیده است (بدون کم‌ترین پژوهش و اندیشه‌ای) تکذیب می‌کند؟ آیا منزل و مأوای کافران در دوزخ نخواهد بود؟ (پس بگذار هر چه می‌خواهند بگویند و بکنند، تا بدانجا می‌رسند).

توضیحات:

«الصِّدْقِ»: حقیقت و صداقت. «مَثْوىً»: جایگاه. اقامتگاه (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نحل / ۲۹، عنکبوت / ۶۸).

سوره زمر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدۡقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

کسانی که حقیقت و صداقت را با خود آورده‌اند (و از سوی خدا به مردمان ابلاغ کرده‌اند که پیغمبرانند) و کسانی که حقیقت و صداقت را باور داشته‌اند (و برابر آن رفته‌اند که مؤمنانند) آنان پرهیزگاران واقعی هستند.

توضیحات:

«الَّذِي جَآءَ بِالصِّدْقِ»: مراد پیغمبران به طور عامّ، و پیغمبر اسلام به طور خاصّ است. «صَدَّقَ بِهِ»: مراد مؤمنان و پیروان جملگی پیغمبران به طور عامّ، و مؤمنان و

پیروان پیغمبر اسلام به طور خاصّ است.

سوره زمر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

هر چه بخواهند برای‌شان در پیشگاه پروردگارشان آماده است. این، پاداش نیکوکاران است. (آنان که عقیده نیک و کردار نیک دارند).

توضیحات:

«مَا يَشَآؤُونَ»: هر چه بخواهند و آنچه طلب کنند (نگا: فرقان / ۱۶).

سوره زمر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

خداوند (چنین تفضّلی در حق ایشان می‌فرماید) تا بدترین کارهای ایشان را (چه برسد به لغزش‌های ناچیزشان بزداید و) ببخشاید، و آنان را برابر نیکوترین کارهایشان پاداش عطاء نماید.

توضیحات:

«لِيُكَفِّرَ»: تا محو کند و بزداید. تا صرف نظر کند و ببخشاید. متعلّق به (لَهُم مَّا يَشَآؤُونَ) است. «أَسْوَأَ الَّذِي...»: مراد این است که خداوند بدترین گناهان بندگان متّقی را از قبیل کفر قبل از ایمان می‌بخشد. معلوم است وقتی که بدترین چیز بخشوده شود، بد و ناچیز پیش از آن بخشوده می‌گردد. به عبارت دیگر، وقتی که کبائر بخشیده شود، صغائر قطعاً مورد عفو قرار می‌گیرد. یا این که (أَسْوَأَ) در اینجا معنی تفضیل ندارد و در معنی (سُوء) یعنی بد به کار رفته است. یعنی خداوند بدی‌ها را می‌بخشاید. «أَحْسَنَ الَّذِي...»: برابر نیکوترین چیزی که کرده‌اند. یعنی خداوند خوب‌ها و خوب‌ترهای اعمال متّقیان را خوب‌ترین به شمار می‌آورد و پاداش نامحدود عطاء می‌فرماید. یا این که (أَحْسَنَ) معنی

تفضیلی ندارد و در معنی (حَسَن) است. یعنی کارهای نیکو.

سوره زمر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٦﴾

ترجمه:

آیا خداوند برای (حفاظت و حمایت از) بنده‌اش کافی نیست؟ آنان تو را از کسانی جز خدا می‌ترسانند. (مگر بت‌ها و معبودهای دروغین و عداوت کافران و دشمنان و طوفان حوادث زمان، می‌توانند کم‌ترین زیانی به کسی برسانند که خدا پشتیبان او است؟). هر کس را خدا گمراه کند، راهنما و رهبری نخواهد داشت.

توضیحات:

«کَافٍ»: کافی و بسنده.

سوره زمر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٖ ذِي ٱنتِقَامٖ ٣٧﴾

ترجمه:

و هر کس را خدا رهنمود کند، هیچ گمراه کننده‌ای نخواهد داشت. مگر خدا چیره انتقام گیرنده نیست؟ (پس ای مؤمنان! تکیه بر لطف خدا کنید و از انبوه دشمنان نهراسید و از کمی همراهان باک مدارید).

توضیحات:

«أَلَيْسَ اللهُ»: (أَ) همزه استفهام انکاری و برای نفی است. (لَيْسَ) هم برای نفی است. نفی نفی مثبت می‌گردد. یعنی: قطعاً خدا چنین است.

سوره زمر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا. بگو: آیا چیزهائی را که بجز خدا به فریاد می‌خوانید چنین می‌بینید که اگر خدا بخواهد زیان و گزندی به من برساند، آنها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد، آنها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را باز دارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس.

توضیحات:

«لَئِن سَأَلْتَهُمْ...»: قرآن مردمان را به داوری عقل و حکمِ وجدان و ندای فطرت می‌برد، تا ایشان را متوجّه کند که «خالقیّت» و «قدرت بر سود و زیان» متعلّق به ذات پاک یزدان است و بس. دیگران نه خالقند و نه مالک سود و زیان. «کَاشِفَاتُ»: برطرف کنندگان و از میان بردارندگان.

سوره زمر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

بگو: ای قوم من! شما بر موضع خود باشید و هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز در راه خود ثابت قدم هستم و به وظیفه خود عمل می‌کنم، امّا خواهید دانست.

توضیحات:

«عَلي مَکَانَتِکُمْ»: (نگا: انعام / ۱۳۵، هود / ۹۳ و ۱۲۱، یس / ۶۷).

سوره زمر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ٤٠﴾

ترجمه:

(خواهید دانست که) چه کسی عذاب خوار کننده (دنیا) به سراغ او خواهد آمد و خوار و رسوایش خواهد کرد، و (به دنبال آن) عذاب جاویدان (آخرت) گریبانگیرش می‌گردد.

توضیحات:

«يُخْزِيهِ»: خوار و رسوایش می‌کند. حقیر و درمانده‌اش می‌سازد. «يَحِلُّ»: در می‌رسد. وارد می‌گردد. «مُقِيمٌ»: ماندگار. جاویدان.

سوره زمر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٍ ۝٤١﴾

ترجمه:

ما کتاب (قرآن) را که مشتمل بر حق و حقیقت است بر تو نازل کرده‌ایم تا آن را به مردمان برسانی. هر کس (از آن درس برگیرد و) هدایت پذیرد، به نفع خود او است، و هر کس (از آن دوری گزیند و) گمراه گردد، به زیان خود سرگردان و ویلان شود (وظیفه تو تنها ابلاغ و انذار است) و تو مواظب و مراقب ایشان نمی‌باشی (تا اعمال‌شان را بپائی و افعال‌شان را زیر نظر بداری).

توضیحات:

«لِلنَّاسِ»: برای مردم. برای ابلاغ به مردم. «بِالْحَقِّ»: مشتمل بر حق و حقیقت است و باطل بدان راه ندارد. «يَضِلُّ عَلَيْهَا»: به زیان خود گمراه می‌گردد. «وَكِيلٍ»: (نگا: انعام / ۶۶ و ۱۰۲ و ۱۰۷، یونس / ۱۰۸، هود / ۱۲، یوسف / ۶۶، قصص / ۲۸).

سوره زمر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

خداوند ارواح را به هنگام مرگ انسان‌ها و در وقت خواب انسان‌ها برمی‌گیرد. ارواح کسانی را که فرمان مرگ آنان را صادر کرده است نگاه می‌دارد، و ارواح دیگری را (که هنوز صاحبانشان اجل‌شان فرا نرسیده به تن) باز می‌گرداند تا سرآمد معینی (و وقت مشخّصی که پایان عمر است). در این مسأله (خواب و بیداری که همسان مردن و زنده شدن است) نشانه‌های روشنی (از مبدأ و معاد و قدرت خدا و ضعف انسان‌ها) برای اندیشمندان است.

توضیحات:

«يَتَوَفِّي»: کاملاً دریافت می‌دارد. به تمام و کمال قبض می‌کند و برمی‌گیرد. «الأنفُسَ»: ارواح. «مَوْتِها»: مراد مرگ اجسام است. «يُمْسِكُ الَّتي...»: اشاره به حالت مرگ است که موت کبری است و در آن روحها با بدن‌ها به طور کامل قطع رابطه می‌کنند و برای همیشه به عالم ارواح می‌روند. «يُرْسِلُ الأُخْري»: اشاره به حالت خواب یا موت صغری است که چهره ضعیفی از مرگ است و روح‌ها با بدن‌ها به طور ناقص قطع ارتباط می‌کنند. یا می‌توان گفت: ارواح میان عالم روحانی و دنیای جسمانی در جولان و نوسانند. «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: مراد پایان عمر انسان‌ها است. یادآوری: از این آیه استفاده می‌شود که: ۱ - انسان ترکیبی از روح و جسم است ۲ - روح موجودی جدا از جسم است و هنگامی که با آن رابطه پیدا کند نشانه حیات پدیدار می‌گردد ۳ - انسان به هنگام خواب در آستانه مرگ قرار می‌گیرد (نگا: انعام / ۶۰). عبدالکریم خطیب معتقد است که (نفس) در قرآن، نه روح است و نه جسم. بلکه انسانیت انسان، یا انسان معنوی است (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره زمر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

بلکه آنان بدون رضایت و اجازه خداوند میانجی‌هائی را برگزیده‌اند (تا به گمان ایشان میان آنان و خداوند سبحان، در برآوردن نیازمندی‌های این جهان و دفع عذاب آن جهان، واسطه گردند.) بگو: آیا (چنین چیزهائی را میانجی و متصرّف در امور می‌دانید) هر چند که کاری اصلاً از دست ایشان ساخته نبوده و فهم و شعوری نداشته باشند؟

توضیحات:

«مِن دُونِ الله»: بدون رضایت خدا. بدون اجازه خدا (نگا: روح‌المعانی).

سوره زمر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

بگو: هرگونه میانجیگری از آن خدا است (و کسی نمی‌تواند کم‌ترین میانجیگری بکند، مگر این که: کسی که برای او میانجیگری می‌شود مورد رضایت خدا بوده، و به شخص میانجی هم اجازه این کار داده شود، و شفاعت هم حَسَنه باشد). مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است. (پس در این جهان کاری از دست کسی بر نمی‌آید). بعد (هم در آخرت که روز جزا و سزا است) به‌سوی خدا برگردانده می‌شوید (و کسی دارای کوچک‌ترین اختیار و توانی نیست تا برای شما کاری بکند).

توضیحات:

«للهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً»: هر چه شفاعت است از آن خدا است. شفاعت وقتی میسّر است که خدا به شفاعت کننده اجازه دهد (نگا: بقره / ۲۵۵، یونس / ۳، طه / ۱۰۹) و از شفاعت شده خوشنود گردد (نگا: انبیاء / ۲۸) و خود شفاعت، پسندیده و درست باشد (نگا: نساء / ۸۵، زخرف / ۸۶).

سوره زمر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان می‌گیرد و بیزار (از یکتاپرستی) می‌گردد، امّا هنگامی که از معبودهائی جز خدا سخن به میان می‌آید، به ناگاه شاد و خوشحال می‌شوند!

توضیحات:

«إِذا ذُكِرَ اللهُ وَحْدَهُ...»: (نگا: اسراء / ۴۶). «إِشْمَأَزَّتْ»: گرفته و بیزار گردید. به هم آمد. «يَسْتَبْشِرُونَ»: شاد و مسرور می‌گردند. یادآوری: هم‌اکنون انسان‌هائی هستند که از شنیدن نام خدا، شور و شوقی از ایشان دیده نمی‌شود، ولی به محض به میان آمدن نام بنده‌ای از بندگان خدا هیاهو و نعره‌ها سر می‌دهند و غرق سرور می‌شوند و چه بسا به حالت جذبه می‌افتند و سرودگویان به دست افشانی و پایکوبی می‌پردازند. و گاهی در مقابل قطعه سنگی و چوبی و یا انسانی بی‌سواد و بی‌خبر از قرآن و فقه و شریعت

زانو می‌زنند!

سوره زمر آیه ۴۶

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

بگو: خداوندا! ای هستی بخش آسمان‌ها و زمین! ای آگاه از نهان و آشکار! این توئی که در میان بندگانت راجع بدانچه در آن اختلاف دارند داوری می‌کنی. (من آئین توحیدی را به این کج‌اندیشان رساندم. در قیامت تو خود دانی و گمراهان).

توضیحات:

«أَللَّهُمَّ»: (نگا: آل‌عمران / ۲۶، مائده / ۱۱۴، انفال / ۳۲، یونس / ۱۰). «فَاطِرَ»: (نگا: انعام / ۱۴، یوسف / ۱۰۱، ابراهیم / ۱۰، فاطر / ۱) منادا یا صفت (أَللَّهُمَّ) است.

سوره زمر آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

اگر ستمکاران (مشرک) تمام چیزهائی که در زمین است و همچندان آن مالِ ایشان باشد، حاضر خواهند بود همه آنها را در برابر رهائی خود از عذاب شدید روز قیامت بپردازند... و از جانب خدا چیزی (از شکنجه و عذاب) برای ایشان جلوه‌گر و پدیدار می‌شود که گمانش نمی‌بردند (و به فکرشان هم نمی‌رسید).

توضیحات:

«وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا...»: (نگا: رعد / ۱۸، آل‌عمران / ۹۱، یونس / ۵۴). «بَدَا»: ظاهر گردید. نمایان شد. «لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»: گمان نمی‌بردند.

سوره زمر آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾﴾

ترجمه:

(در آن روز) اعمال زشتی را که (در دنیا) انجام می‌داده‌اند برای ایشان نمایان و آشکار می‌گردد (و کیفر بدی‌ها را می‌بینند) و آنچه را که (در دنیا) به باد تمسخر می‌گرفته‌اند آنان را در بر می‌گیرد.

توضیحات:

«حَاقَ بِهِمْ»: ایشان را احاطه می‌کند. آنان را در بر می‌گیرد «مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ»: (نگا: انعام / ۱۰، هود / ۸، نحل / ۳۴، انبیاء / ۴۱).

سوره زمر آیه ۴۹

متن آیه:

﴿فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که به انسان گزند و آزار و زیان و ضرری برسد، ما را به فریاد می‌خواند، و هنگامی که از سوی خود نعمتی بدو عطاء می‌کنیم، خواهد گفت: این نعمت در پرتو آگاهی و کاردانیم به من داده شده است. چنین نیست؛ بلکه این نعمت وسیله آزمایش است، و لیکن بیشتر مردم (این مسأله را) نمی‌دانند.

توضیحات:

«خَوَّلْنَاهُ»: (نگا: انعام / ۹۴، زمر / ۸). «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلي عِلْمٍ»: این نعمت را بر اثر فرزانگی و در پرتو دانش و کاردانی به دست آورده‌ام. «فِتْنَةٌ»: امتحان. آزمایش.

سوره زمر آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾﴾

ترجمه:

این سخن را کسانی هم گفته‌اند که پیش از ایشان می‌زیسته‌اند. امّا چیزهائی را که به دست آوردند بدی‌شان سودی نبخشید (و آنان را از عذاب ما رها نساخت و دیدند آنچه را که می‌بایست ببینند).

توضیحات:

«قَدْ قَالَهَا...»: ضمیر (ها) به (مَقالَة) باز می‌گردد که از جمله سابق استفاده می‌شود. «الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ»: (نگا: قصص / ۷۸). «مَآ أَغْنِي عَنْهُمْ»: (نگا: حجر / ۸۴، شعراء / ۲۰۷).

سوره زمر آیه ۵۱

متن آیه:

﴿فَأَصَابَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ٥١﴾

ترجمه:

پس بدی‌های اعمال خود را دیدند (و کیفر کارهای زشت‌شان را چشیدند) و از اینان هم کسانی که ستم می‌کنند (و کفر و شرک می‌ورزند) بدی‌های اعمال‌شان (و کیفر کردار ناپاک‌شان) گریبان‌گیرشان خواهد گردید و هرگز نمی‌توانند (از چنگال عذاب الهی بگریزند و خدای را) ناتوان کنند.

توضیحات:

«مُعْجِزِینَ»: (نگا: توبه / ۲ و ۳، انعام / ۱۳۴، یونس / ۵۳).

سوره زمر آیه ۵۲

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥٢﴾

ترجمه:

مگر ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هر کس که خود بخواهد گسترده و فراخ یا تنگ و کم می‌گرداند؟ واقعاً در این (افزایش و کاهش نعمت) نشانه‌های مهمّی برای مؤمنان است (این که مواظب باشند مسبّب‌الاسباب را فراموش نکنند و تنها به اسباب چشم ندوزند).

توضیحات:

«إِنَّ اللهَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ وَیَقْدِرُ...»: (نگا: رعد / ۲۶، اسراء / ۳۰، قصص / ۸۲، عنکبوت / ۶۲).

سوره زمر آیه ۵۳

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣﴾

ترجمه:

(از قول خدا به مردمان) بگو: ای بندگانم! ای آنان که در معاصی زیاده‌روی هم کرده‌اید! از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد. چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است.

توضیحات:

«إِنَّ اللهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً»: مراد این است که درهای غفران به روی همه بندگان بدون استثناء گشوده است مشروط به این که مفاهیم دو آیه بعدی در نظر گرفته شود: الف - دست کشیدن از گناه و برگشتن به‌سوی درگاه خدا. (أنیبُوا إِلِی...). ب - تسلیم فرمان خدا شدن. (أَسْلِمُوا لَهُ...). ج - پیروی در گفتار و کردار از احکام و قوانین الهی. (إِتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا...). کسانی که وعده غفران را در آیه فوق مشروط به شرائطی نمی‌دانند، و کسانی که آن را مقید به اموری می‌دانند، فقط گرفتار نزاع لفظی هستند. چرا که توبه و برگشت به‌سوی خدا تنها با کلمات نیست و بلکه نشانه توبه، یعنی تغییر مسیر، ترک سیئات و انجام حسنات است. این هم مقبول همگان است.

سوره زمر آیه ۵۴

متن آیه:

﴿وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ٥٤﴾

ترجمه:

و به‌سوی پروردگار خود برگردید (و با ترک سیئات و انجام حسنات به‌سوی آفریدگارتان تغییر مسیر دهید) و تسلیم او شوید (و خاضعانه و خاشعانه از اوامرش فرمانبرداری کنید) پیش از این که عذاب (خانه برانداز و ریشه‌کن کننده دنیوی و سخت و دردناک و سرمدی اخروی) ناگهان به‌سوی شما تاخت آرد و دیگر کمک و یاری نشوید (و کسی نتواند شما را از عذاب خدا برهاند).

توضیحات:

«أَنِیبُوا»: برگردید و توبه کنید. «أَسْلِمُوا»: خالصانه و خاشعانه تسلیم فرمان خدا شوید (نگا: بقره / ۱۳۱، حجّ / ۳۴).

سوره زمر آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحۡسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ بَغۡتَةٗ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ۵۵﴾

ترجمه:

و از زیباترین و بهترین چیزی که از سوی پروردگارتان برای شما فرو فرستاده شده است (که قرآن است) پیروی کنید پیش از این که عذاب (دنیوی یا اخروی) ناگهان به‌سوی شما تاخت آرد، در حالی که شما بی‌خبر باشید.

توضیحات:

«إِتَّبِعُوا»: پیروی کنید. «أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ»: زیباترین و بهترین چیزی که برای شما انسان‌ها نازل شده است. مراد قرآن است (نگا: زمر / ۲۳).

سوره زمر آیه ۵۶

متن آیه:

﴿أَن تَقُولَ نَفۡسٞ يَٰحَسۡرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ۵۶﴾

ترجمه:

(به درگاه خدا برگردید و تسلیم فرمان او شوید و از تعالیم وی پیروی کنید تا روز قیامت) کسی نگوید: دردا و حسرتا! چه کوتاهی‌ها که در حق (طاعت و عبادت) خدا کرده‌ام. دریغا و فسوسا! من از زمره مسخره‌کنندگان (آئین یزدانی) بوده‌ام. (وای بر من! سرمایه وجودم را باخته‌ام و گرفتار خشم خدا شده‌ام!).

توضیحات:

«أَن تَقُولَ»: تا نگوید. مبادا که بگوید. مفعول له است برای (أَنِیبُوا وَ أَسْلِمُوا و إِتَّبِعُوا) یا برای مضاف مقدّری همچون: «كَرَاهَة، مَخَافَة». «يَا حَسْرَتَا»: دردا و حسرتا! دریغا و

فسوسا «فَرَّطْتُ»: کوتاهی کردم. سهل‌انگاری نمودم. «جَنبِ الله»: سوی خدا. ناحیه خدا. مراد (در حق خدا) است و منظور از آن، تمام کارهائی است که فرمان انجام یا ترک آنها از ناحیه خدا صادر می‌شود. «وَإِن كُنتُ...»: حرف (إِنْ) مخفّف از مثقّله است، و جمله حال است. در معنی چنین است: «فَرَّطْتُ وَأَنَا سَاخِرٌ». (نگا: کشّاف).

سوره زمر آیه ۵۷

متن آیه:

﴿أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٥٧﴾

ترجمه:

یا این که نگوید: اگر خداوند راهنمائیم می‌کرد از زمره پرهیزگاران می‌شدم (و هم‌اکنون همچون ایشان در بهشت بسر می‌بردم. امّا دیگر گذشت).

توضیحات:

«لَوْ أَنَّ اللهَ هَدَانِي»: بیان چنین عباراتی به خاطر تحیر و تحسّر است و اظهار ندامت بر گذشته است (نگا: ابراهیم / ۲۱). یا این که چنان که قرطبی می‌گوید: سخن حقی است و مراد باطل است (نگا: انعام / ۱۴۸).

سوره زمر آیه ۵۸

متن آیه:

﴿أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٨﴾

ترجمه:

یا این که - بدان گاه که عذاب را مشاهده می‌کند - نگوید: کاشکی بازگشتی به دنیا برایم میسّر می‌بود تا از زمره نیکوکاران گردم!

توضیحات:

«كَرَّةً»: رجعت و بازگشت به دنیا (نگا: شعراء / ۱۰۲).

سوره زمر آیه ۵۹

متن آیه:

﴿بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٩﴾

ترجمه:

آری! (ای پشیمان!) آیه‌های من (که در بر گیرنده تعالیم من بود، توسّط پیام‌آورانم)

به تو رسید، ولی آنها را تکذیب کردی و تکبّر نمودی و از زمره کافران گشتی. (مقصّر اصلی خودت هستی و خود کرده را چاره نیست).

توضیحات:

«بَلَي»: (نگا: بقره / ۸۱ و ۱۱۲ و ۲۶۰، آل‌عمران / ۷۶). «إِسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ»: واژه (نفْس) به صورت مذکر و مؤنّث به کار می‌رود. در افعال (تَقُولَ) و (تَري) جنبه مؤنّث و در افعال بعدی جنبه مذکر مورد نظر بوده است.

سوره زمر آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ ٦٠﴾

ترجمه:

کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، روز قیامت آنان را خواهی دید که (بر اثر غم و اندوه و ذلّت و خواری) روهایشان سیاه است. مگر جایگاه متکبّران دوزخ نیست؟

توضیحات:

«وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۰۶، نحل / ۵۸، زخرف / ۱۷). «مَثْويً»: (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نحل / ۲۹، عنکبوت / ۶۸).

سوره زمر آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦١﴾

ترجمه:

خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند رهائی می‌بخشد و به مقصودشان می‌رساند. هیچ‌گونه بدی و بلائی بدی‌شان نمی‌رسد و غمگین و اندوهگین نمی‌گردند.

توضیحات:

«بِمَفَازَتِهِمْ»: مفازه، مصدر میمی و به معنی رستگاری و کامیاب شدن و به آرزو رسیدن است (نگا: آل‌عمران / ۱۸۸، نبأ / ۳۱). حرف (ب) برای ملابسه است.

سوره زمر آیه ۶۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ٦٢﴾

ترجمه:

خدا آفریدگار همه چیز است و همه چیز را می‌پاید و مراقبت می‌نماید.

توضیحات:

«وَكِيلٌ»: عهده‌دار و نگاهدار. ناظر و مراقب (نگا: آل‌عمران / ۱۷۳، انعام / ۶۶ و ۱۰۲ و ۱۰۷).

سوره زمر آیه ۶۳

متن آیه:

﴿لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ٦٣﴾

ترجمه:

کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن او است. کسانی که آیات خدا را باور نمی‌دارند ایشان زیانکارند. (چرا که قوانین و رهنمودهای کسی را نمی‌پذیرند که مالک و صاحب سراسر جهان و فرمانده و گرداننده آن است).

توضیحات:

«مَقَالِيدُ»: جمع مِقْلاد، کلیدها. «لَهُ مَقَالِيدُ...»: کنایه از مالکیت و حاکمیت است.

سوره زمر آیه ۶۴

متن آیه:

﴿قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ٦٤﴾

ترجمه:

بگو: ای نادانان! آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را پرستش کنم؟!

توضیحات:

«أَفَغَيْرَ اللهِ...»: مشرکان با لحنی آمرانه و بدون ذکر دلیل و منطق از پیغمبر می‌خواستند بت‌های ایشان را پرستش نماید تا بدو ایمان بیاورند و از او پیروی کنند.

سوره زمر آیه ۶۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾

ترجمه:

به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک‌ورزی کردارت (باطل و بی‌پاداش می‌گردد و) هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود.

توضیحات:

«لإِنْ أَشْرَكْتَ...»: پیغمبران معصومند و شرک نمی‌ورزند. چنین خطابی گوشه زدن به دیگران است. «لَيَحْبَطَنَّ»: قطعاً هیچ و نابود و بی‌پاداش و بیسود می‌شود (نگا: بقره / ۲۱۷، آل‌عمران / ۲۲، مائده / ۵۳).

سوره زمر آیه ۶۶

متن آیه:

﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

پس در این صورت تنها خدا را بپرست و از زمره سپاسگزاران باش.

توضیحات:

«اللهَ»: مفعول مقدّم (أُعْبُدْ) و تقدیم آن برای حصر است. «بَلْ...»: پس در این صورت. با توجّه به این.

سوره زمر آیه ۶۷

متن آیه:

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

آنان آن گونه که شایسته است خدا را نشناخته‌اند (این است که تو را به شرک می‌خوانند. خدا آن کسی است که) در روز قیامت سراسر کره زمین یکباره در مشت او قرار دارد و آسمان‌ها با دست راست او در هم پیچیده می‌شود. خدا پاک و منزّه از شرک آنان (و دورِ دور از انبازهای ایشان و فراتر از اندیشه انسان) است.

توضیحات:

«مَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ»: (نگا: انعام / ۹۱، حجّ / ۷۴). «قَبْضَتُهُ»: قبض به معنی در مشت گرفتن است و اینجا به معنی (مَقبوض) یعنی (در مشت) است. مراد این است که همه زمین در قبضه قدرت و تحت تصرّف او است. «مَطْوِيَّاتٌ»: در پیچیده‌ها. در هم نوردیده‌ها. (نگا: انبیاء / ۱۰۴). «بِيَمِينِهِ»: با دست راست او. انتخاب دست راست بدان خاطر است که اغلب مردم کارهای مهمّ را با دست راست انجام می‌دهند و قوّت و قدرت بیشتری در آن احساس می‌کنند. همه این تشبیهات و تعبیرات، کنایه از سلطه مطلق پروردگار بر عالم هستی است و این سلطه در جهان دیگر برای انسان‌ها محسوستر و آشکارتر است.

سوره زمر آیه ۶۸

متن آیه:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) بپا می‌خیزند و می‌نگرند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتاب‌شان کی انجام پذیرد و سرنوشت‌شان به کجا بینجامد).

توضیحات:

«الصُّورِ»: (نگا: انعام / ۷۳، کهف / ۹۹، طه / ۱۰۲). «صَعِقَ»: مُرد (نگا: طور / ۴۵). «مَن شَآءَ اللهُ»: قرآن و خبر صحیح مشخّص نفرموده‌اند مراد از چنین افرادی که مستثنی هستند چه کسانی می‌باشند (نگا: المراغی). «قِيَامٌ»: جمع قائِم، ایستادگان. «يَنظُرُونَ»: چشم به راه حساب و کتاب و سزا و جزا و شقاوت و سعادت ابدی خویش هستند.

سوره زمر آیه ۶۹

متن آیه:

﴿وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

و زمین (محشر و عرصات قیامت) با نور (تجلّی) خداوندگارش روشن می‌شود، و کتاب (و نامه اعمال به دست صاحبانش) گذاشته می‌شود و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند، و راست و درست میان مردم داوری می‌گردد، و اصلاً بدی‌شان ستم نمی‌شود.

توضیحات:

«أَشْرَقَتْ»: روشن شد. تابان گردید. «الأَرْضُ»: مراد زمین محشر و گستره قیامت است. «بِنُورِ رَبِّهَا»: با نور خداوندگارش. مراد از نور خدا، پرتو تجلّی است (نگا: اعراف / ۱۴۳). بعضیها نور را کنایه از عدل و داد الهی گرفته‌اند که محشر را نورانی می‌کند. «وُضِعَ الْكِتَابُ»: نامه اعمال به دست صاحبان آن داده می‌شود (نگا: اسراء / ۱۳ و ۱۴، کهف / ۴۹). «الشُّهَدَآءِ»: جمع شهید، گواهان. مراد انبیاء (نگا: نساء / ۴۱، قصص / ۷۵) و علماء و راهنمایان امت محمّدی (نگا: بقره / ۱۴۳) و فرشتگان است (نگا: نساء / ۱۶۶، ق / ۲۱، انفطار / ۱۰ – ۱۲). در صورت اوّل، عطف (الشُّهَدَآءِ) بر (النَّبِيِّنَ) از قبیل عطف عامّ بر خاصّ است.

سوره زمر آیه ۷۰

متن آیه:

﴿وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

و به تمام و کمال سزا و جزای هر کاری را که انسان کرده است بدو داده می‌شود، و خدا (از هر کس دیگری) بهتر می‌داند که آنان چه کارهائی را می‌کرده‌اند.

توضیحات:

«وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۲۵). «هُوَ أَعْلَمُ...»: مراد این است، احضار گواهان نه بدان خاطر است که اعمال مردم را برای خدا معلوم سازند. بلکه بدان خاطر است تا خود مردم کردارشان را به یاد آورند و با چشم خویش کشته خویشتن را ببینند و گواهان بر آن گواهی دهند.

سوره زمر آیه ۷۱

متن آیه:

﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧١﴾

ترجمه:

و کافران به‌سوی دوزخ گروه گروه رانده می‌شوند و هنگامی که بدانجا رسیدند درهای آن به رویشان گشوده می‌گردد و نگهبانان دوزخ بدی‌شان می‌گویند: آیا پیغمبرانی از جنس خودتان به میانتان نیامده‌اند تا آیه‌های پروردگارتان را برای شما بخوانند و شما را از رویاروئی چنین روزی بترسانند؟ می‌گویند: آری! (پیغمبران برانگیخته شدند و اوامر و نواهی خدا را به ما رساندند و از عذاب آخرت بیممان دادند) ولیکن فرمان عذاب بر کافران ثابت و قطعی است (و ما راه کفر در پیش گرفتیم و باید هم تاوان آن را بپردازیم و چنین سرنوشت شومی داشته باشیم).

توضیحات:

«سِيقَ»: سوق داده شد. رانده شد. «زُمَراً»: جمع زُمْرَة، گروه گروه. فوج فوج. دسته دسته. «خَزَنَتُهَا»: خَزَنَة جمع خازِن، محافظان، نگهبانان. « رُسُلٌ مِّنكُمْ »: پیغمبرانی از جنس و نوع خودتان. مراد این است که پیغمبران به زبان خودتان شریعت را به شما تفهیم کرده‌اند. «أَلَـمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ»: این پرسش جنبه توبیخ و تهدید دارد «حَقَّتْ كَلِمَةُ...»: (نگا: یونس / ۳۳ و ۹۶، نحل / ۳۶).

سوره زمر آیه ۷۲

متن آیه:

﴿قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٢﴾

ترجمه:

بدی‌شان گفته می‌شود: از درهای دوزخ داخل شوید. جاویدانه در آن می‌مانید. جایگاه متکبّران چه بد جایگاهی است.

توضیحات:

«مَثْوَي الْـمُتَكَبِّرِينَ»: (نگا: نحل / ۲۹، زمر / ۶۰).

سوره زمر آیه ۷۳

متن آیه:

﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

و کسانی که از (عذاب و خشم) پروردگارشان می‌پرهیزند، گروه گروه به‌سوی بهشت رهنمود می‌شوند تا بدان گاه که به بهشت می‌رسند، بهشتی که درهای آن (برای احترام‌شان به رویشان) باز است. بدین هنگام نگاهبانان بهشت بدی‌شان می‌گویند: درودتان باد! خوب بوده‌اید و به نیکی زیسته‌اید، پس خوش باشید و داخل بهشت شوید و جاودانه در آن بمانید.

توضیحات:

«وَفُتِحَتْ أَبْوابُهَا»: در حالی که درهای آن به روی‌شان باز است. حرف واو، حالیه است (نگا: ص / ۵۰). همین عبارت در آیه ۷۱ بدون واو است، چرا که جهنّم به منزله زندان است و درِ زندان هنگامی گشوده می‌شود که زندانی یا زندانیانی را بدانجا برسانند. ولی در این آیه حرف واو بیان‌گر جای خوب و باصفائی است که چون بزرگانی را بدانجا می‌برند که در پیش خدا ارجمندند، به احترام ایشان درها قبلاً باز شده و آماده تشریف فرمائی و ورود ایشان است. «سَلامٌ عَلَيْكُمْ»: درودتان باد! در امن و امان هستید. «طِبْتُمْ»: در دنیا خوب بوده‌اید و به نیکی زیسته‌اید. خوش باشید و به خوشی زندگی کنید! تلاشتان نیکو بوده است و پاداشتان نیکو خواهد بود (نگا: المراغی). جاه و مکان خوب و خوشی دارید.

سوره زمر آیه ۷۴

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

و می‌گویند: سپاس و ستایش خداوندی را سزا است که با ما به وعده خویش (که توسّط پیغمبران به آدمیزادگان داده بود) وفا کرد و سرزمین (بهشت) را از آن ما نموده است تا در هر جائی از بهشت که بخواهیم منزل گزینیم و بسر بریم. پاداش عمل کنندگان (به دستورات پروردگار) چه خوب و جالب است!

توضیحات:

«صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۵۲، انبیاء / ۹). «أَوۡرَثَنَا»: به ما داده است. از آن ما کرده است (نگا: اعراف / ۱۲۸ و ۱۳۷، شعراء / ۵۹). «نَتَبَوَّأُ»: جایگاه خود می‌کنیم. جایگزین می‌شویم و بسر می‌بریم (نگا: یوسف / ۵۶، یونس / ۸۷ و ۹۳). «حَيۡثُ»: هر کجا. (نگا: بقره / ۳۵ و ۵۸ و ۱۴۴).

سوره زمر آیه ۷۵

متن آیه:

﴿وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۚ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٥﴾

ترجمه:

(در آن روز، ای مخاطب!) فرشتگان را خواهی دید که گرداگرد عرش خدا حلقه زده‌اند و به سپاس و ستایش پروردگار خود مشغولند. در میان (بندگان خدا داوری می‌شود) و دادگرانه و واقعی در میان‌شان داوری می‌گردد، (و از سوی همه هستی فریاد برآورده می‌شود) و گفته می‌شود: حمد و سپاس خداوند جهانیان را سزا است!

توضیحات:

«حَآفِّينَ»: طواف کنندگان و گردندگان. حلقه زنندگان. فراگیرندگان. «قُضِيَ بَيۡنَهُمۡ»: (نگا: یونس / ۱۹ و ۴۷ و ۵۴، هود / ۱۱۰، زمر / ۶۹).

سوره غافر

سوره غافر آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ۝١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: حا. میم. از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره غافر آیه ۲

متن آیه:

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ۝٢﴾

ترجمه:

فرو فرستادن این کتاب (قرآن) از سوی یزدان چیره و آگاه انجام می‌پذیرد.

توضیحات:

«تَنزِيلُ الْكِتَابِ...»: (نگا: زمر / ۱).

سوره غافر آیه ۳

متن آیه:

﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ۝٣﴾

ترجمه:

یزدانی که بخشنده گناه، پذیرنده توبه، دارای عذاب سخت، و صاحب اِنعام و احسان است. هیچ معبودی جز او وجود ندارد. بازگشت به‌سوی او است.

توضیحات:

«قَابِلِ»: قبول کننده. پذیرنده. «التَّوْبِ»: جمع تَوْبَة، بازگشت‌ها. یا این که مصدر است و به معنی بازگشتن. «الطَّوْلِ»: فضل. قدرت. احسان و انعام. (نگا: نساء / ۲۵،

توبه / ۸۶). «الْـمَصيرُ»: (نگا: بقره / ۱۲۶ و ۲۸۵، آل‌عمران / ۲۸).

سوره غافر آیه ۴

متن آیه:

﴿مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ٤﴾

ترجمه:

هیچ کسی در مقابل آیات خدا پرخاشگری نمی‌کند و به ستیز نمی‌ایستد. مگر آنان که کافر باشند. آمد و شد و سلطه و قدرت کافران در شهرها و کشورها، تو را گول نزند.

توضیحات:

«مَا يُجَادِلُ فِي...»: مراد از جدال و کشمکش درباره قرآن، جدال و نزاع باطل است (نگا: کهف / ۵۶، حجّ / ۳) نه مباحثه و مناظره‌ای که برای روشن‌گری معانی و حل مشکلات کتاب الهی میان اهل علم در می‌گیرد (نگا: نحل / ۱۲۵). «تَقَلُّبُ»: رفت و آمد. برو و بیا. سیر و سیاحت. مراد آمد و شد برای تجارت و گردش و قدرت نمائی برای سلطه‌گری و حیله‌گری است (نگا: نحل / ۴۶).

سوره غافر آیه ۵

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۖ وَهَمَّتۡ كُلُّ أُمَّةِۭ بِرَسُولِهِمۡ لِيَأۡخُذُوهُۖ وَجَٰدَلُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ فَأَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ عِقَابِ ٥﴾

ترجمه:

پیش از اینان (که مشرکان معاصرند) قوم نوح و دسته‌ها و گروه‌هائی (همچون عاد و ثمود و لوط) که بعد از ایشان بوده‌اند (پیغمبران خدا را) تکذیب کرده‌اند و همه ملّت‌ها خواسته‌اند که با (زر و زور و تزویر) در حق پیغمبر خود توطئه کنند تا او را بگیرند و (بکشند. گذشته از این با دلائل و براهین فرستادگان خدا) به ناحق جدال و نزاع ورزیده‌اند، تا به وسیله باطل حق را نابود و برطرف کنند. ولی من ایشان را (به عذاب دنیوی) گرفتار ساخته‌ام. آیا عقاب (و عذاب دنیوی) من نسبت بدی‌شان چگونه است؟ (ویرانه‌های شهرهایشان در مسیر مسافرت‌های شما به چشم می‌خورد، و سرنوشت شوم و عاقبت سیاه و تاریک ایشان بر صفحات تاریخ و در سینه‌های صاحبدلان ثبت است، بنگرید و عبرت بگیرید).

توضیحات:

«الأَحْزَابُ»: گروه‌ها و دسته‌هائی که علیه پیغمبران همدست و همپشت شده‌اند و برای اسارت و کشتن و آزارشان به تلاش ایستاده‌اند. در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره ص به برخی از چنین گروه‌ها و دسته‌هائی اشاره شده است. «هَـمَّتْ»: قصد کرده است. توطئه چیده است (نگا: مائده / ۱۱، یوسف / ۲۴، توبه / ۱۳ و ۷۴). «لِيَأْخُذُوهُ»: تا او را اسیر کنند. واژه اخذ در اینجا به معنی أَسْر یعنی اسیر کردن است. همان‌گونه که أخیذ به معنی اسیر است. «لِيُدْحِضُوا»: تا باطل گردانند. تا مغلوبش نمایند (نگا: کهف / ۵۶، صافّات / ۱۴۱). «فَأَخَذْتُهُمْ»: من ایشان را گرفتار کردم. من آنان را هلاک ساختم. «فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ»: (نگا: رعد / ۳۲).

سوره غافر آیه ۶

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٦﴾

ترجمه:

این چنین، فرمان پروردگارت بر کافران (و مشرکانی که راه‌های ظلم و جنایت را با پای خود پیموده‌اند، و با اراده خویش بر گناهکاری‌ها و بزهکاری‌ها اصرار و ابرام ورزیده‌اند، اجرا شده است و) تحقّق پذیرفته است، و آن این که ایشان دوزخیانند.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ»: همان‌گونه که. همچنین. یعنی همان‌گونه که کفّار ستمکار پیشین مورد قهر خدا قرار گرفته‌اند، اینان نیز به قهر خدا در دنیا گرفتار می‌آیند، و سرانجام هم به دوزخ درمی‌آیند. چرا که دوزخیند. فرمان خدا مبنی بر این که کافران سیاه دل تاریخ را شامل شده است. «حَقَّتْ...»: (نگا: یونس / ۳۳ و ۹۶، نحل / ۳۶، زمر / ۷۱). «أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»: این عبارت بدل (كلِمَةُ) و مرفوع است. یا لام تعلیل محذوف است و جمله منصوب است.

سوره غافر آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ٧﴾

ترجمه:

آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدُو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند:) پروردگارا! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است (هم اعمال و اقوال‌شان را کاملاً می‌دانی و هم مرحمت و مهربانیت می‌تواند ایشان را دربر گیرد) پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می‌کشند و به طاعات و عباداتت می‌پردازند، و از راه‌های انحرافی دوری می‌گزینند و به راستای راهت) برمی‌گردند و راه تو را در پیش می‌گیرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما.

توضیحات:

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ»: فرشتگانی که بردارندگان عرش هستند. تعداد نفرات فرشتگان حامل عرش عظیم و نحوه حمل ایشان، و خود عرش بر ما مجهول است. قرآن و سنّت متواتر تفصیلی در این باره نداده‌اند. در این باره دم نمی‌زنیم و امر آن را به خدا حوالت می‌داریم (نگا: المراغی). «رَحْمَةً»: از لحاظ نحوی تمییز و از نظر معنی فاعل است. «قِهِمْ»: به دورشان دار. محفوظ و مصون‌شان فرما. واژه (قِ) فعل امر ماده (وقی) است.

سوره غافر آیه ۸

متن آیه:

﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٨﴾

ترجمه:

پروردگارا! آنان را به باغ‌های همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که بدی‌شان (توسّط پیغمبران) وعده داده‌ای، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان بایسته ایشان. قطعاً تو (بر هر چیزی) چیره و توانا و (در هر کاری) دارای فلسفه و

حکمت هستی.

توضیحات:

«جَنَّاتِ عَدْنٍ»: (نگا: توبه / ۷۲، رعد / ۲۳، نحل / ۳۱، کهف / ۳۱). «صَلَحَ»: شایسته شد. بایسته گردید. کار نیک کرد (نگا: رعد / ۲۳).

سوره غافر آیه ۹

متن آیه:

﴿وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩﴾

ترجمه:

و آنان را از (عقوبت دنیوی و کیفر اخروی) بدی‌ها نگاهدار، و تو هر که را در آن روز از کیفر بدی‌ها نگاهداری، واقعاً بدو رحم کرده‌ای (و مورد الطاف خود قرار داده‌ای) و آن مسلّماً رستگاری بزرگ و نیلِ به مقصود سترگی است.

توضیحات:

«تَقِ» نگاهداری. به دور داری. «يَوْمَئِذٍ»: آن روز که قیامت است «السَّيِّئَاتُ»: بدیها. مراد عقوبتهای دنیوی و کیفرهای اخروی است. ذکر آن بعد از (عَذَابَ الْجَحِيمِ) از قبیل ذکر عام بعد از خاصّ است. «الْفَوْزُ»: رستگاری. نیل به مقصود و رسیدن به مراد.

سوره غافر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ ١٠﴾

ترجمه:

(پس از آن که کافران به دوزخ افتادند، از سوی فرشتگان و مؤمنان) کافران صدا زده می‌شوند که قطعاً خدا بیش از این که خودتان بر خویشتن خشمگینید بر شما خشمگین است، چرا که (در دنیا توسّط انبیاء و علماء) به‌سوی ایمان آوردن فرا خوانده می‌شدید و راه کفر در پیش می‌گرفتید.

توضیحات:

«يُنَادَوْنَ»: فریاد زده می‌شوند. صدا زده می‌شوند. «مَقْتُ الله»: خشم خدا. اضافه (مَقْت) به (الله) اضافه مصدر به فاعل خود است. «مَقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ»: خشمگین شدن خودتان بر خویشتن. اضافه (مقت) به (کم) نیز از قبیل اضافه مصدر به فاعل خود است. علّت خشم کافران بر نفس خود از این لحاظ است که خودشان سبب مصائب و بلایای خویشتن شده‌اند (نگا: ابراهیم / ۲۲). «إِذْ»: چرا که.

سوره غافر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ ۝١١﴾

ترجمه:

کافران می‌گویند: پروردگارا! ما را دوبار میرانده‌ای و دوبار زنده کرده‌ای، و ما (در این مرگ‌ها و حیات‌ها به قدرت تو پی برده‌ایم و همه چیز را فهمیده‌ایم، اکنون) به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ و بازگشت به دنیا و جبران مافات) وجود دارد؟!

توضیحات:

«أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ»: دو بار ما را میرانده‌ای. مراد از میراندن اوّل، آفرینش خاک بی‌جان انسان از عدم محض است (نگا: بقره / ۲۸)، و مراد از میراندن دوم، مرگ بعد از پایان عمر است. «أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»: دو بار ما را زندگی بخشیده‌ای. مراد از حیات دوم، زنده گرداندن اموات پس از پایان جهان و سر بر آوردن از گورها به هنگام رستاخیز است. اشاره دوزخیان به دو بار میراندن و زنده گرداندن شاید بدین خاطر باشد که می‌خواهند بگویند، ای خداوندی که مالک مرگ و حیاتی! توانائی این را داری که دو ممات و دو حیات را برای ما تبدیل به سه ممات و سه حیات کنی و ما را بازگردانی تا در مقام جبران برآئیم.

سوره غافر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُۥ كَفَرۡتُمۡ وَإِن يُشۡرَكۡ بِهِۦ تُؤۡمِنُواْۚ فَٱلۡحُكۡمُ لِلَّهِ

ٱلۡعَلِيِّ ٱلۡكَبِيرِ ١٢﴾

ترجمه:

این (عذابی که در آن هستید) بدان خاطر است که شما هنگامی که خدا به یگانگی خوانده می‌شد نمی‌پذیرفتید، و اگر برای خدا انباز قرار داده می‌شد باور می‌داشتید. پس در این صورت فرمانروائی و داوری از آن خداوند والا مقام و بزرگوار است (و هر گونه که خود بخواهد درباره شما حکم صادر و داوری خواهد کرد. هم اینک بتان و کسانی را که شریک خدا و صاحب سلطه می‌دانستید به فریاد خوانید تا شما را از دوزخ بدر آرند!).

توضیحات:

«إِذا دُعِيَ اللهُ وَحْدَهُ...»: (نگا: زمر / ۴۵).

سوره غافر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزۡقٗاۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ١٣﴾

ترجمه:

او کسی است که دلائل (قدرت) و نشانه‌های (عظمت) خود را به شما می‌نمایاند و از آسمان برای شما روزی می‌فرستد. امّا تنها کسانی متوجّه (این مسأله) می‌گردند که (عناد را رها کنند و به‌سوی اندیشیدن درباره نشانه‌های آفاق و انفس خدا) برگردند.

توضیحات:

«ءَايَاتِهِ»: دلائل قدرت و عظمت، و نشانه‌های آفاق و انفسی که تمام جهان هستی را پر کرده است. «رِزْقاً»: روزی. مراد وسیله تولید روزی است، همچون باران و برف و هوا و نور آفتاب و اشعّه‌های دیگر که برای زندگی موجودات زنده از جمله انسان ضروری هستند. «يُنِيبُ»: برمی‌گردد. مراد ترک عناد و رجوع به خدا است در پرتو اندیشه و شناخت امور.

سوره غافر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١٤﴾

ترجمه:

اکنون که چنین است، خدا را به فریاد بخوانید و عبادت و طاعت را خاصّ او بدانید،

هر چند که کافران دوست نداشته باشند.

توضیحات:

«فَادْعُوا اللهَ مُخْلِصِينَ...»: (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵).

سوره غافر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلۡعَرۡشِ يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ ١٥﴾

ترجمه:

خدا دارای مقامات والا و کمالات بالا و تخت فرماندهی است، و او وحی را به فرمان خود برای هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند تا (مردمان را) از روز رویاروئی (ایشان با خدا برای حساب و کتاب) بترساند.

توضیحات:

«رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ»: صاحب مقامات بالا و مراتب والا. یعنی خدا درجات کمال و اوصاف جلال او آن قدر بالا است که کمال و جلالی در مقابلش کمال و جلال نیست، و همای بلند پرواز عقل و علم بشری هرگز به ذیل آن هم نمی‌رسد، چه رسد به اوج آن. «عظیم‌الصّفات». برخی رفیع‌الدّرجات را به معنی برافرازنده آسمان‌ها (نگا: زادالمسیر) و بالا برنده درجات بندگان (نگا: نمونه) دانسته‌اند. بعضی هم گفته‌اند: درجات و مقامات در دست خدا است و به هر کس که بخواهد می‌دهد (نگا: کشّاف). «ذُوالْعَرْشِ»: خالق و مالک عرش. دارای تخت و سریر سلطنت جهان هستی. «الرُّوحَ»: وحی (نگا: نحل / ۲، شوری / ۵۲). «مِنْ أَمْرِهِ»: به فرمان خود. «يَوْمَ التَّلاق»: روز قیامت است که در آن پیشینیان و پسینیان و زمینیان و آسمانیان به همدیگر می‌رسند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند، و هر کسی با اعمالی که کرده است رو به رو می‌شود و سزا و جزای آن را می‌بینند. یاء تلاقی در رسم‌الخطّ قرآنی حذف شده است.

سوره غافر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ

﴿ٱلۡقَهَّارِ ١٦﴾

ترجمه:

روز رویاروئی روزی است که مردمان ظاهر و آشکار می‌شوند (و تمام پرده‌ها و حجابها کنار می‌روند و موانع مادی برچیده می‌شوند. بالاخره علاوه از سر بر آوردن مردم از گورها، درون و برون و خلوت و جلوت همه انسان‌ها نمودار می‌گردد) و چیزی از (کار و بار و رفتار و پندار) ایشان بر خدا پنهان نمی‌ماند. (فریاد وحشتناکی را می‌شنوند که می‌گوید:) ملک و حکومت، امروز از آن کیست؟ (پاسخ قاطعانه داده می‌شود که) از آن خداوند یکتای چیره و توانا است.

توضیحات:

«یَوْمَ»: بدل از (یَوْمَ) قبلی است که مفعول به (لِيُنذِرَ) بود. «بَارِزُونَ»: جمع بارز، نمایان. آشکار. مراد این است که مردمان از گورها خارج می‌گردند و ظاهر و نمایان می‌شوند و چیزی ایشان را از دیدها پنهان نمی‌دارد (نگا: طه / ۱۰۶، ابراهیم / ۲۱ و ۴۸). هستی و هویت و اسرار و کردار انسان‌ها روشن و ظاهر می‌شود و هیچ چیزی مکتوم نمی‌ماند (نگا: کهف / ۴۷، طارق / ۹).

سوره غافر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٧﴾

ترجمه:

امروز هر کسی در برابر کاری که کرده است جزا و سزا داده می‌شود. هیچ‌گونه ستمی امروز وجود نخواهد داشت. بی‌گمان خداوند سریع‌الحساب است (و حساب و کتاب کسی را از موقع مقرّر به تأخیر نمی‌اندازد).

توضیحات:

«تُجْزي...»: (نگا: طه / ۱۵، یونس / ۵۲).

سوره غافر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ يُطَاعُ ١٨﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) آنان را از روز نزدیک بترسان (که قیامت است). آن زمانی که دل‌ها (از شدّت وحشت) به گلوگاه می‌رسند (و انگار از جای خود کنده و به بالا پرت شده‌اند) و تمام وجودشان مملوّ از خشم و اندوه می‌گردد (خشم بر کسانی که ایشان را به چنین سرنوشتی دچار کرده‌اند، و خشم بر خود که به حرف دیگران گوش فرا داده‌اند، و غم و اندوه بر روزگار هدر رفته و طلای عمر باخته شده). ستمگران نه دارای دوست دلسوزند، و نه دارای میانجیگری که میانجی او پذیرفته گردد.

توضیحات:

«یَوْمَ الأَزِفَةِ»: روز نزدیک. مراد قیامت است که به علّت نزدیک بودن آن چنین نامیده شده است (نگا: نجم / ۵۷). «إِذْ»: بدل از (یَوْمَ) است. «الْحَنَاجِرِ»: جمع حَنْجَرَة، حلقوم. گلوگاه. «الْقُلُوبُ لَدَي الْحَنَاجِرِ»: این سخن کنایه از شدّت خوف و مضیقت است (نگا: احزاب / ۱۰). «کَاظِمِینَ»: فرو خورندگان خشم. کسانی که غم و اندوه را در سینه‌ها حبس می‌کنند. حال است. «حَمِیمٍ»: دوست صمیمی و دلسوز (نگا: شعراء / ۱۰۱).

سوره غافر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿یَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡیُنِ وَمَا تُخۡفِی ٱلصُّدُورُ ١٩﴾

ترجمه:

خداوند از دزدانه نگاه کردن چشم‌ها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، آگاه است.

توضیحات:

«خَآئِنَةَ الأَعْیُنِ»: خیانت چشمان و دزدانه نگاه کردن آنها. چشمان خائن و بدنظر. در صورت اوّل، واژه (خَآئِنَة) مصدر است، و در صورت دوم اسم فاعل، و اضافه صفت به موصوف خود است و در اصل (الأَعْیُنَ الْخَآئِنَة) است.

سوره غافر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ٢٠﴾

ترجمه:

خداوند به حق و عدل داوری می‌کند، و کسانی را که به جای او به فریاد می‌خوانند (به سبب عجز و ناتوانی) کم‌ترین داوری از دست ایشان ساخته نیست (و اصلاً کاره‌ای نیستند تا داوری به پیش ایشان برده شود). تنها خدا شنوا و بینا است.

توضیحات:

«مِن دُونِهِ»: به جای او. بغیر از او. «لا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ»: اصلاً داوری نمی‌کنند. یعنی فرماندار و قاضی‌القضات فقط خدا است و بس و دیگران جملگی ضعیف و درمانده‌اند.

سوره غافر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ٢١﴾

آیا در زمین به سیر و سیاحت نپرداخته‌اند تا ببینند سرانجام کار کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند به کجا کشیده است. آنان نیروی‌شان و آثارشان در زمین بیشتر از شما بوده است و خداوند ایشان را به سبب گناهانشان گرفته و هلاک ساخته است و مدافعی در برابر (عذاب) خدا نداشته‌اند (و کسی ایشان را از عذاب رهائی نداده است).

توضیحات:

«أَوَلَـمْ يَسِيرُوا...»: (نگا: یوسف / ۱۰۹، حجّ / ۴۶، روم / ۹، فاطر / ۴۴). «قُوَّةً وَءَاثَاراً»: از لحاظ نیرو تواناتر و از نظر تولیدات کشاورزی و پیشرفت صنعتی و ترقّی علمی، جلوتر بوده‌اند (نگا: انبیاء / ۷۹ و ۸۱، نمل / ۱۶ و ۱۷ و ۲۰، سبأ / ۱۰ و ۱۲، شعراء / ۱۲۸ و ۱۲۹، روم / ۹). علاوه از اشاره به آثار باستانی که تاریخ زنده و مدوّن است، اشاره به تاریخ غیر مدوّن و بلکه مدفون در دل زمین است و تخریب و زیر و رو شدن بارها و بارهای زمین را فریاد می‌دارد. اگر در نظر داشته باشیم که ما حتّی تاریخ ده هزار سال مردمان روی زمین را چنان که باید در دست نداریم، آیا در عمر ده‌ها هزار و صدها هزار و هزاران هزار

سال پیش بر کره زمین چه گذشته است، خدا می‌داند و بس.

سوره غافر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢٢﴾

ترجمه:

این (هلاک و عذاب) بدان خاطر بوده است که پیغمبرانشان دلائل و براهین روشن برای ایشان می‌آوردند و ارائه می‌دادند و آنان راه کفر در پیش می‌گرفتند، و خدا ایشان را گرفته و هلاک می‌کرد. چرا که او نیرومند شدید العقابی است.

توضیحات:

«تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ»: پیغمبران‌شان دلائل و براهین را برای ایشان می‌آوردند و همراه با دلائل و براهین به‌سویشان می‌رفتند. (نگا: مائده / ۳۲، حدید / ۲۵).

سوره غافر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٢٣﴾

ترجمه:

ما موسی را همراه با معجزات و دلیل روشن فرستادیم.

توضیحات:

«ءَايَاتِ»: معجزات. «سُلْطَانٍ»: دلیل و حجّت (نگا: هود / ۹۶).

سوره غافر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ٢٤﴾

ترجمه:

به‌سوی فرعون و هامان و قارون. ایشان گفتند: موسی جادوگر دروغگوئی است.

توضیحات:

«فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ»: فرعون، سمبل حاکم ظالم، هامان، مظهر درباری حیله‌گر و طرّاح طرح‌ها و نقشه‌های شیطانی، و قارون، نمونه ثروتمند مستکبر و بی‌باور.

سوره غافر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ٢٥﴾

ترجمه:

هنگامی که موسی از جانب ما حق را بدی‌شان رساند، (سردمداران کفر به پیروان خود) گفتند: بکشید فرزندان کسانی را که همراه موسی ایمان آورده‌اند (تا دودمانشان از صفحه روزگار زدوده گردد) و زنانشان را زنده بگذارید (تا به خدمتگزاری و کنیزی ما مشغول شوند). لیکن نیرنگ کافران بی‌نتیجه بوده و جز گمراهی نخواهد بود (و تیرشان پیوسته به سنگ خواهد خورد، و طرح‌های شیطانی آنان سرانجام دامنگیر خودشان خواهد شد).

توضیحات:

«جَآءَهُم بِالْحَقِّ»: حق را برای ایشان آورد که مراد قوانین آسمانی و معجزات دالّ بر نبوّت است. «أُقْتُلُوا أَبْنَآءَ الَّذِينَ...»: کشتار دوم بنی‌اسرائیل توسّط فرعون و فرعونیان مراد است (نگا: تفسیر قاسمی). «فِي ضَلالٍ»: سردرگمی است. هدر رفتن و بی‌نتیجه شدن است.

سوره غافر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ ٢٦﴾

ترجمه:

فرعون (به اطرافیان و مشاوران خود) گفت: بگذارید من موسی را بکشم و او پروردگارش را (برای نجات خود از دست من) به فریاد خواند. من از این می‌ترسم که آئین شما را تغییر دهد، یا این که در زمین فساد را گسترش دهد و پراکنده سازد.

توضیحات:

«ذَرُونِي»: مرا رها کنید. مراد ممانعت به عمل نیاوردن و جلوگیری نکردن است.

«أَن يُظْهِرَ»: این که توسعه دهد و پخش و پراکنده سازد. «الْفَسَادَ»: مرادشان آئین توحیدی یا یک انقلاب ضدّ استکباری است.

سوره غافر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٢٧﴾

ترجمه:

موسی (خطاب به فرعون و فرعونیان) گفت: من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از دست هر متکبّری که به روز حساب و کتاب (قیامت) ایمان نداشته باشد.

توضیحات:

«عُذْتُ»: پناهنده می‌شوم. خود را در پناه می‌دارم.

سوره غافر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ٢٨﴾

ترجمه:

مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: آیا مردی را خواهید کشت بدان خاطر که می‌گوید: پروردگار من الله است، در حالی که دلائل روشنی و معجزات آشکاری از جانب پروردگارتان برایتان آورده است و به شما نموده است؟ اگر او دروغگو باشد، دروغگوئیش دامنگیر خود او خواهد شد، و اگر راستگو باشد، برخی از عذاب‌هائی که شما را از آن می‌ترساند گریبان‌گیرتان خواهد گشت. قطعاً خداوند کسی را (به راه نجات و رستگاری) رهنمود نمی‌سازد که تجاوز کار و دروغ‌پرداز باشد.

توضیحات:

«ءَالِ»: خاندان. «قَدْ جَآءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ»: معجزات آشکاری را به شما نشان داده است. دلائل روشنی را برایتان بیان داشته است. «يَعِدُكُمْ»: شما را وعده می‌دهد. مراد وعده

شرّ یا به عبارت دیگر وعید است. «إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»: این عبارت دو پهلو است: اگر موسی متجاوز و دروغگو باشد، خدا او را رهنمود نمی‌سازد و مشمول هدایت الهی نخواهد شد. در این صورت سر و کارش با خدا است و به شما نیازی برای کیفر دادن و کشتن او نیست. اگر شما متجاوز و دروغ‌پرداز باشید، خدا شما را رهنمود نمی‌سازد و مشمول هدایت الهی نخواهید شد. پس بیائید تا مسیر خود را از بدی به‌سوی نیکی تغییر دهید.

سوره غافر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿يَٰقَوۡمِ لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ٢٩﴾

ترجمه:

(مرد مؤمن ادامه داد و گفت:) ای قوم من! امروز حکومت در دست شما است، و در این سرزمین پیروز و چیره‌اید. امّا اگر عذاب سخت (خانه برانداز و ریشه‌کن ساز) الهی دامنگیرمان شود، چه کسی ما را مدد و یاری خواهد کرد و برای رستگاریمان خواهد کوشید؟! فرعون گفت: من جز آنچه صلاح دیده‌ام و پیشنهاد کرده‌ام صلاح نمی‌بینم و به شما پیشنهاد نمی‌کنم، و من جز به راه هدایت و منتهی به سعادت، شما را رهنمود نمی‌کنم. (پس دستور من کشتن موسی است و باید اجرا شود).

توضیحات:

«الْـمُلْكُ»: حکومت و سلطنت. شاهی. «ظَاهِرِينَ»: غالبین. چیرگان و پیروزمندان. حال است «بَأْسِ»: عذاب شدید. «الرَّشَادِ»: هدایت. صواب و صلاح.

سوره غافر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ ٣٠﴾

ترجمه:

آن مرد با ایمان گفت: ای قوم من! می‌ترسم همان بلائی به شما برسد که در روزگاران گذشته به گروه‌ها و دسته‌ها رسیده است.

توضیحات:

«مِثْلَ»: همانند. مراد همانند حادثه و بلا است. یعنی مضافی قبل از (یَوْمِ) محذوف است. «یَوْمِ الأحْزابِ»: مراد از (یَوْم) ایام و روزگاران است، نه روز یا زمان واحدی. همچنین ایام به معنی وقائع نیز آمده است (نگا: تفسیر روح‌المعانی). «الأحْزَابِ»: (نگا: غافر / ۵).

سوره غافر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ﴾

ترجمه:

از سزای عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بوده‌اند (می‌ترسم که گریبانگیرتان شود). خداوند نمی‌خواهد به بندگان ستم کند (و نمی‌پسندد که بندگانش هم به یکدیگر ستم کنند).

توضیحات:

«مِثْلَ دَأْبِ»: همانند عادت. مضافی پیش از (دَأْبِ) محذوف است

سوره غافر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ٣٢﴾

ترجمه:

ای قوم من! بر شما از روز صدا زدن (که قیامت است) می‌ترسم.

توضیحات:

«یَوْمَ التَّنَادِ»: مراد قیامت است... «التَّنَادِ»: اصل آن تنادی است، به معنی صدا زدن. قیامتْ (یَوْمَ التَّنَادِ): نامیده شده است، چرا که در آن: هر ملّتی را به نام پیغمبرش فریاد می‌دارند؛ مردمان همدیگر را صدا می‌زنند و به کمک می‌طلبند؛ مردمان را برای گردهمایی در محشر صدا می‌زنند؛ مردمان کافر واویلا سر می‌دهند و نابودی را فریاد می‌دارند، و...

سوره غافر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٣﴾

ترجمه:

آن روزی که پشت می‌کنید و می‌گریزید، امّا هیچ پناهی جز خدا (برای حفظ خود از عذاب) ندارید. آخر خدا کسی را که (از راستای بهشت منحرف و) گمراه سازد، هیچ راهنما و راهبری نخواهد داشت.

توضیحات:

«يَوْمَ»: بدل است... «تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ»: (نگا: نمل / ۸۰، توبه / ۲۵، انبیاء / ۵۷)... «عَاصِم» (نگا: یونس / ۲۷، هود / ۴۳).

سوره غافر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَكُمۡ يُوسُفُ مِن قَبۡلُ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلۡتُمۡ فِي شَكّٖ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلۡتُمۡ لَن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِهِۦ رَسُولٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ مُّرۡتَابٌ ٣٤﴾

ترجمه:

پیش از این، یوسف آیه‌های روشن و دلائل آشکاری را برای شما آورده بود، امّا شما پیوسته درباره آنچه آورده بود و ارائه داده بود شک و تردید می‌کردید (و به دنبال او راه نمی‌افتادید) تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: خداوند بعد از او دیگر پیغمبری را برانگیخته نخواهد کرد. این چنین خداوند اشخاص متجاوز و متردّد را گمراه و سرگشته می‌سازد.

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: آیه‌های کتاب آسمانی. دلائل و براهین و معجزات. «فَمَازِلْتُمْ فِي شَكٍّ»: پیوسته در شک و تردید بسر می‌بردید. «هَلَكَ»: فوت کرد. «مُرْتَابٌ»: متشکک و متردّد در دین.

سوره غافر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلۡبِ مُتَكَبِّرٖ جَبَّارٖ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که بدون هیچ دلیلی که (از عقل یا نقل در دست) داشته باشند، در برابر آیات الهی (موضع‌گیری می‌کنند و) به ستیز و کشمکش می‌پردازند. (چنین جدال بی‌اساس و نادرستی با آیات الهی) موجب خشم عظیم خدا و کسانی خواهد شد که ایمان آورده باشند. این‌گونه خداوند بر هر دلی که خود بزرگ‌بین و زورگو باشد، مهر می‌نهد (و حسّ تشخیص را از آن می‌گیرد).

توضیحات:

«الَّذِينَ»: منصوب و بدل از (مَنْ) است، و یا مرفوع و خبر مبتدای محذوف است و در اصل چنین است: هُمُ الَّذِينَ. یا مبتدا است و جمله (كَبُرَ مَقْتاً) خبر آن است. «سُلْطَانٍ»: حجّت و برهان. «كَبُرَ مَقْتاً»: فاعل (كَبُرَ) ضمیر مستتری است که به جدال مفهوم از (يُجَادِلُونَ) برمی‌گردد. و یا به (مَنْ). یعنی: كبُرَ مَقْتُهُ. «يَطْبَعُ»: مهر می‌نهد (نگا: اعراف / ۱۰۱، روم / ۵۹). «قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ»: اضافه موصوف به صفت خود است.

سوره غافر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبۡنِ لِي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَبۡلُغُ ٱلۡأَسۡبَٰبَ ﴿٣٦﴾﴾

ترجمه:

فرعون (از قتل موسی موقّتاً دست کشید، ولی بر مرکب غرور سوار شد و) گفت: ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز، شاید من به وسائلی دست یابم (که با آنها به‌سوی خدای موسی بالا روم).

توضیحات:

«صَرْحاً»: کاخ عظیم. بنای مرتفع (نگا: نمل / ۴۴، قصص / ۳۸). «الأَسْبَاب»: وسائل (نگا: بقره / ۱۶۶، ص / ۱۰). راه‌های شناخت و دستیابی به چیزی.

سوره غافر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَسۡبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗاۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِۚ وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ ٣٧﴾

ترجمه:

وسائل (صعود به) آسمان‌ها، تا به خدای موسی بنگرم و از او آگاه شوم، هر چند که من گمانم بر این است که موسی دروغگو است. این چنین، کارهای بد فرعون در نظرش آراسته و پیراسته گشته، و او از راه (حق) بازداشته شده بود، و توطئه و نیرنگ فرعون (و فرعونیان) جز به زیان و نابودی نینجامید.

توضیحات:

«أَسْبَابَ»: بدل است. «أَطَّلِعَ»: بنگرم. باخبر شوم. «تَبَابٍ»: خسران و زیان. هلاک و نابودی.

سوره غافر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُونِ أَهۡدِكُمۡ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ٣٨﴾

ترجمه:

مرد با ایمان گفت: ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه صحیح هدایت کنم.

توضیحات:

«الرَّشَادِ»: (نگا: غافر / ۲۹). رَشاد و رُشد مذکور در (بقره / ۲۵۶) یکی است.

سوره غافر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ ٣٩﴾

ترجمه:

ای قوم من! این حیات دنیوی کالای ناچیزی (و توشه اندکی و خوشی گذرائی) است، و آخرت سرای ماندگاری و استقرار است.

توضیحات:

«مَتَاعٌ»: توشه‌ای که سواری برای مسافرت با خود برمی‌دارد (نگا: المنتخب). کالای اندک. لذّت گذرا. بهره‌ای ناچیز. «دَارُالْقَرَارِ»: سرای همیشگی و ماندگاری. خانه

استقرار و جاودانگی.

سوره غافر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَاۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ۝٤٠﴾

ترجمه:

هر کس عمل بدی انجام دهد، (در آخرت) جز همسان آن، کیفر داده نمی‌شود، ولی هر کس کار خوبی انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن - به شرط این که مؤمن باشد - چنین کسانی به بهشت می‌روند و در آنجا نعمت و روزی بدی‌شان بدون حساب و کتاب عطاء می‌گردد.

توضیحات:

«بِغَيۡرِ حِسَابٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۲۷، نور / ۳۸، ص / ۳۹، زمر / ۱۰).

سوره غافر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ ۝٤١﴾

ترجمه:

ای قوم من! چه خبر است؟ من شما را به‌سوی نجات و رستگاری می‌خوانم و شما مرا به‌سوی آتش دوزخ می‌خوانید؟!

توضیحات:

«مَا لِي»؟: چه چیز می‌بینم؟ چه خبر است؟ چه شده است؟ به من بگوئید که.

سوره غافر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞ وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ۝٤٢﴾

ترجمه:

مرا فرا می‌خوانید تا خدا را باور ندارم، و انبازی برای او قرار دهم که اطّلاعی از آن نداشته و (دلیل و برهانی از کتاب‌های آسمانی بر صحّت معبود بودنش سراغ) ندارم.

در حالی که من شما را به‌سوی (پرستش خداوند) باعزّت و با مغفرت فرا می‌خوانم.

توضیحات:

«أُشْرِكَ بِهِ مَا...»: (نگا: حجّ / ۷۱).

سوره غافر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٤٣﴾

ترجمه:

قطعاً چیزهائی که مرا به‌سوی آنها فرا می‌خوانید، نه در دنیا دعوتی دارند و نه در آخرت. (در دنیا دیده یا شنیده نشده است که بتها پیغمبرانی را به‌سوی مردم فرستاده باشند تا ایشان را توسّط انبیاء به پرستش خود دعوت کنند و بدین وسیله حق الوهیت داشته باشند، و در آخرت هم کسی را برای دادگاهی و حسابرسی خویش به‌سوی خود نمی‌خوانند) و بازگشت ما در آخرت تنها به‌سوی خدا است و بس. و (باید بدانید که) اسرافکاران، دوزخی و همدم آتشند.

توضیحات:

«لاجَرَمَ»: به ناچار. قطعاً (نگا: هود / ۲۲، نحل / ۲۳ و ۶۲ و ۱۰۹). «دَعْوَةٌ»: فرا خواندن. مراد فرا خواندن مردمان برای پرستش در دنیا و دادگاهی در آخرت است. به عبارت دیگر، بتها نه فرستادگانی به‌سوی مردمان برای اطاعت از خود روانه کرده‌اند، و نه در آخرت می‌توانند مردمان را به دادگاهی خوانند (نگا: کهف / ۵۲، قصص / ۶۴، فاطر / ۱۴). لذا اله و معبودِ کسی نمی‌توانند باشند. امّا الله، هم در دنیا پیغمبرانی به‌سوی مردمان روانه فرموده است و ایشان را به پرستش خویش فرا خوانده است، و هم در آخرت مردمان را به دادگاه قیامت فرا می‌خواند و دادرسی می‌فرماید (نگا: اسراء / ۵۲، روم / ۲۵). دعاء. در این صورت مضاف محذوف است و تقدیر چنین است: «لَیْسَ لَهُ إِسْتِجابَةُ دَعْوَة». (نگا: نمل / ۶۲، فاطر / ۱۴). «مَرَدَّ»: (نگا: رعد / ۱۱، روم / ۴۳، شوری / ۴۴ و ۴۷، مریم / ۷۶).

سوره غافر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤﴾

ترجمه:

به زودی آنچه من به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد (و به صدق گفتار من پی خواهید برد). من کار و بار خود را به خدا وا می‌گذارم و حوالت می‌دارم. خداوند بندگان را می‌بیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می‌پاید).

توضیحات:

«أُفَوِّضُ»: واگذار می‌کنم. می‌سپارم.

سوره غافر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥﴾

ترجمه:

خداوند (چنین بنده مؤمنی را تنها نگذاشت و) او را از سوء توطئه‌ها و نیرنگهای ایشان محفوظ و مصون داشت، ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در بر گرفت.

توضیحات:

«سَيِّئَاتِ»: بدیها. مراد شکنجه‌ها و کیفرها و بلاها است. «حَاقَ»: در بر گرفت. گریبانگیر گردید (نگا: انعام / ۱۰، هود / ۸، نحل / ۳۴).

سوره غافر آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾

ترجمه:

و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و امّا روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید.

توضیحات:

«النَّارُ»: بدل از (سُوءُ الْعَذَابِ) است. «يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا»: به آتش نموده می‌شوند. مراد این است که بامدادان و شامگاهان منزل و مأوای آینده آنان در دوزخ را بدانان

نشان می‌دهند. همان‌گونه که رسول اکرم خبر داده است: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَداه وَالْعَشِيِّ، إِنْ كانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ كانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَيُقالُ هذا مَقْعَدُكَ حَتّي يَبْعَثَكَ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». «أَشَدَّ الْعَذَابِ»: اضافه صفت به موصوف خود است.

سوره غافر آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ ٤٧﴾

ترجمه:

(خاطر نشان ساز) زمانی را که در آتش دوزخ (دوزخیان) با همدیگر به کشمکش و پرخاشگری می‌پردازند. ضعفاء (یعنی پیروان دنیوی) به مستکبران (یعنی رؤسای دنیوی) می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، آیا (هم اینک ای سردمداران) بخشی از عذاب را به جای ما پذیرا می‌گردید و به گردن می‌گیرید؟

توضیحات:

«يَتَحَآجُّونَ»: کشمکش می‌کنند. سخنان پرخاشگرانه می‌گویند. بگو مگو می‌کنند. «الضُّعَفَآءُ»: مراد پیروان و مقلّدان دنیوی است. «أَلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا»: مراد رؤساء و سردمداران دنیوی است. «مُغْنُونَ عَنَّا»: (نگا: ابراهیم / ۲۱).

سوره غافر آیه ۴۸

متن آیه:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ ٤٨﴾

ترجمه:

مستکبران (پاسخ می‌دهند و) می‌گویند: ما و شما همگی در این آتش دوزخ هستیم (و سرنوشت مشترکی داریم). خداوند در میان بندگان (خود عادلانه) داوری کرده است (و سهم هر یکی را از عذاب چنان که باید داده است).

توضیحات:

«حَكَمَ»: داوری کرده است و دادگاهی و دادرسی نموده است.

سوره غافر آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٤٩﴾

ترجمه:

دوزخیان به نگهبانان دوزخ می‌گویند: شما از پروردگارتان درخواست کنید که یک روز (بلی فقط یک روز) عذاب را از ما بردارد.

توضیحات:

«أُدْعُوا»: درخواست کنید (نگا: اعراف / ۵۵، غافر / ۵۰). «يُخَفِّفْ»: تخفیف بدهد و کم کند. بردارد.

سوره غافر آیه ۵۰

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ ٥٠﴾

ترجمه:

(نگهبانان دوزخ به آنان) می‌گویند: آیا پیغمبران شما آیه‌های روشن و دلائل آشکاری را برای شما نمی‌آوردند؟ می‌گویند: آری. می‌گویند: پس خودتان درخواست کنید، ولی درخواست کافران (به جائی نمی‌رسد و بیفایده است و) جز سردرگمی نتیجه‌ای ندارد.

توضیحات:

«دُعَآءُ»: درخواست (نگا: فصّلت / ۵۱). «ضَلالٍ»: سردرگمی. ضائع شدن و هدر رفتن. «وَمَا دُعَآءُ الْكَافِرِينَ إِلاّ فِي ضَلالٍ»: این جمله می‌تواند مقول قول نگهبانان دوزخ و یا این که خدا باشد.

سوره غافر آیه ۵۱

متن آیه:

﴿إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ٥١﴾

ترجمه:

ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان بپا

می‌خیزند یاری می‌دهیم و دستگیری می‌کنیم.

توضیحات:

«الأَشْهادُ»: جمع شَهید، گواهان. از جمله گواهان، فرشتگان و انبیاء و شهداء هستند (نگا: هود / ۱۸، زمر / ۶۹).

سوره غافر آیه ۵۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٥٢﴾

ترجمه:

آن روزی که عذرخواهی ستمگران بدی‌شان سودی نمی‌رساند، و نفرین (و طرد از رحمت خدا) بهره آنان خواهد بود و سرای بد (دوزخ) از آن ایشان خواهد شد.

توضیحات:

«سُوءُ الدَّارِ»: سرای بد. اضافه صفت به موصوف است. «اللَّعْنَةُ»: دوری از رحمت خدا و طرد از لطف‌الله.

سوره غافر آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٥٣﴾

ترجمه:

ما به موسی هدایتهائی (در مسیر انجام رسالتش) عطاء کردیم و بنی‌اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) نمودیم.

توضیحات:

«الْهُدي»: مصدر است و به معنی: هدایت و رهنمود، یا هدایت‌ها و رهنمودها. مراد از آن، نبوّت و معجزات و دستورالعمل‌های زندگی خداپسندانه، و بالاخره هر چیزی است که با آن، می‌توان مردمان را به راه یزدان هدایت و راهنمائی کرد و مهمّ‌ترین آنها تورات است. «الْكِتَابَ»: مراد تورات، و یا همه کتاب‌هائی است که بر پیغمبران بنی‌اسرائیل نازل شده است. از قبیل: زبور و صحف و تورات و انجیل.

سوره غافر آیه ۵۴

متن آیه:

﴿هُدٗى وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٤﴾

ترجمه:

(کتابی که) راهنما و اندرزگوی خردمندان بود.

توضیحات:

«هُديً وَذِكْري»: مصدر و مفعول له بشمارند، یعنی: کتاب تورات یا کتاب‌های آسمانی دیگر را برای راهنمائی و اندرزگوئی در اختیار بنی‌اسرائیل قرار دادیم. یا این که مصدر و به عنوان اسم فاعل، یعنی هادی و مذکر به کار رفته و حال بشمارند که معنی آن در بالا گذشت.

سوره غافر آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ﴾

ترجمه:

پس (ای محمّد! بر اذیت و آزار کفّار و ناملایمات روزگار) شکیبائی کن، چرا که وعده خدا (در امر کمک به پیغمبران خود و مؤمنان بدیشان، تخلّف‌ناپذیر و) حق است. و آمرزش گناهانت را بخواه، و بامدادان و شامگاهان به سپاس و ستایش پروردگارت بپرداز.

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ...»: این‌گونه تعبیرات قرآنی در مورد پیغمبر اسلام و سایر پیغمبران، اشاره به: (حَسَنَاتُ الأبْرَارِ، سَيِّئَاتُ الْـمُقَرَّبِينَ) است. یک لحظه غفلت و یک ترک اولی در مورد انبیاء جائز نیست و باید از آن استغفار کنند (نگا: محمّد / ۱۹، فتح / ۲، نصر / ۳). پیغمبر اسلام نیز به مقتضی بشریت تصرّفات و اعمالی داشته است که برای افراد عادی خوب و یا چیز ساده‌ای بوده و برای وجود مبارک او گناه و چیز مهمّی محسوب شده است و مورد عتاب پروردگار قرار گرفته است (نگا: انعام / ۳۳ - ۳۵، انفال / ۶۷ و ۶۸، توبه / ۴۳، ۱۱۳، احزاب / ۳۷، تحریم / ۱، عبس / ۱ - ۱۰).

سوره غافر آیه ۵۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا

هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿٥٦﴾

ترجمه:

کسانی که بدون دلیلی که (از سوی خدا) در دست داشته باشند، درباره آیات الهی به ستیزه‌گری و کشمکش می‌پردازند، در سینه‌هایشان جز برتری جوئی نیست و هرگز هم به برتری نمی‌رسند. پس (از شرّ این‌گونه افراد خودخواه و برتری طلب) خود را در پناه خدا دار که او (سخنان بی‌اساس ایشان را) می‌شنود و (توطئه‌های ناجوانمردانه آنان را) می‌بیند.

توضیحات:

«ءَايَاتِ»: آیه‌های کتاب آسمانی. دلائل و براهین الهی. «إِن فِي صُدُورِهِمْ...»: حرف (إِنْ) نافیه‌است. «كِبْرٌ»: تکبّر. برتری و ریاست مراد است.

سوره غافر آیه ۵۷

متن آیه:

﴿لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٧﴾﴾

ترجمه:

قطعاً آفرینش آسمان‌ها و زمین (از عدم در آغاز خلقت) بسی دشوارتر است از آفرینش مردمان (در پایان این جهان برای شروع زندگی در آن جهان) و لیکن بیشتر مردمان (که کفّار و مشرکانند چنین چیزی را درست) نمی‌دانند.

توضیحات:

«لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالأرْضِ»: این قسمت آیه، اشاره به سرآغاز آفرینش جهان توسّط یزدان است. «خَلْقِ النَّاسِ»: اشاره به پایان این جهان و آفرینش دوباره مردمان است.

سوره غافر آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾﴾

ترجمه:

آنان که چشمان‌شان (از دیدن حق) کور است، با آنان که (حق را) می‌بینند، و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیکو کرده‌اند، با کسانی که بدکار و بزهکارند یکسان نیستند. امّا شما (بر اثر خودخواهی و زشتکاری) کمتر پند می‌گیرید (و متوجّه حقیقت می‌شوید).

توضیحات:

«قَلِیلاً مَا تَتَذَكَّرُونَ»: (نگا: اعراف / ۳، نمل / ۶۲).

سوره غافر آیه ۵۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٌ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

روز قیامت قطعاً فرا می‌رسد و شکی در آن نیست، ولی بیشتر مردم تصدیق نمی‌کنند.

توضیحات:

«لا رَيْبَ فِيهَا»: تأکید سوم است. یعنی فرا رسیدن قیامت با سه تأکید در جمله همراه است: إِنَّ، لام لآتِيَةٌ، و شبه جمله لا رَيبَ فِيهَا.

سوره غافر آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾

ترجمه:

پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم. کسانی که خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت.

توضیحات:

«أُدْعُونِي»: مرا به فریاد خوانید. مرا به کمک بطلبید. رفع نیازمندی‌ها و حلّ مشکلات خود را از من بخواهید. «عِبَادَتِي»: عبادت من. عبادت در اینجا به معنی دعاء است، چرا که دعاء مغز عبادت است همان‌گونه که رسول اکرم فرموده است: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبادَةِ». «دَاخِرِينَ»: (نگا: نحل / ۴۸، صافّات / ۱۸، نمل / ۸۷).

سوره غافر آیه ۶۱

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّیۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِیهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا یَشۡكُرُونَ ٦١﴾

ترجمه:

خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسائید و بیارامید، و روز را روشن گردانید (تا در آن به فعّالیت و کار و کوشش بپردازید). خداوند نسبت به مردم فضل و کرم دارد، ولیکن بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

توضیحات:

«لِتَسْكُنُوا فِيهِ»: (نگا: یونس / ۶۷، قصص / ۷۳). «مُبْصِراً»: روشن. تابان (نگا: یونس / ۶۷ نمل / ۸۶).

سوره غافر آیه ۶۲

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ خَٰلِقُ كُلِّ شَیۡءٍ لَّاۤ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٦٢﴾

ترجمه:

آن (که دهنده نعمت‌ها است) الله، پروردگار شما، و آفریدگار همه اشیاء است و جز او معبودی نیست. پس چگونه (از عبادت او) برگردانده می‌شوید و (از حق) به کدام سو منحرف گردانده می‌شوید؟

توضیحات:

«فَأَنَّي تُؤْفَكُونَ»: (نگا: انعام / ۹۵، یونس / ۳۴، فاطر / ۳).

سوره غافر آیه ۶۳

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ یُؤۡفَكُ ٱلَّذِینَ كَانُواْ بِـَٔایَٰتِ ٱللَّهِ یَجۡحَدُونَ ٦٣﴾

ترجمه:

کسانی که (در میان ملّت‌های گذشته) آیات خدا را نمی‌پذیرفته‌اند، به همین شکل (زشت و بی‌دلیل، از حق) منحرف و رویگردان می‌شده‌اند.

توضیحات:

«يُؤْفَكُ»: استعمال فعل مضارع به جای ماضی، برای به تصویر کشیدن شکل زشت و ناپسندی است که منحرفان بر آن بوده‌اند (نگا: المصحف المیسّر).

سوره غافر آیه ۶۴

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٤﴾

ترجمه:

خدا آن کسی است که زمین را جایگاه و قرارگاه شما کرد، و آسمان را به شکل خیمه و خرگاه ساخت، و شما را شکل بخشید و شکل‌هایتان را زیبا بیافرید، و خوراکی‌های پاکیزه نصیبتان نمود. آن که چنین (الطافی) در حق شما کرده است الله است. پس بالا و والا خداوند تعالی است که پروردگار جهانیان است.

توضیحات:

«قَرَاراً»: قرارگاه. محلّ زندگی. «بِنَآءً»: ساختمان برافراشته. خیمه و خرگاه. با توجّه به معنی اخیر، کرویت فضا نیز در مدّ نظر است. «فَتَبَارَكَ اللهُ»: (نگا: اعراف / ۵۴، مؤمنون / ۱۴، فرقان / ۱ و ۱۰ و ۶۱).

سوره غافر آیه ۶۵

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٥﴾

ترجمه:

زنده جاوید او است. جز او خدائی وجود ندارد، پس او را به فریاد خوانید و عبادت را خاصّ او بدانید. سپاس و ستایش الله را سزا است که پروردگار جهانیان است.

توضیحات:

«الْحَيُّ»: (نگا: بقره / ۲۵۵، آل‌عمران / ۲، طه / ۱۱۱، فرقان / ۵۸). «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»: (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵، لقمان / ۳۲، زمر / ۲ و ۱۱، غافر / ۱۴).

سوره غافر آیه ۶۶

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٦﴾

ترجمه:

بگو: من بازداشته شده‌ام از این که معبودهائی را بجز خدا بپرستم که شما آنها را به فریاد می‌خوانید، از آن زمانی که آیات روشن و دلائل آشکاری از جانب پروردگار برایم آمده است، و به من فرمان داده شده است که خاشعانه و خاضعانه تسلیم پروردگار جهانیان گردم.

توضیحات:

«تَدْعُونَ»: (نگا: انعام / ۵۶، اعراف / ۳۷ و ۱۹۴ و ۱۹۷). «أُسْلِمَ»: تسلیم شوم. فرمانبردار گردم (نگا: بقره / ۱۱۲، آل‌عمران / ۸۳، نساء / ۱۲۵).

سوره غافر آیه ۶۷

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخٗاۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلٗا مُّسَمّٗى وَلَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

خدا کسی است که شما را از خاک می‌آفریند، سپس (خاک را) به منی تبدیل می‌گرداند، و بعد (منی را) به زالو گونه‌ای تبدیل می‌نماید، و آن گاه به شکل نوزادی (از شکم مادرانتان) بیرونتان می‌آورد. بعد (شما را زنده نگاه می‌دارد) تا می‌رسید به کمال قوّت خود، آن گاه پیر می‌شوید - برخی از شما پیش از آن مرحله می‌میرند و (باز هم شما را زنده نگاه می‌دارد) تا به وقت معین (اجل تامّ) می‌رسید. امید است شما (درس‌های عبرت و نشانه‌های قدرتی را که در این احوال و اطوار است) بفهمید.

توضیحات:

«خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ»: مراد آفرینش ابوالبشر آدم است، و یا مراد آفرینش یکایک مردمان از خاک از راه تغذیه اشیائی است که در اصل از خاک هستند. «عَلَقَةٍ»: (نگا: حجّ / ۵، المؤمنون / ۱۴). «أَجَلاً مُّسَمّيً»: مرگ طبیعی هر شخصی. قیامت. «وَلِتَبْلُغُوا

أَجَلاً مُّسَمّيً وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: اگر مراد از (أَجَلاً مُّسَمّيً) قیامت باشد، معنی این جمله عبارت است از: تا به مدّت معین قیامت می‌رسید و حق و حقیقت را چنان که هست فهم می‌کنید (نگا: المیزان).

سوره غافر آیه ۶۸

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٦٨﴾

ترجمه:

او کسی است که زندگی می‌بخشد و می‌میراند، و هنگامی که خواست کاری انجام پذیرد، تنها بدو می‌گوید: باش. پس می‌شود.

توضیحات:

«قَضَي أَمْراً...»: (نگا: بقره / ۱۱۷، آل‌عمران / ۴۷، مریم / ۳۵).

سوره غافر آیه ۶۹

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینی کسانی که درباره آیات خدا به کشمکش و ستیز می‌پردازند، چگونه (از تفکر و تعقّل حق) بازگردانده می‌شوند؟

توضیحات:

«أَنَّي يُصْرَفُونَ»: (نگا: یونس / ۳۲، زمر / ۶).

سوره غافر آیه ۷۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

کسانی که کتاب‌های آسمانی و چیزهائی را که به همراه پیغمبران فرو فرستاده‌ایم تکذیب می‌دارند، به زودی (نتیجه شوم کار خود را) خواهند فهمید.

توضیحات:

«الْكِتَابِ»: قرآن. کتاب‌های آسمانی به طور کلّی. «مَآ أَرْسَلْنَا»: مراد سائر کتب

آسمانی است با توجّه به این که (الْكِتَابِ) قرآن باشد. یا منظور وحی و شرائع است با توجّه به معنی دوم (الْكِتَابِ).

سوره غافر آیه ۷۱

متن آیه:

﴿إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ ٧١﴾

ترجمه:

آن زمان که غلّ‌ها و زنجیرها در گردن دارند و روی زمین کشیده می‌شوند.

توضیحات:

«الأغْلالُ»: (نگا: اعراف / ۱۵۷، رعد / ۵، سبأ / ۳۳). «السَّلاسِلُ»: جمع سِلْسِلَة، زنجیرها. «يُسْحَبُونَ»: روی زمین کشیده می‌شوند (نگا: قمر / ۴۸).

سوره غافر آیه ۷۲

متن آیه:

﴿فِي ٱلۡحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسۡجَرُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

در آب بسیار داغ برافروخته و سپس در آتش تافته می‌گردند.

توضیحات:

«يُسْجَرُونَ»: تمام وجودشان پر از آتش می‌گردد. برافروخته و تافته می‌شوند.

سوره غافر آیه ۷۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

آن گاه بدی‌شان می‌گویند: آن چیزهائی را که انباز خدا می‌کردید (و می‌پرستیدید) کجایند؟

توضیحات:

«كُنتُمْ تُشْرِكُونَ»: انباز خدا می‌دانستید. مراد از انباز قرار دادن، پرستیدن است.

سوره غافر آیه ۷۴

متن آیه:

﴿مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡـٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤﴾

ترجمه:

(همان انبازهائی که) غیر از خدا (می‌پرستیدید). می‌گویند: از ما نهان شده‌اند و هدر رفته‌اند، بلکه اصلاً ما قبلاً (در دنیا) چیزی را که ارزش و مقامی داشته باشد (نپرستیده‌ایم. چیزهائی را که پرستش می‌کرده‌ایم اوهام و خیالاتی بیش نبوده‌اند). خدا این چنین کافران را سرگشته می‌سازد.

توضیحات:

«ضَلُّوا»: گم شده‌اند. نهان و پنهان گشته‌اند. «لَمْ نَکُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَیْئاً»: قبلاً چیزی را نمی‌پرستیده‌ایم. مراد کفّار از این گفتار، این است که جز خدا هر چه را پرستیده‌اند حقیقت و اصلی نداشته و پنداری بیش نبوده است. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر (نَدْعُو) است.

سوره غافر آیه ۷۵

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

این (عذابی که در آن هستید) به سبب شادمانی‌های ناپسند و بیجائی است که (در برابر اموال دنیا) در زمین می‌کردید (تا بدانجا که اموال دنیا، اهوال آخرت را از یادتان برده بود، و به انجام معاصی و گناهانتان کشانده بود) و نیز به سبب نازش‌ها و بالش‌هائی است که (در برابر انجام بزهکاری‌ها و زشتکاری‌ها) می‌نمودید (و ارتکاب معاصی و اقدام به اذیت و آزار دیگران را نشانه قوت و قدرت و عظمت خود می‌دیدید).

توضیحات:

«بِمَا کُنتُمْ تَفْرَحُونَ...»: مراد فرح و شادی مذموم است، مثل شادمانی مغرورانه‌ای که در برابر به دست آوردن اموال و امتعه دنیا برای بعضی‌ها حاصل می‌شود تا بدانجا که آخرت را از یادشان می‌برد و کارشان را به انجام گناهان می‌کشاند (نگا: آل‌عمران / ۱۸۸، انعام / ۴۴، هود / ۱۰، قصص / ۷۶) یا شادی حاصل از مصیبت و رنج دیگران

(نگا: آل‌عمران / ۱۲۰، توبه / ۵۰ و ۸۱). «بِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ»: مراد خُیلاء و تفاخر و افاده بر مردم است (نگا: اسراء / ۳۷، لقمان / ۱۸).

سوره غافر آیه ۷۶

متن آیه:

﴿ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٦﴾

ترجمه:

(به کافران دستور داده می‌شود) از درهای دوزخ داخل شوید و جاودانه در آنجا بمانید. جایگاه متکبّران چه بد جایگاهی است.

توضیحات:

«مَثْوَي»: (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نحل / ۲۹، عنکبوت / ۶۸).

سوره غافر آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) شکیبا باش. وعده خدا حق است (و عذاب را گریبانگیر کفّار می‌سازد). این عذابی را که ایشان را بدان وعده داده‌ایم، یا قسمتی از آن را به تو می‌نمایانیم (و در روزگار حیات تو انجام می‌پذیرد) یا این که تو را می‌میرانیم و (تو آن را نخواهی دید. چه آن را ببینی و چه آن را نبینی مهمّ نیست. چرا که) به‌سوی ما برگردانده می‌شوند.

توضیحات:

«نَتَوَفَّيَنَّكَ»: تو را می‌میرانم.

سوره غافر آیه ۷۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلۡحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

پیش از تو پیغمبرانی را (برای رهنمود مردمان) فرستاده‌ایم. سرگذشت بعضی‌ها را برای تو بازگو کرده و سرگذشت برخی‌ها را برای تو بازگو نکرده‌ایم. هیچ پیغمبری حق نداشته است معجزه‌ای را (که قوم او پیشنهاد کرده‌اند) نشان دهد مگر به فرمان خدا. زمانی هم فرمان خدا (مبنی بر ارائه آن معجزه صادر شده است و پیشنهاد کنندگان ایمان نیاورده‌اند) دادگرانه داوری شده است. (بدین معنی که خدا پیغمبران و مؤمنان را نجات داده است) و آن وقت باطلگرایان (هلاک و) زیانمند گشته‌اند.

توضیحات:

«قَصَصْنَا»: بازگو کرده‌ایم. «مَا كَانَ لِرَسُولٍ»: هیچ پیغمبری حق نداشته است. هیچ پیغمبری را نسزیده است. «ءَايَةٍ»: مراد معجزه پیشنهادی دیگران است. «قُضِيَ بِالْحَقِّ»: دادگرانه داوری شده است. یعنی خدا پیغمبران و ایمانداران را از مهلکه نجات داده است و کفّار و معاندان را نابود نموده است (نگا: هود / ۴۳ و ۷۶ و ۱۰۱). «هُنَالِكَ»: آنجا. آن وقت. این واژه به عنوان ظرف مکان و ظرف زمان به کار می‌رود (نگا: آل‌عمران / ۳۸، اعراف / ۱۱۹، یونس / ۳۰، فرقان / ۱۳، احزاب / ۱۱). «فَإِذَا جَآءَ أَمْرُ اللهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ»: معنی دیگر این بخش از آیه چنین است: هنگامی که فرمان خدا صادر شد و قیامت بپا شد، دادگرانه داوری می‌گردد، و آنجا باطلگرایان زیانمند می‌گردند.

سوره غافر آیه ۷۹

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمَ لِتَرۡكَبُواْ مِنۡهَا وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ۝٧٩﴾

ترجمه:

خدا کسی است که چهارپایان را برای شما آفریده است تا سوار برخی از آنها شوید و برخی از آنها را بخورید.

توضیحات:

«جَعَلَ»: آفریده است (نگا: نحل / ۵).

سوره غافر آیه ۸۰

متن آیه:

﴿وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَلِتَبۡلُغُواْ عَلَيۡهَا حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

و برای شما در آنها منافع زیاد و قابل توجّه دیگری است (همچون: شیر، پشم، پوست، و غیره) و منظور دیگر (از آفرینش آنها) این بوده است که بر آنها سوار شوید و به مقاصدی که در دل دارید برسید (مانند حمل بار و تفریح و سیاحت و غیره). و بر چهارپایان (که وسیله مسافرت در خشکی هستند) و روی کشتی‌ها (که وسیله مسافرت در دریا هستند، کالای شما و خود) شما حمل می‌شوید.

توضیحات:

«مَنَافِعُ»: نکره بودن این واژه، برای بیان اهمّیت و کثرت است. «حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ»: نیازی که در دل دارید. مراد حمل بارها و رسیدن به مکان‌های دور، و شاید مقاصد و استفاده‌های تفریحی همچون گردش و مسابقات باشد.

سوره غافر آیه ۸۱

متن آیه:

﴿وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَأَيَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ ٨١﴾

ترجمه:

خداوند نشانه‌های (قدرت و عظمت) خود را (در آفاق و انفس) به شما نشان می‌دهد (حال بگویید) کدام یک از نشانه‌های (قوّت و شوکت) خدا را می‌توانید انکار کنید؟

توضیحات:

«ءَايَاتِهِ»: نشانه‌های قدرت و دلائل عظمت او. از قبیل: آفرینش انسان از خاک، مسأله حیات و ممات، خلقت آسمان‌ها و زمین، آفرینش شب و روز، و چهارپایان و کشتیها.

سوره غافر آیه ۸۲

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَكۡثَرَ

مِنۡهُمۡ وَأَشَدَّ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

آیا در زمین به سیر و سیاحت نپرداخته‌اند تا ببینند سرنوشت کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند به کجا کشیده است (و کارشان به کجا انجامیده است؟) آنان که از اینان نیرومندتر و دارای آثار بیشتری در زمین بوده‌اند، ولی چیزهائی که فرا چنگ آورده بودند ایشان را (از عذاب خدا) رهائی نداد و بدی‌شان سودی نبخشید.

توضیحات:

«كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاثَاراً فِي الأَرْضِ»: (نگا: غافر / ۲۱). «فَمَآ أَغْنَي عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ»: (نگا: حجر / ۸۴، زمر / ۵۰).

سوره غافر آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

هنگامی که پیغمبرانشان آیه‌های روشن و دلائل آشکاری برای ایشان می‌آوردند، به دانش و معلوماتی که خودشان (درباره مظاهر دنیا) داشتند خوشحال و شادان می‌شدند و (بدان اکتفاء می‌نمودند و علوم و معارف وحی آسمانی را به بازیچه و تمسخر می‌گرفتند، و سرانجام) عذابی که توسّط انبیاء از آن بیم داده می‌شدند و ایشان مسخره‌اش می‌دانستند، آنان را در بر می‌گرفت.

توضیحات:

«حَاقَ بِهِمْ»: ایشان را در بر گرفت. ایشان را فرا گرفت (نگا: انعام ۱۰، هود / ۸، نحل / ۳۴).

سوره غافر آیه ۸۴

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥ وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشۡرِكِينَ ٨٤﴾

ترجمه:

هنگامی که عذاب شدید ما را می‌دیدند، می‌گفتند: به خدای یگانه ایمان داریم و

انبازهائی را که به سبب آنها مشرک بشمار می‌آمده‌ایم نمی‌پذیریم و مردود می‌شماریم.

توضیحات:

«بَأْسَنَا»: عذاب شدید و ریشه‌کن کننده ما (نگا: انعام / ۴۳ و ۱۴۸، اعراف / ۴ و ۵ و ۹۷ و ۹۸). «بِهِ»: به سبب آن. به علّت پرستش آنها.

سوره غافر آیه ۸۵

متن آیه:

﴿فَلَمۡ يَكُ يَنفَعُهُمۡ إِيمَٰنُهُمۡ لَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَاۖ سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ فِي عِبَادِهِۦۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

امّا ایمان‌شان به هنگام مشاهده عذاب شدید ما، بدی‌شان سودی نرسانیده است و نفعی به حالشان نداشته است. این سنّت و شیوه همیشگی خدا در مورد بندگانش بوده است و کافران بدان هنگام زیانبار شده‌اند. (چرا که سرمایه وجود خود را در بیراهه‌ها هدر داده‌اند و حاصلی جز گناه و رسوائی و عذاب دردناک خدائی فراهم نساخته‌اند).

توضیحات:

«سُنَّةَ اللهِ»: شیوه و کارکرد خدا. مراد عدم نفع ایمان به هنگام رؤیت عذاب استیصال است. مفعول مطلق برای عامل محذوف است. یا این که تحذیر است و مفعول به بشمار است یعنی: «إِحْذَرُوا سُنَّةَ اللهِ فِي أَعْدآءِ الرُّسُلِ». در رسم‌الخطّ قرآنی با تاء کشیده نوشته شده است. «هُنَالِكَ»: (نگا: غافر / ۷۸).

سوره فصلت

سوره فصلت آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ١﴾

ترجمه:

حا. میم...

توضیحات:

«حم»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره فصلت آیه ۲

متن آیه:

﴿تَنزِيلٌ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٢﴾

ترجمه:

(این کتابی است که) از طرف خداوند بخشایش‌گر مهرورز نازل شده است.

توضیحات:

«تَنزِيلٌ»: (نگا: شعراء / ۱۹۲، سجده / ۲، یس / ۵، زمر / ۱، غافر / ۲). «الرَّحْمنِ»: «واسع الرّحـمه». «الرَّحِيمِ»: «دائم الرّحـمه».

سوره فصلت آیه ۳

متن آیه:

﴿كِتَٰبٞ فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣﴾

ترجمه:

کتابی است که آیات آن تفصیل و تبیین شده است (و واضح و روشن گشته است. یعنی) قرآن که به زبان عربی است، برای قومی (فهم معانی آن آسان) است که اهل دانش باشند.

توضیحات:

«فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ»: آیه‌های آن تفصیل و تبیین شده است. در قالب الفاظ گویا و زیبا و جمله‌بندیهای دلکش و دلربا و با معانی ژرف و رسا (نگا: اعراف / ۵۲، هود / ۱، انعام / ۱۱۴). «قُرۡءَاناً عَرَبِيّاً»: (نگا: یوسف / ۲، طه / ۱۱۳، زمر / ۲۸). «لِقَوۡمٍ يَعۡلَمُونَ»: برای قومی فهم معانی و درک مقاصد قرآن آسان است که اهل دانش باشند. برای قومی‌آمده است که معانی آن را فهم می‌کنند، چرا که به زبان ایشان آمده است (نگا: ابراهیم / ۴). می‌تواند متعلّق به (فصّلت) یا متعلّق به (تَنزِيلٌ) باشد.

سوره فصلت آیه ۴

متن آیه:

﴿بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ٤﴾

ترجمه:

قرآن بشارت دهنده (مؤمنان به نعمت‌های فراوان و جاویدان) و ترساننده (کافران به عذاب دردناک و سرمدی یزدان) است. ولی (تشویق و تهدید قرآن در دل متعصّبان لجوج بی‌اثر است و) اکثر آنان (از حق و حقیقت) رویگردانند و این است که (روح شنوائی و پذیرائی حقایق را از دست داده‌اند و گوئی که کرند و) هیچ نمی‌شنوند.

توضیحات:

«بَشِيراً وَنَذِيراً»: صفت بعد از صفت (قُرۡءَاناً)، یا حال کتاب یا آیات است.

سوره فصلت آیه ۵

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ ٥﴾

ترجمه:

می‌گویند: دلهایمان در برابر چیزی که ما را بدان می‌خوانی (که یگانه‌پرستی است) در میان پوششهائی قرار گرفته است (و آنچه می‌گوئی بدان نمی‌رسد) و در گوشهایمان سنگینی است (و کلام تو را نمی‌شنود) و میان ما و تو پرده ستبر و مانع بزرگی است (که نمی‌گذارد ما با تو در یکجا گرد آئیم). پس تو (برابر آئین خود) عمل کن و ماهم (برابر آئین خود) عمل می‌کنیم.

توضیحات:

«أَكِنَّةٍ... وَقْرٌ»: (نگا: انعام / ۲۵، اسراء / ۴۶، کهف / ۵۷). «فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ»: تو برابر آئین خود عمل کن و ما هم برابر آئین خود و هرگز از تو پیروی نمی‌کنیم. تو برای نابودی ما دست به کار شو و ما هم برای نابودی تو به کار می‌پردازیم. و مبارزه ما با تو ادامه دارد.

سوره فصلت آیه ۶

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ ٦﴾

ترجمه:

بگو: من فقط و فقط انسانی مثل شما هستم، و به من وحی می‌شود که خداوندگار شما خداوندگار یگانه‌ای بیش نمی‌باشد، پس راست به‌سوی او رو کنید و روید (و پندار و گفتار و کردارتان در مسیر رضای وی باشد) و از او آمرزش بخواهید. وای به حال مشرکان!

توضیحات:

«بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»: انسانم همچون شما. انسانی مثل شما هستم (نگا: ابراهیم / ۱۱، کهف / ۱۱۰، اسراء / ۹۳). «إِنَّمَآ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ»: نائب فاعل (يُوحي) است «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ»: اعمال خود را محض رضای خدا انجام دهید و طاعت و عبادتتان برای او باشد و بس.

سوره فصلت آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٧﴾

ترجمه:

مشرکانی که به پاکسازی خود نمی‌پردازند و آنان به آخرت هم ایمان ندارند.

توضیحات:

«لايُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»: به پاکسازی خود از لوث شرک نمی‌پردازند و به کارهای خیر دست نمی‌یازند. مراد از زکات، پاکسازی و انفاق در راه کارهای خیر است که موجب پاکیزگی نفس و پاک کردن صفحه دل از آلودگیها است. چرا که از یک سو این سوره مکی است و در مکه قانون زکات اصطلاحی که از فروع اسلام است وضع نشده است، و از دیگر سو زکات بر مؤمن واجب است؛ نه بر کافر و مشرک، تا از صفات رذیله مشرکان

بشمار آید. برخی هم آن را همان زکات اصطلاحی می‌دانند و کفّار و مشرکان را موظّف به فروع شریعت می‌دانند (نگا: أضواء البیان).

سوره فصلت آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٨﴾

ترجمه:

مسلّماً کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته و بایسته انجام می‌دهند، اجر و پاداش ناگسیختنی دارند.

توضیحات:

«غَيۡرُ مَـمۡنُونٖ»: غیرمنقطع و ناگسیختنی (نگا: هود / ۱۰۸، ص / ۵۴). برخی هم آن را کم‌نشدنی و کاستی نپذیرفتنی، بدون منت، و بی‌حساب معنی نموده‌اند.

سوره فصلت آیه ۹

متن آیه:

﴿قُلۡ أَئِنَّكُمۡ لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩﴾

ترجمه:

بگو: آیا به آن کسی که زمین را در دو روز آفریده است ایمان ندارید، و برای او همگونها و انبازهائی قرار می‌دهید؟ او (علاوه از این که آفریدگار زمین است) آفریدگار جهانیان هم می‌باشد.

توضیحات:

«خَلَقَ الأرْضَ»: مراد از خلق زمین، تقدیر وجود و آفرینش بالقوّه آن است. چرا که آفرینش زمین همراه با آفرینش همه کائنات بوده و خود قطعه ناچیزی از مجموعه کائنات است (نگا: انبیاء / ۳۰). این هم در قرآن غریب نیست. مثلاً در آفرینش آدم قرآن فرموده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسي عِندَالله كَمَثَلِ ءَادَمَ، خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ» (آل‌عمران / ۵۹). «خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ»: خواست او را از خاک بیافریند و پیدایش او را مقدّر فرمود. چرا که اگر مراد از «خلق» آفریدن بالفعل باشد نه بالقوّه، جمله (كُن

فَيَكُونُ) معنی ندارد (نگا: التفسیر الواضح، تفسیر کبیر). «يَوْمَيْنِ»: دو روز. مراد دو وقت و دوران است. چرا که قبل از آفرینش آسمان و زمین، روزی به معنی روز معمولی وجود نداشته است. این دوران‌ها هم شاید هزاران و بلکه میلیون‌ها و میلیاردها سال به طول انجامیده باشد (نگا: حجّ / ۴۷، سجده / ۵، معارج / ۴).

سوره فصلت آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ ١٠﴾

ترجمه:

او در زمین بر فراز آن کوه‌های استواری قرار داد، و خیرات و برکات زیادی در آن آفرید، و موادّ غذائی (مختلف و جوراجور ساکنان) زمین را به اندازه لازم مقدّر و مشخّص کرد. این‌ها همه (اعمّ از خلق زمین و ایجاد کوه‌ها و تقدیر اقوات) روی هم در چهار روز کامل به پایان آمد، بدان گونه که نیاز نیازمندان و روزی روزی‌خواهان را برآورده کند (و کمترین کم و زیادی در آن نباشد).

توضیحات:

«رَوَاسِيَ»: (نگا: رعد / ۳، حجر / ۱۹، نحل / ۱۵). «بَارَكَ»: پر خیر و برکت باد. نعمتها و منافع زیادی را پدید آورد. «قَدَّرَ»: مقدّر کرد. اندازه‌گیری و پیش‌بینی نمود. «أَقْوَاتَهَا»: خوراکیها و غذاهای مورد نیاز ساکنان روی زمین، اعمّ از انسان‌ها و حیوانها و گیاهها. «أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ»: چهار روز. منظور تتمّه چهار روز است. یا به عبارت دیگر، دو روز برای خلق زمین، و دو روز برای ایجاد کوهها و تولید خیرات و تقدیر اقوات. نظیر این تعبیر، در زبان عربی و فارسی نیز وجود دارد. مثلاً اگر گفته شود: از اینجا تا مکه ده روز طول می‌کشد، و تا مدینه پانزده روز. یعنی پنج روز فاصله مکه و مدینه است و ده روز فاصله اینجا تا مکه. تفاسیر معتبر را در این زمینه مطالعه کردم، جز این، رأی دیگری که چنگی به دل بزند و موافق با آیات دیگر قرآن باشد پیدا نکردم. ولی این بنده خدا را عقیده بر این است که: دو روز یا دو دوران مذکور در آیه ۹ با دو روز یا دو دوران مذکور در آیه ۱۲ مقارن و همزمانند. چرا که آفرینش آسمانها، آفرینش زمین را نیز در بر دارد. و چهار روز یا دوران مذکور در آیه ۱۰ خاصّ زمین و مکمّل دو دوران قبلی است که روی هم شش دوران می‌شود.

«سَوَآءً»: درست در مدّت چهار روز کامل، بدون کم یا زیاد. اقوات و موادّ غذائی درست بدان اندازه است که مورد نیاز است. مصدر و مفعول مطلق فعل محذوف (إِسْتَوَتْ) یا حال (اقوات) است. «السَّآئِلِينَ»: محتاجان و نیازمندان. درخواست‌کنندگان و طالبان. مراد انسان و حیوان و گیاه است. ذکر آن به صورت جمع مذکر سالم، از راه تغلیب است. «لِلسَّآئِلِينَ»: متعلّق به (قَدَّرَ) یا (سَوَآءً) است.

سوره فصلت آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٞ فَقَالَ لَهَا وَلِلۡأَرۡضِ ٱئۡتِيَا طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ ١١﴾

ترجمه:

سپس اراده آفرینش آسمان کرد، در حالی که دود (گونه، و به شکل سحابی‌ها در گستره فضای بی‌انتهاء پراکنده) بود. به آسمان و زمین فرمود: چه بخواهید و چه نخواهید پدید آئید (و شکل گیرید). گفتند: فرمانبردارانه پدید آمدیم (و به همان صورت درآمده‌ایم که اراده فرموده‌ای).

توضیحات:

«ثُمَّ»: سپس. در اینجا برای تأخیر بیانی است نه تأخیر زمانی. یعنی آفرینش آسمان‌ها قبلاً صورت گرفته است و زمین بعد از آن (نگا: بقره / ۲۹، نازعات / ۲۷ – ۳۳). «إِسْتَوَي إِلي...»: قصد کرد. اراده فرمود. «دُخَانٌ»: دود. چه بسا مراد گازها و بخارها باشد که علماء آن را سحابی می‌گویند. «إِئْتِيَا»: پدید آئید و شکل بگیرید. در اینجا خلق تقدیری تبدیل به خلق تکوینی می‌شود و هستی از قوّه به فعل در می‌آید. «أَتَيْنَا»: پدیدار شدیم. پیدا گشتیم. مراد سرعت در اطاعت است. «طَوْعاً أَوْ كَرْهاً»: (نگا: آل‌عمران / ۸۳، توبه / ۵۳، رعد / ۱۵).

سوره فصلت آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ١٢﴾

ترجمه:

آن گاه آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز به انجام رساند، و در هر آسمانی فرمان لازمه‌اش را صادر (و نظام و تدبیر خاصّی مقرّر) فرمود (و مخلوقات و موجودات متناسب با آنجا را آفرید). آسمان نزدیک را با چراغ‌های بزرگی (از ستارگان درخشان و تابان) بیاراستیم و (آن را کاملاً از آفات و استراق سمع شیاطین) محفوظ داشتیم. این (امور مذکوره، اعم از آفرینش جهان هستی و دوران شکل‌گیری و نظم دقیق، برجوشیده از) برنامه‌ریزی خداوند بسیار توانا و بس آگاه است.

توضیحات:

«قَضَاهُنَّ»: فعل (قَضي) به معنی: به انجام رسانید. به پایان برد. ضمیر (هُنَّ) به سماء برمی‌گردد که متضمّن معنی سماوات است. یا به (سماوات) بعد از خود برمی‌گردد. در صورت اوّل (سَبْعَ) حال (هُنَّ) و در صورت دوم تمییز و مفسّر آن است (نگا: روح المعانی، بیضاوی، ابن جُزَی). «أَمْرَهَا»: کار و بار مربوط به آن را. مخلوقات و موجودات و نظم و نظام آن را. «السَّمَآءَ الدُّنْيَا» (نگا: صافّات / ۶). «مَصَابِيحَ»: چراغها. مراد کواکب است (نگا: صافّات / ۶). «حِفْظاً»: نگاهداری. مفعول مطلق فعل محذوف (حَفِظْنَا) است که عطف بر فعل (زَيَّنَّا) است. در اصل چنین‌است: «وَحَفِظْنَاحِفْظاً». «ذلِكَ تَقْدِيرُ...»: (نگا: انعام / ۹۶، یس / ۳۸). یادآوری: خداوند در هفت مورد قرآن، ادوار خلقت آسمان‌ها و زمین را شش دوره ذکر فرموده‌اند (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، هود / ۷، فرقان / ۵۹، سجده / ۴، ق / ۳۸، حدید / ۴).

سوره فصلت آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَإِنْ أَعْرَضُواْ فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَٰعِقَةً مِّثْلَ صَٰعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ١٣﴾

ترجمه:

اگر (مشرکان مکه از پذیرش ایمان) روی‌گردان شدند، بگو: شما را از صاعقه‌ای همچون صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم.

توضیحات:

«صَاعِقَةً»: جرقّه عظیم الکتریسیته است که در میان قطعه ابری که بار مثبت دارد

با زمین که بار منفی دارد ایجاد می‌شود. صدای مهیب و زمین لرزه شدیدی را به همراه دارد.

سوره فصلت آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ١٤﴾

ترجمه:

زمانی (صاعقه گریبان‌گیر قوم عاد و ثمود شد) که پیغمبران از پیش رو و پشت سر (و از هر سو و جهات دیگر) به نزدشان آمدند (و به عناوین مختلف و به شیوه‌های گوناگون پندشان دادند و ارشادشان کردند و گفتند:) جز خدا را پرستش نکنید. پاسخ دادند که: اگر خدا می‌خواست پیغمبرانی روانه دارد فرشتگانی را (به عنوان پیغمبر) فرو می‌فرستاد (نه انسان‌هائی مانند خود ما). ما قطعاً به آن چیزهائی باور نداریم که با خود آورده‌اید.

توضیحات:

«إِذْ»: معمول صاعِقَة است. «مِن بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ» مراد از هر سو و با هر شیوه است. (نگا: احقاف / ۲۱).

سوره فصلت آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ١٥﴾

ترجمه:

و امّا قوم عاد در زمین به ناحق بزرگی فروختند (و مغرورانه) گفتند: چه کسی از ما قدرت بیشتری دارد؟ مگر آنان نمی‌دانستند که خداوندی که ایشان را آفریده است از آنان نیرومندتر است؟! آنان (بر اثر این پندار بی‌اساس) پیوسته آیه‌های ما را انکار می‌کردند و نمی‌پذیرفتند.

توضیحات:

«إِسْتَكْبَرُوا فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ حَقٍّ»: به ناحق در زمین بزرگی فروختند و خویشتن را

بالاتر از آن دانستند که حقیقت را بپذیرند و ایمان بیاورند. «بِغَيْرِ حَقٍّ»: بدون استحقاق. به ناحق (نگا: اعراف / ۱۴۶، یونس ۲۳، قصص / ۳۹).

سوره فصلت آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِيٓ أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ لَا يُنصَرُونَ ١٦﴾

ترجمه:

سرانجام باد تند و پرصدا و سخت سردی را در روزهای شومی به‌سویشان وزان کردیم، تا عذاب خوار و پست‌کننده‌ای در زندگی همین دنیا بدی‌شان بچشانیم. (تازه این عذاب دنیا است) و عذاب آخرت خوار و پست‌کننده‌تر (از عذاب دنیوی ایشان) است، و آنان اصلاً (از سوی کسی) یاری و کمک نمی‌شوند.

توضیحات:

«صَرْصَراً»: سخت و شدید. پر سر و صدا و هراس‌انگیز. بسیار سرد. «أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ»: روزهای شوم و بد. این تندباد هفت شب و هشت روز پیاپی وزیدن گرفت (نگا: حاقّه / ۷) و همچون تنه‌های درختان خرما که از ریشه کنده شده باشند، انسان‌ها را بلند می‌کرد و به زمین می‌کوبید (نگا: قمر / ۲۰).

سوره فصلت آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٧﴾

ترجمه:

و امّا قوم ثمود، ما ایشان را رهنمود کردیم (و راه خیر و راه شر را بدی‌شان نمودیم) و آنان کوردلی (و گمراهی) را بر هدایت (و رهنمود الهی) ترجیح دادند، و لذا به سبب کارهائی که می‌کردند، صاعقه عذاب خوارکننده‌ای ایشان را فرو گرفت.

توضیحات:

«الْعَمي»: کوردلی. گمراهی «صَاعِقَةُ الْعَذَابِ»: اضافه صفت به موصوف است. مثل: «مُهْلِكُ الْعَذَابِ»، که در اصل «الْعَذَابُ الْـمُهْلِكُ» است (نگا: قرطبی). «الْهُونِ»: مصدر

است و به عنوان اسم فاعل یعنی مُهین به کار رفته است. به معنی: خوارکننده و رسواگر (نگا: انعام / ۹۳).

سوره فصلت آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ١٨﴾

ترجمه:

و کسانی را که مؤمن و متّقی بودند نجات دادیم (و از عذاب در امان و از دست کفّار متکبّر رهائی بخشیدیم).

توضیحات:

سوره فصلت آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ١٩﴾

ترجمه:

روزی دشمنان خدا (یعنی کفّار و مشرکان همه ملّتها) به‌سوی آتش دوزخ رانده و بر لبه آن گرد آورده می‌شوند (و دسته‌های پیشین را نگاه می‌دارند تا گروههای پسین را بدانان ملحق گردانند).

توضیحات:

«إِلَي النَّارِ...»: (نگا: زمر / ۷۱). «أَعْدَآءُ اللهِ»: دشمنان خدا. مراد کفّار و مشرکان همه ملّت‌ها از آغاز تا پایان جهان است. «فَهُمْ يُوزَعُونَ»: (نگا: نمل / ۱۷ و ۸۳).

سوره فصلت آیه ۲۰

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های ایشان بر کارهائی که (در دنیا) می‌کرده‌اند، گواهی می‌دهند.

توضیحات:

«شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ..»: شهادت اعضاء در آیات متعدّد قرآن مذکور است (نگا: نور / ۲۴، یس / ۶۵، فصّلت / ۲۱ و ۲۲) ولی نحوه شهادت بر ما مجهول است. آیا خدا درک و شعور و قدرت سخن بدان‌ها می‌دهد، آثار گناهان بر آنها نقش بسته است، در آنها ایجاد صوت می‌گردد، و... «سَمْعُهُمْ وَ...»: علّت این که سمع مفرد و بقیه اعضاء جمع (نگا: بقره / ۷ و ۲۰، انعام / ۴۶، نحل / ۱۰۸). «جُلُودُ»: پوست‌ها. مراد همه اعضاء است، و عطف عامّ بر خاصّ است.

سوره فصلت آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمۡ لِمَ شَهِدتُّمۡ عَلَيۡنَاۖ قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنطَقَ كُلَّ شَيۡءٖۚ وَهُوَ خَلَقَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢١﴾

ترجمه:

آنان به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضدّ ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند: خداوندی ما را به گفتار درآورده است که همه چیز را گویا نموده است، و همو در آغاز شما را (از عدم) آفریده است و (در پایان زندگی و بعد از ممات، دوباره جامه حیات به تنتان کرده و برای حساب و کتاب) به‌سوی او برگردانده شده‌اید.

توضیحات:

«أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ»: خدا همه چیز را به گفتار انداخته است. یعنی امروز همه موجودات عالم سخن می‌گویند و اسرار را بازگو می‌کنند. چرا که پرده‌ها از رازها به کنار رفته است (نگا: / ۲۲، طارق / ۹). نه تنها در قیامت در دنیا هم همه ذرّات عالم به تسبیح و تقدیس خدا مشغول و مأموران رازبگوی خدایند، و هر ذرّه‌ای صفحه‌ای گویا از تاریخ هستی است. امّا هر یک دارای قلمی دیگر و زبانی دیگرند. امّا چگونه؟ شما انسانید و نمی‌دانید. «وَهُوَ خَلَقَكُمْ...»: دنباله سخن جلود، و یا مستأنفه است و فرموده آفریدگار جلود است.

سوره فصلت آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

شما اگر گناهانتان را پنهان می‌کردید نه از این جهت بود که از شهادت گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌هایتان بر ضدّ خودتان بیم داشته باشید (چرا که اصلاً باور نمی‌کردید روزی این‌ها به سخن درآیند و بر ضدّ کسی گواهی دهند). بلکه گمان می‌بردید خدا بسیاری از اعمالی را که (مخفیانه) انجام می‌دهید نمی‌داند.

توضیحات:

«أَن يَشْهَدَ»: از ترس این که شهادت دهد. از این که گواهی دهد. مفعول‌له است. در اصل: «مَخَافَةَ أَن يَشْهَدَ. مِنْ أَن يَشْهَدَ. عَنْ أَن يَشْهَدَ».

سوره فصلت آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

این گمان بدی که درباره پروردگارتان داشته‌اید شما را به هلاکت انداخته است، و لذا از زمره زیانکاران شده‌اید.

توضیحات:

«ذلِكُمْ»: مبتدا است. «ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ»: بدل از مبتدا است. «أَرْدَاكُمْ»: شما را به هلاکت انداخته و نابود نموده است. خبر مبتدا است، یا این که (ظَنُّكُمْ) و (أَرْدَاكُمْ) می‌تواند خبر اوّل و دوم مبتدا باشد.

سوره فصلت آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَإِن يَصْبِرُواْ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُواْ فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

اگر آنان شکیبائی کنند (یا نکنند، یکسان است و) آتش دوزخ جایگاه ایشان است (و راه نجاتی از آن ندارند). اگر هم تقاضای رضایت و درخواست عفو (الهی) کنند (به

جائی نمی‌رسد و پذیرفته نمی‌شود) و مورد عفو قرار نمی‌گیرند.

توضیحات:

«إِن يَصْبِرُوا...»: شبیه این آیه در معنی (نگا: ابراهیم / ۲۱، طور / ۱۶). «مَثْوىً»: محلّ اقامت. (نگا: آل‌عمران / ۱۵۱، نحل / ۲۹، عنکبوت / ۶۸). «إِن يَسْتَعْتِبُوا»: اگر طلب رضایت و گذشت کنند (نگا: نحل / ۸۴، روم / ۵۷، جاثیه / ۳۵). «الْمُعْتَبِينَ»: اجابت‌شدگان. کسانی که درخواستشان پذیرفته گردد. خوشنودشدگان. برخی (يَسْتَعْتِبُوا) را به معنی درخواست (عُتْبي) یعنی برگشت به دنیا، و (الْمُعْتَبِينَ) را به معنی برگشت داده‌شدگان به دنیا گرفته‌اند. در این صورت معنی آیه چنین است: اگر کافران بر آتش شکیبائی کنند یا نکنند یکسان است و دوزخ جایگاه ایشان است، و اگر طلب رجعت و برگشت به دنیا کنند، درخواست ایشان پذیرفته نمی‌گردد و به دنیا برگردانده نمی‌شوند.

سوره فصلت آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَقَيَّضۡنَا لَهُمۡ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُواْ لَهُم مَّا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَحَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

ما برای آنان همنشینان (زشت‌سیرتی از جنّ و انس) ترتیب داده‌ایم (و این دوستان تبهکار، ایشان را از هر سو احاطه می‌کنند و افکارشان را می‌دزدند و چنان بر آنان چیره می‌شوند) که کار دنیا و آخرت را در نظرشان می‌آرایند (و اقدام به محرّمات و ترک عبادات را و همچنین عقاب و عذاب دوزخ را برای‌شان سهل و ساده جلوه‌گر می‌نمایند. تا بدانجا که به آسانی به گرداب فساد فرو می‌روند) و فرمان عذاب الهی درباره آنان ثابت و صادر می‌شود و به سرنوشت اقوام گمراهی از جنّ و انسی گرفتار می‌گردند که پیش از ایشان بوده‌اند (و همچون ایشان کرده‌اند. جملگی) اینان و آنان مسلّماً زیانبار شده‌اند.

توضیحات:

«قَيَّضْنَا»: آماده کرده‌ایم و تهیه نموده‌ایم. ترتیب داده‌ایم (نگا: مریم / ۸۳ و ۸۴، زخرف / ۳۶ و ۳۷). «قُرَنَآءَ»: جمع قَرین، همدم. دوست، مراد شیاطین انس و جنّ

است (نگا: نساء / ۳۸، صافّات / ۵۱). «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: آنچه پیش رو دارند. مراد محرّمات و ضلالات و لذّات و شهوات و زرق و برق دنیا است. «مَا خَلْفَهُمْ»: آنچه پشت سر دارند. مراد امور اخروی است، از قبیل زندگی دوباره و حساب و کتاب و عقاب و عذاب. البتّه می‌توان (مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) را مربوط به امور اخروی، و (مَا خَلْفَهُمْ) را مربوط به امور دنیوی دانست (نگا: بقره / ۲۵۵، طه / ۱۱۰، انبیاء / ۲۸، حجّ / ۷۶). جمله (مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ) ممکن است اشاره به احاطه همه‌جانبه شیاطین انس و جنّ و تزیین آنان هم باشد. «حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ»: فرمان عذاب درباره آنان لازم و ثابت گردید و گرفتار عقاب و عذاب شدند (نگا: اسراء / ۱۶، قصص / ۶۳، نمل / ۸۲). «فِي أُمَمٍ»: در میان ملّتهائی که. همراه با ملّتهائی که. جار و مجرور می‌تواند حال (هم) و متعلّق به (كَآئِنِينَ) محذوف بوده و تقدیر چنین باشد، «كَآئِنِينَ فِي أُمَمٍ». تنوین (أُمَمٍ) دالّ بر تکثیر است. واژه (فِي) می‌تواند به معنی (مَعَ) باشد.

سوره فصلت آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

کافران (به همدیگر) می‌گویند: گوش به این قرآن فرا ندهید، و در (هنگام تلاوت) آن یاوه‌سرائی و جار و جنجال کنید (تا مردمان هم قرآن را نشنوند و مجال اندیشه درباره مفاهیم آن از ایشان گرفته شود و) شما پیروز گردید.

توضیحات:

«إلْغَوْا»: یاوه‌سرائی کنید. کارهای بیهوده انجام دهید. مراد بحث‌های بیفایده و جار و جنجال و سر و صدا و افسانه‌سرائی و بالاخره همه گفتگوها و کارهائی است که افکار مردم را از محور مقاصد قرآنی منحرف سازد و مجال تفکر را از آنان سلب کند. «فِيهِ»: در هنگام خواندن قرآن یا تدریس آیات و یا طرح مسائل آن.

سوره فصلت آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

ما قطعاً (جنگ با قرآن را فراموش نمی‌نمائیم و) به کافران عذاب سختی می‌چشانیم، و آنان را در برابر بدترین کاری که کرده‌اند (که مبارزه با قرآن است) جزا و سزا خواهیم داد.

توضیحات:

«لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي...». مراد دو چیز می‌تواند باشد: الف - مبارزه کافران با قرآن بدترین کار است و در برابر آن کیفر شدید داده می‌شوند. ب - همه کارهای کافران همسان بدترین کارشان محسوب می‌گردد و بدترین مجازات‌ها بدان‌ها تعلّق می‌گیرد، همان‌گونه که همه کارهای مؤمنان همسان بهترین کارشان محسوب می‌شود و بهترین پاداش‌ها بدان‌ها تعلّق می‌گیرد (نگا: توبه / ۱۲۱، نحل / ۹۶ و ۹۷، نور / ۳۸، عنکبوت / ۷، زمر / ۳۵).

سوره فصلت آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعۡدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُۖ لَهُمۡ فِيهَا دَارُ ٱلۡخُلۡدِ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

این، کیفر دشمنان خدا است که آتش (سوزان جهنّم) است. (امّا نه آتش موقّتی و زودگذر، بلکه) سرای همیشگی ایشان در میان آن است. این هم بدان خاطر است که پیوسته آیات ما را (با وجود علم به واقعیت آنها) انکار می‌کرده‌اند.

توضیحات:

«النَّارُ»: آتش دوزخ. عطف بیان یا بدل از (ذلِكَ) و یا این که خبرمبتدای محذوف (هُوَ) است. «دَارُ الْخُلْدِ»: سرای ماندگاری و جاودانگی. یعنی در دوزخ اقامتگاه همیشگی کفّار است. «جَزَآءً»: مفعول مطلق عامل محذوف (نگا: اسراء / ۶۳) و یا مفعول له است. «جَزَآءً بِمَا كَانُوا بِئَايَاتِنَا يَجْحَدُونَ»: حرف (ب) یکم متعلّق به (جَزَآءً) و دوم متعلّق به (يَجْحَدُونَ) است.

سوره فصلت آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيۡنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ نَجۡعَلۡهُمَا تَحۡتَ أَقۡدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

کافران (در میان دوزخ فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! کسانی را از دو گروه انس و جنّ به ما نشان بده که ما را گمراه کرده‌اند، تا ایشان را زیر پاهای خود بگذاریم و لگدمالشان گردانیم و بدین وسیله از زمره پست‌ترین مردم (از لحاظ مقام و مکان) شوند.

توضیحات:

«الأسْفَلِينَ»: پائین‌ترین افراد و پست‌ترین مردم از لحاظ مکانت و منزلت و مقام و مکان. این سخن بیان‌گر شدّت خشم کافران بر سردستگان و رهبران کفر و معصیت است (نگا: بقره / ۱۶۶ و ۱۶۷، سبأ / ۳۱ – ۳۳).

سوره فصلت آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مژده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسّط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد.

توضیحات:

«تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الـمَلآئِكَةُ»: مراد نزول فرشتگان به هنگام مرگ انسان‌ها است (نگا: نساء / ۹۷، انفال / ۵۰، انعام / ۹۳، نحل / ۲۸ و ۳۲، محمّد / ۲۷). برخی این بشارتها را

دائمی و مستمرّ دانسته و آنها را الهام‌های معنوی فرشتگان در گوش جان مؤمنان در همه مراحل زندگی می‌دانند.

سوره فصلت آیه ۳۱

متن آیه:

﴿نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ٣١﴾

ترجمه:

(و فرشتگان بدی‌شان خبر می‌دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است.

توضیحات:

«مَا تَدَّعُونَ»: آنچه طلب کنید (نگا: یس / ۵۷).

سوره فصلت آیه ۳۲

متن آیه:

﴿نُزُلٗا مِّنۡ غَفُورٖ رَّحِيمٖ ٣٢﴾

ترجمه:

اینها به عنوان پذیرائی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«نُزُلاً»: (نگا: آل‌عمران / ۱۹۸، کهف / ۱۰۷، صافّات / ۶۲).

سوره فصلت آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که مردمان را به‌سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته می‌کند و اعلام می‌دارد که من از زمره مسلمانان (و منقادان اوامر یزدان) هستم؟

توضیحات:

«قَوْلاً»: تمییز است. «الـْمُسْلِمِينَ»: مسلمانان. کسانی که فرمانبردار اوامر خدا بوده و سرِ بندگی و پرستش را فروتنانه بر آستانه‌اش می‌گذارند.

سوره فصلت آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ ٣٤﴾

ترجمه:

نیکی و بدی یکسان نیست. (هرگز بدی را با بدی، و زشتی را با زشتی پاسخ مگوی. بلکه بدی و زشتی دیگران را) با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده. نتیجه این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد.

توضیحات:

«لاتَسْتَوِي»: مساوی و برابر و یکسان نیست. «إِدْفَعْ»: پاسخ بده (نگا: مؤمنون / ۹۶). از میان بردار (نگا: بقره / ۲۵۱، حجّ / ۴۰). «وَلِيٌّ»: دوست. رفیق. «حَمِيمٌ»: گرم. صمیمی. «إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: (نگا: مؤمنون / ۹۶).

سوره فصلت آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٣٥﴾

ترجمه:

به این خوی (و خلق عظیم) نمی‌رسند مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمی‌رسند مگر کسانی که بهره بزرگی (از ایمان و تقوا و اخلاق ستوده) داشته باشند.

توضیحات:

«مَا يُلَقَّاهَا»: به این خصلت دست نمی‌یابد و این سفارش را پذیرا نمی‌گردد (نگا: قصص / ۸۰). ضمیر (هَا) به (خَصْلَة) یا (وَصِيَّة) باز می‌گردد که مستفاد از جمله سابق

است. «ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»: دارای بهره فراوان از خصال حمیده و صفات پسندیده‌ای که منتهی به سعادت دائم می‌گردد (نگا: قصص / ۷۹، انسان / ۱۱).

سوره فصلت آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٦﴾

ترجمه:

هرگاه وسوسه‌ای از شیطان (در این مسیر) متوجّه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن و) خود را به خداوند بسپار (و به سایه لطف او پناه بر) که او بس شنوا و آگاه است (و تو را می‌پاید و محافظت می‌نماید).

توضیحات:

«وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ...»: (نگا: اعراف / ۲۰۰).

سوره فصلت آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

از نشانه‌های (قدرت) خدا، شب و روز و خورشید و ماه است. برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدائی که آنها را آفریده است، سجده کنید، اگر واقعاً او را عبادت و پرستش می‌کنید.

توضیحات:

«ءَايَاتِهِ»: نشانه‌های قدرت و ادلّه عظمت او. «إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»: اگر واقعاً او را می‌پرستید. اگر می‌خواهید او را عبادت و پرستش کنید.

سوره فصلت آیه ۳۸

متن آیه:

﴿فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡـَٔمُونَ۩ ٣٨﴾

ترجمه:

اگر (مشرکان) خود را بزرگ‌تر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار بپردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقرّبند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی‌گردند.

توضیحات:

«عِندَ رَبِّكَ»: در پیشگاه او هستند. مراد از عندیت، یعنی در پیشگاه بودن، عندیت مکانی نیست؛ بلکه عندیت کرامت و منزلت است (نگا: قمر / ۵۵). «لا یَسْأَمُونَ»: ملول نمی‌گردند. خسته و درمانده نمی‌شوند (نگا: بقره / ۲۸۲).

سوره فصلت آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡۚ إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاهَا لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٣٩﴾

ترجمه:

و از نشانه‌های (قدرت) خدا این است که تو زمین را خشک و برهوت می‌بینی، امّا هنگامی که (قطره‌های حیات بخش) آب بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش درمی‌آید و آماسیده می‌گردد (و بعدها به صورت گل و گیاه و سبزه موج می‌زند). آن کس که این زمین خشک و برهوت را زنده می‌کند، هم او مردگان را نیز (در قیامت) زنده می‌گرداند. چرا که او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«خَاشِعَةً»: خشک و برهوت. ساکن و بدون حرکت. «إهْتَزَّتْ»: به جنبش درمی‌آید و تکان می‌خورد. «رَبَتْ»: بالا می‌آید و آماسیده می‌گردد. «إهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ...»: (نگا: حجّ / ۵). وقتی که آب به عناصر و ذرّات خاک می‌رسد، در داخل آب حل می‌گردند و جذب دانه‌ها یا ریشه‌های گیاهان می‌شوند و به سلول‌ها و بافت‌ها و اندام‌های زنده‌ای تبدیل شده و رشد می‌کنند و افزایش می‌یابند. «مُحْيي»: زنده کننده (نگا: روم / ۵۰). در رسم‌الخطّ قرآنی با یک یاء نوشته شده است.

سوره فصلت آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخۡفَوۡنَ عَلَيۡنَآۗ أَفَمَن يُلۡقَىٰ فِي ٱلنَّارِ خَيۡرٌ أَم مَّن يَأۡتِيٓ ءَامِنٗا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ٱعۡمَلُواْ مَا شِئۡتُمۡ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٤٠﴾

ترجمه:

کسانی که آیات ما را مورد طعن قرار می‌دهند و به تحریف (حقائق و معانی) آن دست می‌یازند، بر ما پوشیده نخواهند بود (و کیفرشان را خواهیم داد.) آیا کسی که به آتش دوزخ انداخته می‌شود بهتر است یا کسی که (در سایه ایمان) در نهایت امن و امان، روز قیامت (به عرصه محشر) می‌آید؟ هر کاری که می‌خواهید بکنید، او می‌بیند هر آنچه را که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«يُلْحِدُونَ»: مورد طعن قرار می‌دهند. تحریف می‌کنند. «ءَايَاتِ»: مراد آیات تکوینی کتاب منظور جهان، یا آیات تشریعی مذکور در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن است. «يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا»: آیات ما را تحریف می‌کنند. آیات ما را مورد طعن قرار می‌دهند. مراد منحرف ساختن مردم با مغالطه و سفسطه از دلائل خداشناسی و نشانه‌های قدرت الهی، و یا تحریف حقائق و معانی و تغییر عبارات و الفاظ کتاب‌های آسمانی است. «ءَامِناً»: در امن و امان. مطمئنّ و بی‌دغدغه، حال است.

سوره فصلت آیه ۴۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلذِّكۡرِ لَمَّا جَآءَهُمۡۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٞ ٤١﴾

ترجمه:

کسانی که قرآن را انکار می‌کنند بدان گاه که به ایشان می‌رسد، (بر ما پوشیده نمی‌مانند و سزای آن را می‌بینند). قرآن کتاب ارزشمند و بی‌نظیری است.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ...»: خبر آن محذوف است. از قبیل: «لايُخْفَوْنَ عَلَيْنا... لا يَغِيبُ عَنَّآ أَمْرُهُمْ وَ مَا يَقْصِدُونَ». «الذِّكْرِ»: قرآن (نگا: حجر / ۹، نحل / ۴۴). «عَزِيزٌ»: ارزشمند. بی‌نظیر. چیره و شکست‌ناپذیر.

سوره فصلت آیه ۴۲

متن آیه:

﴿لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ ٤٢﴾

ترجمه:

هیچ گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجّه قرآن نمی‌گردد. (نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن، و نه دست تحریف به دامان بلندش می‌رسد. چرا که) قرآن فرو فرستاده یزدان است که با حکمت و ستوده است (و افعالش از روی حکمت است، و شایسته حمد و ستایش بسیار است).

توضیحات:

«الْبَاطِلُ»: نقطه مقابل حق. مراد: نسخ، کم و زیاد شدن، غلط از آب درآمدن، تناقض مطالب و مفاهیم، و بالاخره همه چیزهای نادرست و خلاف حقیقت و واقعیت است. «مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ»: کنایه از همه جانبه بودن است. یعنی از همه جهات خدا قرآن را حفظ می‌کند (نگا: حجر / ۹) و از هیچ سو و هیچ طرف و ناحیه، بطلان و فساد متوجّه آن نگشته و نمی‌گردد. «تَنزِیلٌ» (نگا: شعراء / ۱۹۲، یس / ۵، فصّلت / ۲).

سوره فصلت آیه ۴۳

متن آیه:

﴿مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدۡ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبۡلِكَۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٖ ٤٣﴾

ترجمه:

از طرف (کافران و منافقان و جاهلان) چیزی به تو گفته نمی‌شود، مگر همان چیزهائی که قبلاً به پیغمبران پیش از تو گفته شده است. (و چنین نسبت‌های ناروائی و سخنان نازیبائی بدی‌شان داده شده است. خلاصه نه دعوت تو به‌سوی یکتاپرستی مطلب تازه‌ای است، و نه تهمت و تکذیب مردمان بی‌دین و بی‌ایمان). مسلّماً پروردگار تو دارای آمرزش فراوان (در حق مؤمنان) و دارای مجازات دردناک (در حق کافران) است.

توضیحات:

«مَا یُقَالُ لَكَ إِلاّ مَا...»: مراد نسبت‌های ناروائی همچون: ساحر، شاعر، مجنون، کاهن، مفتری، و دشنام‌ها و سخنان زشت دیگر است (نگا: مائده / ۷۰، یس / ۳۰،

ذاریات / ۳۹ و ۵۲، نحل / ۱۰۱).

سوره فصلت آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ ٤٤﴾

ترجمه:

چنان که قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می‌فرستادیم، حتماً می‌گفتند: اگر آیات آن (به عربی) توضیح و تبیین می‌گردید (چه می‌شد؟ در این صورت ما آن را روشن و گویا فهم می‌کردیم. و می‌گفتند:) آیا (کتاب) غیر عربی و (پیغمبر) عربی؟ بگو: قرآن برای مؤمنان مایه راهنمائی و بهبودی است. (ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگشتگی می‌رهاند، و از بیماری‌های شک و گمان نجات می‌بخشد) و امّا برای غیرمؤمنان، کری گوش‌های ایشان و کوری (چشمان) آنان است. (انگار) آنان کسانیند که از دور صدا زده می‌شوند (این است که با وجود چشم باز و گوش باز، منادیگر را چنان که باید نمی‌بینند، و ندائی را که معلوم و مفهوم باشد نمی‌شنوند).

توضیحات:

«أَعْجَمِيٌّ»: غیر عربی (نگا: نحل / ۱۰۳، شعراء / ۱۹۸). «لَوْلا»: این واژه برای طلب حصول مابعد خود است. (نگا: کهف / ۳۹). «فُصِّلَتْ»: بیان و روشن می‌گردید. توضیح و تبیین می‌شد. «أَأَعْجَمِيٌّ»؟: آیا غیر عربی است؟ «أَأَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ»؟: آیا قرآن به زبان غیرعربی برای پیغمبر عربی زبان آمده است؟ مراد این است که کافران و مشرکان بیماردل همیشه کارشان ایراد گرفتن و بهانه تراشیدن بود. قرآن که عربی است، سحر و افسونش می‌خواندند (نگا: سبأ / ۴۳، صافّات / ۱۵) و اگر غیرعربی می‌بود، گنگ و نامفهومش می‌شمردند. «هُدىً وَشِفَآءٌ»: راهنمائی و بهبودی. راهنما و شفادهنده. «وَقْرٌ»: سنگینی. کری. این واژه می‌تواند خبر مبتدای محذوف باشد، و معنی آن در بالا گذشت. و یا این که مبتدای مؤخّر بوده (فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ) معنی شود: در گوش‌هایشان کری است. یعنی انگار کرند این است که نمی‌شنوند. «عَميً»: کوری. کوردلی و گمراهی (نگا: فصّلت / ۱۷).

«عَلَيْهِمْ عَمىً»: کوری است برای اینان. موجب گمراهی آنان است (نگا: بقره / ۲۶).

سوره فصلت آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِۗ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ٤٥﴾

ترجمه:

ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم و در آن (از طرف بنی‌اسرائیل) اختلاف گردید (و دسته دسته و پراکنده شدند. این هم سنّت همیشگی در میان همه ادیان و اقوام است. قوم تو نیز از این قاعده مستثنی نیست). اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود (که عذاب کافران و مجازات شدید مبطلان تا روز رستاخیز به تأخیر انداخته شود) در میان (قوم تو نیز با نابود کردن کافران و بر جای داشتن مؤمنانِ) ایشان داوری می‌گردید. چرا که آنان درباره قرآن به شک و تردید شگفتی گرفتار آمده‌اند (و از حقیقت فرسنگ‌ها به دور افتاده‌اند).

توضیحات:

«وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسي...»: این بخش جنبه دلداری پیغمبر را در بر دارد. و آن این که همه اقوام به گروههای مؤمن و غیرمؤمن تقسیم شده‌اند، و مؤمنان نیز فرقه فرقه و دسته دسته گشته‌اند و مذاهب مختلفی پیدا کرده‌اند. از جمله پیروان موسی که بعضی از ایشان در مدینه بوده مثال محسوسی از این واقعیت بشمار آمده‌اند و به ۷۳ فرقه تقسیم گشته‌اند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن) «لَوْ لا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ...»: مراد وعده‌ای است که خدا به پیغمبر داده بود. مبنی بر این که مادام او در میان قوم خود است ایشان را نابود نکند (نگا: انفال / ۳۳). «لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ»: کار ایشان به پایان می‌رسید و در میان‌شان داوری می‌گردید. مراد نابودی مشرکان و منکران قرآن است. «مِنْهُ»: درباره قرآن. یادآوری: برخی تمام آیه را راجع به قوم موسی و شک ایشان درباره تورات می‌دانند. چرا که این آیه درست با همین عبارت در سوره هود آیه ۱۱۰ مذکور است و مربوط به موسی و تورات و قوم بنی‌اسرائیل می‌باشد.

سوره فصلت آیه ۴۶

متن آیه:

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾

ترجمه:

هر کس که کار نیک بکند به نفع خود می‌کند، و هر کس که کار بد بکند به زیان خود می‌کند، و پروردگار تو کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کند.

توضیحات:

«مَا رَبُّكَ بِظَلاّمٍ لِلْعَبِيدِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۲، انفال / ۵۱، حجّ / ۱۰).

سوره فصلت آیه ۴۷

متن آیه:

﴿إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ أَيۡنَ شُرَكَآءِي قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَامِنَّا مِن شَهِيدٖ ٤٧﴾

ترجمه:

آگاهی از وقوع قیامت به خدا بازمی‌گردد و بس (و کسی جز خدا نمی‌داند قیامت کی خواهد بود). هیچ میوه‌ای (بارور نمی‌شود و) از غلاف خود بیرون نمی‌آید (و پوسته خویش را نمی‌شکافد)، و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌گردد و وضع حمل نمی‌کند، مگر در پرتو دانش او و با اطّلاع او. روزی خداوند مشرکان را ندا می‌دهد: شریک‌ها و انبازهائی که برای من می‌پنداشتید کجایند؟ پاسخ می‌دهند و می‌گویند: ما به تو عرض کردیم که کسی از ما گواهی نمی‌دهد (که تو دارای شریک و انباز هستی).

توضیحات:

«إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ»: (نگا: اعراف / ۱۸۷، لقمان / ۳۴، احزاب / ۶۳). «أَكْمَام»: جمع کمّ، غلاف. پوسته. «أُنثي»: ماده. مراد مؤنّث همه جانداران از قبیل: حیوانات و حشرات و پرندگان و انسان است. «ءَاذَنَّاكَ»: به تو اعلام کردیم. به تو عرض کردیم. مراد این است که امروز همه چیز روشن شده است و کسی معتقد به انباز نیست. یا این که مشرکین می‌گویند: ما هرگز به شریک معتقد نبوده‌ایم (نگا: انعام / ۲۳). «شَهِيدٍ»: گواه.

سوره فصلت آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُۖ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٤٨﴾

ترجمه:

و اثری از معبودهائی که قبلاً (در دنیا) به فریاد می‌خواندند و می‌پرستیدند نمی‌بینند، و یقین حاصل می‌کنند که هیچ گریزگاهی و راه فراری ندارند.

توضیحات:

«ضَلَّ»: ناپیدا گردید. گم شد. «ظَنُّوا»: یقین حاصل کردند. در اینجا ظنّ به معنی علم و یقین است. چرا که در صحنه محشر و هنگامه قیامت، شک و گمان معنی ندارد، و همه چیز معلوم و مشهود است. «مَحِيصٍ» گریزگاه. راه فرار (نگا: ابراهیم / ۲۱).

سوره فصلت آیه ۴۹

متن آیه:

﴿لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ ٤٩﴾

ترجمه:

انسان (بی‌ایمان) از طلبیدن دارائی و نعمت سیر نمی‌گردد و خسته نمی‌شود، ولی زمانی که بلا و سختی و فقر و فاقه بدو رو کرد، فوراً دلسرد و ناامید می‌گردد (و از خود و زندگی بیزار و گریزان می‌شود).

توضیحات:

«لا يَسْأَمُ»: ملول و خسته نمی‌گردد. «الإِنسَانُ»: مراد انسان کافر و بی‌ایمان است (نگا: آیات ۵۰ – ۵۴). «دُعَآءِ»: طلبیدن، به دنبال رفتن. «الْخَيْرِ»: مال و ثروت. دارائی و نعمت و صحّت. «دُعَآءِ الْخَيْرِ»: اضافه مصدر به مفعول خود است. «الشَّرُّ»: فقر و فاقه. بلا و مصیبت. بیماری و تنگی معیشت. «يَؤُوسٌ»: بسیار ناامید. «قَنُوطٌ»: بسیار مأیوس. «يَؤُوسٌ قَنُوطٌ»: هر دو واژه به یک معنی و برای تأکید است.

سوره فصلت آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٠﴾

ترجمه:

اگر ما به چنین انسانی، به دنبال ناراحتی و زیانی که بدو رسیده است، از سوی خود مرحمتی (همچون ثروت و صحّت) روا داریم، گستاخانه خواهد گفت: این (ثروت و صحّت) حق من است (و آن را در سایه تلاش و کوشش و علم و دانش خود به دست آورده‌ام) و اصلاً گمان نمی‌برم که قیامتی در کار باشد. اگر (به فرض، قیامتی هم در کار باشد و) من به‌سوی پروردگارم برگردم، حتماً در پیشگاه او دارای مقام و منزلت خوبی هستم (چرا که ذاتاً محترمم، و همان‌گونه که در دنیا خدا گرامیم داشته است و به من قدرت و نعمت داده است، در آخرت نیز گرامیم می‌دارد و به من عزّت و حرمت می‌بخشد) ما کافران را مسلّماً از کارهائی که کرده‌اند آگاه خواهیم کرد و حتماً عذاب سخت و زیادی را بدی‌شان می‌چشانیم.

توضیحات:

«رَحۡمَةً»: مراد نعمت‌هائی همچون ثروت و قدرت است. «ضَرَّآءَ»: زیان و ضرر. ناراحتی و بیماری. «هذَا لِي»: این از خود من است. این در سایه عقل و شعور و علم و کاردانی خودم می‌باشد. «الۡحُسۡني»: مراد مقام و منزلت و بهشت است. «غَلِيظٍ»: متراکم. شدید. فراوان (نگا: هود / ۵۸، ابراهیم / ۱۷، لقمان / ۲۴).

سوره فصلت آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ ٥١﴾

ترجمه:

هنگامی که ما به انسان نعمت دهیم رویگردان (از دینداری و شکرگزاری) می‌گردد و تکبّر و غرور می‌ورزد، و هنگامی که به بلا و گرفتاری و ناراحتی و بیماری دچار گردید، دعاهای عریض و طویلی سر می‌دهد (و به شکوه و گلایه می‌پردازد که چرا خدا نعمت خود را از او بازگرفته است و بدو ظلم کرده است).

توضیحات:

«أَعْرَضَ»: رویگردان می‌شود. شکرگزاری و چه بسا دینداری را رها می‌کند. «نَئَا بِجَانِبِهِ»: خود را از خداپرستی و دینداری دور می‌کند. تکبّر می‌ورزد و مغرور می‌گردد. شانه‌ها را بالا می‌اندازد که مثل سر را بالا گرفتن نشانه فخرفروشی و استکبار است. مراد از (جانِب) خود انسان یا دوش او است (نگا: روح المعانی). «عَرِيضٍ»: وسیع. مراد دراز و فراوان است. البتّه دعای شخص کافر یا سست ایمان، بدین هنگام جنبه گلایه از خدا و ناشکری دارد و بیشتر جزع و فزعی است بر از دست دادن نعمت و برای عودت دادن آن. یا این که در وقت ثروتمندی متکبّر و مغرور می‌شود، و در وقت فقر و فاقه متضرّع و زبون، و در هر دو حالت تنها متوجّه دنیا است. بالاخره دعایش برای دنیا است نه برای خدا.

سوره فصلت آیه ۵۲

متن آیه:

﴿قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِۦ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾﴾

ترجمه:

(ای محمّد!) بگو: به من خبر دهید اگر این (قرآن) از سوی خداوند آمده باشد، و آن گاه شما به آن ایمان نداشته باشید، چه کسی گمراه‌تر خواهد بود از آن کسی که (با حق و حقیقت) سخت در مبارزه و مقابله باشد؟

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: (نگا: انعام / ۴۰ و ۴۶ و ۴۷، یونس / ۵۰). «شِقَاقٍ»: مخالفت. مقابله. «بَعِيدٍ»: دور از حقیقت. ژرف که مراد همه جانبه و سخت است. «فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ»: (نگا: بقره / ۱۷۶، حجّ / ۵۳).

سوره فصلت آیه ۵۳

متن آیه:

﴿سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾﴾

ترجمه:

ما به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) هرچه زودتر دلائل و نشانه‌های خود را در اقطار و نواحی (آسمان‌ها و زمین، که جهان کبیر است) و در داخل و درون خودشان (که جهان صغیراست) به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) نشان خواهیم داد تا برای ایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است. آیا (برای برگشت کافران از کفر و مشرکان از شرک) تنها این بسنده نیست که پروردگارت بر هر چیزی حاضر و گواه است؟ (چه حضور و شهادتی از این برتر و بالاتر که با خطّ تکوین، دلائل قدرت و حکمت خود را بر روی همه ذرّات کائنات و وجود موجودات نگاشته است؟).

توضیحات:

«الآفَاقِ»: نواحی عالم و اقطار آسمان‌ها و زمین. «أَنَّهُ»: این که قرآن. این که اسلام (نگا: کشّاف، مختصر). «شَهِیدٌ»: گواه و مطلع. حاضر و ناظر.

سوره فصلت آیه ۵۴

متن آیه:

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطُۢ ٥٤﴾

ترجمه:

آگاه باشید که ایشان درباره ملاقات با پروردگارشان (برای حساب و کتاب) در شک و تردیدند (و رستاخیز را باور نمی‌دارند). هان بدانید که خدا (علم و قدرتش) همه چیز را دربر گرفته است (و از هر چیزی آگاه و بر هر چیزی‌توانا است).

توضیحات:

«مِرْيَةٍ»: شک وتردید (نگا: هود / ۱۷ و ۱۰۹، حجّ / ۵۵، سجده / ۲۳)

سوره شوری

سوره شوری آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ۝١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره شوری آیه ۲

متن آیه:

﴿عٓسٓقٓ ۝٢﴾

ترجمه:

عین. سین. قاف.

توضیحات:

«عسق»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره شوری آیه ۳

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٣﴾

ترجمه:

خدای نیرومند و فرزانه، به تو و به کسانی که پیش از تو (پیغمبر) بوده‌اند این چنین (معانی و مقاصدی که در این سوره است) وحی می‌کند. (سرچشمه وحی همه جا و همه وقت یکی است که پروردگار جهان است، و محتوای وحی نیز در اصول و کلّیات برای جملگی پیغمبران یکی است).

توضیحات:

«كَذٰلِكَ»: همان‌گونه که در این سوره است. این چنین که می‌بینی. «يُوحِي إِلَيْكَ»: در سایر سوره‌های قرآن به تو وحی می‌کند. «إِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ»: به سایر پیغمبران کتاب‌های آسمانی را با همین اصول و کلّیات وحی کرده است. «اللهُ»: فاعل فعل (يُوحِي) است.

سوره شوری آیه ۴

متن آیه:

﴿لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و او والا و بزرگوار است.

توضیحات:

«لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ...»: مجموعه عالم هستی از آن او است.

سوره شوری آیه ۵

متن آیه:

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

(خدا که مالکیت عالم هستی از آن او است، بقدری عظیم است که) آسمان‌ها (با همه عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر جلالت و عظمت او کرنش‌کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغول و برای کسانی که در زمین هستند درخواست آمرزش می‌کنند. هان! (ای انسانِ غافل از اطاعت آسمان‌ها و افلاک و عبادت فرشتگان پاک! بدان که) یزدان آمرزگار و مهربان است. (اگر از سر صدق سر بندگی بر آستانه او بگذاری و دست دعا به سویش برداری، با عالم علوی هم‌آوا شده‌ای، و قلم عفو الهی بر گناهانت کشیده می‌شود).

توضیحات:

«يَتَفَطَّرْنَ»: از هم می‌شکافند. «مِن فَوْقِهِنَّ»: از قسمت بالای خود. «يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ»: از هم شکافتن آسمان‌ها به خاطر علوّ شأن و هیبت و عظمت آفریدگار جهان

است (نگا: صفوةالبیان لمعانی القرآن، المنتخب). بعضی هم شکافتن آسمان‌ها را به خاطر شرک و بت‌پرستی مشرکان می‌دانند و آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مریم را هم‌معنی با این آیه می‌شمارند.

سوره شوری آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ٦﴾

ترجمه:

افرادی که جز خدا (کسانی و چیزهای دیگری را) مددکار و یاور خود می‌گیرند، خداوند مراقب ایشان است (و اقوال و افعال آنان را زیر نظر دارد و حساب گفتار و کردارشان را نگاه می‌دارد و در موقع خود کیفر لازم را بدی‌شان می‌دهد) و تو مأمور و مسؤول حسابرسی و پاییدن کار و بار آنان نیستی. (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

توضیحات:

«اللهُ»: مبتدا است. «حَفِيظٌ»: مراقب اعمال و پاینده اقوال (نگا: انعام / ۱۰۴، هود / ۵۷ و ۸۶، سبأ / ۲۱). «وَكِيلٍ»: کسی که کار و بار مردم بدو موکول و واگذار می‌شود (نگا: انعام / ۶۶ و ۱۰۲ و ۱۰۷، یونس / ۱۰۸).

سوره شوری آیه ۷

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ فَرِيقٞ فِي ٱلۡجَنَّةِ وَفَرِيقٞ فِي ٱلسَّعِيرِ ٧﴾

ترجمه:

این چنین (روشن و گویا) قرآن بزرگواری را که به زبان عربی است به تو وحی می‌کنیم تا اهل مکه و دور و بر آن را (از خشم خدا و عذاب دوزخ) بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم‌آیی (قیامت) که شک و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی. (در آن روز، مردمان دو گروه بیش نیستند) گروهی در بهشت بسر می‌برند و دسته‌ای در آتش دوزخ.

توضیحات:

«قُرْءَاناً عَرَبِيّاً»: (نگا: یوسف / ۲، طه / ۱۱۳، زمر / ۲۸، فصّلت / ۳). «أُمَّ الْقُري»: مکه

(نگا: انعام / ۹۲). مراد این نیست که اسلام دین جهانی نیست. بلکه بیان (امّ القري) ذکر خاصّ است که در موارد دیگر رسالت جهانی اسلام به طور عام بیان شده است (نگا: فرقان / ۱). «يَوْمَ الْجَمْعِ»: روز گردهمآئی که قیامت است (نگا: هود / ۱۰۳، تغابن / ۹، واقعه / ۵۰). «فَرِيقٌ»: دسته. جماعت (نگا: بقره / ۷۵ و ۱۰۰ و ۱۰۱، آل‌عمران / ۲۳).

سوره شوری آیه ۸

متن آیه:

﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ٨﴾

ترجمه:

اگر خدا می‌خواست، همه مردمان را یک دین و یک آئین می‌کرد (و به جملگی ایشان یک نوع طرز تفکر می‌داد و به یک راه رهبری می‌نمود) امّا خدا (به انسان‌ها آزادی داده است، تا در پرتو آن راه یزدان یا راه شیطان را برگزینند، و بر اثر این انتخاب، به بهشت یا به دوزخ روند... او) هر که را بخواهد غرق رحمت خود می‌کند (که مؤمنانند، و هر که را بخواهد وارد عذاب خود می‌گرداند که کافرانند) و کافران (در قیامت) نه دوستی دارند و نه یاوری.

توضیحات:

«وَلَوْ شَآءَ اللهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...»: (نگا: مائده / ۴۸، هود / ۱۱۸). «وَلِيٍّ»: دوست. سرپرست. «نَصِيرٍ»: یاور. مددکار (نگا: بقره / ۱۰۷). «الظَّالِمُونَ»: کافران (نگا: اعراف / ۴۴، هود / ۱۸).

سوره شوری آیه ۹

متن آیه:

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ وَهُوَ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٩﴾

ترجمه:

(چنین ستمگران کفرپیشه‌ای خدا را به سرپرستی نمی‌گیرند) و بلکه جز او را به سرپرستی گرفته‌اند، در صورتی که سرپرست او است و او مردگان را زنده می‌گرداند و

او بر همه چیز توانا است.

توضیحات:

«أَمْ»: بلکه. این واژه برای انتقال از کلام سابق و پرداختن به سرزنش مشرکان به خاطر گزینش سرپرستان جز خدا است (نگا: بقره / ۲۱۴). بعضی (أَمْ) را برای استفهام انکاری دانسته‌اند. در این صورت معنی آیه چنین است: آیا آنان جز خدا کسانی و چیزهائی را به سرپرستی گرفته‌اند؟ در حالی که سرپرست تنها او است، و او است که مردگان را زنده می‌کند، و او است که بر هر چیزی توانا است.

سوره شوری آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ١٠﴾

ترجمه:

در هر چیزی که اختلاف داشته باشید، داوری آن به خدا واگذار می‌گردد (و کتاب قرآن قانون دادگاه یزدان است و در پرتو آن کشمکش‌ها باید فیصله پیدا کند). چنین داوری خدا است که پروردگار من است و من بدو پشت می‌بندم، (و برای قضاوت در منازعات، و رفع اختلافات، و حل مشکلات) به (کتاب) او مراجعه می‌کنم.

توضیحات:

«فَحُكْمُهُ إِلَي الله»: داوری آن به خدا واگذار می‌گردد. مراد مراجعه به قرآن و رهنمود گرفتن از آن است. البتّه پس از قرآن، مراجعه به سنّت نبوی است (نگا: نساء / ۵۹). «أُنِيبُ»: مراجعه می‌کنم (نگا: هود / ۸۸، رعد / ۲۷، زمر / ۵۴).

سوره شوری آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾

ترجمه:

او آفریننده آسمان‌ها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن، و چهارپایان را به شکل نر و ماده درآورده است و بدین‌وسیله بر آفرینش شما (انسان‌ها و تولید و تکثیر

نسل حیوان‌ها) می‌افزاید. هیچ چیزی همانند خدا نیست (و نه او در ذات و صفات به چیزی از چیزهای آسمان و زمین می‌ماند، و نه چیزی از چیزهای آسمان و زمین در ذات و صفات بدو می‌ماند) و او شنوا و بینا است (و پیوسته بر کارگاه جهان نظارت می‌نماید، و از جمله زاد و ولد انسان‌ها و حیوان‌ها را می‌پاید).

توضیحات:

«مِنْ أَنفُسِكُمْ»: از جنس و نوع خودتان (نگا: نحل / ۷۲، روم / ۲۱). «مِنَ الأَنْعَامِ أَزْوَاجاً»: از جنس و نوع چهارپایان ماده‌هائی را آفریده است. «يَذْرَؤُكُمْ»: شما را به وفور می‌آفریند. از ماده (ذَرْء) به معنی آفریدن و پراکندن (نگا: انعام / ۱۳۶، نحل / ۱۳، مؤمنون / ۷۹، اعراف / ۱۷۹). در اینجا مراد تولید نسل و تکثیر مثل و تداوم وجود است. ضمیر (کم) خطاب به انسان است و از راه تغلیب شامل چهارپایان هم می‌باشد. «فيهِ»: با آن. یعنی به وسیله این کار که تدبیر یا خلق جفت‌ها است. واژه (فيهِ) به معنی (بِهِ) است (نگا: معانی القرآن) و استعمال آن بدین شکل اشاره دارد به این که چنین تدبیری و یا آفرینشی انگار منبع افزایش و معدن پخش است (نگا: قاسمی). «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»: این قسمت از آیه، بیان‌گر این واقعیت است که خدا در ذات و صفات جدای از مخلوقات است. مثلاً او محیط بر هر چیز است (نگا: نساء / ۱۲۶، فصّلت / ۵۴) و انسان‌ها غیرمحیط. مفاهیم آسان و سخت، دور و نزدیک، و گذشته و حال و آینده، اوّل و آخر، ظاهر و باطن، و... نسبت به خدا معنی ندارد (نگا: بقره / ۲۰، آل‌عمران / ۲۹، حدید / ۳) ولی در مورد غیر خدا ثابت است.

سوره شوری آیه ۱۲

متن آیه:

﴿لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٢﴾

ترجمه:

کلیدهای آسمان‌ها و زمین در دست او است. برای هر کس که بخواهد روزی را فراوان و یا کم می‌گرداند. او از همه چیز کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«مَقَالِيدُ»: کلیدها. (نگا: زمر / ۶۳). «يَقْدِرُ»: تنگ می‌گرداند. کم و ناچیز می‌نماید (نگا: رعد / ۲۶، اسراء / ۳۰، قصص / ۸۲).

سوره شوری آیه ۱۳

متن آیه:

﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ ۝١٣﴾

ترجمه:

خداوند آئینی را برای شما (مؤمنان) بیان داشته و روشن نموده است که آن را به نوح توصیه کرده است و ما آن را به تو وحی و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نموده‌ایم (به همه آنان سفارش کرده‌ایم که اصول) دین را پابرجا دارید و در آن تفرّقه نکنید و اختلاف نورزید. این چیزی که شما مشرکان را بدان می‌خوانید (که پابرجا داشتن اصول و ارکان دین است) بر مشرکان سخت گران می‌آید. خداوند هر که را بخواهد برای این دین برمی‌گزیند و هر که (از دشمنانگی با دین دست بکشد و) به‌سوی آن برگردد، بدان رهنمودش می‌گرداند.

توضیحات:

«شَرَعَ»: بیان داشته است. روشن نموده است. «الَّذِي»: ذکر چنین موصولی اشاره به اهمّیت دین اسلام دارد که جامع همه اصول و ارکان ادیان آسمانی است. چرا که (الَّذِي) در میان موصولات اصل، و آئین اسلام نیز در میان ادیان خدا اصل است. «يَجْتَبِي إِلَيْهِ»: برای تبلیغ دین به عنوان پیغمبر برمی‌گزیند. برای گزینش دین خود انتخاب می‌نماید، مرجع ضمیر (ه) خدا یا دین خدا است. «يَهْدِي إِلَيْهِ»: به‌سوی خود یا آئین خود هدایت می‌کند. مرجع ضمیر (ه) باز هم خدا یا دین خدا است. «يُنِيبُ»: (نگا: غافر / ۱۳).

سوره شوری آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى لَّقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ١٤﴾

ترجمه:

(پیروان پیغمبران پیشین، درباره دین) گروه گروه و دسته دسته نشده‌اند (و راه اختلاف در پیش نگرفته‌اند) مگر بعد از علم و آگاهی (از برنامه و اصول و ارکان دین و پی بردن به حقّانیت آئین). و این تفرقه‌جوئی تنها به خاطر ستمگری و کجروی در میان خودشان بوده است. اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که آنان تا سرآمد معینی (که قیامت است، زنده و آزاد) باشند، میان‌شان (با مجازات و نابودی) داوری می‌گردید. آنانی که (در روزگار تو اهل کتاب بشمارند و) کتاب‌های آسمانی بعد از گذشتگان به دست‌شان رسیده است، درباره آنها دچار شک و گمان توأم با بدبینی و سوءظنّ شده‌اند. (والاّ اگر به کتاب‌های خود ایمان کامل داشتند، پی می‌بردند که تو حقیقةً فرستاده خدائی).

توضیحات:

«مَا تَفَرَّقُوا»: فرقه فرقه و دسته دسته نشده‌اند و اختلاف پیدا نکرده‌اند (نگا: بینه / ۴). «الْعِلْمُ»: آگاهی، مراد دلائل صحیح و براهین یقینی بر حقّانیت دین و آئینی است که خدا بدی‌شان ابلاغ فرموده بوده است. «لَوْ لا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ...»: (نگا: یونس / ۱۹، هود / ۱۱۰، طه / ۱۲۹، فصّلت / ۴۵) «مِن بَعْدِهِمْ»: بعد از اسلاف و گذشتگان. «مُرِيبٍ»: به شک و تردید اندازنده (نگا: هود / ۶۲ و ۱۱۰، ابراهیم / ۹، سبأ / ۵۴، فصّلت / ۴۵).

سوره شوری آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٥﴾

ترجمه:

تو نیز مردمان را به‌سوی آن (آئین واحد الهی دعوت کن که اسلام است) و آن گونه

که به تو فرمان داده شده است (بر دعوت مردمان به دین یزدان ماندگار باش و در این راه) ایستادگی کن و از خواست‌ها و هوس‌های ایشان پیروی مکن، و بگو: من به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده باشد ایمان دارم، و به من دستور داده شده است که در میان شما دادگری کنم. خدا پروردگار ما و پروردگار شما است. اعمال ما از آن ما است (نه از آن شما) و اعمال شما از آن شما است (نه از آن ما، و هر کسی در مقابل کارهایش مسؤول است). میان ما و شما خصومت و مجادله‌ای نیست (چرا که حق را بیان و آشکار کردم و از این به بعد نیازی به جدال و استدلال نمی‌باشد). خداوند (سرانجام در قیامت در یکجا) ما را جمع خواهد کرد، و بازگشت (همه در آن روز، برای داوری و حساب و کتاب) به‌سوی او است (و هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت).

توضیحات:

«فَلِذٰلِكَ»: به‌سوی آن آئین یگانه آسمانی که دین همه انبیاء پیشین بوده و اسلام نام دارد. برای رفع آن اختلافات ملّت‌ها. لام (لِذٰلِكَ) به معنی (إِلي) و یا برای تعلیل است. «حُجَّةً»: دلیل آوردن. جدال کردن.

سوره شوری آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ ١٦﴾

ترجمه:

کسانی که درباره (دین) خدا به مخاصمه و مجادله می‌پردازند و (علیه آن) دلیل و برهان (بی‌اساس و پوسیده) ذکر می‌کنند، آن هم زمانی که (به سبب وضوح و روشنی، از سوی مردم) پذیرفته شده است، خصومت آنان بیهوده و دلائل و براهین ایشان در پیشگاه پروردگارشان باطل و ناپذیرفتنی است، و خشم شدید (خدا در قیامت) گریبانگیرشان می‌گردد و عذاب سختی خواهند داشت.

توضیحات:

«يُحَآجُّونَ فِي اللهِ»: درباره دین خدا به ستیز می‌پردازند و استدلال‌های بی‌اصل و اساسی بیان می‌دارند. «لَهُ»: مرجع ضمیر (هُ) می‌تواند (الله) یا پیغمبر و یا دین باشد

(نگا: آلوسی). «حُجَّتهُمْ»: دلیل و برهان‌شان. ستیز و جدال‌شان. «دَاحِضَةٌ»: باطل و زائل (نگا: کهف / ۵۶، غافر / ۵).

سوره شوری آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ١٧﴾

ترجمه:

خدا است که کتاب (قرآن) را نازل کرده‌است که مشتمل بر حق و حقیقت است (و جنبه ذهنی و پنداری ندارد، و در قرآن، برای ارزیابی ارزش‌ها، ضوابط و قواعد) و معیار و میزان ایجاد کرده است. تو چه می‌دانی، شاید قیامت نزدیک باشد (و هرچه زودتر به حساب همگان رسیدگی شود).

توضیحات:

«الْمِيزَانَ»: معیار و میزان ارزیابی و ارزش‌ها. مراد قواعد و ضوابطی است که در قرآن، یا در کتاب‌های آسمانی دیگر گنجانده شده است و جداکننده حق از باطل است (نگا: حدید / ۲۵). مراد از انزال میزان در اینجا، ایجاد آن و رهنمود بدان است. «قَرِيبٌ»: علّت مذکر آمدن قَریبٌ، بدان خاطر است که در اصل خبر (إتیان) است که مضاف محذوفی است. یا این که به‌معنی «ذاتُ قُرْبٍ» بوده و از باب تامِرو لابِن می‌باشد (نگا: اعراف / ۵۶).

سوره شوری آیه ۱۸

متن آیه:

﴿يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ١٨﴾

ترجمه:

کسانی که به قیامت ایمان ندارند، در فرا رسیدن آن شتاب می‌ورزند (و مسخره‌کنان بیان می‌دارند: این قیامتی که شما می‌گویید، کی خواهد آمد؟) و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند، به سبب (اعتقاد به وقوع) آن در خوف و هراسند و می‌دانند که قیامت حق است (و چه دیر و چه زود قطعاً فرا می‌رسد). هان! مسلّماً کسانی که نسبت به قیامت شک و تردید دارند و (تمسخرکنان درباره آن) به جدال و ستیز می‌پردازند، در گمراهی سخت ژرف و بسیار دور (از راستای راه رستگاری) قرار دارند.

توضیحات:

«یَسۡتَعۡجِلُ بِهَا»: زود فرا رسیدن قیامت را خواستارند. البتّه کافران و مشرکان از روی استهزاء و تمسخر چنین تقاضائی داشته‌اند. «مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا»: از آن می‌ترسند. به سبب قیامت ترسان و هراسانند. مراد این است که برای حفظ خود از عذاب و شر و بلای آن، به عبادات و حسنات دست می‌یازند و عمرشان را در تلاش و کوشش و پرستش بسر می‌برند (نگا: مؤمنون / ۶۰). «یُمَارُونَ»: می‌ستیزند و کشمکش می‌کنند. در شک و تردید بسر می‌برند (نگا: روح المعانی، نمونه).

سوره شوری آیه ۱۹

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ١٩﴾

ترجمه:

خداوند نسبت به بندگانش بسیار لطف و مرحمت دارد، و به هر کس که خود بخواهد روزی می‌رساند (و بدو نعمت فراوان می‌دهد و خوبی می‌کند)، و او نیرومند و چیره است (و قادر بر انجام هر کاری، و وفای به عهدها و وعده‌های خویش است).

توضیحات:

«لَطِيفُۢ»: کسی که دارای لطف و مرحمت بسیار است. کسی که بس دقیق و آگاه است. «يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ»: منظور توسعه روزی و نعمت است، والاّ همگان روزی‌خواران یزدانند (نگا: رعد / ۲۶)

سوره شوری آیه ۲۰

متن آیه:

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ٢٠﴾

ترجمه:

(گروهی برای آخرت کشت می‌کنند و گروهی برای دنیا). هرکس که کشت آخرت را بخواهد، به کشت او فزونی و برکت می‌دهیم، و هر کس که کشت دنیا را بخواهد، مقداری از دنیا بدو می‌دهیم، و دیگر در آخرت کمترین بهره‌ای ندارد.

توضیحات:

«حَرْثَ»: کشت‌وکار (نگا: بقره / ۷۱ و ۲۰۵ و ۲۲۳، آل‌عمران / ۱۴ و ۱۱۷). مراد متاع و کالا و خوشی‌ها است. «مِنْهَا»: از دنیا. حرف (مِنْ) برای تبعیض است و بیان‌گر مقدار اندک و بخش ناچیزی است. «مِن نَّصِیبٍ»: هیچ بهره‌ای. حرف (مِنْ) و نکره آمدن (نَصِیبٍ) هر دو برای تأکید نفی است.

سوره شوری آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ۝٢١﴾

ترجمه:

شاید آنان انبازها و معبودهائی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بی‌خبر است؟) اگر این سخنِ قاطعانه و داورانه (خدا، مبنی بر مهلت کافران و تأخیر قیامت تا وقت معین آن) نبود، میان‌شان (با اهلاک کافران و ابقاء مؤمنان) داوری می‌گردید (و دستور عذاب دنیوی یا اخروی صادر می‌گشت و مجالی به کافران نمی‌داد. در عین حال آنان نباید این حقیقت را فراموش کنند که) قطعاً ستمگران عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«أَمْ»: آیا. شاید که. بلکه (نگا: بقره / ۲۱۴) «شَرَعُوا»: قانونگذاری کرده‌اند. پی افکنده‌اند. پدید آورده‌اند. «الْفَصْلِ»: حکم کردن. فیصله دادن. جدا کردن حق از باطل. مراد همان چیزی است که در آیه ۱۴ همین سوره از آن سخن رفته است.

سوره شوری آیه ۲۲

متن آیه:

﴿تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ۝٢٢﴾

ترجمه:

ستمکاران (کفرپیشه) را (در روز قیامت) خواهی دید که از (کیفر) کارهائی که کرده‌اند سخت بیمناکند، ولی (عذاب و عقاب) آن حتماً ایشان را فرو می‌گیرد، و کسانی را خواهی دید که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، در باغ‌های بهشت بسر می‌برند و هرچه بخواهند نزد پروردگارشان برای‌شان فراهم است. واقعاً فضل بزرگ و لطف سترگ این است.

توضیحات:

«الظَّالِمِينَ»: کافرین. «هُوَ»: کیفر کارهائی که کرده‌اند. وبال. «وَاقِعٌ بِهِمْ»: بدی‌شان می‌رسد و ایشان را فرا می‌گیرد. «رَوْضَاتِ»: باغ‌های خرم و سرسبز. «الْفَضْلُ»: عطیه. لطف.

سوره شوری آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۗ قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰۗ وَمَن يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةٗ نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ شَكُورٌ ٢٣﴾

ترجمه:

این همان چیزی است که خداوند بندگان خود را بدان نوید می‌دهد، بندگانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند. بگو: در برابر آن (همه نعمت که در پرتو دعوت اسلام به شما خواهد رسید) از شما پاداش و مزدی نمی‌خواهم جز عشق و علاقه نزدیکی (به خدا) را (که سود آن هم عاید خودتان می‌گردد). هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی عمل او می‌افزائیم (و دست کم یک خوبی را ده خوبی بشمار می‌آوریم). خداوند آمرزگار و شکرگزار است (و گناهان بندگان را می‌بخشد و کارهای خوبشان را به بهترین وجه پاداش می‌دهد).

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: در برابر آن همه فضل و لطفی که در آخرت نصیب مؤمنان نیکوکار می‌شود. در برابر تبلیغ رسالت و رنج دعوت. «إِلاّ الْـمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبي»: مگر شور و شوق تقرّب به خدا با انجام حسنات و دوری از سیئات. یعنی آنچه از شما می‌خواهم در پیش

گرفتن راه خدا است (نگا: فرقان / ۵۷). «الْقُرْبي»: تقرّب. «يَقْتَرِفْ»: کسب کند. به دست آورد. «حُسْناً»: زیبائی. «نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْناً»: بر زیبائی حسنه او می‌افزائیم. یعنی آن را جزای مضاعف می‌دهیم و ده برابر و بیشتر بشمار می‌آوریم (نگا: انعام / ۱۶۰، بقره / ۲۶۱).

سوره شوری آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٢٤﴾

ترجمه:

آیا می‌گویند: (محمّد) بر خدا دروغ و افتراء بسته است (و خدا بدو چیزی وحی نکرده است و زائیده اندیشه خود را به او نسبت داده است؟) اگرخدا بخواهد بر دل تو مهر می‌نهد (و قدرت حفظ آیات خود را از تو می‌گیرد). خداوند با سخنان (قرآنی) خود باطل را از میان برمی‌دارد و حق را پابرجا می‌دارد. مسلّماً او بسیار آگاه از همه چیزهائی است که در درون سینه‌ها است.

توضیحات:

«أَمْ»: یا. آیا. بلکه. «يَخْتِمْ عَلي قَلْبِكَ»: بر دل تو مهر می‌زند و از دریافت آیات و حفظ قرآن محرومت می‌کند. مراد بیان قدرت مطلقه خدا و دلداری رسول است. «يَمْحُ»: اصل آن (يَمْحُو) و فعل مضارع مرفوع است، و عرب‌ها گاهی برای تخفیف واو یا یاء را از آخر فعل مضارع حذف می‌کنند. در رسم‌الخطّ قرآنی واو را ننوشته‌اند. مانند: «يَدْعُ الإِنسَانُ بِالشَّرِّ» (اسراء / ۱۱). «وَسَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ»: (علق / ۱۸). ذکر واژه (الله) به دنبال آن، و ذکر فعل مضارع مرفوع (يُحِقُّ) با وجود عطف بر آن، نشانه‌های دیگری بر این امر است. «بِكَلّماتِهِ»: با سخنان خود. مراد وحی آسمانی و آیات قرآنی است. «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۹ و ۱۵۴، مائده / ۷...).

سوره شوری آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِی یَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَیَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّیِّـَٔاتِ وَیَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ۝٢٥﴾

ترجمه:

تنها خدا است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد، و گناهان را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

توضیحات:

«یَعْفُو»: در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی به دنبال دارد.

سوره شوری آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَیَسۡتَجِیبُ ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَیَزِیدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۚ وَٱلۡكَٰفِرُونَ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِیدٞ ۝٢٦﴾

ترجمه:

و دعا و درخواست کسانی را اجابت می‌کند که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، و از فضل خود بدی‌شان بیشتر (از آن چیزهائی که درخواست نموده‌اند و به فکرشان نیامده است) عطاء می‌کند. امّا کافران (به جای لطف و احسان یزدان) عذاب سخت و شدیدی دارند.

توضیحات:

«مِن فَضْلِهِ»: از روی لطف و مرحمت خود. از نعمت و عطیه خود.

سوره شوری آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِی ٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن یُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا یَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِیرُۢ بَصِیرٞ ۝٢٧﴾

ترجمه:

اگر خداوند رزق و روزی را برای همه بندگانش (بدان گونه که خودشان می‌خواهند) توسعه و گسترش دهد، قطعاً در زمین سرکشی و ستمگری می‌کنند، و لذا بدان اندازه که خود می‌خواهد روزی را می‌رساند. چرا که او بندگانش را می‌بیند و با (اوضاع و احوال) ایشان کاملاً آشنا است.

توضیحات:

«بَسَطَ»: گسترش داد. فراوان کرد. «لَبَغَوْا»: قطعاً سرکشی و نافرمانی می‌کنند. حتماً ستمگری می‌نمایند. «یُنَزِّلُ»: مراد از تنزیل رزق، تهیه کردن و در اختیار قرار دادن آن است «بِقَدَرٍ»: به اندازه معین. به مقدار لازم (نگا: حجر / ۲۱، مؤمنون / ۱۸، قمر / ۴۹).

سوره شوری آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِی یُنَزِّلُ ٱلۡغَیۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَیَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِیُّ ٱلۡحَمِیدُ ۲۸﴾

ترجمه:

و او است که باران را می‌باراند بعد از آن که (مردمان از بارش آن) ناامید می‌گردند، و رحمت خود را می‌گستراند (و دامنه باران را به اینجا و آنجا می‌کشاند و فراگیرش می‌گرداند). او سرپرست ستوده (بندگان و عهده‌دار پسندیده کارهای ایشان) است.

توضیحات:

«الْغَیْثَ»: باران (نگا: لقمان / ۳۴، حدید / ۲۰) «قَنَطُوا»: مأیوس و نومید گشتند. مراد ناامیدی مردمان از نیامدن باران و خشکی زمین، و به پایان رسیدن فصل آن است. «رَحْمَتَهُ»: لطف و مرحمت خود. مراد ثمرات و محصولات حاصل از باران است. (رَحْمَة) را باران هم معنی کرده‌اند (نگا: اعراف / ۵۷، فرقان / ۴۸، نمل / ۶۳).

سوره شوری آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَایَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَآبَّةٖۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمۡعِهِمۡ إِذَا یَشَآءُ قَدِیرٞ ۲۹﴾

ترجمه:

برخی از نشانه‌های (پی بردن به خدا و قدرت) او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و همه جنبندگانی است که در آن دو پدیدار و پراکنده کرده است، و او هر وقت که بخواهد می‌تواند آنها را گرد آورد.

توضیحات:

«خَلْقُ»: آفرینش. آفریده‌ها. «بَثَّ»: پخش و پراکنده کرده است. مراد پدید آوردن و

افزایش و پراکندن است. «دَآبَّةٍ»: جنبنده. این واژه شامل انسان‌ها و موجودات ریز ذرّه‌بینی و حیوانات غول‌پیکر و تمام چیزهای زنده می‌باشد. (نگا: بقره / ۱۶۴، انعام / ۳۸، فاطر / ۴۵). «مَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ»: این آیه و آیه ۴۹ سوره نحل، با صراحت بیان می‌دارند که در پهنه آسمان نیز جنبندگان زنده موجود و فراوانند. «جَمْعِهِمْ»: گرد آوردن ذوی‌العقول، یعنی انسانها، برای حساب و کتاب قیامت. مراد گرد آوردن انسان‌ها (نگا: نساء / ۸۷، انعام / ۱۲، مرسلات / ۳۸) و سایر حیوانات (تکویر / ۵) در هنگامه قیامت است. «هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ»: برخی این جمله را دالّ بر این می‌دانند که چه بسا روزی و روزگاری، موجودات ذوی‌الشعور آسمان‌ها و زمین با یکدیگر تماس حاصل کنند و جهانیان با یکدیگر ارتباط پیدا نمایند.

سوره شوری آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ٣٠﴾

ترجمه:

آنچه از مصائب و بلا به شما می‌رسد، به خاطر کارهائی است که خود کرده‌اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند (که شما از آنها توبه نموده‌اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده و پاک کرده‌اید).

توضیحات:

«بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ»: (نگا: نساء / ۷۹، انفال / ۵۳). «يَعْفُو»: در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «كَثِيرٍ»: مراد گناهان فراوانی است که انسان مرتکب می‌گردد (نگا: نحل / ۶۱، فاطر / ۴۵). از مردمان زیادی صرف نظر می‌کند (نگا: شوری / ۳۴). یادآوری: قاعده «ارتکاب گناه موجب ابتلاء بلا است» هرچند حتمی و قطعی است، ولی در دنیا مُطّرد و همگانی نیست، و استثناهائی وجود دارد. بلاها برای بعضی‌ها آزمایش الهی است، و گاهی در فراسوی آنها حکمت‌هائی نهفته است که از دید انسان‌ها پنهان است. به هر حال انسان در مقابل هر کاری که می‌کند، پاداش یا پادافره خود را می‌گیرد. اگر هم در این جهان که دار مکافات جزئی است، به خاطر استدراج و املاء و دیگر چیزها جزا و سزائی نبینند، در آخرت که دار مکافات کلّی است، قطعاً جزا و سزای کامل می‌بینند.

سوره شوری آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٣١﴾

ترجمه:

شما هرگز نمی‌توانید (از چنگال قدرت خداوند) در زمین (فرار کنید و خدای را از دستیابی به خود) ناتوان سازید، و سوای خدا هیچ‌گونه سرپرست و یاوری ندارید (تا به کمک شما بشتابند و شما را از مصائب و بلایای نازله برهانند).

توضیحات:

«مَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ»: شما نمی‌توانید درمانده و ناتوان کنید و به ستوه بیاورید (نگا: انعام / ۱۳۴، یونس / ۵۳، توبه / ۲ و ۳).

سوره شوری آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ٣٢﴾

ترجمه:

و از جمله نشانه‌های (شناخت خدا و قدرت) او کشتی‌هائی است همچون کوه‌ها که بر صفحه دریاها به حرکت درمی‌آیند.

توضیحات:

«الجَوارِي»: جمع جَارِيَة، کشتی‌های روان. صفت به جای موصوف استعمال شده که (سُفُن) است و در اصل «السُّفُنُ الجَوارِي» است. در رسم‌الخطّ قرآنی یاء آخر جَواری برای تخفیف حذف شده است. «أَعْلام»: جمع عَلَم، کوه‌ها.

سوره شوری آیه ۳۳

متن آیه:

﴿إِن يَشَأۡ يُسۡكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٍ ٣٣﴾

ترجمه:

اگر خداوند بخواهد باد را از وزیدن می‌اندازد و کشتی‌ها بر روی دریاها متوقّف می‌گردند. قطعاً در این (حرکت بادها، جریان کشتی‌ها، آفرینش دریاها بدین وسعت و ویژگی‌های آبها، و نظم و نظامی که بر امور حکمفرما است) دلائل روشنی (بر وجود

خدا) است برای هر کس که بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار باشد.

توضیحات:

«يُسْكِنْ»: ساكن می‌کند. از وزیدن می‌اندازد. «يَظْلَلْنَ»: می‌مانند. می‌شوند. «رَوَاكِدَ»: جمع راكدَة، ثابت. ساكن. برجای و بیحرکت.

سوره شوری آیه ۳۴

متن آیه:

﴿أَوۡ يُوبِقۡهُنَّ بِمَا كَسَبُواْ وَيَعۡفُ عَن كَثِيرٖ ٣٤﴾

ترجمه:

یا اگر بخواهد کشتی‌ها را به خاطر کارهائی که سرنشینان آنها مرتکب شده‌اند، نابود می‌سازد، و از بسیاری گذشت می‌کند (و مردمان زیادی را می‌بخشد و از مجازات برکنار می‌دارد).

توضیحات:

«يُوبِقْهُنَّ»: کشتی‌ها را هلاک می‌سازد. مراد از کشتی‌ها سرنشینان کشتی‌ها است. یعنی ذکر محلّ و مراد حالّ است؛ و یا جنبه مجازی دارد، مثل: «إِسْأَلِ الْقَرْيَةَ» (نگا: یوسف / ۸۲). فعل (يُوبِقْ) از ماده (وبق) به معنی هلاک است (نگا: کهف / ۵۲). «كَثِيرٍ»: بسیاری از مردم.

سوره شوری آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٣٥﴾

ترجمه:

(خداوند چنین می‌کند تا مؤمنان عبرت گیرند) و تا کافرانی که به مخالفت آیات ما برمی‌خیزند و آنها را نمی‌پذیرند بدانند که هیچ گریزگاه و پناهگاهی (از دست عذاب خدا) ندارند (و پیوسته در دسترس قدرت اویند).

توضیحات:

«يَعْلَمَ»: منصوب به (أَنْ) محذوف است و تأویل به مصدر می‌گردد و عطف بر

مجموع جمله شرطیه، یا عطف بر علّت مقدّری می‌شود. یعنی: «لِيَنتَقِمَ مِنْهُمْ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ». «مَحِيصٍ»: گریزگاه. پناهگاه (نگا: نساء / ۱۲۱، ابراهیم / ۲۱، فصّلت / ۴۸).

سوره شوری آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

آنچه به شما داده شده است، متاع (زودگذر و فناپذیر) زندگی دنیا است (و در اصل برق جهان، شعله‌ای در برابر باد، حبابی بر سطح آب، و غباری در مسیر طوفان است). ولی آنچه (از پاداش‌ها و مواهبی که) نزد خدا است بهتر و پایدارتر برای کسانی است که ایمان آورده باشند و بر پروردگارشان توکل کرده باشند.

توضیحات:

«مَآ أُوتِيتُمْ»: چیزهائی که به شما عطا شده است. «مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»: کالا و توشه زندگی دنیا است نه زاد آخرت «خَيْرٌ وَأَبْقي»: (نگا: طه / ۷۳ و ۱۳۱، قصص / ۶۰).

سوره شوری آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

و کسانیند که از گناهان بزرگ، و اعمال بسیار زشت و ناپسند می‌پرهیزند، و هنگامی که خشمناک می‌گردند (زمام اختیار از دست نمی‌دهند و پرت و پلا نمی‌گویند و آلوده گناه نمی‌شوند، و بلکه نفس خود را مهار می‌کنند و بخشم آورندگان را) می‌بخشند.

توضیحات:

«كَبَآئِرَ الإِثْمِ»: گناهان کبیره (نگا: نساء / ۳۱). گناهان کبیره گناهانی است که از آنها بیم داده شده، و یا این که حدّ و تعزیری در برابر آنها واجب گشته است (نگا: صفوةالبیان لمعانی القرآن). «الْفَوَاحِشَ»: گناهانی است که بسیار زشت و پلشت باشند (نگا: مرجع سابق). بسیاری (كَبَآئِرَ الإِثْمِ) را گناهان کبیره، و (الْفَوَاحِشَ) را شرک و زنا

و هرگونه گناهی دانسته‌اند که دارای حدّ باشد. عطف (الْفَوَاحِشَ) بر (كَبَآئِرَ الإِثْمِ) عطف خاصّ بر عام است. «يَغْفِرُونَ»: می‌بخشند. گذشت می‌کنند.

سوره شوری آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

و کسانیند که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند، و نماز را چنان که باید می‌خوانند، و کارشان به شیوه رایزنی و بر پایه مشورت با یکدیگر است، و از چیزهائی که بدی‌شان داده‌ایم (در کارهای خیر) صرف می‌کنند.

توضیحات:

«أَمْرُهُمْ شُورَيا بَيْنَهُمْ»: کار و بارشان شورائی است. مهمترین مسأله اجتماعی همان اصل «شوري» است و یک برنامه عمومی و همگانی مسلمانان است.

سوره شوری آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

و کسانیند که اگر ستمی بدی‌شان شد، خویشتن را یاری می‌دهند (و زیر بار ظلم نمی‌روند).

توضیحات:

«الْبَغْيُ»: ظلم و تعدّی. «يَنتَصِرُونَ»: یاری می‌طلبند. به یاری یکدیگر می‌شتابند.

سوره شوری آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

(ولی از آنجا که یاری کردن نباید از مسیر مساوات و عدالت خارج شود و به انتقامجوئی و کینه‌توزی و تجاوز از حدّ منتهی گردد، باید توجّه داشته باشند که) کیفر هر بدی، کیفری همسان آن است. اگر کسی (به هنگام قدرت، برای هدایت گمراهان و استحکام پیوندهای اجتماعی از بدکار) گذشت کند (و میان خود و میان او) صلح و صفا به راه اندازد، پاداش چنین کسی با خدا است. خداوند قطعاً ظالمان را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«إِنَّهُ لا یُحِبُّ الظَّالِمِینَ»: این نکته قابل ذکر است که تسلیم شونده ظلم، و دفاع‌کننده از ظلم، و کننده ظلم، و کمک‌کننده ظلم، همه محکوم و بزهکارند.

سوره شوری آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ ٤١﴾

ترجمه:

بر کسانی که پس از ستمی که بر آنان رفته است انتقام می‌گیرند، (و برابر تعدّی و ظلمی که بدی‌شان شده است، خصم را سرکوب می‌سازند) عتاب و عقابی نیست.

توضیحات:

«إِنتَصَرَ»: (نگا: شوری / ۳۹). در اینجا مراد انتقام گرفتن است. «ظُلْمِهِ»: اضافه مصدر به مفعول خود است. «مِن سَبِیلٍ»: راهی برای مؤاخذه. مراد عتاب و عقاب است.

سوره شوری آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظۡلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٤٢﴾

ترجمه:

بلکه عتاب و عقاب متوجّه کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق سرکشی می‌آغازند. چنین کسانی دارای عذاب دردآور و دردناکی هستند.

توضیحات:

«یَبْغُونَ»: سرکشی می‌کنند.

سوره شوری آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ۝٤٣﴾

ترجمه:

کسی که (در برابر ظلم دیگران) شکیبائی کند و (زمام اختیار را از دست ندهد، و با وجود قدرت، از ستمگر) درگذرد (ولی بداند که این عمل باعث گستاخی ظالم نمی‌گردد، این کار او) از زمره کارهائی است که باید بر آن عزم را جزم کرد و بر آن ماندگار شد.

توضیحات:

«لَـمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۶، لقمان / ۱۷)

سوره شوری آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِيّٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ يَقُولُونَ هَلۡ إِلَىٰ مَرَدّٖ مِّن سَبِيلٖ ۝٤٤﴾

ترجمه:

کسی که خدا گمراهش سازد، بغیر از خدا یار و یاوری ندارد (تا او را مدد کند و او را در قیامت از عذاب برهاند. ای مخاطب، آن روز) ستمگران کفرپیشه را خواهی دید که وقتی چشمان‌شان به عذاب می‌افتد خواهند گفت: (پروردگارا) آیا راهی برای برگشت (به جهان و جبران گذشته‌ها) وجود دارد؟

توضیحات:

«لَـمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ»: هنگامی که چشمان‌شان به عذاب افتاد و در کنار آن قرار گرفتند (نگا: انعام / ۲۷). «مِن بَعْدِهِ»: سوای او. غیر از او. «مَرَدٍّ»: رجوع و برگشت (نگا: رعد / ۱۱، روم / ۴۳).

سوره شوری آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِي

عَذَابٖ مُّقِيمٖ ﴿٤٥﴾

ترجمه:

آنان را خواهی دید که (به کنار آتش برده می‌شوند و) به آتش نموده می‌شوند، در حالی که بر اثر مذلّت و خواری کز کرده‌اند و بهم آمده‌اند و زیر چشمی مخفیانه (به آتش) می‌نگرند! (در این هنگام) مؤمنان می‌گویند: واقعاً زیانکاران کسانیند که در روز قیامت (سرمایه گرانب‌های وجود) خود را و اهل و عیال خود را از دست داده باشند! هان! (ای مردمان! همه بدانید که از این به بعد) ستمگران کفرپیشه در عذاب دائم خواهند بود.

توضیحات:

«عَلَيْهَا»: بر آتش. مرجع ضمیر (ها) نار محذوف است و از قرینه کلامی پیدا است «يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا»: (نگا: احقاف / ۲۰ و ۳۴، غافر / ۴۶). «خَاشِعِينَ»: فروتنان. مراد بهم آمدگان و کزکردگان است. «طَرْفٍ»: چشم. «مِنْ»: با. «مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ»: زیرچشمی. با گوشه چشم. دزدانه و مخفیانه. «أَهْلِيهِمْ»: «أَهْلُونَ وأَهْلِينَ»، اهل و عیال و خانواده است. «مُقِيمٍ»: دائم. همیشگی.

سوره شوری آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لَهُم مِّنۡ أَوۡلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾

ترجمه:

آنان یاوران و دوستانی ندارند که ایشان را در برابر (عذاب) خدا یاری و کمک کنند. خدا هر که را گمراه سازد، او راهی (برای نجات) ندارد.

توضیحات:

«يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ الله»: ایشان را برای نجات از عذاب الهی یاری دهند. بجز خدا کسی ندارند که ایشان را یاری و کمک کند.

سوره شوری آیه ۴۷

متن آیه:

﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ

يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ ﴿٤٧﴾

ترجمه:

هرچه زودتر مخلصانه فرمان پروردگار خود را پذیرا گردید، پیش از آن که روزی (قیامت‌نام) فرا رسد که خدا هرگز آن را برنمی‌گرداند. در آن روز نه پناهگاهی دارید و نه اصلاً می‌توانید (بعد از گواهی دادن نامه اعمال و فرشتگان و اندام‌های بدن، کارهای خود را) انکار کنید.

توضیحات:

«مَرَدَّ»: (نگا: رعد / ۱۱، روم / ۴۳، شوری / ۴۴). «مِنَ اللهِ»: از سوی خدا. «لا مَرَدَّ مِنَ اللهِ»: اصلاً خدا آن را برنمی‌گرداند و آخرت را بهم نمی‌زند و دوباره جهان دنیا را برپای نمی‌دارد. «نَكِيرٍ»: انکار (نگا: حجّ / ۴۴).

سوره شوری آیه ۴۸

متن آیه:

﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ ﴿٤٨﴾

ترجمه:

اگر (مشرکان از پذیرش دعوت تو) روی‌گردان شدند (باک مدار و غمگین مباش) چرا که ما تو را به عنوان مراقب و مواظب (کردار و رفتار) ایشان نفرستاده‌ایم. بر تو پیام باشد و بس. هنگامی که ما از جانب خویش لطف و مرحمتی به انسان برسانیم (و فراخی و گشایشی نصیبش گردانیم) به سبب آن سرمست و شادان می‌گردد (و غرور دارائی و اموال او را فرا می‌گیرد)، و اگر بلا و مصیبتی (و زیان و ضرری) به خاطر کارهائی که کرده است (و معاصی و گناهانی که نموده است) بدو برسد (لطف و مرحمت ما را فراموش می‌نماید و) کفران نعمت می‌کند (و چه بسا کافر و بی‌دین می‌گردد).

توضیحات:

«حَفِيظاً»: مراقب و محافظ. (نگا: نساء / ۸۰، انعام / ۱۰۷). «إِنْ»: حرف نفی است.

«رَحْمَةً»: نیکی و خوبی. لطف و مرحمت. نعمت و ثروت. «سَيِّئَةٌ»: بلا و بدی. زیان و ضرر و فقر و بیماری (نگا: زاد المسیر). «كَفُورٌ»: بسیار ناسپاس و ناشکر (نگا: هود / ۹). بسیار کافر و بی‌دین (نگا: المنتخب).

سوره شوری آیه ۴۹

متن آیه:

﴿لِّلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است. هرچه بخواهد می‌آفریند. به هر کس که بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هر کس که بخواهد پسرانی عطاء می‌کند.

توضیحات:

«مُلْكُ»: مالکیت و حاکمیت. کشور و مملکت. «إِنَاثاً»: جمع أُنثی، دختران (نگا: نساء / ۱۱۷). «الذُّكُورَ»: جمع ذَکر، پسران (نگا: انعام / ۳۹).

سوره شوری آیه ۵۰

متن آیه:

﴿أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ۝٥٠﴾

ترجمه:

و یا این که هم پسران می‌دهد و هم دختران. و خدا هر که را بخواهد نازا می‌کند. او بس آگاه و توانا است.

توضیحات:

«يُزَوِّجُهُمْ»: آنها را با هم گرد می‌آورد و جفت هم می‌کند. یعنی به برخیها گاهی پسر و گاهی دختر عطاء می‌کند. یا این که دوقلوی پسر یا دختر و یا پسر و دختر می‌بخشد.

سوره شوری آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ أَوۡ يُرۡسِلَ رَسُولٗا

﴿فَيُوحِيَ بِإِذۡنِهِۦ مَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٞ ٥١﴾

ترجمه:

هیچ انسانی را نسزد که خدا با او سخن بگوید، مگر از طریق وحی (به قلب، به گونه الهام در بیداری، و یا خواب در غیربیداری) یا از پس پرده‌ای (از موانع طبیعی) و یا این که خداوند قاصدی را (به نام جبرئیل) بفرستد و او به فرمان آفریدگار آنچه را که خدا می‌خواهد (به پیغمبران) وحی کند. وی والا و کار بجا است.

توضیحات:

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ...»: ارتباط خدا با جهان انسانیت، از سه راه امکان‌پذیر است و بس: الف - وحی، یا القای به قلب، به گونه الهام در بیداری یا به صورت خواب در وقت خفتن (نگا: قصص / ۷). ب - از پشت حجاب (نگا: قصص / ۳۰ - ۴۲). ج - ارسال فرشته وحی به‌سوی پیغمبران (نگا: نساء / ۱۶۳).

سوره شوری آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٢﴾

ترجمه:

همان گونه که به پیغمبران پیشین وحی کرده‌ایم، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی کرده‌ایم (که قرآن نام دارد و مایه حیات دل‌ها است. پیش از وحی) تو که نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام، ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم. تو قطعاً (مردمان را با این قرآن) به راه راست رهنمود می‌سازی.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ»: همان‌گونه که به پیغمبران وحی کرده‌ایم. به همان سه شکلی که به پیغمبران وحی کرده‌ایم. «رُوحاً»: مراد قرآن است که به انسان‌ها حیات جاودانه می‌بخشد (نگا: انفال / ۲۴). یا مراد همه چیزهائی است که خدا بدو وحی فرموده است

(نگا: نحل / ۲). «الْكِتَابُ»: مراد قرآن است. «الإِيمَـانُ»: ایمان. مراد تنها باور و تصدیق مجرّد نیست، بلکه مراد آگاهی کامل از ایمان و آشنائی به تفاصیل قوانین دینی است که با خود آورده است (نگا: بقره / ۱۴۳). «نُوراً»: نور عظیمی.

سوره شوری آیه ۵۳

متن آیه:

﴿صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ ۝٥٣﴾

ترجمه:

راه خدائی که متعلّق بدو است همه چیزهائی که در آسمان‌ها و زمین است. هان! همه کارها به خدا بازمی‌گردد (و هر کاری تحت نظارت دقیق او و با اطّلاع و اجازه او انجام می‌پذیرد، و هر چیزی بدو مربوط است).

توضیحات:

«صِرَاطِ»: بدل از (صِرَاطٍ) آیه قبلی است. «اَلا إِلَيَ‌اللهِ تَصِيرُ الأُمُورُ»: (نگا: بقره / ۲۸۵، آل‌عمران / ۲۸، مائده / ۱۸). «تَصِيرُ»: منتهی می‌گردد. برمی‌گردد. رجوع و برگشت دارد.

سوره زخرف

سوره زخرف آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره زخرف آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾

ترجمه:

سوگند به قرآن! که خود روشن و روشن‌گر (عقائد و احکام آسمانی) است.

توضیحات:

«الْكِتَابِ الْـمُبِينِ»: مراد قرآن است که از الفاظ و عبارات روشنی فراهم آمده است و روشن‌گر عقائد و احکام الهی و مفاهیم والای اخلاقی است (نگا: مائده / ۱۵، یوسف / ۱، شعراء / ۲، نمل / ۱).

سوره زخرف آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّا جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٣﴾

ترجمه:

ما قرآن را به زبان عربی فراهم آورده‌ایم تا شما (بتوانید پی به اعجاز آن ببرید و معانی و مفاهیم آن را) درک کنید.

توضیحات:

«قُرْءَاناً عَرَبِیّاً»: (نگا: یوسف / ۲، طه / ۱۱۳، زمر / ۲۸، فصّلت / ۳، شوری / ۷).

سوره زخرف آیه ۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ لَدَيۡنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ٤﴾

ترجمه:

قرآن که در لوح محفوظ در پیش ما است، والا و استوار است.

توضیحات:

«أُمِّ الْکِتَابِ»: اصل هر کتابی، مراد لوح محفوظ است (نگا: رعد / ۳۹، بروج / ۲۲). «عَلِیٌّ»: والا. در بالاترین مرتبه اعجاز است و ناسخ همه کتاب‌های آسمانی بوده و مقدّم بر جملگی آنها است. «حَکِیمٌ»: مستحکم و خلل‌ناپذیر (نگا: هود / ۱). پرحکمت. حاکم.

سوره زخرف آیه ۵

متن آیه:

﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ ٥﴾

ترجمه:

آیا ما این قرآن را (که مایه بیداری و راهیابی شما است) از شما بازگیریم (و شما را به خود واگذاریم و با آیات حیات‌بخش آن رهنمودتان نسازیم) بدان خاطر که شما مردمان متجاوز و اسرافکارید؟! (هرگز چنین نمی‌کنیم. بلکه قرآن را بر شما نازل می‌نمائیم تا دلهائی که اندک آمادگی دارند، تکان بخورند و به راه آیند، و گمراهانی چون شما، فردای قیامت حجّتی در دست نداشته باشند).

توضیحات:

«اَفَنَضْرِبُ عَنکُمْ»: آیا از شما باز داریم؟ آیا از شما به دور و منصرف داریم؟ «الذِّکْرَ»: قرآن. پند دادن با سخنان گهربار قرآنی، و رهنمود با احکام آسمانی. «صَفْحاً»: اعراض و روگردانی. در این صورت مفعول مطلق و از غیر لفظ فعل است. روگردانان. در این صورت حال است. جانب و طرف چیزی. در این صورت ظرف است و معنی چنین است: آیا ما این قرآن را از شما بازگیریم و به جانب دیگری ببریم؟ «اَن کُنتُمْ قَوْماً مُّسْرِفِینَ»: اصل

آن (لأنْ كُنتُمْ) است و به معنی (لِكَوْنِكُمْ) می‌باشد. «مُسْرِفِينَ»: مراد متجاوزین از حدّ و افراد سخت گمراه است. معنی دیگر آیه: آیا چون شما قوم متجاوزی هستید، از شما درگذریم، و از عقاب و عذاب خود نترسانیم و فردای قیامت حجّتی در دست داشته باشید؟

سوره زخرف آیه ۶

متن آیه:

﴿وَكَمۡ أَرۡسَلۡنَا مِن نَّبِيّٖ فِي ٱلۡأَوَّلِينَ ٦﴾

ترجمه:

(فرستادن پیغمبری به‌سوی شما چرا باید عجیب باشد؟ قبلاً) ما پیغمبران زیادی را به میان ملّت‌های پیشین روانه کرده‌ایم.

توضیحات:

«كَمْ»: فراوان. چه زیاد. مفعول به (أَرْسَلْنا) است.

سوره زخرف آیه ۷

متن آیه:

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٧﴾

ترجمه:

هیچ پیغمبری به پیش آنان نمی‌آمد، مگر این که او را مورد استهزاء قرار می‌دادند.

توضیحات:

«مَا يَأْتِيهِمْ...»: اشاره به این حقیقت است که مخالفت‌ها و مسخره‌کردن‌ها مانع این نشده است که خدا ارسال پیغمبران را قطع کند، و مؤمنان راستین هم بدانند که این رویگردانی‌های از حقّ و مبارزه با آن، و شکنجه خوبان و تمسخر ایشان، سابقه طولانی دارد.

سوره زخرف آیه ۸

متن آیه:

﴿فَأَهۡلَكۡنَآ أَشَدَّ مِنۡهُم بَطۡشٗا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨﴾

ترجمه:

(رویگردانی‌ها و تمسخرها هم بی‌کیفر نمانده است) و ما کسانی را هلاک کرده‌ایم

که نیرومندتر از این‌ها هم بوده‌اند و قدرت بیشتری هم داشته‌اند. نمونه‌هائی از داستان پیشینیان (بارها در قرآن به میان آمده و) گذشته است.

توضیحات:

«بَطْشاً»: نیرومندی (نگا: قصص / ۷۸، غافر / ۲۱) دلیری. حمله و یورش. تندی و تیزی. (نگا: اعراف / ۱۹۵، قصص / ۱۹، شعراء / ۱۳۰). «مَثَلُ»: سرگذشت. نمونه زندگی. «مِنْهُمْ»: از قریشیان و مکیان.

سوره زخرف آیه ۹

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ ٩﴾

ترجمه:

اگر از مشرکان بپرسی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قطعاً خواهند گفت: خداوند با عزّت و بس آگاه. (چرا که می‌دانند بت‌های ایشان چنین کاری را نکرده‌اند و آنان به معبودان خود حقّ خالقیت نمی‌دهند).

توضیحات:

«لَئِن سَأَلْتَهُمْ»: (نگا: عنکبوت / ۶۱، لقمان / ۲۵، زمر / ۳۸).

سوره زخرف آیه ۱۰

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ١٠﴾

ترجمه:

کسی که زمین را گاهواره (زندگی و محلّ آرامش) شما کرده است و در آن راه‌هائی برای شما به وجود آورده است تا این که رهنمود شوید.

توضیحات:

«مَهْداً»: گاهواره. مکان آماده. (نگا: مجمع‌البیان الحدیث). «جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلاً»: (نگا: نحل / ۱۵، طه / ۵۳، انبیاء / ۳۱). «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»: تا به مقصدهای خود رهنمود شوید. تا به نشانه‌های قدرت خدا پی ببرید.

سوره زخرف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١١﴾

ترجمه:

و آن کسی که از سوی آسمان، آبی به اندازه لازم باراند. ما با چنین آبی زمین مرده را زندگی بخشیدیم، همین گونه (که زمین‌های مرده با نزول باران زنده گردانده می‌شوند، شما نیز زنده گردانده می‌شوید و) بیرون آورده می‌شوید (و برای حساب و کتاب به محشر گسیل می‌گردید).

توضیحات:

«بِقَدَرٍ»: به اندازه لازم. به مقدار معین. «أَنشَرْنَا»: زنده گرداندیم (نگا: انبیاء / ۲۱).

سوره زخرف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡفُلۡكِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مَا تَرۡكَبُونَ ١٢﴾

ترجمه:

و همان کسی است که همه جفت‌ها (و نرها و ماده‌ها، اعم از انسان‌ها و حیوان‌ها و گیاه‌ها) را آفریده است. و برای شما از کشتی‌ها و چهارپایان مرکب‌هائی تهیه دیده است که بر آنها سوار می‌گردید (و راحت و سریع راه را طی می‌کنید و بدینجا و آنجا می‌روید).

توضیحات:

«الأزْوَاجَ»: جفت‌ها. مراد نرها و ماده‌ها و مثبت‌ها و منفی‌ها و بالاخره همه جنس‌های مخالف است. (نگا: یس / ۳۶). نوع‌ها و صنف‌ها (نگا: حجّ / ۵).

سوره زخرف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ١٣﴾

ترجمه:

(خدا این مراکب را آفریده است) تا این که بر پشت آنها قرار بگیرید، و هنگامی که بر آنها سوار شدید نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگوئید: پاک و منزّه خدائی است که او این‌ها را به زیر فرمان ما درآورد، و گرنه ما بر (رام کردن و نگهداری) آنها توانائی نداشتیم.

توضیحات:

«لِتَسْتَوُوا»: تا مستقرّ گردید و جا خوش کنید. «مُقْرِنِينَ»: توانایان. به زیر فرمان درآورندگان و نگاه‌دارندگان.

سوره زخرف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ١٤﴾

ترجمه:

و ما به‌سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم (و حساب و کتاب نحوه زندگی دنیای خود را بازپس می‌دهیم).

توضیحات:

«مُنقَلِبُونَ»: برگردندگان (نگا: اعراف / ۱۲۵، شعراء / ۵۰). «وَإِنَّآ إِلَيا رَبِّنَا لَـمُنقَلِبُونَ»: این آیه اشاره دارد به این که: بعد از این جهان معاد و محاسبه در میان است و نباید هنگام سوار شدن بر مرکب‌های راهوار و داشتن زرق و برق دنیا مغرور شد و بر دیگران تکبّر نمود، بلکه باید به هنگام بهره‌گیری و بهره‌مندی از نعمت‌ها یاد خدا کرد.

سوره زخرف آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًاۚ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ مُّبِينٌ ١٥﴾

ترجمه:

مشرکان از میان بندگان یزدان، برخی را پاره‌ای از او می‌دانند (چرا که فرشتگان را دختران خدا قلمداد می‌کنند و فرزند هم جزئی از وجود پدر و مادر است که به صورت نطفه از آنان جدا می‌شود). واقعاً انسان بس ناسپاس و کفرپیشه آشکاری است.

توضیحات:

«جُزْءًا»: بخش. تکه و پاره. همتا و همگون (نگا: أضواء البیان). مؤنّث و ماده (نگا: همان مرجع). مراد فرزند است که جزئی از وجود والدین است. مشرکان معتقد بودند که فرشتگان دختران خدایند (نگا: انعام / ۱۰۰، نحل / ۵۷، صافّات / ۱۴۹). «كَفُورٌ»: بسیار کفرپیشه، بس ناسپاس (نگا: المصحف المیسّر).

سوره زخرف آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ وَأَصۡفَىٰكُم بِٱلۡبَنِينَ ١٦﴾

ترجمه:

آیا از میان چیزهائی که خدا می‌آفریند، دختران را برای خود برگزیده است و پسران را ویژه شما کرده است؟

توضیحات:

«إِتَّخَذَ»: برگزیده است. برگرفته است. «أَصْفَاكُمْ»: برای شما انتخاب کرده است (نگا: اسراء / ۴۰).

سوره زخرف آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحۡمَٰنِ مَثَلٗا ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٌ ١٧﴾

ترجمه:

در حالی که هرگاه یکی از آنان را به همان چیزی مژده دهند که نظیر و شبیه برای خدای مهربان می‌سازد، چهره‌اش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و مملوّ از خشم و کین می‌گردد!

توضیحات:

«ضَرَبَ لِلرَّحْمنِ مَثَلاً»: برای خداوند مهربان همسان و همانند می‌سازد. چرا که فرزند از جنس والدین خود و نظیر و شبیه ایشان در جنسیت است. برای خداوند مهربان مثال می‌آورد و مثل می‌زند. «كَظِيمٌ»: پر از خشم و لبریز از غم و اندوه (نگا: یوسف / ۸۴، نحل / ۵۸).

سوره زخرف آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أَوَ مَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ١٨﴾

ترجمه:

آیا کسی را که در لابلای زینت و زیور پرورش می‌یابد، و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله (به خاطر حیا و شرم و عاطفه نازکی که دارد) نمی‌تواند

مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند، (فرزند خدا می‌دانید و پسران را فرزند خود؟!).

توضیحات:

«یُنَشَّأُ»: پرورش می‌یابد و بالیده می‌گردد. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «الْحِلْيَةِ»: زینت. زیور. «مَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ...»: مراد این است که زنان غالباً علاقه شدیدی به زینت‌آلات دارند، و به هنگام جرّ و بحث، به خاطر حیا و شرم و عطوفت زیاد، در اثبات مقصود و بیان منظور خود درمی‌مانند.

سوره زخرف آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَجَعَلُواْ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمْ عِبَٰدُ ٱلرَّحْمَٰنِ إِنَٰثًاۚ أَشَهِدُواْ خَلْقَهُمْۚ سَتُكْتَبُ شَهَٰدَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُونَ ١٩﴾

ترجمه:

آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند، مؤنّث بشمار می‌آورند (و دختران خدا قلمداد می‌نمایند!). آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته‌اند و خِلقت‌شان را مشاهده نموده‌اند؟! اظهارنظر و گواهی ایشان (بر این عقیده بی‌اساس، در نامه‌های اعمال‌شان) ثبت و ضبط می‌شود و (در روز قیامت، از سوی خدا) بازخواست می‌گردند.

توضیحات:

«جَعَلُوا الْـمَلآئِكَةَ... إِنَاثاً»: (نگا: اسراء / ۴۰، صافّات / ۱۵۰).

سوره زخرف آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوْ شَآءَ ٱلرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَٰهُمۗ مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍۖ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

و می‌گویند: اگر خدا می‌خواست ما فرشتگان را پرستش نمی‌کردیم. آنان کمترین اطّلاع و کوچک‌ترین خبری از این (رضایت الهی) ندارند! ایشان سخنانشان جز بر پایه حدس و گمان و تخمین نیست.

توضیحات:

«لَوْ شَآءَ الرَّحْـمَانُ»: مشرکان تنها برای توجیه عقائد فاسد و اعمال خرافی خود

چنین سخنی می‌گفتند. درست است که در عالم هستی چیزی بی‌اراده خدا واقع نمی‌شود، ولی خدا خواسته است که ما مختار و صاحب آزادی اراده باشیم. خود آنان اگر کسی حقوقی از ایشان را پایمال می‌کرد، هرگز از مجازات او چشم پوشی نمی‌کردند و نمی‌گفتند: چه مانعی است، دست تقدیر چنین کرده است. «يَخْرُصُونَ»: تخمین می‌زنند و ناسنجیده می‌گویند (نگا: انعام / ۱۱۶ و ۱۴۸، یونس / ۶۶).

سوره زخرف آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا مِّن قَبۡلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسۡتَمۡسِكُونَ ٢١﴾

ترجمه:

یا این که ما کتابی را پیش از این قرآن، بدانان داده‌ایم و آنان بدان چنگ زده‌اند (و آن کتاب افتراء ایشان را تأیید می‌کند؟).

توضیحات:

«أَمْ»: ما بعد خود را عطف بر (أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ) می‌سازد. «قَبْلِهِ»: پیش از قرآن.

سوره زخرف آیه ۲۲

متن آیه:

﴿بَلۡ قَالُوٓاْ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

بلکه ایشان می‌گویند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم و ما نیز بر پی آنان می‌رویم (و راه بت‌پرستی را در پیش می‌گیریم).

توضیحات:

«ءَاثَارَ»: جمع أَثَر. مراد راه و رسم است (نگا: صافّات / ۷۰). «أُمَّةٍ»: دین و آئین.

سوره زخرف آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو (پیغمبر) بیم‌دهنده‌ای مبعوث

نکرده‌ایم مگر این که متنعّمان (خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت) آنجا گفته‌اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم (که بت‌پرستی را بر همگان واجب کرده است) و ما هم قطعاً (بر شیوه ایشان ماندگار می‌شویم و) به دنبال آنان می‌رویم.

توضیحات:

«کَذلِکَ»: به همین منوال. همین گونه. یعنی مشرکان در همه ادوار، وقتی که از حجّت و برهان درمانده‌اند، سلسله خصومت با حقیقت را جنبانده‌اند، و دست به دامان تقلید زده‌اند. «قَرْیَةٍ»: (نگا: اعراف / ۹۴، فرقان / ۵۱، شعراء / ۲۰۸). «مُتْرَفُوهَا»: (نگا: اسراء / ۱۶، مؤمنون / ۶۴، سبأ / ۳۴). «أُمَّةٍ»: دین و آئین. «مُقْتَدُونَ»: اقتداءکنندگان. پیروی کنندگان. مقلّدان.

سوره زخرف آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ۝٢٤﴾

ترجمه:

(پیغمبرشان بدی‌شان) می‌گفت: آیا اگر من آئینی را هم برای شما آورده باشم که از آئینی هدایت بخش‌تر باشد که پدران و نیاکان خود را بر آن یافته‌اید (باز هم از گذشتگان خود پیروی می‌کنید و بر بت‌پرستی‌خویش می‌روید و دست به دامان تقلید می‌شوید؟) می‌گفتند: (آری! چنین است و) اصلاً ما به چیزی که (با خود آورده‌اید و) بدان مأمور و مبعوث شده‌اید، باور نداریم.

توضیحات:

«أُرْسِلْتُم بِهِ»: همراه با آن فرستاده شده‌اید و برای تبلیغ آن برانگیخته شده‌اید.

سوره زخرف آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ۝٢٥﴾

ترجمه:

پس ما از ایشان انتقام گرفته‌ایم (و آنان را به مجازات سخت دنیوی گرفتار ساخته‌ایم. ای مخاطب اندیشمند) بنگر عاقبت کار تکذیب‌کنندگان (پیغمبران، به کجا

کشیده است و) چگونه شده است.

توضیحات:

«فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ»: (نگا: اعراف / ۱۳۶، حجر / ۷۹، روم / ۴۷). «فَانظُرْ»: مخاطب پیغمبر اسلام یا هر شنونده و خواننده‌ای است.

سوره زخرف آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر!) برای تکذیب‌کنندگان معاصر بیان کن گوشه‌ای از داستان ابراهیم را. وقتی ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: من از معبودهائی که می‌پرستید بیزارم.

توضیحات:

«بَرَآءٞ»: بری (نگا: انعام / ۷۸، انفال / ۴۸، ممتحنه / ۴). بیزار. در اصل مصدر است.

سوره زخرف آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ٢٧﴾

ترجمه:

بجز آن معبودی که مرا آفریده است. (او را خواهم پرستید) چرا که او مرا (به راه حق) رهنمود خواهد کرد.

توضیحات:

«فَطَرَنِي»: مرا از نیستی به هستی آورده است. «سَيَهْدِينِ»: مرا هدایت خواهد کرد. یاء ضمیر حذف شده است. فعل مضارع با وجود حرف استقبال، در اینجا برای استمرار حال و آینده است. چرا که همین واژه در سوره شعراء، آیه ۷۸ بدون آن آمده است و قصّه یکی است.

سوره زخرف آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

ابراهیم توحید را به عنوان شعار یکتاپرستی در میان قوم خود باقی گذاشت، تا این که ایشان (بدان ایمان آورده و) برگردند.

توضیحات:

«جَعَلَهَا»: مرجع ضمیر فاعلی فعل (جَعَلَ) خدا یا ابراهیم است. ضمیر (ها) به کلمه توحید، یعنی (لآ إِلهَ إِلاَّ اللهُ) برمی‌گردد که مفهوم از مجموع (الَّذِي فَطَرَنِي) و (إِنَّنِي بَرَآءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ) است. یا این که مرجع (هذِهِ الْـمَقَالَة) است که از فحوای کلام پیدا است.

سوره زخرف آیه ۲۹

متن آیه:

﴿بَلۡ مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ٢٩﴾

ترجمه:

(مشرکان امید ابراهیم را برآورده نکردند و برنامه‌اش را پیاده ننمودند و من هم در عقوبت ایشان عجله‌ای نکردم) بلکه من اینان و پدران‌شان را از مواهب دنیا بهره‌مند ساختم تا (قرآن فراخواننده مردمان به) حق (و حقیقت)، و پیغمبر روشنگری به نزدشان آمد.

توضیحات:

«مَتَّعْتُ»: بهره‌مند ساختم. مهلت دادم. «الْحَقُّ»: حقیقت. مراد قرآن است. «مُبِينٌ»: روشن‌گر و بیان‌گر. واضح و روشن. یعنی پیغمبری که رسالتش ثابت و روشن است. مراد حضرت محمّد است.

سوره زخرف آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

هنگامی که قرآن به پیش ایشان آمد، گفتند: این جادو است و ما بدان باور نداریم.

توضیحات:

«الْحَقُّ»: قرآن (نگا: زخرف / ۲۹ و ۳۱).

سوره زخرف آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ٣١﴾

ترجمه:

گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگواری از یکی از دو شهر (مکه و طائف) فرو فرستاده نشده است؟!

توضیحات:

«رَجُلٍ»: مرد بزرگوار. مرادشان مردی سرشناس و ثروتمند است. هرچند منظورشان چه بسا شخص معینی نباشد، ولی اغلب گفته‌اند مرادشان ولید پسر مغیره مخزومی از مکه، و عروه پسر مسعود ثقفی از طائف بود. «الْقَرْيَتَيْنِ»: دو شهر. مرادشان مکه و طائف بود.

سوره زخرف آیه ۳۲

متن آیه:

﴿أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می‌کنند (و کلید رسالت را به هر کس که بخواهند می‌سپارند؟). این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میان‌شان تقسیم کرده‌ایم. و برخی را بر برخی دیگر برتریهائی داده‌ایم، تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به کار گیرند (و به یکدیگر خدمت کنند). و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است (که نبوّت است و نبوّت از همه مقامات برتر است).

توضیحات:

«رَحۡمَة»: در رسم‌الخطّ قرآنی با تاء کشیده نوشته شده است. «مَعِيشَتَهُمْ»: قوت زندگی ایشان، از قبیل: خوردنی و نوشیدنی. «دَرَجَاتٍ»: مراتب. مراد تفاوت در استعدادها و لیاقت‌ها و اعمال و ارزاق است. «سُخْرِيّاً»: مسخّر. زیر فرمان. به کار

گرفته شده. منسوب به (سُخْرَه) است. «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضاً سُخْرِيّاً»: تسخیر در اینجا به معنی بهره‌کشی ظالمانه نیست، بلکه منظور به کار گرفتن عموم مردم برای خدمت به یکدیگر و چرخاندن زندگی تعاونی و ایجاد نظم در اجتماع است. چرخش زندگی و نظم بدون تفاوتها امکان‌پذیر نیست. همه انسان‌ها آزادند و باید نیروهای متفاوت و خلاّق خود را به کار گیرند و نبوغ جوراجور خود را شکوفا سازند و از نتایج فعّالیت‌های خویش بی‌کم و کاست بهره گیرند و در رفع نارسائی‌ها بکوشند. انسان‌ها همچون ظروف یکدستی نیستند که در یک کارخانه، یک شکل و یک نواخت و یک اندازه و با یک نوع فایده، ساخته شده باشند. همچنین انسان‌ها مانند پیچ و مهره‌های یک ماشین هم نیستند که سازنده مربوطه آنها را تنظیم کرده باشد و به گونه اجبار به کار معین خود ادامه دهند. بلکه انسان‌ها در عین تفاوت استعدادها و لیاقت‌ها، آزادی اراده و مسؤولیت دارند. اگر جز این بود، زندگی برای انسان‌ها ناممکن می‌گردید. «رَحْمَةُ»: مراد نبوّت، و سعادت دارین مترتّب بر آن است.

سوره زخرف آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

اگر (بهره‌مند شدن کفّار از انواع مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم (تمایل به کفر پیدا کنند و در گمراهی) ملّت واحدی گردند، ما برای کسانی که به خداوند مهربان باور نمی‌داشتند خانه‌هائی با سقف‌هائی از نقره فراهم می‌آوردیم، و برای آنان پلّه‌ها و نردبان‌های سیمین ترتیب می‌دادیم که از آنها بالا روند. (چرا که نعمت چندروزه حیات بی‌ارزش است و در مقابل نعمت جاویدان آخرت چیزی به حساب نمی‌آید).

توضیحات:

«أُمَّةً»: ملّت. مراد ملّت گمراه و بی‌دین است. «سُقُفاً»: جمع سَقْف، آسمانه خانه. پوشش بالای اطاق. «فِضَّةٍ»: نقره. «مَعَارِجَ»: جمع مَعْرَج، پلّه. نردبان. بالارو. «يَظْهَرُونَ»: بالا روند. بر شوند.

سوره زخرف آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلِبُيُوتِهِمۡ أَبۡوَٰبٗا وَسُرُرًا عَلَيۡهَا يَتَّكِـُٔونَ ٣٤﴾

ترجمه:

و برای خانه‌هایشان درهائی فراهم می‌آوردیم، و تخت‌هائی نقره‌ای که بر آنها تکیه می‌زنند و می‌لمند ترتیب می‌دادیم.

توضیحات:

«سُرُراً»: جمع سَریر، تخت‌ها.

سوره زخرف آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَزُخۡرُفٗاۚ وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُتَّقِينَ ٣٥﴾

ترجمه:

و زر و زیور و انواع وسائل تجمّلی و زینت‌آلات بدی‌شان می‌دادیم. امّا همه این‌ها متاع زندگی این جهانی است، و آخرت در پیشگاه پروردگارت برای پرهیزگاران آماده است (و نعمت سرای جاویدان که از آن خداپرستان است، با نعمت جهان گذران قابل مقایسه نیست).

توضیحات:

«زُخْرُفاً»: زر و زیور. زینت‌آلات و وسائل تجملی. بعضی (زُخْرُفاً) را عطف بر (سُقُفاً) دانسته، و اشاره به وسائل زینتی مستقلّی می‌دانند که در اختیار این‌گونه افراد گذارده می‌شود. و برخی عطف بر (مِن فِضَّةٍ) دانسته و در اصل (مِن زُخْرُفٍ) بوده، سپس منصوب به نزع خافض شده است. در این صورت مفهوم جمله چنین می‌شود: سقف‌ها و درها و تخت‌های خانه‌های آنان را بعضی از طلا و بعضی از نقره ترتیب می‌دادیم. «لَـمّـَا»: بجز. مگر. این واژه به معنی (إِلاّ) است.

سوره زخرف آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦﴾

ترجمه:

هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد (و گمراه و سرگشته‌اش می‌سازد).

توضیحات:

«یَعْشُ»: غافل شود. رخ بتابد و روی بگرداند. کور شود. کم‌سو شود. «ذِکْرِ»: یاد. قرآن (نگا: آل‌عمران / ۵۸، اعراف / ۶۳، حجر / ۶ و ۹). «ذِکْرِ الرَّحْمنِ»: قرآن خدا. خدا را یاد کردن. تذکیر و اندرز خدا. «نُقَیِّضْ»: آماده می‌سازیم. فراهم می‌آوریم. تهیه می‌بینیم. (نگا: فصّلت / ۲۵) «قَرِینٌ»: همنشین. همدم.

سوره زخرف آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

شیاطین این گروه را از راه (خدا) بازمی‌دارند و (به گونه‌ای گمراهی را در نظرشان می‌آرایند که) گمان می‌کنند ایشان هدایت‌یافتگان حقیقی هستند.

توضیحات:

«إِنَّهُمْ»: مرجع (هُمْ) شیاطین است. اگرچه در آیه پیشین به صورت (شَیْطاناً) و مفرد آمده است، در واقع معنی جمعی دارد. «لَیَصُدُّونَهُمْ»: شیاطین کفّار را باز می‌دارند. یعنی زشتیها را در نظرشان زیبا، بیراهه را شاهراه، گمراهی را هدایت، حرام را حلال، و بالاخره نادرست را درست جلوه می‌دهند و ایشان را از راه به در می‌کنند. «یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ»: (نگا: اعراف / ۳۰، کهف / ۱۰۳ - ۱۰۶).

سوره زخرف آیه ۳۸

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيۡتَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ بُعۡدَ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرِينُ ٣٨﴾

ترجمه:

تا آن گاه که چنین کسی (همراه با چنان اهریمنی، در قیامت) به پیش ما می‌آید، (رو بدین همنشین نفرت‌انگیز می‌کند و نادمانه) می‌گوید: کاشکی! میان من و میان تو،

به اندازه مشرِق و مغرب فاصله بود! (ای وای من!) چه همدم و همنشین بدی است!

توضیحات:

«بُعْدَ»: فاصله. اندازه. «الْمَشْرِقَيْنِ»: دو مشرِق، مراد مشرِق و مغرب است. این واژه ملحق به مثنّی است. همچون والِدَينِ (نگا: بقره / ۸۳ و ۱۸۰ و ۲۱۵). أَبَوَينِ (نگا: نساء / ۱۱، کهف / ۸۰، یوسف / ۶ و ۹۹ و ۱۰۰).

سوره زخرف آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ إِذ ظَّلَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی نمی‌بخشد، چرا که شما ستم کرده‌اید، و حق این است که همگی در عذاب دوزخ مشترک باشید.

توضیحات:

«إِذْ»: چرا که. به علّت این که. «أَنَّكُمْ»: بیان علّت عدم نفع است. یعنی: «لِأَنَّ حَقَّكُمْ أَن تَشْتَرِكُوا».

سوره زخرف آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ أَوۡ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٤٠﴾

ترجمه:

آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی؟ و یا این که کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند، رهنمود گردانی؟

توضیحات:

«اَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ...»؟ (نگا: یونس / ۴۲ و۴۳، نمل / ۸۰ و ۸۱).

سوره زخرف آیه ۴۱

متن آیه:

﴿فَإِمَّا نَذۡهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنۡهُم مُّنتَقِمُونَ ٤١﴾

ترجمه:

هرگاه تو را بمیرانیم و از میان برداریم (و ناظر بر مجازات ایشان نباشی) قطعاً ما از

آنان انتقام خواهیم گرفت (و به مجازات‌شان خواهیم رساند).

توضیحات:

«فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ...»: روی سخن به پیغمبر گرامی است و این آیه و چند آیه بعدی، برای تسلّی و آرامش خاطر مبارک او است.

سوره زخرف آیه ۴۲

متن آیه:

﴿أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

یا (اگر زنده بمانی) آنچه را از عذاب بدی‌شان وعده داده‌ایم، به تو نشان خواهیم داد، زیرا ما بر آنان مسلّط و توانائیم.

توضیحات:

«أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي...»: (نگا: غافر / ۷۷). در قید حیات رسول، چنین شد، و همه سران قریش بعدها به پناه ایمان خزیدند. (نگا: قاسمی)

سوره زخرف آیه ۴۳

متن آیه:

﴿فَٱسْتَمْسِكْ بِٱلَّذِىٓ أُوحِىَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

محکم چنگ بزن بدان چیزی که به تو وحی شده است. چرا که تو قطعاً بر راه راست قرار داری.

توضیحات:

«إسْتَمْسِكْ»: با تمام توان چنگ بزن و محکم برگیر. مراد ماندگاری بر قرآن و کاملاً عمل بدان است. «الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ»: مراد قرآن است.

سوره زخرف آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

و قرآن مایه بیداری تو و قوم تو است، و از شما (درباره این برنامه الهی) پرسیده

خواهد شد.

توضیحات:

«ذِكْرٌ»: یادآوری و بیداری (نگا: قمر / ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰). آوازه و افتخار (نگا: انبیاء / ۱۰). در صورت اخیر، معنی چنین است: قرآن مایه افتخار و سبب شهرت تو و قوم تو است. «سَوْفَ تُسْأَلُونَ»: از شما درباره عمل به قرآن و حرکت در پرتو آن پرسیده می‌شود.

سوره زخرف آیه ۴۵

متن آیه:

﴿مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلْنَا مِن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

از (پیروان راستین) انبیای پیشین ما بپرس که آیا ما معبودهائی بجز خدا را برای پرستش شدن پدیدار کرده‌ایم؟

توضیحات:

«إِسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا...»: از پیغمبرانی که پیش از تو فرستاده‌ایم بپرس. مراد پرسش از پیروان راستین پیغمبران و علماء فرزانه و پرهیزگار ادیان الهی است که در سوره آل‌عمران، آیه‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ بدی‌شان اشاره شده است. یا این که مراد مطالعه کتاب‌های آسمانی پیشین و دقّت در شرائع پیغمبران راستین ایزد متعال است (نگا: المنتخب، المختصر). هدف آیه از مراجعه به پیروان مورد اطمینان پیعمبران پیشین یا بررسی کتاب‌های آسمانی، نفی مذهب شرک‌آلود مشرکان است؛ نه آرامش روح پیغمبر. چرا که پیغمبر در مسأله توحید چنان غرق بود و از شرک بیزار که نیازی به سؤال نداشت. برخی گفته‌اند که سؤال‌کننده شخص پیغمبر است و سؤال‌شدگان خود انبیای پیشین هستند. این موضوع در شب معراج تحقّق یافت، و یا تماس روحانی پیغمبر با ارواح سایر انبیاء در اوقات معمولی منظور است! مگر مشرکان معراج را قبول داشتند؟ و یا این که خود پیغمبر را فرستاده خدا می‌دانستند تا به تماس روحانی او قانع شوند؟!

سوره زخرف آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

ما موسی را همراه با معجزات خود (که دالّ بر حقّانیت پیغمبری او بود) به‌سوی فرعون و درباریانش روانه کردیم. (موسی بدیشان) گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم.

توضیحات:

«مَلَئِهِ»: درباریان و بزرگان قوم فرعون.

سوره زخرف آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

هنگامی که معجزات ما را بدی‌شان نمود، ناگهان همگی بدان‌ها خندیدند (و موسی و کارهایش را به مسخره گرفتند تا به دیگران بفهمانند که دعوت او ارزش برخورد جدّی را ندارد و قابل تأمّل و بررسی نیست).

توضیحات:

«مِنْهَا يَضْحَكُونَ»: به معجزات خندیدند. از آنها به خنده افتادند.

سوره زخرف آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَمَا نُرِيهِم مِّنۡ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكۡبَرُ مِنۡ أُخۡتِهَاۖ وَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

هیچ معجزه‌ای بدی‌شان نمی‌نمودیم مگر این که یکی از دیگری بزرگ‌تر و مهمتر بود. و (هنگامی که به سرکشی خود ادامه دادند و بر لجاجت خویش افزودند) ایشان را به انواع بلایا گرفتار کردیم تا این که (از گمراهی خود) برگردند و توبه کنند.

توضیحات:

«هِی أَکبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»: این از آن بزرگ‌تر و آن از این مهمّتر بود. یعنی همه معجزات بزرگ و مهم بودند. «الْعَذَابِ»: مراد بلایای مذکور در آیه ۱۳۳ سوره اعراف است. « أُخْت «: خواهر. مراد همردیف و همسنخ است.

سوره زخرف آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ يَـٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهۡتَدُونَ ﴿٤٩﴾﴾

ترجمه:

(هنگامی که بلایا ایشان را فرا گرفت، از موسی کمک طلبیدند) و گفتند: ای جادوگر! پروردگار خود را برایمان با توسّل به عهدی که با تو کرده است به کمک بخوان، (تا ما را از این درد و رنج و بلا و مصیبت رهائی بخشد، و مطمئن باش که) ما راه هدایت را پیش خواهیم گرفت.

توضیحات:

«السَّاحِرُ»: جادوگر. از لحن آنان، مثل (رَبَّكَ) و (بِمَا عَهِدَ عِندَكَ) پیدا است که مستکبران مغرور و طاغوت‌های مستبد در آغاز موسی را ساحر می‌خوانند، و سپس دست به دامنش می‌زنند، و در پایان وعده قبول هدایت می‌دهند. یا این که ساحر به معنی عالم و ماهر است. چرا که سحر و جادو در نظرشان مقبول و پسندیده، و جادوگران مورد تعظیم و تکریم ایشان بوده‌اند. «بِمَا عَهِدَ عِندَكَ»: با توسّل به عهدی که با تو کرده است. مراد اکرام پروردگار در حق موسی، به وسیله پیغمبر نمودن او است (نگا: اعراف / ۱۳۴). یا منظورشان این است که اگر ایمان بیاوریم و از تو پیروی کنیم خدا عذاب را از ما برطرف می‌سازد (نگا: المختصر).

سوره زخرف آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾﴾

ترجمه:

امّا هنگامی که عذاب و مصائب را از ایشان به دور داشتیم و برطرف ساختیم، آنان هرچه زودتر عهد شکنی کردند.

توضیحات:

«فَلَمَّا كَشَفْنَا...»: (نگا: اعراف / ۱۳۵، یونس / ۹۸).

سوره زخرف آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَنَادَىٰ فِرۡعَوۡنُ فِي قَوۡمِهِۦ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَيۡسَ لِي مُلۡكُ مِصۡرَ وَهَٰذِهِ ٱلۡأَنۡهَٰرُ تَجۡرِي مِن تَحۡتِيٓۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٥١﴾

ترجمه:

فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت و مملکت مصر، و این رودبارهائی که در زیر (کاخ‌ها و قصرهای) من روانند، از آن من نیست؟ مگر (ضعف موسی و شکوه مرا) نمی‌بینید؟

توضیحات:

«مُلْكُ»: حکومت. مملکت. «مِن تَحْتِي»: زیر کاخهای من. تحت فرمان من. در صورت اخیر، معنی این بخش چنین می‌شود: مگر این رودبارها تحت فرمان و برابر دستور من جریان ندارند و آب آنها طبق مقرّرات من در میان آبادی‌ها تقسیم نمی‌شود؟ (نگا: نمونه).

سوره زخرف آیه ۵۲

متن آیه:

﴿أَمۡ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ مَهِينٞ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ٥٢﴾

ترجمه:

اصلاً من برترم از این مردی که حقیر و ضعیف (و از خانواده پائین و از طبقه پستی) است و هرگز نمی‌تواند گویا سخن بگوید و مراد خویش را روشن بیان دارد.

توضیحات:

«أَمْ»: بلکه. «مَهِينٌ»: حقیر. پست. مراد فرعون، فقیر و بی‌پول و بی‌دار و دسته و عشیره و قبیله و لشکر و سپاه و جاه و مقام است. «لا يَكَادُ يُبِينُ»: نمی‌تواند فصیح صحبت کند و مراد خود را واضح و روشن به دیگران بگوید. اشاره به لکنت زبان موسی پیش از پیغمبری است (نگا: طه / ۲۷ - ۳۶، قصص / ۳۴). و یا این که اشاره به اختلاف زبان عبری و قبطی است. چرا که موسی دارای زبان عبری و فرعون و فرعونیان دارای زبان قبطی بودند (نگا: قاسمی).

سوره زخرف آیه ۵۳

متن آیه:

﴿أُلۡقِيَ عَلَيۡهِ أَسۡوِرَةٞ مِّن ذَهَبٍ أَوۡ جَآءَ مَعَهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مُقۡتَرِنِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

(اگر راست می‌گوید که پیغمبر خدا و دارای مقام والا است) پس چرا دستبندهای زرین بدو داده نشده است (تا دستبندها نشانه عظمت و ریاست او باشد؟) و یا چرا فرشتگان همراه او نیامده‌اند (تا صداقت گفتار و ادّعای رسالت او را تأیید کنند و برای پیروزی او بکوشند و بجنگند؟).

توضیحات:

«فَلَوْ لا أُلْقِيَ عَلَيْهِ»؟: پس چرا برای او فرستاده نشده است؟ «أَسْوِرَةٌ»: جمع سِوار، دستبند، النگو. در میان آنان رسم بوده است که چون یکی را رئیس می‌کردند، دستبند و النگوی زرین به دستش می‌نمودند و گردن‌بند به گردنش می‌آویختند. «مُقْتَرِنِينَ»: همراهان. همدمان. کسانی که در رکاب کسی و در کنار او خواهند بود.

سوره زخرف آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَٱسۡتَخَفَّ قَوۡمَهُۥ فَأَطَاعُوهُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٥٤﴾

ترجمه:

فرعون (برای ادامه خودکامگی خود) قوم خویش را فرومایه و ناآگاه بارآورد (و آنان را در سطح پائینی از فرهنگ و رشد فکری نگاه داشت) و ایشان هم از او فرمانبرداری و پیروی کردند. آنان قومی فاسق (و خارج از اطاعت فرمان خدا و حکم عقل) بودند.

توضیحات:

«إِسْتَخَفَّ»: سبکسر و فرومایه کرد. کم خرد و بی‌خبر نمود (نگا: روم / ۶۰).

سوره زخرف آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

هنگامی که ما را (با افراط در فساد و استمرار در طغیان) بر سر خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم و به کیفرشان رساندیم و همه را (در رودخانه دریاگون نیل) غرق کردیم.

توضیحات:

«ءَاسَفُونَا»: ما را خشمگین کردند. این نکته قابل توجّه است که نه خشم و کین

درباره خداوند مهربان مفهومی‌دارد، و نه رضایت و خوشنودی خدا بدان معنی که در میان ما معروف است. بلکه خشم و کین او به معنی اراده مجازات، و رضایت و خوشنودی او به معنی اراده اجر و ثواب است.

سوره زخرف آیه ۵۶

متن آیه:

﴿فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾﴾

ترجمه:

ما آنان را پیشگامانی (در کفر و زندقه) و پیشینیانی (برای کفّار و فسقه)، و مثالی عبرت‌انگیز و سرگذشتی پندآمیز برای دیگران ساخته‌ایم.

توضیحات:

«سَلَفاً»: گذشتگان. یعنی سردستگان و رهبرانی که در گذشته بوده‌اند و مقتدی و قدوه کافر و مثل سوء آیندگانی همچون خود شده‌اند. پیشگامان کفر و سرکشی در دنیا، و جلوداران ورود به عذاب دوزخ در آخرت. «مَثَلاً»: مثال. ضرب‌المثل. مایه پند و عبرت.

سوره زخرف آیه ۵۷

متن آیه:

﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾﴾

ترجمه:

هنگامی که فرزند مریم به عنوان مثال ذکر شد، قوم تو از آن خندیدند و سر و صدا به راه انداختند.

توضیحات:

«ضُرِبَ... مَثَلاً»: مشرکان به هنگام شنیدن (إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ) آیه ۹۸ سوره انبیاء، مسخره‌کنان و خنده‌زنان گفتند: عیسی پسر مریم نیز پرستیده شده است، و به حکم این آیه باید به دوزخ برود، چه بهتر که ما و بت‌های ما نیز با عیسی باشیم! مگر نه این است که در طول تاریخ، افراد پاکی چون «عيسي» و «عُزَیر» و حتّی فرشتگان پرستش شده‌اند؟ ما حاضریم در آخرت با چنین پاکان و معصومانی باشیم! البتّه کفّار چنین گفتاری را به عنوان استهزاء و مجاب و مغلوب

کردن حضرت محمّد مطرح می‌کردند. پیدا است که معبودهائی وارد دوزخ می‌گردند که راضی باشند از طرف دیگران عبادت و پرستش شوند. «يَصِدُّونَ»: می‌خندند. سر و صدا به راه می‌اندازند. رویگردان می‌شوند. معنی دیگر آیه: وقتی که خدا فرزند مریم را به عنوان مثلی ذکر می‌نماید و می‌گوید: عیسی که بدون پدر آفریده شده است چرا باید باعث جار و جنجال باشد و داستان او همچون داستان آدم است که بدون پدر و مادر آفریده شد، قوم تو آن را نمی‌پذیرند و رویگردان می‌شوند.

سوره زخرف آیه ۵۸

متن آیه:

﴿وَقَالُوٓاْ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيۡرٌ أَمۡ هُوَۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢاۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ خَصِمُونَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

(مشرکان ادامه دادند) و گفتند: آیا (به نظر شما) معبودهای ما بهترند یا عیسی؟ (به عقیده شما او به دوزخ می‌رود، پس بگذار ما و معبودهایمان که از او هم بدترند به دوزخ برویم!). آنان این مثال را جز از روی جدال بیان نمی‌دارند. بلکه ایشان گروهی کینه‌توز و پرخاشگرند (و برای مبارزه با تو و جلوگیری از حق، به استدلال باطل متوسّل می‌شوند).

توضیحات:

«أَءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ»: آیا معبودهای ما بهترند یا عیسی؟ دو چیز مراد است: الف - شما که بت‌های ما را بدتر از عیسی می‌دانید. ب - عیسی بدون پدر متولّد شده، بت‌های ما که دختران خدا و فرشتگان اویند بدون پدر و مادر آفریده شده‌اند و بهترند. «جَدَلاً»: جدال و خصومت. کشمکش و نزاع باطل (نگا: کهف / ۵۴). مفعولٌ‌له و یا این که حال است و به معنی مُجَادِلِينَ می‌باشد. «خَصِمُونَ»: جمع خَصِم، دشمن سرسخت. معنی دیگر آیه: مشرکان می‌گویند: آیا معبودهای ما بهترند یا عیسی؟ (عیسی چون پدر نداشته از طرف مسیحیان پرستش شده و کارشان بجا است، ما هم معبودهای خود را می‌پرستیم، چرا که هُبَل و لات و منات و عزّی دختران خدا و فرشتگان اویند، و چون بدون پدر و مادر آفریده شده‌اند معلوم است که بهترند) و...

سوره زخرف آیه ۵۹

متن آیه:

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا عَبۡدٌ أَنۡعَمۡنَا عَلَيۡهِ وَجَعَلۡنَٰهُ مَثَلٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

عیسی بنده‌ای بیش نبود که ما بدو نعمت خود را ارزانی داشتیم و او را نمونه و الگوئی برای بنی‌اسرائیل کردیم.

توضیحات:

«أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ»: مراد نعمت نبوّت است. «مَثَلاً»: نشانه‌ای از قدرت و عظمت خدا. چرا که تولّدش از مادر، بدون پدر، آیتی از قدرت و نشانه بارزی از عظمت خداوند بود و بنی‌اسرائیل همچون مَثَل، آن را روایت می‌کردند. نمونه و الگوی عفّت و پاکی و تقوا، و اسوه خداشناسی و یکتاپرستی.

سوره زخرف آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةً فِي ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

اگر ما بخواهیم از شما فرزندان صالح و فرشته‌گونی پدیدار و در زمین جایگزین شما می‌سازیم.

توضیحات:

«مِنكُمْ»: به جای شما. از خود شما. «مَلآئِكَةً»: فرشتگان. فرزندان پاک فرشته‌گونه. «يَخْلُفُونَ»: فرشتگان جایگزین فرشتگان شوند. فرشتگان جایگزین فرزندان شما گردند. فرشتگان به جای پیغمبران قرار گیرند و به عنوان پیغمبرانی به‌سوی شما فرستاده شوند. فرزندان فرشته‌گون، جایگزین شما شوند «وَلَوْ نَشَآءُ...»: این آیه برداشت معانی گوناگونی دارد: الف - اگر ما بخواهیم به جای شما، فرشتگانی در زمین قرار می‌دهیم که جانشین شما گردند. ب - اگر ما بخواهیم به جای شما فرشتگانی در زمین پدید می‌آوریم تا در آن زندگی کنند و جانشین یکدیگر گردند. ج - اگر ما بخواهیم از شما - با تغییر خلقت - فرشتگانی به وجود می‌آوریم تا در زمین جایگزین شما شوند. د - اگر ما بخواهیم از شما فرزندانی فرشته‌گون و پرهیزگار پدیدار و در زمین جایگزین شما می‌نمائیم (نگا: محمّد / ۳۸). ه - اگر ما بخواهیم به جای شما انسانها، پیغمبرانی از فرشتگان ترتیب و به میان شما گسیل می‌داریم و در زمین جایگزین پیغمبران می‌سازیم.

سوره زخرف آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١﴾

ترجمه:

قطعاً وجود عیسی خبر از وقوع قیامت می‌دهد، و هرگز درباره قیامت شک و تردید نداشته باشید، و از من پیروی کنید که راه راست این است.

توضیحات:

«إِنَّهُ»: مرجع ضمیر (ه) می‌تواند (عیسي) یا (قرآن) باشد. در صورت اوّل، دارای دو معنی است: تولّد عیسی بدون پدر، دلیلی است بر قدرت و توانائی خدا برای برپائی قیامت و ایجاد زندگی بعد از مرگ. تولّد عیسی پیش از خاتم‌الانبیاء، نشانه نزدیکی فرا رسیدن قیامت است. در صورت دوم نیز، دارای دو معنی است: قرآن درباره قیامت اطّلاعاتی در دسترس قرار می‌دهد. نزول قرآن نشانه قریب‌الوقوع بودن وقوع قیامت است. «لا تَـمْتَرُنَّ»: شک نکنید. دودلی به خود راه ندهید.

سوره زخرف آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٢﴾

ترجمه:

(به هوش باشید) شیطان شما را (از راه خدا و از توجّه به سرنوشتتان در رستاخیز) بازندارد. او دشمن آشکار شما است. (پس مواظب وی باشید).

توضیحات:

«لایَصُدَّنَّکُمْ»: (نگا: طه / ۱۶، قصص / ۸۷).

سوره زخرف آیه ۶۳

متن آیه:

﴿وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدۡ جِئۡتُكُم بِٱلۡحِكۡمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي تَخۡتَلِفُونَ فِيهِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ٦٣﴾

ترجمه:

هنگامی که عیسی با در دست داشتن معجزات آشکار و آیات روشن (به پیش

بنی‌اسرائیل) آمد، گفت: من شریعت حکیمانه‌ای را (درباره مبدأ و معاد و نیازهای زندگی بشر) برای شما آورده‌ام، و آمده‌ام تا برایتان برخی از امور (دینی) را روشن گردانم که در آنها اختلاف می‌ورزید. پس از خدا بترسید و از من پیروی کنید.

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: معجزات. آیه‌های روشن. «الْحِكْمَةِ»: نبوّت. شریعت حکیمانه. برنامه راستین و عقائد درست (نگا: آل‌عمران / ۴۸). «بَعْضَ الَّذِي...»: احکام مورد اختلاف تورات. بخش‌هائی از اختلافات که در سرنوشت انسان‌ها از نظر اعتقاد و عمل، و از نظر فرد و جامعه مؤثّرند؛ نه اختلافات در اموری که سرنوشت‌ساز نیستند، همچون نظرات مختلفی که درباره منظومه شمسی و سایر کرات، و ماهیت روح آدمی، و حقیقت حیات و مانند این‌ها است.

سوره زخرف آیه ۶۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦٤﴾

ترجمه:

به طور قطع خداوند پروردگار من و پروردگار شما است، پس او را پرستش کنید، راه راست این است.

توضیحات:

«رَبِّي وَرَبُّكُمْ»: تکرار واژه (رَبّ) برای این است که تأکید شود عیسی نیز همچون سایر انسان‌ها انسان، و نیازمند پروردگاراست و پرستش را نسزد.

سوره زخرف آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمٍ أَلِيمٍ ٦٥﴾

ترجمه:

گروه‌ها و دسته‌ها (ی اهل کتاب نسبت به عیسی) در میان خود به اختلاف پرداختند (و هر یک او را به نامی‌خواندند و راه افراط و تفریط در پیش گرفتند). وای بر کسانی که ستم کردند! چه عذاب دردناکی در روز قیامت گریبان‌گیرشان می‌گردد!

توضیحات:

«الأَحْزَابُ»: (نگا: مریم / ۳۷).

سوره زخرف آیه ۶۶

متن آیه:

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

آیا منتظر همین هستند که قیامت ناگهانی و در حالی که از آن بی‌خبرند به سروقت‌شان بیاید؟

توضیحات:

«هَلْ يَنظُرُونَ...»: مراد آیه، بیان حال واقعی کافران و مذمّت ایشان است. «السَّاعَةَ»: قیامت. «بَغْتَةً»: ناگهانی. (نگا: انعام / ۳۱ و ۴۷).

سوره زخرف آیه ۶۷

متن آیه:

﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۭ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ ٦٧﴾

ترجمه:

دوستان، در آن روز، دشمنان یکدیگر خواهند شد، مگر پرهیزگاران.

توضیحات:

«الأخِلاّءُ»: جمع خَلیل، دوستان. رفیقان. مراد دوستان بی‌دین دنیائی است. امّا دوستان دیندار دنیائی، در قیامت نیز دوستان و عزیزان یکدیگرند.

سوره زخرف آیه ۶۸

متن آیه:

﴿يَٰعِبَادِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

ای بندگان (پرهیزگار) من! امروز نه بیمی بر شما است (که عذاب و عقابی گریبان‌گیرتان شود) و نه غم و اندوهی دارید.

توضیحات:

«يَا عِبَادِي»: مراد بندگان مؤمن و متّقی است.

سوره زخرف آیه ۶۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ مُسۡلِمِينَ ۝٦٩﴾

ترجمه:

آن بندگانی که به آیه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمان و مطیع فرمان (آفریدگار خود) بوده‌اند.

توضیحات:

«مُسْلِمِينَ»: مسلمانان. تسلیم‌شدگان اوامر یزدان. منقادان.

سوره زخرف آیه ۷۰

متن آیه:

﴿ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ تُحۡبَرُونَ ۝٧٠﴾

ترجمه:

شما و همسرانتان به بهشت درآئید، در آنجا شادمان و شادکام و مکرّم و محترم خواهید بود.

توضیحات:

«تُحْبَرُونَ»: غرق شادمانی می‌گردید. مکرّم و محترم می‌شوید (نگا: روم / ۱۵).

سوره زخرف آیه ۷۱

متن آیه:

﴿يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖۖ وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُۖ وَأَنتُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝٧١﴾

ترجمه:

برایشان کاسه‌ها و جام‌های زرین به گردش انداخته می‌شود، و هرچه دل بخواهد و هرچه چشم از آن لذّت ببرد، در بهشت وجود دارد، و شما در آنجا جاودانه خواهید بود.

توضیحات:

«صِحَافٍ»: جمع صَحْفَة، کاسه. ظرف. «أَكْوَابٍ»: جمع کوب، لیوان. فنجان. جام. کوزه و تُنگ بی‌دسته (نگا: المصحف المیسّر).

سوره زخرف آیه ۷۲

متن آیه:

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧٢﴾

ترجمه:

این بهشتی است که به سبب کارهائی که می‌کرده‌اید، بدان دست یافته‌اید.

توضیحات:

«أُورِثْتُمُوهَا»: مال شما شده است و به شما رسیده است (نگا: اعراف / ۴۲، مریم / ۶).

سوره زخرف آیه ۷۳

متن آیه:

﴿لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ مِّنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٧٣﴾

ترجمه:

در آنجا برایتان میوه‌های فراوان و جوراجوری است که از آنها می‌خورید و استفاده می‌کنید.

توضیحات:

«مِنْهَا»: برای تبعیض است و این واقعیت را بیان می‌دارد که میوه‌های بهشتی آن اندازه فراوان است که شما تنها جزئی از آنها را می‌توانید بخورید، چرا که درختان بهشت همیشه پربار و پرثمر است و مجموعه فناناپذیری است (نگا: رعد / ۳۵).

سوره زخرف آیه ۷۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ٧٤﴾

ترجمه:

بزهکاران، جاودانه در عذاب دورخ می‌مانند.

توضیحات:

«الْمُجْرِمِينَ»: مراد بزهکاران و گناهکاران کفرپیشه است. به قرینه مقابله با مؤمنانی که در آیه‌های قبلی سخن از آنان بود.

سوره زخرف آیه ۷۵

متن آیه:

﴿لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٥﴾

ترجمه:

عذاب‌شان کاسته نمی‌گردد و سبک نمی‌شود، و آنان در میان عذاب، اندوهناک و نومید و خاموش می‌مانند.

توضیحات:

«لایُفَتَّرُ»: کاسته نمی‌گردد و سبک نمی‌شود. تخفیف داده نمی‌شود. «مُبْلِسُونَ»: ناامید شدگان. اندوه‌گینان. خاموشان از فرط اندوه و از شدّت گرفتاری (نگا: انعام / ۴۴، مؤمنون / ۷۷، روم / ۱۲ و ۴۹).

سوره زخرف آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧٦﴾

ترجمه:

ما بدی‌شان ستم نکرده‌ایم (که آنان را بدین عذاب گرفتار ساخته‌ایم) ولیکن خودشان به خویشتن ستم کرده‌اند (که با انجام کارهای زشت و بیراهه رفتن، خود را به دوزخ انداخته‌اند).

توضیحات:

«وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ...»: (نگا: هود / ۱۰۱، نحل / ۱۱۸).

سوره زخرف آیه ۷۷

متن آیه:

﴿وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ٧٧﴾

ترجمه:

آنان فریاد می‌زنند: ای مالک! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم. او بدیشان) می‌گوید: شما (اینجا) می‌مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

توضیحات:

«مَالِكُ»: نام فرشته‌ای است که رئیس فرشتگان نگهبان دوزخ است. «لِيَقْضِ عَلَيْنَا...»: ما را نابود گرداند و بمیراند (نگا: فاطر / ۳۶). «مَاكِثُونَ»: درنگ کنندگان. توقّف کنندگان.

سوره زخرف آیه ۷۸

متن آیه:

﴿لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٨﴾

ترجمه:

(خداوند بدی‌شان پیام می‌دهد که) ما حق را برای شما آوردیم (و توسّط پیغمبران برایتان فرو فرستادیم) ولی اکثر شما حق را نپسندیدید و آن را دشمن داشتید.

توضیحات:

«لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ»: ما حق را برایتان آوردیم. گوینده می‌تواند خدا، مالک و سایر دستیاران او باشد. مراد از حق، دین راستین و همه حقایق سرنوشت‌ساز است.

سوره زخرف آیه ۷۹

متن آیه:

﴿أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا فَإِنَّا مُبۡرِمُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

بلکه، آنان تصمیم محکمی (بر توطئه قتل محمّد) گرفتند و ما نیز اراده محکم و تغییرناپذیری کردیم (درباره مجازات سخت و کیفر دادنشان در دنیا و آخرت).

توضیحات:

«أَبْرَمُوا»: عزم را جزم کردند. تصمیم محکمی‌گرفتند. «أَمْراً»: مراد حیله و نیرنگ و توطئه قتل پیغمبر اسلام است. «مُبْرِمُونَ»: تصمیم‌گیرندگان. عزم را جزم‌کنندگان.

سوره زخرف آیه ۸۰

متن آیه:

﴿أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ ٨٠﴾

ترجمه:

آیا گمان می‌برند که ما اسرار پنهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟! آری! (ما آگاه از راز و رمز ایشان و شنوای نجوای آنان بوده و) گذشته از این، فرشتگان مأمور ما در کنارشان حاضر و بر اعمال‌شان ناظرند و (همه کردار و گفتارشان را) می‌نویسند وثبت و ضبط می کنند.

توضیحات:

«رُسُلُنَا»: فرستادگان ما. مراد فرشتگان مأمور ضبط و ثبت اعمال است (نگا: / ۱۸، انفطار / ۱۰).

سوره زخرف آیه ۸۱

متن آیه:

﴿قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡعَٰبِدِينَ ٨١﴾

ترجمه:

بگو: اگر خداوند مهربان فرزندی می‌داشت، من نخستین کسی بودم که چنین (فرزندی را) پرستش می‌کردم (چرا که من ایمان و اعتقادم به خدا بیشتر و شناخت و آگاهیم فزونتر است. امّا خدا نیازی به فرزند ندارد، و بندگانی چون عُزَیر و عیسی و فرشتگان کی خود را فرزند خدا نامیده‌اند؟!).

توضیحات:

«الْعَابِدِینَ»: پرستندگان. عبادت‌کنندگان.

سوره زخرف آیه ۸۲

متن آیه:

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

خداوندگار آسمان‌ها و زمین و عرش (و تخت سلطنت مجموعه عالم هستی) پاک و منزّه از این توصیف‌هائی است که (درباره او) می‌کنند.

توضیحات:

«رَبِّ»: مالک و مدبّر. خداوندگار. «الْعَرْشِ»: (نگا: اعراف / ۵۴، توبه / ۱۲۹، یونس / ۳).

سوره زخرف آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٨٣﴾

ترجمه:

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه‌ور گردند و سرگرم بازی شوند، تا

برخورد می‌کنند به روز قیامتی که بدی‌شان وعده داده می‌شود (و سرانجام تلخ اعمال زشت و افکار پلشت خود را می‌بینند).

توضیحات:

«ذَرْهُمْ»: (نگا: انعام / ۹۱ و ۱۱۲ و ۱۳۷، حجر / ۳، مؤمنون / ۵۴). «يَخُوضُوا»: فرو روند. سرگرم یاوه و بیان اباطیل شوند (نگا: نساء / ۱۴۰، انعام / ۶۸).

سوره زخرف آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَٰهٞۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٨٤﴾

ترجمه:

خدا آن کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود، و او حکیم و علیم است.

توضیحات:

«إِلٰهٌ»: معبود. «الْحَكِيمُ»: کسی که تمام کارهایش از روی حساب و حکمت است. «الْعَلِيمُ»: کسی که از همه چیز آگاه و باخبر است.

سوره زخرف آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَتَبَارَكَ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٥﴾

ترجمه:

بزرگوار و دارای خیر و برکت آن کسی است که شاهی و مملکت آسمان‌ها و زمین، و هر آنچه میان آن دو است از آن او است، و آگاهی از وقوع قیامت ویژه او، و همه شما (در آخرت، برای حساب و کتاب و جزا و سزا) به‌سوی او برگردانده می‌شوید.

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: (نگا: اعراف / ۵۴، مؤمنون / ۱۴، فرقان / ۱ و ۱۰ و ۶۱). «عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»: آگاهی از قیامت ویژه او است و تنها او از وقوع رستاخیز و شروع قیامت مطّلع است و بس.

سوره زخرف آیه ۸۶

متن آیه:

﴿وَلَا يَمۡلِكُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٨٦﴾

ترجمه:

معبودهائی که مشرکان بجز خدا به فریاد می‌خوانند و می‌پرستند قدرت و توانائی هیچ‌گونه شفاعت و میانجیگری را ندارند، مگر کسانی که آگاهانه بر حق شهادت و گواهی داده (و خدا را به یگانگی پرستیده) باشند (همچون عیسی و عُزَیر و فرشتگان).

توضیحات:

«يَدْعُونَ»: به فریاد می‌خوانند. می‌پرستند. «الْحَقِّ»: توحید. وحدانیت خدا. «وَهُمْ يَعْلَمُونَ»: در حالی که می‌دانند. یعنی گواهی و شهادت‌شان از روی علم و آگاهی بوده، یا این که می‌دانند اگر خدا بدی‌شان اجازه دهد، شفاعت می‌کنند، و می‌دانند برای چه کسی یا کسانی شفاعت کنند. ذکر (شَهِدَ) به صورت مفرد، و (يَعْلَمُونَ) به صورت جمع، با توجّه به لفظ و معنی (مَنْ) است.

سوره زخرف آیه ۸۷

متن آیه:

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٨٧﴾

ترجمه:

اگر از مشرکان بپرسی، چه کسی آنان را آفریده است؟ مؤکدانه می‌گویند: خدا! پس چگونه (از عبادت حق تعالی) منحرف می‌شوند (و متوجّه پرستش چیزهای دیگری می‌گردند؟!).

توضیحات:

«أَنَّي»: چگونه؟ «يُؤْفَكُونَ»: بازگردانده می‌شوند. از حق منصرف و به‌سوی چیزهای دیگری رهنمود می‌شوند. «أَنّي يُؤْفَكُونَ»: (نگا: مائده / ۷۵، توبه / ۳۰، عنکبوت / ۶۱).

سوره زخرف آیه ۸۸

متن آیه:

﴿وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ لَّا يُؤۡمِنُونَ ٨٨﴾

ترجمه:

و (خدا آگاه است) از گفتار محمّد که گفت: پروردگارا! این‌ها قومی هستند که ایمان نمی‌آورند.

توضیحات:

«قِيلِهِ»: قیل و قَول و مَقال، مصدر ثلاثی مجرّدند و به معنی گفته و سخن هستند. برخی واژه (قیل) را عطف بر (السَّاعَة) در سه آیه قبل می‌دانند که معنی چنین می‌شود: خدا از قیامت آگاه است و از شکایت پیغمبر نیز درباره ایمان نیاوردن قوم خود آگاه است. بعضی هم واو پیش از آن را حرف جر و برای قسم می‌دانند، و چیزی را که قسم بر آن یاد شده است (يَارَبِّ إِنَّ هؤُلآءِ قَوْمٌ لاّ يُؤْمِنُونَ) و یا این که محذوف می‌دانند. مرجع ضمیر (ه) پیغمبر است که از (لَئِن سَأَلْتَهُمْ) در آیه پیش پیدا است.

سوره زخرف آیه ۸۹

متن آیه:

﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ۝٨٩﴾

ترجمه:

پس از آنان روی بگردان و بگو: بدرود! بعدها خواهند دانست (که برای خود چه آشی پخته‌اند و چه آتش سوزانی و عذاب دردناکی را فراهم ساخته‌اند!).

توضیحات:

«إصْفَحْ»: روی بگردان (نگا: بقره / ۱۰۹، مائده / ۱۳، حجر / ۸۵). «سَلامٌ»: بدرود. این سلام، برای جدائی بوده و نشانه بی‌اعتنائی است (نگا: فرقان / ۶۳، قصص / ۵۵).

سوره دخان

سوره دخان آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ۝١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره دخان آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ۝٢﴾

ترجمه:

سوگند به قرآن! که روشن و روشن‌گر است.

توضیحات:

«الْكِتَابِ الْـمُبِينِ»: (نگا: یوسف / ۱، شعراء / ۲، یس / ۶۹).

سوره دخان آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۝٣﴾

ترجمه:

ما قرآن را در شب پرخیر و برکتی فرو فرستاده‌ایم. ما همواره بیم‌دهنده (کافران و مشرکان و ظالمان، با ارسال پیغمبران به‌سویشان) بوده‌ایم (و کتاب‌ها برای‌شان فرو فرستاده‌ایم. این قرآن هم آخرین حلقه از این سلسله است).

توضیحات:

«مُبَارَكَةٍ»: پر خیر و برکت. «لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ»: مراد شب قدر است که آغاز نزول وحی در

آن بوده است (نگا: قدر / ۱). شب قدر هم یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است (نگا: بقره / ۱۸۵). قرآن به طور تدریجی‌در طی ۲۳ سال دعوت پیغمبر، برحسب شرائط و حوادث و نیازها نازل شده است (نگا: اسراء / ۱۰۶، فرقان / ۳۲، محمّد / ۲۰، توبه / ۱۲۷، طه / ۱۱۴، قیامت / ۱۶).

سوره دخان آیه ۴

متن آیه:

﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ۝٤﴾

ترجمه:

در این شب مبارک، هرگونه کار حکیمانه‌ای (که انسان را به حقیقت آشنا و به سعادت برساند، و او را از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوی خدا) بیان و مقرّر گشته است.

توضیحات:

«یُفْرَقُ»: تفصیل و تبیین گشته است. بیان شده است. فعل (یُفْرَقُ) مضارع و در اینجا در معنی ماضی است؛ در زبان عربی و در قرآن چنین استعمالی فراوان است. برای مثال مراجعه شود به افعال (یَقُولَ) در بقره / ۲۱۴، (تَـمْشِي) در طه / ۴۰، (تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ) در احزاب / ۲۶، (یَرِي) در نجم / ۱۲، (تُـجَادِلُكَ) در مجادله / ۱، و (تَنَزَّلُ) در قدر / ۴... (نگا: المصحف المیسّر، تفسیر القرآن الکریم. شیح محمّدعبده، جزء عم، سوره قدر). «أَمْرٍ»: کار و بار دین و احکام آن که در (بقره / ۱۸۵) بدان اشاره رفته است. فرمان. «حَکِیمٍ»: حکیمانه. پرحکمت. صفت (أَمْرٍ) است و برای تأکید وصف است نه تخصیص. همان‌گونه که گفته می‌شود: عسل شیرین، مشک خوشبو.

سوره دخان آیه ۵

متن آیه:

﴿أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآۚ إِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ۝٥﴾

ترجمه:

کار و باری که از سوی ما صادر و بدان دستور داده شده است (و در قرآن برای انسان‌ها روانه گشته است و) ما فرستنده (محمّد و همه انبیاء، و قرآن و همه کتاب‌های آسمانی) بوده‌ایم.

توضیحات:

«أَمْراً»: کار و بار. فرمان و دستور. حال ضمیر (ه) در فعل (أَنزَلْنَاهُ). در این صورت معنی چنین است: ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم، در حالی که کاری است از ناحیه ما و دستوری است از جانب ما. یا این که منصوب به اختصاص و مفعول به است. (نَعْني بِهٰذَا الأمْرِ أَمْراً حاصِلاً مِّنْ عِندِنَا) مراد ما از این کار یا فرمان، همان کار و فرمانی است که از سوی ما حاصل و صادر گشته است.

سوره دخان آیه ۶

متن آیه:

﴿رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦﴾

ترجمه:

(این کار) به خاطر رحمتی از سوی پروردگارت (در حق انسان‌ها) است. خدا شنوا و آگاه است.

توضیحات:

«رَحۡمَةٗ»: مفعول‌له برای (أَنزَلْنَاهُ) یا برای (يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) و یا برای هر دو است. یادآوری کلّی: مراد از آیات پیشین، بیان آغاز نزول قرآن، و تعیین زمان نزول آن است، و این که محتوای قرآن اوامر و نواهی حکیمانه الهی بوده، و هرچه برای سعادت انسان‌ها مفید باشد در آن است، و قرآن رحمت برای ایشان است. بسیاری از مفسّران بزرگ فعل (يُفْرَقُ) را به معنی مضارع گرفته‌اند، و (كُلُّ أَمْرٍ) را همه امور کار و بار این کره خاکی دانسته، و فرموده‌اند که خداوند در شب قدر همه امور یکساله زمین و ساکنان آن را مقرّر و مشخّص می‌فرماید و احکام چنین مقدّراتی را از لوح محفوظ نقل و به دست فرشتگان مأمور اجرا احکام می‌سپارد. و به هر حال چنین شبی در حقیقت جشن انقلاب برای مسلمانان است.

سوره دخان آیه ۷

متن آیه:

﴿رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٧﴾

ترجمه:

(پروردگار تو) که پروردگار آسمان‌ها و زمین و همه چیزهائی است که در میان آن

دو است. اگر شما طالب یقین و باورید (به این که خدا آفریدگار شما، روزی‌رسان بندگان، و به زیر فرمان کشاننده خورشید و ماه است).

توضیحات:

«رَبِّ»: بدل از (رَبِّ) آیه قبلی است. «إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ»: اگر اهل یقین و باورید. یعنی اگر چنان که می‌گوئید خدا آفریدگار ما و روزی‌رسان بندگان، و به زیر فرمان کشاننده خورشید و ماه است (نگا: عنکبوت / ۶۱ - ۶۳). اگر شما طالب یقین هستید، راه این است که درباره این چیز بیندیشید (نگا: انعام / ۷۵، شعراء / ۲۴، ذاریات / ۲۰).

سوره دخان آیه ۸

متن آیه:

﴿لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨﴾

ترجمه:

جز او خدائی نیست، و او است که زنده می‌گرداند و می‌میراند، و پروردگار شما و پروردگار پدران و نیاکان پیشین شما است.

توضیحات:

«رَبُّكُمْ»: واژه رَبُّ، خبر مبتدای محذوف است. «ءَابَآئِكُمُ الأوَّلِينَ»: (نگا: مؤمنون / ۲۴ و۶۸ و۸۳، شعراء / ۲۶ و۷۶).

سوره دخان آیه ۹

متن آیه:

﴿بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ ٩﴾

ترجمه:

اصلاً مشرکان (درباره رسالت و دعوت آسمانی) در شک و تردیدند و (آن را، و کلاً زندگی را به) بازی می‌گیرند.

توضیحات:

«هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ»: (نگا: نساء / ۱۵۷، هود / ۶۲ و ۱۱۰، ابراهیم / ۹).

سوره دخان آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ ١٠﴾

ترجمه:

منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری را پدیدار می‌کند.

توضیحات:

«يَوْمَ»: قیامت. زمانی که برابر دعای پیغمبر، مشرکان قریش دچار قحطی و خشکسالی شدیدی شدند. «دُخَانٍ»: دود. مراد گرد و خاک حاصل از بی‌بارانی در فضا است، و یا دود در اینجا جنبه مجازی دارد و آسمان در نظر مردم گرسنه و تشنه و بلازده تیره و تار جلوه‌گر می‌شد.

سوره دخان آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يَغۡشَى ٱلنَّاسَۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١﴾

ترجمه:

دودی که تمام مردم را فرا می‌گیرد. این همان عذاب دردناک عظیم است.

توضیحات:

«هذا»: این عذاب قیامت. این قحطی و خشکسالی شدید.

سوره دخان آیه ۱۲

متن آیه:

﴿رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ١٢﴾

ترجمه:

(مردم رو به درگاه خدا می‌کنند و می‌گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف گردان، ما ایمان آورده‌ایم (و به اشتباهات خود پی برده‌ایم).

توضیحات:

«الْعَذَابَ»: عذاب آخرت. قحطی و خشکسالی گریبانگیر قریش. «إِنَّا مُؤْمِنُونَ»: ما اینک از غفلت بدر آمده‌ایم و ایمان آورده‌ایم. ما ایمان می‌آوریم، یعنی تصمیم داریم که ایمان بیاوریم.

سوره دخان آیه ۱۳

متن آیه:

﴿أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ ١٣﴾

ترجمه:

کی بیداری برای آنان فایده‌ای دارد؟ قبلاً که پیغمبری (با رسالتی روشن و معجزاتی دالّ بر صداقتش، و زبان گویا و) بیان‌گر (قوانینی سرنوشت ساز و سعادت‌بخش) به پیش آنان آمده بوده است.

توضیحات:

«أَنَّي»: کی؟ چگونه؟ «الذِّكْري»: بیداری. پندپذیری (نگا: انعام / ۶۸ و ۶۹ و ۹۰، اعراف / ۲، هود / ۱۱۴ و ۱۲۰). «مُبِينٌ»: روشن. روشن‌گر. «رَسُولٌ مُّبِينٌ»: پیغمبری که روشن بود که پیغمبر است. پیغمبری که رسالت او روشن و گویا بود. پیغمبری که حق و باطل را روشن و از هم جدا می‌کرد.

سوره دخان آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ ١٤﴾

ترجمه:

سپس از او رویگردان شدند و گفتند: او دیوانه‌ای (است که این مطالب توسّط دیگران بدو) آموخته شده است.

توضیحات:

«ثُمَّ»: بعد از آمدن چنین پیغمبری و شنیدن حقائق از او. «مُعَلَّمٌ»: تعلیم شده. یاد داده شده. «مَجنّونٌ»: (نگا: ذاریات / ۵۲).

سوره دخان آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّا كَاشِفُواْ ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًاۚ إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ ١٥﴾

ترجمه:

اگر مدّت اندکی عذاب را (از شما) به دور داریم (و به دنیا برگردانیم) قطعاً شما (به کفر و شرک و فسق و فجور خود) برمی‌گردید.

توضیحات:

«إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ...»: این جمله، اگر مربوط به آخرت باشد، متضمّن معنی شرط است. ولی اگر راجع به دفع قحطی و خشکسالی و رفع بلا از قریش باشد، معنی چنین

است: ما مدّت کمی عذاب را از شما به دور می‌گردانیم، ولی شما دوباره به کارهای زشت و پلشت و اذیت و آزار مسلمانان دست می‌یازید.

سوره دخان آیه ۱۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ نَبۡطِشُ ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ١٦﴾

ترجمه:

روزی سخت بر آنان می‌تازیم، (و با چنین یورش تندی‌آنان را) به مجازات می‌رسانیم.

توضیحات:

«يَوْمَ»: روز قیامت. روز جنگ بدر. «نَبْطِشُ»: (نگا: اعراف / ۱۹۵، شعراء / ۱۳۰، زخرف / ۸). «الْبَطْشَةَ الْكُبْرِي»: یورش تند، حمله شدید. مراد مجازات سخت است. یادآوری: برخی از مفسّران، از آیه ۱۰ تا ۱۶ را درباره عذاب دنیوی قریشیان می‌دانند، ولی بهتر است این آیات را راجع به آخرت بدانیم. به دو دلیل: الف – قریشیان بعد از فتح مکه، ایمان آوردند و بیشتر آنان سال‌ها و سال‌ها به عنوان سپاهیان اسلام در راه خدا شمشیر زدند و کشتند و کشته شدند. ب – مفاهیم این آیات با آیات بسیار دیگری که مربوط به آخرت است، هم‌آوا و هم‌معنی است (نگا: انعام / ۲۷ – ۳۱، سبأ / ۵۱، ابراهیم / ۴۴).

سوره دخان آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٞ كَرِيمٌ ١٧﴾

ترجمه:

ما پیش از اینان، قوم فرعون را آزموده‌ایم. پیغمبر بزرگواری (به نام موسی) به نزدشان آمد.

توضیحات:

«فَتَنَّا»: آزمایش کردیم (نگا: انعام / ۵۳، طه / ۸۵، عنکبوت / ۳، ص / ۳۴). «كَرِيمٌ»: بزرگوار.

سوره دخان آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أَنۡ أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٨﴾

ترجمه:

(موسی بدی‌شان گفت: ای فرعونیان!) بندگان خدا را به من بسپارید که من پیغمبر درستکارم.

توضیحات:

«أَنْ»: این حرف برای تفسیر فعل مقدّری است و تقدیر چنین است: «جِئْتُکُمْ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ الله». «أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ الله»: بندگان خدا را به من بسپارید. یعنی فرعونیان جلو بنی‌اسرائیل را نگیرند و ایشان را آزاد بگذارند (نگا: اعراف / ۱۰۵، طه / ۴۷، شعراء / ۱۷).

سوره دخان آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَأَن لَّا تَعۡلُواْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنِّيٓ ءَاتِيكُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٩﴾

ترجمه:

و بر خدا بزرگی نکنید و تکبّر نورزید (و ادّعای الوهیت و ربوبیت ننمائید و کارهائی انجام ندهید که با اصول بندگی شما سازگار نمی‌باشد). من دلیل روشنی (بر درستی گفتار و راستی پیغمبری خود) برای شما آورده‌ام.

توضیحات:

«لا تَعْلُوا»: تکبّر نورزید و بزرگی نکنید. طغیان و سرکشی نکنید (نگا: مؤمنون / ۹۱، قصص / ۴، اسراء / ۴، نمل / ۳۱). «سُلْطَانٍ»: دلیل و حجّت. معجزه.

سوره دخان آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَإِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمۡ أَن تَرۡجُمُونِ ٢٠﴾

ترجمه:

من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که بتوانید مرا سنگسار کنید.

توضیحات:

«عُذْتُ»: پناه برده‌ام. «تَرْجُمُونِ»: این که مرا سنگسار کنید. تکیه روی مسأله رجم، یعنی سنگسار کردن بدین خاطر است که اغلب پیغمبران و مردان خدا را بدین نحو تهدید به قتل نموده‌اند (نگا: کهف / ۲۰، یس / ۱۸). از جمله: شعیب (نگا: هود /

۹۱) و ابراهیم (نگا: مریم / ۴۶) و نوح (نگا: شعراء / ۱۱۶). رجْم، به معنی مطلق قَتْل نیز استعمال شده است (نگا: معجم‌الفاظ القرآن الکریم). لذا معنی دیگر (تَرْجُمُونِ) چنین است: این که مرا به قتل برسانید.

سوره دخان آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِن لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ لِي فَٱعۡتَزِلُونِ ٢١﴾

ترجمه:

اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره‌گیری کنید و مرا نیازارید.

توضیحات:

«إِعْتَزِلُونِ»: از من کناره‌گیری کنید و کاری به کارم نداشته باشید. دو چیز مراد موسی است: الف – فرعون و فرعونیان، او را نیازارند و آزادش بگذارند. ب – مزاحم ایمان آوردن مردم نشوند و سدّ راه دعوت نگردند.

سوره دخان آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ مُّجۡرِمُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

موسی (وقتی که از ایمان آوردن فرعون و فرعونیان و سایر کفّار و مشرکان مأیوس گردید، رو به درگاه خدا کرد و) پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: اینان مردم گنهکار (و کفرپیشه) هستند (و امیدی به هدایت‌شان باقی نمانده است. تو خود دانی که در حق ایشان چه می‌کنی).

توضیحات:

«دَعَا»: به فریاد خواند. ندا داد. «مُجْرِمُونَ»: گناهکاران. در اینجا مراد کافران است. «أَنَّ هؤُلآءِ»: حرف (ب) محذوف و اصل آن: «بِأَنَّ هؤُلآءِ» است.

سوره دخان آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَأَسۡرِ بِعِبَادِي لَيۡلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

(از سوی خدا بدو دستور داده شد: حال که چنین است) پس بندگان مرا شبانه کوچ بده (تا فرعون و فرعونیان دست‌شان به شما نرسد) چرا که تعقیب می‌گردید (و فرعون و لشکریانش دنبالتان می‌نمایند).

توضیحات:

«أَسْرِ بِعِبَادِي»: بندگانم را در شب کوچ حرکت بده. (نگا: هود / ۸۱، حجر / ۶۵، طه / ۷۷، شعراء / ۵۲). «لَيْلاً»: ذکر این واژه برای تأکید است. «مُتَّبَعُونَ»: تعقیب‌شوندگان.

سوره دخان آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَٱتۡرُكِ ٱلۡبَحۡرَ رَهۡوًاۖ إِنَّهُمۡ جُندٞ مُّغۡرَقُونَ ۝٢٤﴾

ترجمه:

و دریا را (بعد از عبور از آن) گشوده واگذار. (تا آنان بدان وارد شوند). ایشان گروهی هستند که قطعاً غرق می‌گردند (و هلاک می‌شوند).

توضیحات:

«رَهْواً»: مصدر است و در معنی اسم فاعل، ساکن و آرام. گشاده. جدا شده. «أُتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْواً»: دریا را باز و گشاده به حال خود بگذار. از دریا با آرامش خاطر عبور کن و بدون دغدغه آن را به حال خود رها ساز (نگا: معجم الفاظ القرآن الکریم). دریا را آرام بگذار و مجدّدا بدان عصا مزن و فرمان متّصل شدن مده. (رَهْواً) حال (الْبَحْرَ) یا حال ضمیر مستتر در (أُتْرُكْ) است.

سوره دخان آیه ۲۵

متن آیه:

﴿كَمۡ تَرَكُواْ مِن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ۝٢٥﴾

ترجمه:

چه باغها و چشمه‌سارهای زیادی از خود به جای گذاشتند!

توضیحات:

«كَمْ»: چه زیاد! بسیار فراوان.

سوره دخان آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَزُرُوعٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ ٢٦﴾

ترجمه:

و کشتزارها و اقامتگاه‌های جالب و گرانبهائی را.

توضیحات:

«مَقَامٍ»: اقامتگاه. جایگاه. مراد کاخ‌ها و قصرها و ویلاها و منزل‌ها است. «كَرِيمٍ»: پرارزش و گرانب‌ها.

سوره دخان آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَنَعۡمَةٖ كَانُواْ فِيهَا فَٰكِهِينَ ٢٧﴾

ترجمه:

و نعمت‌های فراوان (دیگری) که در آن شادان و با ناز و نعمت زندگی می‌کردند.

توضیحات:

«فَاكِهِينَ»: در ناز و نعمت بسربرندگان. متنعّمان (نگا: یس / ۵۵).

سوره دخان آیه ۲۸

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

این چنین بود (ماجرای آنان) و ما همه این نعمت‌ها را به قوم دیگری دادیم (بدون دردسر و خون جگر).

توضیحات:

«أَوْرَثْنَاهَا»: (نگا: شعراء / ۵۹). «قَوْماً ءَاخَرِينَ»: گروه دیگری. مراد بنی‌اسرائیل است (نگا: مرجع سابق).

سوره دخان آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَمَا بَكَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَا كَانُواْ مُنظَرِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه بدی‌شان مهلتی داده شد (تا چند صباحی بمانند و توبه کنند و به جبران گذشته‌ها بپردازند).

توضیحات:

«فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمْ...»: عرب‌ها هنگامی که می‌خواهند اهمّیت مقام مرده‌ای را نشان دهند، می‌گویند: آسمان و زمین بر او گریه کردند. خورشید کسوف کرد و ماه خسوف. آذرخش آسمان و باد وزان بر او گریستند و... یا این که در اینجا مضاف محذوف است که (اهل) است. یعنی: به سبب حقارت فرعون و فرعونیان، در آسمان و زمین کسی برای ایشان دلسوزی نکرد و قطره اشکی نریخت. «مُنظَرِينَ»: مهلت داده‌شدگان (نگا: اعراف / ۱۵، حجر / ۸ و ۳۷).

سوره دخان آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ ۝٣٠﴾

ترجمه:

ما بنی‌اسرائیل را از عذاب خوارکننده رهائی بخشیدیم.

توضیحات:

«الْعَذَابِ الْمُهِينِ»: (نگا: بقره / ۹۰، آل‌عمران / ۱۷۸، نساء / ۱۴). این عذاب ذلّت‌بار، عبارت بود از: شکنجه‌های سخت و طاقت‌فرسای جسمی و روحی، کشتن پسران، و زنده نگاه داشتن دختران برای خدمتکاری و هوسرانی، بیگاری و کارهای بسیار سنگین و...

سوره دخان آیه ۳۱

متن آیه:

﴿مِن فِرْعَوْنَ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَالِيًا مِّنَ ٱلْمُسْرِفِينَ ۝٣١﴾

ترجمه:

(ایشان را نجات دادیم) از فرعون. کسی که بر دیگران بزرگی می‌فروخت و ستمگری می‌نمود، و از زمره تبه‌کارانی بود که ظلم و فساد را از حدّ می‌گذرانند.

توضیحات:

«عَالِياً»: متکبّر. برتری جوی متجاوز (نگا: یونس / ۸۳، مؤمنون / ۴۶، ص / ۷۵).

سوره دخان آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدِ ٱخۡتَرۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ عِلۡمٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

ما بنی‌اسرائیل را آگاهانه (و با شناختی که از ایشان داشتیم، در آن عصر و زمان) برگزیدیم و بر جهانیان برتری دادیم (و آنان را ملّت گزیده عصر خویش کردیم).

توضیحات:

«إِخْتَرْنَاهُمْ»: ایشان را برگزیدیم و امت منتخب کردیم. «عَلي عِلْمٍ»: آگاهانه. از روی شناخت. یعنی خدا می‌دانست که بنی‌اسرائیل مردمان مؤمنی بودند و استحقاق گزینش داشتند، و دیگران اغلب بت‌پرست و اهل فسق و فجور بودند. ولی بعدها راه خلاف و نزاع در پیش گرفتند و از صراط مستقیم منحرف شدند (نگا: آل‌عمران / ۱۰۵، یونس / ۹۳، جاثیه / ۱۷) و خداوند برای همیشه کسانی را بر ایشان گماشت که آنان را شکنجه سخت و عذاب بد برساند (نگا: اعراف / ۱۶۷).

سوره دخان آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُم مِّنَ ٱلۡأٓيَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٌاْ مُّبِينٌ ٣٣﴾

ترجمه:

ما معجزاتی را توسّط موسی بدی‌شان ارائه نمودیم که در آنها آزمایش آشکاری بود (برای ایشان، تا به محک زده شوند و روشن گردد چه کسانی عابد و شاکر، و چه افرادی کافر و فاجر خواهند شد).

توضیحات:

«الآيَاتِ»: معجزات. دلائل. «بَلآءٌ»: آزمایش.

سوره دخان آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

اینان می‌گویند:

توضیحات:

«هؤُلآءِ»: مشرکان و کفّار مکه.

سوره دخان آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنۡ هِیَ إِلَّا مَوۡتَتُنَا ٱلۡأُولَىٰ وَمَا نَحۡنُ بِمُنشَرِینَ ٣٥﴾

ترجمه:

مرگ ما جز مرگ اوّل نیست (و بعد از آن) ما هرگز زنده نخواهیم شد.

توضیحات:

«هِيَ»: مرجع این ضمیر می‌تواند (الـْمَوْتَةُ) باشد که از سیاق کلام استفاده می‌شود. یعنی: «مَا الـْمَوْتَةُ إِلاّ مَوْتَتُنَا الأُولي». یا (عاقِبَة) و یا (نِهایَة) باشد. یعنی: «مَا عَاقِبَةُ أَمْرِنَا إِلاّ الـْمَوْتَةُ الأُولي». «مَوْتَتُنَا الأولي»: مرگ اوّل ما. مراد از واژه (أَوّل) یا مؤنّث آن (أُولي)، یک بار است؛ نه این که مراد یکم است که دوم و سوم و... به دنبال داشته باشد. معنی این آیه با آیه ۲۹ سوره انعام برابر است: «وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلاّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ».

«بِمُنشَرِینَ»: زنده شدگان. برانگیخته شدگان.

سوره دخان آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَأۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِینَ ٣٦﴾

ترجمه:

(ای محمّد و ای مؤمنان!) اگر راست می‌گوئید (که بعد از مرگ حیاتی در کار است، از خدا بخواهید) پدران و نیاکان ما را (زنده گرداند و آنان را) نزد ما بیاورید (تا بر صدق گفتار شما گواهی دهند).

توضیحات:

«فَأْتُوا بِئَابَآئِنَا...»: پدران و نیاکان مرده ما را زنده گردانید و به نزد ما بیاورید.

سوره دخان آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَهُمۡ خَيۡرٌ أَمۡ قَوۡمُ تُبَّعٖ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

آیا آنان بهترند (و از ثروت و قدرت و دبدبه و کوکبه بیشتری برخوردارند) یا قوم تُبّع (که ملوک و شاهان یمن بودند و در همسایگی ایشان می‌زیستند) و کسانی که پیش از آنان بودند؟ (همچون قبائل نوح و عاد و ثمود). ما آنان را در گذشته هلاک ساخته‌ایم چون مجرم و گناهکار بوده‌اند.

توضیحات:

«تُبَّعٍ»: «تُبّع حِمْيَرِي»، یکی از شاهان یمن و مرد صالحی بوده است. داستان قوم او برای اهل مکه روشن و شناخته بود (نگا: المصحف المیسّر). قوم تُبّع جمعیتی بودند با قدرت و نیروی فراوان و حکومت پهناور و گسترده. تُبّع یک لقب عمومی برای ملوک و شاهان یمن بوده است (نگا: تفسیر نمونه). «قَوْمُ تُبَّعٍ»: (نگا: / ۱۴).

سوره دخان آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است بیهوده و بی‌هدف نیافریده‌ایم. (جهان دالانی است به‌سوی جهان عظیم و ابدی آخرت که پشت سر این جهان قرار دارد).

توضیحات:

«وَمَا خَلَقْنَا...»: (نگا: انبیاء / ۱۶، ص / ۲۷).

سوره دخان آیه ۳۹

متن آیه:

﴿مَا خَلَقۡنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

ما آن دو را جز به حق نیافریده‌ایم (و جهان را بدین نظم و نظام شگفت بیهوده و بی‌حکمت درست نکرده‌ایم) ولیکن غالب ایشان (گوش شنوا و چشم بینا ندارند، و

حقائق را نمی‌شنوند و این همه نقش عجب را بر در و دیوار وجود نمی‌بینند، و در حقیقت) نمی‌فهمند.

توضیحات:

«مَا خَلَقْنَاهُـمَـا إِلاّ بِالْحَقِّ»: (نگا: حجر / ۸۵، ص / ۲۷).

سوره دخان آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ مِيقَٰتُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ۝٤٠﴾

ترجمه:

روز داوری (و قضاوت بین افراد برحق و افراد ناحق که قیامت است) وعده‌گاه همه آنان است.

توضیحات:

«يَوْمَ الْفَصْلِ»: روز داوری میان محِق و مبطل. روز جدائی بین حق و باطل (نگا: صافّات / ۲۱).

سوره دخان آیه ۴۱

متن آیه:

﴿يَوۡمَ لَا يُغۡنِي مَوۡلًى عَن مَّوۡلًى شَيۡـٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

آن روزی که هیچ خویشی و دوستی کمترین کمکی به خویش و دوست خود نمی‌کند، و به هیچ وجه (مردمان از سوی همدیگر همکاری و) یاری نمی‌گردند.

توضیحات:

«لا يُغْنِي»: سودی نمی‌رساند. بی‌نیاز نمی‌گرداند (نگا: یونس / ۳۶، یوسف / ۶۸، مریم / ۴۲). «مَوْلِيً»: هر کس که با انسان رابطه و پیوند داشته باشد. از قبیل: دوست، خویشاوند، رئیس، هم‌پیمان، و...

سوره دخان آیه ۴۲

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ۝٤٢﴾

ترجمه:

مگر کسی که خدا بدو مرحمت کند (و از او درگذرد و از شفاعت خوبان بهره‌مندش گرداند) چرا که خداوند باعزّت و توانا و بامحبّت و مهربان است.

توضیحات:

«الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»: اشاره به رحمت در عین قدرت خداوند ذوالجلال است.

سوره دخان آیه ۴۳

متن آیه:

﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ٤٣﴾

ترجمه:

قطعاً درخت زقّوم، خوراک گناهکاران است.

توضیحات:

«الزَّقُّومِ»: درختی تلخ و بدبو (نگا: صافّات / ۶۲).

سوره دخان آیه ۴۴

متن آیه:

﴿طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ ٤٤﴾

ترجمه:

قطعاً درخت زقّوم، خوراک گناهکاران است.

توضیحات:

«الأَثِيمِ»: بسیار گناه‌کار (نگا: بقره / ۲۷۶، نساء / ۱۰۷، شعراء / ۲۲۲).

سوره دخان آیه ۴۵

متن آیه:

﴿كَٱلۡمُهۡلِ يَغۡلِي فِي ٱلۡبُطُونِ ٤٥﴾

ترجمه:

همچون فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد.

توضیحات:

«الْـمُهْلِ»: فلز گداخته (نگا: کهف / ۲۹، معارج / ۸). «يَغْلِي»: می‌جوشد.

سوره دخان آیه ۴۶

متن آیه:

﴿كَغَلۡيِ ٱلۡحَمِيمِ ۝٤٦﴾

ترجمه:

جوششی همچون آب گرم و داغ.

توضیحات:

«الْحَمِيمِ»: آب بسیار گرم و پرحرارت (نگا: انعام / ۷۰، یونس / ۴، حجّ / ۱۹).

سوره دخان آیه ۴۷

متن آیه:

﴿خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ۝٤٧﴾

ترجمه:

(به مأموران دوزخ فرمان داده می‌شود:) این کافر فاجر را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید.

توضیحات:

«فَاعْتِلُوهُ»: او را روی زمین بکشید. او را پرت کنید. از ماده (عتل). «سَوَآءِ»: وسط (نگا: بقره / ۱۰۸، صافّات / ۵۵).

سوره دخان آیه ۴۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ ٱلۡحَمِيمِ ۝٤٨﴾

ترجمه:

سپس بر سر او آب جوشان بریزید (تا بر عذاب و دردش افزوده گردد).

توضیحات:

«صُبُّوا»: بریزید. «عَذَابِ الْحَمِيمِ»: عذاب آب جوشان و بسیار گرم.

سوره دخان آیه ۴۹

متن آیه:

﴿ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ ۝٤٩﴾

ترجمه:

بچش که تو زوردار و بزرگواری!

توضیحات:

«ذُقْ»: بچش. «إِنَّكَ أَنْتَ...»: جنبه استهزاء دارد. یعنی بچش که تو عزیز و مقتدر در میان قوم و قبیله خود، و بزرگوار و نجیب در میان حسب و نسب خویش بودی.

سوره دخان آیه ۵۰

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمۡتَرُونَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

این (عذابی که هم‌اینک می‌بینید و لمسش می‌کنید) همان چیزی است که پیوسته درباره آن شک و تردید می‌کردید.

توضیحات:

«كُنتُمْ... تَـمْتَرُونَ»: شک می‌کردید (نگا: انعام / ۲، حجر / ۶۳، مریم / ۳۴).

سوره دخان آیه ۵۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ ۝٥١﴾

ترجمه:

پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند.

توضیحات:

«أَمِينٍ»: بدون ترس و خوف. دارای امن و امان.

سوره دخان آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ۝٥٢﴾

ترجمه:

در میان باغ‌ها و چشمه‌سارها.

توضیحات:

«فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ»: بدل از (في مَقامٍ أَمِينٍ) است.

سوره دخان آیه ۵۳

متن آیه:

﴿يَلۡبَسُونَ مِن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٥٣﴾

ترجمه:

آنان لباس‌هائی از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند، و در مقابل یکدیگر می‌نشینند (و به شادی می‌پردازند).

توضیحات:

«سُندُسٍ»: پارچه‌های ابریشمی نازک و لطیف. «إِسْتَبْرَقٍ»: پارچه‌های ابریشمی ضخیم و درخشان (نگا: کهف / ۳۱).

سوره دخان آیه ۵۴

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ ٥٤﴾

ترجمه:

بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه‌چشم با چشمان درشت را نیز به همسری آنان درمی‌آوریم.

توضیحات:

«كَذلِكَ»: این چنینند. آن گونه‌اند که به توصیف درنمی‌آیند. «حُورٍ»: جمع حَوْراء، زنان سیاه‌چشم «عينٍ»: جمع عَيناء، زنان درشت‌چشم.

سوره دخان آیه ۵۵

متن آیه:

﴿يَدۡعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

آنان در آنجا هر میوه‌ای را که بخواهند (با کمال راحت) می‌طلبند (و مشکلاتی که در بهره‌گیری از میوه‌های دنیا وجود دارد برای آنان وجود نخواهد داشت، و از بیماری‌ها و ناراحتی‌هائی که گاه بر اثر خوردن میوه‌ها در این دنیا پیدا می‌شود در آنجا وجود ندارد، و همچنین بیمی از فساد و کمبود و فنای آنها نیست) و از هر نظر در امانند.

توضیحات:

«ءَامِنِينَ»: در امن و امان. حال ضمیر (و) در فعل (يَدْعُونَ) است.

سوره دخان آیه ۵۶

متن آیه:

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلۡمَوۡتَ إِلَّا ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰۖ وَوَقَىٰهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ۝٥٦﴾

ترجمه:

آنان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده‌اند و بعد از آن زنده شده‌اند) نخواهند چشید، و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است.

توضیحات:

«الْـمَوْتَةَ الأُولي»: مراد مرگ بعد از فرا رسیدن اجل در دنیا است.

سوره دخان آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ۝٥٧﴾

ترجمه:

همه این‌ها فضل و بخششی از سوی پروردگار تو است. این رستگاری و خوشبختی بزرگی است (که شامل حال پرهیزگاران می‌شود).

توضیحات:

«فَضْلاً»: مفعول‌له، و یا مفعول‌مطلق فعل محذوفی‌است. «فَضَّلَهُمْ فَضْلاً».

سوره دخان آیه ۵۸

متن آیه:

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ۝٥٨﴾

ترجمه:

ما قرآن را به زبان تو (که عربی است نازل و) آسان کرده‌ایم تا آنان (آن رابفهمند و بیاموزند و) پند گیرند.

توضیحات:

«يَسَّرْنَاهُ»: (نگا: قمر / ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰) «بِلِسَانِكَ»: (نگا: مریم / ۹۷).

سوره دخان آیه ۵۹

متن آیه:

﴿فَٱرۡتَقِبۡ إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ ۝٥٩﴾

ترجمه:

تو منتظر (وعده‌های الهی در زمینه پیروزی بر کفّار، و منتظر مجازات دردناک الهی درباره این قوم لجوج و ستمگر) باش که آنان منتظر (ناکامی تو و شکست دعوت تو) هستند.

توضیحات:

«إِرْتَقِبْ»: بنگر و منتظر باش. «مُرْتَقِبُونَ»: منتظران و نگرندگان (نگا: سجده / ۳۰، طور / ۳۰ و ۳۱).

سوره جاثیهٔ

سوره جاثیهٔ آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱).

سوره جاثیهٔ آیه ۲

متن آیه:

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾

ترجمه:

این کتاب (قرآن نام) از سوی خداوند باعزّت و باحکمت نازل می‌گردد.

توضیحات:

«تَنْزِيلُ الْكِتابِ...»: (نگا: زمر / ۱، غافر / ۲).

سوره جاثیهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٣﴾

ترجمه:

بدون شک در آسمان‌ها و زمین دلائل و نشانه‌های فراوانی (بر وجود خدا) است برای مؤمنان.

توضیحات:

«ءَايَاتٍ»: دلائل فراوان بر وجود خدا، و نشانه‌های بزرگ بر یگانگی او.

سوره جاثیهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٤﴾

ترجمه:

همچنین در آفرینش شما (بدین صورت زیبا و آراسته، و دستگاه‌های داخلی پیچیده و اسرارانگیز: رشته‌های ارتباطی سلسله اعصاب، رگ‌ها و مویرگ‌ها، مغز، سلول‌ها، گردش خون، خصال و صفات‌ویژه، و تنوّع خلقت و فطرت ظاهری و باطنی هر یک از افراد بشر) و نیز در آفرینش جنبندگانی که خداوند در سراسر زمین پراکنده می‌سازد (از موجودات ذرّه‌بینی گرفته تا حیوانات غول‌پیکر، با ویژگی‌های گوناگون و ساختارهای جوراجور و الوان و اشکال رنگارنگ) نشانه‌های بزرگ و دلائل قوی (برای پی بردن به خدا و خالق یکتا) است برای آنان که اهل یقین هستند.

توضیحات:

«فِي خَلْقِكُمْ»: در خلقت شما از زمان پیدایش حیات در شکم مادران تا زمان ممات و خدا حافظی از این جهان (نگا: حجّ / ۵، روم / ۵۴). «يَبُثُّ»: پراکنده می‌دارد. «دآبَّةٍ»: جنبنده. «لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»: برای کسانی که در پی رسیدن به یقین باشند.

سوره جاثیهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٥﴾

ترجمه:

همچنین در دگرگونی شب و روز (از لحاظ تغییر رنگ و کوتاهی و درازی و فعل و انفعالاتی که در هر یک انجام می‌پذیرد) و در چیزهائی که خدا از آسمان فرو می‌فرستد و (سبب) رزق و روزی هستند (همچون باران و نور و اشعّه‌های گوناگون) و خدا به وسیله آنها زمین را بعد از مرگش حیات می‌بخشد، و نیز در وزش بادها (و بالطبع دگرگونی هوا) نشانه‌های بزرگی و دلائل سترگی است (بر وجود خدا و خالق یکتا) برای آنان که به تعقّل می‌پردازند و اهل عقل و درایت هستند.

توضیحات:

«إِخْتِلافِ»: دگرگونی. آمد وشد. «رِزْقٍ»: در اینجا مراد سبب رزق و روزی است. از قبیل: باران و برف و نور و اشعّه‌های گوناگون کیهانی. «تَصْرِیفِ»: وزش بادها و تغییر جهت آنها، و بالطبع جابه‌جائی هوا.

سوره جاثیة آیه ۶

متن آیه:

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٦﴾

ترجمه:

این‌ها آیات خدا است که به حق بر تو می‌خوانیم. با این حال، اگر به خدا و آیات او (با وجود این همه دلائل موجود در گستره جهان و پیدا در عبارات قرآن) ایمان نیاورند، پس به چه سخنی ایمان می‌آورند؟!

توضیحات:

«تِلْكَ ءَايَاتُ البلهِ»: مراد آیات قرآن است. «بِالْحَقِّ»: به حق و حقیقت. راست و درست. «بَعْدَ اللهِ وَءَايَاتِهِ»: بعد از سخن خدا و آیه‌های او. بغیر از خدا، که همه چیز دالّ بر بودن او است، بعد از سخن خدا قرآن، و بعد از نشانه‌های موجود در گستره جهان.

سوره جاثیة آیه ۷

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧﴾

ترجمه:

وای بر هر کس که دروغپرداز و بزهکار باشد!

توضیحات:

«أَفَّاكٍ»: بسیار دروغگو. کسی که دروغ‌های شاخدار می‌سازد. کذَّاب. «أَثیمٍ»: بسیار بزهکار و گناهکار. «أَفَّاكٍ أَثِیمٍ»: مراد کسی است که بسی در گفتار دروغگو، و در کردار بزهکار است (نگا: شعراء / ۲۲۲).

سوره جاثیة آیه ۸

متن آیه:

﴿يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٨﴾

ترجمه:

آن کسی که پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او خوانده می‌شود (و از وعد و وعید، بیم دادن و مژده دادن، امر و نهی، و پند و اندرز، صحبت می‌دارد، امّا او) پس از آن از روی تکبّر (بر کفر و مخالفت با حق و انجام گناه) اصرار می‌ورزد؛ انگار آیه‌های خدا را نشنیده است! (حال که چنین است) پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده.

توضیحات:

«يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللهِ...»: این بخش می‌تواند جمله مستأنفه، و یا صفت دیگری برای (كلّ) باشد. «يُصِرُّ مُسْتَكْبِراً»: مستکبرانه اصرار می‌ورزد. از روی تکبّر بر کفر و فسق پافشاری و پایداری می‌کند.

سوره جاثیهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٩﴾

ترجمه:

هنگامی که چیزی از آیات ما را فرا می‌گیرد، آن را به تمسخر می‌گیرد و مایه استهزاء می‌گرداند! این چنین کسانی عذاب بزرگ و خوارکننده‌ای دارند.

توضیحات:

«إِتَّخَذَهَا هُزُواً»: آیات الهی را به تمسخر می‌گیرد و با بی‌اعتنائی از کنار آنها می‌گذرد. آیات الهی را مایه استهزاء دیگران و بازیچه قرار دادن ایشان می‌سازد. «هُزُواً»: (نگا: بقره / ۶۷ و ۲۳۱، مائده / ۵۷ و ۵۸).

سوره جاثیهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡـٔٗا وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ

أَوۡلِيَآءَۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠﴾

ترجمه:

رویاروی آنان دورخ است، و آنچه (از مال و جاه دنیا) به دست آورده‌اند، و کسانی که سوای خدا به عنوان اولیاء برگزیده‌اند، اصلاً به حال‌شان سودی نمی‌رساند (و از دوزخ نمی‌رهاند) و عذاب بس بزرگی دارند.

توضیحات:

«وَرَآئِهِمۡ»: این واژه از اضداد است و می‌تواند به معنی: پشت سر ایشان، یا پیش روی ایشان باشد. در هر حال، مراد (بر سر راه آنان) است (نگا: انسان. ۲۷، ابراهیم / ۱۶ و ۱۷، مؤمنون / ۱۰۰).

سوره جاثیة آیه ۱۱

متن آیه:

﴿هَٰذَا هُدٗىۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٌ ١١﴾

ترجمه:

این قرآن راهنما است، و کسانی که آیات پروردگارشان را باور نمی‌دارند، عذاب بزرگی از (بدترین و) دردناک‌ترین نوع عذاب دارند.

توضیحات:

«هُديً»: هدایت و راهنمائی. هادی و راهنما. «رِجْزٍ»: عذاب. شکنجه. رنج (نگا: اعراف / ۱۳۴ و ۱۳۵، انفال / ۱۱). «رِجْزٍ أَلِيمٍ»: سخت‌ترین عذاب. بدترین شکنجه. طاقت‌فرساترین رنج (نگا: سبأ / ۵).

سوره جاثیة آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡبَحۡرَ لِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ فِيهِ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢﴾

ترجمه:

خداوند همان کسی است که دریا را رام شما کرده است، تا کشتی‌ها برابر فرمان و اجازه او (که به ماده کشتی‌ها و خود آب‌ها و دیگر عوامل طبیعی داده است) در دریا روان شوند و شما انسان‌ها بتوانید از فضل خدا بهره گیرید، و شاید سپاسگزار گردید (و

شکر نعمت‌های بیکران یزدان را به جای آورید).

توضیحات:

«اللهُ الَّذِي سَخَّرَ...»: (نگا: ابراهیم / ۳۲، حجّ / ۶۵، روم / ۴۶).

سوره جاثیهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣﴾

ترجمه:

و آنچه که در آسمان‌ها و آنچه که در زمین است همه را از ناحیه خود، مسخّر شما ساخته است. قطعاً در این (تسخیر موجودات مختلف و به گردش و چرخش درآوردن چرخه حیات به نفع انسان‌ها) نشانه‌های مهمّی (بر قدرت و مهربانی خدا در حق آدمیزادگان) است، برای کسانی که می‌اندیشند (و اندیشمندانه به اشیاء دور و بر و به خود زندگی می‌نگرند).

توضیحات:

«جَمِيعاً مِنْهُ»: جملگی این تسخیر از سوی خدا حاصل می‌گردد (نگا: تفسیر کبیر). همه آنچه ذکر شده است، از فضل و لطف خدا بر شما است (نگا: المختصر). همه این‌ها با تمام ویژگی‌هائی که دارند، از سوی خدایند و به فرمان او در خدمت شما (نگا: نمونه).

سوره جاثیهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغۡفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجۡزِيَ قَوۡمَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤﴾

ترجمه:

به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: بر کسانی ببخشایند که روزهای (مصائب و بلایای) الهی را چشم نمی‌دارند (و روزهائی را فراموش می‌کنند که بر سرِ گذشتگان کافر و فاسق و فاجر همچون قوم فرعون و لوط و ثمود چه آمده است، و با متانت و رزانت از ایشان صرف‌نظر نمایند) تا خداوند خودش آنان را در برابر کارهائی که

کرده‌اند کیفر دهد.

توضیحات:

«يَغْفِرُوا»: ببخشند و صرف نظر کنند و گوش به اذیت و آزار کافران و مشرکان ندهند (نگا: احزاب / ۴۸، حجر / ۹۴، زخرف / ۸۹). در این صورت مراد یک دستور اخلاقی در برخورد با کفّار و مشرکان و بی‌دینان است و از مسلمانان برای همیشه خواسته می‌شود در برابر چنین افرادی، بی‌اعتناء بوده و برای بیدار ساختن و جلب ایشان به اسلام، بزرگوارانه و صبورانه عمل کنند، و اجر خود را از خدا بخواهند. یا این که مراد در یک مقطع خاصّ زمانی همچون سال‌های نخستین دعوت در مکه است که هنوز مسلمانان اجازه مقابله و مقاتله با مشرکان را نداشتند. البتّه چنین شرائطی در طول تاریخ برای مسلمانان به صورت فردی یا جمعی تکرار می‌گردد. فعل مضارع (يَغْفِرُوا) به منزله امر یعنی (إِغْفِرُوا) است. جواب امر مقدّر و اصل آن چنین است: «قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اغْفِرُوا يَغْفِرُوا» (نگا: اسراء / ۵۳، ابراهیم / ۳۱). «أَيَّامَ اللهِ»: (نگا: ابراهیم / ۵). مراد مصائب و وقائعی است که خدا بر سر ملّت‌های پیشین آورده است (نگا: یونس / ۱۰۲). برخی (أَيَّامَ اللهِ) را روز قیامت معنی کرده‌اند (نگا: نمونه، المیزان).

سوره جاثیۀ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١٥﴾

ترجمه:

هر کس که کار نیک بکند، به سود خود او است، و هر کس کار بد بکند به زیان خود او است، سپس همه شما به‌سوی پروردگارتان بازمی‌گردید (و نتیجه اعمال خویش را می‌بینید).

توضیحات:

«ثُمَّ»: پس از آزمایش شما در این جهان، و اتمام توقّف در برزخ.

سوره جاثیۀ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾

ترجمه:

ما به بنی‌اسرائیل کتاب آسمانی و حکومت و نبوّت بخشیدیم، و از روزی‌های حلال و پاکیزه بدی‌شان عطاء کردیم، و آنان را بر جهانیان (عصر خویش) برتری دادیم.

توضیحات:

«الْكِتَابَ»: جنس کتاب مراد است. از جمله: تورات و انجیل. «الْحُكْمَ»: حکومت و فرماندهی. قضاوت و داوری. حکمت و فرزانگی (نگا: انعام / ۸۹، مائده / ۴۴). «فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»: ایشان را به سبب ایمان قوی و یقین صادق بر دیگر مردمان روزگار خود برتری داده بودیم (نگا: بقره / ۴۷ و ۱۲۲، اعراف / ۱۴۰، دخان / ۳۲).

سوره جاثیۀ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ ۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

ما دلائل واضح و نشانه‌های روشنی درباره کار (نبوّت و شریعت دین خود را) در اختیار بنی‌اسرائیل گذاردیم، ولی آنان (در این باره با همدیگر) اختلافی نداشتند مگر بعد از آن که علم و آگاهی (از حقیقت دین و احکام آن) پیدا کردند، در این هنگام به سبب برتری‌جوئی و عداوت و حسادت میان خود، (درباره دین و احکام آن) اختلاف ورزیدند. قطعاً پروردگار تو، روز قیامت در میان ایشان درباره چیزی که راجع بدان اختلاف پیدا کرده‌اند، داوری خواهد کرد (و به قضاوت خواهد نشست).

توضیحات:

«بَيِّنَاتٍ»: معجزاتی دالّ بر حقّانیت پیغمبران و صداقت دین خدا. دلائل و براهین روشن. «الأمْرِ»: کار و بار دین و احکام آن، و امر نبوّت و شریعت. «بَيِّنَاتٍ مِّنَ الأمْرِ»: معجزاتی که حقّانیت پیغمبران بنی‌اسرائیل و صداقت دین آسمانی ایشان را نشان می‌داد و می‌نمایاند. دلیل‌ها و حجّت‌های روشنی که کار و بار دین و شریعت خدائی را به اثبات می‌رساند. دلائل و براهینی که صفات پیغمبر خاتم و درستی دین اسلام را ثابت می‌کرد (نگا: بقره / ۸۹ و ۱۴۶). «الْعِلْمُ»: آگاهی از دین خدا و احکام و قوانین

آن. آگاهی از نبوّت خاتم‌الانبیاء و اطّلاع از ظهور اسلام. «بَغْياً بَيْنَهُمْ»: به سبب حبّ ریاست و برتری‌جوئی و عداوت و حسادت میان خود (نگا: بقره / ۲۱۳، آل‌عمران / ۱۹، شوری / ۱۴).

سوره جاثیۀ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ جَعَلۡنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ فَٱتَّبِعۡهَا وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨﴾

ترجمه:

سپس ما تو را (مبعوث کردیم و) بر آئین و راه روشنی از دین (خدا که برنامه تو و همه انبیاء پیشین بوده است و اسلام نام دارد) قرار دادیم. پس، از این آئین پیروی کن و بدین راه روشن برو (چرا که آئین رستگاری و راه نجات است) و از هوا و هوس‌های کسانی پیروی مکن که (از دین خدا بی‌خبرند و از راه حق) آگاهی ندارند.

توضیحات:

«شَرِيعَةٍ»: آئین و برنامه. راه و مسیر. «الأمْرِ»: کار و بار دین. مراد دین اسلام است که دین همه پیغمبران الهی بوده است (نگا: آل‌عمران / ۱۹ و ۸۵، شوری / ۱۳).

سوره جاثیۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّهُمۡ لَن يُغۡنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٩﴾

ترجمه:

آنان هرگز تو را از عذاب خدا نمی‌رهانند (و در آخرت در برابر خدا کمترین کمکی به تو نمی‌توانند بکنند، و هیچ دردی را از تو دوا نمی‌کنند). ستمگران کفرپیشه، برخی یار و یاور برخی دیگرند، و خدا هم یار و یاور پرهیزگاران است.

توضیحات:

«لَن يُغْنُوا عَنكَ...» (نگا: یوسف / ۶۸، مریم / ۴۲، جاثیه / ۱۰).

سوره جاثیۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

این (قرآن و شریعت) وسیله بینش مردمان و مایه هدایت و سبب رحمت برای کسانی است که اهل یقین هستند.

توضیحات:

«هذا بَصَآئِرُ...»: (نگا: انعام / ۱۰۴، اعراف / ۲۰۳، قصص / ۴۳).

سوره جاثیهٔ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجۡعَلَهُمۡ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحۡيَاهُمۡ وَمَمَاتُهُمۡۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٢١﴾

ترجمه:

آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدی‌ها می‌شوند، گمان می‌برند که ما آنان را همچون کسانی بشمار می‌آوریم که ایمان می‌آورند و کارهای پسندیده و خوب انجام می‌دهند، و حیات و ممات و دنیا و آخرت‌شان یکسان می‌باشد؟ (اگر چنین بیندیشند) چه بد قضاوت و داوری می‌کنند!!

توضیحات:

«إِجْتَرَحُوا»: به دست آورده‌اند. فراچنگ آورده‌اند. اجتراح و اکتساب یکی است. جز این که ا جتراح در به دست آوردن گناهان، و اکتساب در فراچنگ آوردن حسنات و سیئات هر دو به کار می‌رود. «سَوَآءً»: یکسان. برابر. حال (هُمْ) در فعل (نَجْعَلَهُمْ) است. «مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ»: زندگی و مرگ‌شان. مراد در زندگی دنیا و حیات بعد از مرگشان، یعنی آخرت است (نگا: ص / ۲۸، قلم / ۳۵ و ۳۶، غافر / ۵۱). «سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ»: دنیا و آخرت کافران همچون دنیا و آخرت مؤمنان باشد؟ دنیا و آخرت کافران مثل هم باشد؟

سوره جاثیهٔ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است، تا هر کسی در برابر کارهائی که انجام می‌دهد، سزا و جزا داده شود، و به انسان‌ها هیچ‌گونه ستمی نگردد.

توضیحات:

«بِالْحَقِّ»: (نگا: انعام / ۷۳، ابراهیم / ۱۹، نحل / ۳). «لِتُجْزِي كُلُّ نَفْسٍ...»: (نگا: طه / ۱۵). «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضَ بِالْحَقِّ»: خداوند آسمان‌ها و زمین را بر محور قانون حق آفریده است، و در همه جا حق و عدل و نظم و ترتیب حاکم است.

سوره جاثیۀ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ وَقَلْبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

هیچ دیده‌ای کسی را که هوا و هوس خود را به خدائی خود گرفته است، و با وجود آگاهی (از حق و باطل، آرزوپرستی کرده است و) خدا او را گمراه ساخته است، و بر گوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده‌ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا (و خدا هم از وی رویگردان است) می‌تواند او را راهنمائی کند؟ آیا پند نمی‌گیرید و بیدار نمی‌شوید؟

توضیحات:

«مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَوَاهُ»: کسی که هوا و هوس خود را معبود و خدای خود نموده است (نگا: فرقان / ۴۳). «عَلي عِلْمٍ»: با وجود علم به حق و باطل و شناخت راه درست و نادرست (نگا: جاثیه / ۱۷). خدا با علم به این که طرف استحقاق هدایت ندارد و در فسق و فجور غرق است. در صورت اوّل، حال ضمیر (ه) در (أَضَلَّهُ اللهُ) است. در صورت دوم، حال (اللهُ) است. «خَتَمَ عَلي...»: (نگا: بقره / ۷).

سوره جاثیۀ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا يُهۡلِكُنَآ إِلَّا ٱلدَّهۡرُۚ وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ٢٤﴾

ترجمه:

منکران رستاخیز می‌گویند: حیاتی جز همین زندگی دنیائی که در آن بسر می‌بریم در کار نیست. گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای ایشان را می‌گیرند، و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی‌سازد! آنان چنین سخنی را از روی یقین و آگاهی نمی‌گویند، و بلکه تنها گمان می‌برند و تخمین می‌زنند.

توضیحات:

«نَمُوتُ وَنَحْيَا»: می‌میریم و زنده می‌شویم. یعنی ما می‌میریم و فرزندان ما جایگزین ما می‌شوند، و زندگی به همین شکلی پیش می‌رود (نگا: مؤمنون / ۳۷). «مَا يُهْلِكُنَا إِلاّ الدَّهْرُ»: ما را جز مرور روزگار و گذشت عمر از میان برنمی‌دارد. «مَا لَهُم بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ»: (نگا: نجم / ۲۸).

سوره جاثیۀ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

هنگامی که آیات روشن ما (که دالّ بر توانائی ما برای ایجاد رستاخیز و زندگی دوباره‌اند) بر آنان خوانده می‌شود، در برابر آنها دلیلی جز این ندارند که می‌گویند: اگر راست می‌گوئید (که قیامتی و زندگی دومی در کار است) پدران و نیاکان ما را زنده کنید و بیاورید (تا نمونه‌ای از زنده شدن مردگان را ببینیم و باور کنیم).

توضیحات:

«بَيِّنَاتٍ»: روشن. مستدلّ. حال (آیات) است. «مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلاّ أَن قَالُوا...»: واژه (حجّت) خبر (كَانَ) و جمله (أَن قَالُوا) اسم آن است. گفتار بی‌اساس ایشان را (حجّت) نامیدن، کنایه از این است که آنان دلیلی جز بی‌دلیلی ندارند.

سوره جاثیة آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

بگو: خداوند شما را (از نیستی به هستی می‌آورد و) زنده می‌کند، سپس (بعد از به پایان آمدن اجلتان) شما را می‌میراند، سپس (بعد از دوران برزخ و ماندگاری در گورها، شما را دوباره زنده می‌کند و) در روز قیامت که در آن تردیدی نیست شما را گرد می‌آورد، ولیکن بیشتر مردم (به علّت نیندیشیدن و تأمّل نکردن، قدرت خدا را بر ایجاد رستاخیز) نمی‌دانند.

توضیحات:

«إِلي يَوْمِ الْقِيَامَةِ»: در روز قیامت. «فِيهِ»: درباره گردآوری. درباره روز قیامت.

سوره جاثیة آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَخۡسَرُ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و آن روز که قیامت برپا می‌شود، باطلگرایان زیان می‌بینند.

توضیحات:

«تَقُومُ السَّاعَةُ»: قیامت برپا می‌شود. «الْمُبْطِلُونَ»: مدّعیان باطل. باطل‌گرایان (نگا: اعراف / ۱۷۳، عنکبوت / ۴۸، روم / ۵۸، غافر / ۷۸).

سوره جاثیة آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗۚ كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

(ای مخاطب! در آن روز) هر ملّتی را می‌بینی که (خاشعانه و خاضعانه، چشم به انتظار فرمان یزدان؛ در محضر دادگاه خداوند دادگر مهربان) بر سر زانوها نشسته

است. هر ملّتی به‌سوی نامه اعمالش فراخوانده می‌شود (و بدی‌شان گفته می‌شود:) امروز جزا و سزای کارهائی که می‌کرده‌اید به شما داده می‌شود.

توضیحات:

«أُمَّةٍ»: جماعت. ملّت. «جَاثِيَةً»: بر سر زانوها نشسته. بر سر زانوها نشستن برای خشوع و خضوع در برابر قاضی القضات دادگاه قیامت، و به خاطر ترس و هراسی است که مردمان را فرا می‌گیرد. «تُدْعي إِلي كِتَابِهَا»: برای دریافت نامه اعمال خود با دست راست و یا دست چپ فراخوانده می‌شود، و برابر آن دادگاهی می‌گردد، و سعادت و یا شقاوت می‌بینند.

سوره جاثیهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّا كُنَّا نَسۡتَنسِخُ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

این (نامه اعمال که دریافت می‌دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می‌کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهائی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می‌دادید.

توضیحات:

«يَنطِقُ عَلَيْكُمْ»: برای شما صحبت می‌کند. مراد از نطق، نوشته‌هائی است که با چشم دیده می‌شود و مطالب را بازگو می‌نماید. «كُنَّا نَسْتَنسِخُ»: نگارش را می‌طلبیدیم. کاملاً می‌نگاشتیم. استنساخ، طلب نگاشتن، و یا مبالغه در نگاشتن است. «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»: نگارش کارهائی را از فرشتگان می‌خواستیم که می‌کردید. آنچه را می‌کردید کاملاً با دقّت می‌نگاشتیم و ثبت و ضبط می‌کردیم (نگا: یونس / ۲۱، زخرف / ۸۰).

سوره جاثیهٔ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ٣٠﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، پروردگارشان ایشان را (به بهشت می‌برد و) غرق نعمت خویش می‌گرداند. رستگاری و پیروزی آشکار همین است.

توضیحات:

«ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْـمُبِينُ»: (نگا: انعام / ۱۶).

سوره جاثیۀ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَفَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ وَكُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ٣١﴾

ترجمه:

و امّا کسانی که کافر می‌گردند (بدی‌شان گفته می‌شود:) مگر آیه‌های من بر شما خوانده نمی‌شد و شما بزرگی و عظمت می‌فروختید و تکبّر می‌کردید، و مردمان بزهکار و گناه‌کاری بودید؟

توضیحات:

«إِسْتَكْبَرْتُمْ»: (نگا: بقره / ۸۷).

سوره جاثیۀ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيۡبَ فِيهَا قُلۡتُم مَّا نَدۡرِي مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُسۡتَيۡقِنِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که گفته می‌شد: وعده خدا راست است (و کیفر هر کسی را در سرای دیگر به تمام و کمال می‌دهد) و قیامت حتماً فرا می‌رسد و هیچ‌گونه شکی در رخ دادن آن نیست، می‌گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست! ما تنها گمانی (درباره آن) داریم و به هیچ وجه یقین و باور نداریم (که قیامت فرا برسد).

توضیحات:

«مَاالسَّاعَةُ»: قیامت چه چیز است؟ قیامت چیست! «مُسْتَيْقِنِينَ»: باور دارندگان. یقین حاصل‌کنندگان.

سوره جاثیهٔ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَبَدَا لَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

سزا و جزای کارهای بدی که کرده‌اند هویدا و گریبان‌گیرشان می‌شود، و آنچه که مسخره‌اش می‌دانستند (که عذاب دوزخ است) از هر سو آنان را فرا می‌گیرد.

توضیحات:

«بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»: بدی‌هائی که کرده‌اند، تجسم می‌یابند و در برابرشان آشکار می‌شوند. کیفر و مجازات زشتی‌ها و پلشتی‌هائی که کرده‌اند، گریبان‌گیرشان می‌گردد (نگا: نحل / ۳۴، زمر / ۴۸).

سوره جاثیهٔ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَقِيلَ ٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰكُمۡ كَمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

و (از سوی خدا) بدی‌شان گفته می‌شود: ما امروز شما را (در عذاب رها می‌سازیم و) از یاد خود می‌بریم، همان‌گونه که شما دیدار امروز را به فراموشی سپردید (و ما را از یاد بردید، و مسائل و حوادث قیامت را پشت گوش انداختید) و جایگاه‌تان آتش دوزخ است و هیچ یار و یاوری ندارید.

توضیحات:

«نَنسَاكُمْ»: فراموشتان می‌کنیم. مراد از فراموش کردن، در عذاب رها کردن، و بی‌اعتنائی بدی‌شان و نادیده گرفتن آنان است. (نگا: اعراف / ۵۱، توبه / ۶۷، سجده / ۱۴، طه / ۱۲۶).

سوره جاثیهٔ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُخۡرَجُونَ مِنۡهَا وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

(گرفتار شدنتان بدین سرنوشت اسفناک) بدان خاطر است که شما آیات خدا را به تمسخر گرفته‌اید و زندگی دنیا، شما را گول زده است. امروز آنان از آتش دوزخ بیرون آورده نمی‌شوند، و از ایشان خواسته نمی‌شود که عذرخواهی کنند و خوشنودی بطلبند.

توضیحات:

«ذٰلِكُمْ»: گرفتار شدن شما بدین سرنوشت غم‌انگیز و عذاب دردناک. «غَرَّتْكُمْ»: شما را گول زده است (نگا: انعام / ۷۰ و ۱۳۰، اعراف / ۵۱) «يُسْتَعْتَبُونَ»: (نگا: نحل / ۸۴، روم / ۵۷، فصّلت / ۲۴).

سوره جاثیهٔ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

ستایش تنها خداوندی را سزا است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان است.

توضیحات:

«رَبِّ»: تکرار این لفظ برای تأکید است و هر سه واژه بدل یا صفت (الله) می‌باشند.

سوره جاثیهٔ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ٣٧﴾

ترجمه:

بزرگواری و والائی در آسمان‌ها و زمین، از آن او است، و او صاحب عزّت و قدرت، و دارای حکمت و فلسفه (در همه امور) است.

توضیحات:

«الْكِبْرِيَآءُ»: عظمت و رفعت. شاهی و والائی (نگا: یونس / ۷۸).

سوره أحقاف

سوره أحقاف آیه ۱

متن آیه:

﴿حمٓ ١﴾

ترجمه:

حا. میم.

توضیحات:

«حم»: (نگا: بقره / ۱).

سوره أحقاف آیه ۲

متن آیه:

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾

ترجمه:

این کتاب (قرآن نام) از سوی خداوند باعزّت و با حکمت نازل می‌گردد.

توضیحات:

«تَنزِيلُ الْكِتَابِ...»: (نگا: زمر / ۱، غافر / ۲، جاثیه / ۲).

سوره أحقاف آیه ۳

متن آیه:

﴿مَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعۡرِضُونَ ٣﴾

ترجمه:

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است جز به حق و برای سرآمد معینی نیافریده‌ایم. (در مجموعه عالم خلقت، چیزی ناموزون و ناسنجیده و مخالف حق یافته نمی‌شود، و این مجموعه، همان‌گونه که سرآغازی داشته است، سرانجامی نیز دارد، و با فرا رسیدن آن دنیا فانی می‌شود، و به دنبال آن جهان دیگری شروع می‌گردد، و

نتائج اعمال در آن بررسی، و پاداش و پادافره داده می‌شود) ولیکن کافران (که این حقیقت را نمی‌پذیرند و) از آنچه از آن بیم داده می‌شوند (که فرا رسیدن دادگاه بزرگ قیامت و شقاوت آخرت است) روی می‌گردانند.

توضیحات:

«أَجَلٍ مُّسَمّيً»: سرآمد معین که قیامت است (نگا: یونس / ۴، روم / ۸). عطف بر (الْحَقِّ) است. «عَمَّآ أُنذِرُوا»: از آنچه بیم داده شده‌اند. مراد رستاخیز و دادگاهی و حسابرسی و مکافات و مجازات آخرت است که با کتاب مقروء و تدوینی قرآن، و با کتاب منظور و تکوینی جهان، کافران هشدار و بیم داده می‌شوند، ولی نه به این توجّهی می‌کنند و نه به آن.

سوره أحقاف آیه ۴

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤﴾

ترجمه:

بگو: آیا دقّت کرده‌اید درباره چیزهائی که بجز خدا به فریاد می‌خوانید و می‌پرستید؟ به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند؟ یا اصلاً در (آفرینش و گردش و چرخش) آسمان‌ها مشارکتی داشته‌اند؟ (اگر فرضاً می‌گوئید بلی آنها شرکت داشته‌اند) کتابی (از کتاب‌های آسمانی) پیش از این (قرآن که گفتار شما را تصدیق کند) یا یک اثر علمی (و باستانی از علمای گذشته که گواهی دهد بر راستی چنین ادعائی) برای من بیاورید، اگر راست می‌گوئید.

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: آیا دیده‌اید و دقّت کرده‌اید؟ بیان کنید و مرا از پرسشِ: (چه چیزی را آفریده‌اند؟) آگاه سازید (نگا: فاطر / ۴۰، زمر / ۳۸). «أَرُونِي»: نشانم دهید. به من بنمائید. «شِرْكٌ»: مشارکت. شرکت (نگا: سبأ / ۲۲، فاطر / ۴۰) «أَثَارَةٍ»: باقیمانده و اثری که روایت گردد و گفته شود. «إِئْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هذا»: در این قسمت، از کفّار دلیل نقلی منقول از زبان وحی آسمانی خواسته شده است. «أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ»:

در این بخش، از کفّار دلیل عقلی و منطقی منقول از دانشمندان خواسته شده است.

سوره أحقاف آیه ۵

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ۝٥﴾

ترجمه:

چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستش‌گران و به فریادخواهندگان غافل و بی‌خبرند.

توضیحات:

«يَدْعُو»: به فریاد بخواند. عبادت کند. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی دارد (نگا: حجّ / ۱۲، نحل / ۲۰، اسراء / ۵۷). «دُعَآءِ»: به فریاد خواستن. عبادت کردن (نگا: فاطر / ۱۳ و ۱۴).

سوره أحقاف آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ۝٦﴾

ترجمه:

و زمانی که مردمان (در قیامت) گرد آورده می‌شوند، چنین پرستش‌شدگان و به فریاد خواسته شدگانی، دشمنان پرستش‌گران و به فریاد خواهندگان می‌گردند (و از ایشان بیزاری می‌جویند) و عبادت ایشان را نفی می‌کنند و نمی‌پذیرند.

توضیحات:

«عِبَادَةِ»: پرستش (نگا: مریم / ۹۲). دعا. اگر (دَعَآءِ) آیه قبلی در این آیه، به صورت (عِبَادَةِ) آمده است، بدین علّت است که دعا از زمره مهمّترین عبادات است. چرا که رسول خدا فرموده است: «أَلدُّعَآءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ». «دعا مغز عبادت است». «كَافِرِينَ»: انکارکنندگان. مراد بیزاری جویندگان است (نگا: قصص / ۶۳). می‌گویند: ما بدی‌شان

اجازه چنین کاری را نداده‌ایم و از پرستش و به فریاد خواستن آنان اطّلاعی نداشته‌ایم (نگا: مائده / ۱۱۶ و ۱۱۷).

سوره أحقاف آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ۝٧﴾

ترجمه:

هنگامی که آیه‌های روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به محض این که حق و حقیقت بدی‌شان می‌رسد فوراً درباره آن می‌گویند: این جادوی آشکاری است.

توضیحات:

«بَيِّنَاتٍ»: روشن و آشکار. حال (آیات) است. «الْحَقِّ»: مراد آیات قرآن است. «لَمَّا جَآءَهُمْ»: زمانی که بدی‌شان می‌رسد. این بخش می‌رساند که کافران به محض شنیدن آیات، بدون هیچ‌گونه تدبّر و تفکری، به آن نسبت سحر و جادو داده‌اند. «لِلْحَقِّ»: حرف لام به معنی (عَنْ) است.

سوره أحقاف آیه ۸

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَلَا تَمۡلِكُونَ لِي مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِۚ كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝٨﴾

ترجمه:

آیا آنان می‌گویند که: (محمّد) قرآن را از پیش خود ساخته است (و به دروغ آن را به خدا نسبت داده است؟ بدیشان) بگو: اگر من قرآن را از پیش خود ساخته باشم و آن را به دروغ به خدا نسبت داده باشم، (قطعاً خدا مرا به مجازات می‌رساند و) شما نمی‌توانید کمترین کاری در برابر خدا برایم بکنید (و مرا از عقاب و عذاب او برهانید. پس چگونه من چنین کاری را می‌کنم و بدین وسیله خویشتن را برای شما در معرض عذاب الهی قرار می‌دهم؟!). خداوند از هر کس دیگری بهتر می‌داند که به چه سخنانی (برای رخنه گرفتن از قرآن) فرو می‌روید (و گاهی آن را شعر، و گاهی سحر، و زمانی ساخته و بافته بشر می‌نامید، و بدان نسبت‌های ناروای دیگری می‌دهید). همین بس

که خداوند میان من و شما گواه باشد. (خدا صدق دعوت و تلاش در ابلاغ رسالت مرا می‌داند، و کارشکنی‌ها و دروغ پردازی‌های شما را نیز می‌بیند، و همین برای من و شما کافی است. از این کارها دست بکشید و به‌سوی خدا برگردید. خدا توبه‌کاران را می‌بخشد، و آنان را مشمول رحمت واسعه خود می‌سازد. چرا که) او بسیار بخشاینده و مهربان است.

توضیحات:

«أَمْ»: بلکه. آیا. «إِفْتَرَاهُ»: (نگا: یونس / ۳۸، هود / ۱۳ و ۳۵). «مَا تُفِیضُونَ فِیهِ»: واژه (مَا) ممکن است موصوله بوده و به معنی نسبت‌های ناروائی باشد که به پیغمبر می‌دادند. در این صورت ضمیر (ه) به (ما) برمی‌گردد. و ممکن است مصدریه باشد، در این صورت ضمیر (ه) به قرآن یا حق برمی‌گردد، و (تُفِیضُونَ) به معنی ورود در کاری به قصد افساد است. «تُفِیضُونَ»: در آن فرو می‌روید (نگا: یونس / ۶۱). «شَهِیداً»: گواه. مطّلع (نگا: فصّلت / ۵۳).

سوره أحقاف آیه ۹

متن آیه:

﴿قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدۡرِي مَا يُفۡعَلُ بِي وَلَا بِكُمۡۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٩﴾

ترجمه:

بگو: من نوبرِ پیغمبران و نخستین فرد ایشان نیستم (و چیزی را با خود نیاورده‌ام که کسی پیش از من آن را نیاورده باشد. بلکه پیغمبران بیشماری پیش از من آمده‌اند و توحید و مکارم اخلاق را به انسان‌ها رسانده‌اند و من آخرین فرد آنان و ادامه‌دهنده خطّ سیر ایشانم) و نمی‌دانم (در دنیا) خداوند با من چه می‌کند، و با شما چه خواهد کرد. (آیا سرنوشت من و شما در همین دنیا چگونه خواهد بود؟ زندگی چگونه خواهد گذشت؟ من پیش از شما و یا شما پیش از من می‌میرید؟ من ایمان آوردن همه شما و یا اکثر شما را می‌بینم و یا نمی‌بینم؟ لحظه‌ها و روزها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌های آینده غیب است و من غیب نمی‌دانم). من جز از چیزی که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم، و من جز بیم‌دهنده آشکاری نیستم.

توضیحات:

«بِدْعاً»: نوبر. نوظهور. نخستین چیزی که پیش از آن چنین چیزی دیده نشده باشد. «بِدْعاً مِّنَ الرُّسُلِ»: نوبر و نخستین فرد پیغمبران. «مَآ أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلا بِكُمْ»: این بخش از آیه بیان‌گر بشریت پیغمبر است، و او بنده‌ای از بندگان است و غیب نمی‌داند، و مالک نفع و ضرری برای خود و برای دیگران نمی‌باشد جز بدان اندازه که خدا بخواهد (نگا: انعام / ۵۰، اعراف / ۱۸۸، هود / ۳۱، نمل / ۶۵). «نَذيرٌ مُبينٌ»: (نگا: اعراف / ۱۸۴، حجر / ۸۹، حجّ / ۴۹).

سوره أحقاف آیه ۱۰

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرۡتُم بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثۡلِهِۦ فَـَٔامَنَ وَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠﴾

ترجمه:

بگو: به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما بدان ایمان نیاورید، و کسانی از بنی‌اسرائیل بر همچون کتابی گواهی دهند و ایمان بیاورند، و شما تکبّر بورزید (و خویشتن را بزرگ‌تر از این بدانید که از آن پیروی کنید، آیا شما به خود ظلم نمی‌کنید؟). بی‌گمان خداوند ظالمان را (به سوی خیر و به راه سعادت) رهنمود نمی‌سازد. (ظالمانی که راستای راه حق را می‌بینند و آن را در پیش نمی‌گیرند).

توضیحات:

«كَانَ»: ضمیر مستتر در (كَانَ) و (ه) در واژه‌های (بِهِ) و (مِثْلِهِ) به قرآن برمی‌گردد. «شَهِدَ شَاهِدٌ»: برخی گفته‌اند مراد یکی از علمای برجسته یهود به نام عبداللّه بن سلام است که بعدها در مدینه ایمان آورد و این آیه مدنی است و به فرمان رسول در اینجا قرار داده شده است. ولی اصل این است که مراد از (شاهد) یک گواه، یا نفر نبوده بلکه مراد بیش از یکی، یعنی گروهی و جماعتی است (نگا: شربینی). چرا که مشرکان مکه می‌گفتند که اگر کتابی برای ایشان نازل شود، از اهل کتاب راهیاب‌تر خواهند بود (نگا: انعام / ۱۵۷). «عَلَي مِثْلِهِ»: در پرتو رهنمودهای کتابی همچون قرآن که مراد تورات

است. همچون قرآن، یعنی خود قرآن. «إِن كَانَ مِنْ عِندِالله وَكَفَرْتُم بِهِ»: جواب شرط محذوف است، مثل: «أَلَيْسَ قَدْ ظَلَمْتُمْ»؟ «أَلَسْتُمْ ظَالِمِينَ»؟

سوره أحقاف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيْهِۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُواْ بِهِۦ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفْكٌ قَدِيمٌ ١١﴾

ترجمه:

کافران (تمسخرکنان) درباره مؤمنان می‌گویند: اگر (قرآن که برنامه اسلام است) چیز خوبی بود، هرگز آنان برای رسیدن به آن از ما پیشی نمی‌گرفتند (و ما قبل از ایشان به اسلام می‌گرویدیم و به قرآن ایمان می‌آوردیم. چرا که ما سران قوم بوده و از عقل برتری و خردمندی بیشتری برخورداریم). چون خودشان به وسیله آن هدایت و راهیاب نشده‌اند، می‌گویند: این همان دروغ‌های قدیمی است (و از افسانه‌های کهن فراهم آمده است).

توضیحات:

«لِلَّذِينَ ءَامَنُوا»: در حق مؤمنین. درباره مؤمنان. حرف لام به معنی (عَنْ) است (نگا: آیه ۷). «لَوْ كَانَ خَيْراً»: اگر قرآن چیز خوبی بود. «إِذْ»: چرا که. واژه (إِذْ) به معنی لام تعلیل است (نگا: کهف / ۱۶، زخرف / ۳۹). «إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ»: به خاطر عدم هدایتشان به قرآن. «إِفْكٌ قَدِيمٌ»: دروغ قدیمی. مرادشان افسانه‌ای از نوع افسانه‌های پیشینیان است.

سوره أحقاف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةًۚ وَهَٰذَا كِتَٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ١٢﴾

ترجمه:

پیش از قرآن، کتاب موسی (تورات) پیشوا و رحمت بوده، و (هم‌اینک) این (قرآن) کتاب (دین و شریعت) است که تصدیق‌کننده (تورات و سایر کتاب‌های آسمانی) و به

زبان عربی است تا وسیله بیم دادن ستم‌گران و مژده دادن نیکوکاران باشد.

توضیحات:

«مِن قَبْلِهِ»: پیش از قرآن. «إِمَاماً وَرَحْمَةً»: پیشوا و رحمت. حال (كِتَابٌ) است (نگا: هود / ۱۷). یعنی وسیله اقتدا در دین و شریعت، و مایه و سبب رحمت برای مردمان بوده است. «هذا كِتَابٌ»: این قرآن دین و شریعت است. (هذا) مبتدا و (كِتَابٌ) خبر است. «مُصَدِّقٌ»: تصدیق‌کننده تورات و کتاب‌های آسمانی پیشین. صفت کتاب است (نگا: انعام / ۹۲). «لِسَاناً عَرَبِيّاً»: به زبان عربی. (لِسَاناً) حال، و (عَرَبِيّاً) صفت است (نگا: نحل / ۱۰۳، شعراء / ۱۹۵). واژه (لِسَاناً) می‌تواند منصوب به نزع خافض باشد. «لِيُنذِرَ...»: محلاً منصوب و مفعول‌له است. «بُشْرى»: تقدیراً منصوب، عطف بر محل (لِيُنذِرَ) است.

سوره أحقاف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٣﴾

ترجمه:

کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها یزدان است، سپس (بر این توحید و یکتاپرستی) ماندگار می‌مانند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌گردند.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ...»: (نگا: فصّلت / ۳۰).

سوره أحقاف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

آنان به پاداش کارهائی که می‌کنند، ساکنان بهشت بوده و جاودانه در آن می‌مانند.

توضیحات:

«جَزَآءً»: مفعول‌له است (نگا: اعراب القرآن انباری).

سوره أحقاف آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ۝١٥﴾

ترجمه:

ما به انسان دستور می‌دهیم که به پدر و مادر خود نیکی کند. چرا که مادرش او را با رنج و مشقّت حمل می‌کند، و با رنج و مشقّت وضع می‌کند، و دوران حمل و از شیر بازگرفتن او سی ماه طول می‌کشد. (آن گاه دوران سخت مراقبت و پاسخ‌گوئی به نازها و نیازهای کودکانه و جوانانه و مخارج ازدواج و تهیه کار و مسکن و غیره فرا می‌رسد) تا زمانی که به کمال قدرت و رشد عقلانی می‌رسد، و به چهل سالگی پا می‌گذارد. (بدین هنگام انسان لایق و باایمان رو به آستانه آفریدگار جهان می‌کند و) می‌گوید: پروردگارا! به من توفیق عطاء فرما تا شکر نعمتی را به جای آورم که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، و کارهای نیکوئی را انجام دهم که می‌پسندی و مایه خوشنودی تو است، و فرزندانم را صالح گردان و صلاح و نیکوئی را در میان دودمانم تداوم‌بخش. من توبه می‌کنم و به‌سوی تو برمی‌گردم، و من از زمره مسلمانان و تسلیم‌شدگان فرمان یزدانم.

توضیحات:

«وَصَّيْنَا»: سفارش کردیم. در اینجا مفهوم امری دارد و معنی چنین می‌شود: دستور مؤکد می‌دهیم. «إِحْسَاناً»: مفعول مطلق فعل محذوفی و تقدیر چنین است: «وَوَصَّيْنَا الإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ أَن يُحْسِنَ اِحْسَاناً». «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً»: مادرش او را با ناراحتی و مشقّت حمل کرده است. این که قرآن در اینجا تنها از ناراحتی‌های مادر سخن به میان آورده و سخنی از پدر در میان نیست، بدان خاطر است که مادر سهم بیشتری در تحمّل مشکلات فرزند دارد. واژه (كُرْهاً) حال (أُمٌّ) است. «وَحَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً»: در حالی که حمل او و از شیر بازگرفتن او روی هم سی ماه است. این بخش با توجّه به آیه ۲۳۳ سوره بقره بیان‌گر این حکم است که حدّاقلّ حمل شش ماه است و با موازین علم پزشکی هم سازگار است (نگا: المنتخب، نمونه). «فِصَال»: از شیر بازگرفتن

(نگا: لقمان / ۱۴). «أَوْزِعْني»: توفیقم ده. به من الهام کن. شور و شوق آن را در من به وجود آور (نگا: نمل / ۱۹). «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»: فرزندانم را شایسته و نیکو گردان، و نیک بودن و خوب بودن را در میان دودمانم تداوم بخش.

سوره أحقاف آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنۡهُمۡ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمۡ فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَعۡدَ ٱلصِّدۡقِ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ١٦﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که کارهای خوب‌شان را می‌پذیریم و کلّیه اعمال نیک‌شان را همسان نیک‌ترین آنها می‌گیریم، و همچون سایر بهشتیان از بدی‌ها و گناهانشان درمی‌گذریم، این وعده راستینی است که پیوسته بدی‌شان داده شده است.

توضیحات:

«نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا»: مراد این است که خداوند از روی لطف، خوب و خوبتر و خوبترین اعمال‌شان را به حساب خوب‌ترین کردارشان می‌گیرد و پاداش می‌دهد (نگا: نور / ۳۸، عنکبوت / ۷، زمر / ۳۵). «فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ»: همراه با سایر بهشتیان. حرف (فِي) به معنی (مَعَ) است. «وَعْدَ»: مفعول مطلق فعل محذوفی است و تقدیر چنین است: «وَعَدَهُمُ اللهُ وَعْدَ الصِّدْقِ». «الصِّدْقِ»: صادق و راستین.

سوره أحقاف آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي قَالَ لِوَٰلِدَيۡهِ أُفّٖ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِيٓ أَنۡ أُخۡرَجَ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلۡقُرُونُ مِن قَبۡلِي وَهُمَا يَسۡتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيۡلَكَ ءَامِنۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٧﴾

ترجمه:

کسی که به پدر و مادرش (که او را دعوت به ایمان و باور به آخرت می‌کنند) می‌گوید: وای بر شما! آیا به من خبر می‌دهید که من (زنده گردانده می‌شوم و از گور) بیرون آورده می‌شوم؟ در حالی که پیش از من اقوام و ملّتهائی از جهان رفته‌اند (و هرگز زنده نشده‌اند و به زندگی دوباره برنگشته‌اند). آنان پیوسته خدا را به یاری

می‌خوانند (و به سبب گناهان زیاد و سخنان کفرآمیزش، خدایا خدایا می‌کنند، و فرزندشان را به ایمان دعوت می‌نمایند و می‌گویند:) وای بر تو! وعده خدا حق است، ایمان بیاور. او می‌گوید: این سخن‌ها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

توضیحات:

«الَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ»: آن کسی که به پدر و مادر خود گفت. مراد شخص معینی نیست. بلکه مراد همه کسانی است که چنین صفاتی داشته باشند. یعنی ناباور و پرخاشگر و یاوه‌سرا باشند. «خَلَتْ»: گذشته است. رفته است. «الْقُرُون»: «قومها وملّتها ونسلها» (نگا: یونس / ۱۳، هود / ۱۱۶، اسراء / ۱۷). «هُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللهَ»: آنان خدا را به کمک و یاری می‌طلبند. ایشان به سبب سخنان کفرآمیز و گناه آلود او، خدایا خدایا می‌کنند و از خدا می‌خواهند او را به پذیرش دین و ایمان رهنمود فرماید.

سوره أحقاف آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ١٨﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که فرمان عذاب الهی راجع بدی‌شان و همه ملّت‌های انسان و پری پیش از ایشان صادر شده است. واقعاً آنان زیانمندند. (چرا که آخرت را باخته‌اند).

توضیحات:

«حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ»: (نگا: فصّلت / ۲۵).

سوره أحقاف آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۖ وَلِيُوَفِّيَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٩﴾

ترجمه:

همه (مؤمنان و کافران) دارای درجاتی (و درکاتی) هستند بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا بدین‌وسیله خداوند جزا و سزای رفتار و کردارشان را به تمام و کمال و بی کم و کاست بدهد و هیچ‌گونه ستمی بدی‌شان نشود.

توضیحات:

«لِكُلٍّ»: برای هر یک از دو گروه کافر و مؤمن. «دَرَجَاتٌ»: از باب تغلیب، مراد هم درجات بهشتیان و هم درکات دوزخیان است. «لِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لايُظْلَمُونَ»: حرف (ل) برای تعلیل است. (يُوَفِّيَهُمْ) منصوب به (أَنْ) مقدّر است. جار و مجرور متعلّق به محذوفی است و تقدیر چنین است: «جَازَاهُمُ اللهُ بِذلِكَ لِيُوَفِّيَهُمْ». حرف (و) حالیه، و جمله (هُمْ لا يُظْلَمُونَ) حال مؤکده است.

سوره أحقاف آيه ۲۰

متن آیه:

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَٰتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنْيَا وَٱسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ۝٢٠﴾

ترجمه:

روزی (را خاطرنشان ساز که در آن) کافران به آتش دوزخ نزدیک گردانده می‌شوند و به آن عرضه می‌گردند. (در این وقت بدی‌شان گفته می‌شود:) شما لذائذ و خوشیهای خود را در زندگی دنیای خویش برده‌اید و کام برگرفته‌اید (و برای امروز چیزی باقی نگذاشته‌اید. لذا حالا بهره‌ای از نعمت‌ها و خوشی‌ها ندارید، و) امروزه شما به سبب استکباری که به ناحق در زمین می‌کردید، و به علّت گناهان و تمرّدی که می‌ورزیدید، با عذاب خوارکننده و ذلّت‌باری جزا داده می‌شوید.

توضیحات:

«يُعْرَضُ»: عرضه می‌گردند. «أَذْهَبْتُمْ»: برده‌اید. «عَذَابَ الْهُونِ»: (نگا: انعام / ۹۳، فصّلت / ۱۷). «كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ»: تکبّر می‌ورزیدید. خویشتن را بالاتر از آن می‌دیدید که ایمان بیاورید و دین خدا را بپذیرید.

سوره أحقاف آيه ۲۱

متن آیه:

﴿وَٱذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُۥ بِٱلْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦٓ أَلَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝٢١﴾

ترجمه:

(ای محمّد! برای مشرکان مکه بیان کن سرگذشت هود) برادر (دلسوز و مهربان قوم خود) عاد را. بدان گاه که در سرزمین ریگستان احقاف (واقع در جنوب جزیره عربستان و نزدیکی یمن) قوم خود را (از عذاب خدا) بیم داد و گفت: جز خداوند یگانه را نپرستید، چرا که از عذاب روز بزرگ، بر شما هراسناکم. پیش از او هم در گذشته‌های نزدیک و دور پیغمبرانی آمده بودند (و مردمان را از عذاب استیصال دنیوی و عقاب اخروی ترسانده بودند).

توضیحات:

«الأَحْقَافِ»: نام سرزمینی است در جنوب شرقی جزیرةالعرب، برخی از باستان‌شناسان، از روی نوشته‌هائی که به دست آمده است، احقاف را در شرق عَقَبه می‌دانند و با إِرَم مذکور در قرآن یکی می‌شمارند (نگا: المنتخب). احقاف، از لحاظ لغوی، جمع حِقْف، ریگزار. دارای شنهای روان. «مِن بَيْنِ يَدَيْهِ»: مراد گذشته‌های نزدیک است. یا مراد پیغمبرانی است که هم‌عصر با او بوده و از همان چیزهائی قوم خود را بیم داده‌اند که او بیم داده است. «مِنْ خَلْفِهِ»: مراد گذشته‌های دور است. «عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»: عذاب ریشه‌کن‌کننده و از میان برنده دنیوی، یا عذاب سخت و طاقت‌فرسای اخروی.

سوره أحقاف آیه ۲۲

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٢﴾

ترجمه:

(قوم عاد بدو پاسخ دادند) گفتند: آیا تو آمده‌ای که با دروغ‌های خود، ما را از خدایانمان برگردانی؟! اگر از راستگویانی، عذابی را که ما را از وقوع آن می‌ترسانی بر سر ما بیاور.

توضیحات:

«لِتَأۡفِكَنَا»: تا ما را منصرف کنی و برگردانی.

سوره أحقاف آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

هود گفت: این را تنها خدا می‌داند و بس. من چیزی را به شما می‌رسانم که برای آن فرستاده شده‌ام. (وظیفه من ابلاغ رسالت و رساندن پیام آسمانی است) ولیکن می‌بینم که شما مردمان نادانی هستید (چرا که وظیفه پیغمبران را نمی‌دانید، و عجیب‌تر این که خواستار زود فرا رسیدن عذاب و بلای کردگارید).

توضیحات:

«الْعِلْمُ»: آگاهی. مراد آگاهی از وقوع قیامت، یا اطّلاع از موعد عذاب استیصال دنیوی است. «تَجْهَلُونَ»: نمی‌دانید. یعنی وظیفه انبیاء را نمی‌دانید، یا چون نادانید شتاب دارید که عذاب خدا هرچه زودتر در رسد.

سوره أحقاف آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٤﴾

ترجمه:

هنگامی که ابری را دیدند که در افق آسمان گسترده می‌شود و به‌سوی سرزمین‌های ایشان رو می‌آورد (خوشحال شدند و) گفتند: این ابر بر ما باران را می‌باراند. (هود بدی‌شان گفت: چنین نیست). بلکه این همان چیزی است که آن را بشتاب می‌خواستید. تندبادی است که عذاب دردناکی به همراه آورده است!

توضیحات:

«عَارِضاً»: ابر. ابری که در عرض آسمان، یعنی در کرانه‌های افق پهن می‌شود و سپس بالا می‌آید. چه بسا از نشانه‌های ابرهای باران‌زا باشد. «مُسْتَقْبِلَ»: روآورنده. آینده. «أَوْدِيَة»: جمع وادی، دره‌ها (نگا: رعد. ۱۷). مراد سرزمین‌ها است (نگا: ابراهیم / ۳۷، نمل / ۱۸، قصص / ۳۰، توبه / ۱۲۱). «مـُمْطِر»: بارنده.

سوره أحقاف آیه ۲۵

متن آیه:

﴿تُدَمِّرُ كُلَّ شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

(تندبادی است که) همه چیز را به فرمان پروردگارش درهم می‌کوبد و نابود می‌سازد. پس (از چندی، تندباد ایشان را دربر گرفت و هلاک گشتند و) به گونه‌ای درآمدند که جز خانه‌هایشان چیزی به چشم نمی‌خورد! ما این سان مردمان بزهکار را سزا و کیفر می‌دهیم.

توضیحات:

«تُدَمِّرُ»: درهم می‌کوبد. ویران و نابود می‌سازد. «أَصْبَحُوا»: گشتند و شدند.

سوره أحقاف آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

ما قوم عاد را از امکاناتی برخوردار کرده بودیم که چنین امکاناتی را به شما نداده‌ایم. ما بدی‌شان گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هائی داده بودیم (که در درک و دید و تشخیص واقعیتها آنان را قویتر از دیگران می‌کرد). امّا گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان سودی بدانان نبخشید، چرا که آیات خدا را تکذیب می‌کردند و (رهنمودهای پیغمبران را نمی‌پذیرفتند. سرانجام همان) چیزی ایشان را فرو گرفت که مسخره‌اش می‌دانستند (و آن عذاب خدا بود).

توضیحات:

«مَكَّنَّاهُمْ»: مکانت و قدرتشان دادیم. از امکاناتی برخوردارشان کردیم. مراد قدرت مادی و معنوی است. از نظر ثروت و دارائی، و از لحاظ فرهنگ و دانش، برتر از اهل مکه و بسیاری از مردم بودند (نگا: فجر ۶ – ۸). «إِنْ»: حرف نافیه است و به معنی

(ما). «إِذْ»: چرا که. زیرا که. «حَاقَ»: فرو گرفت (نگا: انعام / ۱۰، هود / ۸، نحل / ۳۴).

سوره أحقاف آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا مَا حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

(ای اهل مکه!) ما برخی از اقوامی را هلاک کرده‌ایم که در گرداگرد شما می‌زیسته‌اند، و ما آیات خود را به صورت‌های گوناگون (برای آنان) بیان می‌داشته‌ایم تا (از کفر و فسق و فجور) برگردند (و آنان نمی‌پذیرفته و سرکشی می‌کرده‌اند).

توضیحات:

«مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرِي»: از قبیل، عاد در احقاف در قسمت جنوبی جزیرةالعرب، قوم ثمود در حجر واقع در شمال جزیره، قوم سبأ در یمن، قوم شعیب در مدین که بر سر راه شام است، و قوم لوط در نواحی شام. «صَرَّفْنَا»: به گونه‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون بیان داشته‌ایم.

سوره أحقاف آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ وَذَٰلِكَ إِفۡكُهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

پس چرا آن معبودهائی که سوای الله برای نزدیکی به الله، به خدائی گرفته بودند، (در این لحظات سخت و حسّاس) یاری‌شان نکردند؟! (نه تنها آنان را یاری ندادند) بلکه از ایشان گم و گور شدند! این (چیزی که بر سرشان آمد نتیجه) دروغ و افترای ایشان بود.

توضیحات:

«فَلَوْلا»: پس چرا؟ از چه روی؟ «قُرْبَاناً»: برای تقرّب و نزدیکی به خدا. مفعول‌له، یا حال است. «ءَالِهَةً»: مفعول دوم (إِتَّخَذُوا) است و مفعول اوّل آن محذوف است که (ءَالِهَةً) است. یعنی «إِتَّخَذُوا ءَالِهَتَهُمْ... ءَالِهَةً».

سوره أحقاف آيه ۲۹

متن آيه:

﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

(ای پیغمبر! خاطرنشان ساز) زمانی را که گروهی از جنّیان را به‌سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند. هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد، به عنوان مبلّغان و دعوت‌کنندگان (هم‌جنسان خود، به آئین آسمانی) به‌سوی قوم خود برگشتند.

توضیحات:

«صَرَفۡنَا»: متوجّه ساختیم. «نَفَراً»: جماعت. گروه. تعدادی میان سه تا چهل کس (نگا: المصحف المیسّر). «أَنصِتُوا»: از مصدر (إنصَات) یعنی خاموش بودن برای گوش فرا دادن (نگا: اعراف / ۲۰۴). «حَضَرُوهُ»: در خدمتش حاضر آمدند. ضمیر (ه) به قرآن و یا پیغمبر برمی‌گردد. «مُنذِرينَ»: بیم‌دهندگان. یعنی این گروه با شنیدن قرآن مسلمان شدند و برای تبلیغ اسلام و اشاعه خبر دین جدید به‌سوی همنوعان خود برگشتند و داعیان الی‌الله شدند.

سوره أحقاف آيه ۳۰

متن آيه:

﴿يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٠﴾

ترجمه:

اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند (و هماهنگ با کتاب‌های آسمانی پیشین است)، و به‌سوی حق رهنمود می‌کند و به راه راست راه می‌نماید.

توضیحات:

«أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسي»: این که می‌بینیم سخنی از کتاب عیسی یعنی انجیل در میان

نیست، بدان خاطر است که تورات کتاب اصلی و متّفق علیه یهودیان و مسیحیان است و انجیل تابع تورات است و حتّی مسیحیان احکام شرائع خود را از آن گرفته و می‌گیرند. بعضی هم گفته‌اند، این گروه از جنّیان از بعثت عیسی و نزول انجیل آگاه نبوده‌اند.

سوره أحقاف آیه ۳۱

متن آیه:

﴿يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٣١﴾

ترجمه:

ای قوم ما! سخنان فراخواننده الهی را بپذیرید، و به او ایمان بیاورید، تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شما را در پناه خویش (محفوظ و مصون از عذاب سخت آخرت) دارد.

توضیحات:

«أَجِيبُوا»: پاسخ مثبت دهید. «دَاعِيَ الله»: مراد از داعی الهی، پیغمبر اسلام است. «يَغْفِرْ»: فاعل این فعل، خدا است (نگا: آل‌عمران. ۳۱ و ۱۳۵). «مِن ذُنُوبِكُمْ»: حرف (مِنْ) زائد است و برای تأکید می‌باشد.

سوره أحقاف آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٣٢﴾

ترجمه:

هر کس هم سخنان فراخواننده الهی را نپذیرد، نمی‌تواند خدای را از دستیابی به خود در زمین ناتوان کند (و خویشتن را از چنگال عذاب الهی پناه دهد، و از دست انتقام او بگریزد)، و برای او جز خدا هیچ ولی‌ها و یاورهائی نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکاری هستند.

توضیحات:

«لَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الأَرْضِ»: (نگا: هود / ۲۰، نور / ۵۷، عنکبوت / ۲۲).

سوره أحقاف آیه ۳۳

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٣٣﴾

ترجمه:

آیا نمی‌دانند خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و در آفرینش آنها خسته و درمانده نشده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟! آری، او بر هر کاری توانا است.

توضیحات:

«لَـمْ يَعْيَ»: درمانده نشده است. از ماده (عیی).

سوره أحقاف آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

روزی کافران را به کنار دوزخ می‌برند و ایشان را بر آن عرضه می‌کنند (و بدی‌شان گفته می‌شود:) آیا این حقیقت ندارد؟! می‌گویند: بلی، سوگند به پروردگارمان. خدا بدی‌شان می‌گوید: پس به سبب کفر و ناباوریتان عذاب را بچشید.

توضیحات:

«**يُعْرَضُ**»: (نگا: غافر / ۴۶، احقاف / ۲۰).

سوره أحقاف آیه ۳۵

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡۚ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭۚ بَلَٰغٞۚ فَهَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

پس (در برابر اذیت و آزار کافران) شکیبائی کن، آن گونه که پیغمبران أُولُواالعزم (در سختی‌ها) شکیبائی کرده‌اند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن. روزی که ایشان چیزی را مشاهده می‌کنند که بدی‌شان وعده داده می‌شد، انگار که آنان مدّتی از یک

روز در دنیا مانده‌اند (و زندگی کرده‌اند. این قران) ابلاغ است و بسنده است. مگر جز مردمان گناهکار و سرکش از اطاعت خدا، هلاک می‌گردند؟!

توضیحات:

«**اِصْبِرْ**»: شکیبائی کن. مراد از صبر مطلوب در اینجا علاوه از تحمّل رنج‌ها و دردها، مهلت و فرصت دادن به مردمان و انتظار کشیدن است. یعنی ایشان را نفرین نکردن و درخواست عذاب استیصال ننمودن و با عجله مرگ و نابودی‌شان را خواستار نشدن. «اَلْعَزْم»: اراده محکم و استوار. تصمیم. ثابت و پایدار. «أُوْلُواْ الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»: پیغمبرانی که دارای اراده استوار و ثبات و پایداری بوده‌اند. حرف (مِنْ) تبعیضیه است، و اشاره به گروه خاصّی از پیغمبران بزرگ است که صاحب شریعت جدید و آئین تازه بوده‌اند و با گرفتاری‌ها و مشکلات بیشتری روبرو شده‌اند. برخی آنان را پنج نفر می‌دانند که عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمّد: بعضی تعداد آنان را بیشتر دانسته‌اند. بعضی هم (مِنْ) را بیانیه به حساب آورده و همه پیغمبران را أُولُواالعزم بشمار آورده‌اند. «لَـمْ یَلْبَثُوا...»: (نگا: روم / ۵۵، یونس / ۴۵). «بَلاغٌ»: ابلاغ. تبلیغ. بسنده. خبر مبتدای محذوف است: «هذَا الْقُرْءَانُ بَلاغٌ». این قران تبلیغ آسمانی و بسنده برای زندگی مردمان است. این قرآن آخرین ابلاغ و اخطار است! بپائید به‌سوی خدا برگردید و بیائید.

سوره محمد

سوره محمد آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ١﴾

ترجمه:

کسانی که کافر می‌گردند و مردمان را از راه خدا باز می‌دارند، خدا همه کارهای (نیک) ایشان را باطل (قلمداد و بی‌اجر) می‌نماید.

توضیحات:

«صَدُّوا»: بازداشتند. ممانعت بعمل آوردند. «أَضَلَّ»: خدا باطل کرد و سود و اجر آن را از میان برد (نگا: فرقان / ۲۳).

سوره محمد آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ ٢﴾

ترجمه:

و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک و شایسته بکنند، و چیزی را باور دارند که بر محمد نازل شده است - و آن هم حق است و از سوی پروردگارشان آمده است - خداوند گناهانشان را می‌بخشاید و بدی‌هایشان را نادیده می‌گیرد، و حال و وضع‌شان را خوب می‌سازد.

توضیحات:

«وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلي مُحَمَّدٍ»: عطف خاص بر عام است. یعنی خصوصاً ایمان بیاورند به چیزی که بر محمد نازل شده است که قرآن است. «وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ»: جمله معترضه و برای حصر است. یعنی در حال حاضر آنچه حق است و دست نخورده مانده است و درست همان چیزی است که از جانب پروردگارشان آمده است. «بَالَ»:

حال. وضع (نگا: یوسف / ۵۰، طه / ۵۱).

سوره محمد آیه ۳

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡحَقَّ مِن رَّبِّهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمۡثَٰلَهُمۡ ٣﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که کافران از باطل پیروی می‌کنند و مؤمنان از حقی پیروی می‌کنند که از سوی پروردگارشان آمده است. این‌گونه خدا برای مردم مثال‌های (حسنات یا سیئات) ایشان را بیان می‌دارد.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: اشاره به ابطال اعمال کافران، و عفو سیئات و اصلاح حال مؤمنان است.

«أَمْثَالَهُمْ»: ضرب‌المثل‌های احوال و اوصاف دو گروه کافر و مؤمن. چرا که برای همگان روشن است که کافر دائماً از حق گریزان و به دنبال باطل روان است. و مؤمن همیشه از حق پیروی می‌کند و متمسک بدان است. سرانجام آن، زیان و نقمت، و سرانجام این، سود و نعمت است.

سوره محمد آیه ۴

متن آیه:

﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ فَإِمَّا مَنَّۢا بَعۡدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلۡحَرۡبُ أَوۡزَارَهَاۚ ذَٰلِكَۖ وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم بِبَعۡضٖۗ وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٤﴾

ترجمه:

هنگامی که با کافران (در میدان جنگ) روبه‌رو می‌شوید، گردن‌هایشان را بزنید، و همچنان ادامه دهید تا به اندازه کافی دشمن را (با کشتن و زخمی کردن) ضعیف و درهم می‌کوبید. در این هنگام (اسیران را) محکم ببندید، بعدها یا بر آنان منّت می‌گذارید (و بدون عوض آزادشان می‌کنید) و یا (در برابر آزادی از آنان) فدیه می‌گیرید (خواه با معاوضه اسراء و خواه با دریافت اموال. این وضع همچنان ادامه خواهد داشت) تا جنگ بارهای سنگین خود را بر زمین می‌نهد و نبرد پایان می‌گیرد.

برنامه این است، و اگر خدا می‌خواست خودش (از طریق‌های دیگری همچون طوفان و زلزله و سیل و غرق و به زمین فرو بردن، و سایر بلایا و مصائب، بدون جنگ شما) از آنان انتقام می‌گرفت. اما خدا خواسته است بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید (و مؤمنان راستین را با جهاد با کافران امتحان نماید). کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، خداوند هرگز کارهایشان را نادیده نمی‌گیرد و بی‌مزد نمی‌گذارد.

توضیحات:

«فَضَرْبَ الرِّقَابِ»: مصدر در معنی امر است. یعنی گردن‌هایشان را بزنید و ایشان را بکشید. مفعول مطلق فعل محذوفی است. «الْوَثَاقَ»: ریسمان و طنابی که اسیران و بندیان با آن محکم بسته می‌شوند. «مَنّاً»: منّت نهادن. مراد آزاد کردن اسیر بدون عوض و تاوان و غرامت جنگی از دشمن است. مفعول مطلق فعل محذوفی است. «فِدَآءً»: فدیه. تاوان و غرامت جنگی. «أَثْخَنتُمُوهُمْ»: ایشان را با کشتن و مجروح کردن ضعیف کردید و از پای درآوردید (نگا: انفال / ۶۷). «أَوْزَار»: جمع وِزْر، بارهای سنگین (نگا: نحل / ۲۵، طه / ۸۷). «حَتّي تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا»: تا جنگ به پایان می‌رسد. «ذلِكَ»: برنامه این است. به همین منوال است. «إِنتَصَرَ مِنْهُمْ»: بر آنان چیره و از ایشان انتقام گرفت. «فَلَن يُضِلَّ...»: (نگا: محمد / ۱).

سوره محمد آیه ۵

متن آیه:

﴿سَيَهۡدِيهِمۡ وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ ٥﴾

ترجمه:

به زودی خداوند آنان را (به سوی مقامات عالیه بهشت و گفتار نیک و کردار پسندیده) رهنمود می‌کند و حال و وضع‌شان را خوب و عالی می‌نماید.

توضیحات:

«سَيَهْدِيهِمْ»: (نگا: حج / ۲۳ و ۲۴).

سوره محمد آیه ۶

متن آیه:

﴿وَيُدۡخِلُهُمُ ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ ٦﴾

ترجمه:

و آنان را به بهشتی داخل خواهد کرد که آن را بدی‌شان معرفی کرده است (واوصافش را توسط پیغمبران و کتاب‌های آسمانی بازگو نموده است).

توضیحات:

«عَرَّفَهَا لَهُمْ»: توسط پیغمبران و کتاب‌های آسمانی بهشت را بدی‌شان شناسانده است. منزل‌ها و کاخ‌های ویژه هر یک را با الهام بدی‌شان معرفی نموده است، بگونه‌ای که هر کس جایگاه زندگی پرنعمت خود را در بهشت می‌داند، و به هنگام ورود به بهشت یکسره به‌سوی مقام و مکان خود می‌رود. بهشت را برای ایشان خوشبو کرده است.

سوره محمد آیه ۷

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ۞﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! اگر (دین) خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند (و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند) و گام‌هایتان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد).

توضیحات:

«يُثَبِّتْ»: (نگا: بقره / ۲۵۰، آل‌عمران / ۱۴۷، انفال / ۱۱ و ۱۲).

سوره محمد آیه ۸

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۞﴾

ترجمه:

کافران، مرگ بر آنان باد، و خداوند اعمال (نیک) ایشان را باطل و بیسود گرداناد!

توضیحات:

«الَّذِينَ»: مبتدا و خبر آن محذوف است. تقدیر چنین است: «الَّذِينَ كَفَرُوا، أَتْعَسَهُمُ اللهُ». یا مفعول به مقدم است. «تَعْساً»: هلاک و نابودی. مفعول مطلق فعل محذوف (أَتْعَسَ) است. «أَضَلَّ»: (نگا: محمد / ۱). عطف بر فعل محذوف (أَتْعَسَ) است. جمله دعائی است. یا این که (فَتَعْساً لَّهُمْ) انشائی، و (أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) اخباری است، و معنی آیه

چنین می‌شود: کافران، مرگ بر آنان باد، و خداوند اعمال (نیک) ایشان را باطل و بیسود می‌گرداند.

سوره محمد آیه ۹

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٩﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که چیزی را که خداوند فرو فرستاده است دوست نمی‌دارند، و لذا خدا کارهای (نیک) ایشان را هم باطل و بیسود می‌گرداند.

توضیحات:

«ذٰلِكَ»: این هلاک کافران و پوچ شدن اعمال ایشان. «مَا»: قرآن و تکالیف آسمانی.

سوره محمد آیه ۱۰

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۖ وَلِلۡكَٰفِرِينَ أَمۡثَٰلُهَا ١٠﴾

ترجمه:

آیا در زمین به گشت و گذار نپرداخته‌اند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند به کجا کشیده و چه شده است؟ خداوند آنان را نابود ساخته است (و دمار از روزگارشان را بدر آورده است)، و برای کافران امثال این عواقب و مجازات‌ها خواهد بود.

توضیحات:

«دَمَّرَ»: هلاک و نابود ساخته است (نگا: اعراف / ۱۳۷، شعراء / ۱۷۲، نمل / ۵۱). «أَمْثَالُهَا»: امثال چنین عاقبت یا عقوبتی. ضمیر (هَا) به (عَاقِبَة) برمی‌گردد.

سوره محمد آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ لَا مَوۡلَىٰ لَهُمۡ ١١﴾

ترجمه:

این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، و لیکن کافران هیچ‌گونه سرپرست و یاوری ندارند.

توضیحات:

«مَوْلي»: (نگا: انفال / ۴۰، حج / ۱۳ و ۷۸، دخان / ۴۱).

سوره محمد آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ ١٢﴾

ترجمه:

خداوند کسانی را که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و بایسته بکنند، به باغ‌هائی از بهشت داخل می‌گرداند که رودبارها و چشمه‌سارها در زیر (کاخ‌ها و درخت‌های) آن روان است. در حالی که کافران (چند روزی از نعمت‌های زودگذر جهان) بهره و لذت می‌برند و همچون چهارپایان (بی‌خبر و غافل از سرانجام کار) می‌چرند و می‌خورند، و (پس از بدرود حیات و گام نهادن به آخرت) آتش دوزخ جایگاه ایشان است.

توضیحات:

«يَتَمَتَّعُونَ»: بهره‌مند می‌شوند. لذت می‌برند و خوش می‌گذرانند.

سوره محمد آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن قَرۡيَتِكَ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ ١٣﴾

ترجمه:

چه شهرهای زیادی که (اهالی) آنها از (اهالی) شهری که تو را از آن بیرون کرده‌اند، قدرتمندتر و پرزورتر بوده‌اند، و ما آنان را هلاک و نابود کرده‌ایم، و هیچ یار و یاوری نداشته‌اند (که بدی‌شان کمک کند و آنان را از دست قهر ما برهاند).

توضیحات:

«كَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ»: (نگا: حج / ۴۵ و ۴۸). «قَرۡيَتِكَ»: شهر تو ای محمد که مکه است.

سوره محمد آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم ١٤﴾

ترجمه:

آیا کسانی که از دلائل روشن و براهین قطعی پروردگارشان برخوردارند، همسان کسانیند که اعمال زشت‌شان در نظرشان آراسته و پیراسته شده است و از هواها و هوس‌های خود پیروی می‌کنند؟

توضیحات:

«عَلَي بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ»: شناخت کامل و صحیحی از پروردگار خود دارد. دلائل و براهین قوی از سوی پروردگار خود دارد که رهنمودهای آسمانی است.

سوره محمد آیه ۱۵

متن آیه:

﴿مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡۖ كَمَنۡ هُوَ خَٰلِدٞ فِي ٱلنَّارِ وَسُقُواْ مَآءً حَمِيمٗا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ﴾

ترجمه:

وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است (چنین است که) در آن رودبارهائی از آبی (زلال و خالص) است که گندیده و بدبو نگشته است، و رودبارهائی از شیری است که طعم و مزه آن متغیر نشده است، و رودبارهائی از شرابی است که سراپا لذت برای نوشندگان است، و رودبارهائی از عسلی است که خالص و پالوده است، و در آنجا آنان هرگونه میوه‌ای دارند، و (از همه بالاتر) از آمرزش پروردگارشان برخوردارند (آیا چنین کسانی) همانند کسانیند که در آتش دوزخ جاویدان می‌مانند و از آب داغ و جوشان نوشانده می‌شوند، (آبی که به محض نوشیدن) اندرونه و روده‌های ایشان را پاره پاره می‌کند و از هم می‌گسلد.

توضیحات:

«مَثَلُ»: وصف. صفت. توصیف (نگا: رعد / ۳۵). «غَيْرِ ءَاسِنٍ»: غیر متغیر. فاسد نشده. «لَذَّةٍ»: متلذذ. لذیذ. مصدر است و به معنی اسم فاعل است، و یا این که مؤنث (لَذّ) به معنی لذیذ است. «مُصَفّيً»: خالص. پالوده. عسل بدون موم و لِرد و خاشاک.

«أَمْعَآءَ»: جمع مِعی، روده. اندرونه.

سوره محمد آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَ حَتَّىٰٓ إِذَا خَرَجُواْ مِنۡ عِندِكَ قَالُواْ لِلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡ ١٦﴾

ترجمه:

در میان منافقان کسانی هستند که به سخنانت گوش فرا می‌دهند، اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، به کسانی (از علمای صحابه) که (از سوی خدا) بدی‌شان علم و دانش بخشیده شده است، می‌گویند: این مرد الآن چه گفت؟! (آنچه می‌گوید بی‌ارزش و یاوه است!) آنان کسانیند که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده است، و از هواها و هوس‌هایشان پیروی می‌کنند.

توضیحات:

«مَن يَسْتَمِعُ»: مراد منافقانی است که در آیه ۲۰ از آنان سخن می‌رود. «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»: مراد علمای صحابه کرام، از قبیل: ابن عباس و ابن مسعود است. «هذَا...»: مراد محمد است. «ءَانِفاً»: چند لحظه پیش. اکنون. «طَبَعَ اللهُ عَلي قُلُوبِهِمْ»: (نگا: توبه / ۹۳، نحل / ۱۰۸).

سوره محمد آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ زَادَهُمۡ هُدٗى وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ١٧﴾

ترجمه:

کسانی که راهیاب شده‌اند، خداوند بر راهیابی ایشان می‌افزاید و تقوای لازم را بدی‌شان عطاء می‌نماید.

توضیحات:

«تَقْوَاهُمْ»: تقوائی که برای نجات ایشان از دوزخ و رسیدن آنان به بهشت لازم است.

سوره محمد آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ ذِكۡرَىٰهُمۡ ١٨﴾

ترجمه:

انگار (کافران و منافقان تا قیامت فرا نرسد ایمان نمی‌آورند، و برای ایمان آوردن خود) قیامت را چشم می‌دارند که ناگهان برپا می‌شود؟! هم‌اکنون علائم و نشانه‌های آن ظاهر شده است (که از جمله آنها بعثت خاتم‌الانبیاء است). اما وقتی که قیامت فرا رسید، دیگر باور داشتن و اندرز گرفتن چه سودی به حالشان دارد؟!

توضیحات:

«هَلْ يَنظُرُونَ»؟: آیا چشم می‌دارند؟ مگر انتظاری جز این دارند؟ «أَشْرَاطُهَا»: اشراط، جمع شَرَط، علامت‌ها و نشانه‌ها «فَأَنَّي لَهُمْ»: (نگا: دخان / ۱۳). «ذِكْرَي»: بیدار شدن و اندرز گرفتن. یادآور گشتن و به خود آمدن (نگا: زمر / ۵۴ - ۵۹).

سوره محمد آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ١٩﴾

ترجمه:

بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه. خدا از حرکات و سکناتتان کاملاً آگاه است (و می‌داند به کجا می‌روید و در کجا زندگی می‌کنید و چه می‌کنید و چه نمی‌کنید).

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ»: (نگا: غافر / ۵۵). «مُتَقَلَّبَ»: جایگاه گشت و گذار و مسیر حرکت. جنبش و حرکت. رفت و آمد. سیر و سیاحت. حال به حال شدن. این واژه می‌تواند اسم مکان، و یا مصدر میمی باشد. «مَثْوي»: جایگاه. اقامت گزیدن (نگا: یوسف / ۲۱ و ۲۳). «مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ»: جا و مکان، ظاهر و آشکار، درون و بیرون، راز و نجوا، نیت و اندیشه، رفت و آمد، سفر و حضر، کردار و رفتار، و بالاخره همه حرکات و سکنات شما.

سوره محمد آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞۖ فَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ ٢٠﴾

ترجمه:

مؤمنان می‌گویند: کاش! سوره‌ای فرود می‌آمد (و ما را به جنگ با دشمنان می‌خواند). زمانی که سوره محکمی نازل می‌گردد و جنگ در آن ذکر می‌شود (و روشن و آشکار به جنگ دستور می‌دهد) منافقان بیماردل را می‌بینی همچون کسی به تو نگاه می‌کنند که (در آستانه مرگ قرار گرفته است و) به سبب (سکرات) موت بیهوش افتاده است. پس مرگ‌شان باد!

توضیحات:

«لَوْلا»: حرفی است که دالّ بر رغبت حصول بعد از خود است. «مُـحْكَمَةٌ»: استوار و تغییرناپذیر. مراد روشن و بیان‌گر مقصود است؛ بگونه‌ای که توجیه و تفسیری جز جنگ را ندارد. «الْـمَغْشِيِّ عَلَيْهِ»: بیهوش (نگا: احزاب / ۱۹). «نَظَرَ الْـمَغْشِيِّ عَلَيْهِ»: مراد خیره نگاه کردن و زل زدن با چشمانی است که حدقه‌ها و پلکها از کار ایستاده و باز و بی‌حرکت مانده باشد. «أَوْلي لَهُمْ»: مرگ‌شان باد! عرب‌ها به هنگام تهدید کسی بدو می‌گویند: أَوْلی لَک! مرگت باد (نگا: قیامت / ۳۴ و ۳۵). «أَوْلي»: اسم تفضیل از ماده (ولی) به معنی قرب و نزدیکی است، در مقام دعا، برای تهدید به مرگ زودرس و نابودی قریب‌الوقوع بکار می‌رود.

سوره محمد آیه ۲۱

متن آیه:

﴿طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞۚ فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ ٢١﴾

ترجمه:

اطاعت (از خدا و پیغمبر) و بیان سخنان نیک (و سنجیده‌ای که شرع‌پسند باشد، برای آنان بهتر و به حال‌شان سودمندتر است). هنگامی که کار جدی می‌شود (و جهادگران آماده حرکت به‌سوی رزمگاه می‌گردند) اگر با خدا راست باشند (و ایمان

صادقانه و فرمانبرداری مخلصانه داشته باشند، از دوروئی و بزدلی) برای ایشان بهتر خواهد بود.

توضیحات:

«طَاعَةٌ»: مبتدا و خبر آن محذوف که (خَیْرٌ لَّهُمْ) است و ملفوظ آن یعنی (لَكَانَ خَیْراً لَّهُمْ) در آخر آیه بیان‌گر این امر است. «عَزَمَ»: جدّی شد.

سوره محمد آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ٢٢﴾

ترجمه:

آیا اگر (از قرآن و برنامه اسلام) روی‌گردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟

توضیحات:

«عَسَیْتُمْ»: کلمه‌ای است که بیان‌گر انتظار حصول بعد از خود است. یعنی توقع و انتظار جز این را دارید. «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِن تَوَلَّیْتُمْ...»: (تَوَلَّیْتُمْ) فعل شرط، جواب شرط محذوف و یا (عَسَیْتُمْ) مقدم است، و (أَن تُفْسِدُوا فِيالأَرْضِ) خبر (عَسَیْتُمْ) است. بعضی هم مجموع جمله (فَهَلْ عَسَیْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الأَرْضِ) را جزای شرط می‌دانند.

سوره محمد آیه ۲۳

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ٢٣﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش بدور داشته است، لذا گوش‌هایشان را (از شنیدن حق) کر، و چشمان‌شان را (از دیدن راه هدایت و سعادت) کور کرده است.

توضیحات:

«أَصَمَّهُمْ»: ایشان را کر کرده است. «أَعْمي»: کور کرده است.

سوره محمد آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ٢٤﴾

ترجمه:

آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند (و مطالب و نکات آن را بررسی و وارسی نمی‌کنند؟) یا این که بر دل‌هائی قفل‌های ویژه‌ای زده‌اند؟

توضیحات:

«أَفَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ»: آیات مختلفی با صراحت فریاد می‌دارند که قرآن کتاب اندیشه و عمل است و باید آن را بررسی و وارسی کرد و تنها به تلاوت ظاهری اکتفاء نکرد (نگا: نساء / ۸۲، اسراء / ۸۹، فرقان / ۳۰، ق / ۴۵، قمر / ۱۷ و ۲۲ و ۳۲، یوسف / ۲) «أَمْ» یا این که. بلکه. با توجه به معنی دوم این واژه، مفهوم آیه چنین است: آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند و به بررسی و وارسی آن نمی‌پردازند؟ بلکه بر دلهائی قفلهای ویژه است.

سوره محمد آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ لَهُمۡ ٢٥﴾

ترجمه:

کسانی که بعد از روشن شدن (راه حقیقت و) هدایت، به کفر و ضلال پیشین خود برمی‌گردند، بدان خاطر است که اهریمن کارهایشان را در نظرشان می‌آراید و ایشان را با آرزوهای طولانی فریفته می‌دارد.

توضیحات:

«إِرْتَدُّوا عَلي أَدْبَارِهِمْ»: عقب عقب برمی‌گردند. مراد این است که مرتد و کافر می‌گردند. «سَوَّلَ»: زینت داد. خوش‌آیند نمود (نگا: یوسف / ۱۸ و ۸۳، طه / ۹۶). «أَمْلي لَهُمْ»: زندگی را طولانی و جاویدان در نظرشان جلوه داد. افسار آرزوها را برای‌شان شل کرد و به آرزوهای فراوانی آنان را سرگرم نمود.

سوره محمد آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ ٢٦﴾

ترجمه:

این (چرخ زدن و از دین برگشتن) بدان خاطر است که به کسانی که دشمن چیزی هستند که خدا فرو فرستاده است، گفته بودند: در برخی از کارها از شما اطاعت و پیروی می‌کنیم! خدا آگاه از پنهان‌کاری ایشان می‌باشد.

توضیحات:

«الَّذِينَ كَرِهُوا...»: مراد یهودیان بنی‌قریظه و بنی نضیر است (نگا: احزاب / ۲۶ و ۲۷). «كَرِهُوا»: دشمن داشته‌اند. نپسندیده‌اند. «بَعْضِ الأمْرِ»: (نگا: حشر / ۱۱ و ۱۲). «إِسرَار»: پنهان‌کاری. مراد پنهان کردن و مخفی داشتن مکر و کید است.

سوره محمد آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ٢٧﴾

ترجمه:

حال آنان چگونه خواهد بود بدان هنگام که فرشتگان مأمور قبض ارواح به سراغ‌شان می‌آیند و چهره‌ها و پشت‌ها (و سایر اندام‌های) ایشان را به زیر ضربات خود می‌گیرند؟!

توضیحات:

«تَوَفَّتْهُمْ»: ایشان را دریابند و قبض روح کنند. ایشان را از جهان برمی‌گیرند (نگا: نساء / ۹۷، انعام / ۶۱، اعراف / ۳۷، نحل / ۲۸ و ۳۲). «يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ»: (نگا: انفال / ۵۰).

سوره محمد آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٢٨﴾

ترجمه:

این گونه (جان برگرفتن ایشان) بدان خاطر است که آنان بدنبال چیزی می‌روند که خدای را بر سر خشم می‌آورد، و از چیزی که موجب خوشنودی او است بدشان می‌آید، و لذا خداوند کارهای (نیک) ایشان را باطل و بیسود می‌گرداند.

توضیحات:

«أَسْخَطَ»: خشمگین گرداند. «رِضْوانَهُ»: رضایت و خوشنودی او.

سوره محمد آیه ۲۹

متن آیه:

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ ٢٩﴾

ترجمه:

آیا کسانی که در دل‌هایشان بیماری (نفاق و کینه‌توزی اسلام) است، گمان می‌برند خدا کینه‌ها و دشمنانگی‌های ایشان را (که از اسلام و مسلمین در دل دارند) ظاهر و برملا نمی‌گرداند؟

توضیحات:

«أَضْغان»: جمع ضِغْن، حقد و کینه‌های شدید. «لَن يُخْرِجَ...»: (نگا: توبه / ۶۴).

سوره محمد آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡۚ وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٠﴾

ترجمه:

اگر ما می‌خواستیم آنان را به تو نشان می‌دادیم و تو از روی قیافه و علامتشان ایشان را می‌شناختی. تو قطعاً آنان را از روی طرز سخن و نحوه گفتار می‌شناسی. خداوند آگاه از کارهایتان می‌باشد (و حقیقت پندار و گفتار و رفتارتان را می‌داند و همگان را خوب می‌شناسد و پاداش و پادافره لازم را به هر کسی خواهد داد).

توضیحات:

«بِسِيمَاهُمْ»: سیما، قیافه. علامت. «لَحْنِ الْقَوْلِ»: شیوه سخن. طرز سخن.

سوره محمد آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ ٣١﴾

ترجمه:

ما همه شما را (با وجود آگاهی از اعمالتان) قطعاً آزمایش می‌کنیم، تا معلوم شود

مجاهدان (واقعی) و صابران شما کیانند (و مجاهدنماها و ناشکیبایان سست‌عنصر کیان). و اخبار شما را بیازمائیم (که آیا در راه اسلام صادقانه سخن گفته‌اید یا خیر. دعوت مستمر و خستگی‌ناپذیر داشته‌اید و از اسلحه گفتار در قلع و قمع کفار سود برده‌اید، یا از لوم لائم ترسیده‌اید).

توضیحات:

«حَتَّي نَعْلَمَ»: (نگا: بقره / ۱۴۳، آل‌عمران / ۱۴۰، سبأ / ۲۱). «نَبْلُوَ»: الف زائدی در رسم‌الخط قرآنی در آخر دارد. «أَخْبَارَكُمْ»: مراد از اخبار، هنرنمائی در شیوه بیان در کار تبلیغ و دعوت مردم به راه حق، و ضعف و قوت در این امر، و دوام و یا عدم دوام و فداکاری و یا عدم فداکاری در راه نشر دین است (نگا: تفسیر قاسمی). خبرهای اطاعت یا عدم اطاعت در جهاد. یا این که مراد از اخبار، اعمال بطور کلی است، اعم از خوب و بد.

سوره محمد آیه ۳۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗا وَسَيُحۡبِطُ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٣٢﴾

ترجمه:

کسانی که کافر می‌شوند، و مردمان را از راه خدا بازمی‌دارند، و بدنبال آن که هدایت برای‌شان شناخته و روشن می‌گردد با پیغمبر به مخالفت و دشمنانگی می‌پردازند، هرگز کمترین زیانی به خدا نمی‌رسانند، و بلکه خدا کارهای (نیک) ایشان را هم باطل و بیسود می‌گرداند.

توضیحات:

«شَآقُّوا»: دشمنانگی کردند. به مخالفت پرداختند. «سَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ»: کارهای نیکشان را باطل می‌گرداند و فایده‌ای در آخرت عائدشان نمی‌نماید. کارهائی را که در راه جلوگیری از اسلام می‌کنند، خدا آنها را بی‌اثر می‌گرداند، و موانع ایشان را از سر راه اسلام برمی‌دارد.

سوره محمد آیه ۳۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٣﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا و پیغمبر اطاعت کنید، و کارهای خود را (با انجام معاصی) باطل مگردانید.

توضیحات:

«لا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ»: کارهایتان را با انجام پلشتی‌ها و زشتی‌ها ضایع نگردانید.

سوره محمد آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾﴾

ترجمه:

کسانی که کافر گردند و مردمان را از راه خدا بازدارند و سپس بمیرند در حالی که کافر باشند، هرگز خداوند ایشان را نخواهد بخشید.

توضیحات:

«مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ»: در حال کفر از جهان بروند و بمیرند. «لَن يَغْفِرَ اللهُ لَهُمْ»: خداوند ایشان را به سبب شرک و کفرشان هرگز نخواهد بخشید (نگا: نساء / ۴۸).

سوره محمد آیه ۳۵

متن آیه:

﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدْعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

سست مشوید، و (کافران را) به صلح مخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمالتان نمی‌کاهد.

توضیحات:

«السَّلْمِ»: صلح. «تَدْعُوا إِلَي السَّلْمِ»: از کافران طلب صلح مکنید و ایشان را به صلح مخوانید. (تَدْعُوا) مجزوم و عطف بر (لاتَهِنُوا) می‌باشد. در اصل چنین است. «لا تَهِنُوا وَلا تَدْعُوا إِلَي السَّلْمِ». «الأعْلَوْنَ»: برتران. چیرگان. «لَن يَتِرَكُمْ»: از شما نمی‌کاهد. از

ماده (وتر). این آیه مخالف با آیه ۶۱ سوره انفال نیست که می‌فرماید: «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا». چرا که مراد از آیه سوره محمد، درخواست صلح بی‌هنگام و بیجا از سوی مسلمانان است در زمانی که همه عوامل پیروزی در دست ایشان است، و مراد از آیه سوره انفال درخواست صلح از طرف دشمنان است و صلحی در میان است که منافع مسلمانان را در حال یا در آینده تأمین می‌کند. «وَأَنْتُمُ الأعْلَوْنَ»: در حالی که شما برتر و چیره‌اید، و خدا با شما است و هرگز از اجر و پاداش کارهایتان نمی‌کاهد. یا این که: سستی نکنید تا مجبور شوید دعوت به مصالحه کنید. شما برتر هستید و خدا با شما است و از پاداش‌هایتان نمی‌کاهد.

سوره محمد آیه ۳۶

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡـَٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ ٣٦﴾

ترجمه:

زندگی دنیا بازی و سرگرمی بیش نیست، و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید، خداوند پاداش شما را (به نحو کامل) می‌دهد و دارائی شما را هم نمی‌خواهد.

توضیحات:

«لَعِبٌ وَلَهْوٌ»: (نگا: انعام / ۳۲ و ۷۰، عنکبوت / ۶۴). «لا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ»: خداوند بی‌نیاز است و اموال شما را از شما درخواست نمی‌کند. اموالی که به صورت زکات و صدقه می‌دهید و یا در راه جهاد خرج می‌کنید و به نام حقوق شرعی دیگر مصرف می‌نمائید، برای دفاع از امنیت و استقلال کشور اسلامی و برای کمک به مستمندان همنوع خود و تأمین نیازمندی‌ها و آبادانی مملکت خودتان بوده و سود چنین اموالی عائد خودتان می‌گردد.

سوره محمد آیه ۳۷

متن آیه:

﴿إِن يَسۡـَٔلۡكُمُوهَا فَيُحۡفِكُمۡ تَبۡخَلُواْ وَيُخۡرِجۡ أَضۡغَٰنَكُمۡ ٣٧﴾

ترجمه:

اگر خدا از شما اموالتان را درخواست کند، و حتی اصرار هم بورزد، شما (به خاطر

دلبستگی شدید و مال‌دوستی سرشتی انسان) بخل نشان خواهید داد و تنگ چشمی خواهید کرد، و باعث بروز کینه‌هایتان می‌شود. (پس خدا که شما را می‌شناسد، چنین کاری را نمی‌کند).

توضیحات:

«يُحْفِكُمْ»: از شما اصرار بکند و مصرانه بخواهد. از مصدر (إحفاء) به معنی إلحاح و إصرار. «يُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ»: اشاره به دلبستگی شدید بسیاری از مردم به مسائل مالی است، و در حقیقت یک نوع ملامت و سرزنش آنان، و در عین حال تشویق به ترک این وابستگی است. همچنین بیان‌گر این واقعیت که دوستی اموال و عشق به دارائی، خمیره ذاتی و یک صفت سرشتی انسان است، تا آنجا که اگر خدا نیز از بسیاری از انسان‌ها اموال‌شان را مطالبه کند، خشم و کینه او را به دل می‌گیرند!

سوره محمد آیه ۳۸

متن آیه:

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلۡغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُۚ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم ٣٨﴾

ترجمه:

آگاه باشید که شما (از سوی آفریدگارتان) دعوت به انفاق در راه خدا می‌شوید. بعضی از شما بخل می‌ورزند. هر کس هم بخل بورزد، در حق خود بخل می‌ورزد (و زیان آن متوجه خودش می‌گردد). زیرا خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید. اگر شما (از فرمان خدا سرپیچی کنید و) روی برتابید، مردمان دیگری را جایگزین شما می‌گرداند (و این مأموریت را به گروه دیگری می‌سپارد) که هرگز همسان شما نخواهند بود (و از ایثار و فداکاری و بذل جان و مال خودداری نخواهند کرد و از فرمان یزدان روی‌گردان نخواهند شد).

توضیحات:

«هَآ أَنْتُمْ هؤُلآءِ»: (نگا: آل‌عمران / ۶۶ و ۱۱۹، نساء / ۱۰۹). «عَن نَّفْسِهِ»: در حق خود. «أَمْثَالَكُمْ»: همچون شما. همسان شما. (نگا: معارج / ۴۱).

سوره فتح

سوره فتح آیه ۱

متن آیه:

﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١﴾

ترجمه:

ما برای تو فتح آشکاری را فراهم ساخته‌ایم.

توضیحات:

«فَتَحۡنَا»: گشوده‌ایم و پیش آورده‌ایم. ذکر فعل به صورت ماضی، به خاطر تحقق یا قطعیت موضوع است. «فَتْحاً مُّبِيناً»: مراد صلح حدیبیه است که به خاطر خیرات و برکات و فتوحات مترتب بر آن، فتح آشکار نامیده شده است. یا مراد فتح مکه است که دو سال بعد از صلح حدیبیه بوقوع پیوست و انتشار اسلام و شکوه مسلمانان را بدنبال داشت.

سوره فتح آیه ۲

متن آیه:

﴿لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢﴾

ترجمه:

هدف این بود که خداوند گناهان پیشین و پسین تو را ببخشاید، و نعمت خود را بر تو تمام نماید، و به راه راست هدایتت فرماید.

توضیحات:

«لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ مَا...»: حرف لام برای تعلیل است. فتح، سبب غفران بحساب آمده است، چرا که فتح، جهاد است، و جهاد عبادت است، و عبادت موجب عفو و بخشش. در اصل فتح را خدا کرده است، و جائزه‌اش را به پیغمبرش داده است. مغفرت، تکمیل نعمت، هدایت، نصرت. «ذَنبِكَ»: (نگا: یوسف / ۲۹، غافر / ۵۵، محمد / ۱۹).

سوره فتح آیه ۳

متن آیه:

﴿وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصۡرًا عَزِيزًا ٣﴾

ترجمه:

و پیروزی نادر و نایابی بهره تو گرداند.

توضیحات:

«عَزِیزاً»: چیزی که نادر است و کمتر به دست می‌آید. نیرومند. مایه عزت. بدون شکست.

سوره فتح آیه ۴

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٤﴾

ترجمه:

خدا است که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند (و یقین و باور خویش را تقویت نمایند). لشکرهای آسمان و زمین از آن خدا است، و خداوند بس آگاه و فرزانه است.

توضیحات:

«السَّکِینَةَ»: آرامش. قوت قلب. طمأنینه. مراد اطمینان خاطری است که هرگونه شک و تردید و وحشت را از انسان زائل می‌کند و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد (نگا: توبه / ۲۶). «جُنُودُ»: جمع جُنْد، لشکرها. سپاه‌ها. مراد همه چیزهائی است که وسیله تنفیذ اوامر خدایند، از قبیل: فرشتگان، انسان‌ها، سنگ‌ها، زلزله‌ها، رعد و برق‌ها، و... (نگا: احزاب / ۹، مدثر / ۳۱). مراد از لشکرها، همان سپاه‌هائی است که در (توبه / ۴۰) از آنان سخن رفته است.

سوره فتح آیه ۵

متن آیه:

﴿لِّيُدۡخِلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٥﴾

ترجمه:

(چنین کرد) تا مردان و زنان مؤمن را (در برابر فرمانبرداری و جهادشان) به باغ‌های بهشتی درآورد که در زیر (درختان و قصرهای) آن رودبارها روان است، و جاودانه در آن بسر می‌برند، و تا این که گناهان و بدی‌هایشان را بزداید و ببخشاید، و این در پیشگاه ایزدی (و در جهان ابدی، کامیابی سترگ و) رستگاری بزرگ بشمار است.

توضیحات:

«لِيُدْخِلَ الْـمُؤْمِنِينَ...»: وجود لشکرهای آسمان و زمین بدان خاطر است که مؤمنین را به بهشت داخل کند، و... بعضی (لِيُدْخِلَ) را متعلق وجود لشکرها، و برخی عطف بر (لِيَغْفِرَ) و جماعتی عطف بر (لِيَزْدَادُوا) می‌دانند.

سوره فتح آیه ۶

متن آیه:

﴿وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَلَعَنَهُمۡ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرٗا ٦﴾

ترجمه:

و تا این که مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرکی را عذاب کند که به خدا گمان بد می‌برند. بدیها و بلاها تنها ایشان را در برمی‌گیرد (و فقط بر آنان چنبره می‌زند) و خداوند بر ایشان خشمگین می‌گردد، و آنان را نفرین می‌کند (و از رحمت خود محروم می‌سازد) و دوزخ را برای ایشان آماده ساخته است، و دوزخ چه جایگاه نهائی بدی است!

توضیحات:

«يُعَذِّبَ»: عطف بر (لِيُدْخِلَ) است. «الظَّآنِّينَ»: گمان برندگان (نگا: آیه ۱۲). «ظَنَّ السَّوْءِ»: گمان بد. اضافه موصوف به صفت خود است. «دَآئِرَةُ»: در اصل به معنی چنبر و چنبره است که بعد به بلای فراگیر گفته شده است. اسم فاعل یا مصدر است. «دَآئِرَةُ السَّوْءِ». بلای فراگیر و همه‌جانبه. اضافه موصوف به صفت خود است. «مَصِيراً»: سرمنزل. مکان پایانی. جایگاه نهائی (نگا: نساء / ۹۷ و ۱۱۵). «عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ... وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ»: این عبارت می‌تواند دعائی هم باشد. یعنی: بلای فراگیر و همه‌جانبه بهره ایشان باد، و خدا

بر آنان خشمناک شود و نفرین‌شان کند، و دوزخ را برای‌شان آماده سازد.

سوره فتح آیه ۷

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ٧﴾

ترجمه:

لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا مقتدری شکست ناپذیر و حکیمی فرزانه است.

توضیحات:

«وَلله جُنُودُ...»: (نگا: آیه ۴).

سوره فتح آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ٨﴾

ترجمه:

ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم‌دهنده فرستاده‌ایم.

توضیحات:

«إِنَّآ أَرۡسَلۡنَاكَ...»: (نگا: احزاب / ۴۵).

سوره فتح آیه ۹

متن آیه:

﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةً وَأَصِيلًا ٩﴾

ترجمه:

(ما محمد را به‌سوی شما مردمان فرستاده‌ایم) تا به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید، و خدا را (با یاری دادن دینش) یاری کنید، و او را بزرگ دارید، و سحرگاهان و شامگاهان به تسبیح و تقدیسش بپردازید.

توضیحات:

«تُعَزِّرُوهُ»: تا خدا را یاری کنید. یاری دادن خدا هم با یاری دادن دین او میسر است. «تُوَقِّرُوهُ»: تا خدا را بزرگ دارید و تعظیمش کنید. «بُكْرَةً وَأَصِيلاً»: (نگا: فرقان / ۵، احزاب / ۴۲).

سوره فتح آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که (در بیعةالرضوانِ حدیبیه) با تو پیمان (جان) می‌بندند، در حقیقت با خدا پیمان می‌بندند، و در اصل (دست خود را که در دست پیشوا و رهبرشان پیغمبر می‌گذارند، و دست رسول بالای دست ایشان قرار می‌گیرد، این دست به منزله دست خدا است و) دست خدا بالای دست آنان است! هر کس پیمان‌شکنی کند به زیان خود پیمان‌شکنی می‌کند، و آن کس که در برابر پیمانی که با خدا بسته است وفادار بماند و آن را رعایت بدارد، خدا پاداش بسیار بزرگی به او عطاء می‌کند.

توضیحات:

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ...»: اشاره به تجدید بیعت اصحاب کرام - رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ - با پیغمبر ﷺ است. مسلمانان در حدیبیه دست خود را در دست رهبرشان محمد (گذاشتند و با او پیمان بذل جان و فداکاری و وفاداری بستند. چنین پیمانی را خداوند پیمان بستن با خود نامیده است و به «بیعةالرضوان» مشهور گشته است. «يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»: این تعبیر کنایه از آن است که بیعت با پیغمبر یک بیعت الهی است. انگار دست خدا بالای دست آنان قرار گرفته است و در دست ایشان گذارده شده است. یعنی نه تنها با پیغمبرش که با خدا بیعت می‌کنند. «نَكَثَ»: پیمان‌شکنی کرد.

سوره فتح آیه ۱۱

متن آیه:

﴿سَيَقُولُ لَكَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ شَغَلَتۡنَآ أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا فَٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَاۚ يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ ضَرًّا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ نَفۡعَۢاۚ بَلۡ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرَۢا ١١﴾

ترجمه:

باز پس‌ماندگان عرب‌های بادیه نشین (که در سفر حدیبیه، پیغمبر و اصحاب را

همراهی نکرده‌اند) خواهند گفت: اموال و خانواده، ما را به خود سرگرم و مشغول داشت. برای ما آمرزش بخواه. آنان با زبان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نمی‌باشد. (در دل نفاق دارند و بر زبان ایمان). بگو: چه کسی می‌تواند کم‌ترین کمکی در برابر خدا به شما بکند، اگر بخواهد به شما زیانی یا سودی برساند؟ (آن چنان نیست که گمان می‌برید و می‌گوئید) بلکه خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«الْمُخَلَّفُونَ»: بازپس‌ماندگان. واپس‌زدگان. مراد کسانی است که ایشان از همراهی با پیغمبر و اصحاب در سفر حدیبیه سرباز زدند و بگمان خود مؤمنان را مغلوب و مقهور و بلکه مقتول دست قریش می‌دیدند و به بهانه‌های مختلف از خانه و کاشانه خود بیرون نیامدند. «الأعْرابِ»: بادیه نشینان (نگا: توبه / ۹۰). «شَغَلَتْنَا»: مشغولمان داشت. ما را به خود سرگرم کرد. وقت فراغی برای ما باقی نگذاشت. «فَمَن یَمْلِكُ مِنَ الله شَیْئاً»: (نگا: مائده / ۱۷).

سوره فتح آیه ۱۲

متن آیه:

﴿بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن یَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِیهِمۡ أَبَدٗا وَزُیِّنَ ذَٰلِكَ فِی قُلُوبِكُمۡ وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا بُورٗا ١٢﴾

ترجمه:

بلکه شما گمان می‌بردید که پیغمبر و مؤمنان هرگز به‌سوی خانواده خود برنمی‌گردند (و قطعاً قتل عام خواهند شد! آری) این (پندار غلط و این وسوسه‌های شیطانی) در دل‌هایتان آراسته گشته بود. و گمان‌های بدی می‌کردید و مردمان تباه و بیسودی بودید.

توضیحات:

«لَن یَنقَلِبَ»: هرگز برنمی‌گردد. «بُوراً»: (نگا: فرقان / ۱۸)

سوره فتح آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَمَن لَّمۡ یُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِینَ سَعِیرٗا ١٣﴾

ترجمه:

کسانی که به خدا و پیغمبرش ایمان نداشته باشند (کافرند و) ما برای کافران آتش سوزان و فروزانی را تهیه دیده‌ایم.

توضیحات:

«مَنْ»: این واژه مبتدا است و می‌تواند شرطیه یا موصوله باشد. اگر شرطیه باشد، جواب شرط محذوف است که (فَإِنَّهُ كَافِرٌ... فَهُوَ كَافِرٌ) است. خبر مبتدا (فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيراً) است.

سوره فتح آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٤﴾

ترجمه:

مملکت و شاهی آسمان‌ها و زمین از آن خدا است. هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را که بخواهد عذاب می‌دهد. خداوند دارای مغفرت عظیم و صاحب مهر فراخ است.

توضیحات:

«لله مُلْكُ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۹، مائده / ۱۷ و ۱۸ و ۱۲۰).

سوره فتح آیه ۱۵

متن آیه:

﴿سَيَقُولُ ٱلۡمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقۡتُمۡ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأۡخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡۖ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ ٱللَّهِۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمۡ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبۡلُۖ فَسَيَقُولُونَ بَلۡ تَحۡسُدُونَنَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٥﴾

ترجمه:

باز پس ماندگان، هنگامی که برای به دست آوردن غنائمی (که خدا به شما داده است) بیرون رفتید، خواهند گفت: بگذارید ما هم همراه شما شویم (و در این جهاد شرکت کنیم). آنان می‌خواهند سخن خدا را دگرگون کنند! (خدا وعده غنائم خیبر را تنها به شرکت‌کنندگان سفر حدیبیه اختصاص داده است و بس). بگو: شما هرگز همراه

ما نخواهید شد. پروردگارتان پیش از این (مراجعت به مدینه) چنین فرموده است. خواهند گفت: (این را خدا نگفته است و) بلکه شما نسبت به ما حسد می‌ورزید (و نمی‌گذارید از چنین غنائم نفیس و بی‌دردسری بهره ببریم. چنین نیست که گمان می‌برند) بلکه (از قانونگذاری خدا) جز مقدار اندکی را فهم نکرده‌اند.

توضیحات:

«إِذا»: ظرف ماقبل خود است؛ نه شرط مابعد (نگا: روح المعانی). «مَغَانِمَ»: مراد غنائم جنگ خیبر است که قبل از مراجعت به مدینه به مؤمنان وعده داده شده بود. «كَلامَ اللهِ»: مراد وعده مذکور در آیه‌های ۱۸ و ۱۹ است. «بَلْ كَانُوا لا يَفْقَهُونَ إِلاّ قَلِيلاً»: درباره امور دین چندان نمی‌فهمند. بلکه معلومات ایشان مربوط به ظواهری از امور دنیوی است (نگا: روم / ۷).

سوره فتح آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ سَتُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ قَوۡمٍ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ تُقَٰتِلُونَهُمۡ أَوۡ يُسۡلِمُونَۖ فَإِن تُطِيعُواْ يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنٗاۖ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ كَمَا تَوَلَّيۡتُم مِّن قَبۡلُ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٦﴾

ترجمه:

به بازپس‌ماندگان عرب‌های بادیه‌نشین بگو: از شما دعوت خواهد شد که به‌سوی قومی جنگجو و پرقدرت بیرون روید. با آنان پیکار می‌کنید یا این که مسلمان می‌شوند. (یعنی دو راه بیشتر در پیش نخواهند داشت: رزم با مسلمانان، یا پذیرش دین آنان). اگر فرمانبرداری کنید، خداوند پاداش خوبی به شما خواهد داد، و اگر سرپیچی کنید، همان‌گونه که قبلاً نیز سرپیچی کرده‌اید، خداوند با عذاب دردناکی عذابتان خواهد داد.

توضیحات:

«قَوْمٍ»: مراد بنوحنیفه، قوم مُسَیلمه کذّاب، یعنی اهل رِدّه است که چهار سال بعد از نزول این آیات در زمان ابوبکر میان ایشان و مؤمنان جنگ سختی درگرفت. (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن). «أُوْلِي بَأْسٍ»: (نگا: اسراء / ۵، نمل / ۳۳). «تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ»: با آنان می‌جنگید یا مسلمان می‌شوند. یعنی باید با آنان بجنگید تا اسلام را

می‌پذیرند. راه دیگری از ایشان پذیرفته نمی‌گردد.

سوره فتح آیه ۱۷

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٧﴾

ترجمه:

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند). هر کس از خدا و فرستاده‌اش فرانبرداری کند، خدا او را به باغ‌های بهشتی وارد می‌سازد که رودبارها در زیر (کاخ‌ها و درختان) آن روان است، و هر کس که سرپیچی کند، خدا او را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازد.

توضیحات:

«حَرَجُ»: گناه (نگا: توبه / ۹۱، نور / ۶۱).

سوره فتح آیه ۱۸

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨﴾

ترجمه:

خداوند از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند. خدا می‌دانست آنچه را که در درون دل‌هایشان (از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دل‌هایشان داد، و فتح نزدیکی را (گذشته از نعمت سرمدی آخرت) پاداش‌شان کرد.

توضیحات:

«إِذْ»: آن دم. بدانگاه. «الشَّجَرَةِ»: مراد درخت بزرگ و گشنی است که در حدیبیه بود و مؤمنان در زیر سایه آن با پیغمبر تجدید بیعت کردند و این پیمان به سبب خوشنودی خدا از آن مؤمنان «بَيْعَةُالرِّضْوان» نام گرفت. «السَّكِينَةَ»: (نگا: آیه ۴). «أَثَابَهُمْ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۵۳، مائده / ۸۵). «فَتْحاً قَرِيباً»: مراد صلح حدیبیه است که منشأ آزادی دعوت اسلام و فتوحات بیشمار گردید. برخی هم آن را فتح خیبر، و

گروهی نیز فتح مکه می‌دانند.

سوره فتح آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأۡخُذُونَهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ١٩﴾

ترجمه:

همراه با غنیمت‌های بسیاری که آن را بدست خواهند آورد. خداوند چیره شکست‌ناپذیر و فرزانه‌ای است که کارهایش بر اساس حکمت است.

توضیحات:

«مَغَانِمَ كَثِيرةً»: مراد همه غنیمت‌هائی است که تا روز آخرت مسلمانان بدست می‌آورند (نگا: المصحف المیسر).

سوره فتح آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطًا مُّسۡتَقِيمًا ٢٠﴾

ترجمه:

خداوند غنیمت‌های فراوانی را به شما وعده داده است که آنها را به چنگ می‌آورید، ولی این یکی را (که غنائم خیبر است) زودتر برایتان فراهم ساخت، و دست تعدی مردمان (کینه‌توز و بدنهاد یهودی پیرامون مدینه) را از شما بازداشت، تا نشانه‌ای (بر وفای به عهد پروردگار) برای مؤمنان باشد، و شما را به راه راست رهنمود کند.

توضیحات:

«مَغَانِمَ كَثِيرةً»: (نگا: آیه ۱۹). «هذِهِ»: غنیمت‌های فتح خیبر مراد است که در سال هفتم هجری بعد از رجوع از حدیبیه دست داد (نگا: المصحف المیسر). «النَّاسِ»: مراد یهودیان اطراف مدینه است که خداوند در دل‌هایشان رعب و هراس افکند، و لذا جرأت نکردند در غیبت مسلمانان به هنگام حرکت به‌سوی مکه و انجام عمره در حدیبیه، آزاری به زنان و کودکان مسلمانان برسانند. «ءَايةً»: علامت و نشانه صدق وعده خدا به مسلمانان. «وَلِتَكُونَ ءَايَةً...». حرف واو عاطفه است و مابعد خود را عطف بر مقدر مفهوم از مقام می‌کند. یعنی: «عَجَّلَ لَكُمُ الْمَغَانِمَ وَكَفَّ الْيَهُودَ، لِتَشْكُرُوهُ سُبْحانَهُ، وَلِيَكُونَ

ذلِكَ ءَايَةً. أَيْ دَليلاً عَلي صِدْقِ وَعْدِهِ سُبْحانَهُ».

سوره فتح آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢١﴾

ترجمه:

و غنیمت‌های دیگری که شما قدرت بر آن را نداشته و ندارید، ولی خداوند قدرتش بر آن احاطه دارد (و آن را بهره شما می‌گرداند) و او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«أُخْري»: مراد غنائم بیشماری است که بعد از فتح مکه، در جنگ حنین از قبائل ثقیف و هوازن گرفته می‌شود (نگا: توبه / ۲۵).

سوره فتح آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٢٢﴾

ترجمه:

اگر کافران (قریش، در سرزمین حدیبیه) با شما بجنگند، (از ترس شما) پشت می‌کنند و می‌گریزند، سپس سرپرستی (که کار و بار ایشان را بدست گیرد) و یاوری (که ایشان را کمک کند) پیدا نخواهند کرد.

توضیحات:

«قَاتَلَكُمْ»: با شما پیکار کنند و بجنگند. «الَّذِينَ كَفَرُوا»: مراد کفار مکه است. «وَلَّوُا الأَدْبَارَ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۱، انفال / ۱۵، احزاب / ۱۵).

سوره فتح آیه ۲۳

متن آیه:

﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٢٣﴾

ترجمه:

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است، و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

توضیحات:

«سُنَّةَ اللهِ الَّتِي...»: عادت خدا است که (نگا: احزاب / ۳۸ و ۶۲، غافر / ۸۵).

سوره فتح آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي كَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ عَنۡهُم بِبَطۡنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعۡدِ أَنۡ أَظۡفَرَكُمۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٢٤﴾

ترجمه:

او همان کسی است که در درون مکه (و در زیر پنجه دشمن) دست کافران را از شما، و دست شما را از ایشان کوتاه کرد، بعد از آنکه (در جنگهای قبلی) شما را بر آنان پیروز گردانیده بود، و خداوند می‌بیند هرچیزی را که بکنید.

توضیحات:

«بَطْنِ مَكَّةَ»: وسط مکه. درون مکه. مراد سرزمین حدیبیه است که نزدیک مکه است. «أَظْفَرَكُمْ»: شما را پیروز گرداند.

سوره فتح آیه ۲۵

متن آیه:

﴿هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡهَدۡيَ مَعۡكُوفًا أَن يَبۡلُغَ مَحِلَّهُۥۚ وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَـُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ لِّيُدۡخِلَ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ لَوۡ تَزَيَّلُواْ لَعَذَّبۡنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ٢٥﴾

ترجمه:

آنان همانهائی هستند که کفر ورزیده‌اند، و از ورود شما به مسجدالحرام جلوگیری کرده‌اند، و نگذاشته‌اند قربانیهائی که با خود نگاه داشته‌اید به قربانگاه برسد. اگر مردان و زنان مؤمنی را لگدمال نمی‌کردید که (در میان آنان هستند و) شما ایشان را نمی‌شناسید و از این راه عیب و عار و زیان و ضرری ناآگاهانه به شما نمی‌رسید (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد. دست شما را از ایشان کوتاه کرد) تا خدا هر که را بخواهد غرق رحمت خود سازد (و جامه ایمانِ به اسلام را به تن او کند). اگر

(کافران و مؤمنان ضعیفی که در مکه نهانی ایمان آورده‌اند) از یکدیگر جدا می‌بودند، کافران ایشان را (با غلبه شما بر آنان) به عذاب دردناکی گرفتار می‌کردیم.

توضیحات:

«الْهَدْيَ»: (نگا: بقره / ۱۹۶، مائده / ۲ و ۹۵ و ۹۷). «مَعْكُوفاً»: محبوس و ممنوع. در اینجا مراد نگاه داشته شده و اختصاص یافته به فقرای بیت‌الله است. «مَحِلَّهُ»: قربانگاه. محل ذبح (نگا: بقره / ۱۹۶، حج / ۳۳). «لَوْ لا...»: جواب آن محذوف و تقدیر چنین است: «لَأَذِنَ لَكُمْ فِي دُخُولِ مَكَّةَ، وَلَسَلَّطَكُمْ عَلَي الْمُشْرِكِينَ... لَأَذِنَ لَكُمْ فِي الْفَتْحِ لَما كَفَّ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ». «رِجَالٌ... وَنِسَآءٌ...»: مراد مردان و زنان مؤمن ضعیف و ناتوانی است که در مکه نهانی ایمان آورده بودند و در آنجا می‌زیستند. یا چه بسا مراد کسانی باشد که از خود قریشیان بعدها ایمان آوردند و در راه اسلام فداکاریها و جان‌نثاریها کردند. «أَن تَطَؤُوهُمْ»: اگر بیم آن نبود این که ایشان را لگدمال و نابود کنید. جمله بدل از رِجَالٌ وَ نِسَآءٌ یا بدل از ضمیر (هُمْ) در فعل (لَمْ تَعْلَمُوهُمْ) است. «مَعَرَّةٌ»: ننگ و عار. زیان و ضرر. در اینجا مراد کار ناپسندی است که موجب تأسف شود. «لِيُدْخِلَ...»: علت برای چیزی است که جواب محذوف (لَوْلا) دالّ بر آن است. یعنی: هدف این بود که داخل سازد به. «تَزَيَّلُوا»: جدا شده بودند. یعنی اگر مؤمنان و کافران جدا از هم می‌زیستند و قابل تشخیص از هم بودند.

سوره فتح آیه ۲۶

متن آیه:

﴿إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ وَكَانُوٓاْ أَحَقَّ بِهَا وَأَهۡلَهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمًا ٢٦﴾

ترجمه:

آنگاه که کافران تعصب و نخوت جاهلیت را در دل‌هایشان جای دادند (و تصمیم گرفتند که مؤمنان را به مکه راه ندهند)، خدا اطمینان خاطری بهره پیغمبرش و بهره مؤمنان کرد (و آرامشی خوش به دل‌هایشان راه داد، تا در پرتو آن، طوفان خشم و

ناراحتی خویش را فرو نشانند، و راضی به قضای خدا، و گوش به فرمان پیشوای خود باشند، و سر به شورش برندارند). همچنین خدا ایشان را بر روح ایمان ماندگار کرد و (به حقیقت از هر کس دیگری) سزاوارتر برای روح ایمان و برازنده آن بودند، و خدا از هر چیزی آگاه و بر هر کاری توانا است.

توضیحات:

«الْحَمِيَّةَ»: تعصب و جانبداری. سر باز زدن. غیرت. «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ»: تعصب ناشی از جهالت و نادانی. جانبداری جاهلانه و بدون دلیل و برهان. غیرت غیرمنطقی و تعصب بیجا. بدل از (الْحَمِيَّةَ) است. «كَلِمَةَ التَّقْوي»: سخن پرهیزگارانه. سخنی که با گفتن آن، انسان خویشتن را از عذاب می‌رهاند که سخن توحید یعنی: «لآ إِلهَ إِلاَّ اللهُ» است. روحیه پرهیزگاری (نگا: تفسیر نمونه). روح ایمان (نگا: مجادله / ۲۲، نساء / ۱۷۱، همچنین: تفسیر المیزان). «أَحَقَّ»: سزاوارتر و شایسته‌تر. «أَهْلَهَا»: درخور و برازنده آن. مستحق آن.

سوره فتح آیه ۲۷

متن آیه:

﴿لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءۡيَا بِٱلۡحَقِّۖ لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمۡ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَۖ فَعَلِمَ مَا لَمۡ تَعۡلَمُواْ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتۡحٗا قَرِيبًا ٢٧﴾

ترجمه:

خداوند خواب را راست و درست به پیغمبر خود نشان داده است. به خواست خدا همه شما حتماً در امن و امان و سر تراشیده و مو کوتاه کرده و بدون ترس، داخل مسجدالحرام خواهید شد، ولی خداوند چیزهائی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید، و به همین جهت (قبل از فتح مکه) فتح نزدیکی (که صلح حدیبیه است) پیش آورد.

توضیحات:

«الرُّؤْيَا»: خواب. مراد خوابی است که پیغمبر در مدینه دیده بود. و آن این که پیغمبر قبل از عزیمت به حدیبیه، در خواب دید که او و اصحاب داخل مکه شده‌اند و کعبه را طواف می‌کنند، سپس سرها را تراشیده و موها را کوتاه نموده‌اند. «ءَامِنِينَ»:

جمع ءَامِن، در امن و امان. «مُحَلِّقِينَ»: سرتراشیدگان. «مُقَصِّرِينَ»: مو کوتاه‌کردگان. حاجیان پس از فراغت از انجام مناسک حج، با تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن موی سر، از احرام بدر می‌آیند. «مَا»: مراد مصلحت نهفته در صلح حدیبیه که ورود به مکه است. «مِن دُونِ ذلِكَ»: پیش از آن، یعنی قبل از ورود شما به مکه. «فَتْحاً قَرِيباً»: مراد فتح خیبر، یا صلح حدیبیه، و یا هردوی آنها است. (نگا: صفوة البیان، لمعانی القرآن).

سوره فتح آیه ۲۸

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ٢٨﴾

ترجمه:

خدا است که پیغمبر خود را همراه با رهنمون و آئین راستین (اسلام به‌سوی جملگی مردمان) روانه کرده است تا آن را بر همه آئینها پیروز گرداند. کافی است که خدا گواه (این چنین سخن و مسأله‌ای) باشد.

توضیحات:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَي الدِّينِ كُلِّهِ...»: (نگا: توبه / ۳۳، صف / ۹). «كَفي بِاللهِ شَهِيداً»: (نگا: نساء / ۷۹ و ۱۶۶، عنکبوت / ۵۲).

سوره فتح آیه ۲۹

متن آیه:

﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ٢٩﴾

ترجمه:

محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنان

همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، بگونه‌ای که برزگران را به شگفت می‌آورد. (مؤمنان نیز همین گونه‌اند. آنی از حرکت بازنمی‌ایستند، و همواره جوانه می‌زنند، و جوانه‌ها پرورش می‌یابند و بارور می‌شوند، و باغبانانِ بشریت را بشگفت می‌آورند. این پیشرفت و قوّت و قدرت را خدا نصیب مؤمنان می‌کند) تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد.

توضیحات:

«أَشِدَّآءُ»: جمع شَدید، تند و سرسخت. قوی و نیرومند. «رُحَمَآءُ»: جمع رَحیم، مهربان و دلسوز. «سِيمَا»: نشانه. علامت. «شَطْأَ»: جوانه. مراد سنبل و خوشه است. «إِسْتَوي»: راست ایستاد و پابرجا گردید. «سُوقِ»: جمع ساق، تنه. «ءَازَرَ»: یاری داد. نیرو داد. «إِسْتَغْلَظَ»: سخت و سفت گردید. یعنی خوشه‌های نازک و ضعیف سخت و سفت شد. «الزُّرَّاعَ»: جمع زارِع، برزگ.

سوره حجرات

سوره حجرات آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر خدا و پیغمبرش پیشی مگیرید و پیشدستی مکنید، و از خدا بترسید و پروا داشته باشید، چرا که خدا شنوای (گفتارتان، و) آگاه (از کردارتان) می‌باشد.

توضیحات:

«لا تُقَدِّمُوا»: پیشی مگیرید. پیشدستی مکنید. بعضی این فعل را لازم و برخی آن را متعدی و مفعولش را محذوف دانسته‌اند، و مراد این است که هیچ حکمی را بر حکم خدا و پیغمبرش مقدم ندارید. پیش از فهم و دریافت سخن و دستور خدا و رسول درباره حکم چیزی، سخنی نگوئید. پیش از اخذ فرمان از خدا و پیغمبرش، عملی را انجام ندهید. در جائی که خدا و پیغمبرش حکمی‌دارند، شما حکم نکنید، یعنی حکمی نکنید مگر به حکم خدا و رسول او، و باید که همواره این ویژگی در شما باشد که پیرو و گوش بفرمان خدا و رسول باشید. «بَيْنَ يَدَيْ»: جلو. حضور. منظور مقام حکمرانی است که مختص به خدا و به رسول خدا - برابر رهنمود و با اجازه خدا - دارد (نگا: نساء / ۶۴).

سوره حجرات آیه ۲

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٢﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را از صدای پیغمبر بلندتر مکنید، و

همچنان که با یکدیگر سخن می‌گوئید، با او به آواز بلند سخن مگوئید، تا نادانسته اعمالتان بی‌اجر و ضایع نشود.

توضیحات:

«لا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ»: صدای خود را فراتر از صدای پیغمبر نبرید. صدای خویش را بلندتر از صدای پیغمبر نکنید. مراد بلند سخن گفتن در محضر پیغمبر در حال حیات، و بعد از وفات آن حضرت، در کنار مرقد مبارک او، و بویژه بهنگام خواندن احادیث نبوی است (نگا: روح‌المعانی). «لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ...»: این بخش ناظر بدین امر است که طبق معمول با داد و فریاد با آن جناب صحبت نشود، بلکه متین و آرام و محترمانه او را مخاطب قرار دهند.

سوره حجرات آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ٣﴾

ترجمه:

آنان که صدای خود را نزد پیغمبر خدا پائین نموده و آهسته برمی‌آورند، کسانیند که خداوند دل‌هایشان را برای پرهیزگاری پاکیزه و ناب داشته است. ایشان آمرزش سترگ و پاداش بزرگی دارند.

توضیحات:

«يَغُضُّونَ»: پائین می‌آورند. آهسته برمی‌آورند. «إِمْتَحَنَ»: در بوته آزمایش آزموده است و پیراسته و پاکیزه کرده است. امتحان خدا نسبت به دل بنده، آن است که دلش را نشانه انواع محنت‌ها و تکلیف‌ها گردانیده تا صدق ایمانش به واسطه فرمانبرداری و صبر معلوم شود، و تقوای آن ظاهر گردد، و از کوره آزمایش، پاک و بیغش بیرون آید.

سوره حجرات آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٤﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که تو را از بیرون اطاق‌ها فریاد می‌زنند، اغلب ایشان نمی‌فهمند

(که تو چه مقام والائی در پیش خدا داری و باید با تو محترمانه رفتار کنند).

توضیحات:

«الْحُجُرَاتِ»: جمع حُجْرَة، اطاق‌ها. مراد اطاق‌های همسران پاک پیغمبر است که در کنار مسجد پیغمبر تهیه دیده شده بود. افرادی از بیرون پیغمبر را صدا می‌زدند که بیرون بیا.

سوره حجرات آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾

ترجمه:

اگر آنان تأمّل کنند تا تو بیرون بیائی و به پیش ایشان روی، برای آنان بهتر خواهد بود. خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»: این بخش به مرتکبان چنین اعمالی نوید می‌دهد که اگر توبه کنند مشمول مرحمت و مغفرت خدا واقع می‌شوند.

سوره حجرات آیه ۶

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی - بدون آگاهی (از حال و احوال‌شان و شناخت راستین ایشان -) آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

توضیحات:

«فَاسِقٌ»: کافر (نگا: نور / ۵۵). منافق (نگا: توبه / ۶۷). کسی که متجاوز از حدود شریعت بوده و برابر قرآن عمل نکند (نگا: مائده / ۴۷). در اینجا مراد کسی است که مجهول‌العداله بوده و صداقت او محرز نباشد. «بِجَهَالَةٍ»: از روی نادانی. به خاطر بی‌خبری و عدم آگاهی.

سوره حجرات آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧﴾

ترجمه:

بدانید که پیغمبر خدا در میان شما است (قدر او را بدانید و بدو احترام بگذارید). هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. اما خداوند ایمان را در نظرتان گرامی داشته است و آن را در دل‌هایتان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان (که دارای این صفات هستند، یعنی ایمان در نظرشان محبوب و مزین، و کفر و فسق و عصیان در نظرشان منفور و مطرود است) راهیابند و بس.

توضیحات:

«لَعَنِتُّمْ»: قطعاً به مشقت می‌افتید. هلاک و نابود می‌گردید (نگا: آل‌عمران / ۱۱۸، توبه / ۱۲۸). «حَبَّبَ»: گرامی و دوست داشتنی کرده است. «کَرَّهَ»: زشت و ناپسند کرده است. «الْفُسُوقَ»: نافرمانی. خروج از حدود شریعت خدا. «الْعِصْيَانَ»: سرکشی. مخالفت با اوامر خدا. «أُولِئِكَ»: آنان که مجمع این صفات و فضائلند. یعنی عاشقان ایمان و دوستداران فرمان یزدان، و بیزاران از کفر و فسق و عصیان.

سوره حجرات آیه ۸

متن آیه:

﴿فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٨﴾

ترجمه:

این، لطف و نعمتی از سوی خدا است (که بدانان ارزانی داشته است) و خداوند دارای آگاهی فراوان و فرزانگی بیشمار است (و می‌داند چه کسی شایسته هدایت، و بایسته مرحمت و نعمت است).

توضیحات:

«فَضْلاً»: مفعول مطلق برای فعل مقدری، یا مفعول له است.

سوره حجرات آیه ۹

متن آیه:

﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٩﴾

ترجمه:

هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری ستم کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود)، با آن دسته‌ای که ستم می‌کند و تعدی می‌ورزد بجنگید تا زمانی که به‌سوی اطاعت از فرمان خدا برمی‌گردد و حکم او را پذیرا می‌شود. هرگاه بازگشت و فرمان خدا را پذیرا شد، در میان ایشان دادگرانه صلح برقرار سازید و (در اجرای مواد و انجام شرائط آن) عدالت بکار برید، چرا که خدا عادلان را دوست دارد.

توضیحات:

«إِقْتَتَلُوا... بَيْنَهُمَا»: ذکر فعل به صورت جمع با توجه به معنی (طَآئِفَتَانِ) و ذکر ضمیر به صورت مثنی با توجه به لفظ آن است. «بَغَتْ»: در طغیان از حدّ گذشت (نگا: المصحف المیسر). تعدی و تجاوز کرد. برتری‌جوئی کرد. ستمگری نمود. «تَفيءَ»: برمی‌گردد. بازگشت می‌کند (نگا: بقره / ۲۲۶). «أَقْسِطُوا»: دادگری کنید. مراد دادگری در پیاده کردن شرائط و مواد صلح در همه احوال و اعمال است.

سوره حجرات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠﴾

ترجمه:

فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.

توضیحات:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»: فقط مؤمنان برادران یکدیگرند.

سوره حجرات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند، زیرا چه‌بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجوئی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و منامید. (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه‌آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجوئی کردن، و به القاب بد خواندن) گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و با خرده‌گیری‌ها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند).

توضیحات:

«لا يَسْخَرْ»: مسخره نکند. مورد استهزاء قرار ندهد. «لا تَلْمِزُوا»: طعنه نزنید. عیبجوئی نکنید (نگا: توبه / ۵۸ و ۷۹). «لا تَنَابَزُوا»: ملقب به القاب قبیح و ناپسند مکنید. ذکر (القاب) بعد از چنین فعلی، برای تأکید است؛ همان‌گونه که واژه (جَناحَيْهِ) در (انعام / ۳۸) چنین است. «الإِسْمُ»: نام. یاد کردن (نگا: قاسمی). صفت (نگا: المصحف المیسر). «الْفُسُوقُ»: (نگا: بقره / ۱۹۷ و ۲۸۲، حجرات / ۷). «بِئْسَ الاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ»: چه بد است کسی را فاسق یا کافر نامید و او مؤمن باشد. برای مسلمانان چه بد است، بعد از ایمان آوردن، از یکدیگر به بدی یاد کنند، و بجای ذکر خیر، ذکر شر کنند.

سوره حجرات آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی و پرده‌دری نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.

توضیحات:

«كَثِيراً»: مفعول‌به است. «مِنَ الظَّنِّ»: صفت (كَثِيراً) است. «لا تَجَسَّسُوا»: عیبجوئی نکنید. در پی کشف اسرار و معایب مردم نباشید. «مَيْتاً»: حال (لَحْم) یا (أَخ) است. «لا يَغْتَبْ... مَيْتاً»: غیبت پرده‌دری است و مرده‌خواری و لاشه‌دری. «فَكَرِهْتُمُوهُ»: جواب شرط (إِنْ) شرطیه است که هم خودش و هم (قَدْ) و هم فعل آن محذوف است. تقدیر چنین است: «إِنْ عَرَضَ ذٰلِكَ فَقَدْ كَرِهْتُمُوهُ».

سوره حجرات آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣﴾

ترجمه:

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. خداوند

مسلّماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه‌کس و همه چیز) است.

توضیحات:

«ذَكَرٍ وَأُنثَي»: یک نر و یک ماده. مراد آدم و حواء است. «شُعُوباً»: جمع شَعْب، تیره‌ها و ملتها. جمع عظیمی از مردم که دارای اصل واحدی بوده و قبیله‌ها از آن منشعب می‌گردد. «لِتَعَارَفُوا»: تا یکدیگر را بشناسید و از هم جدا کنید. اشاره به این است که تفاوتهای بیرونی و درونی انسان‌ها سبب شناسائی آنان است و اگر همه یکسان و شبیه همدیگر باشند، زندگی اجتماعی مردمان مختل و ناممکن می‌گردد.

سوره حجرات آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قَالَتِ ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾

ترجمه:

عربهای بادیه‌نشین می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده‌ایم. چرا که ایمان هنوز به دل‌هایتان راه نیافته است (و نور ایمان سراچه قلوبتان را روشن نکرده است). اگر از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، خدا از (پاداش) کارهایتان چیزی نمی‌کاهد. بی‌گمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«الأعْرَابُ»: عرب‌های بادیه‌نشین (نگا: توبه / ۹۰). «أَسْلَمْنَا»: مسلمان شده‌ایم. ظاهراً منقاد و تسلیم رسالت تو شده‌ایم. «لا يَلِتْكُمْ»: از شما نمی‌کاهیم. کم به شما نمی‌دهیم. از (لاتَ، يَليتُ) است. مهموزالفاء این فعل نیز به همین معنی است (نگا: طور / ۲۱).

سوره حجرات آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥﴾

ترجمه:

مؤمنان (واقعی) تنها کسانیند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند، و با مال و جان خویش در راه خدا به تلاش ایستاده‌اند و به جهاد برخاسته‌اند. آنان (بلی آنان، در ایمان خود) درست و راستگویند.

توضیحات:

«لَمْ يَرْتَابُوا»: شک و تردید ننموده‌اند. گمان و دودلی به دل راه نداده‌اند.

سوره حجرات آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قُلۡ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٦﴾

ترجمه:

بگو: آیا شما خدا را از ایمان خود باخبر می‌سازید، در حالی که خدا از تمام چیزهائی که در آسمان‌ها و زمین است باخبر است؟! و خدا از همه‌چیز دقیقاً آگاه است.

توضیحات:

«أَتُعَلِّمُونَ»: آیا یاد می‌دهید؟ «وَاللهُ يَعْلَمُ»: حرف واو حالیه است.

سوره حجرات آیه ۱۷

متن آیه:

﴿يَمُنُّونَ عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٧﴾

ترجمه:

آنان بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند! بگو: با اسلام خود بر من منت مگذارید، بلکه خدا بر شما منت می‌گذارد که شما را به‌سوی ایمان آوردن رهنمود کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راست و درست هستید.

توضیحات:

«أَنْ أَسْلَمُوا»: از این که اسلام آورده‌اند. «إِسْلامَكُمْ»: اسلام مفعول به (لا تَـمُنُّوا) و یا منصوب به نزع خافض است و اصل آن چنین است: «بِإِسْلامِكُمْ». «إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ»: جواب شرط محذوف است و ماقبل آن، دالّ بر آن است.

سوره حجرات آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝١٨﴾

ترجمه:

خداوند رازها و نهانی‌های آسمان‌ها و زمین را می‌داند، و او می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«غَيْبَ»: (نگا: انعام / ۵۰، اعراف / ۱۸۸، هود / ۳۱، نمل / ۶۵).

سوره ق

سوره ق آیه ۱

متن آیه:

﴿قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ ١﴾

ترجمه:

قاف. سوگند به قرآن مجید (تو فرستاده خدائی!)

توضیحات:

«ق»: از حروف مقطعه است (نگا: بقره / ۱). «الْـمَجِيدِ»: بزرگوار. مراد کثیرالفوائد، و دارای ظاهری آراسته و محتوائی ارزشمند، و دستورهائی عالی، و برنامه‌هائی آموزنده و حیات بخش است. «وَالْقُرْءَانِ الْـمَجِيدِ»: مقسوم‌له یا جواب قسم (إِنَّكَ رَسُولُ اللهِ) محذوف است.

سوره ق آیه ۲

متن آیه:

﴿بَلۡ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡ فَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَيۡءٌ عَجِيبٌ ٢﴾

ترجمه:

(اهل مکه نه تنها ایمان نیاورده‌اند) بلکه آنان در شگفت هم هستند از این که پیغمبر بیم‌دهنده‌ای از خودشان به‌سویشان بیاید. این است که کافران می‌گویند: این، چیز شگفتی است (که کسی بیاید و بگوید: دوباره زنده می‌شوید، و حساب و کتابی، و بهشت و دوزخی در میان است).

توضیحات:

«أَن جَآءَهُمْ...»: از این که به‌سوی ایشان آمده است.

سوره ق آیه ۳

متن آیه:

﴿أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗاۖ ذَٰلِكَ رَجۡعُۢ بَعِيدٞ ٣﴾

ترجمه:

آیا هنگامی که ما مردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی برمی‌گردیم؟!) چنین بازگشتی بعید (و دور از عقل) است.

توضیحات:

«إِذَا...»: جواب آن محذوف است، و از جمله بعد فهمیده می‌شود، و در تقدیر چنین است: «أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُراباً، نُرْجَعُ وَنُرَدُّ حَيّاً». «رَجْعٌ»: بازگشت. بازگرداندن (نگا: طارق / ۸).

سوره ق آیه ۴

متن آیه:

﴿قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَـٰبٌ حَفِيظٌ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

ما می‌دانیم (بعد از این که مردند) زمین چه اندازه از (پیکر) آنان را (می‌خورد و) می‌کاهد، و نزد ما کتابی است (به نام لوح محفوظ که همه چیز را) دقیقاً حساب می‌کند.

توضیحات:

«كِتَابٌ»: مراد لوح محفوظ است (نگا: انعام / ۵۹، یس / ۱۲). «حَفِيظٌ»: صیغه مبالغه است و به معنی بسیار نگاهدارنده تفصیلات و دقائق هر چیزی است (نگا: هود / ۵۷) و یا این که فَعیل به معنی فاعِل، یعنی حافِظ است (نگا: انعام / ۱۰۴). یا فَعیل به معنی مَفْعول، یعنی مَحْفوظ از خطر اشتباه و بدور از دسترس است (نگا: بروج / ۲۲).

سوره ق آیه ۵

متن آیه:

﴿بَلْ كَذَّبُواْ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِىٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

بلکه آنان (درباره حق و حقیقتی که پیغمبر برای ایشان آورده است نمی‌اندیشند و) حق و حقیقت همین که بدی‌شان برسد فوراً دروغش می‌نامند و تکذیبش می‌کنند. اصلاً آنان دارای حال پریشان و کارنابسامانی هستند.

توضیحات:

«الْحَقِّ»: قرآن که حق و حقیقت محض است (نگا: یونس / ۱۰۸). دین حق که اسلام است (نگا: توبه / ۳۳، فتح / ۲۸). «لَمّا»: همین که. زمانی که. «أَمْرٍ»: شأن و

حال (نگا: نحل / ۷۷، مائده / ۵۲، محمد / ۲۱). کار و بار (نگا: بقره / ۲۱۰، آل‌عمران / ۱۰۹ و ۱۸۶). «مَرِيجٍ»: مختلط و مضطرب. آمیخته و آشفته. «فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ»: دارای حال آشفته و کار پریشانی هستند. یعنی گاهی پیغمبر را ساحر، گاهی شاعر، وقتی مجنون، وقتی کاهن، و... می‌نامند و بر یک حال نمی‌مانند.

سوره ق آیه ۶

متن آیه:

﴿أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ ٦﴾

ترجمه:

آیا آنان (تاکنون سر بلند نکرده‌اند و) به آسمان ننگریسته‌اند که ما چگونه آن را بنا کرده‌ایم و آراسته‌ایم و هیچ‌گونه خلل و شکافی در آن نیست؟

توضیحات:

«زَيَّنَّاهَا»: آن را با ستارگان زینت داده‌ایم (نگا: صافات / ۶، ملک / ۵). «فُرُوجٍ»: شقوق. درزها و شکاف‌ها. مراد خلل و ناموزونی است.

سوره ق آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ ٧﴾

ترجمه:

و زمین را گسترانیده‌ایم، و در آن کوههای محکم و پابرجائی را فرو افکنده‌ایم، و از هر نوع گیاه بهجت انگیز و مسرت‌بخش در آن رویانده‌ایم.

توضیحات:

«مَدَدْنَاهَا»: گسترانیده‌ایم. گسترش داده‌ایم (نگا: حجر / ۱۹). «زَوْجٍ بَهِيجٍ»: نوع و صنف و جفت مسرت‌بخش و بهجت‌انگیز. (نگا: حج / ۵).

سوره ق آیه ۸

متن آیه:

﴿تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٨﴾

ترجمه:

(همه این‌ها را آفریده‌ایم) به منظور بینش و بیداری بخشیدن به جملگی بندگان

توبه‌کار(ی که بخواهند به‌سوی آفریدگارشان برگردند).

توضیحات:

«تَبْصِرَةً»: بینا کردن. بینش بخشیدن. مفعول‌له یا مفعول مطلق است. «ذِكْرَي»: بیدار کردن. یادآور شدن. یاد کردن (نگا: انعام / ۶۸ و ۶۹ و ۹۰). «مُنِيبٍ»: توبه‌کار. برگردنده (نگا: هود / ۷۵، سبأ / ۹، زمر / ۸).

سوره ق آیه ۹

متن آیه:

﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ ٩﴾

ترجمه:

و از آسمان آب پربرکتی را بارانده‌ایم، و بدان باغها رویانده‌ایم، و دانه‌های کشتزارهائی را برآورده‌ایم که درو می‌گردد.

توضیحات:

«نَزَّلْنَا...»: (نگا: بقره / ۲۲ و ۱۶۴، انفال / ۱۱). «الْحَصِيدِ»: درو شده. «حَبَّ الْحَصِيدِ»: دانه‌های کشتزارهائی که درویده می‌شوند.

سوره ق آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠﴾

ترجمه:

و درختان خرمای بلندی را که دارای شکوفه‌های متراکم و چین‌چین هستند.

توضیحات:

«بَاسِقَاتٍ»: طولانی و دراز. بلندبالا و سرکشیده. حال است. «طَلْعٌ»: (نگا: انعام / ۹۹، شعراء / ۱۴۸، صافات / ۶۵). «نَضِيدٌ»: چین‌چین چیده شده. در کنار هم مرتب و منظم قرار گرفته. فعیل به معنی مفعول است (نگا: هود / ۸۲، واقعه / ۲۹).

سوره ق آیه ۱۱

متن آیه:

﴿رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ ١١﴾

ترجمه:

(همه این‌ها) به منظور بخشیدن روزی به بندگان است. ما به وسیله آب باران، سرزمین مرده را زنده گردانده‌ایم. (آری! زنده شدن مردگان، و) از گورها سربرآوردن آنان نیز همین‌گونه است.

توضیحات:

«رِزْقاً»: مفعول‌به فعل محذوف و یا مفعول‌له است، و یا حال و به معنی اسم مفعول، یعنی مرزوق است. «بَلْدَةً»: سرزمین. ناحیه. «الْخُرُوجُ»: بیرون آمدن از گورها در روز قیامت.

سوره ق آیه ۱۲

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَأَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ١٢﴾

ترجمه:

پیش از اینان، قوم نوح، و اصحاب الرّسّ، و قوم ثمود (پیغمبران را) تکذیب کرده‌اند.

توضیحات:

«أَصْحَابُ الرَّسِّ»: همان اصحاب اخدود مذکور در (بروج / ۴) است که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند.

سوره ق آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ وَإِخۡوَٰنُ لُوطٖ ١٣﴾

ترجمه:

و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

توضیحات:

«إِخْوَانُ لُوطٍ»: قوم لوط (نگا: اعراف / ۶۵ و ۷۳ و ۸۵، هود / ۵۰ و ۶۱ و ۸۴).

سوره ق آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ١٤﴾

ترجمه:

و اصحاب اَیکه، و قوم تبّع، هر یک از آنان، فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب من درباره ایشان تحقق یافت.

توضیحات:

«أَصْحَابُ الأَيْكَةِ»: قوم شعیب هستند (نگا: حجر / ۷۸، شعراء / ۱۷۶ و ۱۷۷). «قَوْمُ تُبَّعٍ»: گروهی از مردم یمن که پیرو پادشاه خوبی به نام تُبّع الْحِمْیری بودند. (نگا: دخان / ۳۷).

سوره ق آیه ۱۵

متن آیه:

﴿أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ ٱلۡأَوَّلِۚ بَلۡ هُمۡ فِي لَبۡسٖ مِّنۡ خَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٥﴾

ترجمه:

آیا ما از آفرینش نخستین، درمانده و ناتوان بوده‌ایم (که قادر بر آفرینش دوم، یعنی رستاخیز نباشیم؟! آنان در آفرینش نخستین تردید ندارند؛ زیرا خالق انسان‌ها را خدا می‌دانند.) ولی ایشان درباره آفرینش مجدد (بعد از مرگ، یعنی رستاخیز مردگان) تردید دارند!

توضیحات:

«أَفَعَيِينَا»: آیا ناتوان و درمانده بوده‌ایم؟ (نگا: احقاف / ۳۳). «بِالْخَلْقِ الأَوَّلِ»: در آفرینش نخستین. یعنی آفرینش آسمان‌ها و زمین و همه موجودات دیگر در آغاز. «لَبْسٍ»: شک و تردید. مراد سرگشتگی حاصل از عدم اندیشه و بررسی مسائل و ادلّه و براهین دالّ بر قدرت نامحدود و بی‌پایان خدا است. کسی که معتقد باشد که خدا انسان‌ها را از خاک آفریده است، چرا باید در آفرینش مجدد انسان‌ها از خاک متردد باشد. خَلْقٍ جَدیدٍ»: مراد آفرینش دوباره و رستاخیز مردگان است.

سوره ق آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ١٦﴾

ترجمه:

ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که به خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاهرگ گردن بدو نزدیکتریم.

توضیحات:

«تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ»: ضمیر (ه) اگر به انسان برگردد، معنی چنین است: چیزهائی که نفس بدو می‌گوید. اگر به (ما) برگردد، معنی بدین شکل است: خواست‌های دل و اندیشه‌های مغز. «حَبْلِ الْوَرِيدِ»: شاهرگ گردن. اضافه (حَبْلِ) به (الْوَرِيدِ) بیانیه است. یعنی رشته‌ای که ورید نام دارد. وریدها دو رگ هستند که در دو طرف گردن قرار دارند و به دو استخوان پشت گوش متصلند و با قطع هر یک انسان می‌میرد (نگا: المصحف المیسر). «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ...»: قرب خدا قرب علمی است؛ نه مکانی.

سوره ق آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ١٧﴾

ترجمه:

بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌دارند (ما از همه چیز و همه کس - حتی از این دو فرشته - به او نزدیکتریم).

توضیحات:

«إِذْ»: معمول واژه اقرب است، یا مفعول به فعل محذوف (أُذْكُرْ). «يَتَلَقّي»: دریافت می‌دارند. «الْمُتَلَقِّيَانِ»: دو دریافت‌کننده. مراد دو فرشته‌ای است که همراه هر انسانی بوده، یکی در طرف راست مأمور ثبت و ضبط اعمال نیک است، و دیگری در طرف چپ مأمور ثبت و ضبط اعمال بد است. «قَعِيدٌ»: نشسته. همدم. فعیل به معنی فاعِل، یعنی قَعید به معنی قاعِد، مثل جَلیس به معنی جالِس است، و یا این که فَعیل به معنی مُفاعِل، یعنی قَعید به معنی مُقاعِد است. مثل جَلیس به معنی مُجالِس یا نَدیم به معنی مُنادِم. مبتدای مؤخر است. «عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ»: در اصل «عَنِ الْيَمِينِ قَعِيدٌ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ» است که به قرینه (قَعِيدٌ) اوّل حذف شده است.

سوره ق آیه ۱۸

متن آیه:

﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨﴾

ترجمه:

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

توضیحات:

«مَا يَلْفِظُ»: نمی‌اندازد. به بیرون پرت نمی‌کند. مراد از انداختن و پرت کردن، گفتن است. «لَدَيْهِ»: در کنار آن. نزد او. ضمیر (ه) به قول برمی‌گردد. این احتمال نیز وجود دارد که به گوینده بازگردد. «رَقِيبٌ»: مراقب و مواظب. «عَتِيدٌ»: مهیای انجام مأموریت و آماده انجام کار. در اینجا مراد آماده برای دریافتن و نوشتن است.

سوره ق آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ١٩﴾

ترجمه:

سکرات مرگ (سرانجام فرا می‌رسد و) واقعیت را بهمراه می‌آورد (و دریچه قیامت را به رویتان باز می‌کند، و حوادث و صحنه‌های دنیای جدید را کم و بیش نشانتان خواهد داد. بدین هنگام انسان را فریاد می‌زنند که) این همان چیزی است که از آن کناره می‌گرفتی و می‌گریختی.

توضیحات:

«سَكْرَةُ الْمَوْتِ»: مستی و منگی مرگ. مراد بیهوشی‌ها و سختی‌هائی است که به هنگام وداع با این جهان به انسان دست می‌دهد. چرا که در این لحظه بی‌ثباتی و ناچیزی جهان را با چشم خود می‌بیند و جهان بقا را دورادور می‌نگرد و وحشتی عظیم سرتاپای او را فرا می‌گیرد و حالتی شبیه به مستی پیدا می‌کند. «جَآءَتْ... بِالْحَقِّ»: به راستی فرا می‌رسد. واقعیت را می‌آورد و نشان می‌دهد. «كُنتَ... تَحِيدُ»: کناره‌گیری می‌کردی. می‌گریختی.

سوره ق آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ ٢٠﴾

ترجمه:

و (سرانجام برای دومین بار) در صور دمیده می‌شود. آن (روز) روز (تحقق و پیاده شدن) بیم‌دادن‌ها (ی الهی به کافران) است.

توضیحات:

«نُفِخَ فِي‌الصُّورِ»: مراد نفخه دوم است (نگا: زمر / ۶۸). «يَوْمُ الْوَعِيدِ»: روز تحقق بیم‌دادن‌های الهی است. یعنی وقوع آن چیزهائی است که در جهان کافران از آنها بیم داده می‌شدند.

سوره ق آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَجَآءَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّعَهَا سَآئِقٞ وَشَهِيدٞ ٢١﴾

ترجمه:

در آن روز هر انسانی (اعم از نیکوکار و بدکار، به میدان محشر) می‌آید همراه با راهنمائی (که او را رهبری و رهنمود می‌کند) و همراه با گواهی (که بر پندار و گفتار و کردار او شهادت می‌دهد).

توضیحات:

«سَآئِقٌ»: راننده و سوق‌دهنده. مراد فرشته‌ای است که او را به‌سوی جایگاه محشر می‌برد و رهنمون او می‌شود (نگا: روح‌المعانی). «شَهِيدٌ»: گواه. شاهد. مراد فرشته‌ای است که بر اعمال او گواهی می‌دهد (نگا: روح‌المعانی). البته جز این فرشته، شاهدان دیگری از قبیل: فرشتگان موکل، پیغمبران، اندام‌های بدن، نامه‌های اعمال وجود دارند (نگا: نساء / ۴۱، فصّلت / ۲۰ و ۲۱، نور / ۲۴، جاثیه / ۲۹). که به شیوه‌های مختلف گواهی می‌دهند، لیکن در مضمون و محتوی با همدیگر هم‌آوا و هم‌صدا هستند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره ق آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ حَدِيدٞ ٢٢﴾

ترجمه:

(سپس به انسان بی‌باور خطاب می‌شود:) تو از این (دادگاه بزرگ و چیزهائی که می‌بینی و خواهی دید) غافل بودی، و ما پرده از جلو چشمان تو به کنار زده‌ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده‌اند.

توضیحات:

«غِطَآءَ»: پوشش. پرده. مراد پرده‌های جهان مادی و علائق دنیوی است که انسان را از دیدن حقائق بازمی‌دارند. «حَدِيدٌ»: تیزبین و قوی.

سوره ق آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣﴾

ترجمه:

فرشته همدم او می‌گوید، این‌ها چیزهائی است که در پیش من آماده است (و من آنها را ثبت و ضبط کرده‌ام. پروردگارا! خود دانی که برابر این‌ها در حق او چکار می‌کنی).

توضیحات:

«قَرِينُهُ»: همدم او. مراد فرشته موکل مذکور در آیه ۱۸ است. برخی هم گفته‌اند، مراد اهریمن و اهریمنان مذکور در (زخرف / ۳۶، فصّلت / ۲۵) است! لیکن مقبول به نظر نمی‌رسد در آن روز شیاطین جرأت بکنند به خود بنازند و بگویند: ما این را گمراه و از راه بدر کرده‌ایم. چرا که شیاطین در آن روز منکر کارهای خود می‌گردند (نگا: آیه ۲۷). «هذا»: مراد پرونده اعمال است که توسط فرشته موکل ثبت و ضبط و فراهم آمده است.

سوره ق آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ ٢٤﴾

ترجمه:

(خدا به دو فرشته مأمور ثبت و ضبط اعمال دستور می‌دهد:) هر کافر سرکش و کینه‌توزی را به دوزخ بیندازید!

توضیحات:

«أَلْقِيَا»: پرت کنید و بیندازید. مخاطب دو فرشته ثبت و ضبط اعمال و یا دو فرشته راهنما و گواه است. «عَنِيدٍ»: سرکش. کینه‌توز.

سوره ق آیه ۲۵

متن آیه:

﴿مَّنَّاعٍ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ ۝٢٥﴾

ترجمه:

آن کسی را که سخت از انجام کارهای نیک دست بازداشته (و دیگران را) نیز از انجام خوبی‌ها بازداشته است، و متجاوز (از حدود احکام الهی) و متعدی (به حقوق دیگران) بوده است، و (در دین خود) شک داشته است و (دیگران را نیز راجع به دین) به شک انداخته است و بدبین کرده است.

توضیحات:

«مَنَّاعٍ»: کسی که خویشتن را از انجام خوبیها بدور داشته است، و یا مانع دیگران از انجام خوبیها بوده است. «مُعْتَدٍ»: تجاوزپیشه. کسی که از قوانین آسمانی سرپیچی کند و از حدود مقررات بگذرد، و یا به حقوق دیگران تجاوز کند. «مُرِيبٍ»: متردد. شک‌انداز. از مصدر (إِرَابَة) که به صورت لازم و متعدی آمده است (نگا: هود / ۶۲ و ۱۱۰، ابراهیم / ۹، سبأ / ۵۴).

سوره ق آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ۝٢٦﴾

ترجمه:

آن کسی که با خدا، معبود دیگری را برگزیده است. پس او را به عذاب سخت (دوزخ) بیندازید.

توضیحات:

«أَلْقِيَا»: تکرار این واژه برای تأکید مطلب است.

سوره ق آیه ۲۷

متن آیه:

﴿قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ۝٢٧﴾

ترجمه:

(شیطانی که در دنیا پیوسته) همدم او (بوده است) می‌گوید: پروردگارا! من او را به طغیان و سرکشی (از فرمان یزدان) وا نداشته‌ام، بلکه او خود در گمراهی ژرف (و دور از ساحل نجاتی) بوده است.

توضیحات:

«قَرِينُهُ»: اهریمن همدم و همراه او در دنیا که پیوسته وی را به گمراهی و بدکرداری می‌خوانده است (نگا: زخرف / ۳۶، فصّلت / ۲۵). «مَآ أَطْغَيْتُهُ»: او را به سرکشی و تجاوز وا نداشته‌ام و به نافرمانی نکشانده‌ام. مراد این است که خودش به وسوسه‌های من گوش فرا داده است و من قدرت بر اجبار و اکراه نداشته‌ام (نگا: ابراهیم / ۲۲، نحل / ۱۰۰).

سوره ق آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ لَا تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ۝٢٨﴾

ترجمه:

خدا می‌فرماید: در پیشگاه من ستیزه مکنید. من پیش از این شما را (از این سرنوشت شوم) بیم داده بودم.

توضیحات:

«قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ»: توسط پیغمبران قبلاً به شما اخطار کرده‌ام و شما را از چنین روزی و سرنوشتی ترسانده‌ام.

سوره ق آیه ۲۹

متن آیه:

﴿مَا يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ۝٢٩﴾

ترجمه:

سخن من (مبنی بر عذاب دادن کافران و نعمت رساندن به مؤمنان) تغییرناپذیر

است و دگرگون نمی‌شود، و من کمترین ستمی به بندگان نمی‌کنم.

توضیحات:

«الْقَوْلُ»: منظور تهدیدها و وعیدها و مژده‌ها و بشارت‌های فراوان در آیات مختلف است. «ظَلاّمٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۲، انفال / ۵۱، حج / ۱۰، فصّلت / ۴۶).

سوره ق آیه ۳۰

متن آیه:

﴿يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ٣٠﴾

ترجمه:

روزی به دوزخ خواهیم گفت: آیا پر شده‌ای؟ (قطعاً که پر شده‌ای و ما به وعده خود وفا کرده‌ایم). و دوزخ می‌گوید: مگر افزون بر این هم هست؟!

توضیحات:

«هَلِ امْتَلاَتِ»: آیا پر شده‌ای؟ حرف استفهام، تقریری است. یعنی بگو که پر شده‌ای و ما به وعده خود (نگا: سجده / ۱۳، ص / ۸۵) وفا کرده‌ایم. «هَلِ امْتَلاَتِ... مَزِيدٍ»: معنی دیگر: آیا پر شده‌ای؟ دوزخ می‌گوید: آیا افزون بر این هم هست؟ در این صورت افزون‌طلبی دوزخ بر اثر خشم بر دوزخیان و تقاضای تضییق مکان بر آنان و رویهم متراکم شدن ایشان است.

سوره ق آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ٣١﴾

ترجمه:

و بهشت به پرهیزکاران نزدیک گردانده می‌شود و فاصله چندانی از آنان نخواهد داشت.

توضیحات:

«أُزْلِفَتْ»: نزدیک گردانده شد (نگا: شعراء / ۶۴ و ۹۰). «غَيْرَ»: ظرف یا حال است. «غَيْرَ بَعِيدٍ»: برای تأکید معنی (أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ) است.

سوره ق آیه ۳۲

متن آیه:

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝٣٢﴾

ترجمه:

این همان چیزی است که به شما وعده داده می‌شد، و به همه کسانی که (از معاصی دست بکشند و به‌سوی اطاعت خدا) برگردند، و (فرائض خدا و قوانین و عهدها و پیمان‌های او را) مراعات بدارند.

توضیحات:

«لِكُلِّ...»: بدل از (لِلْمُتَّقِينَ) است با اعاده جار و مجرور. «أَوَّابٍ»: (نگا: ص / ۱۷ و ۱۹ و ۳۰ و ۴۴). توّاب. «حَفِيظٍ»: محافظ دین خدا، و حافظ فرائض او.

سوره ق آیه ۳۳

متن آیه:

﴿مَّنْ خَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ۝٣٣﴾

ترجمه:

همان کسی که در نهان از خداوند مهربان بترسد و با دلی توبه‌کار (به محضر او) بیاید.

توضیحات:

«مَنْ»: بدل از (كُلِّ) است. «مُنِيبٍ»: توبه‌کار. متوجه خدا و روی‌آرنده به طاعت او.

سوره ق آیه ۳۴

متن آیه:

﴿ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْخُلُودِ ۝٣٤﴾

ترجمه:

(فرشتگان بدی‌شان می‌گویند:) به سلامت وارد بهشت شوید. امروز، روز جاودانگی است. (جاودانگی بهشت با تمام مواهب و نعمت‌هایش، روز بقاء و ماندگاری همیشگی).

توضیحات:

«أُدْخُلُوهَا»: داخل بهشت شوید. «بِسَلامٍ»: با درود ما بر شما، با سلامت از هرگونه بدی و ناراحتی و آفت و بلا و کیفر و عذاب. با سلامت کامل از نظر جسم و جان. در امن و امان. «يَوْمُ الْخُلُودِ»: روزی که خدا وعده جاودانه زیستن در آن را به شما داده بود.

سوره ق آیه ۳۵

متن آیه:

﴿لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيۡنَا مَزِيدٞ ٣٥﴾

ترجمه:

هرچه بخواهند در بهشت برای آنان هست، و افزون بر آن نزد ما نعمت‌های دیگری وجود دارد (که هرگز به فکر انسانی نرسیده است و به دل کسی نگذشته است).

توضیحات:

«مَا يَشَآؤُونَ»: بهشتیان هرچه بخواهند. «مَزِيدٌ»: افزون بر آن، علاوه از آن.

سوره ق آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ ٣٦﴾

ترجمه:

ما پیش از آنان (یعنی جلوتر از قریشیان) اقوام زیادی را هلاک ساخته‌ایم. اقوامی که از ایشان بسی قویتر و نیرومندتر بوده‌اند و در جهان پیشروی کرده‌اند و کشورها را گشوده‌اند و بر شهرها تسلط یافته‌اند، (اما بر اثر کفر و ظلم و بیدادگری و فسق و فجور، عاقبت به خشم خود گرفتارشان ساخته‌ایم) و نابودشان نموده‌ایم. آیا این‌گونه افراد راه فراری (از مرگ و کیفر الهی) داشته‌اند (تا قریشیان هم داشته باشند؟!).

توضیحات:

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ...»: (نگا: انعام / ۶، مریم / ۷۴ و ۹۸، ص / ۳). «بَطْشاً»: گرفتن چیزی با قوت و قدرت. یورش و ستیز (نگا: زخرف / ۸، دخان / ۱۶، شعراء / ۱۳۰). «نَقَّبُوا»: راه‌ها را شکافته‌اند و کشورها را گشوده‌اند. در جهان حرکت کرده‌اند و پیشروی نموده‌اند. «نَقَّبُوا فِي الْبِلادِ»: کشورها و شهرها را گشوده‌اند و در آنجاها گشته‌اند. به کاوش نواحی و کند وکاو مکان‌ها پرداخته‌اند. کشورها و شهرها را جستجو کرده‌اند تا جاودانه بمانند و از مرگ، خویشتن را در پناه کاخ‌ها و دژها دارند. «مَحِيصٍ»: راه فرار. گریزگاه (نگا: ابراهیم / ۲۱، فصّلت / ۴۸، شوری / ۳۵).

سوره ق آیه ۳۷

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ ٣٧﴾

ترجمه:

به راستی در این (سرگذشت پیشینیان) بیدارباش و اندرز بزرگی است برای آن که دلی (آگاه) داشته باشد، یا با حضور قلب گوش فرا دارد.

توضیحات:

«ذِكْرِي»: پند و اندرز. به خود آمدن. بیداری (نگا: انعام / ۶۸ و ۶۹ و ۹۰، شعراء / ۲۰۹، عنکبوت / ۵۱). «شَهِيدٌ»: حاضر. در اینجا مراد کسی است که حضور قلب دارد، و به اصطلاح دلش در مجلس است، و با دقت به سخنان گوش می‌دهد و مطالب را پیگیری می‌کند.

سوره ق آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٖ ٣٨﴾

ترجمه:

ما آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفریده‌ایم و هیچ‌گونه درماندگی و خستگی به ما نرسیده است (و کمترین مشکلی برای ما نداشته است. پس چگونه زنده گرداندن مردگان برای ما رنج‌آور و مشکل خواهد بود؟).

توضیحات:

«سِتَّةِ أَيّامٍ»: (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، هود / ۷). «لُغُوبٍ»: درماندگی و خستگی (نگا: فاطر / ۳۵).

سوره ق آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ٣٩﴾

ترجمه:

(حال که چنین است) پس در برابر چیزهائی که می‌گویند پایدار و شکیبا باش، و ستایش و سپاس پروردگارت را پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن بجای آور. (چرا

که عبادت در آن اوقات، بزرگ و ارزشمنداست).

توضیحات:

«فَاصْبِرْ عَلي...»: (نگا: طه / ۱۳۰).

سوره ق آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ ٤٠﴾

ترجمه:

و نیز در پاره‌ای از شب و بدنبال نمازها، او را بستای و تسبیح و تقدیسش نمای.

توضیحات:

«أَدْبَارَ»: جمع دُبُر، عقب. دنبال. آخر (نگا: آل‌عمران / ۱۱۱، انفال / ۱۵). «السُّجُودِ»: مراد نمازها است.

سوره ق آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ٤١﴾

ترجمه:

(ای محمد! این سخن را) بشنو! روزی منادی از مکان نزدیکی ندا درمی‌دهد (و در صور می‌دمد و فریاد رستاخیز برمی‌کشد، و همگان را به زنده شدن فرا می‌خواند).

توضیحات:

«إِسْتَمِعْ»: بشنو. گوش فرادار. مفعول آن محذوف است و تقدیر چنین است: «إِسْتَمِعْ حَدِيثَ رَبِّكَ» گوش فرادار. اخبار روزی را بشنو. مفعول در این صورت (يَوْمَ) است. «الْـمُنَادِي»: ندادهنده. مراد اسرافیل است که برای بار دوم در صور می‌دمد که نشانه زنده شدن مردگان و آغاز رستاخیز است. «مَكَانٍ قَرِيبٍ»: اشاره به این است که صدای صور او در فضا پخش می‌شود بگونه‌ای که گوئی بیخ گوش همگان است.

سوره ق آیه ۴۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ ٤٢﴾

ترجمه:

روزی فریاد (رستاخیز) را راست و درست و چنانکه باید می‌شنوند، آن روز، روز بیرون آمدن (مردگان از میان قبورشان) است.

توضیحات:

«الصَّيْحَةَ»: فریاد رستاخیز که نفخه دوم مذکور در آیه ۲۰ است.

سوره ق آیه ۴۳

متن آیه:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا ٱلۡمَصِيرُ ٤٣﴾

ترجمه:

ما، بلی فقط ما زنده می‌گردانیم و می‌میرانیم، و بازگشت مردمان به‌سوی ما است و بس.

توضیحات:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي...»: (نگا: حجر / ۲۳).

سوره ق آیه ۴۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ ٤٤﴾

ترجمه:

روزی زمین از روی مردمان می‌شکافد و کنار می‌رود، و ایشان به سرعت (از میان خاکها) بیرون می‌آیند. آن روز، روز گردهمآئی است و برای ما سهل و آسان است (و کمترین رنج و زحمتی برای ما در بر ندارد).

توضیحات:

«سِرَاعاً»: جمع سَریع، شتابان. حال برای فاعل (يَخْرُجُونَ) محذوف است، و تقدیر چنین است: «يَخْرُجُونَ سِرَاعاً». یا حال ضمیر (هُمْ) در (عَنْهُمْ) است. «يَسِيرٌ»: ساده و آسان (نگا: نساء / ۳۰ و ۱۶۹، حج / ۷۰، عنکبوت / ۱۹).

سوره ق آیه ۴۵

متن آیه:

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖۖ فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ٤٥﴾

ترجمه:

ما از آنچه (درباره رسالت تو) می‌گویند، آگاه‌تر (از هر کس دیگری) هستیم. تو مأمور نیستی که آنان را وادار (به ایمان) کنی (و با قهر و اجبار به‌سوی اسلام بکشانی). چون چنین است، کسانی را به وسیله قرآن پند و اندرز بده که از بیم دادن و تهدید کردن من می‌ترسند.

توضیحات:

«جَبَّارٍ»: غالب و چیره. (نگا: مائده / ۲۲). «فَذَكِّرْ بِالْقُرْءَانِ»: با قرآن پند بده و موعظه کن.

سوره ذاریات

سوره ذاریات آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا ١﴾

ترجمه:

سوگند به بادها! که (ابرها را برمی‌انگیزند و به این سو و آن سو برابر فرمان یزدان می‌برند و) به سرعت پراکنده می‌دارند.

توضیحات:

«الذَّارِيَاتِ»: جمع ذَارِية، بادهائی که ابرها را به حرکت درمی‌آورند و گرده گیاهان و چیزهای دیگر را اینجا و آنجا پراکنده می‌دارند. (نگا: کهف / ۴۵). «ذَرْواً»: پراکندن. پخش کردن. واژه (ذرو) از صفات ویژه بادها است (نگا: أضواءالبیان) و به معنی اسم فاعل، یعنی (ذَارِيَة) است و در اصل چنین است: «أوَالْذَّارِيَاتِ ذَارِيَة» (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره ذاریات آیه ۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ٢﴾

ترجمه:

و سوگند به ابرهائی که بار سنگینی (از باران) را با خود برمی‌دارند!

توضیحات:

«الْحَامِلاتِ»: جمع حَامِلَة، ابرهائی که آبستن به آب و بردارندگان آن هستند. «وِقْراً»: بار سنگین. مراد ابرهای سنگین و متراکم است (نگا: اعراف / ۵۷).

سوره ذاریات آیه ۳

متن آیه:

﴿فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به کشتی‌هائی که ساده و آسان (در آب‌های رودخانه‌ها و دریاها و اقیانوس‌ها) روان و در حرکتند!

توضیحات:

«الْجَارِيَاتِ»: جمع جَارِيَة، کشتی‌ها. (نگا: شوری / ۳۲، رحمن / ۲۴، حاقه / ۱۱). «یُسْراً»: ساده و آسان. حال است و در تقدیر چنین است. «فَالْجَارِيَاتِ فِي حَالِ كَوْنِهَا مُيَسَّرَةً مُسَخَّراً لَهَا الْبَحْرُ».

سوره ذاریات آیه ۴

متن آیه:

﴿فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ٤﴾

ترجمه:

و سوگند به فرشتگانی که کارها را (میان خود برابر فرمان یزدان) تقسیم کرده‌اند!

توضیحات:

«الـْمُقَسِّمَـاتِ»: تقسیم‌کنندگان. مراد فرشتگان است که هر یک عهده‌دار کاری از کارهای جهان هستند. رابطه ذاریات، حاملات، جاریات، و مقسمات در این است که تا بادها ابرها را به حرکت در نیاورند و آنها را بارور و تلقیح نسازند، آبی در میان نخواهد بود، و اگر آب نباشد، کشتیها از حرکت می‌ایستند، و دنیای زندگان کره زمین هم نابود می‌شود، و هنگامی که جانداران و بویژه انسان بر کره زمین نباشند، کار فرشتگان راجع به انسان تعطیل می‌گردد (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره ذاریات آیه ۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ ٥﴾

ترجمه:

مسلّماً چیزی که بدان وعده داده می‌شوید و از آن ترسانیده می‌شوید، راست و قطعی است.

توضیحات:

«تُوعَدُونَ»: وعد و وعید داده می‌شوید.

سوره ذاریات آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٌ ٦﴾

ترجمه:

و روز جزا، حتماً وقوع پیدا می‌کند و می‌آید.

توضیحات:

«الدِّینَ»: جزا و سزا. (نگا: فاتحه / ۴، حجر / ۳۵، شعراء / ۸۲).

سوره ذاریات آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ ٧﴾

ترجمه:

سوگند به آسمان! که دارای راه‌ها است.

توضیحات:

«الْحُبُكِ»: جمع حَبیکة، راهها. هم‌وزن و هم‌معنی طرائق، جمع طَریقة است. مراد مسیرهای ستارگان و سیارگان است.

سوره ذاریات آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ٨﴾

ترجمه:

(ای کفار! هر لحظه) شما سخن و گفتار دیگری دارید. (گاه فرستاده ما را مجنون، گاه شاعر، گاه ساحر، و... می‌نامید).

توضیحات:

«قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ»: سخنان گوناگون و گفتارهای جوراجور.

سوره ذاریات آیه ۹

متن آیه:

﴿يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ أُفِكَ ٩﴾

ترجمه:

کسانی (از ایمان به سزا و جزا) منحرف می‌شوند که (از مسیر دلیل عقل و منطق حق طلبی، به سبب پیروی از اهریمن و هوا و هوس) منحرف شده باشند.

توضیحات:

«يُؤْفَكُ»: بازگردانده می‌شود. بدور داشته می‌شود. «عَنْهُ»: از ایمان به سزا و جزا در قیامت. «مَنْ أُفِكَ»: هر کس که اهریمن و هواها و هوس‌ها او را بازداشته باشد. «يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ»: این جمله بدان می‌ماند که برای بیان شدت جنگ گفته شود: جنگ درگرفت و هر که کشته شد، کشته شد، و هر که نجات یافت، نجات یافت. یعنی: از ایمان به سزا و جزا بازگردانده می‌شود هرکه باز گردانده می‌شود.

سوره ذاریات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ١٠﴾

ترجمه:

مرگ بر دروغگویان!

توضیحات:

«قُتِلَ»: نفرین و نابود باد! (نگا: عبس / ۱۷). «الْخَرَّاصُونَ»: دروغگویان. کسانی که حرفهای بی‌پایه و بی سر و ته می‌زنند. کسانی که از روی گمان و تخمین سخن می‌گویند.

سوره ذاریات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ١١﴾

ترجمه:

همان کسانی که در گرداب ضلالت و جهالت، غافل و سرگشته‌اند (و راه بجائی نمی‌برند).

توضیحات:

«غَمْرَةٍ»: گرداب. ورطه. مراد گرداب و ورطه غفلت و بی‌خبری و نادانی است.

«سَاهُونَ»: جمع ساهی، غافل. دچار اشتباه. مراد غافل از ادلّه و براهین یقینی و قطعی است.

سوره ذاریات آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٢﴾

ترجمه:

(با تمسخر پیوسته) می‌پرسند: روز (حساب و کتاب و) سزا و جزا کی خواهد آمد؟

توضیحات:

«أَيَّانَ»: کی؟ چه وقت؟ پرسش کفار هم جنبه استهزاء دارد و هم جنبه بعید به نظر رسیدن وقوع قیامت.

سوره ذاریات آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَوۡمَ هُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ يُفۡتَنُونَ ١٣﴾

ترجمه:

آن روز، روزی است که ایشان روی آتش گداخته می‌شوند.

توضیحات:

«يُفْتَنُونَ»: ذوب و گداخته می‌شوند. عذاب می‌گردند. مراد تعذیب ایشان با دوزخ است.

سوره ذاریات آیه ۱۴

متن آیه:

﴿ذُوقُواْ فِتۡنَتَكُمۡ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

(بدیشان گفته می‌شود:) بچشید عذاب خود را. این همان چیزی است که در فرا رسیدن آن شتاب می‌ورزیدید.

توضیحات:

«فِتْنَتَكُمْ»: عذاب خود را.

سوره ذاریات آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٥﴾

ترجمه:

پرهیزگاران در میان باغ‌های بهشت و چشمه ساران خواهند بود.

توضیحات:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ...»: (حجر / ۴۵).

سوره ذاریات آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ١٦﴾

ترجمه:

دریافت می‌دارند چیزهائی را که پروردگارشان بدی‌شان مرحمت فرموده باشد. چرا که آنان پیش از آن (در سرای جهان) از زمره نیکوکاران بوده‌اند.

توضیحات:

«ءَاخِذِينَ»: دریافت‌کنندگان و خوشنود شوندگان.

سوره ذاریات آیه ۱۷

متن آیه:

﴿كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧﴾

ترجمه:

آنان اندکی از شب می‌خفتند.

توضیحات:

«قَلِيلاً»: کمی، پاسی. مفعول فیه یا صفت ظرف یا مصدر محذوف است: «زَمَاناً قَلِيلاً». «یا هُجُوعاً قَلِيلاً». «مَا»: حرف زائد و برای تأکید قلّت است؛ یا این که مصدریه و فاعل (قَلِيلاً) است. «يَهْجَعُونَ»: می‌خوابیدند. می‌خفتند. از مصدر هُجُوع. آیه اشاره به عظمت سربرداشتن از خواب گرم و بستر نرم، و سر نهادن بر آستانه آفریدگار در دل شبها، و برداشتن دست دعا به درگاه خدا است.

سوره ذاریات آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ١٨﴾

ترجمه:

و در سحرگاهان درخواست آمرزش می‌کردند.

توضیحات:

«بِالأسْحَارِ»: در بامدادان. در سحرگاهان. یعنی تنها پاسی از شب می‌خوابیدند و در آخر شب هم طلب مغفرت می‌کردند.

سوره ذاریات آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ١٩﴾

ترجمه:

در اموال و دارائی‌شان حقی و سهمی (جز زکات) برای گدایان و بینوایان تهی‌دست بود.

توضیحات:

«السَّآئِلِ»: گدا. فقیری که طلب صدقه و احسان می‌کند. «الْمَحْرُومِ»: بی‌چیز. مراد فقیری است که روی گدائی را ندارد و درخواست چیزی از مردم نمی‌کند.

سوره ذاریات آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ لِّلۡمُوقِنِينَ ٢٠﴾

ترجمه:

در زمین دلائل و نشانه‌های فراوانی است برای کسانی که می‌خواهند به یقین برسند (و از روی دلیل خدای را بشناسند و آثار قدرت او را ببینند).

توضیحات:

«ءَايَاتٌ»: دلائل روشن. نشانه‌های آشکار. «لِلْمُوقِنِينَ»: برای افرادی که خواهان یقین هستند. کسانی که اهل یقین هستند.

سوره ذاریات آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٢١﴾

ترجمه:

و در خودِ وجود شما (انسانها، نشانه‌های روشن و دلائل متقن برای شناخت خدا و پی بردن به قدرت او) است. مگر نمی‌بینید؟

توضیحات:

«فِي أَنفُسِكُمْ»: دستگاه‌هائی که در بدن انسان است، مانند: قلب، کلیه، ریه، ده‌ها هزار کیلومتر رگ‌های درشت و باریک، ده میلیون میلیارد سلول، حواسی همچون بینائی و شنوائی و... هر یک آیتی از عظمت است. «أَفَلا تُبْصِرُونَ»؟: مگر غافل شده‌اید و نمی‌بینید؟ (نگا: قصص / ۷۲، زخرف / ۵۱).

سوره ذاریات آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

در آسمان، روزی شما است و نیز چیزهائی که بدان وعد و وعید داده می‌شوید.

توضیحات:

«رِزْقُكُمْ»: (نگا: هود / ۶). «مَا تُوعَدُونَ»: آنچه به آن وعده داده می‌شوید و آنچه از آن بیم داده می‌شوید. اشاره به هرگونه خیر و برکت یا بلا و عذابی است که خدا به انسان‌ها مژده داده، و یا انسان‌ها را از آن ترسانده است، از جمله بهشت (نگا: نجم / ۱۵).

سوره ذاریات آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

به خدای آسمان و زمین سوگند که این (مطلب، یعنی وقوع رستاخیز، حساب و کتاب، جزا و سزا، بهشت برای دینداران، و دوزخ برای بی‌دینان) حق است، درست همان‌گونه که شما سخن می‌گوئید (و سخن گفتن کاملاً برایتان محسوس است و درباره آن شک و تردیدی ندارید).

توضیحات:

«مِثْلَ مَآ أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ»: مراد این است که وقوع رستاخیز و وجود بهشت و دوزخ و

سعادت و شقاوت در آخرت، محقق و بدور از شک و گمان است، بدان گونه که سخن گفتن خودتان برایتان محسوس است و واقعیت دارد و درباره آن شک و تردید ندارید.

سوره ذاريات آیه ۲۴

متن آیه:

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٤﴾

ترجمه:

آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟

توضیحات:

«ضَيْفِ»: مهمان‌ها. این واژه برای مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث بکار می‌رود (نگا: حجر / ۵۱ و ۶۸، هود / ۷۸). مراد فرشتگانی است که به صورت انسان به پیش حضرت ابراهیم آمدند. «الْمُكْرَمِينَ»: بزرگواران.

سوره ذاريات آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید.

توضیحات:

«مُنكِرُونَ»: افراد ناآشنا و ناشناس (نگا: حجر / ۶۲).

سوره ذاريات آیه ۲۶

متن آیه:

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ ٢٦﴾

ترجمه:

به دنبال آن، پنهانی به‌سوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد.

توضیحات:

«رَاغَ»: پنهانی و یواشکی رفت (نگا: صافات / ۹۱ و ۹۳). «عِجْلٍ»: گوساله.

«سَمِينٍ»: چاق و فربه.

سوره ذاریات آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيۡهِمۡ قَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به‌سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟!

توضیحات:

«أَلا تَأْكُلُونَ»؟!: مگر نمی‌خورید؟! چرا نمی‌خورید؟!

سوره ذاریات آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٢٨﴾

ترجمه:

(هنگامی که دید دست به‌سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه بشارت دادند.

توضیحات:

«أَوْجَسَ»: احساس ترس کرد. خوف و هراس به دلش راه یافت. البته حضرت ابراهیم این ترس و خوف را بدی‌شان می‌گوید (نگا: حجر / ۵۲). علت خوف ابراهیم این بوده که برابر عرف آن زمان، اگر مهمان غذای مهماندار را نمی‌خورد، نشانه این بود که برای دشمنی و کار خطرناکی آمده است (نگا: هود / ۶۹ و ۷۰). «غُلامٍ»: پسر. مراد حضرت اسحاق است.

سوره ذاریات آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ ٢٩﴾

ترجمه:

همسرش جلو آمد، در حالی که (از تعجب) فریاد می‌کشید و به صورت خود می‌زد و می‌گفت: من پیرزنی نازا هستم (مگر می‌شود در این سن و سال بزایم و فرزندی به

دنیا بیاورم؟!).

توضیحات:

«صَرَّةٍ»: فریاد. واویلا (نگا: هود / ۷۲). «صَكَّتْ»: سیلی زد. چک زد. «عَجُوزٌ عَقِيمٌ»: (نگا: هود / ۷۲).

سوره ذاريات آيه ۳۰

متن آیه:

﴿قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٠﴾

ترجمه:

فرشتگان گفتند: همان‌گونه خواهد بود که گفتیم. پروردگارت دستور فرموده است (و قطعاً چنین خواهد شد). او (کارهایش) دارای حکمت، و آگاه (از هر چیز) است.

توضیحات:

«كَذٰلِكِ»: همان‌گونه خواهد شد که گفتیم. جار و مجرور است و در موضع نصب است و صفت مصدر محذوفی است و تقدیر چنین است: «قَوْلاً مِّثْلَ ذٰلِكَ الَّذِي قُلْنَا».

سوره ذاريات آيه ۳۱

متن آیه:

﴿قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣١﴾

ترجمه:

ابراهیم گفت: ای فرستادگان! (بعد از مژده، مأموریت شما چیست و) چه کار مهمی‌دارید؟

توضیحات:

«خَطْبُ»: کار مهم (نگا: طه / ۹۵، حجر / ۵۷، قصص / ۲۳، یوسف / ۵۱).

سوره ذاريات آيه ۳۲

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٍ مُّجۡرِمِينَ ٣٢﴾

ترجمه:

گفتند: ما به‌سوی مردمان بزهکاری فرستاده شده‌ایم.

توضیحات:

«قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ»: قوم لوط است.

سوره ذاریات آیه ۳۳

متن آیه:

﴿لِنُرۡسِلَ عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن طِينٖ ٣٣﴾

ترجمه:

تا بارانی از سنگ گِلی برآنان ببارانیم.

توضیحات:

«حِجَارَةِ مِّن طِينٍ»: سنگی از گِل. همان چیزی است که در (هود / ۸۲، حجر / ۷۴) با واژه (سِجّیل= سنگ گِل) بیان شده است و کیفیت آن بر ما معلوم نیست.

سوره ذاریات آیه ۳۴

متن آیه:

﴿مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُسۡرِفِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

این سنگ‌ها، از جانب پروردگارت، برای اسرافکاران (در فسق و فجور) نشاندار شده بود.

توضیحات:

«مُسَوَّمَةً»: دارای علامت و نشانه، نشاندار (نگا: آل‌عمران / ۱۴، هود / ۸۳).

سوره ذاریات آیه ۳۵

متن آیه:

﴿فَأَخۡرَجۡنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٣٥﴾

ترجمه:

ما تمام مؤمنانی را که در شهرهای قوم لوط زندگی می‌کردند (قبل از نزول بلا از شهرها) بیرون بردیم.

توضیحات:

«فِيهَا»: در شهرهای قوم لوط. مرجع ضمیر حذف شده و براثر شهرت از سیاق کلام پیدا است. همچون (ارض) در (فاطر / ۴۵). «الْمُؤْمِنِينَ»: کسانی که ایمان داشته

باشند، و آن عقائد است.

سوره ذاریات آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَمَا وَجَدۡنَا فِيهَا غَيۡرَ بَيۡتٖ مِّنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

در آن مناطق جز یک خانواده مسلمان (راستین) نیافتیم.

توضیحات:

«بَيْتٍ»: اهل یک خانواده یا خاندان. مراد خانواده یا خاندان لوط علیه السلام است. «الْـمُسْلِمِينَ»: کسانی که اسلام داشته باشند، و آن اعمال است، از قبیل: نماز و روزه. مراد از این خانواده و یا خاندان، کسانی است که ایمان و اسلام را یکجا در خود گرد آورده و در گفتار و کردار فرمانبردار آفریدگار بوده‌اند.

سوره ذاریات آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَتَرَكۡنَا فِيهَآ ءَايَةٗ لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٣٧﴾

ترجمه:

در آن سرزمین نشانه‌ای (دالّ بر هلاک کفار) برای کسانی برجای گذاشتیم که از عذاب دردناک (دنیوی و اخروی خدا) می‌ترسند.

توضیحات:

«تَرَكْنَا»: باقی گذاشتیم. «ءَايَةً»: اثر و نشانه‌ای که به وسیله آن، خداپرستان در آینده پند و عبرت بگیرند.

سوره ذاریات آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَفِي مُوسَىٰٓ إِذۡ أَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ٣٨﴾

ترجمه:

در (داستان زندگی) موسی نیز پند و عبرت وجود دارد. آنگاه که او را مجهز به نیروی آشکاری (از معجزات که عصا و ید بیضا بود) به‌سوی فرعون فرستادیم.

توضیحات:

«سُلْطَانٍ مُّبِينٍ»: قدرت آشکار. مراد معجزات موسی (ع) است، از قبیل عصا و ید بیضاء (نگا: هود / ۹۶، مؤمنون / ۴۵، غافر / ۲۳).

سوره ذاریات آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝٣٩﴾

ترجمه:

او همراه با نیروهای (نظامی و انتظامی) خود از (پیام حق و از ایمان به) موسی رویگردان شد و گفت: او جادوگر یا دیوانه است.

توضیحات:

«بِرُكْنِهِ»: اگر حرف (ب) باء مصاحبت باشد، معنی چنین است: فرعون و هم ارکان حکومت و لشکریانش از فرمان خدا و اطاعت از موسی رویگردان شدند. اگر باء سببیه باشد، معنی چنین است: او به سبب تکیه بر ارکان حکومت و لشکریانش از فرمان خدا، رویگردان شد. یا این که او با تمام وجود متکبرانه روی برتافت. اگر حرف تعدیه باشد، معنی چنین است: او هم خودش از فرمان خدا روی برتافت و هم ارکان حکومت و لشکریان خود را از حق منحرف ساخت. «رُكْنٍ»: جانب، مراد ارکان بدن، یعنی تمام وجود است. تکیه‌گاه مادی، از قبیل لشکر و سپاه و اموال و اولاد.

سوره ذاریات آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ۝٤٠﴾

ترجمه:

ما او را و لشکریانش را گرفتار کردیم و به دریایشان انداختیم، و او سزاوار سرزنش بود (و لذا تاریخ، نام ننگین و رفتار و کردار شرم‌آورش را همیشه به خاطر خواهد داشت).

توضیحات:

«فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ...»: (نگا: قصص / ۴۰). «مُلِيمٌ»: مستحق لومه و سزاوار سرزنش. کسی که کاری کند که به سبب آن درخور ملامت باشد (نگا: صافات / ۱۴۲).

سوره ذاریات آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَفِي عَادٍ إِذۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلۡعَقِيمَ ٤١﴾

ترجمه:

در سرگذشت قوم عاد نیز پند و عبرتی است. بدانگاه که تندباد بی‌خیر و برکتی (که مرگ و نابودی ایشان را به همراه داشت) به‌سوی ایشان وزان کردیم.

توضیحات:

«الرِّيحَ الْعَقِيمَ»: باد نازا و بی‌باران. باد بیفایده و بی‌برکت. مراد بادی است که خیر و خوبی به همراه ندارد، و بلکه هلاک و نابودی با خود می‌آرد (نگا: احقاف / ۲۴ و ۲۵).

سوره ذاریات آیه ۴۲

متن آیه:

﴿مَا تَذَرُ مِن شَيۡءٍ أَتَتۡ عَلَيۡهِ إِلَّا جَعَلَتۡهُ كَٱلرَّمِيمِ ٤٢﴾

ترجمه:

به هر چیزی که برمی‌خورد بر جایش نمی‌گذاشت، مگر این که همچون استخوانهای پوسیده و پودر شده‌اش می‌کرد.

توضیحات:

«مَا تَذَرُ»: رها نمی‌کرد. برجا نمی‌گذاشت. ترک نمی‌گفت. «الرَّمِيمِ»: استخوان پوسیده و متلاشی شده (نگا: یس / ۷۸).

سوره ذاریات آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذۡ قِيلَ لَهُمۡ تَمَتَّعُواْ حَتَّىٰ حِينٍ ٤٣﴾

ترجمه:

در سرگذشت قوم ثمود نیز پند و عبرت است. بدان هنگام که بدی‌شان گفته شد: مدت کوتاهی از زندگی تمتع برگیرید و بهره ببرید.

توضیحات:

«حَتّي حِينٍ»: تا مدت ناچیزی. تا زمان کوتاهی. مراد تا پایان عمر و فرارسیدن مرگ است. یا مراد سه روز مذکور در (هود / ۶۵) می‌باشد (نگا: زاد المسیر).

سوره ذاریات آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمۡ يَنظُرُونَ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

آنان از فرمان پروردگارشان سر باز زدند و صاعقه ایشان را فرا گرفت و آنان خیره خیره بدان نگاه می‌کردند (و نابودی خویش را می‌دیدند و قدرتی بر دفاع از خویشتن نداشتند!).

توضیحات:

«عَتَوْا»: سرکشی کردند. از پذیرش فرمان سرباز زدند (نگا: فرقان / ۲۱). «وَهُمْ يَنظُرُونَ»: در حالی که ایشان صاعقه را می‌نگریستند که دارد ایشان را هلاک می‌سازد.

سوره ذاریات آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مِن قِيَامٖ وَمَا كَانُواْ مُنتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

آنان (چنان نقش زمین شدند که) نتوانستند برخیزند و نتوانستند (از کسی یاری بطلبند و) خویشتن را کمک کنند.

توضیحات:

«مُنتَصِرِينَ»: یاری‌دهندگان. کمک‌کنندگان.

سوره ذاریات آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ﴿٤٦﴾﴾

ترجمه:

پیش از آنان، ما قوم نوح را هلاک ساخته بودیم. چرا که ایشان قوم فاسقی بوده و (با انجام کفر و معاصی) از فرمان خدا خارج شده بودند.

توضیحات:

«كَانُوا قَوْماً فَاسِقِينَ»: (نگا: نمل / ۱۲، زخرف / ۵۴).

سوره ذاریات آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءَ بَنَيۡنَٰهَا بِأَيۡيْدٖ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

ما آسمان را با قدرت بنا ساخته‌ایم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.

توضیحات:

«أَيْدٍ»: قدرت و قوت (نگا: ص / ۱۷). در رسم‌الخط قرآنی با دو یاء نوشته شده است. «لَـمُوسِعُونَ»: جمع مُوسِع، دارای قدرت و توانائی. گسترش‌دهنده. «إِنَّا لَـمُوسِعُونَ»: این بخش از آیه، اشاره به نظریه گسترش جهان دارد. علم امروز ثابت کرده است که نه تنها کره زمین، بر اثر مواد آسمانی تدریجاً فربه و سنگین‌تر می‌شود، بلکه آسمان‌ها نیز در حال گسترش هستند. ستارگانی که در یک کهکشان قرار دارند، به سرعت از مرکز کهکشان دور می‌شوند، و میلیاردها کهکشان در فضای جهان از یکدیگر دور می‌گردند، و بالاخره جهان پیوسته در حال انبساط و توسعه است. حتی دانشمندان می‌گویند: تمام کرات آسمانی و کهکشان‌ها در آغاز در مرکز واحدی جمع بوده - با وزن مخصوص فوق‌العاده سنگین - سپس انفجار عظیم و بسیار وحشتناکی در آن رخ داده، و به دنبال آن، اجزای جهان متلاشی شده، و به صورت کرات درآمده است، و به سرعت در حال عقب‌نشینی و توسعه است (نگا: المنتخب. نمونه).

سوره ذاریات آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضَ فَرَشۡنَٰهَا فَنِعۡمَ ٱلۡمَٰهِدُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

و زمین را پهن کرده‌ایم (و برای زندگی مردمان آماده ساخته‌ایم) و چه آماده‌کنندگان خوبی بوده‌ایم!

توضیحات:

«فَرَشْنَاهَا»: زمین را پهن کرده‌ایم. «الْـمَاهِدُونَ»: جمع ماهِد، آماده سازنده. خدای مهربان زمین را برای زندگی مردمان همچون گهواره آماده فرموده است و چنانکه باید برای آسایش ایشان فراهم آورده است (نگا: طه / ۵۳، زخرف / ۱۰).

سوره ذاریات آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَمِن كُلِّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَا زَوۡجَيۡنِ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٤٩﴾

ترجمه:

ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا این که شما (عظمت آفریدگار را) یاد کنید.

توضیحات:

«زَوْجَيْنِ»: یک جفت نر و ماده در جهان جانداران و گیاهان و جمادات و غیره (نگا: شعراء / ۷، یس / ۳۶، زخرف / ۱۲، طه / ۵۳).

سوره ذاریات آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٥٠﴾

ترجمه:

به سوی (عبادت) خدا بشتابید. من بیم‌دهنده آشکاری از سوی او برای شما هستم (و پیغمبری من با دلائل و معجزات، برای شما روشن است).

توضیحات:

«فِرُّوا»: بگریزید. مراد گریختن از کفر و بت‌پرستی، به‌سوی خداشناسی و یکتاپرستی، و از گناهان و سیئات، به‌سوی عبادات و حسنات است. خلاصه گریز از موجبات عذاب و شقاوت، به‌سوی موجبات نعمت و سعادت. «مُبِينٌ»: آشکار. یعنی پیغمبری من با دلائل و معجزات، روشن است، و برای شما ناشناخته نیست.

سوره ذاریات آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٥١﴾

ترجمه:

با خدا، معبود دیگری را انباز مسازید. من بیم‌دهنده و بیان‌گر (عاقبت وحشتناک شرک و بت‌پرستی) از سوی خدا برای شما می‌باشم.

توضیحات:

«مُبِينٌ»: بیان‌گر. یعنی عاقبت دردناک بت‌پرستی و شرک را برایتان بیان میدارم و کژراهه شقاوت را از شاهراه سعادت برایتان جدا می‌سازم.

سوره ذاریات آیه ۵۲

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ ۝٥٢﴾

ترجمه:

همین‌گونه (که اینان شما را تکذیب می‌دارند) هیچ پیغمبری به‌سوی مردمان پیش از ایشان نرفته است، مگر این که گفته‌اند: او جادوگر یا دیوانه است.

توضیحات:

«كَذلِكَ»: بهمین صورت. کار به همین منوال است. خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «أَلأَمْرُ كَذلِكَ».

سوره ذاریات آیه ۵۳

متن آیه:

﴿أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ طَاغُونَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

مگر همدیگر را (به گفتن چنین سخنی) سفارش کرده‌اند؟! نه، بلکه آنان مردمان طغیانگرینْد (و عامل وحدت عمل ایشان همان روحیه واحد خبیث طغیانگریشان است).

توضیحات:

«أَتَوَاصَوْا بِهِ»: همزه استفهام برای تعجب است و مراد این است که ای مردم! مایه تعجب است که بی‌دینان انگار یکدیگر را به تکذیب انبیاء سفارش کرده‌اند.

سوره ذاریات آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٍ ۝٥٤﴾

ترجمه:

از ستیزه با آنان روی بگردان، چون تو سرزنش نمیگردی (که چرا ایشان ایمان نمی‌آورند).

توضیحات:

«تَوَلَّ عَنْهُمْ»: از ستیزه با آنان روی بگردان، چرا که ایشان متکبر و ستیزه‌جویند

«مَلُومٍ»: لومه شده. سزاوار سرزنش.

سوره ذاریات آیه ۵۵

متن آیه:

﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٥﴾

ترجمه:

پند و اندرز بده، چرا که پند و اندرز به مؤمنان سود می‌رساند (و کاری می‌کند که خدا را فراموش نکنند، و پیوسته بر ایمان و یقین‌شان بیفزایند).

توضیحات:

«الذِّكْري»: موعظه حسنه. پند و اندرزی که انسان را به یاد خدا می‌اندازد و موجب تقویت ایمان و افزایش تقوا می‌گردد.

سوره ذاریات آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾

ترجمه:

من پری‌ها و انسان‌ها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.

توضیحات:

«لِيَعْبُدُونِ»: تا مرا پرستش و بندگی کنند (نگا: بینه / ۵).

سوره ذاریات آیه ۵۷

متن آیه:

﴿مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ٥٧﴾

ترجمه:

من از آنان نه درخواست هیچ‌گونه رزق و روزی می‌کنم، و نه می‌خواهم که مرا خوراک دهند.

توضیحات:

«مَآ أُرِيدُ مِنْهُمْ...»: من بی‌نیاز از جهانیانم و روزیده ایشانم؛ نه روزیخوار آنان.

سوره ذاریات آیه ۵۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ٥٨﴾

ترجمه:

تنها خدا روزی‌رسان و صاحب قدرت و نیرومند است و بس.

توضیحات:

«ذُوالْقُوَّةِ»: دارای نیرو. «الـْمَتِينُ»: دارای نیروی فراوان. تأکید (ذُوالْقُوَّةِ) است.

سوره ذاریات آیه ۵۹

متن آیه:

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَـٰبِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ۝٥٩﴾

ترجمه:

کسانی که ستم می‌کنند، سهم بزرگی از عذاب دارند، همانند سهم بزرگ یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین!). بنابراین، از من به شتاب وقوع عذاب را مخواهید.

توضیحات:

«ذَنُوباً»: سطل بزرگ، دلوهای بزرگی که دنباله دارند. «فَلا يَسْتَعْجِلُونِ»: (نگا: انبیاء / ۳۷).

سوره ذاریات آیه ۶۰

متن آیه:

﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن يَوْمِهِمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ۝٦٠﴾

ترجمه:

واویلا بر کافران! از دست آن روزی که ایشان بدان وعده داده می‌شوند.

توضیحات:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ...»: (نگا: ابراهیم / ۲، مریم / ۳۷، ص / ۲۷، زخرف / ۶۵).

سوره طور

سوره طور آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلطُّورِ ۝١﴾

ترجمه:

سوگند به کوه طور! (که موسی بالای آن با خدا به گفتگو و مناجات پرداخته است).

توضیحات:

«الطُّورِ»: اسم خاص کوهی در سرزمین سینا است! (نگا: مؤمنون / ۲۰، تین / ۲).

سوره طور آیه ۲

متن آیه:

﴿وَكِتَـٰبٍ مَّسْطُورٍ ۝٢﴾

ترجمه:

و قسم به کتاب نوشته شده (آسمانی! که برای رهنمود انسان‌ها به کره زمین فرستاده شده است).

توضیحات:

«کِتَابٍ»: جنس کتاب مراد است و منظور همه کتاب‌های آسمانی است. قرآن. این نظریه به دو دلیل مقبول است: الف – قرآن، چکیده و هماهنگ با مقاصد اصلی همه کتاب‌های آسمانی است (نگا: بقره / ۴۱ و ۹۱ و ۹۷، آل‌عمران / ۳ و ۵۰، مائده / ۴۶ و ۴۸) ب – در موارد دیگری خداوند به قرآن قسم یاد کرده است (نگا: یس / ۲، ص / ۱، زخرف / ۲، دخان / ۲). «مَسْطُورٍ»: نگارش یافته. نوشته شده. (نگا: اسراء / ۵۸، احزاب / ۶). لوح محفوظ. تورات (نگا: اعراف / ۱۴۵).

سوره طور آیه ۳

متن آیه:

﴿فِى رَقٍّ مَّنشُورٍ ۝٣﴾

ترجمه:

(کتابی که نوشته شده است) در صفحاتی و (میان جهانیان) پخش گردیده است.

توضیحات:

«رَقٍّ»: صفحه. اسم جنس جمعی و مراد صفحات یا الواح است. «مَنشُورٍ»: پخش شده. گشوده و باز.

سوره طور آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلۡبَیۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ ۝٤﴾

ترجمه:

و قسم به خانه آبادان (کعبه! که دائماً از زائران موج می‌زند).

توضیحات:

«الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ»: کعبه مشرفه که در مکه است. بیت‌المعمور که در آسمان است و دائماً فرشتگان در آن گروه گروه به تقدیس و تسبیح خدا مشغولند.

سوره طور آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ۝٥﴾

ترجمه:

و سوگند به سقف برافراشته (آسمان)!

توضیحات:

«السَّقْفِ»: آسمان مراد است (نگا: انبیاء / ۳۲). «الْمَرْفُوعِ»: برافراشته. برپاداشته شده. آسمان با داشتن ستارگان فراوان آن چنان بالای سر ما را پوشانده و زینت داده‌اند، انگار بام کره زمین بوده و قسمت پائین آن سقف این بنای آسمان (نگا: نازعات / ۲۷ و ۲۸). البته بخشی از آسمان، جو اطراف زمین است که قشر فشرده‌ای از هوا است که همچون سقف محکمی اطراف کره زمین را فرا گرفته است و آن را در برابر سنگ‌های سرگردان آسمانی و اشعه زیانبار کیهانی به خوبی حفظ می‌کند.

سوره طور آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ ۝٦﴾

ترجمه:

و سوگند به دریای سراپا آتش!

توضیحات:

«الْمَسْجُورِ»: برافروخته. لبریز از شعله و آتش (نگا: تکویر / ۶). منفجر شده. مراد آب دریاها در هنگامه وقوع قیامت است که اتم‌های آبها منفجر می‌گردد (نگا: انفطار / ۳) و مواد مذاب و گداخته‌های درونی زمین در آنها روان می‌شود.

سوره طور آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ ۝٧﴾

ترجمه:

که قطعاً عذاب پروردگارت واقع می‌شود (و کفار را در آغوش خود می‌کشد).

توضیحات:

«إِنَّ عَذَابَ...»: جواب قسم‌های متعدد پیشین است.

سوره طور آیه ۸

متن آیه:

﴿مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ ۝٨﴾

ترجمه:

و هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند از وقوع آن جلوگیری کند.

توضیحات:

«دَافِعٍ»: دفع‌کننده. بازدارنده.

سوره طور آیه ۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوۡرٗا ۝٩﴾

ترجمه:

روزی (این عذاب الهی رخ می‌دهد که) آسمان سخت به تکان و جنبش می‌افتد و تند درهم می‌لولد.

توضیحات:

«مَوْراً»: حرکت و اضطراب. رفت و برگشت. موج زدن و چرخیدن. درهم لولیدن و حرکت مارپیچی پیدا کردن.

سوره طور آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ سَيۡرٗا ١٠﴾

ترجمه:

و کوه‌ها (از جا کنده می‌شوند و) به شتاب روان می‌گردند.

توضیحات:

«سَیْراً»: حرکت کردن. روان شدن.

سوره طور آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١١﴾

ترجمه:

آن روز، وای به حال کسانی که (حق را) تکذیب کرده‌اند!

توضیحات:

«وَیْلٌ»: (نگا: بقره. ۷۹، ابراهیم / ۲، مریم / ۳۷).

سوره طور آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ ١٢﴾

ترجمه:

آنان که سرگرم کارهای باطل خویشند (و پیوسته مشغول طعنه زدن به اسلام و قرآن و پیغمبرند).

توضیحات:

«خَوْضٍ»: فرو رفتن به کارهای بیهوده و کودکانه (نگا: توبه / ۶۵ و ۶۹، انعام / ۶۸ و ۹۱).

سوره طور آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ١٣﴾

ترجمه:

روزی آنان را با زور به میان آتش دوزخ می‌اندازند.

توضیحات:

«يُدَعُّونَ»: با قهر و زور پرت می‌گردند و انداخته می‌شوند. «دَعّاً»: با خشونت فرو انداختن. به شدت پرت کردن و راندن (نگا: ماعون / ۲). «يُدَعُّونَ إِلَي النَّارِ»: با خشونت به آتش انداخته می‌شوند (نگا: نمل / ۹۰). با خشونت به‌سوی آتش رانده می‌شوند (نگا: زمر / ۷۱، مریم / ۸۶).

سوره طور آیه ۱۴

متن آیه:

﴿هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ١٤﴾

ترجمه:

(در این وقت فرشتگان بدی‌شان می‌گویند:) این همان آتشی است که آن را دروغ می‌پنداشتید.

توضیحات:

«هذِهِ النَّارُ...»: (نگا: سجده / ۲۰، سبأ / ۴۲).

سوره طور آیه ۱۵

متن آیه:

﴿أَفَسِحۡرٌ هَٰذَآ أَمۡ أَنتُمۡ لَا تُبۡصِرُونَ ١٥﴾

ترجمه:

آیا این جادو است؟ یا این که شما نمی‌بینید؟

توضیحات:

«أَفَسِحْرٌ هذا...»: کافران پیوسته کارهای انبیاء را سحر می‌نامیدند (نگا: مائده / ۱۱۰، یونس / ۷۶، هود / ۷). لذا روز قیامت به عنوان سرزنش هنگامی که آتش را می‌بینند و یا به درون آن انداخته می‌شوند، بدی‌شان می‌گویند: این هم سحر و جادو

است! «أَمْ أَنتُمْ لا تُبْصِرُونَ»: این بخش هم جنبه سرزنش دارد. کافران در دنیا می‌گفتند: پیغمبران جادوگرند و بر چشمان ما پرده می‌افکنند، و... (نگا: اعراف / ۱۳۲) در قیامت بدی‌شان گفته می‌شود: آیا این عذاب سحر است؟ آیا پرده بر چشمان شما افکنده‌اند؟

سوره طور آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ٱصۡلَوۡهَا فَٱصۡبِرُوٓاْ أَوۡ لَا تَصۡبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٦﴾

ترجمه:

به آتش وارد شوید و بدان بسوزید، چه شکیبائی هم کنید و چه بیتابی، به حال شما تفاوتی نمی‌کند. چرا که تنها برابر کارهائی که خودتان کرده‌اید کیفر داده می‌شوید.

توضیحات:

«إِصْلَوْهَا»: داخل آتش شوید و بدان بسوزید و حرارت آن را بچشید (نساء / ۱۱۵ و ۳۰ و ۵۶، صافات / ۱۶۳، ص ۵۹).

سوره طور آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ ١٧﴾

ترجمه:

اما پرهیزگاران در میان باغ‌های بهشت و نعمت‌های فراوان جای دارند.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ وَنَعِیمٍ»: تنوین این واژه‌ها بیان‌گر کثرت و عظمت است.

سوره طور آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ وَوَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ١٨﴾

ترجمه:

و در برابر چیرهائی که خدا بدی‌شان داده است شاد و خوشحالند، و (نعمت بزرگ‌تر از این، این که) خدای ایشان، آنان را از عذاب دوزخ محفوظ و مصون داشته است.

توضیحات:

«فَاکِهِینَ»: افراد شاد و مسرور (نگا: یس / ۵۵، دخان / ۲۷).

سوره طور آیه ۱۹

متن آیه:

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٩﴾

ترجمه:

به پاداش کارهائی که کرده‌اید بخورید و بیاشامید، نوش و گوارایتان باد!

توضیحات:

«هَنِیئاً»: گوارا و بی‌دردسر. مفعول مطلق یا صفت مصدر محذوفی است (نگا: نساء / ۴).

سوره طور آیه ۲۰

متن آیه:

﴿مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖۖ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ ٢٠﴾

ترجمه:

این در حالی است که بر تخت‌های ردیف و کنار هم چیده تکیه زده‌اند، و زنان سیاه چشم و درشت چشم زیبای بهشتی را همسرشان نموده‌ایم (و در کنارشان قرار داده‌ایم).

توضیحات:

«سُرُرٍ»: جمع سَریر، تخت‌ها (نگا: حجر / ۴۷، صافات / ۴۴). «مَصْفُوفَةٍ»: ردیف و کنار هم چیده شده. رده نهاده. «حُورٍ عِینٍ»: (نگا: دخان / ۵۴). از این آیه و آیات دیگر قرآن برمی‌آید که تخت‌ها گرداگرد مجلس بزم و مقابل یکدیگر نهاده شده‌اند، تا مجلس انس هر چه باشکوه‌تر باشد.

سوره طور آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٞ ٢١﴾

ترجمه:

کسانی که خودشان ایمان آورده‌اند و فرزندان‌شان از ایشان در ایمان آوردن پیروی کرده‌اند، (در بهشت) فرزندان‌شان را بدی‌شان ملحق می‌گردانیم (تا زادگان دلبند خود

را در کنار خود ببینند و از انس با آنان لذت بیشتر ببرند) بی‌آنکه ما اصلاً از عمل آن کسان چیزی بکاهیم (و از اندوخته پدران و مادران چیزی برداریم و به فرزندان‌شان بدهیم، و یا بدین وسیله بر حسنات فرزندان بیفزائیم و یا گناهانشان را از این راه بزدائیم). چرا که هر کس در گرو کارهائی است که کرده است.

توضیحات:

«مَآ أَلَتْنَاهُمْ»: از کارهایشان نکاسته‌ایم. فعل مهموز الفاء أَلَتَ، یأْلِتُ، بر وزن ضَرَبَ یضْرِبُ، با فعل اجوف یائی لاتَ، یلیتُ، در معنی یکسان است (نگا: حجرات / ۱۴). «مَآ أَلَتْنَا مِنْ عَمَلِهِمْ شَیْئاً»: از پاداش کارهای پدران اصلاً چیزی نمی‌کاهیم. مراد این است که ترفیع منزلت فرزندان باعث تنزل مقام پدران نبوده، و بلکه مراد اعطاء نعمت انس و تشکیل مجمع دل‌های عاشقان یزدان است. «رَهِینٌ»: گروگان.

سوره طور آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَأَمۡدَدۡنَٰهُم بِفَٰكِهَةٖ وَلَحۡمٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

پیوسته هر گونه میوه‌ای و گوشتی را که بخواهند در اختیارشان می‌گذاریم.

توضیحات:

«أَمْدَدْنَاهُمْ»: یاری‌شان می‌دهیم. بدی‌شان می‌دهیم (نگا: مؤمنون / ۵۵، نمل / ۳۶).

سوره طور آیه ۲۳

متن آیه:

﴿يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأۡسٗا لَّا لَغۡوٞ فِيهَا وَلَا تَأۡثِيمٞ ٢٣﴾

ترجمه:

آنان در آنجا جامهای (شراب طهور) را که نه بیهوده‌گوئی و یاوه‌سرائی در آن است و نه با گناه همراه است، از دست یکدیگر می‌گیرند (و سر می‌کشند و خوش می‌شوند).

توضیحات:

«یَتَنَازَعُونَ»: مشتاقانه از دست یکدیگر می‌ربایند و می‌گیرند. «لَغْوٌ»: یاوه‌سرائی.

بیهوده‌گوئی. «تَأۡثِيمٌ»: گناه‌ورزی. بزهکاری. یعنی شراب آخرت، نه موجب یاوه‌سرائی و پریشان گوئی می‌شود، و نه موجب گناه می‌گردد، و نه کار مستان به کتک و کتک‌کاری می‌کشد.

سوره طور آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ غِلۡمَانٞ لَّهُمۡ كَأَنَّهُمۡ لُؤۡلُؤٞ مَّكۡنُونٞ ٢٤﴾

ترجمه:

پیوسته در گرداگرد آنان نوجوانان ایشان (برای خدمتگزاریشان) در چرخش و گردشند. انگار آنان (در صفا و پاکی) مرواریدهای پنهان (در صدف) هستند.

توضیحات:

«غِلۡمَانٞ»: جمع غُلام، پسران نوجوان. مراد خدمتکاران و کارگزاران است. «لُؤۡلُؤٞ»: مروارید. «مَكۡنُونٞ»: پنهان در صدف. مروارید در درون صدف به قدری تازه و شفاف و زیبا است که حد ندارد (نگا: واقعه / ۲۳).

سوره طور آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ٢٥﴾

ترجمه:

پرسش‌کنان روی به همدیگر می‌کنند (و هر یک از آنان از نعمت‌ها و خوشی‌های بهشت و الطاف بیکران یزدان با دیگری سخن می‌گوید).

توضیحات:

«أَقۡبَلَ»: رو کرد. «يَتَسَآءَلُونَ»: از همدیگر می‌پرسند. مراد صحبت آنان از گذشته خود در دنیا، و تعریف وضع خوش فعلی است.

سوره طور آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ ٢٦﴾

ترجمه:

می‌گویند: ما پیش از این (در دنیا) در میان خانواده و فرزندانمان بیمناک (از خشم

خدا و حساب و کتاب و جزا و سزای قیامت) بودیم.

توضیحات:

«فِي أَهْلِنَا»: در میان اهل و خانواده خود. همراه با فرزندان و خانواده خود. «مُشْفِقِينَ»: جمع مُشْفِق، ترسان و هراسان. بیمناک. مراد بیمناک از بازخواست الهی در پایان عمر، و پی‌آمد اخروی است.

سوره طور آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ ٢٧﴾

ترجمه:

سرانجام خداوند در حق ما لطف و مرحمت فرمود، و از عذاب سراپا شعله دوزخ ما را بدور داشت.

توضیحات:

«مَنَّ»: منت نهاد. منت بر دو قسم است: الف - مذموم ب - مقبول. قسمت اخیر که مراد آیه هم همین است، به معنی لطف و مرحمت و خوبی و نیکی است. «السَّمُومِ»: شعله آتش بدون دود (نگا: المصحف المیسر). آتشی که از سوراخ‌های بدن بگذرد (نگا: روح‌المعانی). باد گرم و سوزان (نگا: مجمع البیان الحدیث، فرهنگ لغات قرآن قریب).

سوره طور آیه ۲۸

متن آیه:

﴿إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلُ نَدۡعُوهُۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ٢٨﴾

ترجمه:

ما پیش از این (در جهان، تنها) او را به فریاد می‌خواندیم و فقط وی را پرستش می‌کردیم. واقعاً او نیکوکار و مهربان است.

توضیحات:

«نَدْعُوهُ»: بفریادش می‌خواندیم. او را می‌پرستیدیم. «الْبَرُّ»: نیکوکار (نگا: روح‌المعانی).

سوره طور آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَذَكِّرۡ فَمَآ أَنتَ بِنِعۡمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٖ وَلَا مَجۡنُونٍ ٢٩﴾

ترجمه:

(مردمان را به قرآن) پند و اندرز بده، تو در پرتو لطف و مرحمت پروردگارت نه غیبگوئی و نه دیوانه.

توضیحات:

«ذَكِّرْ»: پند بده. موعظه کن. «بِنِعْمَةِ»: در پرتو نعمت. به برکت مرحمت. «كَاهِنٍ»: غیبگو. کسی که ادعای علم غیب می‌کند. کسی که خبر از اسرار غیبی می‌دهد و مدعی است که با جنیان و پریان ارتباط دارد و اخبار غیبی را از ایشان می‌گیرد.

سوره طور آیه ۳۰

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ شَاعِرٞ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيۡبَ ٱلۡمَنُونِ ٣٠﴾

ترجمه:

آیا آنان می‌گویند که او شاعر است (و بگذارید تا زنده است اشعار خود را بسراید و دل مردمانی را برباید) و ما در انتظار مرگ او هستیم (تا دفتر اشعار و طومار عمرش را درهم پیچد و ما را از دست او راحت سازد).

توضیحات:

«شَاعِرٌ»: چامه‌سرا. خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: هُوَ شَاعِرٌ. «نَتَرَبَّصُ»: انتظار می‌کشیم. منتظر هستیم. «رَيْبَ»: شک و گمان. مشکوک. در اینجا مراد نزول و تغییرات است. «الْمَنُونِ»: مرگ. از نظر لغوی، به معنی قطع کننده است. مرگ هم رشته عمر را قطع می‌کند. «رَيْبَ الْمَنُونِ»: گمان مرگ. مرگ مشکوک. با توجه به معنی اخیر، اضافه صفت به موصوف خود است. یعنی مرگی که وقت فرا رسیدنش مورد گمان است و معلوم نیست.

سوره طور آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قُلۡ تَرَبَّصُواْ فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُتَرَبِّصِينَ ٣١﴾

ترجمه:

بگو: شما در انتظار (پندارهای خامتان) باشید، و من هم با شما در انتظار (عاقبت نیک خود و سرانجام بد شما) هستم.

توضیحات:

«الْمُتَرَبِّصِینَ»: انتظار کشندگان.

سوره طور آیه ۳۲

متن آیه:

﴿أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

آیا خردهایشان ایشان را به این (سخنان متناقض) دستور می‌دهد؟ یا این که اصلاً مردمان طغیانگر و سرکشی هستند (و سرپیچی از فرمان حق، سرشت و خصیصه آنان شده است؟).

توضیحات:

«أَحْلام»: جمع حِلْم، خردها و عقل‌ها. «هذا»: این سخنان متناقض. یعنی گاهی پیغمبر را شاعر، گاهی مجنون، زمانی کاهن، و غیره می‌نامند. در صورتی که کاهن و شاعر، خردمند هستند، و مجنون، دیوانه و بی‌خرد است.

سوره طور آیه ۳۳

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥۚ بَل لَّا يُؤۡمِنُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

آیا می‌گویند: (محمد خودش قرآن را از پیش خود ساخته است و) آن را فراهم آورده است؟! بلکه ایشان اصلاً ایمان ندارند.

توضیحات:

«تَقَوَّلَهُ»: آن را از پیش خود ساخته است و به دروغ به خدا نسبت داده است (نگا: حاقه / ۴۴).

سوره طور آیه ۳۴

متن آیه:

﴿فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

اگر راست می‌گویند (که محمد خودش قرآن را از پیش خود ساخته است) سخنی

همچون آن را بیاورند و ارائه دهند.

توضیحات:

«فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ...»: (نگا: بقره / ۲۳، یونس / ۳۸، هود / ۱۳، اسراء / ۸۸).

سوره طور آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

آیا ایشان (همین جوری از عدم سر بر آورده‌اند و) بدون هیچ‌گونه خالقی آفریده شده‌اند؟ و یا این که (خودشان خویشتن را آفریده‌اند و) خودشان آفریدگارند؟

توضیحات:

«مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ»: بدون هیچ چیزی و هیچ آفریدگاری. یعنی بدون علت به وجود آمده‌اند. «أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»: یعنی خودشان آفریدگار، و علت خویشتن هستند.

سوره طور آیه ۳۶

متن آیه:

﴿أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

یا این که آنان آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه ایشان طالب یقین نیستند.

توضیحات:

«لا يُوقِنُونَ»: به یقین و باور نرسیده‌اند و هنوز سرگشته‌اند. جویا و خواستار یقین نیستند و در پی ایمان به وحدانیت خدا نمی‌باشند.

سوره طور آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَيۡطِرُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

آیا گنجینه‌های پروردگارت نزد ایشان و در اختیار آنان است (تا هر گونه که بخواهند قضاوت کنند و نبوت را به این بدهند و به آن ندهند؟) یا این که ایشان (بر همه چیز جهان) سیطره دارند (و ارباب و فرمانده کل کائنات هستند؟).

توضیحات:

«الْـمُصَيْطِرُونَ»: جمع مُصَيطِر، مسلط و توانا. غالب و چیره. مُصَیطِر و مُسَیطِر یکی است (نگا: غاشیه / ۲۲). علت تبدیل (س) به (ص) به سبب حرف استعلاء (ط) است.

سوره طور آیه ۳۸

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ سُلَّمٞ يَسۡتَمِعُونَ فِيهِۖ فَلۡيَأۡتِ مُسۡتَمِعُهُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٣٨﴾

ترجمه:

آیا نردبانی دارند و بالای آن (می‌روند و در آسمان‌ها، به عالم ملکوت) گوش فرا می‌دارند (و اسرار وحی را می‌شنوند؟). گوش فرا دهنده ایشان دلیل روشنی بیاورد و ارائه دهد (و این ادعای خود را ثابت کند).

توضیحات:

«سُلَّمٌ»: نردبان. «سُلْطَانٍ مُّبِينٍ»: دلیل و برهان روشن. دلیل و برهان بیانگر.

سوره طور آیه ۳۹

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُ ٱلۡبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلۡبَنُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

آیا دختران، سهم خدایند، و پسران، سهم شما؟!

توضیحات:

«لَهُ الْبَنَاتُ»: دختر و پسر از نظر ارزش انسانی با هم تفاوتی ندارند، و تعبیر آیه، در حقیقت از قبیل استدلال به عقیده باطل طرف مخالف بر ضد خود او است. و آن این که عرب‌ها به شدت از دختر بیزار بودند، و با وجود این زادگان خدا را دختر می‌دانستند (نگا: نحل / ۵۷، زخرف / ۱۷، صافات / ۱۴۹).

سوره طور آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

یا این که تو از آنان اجر و پاداشی (در مقابل ابلاغ رسالت خود بدیشان) میخواهی،

و همچون بار گرانی بر دوش آنان سنگینی می‌کند؟

توضیحات:

«مَغْرَمٍ»: غرامت. زیان. تاوان. خسارت (نگا: توبه / ۹۸). مصدر میمی است. «مُثْقَلُونَ»: سنگین باران. بار گرانان. از مصدر (إثقال) به معنی تحمیل مشقت و بار گران است.

سوره طور آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ٤١﴾

ترجمه:

یا این که نزد ایشان، علم غیبیات و اسرار نهان (جهان و ملکوت یزدان) است و از روی آن (برای مردم هر چه بخواهند) می‌نویسند؟

توضیحات:

«أَمْ عِندَهُمُ الْغَیْبُ»؟: آیا آنان غیب می‌دانند؟ آیا دانش اسرار نهان و علم غیب در پیش آنان است؟

سوره طور آیه ۴۲

متن آیه:

﴿أَمۡ يُرِيدُونَ كَيۡدٗاۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

یا این که می‌خواهند نیرنگ بزنند (و طرحهای شیطانی بریزند و حیله‌گری کنند، تا پیغمبر را از میان بردارند، یا با آئین او مقابله کنند. باید بدانند که) کفار به حیلت خود گرفتار می‌آیند (و توطئه‌های ایشان سرانجام بر ضد خودشان تمام می‌شود و جملگی ایشان محکوم نقشه‌های الهی هستند).

توضیحات:

«کَیْداً»: نیرنگ. حیله‌گری. توطئه. نقشه سوء (نگا: آل‌عمران / ۵۴). «الْـمَکِیدُونَ»: گرفتاران نیرنگ. شکست خوردگان توطئه (نگا: فاطر / ۴۳، انفال / ۳۰).

سوره طور آیه ۴۳

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

یا این که (آنان خیال می‌کنند که) معبودی (و حامی و یاوری) جز خدا دارند؟ خدا پاک و منزه از چیزهائی است که انبازش می‌دانند و می‌خوانند.

توضیحات:

«أَمْ لَهُمْ إِلهٌ...»: (نگا: حجر / ۹۶).

سوره طور آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَإِن يَرَوۡاْ كِسۡفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطٗا يَقُولُواْ سَحَابٞ مَّرۡكُومٞ ٤٤﴾

ترجمه:

اگر بنگرند که قطعه‌ای از آسمان فرو می‌افتد، می‌گویند: ابر متراکمی است.

توضیحات:

«كِسْفاً»: پاره. تکه. قطعه. «مَرْكُومٌ»: متراکم. «إِن يَرَوْا كِسْفاً»: مراد این است که مشرکان و منکران لجوج، آن چنان در عناد و دشمنی با پیغمبر و اسلام، پافشاری می‌کنند که اگر عذابی را که تمسخرکنان از پیغمبر خواسته بودند (نگا: اسراء / ۹۲) با چشم سر نزول آن را بالای سر خود ببینند، قبول نمی‌کنند و چیز دیگری قلمداد می‌نمایند (نگا: حجر / ۱۴ و ۱۵، احقاف / ۲۴).

سوره طور آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَذَرۡهُمۡ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي فِيهِ يُصۡعَقُونَ ٤٥﴾

ترجمه:

پس ایشان را به حال خود واگذار، تا برسند به روزی که در آن هلاک می‌گردند.

توضیحات:

«يُصْعَقُونَ»: نابود گردانده می‌شوند. هلاک می‌گردند. مراد فرا رسیدن مرگ ایشان در جنگ یا به هنگام اجل است. از مصدر إصعاق به معنی إهلاک است.

سوره طور آیه ۴۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

آن روزی که نیرنگ‌ها و توطئه‌هایشان سودی به حال‌شان نخواهد داشت، و (از هیچ سوئی) مدد و یاری نمی‌شوند.

توضیحات:

«كَيْدُهُمْ»: نیرنگ ایشان. نقشه‌های سوء و توطئه‌های کثیف‌شان. حیله‌گری‌هایشان.

سوره طور آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

برای ستمگران عذابی پیش از آن (عذاب سرمدی و ابدی، در همین جهان) هست، ولی بیشتر ایشان متوجه نمی‌گردند و نمی‌فهمند.

توضیحات:

«دُونَ ذلِكَ»: قبل از آن، علاوه از آن. یعنی قبل از عذاب آخرت، عذاب دیگری در همین جهان دارند، و یا گذشته از عذاب دنیوی، عذاب اخروی هم دارند.

سوره طور آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعۡيُنِنَاۖ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ٤٨﴾

ترجمه:

برابر فرمان پروردگارت، صبر و شکیبائی پیش گیر (و با استقامت و شجاعت، پیام آسمانی را به گوش انسان‌ها برسان و مترس) که تو زیر نظر ما و تحت حفاظت و رعایت ما هستی. وقتی که (سحرگاهان از خواب) بلند می‌شوی، به تسبیح و تقدیس و شکر و سپاس پروردگارت بپرداز.

توضیحات:

«لِحُكْمِ رَبِّكَ»: برابر فرمان پروردگارت. در راه ابلاغ فرمان پروردگارت. بر قوانین و مقررات پروردگارت پایدار باش. «بِأَعْيُنِنَا»: زیر نظر ما. تحت مراقبت و محافظت ما. «حِينَ تَقُومُ»: وقتی که سحرگاهان برمی‌خیزی. وقتی که از جا، و از مکانی، و از

مجلسی برمیخیزی. چرا که پیغمبر به هنگام برخاستن از هر جائی، می‌فرمود: «سُبْحانَكَ اللّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» (نگا: المراغی، نمونه).

سوره طور آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ٤٩﴾

ترجمه:

و در پاره‌ای از شب، و در وقت ناپدید شدن ستارگان (به سبب نور خورشید به هنگام طلوع فجر) شکر و سپاس و تسبیح و تقدیس خدای را بجای آور.

توضیحات:

«مِنَ الَّيْلِ»: در شب. در پاره‌ای از شب. مراد وقت ادای نماز مغرب و عشاء یا نماز تهجد است. «إِدْبَارَ»: پشت کردن. مراد ناپدید شدن ستارگان است به سبب نور خورشید. اشاره به وقت نماز صبح است.

سوره نجم

سوره نجم آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ ١﴾

ترجمه:

سوگند به ستاره در آن زمان که دارد غروب می‌کند!

توضیحات:

«النَّجْمِ»: جنس نجم مراد است و شامل همه ستارگان آسمان می‌گردد. «هَوي»: غروب کرد. مراد غروب ستارگان در همه اوقات، یا غروب و فرو افتادن آنها در پایان جهان است. بعضی (هَوي) را برای طلوع و غروب استعمال کرده‌اند (نگا: المراغی). به هر حال، اشاره به طلوع و غروب ستارگان است که از نشانه‌های بارز عظمت یزدان، و از اسرار بزرگ آفرینش، و از مخلوقات فوق‌العاده عظیم پروردگارند.

سوره نجم آیه ۲

متن آیه:

﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ ٢﴾

ترجمه:

یار شما (محمد) گمراه و منحرف نشده است، و راه خطا نپوئیده است و به کژراهه نرفته است.

توضیحات:

«مَا غَوي»: به باطل نگرویده است. به خطا نرفته و به کژراهه نیفتاده است (نگا: طه / ۱۲۱).

سوره نجم آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣﴾

ترجمه:

و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید.

توضیحات:

«عَنِ الْهَوَي»: از روی هوا و هوس. دل بخواه و خودسرانه. یعنی آنچه می‌گوید، به فرمان خدا می‌گوید و نه به فرمان دل، و از سوی خدا می‌گوید؛ نه از سوی خود.

سوره نجم آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

آن (چیزی که با خود آورده است و با شما در میان نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا بدو) وحی و پیام می‌گردد.

توضیحات:

«إِنْ»: نیست. حرف نفی است. «هُوَ»: قرآن.

سوره نجم آیه ۵

متن آیه:

﴿عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

(جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است.

توضیحات:

«شَدِيدُ الْقُوي»: دارای نیروهای شگفت و قدرت‌های عظیم. مراد جبرئیل، فرشته وحی است.

سوره نجم آیه ۶

متن آیه:

﴿ذُو مِرَّةٍ فَٱسْتَوَىٰ ﴿٦﴾﴾

ترجمه:

همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بال‌هائی که کرانه‌های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد.

توضیحات:

«مِرَّةٍ»: تیزهوشی. خرد استوار. پختگی اندیشه. دقت و وارستگی. «ذُومِرَّةٍ»: تیزهوش و خردمند. دقیق و تیزبین. «إِسْتَوي»: به پا خاست. راست ایستاد. در مأموریت خود چیره و توانا شد. مراد نمایان شدن جبرئیل در آغاز وحی است به شکل اصلی فرشتگی و با قیافه واقعی و با بال‌هائی که افق کوه‌های دور و بر غار حراء را پر کرده بود (نگا: فاطر / ۱، تکویر / ۱۹ - ۲۳). حرف (ف) یا سببیه است. یعنی: به سبب قوّت و قدرتی که داشت، خویشتن را نمودار کرد. و یا عاطفه است. یعنی: بعد از ابلاغ و تعلیم وحی، به صورت اصلی خود ظاهر شد (نگا: قاسمی).

سوره نجم آیه ۷

متن آیه:

﴿وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ۝٧﴾

ترجمه:

در حالی که او در جهت بلند (آسمان رو به روی بیننده) قرار داشت.

توضیحات:

«الأفُقِ»: جهت. واژه افق، به معنی کناره آسمان، اصطلاح خاص علماء هیئت است و در اینجا مراد نیست (نگا: المصحف المیسر). «الأفُقِ الأعْلي»: جهت بالای سر بیننده.

سوره نجم آیه ۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝٨﴾

ترجمه:

سپس (جبرئیل) پائین آمد و سر در نشیب گذاشت.

توضیحات:

«دَنَا»: نزدیک شد. «تَدَلّي»: سر در نشیب گذاشت. رو به پائین آمد.

سوره نجم آیه ۹

متن آیه:

﴿فَكَانَ قَابَ قَوۡسَيۡنِ أَوۡ أَدۡنَىٰ ۝٩﴾

ترجمه:

تا آنکه فاصله او (و محمد) به اندازه دو کمان یا کمتر گردید.

توضیحات:

«قَابَ»: اندازه. مقدار. قدر. «قَابَ قَوْسَيْنِ»: مقدار طول دو کمان. در قدیم ادوات و ابزار اندازه‌گیری مسافات و فواصلِ کم عرب‌ها، کمان، نیزه، ذراع، و وَجَب بود (نگا: المصحف المیسر). «أَدْنَي»: نزدیکتر. کمتر.

سوره نجم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَأَوۡحَىٰٓ إِلَىٰ عَبۡدِهِۦ مَآ أَوۡحَىٰ ١٠﴾

ترجمه:

پس جبرئیل به بنده خدا (محمد) وحی کرد آنچه می‌بایست وحی کند.

توضیحات:

«أَوْحَي»: وحی کرد. پیام داد. فاعل جبرئیل است. «عَبْدِهِ»: مرجع ضمیر (ه) خدا است.

سوره نجم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١﴾

ترجمه:

دل (محمد) تکذیب نکرد چیزی را که او (با چشم سر) دیده بود.

توضیحات:

«الْفُؤَادُ»: دل پیغمبر (. «مَا»: مراد شکل و قیافه جبرئیل است. «رَأَي»: محمد دید.

سوره نجم آیه ۱۲

متن آیه:

﴿أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ١٢﴾

ترجمه:

آیا با او درباره چیزی که دیده است، ستیزه می‌کنید؟

توضیحات:

«تُـمَارُونَهُ»: با او مجادله و ستیزه‌گری می‌کنید (نگا: کهف / ۲۲، شوری / ۱۸).

سوره نجم آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ﴿١٣﴾﴾

ترجمه:

او که بار دیگر (در شب معراج) وی را دیده است.

توضیحات:

«نَزْلَةً»: دفعه. یک بار. مراد شب معراج است.

سوره نجم آیه ۱۴

متن آیه:

﴿عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

نزد سدرةالمنتهی.

توضیحات:

«سِدْرَةِ الْـمُنتَهي»: مکانی است در آسمان‌ها.

سوره نجم آیه ۱۵

متن آیه:

﴿عِندَهَا جَنَّةُ ٱلۡمَأۡوَىٰٓ ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

بهشت که منزل (و مأوای متقیان) است در کنار آن است.

توضیحات:

«جَنَّةُ الْـمَأْوي»: اضافه موصوف به صفت خود است، همچون مسجد الجامع، و یا این که اضافه بیانیه است (نگا: آلوسی).

سوره نجم آیه ۱۶

متن آیه:

﴿إِذۡ يَغۡشَى ٱلسِّدۡرَةَ مَا يَغۡشَىٰ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

در آن هنگام، چیزهائی سدره را فرا گرفته بود که فرا گرفته بود (و چنان عجائب و غرائبی، قابل توصیف و بیان، با الفبای زبان انسان نیست).

توضیحات:

«یَغْشي»: می‌پوشاند. فرا می‌گیرد. احاطه می‌کند. «مَا»: چیزهائی که. مراد آفریده‌هائی است که تنها خدا بدان‌ها آشنا است. برخی هم گفته‌اند: منظور انوار تجلی الهی، و زیبائیهای غیرقابل توصیف است. «مَا یَغْشي»: مراد تعظیم و تفخیم و تکثیر شیء یا اشیائی است که سدره را در آن وقت در بر گرفته بود.

سوره نجم آیه ۱۷

متن آیه:

﴿مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ١٧﴾

ترجمه:

چشم (محمد در دیدن خود به چپ و راست) منحرف نشد و به خطا نرفت، و سرکشی نکرد و (تنها به همان چیزی نگریست که می‌بایست ببیند و بنگرد).

توضیحات:

«مَا زَاغَ»: منحرف نشد. به چپ و راست نگرائید. به خطا نرفت. «مَا طَغي»: فراتر نرفت. جز به چیزی ننگریست که می‌بایست بنگرد و ببیند. یعنی درست به چیزی نگاه کرد که می‌بایست نگاه بکند، و آنچه دید عین واقعیت بود و حقیقت داشت.

سوره نجم آیه ۱۸

متن آیه:

﴿لَقَدۡ رَأَىٰ مِنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ ١٨﴾

ترجمه:

او بخشی از نشانه‌های بزرگ (و عجائب ملکوت) پروردگارش را (در آنجا) مشاهده کرد (از جمله، سدرةالمنتهی، بیت‌المعمور، بهشت، دوزخ، و جبرئیل را با قیافه فرشتگی خود).

توضیحات:

«مِنْ ءَایَاتِ...»: برخی از عجائب و غرائب شگفت ملکوت. قسمتی از نشانه‌های

بزرگ ساختار آفریدگار. حرف (مِنْ) تبعیضیه است. «الْكُبْرَي»: بزرگ. صفت (ءَايَاتِ) است. «لَقَدْ رَأَي مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَي»: سه نکته در این آیه است: الف - حضرت محمد در شب معراج برخی از عجائب و غرائب ملکوت، یا به عبارت دیگر چندی از آسمان‌ها را دیده است؛ نه همه آسمان‌ها را (نگا: اسراء / ۱). ب - او آیات عظمت و نشانه‌های بزرگ آفرینش را دیده است نه خود آفریدگار را، چرا که خدا از تجلی خود چیزی نفرموده است و بحث از معراج را با رؤیت آیات کونی پایان داده است (نگا: صفوةالتفاسیر). ج - آنچه را که ملاحظه فرموده است واقعیت داشته است و در عالم بیداری بوده نه در عالم خواب و خیال.

سوره نجم آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ ١٩﴾

ترجمه:

آیا چنین می‌بینید (و این‌گونه معتقدید) که لات و عزی.

توضیحات:

«اللاّتَ»: نام صخره سنگ سفید و منقشی در طائف بوده که بارگاه و پرده‌دارانی برای آن ترتیب داده بودند و آن را می‌پرستیدند. «الْعُزّي»: نام درختی در سرزمین نخله، میان مکه و طائف بوده که بارگاه و پرده‌دارانی داشته است (نگا: قاسمی).

سوره نجم آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ ٢٠﴾

ترجمه:

و منات، سومین بت دیگر (معبود شما و دختران خدایند، و دارای قدرت و عظمت می‌باشند؟).

توضیحات:

«مَنَاتَ»: نام صخره سنگی در سرزمین مشلّل، نزدیک قدید، میان مکه و مدینه بوده است. برخی هم لات و عزّی و منات را بت‌هائی از سنگ می‌دانند که در داخل کعبه

بوده‌اند. «الثَّالِثَةَ الأُخْري»: صفت اوّل و دوم منات هستند، و برای تحقیر رتبه آن از دو تای نخست است. یعنی منات که در رتبه سوم و بعد از لات و عزی است. عرب‌ها به این سه بت اهمیت فراوانی می‌دادند و آنها را تمثال یا نظر کردگان فرشتگانی می‌پنداشتند که ایشان را دختران خدا می‌خواندند. در نامگذاری نیز از اسماء و صفات خداوند استفاده کرده بودند: (أَللاّت) مؤنث (الله)، (عُزّي) مؤنث (أَعَزّ)، و (مَنات) ظاهراً مؤنث (مُني) است.

سوره نجم آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ ٢١﴾

ترجمه:

آیا پسر مال شما باشد، و دختر مال خدا؟! (در حالی که به گمان شما دختران کم‌ارزش‌تر از پسرانند؟!)

توضیحات:

«أَلَكُمُ الذَّكَرُ...»: عرب‌ها فرشتگان را مؤنث و دختر خدا می‌دانستند (نگا: آیه ۲۷). همچنین بت‌های خود را با اسم‌های مؤنث نامگذاری می‌نمودند و انباز خداوند می‌شمردند!

سوره نجم آیه ۲۲

متن آیه:

﴿تِلۡكَ إِذٗا قِسۡمَةٞ ضِيزَىٰٓ ٢٢﴾

ترجمه:

در این صورت، این تقسیم ظالمانه و ستمگرانه‌ای است.

توضیحات:

«قِسْمَةٌ»: تقسیم. بخش کردن. «ضِيزَيا»: ستمگرانه. غیر عادلانه.

سوره نجم آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ ٢٣﴾

ترجمه:

این‌ها فقط نام‌هائی (بی‌محتوی و اسم‌هائی بی‌مسمی) است که شما و پدرانتان (از پیش خود) بر آنها گذاشته‌اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی (بر صحت آنها) نازل نکرده است. آنان جز از گمان‌های بی‌اساس و از هواهای نفس پیروی نمی‌کنند. در حالی که هدایت و رهنمود از سوی پروردگارشان برای ایشان آمده است (و در پرتو آن می‌توانند به ناچیزی بت‌ها پی ببرند و رضای خدای را بجویند و راه سعادت بپویند).

توضیحات:

«إِنْ هِيَ إِلاّ أَسْمَآءٌ»: بت‌ها جز اسم‌های بی‌مسمی نبوده و کمترین اثری از الوهیت در آنها موجود نمی‌باشد، و معبودهای موهومی و زائیده پندار نفسهای بیمارند، و لذا پرستش را نشایند.

سوره نجم آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَمۡ لِلۡإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ ٢٤﴾

ترجمه:

مگر آنچه انسان آرزو کند به آن می‌رسد و خواهد داشت؟!

توضیحات:

«مَا تَـمَنّي»: آنچه خواسته است. یعنی انسان هر چه بخواهد، نباید که چنان پیش بیاید و بشود. مراد این است که چشم طمع ایشان به شفاعت بت‌ها بیجا است.

سوره نجم آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَلِلَّهِ ٱلۡأٓخِرَةُ وَٱلۡأُولَىٰ ٢٥﴾

ترجمه:

چرا که دنیا و آخرت از آن خدا است (و قانونگذاری و فرماندهی هر دو سرا مربوط بدو است).

توضیحات:

«الأولي»: این جهان (نگا: قصص / ۷۰).

سوره نجم آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ ٢٦﴾

ترجمه:

چه‌بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند و (با وجود عظمت و بزرگواریشان) شفاعت ایشان سودی نمی‌بخشد و کاری نمی‌سازد، مگر بعد از آنکه خدا بخواهد به کسی (که شفیع است) اجازه دهد، و (از مشفوعٌ‌له) راضی و خوشنود گردد.

توضیحات:

«كَمْ»: چه بسیار است! «لا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً»: (نگا: طه / ۱۰۹، زخرف / ۸۶، یس / ۲۳). «يَرْضي»: (نگا: طه / ۱۰۹).

سوره نجم آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ ٢٧﴾

ترجمه:

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را با نام‌های زنان وصف و نامگذاری می‌کنند.

توضیحات:

«تَسْمِيَةَ»: نامگذاری کردن (نگا: حجرات / ۱۱). «تَسْمِيَةَ الأنثي»: مراد این است که نام‌های زنان را بر فرشتگان می‌گذارند و ایشان را دختران خدا می‌دانند (نگا: نحل / ۵۷، زخرف / ۱۹).

سوره نجم آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـٔٗا ٢٨﴾

ترجمه:

ایشان در این باب چیزی نمی‌دانند (و از نر و ماده بودن فرشتگان کاملاً بی‌خبرند) و جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند، و ظن و گمان هم (در بخش اعتقادات، به کسی

سودی نمی‌رساند، و انسان را) بی‌نیاز از حق نمی‌گرداند.

توضیحات:

«بِهِ»: به آن سخنی که درباره ماده بودن فرشتگان می‌گویند. مرجع ضمیر (ه) قول، یا مذکور تسمیه است. «إِنَّ الظَّنَّ لا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»: (نگا: یونس / ۳۶). ظن بجای یقین نمی‌نشیند و سودی نمی‌بخشد.

سوره نجم آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا ﴿٢٩﴾﴾

ترجمه:

از کسی روی بگردان که به قرآن ما پشت می‌کند و جز زندگی دنیوی نمی‌خواهد.

توضیحات:

«تَوَلّي»: پشت کرد. روی گردان شد. «ذِكْرِنَا»: یاد ما. قرآن ما (نگا: حجر / ۶ و ۹، نحل / ۴۴. همچنین: المنتخب).

سوره نجم آیه ۳۰

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ ٱهْتَدَىٰ ﴿٣٠﴾﴾

ترجمه:

منت‌های دانش ایشان همین است. پروردگار تو کسی را که از راه خدا منحرف شده باشد، و همچنین کسی را که راهیاب بوده باشد، به خوبی می‌شناسد (و بهتر از همه، احوال و اوضاع آنان را می‌داند).

توضیحات:

«مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ»: منت‌های دانش و آگاهی ایشان. نهایت فرزانگی و اطلاع آنان.

سوره نجم آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ

أَحۡسَنُواْ بِٱلۡحُسۡنَى ٣١﴾

ترجمه:

هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است، متعلق به خدا است. سرانجام خداوند بدکاران را در برابر کارهائی که می‌کنند کیفر می‌دهد، و نیکوکاران را در برابر کارهائی که می‌کنند به بهترین وجه پاداش عطاء می‌کند.

توضیحات:

«لِيَجْزِيَ...»: حرف (ل) لام غایت است. بنابراین جزا و سزا غایت و هدف آفرینش است. «بِالْحُسْني»: به بهترین وجه. به سبب اعمال نیک. پاداش نیکو که بهشت است.

سوره نجم آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَۚ إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلۡمَغۡفِرَةِۚ هُوَ أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ٣٢﴾

ترجمه:

همان کسانی که از گناهان بزرگ و بدکاری‌ها کناره‌گیری می‌کنند و اگر گناهی از آنان سر زند تنها صغیره است (و آن هم مورد عفو خدا قرار می‌گیرد) چرا که پروردگار تو دارای آمرزش گسترده و فراخ است. خداوند از همان زمان که شما را از زمین آفریده است، و از آن روز که شما به صورت جنین‌های ناچیزی در درون شکم‌های مادرانتان بوده‌اید، از (تمام ذرات و همه جزئیات وجود) شما به خوبی آگاه بوده است و هست. پس از پاک بودن خود سخن مگوئید، زیرا که او پرهیزگاران را (از همه) بهتر می‌شناسد.

توضیحات:

«الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَآئِرَ الإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ»: (نگا: شوری / ۳۷). «إِلاّ»: لکن. «اللَّمَمَ»: صغائر. گناهان کوچک، که مورد عفو خدایند (نگا: نساء / ۳۱). «أَجِنَّةٌ»: جمع جَنین. بچه‌ای که هنوز در شکم مادر است. «لا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ»: خودستائی مکنید. از پاک بودن خود لاف مزنید و سخن مگوئید (نگا: نساء / ۴۹).

سوره نجم آیه ۳۳

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي تَوَلَّىٰ ٣٣﴾

ترجمه:

آیا آن کسی را دیده‌ای که (از پیروی حق) دوری گزیده است؟

توضیحات:

«أَفَرَأَيْتَ»؟: آیا تأمّل کرده‌ای و شناخته‌ای؟ آیا اندیشیده‌ای و دیده‌ای؟ «تَوَلّي»: به حق پشت کرد. از پذیرش اسلام دوری‌گزید.

سوره نجم آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَأَعۡطَىٰ قَلِيلٗا وَأَكۡدَىٰٓ ٣٤﴾

ترجمه:

و اندکی بذل و بخشش کرده است و بعد از بذل و بخشش دست کشیده است؟

توضیحات:

«أَكْدي»: عطاء را قطع کرد. بخل ورزید و نداد.

سوره نجم آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡغَيۡبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ٣٥﴾

ترجمه:

آیا او علم غیب دارد، و می‌بیند (که پشت به اسلام کردن و حق را نپذیرفتن و بخل ورزیدن و بذل و بخشش ننمودن، پسندیده و بلامانع است؟).

توضیحات:

«يَري»: می‌بیند. یعنی حقیقت را می‌بیند و می‌داند.

سوره نجم آیه ۳۶

متن آیه:

﴿أَمۡ لَمۡ يُنَبَّأۡ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ٣٦﴾

ترجمه:

یا بدانچه در تورات موسی بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟

توضیحات:

«صُحُفِ»: جمع صَحیفة، کتاب‌ها. مراد تورات است (نگا: طه / ۱۳۳).

سوره نجم آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَإِبۡرَٰهِيمَ ٱلَّذِي وَفَّىٰٓ ٣٧﴾

ترجمه:

یا از آنچه در صحف ابراهیم بوده است، مطلع و باخبرش نکرده‌اند؟ ابراهیمی که (قهرمان توحید بوده و وظیفه خود را) به بهترین وجه ادا کرده است.

توضیحات:

«وَفَّي»: به تمام و کمال به عهد خود وفا نمود، و وظیفه خود را چنانکه باید ادا کرد (نگا: بقره / ۱۲۴).

سوره نجم آیه ۳۸

متن آیه:

﴿أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ ٣٨﴾

ترجمه:

(در صحف ایشان آمده است) که هیچکس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

توضیحات:

«أَلاّ تَزِرُ...»: اصل آن (أَنْ لا تَزِرُ...) است. حرف (أَنْ) مخفف از مثقله است «لا تَزِرُ وَازِةٌ وِزْرَ أُخْري»: (نگا: انعام / ۱۶۴، اسراء / ۱۵، زمر / ۷).

سوره نجم آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ٣٩﴾

ترجمه:

و این که برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است.

توضیحات:

«أَنْ»: حرف مخفف از مثقله است. «مَا سَعي»: واژه (ما) مصدریه است. یعنی جز سعی و تلاش خود انسان، بهره دیگری ندارد. می‌تواند موصوله هم باشد. یعنی جز آنچه برای آن تلاش کرده و انجام داده است، پاداش دیگری ندارد (نگا: آلوسی).

سوره نجم آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ ٤٠﴾

ترجمه:

و این که قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد.

توضیحات:

«سَوْفَ يُري»: دیده خواهد شد. هم خدا و رسول کارکرد او را می‌بینند، و هم مؤمنان و هم خودش (نگا: توبه / ۱۰۵، زلزله / ۷ و ۸، آل‌عمران / ۳۰).

سوره نجم آیه ۴۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَ ٱلۡأَوۡفَىٰ ٤١﴾

ترجمه:

سپس (در برابر کارش) سزا و جزای کافی داده می‌شود.

توضیحات:

«الأوْفي»: به تمام و کمال. کافی و بسنده.

سوره نجم آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ ٤٢﴾

ترجمه:

و این که قطعاً پایان راه به پروردگار تو منتهی می‌شود (و بازگشت همگان در پایان جهان بدو است).

توضیحات:

«الـْمُنتَهي»: نهایت کار. مرجع. بازگشت (نگا: غافر / ۳، علق / ۸).

سوره نجم آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضۡحَكَ وَأَبۡكَىٰ ۝٤٣﴾

ترجمه:

و این که قطعاً او است که می‌خنداند و می‌گریاند.

توضیحات:

«أَضْحَكَ وَأَبْكي»: خنداند و گریاند. یعنی اسباب خنده و گریه را فراهم می‌کند.

سوره نجم آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحۡيَا ۝٤٤﴾

ترجمه:

و این که قطعاً او است که می‌میراند و زنده می‌گرداند.

توضیحات:

«أَمَاتَ وَأَحْيَا»: (نگا: بقره / ۲۵۸، حجر / ۲۳، ق / ۴۳).

سوره نجم آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰ ۝٤٥﴾

ترجمه:

و این که او است که جفت‌های نر و ماده را می‌آفریند.

توضیحات:

«الذَّكَرَ»: بدل (الزَّوْجَيْنِ) است.

سوره نجم آیه ۴۶

متن آیه:

﴿مِن نُّطۡفَةٍ إِذَا تُمۡنَىٰ ۝٤٦﴾

ترجمه:

از نطفه ناچیزی، بدانگاه که (به رحم) جهانده می‌شود.

توضیحات:

«تُـمْني»: پرانده و جهانده می‌گردد (نگا: طارق / ۶).

سوره نجم آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَأَنَّ عَلَيۡهِ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰ ٤٧﴾

ترجمه:

و این که قطعاً بر خدا است که (رستاخیز را پدیدار و مردگان را) زندگی دوباره بخشد.

توضیحات:

«النَّشْأَةَ الأُخْري»: پیدایش دیگر. مراد رستاخیز مردگان و حیات دوباره است.

سوره نجم آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغۡنَىٰ وَأَقۡنَىٰ ٤٨﴾

ترجمه:

و این که او است که قطعاً ثروتمند می‌کند و فقیر می‌گرداند.

توضیحات:

«أَغْني»: دارائی داد و ثروتمند گرداند. «أَقْني»: همزه این واژه برای سلب است و به معنی (فقیر کرد) می‌باشد (نگا: آلوسی). به دلیل تقابل. «أَضْحَكَ وَ أَبْكي... أَماتَ وَ أَحْيَا». برخی هم آن را به معنی (توشه داد و ارضاء کرد) گرفته‌اند.

سوره نجم آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعۡرَىٰ ٤٩﴾

ترجمه:

و این که او است خداوندگار ستاره شِعری.

توضیحات:

«الشِّعْري»: نام ستاره‌ای است که گروهی از مشرکان عرب آن را می‌پرستیدند. قرآن می‌فرماید: چرا شعری را می‌پرستید، آفریدگار آن را بپرستید.

سوره نجم آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥٓ أَهۡلَكَ عَادًا ٱلۡأُولَىٰ ٥٠﴾

ترجمه:

و این که او است که عاد نخستین را نابود کرده است.

توضیحات:

«عَادًا الأُولي»: عاد نخستین، قوم معروف که پیغمبرشان حضرت هود بوده است (نگا: احقاف / ۲۱). عاد دوم، در مکه می‌زیسته‌اند و از نسل عاد نخستین بوده‌اند (نگا: المصحف المیسر).

سوره نجم آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَثَمُودَاْ فَمَآ أَبۡقَىٰ ٥١﴾

ترجمه:

و قوم ثمود را هلاک کرد و از ایشان هیچ باقی نگذاشت.

توضیحات:

«مَآ أَبْقي»: کسی از ایشان را باقی نگذاشت.

سوره نجم آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ هُمۡ أَظۡلَمَ وَأَطۡغَىٰ ٥٢﴾

ترجمه:

و نیز قوم نوح را قبل از آنان هلاک ساخت. چرا که ایشان از همگان ستمگرتر و سرکش‌تر بودند.

توضیحات:

«أَظْلَمَ»: ستمگرتر. «أَطْغي»: سرکش‌تر و نافرمان‌تر.

سوره نجم آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَٱلۡمُؤۡتَفِكَةَ أَهۡوَىٰ ٥٣﴾

ترجمه:

و شهرهای زیر و رو شده قوم لوط را فرو انداخت.

توضیحات:

«الْـمُؤْتَفِكَةَ»: (نگا: توبه / ۷۰). «أَهْوي»: از بالا به پائین انداخت. فرو انداخت.

سوره نجم آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ ٥٤﴾

ترجمه:

آن را فرو پوشاند آنچه می‌بایست آن را فرو پوشاند.

توضیحات:

«غَشّي»: فرا گرفت. دربر گرفت. پوشاند. «مَا»: مراد هول و هراس و سنگها و دیگر چیزها است. این واژه می‌تواند فاعل و یا مفعول به باشد.

سوره نجم آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ٥٥﴾

ترجمه:

پس (ای کافر نعمت) آیا به کدامیک از نعمت‌های پروردگارت شک و تردید می‌ورزی؟

توضیحات:

«ءَالآءِ»: جمع إِلْی، نعمت‌ها (نگا: اعراف / ۶۹). «تَتَمَـاري»: شک و تردید داری. از (مِرْيَة) به معنی شک و گمان (نگا: فصّلت / ۵۴).

سوره نجم آیه ۵۶

متن آیه:

﴿هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ ٥٦﴾

ترجمه:

این (پیغمبر، یکی از پیغمبران خدا، و) از زمره بیم دهندگان پیشین است.

توضیحات:

«هذا»: این پیغمبر. «نَذِیرٌ»: بیم‌دهنده از عقاب خدا (نگا: فاطر / ۲۴).

سوره نجم آیه ۵۷

متن آیه:

﴿أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ ٥٧﴾

ترجمه:

قیامت نزدیک گردیده است.

توضیحات:

«أَزِفَتْ»: نزدیک گردیده است. فرا رسیده است. «الآزِفَةُ»: نزدیک. مراد قیامت است (نگا: غافر / ۱۸).

سوره نجم آیه ۵۸

متن آیه:

﴿لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ ٥٨﴾

ترجمه:

جز خدا هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ظاهر و پدیدار کند.

توضیحات:

«کَاشِفَةُ»: ظاهر کننده و پدید آورنده (نگا: اعراف / ۱۸۷). جلوگیری کننده. معنی دیگر آیه: جز خدا هیچ‌کس نمی‌تواند از وقوع آن جلوگیری کند.

سوره نجم آیه ۵۹

متن آیه:

﴿أَفَمِنۡ هَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ تَعۡجَبُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

آیا از این سخن تعجب می‌کنید و در شگفت می‌افتید؟

توضیحات:

«هذَا الْحَدِیثِ»: مراد قرآن است (نگا: زمر / ۲۳).

سوره نجم آیه ۶۰

متن آیه:

﴿وَتَضۡحَكُونَ وَلَا تَبۡكُونَ ٦٠﴾

ترجمه:

و آیا می‌خندید و گریه نمی‌کنید؟

توضیحات:

«تَضْحَكُونَ»: می‌خندید. یعنی همچون استهزاء کنندگان می‌خندید. «لا تَبْكُونَ»: گریه نمی‌کنید. یعنی چرا باید همچون متقیان از خوف خدا گریه نکنید.

سوره نجم آیه ۶۱

متن آیه:

﴿وَأَنتُمۡ سَٰمِدُونَ ٦١﴾

ترجمه:

و آیا پیوسته در غفلت و هوسرانی بسر می‌برید؟

توضیحات:

«سَامِدُونَ»: جمع سامِد، غافل و هوسران. متکبر و سرگردان از غرور.

سوره نجم آیه ۶۲

متن آیه:

﴿فَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ وَٱعۡبُدُواْ۩ ٦٢﴾

ترجمه:

اکنون که چنین است خدا را سجده کنید و او را بپرستید.

توضیحات:

«فَاسْجُدُوا...»: مراد این است که اگر می‌خواهید در صراط مستقیم حق، گام بردارید، تنها برای او که تمام خطوط عالم هستی به ذات پاک وی منتهی می‌گردد، سجده کنید، و اگر می‌خواهید به سرنوشت دردناک اقوام پیشین گرفتار نیائید که بر اثر شرک و کفر و ظلم و ستم در چنگال عذاب الهی گرفتار شدند، تنها او را عبادت کنید.

سوره قمر

سوره قمر آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ١﴾

ترجمه:

قیامت هر چه زودتر فرا می‌رسد، و (در آن) ماه به دو نیم می‌گردد.

توضیحات:

«إِقْتَرَبَ»: نزدیک گشته است. ذکر فعل به صورت ماضی، برای تحقق وقوع است (نگا: نجم / ۵۷، انبیاء / ۱ و ۹۷). «إِنشَقَّ»: دو نیم شد. مراد وقوع آن در آینده به هنگام فرا رسیدن قیامت است (نگا: حاقه / ۱۶، رحمن / ۳۷، انشقاق / ۱). اکثر فعلهائی که برای رستاخیز و حساب و کتاب اخروی بکار رفته است، به شکل ماضی است (نگا: نحل / ۱، زمر / ۶۸ و ۶۹ و ۷۰، تکویر / ۱ - ۱۴). «إِنشَقَّ الْقَمَرُ»: ماه به دو نیم می‌گردد. ماه به دو نیم گشته است. معنی اخیر مبنی بر روایات متعددی است که می‌گویند پنج سال قبل از هجرت نبوی، اهل مکه از پیغمبر درخواست کردند که ماه را بعنوان معجزه برای ایشان دو نیم سازد و پیغمبر نیز با اشاره انگشت چنین کرد. بسیاری از مفسرین این امر را پذیرفته و بسیاری هم آن را نقد نموده و حادثه را مربوط به آینده می‌دانند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن، المراغی، المنتخب، المصحف المیسر).

سوره قمر آیه ۲

متن آیه:

﴿وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ ٢﴾

ترجمه:

و اگر مشرکان معجزه بزرگی را ببینند از آن روی‌گردان می‌گردند (و بدان ایمان نمی‌آورند) و می‌گویند: جادوی گذرا و ناپایداری است.

توضیحات:

«إِن يَرَوْا»: اگر ببینند. اگر بشنوند و بفهمند (نگا: المصحف المیسر). «ءَايَةً»: دلیل و برهانی دالّ بر وحدانیت خدا و صدق پیغمبرش (نگا: اعراف / ۱۴۶). آیه قرآنی. چرا که مشرکان آیات قرآنی را سحر و جادو می‌نامیدند (نگا: سبأ / ۴۳، زخرف / ۳۰، مدثر / ۲۴). معجزه بزرگ که مراد شق‌القمر است. «مُسْتَمِرٌّ»: همیشگی و پیاپی. گذرا و ناپایدار.

سوره قمر آیه ۳

متن آیه:

﴿وَكَذَّبُواْ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَكُلُّ أَمۡرٖ مُّسۡتَقِرّٞ ٣﴾

ترجمه:

آنان تکذیب می‌کنند و بدنبال هواهای خویش می‌روند. هر کاری هم ثابت و ماندگار می‌ماند (و هیچ چیز در جهان از میان نمی‌رود، و انسان جزا و سزای کردار بد و نیک خود را می‌بیند).

توضیحات:

«مُسْتَقِرٌّ»: ماندنی و ثابت. این تعبیر شاید به این حقیقت اشاره دارد که هیچ چیز در این عالم از میان نمی‌رود. لذا هر کار نیک و بدی ثابت و باقی می‌ماند و انسان مکافات عمل خویش را می‌بیند. هر کاری به غایتی و نهایتی می‌رسد که در آنجا آرام و قرار می‌گیرد، و خوبی یا بدی آن آشکار می‌گردد. نظیرآیات ۱ و ۲ و ۳ این سوره را در آیات ۱ و ۲ و ۳ سوره انبیاء بخوانید.

سوره قمر آیه ۴

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّنَ ٱلۡأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزۡدَجَرٌ ٤﴾

ترجمه:

اخباری که بتوانند موجب بیزاری (و دوری ایشان از گناهها و بدیها) شود به اندازه کافی برای آنان آمده است.

توضیحات:

«الأنبَآءِ»: جمع نبأ، اخبار. مراد خبرهای طوائف و ملل پیشین است که به عذابهای گوناگون دچار آمده‌اند و با بلاهای بزرگی ریشه‌کن گشته‌اند، و نیز مراد وجود حقائق

کونی و رهنمودهای پیغمبران و سخنان ایشان درباره مکافات و مجازات دنیا و آخرت است. «مُزْدَجَرٌ»: انزجار و ابتعاد از شرّ. دوری گزیدن و بیزاری جستن از گناهان و بدی‌ها. مصدر میمی باب افتعال زجر است.

سوره قمر آیه ۵

متن آیه:

﴿حِكۡمَةُۢ بَٰلِغَةٞۖ فَمَا تُغۡنِ ٱلنُّذُرُ ٥﴾

ترجمه:

(این آیات) عبرت‌های بسنده و اندرزهای رسائی هستند (که می‌توانند در روح و جان شنوندگان و بینندگانی که آماده پذیرش حق و حقیقت باشند، اثر بگذارند) امّا بر حذر داشتن‌ها و بیم دادن‌ها (ی قرآنی برای افراد لجوج بیفایده است و به حال آنان) سودی ندارد.

توضیحات:

«حِكْمَةٌ»: سخنان پندآمیز. اندرزهای سودمند. خبر مبتدای محذوف است و تقدیر چنین است: «هذِهِ الأشْیَآءُ الَّتي جَآءَ بِهَا الْقُرءَانُ حِكْمَةٌ». «بَالِغَةٌ»: رسا. بسنده برای خردمندان. «النُّذُرُ»: (نگا: یونس / ۱۰۱، قمر / ۱۶ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۱). یا این که جمع نَذیر به معنی مُنذِر، یعنی پیغمبران الهی (نگا: احقاف / ۲۱، نجم / ۵۶). معنی دوم در سوره قمر چندان مناسب نیست.

سوره قمر آیه ۶

متن آیه:

﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡۘ يَوۡمَ يَدۡعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَيۡءٖ نُّكُرٍ ٦﴾

ترجمه:

بنابراین از ایشان روی بگردان. آن روزی (را خاطر نشان ساز) که فرا خواننده (الهی برای گرد آمدن مردمان در محل حساب و کتاب قیامت ایشان را) به‌سوی چیز ناخوش‌آیندی فرا می‌خواند.

توضیحات:

«تَوَلَّ عَنْهُمْ»: از آنان روی بگردان. بدی‌شان اعتناء مکن. به ترک ایشان بگوی.

«يَوْمَ»: مفعول به فعل محذوفی است، و یا ظرف فعل (يَخْرُجُونَ) در آیه بعدی است. «يَدْعُو»: فرا می‌خواند. واو آن در رسم‌الخط قرآنی، برای تخفیف حذف شده است. «الدَّاعِي»: فرا خواننده. مراد اسرافیل است بدانگاه که برای بار دوم در صور می‌دمد و همگان را به‌سوی محکمه دادگاه قیامت فرا می‌خواند. یاء آن در رسم‌الخط قرآنی، برای تخفیف حذف شده است. «نُكُرٍ»: ناخوش‌آیند. ناپسند. مراد کار سخت و نامأنوس است که هول و هراس و دهشت و وحشت قیامت است.

سوره قمر آیه ۷

متن آیه:

﴿خُشَّعًا أَبْصَٰرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ۝٧﴾

ترجمه:

با چشمانی فروهشته و به زیر انداخته (از شرمساری و خواری) از گورها بیرون می‌آیند (و به هر سو می‌روند و می‌دوند) انگار آنان ملخهای پراکنده‌اند (که در دسته‌ها و گروه‌های نامنظم و بی‌هدف، راهی اینجا و آنجا می‌شوند).

توضیحات:

«خُشَّعاً»: جمع خاشِع، ذلیل و خوار. فرو افتاده و به زیر انداخته شده. حال ضمیر (و) در فعل (يَخْرُجُونَ) است. «أَبْصَارُ»: فاعل (خُشَّعاً) است (نگا: قلم / ۴۳). «الأجْدَاثِ»: جمع جَدَث، قبرها. گورها. «جَرَادٌ»: ملخ. «مُنتَشِرٌ»: پخش و پراکنده.

سوره قمر آیه ۸

متن آیه:

﴿مُّهْطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝٨﴾

ترجمه:

شتابان به‌سوی فرا خواننده (الهی، اسرافیل) می‌روند (و بدو می‌نگرند و چشم از او بر نمی‌دارند). کافران می‌گویند: امروز روز بسیار سخت و هراس‌انگیزی است.

توضیحات:

«مُهْطِعِينَ»: جمع مُهْطِع، شتابان و دوان. یعنی باشتاب به‌سوی اسرافیل می‌روند و در دادگاه الهی برای حساب و کتاب حاضر می‌شوند. یا این که به معنی گردن کشنده

و خیره نگاه کننده بوده، بدین معنی که انسان‌ها چون صدای وحشتناک و شیپور جمع شدن را می‌شنوند، فوراً گردن بلند می‌کنند و به‌سوی اسرافیل خیره خیره می‌نگرند و می‌دوند (نگا: ابراهیم / ۴۳). «عَسِرٌ»: سخت و دشوار. پر خوف و هراس (نگا: فرقان / ۲۶، مدثر / ۹). «الدَّاعِي»: (نگا: قمر / ۶).

سوره قمر آیه ۹

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ ٩﴾

ترجمه:

پیش از ایشان، قوم نوح، بنده ما (نوح) را تکذیب کردند (و دروغگویش نامیدند) و گفتند: دیوانه‌ای است و (از میان خردمندان) رانده شده است.

توضیحات:

«أُزْدُجِرَ»: رانده شده است. یعنی به عقیده سست کفار، نوح ؛ چون دیوانه است، عقلاء او را از میان خود رانده‌اند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن) یا جنیان و پریان بدو آسیب رسانده‌اند و از جامعه انسانیش رانده‌اند (نگا: روح‌البیان). یا این که: (وَازْدُجِرَ) جمله مستأنفه‌ای بوده و معنی چنین است: کافران نوح را از تبلیغ رسالت منع کردند و بازش داشتند و او هم چاره‌ای نداشت جز این که بجای تبلیغ به نجاری پردازد (نگا: هود / ۳۶ و ۳۷ و ۳۸). اغلب تفاسیر بر عقیده دوم هستند.

سوره قمر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠﴾

ترجمه:

تا آنجا که نوح پروردگار خود را بفریاد خواند (و عرضه داشت:) پروردگارا! من شکست خورده‌ام پس مرا یاری و کمک فرما (و انتقام مرا از ایشان بگیر).

توضیحات:

«أَنِّي مَغْلُوبٌ...»: اصل آن (بِأَنِّي مَغْلُوبٌ...) است و منصوب به نزع خافض است.

سوره قمر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ ١١﴾

ترجمه:

پس درهای آسمان را با آب تند ریزان و فراوانی از هم گشودیم. (بگونه‌ای که گوئی درهای آسمان همه باز شده و هر چه آب است فرو می‌بارد).

توضیحات:

«بِمَآءٍ»: حرف (ب) برای استعانت یا ملابست است. یعنی با ابزاری که آب نام داشت و یا به همراه آب. «مُنْهَمِرٍ»: تند بارنده. سخت ریزان. زیاد و فراوان.

سوره قمر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ١٢﴾

ترجمه:

و از زمین چشمه‌ساران زیادی برجوشاندیم (بگونه‌ای که گوئی تمام زمین یکپارچه به چشمه تبدیل شده است) و آب‌ها در هم آمیختند، برای اجرای فرمانی که (از جانب خدا صادر و) مقدر شده بود.

توضیحات:

«عُيُوناً»: جمع عَین، چشمه‌ها. تمییز است. «إِلْتَقي»: بهم رسید. در هم آمیخت. مراد مخلوط شدن آبهای آسمان، و زمین و نواحی مختلف آن است. «الْـمَآءُ»: جنس آب مراد است. «عَلي أَمْرٍ...»: واژه (عَلي) به معنی لام تعلیل است، یعنی بخاطر (نگا: المصحف المیسر). مراد از (أَمْرٍ) غرق کردن قوم طاغی و یاغی نوح است. «قُدِرَ»: اندازه‌گیری شده بود. معین و مقدر گشته بود.

سوره قمر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ ١٣﴾

ترجمه:

و نوح را بر کشتی ساخته شده از تخته‌ها و میخ‌ها، سوار کردیم.

توضیحات:

«ذَاتِ»: دارای. «أَلْوَاحٍ»: جمع لَوْح، تخته‌ها. «دُسُرٍ»: جمع دِسار، میخ‌ها.

سوره قمر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا جَزَآءٗ لِّمَن كَانَ كُفِرَ ١٤﴾

ترجمه:

این کشتی تحت مراقبت و مواظبت ما حرکت می‌کرد، برای پاداش دادن به کسی که بدو ایمان آورده نشده بود و تصدیق نگشته بود (و نعمت وجود او کفران شده بود).

توضیحات:

«بِأَعْيُنِنَا»: (نگا: هود / ۳۷، مؤمنون / ۲۷، طور / ۴۸). «جَزَآءً»: برای پاداش به. مفعول له است. «مَنْ»: مراد نوح ؑ است. «كَانَ كُفِرَ»: نسبت بدو کفر ورزیده شده بود. بدو ایمان آورده نشده بود. تصدیق نگشته بود. نعمت وجودش ناسپاس مانده بود و کفران شده بود.

سوره قمر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٥﴾

ترجمه:

ما این داستان را (که بیان‌گر غرق شدن کافران و نجات مؤمنان است) به عنوان درس عبرتی (در میان ملت‌ها) باقی گذاردیم. آیا هیچ پند گیرنده‌ای هست؟

توضیحات:

«تَرَكْنَاهَا»: برجایش گذاشتیم. آن را باقی گذاردیم. مرجع ضمیر (ها) قصه طوفان نوح است. برخی مرجع آن را (سَفِينَة) دانسته و معتقدند که در کوههای آرارات تا صدر اسلام و بلکه تا به امروز، تخته پاره‌هائی از این کشتی مانده است. «ءَايَةً»: عبرت. پند. حال یا مفعول دوم است. «مُدَّكِرٍ»: پند گیرنده. عبرت گیرنده. اسم فاعل باب افتعال (ذکر) است (نگا: یوسف / ۴۵).

سوره قمر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٦﴾

ترجمه:

آیا عذاب و عقاب من، و بیم دادن‌ها و برحذر داشتن‌های من چگونه بوده است؟! (آیا واقعیت داشته است، و یا افسانه بوده است؟).

توضیحات:

«فَكَيْفَ كَانَ...»: آیه برای تهدید کافرانی است که راه کفار زمان نوح را می‌سپردند. استفهام برای دریافت اقرار از مخاطبان است. «نُذُرِي»: (نگا: قمر / ۵). ضمیر متکلم (ی) برای تخفیف حذف شده است.

سوره قمر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٧﴾

ترجمه:

ما قرآن را آسان ساخته‌ایم، آیا پند پذیرنده و عبرت گیرنده‌ای هست؟

توضیحات:

«يَسَّرْنا»: ساده نموده‌ایم. آسان ساخته‌ایم. یعنی قرآن لغز و چیستان نبوده و پیچیدگی ندارد و به سادگی قابل آموزش است و تأثیر عمیق و شگفت‌انگیزی نیز در دل‌های آماده دارد. «الذِّكْرِ»: یاد کردن. پند دادن و پند گرفتن.

سوره قمر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ عَادٞ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٨﴾

ترجمه:

قوم عاد (هم پیغمبر خود، هود را) تکذیب کردند. آیا عذاب و عقاب من، و بیم دادن‌ها و برحذر داشتن‌های من به چه منوالی بوده است؟!

توضیحات:

«عَادٌ»: (نگا: هود / ۵۰). «نُذُرِي»: (نگا: قمر / ۱۶).

سوره قمر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِي يَوۡمِ نَحۡسٖ مُّسۡتَمِرّٖ ١٩﴾

ترجمه:

ما تندباد وحشتناک و سردی را در یک روز شومی که (هفت شب و هشت روز) ادامه داشت، بر آنان وزان و روان کردیم.

توضیحات:

«صَرْصَراً»: تند و سرد. پر سر و صدا و شدید. (نگا: فصّلت / ۱۶). «يَوْمٍ»: مراد آغاز وزیدن طوفانِ بلا و شروع آن است. والاّ هفت شب و هشت روز طوفان باد دوام داشته است (نگا: حاقه / ۷). یا این که مراد از (يَوْمٍ) مطلق زمان است (نگا: آلوسی).

سوره قمر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٖ مُّنقَعِرٖ ٢٠﴾

ترجمه:

بادی که مردمان را از زمین برمی‌داشت، بگونه‌ای که گوئی تنه‌های درختان خرمائی هستند که از جا کنده شده باشند.

توضیحات:

«تَنزِعُ»: برمی‌داشت. از جا بر می‌کند. «أَعْجَازُ»: جمع عَجُز، تنه‌ها. «مُنْقَعِرٍ»: از ریشه کنده شده. قلع شده. «كَأَنَّهُمْ أَعْجازُ نَخْلٍ...»: مردمان آن روزی به سبب قد بلندی که داشته‌اند، به تنه درختان خرما تشبیه شده‌اند.

سوره قمر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١﴾

ترجمه:

آیا عذاب و عقاب من، و بیم دادنها و برحذر داشتن‌های من (درباره مخالفان) چگونه و به چه منوالی بوده است؟!

توضیحات:

سوره قمر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٢٢﴾

ترجمه:

ما قرآن را ساده و آسان ساخته‌ایم، آیا پندپذیر و عبرت‌گیری هست؟

توضیحات:

سوره قمر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ ٢٣﴾

ترجمه:

قوم ثمود نیز بیم‌دادن‌ها و برحذر داشتن‌های (پیغمبر خود صالح) را تکذیب کردند و دروغش نامیدند.

توضیحات:

«النُّذُرِ»: جمع نَذِیر، به معنی إنذار، بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌ها. جمع نَذِیر، به معنی مُنْذِر، پیغمبران بیم‌رسان الهی. چرا که تکذیب پیغمبری تکذیب جملگی پیغمبران است (نگا: آلوسی).

سوره قمر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ ٢٤﴾

ترجمه:

آنان گفتند: آیا از انسانی از خودمان پیروی کنیم که تنها (و بدون قوم و عشیره) هم هست؟ در صورت پیروی از او، ما گمراه و دیوانه خواهیم بود.

توضیحات:

«بَشَراً واحِداً»: انسان تنها و بی‌قوم و عشیره و از عامه مردم، نه از خاندان بزرگ و قبیله سترگ. یک فرد. ما همه از یک فرد ضعیف پیروی کنیم؟! «سُعُرٍ»: دیوانگی. (مسعور) به معنی مجنون، از این واژه است.

سوره قمر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ مِنۢ بَيۡنِنَا بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ ٢٥﴾

ترجمه:

آیا از میان همه ما (افراد بزرگ و محترم و دانا و دارا) وحی بدو شده است؟! (نه! چنین نیست). بلکه او بسیار دروغگو و خودخواه است (و با تکبر و جاه‌طلبی می‌خواهد بر ما ریاست کند).

توضیحات:

«الذِّکْرُ»: وحی مراد است. «أَشِرٌ»: بسیار مغرور و متکبر. خودخواه و جاه‌طلب.

سوره قمر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ ٱلۡأَشِرُ ٢٦﴾

ترجمه:

فردا خواهند دانست که بسیار دروغگوی متکبر و خودخواه کیست.

توضیحات:

«غَداً»: فردای قیامت (نگا: حشر / ۱۸). زمانی که عذاب دنیوی خدا گریبان‌گیرشان گردید.

سوره قمر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ ٢٧﴾

ترجمه:

ما ماده شتر را برای امتحان ایشان خواهیم فرستاد، بنگر و ببین که چه می‌کند و بر سر آنان چه می‌آید و بسیار شکیبائی داشته باش (که خدا با تو است، و دستشان را از اذیت و آزارت کوتاه خواهد کرد).

توضیحات:

«مُرْسِلُو»: اصل آن «مُرْسِلُونَ»، و نون جمع در حالت اضافه افتاده است. به معنی: فرستندگان (نگا: فاطر / ۲، قصص / ۴۵). «فِتْنَةً»: امتحان. آزمون. مفعول له است.

«إِرْتَقِبْهُمْ»: ایشان را بپا و بنگر. مراقب‌شان باش. «إِصْطَبِرْ»: زیاد تحمل داشته باش. بسی صبر کن.

سوره قمر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ ٱلْمَآءَ قِسْمَةٌۢ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾﴾

ترجمه:

به آنان بگو که آب (چاهی که دارند، به فرمان خدا) میان ایشان و شتر تقسیم شده است (یک روز مال شما و یک روز متعلق به شتر است). نوبت هر کدام که باشد، بر سر آب می‌رود.

توضیحات:

«قِسْمَةٌ»: تقسیم شده است. مصدر به معنی اسم مفعول است. «بَيْنَهُمْ»: میان ایشان و شتر. استعمال ضمیر (هم) به خاطر تغلیب است. «شِرْبٍ»: نوبت نوشیدن و بهره‌برداری از آب (نگا: شعراء / ۱۵۵). «مُحْتَضَرٌ»: محل حضور. به صیغه اسم مفعول، وصف نوبت است؛ نه وصف اهل آن.

سوره قمر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَنَادَوْا۟ صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾﴾

ترجمه:

قوم ثمود، یار خود (قدار بن سالف) را صدا زدند (که بیا این شتر را بکش). او هم بی‌باکانه دست بکار شد و شتر را پی کرد.

توضیحات:

«تَعَاطَىا»: کار کشتن را بدست گرفت. دست بکار شد. شمشیر را برگرفت. «عَقَرَ»: نحر کرد. پی کرد.

سوره قمر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾﴾

ترجمه:

آیا عذاب و عقاب من، و بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌های من به چه منوالی بوده است (و به چه شکلی کافران را در بر گرفته است؟!).

توضیحات:

«كَيْفَ كَانَ...»: (نگا: قمر / ۱۶ و ۱۸).

سوره قمر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ٣١﴾

ترجمه:

ما بر آنان یک صدای سهمناک سر دادیم و ایشان همگی به صورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان در آغل جمع‌آوری می‌کند.

توضیحات:

«هَشِيمِ»: گیاه خشک و خرد شده. «الْمُحْتَظِرِ»: کسی که آغلی را برای گوسفندان و حیوانات درست می‌کند که مانع خروج آنها یا حمله حیوانات وحشی گردد، یا این که علوفه چهارپایان را در آن انبار می‌کند. «هَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ»: علوفه خشک موجود در آغل شخص آغلدار.

سوره قمر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٣٢﴾

ترجمه:

ما قرآن را (برای یادگیری) ساده و آسان نموده‌ایم، آیا پندپذیری و عبرت‌گیری هست؟

توضیحات:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا...»: (نگا: قمر / ۱۷).

سوره قمر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطِۭ بِٱلنُّذُرِ ٣٣﴾

ترجمه:

قوم لوط نیز بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌های (پیغمبر خود لوط) را تکذیب کردند.

توضیحات:

«كَذَّبَتْ... بِالنُّذُرِ»: (نگا: قمر / ۲۳).

سوره قمر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ ٣٤﴾

ترجمه:

ما بر آنان تندبادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد گماشتیم (و همگان را هلاک ساختیم) جز خاندان و پیروان لوط را که ما سحرگاهان ایشان را نجات دادیم (و از آن سرزمین بلازده رهائی‌شان بخشیدیم).

توضیحات:

«حَاصِباً»: بادی که سنگریزه را بردارد و پرت کند و ریگ‌ها را جابجا سازد (نگا: اسراء / ۶۸، عنکبوت / ۴۰). «بِسَحَرٍ»: در بامدادان. در سحرگاهان.

سوره قمر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ ٣٥﴾

ترجمه:

این نعمتی بود از جانب ما (به آل لوط). ما این‌گونه کسی را پاداش می‌دهیم که شکرگزار باشد.

توضیحات:

«نِعْمَةً»: مفعول له است.

سوره قمر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ ٣٦﴾

ترجمه:

لوط ایشان را از گرفتار کردن و کیفر دادن ما بیم داد، ولی آنان بر شک و گمان

خود نسبت به بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌ها افزودند (و بدان‌ها باور نکردند و بیراهه رفتند).

توضیحات:

«بَطْشَةَ»: فرو گرفتن و گرفتار ساختن. حمله کردن و کیفر دادن (نگا: دخان / ۱۶). «تَمَارَوْا»: شک کردند و گمان ورزیدند. «النُّذُرِ»: (نگا: قمر / ۵ و ۲۳ و ۳۳).

سوره قمر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِۦ فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٧﴾

ترجمه:

و با لوط درباره مهمانانش سخن گفتند (و از او خواستند آنان را در اختیار ایشان برای انجام کار منافی عفت بگذارد). ما چشمان‌شان را کور کردیم، (و بدی‌شان گفتیم:) بچشید عذاب و عقاب مرا، و بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌های مرا.

توضیحات:

«رَاوَدُوهُ»: با او گفتگو کردند. «رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ»: مراد این است که از لوط خواستند که از جانبداری مهمانان دست بردارد و ایشان را در اختیار آنان بگذارد، تا هر چه خواستند از اعمال منافی عفت نسبت بدی‌شان روا دارند (نگا: هود / ۷۸، حجر / ۶۸). «طَمَسْنَا»: از میان برداشتیم. محو و نابود کردیم (نگا: نساء / ۴۷، یونس / ۸۸، یس / ۶۶). «نُذُرِ»: (نگا: قمر / ۳۰).

سوره قمر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ صَبَّحَهُم بُكۡرَةً عَذَابٞ مُّسۡتَقِرّٞ ٣٨﴾

ترجمه:

بامدادان عذاب پیاپی و کوبنده و پایدار به سراغ ایشان آمد.

توضیحات:

«صَبَّحَهُمْ»: در فاصله طلوع فجر صادق و طلوع خورشید به سروقت‌شان آمد. «صَبَّحَ»: از مصدر تصبیح، بامدادان به پیش کسی آمدن. «بُكْرَةً»: صبح زود. اول صبح. «مُسْتَقِرٌّ»:

دائم و همیشگی، چرا که عذاب دنیوی ایشان با عذاب برزخی آنان اتصال پیدا کرد. پیاپی و کاری، زیرا تا آنان را از میان نبرد، ادامه داشت (نگا: قمر / ۳، نمل / ۴۰).

سوره قمر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝٣٩﴾

ترجمه:

پس بچشید عذاب و عقاب مرا، و بیم دادن‌ها و بر حذر داشتن‌های مرا.

توضیحات:

«فَذُوقُوا...»: (نگا: قمر / ۳۷).

سوره قمر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ۝٤٠﴾

ترجمه:

ما قرآن را (برای یاد گرفتن) ساده و آسان نموده‌ایم، آیا پندپذیری و عبرت‌گیری هست؟

توضیحات:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا...»: (نگا: قمر / ۱۷ و ۳۲).

وره قمر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ۝٤١﴾

ترجمه:

بیدار باش‌ها و هوشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ فرعونیان آمد.

توضیحات:

«النُّذُرُ»: (نگا: قمر / ۵ و ۲۳ و ۳۳ و ۳۶). «ءَالَ فِرْعَوْنَ»: خاندان و بستگان و همه پیروان فرعون.

سوره قمر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ٤٢﴾

ترجمه:

آنان همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما هم ایشان را گرفتار کردیم و کیفر دادیم بسان گرفتار ساختن و کیفر دادن خدائی چیره و پیروز و قدرتمند و زبردست.

توضیحات:

«ءَايَاتِ»: آیه‌های کتاب آسمانی و معجزات پیغمبران.

سوره قمر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي ٱلزُّبُرِ ٤٣﴾

ترجمه:

(ای قریشیان!) آیا کافران شما بهتر از آنانی هستند که برایتان روایت کردیم، (مثل: قوم نوح، عاد، ثمود، لوط، فرعون؟!). یا این که برای شما امان‌نامه‌ای در کتابها (از سوی خدا) نازل شده است (مبنی بر این که کافرانتان را عذاب نمی‌رسانیم؟!).

توضیحات:

«أَكُفَّارُكُم...»: استفهام انکاری است و برای تهدید و سرزنش قریشیان است، و بدی‌شان می‌فهماند که میان کافران معاصر و میان کافران پیشین تفاوتی نیست و چه بسا شما هم به سرنوشت دردناک ایشان گرفتار آئید. «بَرَآءَةٌ»: امان نامه. مصونیت از عذاب الهی. امان. «الزُّبُرِ»: جمع زَبور، به معنی مزبور، یعنی مکتوب است. مراد کتاب‌های آسمانی است (نگا: آل‌عمران / ۱۸۴، نحل / ۴۴، شعراء / ۱۹۶).

سوره قمر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ٤٤﴾

ترجمه:

یا این که می‌گویند: ما جمعیت متحد و نیرومند شکست‌ناپذیری هستیم و همدیگر را یاری می‌دهیم و از دشمنان خود انتقام می‌گیریم.

توضیحات:

«جَمِيعٌ»: جمعیت متحد (نگا: شعراء / ۵۶). «مُنتَصِرٌ»: نیرومند شکست‌ناپذیر.

یاری دهنده همدیگر. انتقام گیرنده (نگا: کهف / ۴۳، قصص / ۸۱، ذاریات / ۴۵).

سوره قمر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ٤٥﴾

ترجمه:

جمعیت ایشان به زودی شکست می‌خورند و پشت می‌کنند و می‌گریزند.

توضیحات:

«يُوَلُّونَ الدُّبُرَ»: پشت خواهند کرد و خواهند گریخت (نگا: آل‌عمران / ۱۱۱، حشر / ۱۲). در جنگ بدر چنین شد.

سوره قمر آیه ۴۶

متن آیه:

﴿بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ٤٦﴾

ترجمه:

بلکه موعدشان قیامت است، و قیامت بلای آن عظیم‌تر و تلخ‌تر (از کشتن و اسارت این جهانی برای ایشان) است.

توضیحات:

«أَدْهَيا»: دارای بلای اعظم، بگونه‌ای که نجات از آن ممکن نیست. «أَمَرُّ»: دارای مرارت و تلخی بیشتر.

سوره قمر آیه ۴۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ٤٧﴾

ترجمه:

قطعاً گناه‌کاران، گمراه و دیوانه و گرفتار آتشند.

توضیحات:

«فِي ضَلالٍ وَسُعُرٍ»: گمراه و دیوانه‌اند (نگا: قمر / ۲۴). در گمراهی و آتشند. «سُعُرٍ»: دیوانگی و جنون. آتش سراپا شعله.

سوره قمر آیه ۴۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ٤٨﴾

ترجمه:

روزی داخل آتش، بر رخساره، روی زمین کشیده می‌شوند (و بدی‌شان گفته می‌شود:) بچشید لمس و پسوده دوزخ را.

توضیحات:

«يُسْحَبُونَ»: روی زمین کشانده می‌شوند (نگا: غافر / ۷۱). «مَسَّ»: لمس. پسوده. مراد رنج و الم و گرمی و حرارت آتش دوزخ است. «سَقَرَ»: اسم خاص دوزخ است و غیر منصرف.

سوره قمر آیه ۴۹

متن آیه:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩﴾

ترجمه:

ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم.

توضیحات:

«بِقَدَرٍ»: به اندازه لازم. از روی حساب و اندازه‌گیری دقیق و برابر نظم و نظام محکم و استوار (نگا: رعد / ۸، حجر / ۱۹ و ۲۱، فرقان / ۲).

سوره قمر آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۢ بِٱلۡبَصَرِ ٥٠﴾

ترجمه:

(نه تنها اعمال ما از روی حکمت است، بلکه توأم با نهایت قدرت است. چرا که) فرمانی بیش نیست، (و چنان با سرعت انجام می‌گیرد که انگار همسان با یک چشم برهم زدن، و) همانند یک نگاه سریع و با عجله است.

توضیحات:

«أَمْرُنَا»: فرمان ما برای پیدایش چیزی و انجام کاری. «إِلاّ وَاحِدَةٌ»: مگر یک بار.

جز یک کلمه (نگا: یس / ۸۲). «لَمْحٍ»: نگاه سریع. چشم به هم زدن. «طَرفةالعین».

سوره قمر آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَآ أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ۝٥١﴾

ترجمه:

ما اشخاص همچون شما را (در روزگاران پیشین) نابود و هلاک ساخته‌ایم، آیا پند پذیرنده و عبرت گیرنده‌ای هست؟!

توضیحات:

«أَشْيَاعَكُمْ»: پیروان شما. مراد امثال و همگون در پیروی از کفر و شرک و معاصی است (نگا: سبأ / ۵۴).

سوره قمر آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ ۝٥٢﴾

ترجمه:

هر کاری را که کرده‌اند، در کتابها و نامه‌های اعمال (با دست فرشتگان مأمور، ثبت و ضبط و) موجود است.

توضیحات:

«الزُّبُرِ»: کتاب‌ها (نگا: قمر / ۴۳). مراد نامه‌های اعمال و پرونده‌های کردار و رفتار و گفتار انسان است که توسط فرشتگان مأمور و مراقب، نگارش و نگاهداری می‌گردد (نگا: انفطار / ۱۰ و ۱۱ و ۱۲).

سوره قمر آیه ۵۳

متن آیه:

﴿وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ ۝٥٣﴾

ترجمه:

هر کار کوچک و بزرگی (که در دنیا کرده‌اند، در دفاتر مخصوص) نوشته شده است.

توضیحات:

«مُسْتَطَرٌ»: مکتوب. نوشته شده.

سوره قمر آیه ۵۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ٥٤﴾

ترجمه:

قطعاً پرهیزگاران در باغ‌ها و کنار جویباران بهشتی جای خواهند داشت.

توضیحات:

«نَهَرٍ»: نهر. رودبار. جویبار. مفرد است و مراد جمع، همچون واژه (طفل) در (حج / ۵، نور / ۳۱). فراخی جا و مکان و وفور نعمت.

سوره قمر آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ ٥٥﴾

ترجمه:

در مجلس راستینی (که یاوه‌سرائی و بزهکاری در آن جائی ندارد... در) پیشگاه پادشاه بزرگ و توانائی (که آفریدگار و خداوندگار همه کائنات است).

توضیحات:

«مَقْعَدِ»: مجلس. جایگاه. «صِدْقٍ»: حق. راستین. «مَقْعَدِ صِدْقٍ»: مجلس حق. مجلس راستی و درستی خالی از دروغگوئی و بیهوده‌گوئی. «مَلِيكٍ»: پادشاه بزرگ. صیغه مبالغه است. «مُقْتَدِرٍ»: بسیار باقدرت و قوّت.

سوره رحمن

سوره رحمن آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ ۝١﴾

ترجمه:

خداوند مهربان.

توضیحات:

«الرَّحْمَانُ»: مبتدا است و (عَلَّمَ الْقُرْءَانَ) در آیه بعدی خبر آن است.

سوره رحمن آیه ۲

متن آیه:

﴿عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ۝٢﴾

ترجمه:

قرآن را یاد داد.

توضیحات:

«عَلَّمَ الْقُرْءَانَ»: ترتیب طبیعی: خلق انسان، و تعلیم بیان، و تعلیم قرآن است. ولی از آنجا که بزرگ‌ترین نعمت خداوند مهربان، تعلیم قرآن به انسان است، تا انسان بتواند در پرتو قرآن به عبادت بپردازد که خلقت انسان به خاطر آن است، تعلیم قرآن را قبل از مسأله آفرینش انسان و آموزش بیان ذکر فرموده است.

سوره رحمن آیه ۳

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ۝٣﴾

ترجمه:

انسان را بیافرید.

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۴

متن آیه:

﴿عَلَّمَهُ ٱلْبَيَانَ ۝٤﴾

ترجمه:

به او بیان (آنچه در دل است) آموخت.

توضیحات:

«الْبَيَانَ»: سخن گفتن از آنچه در دل است، خواه با زبان، خواه با قلم، و خواه با وسائل دیگر.

سوره رحمن آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝٥﴾

ترجمه:

خورشید و ماه برابر حساب (منظمی در چرخش و گردش) هستند.

توضیحات:

«حُسْبَانٍ»: حساب. نظم و نظام. مصدر ثلاثی مجردی است همچون غفران و کفران (نگا: انعام / ۹۶). «بِحُسْبَانٍ»: جار و مجرور متعلق به (كَائِنٌ) یا (مُسْتَقَرٌّ) و یا (يَجْرِيَانِ) محذوف است که خبر مبتدا است.

سوره رحمن آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱلنَّجْمُ وَٱلشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝٦﴾

ترجمه:

گیاهان و درختان برای خدا سجده می‌کنند و کرنش می‌برند.

توضیحات:

«النَّجْمُ»: روئیدنی‌هائی که دارای ساقه نباشند. مانند: کدو، خیار... ستاره. «الشَّجَرُ»: روئیدنی‌هائی که دارای ساقه باشند. مانند: درختان، غلات. «يَسْجُدَانِ»: منقاد فرمان خدا و تسلیم در برابر قوانین آفرینش هستند و همان مسیری را طی

می‌کنند که خدا برای آنها تعیین فرموده است (نگا: حج / ۱۸).

سوره رحمن آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ٧﴾

ترجمه:

آسمان را برافراشت، و قوانین و ضوابطی را گذاشت.

توضیحات:

«وَضَعَ»: گذاشت. ایجاد کرد. «الْمِيزَانَ»: قوانین و ضوابط. قواعد و مقررات (نگا: شوری / ۱۷). مراد میزان و معیار و قوانینی است که حاکم بر سراسر عالم هستی است.

سوره رحمن آیه ۸

متن آیه:

﴿أَلَّا تَطۡغَوۡاْ فِي ٱلۡمِيزَانِ ٨﴾

ترجمه:

هدف (از ایجاد قوانین و ضوابط در عالم هستی) این است که شما هم (قوانین و ضوابط را در زندگی فردی و اجتماعی خود رعایت کنید و) از (حد و مرز) قوانین و ضوابط (مقرره) تجاوز نکنید.

توضیحات:

«أَلاّ تَطْغَوْا...»: تا این که شما هم سرکشی و تعدی نکنید. چرا که اساس جهان بر ضوابط و قوانین حساب شده بسیار دقیقی است، و شما نیز بخشی از این عالم عظیم بوده و باید معیار و میزان و نظم و نظام در زندگیتان باشد. «الـْمِيزَانَ»: مراد موازین و معاییر زندگی فردی و اجتماعی است.

سوره رحمن آیه ۹

متن آیه:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ ٩﴾

ترجمه:

در وزن کردن و برکشیدن (کالاها و در متر کردن و اندازه‌گیری چیزها) دادگرانه رفتار کنید و از ترازو مکاهید (و کم و کاست ندهید و کم‌فروشی نکنید).

توضیحات:

«الْمِيزَانَ»: ترازو. در اینجا میزان و سنجش، به معنی خاص خود مورد نظر است. یعنی در معامله چیزی کم و کسر نگذارند. بعضی‌ها، میزان را در آیه ۷ اسم آلت و به معنی وسیله سنجش، و در آیه ۸ به معنی مصدری، یعنی وزن کردن، و در آیه ۹ به معنی مفعولی، یعنی جنس موزون می‌دانند (نگا: قاسمی، کبیر).

سوره رحمن آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضَ وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ۝١٠﴾

ترجمه:

خداوند زمین را برای (زندگی) انسان‌ها آفریده است.

توضیحات:

«أَنَام»: مردمان. خلائق.

سوره رحمن آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ ٱلۡأَكۡمَامِ ۝١١﴾

ترجمه:

در زمین میوه‌های فراوان، و از جمله خرما است که دارای غلاف است.

توضیحات:

«أَكْمَام»: جمع کمّ، غلاف (نگا: فصّلت / ۴۷). ذکر نخل به صورت جداگانه، ذکر خاص بعد از عام بوده و برای نشان دادن اهمیتی است که در خرما موجود است. میوه درخت نخل در آغاز در غلافی پنهان است، و سپس غلاف می‌شکافد و خوشه خرما به طرز جالبی بیرون می‌ریزد. این غلاف همچون رحم مادر، میوه نخل را در خود پرورش می‌دهد و از آفات حفظ می‌کند، و بعدها غلاف جدا می‌شود و کنار می‌رود.

سوره رحمن آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ۝١٢﴾

ترجمه:

و (در زمین) گیاهان خوشبو وجود دارد، و همچنین دانه‌هائی است که در میان پوسته قرار دارند.

توضیحات:

«الْعَصْفِ»: قشر و پوسته. مراد کاه است که علوفه چهارپایان است. «الرَّيْحَانُ»: گیاهان خوشبو.

سوره رحمن آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝١٣﴾

ترجمه:

(ای گروه پری‌ها و انسان‌ها!) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید.

توضیحات:

«ءَالآءِ»: جمع إلْی، نعمت‌ها (نگا: نجم / ۵۵). «تُكَذِّبَانِ»: انکار می‌کنید و نادیده می‌گیرید. مخاطب انس و جن، یعنی ثَقَلَین است. یعنی سراپای عالم هستی و از جمله وجود خودتان، نعمت‌های خداداد است، کدامیک از آنها را می‌توانید انکار بکنید؟! این همه نعمت چرا باید وسیله شناخت صاحب نعمت نشود، و حس شکرگزاری را در شما برنینگیزد؟! تکرار این آیه در ۳۱ مورد، آهنگ جالبی به سوره داده است. خداوند در مقطع‌های مختلف پس از بیان برخی از نعمت‌های این جهانی و آن جهانی خود و یادآور شدن گوشه‌ای از سعادت بهشتیان و شقاوت دوزخیان، با ذکر مجدد آیه، به انسان‌ها و پری‌ها بیدار باش و هوشیار باش می‌دهد و ایشان را به یاد آفریدگارشان می‌اندازد و شوق طاعت و بندگی را در دل‌شان افزون می‌کند.

سوره رحمن آیه ۱۴

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ۝١٤﴾

ترجمه:

خدا انسان را از گِل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده است.

توضیحات:

«الإِنسَانَ»: جنس انسان. مراد حضرت آدم است. انسان در آغاز آفرینش خاک بوده (نگا: حج / ۵) سپس با آب آمیخته شده است و به صورت گِل در آمده است (نگا: انعام / ۲) و بعد به صورت گِل بدبو یا لجن تغییر شکل داده (نگا: حجر / ۲۸) سپس حالت چسپندگی پیدا کرده است (نگا: صافات / ۱۱) و بعد گِل خشکیده و سفال گونه‌ای شده است که این آیه بدان اشاره دارد. اما هر یک از این مراحل چه اندازه طول کشیده است، و این حالتهای انتقالی تحت چه عواملی به وجود آمده است، و نفخه ربّانی یا روح چیست و کی به کالبدش دمیده شده است (نگا: حجر / ۲۹) از حوزه علم بشری خارج و آن را خدا می‌داند و بس. «صَلْصَالٍ»: گِل خشکیده‌ای که با زدن تلنگری به صدا در می‌آید (نگا: حجر / ۲۶ و ۲۷ و ۳۳). «فَخَّارِ»: سفال.

سوره رحمن آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ١٥﴾

ترجمه:

و جن را از زبانه شعله‌ور آتش خلق نموده است.

توضیحات:

«الْجَآنَّ»: جِنّ. جانّ و جنّ هر دو به یک معنی است (نگا: اسراء / ۸۸، ذاریات / ۵۶، رحمن / ۳۹). «مَارِجٍ»: شعله لرزان و پیچان آتش. زبانه تنوره کش و لرزان آتش. آفرینش جن از چنین آتش شعله‌ور و زبانه‌کش و پیچان، چگونه و به چه شکلی بوده، و چه اندازه طول کشیده است، و این‌گونه موجودات چگونه می‌زیند و چه سیمائی دارند، دانش بشری بدان پی نبرده است.

سوره رحمن آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦﴾

ترجمه:

(ای گروه پری‌ها و انسان‌ها!) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۱۷

متن آیه:

﴿رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ وَرَبُّ ٱلۡمَغۡرِبَيۡنِ ۝١٧﴾

ترجمه:

او پروردگار مشرق‌ها و پروردگار مغرب‌ها است.

توضیحات:

«رَبُّ»: خبر مبتدای محذوف است: «هُوَ رَبُّ». «الْمَشْرِقَيْنِ... الْمَغْرِبَيْنِ»: مراد از دو مشرق و دو مغرب، خاور خورشید و ماه، و باختر خورشید و ماه، و یا این که تنها اشاره به خورشید است که با توجه به حداکثر میل شمالی آفتاب، و میل جنوبی آن، خورشید دو مشرق و دو مغرب عمده دارد. اما باید دانست که خورشید و ماه، و بطور کلی خورشیدها و ماه‌های متعدد جهان هستی، هر روز از نقطه‌ای طلوع و در نقطه‌ای غروب می‌کنند، و به تعداد روزهای سال، مشرق و مغرب دارند، پس چه بسا مراد از تثنیه مشرق و مغرب، جمع باشد. چرا که در سوره‌های دیگر قرآن مشارق و مغارب آمده است (نگا: اعراف / ۱۳۷، معارج / ۴۰).

سوره رحمن آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝١٨﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۱۹

متن آیه:

﴿مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ يَلۡتَقِيَانِ ۝١٩﴾

ترجمه:

دو دریای (مختلف شیرین و شور، و گرم و سرد) را در کنار هم روان کرده است و مجاور یکدیگر قرار داده است.

توضیحات:

«مَرَجَ»: سر داده است. حرکت داده است. روان کرده است (نگا: فرقان / ۵۳). «الْبَحْرَيْنِ»: مراد از دو دریا، آب‌های شیرین و شور و یا آب‌های گرم و سرد رودهای عظیمی است که در سراسر اقیانوس‌های جهان جریان دارند (نگا: نمونه) از قبیل گلف استریم (نگا: فاطر / ۱۲). «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ»: دو دریا را به‌سوی هم سر داده است و در کنار همدیگر روان کرده است. دو دریا را در وقت برخورد، به موج و تکان انداخته تا یکدیگر را دفع کنند و برانند و آمیزه هم نشوند (نگا: التفسير القرآنی للقرآن).

سوره رحمن آیه ۲۰

متن آیه:

﴿بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٞ لَّا يَبۡغِيَانِ ٢٠﴾

ترجمه:

اما در میان آن دو حاجز و مانعی است که نمی‌گذارد یکی با دیگری بیامیزد و سرکشی کند.

توضیحات:

«بَرْزَخٌ»: حاجز. مانع (نگا: فرقان / ۵۳). «لا يَبْغِيَانِ»: بر یکدیگر سرکشی نمی‌کنند و چیره نمی‌شوند. مراد این است که یکی دیگری را در خود فرو نمی‌برد، و آمیخته نمی‌گردند.

سوره رحمن آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢١﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب می‌کنید و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۲۲

متن آیه:

﴿يَخۡرُجُ مِنۡهُمَا ٱللُّؤۡلُؤُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ٢٢﴾

ترجمه:

از آن دو، مروارید و مرجان بیرون می‌آید.

توضیحات:

«لُؤْلُؤ»: مروارید. «مَرْجَان»: بُسَّد، بُسَّدین، گوهر سرخ رنگی که از جانوری دریازی به نام مرجان بدست می‌آید.

سوره رحمن آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٣﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَـَٔاتُ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ ٢٤﴾

ترجمه:

خدا کشتی‌هائی ساخته و پرداخته (آفریدگان خود به نام انسان‌ها) در دریاها دارد که همسان کوه‌ها هستند.

توضیحات:

«الْجَوَارِي»: جمع جَارِیة، کشتی‌ها (نگا: شوری / ۳۲، حاقه / ۱۱). یاء آخر آن برای تخفیف حذف شده است. «الْمُنشَئَاتُ»: کشتی‌هائی با بادبان‌ها و شراع‌های برافراشته. ساخته و پرداخته. مراد ساخته و پرداخته دست انسان‌ها است، و انسان‌ها هم که مخلوق خدایند، از خواص خداداد که در مصالح مختلفی که در کشتی‌ها بکار می‌رود استفاده می‌کنند. «الأعْلامِ»: جمع عَلَم، کوه‌ها.

سوره رحمن آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٥﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب می‌کنید و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۲۶

متن آیه:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾﴾

ترجمه:

همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند.

توضیحات:

«عَلَيْهَا»: روی زمین. مرجع (ها) واژه (الارض) محذوف است که از سیاق کلام، مفهوم می‌گردد (نگا: نحل / ۶۱). «فَانٍ»: فانی. دستخوش فنا و نابودی. «كُلُّ مَنْ...»: (نگا: قصص / ۸۸).

سوره رحمن آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾﴾

ترجمه:

و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس.

توضیحات:

«وَجْهُ»: رخساره. تسمیه کل به اسم جزء است و مراد (ذات) است.

سوره رحمن آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۲۹

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ ٢٩﴾

ترجمه:

همه چیزها و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمینند (به زبان حال یا قال، روزی و نیاز خود را) از خدا درخواست می‌کنند. او پیوسته دست اندرکار کاری است.

توضیحات:

«يَسْأَلُهُ»: از او می‌طلبند. نیازمند بدو هستند.. «كُلَّ يَوْمٍ»: مراد هر لحظه و هر وقت، یعنی پیوسته و همیشه است (نگا: آلوسی، صفوةالتفاسیر، المصحف المیسر). «هُوَ فِي شَأْنٍ»: او به کاری مشغول است. یعنی خدا دنیا را آفریده است و آن را به حال خود رها نساخته است. بلکه پیوسته بر آن نظارت دارد و دست‌اندرکار آفرینش نو و دگرگونی تازه است و متصرف در شؤون آفریده‌های خود است.

سوره رحمن آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٠﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۳۱

متن آیه:

﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ٣١﴾

ترجمه:

ای پری‌ها و انسان‌ها! به حساب شما خواهیم پرداخت.

توضیحات:

«سَنَفْرُغُ لَكُمْ»: به حساب شما خواهیم رسید. به شما خواهیم پرداخت. «فَرَغَ لِكَذا: عَمِدَ إِلَيْهِ». «الثَّقَلانِ»: انس و جن. مثنی (ثَقَل) است. هر چیز که برای آن وزن و قدری هست، آن را (ثَقَل) می‌نامند. انس و جن را به جهت بلندی مرتبت و منزلت و عظمت مقام نسبت به پدیده‌های دیگر، و داشتن اختیار نسبی و مسؤولیت شخصی، و بالاخره

به خاطر سنگینی معنوی خدادادی، ثَقَلَین می‌نامند.

سوره رحمن آیه ۳۲

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را انکار و تکذیب می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۳۳

متن آیه:

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٍ ﴿٣٣﴾﴾

ترجمه:

ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از نواحی آسمان‌ها و زمین بگذرید، بگذرید، ولیکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم (مادی و معنوی).

توضیحات:

«مَعْشَرَ»: گروه. دسته. «أَن تَنفُذُوا»: این که عبور کنید و بگذرید. «أَقْطَارِ»: جمع قُطْر، نواحی و جوانب. «سُلْطَانٍ»: قدرت مادی و قوت معنوی. این آیه دارای دو معنی عمده است: الف – آیه ناظر به دنیا، و اشاره به مسافرتهای فضائی بشر است که قرآن شرط آن را داشتن سلطه علمی و صنعتی و قدرت مادی دانسته است. ب – آیه ناظر به رستاخیز، و اشاره به عدم فرار از چنگال عدالت الهی در قیامت است. با توجه به تفسیر دوم، معنی آیه چنین است: ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از چنگال عدالت الهی و مجازات اخروی بگریزید و از گوشه‌ها و کنارهای آسمان‌ها و زمین بگذرید و فرار کنید، تا از دادگاه الهی و عذاب سرمدی اخروی برهید، این کار را بکنید و از نواحی آسمان‌ها و زمین بالا روید و بگذرید تا خویشتن را از کیفر و عذاب خدا قائم و پنهان کنید، و لیکن قادر به چنین کاری نخواهید بود مگر با سلطه مادی و معنوی که چنین چیزی هم برایتان ممکن نیست.

سوره رحمن آیه ۳۴

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٤﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٥﴾

ترجمه:

آتش بی‌دود و مِس گداخته به‌سوی شما روانه می‌گردد و بر سر شما ریخته می‌شود، و شما همدیگر را نمی‌توانید یاری بدهید.

توضیحات:

«شُوَاظٌ»: آتش بی‌دود. زبانه و شعله خالص. چه بسا مراد جرقه‌ها و اشعه‌های کیهانی و شدت حرارت برخورد با اتمسفر زمین و دیگر چیزها باشد که به هنگام سفرهای فضائی بر سر راه سفینه‌ها قرار دارند. «نُحَاسٌ»: دود. شعله آمیخته با دود. آتشِ مِس‌گونه. مِس مذاب یا خود مِس که فلز مشهوری است. چه بسا مراد گدازه‌ها و گازها و اشعه‌های مختلف کیهانی باشد. معنی دیگر آیه: آتش و دود شما را در برمی‌گیرد و در نتیجه نمی‌توانید خویشتن را یاری دهید و از حضور و استقرار در دادگاه قیامت خود را رهائی بخشید.

سوره رحمن آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾

ترجمه:

پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ ٣٧﴾

ترجمه:

بدانگاه که آسمان شکافته شود، و گلگون گردد همچون روغن گداخته (حوادث هولناکی رخ می‌دهد که به گفتار در نمی‌آید).

توضیحات:

«إِذا»: شرطیه است و جواب آن محذوف است و ممکن است در تقدیر چنین باشد: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَآءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ»، «كَانَ مَا كَانَ مِمّـَا لا تُطِيقُهُ قُوَّةُ الْبَيَانِ» (نگا: آلوسی). «وَرْدَةً»: گُل سرخ. سرخ تیره. گلرنگ و گلگون. «دِهَان»: روغن داغ. چرم سرخ. برخی آن را جمع (دُهْن) یعنی روغن‌ها گرفته‌اند. وجه شبه این که: آسمان در رنگ یا رنگارنگ بودن، به گُل و روغن مذاب، و یا این که از لحاظ رنگ به گُل، و از لحاظ گداختگی به روغن داغ تشبیه شده است. یعنی آسمان به رنگ سرخ درمی‌آید و همچون روغن داغ و مذاب روان می‌گردد.

سوره رحمن آیه ۳۸

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٨﴾

ترجمه:

پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ ٣٩﴾

ترجمه:

در آن روز هیچ پری و انسانی از گناهش پرسش نمی‌گردد (چرا که آن روز زمان تخریب جهان است؛ نه وقت سؤال و پرسش یزدان).

توضیحات:

«لا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ...»: یا مراد این است که هنوز وقت پرسش فرا نرسیده است، و یا این که پرسش مهربانانه‌ای در میان نیست تا از طرف بخواهند جبران مافات کند و یا این که عذر تقصیر بیاورد (نگا: قصص / ۷۸) والا از یکایک گناهان پرسیده می‌شود (نگا: حجر / ۹۲، نحل / ۵۶، صافات / ۲۴).

سوره رحمن آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٤٠﴾

ترجمه:

پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۴۱

متن آیه:

﴿يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِٱلنَّوَٰصِى وَٱلْأَقْدَامِ ۝٤١﴾

ترجمه:

گناهکاران با قیافه‌هایشان شناخته می‌شوند، و ایشان با سرها و پاها گرفتار می‌گردند.

توضیحات:

«النَّوَاصِي»: جمع نَاصِیة، جلو سر. پیشانی. کاکل. «الأقْدَامِ»: جمع قَدَم، پاها. «يُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالأقْدَامِ »: سراپا به غل و زنجیر کشیده می‌شوند. فرشتگان سرهای ایشان را و پاهای آنان را می‌گیرند و کشان کشان با خود می‌برند، و یا به میان دوزخشان می‌اندازند (نگا: علق / ۱۵). «يُؤْخَذُ»: نائب فاعل آن (بِالنَّوَاصِي وَالأقْدَامِ) است، این است که به صورت مفرد آمده است.

سوره رحمن آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٤٢﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۴۳

متن آیه:

﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ۝٤٣﴾

ترجمه:

این همان دوزخی است که گناهکاران پیوسته آن را دروغ می‌نامند و تکذیبش می‌کنند.

توضیحات:

«هذِهِ...»: مخاطب شخص پیغمبر و به تبع همه مسلمانانند که در دنیا خدا بدی‌شان می‌فرماید: این همان دوزخی است که. برخی هم مخاطبان را حاضران در محشر می‌دانند و معتقدند که این سخن در قیامت بدی‌شان گفته می‌شود. این همان دوزخی است که گناه‌کاران در دنیا پیوسته آن را دروغ می‌نامیدند و تکذیبش می‌کردند.

سوره رحمن آیه ۴۴

متن آیه:

﴿يَطُوفُونَ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَ حَمِيمٍ ءَانٖ ۝٤٤﴾

ترجمه:

گناه‌کاران در میان آتش دوزخ و آب بسیار گرم و سوزان در رفت و آمد خواهند بود.

توضیحات:

«حَمِيمٍ»: آب جوشان و سوزانی که از آن به دوزخیان می‌نوشانند (نگا: محمد / ۱۵). «ءَانٍ»: بسیار داغ و گرم. پرحرارت. آب گرمی که به آخرین درجه حرارت رسیده باشد. از ماده (اني) و صفت (حـمیم) است (نگا: غاشیه / ۵).

سوره رحمن آیه ۴۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٤٥﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ۝٤٦﴾

ترجمه:

هر کسی که از مقام پروردگار خود بترسد، باغ‌هائی (در بهشت) دارد.

توضیحات:

«مَقَامَ»: جایگاه. مراد منزلت و مرتبت، یعنی عظمت کبریائی الهی است. اسم مکان است. نظارت و مراقبت الهی بر بندگان. مصدر میمی است. «جَنَّتَانِ»: دو باغ. به گمانم مراد تثنیه نیست، بلکه مراد جمع و کثرت است. چرا که در بیش از پنجاه مورد (جَنَّات) به مؤمنان وعده داده شده است (نگا: بقره / ۲۵، آل‌عمران / ۱۵ و ۱۳۶، نساء / ۱۳ و ۵۷...). حتی در آیه ۵۶ همین سوره (فِيهِنَّ) آمده است و ضمیر جمع بکار رفته است.

سوره رحمن آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٤٧﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۴۸

متن آیه:

﴿ذَوَاتَآ أَفۡنَانٖ ۝٤٨﴾

ترجمه:

باغ‌هائی که دارای انواع درختان پرمیوه، با شاخه‌های ترد و شاداب است.

توضیحات:

«ذَوَاتَا»: در اصل (ذَوَاتَانِ) تثنیه ذات است و نون آن به هنگام اضافه حذف شده است. در تثنیه ذات، «ذَاتَانِ وذَوَاتَانِ» درست است (نگا: روح‌المعانی). «أَفْنَانٍ»: جمع

فَنّ، انواع و اقسام. یا جمع فَنَن، شاخه‌های ترد و شاداب.

سوره رحمن آیه ۴۹

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٤٩﴾

ترجمه:

پس کدامیک ار نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فِيهِمَا عَيۡنَانِ تَجۡرِيَانِ ۝٥٠﴾

ترجمه:

در آنجاها چشمه‌سارانی جاری است.

توضیحات:

«عَيْنَانِ»: دو چشمه. مراد چشمه‌ساران فراوان است (نگا: حجر / ۴۵، دخان / ۵۲، ذاریات / ۱۵، مرسلات / ۴۱).

سوره رحمن آیه ۵۱

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٥١﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٍ زَوۡجَانِ ۝٥٢﴾

ترجمه:

در آنجاها از هر میوه‌ای، انواع و اقسامی موجود است.

توضیحات:

«زَوْجَانِ»: دو صنف. دو نوع. مراد انواع و اقسام میوه‌ها است (نگا: مؤمنون / ۱۹، صافات / ۴۲، مرسلات / ۴۲).

سوره رحمن آیه ۵۳

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٥٣﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۵۴

متن آیه:

﴿مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۢ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٖۚ وَجَنَى ٱلْجَنَّتَيْنِ دَانٖ ۝٥٤﴾

ترجمه:

بهشتیان بر فرش‌هائی تکیه می‌زنند و می‌لمند که (چه رسد به رویه‌های آنها) آسترهای آنها از ابریشم ضخیم است. و میوه‌های رسیده باغ‌های بهشت نزدیک و در دسترس است.

توضیحات:

«مُتَّكِئِينَ»: تکیه‌زنان. لمیدگان. حال است برای (مَنْ) در آیه ۴۶. «فُرُش»: جمع فِراش، فرش‌های گستردنی. «بَطَآئِن»: جمع بِطانَة، آسترها. «إِسْتَبْرَقٍ»: ابریشم ضخیم. «جَني»: میوه رسیده. «دَانٍ»: نزدیک. در دسترس.

سوره رحمن آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٥٥﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۵۶

متن آیه:

﴿فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ٥٦﴾

ترجمه:

در باغ‌های بهشت زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی‌ورزند و پیش از آنان کسی از انسان‌ها و پری‌ها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است.

توضیحات:

«فِیهِنَّ»: در آن باغها. «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ»: (نگا: صافات / ۴۸، ص / ۵۲). «لَمْ یَطْمِثْهُنَّ»: با ایشان مقاربت و نزدیکی نکرده است.

سوره رحمن آیه ۵۷

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٧﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۵۸

متن آیه:

﴿كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ٥٨﴾

ترجمه:

انگار که آن حوریان، یاقوت و مرجانند.

توضیحات:

«الْیَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»: یاقوت سنگی است معدنی و معمولاً سرخ رنگ است. مرجان گاه به رنگ سفید است و گاه قرمز و یا رنگ‌های دیگر. در اینجا ظاهراً نوع سفید منظور است.

سوره رحمن آیه ۵۹

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٩﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۶۰

متن آیه:

﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ ٦٠﴾

ترجمه:

آیا پاداش نیکی کردن جز نیکی دیدن خواهد بود؟

توضیحات:

«هَلْ جَزَآءُ...»: استفهام انکاری است، و این آیه در حقیقت دلیلی برای آیات پیشین است که در آنها از نعمت‌های شش‌گانه بهشتیان سخن رفته است.

سوره رحمن آیه ۶۱

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦١﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ٦٢﴾

ترجمه:

جدای از باغ‌های پیشین، باغ‌های دیگری وجود دارد.

توضیحات:

«مِن دُونِهِمَا»: علاوه از دو باغ قبلی. «جَنَّتَانِ»: دو باغ. مراد باغها و باغها است.

سوره رحمن آیه ۶۳

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٣﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۶۴

متن آیه:

﴿مُدۡهَآمَّتَانِ ۝٦٤﴾

ترجمه:

هر دو کاملاً سرسبز و خرم هستند (و از شدت سبزی و شادابی به سیاهی می‌زنند).

توضیحات:

«مُدْهَآمَّتَانِ»: صفت (جَنَّتَانِ): یا خبر مبتدای محذوف بوده و از مصدر (ادهیمام) و از ریشه (دهم) است. بسیار سبز. سبز پررنگی که مایل به سیاهی باشد.

سوره رحمن آیه ۶۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٦٥﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را انکار و تکذیب می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۶۶

متن آیه:

﴿فِيهِمَا عَيۡنَانِ نَضَّاخَتَانِ ۝٦٦﴾

ترجمه:

در آن باغ‌ها چشمه‌هائی است که قلقل کنان از زمین می‌جوشند.

توضیحات:

«نَضَّاخَتَانِ»: فوران‌کنان. قلقل‌کنان. از ماده (نَضْخ) به معنی فوران آب و جوشش آن از زمین است.

سوره رحمن آیه ۶۷

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝٦٧﴾

ترجمه:

پس کدامین نعمت از نعمت‌های پروردگارتان را انکار و تکذیب می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۶۸

متن آیه:

﴿فِيهِمَا فَٰكِهَةٞ وَنَخۡلٞ وَرُمَّانٞ ٦٨﴾

ترجمه:

در آن باغ‌ها انواع میوه‌ها و از جمله خرما و انار است.

توضیحات:

«نَخْلٌ»: درخت خرما. ذکر درخت خرما بجای میوه خرما چه بسا از این نظر باشد که درخت خرما علاوه بر میوه‌اش از جهات مختلف مورد استفاده است. «نَخْلٌ وَرُمَّانٌ»: انتخاب خرما و انار از میان میوه‌های بهشتی به خاطر تنوع این دو و سودهای سرشاری است که در آنها موجود است (نگا: المنتخب. نمونه). ذکر خاص بعد از عام است.

سوره رحمن آیه ۶۹

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٩﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۷۰

متن آیه:

﴿فِيهِنَّ خَيۡرَٰتٌ حِسَانٞ ٧٠﴾

ترجمه:

در میان باغ‌های بهشت، زنان خوب و زیبا هستند.

توضیحات:

«خَيْرَاتٌ»: جمع خَيرَة، خوب و نیک سیرت. «حِسَان»: جمع حَسَنَة، زیبا و قشنگ. یعنی زنان بهشتی حُسن سیرت و حُسن صورت دارند.

سوره رحمن آیه ۷۱

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧١﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را انکار و تکذیب می‌نمائید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۷۲

متن آیه:

﴿حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِي ٱلْخِيَامِ ٧٢﴾

ترجمه:

سیاه چشمانی که هرگز از خیمه‌ها بیرون (نمی‌شوند و اینجا و آنجا بدنبال کارهای ناپسند) نمی‌روند.

توضیحات:

«حُورٌ»: جمع حَوْراء، زنان سیاه چشم، «مَقْصُورَاتٌ»: جمع مَقصورة، محدود. مخدَّره و محجَّبه. زنانی که از خانه‌های خود بیرون نمی‌روند و اینجا و آنجا نمی‌پلکند و چشم به نامحرمان نمی‌دوزند. کاخ نشینان (نگا: روح‌البیان، روح‌المعانی). «الْخِيَامِ»: جمع خَیمَة، خیمه‌ها، بارگاه‌ها (نگا: عنکبوت / ۵۸، زمر / ۲۰).

سوره رحمن آیه ۷۳

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٣﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۷۴

متن آیه:

﴿لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ٧٤﴾

ترجمه:

پیش از آنان، کسی از انسان‌ها و پری‌ها با ایشان نزدیکی و مقاربت نکرده است.

توضیحات:

«لَـمْ يَطْمِثْهُنَّ»: (نگا: رحمن / ۵۶).

سوره رحمن آیه ۷۵

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٥﴾

ترجمه:

پس کدامین نعمت از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۷۶

متن آیه:

﴿مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفۡرَفٍ خُضۡرٖ وَعَبۡقَرِيٍّ حِسَانٖ ٧٦﴾

ترجمه:

بهشتیان بر بالش‌های نگارین گرانب‌های سبز رنگ تکیه می‌زنند، و بر فرش‌های منقش بی‌نظیر بسیار زیبا می‌لمند.

توضیحات:

«رَفْرَفٍ»: اسم جنس جمعی است و مفرد آن رَفْرَفَة است، بالش‌ها، پشتی‌ها، شادروانها. «خُضْرٍ»: جمع «أَخْضَر وخَضْراء»، سبز رنگ «عَبْقَرِيٍّ»: هر چیز نادر و بی‌نظیر. هر چیزی که از خوبی آن، انسان شگفت زده شود. در اینجا مراد فرش‌های گرانبها و منقش، و گستردنی‌های رنگارنگ بی‌نظیر و بی‌مانند است. مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث در آن یکسان است. «حِسَانٍ»: (نگا: رحمن / ۷۰).

سوره رحمن آیه ۷۷

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٧﴾

ترجمه:

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

توضیحات:

سوره رحمن آیه ۷۸

متن آیه:

﴿تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ۝٧٨﴾

ترجمه:

نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو، چه مبارک نامی است!

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: (نگا: اعراف / ۵۴، مؤمنون / ۱۴، فرقان / ۱ و ۱۰ و ۶۱).

سوره واقعه

سوره واقعهٔ آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ١﴾

ترجمه:

هنگامی که واقعه (ی عظیم قیامت) برپا شود.

توضیحات:

«الْوَاقِعَةُ»: رخ دهنده. نام قیامت است. تعبیر از آغاز رستاخیز با فعل ماضی، به علت قطعیت و حتمیت آن است.

سوره واقعهٔ آیه ۲

متن آیه:

﴿لَيۡسَ لِوَقۡعَتِهَا كَاذِبَةٌ ٢﴾

ترجمه:

رخ دادن آن قطعی و جای تکذیب نیست.

توضیحات:

«لِوَقْعَتِهَا»: برای رخ دادن آن. هنگام رخ دادن آن. برخی حرف (لِ) را برای تعدیه، و بعضی آن را برای توقیت و به معنی (عِندَ=هنگامی که) می‌دانند، مانند (لِدُلُوكِ الشَّمْسِ) در (اسراء / ۷۸). «كَاذِبَة»: دروغ. دروغ دانستن. دروغ شمرنده. تکذیب کننده. بعضی آن را مصدری همچون عاقِبَة و خاتِمَة و عافِية می‌دانند. برخی هم آن را اسم فاعل می‌شمارند. در صورت اخیر معنی آیه چنین است: به هنگام وقوع قیامت، هیچکس نمی‌تواند آن را انکار و تکذیب کند. یا این که هنگام وقوع رستاخیز دیگر کسی یافته نمی‌شود که به خدا باور نداشته باشد و وجود او را تکذیب کند (نگا: قاسمی). مؤنث آمدن (کاذِبَة) به خاطر آن است که در تقدیر چنین است: «نَفْسٌ کاذِبَة».

سوره واقعهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿خَافِضَةٞ رَّافِعَةٌ ۝٣﴾

ترجمه:

(گروهی را) پائین می‌آورد و (گروهی را) بالا می‌برد.

توضیحات:

«خَافِضَةٌ»: پائین‌آورنده. خوارکننده. «رَافِعَةٌ»: بالابرنده. سرافرازنده. هر دو واژه خبر اوّل و دوم مبتدای محذوف و تقدیر چنین است: «هِيَ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ». قیامت انقلاب بزرگ و گسترده الهی است، و همچون همه حوادث و انقلابات بزرگ، گروهی را بالا می‌برد و والا می‌گرداند و گروهی را پائین می‌کشد و خوار می‌دارد. گذشته از این، قیامت نیکان را به درجات والای بهشت می‌رساند، و بدان را به درکات پست دوزخ می‌کشاند.

سوره واقعهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿إِذَا رُجَّتِ ٱلۡأَرۡضُ رَجّٗا ۝٤﴾

ترجمه:

این در هنگامی است که زمین سخت به تکان و لرزه انداخته می‌شود.

توضیحات:

«إِذَا»: در هنگامی که. ظرف (إِذَا) متعلق به (خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ) است. «رُجَّتْ»: به تکان و لرزه انداخته شد. به زلزله و جنبش افکنده شد (نگا: حجر / ۱، زلزله / ۱). «رَجّاً»: سخت تکان دادن. لرزاندن و جنباندن.

سوره واقعهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿وَبُسَّتِ ٱلۡجِبَالُ بَسّٗا ۝٥﴾

ترجمه:

و کوه‌ها سخت درهم کوبیده می‌شوند و ریزه ریزه می‌گردند.

توضیحات:

«بُسَّتْ»: کوبیده و ریزه ریزه گردانده شد. «بَسّاً»: کوبیدن و کوفتن. خرد کردن و

ریزه ریزه نمودن. متلاشی کردن.

سوره واقعهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿فَكَانَتۡ هَبَآءٗ مُّنۢبَثّٗا ٦﴾

ترجمه:

و به صورت گرد و غبار پراکنده درمی‌آیند.

توضیحات:

«هَبَآءً»: غبار. گرد و خاک (نگا: فرقان / ۲۳). «مُنبَثّاً»: پراکنده. پخش.

سوره واقعهٔ آیه ۷

متن آیه:

﴿وَكُنتُمۡ أَزۡوَٰجٗا ثَلَٰثَةٗ ٧﴾

ترجمه:

و شما سه گروه خواهید شد.

توضیحات:

«أَزْوَاجاً»: اصناف و انواع. مراد گروه‌ها و دسته‌ها است.

سوره واقعهٔ آیه ۸

متن آیه:

﴿فَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ٨﴾

ترجمه:

سمت راستی‌ها! امّا چه سمت راستی‌هائی؟ (اهل سعادت و خوشبختی! خوشا به حال‌شان).

توضیحات:

«الْمَيْمَنَةِ»: طرف راست. یمن و برکت. «أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ»: یاران دست راست. آنان کسانی هستند که نامه اعمال را با دست راست دریافت می‌دارند (نگا: حاقه / ۱۹). اهل سعادت و میمنت. «مَا»: اسم استفهام است و در چنین مواردی برای تعجب از حال نیکو، یا ـ چنان‌که می‌آید – از حال بد کسی یا کسانی است.

سوره واقعهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ٩﴾

ترجمه:

و سمت چپی‌ها! امّا چه سمت چپی‌هائی؟! (اهل شقاوت و بدبختی! بدا به حالشان).

توضیحات:

«الْمَشْئَمَةِ»: دست چپی‌ها. سمت چپی‌ها. آنان کسانی هستند که نامه اعمال را با دست چپ دریافت می‌دارند (نگا: حاقه / ۲۵). افراد بدبخت و تیره‌روز.

سوره واقعهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ١٠﴾

ترجمه:

و پیشتازانِ پیشگام!

توضیحات:

«السَّابِقُونَ...»: پیشقدمان در خیرات و پیشاهنگان در حسنات. پیشوایان و رهبران مردم در اخلاق و صفات انسانی و انجام اعمال و افعال خداپسندانه (نگا: مؤمنون / ۶۱، فاطر / ۳۲، توبه / ۱۰۰). مراد پیشگامان و پیشتازان همه ملت‌ها از آغاز جهان تا پایان آن، در انجام اوامر و دوری از نواهی الهی است. (السَّابِقُونَ) اوّل مبتدا و دومی صفت یا تأکید، و (أُوْلئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) خبر آن است. یا این که اوّلی مبتدا و دومی خبر است. ناگفته پیدا است که این گروه برخوردار از مقام والاتری از سمت راستی‌ها می‌باشند، و پیغمبران و پیشقراولان ادیان آسمانی و بزرگان دین و مبارزان راه حق، تشکیل دهندگان این گروهند.

سوره واقعهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ١١﴾

ترجمه:

آنان، مقرّبان (درگاه یزدان) هستند.

توضیحات:

«أُوْلَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»: مبتدا و خبر بوده و رویهم خبر (السَّابِقُونَ) در آیه پیشین است.

سوره واقعهٔ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ١٢﴾

ترجمه:

در میان باغ‌های پرنعمت بهشت جای دارند.

توضیحات:

«جَنَّاتِ النَّعِيمِ»: (نگا: مائده / ۶۵، یونس / ۹، حج / ۵۶).

سوره واقعهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ١٣﴾

ترجمه:

گروه زیادی از پیشینیان (هر دینی، از زمره دسته سوم) هستند.

توضیحات:

«ثُلَّةٌ»: جماعت زیاد. دسته فراوان. «الأَوَّلِينَ»: نخستین گروندگان به هر دینی از ادیان آسمانی، در روزها و سال‌های اولیه دعوت هر پیغمبری، برای مثال: اصحاب و تابعین آئین اسلام (نگا: حدید / ۱۰).

سوره واقعهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْأٓخِرِينَ ١٤﴾

ترجمه:

و گروه اندکی از پسینیان (هر دینی، در میان دسته سوم) می‌باشند.

توضیحات:

«الآخِرِينَ»: اشخاصی که بعد از روزها و سال‌های دعوت هر پیغمبری، جان بر کف در راه خدمت به دین خدا به تلاش می‌ایستند و از زمره آیندگان دینداران بشمارند.

سوره واقعة آیه ۱۵

متن آیه:

﴿عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوۡضُونَةٍ ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

اینان بر تختهای مرصّع و مطرّز می‌نشینند.

توضیحات:

«سُرُرٍ»: جمع سَریر، تخت‌ها. «مَوْضُونَةٍ»: مرصّع و زربفت. مطرّز و مکلّل.

سوره واقعة آیه ۱۶

متن آیه:

﴿مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيۡهَا مُتَقَٰبِلِينَ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

روبروی هم بر آن تخت‌ها تکیه می‌زنند.

توضیحات:

«مُتَّكِئِينَ... مُتَقَابِلِينَ»: حال اول و دوم هستند برای ضمیر (عَلي سُرُرٍ). یعنی: «إِسْتَقَرُّوا عَلي سُرُرٍ مُتَّكِئِينَ مُتَقَابِلِينَ».

سوره واقعة آیه ۱۷

متن آیه:

﴿يَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

نوجوانانی، همیشه نوجوان (برای خدمت بدیشان، پیرامونشان در آمد و رفت هستند و باده را) برای آنان می‌گردانند.

توضیحات:

«وِلْدانٌ»: جمع وَلَد، پسرکان. نوجوانان (نگا: طور / ۲۴). «مُخَلَّدُونَ»: جمع مُخَلَّد، همیشه ماندگار و پیوسته نوجوان.

سوره واقعة آیه ۱۸

متن آیه:

﴿بِأَكۡوَابٖ وَأَبَارِيقَ وَكَأۡسٖ مِّن مَّعِينٖ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه:

(برای آنان به گردش درمی‌آورند) قدح‌ها و کوزه‌ها و جام‌هائی از رودبار روان شراب را.

توضیحات:

«أَكْوَابٍ»: جمع کوب، قَدح. لیوان (نگا: زخرف / ۷۱). «أَبَارِيقَ»: جمع إبريق، کوزه دارای دسته و لوله. «كَأْسٍ»: جام. در اینجا باده مراد است (نگا: صافات / ۴۵). «مَعِينٍ»: روان. جاری. مراد رودبار خمر است (نگا: محمد / ۱۵).

سوره واقعهٔ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا وَلَا يُنزِفُونَ ١٩﴾

ترجمه:

از نوشیدن آن، نه سر درد می‌گیرند، و نه عقل و شعور خود را از دست می‌دهند.

توضیحات:

«لا يُصَدَّعُونَ»: دچار سر درد گردانده نمی‌شوند. «عَنْهَا»: به سبب آن. «لا يُنزِفُونَ»: عقل و شعور را از دست نمی‌دهند (نگا: صافات / ۴۷). قی و استفراغ نمی‌کنند (نگا: المصحف المیسر، صفوه التفاسیر).

سوره واقعهٔ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

(نوجوانان بهشتی برای آنان می‌گردانند) هر نوع میوه‌ای را که برگزینند.

توضیحات:

«فَاكِهَةٍ»: میوه. عطف بر (كَأْسٍ) در آیه ۱۸ است. «مِـمَّـا يَتَخَيَّرُونَ»: از میوه‌هائی که بخواهند. میوه‌هائی که خودشان برمی‌گزینند و برمی‌دارند.

سوره واقعهٔ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ٢١﴾

ترجمه:

و گوشت پرنده‌ای که بخواهند و آرزو کنند.

توضیحات:

«یَشْتَهُونَ»: اشتهاء کنند. بخواهند و مایل بدان باشند.

سوره واقعۀ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

و حوریان چشم درشت بهشتی دارند.

توضیحات:

«حُورٌ»: سیاه چشمان. مبتدا و خبر آن (عِندَهُمْ) یا (لَـهُمْ) محذوف است. برخی آن را عطف بر (وِلْدانٌ) دانسته‌اند. «عِینٌ»: جمع عَینَاء، درشت چشمان. صفت (حُورٌ) است.

سوره واقعۀ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿كَأَمْثَٰلِ ٱللُّؤْلُوِ ٱلْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

همسان مروارید میان صدفند.

توضیحات:

«الُّؤْلُؤِ الْـمَكْنُونِ»: (نگا: طور / ۲۴).

سوره واقعۀ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

(این‌ها بدی‌شان داده می‌شود) به پاداش کارهائی که می‌کرده‌اند.

توضیحات:

«جَزَآءً»: مفعولٌ‌له است.

سوره واقعۀ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿لَا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا تَأۡثِيمًا ٢٥﴾

ترجمه:

در میان باغ‌های بهشت، نه سخن یاوه می‌شنوند، و نه سخن گناه‌آلود.

توضیحات:

«لَغْواً... تَأْثِیماً»: (نگا: طور / ۲۳).

سوره واقعۀ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿إِلَّا قِيلٗا سَلَٰمٗا سَلَٰمٗا ٢٦﴾

ترجمه:

مگر سخن سلام! سلام! را.

توضیحات:

«قِیلاً»: سخن (نگا: نساء / ۱۲۲). مستثنی است. «سَلاماً سَلاماً»: درود! درود! صفت (قیلاً) است. یعنی سخنی که سالم از یاوه و گناه است. یا بدل آن است و معنی چنین می‌شود: مگر سخنی را که سلام! سلام! است (نگا: مریم / ۶۲). «سَلاماً ، سَلاماً»: سلام بعد از سلام. سلام‌ها و سلام‌ها بر همدیگر. یا درود خدا بر ایشان، و یا درود فرشتگان بر آنان (نگا: السراج المنیر).

سوره واقعۀ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ ٢٧﴾

ترجمه:

سمت راستی‌ها! چه سمت راستی‌هائی؟! (اوصاف مواهب و نعمت‌هایشان در بیان نمی‌گنجد).

توضیحات:

«أَصْحَابُ الْیَمِینِ...»: (نگا: واقعه / ۸).

سوره واقعهٔ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ ۝٢٨﴾

ترجمه:

در (سایه درخت) سدر بی‌خار آرمیده‌اند.

توضیحات:

«سِدْرٍ»: درخت سِدر. ولی سِدر بهشتی کجا و سِدر جهان کجا! (نگا: سبأ / ۱۶). «مَخْضُودٍ»: بی‌خار. سِدری که خارهایش را گرفته و بریده‌اند.

سوره واقعهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ ۝٢٩﴾

ترجمه:

و در سایه درختان موزی بسر می‌برند که میوه‌هایش رویهم ردیف و چین چین افتاده است.

توضیحات:

«طَلْحٍ»: درختی است سبز و خوشرنگ و خوشبو. درخت کنار. درخت مَوز. «مَنضُودٍ»: متراکم. ردیف رویهم افتاده. چین چین (نگا: هود / ۸۲، ق / ۱۰).

سوره واقعهٔ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ ۝٣٠﴾

ترجمه:

و در میان سایه‌های فراوان و گسترده و کشیده (خوش و آسوده‌اند).

توضیحات:

«ظِلٍّ»: سایه فراخ. «مَمْدُودٍ»: کشیده و گسترده. غرض این است که بهشتیان دائماً در سایه‌های مطبوع و روح‌افزای دائم و همیشگی بسر می‌برند و از رنج گرما در امانند.

سوره واقعهٔ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ ٣١﴾

ترجمه:

و در کنار آبشارها و آب‌های روان (بسر می‌برند که زمزمه آن گوش جان را نوازش می‌دهد و منظره آن چشم انسان را فروغ می‌بخشد).

توضیحات:

«مَسْكُوبٍ»: ریزان و روان. همیشه جاری. از بالا به پائین در حال ریزش.

سوره واقعهٔ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ ٣٢﴾

ترجمه:

و در میان میوه‌های فراوان هستند.

توضیحات:

سوره واقعهٔ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ ٣٣﴾

ترجمه:

که نه تمام می‌شود و نه منع می‌گردد.

توضیحات:

«لا مَقْطُوعَةٍ»: ناگسستنی و قطع ناشدنی. «لا مَـمْنُوعَةٍ»: قدغن ناشدنی و بلامانع.

سوره واقعهٔ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَفُرُشٖ مَّرۡفُوعَةٍ ٣٤﴾

ترجمه:

و در بین همسران ارجمند و گرانقدر (خوش می‌گذرانند).

توضیحات:

«فُرُشٍ»: جمع فِراش، کنایه از همسر است. همان‌گونه که لباس گاهی بدین معنی است (نگا: بقره / ۱۸۷). «مَرْفُوعَةٍ»: والامقام. بلند بالا.

سوره واقعهٔ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ ٣٥﴾

ترجمه:

ما آنان را (در آغاز کار، بدین شکل زیبا و شمائل دلربا) پدیدار کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَنشَأْنَاهُنَّ»: حوریان را به گونه خاصی آفریده‌ایم. ایشان را به وضع خاصی پدید آورده‌ایم.

سوره واقعهٔ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا ٣٦﴾

ترجمه:

ایشان را دوشیزگانی ساخته‌ایم (که پس از آمیزش، بکارت خود را باز می‌یابند!).

توضیحات:

«أَبْکَاراً»: جمع بِکر، دوشیزگان.

سوره واقعهٔ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿عُرُبًا أَتۡرَابٗا ٣٧﴾

ترجمه:

شیفتگان (همسر خود، و همه جوان و طناز و) همسن و سال هستند.

توضیحات:

«عُرُباً»: جمع عَرُوب، زن شیفته و دلداده‌ای که شوهر خود را سخت دوست داشته باشد و با سخن و ناز و غمزه و خنده عشق و محبت خود را بدو اظهار کند، خلاصه سراپا عاشق و واله شوهر باشد. «أَتْرَاباً»: جمع تِرْب، زنان همسن و سال و جوان بکمال (نگا: ص / ۵۲). «عُرُباً أَتراباً»: صفت اوّل و دوم (أَبْکَاراً) است.

سوره واقعهٔ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿لِّأَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٣٨﴾

ترجمه:

(همه این نعمت‌های ششگانه) متعلق به سمت راستیها است.

توضیحات:

«لأَصْحَابِ الْيَمِينِ»: بعضی جار و مجرور را متعلق به (أَنشَأْنَاهُنَّ) در آیه ۳۵ می‌دانند. یعنی: ما چنین حوریانی را برای دست راستی‌ها آفریده و پدیدار کرده‌ایم. برخی هم جار و مجرور را متعلق به فعل عام محذوفی می‌دانند و تقدیر چنین است: «هذِهِ كُلُّها لِاَصْحَابِ الْيَمِينِ».

سوره واقعهٔ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣٩﴾

ترجمه:

سمت راستی‌ها گروه زیادی از پیشینیان (گروندگان به هر دینی از ادیان آسمانی) هستند.

توضیحات:

«الأَوَّلِينَ»: نخستین گروندگان به هر دینی از ادیان الهی. پیشینیان امتهای گذشته.

سوره واقعهٔ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَثُلَّةٌ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

و گروه زیادی از پسینیان (گروندگان به هر دینی از ادیان الهی).

توضیحات:

«الآخِرِينَ»: پسینیان. آیندگان. اشخاصی که بعد از روزها و سال‌های دعوت هر پیغمبری، ایمان آورده‌اند و مؤمنانه زیسته‌اند.

سوره واقعهٔ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ٤١﴾

ترجمه:

سمت چپی‌ها! چه سمت چپی‌هائی؟! (بدا به حالشان!).

توضیحات:

«أَصْحَابُ الشِّمَالِ»: (نگا: واقعه / ۹).

سوره واقعهٔ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فِي سَمُومٖ وَحَمِيمٖ ٤٢﴾

ترجمه:

آنان در میان شعله‌های آتش و آب جوشان بسر خواهند برد!

توضیحات:

«سَمُومٍ»: شعله و لهب خالص (نگا: طور / ۲۷). باد سوزان «حَمِيمٍ»: آب بسیار گرم و جوشان (نگا: انعام / ۷۰، یونس / ۴، حج / ۱۹).

سوره واقعهٔ آیه ۴۳

متن آیه:

﴿وَظِلّٖ مِّن يَحۡمُومٖ ٤٣﴾

ترجمه:

و در سایه دودهای بسیار سیاه و گرم قرار خواهند گرفت.

توضیحات:

«يَحْمُومٍ»: دود پرحرارت و بسیار غلیظ و سیاه (نگا: زمر / ۱۶).

سوره واقعهٔ آیه ۴۴

متن آیه:

﴿لَّا بَارِدٖ وَلَا كَرِيمٍ ٤٤﴾

ترجمه:

نه خنک است و نه مفید فایده‌ای.

توضیحات:

«بَارِدٍ»: سرد و خنک. «كَرِيمٍ»: در میان عرب‌ها معمول است که وقتی می‌خواهند

شخص یا چیزی را ذم کنند و غیر مفید معرفی کنند، واژه (کریم) را به دنبال شخص یا چیز دیگری که بیفایده و ناپسند قلمداد شده است، ذکر می‌نمایند. مثلاً می‌گویند: «مَا هذِهِ الدّارُ بِوَاسِعَةٍ وَ لا کَرِیمٍ». «مَا هذَا بِسَمِینٍ وَ لا کَرِیمٍ» (نگا: زادالمسیر). در اینجا مراد از (لا کَرِیمٍ) بیفایده و بدمنظر است.

سوره واقعهٔ آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ ٤٦﴾

ترجمه:

چرا که آنان پیش از این (در دنیا، مست و مغرور نعمت و) خوشگذران بوده‌اند.

توضیحات:

«مُتْرَفِینَ»: افراد خوشگذران و مست و مغرور فزونی نعمت (نگا: اسراء / ۱۶، مؤمنون / ۶۴). در اینجا مراد همه کسانی است که به سبب پرداختن به جهان، از عبادت یزدان غافل، و تمام تلاش‌شان برای معاش‌شان بوده است.

سوره واقعهٔ آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ ٤٦﴾

ترجمه:

و پیوسته بر انجام گناهان بزرگ، پافشاری داشته‌اند.

توضیحات:

«الْحِنثِ الْعَظِیمِ»: گناه بزرگ. گناهان کبیره، و از همه بدتر، کفر و شرک.

سوره واقعهٔ آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَكَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

و می‌گفته‌اند: آیا زمانی که مُردیم و خاک و استخوان گشتیم، آیا دوباره زنده گردانده می‌شویم؟!

توضیحات:

«أَإِذَا مِتْنَا...»: (نگا: مؤمنون / ۸۲، صافات / ۱۶ و ۵۳).

سوره واقعهٔ آیه ۴۸

متن آیه:

﴿أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ۝٤٨﴾

ترجمه:

آیا پدران و نیاکان پیشین ما هم؟! (که هیچ اثری از آنان باقی نمانده است، دوباره زنده می‌شوند؟!).

توضیحات:

«أَوَ ءَابَآءُنَا...»: (نگا: صافات / ۱۷).

سوره واقعهٔ آیه ۴۹

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَوَّلِينَ وَٱلۡأٓخِرِينَ ۝٤٩﴾

ترجمه:

بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان.

توضیحات:

«الأوَّلِينَ»: پیشینیان. گذشتگان. «الآخِرِينَ»: پسینیان. آیندگان.

سوره واقعهٔ آیه ۵۰

متن آیه:

﴿لَمَجۡمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوۡمٍ مَّعۡلُومٍ ۝٥٠﴾

ترجمه:

قطعاً جملگی در وعده‌گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند.

توضیحات:

«مَجْمُوعُونَ»: گرد آورده شدگان (نگا: هود / ۱۰۳). «مِيقَاتِ يَوْمٍ»: اضافه بیانیه است. یعنی وعده‌گاهی که روز مشخص و معینی در علم خدا است.

سوره واقعهٔ آیه ۵۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمۡ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلۡمُكَذِّبُونَ ٥١﴾

ترجمه:

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده (زندگی دوباره).

توضیحات:

«الـْمُكَذِّبُونَ»: تکذیب‌کنندگان زنده شدن و حیات دوباره پیدا کردن.

سوره واقعۀ آیه ۵۲

متن آیه:

﴿لَأٓكِلُونَ مِن شَجَرٖ مِّن زَقُّومٖ ٥٢﴾

ترجمه:

قطعاً از درخت زقوم خواهید خورد.

توضیحات:

«زَقُّومٍ»: (نگا: صافات / ۶۲، دخان / ۴۳).

سوره واقعۀ آیه ۵۳

متن آیه:

﴿فَمَالِـُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ٥٣﴾

ترجمه:

و شکم‌ها را از آن پر خواهید کرد.

توضیحات:

«مَالِئُونَ»: پر کنندگان.

سوره واقعۀ آیه ۵۴

متن آیه:

﴿فَشَٰرِبُونَ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡحَمِيمِ ٥٤﴾

ترجمه:

و روی آن، آب جوشان و سوزان خواهید نوشید.

توضیحات:

«شَارِبُونَ»: نوشندگان. مراد نوشیدن با اجبار و اکراه است.

سوره واقعهٔ آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَشَٰرِبُونَ شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ ٥٥﴾

ترجمه:

و همچون نوشیدن شترانی که مبتلا به بیماری تشنگی شده‌اند، از آن خواهید نوشید.

توضیحات:

«الْـهِيمِ»: جمع أَهْيم و هَيماء، شترانی که مبتلا به (هُیام) شده باشند. هُیام دردی است که تشنگی سبب آن می‌گردد. شتران مبتلا به چنین مرضی آنقدر آب می‌نوشند تا می‌میرند، یا سخت بیمار می‌گردند (نگا: معجم الفاظ القرآن الکریم).

سوره واقعهٔ آیه ۵۶

متن آیه:

﴿هَٰذَا نُزُلُهُمۡ يَوۡمَ ٱلدِّينِ ٥٦﴾

ترجمه:

این، وسیله پذیرائی از ایشان در روز جزا است.

توضیحات:

«نُزُل»: وسیله پذیرائی (نگا: آل‌عمران / ۱۹۸، کهف / ۱۰۲ و ۱۰۷، صافات / ۶۲).

«يَوْمَ الدِّينِ»: (نگا: فاتحه / ۴، حجر / ۳۵، شعراء / ۸۲).

سوره واقعهٔ آیه ۵۷

متن آیه:

﴿نَحۡنُ خَلَقۡنَٰكُمۡ فَلَوۡلَا تُصَدِّقُونَ ٥٧﴾

ترجمه:

ما شما را (از نیستی به هستی آورده‌ایم و) خلقت بخشیده‌ایم، پس چرا (آفرینش دوباره خود را از خاک) نباید تصدیق و باور کنید؟

توضیحات:

«فَلَوْ لا تُصَدِّقُونَ»: پس چرا نباید تصدیق بکنید؟ مفعول آن محذوف است که خلق و بعث، یعنی آفرینش تازه و حیات مجدد است. واژه (لَوْ لا) برای تحضیض و تحریک بر انجام کاری است.

سوره واقعهٔ آیه ۵۸

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتُم مَّا تُمۡنُونَ ٥٨﴾

ترجمه:

آیا درباره نطفه‌ای که (به رحم زنان) می‌جهانید، اندیشیده‌اید و دقت کرده‌اید؟

توضیحات:

«تُـمْنُونَ»: می‌جهانید. به داخل رحم می‌ریزید (نگا: نجم / ۴۶، قیامت / ۳۷).

سوره واقعهٔ آیه ۵۹

متن آیه:

﴿ءَأَنتُمۡ تَخۡلُقُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٥٩﴾

ترجمه:

آیا شما آن را می‌آفرینید، و یا ما آن را می‌آفرینیم؟

توضیحات:

«أَ أَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ...»: اشاره به آفرینش و دگرگونی شگفت‌انگیز قطره آب به ظاهر ناچیز منی است که به تنهائی مجموعه‌ای از عجائب و غرائب است (نگا: تفسیر نمونه، جلد ۲۳، صفحه ۲۴۱، فرهنگ لغات قرآن دکتر قریب، ماده منی).

سوره واقعهٔ آیه ۶۰

متن آیه:

﴿نَحۡنُ قَدَّرۡنَا بَيۡنَكُمُ ٱلۡمَوۡتَ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ٦٠﴾

ترجمه:

ما در میان شما مرگ را مقدر و معین ساخته‌ایم، و هرگز بر ما پیشی گرفته نمی‌شود (و کسی بر ما چیره نمی‌گردد و از دست ما بدر نمی‌رود).

توضیحات:

«قَدَّرْنَا»: مقدر کرده‌ایم. قانون مرگ را گذاشته‌ایم (نگا: حجر / ۶۰، سبأ / ۱۸، یس / ۳۹، نمل / ۵۷). «مَسْبُوقِينَ»: عقب زدگان. پیشی گرفته‌شدگان. مراد مغلوبین و شکست خوردگان است (نگا: انفال / ۵۹، عنکبوت / ۴ و ۳۹). یعنی مرگ را مقدر کرده‌ایم و کسی از دست آن رهائی نمی‌یابد. در این صورت آیه بعدی هدف این آیه

است یا این که ما هرگز عاجز و ناتوان نیستیم از این که. در این صورت آیه بعدی دنباله این آیه است.

سوره واقعهٔ آیه ۶۱

متن آیه:

﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمۡثَٰلَكُمۡ وَنُنشِئَكُمۡ فِي مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦١﴾﴾

ترجمه:

هدف (از قانون مرگ) این است که گروهی از شما را ببریم و گروه دیگری را جای آنان بیاوریم، و (سرانجام) شما را در جهانی که نمی‌دانید آفرینش تازه ببخشیم.

توضیحات:

«عَلي أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ»: تا این که شما انسان‌ها را در این جهان مرتّباً جایگزین یکدیگر گردانیم. یعنی گروهی را بمیرانیم و دسته دیگری را جانشین ایشان گردانیم. در این صورت (أَمْثَالَ) به معنی اقوامی همچون خودتان است. یا این که: شما را در آخرت به حیات مجدد برمی‌گردانیم و با کیفیات تازه‌ای از نظر روح و جسم زنده و جاودانتان می‌گردانیم. در این صورت (أَمْثَالَ) خود انسان‌ها هستند، ولی با خصوصیات تازه و کیفیات خاص. «فِي مَا لا تَعْلَمُونَ»: در جهانی که شما چگونگی آن را نمی‌دانید و از اصول و نظامی که بر آن حاکم است بی‌خبرید. یا: در قالب و پیکر و روح و روانی که پیدا می‌کنید و شما فعلاً از اشکال و شرائط آن بی‌خبرید.

سوره واقعهٔ آیه ۶۲

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُولَىٰ فَلَوۡلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾﴾

ترجمه:

شما که پیدایش نخستین (این جهان را دیده‌اید، و آن را لمس و اوضاع آن را) دانسته‌اید، پس چرا یادآور نمی‌گردید (و آفرینش جهان دیگر را بر آفرینش این جهان قیاس نمی‌کنید؟).

توضیحات:

«النَّشْأَةَ الأُولي»: آفرینش نخستین. مراد آفرینش این جهان و از جمله انسان‌ها است

که در مقابل آن (النَّشْأَةَ الأخِرَة) یا (النَّشْأَه الأُخْري) قرار دارد (نگا: عنکبوت / ۲۰، نجم / ۴۷). یعنی آفرینش جهان دیگر و از جمله رستاخیز مردگان در قیامت. «فَلَوْ لا تَذَكَّرُونَ»: پس چرا متذکر نمی‌گردید و درس عبرت نمی‌گیرید؟!

سوره واقعهٔ آیه ۶۳

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ ۝٦٣﴾

ترجمه:

آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟

توضیحات:

«تَحْرُثُونَ»: می‌کارید. کشت می‌کنید.

سوره واقعهٔ آیه ۶۴

متن آیه:

﴿ءَأَنتُمۡ تَزۡرَعُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ۝٦٤﴾

ترجمه:

آیا شما آن را می‌رویانید، یا ما می‌رویانیم؟

توضیحات:

«تَزْرَعُونَهُ»: آن را می‌رویانید. بدیهی است کار انسان‌ها تنها کشت است، اما رویانیدن تنها کار خدا است.

سوره واقعهٔ آیه ۶۵

متن آیه:

﴿لَوۡ نَشَآءُ لَجَعَلۡنَٰهُ حُطَٰمٗا فَظَلۡتُمۡ تَفَكَّهُونَ ۝٦٥﴾

ترجمه:

اگر بخواهیم کشتزار را به گیاه خشک و پرپر شده‌ای تبدیل می‌گردانیم بگونه‌ای که شما از آن در شگفت بمانید.

توضیحات:

«حُطَاماً»: گیاه خشک و پرپر شده. خاشاک. «فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ»: بگونه‌ای که شما از

آن در شگفت بمانید. پشیمان بشوید و اندوه بخورید. باب تفعل در اینجا برای سلب است (نگا: آلوسی).

سوره واقعهٔ آیه ۶۶

متن آیه:

﴿إِنَّا لَمُغۡرَمُونَ ٦٦﴾

ترجمه:

(حیران و اندوهناک خواهید گفت:) ما واقعاً زیانمندیم!

توضیحات:

«مُغْرَمُونَ»: زیانباران. زیان دیدگان. از غرامت به معنی زیان و ضرر. هلاک شدگان. نابود شدگان. از ماده غرام به معنی هلاک.

سوره واقعهٔ آیه ۶۷

متن آیه:

﴿بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ٦٧﴾

ترجمه:

بلکه ما بکلی بی‌نصیب و بی‌بهره (از رزق و روزی) هستیم! (آخر چیزی برای ما نمانده است و بی‌چیز و بیچاره شده‌ایم).

توضیحات:

«مَحْرُومُونَ»: محروم از رزق و روزی. بی‌بهره از همه چیز.

سوره واقعهٔ آیه ۶۸

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ ٦٨﴾

ترجمه:

آیا هیچ درباره آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟

توضیحات:

«أَفَرَأَيْتُمْ»: (نگا: شعراء / ۷۵، زمر / ۳۸، نجم / ۱۹).

سوره واقعهٔ آیه ۶۹

متن آیه:

﴿ءَأَنتُمۡ أَنزَلۡتُمُوهُ مِنَ ٱلۡمُزۡنِ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنزِلُونَ ٦٩﴾

ترجمه:

آیا شما آب را از ابر پائین می‌آورید، یا ما آن را فرود می‌آوریم؟

توضیحات:

«اَنزَلْتُمُوهُ»: آن را نازل کرده‌اید و فرو بارانده‌اید. «الْـمُزْنِ»: ابر.

سوره واقعهٔ آیه ۷۰

متن آیه:

﴿لَوۡ نَشَآءُ جَعَلۡنَٰهُ أُجَاجٗا فَلَوۡلَا تَشۡكُرُونَ ٧٠﴾

ترجمه:

اگر ما بخواهیم این آب (شیرین و گوارا) را تلخ و شور می‌گردانیم. پس چرا نباید سپاس‌گزاری کنید؟

توضیحات:

«أُجَاجاً»: بسیار شور. تلخ (نگا: فرقان / ۵۳، فاطر / ۱۲).

سوره واقعهٔ آیه ۷۱

متن آیه:

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ ٧١﴾

ترجمه:

آیا هیچ درباره آتشی که برمی‌افروزید، اندیشیده‌اید؟

توضیحات:

«تُورُونَ»: روشن می‌کنید. برمی‌افروزید. از مصدر ایراء (نگا: عادیات / ۲).

سوره واقعهٔ آیه ۷۲

متن آیه:

﴿ءَأَنتُمۡ أَنشَأۡتُمۡ شَجَرَتَهَآ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنشِـُٔونَ ٧٢﴾

ترجمه:

آیا شما، در آغاز این آتش را پدیدار کرده‌اید، یا این که ما پدیدآورندگان آن هستیم؟

توضیحات:

«شَجَرَتَهَا»: درخت آتش. مراد درخت مرخ و درخت عِقار است که به عنوان چوب

آتش و چوب آتش گیره، آن دو را به هم می‌مالیدند و آتش تولید می‌گردید. یا این که مراد همه درختان است که حرارت و انرژی خورشید را در خود ذخیره می‌کنند و هنگام مالش آنها و یا سوختن آنها، حرارت و انرژی را آزاد می‌کنند (نگا: یس / ۸۰). واژه (شَجَر) به معنی درخت و به معنی ذات و نفس، یعنی خود آتش نیز گرفته شده است (نگا: روح‌المعانی).

سوره واقعۀ آیه ۷۳

متن آیه:

﴿نَحۡنُ جَعَلۡنَٰهَا تَذۡكِرَةٗ وَمَتَٰعٗا لِّلۡمُقۡوِينَ ٧٣﴾

ترجمه:

ما آن را وسیله یادآوری (قدرت خدا) و وسیله زندگی اقویاء و فقراء نموده‌ایم.

توضیحات:

«تَذْكِرَةً»: به یاد آوردن قدرت خدا. چرا که ذخیره کردن انرژی‌ها در درختان و گیاهان و بازگرداندن انرژی‌ها، دالّ بر قدرت خدا در میراندن مردمان و رستاخیز مردگان است. «الْمُقْوِينَ»: صحرانشینان. فقراء. ثروتمندان. بطور کلی استفاده‌کنندگان از آن (نگا: روح المعانی، صفوه التفاسیر، أضواء البیان).

سوره واقعۀ آیه ۷۴

متن آیه:

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٧٤﴾

ترجمه:

حال که چنین است، نام پروردگار بزرگوار خود را ورد زبان ساز (و سپاسگزار نعمت‌های فراوان او باش، و به ستایش وی بپرداز).

توضیحات:

«سَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ»: پروردگار خود را بستای و بگو: «سُبْحانَ مَنْ خَلَقَ هذِهِ الأَشْياءَ بِقُدْرَتِهِ ، وَسَخَّرَها لَنا بِحِكْمَتِهِ ، سُبْحانَهُ ما أَعْظَمَ شَأْنَهُ ، وَأَكْبَرَ سُلْطانَهُ». نام پروردگار خود را ورد زبان ساز و یاد خدا کن.

سوره واقعۀ آیه ۷۵

متن آیه:

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ٧٥﴾

ترجمه:

سوگند به جایگاه‌های ستاره‌ها، و محل طلوع و غروب آنها!

توضیحات:

«لآ أُقْسِمُ »: سوگند به. حرف (لا) در قسم‌های قرآنی زائد و برای تأکید است (نگا: حاقه / ۳۸، معارج / ۴۰، قیامت / ۱ و ۲، تکویر / ۱۵، انشقاِ / ۱۶، بلد / ۱). چرا که خدا در آیه بعدی آن را قسم یادکردن قلمداد فرموده است، و در کلام عرب (لا) زائد برای تأکید و تقویت کلام، فراوان است. از جمله: «تَذَكَّرْتُ لَيْلي»، «فَاعْتَرَتْني صَبابَةٌوَ كادَ نِياطُ الْقَلْبِ» (لايَتَقَطَّعُ)... (لا وَ أَبيكِ) «ابْنَةَ الْعامِرِيِّلايَدَّعِي الْقَوْمُ أَنِّيأَفِرُّ» دیگر این که به اغلب این چیزهائی که همراه (لا) مقسمٌعلیه قرار گرفته‌اند، در جاهای دیگر قرآن بدون (لا) بدان‌ها سوگند یاد شده است (نگا: نجم / ۱، شمس / ۷، مریم / ۶۸، مدثر / ۳۳، تکویر / ۱۷، فجر / ۲ و ۴، لیل / ۱، تین / ۳). «مَوَاقِعِ»: جمع مَوْقِع، جایگاهها و مسیرها و مدارهای ستارگان. ستارگان آسمان بیشمارند و از جمله تنها در کهکشان ما حدود یک‌هزار میلیون ستاره وجود دارد، و نظام مدارات هریک از آنها به قدری دقیق و حساب شده است که انسان را به شگفتی وامی‌دارند. مسیر و مدار و فاصله آنها از یکدیگر طبق قانون جاذبه و دافعه تعیین، و سرعت سیر هر کدام با برنامه معینی انجام می‌پذیرد.

سوره واقعهٔ آیه ۷۶

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٞ لَّوۡ تَعۡلَمُونَ عَظِيمٌ ٧٦﴾

ترجمه:

و این قطعاً سوگند بسیار بزرگی است، اگر (درباره مفهوم آن بیندیشید، و از علم نجوم و ستاره‌شناسی، چیزی) بدانید.

توضیحات:

«لَوْ تَعْلَمُونَ»: این بخش از آیه، اشاره دارد به این که: در پرتو علم و دانش و اکتشافات بیشتر، ارزش این سوگند روشن می‌گردد.

سوره واقعهٔ آیه ۷۷

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ٧٧﴾

ترجمه:

هر آینه این (چیزی را که محمد با خود آورده است) قرآن گرانقدر و ارزشمند است.

توضیحات:

«إِنَّهُ»: این که قرآن که مقسم‌علیه است. «کَرِیمٌ»: گرانقدر. ارزشمند. یعنی قرآن کلام انسان نبوده و بلکه کلام یزدان است. نه شعر است و نه سحر است و نه غیبگوئی.

سوره واقعۀ آیه ۷۸

متن آیه:

﴿فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ٧٨﴾

ترجمه:

در کتابی پنهان (از دیدگان و دور از دسترس شیطان، که لوح محفوظ است) قرار دارد.

توضیحات:

«مَکْنُونٍ»: پنهان. گرانقدر و ارزشمند. دور از دسترس شیطان (نگا: شعراء / ۲۱۰ - ۲۱۲). مراد لوح محفوظ است. برخی چنین کتابی را قرآن می‌دانند.

سوره واقعۀ آیه ۷۹

متن آیه:

﴿لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ ٧٩﴾

ترجمه:

جز پاکان (یعنی فرشتگان یزدان) بدان دسترسی ندارند.

توضیحات:

«لا یَمَسُّهُ»: به آن دسترسی ندارند. از آن اطلاع پیدا نمی‌کنند. نباید به آن دست بزنند. «الْـمُطَهَّرُونَ»: پاکان. مراد فرشتگان الهی است که آیات قرآن را به دست انسان‌ها می‌رسانند (نگا: عبس / ۱۱ - ۱۶). یا مراد افراد متقی است که دل خود را پاک و آماده دریافت قرآن می‌دارند و چنین پاکانی از قرآن بهره می‌برند و آن را فهم می‌کنند. و یا این که مراد کسانی است که جُنُب نباشند و وضو هم داشته باشند.

سوره واقعۀ آیه ۸۰

متن آیه:

﴿تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٠﴾

ترجمه:

از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

توضیحات:

«تَنزِيلٌ...»: (نگا: شعراء / ۱۹۲، سجده / ۲، یس / ۵).

سوره واقعهٔ آیه ۸۱

متن آیه:

﴿أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ٨١﴾

ترجمه:

آیا نسبت به این کلام (یزدان، یعنی قرآن) سستی و سهل‌انگاری می‌کنید (و آن را جدی نمی‌گیرید؟)

توضیحات:

«هذَا الْحَدِيثِ»: این سخن. قرآن. «مُدْهِنُونَ»: جمع مُدْهِن، سهل‌انگار و بی‌توجه. سازشکار. با توجه به مفهوم اخیر، معنی چنین می‌شود: آیا با کافران و منافقان بر سر این قرآن سازش می‌کنید و همچون ایشان بدان کفر می‌ورزید؟! (نگا: قلم / ۹).

سوره واقعهٔ آیه ۸۲

متن آیه:

﴿وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ٨٢﴾

ترجمه:

و آیا بهره خود را از قرآن تنها تکذیب بدان می‌کنید؟!

توضیحات:

«رِزْقَ»: بهره. قسمت. «أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ»: مفعول دوم (تَجْعَلُونَ) است. برخی (رِزْقَ) را شکر معنی کرده‌اند و در این صورت مفهوم آیه چنین است: آیا بجای سپاسگزاری نعمت قرآن، آن را تکذیب می‌کنید؟! بعضی هم مضافی را مقدر می‌دانند که شکر است و آیه را چنین معنی می‌کنند: آیا شکر نعمت قرآن را تکذیب آن می‌نمائید؟! برخی هم رزق را فقط نعمت قرآن نمی‌دانند، بلکه همه نعمت‌ها و روزی‌ها می‌شمارند.

سوره واقعهٔ آیه ۸۳

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ۝٨٣﴾

ترجمه:

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد، (توانائی بازگرداندن آن را ندارید؟!).

توضیحات:

«بَلَغَتْ»: فاعل آن (الروحُ) محذوف است و سیاق کلام دالّ بر آن است (نگا: قیامه / ۲۶). «الْحُلْقُومَ»: گلوگاه. خشکنای. حلق. حنجره.

سوره واقعهٔ آیه ۸۴

متن آیه:

﴿وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ۝٨٤﴾

ترجمه:

و شما در این حال می‌نگرید (و کاری از دستتان ساخته نیست).

توضیحات:

«أَنتُمْ»: شما اطرافیان شخص محتضر.

سوره واقعهٔ آیه ۸۵

متن آیه:

﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ۝٨٥﴾

ترجمه:

ما به او نزدیکتریم از شما، ولیکن شما نمی‌بینید.

توضیحات:

«إِلَيْهِ»: به شخص محتضر.

سوره واقعهٔ آیه ۸۶

متن آیه:

﴿فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ۝٨٦﴾

ترجمه:

اگر شما مطیع فرمان (یزدان) نمی‌باشید.

توضیحات:

«غَيۡرَ مَدِينِينَ»: افراد نافرمان. اشخاص بی‌سزا و جزا. با توجه به مفهوم دوم، معنی آیه چنین است: اگر شما هرگز در برابر اعمالتان جزا و سزا داده نمی‌شوید (پس روح را به قالب او برگردانید).

سوره واقعهٔ آیه ۸۷

متن آیه:

﴿تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٨٧﴾

ترجمه:

اگر راست می‌گوئید (که خودتان مقتدر و توانا هستید) روح را بازگردانید.

توضیحات:

«تَرْجِعُونَهَا»: روح را برگردانید و دوباره جان به کالبد محتضر بدمید.

سوره واقعهٔ آیه ۸۸

متن آیه:

﴿فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨﴾

ترجمه:

و اما اگر (شخص محتضر) از زمره پیشگامان مقرّب باشد.

توضیحات:

«الْمُقَرَّبِينَ»: اشخاص مقرّب، همان پیشگامانند (نگا: واقعه / ۱۰).

سوره واقعهٔ آیه ۸۹

متن آیه:

﴿فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩﴾

ترجمه:

همین که مُرد، بهره او راحت و آسایش و گلهای خوشبو و بهشت پرنعمت است.

توضیحات:

«فَرَوْحٌ...»: حرف (ف) برای تعقیب است. یعنی انسان مؤمن همین که در آستانه مرگ قرار گرفت، رَوح و رَیحان و جنت نعیم بهره او می‌گردد. اغلب آیات قرآنی دالّ بر این است که انسان از نخستین لحظات عالم برزخ، به نعمتها و لذتها و خوشیها

می‌رسد، و یا به نقمت‌ها و مجازات‌ها و ناخوشی‌ها گرفتار می‌گردد (نگا: مؤمنون / ۱۰۰، انعام / ۹۳، فصّلت / ۳۰). «رَوْحٌ»: راحت و آسایش. «رَیْحَانٌ»: گل‌های خوشبو (نگا: رحمن / ۱۲). «جَنَّتُ نَعِیمٍ»: (نگا: شعراء / ۸۵).

سوره واقعهٔ آیه ۹۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ۝٩٠﴾

ترجمه:

و اما اگر از یاران سمت راستی‌ها باشد.

توضیحات:

«أَصْحَابِ الْیَمِینِ»: همان اصحاب المیمنة هستند (نگا: واقعه / ۸).

سوره واقعهٔ آیه ۹۱

متن آیه:

﴿فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ۝٩١﴾

ترجمه:

از سوی یاران سمت راستی‌ها درودت باد!

توضیحات:

«سَلامٌ لَّکَ»: درودت باد! مخاطب شخص محتضری است که پس از تحویل جان به جان آفرین، به میان اصحاب الیمین خواهد رفت. در دم مرگ سلام دوستان همیشگی او را بدو می‌رسانند.

سوره واقعهٔ آیه ۹۲

متن آیه:

﴿وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ۝٩٢﴾

ترجمه:

و اما اگر (شخص محتضر) از جمله تکذیب‌کنندگان و گمراهان (دست چپی) باشد.

توضیحات:

«الْمُکَذِّبِینَ الضَّآلِّینَ»: مراد سمت چپی‌ها است (نگا: واقعه / ۹).

سوره واقعۀ آیه ۹۳

متن آیه:

﴿فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ٩٣﴾

ترجمه:

(همین که محتضر مرد) با آب جوشان از او پذیرائی می‌گردد!

توضیحات:

«نُزُلٌ»: (نگا: واقعه / ۵۶). «حَمِيمٍ»: (نگا: واقعه / ۵۴).

سوره واقعۀ آیه ۹۴

متن آیه:

﴿وَتَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ ٩٤﴾

ترجمه:

و به آتش دوزخ فروانداختن و جای دادن در آن است.

توضیحات:

«تَصْلِيَةُ»: فرو انداختن به آتش و جای دادن در آن.

سوره واقعۀ آیه ۹۵

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ٩٥﴾

ترجمه:

قطعاً این (چیزهائی که درباره پیشگامان و سمت راستیها و سمت چپیها گفته شد) عین واقعیت است.

توضیحات:

«هذا»: آنچه در این سوره راجع به سه گروه پیشتازان و دست راستیها و دست چپیها آمده است. «حَقُّ الْيَقِينِ»: عین واقعیت. حق و حقیقت. در قرآن عِلْمُ الْيقِين (نگا: تکاثر / ۵) و عَينُ الْيقِين (نگا: تکاثر / ۷) و حَقُّ الْيقِين آمده است. «عِلْمُ الْيَقين»، خبر راستینی است که انسان آن را می‌شنود و باور می‌دارد. «عَيْنُ الْيَقين»، آن است که انسان آن را می‌بیند. «حَقُّ الْيَقِين»، آن است که آن را با حواس ظاهری یا باطنی درک

می‌کند. مثلاً اگر شخصی بگوید که در این ظرف سربسته، عسل است و تو هم او را راستگو بدانی، و یا مقداری از عسل بر دور و بر ظرف ریخته شده باشد، این علم‌الیقین است. اگر سرپوش ظرف را بردارند و عسل را در داخل آن ببینی، این عین‌الیقین است. و اگر مقداری را از آن انگشت بزنی و بخوری، این حق‌الیقین است که بالاتر از دوتای نخستین است (نگا: المصحف المیسر).

سوره واقعهٔ آیه ۹۶

متن آیه:

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ۝٩٦﴾

ترجمه:

حال که چنین است، نام پروردگار بزرگ خود را ورد زبان ساز (و سپاسگزار نعمت‌های فراوان او باش، و به ستایش وی بپرداز).

توضیحات:

«فَسَبِّحْ بِاسْمِ...»: (نگا: واقعه / ۷۴).

سوره حدید

سوره حدید آیه ۱

متن آیه:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝١﴾

ترجمه:

هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدای را تسبیح و تقدیس می‌کنند (و با کرنش و پرستش رضای او را می‌جویند) و خدا چیره کاردان است.

توضیحات:

«سَبَّحَ لِلّهِ مَا...»: (نگا: اسراء / ۴۴، رعد / ۱۳، نور / ۴۱).

سوره حدید آیه ۲

متن آیه:

﴿لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ۝٢﴾

ترجمه:

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و او زنده می‌گرداند و می‌میراند، و او بر هر چیزی توانا است.

توضیحات:

«لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ...»: (نگا: توبه / ۱۱۶).

سوره حدید آیه ۳

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ۝٣﴾

ترجمه:

او پیشین و پسین و پیدا و ناپیدا است، و او آگاه از همه چیز است.

توضیحات:

«الأوَّلُ»: پیشین. بی‌آغاز. آن که بودنش پیش از بودن همه موجودات است.

«الآخِرُ»: پسین. بی‌انتها. آن که پس از نابودی همه موجودات، باقی و برجای است. «الظَّاهِرُ»: پیدا و نمودار. آن که همه چیز جهان، بودن او را فریاد می‌دارند، و بر وجود او دلالت دارند. «الْبَاطِنُ»: ناپیدا. نهان. آن که حواس، او را احاطه نمی‌سازد، و عقول او را درک نمی‌کند.

سوره حدید آیه ۴

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِی خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ یَعۡلَمُ مَا یَلِجُ فِی ٱلۡأَرۡضِ وَمَا یَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا یَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا یَعۡرُجُ فِیهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَیۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِیرٞ ٤﴾

ترجمه:

او است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفرید و سپس بر تخت (فرمانروائی کائنات) قرار گرفت. و او می‌داند چه چیز به زمین نازل و از آن خارج می‌شود، و چه چیز از آسمان پائین می‌آید و بدان بالا می‌رود. و او در هر کجا که باشید، با شما است. و خدا می‌بیند هر چیزی را که می‌کنید.

توضیحات:

«سِتَّةِ أَیَّامٍ»: شش روز. مراد شش دوره است (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، هود / ۷). «إسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ»: (نگا: اعراف / ۵۴، یونس / ۳، رعد / ۲). «یَلِجُ»: (نگا: سبأ / ۲).

سوره حدید آیه ۵

متن آیه:

﴿لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٥﴾

ترجمه:

مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن او است، و همه کارها بدو برگردانده می‌شود.

توضیحات:

«لَهُ مُلْكُ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۰۹).

سوره حدید آیه ۶

متن آیه:

﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۚ وَهُوَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٦﴾

ترجمه:

او شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌گرداند (و گاهی از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید، و گاهی از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید، و نور و ظلمت را بدنبال هم آهسته و آرام روان می‌دارد) و او از انسان‌ها و رازهای سینه‌ها مطلع و باخبر است.

توضیحات:

«يُولِجُ»: داخل می‌گرداند (نگا: حج / ۶۱، لقمان / ۲۹). «ذَاتِ الصُّدُورِ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۱۹ و ۱۵۴، مائده / ۷)

سوره حدید آیه ۷

متن آیه:

﴿ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ ٧﴾

ترجمه:

به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید، و از چیزهائی ببخشید که شما را در آنها نماینده (خود در تصرف، و جانشین دیگران در بدست گرفتن اموال) کرده است. زیرا کسانی که از شما ایمان بیاورند و (در راه خدا) بذل و بخشش کنند، پاداش بزرگی دارند.

توضیحات:

«مُسْتَخْلَفِينَ»: نمایندگان خدا در صرف اموال و دادن آن به افراد مستحق. جانشینان دیگران در بدست گرفتن اموال. اشاره به دو چیز است: الف - در حقیقت مالک اصلی خدا است و اموال سپرده و امانتی در پیش انسان است. ب - دسته‌های می‌روند و دسته‌های می‌آیند و به نوبت اموال را بدست می‌گیرند و امانتدار می‌شوند (نگا: انعام / ۱۶۵، یونس / ۱۴).

سوره حدید آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمَا لَكُمۡ لَا تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ لِتُؤۡمِنُواْ بِرَبِّكُمۡ وَقَدۡ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٨﴾

ترجمه:

چرا نباید به خدا ایمان بیاورید؟ در حالی که پیغمبر، شما را (با دلائل قوی و معجزات روشن) برای ایمان به پروردگارتان دعوت می‌کند؟ و (خداوند هم) از شما پیمان (فطری و کونی) گرفته است (و نشانه‌های ایمان آوردن به خود را در درونتان سرشته است و در بیرونتان به معرض تماشا گذاشته شده است) اگر خواهان ایمان آوردن هستید؟

توضیحات:

«قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ»: خداوند از شما پیمان ایمان آوردن گرفته است. این پیمان غیر از طریق وحی و نقل، به دو شیوه از طریق درک و عقل، از هر انسانی گرفته شده است: الف - خدا انسان را بر فطرت سلیم خداشناسی سرشته است، و اگر حجاب مادیات و لذائذ دنیوی بگذارد، انسان ذاتاً خداشناس است، و ندای وجدان او را به پرستش یزدان فریاد می‌دارد (نگا: روم / ۳۰). ب - خدا قوانین و ضوابط و عجائب و غرائبی را در جلو دیدگان انسان گذاشته است و جهانی را در پیش روی او گسترانیده است که از ذره تا کهکشان آن، دالّ بر وجود یزدان است (نگا: اعراف / ۱۷۲). «إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»: اگر خواستار ایمان و حاضر برای پذیرش آن هستید. این بخش از آیه، در معنی مقدم بر دیگر قسمتهای آیه است، و در اصل چنین است: «إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»، «مَا لَكُمْ لا تُؤْمِنُونَ بِاللهِ ، وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ»؟ (نگا: روح‌المعانی، التفسیر القرآنی للقرآن). پس منظور از (إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ) این است که: اگر شما حاضر به ایمان آوردن به خدا و پذیرش دلائل هستید، اینجا جای آن است.

سوره حدید آیه ۹

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِۦٓ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾﴾

ترجمه:

خدا است که آیه‌های واضح و روشن را بر بنده خود نازل می‌گرداند تا شما را از تاریکی‌ها (ی جهالت و ضلالت برهاند، و) به نور (ایمان و هدایت) برساند. چرا که خدا نسبت به شما بسیار بامحبت و دارای مهر فراوان است.

توضیحات:

«ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ»: (نگا: بقره / ۹۹، یونس / ۱۵، نور / ۱). «رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»: (نگا: بقره / ۱۴۳، توبه / ۱۱۷).

سوره حدید آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ وَقَٰتَلَۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡظَمُ دَرَجَةٗ مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَقَٰتَلُواْۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٠﴾

ترجمه:

چرا در راه خدا نباید ببخشید و خرج کنید، و حال این که (اموال شما امانتی بیش نیست و تا آخر در دست شما نمی‌ماند، و همه چیزهای) برجای مانده آسمان‌ها و زمین به خدا می‌رسد؟ کسانی از شما که پیش از فتح (مکه، به سپاه اسلام کمک کرده‌اند و از اموال خود) بخشیده‌اند و (در راه خدا) جنگیده‌اند، (با دیگران) برابر و یکسان نیستند. آنان درجه و مقامشان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح (مکه، در راه اسلام) بذل و بخشش نموده‌اند و جنگیده‌اند. اما به هر حال، خداوند به همه، وعده پاداش نیکو می‌دهد، و او آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید.

توضیحات:

«مِيرَاثُ»: ترکه. مرده ریگ. «لله مِيراثُ السَّمَاوَاتِ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۸۰، حجر / ۲۳، انبیاء / ۸۹، قصص / ۵۸). «الْفَتْحِ»: فتح مکه. «الْحُسْني»: جزا و پاداش نیکو که بهشت است.

سوره حدید آیه ۱۱

متن آیه:

﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ ١١﴾

ترجمه:

کیست که به خدا قرض نیکوئی دهد (و از اموالی که بدو داده شده است ببخشد) تا آن را برای او چندین برابر گرداند، و پاداش ارزشمندی بدو رساند؟

توضیحات:

«يُقْرِضُ اللهَ...»: (نگا: بقره / ۲۴۵، مائده / ۱۲). «كَرِيمٌ»: پرارزش. گرانقدر.

سوره حدید آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۖ بُشۡرَىٰكُمُ ٱلۡيَوۡمَ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢﴾

ترجمه:

روزی مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهی دید که (به سوی بهشت حرکت می‌کنند و) نور (ایمان و اعمال خوب) ایشان، پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تلألؤ و درخشش است (و فرشتگان بدی‌شان مبارک بادی می‌گویند و می‌فرمایند:) مژده باد! که امروز به بهشتی درمی‌آئید که در زیر (کاخ‌ها و درختان) آن، رودبارها جاری است و جاودانه در آنجا بسر می‌برید و می‌مانید. پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است (خوش باشید).

توضیحات:

«يَسْعي»: در حرکت است. «نُورُهُمْ»: نور ایمان و اعمال نیک آنان. «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»: جلو آنان. پیشاپیش ایشان. روبروی‌شان. «أَيْمَانِهِمْ»: أيمان، جمع يمين، طرف راست. دست راست ایشان. هدف از روبرو و طرف راست همه جهات است، ولی ذکر این دو جهت به خاطر احترام و شرفی است که دارند (نگا: روح‌المعانی). «بُشْري»: (نگا: بقره / ۹۷، آل‌عمران / ۱۲۶، انفال / ۱۰).

سوره حدید آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ١٣﴾

ترجمه:

روزی مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: (با شتاب به‌سوی بهشت حرکت

نکنید و) منتظرمان بمانید تا از نور شما فروغ و پرتوی (به ما بتابد و از آن) استفاده کنیم! بدی‌شان گفته می‌شود: به عقب برگردید (و مجدّداً به دنیا بروید) و نوری به دست بیاورید! در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می‌شود که دری دارد. داخل آن (که به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (که بهشت و نعمت سرمدی است) و خارج آن (که به طرف منافقان است) رو به عذاب است (که دوزخ و نقمت ابدی است).

توضیحات:

«أُنظُرُونَا»: منتظر ما بمانید و شتاب مکنید. به ما بنگرید تا از نور صورت شما بهره‌مند شویم و راه خود را پیدا کنیم (نگا: قاسمی). نظر لطف و محبتی به ما بیفکنید و سهمی از نور خود را به ما بدهید. «نَقْتَبِسْ»: شعله و پرتوی برگیریم (نگا: طه / ۱۰). «إِرْجِعُوا وَرَآءَكُمْ»: به عقب برگردید. مراد برگشتن به دنیا است. «قِيلَ»: گویندگان آن مؤمنان یا فرشتگانند. «سُورٍ»: دیوار بلند. باره. بارو. «بابٌ»: در. دروازه. چه بسا مراد این باشد که چنین دیواری دروازه‌ای دارد که مؤمنان از آنجا وارد طرف بهشت می‌گردند و پس از ورود همه آنان، به روی منافقان بسته می‌شود. «بَاطِنُهُ»: داخل آن. قسمتی که مؤمنان در آنجا هستند. «ظَاهِرُهُ»: پشت دیوار. خارج دیوار. قسمتی که منافقان در آنجا هستند.

سوره حدید آیه ۱۴

متن آیه:

﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَٱرْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ ٱلْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ١٤﴾

ترجمه:

منافقان، مؤمنان را فریاد می‌دارند، مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی! ولیکن (با نفاق) خویشتن را گرفتار بلا کردید، و چشم به راه (مرگ پیغمبر، و نابودی مسلمانان، و برچیده شدن اسلام) ماندید و (درباره حقانیت دعوت پیغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخیز) شک و تردید ورزیدید، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا این که فرمان خدا (دائر بر مرگتان) در رسید و اهریمن (بدکاره و نفس امّاره) فریبکار، شما را درباره خدا فریب داد.

توضیحات:

«فَتَنتُمْ»: در فتنه و بلا انداخته‌اید. «تَرَبَّصْتُمْ»: درنگ کرده‌اید. منتظر مانده‌اید. «إِرْتَبْتُمْ»: شک و تردید نموده‌اید. دودلی ورزیده‌اید. «غَرَّتْكُمْ»: (نگا: جاثیه / ۳۵، انعام / ۷۰ و ۱۳۰، اعراف / ۵۱). «الْغَرُورُ»: (نگا: لقمان / ۳۳، فاطر / ۵).

سوره حدید آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٥﴾

ترجمه:

پس امروز، هم از شما، و هم از کافران، عوضی و غرامتی پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شماها آتش دوزخ است. دوزخ سرپرستتان است (و پناهگاهی جز آن ندارید) و چه بد سرنوشتی و چه بد جایگاهی است!

توضیحات:

«فِدْيَةٌ»: عوض. غرامت. در قیامت تنها وسیله نجات ایمان و عمل صالح است. در آن روز تمام اسباب و وسائل مادی که در این جهان برای رسیدن به مقاصد معمول است از کار می‌افتد، و پیوندها بریده می‌شود (نگا: بقره / ۴۸ و ۲۵۴، دخان / ۴۱، طور / ۴۶، مؤمنون / ۱۰۱، مدثر / ۳۸). «مَأْوَاكُمُ النَّارُ»: (نگا: عنکبوت / ۲۵، جاثیه / ۳۴).

«مَوْلِي»: سرپرست. سرور. یار و یاور. در اینجا واژه آقا و یاور، جنبه ریشخند و تمسخر دارد. بدان می‌ماند که ستمگری به مهلکه بیفتد و طلب کمک کند و بدو گفته شود: یار و مددکار و ولی و سرپرست تو چوبه دار، و پرت کردن به میان آتش سوزان و قهار است. «بِئْسَ الْـمَصِيرُ»: (نگا: بقره / ۱۲۶، آل‌عمران / ۱۶۲، انفال / ۱۶).

سوره حدید آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ١٦﴾

ترجمه:

آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزد و کرنش برد؟ و آنان همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولانی بر آنان سپری گشته است، و دل‌هایشان سخت شده است، و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) گشته‌اند.

توضیحات:

«أَلَـمْ یَأْنِ...»: آیا نزدیک نشده است؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است؟ از ماده (أَنی ، یَأْني ، أَنْیاً). «ذِکْرِ»: یاد. به خاطر آوردن. «لِذِکْرِ»: حرف (ل) به معنی (عِندَ) است (نگا: اسراء / ۷۸). «مَا نَزَلَ... »: مراد قرآن است. «الأَمَدُ »: زمان. مدت. مراد فاصله زمانی ایشان با پیغمبران است.

سوره حدید آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٧﴾

ترجمه:

بدانید که خداوند زمین مرده را زنده می‌کند. ما آیه‌ها را برای شما (با ذکر مثالها) روشن می‌گردانیم و بیان می‌داریم، تا این که شما (مطالب و مقاصد آنها را) فهم کنید.

توضیحات:

«یُحْیِ الأَرْضَ...»: (نگا: روم / ۱۹ و ۲۴ و ۵۰).

سوره حدید آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُصَّدِّقِينَ وَٱلۡمُصَّدِّقَٰتِ وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ كَرِيمٞ ١٨﴾

ترجمه:

مردان بخشنده و زنان بخشنده‌ای که (با دادن صدقات و انجام خیرات و حسنات) به خدا قرض نیکوئی می‌دهند (پاداش بخشش و وامشان) برای ایشان چندین برابر می‌شود، و مزد بزرگ و قابل توجهی دارند.

توضیحات:

«الْمُصَّدِّقِینَ»: متصدّقین. صدقه‌دهندگان. انفاق‌کنندگان. (نگا: یوسف / ۸۸، احزاب / ۳۵). «یُضَاعَفُ لَهُمْ»: ثواب تصدق و قرض ایشان چندین برابر گردانده می‌شود (نگا: بقره / ۲۶۱ و ۲۴۵، نساء / ۴۰). استعمال ضمیر (هم) در اینجا و ضمیر (و) در (أَحْسَنُوا) از راه تغلیب است و به مردان و زنان تعلق دارد.

سوره حدید آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّیقُونَۖ وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡۖ وَٱلَّذِینَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔایَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِیمِ ١٩﴾

ترجمه:

کسانی که به خدا و به پیغمبرانش ایمان بیاورند، آنان راستان و گواهان پیشگاه پروردگارشانند و اجر خود را و نور خود را دارند. اما کسانی که کافر بشوند و آیات ما را تکذیب کنند، آنان دوزخیانند.

توضیحات:

«الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَدَآءُ»: (نگا: نساء / ۶۹). «عِندَ ربِّهِمْ»: در پیشگاه پروردگارشان. به عقیده پروردگارشان.

سوره حدید آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَیَوٰةُ ٱلدُّنۡیَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِینَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَیۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِی ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَیۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ یَهِیجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ یَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِی ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِیدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَیَوٰةُ ٱلدُّنۡیَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ٢٠﴾

ترجمه:

بدانید که زندگی دنیا تنها بازی، سرگرمی، آرایش و پیرایش، نازش در میان همدیگر، و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس. دنیا همچو باران است که گیاهان آن، کشاورزان را به شگفت می‌آورد، سپس گیاهان رشد و نمو می‌کنند، و بعد

گیاهان را زرد و پژمرده خواهی دید، و آنگاه خرد و پرپر می‌گردند. در آخرت عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خوشنودی خدا (برای خداپرستان) است. اصلاً زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

توضیحات:

«لَعِبٌ وَ لَـهْوٌ وَ زِينَةٌ»: (نگا: انعام / ۳۲، عنکبوت / ۶۴، محمد / ۳۶). «تَفَاخُرٌ»: نازش بر یکدیگر. به خود بالیدن و خود را ستودن. «تَكَاثُرٌ»: مسابقه در افزایش مال و جاه، و نازش به دارائی و عزت و قدرت. «غَيْثٍ»: باران. «الْكُفَّارَ»: جمع کافِر، کشاورزان (نگا: فتح / ۲۹). «ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً»: (نگا: زمر / ۲۱). «مَتَاعُ الْغُرُورِ»: (نگا: آل‌عمران. ۱۸۵).

سوره حدید آیه ۲۱

متن آیه:

﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢١﴾

ترجمه:

بر یکدیگر پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمان و زمین است. برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند. این، عطاء خدا است، و به هر کس که بخواهد آن را می‌دهد، و خدا دارای عطاء بزرگ و فراوان است.

توضیحات:

«سَابِقُوا»: با همدیگر مسابقه دهید. بر یکدیگر پیشی گیرید. «عَرْضُهَا...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۳۳).

سوره حدید آیه ۲۲

متن آیه:

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢﴾

ترجمه:

هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر این که پیش از آفرینش زمین و خود شما، در کتاب بزرگ و مهمی (به نام لوح محفوظ، ثبت و ضبط) بوده است، و این کار برای خدا ساده و آسان است.

توضیحات:

«مُصِيبَةٍ»: رخداد در معنی عام خود (نگا: فی ظلال القرآن) اعم از خیر یا شر. «كِتَابٍ»: لوح محفوظ. علم خدا (نگا: انعام / ۵۹، یس / ۱۲). «نَبْرَأَهَا»: آن را بیافرینیم. مراد آفرینش زمین و انسان‌ها و بطور کلی همه کائنات است. «يَسِيرٌ»: ساده. آسان. با قیاس به علم خدا، زمان گذشته و حال و آینده، و مشکل و مشکلتر و مشکلترین، و آسان و آسانتر و آسانترین، معنی ندارد. جهان برابر نقشه و طرح قبلی خدا ساخته شده است و همه چیز در آن دقیق و اندازه‌گیری گشته است، و لذا چیزی ناسنجیده و خودسرانه رخ نمی‌دهد و خارج از نقشه پیاده نمی‌گردد.

سوره حدید آیه ۲۳

متن آیه:

﴿لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمْۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۝٢٣﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دستتان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید بر آنچه خدا به دستتان رسانده است. خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد.

توضیحات:

«لِكَيْ لا ...»: شما را بر این مسأله باخبر کردیم که تا. جهان را بدین خاطر چنین آفریدیم که تا. «فَاتَكُمْ»: از دست دادید. از دستتان بدر رفت (نگا: آل‌عمران / ۱۵۳). «ءَاتَاكُمْ»: به شما داد. به دستتان رساند. «مُخْتَالٍ فَخُورٍ»: (نگا: نساء / ۳۶، لقمان / ۱۸). مراد آیه این است که انسان بطور کلی غمگین یا شادمان نگردد، بلکه آیه انسان را رهنمود می‌فرماید به این که او دلبسته و شیفته و عبد و اسیر زرق و برق جهان

نگردد، و خوشی‌ها و ناخوشی‌هایش را گذرا بداند و آنها را جاودانه نپندارد، و مست ناز و نعمت، و یا زندانی بلا و مصیبت نشود، و بداند که او مسافری به‌سوی آخرت است و راه از نشیب و فراز برخوردار است.

سوره حدید آیه ۲۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٤﴾

ترجمه:

همان کسانی که بخل میورزند و مردم را نیز به بخل ورزیدن دعوت می‌کنند. هر کس که (از این فرمان) روی‌گردان شود (به خدا زیانی نمی‌رساند) چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

توضیحات:

«الَّذِینَ...»: بدل از (کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) است. یا خبر مبتدای محذوف است: «هُمُ الَّذِینَ». و یا این که مبتدا است و خبر آن محذوف است: «الَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَیَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ، فَإِنَّهُمْ یَسْتَحِقُّونَ الْعَذَابَ». «یَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ»: (نگا: نساء / ۳۷).

سوره حدید آیه ۲۵

متن آیه:

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢٥﴾

ترجمه:

ما پیغمبران خود را همراه با دلائل متقن و معجزات روشن (به میان مردم) روانه کرده‌ایم، و با آنان کتاب‌های (آسمانی و قوانین) و موازین (شناسائی حق و عدالت) نازل نموده‌ایم تا مردمان (برابر آن در میان خود) دادگرانه رفتار کنند. و آهن را پدیدار کرده‌ایم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردمان است. هدف (از ارسال انبیاء و نزول کتب آسمانی و همچنین آفرینش وسائلی چون آهن) این است که خداوند بداند چه کسانی او را و فرستادگانش را بگونه نهان و پنهان (از دیدگان مردمان) یاری می‌کنند. خداوند نیرومند و چیره است.

توضیحات:

«الْبَيِّنَاتِ»: (نگا: روم / ۴۷، غافر / ۲۲). «الْكِتَابَ»: جنس کتاب مراد است. یعنی همه کتاب‌های آسمانی. «الْمِيزَانَ»: (نگا: شوری / ۱۷، رحمن / ۷ و ۸ و ۹). «الْقِسْطِ»: عدل (نگا: آل‌عمران / ۱۸ و ۲۱، نساء / ۱۲۷ و ۱۳۵). «أَنزَلْنَا الحَدِيدَ»: آهن را آفریده‌ایم و پدیدار کرده‌ایم. «أَنزَلْنَا»: بوجود آورده‌ایم. خلق کرده‌ایم. (نگا: اعراف / ۲۶، زمر / ۶). «لِيَقُومَ»: تا عمل بکنند. تا دست بیازند (نگا: نساء / ۱۲۷). «بَأْسُ»: قوت. نیرو. (نگا: نساء / ۸۴، انعام / ۶۵، اسراء / ۵). «لِيَعْلَمَ اللهُ...»: (نگا: بقره / ۱۴۳، آل‌عمران / ۱۴۰ و ۱۴۲، کهف / ۱۲). «بِالْغَيْبِ»: دور از چشم مردم. بعد از وفات انبیاء. بی‌آنکه خدا را ببینند.

سوره حدید آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

ما نوح و ابراهیم را (پیغمبر، و به‌سوی مردم) روانه کرده‌ایم، و در دودمان آنان نبوّت و کتاب‌ها(ی آسمانی، از جمله تورات و انجیل و زبور و قرآن) را قرار دادیم. برخی از آنان راهیاب شدند، و بسیاری از ایشان (از راه راست خداشناسی، منحرف و) خارج شدند.

توضیحات:

«نُوحاً وَ إِبْرَاهِيمَ»: ذکر این دو پیغمبر اولوالعزم، بدان خاطر است که آنان پدر همه انبیاء بعد از خود هستند (نگا: عبدالکریم الخطیب) و نوح شیخ‌الانبیاء (نگا: صفوة التفاسیر) و پدر دوم نام گرفته است (نگا: شربینی)، و ابراهیم قهرمان توحید، و ابوالانبیاء بوده (نگا: صفوة التفاسیر) و عرب‌ها و رومیها و بنی‌اسرائیل از نژاد او هستند (نگا: شربینی). «الْكِتَابَ»: کتاب‌های آسمانی از جمله کتب اربعه: تورات و زبور و انجیل و قرآن. خط و نوشتن (نگا: شربینی، روح‌المعانی). «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً وَإِبْرَاهِيمَ...»: عطف بر (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ) بوده و بخش پسین، تفصیل اجمال بخش پیشین است.

سوره حدید آیه ۲۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

سپس به دنبال نوح و ابراهیم (و انبیاء پیشین و هم‌عصر با ایشان) پیغمبرانی را روانه کردیم و بدنبال همه آنان، عیسی پسر مریم را فرستادیم و بدو انجیل عطاء نمودیم، و در دل پیروان عیسی مهر و عطوفت (مسلمانان) را قرار دادیم. پیروان او رهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم، ولیکن خودشان آن را برای بدست آوردن خوشنودی خدا پدید آورده بودند (و بر خویشتن نذر و واجب نموده بودند). اما آنان چنانکه باید آن را مراعات نکردند. ما به کسانی که از ایشان (به محمد) ایمان آوردند پاداش درخورشان را دادیم، ولی بیشترشان (از راه راست منحرف و) خارج شدند (و سزای اعمال بد خود را دیدند).

توضیحات:

«قَفَّيْنَا عَلي ءَاثَارِهِمْ»: (نگا: مائده / ۴۶). «جَعَلْنَا... رَأفَةً وَ رَحْمَةً»: برخی گفته‌اند چنین رأفت و رحمت خدادادی خودشان، نسبت به خودشان، مراد است، همسان مهر و عطوفت مسلمانان در حق یکدیگر (نگا: آل‌عمران / ۱۰۳). بعضی گفته‌اند مراد رأفت و رحمت مسیحیان حقیقی نسبت به مسلمانان است (نگا: مائده / ۸۲). «رَهْبَانِيَّةً»: در آغاز به معنی ترس از خدا و بی‌اعتنائی نسبت به دنیا بود، ولی بعدها جنبه غارنشینی و دیرنشینی و دوری از مردمان و ترک ازدواج و پشت پا زدن به تمام نعمتها و خوشیهای دنیا را پیدا کرد. منصوب به اشتغال است. «إِلاَّ ابْتِغَآءَ»: مستثنی منقطع است و (إِلاّ) به معنی (لكِنَّ) است (نگا: کشاف). خلاصه: رهبانیت را کشیشان و مسیحیان برای رضای خدا پدیدار نمودند و بر خویشتن نذر و فرض کردند و بعدها آن را مراعات ننمودند، و به آئین تثلیث درآمدند. ناگفته نماند که رهبانیت در اسلام حرام است و پیغمبر فرموده است: «لا رَهْبانِيَّةَ فِي الإِسْلامِ» (نگا: المصحف المیسر).

سوره حدید آیه ۲۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٨﴾

ترجمه:

ای کسانی که (از اهل کتاب بشمارید و به خدا و پیغمبران الهی و کتاب‌های تورات و انجیل) ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و به پیغمبر او (محمدبن عبدالله، خاتم انبیاء، هم) ایمان بیاورید، تا خداوند دو پاداش از رحمت خود را به شما دهد (یکی پاداش ایمان به عیسی، و دیگری پاداش ایمان به محمد)، و نیز برای شما نوری را پدیدار گرداند که در پرتو آن حرکت کنید، و شما را ببخشاید، چرا که خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.

توضیحات:

«يَآ أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا...»: مخاطب مسیحیانی هستند که به عیسی و همه انبیاء - صلوات‌الله علیهم - ایمان آورده و به خاتم‌الانبیاء نیز ایمان می‌آورند (نگا: المراغی). «كِفْلَيْنِ»: مثنی کفْل است، به معنی نصیب و بهره و سهم (نگا: نساء / ۸۵)، برخی آن را به مثنی محدود نکرده و بلکه برای کثرت می‌دانند (نگا: معجم‌الفاظ القرآن الکریم). در این صورت معنی: (يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ) چنین می‌شود: پاداش زیادی به شما می‌دهد. «نُوراً»: مراد نور قرآن در دنیا (نگا: مائده / ۱۵) و یا نور ایمان در قیامت است (نگا: حدید / ۱۲).

سوره حدید آیه ۲۹

متن آیه:

﴿لِّئَلَّا يَعۡلَمَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩﴾

ترجمه:

تا اهل کتاب بدانند که (اگر به محمد ایمان نیاورند) هیچ سهمی از فضل و عطاء الهی ندارند، و این که فضل و عطاء در دست خدا است، و آن را به هر کس که بخواهد مرحمت می‌کند، و خداوند دارای فضل و عطاء فراوان و بزرگ است.

توضیحات:

«لِئَلاَّ یَعْلَمَ»: تا بدانند. حرف (لا) زائد و برای تأکید نفی است. «أَهْلُ الْکِتَابِ»: مراد کسانی است که به عیسی و سایر پیغمبران ایمان آورده، ولی به پیغمبر اسلام ایمان نداشته و بهشت را منحصر به خود می‌دانستند (نگا: بقره / ۱۱۱ و ۱۳۵). «الْفَضْلِ»: موهبت. مرحمت. عطیه. لطف (نگا: بقره / ۶۴ و ۱۰۵، آل‌عمران / ۷۳ و ۷۴).

سوره مجادلة

سوره مجادلة آیه ۱

متن آیه:

﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ١﴾

ترجمه:

خداوند گفتار آن زنی را می‌پذیرد که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می‌کند و به خدا شکایت می‌برد. خدا قطعاً گفتگوی شما دو نفر را می‌شنود، چرا که خدا شنوا و بینا است.

توضیحات:

«قَدْ سَمِعَ»: قطعاً شنید. شنیدن در اینجا به معنی پذیرفتن است. همان‌گونه که واژه (سَمِعَ) در حالت اعتدال نماز، در جمله «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» به همین معنی است. آیه‌های نخستین این سوره درباره زنی به نام خَوْلَه است که از طرف شوهرش اوس بن صامت مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و او را ظهار می‌کند که نوعی طلاق غیرقابل بازگشت در زمان جاهلیت بوده است. خَوله به پیش پیغمبر می‌آید و قضیه را مطرح می‌کند و تقاضای رجوع به پیش شوهر پشیمان خود را می‌کند. لیکن رسول خدا بدو می‌فرمایند: تو بر او حرام شده‌ای. در اینجا است که حکم مسأله ظهار به پیغمبر وحی می‌گردد و مشکل خوله برطرف می‌شود. «تَشْتَكِي»: شکایت می‌برد و تقاضای حل مشکل می‌کند. «تَحَاوُرَ»: گفتگو.

سوره مجادلة آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمۡۖ إِنۡ أُمَّهَٰتُهُمۡ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔي وَلَدۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٢﴾

ترجمه:

کسانی که زنان خود را ظهار می‌کنند (و بدی‌شان می‌گویند: شما برای ما همسان مادرانمان هستید)، آنان مادران‌شان نمی‌گردند، و بلکه مادران‌شان تنها زنانی هستند که ایشان را زائیده‌اند. چنین کسانی سخن ناهنجار و دروغی را می‌گویند (چرا که مادر و فرزند بودن، چیزی نیست که با سخن درست شود). خداوند بسیار باگذشت و آمرزگار است (و اگر مسلمانی پیش از نزول این آیات، مرتکب این عمل شده باشد، خداوند او را می‌بخشد).

توضیحات:

«يُظَاهِرُونَ»: ظهار می‌کنند. ظهار عبارت از این است که شوهر به همسر خود بگوید: «أَنتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمِّي»؛ تو برای من مادری. یعنی همان‌گونه که ازدواج با مادر خودم برایم حرام است، تو نیز تا ابد بر من حرام هستی. این جمله به منزله صیغه طلاق بود. البته ظهار تنها بدین شکل انجام نمی‌گیرد. بلکه تشبیه همسر - به قصد تحریم، نه به قصد تکریم - به یکی از زنانی که برای مرد ازدواج با ایشان حرام باشد، ظهار بشمار است. این تحریم چه از راه نسب باشد و چه از راه شیرخوارگی و یا دامادی. همچنین تشبیه اندام همسر به اندام چنین زنانی چه سراپای او باشد و چه پشت و چه اعضاء دیگر (نگا: المراغی). «زُوراً»: دروغ.

سوره مجادلۀ آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُواْ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مِّن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۚ ذَٰلِكُمۡ تُوعَظُونَ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٣﴾

ترجمه:

کسانی که زنان خود را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، باید بنده‌ای را آزاد کنند، پیش از آنکه با یکدیگر نزدیکی و آمیزش انجام دهند. این درس و پندی است که به شما داده می‌شود، و خدا آگاه از آن چیزی است که می‌کنید.

توضیحات:

«يَعُودُونَ لِـمَا قالُوا»: از گفته خود پشیمان می‌شوند. می‌خواهند جبران سخنی کنند که گفته‌اند. قصد بازگشت به زنان خود را دارند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

«تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ»: (نگا: نساء / ۹۲، مائده / ۸۹). «يَتَمَآسَّا»: مراد از تماس، نزدیکی و آمیزش جنسی، و هرگونه عملی است که منتهی بدان شود. از قبیل: بوسیدن، لمس کردن، در آغوش گرفتن.

سوره مجادلۀ آیه ۴

متن آیه:

﴿فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ مِن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۖ فَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ فَإِطۡعَامُ سِتِّينَ مِسۡكِينٗاۚ ذَٰلِكَ لِتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٤﴾

ترجمه:

اگر هم کسی بنده‌ای را نیابد و توانائی آزاد کردن او را نداشته باشد، باید دو ماه پیاپی و بدون فاصله روزه بگیرد، پیش از آنکه شوهر و همسر با همدیگر نزدیکی و آمیزش کنند. اگر هم نتوانست، باید شصت نفر فقیر را خوراک دهد. این (قانونگذاری) بدان خاطر است که بگونه لازم به خدا و پیغمبرش ایمان بیاورید (و برابر دستور اسلام، نه جاهلیت، زندگی را بسر برید). این‌ها قوانین و مقررات خدا است (و آنها را مراعات دارید. هر که آنها را مراعات نکند و ناچیز انگارد، به‌سوی کفر رهسپار است) و کافران عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«مُتَتَابِعَيۡنِ»: پیاپی. مراد این است که دو ماه روزه باید بدون فاصله باشد. حتی اگر روزی روزه گرفته نشود، روزهای ماقبل هدر می‌رود و باید دو ماه را تکمیل کند. «ذَٰلِكَ»: این قانونگذاری. این بیان و تعلیم احکام. یادآوری: کفاره ظهار به ترتیب: آزاد کردن بنده، دو ماه روزه گرفتن، و یا شصت نفر فقیر را طعام دادن است. رعایت ترتیب واجب است (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن، المراغی).

سوره مجادلۀ آیه ۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٥﴾

ترجمه:

کسانی که با خدا و پیغمبرش دشمنی می‌کنند، خوار و ذلیل می‌شوند، همان‌گونه که پیش از ایشان پیشینیان خوار و ذلیل شدند. ما آیات روشن و دلائل متقنی را فرو فرستاده‌ایم (که دالّ بر حق و حقیقت، و واقعیت و حقانیت اسلام هستند. کسانی که بدان‌ها ایمان نیاورند کافرند) و کافران عذاب خوارکننده‌ای دارند.

توضیحات:

«يُحَآدُّونَ»: دشمنی می‌کنند (نگا: توبه / ۶۳). «كُبِتُوا»: خوار و ذلیل گردانده شدند (نگا: آل‌عمران / ۱۲۷). «مُهِينٌ»: (نگا: بقره / ۹۰، آل‌عمران / ۱۷۸).

سوره مجادلهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٦﴾

ترجمه:

روزی خدا همگان را زنده می‌گرداند و آنان را از کارهائی که کرده‌اند آگاه می‌سازد. کارهائی که ایشان آنها را فراموش کرده‌اند، ولی خداوند آنها را شمارش کرده است (و به حساب آنان گرفته است). خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است.

توضیحات:

«يَبْعَثُهُمْ»: ایشان را زنده می‌گرداند. « أَحْصَاهُ »: آن را شمارش کرده است. مراد دستور به فرشتگان برای ثبت و ضبط اعمال بندگان است (نگا: کهف / ۴۹، یس / ۱۲، زخرف / ۸۰). «شَهِيدٌ»: (نگا: آل‌عمران / ۹۸، انعام / ۱۹، حج / ۱۷).

سوره مجادلهٔ آیه ۷

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ مَا يَكُونُ مِن نَّجۡوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمۡ وَلَا خَمۡسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمۡ وَلَآ أَدۡنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمۡ أَيۡنَ مَا كَانُواْۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٧﴾

ترجمه:

مگر ندیده‌ای که خداوند می‌داند چیزی را که در آسمان‌ها و چیزی را که در زمین است؟ هیچ سه نفری نیست که با همدیگر رازگوئی کنند، مگر این که خدا چهارمین ایشان است، و نه پنج نفری مگر این که او ششمین ایشان است، و نه کمتر از این و نه بیشتر از این، مگر این که خدا با ایشان است در هر کجا که باشند (و رازشان را می‌داند). بعداً خدا در روز قیامت آنان را از چیزهائی که کرده‌اند آگاه می‌سازد. چرا که خدا از هر چیزی باخبر و آگاه است.

توضیحات:

«نَجْوي»: رازگوئی. درگوشی و نهانی صحبت کردن. «خَمْسَةٍ»: عطف بر (ثَلاثَةٍ) است. «أَدْني»: کمتر (نگا: نجم / ۹).

سوره مجادلۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُواْ عَنِ ٱلنَّجۡوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَيَتَنَٰجَوۡنَ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِۖ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوۡكَ بِمَا لَمۡ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ لَوۡلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُۚ حَسۡبُهُمۡ جَهَنَّمُ يَصۡلَوۡنَهَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٨﴾

ترجمه:

آیا ندیده‌ای کسانی را که از نجوا نهی شده‌اند، ولی آنان به‌سوی چیزی برمی‌گردند که از آن نهی گشته‌اند، و برای انجام گناه و دشمنانگی و نافرمانی از پیغمبر، با همدیگر به نجوا می‌پردازند، و هنگامی که به پیش تو می‌آیند بگونه‌ای تو را سلام می‌گویند که خدا تو را بدان‌گونه سلام نگفته است. در دل به خود می‌گویند: (اگر اعمال ما بد است و خدا می‌داند) پس چرا ما را به خاطر گفته‌هایمان کیفر نمی‌دهد؟! دوزخ بسنده ایشان است (و نیازی به مجازات دیگر نیست). داخل آن خواهند شد و با آتش آن خواهند سوخت، و چه بد سرانجامی و چه بد جایگاهی است!

توضیحات:

«الَّذِينَ نُهُوا...»: گروهی از یهودیان و منافقان بودند. «حَيَّوْكَ»: تو را درود می‌گویند. بر تو سلام می‌کنند. «بِمَا لَـمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللهُ»: با واژه‌هائی به تو سلام می‌کنند

که خداوند تو را بدان سلام نگفته است. یهودیان بجای (أَلسَّلامُ عَلَيْكَ) می‌گفتند (أَلسَّامُ عَلَيْكَ): مرگ بر تو! ملامت و خستگی بهره‌ات! «يَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ»: در دل به خود می‌گفتند. استهزاءکنان به همدیگر می‌گفتند. «يَصْلَوْنَهَا»: (نگا: ابراهیم / ۲۹، ص / ۵۶).

سوره مجادلهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَنَـٰجَيۡتُمۡ فَلَا تَتَنَـٰجَوۡاْ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَـٰجَوۡاْ بِٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ۝٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که به نجوا پرداختید، برای انجام گناه و دشمنانگی و نافرمانی از پیغمبر به نجوا نپردازید، و بلکه درباره نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خدائی بترسید که در پیشگاه او گردآورده می‌شوید.

توضیحات:

«الْبِرِّ»: خوبی و نیکی. هرچه در آن خیر و صلاح باشد. «التَّقْوي»: مراد ترک معصیت است.

سوره مجادلهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّمَا ٱلنَّجۡوَىٰ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ لِيَحۡزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيۡسَ بِضَآرِّهِمۡ شَيۡـًٔا إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ۝١٠﴾

ترجمه:

نجوا تنها از ناحیه اهریمن است و می‌خواهد مؤمنان را غمگین و اندوهناک سازد! اما هیچ زیانی نمی‌تواند بدی‌شان برساند مگر این که اجازه خدا در میان باشد. پس مؤمنان باید به خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

«لِيَحْزُنَ»: تا غمگین سازد. باب اوّل است و متعدی. «لَيْسَ بِضَآرِّهِمْ»: شیطان نمی‌تواند بدی‌شان زیان و ضرری برساند.

سوره مجادلة آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَكُمۡ تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ فَٱفۡسَحُواْ يَفۡسَحِ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُواْ فَٱنشُزُواْ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که به شما گفته شد: در مجالس جای باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد، و هنگامی که به شما گفته شد: برخیزید! برخیزید. اگر چنین کنید خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و بهره از علم دارند، درجات بزرگی می‌بخشد.

توضیحات:

«یَرْفَعِ اللهُ الَّذِینَ ءَامَنُوا مِنکُمْ ، وَالَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ»: عطف (الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ) بر (الَّذِینَ ءَامَنُوا) از قبیل عطف خاص بر عام است. «تَفَسَّحُوا»: جای باز کنید. جمع و جور بنشینید و برای دیگران جا باز کنید. «أُنشُزُوا»: برخیزید. بلند شوید. مراد برخاستن از مجالس است تا جا برای دیگران پیدا شود.

سوره مجادلة آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٢﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هرگاه خواستید با پیغمبر نجوا و رازگوئی کنید، پیش از نجوای خود، صدقه‌ای بدهید. این کار برای شما بهتر و پاکیزه‌تر (برای زدودن حب مال از دلها) است. اگر هم چیزی را نیافتید (که با آن صدقه را انجام دهید) خداوند آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«بَیْنَ یَدَیْ...»: قبل از. پیشاپیش. «صَدَقَةً»: احسانی. بخششی. علت دادن صدقه پیش از گفتگوی نهانی با پیغمبر این بود که بسیاری از اعراب برای کسب افتخار

همدمی، و تظاهر به تقرب بدان حضرت، بدون نیاز تقاضای نجوا و رازگوئی می‌کردند. به وسیله چنین صدقه‌ای، این کار تقلیل پذیرفت و پروردگار مهربان، آن را از میان برداشت (نگا: المصحف المیسر، روح المعانی). پرداخت چنین صدقه‌ای چه بسا آزمون موقتی برای گروه ویژه‌ای در آن مقطع تاریخی بوده است.

سوره مجادلهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٣﴾

ترجمه:

آیا می‌ترسید که پیشاپیش نجوای خود صدقه‌هائی را بدهید (و مخارجی برای خود تولید کنید؟!). حال که چنین کاری را نکرده‌اید و خداوند هم شما را بخشیده است (و این رنج را از دوش شما برداشته است و اجازه داده است بدون دادن صدقه با پیغمبر به نجوا بپردازید) پس نماز را چنان‌که باید بخوانید و زکات مال بدر کنید و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری نمائید. ایزد آگاه از همه کارهائی است که می‌کنید.

توضیحات:

«أَشْفَقْتُمْ»: ترسیدید.

سوره مجادلهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤﴾

ترجمه:

آیا آگاهی از کسانی که گروهی را به دوستی می‌گیرند که خدا بر آنان خشمگین است. اینان (منافقانی بیش نبوده و) نه از شمایند و نه از آنانند. چنین کسانی بگونه آگاهانه سوگند دروغ یاد می‌کنند!

توضیحات:

«تَوَلَّوْا»: به دوستی گرفتند. مراد منافقان است (نگا: حشر / ۱۱). «هُمْ»: ایشان که

منافقانند (نگا: نساء / ۱۴۳). «وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ»: در حالی که می‌دانند که دروغ می‌گویند.

سوره مجادلة آیه ۱۵

متن آیه:

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٥﴾

ترجمه:

خداوند عذاب سختی را برای ایشان آماده کرده و تهیه دیده است. آنان چه کار بدی می‌کنند!

توضیحات:

«أَعَدَّ»: آماده کرده است. تهیه دیده است. «مَا»: چیزهائی که. مراد نفاق و دروغ است.

سوره مجادلة آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٦﴾

ترجمه:

آنان سوگندهایشان را سپری (برای حفظ جان و مال خود) ساخته‌اند و بدین وسیله مردمان را از راه یزدان بازداشته‌اند، و لذا عذاب خوارکننده‌ای دارند.

توضیحات:

«جُنَّةً»: سپر.

سوره مجادلة آیه ۱۷

متن آیه:

﴿لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٧﴾

ترجمه:

اموال‌شان و اولادشان، به هیچ وجه ایشان را از دست خدا مصون و محفوظ نمی‌دارد. اینان دوزخیانند و در دوزخ جاودانه می‌مانند.

توضیحات:

«لَن تُغۡنِيَ...»: (نگا: آل‌عمران / ۱۰ و ۱۱۶).

سوره مجادلهٔ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٨﴾

ترجمه:

روزی خداوند همه آنان را زنده می‌گرداند. آن روز برای خدا (به دروغ) سوگند می‌خورند همان‌گونه که (امروز به دروغ) برای شما سوگند می‌خورند، و گمان می‌برند که ایشان دارای چیزی (از هوش و زرنگی) هستند! (و با این سوگندهای دروغ، خویشتن را می‌رهانند و به جائی می‌رسانند). هان! ایشان دروغگویانند (و گرفتار خشم و عذاب یزدانند).

توضیحات:

«يَحۡلِفُونَ لَهُ»: برای خدا سوگند یاد می‌کنند که منافق نبوده‌اند (نگا: انعام / ۲۳، نحل / ۲۸).

سوره مجادلهٔ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٩﴾

ترجمه:

اهریمن بر آنان چیره گشته است (و با وسوسه‌های خود ایشان را از راستای راه بدر کرده است) و یاد خدا را از خاطرشان برده است. اینان حزب اهریمن هستند. هان! قطعاً حزب اهریمن زیانکار و زیانبارند.

توضیحات:

«إِسۡتَحۡوَذَ»: چیره گشته است. مسلط شده و غلبه یافته است. «حِزۡبُ»: (نگا: مائده / ۵۶، مؤمنون / ۵۳، روم / ۳۲).

سوره مجادلهٔ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ ٢٠﴾

ترجمه:

مسلّماً کسانی که با خدا و پیغمبرش دشمنی می‌کنند، از زمره پست‌ترین و خوارترین (مردمان) خواهند بود.

توضیحات:

«یُحَآدُّونَ»: (نگا: مجادله / ۵). «الأذَلِّینَ»: ذلیل‌ترین و خوارترین و رسواترین انسان‌ها.

سوره مجادلة آیه ۲۱

متن آیه:

﴿كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢١﴾

ترجمه:

خداوند چنین مقدر کرده است که من و پیغمبرانم قطعاً پیروز می‌گردیم. بی‌گمان خداوند نیرومند چیره است.

توضیحات:

«کَتَبَ»: مقدر کرده است. قضا و قدرش در لوح محفوظ چنین افتاده است (نگا: رعد / ۳۹).

سوره مجادلة آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی بگیرند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، هرچند که آنان پدران، یا پسران، یا برادران، و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان، خدا بر دل‌هایشان رقم ایمان زده است، و با نفخه ربانی خود یاری‌شان داده است و تقویتشان کرده است، و ایشان را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و

درختان) آنها رودبارها روان است، و جاودانه در آنجا می‌مانند. خدا از آنان خوشنود، و ایشان هم از خدا خوشنودند. اینان حزب یزدانند. هان! حزب یزدان، قطعاً پیروز و رستگار است.

توضیحات:

«کَتَبَ»: نگاشته است و رقم زده است. مراد مستقر کردن و جایگزین نمودن است.
«أَیَّدَ»: یاری داد. تقویت کرد (نگا: بقره / ۸۷ و ۲۵۳، مائده / ۱۱۰، انفال / ۲۶ و ۶۲).
«رُوحٍ»: نفخه. نیروی معنوی الهی، از قبیل: آرامش درون، نور بصیرت (نگا: فتح / ۴).

سوره حشر

سوره حشر آیه ۱

متن آیه:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝١﴾

ترجمه:

به تسبیح و تقدیس خدا مشغولند تمام چیزهائی که در آسمان‌ها و در زمین هستند، و خدا چیره کار بجا است.

توضیحات:

«سَبَّحَ لله ما...»: (نگا: حدید / ۱).

سوره حشر آیه ۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِۚ مَا ظَنَنتُمۡ أَن يَخۡرُجُواْۖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَۚ يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ۝٢﴾

ترجمه:

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین گردهمآئی (و لشکرکشی مسلمانان و برخورد با ایشان در پیرامون مدینه) از سرزمینشان بیرون راند (و به خیبر کوچاند). شما گمان نمی‌بردید که آنان بیرون روند، و ایشان هم گمان می‌بردند که دژهایشان آنان را از عذاب خدا بدور می‌دارد. اما خدا از جانبی به سراغشان رفت که فکرش را نمی‌کردند (از آن جانب بر آنان بتازند). به دل‌هایشان هراس انداخت، بگونه‌ای که با دست‌های خود و با دست‌های مؤمنان خانه‌های خویش را ویران می‌کردند! ای خردمندان! درس عبرت بگیرید.

توضیحات:

«أَهْلِ الْكِتابِ»: مراد یهودیان بنی‌نضیر است که در دو میلی مدینه زندگی می‌کردند. به هنگام هجرت پیغمبر به مدینه، با آن حضرت پیمان بستند که بی‌طرف بمانند و به نفع و یا به زیان مسلمانان کار نکنند. بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد، بنای بدرفتاری نهادند و حتی در صدد قتل پیغمبر برآمدند و با قریشیان علیه مسلمانان پیمان بستند. به دستور پیغمبر رئیس ایشان کعب پسر اشرف به قتل رسید، و بنی‌نضیر از پیرامون مدینه بیرون رانده شدند و آنان به خیبر رفتند. «حَشْر»: گردهمآئی مردم و لشکرکشی ایشان بر سر قومی. گردآوردن مردمانی و بیرون کردن آنان از جائی. «لِأَوَّلِ الْحَشْرِ»: هنگام نخستین گردهمآئی، و جمع‌آوری کسانی و بیرون راندن آنان، واژه (ل) به معنی (عِندَ) یعنی (هنگام) است (نگا: اسراء / ۷۸). اضافه (اوّل) به (الْـحَشْر) اضافه صفت به موصوف است. حشر اوّل، اخراج بنی‌نضیر از اطراف مدینه به خیبر است. حشر ثانی، اخراج بنی‌نضیر و همه یهودیان دیگر است از جزیرةالعرب به شام در زمان امیرالمؤمنین عمر.

سوره حشر آیه ۳

متن آیه:

﴿وَلَوۡلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ٣﴾

ترجمه:

اگر خداوند ترک دیار را بر آنان مقرر نمی‌کرد، در دنیا ایشان را به عذاب (سخت‌تر از اخراج) گرفتار می‌نمود. (بدا به حال‌شان! گذشته از این خفت اخراج دنیوی) آنان در آخرت عذاب آتش دوزخ دارند.

توضیحات:

«الْـجَلآءَ»: کوچ از شهر و دیار. ترک خانه و کاشانه.

سوره حشر آیه ۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٤﴾

ترجمه:

این (کیفر دنیوی و اخروی) بدان خاطر است که آنان با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده‌اند، و هر کس با خدا دشمنی ورزد (خدا او را به اشد مجازات می‌رساند) چرا که خدا سخت عذاب می‌دهد.

توضیحات:

«مَن یُشَاقِّ اللهَ...»: هر کس با خدا دشمنی ورزد. جزای (مَنْ) محذوف است، و یا این که جمله (فَإِنَّ اللهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ) جزای آن است و عائد آن محذوف است.

سوره حشر آیه ۵

متن آیه:

﴿مَا قَطَعۡتُم مِّن لِّینَةٍ أَوۡ تَرَكۡتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِیُخۡزِیَ ٱلۡفَٰسِقِینَ ٥﴾

ترجمه:

هر درخت خرمائی را که بریدید، یا بر پایه‌ها و ریشه‌های خود برجای گذاشتید، به فرمان خدا و اجازه او بوده است (و گناهی متوجه شما مسلمانان نمی‌باشد. خدا این کار را کرده است) تا بیرون روندگان (از دستورات الهی و منحرفان از شرائع آسمانی) را خوار و رسوا گرداند.

توضیحات:

«لِینَةٍ»: درخت خرما. نوع خوب و ممتاز درخت خرما. «أُصُول»: جمع أَصْل، پایه. ریشه. «لِیُخْزِیَ الْفَاسِقِینَ»: متعلق به محذوفی مثل (أَذِنَ) است. «أَذِنَ فِي قَطْعِ الأَشْجَارِ لِیُخْزِیَ».

سوره حشر آیه ۶

متن آیه:

﴿وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡهُمۡ فَمَآ أَوۡجَفۡتُمۡ عَلَیۡهِ مِنۡ خَیۡلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ یُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن یَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَیۡءٍ قَدِیرٌ ٦﴾

ترجمه:

چیزهائی را که خدا از دارائی ایشان (یعنی بنی‌نضیر) به پیغمبر خود ارمغان داشته

است شما اسبانی و شترانی را برای آن به تاخت درنیاورده‌اید (و با جنگ تصرف ننموده‌اید) و بلکه خداوند پیغمبران خود را بر هر کس که بخواهد چیره می‌گرداند، و خدا بر هر کاری توانا است.

توضیحات:

«مَا»: چیزهائی که. مبتدا است و جمله (فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلا رِكَابٍ) خبر آن است. «أَفَآءَ»: عطاء کرد. عائد کرد. ارمغان داشت (نگا: احزاب / ۵۰). (فَيْء) از این ماده است و به معنی غنیمتی است که بدون جنگ بدست آید. برخلاف (غَنیمت) که با جنگ بدست می‌آید. «مَآ أَوْجَفْتُمْ»: نتاخته‌اید. ندوانده‌اید. به شتاب و جولان درنیاورده‌اید. «خَيْلٍ»: اسبان. «رِكَابٍ»: شتران. خیل و رکاب، اسم جمع بوده و از لفظ خود دارای مفرد نمی‌باشند.

سوره حشر آیه ۷

متن آیه:

﴿مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ مِنكُمۡۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٧﴾

ترجمه:

چیزهائی را که خداوند از اهالی این آبادی‌ها به پیغمبرش ارمغان داشته است، متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و مسافران در راه مانده می‌باشد. این بدان خاطر است که اموال تنها در میان اشخاص ثروتمند شما دست بدست نگردد (و نیازمندان از آن محروم نشوند). چیزهائی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهائی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید. از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد.

توضیحات:

«أَهْلِ الْقُرِي»: اهالی آبادی‌ها. «فَلِلّهِ وَلِلرَّسُولِ...»: (نگا: انفال / ۴۱). «دُولَةً»: چیزی را که مردمان میان خود دست بدست می‌گردانند. با واژه (تداول) همریشه و تقریباً هم معنی است.

سوره حشر آیه ۸

متن آیه:

﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأَمۡوَٰلِهِمۡ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ٨﴾

ترجمه:

همچنین غنائم از آنِ فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خوشنودی او را می‌خواهند، و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند. اینان راستانند.

توضیحات:

«يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِّنَ اللهِ وَ رِضْوَاناً»: (نگا: مائده / ۲، فتح / ۲۹). «الصَّادِقُونَ»: راستان. مؤمنانی که واقعاً ایمان دارند و راست و درست هستند.

سوره حشر آیه ۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٩﴾

ترجمه:

آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آئین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهائی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند.

توضیحات:

«الَّذِينَ»: مراد انصار است. مبتدا، و خبر آن (يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ) است. «تَبَوَّءُوا»: منزل و مأوی را آماده کرده‌اند. یعنی مدینه را برای آئین اسلام آماده کرده‌اند. یا این که منازل و خانه‌هائی تدارک دیده‌اند. «حَاجَةً»: نیاز. در اینجا به معنی میل و رغبت

است. «خَصَاصَةٌ»: احتیاج شدید. نیاز زیاد. «شُحَّ»: بخل (نگا: نساء / ۱۲۸). برخی گویند: شُحّ یکی از ویژگی‌های نفس انسان است و او را به دلبستگی زیاد به مال، و حرص و آز بر آن وامی‌دارد. بخل دست بازداشتن از بخشش و خرج مال است و اثری از آثار شُحّ است (نگا: المصحف المیسر).

سوره حشر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾

ترجمه:

کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.

توضیحات:

«الَّذِينَ جَآءُوا...»: مراد تابعین و همه مؤمنانی است که تا دامنه قیامت به دنیا می‌آیند و آئین اسلام را می‌پذیرند. «غِلاًّ»: کینه. کینه‌توزی و دشمنانگی.

سوره حشر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَئِنۡ أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا وَإِن قُوتِلۡتُمۡ لَنَنصُرَنَّكُمۡ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١١﴾

ترجمه:

آیا منافقانی را ندیده‌ای که پیوسته به برادران کافر اهل کتاب خود می‌گویند: هرگاه شما را بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم آمد، و هرگز به زیان شما از سخن کسی فرمانبرداری نخواهیم کرد، و اگر با شما جنگ و پیکار شود، قطعاً به کمکتان شتافته و یاریتان خواهیم داد. خدا گواهی می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند (و به عهد خود وفا نمی‌کنند).

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ...»: برای تعجب است. «أَهْلِ الْکِتَابِ»: مراد بنی‌نضیر و چه‌بسا یهودیان بنی‌قریظه هم باشد. «لا نُطِیعُ فِیکُمْ»: مراد اطاعت از فرمان جنگ درباره یهودیان است. «أَحَداً»: مراد پیغمبر و یکایک مسلمانان است. «قُوتِلْتُمْ»: با شما قتال گردید. با شما جنگ و پیکار درگرفت.

سوره حشر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿لَئِنۡ أُخۡرِجُواْ لَا يَخۡرُجُونَ مَعَهُمۡ وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمۡ وَلَئِن نَّصَرُوهُمۡ لَيُوَلُّنَّ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١٢﴾

ترجمه:

هرگاه اخراج شوند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با ایشان جنگ و پیکار شود، به کمکشان نمی‌شتابند و یاری‌شان نمی‌دهند، و اگر هم (فرضاً) به کمک و یاری‌شان روند، پشت می‌کنند و می‌گریزند، و دیگر کمک و یاری نخواهند شد (و خدا ایشان را هلاک می‌گرداند).

توضیحات:

«لَئِن نَّصَرُوهُمْ...»: اگر هم فرضاً کمک کنند و یاری دهند. «ثُمَّ لا يُنصَرُونَ»: دیگر، منافقان روی یاری و پیروزی نخواهند دید و خدا آنان را نابود می‌گرداند (نگا: المختصر). از آن به بعد چنین یهودیانی یاری و کمک نخواهند شد (نگا: صفوه التفاسیر).

سوره حشر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ١٣﴾

ترجمه:

هراس شما در سینه‌های ایشان، بیش از هراس آنان از خدا است! این بدان خاطر است که ایشان مردمان نفهم و نادانی هستند (و عظمت خدای را درک نمی‌کنند).

توضیحات:

«رَهْبَةً»: خوف و هراس. ترس و بیم. تمییز است. «بِأَنَّهُمْ»: به علت آنکه ایشان. بدان خاطر که آنان.

سوره حشر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭۚ بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ ١٤﴾

ترجمه:

یهودیان هرگز با شما به صورت دسته‌جمعی جز در پس دژهای محکم و یا از پشت دیوارها نمی‌جنگند. عداوت و دشمنی در میان خودشان شدت دارد. تو ایشان را متحد می‌بینی، ولی پراکنده دل بوده و هماهنگ نمی‌باشند. این بدان خاطر است که مردمان بیشعور و ناآگاهی هستند.

توضیحات:

«قُرىً مُّحَصَّنَةٍ»: آبادیهای محکم. مراد دژهای استوار است. «جُدُرٍ»: جمع جِدار، دیوارها. سورها. «بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ»: جنگ و عداوت در میان خودشان سخت است و متحد و متفق نیستند. در جنگ با یکدیگر توانا و نیرومندند، ولی در مقابل مؤمنان راستین ترسو و ضعیف می‌باشند.

سوره حشر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَرِيبٗاۖ ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٥﴾

ترجمه:

سرگذشت اینان به سرگذشت کسانی می‌ماند که چندی پیش از اینان (در جنگ بدر) طعم تلخ کار بد خود را چشیدند، و (گذشته از این، در آخرت نیز) عذاب دردناکی دارند.

توضیحات:

«الَّذِينَ...»: مراد مشرکان قریش است که در غزوه بدر شکست خوردند (نگا: انفال / ۱۲ - ۲۴). برخی آنان را یهودیان بنی‌قریظه می‌دانند. «وَبَالَ»: نتیجه بدِ کار (نگا: مائده / ۹۵).

سوره حشر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾

ترجمه:

(داستان منافقان با یهودیان) همچون داستان اهریمن است که به انسان می‌گوید: کافر شو (تا مشکلات تو حل شود). اما هنگامی که (بر اثر وسوسه‌های اهریمن) کافر می‌گردد، اهریمن می‌گوید: من از تو بیزار و گریزانم! چرا که من از خدا، یعنی پروردگار جهانیان می‌ترسم.

توضیحات:

«قَالَ لِلإِنسَانِ»: به انسان، هر نوع انسانی، آمرانه دستور می‌دهد. البته دستور شیطان، وسوسه‌های او است و بس (نگا: ابراهیم / ۲۲، حجر / ۴۲). «بَرِيءٌ»: بیزار. گریزان (نگا: انفال / ۴۸).

سوره حشر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٧﴾

ترجمه:

سرانجام کار (اهریمن و کسی که او گمراهش کرده است) بدانجا می‌انجامد که هر دو تا در آتش دوزخ جاودانه می‌مانند، و این سزای ستمگران است.

توضیحات:

«عَاقِبَتُهُمَا»: خبر مقدم (كانَ) و جمله (أَنَّهُمَا خَالِدَيْنِ فِيهَا) محلاً مرفوع اسم كانَ است.

سوره حشر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! از خدا بترسید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است. از خدا بترسید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید.

توضیحات:

«نَفْسٌ»: هرکسی. هر شخصی. «غَدٍ»: فردا. مراد فردای قیامت است. «مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»: واژه (مَا) می‌تواند موصوله یا استفهامیه باشد.

سوره حشر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ١٩﴾

ترجمه:

و همسان کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند، و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد! آنان بیرون روندگان (از حدود شرائع الهی) و خارج شوندگان (از دائره ایمان) هستند.

توضیحات:

«نَسُوا اللهَ»: خدا را فراموش کردند و طاعت و عبادت را از یاد بردند. «فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ»: در نتیجه خدا هم ایشان را از یاد خودشان برد. یعنی خدا فراموشی، منتهی به خود فراموشی می‌گردد. چرا که افراد بی‌دین، در خوشی‌ها به ناز نعمت و قدرت مبتلا می‌شوند و متکبر می‌گردند، و در ناخوشی‌ها، به سردرگمی و ناسپاسی دچار می‌آیند، و در هر دو صورت، هدف آفرینش خود، یا به عبارت دیگر هویت و انسانیت خویش را فراموش می‌کنند، و همه تلاش‌شان خور و خواب و لذت و شهوت می‌گردد، و مبدأ و معاد و عبودیت و الوهیت، در نظرشان واژه‌های نامفهومی می‌شوند، و از این خواب سنگین غفلت تا نمیرند بیدار نمی‌شوند.

سوره حشر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿لَا يَسۡتَوِيٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۚ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

بهشتیان و دوزخیان یکسان و برابر نیستند. بهشتیان (به همه آرزوهای خود رسیده‌اند و) رستگار و پیروزند.

توضیحات:

«هُمُ الْفَآئِزُونَ»: (نگا: توبه / ۲۰، مؤمنون / ۱۱۱، نور / ۵۲)

سوره حشر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٢١﴾

ترجمه:

اگر ما این قرآن را برای کوهی فرو می‌فرستادیم، کوه را از ترس خدا، کرنش‌کنان و شکافته می‌دیدی! ما این مثال‌ها را برای مردمان بیان می‌داریم، شاید که ایشان بیندیشند (و با دید بینا و بینش آگاه به آیات قرآنی بنگرند و دل سنگین خود را با برق قرآن منفجر و آن را به تکان و لرزه آورند).

توضیحات:

«لَوْ أَنزَلْنَا...»: این آیه اشاره دارد به این حقیقت که نفوذ قرآن به قدری عمیق است که اگر بر کوه‌ها نازل می‌شد آنها را با همه صلابت و استحکامی که دارند تکان می‌داد و متلاشی می‌کرد، اما عجب از انسان‌های سنگدلی است که آیات آن را می‌شنوند و تکان نمی‌خورند و کمترین تغییری نمی‌کنند (نگا: بقره / ۷۴). «مُتَصَدِّعاً»: شکافته. «تِلْكَ الأَمْثَالُ»: (نگا: بقره / ۲۶۱ و ۲۶۴ و ۲۶۵، رعد / ۱۷، حج / ۷۳).

سوره حشر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢﴾

ترجمه:

خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. آگاه از جهان نهان و آشکار است (و ناپیدا و پیدا در برابر دانشش یکسان است). او دارای مرحمت عامه (در این جهان، در حق همگان)، و دارای مرحمت خاصه (در آن جهان، نسبت به مؤمنان) است.

توضیحات:

«عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ»: آگاه از دنیای پنهان از دیدگان و خرد انسان، و مطلع از جهان عیان برای بینش و دانش مردمان است. «الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ»: (نگا: فاتحه / ۱).

سوره حشر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان‌دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، و والامقام و فرازمند است. خداوند دور و فرا از چیزهائی است که انباز او می‌کنند.

توضیحات:

«الْمَلِكُ»: فرمانفرما. فرمانروا (نگا: طه / ۱۱۴، مؤمنون / ۱۱۶). «الْقُدُّوسُ»: پاک و منزه. «السَّلامُ»: بی‌عیب و نقص. «الْمُؤْمِنُ»: امنیت بخشنده. امان دهنده. «الْمُهَيْمِنُ»: محافظ و مراقب. «الْجَبَّارُ»: شکوهمند. دارای جبروت. «الْمُتَكَبِّرُ»: والامقام. فرازمند.

سوره حشر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾

ترجمه:

او خداوندی است که طراح هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است. چیزهائی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می‌گویند، و او چیره کار بجا است.

توضیحات:

«الْخَالِقُ»: اندازه‌گیرنده اشیاء در کمیت و کیفیت لازم، طرّاح هستی (نگا: مؤمنون / ۱۴). «الْبَارِئُ»: آفریدگار جهان از نیستی. «الْمُصَوِّرُ»: صورتگر. شکل‌دهنده جهان بدین‌گونه که هست.

سوره ممتحنۀ

سوره ممتحنۀ آیه ۱

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَقَدۡ كَفَرُواْ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلۡحَقِّ يُخۡرِجُونَ ٱلرَّسُولَ وَإِيَّاكُمۡ أَن تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمۡ إِن كُنتُمۡ خَرَجۡتُمۡ جِهَٰدٗا فِي سَبِيلِي وَٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِيۚ تُسِرُّونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعۡلَمُ بِمَآ أَخۡفَيۡتُمۡ وَمَآ أَعۡلَنتُمۡۚ وَمَن يَفۡعَلۡهُ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدی‌شان محبت می‌کنید و مودت می‌ورزید، در حالی که آنان به حق و حقیقتی ایمان ندارند که برای شما آمده است. پیغمبر و شما را به خاطر ایمان آوردن به خدا که پروردگارتان است (از شهر و دیارتان) بیرون می‌رانند. اگر شما برای جهاد در راه من و طلب خوشنودیم (هجرت کرده‌اید و از زادگاه خویشتن) بیرون آمده‌اید (با ایشان پیوند دوستی برقرار نسازید). در نهان با آنان دوستی می‌کنید، در حالی که من نسبت به هرچه پنهان می‌دارید یا آشکار می‌سازید (از همگان) مطلع‌تر و آگاه‌تر هستم. هر کس از شما چنین کاری را بکند، از راستای راه منحرف گشته است.

توضیحات:

«لا تَتَّخِذُوا...»: (نگا: آل‌عمران / ۲۸ و ۱۱۸، مائده / ۵۷). «وَقَدْ كَفَرُوا...»: حرف واو حالیه است. «عَدُوّ»: این واژه برای مفرد و جمع بکار می‌رود (نگا: طه / ۱۱۷، کهف / ۵۰). «اَن تُؤْمِنُوا بِاللهِ»: بدان سبب که به خدا ایمان دارید. مفعولٌ‌له است. «إِن كُنتُمْ...»: جواب شرط محذوف است و (لا تَتَّخِذُوا) پیشین بر آن دلالت دارد. «جِهَاداً»: مفعولٌ‌له است. «وَأَنَا أَعْلَمُ»: حرف واو حالیه است. «سَوَآءَ السَّبِيلِ»: (نگا: بقره / ۱۰۸، مائده / ۱۲ و ۶۰ و ۷۷).

سوره ممتحنۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿إِن يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ ٢﴾

ترجمه:

اگر بر شما دست یابند، دشمنان شما می‌گردند، و دست تعدی به سویتان دراز می‌کنند، و زبان را در حق شما به بدی می‌گشایند، و آرزو می‌کنند که کاش می‌شد کافر شوید!

توضیحات:

«إِن يَثْقَفُوكُمْ»: اگر بر شما دست یابند. اگر بر شما ظفر یابند و چیره شوند (نگا: انفال / ۵۷). «يَبْسُطُوا»: می‌گشایند. مراد گشودن دست تعدی و ستمگری، و دراز کردن نیش زبان برای زورگوئی و بدگوئی‌است.

سوره ممتحنۀ آیه ۳

متن آیه:

﴿لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣﴾

ترجمه:

هرگز خویشاوندان و فرزندانتان سودی به حالتان نخواهند داشت. روز قیامت، خدا در میانتان قضاوت و داوری خواهد کرد. خدا می‌بیند هر کاری را که خواهید کرد.

توضیحات:

«أَرْحَام»: جمع رَحِم، خویشی و خویشاوندی. در اینجا کنایه از خویش و خویشاوند است. یا این که مضاف (ذَوُو) پیش از آن محذوف است (نگا: روح‌المعانی). «يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ»: در میان شما قضاوت می‌کند و به داوری خواهد نشست (نگا: حج / ۱۷، سجده / ۲۵). شما را از یکدیگر جدا می‌کند و هر یکی جدا از دیگری خواهید بود و خویشاوندیها و فرزندیها در میان نخواهد بود. (نگا: انعام / ۹۴، مریم / ۹۵، مؤمنون / ۱۰۱، عبس / ۳۴ – ۳۷).

سوره ممتحنۀ آيه ۴

متن آيه:

﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ إِلَّا قَوۡلَ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسۡتَغۡفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمۡلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۖ رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤﴾

ترجمه:

(رفتار و کردار) ابراهیم و کسانی که بدو گرویده بودند، الگوی خوبی برای شما است، بدانگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از چیزهائی که بغیر از خدا می‌پرستید، بیزار و گریزانیم، و شما را قبول نداریم و در حق شما بی‌اعتنائیم، و دشمنانگی و کینه‌توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار آمده است، تا زمانی که به خدای یگانه ایمان می‌آورید و او را به یگانگی می‌پرستید. (کردار و رفتار ابراهیم و گروندگان بدو، سرمشق خوبی برای شما است) مگر سخنی که ابراهیم به پدر خود گفت: من قطعاً برای تو طلب آمرزش می‌کنم، و در عین حال برای تو در پیشگاه خدا هیچ کار دیگری نمی‌توانم بکنم. (این سخن، چیزی نیست که بدان اقتداء کنید). پروردگارا! به تو توکل می‌کنیم، و به تو روی می‌آوریم، و بازگشت به‌سوی تو است (و همه راه‌ها سر به جانب تو دارد و به تو منتهی می‌گردد).

توضیحات:

«الَّذِينَ مَعَهُ»: گروندگان به ابراهیم. انبیاء و پیغمبران بعد از ابراهیم که همه در خط سیر همدیگرند (نگا: المصحف المیسر). «أُسْوَةٌ»: الگو. سرمشق. اقتداء و تأسی. پیروی و دنباله‌روی. «بُرَءَآؤُ»: جمع بَرِیءٌ، بیزار و گریزان. متنفر. «كَفَرْنَا بِكُمْ»: شما را نمی‌پذیریم و قبول نداریم. چه بسا از راه تغلیب مراد معتقدات خودشان باشد. «إِلاّ قَوْلَ...»: (نگا: توبه / ۱۱۴). «أَنَبْنَا»: با توبه کردن و کارهای نیکو انجام دادن برمی‌گردیم (نگا: رعد / ۲۷، لقمان / ۱۵، ص / ۲۴).

سوره ممتحنۀ آيه ۵

متن آيه:

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٥﴾

ترجمه:

پروردگارا! ما را گرفتار دست کافران مکن، پروردگارا! ما را بیامرز که تو چیره کار بجائی.

توضیحات:

«فِتْنَةً»: مفتون و گرفتار. وسیله آزمون (نگا: یونس / ۸۵، اسراء / ۶۰، حج / ۵۳).

«رَبَّنَا»: تکرار این واژه برای مبالغه در تضرع و زاری است. می‌تواند ملحق به ماقبل و یا به مابعد شود (نگا: روح‌البیان).

سوره ممتحنهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿لَقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِيهِمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ۝٦﴾

ترجمه:

(برنامه زندگی) ابراهیم و گرویدگان بدو، الگوی زیبائی برای شما است. برای شما کسانی که خدا و آخرت را در مد نظر دارید. هر کس هم (از چنین الگوئی) رویگردان شود (به خود ستم می‌کند و) خدا بی‌نیاز و شایسته هرگونه ستایش است.

توضیحات:

«لِمَن كَانَ يَرْجُو...»: بدل از ضمیر (كُمْ) است (نگا: روح‌المعانی). در رسم‌الخط قرآنی، الف زائدی در آخر واژه (يَرْجُو) است.

سوره ممتحنهٔ آیه ۷

متن آیه:

﴿عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجۡعَلَ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ عَادَيۡتُم مِّنۡهُم مَّوَدَّةٗۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٞۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٧﴾

ترجمه:

امید است خدا میان شما و میان دشمنانتان (با توفیق دادن آنان به ایمان و پذیرش اسلام) پیوند محبت برقرار سازد، چرا که خدا بسیار توانا است، و او آمرزنده مهربان است.

توضیحات:

«عَسي»: امید است. یعنی باید امیدوار باشید که. «عَادَيْتُمْ»: دشمنی ورزیده‌اید.

سوره ممتحنۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓاْ إِلَيْهِمْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ ۝٨﴾

ترجمه:

خداوند شما را باز نمی‌دارد از این که نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شما را بیرون نرانده‌اند. خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

توضیحات:

«أَن تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»: از این که به آنان بخشی از اموال خود را بدهید و بدی‌شان احسان کنید. این فعل از (قسط) به معنی بخش و بهره است؛ نه (قسط) به معنی عدالت و دادگری (نگا: المصحف المیسر). چرا که عدالت و دادگری نسبت به دوست و دشمن واجب است (نگا: مائده / ۸). عطف (تُقْسِطُوا) بر (تَبَرُّوهُمْ) از قبیل عطف خاص بر عام است. «الْمُقْسِطِينَ»: نیکوکاران. بخشندگان.

سوره ممتحنۀ آیه ۹

متن آیه:

﴿إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝٩﴾

ترجمه:

بلکه خداوند شما را بازمی‌دارد از دوستی ورزیدن با کسانی که به خاطر دین با شما جنگیده‌اند، و شما را از شهر و دیارتان بیرون رانده‌اند، و برای اخراج شما پشتیبانی کرده‌اند و یاری داده‌اند. کسانی که ایشان را به دوستی گیرند، ظالم و ستمگرند.

توضیحات:

«ظَاهَرُوا»: پشتیبانی کرده‌اند. کمک و یاری داده‌اند (نگا: توبه / ۴، احزاب / ۲۶).

سوره ممتحنهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٖ فَٱمۡتَحِنُوهُنَّۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّۖ فَإِنۡ عَلِمۡتُمُوهُنَّ مُؤۡمِنَٰتٖ فَلَا تَرۡجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلۡكُفَّارِۖ لَا هُنَّ حِلّٞ لَّهُمۡ وَلَا هُمۡ يَحِلُّونَ لَهُنَّۖ وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُواْۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّۚ وَلَا تُمۡسِكُواْ بِعِصَمِ ٱلۡكَوَافِرِ وَسۡـَٔلُواْ مَآ أَنفَقۡتُمۡ وَلۡيَسۡـَٔلُواْ مَآ أَنفَقُواْۚ ذَٰلِكُمۡ حُكۡمُ ٱللَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡۖ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ١٠﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که زنان مؤمن به‌سوی شما مهاجرت کردند، ایشان را بیازمائید - خداوند از ایمان آنان آگاه‌تر است (تا شما) - هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به‌سوی کافران برنگردانید. این زنان برای آن مردان، و آن مردان برای این زنان حلال نیستند. آنچه را که همسران ایشان (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند، بدانان مسترد دارید. گناهی بر شما نخواهد بود اگر چنین زنانی را به ازدواج خود درآورید و مهریه ایشان را بپردازید. با زنان کافر (غیر اهل کتاب) ازدواج نکنید و همسران کافر را در همسری خود نگاه ندارید (چرا که با کفرِ شوهر یا همسر، رابطه زوجیت به هم می‌خورد. اگر هم همسران شما کافر شدند و به دیار کفر گریختند، از کافران) چیزی را که (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اید درخواست کنید و مردان کافر نیز چیزی را که (به عنوان مهریه) خرج کرده‌اند درخواست کنند. این‌ها حکم خدا است، و خدا است که در میانتان فرمانروائی و داوری می‌کند، و او آگاه کار بجا است.

توضیحات:

«مُهَاجِرَاتٍ»: هجرت‌کنندگان. حال است. «أُجُورَ»: جمع أَجْر، به معنی مهریه (نگا: نمونه، المیزان). «عِصَمِ»: جمع عِصْمَة، عقد نکاح. پیوند زناشوئی. «الْكَوَافِرِ»: جمع کافِرَة، زنان کافر و بی‌دین. «لا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ»: عقد ازدواج زنان کافر را نگاه ندارید و از ایشان بگسلید. مراد دو چیز است: الف - با زنان کافر ازدواج حرام است. ب - همسر کافر شده خود را رها کنید. چرا که مرتد شدن، عقد نکاح را باطل و پیوند زناشوئی را می‌گسلد. «ذلِكُمْ»: این احکام که گذشت. «يَحْكُمُ»: فرمان می‌راند. قضاوت و داوری می‌کند.

سوره ممتحنۀ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَإِن فَاتَكُمۡ شَيۡءٞ مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ إِلَى ٱلۡكُفَّارِ فَعَاقَبۡتُمۡ فَـَٔاتُواْ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتۡ أَزۡوَٰجُهُم مِّثۡلَ مَآ أَنفَقُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ١١﴾

ترجمه:

اگر همسری از همسرانتان به‌سوی کافران رفت (و مرتد گردید، و کافران مهریه شما را بازپرداخت نکردند) و شما (با ایشان جنگیدید و مغلوبشان کردید و) به عقوبت گرفتارشان ساختید، (ای سران و سرداران مؤمنان، از غنائم آن کافران) مهریه‌ای را که چنین مؤمنانی پرداخته‌اند به اینان بازپرداخت کنید، و از خداوندی بهراسید که شما بدو ایمان دارید.

توضیحات:

«فَاتَكُمْ»: از دست شما بدر رفت. «شَيْءٌ»: چیزی. مراد همسر نامحترم و ناقابلی است که به میان کفار گریخته است و کفر را بر دین ترجیح داده است. «عَاقَبْتُمْ»: به عقاب گرفتار کردید. یعنی جنگیدید و کافران را به عقوبتِ شکست و اسارت مبتلا ساختید. «ءَاتُوا»: مخاطب، سران و رؤسای مؤمنین و کاربدستان مسلمین است (نگا: المصحف المیسر).

سوره ممتحنۀ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ يُبَايِعۡنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشۡرِكۡنَ بِٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَلَا يَسۡرِقۡنَ وَلَا يَزۡنِينَ وَلَا يَقۡتُلۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأۡتِينَ بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ بَيۡنَ أَيۡدِيهِنَّ وَأَرۡجُلِهِنَّ وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ فَبَايِعۡهُنَّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُنَّ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! هنگامی که زنان مؤمن، پیش تو بیایند و بخواهند با تو بیعت کنند و پیمان بندند بر این که: چیزی را شریک خدا نسازند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان‌شان را نکشند، و به دروغ فرزندی را به خود و شوهر خود نسبت

ندهند که زاده ایشان نیست، و در کار نیکی (که آنان را بدان فرامی‌خوانی) از تو نافرمانی نکنند، با ایشان بیعت کن و پیمان ببند و برای‌شان از خدا آمرزش بخواه. مسلّماً خدا آمرزگار و مهربان است (و مغفرت و مرحمت خود را شامل چنین بانوانی می‌گرداند).

توضیحات:

«وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ»: مراد زنده‌بگور کردن فرزندان، کشتن جنین در شکم، کشتن اولاد از ترس فقر و تنگدستی. و... «بُهْتَانٍ»: در اینجا مراد فرزندی است که زن ادعاء کند که او از شوهرش می‌باشد و در حقیقت متعلق بدو نباشد. تهمت زنا. «بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ»: کنایه از این است که زن ادعاء کند که چنین فرزندی زاده او است و متعلق به شوهرش می‌باشد. چرا که فرزند در شکم حمل می‌گردد و شکم میان دو دست بوده و همچنین فرزند از میان دو پا، پای به دنیا می‌گذارد (نگا: المصحف المیسر، قاسمی). اصلاً دست و پا کنایه از خود شخص است. در این صورت معنی چنین نیز خواهد بود: از پیش خود تهمت زنا به کسی ندهند.

سوره ممتحنهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ قَدۡ يَئِسُواْ مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلۡكُفَّارُ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡقُبُورِ ۝١٣﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! گروهی را به دوستی نگیرید که خدا بر آنان خشمگین است. (چرا که با حق و حقیقت دشمنی می‌ورزند، و با اسلام سر جنگ دارند، و به فساد و گناه افتخار می‌کنند). آن کافران بدان سان که از مردگان قطع امید کرده‌اند (که زنده نمی‌شوند و به دنیا برنمی‌گردند) از آخرت قطع امید کرده‌اند (و به وجود آن و طبعاً به حساب و کتاب و جزا و سزای در آن، ایمان ندارند).

توضیحات:

«قَوْماً»: مراد از چنین مردمانی کسانیند با دو صفت عمده: الف - خدا بر آنان خشمگین است. ب - به آخرت ایمان ندارند، بدان گونه که به برگشتن مردگان به

پیش خود ایمان ندارند. «الْكُفَّارُ»: مراد همان قوم مغضوب و نومید از آخرت است. ذکر اسم ظاهر بجای ضمیر برای مسجّل کردن کفرشان و اشاره به خشم فراوان خدا بر آنان است. برخی هم آیه را چنین معنی کرده‌اند: ای مؤمنان! مردمانی را به دوستی نگیرید که خدا بر آنان خشمگین است. مردمانی که همچون کفار که از مردگان قطع امید کرده‌اند، آنان از آخرت قطع امید کرده‌اند. یا این که حرف (مِنْ) را بیانیه دانسته و گفته‌اند: ای مؤمنان! مردمانی را به دوستی نگیرید که خدا از آنان خشمگین است. مردمانی که از آخرت ناامیدند، همان‌گونه که کافران مرده و مدفون در گورستان‌ها قبلاً بر این باور بودند.

سوره صف

سوره صف آیه ۱

متن آیه:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است به تسبیح و تقدیس خدا مشغول است، و او چیره کار بجا است.

توضیحات:

«سَبَّحَ لله مَا...»: (نگا: حدید / ۱، حشر / ۱).

سوره صف آیه ۲

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! چرا سخنی (به دیگران) می‌گوئید که خودتان برابر آن عمل نمی‌کنید؟

توضیحات:

«لِمَ»: چرا؟ مرکب از (ل) جرّ و (ما) استفهامیه است که الف آن برای تخفیف حذف شده است.

سوره صف آیه ۳

متن آیه:

﴿كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٣﴾

ترجمه:

اگر سخنی را بگوئید و خودتان برابر آن عمل نکنید، موجب کینه و خشم عظیم خدا می‌گردد.

توضیحات:

«مَقْتاً»: کینه. خشم. کینه‌توزی. تمییز است.

سوره صف آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ ۝٤﴾

ترجمه:

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او متحد و یکپارچه در خط و صف واحدی می‌رزمند، انگار دیوار سربی بزرگی هستند.

توضیحات:

«صَفّاً»: صف‌زده. ردیف. مراد متحد و یکپارچه است. مصدر است و به معنی اسم فاعل، یعنی (صَآفِّينَ) و یا اسم‌مفعول، یعنی (مَصْفُوفِينَ) است. حال ضمیر (و) است. «بُنْيَانٌ»: ساختمان. دیوار (نگا: روح‌البیان). «مَرْصُوصٌ»: سربی. در فارسی گفته می‌شود: دیوار آهنین و سدّی فولادین.

سوره صف آیه ۵

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡۖ فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ۝٥﴾

ترجمه:

خاطرنشان ساز زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! چرا مرا می‌رنجانید و آزار می‌رسانید با این که می‌دانید که من قطعاً فرستاده خدا به‌سوی شما هستم؟! آنان چون از حق منحرف شدند، خداوند دل‌هایشان را بیشتر از حق دور داشت. یزدان مردمان نافرمان (و بیرون رونده از دائره احکام آسمان) را هدایت نمی‌دهد.

توضیحات:

«لِمَ تُؤْذُونَنِي»: (نگا: احزاب / ۶۹). «زَاغُوا»: منحرف شدند از حق و حقیقتی که موسی عليه‌السلام آورده بود. «أَزَاغَ اللهُ قُلُوبَهُمْ»: خدا دل‌هایشان را از پذیرش حق و حقیقت و گرایش به راستی و درستی کج و منحرف کرد. خداوند انحراف ظاهری آنان را به

انحراف باطنی ایشان سرایت داد.

سوره صف آیه ۶

متن آیه:

﴿وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُۖ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٦﴾

ترجمه:

و خاطرنشان ساز زمانی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی‌اسرائیل! من فرستاده خدا به‌سوی شما بوده و توراتی را که پیش از من آمده است تصدیق می‌کنم، و به پیغمبری که بعد از من می‌آید و نام او احمد است، مژده می‌دهم. اما هنگامی که آن پیغمبر (احمد نام) همراه با معجزات روشن و دلائل متقن، به پیش ایشان آمد، گفتند: این جادوی آشکاری است.

توضیحات:

«مُصَدِّقاً»: (نگا: اعراف / ۱۵۷). «بَيْنَ يَدَيَّ»: پیش از من. «أَحْمَدُ»: محمد مراد است. احمد یکی از نام‌های پیغمبر اسلام است که در انجیل‌ها به شکل فارقلیط، و پارقلیطا، و پیرکلتوس آمده است (نگا: تفسیر نمونه). «جَآءَهُمْ»: به پیش ایشان آمد. بعضی گفته‌اند فاعل عیسی و برخی گفته‌اند محمد است. ولی به قرینه آیات بعد، باید محمد باشد. «هذا»: این چیزهائی که با خود آورده است. وجود خودش.

سوره صف آیه ۷

متن آیه:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧﴾

ترجمه:

چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد، در حالی که او به اسلام فراخوانده می‌شود؟! خدا مردمان ستمگر را رهنمود نمی‌گرداند (و به حق نمی‌رساند).

توضیحات:

«الْكَذِبَ»: مراد همان (سِحْر) آیه پیشین است. یعنی کلام آسمانی یا پیغمبر الهی را سحر و ساحر نامیدن، افتراء و دروغ عظیم است.

سوره صف آیه ۸

متن آیه:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨﴾

ترجمه:

می‌خواهند نور (آئین) خدا را با دهان‌هایشان خاموش گردانند، ولی خدا نور (آئین) خود را کامل می‌گرداند، هرچند که کافران دوست نداشته باشند.

توضیحات:

«نُورَ»: مراد نور کفرستیز اسلام و شریعت غراء محمدی است. «مُتِمّ»: کامل‌کننده. «اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ»: خدا خورشید اسلام را در همه جا پرتوافکن می‌کند و چنین آئینی را جهانگستر می‌سازد. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللهِ...»: (نگا: توبه / ۳۲). حرف (لِ) به معنی (أَنْ) می‌باشد (نگا: المصحف المیسر).

سوره صف آیه ۹

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩﴾

ترجمه:

خدا است که پیغمبر خود را همراه با هدایت و رهنمود (آسمانی) و آئین راستین (اسلام) فرستاده است تا این آئین را بر همه آئینهای دیگر چیره گرداند، هرچند مشرکان دوست نداشته باشند.

توضیحات:

«الْهُدي»: مراد قرآن است که انگار سراپا هدایت است (نگا: بقره / ۱۸۵). «رَسُولَهُ»: پیغمبر خود، محمد را. «لِيُظْهِرَهُ»: تا آن دین را که اسلام نام دارد، چیره گرداند و غلبه دهد. مراد از اظهار یا غلبه اسلام بر آئین‌های دیگر، این نیست که در

جهان، دین دیگری نماند و بلکه همه از اسلام پیروی کنند؛ بلکه مراد چیره شدن اسلام بر سایر ادیان و غلبه مسلمین بر دیگران با حجت و برهان و قدرت مادی و معنوی تا آخر زمان است (نگا: صفوه التفاسیر).

سوره صف آیه ۱۰

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ١٠﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟

توضیحات:

«تِجَارَةٍ»: مقابله و معاوضه چیزی با چیزی. بازرگانی. پول و کالای این معامله را در (توبه / ۱۱۱) ببینید.

سوره صف آیه ۱۱

متن آیه:

﴿تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١﴾

ترجمه:

(و آن این است که) به خدا و پیغمبرش ایمان می‌آورید، و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد می‌کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است.

توضیحات:

«تُؤْمِنُونَ بِالله وَ...»: خبر مبتدای محذوف (هِی) است.

سوره صف آیه ۱۲

متن آیه:

﴿يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢﴾

ترجمه:

(اگر این تجارت را انجام دهید، خدا) گناهانتان را می‌بخشاید، و شما را به باغهای

بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن جویبارها روان است، و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان ماندگار، واقع شده‌اند. پیروزی و رستگاری بزرگ همین است.

توضیحات:

«مَسَاكِنَ طَيِّبَةً»: خانه‌های خوب. مراد قصرهای مجلل و کاخ‌های زیبا و دلربا است (نگا: زمر / ۲۰). «جَنَّاتِ عَدْنٍ»: باغ‌های بهشتی که محل اقامت همیشگی هستند. مراد محل خلود و جاودانگی است.

سوره صف آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣﴾

ترجمه:

(گذشته از این نعمت‌ها) نعمت دیگری دارید که پیروزی خدا دادی و فتح نزدیکی است (که در پرتو آن مکه به دست شما می‌افتد) و به مؤمنان مژده بده (به چیزهائی که قابل توصیف و بیان نیست، و فراتر از آن است که با الفبای انسان‌ها به انسان‌ها شناساند).

توضیحات:

«أُخْري»: مثوبه و نعمت دیگری. مبتدا است. «نَصْرٌ»: بدل از (أُخْري) است. «فَتْحٌ»: مراد فتح مکه مکرمه است. «بَشِّرْ»: مژده بده! مورد مژده، پیروزی در دنیا و بهشت در آخرت است. یا آن چیزی که مافوق بیان است.

سوره صف آیه ۱۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ ١٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! یاران (دین) خدا باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: چه کسانی یاران من برای (یاوری دین) خدا خواهند بود؟ حواریون گفتند: ما جملگی یاران (دین) خدا خواهیم بود. سپس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند، و

گروهی کافر گشتند. ما کسانی را که ایمان را پذیرفتند، علیه دشمنانشان مدد کردیم، و آنان پیروز شدند.

توضیحات:

«مَنْ أَنصَارِي»: چه کسانی یاران و مددکاران من می‌شوند. یعنی سربازان جان فدای من برای خدمت به دین خدا. «إِلي»: به معنی معیت است (نگا: مغنی لبیب). «عَدُوِّهِمْ»: دشمنان ایشان. مراد طائفه و گروهی است که ایمان نیاوردند. واژه (عَدُوّ) برای مفرد و جمع بکار می‌رود (نگا: نساء / ۱۰۱، انعام / ۱۱۲، فرقان / ۳۱). «أَيَّدْنَا»: مدد رساندیم. حمایت و پشتیبانی کردیم.

سوره جمعۀ

سوره جمعۀ آیه ۱

متن آیه:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، به تسبیح و تقدیس خدا مشغول است. خدائی که مالک و حاکم (کل جهان) است، از هر نقص و عیبی مبرا و منزه است، و چیره کار بجا است.

توضیحات:

«يُسَبِّحُ...»: (نگا: رعد / ۱۳، اسراء / ۴۴، نور / ۴۱). «الْقُدُّوسِ»: (نگا: حشر / ۲۳).

سوره جمعۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢﴾

ترجمه:

خدا کسی است که از میان بیسوادان پیغمبری را برانگیخته است و به‌سویشان گسیل داشته است، تا آیات خدا را برای ایشان بخواند، و آنان را پاک بگرداند. او بدی‌شان کتاب (قرآن) و شریعت (یزدان) را می‌آموزد. آنان پیش از آن تاریخ واقعاً در گمراهی آشکاری بودند.

توضیحات:

«بَعَثَ»: برانگیخته است. مبعوث کرده است. «الأُمِّيِّينَ»: افراد درس‌نخوان. بی‌سواد (نگا: بقره / ۷۸، آل‌عمران / ۲۰ و ۷۵، اعراف / ۱۵۷ و ۱۵۸). «يُزَكِّيهِمْ»: (نگا: بقره / ۱۲۹ و ۱۵۱). «رَسُولاً مِّنْهُمْ... ضَلالٍ مُبِينٍ»: (نگا: آل‌عمران / ۱۶۴). «وَإِن كَانُوا»: حرف واو حالیه، و واژه (إِنْ) از حروف مشبهةٌ بالفعل است و مخفف از مثقله است (نگا:

اعراب القرآن، محیی‌الدین درویش).

سوره جمعهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿وَءَاخَرِينَ مِنۡهُمۡ لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣﴾

ترجمه:

او مبعوث برای دیگران نیز هست، آنانی که هنوز به اینان نپیوسته‌اند (و بعدها به دنیا می‌آیند). خدا چیره کار بجا است.

توضیحات:

«ءَاخَرِينَ»: دیگران. غیرعرب‌ها. عطف بر (الأُمِّيِّنَ) یا بر ضمیر (هُمْ) در فعل (يُعَلِّمُهُمْ) است. «مِنْهُمْ»: از أُمّیین. از مسلمین. «ءَاخَرِينَ مِنْهُمْ»: مسلمانان عرب و غیرعربی که بعدها به دنیا می‌آیند. ضمیر (هُمْ) درست است که به (أُمِّيِّن) برمی‌گردد، ولی هر کس که اسلام را بپذیرد از زمره ایشان می‌باشد، چرا که مسلمانان از هر نژادی که باشند، امت واحدی بشمارند و دوستان یکدیگرند (نگا: توبه / ۷۱).

سوره جمعهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٤﴾

ترجمه:

این (نعمت بعثت) فضل و کرم خدا است، آن را به هر کس که بخواهد (و لایق و شایسته‌اش بداند) می‌بخشد، و خدا دارای فضل و کرم بزرگی است.

توضیحات:

«ذلِكَ»: آن بعثت. این پیغمبری و مقام نبوّت.

سوره جمعهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥﴾

ترجمه:

کسانی که تورات بدی‌شان واگذار گردید، ولی بدان عمل نکردند و حق آن را ادا

ننمودند، به درازگوشی می‌مانند که کتاب‌هائی را برمی‌دارد (ولی از محتوای آنها خبر ندارد). مردمانی که آیات خدا را تکذیب می‌دارند، بدترین مثل را دارند. خداوند مردمان ستمکار را هدایت نمی‌دهد (و به سعادت هر دو سرا نائل نمی‌گرداند).

توضیحات:

«حُمِّلُوا»: بر دوش آنان گذاشته شده است. بدانان واگذار گشته است. اجرای احکام و تبلیغ آن برعهده ایشان گذارده شده است. «لَمْ يَحْمِلُوهَا»: بدان عمل نکردند. برابر آن نرفتند و حق آن را اداء ننمودند. «بِئْسَ مَثَلُ...»: بدترین مثل را دارند! چه بد مثلی دارند! فعل ذم است و منظور نکوهش است.

سوره جمعۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓاْ إِن زَعَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ أَوۡلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦﴾

ترجمه:

بگو: ای یهودیان! اگر شما می‌پندارید که شما دوستان خدا هستید نه مردمان دیگر، اگر راست می‌گوئید خواستار مرگ شوید (تا از خانه بلا و محنت، به سرای نعمت و جنت برسید، و دیدار جانان برای شما عاشقان میسر شود).

توضیحات:

«هَادُوا»: (نگا: بقره / ۶۲، نساء / ۴۶ و ۱۶۰، مائده / ۴۱ و ۴۴ و ۶۹). «مِن دُونِ»: جدای از. غیر از. «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ»: درخواست مرگ کردن از دو راه: با زبان دعا نمودن و تقاضای فرا رسیدن مرگ کردن، و دیگر در راه خدا جنگیدن و از کشتن نهراسیدن. «أَوْلِيَآءُ»: دوستان. عزیزان (نگا: مائده / ۱۸).

سوره جمعۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿وَلَا يَتَمَنَّوۡنَهُۥٓ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٧﴾

ترجمه:

آنان به خاطر کارهائی که مرتکب شده‌اند هرگز مرگ را برای خود نمی‌خواهند، و

خدا از حال ستمکاران به خوبی آگاه است (و سرانجام، ایشان را به کیفر اعمال‌شان می‌رساند).

توضیحات:

«بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ»: به سبب کارهائی که پیشتر کرده‌اند. به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند و پیشاپیش به آخرت فرستاده‌اند (نگا: بقره / ۹۵، آل‌عمران / ۱۸۲، نساء / ۶۲).

سوره جمعۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨﴾

ترجمه:

بگو: قطعاً مرگی که از آن می‌گریزید، سرانجام با شما رویاروی می‌گردد و شما را درمی‌یابد، بعد از آن به‌سوی کسی برگردانده می‌شوید که از پنهان و آشکار آگاه است، و شما را از آنچه کرده‌اید باخبر می‌گرداند.

توضیحات:

«الْغَيْبِ»: آنچه از دائره دید، و روح، و بُرد دانش بشری فراتر است. «الشَّهادَةِ»: آنچه در معرض دید، و نیروی روح و در فاصله بُرد دانش بشری است. «الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ»: (نگا: انعام / ۷۳، توبه / ۹۴ و ۱۰۵).

سوره جمعۀ آیه ۹

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! هنگامی که روز آدینه برای نماز جمعه اذان گفته شد، به‌سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این (چیزی که بدان دستور داده می‌شوید) برای شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشید.

توضیحات:

«نُودِيَ»: مجهول (نادی) از مصدر نِداء است. «مِن يَوْمِ الْـجُمُعَةِ»: در روز جمعه.

حرف (مِنْ) به معنى (فِي) است. مثل: «أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الأَرْضِ فَاطِرَ» / ۴۰ (نگا: روح‌المعانی). «ذِكْرِالله»: اطاعت از خدا. مراد خطبه و نماز جمعه است (نگا: المصحف الميسر). «الْبَيْعَ»: معامله و تجارت. مراد هر نوع کسب و کار و پیشه است.

سوره جمعة آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠﴾

ترجمه:

آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید.

توضیحات:

«قُضِيَتْ»: اداء گردید و انجام پذیرفت. «إِنتَشِرُوا»: پراکنده و متفرق شوید. «إِبْتَغُوا»: جستجو کنید. بطلبید.

سوره جمعة آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ١١﴾

ترجمه:

(برخی از اصحاب، در یکی از جمعه‌ها) هنگامی که تجارت و یا سرگرمیی را دیدند از پیرامون تو پراکنده شدند، و تو را ایستاده (بر منبر، در حال خطبه) رها کردند! بگو: آنچه در پیش خدا (از فضل و ثواب) است، بهتر از سرگرمی و بازرگانی است، و خدا بهترین روزی‌رسان است.

توضیحات:

«تِجَارَةً»: مراد کاروانی است که در وقت خطبه‌های جمعه از شام آمده بود. «لَـهْواً»: سرگرمی. مراد طبلی است که به هنگام آمدن کاروان برای آگهی نواخته می‌شد. «إِنفَضُّوا»: پخش و پراکنده شدند. «إِلَيْهَا»: مرجع (ها) تجارت است.

سوره منافقون

سوره منافقون آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ١﴾

ترجمه:

هنگامی که منافقان نزد تو می‌آیند، سوگند می‌خورند و می‌گویند: ما گواهی می‌دهیم که تو حتماً فرستاده خدا هستی! - خداوند می‌داند که تو فرستاده خدا می‌باشی - ولی خدا گواهی می‌دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند (چرا که به سخنان خود ایمان ندارند).

توضیحات:

«نَشْهَدُ إِنَّكَ...»: هنگامی که فرد عربی می‌گوید: «أَشْهَدُ إِنَّ...» مقصودش قسم یاد کردن به خدا است که او در گفتار خود صادق است (نگا: المصحف المیسّر). «وَاللهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ»: جمله معترضه است.

سوره منافقون آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢﴾

ترجمه:

آنان سوگندهای (دروغین) خود را سپری (برای رهائی از گرفتار آمدن به دست عدالت، و پوشاندن چهره واقعی خویش) می‌گردانند، و (خود را و مردمان را) از راه خدا بازمی‌دارند. ایشان چه کار بدی می‌کنند!

توضیحات:

«جُنَّةً»: سپر (نگا: مجادله / ۱۶). «صَدُّوا عَن سَبِيلِ اللهِ»: (نگا: نساء / ۱۶۷، توبه / ۹، نحل / ۸۸).

سوره منافقون آیه ۳

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٣﴾

ترجمه:

این (نفاق و دروغگوئی و بازداشتن از دین) بدان خاطر است که (نخست با زبان) ایمان آورده‌اند و سپس (با دل) کافر شده‌اند، پس بر دل‌هایشان مهر نهاده شد، و ایشان دیگر (حقیقت را درک نمی‌کنند، و از ایمان چیزی) نمی‌فهمند.

توضیحات:

«ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا»: (نگا: نساء / ۱۳۷). «ذلِكَ»: این نفاق و دروغ و جلوگیری از دین اسلام که بدان عادت گرفته‌اند. «طُبِعَ عَلي قُلُوبِهِمْ»: (نگا: توبه / ۸۷ و ۹۳، نحل / ۱۰۸، محمّد / ۱۶).

سوره منافقون آیه ۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤﴾

ترجمه:

هنگامی که ایشان را می‌بینی، پیکر، و سیمای‌شان تو را می‌گیرد و به شگفت می‌آورد (و به خود می‌گوئی: چه انسان‌های باوقار و برازنده‌ای!) و هنگامی که به سخن درمی‌آیند (به علّت حلاوت کلام‌شان) به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی. (با وجود این جذبه سیما و گیرائی گفتار) آنان انگار تخته‌هائی هستند که (بر دیوار) تکیه داده شده باشند (بی‌جان و بی‌ایمان، هیکل‌های توخالی، درون‌های بی‌نور و صفا، نقش‌هائی بر در و دیوارها). هر فریادی را بر ضدّ خود می‌پندارند و هر آوازی را به زیان خویش! آنان دشمنان بشمارند و از ایشان برحذر باش. خدای‌شان بکشاد! چگونه (از حق) برگردانده می‌شوند (و منحرف می‌گردند؟!).

توضیحات:

«خُشُبٌ»: جمع خَشَب، تخته‌ها. «مُسَنَّدَةٌ»: تکیه داده شده. «صَيْحَةٍ»: فریاد. آواز. «قَاتَلَهُمُ اللهُ»: خدای‌شان بکشاد! مراد از کشتن در اینجا، نفرین کردن و از رحمت

محروم گرداندن است. «أَنَّي يُؤْفَكُونَ»: (نگا: توبه / ۳۰، عنکبوت / ۶۱، زخرف / ۸۷).

سوره منافقون آیه ۵

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ۝٥﴾

ترجمه:

چون به آنان گفته شود که بیائید تا پیغمبر خدا برایتان آمرزش بخواهد، سرهای خود را (از روی غرور و تکبّر، و به عنوان استهزاء) تکان می‌دهند وآنان راخواهی دید مستکبرانه روی می‌گردانند و می‌روند.

توضیحات:

«لَوَّوْا»: پیچ دادند. مراد تکان دادن سر به عنوان تکبّر و تمسخر است. «يَصُدُّونَ»: روی می‌گردانند. دوری می‌کنند از پذیرش دعوت پیغمبر.

سوره منافقون آیه ۶

متن آیه:

﴿سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ۝٦﴾

ترجمه:

برای آنان یکسان است چه برای ایشان آمرزش بخواهی، و چه آمرزش نخواهی، (چون آنان از نفاق خود دست نمی‌کشند) هرگز خدا ایشان را نخواهد بخشید. خداوند قطعاً مردمان فاسق را هدایت نمی‌دهد.

توضیحات:

«أَسْتَغْفَرْتَ»: اصل آن (أَإِسْتَغْفَرْتَ) است که همزه باب استفعال آن برای تخفیف حذف شده است. «الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»: (نگا: مائده / ۲۵ و ۲۶ و ۱۰۸).

سوره منافقون آیه ۷

متن آیه:

﴿هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ ٧﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که می‌گویند: به آنانی که (از مکه به مدینه مهاجرت کرده‌اند و) نزد فرستاده خدا هستند، بذل و بخششی نکنید و چیزی ندهید تا پراکنده شوند و بروند. (غافل از این که) گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خدا است (و به هر کس که بخواهد از آنها بدو عطاء می‌کند) ولیکن منافقان نمی‌فهمند.

توضیحات:

«مَنْ عِندَ...»: مراد مهاجران فقیر مدینه است. «رَسُولِ اللهِ»: از روی استهزاء و تمسخر، منافقان می‌گفتند: پیغمبر خدا.

سوره منافقون آیه ۸

متن آیه:

﴿يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعۡنَآ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ لَيُخۡرِجَنَّ ٱلۡأَعَزُّ مِنۡهَا ٱلۡأَذَلَّۚ وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ٨﴾

ترجمه:

می‌گویند: اگر (از غزوه بنی‌مصطلق) به مدینه برگشتیم، باید افراد باعزّت و قدرت، اشخاص خوار و ناتوان را از آنجا بیرون کنند. عزّت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و مؤمنان است، و لیکن منافقان (این را درک نمی‌کنند و) نمی‌دانند.

توضیحات:

«الأَعَزُّ»: عزیزتر و گرامی‌تر. مقتدرتر و چیره‌تر. منافقان مرادشان خویشتن بود. «الأَذَلَّ»: خوارتر و پست‌تر. منظورشان رسول خدا و مؤمنان مهاجر بود. «للهِ الْعِزَّةُ وَ...»: اشاره به این است که کلام منافقان قبول است. ولی باعزّت و باقدرت خدا و پیغمبر و مؤمنانند.

سوره منافقون آیه ۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! اموالتان و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکند. کسانی که چنین کنند (و اموال و اولادشان، آنان را سرگرم و به خود مشغول دارد) ایشان زیانکارند.

توضیحات:

«لا تُلْهِکُمْ»: شما را سرگرم و غافل نکند (نگا: نور / ۳۷، حجر / ۳). «ذِکْرِ الله»: یاد خدا و عبادت و پرستش او. اطاعت از خدا.

سوره منافقون آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَنفِقُواْ مِن مَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوۡلَآ أَخَّرۡتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّـٰلِحِينَ ١٠﴾

ترجمه:

از چیزهائی که به شما داده‌ایم بذل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می‌شود اگر مدّت کمی مرا به تأخیر اندازی و زنده‌ام بگذاری تا احسان و صدقه بدهم و در نتیجه از زمره صالحان و خوبان شوم؟!

توضیحات:

«قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ...»: مراد فرا رسیدن مقدّمات مرگ یا سکرات و غمرات آن است. «لَوْ لا»: حرفی است که دلالت بر طلب حصول مابعد خود دارد و فعل ماضی بعد از خود را از لحاظ معنی به مضارع تبدیل می‌نماید. «أَکُنْ»: عطف بر محلّ (أَصَّدَّقَ) است.

سوره منافقون آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَاۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١١﴾

ترجمه:

خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی‌اندازد هنگامی که اجلش فرا رسیده باشد.

خداوند کاملاً آگاه از کارهائی است که انجام می‌دهید (و سزا و جزای شما را خواهد داد).

توضیحات:

«نَفْساً»: (نگا: بقره / ۴۸ و ۱۲۳ و ۲۳۴).

سوره تغابن

سوره تغابن آیه ۱

متن آیه:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١﴾

ترجمه:

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، به تسبیح و تقدیس خدا مشغول است. حاکمیت و مالکیت از آن او است، و سپاس و ستایش خاصّ او است. او بر هر چیزی توانا است...

توضیحات:

«يُسَبِّحُ» (نگا: رعد / ۱۳، إسراء / ۴۴، نور / ۴۱).

سوره تغابن آیه ۲

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢﴾

ترجمه:

او کسی است که شما را آفریده است (و به شما آزادی و اختیار داده است). گروهی از شما کافر و گروهی از شما مؤمن می‌گردید. خدا می‌بیند هرچه را که می‌کنید.

توضیحات:

«فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم مُّؤۡمِنٞ»: (نگا: کهف / ۲۹، انسان / ۳).

سوره تغابن آیه ۳

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾

ترجمه:

خداوند، آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است (نه به باطل. در آفرینش آن، نظام

دقیق و راستینی به کار رفته است، و دارای هدفی حکیمانه و مسیری درست است) و شما را شکل بخشیده است و شکل‌های شما را خوب و زیبا کرده است. سرانجام بازگشت به‌سوی او است.

توضیحات:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ والأَرْضَ بِالْحَقِّ»: (نگا: انعام / ۷۳، ابراهیم / ۱۹، نحل / ۳). «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ»: (نگا: غافر / ۶۴، اعراف / ۱۱، آل‌عمران / ۶).

سوره تغابن آیه ۴

متن آیه:

﴿يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤﴾

ترجمه:

او می‌داند که در آسمان‌ها و زمین چه چیزهائی است، و از آنچه شما پنهان یا آشکار می‌دارید با خبر است، و خدا بس آگاه از عقائد و نیاتی است که در درون سینه‌ها است.

توضیحات:

«مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ»: (نگا: نحل / ۱۹).

سوره تغابن آیه ۵

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٥﴾

ترجمه:

آیا خبر کافرانی که در روزگاران پیشین می‌زیسته‌اند به شما نرسیده است؟ آنان عقوبت ناگوار کارهای خود را (در دنیا) چشیدند، و عذاب دردناکی (هم در آخرت) دارند.

توضیحات:

«نَبَأُ»: خبر... الف زائدی در رسم الخطّ قرآنی در آخر دارد. «وَبَالَ»: (نگا: مائده / ۹۵، حشر / ۱۵).

سوره تغابن آیه ۶

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا فَكَفَرُواْ وَتَوَلَّواْۖ وَّٱسۡتَغۡنَى ٱللَّهُۚ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ٦﴾

ترجمه:

این (سوء عاقبت و عذاب آخرت) بدان خاطر است که پیغمبرانشان به پیش ایشان می‌آمدند و معجزات روشن و دلائل متقن برای آنان می‌آوردند و ایشان می‌گفتند: آیا آدمیان، ما را هدایت می‌کنند؟ (مگر می‌شود انسان‌هائی همچون خودمان پیغمبران خدا شوند؟! پیغمبران باید فرشته باشند. بدین وسیله به مخالفت برمی‌خاستند و) کافر می‌گشتند و سر بر می‌تافتند و رویگردان می‌شدند، و خدا هم بی‌نیاز (از ایمان و اطاعت ایشان) بود و (همیشه هم) بی‌نیاز است و سزاوار ستایش و سپاس.

توضیحات:

«بَشَرٌ»: این واژه برای مفرد و مثنّی و جمع استعمال می‌گردد. در اینجا مراد انبیاء علیهم السلام است.

سوره تغابن آیه ۷

متن آیه:

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾

ترجمه:

کافران می‌پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می‌پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهائی که می‌کرده‌اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است.

توضیحات:

«بَلَي»: این حرف برای ابطال نفی کلام ماقبل است. یعنی سخن منفی پیشین را مثبت می‌سازد. «يَسِيرٌ»: ساده و آسان.

سوره تغابن آیه ۸

متن آیه:

﴿فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَاۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٨﴾

ترجمه:

ایمان بیاورید به خدا و پیغمبرش و نوری که (قرآن نام دارد و آن را برای روشن کردن راه سعادت دنیا و آخرت شما انسان‌ها) نازل کرده‌ایم. خداوند کاملاً آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

توضیحات:

«النُّورِ»: قرآن (نگا: نساء / ۱۷۴، شوری / ۵۲).

سوره تغابن آیه ۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩﴾

ترجمه:

زمانی، خداوند شما را در روز گردهمآئی (جملگی پیشینیان و پسینیان) جمع می‌آورد. آن روز، روز زیانمندی (کافران، و سودمندی مؤمنان) است. کسانی که به خدا ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند. خداوند بدی‌های ایشان را می‌زداید، و آنان را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن رودبارها جاری است، و در آنجا برای همیشه جاودانه می‌مانند. این است رستگاری سترگ و پیروزی بزرگ.

توضیحات:

«يَوْمَ الْـجَمْعِ»: روز گردهمآئی که قیامت است (نگا: هود / ۱۰۳، واقعه / ۵۰، یس / ۳۲ و ۵۳). «تَغَابُن»: زیانمند گشتن گروهی و سودمند شدن گروهی... در جهان، دسته‌های آخرت را به دنیا می‌فروشند، و در آخرت زیانخورده و متضرّر می‌گردند (نگا: بقره / ۱۶ و ۱۰۲، آل‌عمران / ۷۷ و ۱۷۷). و دسته‌های دنیا را به آخرت می‌فروشند و در آخرت سود می‌برند و رضای خدا و بهشت را از آن خود می‌کنند (نگا: بقره / ۲۰۷، نساء / ۷۴، توبه / ۱۱۱). فراموش کردن همدیگر. چرا که در قیامت بر اثر هول و هراس آخرت، کسی به فکر کسی نیست، و هرکسی خود را می‌کوشد (نگا: حجّ / ۲، معارج / ۱۰، عبس / ۳۳ - ۳۷).

سوره تغابن آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٠﴾

ترجمه:

و کسانی که کافر بشوند و آیات ما را تکذیب بکنند، آنان دوزخیانند جاودانه در آنجا می‌مانند، و چه سرانجام و جایگاه بدی (که دارند!).

توضیحات:

«الۡمَصِيرُ»: (نگا: بقره / ۱۲۶، انفال / ۱۶، توبه / ۷۳).

سوره تغابن آیه ۱۱

متن آیه:

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١١﴾

ترجمه:

هیچ واقعه و حادثه‌ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد، و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را (به ثبات و آرامش، و خوشنودی به قضا و قدر الهی می‌رساند و) رهنمود می‌گرداند، و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است.

توضیحات:

«مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ»: (نگا: حدید / ۲۲). «يَهۡدِ قَلۡبَهُ»: دل او را رهنمود و رهبری می‌کند. زمام دل او را به دست می‌گیرد. دل او را به استقامت و اطمینان و آسایش و آرامش، و رضا به قضا رهنمود می‌گرداند.

سوره تغابن آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٢﴾

ترجمه:

از خدا و پیغمبر اطاعت کنید. اگر رویگردان شوید، بر فرستاده ما جز رساندن پیام روشن و آشکار نیست.

توضیحات:

«الْبَلاغُ الْـمُبِینُ»: تبلیغ آشکار، رساندن پیام روشن‌گر (نگا: مائده / ۹۲، نحل / ۳۵ و ۸۲، نور / ۵۴).

سوره تغابن آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٣﴾

ترجمه:

جز خدا معبودی نیست، پس مؤمنان باید بر خدا توکل کنند و بس.

توضیحات:

«فَلْيَتَوَكَّلِ»: باید توکل کنند.

سوره تغابن آیه ۱۴

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ وَإِن تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! قطعاً بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند. (شما را از راه خدا باز می‌دارند، و از عبادت و طاعت سست می‌گردانند) پس از ایشان خویشتن را بر حذر دارید. اگر عفو کنید و چشم پوشی نمائید و ببخشید (خدا هم شما را مشمول عفو و مرحمت و مغفرت خود می‌نماید) چرا که خداوند بخشاینده مهربان است.

توضیحات:

«مِنْ»: برای تبعیض است. «عَدُوّاً»: این واژه برای مفرد و مثنّی و جمع به کار می‌رود. اسم (إِنَّ) است. «إن تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا و تَغْفِرُوا»: (نگا: بقره / ۱۰۹). این بخش از آیه، اشاره دارد به این که چه بسا همسران یا فرزندان که انسان را از مبرّات و خیرات منع و یا سست می‌کنند قصد سوء نداشته و بلکه از روی نادانی باشد، به هر حال باید کار بد ایشان را بخشید و نیت سوء و قصد عداوت آنان را پخش نکرد، ولی به سخنانشان گوش نکرد و مواظب خود بود و محبّت ایشان انسان را از خدا پرستی و انجام خیرات و مبرات دور نسازد.

سوره تغابن آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٥﴾

ترجمه:

قطعاً اموالتان و اولادتان، وسیله آزمایش شمایند، و (اگر در این میدان آزمایش، از عهده بر آئید، برای شما) اجر و پاداش بزرگی در پیشگاه خدا است.

توضیحات:

«فِتْنَةٌ»: امتحان. آزمایش (نگا: انفال / ۲۸). مراد این است که اموال و اولاد زینت و نعمت جهان و مایه دستیابی به سعادت هستند، در صورتی که در مسیر خداشناسی انسان را کمک کنند. امّا اگر محبّت آنان بر فرمان و رضای یزدان ترجیح داده شود، مایه بدبختی می‌گردند (نگا: آل‌عمران / ۱۴ و ۱۵، توبه / ۲۲ و ۲۳ و ۷۵).

سوره تغابن آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٦﴾

ترجمه:

پس آن قدر که در توان دارید از خدا بهراسید و پرهیزگاری کنید، و (درس‌ها و اندرزهای آسمانی را) بشنوید و بپذیرید، و (از قوانین و فرمان‌های خدا) اطاعت کنید. و (در راه خدا، صدقه و احسان و) بذل و بخشش کنید، (انجام این کارها) به سود شما خواهد بود. کسانی که از بخل و حرص نفس خویش، مصون داشته شوند، آنان قطعاً رستگارند.

توضیحات:

«مَا اسْتَطَعْتُمْ»: مادام که می‌توانید. تا آنجا که در توان دارید (نگا: بقره / ۲۸۶، حجّ / ۷۸). «خَیْراً»: مال و دارائی (نگا: بقره / ۱۸۰). در این صورت مفعول (أَنفِقُوا) است، و معنی چنین است: از اموال و دارائی خود ببخشید. خوب و نیک. در این صورت خبر فعل ناقصه مقدّری است که تقدیر چنین است: «یَکُنْ ذلِكَ خَیْراً...» «مَن یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ»: (نگا: حشر / ۹).

سوره تغابن آیه ۱۷

متن آیه:

﴿تُقْرِضُواْ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

اگر به خدا قرض‌الحسنه‌ای بدهید، آن را برایتان چندین برابر می‌سازد، و شما را می‌آمرزد. خداوند سپاسگزار و بردبار است (و او از بندگانش به وسیله دادن پاداش‌های عظیم تشکر می‌نماید، و در پرتو بردباری خود، در عقوبت بندگان تعجیل نمی‌فرماید، و بلکه گناهانشان را می‌بخشاید).

توضیحات:

«إِن تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً»: (نگا: بقره / ۲۴۵، مائده / ۱۲، حدید / ۱۱ و ۱۸).

سوره تغابن آیه ۱۸

متن آیه:

﴿عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه:

او آگاه از نهان و آشکار، و چیره کار بجا است.

توضیحات:

«عَالِمُ الْغَيْبِ والشَّهَادَةِ»: (نگا: انعام / ۷۳، توبه / ۹۴ و ۱۰۵، رعد / ۹).

سوره طلاق

سوره طلاق آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُواْ ٱلْعِدَّةَ ۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَـٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ ۚ لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! وقتی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در وقت فرا رسیدن عدّه (یعنی آغاز پاک شدن زن از عادت ماهیانه‌ای که شوهرش در آن با او نزدیکی نکرده باشد) طلاق دهید، و حساب عدّه را نگاه دارید (و دقیقاً ملاحظه کنید که زن سه بار ایام پاکی خود از حیض را به پایان رساند، تا نژادها آمیزه یکدیگر نشود)، و از خدا که پروردگار شما است بترسید و پرهیزگاری کنید (و اوامر و نواهی او را به کار بندید، به ویژه در طلاق و نگهداری زمان عدّه). زنان را (بعد از طلاق، در مدّت عدّه) از خانه‌هایشان بیرون نکنید، و زنان هم (تا پایان عدّه، از منازل شوهرانشان) بیرون نروند. مگر این که زنان کار زشت و پلشت آشکاری (همچون زنا و فحّاشی و ناسازگاری طاقت فرسا با شوهران یا اهل خانواده) انجام دهند (که ادامه حضور ایشان در منازل، باعث مشکلات بیشتر گردد). این‌ها قوانین و مقرّرات الهی است، و هرکس از قوانین و مقرّرات الهی پا فراتر نهد و تجاوز کند، به خویشتن ستم می‌کند. (چرا که خود را در معرض خشم خدا قرار می‌دهد و به سعادت خویش لطمه می‌زند). تو نمی‌دانی، چه بسا خداوند بعد از این حادثه، وضع تازه‌ای پیش آورد (و ماندن زن در خانه زمینه‌ساز پشیمانی شوهر و همسر و رجوع آنان به یکدیگر گردد، و ابرهای تیره و تار کینه و کدورت از آسمان زندگی ایشان به دور رود، و مهر و محبّت فضای سینه‌ها را لبریز کند، و فرزندان از دامن عطوفت مادری بی‌بهره نمانند).

توضیحات:

«إِذَا طَلَّقْتُمْ»: وقتی که خواستید طلاق دهید. «مثل إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ...» (نگا: نحل / ۹۸). مخاطب در آیه پیغمبر است و مراد امت او. این خطاب بیان‌گر اهمّیت مسأله است. «لِعِدَّتِهِنَّ»: وقت فرا رسیدن عدّه ایشان، حرف (ل) به معنی (عِندَ) است (نگا: إسراء / ۷۸). منظور این است که باید صیغه طلاق در زمانی اجرا شود که زن از عادت ماهیانه پاک شده، و شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد. «أَحْصُوا الْعِدَّةَ»: زمان عِدّه را نگهدارید و دقیقاً محاسبه کنید. یعنی باید سه بار ایام پاکی خود ازحیض را به پایان رساند (نگا: بقره / ۲۲۸). «لا يَخْرُجْنَ»: زنان جائز نیست از منزل بیرون بروند مگر با رضایت طرفین.. «تِلْكَ حُدُودُ الله»: این بخش اشاره بدین است که باید مسلمانان در طلاق که مبغوض‌ترین حلال در نزد خدا است، قوانین الهی را مراعات کنند. زن را یا طلاق ندهند، و یا اگر ناچار به طلاق شدند، احکام این آیه را رعایت بکنند. متأسّفانه امروز به طلاق قرآنی کمترین اعتنائی نمی‌شود!!! تنها طلاق بِدعی در مدّ نظر است، «وكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلالَةٌ».

سوره طلاق آیه ۲

متن آیه:

﴿فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ فَارِقُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ وَأَشۡهِدُواْ ذَوَيۡ عَدۡلٍ مِّنكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا ٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که مدّت عِدّه آنان نزدیک به پایان آمد، یا ایشان را به طرز شایسته‌ای نگاه دارید، و یا به طرز شایسته‌ای از ایشان جدا شوید، و بر (نگاهداری و یا جدائی) آنان دو مرد عادل از میان خودتان گواه کنید، (تا اگر در آینده اختلافی روی دهد، هیچ یک از شوهر و همسر نتوانند واقعیت را انکار کنند) و گواهی دادن را برای خدا اداء کنید (و انگیزه شهادت محض رضای خدا باشد، و از هیچ کدام جانبداری ننمائید). این (احکام) چیزی است که کسی بدان پند و اندرز می‌گردد که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد. هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات (از هر

تنگنائی) را برای او فراهم می‌سازد.

توضیحات:

«إِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ»: زمانی که به مدّت پایان عدّه، نزدیک شدند. چرا که اگر زمان عدّه به پایان برسد، راه مراجعت بر روی شوهر بسته می‌گردد (نگا: أضواء البیان). یادآوری: زنان از لحاظ نگاه داشتنِ عدّه، به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱) زنانی که شوهران‌شان بمیرند. این گروه به دو دسته تقسیم می‌گردند: الف - زنانی که حامله‌اند. اینان تا وضع حمل عده نگاه می‌دارند. ب - زنانی که حامله نیستند. اینان چه با ایشان همبستری شده باشد و چه با آنان همبستری نشده باشد، چهار ماه و ده روز عده نگاه می‌دارند. ۲) زنانی که شوهران‌شان ایشان را طلاق داده باشند. اینان نیز دو گروهند: الف - زنانی که حامله‌اند. چنین زنانی تا وضع حمل عده نگاه می‌دارند. ب - زنانی که حامله نیستند. اینان هم دو دسته هستند: ۱ - زنانی که با آنان همبستری نشده است. اینان عدّه‌ای ندارند. ۲ - زنانی که با ایشان همبستری شده است. اینان اگر کسانی بوده که دارای عادت ماهیانه باشند، تنها سه عادت ماهیانه عدّه نگاه می‌دارند، و اگر کسانی بوده که دارای عادت ماهیانه نباشند، یعنی یائسه و یا صغیره باشند، سه ماه تمام عدّه نگاه می‌دارند (نگا: أضواء البیان).

سوره طلاق آیه ۳

متن آیه:

﴿وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمۡرِهِۦۚ قَدۡ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيۡءٖ قَدۡرٗا ٣﴾

ترجمه:

و به او از جائی که تصوّرش نمی‌کند روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است. خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند و هر چه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. خدا برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

توضیحات:

«مِنْ حَيْثُ»: از جائی که، به گونه‌ای که. «بَالِغُ أَمْرِهِ»: دستیابی دارد به هر چه بخواهد. فرمان خود را به انجام می‌رساند. «أَمْرِ»: کار، فرمان. «قَدْراً»: مدّت و اجل، اندازه و مقدار.

سوره طلاق آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسۡنَ مِنَ ٱلۡمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمۡ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشۡهُرٖ وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَۚ وَأُوْلَٰتُ ٱلۡأَحۡمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مِنۡ أَمۡرِهِۦ يُسۡرٗا ٤﴾

ترجمه:

زنان شما وقتی که ناامید از عادت ماهیانه‌اند، و همچنین زنانی که هنوز عادت ماهیانه ندیده‌اند، اگر (درباره حکم عِدّه ایشان) متردّدید، بدانید که عدّه آنان سه ماه است، و عدّه زنان باردار، وضع حمل است. هر کس که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا کار و بارش را ساده و آسان می‌سازد.

توضیحات:

«يَئِسْنَ»: ناامید شده‌اند. یائسه گشته‌اند. «إِنِ ارْتَبْتُمْ»: اگر متردّد شدید درباره حکم عدّه ایشان. اگر متردّد شدید در خونی که از ایشان بیرون می‌تراود که آیا خون حیض یا خون چیز دیگری است. اگر متردّد شدید که آیا به سن یائسگی رسیده‌اند یا خیر. «مِنْ أَمْرِهِ»: از کار و بارش. به فرمان و دستور خویش (نگا: نحل / ۲، غافر / ۱۵).

سوره طلاق آیه ۵

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ أَمۡرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعۡظِمۡ لَهُۥٓ أَجۡرًا ٥﴾

ترجمه:

این (قانونگذاری) فرمان خدا است که آن را برای شما فرستاده است. هر کس که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، بدی‌ها و گناهان او را محو کرده و می‌زداید، و پاداش وی را بزرگ می‌نماید.

توضیحات:

«يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ»: (نگا: بقره / ۲۷۱، انفال / ۲۹، زمر / ۳۵).

سوره طلاق آیه ۶

متن آیه:

﴿أَسۡكِنُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ سَكَنتُم مِّن وُجۡدِكُمۡ وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُواْ عَلَيۡهِنَّۚ وَإِن كُنَّ أُوْلَٰتِ حَمۡلٖ فَأَنفِقُواْ عَلَيۡهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ فَإِنۡ أَرۡضَعۡنَ لَكُمۡ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأۡتَمِرُواْ بَيۡنَكُم بِمَعۡرُوفٖۖ وَإِن تَعَاسَرۡتُمۡ فَسَتُرۡضِعُ لَهُۥٓ أُخۡرَىٰ ٦﴾

ترجمه:

زنان مطلّقه را در جائی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می‌کنید و در توان دارید، و بدی‌شان زیان نرسانید تا (با زیان رساندن خود بر آنان سختگیری کنید و) در تنگنایشان قرار دهید (و ایشان مجبور به ترک منزل شوند). اگر آنان باردار باشند، خرج و نفقه ایشان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل می‌کنند. اگر آنان (حاضر شدند بعد از جدائی، فرزندان) شما را شیر دهند، مزدشان را به تمام و کمال بپردازید. با یکدیگر درباره سرنوشت فرزندان، زیبا و پسندیده مشورت کنید (و اجرتی متناسب با مقدار و زمان شیر دادن، بر حسب عرف و عادت، تعیین کرده، و به نوزادان و کودکان از هر نظر عنایت شود). اگر هم بر همدیگر سخت گرفتید و به توافق نرسیدید، دایه‌ای شیر دادن به کودک مرد را بر عهده می‌گیرد (تا نزاع و کشمکش ادامه نیابد).

توضیحات:

«مِنْ حَيْثُ»: آنجا که. هرگونه که. «وُجْد»: توانائی. وسع و طاقت. «لا تُضَآرُّوهُنَّ»: بدی‌شان زیان نرسانید، به ویژه در نفقه و مسکن. «أُوْلاتِ»: صاحبان. دارندگان. «إِئْتَمِرُوا»: مشاوره کنید. مشورت و رایزنی نمائید. «بِمَعْرُوفٍ»: زیبا و پسندیده. یعنی پدر مزد شیر دادن را محترمانه و متناسب با عرف و عادت بپردازد. مادر هم مواظبت لازم را از فرزند بنماید. «تَعَاسَرْتُمْ»: همدیگر را در تنگنا گذاشتید و بر یکدیگر سخت‌گیری کردید و توافق حاصل نشد. «أُخْري»: زن دیگری. دایه‌ای.

سوره طلاق آیه ۷

متن آیه:

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧﴾

ترجمه:

آنان که دارا هستند، از دارائی خود (برای زن شیر دهنده، به اندازه توان خود)

خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدی‌شان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلّف نمی‌سازد. خدا بعد از سختی و ناخوشی، گشایش و خوشی پیش می‌آورد.

توضیحات:

«ذُوسَعَةٍ»: دارا. ثروتمند. «قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ»: روزی او کم گردید و فقیر شد (رعد / ۲۶، اسراء / ۳۰، قصص / ۸۲).

سوره طلاق آیه ۸

متن آیه:

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾﴾

ترجمه:

چه بسیار مردمان شهرها و آبادی‌هائی که از فرمان پروردگارشان و دستور پیغمبران او، سرپیچی و سرکشی کرده‌اند، و در نتیجه ما سخت به حساب‌شان رسیده‌ایم و به مجازات ناگوار و کیفر ناخوشایندشان رسانده‌ایم.

توضیحات:

«کَأَیِّن مِّن قَرْیَةٍ»: (نگا: حجّ / ۴۵ و ۴۸، محمّد / ۱۳). «حَاسَبْنَاهَا»: از آن حساب کشیده‌ایم. به حساب‌شان رسیده‌ایم. «عَتَتْ»: سرکشی کرده‌اند (نگا: اعراف / ۷۷ و ۱۶۶، فرقان / ۲۱). «نُکْراً»: (نگا: کهف / ۷۴ و ۸۷).

سوره طلاق آیه ۹

متن آیه:

﴿فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾﴾

ترجمه:

و عقوبت اعمال‌شان را چشیده‌اند، و عاقبت کار و بارشان زیان و خسران بوده است.

توضیحات:

«وَ بَالَ»: (نگا: مائده / ۹۵، حشر / ۱۵، تغابن / ۵). «خُسْراً»: زیان. زیانکاری.

سوره طلاق آیه ۱۰

متن آیه:

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ قَدۡ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكُمۡ ذِكۡرٗا ١٠﴾

ترجمه:

خداوند برای ایشان عذاب شدیدی را فراهم ساخته است، پس ای خردمندانی که مؤمن هستید، شما پرهیزگاری کنید و خویشتن را از (عذاب و خشم) خدا به دور دارید. خدا که برای شما قرآن را نازل فرموده است.

توضیحات:

«ذِكْراً»: قرآن (نگا: اعراف / ۶۳ و ۶۹، حجر / ۶ و ۹). «الَّذِينَ»: صفت یا بدل (أُوْلِي‌الأَلْبَابِ) است.

سوره طلاق آیه ۱۱

متن آیه:

﴿رَّسُولٗا يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ قَدۡ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزۡقًا ١١﴾

ترجمه:

و پیغمبری را به میانتان روانه کرده است که آیات روشن خدا را برایتان می‌خواند تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکی (بطالت و ضلالت) بیرون آورد و به روشنائی (حقیقت و هدایت) در آورد. کسانی که به خدا ایمان بیاورند و کارهای پسندیده بکنند، خدا آنان را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن رودبارها روان است. برای همیشه در آنجا ماندگار می‌مانند، و خدا روزیشان را خوب و نیکو می‌گرداند.

توضیحات:

«رَسُولاً»: مفعولٌ‌به برای فعل محذوفی است که مقام دلالت بر آن دارد. تقدیر چنین است: أَرْسَلَ رَسُولاً. «يَتْلُو»: در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی به دنبال دارد. «أَبَداً»: ذکر این واژه پس از (خَالِدِينَ) تأکیدی بر خلود و ماندگاری محسوب است.

سوره طلاق آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِی خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ وَمِنَ ٱلۡأَرۡضِ مِثۡلَهُنَّۖ یَتَنَزَّلُ ٱلۡأَمۡرُ بَیۡنَهُنَّ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَیۡءٖ قَدِیرٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَحَاطَ بِكُلِّ شَیۡءٍ عِلۡمَۢا ۝١٢﴾

ترجمه:

خدا همان است که هفت آسمان را و همانند آن زمین را آفریده است. فرمان (خدا) همواره در میان آنها جاری است (و تدبیر هدایت و رهبری او، لحظه‌ای از جهان بزرگ هستی برداشته نمی‌شود، این آفرینش عظیم بدان خاطر است) تا بدانید خداوند بر هر چیزی توانا است، و آگاهی او همه چیز را فرا گرفته است.

توضیحات:

«خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الأرْضِ مِثْلَهُنَّ»: هفت آسمان و به اندازه آن، زمین را آفریده است. عدد هفت برای کثرت است، و در این صورت منظور از هفت آسمان و هفت زمین، تعداد بیشمار و خارج از اندازه کواکب آسمانی و کراتی مشابه زمین است. (نگا: بقره / ۲۹، اسراء / ۴۴، مؤمنون / ۸۶، فصّلت / ۱۲). امّا اگر عدد هفت برای شماره محدود باشد، آنچه ما می‌بینیم و دانش بشر به آن احاطه دارد، همه مربوط به آسمان و زمین اوّل است، و ماورای این ثوابت و سیارات، شش عالم دیگر وجود دارد که از دسترس علم ما بیرون است (نگا: صافّات / ۶، فصّلت / ۱۲، ملک / ۵). «مِثْلَهُنَّ»: اشاره به زمینهای متعدّدی است که در عالم هستی وجود دارد. تا آنجا که بعضی از دانشمندان ستاره‌شناس می‌گویند، تعداد کراتی که مشابه کره زمین بر گرد خورشیدها در پهنه هستی گردش می‌کنند حدّاقلّ سیصد میلیون کره است (نگا: المراغی). «یَتَنَزَّلُ الأمْرُ بَیْنَهُنَّ»: فرمان خدا و قضا و قدر او در میان آنها جاری و حکمفرما است. خدا است که حکم خود را درباره آنها به مرحله اجرا در می‌آورد و کار و بار جهان را می‌گرداند. (نگا: سجده / ۴).

سوره تحریم

سوره تحریم آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَۖ تَبۡتَغِي مَرۡضَاتَ أَزۡوَٰجِكَۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝١﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده است، به خاطر خوشنود ساختن همسرانت، بر خود حرام می‌کنی؟ خداوند آمرزگار مهربانی است (و تو را و همسران تو را می‌بخشاید).

توضیحات:

«لِمَ تُحَرِّمُ مَا»: چیزی که پیغمبر آن را بر خود حرام فرمود، خوردن عسل، یا نزدیکی با ماریه قبطی، و یا نزدیکی با همه همسران به مدّت یک ماه بود. این تحریم، تحریم شرعی نبود و بلکه پیغمبر سوگند می‌خورد که از این به بعد عسل نخورد، و یا به مدّت یک ماه از آمیزش با همسران دوری بکند. چکیده روایت چنین است: همسر پیغمبر، زینب دختر جحش که عمّه‌زاده رسول و صاحب وجاهت بود، اغلب از عسلی که خویشاوندانش برای او هدیه می‌آوردند، به شوهر محبوب خود می‌خورانید. خویشاوندی و زیبائی او سبب گردید بنا به سرشت انسانی، امّ‌المؤمنین حفصه، و امّ‌المؤمنین عائشه بدو رشک برند. این دو با یکدیگر قرار می‌گذارند، وقتی که پیغمبر به پیش هر یک از آن دو تشریف فرما شوند، بدو عرض کنند: از وجود مبارک او بوی مغافیر به مشام می‌رسد. مغافیر صمغ بدبوئی است که از درختی به نام عرفط تراوش می‌کند. هنگامی که پیغمبر به پیش حفصه تشریف می‌آورد، بدو عرض می‌کند: بوی مغافیر استشمام می‌شود! رسول خدا می‌فرماید که او عسل خورده است؛ نه مغافیر. آن حضرت سوگند می‌خورد، دیگر عسل نخورد. نکند که زنبوران عسل احتمالاً از مغافیر تغذیه کنند! از حفصه می‌خواهد این سخن، رازی در میان ایشان باشد، تا دیگران

نشنوند، و عسل را به پیروی از قدوه خود بر خویشتن حرام نکنند. ولی مسأله پخش می‌گردد، و پیغمبر سوگند می‌خورد که تا یک ماه با همسران خویش نزدیکی نخواهد کرد. روایت دیگر می‌گوید که: پیغمبر به ماریه قبطی علاقه وافر داشت و این امر باعث حسودی برخی از امّ‌المؤمنین گردید، و آن حضرت سوگند یاد کرد که با ماریه نزدیکی نکند. به هر حال خداوند دستور می‌دهند که کسی حق ندارد، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال سازد، چرا که قانونگذار تنها او است و بس. رسول اکرم برده‌ای را آزاد می‌نماید و قضیه فیصله می‌یابد. «مَرْضَاةَ»: رضایت. خوشنودی. مصدر میمی است و در رسم‌الخطّ قرآنی با تاء کشیده نوشته شده است.

سوره تحریم آیه ۲

متن آیه:

﴿قَدۡ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمۡ تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡۚ وَٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٢﴾

ترجمه:

خداوند راه گشودن سوگندانتان را برای شما مقرّر می‌دارد. (بدین نحو که کفّاره قسم را می‌دهید و خود را از زیر بار مسؤولیت آن بیرون می‌آورید). خدا یاور و سرور شما است، و او بس آگاه و کار بجا است.

توضیحات:

«فَرَضَ»: اجازه داده است. مقرّر داشته است. واژه (فَرَضَ) اگر با (عَلي) همراه باشد، به معنی (وجوب) است، و اگر با (ل) باشد، به معنی مقرّر و مشخّص داشتن و اجازه دادن است (نگا: بقره / ۲۳۶ و ۲۳۷، احزاب / ۳۸). «تَحِلَّةَ»: گشودن. حلال کردن. مراد کفّاره دادن و از زیر بار مسؤولیت سوگند به در آمدن است (نگا: مائده / ۸۹).

سوره تحریم آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا فَلَمَّا نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتۡ مَنۡ أَنۢبَأَكَ هَٰذَاۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ٣﴾

ترجمه:

خاطرنشان ساز وقتی را که پیغمبر با یکی از همسرانش (به نام حفصه) رازی را در

میان نهاد، و او آن راز را (به عایشه) خبر داد، و خداوند پیغمبرش را از این (افشای سرّ) آگاه ساخت. پیغمبر برخی از آن (رازگوئی) را (برای همسر رازگویش حفصه) بازگو کرد و از برخی دیگر خودداری کرد. هنگامی که همسرش را از آن (رازگوئی) مطّلع کرد، او گفت: چه کسی تو را از این (موضوع) آگاه کرده است؟ پیغمبر گفت: خداوند بس دانا و آگاه مرا با خبر کرده است.

توضیحات:

«أَسَرَّ»: پنهانی بیان کرد. به گونه راز بیان داشت. «بَعْضِ»: یکی. فردی. مراد حفصه است. «حَدِیثاً»: سخن. کلام. مراد، فرموده پیغمبر مبنی بر نخوردن عسل، و یا عدم نزدیکی با ماریه قبطی است. «نَبَّأَتْ بِهِ»: حفصه راز را به عایشه خبر داد. «أَظْهَرَهُ»: آن را اطّلاع داد. «عَرَّفَ»: شناساند. بازگو نمود.

سوره تحریم آیه ۴

متن آیه:

﴿إِن تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدۡ صَغَتۡ قُلُوبُكُمَاۖ وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيۡهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوۡلَىٰهُ وَجِبۡرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ٤﴾

ترجمه:

اگر به‌سوی خدا برگردید و توبه کنید (خداوند برگشت و توبه شما را می‌پذیرد) چرا که دل‌هایتان (از حفظ سرّ که پیغمبر دوست می‌داشت) منحرف گشته است. و اگر بر ضدّ او همدست شوید (و برای آزارش بکوشید، باکی نیست) خدا یاور او است، و علاوه از خدا، جبرئیل، و مؤمنان خوب و شایسته، و فرشتگان پشتیبان او هستند.

توضیحات:

«إِن تَتُوبَا...»: مخاطب حفصه و عائشه (علیهما السلام) است. جواب شرط محذوف است و تقدیر چنین است: «إِن تَتُوبَا یَتُبْ عَلَیْکُمَا». «صَغَتْ»: منحرف گشته است. بگردیده است. «إِن تَظَاهَرا»: اگر همدستی و هم‌پشتی کنید. فعل مضارع است و اصل آن (إِن تَتَظَاهَرا) است که یکی از دو تاء را حذف کرده‌اند. «صَالِحُ الْمُؤْمِنِینَ»: مؤمنان شایسته و بایسته. واژه (صالح) مفرد است و در معنی جمع استعمال شده است و مراد جنس صالح است یعنی فردفرد مسلمانان خوب و متّقی. مثل: «لا یَفْعَلُ هَذا ، الصَّالِحُ مِنَ

النَّاسِ». «ظَهِيرٌ»: پشتیبان (نگا: اسراء / ۸۸، فرقان / ۵۵، قصص / ۱۷ و ۸۶، سبأ / ۲۲).

سوره تحریم آیه ۵

متن آیه:

﴿عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُۥٓ أَزْوَٰجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ قَٰنِتَٰتٍ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٍ سَٰٓئِحَٰتٍ ثَيِّبَٰتٍ وَأَبْكَارًا ٥﴾

ترجمه:

اگر پیغمبر شما را طلاق دهد، چه بسا پروردگارش به جای شما همسرانی را نصیب او گرداند که بهتر از شما باشند. زنان دوشیزه یا غیر دوشیزه فرمانبردار، با ایمان، فروتن، توبه کار، پرستش‌گر، و گردنده (و پر تحرّک در جهان اندیشه و در مسیر طاعت و عبادت).

توضیحات:

«مُسْلِمَاتٍ»: جمع مُسْلِمَة، مسلمان و فرمانبردار. «قَانِتَاتٍ»: جمع قَانِتَة، خاشع و خاضع. فروتن (نگا: نساء / ۳۴، احزاب / ۳۵). «سَآئِحَاتٍ»: جمع سَآئِحَة، روزه‌دار، گردنده (نگا: توبه / ۱۱۲). «ثَيِّبَاتٍ»: جمع ثَيِّبْ، غیر دوشیزه. بیوه. «أَبْكَاراً»: جمع بِكر، دوشیزه (نگا: واقعه / ۳۶).

سوره تحریم آیه ۶

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ٦﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افروزینه آن انسان‌ها و سنگها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدی‌شان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

توضیحات:

«قُوا»: مصون و محفوظ دارید. «أَهْلِيكُمْ»: (نگا: مائده / ۹۸). «وَقُودُ»: افروزینه (نگا: بقره / ۲۴، آل‌عمران / ۱۰). «غِلاظٌ»: جمع غَلیظ، خشن، تندخو. «شِدَادٌ»: جمع

شَدید، زورمند. سخت‌گیر. توانا در انجام کارهای دشوار.

سوره تحریم آیه ۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧﴾

ترجمه:

(در روز قیامت خطاب به بی‌دینان گفته می‌شود): ای کافران! امروزه پوزش مخواهید و عذر خواهی مکنید، چرا که تنها در برابر کارهائی که (در دنیا) می‌کرده‌اید کیفر داده می‌شوید.

توضیحات:

«لا تَعْتَذِرُوا»: (نگا: روم / ۵۷، غافر / ۵۲).

سوره تحریم آیه ۸

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨﴾

ترجمه:

ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه خالصانه‌ای بکنید، شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزداید، و شما را به باغ‌های بهشتی داخل گرداند که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن رودبارها روان است. این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی را خوار و سبک نمی‌دارد که با او ایمان آورده‌اند. (بلکه ایشان را والا می‌گرداند و به درجات بالا می‌رساند). نور (ایمان و عمل صالح) ایشان، پیشاپیش و سوی راستشان (رو به جانب بهشت) در حرکت است. (وقتی که خاموش شدن نور منافقان را می‌بینند، رو به درگاه خدا می‌کنند و) می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل گردان (تا در پرتو آن به بهشت برسیم) و ما را ببخشای، چرا که تو بر هر چیزی بس توانائی.

توضیحات:

«نَصُوحاً»: از روی اخلاص. خالصانه. صیغه مبالغه است. توبه نَصُوح، باید این

ویژگی‌ها را داشته باشد، ترک گناه، پشیمان شدن از گناه، تصمیم بر برنگشتن به گناه، ردّ مظالم و بازپرداخت حق به صاحبان آن. «نُورُهُمْ يَسْعي»: (نگا: حدید / ۱۲ و ۱۳). «أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا»: درخواست تکمیل نور یا از سوی همه مؤمنان است، و این تقاضا وقتی است که نور منافقان خاموش می‌گردد. مؤمنان از خدای متعال می‌خواهند که تا رسیدن به بهشت نورشان بماند. یا این که نور برخی از مؤمنان، ضعیف بوده و درخواست می‌نمایند که نورشان پرتو و تابندگی بیشتری داشته باشد.

سوره تحریم آیه ۹

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ۝٩﴾

ترجمه:

ای پیغمبر! با کافران و منافقان جهاد و پیکار کن (تا ایشان را از کفر و نفاق به دور داری) و بر آنان سخت بگیر و (با ایشان خشن باش. این مجازات کنونی ایشان است، و در آخرت) جایگاه‌شان دوزخ است و چه بد سرنوشت و چه زشت جایگاهی است!

توضیحات:

«يَآ أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ»: (نگا: توبه / ۷۳، فرقان / ۵۲). مراد جهاد با کفّار، با قوّت و قدرت تمام، و با منافقان با حجّت و برهان است.

سوره تحریم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ۝١٠﴾

ترجمه:

خداوند از میان کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده است. آنان در حباله نکاح دو تن از بندگان خوب ما بودند و (با ساخت و پاخت با قوم خود، و گزارش اسرار و اخبار بدیشان) به آن دو خیانت کردند و آن دو نتوانستند در پیشگاه الهی کمترین کاری برای ایشان بکنند و (آنان را از عذاب خانمانسوز دنیوی، و سخت کمرشکن اخروی

نجات دهند. به هنگام مرگ توسّط فرشتگان بدیشان) گفته شد: به دوزخ درآئید همراه با همه کسانی که بدان در می‌آیند.

توضیحات:

«إِمْرَأَةَ»: در رسم‌الخطّ قرآنی با تاء کشیده نوشته شده است. مفعولٌ‌به اوّل فعل (ضَرَبَ) و (مَثَلاً) مفعولٌ‌به دوم آن است. «تَحْتَ»: این واژه، کنایه از تحت سرپرستی و زیر نکاح است. «خَانَتَاهُـمَـا»: خیانت این دو همسرِ بدشگون، همکاری با دشمنان و گزارش اخبار و پخش اسرار خانواده و مؤمنان بود. خیانت ایشان انحراف از جاده عفّت نبود. زیرا هرگز همسر هیچ پیغمبری آلوده به بی‌عفّتی نشده است (نگا: نمونه، جلد ۲۴، صفحه ۳۰۱). «أُدْخُلاَ النَّارَ»: به هنگام مرگ، فرشتگان به بدان یا نیکان خبر ورود آتی ایشان به دوزخ یا به بهشت را می‌دهند (نگا: المصحف المیسّر). «فَلَمْ يُغْنِيا»: در آخرت همه رابطه‌های دنیوی جز رابطه ایدئولوژی گسیخته می‌گردد (نگا: بقره / ۴۸ و ۱۲۳، لقمان / ۳۳، ممتحنه / ۳، انفطار / ۱۹).

سوره تحریم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتًا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١١﴾

ترجمه:

و خدا از میان مؤمنان، زن فرعون را مثل زده است. وقتی (از اوقات) گفت: پروردگارا! برای من در بهشت، نزد خودت خانه‌ای بنا کن، و مرا از فرعون و کارهایش رهائی‌بخش، و از این مردمان ستمکاره نجات بده.

توضیحات:

«إِبْنِ»: بنا کن. بساز.

سوره تحریم آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمَرۡيَمَ ٱبۡنَتَ عِمۡرَٰنَ ٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتۡ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ ١٢﴾

ترجمه:

همچنین خداوند (از میان مؤمنان، دومین الگو) مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن به گناه نیالود و خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح متعلّق به خود در آن دمیدیم، و او سخنان پروردگارش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد، و از زمره مطیعان و فرمانبرداران خدا بود.

توضیحات:

«أَحْصَنَتْ»: استوار داشت. مصون و محفوظ داشت. «فَرْج»: عورت. شرمگاه (نگا: مؤمنون / ۵، نور / ۳۰ و ۳۱، احزاب / ۳۵). «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»: (نگا: انبیاء / ۹۱). «مِن رُّوحِنَا»: از روح متعلّق به خود. از روح ساخت خود (نگا: انبیاء / ۹۱، سجده / ۹، حجر / ۲۹، ص / ۷۲). «كَلِمَاتِ»: مراد اوامر و نواهی و وعده‌ها و وعیدهای الهی است. «كُتُبِ»: کتاب‌های تورات موسی، و زبور داود، و صحف ابراهیم، و سایر کتاب‌های آسمانی. «الْقَانِتِينَ»: مطیعان و فرمانبرداران الهی، مواظبان طاعت و عبادت. مذکر آمدن آن، جنبه تغلیب دارد.

سوره ملک

سوره ملک آیه ۱

متن آیه:

﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١﴾

ترجمه:

بزرگوار و دارای برکات بسیار، آن کسی که فرمانروائی (جهان هستی) از آن او است و او بر هر چیزی کاملاً قادر و توانا است.

توضیحات:

«تَبَارَكَ»: والا مقام است. خجسته است. دارای برکات بسیار است (نگا: اعراف / ۵۴، مؤمنون / ۱۴، فرقان / ۱ و ۱۰ و ۶۱). «الْـمُلْكُ»: حکومت. فرماندهی.

سوره ملک آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾

ترجمه:

همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است.

توضیحات:

«خَلَقَ الْـمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ»: مرگ و زندگی را مقدّر کرده و پدید آورده است. «لِيَبْلُوَكُمْ»: (نگا: مائده / ۴۸، انعام / ۱۶۵، هود / ۷).

سوره ملک آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗاۖ مَّا تَرَىٰ فِي خَلۡقِ ٱلرَّحۡمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٖۖ فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ ٣﴾

ترجمه:

آن که هفت آسمان را بالای یکدیگر و همآهنگ آفریده است. اصلاً در آفرینش و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضادّ و عدم تناسبی نمی‌بینی (و بلکه هستی با تمام عظمتی که دارد، از انسجام و استحکام شگفت برخوردار است، و نظم و نظام عجیب و قوانین و روابط دقیق بر ذرّه ذرّه کائنات حکمفرما است). پس دیگر باره بنگر (و با دقّت جهان را وارسی کن) آیا هیچ‌گونه خلل و رخنه‌ای می‌بینی؟

توضیحات:

«سَبْعَ سَمَـاوَاتٍ»: (نگا: بقره / ۲۹، اسراء / ۴۴، مؤمنون / ۸۶). «طِبَاقاً»: جمع طَبَق، یا طَبَقَه، یکی فوق دیگری. یکی برتر از دیگری.. یا این که همچون مُطابقه، مصدر باب مفاعله است و به معنی موافق و مرتبط و همآهنگ و هم‌آوا با یکدیگر است. «تَفَاوُتٍ»: عیب و نقص. خلل و رخنه. ناسازگاری و ناخوانی. نظم و نظام شگفت‌انگیز بر الکترون، پروتون، اتم، زمین، منظومه شمسی، منظومه‌های دیگر، کهکشان راه شیری، کهکشان‌های دیگر، و... حاکم است، و همه جا قانون است و حساب، و همه جا نظم است و برنامه... هرچه ای انسان در جهان آفرینش دقّت کنی کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی‌بینی. «فُطُورٍ»: جمع فَطْر، درز و شکاف. مراد خلل و رخنه است.

سوره ملک آیه ۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ ٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝٤﴾

ترجمه:

باز هم (دیده خود را بگشای و به عالم هستی بنگر و) بارها و بارها بنگر و وارانداز کن. دیده سرانجام فروهشته و حیران، و درمانده و ناتوان، به سویت باز می‌گردد.

توضیحات:

«كَرَّتَيْنِ»: دو بار. در اینجا تثنیه برای کثرت است. یعنی بارها و بارها. «يَنقَلِبْ»: باز می‌گردد. بر می‌گردد. «خَاسِئاً»: فروهشته. حیران. «حَسِيرٌ»: خسته و درمانده. از کار افتاده. مراد این است که انسان هر اندازه بنگرد، خلل و رخنه‌ای پیدا نمی‌کند، و هر بار که به تحقیق بپردازد و بر معلومات خود بیفزاید، دچار سرگشتگی و حیرت بیشتر می‌گردد.

سوره ملک آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلۡنَٰهَا رُجُومٗا لِّلشَّيَٰطِينِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ ۝٥﴾

ترجمه:

ما آسمان نزدیک (به شما) را با چراغ‌هائی (به نام ستارگان) آراسته‌ایم، و آنها را وسیله راندن اهریمنان ساخته‌ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«السَّمَآءَ الدُّنْيَا»: آسمان نزدیک. آسمان فُرودین (نگا: صافّات / ۶). «زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ»: (نگا: فصّلت / ۱۲). «رُجُوماً»: جمع رَجْم، مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی چیزی که همچون سنگ انداخته می‌شود. اشاره به شهاب‌ها است که باقیمانده ستارگانی است که طی حوادثی متلاشی شده‌اند و از یک سوی آسمان به‌سوی دیگر پرتاب می‌شوند (نگا: حجر / ۱۶ و ۱۸، صافّات / ۶ - ۱۰).

سوره ملک آیه ۶

متن آیه:

﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ۝٦﴾

ترجمه:

کسانی که به پروردگار خود ایمان نداشته باشند، عذاب دوزخ دارند، و چه بد جایگاهی است!

توضیحات:

«بِئْسَ الْمَصِيرُ»: (نگا: بقره / ۱۲۶، آل‌عمران / ۱۶۲).

سوره ملک آیه ۷

متن آیه:

﴿إِذَآ أُلۡقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقٗا وَهِيَ تَفُورُ ۝٧﴾

ترجمه:

هر زمان که به دوزخ انداخته شوند، تنوره می‌زند و غُرّشی از آن می‌شنوند.

توضیحات:

«شَهِيقاً»: صدای وحشتناک. فریاد هراس انگیز. غُرّش. «تَفُورُ»: تنوره می‌زند. فوران می‌کند. به غلیان در می‌آید.

سوره ملک آیه ۸

متن آیه:

﴿تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۖ كُلَّمَآ أُلۡقِيَ فِيهَا فَوۡجٞ سَأَلَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَذِيرٞ ٨﴾

ترجمه:

دوزخ از شدّت خشم (بر ایشان)، نزدیک است بترکد و پاره‌پاره شود. هر زمان که گروهی بدان انداخته می‌شوند، دوزخبانان از آنان می‌پرسند: آیا پیغمبر بیم دهنده‌ای به میان شما نیامده است (تا شما را از چنین روزی و وضعی بترساند؟).

توضیحات:

«تَكَادُ تَـمَيَّزُ»: نزدیک است از هم شکافته و پاره‌پاره شود. کمی‌مانده است که بترکد. «مِنَ الْغَيْظِ»: بر اثر خشم. «خَزَنَتُهَا»: نگهبانان دوزخ (نگا: تحریم / ۶).

سوره ملک آیه ۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَنَا نَذِيرٞ فَكَذَّبۡنَا وَقُلۡنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ كَبِيرٖ ٩﴾

ترجمه:

می‌گویند: آری! پیغمبران بیم دهنده‌ای به میان ما آمدند و ما دروغگوی‌شان نامیدیم و گفتیم: خداوند به هیچ وجه چیزی را (به نام وحی، برای کسی) نفرستاده است، و شما دچار گمراهی بزرگی هستید.

توضیحات:

«ضَلالٍ كَبِيرٍ»: گمراهی عظیم. سرگشتگی فراوان.

سوره ملک آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١٠﴾

ترجمه:

و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا می‌داشتیم، و یا عقل خود را به کار می‌گرفتیم، هرگز از زمره دوزخیان نمی‌گشتیم.

توضیحات:

«نَسْمَعُ»: مراد از شنیدن، شنیدن آگاهانه است (نگا: / ۳۷).

سوره ملک آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَٱعۡتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمۡ فَسُحۡقٗا لِّأَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١١﴾

ترجمه:

اینجا است که به گناه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری (از رحمت خدا) بهره دوزخیان باد!

توضیحات:

«سُحْقاً»: دور شدن از رحمت خدا. مفعول مطلق فعل محذوفی است، و تقدیر چنین است: «سَحَقَهُمُ اللهُ سُحْقاً».

سوره ملک آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ ١٢﴾

ترجمه:

کسانی که در نهان، از پروردگار خود می‌ترسند، آمرزش و پاداش بزرگ و فراوانی دارند.

توضیحات:

«بِالْغَيْبِ»: در نهان. دور از چشم مردمان. بدون این که خدا را ببینند.

سوره ملک آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَأَسِرُّواْ قَوۡلَكُمۡ أَوِ ٱجۡهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١٣﴾

ترجمه:

چه سخنان خود را آهسته گوئید و زمزمه کنید، وچه بلند گوئید و آشکار سازید، (برای خدا یکسان و عیان است). چرا که او کاملاً آگاه از اسرار و خفایای سینه‌ها است.

توضیحات:

«أَسِرُّوا»: لفظاً امر است و در معنی خبر.

سوره ملک آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٤﴾

ترجمه:

مگر کسی که (مردمان را) می‌آفریند (حال و وضع ایشان را) نمی‌داند، و حال این که او دقیق و باریک بین بس آگاهی است؟!

توضیحات:

«أَلا يَعْلَمُ»:؟ مگر نمی‌داند؟ استفهام انکاری است.

سوره ملک آیه ۱۵

متن آیه:

﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ ١٥﴾

ترجمه:

او کسی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید، و از روزی خدا بخورید. زنده شدن دوباره در دست او است.

توضیحات:

«ذَلُولاً»: رام. مسخّر (نگا: بقره / ۷۱). «مَنَاكِب». جمع مَنْکب، دوش. مراد جوانب و اطراف زمین است. «النُّشُورُ»: زنده شدن مردگان. رستاخیز مردگان. «إِلَيْهِ»: حرف إلی به معنی (لَ) است، مانند: «أَلأمْرُ إِلَيْكَ» (نگا: مغنی لبیب). برخی (نُشور) را به معنی (بازگشت) دانسته‌اند (نگا: نمونه، روح‌البیان، روح‌المعانی).

سوره ملک آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخۡسِفَ بِكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ١٦﴾

ترجمه:

آیا از کسی که در آسمان است، خود را در امان می‌دانید که دستور بدهد زمین بشکافد و شما را فرو ببرد، و آن گاه بلرزد و بجنبد و حرکت بکند؟

توضیحات:

«مَن فِي السَّمَآءِ»: کسی که در آسمان است. مراد خدا است. بودن او در آسمان، اشاره به زبردستی و بالادستی خدا و سلطه کامل و فراگیر او است. منظور محدود ساختن پروردگار به جا و مکان نیست. «يَخْسِفَ بِكُمْ»: شما را به زمین فرو ببرد (نگا: قصص / ۸۱، عنکبوت / ۴۰، سبأ / ۹، نحل / ۴۵). «تَمُورُ»: حرکت می‌کند، به جنبش و لرزش می‌افتد (نگا: طور / ۹).

سوره ملک آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَمۡ أَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ كَيۡفَ نَذِيرِ ١٧﴾ أَمۡ

ترجمه:

یا این که از کسی که در آسمان است خود را در امان می‌دانید که طوفان شن بر شما گمارد (و شما را در زیر ریگ‌های روان دفن نماید؟). آن گاه خواهید دانست که تهدید من چگونه است.

توضیحات:

«حَاصِباً»: تند بادی که توده‌های شن و سنگریزه را با خود حرکت می‌دهد و از جائی به جائی می‌برد (نگا: اسراء / ۶۸، عنکبوت / ۴۰). «نَذِيرِ»: بیم دادن من. تهدید من. واژه نذیر در اینجا به معنی تحذیراست.

سوره ملك آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَقَدۡ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ١٨﴾

ترجمه:

کسانی که پیش از اینان بوده‌اند (آیات و پیغمبران مرا) تکذیب کرده‌اند، ببین که خشم و کینه من بر سر ایشان چه آورده است و چه کرده است؟!

توضیحات:

«نَكِيرِ»: بد آمدن من از ایشان. خشم و کینه‌ام. واژه (نکیر) به معنی (انکار) است.

سوره ملک آیه ۱۹

متن آیه:

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ فَوۡقَهُمۡ صَٰٓفَّٰتٖ وَيَقۡبِضۡنَۚ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحۡمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءِۢ بَصِيرٌ ١٩﴾

ترجمه:

آیا پرندگانی را نگاه نکرده‌اند که بالای سر آنان (در پروازند و) گاهی بالهای خود را گسترده و گاهی جمع می‌کنند؟! جز خداوند مهربان کسی آنها را (بر فراز آسمان) نگاه نمی‌دارد، چرا که او هر چیزی را می‌بیند (و می‌داند هر آفریده‌ای برای ادامه زندگی خود نیازمند چیست).

توضیحات:

«صَآفَّاتٍ»: گسترده بالان (نگا: نور / ۴۱). «يَقْبِضْنَ»: بالها را فراهم می‌آورند. بالها را باز و بسته می‌کنند. «مَا يُمْسِكُهُنَّ»: (نگا: نحل / ۷۹).

سوره ملک آیه ۲۰

متن آیه:

﴿أَمَّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ جُندٞ لَّكُمۡ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ إِنِ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ٢٠﴾

ترجمه:

آخر کدام اشخاص و افرادند که لشکر شمایند و جدای از خداوند مهربان به شما کمک می‌کنند و از شما مواظبت می‌نمایند؟! کافران گرفتار غرورند و بس.

توضیحات:

«جُندٌ»: لشکر. سپاه. اسم جمع است و در معنی جمع می‌باشد. ذکر اسم اشاره و موصول و فعل آیه به شکل مفرد، با توجّه به لفظ جند است. «مِن دُونِ الرَّحْمنِ»: سوای خداوند مهربان. در برابر خداوند مهربان. با توجّه به معنی اخیر، مفهوم آیه چنین است: آخر چه کسانی هستند آنان که لشکر شمایند و در برابر خداوند مهربان از شما دفاع و

به شما کمک می‌نمایند؟ «إِنْ»: حرف نافیه است. «غُرُورٍ»: گول خوردن. فریب.

سوره ملک آیه ۲۱

متن آیه:

﴿أَمَّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي يَرۡزُقُكُمۡ إِنۡ أَمۡسَكَ رِزۡقَهُۥۚ بَل لَّجُّواْ فِي عُتُوّٖ وَنُفُورٍ ۝٢١﴾

ترجمه:

یا این که چه کسانیند که اگر خداوند روزی خود را باز دارد بتوانند به شما روزی برسانند؟! اصلاً کافران در سرکشی و گریز پافشاری می‌کنند.

توضیحات:

«عُتُوّ»: سرکشی، طغیان. تکبّر. «نُفُورٍ»: گریز، فرار از حق و حقیقت.

سوره ملک آیه ۲۲

متن آیه:

﴿أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ۝٢٢﴾

ترجمه:

آیا آن کسی که نگونسار و بر رخساره راه می‌رود راهیاب‌تر است، یا کسی که بر پا ایستاده و درست در راه راست گام بر می‌دارد؟

توضیحات:

«مُكِبّاً»: نگونسار، بر رو افتاده. «سَوِيّاً»: راست قامت، راست و درست.

سوره ملك آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ۝٢٣﴾

ترجمه:

خدا کسی است که شما را (از عدم) آفریده است، و برای شما گوش و چشم و دل درست کرده است (که وسیله کار و سعادت شما هستند. امّا شما این نعمت‌ها را) کمتر سپاس‌گزاری می‌کنید.

توضیحات:

«قَلِيلاً مَّا تَشْكُرُونَ»: (نگا: اعراف / ۱۰، مؤمنون / ۷۸، سجده / ۹).

سوره ملک آیه ۲۴

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤﴾

ترجمه:

بگو: او کسی است که شما را در زمین تولید و تکثیر کرده و پخش و پراکنده نموده است، و در پیش او گرد آورده می‌شوید.

توضیحات:

«ذَرَأَكُمۡ»: شما را پدیدار کرده است. مراد زاد و ولد دادن و افزایش بخشیدن و در زمین پراکندن است (نگا: اعراف / ۱۷۹).

سوره ملک آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

می‌گویند: اگر راست می‌گوئید، این وعدّه‌ای که می‌دهید، کی خواهد بود؟

توضیحات:

«الْوَعْدُ»: مراد فرا رسیدن عذاب استیصال دنیوی، و یا فرا رسیدن رستاخیز و عذاب شدید اخروی است.

سوره ملک آیه ۲۶

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٢٦﴾

ترجمه:

بگو: اطّلاع و آگاهی (از فرا رسیدن مجازات دنیوی و یا وقوع قیامت) متعلّق به خدا است و بس. من فقط و فقط بیم دهنده آشکاری هستم.

توضیحات:

«نَذِيرٌ مُّبِينٌ»: بیم دهنده‌ای که آشکارا بیم می‌دهد و به صراحت از عذاب خدا سخن می‌گوید.

سوره ملک آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓـَٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

هنگامی که این وعده الهی را از نزدیک مشاهده کردند، چهره‌های کافران درهم و زشت می‌گردد، و بدی‌شان گفته می‌شود: این همان چیزی است که خود می‌خواستید (و در فرا رسیدن و دیدن آن شتاب می‌ورزیدید).

توضیحات:

«زُلْفَةً»: نزدیک. قریب. مصدر است و مراد اسم فاعل. «سِيئَتْ»: (نگا: هود / ۷۷، عنکبوت / ۲۳). «تَدَّعُونَ»: با زور و از روی استهزاء درخواست وقوع فوری آن را داشتید (نگا: ص / ۱۶، شوری / ۱۸).

سوره ملک آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٢٨﴾

ترجمه:

بگو به من خبردهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند (و ایمان آورده‌اند) هلاک سازد، و یا به ما رحم نماید (و ما را فعلاً نکشد، به هر حال ما چه حال بمیریم و چه در آینده، اهل نجات هستیم). امّا چه کسی کافران را از عذاب دردناک (دوزخ می‌رهاند و) در پناه خود می‌دارد؟

توضیحات:

«أَرَأَيْتُمْ»: (نگا: انعام / ۴۶، یونس / ۵۰ و ۵۹، هود / ۲۸). «إِنْ أَهْلَكَنِي»: جواب (إنْ) جمله «فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ» است. «يُجِيرُ»: پناه می‌دهد.

سوره ملک آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢٩﴾

ترجمه:

بگو: خدا مهربان است و بدو ایمان آورده‌ایم و بدو پشت بسته‌ایم، لذا خواهید دانست که چه کسی (از ما و شما) در گمراهی و سرگشتگی آشکاری است.

توضیحات:

«ءَامَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا»: این بخش اشاره ضمنی دارد به این که: ما به خدا ایمان آورده‌ایم، ولی شما بدو ایمان نیاورده‌اید، و ما بدو پشت بسته‌ایم، امّا شما به بت‌ها و چیزهای دیگری پشت بسته‌اید و دلخوش هستید.

سوره ملک آیه ۳۰

متن آیه:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ ٣٠﴾

ترجمه:

بگو: مرا خبر دهید، اگر آب‌های (مورد استفاده) شما به زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب روان در دسترس شما مردمان قرار دهد؟!

توضیحات:

«غَوْراً»: فرو رفتن در زمین. مصدر است و مراد اسم فاعل، یعنی غائر است و به معنی فرو رونده است (نگا: کهف / ۴۱). «مَعِينٍ»: جاری، روان (نگا: مؤمنون / ۵۰، صافّات / ۴۵، واقعه / ۱۸).

سوره قلم

سوره قلم آیه ۱

متن آیه:

﴿نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ ١﴾

ترجمه:

نون. سوگند به قلم! و قسم به چیزی که می‌نویسند!

توضیحات:

«ن»: از حروف مقطّعه است (نگا: بقره / ۱). «الْقَلَمِ»: خامه (نگا: علق / ۴). «يَسْطُرُونَ»: می‌نویسند. می‌نگارند. سوگند خوردن خدا به خامه و نوشتار، بیان‌گر عظمت صاحبان قلم، و حرمت نوشته‌ها در آئین اسلام است.

سوره قلم آیه ۲

متن آیه:

﴿مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُونٖ ٢﴾

ترجمه:

در سایه نعمت و لطف پروردگارت، تو دیوانه نیستی.

توضیحات:

«بِنِعْمَةِ»: در سایه نعمت. به لطف (نگا: طور / ۲۹). «بِمَجْنُونٍ»: حرف باء زائد و برای تأکید نفی است. این آیه ردّ یاوه‌سرائیهای کافران و مشرکان است که مظهر عقل و درایت، و منبع نور و هدایت، و صفوت آدمیان و تَتِمّه دَور زمان را دیوانه می‌نامیدند (نگا: حجر / ۶، قلم / ۵۱).

سوره قلم آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجۡرًا غَيۡرَ مَمۡنُونٖ ٣﴾

ترجمه:

تو دارای پاداش بزرگ و ناگسیختنی هستی.

توضیحات:

«غَيْرَ مَمْنُونٍ»: نامقطوع. یعنی ماندگار و همیشگی.

سوره قلم آیه ۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی.

توضیحات:

«خُلُقٍ»: خوی. مراد رفتار و کردار است (نگا: شعراء / ۱۳۷).

سوره قلم آیه ۵

متن آیه:

﴿فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

خواهی دید و خواهند دید.

توضیحات:

«فَسَتُبْصِرُ...»: به زودی خواهی دید و متوجّه خواهی شد.

سوره قلم آیه ۶

متن آیه:

﴿بِأَييِّكُمُ ٱلْمَفْتُونُ ﴿٦﴾﴾

ترجمه:

که کدام یک از شما مبتلا به دیوانگی است (محمّد، یا شما کافران و مشرکان).

توضیحات:

«الْمَفْتُونُ»: دیوانگی. مصدر است، مانند معقول به معنی عقل، مَجْلُود به معنی جَلادَة (نگا: روح‌البیان). در این صورت حرف (ب) در اوّل (بِأَييِّكُمْ) به معنی (فِي) است

(نگا: صفوةالبیان). برخی هم حرف باء را زائد دانسته و (مفتون) را اسم مفعول محسوب نموده‌اند. در این صورت معنی آیه چنین است: که کدام یک از شما دیوانه است (نگا: روح المعانی).

سوره قلم آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ٧﴾

ترجمه:

پروردگار تو مسلّماً (از هر کس دیگری) بهتر می‌داند که چه کسی از راه او گمراه شده است، و چه کسی راهیاب است.

توضیحات:

«إِنَّ رَبَّكَ... بِالْـمُهْتَدِينَ»: (نگا: انعام / ۱۱۷، نحل / ۱۲۵، نجم / ۳۰).

سوره قلم آیه ۸

متن آیه:

﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٨﴾

ترجمه:

حال که چنین است، از تکذیب کنندگان اطاعت و پیروی مکن (و بر دعوت خود پایدار باش و به راه آنان مرو. اطاعت از ایشان گمراهی و بدبختی است).

توضیحات:

«لا تُطِعْ...»: مراد تشویق و ترغیب پیغمبر و همه پیروان او است که راه خدا را با شوق و شور ادامه دهند، و با کفّار و مشرکین نرمش و سازش نکنند.

سوره قلم آیه ۹

متن آیه:

﴿وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ ٩﴾

ترجمه:

ایشان دوست می‌دارند که نرمش و سازش نشان دهی، تا آنان هم نرمش و سازش کنند (بدین امید که برخی از فرمان‌های خدا را به خاطر آنان ترک کنی، و در بعضی از مسائل با ایشان همگام و همآهنگ شوی).

توضیحات:

«تُدْهِنُ»: سهل انگاری کنی. نرمش و سازش نمائی... مراد آنان این است که پیغمبر با نزدیک شدن به دین آنان، روی خوش بدی‌شان نشان دهد، و آنان هم با نزدیک شدن به دین اسلام روی خوش نشان دهند. یعنی سهل انگاری و سازش انجام پذیرد. (نگا: واقعه / ۸۱).

سوره قلم آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ١٠﴾

ترجمه:

از فرومایه‌ای که بسیار سوگند می‌خورد، پیروی مکن.

توضیحات:

«حَلاّفٍ»: بسیار سوگند خورنده. به حق یا به ناحق. «مَهِينٍ»: خوار و پست. رَذْل و حقیر.

سوره قلم آیه ۱۱

متن آیه:

﴿هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ ١١﴾

ترجمه:

بسیار عیبجوئی که دائماً سخن‌چینی می‌کند.

توضیحات:

«هَمَّازٍ»: بسیار عیبجو. رخنه‌گر. بسیار بدگو و بد زبان. «مَشَّآءٍ»: پادو. تیزرونده. در اینجا با حرف (ب) متعدّی شده و به معنی بسیار بَرنده و نقل‌کننده است. «مَشَّآءٍ بِنَمِيمٍ»: بسیار سخن چین. کسی که سخن این را برای آن، و کلام آن را برای این، به منظور فساد و تباهی می‌آورد و می‌برد.

سوره قلم آیه ۱۲

متن آیه:

﴿مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢﴾

ترجمه:

بسیار مانع کار خیر، و تجاوز پیشه، و بزهکار است.

توضیحات:

«مَنَّاعٍ»: کسی که خویشتن را بسیار دور از خیرات و حسنات نگاه می‌دارد که کنایه از بخیل و تنگ‌چشم است. بسیار بازدارنده مردم از انجام خیرات و حسنات (نگا: ق / ۲۵). «مُعْتَدٍ»: متجاوز. تجاوز پیشه (نگا: بقره / ۱۹۰، مائده / ۸۷، توبه / ۱۰). «أَثِيمٍ»: (نگا: بقره / ۲۷۶، نساء / ۱۰۷، شعراء / ۲۲۲).

سوره قلم آیه ۱۳

متن آیه:

﴿عُتُلٍّ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ١٣﴾

ترجمه:

علاوه بر این‌ها درشتخوی و سنگین دل، و انگشت نما به بدی‌ها است.

توضیحات:

«عُتُلٍّ»: درشتخو. سنگین دل. سخت روی و زشتخوی (نگا: روح‌البیان). «زَنِيمٍ»: نشاندار به هرچه بدی و زشتی است. حرامزاده. البتّه کسی که مجمع بدی‌ها و منبع زشتی‌ها باشد، ناانسان و ناکس بشمار است، و از زمره انسان‌ها محسوب نمی‌گردد.

سوره قلم آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَن كَانَ ذَا مَالٖ وَبَنِينَ ١٤﴾

ترجمه:

(آیا این همه زشتی‌ها و پلشتی‌ها) بدان خاطر است که دارا و دارای فرزندان است؟!

توضیحات:

«أَنْ...»: بدان سبب که... حرف (أَنْ) مصدریه است. لام جرّی قبل از آن محذوف است، یعنی (لِانْ). برخی هم حرف استفهامی نیز محذوف دانسته‌اند و گفته‌اند اصل چنین است: «أَلِأَنْ...».

سوره قلم آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٥﴾

ترجمه:

هنگامی که آیه‌های ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: افسانه‌های پیشینیان است.

توضیحات:

«أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ»: (نگا: انعام / ۲۵، انفال / ۳۱، نحل / ۲۴).

سوره قلم آیه ۱۶

متن آیه:

﴿سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ ١٦﴾

ترجمه:

ما بر بینی او داغ (ننگ) می‌نهیم.

توضیحات:

«سَنَسِمُهُ»: علامتگذاریش خواهیم کرد. داغش خواهیم کرد.. «الْخُرْطُومِ»: بینی. در اصل به بینی حیوانات به ویژه فیل گفته می‌شود و کنایه از خوار کردن و رسوا نمودن است.

سوره قلم آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّا بَلَوۡنَٰهُمۡ كَمَا بَلَوۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ إِذۡ أَقۡسَمُواْ لَيَصۡرِمُنَّهَا مُصۡبِحِينَ ١٧﴾

ترجمه:

ما آنان را آزموده‌ایم، همان‌گونه که صاحبان باغ را آزموده‌ایم. هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را بامدادان (دور از انظار مردم) بچینند.

توضیحات:

«بَلَوْنَاهُمْ»: ایشان را آزمودیم. آنان را آزمایش کردیم. مراد از (هُمْ) مشرکان مکه است. «لَيَصْرِمُنَّهَا»: آن را خواهند چید. «مُصْبِحِينَ»: در حالی که به بامدادان برسند. حال فاعل (لَيَصْرِمُنَّهَا) است. از (أَصْبَحَ) تامّه است.

سوره قلم آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَا يَسۡتَثۡنُونَ ١٨﴾

ترجمه:

و هیچ چیز از آن بر جای نگذارند.

توضیحات:

«لا يَسْتَثْنُونَ»: چیزی فرو نگذارند. برای مستمندان چیزی کنار نگذارند و بدی‌شان ندهند (نگا: انعام / ۱۴۱).

سوره قلم آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ نَآئِمُونَ ١٩﴾

ترجمه:

شب هنگام که آنان در خواب بودند، بلای بزرگ و فراگیری از جانب پروردگارت سراسر باغ را در بر گرفت و باغ (سوخت و) همچون شب (تاریک و سیاه) گردید!

توضیحات:

سوره قلم آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَأَصۡبَحَتۡ كَٱلصَّرِيمِ ٢٠﴾

ترجمه:

شب هنگام که آنان در خواب بودند، بلای بزرگ و فراگیری از جانب پروردگارت سراسر باغ را در بر گرفت و باغ (سوخت و) همچون شب (تاریک و سیاه) گردید!

توضیحات:

«طَافَ عَلَيْهَا»: بر سر آن گشت زد و آن را در بر گرفت. «طَآئِفٌ»: بلای فرا گیر. «الصَّرِيم»: شب. چیده شده. با توجّه به معنی اخیر، مفهوم آیه چنین است: شب هنگام که آنان در خواب بودند، بلای بزرگ و فراگیری باغ را در بر گرفت و همچون باغی گردید که میوه‌های آن راچیده و کنده باشند.

سوره قلم آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ ٢١﴾

ترجمه:

سحرگاهان همدیگر را ندا در دادند.

توضیحات:

«تَنَادَوْا»: همدیگر را صدا زدند. «مُصْبِحِينَ»: (نگا: قلم / ۱۷).

سوره قلم آیه ۲۲

متن آیه:

﴿أَنِ ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰرِمِينَ ٢٢﴾

ترجمه:

اگر می‌خواهید میوه‌های خود را بچینید، صبح زود حرکت کنید و خویشتن را به کشتزار خود برسانید.

توضیحات:

«أُغْدُوا»: بامدادان حرکت کنید. صبح زود یورش برید. «حَرْثِكُم»: کشتزار خود (نگا: بقره / ۷۱ و ۲۰۵ و ۲۲۳، آل‌عمران / ۱۴). «صَارِمِينَ»: چینندگان میوه. حال است.

سوره قلم آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَٱنطَلَقُواْ وَهُمۡ يَتَخَٰفَتُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

آنان پچ پچ کنان به راه افتادند (تا فقراء سخن ایشان را نشنوند و متوجّه آنان نشوند).

توضیحات:

«يَتَخَافَتُونَ»: با همدیگر آهسته صحبت می‌کردند. پچ‌پچ می‌کردند.

سوره قلم آیه ۲۴

متن آیه:

﴿أَن لَّا يَدۡخُلَنَّهَا ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكُم مِّسۡكِينٞ ٢٤﴾

ترجمه:

نباید امروز بینوائی در باغ پیش شما بیاید.

توضیحات:

«أَن لاّ يَدْخُلَنَّهَا»: مراد این است که به همدیگر توصیه می‌کردند که امروز بینوائی را

به باغ راه ندهند.

سوره قلم آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَغَدَوۡاْ عَلَىٰ حَرۡدٖ قَٰدِرِينَ ٢٥﴾

ترجمه:

بامدادان بدین قصد که می‌توانند (از ورود بینوایان به باغ) جلوگیری کنند و (ایشان را) باز دارند (به سوی باغ) روان شدند.

توضیحات:

«حَرۡدٍ»: منع کردن. بازداشتن.

سوره قلم آیه ۲۶

متن آیه:

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ ٢٦﴾

ترجمه:

هنگامی که باغ را دیدند، گفتند: ما راه را گم کرده‌ایم! (این باغ ما نیست).

توضیحات:

«ضَآلُّونَ»: راه گم کردگان.

سوره قلم آیه ۲۷

متن آیه:

﴿بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

(بعد از اندکی تأمّل، گفتند: ما درست آمده‌ایم و راه را گم نکرده‌ایم) بلکه ما محروم (از حاصل و بهره) هستیم. (ای وای ما! ما همه چیز خود را از دست داده‌ایم!).

توضیحات:

سوره قلم آیه ۲۸

متن آیه:

﴿قَالَ أَوۡسَطُهُمۡ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ لَوۡلَا تُسَبِّحُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

نیکمردترین ایشان گفت: مگر من به شما نگفتم: چرا نباید به تسبیح و تقدیس خدا بپردازید؟!

توضیحات:

«أَوْسَطُهُمْ»: بهترین ایشان از نظر عقل و دین (نگا: بقره / ۱۴۳). «لَوْ لا»: (نگا: کهف / ۳۹). سخنان این نیکمرد جنبه سرزنش دارد.

سوره قلم آیه ۲۹

متن آیه:

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٩﴾

ترجمه:

گفتند: پروردگارمان پاک و منزّه است (از این که به کسی ستم کند). قطعاً ما (با انجام گناهان و ترک عبادات و خیرات، به خود) ستم کرده‌ایم.

توضیحات:

«إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ»: (نگا: اعراف / ۵، انبیاء / ۴۶).

سوره قلم آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَلَٰوَمُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

پس به همدیگر رو کردند و زبان به سرزنش یکدیگر گشودند.

توضیحات:

«أَقْبَلَ»: رو کرد.

سوره قلم آیه ۳۱

متن آیه:

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ٣١﴾

ترجمه:

گفتند: وای بر ما! ما مردمان نافرمان و سرکشی بوده‌ایم (و زیر بار قانون خدا نرفته‌ایم، و به وظائف انسانی خود عمل نکرده‌ایم!).

توضیحات:

«يَا وَيْلَنَا»:! وای بر ما! (نگا: انبیاء / ۴۶ و ۹۷، یس / ۵۲، صافّات / ۲۰).

سوره قلم آیه ۳۲

متن آیه:

﴿عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبۡدِلَنَا خَيۡرٗا مِّنۡهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

امیدواریم پروردگارمان (باغی) بهتر از این باغ را به ما ارزانی دارد. ما (در کارهای خود تجدید نظر نموده‌ایم و از اعمال بد خویش دست کشیده‌ایم و) رو به‌سوی پروردگارمان کرده‌ایم.

توضیحات:

«يُبْدِلَنَا»: به ما عوض دهد. «رَاغِبُونَ»: مشتاقان، علاقه‌مندان، گرایندگان.

سوره قلم آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ ٱلۡعَذَابُۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

عذاب (دنیوی خدا) این‌گونه است، و قطعاً عذاب آخرت سخت‌تر و بزرگ‌تر (از این عذاب‌های دنیوی) است، اگر مردم متوجّه بوده و بدانند.

توضیحات:

«كَذلِكَ الْعَذَابُ»: عذاب این‌گونه است که می‌بینید. عذاب این چنین باید باشد.

سوره قلم آیه ۳۴

متن آیه:

﴿إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٣٤﴾

ترجمه:

پرهیزگاران در نزد پروردگار خود، باغ‌های پر نعمت بهشت را دارند.

توضیحات:

«جَنَّاتِ النَّعِيمِ»: (نگا: مائده / ۶۵، یونس / ۹، حجّ / ۵۶).

سوره قلم آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أَفَنَجۡعَلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ كَٱلۡمُجۡرِمِينَ ٣٥﴾

ترجمه:

آیا فرمانبرداران را همچون گناه‌کاران یکسان می‌شماریم؟!

توضیحات:

«الْـمُسْلِمِينَ»: فرمانبرداران. تسلیم شوندگان فرمان یزدان (نگا: انعام / ۱۶۳، اعراف / ۱۲۶، یونس / ۷۲).

سوره قلم آیه ۳۶

متن آیه:

﴿مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

شما را چه می‌شود؟! چگونه داوری می‌کنید؟!

توضیحات:

«مَا لَكُمْ»: به شما چه رسیده است؟ چه چیزتان می‌شود؟ «كَيْفَ»: مراد از استفهام، تعجّب از داوری نادرست کافران است.

سوره قلم آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَمۡ لَكُمۡ كِتَٰبٞ فِيهِ تَدۡرُسُونَ ٣٧﴾

ترجمه:

آیا شما کتابی (از جانب خدا) دارید که از روی آن (قوانین خدا را) می‌خوانید (و برابر آن حکم صادر می‌کنید؟).

توضیحات:

«كِتَابٌ»: مراد کتاب آسمانی است (نگا: سبأ / ۴۴). «تَدْرُسُون»: روخوانی می‌کنید (نگا: آل‌عمران / ۷۹، انعام / ۱۰۵، اعراف / ۱۶۹).

سوره قلم آیه ۳۸

متن آیه:

﴿إِنَّ لَكُمۡ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

و شما آنچه را که بر می‌گزینید (و برابر آن داوری می‌کنید) در آن است؟

توضیحات:

«فِيهِ»: در آن کتاب. «مَا تَخَيَّرُونَ»: چیزی را که بر می‌گزینید. هر چه که می‌خواهید. معنی دیگر آیه: آنچه را که بخواهید، در آن هست.

سوره قلم آیه ۳۹

متن آیه:

﴿أَمۡ لَكُمۡ أَيۡمَٰنٌ عَلَيۡنَا بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّ لَكُمۡ لَمَا تَحۡكُمُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

یا با ما پیمانهائی بسته‌اید که تا روز قیامت به هر چه حکم کنید حق شما باشد؟

توضیحات:

«أَيۡمَٰنٌ»: جمع یمین، پیمان‌ها و عهدها.

سوره قلم آیه ۴۰

متن آیه:

﴿سَلۡهُمۡ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ٤٠﴾

ترجمه:

از آنان بپرس، کدام یک از ایشان، ضامن چنین پیمان‌هائی است.

توضیحات:

«زَعِيمٌ»: ضامن. عهده‌دار (نگا: یوسف / ۷۲).

سوره قلم آیه ۴۱

متن آیه:

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَآءُ فَلۡيَأۡتُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ٤١﴾

ترجمه:

یا این که شریک‌هائی دارند (که همچون ایشان می‌اندیشند، و سردستگان و خطّ دهندگان ایشان بوده و از آنان حمایت و جانبداری می‌کنند؟). اگر راست می‌گویند، شرکاء (و رؤساء) خود را بیاورند (تا شهادت بر ضمانت خود را بدهند و بگویند که از

مشرکان در محضر یزدان دفاع و حمایت خواهند کرد).

توضیحات:

«شُرَكَآءُ»: مراد اربابان همرأی و هم اندیشه مشرکان، یا معبودهای دروغین و بت‌های بی‌جان ایشان، و یا این که گواهان است. به هر حال برای اثبات ادّعای پوچ و نادرست‌شان، از ایشان خواسته شده است: با دلیلی از عقل، یا کتابی از کتاب‌های آسمانی، یا عهد و پیمانی از خداوند، و یا انبازان و گواهان و اربابان و معبودهای خود را بیاورند تا سخنانشان را تصدیق کنند و ضمانت‌شان را بکنند.

سوره قلم آیه ۴۲

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ وَيُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

روزی، هول و هراس به اوج خود می‌رسد، و کار سخت دشوار می‌شود. بدین هنگام از کافران و مشرکان خواسته می‌شود که سجده کنند و کرنش ببرند، امّا ایشان نمی‌توانند چنین کنند.

توضیحات:

«يَوۡمَ»: مراد روز قیامت است. «يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ»: پاچه‌ها بالا زده می‌شود. در فارسی گفته می‌شود: دامن به کمر زده می‌شود. کنایه از فرا رسیدن هنگامه هول و هراس و وخامت کار و شدّت و وحشت است.

سوره قلم آیه ۴۳

متن آیه:

﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

این در حالی است که چشمان‌شان (از خوف و وحشت و شرمندگی و شرمساری) به زیر افتاده است، و خواری و پستی وجود ایشان را فرا گرفته است. پیش از این نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می‌شدند (و ایشان با وجود توانائی، سجده و کرنش نمی‌کردند).

توضیحات:

«خَاشِعَةً»: به زیر افتاده (نگا: قمر / ۷). حال است. «تَرْهَقُهُمْ»: ایشان را در بر می‌گیرد. آنان را فرا می‌گیرد (نگا: یونس / ۲۶ و ۲۷).

سوره قلم آیه ۴۴

متن آیه:

﴿فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

مرا واگذار با آنان که این کلام (آسمانی قرآن) را تکذیب می‌کنند. (من خود می‌دانم که با ایشان چه کار می‌کنم). ما آنان را اندک اندک به گونه‌ای که در نیابند و از راهی که متوجّه نشوند به‌سوی عذاب خواهیم کشاند.

توضیحات:

«الْحَدِيثِ»: سخن. مراد قرآن است (نگا: زمر / ۲۳). «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ»: (نگا: اعراف / ۱۸۲). «مِنْ حَيْثُ»: از آنجائی که. به گونه‌ای که.

سوره قلم آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ٤٥﴾

ترجمه:

و به آنان فرصت می‌دهم (و در عذاب‌شان شتاب نخواهم کرد). نقشه و چاره‌جوئی من دقیق و استوار است (و کسی از آن رهائی ندارد).

توضیحات:

«أُمْلي»: (نگا: اعراف / ۱۸۳، آل‌عمران / ۱۷۸، رعد / ۳۲).

سوره قلم آیه ۴۶

متن آیه:

﴿أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

چه بسا تو از ایشان (در برابر تبلیغ رسالت، بدون این که ما بدانیم) مزدی خواسته‌ای و پرداخت آن برای آنان سنگین است (و از ادای آن در رنج هستند؟!).

توضیحات:

«أَمْ تَسْأَلُـهُمْ»: (نگا: طور / ۴۰).

سوره قلم آیه ۴۷

متن آیه:

﴿أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ٤٧﴾

ترجمه:

یا این که اسرار غیب پیش ایشان است و آنان (آنچه را که می‌گویند از روی آن) می‌نویسند؟!

توضیحات:

«أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ»: (نگا: مریم / ۷۸).

سوره قلم آیه ۴۸

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ نَادَىٰ وَهُوَ مَكۡظُومٞ ٤٨﴾

ترجمه:

در برابر فرمان پروردگارت شکیبا باش (و در کار تبلیغ، مقاوم و استوار). و همسان یونس مباش که با دلی پر کینه و اندوه، خدا را به فریاد خواند (و خواهان تعجیل در عذاب قوم خود شد).

توضیحات:

«صَاحِبِ الْحُوتِ»: صاحب ماهی. مراد یونس است (نگا: انبیاء / ۸۷ و ۸۸، صافّات / ۱۳۹ – ۱۴۸). «مَكْظُومٌ»: پرکینه و خشم. پر غم و اندوه (نگا: یوسف / ۸۴، نحل. ۵۸، زخرف / ۱۷).

سوره قلم آیه ۴۹

متن آیه:

﴿لَّوۡلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعۡمَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ مَذۡمُومٞ ٤٩﴾

ترجمه:

اگر نعمت و رحمت پروردگارش به یاریش نشتافته و به دادش نرسیده بود (از شکم ماهی) حتماً به بیرون افکنده می‌شد و نکوهیده در بیابان برهوت رها می‌گردید.

توضیحات:

«تَدَارَكَهُ»: او را دریافت. به دادش رسید. «لَنُبِذَ»: حتماً انداخته می‌شد. قطعاً رها می‌گردید و به خود واگذار می‌شد. «الْعَرَآءِ»: بیابان برهوت. صحرای خالی از گیاه و درخت (نگا: صافّات / ۱۴۵). «وَهُوَ مَذْمُومٌ»: در حالی که نکوهیده بود. در حالی که مورد مذمّت و ملامت قرار می‌گرفت.

سوره قلم آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

پروردگارش (با پذیرش توبه‌اش مجدّدا) او را برگزید و از زمره شایستگانش کرد.

توضیحات:

«إجْتَبَاهُ رَبُّهُ»: پروردگارش او را برای اتمام رسالتش بر گزید.

سوره قلم آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ۝٥١﴾

ترجمه:

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را با چشمان (خیره و زل زده) خود به سر درآورند و هلاک سازند، و می‌گویند: او قطعاً دیوانه است.

توضیحات:

«لَيُزْلِقُونَكَ»: این که تو را نقش زمین سازند و نابودت کنند. تو را از زمین بردارند. حرف (لَ) برای تأکید نزدیکی ایشان به اقدام هلاک کردن و نابود کردن است. در میان عرب‌ها کنایه از شدّت کینه‌توزی و دشمنانگی است. «الذِّكْرَ»: قرآن.

سوره قلم آیه ۵۲

متن آیه:

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ۝٥٢﴾

ترجمه:

در صورتی که قرآن جز اندرز و پند جهانیان و مایه بیداری و هوشیاری ایشان نیست.

توضیحات:

«ذِكْرٌ»: اندرز و پند. مایه بیداری و هوشیاری.

سوره حاقة

سوره حاقة آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡحَآقَّةُ ١﴾

ترجمه:

رخداد راستین!

توضیحات:

«أَلْحَآقَّةُ»: یکی از نام‌های قیامت است. از آنجا که قیامت حتماً و قطعاً فرا می‌رسد و حقیقت و واقعیت دارد، بدین نام خوانده شده است.

سوره حاقة آیه ۲

متن آیه:

﴿مَا ٱلۡحَآقَّةُ ٢﴾

ترجمه:

رخداد راستین چگونه رخدادی است؟!

توضیحات:

«مَا»: مبتدا، و (أَلْحَآقَّةُ) خبر مبتدا است، و جمله (مَاحاقّه) خبر (أَلْحَآقَّةُ) در آیه قبلی است.

سوره حاقة آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ٣﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی رخداد راستین چگونه رخدادی است؟!

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: چه چیز تو را متوجّه کرده است؟ تو کی می‌دانی؟ قیامت جزو غیب است

و غیب دان تنها خدا است. فرا رسیدن قیامت و چگونگی آن، برای انسان‌ها که زندانیان زندان دنیایند، معمّا و راز سربه مهری است. تکرار واژگان و شیوه سخن بدین‌گونه که در این سه آیه است، برای بیان عظمت مسأله و تأکید بر یقینی بودن آن است. در تعبیرات روزمرّه خود، گاهی می‌گوئیم: فلان کس انسان است! چه انسانی؟ تو چه می‌دانی چگونه انسانی است؟ یعنی حدّ و مرزی برای توصیف انسانیت او نیست. در اینجا دنباله کلام، یا بحث از قیامت و چگونگی آن قطع می‌گردد و راز بود و راز ماند.

سوره حاقهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ وَعَادُۢ بِٱلۡقَارِعَةِ ٤﴾

ترجمه:

قوم ثمود و قوم عاد (رخداد راستین) درهم کوبنده را تکذیب کردند.

توضیحات:

«الْقَارِعَةَ»: یکی از نام‌های قیامت است. از آنجا که جهان را در هم می‌کوبد و حوادث و اهوال آن مردمان را فرا می‌گیرد، بدان نام خوانده شده است.

سوره حاقهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهۡلِكُواْ بِٱلطَّاغِيَةِ ٥﴾

ترجمه:

در نتیجه قوم ثمود با عذاب سرکش و سهمگین (صاعقه) نابود گشتند.

توضیحات:

«ثَمُودُ»: قوم پیغمبری به نام صالح بودند. «الطَّاغِيَة»: حادثه و بلائی که شدّت آن از حدّ در گذرد. مراد صاعقه مذکور در (فصّلت / ۱۳) است. صاعقه هم همیشه با لرزش و صدای مهیب همراه است، لذا در (اعراف / ۷۸) رَجْفه، و در (هود / ۶۷) صَیحَه ذکر شده است.

سوره حاقهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿وَأَمَّا عَادُ فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ ٦﴾

ترجمه:

و قوم عاد به وسیله تندباد سرد و سرکش و پر سر و صدای ویرانگری نابود شدند.

توضیحات:

«عَادٌ»: قوم پیغمبری به نام هود بودند. «صَرْصَرٍ»: باد تند و ویرانگر و سرد و پر سر و صدا. «عَاتِيَةٍ»: سرکش. سخت ویرانگر.

سوره حاقۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٖ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومٗاۖ فَتَرَى ٱلۡقَوۡمَ فِيهَا صَرۡعَىٰ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٖ ۝٧﴾

ترجمه:

خداوند چنین تندبادی را هفت شب و هشت روز پیاپی بر آنان گمارد. (اگر در آنجا می‌بودی) در این مدّت مردمان را می‌دیدی که روی زمین افتاده‌اند و انگار تنه‌های پوک و توخالی درختان خرمایند.

توضیحات:

«سَخَّرَهَا»: باد را مسلّط کرد. باد را گمارد. «حُسُوماً»: پی در پی. ریشه کن کننده و خانمانسوز. حال ضمیر (هَا) یا صفت (سَبْعَ و ثَمانِيَةَ) و یا مفعول مطلق فعل محذوفی است. این واژه جمع حاسِم است، و یا این که مصدر ثلاثی مجرّد است. «فِيهَا»: در آن‌روزها. درآنجاها. در گذر باد. «صَرْعي»: جمع صَريع، روی زمین‌افتاده. نقش زمین شده. مرده. حال است. «أَعْجَازُ»: (نگا: قمر / ۲۰). «خَاوِيَةٍ»: فروتپیده (نگا: بقره / ۲۵۹، کهف / ۴۲، حجّ / ۴۵، نمل / ۵۲). پوک و توخالی. در اینجا مراد پوسیده و متلاشی است.

سوره حاقۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿فَهَلۡ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٖ ۝٨﴾

ترجمه:

آیا کسی را می‌بینی که از ایشان بر جای مانده باشد.

توضیحات:

«باقِیَةٍ»: باقیمانده. بر جای. در اصل: «مِن بَقِیَّةٍ بَاقِیَةٍ»، یا این که «مِن نَّفْسٍ بَاقِیَةٍ». یا به معنی بقاء و اثر است. مصدری است همچون طَاغِیة، به معنی طغیان (نگا: اعراب القرآن درویش).

سوره حاقهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَن قَبۡلَهُۥ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ بِٱلۡخَاطِئَةِ ۝٩﴾

ترجمه:

فرعون و کسانی که پیش از او بودند، و همچنین اهالی شهرها و آبادیهای زیر و روشده (قوم لوط) مرتکب گناهان بزرگ شدند.

توضیحات:

«جَآءَ... بِالْخَاطِئَةِ»: گناه ورزیدند. مرتکب گناه شدند. «الْمُؤْتَفِكَاتُ»: جمع مُؤْتَفِكة، شهرها و آبادیهای زیر و رو شده (نگا: توبه / ۷۰، نجم / ۵۳). در اینجا مراد اهالی آنجا، یعنی قوم لوط است. «الْخَاطِئَةِ»: خطا. مراد کفر و شرک و ظلم و فساد و انواع گناهان است. مصدر ثلاثی مجرّد است، همچون عَافِية و عاقِبَة.

سوره حاقهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَعَصَوۡاْ رَسُولَ رَبِّهِمۡ فَأَخَذَهُمۡ أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً ۝١٠﴾

ترجمه:

آنان با فرستاده پروردگارشان به مخالفت برخاستند، و خداوند ایشان را به سختی فرو گرفت (و به عذاب شدیدی گرفتار ساخت).

توضیحات:

«أَخْذَةً»: گرفتار کردن. فرو گرفتن. «رَابِیَةً»: فوق العاده شدید. زیاد و فراوان.

سوره حاقهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ ۝١١﴾

ترجمه:

ما بدان گاه که (در طوفان نوح) آب طغیان کرد (و از حدّ معمول فراتر رفت، نیاکان) شما را سوار کشتی کردیم.

توضیحات:

«حَمَلْنَاكُمْ»: شما را حمل کردیم. این تعبیر کنایه از اسلاف و نیاکان ما است. چرا که اگر آنان نجات نمی‌یافتند، ما نیز امروزه وجود نداشتیم. «الْـجَارِيَةِ»: کشتی (نگا: ذاریات / ۳، شوری / ۳۲، رحمن / ۲۴).

سوره حاقهٔ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ ١٢﴾

ترجمه:

تا آن (حادثه نجات مؤمنان و غرق شدن کافران، درس عبرتی و) مایه اندرزی، برای شما بوده و گوش‌های شنوا آن را فرا گیرند و به خاطر سپرند.

توضیحات:

«تَذْكِرَةً»: پند و اندرز. درس عبرت (نگا: طه / ۳، واقعه / ۷۳). «وَاعِيَةٌ»: شنوا و نگاه دارنده. به خاطر سپارنده (نگا: / ۳۷).

سوره حاقهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣﴾

ترجمه:

هنگامی که یک دم در صور دمیده شود.

توضیحات:

«نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ»: یک دم. دمیدن نفخه نخستین در صور مراد است.

سوره حاقهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ ١٤﴾

ترجمه:

و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند.

توضیحات:

«دَکَّةً»: یکباره در هم کوبیدن و پخش و پراکنده کردن (نگا: اعراف / ۱۴۳، کهف / ۹۸). «الْجِبَالُ»: ذکر کوه‌ها بعد از زمین، مراد همواری‌ها و ناهمواری‌های زمین است که به هم می‌خورند و صاف می‌گردند (نگا: طه / ۱۰۶ و ۱۰۷).

سوره حاقهٔ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

بدان هنگام است که آن واقعه (بزرگ قیامت در جهان) رخ می‌دهد (و رستاخیز بر پا می‌شود).

توضیحات:

«فَيَوْمَئِذٍ»: این آیه، جواب شرط (إِذا) است.

سوره حاقهٔ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

و آسمان از هم می‌شکافد و می‌پراکند، و در آن روز سست و نااستوار می‌گردد.

توضیحات:

«إنشَقَّتْ»: از هم می‌شکافد و متفرّق می‌گردد. «وَاهِيَةٌ»: سست و شُل (نگا: رحمن / ۳۷).

سوره حاقهٔ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلْمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرْجَآئِهَا ۚ وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَٰنِيَةٌ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

و فرشتگان در اطراف و کناره‌های آسمان (جدید آن روزی) قرار می‌گیرند، و در آن

روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می‌دارند.

توضیحات:

«الْـمَلَكُ»: فرشتگان. اسم جنس است و در اینجا معنی جمع دارد. «أَرْجَآئِهَا»: أَرْجَآء جمع رَجی، یا رَجا، کناره‌ها، جوانب و اطراف. ضمیر (ها) به آسمان جدید آن روز بر می‌گردد (نگا: المصحف الميسّر). «ثَمَـانِيَةٌ»: عرش، بردارندگان عرش، ملائکه، کرسی، قلم، لوح، و مانند این‌ها از غیبیات است و ما بدان‌ها ایمان داریم و از چند و چون و کم و کیف آنها بی‌خبریم.

سوره حاقۀ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ١٨﴾

ترجمه:

در آن روز (برای حساب و کتاب، به خدا) نموده می‌شوید، و (چه رسد به کارهای آشکارتان) چیزی از کارهای نهانیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند.

توضیحات:

«تُعْرَضُونَ»: عرضه می‌شوید. نموده می‌شوید (نگا: غافر / ۴۶، شوری / ۴۵). بسان می‌گردید (نگا: هود / ۱۸). «لا تَخْفي مِنكُمْ خَافِيَةٌ»: هیچ نهانی از نهانی‌های شما بر خدا پنهان نمی‌ماند. هیچ کاری مخفی و نهانی از کارهایتان بر خودتان و بر دیگران پنهان نمی‌ماند (نگا: طارق / ۹).

سوره حاقۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ ١٩﴾

ترجمه:

و امّا هر کس که نامه اعمالش به دست راست او داده شود، (فریاد شادی سر می‌دهد و) می‌گوید: (ای اهل محشر! بیائید) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید!

توضیحات:

«هَآؤُمُ»: بگیرید!. (هَآء) اسم الفعل است و به معنی (بگیرید). واژه (م) بیان‌گر جمع

بودن مخاطب است که افراد پیرامون او هستند. «كِتَابِيَهْ»: حرف (ه) در آخر این واژه و واژه‌های: حِسَابِيهْ، و مَالِيهْ، و سُلْطَانِيهْ در آیات بعدی، هاء سکته نامیده می‌شود و معنی خاصّی ندارد.

سوره حاقۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهْ ۝٢٠﴾

ترجمه:

آخر من می‌دانستم که (رستاخیزی در کار است و) من با حساب و کتاب خود رویاروی می‌شوم.

توضیحات:

«ظَنَنتُ»: به یقین می‌دانستم. «مُلاقٍ»: ملاقات کننده. رویاروی شونده.

سوره حاقۀ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝٢١﴾

ترجمه:

پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود.

توضیحات:

«رَاضِيَةٍ»: رضایت بخش.

سوره حاقۀ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝٢٢﴾

ترجمه:

در میان باغ والای بهشت، جایگزین خواهد شد.

توضیحات:

«فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ»: این آیه، بدل (فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ) است.

سوره حاقۀ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ٢٣﴾

ترجمه:

میوه‌های آن در دسترس است.

توضیحات:

«قُطُوف»: جمع قِطْف، به معنی میوه‌های چیده شده، ولی در اینجا به معنی میوه‌هائی است که آماده چیدن است. «دَانِيَةٌ»: نزدیک. در دسترس.

سوره حاقة آیه ۲۴

متن آیه:

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ ٢٤﴾

ترجمه:

در برابر کارهائی که در روزگاران گذشته (دنیا) انجام می‌داده‌اید. بخورید و بنوشید، گوارا باد!

توضیحات:

«هَنِیئاً»: گوارا. گوارا باد. «بِمَا»: در مقابل چیزی که. در برابر کارهائی که. «أَسْلَفْتُمْ»: پیشاپیش فرستاده‌اید و تقدیم داشته‌اید (نگا: یونس / ۳۰). «الْخَالِيَةِ»: گذشته. مراد روزگاران دنیا است.

سوره حاقة آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ٢٥﴾

ترجمه:

و امّا کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود، می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی‌شد!

توضیحات:

«شِمَال»: دست چپ.

سوره حاقة آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ ٢٦﴾

ترجمه:

و هرگز نمی‌دانستم که حساب من چیست!

توضیحات:

«مَا»: اسم استفهام و مبتدا است.

سوره حاقهٔ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ ٢٧﴾

ترجمه:

ای کاش پایان بخشِ عمرم، همان مرگ بود و بس!

توضیحات:

«لَيْتَهَا»: ضمیر (هَا) به (مَوْتَة) یعنی مرگ بر می‌گردد. شخص کافر آرزو می‌کند که همان‌گونه که عقیده داشت، مرگ آخرین لحظات عمر بود، و دیگر زنده شدنی در میان نبود. یا این که ضمیر (هَا) به (حَالَة) و وضع کنونی او بر می‌گردد که از مقام پیدا است. در این صورت معنی آیه چنین است: ای کاش مرگم فرا می‌رسید و هم اکنون می‌مُردم!. «الْقَاضِيَة»: پایان دهنده. قطع کننده رشته حیات.

سوره حاقهٔ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ٢٨﴾

ترجمه:

دارائی من، مرا سودی نبخشید، و به درد (بیچارگی امروز) من نخورد.

توضیحات:

«مَا أَغْني»: (نگا: اعراف / ۴۸، حجر / ۸۴، شعراء / ۲۰۷).

سوره حاقهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ٢٩﴾

ترجمه:

قدرت من، از دست من برفت! (و دلیل و برهان من، پوچ و نادرست از آب درآمد!).

توضیحات:

«سُلْطَانِيَهْ»: سلطان، عبارت از سُلطه و قدرت است. مراد، هم صحّت بدنی و هم قدرت مقام و هم نفوذ کلام است. دلیل و برهان. در این صورت مراد این است که حجّت و برهان دنیوی او باطل بوده و هم اینک عکس آن ثابت شده است.

سوره حاقة آیه ۳۰

متن آیه:

﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣٠﴾

ترجمه:

(خدا به فرشتگان نگهبان دوزخ دستور می‌فرماید:) او را بگیرید و به غل و بند و زنجیرش کشید.

توضیحات:

«غُلُّوهُ»: غل و بند و زنجیرش کنید (نگا: اعتراف / ۱۵۷، رعد / ۵، سبأ / ۳۳).

سوره حاقة آیه ۳۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣١﴾

ترجمه:

سپس او را به دوزخ بیندازید.

توضیحات:

«صَلُّوهُ»: او را داخل آتش کنید (نگا: نساء / ۱۰، ابراهیم / ۲۹، یس / ۶۴).

سوره حاقة آیه ۳۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا سَبۡعُونَ ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ٣٢﴾

ترجمه:

سپس او را با زنجیری ببندید و بکشید که هفتاد ذراع درازا دارد.

توضیحات:

«سِلْسِلَةٍ»: زنجیر. «ذَرْع»: اندازه و درازا. اندازه گرفتن. «سَبْعُونَ»: هفتاد. مراد تکثیر است. «ذِرَاعاً»: فاصله آرنج تا نوک انگشتان دست. ارش. «أَسْلُکُوهُ»: جایگزینش کنید. داخلش کنید.

سوره حاقهٔ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ٣٣﴾

ترجمه:

چرا که او به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد.

توضیحات:

«کَانَ لا یُؤْمِنُ»: در سراسر زندگی دنیویش، ایمان و باور نداشت.

سوره حاقهٔ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣٤﴾

ترجمه:

و مردمان را به دادن خوراک به بینوا، تشویق و ترغیب نمی‌کرد.

توضیحات:

«لا یَحُضُّ»: تشویق نمی‌کرد. ترغیب نمی‌نمود. «طَعَامِ»: به معنی اطعام، یعنی خوراک دادن است، یا این که مضافی همچون (بذل) محذوف است.

سوره حاقهٔ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿فَلَيۡسَ لَهُ ٱلۡيَوۡمَ هَٰهُنَا حَمِيمٌ ٣٥﴾

ترجمه:

لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد.

توضیحات:

«حَمِیمٌ»: دوست صمیمی. یار مهربان (نگا: شعراء / ۱۰۱، غافر / ۱۸، فصّلت / ۳۴).

سوره حاقۀ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنۡ غِسۡلِينٖ ٣٦﴾

ترجمه:

و خوراکی هم ندارد مگر از زردابه و خونابه (دوزخیان).

توضیحات:

«غِسْلِينٍ»: چرک و خون. شوخابه. خونابه. زردابه. ریم. دوزخیان دارای مکان و عذاب مختلفی هستند و هر یک از (ضَرِيع) و (زَقُّوم) و (غِسْلِين) غذای گروهی از ایشان است. یا این که هر یک از این‌ها - که در حقیقت خوراک نیست - به همه دوزخیان داده می‌شود، و خوراک ایشان همچون چیزهائی است (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره حاقۀ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿لَّا يَأۡكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡخَٰطِـُٔونَ ٣٧﴾

ترجمه:

چنین خوراکی را جز بزهکاران نمی‌خورند.

توضیحات:

«الْخَاطِئُونَ»: مجرمان و بزهکاران. خطاکاران.

سوره حاقۀ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَا تُبۡصِرُونَ ٣٨﴾

ترجمه:

سوگند می‌خورم به آنچه می‌بینید!

توضیحات:

«لآ أُقْسِمُ»: (نگا: واقعه / ۷۵).

سوره حاقۀ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

و سوگند می‌خورم به آنچه نمی‌بینید!

توضیحات:

«بِمَا تُبْصِرُونَ... وَمَا لا تُبْصِرُونَ»: مراد از دیدنی‌ها و نادنی‌ها، همه مخلوقات و موجودات است.

سوره حاقۀ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝٤٠﴾

ترجمه:

این (قرآن از سوی خدا آمده است و) گفتاری است (که) از (زبان) پیغمبر بزرگواری (به نام محمّد، پخش و تبلیغ می‌شود).

توضیحات:

«إِنَّهُ»: قرآن. «رَسُولٍ»: مراد پیغمبر اسلام است که از سوی خداوند مبلّغِ کلام آسمانی است (نگا: حاقّه / ۴۳).

سوره حاقۀ آیه ۴۱

متن آیه:

﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍۚ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ۝٤١﴾

ترجمه:

و سخن هیچ شاعری نیست (چنان که شما گمان می‌برید. اصلاً) شما کمتر ایمان می‌آورید (و به دنبال حق و حقیقت می‌افتید).

توضیحات:

«قَلِیلاً مَّا تُؤْمِنُونَ»: (نگا: بقره / ۸۸).

سوره حاقۀ آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝٤٢﴾

ترجمه:

و گفته هیچ غیبگو و کاهنی نیست. اصلاً شما کمتر پند می‌گیرید (و یادآور حق و

حقیقت می‌گردید، و درست و نادرست را فرق می‌نهید).

توضیحات:

«قَلِیلاً مَّا تَذَکَّرُونَ»: (نگا: اعراف / ۳، نمل / ۶۲، غافر / ۵۸).

سوره حاقة آیه ۴۳

متن آیه:

﴿تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

(بلکه کلامی است که) از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است.

توضیحات:

«تَنزِیلٌ»: (نگا: شعراء / ۱۹۲، سجده / ۲، یس / ۵).

سوره حاقة آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

اگر پیغمبر پاره‌ای سخنان را به دروغ بر ما می‌بست.

توضیحات:

«الأَقَاوِیلِ»: جمع أَقْوال، و آن جمع قَوْل است همچون اَبابیت جمع اَبْیات، و اَناعیم جمع اَنْعام. این واژه بیشتر به سخنان دروغین گفته می‌شود.

سوره حاقة آیه ۴۵

متن آیه:

﴿لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ ﴿٤٥﴾﴾

ترجمه:

ما دست راست او را می‌گرفتیم.

توضیحات:

«الْیَمِینِ»: دست راست. مراد دست راست پیغمبر است (نگا: روح المعانی، روح البیان، کشّاف). منظور جلوگیری از تعدّی به کلام خدا است. همان‌گونه که می‌گویند: جلو دستش را بگیرید.

سوره حاقة آیه ۴۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ ٱلْوَتِينَ ٤٦﴾

ترجمه:

سپس رگ دلش را پاره می‌کردیم.

توضیحات:

«الْوَتِينَ»: شاهرگ قلب که خون را به تمام اعضاء بدن می‌رساند و اگر قطع شود مرگ انسان آنی و حتمی است.

سوره حاقة آیه ۴۷

متن آیه:

﴿فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَٰجِزِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

و کسی از شما نمی‌توانست مانع (این کار ما در باره) او شود (و مرگ را از او باز دارد).

توضیحات:

«حَاجِزِينَ»: جمع حاجِز، به معنی مانِع و رادِع. بازدارندگان. جلوگیری کنندگان. خبر (مَا) است.

سوره حاقة آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ٤٨﴾

ترجمه:

مسلّماً قرآن پند و اندرز پرهیزگاران است.

توضیحات:

«تَذْكِرَةٌ»: (نگا: طه / ۳).

سوره حاقة آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ٤٩﴾

ترجمه:

ما قطعاً می‌دانیم که برخی از شما (قرآن را) تکذیب می‌کنند.

توضیحات:

«مُكَذِّبِينَ»: تکذیب کنندگان.

سوره حاقة آیه ۵۰

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَحَسۡرَةٌ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ۝٥٠﴾

ترجمه:

آخر قرآن، مایه حسرت و سبب اندوه کافران است.

توضیحات:

«إِنَّهُ»: این که قرآن.

سوره حاقة آیه ۵۱

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلۡيَقِينِ ۝٥١﴾

ترجمه:

قرآن، یقینِ راستین (و حق و حقیقت فرو فرستاده جهان آفرین) است.

توضیحات:

«حَقُّ الْيَقِينِ»: (نگا: واقعه / ۹۵).

سوره حاقة آیه ۵۲

متن آیه:

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ۝٥٢﴾

ترجمه:

حال که چنین است. با ذکر نام پروردگار بزرگوار خود، خدا را تسبیح و تقدیس کن.

توضیحات:

«فَسَبِّحْ»: (نگا: آل‌عمران / ۴۱، حجر / ۹۸، طه / ۱۳۰). «بِاسْمِ»: به وسیله نام. با بردن نام.

سوره معارج

سوره معارج آیه ۱

متن آیه:

﴿سَأَلَ سَآئِلُۢ بِعَذَابٖ وَاقِعٖ ١﴾

ترجمه:

خواستاری (از روی تمسخر) درخواست عذابی کرد که به وقوع می‌پیوندد.

توضیحات:

«سَأَلَ»: درخواست کرد. تقاضا کرد. «سَآئِلٌ»: خواستار. تقاضا کننده. تنوین آن برای تحقیر است. «عَذَابٍ وَاقِعٍ»: عذاب رخ دهنده. مراد عذاب استیصال دنیوی و یا عذاب دردناک و سرمدی اخروی است. یعنی فرد حقیری از مستکبران گفت: اگر راست می‌گوئی که بلا و مصیبت دنیوی، و یا عذاب شدید اخروی حق است، هم اینک از خدا بخواه که ما را بدان گرفتار کند (نگا: انفال / ۳۲، ص / ۱۶). معنی دیگر آیه: پرسنده‌ای درباره عذاب محقّق الوقوع اخروی پرسش کرد که: کی می‌آید؟ مرادش این بود که هرگز نمی‌آید.

سوره معارج آیه ۲

متن آیه:

﴿لِّلۡكَٰفِرِينَ لَيۡسَ لَهُۥ دَافِعٞ ٢﴾

ترجمه:

(این عذاب) گریبانگیر کافران می‌گردد، و هیچ کس نمی‌تواند آن را از ایشان باز دارد.

توضیحات:

«لِلْكَافِرِينَ»: واژه (لِ) می‌تواند به معنی (عَلي) باشد.

سوره معارج آیه ۳

متن آیه:

﴿مِّنَ ٱللَّهِ ذِی ٱلْمَعَارِجِ ﴿٣﴾﴾

ترجمه:

از ناحیه خدائی به وقوع می‌پیوندد که صاحب درجات و مقامات عالی است.

توضیحات:

«ذِيالْمَعَارِجِ»: دارای درجات والا و مقامات بالا (نگا: روح المعانی، فی ظِلال‌القرآن). در معنی، برابر با (رَفِيعُالدَّرَجاتِ) است (نگا: غافر / ۱۵). «الْمَعَارِجِ»: جمع مَعْرَج، محلّ صُعود. جای بالا رفتن (نگا: زخرف / ۳۳). مراتب و منازل و درجات عظمت و رفعت و قدرت.

سوره معارج آیه ۴

متن آیه:

﴿تَعْرُجُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيْهِ فِی یَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

فرشتگان و جبرئیل به‌سوی او (پر می‌کشند و) بالا می‌روند در مدّتی که پنجاه هزار سال (معمولی برای انسان‌ها) طول می‌کشد.

توضیحات:

«تَعْرُجُ»: بالا می‌رود. صعود می‌کند. «الرُّوحُ»: جبرئیل. ذکر آن به خاطر اهمّیت ویژه جبرئیل در میان سائر فرشتگان است. اصلاً جبرئیل نماد بزرگی بوده و جنبه سردستگی فرشتگان را دارد. «یَوْمٍ»: مراد مدّت و زمان است. برخی آن را روز قیامت دانسته‌اند. «خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»: پنجاه هزار سالِ اینجا، و یا هزار سالِ سوره سجده، آیه ۵، برای تکثیر است. روی هم رفته بیان‌گر این واقعیت است که برابر الفبای انسانها، صدرنشینی خدا، آن اندازه بالا است که اگر انسان‌ها بخواهند با وسائل معمولی و ساختار علمی خود به‌سوی او رهسپار شوند، هزار سال و چه بسا پنجاه هزار سال و بیشتر و کمتر طول بکشد. خلاصه خدا بر تخت سلطنت کائنات است و رفیع‌الدرجات است، و این ما را بس.

سوره معارج آیه ۵

متن آیه:

﴿فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِیلًا ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

صبر جمیل داشته باش (و جزع و فزع و یأس و نومیدی به خود راه مده).

توضیحات:

«صَبْراً جَـمِیلاً»: شکیبائی زیبا و قابل توجّه (نگا: یوسف / ۱۸ و ۸۳).

سوره معارج آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّهُمۡ يَرَوۡنَهُۥ بَعِيدٗا ۝٦﴾

ترجمه:

آنان آن روز را بعید و دور می‌دانند.

توضیحات:

«یَرَوْنَهُ»: آن را می‌بینند. دیدن، به معنی دانستن، یا انگاشتن است.

سوره معارج آیه ۷

متن آیه:

﴿وَنَرَىٰهُ قَرِيبٗا ۝٧﴾

ترجمه:

و ما آن را ممکن و نزدیک می‌دانیم.

توضیحات:

«نَرَاهُ»: آن را می‌بینیم. دیدن، در اینجا به معنی دانستن است و بس.

سوره معارج آیه ۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلۡمُهۡلِ ۝٨﴾

ترجمه:

روزی، آسمان، همسان فلز گداخته‌ای می‌شود.

توضیحات:

«الْـمُهْلِ»: (نگا: کهف / ۲۹، دخان / ۴۵).

سوره معارج آیه ۹

متن آیه:

﴿وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ۝٩﴾

ترجمه:

و کوه‌ها همسان پشم رنگین می‌گردد.

توضیحات:

«الْعِهْنِ»: پشم رنگین.

سوره معارج آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَلَا يَسۡـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمٗا ۝١٠﴾

ترجمه:

هیچ دوست صمیمی و خویشاوند نزدیکی، سراغ دوست صمیمی و خویشاوند نزدیکی را نمی‌گیرد و از او نمی‌پرسد!

توضیحات:

«حَمِيمٌ»: دوست صمیمی و گرم. خویشاوند نزدیک و گرم (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره معارج آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يُبَصَّرُونَهُمۡۚ يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِئِذِۢ بِبَنِيهِ ۝١١﴾

ترجمه:

(دوستان صمیمی و خویشاوندان نزدیک) به همدیگر نشان داده می‌شوند و معرّفی می‌گردند (امّا هر کس گرفتار کار خویشتن است، و هول و هراس بیش از آن است که کسی بتواند به دیگری بیندیشد. وضع چنان است که) شخص گناهکار آرزو می‌کند کاش می‌شد برای رهائی خود از عذاب آن روز، پسران خود را فدا سازد.

توضیحات:

«يَفْتَدِي»: فدا سازد و خویشتن را باز رهاند. از ماده (فداء) به معنی حِفْظ کردن خود از مصائب و مشکلات، به وسیله پرداخت چیزی.

سوره معارج آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ ۝١٢﴾

ترجمه:

همچنین همسر و برادرش را.

توضیحات:

«صَاحِبَة»: همسر. زن.

سوره معارج آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـْٔوِيهِ ١٣﴾

ترجمه:

همچنین فامیل و قبیله و عشیره‌ای که او را در پناه خود می‌گرفتند.

توضیحات:

«فَصِيلَة»: قوم و قبیله. خانواده و فامیل. خویشاوندان نزدیک. «تُؤْوِيهِ»: او را در پناه خود می‌گیرد. او را منزل و مأوی می‌دهد.

سوره معارج آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ يُنجِيهِ ١٤﴾

ترجمه:

و حتّی تمام کسانی را که در روی زمین هستند (همگی را فدا کند) تا این که مایه نجاتش شود.

توضیحات:

«يُنجِيهِ»: او را رستگار کند و مایه نجاتش شود. فاعل این فعل ضمیر مستتر است و به فداء بر می‌گردد.

سوره معارج آیه ۱۵

متن آیه:

﴿كَلَّآۖ إِنَّهَا لَظَىٰ ١٥﴾

ترجمه:

هرگز! (این تمنّاها و آرزوها بر آورده نمی‌گردد، و هیچ فدیه و فدائی پذیرفته نمی‌شود). این، آتش سوزان و سراپا شعله (دوزخ) است.

توضیحات:

«إِنَّهَا)»: ضمیر (هَا) به (نَار) بر می‌گردد که عذاب بیان‌گر آن است. «لَظي»: زبانه صِرف و شعله خالص. نامی از نام‌های دوزخ.

سوره معارج آیه ۱۶

متن آیه:

﴿نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

پوست بدن را می‌کند و با خود می‌برد.

توضیحات:

«نَزَّاعَةً»: سخت جدا کننده. به چابکی کننده و بَرنده. «الشَّوي»: پوست بدن. اعضاء و اندامهائی همچون دست و پا و گوش و بینی که به منزله شاخ و برگ درخت بدن هستند، چرا که آتش سوزان و شعله‌ور وقتی که به چیزی می‌رسد، اوّل اطراف و جوانب و شاخ و برگ آن را می‌سوزاند و جدا می‌کند. بعضی هم این واژه را جمع شَواء یا شَواة دانسته‌اند. که پوست سر است.

سوره معارج آیه ۱۷

متن آیه:

﴿تَدْعُواْ مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

به سوی خود می‌خواند (و نام می‌برد) کسی را که پشت (به فرمان خدا) کرده است و (از اطاعت او) روی‌گردان بوده است.

توضیحات:

«تَدْعُو»: صدا می‌زند. نام می‌برد. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد.

سوره معارج آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه:

و دارائی را جمع آورده است و در خزینه‌ها نگاهداری کرده است (و در خیرات و

حسنات آن را مصرف ننموده است).

توضیحات:

«أَوْعي»: در گنجینه‌ها نگاه داشته است. یعنی ثروت را فقط انباشته و نگاه داشته و در راه خدا مصرف نکرده است.

سوره معارج آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا ١٩﴾

ترجمه:

آدمی کم‌طاقت و ناشکیبا، آفریده شده است.

توضیحات:

«هَلُوعاً»: کم طاقت. ناشکیبا. آیه‌های ۲۰ و ۲۱ تفسیر و تبیین (هَلُوع) است.

سوره معارج آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعًا ٢٠﴾

ترجمه:

هنگامی که بدی بدو رو می‌کند، سخت بی‌تاب و بیقرار می‌گردد.

توضیحات:

«جَزُوعاً»: بسیار بی‌تاب و بیقرار. کسی که بسیار داد و فریاد و جزع و فزع به راه می‌اندازد. حال است.

سوره معارج آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا ٢١﴾

ترجمه:

و زمانی که خوبی بدو رو می‌کند، سخت (از حسنات و خیرات دست باز می‌دارد و) دریغ می‌ورزد.

توضیحات:

«مَنُوعاً»: بسیار دریغ کننده. بسیار دست باز دارنده.

سوره معارج آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ ٢٢﴾

ترجمه:

مگر نمازگزاران.

توضیحات:

سوره معارج آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

نمازگزارانی که همیشه نماز خود را به موقع می‌خوانند و بر آن مداومت و مواظبت دارند.

توضیحات:

«دَآئِمُونَ»: جمع دائم، همیشه ماندگار. مراد این نیست که نمازگزار همیشه در حال نماز باشد، بلکه منظور این است که در اوقات معین خود نماز را انجام دهد، و همیشه چنین بوده و دائماً مواظب و متوجّه باشد که نماز او فوت نشود.

سوره معارج آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ ٢٤﴾

ترجمه:

همان کسانی که در دارائی ایشان سهم مشخّصی است.

توضیحات:

«حَقٌّ مَّعْلُومٌ»: مراد سهمی است غیر از زکات که صدقه و بذل و بخشش می‌کند (نگا: قاسمی).

سوره معارج آیه ۲۵

متن آیه:

﴿لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ٢٥﴾

ترجمه:

برای دادن به گدا و بی‌چیز.

توضیحات:

«الْمَحْرُوم»: بی‌بهره از دارائی. بی‌چیز. مراد نیازمندی است که گدائی نمی‌کند و دست نیاز به‌سوی کسی دراز نمی‌نماید. کسی که درآمدش کفاف زندگیش را نمی‌کند.

سوره معارج آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٢٦﴾

ترجمه:

آن کسانی که به روز جزا و سزا ایمان دارند.

توضیحات:

«يَوْمِ الدِّينِ»: (نگا: فاتحه / ۴). روز قیامت.

سوره معارج آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٢٧﴾

ترجمه:

کسانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک و ترسانند.

توضیحات:

«مُشْفِقُونَ»: جمع مُشْفِق، هراسان و ترسان (نگا: کهف / ۴۹، انبیاء / ۲۸ و ۴۹، مؤمنون / ۵۷).

سوره معارج آیه ۲۸

متن آیه:

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٍ ٢٨﴾

ترجمه:

آخر، عذاب پروردگارشان امان نمی‌دهد (کسی را که در آن بیفتد).

توضیحات:

«غَيْرُ مَأْمُونٍ»: بی‌امان. معنی دیگر آیه: آخر از عذاب پروردگارشان ایمن نتوان بود.

سوره معارج آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

و آن کسانی که عورت خود را محافظت می‌دارند.

توضیحات:

«الَّذِينَ... حَافِظُونَ»: (نگا: مؤمنون / ۵، نور / ۳۰، احزاب / ۳۵).

سوره معارج آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٣٠﴾

ترجمه:

مگر از زنان و کنیزان خود، که در این صورت لومه و سرزنشی بر ایشان نیست.

توضیحات:

«إِلاّ عَلي... غَيْرُ مَلُومِينَ»: (نگا: مؤمنون / ۵ و ۶).

سوره معارج آیه ۳۱

متن آیه:

﴿فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٣١﴾

ترجمه:

آنان که فراتر از این را بطلبند، متعدّی و متجاوز بشمارند (و از حلال به حرام گرائیده‌اند).

توضیحات:

«الْعَادُونَ»: تجاوز پیشگان. (نگا: مؤمنون / ۷).

سوره معارج آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٣٢﴾

ترجمه:

و کسانی که امانتدار بوده و نگاهدارنده عهد و پیمان خود هستند.

توضیحات:

«وَ الَّذِينَ... رَاعُونَ»: (نگا: مؤمنون / ۸).

سوره معارج آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ ٣٣﴾

ترجمه:

و کسانی که گواهیهائی را که باید بدهند، چنان که باید اداء می‌کنند (و شهادت لازم را پنهان و کتمان نمی‌کنند).

توضیحات:

«شَهَادَات»: گواهی‌ها. «قَآئِمُونَ»: چنان که باید اداء کنندگان. یعنی گواهی دهندگانی که گواهی را دادگرانه و بدون گرایش به این و آن اداء می‌کنند، و شهادت را قائم بر ارکان و اصول خود به جای می‌آورند (نگا: بقره / ۱۴۰ و ۲۸۳، مائده / ۱۰۶ و ۱۰۸).

سوره معارج آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

و کسانی که مواظب و مراقب (اوقات و ارکان) نمازهای خود می‌باشند.

توضیحات:

«عَلي صَلاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»: در آیه ۲۳ اشاره به تداوم نماز، و در این آیه سخن از حفظ اوقات و آداب و شرائط و ارکان آن است. به هرحال ذکر مجدّد نماز به خاطر اهمّیتی است که دارد.

سوره معارج آیه ۳۵

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ فِي جَنَّٰتٖ مُّكۡرَمُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

آنان (که دارای چنین صفاتی باشند) در باغ‌های بهشت مورد احترام و اکرام هستند.

توضیحات:

«مُکْرَمُونَ»: اشخاص مورد احترام و اکرام. کسانی که گرامی و عزیزند.

سوره معارج آیه ۳۶

متن آیه:

﴿فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قِبَلَكَ مُهۡطِعِينَ ٣٦﴾

ترجمه:

کافران را چه شده است که به‌سوی تو شتابان می‌آیند (و گردن می‌کشند و به سخنان تو گوش فرا می‌دهند؟).

توضیحات:

«مَا لِلَّذِینَ کَفَرُوا»:؟ کافران را چه خبر است؟ بی‌دینان را چه می‌شود؟ در رسم‌الخطّ قرآنی (مالِ الَّذینَ کَفَرُوا) نوشته شده است. «مُهْطِعِینَ»: جمع مُهْطِع، در شتاب، شتابنده (نگا: ابراهیم / ۴۳، قمر / ۸). کافران با عجله به خدمت پیغمبر می‌آمدند تا کلام او را بشنوند و کسب خبر کنند، و آن را وسیله استهزاء و مایه تمسخر کنند (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره معارج آیه ۳۷

متن آیه:

﴿عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

دسته دسته، در راست و چپ (تو حلقه می‌زنند و) قرار می‌گیرند.

توضیحات:

«عِزِینَ»: گروه گروه. دسته‌های پراکنده. مفرد آن (عِزَة) از ماده (عزو) (نگا: مجمع البیان الحدیث). حال است.

سوره معارج آیه ۳۸

متن آیه:

﴿أَيَطۡمَعُ كُلُّ ٱمۡرِيٖٕ مِّنۡهُمۡ أَن يُدۡخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٖ ٣٨﴾

ترجمه:

آیا هر یک از ایشان امیدوارند که به بهشت پر نعمت وارد شوند (چرا که خویشتن را

در پیشگاه خدا بالاتر و گرامی‌تر از مؤمنان می‌دانند؟).

توضیحات:

«أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ»: کافران و مشرکان خودخواه و خودپرست، دارا و مرفه بودن خود را نشانه عزّت و احترام در پیشگاه خدا می‌دانستند، و قدرت مادی دنیوی را دلیل بر بلندی مقام و محبوبیت اخروی خود می‌گرفتند (نگا: روح المعانی، روح البیان).

سوره معارج آیه ۳۹

متن آیه:

﴿كَلَّآۖ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّمَّا يَعۡلَمُونَ ٣٩﴾

ترجمه:

هرگز! (این همه غرور بیجا چیست؟). ما ایشان را از چیزی که خودشان می‌دانند (از قطره آب گندیده و بدبوئی، منی نام) آفریده‌ایم.

توضیحات:

«كَلاّ»:! نه چنین است که می‌پندارند! «مِـمَّـا»: از چیزی که مراد منی و نطفه است.

سوره معارج آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

سوگند به پروردگار خاورها و باخترها که توانائیم!

توضیحات:

«الْمَشَارِقِ و الْمَغَارِبِ»: (نگا: رحمن / ۱۷، صافّات / ۵).

سوره معارج آیه ۴۱

متن آیه:

﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ٤١﴾

ترجمه:

توانائیم بر این که جای ایشان را به کسانی بدهیم که از آنان بهترند، و ما هیچ وقت مغلوب و شکست خورده نخواهیم بود.

توضیحات:

«أَن نُّبَدِّلَ»: (نگا: محمّد / ۳۸). «بِمَسْبُوقِينَ»: (نگا: واقعه / ۶۰).

سوره معارج آیه ۴۲

متن آیه:

﴿فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

آنان را به حال خود واگذار تا به باطل خود فرو روند و به بازیچه بنشینند، تا زمانی که به روزی می‌رسند که بدی‌شان وعده داده شده است، (آن وقت می‌دانند که چه کار کرده‌اند).

توضیحات:

«فَذَرْهُمْ... يُوعَدُونَ»: (نگا: زخرف / ۸۳).

سوره معارج آیه ۴۳

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

آن روزی که از گورها شتابان بیرون می‌شوند، گوئی که به‌سوی بتهایشان می‌دوند!

توضیحات:

«الأَجْدَاثِ»: جمع جَدَث، گورها. (نگا: یس / ۵۱، قمر / ۷). «سِرَاعاً»: جمع سَرِیع، شتابان. «نُصُبٍ»: بتها (نگا: مائده / ۳ و ۹۰). نشانه راه. علائم راهنمائی. در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: آن روزی که از گورها شتابان بیرون می‌آیند، گوئی (سرگشتگانی هستند که راه را گم کرده‌اند و هم اینک چشمان‌شان به علائم و نشانه‌های راه افتاده است و) به‌سوی علائم و نشانه‌های راه می‌دوند. «يُوفِضُونَ»: شتاب می‌گیرند. سرعت می‌گیرند. می‌دوند.

سوره معارج آیه ۴۴

متن آیه:

﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ٤٤﴾

ترجمه:

در حالی که چشمان‌شان (از هول و هراس) به زیر افتاده است، و خواری و پستی ایشان را فرو گرفته است. (بدی‌شان گفته می‌شود:) این همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

توضیحات:

«خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ»: (نگا: قلم / ۴۳).

سوره نوح

سوره نوح آیه ۱

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١﴾

ترجمه:

ما نوح را به‌سوی قومش فرستادیم (و بدو دستور دادیم) که قوم خود را (از عذاب خدا) بترسان، پیش از آن که عذاب دردناکی به سراغ ایشان بیاید.

توضیحات:

«عَذَابٌ أَلِيمٌ»: این عذاب دردناک ممکن است عذاب دنیا باشد یا عذاب آخرت، یا هر دو.

سوره نوح آیه ۲

متن آیه:

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢﴾

ترجمه:

گفت: ای قوم من! من برای شما بیم دهنده روشن و روشنگرم.

توضیحات:

«نَذِيرٌ مُّبِينٌ»: (نگا: اعراف / ۱۸۴، هود / ۲۵، حجر / ۸۹).

سوره نوح آیه ۳

متن آیه:

﴿أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ٣﴾

ترجمه:

خدا را بپرستید، و از او بترسید، و از من فرمانبرداری کنید.

توضیحات:

«أَنْ»: حرف تفسیریه است.

سوره نوح آیه ۴

متن آیه:

﴿يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرۡكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُۚ لَوۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤﴾

ترجمه:

(اگر دعوت مرا بپذیرید) خداوند گناهان شما را می‌آمرزد، و تا اجل نهائی مرگ شما را به تأخیر می‌اندازد. امّا اگر متوجّه باشید، هنگامی که اجل نهائی الهی فرا رسد، تأخیر پیدا نمی‌کند.

توضیحات:

«يُؤَخِّرْكُمْ»: شما را به تأخیر می‌اندازد. مراد طول عمر بخشیدن و به آن برکت دادن است. حکمت خدا مقتضی آن است که ملّتی که ایمان داشته باشد و جاده عدل و داد را در پیش گیرد، بیشتر زیست کند و از طول عمر برخوردار شود، و ملّتی که کفر و فساد و ظلم و زور را در پیش گیرد، هرچه زودتر نابود گردد (نگا: المصحف‌المیسّر). امّا در هر صورت، سر رسید عمر یا اجل نهائی در وقت خود فرا می‌رسد و پَسی و پیشی در آن نیست. به عبارت دیگر، انسان دارای دو اجل است: یکی اجل معلّق، که مشروط به عوامل و اسباب بوده و قابل تغییر است، و دیگری اجل مُبْرَم، که حتمی است و مقید به چیزی نبوده و قابل تغییر و تعجیل و تأخیر نیست (نگا: نمونه. التفسیر القرآنی للقرآن). «أَجَلٍ مُّسَمّيً»: (نگا: انعام / ۲، اعراف / ۳۴، یونس / ۴۹، هود / ۳).

سوره نوح آیه ۵

متن آیه:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا وَنَهَارٗا ٥﴾

ترجمه:

نوح گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی ایمان به تو) فرا خوانده‌ام.

توضیحات:

«لَيْلاً وَ نَهَاراً»: شب و روز. مراد استمرار در دعوت است.

سوره نوح آیه ۶

متن آیه:

﴿فَلَمۡ يَزِدۡهُمۡ دُعَآءِيٓ إِلَّا فِرَارٗا ٦﴾

ترجمه:

امّا دعوت و فرا خواندنم تنها بر گریز ایشان افزود!

توضیحات:

«دُعَآئِي»: دعوت من. فرا خواندن و رهنمود کردن من.

سوره نوح آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ جَعَلُوٓاْ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ ٱسۡتِكۡبَارٗا ٧﴾

ترجمه:

من هر زمان که ایشان را دعوت کرده‌ام تا (ایمان بیاورند و) تو آنان را بیامرزی، انگشتهای خود را به گوشهایشان فرو کرده‌اند (تا ندای حق را نشنوند) و جامه‌هایشان را بر سر کشیده‌اند (تا قیافه مرا نبینند) و (در فسق و فجور و ظلم و زور بیشتر فرو رفته‌اند و بر کفر) پافشاری کرده‌اند و سخت سرکشی نموده و بزرگی فروخته‌اند.

توضیحات:

«جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي ءَاذَانِهِمْ»: (نگا: بقره / ۱۹). انگشت در گوش فرو کردن، کنایه از گوش فرا ندادن، و خود را از شنیدن حق کر کردن است. «إِسْتَغْشَوْا»: جامه بر سر کشیدند. جامه بر خود پیچیدن و خویشتن را به زیر جامه کردن، کنایه از نفرت و عداوت است. «إِسْتَكْبَرُوا»: (نگا: نساء / ۱۷۳، اعراف / ۳۶ و ۴۰).

سوره نوح آیه ۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ٨﴾

ترجمه:

سپس من آنان را آشکارا و با صدای بلند (به یکتاپرستی و ایمان راستین) دعوت کرده‌ام.

توضیحات:

«جِهَاراً»: آشکارا. با صدای بلند. مفعول مطلق است چون به معنی نوعی دعوت است. یا صفت مصدر محذوفی است، و یا در معنی (مُـجَاهِراً) و حال است (نگا: روح‌المعانی).

سوره نوح آیه ۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا ٩﴾

ترجمه:

گذشته از این، به گونه علنی و (جمعی)، و به صورت نهانی (و فردی، دعوت آسمانی را) بدی‌شان رسانده‌ام.

توضیحات:

«أَعْلَنتُ»: علنی و آشکارا بیان کرده‌ام. مراد بیشتر دعوت جمعی و گروهی است. «أَسْرَرْتُ»: پنهان و نهان کرده‌ام. منظور بیشتر دعوت فردی و شخصی است. به طور کلّی، مراد از فرموده نوح انواع و اقسام دعوت و گونه‌های مختلف تبلیغ است.

سوره نوح آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠﴾

ترجمه:

و بدی‌شان گفته‌ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است (و شما را می‌بخشاید).

توضیحات:

سوره نوح آیه ۱۱

متن آیه:

﴿يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا ١١﴾

ترجمه:

(اگر چنین کنید) خدا از آسمان باران‌های پر خیر و برکت را پیاپی می‌باراند.

توضیحات:

«يُرْسِلْ»: جواب شرط محذوفی است: «إِن تَسْتَغْفِرُوا يُرْسِلِ الْسَّمَآءَ». «السَّمَآءَ»: مراد ابر آسمان، و باران آن است (نگا: المصحف‌المیسّر، روح‌البیان). «مِدْرَاراً»: فراوان و پیاپی. صیغه مبالغه بوده و حال واقع شده است.

سوره نوح آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَيُمۡدِدۡكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ جَنَّٰتٖ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ أَنۡهَٰرٗا ١٢﴾

ترجمه:

و با اعطاء دارائی و فرزندان، شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد، و باغ‌های سرسبز و فراوان بهره شما می‌سازد، و رودبارهای پر آب در اختیارتان می‌گذارد.

توضیحات:

«جَنَّاتٍ... أَنْهَاراً»: تنوین این واژه‌ها بیان‌گر وفور نعمت آنها است.

سوره نوح آیه ۱۳

متن آیه:

﴿مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا ١٣﴾

ترجمه:

شما را چه می‌شود که برای خدا عظمت و شکوهی قائل نیستید؟

توضیحات:

«لا تَرْجُونَ»: در نظر نمی‌گیرید. قائل نیستید. «وَقَاراً»: سنگینی و شکوه. در اینجا بزرگی و عظمت مراد است (نگا: روح‌البیان). منظور آیه، این است که: چرا شما در برابر عظمت خدا خاضع نبوده و از او نمی‌ترسید؟

سوره نوح آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَقَدۡ خَلَقَكُمۡ أَطۡوَارًا ١٤﴾

ترجمه:

در حالی که خدا شما را در مراحل مختلف خلقت به گونه‌های گوناگونی آفریده است (و در هر گام شما را رهبری و هدایت کرده، و به شما لطف و عنایت نموده است).

توضیحات:

«أَطْوَاراً»: جمع طَوْر، حال و وضع. مراحل و حالات (نگا: مؤمنون / ۱۲ و ۱۴).

سوره نوح آیه ۱۵

متن آیه:

﴿أَلَمْ تَرَوْاْ كَيْفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

مگر نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را یکی بالای دیگر آفریده است؟

توضیحات:

«طِبَاقاً»: (نگا: ملک / ۳). «سَبْعَ سَمَـاوَاتٍ»: (نگا: بقره / ۲۹، اسراء / ۴۴، مؤمنون / ۸۶).

سوره نوح آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَجَعَلَ ٱلْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ ٱلشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

و ماه را در میان آنها تابان، و خورشید را چراغ (درخشان) کرده است؟

توضیحات:

«نُوراً»: (نگا: یونس / ۵). «سِرَاجاً»: (نگا: فرقان / ۶۱).

سوره نوح آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

خدا است که شما را از زمین به گونه شگفتی آفریده است.

توضیحات:

«أَنبَتَکُمْ»: شما را رویانده است. مراد از رویاندن، هستی بخشیدن و پدید آوردن است (نگا: حجر / ۱۹). «نَبَاتاً»: (نگا: آل‌عمران / ۳۷).

سوره نوح آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ يُعِيدُكُمۡ فِيهَا وَيُخۡرِجُكُمۡ إِخۡرَاجٗا ١٨﴾

ترجمه:

سپس شما را به همان زمین بر می‌گرداند، و بعد شما را به گونه شگفتی (زنده می‌گرداند و) از زمین بیرون می‌آورد.

توضیحات:

«یُخْرِجُکُمْ إِخْراجاً»: ذکر مفعول مطلق، بیان‌گر غرابت و شگفتی نوع بیرون آوردن و زندگی دوباره بخشیدن است.

سوره نوح آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ بِسَاطٗا ١٩﴾

ترجمه:

خداوند زمین را برای شما گسترده و فراخ کرده است.

توضیحات:

«بِسَاطاً»: پهن. گسترده و فراخ.

سوره نوح آیه ۲۰

متن آیه:

﴿لِّتَسۡلُكُواْ مِنۡهَا سُبُلٗا فِجَاجٗا ٢٠﴾

ترجمه:

تا از جاده‌های وسیع آن بگذرید.

توضیحات:

«فِجَاج»: جمع فَجّ، راه‌های فراخ و جاده‌های گشاد (نگا: انبیاء / ۳۱).

سوره نوح آیه ۲۱

متن آیه:

﴿قَالَ نُوحٞ رَّبِّ إِنَّهُمۡ عَصَوۡنِي وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمۡ يَزِدۡهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارٗا ٢١﴾

ترجمه:

نوح (بعد از یأس و نومیدی از ایشان به آستان الهی عرضه داشت و) گفت: پروردگارا! آنان از من نافرمانی کرده‌اند، و از کسانی پیروی نموده‌اند که اموال و

اولادشان جز زیان و خسران (برای ایشان پدید نیاورده است و) بر آنان نیفزوده است.

توضیحات:

«عَصَوْنِي»: از من نافرمانی کرده‌اند. «مَنْ»: مراد رؤساء و اغنیاء است که ضعفاء و فقراء به فرمانشان گوش می‌دادند و بدی‌شان امید می‌بستند. رؤساء و اغنیائی که قدرت مادی ایشان مایه زیان و بدبختی خودشان شده بود. چرا که اندوختن اموال از راه حرام، مصرف آن در فساد، به وجود آوردن فرزندان بی‌دین و ناصالح، سرکشی و طغیان در برابر فرمان یزدان، و تحمیل افکار هیچ و پوچ خود بر توده‌های مستضعف، جز زیان و خسران نیست.

سوره نوح آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا كُبَّارٗا ٢٢﴾

ترجمه:

(چنین رهبران گمراهی) نیرنگ بزرگی به کار برده‌اند.

توضیحات:

«كُبَّاراً»: بزرگ. صیغه مبالغه است.

سوره نوح آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسۡرٗا ٢٣﴾

ترجمه:

به آنان گفته‌اند: معبودهای خود را وامگذارید، و وَدّ، سُواع، یغوث، یعوق، و نَسر را رها نسازید.

توضیحات:

«وَدّ»: وَدّ، سُواع، یغوث، یعوق، نَسر، پنج بتی بوده‌اند که از سایر بت‌ها در نزد بت‌پرستان مشهورتر و بزرگ‌تر بودند. گویا هر یک از این‌ها نام انسان خداشناس و صالحی بوده و بعد از فوت آنان، گنبدها و بارگاه‌ها بر سر قبر ایشان برپا نموده و بعدها بت‌شان ساخته، و واسطه و شفیع‌شان شمرده‌اند (نگا: المصحف المیسّر).

سوره نوح آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَقَدۡ أَضَلُّواْ كَثِيرٗاۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلٗا ٢٤﴾

ترجمه:

و بدین وسیله بسیاری از مردم را گمراه ساخته‌اند! (پروردگارا! این خودخواهان گمراهند گمراه‌ترشان گردان) و جز گمراهی بر ستمکاران میفزا!

توضیحات:

«لا تَزِدْ»: جملات پیشین جنبه مقدّمه دعا دارد، و در اینجا حضرت نوح از خداوند متعال درخواست می‌نماید از کافران خودخواه و گمراه سلب توفیق بفرماید و بر بدبختی ایشان بیفزاید.

سوره نوح آیه ۲۵

متن آیه:

﴿مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمۡ أُغۡرِقُواْ فَأُدۡخِلُواْ نَارٗا فَلَمۡ يَجِدُواْ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارٗا ٢٥﴾

ترجمه:

(سرانجام، همگی) به خاطر گناهانشان (در طوفان) غرق شدند، و به دوزخ در افتادند، و جز خدا برای خود یار و یاوری نیافتند (که بتواند از ایشان دفاع کند و از دوزخشان برهاند).

توضیحات:

«مِـمَّـا »: بر اثرِ. به خاطرِ. حرف (مِنْ) سببیه است، و واژه (ما) را بعضی زائد دانسته، و برخی مصدریه گرفته‌اند، و گروهی مجرور به حرف جرّ شمرده، و (خَطِیئَاتِ) را بدل آن حساب کرده‌اند. به هر حال بیان‌گر بزرگی گناهان و بزهکاری‌های کافران، و تأکید علّت و سبب است. «مِن دُونِ اللهِ»: بجز خدا. سوای خدا. معلوم است که خدا هم یار و یاورشان نبوده و نخواهد بود.

سوره نوح آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَقَالَ نُوحٞ رَّبِّ لَا تَذَرۡ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ٢٦﴾

ترجمه:

نوح (به دعای خود ادامه داد و) گفت: پروردگارا! هیچ احدی از کافران را بر روی زمین زنده باقی مگذار.

توضیحات:

«دَیّاراً»: کسی. فردی. در اصل به معنی کسی است که بیاید و برود و بگردد و بچرخد. یعنی جنبنده انسان نامی.

سوره نوح آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾﴾

ترجمه:

که اگر ایشان را رها کنی، بندگانت را گمراه می‌سازند، و جز فرزندان بزهکار و کافرِ سرسخت نمی‌زایند و به دنیا نمی‌آورند.

توضیحات:

«کَفّاراً»: بسیار کفر پیشه. بسیار ناسپاس.

سوره نوح آیه ۲۸

متن آیه:

﴿رَّبِّ ٱغْفِرْ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًۢا ﴿٢٨﴾﴾

ترجمه:

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم را، و همه کسانی را که مؤمنانه و باورمندانه به خانه من در می‌آیند و سایر مردان و زنان با ایمان را بیامرز! و کافران را جز هلاک و نابودی میفزا!

توضیحات:

«بَیْتِیَ»: خانه من. مراد از (بَیْت) چهار چیز می‌تواند باشد: خانه شخصی نوح، مسجد نوح، کشتی نوح، و آئین و شریعت او... متبادر به ذهن منزل است، ولیکن چهارمی بهتر و با آئین آسمانی سازگارتر است. چرا که نوح قطعاً برای همه پیروان خود دعا می‌کند، و پیروانِ شخص، جزو اهل و تبار او است؛ نه زادگان بی ایمان او. دیگر این که به صورت استعاره گفته می‌شود: قبّه دین، بارگاه دین. و خود دین مراد است.

«الْـمُؤْمِنِينَ وَ الْـمُؤْمِنَاتِ»: شامل همه مؤمنان در تمام امکنه و ازمنه می‌گردد (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره جن

سوره جن آیه ۱

متن آیه:

﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا ١﴾

ترجمه:

(ای محمّد! به امت خود) بگو: به من وحی شده است که گروهی از پریان (به‌تلاوت قرآن من) گوش فرا داده‌اند و (پس از مراجعت به میان قوم خود، بدیشان) گفته‌اند: ما قرآن زیبا و شگفتی را شنیده‌ایم.

توضیحات:

«الْـجِنّ»: پری. آفریدگانی از آفریدگان خدا هستند که از آتش آفریده شده‌اند (نگا: حجر / ۲۷). دارای عقل و شعور و فهم و درک، و تکلیف و مسؤولیت، و آشنائی به زبان بوده، و مخاطب کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن می‌باشند (نگا: احقاف / ۳۰)، و موظّف به تبلیغ حق هستند. آنها پیش از انسان‌ها آفریده شده‌اند (نگا: حجر / ۲۷) و می‌توانند برخی از کارهای مورد نیاز بشر را انجام دهند (نگا: سبأ / ۱۲ و ۱۳، نمل / ۳۹). وجود جنّ حتمی و قطعی است، ولی ما چیزی از نحوه زندگی و ماهیت ایشان – جز آنچه قرآن فرموده است – نمی‌دانیم. لیکن باید انسان مؤمن به دنبال خرافات و موهومات راه نرود و ناآگاهانه افسانه‌هائی را درباره ایشان از خود نبافد. این را هم بداند که جای تعجّب نیست که چه بسا انواع و اقسام موجودات زنده‌ای در این عالم وجود داشته باشند و ما با حواسّ محدود و دانش اندک خود با آنها آشنا نباشیم، همان‌گونه که رنگها و صداهای فراوانی در جهان ما است، ولی مقدار ناچیزی از آنها را می‌بینیم و می‌شنویم. «نَفَرٌ»: گروه (نگا: اعراف / ۲۷، احقاف / ۲۹ – ۳۲). «عَجَباً»: عجیب و بی‌نظیر. یعنی این کلام، از نظر لفظ و معنی اعجاز انگیز است، و با سخنان دیگر متفاوت است. مصدر است و برای مبالغه، صفت شده است.

سوره جن آیه ۲

متن آیه:

﴿يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا ٢﴾

ترجمه:

همگان را به راه راست رهنمود می‌سازد، و ما بدان ایمان آورده‌ایم (و دیگر از ایمان خود بر نمی‌گردیم و یکتاپرستی را در پیش می‌گیریم، و) کسی را انباز پروردگارمان نمی‌سازیم.

توضیحات:

«الرُّشْدِ»: راه راست و درستی که پویندگان را به سر منزل سعادت و کمال می‌رساند.

سوره جن آیه ۳

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣﴾

ترجمه:

جلال و عظمت پروردگار ما والا است، او همسر و فرزندی بر نگرفته است.

توضیحات:

«أَنَّهُ»: عطف بر (إِنَّا سَمِعْنَا) با تقدیر فعل مناسب همچون (نَعْلَمُ) است: «فَقَالُوا وَ نَعْلَمُ أَنَّهُ تَعَالي». یا این که عطف بر ضمیر (ه) است: «فَئَامَنَّا بِأَنَّهُ». «جَدُّ»: جلال و عظمت. فاعل فعل (تَعالی) است.

سوره جن آیه ۴

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطٗا ٤﴾

ترجمه:

نادانان ما درباره خداوند سخنان ناروائی می‌گفته‌اند.

توضیحات:

«سَفِيهُ»: نادان. مراد جنس سفیه است. لذا شامل اهریمن و سپاهیان او می‌گردد (نگا: المصحف المیسّر). «شَطَطاً»: سخنان دور از حقیقت. اقوال نادرست (نگا: الکهف / ۱۴).

سوره جن آیه ۵

متن آیه:

﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ٥﴾

ترجمه:

و ما (پیش از این) چنین می‌پنداشتیم که آدمیان و پریان هرگز بر خدا دروغ نمی‌بندند (و از زبان خدا دروغ نمی‌گویند و بدو نسبت‌های ناروائی - همچون داشتن زن و فرزند - نمی‌دهند).

توضیحات:

«لَن تَقُولَ... كَذِباً»: این سخن ممکن است اشاره به تقلید کورکورانه‌ای باشد که این گروه از پریان قبلاً از دیگران داشته‌اند و برای خدا انباز و همگون و زن و فرزند قرار می‌داده‌اند.

سوره جن آیه ۶

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦﴾

ترجمه:

و کسانی از انسان‌ها به کسانی از پری‌ها پناه می‌آوردند، و بدین وسیله بر گمراهی و سرکشی ایشان می‌افزودند.

توضیحات:

«رَهَقاً»: سفاهت و جهالت. گمراهی و سرکشی. «فَزَادَهُمْ رَهَقاً»: پناه بردن انسان‌ها به پریان، بر سفاهت و سرکشی و گمراهسازی بیشتر پری‌ها می‌افزوده است. برخی گفته‌اند: پناه بردن انسان‌ها به پری‌ها، بر گمراهی و سرکشی و بزهکاری خود انسان‌ها می‌افزوده است.

سوره جن آیه ۷

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُمۡ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ أَحَدٗا ٧﴾

ترجمه:

و (انسان‌های کافر) گمان برده‌اند، همان‌گونه که شما (پری‌های کافر) گمان برده‌اید، که خداوند هرگز کسی را پیغمبر نمی‌سازد، و کسی را دوباره زنده نمی‌گرداند.

توضیحات:

«لَن یَبْعَثَ اللهُ أَحَداً»: خداوند هرگز کسی را پیغمبر نمی‌سازد و برای تبلیغ روانه نمی‌دارد. خداوند هرگز کسی را پس از مرگ زندگی دوباره نمی‌بخشد و قیامت و رستاخیزی در میان نمی‌باشد.

سوره جن آیه ۸

متن آیه:

﴿وَأَنَّا لَمَسۡنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدۡنَٰهَا مُلِئَتۡ حَرَسٗا شَدِيدٗا وَشُهُبٗا ٨﴾

ترجمه:

ما قصد آسمان کردیم، و همه جای آن را پر از محافظان و نگهبانان نیرومند (ملائکه) و شهابها (ی سوزنده) یافتیم.

توضیحات:

«لَـمَسْنَا»: قصد کریم. طلبیدیم و جستجو کردیم. لمس به معنی مس کردن و پسودن است، ولی در اینجا مراد قصد کردن و رو نمودن است. «حَرَساً»: اسم جمع است، و یا جمع حارِس است: محافظان. نگهبانان. مراد فرشتگان است. «شُهُب»: جمع شِهاب، آذرخش‌ها (نگا: حجر / ۱۸). «شَدِیداً»: وزن فَعِیل، مفرد و جمع در آن یکسان است.

سوره جن آیه ۹

متن آیه:

﴿وَأَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِۖ فَمَن يَسۡتَمِعِ ٱلۡأٓنَ يَجِدۡ لَهُۥ شِهَابٗا رَّصَدٗا ٩﴾

ترجمه:

ما (پیش از این) در گوشه‌ها و کنارهای آسمان برای استراق سمع می‌نشستیم (و کسب خبر می‌کردیم) ولی اکنون هر کس بخواهد گوش فرا دهد، شهاب آماده‌ای را در کمین خود می‌یابد که به‌سوی او نشانه می‌رود.

توضیحات:

«مَقَاعِدَ»: جمع مَقْعَد، نشیمنگاه‌ها. جایگاه‌ها. مراد اطراف و اکنافی است که بشود در آنجاها نشست و کمین کرد. «رَصَداً»: آماده و نشانه گرفته شده. مصدر است و در معنی اسم مفعول، یعنی مَرْصُود به کار رفته است. یا این که به معنی راصِد، یعنی نگهبان است.

سوره جن آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَنَّا لَا نَدۡرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ أَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدٗا ١٠﴾

ترجمه:

ما نمی‌دانیم که آیا برای ساکنان زمین شر و بلا در نظر گرفته شده است، و یا این که پروردگارشان خیر و هدایت ایشان را خواسته است؟

توضیحات:

«أُرِیدَ»: اراده شده است. مقدّر گشته است. «رَشَداً»: هدایت و رهنمود. مراد خیر و برکت مادی و معنوی است.

سوره جن آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدٗا ١١﴾

ترجمه:

برخی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارند، و بعضی از ما جز این، (یعنی نافرمان و بی‌دین). اصلاً ما فرقه‌ها و گروه‌های متفاوت و گوناگونی هستیم.

توضیحات:

«دُونَ»: جز. سوای. «طَرَآئِقَ»: جمع طریقه، راه‌ها و روش‌ها. مراد مردمان صاحب راه‌ها و روش‌های گوناگون است. «قِدَداً»: جمع قِدَّة: فِرقه. دسته. گروه.

سوره جن آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعۡجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَن نُّعۡجِزَهُۥ هَرَبٗا ١٢﴾

ترجمه:

ما یقین داریم که هرگز نمی‌توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم، و نمی‌توانیم از پنجه قدرت او فرار کنیم. (بنابراین، وقتی که نه راه غلبه وجود دارد، و نه راه گریز، چاره‌ای جز تسلیم فرمان دادگرانه او نیست).

توضیحات:

«ظَنَنَّا»: یقین داریم. قطعاً دانسته‌ایم. «هَرَباً»: گریز. فرار. مصدر است و به معنی

اسم فاعل، یعنی (هَارِبِینَ) بوده و حال است.

سوره جن آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَأَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا ٱلۡهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦۖ فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا ١٣﴾

ترجمه:

ما هنگامی که رهنمود (قرآن را) شنیدیم، بدان ایمان آوردیم. هر کس که به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از کاستی (پاداش) می‌ترسد، و نه از ستم (حاصل از افزودن بر بدی‌هایش).

توضیحات:

«الْهُدي»: رهنمود. مراد قرآن است (نگا: بقره / ۱۸۵). «بَخْساً»: نقصان. کاهش. مراد کاستن از حسنات است. «رَهَقاً»: ستم. مراد افزایش بر سیئات، و دچار ساختن به خواری و ذلّت آخرت است.

سوره جن آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَأَنَّا مِنَّا ٱلۡمُسۡلِمُونَ وَمِنَّا ٱلۡقَٰسِطُونَۖ فَمَنۡ أَسۡلَمَ فَأُوْلَٰٓئِكَ تَحَرَّوۡاْ رَشَدٗا ١٤﴾

ترجمه:

در میان ما، فرمانبرداران، و منحرفان و بیدادگرانند. آنان که فرمانبردارند، هدایت و خیر را برگزیده‌اند.

توضیحات:

«الْمُسْلِمُونَ»: (نگا: بقره / ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۶). «الْقَاسِطُونَ»: کج‌روان و منحرفان. ستمگران و بیدادگران. «تَحَرَّوْا»: قصد کردند و گرائیدند. برگزیدند. تحرّی، به معنی تلاش برای شناخت چیزی که راست‌تر و بهتر است (نگا: معجم‌الفاظ القرآن‌الکریم).

سوره جن آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلۡقَٰسِطُونَ فَكَانُواْ لِجَهَنَّمَ حَطَبٗا ١٥﴾

ترجمه:

و امّا آنان که ستمگر و بیدادگرند، هیزم و هیمه دوزخ هستند.

توضیحات:

«حَطَباً»: هیزم. هیمه.

سوره جن آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا ١٦﴾

ترجمه:

اگر آدمیان و پریان بر راستای راه (یکتاپرستی و فرمانبرداری از اوامر و نواهی الهی) ماندگار بمانند، آب زیاد (و نعمت فراوان) بهره ایشان می‌گردانیم.

توضیحات:

«الطَّرِیقَهِ»: راه. مراد راه خداشناسی و فرمانبرداری، یا به عبارت دیگر، آئین اسلام است. «غَدَقاً»: فراوان. زیاد. «مَآءً غَدَقاً»: آب فراوان، که نماد و سبب نعمت فراوان است.

سوره جن آیه ۱۷

متن آیه:

﴿لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَمَن يُعۡرِضۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِۦ يَسۡلُكۡهُ عَذَابٗا صَعَدٗا ١٧﴾

ترجمه:

هدف این است که ما آنان را با این نعمت فراوان بیازمائیم، و هر کس از ذکر و یاد پروردگارش روی‌گردان گردد، او را به عذاب سخت و طاقت فرسائی داخل می‌گرداند.

توضیحات:

«یَسْلُکْهُ»: داخل می‌گرداند (نگا: قصص / ۳۲، حاقّه / ۳۲). «صَعَداً»: سخت. غیر قابل تحمّل. طاقت‌فرسا.

سوره جن آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾

ترجمه:

مسجدها مختصّ پرستش خدا است، و (در آنها) کسی را با خدا پرستش نکنید.

توضیحات:

«أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّهِ»: مساجد از آن خدا است. مراد این است که مساجد مختصّ

عبادت خدا است، لذا در آنها کسی را با خدا عبادت نکنید. «لا تَدْعُوا»: مپرستید. عبادت نکنید.

سوره جن آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبۡدُ ٱللَّهِ يَدۡعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيۡهِ لِبَدٗا ١٩﴾

ترجمه:

(به من وحی شده است که) چون بنده خدا (محمّد) بر پای ایستاد (و شروع به نماز و خواندن قرآن در آن کرد) و به پرستش خداوند پرداخت، کافران پیرامون او تنگِ یکدیگر ازدحام کردند.

توضیحات:

«عَبْدُاللهِ»: مراد حضرت محمّد است. «لِبَد»: جمع لِبْدَة، متراکم و انباشته. مجازاً به معنی گروه و دسته تنگ یکدیگر و پشت سر هم است.

سوره جن آیه ۲۰

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٠﴾

ترجمه:

بگو: تنها پروردگارم را می‌پرستم و کسی را انباز او نمی‌کنم.

توضیحات:

«أَدْعُو»: می‌پرستم. به کمک می‌طلبم. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر دارد.

سوره جن آیه ۲۱

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ٢١﴾

ترجمه:

بگو: من نمی‌توانم هیچ‌گونه زیانی و سودی به شما برسانم، و به هیچوجه نمی‌توانم گمراهتان سازم یا هدایتتان دهم.

توضیحات:

«ضَرّاً»: زیان. گمراهی. «رَشَداً»: خیر و خوبی. هدایت و توفیق. «لآ أَمْلِكُ لَكُمْ»:

من نمی‌توانم زیان و ضرری را از شما دفع و برطرف کنم، و نمی‌توانم خیر و خوبی را به شما برسانم (نگا: زاد المسیر).

سوره جن آیه ۲۲

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا ٢٢﴾

ترجمه:

بگو: (اگر من از خدا نافرمانی کنم) هیچ کس مرا در برابر (خشم) خدا پناه نمی‌دهد، و پناه‌گاهی (برای حفظ خود از عذاب خدا) جز خدا نمی‌یابم.

توضیحات:

«لَن يُجِيرَنِي»: هرگز پناهم نمی‌دهد. هیچ وقت مرا در جوار خود نمی‌گیرد (نگا: مؤمنون / ۸۸، احقاف / ۳۱، ملک / ۲۸). «مُلْتَحَداً»: پناهگاه. ملجأ (نگا: کهف / ۲۷).

سوره جن آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِلَّا بَلَٰغٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦۚ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ٢٣﴾

ترجمه:

لیکن (تنها کاری که می‌توانم بکنم) تبلیغ از سوی خدا، و رساندن پیام‌های او است. هر کس از خدا و پیغمبرش نافرمانی کند، نصیب او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می‌ماند.

توضیحات:

«بَلاغاً»: ابلاغ تبلیغ. مستثنی از (لآ أَمْلِكُ) است و جملات میان آنها معترضه و برای تأکیدِ عدم استطاعت است (نگا: قاسمی). یا این که مفعول مطلق فعل محذوفی است. «رِسَالاتِهِ»: مراد از رسالت‌های خدا توضیح مسائل مجمل قرآنی، در پرتو رهنمودهای آسمانی است. مثل توضیح و بیان احکام نماز و زکات و حجّ، و غیره (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره جن آیه ۲۴

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ أَضۡعَفُ نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدٗا ٢٤﴾

ترجمه:

(کافران همواره به استهزاء خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مشاهده خواهند کرد چیزی را که بدانان وعده داده شده است. آن گاه خواهند دانست که چه کسی (از کافر و مؤمن) یاورانش ناتوانتر، و شماره و تعدادش کمتر است.

توضیحات:

«حَتّي إِذَا رَأَوْا»: (نگا: مریم / ۷۵). «نَاصِراً»: تمییز است.

سوره جن آیه ۲۵

متن آیه:

﴿قُلۡ إِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٞ مَّا تُوعَدُونَ أَمۡ يَجۡعَلُ لَهُۥ رَبِّيٓ أَمَدًا ٢٥﴾

ترجمه:

بگو: (ای کافران!) من نمی‌دانم آیا چیزی که به شما وعده داده می‌شود، نزدیک است، یا این که پروردگارم زمان طولانی و زیادی را برای آن در نظر گرفته است.

توضیحات:

«مَا تُوعَدُونَ»: آنچه به شما وعده داده می‌شود، مراد قیامت و عذاب آن است. «أَمَداً»: مدّت زمان طولانی (نگا: آل‌عمران / ۳۰، کهف / ۱۲، حدید / ۱۶).

سوره جن آیه ۲۶

متن آیه:

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا ٢٦﴾

ترجمه:

داننده غیب خدا است، و هیچ کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌سازد.

توضیحات:

«عَالِمُ»: خبر مبتدای محذوف (هُوَ) یا بدل از (رَبّ) است. «فَلا يُظْهِرُ عَلي غَيْبِهِ»: (نگا: انعام / ۵۹، نمل / ۶۵).

سوره جن آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ رَصَدٗا ٢٧﴾

ترجمه:

مگر پیغمبری که خدا از او خوشنود باشد. خدا (برای حفظ آن مقدار غیبی که او را از آن مطّلع می‌کند، از میان فرشتگان) محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان می‌دارد.

توضیحات:

«إِلاَّ مَنِ ارْتَضي مِن رَّسُولٍ»: مگر پیغمبری که از او راضی باشد. خداوند تنها برخی از پیغمبران را بر بعضی از امور غیب مطّلع می‌سازد، آن هم بدان اندازه که بیان‌گر معجزات ایشان بوده و به مأموریت و دعوت‌شان مربوط باشد (نگا: آل‌عمران / ۴۹ و ۱۷۹). «إِرْتَضي»: (نگا: انبیاء / ۲۸، نور / ۵۵). «يَسْلُكُ»: داخل می‌کند. روان می‌سازد (نگا: جنّ / ۱۷). «بَيْنَ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ»: مراد همه جوانب و اطراف است. در وقت نزول غیب، خدا توسّط فرشتگان، پیغمبران را از هر سو می‌پاید، و از شیاطین و پریان و وسوسه‌های ایشان مراقبت و مواظبت می‌نماید (نگا: حجر / ۹، شعراء / ۲۱۲). «رَصَداً»: جمع راصِد، نگهبانان و مراقبان.

سوره جن آیه ۲۸

متن آیه:

﴿لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا ٢٨﴾

ترجمه:

تا خدا بداند که پیغمبران پیام‌های پروردگارشان را رسانده‌اند، هر چند که خدا از همه چیزهائی که نزدیک ایشان است (و در درون و بیرون آنان است) کاملاً آگاه بوده و بدان‌ها احاطه دارد، و هر چیزی را دانه‌دانه سرشماری کرده است و دقیقاً می‌داند.

توضیحات:

«لِيَعْلَمَ»: (نگا: بقره / ۱۴۳، آل‌عمران / ۱۴۰). «عَدَداً»: شماره. شمرده. شمرنده. یکی‌یکی. تمییز است، و یا به معنی (إحصاء) و مفعول مطلق است، و یا این که در معنی (مَعْدُوداً) و حال (كُلَّ شَيْءٍ) و یا به معنی (عادّاً) و حال فاعل فعل (أَحْصي) است.

سوره مزمل

سوره مزّمّل آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ۝١﴾

ترجمه:

ای جامه به خود پیچیده!

توضیحات:

«الـْمُزَّمِّلُ»: جامه به خود پیچیده. گویا پیغمبر اسلام در وقت نزول وحی اغلب با جامه‌ای خود را می‌پوشاند. در اینجا پیغمبر گرامی با همان حالتی مخاطب قرار می‌گیرد که به هنگام وحی پیدا می‌کرد، و چنین ندائی هم برای ملاطفت با او است؛ نه معاتبت. اشاره‌ای هم به این دارد که هر مؤمنی که در دل شب‌ها جامه به خود پیچیده است، بلند شود و خودسازی کند و اندوخته‌ای بیندوزد. صورت اصلی این واژه (مُتَزَمِّل) و از باب تفعّل است.

سوره مزّمّل آیه ۲

متن آیه:

﴿قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ۝٢﴾

ترجمه:

شب، جز اندکی (از آن) بیدار بمان.

توضیحات:

«قُمْ»: پاشو! برخیز! مراد برخاستن از خواب و شب‌زنده‌داری و پرداختن به نماز و نیایش است. «قَلِیلاً»: مستثنی است. برابر این آیه، حضرت تنها اندکی از شب می‌توانست بخوابد.

سوره مزّمّل آیه ۳

متن آیه:

﴿نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ٣﴾

ترجمه:

نیمی از شب، یا کمی از نیمه بکاه (تا به یک سوم شب می‌رسد).

توضیحات:

«مِنْهُ»: از نصف. برابر این آیه، حضرت می‌توانست دست کم تا یک سوم شب بخوابد.

سوره مزّمّل آیه ۴

متن آیه:

﴿أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤﴾

ترجمه:

یا بر نیمه آن بیفزا (تا به دو سوم شب می‌رسد) و قرآن را بخوان خواندنی (همراه با دقّت و تأمّل، و در ضمن شمرده و روشن).

توضیحات:

«عَلَيْهِ»: بر نصف. برابر این آیه، حضرت می‌توانست تا دو سوم شب به خواب رود. «رَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلاً»: مراد این است که قرآن را با تلفّظ صحیح حروف و واژه‌ها، و با تدبّر و تفکر در مفاهیم و معانی بخواند.

سوره مزّمّل آیه ۵

متن آیه:

﴿إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلًا ثَقِيلًا ٥﴾

ترجمه:

ما سخن (پر مسؤولیت و پر دردسر و لبریز از تکالیف و وظائف) سنگینی را بر تو نازل خواهیم کرد (که قرآن است).

توضیحات:

«قَوْلاً ثَقِيلاً»: سخن سنگین. مراد قرآن است. سنگین، دو معنی دارد: الف – دارای رزانت لفظ و متانت معنی (نگا: قاسمی). ب – دارای تکالیف و وظائف و اوامر و نواهی سنگین بر دل‌ها، و مشکل از نظر تبلیغ مقاصد و تبیین محتوا.

سوره مزّمّل آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا ٦﴾

ترجمه:

عبادت شبانه، (افعال آن) مؤثّرتر و ماندگارتر، و اقوال (آن) درست‌تر و پابرجاتر است.

توضیحات:

«نَاشِئَةَ»: قیام. برخاستن. مراد عبادت شبانه است. مصدر ثلاثی مجرّدی است همچون خَاتِمَة و فَاتِحَة و عَاقِبَة. «وَطْأً»: سنگینی. ثبات. اثر (نگا: أضواءالبیان).

سوره مزّمّل آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّ لَكَ فِي ٱلنَّهَارِ سَبۡحٗا طَوِيلٗا ٧﴾

ترجمه:

تو در روز، تلاش فراوان و طولانی‌داری (و به سبب اشتغال به امور زندگی و تبلیغ رسالت، فراغتی برای پرداختن به قرائت قرآن نخواهی داشت).

توضیحات:

«سَبْحاً»: تلاش و جنبش. مراد اشتغال به امور زندگی و حرکت در راه انجام کار تبلیغ و مأموریت سنگین پیغمبری است. شنا. گوئی جامعه انسانی، دریای بیکرانی است که گروه زیادی در آن در حال غرق شدن هستند، و پیغمبر شناگر نیرومندی است که با کشتی قرآن، سرگرم نجات آنان است. لذا در پرتو نیایش شبانه باید این کشتی نجات را با دقّت بنگرد و خود را برای چنین مأموریت و رسالت بزرگی آماده سازد.

سوره مزّمّل آیه ۸

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا ٨﴾

ترجمه:

نام پروردگارت را بِبَر، و از همه چیز بِبُر و بدو بپیوند (و در دل‌های شب به نیایش و پرستش او بپرداز).

توضیحات:

«أذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ»: نام پروردگارت را ببر و به یاد او باش. ذکر خدا بکن. «تَبَتَّلْ»:

کناره‌گیری کن. مراد دوری از مردم و با تمام وجود متوجّه خدا شدن و در خلوت شب‌ها به عبادت پرداختن است.

سوره مزّمّل آیه ۹

متن آیه:

﴿رَّبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذۡهُ وَكِيلٗا ٩﴾

ترجمه:

یزدان، خداوندگار مشرِق و مغرب (و همه جهان هستی) است، و جز او معبودی نیست، پس تنها او را به عنوان کارساز و یاور برگیر و برگزین (و کار و بار خویش را بدو واگذار کن).

توضیحات:

«وَكِيلاً»: (نگا: آل‌عمران / ۱۷۳، نساء / ۸۱).

سوره مزّمّل آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهۡجُرۡهُمۡ هَجۡرٗا جَمِيلٗا ١٠﴾

ترجمه:

در برابر چیزهائی که می‌گویند شکیبائی کن، و به گونه پسندیده از ایشان دوری کن.

توضیحات:

«مَا يَقُولُونَ»: مراد یاوه‌سرائی‌های کافران و مشرکان است. «أُهْجُرْهُمْ»: به ترک ایشان بگوی. از آنان دوری کن. «هَجْراً جَمِيلاً»: دوری و رویگردانی زیبا و پسندیده. یعنی در مسیر دعوت گاهی لازم است به گونه محترمانه و شایسته، از بدگوئی دشمنان رویگردان شد، و بدون عتاب و انتقام موقّتاً به ترک ایشان گفت.

سوره مزّمّل آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ وَمَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا ١١﴾

ترجمه:

مرا با ثروتمندانی واگذار که (تو را و رسالت آسمانی را دروغ می‌نامند و) تکذیب

می‌دارند، و با آسودگی خاطر آنان را اندکی مهلت بده. (خود دانم و ایشان).

توضیحات:

«أُوْلِي‌النَّعْمَةِ»: صاحبان نعمت. اشخاص دارا. «مَهِّلْهُمْ»: ایشان را به آرامی و بدون دغدغه خاطر، مهلت و فرصت بده، و آنان را به خود واگذار.

سوره مزّمّل آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّ لَدَيۡنَآ أَنكَالٗا وَجَحِيمٗا ١٢﴾

ترجمه:

نزد ما غل و زنجیرها و آتش سوزان دوزخ است.

توضیحات:

«أَنكَالاً»: جمع نِكْل، هر نوع غل و زنجیر سنگین و بند گران.

سوره مزّمّل آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِيمٗا ١٣﴾

ترجمه:

و همچنین خوراک گلوگیری و عذاب دردناکی موجود است.

توضیحات:

«غُصَّةٍ»: هرچیزی که در گلو گیر کند و نه بیرون بیاید و نه درون برود. همچون استخوان و خار (نگا: ابراهیم / ۱۷، دخان / ۴۳ - ۴۶، غاشیه / ۶).

سوره مزّمّل آیه ۱۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلۡجِبَالُ كَثِيبٗا مَّهِيلًا ١٤﴾

ترجمه:

روزی، زمین و کوه‌ها سخت به لرزش و جنبش درمی‌آید و (چنان کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود که) کوه‌ها به توده‌های پراکنده و تپه‌های ریگ روان تبدیل می‌گردد.

توضیحات:

«تَرْجُفُ»: می‌لرزد و می‌جنبد (نگا: اعراف / ۷۸ و ۹۱ و ۱۵۵، عنکبوت / ۳۷).

«کَثِیباً»: توده شن. تپه ریگ. «مَهِیلاً»: پراکنده. روان. اسم مفعول از ماده (هیل).

سوره مزّمّل آیه ۱۵

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا ١٥﴾

ترجمه:

(ای اهل مکه!) ما پیغمبری را به‌سوی شما فرستاده‌ایم که (در روز قیامت) گواه بر شما است، همان‌گونه که به‌سوی فرعون پیغمبری را فرستاده بودیم.

توضیحات:

«رَسُولاً»: مراد حضرت محمّد ﷺ است. «شَاهِداً»: (نگا: نساء / ۴۱).

سوره مزّمّل آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَعَصَىٰ فِرۡعَوۡنُ ٱلرَّسُولَ فَأَخَذۡنَٰهُ أَخۡذٗا وَبِيلٗا ١٦﴾

ترجمه:

فرعون با آن پیغمبر به مخالفت برخاست، و ما هم او را به سختی فرو گرفتیم (و به مجازات شدیدی گرفتار ساختیم).

توضیحات:

«وَبِیلاً»: سخت و شدید. سنگین. «فَأَخَذْنَاهُ»: (نگا: اعراف / ۱۳۰، عنکبوت / ۴۰).

سوره مزّمّل آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَكَيۡفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرۡتُمۡ يَوۡمٗا يَجۡعَلُ ٱلۡوِلۡدَٰنَ شِيبًا ١٧﴾

ترجمه:

اگر کافر شوید، چگونه خود را از (عذاب شدید) روزی برکنار می‌دارید که (ترس و هراس آن) کودکان را پیر می‌سازد؟!

توضیحات:

«الْوِلْدَانَ»: جمع وَلید، کودکان (نگا: نساء / ۷۵، شعراء / ۱۸). نوجوانان (نگا: انسان / ۱۹). «شِیباً»: جمع أَشْیب، پیرانمو سپید.

سوره مزّمّل آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرُۢ بِهِۦۚ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَفۡعُولًا ١٨﴾

ترجمه:

در آن روز آسمان (با همه قوت و عظمتی که دارد، از خوف و هول قیامت) از هم شکافته می‌گردد. وعده خدا قطعاً به وقوع می‌پیوندد.

توضیحات:

«مُنفَطِرٌ»: شکافته. «وَعْدُهُ»: مراد حوادث روز قیامت است که خدا از آنها خبر داده است. «مَفْعُولاً»: انجام پذیرفته (نگا: نساء / ۴۷، انفال / ۴۲ و ۴۴، اسراء / ۵ و ۱۰۸، احزاب / ۳۷).

سوره مزّمّل آیه ۱۹

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ١٩﴾

ترجمه:

اینها اندرز و یادآوری است، هرکس که خواستار (استفاده از آنها) است، او راهی را به‌سوی پروردگار خود برمی‌گزیند (و خویشتن را به سعادت ابدی می‌رساند).

توضیحات:

«تَذْكِرَةٌ»: پند و اندرز. تذکر و یادآوری. «فَمَن شَآءَ...»: مردمان در انتخاب راه یا چاه آزادند (نگا: کهف / ۲۹). مفعول (شَآءَ) محذوف است و می‌تواند از جنس جواب و مقدّر باشد. یعنی: «فَمَن شَآءَ اتِّخَاذَ سَبِيلٍ إِلي رَبِّهِ تَعَالَيَ اتَّخَذَ». یا این که به مناسبت ماقبل، پند گرفتن مقدّر شود. یعنی: «فَمَن شَآءَ الإِتِّعَاظَ اتَّخَذَ إِلي رَبِّهِ سَبِيلاً». بدین مفهوم که هر که قصد دارد که پند گیرد، با ایمان و طاعت، به خدا خود را نزدیک سازد.

سوره مزّمّل آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ

ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُۚ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗاۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٗا وَأَعۡظَمَ أَجۡرٗاۚ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ ﴿٢٠﴾

ترجمه:

پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک به دو سوم شب، یا نصف، و یا یک سوم آن را (نمی‌خوابید و به عبادت می‌پردازید و) به نماز می‌ایستید. خدا است که اوقات شب و روز را می‌داند و دقیقاً تعیین می‌کند. او می‌داند که شما نمی‌توانید (ساعات شب و روز را دقیقاً تعیین کنید و) حساب آن را داشته باشید، لذا (برای شما تخفیف قائل شد و) بر شما بخشید. پس آن مقدار از قرآن را (در نماز) بخوانید که برایتان میسّر است. خدا می‌داند که کسانی از شما بیمار می‌شوند، و گروهی دیگر برای جستجوی روزی و به دست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می‌کنند، و دسته دیگر در راه خدا می‌جنگند. لذا آن مقدار که برایتان ممکن است و توانائی دارید (در نماز شبانه) قرآن بخوانید. نماز بگزارید، و زکات مال به در کنید، و قرض‌الحسنه به خدا دهید. هر خوبی و خیری را که برای خود پیشاپیش می‌فرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداش بیشتری خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید، چرا که خدا آمرزگار و مهربان است.

توضیحات:

«أَدْنَي»: کمتر. «يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ»: شب و روز را تعیین و اندازه‌گیری می‌کند. حساب شب و روز را دارد. «يَضْرِبُونَ»: به سفر می‌پردازند (نگا: مائده / ۱۰۶). «أَقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً»: (نگا: بقره / ۲۴۵، مائده / ۱۲، حدید / ۱۱ و ۱۸، تغابن / ۱۷). «هُوَ خَيْراً»: واژه (هُوَ) ضمیر فصل و یا تأکید ضمیر (ه) در (تَجِدُوهُ) است (نگا: آلوسی). واژه (خَيْراً) مفعولٌ‌به دوم (تَجِدُوهُ) است.

سوره مدثر

سوره مدّثر آیه ۱

متن آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١﴾

ترجمه:

ای جامه بر سر کشیده (و در بستر خواب آرمیده!).

توضیحات:

«مُدَّثِّرُ»: کسی که جامه بر سر کشیده باشد. اصل آن (الـْمُتَدَثِّرُ) است. مخاطب پیغمبر اسلام است که از تمسخر کفّار و سخنان ناروای ایشان به خانه خود رفته و جامه‌ای بر سر می‌کشد، و یا به بستر می‌رود. امّا فرمان آسمانی او را به جدّ و جهد در کار تبلیغ می‌خواند. یا مراد جامه نبوّت و پیغمبری است (نگا: قاسمی).

سوره مدّثر آیه ۲

متن آیه:

﴿قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢﴾

ترجمه:

برخیز و (مردمان را از عذاب یزدان) بترسان!

توضیحات:

«قُمْ»: برخیز. کوشا باش! (نگا: قاسمی).

سوره مدّثر آیه ۳

متن آیه:

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣﴾

ترجمه:

و تنها پروردگار خود را به بزرگی و کبریائی بستای (و تنها او را بزرگ بشمار).

توضیحات:

«کَبِّرْ»: به عظمت و کبریائی یاد کن (نگا: اسراء / ۱۱۱).

سوره مدّثر آیه ۴

متن آیه:

﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤﴾

ترجمه:

و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشتن را از آلودگی‌ها پاک گردان).

توضیحات:

«ثِیَاب»: جمع ثَوْب: جامه. هم جامه ظاهری مراد است و هم جامه باطنی، یعنی عمل. چرا که اعمال هرکس به منزله لباس او است، و ظاهر هر شخص بیان‌گر باطن او است.

سوره مدّثر آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ٥﴾

ترجمه:

و از چیزهای کثیف و پلید دوری کن.

توضیحات:

«الرُّجْزَ»: چیزهای کثیف و پلید. وسوسه و نیرنگ اهریمن. بتها. گناه. این واژه مفهوم جامعی دارد و هرگونه عمل زشت و پلید و هر کاری را شامل می‌شود که موجب خشم و عذاب الهی باشد.

سوره مدّثر آیه ۶

متن آیه:

﴿وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ ٦﴾

ترجمه:

بذل و بخشش برای این مکن که افزون‌طلبی کنی. (بلکه برای رضای خدا احسان و صدقه و بذل و بخشش کن).

توضیحات:

«لا تَـمْنُنْ»: عطاء مکن. (مَنّ) در اینجا به معنی انعام و اعطاء است (نگا: ص / ۳۹).

«تَسۡتَكۡثِرُ»: افزون می‌خواهی. بیشتر می‌طلبی. فاعل آن ضمیر مستتر (انت) است. جمله فعل و فاعل، حال است. مراد این است که احسان‌گر برای این ندهد تا بیشتر بگیرد و افزون‌طلبی کند (نگا: روم / ۳۹).

سوره مدّثر آیه ۷

متن آیه:

﴿وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ٧﴾

ترجمه:

و برای (خوشنودی و محض رضای) پروردگارت شکیبائی کن.

توضیحات:

«لِرَبِّكَ»: برای رضای پروردگارت. به خاطر پروردگارت.

سوره مدّثر آیه ۸

متن آیه:

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي ٱلنَّاقُورِ ٨﴾

ترجمه:

هنگامی که در صور دمیده می‌شود.

توضیحات:

«نُقِرَ»: دمیده شد. «النَّاقُورِ»: بوق. شیپور. مراد صور است که برای زنده شدن مردگان، بار دوم به صدا در می‌آید.

سوره مدّثر آیه ۹

متن آیه:

﴿فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ٩﴾

ترجمه:

آن روز، روز سختی خواهد بود.

توضیحات:

«عَسِيرٌ»: سخت (نگا: فرقان / ۲۶، قمر / ۸).

سوره مدّثر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ يَسِيرٖ ۝١٠﴾

ترجمه:

برای کافران آسان نخواهد بود (و بلکه پر مشقّت و دردسر خواهد بود).

توضیحات:

«یَسِیرٍ»: آسان. ساده. «غَیْرُ یَسِیرٍ»: سخت و پرمشقّت.

سوره مدّثر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ذَرۡنِي وَمَنۡ خَلَقۡتُ وَحِيدٗا ۝١١﴾

ترجمه:

مرا واگذار با آن کسی که او را تک و تنها (و بدون دارائی و اموال و اولاد) آفریده‌ام.

توضیحات:

«وَحِیداً»: تک و تنها. مراد بدون اموال و اولاد است. اشاره به ولید پسر مُغیره است که یکی از افراد سرشناس مکه بود و برای اذیت و آزار مؤمنان تلاش بسیار می‌کرد. در اینجا هر کافر و منافقی مراد است که برای جلوگیری از اسلام و اذیت مسلمانان در تک و تاز باشد. واژه (وَحِیداً) می‌تواند حال مفعول محذوفی، یا حال فاعل باشد. معنی دیگر آیه: مرا واگذار با کسی که تنها خودم او را آفریده‌ام. مرا تنها واگذار با کسی که او را آفریده‌ام (که برای عذاب و عقاب او من کافی و بسنده‌ام).

سوره مدّثر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡتُ لَهُۥ مَالٗا مَّمۡدُودٗا ۝١٢﴾

ترجمه:

و ثروت بسیاری بدو داده‌ام.

توضیحات:

«مَـمْدُوداً»: گسترده. فراوان.

سوره مدّثر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَبَنِينَ شُهُودٗا ۝١٣﴾

ترجمه:

و پسرانی بدو داده‌ام که (همواره در پیش او آماده، و در مجالس برای خدمتگذاریش) حاضرند.

توضیحات:

«شُهُوداً»: جمع شاهِد، حاضران. آمادگان. حال است.

سوره مدّثر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمۡهِيدٗا ١٤﴾

ترجمه:

و (وسائل زندگی را) از هر نظر برای او فراهم ساخته‌ام (و بدو دم و دستگاه داده‌ام).

توضیحات:

«مَهَّدْتُ»: فراهم و مهیا کرده‌ام. گسترانیده‌ام.

سوره مدّثر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ يَطۡمَعُ أَنۡ أَزِيدَ ١٥﴾

ترجمه:

گذشته از این (بدون شکر و سپاسی که بکند) امیدوار است که (بر نعمت و قدرتش) بیفزایم!

توضیحات:

«ثُمَّ»: گذشته از این. سپس.

سوره مدّثر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿كَلَّآۖ إِنَّهُۥ كَانَ لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا ١٦﴾

ترجمه:

هرگز! (چنین نخواهد شد و بدانچه آرزو می‌کند نخواهد رسید). چرا که با آیات ما دشمن و ستیزه‌جو است.

توضیحات:

«عَنِیداً»: مخالف. ستیزه‌گر (نگا: هود / ۵۹، ابراهیم / ۱۵، ِ / ۲۴).

سوره مدّثر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا ۝١٧﴾

ترجمه:

به زودی او را به بالا رفتن از گردنه (مشکلات و معضلات زندگی) وامی‌دارم (و به سختی‌ها و دشواریهای فراوان دچار می‌سازم).

توضیحات:

«سَأُرْهِقُهُ»: او را وادار می‌کنم (نگا: کهف / ۷۳ و ۸۰). «صَعُوداً»: گردنه سخت و بلند. مراد مبتلا ساختن به سختی‌ها و دشواری‌ها و واداشتن به مشقّتها و ناگواریها و دردها و رنجها است.

سوره مدّثر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝١٨﴾

ترجمه:

او (برای مبارزه با پیغمبر و قرآن) بیندیشید (و در نظر گرفت که چه بگوید و بکند) و نقشه و طرحی را (در ذهن خود) آماده ساخت.

توضیحات:

«قَدَّرَ»: تعیین کرد. پیش چشم داشت. طرح‌ریزی کرد.

سوره مدّثر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ۝١٩﴾

ترجمه:

مرگ بر او باد! چه نقشه‌ای که کشید و چه طرحی که ریخت؟!

توضیحات:

«قُتِلَ»: مرگ بر او! کشته و نابود باد! برای تعجّب است.

سوره مدّثر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ٢٠﴾

ترجمه:

باز مرگ بر او باد! چه نقشه‌ای که کشید و چه طرحی که ریخت؟!

توضیحات:

«ثُمَّ»: تکرار برای مبالغه است.

سوره مدّثر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ نَظَرَ ٢١﴾

ترجمه:

باز هم نگریست و دقّت کرد.

توضیحات:

«نَظَرَ»: ساخته و پرداخته خود را مورد نگرش و بازرسی مجدّد قرار داد.

سوره مدّثر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ٢٢﴾

ترجمه:

سپس چهره در هم کشید و شتابگرانه اخم و تخم کرد.

توضیحات:

«عَبَسَ»: روی ترش کرد. چهره در هم کشید. «بَسَرَ»: عجولانه اخم و تخم کرد. ابروها را در هم کشید (نگا: قیامه / ۲۴). عطفِ تأکید است.

سوره مدّثر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ٢٣﴾

ترجمه:

بعد واپس رفت و گردن افراخت.

توضیحات:

«أَدۡبَرَ»: بازپس رفت. به حق پشت کرد و رفت. «إِسۡتَكۡبَرَ»: گردن افراخت و بزرگی فروخت. تکبّر ورزید و خویشتن را بالاتر از آن دید که حق را بپذیرد. معنی دیگر آیه: سپس پشت به حق کرد و تکبّر ورزید و خود را بزرگ‌تر از این دید که حق را پذیرا گردد. سپس روی گردانید و گردنکشی کرد.

سوره مدّثر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ٢٤﴾

ترجمه:

آن گاه گفت: این (کتاب قرآن نام) چیزی جز جادوی منقول (از پیشینیان و روایت شده از دیگران) نمی‌باشد.

توضیحات:

«يُؤۡثَرُ»: روایت می‌گردد. نقل می‌شود.

سوره مدّثر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ٢٥﴾

ترجمه:

این (چیزهائی که محمّد کلام آسمانی نام می‌دهد) چیزی جز سخن انسان‌ها نیست.

توضیحات:

«إِنۡ»: حرف نفی است. «قَوۡلُ»: سخن. گفته.

سوره مدّثر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ٢٦﴾

ترجمه:

هرچه زودتر او را داخل دوزخ می‌سازیم و بدان می‌سوزانیم.

توضیحات:

«سَأُصۡلِيهِ...»: (نگا: نساء / ۳۰ و ۵۶ و ۱۱۵). «سَقَرَ»: نامی از نام‌های دوزخ است

(نگا: قمر / ۴۸).

سوره مدّثر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ٢٧﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی که دوزخ چگونه است؟!

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: (نگا: حاقّه / ۳، احزاب / ۶۳، شوری / ۱۷).

سوره مدّثر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ٢٨﴾

ترجمه:

دوزخ نه می‌میراند و نابود می‌کند (تا انسان از دست آن با مرگ همیشگی راحت شود) و نه رها می‌سازد (تا انسان از دست آن بگریزد و نجات پیدا کند).

توضیحات:

«لاتُبْقي»: باقی نمی‌گذارد. نابود می‌گرداند. معنی بالا با مفهوم: «لا یَمُوتُ فِیهَا وَ لا یَحْیي» (طه / ۷۴، أعلی / ۱۳) هماهنگی دارد. (نگا: روح‌البیان). ولی اغلب تفسیرها آیه فوق را چنین معنی فرموده‌اند: دوزخ چیزی را باقی و برجای نمی‌گذارد و چیزی را رها نمی‌کند و وا نمی‌گذارد.

سوره مدّثر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ ٢٩﴾

ترجمه:

پوست تن را به کلّی سیاه و دگرگون می‌سازد.

توضیحات:

«لَوَّاحَةٌ»: بسیار سیاه کننده. بسیار تغییر دهنده و دگرگون کننده. «الْبَشَرِ»: اسم جنس جمعی بَشَرَة است، پوست بدن. برخی (بَشَر) را به معنی انسان دانسته‌اند؛ در

این صورت، معنی آیه چنین است: دوزخ انسان را می‌سوزاند و سیاه می‌گرداند و قیافه او را دگرگون می‌سازد (نگا: روح‌البیان).

سوره مدّثر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ٣٠﴾

ترجمه:

نوزده (فرشته) بر آن گمارده شده‌اند.

توضیحات:

«تِسْعَةَ عَشَرَ»: نوزده فرشته. نمی‌دانیم تعداد فرشتگان عذاب تنها نوزده نفرند، یا نوزده سالار و سردارند، و یا نوزده لشکرند. به هر حال، ما را با بحث در این باره چه کار؟

سوره مدّثر آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۙ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡبَشَرِ ٣١﴾

ترجمه:

مأموران دوزخ را جز از میان فرشتگان برنگزیده‌ایم، و شماره آنان را نیز جز آزمایش کافران نساخته‌ایم. هدف این است که اهل کتاب یقین و اطمینان حاصل کنند (که آنچه قرآن درباره خازنان دوزخ می‌گوید، از طرف خدا است) و بر ایمان مؤمنان نیز بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (درباره حقّانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و کسانی که در دل‌شان بیماری (نفاق) است، و کافران بگویند: خدا مثلاً از بیان این (چنین عددی) چه می‌خواسته است؟ این‌گونه خداوند هرکس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هرکس را بخواهد هدایت می‌بخشد. لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز اندرزی برای مردم نیست.

توضیحات:

«فِتْنَةً»: امتحان. آزمایش. «لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ...»: یقین حاصل کردن اهل کتاب بدان خاطر است که شماره نوزده، در کتاب‌های خودشان نیز همین است. «مَرَضٌ»: مراد بیماری نفاق، یا شک است. «مَثَلاً»: حال است. «مَاذَا... مَثَلاً»: (نگا: بقره / ۲۶). «هِيَ»: مرجع آن سقر، و یا جنود، و یا این که آیات قرآن است.

سوره مدّثر آیه ۳۲

متن آیه:

﴿كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ٣٢﴾

ترجمه:

این چنین نیست که ایشان می‌پندارند! سوگند به ماه!

توضیحات:

«وَالْقَمَرِ»: سوگند خداوند به آفریده‌های خود از جمله ماه، به خاطر جلب توجّه بدان‌ها از نظر خِلقت است.

سوره مدّثر آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ٣٣﴾

ترجمه:

و سوگند به شب بدان گاه که پشت کند (و دامن برچیند و روی به رفتن آرد!).

توضیحات:

«أَدْبَرَ»: پشت کرد و رفت. دامن برچید و روی به رفتن آورد.

سوره مدّثر آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ ٣٤﴾

ترجمه:

و سوگند به صبح، چون (نقاب از چهره برگیرد، و پرده برافکند، و) روشن گردد!

توضیحات:

«أَسْفَرَ»: روشن گردید. این فعل در اصل به معنی از چهره نقاب برگرفتن و کشف حجاب کردن است، و این تعبیر درباره طلوع صبح و سپیده بامدادان، از راه تشبیه است.

سوره مدّثر آیه ۳۵

متن آیه:

﴿إِنَّهَا لَإِحْدَى ٱلْكُبَرِ ﴿٣٥﴾﴾

ترجمه:

دوزخ (یکی از مسائل مهمّ و حوادث عظیم، اصلاً) بلائی از بلاهای بزرگ است.

توضیحات:

«إِنَّهَا»: ضمیر (ها) به سقر برمی‌گردد. برخی هم آن را به (جُنُود) و یا مجموعه حوادث قیامت برمی‌گردانند. هر کدام که باشد، عظمت آن روشن است. «الْكُبَرِ »: جمع کبْری، بلای بزرگ. حادثه مهمّ.

سوره مدّثر آیه ۳۶

متن آیه:

﴿نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾﴾

ترجمه:

وسیله بیم دادن انسان‌ها است.

توضیحات:

«نَذِیراً»: بیم‌دهنده. در این صورت حال است. بیم دادن و ترساندن. در این صورت به معنی انذار و مصدر است و تمییز بشمار است.

سوره مدّثر آیه ۳۷

متن آیه:

﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾﴾

ترجمه:

برای کسانی از شما که می‌خواهند (به سوی خیرات و طاعات) پیش بروند، و یا کسانی که می‌خواهند (از خیرات و طاعات) عقب بکشند.

توضیحات:

«أَن يَتَقَدَّمَ»: قدم پیش نهد به‌سوی خیرات و طاعات. «يَتَأَخَّرَ»: عقب بکشد از خیرات و طاعات، یا از بدی‌ها و زشتی‌ها. معنی دیگر آیه: برای کسانی که از شما می‌خواهند به‌سوی خیرات و طاعات پیش بروند، و از بدی‌ها و زشتی‌ها کنار بکشند.

سوره مدّثر آیه ۳۸

متن آیه:

﴿كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ٣٨﴾

ترجمه:

هرکسی در برابر کارهائی که کرده است (در دوزخ زندانی می‌گردد و) گروگان می‌شود.

توضیحات:

«رَهِينَةٌ»: گروگان. در اینجا مراد گروگان آتش و محبوس و مأخوذ در آن است (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره مدّثر آیه ۳۹

متن آیه:

﴿إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ٣٩﴾

ترجمه:

مگر یاران سمت راستی (که مؤمنانند و خویشتن را با انجام نیکی‌ها در جهان از عذاب یزدان رهانیده‌اند).

توضیحات:

«أَصْحَابَ الْيَمِينِ»: (نگا: واقعه / ۲۷ و ۳۸ و ۹۰ و ۹۱).

سوره مدّثر آیه ۴۰

متن آیه:

﴿فِي جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ ٤٠﴾

ترجمه:

آنان در باغ‌های بهشت بسر می‌برند، و (از دوزخیان) می‌پرسند.

توضیحات:

«یَتَسَآءَلُونَ»: می‌پرسند. مورد پرسش، دو آیه بعدی است. انتخاب باب تفاعل، برای تکثیر است. برخی گفته‌اند: از یکدیگر درباره گناهکاران می‌پرسند.

سوره مدّثر آیه ۴۱

متن آیه:

﴿عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِینَ ﴿٤١﴾﴾

ترجمه:

از بزهکاران و گناهکاران (می‌پرسند).

توضیحات:

«عَنِ الْـمُجْرِمِینَ»: از بزهکاران. درباره گناهکاران.

سوره مدّثر آیه ۴۲

متن آیه:

﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِی سَقَرَ ﴿٤٢﴾﴾

ترجمه:

چه چیزهائی شما را به دوزخ کشانده است و بدان انداخته است؟

توضیحات:

«سَلَکَکُمْ»: داخل گردانده است شما را (نگا: حاقّه / ۳۲، جنّ / ۱۷).

سوره مدّثر آیه ۴۳

متن آیه:

﴿قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّینَ ﴿٤٣﴾﴾

ترجمه:

می‌گویند: (در جهان) از زمره نمازگزاران نبوده‌ایم.

توضیحات:

«الْـمُصَلِّینَ»: نمازگزاران.

سوره مدّثر آیه ۴۴

متن آیه:

﴿وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِینَ ﴿٤٤﴾﴾

ترجمه:

و به مستمند خوراک نمی‌داده‌ایم.

توضیحات:

«لَـمْ نَكُ...»: مراد از غذا دادن به بینوایان، برآورده کردن هرگونه نیازمندیهای مستمندان است، اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و غیره.

سوره مدّثر آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ٤٥﴾

ترجمه:

و ما پیوسته با باطلگرایان (هم‌نشین و هم‌صدا می‌شده‌ایم و به باطل و یاوه و عیبجوئی) فرو می‌رفته‌ایم.

توضیحات:

«نَخُوضُ»: به هرگونه باطلی فرو می‌رفتیم و در استهزاء و سخریه حق و حقیقت شرکت می‌کردیم (نگا: نساء / ۱۴۰، انعام / ۶۸، توبه / ۶۵ و ۶۹).

سوره مدّثر آیه ۴۶

متن آیه:

﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤٦﴾

ترجمه:

و روز سزا و جزای (قیامت) را دروغ می‌دانسته‌ایم.

توضیحات:

«يَوْمِ الدِّينِ»: (نگا: فاتحه / ۴).

سوره مدّثر آیه ۴۷

متن آیه:

﴿حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ٤٧﴾

ترجمه:

تا مرگ به سراغمان آمد.

توضیحات:

«الیَقِینُ»: مراد مرگ است (نگا: حجر / ۹۹).

سوره مدّثر آیه ۴۸

متن آیه:

﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ٤٨﴾

ترجمه:

دیگر شفاعت و میانجیگری شفاعت‌کنندگان و میانجیگران (اعم از فرشتگان و پیغمبران و صالحان) بدی‌شان سودی نمی‌بخشد.

توضیحات:

«فَمَا تَنفَعُهُمْ...»: (نگا: انعام / ۵۱ و ۷۰، شعراء / ۱۰۰، غافر / ۱۸).

سوره مدّثر آیه ۴۹

متن آیه:

﴿فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ مُعۡرِضِينَ ٤٩﴾

ترجمه:

چرا باید ایشان، از قرآن رویگردان شوند؟

توضیحات:

«التَّذْکِرَةِ»: پند و اندرز. یادآوری: در اینجا مراد قرآن است (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره مدّثر آیه ۵۰

متن آیه:

﴿كَأَنَّهُمۡ حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ ٥٠﴾

ترجمه:

انگار آنان گورخران رمنده‌ای هستند.

توضیحات:

«حُمُرٌ»: جمع حِمار، گورخر. «مُسْتَنفِرَةٌ»: گریز پا. رمنده. چموش. ذکر آن از باب استفعال برای مبالغه در رمندگی و چموشی است.

سوره مدّثر آیه ۵۱

متن آیه:

﴿فَرَّتۡ مِن قَسۡوَرَةِۭ ۝٥١﴾

ترجمه:

گورخرانی که از شیر گریخته و رمیده باشند.

توضیحات:

«قَسْوَرَةٍ»: شیر.

سوره مدّثر آیه ۵۲

متن آیه:

﴿بَلۡ يُرِيدُ كُلُّ ٱمۡرِيٍٕ مِّنۡهُمۡ أَن يُؤۡتَىٰ صُحُفٗا مُّنَشَّرَةٗ ۝٥٢﴾

ترجمه:

اصلاً هر یک از ایشان می‌خواهد که (از سوی خدا، جداگانه) نامه سرگشاده‌ای (که همه بتوانند آن را ببینند و بخوانند) بدو داده شود. (نامه‌ای که ابلاغ پیغمبری یکایک آنان باشد، یا دالّ بر صدق نبوّت پیغمبر اسلام باشد).

توضیحات:

«بَلْ يُرِيدُ كُلُّ...»: (نگا: انعام / ۱۲۴، اسراء / ۹۳).

سوره مدّثر آیه ۵۳

متن آیه:

﴿كَلَّاۖ بَل لَّا يَخَافُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ۝٥٣﴾

ترجمه:

نه چنین است (که ایشان می‌گویند و می‌خواهند)! اصلاً آنان از آخرت بیباک هستند.

توضیحات:

«كلاّ»: نه چنان است!

سوره مدّثر آیه ۵۴

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذۡكِرَةٞ ۝٥٤﴾

ترجمه:

نه چنین است (که ایشان درباره قرآن می‌اندیشند)! قرآن سراپا پند و اندرز و یاد و یادآوری است.

توضیحات:

«إِنَّهُ»: ضمیر (هُ) به قرآن برمی‌گردد. «تَذْكِرَةٌ»: پند و اندرز. یاد و یادآوری.

سوره مدّثر آیه ۵۵

متن آیه:

﴿فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ۝٥٥﴾

ترجمه:

هرکس بخواهد، آن را یاد می‌کند (و می‌خواند و بدانچه در آن است عمل می‌کند).

توضیحات:

«ذَكَرَهُ»: یادش می‌کند. می‌خواندش. بدان عمل می‌کند.

سوره مدّثر آیه ۵۶

متن آیه:

﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهْلُ ٱلتَّقْوَىٰ وَأَهْلُ ٱلْمَغْفِرَةِ ۝٥٦﴾

ترجمه:

امّا (در عین حال پند گرفتن از آن، جز به مشیت و توفیق الهی نیست) آنان اندرز نمی‌گیرند مگر این که خدا بخواهد. سزد که از (خشم) خدا دوری جست، و او را سزد که آمرزگاری کند (و بر دیگران ببخشاید).

توضیحات:

«مَا يَذْكُرُونَ»: پند و اندرز نمی‌گیرند. یادآور نمی‌شوند. «أَهْلُ»: سزاوار. شایسته. «أَهْلُ الْـمَغْفِرَةِ»: سزاوار آمرزگاری و گذشت است، و غفار او است و بس.

سوره قیامة

سوره قیامۀ آیه ۱

متن آیه:

﴿لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ١﴾

ترجمه:

به روز قیامت سوگند!

توضیحات:

«لاَ أُقْسِمُ»: (نگا: واقعه / ۷۵، حاقّه / ۳۸، معارج / ۴۰).

سوره قیامۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ٢﴾

ترجمه:

و به نفس سرزنشگر سوگند! (که پس از مرگ زنده می‌گردید و رستاخیز حق است).

توضیحات:

«النَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»: نفس ملامتگر. در قرآن مجید از سه نفْس نام برده شده است: الف – نفس امّاره، که پیوسته انسان را به بدی‌ها و زشتی‌ها فرا می‌خواند، و پلشتی‌ها را برای او می‌آراید (نگا: یوسف / ۵۳) ب – نفس لوّامه، که از آن به عنوان وجدان اخلاقی نیز یاد می‌کنند، نفس بیدار و آگاهی است که هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته است و گاه‌گاهی لغزش پیدا می‌کند و به دامان گناه می‌افتد، امّا هرچه زودتر به خود می‌آید و به مسیر سعادت باز می‌گردد و به ملامت و سرزنش آدمی می‌پردازد و او را توبه می‌دهد. ج – نفس مطمئنّه، نفس تکامل یافته‌ای است که نفس امّاره را رام خود کرده است و به مقام تقوای کامل و احساس مسؤولیت رسیده است و به آسانی لغزش برای او امکان پذیر نیست (نگا: فجر / ۲۷). به هر حال نفس لوّامه، بعد از وقوع کار نیک یا بد، بلافاصله دادگاهی در درون انسان تشکیل می‌دهد و به عنوان قاضی و شاهد مُجری

حکم، به حساب و کتاب او می‌رسد (نگا: نمونه). یادآوری: جواب قسم محذوف است و از سیاق آیات بعد، مطالب روشن می‌شود. یعنی: سوگند به روز قیامت، و به نفس لوّامه که همه شما در قیامت برانگیخته می‌شوید و به سزای اعمالتان می‌رسید.

سوره قیامهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ٣﴾

ترجمه:

آیا انسان می‌پندارد که ما استخوان‌های (پوسیده و پراکنده) او را گرد نخواهیم آورد!

توضیحات:

«الإِنسَانُ»: مراد انسان کافر است.

سوره قیامهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ٤﴾

ترجمه:

آری! (آنها را گرد می‌آوریم) ما حتّی می‌توانیم سر انگشتان او را (که یکی از دقائق اندام بدن است) کاملاً همسان خودش بیافرینیم (و به حال اوّل بازگردانیم).

توضیحات:

«قَادِرِينَ»: حال فاعل فعل محذوفی است. «بَلي نَجْمَعُهَا قَادِرِينَ». «نُسَوِّيَ»: سر و سامان و نظم و نظام دهیم. همسان وضع نخست و حال اوّل گردانیم. «بَنَانَ»: سر انگشتان (نگا: انفال / ۱۲).

سوره قیامهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿بَلۡ يُرِيدُ ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ ٥﴾

ترجمه:

(انسان در قدرت خداوند بر گردآوردن استخوانها و زنده کردن مردگان تردیدی ندارد) بلکه هدف انسان (از انکار) این است که می‌خواهد در مدّت زمانی که در پیش دارد (تا زنده است) گناه کند.

توضیحات:

«لِیَفْجُرَ»: تا گناه کند. علل گرایش به مادیگری و انکار مبدأ و معاد، غیر مقید بودن به چیزی، یعنی کسب آزادی برای انجام گناهان، و گریز از مسؤولیت‌ها، و اقناع کاذب وجدان است. و گرنه کسی برای نفی مبدأ و معاد، ادلّه و براهینی در دست ندارد، و از درون به ما دیگری خود قانع و راضی نمی‌باشد. «أُمَامَهُ»: آینده‌ای را که در پیش دارد. یعنی مادام که زنده است.

سوره قیامۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلۡقِيَٰمَةِ ٦﴾

ترجمه:

می‌پرسند: روز قیامت کی خواهد بود؟!

توضیحات:

«اَیَّانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ»: روز قیامت کی خواهد بود؟! استفهام انکاری است. پرسش ایشان برای بعید بودن قیامت، و عدم وجود آن است. یعنی: قیامت هرگز نخواهد بود.

سوره قیامۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿فَإِذَا بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ ٧﴾

ترجمه:

(پاسخ ایشان این است:) هنگامی که چشم‌ها (از شدّت هول و هراس) سراسیمه و آشفته می‌شود.

توضیحات:

«بَرِقَ»: حیران و سراسیمه شد. آشفته و پریشان گردید (نگا: ابراهیم / ۴۲، انبیاء / ۹۷).

سوره قیامۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ٨﴾

ترجمه:

و ماه بی‌نور و روشنائی می‌گردد.

توضیحات:

«خَسَفَ»: خسوف کرد. روشنائی را از دست داد.

سوره قیامهٔ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَجُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ٩﴾

ترجمه:

و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد.

توضیحات:

«جُمِعَ»: جمع‌آوری گردید. مراد درهم پیچیدن و گردآوری کردن است (نگا: تکویر / ۱).

سوره قیامهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ ١٠﴾

ترجمه:

انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟ (گریز میسّر نیست).

توضیحات:

«الْمَفَرُّ»: گریزگاه. گریز. این واژه می‌تواند اسم مکان یا مصدر میمی‌باشد. «أَیْنَ الْمَفَرُّ»: گریزگاه کجا است؟! گریز کجا میسّر است؟!

سوره قیامهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿كَلَّا لَا وَزَرَ ١١﴾

ترجمه:

خیر! (اصلاً گریزگاهی در میان نیست، و گریز ممکن نیست و) هیچ‌گونه پناهگاهی وجود ندارد.

توضیحات:

«وَزَرَ»: پناهگاه.

سوره قیامهٔ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ ١٢﴾

ترجمه:

در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است.

توضیحات:

«الْمُسْتَقَرُّ»: قرارگاه. استقرار یافتن و جایگزین شدن. معنی دیگر آیه: در آن روز قرارگاه همگان در پیش پروردگار انسان است، و استقرار مردمان به‌سوی خداوند بندگان است. او است که فرمان می‌دهد و جا و مکان تعیین می‌کند. «رَبِّكَ»: مرجع ضمیر (ک) پیغمبر اسلام است و برخی آن را به انسان برمی‌گردانند.

سوره قیامهٔ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿يُنَبَّؤُاْ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۢ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ١٣﴾

ترجمه:

در آن روز انسان را آگاه می‌سازند از چیزهائی که پیشاپیش فرستاده است و از چیزهائی که برجای گذاشته است.

توضیحات:

«يُنَبَّأُ»: باخبر گردانده می‌شود. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «مَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ»: چیزهائی که پیشاپیش فرستاده است و برجای گذاشته است. همه کارهائی که کرده است و نکرده است.

سوره قیامهٔ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ١٤﴾

ترجمه:

اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است (و وجودش شاهد و دلیل بر خویشتن

است).

توضیحات:

«عَلي نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»: از وضع خود آگاه است و بهتر از هرکس دیگری می‌داند که چه کارهائی کرده است. خود انسان حجّت و گواه بر خودش است. چرا که اعضاء او گواهی بر اعمال او می‌دهند (نگا: فصّلت / ۲۰، یس / ۶۵). «بَصِيرَةٌ»: بینا و آگاه. حجّت و دلیل و برهان. حرف (ة) برای مبالغه است.

سوره قیامهٔ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ۝١٥﴾

ترجمه:

در حالی که (به زبان) عذرهائی برای (دفاع از) خود می‌آورد.

توضیحات:

«وَ لَوْ أَلْقي...»: حرف واو، حالیه است (نگا: اعراب القرآن درویش، روح‌المعانی). «مَعَاذِير»: جمع مَعْذِرَت، عذرها. ذکر بی‌گناهی‌ها (نگا: اعراف / ۱۶۴، روم / ۵۷، غافر / ۵۲).

سوره قیامهٔ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ۝١٦﴾

ترجمه:

(به هنگام وحی قرآن) شتابگرانه زبان به خواندن آن مَجُنبان (و آیات را عجولانه و آزمندانه تکرار مگردان).

توضیحات:

«لا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ»: با عجله عجله زبان خود را برای خواندن آن به حرکت در نیاور. ضمیر (ه) به قرآن برمی‌گردد (نگا: طه / ۱۱۴). از این آیه تا پایان آیه ۱۹ معترضه است.

سوره قیامهٔ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ۝١٧﴾

ترجمه:

چرا که گردآوردن قرآن (در سینه تو) و (توانائی بخشیدن به زبان تو، برای) خواندن آن، کار ما است. (پس از ناحیه حفظ قرآن در میان دل و جان خود، و روان خواندن و درست تلاوت کردن آن با زبان خویش، نگران مباش).

توضیحات:

«جَمْعَهُ»: گردآوردن قرآن. مراد گردآوردن قرآن در سینه پیغمبر. «قُرْءَانَهُ»: قرائت آن. خداوند وعده می‌فرمایند که تمام آیات را در سینه پیغمبر جمع و حفظ نماید، و سپس قرائت آن را بر زبانش جاری فرماید. به عبارت دیگر، همان‌گونه که حفظ قرآن در همه دوران در میان مردمان بر عهده خدا است، نگهداری آن در سینه پیغمبر و جاری کردن آن بر زبان آن حضرت نیز بر عهده خدا است (نگا: حجر / ۹). واژه (قرآن) مصدر است و به معنی قرائت است.

سوره قیامۀ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ١٨﴾

ترجمه:

پس هرگاه ما قرآن را (توسّط جبرئیل بر تو) خواندیم، تو خواندن آن را (آرام و آهسته) پیگیری و پیروی کن. (وظیفه تو پیروی از تلاوت پیک وحی، و ابلاغ رسالت آسمانی است و بس).

توضیحات:

«إِتَّبِعْ»: دنبال کن. مراد ساکت و خاموش و آرام و آهسته گوش فرا دادن به پیام وحی، و پس از آن تکرار و تمرین آن است.

سوره قیامۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ ١٩﴾

ترجمه:

گذشته از این‌ها، (در صورتی که بعد از نزول آیات قرآن مشکلی پیدا کردی) بیان و توضیح آن بر ما است.

توضیحات:

«بَیَانَهُ»: توضیح درباره قرآن. رفع اشکال احکام و معانی و تفصیل مجمل آن (نگا: روح‌المعانی).

سوره قیامة آیه ۲۰

متن آیه:

﴿كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ٢٠﴾

ترجمه:

نه چنین است (که شما درباره معاد می‌پندارید)! اصلاً شما دنیای گذرا را دوست می‌دارید.

توضیحات:

«الْعَاجِلَةَ»: دنیای زودگذر (نگا: اسراء / ۱۸).

سوره قیامة آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ٢١﴾

ترجمه:

و آخرت را رها می‌سازید.

توضیحات:

«تَذَرُونَ»: ترک می‌کنید. رها می‌سازید.

سوره قیامة آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢﴾

ترجمه:

در آن روز چهره‌هائی شاداب و شادانند.

توضیحات:

«وُجُوهٌ»: جمع وجه، چهره، مراد چهره‌های مؤمنان است. «نَاضِرَةٌ»: شاداب. شادان.

سوره قیامة آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ٢٣﴾

ترجمه:

به پروردگار خود می‌نگرند.

توضیحات:

«نَاظِرَةٌ»: نگرنده. معنی دیگر آیه: چشم به الطاف پروردگار خود دوخته‌اند. با توجّه به معنی اوّل، باید گفت که نیروی دید در جهان دیگر همچون نیروی دید در این جهان نمی‌باشد. مثلاً بهشتیان دوزخیان را در قعر آتش سوزان مشاهده می‌کنند و با ایشان به سخن می‌پردازند (نگا: صافّات / ۵۵). به هر حال نحوه مشاهده آنجا همچون همه چیزهای دیگر آخرت، با نحوه مشاهده اینجا فرق دارد. احادیث پیغمبر نشان می‌دهد که نگاه کردن آخرت بدون کیفیت و چگونگی و حدود و جهات و مسافات و صفات است (نگا: المنتخب، نمونه).

سوره قیامۀ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ٢٤﴾

ترجمه:

و در آن روز، چهره‌هائی در هم کشیده و عَبوسند.

توضیحات:

«وُجُوهٌ»: مراد چهره‌های کافران و منافقان و بزهکاران است. «بَاسِرَةٌ»: درهم کشیده. عَبوس. ترش و درهم (نگا: مدّثّر / ۲۲).

سوره قیامۀ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ٢٥﴾

ترجمه:

چرا که آنان می‌دانند که به بلا و عذاب کمرشکنی گرفتار می‌آیند.

توضیحات:

«فَاقِرَةٌ»: عذاب و بلائی که ستون فقرات را در هم می‌شکند.

سوره قیامهٔ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ ٢٦﴾

ترجمه:

چنین نیست که گمان می‌برند. هنگامی که جان به گلوگاه برسد.

توضیحات:

«بَلَغَتْ»: رسید. فاعل آن (الرُّوحُ) محذوف است که از قرینه پیدا است. «التَّرَاقِيَ»: جمع ترقوّه، به معنی استخوان‌هائی است که گرداگرد گلو را گرفته‌اند. رسیدن جان به گلوگاه، کنایه از آخرین لحظات عمر است.

سوره قیامهٔ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَقِيلَ مَنۡۜ رَاقٖ ٢٧﴾

ترجمه:

(از طرف حاضران و اطرافیان سراسیمه و دستپاچه او، عاجزانه و مأیوسانه) گفته می‌شود: آیا کسی هست که (برای نجات او) افسون و تعویذی بنویسد؟!

توضیحات:

«رَاقٍ»: تعویذ نویس. افسونگر. «مَنْ رَاقٍ»: مراد این است هنگام نومیدی گفته می‌شود: چه کسی می‌تواند او را شفاء دهد و دردش را دوا کند؟!

سوره قیامهٔ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلۡفِرَاقُ ٢٨﴾

ترجمه:

و (محتضر) یقین پیدا می‌کند که زمان فراق فرا رسیده است.

توضیحات:

«أَنَّهُ»: آنچه بدو رسیده است. «الْفِرَاقُ»: مفارقت از جهان و یاران. بدرود کردن.

سوره قیامهٔ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَٱلۡتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ ٢٩﴾

ترجمه:

ساق پائی به ساق پائی می‌پیچد و پاها جفت یکدیگر می‌گردد.

توضیحات:

«إِلْتَفَّتْ»: درهم پیچید. جفت یکدیگر شد و در کنار هم قرار گرفت. به هنگام جان دادن، و یا در داخل کفن.

سوره قیامۀ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمَسَاقُ ٣٠﴾

ترجمه:

در آن روز، سوق (همگان) به‌سوی پروردگارت خواهد بود.

توضیحات:

«الْـمَسَاقُ»: سوق دادن و راندن. مرجع و مسیر.

سوره قیامۀ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ٣١﴾

ترجمه:

(انسانِ منکر معاد) هرگز نه زکاتی داده است و نه نمازی خوانده است.

توضیحات:

«لا صَدَّقَ»: زکات نداده است. تصدیق حق و حقیقت، از جمله قرآن و پیغمبر نکرده است.

سوره قیامۀ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ٣٢﴾

ترجمه:

بلکه راه تکذیب (حق و حقیقت) را در پیش گرفته است و (به فرمان خدا) پشت کرده است.

توضیحات:

«كَذَّبَ وَ تَوَلّي»: (نگا: طه / ۴۸).

سوره قیامۀ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ ٣٣﴾

ترجمه:

گذشته از این، مغرورانه و متکبّرانه (از کفر و عناد خود) نزد خانواده و کسانش برگشته است.

توضیحات:

«يَتَمَطّي»: می‌نازد و بزرگی می‌فروشد. تفرعُن و تکبّر می‌کند.

سوره قیامۀ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰ ٣٤﴾

ترجمه:

مرگ بر تو! مرگ!

توضیحات:

«أَوْلَيَا»: سزاوارتر. درخورتر. مراد سزاوارتر به مرگ و نابودی است. بعضی گفته‌اند: فعل ماضی است؛ یعنی خدا مرگ تو را نزدیک گرداند و نابودت کند!

سوره قیامۀ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰٓ ٣٥﴾

ترجمه:

باز هم، مرگ بر تو! مرگ!

توضیحات:

«أَوْلَيَا»: تکرار برای تأکید است.

سوره قیامۀ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَن يُتۡرَكَ سُدًى ٣٦﴾

ترجمه:

آیا انسان (منکر معاد) می‌پندارد که او بیهوده به حال خود رها شود (و قوانین و مقرّرات الهی، و حساب و کتاب و سزا و جزای دنیوی و اخروی نداشته باشد؟!).

توضیحات:

«سُديً»: بیهوده. رها. یعنی انسان با وجود داشتن عقل، همچون حیوان بی‌صاحب، به حال خود واگذاشته شود، و تکالیف و وظائف و همچنین سزا و جزائی نداشته باشد. حال است.

سوره قیامۀ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَكُ نُطۡفَةٗ مِّن مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ ٣٧﴾

ترجمه:

آیا او نطفه ناچیزی از منی نیست که (به رحم مادر) پرت و ریخته می‌گردد؟

توضیحات:

«يُمْني»: پرت می‌شود و ریخته می‌گردد. «مِن مَّنِيٍّ يُمْني»: (نگا: نجم / ۴۶، واقعه / ۳۷).

سوره قیامۀ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ كَانَ عَلَقَةٗ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ٣٨﴾

ترجمه:

سپس به صورت خون لخته و دَلَمه‌ای درآمده است، و خداوند او را آفرینش تازه‌ای بخشیده است، و بعد اندام او را نظم و نظام و سر و سامان داده است؟

توضیحات:

«عَلَقَةً»: خون لخته و دَلَمه (نگا: حجّ / ۵، مؤمنون / ۱۴، غافر / ۶۷). «سَوّي»: اندام او را هماهنگ کرد و سر و سامان داد (نگا: بقره / ۲۹، کهف / ۳۷، حجر / ۲۹).

سوره قیامۀ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَجَعَلَ مِنۡهُ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ٣٩﴾

ترجمه:

و از این (انسان) دو صنف نر و ماده را ساخته و پرداخته است.

توضیحات:

«مِنْهُ»: از انسان. «الزَّوْجَيْنِ»: دو صِنف. دو نوع (نگا: هود / ۴۰، رعد / ۳، نجم / ۴۵). «الذَّكَرَ وَ الأُنثي»: بدل است.

سوره قیامۀ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿أَلَيۡسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰ ٤٠﴾

ترجمه:

آیا چنین خدائی نمی‌تواند مردگان را زنده گرداند؟!

توضیحات:

«أَلَيْسَ ذلِكَ...»: (نگا: یس / ۸۱).

سوره إنسان

سوره إنسان آیه ۱

متن آیه:

﴿هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن شَيۡـٔٗا مَّذۡكُورًا ١﴾

ترجمه:

آیا (جز این است که) مدّت زمانی بر انسان (در شکم مادر، به گونه نطفه و جنین) گذشته است و او چیز قابل ذکر و شایسته توجّه نبوده است؟!

توضیحات:

«هَلْ أَتي...»: = قَدْ أَتی. استفهام تقریری است و مراد تحقّق و تذکر است، یعنی بلی که چنین زمانی بوده است. «مَذْكُوراً»: قابل ذکر. دارای نام و نشان.

سوره إنسان آیه ۲

متن آیه:

﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ٢﴾

ترجمه:

ما انسان را از نطفه آمیخته (از اسپرماتوزوئید و اوول) آفریده‌ایم، و چون او را (با وظائف و تکالیفی، بعدها) می‌آزمائیم، وی را شنوا و بینا، (به عبارت دیگر عاقل و دانا) کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَمْشَاجٍ»: جمع مَشَج یا مَشیج، آمیخته. آمیزه. مراد ترکیبی از موادّ و عناصر مختلف، یا آمیزه‌ای از اسپرماتوزوئید و اوول است. صفت (نُطْفَةٍ) است، چرا که مراد از نطفه، مجموع اسپرماتوزوئید و اوول، یا اجزاء مختلفه است و موصوف به منزله جمع گرفته شده است (نگا: روح‌المعانی). «نَبْتَلِيهِ»: او را با وظائف و تکالیف و عبادات می‌آزمائیم. «فَجَعَلْنَاهُ»: حرف (فَ) سببیه است، و اصل جمله بدین شکل است: «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً لِنَبْتَلِيَهُ» (نگا: تفسیرالقرآنی للقرآن).

سوره إنسان آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا ٣﴾

ترجمه:

ما راه را بدو نموده‌ایم، چه او سپاسگزار باشد یا بسیار ناسپاس.

توضیحات:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ»: خدا راه را به انسان‌ها نشان داده است. خرد را بدو بخشیده است، و کتاب هستی را در مقابل دیدگانش باز کرده است، و پیغمبرانی برای او روانه نموده است، و بالاخره راه خوب و راه بد را بدو نشان داده است (نگا: بلد / ۱۰). این، انسان است که به اختیار و انتخاب خود راه سعادت یا راه شقاوت می‌پوید و بهشت یا دوزخ را می‌جوید (نگا: فصّلت / ۱۷). «شَاكِراً»: حال ضمیر (ه) است. برخی هم احتمال می‌دهند که خبر (يَكُونُ) محذوفی بوده و تقدیر چنین است: «إِمَّا يَكُونُ شَاكِراً وَإِمَّا يَكُونُ كَفُوراً».

سوره إنسان آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَاْ وَأَغۡلَٰلٗا وَسَعِيرًا ٤﴾

ترجمه:

ما برای کافران زنجیرها و غلّها و آتش فروزان دوزخ را آماده کرده‌ایم.

توضیحات:

«سَلاسِلَ»: جمع سِلْسِلَة، زنجیرها. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر دارد. «أَغْلالاً»: (نگا: اعراف / ۱۵۷، رعد / ۵، غافر / ۷۱).

سوره إنسان آیه ۵

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥﴾

ترجمه:

نیکان، جام‌های شرابی را سر می‌کشند و می‌نوشند که آمیخته به کافور است.

توضیحات:

«کَأْسٍ»: جام پر از شراب. «مِزَاجُ»: آمیزه. آمیخته. چیزی که در جام است که خود شراب است. «کَافُوراً»: گیاه خوشبوئی است که عرب‌ها آن را به داخل شراب می‌ریختند تا معطّر گردد (نگا: فی‌ظلال القرآن). ولی در اینجا اسم آبی است در بهشت. تشبیه آن به کافور از لحاظ سفیدی و خوشبوئی است. «کَانَ مِزَاجُهَا کَافُوراً»: آمیخته به کافور است. محتوای آن از آبی به نام کافور است. شراب آن، خوشبو و سفید همچو کافور است.

سوره إنسان آیه ۶

متن آیه:

﴿عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦﴾

ترجمه:

(این جامها پر می‌شود از) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و هرجا که بخواهند با خود روان می‌کنند و می‌برند.

توضیحات:

«عَیْناً»: چشمه‌ای. بدل از (کافُوراً) یا مفعول به فعل محذوف (أَعْني) یا (أَخُصُّ) است. «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً»: به گونه شگفتی از آن مصرف می‌کنند و می‌نوشند. جاری و روان می‌کنند. بر می‌جوشانند و به فوران در می‌آورند.

سوره إنسان آیه ۷

متن آیه:

﴿يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ٧﴾

ترجمه:

(بندگانی که در جهان اعمال و اوصافی این چنین، در پیش می‌گرفتند:) به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی می‌هراسیدند که شر و بلای آن گسترده و فراگیر است.

توضیحات:

«النَّذْرِ»: مراد دو چیز است: نخست، چیزی که انسان برای خوشنودی خدا بر خود واجب می‌کند، دیگر چیزی که خدا بر انسان واجب گردانده است (نگا: تفهیم‌القرآن). «مُسْتَطِیراً»: پران و گسترده. فراگیر و پراکنده.

سوره إنسان آیه ۸

متن آیه:

﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ٨﴾

ترجمه:

و خوراک می‌دادند به بینوا و یتیم و اسیر، به خاطر دوست داشت خدا.

توضیحات:

«عَلي حُبِّهِ»: به خاطر دوست داشت خدا و عشق به الله، با وجود دوست داشت خوراک و نیاز خود بدان. ضمیر (ه) به خدا بر می‌گردد که از سیاق کلام پیدا است (نگا: کهف / ۲۸، روم / ۳۹). و یا به طعام برمی‌گردد (نگا: آل‌عمران / ۹۲).

سوره إنسان آیه ۹

متن آیه:

﴿إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩﴾

ترجمه:

(به زبان حال، بدی‌شان می‌گویند:) ما شما را تنها به خاطر ذات خدا خوراک می‌دهیم، و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی‌خواهیم.

توضیحات:

«إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ...»: این آیه از زبان حال نیکان و نیکوکاران است؛ نه این که محسنان چنین سخنی را هربار به مستمندان گفته باشند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن). «لِوَجْهِ اللهِ»: به خاطر ذات پاک یزدان. برای رضای خدا. مراد از وجه، ذات است (نگا: بقره / ۱۱۵ و ۲۷۲، رعد / ۲۲، روم / ۳۸ و ۳۹).

سوره إنسان آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ١٠﴾

ترجمه:

ما (از عذاب) پروردگارمان می‌ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشرو و سخت اخموئی (که قیامت نام دارد).

توضیحات:

«یَوْماً»: مفعولٌبه است (نگا: اعراب القرآن درویش، روح‌البیان) و (مِن رَبِّنَا) حال متقدّم آن است، یا (مِن رَبِّنَا) مفعولٌبه است و (یَوْماً) بدل از محلّ آن است (نگا: روح‌البیان). «عَبُوساً»: بس ترشرو و چهره در هم کشیده. «قَمْطَرِیراً»: سخت اخمو. بسیار سخت و شدید.

سوره إنسان آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمِ وَلَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ وَسُرُورٗا ١١﴾

ترجمه:

به همین خاطر، خداوند آنان را از شرّ و بلای آن روز محفوظ می‌دارد، و ایشان را به خرّمی و شادمانی می‌رساند.

توضیحات:

«شَرَّ»: بلایا و شدائد قیامت. مفعولٌبه دوم است. «لَقَاهُمْ»: ایشان را می‌رساند به. بدی‌شان می‌رساند و می‌بخشد. «نَضْرَةً»: سرسبزی و خرّمی. شادی و شادمانی (نگا: مطفّفین / ۲۴).

سوره إنسان آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢﴾

ترجمه:

و در برابر صبری که نموده‌اند، خداوند بهشت و جامه ابریشمین را پاداش‌شان می‌کند.

توضیحات:

«حَرِیراً»: ابریشم که جامه بهشتیان است (نگا: حجّ / ۲۳، فاطر / ۳۳).

سوره إنسان آیه ۱۳

متن آیه:

﴿مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ١٣﴾

ترجمه:

در بهشت بر تخت‌های زیبا و مجلّل تکیه می‌کنند، و نه (گرمای) آفتابی و نه سوز سرمائی در آنجا می‌یابند.

توضیحات:

«مُتَّكِئِينَ»: تکیه‌زنندگان. حال ضمیر (هم) در آیه پیشین است. «الأَرَائِكِ»: جمع أَريكة، تخت‌های زیبا و مبلمان مجلّل. (نگا: کهف / ۳۱، یس / ۵۶). «زَمْهَرِيراً»: سوز سرما. شدّت سرما.

سوره إنسان آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ١٤﴾

ترجمه:

سایه‌های (درختان) بهشتی بر آنان فرو می‌افتد، و میوه‌های آنجا سهل‌الوصول و در دسترس است.

توضیحات:

«دَانِيَةً»: نزدیک. فرو افتاده. «قُطُوفُ»: جمع قِطْف، میوه رسیده (نگا: حاقّه / ۲۲ و ۲۳).

سوره إنسان آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا ١٥﴾

ترجمه:

جامه‌های سیمین شراب و قدح‌های بلورینِ می میان‌شان به گردش در می‌آید.

توضیحات:

«أَكْوَابٍ»: جمع کوب، قَدَح (نگا: زخرف / ۷۱، واقعه / ۱۸). «قَوَارِيرَ»: جمع قَارُورَة، ظرف بلورین و شیشه‌ای. در رسم‌الخطّ قرآنی الف زائدی در آخر وجود دارد.

سوره إنسان آیه ۱۶

متن آیه:

﴿قَوَارِيرَا مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ١٦﴾

ترجمه:

قدح‌های بلورینی که از نقره‌اند. (خدمتکاران بهشتی) آنها را درست به اندازه لازم پیموده‌اند.

توضیحات:

«قَوَارِيرَ مِن فِضَّةٍ...»: ظرف‌های بلورینی که سیمین هستند! در جهان ما چنین ظرفی مطلقاً وجود ندارد. یا این که مراد شفّافیت بی‌حدّ ظروف است. «قَدَّرُوهَا»: خدمتکاران بهشتی آنها را به اندازه لازم و برابر ذوق و طبع و خواست بهشتیان تهیه دیده‌اند و پیموده‌اند (نگا: فرقان / ۲).

سوره إنسان آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ۝١٧﴾

ترجمه:

در آنجا از جام‌های شرابی بدی‌شان می‌دهند که آمیزه آن زنجبیل است.

توضیحات:

«مِزَاجُهَا»: (نگا: انسان / ۵). «زَنجَبِيلاً»: اسم گیاهی است که در مناطق گرمسیر می‌روید. عرب‌ها زنجبیل را به خاطر نشاط‌آور و محرک و خوشبو بودن در شراب می‌ریختند.

سوره إنسان آیه ۱۸

متن آیه:

﴿عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ۝١٨﴾

ترجمه:

(این جام‌ها پر می‌شوند از) چشمه‌ای که در بهشت است و سلسبیل نامیده می‌شود.

توضیحات:

«عَيْناً»: (نگا: انسان / ۶). «سَلْسَبِيلاً»: در لغت، به معنی آب روان و خوشگوار است. در اینجا اسم خاصّ است.

سوره إنسان آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا ١٩﴾

ترجمه:

همواره نوجوانان جاودانه‌ای میان‌شان می‌گردند (و به خدمت‌شان می‌پردازند) که هرگاه ایشان را بنگری چنین می‌انگاری که مروارید غلتانند.

توضیحات:

«وِلْدانٌ مُّخَلَّدُونَ»: (نگا: واقعه / ۱۷). «مَنثُوراً»: پراکنده. «لؤْلُؤاً مَّنثُوراً»: مروارید پراکنده. مروارید غلتان. اشاره به زیبائی و درخشندگی و جذّابیت غلامان خدمتگزار است.

سوره إنسان آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ٢٠﴾

ترجمه:

هنگامی که بنگری، در آنجا نعمت فراوانی و سرزمین فراخی و پادشاهی بزرگی را خواهی دید.

توضیحات:

«ثَمَّ»: آنجا. مراد بهشت است. «مُلْكاً كَبِيراً»: سرزمین بزرگ و وسیع. مملکت فراخ. پادشاهی و سلطنت عظیم (نگا: تفسیر کبیر).

سوره إنسان آیه ۲۱

متن آیه:

﴿عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا طَهُورًا ٢١﴾

ترجمه:

بر تن ایشان، لباسهای ابریشم نازک سبز و دیبای ضخیم است، و با دستبندها و النگوهای سیمین، زیب و زینت شده‌اند، و پروردگارشان بدی‌شان شراب پاک می‌نوشاند.

توضیحات:

«عَالِيَهُمْ»: بر اندام ایشان است. به تن ایشان است. واژه عالی، حال ضمیر (هم) در (عَلَيْهِم)، یا مفعول‌فیه است، هرچند که در قالب اسم فاعل است. مثل: (خارج، داخل،

باطن، ظاهر). می‌توان گفت: جَلَسْتُ خَارِجَ الدَّارِ. «سُندُسٍ... إِسْتَبْرَقٌ»: (نگا: کهف / ۳۱، دخان / ۵۳). «حُلُّوا»: آراسته گشته‌اند. زینت شده‌اند. فعل ماضی مجهول از مصدر تحلیه است. «أَسَاوِرَ»: (نگا: کهف / ۳۱، حجّ / ۲۳، فاطر / ۳۳). «طَهُوراً»: بسیار پاک و پاکیزه (نگا: فرقان / ۴۸). این شراب عالی‌ترین نوع شراب بوده و غیر از شراب مذکور در آیات پنجم و هفدهم است.

سوره إنسان آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ٢٢﴾

ترجمه:

این (نعمتهای فراوان) پاداش (کارهای پسندیده دنیوی) شما است، و (بدین وسیله) از تلاش و کوشش شما قدردانی و سپاس‌گزاری می‌شود.

توضیحات:

«مَشْكُوراً»: مورد تشکر (نگا: اسراء / ۱۹).

سوره إنسان آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ تَنزِيلٗا ٢٣﴾

ترجمه:

ما خودمان قرآن را به تدریج بر تو نازل کرده‌ایم.

توضیحات:

«نَزَّلْنَا... تَنزِيلاً»: (نگا: اسراء / ۱۰۶، فرقان / ۲۵). ذکر مفعول مطلق، اشاره به نزول تدریجی قرآن است، و تأکیدی بر نزول قرآن از سوی یزدان جهان.

سوره إنسان آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ٢٤﴾

ترجمه:

حال که چنین است در طریق تبلیغ و اجرای احکام پروردگارت شکیبا باش، و از هیچ کدام از گناه‌کاران و بی‌دینان‌شان فرمانبرداری مکن.

توضیحات:

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»: (نگا: قلم / ۴۸). «ءَاثِم»: گناهکار. «كَفُوراً»: بسیار بی‌دین. غرق در کفر. بسیار ناسپاس (نگا: تفهیم القرآن). «لا تُطِعْ مِنْهُمْ...»: یعنی از تهدیدشان نترس، و تحت تأثیر کردار و گفتارشان قرار نگیر، و فرمان خدا را بدون کم و کاست و ملاحظه این و آن برسان.

سوره إنسان آیه ۲۵

متن آیه:

﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٢٥﴾

ترجمه:

بامدادان و شامگاهان نام پروردگارت را ورد زبان ساز.

توضیحات:

«بُكْرَةً»: بامدادان. اشاره‌ای به ادای نماز صبح در سپیده‌دمان نیز دارد. «أَصِيلاً»: شامگاهان. به فاصله میان ظهر و غروب آفتاب نیز اطلاق می‌شود، و لذا اشاره‌ای هم به ادای نمازهای ظهر و عصر دارد.

سوره إنسان آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ٢٦﴾

ترجمه:

و شبانگاهان برای خدا سجده و کرنش ببر، و در شب خیلی او را تسبیح و تقدیس کن.

توضیحات:

«مِنَ الَّيْلِ»: حرف (مِنْ) تبعیضیه است. «فَاسْجُدْ لَهُ»: علاوه از عبادت شبانه، اشاره‌ای هم به ادای نماز مغرب و عشاء دارد. «سَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً»: علاوه از ذکر و تسبیح شبانه، اشاره‌ای هم به نماز تهجّد دارد که از اهمّیت خاصّی برخوردار است. واژه (طَوِيلاً) به ظاهر صفت (الَّيْلِ) است. ولی ذکر این قید برای این نیست که در شب‌های کوتاه نماز تهجّد اداء نگردد، بلکه مراد این است که شب هر اندازه هم باشد دراز است و باید برای تقویت اراده و تهذیب نفس و افزایش ایمان، از آن استفاده کرد.

یا این که (طَویلاً) صفت مصدر محذوف (تَسْبیحاً) است. یعنی خیلی خدا را در شب تسبیح و تقدیس کن (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن). به هر حال این مقدار در (مزّمّل / ۱ - ۴) مشخّص شده است. به هر حال آیات ۲۵ و ۲۶ در حقیقت بیان‌گر لزوم توجّه شبانه‌روزی و مستمرّ به ذات اقدس پروردگار و ذکر او به زبان حال و قال است.

سوره إنسان آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا ثَقِيلٗا ٢٧﴾

ترجمه:

این (کافران و مشرکان) زندگی زودگذر دنیا را دوست می‌دارند، و روز سخت و دشوار آخرت را پسِ پشت خود می‌افکنند.

توضیحات:

«یَذَرُونَ»: رها می‌سازند. ترک می‌گویند. «وَرَآءَهُمْ»: پشت سر خود. مقابل و جلو خود (نگا: المصحف المیسّر). «ثَقِیلاً»: سخت و پر دردسر. دشوار و ناگوار. مراد قیامت است.

سوره إنسان آیه ۲۸

متن آیه:

﴿نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ٢٨﴾

ترجمه:

ما ایشان را آفریده‌ایم و بندها و پیوندهای اندامشان را سفت بهم بسته و استوار داشته‌ایم، و هر وقت بخواهیم (ایشان را نابود می‌کنیم و) انسان‌های دیگری را جایگزین آنان می‌سازیم.

توضیحات:

«أَسْرَ»: مفصل. بند. پیوند. ساختمان بدن. ترکیب بند تن. یا مراد رباط و اعصاب است که ریسمان و طناب بدن و وسیله ارتباط اندام‌ها بشمارند. «بَدَّلْنَآ أَمْثَالَهُمْ تَبْدِیلاً»: (نگا: توبه / ۳۹، محمّد / ۳۸، واقعه / ۶۱).

سوره إنسان آیه ۲۹

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٢٩﴾

ترجمه:

این (آیه‌ها) اندرز و یادآوری (برای جهانیان) است، و هرکس که بخواهد (می‌تواند با استفاده از آن) راهی به‌سوی پروردگارش برگزیند، (راهی که او را به آمرزش و بهشت خدا می‌رساند).

توضیحات:

«هٰذِهِ»: این آیات پیشین. «تَذْكِرَةٌ»: (نگا: طه / ۳، واقعه / ۷۳، حاقّه / ۱۲ و ۴۸).
«إِتَّخَذَ إِلي رَبِّهِ سَبِيلاً»: (نگا: نساء / ۱۳۷، فرقان / ۵۷، مزّمّل / ۱۹).

سوره إنسان آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ٣٠﴾

ترجمه:

شما نمی‌توانید بخواهید، مگر این که خدا بخواهد. بی‌گمان خداوند بس آگاه و کاربجا است.

توضیحات:

«مَا تَشَآءُونَ إِلّآ أَن يَشَآءَ اللهُ»: مراد این است که از خواستنتان چیزی ساخته نیست، تا وقتی که خدا نخواسته باشد. یعنی اراده کردن و خواستن وظیفه انسان است و در برابرش سزا و جزا می‌بینند، و توفیق دادن و نتیجه بخشیدن در دست خدا است، و خدا قادر مطلق است. خلاصه، مشیت بندگان در گرو مشیت خدا است، یا به عبارت دیگر: حرکت کار بندگان، و برکت کار یزدان است. مثلاً به هنگام گرسنگی، نان خوردن کار انسان و سیر کردن کار خدا است. در وقت بیماری، دوا خوردن کار آفریدگان و شفا دادن کار خدای سبحان است.

سوره إنسان آیه ۳۱

متن آیه:

﴿يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ٣١﴾

ترجمه:

خداوند هرکس را بخواهد (مشمول رحمت خود می‌سازد و) به بهشت خویش داخل می‌گرداند، ولی برای ستمکاران عذاب دردناکی را فراهم ساخته است.

توضیحات:

«الظَّالِمِينَ»: مفعولٌبه فعل محذوفی است که فعل ملفوظ مابعدش، آن را بیان می‌دارد. «رَحْمَتِهِ»: رحمت او. مراد بهشت خدا است.

سوره مرسلات

سوره مرسلات آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ١﴾

ترجمه:

سوگند به آیه‌هائی که (توسّط جبرئیل، پیاپی بر محمّد) فرو فرستاده می‌شود! برای پخش خوبی‌ها و نیکی‌ها.

توضیحات:

«الْمُرْسَلاتِ»: فرو فرستاده شده‌ها. درباره پنج واژه مُرْسَلات، عَاصِفَات، نَاشِرَات، فَارِقَات، و مُلْقِیات، در پنج آیه اوّل این سوره، نظریه‌های گوناگونی اظهار شده است، از جمله: برخی آنها را فرشتگان، و برخی بادها، و بعضی آیات قرآن می‌دانند. این سه نظریه از سایر نظرات، طرفداران بیشتری دارد. ما رأی سوم را برگزیدیم که در تفسیر کبیر و المنتخب بدان اشاره شده است. «عُرْفاً»: به معنی معروف، کار نیک. خیر و خوبی. مفعولٌ‌له است یا منصوب به نزع خافض. پیاپی. در این صورت حال ضمیر مستتر در (مرسلات) یا مفعول مطلق است و در اصل چنین است: «وَالْمُرْسَلاتِ إِرْسَالاً ، أَيْ مُتَتَابِعَةً».

سوره مرسلات آیه ۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ٢﴾

ترجمه:

و سوگند به آیه‌هائی که (سائر ادیان را) سخت در هم نوردیده و منسوخ می‌کنند!

توضیحات:

«الْعَاصِفَاتِ»: جمع عاصِفَة، درهم پیچنده و نابود کننده (نگا: تفسیر کبیر). تندباد.

«عَصْفاً»: نابود کردن. تند وزیدن. سرعت گرفتن. مفعول مطلق است.

سوره مرسلات آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به آیه‌هائی که (حکمت و هدایت را در دل جهانیان) به گونه گسترده‌ای پخش می‌کنند!

توضیحات:

«النَّاشِرَاتِ»: پخش‌کنندگان. «نَشْراً»: پخش کردن. مفعول مطلق‌است.

سوره مرسلات آیه ۴

متن آیه:

﴿فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ٤﴾

ترجمه:

و سوگند به آیه‌هائی که (حق و باطل را) کاملاً از هم جدا می‌سازند!

توضیحات:

«الْفَارِقَاتِ»: جداسازندگان.

سوره مرسلات آیه ۵

متن آیه:

﴿فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا ٥﴾

ترجمه:

و سوگند به آیه‌هائی که یاد (خدا) و پند و اندرز (آسمانی) را (به مردم) می‌رسانند!

توضیحات:

«الـْمُلْقِيَاتِ»: رسانندگان پیام آسمانی به مردم. «ذِكْراً»: یاد. پند و اندرز. مفعولٌ‌به است.

سوره مرسلات آیه ۶

متن آیه:

﴿عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ٦﴾

ترجمه:

برای (اتمام حجّت با بندگان و رفع) عذر، و بیم دادن (ایشان از عذاب).

توضیحات:

«عُذْراً»: آیات قرآنی پند و اندرز آسمانی و بیدارباش الهی را به مردم می‌رسانند تا خدا با ایشان اتمام حجّت کرده باشد، و فردای قیامت عذری نداشته باشند. «نُذْراً»: برای بیم دادن مردم از عذاب و عقاب الهی. «عُذْراً أَوْ نُذْراً»: مفعولٌ‌له هستند.

سوره مرسلات آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٌ ۝٧﴾

ترجمه:

قطعاً چیزی که از آن بیم داده می‌شوید (و قیامت نام دارد) به وقوع می‌پیوندد.

توضیحات:

«مَا تُوعَدُونَ»: آنچه بدان مژده داده می‌شوید و بیم می‌گردید. مراد قیامت و آخرت است.

سوره مرسلات آیه ۸

متن آیه:

﴿فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ۝٨﴾

ترجمه:

هنگامی که ستارگان محو و تاریک می‌گردند.

توضیحات:

«طُمِسَتْ»: نابود شدند. بی‌نور گشتند (نگا: نساء / ۴۷، یس / ۶۶، قمر / ۳۷).

سوره مرسلات آیه ۹

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ ۝٩﴾

ترجمه:

و هنگامی که آسمان شکافته می‌گردد.

توضیحات:

«فُرِجَتْ»: شکافته گردید (نگا: انشقاق / ۱).

سوره مرسلات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾﴾

ترجمه:

و هنگامی که کوه‌ها برکنده و پراکنده می‌گردند.

توضیحات:

«نُسِفَتْ»: از جا کنده شد و پخش گردید. برکنده و پراکنده گردید (نگا: طه / ۹۷ و ۱۰۵).

سوره مرسلات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتْ ﴿١١﴾﴾

ترجمه:

و هنگامی که برای پیغمبران تعیین وقت می‌گردد (تا برای ادای شهادت بر ملّت خود، حاضر شوند).

توضیحات:

«الرُّسُلُ»: پیغمبران. «أُقِّتَتْ»: تعیین وقت گردید. یعنی برای ادای گواهی بر ملّت خود جمع می‌گردند (نگا: مائده / ۱۰۹، زمر / ۶۹). اصل این واژه (وقت) است و از مصدر (توقیت).

سوره مرسلات آیه ۱۲

متن آیه:

﴿لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

(این کارها) برای چه روزی پس انداخته و در نظر گرفته شده‌اند؟

توضیحات:

«أُجِّلَتْ»: به تأخیر افکنده شده است. تعیین گشته است. از مصدر تأجیل به معنی

به تأخیر انداختن. تعیین مدّت کردن. عقب انداختن و زمان دادن (نگا: انعام / ۱۲۸، آل‌عمران / ۱۴۵). معنی دیگر آیه: برای چه روزی تعیین وقت شده است؟ این شیوه، برای تهدید کردن و بیم دادن است.

سوره مرسلات آیه ۱۳

متن آیه:

﴿لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ١٣﴾

ترجمه:

برای روز قضاوت (در میان مردم) و جدائی انداختن (میان حق و باطل، و صفوف مؤمنان از صفوف کافران، و نیکوکاران از بدکاران، و بالاخره بهشتیان از دوزخیان).

توضیحات:

«الْفَصْلِ»: قضاوت و داوری. جدائی انداختن. همه سوگندهای پیشین برای بیان واقعیت روزی است که تلاش‌ها و کوشش‌ها، سزا و جزا داده می‌شود، و میان همگان داوری می‌گردد و حق و باطل آشکارا جلوه‌گر می‌آید.

سوره مرسلات آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ١٤﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی روز داوری و جدائی چیست؟

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷). مراد بیان عظمت روز قیامت است.

سوره مرسلات آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٥﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

«وَيْلٌ»: هلاک و نابودی. وای! واویلا! این آیه جواب شرط (إِذا) در آیات ۸ و ۹ و ۱۰

و ۱۱ است (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره مرسلات آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦﴾

ترجمه:

آیا ما پیشینیان (تکذیب‌کننده) را نابود نساخته‌ایم؟

توضیحات:

«الأَوَّلِينَ»: پیشینیان. همچون قوم نوح و عاد و ثمود.

سوره مرسلات آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ ١٧﴾

ترجمه:

سپس پسینیان را به دنبال‌شان روانه نکرده‌ایم؟

توضیحات:

«الآخِرِينَ»: پسینیان. متأخّرین. همچون قوم لوط و شعیب و موسی.

سوره مرسلات آیه ۱۸

متن آیه:

﴿كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٨﴾

ترجمه:

ما با گناهکاران چنین رفتار می‌کنیم.

توضیحات:

«كَذٰلِكَ نَفْعَلُ...»: این آیه، در حقیقت بیان‌گر این واقعیت است که عذابهای الهی دامنگیر آیندگان بزهکار، همسان گذشتگان گناهکار می‌گردد.

سوره مرسلات آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٩﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

«یَوْمَئِذٍ»: مراد روز رستاخیز است و تکرار برای تأکید مطلب است.

سوره مرسلات آیه ۲۰

متن آیه:

﴿أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ ۝٢٠﴾

ترجمه:

آیا ما شما را از آب حقیر و ناچیزی (به نام منی) نیافریده‌ایم؟

توضیحات:

«مَهِينٍ»: خوار و سبک. حقیر و ناچیز. البتّه چنین ناچیزی و حقارتی از دیدگاه ظاهری مردمان است، امّا از نظر علمی، اعجوبه زمان است (نگا: سجده / ۸).

سوره مرسلات آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَجَعَلْنَـٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ ۝٢١﴾

ترجمه:

و آن را در جایگاهی استوار قرار داده‌ایم (که رحم مادر است و آن اندازه مناسب و جالب و عجیب است که هر انسانی را در شگفتی فرو می‌برد).

توضیحات:

«مَكِينٍ»: محکم و استوار (نگا: مؤمنون / ۱۳).

سوره مرسلات آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۝٢٢﴾

ترجمه:

تا مدّت زمانی مشخّص (که دوران ماندگاری جنین در شکم پایان می‌گیرد، و روز ولادت فرا می‌رسد).

توضیحات:

«قَدَرٍ»: مقدار. مدّت زمان معین (نگا: حجر / ۲۱، مؤمنون / ۱۸، شوری / ۲۷، زخرف / ۱۱).

سوره مرسلات آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۳﴾﴾

ترجمه:

ما توانائی (این کار را) داشته‌ایم (که از نطفه ناچیز و حقیری چنان انسان شریف و کاملی بسازیم) و ما بهترین توانا بوده و هستیم.

توضیحات:

«قَدَّرْنَا»: قدرت داشته‌ایم. اندازه‌گیری کرده‌ایم. «قَادِرُونَ»: اندازه‌گیران. توانایان. معنی دیگر آیه: ما اندازه‌گیری کرده‌ایم و بهترین اندازه‌گیر بوده‌ایم (نگا: المصحف‌المیسّر، تفسیر کبیر، روح‌البیان، روح‌المعانی).

سوره مرسلات آیه ۲۴

متن آیه:

﴿وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ ﴿۲۴﴾﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۲۵

متن آیه:

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفَاتًا ﴿۲۵﴾﴾

ترجمه:

آیا ما زمین را گردآورنده (مردمان در حال حیات بر روی خود، و در حال ممات در دل خود) نساخته‌ایم؟

توضیحات:

«کِفَاتاً»: مصدر است و به معنی گردآوری. در اینجا در معنی اسم فاعل به کار برده

شده است و به معنی جمع‌کننده و گردآورنده است. یا این که اسم مکان است و به معنی جایگاه و محلّ گردهمآئی.

سوره مرسلات آیه ۲۶

متن آیه:

﴿أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا ٢٦﴾

ترجمه:

هم در حال حیات و هم در حال ممات؟

توضیحات:

«أَحْيَآءً»: اگر (كِفَاتاً) مصدر، یا جمع (كافِت) و اسم فاعل باشد، مفعولٌبه آنها است. اگر اسم مکان باشد، باز هم مفعولٌبه است، ولی برای فعل محذوف (تَكْفِتُ). یا حال ضمیر محذوف (کُم) است، و اصل آن چنین است: «تَكْفِتُكُمْ أَحْيَآءً وَأَمْوَاتاً».

سوره مرسلات آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ وَأَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا ٢٧﴾

ترجمه:

و در آن کوه‌های استوار و بلند پدید نیاورده‌ایم، و از آب گوارا به شما ننوشانده‌ایم؟

توضیحات:

«شَامِخَاتٍ»: جمع شامخ، بلند و سربه فلک کشیده. «فُرَاتاً»: گوارا. بسیار خوشمزه (نگا: فرقان / ۵۳، فاطر / ۱۲).

سوره مرسلات آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٢٨﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۲۹

متن آیه:

﴿ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

(بدانان گفته می‌شود:) به‌سوی همان چیزی رهسپار شوید که پیوسته دروغش می‌شمردید.

توضیحات:

«إنطَلِقُوا»: رهسپار شوید. روان شوید. «مَا»: مراد دوزخ است.

سوره مرسلات آیه ۳۰

متن آیه:

﴿ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ ٣٠﴾

ترجمه:

بروید به‌سوی سایه سه شاخه (دودهای خفقان بار آتش).

توضیحات:

«ظِلٍّ»: سایه. مراد دود سیاه و پرحرارتی است که از دوزخ برمی‌خیزد. به عنوان ریشخند، سایه نامیده شده است. «شُعَبٍ»: جمع شُعْبَة، شاخه. «ذِي ثَلاثِ شُعَبٍ»: دارای سه شاخه، شاخه‌ای از بالای سر، و شاخه‌ای از طرف راست، و شاخه‌ای از طرف چپ. به این ترتیب، این دود غلیظ مرگبار، آنان را از هر سو احاطه می‌کند و در کام خود فرو می‌برد.

سوره مرسلات آیه ۳۱

متن آیه:

﴿لَّا ظَلِيلٖ وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ ٣١﴾

ترجمه:

نه سایه‌دار خنک و آسایش بخشی است، و نه از سوزندگی شعله‌های آتش جلوگیری می‌کند. (چرا که خود برخاسته از آتش است).

توضیحات:

«ظَلِيلٍ»: سایه‌دار. سایه گستر. مراد سایه‌ای است که آرام بخش و خنک باشد و واقعاً سایه به حساب بیاید.

سوره مرسلات آیه ۳۲

متن آیه:

﴿إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ كَٱلۡقَصۡرِ ٣٢﴾

ترجمه:

آتشی که (چنین دود مرگباری از آن برمی‌خیزد) آتشپاره‌هائی از خود بیرون می‌دهد که انگار کوشک (بزرگ و برافراشته‌ای) هستند.

توضیحات:

«إِنَّهَا»: آن آتش. «شَرَرٍ»: جمع شَرَرَة و شَرارَة، زبانه‌ها آتشپاره‌ها. جرقّه‌ها. «الْقَصْرِ»: کوشک. کاخ.

سوره مرسلات آیه ۳۳

متن آیه:

﴿كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ ٣٣﴾

ترجمه:

آتشپاره‌هائی که انگار (از لحاظ رنگ و حرکت و سرعت) شتران زردی هستند.

توضیحات:

«كَأَنَّهُ»: ضمیر (هُ) به لفظ (شَرَر) برمی‌گردد. «جِمَالَةٌ»: جمع جَمَل، شتران. «صُفْرٌ»: جمع اصفر، زرد رنگ. عرب‌ها این واژه را درباره شترانی به کار می‌برند که رنگ آنها زردِ آمیزه سیاه باشد (نگا: المصحف‌المفسّر).

سوره مرسلات آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٣٤﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۳۵

متن آیه:

﴿هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

امروز، روزی است که (تکذیب‌کنندگان آیات الهی، دم نمی‌زنند و) سخن نمی‌گویند (چرا که خداوند بر دهانشان مهر سکوت می‌نهد).

توضیحات:

«یَوْمُ»: خبر (هذا) است و به جمله (لا یَنطِقُونَ) اضافه شده است. سخن نمی‌گویند. قیامت طولانی است و دارای موضع‌ها و موقعیت‌های گوناگونی است. کافران بعد از دفاع از خود (نگا: نحل / ۱۱۱) و معذرت خواهی‌ها (نگا: احزاب / ۶۷) و سرانجام انکار کفر و بی‌دینی خویش (نگا: انعام / ۲۳) بر دهان‌شان مهر سکوت زده می‌شود (نگا: یس / ۶۵) و خداوند برای گواهی بر اعمال و افعالشان سایر اندام‌ها را به گفتار در می‌آورد (نگا: نور / ۲۴) و دیگر بدی‌شان اجازه سخن گفتن داده نمی‌شود.

سوره مرسلات آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَلَا يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

و بدی‌شان اجازه داده نمی‌شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهی بکنند.

توضیحات:

«لا یُؤْذَنُ لَـهُمْ»: این عدم اجازه، به دنبال ثبوت جرائم است. وقتی است که کار به جائی رسیده است که حق دفاع از ایشان سلب می‌گردد.

سوره مرسلات آیه ۳۷

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٣٧﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۳۸

متن آیه:

﴿هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِۖ جَمَعۡنَٰكُمۡ وَٱلۡأَوَّلِينَ ٣٨﴾

ترجمه:

(بدیشان گفته می‌شود:) امروز، روز داوری (در میان مردم) و جداسازی (مؤمنان از کافران و حق از باطل و بالاخره بهشتیان از دوزخیان) است، شما را با همه پیشینیان گرد آورده‌ایم.

توضیحات:

«الْفَصْلِ»: داوری. جداسازی (نگا: صافّات / ۲۱، دخان / ۴۰، مرسلات / ۱۳ و ۱۴).

«الأَوَّلِينَ»: پیشینیان. مفعول معه است و یا عطف است بر ضمیر (كُمْ).

سوره مرسلات آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَإِن كَانَ لَكُمۡ كَيۡدٞ فَكِيدُونِ ٣٩﴾

ترجمه:

اکنون اگر حیله و چاره‌ای (برای گریز از چنگال عقاب و عذاب من) دارید، نسبت به من انجام دهید (و با هر طرح و نقشه‌ای که می‌توانید خویشتن را از دست من برهانید).

توضیحات:

«كَيْدٌ»: نیرنگ. چاره‌جوئی. حیله نجات و رهائی. «فَكِيدُونِ»: برای رهائی از عقاب و عذاب من چاره‌جوئی کنید. در برابر من حیله نجات به کار برید (نگا: اعراف / ۱۹۵).

سوره مرسلات آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٠﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۴۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ ٤١﴾

ترجمه:

پرهیزگاران در زیر سایه‌ها و در کنار چشمه‌سارانند.

توضیحات:

«ظِلالٍ»: جمع ظِلّ، سایه‌ها. «عُیُونٍ»: جمع عَین، چشمه‌ها.

سوره مرسلات آیه ۴۲

متن آیه:

﴿وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ ٤٢﴾

ترجمه:

و در میان میوه‌هائی که بخواهند و آرزو کنند.

توضیحات:

«فَوَاکِهَ»: جمع فاکهَة، میوه‌ها. «یَشْتَهُونَ»: دو معنی دارد: الف - هرگونه میوه‌ای که می‌خواهند. ب - میوه‌هائی که خوشمزه و مورد پسند است و با اشتهاء کامل می‌خورند.

سوره مرسلات آیه ۴۳

متن آیه:

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٤٣﴾

ترجمه:

در برابر کارهائی که می‌کرده‌اید، خوش بخورید و خوش بنوشید، گوارا باد.

توضیحات:

«هَنِیئاً»: (نگا: نساء / ۴، طور / ۱۹، حاقّه / ۲۴).

سوره مرسلات آیه ۴۴

متن آیه:

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٤٤﴾

ترجمه:

ما این‌گونه به نیکوکاران پاداش می‌دهیم.

توضیحات:

«إِنَّا کَذلِکَ...»: در این آیه و بسیاری از آیه‌های دیگر، روی این مطلب تکیه شده است که نعمت‌های الهی تنها به نیکوکاران داده می‌شود؛ نه به مدّعیان دروغین ایمان.

سوره مرسلات آیه ۴۵

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٥﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۴۶

متن آیه:

﴿كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ ٤٦﴾

ترجمه:

(در این چند روز کوتاه دنیا) کمی بخورید و چندی لذّت ببرید (ولی بدانید که عذاب الهی در انتظار شما است، چرا که) شما گناهکارید.

توضیحات:

«قَلِیلاً»: روزگار اندکی. ظرف است. مراد مدّت کوتاه عمر انسان، یا روزگار اندک جهان در برابر دنیای جاویدان آخرت است.

سوره مرسلات آیه ۴۷

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٧﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۴۸

متن آیه:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ ٤٨﴾

ترجمه:

(چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می‌شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند!

توضیحات:

«إِرْکَعُوا»: رکوع ببرید. مراد از رکوع، خضوع در برابر قوانین و مقرّرات الهی است؛

نه فقط رکوع نماز (نگا: بقره / ۴۳، مائده / ۵۵). خلاصه مراد اطاعت و فرمانبرداری از خدا است (نگا: روح‌المعانی). برخی هم آن را به معنی (نماز بگزارید) دانسته‌اند (نگا: زادالّمسیر).

سوره مرسلات آیه ۴۹

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٩﴾

ترجمه:

در آن روز، وای به حال تکذیب کنندگان!

توضیحات:

سوره مرسلات آیه ۵۰

متن آیه:

﴿فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ٥٠﴾

ترجمه:

(اگر به این قرآن که دلائل صدق و نشانه‌های حقّانیت آن در تمام آیات و تعبیراتش آشکار است، ایمان نیاورند) پس به کدام سخن دیگر - غیر از قرآن - ایمان می‌آورند؟

توضیحات:

«بَعْدَهُ»: جدای از قرآن. غیر از قرآن.

سوره نبأ

سوره نبأ آیه ۱

متن آیه:

﴿عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ١﴾

ترجمه:

(این مردم) درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟

توضیحات:

«عَمَّ»: از چه چیز. این واژه، مخفّف (عَمّـَا) است که در اصل (عَنْ مَا) است. «يَتَسَآءَلُونَ»: از همدیگر می‌پرسند. وقتی که کفّار و مشرکان مکه، با مطالب و مباحث تازه‌ای، از قبیل مبدأ و معاد و وحی و نبوّت و رستاخیز و حساب و کتاب قیامت، و بهشت و دوزخ، روبرو شدند، گاهی از روی شک و تردید، و گاهی از روی شوخی و مسخره، پرسش‌هائی درباره آن مطالب از یکدیگر می‌کردند. در اینجا سؤال ایشان این بود که: واقعاً راست است که قیامت وجود دارد؟

سوره نبأ آیه ۲

متن آیه:

﴿عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ ٢﴾

ترجمه:

از خبر بزرگ (و مهمّ رستاخیز می‌پرسند).

توضیحات:

«النَبَإِ»: خبر مهمّ (نگا: مائده / ۲۷، انعام / ۳۴ و ۶۷، یونس / ۷۱).

سوره نبأ آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ مُخۡتَلِفُونَ ٣﴾

ترجمه:

آن خبری که راجع بدان اختلاف دارند.

توضیحات:

«مُخْتَلِفُونَ»: اختلاف ورزندگان. دسته‌های آن را می‌پذیرند، و گروهی درباره آن گرفتار شک و تردیدند.

سوره نبأ آیه ۴

متن آیه:

﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝٤﴾

ترجمه:

نه چنین است (که می‌پندارند)! به زودی خواهند فهمید.

توضیحات:

«كَلاّ»: نه چنین است! (نگا: مریم / ۷۹ و ۸۲، مؤمنون / ۱۰۰). «سَيَعْلَمُونَ»: خواهند دانست. مراد بعد از مرگ است. چرا که انسان بعد از مرگ متوجّه احوال و اوضاع خود می‌گردد.

سوره نبأ آیه ۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝٥﴾

ترجمه:

باز هم نه چنین است (که می‌پندارند)! به زودی خواهند فهمید.

توضیحات:

«كَلاّ»: تکرار برای تأکید است. «سَيَعْلَمُونَ»: مراد بعد از زنده شدن و سر برآوردن از گورها است (نگا: المصحف‌المیسّر).

سوره نبأ آیه ۶

متن آیه:

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهَٰدًا ۝٦﴾

ترجمه:

آیا ما زمین را جایگاه آماده‌ای (برای زندگی شما انسان‌ها) نساخته‌ایم؟

توضیحات:

«مِهَاداً»: جایگاه آماده. گاهواره. محلّ آسایش و آرامش (نگا: بقره / ۲۰۶، آل‌عمران / ۱۲ و ۱۹۷، اعراف / ۴۱). مراد این است که زمین به گونه‌ای آفریده شده است که گهواره پرورش و بستر آسایش و جولانگاه کار و کوشش است.

سوره نبأ آیه ۷

متن آیه:

﴿وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا ٧﴾

ترجمه:

و آیا کوه‌ها را میخ‌هائی (برای نگاهداری زمین در برابر فشار موادّ مذاب درونی) ننموده‌ایم؟

توضیحات:

«أَوْتَاداً»: جمع وَتَد، میخ‌ها (نگا: ص / ۱۲، فجر / ۱۰). کوه‌ها کیلومترها در دل زمین فرو رفته‌اند و در آنجا به هم پیوسته‌اند و همچون زرهی پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از موادّ مذاب درونی، و طوفان‌های عظیم دریاها و اقیانوس‌ها، حفظ می‌کنند.

سوره نبأ آیه ۸

متن آیه:

﴿وَخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا ٨﴾

ترجمه:

و شما را به صورت جفتهای (نر و ماده) نیافریده‌ایم؟

توضیحات:

«أَزْوَاجاً»: جمع زَوْج، جفت‌ها (نگا: فاطر / ۱۱، زخرف / ۱۲). حال است.

سوره نبأ آیه ۹

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا ٩﴾

ترجمه:

و خوابتان را مایه آرامش و آسایشتان نکرده‌ایم؟

توضیحات:

«سُبَاتاً»: آرامش و آسایش (نگا: فرقان / ۴۷). بعضی آن را به معنی مرگ گرفته‌اند (نگا: جزء عمّ محمّد عبده، أضواءالبیان). به این اعتبار که خدا هر شب و هر روز، نمونه‌ای آشکار از مردن و زنده شدن را به انسان‌ها نشان می‌دهد. خواب مردمان مرگ آنان، و بیدار شدن ایشان رستاخیزشان است (نگا: زمر / ۴۲).

سوره نبأ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠﴾

ترجمه:

و شب را جامه و پوشش ننموده‌ایم؟ (تا در خلوت شب، دور از دیدگان مردمان آرامش و آسایش کنید، و به تجدید قوا بپردازید).

توضیحات:

«جَعَلْنَا الَّیْلَ لِبَاساً»: (نگا: فرقان / ۴۷). پرده شب، لباس و پوششی است بر اندام زمین. با فرو افتادن پرده ظلمت، نور آفتاب برچیده می‌شود، و فعّالیت‌های خسته‌کننده انسان‌ها و حیوان‌ها تعطیل می‌گردد.

سوره نبأ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا ١١﴾

ترجمه:

و روز را وقت تلاش و کوشش زندگی نکرده‌ایم؟ (تا پس از تجدید قوا در شب، در روز به کار و کسب بپردازید).

توضیحات:

«مَعَاشاً»: وقت زندگی. زمان خیزش و کوشش. حیات و زندگی. اسم زمان یا مصدر میمی عیش است که به زندگی ویژه آدمیان اطلاق می‌شود.

سوره نبأ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا ١٢﴾

ترجمه:

و بالای سر شما هفت آسمان استوار نساخته‌ایم؟ (و بر فراز فرش زمین، خرگاه آسمان را برافراشته نکرده‌ایم)؟.

توضیحات:

«سَبْعاً»: هفت. این عدد برای تکثیر است و اشاره به کرات متعدّد آسمان و مجموعه‌های منظومه‌ها و کهکشان‌های فراوان جهان هستی است که دارای ساختار استوار و بزرگی هستند. و یا بر تحدید دلالت دارد، امّا آنچه ما از ستارگان می‌بینیم همه متعلّق به آسمان اوّل است و ماورای آن، شش آسمان دیگر وجود دارد که از دسترس علم بشر بیرون و فراتر است (نگا: صافّات / ۶، فصّلت / ۱۲).

سوره نبأ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَجَعَلۡنَا سِرَاجٗا وَهَّاجٗا ١٣﴾

ترجمه:

و چراغ درخشان و فروزانی را نیافریده‌ایم؟ (تا در بزمگاه جهان محیط را برایتان روشن و گرم دارد)؟.

توضیحات:

«جَعَلْنَا»: آفریده‌ایم. جعل در اینجا به معنی خلق است (نگا: اعراب القرآن درویش).

« سِرَاجاً»: چراغ. «وَهَّاجاً»: درخشان. فروزان. مراد خورشید است.

سوره نبأ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ مَآءٗ ثَجَّاجٗا ١٤﴾

ترجمه:

و از ابرهای افشارنده، آب فراوان ریزنده فرو نفرستاده‌ایم؟

توضیحات:

«الْـمُعْصِرَاتِ»: جمع مُعْصِر، ابرهائی که زمان باریدن آنها فرا رسیده باشد. گویا ابرها به هنگام تراکم، سیستمی بر آنها حاکم می‌شود که خود را می‌فشارند و در نتیجه باران از آنها می‌بارد (نگا: نمونه). «ثَجَّاجاً»: بسیار ریزنده و بارنده. پیاپی ریزان.

سوره نبأ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿لِّنُخۡرِجَ بِهِۦ حَبّٗا وَنَبَاتٗا ١٥﴾

ترجمه:

تا با آن برویانیم دانه‌ها و گیاهها را.

توضیحات:

«حَبّاً»: دانه‌های خوراکی. مراد خوراک انسان است. «نَبَاتاً»: گیاهان. مراد خوراک حیوان است.

سوره نبأ آیه **۱۶**

متن آیه:

﴿وَجَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا ١٦﴾

ترجمه:

و باغ‌های درهم و انبوه را.

توضیحات:

«أَلْفَافاً»: مفرد آن (لَفّ) یا (لَفیف) است، و بعضی هم معتقدند که مفرد ندارد، به معنی: انبوه، درهم پیچیده، سر در هم کشیده.

سوره نبأ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ كَانَ مِيقَٰتٗا ١٧﴾

ترجمه:

روز داوری (خداوند جهان در بین مردمان) و جدائی (حق از باطل، و حقائق از اوهام، و مؤمنان از کافران)، وقت مقرّر (رستاخیز همگان) است.

توضیحات:

«یوْمَ الْفَصْلِ»: (نگا: صافّات / ۲۱، دخان / ۴۰، مرسلات / ۱۳ و ۱۴ و ۳۸). «مِیقَاتاً»: میعاد. وقت معین و مقرّر برای زنده شدن (نگا: اعراف / ۱۴۲ و ۱۸۷، شعراء / ۳۸، واقعه / ۵۰).

سوره نبأ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَتَأۡتُونَ أَفۡوَاجٗا ١٨﴾

ترجمه:

همان روزی که در صور دمیده می‌شود و شما گروه گروه و دسته دسته (به سوی میدان محشر) می‌آئید.

توضیحات:

«يَوْمَ»: بدل از (يَوْمَ الْفَصْلِ) یا (مِيقَاتاً) است، یا مفعولٌ به برای فعل محذوف (أَعْنِي) است. «الصُّورِ»: بوق. شیپور. آنچه در این آیه آمده است اشاره به دمیدن در صُور برای دومین بار است که نفخه حیات مجدّد و رستاخیز مردگان است. «أَفْوَاجاً»: جمع فَوْج، گروه‌ها و دسته‌ها. قیامت، موضع‌ها و موقعیت‌های گوناگونی دارد. در جائی مردم گروه گروه همراه با پیشوایان خود رهسپار میدان محشر می‌گردند (نگا: اسراء / ۷۱) و در جائی هرکدام همراه با یک نفر مأمور و یک گواه در پای دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند (نگا: مریم / ۹۵، ق / ۲۱).

سوره نبأ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ أَبۡوَٰبٗا ١٩﴾

ترجمه:

و آسمان باز و گشوده می‌گردد و به درها و دروازه‌ها تبدیل می‌شود.

توضیحات:

«فُتِحَتْ»: باز گردید. گشوده شد. ذکر فعل به صورت ماضی برای تحقّق است. مراد از باز شدن آسمان، اشاره به متلاشی شدن کرات آسمانی است که آن اندازه در آنها شکاف‌ها ایجاد می‌گردد که گوئی سرتاسر آن تبدیل به درها و دروازه‌هائی شده است (نگا: انشقاق / ۱، انفطار / ۱). به تعبیر دیگر، در آن روز نظم کائنات بهم می‌خورد و کرات ما به کرات دیگری تغییر شکل می‌دهند (نگا: ابراهیم / ۴۸). شاید اشاره به این هم باشد که در چنین روزی، دروازه‌های عالم بالا باز و وسائل پرواز انسان‌ها آماده و آسان می‌گردد و گذرگاه‌های بهشت و دوزخ نمایان، و درهای بهشت و دوزخ به روی

مردمان باز و گشوده می‌گردد، و درها و دروازه‌هائی جز درها و دروازه‌های این دو مکان برای آدمیزادگان وجود ندارد (نگا: زمر / ۷۱ و ۷۲ و ۷۳، رعد / ۲۳، نحل / ۲۹، ص / ۵۰).

سوره نبأ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَسُيِّرَتِ ٱلۡجِبَالُ فَكَانَتۡ سَرَابًا ٢٠﴾

ترجمه:

و کوه‌ها به حرکت انداخته می‌شوند (و روان می‌گردند و در فضا به شکل غباری در می‌آیند) و یک سراب بزرگی را تشکیل می‌دهند.

توضیحات:

«سَرَاباً»: سراب. آب‌نما که به سبب شکست نور پیدا و جلوه‌گر می‌شود (نگا: نور / ۳۹).

سوره نبأ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادٗا ٢١﴾

ترجمه:

دوزخ کمینگاه بزرگی است (و در انتظار نخجیرهای گریزان از فرمان یزدان، و ورودشان به کام خود است).

توضیحات:

«مِرْصَاداً»: کمینگاه. جایگاهی که در آن فرشتگان مأمورِ عذاب، آمدن دوزخیان را می‌پایند. این واژه می‌تواند اسم مکان باشد که معنی آن گذشت، و می‌تواند صیغه مبالغه یا صفت مشبّهه باشد (نگا: روح‌المعانی). در این صورت معنی چنین است: دوزخ در کمین دوزخیان است. برخی هم به معنی گذرگاه دانسته و گفته‌اند: دوزخ گذرگاه همگان است.

سوره نبأ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لِّلطَّٰغِينَ مَـَٔابٗا ٢٢﴾

ترجمه:

مرجع و مأوای سرکشان است.

توضیحات:

«مَئَاباً»: محلّ بازگشت. مأوی (نگا: آل‌عمران / ۱۴، رعد / ۲۹، ص / ۴۰ و ۴۹ و ۵۵).

سوره نبأ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحۡقَابٗا ٢٣﴾

ترجمه:

روزگاران متوالی بیکران، در آن می‌مانند.

توضیحات:

«لابِثِینَ»: ماندگاران. حال است. «أَحْقَاباً»: جمع حُقُب، و آن هم جمع حِقْبَة است، به معنی مدّت زمان نامحدود (نگا: المصحف‌المیسّر). روزگاران پیاپی و بی‌نهایت (نگا: روح‌القرآن، جزء عمّ محمّد عبده، قاسمی، روح‌البیان). سال‌های سال. مفعولٌ‌فیه است.

سوره نبأ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرۡدٗا وَلَا شَرَابًا ٢٤﴾

ترجمه:

در آنجا نه (هوای) خنکی می‌چشند، و نه نوشیدنی گوارائی می‌نوشند.

توضیحات:

«بَرْداً»: سرد. خنک. مراد باد و هوای خنک است (نگا: روح‌القرآن، المصحف‌المیسّر، المنتخب). «شَرَاباً»: نوشیدنی گوارا مراد است.

سوره نبأ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِلَّا حَمِيمٗا وَغَسَّاقٗا ٢٥﴾

ترجمه:

و لیکن آب جوشان و سوزان، و زردابه و خونابه (زخم دوزخیان) را می‌نوشند.

توضیحات:

«إِلاّ»: لیکن. مگر. استثناء می‌تواند منقطع یا متّصل باشد. «حَمِیماً»: آب بسیار داغ (نگا: انعام / ۷۰، یونس / ۴، حجّ / ۱۹). «غَسَّاقاً»: خونابه. چرک زخم (نگا: ص / ۵۷).

سوره نبأ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿جَزَآءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾﴾

ترجمه:

(این) کیفری است مناسب و موافق (با اعمال آنان. ایشان در دنیا از فرمان خدا سرکشی کردند، دل‌های ستمدیدگان را سوزاندند، جانشان را به آتش کشیدند، و با ظلم و زر و زور خود بر کسی رحم ننمودند، هم اینک سزاوار است که در دوزخ کیفرشان چنان و نوشابه‌هایشان چنین باشد).

توضیحات:

«جَزَآءً»: مجازات. کیفر. مفعول مطلق فعل محذوف (جُوزُوا) است. «وِفَاقاً»: موافق و سازگار. مصدر است و در معنی اسم فاعل.

سوره نبأ آیه ۲۷

متن آیه:

﴿إِنَّهُمْ كَانُواْ لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که ایشان توقّع بازپرسی و حسابرسی نداشتند (و معتقد به رستاخیز و دادگاهی آخرت و سزا و جزای نیکان و بدان نبودند).

توضیحات:

«كَانُوا لا يَرْجُونَ»: امیدوار نبودند و انتظار نمی‌کشیدند. «حِسَاباً»: محاسبه و حسابرسی.

سوره نبأ آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَـٰتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٨﴾﴾

ترجمه:

آنان، آیه‌های ما را به کلّی تکذیب می‌کردند، و کاملاً دروغ می‌انگاشتند.

توضیحات:

«كِذَّاباً»: سخت تکذیب کردن. ستیزه‌جویانه دروغ پنداشتن. مصدر باب تفعیل است، همچون فِسّار (نگا: کشّاف) و قِصّار وخِرّاق (نگا: معانی‌القرآن).

سوره نبأ آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا ٢٩﴾

ترجمه:

ما همه چیزها را کاملاً شمارش نموده‌ایم و با دقّت ثبت و ضبط کرده‌ایم.

توضیحات:

«أَحْصَيْنَاهُ»: آن را شمارش کرده‌ایم. آن را سرشماری نموده‌ایم. «كِتَاباً»: نگاشتن. نوشتن. نوشته. در اینجا مفعول مطلق و در معنی (إحصاء) یعنی سرشماری کردن است. یا این که واژه کتاب به معنی مکتوب است و حال بشمار است. در این صورت معنی آیه چنین می‌گردد: ما همه چیزها را در حالی که ثبت و ضبط شده‌اند، شمارش کرده‌ایم (نگا: کهف / ۴۹، یونس / ۲۱، یس / ۱۲، قمر / ۵۲ و ۵۳).

سوره نبأ آیه ۳۰

متن آیه:

﴿فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا عَذَابًا ٣٠﴾

ترجمه:

پس بچشید! ما هرگز چیزی جز عذاب و درد و رنج، برایتان نمی‌افزائیم.

توضیحات:

«ذُوقُوا»: بچشید. این جمله، جنبه تهدید و تحقیر دارد، و بیان‌گر خشم تکان‌دهنده ذوالجلال است. «فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلاّ عَذَاباً»: این آیه و آیه‌های بسیار دیگری بیان می‌دارند که دوزخیان همیشه بر عذابشان افزوده می‌گردد و شکنجه و دردشان فزونی می‌گیرد، و کمی و کاستی پیدا نمی‌کند (نگا: نحل / ۸۵ و ۸۸، اسراء / ۹۷، هود / ۲۰، فرقان / ۶۹. بقره / ۸۶ و ۱۶۲، آل‌عمران / ۸۸، فاطر / ۳۶).

سوره نبأ آیه ۳۱

متن آیه:

﴿إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣١﴾

ترجمه:

مسلّماً پرهیزگاران، رستگاری (از دوزخ) و دستیابی (به بهشت) بهره ایشان می‌گردد.

توضیحات:

«مَفَازاً»: نجات و رستگاری از دوزخ. دستیابی به بهشت. مصدر میمی، و یا اسم مکان است و به معنی کامگاه.

سوره نبأ آیه ۳۲

متن آیه:

﴿حَدَآئِقَ وَأَعۡنَٰبٗا ٣٢﴾

ترجمه:

باغهای سرسبز، و انواع رزها (بهره ایشان می‌گردد).

توضیحات:

«حَدَآئِقَ»: جمع حَدِيقَة، باغها (نگا: نمل / ۶۰). بدل است «أَعْنَاباً»: جمع عِنَب، انگورها. رزها. ذکر آن به خاطر اهمّیت ویژه‌ای است که دارد.

سوره نبأ آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَكَوَاعِبَ أَتۡرَابٗا ٣٣﴾

ترجمه:

و دختران نوجوان نارپستان همسنّ و سال.

توضیحات:

«کَوَاعِبَ»: جمع کاعِب، دختران نارپستان. دخترانی که تازه پستان‌هایشان برآمده است و از کعب، یعنی پاشنه پا بزرگ‌تر نگشته است (نگا: المصحف‌المیسّر). «أَتْرَاباً»: جمع تِرْب، همسال. همسنّ.

سوره نبأ آیه ۳۴

متن آیه:

﴿وَكَأۡسٗا دِهَاقٗا ٣٤﴾

ترجمه:

و جام پر از شراب.

توضیحات:

«كَأْساً»: جام شراب (نگا: صافّات / ۴۵، طور / ۲۳، واقعه / ۱۸، انسان / ۵ و ۱۷). «دِهَاقاً»: لبریز. مالامال. پر.

سوره نبأ آیه ۳۵

متن آیه:

﴿لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا كِذَّٰبٗا ٣٥﴾

ترجمه:

بهشتیان در آنجا نه سخن پوچ و بیهوده‌ای می‌شنوند، و نه دروغگوئی و دروغگو نامیدنی.

توضیحات:

«لَغْواً»: سخنان پوچ و یاوه (نگا: مؤمنون / ۳، فرقان / ۷۲، قصص / ۵۵). «كِذَّاباً»: دروغ. دروغگو نامیدن و یکدیگر را تکذیب کردن (نگا: روح‌البیان). مصدر باب تفعیل است (نگا: نبأ / ۲۸).

سوره نبأ آیه ۳۶

متن آیه:

﴿جَزَآءٗ مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابٗا ٣٦﴾

ترجمه:

این پاداش پروردگار تو است و عطیه بسنده‌ای (برای برآورد خواست‌ها و آرزوهای بهشتیان است).

توضیحات:

«جَزَآءً»: مفعول مطلق است. «عَطَآءً»: عطیه و تفضّل الهی. بدل از (جَزَآءً) است. «حِسَاباً»: کافی و وافی. بسنده. یعنی نعمت‌ها و عطیه‌های خداوندی آن اندازه به بهشتیان می‌رسد که خواهند گفت: ما را بس! مصدر است و در معنی اسم فاعل، یعنی

مُحاسِب. بدین معنی که بهشتیان را به گفتن: (حَسْبُنَا) می‌کشاند. صفت (عَطَآءً) است.

سوره نبأ آیه ۳۷

متن آیه:

﴿رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلرَّحۡمَٰنِۖ لَا يَمۡلِكُونَ مِنۡهُ خِطَابٗا ٣٧﴾

ترجمه:

پروردگار مهربان آسمان‌ها و زمین و همه چیزهائی که در میان آنها قرار دارد. هیچ کسی توان گفتن و یارای آغاز سخن با او را ندارد.

توضیحات:

«رَبِّ»: بدل از (رَبِّ) آیه پیشین است. «الرَّحْمنِ»: بسیار مهربان. صفت یا بدل (رَبِّ) است. «لا یَمْلِکُونَ»: توان ندارند. نمی‌توانند. مرجع ضمیر فاعلی، اهل آسمان‌ها و زمین و سراسر کائنات است. «مِنْهُ»: بیان (خِطَاباً) و بر آن مقدّم است و جنبه تأکید دارد. در معنی چنین است: لا یَمْلِکُونَ أَن یُخَاطِبُوهُ. «خِطَاباً»: مخاطب قرار دادن. زبان به سخن گشودن. گفتگو کردن.

سوره نبأ آیه ۳۸

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ صَفّٗاۖ لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَقَالَ صَوَابٗا ٣٨﴾

ترجمه:

در آن روزی که جبرئیل و فرشتگان به صف می‌ایستند، و هیچ کدام زبان به سخن نمی‌گشایند، مگر کسی که خداوند مهربان بدو اجازه دهد و او نیز سخن راست و درست بگوید.

توضیحات:

«یَوْمَ»: مفعولٌ‌فیه (لا یَمْلِکُونَ مِنْهُ خِطَاباً) است. «الرُّوحُ»: جبرئیل (نگا: شعراء / ۱۹۳، معارج / ۴، قدر / ۴). «صَفّاً»: صف‌زدگان. حال است و به معنی مُصْطَفّینَ است.

سوره نبأ آیه ۳۹

متن آیه:

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ٣٩﴾

ترجمه:

آن روز واقعیت دارد (و حتمی و قطعی است؛ نه پندار و خیال و داستان و افسانه). پس هرکس که بخواهد می‌تواند به‌سوی پروردگارش برگردد و (راه رضای خدا و خوشبختی را در پیش گیرد).

توضیحات:

«ذلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ»: آن، روز راستینی است. آن روز، واقعیت و حقیقت دارد. (ذلِكَ) مبتدا و (الْيَوْمُ) بدل، و (الْحَقُّ) خبر است. یا این که (الْيَوْمُ) خبر است و (الْحَقُّ) صفت آن است. « مَئَاباً »: محلّ بازگشت. برگشتن. راه. با توجّه به معنی دوم، مفهوم آیه چنین می‌شود: پس هرکس که بخواهد می‌تواند به‌سوی پروردگارش راه در پیش گیرد.

سوره نبأ آیه ۴۰

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنذَرۡنَٰكُمۡ عَذَابًا قَرِيبًا يَوۡمَ يَنظُرُ ٱلۡمَرۡءُ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلۡكَافِرُ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَٰبَۢا ٤٠﴾

ترجمه:

ما شما را از عذاب نزدیکی بیم می‌دهیم (که رخ می‌دهد در) آن روزی که انسان همه کارهائی را که کرده است می‌بیند، و انسان کافر فریاد برمی‌آورد: کاش من خاک می‌بودم!.

توضیحات:

«يَوْمَ»: مفعولٌ‌فیه برای (عَذَاباً) است. «يَنظُرُ»: می‌نگرد. می‌بیند. «مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ»: (نگا: بقره / ۹۵، آل‌عمران / ۱۸۲، نساء / ۶۲). «يَا لَيْتَنِي كُنتُ تُرَاباً»: کاش من خاک می‌بودم! یعنی شخص کافر از مشاهده این همه عذاب و هول و هراس، آرزو می‌کند که کاش از آغاز زاده نمی‌شدم و از مرحله خاک فراتر نمی‌رفتم! یا این که می‌گوید: ای کاش! بعد از آن که زادم و انسان شدم و مُردَم، هرگز پس از مردن و خاک شدن، زنده‌شدنی در میان نمی‌بود، و آن گونه که خودم در دنیا معتقد بودم که رستاخیزی در میان نیست، همچنان می‌بود!.

سوره نازعات

سوره نازعات آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرۡقٗا ١﴾ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقاً

ترجمه:

سوگند به همه چیزهائی که (نیروئی بدان‌ها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) کاملاً برمی‌کنند و بیرون می‌کشند!.

توضیحات:

«النَّازِعَاتِ»: برکنندگان. بیرون کشندگان. برای واژه‌های پنجگانه (نَازِعَات ، نَاشِطَات، سَابِحَات ، سَابِقَات ، مُدَبِّرَات) بیش از شش معنی بیان کرده‌اند (نگا: تفسیر کبیر). از جمله: فرشتگان، ستارگان آسمان، اسبان مجاهدان، ارواح مردگان، غازیان و جهادگران، قلوب مردمان، و گاهی آمیزه‌ای از این‌ها. امّا اغلب مفسّران طرفدار ستارگان و فرشتگانند. بهترین نظریه، سخن تفسیر المنتخب است که گردآورنده چکیده همه نظرات است و ما آن را پسندیده و تقدیم داشته‌ایم. «غَرْقاً»: به گونه اغراق‌آمیز. به تمام و کمال.

سوره نازعات آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشۡطٗا ٢﴾

ترجمه:

و سوگند به همه چیزهائی که (نیروئی بدان‌ها داده شده است که بدان اشیاء را از قرارگاه خود) چابکانه و استادانه بیرون می‌کشند!.

توضیحات:

«النَّاشِطَاتِ»: آنهائی که کارها را آهسته و آرام، ولی استادانه و چابکانه به انجام می‌رسانند.

سوره نازعات آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبۡحٗا ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به همه چیزهائی که (سرعتی بدان‌ها داده شده است که در پرتو آن، وظائف خود را هر چه زودتر) به گونه ساده و آسان انجام می‌دهند!.

توضیحات:

سوره نازعات آیه ۴

متن آیه:

﴿فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبۡقٗا ٤﴾

ترجمه:

و سوگند به همه چیزهائی که (در انجام وظائف محوّله بر دیگران) کاملاً سبقت می‌گیرند!.

توضیحات:

«السَّابِقَاتِ»: پیش‌تازان. سبقت‌گیرندگان.

سوره نازعات آیه ۵

متن آیه:

﴿فَٱلۡمُدَبِّرَٰتِ أَمۡرٗا ٥﴾

ترجمه:

و سوگند به همه چیزهائی که (با ویژگی‌هائی که بدان‌ها داده شده است) به اداره امور می‌پردازند!.

توضیحات:

«الْمُدَبِّرَاتِ»: گردانندگان. اداره‌کنندگان. «أَمْراً»: کار. مراد کارها است. چرا که این واژه اسم جنس و به منزله جمع است (نگا: تفسیر کبیر). جواب قسم محذوف است. یعنی سوگند به همه این آفریده‌های عجیب و غریب جهان، که رستاخیز برپا می‌شود و قیامت می‌آید.

سوره نازعات آیه ۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ۝٦﴾

ترجمه:

(رستاخیز و قیامت برپا گردد) در آن روزی که (نفخه اوّل، در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند).

توضیحات:

«تَرْجُفُ»: می‌لرزد. می‌لرزاند. این فعل به صورت لازم و متعدّی به کار می‌رود. «الرَّاجِفَةُ»: لرزان. لرزاننده. مراد نفخه نخستین صور است که در جهان می‌پیچد و جهان را می‌لرزاند و خراب می‌گرداند. برخی گفته‌اند: مراد زلزله کره زمین و از هم پاشیدن آن است.

سوره نازعات آیه ۷

متن آیه:

﴿تَتۡبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ۝٧﴾

ترجمه:

سپس (نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود، و جهان ابدی آغاز می‌گردد).

توضیحات:

«تَتْبَعُهَا»: به دنبال آن می‌آید و رخ می‌دهد. «الرَّادِفَةُ»: پیرو. به دنبال آینده. مراد نفخه دوم است که بعد از نفخه اوّل قرار دارد و اعلام فرا رسیدن رستاخیز و قیامت است. برخی گفته‌اند: مراد زلزله و تکانی است که آسمان‌ها را به دنبال ویرانی زمین در بر می‌گیرد (نگا: زمر / ۶۸).

سوره نازعات آیه ۸

متن آیه:

﴿قُلُوبٞ يَوۡمَئِذٖ وَاجِفَةٌ ۝٨﴾

ترجمه:

دل‌هائی در آن روز تپان و پریشان می‌گردند.

توضیحات:

«وَاجِفَةٌ»: مضطرب و پریشان. لرزان و نگران. تپنده و آشفته.

سوره نازعات آیه ۹

متن آیه:

﴿أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ ٩﴾

ترجمه:

و چشمان‌شان فرو افتاده و فروخفته می‌گردد.

توضیحات:

«أَبْصَارُهُمْ»: چشمان ایشان. مراد صاحبان چشم‌ها است. «خَاشِعَةً»: ذلیل و خوار. فرو افتاده و فروخفته.

سوره نازعات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرۡدُودُونَ فِي ٱلۡحَافِرَةِ ١٠﴾

ترجمه:

(اینان در دنیا) می‌گفتند: آیا ما دوباره (زنده می‌گردیم و) به زندگی بازگردانده می‌شویم؟!

توضیحات:

«مَرْدُودُونَ»: برگردانده شدگان. «الْحَافِرَةِ»: راه طی شده. حالت نخستین و زندگی پیشین. مراد حیات دوباره و آفرینش دوباره است.

سوره نازعات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا نَّخِرَةٗ ١١﴾

ترجمه:

آیا وقتی که استخوان‌های پوسیده و فرسوده‌ای خواهیم شد (به زندگی بازگردانده می‌شویم)؟.

توضیحات:

«عِظَام»: جمع عَظْم، استخوان‌ها. «نَخِرَةً»: پوسیده. فرسوده.

سوره نازعات آیه ۱۲

متن آیه:

﴿قَالُواْ تِلۡكَ إِذٗا كَرَّةٌ خَاسِرَةٞ ١٢﴾

ترجمه:

(تمسخرکنان) می‌گفتند: این (بازگشت به زندگی دوباره، اگر انجام‌پذیر گردد) در این صورت بازگشت زیانبار و زیان‌بخشی خواهد بود! (و ما هرگز از این زیان‌ها نخواهیم کرد، و چنین کاری ممکن نیست).

توضیحات:

«تِلْكَ»: این رجعت و بازگشت. «إِذاً»: آن گاه. «كَرَّةٌ»: بازگشت. برگشت. «خَاسِرَةٌ»: زیانبار. زیان‌بخش. پرضرر و زیان.

سوره نازعات آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣﴾

ترجمه:

(بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدائی (از صور) برمی‌خیزد و بازگشت انجام می‌پذیرد.

توضیحات:

«هِی»: بازگشت. زندگی. رجعت به حیات دوباره. «زَجْرَةٌ»: صدا و فریاد. مراد صدای صور برای بار دوم است که بر اثر آن همه مردگان زنده می‌گردند.

سوره نازعات آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ١٤﴾

ترجمه:

ناگهان همگان (به پا می‌خیزند و) در دشت پهناور و سفید محشر آماده می‌شوند.

توضیحات:

«السَّاهِرَةِ»: دشت و بیابان سفید و هموار و پهناور. مراد صحرای محشر است.

سوره نازعات آیه ۱۵

متن آیه:

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ١٥﴾

ترجمه:

آیا خبر داستان موسی به تو رسیده است؟

توضیحات:

«حَدِيثُ»: سخن. خبر. داستان. «هَلْ أَتَاكَ...»: مطلب با استفهام شروع شده است تا شوق شنونده بیدار، و آماده شنیدن داستان گردد.

سوره نازعات آیه ۱۶

متن آیه:

﴿إِذۡ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوًى ١٦﴾

ترجمه:

بدان گاه که پروردگارش او را در زمین مقدّس طُوی صدا زد.

توضیحات:

«بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوِيً»: (نگا: طه / ۱۲). «الْوَادِي»: سرزمین. یاء آخر آن در رسم‌الخطّ قرآنی حذف شده است. «طُوِيً»: نام سرزمینی در شام، میان مَدْین و مصر، در پائین کوه طور سینا، نخستین بار، در آنجا به موسی عليه السلام وحی شد. بدل از (الْوادي) است.

سوره نازعات آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ١٧﴾

ترجمه:

(بدو گفت:) برو به‌سوی فرعون که سرکشی و طغیان کرده است.

توضیحات:

«طَغي»،: سرکشی کرده است. در کفر و عصیان و ظلم، از حد گذشته است. از مرز

بندگی فراتر رفته است.

سوره نازعات آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ١٨﴾

ترجمه:

بگو: آیا میل داری (از آنچه در آن هستی)، رها و پاک گردی؟

توضیحات:

«هَل لَّكَ...»: آیا میل داری؟ خبر مبتدای محذوفی چون (مَیلٌ) و (رَغْبَةٌ) است، در اصل چنین است: هَل لَّكَ مَیْلٌ؟ این شیوه، در خواستِ توأم با سازش و نرمش است. « تَزَکی»: پاک گردی. فعل مضارع است و اصل آن (تَتَزَكّي) است.

سوره نازعات آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ١٩﴾

ترجمه:

و تو را به‌سوی پروردگارت رهبری کنم (و او را به تو بشناسانم) تا تو (از او) اندیشناک و بیمناک گردی (و خلاف نکنی)؟

توضیحات:

«فَتَخْشي»: خشیت، ترس و هراسی است که نتیجه احساس به عظمت و قدرت خدا است. چنین احساسی هم با شناخت او، در دل انسان پدیدار می‌شود (نگا: فاطر / ۲۸).

سوره نازعات آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٢٠﴾

ترجمه:

(موسی به پیش فرعون رفت و) معجزه بزرگ (خود، یعنی تبدیل عصا به اژدها) را بدو نشان داد.

توضیحات:

«الآيَةَ الْكُبْري»: معجزه بزرگ. مراد تبدیل عصا به اژدها است. نشان دادن معجزه و

کار عملی، پس از بیان ادلّه و براهین قولی بوده است.

سوره نازعات آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾﴾

ترجمه:

امّا فرعون، موسی را دروغگو نامید و (نبوّت او را نپذیرفت، و از چیزی که از جانب خدا با خود آورده بود) سرپیچی کرد.

توضیحات:

«كَذَّبَ»: موسی را تکذیب کرد و پیغمبریش را دروغ نامید. «عَصي»: از دستورهای آسمانی و رهنمودهای الهی سرپیچی و سرکشی کرد.

سوره نازعات آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

سپس پشت کرد و رفت و (برای مبارزه با موسی) به سعی و تلاش پرداخت.

توضیحات:

«أَدْبَرَ»: پشت کرد و رفت.

سوره نازعات آیه ۲۳

متن آیه:

﴿فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

آن گاه (جادوگران را) گرد آورد و (مردمان را) دعوت کرد.

توضیحات:

«حَشَرَ»: بسیج کرد. گرد آورد. مراد گرد آوردن جادوگران است (نگا: شعراء / ۳۶ و ۵۳). «نَادی»: دعوت کرد. فرا خواند. بانگ برداشت (نگا: زخرف / ۵۱).

سوره نازعات آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٤﴾

ترجمه:

و گفت: من والاترین معبود شما هستم!.

توضیحات:

«أناَ رَبُّكُمْ الأعْلي»: با توجّه به خاصّیت نفسِ آفت‌زده طاغیان که کلمه حق و دعوت به آن، بر طغیان و غرورشان می‌افزاید (نگا: بقره / ۲۰۶، صافّات / ۳۵) و مال و منال و مقام گاهی به ادّعای الوهیت‌شان می‌کشاند (نگا: زخرف / ۵۱) جنون پادشاهی هم فرعون مادیگرا را بر آن داشته است که در اوقات معمولی معبودهائی برای خود برگزیند (نگا: اعراف / ۱۲۷) و در لحظاتی خویشتن را یگانه معبود دیگران بداند (نگا: شعراء / ۲۹، قصص / ۳۸) و زمانی خود را معبود والای والا بنامد. همیشه تاریخ، شاهد خداگونه‌ها بوده و سخن قال یا حال ایشان را شنیده است. مگر از کافران بی‌ادب، جز این باید شنید؟

سوره نازعات آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ ٢٥﴾

ترجمه:

خدا او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد.

توضیحات:

«نَكَالَ»: تعذیب. عذاب و عقوبت. مفعول مطلق است و یا منصوب به نزع خافض است. «الآخِرَةِ وَ الأُولي»: آن جهان و این جهان. چون عذاب آخرت مهم‌تر از عذاب دنیا است، ذکر آن پیشتر آمده است.

سوره نازعات آیه ۲۶

متن آیه:

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ ٢٦﴾

ترجمه:

در این (داستان موسی و فرعون، درس) عبرت بزرگی است برای کسی که (از خدا) بترسد.

توضیحات:

«لِمَن يَخْشي»: عبرت گرفتن از چنین داستان‌هائی تنها برای کسانی میسّر است که خوف و خشیت و احساس مسؤولیت به دل راه داده‌اند.

سوره نازعات آیه ۲۷

متن آیه:

﴿ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ٢٧﴾

ترجمه:

(ای منکرانِ معاد)! آیا آفرینش (مجدّد پس از مرگ) شما سخت‌تر است یا آفرینش آسمان که خدا آن را (با این همه عظمت سرسام‌آور و نظم و نظام شگفت، بالای سرتان همچون کاخی) بنا نهاده است؟

توضیحات:

«خَلْقاً»: آفرینش. ساختار. تمییز است. «أَأَنتُمْ أَشَدُّ...»: این آیه پاسخ گفتار منکران معاد است که می‌گفتند: أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ. اجزاء کرات آسمانی را از عدم آفریده است و آنها را به شکل خورشیدها و ماه‌ها و ستاره‌ها درآورده است، اجزاء متفرّق بدن شما را نیز بازآفرینی می‌کند و بهم می‌پیوندد و در صحنه حیات مجدّد حاضر می‌گرداند و مورد بازخواست‌تان قرار می‌دهد. پس چه جای شگفتی است؟

سوره نازعات آیه ۲۸

متن آیه:

﴿رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ٢٨﴾

ترجمه:

ارتفاع و بلندای آن را بالا برد و گسترشش داد، و آن را آراسته و پیراسته کرد و سر و سامانش بخشید.

توضیحات:

«رَفَعَ»: بالا برد. گسترش داد. «سَمْكَ»: ارتفاع. بلندا. بعضی آن را سقف و آسمانه دانسته‌اند. «سَوّي»: ساخته و پرداخته کرد. یعنی هر یک را فواصل معین و اندازه و خاصّیت ویژه بخشید و در مدارات خود جای داد و یکی را به دیگری مرتّبط ساخت. (نگا: بقره / ۲۹).

سوره نازعات آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ٢٩﴾

ترجمه:

و شب آن را تاریک کرد، و روزِ آن را پدیدار و روشن ساخت.

توضیحات:

«أَغْطَشَ»: تاریک کرد. دیجور ساخت. «أَخْرَجَ»: پدیدار کرد. ظهور بخشید. مراد روشن کردن است. «ضُحي»: اوائل روز. تمام روز (نگا: اعراف / ۹۸، طه / ۵۹، ضحی / ۱، نازعات / ۴۶).

سوره نازعات آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ٣٠﴾

ترجمه:

و پس از آن، زمین را غلتاند و (به شکل بیضی در آورد و) گستراند.

توضیحات:

«دَحَاهَا»: آن را پرت کرد و غلتاند. آن را به شکل بیضی درآورد و گستراند. چون اغلب تفسیرها و فرهنگ‌ها (دحو) را تنها به معنی (گسترانیدن) ذکر کرده‌اند، چند جمله را برای تأکید معنی غلتاندن و قِل دادن از دو تفسیر عیناً ذکر می‌نمائیم: أَصْلُ الدَّحْوِ الإِزالَةُ لِلشَّيْء مِنْ مَكانٍ إِلي مَكانٍ، وَمِنْهُ يُقالُ: إِنَّ الصَّبِيَّ يَدْحُو بِالْكُرَةِ، أَيْ يَقْذِفُهَا عَلي وَجْهِ الأَرْضِ (نگا: تفسیر کبیر). دَحَاهَا: بَسَطَهَا وَ أَوْسَعَهَا لِسُكْني أَهْلِها، أَوْ جَعَلَهَا عَلي شَكْلِ دِحْيَةٍ وَهِيَ الْبَيْضَةُ (نگا: تفسیر و بیان مفردات القرآن). همچنین (نگا: فرهنگهای: محیط‌المحیط، لسان‌العرب. تفسیرهای: المصحف‌المیسّر، پرتوی از قرآن، المنار جلد اوّل صفحه ۲۴۸).

سوره نازعات آیه ۳۱

متن آیه:

﴿أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ٣١﴾

ترجمه:

آب آن را و چراگاه آن را پدیدار کرد.

توضیحات:

«مَرْعي»: چراگاه. «مَآءَها وَ مَرْعَاهَا»: اشاره به مایه حیات جانداران و اقوات آنها است.

سوره نازعات آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَٱلْجِبَالَ أَرْسَىٰهَا ۝٣٢﴾

ترجمه:

و کوه‌ها را محکم و استوار کرد.

توضیحات:

«أَرْسَاهَا»: ثابت و استوار کرد (نگا: رعد / ۳، حجر / ۱۹، نحل / ۱۵).

سوره نازعات آیه ۳۳

متن آیه:

﴿مَتَٰعًا لَّكُمْ وَ لِأَنْعَٰمِكُمْ ۝٣٣﴾

ترجمه:

برای استفاده شما و چهارپایان شما (همه این‌ها را سر و سامان داده و سرگشته و فرمانبردار کرده‌ایم).

توضیحات:

«مَتَاعاً»: بهره‌مندی و بهره‌گیری. استفاده. مفعولٌ‌له است.

سوره نازعات آیه ۳۴

متن آیه:

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلْكُبْرَىٰ ۝٣٤﴾

ترجمه:

هنگامی که بزرگترین حادثه (و بلای سخت طاقت‌فرسای قیامت) فرا می‌رسد.

توضیحات:

«الطّآمَّةُ»: حادثه عظیم. مصیبت طاقت‌فرسا. بلای سخت و فراگیر. مراد قیامت است.

«الْكُبْري»: بزرگ‌ترین. معلوم است هیچ مصیبت و واقعه‌ای بزرگ‌تر از قیامت نیست.

سوره نازعات آیه ۳۵

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ ٣٥﴾

ترجمه:

در آن روز، انسان به یاد می‌آورد همه کوشش‌ها و تلاش‌هائی را که کرده است.

توضیحات:

«يَوْمَ»: بدل از (إِذَا) است و جواب (إِذَا) محذوف است و تفصیل نهفته در آیات بعدی است. یعنی همین که طامّه کبری روی آورد، عالَم و روز و دوره‌ای پیش می‌آید که در آن موجبات غفلت و فراموشی از میان می‌رود، و...

سوره نازعات آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ٣٦﴾

ترجمه:

و دوزخ برای هر فرد بینائی، آشکار و نمایان می‌گردد (و بر کسی مخفی نمی‌ماند).

توضیحات:

«بُرِّزَتْ»: نموده شد. آشکار گردانده شد.

سوره نازعات آیه ۳۷

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ٣٧﴾

ترجمه:

امّا آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد.

توضیحات:

«طَغي»: سرکشی و نافرمانی کرده باشد (نگا: نازعات / ۱۷).

سوره نازعات آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وَءَاثَرَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٣٨﴾

ترجمه:

و زندگی دنیا را (برگزیده باشد و بر آخرت) ترجیح داده باشد.

توضیحات:

«ءَاثَرَ»: برگزیده باشد. ترجیح داده باشد.

سوره نازعات آیه ۳۹

متن آیه:

﴿فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٣٩﴾

ترجمه:

قطعاً دوزخ جایگاه (او) است.

توضیحات:

«الْـمَأْوي»: منزل و جایگاه.

سوره نازعات آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ٤٠﴾

ترجمه:

و امّا آن کس که از جاه و مقام پروردگار خود ترسیده باشد، و نفس را از هوی و هوس بازداشته باشد.

توضیحات:

«مَقَامَ رَبِّهِ»: (نگا: رحمن / ۴۶، ابراهیم / ۱۴). مَقام، در اصل به معنی جایگاه اقامت است. در اینجا مراد شخص حاضر در آن است که ذات خداوند سبحان است.

سوره نازعات آیه ۴۱

متن آیه:

﴿فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٤١﴾

ترجمه:

قطعاً بهشت جایگاه (او) است.

توضیحات:

سوره نازعات آیه ۴۲

متن آیه:

﴿يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا ۝٤٢﴾

ترجمه:

از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟

توضیحات:

«أَيَّانَ»: چه وقت؟ کی؟ «مُرْسَاهَا»: وقوع قیامت و برپا شدن آن. مصدر میمی است از إِرْساء (نگا: اعراف / ۱۸۷، هود / ۴۱).

سوره نازعات آیه ۴۳

متن آیه:

﴿فِيمَ أَنتَ مِن ذِكۡرَىٰهَآ ۝٤٣﴾

ترجمه:

تو را چه آگهی و خبر از آن؟! (تو چیزی از آن نمی‌دانی).

توضیحات:

«فِيمَ»: مخفّف (فِي مَا) است. «ذِكْري»: خبر دادن. بیان کردن.

سوره نازعات آیه ۴۴

متن آیه:

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ۝٤٤﴾

ترجمه:

آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می‌گردد (و اطّلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است؛ نه تو).

توضیحات:

«مُنتَهي»: انتهاء. واگذاری (نگا: نجم / ۱۴ و ۴۲). «إِلي رَبِّكَ مُنتَهَاهَا»: چکیده مطلب این است: تنها خداوند از وقوع قیامت آگاه است و بس (نگا: اعراف / ۱۸۷، لقمان / ۳۴).

سوره نازعات آیه ۴۵

متن آیه:

﴿إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ۝٤٥﴾

ترجمه:

وظیفه تو تنها و تنها بیم دادن و هوشدار باش به کسانی است که از قیامت می‌ترسند (و روح حق‌جوئی و حق‌طلبی دارند).

توضیحات:

«مُنذِرُ»: بیم‌دهنده. اعلام خطرکننده. «مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا»: این‌گونه تعبیرات اشاره به این حقیقت است که اگر کسانی دچار طغیان نفسانی نشده باشند و بلکه اندیشناک بوده و آماده پذیرش حق باشند، گوش دل به اندرزهای آسمانی فرا می‌دهند، و ادلّه و برهان، خردهایشان را تکان می‌دهد (نگا: بقره / ۲).

سوره نازعات آیه ۴۶

متن آیه:

﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَىٰهَا ۝٤٦﴾

ترجمه:

روزی که آنان برپائی رستاخیز را می‌بینند (چنین احساس می‌کنند که در جهان) گوئی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و بسر نبرده‌اند.

توضیحات:

«لَـمْ يَلْبَثُوا»: درنگ نکرده‌اند. نمانده‌اند و بسر نبرده‌اند (نگا: بقره / ۲۵۹، مؤمنون / ۱۱۲ و ۱۱۴). «عَشِيةً»: شب هنگام. آخر روز. «ضُحي»: چاشتگاه. اوّل روز. «عَشِيَّةً أَوْضُحَاهَا»: مراد چند ساعتی است (نگا: یونس / ۴۵، احقاف / ۳۵، مؤمنون / ۱۱۳). مرجع (هَا) واژه (عَشِيَّةً) است و بیان‌گر این است، صبحِ همان عصرگاه مراد است.

سوره عبس

سوره عبس آیه ۱

متن آیه:

﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ١﴾

ترجمه:

چهره در هم کشید و روی برتافت!.

توضیحات:

«عَبَسَ»: چهره در هم کشید. اخم و تخم کرد. مخاطب پیغمبر است. بدان گاه که سران قریش در خدمتش بودند و امیدوار بود که دعوتش را بپذیرند و با اسلام ایشان، قبائل و مردمان زیادی آئین یکتاپرستی را پذیرا گردند، مسلمان نابینای صادق و صمیمی و عاشق دینداری، و راغب فهم علم و دانش آسمانی، به نام ابن ام‌مکتوم به مجلس درآمد و با صدای بلند مکرّراً از آن حضرت تقاضای درس و وعظ قرآن و احکام دین کرد. اثر ناخوشنودی در چهره مبارکش پدیدار شد و از او روی گرداند و سرگرم ادامه دعوت اشراف به‌سوی دین خدا گردید. لذا مورد خطاب و عتاب آفریدگار قرار گرفت، و این مسأله، درس عبرت جاویدانی برای مسلمانان شد.

سوره عبس آیه ۲

متن آیه:

﴿أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ٢﴾

ترجمه:

از این که نابینائی به پیش او آمد.

توضیحات:

«أَن جَآءَهُ الأعْمي»: مفعولٌ‌له است.

سوره عبس آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ٣﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی، شاید او (از آموزش و پرورش تو بهره گیرد و) خود را پاک و آراسته سازد.

توضیحات:

«مَا يُدْرِيكَ»: تو چه می‌دانی؟ (نگا: احزاب / ۶۳، شوری / ۱۷).

سوره عبس آیه ۴

متن آیه:

﴿أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ٤﴾

ترجمه:

یا این که پند گیرد و اندرز بدو سود برساند.

توضیحات:

«يَذَّكَّرُ»: متّعظ شود. پندپذیر گردد. «فَتَنفَعَهُ»: فعل (تَنفَعَ) منصوب به (أَنْ) مقدّر بعد از فاء سببیه است و جواب (لَعَلَّ) است (نگا: غافر / ۳۷). «الذِّكْري»: (نگا: انعام / ۶۹ و ۹۰، اعراف / ۲، هود / ۱۱۴ و ۱۲۰).

سوره عبس آیه ۵

متن آیه:

﴿أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ٥﴾

ترجمه:

امّا آن کس که خود را (از دین و هدایت آسمانی) بی‌نیاز می‌داند.

توضیحات:

«إسْتَغْني»: خود را بی‌نیاز می‌بیند از چیزی که با خود آورده‌ای، و به ثروت و قدرت دنیوی بسنده می‌کند.

سوره عبس آیه ۶

متن آیه:

﴿فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ٦﴾

ترجمه:

تو بدو روی می‌آوری و می‌پردازی!.

توضیحات:

«تَصَدّي»: رو می‌کنی. فعل مضارع است و در اصل (تَتَصَدّي) است.

سوره عبس آیه ۷

متن آیه:

﴿وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ٧﴾

ترجمه:

چه گناهی بر تو است اگر او (با آب ایمان، از چرک کفر) خویشتن را پاک و پاکیزه ندارد؟!

توضیحات:

«وَمَا عَلَيْكَ»: در حالی که گناهی بر تو نیست. چه گناهی بر تو است؟ حرف واو حالیه یا عاطفه است. واژه (مَا) نافیه یا استفهامیه است.

سوره عبس آیه ۸

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ٨﴾

ترجمه:

امّا کسی که شتابان و مشتاقانه به پیش تو می‌آید.

توضیحات:

«يَسْعي»: به تلاش می‌ایستد، با علاقه می‌آید. حال فاعل (جَآءَ) است.

سوره عبس آیه ۹

متن آیه:

﴿وَهُوَ يَخۡشَىٰ ٩﴾

ترجمه:

و از خدا ترسان است.

توضیحات:

«وَ»: واو حالیه است، و (هُوَ يَخْشي) حال فاعل (جَآءَ) است.

سوره عبس آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ۝١٠﴾

ترجمه:

تو از او غافل می‌شوی (و بدو اعتناء نمی‌کنی)!.

توضیحات:

«تَلَهّي»: غافل می‌گردی. توجّه نمی‌کنی. فعل مضارع است. در اصل (تَتَلَهّي) بوده و در حقیقت نقطه مقابل (تَصَدّي) است.

سوره عبس آیه ۱۱

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ۝١١﴾

ترجمه:

نباید چنین باشد! این آیات (قرآنی و شریعت آسمانی) یادآوری و آگاهی است و بس.

توضیحات:

«کلاّ»: نباید چنین کرد. حقّا. «اِنَّـهَا»: این که آیات قرآنی. ضمیر (ها) به (آیات) برمی‌گردد. یا این که به قرآن برمی‌گردد و به خاطر تأنیث خبر، مؤنّث آمده است (نگا: آلوسی). «تَذْکِرَةٌ»: یادآوری کردن. بیدارباش و آگاهی دادن.

سوره عبس آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ۝١٢﴾

ترجمه:

پس هر که خواهد از آن پند گیرد (و هرکه خواهد سرِ خویش گیرد).

توضیحات:

«ذَکَرَهُ»: از قرآن پند و اندرز گرفت. ضمیر (هُ) به قرآن برمی‌گردد که مشارٌالیه آیات است. بعضی‌ها آن را به خدا برمی‌گردانند. در این صورت معنی چنین است: هرکه خواهد خدا را یاد کند و به یاد او باشد.

سوره عبس آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فِي صُحُفٖ مُّكَرَّمَةٖ ١٣﴾

ترجمه:

در نامه‌های گرامی و ارجمند ضبط و ثبت است.

توضیحات:

«صُحُفٍ»: جمع صَحیفه، نامه‌ها و کتاب‌ها. هرگونه برگه نوشته شده‌ای اعم از کاغذ و پوست و غیره. در اینجا مراد صفحات اذهان و نسخه‌های اوراق پراکنده‌ای است که آیات مبارک قرآن در آن حفظ و ضبط و ثبت می‌شده و بعدها به صورت کتاب جامع همه آیات درآمده که همین قرآن است، و پیوسته با خطها و شکل‌های متنوّع نگارش می‌یابد، و در روزگار ما گذشته از صفحات اذهان و اوراق، بر روی نوار و صفحه هوا و طول امواج ضبط و پخش می‌شود. «مُكَرَّمَةٍ»: گرامی. محترم.

سوره عبس آیه ۱۴

متن آیه:

﴿مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۭ ١٤﴾

ترجمه:

(نامه‌هائی که) فرا و بالا (از کلام بشر) و دارای مکانت و منزلت والایند (و دور از هرگونه تحریف و آمیزش) و پاک (از هر نوع شائبه خرافات و عقائد باطل و فاسد، و زدوده از نقص و کم و کاست) هستند.

توضیحات:

«مَرْفُوعَةٍ»: والا و بالا. دارای منزلت و مکانت. «مُطَهَّرَةٍ»: پاک از آلودگی خرافات. منزّه از تحریف. به دور از نقص.

سوره عبس آیه ۱۵

متن آیه:

﴿بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ١٥﴾

ترجمه:

با دست نویسندگانی (نگارش یافته‌اند).

توضیحات:

«سَفَرَةٍ»: جمع سافِر، نویسندگان. مراد نویسندگان و حاملان و مبلّغان آیات قرآن است که از همان طلوع و نزول قرآن، هرچه از آیات نازل می‌شد، با اشتیاق و بی‌درنگ از زبان پیغمبر دریافت می‌داشتند و در سینه‌ها حفظ و ضبط، و بر روی استخوان‌ها و سنگ‌ها و تخته‌ها و اوراق می‌نگاشتند و به دیگران می‌آموختند.

سوره عبس آیه ۱۶

متن آیه:

﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

(نویسندگانی) که بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند.

توضیحات:

«كِرَامٍ»: جمع کریم، بزرگواران. بزرگ‌منشان. «بَرَرَةٍ»: جمع بارّ، نیکوکرداران. نیکوکاران. یادآوری: بیشتر تفسیرها (صُحُف) را لوح محفوظ، و (سَفَرَةٍ) را فرشتگان خدا دانسته‌اند. برخی هم (صُحُف) را کتاب‌های آسمانی، و (سَفَرَةٍ) را جمع سَفیر، و به معنی انبیاء خدا قلمداد کرده‌اند، و ضمیر (ها) در آیه ۱۱ را هدایت و شریعت آسمانی به طور خاصّ یا عام شمرده‌اند.

سوره عبس آیه ۱۷

متن آیه:

﴿قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾﴾

ترجمه:

کشته باد انسان! چه خدا نشناس و ناسپاس است!

توضیحات:

«قُتِلَ الإِنسَانُ»: کشته باد انسان! نفرین بر بشر! واژه (قُتِلَ) برای دعا، و مراد از (انسان) جنس بشر است. «مَآ أَكْفَرَهُ»: چه کافر و خدانشناس است! چه کافر نعمت و ناسپاس است! چنین جمله‌ای بیان‌گر خشم خدا از کافر و ناسپاس است.

سوره عبس آیه ۱۸

متن آیه:

﴿مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ١٨﴾

ترجمه:

خدا او را از چه چیز می‌آفریند؟!

توضیحات:

«مِنْ أَيِّ شَيْءٍ...»: استفهام تحقیر است. یعنی از چه چیز ناچیزی خدا او را آفریده است؟ این همه سرکشی و ناسپاسی چیست؟!

سوره عبس آیه ۱۹

متن آیه:

﴿مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ١٩﴾

ترجمه:

او را از نطفه ناچیزی می‌آفریند و قوّت و قدرت (و جمال و کمال) بدو می‌بخشد.

توضیحات:

«قَدَّرَهُ»: قدرت و توانائی بدو داده است. اندازه‌گیری دقیقی در ساختارش به کار رفته است. هر یک از اندام‌های او را برای کاری و مناسب با سایر اعضاء آفریده است.

سوره عبس آیه ۲۰

متن آیه:

﴿ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ٢٠﴾

ترجمه:

سپس راه (شناخت خوبی و بدی) را برای او آسان می‌کند (تا راه هدایت را در پیش گیرد، و راه ضلالت را ترک گوید).

توضیحات:

«السَّبِيلَ»: راه تشخیص هدایت و ضلالت و خوبی و بدی (نگا: بلد / ۱۰) در پرتو عقل و فکر و الهام و وحی.

سوره عبس آیه ۲۱

متن آیه:

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ ٢١﴾

ترجمه:

بعد او را می‌میراند و وارد گورش می‌گرداند.

توضیحات:

«أَمَاتَهُ»: او را می‌راند. «أَقْبَرَهُ»: وارد گورش گرداند.

سوره عبس آیه ۲۲

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾﴾

ترجمه:

سپس هر وقت خواست او را زنده می‌گرداند.

توضیحات:

«أَنشَرَهُ»: زنده‌اش گرداند (نگا: انبیاء / ۲۱، دخان / ۳۵).

سوره عبس آیه ۲۳

متن آیه:

﴿كَلَّا لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! انسان (با وجود طول حیات) دستوری را که خدا بدو داده است (و وظائفی را که برای وی تعیین کرده است، آن چنان که شایسته مقام باعظمت الهی است) هنوز که هنوز است انجام نداده است!.

توضیحات:

«كَلاّ»: حَقّا. هرگزا هرگز. این واژه می‌تواند معنی مشهور خود، یعنی (نه چنین است) داشته باشد. چرا که بسیاری از افراد کوتاه‌بینِ پرادّعاء چنین می‌پندارند که وظائف خود را در برابر خدا به انجام رسانیده‌اند ولی این آیه شریفه، اندیشه و گفته ایشان را نادرست می‌شمارد. «لَمَّا يَقْضِ»: هنوز انجام نداده است. تاکنون به وظیفه خود عمل نکرده است.

سوره عبس آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

انسان باید به غذای خویش بنگرد و درباره آن بیندیشد (که چگونه ما آن را برای او فراهم کرده‌ایم، و در ساختمان مواد غذائی و اجزاء حیات بخش آن، چه دقّت و مهارت و ظرافتی به کار برده‌ایم).

توضیحات:

«فَلْيَنظُرْ»: باید که بنگرد. معلوم است که در اینجا نگریستن به معنی اندیشیدن و دقّت لازم به کار بردن است.

سوره عبس آیه ۲۵

متن آیه:

﴿أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ٢٥﴾

ترجمه:

ما آب را از آسمان به گونه شگفتی می‌بارانیم.

توضیحات:

«صَبَبْنَا»: فرو ریخته‌ایم. بارانده‌ایم.

سوره عبس آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ٢٦﴾

ترجمه:

سپس زمین را می‌شکافیم و از هم باز می‌کنیم.

توضیحات:

«شَقَقْنَا الأرْضَ»: شکافتن زمین. اشاره به قابلیت خاکها و سنگها برای درز برداشتن و پذیرش هوا و نور و جوانه‌های گیاهان در خود، و روی هم رفته آماده زراعت گشتن است.

سوره عبس آیه ۲۷

متن آیه:

﴿فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ٢٧﴾

ترجمه:

در آن دانه‌ها را می‌رویانیم (که مایه اصلی خوراک انسان است).

توضیحات:

«حَبّاً»: دانه‌ها. مراد دانه‌هائی است که مایه اصلی تغذیه انسان و بسیاری از حیوانات است. اگر دانه‌ها یک دو سالی بر اثر خشکسالی قطع شود، قحطی و گرسنگی تمام جهان را فرا می‌گیرد.

سوره عبس آیه ۲۸

متن آیه:

﴿وَعِنَبًا وَقَضۡبًا ۝٢٨﴾

ترجمه:

و رَزها و گیاهان خوردنی را.

توضیحات:

«عِنَباً»: انگور. رَز. مو. «قَضْباً»: گیاهان خوردنی همچون سبزیجات، که اغلب دستچین و به صورت خام خورده می‌شوند.

سوره عبس آیه ۲۹

متن آیه:

﴿وَزَيۡتُونًا وَنَخۡلًا ۝٢٩﴾

ترجمه:

و درختان زیتون و خرما را.

توضیحات:

«زَیْتُوناً وَنَخْلاً»: ذکر این دو میوه، بدان خاطر است که دارای موادّ غذائی سودمند و سلامت آفرینند.

سوره عبس آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَحَدَآئِقَ غُلۡبًا ۝٣٠﴾

ترجمه:

و باغ‌های پردرخت و انبوه را.

توضیحات:

«غُلْباً»: جمع غَلْباء، باغی که درختان تنومند داشته و پر و انبوه باشد.

سوره عبس آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَفَٰكِهَةٗ وَأَبّٗا ٣١﴾

ترجمه:

و میوه و چَراگاه را.

توضیحات:

«فَاكِهَةً»: میوه. «أَبّاً»: چَراگاه. گیاهان خودرو.

سوره عبس آیه ۳۲

متن آیه:

﴿مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٢﴾

ترجمه:

برای استفاده و بهره‌مندی شما و چهارپایان شما.

توضیحات:

«مَتَاعاً...»: (نگا: نازعات / ۳۳).

سوره عبس آیه ۳۳

متن آیه:

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ٣٣﴾

ترجمه:

هنگامی که صدای هراس‌انگیز گوش‌خراش (نفخه صور دوم) برآید.

توضیحات:

«الصَّآخَّةُ»: صدای کرکننده. صدای گوش‌خراش. حادثه عظیم. مراد نفخه صور دوم است که به دنبال برخورد اجرام و کرات آسمانی بر اثر تخریب جهان، طنین‌انداز می‌گردد (نگا: زمر / ۶۸) و انسان را از همه‌چیز جز خود و اعمالش و سرنوشتش غافل می‌کند.

سوره عبس آیه ۳۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ٣٤﴾

ترجمه:

در آن روز که انسان فرار می‌کند از برادر خود.

توضیحات:

«يَفِرُّ»: می‌گریزد. علّت گریز این است که هرکسی برای نجات خود می‌کوشد، و از آنان که گمان می‌برد، چه بسا از او درخواست کمک کنند، فرار می‌کند.

سوره عبس آیه ۳۵

متن آیه:

﴿وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ٣٥﴾

ترجمه:

و از مادر و پدرش!.

توضیحات:

سوره عبس آیه ۳۶

متن آیه:

﴿وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ٣٦﴾

ترجمه:

و از همسر و فرزندانش.

توضیحات:

«صَاحِبَة»: زن. همسر. «بَنِيهِ»: پسرانش. در اینجا مراد فرزندانی است، که در دنیا انسان جان و مال را فدای ایشان می‌کند.

سوره عبس آیه ۳۷

متن آیه:

﴿لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ يُغۡنِيهِ ٣٧﴾

ترجمه:

در آن روز هرکدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می‌کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد.

توضیحات:

«شَأۡن»: وضع و حال. کاروبار. «یُغۡنِیهِ»: او را بسنده است. یعنی مجالی برای او باقی نمی‌گذارد تا امکان و فرصت این را داشته باشد به دیگران بپردازد. او را به خود مشغول می‌کند و بی‌خبر از دیگران می‌سازد.

سوره عبس آیه ۳۸

متن آیه:

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ مُّسۡفِرَةٞ ٣٨﴾

ترجمه:

در آن روز، چهره‌هائی شاد و درخشانند.

توضیحات:

«مُسۡفِرَةٌ»: شادان و خندان. درخشان و بشّاش.

سوره عبس آیه ۳۹

متن آیه:

﴿ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ٣٩﴾

ترجمه:

خندان و مسرورند.

توضیحات:

«ضَاحِكَةٌ»: خندان. «مُسۡتَبۡشِرَةٌ»: مسرور. خوش و خرّم.

سوره عبس آیه ۴۰

متن آیه:

﴿وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ٤٠﴾

ترجمه:

و در آن روز چهره‌هائی غبار (غم و اندوه) بر آنها نشسته است.

توضیحات:

«غَبَرَةٌ»: گرد و خاک برخاسته و در هوا پراکنده. مراد غبار غم و اندوه و کدورت و افسردگی است.

سوره عبس آیه ۴۱

متن آیه:

﴿تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝٤١﴾

ترجمه:

ابر تیره و سیاه (هراس و اندوه) آن رخسارها را می‌پوشاند.

توضیحات:

«قَتَرَةٌ»: ابر تیره و سیاه (نگا: المصحف المیسّر). دودگونه‌ای از هول و هراس و غم و اندوه، رخساره را می‌پوشاند (نگا: معجم‌الفاظ القرآن الکریم). همچنین (نگا: یونس / ۲۶).

سوره عبس آیه ۴۲

متن آیه:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ۝٤٢﴾

ترجمه:

آنان، کافران بزهکار و بدکردارند.

توضیحات:

«الْفَجَرَةُ»: جمع فاجِر، کسی که آشکارا به فسق و فجور دست می‌یازد، و بر ضدّ شرع می‌شورد (نگا: المصحف المیسّر).

سوره إنفطار

سوره إنفطار آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ ١﴾

ترجمه:

هنگامی که آسمان شکافته می‌گردد.

توضیحات:

«إِنفَطَرَتْ»: شکافته شد. درز برداشت (نگا: حاقّه / ۱۶، انشقاق / ۱).

سوره إنفطار آیه ۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ ٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که ستارگان از هم می‌پاشند و پخش و پراکنده می‌شوند.

توضیحات:

«إِنتَثَرَتْ»: پراکنده شد. از هم پاشید.

سوره إنفطار آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ فُجِّرَتۡ ٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که دریاها شکاف برمی‌دارند. و به هم می‌پیوندند.

توضیحات:

«فُجِّرَتْ»: برجوشانده شدند و راه آنها به هم بازگردانده شد. یعنی کوه‌ها و تپه‌ها و ارتفاعات سواحل دریاها برداشته شد و آب دریاها به هم آمیخته گردید. منفجر گردانده شد. یعنی اتم‌های دو عنصر اساسی آب، اکسیژن و ئیدروژن، بر اثر یک جرقّه و

واکنش، آزاد و منفجر گردید (نگا: نمونه، تفهیم‌القرآن).

سوره إنفطار آیه ۴

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ ٤﴾

ترجمه:

و هنگامی که گورها زیر و رو می‌گردند (و مردگان زنده می‌شوند و بیرون می‌آیند و برای حساب آماده می‌شوند).

توضیحات:

«بُعْثِرَتْ»: زیر و رو گردانده شد. پراکنده و گشوده گردانده شد.

سوره إنفطار آیه ۵

متن آیه:

﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ وَأَخَّرَتۡ ٥﴾

ترجمه:

آن گاه هرکسی می‌داند چه چیزهائی را پیشاپیش فرستاده است، و چه چیزهائی را واپس نهاده است و بر جای گذاشته است.

توضیحات:

«مَا قَدَّمَتْ»: کارهای نیکو یا زشتی که انسان در زندگانی خود انجام داده است و پیش از مرگ بدان‌ها دست یازیده است. کارهای نیکی که کرده است. «مَآ أَخَّرَتْ»: کارهائی که آثار آنها بعد از او در دنیا باقی مانده است و نتائج آنها به او رسیده است، از قبیل مقاصد رحمانی همچون خیرات و صدقات جاریه و بناها و کتاب‌های مفید، یا مقاصد شیطانی همچون بدعت‌ها و نوشته‌های بد و قمارخانه‌ها و مشروب‌خانه‌ها، و غیره. یا کارهای نیکی که بر اثر سهل‌انگاری نکرده است (نگا: قیامت / ۱۳).

سوره إنفطار آیه ۶

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ٦﴾

ترجمه:

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است و در حق او

گولت زده است (که چنان بی‌باکانه نافرمانی می‌کنی و خود را به گناهان آلوده می‌سازی)؟!.

توضیحات:

«مَا غَرَّكَ»: چه چیز تو را فریفته است؟ چه چیز مغرورت ساخته است؟ این پرسش، بیان‌گر تهدید شدیدی، و در عین حال توأم با نوعی لطف و محبّت است. «الْكَرِيمِ»: عظیم. بزگوار (نگا: المراغی).

سوره إنفطار آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ۝٧﴾

ترجمه:

پروردگاری که تو را آفریده است و سپس سر و سامانت داده است و بعد معتدل و متناسبت کرده است.

توضیحات:

«خَلَقَكَ»: تو را از نیستی به هستی آورده است. تو را شکل بخشیده است. «سَوَّاكَ»: تو را سر و سامان و نظم و نظام داده است (نگا: بقره / ۲۹، کهف / ۳۷، قیامت / ۳۸). «عَدَلَک»: تو را معتدل القامه و متناسب الاعضاء کرده است.

سوره إنفطار آیه ۸

متن آیه:

﴿فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ۝٨﴾

ترجمه:

و آن گاه به هر شکلی که خواسته است تو را درآورده است و ترکیب بسته است.

توضیحات:

«صُورَةٍ مَّا»: واژه (مَا) زائد و دالّ بر تفخیم و تعظیم چیزی است که بدان افزوده می‌گردد (نگا: جزء عم شیخ محمّد عبده). در اینجا دالّ بر بدیع و زیبا بودن و تمام و کمال خلقت انسان است.

سوره إنفطار آیه ۹

متن آیه:

﴿كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۝٩﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! (آن چنان که می‌پندارید نیست). اصلاً شما (روز) سزا و جزا را دروغ می‌پندارید و نادرست می‌دانید.

توضیحات:

«الدِّينِ»: سزا و جزا (نگا: فاتحه / ۴).

سوره إنفطار آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝١٠﴾

ترجمه:

بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند.

توضیحات:

«حَافِظِينَ»: نگهبانان. مراد فرشتگانی است که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسان‌ها هستند (نگا: ق / ۱۷، زخرف / ۸۰).

سوره إنفطار آیه ۱۱

متن آیه:

﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝١١﴾

ترجمه:

نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرّب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند.

توضیحات:

«كِرَامًا»: جمع کریم، بزرگواران (نگا: فرقان / ۷۲، عبس / ۱۶).

سوره إنفطار آیه **۱۲**

متن آیه:

﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝١٢﴾

ترجمه:

می‌دانند هرکاری را که می‌کنید.

توضیحات:

«مَا»: هرکاری اعم از خیر و شر.

سوره إنفطار آیه ۱۳

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ١٣﴾

ترجمه:

مسلّماً نیکان در میان نعمت فراوان بهشت بسر خواهند برد.

توضیحات:

«الأبْرَارَ»: جمع بَرّ، نیکوکاران (نگا: انسان / ۵). «نَعِيمٍ»: نعمت. در اینجا مراد بهشت جاویدان است. ذکر آن به صورت نکره، برای بیان اهمّیت و گستردگی و عظمت این نعمت است.

سوره إنفطار آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَإِنَّ ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ ١٤﴾

ترجمه:

و مسلّماً بدکاران در میان آتش سوزان دوزخ بسر خواهند برد.

توضیحات:

«الْفُجَّارَ»: جمع فاجِر، بدکاران. کسانی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کنند و دستور او را پشت گوش می‌اندازند. کسانی که پرده شریعت و عفاف و تقوی را پاره می‌کنند (نگا: ص / ۲۸). «جَحِيمٍ»: آتش برافروخته و سوزان. دوزخ.

سوره إنفطار آیه ۱۵

متن آیه:

﴿يَصۡلَوۡنَهَا يَوۡمَ ٱلدِّينِ ١٥﴾

ترجمه:

در روز سزا و جزا داخل آن می‌گردند و با آتش آن می‌سوزند.

توضیحات:

«يَصْلَوْنَهَا»: به آتش دوزخ داخل می‌گردند و می‌سوزند و برشته می‌شوند و درد و

رنج آن را می‌چشند (نگا: نسأ / ۱۰، ابراهیم / ۲۹، ص / ۵۶).

سوره إنفطار آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَمَا هُمۡ عَنۡهَا بِغَآئِبِينَ ۝١٦﴾

ترجمه:

و آنان هیچ گاه از دوزخ بیرون نمی‌آیند و از آن دور نمی‌شوند.

توضیحات:

«غَآئِبِينَ»: (نگا: اعراف / ۷، نمل / ۲۰).

سوره إنفطار آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ۝١٧﴾

ترجمه:

(ای انسان)! تو چه می‌دانی که روز سزا و جزا چگونه است؟

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: چه می‌دانی! (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷، مرسلات / ۱۴).

سوره إنفطار آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ۝١٨﴾

ترجمه:

آخر تو (ای انسان)! چه می‌دانی که روز سزا و جزا چگونه است؟

توضیحات:

«مَا يَوْمُ الدِّينِ»: مراد این است که حقیقت و چگونگی قیامت را کسی چنان که باید نمی‌داند.

سوره إنفطار آیه ۱۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡـٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ ۝١٩﴾

ترجمه:

روزی است که هیچ کسی برای هیچ کسی کاری نمی‌تواند بکند و از دست کسی برای کسی کاری ساخته نیست، و در آن روز فرمان، فرمان خدا است و بس، و کارو بار کلاً بدو واگذار می‌گردد.

توضیحات:

«لا تَـمْلِكُ»: قادر به انجام کاری نیست. نمی‌تواند (نگا: سبأ / ۴۲). «الأَمْرُ»: فرمان. کار (نگا: روح‌البیان).

سوره مطففین

سوره مطففین آیه ۱

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ١﴾

ترجمه:

وای به حال کاهندگان (از جنس و کالای مردمان به هنگام خرید و فروش با ایشان)!

توضیحات:

«الْـمُطَفِّفِينَ»: کاهندگان. کسانی که به هنگام کشیدن و پیمودن و مترکردن اشیاء و اجناس دزدی کنند. بدین معنی که اگر به دیگران جنس می‌فروشند از آن بکاهند، و اگر جنس می‌خرند بر آن بیفزایند. در هر صورت یا از آن کالا می‌کاهند و یا از بها.

سوره مطففین آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ٢﴾

ترجمه:

کسانی که وقتی (در معامله) برای خود می‌پیمایند (یا وزن و متراژ می‌نمایند) به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می‌دارند.

توضیحات:

«إِكْتَالُوا»: با کیل و پیمانه خریدند و دریافت داشتند. «عَلي»: به معنی (مِنْ) است. « يَسْتَوْفُونَ»: به تمام و کمال و بیش از اندازه می‌گیرند (نگا: قاسمی، المنتخب). در این آیه، کیل و پیمانه کردن، نماد و مثال توزین و متراژ و هر نوع سنجشی است.

سوره مطففین آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که (در معامله) برای دیگران می‌پیمایند یا وزن می‌کنند، از اندازه لازم می‌کاهند.

توضیحات:

«كَالُوهُمْ»: برای مردم پیمودند. «يُخْسِرُونَ»: می کاهند. کم می‌دهند (نگا: شعراء / ۱۸۱، رحمن / ۹).

سوره مطففین آیه ۴

متن آیه:

﴿أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ٤﴾

ترجمه:

آیا اینان گمان نمی‌برند که دوباره زنده می‌گردند (و باید حساب و کتاب چنین افزایش و کاهشی را پس بدهند)؟.

توضیحات:

«مَبْعُوثُونَ»: برانگیختگان. زنده‌شدگان.

سوره مطففین آیه ۵

متن آیه:

﴿لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥﴾

ترجمه:

در روز بسیار بزرگ و هولناکی (به نام قیامت).

توضیحات:

«لِيَوْمٍ»: برای حساب و کتاب روزی. در روزی. حرف لام به معنی (في) است (نگا: پرتوی از قرآن).

سوره مطففین آیه ۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦﴾

ترجمه:

همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) برپا

می‌ایستند.

توضیحات:

«يَقُومُ النَّاسُ...»: مردمان به فرمان خدا سر از گورها به در می‌آورند. مردمان در پیشگاه خدا برای حساب و کتاب برپا می‌ایستند.

سوره مطففين آیه ۷

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٖ ٧﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! مسلّماً نوشته اعمال بزهکاران و بدکاران در « سِجّین « قرار دارد.

توضیحات:

«كِتَابٌ»: نوشته. یادداشت شده. «سِجِّين»: اسم خاصّ دیوان یا دفتر کلّ بایگانی نامه‌های اعمال بدکاران و بزهکاران است. صیغه مبالغه «سِجنّ» است که به معنی زندان است، لذا سِجّین، زندان بسیار سخت و تنگ است (نگا: فرهنگ لغات قرآن دکتر قریب). تعبیر از آن بدین نام شاید به خاطر این باشد که محتویات این دیوان سبب زندانی شدن صاحبانش در دوزخ است. گویا اصل آن «سِنْجُون» و در زبان اتیوپی یا حبشی قدیم به گِل و لای گفته می‌شود. در این صورت بیان‌گر فرود و پستی نیز می‌باشد (نگا: جزء عم شیخ محمّد عبده).

سوره مطففين آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سِجِّينٞ ٨﴾

ترجمه:

(ای انسان)! تو چه می‌دانی که «سِجّین» چه و چگونه است؟

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷، انفطار / ۱۷ و ۱۸).

سوره مطففين آیه ۹

متن آیه:

﴿كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٩﴾

ترجمه:

کتاب نوشته شده‌ای است (که نشاندار به علائم مشخّصه بوده و نوشته‌هایش خوانا و گویا است).

توضیحات:

«کتَابٌ»: مراد دیوان شرّ بدکاران است. «مَرْقَومٌ»: نشاندار به علائمی که بیننده با نخستین نگاه پی می‌برد به شرور و بدی‌های مندرج در آن. نوشته شده.

سوره مطففین آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝١٠﴾

ترجمه:

در آن روز وای به حال دروغ‌نامندگان (قیامت و سزا و جزای آخرت)!.

توضیحات:

«وَيْلٌ»: وای! واویلا!.

سوره مطففین آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ ۝١١﴾

ترجمه:

آن کسانی که روز سزا و جزا (قیامت) را دروغ می‌نامند.

توضیحات:

«يَوْمِ الدِّينِ»: روز سزا و جزا. (نگا: فاتحه / ۴).

سوره مطففین آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝١٢﴾

ترجمه:

روز سزا و جزا را دروغ نمی‌نامند، مگر آن کسانی که در بدکاری از حدّ بگذرند و بسیار بزهکار باشند.

توضیحات:

«مُعْتَدٍ»: متجاوزی که از حدّ و مرز قانون عقل و شرع درمی‌گذرد. «أَثیمٍ»: بسیار گناه‌کار.

سوره مطففين آيه ١٣

متن آيه:

﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣﴾

ترجمه:

آن کسانی که چون آیات ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: افسانه‌های پیشینیان است.

توضیحات:

«أَسَاطِيرُ»: جمع أُسْطُورَة، افسانه‌ها (نگا: انعام / ٢٥، انفال / ٣١، نحل / ٢٤).

سوره مطففين آيه ١٤

متن آيه:

﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤﴾

ترجمه:

هرگزاهرگز! اصلاً کردار و تلاش (پلشت و زشت) ایشان دل‌هایشان را زنگ زده کرده است (و همچون زنگاری بر قلوب‌شان نشسته است و سوراخ‌های هدایت را بر روی ایشان بسته است).

توضیحات:

«رَانَ»: زنگار زد. زنگ زده کرد. از ماده (رَین) به معنی زنگ و چرک فلزات.

سوره مطففين آيه ١٥

متن آيه:

﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ١٥﴾

ترجمه:

هرگزاهرگز! قطعاً ایشان در آن روز (به سبب کارهائی که کرده‌اند) از (رحمت) پروردگارشان محروم و (از بارگاه قرب و منزلت آفریدگارشان) مطرودند.

توضیحات:

«مَحْجُوبُونَ»: جمع مَحجوب، محروم. بی‌بهره. مراد محروم از رحمت خدا، بی‌بهره از لقای پروردگار، و مطرود از حضور در بارگاه قرب الهی، و بی‌بهره از لذّت دیدار محبوب است.

سوره مطففین آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ ١٦﴾

ترجمه:

سپس آنان داخل آتش دوزخ می‌گردند و بدان می‌سوزند.

توضیحات:

«ثُمَّ»: پس از آن. گذشته از آن. «صَالُو الْجَحِيمِ»: وارد شوندگان آتش. اصل (صَالُو) صَالُونَ است که نون آن در حالت اضافه حذف شده است (نگا: ص / ۵۹).

سوره مطففین آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ١٧﴾

ترجمه:

آن گاه بدی‌شان گفته می‌شود: این، همان چیزی است که آن را دروغ می‌نامیدید.

توضیحات:

«ثُمَّ يُقَالُ...»: این سخن، به عنوان سرزنش به بی‌باوران گفته می‌شود، و عذاب روحی و شکنجه معنوی چنین خیره‌سران لجوجی است.

سوره مطففین آیه ۱۸

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ١٨﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! قطعاً نوشته اعمال نیکوکاران در «علّیین» قرار دارد.

توضیحات:

«عِلِّیِّینَ»: اسم خاصّ دیوان یا دفتر کلّ نامه‌های اعمال نیکان و نیکوکاران است.

جمع «عِلِّیّ» است که صیغه مبالغه عُلُوّ است که به معنی بسیار والا و بالا است. تعبیر از آن بدین نام شاید به خاطر این باشد که محتَویات این دیوان سبب درجات رفیعه صاحبان خود در بهشت است.

سوره مطففین آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ١٩﴾

ترجمه:

(ای انسان)! تو چه می‌دانی که «علّیین» چه و چگونه است؟

توضیحات:

«عِلِّيُّونَ»: این واژه ملحق به جمع مذکر سالم است و اعراب به حروف دارد و به عنوان مفرد به کار می‌رود.

سوره مطففین آیه ۲۰

متن آیه:

﴿كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٢٠﴾

ترجمه:

کتاب نوشته شده‌ای است (که نشاندار به علائم مشخّصه بوده و نوشته‌هایش خوانا و گویا است).

توضیحات:

«كِتَابٌ»: مراد دیوان خیرات نیکوکاران است. «مَرْقُومٌ»: نشاندار به علائمی که بیننده با نخستین نگاه پی می‌برد به خیرات و حسنات مندرج در آن. نوشته شده.

سوره مطففین آیه ۲۱

متن آیه:

﴿يَشۡهَدُهُ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢١﴾

ترجمه:

فرشتگان مقرّب (برای نوشتن مطالب) در آنجا حضور بهم می‌رسانند.

توضیحات:

«يَشْهَدُهُ»: در آنجا حضور بهم می‌رسانند. حضور فرشتگان بزرگوار، برای ثبت و

نگارش خیرات و حسنات نیکان (نگا: المصحف المیسّر) یا برای مراقبت و نگهبانی از آن است (نگا: المنتخب، تفهیم القرآن). برخی هم (یَشْهَدُهُ) را به معنی مشاهده‌اش می‌کنند، یا بر آن گواهی می‌دهند، دانسته‌اند (نگا: نمونه، جزء عم محمّد عبده). «الْـمُقَرَّبُونَ»: فرشتگانی که در پیشگاه خدا دارای منزلت و مکانت خاصّ هستند. مؤمنان برگزیده‌ای که دارای مقامی بس والا هستند (نگا: واقعه / ۱۱).

سوره مطففین آیه ۲۲

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان نیکان در میان انواع نعمت‌های فراوان بهشت بسر خواهند برد.

توضیحات:

«الأبْرَارَ»: (نگا: انفطار / ۱۳).

سوره مطففین آیه ۲۳

متن آیه:

﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

بر تخت‌های مجلّل (بهشتی) تکیه می‌زنند و (به زیبائی‌ها و نعمت‌های بسیار آنجا) می‌نگرند.

توضیحات:

«الأرَائِكِ»: جمع أَریکة، تخت‌های مجلّل و مزین (نگا: کهف / ۳۱، یس / ۵۶، انسان / ۱۳).

سوره مطففین آیه ۲۴

متن آیه:

﴿تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ٢٤﴾

ترجمه:

(هرگاه بدی‌شان بنگری) خوشی و خرّمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان خواهی دید.

توضیحات:

«تَعْرِفُ»: درک می‌کنی. مراد دیدن و مشاهده کردن است. «نَضْرَةَ»: سرسبزی و شادابی. خوشی و خرّمی (نگا: انسان / ۱۱).

سوره مطففین آیه ۲۵

متن آیه:

﴿يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ٢٥﴾

ترجمه:

به آنان از شراب زلال و خالصی داده می‌شود که دست نخورده و سربسته است.

توضیحات:

«رَحِيقٍ»: شراب خالص. «مَّخْتُومٍ»: مهر شده. سربسته. این تعبیر تأکیدی بر خلوص و پاکی و دست‌نخوردگی شراب بهشت است که هوش و عقل و نشاط و عشق و صفا می‌آفریند.

سوره مطففین آیه ۲۶

متن آیه:

﴿خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ٢٦﴾

ترجمه:

مُهر و دربند آن از مشک است (و با دست زدن بدان، بوی عطر مشک در فضا پراکنده می‌شود). مسابقه‌دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمت‌های دیگر بهشت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند.

توضیحات:

«خِتَام»: مُهر. دربند. «لِيَتَنَافَسْ»: باید که مسابقه بدهد و رقابت بکند و پیشی بگیرد. «الْمُتَنَافِسُونَ»: مسابقه‌دهندگان. رقابت کنندگان (نگا: آل‌عمران / ۱۳۳، حدید / ۲۱).

سوره مطففین آیه ۲۷

متن آیه:

﴿وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسۡنِيمٍ ٢٧﴾

ترجمه:

آمیزه آن، تسنیم است.

توضیحات:

«مِزَاج»: ممزوج. آمیزه و آمیخته. «تَسْنِيمٍ»: آبی که از بلندی فرو می‌ریزد. در اینجا اسم چشمه‌ای است در بهشت.

سوره مطففین آیه ۲۸

متن آیه:

﴿عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢٨﴾

ترجمه:

تسنیم چشمه‌ای است که مقرّبان (بارگاه یزدان) از آن می‌نوشند.

توضیحات:

«عَيْناً»: چشمه. مفعول‌به برای فعل محذوف (أَعْني) و یا حال تسنیم است. «بِهَا»: از آن. حرف (بِ) به معنی (مِنْ) است (نگا: انسان / ۶).

سوره مطففین آیه ۲۹

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ كَانُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ ٢٩﴾

ترجمه:

گناهکاران پیوسته (در دنیا) به مؤمنان می‌خندیدند و ایشان را ریشخند می‌کردند.

توضیحات:

«أَجْرَمُوا»: گناه کردند. بزهکاری نمودند. «كَانُوا... يَضْحَكُونَ»: می‌خندیدند. ریشخند می‌کردند.

سوره مطففین آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ يَتَغَامَزُونَ ٣٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که مؤمنان از کنار ایشان می‌گذشتند، با اشارات سر و دست و چشم و ابرو، آنان را مورد تمسخر و عیبجوئی قرار می‌دادند.

توضیحات:

«يَتَغَامَزُونَ»: از مصدر تغامُز، به معنی شرکت دسته‌جمعی در عیبجوئی از کسی یا

کسانی، و تمسخر کردن با اشارات سر و دست و چشم و ابرو است.

سوره مطففین آیه ۳۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ ٣١﴾

ترجمه:

و هنگامی که گناه‌کاران به میان خانواده‌های خود برمی‌گشتند، شادمانه باز می‌گشتند (و به استهزاءها و تمسخرهایشان مباهات و افتخار می‌کردند! انگار با این کارها فتح عظیمی‌کرده‌اند و پیروزی مهمّی فراچنگ آورده‌اند)!.

توضیحات:

«إِنقَلَبُوا»: برمی‌گشتند. مراجعت می‌نمودند. «أَهْل»: خانواده و خویشان. کسان و دوستان. «فَكِهِينَ»: جمع فَكه، شادمان، خوشحال و خندان. حال است. مراد آیه این است که بزهکاران در غیاب مؤمنان نیز همان سخریه‌ها و همان استهزاءها را ادامه می‌دادند.

سوره مطففین آیه ۳۲

متن آیه:

﴿وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ٣٢﴾

ترجمه:

و هنگامی که مؤمنان را (در کوچه و بازار) می‌دیدند، می‌گفتند: اینان قطعاً گمراه و سرگشته‌اند.

توضیحات:

«ضَآلُّونَ»: گمراهان. سرگشتگان.

سوره مطففین آیه ۳۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ ٣٣﴾

ترجمه:

و حال این که بزهکاران برای نگهبانی مؤمنان و پائیدن کردارشان فرستاده نشده بوده‌اند (پس به چه حقی، و مطابق کدام منطقی بر آنان خُرده می‌گرفته‌اند و برخوردهای ناجوانمردانه و سختی با ایشان می‌کرده‌اند)؟!.

توضیحات:

«مَآ أَرْسِلُوا»: کافران و بزهکاران روانه نشده‌اند و فرستاده نگشته‌اند. «حَافِظِينَ»: نگهبانان. مراقبان. حافظان حقوق دیگران و متکفّلان منافع ایشان.

سوره مطففین آیه ۳۴

متن آیه:

﴿فَٱلۡيَوۡمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنَ ٱلۡكُفَّارِ يَضۡحَكُونَ ٣٤﴾

ترجمه:

لذا امروز (که روز سزا و جزای قیامت است) مؤمنان به کافران می‌خندند و ریشخندشان می‌کنند.

توضیحات:

«الْيَوْمَ»: مراد روز قیامت و بعد از دخول مؤمنان به بهشت است (نگا: اعراف / ۴۴، مطفّفین / ۲۳). می‌نگرند.

سوره مطففین آیه ۳۵

متن آیه:

﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٣٥﴾

ترجمه:

بر تخت‌های مجلّل (بهشتی) تکیه می‌زنند و (به زیبائی‌ها و نعمت‌های بسیار آنجا، و به حال زار کافران).

توضیحات:

«الأَرُآئِكِ»: (نگا: مطفّفین / ۲۳).

سوره مطففین آیه ۳۶

متن آیه:

﴿هَلۡ ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾

ترجمه:

(خطاب به دوزخیان می‌گویند): آیا به کافران پاداش و سزای کارهائی که می‌کرده‌اند، داده شده است؟

توضیحات:

«هَلْ ثُوِّبَ»: آیا سزا و جزا داده شده‌اند؟ واژه (ثَواب) برای جزای نیک و سزای بد به کار می‌رود. امّا بیشتر در مورد پاداش خوبی‌ها استعمال دارد. لذا آیه فوق متضمّن نوعی طعن نسبت به کفّار است.

سوره انشقاق

سوره انشقاق آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ ١﴾

ترجمه:

هنگامی که آسمان می‌شکافد.

توضیحات:

«إِنشَقَّتْ»: شکافت (نگا: حاقّه / ۱۶، انفطار / ۱).

سوره انشقاق آیه ۲

متن آیه:

﴿وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٢﴾

ترجمه:

و فرمان پروردگارش را می‌برد، و چنین هم می‌سزد و حق هم همین است.

توضیحات:

«أَذِنَتْ»: گوش فرا داد و فرمان برد. امتثال نمود. «حُقَّتْ»: سزاوار و شایسته همین است. بر آن واجب شده که منقاد و فرمانبردار باشد. در فارسی گفته می‌شود: بر او واجب است. وظیفه او است. حق همین است. و...

سوره انشقاق آیه ۳

متن آیه:

﴿وَإِذَا ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ ٣﴾

ترجمه:

و هنگامی که زمین گسترده می‌شود (و با زدوده شدن فرازها و نشیب‌ها و پستی‌ها و بلندی‌های آن، صاف و هموار می‌گردد).

توضیحات:

«مُدَّت»: کشیده و گسترده شد. مراد دو چیز است: یکم، از میان رفتن پستی‌ها و بلندی‌ها و تبدیل زمین به پهنه و گستره فراخ و یکپارچه‌ای. دوم، گسترده‌تر و فراختر شدن زمین تا برای خلائق اوّلین و آخرین گنجایش پیدا کند.

سوره انشقاق آیه ۴

متن آیه:

﴿وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

و آنچه (از خزینه‌ها و مرده‌ها) در درون خود دارد بیرون می‌اندازد، و (از آنها) خالی می‌گردد.

توضیحات:

«أَلْقَتْ»: پرتاب کرد. بیرون افکند. «تَخَلَّتْ»: خالی گردید.

سوره انشقاق آیه ۵

متن آیه:

﴿وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

و فرمان پروردگارش را می‌برد، و چنین هم می‌سزد و حق هم همین است.

توضیحات:

«أَذِنَتْ...»: این حوادث عظیم که با تسلیم کامل همه موجودات توأم است، بیان‌گر مرحله نوین هستی است. جواب (إِذا) محذوف است و جمله‌ای این چنین است: انسان نتیجه اعمال خوب و بد خود را می‌بیند. برخی آیه بعدی را متضمّن جواب (إِذا) می‌دانند.

سوره انشقاق آیه ۶

متن آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾﴾

ترجمه:

هان! ای انسان! تو پیوسته با تلاش بی‌امان و رنج فراوان به‌سوی پروردگار خود رهسپاری، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد (و نتیجه رنج و تلاش خود را خواهی دید).

توضیحات:

«كَادِحٌ»: تلاش‌گرِ رنجبر. «كَدْحاً»: جدّ و جهد در کار همراه با رنج و تعب، به گونه‌ای که در جسم و جان اثر بگذارد. «إِلَي رَبِّكَ»: این آیه، بیان‌گر ذاتِ جویا و کوشای انسان و حرکت دائمی این رهرو رنجبر نالان در کاروان جهان‌گذران به‌سوی یزدان سبحان است. «فَمُلاقِيهِ»: به پروردگار خود می‌رسی. به نتیجه تلاش و رنج خود می‌رسی. ضمیر (هِ) به رَبّ یا کدْح برمی‌گردد.

سوره انشقاق آیه ۷

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ۝٧﴾

ترجمه:

در آن وقت، هرکس نامه اعمالش به دست راستش داده شود.

توضیحات:

«كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ»: (نگا: اسراء / ۷۱، حاقّه / ۱۹).

سوره انشقاق آیه ۸

متن آیه:

﴿فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۝٨﴾

ترجمه:

با او حساب ساده و آسانی خواهد شد.

توضیحات:

«سَوْفَ يُحَاسَبُ»: محاسبه و رسیدگی خواهد شد.

سوره انشقاق آیه ۹

متن آیه:

﴿وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ۝٩﴾

ترجمه:

و خرّم و شادان به‌سوی کسان و خویشان مؤمن خود برمی‌گردد.

توضیحات:

«أَهْلِهِ»: خویشان و کسان او. مراد مؤمنان است.

سوره انشقاق آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ١٠﴾

ترجمه:

و امّا کسی که از پشت سر نامه اعمالش بدو داده شود.

توضیحات:

«وَرَآءَ ظَهْرِهِ»: پشت سرش. اشخاص کافر و گناهکار نامه اعمال خود را از پشت سر و با دست چپ دریافت می‌دارند. چنین کاری بیان‌گر بیزاری ایشان از این نامه شوم و پرونده بدشگون است (نگا: حاقّه / ۲۵).

سوره انشقاق آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَسَوْفَ يَدْعُواْ ثُبُورًا ١١﴾

ترجمه:

مرگ را فریاد خواهد داشت و هلاک خود را خواهد طلبید.

توضیحات:

«يَدْعُو»: فریاد می‌دارد. می‌طلبد. الف زائدی در رسم‌الخطّ قرآنی در آخر دارد. «ثُبُوراً»: هلاک و نابودی (نگا: فرقان / ۱۳ و ۱۴).

سوره انشقاق آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ١٢﴾

ترجمه:

و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت.

توضیحات:

«يَصْلي»: به آتش وارد می‌گردد و بدان می‌سوزد (نگا: نساء / ۱۰، ابراهیم / ۲۹،

اسراء / ۱۸۹). «سَعِيراً»: آتش سوزان و شعله‌ور. دوزخ.

سوره انشقاق آیه ۱۳

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ١٣﴾

ترجمه:

این بدان خاطر است که در میان خانواده و کسان خود (در جهان، سرمست از شهوات و لذائذ حیوانی، و) مسرور (از کفر و گناه خویش) بوده است.

توضیحات:

«أَهْلِهِ»: خانواده و خوی‌شان خود. دوستان و همدمان خود. «كَانَ... مَسْرُوراً»: مراد سُرور ناشی از شهوت‌ها و غفلت‌ها، و لذّت حاصل از کفر و گناه است. سُروری نکوهیده و مذموم است که انسان را از یاد خدا غافل کند و او را در شهوات غوطه‌ور سازد.

سوره انشقاق آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ١٤﴾

ترجمه:

و او گمان می‌برده است که وی هرگز (به سوی خدا برای حساب و کتاب) باز نخواهد گشت.

توضیحات:

«لَن يَحُورَ»: باز نمی‌گردد. مراد این است که به معاد باور نداشته است و معتقد به رستاخیز و حساب و کتاب اخروی و بهشت و دوزخ نبوده است.

سوره انشقاق آیه ۱۵

متن آیه:

﴿بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ١٥﴾

ترجمه:

(زهی خیال باطل!) آری که (او زنده می‌گردد و به‌سوی پروردگارش برمی‌گردد، و) پروردگارش او را دیده است و آگاه از (احوال و افعال و اقوال) او بوده است (و در لحظه لحظه زندگیش وی را پائیده است).

توضیحات:

«بَلَى»: آری! حرفی است که عدم رجوع را باطل می‌کند، و رجوع را قطعی و محقّق می‌دارد.

سوره انشقاق آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلشَّفَقِ ۝١٦﴾

ترجمه:

سوگند به شفق!.

توضیحات:

«فَلَآ أُقْسِمُ»: (نگا: واقعه / ۷۵، حاقّه / ۳۸، معارج / ۴۰). «الشَّفَقِ»: سرخی کناره آسمان در افق مغرب، در آغاز غروب آفتاب.

سوره انشقاق آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ وَمَا وَسَقَ ۝١٧﴾

ترجمه:

و سوگند به شب و هرآنچه که فرا می‌گیرد و زیر تاریکی خود جمع می‌گرداند!

توضیحات:

«وَسَقَ»: فرا گرفت. جمع کرد. در صورت اخیر، اشاره به بازگشت انواع حیوانات و پرندگان و حتّی انسان‌ها به خانه‌ها و لانه‌های خود به هنگام شب است که مایه آرامش و آسایش عمومی جانداران است.

سوره انشقاق آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَٱلۡقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ۝١٨﴾

ترجمه:

و سوگند به ماه، بدان گاه که (بدر کامل می‌شود و نور و شکل آن) جمع و جور می‌گردد!.

توضیحات:

«إِتَّسَقَ»: جمع گردید. جمع و جور شد. گِرد و تمام شد. مراد کمال نور ماه در شب چهارده است که ماه در این حالت فروغ و زیبائی خاصّی دارد.

سوره انشقاق آیه ۱۹

متن آیه:

﴿لَتَرۡكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٖ ١٩﴾

ترجمه:

قطعاً مراتب و حالات مختلفی را یکی پس از دیگری (در مسیر زندگی دنیوی) طی خواهید کرد و با اوضاع و احوال گوناگونی (در آخرت) روبرو خواهید شد. (از قبیل: کودکی و جوانی و پیری، سلامت و بیماری، خوشی و ناخوشی، زندگی و مرگ، برزخ و رستاخیز و قیامت، و...).

توضیحات:

«لَتَرْكَبُنَّ»: قطعاً حال به حال می‌گردید و احوال و اوضاع گوناگونی را پشت سر می‌گذارید. «طَبَقاً»: چیزی که مطابق با چیز دیگری است. در اینجا مراد حالت و مرتبت است. «عَنْ»: در اینجا به معنی (بَعْدَ) است. همان‌گونه که گفته می‌شود: فُلانٌ عَظیمٌ، أَباً عَنْ جَدٍّ. بعضی واژه (طَبَق) را به معنی آخرت دانسته‌اند که در آن انسان مطابق این جهان زنده می‌گردد و حسّ و شعور پیدا می‌کند، امّا برابر ضوابط خاصّ خود (نگا: جزء عم شیخ محمّد عبده).

سوره انشقاق آیه ۲۰

متن آیه:

﴿فَمَا لَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٠﴾

ترجمه:

ایشان را چه شده است که ایمان نمی‌آورند؟

توضیحات:

«مَا لَهُمْ»؟: ایشان را چه شده است؟ یعنی دلائل خداشناسی و خداپرستی در آفاق و انفس، فراوان و آشکار است، این مردم چرا باید به قرآن و نبوّت و دیانت و آخرت و

سائر حقائق دیگر، ایمان نیاورند؟!

سوره انشقاق آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا يَسۡجُدُونَ۩ ٢١﴾

ترجمه:

و هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود (در برابر صاحب قرآن و پروردگار زمین و آسمان به خاک مذلّت و بندگی نمی‌افتند و) کرنش نمی‌برند؟

توضیحات:

«لا یَسْجُدُونَ»: خضوع و خشوع نمی‌کنند. سجده و کرنش نمی‌برند. مقصود از سجده، تن دادن و سر فرود آوردن در برابر اعجاز قرآن و اوامر و احکام آن است. یا مراد این است که چرا نباید در برابر شنیدن قرآن، خوف خدا در دل و جان پیدا شود، و سر تسلیم در پیشگاه یزدان فرود آورده شود؟

سوره انشقاق آیه ۲۲

متن آیه:

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُكَذِّبُونَ ٢٢﴾

ترجمه:

بلکه کافران (به سبب تعصّب و تقلید کورکورانه از نیاکان، و حفظ منافع مادی، و کسب آزادی برای اشباع هوس‌های اهریمنانه، آیات الهی و رستاخیز و بهشت و دوزخ را) تکذیب می‌دارند و دروغ می‌شمارند.

توضیحات:

«یُکَذِّبُونَ»: به کار بردن فعل مضارع، برای استمرار است، و گواه بر این معنی که کافران در تکذیبهای خود اصرار داشته و دارند.

سوره انشقاق آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُوعُونَ ٢٣﴾

ترجمه:

خداوند به خوبی می‌داند که آنان چه چیزهایی (از کینه و دشمنیها بر ضدّ اسلام

در درون دل‌های خود) نگاه می‌دارند.

توضیحات:

«أَعْلَمُ»: آگاه‌تر. مراد خوبِ خوب، یا آگاه‌تر از خودشان است. «يُوعُونَ»: نگاه می‌دارند. در ظرف دل‌ها پنهان می‌نمایند و به دل می‌گیرند (نگا: معارج / ۱۸، حاقّه / ۱۲).

سوره انشقاق آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٤﴾

ترجمه:

پس ایشان را به عذاب دردناکی مژده بده!.

توضیحات:

«بَشِّرْهُمْ»: استعمال مژده‌دادن به جای بیم دادن، جنبه طعن و ریشخند دارد.

سوره انشقاق آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونِۭ ٢٥﴾

ترجمه:

لیکن کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان دارای پاداش ناگسستنی و پایان ناپذیرفتنی هستند.

توضیحات:

«إِلاَّ الَّذِينَ...»: حرف (إِلاّ) به معنی (لكِن) است، و استثناء منقطع از ضمیر (هُمْ) در آیه پیشین است. آن را استثناء متّصل نیز دانسته‌اند. در این صورت معنی آیه چنین است: مگر به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند که آنان دارای پاداش ناگسستنی و پایان ناپذیرفتنی می‌باشند. «غَيْرُ مَمْنُونٍ»: ناگسستنی و نامقطوع (نگا: هود / ۱۰۸). بدون منّت. بی‌حساب و بی‌شمار (نگا: بقره / ۲۱۲، آل‌عمران / ۲۷ و ۳۷، زمر / ۱۰، غافر / ۴۰).

سوره بروج

سوره بروج آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ ۝١﴾

ترجمه:

سوگند به آسمان که دارای برج‌ها و باروها است!.

توضیحات:

«ذَاتِ الْبُرُوجِ»: دارای برج‌ها و باروها. کمتر تفسیری است که بروج را به برج‌های دوازده‌گانه خورشید و بیست و هفتگانه ماه اختصاص نداده باشد. ولی باید مراد همه کواکب و ستارگانی باشد که میلیاردها از آنها تشکیل کهکشانی، و به اصطلاح شهری جداگانه با نظم و نظامی شگفت تشکیل می‌دهند، و کهکشان‌های بیشمار جهان هستی، بر طبق نقشه و حساب پدیدار گشته و با هم رابطه تنگاتنگ داشته و دارای وحدت ساختمان و ساختارند و نمایاننده کمال تدبیر و عظمت و قدرت الهی می‌باشند، و در اصل کشور کائنات را تشکیل می‌دهند و برابر آیه‌های قرآن موجودات زنده در گوشه‌هائی از این کشور پهناور گیتی موجود و ساکنان مخصوص به خود دارد (نگا: شوری / ۲۹).

سوره بروج آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ ۝٢﴾

ترجمه:

و سوگند به روز وعده داده شده (برای حساب و کتاب و سزا و جزا)!.

توضیحات:

«الْيَوْمِ الْـمَوْعُودِ»: مراد روز قیامت است که وعده آن جهت حساب و کتاب و سزا و جزا داده شده است (نگا: اسراء / ۷، زمر / ۲۰، جاثیه / ۳۲، انبیاء / ۱۰۴).

سوره بروج آیه ۳

متن آیه:

﴿وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به هر که و هرچه گواهی دهد و به هر که و هرچه مورد گواهی قرار گیرد!

توضیحات:

«شَاهِدٍ»: گواهی‌دهنده. «مَشْهُودٍ»: بر آن گواهی داده شده. مراد از شاهد، همه گواهان روز قیامت است، اعم از پیغمبران (نگا: نساء / ۴۱) و فرشتگان (نگا: ق / ۲۱) و اعضاء و اندامهای آدمی (نگا: نور / ۲۴). و منظور از مشهود، انسان‌ها و اعمال‌شان است. یا این که شاهد و مشهود، به معنی خدا و جمیع آفریدگان خدا و همه احوال و عجائبی است که در صحنه قیامت یا حضور پیدا می‌کنند و یا حاضر آورده می‌شوند.

سوره بروج آیه ۴

متن آیه:

﴿قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ٤﴾

ترجمه:

نفرین بر صاحبان گودال (شکنجه) باد!.

توضیحات:

«قُتِلَ»: هلاک باد. مرگ بر. نفرین بر (نگا: ذاریات / ۱۰، مدّثّر / ۱۹ و ۲۰، عبس / ۱۷). « الأُخْدُودِ »: گودال مستطیلی شکلی در زمین؛ مفرد است و جمع آن أَخادید است. نماد همه کوره‌های آدم‌سوزی و شکنجه‌گاه‌ها و سیاه چال‌های تاریخ است. «أَصْحَابُ الأُخْدُودِ »: شکنجه‌گران کافر و بیرحمی‌بودند که در سرزمین یمن، گودال ژرف و درازی را کندند و در آن آتش زیادی را برافروختند و از مؤمنان مسیحی خواستند که دست از ایمان خود بردارند. هنگامی که با مقاومت آنان روبرو شدند، ایشان را بدان گودال هولناک انداختند و در کنار آن ایستادند و از سوختن و بریان شدن مؤمنان شادی کردند و لذّت بردند. «قُتِلَ أَصْحَابُ الأُخْدُودِ»: این جمله می‌تواند خبریه و جواب قسم باشد، بدین معنی: صاحبان گودال شکنجه، به عذاب خدا و کیفر اعمال خود گرفتار شدند و نابود گشتند. یا این که دعائی بوده و معنی آن در بالا گذشت. در این صورت رهنمود به جواب قسم محذوف است و تقدیر چنین است:

«أُقْسِمُ بِهذِهِ الأُمُورِ، إِنَّ الَّذِینَ فَتَنُوا الْـمُؤْمِنِینَ وَالْـمُؤْمِناتِ، مُعَذَّبُونَ وَ مَلْعُونُونَ، کَمَا لُعِنَ أَصْحَابُ الأُخْدُودِ».

سوره بروج آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ ۝٥﴾

ترجمه:

گودال پر از آتش و دارای هیمه و افروزینه فراوان.

توضیحات:

«النَّارِ»: بدل اشتمال (الأُخْدُود) است. «ذَاتِ الْوَقُودِ»: دارای هیمه و افروزینه. «الْوَقُودِ»: افروزینه و هیمه آتش (نگا: بقره / ۲۴، آل‌عمران / ۱۰، تحریم / ۶).

سوره بروج آیه ۶

متن آیه:

﴿إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا قُعُودٞ ۝٦﴾

ترجمه:

وقتی آنان بر کناره گودال آتش (به نظاره‌گری سوختن و جزغاله شدن مؤمنان) نشسته بودند.

توضیحات:

«قُعُودٌ»: جمع قاعِد، نشستگان.

سوره بروج آیه ۷

متن آیه:

﴿وَهُمۡ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ ۝٧﴾

ترجمه:

و ایشان چیزی را تماشا می‌کردند که بر سر مؤمنان می‌آوردند.

توضیحات:

«یَفْعَلُونَ»: استعمال فعل مضارع، دلیل بر این است که کوره گودال آدم‌سوزی مدّتی استمرار داشته و یک حادثه زودگذر نبوده است. «شُهُودٌ»: جمع شاهِد، گواهان.

مشاهده‌کنندگان. حاضران.

سوره بروج آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٨﴾

ترجمه:

شکنجه‌گران هیچ ایرادی و عیبی و جرمی بر مؤمنان نمی‌دیدند جز این که ایشان به خداوند قادر و چیره، و شایسته هرگونه ستایشی، ایمان داشتند!!

توضیحات:

«مَا نَقَمُوا»: انتقام نگرفتند. گناه و عیب و رخنه و ایرادی پیدا نکردند. ناخوش نداشتنند. «إِلاّ أَن يُؤْمِنُوا...»: (نگا: اعراف / ۱۲۶، مائده / ۵۹).

سوره بروج آیه ۹

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٩﴾

ترجمه:

خداوندی که سلطنت و سرزمین آسمان‌ها و زمین از آن او است، و بر هر چیزی حاضر و ناظر است.

توضیحات:

«مُلْكُ»: سلطنت. سرزمین. «شَهِيدٌ»: حاضر. گواه (نگا: آل‌عمران / ۹۸، مائده / ۱۱۷، حجّ / ۱۷).

سوره بروج آیه ۱۰

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ ١٠﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را شکنجه می‌دهند تا از دین الهی برگردند، و سپس توبه نمی‌کنند و از کرده خویش پشیمان نمی‌شوند، قطعاً عذاب دوزخ دامنگیر ایشان خواهد شد و همچنین عذاب آتش سوزان بهره آنان خواهد بود.

توضیحات:

«فَتَنُوا»: شکنجه و آزار دادند تا از دین برگردند. عذاب دادند (نگا: ذاریات / ۱۳ و ۱۴). «الْحَرِيقِ»: سوزان (نگا: آل‌عمران / ۱۸۱، انفال / ۵۰).

سوره بروج آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡكَبِيرُ ١١﴾

ترجمه:

مسلّماً کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، بدون شک باغ‌های بهشت از آن ایشان است که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن رودبارها روان است، و رستگاری و کامیابی بزرگ این است.

توضیحات:

«الْفَوْزُ الْكَبِيرُ»: رستگاری و پیروزی و کامیابی بزرگ.

سوره بروج آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّ بَطۡشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ١٢﴾

ترجمه:

بی‌گمان پروردگارت یورش و تاخت بردن و درهم کوبیدن و به کیفر رساندنش سخت و شدید است.

توضیحات:

«بَطْشَ»: تاخت بردن و یورش کردن. درهم کوبیدن و ناگهانی دستگیر کردن و به کیفر رساندن (نگا: زخرف / ۸، ق / ۳۶، دخان / ۱۶).

سوره بروج آیه ۱۳

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ هُوَ يُبۡدِئُ وَيُعِيدُ ١٣﴾

ترجمه:

او است که قبلاً آفرینش را آغازیده است، و او است که بعداً آفرینش را دوباره باز

می‌گرداند.

توضیحات:

«هُوَ يُبْدِئُ وَ يُعِيدُ»: او است که آفرینش را از نیستی به هستی آورده است و پس از نابودی دوباره آن را هستی می‌بخشد. البتّه این کار همیشگی آفریدگار متعال است. یعنی، همه موجودات به وسیله قدرت مطلقه پروردگار، پیوسته از ناچیزی چیز و باز ناچیز می‌شوند، و از ناتوانی توان می‌یابند و ناتوان می‌گردند، و بدون اراده و دخالت خود از صورتی به صورتی درمی‌آیند (نگا: یونس / ۴ و ۳۴، نمل / ۶۴، روم / ۱۱ و ۲۷).

سوره بروج آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ ١٤﴾

ترجمه:

خدا آمرزگار و دوستدار (بندگان مؤمن) است.

توضیحات:

«الْوَدُودُ»: بسیار دوستدار و بامحبّت و مودّت.

سوره بروج آیه ۱۵

متن آیه:

﴿ذُو ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡمَجِيدُ ١٥﴾

ترجمه:

و او صاحب تخت (حکومت مطلقه بر عالم هستی) و دارای مجد و عظمت است.

توضیحات:

«ذُوالْعَرْشِ»: صاحب عرش (نگا: اعراف / ۵۴). کنایه از قدرت و حاکمیت است و بیان‌گر این واقعیت است که حکومت جهانی هستی از آن او است. «الـْمَجِيدُ»: دارای مجد و عظمت. خبر چهارم است.

سوره بروج آیه ۱۶

متن آیه:

﴿فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ١٦﴾

ترجمه:

آنچه بخواهد، هرچه زودتر و باقدرت هرچه بیشتر به انجام می‌رساند.

توضیحات:

«فَعَّالٌ»: صیغه مبالغه فاعل، انجام دهنده‌ای که تمام کائنات توان و نیروی آن را ندارد که در راه اراده و تصمیم او ایجاد موانع کند، و هیچ مقاومتی در برابر فرمانش نیست. لذا مسأله معاد و زنده‌کردن مردگان بعد از مرگ، و کیفر و مجازات و شکنجه‌گران، برای قدرت مطلقه خداوند مشکل و دشوار نیست.

سوره بروج آیه ۱۷

متن آیه:

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ ١٧﴾

ترجمه:

آیا خبر لشکرها و سپاهیان (کفّار) به تو رسیده است؟

توضیحات:

«الْجُنُودِ»: جمع جند، لشکرها و سپاه‌ها. مراد گروه‌ها و دسته‌های کافری است که خویشتن را برای مبارزه پیغمبران مجهّز نموده‌اند و با حق و حقیقت مبارزه کرده‌اند.

سوره بروج آیه ۱۸

متن آیه:

﴿فِرۡعَوۡنَ وَثَمُودَ ١٨﴾

ترجمه:

لشکرهای فرعون و قوم ثمود؟

توضیحات:

«فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ»: مضاف، محذوف است و در اصل «جنودِ فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ»، بدل از (الْجُنُودِ) و مجرورند. «ثَمُودَ»: قوم پیغمبر خدا صالح بودند (نگا: هود / ۶۱ - ۶۸).

سوره بروج آیه ۱۹

متن آیه:

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي تَكۡذِيبٖ ١٩﴾

ترجمه:

اصلاً کافران پیوسته کارشان تکذیب (حق و حقیقت) است.

توضیحات:

«الَّذِینَ کَفَرُوا»: مراد کافران سراسر تاریخ به طور عام، و کفّار مکه به طور خاصّ است. «فِي تَكْذِیبٍ»: غرق در تکذیب هستند. عشق به تکذیب، انگار خرد دوراندیش و چشم حق بین ایشان را تباه کرده است و به ژرفای دریای غفلت‌شان انداخته است.

سوره بروج آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطُۢ ٢٠﴾

ترجمه:

خداوند، از پشت سر، ایشان را دَور زده است و احاطه کرده است (و راه فراری برای ایشان باقی نگذاشته است و کاملاً مراقب اوضاع و احوالشان است).

توضیحات:

«وَرَآءِ»: پشت سر. مراد از هر جهت است (نگا: نمونه). «مُحِیطٌ»: احاطه کننده.

سوره بروج آیه ۲۱

متن آیه:

﴿بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ٢١﴾

ترجمه:

(این سخن سحر و دروغ نیست) بلکه این، قرآن بزرگوار و عالیقدر است.

توضیحات:

«مَجِیدٌ»: شریف. دارای منزلت و مکانت. عالیقدر.

سوره بروج آیه ۲۲

متن آیه:

﴿فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۭ ٢٢﴾

ترجمه:

در لوح محفوظ جای دارد (و دست نااهلان و شیاطین و کاهنان هرگز به آن نمی‌رسد، و از هرگونه تغییر و تبدیل و زیاده و نقصانی برکنار و در امان است).

توضیحات:

«لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ»: لوح محفوظ چیزی است که خدا از آن خبر داده است، و کتاب خود قرآن را در آن به ودیعت گذارده است و ما را با حقیقت آن آشنا نفرموده است. در قرآن از آن تحت عنوان: کتاب مبین (نگا: انعام / ۵۹) و امّ الکتاب (نگا: رعد / ۳۹) و امام مبین (نگا: یس / ۱۲) سخن رفته است.

سوره طارق

سوره طارق آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ ١﴾

ترجمه:

سوگند به آسمان و به ستارگانی که شبانگاهان پدیدار می‌آیند!

توضیحات:

«السَّمَآءِ»: آسمان. مراد جهان بالای سر ما زمینیان است. «الطَّارِقِ»: مهمان شبانه. راه‌پیمای شبرو. در اینجا مراد ستارگانی است که شبانگاهان پدیدار می‌آیند و انگار مسافران یا مهمانانی هستند که در شب درگاه خانه‌ها را بر روی آدمیان می‌زنند. واژه آسمان عام است، و واژه ستارگان خاصّ و بیان‌گر اهمّیت ویژه آنها است.

سوره طارق آیه ۲

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ٢﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی که ستارگانی که شبانگاهان پدیدار می‌گردند چه هستند؟!

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷، مرسلات / ۱۴).

سوره طارق آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱلنَّجۡمُ ٱلثَّاقِبُ ٣﴾

ترجمه:

ستارگان درخشانی هستند که (با نور خود دل تاریکیها را می‌شکافند و) سوراخ می‌کنند.

توضیحات:

«النَّجْمُ»: ستاره. اسم جنس است و مراد همه ستارگان است. «الثَّاقِبُ»: سوراخ‌کننده (نگا: صافّات / ۱۰). درخشان و فروزان (نگا: فرهنگ لغات قرآن دکتر قریب، جزء عمّ ترجانی‌زاده).

سوره طارق آیه ۴

متن آیه:

﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ٤﴾

ترجمه:

کسی وجود ندارد مگر این که بر او نگهبانی است (که او را می‌پاید و پندار و کردار و گفتارش را ثبت و ضبط و حفظ می‌نماید).

توضیحات:

«إِنْ»: حرف نفی و به معنی (مَا) است. «إِن كُلُّ...»: مسلّماً هرکسی مراقبی دارد. «حَافِظٌ»: مُراقب. مُحافظ. مراد فرشتگان آفریدگارند که به منزله سپاهیان محافظ و مراقب انسان هستند. هم او را از چیزهائی که خدا بخواهد حفظ می‌کنند، و هم اعمال او را می‌پایند و می‌نگارند (نگا: زخرف / ۸۰، انفطار / ۱۰ و ۱۱). «لَـمَّـا»: مگر این که. به معنی (إِلاّ) است. این آیه، جواب قسم است.

سوره طارق آیه ۵

متن آیه:

﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ٥﴾

ترجمه:

انسان باید بنگرد و دقّت کند که از چه چیز آفریده شده است؟!

توضیحات:

«لِيَنظُرْ»: باید بنگرد. نگریستن به معنی اندیشیدن و وارسی کردن است (نگا: اعراف / ۱۸۵، ق / ۶، حشر / ۱۸).

سوره طارق آیه ۶

متن آیه:

﴿خُلِقَ مِن مَّآءٖ دَافِقٖ ٦﴾

ترجمه:

او از آب جهنده ناچیزی آفریده شده است.

توضیحات:

«مَآءٍ»: آب. نکره آمدن آن دلیل بر ناچیزی و حقارت است (نگا: سجده / ۸، مرسلات / ۲۰). «دَافِقٍ»: جهنده. توصیف نطفه است که در آب منی شناور است و به هنگام بیرون آمدن، جهش و پرش دارد (نگا: عبس / ۱۸ و ۱۹).

سوره طارق آیه ۷

متن آیه:

﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بَيۡنِ ٱلصُّلۡبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ٧﴾

ترجمه:

(و پس از رشد کامل در رحم) از میان پشت و استخوانهای سینه (مادر می‌گذرد و) بیرون می‌آید.

توضیحات:

«الصُّلْبِ»: استخوان پشت. ستون فقرات. «التَّرَآئِبِ»: جمع تَريبَة، استخوانهای سینه. فاعل فعل «يَخْرُجُ» ضمیر مستتر (هو) است که به (انسان) در آیه ۵ همین سوره برمی‌گردد. دو قطب جنین رشد یافته انسان در هفته‌های آخر جنینی مابین جناغ و دنده‌های تحتانی سینه مادر و ستون فقرات پشت مادر قرار داشته و از آنجا حرکت در مسیر کانال زایمانی را در موعد مقرر آغاز می‌کند. ضمیر (ه) در «رجعه» نیز به انسان برمی‌گردد... این آیات مسیر زندگی انسان را از بدو انعقاد نطفه تا رستاخیز مرور می‌کنند.

سوره طارق آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجۡعِهِۦ لَقَادِرٞ ٨﴾

ترجمه:

بی‌گمان خداوند (تعالی که انسان را در آغاز از آب نطفه آفریده است، همو) قادر است که بار دیگر انسان را (پس از مرگ به زندگی) برگرداند.

توضیحات:

«رَجْع»: بازگرداندن (نگا: توبه / ۸۳). مراد زنده گرداندن در آخرت است.

سوره طارق آیه ۹

متن آیه:

﴿يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ ٩﴾

ترجمه:

(این بازگشت) روزی تحقّق می‌یابد که رازهای نهان و کارهای پنهان آشکار و آزموده می‌گردد.

توضیحات:

«تُبْلي»: مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرد. نمایان و هویدا می‌شود. از آنجا که به هنگام آزمایش، حقیقت اشیاء ظاهر و آشکار می‌شود، این ماده در اینجا به معنی ظهور و بروز آمده است. «السَّرَآئِرُ»: جمع سَرِيرَة، نهانی‌ها و پنهانی‌ها. اسرار و رازها. نیات و عقائد و هرچیزی که نهفته و پوشیده باشد.

سوره طارق آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ ١٠﴾

ترجمه:

بدین هنگام برای انسان نه نیروئی است (که بر زشتی‌های اعمال و عقائدش پرده بیفکند) و نه یار و یاوری است (که او را از عذاب الهی رهائی بخشد).

توضیحات:

«فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ...»: برابر بسیاری از آیات قرآن، در آخرت تنها وسیله نجات انسان، ایمان و عمل صالح است و بس (نگا: انفطار / ۱۹).

سوره طارق آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجۡعِ ١١﴾

ترجمه:

سوگند به آسمان برگرداننده (امواج رادیوئی و بخارهای آب به صورت برف و باران)!

توضیحات:

«ذَاتِ الرَّجْعِ»: برگرداننده. دارای باران. تمام تفسیرهائی را که در دسترس بود بررسی کردم. در میان وجوه مختلف، تنها دو معنی برای «رجع» مقبول به نظر رسید: باران، و برگرداندن بخار آب. به گمان اینجانب معنی (رَجْع) برگرداندن است، اعم از برگرداندن بخارهای متصاعد اقیانوس‌ها و دریاها به صورت برف و باران، و یا برگرداندن امواج رادیوئی به هنگام برخورد با آتمسفر زمین، و برگرداندن اشعّه‌های کیهانی مگر به اندازه نیاز موجودات کره زمین. البتّه در تفسیر کبیر چنین جمله‌ای به چشم می‌خورد: «كَأَنَّهُ مِنْ تَرْجيعِ الصَّوْتِ وَهُوَ إِعادَتُهُ».

سوره طارق آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضِ ذَاتِ ٱلصَّدۡعِ ١٢﴾

ترجمه:

و سوگند به زمین شکاف بردار (در برابر قدرت حرکت گیاهها و ریشه‌دوانی آنها، و یا بر اثر عوامل دیگر)!

توضیحات:

«ذَاتِ الصَّدْعِ»: شکاف بردار. «الصَّدْع»: شکاف برداشتن و ازهم جدا شدن. اشاره به قابل نفوذ بودن زمین برای رشد گیاهان و درختان است. یعنی خاک زمین سفت و سخت نبوده و بلکه نرم است و به آب و به مویرگ‌ها و ریشه‌های روئیدنی‌ها اجازه می‌دهد به داخل زمین نفوذ کنند و فرو روند، و جوانه‌های رُستنی‌ها از داخل آن سر برآورند. صَدْع، به خود گیاه هم گفته شده است.

سوره طارق آیه ۱۳

متن آیه:

﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلٌ فَصۡلٌ ١٣﴾

ترجمه:

مسلّماً قرآن سخن فیصله بخشی است (که خیر و شر، و خوب و بد، و حق و باطل را از هم جدا می‌سازد، و یگانه وسیله راه تشخیص حقائق از اوهام، و دیانتهای آسمانی از خرافه‌های زمینی است).

توضيحات:

«إِنَّهُ»: اين كه قرآن. اين كه رستاخيز در ميان است و رازها هويدا و اسرار آزموده مى‌گردد. و... يعنى ضمير (هُ) يا به قرآن برمى‌گردد كه از قرينه پيدا است، و يا به مفاهيم پيشين سوره كه درباره معاد و قدرت خدا بر رستاخيز مردگان و نمايان شدن نهانيها و آزمون رازها در آن است. «فَصْلٌ»: داورانه. فيصله‌دهنده. مصدر است و براى مبالغه در معنى وصفى، يعنى فاصِل، به كار رفته است (نگا: انعام / ۵۷، صافّات / ۲۱، ص / ۲۰). اين آيه جواب قسم است.

سوره طارق آيه ۱۴

متن آيه:

﴿وَمَا هُوَ بِٱلْهَزْلِ ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

و سخن گزافه نبوده و شوخى نمى‌باشد. (بلكه جدّى و قطعى است و از آستانه باعظمت و محكمه دادگرانه الهى صادر شده است).

توضيحات:

«الْـهَزْلِ»: ياوه و گزافه. شوخى و غير جدّى.

سوره طارق آيه ۱۵

متن آيه:

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

آنان (كه دشمنان اسلامند، درباره قرآن) پيوسته به نيرنگ مى‌پردازند و (براى جلوگيرى و نابودى اسلام) نقشه مى‌كشند.

توضيحات:

«يَكِيدُونَ»: نيرنگ مى‌زنند. نقشه مى‌كشند. توطئه مى‌كنند.

سوره طارق آيه ۱۶

متن آيه:

﴿وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾﴾

ترجمه:

و من هم (در برابر آنان) همیشه نیرنگ می‌زنم و نقشه می‌ریزم (و نیرنگ آنان را بی‌اثر، و نقشه ایشان را نقش برآب می‌سازم).

توضیحات:

«أَكِيدُ»: مراد از کیدِ خدا، چاره‌جوئی و نقشه حق و نیرنگ پسندیده و حکیمانه است. برابر صنعت مقابله و مشاکله، چاره‌سازی و برداشتن موانع اهریمنانه شیطان صفتان، از مسیر راه حق و حقیقت، کید نامیده شده است (نگا: اعراف / ۱۸۳، یوسف / ۷۶، قلم / ۴۵).

سوره طارق آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا ١٧﴾

ترجمه:

پس به کافران مهلت بده، بدی‌شان مختصر مهلتی بده (تا نسبت به ایشان اتمام حجّت گردد، و بعدها کارشان زار و نزار، و خودشان در دنیا و آخرت شرمسار شوند).

توضیحات:

«مَهِّلْ»: مهلت بده. فرصت بده. «أَمْهِلْ»: مهلت بده. فرصت بده. «رُوَيْداً»: کمی. اندکی. مفعول مطلق تأکیدی، یا حال مؤکده است. این واژه، مصدر و مصغّر رَوْد است. در این آیه، سه بار به رسول اکرم گوشزد شده است که در کار تبلیغ شکیبائی پیش گیرد تا درسی برای پیروان او و داعیان الی الله باشد، یکی از مصدر تمهیل و دیگری از مصدر امهال و سومی از مصدر مصغّر رَوْد، استفاده شده است.

سوره أعلی

سوره أعلی آیه ۱

متن آیه:

﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ١﴾

ترجمه:

تسبیح و تقدیس کن پروردگار والا مقام خود را.

توضیحات:

«سَبِّحْ»: منزّه‌دار. به پاکی یاد کن. تسبیح و تقدیس نما. «إِسْمَ»: نام. مراد صفاتی است که با آن ما خدا را می‌شناسیم (نگا: جزء عمّ ترجانی‌زاده). ذات. یعنی ذات مقدّس او را از هر فعل و صفتی که لایق مقام و عظمتش نباشد، پاک و منزّه بداریم و از خیال و قیاس و گمان و وهم دورتر و برتر بدانیم (نگا: واقعه / ۷۴ و ۹۶، حاقّه / ۵۲). «الأَعْلَي»: بسیار والامقام. بسیار بلند مرتبه.

سوره أعلی آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ٢﴾

ترجمه:

همان خداوندی که (چیزها را) می‌آفریند و سپس (آنها را هماهنگ می‌کند و) می‌آراید.

توضیحات:

«سَوَّي»: موزون و منظّم و آراسته و پیراسته کرد. نظم و نظام بخشید. هرچیزی را آماده کاری کرد که برای انجام آن آفریده شده است (نگا: بقره / ۲۹، کهف / ۳۷، نازعات / ۲۸).

سوره أعلی آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ٣﴾

ترجمه:

خداوندی که اندازه‌گیری می‌کند و (هرچیزی را آن گونه که شایسته و بایسته است می‌آفریند، و آن گاه آن را به کاری) رهنمود می‌نماید (که باید بکند).

توضیحات:

«قَدَّرَ»: اندازه‌گیری کرد. هرچیزی را به اندازه‌ای و به گونه‌ای بیافرید که متناسب با حال آن است (نگا: فرقان / ۲، عبس / ۱۹). «هَدي»: به وظیفه رهنمود و به برنامه آشنا کرد (نگا: طه / ۵۰).

سوره أعلی آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ٤﴾

ترجمه:

خداوندی که چَراگاه را (برای تغذیه جانداران از زمین می‌رویاند و) بیرون می‌آورد.

توضیحات:

«الْـمَرْعي»: چَراگاه. مراد سبزه‌زارها و چمنزارها و همه روئیدنی‌ها است (نگا: نازعات / ۳۱).

سوره أعلی آیه ۵

متن آیه:

﴿فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ٥﴾

ترجمه:

سپس آن را خشک و سیاه می‌گرداند.

توضیحات:

«غُثَآءً»: گیاهان خشکیده و درهم ریخته‌ای که سیل آن را به کنار می‌اندازد. خس و خاشاک و برگ‌های پوسیده. «أَحْوي»: سیاه تیره.

سوره أعلی آیه ۶

متن آیه:

﴿سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ٦﴾

ترجمه:

ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و به تو خواهیم آموخت، و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد.

توضیحات:

«سَنُقْرِئُكَ»: بر تو خواهیم خواند. به تو خواهیم آموخت.

سوره أعلی آیه ۷

متن آیه:

﴿إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ٧﴾

ترجمه:

مگر چیزی را که خدا بخواهد. قطعاً او آشکارا و نهان را می‌داند. (چنین خدائی نگاهبان قرآن است و آنچه مورد نیاز بشر بوده و هست از طریق وحی قرآن به تو می‌رساند، و چیزی را در این زمینه فروگذار نمی‌کند).

توضیحات:

«إِلاّ مَا شَآءَ اللهُ»: این استثناء بدان خاطر است که مردمان بدانند حاکمیت اراده و گستره قدرت خدا نامحدود است و هر کاری را که بخواهد می‌تواند بکند، نه این که چیزی از قرآن از دل پاک پیغمبر فراموش گردد و زدوده شود (نگا: اسراء / ۸۶، هود / ۱۰۸).

سوره أعلی آیه ۸

متن آیه:

﴿وَنُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ ٨﴾

ترجمه:

ما تو را برای شریعت ساده و آسان (آئین اسلام) آماده می‌سازیم (و کارهای خیری را برای تو آسان می‌نمائیم و در انجام آنها توفیقت می‌دهیم).

توضیحات:

«نُيَسِّرُكَ»: تو را آماده می‌سازیم. تو را توفیق می‌دهیم. «الْيُسْري»: آسانترین راه. ساده‌ترین آئین و سهل‌ترین شریعت (نگا: کهف / ۸۸). از لحاظ معنی، صفت موصوف

محذوفی همچون «الشَّرِیعَةِ» یا «أَلطَّرِیقَةِ»: است. تقدیر چنین است: «لِلشَّرِیعَةِ الْیُسْرِي». «لِلطَّرِیقَةِ الْیُسْرِي» (نگا: عبس / ۲۰، لیل / ۷ و ۱۰). اسم تفضیل است.

سوره أعلی آیه ۹

متن آیه:

﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ٩﴾

ترجمه:

اگر پند و اندرز سودمند باشد، پند و اندرز بده.

توضیحات:

«إِنْ»: اگر. زمانی که. حتماً و قطعاً (نگا: قاسمی). این واژه می‌تواند شرطیه بوده و جواب آن مدلول (فَذَكِّرْ) باشد، و یا به معنی (إِذْ) باشد (نگا: آل‌عمران / ۱۳۹). یعنی زمانی که احساس شود، موقعیت مناسب، و شنوندگان آمادگی پذیرائی حق را دارند، اندرز بجا و سودمند خواهد بود (نگا: ق / ۴۵). یا این که به معنی (قَدْ) و برای تحقّق باشد. یعنی قطعاً اندرز سودمند خواهد بود (نگا: ذاریات / ۵۵). «الذِکْرِي»: پند و اندرز.

سوره أعلی آیه ۱۰

متن آیه:

﴿سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ١٠﴾

ترجمه:

کسی که (احساس مسؤولیت می‌کند و از خدا) می‌ترسد، پند و اندرز خواهد گرفت.

توضیحات:

«سَیَذَّکَّرُ»: پند خواهد گرفت. اندرز خواهد پذیرفت.

سوره أعلی آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ١١﴾

ترجمه:

و بدبخت‌ترین فرد (پند و اندرز را کنار خواهد گذاشت و) از آن دوری خواهد گزید.

توضیحات:

«يَتَجَنَّبُهَا»: به ترک آن خواهد گفت. از آن کناره‌گیری خواهد کرد. ضمیر (هَا) به (الذِّكْري) برمی‌گردد. «الأشْقي»: بدبخت‌ترین. بدبیارترین. یعنی کسی که اندرز قرآنی و قوانین الهی را در گوش نگیرد، بدبخت‌ترین مردم است.

سوره أعلی آیه ۱۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِى يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ١٢﴾

ترجمه:

آن کسی که داخل عظیم‌ترین (و هولناک‌ترین) آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت.

توضیحات:

«يَصْلي»: وارد آتش می‌گردد و بدان می‌سوزد (نگا: نساء / ۱۰، ابراهیم / ۲۹، انشقاق / ۱۲). «الْكُبْري»: بزرگترین.

سوره أعلی آیه ۱۳

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ١٣﴾

ترجمه:

سپس در آن آتش (برای همیشه می‌ماند و) نه می‌میرد (و آسوده می‌گردد) و نه زنده (بشمار می‌آید و حالتی که در آن است زندگی نامیده) می‌شود.

توضیحات:

«لا يَمُوتُ...»: مراد این است که شخص دوزخی در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زند.

سوره أعلی آیه ۱۴

متن آیه:

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ١٤﴾

ترجمه:

قطعاً رستگار می‌گردد کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد.

توضیحات:

«قَدْ أَفْلَحَ»: قطعاً نجات یافته است و رستگار گردیده است. «تَزَكّي»: خود را پاکیزه داشت. زکات داد (نگا: قاسمی).

سوره أعلی آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ١٥﴾

ترجمه:

و نام پروردگار خود را ببرَد و نماز بگزارد و فروتنی کند.

توضیحات:

«إِسْمَ»: نام. مراد از یاد کردن نام خدا، یاد خدا در دل و ذکر او به زبان است (نگا: تفهیم‌القرآن). «صَلّي»: نماز گزارد. خشوع و خضوع کرد (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). «ذَكَرَ... فَصَلّي»: الله اکبر را بگوید و به نماز ایستد.

سوره أعلی آیه ۱۶

متن آیه:

﴿بَلۡ تُؤۡثِرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ١٦﴾

ترجمه:

بلکه (بنا به سرشت انسانی) زندگی دنیا را (که محسوس و نقد است، بر زندگی آخرت که نامحسوس و نسیه است) ترجیح می‌دهید و برمی‌گزینید.

توضیحات:

«تُؤْثِرُونَ»: ترجیح می‌دهید. برمی‌گزینید. خطاب عام است. ترجیح دنیا بر آخرت، کار بسیاری از مردم است و از راه تغلیب به صورت عام ذکر شده است. به عبارت دیگر هرکس در هر مرتبه‌ای که باشد، مجذوب حیات محسوس و ملموس دنیا می‌گردد، و انسان خود به خود در میان دو جاذبه حیات پست‌تر و حیات برتر بسر می‌برد. تنها افراد مؤمن می‌توانند خود را از جاذبه قوی دنیای مادیات برهانند و خویشتن را به نعمت‌های سرمدی آخرت برسانند.

سوره أعلی آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ١٧﴾

ترجمه:

در حالی که آخرت (از دنیا) بهتر و پاینده‌تر است (عاقل چرا باید فانی و گذرا را بر باقی و پایا ترجیح دهد؟).

توضیحات:

«وَ»: واو حالیه است.

سوره أعلی آیه ۱۸

متن آیه:

﴿إِنَّ هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ١٨﴾

ترجمه:

این (چیزها منحصر به این کتاب آسمانی نیست، بلکه) در کتاب‌های پیشین (نیز آمده و) بوده است.

توضیحات:

«هذا»: این چیزهای مذکور در آیات ۱۴ تا ۱۷، و یا مواعظ مذکور در سوره. «الصُّحُفِ»: جمع صَحیفَة، کتاب‌ها (نگا: طه / ۱۳۳، نجم / ۳۶، عبس / ۱۳، تکویر / ۱۰). «الصُّحُفِ الأولي»: مراد همه کتاب‌های پیش از انجیل و قرآن است.

سوره أعلی آیه ۱۹

متن آیه:

﴿صُحُفِ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ١٩﴾

ترجمه:

(از جمله در) کتاب‌های ابراهیم و موسی.

توضیحات:

«صُحُفِ»: بدل از صُحُف قبلی است. این آیه اشاره به این واقعیت دارد که اصول کلّی و مطالب اساسی ادیان آسمانی همگی یکسان بوده و از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند، و تنها تعلیمات و دستوراتی با هم تفاوت داشته است که اختلاف زمان و رشد انسان مقتضی آن بوده است.

سوره غاشیهٔ

سوره غاشیهٔ آیه ۱

متن آیه:

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡغَٰشِيَةِ ١﴾

ترجمه:

آیا خبر حادثه فراگیر (روز قیامت که مردمان بی‌دین و گناهکار را در بر می‌گیرد) به تو رسیده است؟

توضیحات:

«هَلْ أَتَاكَ»:؟ استفهام، برای نشان دادن عظمت شدائد و اهوال روز قیامت است. «الْغَاشِيَةِ»: فراگیرنده. مراد روز قیامت است که مردمان کافر و فاجر و فاسق را زیر مصائب و شدائد خود می‌گیرد.

سوره غاشیهٔ آیه ۲

متن آیه:

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ ٢﴾

ترجمه:

مردمانی، در آن روز خوار و زبون خواهند بود.

توضیحات:

«وُجُوهٌ»: چهره‌ها. مراد خود اشخاص و افراد است. «خَاشِعَةٌ»: خوار و زبون. فرو شکسته و درهم شکسته. خضوع ایشان، سرافکندگی آمیخته با شرمندگی و نگرانی است.

سوره غاشیهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ ٣﴾

ترجمه:

دائماً خواهند کوشید و رنج خواهند کشید.

توضیحات:

«عَامِلَةٌ»: کوشا و پویا. مراد این است که همیشه این پا و آن پا می‌کنند و برمی‌جهند و می‌افتند، و آسایش و آرامش از آنان سلب می‌گردد، و هر دم گرفتار عذابی می‌شوند (نگا: غافر / ۷۱ و ۷۲، قمر / ۴۷ و ۴۸، رحمن / ۴۴). «نَاصِبَةٌ»: در رنج. دچار زحمت و مشقّت. خسته و مانده.

سوره غاشیهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ۝٤﴾

ترجمه:

به آتش بس سوزان و گدازان دوزخ در خواهند آمد و خواهند سوخت.

توضیحات:

«تَصْلي»: به‌آتش داخل می‌شوند و بدان می‌سوزند (نگا: انشقاق ۱۲، اعلی / ۱۲). «حَامِيَةً»: بی‌نهایت گرم و سوزان (نگا: قاسمی).

سوره غاشیهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿تُسۡقَىٰ مِنۡ عَيۡنٍ ءَانِيَةٍ ۝٥﴾

ترجمه:

از چشمه بسیار داغ و گرمی نوشانده خواهند شد.

توضیحات:

«عَيْنٍ»: چشمه. «ءَانِيَةٍ»: بسیار داغ و گرم.

سوره غاشیهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿لَّيۡسَ لَهُمۡ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ۝٦﴾

ترجمه:

آنان خوراکی جز ضریع نخواهند داشت.

توضیحات:

«ضَرِيعٍ»: گیاه‌خارداری که شبرق نامیده می‌شود. خشکیده آن را ضَریع می‌گویند. گویا ناگوارترین و تهوّع‌آورترین گیاه است و هیچ حیوانی آن را نمی‌چرد، جز شتر که تا تَر است آن را می‌خورد و چون خشکید از آن کناره‌گیری می‌کند. اگر در جاهائی طعام دوزخیان منحصر به زقّوم (نگا: صافّات / ۶۲، دخان / ۴۳، واقعه / ۵۲) و در موردی محدود به غِسْلین (نگا: حاقّه / ۳۶) شده است، بدان خاطر است که دوزخیان مختلفند و عذاب هم دارای انواع و اقسام است، و هر یک از آنها برای گروهی از ایشان است. یا این که این الفاظ، تعبیرها و تمثیل‌هائی از غذای دوزخیان است.

سوره غاشیۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿لَّا يُسۡمِنُ وَلَا يُغۡنِي مِن جُوعٖ ٧﴾

ترجمه:

نه فربه خواهد کرد و نه از گرسنگی خواهد رهاند.

توضیحات:

«لا يُسْمِنُ»: چاق و فربه نمی‌سازد. «لا يُغْني»: بی‌نیاز نمی‌گرداند. «جُوعٍ»: گرسنگی.

سوره غاشیۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاعِمَةٞ ٨﴾

ترجمه:

مردمانی در آن روز شادان و شاداب و دارای نعمت و لذّت خواهند بود.

توضیحات:

«نَاعِمَةٌ»: شادان و شاداب. در خوشی و رفاه. دارای نعمت و لذّت.

سوره غاشیۀ آیه ۹

متن آیه:

﴿لِّسَعۡيِهَا رَاضِيَةٞ ٩﴾

ترجمه:

از کوشش خود خوشنود و به سبب تلاش خویش راضی خواهند بود.

توضیحات:

«لِسَعْيِهَا»: حرف لام به معنی (ب) و برای تعلیل است (نگا: المصحف المیسّر). یا این که برای تعلیل نمی‌باشد (نگا: روح‌المعانی). یعنی به خاطر سعی خود، یا از سعی خود.

سوره غاشیهٔ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾﴾

ترجمه:

در بهشت برین و عالیقدر بسر خواهند برد.

توضیحات:

«عَالِيَةٍ»: عالیقدر و ارزشمند. برین. بالا و والا.

سوره غاشیهٔ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً ﴿١١﴾﴾

ترجمه:

در آنجا سخن یاوه‌ای نخواهند شنید.

توضیحات:

«لا تَسْمَعُ»: نمی‌شنوند. نمی‌شنوی. این فعل می‌تواند متعلّق به (وُجُوهٌ) باشد، و یا به مخاطبی برگردد که شایستگی چنین مکانی را برای خود فراهم می‌سازد. «لاغِيَةً»: یاوه. سخنان پوچ و بیهوده. مصدری است همچون لَغْو (نگا: واقعه / ۲۵).

سوره غاشیهٔ آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

در آنجا چشمه‌های روانی است.

توضیحات:

«عَيْنٌ»: چشمه. چشمه‌ها. این واژه می‌تواند مفرد یا اسم جنس باشد (نگا: نمونه).

یا این که تنوین آن برای تکثیر است (نگا: روح‌البیان). چرا که در قرآن آمده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ» (ذاریات / ۱۵).

سوره غاشیۀ آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾﴾

ترجمه:

در آنجا تختهای بلند و عالی است.

توضیحات:

«سُرُرٌ»: جمع سَریر، تخت‌هائی که بر آنها می‌نشینند یا می‌خوابند. «مَرْفُوعَةٌ»: بلند و برکشیده. عالی و گرانب‌ها.

سوره غاشیۀ آیه ۱۴

متن آیه:

﴿وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

و ساغرهائی که (در کنار چنین چشمه‌هائی و در حضور بهشتیان) گذارده شده‌اند.

توضیحات:

«أَكْوَابٌ»: جمع کوب، قَدَح‌هاو ساغرها (نگا: زخرف / ۷۱، واقعه / ۱۸، انسان / ۱۵). «مَوْضُوعَةٌ»: نهاده شده. گذارده شده.

سوره غاشیۀ آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾﴾

ترجمه:

و بالش‌ها و پشتی‌هائی که به ردیف چیده شده‌اند.

توضیحات:

«نَمَارِقُ»: جمع نَمْرُقَة، بالش‌ها. پشتی‌ها. «مَصْفُوفَةٌ»: ردیف شده. به رسته نهاده. به صف چیده شده.

سوره غاشیۀ آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَزَرَابِيُّ مَبۡثُوثَةٌ ١٦﴾

ترجمه:

و فرش‌های فاخر و گرانب‌هائی که گسترده و پهن گشته‌اند.

توضیحات:

«زَرَابِيُّ»: جمع زَرْبِية، فرش‌های عالی خوابدار که هم نرم و راحت، و هم گرانب‌ها و قیمتی هستند. «مَبْثُوثَةٌ»: گسترده و پهن شده. اینجا و آنجا باز و پراکنده شده، که نشانه رفاهیت و فراخی نعمت و ثروت است.

سوره غاشیۀ آیه ۱۷

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلۡإِبِلِ كَيۡفَ خُلِقَتۡ ١٧﴾

ترجمه:

آیا به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده‌اند؟!

توضیحات:

«أَفَلا يَنظُرُونَ»:؟ آیا نمی‌نگرند؟ آیا دقّت نمی‌کنند و نمی‌اندیشند؟ «الإِبِلِ»: شتران. از لفظ خود دارای مفرد نیست. آفرینش شتر دارای اسرار شگفت‌انگیز است.

سوره غاشیۀ آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ رُفِعَتۡ ١٨﴾

ترجمه:

و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده است؟!

توضیحات:

«رُفِعَتْ»: برافراشته شده است.

سوره غاشیۀ آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَإِلَى ٱلۡجِبَالِ كَيۡفَ نُصِبَتۡ ١٩﴾

ترجمه:

و به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه نصب و پابرجای شده‌اند؟!

توضیحات:

«نُصِبَتْ»: نصب شده است. پا برجای گشته است. ثابت و استوار شده است.

سوره غاشیۀ آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَإِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَيۡفَ سُطِحَتۡ ۝٢٠﴾

ترجمه:

و به زمین نمی‌نگرند که چگونه پهن و گسترانیده شده است؟!

توضیحات:

«سُطِحَتْ»: مسطّح شده است. پهن گشته است.

سوره غاشیۀ آیه ۲۱

متن آیه:

﴿فَذَكِّرۡ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٞ ۝٢١﴾

ترجمه:

تو پند و اندرز بده و (مردمان را به وظائفشان) یادآوری کن. چرا که تو تنها پند دهنده و یادآوری کننده‌ای و بس.

توضیحات:

«ذَكِّرْ»: پند بده. یادآوری کن. «مُذَكِّرٌ»: پند دهنده. یادآوری کننده.

سوره غاشیۀ آیه ۲۲

متن آیه:

﴿لَّسۡتَ عَلَيۡهِم بِمُصَيۡطِرٍ ۝٢٢﴾

ترجمه:

تو بر آنان چیره و مسلّط نیستی (تا ایشان را به ایمان واداری).

توضیحات:

«مُصَيْطِرٍ»: مسلّط. چیره (نگا: بقره / ۲۵۶، یونس / ۹۹، ق / ۴۵). این واژه را با (س) و (ص) خوانده‌اند. تبدیل سین به صاد به علّت مناسبت با (ط) است.

سوره غاشیهٔ آیه ۲۳

متن آیه:

﴿إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾﴾

ترجمه:

امّا کسی که (از حق و حقیقت روی بگرداند و به آئین الهی) پشت کند و کفر ورزد.

توضیحات:

«إِلاّ»: لیکن. امّا. استثناء منقطع است (نگا: نساء / ۸۰، انعام / ۱۰۷، شوری / ۴۸). برخی استثناء را متّصل می‌دانند و مستثنی‌منه را مفعول محذوف فعل (فَذَكِّرْ) می‌شمارند. در این صورت معنی چنین است: ای پیغمبر! همه‌کس را اندرز بده، مگر آنان که می‌روند و روی می‌گردانند و به ایمان و قرآن پشت می‌کنند (نگا: زخرف / ۸۳).

سوره غاشیهٔ آیه ۲۴

متن آیه:

﴿فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾﴾

ترجمه:

خداوند بزرگ‌ترین عذاب را بدو می‌رساند (که عذاب اخروی است).

توضیحات:

«الْعَذَابَ الأَكْبَرَ»: بزرگترین عذاب. مراد عذاب آخرت است که در مقابل آن عذاب دنیا است که کمترین عذاب نامیده می‌شود (نگا: سجده / ۲۱).

سوره غاشیهٔ آیه ۲۵

متن آیه:

﴿إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾﴾

ترجمه:

مسلّماً بازگشت آنان (پس از مرگ و رستاخیز) به‌سوی ما خواهد بود.

توضیحات:

«إِيَاب»: بازگشتن. برگشتن. رجوع.

سوره غاشیهٔ آیه ۲۶

متن آیه:

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا حِسَابَهُم ٢٦﴾

ترجمه:

آن گاه حساب (و کتاب و سروکار) ایشان با ما خواهد بود.

توضیحات:

«ثُمَّ»: پس از آن. «عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»: حساب ایشان با ما است و ما خودمان می‌دانیم که با آنان چه کار می‌کنیم.

سوره فجر

سوره فجر آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلۡفَجۡرِ ١﴾

ترجمه:

به سپیده‌دم (صبحگاهان) سوگند!

توضیحات:

«الْفَجْرِ»: سپیده دم. صبحدم (نگا: تکویر / ۱۸). سپیده‌دم صبح، پرده ظلمت شب را می‌شکافد، و سرچشمه نور را از میان افق منفجر می‌سازد، و بندهائی را باز می‌کند که بر حرکت و حیات زندگان زده شده است و هستی را نورباران و زندگی را دگرگون می‌گرداند.

سوره فجر آیه ۲

متن آیه:

﴿وَلَيَالٍ عَشۡرٖ ٢﴾

ترجمه:

و به شب‌های دهگانه سوگند!

توضیحات:

«لَيَالٍ عَشْرٍ»: شب‌های دهگانه. برخی گفته‌اند که مراد ده شب و روز ماه ذی‌الحجّه است که شاهد بزرگ‌ترین و تکان دهنده‌ترین اجتماعات مسلمین جهان در سرزمین وحی است و عید قربان در آن انجام می‌پذیرد. بعضی هم آن را شب‌های دهگانه آخر رمضان می‌دانند که لیلةالقدر در آن است. گروهی هم آن را ده شبانه‌روز اوّل ماه محرم می‌شمارند که عاشوراء در آن است. ولی نکره بودن آن، علاوه از بیان عظمت، بیان‌گر نامعین و نامحدود بودن چنین شب‌هائی است.

سوره فجر آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ ۝٣﴾

ترجمه:

و به جفت و تک (هر چیزی) سوگند!

توضیحات:

«الشَّفْعِ»: زوج. جفت. «الْوَتْرِ»: فرد. تک. طاق. شفع و وتر، شامل همه کائنات می‌گردد. برخی شفْع را مخلوقات خدا، و وتْر را ذات خدا دانسته‌اند (نگا: قاسمی).

سوره فجر آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَسۡرِ ۝٤﴾

ترجمه:

و به شب سوگند بدان گاه که (به‌سوی روشنائی روز) حرکت می‌کند!

توضیحات:

«يَسْري»: رهسپار می‌شود. می‌رود و پایان می‌پذیرد (نگا: مدّثّر / ۳۳). در رسم‌الخطّ قرآنی، یاء آن حذف شده است.

سوره فجر آیه ۵

متن آیه:

﴿هَلۡ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ ۝٥﴾

ترجمه:

آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمّی برای افراد خردمند، موجود است؟

توضیحات:

«ذِي حِجْرٍ»: عاقل. صاحب عقل و خرد. یادآوری: جواب قسم، آیه ۱۴ است، یعنی: «اِنَّ رَبَّكَ لَبِالْـمِرْصَاد». یا این که جواب قسم محذوف است و آیات آینده که سخن از مجازات طغیانگران می‌گوید، گواه بر آن است، و در معنی چنین است: قسم بدانچه گفته شد که ما کفّار و طغیان‌گران را عذاب می‌کنیم!

سوره فجر آیه ۶

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦﴾

ترجمه:

آیا ندانسته‌ای که پروردگارت چگونه با قوم عاد رفتار کرده است (و چه بلائی بر سر ایشان آورده است؟).

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ»:؟ آیا ندیده‌ای؟ دیدن در اینجا به معنی دانستن و آگاه شدن است (نگا: بقره / ۲۴۳ و ۲۴۶ و ۲۵۸). «عَادٍ»: قوم هود (نگا: اعراف / ۶۵ و ۷۴، توبه / ۷۰، هود / ۵۰).

سوره فجر آیه ۷

متن آیه:

﴿إِرَمَ ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ ۝٧﴾

ترجمه:

قوم اِرَم که صاحب قامت‌های بلند ستون مانند، و (کاخ‌ها و خیمه‌های) ستوندار بودند.

توضیحات:

«إِرَمَ»: نام دیگر قوم عاد است. بدل عادٍ و مجرور است. «ذَاتِ الْعِمَـادِ»: دارای قد و قامت بلند ستون مانند. تنومند و بلند بالا. دارای کاخ‌ها و خیمه‌های پرستون. مراد بیان قدرت مادی و قوّت بدنی قوم عاد است.

سوره فجر آیه ۸

متن آیه:

﴿ٱلَّتِي لَمۡ يُخۡلَقۡ مِثۡلُهَا فِي ٱلۡبِلَٰدِ ۝٨﴾

ترجمه:

کسانی که همسان ایشان (از نظر پیکر تنومند و کاخ‌های بلند) باشد در شهرها و کشورها، آفریده و پیدا نشده است.

توضیحات:

«الْبِلادِ»: جمع بَلَد، شهرها. کشورها.

سوره فجر آیه ۹

متن آیه:

﴿وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ جَابُواْ ٱلصَّخۡرَ بِٱلۡوَادِ ۝٩﴾

ترجمه:

و (آیا ندانسته‌ای که پروردگارت) با قوم ثمود چه کرده است؟ همان قومی که صخره‌های عظیم را در وادی القری (میان مدینه و شام) می‌بریدند و می‌تراشیدند (و در دل کوه‌ها خانه‌ها و کاخ‌ها می‌ساختند).

توضیحات:

«ثَمُودَ»: قوم صالح است (نگا: اعراف / ۷۳، هود / ۶۱، نمل / ۴۵). «جَابُوا»: بریدند. نقب زدند (نگا: حجر / ۸۲، شعراء / ۱۴۹). «الْوَادِي»: وادی‌القری، مکانی است به نام حجر، میان مدینه منوّره و شام. یاء آن برای تخفیف و سجع آخر آیات حذف شده است. «الصَّخْرَ»: مفرد آن صَخْرَة، سنگ‌های بزرگ سخت (نگا: کهف / ۶۳، لقمان / ۱۶).

سوره فجر آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَفِرۡعَوۡنَ ذِی ٱلۡأَوۡتَادِ ۝١٠﴾

ترجمه:

و (آیا خبر نداری که پروردگارت) با فرعون چه کرده است؟ فرعونی که دارای (ساختمان‌های محکم و استواری به شکل) میخها (ی وارونه همچون هِرَم) بود.

توضیحات:

«فِرْعَوْنَ»: مراد فرعون زمان موسی علیه السلام بالاخصّ، و فرعون‌ها و فرعونیان بالعموم است. «ذِيالأَوْتَادِ»: دارای میخها (نگا: ص / ۱۲). مراد ابنیه و عمارات عظیمی همچون کوه است که نمای آنها به شکل میخ‌های وارونه جلوه‌گر بود. اهرام ثلاثه مصر نمونه‌ای از آنها است (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده، فی ظلال القرآن، التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره فجر آیه ۱۱

متن آیه:

﴿ٱلَّذِینَ طَغَوۡاْ فِی ٱلۡبِلَٰدِ ۝١١﴾

ترجمه:

اقوامی که در شهرها و کشورها طغیان و سرکشی کردند.

توضیحات:

«الَّذِينَ»: اقوام سه‌گانه مذکور، یعنی عاد، و ثمود، و فرعون و فرعونیان.

سوره فجر آیه ۱۲

متن آیه:

﴿فَأَكۡثَرُواْ فِيهَا ٱلۡفَسَادَ ١٢﴾

ترجمه:

و در آنجاها خیلی فساد و تباهی به راه انداختند.

توضیحات:

«الْفَسَادَ»: مراد فساد و تباهی همه جانبه، یعنی انواع کفر و شرک و ظلم و زور و فسق و فجور است.

سوره فجر آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَصَبَّ عَلَيۡهِمۡ رَبُّكَ سَوۡطَ عَذَابٍ ١٣﴾

ترجمه:

لذا پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سر ایشان فرو ریخت (و شلاّق عذاب را پیاپی بر آنان فرو آورد).

توضیحات:

«صَبَّ»: فرو ریخت. در اینجا فرو ریختن به جای فرو آوردن استعمال شده است و اشاره به عذابهای شدید و پیاپی دارد. «سَوْطَ»: تازیانه. «شلاّق».

سوره فجر آیه ۱۴

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ ١٤﴾

ترجمه:

مسلّماً پروردگار تو در کمین (مردمان و مترصّد اعمال ایشان) است.

توضیحات:

«الْمِرْصَادِ»: کمینگاه (نگا: توبه / ۵، نبأ / ۲۱). در کمین بودن خداوند، کنایه از احاطه شامل و مراقبت کامل خدا است، به گونه‌ای که همگان را می‌پاید و بر

اعمال‌شان نظارت می‌نماید و کسی و چیزی از حیطه قدرت و دسترس سلطه او خارج نمی‌باشد.

سوره فجر آیه ۱۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ١٥﴾

ترجمه:

امّا انسان (آن انسانی که در پرتو ایمان عقل و خردش رشد نیافته است، و شخص خود را مقیاس همه چیز می‌پندارد) همین که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار او را بزرگی ببخشد و بدو نعمت بدهد، خواهد گفت: پروردگارم مرا بزرگوار و گرامی و محترم و مکرم دیده است! (و این عزّت و نعمت، حق من و شایسته من است).

توضیحات:

«فَأَمَّا الإِنسَانُ»: شأن خدا چنان بود که گذشت، و امّا حال انسان. مراد انسان کافر یا سست ایمان و سست باور است (نگا: مؤمنون / ۵۵ و ۵۶، معارج / ۱۹ - ۲۲). «إِبْتَلاهُ»: او را آزمایش کرد (نگا: انبیاء / ۳۵). «أَكْرَمَهُ»: سَروریش بخشید و بزرگیش داد. بدو جاه و مقام و قدرت و قوّت داد. «نَعَّمَهُ»: بدو نعمت و ثروت داد. دارا و ثروتمندش کرد. «أَكْرَمَنِي»: مرا گرامی و بزرگوار کرده است و شایسته احترام و اکرام دیده است. یکی از معانی باب افعال، چیزی یا کسی را بر صفتی دیدن است (نگا: گنجینه صرف). یعنی چنین فردی، جاه و مقام و ثروت و نعمت را نشانه عزّت و کرامت ذاتی خود در نزد پروردگار می‌شمارد و خویشتن را در خور چنین تفضّلی می‌داند.

سوره فجر آیه ۱۶

متن آیه:

﴿وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ١٦﴾

ترجمه:

و امّا زمانی که پروردگارش او را بیازماید و برای این کار روزی او را تنگ و کم نماید، خواهد گفت: پروردگارم مراخوار و زبون داشته است (و با فقر و فاقه، ذلیل و حقیرم نموده است).

توضیحات:

«قَدَرَ»: تنگ کرد. کم کرد (نگا: رعد / ۲۶، قصص / ۸۲، اسراء / ۳۰). «أَهَانَنِي»: به من اهانت کرده است. خوار و ناچیزم داشته است.

سوره فجر آیه ۱۷

متن آیه:

﴿كَلَّاۖ بَل لَّا تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ ١٧﴾

ترجمه:

هرگزا هرگزا (چنین نیست که کرامت و ذلّت انسان در نزد یزدان به دارائی و ناداری باشد). بلکه شما (گذشته از اقوال زشت، افعال پلشت هم دارید! از جمله:) یتیم را گرامی نمی‌دارید.

توضیحات:

«بَلْ»: این واژه دلالت دارد بر انتقال از اقوال بد به اعمال بد. «لا تُكْرِمُونَ»: مخاطب جنس انسان است، این است به صورت جمع ذکر شده است.

سوره فجر آیه ۱۸

متن آیه:

﴿وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ١٨﴾

ترجمه:

و همدیگر را تشویق و ترغیب نمی‌کنید به خوراک دادن به مستمند.

توضیحات:

«لا تَحَاضُّونَ»: همدیگر را ترغیب و تشویق نمی‌کنید. فعل مضارع باب تفاعل از ماده (حَضّ) است و تائی از اوّل آن برداشته شده است. «طَعَامِ»: إطعام. خوراک دادن.

سوره فجر آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَتَأۡكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكۡلٗا لَّمّٗا ١٩﴾

ترجمه:

و میراث را حریصانه یکجا می‌خورید (و ملاحظه حق بستگان و محرومان و یتیمان و ضعیفان نمی‌کنید، و حلال و حرام را رویهم انباشته و مشتاقانه صرف می‌کنید).

توضیحات:

«التُّرَاثَ»: میراث. ارث. ترکه. «لَـمّـاً»: سرجمع. یکجا. یعنی حلال و حرام و حق خود و حق دیگران برای شما مطرح نیست، و اموال زنان و کودکان و پیران و مظلومان را جمع و ضبط می‌نمائید و حق‌الإرث ایشان را نمی‌پردازید. واژه (لَـمّـاً) صفت (أَكلاً) است.

سوره فجر آیه ۲۰

متن آیه:

﴿وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا ٢٠﴾

ترجمه:

و اموال و دارائی را بسیار دوست می‌دارید (و سخت دلباخته مال و متاع دنیا هستید، و لذا ملاحظه مشروع و نامشروع و حلال و حرام را نمی‌کنید).

توضیحات:

«جَمّاً»: فراوان. بسیار.

سوره فجر آیه ۲۱

متن آیه:

﴿كَلَّآۖ إِذَا دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ دَكّٗا دَكّٗا ٢١﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! (حقیقت آن چنان نیست که می‌پندارید). زمانی که زمین سخت درهم کوبیده می‌شود و صاف و مسطّح می‌گردد.

توضیحات:

«دُكَّتْ»: درهم کوبیده شد و صاف و مسطّح گردید (نگا: اعراف / ۱۴۳، کهف / ۹۸، حاقّه / ۱۴). «دَكّاً»: واژه نخستین مفعول مطلق و واژه دوم تأکید است، یا این که روی هم رفته حالند (نگا: اعراب القرآن درویش). با توجّه به حال بودن، معنی آیه چنین است: زمانی که زمین پیاپی در هم کوبیده شد و سراسر آن بهم ریخته شد.

سوره فجر آیه ۲۲

متن آیه:

﴿وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلۡمَلَكُ صَفّٗا صَفّٗا ٢٢﴾

ترجمه:

و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند.

توضیحات:

«جَآءَ رَبُّكَ»: چگونگی آمدن خدا، بر ما مجهول است، و به گونه‌ای است که تنها خود می‌داند و بس (نگا: المنتخب). یا این که مراد تجلّی ذات اقدس و ظهور نشانه‌های قدرت و عظمت او است، به گونه‌ای که جای انکار شناخت خدا برای کسی باقی نمی‌ماند، گوئی همگان با چشم خود ذات بی‌مثال کبریائی را می‌بینند. «الْـمَلَكُ»: فرشتگان. اسم جنس است. «صَفّاًصَفّاً»: صف در صف. صف صف. حال است.

سوره فجر آیه ۲۳

متن آیه:

﴿وَجِاْيٓءَ يَوۡمَئِذِۢ بِجَهَنَّمَۚ يَوۡمَئِذٖ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ ٢٣﴾

ترجمه:

در آن روز دوزخ را حاضر آورند (و نشانش دهند). در آن روز انسان به خود می‌آید، ولی چنین به خود آمدنی کی سودی به حال او دارد؟!

توضیحات:

«جِيءَ»: آورده شد. مراد از حاضر آوردن دوزخ، پدیدار کردن و نشان دادن آن است (نگا: شعراء / ۹۱، نازعات / ۳۶). «يَتَذَكَّرُ»: به خود می‌آید. بیدار و هوشیار می‌شود. متوجّه می‌گردد و پند می‌گیرد. «أَنّي»: کی؟ این واژه اسم استفهام است و معنی نفی دارد. «الذِّكْري»: به خود آمدن. بیداری و هوشیاری. پند گرفتن.

سوره فجر آیه ۲۴

متن آیه:

﴿يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي ٢٤﴾

ترجمه:

خواهد گفت: کاش برای زندگی خود (خیرات و حسناتی) پیشاپیش می‌فرستادم!

توضیحات:

«قَدَّمْتُ»: پیشاپیش می‌فرستادم. تقدیم می‌داشتم. «حَيَاتِي»: زندگی خود. اشاره به

این است که آخرت زندگی اصلی است و دنیا در حقیقت زندگی نبوده است.

سوره فجر آیه ۲۵

متن آیه:

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ ٢٥﴾

ترجمه:

در آن روز (که چنین احوال و اوضاعی رخ می‌دهد، خداوند کافر را چنان عذابی می‌رساند که) هیچ کس عذابی همسان عذاب او را بدو نمی‌رساند.

توضیحات:

«عَذَابَهُ»: عذابی که خدا می‌دهد. عذاب مفعولٌ به یا مفعول مطلق است و ضمیر (هُ) به خدا برمی‌گردد، و در حقیقت اضافه مصدر به فاعل خود است.

سوره فجر آیه ۲۶

متن آیه:

﴿وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ ٢٦﴾

ترجمه:

و (در آن روز) هیچ کسی همچون خداوند او را به بند نمی‌کشد (و به غل و زنجیر نمی‌بندد).

توضیحات:

«لا یُوثِقُ»: به بند نمی‌کشد. به غل و زنجیر نمی‌بندد. «وَثَاق»: به بند کشیدن. به غل و زنجیر بستن. وَثاق به معنی إیثاق است، همچون عَطاء به معنی إعطاء.

سوره فجر آیه ۲۷

متن آیه:

﴿يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ٢٧﴾

ترجمه:

ای انسانِ آسوده خاطر (که در پرتو یاد خدا و پرستش الله، آرامش به هم رسانده‌ای و هم اینک با کوله‌باری از اندوخته طاعات و عبادات، در اینجا آرمیده‌ای)!

توضیحات:

«النَّفْسُ»: خود شخص. ذات انسان (نگا: نحل / ۱۱۱، اسراء / ۱۴، کهف / ۶).

«الْـمُطْمَئِنَّةُ»: آسوده خاطر. آرمیده. دارای آرامش.

سوره فجر آیه ۲۸

متن آیه:

﴿ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ ٢٨﴾

ترجمه:

به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو (از کرده خود در جهان و از نعمت آخرت یزدان) خوشنودی، و (خدا هم) از تو خوشنود (است).

توضیحات:

«رَاضِيَةً»: راضی و خوشنود. «مَرْضِيَّةً»: مورد رضایت. کسی که از او خوشنودند. «رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»: حال اوّل و دوم هستند.

سوره فجر آیه ۲۹

متن آیه:

﴿فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي ٢٩﴾

ترجمه:

به میان بندگانم درآی (و همراه شایستگان و از زمره بایستگان شو).

توضیحات:

«عِبَادِي»: بندگان خاصّ و آفریدگان صالح خدا مراد است.

سوره فجر آیه ۳۰

متن آیه:

﴿وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي ٣٠﴾

ترجمه:

و به بهشت من داخل شو (و خوش باش!).

توضیحات:

«جَنَّتِي»: اضافه جنّت به خدا، بیان‌گر عظمت بهشت و فراوانی نعمت آنجا است. از تعبیرات روح‌پرور (عِبَادِي) و (جَنَّتِي) لطف و صفا می‌بارد.

سوره بلد

سوره بلد آیه ۱

متن آیه:

﴿لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ١﴾

ترجمه:

سوگند به این شهر (مکه که کعبه در آن است)!

توضیحات:

«لآ أُقْسِمُ...»: سوگند می‌خورم (نگا: واقعه / ۷۵، حاقّه / ۳۸، قیامت / ۱). «هذَا الْبَلَدِ»: این شهر. مراد مکه است که بیت‌الحرام در آن است.

سوره بلد آیه ۲

متن آیه:

﴿وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٢﴾

ترجمه:

شهری که تو ساکن آنجا هستی (و وجود پرفیض و پربرکت تو، بر شرافت و عظمت آن افزوده است).

توضیحات:

«وَ أَنتَ»: در حالی که تو. و تو. حرف واو، حالیه یا اعتراضیه است و جمله بعد از آن معترضه. «حِلٌّ»: نازل و ساکن. مصدر و به معنی اسم فاعل، یعنی حال است. برخی آن را به معنی حَلال ضدّ حرام می‌دانند (نگا: مائده / ۵) که اشاره به توطئه آینده قریشیان برای کشتن پیغمبر در منزل خود است که منتهی به هجرت نبوی گردید. یا اشاره به مدّتی از روز فتح مکه است که جنگیدن در مکه برای پیغمبر حلال و مباح گشت. «أَنتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ»: تو ساکن این شهری. خون تو در این شهر حلال می‌گردد. جنگیدن در این شهر برای تو حلال و مباح می‌شود.

سوره بلد آیه ۳

متن آیه:

﴿وَوَالِدٖ وَمَا وَلَدَ ۝٣﴾

ترجمه:

و سوگند به پدر، و فرزندی که به وجود می‌آورد!

توضیحات:

«وَالِدٍ»: پدر. «وَلَدَ»: به وجود آورد. مرجع ضمیر فاعلی (والد) است. «وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ»: اشاره به هر پدر و فرزندی است، اعم از انسان و حیوان (نگا: المصحف المیسّر). چرا که مسأله توالد و تناسل انسان و دیگر جانداران در طول ادوار مختلف، به گونه تساوی تقریبی نر و ماده، از شگفت‌انگیزترین مسائل خلقت است.

سوره بلد آیه ۴

متن آیه:

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ ۝٤﴾

ترجمه:

ما آدمی را برای رنج و محنت آفریده‌ایم (نه برای راحت و آسایش).

توضیحات:

«لَقَدْ خَلَقْنَا...»: جواب قسمهای بالا است. «فِي»: معنی مصاحبت و مرادفت دارد. یعنی انسان همراه و همزاد با رنج و زحمت است و زندگی این جهان او برای استراحت و خوشی نیست. سرتاسر حیات او میدان مبارزه با مشکلات است و زندگی وی غرق در درد و رنج، حرف (في) علاوه از معنی ظرفیت، مقارن حرف لام نیز می‌باشد. گویند: «إِنَّما أَنْتَ لِلْعَنَاءِ وَ النَّصَبِ». یا این که: «إِنَّمَا أَنْتَ فِي الْعَنَاءِ وَ النَّصَبِ» (نگا: روح‌البیان، کبیر). «كَبَدٍ»: درد و رنج. مشقّت و محنت. «فِي كَبَدٍ»: حال انسان است (نگا: روح‌البیان).

سوره بلد آیه ۵

متن آیه:

﴿أَيَحۡسَبُ أَن لَّن يَقۡدِرَ عَلَيۡهِ أَحَدٞ ۝٥﴾

ترجمه:

آیا انسان (با وجود این همه درد و رنجی که بدان گرفتار است و نشانه ضعف او است) گمان می‌برد هرگز کسی بر او توانائی ندارد و بدو دست نمی‌یابد؟ (لذا هر کاری را بکند بازخواست نمی‌شود و از قلمرو مجازات در امن و امان است!).

توضیحات:

«أَنْ»: مخفّف از مثقّله است، و تقدیر جمله چنین است: «أَنَّهُ لَن یَقْدِرَ عَلَیْهِ أَحَدٌ...» مفهوم آیه این است: کافر گمان می‌برد هرگونه فسق و فجوری را مرتکب شود، بازخواستی در میان نیست، و از قلمرو مجازات الهی برکنار است، و کسی نمی‌تواند قدرت و یا ثروت وی را پس بگیرد. در صورتی که زندگی آمیخته با درد و رنجِ انسان، دلیل بر ضعف و ناتوانی او و در برابر خدا است.

سوره بلد آیه ۶

متن آیه:

﴿يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا ٦﴾

ترجمه:

می‌گوید: من دارائی فراوانی را (در راه خوشگذرانیها و لذائذ خرج نموده‌ام و) نابود و تباه کرده‌ام.

توضیحات:

«أَهْلَکْتُ»: نابود و تباه کردم. مراد خرج کردن و مصرف نمودن است. «لُبَداً»: انباشته و فراوان. «أَهْلَکْتُ مالاً لُّبَداً»: مرادِ چنین کافری و کافرانی، اظهار تفاخر به کثرت دارائی، و بذل و بخشش بی‌رویه به مردمان، و گشاده‌دستی‌ها و ولخرجی‌های فراوان است.

سوره بلد آیه ۷

متن آیه:

﴿أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ ٧﴾

ترجمه:

آیا گمان می‌برد که کسی او را ندیده است؟ (بی‌خبر است که اگر کسی هم از آفریدگان ندیده و ندانسته است، خدا دیده و دانسته است که او این اموال را از کجا به دست آورده است و در چه راهی مصرف کرده است و نیت وی چه بوده است).

توضیحات:

«أَيَحۡسَبُ...»:؟ انسان مغرور و خودستا بی‌خبر است که خدا از پندار و گفتار و کردار او مطّلع است. اگر مالی دارد به شبی است، و اگر جانی دارد به تبی است. اصلاً ثروت و قدرت و سراپای وجودش داده خدا و از آن الله است.

سوره بلد آیه ۸

متن آیه:

﴿أَلَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ٨﴾

ترجمه:

مگر ما برای او دو چشم را ترتیب نداده و نساخته‌ایم؟

توضیحات:

«أَلَـمْ نَجْعَلْ»: مگر ترتیب نداده و نساخته‌ایم؟

سوره بلد آیه ۹

متن آیه:

﴿وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ٩﴾

ترجمه:

و زبانی و دو لب را نیافریده‌ایم؟

توضیحات:

«شَفَتَيْنِ»: مثنّی شَفَة، دو لب. یعنی ابزار دیدار و دستگاه گفتار و تمام وسائل اقتدار بنده، متعلّق به خدای دادار است. پس او کی دارا است؟ بلکه نادار است.

سوره بلد آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَهَدَيۡنَٰهُ ٱلنَّجۡدَيۡنِ ١٠﴾

ترجمه:

(و او را به دو پستان رهنمود نکرده‌ایم؟) و راه خیر و شرّ را بدو ننموده‌ایم؟

توضیحات:

«النَّجْدَيْنِ»: دو راه واضح و آشکار. مراد راه خیر و شرّ است که کاملاً برای عقل انسان نمایان است (نگا: انسان / ۳، شمس / ۸). دو برجستگی. مراد دو پستان است

(نگا: قاموس، زادالّمسیر).

سوره بلد آیه ۱۱

متن آیه:

﴿فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ١١﴾

ترجمه:

(ما که دو راه پیش پای انسان نهاده‌ایم، آن کس که ناسپاس است) او خویشتن را به گردنه (رهائی از شقاوت و رسیدن به سعادت) نمی‌زند (و آن را پشت سر نمی‌گذارد).

توضیحات:

«مَا اقْتَحَمَ»: اقتحام، به معنی بی‌باکانه دست به کار شدن و شجاعانه به کاری آغازیدن است. «الْعَقَبَةَ»: گردنه. مراد گردنه نجات است که بر سر راه سعادت قرار دارد و باید با انجام وظائف و تکالیف بندگی، خویشتن را بدان زد و آن را پشت سر گذاشت.

سوره بلد آیه ۱۲

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ١٢﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: تو چه می‌دانی؟ (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷، مرسلات / ۱۴).

سوره بلد آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣﴾

ترجمه:

آزاد کردن برده و بنده است.

توضیحات:

«فَكُّ»: بازکردن. مراد آزاد کردن و رها ساختن است. «رَقَبَةٍ»: گردن. مراد برده و بنده است (نگا: نساء / ۹۲، مائده / ۸۹، مجادله / ۳).

سوره بلد آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَوۡ إِطۡعَـٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ١٤﴾

ترجمه:

یا خوراک دادن در زمان گرسنگی (قحطی و خشکسالی) است.

توضیحات:

«مَسْغَبَةٍ»: مراد بیشتر گرسنگی زمان قحطی و خشکسالی است که در آن غذا و خوراک سخت عزیز و بسیار مهمّ است، و در چنین موقعی ایثار نشانه باور راستین شخص به خدا و آخرت است.

سوره بلد آیه ۱۵

متن آیه:

﴿يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ ١٥﴾

ترجمه:

(خاصّه) به یتیمی خویشاوند.

توضیحات:

«ذَا مَقْرَبَةٍ»: دارای قرابت خویشاوندی، یا نزدیکی همسایگی. «مَقْرَبَةٍ»: خویشاوندی. نزدیکی. واژه یتیم، مفعولٌبه إطعام است.

سوره بلد آیه ۱۶

متن آیه:

﴿أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ١٦﴾

ترجمه:

یا به مستمندی خاک‌نشین.

توضیحات:

«ذَا مَتْرَبَةٍ»: خاک‌نشین. سخت درمانده و بیچاره. «مَتْرَبَةٍ»: فقر شدید. خاک‌نشینی.

سوره بلد آیه ۱۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ١٧﴾

ترجمه:

گذشته از این‌ها، او باید از زمره کسانی باشد که ایمان می‌آورند و همدیگر را به صبر و شکیبائی توصیه می‌کنند، و به ترحّم و مهربانی سفارش می‌نمایند.

توضیحات:

«ثُمَّ»: گذشته از اینها. علاوه از این‌ها (نگا: ابن‌کثیر، المنتخب، فی ظلال القرآن، نوین). «ثُمَّ کَانَ مِنَ الَّذِینَ...»: گذشته از این‌ها باید باشد از. سپس از زمره کسانی خواهد شد که (نگا: روح‌البیان). معنی آیه با توجّه به بیان اخیر چنین می‌شود: سپس از زمره کسانی می‌گردد که ایمان می‌آورند و یکدیگر را به شکیبائی می‌خوانند و به مهربانی سفارش می‌کنند. «الْـمَرْحَمَةِ»: لطف و مهربانی. شفقت و دلسوزی.

سوره بلد آیه ۱۸

متن آیه:

﴿أُوْلَـٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ١٨﴾

ترجمه:

آنان (که دارای چنین صفات و خصالی هستند) سمت راستی‌ها و اهل سعادتند.

توضیحات:

«أَصْحَابُ الْیَمِینِ»: دست راستی‌ها. آنان که در سمت راست قرار دارند. افراد مبارک و اهل سعادت (نگا: واقعه / ۲۷ و ۳۸ و ۹۰ و ۹۱). «الْـمَیْمَنَةِ»: سمت راست. یمن و برکت. سعادت و اقبال (نگا: واقعه / ۸).

سوره بلد آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ١٩﴾

ترجمه:

ولی کسانی که آیات (کتاب‌های آسمانی و دلائل گسترده در گستره جهانی) ما را نپذیرند، ایشان سمت چپی‌ها و اهل شقاوتند.

توضیحات:

«أَصْحَابُ الْـمَشْأَمَةِ»: سمت چپی‌ها. اهل شقاوت. بدبیاران و بدبختان (نگا: واقعه /

۹). «الْـمَشْأَمَةِ»: سمت چپ. شومی و نحوست. بدبیاری و شقاوت.

سوره بلد آیه ۲۰

متن آیه:

﴿عَلَيۡهِمۡ نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ ٢٠﴾

ترجمه:

آتشی آنان را در بر خواهد گرفت که سرپوشیده و دربسته است!.

توضیحات:

«عَلَيْهِمْ»: بر آنان گماشته شده است. ایشان را در برگرفته است. «مُؤْصَدَةٌ»: در بسته. سرپوشیده. بر کوره سوزان دوزخ سرپوش گذاشته شده، و درهایش بسته گشته است، آیا دوزخیان، در چنین جائی، چه حالی خواهند داشت؟!

سوره شمس

سوره شمس آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلشَّمۡسِ وَضُحَىٰهَا ١﴾

ترجمه:

سوگند به خورشید (که منبع نور است) و سوگند به پرتو آن (که سرچشمه حیات است)!

توضیحات:

«ضُحي»: پرتو. روشنائی. چاشتگاه. مراد نور خورشید در آغاز روز، یا موقع چاشتگاه آن است که اشعّه زرین خورشید، زمین را نورباران می‌کند.

سوره شمس آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلۡقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا ٢﴾

ترجمه:

و سوگند به ماه بدان گاه که از پس خورشید برمی‌آید (و به نیابت آفتاب زمین را زیر بال سیمین مهتاب می‌گیرد)!

توضیحات:

«تَلاهَا»: به دنبال آن برآمد. از پس آن روان شد. مراد تابیدن ماه در شب، پس از درخشیدن خورشید در روز است. این آیه، صورت دیگری از تابش و تجلّی خورشید را می‌نمایاند.

سوره شمس آیه ۳

متن آیه:

﴿وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به روز بدان گاه که خورشید را ظاهر و جلوه‌گر می‌سازد (و عظمت آن را در سیمای خود می‌نمایاند)!

توضیحات:

«النَّهارِ»: روز. «جَلاّهَا»: جلوه‌گرش ساخت. نمایاندش. ضمیر (ها) به خورشید برمی‌گردد. درست است که در حقیقت خورشید روز را ظاهر می‌کند، ولی معنی صریح آیه این است که روز خورشید را آشکار می‌سازد. و با اشاره‌ای خفی، دخالت زمین در تجلّی آفتاب فهمیده می‌شود. زیرا در واقع، تقابل قسمتی از زمین با خورشید است که روز را برمی‌آورد و آفتاب متجلّی می‌گردد. در هر حال باز هم سخن از نور خورشید و تأثیر فوق‌العاده آن در موجودات کره زمین است.

سوره شمس آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰهَا ۝٤﴾

ترجمه:

و سوگند به شب بدان گاه که خورشید را می‌پوشاند (و آن را در پس پرده ظلمت پنهان می‌نماید)!

توضیحات:

«يَغْشَاهَا»: خورشید را می‌پوشاند. ضمیر (هَا) به خورشید برمی‌گردد. چرا که باز هم بر اثر تقابل قسمتی از زمین با خورشید، شب مانند پرده‌ای بر چهره آفتاب فرو می‌افتد و روی خورشید را در آفاق زمین می‌پوشاند.

سوره شمس آیه ۵

متن آیه:

﴿وَٱلسَّمَآءِ وَمَا بَنَىٰهَا ۝٥﴾

ترجمه:

و سوگند به آسمان، و به آن که آن را ساخته است!

توضیحات:

«مَا»: این واژه موصوله است و مراد ذات پاک خداوند است. در لغت عرب موصول

مشترک (مَنْ) برای عاقل و (مَا) برای غیر عاقل به کار می‌رود، ولی در مواردی به جای یکدیگر استعمال می‌شوند (نگا: نساء / ۳ و ۲۲، بلد / ۳). در اینجا استعمال (مَا) برای وصفیت است، یعنی آن چیز عظیم‌الشأن توانائی که. گذشته از این‌ها استعمال (مَنْ) یا (مَا) برای خدا یکسان است؛ چرا که به کار بردن هر یک از این دو واژه، در آن مفهوم معهود بشری، نسبت به خدا نادرست است (نگا: جزء عم شیخ محمّدعبده).

سوره شمس آیه ۶

متن آیه:

﴿وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا طَحَىٰهَا ۞﴾

ترجمه:

و سوگند به زمین، و به آن که زمین را پرت کرده است و غلتانده است و (با وجود گرد و کروی بودن و گردش شتاب‌آمیز، آن را برای زندگی انسان‌ها و رویش گیاهان) پهن نموده است و گسترانیده است!

توضیحات:

«طَحَا»: راند. پرت کرد. غلتاند. گستراند. این واژه مرادف با (دَحا) در **سوره نازعات آیه** ۳۰ است. تبدیل دالّ به طاء جائز است (نگا: لسان‌العرب، روح‌البیان، کبیر). اشاره به کرویت زمین و حرکت انتقالی و وضعی آن دارد (نگا: نمونه. پرتوی از قرآن).

سوره شمس آیه ۷

متن آیه:

﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا ۞﴾

ترجمه:

و سوگند به نفس آدمی، و به آن که او را ساخته و پرداخته کرده است (و قوای روحی وی را تعدیل، و دستگاههای جسمی او را تنظیم نموده است)!

توضیحات:

«نَفْسٍ»: نفس انسان. منظور انسانیت آدمی با دو بعد روح و جسم است که مملوّ از شگفتی‌ها و اسرار است. نکره آمدن نفس، می‌تواند اشاره به عظمت و اهمّیت مافوق تصوّر و آمیخته با ابهام انسان، این اعجوبه و شاهکار عالم آفرینش باشد که دانشمندان

به حق او را « موجود ناشناخته « نامیده‌اند. «سَوَّاهَا»: ساخته و پرداخته‌اش کرده است. بدین نحو که هر یک از اندام‌های بدن انسان را برای کاری، و هر یک از نیروهای آن را جهت امری آفریده است و اندازه و تناسب نماد و نهاد دستگاه تن را مراعات فرموده است (نگا: قیامه / ۳۸، کهف / ۳۷، انفطار / ۷).

سوره شمس آیه ۸

متن آیه:

﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا ۝٨﴾

ترجمه:

سپس بدو گناه و تقوا را الهام کرده است (و چاه و راه و حسن و قبح را توسّط عقل و وحی به او نشان داده است).

توضیحات:

«أَلْـهَمَ»: الهام کرده است. نشان داده است. فهمانده است. «فُجُورَ»: گرایش به گناه و معصیت و کناره‌گیری از حق و حقیقت (نگا: معجم‌الفاظ القرآن الکریم). مراد راه شرّ و طریق معصیت است. مصدر ثلاثی مجرّدی است همچون جُلوس و قُعود. «تَقْوي»: پرهیز. مراد راه خیر و طریق حق است (نگا: بلد / ۱۰).

سوره شمس آیه ۹

متن آیه:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ۝٩﴾

ترجمه:

(قسم به همه این‌ها!) کسی رستگار و کامیاب می‌گردد که نفس خویشتن را (با انجام طاعات و عبادات، و ترک معاصی و منهیات) پاکیزه دارد و بپیراید (و آن را با هویدا ساختن هویت انسانی رشد دهد و بالا برد).

توضیحات:

«قَدْ أَفْلَحَ»: قطعاً رستگار است. کامیاب شد. جواب قسم‌های یازده‌گانه است (نگا: المصحف المیسّر، صفوه التفاسیر، روح‌المعانی). «زَكّي»: پاکیزه داشت. پیراست. مراد پاکیزه داشتن و پیراستن نفس است با انجام اوامر و ترک نواهی (نگا: بقره / ۱۲۹ و ۱۵۱، توبه / ۱۰۳، نازعات / ۱۸). رشد داد و بالا برد (نگا: روح‌المعانی، پرتوی از قرآن).

مراد رشد روحِ تقوا و طاعت، و جلوه‌گر ساختن هویت انسانی، و بالا بردن استعدادِ نیکی و نیکوکاری است. از مصدر تزکیه، به معنی تطهیر و تَنْمِیه است.

سوره شمس آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا ١٠﴾

ترجمه:

و کسی ناامید و ناکام می‌گردد که نفس خویشتن (و فضائل و مزایای انسانیت خود را در میان کفر و شرک و معصیت) پنهان بدارد و بپوشاند، و (به معاصی) بیالاید.

توضیحات:

«قَدْ خَابَ»: قطعاً ناامید و ناکام گردید. حتماً به مطلوب و مقصود نرسید و محروم و بی‌بهره گشت (نگا: آل‌عمران / ۱۲۷، ابراهیم / ۱۵، طه / ۶۱ و ۱۱۱). «دَسّي»: پنهان داشت. آلوده کرد. از مصدر تَدْسِية، به معنی نقص و اخفاء، و آلوده‌کردن و خاموش داشتن استعداد است. در اصل (دَسَّسَ) از (دَسَّ) به معنی پنهان کردن چیزی در زیر خاک است و حرف دوم مضاعف قلب به یاء شده است، مانند تَقَضَّضَ و تَظَنَّنَ، که تَقَضّی و تَظنّی هم خوانده‌اند (نگا: جزء عمّ ترجانی‌زاده). نکته قابل توجّه این است که خدا استعدادهای لازم، و وجدان بیدار، و فهم تشخیص حسن و قبح امور را برای پیمودن راه سعادت به انسان عطاء فرموده است، و انسان در مقابل ضائع کردن یا بی‌ثمر گذاشتن آنها مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

سوره شمس آیه ۱۱

متن آیه:

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِطَغۡوَىٰهَآ ١١﴾

ترجمه:

قوم ثمود با طغیان و سرکشی خود (پیغمبرشان، صالح را) تکذیب کردند (و دروغگویش نامیدند).

توضیحات:

«طَغْوَیا»: طغیان، سرکشی. مراد تجاوز از حدود مقرّرات الهی، و تمرّد از فرمان‌های او است که بزرگ‌ترین تَدْسِیه‌ی نفس است. «بِطَغْوَاهَا»: به سبب سرکشی و

طغیان‌شان. با سرکشی و طغیان‌شان.

سوره شمس آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشۡقَىٰهَا ﴿١٢﴾﴾

ترجمه:

آن گاه که بدبخت‌ترین ایشان برخاست و رفت (تا شتر را پَی بکند. دیگران هم جلو او را نگرفتند، و لذا همچون او بزهکار شدند).

توضیحات:

«إِنبَعَثَ»: برخاست و روان شد. «أَشْقَیا»: بدبخت‌ترین (نگا: اعلی / ۱۱، لیل / ۱۵).

سوره شمس آیه ۱۳

متن آیه:

﴿فَقَالَ لَهُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا ﴿١٣﴾﴾

ترجمه:

فرستاده خدا (صالح) بدی‌شان گفت: کاری به شتر خدا نداشته باشید و او را از نوبت آبش باز ندارید.

توضیحات:

«نَاقَةَ اللهِ»: شتر خدا (نگا: اعراف / ۷۳ و ۷۷، هود / ۶۴، اسراء / ۵۹، قمر / ۲۷). تحذیر است و واژه ناقه مفعولٌ‌به فعل محذوف (إِحْذَرُوا) است. «سُقْيَا»: نوبت آب آشامیدن. حِصّه‌ی آب (نگا: شعراء / ۱۵۵).

سوره شمس آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا ﴿١٤﴾﴾

ترجمه:

او را دروغگو نامیدند (و بیم و تهدیدش را نادرست شمردند) و شتر را پی کردند و کشتند. پس خدا به سبب گناه‌شان بر آنان خشم گرفت و ایشان را هلاک کرد و با خاک یکسان‌شان ساخت.

توضیحات:

«دَمۡدَمَ عَلَیۡهِمۡ»: بر آنان خشم گرفت. عذاب را بر همگان گماشت. ایشان را خُرد و خمیر کرد. آنان را هلاک و نابود کرد. «سَوَّاهَا»: ایشان را با خاک یکسان ساخت. عذاب و هلاک را به طور یکسان گریبان‌گیر همگان کرد و کارشان را یکسره ساخت. «فَدَمۡدَمَ عَلَیۡهِمۡ... فَسَوَّاهَا»: به سبب گناه‌شان عذاب را بر همگان گماشت و ایشان را یکسان نابود کرد.

سوره شمس آیه ۱۵

متن آیه:

﴿وَلَا یَخَافُ عُقۡبَٰهَا ١٥﴾

ترجمه:

و خدا از عاقبت کارشان نمی‌ترسد.

توضیحات:

«عُقۡبَیا»: عاقبت. پی آمد. مراد این است که خداوند چنین کرد و از پی‌آمد و عاقبت کارشان هم نمی‌ترسد و باکی از ایشان را ندارد.

سوره لیل

سوره لیل آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ ١﴾

ترجمه:

سوگند به شب در آن هنگام که (روی زمین را فرا می‌گیرد، و همه اشیاء را با تاریکی خود) می‌پوشاند (و مردمان و جانداران را به استراحت و سکون می‌کشاند)!

توضیحات:

«یَغْشَیا»: فرا می‌گیرد و می‌پوشاند.

سوره لیل آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ٢﴾

ترجمه:

و به روز سوگند در آن هنگام که جلوه‌گر و روشن می‌گردد (و ظلمت شب را می‌راند و مردمان و جانداران را دیگر باره به جنبش و تلاش می‌اندازد)!

توضیحات:

«تَجَلَّیا»: روشن و آشکار گردید. جلوه‌گر آمد.

سوره لیل آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ٣﴾

ترجمه:

و به آن که نر و ماده را می‌آفریند.

توضیحات:

«الذَّکَرَ وَ الأُنثَیا»: نر و ماده انسان‌ها و حیوان‌ها و گیاه‌ها و همه اشیاء مراد است

(نگا: رعد / ۳، ذاریات / ۴۹، یس / ۳۶).

سوره لیل آیه ۴

متن آیه:

﴿إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ ۝٤﴾

ترجمه:

سعی و تلاش شما جوراجور و گوناگون است (و لذا جزا و سزای شما هم متفاوت و مختلف خواهد بود).

توضیحات:

«شَتَّیا»: جمع شَتِیت، پراکنده. مراد مختلف و متفاوت و از هم جدا است. دسته‌های نیکوکار و پرهیزگار، و گروهی بدکردار و ناپرهیزگار، بعضی مؤمن و صادق، و برخی کافر و فاسق، و... تلاشهائی برای درم و شکم و لذائذ نفسانی، و تلاش‌هائی در راه خدمت به مردمان و رضای یزدان و اجرای اوامر ربّانی. و... این آیه بیان‌گر دو خطّ سیر متمایز و جهت‌گیری متفاوت است و جواب قسم است.

سوره لیل آیه ۵

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ۝٥﴾

ترجمه:

کسی که (در راه خدا دارائی خود را) بذل و بخشش کند، و پرهیزگاری پیشه سازد (و از آفریدگار خویش بهراسد).

توضیحات:

«أَعْطَیا»: صرف کرد و داد. خرج و پخش کرد. «إِتَّقَیا»: از خدا ترسید. تقوا و پرهیزگاری پیشه کرد.

سوره لیل آیه ۶

متن آیه:

﴿وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ۝٦﴾

ترجمه:

و به پاداش خوب (خدا در این سرا، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور داشته باشد.

توضیحات:

«الْـحُسْنَیا»: پاداش خوب خدا که در این جهان بهره مؤمنان می‌گردد (نگا: زمر / ۱۰، نحل / ۳۰) و پاداش بهتر خدا که در آن جهان نصیب مسلمانان می‌شود (نگا: آل‌عمران / ۱۴۸، یونس / ۲۶). خیر مطلقی که خدا آن را خیر می‌داند. یعنی آن کسی که بذل و بخشش می‌کند و پرهیزگاری پیشه می‌سازد و به خوب و خوبی ایمان دارد، و در یک کلام، حسنات و سیئات و فضیلت و رذیلت را همسان نمی‌شمارد، و بالطبع به پاداش نیکیها و پادافره بدیها معتقد است. (الْـحُسْنَیا) می‌تواند صفت مشبّهه، یا صفت تفضیلی باشد.

سوره لیل آیه ۷

متن آیه:

﴿فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ ٧﴾

ترجمه:

(مشکلات و موانع را برای او آسان می‌سازیم و در کار خیر توفیقش می‌دهیم و) او را آماده رفاه و آسایش می‌نمائیم.

توضیحات:

«نُيَسِّرُهُ»: او را مهیا و آماده می‌سازیم. «الْيُسْرَیا»: رفاه و آسایش. ساده و آسان. آیه متضمّن دو معنی است: الف - او را آماده برای زندگی خوش و آسوده آخرت می‌سازیم (نگا: نحل / ۹۷). ب - او را آماده انجام کارهای ساده و آسانی می‌سازیم که پیشتر برای او مشکل و دشوار بود. یعنی در پرتو گام نهادن به راه خدا مشکلات را برایش ساده و در انجام آنها توفیقش می‌دهیم (نگا: مائده / ۱۶، عنکبوت / ۶۹). اصولاً ایمان به معاد و پاداش عظیم الهی، مشکلات را در نظر انسان سهل و آسان جلوه‌گر می‌سازد و نه تنها مال، بلکه جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و از این ایثارگری لذّت می‌برد.

سوره لیل آیه ۸

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ ٨﴾

ترجمه:

و امّا کسی که تنگ‌چشمی بکند (و به بذل و بخشش دارائی در راه خدا دست

نیازد) و خود را بی‌نیاز (از خدا و توفیق و پاداش دنیوی و اخروی الهی) بداند.

توضیحات:

«إِسْتَغْنَیا»: خود را بی‌نیاز دانست. مراد بی‌نیاز از خدا، و مدد و یاری دنیوی، و اجر و پاداش اخروی یزدان جهان است (نگا: عبس / ۵).

سوره لیل آیه ۹

متن آیه:

﴿وَكَذَّبَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٩﴾

ترجمه:

و به پاداش خوب (خدا در این سرا، و خوبتر خدا در آن سرا) ایمان و باور نداشته باشد.

توضیحات:

«الْـحُسْنَیا»: (نگا: آیه ششم).

سوره لیل آیه ۱۰

متن آیه:

﴿فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ ١٠﴾

ترجمه:

او را آماده برای سختی و مشقّت (و زندگی بس مشکل و ناگوار دوزخ) می‌سازیم.

توضیحات:

«الْعُسْرَیا»: سختی و مشقّت. شدّت و محنت. خواری ناشی از عدم توفیق در اعمال صالحه (نگا: المیزان). عذاب دوزخ.

سوره لیل آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ ١١﴾

ترجمه:

در آن هنگام که (به گور) پرت می‌گردد، دارائیش چه سودی به حال او دارد؟

توضیحات:

«مَا یُغْنِي عَنْهُ»: چه سودی به حال او دارد؟ سودی به حال او ندارد. واژه (مَا)

استفهامیه و برای انکار، یا حرف نفی است. «تَردَّیا»: پرت گردید. سقوط کرد. مراد سقوط در قبر یا سرنگون شدن به دوزخ است. هلاک شد و مرد.

سوره لیل آیه ۱۲

متن آیه:

﴿إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ ١٢﴾

ترجمه:

مسلّماً نشان دادن (راه هدایت و ضلالت به مردم) بر عهده ما است.

توضیحات:

«عَلَيْنَا»: بر ما است. «الْـهُدَيا»: رهنمود. راهنمائی. ارائه طریق.

سوره لیل آیه ۱۳

متن آیه:

﴿وَإِنَّ لَنَا لَلۡأٓخِرَةَ وَٱلۡأُولَىٰ ١٣﴾

ترجمه:

و قطعاً آخرت و دنیا همه از آن ما است.

توضیحات:

«لَلآخِرَةَ وَالأُولَيا»: آن جهان و این جهان. مقدّم شدن آخرت بر دنیا، به خاطر اهمّیت فراوان و مقصود اصلی بودنِ آن است.

سوره لیل آیه ۱۴

متن آیه:

﴿فَأَنذَرۡتُكُمۡ نَارٗا تَلَظَّىٰ ١٤﴾

ترجمه:

من شما را از آتش هولناکی بیم می‌دهم که شعله‌ور می‌شود و زبانه می‌کشد.

توضیحات:

«فَأَنْذَرْتُكُمْ»: فاعل پیغمبر اسلام است که خطاب به کفّار مکه صحبت می‌فرماید. «تَلَظَّيا»: شعله‌ور می‌شود. زبانه می‌کشد. فعل مضارع است و در اصل (تَتَلَظَّيا) است.

سوره لیل آیه ۱۵

متن آیه:

﴿لَا يَصۡلَىٰهَآ إِلَّا ٱلۡأَشۡقَى ١٥﴾

ترجمه:

بدان داخل نمی‌شود و نمی‌سوزد مگر بدبخت‌ترین (انسان‌ها).

توضیحات:

«الأَشْقَیا »: بدبخت‌ترین.

سوره لیل آیه ۱۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ١٦﴾

ترجمه:

همان کسی که (حق و حقیقت را دروغ می‌داند و آن را) تکذیب می‌نماید و (به آیات آسمانی) پشت می‌کند.

توضیحات:

«تَوَلَّیا»: پشت کرد. رویگردان شد (نگا: بقره / ۲۰۵، آل‌عمران / ۸۲، نجم / ۲۹).

سوره لیل آیه ۱۷

متن آیه:

﴿وَسَيُجَنَّبُهَا ٱلۡأَتۡقَى ١٧﴾

ترجمه:

و لیکن پرهیزگارترین (انسان‌ها) از آن (آتش هولناک) به دور داشته خواهد شد.

توضیحات:

«الأتْقَیا»: پرهیزگارترین.

سوره لیل آیه ۱۸

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ١٨﴾

ترجمه:

آن کسی که دارائی خود را (در راه خدا خرج می‌کند و) می‌دهد تا خویشتن را (به وسیله این کار، از کثافت بخل) پاکیزه بدارد.

توضیحات:

«يَتَزَكَّيا»: خود را پاک می‌دارد و پاکیزه می‌کند. حال یا بدل از فاعل است.

سوره لیل آیه ۱۹

متن آیه:

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ ١٩﴾

ترجمه:

هیچ کسی بر او حق نعمتی ندارد تا (بدین وسیله به نعمتش پاسخ گوید و از سوی او آن) نعمت جزا داده شود.

توضیحات:

«تُجْزَیا»: نعمت جزا داده شود. سپاس گفته شود.

سوره لیل آیه ۲۰

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٠﴾

ترجمه:

بلکه تنها هدف او جلب رضای ذات پروردگار بزرگوارش می‌باشد.

توضیحات:

«إِبْتِغَآءَ»: خواستار شدن. طلبیدن. «وَجْهِ»: ذات (نگا: انعام / ۵۲، کهف / ۲۸، قصص / ۸۸).

سوره لیل آیه ۲۱

متن آیه:

﴿وَلَسَوۡفَ يَرۡضَىٰ ٢١﴾

ترجمه:

قطعاً (چنین شخصی، از کارهائی که کرده است) راضی خواهد بود و (از پاداش‌هائی که از پروردگار خود دریافت می‌دارد) خوشنود خواهد شد.

توضیحات:

«لَسَوْفَ يَرْضَيا»: راضی خواهد بود. راضی خواهد شد (نگا: توبه / ۹۶، نجم / ۲۶).

سوره ضحی

سوره ضحی آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلضُّحَىٰ ١﴾

ترجمه:

سوگند به روز (در آن زمان که آفتاب بلند می‌گردد و همه جا را فرا می‌گیرد)!

توضیحات:

«الضُّحَیا»: روز (نگا: اعراف / ۹۸، طه / ۵۹). چاشتگاه (نگا: شمس / ۱).

سوره ضحی آیه ۲

متن آیه:

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا سَجَىٰ ٢﴾

ترجمه:

و سوگند به شب در آن هنگام که می‌آرامد (و تاریک می‌شود و همه‌جا را فرا می‌گیرد)!

توضیحات:

«سَجَیا»: آرمید. آرام یافت. آرمیدن شب، در حقیقت آرمیدن ساکنان آن است (نگا: المصحف المیسّر). تاریک گردید. پوشاند. فرا گرفت (نگا: فرهنگ لغات قرآن. نمونه. تفهیم القرآن).

سوره ضحی آیه ۳

متن آیه:

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ٣﴾

ترجمه:

پروردگارت تو را رها نکرده است و دشمن نداشته است و مورد خشم قرار نداده است.

توضیحات:

«مَا وَدَّعَكَ»: تو را ترک و رها نکرده است. به ترک تو نگفته است. «مَا قَلَيا»: خشم نگرفته است و دشمن نداشته است.

سوره ضحی آیه ۴

متن آیه:

﴿وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٤﴾﴾

ترجمه:

و فرجام (کار و زندگی) برای تو، بهتر از آغاز (آنها) است.

توضیحات:

«الآخِرَةُ»: پایان کار. اواخر زندگی. «الأُولَیا»: آغاز کار. اوائل زندگی.

سوره ضحی آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾﴾

ترجمه:

و پروردگارت به تو (بهروزی و پیروزی و نعمت و قدرت) عطاء خواهد کرد، و تو خوشنود خواهی شد.

توضیحات:

«لَسَوْفَ يُعْطِيكَ»: مراد نزول وحی، ظهور دین، تنفیذ فرمان، خوشبختی و پیروزی بر ملّت‌های دیگر است.

سوره ضحی آیه ۶

متن آیه:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾﴾

ترجمه:

آیا خدا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟

توضیحات:

«يَتِيماً»: پیغمبر هنوز طفل شش ماهه‌ای در شکم مادر بود که پدرش از دنیا رفت. در عمر شش سالگی مادرش آمنه هم وفات کرد. در هشت سالگی پدر بزرگش

عبدالمطّلب که سرپرستی او را به عهده داشت دار فانی را وداع گفت. از آن به بعد تحت سرپرستی عمویش ابوطالب قرار گرفت. «ءَاوَیا»: منزل و مأوی داد. پناه داد.

سوره ضحی آیه ۷

متن آیه:

﴿وَوَجَدَكَ ضَآلّٗا فَهَدَىٰ ٧﴾

ترجمه:

و تو را سرگشته و حیران (در میان شرک بت‌پرستان و یهودیان و مسیحیان، کفر کافران، فسق و فجور فاسقان و فاجران، ظلم و زور قلدران، کشت و کشتار قبائل به فرمان جاهلان، و خرافه‌پرستی اینان و آنان) نیافت و (در پرتوِ وحی آسمانی به یکتاپرستی یزدانی) رهنمودت کرد؟

توضیحات:

«ضَآلاًّ»: گمراه و سرگشته. پیغمبر قبل از نبوّت، دریای موّاج کفر و شرک و ظلم و فسق و جهل و خرافات محیط را می‌دید و غرق‌شدگان در آن را نظاره می‌کرد، امّا راه به جائی نمی‌برد. نمی‌دانست چگونه خالق جهان را بپرستد و بدو نزدیک بشود، و از بارگاه یزدان نجات مردمان را بطلبد. به غار حراء پناه می‌برد و شب‌ها و شب‌ها با خود خلوت می‌کرد و سرگشته در تفکرات و حیرت‌زده از مشاهده اوضاع به دنبال نجات می‌گشت، تا در دل غار حراء نور وحی پرتو افکند و او را به حق رهنمود کرد (نگا: شوری / ۵۲، یوسف / ۳).

سوره ضحی آیه ۸

متن آیه:

﴿وَوَجَدَكَ عَآئِلٗا فَأَغۡنَىٰ ٨﴾

ترجمه:

و تو را فقیر و بی‌چیز نیافت و ثروتمند و دارایت کرد؟

توضیحات:

«عَآئِلاً»: فقیر و بی‌چیز (نگا: توبه / ۲۸). چیزهائی که پیغمبر از پدر به ارث برد، شتر ماده‌ای و کنیزکی بود (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). خدا او را با سود تجارت، و ثروت خدیجه، و غنائم جنگی دارا و بی‌نیاز کرد. آیات گذشته، بیان‌گر الطاف و عنایات

خاصّ الهی در حق پیغمبر است.

سوره ضحی آیه ۹

متن آیه:

﴿فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ۝٩﴾

ترجمه:

حال که چنین است، یتیم را زبون مدار (و اموال و دارائی ایشان را با قهر و زور مگیر و تصرّف مکن).

توضیحات:

«لا تَقْهَرْ»: خوار و زبون مدار. اموال و دارائیشان را با زور مگیر و تصرّف مکن.

سوره ضحی آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ۝١٠﴾

ترجمه:

و گدا را با خشونت مران.

توضیحات:

«لا تَنْهَرْ»: با خشونت مران. برخی سائل را خواهان دانش و پرسش کننده از مسائل علمی شمرده‌اند.

سوره ضحی آیه ۱۱

متن آیه:

﴿وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ۝١١﴾

ترجمه:

بلکه نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن (و از آنها صحبت بدار، و شکر آنها را با بذل و بخشش بگزار).

توضیحات:

«حَدِّثْ»: صحبت بدار. بازگو کن. بازگو کردن نعمت، شکرگزاری از آن با قول و فعل، امکان‌پذیر است. سپاس با زبان، و بذل و بخشش از آن. ذکر ثروت و قدرت برای تفاخر، مراد نیست.

سوره شرح

سوره شرح آیه ۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ۝١﴾

ترجمه:

آیا ما سینه تو را نگشودیم (و دلت را از بند غم حیرت رها نساختیم، و تاب تحمّل نابسامانی‌های محیط جاهلیت و سختی‌های مسؤولیت بزرگ نبوّت را به تو عطاء نکردیم؟).

توضیحات:

«أَلَمْ نَشْرَحْ...»: شرح صدر. کنایه از: سعه صدر، رهائی از غم و اندوه حیرت و ضلال پیش از نبوّت، تاب تحمّل مشکلات مسؤولیت نبوّت و رهبری، صبر و حوصله در برابر ناملایمات محیط و دردسرهای کفّار و مشرکان و دیگران است (نگا: انعام / ۱۲۵، زمر / ۲۲، طه / ۲۵، نحل / ۱۰۶).

سوره شرح آیه ۲

متن آیه:

﴿وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ۝٢﴾

ترجمه:

و بار سنگین (تلاش فراوان، برای هدایت مردمان) را از (دوش) تو برنداشتیم؟

توضیحات:

«وَضَعْنَا»: فرو آوردیم. پائین آوردیم. «وِزْر»: بار سنگین. مراد بار کمرشکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرک و تبهکاری‌ها و خونریزی‌ها و ستمگری‌ها و نابسامانی‌های جامعه پیش از نبوّت، و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیت و آزار ایشان در آغاز نبوّت است.

سوره شرح آیه ۳

متن آیه:

﴿الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ ۝٣﴾

ترجمه:

همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟

توضیحات:

«أَنقَضَ»: سنگینی کرده بود. گرانبار ساخته بود. مَجازاً شکستن پشت معنی می‌دهد.

سوره شرح آیه ۴

متن آیه:

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝٤﴾

ترجمه:

و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟

توضیحات:

«ذِکْر»: آوازه. نام نیک. حسن شهرت. آوای گواهی به پیغمبری محمّد، به دنبال گواهی به توحید خداوند، شبانه‌روز دست کم پنج بار بر فراز مناره‌ها و بر بال امواج تلویزیون‌ها و رادیوها در آفاق طنین‌انداز است.

سوره شرح آیه ۵

متن آیه:

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝٥﴾

ترجمه:

چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

توضیحات:

«فَإِنَّ...»: بیان علّت و سبب مطالب پیش است. «الْعُسْرِ»: سختی. دشواری (نگا: بقره / ۱۸۵، طلاق / ۷، کهف / ۷۳). «یُسْراً»: آسایش. آسودگی.

سوره شرح آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝٦﴾

ترجمه:

مسلّماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

توضیحات:

«إِنَّ مَعَ...»: تکرار آیه، برای تحکیم مطلب پیشین و تأکید این سنّت خدائی در همه ادوار است.

سوره شرح آیه ۷

متن آیه:

﴿فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧﴾

ترجمه:

هرگاه (از کار مهمّی) بپرداختی، به دنبال آن (به کار مهمّ دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری‌کن).

توضیحات:

«فَرَغْتَ»: فراغت یافتی. تمام شدی و بیکار ماندی. «إنصَبْ»: رنج ببر. مؤمن باید انسان متحرّک و پویائی باشد و پس از فراغت از وظیفه‌ای، آماده کوشیدن و سختی کشیدن در وظیفه دیگری باشد. چون: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم.

سوره شرح آیه ۸

متن آیه:

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨﴾

ترجمه:

و یکسره به‌سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز).

توضیحات:

«إرْغَبْ»: رغبت کن. علاقه‌مند شو (نگا: قلم / ۳۲).

سوره تین

سوره تین آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ۝١﴾

ترجمه:

سوگند به انجیر و زیتون!

توضیحات:

«التِّينِ»: انجیر. اشاره به دوران آدم است که او و همسرش در بهشت برگ درختان و چه بسا انجیر را جامه و پوشش خود کردند (نگا: اعراف / ۲۲). کوه «طور تینا» که در دمشق قرار دارد و بر آن درختان انجیر می‌روید. در میان عرب‌ها مرسوم است که نام میوه‌ای را بر سرزمین آن اطلاق کنند (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). «الزَّيْتُونِ»: زیتون. اشاره به دوران نوح است که آدم دوم لقب گرفته است. گویا در آخرین مراحل طوفان، نوح کبوتری را رها کرد تا درباره پیدا شدن خشکی از زیر آب جستجو کند. کبوتر با شاخه زیتونی بازگشت و نوح فهمید که طوفان پایان گرفته است. شاخه زیتون هم اینک رمز صلح و امنیت است. کوه «طور زیتا» که در بیت‌المقدّس است. (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده).

سوره تین آیه ۲

متن آیه:

﴿وَطُورِ سِينِينَ ۝٢﴾

ترجمه:

و سوگند به طور سینین!

توضیحات:

«طُورِ سِينِينَ»: اسم کوهی است که در صحرای سیناء قرار دارد و موسی ﵇ در بالای آن به مناجات با خدا می‌پرداخت. در کنار این کوه نور شریعت موسوی تابیدن

گرفت (نگا: مریم / ۵۲).

سوره تین آیه ۳

متن آیه:

﴿وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ ٣﴾

ترجمه:

و سوگند به این شهر امین (مکه)!

توضیحات:

«الْبَلَدِ الأَمِینِ»: شهر امین. مراد مکه است که چه رسد به انسان‌ها، حیوانات و درختان و گیاهان و پرندگان آن در امن و امانند. نه جانداری در آنجا کشته می‌شود و نه گیاهی کنده می‌گردد، مگر انواعی از نباتات که مردم بدان‌ها نیازمندند (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). «الأَمِینِ»: سرزمین دارای امن و امان (نگا: بقره / ۱۲۶، آل‌عمران / ۹۷، قصص / ۵۷). اشاره به دوران خاتم‌الانبیاء، محمّد مصطفی ﷺ است.

سوره تین آیه ۴

متن آیه:

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤﴾

ترجمه:

ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده‌ایم.

توضیحات:

«لَقَدْ خَلَقْنَا...»: جواب قسمهای چهارگانه است. «أَحْسَنِ»: زیباترین. بهترین. «تَقْوِیمٍ»: هیئت. سیما. در اصل تقویم، در آوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است (نگا: نمونه) ولی در بسیاری از موارد مراد از مصدر، اثر آن است (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). لذا در اینجا مراد ساختار انسان با دو بعد جسمانی و روحانی است، که «عالَم صغیر» و « موجود ناشناخته « نام گرفته است، و خداوند او را بزرگوار فرموده است (نگا: اسراء / ۷۰) و آفریدگار جهان در برابر اتمام خلقت انسان، خویشتن را ستوده است (نگا: مؤمنون / ۱۴).

سوره تین آیه ۵

متن آیه:

﴿ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ ٥﴾

ترجمه:

سپس ما او را به میان پست‌ترینِ پستان برمی‌گردانیم (و از زمره بدترینِ مردمان می‌گردانیم).

توضیحات:

«رَدَدْنَاهُ»: او را برمی‌گردانیم. او را قرار می‌دهیم. واژه (رَدّ) را به معنی اصلی برگرداندن، و معنی ضمنی جعل، یعنی قرار دادن و ساختن دانسته‌اند (نگا: روح‌المعانی، المیزان). «أَسْفَلَ»: پائین‌ترین. مفعولٌ‌به یا منصوب به نزع خافض است. «سَافِلِينَ»: پائین‌تران. پستان. جمع مذکر سالم است و مراد انسان‌هائی است که امتیاز انسانیت خود را نادیده می‌گیرند، و به جای پیمودن قوس صعودی ایمان و دینداری، قوس نزولی کفر و بی‌دینی را طی می‌کنند، و از درجه والای اعلی علّیین به ژرفای گودالّ اسفل سافلین فرو می‌افتند. «رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»: این بند، بدین واقعیت اشاره دارد که: کسانی که راه کفر و شرک و ستمگری و زورگوئی و سایر مفاسد را در پیش می‌گیرند، از مقام انسانیت سقوط می‌کنند و در نظر خدا از پستان پست بشمار می‌آیند، و در دنیا از زمره ناپاکان، و در آخرت از جمله دوزخیانند (نگا: نساء / ۱۴۵، صافّات / ۹۸، فصّلت / ۲۹، بینه / ۶).

سوره تین آیه ۶

متن آیه:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٦﴾

ترجمه:

مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند که آنان پاداش قطع ناشدنی و بی‌منّت دارند.

توضیحات:

«غَيْرُ مَـمْنُونٍ»: ناگسیختنی. قطع ناشدنی. بی‌منّت (نگا: فصّلت / ۸، قلم / ۳، انشقاق / ۲۵).

سوره تین آیه ۷

متن آیه:

﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعۡدُ بِٱلدِّينِ ۝٧﴾

ترجمه:

پس (ای انسان ناسپاس! به دنبال مشاهده این همه دلائل و نشانه‌های معاد) دیگر چه چیز تو را بر آن می‌دارد که روز سزا (و جزای قیامت) را دروغ پنداری (و در دادگاه الهی خویشتن را محکوم به سقوط از درجه انسانیت سازی؟).

توضیحات:

«بَعْدُ»: پس از مشاهده قدرت خدا در پیکره عالَم صغیر و در گستره عالَم کبیر. آن که انسان و جهان را از نیستی به هستی درآورده است، دوباره پس از پایان جهان و مردن مردمان، دنیا را پدیدار و انسان‌ها را از خواب مرگ بیدار می‌سازد، و طرحی نو درمی‌اندازد. «الدِّينِ»: سزا و جزا. دین و آئین. «فَمَا يُكَذِّبُكَ...»: پس دیگر چه چیز تو را به تکذیب شریعت و آئین وامی‌دارد؟

سوره تین آیه ۸

متن آیه:

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ۝٨﴾

ترجمه:

مگر خداوند فرمانرواترین فرمانروایان (و داورترین داوران) نمی‌باشد؟

توضیحات:

«أَحْكَمِ الْـحَاكِمِينَ»: فرمانرواترین فرمانروایان. داورترین داوران (نگا: هود / ۴۵). اگر در آیه هفتم، دین به معنی شریعت و آئین باشد، معنی این آیه چنین است: آیا خداوند احکام و فرمان‌هایش از همه حکیمانه‌تر و متقن‌تر نیست؟ (نگا: نمونه).

سوره علق

سوره علق آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِی خَلَقَ ۝١﴾

ترجمه:

(ای محمّد! بخوان چیزی را که به تو وحی می‌شود. آن را بیاغاز و) بخوان به نام پروردگارت. آن که (همه جهان را) آفریده است.

توضیحات:

«إِقْرَأْ...»: از اوّل این سوره تا آخر آیه پنجم، نخستین آیاتی است که در غار حراء بر پیغمبر نازل شده است و با تابش اشعّه جدید وحی، فصل تازه‌ای در تاریخ بشریت گشوده گشته است. برابر فرمان الهی پیغمبر « قاری « شد (نگا: بینه / ۲) ولی «کاتب» نشد (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده).

سوره علق آیه ۲

متن آیه:

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢﴾

ترجمه:

انسان را از خون بسته آفریده است.

توضیحات:

«خَلَقَ»: هر چند فعل (خَلَقَ) در آیه نخست، آفرینش انسان را هم در بر دارد، ولی برای اهمّیت مقام او مجدّدا از انسان سخن به میان آمده است. «عَلَقٍ»: جمع عَلَقَة، خون بسته و دَلَمه گونه (نگا: حجّ / ۵، مؤمنون / ۱۴، غافر / ۶۷، قیامه / ۳۸).

سوره علق آیه ۳

متن آیه:

﴿ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣﴾

ترجمه:

بخوان! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده‌تر است (از آنچه تو می‌انگاری. بعد از این، بزرگواری‌ها و بخشندگی‌ها از او خواهی دید که تعلیم قرائت در برابر آنها ساده و ناچیز است).

توضیحات:

«وَرَبُّكَ الأَكْرَمُ»: حرف واو استئنافیه است. واژه أکرم، افزایش ربوبیت و کرامت را می‌رساند.

سوره علق آیه ۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ ۝٤﴾

ترجمه:

همان خدائی که به وسیله قلم (انسان را تعلیم داد و چیزها به او) آموخت.

توضیحات:

«عَلَّمَ»: تعلیم داد. یاد داد. «بِالْقَلَمِ»: به وسیله قلم. به واسطه قلم.

سوره علق آیه ۵

متن آیه:

﴿عَلَّمَ ٱلْإِنسَٰنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝٥﴾

ترجمه:

بدو چیزهائی را آموخت که نمی‌دانست.

توضیحات:

«مَا لَـمْ يَعْلَمْ»: (نگا: نحل / ۷۸).

سوره علق آیه ۶

متن آیه:

﴿كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ ۝٦﴾

ترجمه:

قطعاً (اغلب) انسان‌ها سرکشی و تمرّد می‌آغازند.

توضیحات:

«کَلاّ»: حَقّا. قطعاً. این واژه را نباید همواره به معنی زجر و ردع بدانیم. بلکه می‌تواند حرف تحقیق و تنبیه و جواب باشد و (به راستی) و (حقّا) و (هان) و (آری) معنی شود (نگا: نوین). «الإِنسَانَ»: غالب انسان‌ها مراد است.

سوره علق آیه ۷

متن آیه:

﴿أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ ۝٧﴾

ترجمه:

اگر خود را دارا و بی‌نیاز ببینند.

توضیحات:

«أَن رَّءَاهُ»: وقتی خود را ببیند و بداند. واژه (أَنْ) از حروف ناصبه است. جمله (أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَيا) مفعولٌ‌له است. «إِسْتَغْنَيا»: احساس قدرت و ثروت کرد. دارا شد و بی‌نیاز گردید (نگا: عبس / ۵، لیل / ۸).

سوره علق آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ ۝٨﴾

ترجمه:

مسلّماً بازگشت (همگان در آن جهان) به‌سوی پروردگار تو خواهد بود (و او سرکشان و متمرّدان را به کیفر اعمال‌شان می‌رساند).

توضیحات:

«الرُّجْعَيا»: رجوع و بازگشت. مصدر ثلاثی مجرّد است.

سوره علق آیه ۹

متن آیه:

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يَنۡهَىٰ ۝٩﴾

ترجمه:

آیا دیده‌ای کسی را که نهی می‌کند و باز می‌دارد.

توضیحات:

«أَرَأَیْتَ»:؟ آیا دیده‌ای؟ آیا خبر داری؟ به من بگو (نگا: کهف / ۶۳، مریم / ۷۷، فرقان / ۴۳).

سوره علق آیه ۱۰

متن آیه:

﴿عَبۡدًا إِذَا صَلَّىٰٓ ۝١٠﴾

ترجمه:

بنده‌ای را چون به نماز ایستد؟ (آیا چنین بازدارنده‌ای مستحقّ عذاب الهی نیست؟).

توضیحات:

«إِذَا...»: جواب شرط محذوف است.

سوره علق آیه ۱۱

متن آیه:

﴿أَرَءَیۡتَ إِن كَانَ عَلَى ٱلۡهُدَىٰٓ ۝١١﴾

ترجمه:

به من بگو: اگر (این طاغی یاغی بر راه راست و) بر طریق هدایت بود. (چه مقام و منزلتی در پیش خدا می‌داشت؟).

توضیحات:

«إِنْ»: جواب شرط محذوف است.

سوره علق آیه ۱۲

متن آیه:

﴿أَوۡ أَمَرَ بِٱلتَّقۡوَىٰٓ ۝١٢﴾

ترجمه:

یا این که (دیگران را به جای بازداشتن از نماز و سایر عبادات) به تقوا و پرهیزگاری دستور می‌داد (آیا این برایش بهتر نمی‌بود؟).

توضیحات:

«أَوْ...»: جواب شرط محذوف است.

سوره علق آیه ۱۳

متن آیه:

﴿أَرَءَيۡتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ١٣﴾

ترجمه:

به من بگو: اگر تکذیب کند (قرآن و همه کتاب‌ها و چیزهائی را که پیغمبران با خود آورده‌اند) و پشت کند (به ایمان و همه کارهای خوب و پسندیده، آیا سزاوار چه کیفری خواهد بود، و حال و وضعش در قیامت چگونه خواهد شد؟).

توضیحات:

«إِن کَذَّبَ وَ تَوَلَّیا»: (نگا: قیامه / ۳۲، لیل / ۱۶). جواب شرط باز هم محذوف است.

سوره علق آیه ۱۴

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ ١٤﴾

ترجمه:

آیا او ندانسته است که خداوند (همه احوال او را می‌پاید، و همه اعمال وی را) می‌بیند؟

توضیحات:

«أَلَـمْ یَعْلَمْ... یَرَیا»: اشاره به این واقعیت است که: عالَم هستی محضر خدا است.

سوره علق آیه ۱۵

متن آیه:

﴿كَلَّا لَئِن لَّمۡ يَنتَهِ لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ١٥﴾

ترجمه:

هرگزا هرگزا (آن چنان نیست که او می‌پندارد). اگر او (از کارهای خود دست برندارد و به اعمال زشت خویش) پایان ندهد، موی پیشانیش را می‌گیریم و (او را به‌سوی آتش دوزخ) کشان کشان می‌بریم.

توضیحات:

«لَنَسْفَعَنْ»: می‌گیریم و به شدّت می‌کشیم. از ماده سَفْع، به معنی گرفتن و به شدّت کشیدن است. نون تأکید این فعل در رسم‌الخطّ قرآنی با تنوین نوشته شده است. «نَاصِیَةٍ»: موی پیشانی (نگا: هود / ۵۶، رحمن / ۴۱).

سوره علق آیه ۱۶

متن آیه:

﴿نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٖ ١٦﴾

ترجمه:

موی پیشانی دروغگوی بزهکار.

توضیحات:

«نَاصِيَةٍ»: بدل است. «خَاطِئَةٍ»: بزهکار. مراد از موی پیشانی دروغگوی بزهکار، صاحب آن است. واژه (نَاصِيَةٍ) به خود پیشانی هم گفته می‌شود. در این صورت معنی آیه چنین است: پیشانیی که نشانه دروغگوئی و بزهکاری در آن جلوه‌گر و پیدا است (نگا: المنتخب).

سوره علق آیه ۱۷

متن آیه:

﴿فَلۡيَدۡعُ نَادِيَهُۥ ١٧﴾

ترجمه:

بگذار او همنشینان و هم‌مجلسان خود را صدا بزند و به کمک بطلبد (تا او را در جنگ با مؤمنان، یاری بدهند).

توضیحات:

«نَادِيَ»: باشگاه. مجلس. در اینجا مراد اهل باشگاه و مجلس است. ذکر محل است و مراد حال.

سوره علق آیه ۱۸

متن آیه:

﴿سَنَدۡعُ ٱلزَّبَانِيَةَ ١٨﴾

ترجمه:

ما هم به زودی فرشتگان مأمور دوزخ را صدا می‌زنیم (تا او را به دوزخ ببرند و به ژرفای آن بیندازند).

توضیحات:

«سَنَدْعُو»: در رسم‌الخطّ قرآنی واو آخر آن حذف شده است. در قرآن هر جا که واو

ساکن به لام ساکن برسد، واو برداشته شده است (نگا: اعراب القرآن درویش). «الزَّبَانِيَةَ»: جمع زِبْنِي، زِبْنِية، زَبانِي، و زابِن دانسته‌اند (نگا: معجم الفاظ القرآن الکریم). در اصل به معنی هُل‌دهندگان است. پاسبانان را بدین نام نامیده‌اند، چون دیگران را هُل می‌دهند و می‌رانند. در اینجا مراد فرشتگان مأمور دوزخ است که دوزخیان را هُل می‌دهند و می‌رانند (نگا: تحریم / ۶).

سوره علق آیه ۱۹

متن آیه:

﴿كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡ وَٱقۡتَرِب۩ ١٩﴾

ترجمه:

هرگزا هرگز! از او اطاعت مکن و (به نماز خواندن خود ادامه بده و در برابر آفریدگار خویش) سجده ببر و (بدین وسیله به پروردگارت) نزدیک شو.

توضیحات:

«أسْجُدْ»: سجده ببر. مراد از سجده بردن، مداومت و مواظبت بر ادای نماز است. «إِقْتَرِبْ»: با طاعات و عباداتِ بسیار به پروردگار دادار تقرّب حاصل کن و بدو نزدیک شو.

سوره قدر

سوره قدر آیه ۱

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ۝١﴾

ترجمه:

ما قرآن را در شب با ارزش « لیلةالقدر » فرو فرستاده‌ایم.

توضیحات:

«أَنزَلْنَاهُ»: ضمیر (هُ) به قرآن برمی‌گردد. اشاره به آغاز نزول قرآن است (نگا: بقره / ۲ و ۱۴۴، آل‌عمران / ۷، نساء / ۱۰۵، یوسف / ۲). ذکر ضمیر به جای اسم ظاهر، به خاطر شهرت و جلالت فوق‌العاده قرآن، و جایگزین بودن آن در همه اذهان است (نگا: انعام / ۹۲ و ۱۵۵، ابراهیم / ۱، ص / ۲۹). «لَيْلَةِ الْقَدْرِ»: شب بزرگوار و ارزشمند (نگا: دخان / ۳). شب ارزشیابی و تعیین سرنوشت (نگا: دخان / ۴) این شب، بزرگوار و ارزشمند است، چون قرآن در آن نازل شده است و سراسر نور و رحمت و خیر و برکت و سلامت و سعادت و از هر جهت بی‌نظیر است. شب قرآن و جشن سالانه این کتاب بزرگ آسمانی و سرنوشت ساز بشریت است، و به عقیده برخی شب تقدیر و تعیین است و در آن مجدّدا مقدّرات و سرنوشت انسان‌ها مقدّر و معین می‌گردد و خداوند دستور اجرای احکام خود را به دست فرشتگان می‌سپارد. لیلة القدر در رمضان است (نگا: بقره / ۱۸۵). امّا در کدام شب؟ روشن نیست و در حدود چهل قول مختلف پیرامون آن بیان شده است (نگا: تفهیم‌القرآن). لیکن از هفدهم رمضان تا آخر آن، به ویژه شب‌های طاق، رأی بسیاری از علماء است.

سوره قدر آیه ۲

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ۝٢﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی شب قدر کدام است (و چه اندازه عظیم است؟)

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»:؟ تو چه می‌دانی؟ (نگا: مدّثّر / ۲۷، مرسلات / ۴۴، انفطار / ۱۷). این تعبیر نشان می‌دهد که زمان و عظمت دقیق این شب را حتّی پیغمبر ﷺ هم نمی‌دانسته است، چه رسد به دیگران!

سوره قدر آیه ۳

متن آیه:

﴿لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣﴾

ترجمه:

شب قدر شبی است که از هزار ماه بهتر است.

توضیحات:

«أَلْفِ شَهْرٍ»: هزار ماه. مراد تکثیر است نه تعیین و تحدید (نگا: بقره / ۹۶، انفال / ۹).

سوره قدر آیه ۴

متن آیه:

﴿تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤﴾

ترجمه:

فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیاپی (به کره زمین و به‌سوی پرستش‌گران و عبادت کنندگان شب زنده‌دار) می‌آیند برای هرگونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد).

توضیحات:

«تَنَزَّلُ»: پیاپی نازل گردید. این فعل می‌تواند به معنی ماضی باشد (نگا: جزء عمّ شیح محمّد عبده). «الرُّوحُ»: جبرئیل. نزول فرشتگان و سردسته ایشان جبرئیل به کره زمین، جهت دعای خیر و طلب آمرزش برای کسانی است که شب زنده‌داری می‌نمایند و به عبادت می‌پردازند و از خدا طلب مرحمت و مغفرت می‌کنند. «مِن كُلِّ أَمْرٍ»: برای هر کاری. حرف (مِنْ) به معنی لام است. یعنی برای انجام امور. یا این که

به معنی باء مصاحبت است. یعنی: هر خیر و برکتی را با خود به ارمغان می‌آورند.

سوره قدر آیه ۵

متن آیه:

﴿سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥﴾

ترجمه:

آن شب، شب سلامت و رحمت (و درود فرشتگان بر مؤمنان شب زنده‌دار) است تا طلوع صبح.

توضیحات:

«سَلامٌ»: سلام و درود. مراد درود فرشتگان بر مؤمنان است که طلب آمرزش و رحمت برای ایشان است. سلامت. یعنی طاعت و عبادت در آن، موجب سلامت و در امن و امان ماندن مؤمنان از هر چیز است. یا این که به معنی سالم، یعنی شبی است سالم و توأم با سلامت. «مَطْلَعِ»: طلوع. دمیدن. وقت طلوع. هنگام دمیدن. مصدر میمی یا اسم زمان است. یادآوری: شب قدر در مناطق مختلف، یکی است. چرا که شب همان سایه نیم کره زمین است که بر نیم کره دیگر می‌افتد، و این سایه همراه گردش زمین در حرکت است. یک دوره کامل آن در بیست و چهار ساعت انجام می‌پذیرد. این مدّت که تاریکی تمام نقاط زمین را به تدریج فرا می‌گیرد، شب کامل کره زمین و شب قدر آن است که با اختلاف چند ساعت زودتر و دیرتر، مهمان مردمان گوشه و کنار سراسر زمین می‌شود.

سوره بینۀ

سوره بینۀ آیه ۱

متن آیه:

﴿لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ١﴾

ترجمه:

کافران اهل کتاب، و مشرکان، تا زمانی که حجّت بدی‌شان نرسد (و برابر سنّت الهی با آنان اتمام حجّت نگردد) به حال خود رها نمی‌شوند.

توضیحات:

«الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ»: مراد همه کسانی است که از پیروان انبیاء بوده ولیکن بر اثر فاصله زیاد زمانی از آئین آسمانی منحرف شده‌اند و به کفر و شرک افتاده‌اند. واژه (مِنْ) برای بیان است. «الْـمُشْرِكِينَ»: مراد همه کسانی است که بت یا آتش و مانند این‌ها را پرستیده‌اند و کتاب الهی هم نداشته‌اند. «مُنفَكِّينَ»: به حال خود رهاشدگان (نگا: المصحف المیسّر). یعنی کسانی که خدا پیغمبری برای ایشان نفرستاده باشد و به‌سوی حق و حقیقت رهنمودشان نکرده باشد. «حَتّي تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ»: تا زمانی که حجّت بدی‌شان برسد. مگر این که حجّت بدی‌شان برسد. یعنی حتماً خدا پیغمبری را برای آنان می‌فرستد و بدین وسیله با ایشان اتمام حجّت می‌کند (نگا: طه / ۱۳۳ و ۱۳۴). «الْبَيِّنَةُ»: حجّت و برهان. در اینجا مراد پیغمبری از پیغمبرانی است که مشعل آئین آسمانی را فرا راه کاروان بشری می‌دارد (نگا: المصحف المیسّر. پرتوی از قرآن).

سوره بینۀ آیه ۲

متن آیه:

﴿رَسُولٞ مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ ٢﴾

ترجمه:

(و آن حجّت)، پیغمبری از سوی خدا است که کتاب‌های پاک (الهی) را (بر آنان)

می‌خواند (و قوانین و احکام آسمانی را بدی‌شان می‌رساند).

توضیحات:

«یَتْلُو»: می‌خواند. در رسم‌الخطّ قرآنی، الف زائدی در آخر دارد. «صُحُفاً»: جمع صحیفه. اوراق. کتاب‌ها (نگا: طه / ۱۳۳، عبس / ۱۳). «مُطَهَّرَةً»: پاک از باطل و تحریف.

سوره بینهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ۝٣﴾

ترجمه:

در آنها نوشته‌های راست و درست و پرارزش و والائی است.

توضیحات:

«کُتُبٌ»: جمع کتاب. به معنی مکتوب، نوشته‌ها (نگا: انبیاء / ۱۰۴). «قَيِّمَةٌ»: درست. پرارزش (نگا: توبه / ۳۶، یوسف / ۴۰، کهف / ۲).

سوره بینهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ۝٤﴾

ترجمه:

اهل کتاب پراکنده نشده‌اند (و گروه گروه و دسته دسته نگشته‌اند) مگر آن زمانی که پیغمبری به پیش ایشان آمده است (و دستورات خدا را بدی‌شان رسانده است. آن وقت کم‌کم دچار تفرّق و اختلاف شده‌اند و فروع و مذاهبی را در دین خدا پدیدار کرده‌اند).

توضیحات:

«مَا تَفَرَّقَ...»: (نگا: بقره / ۲۱۳ و ۲۵۳، آل‌عمران / ۱۹، یونس / ۹۳، شوری / ۱۳ - ۱۵). مراد این است که هر وقت پیغمبری از پیغمبران برای رهنمود مردمان آمده است، انقلابی در میان انسان‌ها پدیدار کرده است. خاصیت انقلاب هم جداسازی صف‌های حقگرایان و باطلگرایان، و پدیدآوردن دسته‌ها و گروه‌های مختلف مؤمنان و منافقان و دشمنان هدف انقلاب است. در میان مؤمنان به انقلاب هم به تدریج خطّها پدیدار می‌شود که تنها خطی از آنها در راستای آرمان راستین است و بس. انسان عاقل

باید سعی کند که دنباله‌رو آن خط بوده و جان و مال را بر سر آن نهد.

سوره بینۀ آیه ۵

متن آیه:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾

ترجمه:

در حالی که جز این بدی‌شان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند، و نماز را چنان که باید بخوانند، و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.

توضیحات:

«وَمَآ أُمِرُوا إِلاّ لِيَعْبُدُوا اللهَ»: حرف واو، حالیه است. حرف (لِ) به معنی (أَنْ) است، و تقدیر چنین است: «إِلاّ بِأَنْ يَعْبُدُوا اللهَ». «مُـخْلِصِينَ»: مخلصانه (نگا: اعراف / ۲۹، یونس / ۲۲، عنکبوت / ۶۵). «حُنَفَآءَ»: حقگرایانه (نگا: حجّ / ۳۱). «مُخْلِصِينَ... حُنَفَآءَ»: حال اوّل و دوم ضمیر فاعلی (و) هستند. «دِينُ الْقَيِّمَةِ»: آئین راست و درست. دین ارزشمند. اضافه موصوف به صفت است. مانند مسجدالجامع، مسجدالحرام، دارالآخره (نگا: یوسف / ۱۰۹، نحل / ۳۰)، عذاب الحریق (نگا: آل‌عمران / ۱۸۱، انفال / ۵۰). ذکر (ه) برای مبالغه است (نگا: روح‌البیان. روح‌المعانی).

سوره بینۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ٦﴾

ترجمه:

مسلّماً کافرانِ اهل کتاب، و مشرکان، جاودانه در میان آتش دوزخ خواهند ماند! آنان بدون شک بدترین انسان‌ها هستند.

توضیحات:

«الَّذِينَ كَفَرُوا... الْـمُشْرِكِينَ»: مراد کافران اهل کتاب و مشرکان سراسر تاریخ بشریت

است. «شَرُّ»: بدترین. «الْبَرِيَّةِ»: انسان‌ها.

سوره بینۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ٧﴾

ترجمه:

بی‌گمان کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، آنان مسلّماً خوبترین انسان‌ها هستند.

توضیحات:

«خَيْرُ»: بهترین. خوب‌ترین. مراد ایمانداران پرهیزگار و نیکوکار سراسر تاریخ بشریت است.

سوره بینۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ٨﴾

ترجمه:

پاداش آنان در پیشگاه پروردگارشان باغ‌های بهشتی است که جای ماندگاری است و رودبارها در زیر (کاخ‌ها و درخت‌های) آن روان است. جاودانه برای همیشه در آنجا خواهند ماند. خدا از ایشان راضی و ایشان هم از خدا خوشنودند! این (همه نعمت و خوشی) از آنِ کسی خواهد بود که از پروردگار خویش بهراسد.

توضیحات:

«عَدْنٍ»: اقامت. ماندن (نگا: توبه / ۷۲، رعد / ۲۳، نحل / ۳۱). «رَضِيَ اللهُ...»: رضایت خدا به خاطر فرمانبرداری و نیکوکاری مؤمنان از خدا، در حقیقت رضایت از اجر و پاداش و انعام و الطاف بی‌حدّ و حصر خدا است که بسی بالاتر از خیال و دورتر از انتظار ایشان است.

سوره زلزلة

سوره زلزلهٔ آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ۝١﴾

ترجمه:

هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می‌شود.

توضیحات:

«إِذَا...»: اشاره به زلزله شدید قیامت است (نگا: حجّ / ۱). «زِلْزَالَـهَا»: زلزله‌ای که مخصوص زمین است و چگونگی و شدّت آن را تنها خدا می‌داند.

سوره زلزلهٔ آیه ۲

متن آیه:

﴿وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ۝٢﴾

ترجمه:

و زمین (از هم می‌شکافد و گدازه‌های درونی و دفینه‌ها و مرده‌ها، و همه) سنگینی‌ها و بارهای خود را بیرون می‌اندازد (و به گونه دیگری در می‌آید).

توضیحات:

«أَثْقَالَ»: جمع ثِقْل، بارهای سنگین. مراد همه گدازه‌ها و دفینه‌ها و گنجینه‌ها و اموات و جز این‌ها است (نگا: عنکبوت / ۱۳، نحل / ۷).

سوره زلزلهٔ آیه ۳

متن آیه:

﴿وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ۝٣﴾

ترجمه:

و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

توضیحات:

«الإِنسَانُ»: انسانی که تکان‌های غیرعادی و دگرگونی‌های وحشتناک زمین را می‌بیند. «مَا لَـهَا»: زمین را چه خبر است؟ آن را چه شده است؟

سوره زلزلهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝٤﴾

ترجمه:

در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند (و به زبان قال یا حال خواهد گفت که چه چیزهائی بر آن گذشته است).

توضیحات:

«يَوْمَئِذٍ»: در آن روز. بدل از (إِذَا) است. «تُـحَدِّثُ»: سخن می‌گوید. بازگو می‌کند. این سخن گفتن و بازگو کردن، یا به زبال قال است و زمین شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها بوده است، و یا این که به زبان حال است. یعنی وضع زمین بدان هنگام بیان‌گر همه چیز خواهد بود، و در چنین روزی حق و باطل پدیدار خواهد شد. «أَخْبَارَهَا»: اخبار زمین، اوضاع و احوالی است که در آن زمان به چشم می‌خورد، یا اعمال و افعالی است که مردمان بر روی آن انجام داده‌اند و اینک بدان‌ها گواهی می‌دهد. چرا که همه چیز در جهان ثبت و ضبط است.

سوره زلزلهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝٥﴾

ترجمه:

(این احوال و اقوال زمین) بدان سبب است که پروردگار تو بدو پیام می‌دهد (که چه بشود و چه بگوید).

توضیحات:

«بِأَنَّ رَبَّكَ...»: حرف باء، سببیه است. «أَوْحَیا»: پیام داد. فرمان داد (نگا: نحل / ۶۸).

سوره زلزلهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦﴾

ترجمه:

در آن روز، مردمان (از گورهای خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند (و رهسپار صحرای محشر می‌شوند) تا کارهایشان بدی‌شان نموده شود و (نتیجه اعمال‌شان را ببینند).

توضیحات:

«يَصْدُرُ»: بیرون می‌آیند. «أَشْتَاتاً»: جمع شَتیت، پراکنده‌ها. مراد دسته دسته و فرد فرد است. حال است. «لِيُرَوْا»: تا بدی‌شان نمایانده شود.

سوره زلزلة آیه ۷

متن آیه:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧﴾

ترجمه:

پس هرکس به اندازه ذرّه غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت).

توضیحات:

«مِثْقَالَ ذرَّةٍ»: به اندازه ذرّه غباری (نگا: نساء / ۴۰، یونس / ۶۱، سبأ / ۳).

سوره زلزلة آیه ۸

متن آیه:

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾

ترجمه:

و هرکس به اندازه ذرّه غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید).

توضیحات:

«ذَرَّةٍ»: ذرّه خاک. برخی آن را مورچه ریز می‌دانند که نماد ریزی در میان عرب‌ها است.

سوره عادیات

سوره عادیات آیه ۱

متن آیه:

﴿وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا ١﴾

ترجمه:

سوگند به اسبان تازنده‌ای که (به‌سوی میدان جهاد) نفس‌زنان پیش می‌روند!

توضیحات:

«الْعَادِيَاتِ»: جمع عَادِیة، اسبان تازنده. مراد هر مرکب و وسیله‌ای است که در راه یزدان و برای اجرا فرمان او مورد استفاده قرار گیرد. «ضَبْحاً»: صدای نفَس اسبان به هنگام دویدن. در اینجا به معنی اسم فاعل، یعنی (ضَابِحَات) است، به معنی اسبانی که صدای نفَس خود را بلند کرده‌اند. حال است.

سوره عادیات آیه ۲

متن آیه:

﴿فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا ٢﴾

ترجمه:

آن اسبانی که (بر اثر برخورد چخماق سمهایشان به سنگهای سر راه) جرقّه‌ها برمی‌افروزند.

توضیحات:

«الْمُورِيَاتِ»: جمع مُورِیة، آتش افروزندگان با چخماق. مراد تولیدکنندگان جرقّه‌ها است. «قَدْحاً»: زدن سنگ چخماق به یکدیگر برای تولید جرقّه. در اینجا به معنی اسم فاعل یعنی (قَادِحَات) و حال است. مراد زنندگان سم‌های پا بر سنگ‌های زمین است.

سوره عادیات آیه ۳

متن آیه:

﴿فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا ٣﴾

ترجمه:

همان اسبانی که بامدادان (بر سپاهیان دشمن) یورش می‌برند.

توضیحات:

«الْمُغِيرَاتِ»: جمع مُغيرَة، یورش برندگان. هجوم‌کنندگان. «صُبْحاً»: بامدادان. مفعولٌ‌فیه است. آن را در معنی اسم فاعل، یعنی (مُصْبِحَات) نیز دانسته و حال بشمار آورده‌اند (نگا: التفسیر القرآنی للقرآن).

سوره عادیات آیه ۴

متن آیه:

﴿فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا ٤﴾

ترجمه:

و در آن، گرد و غبار زیادی را برمی‌انگیزند.

توضیحات:

«أَثَرْنَ»: برانگیختند. برپا کردند. باب افعال و از مصدر (إثارَة) و از ماده (ثور) است (نگا: بقره / ۷۱، روم / ۹ و ۴۸، فاطر / ۹). «بِهِ»: در آن. حرف (بِ) به معنی (فِي) است، و ضمیر (هِ) به صبح برمی‌گردد. «نَقْعاً»: گرد و غبار.

سوره عادیات آیه ۵

متن آیه:

﴿فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا ٥﴾

ترجمه:

و بامدادان به میان جمع (دشمنان) می‌تازند.

توضیحات:

«وَسَطْنَ»: به وسط رفتند. به میانه دویدند. «بِهِ»: در آن. یعنی در صبح. برخی حرف باء را برای تعدّیه دانسته و ضمیر (هِ) را به (نَقْعاً) برگشت داده‌اند. در این صورت معنی آیه چنین است: آن گرد و غبار فراوان را با خود به میان جمعیت دشمنان می‌برند. بعضی هم باء را حالیه دانسته‌اند، و آیه را چنین معنی کرده‌اند: با همین گرد

و غبار فراوان به میان جمع دشمنان تاخت می‌برند.

سوره عادیات آیه ۶

متن آیه:

﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ ٦﴾

ترجمه:

(به چنین اسبانی سوگند که) انسان نسبت به پروردگار خود بسیار ناسپاس و حق ناشناس است.

توضیحات:

«الإِنسَانَ»: مراد انسانی است که در پرتو معارف الهی تربیت نیافته است و تعلیمات انبیاء بر دلش نتافته است، و خویشتن را تسلیم غرائز و شهوات سرکش نموده است. «کَنُودٌ»: کفران نعمت‌کننده. ناسپاس. حق‌ناشناس.

سوره عادیات آیه ۷

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٞ ٧﴾

ترجمه:

خود انسان نیز بر این معنی گواه است (و می‌داند ناسپاس و حق ناشناس است).

توضیحات:

«إِنَّهُ»: همانا انسان. بی‌گمان انسان. «شَهِیدٌ»: گواه. آگاه. گواهی انسان به زبان حال است. نظیر آن را در (اعراف / ۱۷۲ و توبه / ۱۷) می‌توان دید. و امّا آگاهی او، معلوم است که انسان از هرکس دیگر بهتر خود را می‌شناسد و از درون خود آگاه است.

سوره عادیات آیه ۸

متن آیه:

﴿وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ ٨﴾

ترجمه:

و او علاقه شدیدی به دارائی و اموال دارد.

توضیحات:

«الْـخَیْرِ»: اموال و دارائی (نگا: بقره / ۱۸۰، احزاب / ۱۹). «شَدِیدٌ»: تند و سخت.

بخیل و تنگچشم. حرف لام در واژه «لِـحُبِّ الْـخَيْرِ» می‌تواند برای تعدّیه باشد، و معنی آیه با توجّه بدان در بالا گذشت. یا این که برای تعلیل، که معنی آیه چنین است: انسان به علّت دوست داشت اموال و دارائی بخیل است.

سوره عادیات آیه ۹

متن آیه:

﴿أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ٩﴾

ترجمه:

آیا این انسان (ناسپاس و دلباخته دارائی) نمی‌داند: هنگامی که آنچه در گورها است بیرون آورده می‌شود (و مردگان زنده می‌گردند).

توضیحات:

«بُعۡثِرَ»: بیرون آورده شد و زنده گردید (نگا: انفطار / ۴).

سوره عادیات آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ ١٠﴾

ترجمه:

و هنگامی که آنچه در سینه‌ها (از کفر و ایمان و نیت خوب و بد) است (از میان دفاتر اعمال) جمع‌آوری می‌گردد و به دست می‌آید.

توضیحات:

«حُصِّلَ»: به دست آورده شد. جمع گردید.

سوره عادیات آیه ۱۱

متن آیه:

﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّخَبِيرُۢ ١١﴾

ترجمه:

در آن روز بدون شک پروردگارشان (از احوال آنان و اعمال ایشان) بسیار آگاه است (و پاداش و کیفرشان را می‌دهد؟).

توضیحات:

«خَبِيرٌ»: بسیار آگاه و باخبر.

سوره قارعة

سوره قارعة آیه ۱

متن آیه:

﴿ٱلۡقَارِعَةُ ١﴾

ترجمه:

بلای بزرگ!

توضیحات:

«أَلْقَارِعَةُ»: کوبنده. مصیبت سخت و بزرگ را می‌گویند (نگا: رعد / ۳۱). نامی از نام‌های قیامت است. مانند: حاقّه (نگا: حاقّه / ۱)، طامّه (نگا: نازعات / ۳۴)، صاخّه (نگا: عبس / ۳۳). مراد سرآغاز قیامت است که جهان را در هم می‌کوبد و هول و هراس آن، دل‌ها را به تپش می‌اندازد. البتّه چنین خوف و فزع و وحشت و هراسی، کافران و منافقان و مشرکان و فاجران را در بر می‌گیرد، و مؤمنان در شادی و شادخواری بوده و دور از شدائد و مصائب می‌باشند (نگا: بقره / ۲۶۲، مائده / ۶۹، یونس / ۶۲، زخرف / ۶۸، احقاف / ۱۳).

سوره قارعة آیه ۲

متن آیه:

﴿مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٢﴾

ترجمه:

بلای بزرگ چیست و چگونه است؟!

توضیحات:

«مَا»: چیست؟ چگونه است؟!

سوره قارعة آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٣﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی بلای بزرگ چیست و چگونه است؟!

توضیحات:

«مَآ أَدۡرَاكَ»: تو چه می‌دانی؟! (نگا: حاقّه / ۳، مدّثّر / ۲۷، مرسلات / ۱۴).

سوره قارعهٔ آیه ۴

متن آیه:

﴿يَوۡمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلۡفَرَاشِ ٱلۡمَبۡثُوثِ ٤﴾

ترجمه:

روزی است که مردمان، همچو پروانگانِ پراکنده (در اینجا و آنجا حیران و سرگردان) می‌گردند.

توضیحات:

«يَوۡمَ»: قیامت، مدّت زمانی است که با نفخه صور اوّل شروع و با داوری در میان مردم پایان می‌گیرد. «الْفَرَاشِ»: پروانه. اسم جنس است. مراد پروانه‌هائی است که شب‌ها دیوانه‌وار و حیران پیرامون نور چراغ می‌گردند و می‌سوزند و می‌افتند. عرب‌ها، در سرگشتگی و نادانی و بی‌خبری از عاقبت کار، به پروانه ضرب‌المثل می‌زنند. «الْـمَبْثُوثِ»: پراکنده.

سوره قارعهٔ آیه ۵

متن آیه:

﴿وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ٱلۡمَنفُوشِ ٥﴾

ترجمه:

و کوه‌ها، همسان پشمِ رنگارنگِ حلاّجی شده می‌شوند.

توضیحات:

«الْعِهْنِ»: پشم. پشم رنگ شده. «الْـمَنفُوشِ»: زده شده. حلاّجی شده.

سوره قارعهٔ آیه ۶

متن آیه:

﴿فَأَمَّا مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٦﴾

ترجمه:

کسی که ترازوی (حسنات و نیکی‌های) او سنگین باشد.

توضیحات:

«ثَقُلَتْ»: سنگین گردید. «مَوَازِینُ»: جمع میزان، ترازوها. جمع بستن آن برای تعظیم است. یا جمع موزون، کشیده‌ها و سنجیده‌ها. یعنی اعمال انسان (نگا: اعراف / ۸).

سوره قارعۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ۷﴾

ترجمه:

او در زندگی رضایت بخشی بسر می‌برد.

توضیحات:

«عِيشَةٍ»: زندگی. «رَاضِيَةٍ»: رضایت بخش. یعنی زندگیی که صاحب آن بدان راضی و از آن خوشنود است (نگا: حاقّه / ۲۱).

سوره قارعۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿وَأَمَّا مَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ۸﴾

ترجمه:

و امّا کسی که ترازوی (حسنات و نیکیهای) او سبک شود.

توضیحات:

«خَفَّتْ»: سبک گردید. مراد سبک شدن حسنات، یا به عبارت دیگر، کمتر بودن حسنات از سیئات است.

سوره قارعۀ آیه ۹

متن آیه:

﴿فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ ۹﴾

ترجمه:

مادرِ (مهربان) او، پرتگاه (ژرف دوزخ) است (و برای در آغوش کشیدن او، دهان خود را به‌سویش باز کرده است).

توضیحات:

«أُمٌّ»: مادر. برای ریشخند است. مراد مأوی و جایگاه است. «هَاوِيَةٌ»: پرتگاه و محلّ سقوط اشیاء بدان. اسمی از اسماء دوزخ است.

سوره قارعۀ آیه ۱۰

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا هِيَهۡ ۝١٠﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی، پرتگاه دوزخ چیست و چگونه است؟!

توضیحات:

«مَاهِيَهْ»: مرکب است از (مَا) استفهام و (هِيَ) ضمیر و (هْ) سکته (نگا: حاقّه / ۱۹).

سوره قارعۀ آیه ۱۱

متن آیه:

﴿نَارٌ حَامِيَةُۢ ۝١١﴾

ترجمه:

آتش بزرگ بسیار گرم و سوزانی است.

توضیحات:

«حَامِيَةٌ»: بسیار گرم و سوزان (نگا: غاشیه / ۴).

سوره تکاثر

سوره تکاثر آیه ۱

متن آیه:

﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ١﴾

ترجمه:

مسابقه افزون‌طلبی و نازش (به مال و منال و خدم و حشم و ثروت و قدرت) شما را به خود مشغول و سرگرم می‌دارد.

توضیحات:

«أَلْـهَيا»: به خود مشغول و سرگرم داشت. غافل و بی‌خبر کرد (نگا: منافقون / ۹، نور / ۳۷، حجر / ۳). «التَّكَاثُرُ»: مسابقه افزون‌طلبی در اموال و اولاد، و مباهات بدان (نگا: حدید / ۲۰).

سوره تکاثر آیه ۲

متن آیه:

﴿حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ٢﴾

ترجمه:

تا بدان گاه که (می‌میرید و) به گورستان‌ها می‌روید (و کار از کار می‌گذرد).

توضیحات:

«زُرْتُمْ»: دید و بازدید کردید. مراد از چنین ملاقات کردن و روبرو شدنی، مردن و در گورستان‌ها دفن شدن است «الْـمَقَابِرَ»: جمع مَقْبَرَة، گورستان‌ها.

سوره تکاثر آیه ۳

متن آیه:

﴿كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣﴾

ترجمه:

هان بس کنید! (بعد از مرگ) خواهید دانست (که چه خاکی بر سر خود ریخته‌اید).

توضیحات:

«كَلاَّ»: بس کنید! حقّا.

سوره تکاثر آیه ۴

متن آیه:

﴿ثُمَّ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ۝٤﴾

ترجمه:

باز هم (می‌گویم:) هان بس کنید! خواهید دانست (که چگونه خود را خانه خراب و بدبخت کرده‌اید).

توضیحات:

«ثُمَّ كَلاَّ»: باز هم هان!

سوره تکاثر آیه ۵

متن آیه:

﴿كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ۝٥﴾

ترجمه:

هان بس کنید! اگر آگاهی قطعی و یقینی داشته باشید (و از فرجام کار خود کاملاً باخبر باشید، از این مسابقه افزون‌طلبی و مباهات به قدرت و ثروت دست می‌کشید و گرد ملاهی نمی‌گردید و به کار آخرت می‌پردازید).

توضیحات:

«عِلْمَ الْيَقِينِ»: دانش راستین. آگاهی قطعی. مراحل یقین سه‌تا است: علم‌الیقین و عین‌الیقین و حقّ‌الیقین (نگا: حجر / ۹۹، واقعه / ۹۵، حاقّه / ۵۱). اضافه آنها، اضافه موصوف به صفت خود است. جواب (لَوْ) محذوف است. از قبیل: هرگز به سراغ این امور نمی‌رفتید و تفاخر و مباهات به این مسائل باطل نمی‌کردید.

سوره تکاثر آیه ۶

متن آیه:

﴿لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ۝٦﴾

ترجمه:

شما قطعاً دوزخ را خواهید دید.

توضیحات:

«لَتَرَوُنَّ»: قطعاً و حتماً خواهید دید. مراد آشکار شدن دوزخ است (نگا: شعراء / ۹۱، نازعات / ۳۶).

سوره تکاثر آیه ۷

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ۝٧﴾

ترجمه:

باز هم (می‌گویم:) شما آشکارا و عیان، خود دوزخ را خواهید دید (و در آن خواهید افتاد).

توضیحات:

«عَيْنَ الْيَقِينِ»: دیدن یقینی. آگاهی حاصل از دیدن و مشاهده کردن. مراد از دیدن دوزخ، در آن افتادن و چشیدن عذاب آن است (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده).

سوره تکاثر آیه ۸

متن آیه:

﴿ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ۝٨﴾

ترجمه:

سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد.

توضیحات:

«ثُمَّ»: این واژه در اینجا برای ترتیب اخباری است؛ نه ترتیب زمانی. چرا که قبلاً حساب و کتاب و قضاوت انجام پذیرفته است (نگا: المصحف المیسّر). البتّه می‌تواند برای ترتیب زمانی هم باشد. چون در دوزخ برای عذاب بیشتر از دوزخیان سؤالاتی می‌شود (نگا: ملک / ۸، مدّثّر / ۴۲).

سوره‌ی عصر

﴿وَٱلۡعَصۡرِ ١﴾

ترجمه:

سوگند به زمان (که سرمایه زندگی انسان، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است)!

توضیحات:

«الْعَصْرِ»: زمان. روزگار. مراد زمان و تاریخ بشریت است که سرمایه زندگی انسان‌ها است، و خسران و زیان آنان بر اثر گذشتن زمان عمرشان به بیهودگی است.

۲﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢﴾

ترجمه:

انسان‌ها همه زیانمندند.

توضیحات:

«الإِنسَانَ»: انسان مکلّف مراد است. « خُسْرٍ »: زیان و ضرر. اصل این است: آنان که با طلای عمر خود با شیطان معامله می‌کنند، زیان می‌بینند (نگا: نمل / ۵، اعراف / ۱۷۸، شوری / ۴۵) و آنان که با یزدان تجارت می‌نمایند، سود می‌برند (نگا: صف / ۱۰ – ۱۳).

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾

ترجمه:

مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسّک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمّل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنج‌هائی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد).

توضیحات:

«تَوَاصَوْا»: همدیگر را سفارش کردند. «الْـحَقِّ»: هرگونه حق و حقیقتی. «الصَّبْرِ»: شکیبائی. ذکر خاص بعد از عام است و بیان‌گر اهمّیتی است که دارد.

سوره همزه

سوره هُمَزَة آیه ۱

متن آیه:

﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ ١﴾

ترجمه:

وای به حال هر که عیبجو و طعنه‌زن باشد!

توضیحات:

«وَيۡلٌ»: وای! واویلا! بدبختی و نابودی. هلاک و عذاب. (نگا: بقره / ۷۹، ابراهیم / ۲، مریم / ۳۷). «هُمَزَةٍ»: بسیار عیبجو. «لُمَزَةٍ»: بسیار طعنه‌زن. «هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ»: این دو واژه صیغه مبالغه‌اند. از لحاظ معنی آن اندازه به هم نزدیکند که در موارد بسیاری به عنوان دو لفظ مترادف استعمال شده‌اند. هرچند با یکدیگر فرق دارند ولی این تفاوت به گونه‌ای است که عدّه‌ای مفاهیم (هُمَزَة) را برای (لُمَزَة)، و عدّه‌ای مقاصد (لُمَزَة) را برای (هُمَزَة) ذکر کرده‌اند (نگا: تفهیم القرآن). از قبیل: الف – هُمَزَة، بسیار غیبت کننده، و لُمَزَة سخت عیبجو. ب – هُمَزَة، عیبجوی با اشاره به دست، لَمَزَة با زبان. ج – هُمَزَة، آن که روبرو بدگوئی کند، و لُمَزَة آن که در غیاب. د – هُمَزَة، آن که آشکارا و به آواز بلند بگوید، لُمَزَة در پنهانی و با اشاره ابرو و چشم. و معانی دیگر (نگا: نوین). پس هر که آبرو و حیثیت مردم را به بازی گیرد، و ایشان را تحقیر کند و برای خوشایند خود یا دیگران کارهایشان را ناچیز شمارد و بدی‌شان بدی‌ها نسبت دهد، و در حضور یا در غیاب، آنان را توهین و تحقیر نماید، و بزرگی خود را در کوچکی مردم ببیند، هُمَزَة و لُمَزَة است.

سوره هُمَزَة آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ ٢﴾

ترجمه:

همان کسی که دارائی فراوانی را گرد می‌آورد و آن را بارها و بارها می‌شمارد. (چرا

که از شمردن پول و سرشماری دارائی کیف می‌کند و لذّت می‌برد، و فکر و ذکرش اموال، و معبود و مسجودش درهم و دینار است. برق این بت او را غرق شادی می‌کند، و نه تنها شخصیت خویش که تمام شخصیت‌ها را در آن خلاصه می‌کند).

توضیحات:

«مَالاً»: دارائی فراوان. «عَدَّدَهُ»: آن را به کرّات و مرّات شمرده است و حساب آن را نگاه داشته است. باب تفعیل در اینجا برای تکثیر است.

سوره هُمَزَة آیه ۳

متن آیه:

﴿يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ ٣﴾

ترجمه:

آخر گمان می‌برد که دارائیش بدو جاودانگی می‌بخشد! (پس چرا چنین بت مشکل گشائی را نپرستد و شخصیت همگان را در پای آن قربانی نکند؟).

توضیحات:

«أَخْلَدَهُ»: او را جاودانگی داده است. وی را سرمدی کرده است.

سوره هُمَزَة آیه ۴

متن آیه:

﴿كَلَّاۖ لَيُنۢبَذَنَّ فِي ٱلۡحُطَمَةِ ٤﴾

ترجمه:

هرگزا هرگزا! (چنین نیست). او بدون شک به خُرد کننده و درهم شکننده (اعضاء و اندام، آتش دوزخ نام) پرت می‌گردد و فرو انداخته می‌شود.

توضیحات:

«لَيُنبَذَنَّ»: قطعاً و مسلّماً پرت می‌گردد و فرو انداخته می‌شود. «الْحُطَمَةِ»: بسیار در هم شکننده و خُرد کننده. نامی از نام‌های دوزخ است و بیان‌گر این واقعیت است که تأثیر آن همسان تأثیر آذرخش‌های آسمانی و امواج انفجاری مهیب است که نه تنها ساختمان‌های عظیم را تخریب می‌کنند، بلکه شاخه‌های آهن و ستون‌های عظیم را هم خم می‌نمایند و درهم می‌شکنند.

سوره هُمَزَة آیه ۵

متن آیه:

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحُطَمَةُ ٥﴾

ترجمه:

تو چه می‌دانی خُردکننده و درهم شکننده چیست؟

توضیحات:

«مَآ أَدْرَاكَ»: (نگا: قارعه / ۳).

سوره هُمَزَۀ آیه ۶

متن آیه:

﴿نَارُ ٱللَّهِ ٱلۡمُوقَدَةُ ٦﴾

ترجمه:

آتش برافروخته خدا است!

توضیحات:

«الْـمُوقَدَةُ»: فروزان. برافروخته.

سوره هُمَزَۀ آیه ۷

متن آیه:

﴿ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ ٧﴾

ترجمه:

آتشی که (به ژرفای قلب‌ها که کانون کفر و کبر و فسق، و مرکز حبّ ثروت و قدرت و منزلت دنیوی بوده است، فرو می‌رود) و بر دل‌ها مسلّط و چیره می‌شود.

توضیحات:

«تَطَّلِعُ عَلي...»: چیره می‌شود بر. «الأَفْئِدَةِ»: جمع فُؤاد، دل‌ها.

سوره هُمَزَۀ آیه ۸

متن آیه:

﴿إِنَّهَا عَلَيۡهِم مُّؤۡصَدَةٞ ٨﴾

ترجمه:

آن آتشی ایشان را در بر می‌گیرد که سرپوشیده و دربسته است.

توضیحات:

«عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ»: (نگا: بلد / ۲۰).

سوره هُمَزَة آیه ۹

متن آیه:

﴿فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝٩﴾

ترجمه:

در حالی که آنان در ستون‌های درازی بسته می‌شوند.

توضیحات:

«عَمَدٍ»: جمع عَمُود، ستون‌ها. «مُمَدَّدَةٍ»: دراز. «فِي عَمَدٍ»: حال ضمیر (هِمْ) بوده و بیان وضع دوزخیان است. یا این که حال ضمیر (هَا) و بیان حالت دوزخ است و معنی آیه چنین خواهد بود: شعله‌های سوزان جهنّم به صورت ستون‌های کشیده و دراز، دوزخیان را احاطه می‌کند و ایشان را در برمی‌گیرد.

سوره فیل

سوره فیل آیه ۱

متن آیه:

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ ١﴾

ترجمه:

آیا نشنیده‌ای که پروردگار تو با فیلداران چه کرده است و چه بر سر ایشان آورده است؟

توضیحات:

«أَلَـمْ تَرَ»:؟ آیا ندیده‌ای؟ مراد از دیدن، شنیدن و باخبر شدن است (نگا: بقره / ۲۴۳ و ۲۴۶ و ۲۵۸، فجر / ۶). مخاطب هرچند پیغمبر است، ولی مراد عموم مردم است. «أَصْحَابِ»: جمع صاحِب، دارندگان. «الْفِيلِ»: فیل اسم جنس و در معنی جمع است. «أَصْحَابِ الْفِيلِ»: فیلداران. مراد سپاه حبشه است که به سرداری ابرهه برای تخریب کعبه به‌سوی مکه حرکت کردند و فیل‌هائی را به همراه داشتند. علّت حمله این بود که حبشیها که بر یمن فرمانروائی می‌کردند، چون توجّه مردم را به کعبه دیدند، کلیسائی را در صنعاء ساختند تا توجّه مردمان جزیرةالعرب را بدان جلب کنند و آنجا را مرکز عبادت و تجارت نمایند، ولیکن مکه همچنان کانون پرستش ماند. در سرزمین، « مغمس « نزدیک مکه سپاه ابرهه از سوی دسته‌های پرندگان مورد هجوم قرار گرفت و فیلهای عظیم‌الجثّه با پرندگان ضعیفی از پای درآمدند.

سوره فیل آیه ۲

متن آیه:

﴿أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ ٢﴾

ترجمه:

مگر نیرنگ ایشان را تباه و باطل نگردانده است.

توضیحات:

«تَضْلِيلٍ»: سردرگم نمودن و از هدف منحرف کردن. باطل و تباه ساختن.

سوره فیل آیه ۳

متن آیه:

﴿وَأَرۡسَلَ عَلَيۡهِمۡ طَيۡرًا أَبَابِيلَ ٣﴾

ترجمه:

و مگر پرندگان را گروه گروه بر سر آنان نفرستاده است؟

توضیحات:

«وَأَرْسَلَ...»: واو حرف عطف است و (أَرْسَلَ) عطف بر (أَلَـمْ يَجْعَلْ) است. مراد از استفهام، تقریر و بیان است. یعنی، بلی که پرندگانی را گروه گروه بر سر ایشان فرستاده است. «طَيْراً»: پرندگان. اسم جنس جمعی است. «أَبَابِيلَ»: دسته دسته. گروه گروه. جمع مکسّری است که مفرد آن به کار نمی‌رود. هرچند که برخی مفرد آن را إِبّالَة و بعضی أَبابِلَة دانسته‌اند. حال (طَيْراً) است. این واژه برخلاف آنچه بر سر زبان‌ها و مشهور است، اسم خاص هیچ یک از پرندگان نمی‌باشد.

سوره فیل آیه ۴

متن آیه:

﴿تَرۡمِيهِم بِحِجَارَةٖ مِّن سِجِّيلٖ ٤﴾

ترجمه:

آن پرندگان به‌سوی فیلداران سنگ‌های کوچکی از سنگْ گِل را می‌انداختند (و به‌سویشان نشانه می‌رفتند).

توضیحات:

«حِجَارَةٍ»: سنگ کوچک و ناچیزی. تنوین آن برای تحقیر است. «سِجِّيلٍ»: «گِل متحجّر». سنگْ گِل (نگا: هود / ۸۲، حجر / ۷۴).

سوره فیل آیه ۵

متن آیه:

﴿فَجَعَلَهُمۡ كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۭ ٥﴾

ترجمه:

و ایشان را همچون برگ آفت‌زده (کشتزار، سوراخ سوراخ و نابود) می‌کردند.

توضیحات:

«عَصْفٍ»: برگ گندم و جو و غیره. کاه (نگا: رحمن / ۱۲). «مَأْكُولٍ»: آفت‌زده و کرم خورده. خورده شده. «عَصْفٍ مَّأْكُولٍ»: برگ آفت‌زده و کرم خورده. برگ جویده شده و از دهان حیوانات افتاده. برگی که دانه آن خورده شده و به صورت کاه درآمده باشد (نگا: روح‌البیان).

سوره قریش

سوره قریش آیه ۱

متن آیه:

﴿لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ ١﴾

ترجمه:

به خاطر أنس و الفت قریش.

توضیحات:

«لِإِيلافِ»: به خاطر الفت دادن و خوگر شدن. واژه (إيلاف) مصدر باب افعال یا مفاعله است. می‌تواند یک مفعولی یا دو مفعولی بوده و اضافه مصدر به فاعل یا مفعول خود باشد (نگا: لسان العرب). جار و مجرور، متعلّق به (فَلْيَعْبُدُوا) است. یعنی اگر قریشی‌ها به خاطر هیچ نعمتی خدا را پرستش نکنند، دست کم به خاطر همین یک نعمت بزرگ انس و الفت ایشان به کوچ تجارتی تابستانه و زمستانه پرامن و امان توأم با تعظیم و احترام مردمان در حق ایشان، می‌بایستی حق‌شناس باشند و خدا را پرستش کنند. یا جار و مجرور متعلّق به مفهوم سوره پیشین باشد. یعنی، یکی از علل نابودی سپاه حبشه، نشان دادن عنایت پروردگار در حق ساکنان کعبه، و بدین وسیله تولید امن برای کاروان قریشیان است. و یا این که جار و مجرور نه متعلّق به ماقبل و نه متعلّق به مابعد بوده و بلکه متعلّق به فعل محذوف (إِعْجَبُوا) باشد (نگا: کبیر، جزء عمّ شیخ محمّد عبده).

سوره قریش آیه ۲

متن آیه:

﴿إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ ٢﴾

ترجمه:

به خاطر انس و الفت ایشان به کوچ زمستانه و تابستانه (بازرگانی به‌سوی یمن در زمستان و به‌سوی شام در تابستان).

توضیحات:

«إِیلافِ»: بدل از إیلاف پیشین است. «رِحْلَةَ»: کوچ. مسافرت. مفعولٌبه است برای مصدر إیلاف. «الشِّتَآءِ»: زمستان. کوچ قریشی‌ها در این فصل به‌سوی یمن بود. «الصَّیْفِ»: تابستان. در این فصل به شام بار سفر می‌بستند.

سوره قریش آیه ۳

متن آیه:

﴿فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣﴾

ترجمه:

بایستی خداوندگار این خانه (خدا، کعبه) را بپرستند (که این امن و امنیت را در طول راه و در شهرها و کشورهای پر از کشمکش و ستم و جنگ و غارت، برای ایشان فراهم آورده است).

توضیحات:

«رَبَّ»: خداوندگار. صاحب.

سوره قریش آیه ۴

متن آیه:

﴿ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ ٤﴾

ترجمه:

خداوندگاری که از گرسنگی ایشان را رهانیده است و خوراک‌شان داده است، و آنان را از خوف و هراس (راهزنان قبائل در راه‌ها، و ستمگران و قلدران در شهرها و کشورها، رهائی بخشیده است و) ایمن ساخته است.

توضیحات:

«أَطْعَمَهُمْ»: خوراک‌شان داده است (نگا: قصص / ۵۷). «مِن جُوعٍ»: به جای گرسنگی. برای رفع گرسنگی. حرف (مِنْ) بدلیه یا تعلیلیه است (نگا: قاسمی).

سوره ماعون

سوره ماعون آیه ۱

متن آیه:

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١﴾

ترجمه:

کسانی که به دین و آئین، و سزا و جزا (در پیشگاه خدا) ایمان ندارند، می‌فهمی که چگونه کسانیند؟

توضیحات:

«أَرَأَيْتَ»:؟ آیا ندیده‌ای؟ دیدن در اینجا به معنی آگاهی یافتن و شناختن است (نگا: کهف / ۶۳، مریم / ۷۷، فرقان / ۴۳). «الدِّينِ»: دین و دیانت. آئین. سزا و جزا. «الَّذِي»: کسی که. جنس مراد است و در معنی «کسانی که» است.

سوره ماعون آیه ۲

متن آیه:

﴿فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ ٢﴾

ترجمه:

آنان کسانیند که یتیم را سخت از پیش خود می‌رانند.

توضیحات:

«يَدُعُّ»: سخت می‌راند و با خشونت طرد می‌کند (نگا: طور / ۱۳).

سوره ماعون آیه ۳

متن آیه:

﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣﴾

ترجمه:

(و دیگران را به سیر کردن) و به خوراک دادن مستمندان تشویق و ترغیب نمی‌نمایند.

توضیحات:

«لا يَحُضُّ»: تشویق و ترغیب نمی‌کند (نگا: حاقّه / ۳۴).

سوره ماعون آیه ۴

متن آیه:

﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤﴾

ترجمه:

واویلا به حال نمازگزاران!

توضیحات:

«وَيۡلٌ»: وای! واویلا!

سوره ماعون آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥﴾

ترجمه:

همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند.

توضیحات:

«سَاهُونَ»: جمع ساهی، از ماده سَهْو، بی‌خبران و غافلان. مراد کسانی است که یا به ترک نماز می‌گویند، و یا نمازی را می‌خوانند و چهار تا را پشت گوش می‌اندازند، و یا این که نماز می‌خوانند و همچون کودکان مقلّد از پدران و مادران، بالا و پائین می‌روند، و زمزمه‌هائی می‌کنند. نه حرکت‌شان ارادی و نه کلمات‌شان اختیاری است. نه می‌فهمند چه می‌کنند، و نه می‌فهمند چه می‌گویند.

سوره ماعون آیه ۶

متن آیه:

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦﴾

ترجمه:

همان کسانی که ریا و خودنمائی می‌کنند.

توضیحات:

«يُرَآءُونَ»: ریاکاری می‌کنند. خودنمائی و تظاهر می‌کنند (نگا: نساء / ۱۴۲).

سوره ماعون آیه ۷

متن آیه:

﴿وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧﴾

ترجمه:

و از دادن وسائل کمکی ناچیز (منزل که معمولاً همسایگان به یکدیگر به عاریه و امانت می‌دهند) خودداری می‌کنند و (از یاری و کمک به مردمان) دریغ می‌ورزند.

توضیحات:

«الْـمَـاعُونَ»: وسائل ناچیز منزل، از قبیل: دیگ، کلنگ، کبریت، آب، نمک. وسائلی که در گره‌گشائی و رفع نیاز، معمولاً به گونه امانتی مردم از یکدیگر می‌گیرند. مراد به طور کلّی خودداری از یاری و همکاری است. واژه (مَاعُونَ) صیغه مبالغه و از ماده (مَعْن) است به معنی شیء ناچیز. نماد چیز بی‌ارزش است. یادآوری: بعضی آیات یک تا چهار را درباره کافران، و آیات پنج تا هفت را راجع به منافقان می‌دانند. ولی اغلب مجموعه صفات رذیله تحقیر یتیمان، ترک اطعام مستمندان، غفلت از نماز، ریاکاری، و عدم همکاری با مردم حتّی در دادن وسائل کوچک و ناچیز زندگی را به مسلمانان اسمی برمی‌گردانند.

سوره کوثر

سوره کوثر آیه ۱

متن آیه:

﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ ١﴾

ترجمه:

ما به تو خیر و خوبی بی‌نهایت فراوانی را عطاء کرده‌ایم (که نبوّت و دین حق و هدایت، و هر آن چیزی است که سعادت دو جهان را به همراه دارد).

توضیحات:

«الْكَوْثَرَ»: مبالغه در کثرت است، یعنی خیر و خوبی بی‌نهایت فراوان.

سوره کوثر آیه ۲

متن آیه:

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢﴾

ترجمه:

حال که چنین است تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی بکن.

توضیحات:

«صَلِّ لِرَبِّكَ»: تنها برای پروردگارت نماز بخوان. مراد نماز خالی از ریا است. «إِنْحَرْ»: تنها برای پروردگارت، و تنها به نام او، نه کس و چیز دیگری، قربانی کن.

سوره کوثر آیه ۳

متن آیه:

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ ٣﴾

ترجمه:

بدون شک، دشمن کینه‌توز تو بی‌خیر و برکت و بی‌نام و نشان خواهد بود.

توضیحات:

«شَانِئَ»: دشمن کینه‌توز. از مصدر (شَنَئَان) به معنی‌کینه‌توزی (نگا: مائده / ۲ و

۸). «الأَبْتَرُ»: بی‌نام و نشان. بی‌خیر و برکت.

سوره کافرون

سوره کافرون آیه ۱

متن آیه:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾

ترجمه:

بگو: ای کافران!

توضیحات:

«الْكَافِرُونَ»: بی‌باوران.

سوره کافرون آیه ۲

متن آیه:

﴿لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢﴾

ترجمه:

آنچه را که شما (بجز خدا) می‌پرستید، من نمی‌پرستم.

توضیحات:

«مَا»: آنچه. موصول است.

سوره کافرون آیه ۳

متن آیه:

﴿وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣﴾

ترجمه:

و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

توضیحات:

«مَا»: آنچه. مراد خدا است. در قرآن از خدا به «مَنْ»، (نگا: ملک / ۱۶) و به «مَا»، (نگا: شمس / ۵ و ۶) تعبیر می‌کنند.

سوره کافرون آیه ۴

متن آیه:

﴿وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤﴾

ترجمه:

همچنین نه من به گونه شما پرستش را انجام می‌دهم.

توضیحات:

«مَا»: آن عبادت و پرستش که. ما، مصدریه است.

سوره کافرون آیه ۵

متن آیه:

﴿وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥﴾

ترجمه:

و نه شما به گونه من پرستش را انجام می‌دهید.

توضیحات:

«مَا»: مصدریه است.

سوره کافرون آیه ۶

متن آیه:

﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾

ترجمه:

آئین خودتان برای خودتان، و آئین خودم برای خودم!

توضیحات:

«لَكُمْ دِينُكُمْ وَ...»: چکیده آیات این است که: ای کافران! ما و شما، هم معبودمان جدا است و هم عبادتمان متفاوت است (نگا: یونس / ۴۱، شعراء / ۲۱۶).

سوره نصر

سوره نصر آیه ۱

متن آیه:

﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١﴾

ترجمه:

هنگامی که یاری خدا و پیروزی (و فتح مکه) فرا می‌رسد.

توضیحات:

«جَآءَ»: آمد. فعل ماضی برای تحقّق است. «نَصْرُ اللهِ»: یاری خدا در حقّ تو و مؤمنان، برای پیروزی بر دشمنان «الْفَتْحُ»: فتح مکه مراد است که به دنبال آن بساط بت‌پرستی از جزیرةالعرب برچیده شد، و اسلام آماده برای جهش به کشورهای دیگر جهان گشت.

سوره نصر آیه ۲

متن آیه:

﴿وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢﴾

ترجمه:

و مردم را می‌بینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند (و به اسلام ایمان می‌آورند).

توضیحات:

«أَفْوَاجاً»: فوج فوج. دسته دسته. حال ضمیر (وَ) در (يَدْخُلُونَ) است.

سوره نصر آیه ۳

متن آیه:

﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ٣﴾

ترجمه:

پروردگار خود را سپاس و ستایش کن، و از او آمرزش (خود و یاران خویش را از شتابگری در فرا رسیدن فتح و وقوع پیروزی، و اظهار دلتنگی و گلایه از زندگی)

بخواه. خدا بسیار توبه‌پذیر است.

توضیحات:

«إِسْتَغْفِرْهُ»: از او طلب آمرزش کن. إستغفار از دلتنگی و شدّت غم و اندوه از عدم ایمان قوم خود (نگا: انعام / ۳۳، حجر / ۹۷، هود / ۱۲، فاطر / ۸، محمّد / ۱۹، فتح / ۲). «تَوَّاباً»: بسیار توبه‌پذیر.

سوره مسد

سوره مسد آیه ۱

متن آیه:

﴿تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ١﴾

ترجمه:

نابود باد ابولهب! و حتماً هم نابود می‌گردد.

توضیحات:

«تَبَّتْ»: هلاک شد. نابود گردید. این فعل برای دعا است و به معنی: هلاک باد و نابود باد! «يَدَا أَبِي لَـهَبٍ»: دو دست ابولهب. تسمیه کلّ به اسم جزء است و مراد از دست، ذات او است (نگا: جزء عمّ شیخ محمّد عبده). «تَبَّ»: هلاک و نابود گردید. فعل ماضی برای تحقّق است و خبر از آینده قطعی می‌دهد. ابولهب عموی پیغمبر بود و سرسخت‌ترین دشمنان آن حضرت بشمار می‌آمد. دائماً او و همسرش أمّ جمیل بر ضدّ اسلام و برای اذیت و آزار مسلمین در تلاش و تکاپو بودند.

سوره مسد آیه ۲

متن آیه:

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ ٢﴾

ترجمه:

دارائی و آنچه (از شغل و مقام) به دست آورده است، سودی بدو نمی‌رساند (و او را از آتش دوزخ نمی‌رهاند).

توضیحات:

«مَآ أَغْنَيا عَنْهُ»: بدو سودی نبخشید (نگا: اعراف / ۴۸، حجر / ۸۴، شعراء / ۲۰۷).

«مَا»: چیزی که. مراد شغل و مقام است.

سوره مسد آیه ۳

متن آیه:

﴿سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ٣﴾

ترجمه:

به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانه‌کش و شعله‌ور خواهد بود.

توضیحات:

«سَيَصْلَيا»: به آتش داخل خواهد شد و بدان خواهد سوخت (نگا: نساء / ۱۰، ابراهیم / ۲۹، إسراء / ۱۸). «ذَاتَ لَـهَبٍ»: زبانه‌کش و مشتعل (نگا: مرسلات / ۳۱).

سوره مسد آیه ۴

متن آیه:

﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ٤﴾

ترجمه:

و همچنین همسرش که (در اینجا آتش بیار معرکه و سخن‌چین است در آنجا بدبخت و) هیزم‌کش خواهد بود.

توضیحات:

«إِمْرَأَتُهُ»: همسرش. عطف بر ضمیر فاعلی مستتر در اصل (سَيَصْلَيا) است. «حَمَّالَةَ»: بسیار بارکش. مفعولٌ‌به برای فعل محذوفی است و مخصوص به ذمّ است. برخی آن را حال هم دانسته‌اند. «الْـحَطَبِ»: هیزم. «حَمَّالَةَ الْـحَطَبِ»: هیزم‌کش. کنایه از سخن‌چین است که با برافروختن آتش کینه‌توزی و دشمنانگی در میان مردم، خرمن محبّت و مودّت آنان را آتش می‌زند، و رشته دوستی و رابطه خویشاوندی همگان را می‌گسلاند.

سوره مسد آیه ۵

متن آیه:

﴿فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۢ ٥﴾

ترجمه:

در گردنش رشته طناب تافته و بافته‌ای از الیاف است.

توضیحات:

«جِيدِ»: گردن. «حَبْلٌ»: ریسمان. «مَسَدٍ»: رشته به هم تابیده از لیف خرما و غیره.

این آیه حال است و کنایه از تحقیر چنین شخصی است. این سرنوشت نه تنها برای ابولهب و امّ جمیل است و بس، بلکه هرکه با قرآن مخالف باشد و مانع رواج و رسوخ احکام آن در جهان گردد، در دوزخ قرین و همدم آنان خواهد گشت.

سوره إخلاص

سوره إخلاص آیه ۱

متن آیه:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾

ترجمه:

بگو: خدا، یگانه یکتا است.

توضیحات:

«اللهُ»: اسم خاصّ آفریدگار هستی است. «أَحَدٌ»: یکتا. یگانه.

سوره إخلاص آیه ۲

متن آیه:

﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢﴾

ترجمه:

خدا، سَرورِ والای برآورنده امیدها و برطرف کننده نیازمندیها است.

توضیحات:

«الصَّمَدُ »: سَرورِ والائی که برای رفع حوائج و دفع مصائب، تنها بدو رو کنند. می‌توان واژه‌های رائج در زبان فارسی همچون « حضرت والا، قبله عالم، کعبه آمال « را مفاهیمی از واژه «صمد» دانست.

سوره إخلاص آیه ۳

متن آیه:

﴿لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣﴾

ترجمه:

نزاده است و زاده نشده است.

توضیحات:

«لَـمْ یَلِدْ»: فرزندی نزاده است. یعنی نه کسی فرزند او است، و نه او پدر کسی

است. «لَمْ يُولَدْ»: زاده نشده است. به دنیا آورده نشده است. یعنی نه فرزند کسی است، و نه کسی پدر او است.

سوره إخلاص آیه ۴

متن آیه:

﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾

ترجمه:

و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

توضیحات:

«كُفُواً»: همتا. همگون. یعنی خداگونه‌ای وجود ندارد، و کسی شبیه و همسنگ و همبر او نیست.

سوره فلق

سوره فلق آیه ۱

متن آیه:

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١﴾

ترجمه:

بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سپیده‌دم.

توضیحات:

«أَعُوذُ»: پناه می‌برم. متوسّل می‌گردم. «الْفَلَقِ»: سپیده دم. صبح. از آنجا که به هنگام دمیدن سپیده صبح، پرده سیاه شب می‌شکافد، این واژه به معنی طلوع صبح به کار رفته است. بعضی آن را به معنی خلق، یعنی همه آفریدگان جهان دانسته‌اند. چرا که با آفرینش هستی پرده عدم شکافته شده است و نور وجود آشکار گردیده است، و هر روز و هر ساعت هم با آفرینش و پیدایش هر موجودی پرده نیستی شکافته می‌شود و سیمای هستی سر به در می‌آورد.

سوره فلق آیه ۲

متن آیه:

﴿مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢﴾

ترجمه:

از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

توضیحات:

«شَرِّ»: بلا و بدی. «شَرِّ مَا...»: در اضافه (شَرِّ) به (مَا) این نکته است که پروردگار با این بیان به انسان فهمانده است که هر شرّی از هر مخلوقی صادر و ناشی شود، منتسب و مرتبط به خود آن مخلوق است. شرّ محض هم وجود ندارد و بلکه شُرور نسبی است. آنچه نسبت به تو شرّ است، نسبت به آفریده دیگری خیر است. مثلاً اگر گرگی گوسفند تو را بخورد، این کار نسبت به تو و گوسفند شرّ است و نسبت به گرگ

خیر. تفنگ یک حربه دفاعی است؛ نشانه رفتن آن به‌سوی دشمن خونخواره خیر، و به‌سوی دوست یا آدم بی‌گناهی شرّ است. و... خلاصه خدا هر چیزی را برای کاری و مصلحتی آفریده است و اغلب حکمت و فلسفه آنها از دید ما پنهان است.

سوره فلق آیه ۳

متن آیه:

﴿وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣﴾

ترجمه:

و از شرّ شب بدان گاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

توضیحات:

«غَاسِقٍ»: شب تاریک (نگا: روح‌البیان). «وَقَبَ»: فرا رسید و فرا پوشید.

سوره فلق آیه ۴

متن آیه:

﴿وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤﴾

ترجمه:

و از شرّ کسانی که در گره‌ها می‌دمند (و با نیرنگ‌سازی و حقه‌بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبّت‌ها، و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

توضیحات:

«النَّفَّاثَاتِ»: جمع نَفَّاثَة، دمندگان. مراد سخن‌چینان فساد پیشه است (نگا: جزء عمّ طبّاره، جزء عمّ شیخ محمّد عبده). صیغه مبالغه است و برای مذکر و مؤنّث به کار می‌رود. دمیدن در گره، کنایه از افسون و جادو است (نگا: تفهیم القرآن). افسونگران رشته‌ها را گره می‌زدند و همراه با مقداری آب دهان به گره‌ها فوت می‌کردند و بدان‌ها می‌دمیدند، و سپس گره‌ها را باز می‌کردند، تا به عامّه مردم نشان دهند که گره پیوند زناشوئی فلان مرد و فلان زن را باز و آنان را از هم جدا ساخته‌اند. نمّامان و سخن‌چینان هم خویشتن را در لباس دلسوزان و دوستداران در پیش اینان و آنان نشان می‌دهند و بدین وسیله پیوندها را سست و گسسته می‌کنند. لذا کار افسونگران و سخن‌چینان به هم شبیه است. «الْعُقَدِ»: جمع عُقْدَة، گره‌ها. مراد پیوندها و رابطه‌های انسان‌ها است؛ از قبیل پیوند زناشوئی، رابطه دوستی، ارتباط مکتبی.

سوره فلق آیه ۵

متن آیه:

﴿وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝٥﴾

ترجمه:

و از شرّ حسود بدان گاه که حسد می‌ورزد.

توضیحات:

«حَاسِدٍ»: حسود. بدخواه. کسی که زوال نعمت دیگران را می‌خواهد (نگا: بقره / ۱۰۹، نساء / ۵۴، فتح / ۱۵). یادآوری: در آیه دوم این سوره، خداوند به طور عام دستور می‌فرماید که انسان از شرّ و بلا و اذیت و آزار همه آفریده‌های شَرور، خویشتن را در پناه خدا دارد، سپس در آیات سوم و چهارم و پنجم به طور خاصّ اشاره به سه منبع عمده شرّها می‌فرماید که عبارتند از: شب تاریک، و سخن‌چینانِ توطئه‌گر، و حسودان بدخواه.

سوره ناس

سوره ناس آیه ۱

متن آیه:

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١﴾

ترجمه:

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان

توضیحات:

«قُلْ»: مخاطب پیغمبر است که الگو و پیشوا است، و به پیروی از این قُدوه مبارک والامقام، همه مؤمنان باید چنین گویند و به چنان پناهی روند.

سوره ناس آیه ۲

متن آیه:

﴿مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢﴾

ترجمه:

به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

توضیحات:

«مَلِكِ»: صاحب. فرمانروا. عطف بیان، یا بدل، و یا صفت (رَبِّ) است (نگا: اعراب‌القرآن درویش).

سوره ناس آیه ۳

متن آیه:

﴿إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣﴾

ترجمه:

به معبود (به حقّ) مردمان.

توضیحات:

«إِلٰهِ»: معبود (نگا: بقره / ۱۳۳).

سوره ناس آیه ۴

متن آیه:

﴿مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤﴾

ترجمه:

از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره‌شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).

توضیحات:

«الْوَسْوَاسِ»: وسوسه‌کننده. وسوسه‌گر. مراد اهریمن است. اسم مصدر است و به معنی اسم فاعل، یعنی «مُوَسْوِس» به کار رفته است. «الْـخَنَّاسِ»: واپس رونده. یعنی موجودی است که برای گول زدن شخص به سراغش می‌آید، ولی همین که آن فرد برای نبرد با او از خدا یاری خواست، شکست می‌خورد و واپس می‌کشد و میدان را خالی می‌کند و در انتظار فرصت بعدی می‌ماند.

سوره ناس آیه ۵

متن آیه:

﴿ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥﴾

ترجمه:

وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به‌سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

توضیحات:

«النَّاسِ»: اشخاص. افراد. گذشته از انسان‌ها، جنّی‌ها هم مراد است. چرا که در قرآن واژه «رِجَال» و «نَفَر» هم برای جنّی‌ها به کار رفته است (نگا: جنّ / ۱ و ۶، أحقاف / ۲۹) و یکی از دو گروه مخاطب قرآن هستند (نگا: أنعام / ۱۳۰، أعراف / ۳۸ و ۱۷۹، ذاریات / ۵۶).

سوره ناس آیه ۶

متن آیه:

﴿مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾

ترجمه:

(در سینه‌های مردمانی) از جنّی‌ها و انسان‌ها.

توضیحات:

«مِنْ»: این حرف، بیانیه است. یا بیان (ناس) در آیه پنجم است که معنی آن گذشت، و یا بیان (وسواس) که معنی چنین خواهد بود: وسوسه‌گری که از شیاطین جنّی است، و یا از انسان‌های شیطان صفت (نگا: بقره / ۱۴، انعام / ۱۱۲، مؤمنون / ۹۷).